هو الله
رموز استخاره
زخ علامت خوب
بخ بسیار خوب
زبد

عند
الشروع في قراءة
قران اللهم بالحق انزلته
وبالحق اللهم عظم رغبتي فيه
واجعله نوراً لبصري وشفاءً لصدري
وذهاباً لهمي وحزني اللهم زين به لساني و
جمل به وجهي وقو به جسدي وثقل به ميزاني وارزقني
تلاوته على طاعتك آناء الليل واطراف النهار
واحشرني مع محمد صلى الله عليه
وآله الاخيار المنتجبين
الاطهار

بد
بسیار بد
طو وسط طلق وسط
بد طح وسط
خوب

هذا تجوید القرآن مؤلفات محمد بن علی محمد الحسینی اعلی الله مقامه

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی هدانا للایمان و رزقنا مجاورة بیته و تلاوة القرآن و تلوة علی نبیه الذی ارسله بالدلائل والحجج و انزل علیه قرانا غیر ذی عوج محمد خیر خلقه و خاتم النبیین و آله و اولاده الطاهرین **اما بعد** چنین گوید افقر العباد الی الله الغنی محمد بن علی بن محمد الحسینی که این رساله ایست مختصر در بیان تجوید قران و ما یتعلق و مرتب است بر مقدمه و شش باب و خاتمه **اما مقدمه** مشتمل است بر دو بحث **بحث اول** در تفسیر الفاظ که راجع الیه است بدانکه حرف آوازیست که بر مخرج تکیه کرده و مبدا اش از شش است **و مخرج** حرف موضعیست که آن حرف از آن موضع بیرون آید و طریق شناختن وی آنستکه آن حرف را ساکن گردانند و همزه بر سر وی افزایند و تلفظ کنند پس هر موضعیکه آن حرف بران موضع رکیرد آن موضع مخرج آن حرف باشد **و صفت** حرف عبارتست از عارضی که حرف بآن ممتاز شود از حروف دیگر اگرچه متحد باشد در مخرج مثل اطباق و انفتاح **و تجوید** در لغت خوب کردنست و در اصطلاح اداء کردن هر حرف از مخرج که مخصوص اوست با صفاتیکه مخصوص بآنست تا ممتاز شوند حروف متقاربه که نزدیکند باهم در مخرج مثل ت و ث و س و حروف متجانسه که متحدند در مخرج و متغایرند در صفت مثل ت و ط و د **بحث دویم** در بیان آنکه واجبست خواندن قران بتجوید بدانکه نزد ارباب بصیرت ظاهر و مبرهن است که بعد از معرفت اصول دین واجب ترین فریضه ها نماز است و آن درست نیست مگر بخواندن قران بر وجهیکه خالی باشد از لحن و آن میسر نیست الا بعد از شناختن حروف تهجی و مخارج و صفات آن و امتیاز کردن حروف از یکدیگر و بدانکه لحن بر دو قسم است جلی و خفی اما لحن جلی آنستکه در کلمه یا در اعراب تغییر واقع شود و این همه کس را معلوم باشد خواه قاری باشد یا غیر قاری و لحن خفی آنستکه حرف از مخرج خود ادا نشود یا خللی در صفات وی حاصل شود و این معلوم نشود الا کسی را که قران را فرا گرفته باشد از استاد ماهر و مدت مدید تعب کشیده و در ادای اشمام و اظهار و تحقیق و تسهیل و ادغام و اخفاء و اختلاس و اشباع کوشیده و مخارج و صفات حروف دانسته و محافظت حدود آن کرده و بسیار باشند که این معنی را ملاحظه کرده و قران را از استاد حاذق فرا نگرفته از جهل یا تکبر بآن مبتلا باشند قران خوانند بالحان و پندارند که طاعت میکنند و حال آنکه بعصیان گرفتار باشند **و در حدیث است** که خوانند قران بالحان و شنونده آن هر دو گناهکارند و قران ایشان را لعنت کند **باب اول** مشتمل است بر سه فصل **فصل اول** در مخارج حروف بدانکه حروف تهجی که اصول کلام عرب است بیست و هشت است و بعضی بیست و نه گفته اند و الف را داخل داشته اند و مجموع این حروف از سه موضع بیرون آید **اول** حلق که عبارتست از قصبهٔ شش که آنرا نای گویند **دویم** دهن **سیم** لب و بعضی مخارج حروف را شانزده گفته اند اما حلق را سه مخرج و حروف آن شش است بقول اول که اصح است و هفت است بقول دویم مخرج اول ابتدای حلق است از جانب شش و آن مخرج همزه و هاست بقول اول و الف نیز بقول دویم مخرج دویم میانه حلق است و آن مخرج عین و حاست بترتیب نیز مخرج سیم آخر حلق است و آن مخرج غین و خاست هم بترتیب نیز و این شش حرف را حلقی خوانند **و اما دهن** زاده مخرج است و حروف وی هیجده است و این مخرج دایر است بر چهار موضع از زبان و بن زبان و میان زبان و کنار زبان و سر زبان با ملاذ و دندان و کام **بدانکه** اکثر آدمیان را دندانها سی و دو باشد و بر چهار قسم است اول ثنایا که جمع ثنیه است و آن چهار دندان پیش است دو پائین دو بالا دویم رباعیات که جمع رباعیه است و آن نیز چهار است دو از زیر و دو از بالا پهلوی ثنایا از چهار جانب سیم انیاب که جمع ناب است و انرا دندان نیش خوانند و آن نیز چهار است دو از زیر و دو از بالا پهلوی رباعیات چهارم اضراس که جمع

در بیان ختوم و سور قران و خواص و فوائد آن

بسم الله الرحمن الرحیم

در بیان ختوم متعلقه بآیات و سور و کلمات قرانیست **ختم** آیه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم برای هر مطلب در یک مجلس هفتصد و هشتاد و شش بار این آیه را بخواند بعد از اتمام همین عدد صلوات بفرستد مجربست و در بعضی نسخ دیده شده که یکصد و سی و دو مرتبه صلوات بفرستد **ایضا** جهة هر مهمی دوازده هزار بار بخواند و دو رکعت نماز حاجت بر نیت مطلب بگذارد بعد از حمد هر سوره که خواسته باشد بخواند بزودی کفایت خواهد شد **ایضا** از بزرگان و مشایخ منقول است که هر که در بلیه گرفتار شود و راه نجات بر او مسدود گردد بعد از هر نماز نوزده مرتبه بگوید نجاة منک یا سیدی الکریم نجنا و خلصنا بحق بسم الله الرحمن الرحیم و اگر در یک مجلس این کلمات را هفتصد و هشتاد و شش بار بخواند اکمل و اتم خواهد بود **بجهة** خلاصی از دست ظالم و حصول مهمات در خلوت هفتاد و سه مرتبه این کلمات را رو بقبله با طهارت بخواند و بعد از اتمام سه مرتبه صلوات بفرستد و از خدا حاجت خود را بخواهد انشاء الله برآورده است **بجهة** هلاکت ظالم هزار بار بسمله و هزار بار الحمد لله و هزار بار لا اله الا الله محمد رسول الله و هزار بار صلوات فرستد دفع ظلم ظالم شود و البته مجرب گردد و مداومت باین امر موجب سعت رزق و صفای باطن است **خاصیت** سوره فاتحة الکتاب مرحوم مجلسی ره و بعضی دیگر از علماء متعرض شده اند و بتجربه رسیده است که ابتداء ختم در روز جمعه بهترین اوقات بعد از نماز صبح است مثلا از طهر غسل کرده و بعد از نافله و فریضه صبح و تسبیح فاطمه زهراء ع یکصد مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال و صد مرتبه صلوات بفرستد و با کسی توجه ننماید

در شعبان ۱۳۵۴	چون این تجوید منظوم که تاریخ نوشتن ۱۰۱۴ از نسخه منحصر فرد آقای مجتبوی طباطبائی	تجوید منظوم
محمد بید الله حسین زاده	بود محض استفاده کرام قراء بطبع رسید	بسم الله الرحمن الرحیم
تا شرح علمی به ز تجوید	شنو این نکته ها از قول دانا / که بعد علم دین ای صاحب به	ز بعد حمد و نعت ای یار جانا
پس ای قاری بکن تجوید عادت	بدان این نکته و بنمای تصدیق / قرائت هست رکنی از عبادت	بود هر دو یکی از روی تحقیق

تجوید القرآن

ضرس است واین هر سه قسم است **اول** ضواحك که جمع ضاحك است وان نیز چهار دندانست دو در زیر و دو در بالا از چهار پهلوی انیاب **دویم** طواحن که جمع طاحن است یعنی دندانهای آسیا وان دوازده است از هر طرف شش سه از زیر و سه از بالا از چهار پهلوی ضواحك **سیم** نواجذ که جمع ناجذ است وانرا دندان عقل گویند و نزدیك سی سالگی بیرون میاید و بعضی مردمان را اصلا بیرون نیاید وان چهار دندانست از هر طرف دو یکی زیر و یکی بالا از چهار پهلوی طواحن **مخرج چهارم** بن زبانست با انچه بالای اواست از کام واول ملاذه بسوی حلق وان مخرج قاف است **مخرج پنجم** نیز بن زبان است اندکی از مخرج قاف زیرتر با انچه بالای اواست از کام واخر ملاذه بسوی دهن وان مخرج کاف است واین دو حرف را لهوی گویند زیرا که از لهات خیزند وان گوشت پارچه ایست آویزان محاذی حلق که بپارسی ملاذه گویند **مخرج ششم** میان زبانست با انچه بالای اواست از کام وان مخرج جیم و شین و یا است بشرطیکه حرف مد نباشد بترتیب از جانب حلق و بعضی شین را مقدم داشته اند واین سه حرف را شجری خوانند و شجر شکاف دهن را گویند که عبارت از میان دهن است **مخرج هفتم** کناره بن زبانست از هر طرف که باشد با انچه پهلوی وی است از دندانهای آسیا وان مخرج ضاد است وانرا ضرسی و حافی خوانند زیرا که حافه کنار زبان است **مخرج هشتم** کناره زبان است از اخر مخرج ضاد تا سر زبان با کام چندانکه برابر ضاحك و ناب و ثنیه و رباعیه افتد از هر دو جانب وان مخرج لام است **مخرج نهم** نیز کناره زبان است اندکی فروتر از مخرج لام یا انکه نزدیك و پیشتر از کام بالا ترك از ثنایا وان مخرج نون است **مخرج دهم** بعضی از سر زبان است با اندکی از بالای زبان واز کام انقدر که در برابر ثنایای بالا افتد وان مخرج را است و بعضی گفته اند که این هر سه حرف از یك مخرج است واین هر سه حرف را ذلقی و زلقی خوانند زیرا که لثه گوشت بن دندانها است و ذلق کناره هر چیزی است **مخرج یازدهم** سر زبانست با بیخهای ثنایا چنانکه سر زبان اندکی بکام نزدیك شود وان مخرج دال و طا و تا بود چنانکه مخرج تا اندکی بالاتر از مخرج دال بود و مخرج طا اندکی بالاتر از مخرج تا بقول بعضی واین حروف را نطعی نامند و نطع سقف دهن و شکنهای کام بالا ست **مخرج دوازدهم** سر زبان و میان ثنایای زیرین است چنانکه اندکی گشادگی میان زبان و دندان نماید وان مخرج زای و سین و صاد است واین حروف را اسلی خوانند و اسله باریکی سر زبانست **مخرج سیزدهم** تیزی سر زبانست با تیزی سر ثنایای بالا وان مخرج ثا و ذال و ظا است واین حروف را لثوی و ذولقی نامند زیرا که ذلق و ذولق تیزی سر زبانست **مخرج چهاردهم** اندرون لب زیرین است با سر ثنایای بالا وان مخرج فا است **مخرج پانزدهم** میان دو لب است چنانکه برهم نشیند وان مخرج با و میم بود اما با از تری لب خیزد یعنی از کنار تا کنار لبها از اندرون لب و میم از بیرون پس اگر لب ترنشود با را نتوان درست گفت بلکه با بلفظ پا از سبب گفته شود واگر لبها برهم نیز نشیند مخرج واو نیست که حرف مد نباشد واین چهار حرف از لب حاصل شود واز این جهت ایشانرا شفوی گویند **مخرج شانزدهم** خیشوم است یعنی سوراخ بینی که غنه از آن بیرون میاید وان مخرج میم ساکن و نون ساکن بود که از حروف فم وعند و تنوین همان نون ساکن است الا انکه او را در کتابت صورتی نیست و در وقف ساقط است و نباشد الا در آخر کلمه واین حرف را غنوی گویند زیرا که غنه آوازی است که از خیشوم بیرون آید واین معنی ظاهر گردد در گفتن حروف مذکوره در حالت اخفا یا ادغام **مخرج هفدهم** جوف است که الف و واو ساکن ما قبل مضموم و یای ساکن ما قبل مکسور از آن بیرون آیند واز این جهت ایشانرا جوفیه گویند و حروف مد و لین هوائی نیز باشند زیرا که آواز با ایشان کشیده میشود بی مشقتی ولیکن الف و یا و واو مذکور از هوای دهن بیرون آیند واز هوای لب وارتفاع صوت در الف بیشتر باشد پس معلوم شد که مخارج حروف هفده است و بعضی شانزده گفته اند و مخرج هفدهم را اعتبار نکرده اند

فصل دویم در صفات حروف و مشتمل است بر سه بحث **بحث اول** در صفات لازمی مشهوره و حروف آن نوزده است اگرچه صاحب شاطبیه شانزده گفته بنابر انکه حروف مد و لین را یکی اعتبار کرده است وان اینست جهر و همس شدت و رخاوه میان شدت و رخاوه اطباق انفتاح استعلا استفال مد لین اعتلال صفیر تفشی انحراف تکریر استطاله قلقله و غنه **اما جهر** برداشتن آواز بود و حروف او هیجده است بقول اول و نوزده است بقول دویم و مجموع اینست ظل قو ربض اذ غزا جند مطیع واین حروف را مجهوره گویند زیرا که در تلفظ ایشان آواز برداشته میشود بحدیکه نفس بسته میشود **و همس** برداشتن آواز بود و حروف وی ده بود مجتمع در این قول حثه شخص فسکت واین حروف را مهموسه گویند جهت انکه در ادای ایشان آواز بزمی بیرون

بطور سبیده که ابتداء از روز پنجشنبه نماید و در دو جا اظهار مطلب نماید یکی در الرحمن الرحیم و یکی در ایاك نعبد و ایاك نستعین واز بعضی مشایخ منقول است که بجهت خوف از سلطان یا از ظالمی پانزده بار بگوید یا مالك یوم الدین و ایاك نستعین از ان شخص ضرر و آسیبی باو نرسد واگر قاطع الطریق باشد سبعی سر راه براو بگردد بعد ده روز گوید

سخن نگوید بجهت دولت و استدامت آن شروع نماید باین نحو که چهل و یکمرتبه سوره حمد را بخواند بنحوی که غلط نشود بعد از اتمام بلا فاصله سیزده نوبت این دعا را بخواند یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر یسر یا مسهل سهل یا مدبر دبر یا متمم تمم برحمتك یا ارحم الراحمین و در مدت چهل و یکروز روزی چهل و یکنوبت در همان وقت و همان مکان بخواند البته هرگاه در وقت یا مکان یا عدد اختلافی بهم رسد ختم را از سر گیرد والا بفضل الله تعالی در هفته اول اثرش ظاهر گردد و چون مطلب بعمل امد هر چند که در تعظیم بهم رسد باید ختم را در چهل و یکروز تمام کند و در نسخه بنظر رسیده که ابتدا بسمله بلام الحمد لله وصل نماید و در بعضی نسخ معتبره بدون شرط و قید مسطور است باین نحو که مدت چهل و یك روز روزی چهل و یکمرتبه بعد از نماز صبح بخواند و این دعا را نیز بهمان ترتیب بخواند خداوند او را غنی گرداند و قرض او را از خزانه کرم خود اداء فرماید **ایضا** بجهت برامدن حاجات هر که هر روز تکبیر مرتبه فاتحه را باین نحو بخواند جمیع حوایج جزئی و کلی او را خداوند روا فرماید بعد از نماز صبح بیست و یکمرتبه و بعد از نماز ظهر بیست و دو مرتبه و بعد از نماز عصر بیست و سه مرتبه و بعد از نماز مغرب بیست و چهار مرتبه و بعد از نماز عشاء ده مرتبه واگر در هفته اول تاخیر واقع شود هفته دویم بخواند که مجرب و آزموده است و در نسخ دیگر [illegible]

ز سمعه و ز ریا خود را نگهدار بمانی در جهنم جاودانی نداند این سخن مرد ریائی نه بشنو کنون معنی تجوید	چو قرآن خوانی ای فرزند زنهار برای آب و نان قرآن چو خوانی بدان این نکته گر مرد خدائی اگر ز اهل ریا و اهل تقلید	تجوید القرآن	شوی قاری دیا(؟) اجر تنزیل بنان و آب و نان ... چو مردان خدا رو با خدا کن ز رحمت خلد را محروم مگذار	کلام الله اگر خوانی به ترتیل برای حق بخوان قرآن مفرد شد قرائت چون کنی ترک ریا کن خدایا از ریا ما را نگهدار

میان باید و بستگی در نفس پیدا نمیشود و همس و جهر ضد یکدیگرند **و شدت** عبارتست از قوة آواز و امتناع آن
در جریان و حروف وی هشت است مجتمع در این قول اجدت کقطب و این حروف را شدید و مشدد گویند زیرا که در مخرج خود
سخت شوند چنانکه در گفتن از غایت قوت آواز کشیده نمیشود تا بحدی که اگر ساکن باشند در مخرج مشدد میشوند مثال اجّ **و**
رخاوة سستی است چون آواز در حروف او با سانی شود و حروف وی پانزده است بر قول اول و شانزده است بقول
دویم مجتمع در این قول در ابیتهٔ وای اختلاف است حث شخص هز فظ عض ثذ و این حروف را رخوه و رخاوه گویند زیرا که
در تلفظ ایشان آواز بسستی بیرون آید و توان کشیدن و نفس تنگی نکند و میان شدت و رخاوه نه چنان قوی که شدید شود
نه این چنین که رخوه گویند و این پنج حرف است مجتمع در این قول لن عمر **و اطباق** پوشیدنست و حروف وی چهار است
مجتمع در این قول صض طظ و این حروف را مطبقه و منطبقه نیز خوانند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان زبان چون طبقی شود و
کام بالا که بر او دست میپوشد **و انفتاح** گشاده شدنست ضد اطباق و حروف وی غیر حروف اطباق است و
این حروف بیست و چهار است بقول اول و این حروف را منفتحه گویند زیرا که در تلفظ با ایشان زبان از کام گشاده میشود و
کام بالا را نمیپوشاند **و استعلاء** طلب بلندی کردنست و حروف وی هفت است مجتمع در این قول قض خص ظغط و این
حروف را مستعلیه گویند از جهة آنکه در تلفظ با ایشان زبان میل ببالا میکند **و استفال** میل بپایین کردنست ضد استعلا
و حروف وی غیر حروف استعلا است و آن بیست و یک حرف است بقول اول و این حروف را مستفله گویند از جهة آنکه در
تلفظ با ایشان زبان میل بپایین میکند و مدّ کشیدنست و حروف وی سه است واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل مکسور
و الف مطلقا و ایشان را حروف مد گویند زیرا که در تلفظ با ایشان کشیدن صوت لازم بود و لین نرمیست و حروف وی دو است واو و یاء که
ساکن باشند و ما قبل مفتوح و این هر دو حرف را حروف لین گویند از جهة آنکه در تلفظ با ایشان آواز بنرمی حاصل شود **و اعتلال**
تغییر دادنست و تصرف کردن تا آنکه بدرجهٔ صحت رسد و حروف وی مجتمعند در ترکیب اوی و این حروف را حروف علت گویند زیرا که
در ایشان تصرف بسیار کرده تا بدرجهٔ مقصود برسند مثل حذف و قلب و تسهیل چنانکه بیمار را معالجهٔ گوناگون باید کرد تا صحت
یابد **و صفیر** هست کردنست یعنی موجود است و آن عبارت از صوتی بود که از میان دندان شنوده شود و آن سه حرف است
زای سین صاد و این حروف را صفیر از جهة آن گویند که از تلفظ با ایشان آوازی بیرون میاید از میان دندان و سر زبان **و**
تفشی از هم پاشیدن و پهن شدنست و حروف وی شین است و بعضی بر آنند که حروف تفشی چهارند مجتمع در قول مشرف و
شین را حرف تفشی خوانند از جهة آنکه در مخرج پراکنده و پهن میشود تا غایتی که بمخرج ظا میرسد از جهة آنکه در تلفظ با آن در
میان کام و زبان بادی پراکنده میشود **و انحراف** میل کردنست و راء و لام حرف او است و ایشان را منحرف گویند از جهة
آنکه در تلفظ با ایشان زبان بجانب درون کام میل میکند یا آنکه از مخرج خود میل بکنارهٔ زبان میکند و بصریان بر آنند که لام منحرف
است و بس **و تکریر** دو بار گفتنست و حرف وی راء است و بس و او را باین صفت خوانند از جهة آنکه در تلفظ دو بار گفته شود
و استطالت طلب درازی کردنست و کشیدن و حرف وی ضاد است و بس موصوف است باین صفت زیرا که بزودی رام هر کس
نشود و تلفظ بآن نتوان کرد الا بعد از مشقت بسیار و دیگر آنکه در مخرج دراز میشود تا غایتی که بمخرج لام میرسد یا آنکه در گفتن
درازی دارد **و قلقله** جنبانیدنست و حروف وی پنج است مجتمع در این ترکیب قطب جد و این حروف را حروف قلقله از جهة
آن گویند که در حال سکون در مخرج بجنبند و الا ظاهر نمیگردد **و غنه** آوازیست که از خیشوم بیرون آید میم و نون ساکن را
حروف غنه نامند چنانچه معلوم شد **بحث دوم** در صفات لازمی غیر مشهوره مثل ضغط که فشردنست و حروف تلفظ را
مضغوطه خوانند زیرا که در حالت وقف بر ایشان فشردن بر ایشان لازم بود چنانکه آوازی حاصل شود و غیر حروف مضغوطه را
ساکنه گویند **و ذلق** کنارهٔ هر چیزیست و حروف وی شش است ر ن ل ب ف م و ایشان را مذلقه گویند که سه حرف اول از
کنارهٔ زبان است و سه حرف آخر از کنار لب چنانچه معلوم شد و ضد مذلقه را مصمته گویند **و خفا** پوشیده کردنست و حروف
وی چهار است ه و ا ی ایشان را خفیه از آن سبب گویند که از غایت سبکی و هم آن میشود که در گفتن پوشیده گردند و

بخواند خلاص شود بتجربه رسیده است بکرات و بصحت پیوسته **ختم** سورهٔ مبارکه قل هو الله احد که از جملهٔ ختوم مجربه معتبره است که سرآمد همه ختمهاست و از برای هر حاجت و مهمی مناسبست اینست که غسل کند و لباس پاکیزه بپوشد در مکان خلوت و با کسی نگاه نکند انگشتر عقیق سرخ یا فیروزج در دست نماید و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد از حمد هر سوره که خواهد و بعد از نماز هفت بار سورهٔ حمد را بخواند و صد بار صلوات بفرستد و هفتاد بار سورهٔ الم نشرح بخواند بعد از آن هزار و یک مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و صد صلوات بفرستد و سورهٔ حمد را هفت مرتبه بخواند و سر را بسجده گذارد و مطلب خود را از خدا بخواهد که با جابت مقرونست و بعضی گفته‌اند زمانی که خوانند بوی خوش بخور کند ابتدا از روز پنجشنبه نماید و جمعه هم خوبست و پنجشنبه را روزه بدارد انسب و اولی است **و در** بعضی کتب وارد است ابن عباس در روضه متکرر قرنا یدالنور(؟) باشد بجا بیاورد و هیچ شکی در سرعت اجابت این دعوت نیست

ایضا بجهت مهم حاجت از مقاتل مرویست که مدت هفت روز بعد از نماز صبح هر روز یکصد بار سورهٔ توحید را بخواند بدون تکلم با خضوع و خشوع هنوز هفته تمام نشده باشد که حاجتش برآورده شود.

ایضا بتجربه رسیده که مدت هیجده روز هر روزی سه مرتبه بخواند باین نحو که الله الصمد را هزار مرتبه تکرار نماید و هر روز بعد از تمام عمل یکبار آیهٔ نور و آخر سورهٔ انا فتحنا که اولش ان اشداء علی الکفار است تا آخر سوره بخواند در مکان خلوت با طهارت رو بقبله مراد حاصل گردد

ایضا مرویست مدت چهل و یک روز هر روز چهل و یک مرتبه بخواند و بعد از آن دعای با متبع ختم نماید در کیفیت ختم حمد مذکور سند بخواند حاجات دنیوی و اخروی برآورده شود ان شاء الله تعالی

مجرب و متواتر است **ختم** آیة الکرسی در کتب معتبره از کتاب علماء شیعه بنظر حقیر رسیده که در آیهٔ شریفهٔ آیة الکرسی ده وقف است هر که در وقت خواندن آن ده

ز روی اصطلاح اهل قرآن
شنو ترتیل از لفظ پیمبر
دو چیز است آن یکی حفظ وقوفست

بود تجوید را تاویل برهان
حدیثی خوش معطر به ز عنبر
بدان دیگر که تبیین حروفست

اداکردن حروف از مخرج خویش
که باشد راوی آن شاه مردان
بقاری هست واجب این رعایت
بیا ای خوش ادا قاری ترتیل

با وصاف معین بی کم و بیش
علی مرتضی آن شیر یزدان
خوش آن حافظ که یابد این هدایت
ز من بشنو بیان حرف ترتیل

در بیان تعیین نمودن تعداد مخارج

از این جهة هاء را ابصله خوانند و حروف مد را بنیادی مد خوانند و نزد همزه و سکون **و نفث** بیرون کردنست و ثاء را منفوثه گویند زیراکه در گفتن آن بادی از مخرج آن بیرون میاید **و بحة** فشردنست و حاء مهمله را مبحوحه میخوانند زیراکه در اداکردن فشردگی در حلق پیدا میشود که اگر فشردگی را بردارند هاء شود **و حزز** گرفتگی است و خاء معجمه را محروزه خوانند زیراکه در تلفظ آن مسموع میشود آوازی مثل آواز کسیکه حلقش گرفته باشد **و نفخ** دمیدنست و فاء را منفوخه گویند زیراکه در وقت تلفظ بادی دمیده شود **و نبر** تیز بیت و همزه را منبوره گویند بنابر حدتیکه دارد و از این جهة جماعتی او را تسهیل می کنند و بعضی بر آنند که نبر بلند بیت و همزه بلندترین حروفست و در اداکردن قوتی تمام باید کردن پس بجهة تخفیف تسهیل میکنند **و هوی** بمعنی صعود است یعنی برامدن ببالا و الف را هاوی نامند بجهة آنکه از تلفظ با واز ببالا بر میاید بحرکت عضوی **بحث سیم** در صفات عارضی مثل حرکات یعنی فتحه و ضمه و کسره و اشباع و وقف و روم و اشمام و اسکان و تخفیف و ترقیق و اختلاس و اماله و مد و قصر و توسط و تحقیق و تسهیل و ابدال و حذف و ادغام و اظهار و اخفاء و قلب **فصل سیم** در آنکه هر حرف از حروف هجا چند صفت وارد از صفات لازمی مذکوره **بدانکه** همزه را هشت صفت است جهر شدت انفتاح استفال اعتدال صمت سکون نبر **با** را هفت صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط ذلق **تا** را شش صفت است همس شدت انفتاح استفال صمت سکون **ثا** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال صمت سکون نفث **جیم** را نیز هفت صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط صمت **حا** را نیز هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال سکون صمت بحة **خا** را نیز هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استعلا سکون صمت حزز **دال** را نیز هفت صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط صمت **ذال** را شش صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال سکون صمت **را** را هشت صفت است جهر بین الشدة و الرخاوة انفتاح استفال انحراف تکریر ذلق سکون **زا** را هفت صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال صفیر صمت سکون **سین** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال صفیر صمت سکون **شین** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال تفشی سکون صمت **صاد** را هفت صفت است همس رخاوه اطباق استعلا صفیر صمت سکون **ضاد** را هفت صفت است جهر اطباق رخاوه استعلاء استطالت سکون صمت **طا** را هفت صفت است جهر اطباق شدت استعلاء قلقله ضغط صمت **ظا** را شش صفت است جهر رخاوه اطباق استعلا سکون صمت **عین** را شش صفت است جهر بین الشدة و الرخاوة انفتاح استفال سکون صمت **غین** را شش صفت است جهر رخاوه انفتاح استعلا سکون صمت **فا** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال نفخ سکون ذلق **قاف** را هفت صفت است جهر شدت انفتاح استعلا قلقله صمت ضغط **کاف** را هشت صفت است همس شدت انفتاح استفال سکون صمت **لام** را هفت صفت است جهر بین الشدة و الرخاوة انفتاح استفال انحراف سکون ذلق **میم** را نیز هفت صفت است جهر بین الشدة و الرخاوة انفتاح استفال غنه سکون ذلق **نون** را نیز هفت صفت است بعینه **واو** را ده صفت است جهر بین الشدة و الرخاوة انفتاح استفال مد لین اعتدال سکون صمت خفا **ها** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال سکون صمت خفا **یا** را ده صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال صمت خفا مد لین اعتدال سکون **باب دوم** در بیان مد و قصر بدانکه مد در لغت کشیدنست و قصر ضد آن و در اصطلاح کشیدن حروف مد و لین است زیادتر از کشیدنی که طبیعی ایشان است بنابر سببی و آنرا مد فرعی و عارضی خوانند و قصر ترک آن زیاد تیست که عبارت از مد طبیعی و ذاتی است و آن بقدر یک الف باشد و این باب مشتمل است بر دو فصل **فصل اول** در بیان مدیکه در حرف مد واقع است بدانکه حرف مد سه است الف و واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل مکسور چنانکه گذشت و سبب مد همزه است یا سکون که بعد از حروف مد واقع شود و هر یک بر دو قسم است زیراکه حروف مد و همزه یا هر دو یک کلمه اند یا آنکه حرف مد در آخر کلمهٔ اول است و همزه در اول کلمهٔ دویم و نیز سکون یا لازمیست یعنی ثابت در حالت وقف و وصل یا عارضیست که بسبب وقف ادغام عارض وی شده است **اما** قسم اول که همزه و مد در یک کلمه باشند دو نوعند زیراکه همزه مثل از حرکت

بعمل آورد و بعد دعاء کند دعای و مستجاب است و قاعدهٔ او این بخواست که ابتداء از انگشت کوچک یمنی نماید و هر وقفی که میرسد انگشتی عقد نماید و ختم بانگشت ابهام یسری کند و در میان دو عین یشفع عنده هر حاجتی که خواهد از دعاء خیر طلب کند و در میان دو میم یعلم ما بین ایضا از معقوله دفع شی باشد طلب نماید و چون ده وقف تمام شود سه مرتبه سورهٔ الم نشرح و سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و سه مرتبه صلوات بفرستد و سر بسوی آسمان کند و حاجت بخواهد و بعد ده مرتبه سورهٔ الحمد را بخواند و بعد از اتمام هر چند یک انگشت از انگشتان معقوده را بگشاید و در وقت گشودن انگشتان ابتداء از انگشت ابهام دست چپ نماید تا انگشت خنصر دست راست که ابتدای عقد از او بوده و بعد از فتح همهٔ انگشتها باسمان نظر کند و بد مد و حاجت خود را بخواهد و در بعضی نسخ وارد است که فتح اصابع بعد از خواندن سوره ها است و در آن نسخه متعرض نشده نشده است که وقت گشودن اصابع فاتحه را بخواند و اگر عامل هر دو طریق عمل کند خوبست **و در** بعضی کتابها طریقه او را تا چهل روز ذکر کرده اند و بجهة قضاء حاجات تخلف ندارد و مواضع ده وقف از این قرار است ۱ الله لا اله الا هو ۲ الحی القیوم ۳ لا تاخذه سنة و لا نوم ۴ له ما فی السموات و ما فی الارض ۵ من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه ۶ یعلم ما بین ایدیهم ۷ و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء ۸ وسع کرسیه السموات و الارض ۹ و لا یؤده ۱۰ و هو العلی العظیم و در بعضی نسخ محل وقف هشتم بعد از و ما خلفهم بنظر رسیده مروی است که هر گاه مهمی پیش اید و در آن عاجز ماند باید غسل کند به نیت آن مهم آیة الکرسی بخواند بطریق ده وقف و در میان دو عین یشفع عنده آن مهم را بخاطر بگذراند آن مهم بموجب دلخواه او براید و هر دعائیکه کند مستجابست و اگر دشمن صعب داشته باشد بر نیت

چو فهمیدی شو آندم نغمه پرداز
بدان حرفست صوتی چنشناسی شش
زهر حرفی مخالف پرده ساز
بمخرج کرده یکه ده دگر شش

اهع حخ غ قکجش یلرن حوازو
طدت ظذث صزس فمو بوازن

در بیان مخارج حروف بیست و هشت گانه

چو عشاق ار تو باشد نوائے
ولیکن حرف بیست و هشت میدان
بود مخرج ده و شش نزد اعراب
اول حلق و دوم اقصی اللسان است

بسازی راست آهنگ ادائی
بترتیب مخارج بشمر آن
شش اقسام حروفش یکدگر یاب
سوم حافه دیگر وسط لسان است

مدّ واقع شده است یا بعد از ان نوع اوّل را همه کس بقصر خوانده است مگر ازرق از ورش که بمدّ خوانده برمثال اٰمَنَ و اِیمَان و اُوتُوا و نوع دوّیم را همه کس بمدّ خوانده امّا بتفاوت و این را مدّ متصل و مدّ واجب نامند مثل جَآءَ و جِیْٓءَ و سُوْٓءَ **امّا قسم دوّیم** که حرف مدّ در آخر کلمهٔ اوّل باشد و همزه در اوّل کلمهٔ دوّیم مثل بِمَآ اُنْزِلَ و قَالُوْٓا اٰمَنَّا و فِیْٓ اَنْفُسِهِمْ و این قسم را مدّ منفصل و جایز خوانند بعضے قرّاء بمدّ خوانند و بعضے بقصر **امّا قسم سیّم** که سبب مدّ سکون لازمیست مدغم یا غیر مدغم مثل صَآخَّۃ و تُحَآجُّوْنِّیْ و قٓ و القرآن و همچنین حرفیکه در اوّل سور واقع شده و در تلفظ بسه حرف ادا میشود و ما قبل حرف آخر حرف مدّ باشد و این قسم را مدّ لازم خوانند و جمیع بمدّ خوانند بی تفاوت و امّا نزد بعضے در سکون مدغم زیادتر باید کشیدن **امّا قسم چهارم** که سبب مدّ سکون است بسبب وقف یا ادغام عارض مثل اَلْبَابُ و یُؤْمِنُوْنَ و نَسْتَعِیْنُ و قَالَ لَهُمْ و یَقُوْلُ رَبَّنَا و فِیْهِ هُدًی بقرائت بعضے مثل ابو عمرو این قسم را مدّ عارضی نامند و در این و جه سه قسم جایز باشد طول و توسط و قصر پس اگر حرف ساکن در اوّل مفتوح بوده باشد مثل یُؤْمِنُوْنَ در او سه وجه بیشتر جایز نباشد و اگر مکسور بوده باشد مثل یَوْمِ الدِّیْنِ چهار وجه جایز باشد سه مذکور و چهارم روم با قصر و در روم جایز نباشد الا قصر زیرا که وقف بروم در حکم وصل است و اگر حرف ساکن در اوّل مضموم باشد مثل نَسْتَعِیْنُ در ان هفت وجه جایز باشد سه وجه سکون و یک وجه روم و سه وجه اشمام در حکم سکون است چنانکه در حکم اعراب است **فصل دوّیم** در بیان مدّ بکسر در حرف لین میباشد و ان واو ساکن است یا یای ساکن که ما قبل ایشان مفتوح بوده باشد و سبب همزه است یا سکون چنانکه معلوم شد و همزه یا در میان کلمه است یا آخر کلمه پس اگر همزه در میان کلمه باشد مثل سَوْءَ و کَهَیْئَۃِ و اسْتَیْاَسُوْا و لَا یَیْاَسُ همه در اینجا بقصر خوانند مگر ازرق از ورش که او بمدّ خوانده بطول و توسط الا در سَوْءٰتِ که قصر نیز خوانند **وامّا** در مَوْئِلًا در کهف و الْمَوْءٗدَۃُ در تکویر نخوانده الا بقصر مثل دیگران و اگر همزه در آخر کلمه باشد مثل سَوْءٍ و شَیْءٍ ازرق از ورش دو وجه باشد طول و توسط وقفا و وصلا و غیر ازرق را سه وجه است طول و توسط و قصر در حالت وقف بسکون یا باشمام امّا در حالت وصل یا وقف بروم جایز نباشد الا قصر و اگر سبب مدّ سکون باشد عارضی یعنی سکون وقفی مثل خَوْفٌ و بَیْنَ همه کس را سه وجه جایز باشد طول و توسط و قصر و اگر سبب مدّ سکون لازمی باشد مدغم مثل هٰذَانِّ در قصص و اللَّذَانِّ در فصلت بقرائت ابن کثیر یا غیر مدغم مثل عین در کٓهٰیٰعٓصٓ و حٰمٓ عٓسٓقٓ دو وجه جایز باشد طول و توسط نزد جمیع قرّاء و قصر نیز جایز باشد نزد بعضے **باب سیّم** در بیان ادغام و اخفا و اظهار حروف و مشتمل است بر یک اصل و سه فصل **اصل** در بیان معانی ایشان **بدانکه** ادغام در لغت فرو بردن است و در اصطلاح حرف اوّل را از جنس حرف دوّیم ساختن اگر نباشد و ساکن گردانیدن اگر نبوده باشد پس تلفظ کردن بان دو حرف بر وجهیکه یک نوبت گفته شود مشدّد و غرض از ادغام تخفیف است زیرا که زبان چون نطق بحرف نماید باز مراجعت بان محل باید کردن در مثلین و متجانسین یا نزدیک بان محل در متقاربین تا نوبت دیگر نطق نماید و هم چنین کسیکه یک سخن را دو نوبت بگوید باز اعاده کند و این ثقیل مینماید پس از این جهت ادغام میکنند تا زبان فش بیش از یکنوبت مرتفع نشود از جهت نطق دو حرف و اظهار ضدّ ادغام است و اخفاء میان ادغام و اظهار است یعنی پنهان نه بحدّ یکه از جنس ان دیگر شود و مشدّد گردد **فصل اوّل** در بیان ادغام و اظهار حروف متماثلین و متجانسین **بدانکه** چون دو حرف متماثل یعنی متحد در مخرج و متغایر در صفات یا متجانس یعنی متحد در مخرج و متغایر در صفات متصل شوند با هم خواه در یک کلمه و خواه در دو کلمه و حرف اوّل ساکن باشد و حرف مدّ نباشد ادغام حرف اوّل در حرف دوّیم واجب باشد نزد جمیع قرّاء مثل یُوَجِّهْهُ و اللَّیْلِ فَحَصَدْتُّمْ و مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَّلَیْهِ و قَدْ دَّخَلُوْا و قَدْ تَّبَیَّنَ و فَلَمَّا اَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا و اِذْ ظَّلَمْتُمْ **امّا** در مثل اَحَطْتُ و فَرَّطْتُ و بَسَطْتَ ادغام تام نباشد بلکه اطباق و جهر که از صفات طا اند باید گذاشتن بحال خود یعنی زبان را بکام منطبق باید گردانید پس تا را تلفظ باید کردن **وامّا** در حرف مدّ مثل قَالُوْا وَ اَقْبَلُوْا و فِیْ یُوْسُفَ ادغام مطلقا جایز نباشد زیرا که مدّ بمنزلهٔ حرکت است **وامّا** اگر حرف در متماثلین و متجانسین مثل یُدْرِکْکُّمُ الْمَوْتُ و رَدَدْتُّهُمْ و قَالَ لَهُمْ و قَالَ رَبُّکُمْ غیر سوسی از ابی عمرو و یعقوب بخلاف غنه ادغام خوانند و باقی قرّاء باظهار لاجرم در ادای ان ملاحظه تمام باید کرد تا از یکدیگر ممتاز شوند بتخصیص در حروف حلق و شفه و حروف علّه مثل لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا و فَاصْفَحْ عَنْهُمْ و مَنْ یَّبْتَغِ غَیْرَ و وَقَعَ عَلَیْهِمْ و زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ و نَعْلَمُ مَا یُسِرُّوْنَ و اَعْلَمُ بِمَنْ فِیْهَا و قَذَفَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ و هُوَ و جُنُوْدَهٗ و مِنْ خِزْیِ یَوْمِئِذٍ **فصل دوّیم** در بیان احکام نون ساکن و تنوین بدانکه

مغلوب شدن او و شروع کند ختم را این تا چند روز کرده شد بخواند و در میان دو میم بعلم قابین آید بهم دشمن با نظر در او ورد الله بی شک آن دشمن مغلوب گردد و گفته اند این عمل از جمله مجربات است **ایضاً** بزرگان دین اکابر گفته اند که اگر کسے بعد نماز خفتن بخواند ابواب فتوحات بر روی او گشاده گردد و سعادت باو روی آورد و فقر و فاقه از او دور میگردد و اگر از بهر مطلبی بجیب شرعی بعد از اسم طالب و مطلوب خوانده شود اثر عجیبے دارد **ایضاً** در بعضی ملاحظه شد که اگر کسی را مهمی باشد خواهد زود کفایت شود بصحرای رود که در آن آدمی نباشد و خطی گرد خود بکشد و روبقبله بتواضع بنشیند هفتاد بار این آیت تا و هو العلی العظیم بخواند بی شک در از روز حاجت او بر آورده شود و در ان نسخه نوشته بود هذا مجرب و صحیح لا شک و لا ریب فیه

ختم سورهٔ مبارکه انعام مرجیست که هر که خواهد روزی بروی فراخ گردد و حاجتش روا شود شب پنجشنبه یا روز جمعه یا شب جمعه روی بقبله بنشیند اوّل سورهٔ فاتحه را بخواند و شروع کند بخواندن سورهٔ انعام تا ما اوتی رسل الله پس بلا فاصله برخیزد و دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد هفت آیة الکرسی و هفت بار سورهٔ انا اعطیناک را بخواند چون فارغ شود همان نحو رو بقبله از ابتداء الله اعلم حیث یجعل تا آخر سوره بخواند و بعد سر بسجده بگذارد و هفتاد بار بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله انگاه حاجت خود را بخواهد که انشاء الله بر آورده است **ختم** سورهٔ مؤمنون هر کرا مهمی عظیم و مهلکه خطیر پیش آید که از علاج آن عاجز باشد مکیف جهل بار این سوره را بر سبیل اتصال بخواند و بجز بجهة ضرورت تکلم نکند و بنماز از جای خود بر نخیزد از ان و ظه خلاص شود و هیچ مکروهی بان نمیرسد **ختم** سورهٔ بنی اسرائیل بجهة هر امر عظیمے و مشکلے که اگر او روی دهد و هر حاجت و مطلبی که داشته هفت بار بلا فاصله ... ایکد البته مهم او کفایت شود **ختم** سورهٔ طه هر کس بخواند رزق او بر سد انجا بیکه گمان نداشته باشد و دلها از برای او نرم گردد و برد دشمنان

در بیان حروف حلق

بد و طرف لسان پنجم نگه دار
آ تا ز اقصای حلق وعین و هم حا
ز اقصای لسان دان کاف با قاف
اول از حلق از اقلیمه خوان

ششم شمشین زای دانای اسرار
بود از وسط غین و خا ز ادنی
چنانکه شهره دارد قاف تا کاف
دوام عکه هم از سوی همان دان

حروف حلق شش باشد بتعداد | سه باشد مخرجش از قول استاد

در بیان حروف که از اقصای لسانست

بدان این حرف هر دو از دو پرده | نخست از اقلیمه ثانی ز عکده

در بیان مخرج حاف

نون ساکن در وصل و وقف و در لفظ و خط ثابت است و در غیر آخر کلمه یافت نشود چنانکه معلوم شد و ایشانرا نزد حروف هجی چهار حکمست اظهار و ادغام و اخفاء و قلب اما اظهار وقتی است که بعد از ایشان یکی از شش حرف حلق که همزه و ها و عین و حا و غین و خا واقع شود خواه در یک کلمه یا دو کلمه و از برای هر حرفی سه مثال نموده میشود **مثال همزه** ینأون من آمن عذاب الیم **مثال ها** ینهون ان هدی قوم هاد **مثال عین** انعمت من عمل حکیم علیم **مثال حاء** وانحر من حکیم حمید **مثال غین** فسینغضون وان یکن غنیا اجر غیر ممنون **مثال خاء** المنخنقة من خسفنا مقیم خالدین مگر ابوجعفر که در غین وخاء اخفا میکند الا در ان یکن غنیا در سوره نسا فسینغضون در بنی اسرائیل والمنخنقة در مائده که او نیز در این کلمات اظهار میکند **اما** ادغام وقتی است که ایشان در آخر کلمه باشند و بعد از ایشان یکی از حروف یرملون واقع شود اما در راء و لام ادغام بلا غنه باشد و در باقی مع الغنه مگر خلف از همزه که در واو و یاء نیز غنه نمیکند و بعضی نقل کرده اند که از ابی جعفر در راء و لام سه وجه ادغام بلا غنه و مع الغنه و اظهار و از برای هر یک از حروف سته دو مثال نموده میشود **یاء** ومن یقل یومئذ یصدعون **راء** من ربکم غفورا رحیما **میم** من مال الله مثلا ما بعوضة **لام** من لدنه هدی للمتقین **واو** من واق ورعد وبرق **نون** من ناصرین حطة نغفر لکم **بدانکه** اگر نون و واو یا نون و یاء در کلمه واحده واقع شوند مثل صنوان و قنوان والدنیا و بنیان البنیان اظهار باید کردن تا مشتبه بمضاعف نشود مثل صوان و بیان **اما** قلب یعنی بدل کردن حرفی بحرفی بگردان وقتی است که بعد از ایشان باء واقع شود در یک کلمه یا دو کلمه که قلب بمیم باید کردن پس اخفاء مع الغنه مثل انبئهم ومن بارک وصم بکم **واما** اخفا وقتی است که یکی از پانزده حرف باقی بعد از ایشان واقع شود و اخفاء نباشد الا مع الغنه و از برای هر یک سه مثال نموده میشود **تا** انتم من تاب جنات تجری **ثا** الانثیین من ثمرة صبا ثم **جیم** انجینا من جاء غسا فاجاء **دال** اندادا من دافق کاسا دهاقا **ذال** وانذرهم من ذلک حکیم ذلک **زا** منزلا من زکیها مبارکة زیتونة **سین** منسأته من سبأ خالصا سائغا **شین** انشأنا من شجرة صبار شکور **صاد** ینصر من صلصال ریحا صرصرا **ضاد** منضود من ضل مسفرة ضاحکة **طا** المقنطرة من طین صعیدا طیبا **ظا** انظرنا من ظهیر ظلا ظلیلا **فا** انفسهم من فضله خالدین فیها **قاف** ینقلب من قرار سمیع قریب **کاف** منکم من کتاب کریم

فصل سیم در بیان احکام **بدانکه** میم ساکن را نزد حروف هجی سه حکم است **اول** ادغام با غنه نزد میم خواه در یک کلمه یا در دو کلمه مثل ادغام نون ساکن در میم است مگر آنکه غنه در میم بیشتر است و در جمیع میمات مشدده این حکم جاریست مانند یعمر و دمر و صم **واما** چنانکه در میمات معلوم شد در ادغام مثلین **دوم** اخفاء با غنه نزد باء مثل من یعتصم بالله وان ربهم بهم و اظهار نیز جاری است اما مختار وجه اول است نزد ابی عمرو و دانی و صاحب شاطبی **سیم** اظهار نزد باقی حروف خواه در یک کلمه یا دو کلمه مثل الحمد لله انعمت ولهم عذاب معکم ایما بتخصیص نزد فا و واو که اظهار بیشتر باید کردن چون یمدهم فی طغیانهم وعلیهم ولا الضالین اما ملاحظه تمام باید کردن تا متحرک نشود

باب چهارم در تفخیم و ترقیق و این مشتمل است بر یک اصل و سه فصل **اصل** در تعریف ایشان **بدانکه** ترقیق عبارت است از ضعیف گردانیدن حرف و تفخیم فربه گردانیدن حرف است یعنی آنکه روی زبانرا بطرف کام بالا حرکت دهند در تلفظ براء یا لام چنانکه آواز بسبب او غلیظ شود لاجرم بنابر این گفته اند که تفخیم و تغلیظ هر دو بیک معنی اند مگر اینکه تفخیم را بیشتر در راء استعمال کنند و تغلیظ را در لام و اصل در راء تفخیم است و ترقیقش یا بسبب کسره است یا یاء ساکن بدلیل آنکه چون کسره زایل شود بسبب وقف بسکون ترقیق نیز زایل میشود مثل اصحاب النار که در وقف بسکون تفخیم باید کردن و اصل در لام ترقیق است و تفخیم بنابر آنستکه در الله ما قبل مفتوح یا مضموم واقع شود نزد جمیع قراء یا آنکه لام مفتوحه بعد از صاد یا طاء یا ظاء ساکنه یا مفتوحه واقع شود که از ورش تفخیم آن لام کند چنانکه مذکور خواهد شد **فصل اول** در بیان تفخیم و ترقیق راء است **بدانکه** هر رائی که هست یا متحرک است یا ساکن و متحرک یا مفتوح است یا مضموم است یا مکسور و ساکن ما قبلان یا مفتوح است یا مضموم است یا مکسور است یا ساکن پس اگر راء مکسور باشد یا ساکن ما قبل مکسور بکسره لازمی یا ساکنی که ما قبلان یاء ساکن باشد در این حال ترقیق باید کردن مثل کریم و فرعون و خبیر در حالت وقف بسکون مگر آنکه راء ساکن ما قبل مکسور که بعد از او حروف استعلاء

غالبا بید دو وقت خواندن از طلوع فجر صادق است بلمرتبه ختم سوره مبارکه یس هر حاجتی که داشته باشد وضو بگیرد بر نیت قضاء حاجت را استجابت دعاء و تلاوت قرآن رو بقبله با حضور قلب صد بار صلوات بفرستد و شروع در خواندن سوره نماید و حاجت خود را در سینه بخاطر بگذراند و از خدا بخواهد حاجت خود را یکی بعد از امام مبین و یکی بعد از فی ظلل یسجون و یکی بعد از سلام قولا من رب رحیم و چون باین سلام برسد او را سه چهار بار یا چهار ده بار یا هفت بار مکرر کند و چون از سوره فارغ شود بگوید سبحان المفرج عن کل محزون سبحان المخلص عن کل مسجون سبحان المنفس عن کل مدیون سبحان العالم عن کل مکنون سبحان من جعل خزائنه بین الکاف والنون سبحان من اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون پس بگوید اللهم افتح لی ابواب رحمتک وابواب خزائنک بحق سوره یس وبفضلک وکرمک یا ارحم الراحمین پس صد نوبت بگوید یا مفرج الهم و بعضی گفته اند که در دایم جمیع لذتها محضر و نیز حاجات را بقاضی الحاجات عرض نماید و قدرت حق را در اجابت مشاهده نماید نوع دیگر اینکه سوره را بخواند چون باین سلام برسد هفتاد مرتبه تکرار نماید و مطلب را از خداوند بخواهد که مجربست طریقه دیگر آنکه از روز جمعه شروع کند تا روز پنجشنبه و هر روز سه بار بخواند که در عرض یک هفته بیست و یکبار خوانده ... هر روز در یک ... مجربست لکن بجهت وسعت روزی در ختم سوره یس در دهش

فراغ دعای یا من تحل به عقد المکاره را که در صحیفه سجادیه بخواند و اگر بتواند در یک مجلس بیست و یک مرتبه سوره را بخواند از برای هر مطلب مجربست در روز پنجشنبه بخواند و بجهت دفع دشمن سه شنبه و بجهت رفعت و عزت روز یکشنبه بخواند **ایضا** طریقه دیگر از برای جمیع مطالب یعنی دنیوی

واقع

بن دندانها نزدیک است	بود حافه کناری از زبانست	تجوید القرآن	بود از ضرس ضاد و هم ز حافه	بیارم نکتهٔ خوشبو چو نافه
در بیان حروف وسط اللسان			ز چپ یا راست خود مختار میباش	بدان ضرس ست بخوان ضاد را فاش
ولیکن مخرج ایشان یکی دان	حروف جیم و شین و یا بود آن		بیان آن نمایم تا چه ساست	سه باشد حرف کز وسط لسان آید
کناری از زبان و کام بالا	بیا بشنو مقر لام از ما		در بیان مخرج لام	

واقع شده باشد مثل قرطاس و مرصاد و فرق که تفخیم باید کردن جهة حرف استعلا و در فرق نیز ترقیق جایز است جهة انکه میان دو کسره واقع است و اگر راء ساکن ما قبل مکسور را کسرهٔ عارضی باشد تفخیم باید کرد مثل ارجعوا و ربّ ارجعون و اگر راء مفتوح یا مضموم یا ساکن ما قبل مفتوح یا ساکن ما قبل مفتوح یا مضموم مثل ربّنا و ربٌّ و یرحم و یرجعون تفخیم باید کردن برای جمیع قرّاء مگر برای ازرق از ورش که ترقیق باید کردن وقتیکه ما قبل ان مکسور باشد بکسرهٔ لازمی و بعد از راء حرف استعلا باشد و در لفظ اعجمی نیز نباشد مثل اخره و بره اعم از انکه در میان کسره و راء حرف ساکن باشد یا نباشد مگر انکه حرف ساکن استعلا باشد غیر خا مثل مثل فطرا و فطرت الله و مصرا که در این صورت او نیز تفخیم کند امّا اگر کسرهٔ لازمی نباشد مثل برسولهم و لرقیك یا انکه راء قبل از حرف استعلا باشد مثل فراق و الاشراق و الصراط و اعراضهم یا انکه راء مکرر باشد مثل ضرارا و فرارا و مدرارا یا انکه در لفظ اعجمی باشد مثل ابرهیم و اسرائیل و ارم علی الاصح ازرق تفخیم کند و نیز ازرق از ورش ترقیق کند در راء مذکور در وقتیکه ما قبل ان یاء ساکن باشد مثل الخیرات قدیرا و بصیرا مگر لفظ حیران در سورهٔ انعام که دران ترقیق و تفخیم هر دو جایز باشد و در لفظ عشیرتکم در سورهٔ توبه که دران نیز هر دو وجه جایز باشد بقول شیخ جزری **بدانکه** راویان ازرق در راء منوّن مفتوح که ما قبل ان مکسور باشد یا یاء ساکن هر وزنی که باشد مثل شاکرا و مبصرا و مهاجرا و نفیرا و نصیرا و خبیرا در تفخیم و ترقیق اختلاف کرده اند بعضی مطلقا ترقیق کرده اند مثل ابی الحسن غلبون و بعضی مطلقا تفخیم کرده اند مثل ابی طاهر بن غلبون امّا جمهور مثل ابی عمرو و دانی و صاحب شاطبیه تخصیص کرده اند تفخیم را با نکه فاصله باشد میانهٔ راء و کسره بحرف صحیح ساکن و این شش کلمه است ذکرا و سترا و وزرا و حجرا و امرا و صهرا **بدانکه** چون وقف کنند بسکون یا باشمام بر رائیکه در اخر کلمه باشد اگر ما قبل ان مکسور باشد مثل الساحر و بعثر یا ساکن که بعد از مکسور باشد مثل السحر و بکر یا یاء ساکن باشد مثل قدیر و خبیر یا الف ماله مثل النار و الابرار ترقیق باید کردن اگرچه در وصل مضموم یا مفتوح بوده باشد و اگر ما قبل آن یکی از اینها که ذکر شد نباشد تفخیم باید کردن اگرچه در وصل مکسور باشد و وقف بروم حکم وصل دارد نظر کند هر جا که در وصل ترقیق میکرده اند در حالت روم نیز ترقیق کنند **فصل دوّیم** در بیان ترقیق و تغلیظ لامات بدانکه اصل در لام ترقیق است و تغلیظ بنا بر سببی ست مثل مجاورهٔ حروف استعلا و لکن باید دانستن که مضمون تغلیظ لام نقل نکرده اند از ورش وقتیکه ما قبل لام یا بعد ان یا هر دو جانبش حرف استعلا نباشد مثل و لیتلطف و صلوة و خلطوا **امّا** جمهور مثل ابی عمرو و دانی و صاحب شاطبیه مشدد یا غیر مشدد و ما قبل ان صاد یا طا یا ظاء مفتوحه یا ساکنه باشد مثل صاد مفتوحه الصّلوة و صلوة و بصّلوة و ساکنه تصلی و یصلیها و اصلوها مثال طاء مفتوحه الطلاق و انطلق و بطل و ساکنه مطلع الفجر مثال ظاء مفتوحه ظلموا و ظلمناهم و ظلّ و ساکنه و من اظلم و اذا اظلم و یظلمون و لکن در مثل یوصل و بطل و ظلّ که لام در طرف است در وقف دو وجه جایز است **امّا** تغلیظ اولیست و در صلصال تغلیظ روایت کرده اند و لکن ترقیق اصح است چنانکه در شاطبیه مذکور است و هم چنین اگر در میان لام مفتوحه و حروف ص ط ظ مذکوره الف واقع شود ترقیق و تغلیظ هر دو جایز باشد در حالتین و لیکن تغلیظ اشهر است مثال فصالا در بقره و ان یصلحا در نساء افطال در طه و طال در انبیا و فطال در حدید و هم چنین در و لا صلی در قیمه و فصلی در سبح اسم ربك و اذا صلی در علق لا غیر که در اخر ایات اند در حالتین و در مصلی در بقره در حالت وقف و در یصلیها در اسری و و اللیل و یصلی در انشقاق و تصلی در غاشیه و سیصلی در تبت در حالتین دو وجه جایز داشته اند و لیکن در انسه کلمه که در اخر ایات اند ترقیق اولیست و در این شش کلمهٔ دیگر تغلیظ و در مصلی مید وقف کرده شده زیراکه در وقف تغلیظ فقط باشد و می باید دانست که در ذوات ان تغلیظ لام با فتح ان باشد و ترقیق با اماله بین بین **مسئله** بدانکه جمیع ائمهٔ قرّاء اتفاق کرده اند بر تغلیظ لام الله وقتیکه ما قبل ان مفتوح باشد یا مضموم مثل قال الله و رسول الله و اگر ما قبلش مکسور باشد باتفاق ترقیق کنند مثل الحمد لله و بسم الله **فصل سیّم** در بیان تفخیم و ترقیق الفات **بدانکه** اصل در الف ترقیق است و تفخیم ان عارض میشود بنا بر انکه بعد از حروف استعلا واقع شود و بر تبعیت حرف استعلا انرا تفخیم کنند و مراد از تفخیم اینجا تام گفتن است باشباع فتحهٔ ما قبل مثل قال و ظاهر و خالصة و صالحا و ضارّا و الغارمین و طال امّا اگر ما قبلش حرفی از حروف مستفله باشد البته ترقیق باید کردن مثل امن و ساء و

جا وقف کند در هر یک از انها حاجتی که دارند از امور دنیا و اخرت استدعا نمایند که بعون الله قریب اجابت خواهد شد آدر کلمهٔ بین دوم در مستقر لها ۳ در من مرقدنا ۴ در کلمهٔ سلام ۵ و ان اعبدونی ۶ در رکن بگوید و در هر وقفی این دعا را بخواند اللهمّ انت الاوّل فلیس قبلك شیء و انت الاخر فلیس بعدك شیء و انت الظاهر فلیس فوقك شیء و انت الباطن فلیس دونك شیء و انت الله العزیز الحکیم و عرض الباطل بی تا قل و بی فاصله عقب این دعا را بخواند اللهمّ انی احمدك علی کلّ نعمة و استغفرك من کلّ ذنب و اسئلك من کلّ خیر استعیذ بك من کلّ بلاء فانه لا حول و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم و بی فاصله بوقف این دعا را بخواند اللهمّ صلّ علی روح محمّد و ال محمّد فی الارواح و صلّ علی جسد محمّد و ال محمّد فی الاجساد و صلّ علی قبر محمّد و ال محمّد فی القبور و صلّی الله علی محمّد و ال محمّد اجمعین بگوید و جواب بگوید ان الله و ملائکته یصلّون علی النبیّ تا اخر ایه و بعد ازان بگوید اللهمّ صلّ علی محمّد فی الاوّلین اللهمّ صلّ علی محمّد و ال محمّد فی الملاء الاعلی اللهمّ صلّ علی محمّد و ال محمّد فی المرسلین اللهمّ اعط محمّدا الوسیلة و الشرف و الفضیلة و الدرجة الکبیرة کما امنت بمحمّد و لم اره فلا تحرمنی یوم القیمة رؤیته و ارزقنی صحبته و توفّنی علی ملّته و اسقنی من حوضه شربا رویا سائغا هنیئا لا اظماء بعده ابدا اللهمّ انی کما امنت بمحمّد و لم اره فعرّفنی فی الجنان وجهه و بلّغ روحه عنّی تحیّة کثیرة و سلم اللهمّ صلّ علی محمّد و ال محمّد الاوصیاء المرضیّین بافضل صلواتك و بارك علیهم بافضل برکاتك و الصلوة و السلام علیهم و علی ارواحهم و اجسادهم و رحمة الله و برکاته

ختم سورهٔ حم دخان از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هرکه این سوره را بجهة کفایت مهمات هفت بار بخواند جمیع مهمات او بزودی کفایت شود و اگر این سوره را با خود داشته باشد از شر دیو و پری ایمن باشد و در نظر مردم باهیبت بود و مردم او را دوست دارند ختم سورهٔ احقاف در کتاب ختمات قرآن وارد است که هرکه در مهلکه

فراداز کام اینجا این قدر دان | که دریابد زبانت چار دندان
در بیان مخرج نون وراء
بود راس لسان وپشت دندان | تو در پشت زبان نون میدان
دگر نه حرف از طرف لسانست | ولیکن هر سه حرف از یک مکانست

یکی دندان ضاحک اندگر ناب | رباعیه ثنایه تو دریاب
دگر بشنو مکان نون و با را | ازین بیچاره محزون یارا
بیان حروف طرف اللسان
بدان طا دال و تا از راس اللسان | بکامت میرسد نطعی از آنست

جاؤُكَ وَ بِاَوْ او غیر ذلك ومراد از ترقیق درا ینجا عدم اشباع فتحهٔ ماقبل الفست یعنی قریب باماله بین بین چنانچه از عرفان شنوده میشود وحق انستکه تفخیم وترقیق هر دو الف را عارض میشوند تفخیم بر بتبعیت حرف استعلا وترقیق بر بتبعیت حرف استفال وبی ذاته از هر دو مبر است **باب پنجم** در بیان های کنایه است واحکام وی **بدانکه** های کنایه های ضمیر است کنایه از واحد مذکر یا مضموم یا مکسور مع الاشباع مثل عَلَيْهِ وبلا اشباع مثل بِهِ ومراد از اشباع سیر گردانیدن حرکت است چنانکه در ضمه واو گفته شود ودر کسره یا واشباع تعبیر بصله نیز کنند وعدم اشباع را باختلاس یعنی استعجال کردن بر حرکت بحیثیتی که چیزی از او کم شود اما درا ینجا ضد اشباع است اما مضموم مع الاشباع وقتی است که ماقبل او مفتوح باشد یا مضموم وما بعدش متحرك باشد مثل مالَهُ وَ لَهُ دانه حکیم ومکسور مع الاشباع وقتی است که ماقبل او مکسور باشد وما بعد او متحرك مثل عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ ومضموم بلا اشباع بر دو قسم است متفق علیه ومختلف فیه متفق علیه انستکه بعد از های ضمیر حرف ساکن واقع شود خواه ماقبلش متحرك باشد یا ساکن مثل بِهِ اللّٰهُ وعَلَيْهُ اللّٰهَ ومختلف فیه انستکه ماقبل های ضمیر ساکن باشد وما بعد ان متحرك مثل فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُودِ واَتَيْنَاهُ حُكْمًا وخُذُوهُ فَغُلُّوهُ زیراکه جمیع قراء بضمه مختلسه خوانند مگر ابن کثیر که بضمه مشبعه خوانند یعنی بواو ومکسور بلا اشباع نیز بر دو قسم است متفق علیه ومختلف فیه متفق علیه انستکه بعد از های کنایه ساکن واقع شود وماقبلش هرچه باشد مثل بِهِ الدِّينَ وعَلَيْهِ اللّٰهَ ومختلف فیه انستکه ماقبل ان یاء ساکن باشد وما بعد ان متحرك مثل فِيهِ هُدًى که جمیع قراء بکسرهٔ مختلسه خوانند مگر ابن کثیر که بکسرهٔ مشبعه خوانند یعنی بیاء اما در فیه مهانا که در قران حفص نیز بصله خوانده یعنی بیا بدانکه بعضی احکام مذکوره در بعضی الفاظ مخصوصه جاری نخواهد بود مثل يَعُودُ وَ اَرْجِهِ وَيَرْضَهُ چنانکه در کتب قرائت مذکور است **باب ششم** در بیان وقف وان باب مشتمل است بر سه فصل **فصل اول** در بیان وقف بر اواخر کلمات **بدانکه** وقف در لغت بند کردن است وبر بدن است ودر اصطلاح بریدن کلمه است از ما بعد وی بانکه ساکن گردانند یا روم کنند یا اشمام وروم در لغت جستن است ودر اصطلاح ضعیف گردانیدن اعراب است بر وجهیکه شنوندهٔ نزدیك باشد بشنود واشمام در لغت بو یابیدن است ودر اصطلاح بهم او زدن دو لبست بعد از اسکان حرف چنانکه ببیند که دریابد واشمام بسمع دریافته نشود چنانکه روم ببصر ولیکن اصل در وقف سکون است زیراکه اخف است وصریح معنی اصل ودر حرکات ثلث جاری است وروم جایز نباشد مگر در ضم ورفع وکسر وجر مثل اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَمِنْ قَبْلُ وَمَالِكِ وَهُوَلَاءِ ودر فتح ونصب وجر جایز نباشد اصلاً مگر نزد نحویان که جایز است وبعضی جهله قراء در فتح ونصب مشدد جایز داشته اند ولیکن خطا کرده اند واشمام جایز نباشد مگر در ضم ورفع وفایدهٔ وقف بروم واشمام انستکه سامع از روم وناظر از اشمام معلوم کنند که حرکت کلمه که وقف بران کلمه کرده شده است چه بوده است وباید دانست که روم واشمام جایز نیست در سه چیز باتفاق **اول** در تاء تانیث زیراکه وقف ان بهاست واعرابش عارض اما هر جا که بتاء دراز نویسند وکسی وقف برسم کند یعنی بتا روم واشمام نزد انکس جایز خواهد بود **دوم** حرکت عارضی مثل قُلِ ادْعُوا وَقُمِ اللَّيْلَ وَقَالَ اُدْخُلِي وَانْحَرْ اِنَّ شَانِئَكَ زیراکه در اصل ساکنند وبسبب التقاء ساکنین در دو وی اول وبسبب نقل در دوی اخر حرکت عارض شود **سیم** میم جمع مثل اَنْتُمْ وبِهِمْ زیراکه اصل در میم جمع سکون است وضمه عارض او میشود در حین صله بواو بقرائت بعضی در وصل اگر چنانچه بعد از وی ساکن بیاید که اگر ساکن بیاید باتفاق متحرك خواهد شد بحرکت عارض بجهت دفع التقاء ساکنین اما در های ضمیر مثل اَنَّهُ وَبِهِ وَاَتَيْنَاهُ وعَلَيْهِ خلاف کرده اند مثل ابی عمرو ودانی که در های ضمیر روم واشمام نزد او مطلقا جایز است وبعضی گفته اند که مطلقا جایز نیست وبعضی تفصیل کرده اند بانکه در های مضموم که ماقبلش مضموم باشد یا واو ساکن مثل يَعْلَمُهُ واَتَوْهُ ونَصَرُوهُ ودر هاء مکسوره که ماقبلش مکسور باشد یا یاء ساکن مثل بِهِ وفِيهِ وعَلَيْهِ روم واشمام هر دو جایز نباشد ودر غیر اینها جایز باشد وبعضی مثل سبط خیاط تفصیل کرده اند بانکه اگر ماقبل های ضمیر ساکن است روم واشمام جایز است مثل مِنْهُ وَعَنْهُ وَاِلَيْهِ واگر متحرك باشد جایز نیست مثل اَنْزَلَهُ وبِهِ وصاحب شاطبی قول اول وسیم او زده **فصل دوم** در بیان وقف برسم خط بدانکه چون قاری خواهد که وقف کند بر کلمه از کلمات قران جهت استراحت نفس یا اختبار واطلاع بر قواعد حفظ قرانی اگرچه بران کلمه وقف نباشد باید که برسم مصحف

گرفتار شود این سوره را سه مرتبه بخواند خلاصی یابد انشاء الله **ختم** سورهٔ والنجم از اعضرت ماثور است که هر که این سوره را بجهة بر آمدن حاجات بیست ویکبار بخواند حاجت او بزودی بر میاید وروا میشود **ختم** سورهٔ والذاریات وطلاق ومزمل والم نشرح از برای امر معیشت ووسعت در مال ومال و مرزوق بود من حیث لا یحتسب بنوعیکه عقول وافکار از کیفیت ان عاجز باشند مداومت کردن باین چهار سوره است هر روزه بر سبیل استمرار واگر یك روز فوت شود قضاء نماید واین عمل مجرب وازموده است وَعَلَيْكَ بِالتَّجْرِبَةِ چنانچه مداومت کردن سورهٔ والذاریات در همه اوقات روز موجب دولت وثروت میشود **ختم** سوره قٓ اگر کسی خواهد که در دولت ونعمت بروی گشاده گردد وابواب خیر براو مفتوح گردد باید هر روزی سه مرتبه با وضو رو بقبله با ترتیل متصل بهم بخواند واز خداوند بخواهد مرزوق خواهد شد **ختم** سورهٔ اذا وقعت از برای وسعت رزق ودوام در امر معیشت تاثیر غریب دارد واز جمله مجربات است که تخلف ندارد باید ابتدا از شب شنبه بکند وهر شب سه مرتبه بخواند وشب جمعه هشت بار بخواند تا مدت پنج هفته همین نحو معمول دارد وقبل از شروع در سوره در هر شب این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَاسْتَجِبْ دَعْوَتِي مِنْ غَيْرِ رَدٍّ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ فَضِيحَتَيِ الْفَقْرِ وَالدَّيْنِ وَادْفَعْ عَنِّي هٰذَيْنِ بِحَقِّ الْاِمَامَيْنِ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام **ایضاً** طریقه دیگر باید از شب جمعه ابتداء نماید وهر شب پنج مرتبه بخواند که مجموع چهل ویك مرتبه در ... باشد ودر هر مرتبه که سوره را بخواند یك مرتبه نیز

این دعا را بخواند وهر که این ختم را بجا اورد توانگر گردد دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَاَنْزِلْهُ وَاِنْ كَانَ فِي الْاَرْضِ فَاَخْرِجْهُ وَاِنْ كَانَ بَعِيدًا فَقَرِّبْهُ وَاِنْ كَانَ قَرِيبًا فَيَسِّرْهُ وَاِنْ كَانَ قَلِيلًا فَكَثِّرْهُ وَبَارِكْ لَنَا فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **ایضاً** طریقه دیگر مرحوم مجلسی ره از حضرت سید الساجدین علیه السلام

ثنایا تیزی دندان بالاست	دگر ظا ذال ثا دان کز ثنایت	شکنج کام بالائی دو دندان	چه باشد نفع نزد اهل قرآن
حروف زلقی و لثویش خوانند	بدان کآنها که قرآنی کلامند	شود معلوم آندم مخرج آن	ولیکن گر زبان بیرون کنی زان
کز اندم میشوند از عیب محفوظ	زبارکی زبان میباز ملفوظ	مراز استاد این اسناد باشد	سه دیگر زاو سین و صاد باشد
بیان حروف شفوی		بنام این سه را اسلیشی خوانند	بنزد انجمن کین راه پویند

وقف کند مگر بمذهب جماعتی مثل ابن کثیر و ابی عمرو و کسائی و یعقوب که وقف ایشان برسم هاء است پس لاجرم باید دانستن رسم مصحف را از تاء تانیث و مقطوع و موصول و این فصل مشتمل است بر دو بحث **بحث اول** در تاء تانیث بدانکه اسمائی که در ایشان در مصحف بتاء دراز نوشته است بهیئت پنج لفظ است یکی رحمت در هفت موضع یرجون رحمت الله در بقره و ان رحمت الله قریب در اعراف و رحمت الله و برکاته در هود و ذکر رحمت ربک در مریم الی اثار رحمت الله در روم و اهم یقسمون رحمت ربک خیر هر دو در زخرف **دویم** نعمت در یازده موضع نعمت الله علیکم و ما انزل در بقره نعمت الله علیکم اذ کنتم در ال عمران نعمت الله علیکم اذ هم در مائده نعمت الله کفرا و نعمت الله لا تحصوها هر دو در ابراهیم و بنعمت الله هم یکفرون یعرفون نعمت الله و اشکروا نعمت الله هر سه در نحل و فی البحر بنعمت الله در لقمن و اذکروا نعمت الله علیکم و بنعمت ربک در طور **سیم** امرأت در هر جا که مضاف بشوهر شود و آن هفت موضع است امرأت عمران در ال عمران و امرأت العزیز تراود و امرأت العزیز الان هر دو در یوسف و امرأت فرعون در قصص و امرأت نوح و امرأت لوط و امرأت فرعون هر سه در تحریم **چهارم** کلمت در پنج موضع کلمت ربک صدقا در انعام و تمت کلمت ربک الحسنی در اعراف و کلمت ربک علی الذین و کلمت ربک لا یؤمنون هر دو در یونس و حقت کلمت در غافر و لیکن در دویم یونس و در غافر اختلاف کرده اند **پنجم** سنت در پنج موضع سنت الاولین در انفال الا سنت الاولین و لسنت الله تبدیلا و لسنت الله تحویلا هر سه در فاطر و سنت الله التی در غافر **ششم** لعنت در دو موضع لعنت الله علی الکاذبین در ال عمران و ان لعنت الله در نور **هفتم** معصیت نیز در دو موضع معصیت الرسول و اذا جاؤک و معصیت الرسول و تناجوا هر دو در قد سمع الله **هشتم** بقیت الله در یک موضع بقیت الله خیر لکم در هود **نهم** قرت نیز در یک موضع قرت عین در قصص **دهم** فطرت نیز در یک موضع فطرت الله در روم **یازدهم** شجرت نیز در یک موضع شجرت الزقوم در دخان **دوازدهم** جنت نیز در یک موضع جنت نعیم در واقعه است **سیزدهم** ابنت در یک موضع ابنت عمران در تحریم **چهاردهم** ایات در دو موضع ایات للسائلین در یوسف ایات من ربه در عنکبوت **پانزدهم** یا ابت در هر جا که واقع شود **شانزدهم** ذات در هر جا که واقع شود **هفدهم** بینت در یک موضع فهم علی بینت منه در فاطر **هجدهم** غرفت در یک موضع فی الغرفات امنون در سبا **نوزدهم** ثمرت در یک موضع من ثمرت من اکمامها در فصلت **بیستم** جمالت نیز در یک موضع جمالت صفر در والمرسلات **بیست و یکم** اللات در یک موضع افرأیتم اللات و العزی در والنجم **بیست و دویم** هیهات در دو موضع هیهات هیهات لما توعدون در مؤمنون **بیست و سیم** غیابت در دو موضع و القوه فی غیابت الجب و ان تجعلوه فی غیابت الجب هر دو در یوسف **بیست و چهارم** لات در یک موضع لات حین مناص در ص **بیست و پنجم** مرضات در چهار موضع نفسه ابتغاء مرضات الله و اموالهم ابتغاء مرضات الله هر دو در بقره و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله در نساء و تبتغی مرضات ازواجک در تحریم **بحث دویم** در مقطوع و موصول بدانکه هر کلمه که دو حرف یا بیشتر بود اصل انستکه منفصل بود از کلمه که بعد از انست خواه ان کلمه حرف بود یا اسم یا فعل مگر الف و لام تعریف و یاء ندا و هاء تنبیه و ضمیر منفصل و حروف مقطعات مثل الارض و یا ادم و هؤلاء و ضربنا و الم مگر چیزیکه در مصحف امام نوشته اند که در این شش قسم موصول نوبسند هر یکرا بسببی و از مقطوعات انچه ذکر کرده اند بیست و سه است **اول** این ما هر جا که واقع شود مقطوع است مگر اینما تولوا فثم وجه الله در بقره و اینما یوجهه در نحل که این هر دو باتفاق موصولند و اما در اینما تکونوا یدرککم الموت در نساء و اینما کنتم تعبدون در شعراء و اینما ثقفوا در احزاب خلاف کرده اند لکن در نساء در بیشتر مصاحف مقطوع است **دویم** حیث ما هر جا که واقع شود مقطوع است باتفاق **سیم** لبئس ما مقطوع است در پنج موضع لبئس ما شروا در بقره و لبئس ما کانوا یعملون و لبئس ما کانوا یصنعون و لبئس ما کانوا یفعلون و لبئس ما قدمت هر چهار در مائده **چهارم** بئس ما هر جا که واقع شود موصول است مگر قل بئس ما یأمرکم در بقره که در اکثر مصاحف مقطوع است **پنجم** فبئس ما مقطوع است در یک موضع فبئس ما یشترون در ال عمران مگر بقول ضعیف **ششم** کل ما مقطوع است در پنج موضع کل ما سألتموه در ابراهیم و کل ما ردوا در نساء و کلما دخلت در اعراف و کل ما جاء امة در مؤمنون و کلما القی در ملک و لیکن در سوره ابراهیم بلا خلاف

نقل کرده اذا کان اول شهر یوم الاثنین فابدء بقراءة اذا وقعت فی یوم الرابع عشر کل یوم علی عدد الایام بحیث یقرء یوم الرابع عشر اربعة عشر مرة و فی کل خمیس اقرء الدعاء الاتی مرة و هذا العمل المختم لتوسعة الرزق و تسهیل الامور المشکلة و الدیون مجرب غیر مرات و حکیم من المجهان والنفع الثبت و لا تحضر عند رها و لا تبتذل مع هنا و الدعاء هذا یا واحد یا احد یا ماجد یا جواد یا حلیم یا حنان یا منان یا کریم اسالک تحفة من تحفاتک تلم بها شعثی و تقضی بها دینی و تصلح بها شانی برحمتک یا سیدی اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله و ان کان فی الارض فاخرجه و ان کان بعیدا فقربه و ان کان قریبا فیسره و ان کان قلیلا فکثره و ان کان کثیرا فبارک لی فیه و ارسله علی ایدی خیار خلقک و لا تحوجنی الی شرار خلقک و ان لم یکن فکونه بکینونیتک و وحدانیتک اللهم انقلنی الی حیث اکون انک علی کل شیء قدیر یا رحیم یا غنی صل علی محمد و آل محمد و تمم علینا نعمتک و هنئنا کرامتک و البسنا عافیتک

ایضا تا چهل روز سوره انا وقعت و مزمل و والیل و الم نشرح هر یکرا یکبار باین ترتیب بخوانند بجهة اداء دین و دفع فقر و وسعت رزق مجرب و از مود است و بعد از خواندن چهار سوره در هر روز این دعا را بخوانند یا رازق الطالبین یا راحم المساکین یا ولی المؤمنین یا غیاث المستغیثین یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکفنی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک یا اله العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین **ختم** سوره انا فتحنا ایام حمه دنیا خوبست و بسبب این ختم ضیا در بطالت سیده اند ابتداء کنند از روز شنبه روزی پنج مرتبه بخوانند و روز جمعه یازده مرتبه بخوانند بعد از هر مرتبه سوره اذا جاء نصر الله بخوانند چون چهل و یگر بهم تمام شود یازده مرتبه این نامها بخوانند یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر یسر یا مسهل سهل یا متمم تمم برحمتک یا ارحم الراحمین

ادبانی

بدان شفوی حروف او بود چار | روان فا با و میم و واو بشمار
ولی با از درون لب تمامست | ز بیرون میم و این روشن چو جامست

بیان مخرج خیشوم

بدان باشد درون انف خیشوم | شود از میم و نون و تنوین معلوم

شنا با بر درون لب چو بچی | دهان غنچه کن در واو گفتن
اگر هستی در این وادی تو بیرو | ولیکن میم و نون با غنه باید

ادای حق فا میدان که بدهی | چنین باشد در الفاظ سخن
بیاد مخرج خیشوم بشنو | که این صورت تورا جلوه نماید

در باقی مع الخلاف اما مشهور در این چهار وصل است **هفتم** اِنَّ ما بهمزهٔ مکسوره و نون مشدده مقطوع است در دو موضع اِنَّ ما تُوعَدُونَ لَاٰتٍ در انعام و اِنَّ ما عِندَ اللهِ هُوَ خَیرٌ لَکُم در نحل در بعضی مصاحف موصول است **هشتم** اَنَّ ما بهمزهٔ مفتوحه و نون مشدده مقطوع است در سه موضع اَنَّ ما تُوعَدُونَ مِن دُونِهِ در حج و لقمان و اَنَّ ما غَنِمتُم در انفال در اکثر مصاحف موصول است **نهم** اِن ما بهمزهٔ مکسوره و نون ساکنه مکتوب است در جمیع قران بغیر نون مگر در یک موضع که اِن ما نُرِیَنَّکَ در رعد مکتوب است نون **دهم** اَم مَن در چهار موضع مقطوع است اَم مَن یَکُونُ عَلَیهِم در نساء اَم مَن اَسَّسَ در توبه اَم مَن خَلَقنا در والصافات اَم مَن یَاتی آمِنًا در فصلت **یازدهم** فی ما در یازده موضع مقطوع است فی ما هٰهُنا آمِنِینَ در شعراء بلاخلاف و در ده باقی مع الخلاف مگر آنکه جمهور نیز بر قطعند و آن ده این است فیما فَعَلنَ فی اَنفُسِهِنَّ مِن مَعرُوفٍ در بقره و لِیَبلُوَکُم فی ما آتٰکُم در مائده و فی ما اُوحِیَ و فی ما آتٰکُم هر دو در انعام و فی ما اشتَهَت در انبیاء و فی ما اَفَضتُم در نور و فی ما رَزَقناکُم در روم و فی ما هُم فیهِ و فی ما کانُوا فیهِ هر دو در زمر و فی ما لا تَعلَمُونَ در واقعه **دوازدهم** مِن ما مقطوع است در سه موضع فَمِن ما مَلَکَت در نساء و مِن ما مَلَکَت در روم و مِن ما رَزَقناهُم در منافقون و لکن در منافقون خلاف است **سیزدهم** عَن ما در یک موضع مقطوع است عَن ما نُهُوا در اعراف **چهاردهم** عَن مَن در دو موضع مقطوع است عَن مَن یَشاءُ در نور و عَن مَن تَوَلّٰی در والنجم **پانزدهم** اَن لا بهمزهٔ مفتوحه و نون ساکنه در یازده موضع مقطوع است حَقِیقٌ عَلٰی اَن لا اَقُولَ و اَن لا یَقُولُوا عَلَی اللهِ اِلَّا الحَقَّ هر دو در اعراف و اَن لا مَلجَاَ در توبه و اَن لا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ و اَن لا تَعبُدُوا اِلَّا اللهَ اِنّی اَخافُ هر دو در هود و اَن لا تُشرِک بی شَیئًا در حج و اَن لا تَعبُدُوا الشَّیطانَ در یس و اَن لا تَعلُوا عَلَی اللهِ در دخان و اَن لا یُشرِکنَ بِاللهِ در ممتحنه و اَن لا یَدخُلَنَّهَا الیَومَ عَلَیکُم در نون و اَن لا اِلٰهَ اِلَّا اَنتَ در انبیاء و لکن در انبیاء خلاف است اما در اکثر مصاحف مقطوع است **شانزدهم** اَن لَن در جمیع قران بنون مکتوب است مگر در اَلَّن نَجعَلَ لَکُم مَوعِدًا در کهف و اَلَّن نَجمَعَ عِظامَهُ در قیمه که این هر دو بی نون مکتوب است باتفاق **هفدهم** اِن لَم بهمزهٔ مکسوره در جمیع قران بنون مکتوب است مگر فَاِلَّم یَستَجِیبُوا لَکُم در هود که بلا نون مکتوب است باتفاق و فَاِن لَم یَستَجِیبُوا در قصص و لکن در اکثر مصاحف بنون مکتوب است **هیجدهم** اَن لَم بهمزهٔ مفتوحه در جمیع قران بنون مکتوب است مثل اَن لَم یَکُن اَن لَم یَرَهُ اَحَدٌ **نوزدهم** لِکَی لا در جمیع قران مقطوع است مگر در چهار موضع که موصول است لِکَیلا تَحزَنُوا عَلٰی ما فاتَکُم در آل عمران و لِکَیلا یَعلَمَ در حج و لِکَیلا یَکُونَ عَلَیکَ حَرَجٌ در احزاب و لِکَیلا تَاسَوا در حدید و لکن در آل عمران در بعضی مصاحف بقطع نوشته اند **بیستم** یَومَ هُم در جمیع قران موصول است مگر در دو موضع که مقطوع است یَومَ هُم بارِزُونَ در غافر یَومَ هُم عَلَی النّارِ یُفتَنُونَ در والذاریات **بیست و یکم** ابن اُمَّ فی قوله قالَ ابنَ اُمَّ در اعراف مقطوع است و در طه موصول یعنی بیاء ندا و همزهٔ ام بصورت واو است یَبنَؤُمَّ **بیست و دویم** مالِ بدانکه لام جارّه از مجرور در چهار موضع مقطوع است فَمالِ هٰؤُلاءِ القَومِ در نساء و مالِ هٰذَا الکِتابِ در کهف و مالِ هٰذَا الرَّسُولِ در فرقان فَمالِ الَّذِینَ کَفَرُوا در معارج و در باقی موصول **بیست و سیم** وَلاتَ حِینَ مَناصٍ در ص در اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی موصول یعنی تاء لات بحاء حین متصل است و فایده در دانستن مقطوع و موصول آنستکه در مقطوع دو وقف توان کردن در آخر هر کلمه وقفی و در موصول یک وقف در آخر کلمهٔ دوم بدانکه غیر آنچه مذکور شده است همه را موصول نویسند مثل مِمَّ و عَمَّ و وَیکَاَنَّ اگرچه کسائی وقف بر یا میکند و ابو عمرو بر کاف وَالّاٰ یَسجُدُوا در نمل اگرچه کسائی وقف بیاء میکند و ابتدا بِاسجُدُوا و اینرا که یاء حرف نداست **فصل سیم** در بیان احکام وقفاست بدانکه چون قاری قادر نباشد که قصه تمام شود یا سوره را بیکنفس تواند خواند لاجرم او را اختیار وقف باید کردن از برای تنفس و استراحت و یقین حسن ابتداء بعد از آن تا معانی و اعجاز قران از خلل و نقصان محفوظ باشد و خواننده و شنونده از آن محظوظ گردند و ائمه اقسام وقف بسیار آورده اند اما شیخ جزری آورده که وقف بر دو قسم است اختیاری و اضطراری زیرا که در حال وقف کلام تمام است یا ناقص **اول** اختیاری **دویم** اضطراری اما اختیاری آنکه کلام تمام باشد خالی نیست که تعلق با ما بعد دارد از جهت لفظ و معنی یا ندارد پس اگر اصلاً تعلق بما بعد ندارد آنرا تام گویند زیرا که سخن در وی تمام شده است و این وقف در رؤس آیه میباشد مثل وقف بر مالِکِ یَومِ الدِّینِ و ابتداء از اِیّاکَ نَعبُدُ و وقف بر اُولٰئِکَ هُمُ المُفلِحُونَ

ختم سورهٔ مشرانیشرح صادق علیه السلام منقولست که هر که سورهٔ شرح را از برای قضای حوایج و برامدن امور عظیم چهل روز هر روز دو نوبت بخواند حاجتش برآید و کارش رواج گیرد و اگر بکرد فوت شود ختم را از سر گیرد و بسیاری اکابر علماء از مجربات شمرده اند **ختم** سورهٔ حدید بجهة جمیع مطالب مهمه مجرب و آزموده است و طریقه اینست که شب جمعه در جای خلوتی رو بقبله بنشیند با وضو هفت نوبت بی فاصله بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسأَلُکَ بِعِزَّتِکَ یا عَزِیزُ و بِقُدرَتِکَ یا قَدِیرُ و بِحِکمَتِکَ یا حَکِیمُ و بِرَحمَتِکَ یا رَحمٰنُ و بِمَنِّکَ یا مَنّانُ اَن تَحفَظَنا بِالاِیمانِ قائِمًا و قاعِدًا و راکِعًا و ساجِدًا نائِمًا و یَقظانَ حَیًّا و مَیِّتًا و عَلٰی کُلِّ حالٍ اَعُوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ نَفسی و مِن کُلِّ ذی شَرٍّ و مِن شَرِّ شَیاطِینِ الجِنِّ وَ الاِنسِ و مِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ اَنتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبّی عَلٰی صِراطٍ مُستَقِیمٍ و صَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ **ختم** سورهٔ مزمل هر که این سوره را نوشته با خود دارد هر جا که رود فتح و نصرت قرین باشد **ایضاً** بجهة درماندگی بخواند گشادگی در کارش حاصل شود و اگر چیزی گم کرده باشد ده روز هر روز تا ده روز روزی یکمرتبه سورهٔ مبارکه را بخواند پیدا شود و اگر در میان زن و شوهر ناسازگاری پیدا شود سوره مبارکه را بشربت بخوانند بیاشامند محبت و مهربان شوند و اگر کسیرا فرزند نباشد زن و شوهر هر دو روزه [illegible] در وقت افطار غسل کنند و یکبار سورهٔ مبارکه را بآب بخوانند هر دو از آن آب بخورند فرزند حاصل شود و اگر کسی قرض دار باشد سورهٔ مبارکه را مداومت نماید و این خود که بعد از هر نماز یکنوبت بخواند اداء و خلاص شود و اگر کسیرا درد اندام باشد سورهٔ مبارکه را بروغن بادام تلخ خوانده و بر اندام مریض بمالند صحت یابد و اگر تنگی روزی باشد تا چهل [illegible]

نمائی گر تو ترک خویش مینی | بجویم تا تو باشد انف مینی

فائده کلیه

مخارج گرچه کردم جمله تبیین | دگر اسهل بیانی احسن از این
نمودار زبان مرقوم سازم | حروفاتش تر امعلوم سازم

وابتداء از ان الذین کفروا وگاه هست که در میان آیه نیز میباشد مثل وقف بر لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی وابتداء از وکان الشیطان خذولا واگر کلام تعلق بما بعد دارد از جهة معنی انرا وقف کافی خوانند زیرا که وقف در وی پسند است وابتدا از ما بعد وی جایز است واین وقف نیز در رؤس آیه میباشد و غیر ان مثل وقف بر مما رزقناهم ینفقون وابتداء از والذین یؤمنون و وقف من قبلک وابتداء از وبالاخرة هم یوقنون واگر تعلق بما بعد دارد کلام از جهة لفظ انرا وقف حسن گویند زیرا که در نفس الامر وقف در ان حسن و مفید است اما در ان جایز نیست ابتداء از ما بعد ان مثل وقف بر الحمد لله وابتداء از رب العالمین مگر انکه سر آیه باشد زیرا که اگرچه کلام ربط بما بعد دارد لیکن اهل اداء اختیار وقف کرده اند بلکه وقف بر رؤس آیه مطلقا سنت سید المرسلین است از ام سلمه منقول است که حضرت رسالت ص در قراءت قطع آیه میکرد ومیگفت بسم الله الرحمن الرحیم و وقف میکرد بروی وابتداء از الحمد لله رب العالمین میکرد و وقف مینمود و بر این قیاس تا آخر سوره **واما وقف** اضطراری را وقف قبیح گویند جهة عدم فائده واین وقف جایز نباشد مگر بضرورت قطع نفس با اختیار مثل وقف بر الحمد لله و وقف بر یوم در یوم هم بارزون در غافر ویوم هم علی النار در والذاریات و وقف بر عن در عن فاهو اذ در اعراف اما ایجد شیخ عبد الله السجاوندی در باب وقف او زده ورموز وضع کرده شش است م ط ج ز ص لا **اما** میم علامت وقف لازم است یعنی اگر وقف بروی نکند و بوصل خواند وهم انستکه در معنی تغییر واقع شود چون وصل انهم اصحاب النار الذین یحملون العرش **واما** ط علامت وقف مطلق است ووقف بر وی وابتداء از مابعد وی معا خوب است نزد جمیع ائمه مثل وقف بر کلمه یوقنون وابتداء از اولئک **واما** ج علامت وقف جایز است مثل وقف وهم ووصل بر وی روا بود وابتداء از ما بعد وی جایز ولیکن وقف بهتر است مثل وقف بر لا ریب فیه وابتداء از هدی للمتقین **واما** ز علامت وقف مجوز است یعنی اصل در وی وصل است ولیکن وقف بر وی جایز است ابتداء از ما بعد وی مثل وقف اشتروا الحیوة الدنیا بالاخرة وابتداء از فلا یخفف **واما** ص علامت وقف مرخص است یعنی در وقف رخصتی هست بضرورت طول کلام مثل وقف بر من کل دابة که در ان فی خلق السموات والارض واقع است **واما** لا علامت انستکه وقف بر وی جایز نیست چون وقف میان مبتدا وخبر مثل وقف بر والذین آووا ونصروا وابتداء از اولئک و وقف در میان مستثنی و مستثنی منه مثل وقف بر فسجد الملائکة کلهم اجمعون وابتداء از کلمه الا ابلیس وعلی هذا القیاس مگر در رؤس آیه چنانکه گذشت **واما** متاخرین بر این رموز مذکوره هشت رمز دیگر زیاد کرده اند و در مصاحف نوشته اند وانها اینست قف قفه س ق قلا صل صلی ک اما قف حکم ط دارد واما قفه وس هر دو علامت سکته اند بروی اندک توقف باید کرد با قطع اعراب بی قطع نفس واما ق علامت قیل است یعنی وقف جایز است بقول ضعیف واما قلا عبارت است از قیل لا یعنی وقف جایز نیست بقول ضعیف واما صل ضد وقف است یعنی وقف جایز نیست واما صلی علامت الوصل اولی است واما ک بمعنی کذلک است یعنی هر حکم که رمز ماقبل داشت این نیز چنانست **بدانکه** ائمه شش رمز دیگر وضع کرده اند جهة بیان عشرها وخمسها وآیهای اختلاف وانها اینست هـ ع خب عب تب لب چون کوفی وبصری در خمس اتفاق نمایند هـ رمز ایشانست وچون اختلاف کنند رمز کوفی خب و رمز بصری عب وچون کوفی وبصری در عشر اتفاق نمایند ع رمز ایشانست و در اختلاف رمز کوفی همان ع است وبصری عب وچون در کوفی وبصری میان آیه اختلاف واقع شود تب علامت آیه بصری است ولب علامت آیه کوفی پس بنا بر این رمزیکه در مصاحف مینویسند بعکس بشناسند

من سجاوندی این کلام الله مطابق با قواعد های تجوید طبع مصر است رموز اکثر این قرآن مطابق و ذیل الکو سنه ۱۳۵۴ قدیم التجوید

(م) علامة الوقف اللازم (نحو) انما یستجیب الذین یسمعون والموتی یبعثهم الله **لا** علامة الوقف الممنوع نحو الذین تتوفاهم الملئکة طیبین یقولون سلام علیکم ادخلوا الجنة. **ج** علامة الوقف الجائز جواز امستوی الطرفین (نحو) نحن نقص علیک نباهم بالحق انهم فتیة امنوا بربهم **صلی** علامة الوقف الجائز مع کون الوصل اولی نحو، وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یمسسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر **قلی** علامة الوقف الجائز مع کون الوقف اولی نحو: قل ربی اعلم بعدتهم ما یعلمهم الا قلیل فلا تمار فیهم

روزی یکبار بخواند دولت پیدا شود واگر کسیرا سحر کرده باشند روز یکشنبه بنویسند سوره را و مسحور بخورد که دفع شود **ایضا** جهة فتح مهمات یازده روز روزی یازده بار بعد از نماز بامداد بخواند هنوز روز یازدهم تمام نشده باشد که مراد حاصل گردد و در هر روز یازده بار این دعا را بخواند یا مسبب سبب یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مدبر دبر یا مسهل سهل یا میسر یسر یا متمم تمم برحمتک یا ارحم الراحمین شیخ بهاء الدین طلبان گوید که از برای هر مطلب که شروع نمودم وبدین خواندم همان روز مطلب حاصل شد **ایضا از خواص** مجربه قرآنی بجهة قضاء حاجات وعلو درجات وهلاک اهل ظلم وفساد این هفت سوره را در ایام هفته باین ترتیب بخواند هر یکرا هر روز چهارده مرتبه بدین کم وزیاد شنبه انا فتحنا یکشنبه یس دوشنبه اذا وقعت سه شنبه الرحمن چهارشنبه قل اوحی پنجشنبه تبارک الذی بیده الملک جمعه الم سجده انشاء الله مطلب روا شود **ختم سوره مبارکه** حمد را باین روایت تا ده روز هر روز یازده مرتبه بخواند که مجموع صد وده مرتبه شود از برای هر مطلبی کلی وجزئی وهر حاجت که داشته باشد بخواند مجربست بزودی ومقرون است باجابت آیه اول اینست ثم انزل علیکم من بعد الغم تا والله علیم بذات الصدور از سوره آل عمران وآیه دویم این است از سوره انا فتحنا محمد رسول الله تا آخر سوره وبعد بگوید رب سهل ولا تعسر علینا یا رب **ختم** سوره مبارکه عم هر که در مدت یکسال هر روزی یکبار مداومت نماید سال دویم زیارت خانه خدا مرزوق وشود و تجربه کرده اند **ختم** سوره واللیل تا چهل شب هر شب چهل دفعه بخواند در هر وقت تا یتروما لاحد عنده من نعمة تجزی بر سد این آیه را ده مرتبه تکرار کند از برای فتوحات الی غیر النهایة وکثرت مال اثری عجیب ونفعی غریب دارد که عقول از کیفیتان عاجز است ودوام این ختم مراعات تقوی واحتراز از مناهی بلکه شبهات شرط است **ایضا**

صفات حرفها اینچ گستر
بدان معنی یزه ارتفاع است
تسفل انفتاح و شدة و همس
بود هر شش صفات تاء تحقیق

باشد ای پسر در هشت بر تر
شدی همزه در عین شجاع است
سکون زاء صفات تا بشمار همس
منت گفتم نکو بنمای تدقیق

تسفل انفتاح و جهر و شدة
تو میر دال انفتاح و شدة ای جان
رخاوه انفتاح و همس آنگاه
تسفل جهر شدة قلقله باز

سکون همزه دان مخصوص همزه
تسفل قلقله و صفات آن دان
تسفل با سکون و نفث همراه
رحیم است انفتاح آیات راز (۱۳)

بزرگان گفته‌اند هر که تا
شر سبب پی در پی سوره
واللیل و سوره والشمس را
هر یک هفت بار بخواند و سی
مرتبه بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم تبارک الله رب
العالمین و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم
هر مرادی که داشته باشد
حاصل گردد و مجرب بسیار
باید انشاء الله تعالی

ایضاً در بعضی از
کتب بنظر رسیده که هر کس حاجتی
ما[ل] دنیا باشد بعد از نماز
عشا هفت مرتبه سوره
والشمس و هفت مرتبه سوره
قل یا ایها الکافرون و هفت
مرتبه سوره اخلاص و هفت
مرتبه سوره معوذتین را
بخواند و بعد از آن هفت
مرتبه بگوید اللهم اجعل لی
من امری فرجا و مخرجا و
بخواند در شب اول یا دوم
یا سیم یا چهارم یا پنجم یا
ششم مال بسیار یابد و اگر
اجابت نرسد خلل در نقصان
در شرایط دعوا است

ختم سوره والضحی
هر که چهل مرتبه بلا فاصله
بدون تکلم رو بقبله با طهارت
در ایام و لیالی متبرکه مثل
شب جمعه و امثال آن بخواند
هر نیتی البته حاجتش بر
آورده است

ختم سوره
معارج اگر کسی او را در شب
بخواند محتلم نشود

ختم
سوره طلاق هر که بنیت
محبت یا ادای قرض بیست و
یکبار بخواند نافع و مجرب
است و بجهت وسعت رزق
سه مرتبه بخواند توسعه
پیدا شود در رزقش

ختم سوره القارعه بجهت
بر آمدن حاجات و کفایت
مهمات در یک مجلس یکصد
و هشتاد بار بخواند حاجت
روا شود

ختم آیة
الکرسی بجهت بقای اولاد
و سالم ماندن از جمیع
بلیات چهل مرتبه تا و هو
العلی العظیم بنویسد در
کودک بندد سالم ماند

ختم سوره والشمس
بجهت ... مرتبه ... روز

در بیان تفأل بکلام مجید بحروف هجاء

گشا مصحف ورق زان هفت گردان	شمار سطر هفت از هفتمین آن
ز هفتم سطر حرف اول است فال	عقیدت را بران ای صاحب فال
چو فال آید الف خیر و صوابست	ز ب از منعمات فتح باب است
چو ت آید مبادا تو بزان کار	ز ث دنیا و دین بر دست میار
چو ج آید بکن جهدی و مکوش	ز ح از فرما جام خوشی نوش
چو خ آید امان از خوف مجوی	ز د اصحاب دولت را خبر گوی
چو ذ آید تو خود ان خواد بینی	ز ر نیکی بود شادان نشینی
چو ز آید بیابی مال بی عد	ز س بینی سعادت های بیحد
چو ش آید خصومت پیش آید	ز ص ایخواجه صبر مکشا آید
چو ض آید دوان کار راست کرانی	ز ط زاهد شوی تقوی برانی
چو ظ آید ظفر بر دشمنان است	ز ع امر محبتها عیان است
چو غ آید خطر باشد بده فال	ز ف شادی ترا باشد بهر حال
چو ق آید شوی مقبول در قول	ز ک ایمن نباشد بود از هول
چو ل آید برآید حاجت زود	ز م آید ملامتهای مشهود
چو ن آید بود آن کار نیکو	
ز واو هست نعمت نیکی نو	
چو ه آید خدا خشنود و خندان	
ز لا تشویش باشد نه چندان	
چو ی آید ز غایب مژده یابی	
که خشنود ای از نعم المآبی	

و کان من دعائه علیه السلام فی الاستخارة

اللهم انی استخیرک بعلمک فصل علی محمد و آله و اقض لی بالخیرة و الهمنا معرفة الاختیار و اجعل ذلک ذریعة الی الرضا بما قضیت لنا و التسلیم لما حکمت فازح عنا ریب الارتیاب و ایدنا بیقین المخلصین و لا تسمنا عجز المعرفة عما تخیرت فنغمط قدرک و نکره موضع رضاک و نجنح الی التی هی ابعد من حسن العاقبة و اقرب الی ضد العافیة حبب الینا ما نکره من قضائک و سهل علینا ما نستصعب من حکمک و الهمنا الانقیاد لما اوردت علینا من مشیتک حتی لا نحب تاخیر ما عجلت و لا تعجیل ما اخرت و لا نکره ما احببت و لا نتخیر ما کرهت و اختم لنا بالتی هی احمد عاقبة و اکرم مصیرا انک تفید الکریمة و تعطی الجسیم و تفعل ما ترید و انت علی کل شیء قدیر

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین سیما امیر المؤمنین علیه السلام **و بعد** چون بمضمون کریمه و شاورهم فی الامر و مضمون حدیث شریف ما خاب من استخار و لا ندم من استشار استخاره و استشاره در هر مطلب بغایت ضرور و از اهم امور و کافه خلق حتی انبیاء و مرسلین حسب المقدور بآن مامور **و** در کتب اخبار و احادیث ائمه اطهار طرق متعدده از برای استخاره و استشاره مسطور و اکثر خلق را باعتبار کثرت اشتغال ضبط آنها غیر میسور لهذا احقر عباد الله الغنی ابن عبد الرزاق عبد النبی عفی الله عن جرائمهما و جعل القرآن شفیعا لهما فضیلت هر یک از استخاره و استشاره و کیفیت و آداب و غیرها و انواع استخاره را آنچه اجمالا در کتب بنظر رسیده در چند جدول بطور ترتیب ضبط نمود تا همه خلق بسهولت و آسانی از آن بهره مند گردند و این عاصی و والدینش را بدعای مغفرت یاد نمایند و چون زمان تالیف مقارن بود با عدد این اسم لهذا مسمی گردانید به **دوایح الغیب** ۱۲۶۸ فی دفع التردید و الریب مشتمل بر شش جدول و خاتمه

جدول اول در فضیلت استشاره و آداب و کیفیت آن — جدول دویم در فضیلت استخاره و آداب و کیفیت آن

بدانکه استشاره کردن با برادران مؤمن از اهم امور و تاکید بسیار در اخبار در این باب مسطور است چنانچه حقتعالی از برای تعلیم بندگان حضرت رسالت پناه را که عقل کل بود خطاب نمود که و شاورهم فی الامر و در جای دیگر در مدح مؤمنین میفرماید و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون **و از** حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کسی که در کارها با مردم مشورت نماید پشیمان نمیشود **و از** حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نفس خود را بخطر میاندازد کسیکه مستغنی میشود برای خود از رای دیگران **و از** حضرت صادق علیه السلام منقولست که مشورت نمیباشد مگر با چهار کس **اول** آنکه با کسی مشورت نمائی که عاقل بوده باشد که رای غیر عاقل بکار نمیآید **دویم** آنکه آزاد و دیندار و صالح بوده باشد که سعی کند و خیر تو را بداند و تو بگوید و از تو پنهان نکند **سیم** آنکه دوست و برادر مؤمن تو بوده باشد **چهارم** آنکه او را بر سر خود مطلع گردانی و اعتماد بر او داشته باشی از افشای راز خود و آن کسیکه اسرار و رازهای تو را نمیداند خیر تو را نمیتواند دانست **و حضرت** صادق علیه السلام فرمود که هیچ معاونتی بهتر از مشورت کردن و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نمیباشد

مقصد اصلی از استخاره طلب خیر نمودن است از جناب احدیت در جمیع امور و بمقتضای و ما تشاؤن الا ان یشاء الله خواهش خداوند را بر خواهش خود مقدم داشتن و اخبار در تاکید استخاره بسیار است **از** حضرت صادق علیه السلام مرویست که حقتعالی میفرماید که از جمله شقاوت بنده من است که کارها کند و از من طلب خیر خود ننماید **و ایضا** از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در امری بدون استخاره داخل شود و ببلائی مبتلا گردد خدا در آن او را اجر ندهد **و ایضا** فرمود که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است که خدا را متهم دارد راوی عرض کرد که کسی هست که خدا را متهم دارد فرمود بلی کسیکه طلب خیر از خدا نماید و بعد از آن امریکه واقع شود بان راضی نباشد پس خدا را در خیر خواهی خود یا دانستن خیر او متهم داشته **و سند** طاوس بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که میگفت هرگاه در امری طلب خیر از حقتعالی کرده باشم پروا ندارم که براحت افتم یا ببلا **و ایضا** از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که ما استخاره را یاد میگرفتیم چنانچه سورهای قرآن را میآموختیم و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه امری اراده کنی پیش از آنکه با کسی مشورت کنی تا با خدا مشورت کنی پرسید که چگونه با خدا مشورت کند فرمود که صد مرتبه بگوید استخیر الله پس از مردم مشورت کند تا خدا خیر او را بر زبان هر که میخواهد جاری نماید

وقت طلوع آفتاب بسجده رفته سه مرتبه سوره را بخواند و در آخر هم حاجت خود را در دل بگذراند تا سه روز و همین منوال البته حاجت در همان ساعت روز بر آورده خواهد شد و باید ابتداء از روز چهارشنبه نماید و جمعه ختم نماید و اگر مطلب دفع دشمن باشد وقت غروب آفتاب بن عمل را بهمین قسم بجا آورد و مجرب است مرویست که از جهت توانگری در روز چهارشنبه آخر ماه صفر هر یک از سوره الم نشرح و والتین و اذا جاء نصر الله و قل هو الله احد را هفت نوبت بخواند

در بیان استخاره است

مال دنیا غنی و توانگر گردد **ختم** الم نشرح بجهة هر مطلبی در سه روز اول سوره فاتحه را هفت بار بخواند و هشتصد بار صلوات بفرستد و هشتاد بار الم نشرح بخواند و بعد از آن هزار و یکبار سوره توحید را بعد از آن هفت بار فاتحه را بخواند و صد مرتبه صلوات بفرستد ضامن که سه روز نکشد که مراد حاصل گردد و بجهة وسعت رزق چهل و یکبار سوره الم نشرح را بخواند مراد حاصل انشاء الله **ختم سوره** قل یا ایها الکافرون در کتاب عدة الداعی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس بامداد بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده بار این سوره را بخواند و صد بار صلوات فرستد باین طریق اللهم صل علی النبی الامی محمد و آله و سلم هر مرادی که داشته باشد بی شک بر آورده خواهد شد راوی گوید من او را تجربه کردم **ختم سوره** انا انزلناه بجهة وسعت رزق هر روز یکده مرتبه بعد از نماز صبح بخواند دولت حق را مشاهده نماید و از جمله مجربات است **ختم** بعضی از علما و اهل دعا گفته اند که اگر کسی این سوره را از برای هر حاجتی و مطلبی سیصد و شصت و دو بخواند آن حاجت بر آورده میشود و همین عدد از برای دفع فقر و فاقه و زوال عسرت و احتیاج و از برای غنی و ثروت و توانگری و ادای دین او مجربات است و از حضرت صادق علیه السلام حکایت کنند و او داشت که هر که مداومت کند باین سوره روزی او از جائی رسد که گمان نداشته باشد و بعضی گفته اند که عدد ختم این سیصد و چهل است **ختم** سوره انفطار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که این سوره را مداومت کند در هر کاری و جائیکه در ماند هفتاد بار بخواند نجات یابد و اگر همین عدد محبوس یا اسیر بخواند خلاصی یابد و اگر آیه ما غرک بربک الکریم را از این سوره بر پوست سنبع بنویسد با خود دارد روزی او فراخ گردد و در معاملات منفعت تمام یابد بشرط آنکه وقت نماز از خود دور کند

صفات حا بود شش بی تامل ز خا همس است استعلا علاوه بود ذال انفتاح و جهر دیگر میان رخوه و شده و تکریر

تمام انفتاح است سعل سکون و انفتاح اکنه رخا و تسفل با سکون در خوه بشمر سکون و انحراف هفتمین گیر

سکون همس در خوه بیح بسیار ز جنس انفتاح و شده و جهر بود دارا صفت هفت ای برادر صفات ذال بدان شش جز باشد

ششم تجهر بود نیکو نگهدار تسفل قلقله دانش بود بهر تسفل انفتاح و جهر بشمر تسفل گر تو را تمییز باشد

جدول سیم در آداب استخاره و استخاره که در هر روز از ساعات تمام ایام اسبوع یعنی که هفته

جدول چهارم در معرفت انواع استخاره که پنج نوع است اول و دوم ازین انواع استخاره رقاع بر چهار نوع متنوع است

اولا استخاره نکرده است در واجبات و منهیات الهی بلکه استخاره کرده است در مباحات و توجه مستحب بمستحب دیگر که با هم جمع نشود مثل زیارت امامی دون امامی و صلة دون صلة و کذلک و در اثنای استخاره سخن گفتن لقول الجواد علیه السلام و توجه داشتن بطلب بسوی خدا و انگشتر عقیق در دست داشتن که نام محمد و علی بر آن نقش باشد و تعظیم و تمجید الهی و استغفر الله گفتن در امور سهله هفت مرتبه و در دشوار صد مرتبه و نماز استخاره کردن و آن دو رکعت است در هر رکعت حمد و هر سوره که خواهد بخواند و در قنوت هر دعا که خواهد میخواند پس چون سلام دهد حمد و ثنای او کرده صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده بگوید

[illegible]

اول رقاع منقول از ...

[illegible]

دوم استخاره ذات الرقاع که منقولست از حضرت صادق

[illegible]

سیم ...

[illegible]

چهارم استخاره رقاع از حضرت رضا

از حضرت رضا علیه السلام مرویست که چون اراده کنی کاری را پس بنویس در شش پارچه کاغذ بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعل و در سه دیگر بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعل و بجای لفلان بن فلانة در همه رقاع اسم خود و مادر خود را بنویس پس بگذار آن شش رقعه را در زیر سجاده خود پس دو رکعت نماز بکن و چون فارغ شوی سجده کن و صد مرتبه در سجده بگو اللهم خر لی و اختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة پس درست بنشین و رقعه ها را در زیر سجاده بشور کن و بیرون آور یکی یکی پس اگر بیرون آید سه رقعه از پی یکدیگر افعل پس بکن آن کار را و اگر بیرون آید سه رقعه از پی یکدیگر لا تفعل پس نکن آن کار را و اگر بیرون آید بعضی افعل و بعضی لا تفعل پس آنچه بیرون آید از رقعه ها تا پنج رقعه پس در دیگر به نگر پس عمل کن بآنچه بیشتر است از افعل و لا تفعل و بگذار رقعه ششم را که احتیاج به بیرون آوردن آن نیست

آن سوره تکویر از همان حضرت مرویست که بجهة خلاصی از بلیات بیست و یکبار بخواند نافع است **وایضا** این سوره را در وقت اذان یکصد بار بخواند و از خدا تعالی حاجت بخواهد البته روا شود و اگر این سوره را بر گلاب بخواند و قدری از آن در چشم کشند روشنائیش زیاد شود و اگر این سوره را بر چشمه خوانند که درد داشته باشد

در بیان استخاره است

سکون و انفتاح و جهر در خوه
بدان شین است چو سین و صفیر و یک
رخاوه دان صفیر انگاه ای دل
بدان اطباق و استعلاست از ظار

صفیر است ار کنی بروی تو تکیه
صفیر از سین تفشی شین بدان یک
تقلقل گر کنی گردی تو کامل
چو جهر و قلقله شده دگر ظا

بود سین بجو زاد ز صف هم جنس
صفات صاد استعلا و اطباق
ز ضاد اطباق و استعلا و رخاوت
نخست اطباق باقی دان که جون

ولی میدان بجای جهر اد جنس
سکون همس ای مشهور عالم
سکون و جهر دان و استطالت
رخاوه جهر و استعلا سکون

جدول پنجم در معرفت استخاره بسبحه و بنادق و قلب از برای هشت نوع		جدول ششم در معرفت استخاره بتسبیح بر نوع ا	جدول هفتم در معرفت استخاره بمصحف چهار است و آن بر نوع
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

نوع دوم استخاره بنادق مشهور بمصر است	چهار مرتبه از ائمه	نوع سیم استخاره بتسبیح که مروی از حضرت صادق	نوع دوم استخاره بمصحف منقول از ابن طاوس
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

پنجم مروی از ائمه علیهم السلام بتقلب	ششم مروی از حضرت صادق	هفتم مروی از حضرت رضا بتقلب	هشتم مروی از حضرت صادق بتقلب	نوع سیم خیرة القرآن	نوع چهارم خیرة القرآن	نوع سیم منقول از علامه رحمة الله	نوع چهارم منقول از ابن فهد
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تا مرض دیگر شفا یابد
البته **ختم سوره** تکاثر از برای هر مطلبی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در دویست و بیست و یک بار بخواند در جای خلوت و بخور خوش نماید و بعد از آن هزار مرتبه صلوات بفرستد که انشاء الله برآورده است **ختم سوره** بهادر جهت غلبه کردن بر دشمن سه بار بخواند بر مشت خاک و بطرف دشمن بریزد مقهور گردد اگر بر بیمار خواند ناخوشی و تسکین یابد و اگر بخواند این سوره طلا و مت بهار از هر شئی ذی شرحی ایمن گردد و اگر بر انبار غله بخوانند از هر موذی محفوظ باشد **ختم سوره** ماعون اگر کسی بخواهد قرض او ادا شود یا رزق او زیاد شود چهل و یک بار سوره را بخواند فرزندان او محتاج نگردند و خواننده در حفظ و حمایت خدا و محفوظ باشند تا روز دیگر **ختم سوره** القارعه جهت بر آمدن هر مطلب و مهمی یکصد و هشتاد بار بخواند مجرب است و اگر معیشت به وی تنگ باشد بنویسد و با خود دارد روزی او وسیع گردد **ختم سوره** والتفاث اگر این سوره را بر انبار بخواند از هر آفت ایمن گردد و اسباب وسعت رزق بجهت او آماده شود و اگر بعد از اسم مبارک علی بخواند که این سوره در شان او نازل شده است روزی او برسد از جایی که گمان نداشته باشد **ختم سوره** ماعون بجهت فتوحات عظیم از شب دوشنبه تا یازده شب هر شب یازده مرتبه این سوره را بخواند و در هر مرتبه بعد از اتمام سوره این آیه را بخواند یا ایها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون و یازده بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد تجدید کند و حاجت خود را بخواهد که برآورده است **ختم سوره** فیل در

دست کرده را ذکر و دعوت ما لا باشد
بعضی کتب مسطور است که هر کس در شب سه شنبه یا چهار شنبه این سوره را بخواند بعد هر حرفیکه در خود این سوره است و هر دفعه دو بجانب دشمن کند و بد کند دشمن هلاک شود و این سوره بلیه ... وحشت دفعه است دیگر ذکر بعضی از خواص سور کلام الله است ۱۳۱ بحجره در مصباح نقل شده از انیقرار است

اما الفاتحة هي شفاء من كل داء الا السام وان كتبت في ماء طاهر ومحت الكتابة بماء المطر وغسل المريض بها وجهه برئ وان شرب هذا الماء من يجد في قلبه رجفانا وخفقانا زال

البقرة تعلق على الموجوع والمجنون والفزع والمصروع والفقير ولو فاهم

آل عمران يكتب بزعفران وماء ورد وتعلق على الشجرة يثمر والمرأة تحبل

النساء من دفن شيئا وضاع عنها فليكتب فيها ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات الاية في اناء حديد ويمحاه بماء المطر ويرشه في المكان الذي فيه يمدفون يظفر به ان شاء الله ومن قرأها على تمرة ثلثا بعد البسملة ربنا لا تزغ قلوبنا الاية على المعدة الموجوع برئت

المائدة من كتبها وجعلها في منزله او صندوقه لم يسرقه شيء

الانعام من كتب منها ليلا في قرطاس وقت السحر قوله ان يمسسك الله بضر الاية وعلقها على وجع الرأس واليد برئ

الاعراف من كتبها بماء ورد وزعفران وعلقها عليه امن من الحيتة والسبع والعقرب والضلال في الطريق

الانفال من علقها عليه من يقف بين يدي حاكم الا قضى له على خصمه

التوبة من جعلها في بجارته او قلنسوته امن من اللصوص والحريق

يونس قوله تعالى واذا مس الانسان الضر دعانا الاية لوجع الرجلين والساقين والجنب يكتب في غضارة طيبة بطيقة ثم يملأ الغضارة زيتا طيبا وتعلا على نار لينة وتدهن هذه الاوجاع بالزيت المذكور

هود من نقش قوله تعالى وقال اركبوا فيها بسم الله مجريها الاية حفظ السفينة في البحر يكتب في لوح ساج ويسمر في مقدمها

يوسف من كتبها وجعلها في منزله ثلثة ايام واخرجها الى جدار البيت من خارجه ودفنها لم يشعر الا ورسول السلطان يدعوا الى الحضرة وعمال حظوة وجاها ومن كتبها وشربها سهل الله له الرزق من كل احد

الرعد عن علي عليه السلام يقرأ من به الثالول فليقرأ عليها هذه الآيات سبعا في نقصان الشهر ومثل كلمة خبيثة الاية وكمثل اجتثت الجبال تبنا وكانت هباء منبثا

ابرهيم من كتبها في خرقة حرير بيضاء وعلقها على عضد الصغير امن من الفزع والبكاء والتوابع وجميع الاسواء

الحجر من كتبها بزعفران وسقاها الامرأة قليلة اللبن كثر لبنها ومن كتبها وجعلها في جيبه او عضده كثر بيعه وكسبه ورزقه

النحل من جعلها في حائط بستان لم يسقط فيه ثمرة الا وسقط حملها وانتثر وان جعلت في منزل قوم باضيا هلكهم واسماهم نادوا

الاسرى من خرزها وعلقها عليه في خرقة حرير خضراء لم يخط رميه

الكهف في اناء زجاج ضيق الراس [illegible]

جواستعلا سکون ان نور عینیس جو شده قلقله با جهر از قاف ولی تکرار از مخصوص را دان شناس ونون بلین هم هست مشهود	رخاوه بنفتاح وجهر از غین سد اسفل واستعلا از اوصاف صفات لام ورا هر دو یکی خوان بدان تو نون باین اوصاف مذکور	صفات جر و استعلا ز عین است تسفل انفتاح وهمس ورخوه تسفل انفتاح وهمس وشده تسفل انفتاح وجهر از میم
		تسفل انفتاح وبین بین است سکون نفخ فا دادان تو کر سکون کاف بیان بی سقت سکون بین بین غنه بی میم

(۱۰) در تجوید

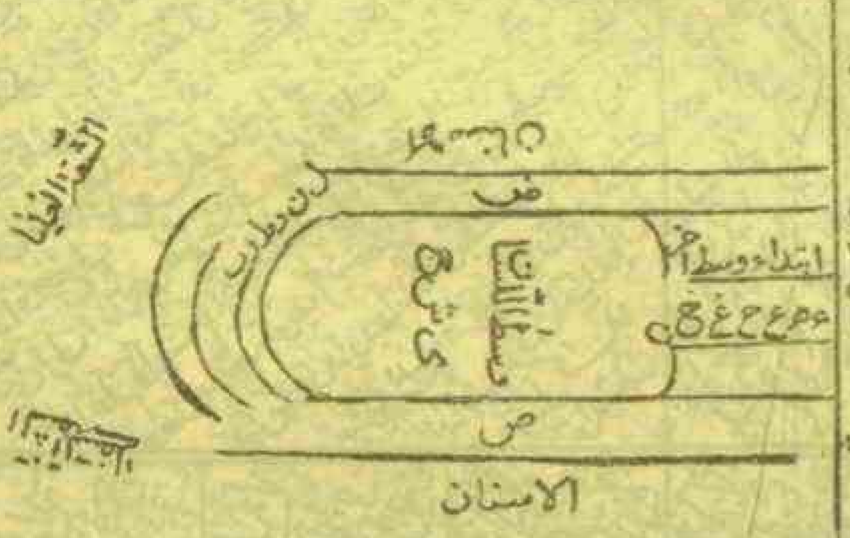
خاتمه در ذکر بعضی از فوائد متفرقه مهمه هر چند ذکر آن از رساله بیرون است مشتمل بر پنج جدول اول در ترتیب نام دندانها دوم در ذکر قوت شنیدن قرآن سیم در معرفت مخارج حروف چهارم در بیان سجده های قرآن پنجم در معرفت حروف کاتبه

جدول اول در معرفه وقف تام و کافی و حسن و قبیح و معانی و امثله آنها با ذکر حصه و قرآء					الاسامی	الاعداد	المواضع
رموز	المعانی	الامثلة			ثنایا	چهار	دندانهای پیش است دو از زبر و دو از بالا
لا	المتعلق بما بعده مطلقا	مالك يوم الدين اياك			رباعیات	چهار	از چهار جانب ثنایا دو از راست و دو از چپ یکی از زبر و دیگری از بالا
قبیح	المتعلق بما بعده معنی	مما رزقناهم ينفقون			انیاب	چهار	از چهار جانب رباعیات دو از راست و دو از چپ یکی از زبر و دیگری از بالا
حسن	المتعلق بما بعده لفظا	الحمد لله رب العالمين			ضواحک	چهار	از چهار جانب انیاب دو از راست و دو از چپ یکی از زبر و یکی از بالا
تام	ما لا يفهم المعنى منه	بسم الله			طواحن	دوازده	از چهار جانب ضواحک شش از راست و شش از چپ سه از زبر و سه از بالا
					نواجذ	چهار	از چهار جانب طواحن دو از راست و دو از چپ یکی از زبر و یکی از بالا و این دندان عقل گویند که وقت بیست سالگی تا سی و چهل سالگی هم میروید و با تنها بنو دستا اش نیز گویند

جدول دوم در معرفت رموز وقوف و حروف اوقاف و معانی و امثله آنها با ذکر قرآء

رموز	المعانی	رموز	الامثلة
لا	لا يوقف عليه وسببه الوقف القبيح	س	سكتة اي سكوت بلا تنفس
م	وقف لازم وسببه الوقف التام	قف	قيل عليه الوقف وقيل سكوت مع النفس
ط	وقف مطلق وسببه الوقف الكافي	قفه	قيل عليه الوقف سكتة
ج	جاز وصله والوقف اولى وسببه الكافي	ق	قيل وقف وقيل لا
ز	وصله اولى من الوقف وسببه الوقف الحسن بتعدد	صل	الوصل والوقف اولى منه
ص	وقف رخصة وسببه الوقف الحسن بوجه	صلى	الوصل اولى من الوقف
ق	وقف عليه البعض	ك	كذا اي كالرمز السابق

جدول سیم در معرفت مخارج حروف



جدول چهارم در بیان سجده های قرآن

[illegible]

دعا بعد از فراغ ختم

وقد ختم على يد مؤلفه العبد الفقير الى الله الغني ابن عبد الرزاق عبد النبي عفى الله عن جرائمهما في يوم الخميس الثاني والعشرين من شهر رجب المرجب من سنة خمس وستين ومائتين بعد الالف من الهجرة النبوية على هاجرها الف الف ثناء وتحية

حرره العبد الاثم محمد علي مدرس

بدان همت است وصف واو ازان پنج
چو باشد ساکن ما قبل مضموم
در او ثقل است چون حرکت درست
ثقل بار خاوه پنج بشمار

ثقل انفتاح وجهر بر پنج
بمدیت شود آن واو موسوم
بدان این نکته را مگذار از دست
ششم لین نهمتین شش

رخاوه با سکون آنگاه مد است
و گر ما قبل او مفتوح باشد
صفت همت است اکنون
وصف هشت است ای برادر

بهفتم لین مراد را حد عد است
اگر لینش بخوانی واو شاید
شمارم انفتاح و همس و سکون
ز شوق او بود خوشدل پر آذر

ما آیات قرآن در تعبیر

تعبیرنامه در بیان احکام تعبیر خواب

از ائمه معصومین صلوات الله علیهم منقول است که هر کس خوابی ببیند و تعبیر آن خواهد که بداند ببیند که از ماه چند شب گذشته است بعوض هر شب یک سوره از سوره های قرآنی شماره کند و بعد از آن در آن سوره نیز بعدد هر شبی که گذشته است آیه بشمارد در آیه آخر تعبیر خواب او خواهد بود مثلاً اگر از ماه ده روز گذشته باشد ده سوره از اول قرآن بشمارد که سوره دهم آیه دهم همان سوره تعبیر خواب او خواهد بود **اگر در شب اول ماه** دیده شود سوره اول قرآن فاتحة الکتاب است و آیه اول بسم الله الرحمن الرحیم است این آیه اشاره است بر کسیکه در شب اول ماه واقعه که دیده باشد از معنی این چنان مستفاد میشود که مکتوبی یا حکمی از بزرگی باو برسد که سبب خوشحالی او بوده باشد و بنا بر قول جمعی که آیه اول الحمد لله رب العالمین است از معنی این چنان مستفاد میشود که یک نعمتی که قبل از این بوده باو برسد و آن کس شکران نعمت را بگوید **واگر در شب دوم ماه** دیده شود سوره بقره است بنابر اختلاف مفسرین از معنی این حروف الم و بقول آیه دوم ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین از الم حیات مستفاد میشود که خواب بیننده بر امری مطلع شود که در خاطر نگذشته باشد از ذلک الکتاب چنان مستفاد میشود که حکمی یا مکتوبی باو برسد که سبب خوشحالی و منزلت و جاه او باشد **واگر شب سیم ماه** دیده شود سوره آل عمران است و آیه سیم اینست نزل علیک الکتاب تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که سه چیز متعاقب سه آیه دلالت بر سیدن سه چیز دارد **واگر در شب چهارم** دیده شود سوره نساء است و آیه چهارم و آتوا النساء صدقاتهن نحلة تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که زنی مجلله یا مال عظیم بخانه خواب بیننده برسد یا از خانه چیزی و هدیه بجهت او باو برسد **واگر در شب پنجم ماه** دیده شود سوره مائده است و آیه پنجم الیوم یئس الذین کفروا من دینکم تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که از اهل کتاب مثل نصاری و یهود نفعی بخواب بیننده برسد و شاید بنوع دیگر بخوشحالی مبدل شود **واگر در شب ششم ماه** دیده شود سوره ششم سوره انعام است و آیه ششم ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن مکناهم فی الارض تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که خبری ناخوش بصاحب خواب رسد که صاحب دولت و عظمت بوده باشد که نفعی یا بنده از زندگی **اگر در شب هفتم** ماه دیده شود سوره هفتم سوره اعراف است و آیه هفتم الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون از معنی این چنان مستفاد میشود که کارها از کارها خود را بجمعی فرماید بعضی از ایشان سعی کنند باعث رفعت ایشان شود و بعضی دیگر تقصیر کنند که از نظر خواب بیننده بیفتند **واگر در شب هشتم** ماه دیده شود سوره هشتم سوره انفال است و آیه هشتم لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون از معنی این چنان مستفاد میشود که میان خواب بیننده و شخصی دیگر کدورتی یا دعوائی بوده باشد بخصیم و امثال این طایفه عرض شود حق معلوم شود که بطرف خواب بیننده است **واگر در شب نهم** ماه دیده شود سوره نهم است و سوره نهم توبه است و آیه نهم کیف وان یظهروا علیکم لا یرقبوا علیکم تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که دو نفر بجهت قطع معامله در نزد خواب بیننده برسند **واگر در شب دهم** ماه دیده شود سوره دهم است سوره دهم سوره یونس است و آیه دهم دعواهم فیها سبحانک اللهم و تحیتهم تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که از خواب بیننده خیری و عمل صالحی در وجود آید که در دنیا و آخرت نفعی باو برسد **واگر در شب یازدهم** ماه دیده شود سوره یازدهم است و سوره یازدهم سوره هود است و آیه یازدهم الا الذین صبروا و عملوا الصالحات اولئک لهم مغفرة و اجر کبیر از معنی این چنان مستفاد میشود که کار مشکلی پیش خواب بیننده آید که در نظر خلق باشد چون صبر کند موجب نیکنامی و راحت ایام عمر او باشد **اگر در شب دوازدهم** ماه دیده شود سوره یوسف است و آیه دوازدهم قال انی لیحزننی ان تذهبوا به تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که عزیزی مثل فرزند و امثال آن دور افتد و عاقبت آن دور افتاده بخیر باشد و خواب بیننده را از آن کدورتی بهم رسد و عاقبت انبیاء نبی خوب باشد **واگر در شب سیزدهم** ماه دیده شود سوره رعد است و آیه سیزدهم یسبح الرعد بحمده و الملائکة تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که چیزیکه باعث ملال خاطر خواب بیننده باشد بخواب بیننده برسد فبها القیاس **واگر در شب چهاردهم** ماه دیده شود سوره ابراهیم است و آیه چهاردهم این است ولنسکننکم الارض من بعدهم ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید از معنی این چنان مستفاد میشود که کسیکه دوست یا دشمن خواب بیننده باشد باو برسد فبها القیاس **واگر در شب پانزدهم** ماه دیده شود سوره حجر است آیه پانزدهم لقالوا انما سکرت ابصارنا بل نحن قوم مسحورون از معنی این چنان مستفاد میشود که شخصی با خواب بیننده بسبب گفتگوی باطل کدورتی برسد و کار خواب بیننده خوب شود **واگر در شب شانزدهم** ماه دیده شود سوره نحل است و آیه شانزدهم و علامات و بالنجم هم یهتدون از معنی این چنان مستفاد میشود که خواب بیننده را حالتی غیر حالتی که داشت از جانب شخص خوبی و بزرگی عظمت بهم رسد در هر باب **اگر در شب هفدهم** ماه دیده شود سوره بنی اسرائیل است و آیه هفدهم و کم اهلکنا من القرون تا آخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که امری که موجب ملال خاطر خواب بیننده باشد و حزن و اندوه او باشد ظاهر شود و عاقبت بخیر باشد و خیرات و تصدق نماید که دفع بلا کند **واگر در شب هجدهم** ماه دیده شود سوره هجدهم است سوره هجدهم سوره کهف است و آیه هجدهم

امن فی منزل من الدین والفقر **هر یم** من جعلها فی اناء زجاج نظیف فی منزله کثر خیره و منع منه طوارق السوء و من شربها و هو خائف امن **طه** من جعلها معه و مضی الی قوم یریدا لزوجیج معهم تعجبوه و ان وضعت لاصلاح بین المتناقضین تا لفوا و ان مشی بها بین عسکرین افترقوا و من کتبها و شربها و دخل علی سلطان امن فتنه و دناءه **الانبیاء** یکتب للمریض و من طال فکره و سهره **الحج** من کتبها فی رق غزال و جعلها فی جنب مرکب ایته الزیاح و لم یسلم و من کتبها و دفنها فی موضع وال و قاض لم تهتقص عیش ضیاء الا ان یخرج منه **المؤمنون** من کتبها ایلادی جعلها فی خرقة حریر خضراء و علقها علیه لم یشرب الخمر **النور** من جعلها فی فراشه الذی ینام فیه لم یحتلم و من کتبها فی طشت نحاس و محاها و سقاها الدابة المریضة و یرش علیها من الماء برئت **الفرقان** من کتبها و دخل علی قوم بینهم بیع او شراء تفرقوا و لم یقرب موضع شیء من الهوام **الشعراء** من علقها علی دیک ابیض افرق ثم اطلقه فانه یمشی و یقف فحیث ما وقف وجد کنز او سحر **النمل** من اراد ان لا یخرج علیه الدرهم الا لاذم لیشتری ایة من لیمد **القصص** من کتبها و علقها علی عبد امن علیه من الزنا و الهرب و الخیانة و کذا اذا علقت علی وجع الکبد و البطن و المطحول و من شربها بماء المطر نفعه من جمیع الاسقام **العنکبوت** من کتبها و شربها زالت عنه حمی الربع و الاوجاع **الروم** من جعلها فی اناء زجاج ضیق الرأس فی منزل قوم اعتل من فیه و ان دخل الیه قریب اعتل **لقمان** یکتب لمن به نزف الدم و الاوجاع **السجدة** من جعلها فی منزل و العزل فی سنته و من علقها علیه امن من الحمی ذات الشقیقة **الاحزاب** من کتبها فی رق طبی و جعلها فی حق فی منزله تزوج بنات سریعا **سبأ** من کتبها فی وقت ... جعلها فی خرقة بیضاء و حملها امن من الهوام و من العقوبة و الثبل و الحجارة و الحدید **فاطر** من کتب منها ان الذین یتلون کتاب الله الاتین فی ربع حرق قطن جدید طاهر و جعلها فی تجارة ربحت **یس** من سقاها لامرأة کثر لبنها و امن من جعلها من العین و الجن و یکون کثیر المنافع **الصافات** من اغتسلت بمائها ذات الاولاد **ص** قوله تعالی ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب من اکثر من تلاوة هذه الایة و هو محموم حسن بها **الزمر** من جعلها علی عضده کان محبوبا فی اعین الناس و اثنوا علیه خیرا **غافر** من کتبها الید و جعلها فی دکان کثر زبونه او

تشفل انفتاح وجهر و مد خوان
چو یا ساکن بود ما قبل مکسور

رخاوه با سکون لین بود آن
بمدیت بود آنگاه مشهور

در بیان حروفات مذکوره با وصاف

بود مجهوره زیشان نوزده حرف
بگویم گر بمی بندی ز وطرف

صفات یا بود چون واو جانا
بود مفتوح اگر ما قبل یارا
بدان کین حرفها هستند مشهور
مطبق ظل قوم ربض اذ جند

تفاوت این چنین فرمود دانا
بوصف لین بود موصوف یارا
بوصفی باز از این اوصاف مذکور
غرد ان این چنین دانا بما خواند

وتحسبهم ایقاظا وهم رقود تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که منزلی مجلدی یا ملکی مجددی در تصرف خواب بیننده در اید یا ما قبل از ان خبر غلطی باو رسید و در اخر ظاهر شود که ان خبر غلط است **واگر در شب نوزدهم** ماه دیده شود سوره نوزدهم سوره مریم است و ایه نوزدهم قال انما رسول ربک لاهب لک غلاما زکیا از معنی ایه چنان مستفاد میشود که رسولی از جانب بزرگی در نزد خواب بیننده اید و خبرهای دل پسند خاطر خواه باو برسد **واگر در شب بیستم** ماه باشد دیده شود سوره بیستم سوره طه است و ایه بیستم این است فالقیها فاذا هی حیة تسعی از معنی ایه چنان مستفاد میشود که حجه و برهان قوی مثل عصا موسی و ید بیضا در تحت تصرف خواب بیننده در اید باین طریق و اقعه وجود را قیاس نماید **واگر در شب بیست و یکم** ماه دیده شود سوره سوره انبیا است و ایه بیست و یکم ام اتخذوا الهة من الارض هم ینشرون از معنی ایه چنان مستفاد میشود که کسی با خواب بیننده خشم بر طرف کند باین نوع مطلب خود را قیاس نماید **واگر در شب بیست و دوم** ماه دیده شود سوره بیست و دویم است و سوره بیست و دویم سوره حج است و ایه بیست و دویم کلما ارادوا ان یخرجوا منها تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده را قضیه رو دهد که موجب ملال خاطر او باشد و هر چند سعی کند از ان خلاص نشود **اگر در شب بیست و سیم** ماه دیده شود سوره مومنین است و ایه بیست و سیم و لقد ارسلنا الی قومه فقال یا قوم تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده را خبر خوبی از جانب بزرگی باو برسد که او باور نکند تا انکه تفحص بکسی کند و ان کس باور نکند **واگر در شب بیست و چهارم** ماه دیده شود سوره بیست و چهارم است و سوره بیست و چهارم سوره نور است و ایه بیست و چهارم یوم تشهد علیهم تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده با شخصی بد خواهی یا خصومت پیش اید که خصم او با و غالب اید یا خواب بیننده بد حجه آرد و غالب گردد **واگر در شب بیست و پنجم** ماه دیده شود سوره فرقان است و ایه بیست و پنجم و یوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائکة تنزیلا از معنی ایه چنان مستفاد میشود که مصیبتی عظیم و امر ناخوش و خصومت و گفتگوی ناشایسته ببیند **واگر در شب بیست و ششم** ماه دیده شود سوره بیست و ششم سوره شعرا است و ایه بیست و ششم قال ربکم ورب ابائکم الاولین از معنی ایه مستفاد میشود که شخص نسبیا خوبی معقولی در مقام نصیحت و موعظه ان شخص در اید تا خواب بیننده بجواب و سوال بخصم خود غالب گردد و شاگرد **واگر در شب بیست و هفتم** ماه دیده شود سوره نمل است و ایه بیست و هفتم این است قال سننظر اصدقت ام کنت من الکاذبین از معنی ایه چنان مستفاد میشود که جاسوسی با بن کس رسد و این کس در صدق ان خبر شود که راست شود **واگر در شب بیست و هشتم** ماه دیده شود سوره قصص است و ایه بیست و هشتم این است قال ذلک بینی وبینک ایما الاجلین تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که مهمی پیش خواب بیننده اید که ان شخص مخیر باشد در اخذ ان تدبیر را حکمی بنا شد هر چند کلام بشنو کند سعی کنند قبول نمیشود **واگر در شب بیست و نهم** ماه دیده شود سوره عنکبوت است و ایه بیست و نهم این است قال رب انصرنی علی القوم المفسدین از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده مامور میشود با صلاح جمعی اگر با ایشان جنگ کند ظفر یابد و همه احوالات خواب بیننده شود **واگر در شب سی ام** دیده شود سوره سی ام روم است و ایه سی ام این است فاقم وجهک للدین حنیفا فطرة تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده را امری پیش اید که جماعتی خواهند که او را از ان امر برگردانند و سخن ایشان را گوش نکند و سخن گوش نکردن او صواب باشد العلم عند الله

در خواب دیدن در هر ماه

منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که خواب دیدن در اول ماه با طلست دویم و سیم بر عکس بود چهارم و پنجم بنا خیر افتد ششم و هفتم و هشتم و نهم انچه را ببیند در آن بود دهم و یازدهم و دوازدهم بنا خیر افتد **سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم** نه خیر باشد و نه شر با طلست شانزدهم و هفدهم باخیر افتد **هجدهم** و نوزدهم درست باشد بیستم و بیست و یکم درست باشد بیست و دوم و بیست و سیم فرح و شادی باشد **بیست و چهارم** و بیست و پنجم بر عکس باشد بیست و ششم و بیست و هفتم نیز بر عکس باشد بیست و هشتم درست باشد بیست و نهم و سی ام درست باشد و در روایت سلمان فارسی رضی الله عنه خوابی که در روز ششم ببیند بعد از یک روز یا دو روز تعبیرش ظاهر شود و در روز نهم خوابیکه دیده شود در همان روز اثرش ظاهر شود و در روز دهم خوابیکه دیده شود بعد از بیست روز تعبیرش ظاهر شود و در روز یازدهم تعبیرش بعد از بیست روز بظهور اید و در روز سیزدهم خوابی که دیده شود بعد از نه روز تعبیرش ظاهر شود و در روز چهاردهم بعد از بیست و شش روز بعمل اید و در روز پانزدهم بعد از سه روز اثرش ظاهر شود و در بیست و هشتم در همان روز اثرش ظاهر شود و در بیست و نهم نیز در همان روز اثر و تعبیرش ظاهر شود **در نحوست ایام ماه منقول از چهل فصل علامه مجلسی** بیک روایت روز سیم و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم نحس است و این مذهب مختار اهل شرع و منجمین است **و روز عاشورا** از همه روزها نحس تر است و همچنین روز عاشورا که دهم محرم باشد و این روز نیز نحس است و بعضی هشتم محرم را نیز نحس میدانند و بیست و هشتم ماه صفر و بیست و یکم ماه مبارک رمضان و از ایام هفته روز دوشنبه و چهارشنبه و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بیست و چهار روز نحس است در هر سال که در هر ماهی دو روز باشد و اگر کسی بیمار شود بمیرد و اگر کسی بسفر رود بر نگردد و اگر بجنگ رود

بستان کثر ثمره وان حملها ذو قروح او دمل برئ باذنه **فصلت** من کتبها بماء المطر ومحاها وسحق بما لها کحلا واکتحل به نفع من الرمد والبیاض واوجاع العین **الشوری** من کتبها وشربها فی سفره قل عطشه وان رش هذا الماء علی مصروع احترق شیطانه ولم یعد الیه **الزخرف** من سقاها للزوجة المخالفة اطاعت ومحاها یشفی المعصوص من البطن ویسهل المخرج ومن حملها امن من کل شر وان وضعت تحت نائم لم یری فی نومه الاخیر **الدخان** من حملها کان مهابا محبوبا امنا من شر کل ملک ومن شربها امن من کل نمام وان علقت علی طفل حین ظهوره امن من الجن والهوام **الجاثیة** من حملها امن من کل محذور ومن جعلها تحت راسه کفی شر الجن **الاحقاف** من کتبها فی صحیفة وغسلها بماء زمزم وشربها کان وجیها محبوبا حافظا **محمد** ص من علقها علیه فی القتال نصر ومن شرب ماءها ذهب عنه الرعب والزجر ومن قراها فی البحر منه امن **الفتح** من علقها علیه امن من السلطان وان علقت علی حامل او بنت لم یغیر بعد وان شربت ماءها زاد لبنها **الحجرات** اذا علقت فی مکان لم یقربه شیطان وان علقت علی مصروع لم یعد الیه شیطانه **ق** من کتبها فی صحیفة ومحاها بماء المطر وشربها الخائف والهاثم والشاکی بطنه وفمه زال الم وان غسل بمائها فم الطفل الصغیر خرجت اسنانه بغیر الم **الذاریات** اذا علقت علی مطلقة وضعت سریعا **الطور** اذا ادمن قراءتها المسجون خرج والمسافر امن حرس **النجم** قوله تعالی افمن هذا الحدیث تعجبون وتضحکون ولا تبکون وانتم سامدون یکتب وتعلق لبکاء الاطفال **القمر** من کتبها یوم الجمعة وقت الظهر وجعلها تحت عمامته کان محبوبا مقبولا **الرحمن** یشرب للطحال ووجع الفواد وتعلق علی الرمد والمصروع یکتب علی حائط البیت فیذهب هوامه **الواقعة** تسهل الولادة تعلیقا **الحدید** من علقها علیه امن من الحدید فی القتال واذا قرأت علی الحدید خرج من غیر الم ویغسل الحمرة والورم والمجروح والقروح بمائها تبراء باذن الله تعالی ومن حملها لم یرخصه **المجادلة** یقرا عند المریض یسکن وعلی ما یخزن یحفظ واذا طرحت فی الحبوب لم تفسد ومن قرءها حفظ من کل سوء **الحشر** من کتبها فی جام زجاج وغسلها بماء المطر وشربها رزق الحفظ والفطنة **الممتحنة** تکتب ثلثة ایام متوالیة وتسقی للمطحول یزول الم **الصف** من ادمن من قرائتها فی سفر حفظ فیه الی ان یرجع **الجمعة** من ادمن قراءتها لیلا و نهارا وصباحا ومساء امن من وسوسة الشیطان **المنافقون** تقرء علی الدمل یبرئ باذن الله تعالی **التغابن** من قراها

ده دیگر از آن مهموسه میدار
بر حوف ثخ نزده میدان معتبر
میان رخوه وشدّه بود پنج
حروف مطبقه چار است ای یار

فحثه شخص سکت جمله تو بشمار
بخوانم بر تو ای تلمیذ بشنو
لعمرن عمر بن بشناس
تو صاد و ضاد و طا و ظا

ستشحذه ... میدان ای برادر
زذ خاص شت سیف خط ضغز
چو مستعلان قظ خص ضغط است
تمامیم راه آسان

اجد قط بکت خوان ای برادر
روانی یادگیر این مصرع نغز
چو استعلا بدان کز حرف ضد است
حروف منفتح ضدش همی دان

اختیارات ایام ماه

کشته شود واگر فرزندی متولد شود نماند بدین دستور از برای هیچ
کار خوب نیست والله اعلم **محرم** یازدهم و چهاردهم **صفر** یکم و
هشتم **ربیع الاول** یکم و بیستم **ربیع الثانی** یازدهم و بیستم
جمادی الاولی دهم و پانزدهم **جمادی الثانیه** دویم و چهارم **رجب**
یازدهم و سیزدهم **شعبان** سیم و چهارم **رمضان** سیم و بیستم **شوال** ششم
و بیستم **ذی قعده** دویم و پنجم **ذی حجه** ششم و هشتم واز برای مسافر قمر در
عقرب و قمر در اسد بودن خوب نیست واز برای نکاح کردن قمر در عقرب بد است

ایضاً در معرفت خلاصه اختیارات از قول حضرت امام جعفر

الصادق علیه السلام منقولست که در هر ماهی کدام روز برای کارها خیریت دارد
اول ماه نیکست برای بیع و شری و سفر کردن **دویم ماه** مبارکست تجارت و طلب
حاجت **سیم ماه** بد است برای جمله مهمات خاصه دیدار ملوک و سفر کردن **چهارم**
ماه نیکست برای جمله حاجات الا سفر کردن **پنجم ماه** بد است جمله امور خاصه دیدار
ملوک و اکابر **ششم ماه** نیکست سفر خیر کردن و بناها کردن را **هفتم ماه** نیک
است مناکحه و بنا و حرکت را **هشتم ماه** نیکست همه امور را الا سفر کردن **نهم ماه**
نیکست همه امور را الا دیدن عمال را **دهم ماه** نیکست طلب حاجات را **یازدهم** نیکست
دیدار ملوک و سفر و حاجات را **دوازدهم** نیکست همه کارها خصوصاً حاجت **سیزدهم**
توقف در مهمات اولیست **چهاردهم ماه** نیکست دیدار اکابر و ملوک و علماء
اشراف را **پانزدهم** مختار است طلب حاجت و سفر کردن را **شانزدهم** نیکست کارها
و وصیت و صلح کردن **هفدهم** نیکست طلب حاجات و نقل کردن را **هجدهم ماه** مختار
است سفر و تزویج و ابتداء کارها را **نوزدهم** نیکست دیدار ملوک و سفر کردن را
بیستم ماه بد است جمله کارها را و خلوت اولیست **بیست و یکم ماه** مختار
است سفر و تزویج و عمارت کردن را **بیست و دویم ماه** نیکست دیدار ملوک و مناکحه
کردن **بیست و سیم ماه** بد است جمله کارها خاصه سفر کردن **بیست و چهارم** حذر
از سفر کردن بسیار اولی است **بیست و پنجم** مبارکست همه امور را الا تزویج و سفر
کردن **بیست و ششم** نیکست خاصه هر کاری سفر کردن را و تجارت **بیست**
و هفتم نیکست طلب حاجات و نقل و حرکت نمودن **بیست و هشتم** مبارکست سفر
کردن و طلب گمشده و چیزهای پنهان نمودن **بیست و نهم** مبارکست سفر و طلب
گمشده **روز سی ام** نیکست همه حاجات خاصه حرکت را

در احکام روز نوروز عجم منقول از چهل فصل علامه

مجلسی علیه الرحمه **بدانکه روز نوروز** تحویل آفتاب است در محاذی برج حمل
و اول بهار است و ابتدای خوشی است و احادیث در فضیلت و بزرگواری این
روز بسیار واقع شده اما اگر نوروز در روز **یکشنبه** باشد صاحب
سال آفتاب بود حال بزرگان و ملوک میانه بود و طرب و نکاح بسیار بود
دهم نعمت فراوان بود و نرخها ارزان باشد و پنبه مضرت کند و کشته ها را هم
آفت رسد و برف کم بود و مرض بسیار بود و جو و گندم ارزان

بود و انگور نیکو بود در فصل بهار باران بسیار بود چنانچه مردم بتنگ آیند
و مرگ بسیار بود و تابستان گرم بود اما زمستان میانه بود و اگر نوروز در
روز **دوشنبه** بود صاحب سال قمر بود و حال پادشاه نیک بود و
باقوت و عظمت باشند و دیگر مردم را کلو متبا بود و نعمت فراوان بود و
نرخها ارزان و غله نیک بود و حال بازرگانان و ملاحان خوب و با منفعت
باشند و تابستان گرم باشد و زراعت کنجد و پنبه و فالیز نیکو بود و زمستان
سرما سخت باشد و سیلها فراوان و فتنه و حرب کم باشد و سرما بیوقت درآید
بیماری بسیار بود و مگس کم بود و مار و عقرب بسیار بود و اگر نوروز در روز
سه شنبه بود صاحب سال مریخ است حال بزرگان و سلاطین نیکو بود
اما کار مردم دیگر بسته بود و دلهای مردم پر غم باشد و کار تجار بسته بود
و نرخها گران بود و آشوب و حرب و اراجیف بسیار و گزندگان و حشرات بسیار باشند
و در زمین شام آفت و بیماری بود و خلایق تباه شوند و در عراق زراعت را آفت رسد
و قحط و تنگی پدید آید و ارزان شود بعد از آن و در آخر میوه ها پربها باشد و در
تابستان گرما و خشکی بسیار بود و بیشتر رنجها از بلغم بود و دروغ و خیانت در
میان مردم بسیار و کهتران بر مهتران بیرون آیند و زنان با شوهران خصومت کنند
و طلاق خواهند و در میان شرکا مخالفت پدید آید و یکی از بزرگان هلاک شود و
از جانب مشرق بزرگی بمیرد و باران بسیار بود اما بیوقت و بیفایده بود و زمستان
بغایت سرد و بعضی از میوه ها را آفت رسد و کرم پیله و ابریشم بسیار بود اما گران بود
و جراحت و دمل بسیار و کار دهقانان خوب و اگر نوروز در روز **چهارشنبه**
باشد صاحب سال عطارد بود لیکن دلالت کند در آن سال فتنه و تشویش و حرب
و مصاف و جنگ بسیار بود و نرخها گران و بیماری مردم بیشتر از گرمی و خشکی بود
و درد گلو نیز بسیار بود و در حد گیلان و طبرستان و جرجان شفتگی و تنگی و قحطی
بود و کار مردم بسته شود و تجار را زیان رسد و انصاف از میان مردم برخیزد اما
مردم عامه را از اینکه بود و علما و اهل صلاح را نیک بود و ایشان را غم و
کدورت بود و بیگدیگر کینه و حسد برند و فوت یکی از مشاهیر ایشان بود و باران
بی هنگام بیاید و سیلها بسیار بود و احوال سلاطین متغیر بود و گاه گاه بیگی
رسد و رعایا بر سلاطین عاصی شوند و کهتران بر مهتران کینه پیدا کنند و بعضی
از میوه ها را آفت رسد در تابستان بیماری و بادهای مخالف بسیار بود و پنبه
و فالیز و گندم و جو نیک بود و در آن سال خشکی و کمی آب بود و دامها از سرما
و برف زمستان گرفته شود و اگر نوروز در روز **پنجشنبه** باشد صاحب
سال مشتری بود و احوال ملوک و سلاطین وقت نیکو بود و مرادهای ایشان
برآید و حال درویشان نیک بود و نباتات خوب و پنبه و کنجد میانه باشد
و در بهار باران بود و کرم پیله وافر و ابریشم ارزان بود و چهارپایان بسیار باشند
و حال زنان و کسانیکه با ایشان کار دارند مثل عطار و گوهرفروش و
صباغ و زرگر و شعرباف و پیله ور میانه بود و در دق داد و ستد ...

و دخل علی حاکم کفاه **الطلاق**
اذا کتب علی سقف بیته و سحقت
و رمیت فی بیت او رش ماؤها
فی موضع لم یسکن وان رش فی
موضع مسکون امنا القتال و
البغضاء و ربما کان الفراق
التحریم یقرء علی المریض والمصروع
والملسوع و علی السهران والاجنا
یذهب بهم و من ادمن قراءتها
لم یبق علیه دین **الملک** یخفف
عن المیت و ینجیه من عذاب القبر
القلم اذا علقت علی من به وجع
الضرس او الصداع سکن
الحاقة تحفظ الجنین تعلیقا
من کل امر واذا سقی الجنین منها
ساعة وضعه ذکاء و حفظ من
الهوام والشیطان **المعارج**
من قراها امن من الاحلام و حلّ
الفزعة و حفظ الی ان یصبح
من ادمن قراءتها لیلا و نهارا او
عشیا فی حاجة قضیت **الجن**
من شربها وعی کل شیء یسمعه و غلب
من یناظره و هی حرز من الجن فی
المواضع الذی تتلی فیه و من
قراها و دخل علی حاکم امن او
علی محزون حفظ و اسیر فک او دین
قضی **المزمل** من ادمن قرائتها
رای النبی ص فی نومه **المدثر**
من ادمن قراءتها و سال الله
فی آخرها حاجة قضیت او
حفظ القرآن حفظه **القیمة**
قرائتها یقوی القلب شرب ماؤها
یقوی الضعف **المرسلات** من
قراها فی خصومة قهر خصمه و یزیل
الثمل تعلیقا **النباء** من کتبها
فی رق ظبی بزعفران و ماء ورد
حملها قل نومه و سهر و حفظ و قل
قمله وان علقت علی ذراع کان
فیه قوة عظیمة و شرب ماؤها
یزیل مرض البطن **النازعات**
من قراها مواجها العدو او
سلطانا امنها **عبس** من حملها
اصاب الخیر فی طریقه و کفی ما
اهمه و من قراها علی عین قد
نصب ثلثة ایام کل یوم سبعا
غزرت و من قراها علی مدفون
قد ضل عنه ارشد الله تعالی
الیه **کورت** من قراها علی العین
یقوی بصرها و تزیل المدة و
الغشاوة **الانفطار** قراها
یخرج المسجون و تعلقها الخوف
تومن المخائف **التطفیف** تقرء
علی المخزون یحفظ **الانشقاق**
تسهل الولادة تعلیقا فاذا وضعت
فانزع عنها سریعا و قراها علی
الدوابر و یحفظها و علی السلعة
تسکنها واذا کتبت علی حائط

منزل ذهب هوامه **البروج** من قراها فی فراشه حفظ او علی منزله حفظه حرس هو و من فی البیت من الاهل و المال و من قراه من ولها الی قوله قتل اصحاب الی شر
الزنابیر **الطارق** من غسل بمائها الجراح سکنت و لم یفتح و من قراها علی ای مشروب کان امن فیه من القیء **الاعلی** یقرء علی الاذن الذی تشتکی و علی البواسیر و علی الموضع المتنفخ تزول
ذلک **الغاشیه** اذا قرأت علی ما یؤکل امن فیه من النکد و علی مایؤلد سلمه الله **الفجر** من قراها احد عشرة مرة علی ذکره ثم جامع رزق ولد یقر عینه به **البلد** تسقط من ما بها من فی خباثه

عروف مذهبه خود فرس لب — تو ضد تش معتمه دان ای مؤدب
حروف قطب وجد را قلقله دان — تو ضد قلقله راس که خوان
صفیره دان که زا و سین و صادست — تفشی شین نهادان کو ستادست
حو ضادت مستطیل و منحرف لام — مکرر را الف هاوی بود نام

ماه محرم

در بیان معانی اوصاف مذکوره

حروف غنه میم و نون و تنوین — بدان وز حرف من خوش چین
چو دانستی تو حال حرف و اوصاف — ز هر حرفی شنو معنی او صاف
انفتاح و معنی آن — تمایم با تو بگشادن دهان دان

مردم کم باشد و روز بروز حال مردم بازار بدتر شود و خداوند طالع مشتری هم حال او را نیک بود و اگر نوروز در روز **جمعه** بود خداوند سال زهره است حال علما و قران خوانان و زاهدان و عابدان نیک بود و حال حیوانات نیک بود و حال ملوک و سلاطین نیک بود اما گاه گاه مشغول خود باشند و بیکی گرفتار شوند و بتعب افتند و مردم لهو و طرب و شادی بسیار بود و نکاح بسیار و پنبه اگر بکارند ضایع شود و هر چند دیرتر بکارند بهتر بود و در بابل بیماری و حادثه بسیار بود و در غره ماه از هندوان رسد و در دریا شورش و اضطراب باشد و عمارات خراب شود و در هم و دینار در میان مردم کم باشد اما در ملاحان و کشتیها در خوف باشند و تابستان گرم و بیماری بسیار شود و خداوند این سال را حال نیک بود و حال مردم در تزلزل باشد و اگر که نوروز در روز **شنبه** باشد خداوند سال زحل است دلیل است بر رنج و غم و الم خلایق و گفتگو در میان اعیان و سلاطین در عتبت منازعه پیدا شود و در این سال گندم و جو نیکو بود و غالیز نیکو بود و انجیر آفت رسد و باران و سیل بسیار بود و سلطان را بیماری سخت پیدا شود و هندوستان را آفت رسد بیماری باشد و غار و ملخ و زنبور و کیک و کژدم بسیار بود و بزرگان را تنگی بود و در زمین طبرستان فتنه و آشوب و مخالفت پیدا باید و بی محل سرما شود و درد سینه و بیماری مرد و زنان و کودکان بسیار بود و عسل کم بود و بحد روم گوسفند را آفت رسد و آخر سال از جهارپایها شود و میان زنان و مردان پیکار بود و در این سال موش بسیار بود و پنبه کم بکارند و غالیز و کنجد و غیران نیکو بود و خداوند این سال را همه نیکو گرداند

احکام محرم منقول از چهل فصل علامه مجلسی

بدانکه محرم ابتدای سال نزد عرب و سایر مسلمانانست بغیر از شیعیان عجم که نوروز را ابتدای سال است و ابن جعفر را از شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی روایت کرده است که او سند را متصل گردانیده است بحضرت مبین الحقایق امام جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیهما و آنحضرت صلوات الله علیه فرمود که در کتاب دانیال پیغمبر صلی الله علیه نوشته است که هر گاه محرم در روز **شنبه** باشد در آن سال زمستان بسیار سرد باشد و باد بسیار و برنج فراوان باشد و گندم گران و طاعون و مرگ کودکان بسیار و تب بسیار بهم رسد و بلاد بسیار باشد و زراعتها از آفت هم بسلامت ماند و بعضی از درختان میوه و انگور را آفت رسد و در روم حرب باشد و عرب با ایشان حرب کند و اسیر و غنیمت از ایشان بسیار بدست عرب در آید و پادشاه را در جمیع امور نصرت باشد بمشیت حق تعالی و بروایت دیگر مرگ در میان چهارپایان بهم رسد و آبلها و قولنج عارض شود و در میان مردمان درد گلو و زکام و ورمها و دردها بسیار باشد خصوصا در عراق و بغداد و اطراف آن و در روم مرگ هم بسیار باشد و میان عرب و روم کارزار افتد و عرب بر روم غالب آید نعمت و امنیت در بابل بسیار باشد و در بحرین و نواحی آن اختلاف بسیار در میان مردم پیدا آید و قحط و غلا در میان ایشان بهم رسد از عرب ترسان باشند و عمال بر ایشان تعدی کنند و گیاه در مراتع عرب بسیار باشد و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند و بر ایشان غالب آید و در این سال دملها و آبله و کری هم بسیار باشد و مرغان بسیار باشند و درد گوشت و عسل و کتان گران و خرما در درخت هم فاسد شود و انگور و میوه‌ها در بلاد همدان و فارس نیکو باشد و بر درختان بلاد بصره و روم و اطراف آن آفت رسد و میوه در اکثر بلاد گران و کنجد بسیار باشد و در زمستان باران بسیار باشد و زراعت بسیار باشد و اندک آفتی بآنها برسد و ظروف مس و اشیاء آن و پشم و موی گران و مرغ خانگی کم باشد و مرغان شکاری بسیار بمیرند و در بلاد یمن اختلاف عظیم ظاهر گردد و نهب و غارت منتهی شود و شاید یکی از آفتاب و ماه منخسف گردد و شهب بسیار باشد و در بعضی از این سال خون بسیار ریخته شود و گویند چنین سال بحس است قابیل هابیل را در چنین سالی کشت و آخرش نیکست و هر سال که در اول محرم روز **یکشنبه** باشد زمستان نیکو گذرد و باران بسیار بارد و بعضی از درختان و زراعتها آفت رسد و دردها مختلف و مرگهای صعب شایع گردد و عسل کم بعمل آید و در هوا اثر طاعون و وبا بهم رسد و در آخر سال پادشاه غلبه و وهند و بر وبا دیگر در این سال زمستان سرد باشد و تابستان معتدل گذرد و میوه و حبوب در اکثر بلاد عراق نیکو باشد و آفتی بمیوه‌های بحرین و احسا و قطیف و حوالی آنها رسد و در بلاد مشرق و بلاد جبل از رازی و گوسفند و شیر بسیار و گیاه صحراها فراوان باشد و در شتران دیوانگی و مستی بهم رسد و آبله کودکان بسیار و زائیدن زنان دشوار باشد و در گاوها مرگ بهم رسد و بیکباره درد سر بسیار مردم را عارض شود و در آخر سال گرانی بهم رسد بسبب اختلاف سلاطین در بعضی بلاد یمن و در بلاد هند اطفال بسیار بمیرند و جو و روغن بسیار بود باشد و اختلاف و جنگها در میان ناس و عامه ایشان باشد کارزار در میان مردم عرب و عجم واقع شود و میان عامه ناس و خویشان ایشان فتنه‌ها حادث شود و در شام حرب و فتنه‌ها پدید آید و حاکم بعضی از اهل فساد را بقتل رساند و در زمین جبل که همدان و نواحی آن باشد کشش بسیار واقع شود و مردی جلیل القدر از ایشان کشته شود و پادشاه بابل بر مردم مستولی شود و از بعضی وزراء و ملوک اختلاف ظاهر شود و بر پادشاه بشورند و بکرهی دیگر کشته شود و گروهی بر پادشاه طغیان کنند و مغلوب گردند و کوکبی از آسمان ظاهر گردد در ناحیه مشرق که دنباله داشته باشد و باین سبب قتل حادث شود و گرانی و غارت و باین سبب علامت و زیاد بادها سخت و وفور امراض بسیاری دزدان در صحرا و دریا گردد و عسل گران و حاجیان را غارت کنند و تمام ماه یا بعضی از ماه منخسف گردد و در هر سالی که در اول محرم در روز **دوشنبه** باشد زمستانش نیکو بود و تابستانش بسیار گرم و باران در و قتش بسیار بارد و گاو و گوسفندان بسیار بود و جو بسیار شود و عسل بسیار باشد و نرخ خود بنهادر در بلاد جبل یعنی در شهرهائیکه در میان آذربایجان و عراق عرب و خوزستان فارس است و بعضی گویند در همدان و حوالی آن ارزان باشد و میوه بسیار و زنان بسیار میرند و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند و در نواحی مشرق و بعضی ... فارس لشکری بمردم

المرواذا علقت علی الطفل اول ما یولد امن من النقص **الشمس** الشرب من مائها یسکن الرجیف **الزجر** **الليل** یقرأ فی اذن المصروع یفیق **الضحی** یقرأ علی الشیء المنسی یذکره **الانشراح** شرب مائها یفتت الحصاة و یفتح المثانة و ینفع من البرودة و قراءتها علی الفؤاد تسکن المها **التين** من قرأها علی طعام جعل فیه الشفاء **العلق** من قرأها فی البحر سلم منه الغرق و من قرأها علی ما یدخر حفظ و من شرب من مائها وهب الله له النور فی بصره والیقین فی قلبه و رزق الحکمة و ان قرأها مهموم او مریض او مسافر او مسجون نال مطلبه و ان قرأت علی زرع بورک فیه و اذا قرأت علی دهن زرد و خلط بلبن امرأة و سعت منه صاحب البلغم نفعه و اذا جلست مرأة من حدیث حلبا شدیدا و کتب القدر علی المرأة بزعفران ثم یدخل من به اللوقة بیتا مظلما و ینظر فی المرأة مرارا یبرئ باذنه تعالی و من قرأها عند زوال الشمس فاه رای النبی صلی الله علیه و آله فی نومه و ان کتبت فی فخار جدید و غسلت بماء المطر و جعل فیه شیء من سکر و شرب من به وجع الکبد یبرئ باذنه تعالی و من قرأها کل لیلة جمعة ماة لم یبأ تو ابدا و من اراد الحج فلیلبس ثوبا جدیدا و یأخذ قدح ماء و یقرأها خمس و ثلثین مرة و یرش علیه ثم یصلی اربع رکعات بتسلیمتین یقرء فیهن ما شاء ثم یسأل الحج فانه یرزقه **البينة** تسلم الحامل اذا شربت من مائها و تعلق علی صاحب الیرقان و علی صاحب بیاض العین بعد ان یشرب من مائها و تدفع قراءتها شر الطعام المسموم و اذا اخذت کف تراب من مفرق اربع طرق و قرأ علیه السورة و رشه بین المجتمعین علی الضلالة فانهم یفترقوا و اذا کتبت علی جمیع الاورام ازالت **الزلزلة** تؤمن قاریها من السلطان **العاديات** قراءتها تخلص الخائف و الولهان و الجائع و العطشان و المدیون تمامهم **القارعة** یعلق علی من قل علیه الرزق **التكاثر** نافعة للصداع اذا قرأت علیه **العصر** یقرأ علی المحزون یحفظ و علی المهموم یبرئ و من کتبها لیلة الجمعة بعد العشاء الاخر و جعلها ادخل علی حاکم امن فیه **الهمزة** یقرأ علی العین الموجوعة یبرئ **الفيل** من قرأها فی الحرب قوی علی القتال و اذا قرأت بین عسکرین انهزم الباغی فیهما و اذا علقت علی الرماح التی تصادم کسرت ما تصدمه **قريش** من قرأها علی طعام امن من ضرره و من قرأها خاتم قبل طلوع الشمس سهل الله من یطعمه **الدين** من قرأها بعد صلوة الفجر مأة کان فی حفظ الله **الكوثر** اذا مغلت للدابة فاقرأها فی اذنها الیمنی ثلثا و فی الیسری ثلثا ثم امرها فی جبهتها برجلک یقوم **الجحد** من قرأها عند طلوع الشمس عشرا ثم دعا بما اراد استجیب دعاؤه **النصر** من قرأها فی صلوة سبعا قبلت و حبب الله الیه الصلوة فی اوقاتها

تسفل چو باشد معنیش ایست
چو باشد همس کردن پست آواز
بود معنی تجه بشنو از من
رخاوه سست گفتن شده سخت است

ادا کردن حروف از کام زیرین
بجان و دل نگهدار میدار این راز
شکسته گفتن در بحث قلقله بین
بگیرد یاد آن کو نیک بخت است

بلند آواز کردن جهر باشد
بود اطباق ادنیکو سرانجام
بود معنی استعلا در این فن
... جنبد قلقله خوان

اگر دانی ز علمت بهره باشد
طبق سان برزبان پوشیدن کام
ز طرف کام بالا حرف گفتن
وگر ساکن بود آنرا سکون دان

مجرم نامه واحکام ...

رسد و ذکام در بلاد جبل و اطراف دنیا بسیار باشد بروایت دیگر دران سال فراوانی باشد و شیر حیوانات بسیار باشد و باران ببارد و حبوب بسیار باشد خصوصا عدس و ماش و باقلا و نرخها ارزان باشد و عسل فراوان باشد خصوصا در فارس همدان اذربت و ارزن در هند فربه بسیار و زرد الو و سایر میوه ها در بلاد فارس بصره و شام نیکو بعمل اید و خربزه و خیار در ولایت مشرق و عمان نیکو و خرما و میوه ها و گوشت و روغن فراوان باشد و لیکن زرد در میان مردم کم باشد و در بلاد مشرق و اسکندریه و اطراف هند مرگ بسیار باشد و مرض سودا و دیوانگی بسیار و در زمستان زفاف تزویج زنان بسیار شود و دریا طغیان کند و بعضی از بلاد را غرق کند و اب فرات و نیل کم شود و باین سبب مدت دو ماه در مصر قحط عظیم پدید اید و مواشی و چهار پایان در صحرا هم نیک باشد و حبوب و میوه ها در مکه معظمه بسیار ارزان باشد و بلیه و ازادی دران بلده طیبه بهم رسد و در مشایخ عرب فتنه حادث شود و غلبه در اطراف مشرق یا جنوب از تصرف اصحابش بیرون رود و محتملست که یکی از افتاب و ماهتاب منخسف شود و خوارجی از نواحی مشرق بیرون اید و در بلاد فارس بیم و هراس عظیم از بعضی سلاطین حادث شود و در مردم اضطراب بهم رسد و زنان کم و در مشرق باشد بر پادشاه مشرق کسی خروج کند و حاجیان بسلامت بروند و در شب دزدی با ایشان برسد و آسیبی از او نیابند و هر سال که اول محرم روز **سه شنبه** بود زمستان بسیار سرد باشد و برف و یخ بسیار و در بلاد جبل و در ناحیه مشرق گوسفند و عسل بسیار باشد و بعضی از درختان و انگور آفت رسد و در ناحیه مشرق و شام حادثه در آسمان ظاهر شود که از آن خلق بسیار بمیرند و بر پادشاه شام خروج قوی خروج کند و پادشاه بر او غالب اید و در زمین فارس بعضی از غله ها را افت رسد و در اخر سال نرخها گران شود و بروایت دیگر زراعت بسیار بعمل اید باران بسیار ببارد و فصل پائیز نیکو گذرد و میوه ها در بلاد جبل و عجب بسیار و گندم و جو و عدس فراوان باشد و اب فرات طغیان کند و شاید در تابستان باران ببارد و در بصره لوبیا و ماش و باقلا ارزان باشد و خرما کم بعمل اید و در ارزن افتی بهم رسد در بلاد هندوستان و بدخشان بلاد دوم و شام افتی برسد از سرما و در بلاد فارس ملخ بزراعت افتد و میوه در اینسال بسیار و زرد کم بوده باشد و گردگان و مویز و بادام بسیار و نرخها در اول سال در جمیع بلاد ارزان و پنبه گران و گاه هم ارزان و عسل فراوان و خربزه و خیار را افتی رسد شکار دریا بسیار و از گرما و سرما افتی بغلات مغرب برسد و در بعضی از شهرها کسی بر پادشاه خروج کند و در پادشاه عجم و ترک اضطرابی بهم رسد و در میان عرب و مواشی ایشان در اخر سال مرگی بهم رسد و در آسمان ستاره دم داری پدید اید که علامت جنگ و گرانی باشد یا سرخی عظیم ظاهر شود که علامت هلاک بعضی از وزراء باشد و در مصر و شام و سقالبه فتنه بهم رسد و سالیکه اول محرم در روز **چهارشنبه**

باشد زمستان وسط و در بهار باران نافع ببارد و غلات و میوه ها در بلاد جبل و مشرق بسیار و اما مردان بسیار بمیرند و در اخر سال در زمین بابل و بلاد جبل افتی بمردم رسد و نرخهای ایشان ارزان و پادشاه بر دشمنان غالب اید و بروایت دیگر عسل بسیار باشد و اب دجله طغیان کند و در بلاد شام مرگ بسیار و اکثر اطفال بمیرند و ملخ مزروعات اهل شام را تلف کند و در اخر سال قحطی در میان ایشان بهم رسد و باران بسیار ببارد و بسیاری از خانه ها و عمارتها منهدم شود و درختان خرما ضایع شود و رعد و برق عظیم ظاهر شود و بادهای تند وزد و بیماری بسیار باشد و زنان ابستن بمیرند و در اخر سال در ناحیه فارس خون بسیار و خشیان صحرا و مرغان شکاری بسیار و بزوگاو بسیار و بیع و شری و معاملات بسیار واقع شود و در شتران گری بهم رسد و شاید مرگی در چهار پایان پدید اید و در فصل پائیز بیماری بسیار و در اطراف سند جنگ عظیم روی دهد و مشایخ و علما بمیرند و بلاد یمن از خوف قتل و غارت خراب باز هم معمور شود و در میان عرب با بهم کشش بسیار شود و باد شمال وزد و متاعها و پنبه گران و کتان و زران باشد و ابریشم و حریر ارزان نیکو باشد در میان عرب و عجم جنگها روی دهد و عرب غالب اید و پادشاه روم بمیرد و بزرگی از عرب بمیرد و مردم دیالمه نیز بسیار بمیرند و در فصل پائیز مرض جدری بسیار باشد و اختلاف در میان سلاطین هند بهم رسد و فتنه ها در بصره و ولایت فارس حادث شود و هر سال که اول محرم در روز **پنجشنبه** باشد زمستان ملایم و در نواحی مشرق گندم و میوه ها و عسل بسیار باشد و در اول سال و اخر سال تب بسیار حادث شود و روز و ابر مسلمانان غلبه بهم رسد پس عرب بر ایشان غالب شوند و در زمین سند محاربات واقع شود و پادشاه عرب مظفر باشند بروایت دیگر در اول سال تابش و سرما کم شود و ابر و رعد و باران بسیار باشد و غلات و میوه ها در همه بلاد جبل ارزان و فراوان و سفر دریا نیکو باشد شکار ماهی بسیار و در عمان گران شود و اب نیل طغیان کند و روم بر مسلمانان حمله نمایند و مسلمانان بر ایشان غالب شوند و در بادیه جنگ و کشش بسیار شود و شاید یکی از مشایخ ایشان کشته شود و در بعضی از شهرها کسی بر پادشاه خروج کند منهزم شود و کار دزد و در اکثر بلاد خصوصا در فارس بسیار شود و دزدان و راهزنان دست برآورند و حکام بر رعایا ستم کنند و بادها شدید وزد که درختان را بر کند و در لحسا و قطیف و نواحی ان فتنه میان عربان و پادشاه ایشان حادث شود و پادشاه غالب گردد و در بلاد حبشه و اطراف ان کارزار بسیار شود و در بلاد فارس در اخر سال میان سه طایفه فتنه حادث شود و فساد بسیار دران بلاد باین سبب ظاهر گردد و در ناحیه دریا فتنه ها حادث شود و در اینسال مرگ در میان گاو بسیار باشد ولیکن گوسفند فراوان گردد و شاید که ماه منخسف شود و بروایت دیگر حاکم قسطنطنیه که مراد ان پادشاه اسلامبول باشد او را بکشند یا بگریزد و مفقود شود یا او را خلع نمایند و در ولایت عجم خرابی از راه ظلم پادشاه و نایب او و وزیر در میان مردم که در خلق

فی السموات ولا فی الارض تضایقنی ستر مرتبه دعای صاحب التسکه لدفع الظالم الذی اخذها منه شرطی فدعی الله تعالی فقال هذا عدل ان ملک خلقته وخلقته وجعلته قویا وجعلتنی ضعیفا ثم سلط علی فلا انت منعته ظلمی ولا انت جعلتنی قویا فامتنع من ظلمه فاسئلک بالذی خلقتنی وخلقته وجعلتنی ضعیفا ان تجعله عبرة لمخلوقک قال فاخذت الشرطی الاکلة فی یده الیمنی التی اخذ بها التسکة فقطعها فصعدت الی عضو الاخر فاراد ان یقطعه فخرج هاربا فرای منامه لای شی تقطع اعضاءک

تبت یقرء علی الاوجاع والامراض تشفی انشاء الله الاخلاص یقرء علی العین الرمدة تبری باذن الله تعالی المعوذتین من قرءهما کل لیلة امن من الجن والوسوسة ومن علقهما علی طفل او من من الجن والهوام انشاء الله تعالی از حضرت صادق ع مرویست که فرمود که عجب دارم از کسیکه از چیزی ترسد چرا پناه نجوید بگفته خدای عزوجل حسبنا الله ونعم الوکیل بدرستیکه بعد از ان حق تعالی فرموده فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء و عجب دارم از کسیکه غمگین باشد و متوسل نشود باین کریمه لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین بتحقیق که شنیدم خدای تعالی در عقب ان فرموده فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین و عجب دارم از کسی که حیله در حق او شده باشد و متوسل نشود بقول خدای عزوجل وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد بدرستیکه شنیدم قول خدا را بعد از ان فوقیه الله سیئات ما مکروا و حاق و عجب دارم از کسیکه دنیا و زینت انرا دوست دارد چرا متوسل نمیشود باین قول خدای عزوجل ماشاء الله لا قوة الا بالله پس بتحقیق که حق تعالی در عقب ان فرموده فعسی ربی ان یؤتین خیرا من جنتک دعائیست که حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه مشافهة بجناب میر محمد باقر داماد ره تعلیم فرموده که در حالت اضطرار در امور مهمه بعد از ظهر در جمعه باید خواند که انشاء الله باجابت مقرون میگردد بسم الله الرحمن الرحیم الهی بحق محمد رسولک وعلی وصی رسولک وفاطمة بنت رسولک والحسن والحسین سبطی رسولک وبعزة جلال وجهک الکریم اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل لی مما انا فیه فرجا ومخرجا سریعا برحمتک التی لا تضیق من شیء وبقدرتک التی لا یتکاءدها شیء

دیگر

کنم با تو بیان استطالت بود لین نرم کردن مد کشیدن تفشی باشد ای پیوند جانم از این بابم چو شد حاصل فراغت	بمعنی هست مر ویراسته حالت بمعنی نفخ باشد در دمیدن جدا ادا کردن واف بیان نیز ام گک بیم بابل داب قرا	طلب کردن بلندی سرکشی هسم مسافت درمیان فم هوا دان	کف بیذن در آواز بی غنم سبک بهش دان معنی ای گران جان

بیان اداب قراءت قران واستعاذت

ادابهای اول استعاذت — که نوزدهم اندر قراءت

احکام خسوف و کسوف

ارنددا السمکة علی صاحبها فاعادها فالت لا اکلها عنه ووهب صاحب السمکة مالا اضعاف قیمة السمکة بجمیع الحوائج اسما وجلیلة من واظب علیها کان الکون بیده وهی یا حلیم یا علیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام برحمتک استغیث یا غیاث یا مغیث یا مغیث یا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین للفتح من اراد ان تظهر له العجائب وتخضع له رقاب الجبابرة فلیکتب هذا الدعاء ویعلقه علی نفسه وهو اللهم انه لیس فی السموات دورات ولا فی الارض غمرات ولا فی الشجر ورقات ولا فی الاجسام حرکات ولا فی العیون لحظات ولا فی النفوس خطرات الا وهی بک عارفات ولک شاهدات وعلیک دالات وفی ملکک متحیرات فبالقدرة التی سخرت بها اهل السموات والارض سخر لی قلوب المخلوقات انک علی کل شیء قدیر وبالاجابة جدیر وصلی الله علی محمد واله اجمعین

از تنگی معاش بفغان آیند و داد و ستد در میان خلایق برطرف شود و عرب بر عجم زیادتی کند و خلق بسیاری را بکشند و ولایت ایشان را خراب کند و عربان بر روم میان نیز تاخت زنند و بعضی از اماکن از تصرف والیان روم بدر رود و پادشاه عجم در اکثر جا مغلوب شود و باران در وسط سال بیارد و بیماری و وبا و علت و برق بسیار بود و باشد از همه اطراف بر پادشاه خروج کنند و بیرون آیند خصوصا طایفه ترکان خوارزم و از سمت قطب شمالی حرکت کنند و بحوالی دریا رسند و خرابی بسیار بطبرستان رسانند و ترکان با عجم در اوایل و بر ایشان غالب شوند و خلقی بسیار از فقرا و رعیت پامال و کشته شوند و احتمال دارد که ایشان امسال نیز پادشاه عجم در سمت مشرق حرکت کند و ایذ و چین و بدلی بادوام بیاید و در راه حادثه او را عارض شود که مدتی توقف کند و امرای خراسان و سکان بلاد امراء ملال باشند و احتمال دارد که لشکری از عجم در خراسان و عراق جمع شوند و در سوی ولایات از ولایت کفر بجانب پادشاه آیند و در اول سال گندم گران و نان عزیز شود و عدد فتنه ها پیدا شود و اضطراب عظیم با اهل عمان راه یابد و اکثر ولایت دریا خراب شود بقتل و غارت و کشیها در بعضی اماکن بدست والیان افتد و رهانیا بند و علاء اکثر پادشاه باشد و غلبه با صاحبان خروج باشد و امیر جلیل القدری کشته شود و فوت علمای دین شود و در میان ایشان حسد و نزاع بسیار شود و اگر آفتاب کسوف نماید بعضی اماکن از تصرف والیان اسلام بدر رود و در سالیکه اول محرم در روز **جمعه** باشد در آن سال زمستان سرما باشد باران کم بیارد و ابر و دخانها کم بوده باشد و در بلاد جبل صد فرسخ در صد فرسخ غله کم باشد و مرگ در میان مردم بسیار باشد و در ناحیه مغرب گرانی باشد و بعضی از درختان افتد و در روم بر فارس غلبه عظیم بهم رسد و بروایت دیگر غلات در مصر و حبشه و شام کم بعمل اید و گرانی در بلاد مغرب بلاد فرنگ اطراف اندلس حادث شود و ارزانی بسیار در بلاد فارس و کرمان بهم رسد و غلات بصره و عراق نیکو شود و لیکن از جهت سلاطین و عمال ستمها بر ایشان برسد و غلات در جبل عامل و نواحی آن نیکو شود و بعمل آید و انگور کند در بصره و میوه ها بسیار بعمل آید و در حلب شاید و بصره کشته شود و نماگرده بسیار ابلق و میوه ها نیکو باشد و آب دجله بحد طغیان کند که بغداد مشرف بر غرق گردد و پادشاه از پادشاهان هند ستان بمیرد و در ماه ربیع الاخر تا ماه جمادی الثانی در رد هر بسیار در میان مردم بسیار شود خصوص درد گلو و درد پشت و ورمها و درد حلق واطفال و درد شکم و کلف و یرقان و جرب و دملهای بسیار شود و زنان ابستن فرزند بیند از زنده و بسیار از ایشان بمیرند و امیری از شاه ظاهر شود و بریک حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله مستولی شود و ظلم بر بعضی از بلاد غالب گردد و اگر که ستاره دم دار ظاهر شود فتنه های عظیم از ان بظهور رسد کسی بر پادشاه خروج کند و کردان و عجمان قوی گردند و در زمین عراق عرب واضطراب و اختلاف بسیار پیدا شود و خونریزی بجاهای بسیار رسد و عزیز بزرگی در شام بقتل رسد و در بلاد خراسان فتنه عظیم بهم رسد و در اطفال دردها پیدا شود و آب چشمه ها بسیار باشد

در احکام خسوف و کسوف منقول از چهل فصل علامه مجلسی ره

قطب راوندی رضوان الله علیه از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که در کتاب دانیال پیغمبر صلی الله علیه نوشته است در طلب گرفتن افتاب و ماه در شهور اثنی عشر هرگاه **محرم** افتاب بگیرد در ان سال ارزانی باشد و در ان سال دردها و بیماریها در مردم حادث شود و پادشاه بر دشمنان ظفر یابد و غیر از ان حادث شود و بعد از ان بسلامت باشد و هر سالیکه در ماه **صفر** آفتاب بگیرد در ناحیه مغرب ترس و گرسنگی مردم را رو دهد و جنگ و کشش در مغرب بظهور آید پیش در ماه **ربیع الاول** صلح پدید آید و اختلاف کم بهم رسد و پادشاه مغرب ظفر یابد و گاو و گوسفند بسیار و در آخر سال فراوانی بسیار باشد و در بادیه در میان شتران وبا بهم رسد و هر سال که در ماه **ربیع الاول** آفتاب بگیرد در میان مردم اختلاف بسیار باشد و خلق عظیم بقتل رسند و کسی بر پادشاه خروج کند و ترس و کشش حادث باشد و هر سال که در ماه **ربیع الثانی** آفتاب بگیرد پادشاه بار عیت خود در مقام شفقت باشد و با ایشان رحم نماید و باطر خاطر ایشان بدارد و روزی مردم فراخ باشد و هر سالیکه در ماه **جمادی الاولی** آفتاب بگیرد در ناحیه مغرب پادشاه با رعیت خود در مقام شفقت باشد و از این سبب او را فتح روی دهد و فراوانی بسیار باشد و هر سال که در ماه **جمادی الثانیه** آفتاب بگیرد در بلاد مصر جنگهای عظیم واقع شود و کشش بسیار شود و در مغرب در آخر سال گرانی بهم رسد و هر سال که در ماه **رجب المرجب** آفتاب بگیرد زمین باران شود و در کوهستانها و ناحیه های مشرق باران بسیار ببارد و در ناحیه فارس ملخ فرود آید امراض در ایشان بر رسد و هر سال که در **شعبان المعظم** آفتاب بگیرد همگی مردم از شر پادشاه ایمن باشند و پادشاه در مغرب بر دشمنان ظفر یابد و در بلاد جبل در آخر سال مرگ در میان مردم بسیار باشد و برودت بر طرف شود و در هر سال که در ماه **رمضان المبارک** آفتاب بگیرد مردم همگی پادشاه فارس را اطاعت کنند و روم را بر عرب غلبه عظیم بهم رسد پس ایشان بر روم غالب شوند و غنیمت بسیار از ایشان بگیرد و هر سال که در ماه **شوال المکرم** آفتاب بگیرد در بلاد هند و زنگ کشش بسیار واقع شود و گیاه زمین در شهرهای شرق نیز بسیار باشد و هر سال که در ماه **ذی القعده** آفتاب بگیرد باران بسیار بیارد و خرابی در ناحیه فارس بظهور آید و هر سالیکه در ماه **ذی الحجة الحرام** آفتاب بگیرد بار بسیار و در میوه ها در درختان کم شود در شهرهای مغرب خرابی پدید آید وجود گندم کم بهم رسد و گرانی باشد و کسی بر پادشاه خروج کند و از رعیت بسیار از او بپادشاه رسد و در فارس خونریزیها کم شود و گرانی باشد و هر سال در بلاد کوی ارزان شود **اما اثار گرفتن ماه** پس در هر سالیکه در ماه **محرم** ماه بگیرد در مغرب بزرگی بمیرد و میوه در بلاد جبل کم باشد و در میان مردم خارش بسیار بهم رسد و در زمین بابل گرد سرخ و مرگ بسیار باشد و زخمها گران باشد و کسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه بر او ظفر یابد و لشکر او را بقتل رساند و هر سال که در ماه **صفر** ماه بگیرد قحط و بیماری در شهرهای بابل حادث شود بحدیکه بیم هلاک باشد پس بعد از ان باران بسیار ببارد و گیاه زمین بسیار شود و احوال مردم نیک و در بلاد جبل میوه بسیار باشد و هر سال که در ماه **ربیع الاول** ماه بگیرد در بلاد مغرب کشش بسیار شود و در مردم ... ان در مردم بهم رسد

بقیه خسوف متعلق بصفحه

و در ناحیه شهرها میوه بسیار باشد و در بلاد جبل کرم در سبزها افتد و خرابی در شهرها پدید آید و هر سال که در ماه **ربیع الاخر** ماه بگیرد در کوهها آب ... و بسیار بهم رسد و انسان مبادله پادشاه در مغرب ظفر یابد و هر سال که در ماه **جمادی الاولی** ماه بگیرد باران کم آید و آب کم باشد و در نینوی که موصل باشد و بحوالی کوفه در ان محل جزع عظیم و گرانی شدید پدید آید و پادشاه با ملک او را بلای عظیم روی دهد و هر سال که در ماه **جمادی الثانیه** ماه بگیرد در بلاد مصر جنگهای عظیم واقع شود و کشش بسیار شود و در بلاد مغرب در آخر سال گرانی بهم رسد و هر سال که در ماه **رجب** ماه بگیرد در ناحیه مغرب طاعون و قحط شدید پدید آید و در بابل باران نیز بسیار باشد و هر سال که در ماه **شعبان المعظم** ماه بگیرد پادشاه بعضی از نواحی کشته شود و نرخ بالا رود و قحط در میان مردم پیدا شود و هر گاه که ماه در **رمضان المبارک** ماه بگیرد در بلاد جبل بیماریهای سخت شود و باران و برف بسیار ببارد و آب بسیار باشد و در بلاد فارس در ملکان هم رسد و در شهر یوم ماه مرگ زنان و فقها ... بسیار باشد و هر سال که در ماه **شوال المکرم** ماه بگیرد پادشاه بر دشمنان غالب شود و در میان مردم بلاها و فتنه ها بسیار باشد و هر سال که در ماه **ذی القعده الحرام** ماه بگیرد شهرهای عظیم فتح شود و گنجها در بعضی زمین در کوهها پیدا شود و هر سال که در ماه **ذی الحجة الحرام** ماه بگیرد مرد بزرگی در مغرب بمیرد و مردی فاسق با جمعی دعوی پادشاهی کند والله یعلم

تمت بالخیر والسعاده

بروار نحل عشر عشر بر خوان
بجز ار انکه خوانی جهر اولی است
چو گفتی استعاذت ای جوانمرد
بغیر از سوره توبه که آنجا

گر خوانی فاستعذ بالله در آن
ولیکن در نماز البته اخفاست
به بسم الله باید ابتدا کرد
نباید گفت بسم الله اصلا

تلاوت گر کنی آهسته آن هم
بخوان آهسته ای دوراز تو هر غم

در بیان بسمله

عشری و گر حزبی و گر جزو
نفل است هم زابتداء قرآن

بخوانی و بدان این نکته را هم
که در اثنای سوره جایز است آن

هلال

در رؤیت هلال منقول از چهل فصل علامه مجلسی

در روایات معتبره وارد شده است که ماه رجب المرجب را بقرآن باید دید ماه شعبان المعظم را بر روی بزرگان وصلحاء و علماء رؤیت باید کرد ماه رمضان المبارک را بر روی اهل و عیال خود باید دید ماه شوال المکرم را بر فیروزه و آب روان باید دید ماه ذیقعدة الحرام را بر روی آئینه و پشمینه و شمشیر باید دید ماه ذی حجة الحرام را بر روی طفل یا قفل باید دیدن ماه محرم الحرام را در آب روان و فیروزه باید دیدن ماه صفر المظفر را در روی کودک یا کف دست خود باید دید ماه ربیع الاول را در آب ایستاده میباید دیدن ماه ربیع الثانی را در آب روان باید دید ماه جمادی الاولی را در خود ماه نگرند ماه جمادی الثانیه را در آسمان و زمین نگرند و بروایت دیگر هرگاه محرم در حمل نو شود در آتش افروخته ببیند یا در لوح سرخ و شمشیر و بعضی این ماه را بقصد میمنت نباید دید و نباید برخود مبارک گردانید و این ماه را شوم دانند و حذر کنند از دیدن مردان بد و زنان فاحشه و مطلقا در این ماه عشرت ننمایند و تماشا و خنده را بر طرف کنند و مبالغت نکنند در خوردن و ماه صفر را هرگاه بدانند که در ثور نو شود در روی مساجد و الوان و جواهرات و عقیق یمنی و جوانان رؤیت کنند و حذر کنند از دیدن سباع ضاریه ماه ربیع الاول هرگاه در جوزا نو شود در روی عالم و زاهد نگرند یا در آب روان یا در جواهر مثل مروارید و مرجان ببیند و حذر کند از دیدن معیوب و نابینا و دیدن الغاهان و کوران ماه ربیع الثانی هرگاه در سرطان نو شود در آب روان صاف نگرد یا در سبزه یا در جواهر و عقیق یمنی و حذر کند از مردم شریر و غماز ماه جمادی الاولی هرگاه در اسد باشد در آسمان نگرد یا در زر یا در آتش و سه نوبت بگوید لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و حذر کند از دیدن تارک الصلوة و جنب و خلاف مذهب ماه جمادی الثانیه هرگاه در سنبله نو شود بروی دختران باکره و خوشروی و محرم خود نگرد یا در سبزه و عقیق یمنی و در نجف و یا در فیروزه و حذر کند از دیدن چیزهای سیاه و دود و خاکستر و دیدن مجوس ماه رجب المرجب هرگاه در میزان نو شود در آئینه صاف نگرد و سه مرتبه فاتحة الکتاب بخواند و حذر کند از دیدن نجاسات و مکروهات و کثافات و سگ سیاه ماه شعبان المعظم هرگاه در عقرب نو شود در روی مردم خوب صالح خوش گفتار یا در مصحف مجید و یا در روی بزرگان و اهل صلاح نگاه نکند و حذر کند از مردم بدنفس دیدن و عوام و اجلاف و تندخوی ماه رمضان المبارک هرگاه که در قوس نو شود در روی علماء و سادات و در زر و سیم و جواهر ابی نگاه کند و حذر کند از مردم ظالم دیدن و ملازم و حکام و بدذات و موذی و منافق و شریر و بدکار ماه شوال المکرم هرگاه در جدی نو شود در سبزه نگاه کند و سه مرتبه بگوید وحده لا شریک له و حذر کند از دیدن زنان سلیطه و فاحشه و فاجره ماه ذی القعدة هرگاه در دلو نو شود در مسجد جامع و عمارتهای عالی نگاه کند و سه مرتبه انا انزلناه بخواند و بر خود بدمد و حذر کند از دیدن مردم بدکار و از هر مکروه ماه ذی الحجه هرگاه در حوت نو شود در قرآن مجید نگاه کند یا در روی علماء و یا در لعل و فیروزه و زبرجد و مروارید و جواهر الوان و حذر کند از دیدن جراحتها بدانکه هرگاه هر ماه از این ماههای دوازده گانه باید که در روی عالمان و صالحان و مؤمنان نگاه کند و باید در روی کسی که حبیب الله کننده باشد و شکل هلالی بر بوته گلی داشته بر ببیند و یا در فیروزه و دعای صحیفه حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه را باید بخواند و خواندن الحمد هفت مرتبه که دیدن ماه نیز امانست از درد چشم و چون ماه را دید باید که بگردد رو بقبله بایستد و دعا بخواند بطریقه اهل نجوم محرم را در روی سلاح مصقول نگاه کند صفر را در گیاه و مروارید نگاه کند ربیع الاول در روی اهل علم نگاه کند ربیع الثانی در سبزه و جواهر نگاه کند جمادی الاولی در روی آتش کاران نگاه کند جمادی الثانیه بعلما و محترمین نگاه کند رجب المرجب بقرآن نگاه کند شعبان المعظم در روی مشایخ نگاه کند رمضان المبارک در روی دهقانان نگاه کند شوال المکرم در سبزه و آب روان ذی القعدة الحرام بروی اطفال خورد سال ذی الحجة الحرام در روی قرآن مجید نگاه کند

در اوقات فصد کردن منقول از چهل فصل علامه مجلسی ره بدانکه در ایام هر ماه روز اول رگها را مضطرب و رنگ دوئیم بیخوابی آورد سیم ضعف دماغ آورد چهارم درد سر و شقیقه پدید آید پنجم زردی روی پیدا کند ششم لرزه در اندام پدید آید هفتم مرض مفاجات آورد هشتم درد سر پدید آید نهم بیخ در تن پدید آید دهم درد و ضعف بدن پدید آید یازدهم سودا و مالیخولیا پدید آورد دوازدهم برص و ضعف بدن آورد سیزدهم اندوه و دلتنگی آورد چهاردهم گرمی و خارش بدن پدید آید پانزدهم قولنج پدید آورد شانزدهم خرمی و نشاط پدید کند هفدهم صحت و قوت بدن آورد هیجدهم درد شکم برطرف کند نوزدهم تشنگی آورد بیستم صحت بدن پدید آورد بیست و یکم قوت دل و باصره دهد بیست و دوم قوت پدید آید بیست و سیم قوت دل و خرمی دهد بیست و چهارم زردی روی برد بیست و پنجم روشنی خاطر پدید آورد بیست و ششم از بیماری خلاص شود بیست و هفتم از خوف ایمن شود بیست و هشتم قوت دل دهد بیست و نهم از خوف و بیماری خلاص شود سی ام ایمنی دو روز احکام نیست و در احادیث بسیار واقع شده که در ساعت منحوس هر وقت که خواهد حجامت کند آیة الکرسی بخواند و حجامت کند

اوقات سیر تواشیدن بقول علامه

مجلسی ره در کتابی دیدم که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت کرد بحضرت امیرالمؤمنین علیه صلوات الله علیه که در روز اول ماه عمر را کوتاه کند دویم ماه حاجت او برآید سیم ماه نقصان بدن آورد چهارم ماه سود از دود دراز کند پنجم ماه دلخوشی آورد ششم ماه بلا و خطر آورد هفتم ماه نیکو بود هشتم ماه بیماری پدید کند نهم ماه مال او زیاده شود دهم ماه غم و اندوه زیاده شود یازدهم ماه اندوهناک گردد دوازدهم ماه عزیز گرامی شود سیزدهم خصومت پدید آید چهاردهم خوشحالی پدید آورد پانزدهم مراد دنیوی حاصل شود شانزدهم غمگین شود هفدهم ماه نیکو بود ... بیستم

هو الله تعالی شانه العزیز

اگرچه ناقل این بس شریف است
شنیدی نکته ای باز ای نکو ذات
بدگفتن ولیکن حد هر مد
مکن تکرار در مدای سر افراز

ولیکن این سخن نقلی ضعیف است
بیا بشنو ز من تعریف مدات
بگویم تا بدانی مد ا ا حد
میکن نیز با خیشوم آواز

بیان واجب گشتن مد و تعداد آن

ز بعد واو چون همزه بیابی
بود مدش زده نزد یک قرار

ویا تشدید یا ساکن شتابی
بحد خود بکش چون تیغ برار

مد تمکین

رساله کلمات مشکله سور قرآنیه

بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی

الحمد لله علی نواله والصلوة والسلام علی رسوله وآله **اما بعد** چنین گوید خادم شرع انور محمد جعفر که این رساله ایست در اصلاح کلمات قرآنیه که بعضی بر بعضی مشتبه میشود با احتمال اشتباه مرتب بترتیب سور قرآنیه از جهة حل اشکال ایراد شد **سوره حمد** مالک یوم الدین با الف مالکرا احدی اماله نکرده است **سوره بقره** در او هیجده کلمه است مثلاً ما بعوضة فما بابتداء وصل باید کرد بر بعوضة الثانی انبئونی همزه اش قطع است ساقط نشود الثالث باتخاذکم العجل همزه اش وصل است الرابع فتلقّاها بتشدید الثاء الخامس قل اتخذتم بسکون اللام وفتح همزه که از برای استفهام است نه همزه باب افتعال السادس بئسما بکسر باء اخیره وفتح لام السابع لمن اشتریه بفتح لام ومیم لمن الثامن یوم لا تجزی بفتح تاء وکسر زای التاسع ثم اضطرّه بفتح همزه اضطره وضم راء صیغه متکلم وحده است از مضارع العاشر ترکوا بفتح زای وتشدید واو مفتوح **الحادی عشر** ولا تجعلوا الله عرضة لایمانکم بضم عین بی نقطه وفتح الف ایمان الثانی عشر وعلی المولود له رزقهن له را متصل بمولود نماید نه برزقهن وهم چنین است در ولا مولود له الثالث عشر کمثل جنة در اول بحاء و بلوا و در ثانی بجیم و نون است الرابع عشر فاتت اکلها همزه است همزه فاء الفعل که ثلاثی مجرد باشد الخامس عشر واتوا الزکوة بفتح تاء وضم واو و جمع مغایب مذکر از فعل ماضی نه امر که بواسطه اتصال ضمه داده شد السادس عشر فنظرة بفتح نون وکسر ظاء السابع عشر ان تصدقوا بفتح همزه و با الثامن عشر واشهدوا بفتح وقطع همزه التاسع عشر او اخطأنا بقطع همزه بعد از او وفتح ان **سورة آل عمران** فیها اربع کلمات الاولی ثم تقول للناس بفتح لام یقول که عطف بر یؤتیه که منصوب است بان الثانیة لما آتیتکم بفتح لام لما وتخفیف لام ابتداء وما موصوله الثالثة ومن یبتغ بفتح یاء وبعد از ان باء موحده ساکنه و پس از ان تاء فوقانیه وبعد غین معجمه از ابتغاء بمعنی خواستن نه اتباع بمعنی متابعت الرابعة او یکبتهم بعد از کاف یاء یک نقطه است وبعد از یاء تاء دو نقطه است بمعنی نگونسار کردنست **سورة النساء** فیها خمس کلمات الاولی صدقاتهن بضم الدال الثانیة وقال لاتخذن بفتح لام وهمزه قطع دو الثالثة فلیبتکن بعد از یاء دو نقطه باء موحده بعد تاء مشدده فوقانیه الرابعة وان تلوا بفتح تاء وسکون لام وضم واو و اشباع که بدو واو خوانده شود زیرا که در اصل تلوون مضارع لوی بمعنی پیچیدن زبانست از شهادت حق یا حکم حق بنا بقراءت مشهور واز بعض قراء تلوا بضم لام وسکون واو حکایت شده که جمع تلی بمعنی متعرض شدن شهادت حق و اداء حق افتادنست الخامسة فی الدرک الاسفل بفتح دال وسکون راء نیز قراءت شده ولیکن مد اول نیست **سورة مائده** وفیها ست کلمات الاولی لاثم بکسر لام وقطع همزه الثانیة نبأ ابنی آدم بسکون باء وفتح نون وسکون یاء ابنی بمعنی خبر دو پسر آدم الثالثة واوفوا بالعقود بفتح همزه قطع الرابعة باثمی واثمک فتکون بکسر همزه قطع در هر دو جا وفتح نون تکون الخامسة فاواری بفتح یاء السادسة یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم بفتح سین انا مفعول علیکم بوده باشد که اسم فعل است بمعنی الزموا **سورة انعام** وفیها ثمانی کلمات الاولی انباء ما کانوا به بتقدیم النون علی الباء بمعنی خبرها نه چنانچه در ابناء که باء پیش است بمعنی پسرها الثانیة انظر کیف کذبوا بتخفیف ذال الثالثة ولا نکذب بفتح الباء الثانیة الرابعة اتحاجونی بتشدید جیم ونون هر دو با مد باشد الخامسة انما توعدون بفتح عین السادسة المعز اثنین بعد از میم عین بی نقطه و زای نقطه دار السابعة قل آلذکرین با همزه استفهام ومد وهکذا در ثانی الثامنة دینا قیما بکسر قاف **سورة اعراف** فیها احدی عشر کلمة الاولی رب ارنی انظر الیک بفتح همزه وضم ظاء وسکون راء الثانیة ما وری با اشباع ضمه واو الثالثة سوآتکم بفتح سین وسکون واو وفتح همزه وسکون الف بعد از همزه وکسر تاء الرابعة سأوریکم بضم همزه بدون واو الخامسة فذروها تاکل بسکون لام تاکل السادسة ان هؤلاء متبر بتشدید باء وتخفیف راء السابعة بکل صراط توعدون بکسر عین بی نقطه الثامنة فانبجست بتقدیم نون بر باء موحده وتقدیم باء بر جیم التاسعة ربنا افرغ بفتح همزه قطع العاشرة دعوا الله ربهما بفتح هاء الله وباء رب الحادی عشر ان ولیی الله بکسر یاء اول **سورة التوبة**

وفیها سبع کلمات الاولی واتوا الزکوة بفتح تاء وضم واو با اشباع الثانیة یضل به بیاء مضمومه وضاد مفتوحه الثالثة لا یستوون بیاء مفتوحه واشباع واو الرابعة قاتلوا الذین یلونکم بضم اللام وسکون الواو بمعنی نزدیک شدن نه انکم لاهم ساکن وواو ضمه دهند با اشباع که بمعنی پیچیدن و پیچانیدن آنست چنانچه در یلوون السنتهم هم چنین است الخامسة فی سبیل الله اثاقلتم با ثاء سه نقطه وفتح قاف السادسة وما نقموا الا ان اغنیهم الله بفتح همزه وعین با نقطه ونون با الف السابعة فاعرضوا بهمزه قطع مفتوحه **سورة یونس** فیها اربع کلمات الاولی امن لا یهدی بفتح یاء وکسرها وتشدید دال مکسوره که در اصل یهتدی بود الثانیة ولا تتبعان بتشدید نون الثالثة الآن همزه مفتوحه والف با مد چنانچه باشد در آلآن سابق که در این سوره است نیز چنین است الرابعة آلله اذن لکم همزه مفتوحه والف که با مد باشد **سورة هود** وفیها ست کلمات الاولی التنور بتشدید النون الثانیة بسم الله مجریها بضم میم والف بعد از راء و در بعضی قراءت بفتح میم وکسر راء خوانده شده واین مشهور تر است الثالثة ومن خزی یومئذ بکسر میم دو یم در قراءت مشهور الرابعة فی بناتک بتقدیم باء بر نون الخامسة لا تکلم بفتح تاء وکاف ولام وضم میم که در اصل لا تتکلم بوده یک تا حذف شد السادسة نقصه بضم ها بدون اشباع زیرا که ها ضمیر نیست بلکه جزء کلمه است **سورة یوسف** وفیها کلمات الاولی جاؤ بضم همزه بلا واو اشباع هرچند بصورت واو نوشته شود الثانیة بثمن بخس دراهم بتقدیم باء موحده تحتانیه **سورة بنی اسرائیل** وفیها خمس کلمات الاولی وهو کلّ علی مولیه بفتح کاف الثانیة لاحتنکن بفتح لام وهمزه وسکون حاء بی نقطه وفتح تاء وکسر نون الثالثة واجلب علیهم بخیلک بفتح همزه قطع وسکون جیم وکسر لام وسکون باء الرابعة ترکن بفتح تاء وسکون راء وفتح کاف وضم نون الخامسة لیسوؤا بضم همزه با اشباع که واو جمع ظاهر شود **سوره کهف** وفیها اربع کلمات الاولی لکنا بفتح نون بدون الف هرچند بصورت الف ذاد نوشته شود زیرا که اصل ان لکن انا بود همزه انا را از جهة تخفیف حذف کرده اند و نون را در نون ادغام کردند

زمد الست اول مد تمکین
بود معنی تمکین جای دادن

نشان او زمن بشنو نخستین
کشیدن مد بمخرج ایستادن

مد بنیه

چو بنیه مد او موسوم از آنست
که از اسماء ممدوده عیانست

بود در وسط کلمه چون قبائل
حداو چار الف یا سه الف دان
بدان مد دوم را بنیه خوانند
بود در آخر کلمه چو آباء

مد آئن باد لک قائل
بخوان از انکه خوانی دو الف دان
حدش چون مد تمکین هم بدانند
دگر یاء و ندائی یا ابناء

لکنا شد و چون انا بصورت الف دار نوشته میشود لهذا بعد از حذف همزه و ادغام نون نیز چنان میشود الثانیة نذروه بفتح ناء و سکون ذال معجمه که از ذرو ناقص واوی است نه مثال الثالثة ولا تعد بسکون عین نه عکس الرابعة بقوة اجعل بقطع همزه اجعل زیرا که همزه متکلم است **سورة مریم** و فیها سبع کلمات الاولی قال کذلک قال ربک بفتح کاف فیهما الثانیة قال انما انا رسول ربک بکسر کاف ربک و لک و کذلک و قال ربک الثالثة فاما ترین بفتح تاء و کسره یاء و تشدید نون که در اصل ترءیین بود چون تمعین بعد از دخول نون ثقیله و حذف نون و یاء دوم بجهة التقاء ساکنین همزه و نقل حرکت او بما قبل ان که راء باشد و حذف ان ترین شد الرابعة اثت بفتح همزه بدون الف ثلاثی مجرد است الخامسة اعتزلکم بفتح همزه و قطع ان السادسة و ادعوا ربی بفتح همزه قطع السابعة اطلع الغیب بفتح همزه قطع زیرا که همزه استفهام است **سورة طه** و فیها ثمان کلمات الاولی فلما اتیها مدون الف مجرد است الثانیة ان اقذفیه بفتح همزه و کسر نون و سکون قاف و کسر ذال و فاء و سکون یاء اقذفیه کلمه است مفرد مونث امر حاضر است الثالثة اعطی کل شیء خلقه بسکون لام و فتح قاف الرابعة تلقف بسکون فاء للجزم الخامسة ان ما صنعوا ان واحد زما بدانند که ما موصوله است و اسم ان نه کافه السادسة بملکنا بفتح میم و سکون لام و کسر کاف السابعة و بصرت بضم الصاد الثامنة من اصحاب بفتح میم **سورة الانبیاء** و فیها ست عشر کلمات الاولی من لا یفترون بفتح الیاء و سکون الفاء و ضم التاء که از فتر بمعنی سستی است نه فتح تاء که از افتراء باشد الثانیة و ذکر من قبلی بفتح میم من نه کسر الثالثة رتقا بسکون تاء الرابعة یسبحون بفتح یاء و سکون سین و فتح باء مع التخفیف بمعنی شنا در آمدن کردن الخامسة یکلؤکم بهمزه مضموم بدون واو و اشباع السادسة و کنا به عالمین بکسر لام السابعة یصحبون بضم یاء و سکون صاد و فتح حاء و ضم باء الثامنة و لئن مستهم نفحة با حاء بی نقطه است بمعنی وزیدن نه با نقطه بمعنی دمیدن التاسعة و ذکری للمتقین براء مهمله بدون الف مقصور چون ذکری العاشرة و اقام الصلوة بکسر همزه مصدر است الحادی عشر اذ نفشت بعد از فاء شین است نه ثاء الثانی عشر یسبحن بضم یاء و فتح سین و کسر باء مشدده و سکون حاء بمعنی بتسبیح الثالث عشر صنعة لبوس بفتح لام بمعنی لباس جنگ یعنی زره الرابعة عشر و کنا بکل شیء عالمین بکسر لام عالمین الخامس عشر یغوصون بغین با نقطه و صاد بی نقطه السادس عشر غفلة بفتح غین با نقطه **سورة الحج** و فیها تسع کلمات الاولی ثانی عطفه بکسر عین بی نقطه الثانیة یدعو لمن ضره بفتح لام و میم لمن الثالثة ان لا تشرک بسکون کاف الرابعة ثم لیقضوا تفثهم با تاء دو نقطه و فاء و ثاء سه نقطه الخامسة تخطفه بتاء مفتوحه و خاء ساکنه و طاء مخففه مفتوحه السادسة محلها بکسر حاء است السابعة و بیع بکسر باء و فتح یاء با دو نقطه جمع بیعه معبد نصاری است الثامنة الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة بفتح تاء بعد از همزه و الف ضم واو و فتح تاء چنانکه در آخر سوره است **سورة المؤمنون** و فیها ثمانی عشر کلمه الاولی الذینهم علی صلواتهم بفتح صاد و لام و واو بعد از واو الف و تاء جمع صلوة است و فی صلوتهم مفرد است الثانیة سیناء بفتح سین الثالثة و صبغ بکسر صاد الرابعة جنة بکسر جیم الخامسة بما کذبون بکسر نون السادسة و وحینا بفتح الواو و سکون الحاء و کسر الیاء السابعة من کل زوجین بکسر لام با تنوین الثامنة غثاء بضم غین با نقطه و ثاء مثلثه التاسعة تتری بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء بعد از او الف العاشرة به جنة بکسر جیم الحادی عشر فانی تسحرون بضم تاء و سکون سین و فتح حاء بی نقطه الثانی عشر ما اتوا بهمزه و الف فتح تاء قبل از واو الثالث عشر ربّ اما تریبنی بضم تاء و کسر راء و فتح یاء و کسر نون مشدده با یاء متکلم الرابع عشر ان یحضرون بفتح یاء و ضم ضاد و کسر نون الخامسة عشر تجارون بفتح تاء و سکون جیم و فتح همزه و ضم راء السادسة عشر سخریا بکسر سین السابع عشر انسوکم بفتح همزه و سکون نون و فتح سین الثامنة عشر العادین بتشدید دال **سورة النور** و فیها تسعة کلمات الاولی یدرؤ بضم همزه بدون اشباع و واو الثانیة و لا یاتل بفتح تاء و کسر لام الثالثة کسراب بقیعة بکسر باء جاره و قاف در بقیعة زیرا که با حرف جر قیعه کلمه علیحده است یعنی بیابان و زمین هموار است الرابعة الظمان بفتح ظاء و سکون میم و فتح همزه با الف و نون چون عطشان لفظا و معنی الخامسة لجی بضم اللام و تشدید جیم مکسوره و تشدید یاء مکسوره السادسة من برد بفتح باء و راء السابعة ان یحیف الله بحاء بی نقطه الثامنة یتقه بفتح یاء و تاء مشدده و سکون قاف و کسر هاء بدون اشباع التاسعة لیستاذنکم بسکون نون **سورة فرقان** و فیها ست کلمات الاولی ما لهذا الرسول بما استفهامیه و لام جاره که لهذا ربط دارد نه بما چنانچه جدا نوشته شود الثانیة و لا یاتونک بمثل بفتح میم و ثاء سه نقطه الثالثة و یخلد فیه مهانا بکسر هاء فیه با اشباع که در قراءت حفص بیاء خوانده شود الرابعة و یلقون بضم یاء و فتح لام و فتح قاف مشدده الخامسة یعبؤ بضم همزه بدون اشباع السادسة دعاؤکم بضم همزه بدون اشباع **سورة شعراء** و فیه ثلث عشر کلمه الاولی فسیاتیهم انباء بتقدیم نون بر باء و ضم همزه بدون اشباع الثانیة فعلتک بفتح فاء و سکون عین و فتح لام و تاء الثالثة تمنها بفتح تاء و ضم میم و تشدید نون الرابعة و ازلفنا ثم الاخرین بفتح ثاء ثمّ

الخامسة و اطیعون بکسر نون السادسة امدکم بما تعلمون بتقدیم لام بر میم السابعة ان هذا الا خلق الاولین بضم خاء معجم و لام و قاف الثامنة لعلکم بکسر لام و فتح عین و میم التاسعة من المسحرین با حاء المهمله مع التشدید العاشرة فاسقط بفتح همزه قطع و کسره قاف الحادی عشر یوم الظلة بضم الظاء الثانی عشر علمؤ بضم همزه بدون اشباع الثالث عشر تنزل بفتح تاء و نون و ضم لام **سورة النمل** و فیها خمسة و عشرون کلمه الاولی لتلقی بفتح لام اول و ضم تاء و فتح لام دوم و قاف مشدده پیش از الف الثانیة ادخل بفتح همزه قطع و سکون دال و کسر خاء و سکون لام الثالثة و جحدوا بتقدیم جیم بر حاء الرابعة ان اعمل بفتح همزه قطع و فتح میم و لام الخامسة ادخلنی بفتح همزه قطع السادسة مالی بفتح یاء السابعة سبا بفتح سین و کسر همزه منونه الثامنة الخبء بفتح خاء سکون باء و فتح همزه التاسعة فالقه بفتح همزه قطع العاشرة تشهدون بکسر نون الحادی عشر الیک بکسر کاف الثانی عشر اتمدونن بضم تاء و کسر میم و ضم دال مشدده و فتح نون اول و کسر ثانی الثالث عشر لاقبل بکسر قاف و فتح باء الرابعة عشر طرفک بفتح تاء و سکون راء و ضم فاء الخامس عشر ننظر بسکون الراء الثالث عشر عرشها بکسر کاف السابع عشر قالوا اطیرنا بتشدید طاء و یاء الثامن عشر ءالله خیر بفتح همزه استفهام داخل شد بر الله همزه الله قلب شد التاسع عشر ان تبتوا بضم تاء اول و آخر و سکون نون و کسر باء العشرون بل ادارک بتشدید دال و سقوط همزه وصل الحادی و العشرون و تمکن بضم تاء و کسر کاف و ضم نون مشدده الثانی و العشرون و اتوه بفتح همزه بدون الف فتح تاء و سکون واو الثالث و العشرون تکنّ بضم کاف و فتح تاء الرابع و العشرون هذه البلدة بفتح تاء و سکون لام بلدة الخامس و العشرون و ان اتلو بفتح همزه قطع و سکون تاء و ضم لام و فتح واو **سورة القصص** و فیها ست و عشرون

هذا الکتاب المسمی بشجرهٔ طیبة فی تجوید القرآن

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی جعل للنبیین لسان الصدق فی الاخرین وصیّر ائمة المعصومین تذکرة للمتقین والصلوة والسلام علی محمد اشرف المرسلین والِه خیر الوصیین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین **وبعد** چنین گوید خادم خدام شرع مبین زین العابدین ابن مرحوم مغفور مبرور میرزا محمد علی من احفاد علامهٔ سبزواری اعلی الله مقامهما که چون در سوابق زمان رسایل متعدده در علم قراءت نوشته بودم بمذهب عاصم و از انجمله رساله ایست که موسوم نمودم انرا بشجرهٔ طیبه چون ابواب فصول ان بصورت اشجار مثمره موسوم گشته و بلسان عرب نوشته شده و ازاین جهة فیض ان عاید عوام نمیگردید لهذا دراین اوان حسب الحکم مطاع لازم الاتباع سرکار شریعتمدار خلایق الافتخار حجة الاسلام والمسلمین وقدوة العلماء والمجتهدین وقدوة المحققین وزبدة المدققین ورئیس الملة والدین ومروج شریعة جده المرسلین ومصباح المحق و الیقین اعلم العلماء العاملین وافضل الفضلاء الراشدین وازهد الزهاد والاتقیاء والصالحین سید الاجل و شیخنا النبیل السالک فی سبیل الله فخر الحاج مولانا الحاج سید اسد الله وفقه الله درصدد ان برامدم که رساله مزبوره را بزبان فارسی ایراد نمایم جمهور خلق منفعت وفائده تام از ان ببینند امید از فضل حضرت سبحان جل عزه وجلاله که منظور نظر کیمیا اثر قدسی منظران فرخنده اولاد سید البشر گردد وها انا اشرع فی المرام وابتدأ بحسن الکلام واستعین بالله الکریم واقول بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لمن توحّد بالعزّ والبقاء وتفرّد بالمجد والثناء والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء محمد واله الاتقیاء وسمیتها بشجرة طیبة ورتبتها علی اثنی عشر بابا وخاتمة هدیة الثانی که قاریان ایات وسور کلام سبحانی در مجامع قلوب بزم ایمان ومحافل ضمایر اهل معرفت وایقان تلاوت توانند نمود وحروف شریف مألوفه را از مخارج لسان شکرگذاری باداء خفای نعم متواتره بصفای قلب بحواظها وادغام دربیان ان زبان توانند گشود حمد حضرت ذو الجلال الیست جل شانه که ایات مجید قرانی وسورهٔ مبارکه فرقانی را بجههٔ هدایت بندگان از فرط رافت بی پایان بسحاب مرحمت وامیر وحی ملاطفت ارسال برسول امین وابلاغ بحضرت سید المرسلین فرمود وثواب عظیم از کرم عمیم در قراءت وتلاوت ایات سور باجرکات کثیر المعجزات مقرر داشته وبمصداق ورتل القران ترتیلا امر بتجوید کلمات وتحسین ایات وفقرات ان نموده وقراء ساکنان صوامع افلاک ومتوطنین مرکز خاک را بجهة تجوید قراءت برسالکان راه هدایت گماشته ودر عدد صلوات وتحفهٔ تحیات وتسلیمات نثار بارگاه حضرت رسالت دو دمان افراز سپهر نبوت باد که نجات دراین بجههٔ شفاعت او برقرار است وسرافراز نشانین بولایة ومحبت اهل بیت طاهرین او واسنی صلوات الله علیهم وعلیهم سلام الله ما فاح عنبر واحضرت الغبراء من زوج ورد

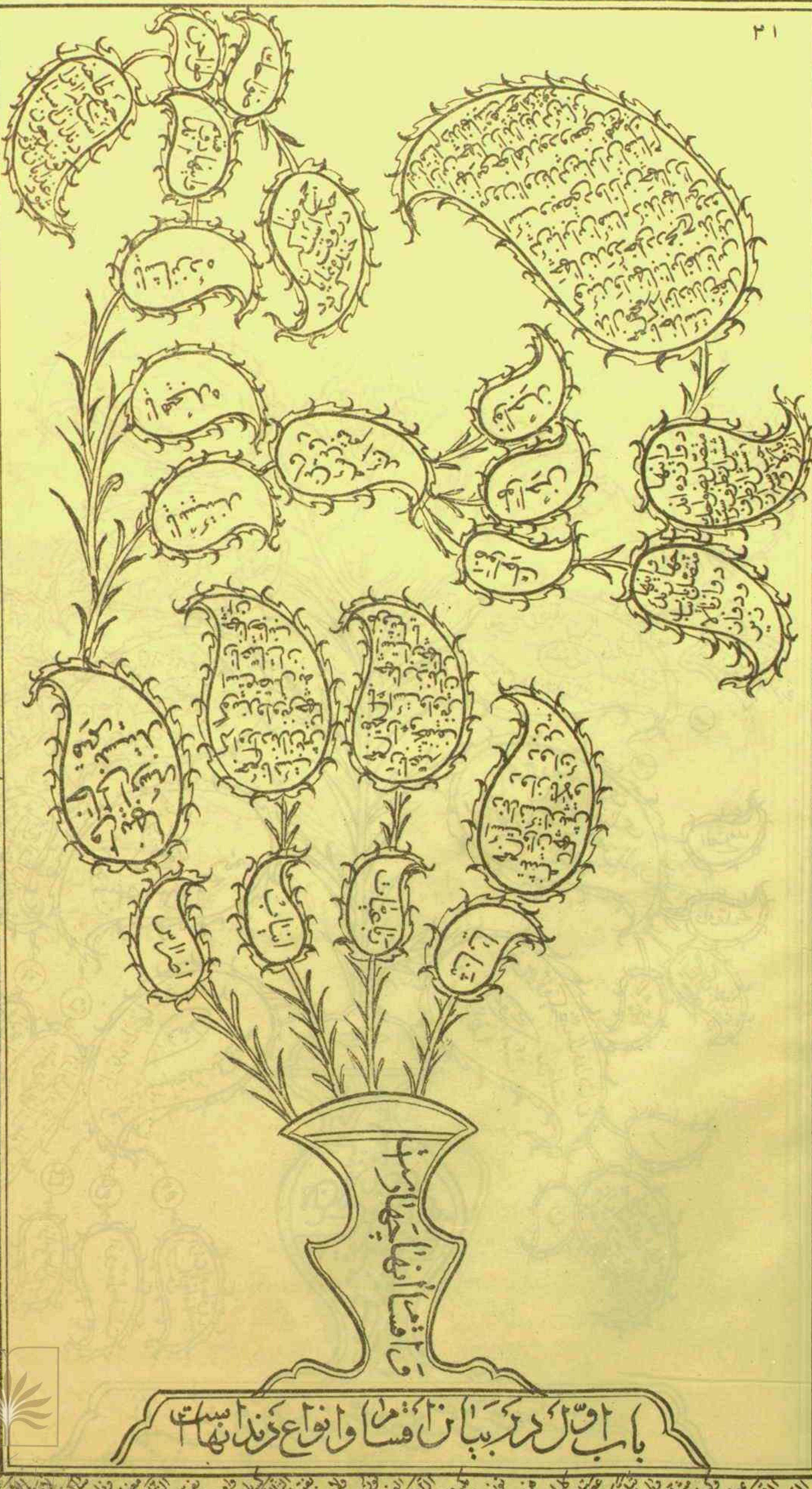
کلمه الاولی ابناءهم بتقدیم نون بر با الثانیة ابناءهم بتقدیم با بر نون الثالثة ان ارضعیه بفتح همزه قطع در ارضعیه الرابعة خفت بکسر تاء الخامسة فالقیه بفتح همزه قطع السادسة الیم بکسر کاف السابعة لتبدی بفتح لام وسکون تاء الثامنة فبصرت بضم صاد التاسعة ولا تحزن بفتح نون العاشرة غفلة بفتح عین الحادیة عشر نصدر الرعاء بضم یاء وکسر دال وفتح راء الثانیة عشر اکلک بضم همزه وکسر کاف اول وفتح خاء وکاف دوم الثالثة عشر آتیها بفتح همزه بلدون الف الرابعة عشر اهل بفتح همزه قطع وکسر یاء موحده الخامسة عشر ان یقتلون بکسر نون دهم چنین است نون یکذبون السادسة عشر ردءا بکسر راء وسکون دال وفتح همزه منونه السابعة عشر مرسلین بکسر سین الثامنة عشر ما اتیهم بفتح همزه بی الف التاسعة عشر فنتبع بفتح عین العشرون ونکون بفتح نون الحادی والعشرون ونتخطف بجزم فاء الثانی والعشرون یجبی بیاء مضمومه وجیم ساکنه وباء مفتوحه والف در اخر الثالث والعشرون علیهم الانباء بتقدیم نون بر باء الرابع والعشرون لتنوء بفتح لام وتاء وضم نون وهمزه الخامسة والعشرون وابتغ بسکون باء وفتح باء وکسر غین معجمه السادس والعشرون ولا یصدنک بضم صاد ودال مشدده

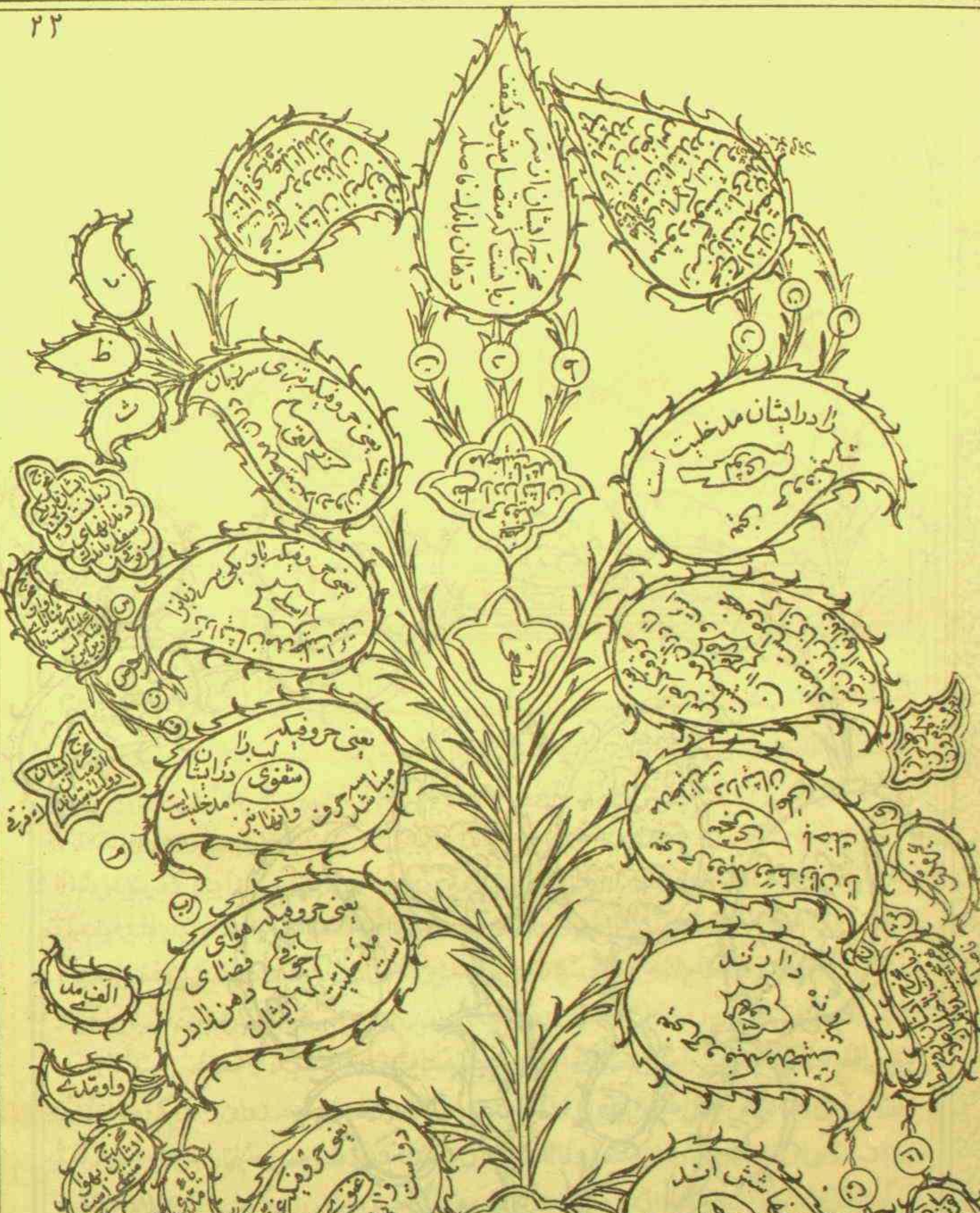
سورهٔ عنکبوت

وفیها ست کلمات الاولی لیقولن بضم لام دوم الثانیة ولیعلمن بفتح میم الثالثة ولیحملن بضم لام دوم الرابعة ولیسئلن بضم لام دوم الخامسة ینشئ بکسر سین وسکون یاء وفتح همزه السادسة لهی الحیوان بفتح یاء در حیوان

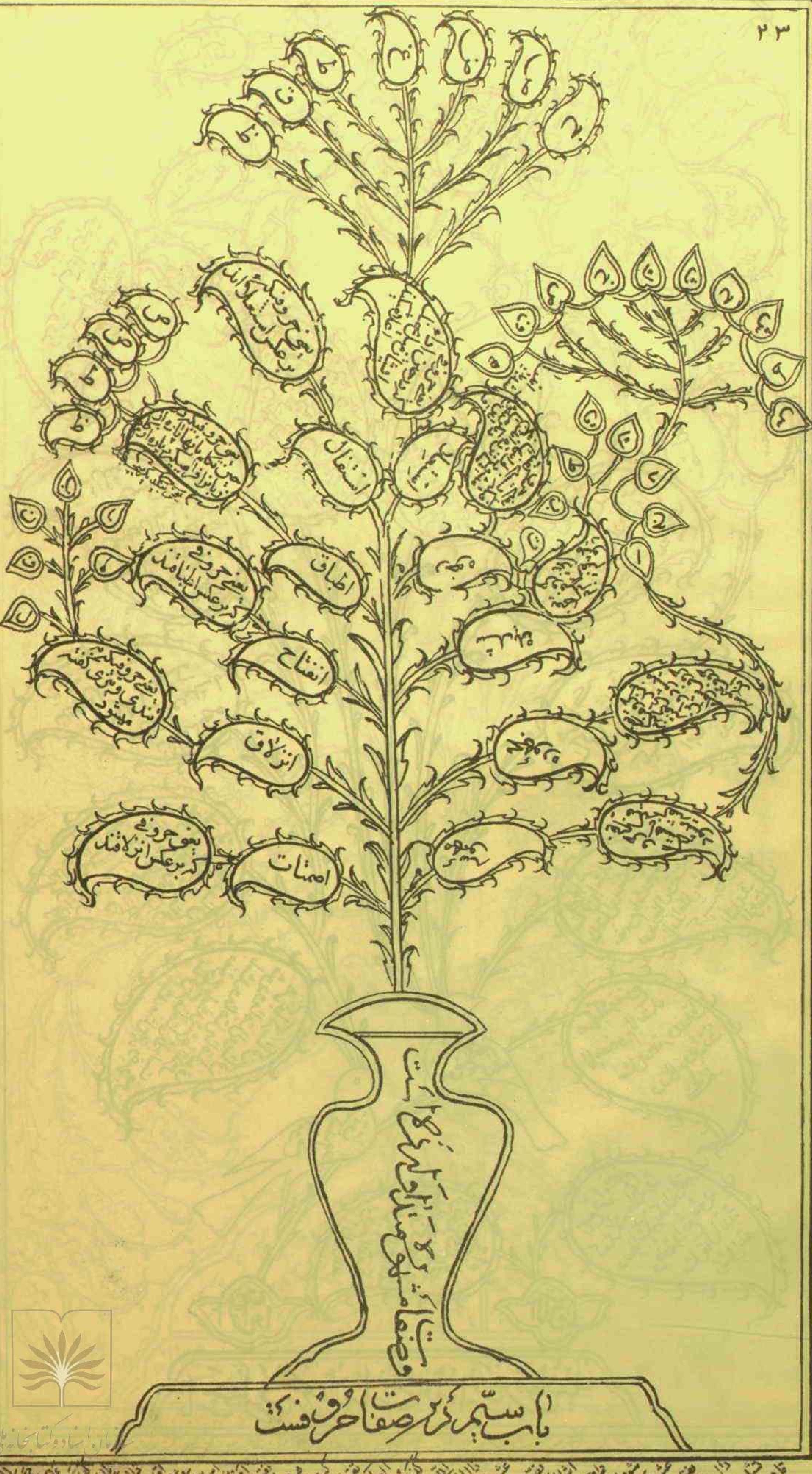
سورهٔ روم

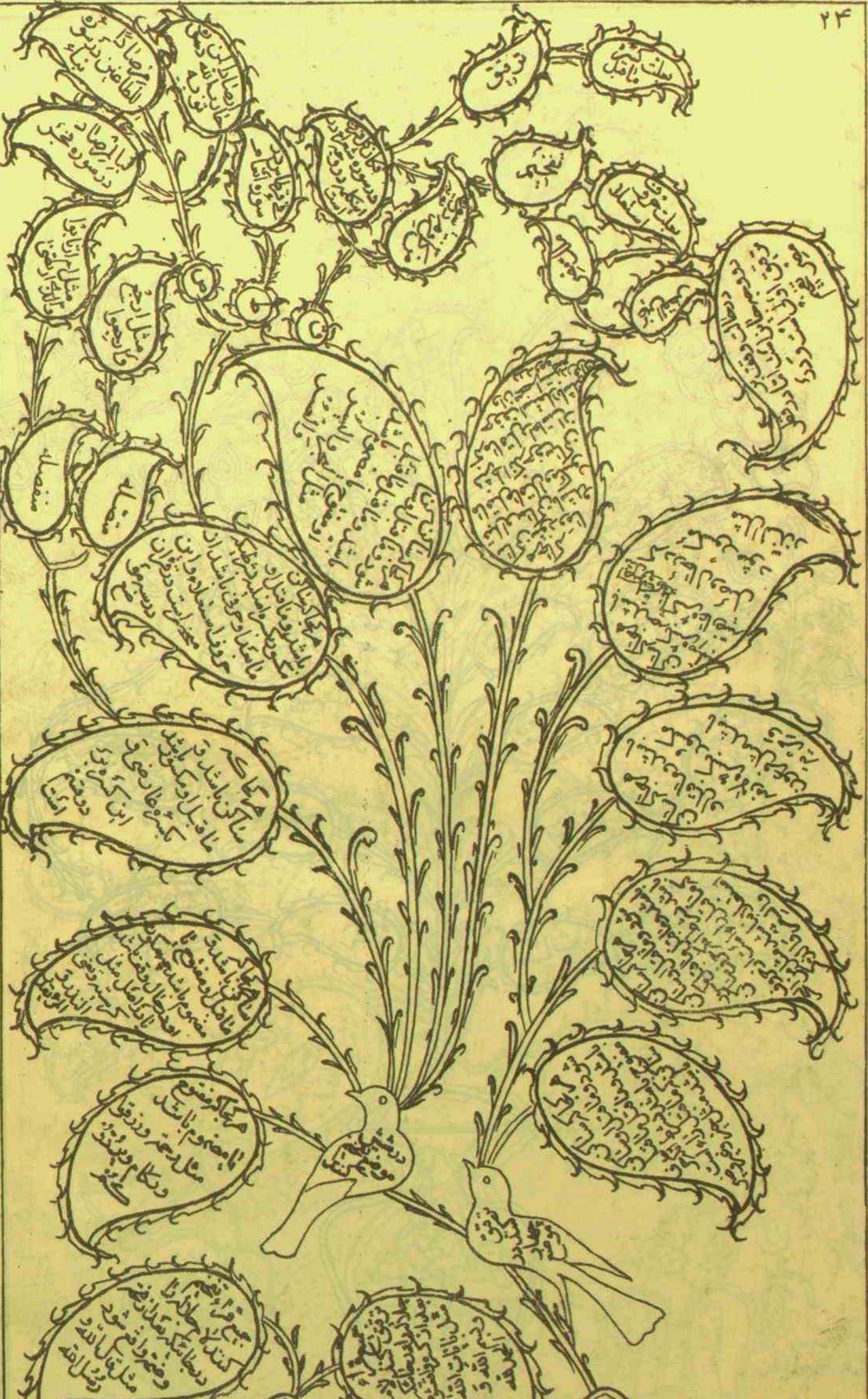
وفیها عشرة کلمات الاولی غلبهم بفتح غین ولام الثانیة واثاروا الارض بفتح همزه اثاروا بدون مد الثالثة السوءی بضم سین وسکون واو وفتح همزه پس از الف الرابعة یحبرون بضم یاء وسکون حاء وفتح باء موحده وضم راء الخامسة لایات فی ذلک لایات للعالمین بکسر لام سیم که جمع عالم بکسر لام است بمعنی دانا است نه عالم بفتح لام که بمعنی ما سوی الله است السادسة لیربو بضم یاء وفتح راء وسکون واو السابعة فلا یربو بضم یاء الثامنة من ضعف بضم ضاد در همه قراءات مشهوره التاسعة من کل مثل بفتح میم وثاء


باب اول در بیان اقسام وانواع زندانهاست



باب دوم در مخارج حروف است


استفال
اطباق
بعضی حروف که برعکس اطباق اند
انفتاح
انزلاق
اصمات
بعضی حروف که برعکس انزلاق اند
باب سیم در صفات حروف است



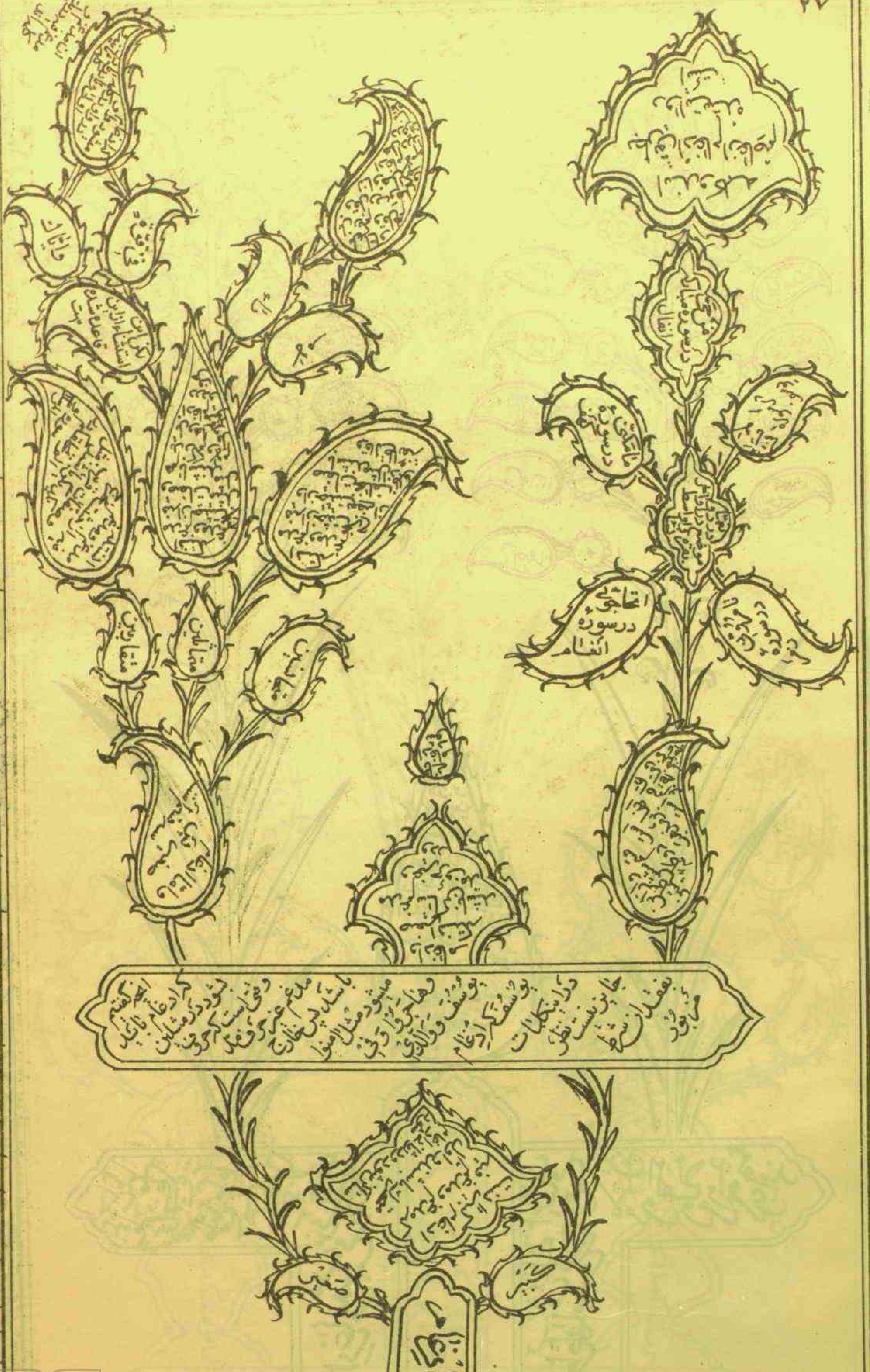
باب چهارم در تقسیم کلمات قراءات در موقوف آن



باب پنجم در احکام نون ساکنه و تنوین است نزد حروف هجاء



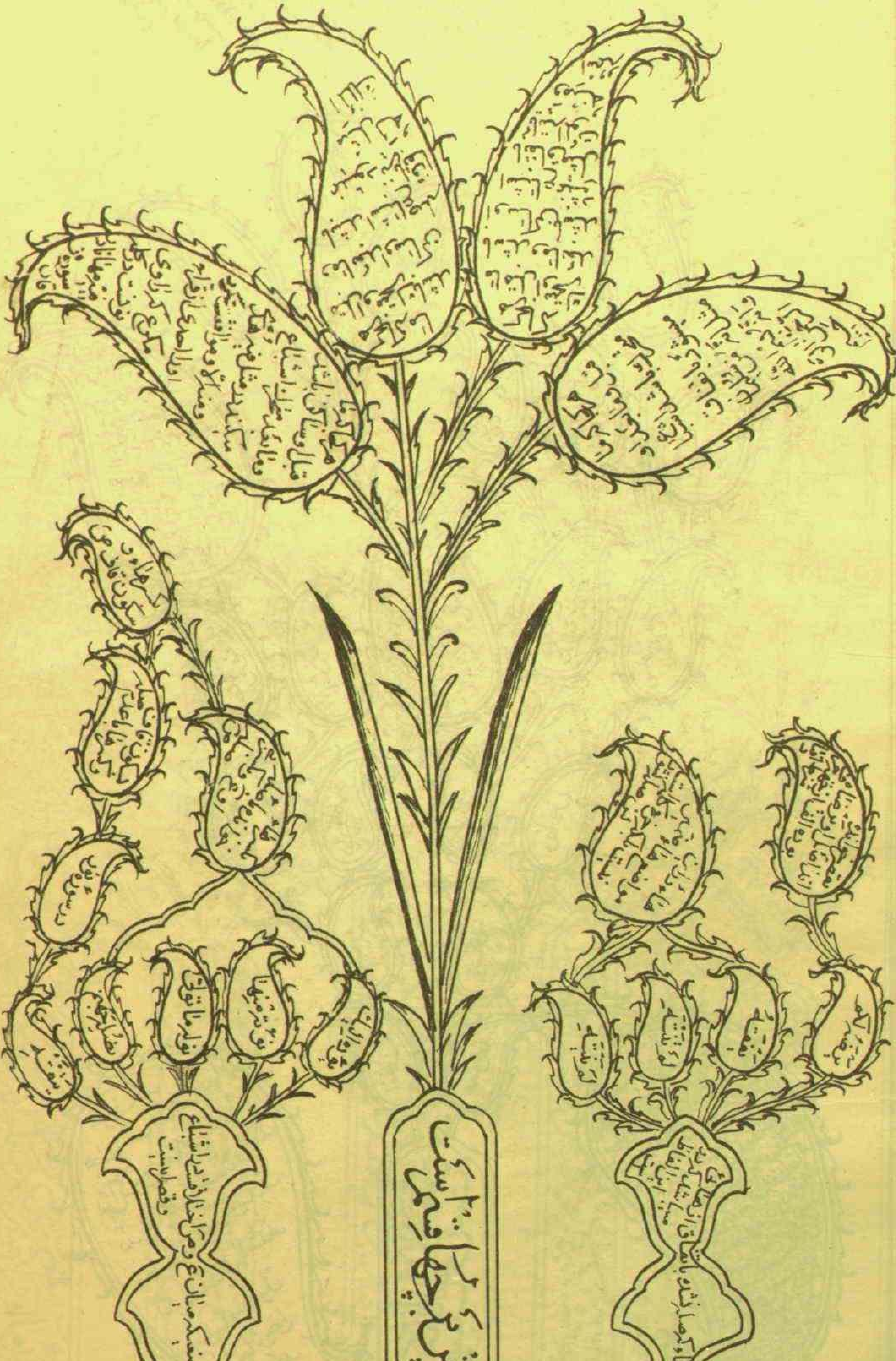
باب ششم در احکام میم ساکنه نزد حروف هجی



باب هفتم در احکام ادغام است و از دو قسم است کبیر و صغیر

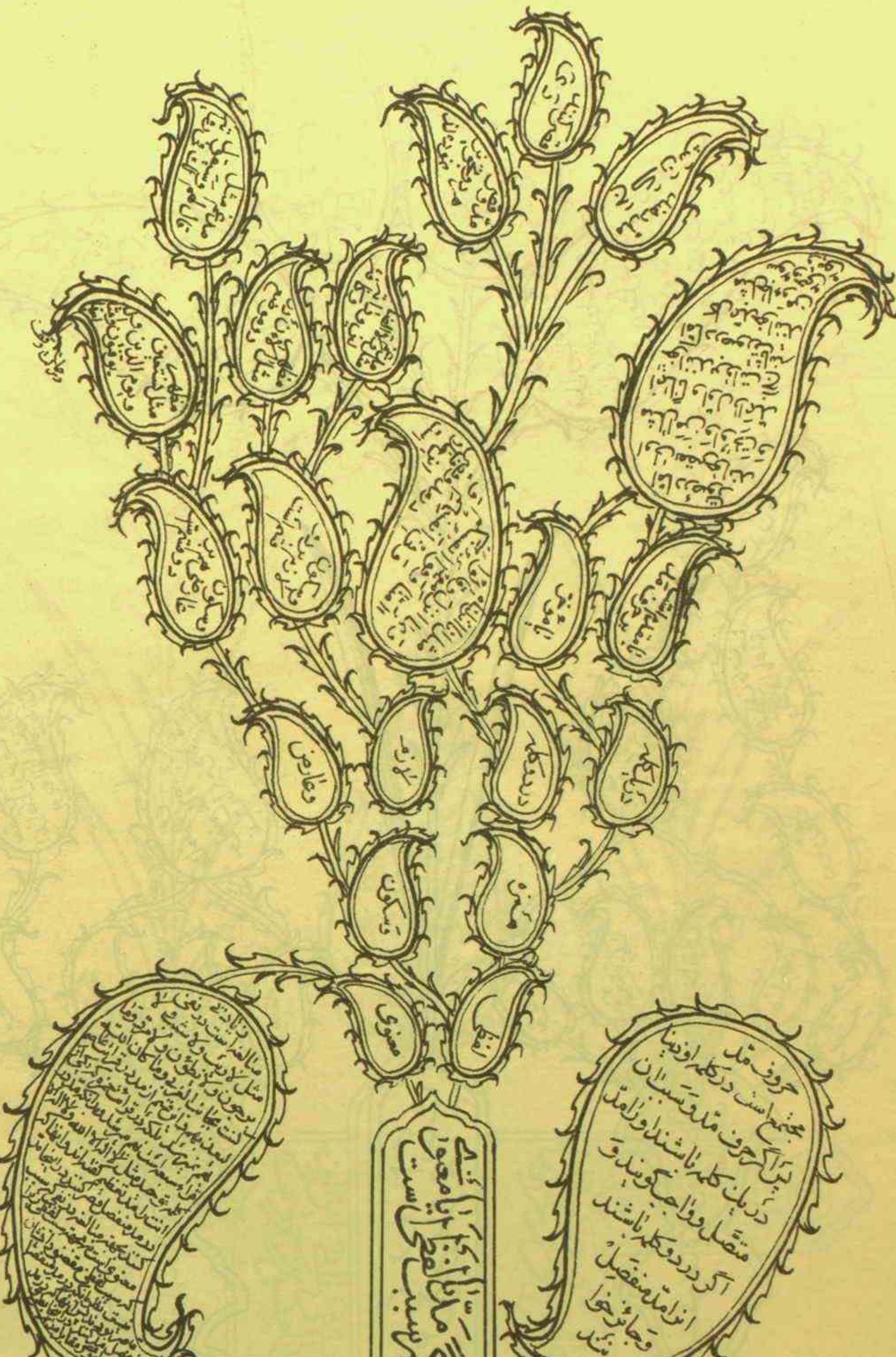


باب هشتم در بیان ادغام لام تعریف و اظهار او است نزد حروف هجا

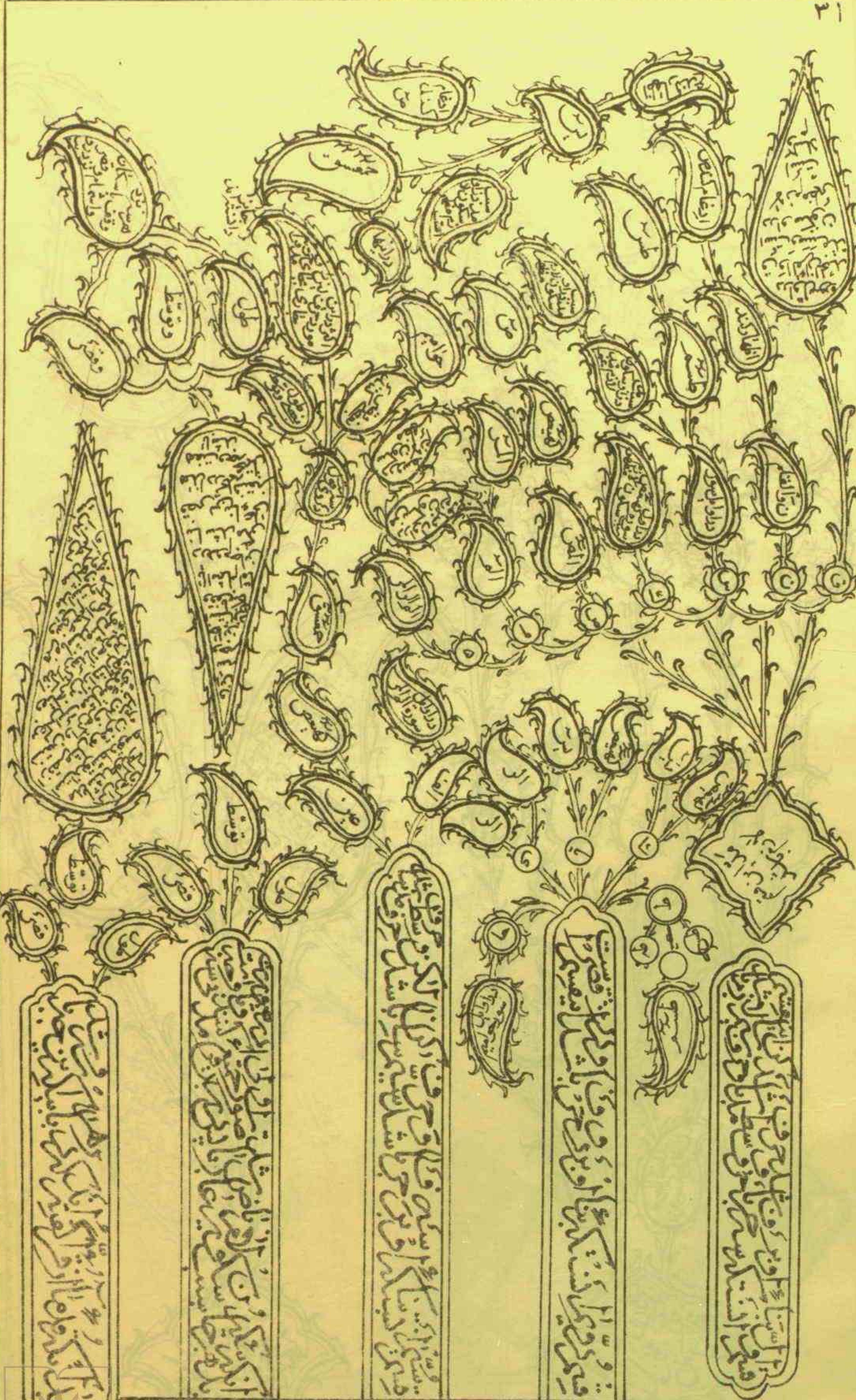


باب نهم در بیان احکام هاء ضمیر است

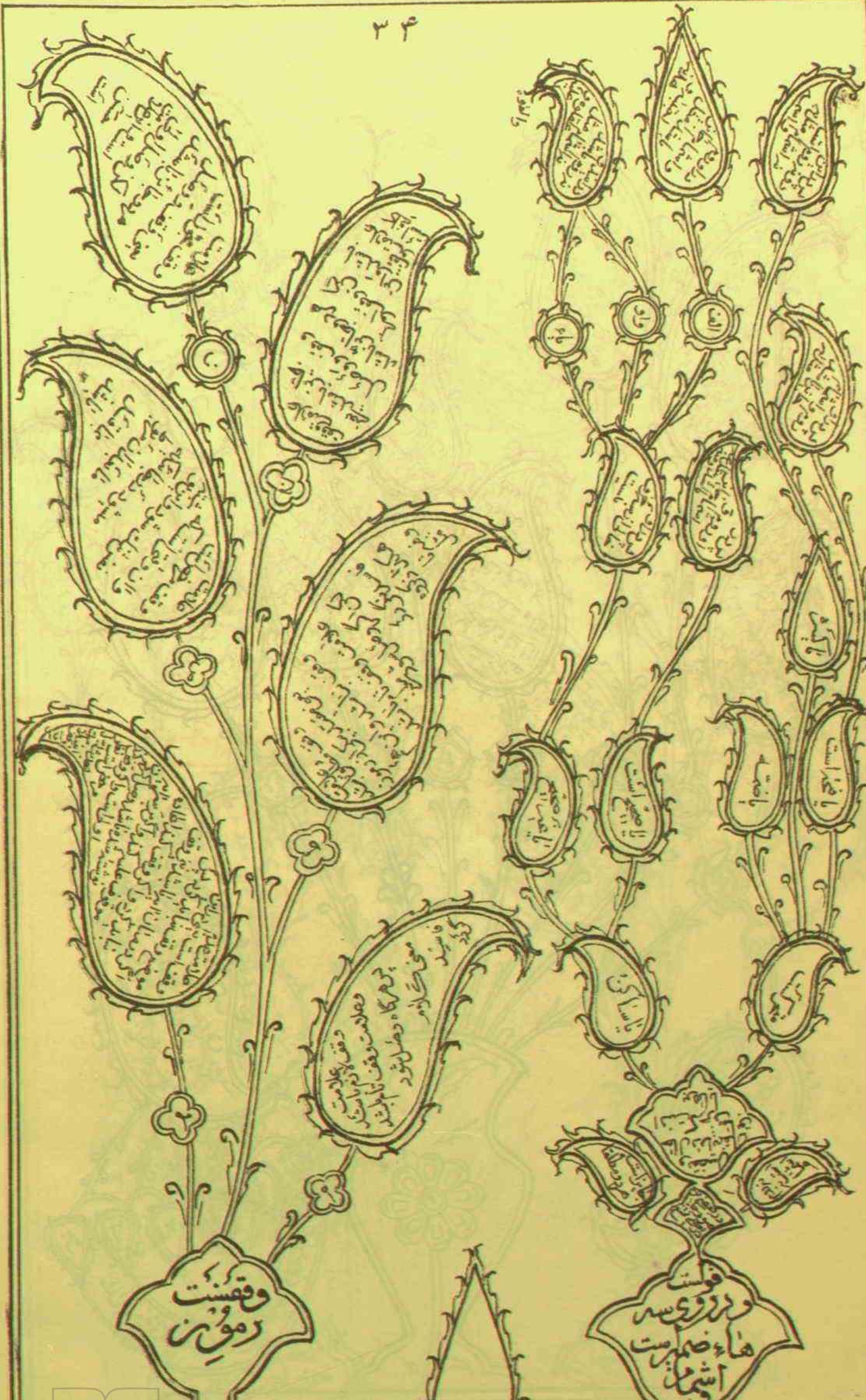
ششم دان مد فرق ای فرق‌تاج که تا یابد صفا	مد فرق طلب تو از دراج	بجوید القرآن	مثالش آلله و آلذکرین نوشت	دگر آلان بود ای نور عینین

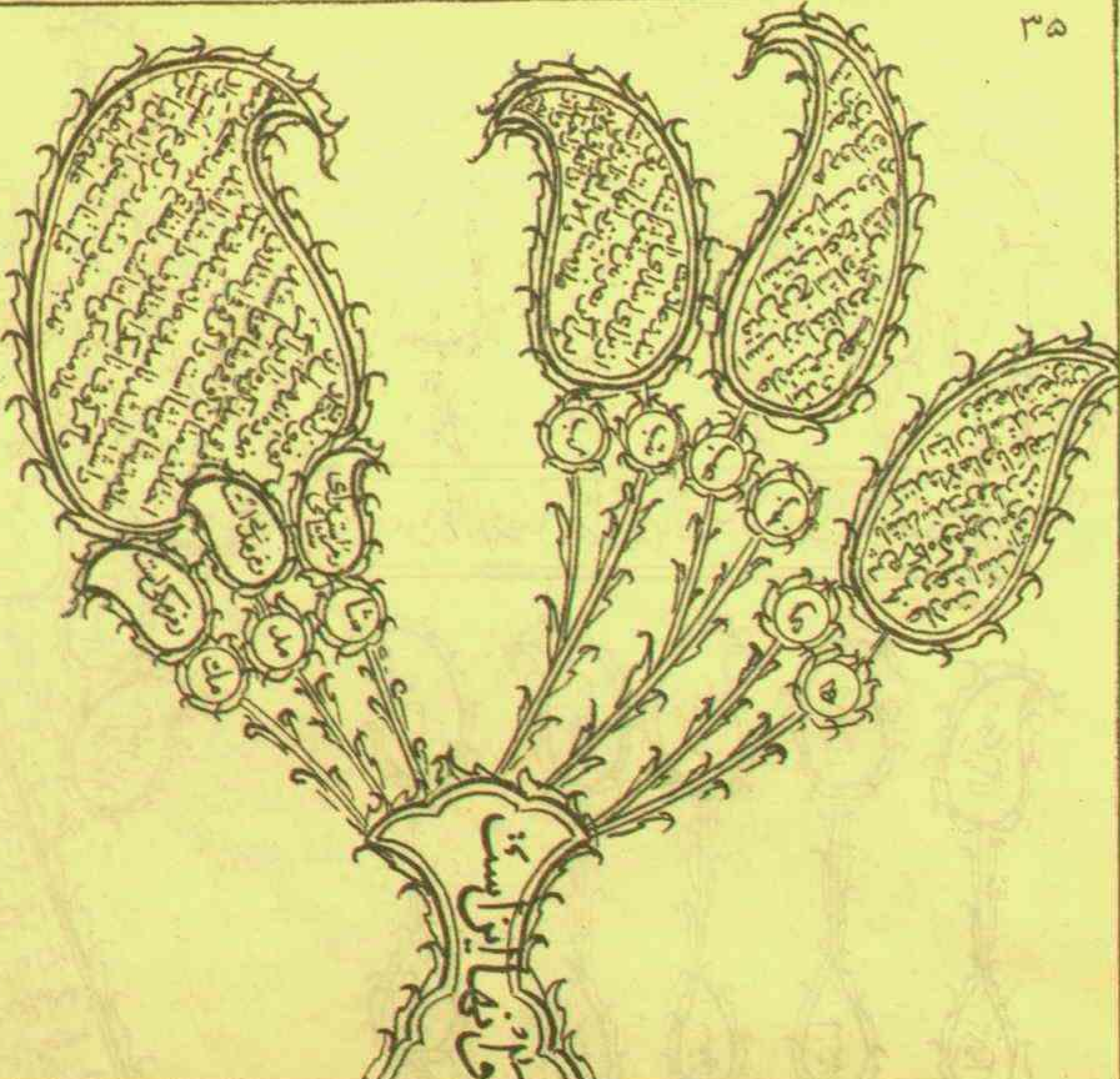


باب دهم در بیان احکام مد و قصر است

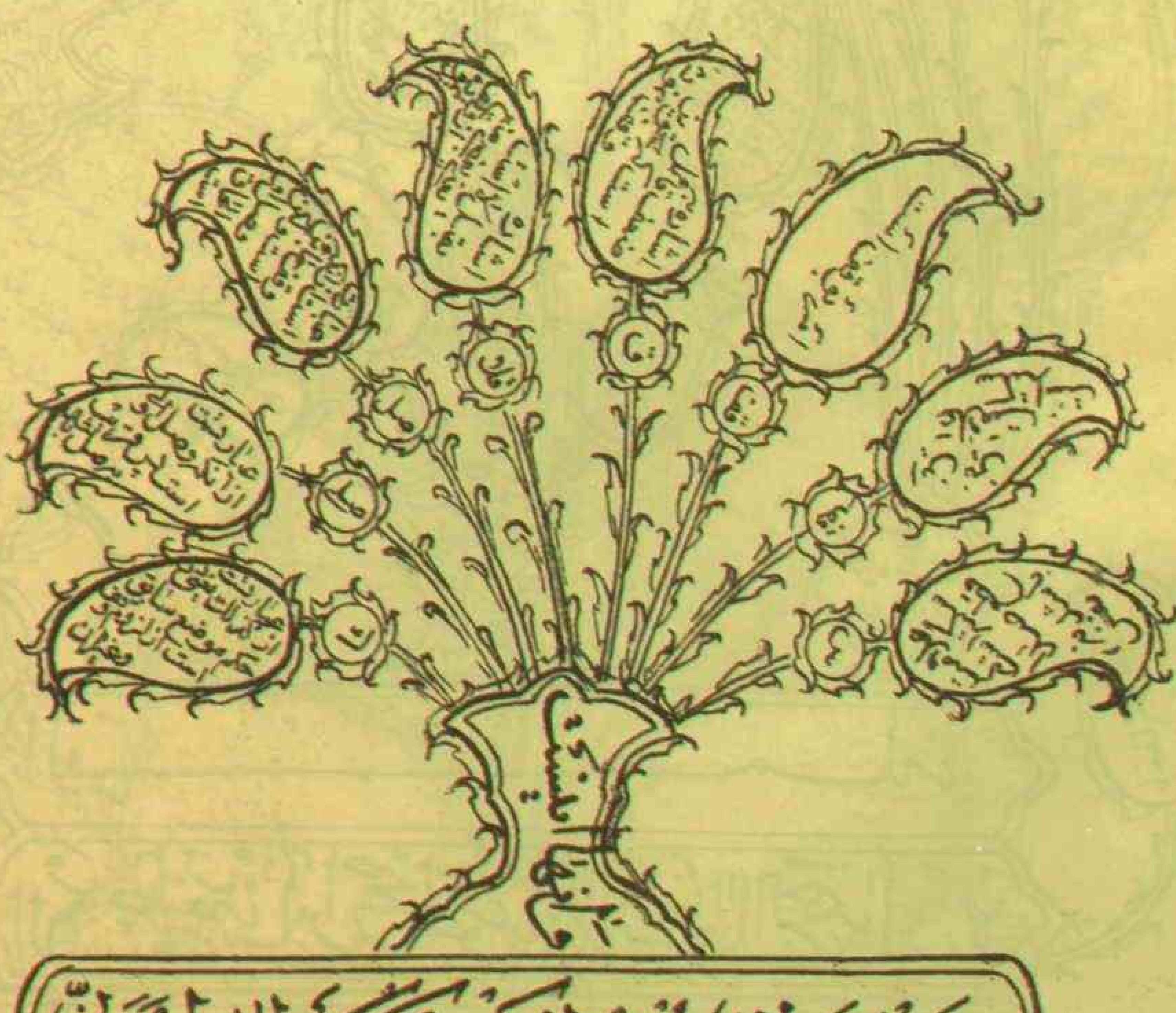


فصل در بیان اقسام حروف مقطعه [illegible] انها [illegible] میباشند

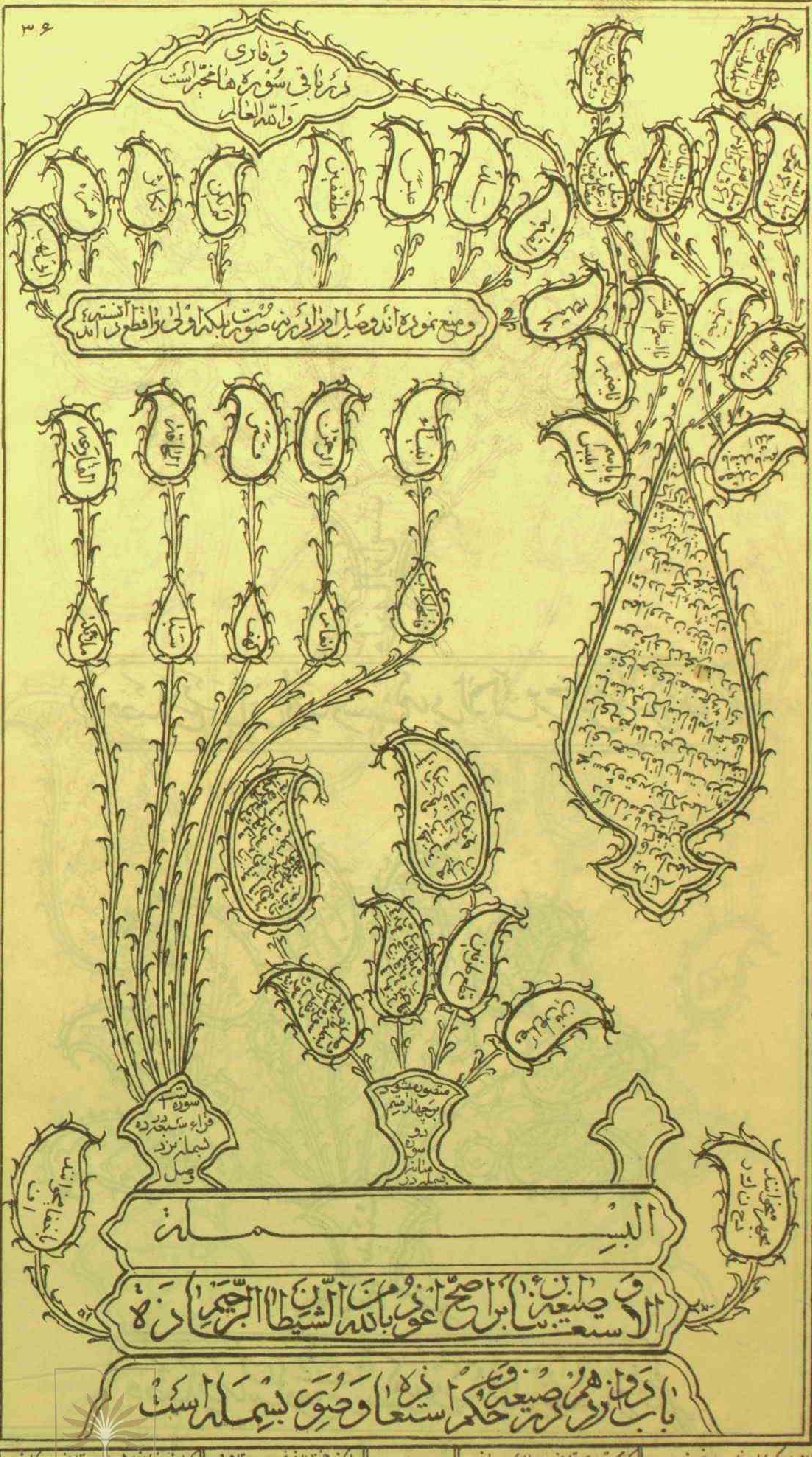

فصل در بیان رموز وقفست
فصل در بیان رموز فوقست در روم و سه هاء ضمیر است و اشمام

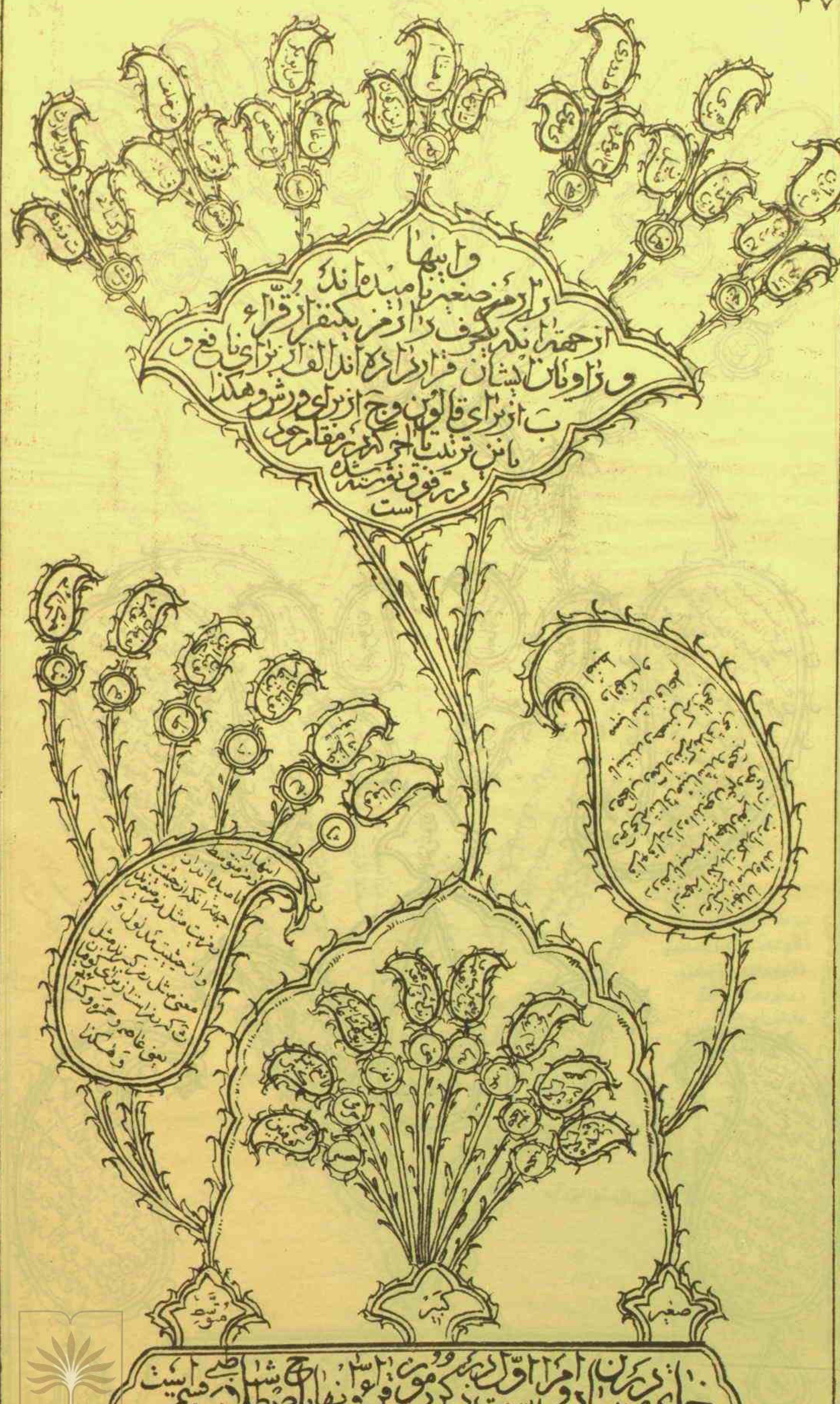


فصل در بیان موضعیست که دلالت بر خمس و عشر کند



فصل در بیان موضعی است که ذکر کرده اند بهامشا خر و


و قاری
در باقی سوره‌ها مخیر است
والله العالم
البسملة
و الاستعاذة صیغه آن نزد اصح اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
باب دوازدهم در صیغه و حکم استعاذه و صور بسمله است



خاتمه در بیان رموز اوائل سور است ذکر رموز قراء و نقلها باصطلاح شاطبی سه قسم است

دلی گر حرف واو و فا بیاید | مکن سکته روانی بگذر از آن
بجز اظهار میم آنجا نشاید | چو از لن وکم تمسن کن روان خوان
بخوان تمرون خلقنا کم تلوا | دگر منها خلقنا کم و فیها

در بیان اظهار و ادغام و اخفاء و قلب

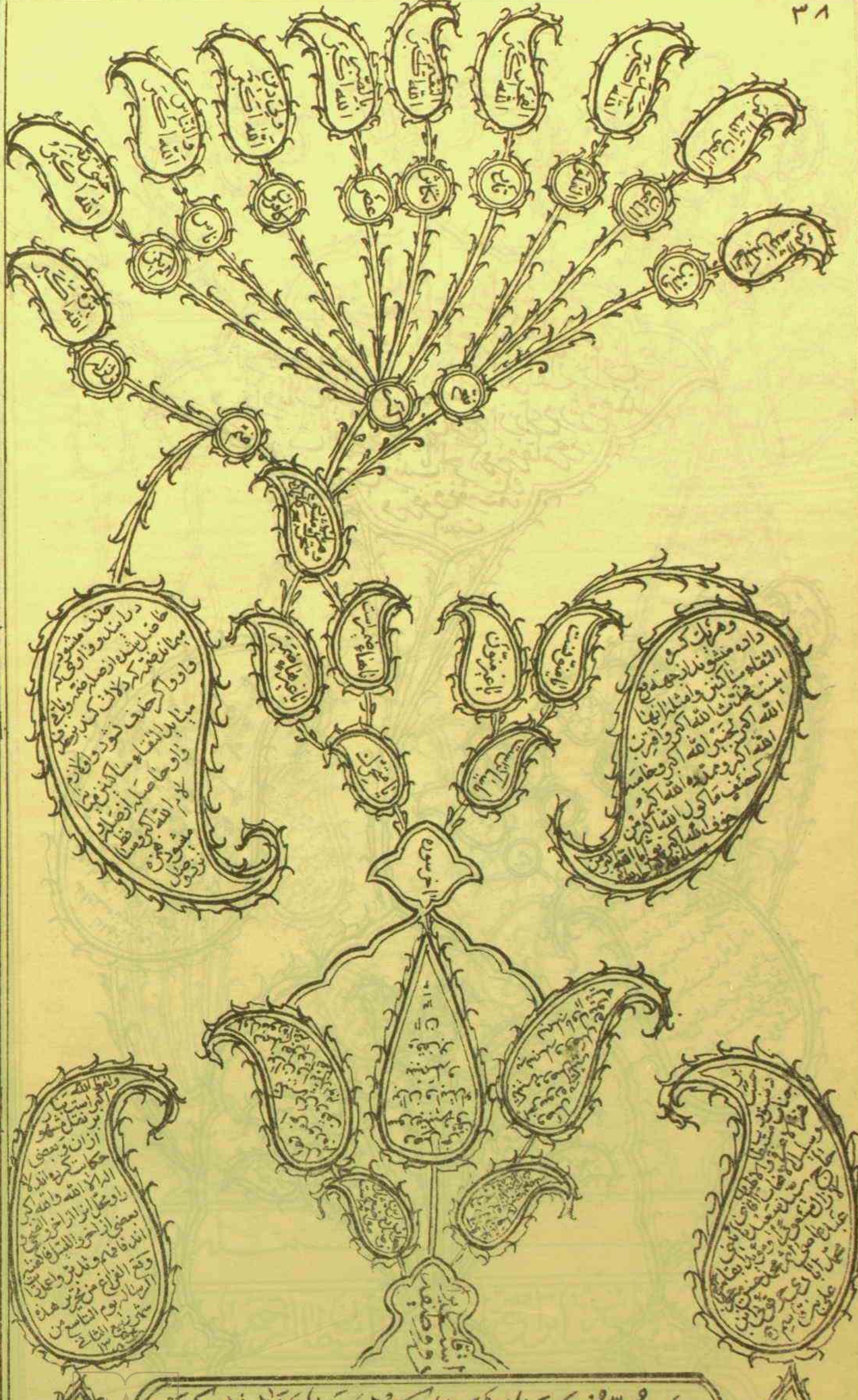
در بیان اظهار لام ساکن نزد نون

چو بینی نون ساکن بلکه تنوین | بزن دو حرفها ای صاحب دین
چو بینی نون بعد از لام ساکن | مر این هر دو یکی از چار حالت
بکن اظهار لام آنجا و لیکن | بود مشهور که یابی وجه حالت

سه بود اظهار یا ادغام یا قلب | دیا اخفاء ز من تعلیم کن جلب

در بیان اظهار که مخصوص بحروف حلق است

چو یابی همزه یا ها عین یا خا | نما اظهار نزد غین و هم خا



این دو صحیفه در بیان احکام تکبیر است بر قرائت ابن کثیر

سه بخوان در میم و نون با غنه بیشک پس از تنوین و نون گر دو م یارا	ز نقش احکام از دل نما حک بود بی غنه کن ادغام یارا		مثال هر دو من ماء مهین است هدى للمتقين من لدنه	ودر ذو قاف مخ و عن تا صریح است بکن ادغام و [illegible]

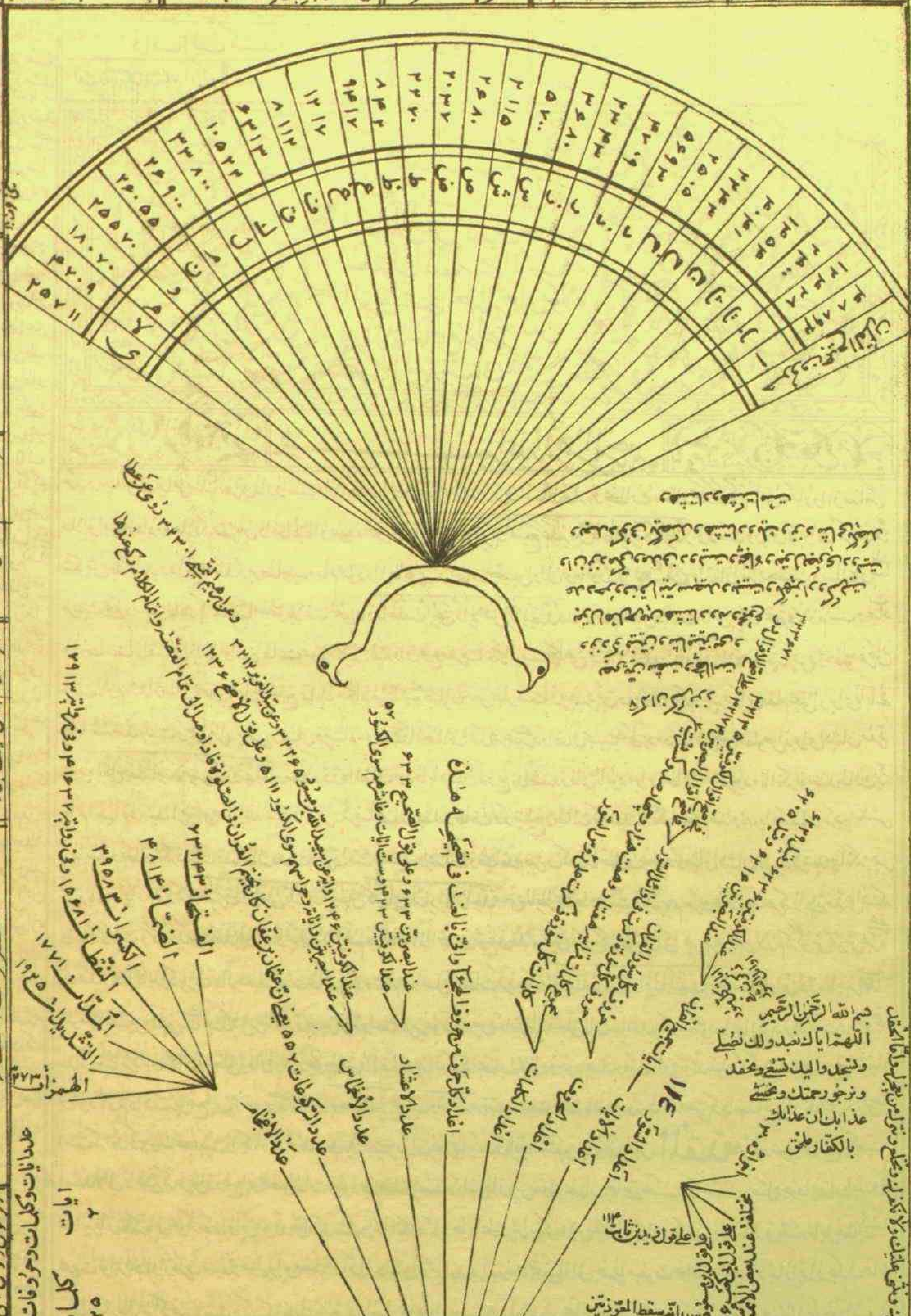
تجوید القرآن

مثال را گر هم بشنو از ما / مثال هر دو در دیگر بیت آرم

قد فزرا بیات و آن دکبطنا / ز بعد او دو صد نکته بیارم

بدان و لین اند واو دو رجاست / مهادا و الجبال ان وجدنا

ولیکن نزد اکثر غنه اولی است / چو اصلاحا یوفق ان یریدا



هذا بیان اعداد التی تتعلق بالقرآن المجید

سه اول تا ثا و جیم و دال و دا و شین / دگر ذال و صاد و ضاد و طا و سین / دگر ظا فا قاف و کاف میدان / تو در این حرفها اخفا همی خوان

بود اخفا نه اظهار و نه ادغام	دو غنه بود نی غنه تمام	تجوید منظوم ۲	مثال قا بود من قاب انتم	صراط تو عدون راهم کم
مثال تاء من ثمرات وانثی	ز ظلمات ثلاث باش جویا		بدین منوال خود امثال باقی	قیاس ار میکنی در فهم طاقی
ادای الف کشیدن			چو بعد از حرف استعلا به بینی	الف بشنو زمن ای یار دینی
الف را آنچنان باید اداکرد	که باید ان الف تمام ای مرد		بیا بشنو زمن تعلیم ای راز	در استعلا محرک ساز آواز

هذا کتاب حجة البالغة فی غیبة النعمة السابغة للعالم الکامل المحقق المدقق جامع المعقول والمنقول حجة الاسلام الغریق فی بحار رحمة الرحمانی مولانا الآقا حاجی میرزا محمد حسین الشهرستانی مدّ ظله

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس بی قیاس ملک العرشی را رواست و از الطاف بی منتها تاج عزت بر فرق انسان نهاده و بخطاب مستطاب لقد کرمنا بنی آدم او را از سایر خلایق متمایز داده و ملائکه مقربین را نگاهبان او نموده سخر له ما فی البر و البحر و اسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنة از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش بدر آید و درود نامعدود بر صاحب مقام محمود و آل طاهرین و اصحاب منتجبین او الی یوم الورود **و بعد** واقفان اسرار حقیقت و سالکان مسالک طریقت مخفی و مستور نماند که بمقتضای مضمون بلاغت مشحون و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون بر تمام ثقلین عبادت خالق بیچون متحتم و لازم است و عبادت عبارتست از امتثال اوامر و نواهی و اطاعت نمودن تکلیف الهیه و آن فرع معرفت احکام است کما هو ظاهر که لا یکلف الله نفسا الا ما آتیها پس در حصول غرض از خلقت لازم شد ارسال شخصی کامل که تبلیغ نماید احکام الهی را بسوی عباد آن شخص عبارتست از پیغمبر و نبی و رسول حکیم و خبیر را این مقام حجتی از برای عباد فی نگذاشته صد و بیست و چهار هزار پیغمبر بر ایشان فرستاده و بمقتضای اختلاف اهل هر عصری را فعال بحسب مصلحت و مفسده شریعتی مخصوص از برای ایشان مقرر نموده لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجا و مقدار ذره الطاف خود را با ایشان دریغ نداشته و زمانی نابوده بر این حالت مستمر بوده تا آنکه نوبت رسالت بر خاتم انبیاء و سید المرسلین صلی الله علیه و آله قرار گرفت آنجناب بقدر طاقت در تبلیغ رسالت کوشید تا آنکه احکام خداوندی را میان مردم منتشر گردانید و بعد از آنکه دست قضا خاک مذلت بر فرق امت پاشید و آنجناب از میان قدم بیرون کشید اختلاف عظیم در میان ایشان پدید گردید چنانکه پیغمبر محمود بآن خبر داده بود که ستفترق امتی علی ثلث و سبعین کلها فی النار الا واحدة حق و باطل مخلوط و سنت و بدعت بهم مربوط گردید هر کسی را بینی مدعی انستکه واحدی او ست و کل یدعی وصلا بلیلی ، ولیلی لا تقر لهم بذاکا ، اذا انبجست دموع فی خدود تبین من بکی ممن تباکی پس بر هر عاقلی لازم که گوش هوش بهر ناعقی ندهد و عقل کامل را که مرات عالم حقیقت است حاکم نموده شاهد واصل را بنجات گردد که والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و این ذره ناچیز محمد حسین الموسوی الحسینی الشهرستانی چند قبل رساله در تعیین فرقه واحده تحریر نمود و غرض در این رساله متعلق بآن نباشد بلکه مقصود در اینجا ایراد برهانست بر وجود حجة خدا در میان مردم و عدم امکان خلو زمان از آن و چون جماعتی را اعتقاد چنانست که آنجناب الحال موجود نیست و بعد از آن متولد خواهد گردید بجهة دفع اشتباه بر خود لازم دانسته بوضع این مختصر پرداخت و او را بر مقدمه و پنج باب و خاتمه مرتب ساخت و حجة بالغة و نعمة سابغة مسمی گردانید امید از ناظرین در آن چنان است که اندکی جهت عصبیت را کنار گذارند و بدیده بصیرت در آن نظر نمایند و بالله استعین انه خیر معین **المقدمة** در تحریر محل نزاع و کیفیت استدلال دانستی که غرض از وضع این مختصر اثبات وجود حجة منتظر است در این زمان پس مقصود بخطاب جماعتی هستند که معتقد باصل وجود آنجناب باشند ولی در این زمان بلکه باین نحو که بعد از این متولد خواهد شد و اما آنکه اصل وجود آنحضرت را منکرند پس مقصود بکلام در این رساله بلکه فی نفسه قابل خطاب نیستند بجهت تواتر اخبار از طرق شیعه و سنی بر این مضمون که اگر از دنیا روزی بماند هر آینه خدا شخصی از آل پیغمبر را مبعوث خواهد نمود که دنیا را پر از عدل نماید بعد از آنکه ظلم از اگرفته باشد و کسیکه اندک تتبعی در اخبار نمود بر او پوشیده نباشد پس محل نزاع آنستکه حجة بن الحسن العسکری الحال موجود است و خواهد بود تا زمانیکه خداوند جل شانه مصلحت در ظهور آنجناب داند و طریق اثبات این مطلب منحصر است در عقل و نقل و در حجیت و اعتبار عقل قاطع کلامی نیست و اما نقل پس آنچه معتبر است از آن و حجت است بر خصم نقلی است که طرفین بر صحت آن گواهی دهند تا اینکه مدعی بر صحت آن قراین معتبره اقامه نماید و از برای خصم معارضی نبوده باشد پس او را نمیرسد انکار آن تا اینکه این نقل در نزد ما ثابت نیست چنانکه بعد از تواتر صدور معجزات از خاتم انبیاء در مبادی اسلام یهود را نمیرسد انکار آن باینکه احدی از یهود نقل معجزات آن سرور را ننموده و حال اینکه معارض معتبری در مقابل ندارند چنانکه

فطرت سلیم بر آن شهادت میدهد که هرگاه شخص ثقه بلکه مجهول الحال الجنب بامری نماید و قراین صحت و صدق مقترن بآن باشد هر ذو عقلی اذعان بر تصدیق او مینماید مادامیکه معارضی نداشته باشد خصوصا هرگاه خوف آن باشد که بر آن خبر ضرری بر جان ناقل یا مال او مترتب شود چه که این مقام احدی را شبهه در صدق او نمی نماید پس مع ذلک هرگاه جماعتی دیگر هم موافق همان مطلب خبر دهند از کسانیکه مختلف العصر و البلد بلکه بعضی از آنها مخالف او در مذهب و طریقت و همیشه طالب کذب باشند دیگر اگر کسی احتمال خلاف در آن خبر دهد از درجه انسانیت ساقط خواهد بود فضلا از اینکه هرگاه عقل قاطع هم گواه صدق او در نقل مذکور گردد و بالجمله هرگاه مدعی بر اثبات دعوی چنین نقل اقامه کند با شرایط مذکوره خصم منصف البته قبول خواهد نمود و ما در این رساله ابتدا ادله عقلیه بر وجود امام در هر زمان اقامه نموده بعد از آن یاد ادله نقلیه بر این مطلب اجمالا و تفصیلا پس از آن بدفع شبهات میپردازیم و بعد از همه قراین عادات شاهده بر مقصود را اشاره مینمائیم امید از لطف عمیم رب رحیم چنانست که ناظرین از تعصب و حمیت را با این رساله هدایت بصراط مستقیم نموده از عذاب جحیم نجات دهد

باب اول در ادله عقلیه بر لزوم حجت در هر زمان و این بر وجوه متعدد بنا میتوان نمود و اخصر طرق آنچنانستکه نصب امام از برای انام لطف است و لطف بر خداوند جلت حکمته من باب حکمت لازم است اما مقدمه اولی پس ظاهر است زیرا که لطف عبارتست از چیزیکه نزدیک سازد مکلف را بطاعت و دور نماید او را از معصیت بدون اینکه بحد اضطرار رساند او را و شکی نیست در اینکه بر وجود امام مترتب است زیرا که وظیفه امام نیست که نشر احکام و تعلیم حلال و حرام و اقامه حدود و اخذ مظالم و سد ثغور و امر بمعروف و نهی از منکر و امثال اینها بنحویکه پا از شریعت حضرت سید المرسلین بیرون نگذارد و خبط و خطا و سهو و نسیان که موجب تغییر حکم الهی و ظلم بر صاحب حق شود از او صادر نگردد و هر آینه وجود چنین شخصی موجب نزدیکی مردم بطاعت و دوری

مثالش خاسرین وصادقین است
وگر واقع شود قبل از الف را
مثالش را آن بود دیگر جحاده
مثال این طلب از آنجاد

دگر چون ضاحکاچون طاشین
ویا بعد از الف میزان الف
بجز اتمام بود هیچ چاره
بدین منوال بخوان العشاد

دو دیگر ظالمین و غافلین دان
باتمام دبیر بپرسش از حد
دگر بعد از الف را ضمه وارد
ولی گر با الف این شرطها نیست

مثال اخرینش قانتین دان
بشرط آنکه را مفتوح باشد
با تمامش بخوان تا ضعف ندارد
بجز بار یک الف خواندن وانیست

ایشان از معصیت خواهد بود بالبدیهة هرگاه یکی از آن اوصاف مفقود شود ضرر او بیش از نفع او خواهد بود و باین تقریر وجه لزوم عصمت پیغمبر و امام ظاهر گردید و اما اینکه فعل لطف من باب حکمت بر خداوند تعالی لازم است پس به دو وجه بیان میشود اول اینکه خود در کلام حکیم و فرقان عظیم خود در چند موضع بان اخبار نموده که وَاللّٰهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ و غیر ذلک و خلف در اخبار خداوند تعالی شانه محال است پس عمل بمقتضای اخبار لازم است دویم اینکه بالضروره خلق انسان بجهة غرض است که ایصال او بمنافع دنیویه و اخرویه باشد و اینکه اشاعره گویند که افعال الهی معلل باغراض نیست باید مراد غیر از اینگونه اغراض باشد بنص صریح وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ و ایه وافی هدایه أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا و چونکه بمقتضای ایات متکثره غرض از خلقت اطاعت و بندگی است که سرمایه سعادات و موجب بلندی درجات و مانع از هبوط درکات است پس هر چه موجب حصول این غرض و ترک او مانع از حصول اوست من باب حکمت لازم است چون ترک او مستلزم نقض غرض خواهد بود و شکی نیست در اینکه لطف داخل است در عنوان مذکور پس من باب حکمت لازم خواهد بود و هو المراد ایا نمی بینی که خداوند عظیم کلیم خود را امر میفرماید که چون با برادرت هارون نزد فرعون رفتید فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ با فرعون نرم سخن گوئید شاید که هدایت یابد چونکه نرم سخن گفتن موجب انستکه نزدیک شود بطاعت ای برادر منصف بدیده حق بین بگشا و نظر مالک ملکوت اسمان و زمین با بنده یاغی طاغی خود ملاحظه نما که چگونه طالب هدایت نمودن اوست و به نحوی بکلیم خود امر میکند که در هدایت او کوشد شعر دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظر داری و در اینمقام ذکر ترجمه حدیثی است که شیخ طبرسی اعلی الله مقامه در احتجاج ایراد نموده و مضمون بلاغت مشحون ان بدین نحو است که روزی ماه برج اصطفا و گوهر درج صدق و صفا امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق زینت بخش مجلس همایون بودند و اصحاب انجناب مانند ستارگان گرد ان ماه تابان بنشسته انحضرت در میان ایشان هشام بن عبد الملک را مخاطبه فرمودند که یا هشام عرض کرد لبیک یا ابن رسول الله ص فرمودند مرا خبر ده که با عمر بن عبید چگونه رفتار نمودی و از وی چگونه سؤال کردی عرض کرد زبانم در حضور شما یارای تقریر نیست اگر عفو فرمائی بجا است انجناب خطاب عتاب امیز فرمودند که هرگاه شما را بچیزی امر نمودم البته باید اطاعت کنید هشام عرض کرد که تفصیل واقعه بدین نحو است که مرا خبر دادند که عمر بن عبید در مسجد بصره مجمعی جمع اورده مشغول تدریس و افاده است این امر بر من گران امد عزم بصره را جزم نموده روانه راه شدم روز جمعه بود که وارد بصره گردیدم و بلا تامل روانه مسجد شدم عمر بن عبید را دیدم که ردائی و ازاری از پشم سیاه پوشیده مردم بر دور او حلقه زده از او استفاده مینمودند مردم را شکافتم و در اخر ان حلقه بر زانو نشستم و گفتم ایها العالم من شخصی غریب هستم ایا مرا اذن میدهی که تو را از مسئله سؤال نمایم گفت بپرس گفتم ایا چشم داری گفت این چه سؤال است گفتم سؤال من اینست گفت بپرس اگر چه سؤال احمقانه باشد باز همان سؤال را اعاده نمودم که الک عین گفت بلی گفتم بان چه میکنی گفت می بینم بان الوان و اشخاص را گفتم ایا بینی داری گفت بلی گفتم بان چه میکنی گفت عطرها را بان بوم گفتم ایا زبان داری گفت بلی گفتم فایده ان چه چیز است گفت بان سخن میگویم گفتم گوش داری گفت بلی گفتم ان بچه کار اید گفت بان اصوات را می شنوم گفتم ایا دو دست داری گفت بلی گفتم با انها چه میکنی گفت بحوائج خود قیام مینمایم و نرم و خشن را بان می شناسم گفتم ایا دو پا داری گفت بلی گفتم نفع انها چه چیز است گفت با انها از جائی بجائی میروم گفتم ایا دهان داری گفت بلی گفتم بان چه میکنی گفت طعم ماکولات را بان می شناسم گفتم ایا قلب داری گفت اری گفتم فایده او چه چیز است گفت بان تمیز میدهم هر چه بر این جوارح وارد میشود گفتم ایا این جوارح کفایت از قلب نمیکند و حال اینکه همه صحیح و سالمند گفت ای پسر هرگاه این جوارح در امری شک کنند از مشمومات یا مبصرات یا مذوقات رجوع بقلب نمایند پس یقین از برای ایشان حاصل شود گفتم پس خداوند قلب را قایم نموده بجهة رفع شک این جوارح و لا بد است از قلب و بدون او امر جوارح مختل خواهد بود گفت بلی گفتم یا ابا مروان ایا خداوند از برای جوارح تو امامی قرار میدهد که هنگام شک باو رجوع نمایند و بسبب او از حیرت خلاص شوند و این همه خلایق را میگذارد که در حیرت و شک و اختلاف بمانند و از برای ایشان امامی قرار نمیدهد که هرگاه باو رجوع کنند از شک و حیرت خلاص شوند پس ساکت شد و جوابی نداد و تا در مجلس او بودم دیگر تکلم ننمود و الحاصل اینکه نتیجه کلمات سابقه انستکه بمقتضای حکمت نصب امام بر خالق انام لازم است و چونکه در معنی لطف ماخوذ است که بحد الجاء نرسد پس بر او لازم نیست که اکراه نماید خلق را بر اطاعت او و انفاذ اوامر و نواهی و تصرفات او بلکه این باختیار عباد است اگر اطاعت نمودند أَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ و اگر بنای مخالفت نهادند در میان ایشان راه میرود و در صدد ارشاد ایشانست مادامیکه خوف بر جان خود یا بعضی از شیعیان خود نداشته باشد و الا از ایشان مستور میشود تا وقتیکه خداوند عز و جل صلاح در ظهور او بیند دوستان او دانند چنانچه شان سایر انبیا و مرسلین پیشین بوده و کسی را نمیرسد که بگوید هرگاه مردم او را دور نمایند بود وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ و چونکه مقصود ما بالذات از این مختصر ذکر وجوه نقلیه است در این باب بانچه ذکر شد اکتفا میشود و الله ولی التوفیق **باب دویم** در ادله نقلیه که دلالت دارد بر وجود امام اجمالا یا تفصیلا و در این باب روایات از طرق موافق و مخالف مستفیض بلکه متواتر است و این مختصر گنجایش ذکر انها را ندارد لهذا بچند خبر که مقبول طرفین است اکتفا مینمائیم اول روایتی است که حمیدی که از

اطاعت نمایند وجود او لطف نخواهد بود بلکه نفعی در ان متصور نیست زیرا که دانستی که اصل وجود او لطفی است و تصرف او لطف دیگر است و مانع از ان خود مردمند باختیار خود اما نوح پیغمبر بود که بنص قران نهصد و پنجاه سال در میان قوم خود دعوت مینمود اطاعت نمودند مگر قلیلی تا انکه هلاک قوم خود را از خدا سؤال نمود سُنَّةَ اللّٰهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا و شاید من بعد توضیح این مطلب بر وجه اوفی ذکر شود و در این مقام از برای خصم کلامی نیست مگر اینکه مقتضای این کلمات لزوم وجود امام است در میان مردم اما خصوص امام علیه السلام مستفاد نمیشود پس شاید که از امام سلطان زمان باشد که موجب انتظام امور مسلمانان است و دفع این کلام خود ظاهر است بعد از انچه بیان شد که بمقتضای حکم عقل باید ان امام معصوم از خطا و عالم باحکام شرعیه و سیاسات مدنیه و غیره از معاصی و اعلم و اورع باشد و شبهه در این نیست که سلاطین مصر با این اوصاف متصف نیستند بلکه اضداد اینها از برای ایشان محقق است علاوه بر ان بدیهی است که سلطان متعدد است و امامت هر دو صحیح میشود و ترجیح احدهما بر دیگری خالی از مرجح است و بر فرض امکان جواب انستکه بعد از تسلیم وجوب نصب امام در هر زمان لازم است تسلیم غیبت امام زیرا که در میان امت خیر الانام قول به تفصیل نیست پس اول ثالث مخالف اقوال جمیع امت خواهد بود و کسی که بعد از ذکر وجوه

یقین از قاریان ممتاز گردی چو فهمیدی زدی بر چرخ رایات محقق شو که شد بر من محقق اگر ترقیق تفخیم ای نشاید	اگر این نکته ها را حفظ گردی دگر بشنو ز من اوصاف قرآات ولیکن میشود گاهی مرقق بموجود مفتوح یا مضموم آید	(۱۸۰) نسب و کنیه و القاب ائمه	چو موسی چون عیسی لیکن بابا آیت نزد جمله قرار معظم	چو نادی و چو آمین و چو منها در بیان بدان در اصل را باشد مفخم در بیان راآت مفخمه و مرققه

صاحب الزمان بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر

علی را اولاد آنحضرت بنوع اصح هفت پسر بوده و سه دختر اما پسران اول حضرت امام موسی کاظم است دویم اسمعیل که آنحضرت را بجهت او ابو اسمعیل میگفتند و او در غایت حسن و جمال و کمال صوری و معنوی میبود مردم در باره او گمان امامت میبردند در حال حیات آنحضرت فوت شد و آن حضرت در هنگامی که او را بقبرستان میبردند سه نوبت تابوت او را بر زمین گذارد و روی او را گشودند تا مردم بدانند که او مرده است و گمان نکنند او غایب شده است و مع ذلک گروهی از اسمعیلیه او را امام دانستند و غایب و زنده دگر گروهی دیگر از ایشان قائل بفوت او شده و بعد از او نیز از پسر او امام میدانند و همچنین اولاد او را تا آخر الزمان سیم عبد الله افطح و گفته اند که سبب آنکه او را امام دانستند این بود که جمعی از راه امتحان

اعاظم علمای سنت است روایت نموده در جمع بین الصحیحین و کسی شبهه و خدشه در این روایت ندارد و از حضرت خاتم الانبیاء ختم مرتبت که من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة هر کس را مرگ در رسد و حال آنکه نداند که امام زمان او کیست بدین جاهلیت مرده است و خارج از زمره مسلمین خواهد بود و این حدیث نص صریح است بر وجود امام در هر زمان و الا معرفت امام زمان خود بر همه کس لازم نبود و اینکه بعضی گمان کرده اند که مراد از امام زمان قرآنست محض خیال و خیال محض است و اصلا عصمت روایت ربطی ندارد زیرا که مقتضای اضافت امام بزمان شخصی تعلق دائمه و اختصاص هر عصر بامامی است علی التبادل کلما غاب نجم طلع نجم آخر و قرآن کتابی است واحد با اختلاف اعصار متعلق نمیشود با اینکه معرفت قرآن بر همه کس واجب عینی نیست که بسبب ترک او بر دین کفر بمیرند و همچنین محض توهم است گمان اینکه مراد سلطان زمان باشد زیرا که بسیار است که در یک عصر بحسب بلاد و اقالیم سلطان متعدد و مختلف در طریقه و ملت اند و شبهه در عدم وجوب معرفت جمیع انها نیست و دلیل بر تعیین بعضی دون بعضی منتفی است و از آن است که محقق دوانی در وقت اشتغال بمباحثه و مذاکره احادیث بر داشت مشغول مباحثه حکمت گردید چنانچه سید نعمت الله جزایری در کتاب انوار نقل نموده که روزی فاضل دوانی در بین مذاکره احادیث باین حدیث شریف رسید بلا امید خود گفت که مراد از امام زمان کیست و شیعه میگویند که مراد مهدی علیه السلام است شما چه میگوئید گفتند مراد سلطان زمان و حاکم عصر است که اولو الامر عبارت از او است و سلطان زمان شاه اسمعیل بود از سلاطین صفویه که مذهب شیعه داشت دوانی گفت پس خداوند بر ما اطاعت و معرفت این سلطان را فرض و لازم گردانیده و حال آن ما را امر مینماید که از دین سنت بدین شیعه منتقل شویم

بکی تفخیم ذدت و ذ بما رسم
بما تفخیم چون مرجان و فرقان
بتفخیم و ضم محرکت بی تکلف
چو الف تهرام لیلة القدر

رسانذم چون رسید بذ بمام
دگر برجع و ترجع بهمچنان خوانست
بکن تفخیم در و دت توقف
چو خضر و حر حتی مطلع الفجر

وگر لام ساکن و ما قبل ان را
وگر ساکن بود ما قبل را باز
اگر چون آبود در اصل مکسور
وگر یا باشد آن ساکن چو لطیر

بود مفتوح یا مضموم آنرا
بود ما قبل ان الصاحب راز
چنین در نکته ها گشت مسطور
مرقق خوان کر یابی بگمان خیر

وبرکفا متابعت و موافقت اولاد یفر خواهد بود پس عضب آلوده از مجلس بر خاست و قسم یاد نمود که دیگر بهیج باکس بیش خیلی مشغول نگردد و باقی عمر خود را در حکمت ضایع گرداند پس معلوم گردید که بایدمراد با امام دهم همان باشد خصم منکر اوست چون دانستی که بعد از تسلیم وجود امام در هر زمان قول ثالث در میان امت نیست و مخترع ان مبدع خواهد بود دویم روایتی است که بخاری و مسلم در صحیح خود ذکر نموده اند و از طرق شیعه ابن بابویه روایت نموده جمیعا از جابر ابن سمره بدین مضمون که جابر گوید وقتی با پدر بزرگوار خود خدمت پیغمبر خدا مشرف شدیم پس شنیدم انحضرت که میفرمود این امر یعنی اسلام و شریعت احمدی منقضی نخواهد شد و برپا و عزیز خواهد بود تا زمانی که دوازده خلیفه در میان مردم بگذرد که همه ان خلفاء از قریش باشند و شبهه در این نیست که مراد بخلفائی که اسلام بالها برپا و عزیز است و خلفای جور و ظلم باشند یزید و اتباع او از بنی امیه و بنی عباس نخواهد بود تا اینکه انها از دوازده بیشتر بودند احتمال دیگر نیست مگر اینکه مراد ائمه اثنی عشر علیهم السلام باشند و الحال بحمد الله دین اسلام برپا و عزیز است پس معلوم میشود که هنوز زمان ان خلفای اثنی عشر منقضی نشده و چون که مفهوم حدیث

بن محمد بن علی بن الحسین بن

نازده بود زینب
العابدین که مشهور است و وجه ابن لقب را
چنین گفته اند که شیطان بصورت مار یا اژدها
انگشت پای انحضرت را گزید انحضرت قطع
نماز نفرمود و بعضی گفته که فرزندی بچاه
افتاد انحضرت در نماز تغییری در حالش
ظاهر نشد **و دیگر** سید و عدل و زکی
و امین و حبیب و سجاد و ذو الثفنات یعنی صاحب
پینه ها بجهت کثرت نماز و سید العابدین و سید
الساجدین و ابن الخیرتین چونکه جمع فرموده جهات
فاطمی و پدری را از عرب و عجم و کنیه انحضرت
است ابو الحسن ثانی و ابو محمد و ابو بکر

[illegible]

است که بعد از انقضای خلفاء دین اسلام قائم نخواهد بود و حال اینکه چون دین اسلام تا قیامت برپاست پس بالضروره باید انقضای خلفاء مقارن با قیام قیامت باشد و بعد از انکه در خلیفه عصمت معتبر است در این زمان احتمال اینکه احدی از سلاطین از جمله ان خلفا باشند مرفوع است بعدم وجود ملکه عصمت در ایشان بلکه بر تسلیم حضرتش منحصر شد در حجت منتظر عجل الله فرجه و هو المراد غیبت و عدم تصرف انحضرت منافات با خلافت ندارد زیرا که نیست خلافت عبارت از ریاست عامه در امور دین و دنیا پس هرگاه رعیت مخالفت کنند

در آخر چون بصیراً یا بصیراً
چو را مکسور باشد هست ترقیق
وگر را ساکن و ما قبل مکسور
اگر ما قبل آن را هم ز وصل

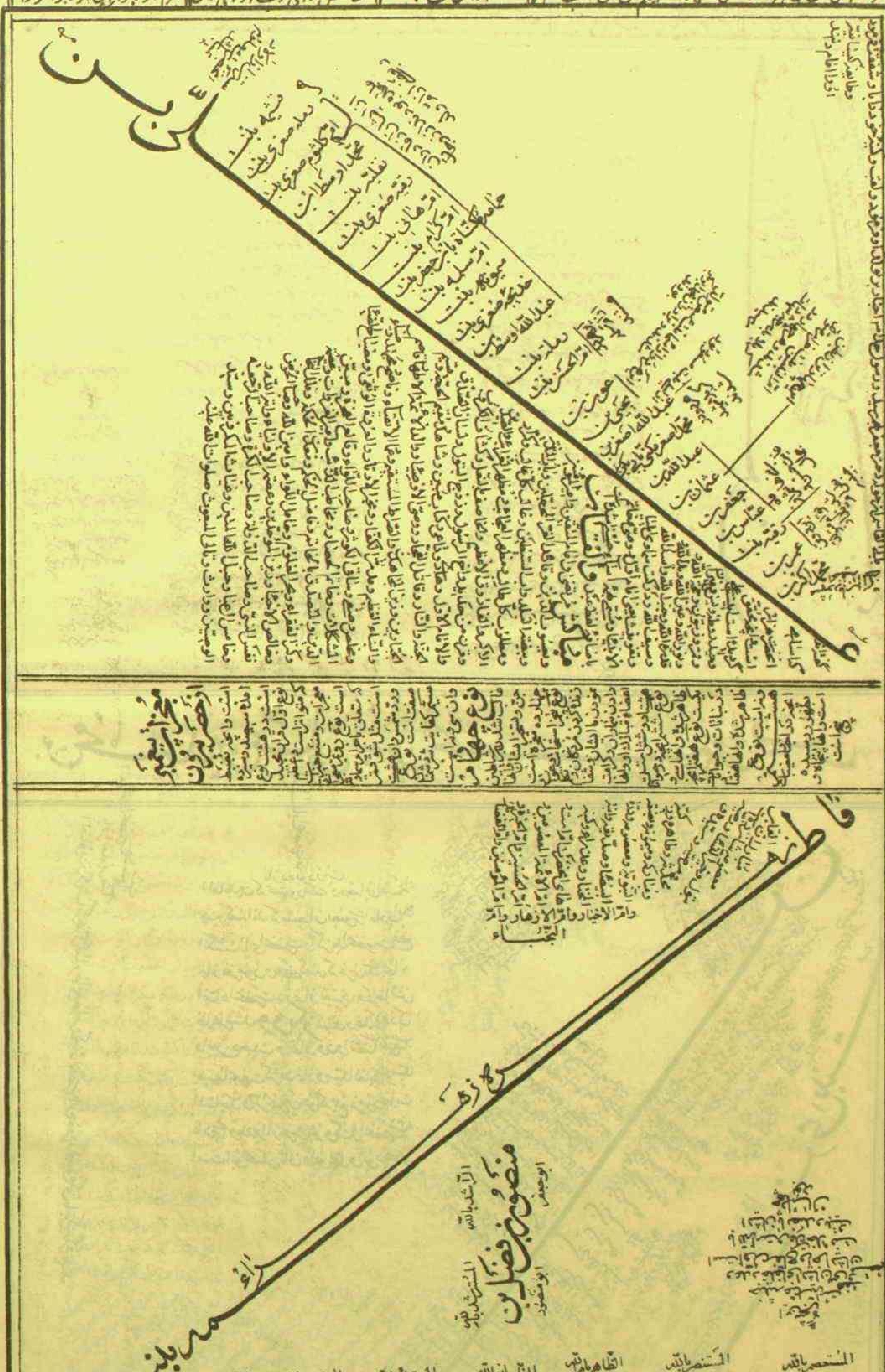
بدین قانون خبیراً یا خبیراً
ادای او بدان از روی تحقیق
بود آن را بخوان بر نهج مزبور
بود تفخیم کن ای صاحب اصل

بیان ذات موقر و مفخم
القاب و اولاد امیر المؤمنین

دگر بشنو ادای رای مکسور
چو در قامن دنیا از رج تجری
چو فرعون و نشاودهم وادبر
نشان ارجعی رب ارجعی دان

با قوال اصح بی رای مکسور
ستغفر لک و من اجر و اجری
و استغفار امرت هم شمر غیر
ارم از تاب ... از تاب الکرم خوان

واطاعت وانقیاد نمانند صدمه برها نحضرت بخواهند رسید چنانچه مخالفت بنی اسرائیل از هرون ضرر بمخالفت انجناب نرسانید بمقتضای نص صریح یا هرون اخلفنی فی قومی و همچنین مخالفت قوم نوح و عدم انقیاد در مدت هضد و پنجاه سال قدحی در نبوت انجناب و خلافت او از جانب رب الارباب نداشت ولیکن دیده بصیرت کجاست سیم روایتی است که بخاری در صحیح خود از حضرت رسول روایت نموده بدین مضمون که این امر یعنی خلافت در میان قریش خواهد بود که دو نفر از ایشان باقی باشد و در این زمان زیاده از صد هزار نفر قریش موجود بی خلافت از ایشان است و کسیکه قابل خلافت باشد الان از قریش بجز منتظر است زیرا که غیر او یا از قریش نیست یا صفات در او مفقود است یا اتفاق بر خلافت او نیست یعنی خلافت را دارا نیست چهارم شیخ مفید اسناد خود از عایشه روایت نموده که شخصی از او سؤال نمود از عدد خلفاء بعد از جناب خاتم انبیاء گفت پیغمبر مرا خبر داده که بعد از آن سرور دوازده خلیفه خواهند بود و اسمهای آنها را فرمود و الان نوشته آنها در نزد من است سائل التماس نمود که بمن بنما قبول نمود پنجم احمد حنبل که رئیس مذهب است در نزد اهل سنت در مسند خود نقل نموده که از عبدالله بن مسعود سؤال نمودم که آیا پیغمبر شما را خبر داد از عدد خلفای بعد از خود گفت آری انجناب فرمود که عدد ایشان عدد نقباء بنی اسرائیل است و ایشان دوازده نفر



بمقتضای نص صریح و بعثنا منهم اثنی عشر نقیبا ششم جعفر بن محمد احمد الدوریی در کتاب خود از ابن عباس روایت نموده که گفت از جناب نبوی سؤال نمودم هنگام وفات آن فخر کائنات که هرگاه امری نعوذ بالله واقع شود نبوی کی رویم پس اشاره نمود بسوی علی بن ابیطالب فرمود بسوی این برو که او با حق است و حق با او است بعد از او یازده نفر امام خواهند بود که اطاعت ایشان مثل اطاعت او بر همه لازم باشد هفتم شیخ مفید بسند خود از عباس بن عبدالمطلب روایت نموده که پیغمبر خدا گفت یا عم

اگر واقع شود ما بعد این دال ولی از فرقه تا فرق بود فرق اگر که قاف مفتوح است بی شک ده بیان وقف کردن ابراء	یکی از حرف استعلاء تو انا بود روشن چو شمس از شرق تا غرب بکن تفخیم از این دو وجه این یک	جزء (۵۱) ابهم القاب و اولاد حضرت رسول	بکن تفخیم چون قرطاس و مرصاد که در فرقی بود ترقیق و تفخیم ولی چون قاف مکسور است ترقیق بود آن دالی که موقوف علیه است	دگر فرقه در فوق باز از صاد ترا سازم دلیل بر دو تعلیم بباید کرد در فرق بتحقیق شنو از من که در دی نکته ها است

ولید بن یزید بن ولید بن عبد الملک بن مروان الحکم

این شجره ملعونه شجره خلفاء
بنی امیه است که اول ایشان
معاویه و آخر ایشان
مروان حمار ...
خلافت ایشان
نوبد ...

[illegible]

... عبد الله بن

[illegible]

عبد الله بن الزبیر بن عبد الله احمد بن الامیر اسحق بن جعفر بن احمد بن طلحة بن

المقتدر بالله — القادر بالله — القائم بامر الله — المقتفی لامر الله

ابو الفضل — ابو العباس — ابو جعفر — ابو القاسم

عبد الله بن علی — محمد بن — ابو منصور — ابو الفضل — محمد بن

[illegible]

دوازده نفر از اولاد من مالک الامر خواهد شد بعد از اموز است که هیچ سخن واقع گردد پس مهدی بیرون آید از اولاد من و کار او دین بکشید در دست شود و زمین پر از عدل و داد همچنانکه پر از جور و بعد دجال بیرون آید هشتم ابو المؤید موفق بن احمد که از اعیان اهل سنت است در کتاب فضایل اهل البیت نموده بسند خود از سلیم بن قیس هلالی از سلمان محمدی که گفت روزی بخدمت پیغمبر مشرف شدم دیدم نور چشم خود حسین را بر ران خود نشانیده و چشم و دهان مبارکش را می بوسید و میفرمود توئی سید پسر سید توئی امام پسر امام برادر امام پدر ائمه کرام توئی حجت پسر حجت برادر حجت و پدر نه حجت که از صلب تو اند نهم ایشان قائم ایشان نهم ابراهیم بن محمد حموینی از اعیان اهل سنت در کتاب فرائد السمطین بسند خود از جابر بن عبد الله روایت نموده که گفت روزی بخدمت فاطمه زهراء سلام الله علیها مشرف شدم لوحی خدمت آنحضرت دیدم که نور او دیده ها را خیره میکرد و در آن دوازده اسم دو ظاهر آن و در باطن و سه در آخر و سه در کنار آن پس گفتم که این اسماء از کیست فرمودند اسماء اوصیا است که اول ایشان پسر عم من است و یازده نفر از اولاد من که آخر ایشان قائم است جابر گوید که دیدم در او محمد محمد محمد در سه موضع و علی علی علی علی در چهار موضع دهم ایضا حموینی بسند خود روایت نموده که از سعید بن جبیر از عبد الله بن عباس از نجاری رسالت پناه صلی الله علیه و آله که فرمودند خلفا و اوصیا من و حجت های خداوند بر عباد بعد از من دوازده نفرند اول ایشان برادر من است و آخر ایشان پسر من است گفتند یا رسول الله کیست برادر و پسر تو فرمودند برادر من علی بن ابیطالب است و پسر من مهدی است که زمین را پر کند از عدل چنانکه پر از ظلم بوده و قسم بخداوندی که مرا براه راستی فرستاده اگر از دنیا بماند یک روز هر اینه خداوند آن را بلند و طولانی گرداند تا پسر من مهدی خروج کند پس روح الله عیسی بن مریم نازل شود و در عقب آنحضرت نماز کند و زمین از نور آنجناب روشن گردد و سلطنت او

نظر در حرکت ما قبل او کن / وگر ساکن بود ما قبل آن را / وگر مفتوح باشد یا که مضموم / شالش کسره همچون مستقر است

بان حرکت ادای آن نکو کن / وگر ما قبل آن مکسور آنرا / بود تفخیم همچون گشته مضموم / نکو خوان قد قدر چون مستمر است

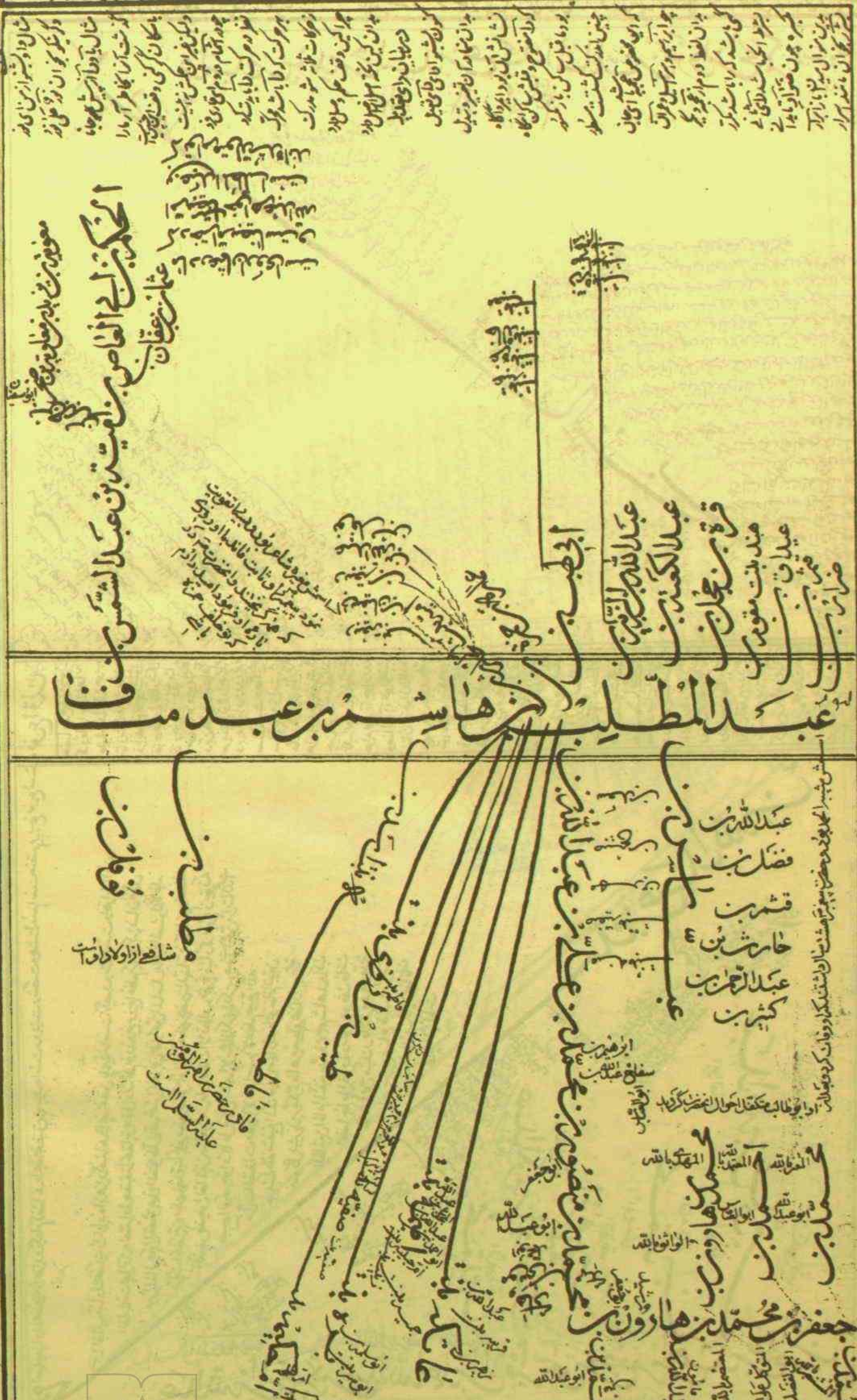
اگر ما قبل را مفتوح باشد / بکن ترقیق همچون سیر ای یار / وگر واو است یا که کسره و ضم / مثال ضمه جانی الزبر دان

بکن تفخیم ورنه دل حرا شد / بفهم این نکته و نیکو نگهدار / بود حقیقت آخر علت فهم / ز فتح نزر ده بالبصر خوان

مشرق و مغرب را فرا بگیرد یا فرد بهرایت شیخ حموینی از اعاظم اهل سنت بسند خود از عبد الله بن عباس روایت نموده از رسول خدا که فرمودند منم سید انبیا و علی است سید اوصیا و بدرستی که اوصیا من بعد از من دوازده نفرند اول ایشان علی بن ابیطالب و آخر ایشان مهدی است

روایت دهم ایضا شیخ حموینی در فرائد السمطین بسند خود روایت نموده از علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام که فرمودند مائیم ائمه مسلمین و حجتهای خدا بر خلایق و پیشوای ایشان و امان اهل زمین همچنانکه ستارگان امانند برای اهل آسمان و مائیم کسانیکه بما آسمان بر پا است و بجهت ما باران میبارد و رحمت نازل میشود و زمین برکات خود را ظاهر میکند و هر گاه از ما بر روی زمین نباشد هر اینه زمین اهل خود را فرو خواهد برد پس فرمود که زمین خالی نبوده از وقتیکه خدا حضرت آدم را آفرید از حجتی که ظاهر بوده است و مشهور میان مردم یا غایب و مستور از نظر ایشان و خالی نخواهد بود از حجت تا روز قیامت و اگر چنین نباشد کسی عبادت خدا نخواهد کرد سلیمان بن مهران که از جمله روات است گوید پس گفتم بحضرت صادق ع که هر گاه حجت غایب باشد مردم از او چگونه منتفع میگردند فرمودند همچنانکه منتفع میشوند از آفتاب در حالتیکه ابر بر او احاطه نموده است

سیزدهم اخطب خطبا خوارزمی ملک الائمه موفق بن احمد از اعاظم اهل سنت بسند خود از ابی سلمان راعی جناب رسول خدا ص روایت نموده که گفت شنیدم آنحضرت میفرمود شبی که مرا باسمانها بردند خطاب از مصدر جلال جلیل در رسید که آمن الرسول بما انزل الیه من ربه گفتم والمؤمنون راست گفتی آیا کرا در میان امت گذاردی گفتم بهترین ایشان را فرمود علی بن ابیطالب را گفتم بلی فرمود ای محمد بدرستیکه من نظر بر اهل زمین نمودم پس ترا اختیار کردم و اسم ترا از اسم خود مشتق گردانیدم پس منم محمود و توئی محمد نگاه نکاه دیگر بایشان نمودم و علی را اختیار کردم و اسم او را از اسم خود مشتق کردم پس منم اعلی و او است علی ای محمد بدرستی که خلق کردم ترا و علی



نه تفخیم است و نه ترقیق و تعدیل سخن در لام الله است در باب بدان الستّه تغلیظ است در لام

بیان این و آن بخوان بترتیل به نیکو گفتن الله بشتاب نزد جمله قاری ای نکو نام

در بیان اسامی وقف هفتگانه

در بیان ادای لام الله

پس از لا آت باز احوال الامات چو باشد لام را ما قبل مفتوح چو قال الله و نصر الله در کسر سه تو می جا نما دل و وقف بر من

ز من بشنو مگر دان ضایع اوقات و یا مضموم همچون گشته مفتوح چو بسم الله ترقیق است بی کسر ز من بشنو ادای وقف کردن

فاطمه و حسن و حسین را ما خلق از اولاد او را از نور خود عرض کردم ولایت شما را بر اهل آسمانها و اهل زمین پس هر که قبول نمود ولایت من از جمله مؤمنین گردید و هر که منکر شد نزد من از جمله کافران باشد ای محمد اگر بنده از بندگان من آنقدر عبادت کند مرا که از کار بماند تا آنکه مثل مشک کهنه گردد و حال آنکه انکار کند ولایت شما را هر آینه او را نخواهم آمرزید مگر اینکه اقرار نماید بولایت شما ای محمد دوست میداری ایشان را گفتم بلی ای پروردگار من فرمود بسوی طرف راست عرش نظر کن چون نظر کردم دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین را و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را که در نوری مثل آب تنک ایستاده نماز میکنند و مهدی در وسط ایشان مثل ستاره میدرخشد فرمود ای محمد اینها حجت های من هستند و آن مهدی خونخواه عترت تست قسم بعزت و جلال خودم که او حجت لازم از برای دوستان من و اوست انتقام کشنده از دشمنان من

چهاردهم

ایضا موفق بن احمد بسند خود روایت نموده از علی بن ابی طالب علیه السلام که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله یا علی من زودتر از شما وارد میشوم بر حوض و تو یا علی ساقی حوض هستی و حسن پیش [illegible] میباید که منازل

مؤمنین را معین نماید و حسین امر است و علی بن الحسین بجهة هیئة اسباب میزبانی زودتر از شیعیان میاید و محمد بن علی جز حوض را منتشر میگرداند و جعفر بن محمد پیش میرود و

شیعیان در عقب سر او میایند و موسی بن جعفر شماره کننده محبین و مبغضین و برانداز منافقین است و علی بن موسی زینت دهنده مؤمنین است و محمد بن علی اهل بهشت را در منازل

خود نازل میگرداند و علی بن محمد خطبه میخواند و ایشان را با حورالعین تزویج مینماید و حسن بن علی چراغ اهل بهشت است و مهدی شفیع ایشانست در روز قیامت در روزیکه اذن بدو

بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن

نمایم حال دقف هفت گانه اگرچه در کنوز این نکته هاست وگر خواهی که تفصیلش بدانی	یکایک بر تو روشن ای یگانه بتفصیل نکو لیکن ضرورست روانی چون کنوزم را نهانی	تنفس با اضافه پس اهم است باجمالی اندر انجاب خنس جمع طلب کن پس بخوان از کنز رابع	دگر از سال و قضر ده ثمره است مثالی چند پس روشنتر از شمع نگارش راز از اول تا سابع

شفاعت نمیدهد مگر کسیرا که بخواهد

پانزدهم

ابراهیم حموینی بسند خود از ابن عباس روایت نموده که گفت روزی یهودی بخدمت حضرت رسالت صلعم آمد که او را نعثل میگفتند پس گفت یا محمد ترا سؤال میکنم از امور یکه بسینه من خطور نموده از زمان قدیم اگر مرا جواب گوئی اسلام اختیار بکنم فرمود سؤال کن پس سؤالی چند نمود تا آنکه گفت یا محمد خبر ده مرا که وصی تو کیست زیرا که هیچ پیغمبری نیست مگر اینکه از برای او وصی است چنانچه وصی نبی ما موسی بن عمران یوشع بن نون است فرمود بلی بدرستیکه وصی من و خلیفه بعد از من علی بن ابیطالب است و بعد از او دو سبط من حسن و حسین اند و بعد از حسین نه نفر از صلب حسین که همه ابرار اند گفت اسم ایشانرا بگو فرمود چون حسین از دنیا برود پسر او علی است و چون علی برود پسر او محمد است و چون محمد برود پسر او جعفر است و چون جعفر برود پسر او موسی است و چون موسی برود پسر او علی است و چون علی برود پسر او محمد است بعد پسر او علی است و بعد پسر او حسن است و بعد حجة بن الحسن است دوازده امام بعدد نقباء بنی اسرائیل گفت کجاست جای ایشان در بهشت فرمود با من در درجه من گفت اشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله و اشهد انهم الاوصیاء بعدک چنین یافتم در کتب متقدمین و حضرت موسی بما وصیت نموده بود که در آخر الزمان پیغمبری باشد اسم او احمد که خاتم پیغمبران است و بعد از او پیغمبری نخواهد بود و اوصیای او اما مانی چند باشند بعدد اسباط حضرت موسی فرمود ای یا عماره آیا میشناسی اسباط را گفت بلی یا رسول الله ایشان دوازده نفر بودند اول ایشان لاوی بن برخیا بود و او غائب شد در بنی اسرائیل بعد از مدتی ظاهر شد و شریعت او را ظاهر ساخت بعد از آنکه مندرس شده بود و با قرسطیای ملک مقاتله کرد او را کشت حضرت فرمود که در امت من واقع شود هرچه در بنی اسرائیل بود حذو النعل بالنعل بدرستیکه دوازدهم از اولاد من غایب شود بحیثیتی که احدی او را نه بیند و زمانی بر امت من بیاید که باقی نماند از اسلام مگر

مالک بن نضر بن کنانة بن خزیمة بن مدرکة بن الیاس بن مضر بن

عبد مناة بن کنانة

بنو غفار و بنو بکر و بنو اللیث و بنو ضمره نسبشان باو میرسد

عمرو بن که از جملهٔ ایشانست

عمرو بن عبد ود

نسبشان باو میرسد

هذیل بن مدرکة

قبیلهٔ ابی هذیل که از جملهٔ ایشانست ابی کبیر و ابی ذؤیب شاعر

یربوع بن حنظلة بن مالک بن عمرو بن تمیم بن عبد مناة

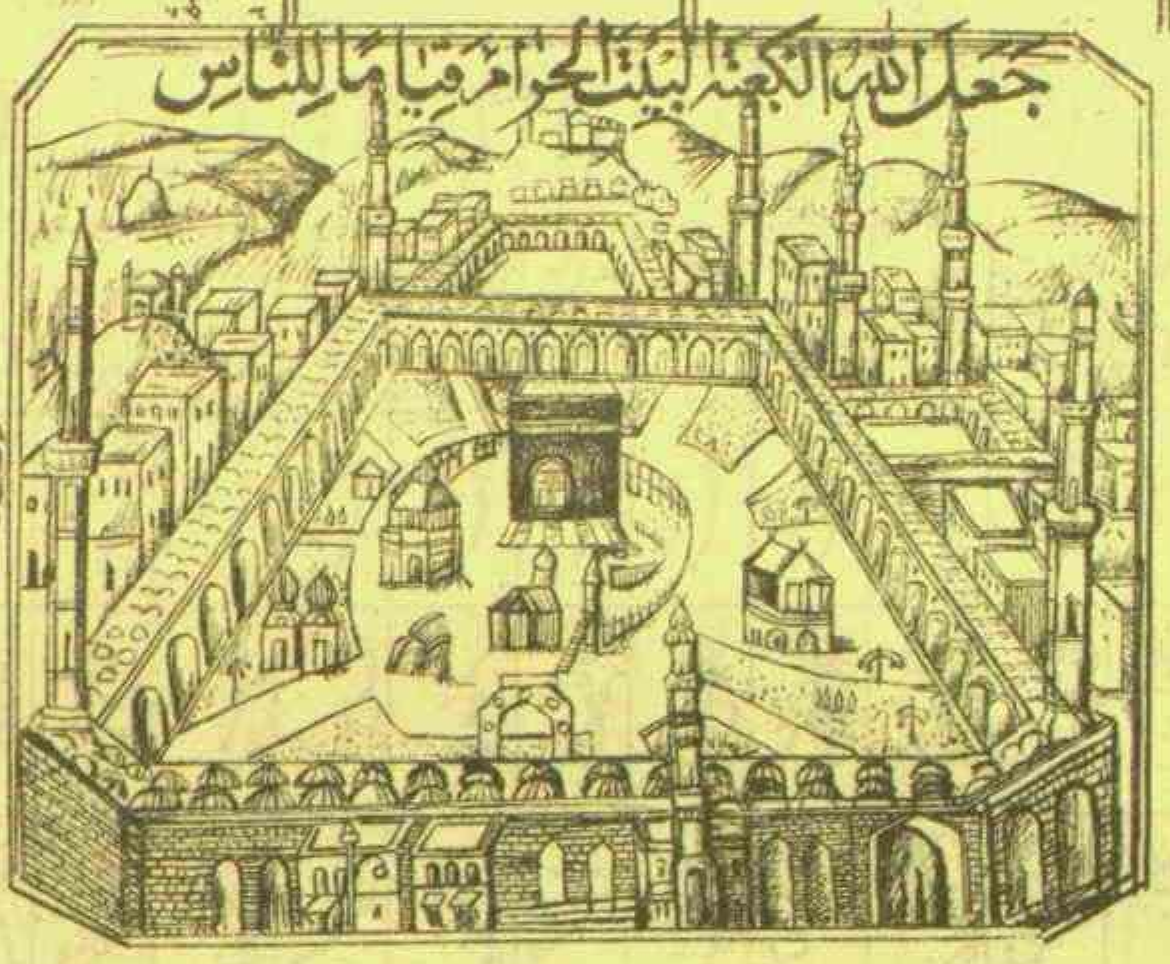
ربیعة بن مالک زید مناة بن تمیم بن مر بن اد بن طابخه

طابخه بنو تمیم و بنو ضبه و بنو مزینه باو میرسد

مع القصه بدان حال دو فات شالش خاقم شرایده دان باین توصیف از ان گذشت موصوف بدان نوعی نماد وقف اندر اینها	علی الاجمال از این مصراع روایت دگر الغیبه فا اکبره خوان که با گذشتش بعد از کسره محذوف که اندر وقف گردد کسره پیدا	(۵۵) زمان ولادت و عمر و وفات ائمه	متفحص دان در اول وقف جانا بکش مد اندرین امثال قطعا مثالش خاف عیون با تکسر مکنو سوم وقف امم میدان تو بشنو	شود واقع بهای ایزد دانا دوام وقف اضام تو بشنو ازما دگر لا تعکرون ما تدبر زمن تعریف ان اتگاه بکرو

به نیکو گفتن ان شو مقید مثالش چون خفی مستتر است بجوا قافیه این وقف ای یار	بجو از الفاظ مشدد من الحق دا امر مستقر است مثالی بشنو وجمله نگهدار

تغلب بن وائل بن قاسط بن هنب بن افصی بن دعمی بن جدیله بن اسد بن ربیعه بن



نزار بن معد بن عدنان بن اد بن ادد بن الیسع بن الهمیسع بن نبت بن سلامان بن حمل بن قیدار بن

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
محمد (ص)	۵۳ سال قبل از هجرت	۶۳ سال	سنه ۱۱ از هجرت	[illegible]
فاطمه (ع)	۵ سال بعد از بعثت	۱۸ سال	سنه ۱۱ از هجرت	[illegible]
امیر المؤمنین علی (ع)	۲۳ سال قبل از هجرت	۶۳ سال	سنه ۴۰ از هجرت	[illegible]
امام حسن (ع)	سنه ۳ از هجرت	۴۶ سال	سنه ۵۰ از هجرت	[illegible]
امام حسین (ع)	سنه ۴ از هجرت	۵۷ سال بقولی ۵۸ سال	سنه ۶۱ از هجرت	[illegible]
امام زین العابدین (ع)	سنه ۳۸ از هجرت	۵۷ سال	سنه ۹۵ از هجرت	[illegible]
امام محمد باقر (ع)	سنه ۵۷ از هجرت	۵۷ سال	سنه ۱۱۴ از هجرت	[illegible]
امام جعفر صادق (ع)	سنه ۸۳ از هجرت	۶۵ سال	سنه ۱۴۸ از هجرت	[illegible]
امام موسی کاظم (ع)	سنه ۱۲۸ از هجرت	۵۵ سال	سنه ۱۸۳ از هجرت	[illegible]
امام علی رضا (ع)	سنه ۱۴۸ از هجرت	۵۵ سال	سنه ۲۰۳ از هجرت	[illegible]
امام محمد تقی (ع)	سنه ۱۹۵	۲۵ سال	سنه ۲۲۰ از هجرت	[illegible]
امام علی نقی (ع)	سنه ۲۱۲	۴۲ سال	سنه ۲۵۴ از هجرت	[illegible]
امام حسن عسکری (ع)	بقولی سنه ۲۳۲	۲۸ سال	سنه ۲۶۰ از هجرت	[illegible]
صاحب الزمان (ع)	بقولی سنه ۲۵۵	[illegible]	غیبت کبری	[illegible]

جدول چهارده معصوم

اسمی واز قرآن مگر دیمی بر خداوند اذن میدهد هذا دارا که خروج نماید السلام را ظاهر و تازه گرداند پس فرمود خوش بحال کسانیکه دوست دارند ایشانرا و وای بر کسانیکه دشمنی با ایشان نمایند پس نقل بلرزه در آمد بر پا الفیتا دحضرت حضرت و این ابیاترا انشاء نمود فعلی الاله ذو العلی علیکم یا خیر البشر آیات التی المصطفی والحاشر المفتخر بکم هذا ربنا و بک نرجو ما نرجو معشر ستمیم ائمه اثنی عشر حجام رب العلی ثم اصطفاء من کدر فاز من والاهم و خاب من عاد از هر اخرهم سقی الظماء و هو الامام المنتظر عند الحیاء لی والنائبون ما امرهمن کان عنهم معرضا فسوف یصلی سقر شاز دهم ایضا حموی بسند خود روایت نموده از ابی جعفر الباقر (ع) که فرمودند که روزی جناب رسول الله با امیر المؤمنین فرمود بنویس انچه را برای تو میگویم حضرت امیر (ع) عرض کرد که یا نبی الله ایا میترسی فراموشش نمایم فرمودند نه زیرا که دعا نموده ام که خداوند فسیانرا از تو دور نماید و لیکن بنویس از جهة شریکان خودت عرض کرد کیانند شریکان من فرمود امامان از اولاد تو که برامت من بجهه وجود ایشان میبارد بواسطه انها دعای ایشان مستجاب میشود و بسبب انها بلاء از ایشان منصرف میگردد و بایشان رحمت از اسمان نازل میشود و این شخص اول انها است پس اشاره نمود بدست مبارک

بسوی حسین (ع) و فرمود این امامان از اولاد این شخص اند مؤلف گوید از این حدیث مستفاد میشود که هرگاه یکی از امامان نباشند باران از اسمان نزول ننماید و بلاء امت را فرو گیرد و در این زمان باران و بلا مدفوع است پس باید یکی از انها موجود باشند و نیست قابلی بغیر جناب حجت صلوات الله علیه و علی ابائه الطاهرین پس باید انحضرت موجود باشد المراد هفدهم در کتاب عقد الدرر از طرق اهل سنت روایت نموده از حسن (ع) که فرمود هرگاه قائم قیام نماید مردم اورا انکار نمایند زیرا که انحضرت رجوع نماید بسوی ایشان

بصورت جوانان ... این بلیّهٔ عظیم است که صاحب ایشان بصورت جوان خروج کند و حال آنکه ایشان را اعتقاد چنانست که آنحضرت شیخی است کبیر از جهة طول مدت غیبت هیچ همین حموینی بسند خود از دعبل بن علی خزاعی روایت نموده که گفت روزی قصیدهٔ که اولش مدارس آیات است برای حضرت رضا خواندم چون باین بیت رسیدم خروج امام لا محاله خارج یقوم علی اسم الله والبرکات یمیّز فینا کل حق و باطل و یجزی علی النعماء والنقمات آنحضرت گریستند گریستن شدیدی پس سر مبارک را بلند نموده و فرمود یا خزاعی روح القدس بزبان تو تکلم نموده باین دو بیت آیا میدانی کیست این امام و کی قیام مینماید عرض کردم نمیدانم ای مولای من ولیکن شنیده‌ام که امامی از شما بیرون خواهد آمد که زمین را پاک کند از فساد و او را پر کند از عدل و داد فرمود ای دعبل امام بعد من محمد پسر منست و بعد از محمد پسر او علی و بعد از علی پسر او حسن و بعد از حسن پسر او الحجة القائم که منتظر است در ایام غیبتش و مطاع است هنگام ظهورش اگر از دنیا نماند مگر یکروز هر آینه خدا آنروز را دراز گرداند تا آنکه آنحضرت بیرون آید پس پر نماید زمین را از عدل همچنانکه پر گشته است از جور ولیکن یقین ز خلق ظهور را غیب وا نمیکنم زیرا که روایت فرمودند

دسوکاو سبیلا و ظنونا	چو انثی و چو اعظی و کشتی	(۵۶)	ز حرف علّه هم مجهو و تنوین	مثالش نایم با تو تبیین
شال علّه چون الا تعولوا	دگر لا تعدلوا الا تعولوا	خلفای بنی عباس	مثنّی دان ز تنوین و بناء	چو ماء و دیگر لیسو سواء
بپنجم وقف قصر و اختلاس است	بیاور مد چو بر قصر اساس است	و مدت خلافت ایشان	چو ذی الطول و چو منّا الکیل	محدث چون احدای یار قاعد
ششم باشد بوقف مد مشهور	حدیثش در مد عارض گشت مذکور		به هفتم هست وقف همزه ای یار	با نواع است بشناس و تمهدا

طلب کن از القضای منون	هم از غیر منون ای مه من	در بیان انواع	وگر باشد الف ممدود و مقصور	در انحالت بود اسکان از او دور
مثالش اولی آدان هوا	چو شئ یخرج الخبا سواء	وقف	بدان انواع وقف ای نیکفرجام	یکی اسکان و دیگر روم و اشمام
بود اسکان بکلی قطع اعراب	تامل کن درین معنی تو دریاب		بدان این نکته بازای محقق قوم	که هست ایمای حرکت معنی روم

وفات ایشان	مدت خلافت ایشان	ابتدای خلافت ایشان	اسامی القاب خلفا	مدفن خلفا
۱۳۶ سنه	۴ سال و ۹ ماه	۱۳۲ سنه	سفّاح	انبار
۱۵۸ سنه	۲۱ سال و ۱۱ ماه	۱۳۶ سنه	منصور	[illegible]
۱۶۹ سنه	۱۰ سال	۱۵۸ سنه	مهدی	[illegible]
۱۷۰ سنه	۱ سال و ۳ ماه	۱۶۹ سنه	هادی	[illegible]
۱۹۳ سنه	۲۳ سال و ۲ ماه	۱۷۰ سنه	رشید	[illegible]
۱۹۸ سنه	۴ سال و ۸ ماه	۱۹۳ سنه	امین	[illegible]
۲۱۸ سنه	۲۰ سال و ۵ ماه	۱۹۸ سنه	مأمون	[illegible]
۲۲۷ سنه	۸ سال و ۸ ماه	۲۱۸ سنه	معتصم بالله	[illegible]
۲۳۲ سنه	۵ سال	۲۲۷ سنه	واثق بالله	[illegible]
۲۴۷ سنه	۱۴ سال و ۹ ماه	۲۳۲ سنه	متوکل علی الله	[illegible]
۲۴۸ سنه	۶ ماه	۲۴۷ سنه	منتصر بالله	[illegible]
۲۵۲ سنه	۳ سال و ۹ ماه	۲۴۸ سنه	المستعین بالله	[illegible]
۲۵۵ سنه	۳ سال و ۷ ماه	۲۵۲ سنه	المعتز بالله	[illegible]
۲۵۶ سنه	۱۱ ماه	۲۵۵ سنه	المهتدی بالله	[illegible]
۲۷۹ سنه	۲۳ سال	۲۵۶ سنه	المعتمد بالله	[illegible]
۲۸۹ سنه	۹ سال و ۹ ماه	۲۷۹ سنه	المعتضد بالله	[illegible]
۲۹۵ سنه	۶ سال و ۶ ماه	۲۸۹ سنه	المکتفی بالله	[illegible]

اسمعیل بن ابرهیم خلیل الله بن تارخ بن ناحور بن شاروغ بن ارغو بن فالغ بن عابر بن شالح بن ارفخشد بن

هود و قحطان که جد یمن است با فالغ که جد قلیش است برادر بودند و هر دو پسران عابر که هود باشد و قبایل یمن حمیر است و طی و سنبس و ثعلبه و لخم و جذام و سعد و همدان و مذحج و قضاعه و خزاعه و خثعم و عامله و خولان و معافر و یعفر و جعفی و کلب و جعفه و کلب و جهینه و عک و غیر ایشان از بطون یمن



پدر من از جدم از پدرش علی اینکه از رسول خدا شخصی پرسید که کی خروج خواهد نمود قائم از ذریه تو فرمود مثل او مثل ساعت است که نیست مگر بغتة و ... خدا او ندا است نوشته همانا ایضا حموینی بسند خود از جابر بن عبدالله انصاری روایت نموده که گفت جناب رسول خدا فرمود مهدی از اولاد منست و اسم او اسم من کنیه او کنیه من است شبیه‌ترین مردمان است بمن در خلق و خلق و از برای او غیبتی است که مردم در حیرت بمانند و بسیاری گمراه شوند و لیکن آنجناب مثل شهاب ثاقب ناگهان ظاهر شود و پر کند زمین را از عدل

نمایی چنانچه از ظلم پر کرده باشند ملبستم انضا حرینی دو خراتد التسطین	ولی ادراک رَوْم اعمی و بینا / که باید مستمع تا بشنو دآن / که ما هر باشد و از اسا	کند ادراک این بینا نه اعمی / چنان لحن خفی باشد نمایان / ولی لحن خفی استاد باید	(۵۷) خلفای بنی عباس و مدت خلافت آنها	که لبها باهم آری بعد اسکان / یکی لحن جلی ثانی خفی دان / بود تبدیل حرف و حرکت در / نداند جز مشکل بل مشکل	بود اشمام آن ایجان جانان / دو باشد لحن ای قاری قرآن / شنو لحن جلی را ایز نمان چند / چو ادراک خفی امریست مشکل

در بیان وصل و وقف در بسم الله اوایل سوره

قم باز انبیاء زخرف و دیگر / ثرُوْدُ و ویل و تبت باز اگر	سه نوعست آن یکی وصلست دیگر / محمد بینه الهکم و لا / زمن این نکته ها باید برای یار	[illegible]	باوّل سوره بشنو باز یک فصل / دگر نه سوره باشد وقف بی غم / دگر در مابقی میباش مختار	بیا در وقف بسم الله با وصل / بدان القارعه و الحاقه هم

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۳۲۰ سنه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲ سال
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
المستعصم بالله	الظاهر	الناصر	المستضیء	المستنجد	المقتفی	الراشد	المسترشد	المستظهر	المقتدی	القائم	القادر	الطائع	المطیع	المستکفی	المتقی	الراضی	القاهر بالله	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

سام بن نوح بن لمک بن متوشلح بن اخنوخ بن یارد بن مهلائیل بن قینان بن انوش بن شیث بن آدم علیه السلام

اهل هند و سند

و نوبه و زنج و حبش و قبط از نسل حام پسر نوح اند و ترکان ماوراءالنهر و صقلبیها و اهل چین و فرس قدیم که قوم خزر ند که ایشان را روس گویند از اولاد یافث اند و گروه های مختلف و صاحبان اشکال عجیبه همه از صلب تاویل بن یافث اند و یاجوج و ماجوج و آنچه شبیه آنها هستند در آن نواحی از نسل مفسک بن یافث می باشند

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول خلفاء بنی امیه

بروایات شیعه پس شکی در صحت آن نخواهد بود و اخباری که اهل سنت اختصاص بنقل آنها دارند مثل اخبار در شأن خلافت در بنی... و امثال آن معارضه با این اخبار را قابل نیست چنانکه ظاهر و هویداست پس من باب تایید ذکر شطری از اخبار مرویه از طرق شیعه لازم گردید و الا ذکر آنها حجت بر خصم نیست و از برای شیعه فایده بران مترتب نیست زیرا که وجود و غیبت آنحضرت از ضروریات مذهب ایشان است و در این مقام احادیث از حد تواتر

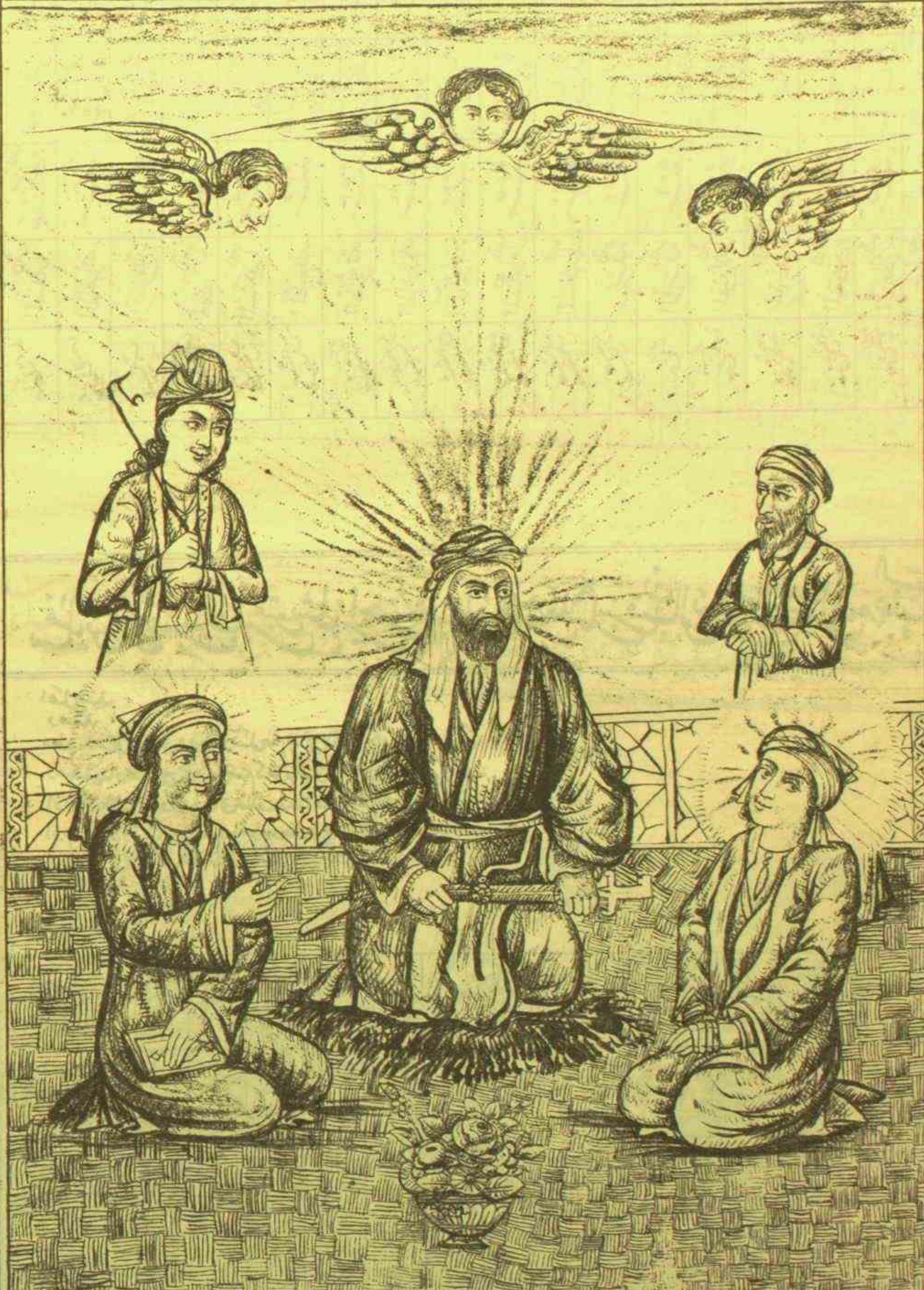
ابن عباس روایت نموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بعلی ابن ابیطالب فرمود یا علی منم مدینه حکمت و تو در آن و کسی داخل مدینه نشود مگر از در آن هر کسی دروغ گوید که کسی که مرا دوست دارد و حال آنکه با تو دشمن است زیرا که تو از منی و من از توام گوشت تو گوشت منست و خون تو از خون منست و روح تو از روح منست و سر تو سر منست و علانیه تو علانیه منست امام امت منی و خلیفه من بر آنها بعد از من سعادتمند است کسیکه اطاعت کند ترا و شقی کسی است که معصیت تو نماید دشمن است کسی که دوستی تو کند و زیان ... کسی که دشمنی تو نماید و ... فائز کسی است که بدرگاه تو مقیم گردد و هالک کسیکه از تو مفارقت نماید مثل تو و امامان از اولاد تو بعد تو مثل کشتی نوح است هر که در آن نشست از طوفان حوادث نجات یافت و هر که تخلف نمود در دریای ضلالت غرق گردید و مثل شما مثل ستارگان است هر وقت که ستارگان غروب نماید دیگری طلوع کند تا روز قیامت

تتمه

در این مقام از اخبار مذکور است روایاتی است که رُوات اهل سنت با سانید معتبره خود روایت نموده اند و چون موید است ...

بیان رموزات قاریان سبعه و راویان ایشان		تجوید منظوم (۵۸)	از دیگر سؤالات فراوان	بود بسیار در آیات قرآن
بیا ای قاری از من بشنو اسم	رموز قاریان و راویان اسم		بدان هر یک ز قاری راوی دو راویست	بگویم نامشان چو رمزشان هست
الف از نافع است و باز قالون	نشان ورشش بدان هم اکنون		بود ابن کثیرش قال ای گل	دگر هابزی وزا از قنبل
ابو عمر است حا و دال رمز دوری	علامت طا یا باشد ز سوسی		بود کاف ابن عامر و هشام لام	دگر میم ابن ذکوان ای دلارام

تمثال بی مثال حضرت اسد الله الغالب امیر المؤمنین



علی بن ابی طالب و فرزندش حسنین علیهم السلام

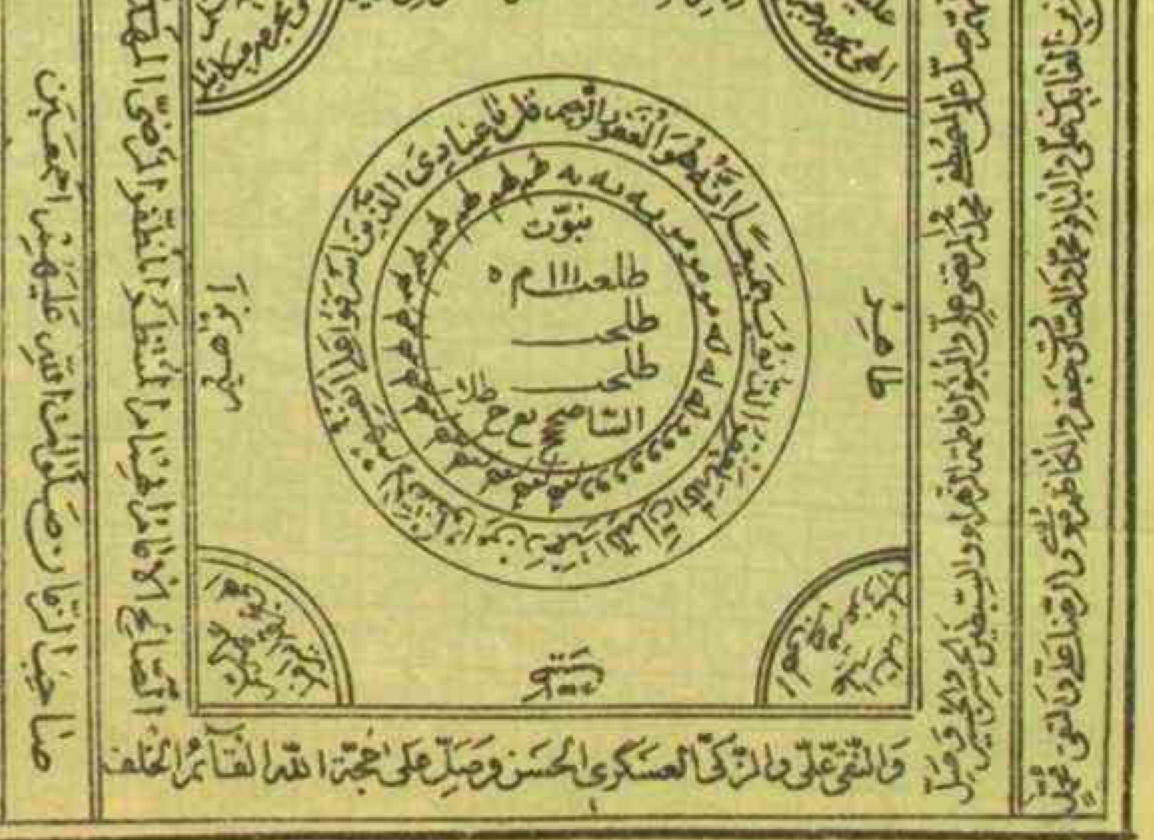
۱۳۵۳

بر دست ولیکن اکتفا مینمائیم ببعضی از نصوص که از ابا و طاهرین انجناب وارد گردیده و در کشف الغمه مسطور است اول از ابن عباس گوید که شنیدم رسول خدا صلعم را که میفرمود منم سید النبیین و علی است سید الوصیین و بدرستیکه اوصیای بعد از من دوازده نفرند اول ایشان علی بن ابی طالب و آخر ایشان مهدی است دویم روایت نموده از حضرت رضا از آبا عظام خود که علی بن ابیطالب ع بحسین فرمود که نهم از اولاد قائم بحق و مظهر دین و پهن کننده عدل است عرض کرد که آیا این از امور حتمیه است که البته خواهد شد فرمود بلی والله ولیکن بعد از غیبتی و حیرتی که کسی بر دین او نماند مگر بندگان مخلص خدا که مباشر روح یقین گشته اند آنانکه خداوند از ایشان میثاق محبت و ولایت ما را گرفته و ایمان را در دل ایشان ثابت فرموده بروح حق ایشان را تأیید نموده سیم جابر بن عبدالله گوید روزی بخدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها مشرف شدم لوحی خدمت انحضرت دیدم که در آن ثبت بود اسامی اوصیا از اولاد انحضرت پس شمردم انها را دوازده نفر بودند و آخر ایشان قائم بود و سه از ایشان مسمی بمحمد و چهار علی چهارم از حسن بن علی روایت نموده حدیثی را و در آخر انستکه فرمود باصحاب خود در مقام اعتذار از صلح با معاویه آیا ندانسته اید که هیچ یک از ما نیست مگر آنکه بیعت یکی از طاغوت زمان بر گردن او خواهد بود مگر قائمی که روح الله در عقب سر او نماز میخواند و خداوند تعالی ولادت انحضرت را مخفی گرداند و شخص او را غایب سازد تا آنکه در گردن او بیعت کسی نباشد هنگام خروج او و ستم هم از اولاد برادرم حسین ع پسر بهترین کنیزان دراز گند خدا عمر او را در زمان غیبتش و بعد ظاهر گرداند او را بصورت جوانی که عمر او کمتر از چهل سال باشد تا بدانند که خداوند بر همه چیز قادر است پنجم از حسین بن علی روایت نموده که فرموده در قائم ما سنتی است از سنن انبیا از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب و سنتی از محمد ص از نوح درازی عمر و از ابراهیم پنهانی زمان ولادت و گوشه گیری از مردم و از موسی ترس و غایب شدن از مردم و از عیسی آنکه مردم در او اختلاف نمایند و از ایوب فرج یافتن بعد از

بسم الله الرحمن الرحیم

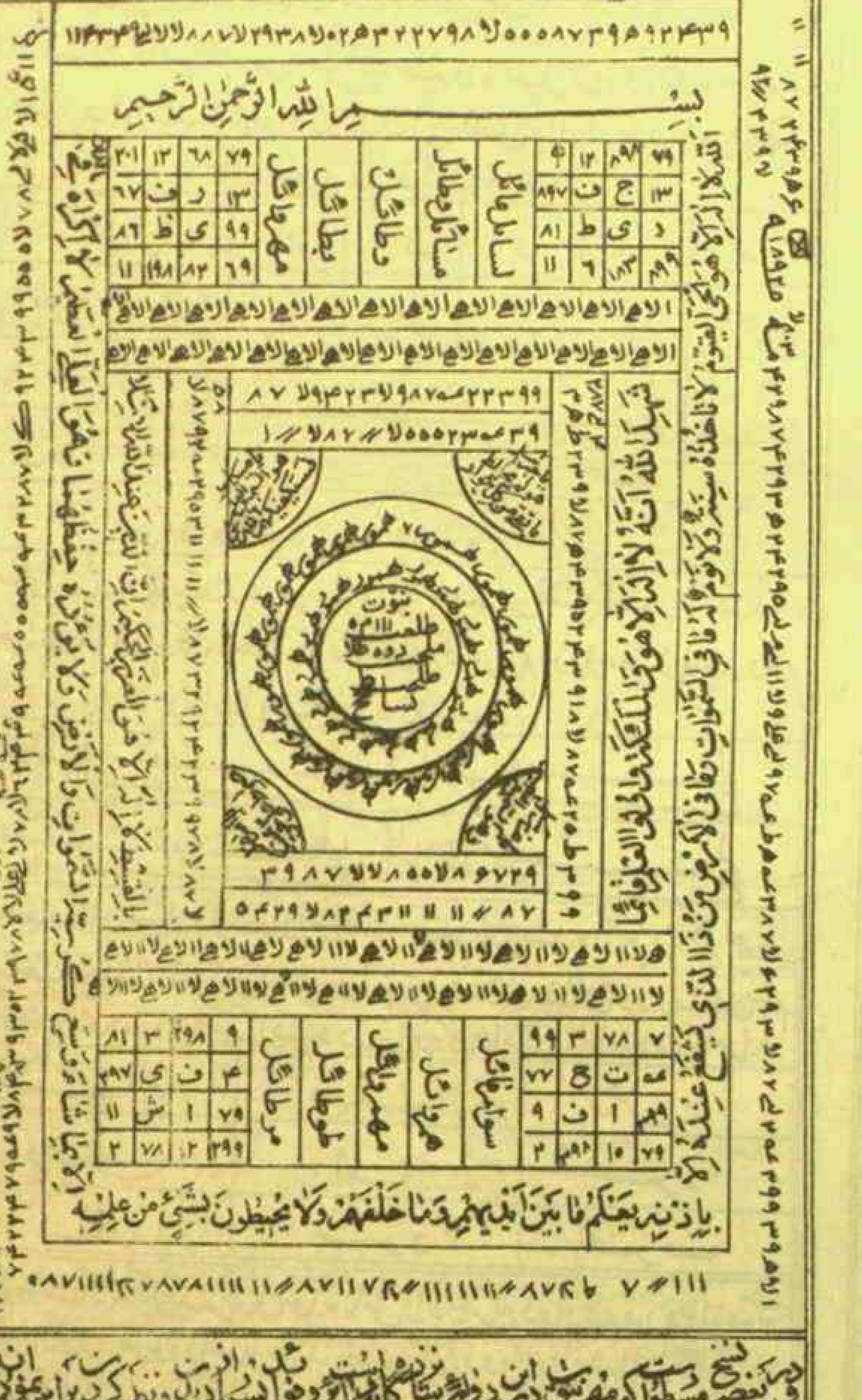
بعد از حمد بیحد و صلوات بیعد چنین گوید احقر بندگان درگاه احدی و افقر نیاز مندان بارگاه صمدی ابن میر مهدیخان نور الله مضجعه بالرحمة والغفران ابو المفاخر نظام الدین محمد هاشم الملقب بشاه میرزا و المخاطب بمیرزا مهدیخان صفوی روح الله روح اسلافه و طول الله عمر اخلافه که در اکثر نسخ و مجامع از حضرت ائمه طاهرین سلام الله علیهم و علماء و مشایخ کرام رضی الله عنهم صورت مهر نبوت حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین صلوات الله علیه و آله اجمعین و بعضی از نقوش و اشکال ذوی الاوفاق و مکسرات حروف و عدد مثل سور قران عظیم و آیات فرقان کریم مذکور و ثواب و خواص بسیار از دیدن و نظر کردن انها در هر روز و بعد از هر نماز مسطور است بنا بر این مضمون هذا حدیث مقرون بلاغت مشحون حدیث مشهور من سمع شیئا من الثواب علی شیئ فصنعه کان له اجره و ان لم یکن علی ما بلغه صور مهر نبوت و انچه از اشکال ذوی الاوفاق و مکسر سور قران و آیات فرقانی که دیدن و نظر کردن بر انها ما ثور است و بنظر احقر عباد رسیده بود جمع نمود و چون از دیدن این ارقام خجسته انجام و حروف و اسمای عظام فرخنده فرجام با لخاصیة چشمهای صغیر و کبیر و برنا و پیر روشن و منور گردید و نظر کردن باین آیات بینات کلام معجز نظام حضرت ملک علام بیشک عیون ناظرین را نور و روشنائی و ضوء و ضیائی می بخشید بضیاء العیون موسوم ساخته بر فاتحه و دو منظر مرتب گردانید بتوفیق الله الملک المجید

فاتحه در بیان صورت مهر نبوت سید انبیاء و سرور اصفیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله التحیة و الثناء و شمایل آنحضرت که هر روز بعد از ادای صلوة فرایض یومیه باید انظار را بانوار آن منور ساخت روایت است از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام که هر که مهر نبوت پیغمبر را بعد از نماز صبح ببیند چنان باشد که پنجاه حج مثل حج حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام کرده باشد و اگر بعد از نماز ظهر ببیند چنانست که دویست حج مثل حج حضرت ابرهیم ع گذارده باشد و اگر بعد از نماز عصر ببیند چنان است که پانصد حج مثل حج حضرت موسی ع بجا آورده باشد و اگر بعد از نماز مغرب ببیند چنان باشد که هفتصد حج مثل حج حضرت عیسی ع کرده باشد و اگر بعد از نماز عشا ببیند چنان باشد که هزار حج مثل حج حضرت رسول ص گرده باشد و هزار بنده ازاد کرده باشد و هزار گرسنه را سیر کرده باشد و هزار برهنه را پوشانیده باشد و مهر نبوت حضرت خاتم اینست

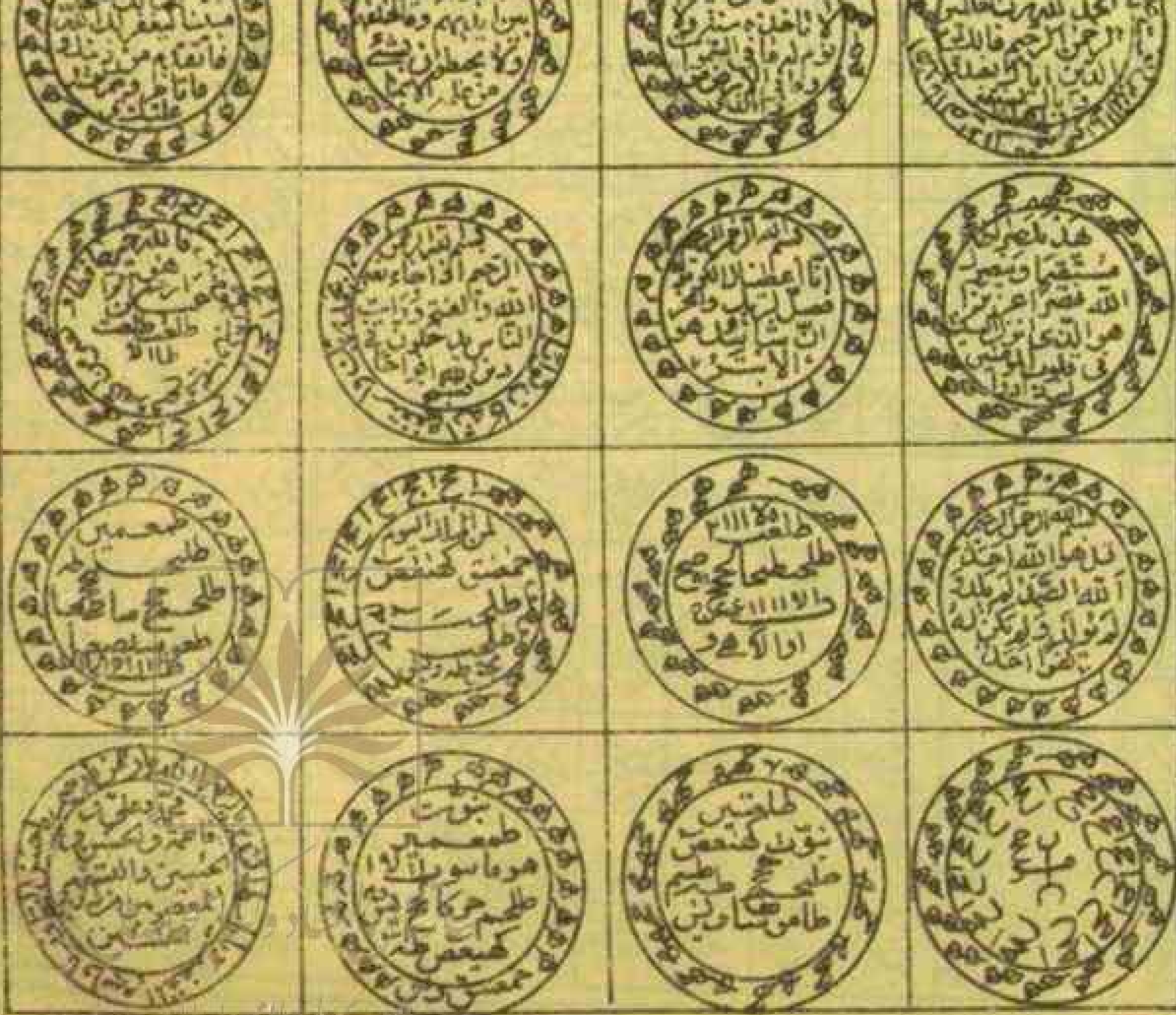


هذا ضیاء عیون الناظرین و به نستعین

و در بعضی نسخ مهر نبوت چنین مکتوب است



و در بعضی نسخ مسطور است که مهر نبوت در این دو شکل است که اسم و شمایل انبیاء در آن و نظر کردن بر این موجب ثواب اند



در دیدن این نقش مکرم بعد از فرایض خمسه یومیه ثواب بسیار و خواص بیشمار نقل شده از جمله اینکه ناظرین از جمیع آفات و بلیات در حمایت حق تعالی باشد و در نزد سلاطین و اکابر معزز و مقبول القول باشد و از سحر ساحران و مکر مکاران در امان بوده باشد و هر کس با او خصومت نماید مغلوب گردد و اگر کسی مدیون باشد این شکل را در شب پنجشنبه یا شب جمعه شفیع خود سازد تا دو دینار از دین او ادا سازد و اگر نوشته و با خود دارد در معرکه جنگ مظفر و منصور گردد

بالرحیم	بالرحمن	نور الله	العلی	ه	سوادیح	صعود

یا الله	یا الله	[illegible]	صعص	حلر	علم	وید

ابحعدب

صعصسال

این نقش مبارک از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است و انجناب از حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله نقل فرموده اند و ثواب بسیار و فواید بیشمار در دیدن این نقش مبارک بعد از هر فریضه خمسه لیل و نهار ذکر فرموده اند

ا	ا	ن	الله	د	م	م
ص	ع	ط	هو	و	و	رحیم

م	در
س ط	سمد
ص ط ک	

منقول است که هر که بعد از هر فریضه خمسه یومیه این نقش معظم را به بیند خدای تعالی ببرکت و حرمت آن معاصی و جرایم او را عفو فرماید و بگوم خود او را بیامرزد این است

یا الله بهلج	یا الله بهلج
بهلج	یا الله بهلج

فواید و ثواب بسیار در دیدن این نقش اعظم نقل شده از جمله آنکه چهار چیز خدای تعالی بناظر این نقش عطا میفرماید اول بینائی و روشنائی چشم دویم وسعت رزق سیم آتش دوزخ بر وی حرام کند چهارم او را بیامرزد

سلام م	ـبـ	رص
ردی	الف	مرد
سان	مرد	بحرمس

مذکور است که هر که مکتر حرف سوره ناس را در مربع دوازده در دوازده نوشته و با خود دارد و هر روز آنرا به بیند خدای تعالی از وساوس شیطانی نگاه دارد و دلش قوی گردد و با ایمان از دنیا برود و آتش دوزخ بر او حرام گردد و پیوسته بخوشی و خرمی بگذراند

منقول است از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه نشسته بود که جبرئیل آمد و گفت یا رسول الله خدای تعالی ترا سلام میرساند و میفرماید که هر که از امت تو مکتر حرفی آیة الکرسی را در مربع پانزده در پانزده بنویسد و با خود دارد و هر روز بر بیند از جمیع بلیات در کنف امن و امان ایشون باشد و تا ثیر این ایه کریمه او را بمراتب عالیه برساند و منظور جهانیان گرداند و هر کسی قصد او داشته باشد دوست خالص او شود و مراد او در دو جهان حاصل گردد

ودر نسخه دیگر مکتر آیه مذکوره بهیئت در بیست دیده شده و شرح آن هم از همان حضرت مأثور و بهیچ تفاوتی از زیاده و نقصان بهمان منوال مذکور است

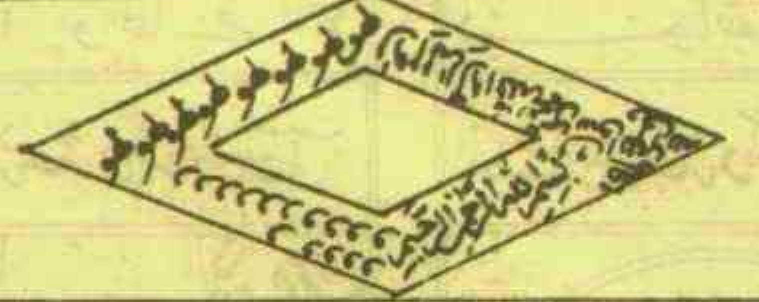
مرویست از حضرت رسول که فرمودند از جبرئیل شنیدم که هر که مکتر حرفی آیة الملک را در مربع بیست در بیست بنویسد و با خود دارد و هر روز بر بیند در نظر همگنان خصوصا پادشاهان و امرا و بزرگان با عزت و حرمت باشد و همه خلق مطیع او گردند و تمام عمر را بخوشی بگذراند

وگر با کوفیان شد ابن عامر بجز نافع دگر باقی سُرا محت	موافق قال عیاش ماهر بیا از من شنو ای برصادق	وگر با کوفیان ابن کثیر است بو دحازم و نافع ابن عامر	بتجوید منظوم (۱۶)	موافق قال نشانی نظیر است نشان نشان عم چنین و سوا عامر	بو عمرو ار شود با کوفیان یار شماد ان نافع و بو عمر کی	ز حرف غین رمزان گجدار شماب از حمزه و حفص و کسائی

منقولست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم که هرکه این نقش مکرم را بر یکبار ببیند گناهان هفتاد ساله او آمرزیده شود و اگر دو بار ببیند خداوند کریم عفو جرایم پدر او و فرماید و بکرم خود بیامرزد و کسیکه سه بار ببیند از برکت این نقش غفار بی نیاز همه امت حضرت رسالت پناه را بیامرزد

دم	ں	د	ر بو	دو	م مام
ص		ع	ط	وو	ں

مرویست که هرکه این نقش معظم مکرم را بر بیند اگر همه یکبار باشد بیرکت این نقش خدا همه گناهان او را بیامرزد و برحمت خود عفو فرماید



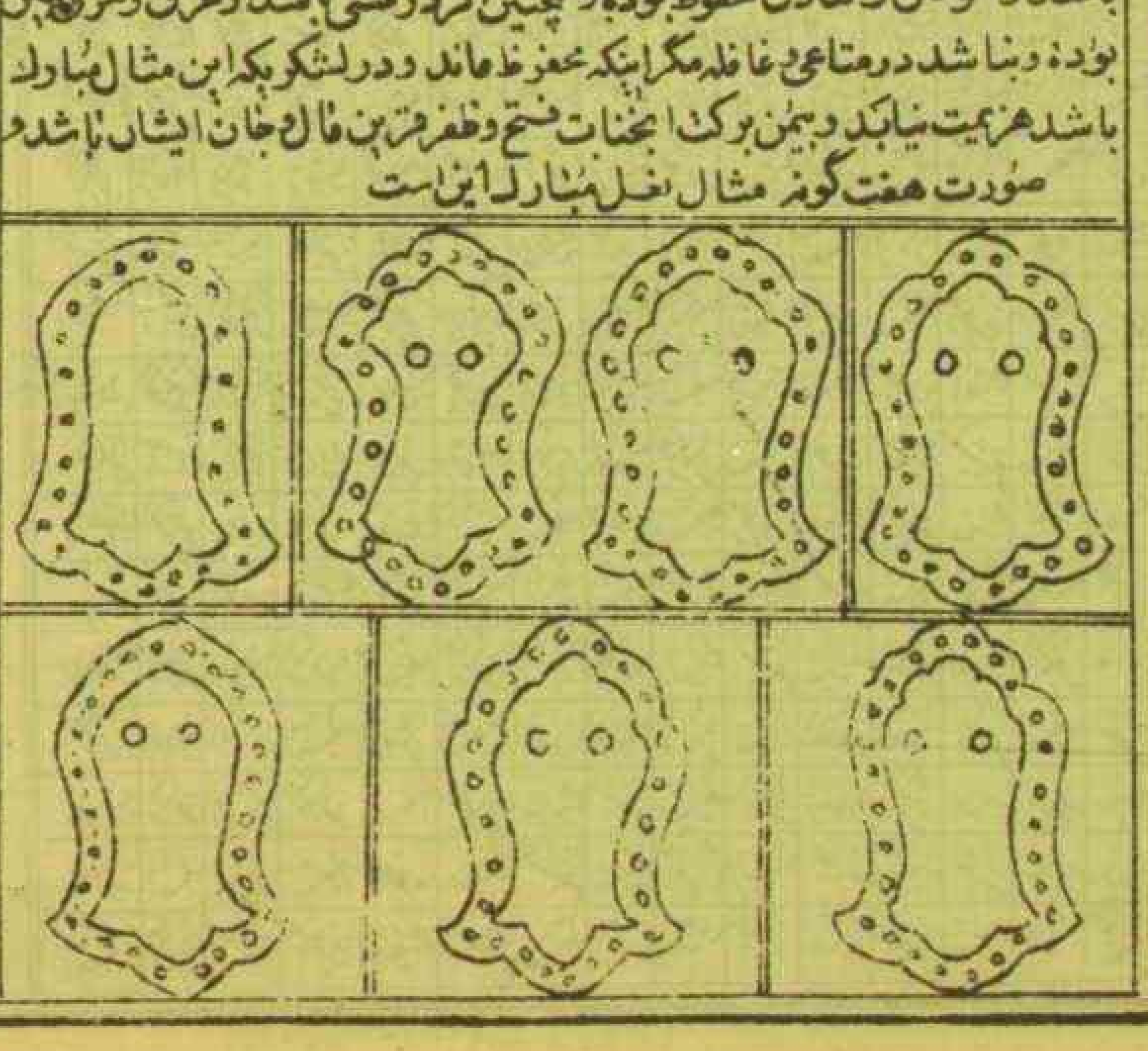
منقولست که هر صباح دیدن این شکل باعث ازدیاد رزق و غنا و ثروت است

٣	دب	دو
داله	سال	ل
کرمو لاہمو	سال	بو

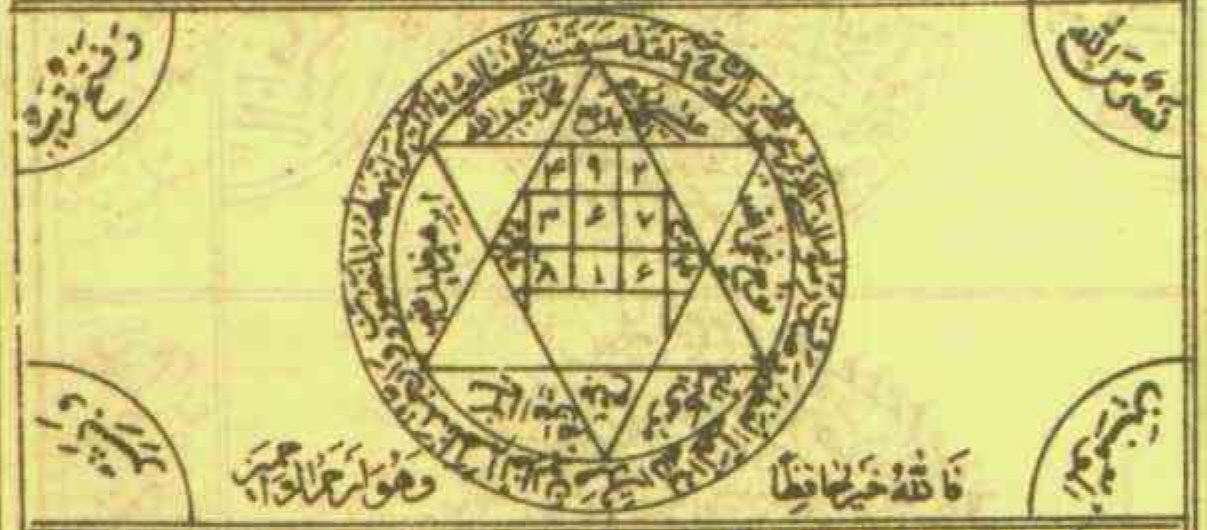
مرویست که هرکه هر صباح این نقش مبارک را ببیند از جمیع آفات و بلیات در حفظ و حمایت قادر متعال بوده باشد

١	١٥	١٤	٤
٢	٦	٧	٩
٨	١٠	١١	٥
١٣	٣	٢	١٦

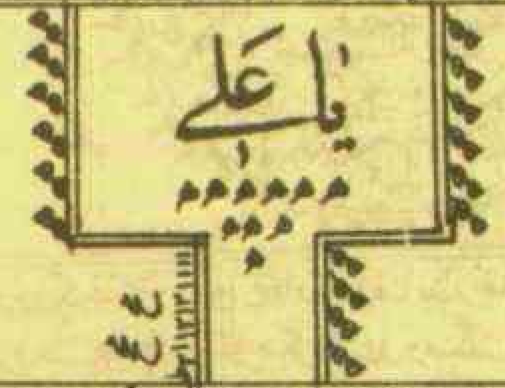
شیخ محمد بن احمد مقری در کتاب موسوم بفتح المتعال فی مدح النعال که قریب ده هزار بیت و مشتمل بر فواید و قصاید مدح مثال نعل مبارک حضرت سید المرسلین است جمعی مورخین باختلاف روایات مثال نعل مبارک نوشته و خواص بسیار ذکر نموده که ایراد شمه از آن در این اوراق موجب تطویل و اطناب است از جمله کسیکه نگاه دارد این مثال مبارک را و تعویذ کند از شر اعدا و شیاطین و سحر ساحرین و مکر ماکرین و چشم حاسدین ببرکت حضرت سید المرسلین مصون و مامون بوده باشد و این مثال مبارک او را حرزی بوده باشد از جمیع آفات و بلیات و چنانچه همیشه با خود دارد محبوب القلوب و مقضی المرام گردد و بسعادت زیارت آنجناب فایز گردد و کسیکه درد و علتی باشد چون مثال مبارک را بر آن موضع موجع دال گذارد و توسل بآنحضرت جسته استشفا خواهد الله تعالی شفای عاجل کرامت فرماید و در خانه که این مثال مبارک باشد از سوختن و افتادن محفوظ بوده باشد و همچنین اگر در کشتی باشد از غرق و حرق این بوده و باشد در متاعی و قافله مگر اینکه محفوظ ماند و در لشکر یکه این مثال مبارک باشد هزیمت نیابد و بیمن برکت آنجناب فتح و ظفر قرین حال آن ایشان باشد و صورت هفت گونه مثال نعل مبارک این است



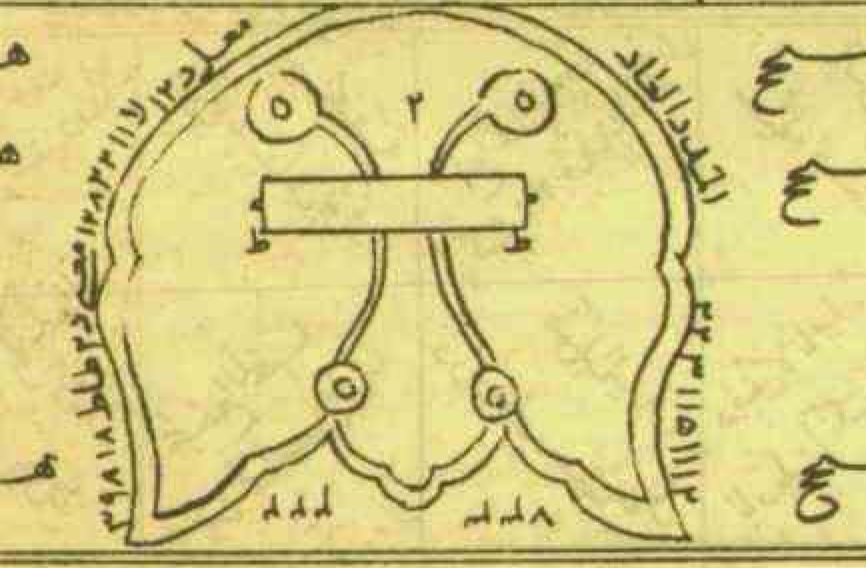
در بعضی نسخ مذکور است که این نقش حضرت سلیمان علی نبینا و اله و علیه السلام است و هر روز دیدن این مهر مبارک فوائد کلیه و آثار عظیمه دارد



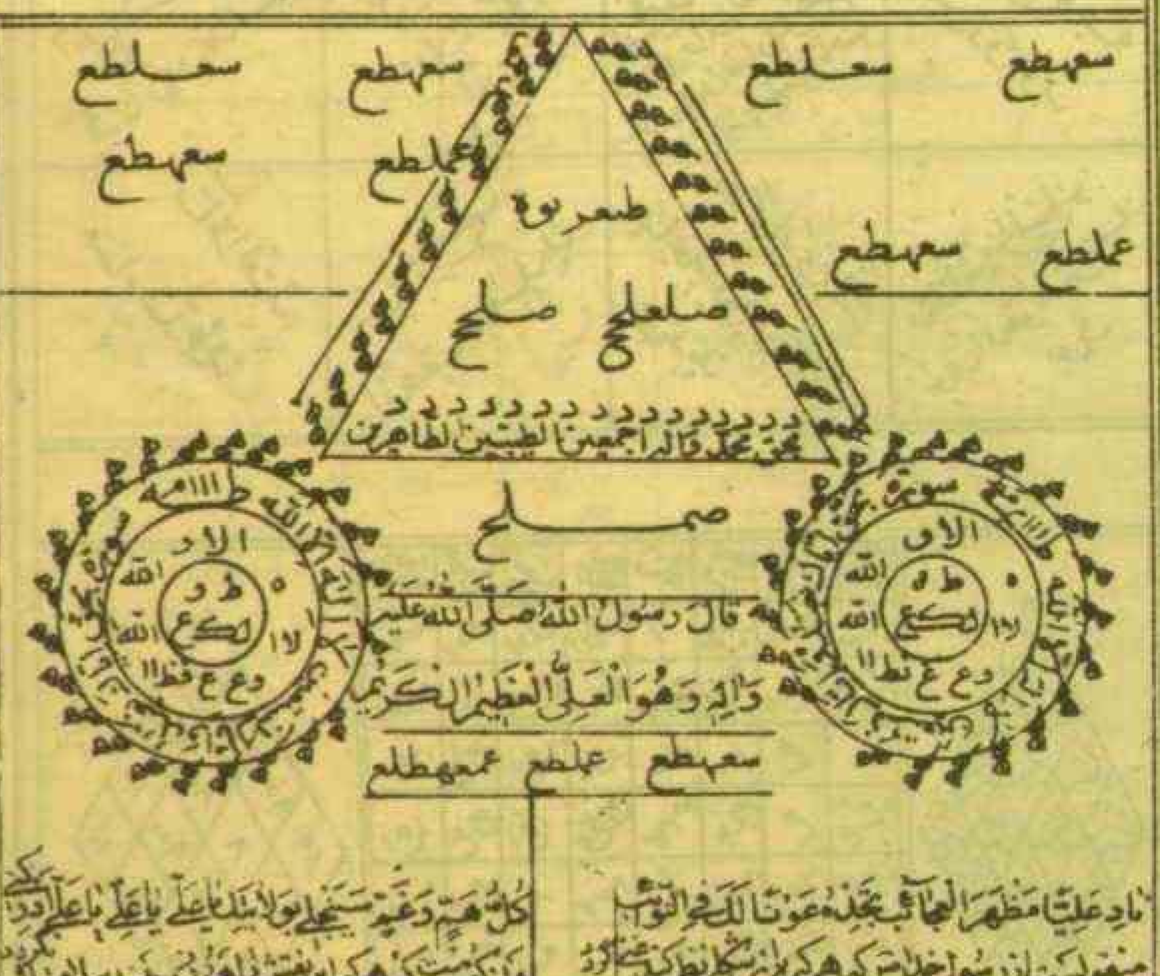
این شکل مبارک موسوم بکرسی علی آثار نبیا از نظر یاران نقل شد



مذکور است که هرکه هر روز بر این صورت مبارک که مشیر است بمثال نعل مبارک رسول الله صلی الله علیه و اله یکبار نظر کند چنان باشد که هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار درهم و دینار در راه خدا صدقه داده و هزار حج کرده باشد برابر است



این شکل متبرک موسوم بکنفین و خواص دنیا و فوائد بیشمار در نظر نمودن بر آن مذکور است
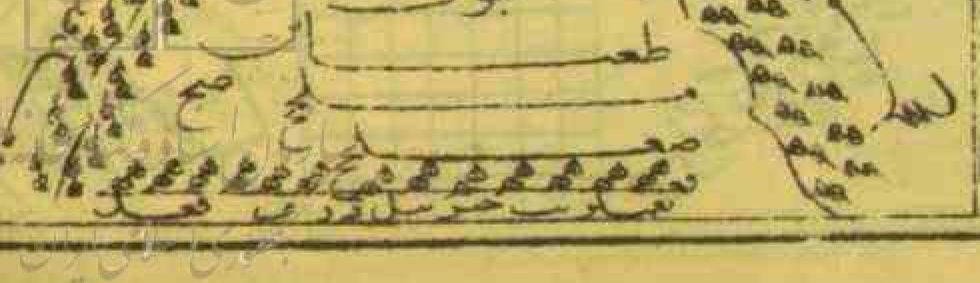


نادِ علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی ادرکنی

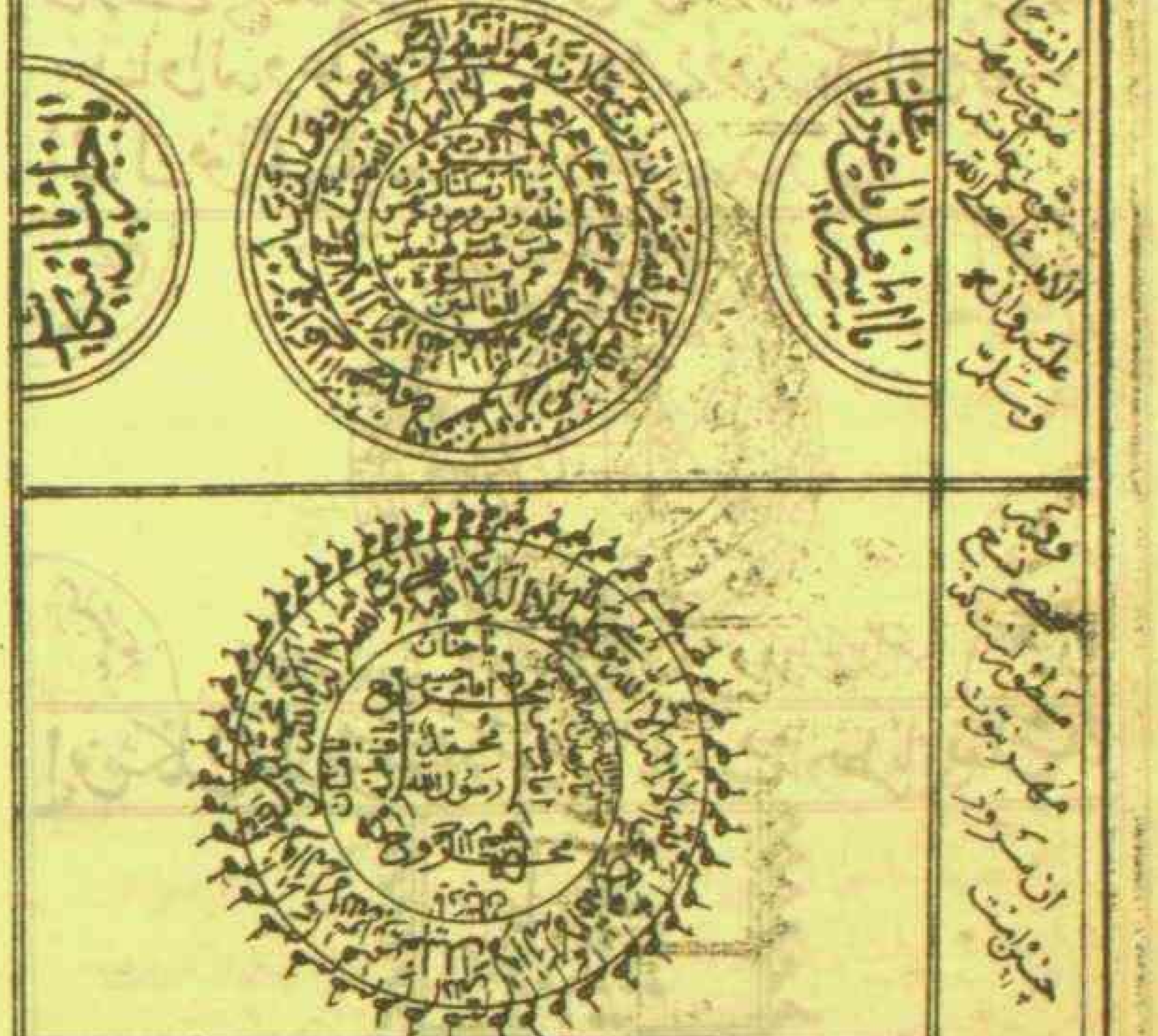
منقولست از رسول خدا که هرکه بر این شکل نظر کند ... مذکور است که هرکه این نقش را هر ... ببیند ...

دو	وودد	دو
٥	٥	
دو	و و و	



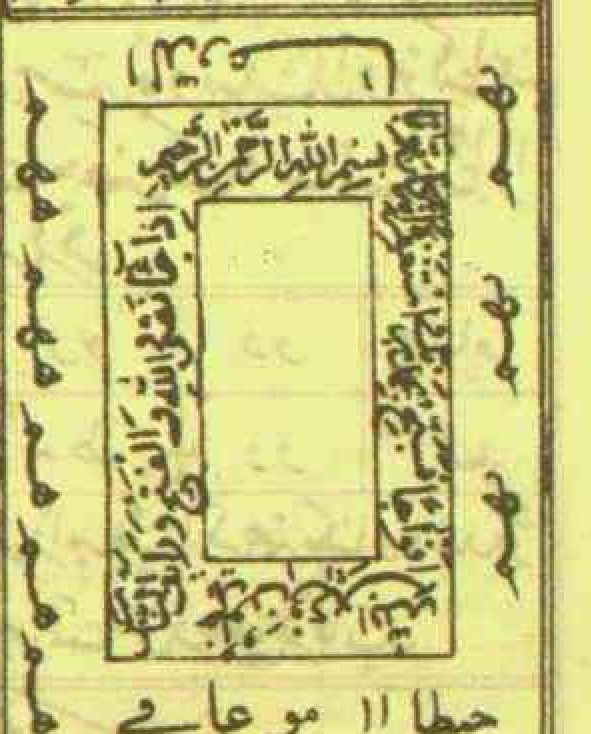
از حضرت امیر المؤمنین ع ماثور است که هرکه هر صباح این نقش مکرم را ببیند تا دو روز دیگر از جمیع آفات در حفظ حضرت حفیظ باشد و اگر نوشته با خود دارد در نزد سلاطین و اکابر محترم باشد و از مکاره ایمن گردد و از برای حصول مطالب ... و غیره با حجت ... در بعضی حفظ و ... بحاجت ... استشفاء ... این نقش ... مقطم نماید که حضرت بحب الدعوه حاجت او را اجابت فرماید ... منظور نظر ...





ایضا در نسخه دیگر صورت مهر نبوت چنین است

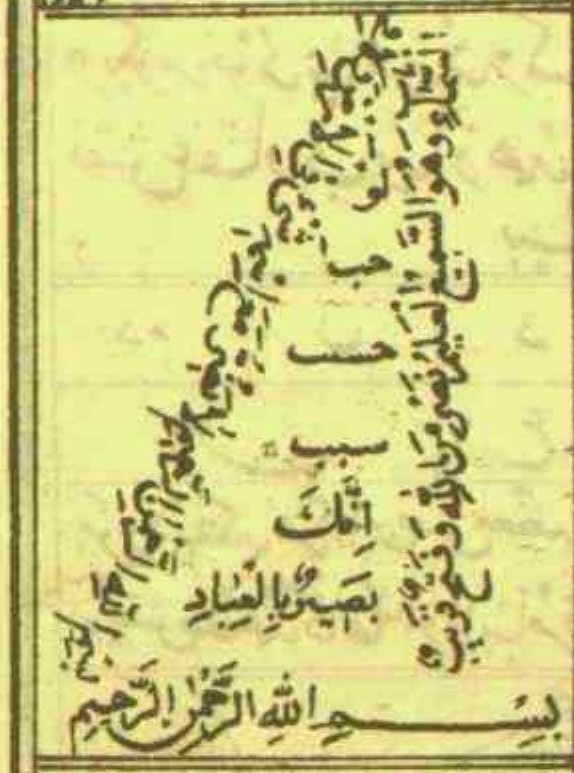
بسم الله الرحمن الرحیم



حطا ا ا موعاے

ایضا در نسخه دیگر صورت مهر نبوت چنین است

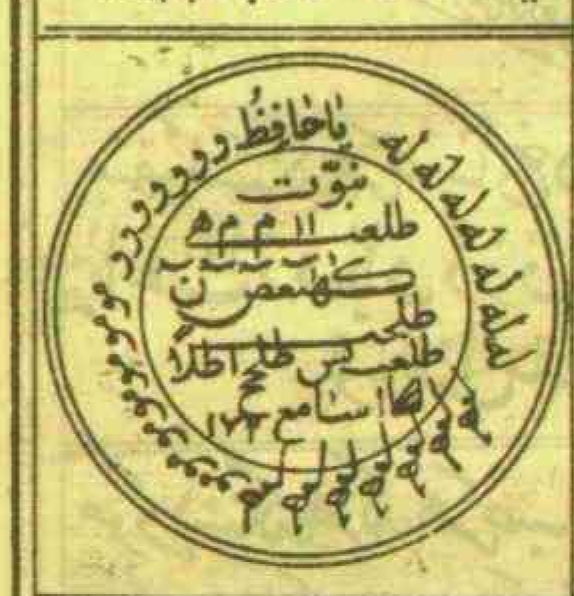
بسم الله الرحمن الرحیم



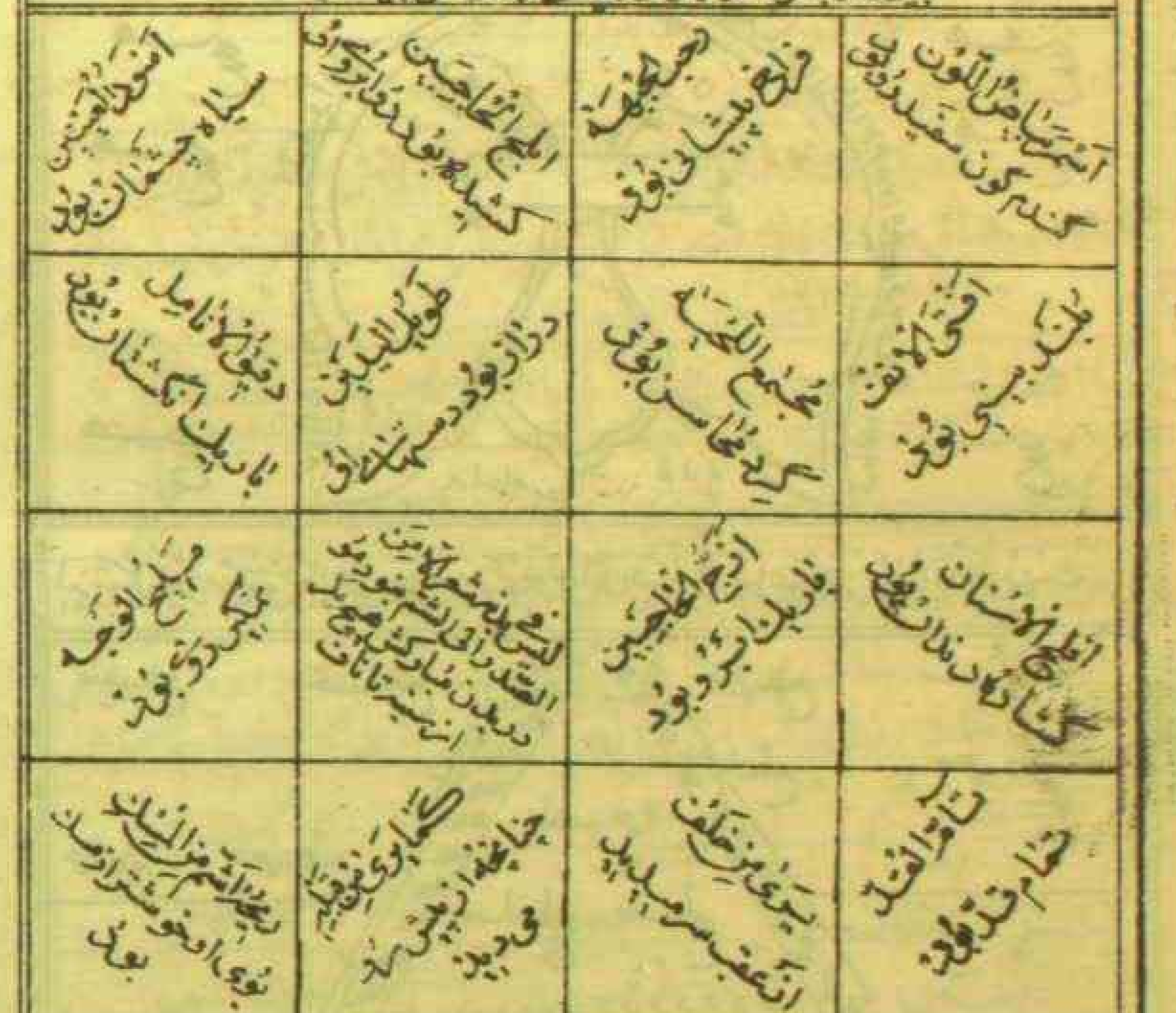
ایضا در نسخه دیگر چنین است



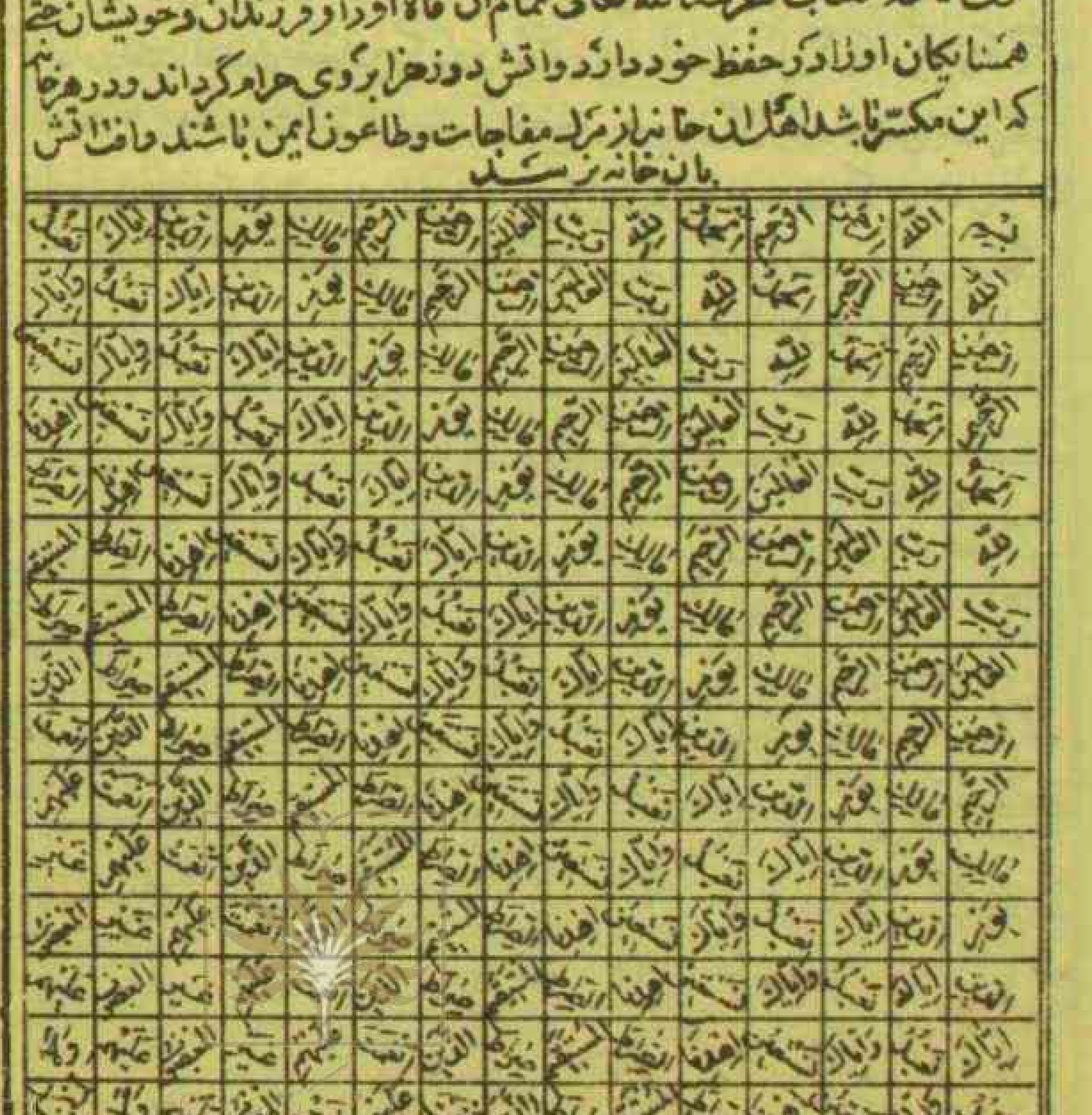
ایضا در نسخه دیگر چنین است

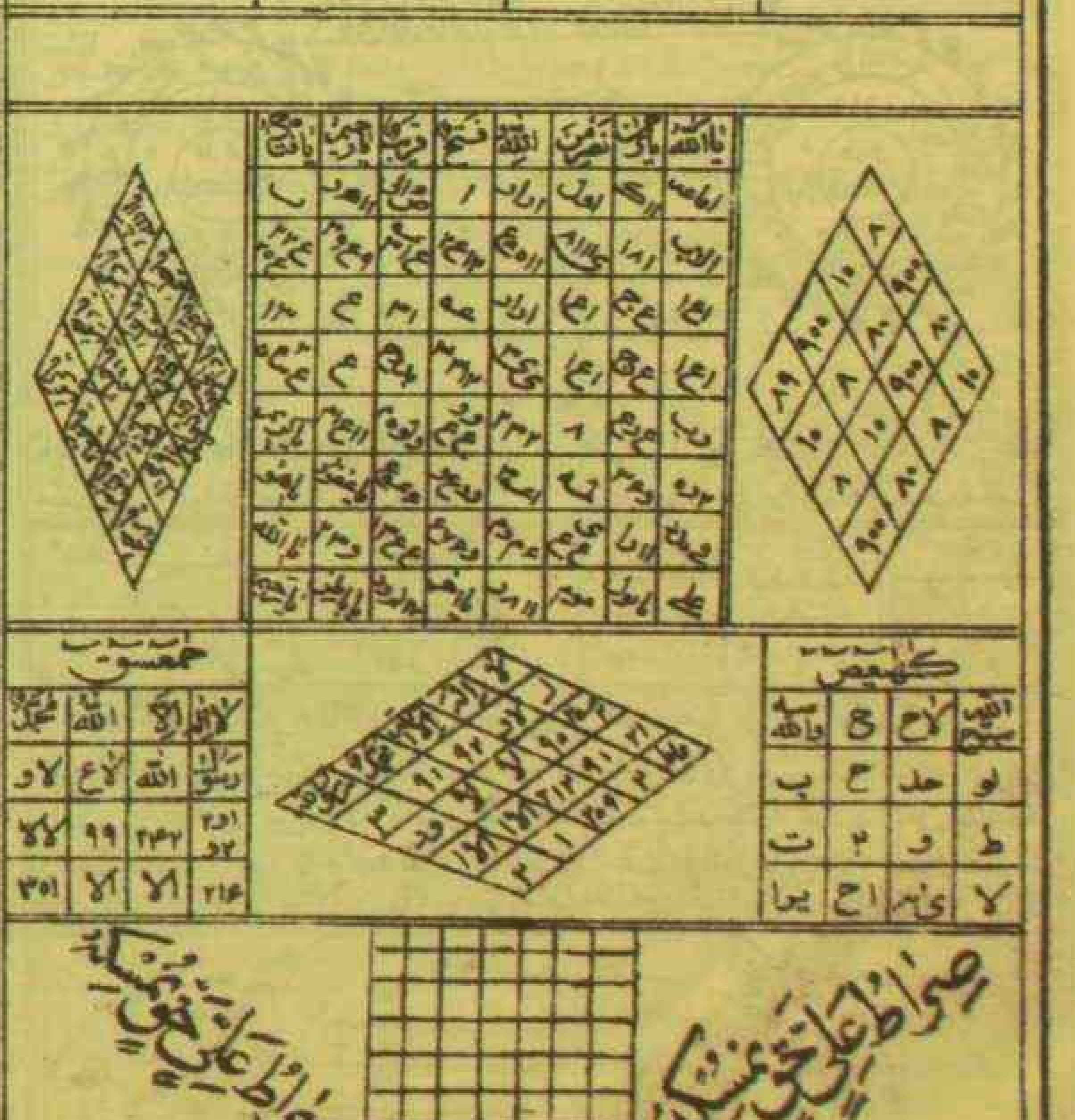


منقولست که در آن روزیکه حضرت رسول صلعم از دار فنا بدار بقا رحلت میفرمودند حضرت امیر المؤمنین ع و فاطمه و حسنین علیهم السلام میگریستند و میگفتند یا رسول الله غایبی وجود شریف شما چون خواهیم زیست حضرت فرمودند یا علی بنویس همه اینها را و با خود نگاهدار که هر که با خود نگاه دارد از امت من از جمیع بلیات و آفات مصون و محفوظ باشد و در نزد ملوک و اکابر و اشراف معزز و مکرم گردد و چنان باشد که مرا دیده باشد هر که به بیند و با خود نگاه دارد یا علی یا امت من بر سان



منظر اول در مکبرات بعضی از سور و آیات قران مجید و فرقان حمید و اشکال مکرمه و نقوش معظمه که باید هر روز یکبار و بر خی از آن ابتکار بعد از فرایض لیل و نهار بنظر او زده چشم جان و دیدهٔ ایقان را منور گردانند تا بتوسط استفاضهٔ آن بسعادت ابدی و دولت سرمدی رسید منقولست از حضرت امیر المؤمنین ع که روزی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه نشسته بودند جبرئیل علیه السلام از نزد رب جلیل در رسید و گفت یا رسول الله خدا یتعالی ترا سلام رسانیده و برای تو و امت تو هدیه فرستاده که بهیچ پیغمبری نفرستاده هر که از امت تو سوره فاتحه را تکبیر حرفی نموده و در مربع پانزده در پانزده بنویسد و با خود دارد و هر روز بر بیند حق تعالی بر عمر وی بیفزاید و او را از جمیع آفات و بلیات در امان خود دارد و اگر کسی در وقت دیدن ماه نو بر مکسر حرفی فاتحة الکتاب نظر کند الله تعالی تمام آن ماه او را و فرزندان و خویشان و همسایگان او را در حفظ خود دارد و آتش دوزخ را بر وی حرام گرداند و در هر خانه که این مکسر باشد اهل آن خانه از بلیات و مفاجات و طاعون ایمن باشند و آفات به آن خانه نرسد





بود ابن کثیر از مکه ای جان	مدینه مولد نافع همی دان	بیان مولد قراء سبعه	نهانی حفص حمید ان رمزان شد	چو نافع متفق با کوفیان شد
بدان و رخوان ایشان کن گدائی	زکوفه عاصم و حمزه کسائی	بتجوید منظوم	شده از شام همچون صبح ظاهر	ابو عمر لیث بصری و ابن عامر

مذکور است که هر که مکسر حرفی سورهٔ قدر را در مربع پانزده در پانزده بنویسد و باخود دارد هر روز او را به بیند چنان است که گویا شب قدر را یعنی ثواب او را دریافت کرده و آتش دوزخ بر او حرام گردد و هرگز محتاج نشود و همیشه با عزت و حرمت باشد و هر که او را بیند بر او مهربان شود و در هر خانه که این مکسر در آن باشد آفت آتش بآن خانه نرسد انشاء الله

بسم الله	الرحمن	الرحیم	انا	انزلنه	فی لیلة	القدر	وما	ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف
الرحمن	الرحیم	انا	انزلنه	فی لیلة	القدر	وما	ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر
الرحیم	انا	انزلنه	فی لیلة	القدر	وما	ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل
انا	انزلنه	فی لیلة	القدر	وما	ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة
انزلنه	فی لیلة	القدر	وما	ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح
فی لیلة	القدر	وما	ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها
القدر	وما	ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن
وما	ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن	ربهم
ادریک	ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن	ربهم	من کل
ما لیلة	القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن	ربهم	من کل	امر
القدر	لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن	ربهم	من کل	امر	سلام
لیلة	القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن	ربهم	من کل	امر	سلام	هی
القدر	خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن	ربهم	من کل	امر	سلام	هی	حتی
خیر	من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن	ربهم	من کل	امر	سلام	هی	حتی	مطلع
من الف	شهر	تنزل	الملئکة	والروح	فیها	باذن	ربهم	من کل	امر	سلام	هی	حتی	مطلع	الفجر

مذکور است که هر که مکسر حرفی سورهٔ کوثر را در مربع هفت در هفت بنویسد و با خود دارد و هر روز او را به بیند حق تعالی او را جام از ساقی کوثر روزی گرداند و در نظر مردم عزیز باشد و روزی او فراخ گردد و هرگز محتاج این خلق روزگار نگردد و در هر خانه که باشد تنگی نه بینند از آب و نان و از آفت آتش محفوظ باشند

بسم الله	الرحمن	الرحیم	انا	اعطینک	الکوثر	فصل
الرحمن	الرحیم	انا	اعطینک	الکوثر	فصل	لربک
الرحیم	انا	اعطینک	الکوثر	فصل	لربک	وانحر
انا	اعطینک	الکوثر	فصل	لربک	وانحر	ان
اعطینک	الکوثر	فصل	لربک	وانحر	ان	شانئک
الکوثر	فصل	لربک	وانحر	ان	شانئک	هو
فصل	لربک	وانحر	ان	شانئک	هو	الابتر

مذکور است که هر که مکسر حرفی سورهٔ جحد را در مربع پانزده در پانزده نوشته و باخود دارد و هر روز او را به بیند ثواب جهاد با کفار و مرتبهٔ شهدا دارد و ایمانش از وساوس شیطانی محفوظ ماند و دلش قوی گردد و دشمنانش مقهور شوند و در نظر مردم با هیبت نماید و هر حاجت که از خدا بخواهد بی شک بیابد

بسم الله	الرحمن	الرحیم	قل	یا ایها	الکافرون	لا	اعبد	ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا
الرحمن	الرحیم	قل	یا ایها	الکافرون	لا	اعبد	ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا
الرحیم	قل	یا ایها	الکافرون	لا	اعبد	ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد
قل	یا ایها	الکافرون	لا	اعبد	ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما
یا ایها	الکافرون	لا	اعبد	ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم
الکافرون	لا	اعبد	ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا
لا	اعبد	ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم
اعبد	ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم	عابدون
ما تعبدون	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم	عابدون	ما
ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد
انتم	عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	لکم
عابدون	ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	لکم	دینکم
ما	اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	لکم	دینکم	ولی
اعبد	ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	لکم	دینکم	ولی	دین
ولا	انا	عابد	ما	عبدتم	ولا	انتم	عابدون	ما	اعبد	لکم	دینکم	ولی	دین	[illegible]

منقول است از ائمه معصومین علیهم السلم که هر که مکسر حرفی سورهٔ نصر را در مربع دوازده در دوازده نوشته باخود دارد و هر روز او را به بیند روشنی چشمش بیفزاید و هر علتی که در چشم او باشد دفع شود و آتش دوزخ بر او حرام گردد و در نظر پادشاه و خلایق و امرا و اکابر عزیز و محترم باشد و هر معرکه که رود او را فتح و نصرت باید و هر که او را به بیند با او مهربان شود و دشمن دوست گردد و هر که با او بدی کند با وی برگردد

بسم	الله	الرحمن	الرحیم	اذا	جاء	نصر	الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون
الله	الرحمن	الرحیم	اذا	جاء	نصر	الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی
الرحمن	الرحیم	اذا	جاء	نصر	الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی	دین الله
الرحیم	اذا	جاء	نصر	الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی	دین الله	افواجا
اذا	جاء	نصر	الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی	دین الله	افواجا	فسبح
جاء	نصر	الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی	دین الله	افواجا	فسبح	بحمد
نصر	الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی	دین الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک
الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی	دین الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک	واستغفره
والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی	دین الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک	واستغفره	انه
ورایت	الناس	یدخلون	فی	دین الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک	واستغفره	انه	کان
الناس	یدخلون	فی	دین الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک	واستغفره	انه	کان	توابا
یدخلون	فی	دین الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک	واستغفره	انه	کان	توابا	[illegible]

منظر دویم در نقش معظمی که در ایام هفته باید دید و ذوالکتابت مخصوص هر روز را اما نقش معظم این است که از حضرت رسول صلعم مرویست که هر که روز شنبه نظر نماید رحمت الهی شامل حال او گردد و روز یکشنبه غنی و بی نیاز گردد و روز دوشنبه ناظرش عمرش زیاد شود و روز سه شنبه دیدنش موجب زیادتی مال گردد و روز چهارشنبه خلاق عالم سیئات نظر کننده را از نامهٔ عملش محو فرماید و روز پنجشنبه نظر کننده از مکروهات خلاصی یابد و بشارت و کامرانی بگذراند و هر که روز جمعه ببیند بسعادت دارین فایز گردد انشاء الله تعالی و آن این است

لا اله الا الله محمد رسول الله

یا محمد ان الرسول لله حلب

منک الرسو واماله یا ماع ۰

یوم الاحد

منقول است که هر که این مربع را در روز یکشنبه به بیند جمیع امور او بسهولت خلاص شود و در میان خلق با هیبت و جلالت باشد و تمام هفته در امان خدا باشد و همهٔ دشمنان او مقهور شوند و در نظر خلایق و سلاطین معزز باشد و هر که او را بیند مطیع او شود و [illegible]

انا فتحنا	لک فتحا	مبینا	یا سبوح	یا قدوس
۱۰۶	۴۳	۱۶۲	۵۹۰	۵۳۷
۱۱۱	۵۹۲	۵۴۰	۱۰۴	۴۲
۵۲۴	۱۵۲	۲۵	۱۶۹	۵۹۵
۲۸	۱۷۲	۵۹۳	۵۹۲	۱۰۵

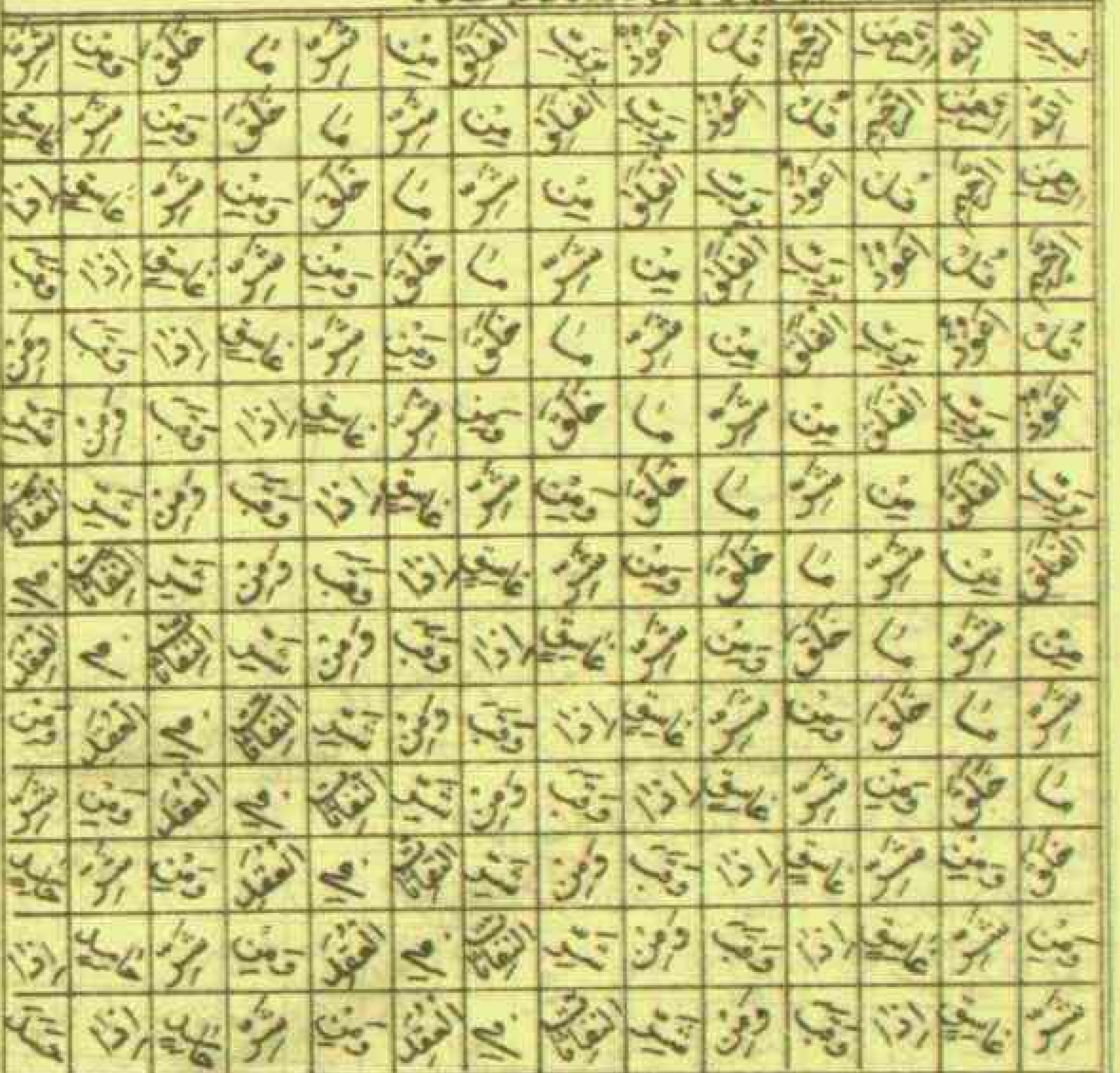
یوم الاثنین

منقول است که هر که این مربع را در روز دوشنبه به بیند در آن روز از انواع بلیات و مکروهات در حفظ الهی باشد و حاجات او مقرون باجابت گردد و در نزد همهٔ خلایق مکرم باشد

نصر من الله	وفتح قریب	وبشر المؤمنین	یا الله حی حافظا	وهو علی کل شیء قدیر
۲۳۸	۹۴۲	۶۰۳	۴۹۹	۸۰۴
۸۰۶	۳۹۷	۸۰۷	۲۳۷	۹۴۹
۸۰۵	۲۴۲	۹۳۵	۶۵۵	۵۰۰
۹۴۳	۶۰۸	۴۹۸	[illegible]	۷۲۲

از مرویات که حافظ را بکار آید	بیا ای نور دیده مستمع باش حروفات تهجی اندر ابشان	نهانی نکته ها بشنو زمن فاش زمن بشنو مشو خاطر پریشان	مجربات منظومه	بود اندر کلام الله دولت بخوان از آل عمران ثم ازل	که دارد هر دو زیشان بیت علامت الی الایه که گردد مشکلات حل

مذکوراست که هرکه سوره فلق را در مربع چهارده در چهارده بنویسد وباخود دارد و هرروز از بر بیند از شر دیو و پری و شیطان و سلطان ایمن باشد و دشمنانش مقهور گردند و همیشه بخوشی و خرمی روزگار بگذراند

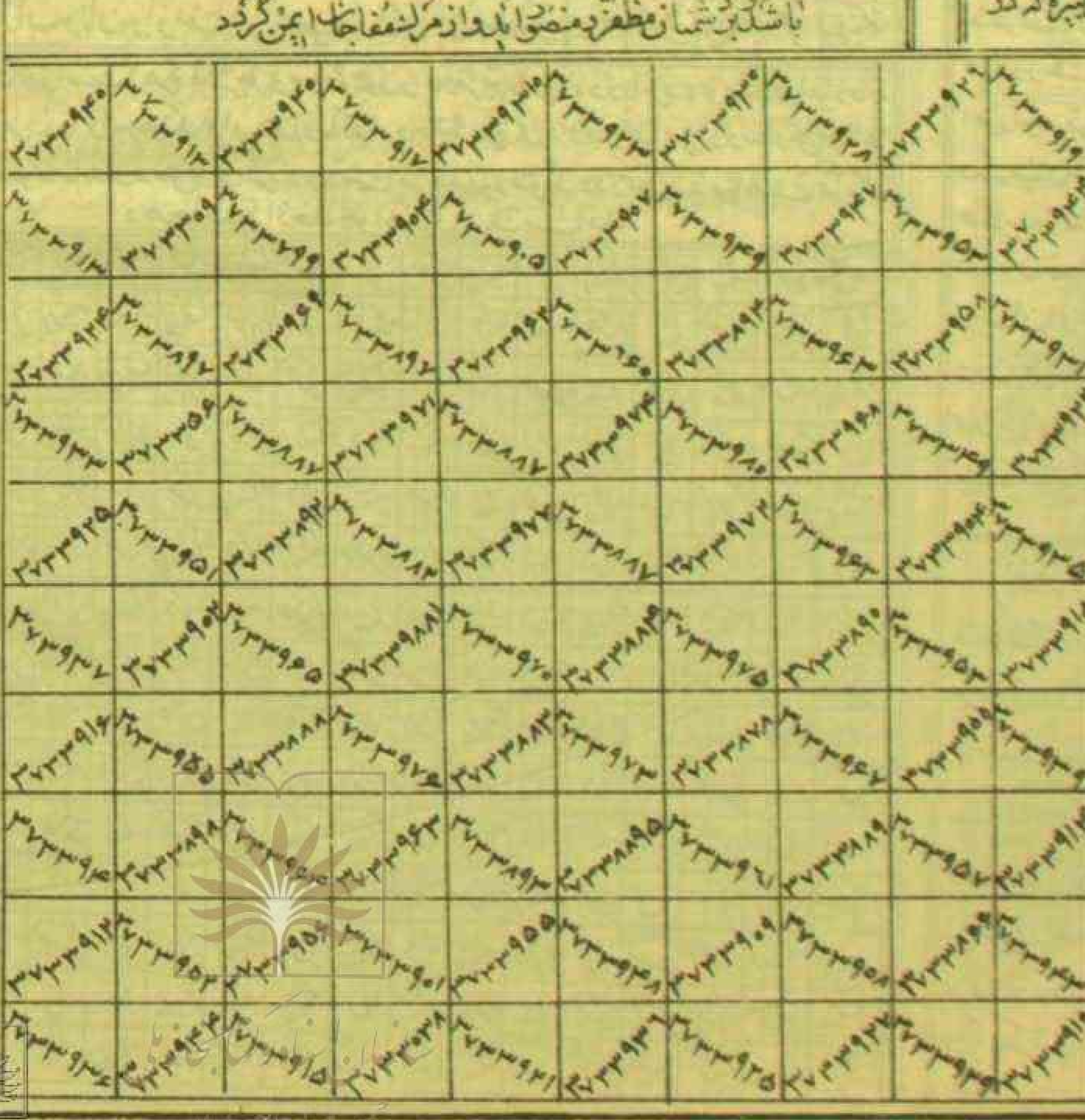


مذکوراست که هرکه مکتر حرف نادعلی را در مربع هفت در هفت بنویسد وباخود دارد وهرروز از بر بیند از جمیع بلیات مصون ومحفوظ ومأمون باشد ودر معرکه جنگ فتح ونصرت یابد وبر دشمنان غالب شود ومیان مردم عزیز شود ومطالب ومآرب او محصل ومیسر گردد وهرکه اورا ببیند اطاعت وفرمان بر داری نماید وسحر وجادو براو وبر اهل خانه او اثر نکند وهیچ حربه براو کارگر نشود انشاء الله تعالی والله اعلم بحقایق الامور والحمد لله اولا وآخرا وظاهرا وباطنا

کتبه مدرس زاده بروجردی



مذکوراست که هرکه مکتر عددی تمام قرآن را در مربع ده در ده بنویسد وباخود دارد وهرروز از بر بیند واگر هرروز نتواند در هر هفته واگر نتواند در هر ماهی یکبار و اگر نتواند در سالی یکبار واگر در همه عمر یکبار ببیند خدا چهار چیز اورا کرامت فرماید اول ثواب ختم قرآن دویم ثواب حج بیت الله سیم اورا بیحساب داخل بهشت نماید چهارم زیارت پیغمبر نصیبش شود ودارنده وبیننده این تکسیر در نزد مردم عزیز باشد بر دشمنان مظفر ومنصور باشد واز مرگ مفاجات ایمن گردد



منقولست که هرکه در روز سه شنبه این مربع را ببیند از جمیع مکاره در امان باشد وهر گناهی از صغیره وکبیره که در آن روز ودر آن هفته کرده باشد خداوند کریم بکرم خود عفو فرماید ودعائیکه در آن روز در درگاه احدیت طلب نماید مستجاب شود وزنیکه دولت ازآنکه خاطر او زده شود والله اعلم

یوم الثلثا

یا نور	یا قدوس	[illegible]	یا خالق البریة	یا متعال
٥٨٢	١٥١٤	٢٨٧	٣٥٩	١٥٠٤
٣٩٠	٢٥٧	٥٤٣	٥٠٨	١٠١٣
٥٣٢	٥٨٣	١٠١٧	٣٨٠	٢٦٥
١٠١٥	٢٩١	٣٥٨	٥٣٠	٥٨٥

منقولستکه هرکه این مربع را که در روز چهارشنبه ببیند در آن روز از جمیع مصائب عظیمه ونوائب جسیمه محفوظ ومحروس باشد ودر نزد خلایق عزیز ومحترم گردد ومحبوب القلوب ومقبول القول گردد

یوم الاربعا

یا الله	یا باسط	یا ودود	یا جواد	یا لطیف
٣١١	١٣	١٣٧	٦٩	٤٨٧
١٣٠	٦٧	٩٠	٣٩	١٥
٤٨٨	٤٠٧	١٣	١٢٨	٢٠
١١	١٣١	٦٨	٤٨٦	٤١٥

منقولستکه هرکه این مربع را در روز پنجشنبه ببیند صاحب مکنت وثروت ومقبول القول کافه انام شود وچهره بهبود در آئینه مقصود صورت بندد ودر امن وامان ملک منان بوده ودست تقدیر ملک قدیر ابواب رزق بروی بگشاید والله اعلم

کتبه مدرس زاده

یوم الخمیس

یا الله	یا قدوس	[illegible]	[illegible]	یا مبدع
٢٨٩	٢٥٥	١٣	٦٩	١٨
٣١	٦٧	٣١	٢٨٧	١٩٨
١٩	٢٨٥	٢٠١	١٩	٢٠
١٩٩	٢٢	٦٨	١٧	٢٨٨

منقولستکه هرکه این مربع را در روز جمعه ببیند هر گناهی از صغیره وکبیره که در آن هفته از او صادر شده باشد خدا از او عفو فرماید وبر اعدا مظفر ومنصور گردد

کتبه مدرس زاده

یوم الجمعة

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٨٣	٤٧٤	١٧٦	٢١٤	١٢٩
١٨٢	٣١٣	١٨٢	٩٩٢	٤٧٢
١٨٠	٩٩٠	٤٧٥	١٨٠	٣١٥
٤٧٢	١٨٣	٢١٣	١٧٨	٩٩٣

منقولستکه هرکه این مربع را که روز شنبه ببیند خدا اورا از جمیع آفات تا شنبه دیگر نگاه دارد ودر نزد ملوک واکابر عزیز باشد وهمه خلق مطیع منقاد او شوند ومقبول القول همه خلق گردد

یوم السبت

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١١٠	١١٥	٣١٥	٨٩٦	٩٠٤
٤١٣	٨٩٣	٣٥٢	١٥٨	١١٣
٢٥٠	١٠٦	١١٦	٤١١	٨٩٧
١	١١٣	٨٩٥	٤٨٢	١٢٩

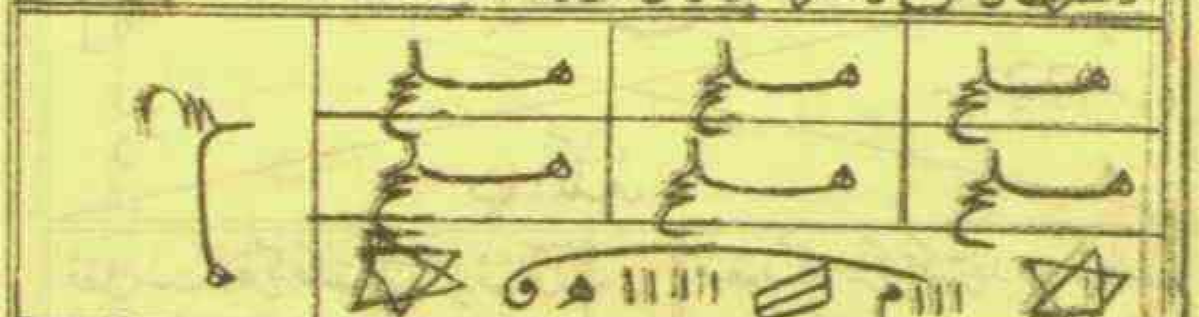
نقل است از خاتم المجتهدین جناب شاه الفاضل شیخ بهاء الدین عاملی رضوان الله علیه که هر که در عمر خود یکبار بدین شکل نظر کند آتش دوزخ برو حرام گردد و اگر هر روز یکبار به بیند محتاج خلق نشود

هلج	هلج
هلج	هلج

منقولست که هر که روزی پنج نوبت بعد از ادای فرایض پنجگانه بدین شکل نظر کند فواید بسیار باو عطا شود و بمطالب و مقاصد خود برسد

	الله مسمه	

نقل است از شیخ بهاء الدین ره که هر که در عمر خود یکبار بدین شکل مکرم نظر کند آتش دوزخ بروی حرام گردد و اگر هر روز یکبار نظر کند محتاج خلق نشود و اگر در وقت دیدن ماه نو این شکل مبارک را منظور نظر سازد تمام آن ماه را بعیش و عشرت و فرح و مسرت گذران کند انشاء الله تعالی



و نیز از شیخ بهاء الدین ره منقول است که هر که در تمام عمر خود یکبار این شکل مبارک را نظر کند خداوند تعالی آتش دوزخ را بروی حرام گرداند و در روز قیامت نامه عملش را بدست راستش دهند و هرگز محتاج نشود انشاء الله

هسج	هسج	هسج	هسج	هسج	هسج
هسج	هسج	هسج	هسج	هسج	هسج

وح الم ۱۱ ح ۱۱۱۸ ع ۹ هے هده لاه لاء

مرویست که هر که این مربع را هر بامداد نگاه کند از جمیع بلیات ایمن شود و با هر که جنگ نماید مظفر گردد و اگر کسی در مدت عمر خود یکبار این مربع را به بیند آتش دوزخ بروی حرام گردد و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت به بیند و حضرت امیر المؤمنین ع را در خواب بیند و کامیاب گردد

ظ	ی	ف	ح
ح	ف	ظ	ی
ف	ح	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف

مرویست که هر که یکبار نظر در این شکل نماید برکت آن از آتش دوزخ رهائی یابد و اگر در اول روز نگاه کند امور و ذمائم بخیریت و خوبیت رسانند و دیدن نقش در اول ماه خوبست

هلج	هلج	هلج	هلج
هلج	هلج	هلج	هلج

منقولست که هر که هر صباح این شکل مبارک را نظر کند خداوند کریم او را از همه خلق غنی و بی نیاز گرداند

هلج	هلج
هلج	هلج

از حضرت رسالت ص ما ثور است که هر که این نقش را به بیند اگرچه در تمام عمر خود یکبار باشد بحرمت و برکت این نقش جمیع گناهان او آمرزیده شود و هر که نوشته با خود ببندد نزد اکابر و سلاطین معزز باشد و اگر در روز جمعه ببیند قاضی الحاجات قضای حوایج او را نماید والسلام

هسج هسج	هسج هسج هسج هسج
وسج وسج نصر من الله و فتح قریب هسج	وسج وسج وسج وسج ماحر الله صره

منقولست که هر که بعد از فریضه صبح در این شکل نظر کند برکت نظر نمودن این شکل خداوند تبارک و تعالی جرایم او را عفو فرماید



منقولست که هر که این نقش مکرم را بعد از هر فریضه صبح منظور نظر خود سازد چنان است که شصت حج مثل حج حضرت آدم کرده باشد و اگر بعد از فریضه ظهر به بیند گویا شصت حج مثل حج حضرت ابرهیم ع کرده باشد و بعد از فریضه عصر هزار حج برابر حج حضرت یونس علی نبینا و علیه السلام گذارده باشد و بعد از فریضه مغرب نظر در او ثواب هزار حج مثل حج حضرت پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله و سلم خواهد داشت و اگر نظر کند بعد از فریضه عشا چنان باشد که هزار بنده آزاد کرده باشد و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت به بیند والسلام

	ای اح در حالا مدسال	

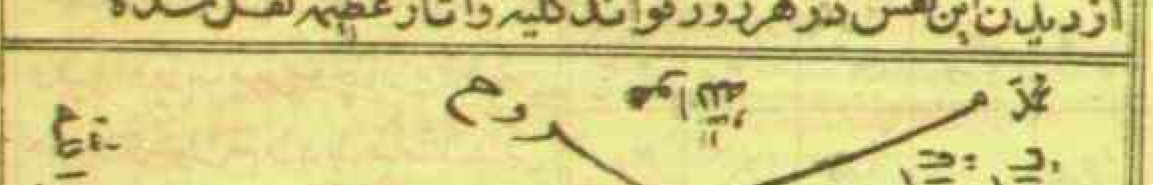
یا الله یا الله	یا رحمن
لا اله الا الله	علی ولی الله
محمد رسول الله	علم مدصللم له الله دیه

	التمیع سد هر سال	

منقولست که هر روز این نقش را به بیند فوائد کلیه و آثار عظیمه عاید شود

س	م	د
بهرم		ر
صرع ط	ف	ک

از دیدن این نقش در هر روز فوائد کلیه و آثار عظیمه نقل شده



منقولست که هر که هر روز این نقش را به بیند فوائد کلیه و آثار عظیمه دارد

حر	ح		
			حد سطو
مر	حر	ر	دم

دلا دلا دم	حدع ط		وع

اے طع	یا الله
اطع	
ص ع ط ف ک	یا محمد
بسم الله الرحمن الرحیم	
الرصعد الرحمد	یا محمد یا علی

مرویست که هر که این نقش را ببیند اگر در همه عمر یکبار باشد برکات خدا او را بیامرزد و طول عمر و وسعت رزق کرامت فرماید اما با وضو نظر نماید

لا اله	الا	الله	محمد	رسول	الله
۱۸	۱۸	۱۲	۲۲	۲۲۵۲۲	۱۱
۸۲	۸۲	۸۷	۸۷	۲۲۳	۳
۸۲	۸	۷۲	۷۷	۷	۳۷۰

لا اله	الا الله محمد رسول الله علی ولی الله	یا الله
یا فتاح	ص	یا فتاح
یا الله	بسم الله الرحمن الرحیم	یا الله
یا کریم	۱۱ ۱۱ ص ع داد ف	م ر	یا کریم
یا الله	ص ۱۱ دا صح و ودع	مطاع	یا صبور
یا غفور	یا غفور یا غفور	یا غفور یا ستار	یا الله

دوم آیه بدان ای جان جانان کسی گو در شب این آیات خواند	لقد سمع الله از ال عمران ز مار و عقرب او سالم بماند	سوم از النساء ام زین سبیل (در بیان رموزات سجاوندی) بیا بشنو دگر ای محرم راز	مجموعه منظوم (۴۶)	الم تر الی الذین فتیل آیت رموزات سجاوندی زمن باز	شو اندر مائده سرست آن می رموزش از بهجی شد حرفی	بخوان و اتل علیهم نبا بنی یکا یک حال او گویم چو نوع است

از بعضی مشایخ کرام منقولست که هر که هر صباح در این شکل نظر کند محبوب القلوب همه خلایق گردد و مرادات او بسهولت میسر گردد و هر که با او عداوت نماید منکوب و مخذول گردد انشاء الله تعالی

۱۳۰۸۵	۲۰۹۷	۱۲۰۹۳	۱۲۰۹۱
۱۲۰۹۵	۱۲۰۹۰	۱۲۰۸۵	۱۲۰۹۴
۱۲۰۸۹	۱۲۰۹۴	۱۲۰۹۹	۱۲۰۸۶
۱۲۰۹۸	۱۲۰۸۷	۱۲۰۸۸	۱۲۰۹۳

مهموسی		[illegible]
۹		۲
زحلو		[illegible]

از حضرت امیر المؤمنین ع صلوات الله علیه مرویست هر که در عمر خود یکبار باین نقش معظم نظر کند ببرکت ان غفار رحیم او را بیامرزد و هر که سه نوبت بر بیند خداوند کریم بشفاعت او جرایم امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را عفو فرماید و اگر بر کفن میت بنویسند آن میت از عذاب قبر ایمن شود انشاء الله تعالی والسلام علی من اتبع الهدی کتبه [illegible]

سلام	ور	الی
هسح	الف	مرسا
ماسهم	مهاده	مامری

دو دیدن این نقش مکرم بعد از نمازهای یومیه از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست و ثواب بسیار در آن ذکر شده است

مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام و حاصل آنکه هر که با طهارت این شکل را منظور نظر خود سازد الله تعالی او را از جمیع بلیات مثل مفاجات و طاعون محفوظ دارد و جمعیت و عافیت کرامت فرماید و بر دشمنان مظفر و منصور گرداند این است

۲	جو	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

یا رحمن

یا الله

یا [illegible]

[illegible] ۱

نقل است که هر که مکتوب عدد آیه ثم انزل علیکم را ناما فی الصدور در مربعی بنویسد و هر روز در آن نظر کند یا با خود دارد همه مقاصد دنیوی و اخروی او برآورده شود و در نزد مردم عزیز باشد

۵۰۳۲	۵۰۴۶	۵۰۴۳	۵۰۳۹
۵۰۴۴	۵۰۳۸	۵۰۳۳	۵۰۴۰
۵۰۳۷	۵۰۴۱	۵۰۴۸	۵۰۳۴
۵۰۴۱	۵۰۳۵	۵۰۳۶	۵۰۴۲

منقولست که هر که مکتوب عددی دعای سیفی را بنویسد و با خود دارد و هر روز بر بیند هیچ حربه بروی کارگر نگردد و همیشه از معرکه مظفر و منصور برگردد و آثار عظمت و انوار حشمت او بر صفحات ایام ظاهر گردد

۱۹۱۴۷۲	۱۹۱۴۸۹	۱۹۱۴۸۱	۱۹۱۴۸۳
۱۹۹۱۴۸۷	۱۹۱۴۸۲	۱۹۱۴۷۷	۱۹۱۴۸۸
۱۹۱۴۸۱	۱۹۱۴۸۴	۱۹۱۴۹۱	۱۹۱۴۷۸
۱۹۱۴۹۰	۱۹۱۴۷۹	۱۹۱۴۸۵	۱۹۱۴۸۵

مذکور است که هر که هر روز این نقش معظم را بر بیند خدا همه گناهان صغیره و کبیره او را بیامرزد و چنان باشد که حضرت رسول ص را دیده باشد و اگر هر روز نتواند در هر هفته یکبار بر بیند و اگر نتواند در ماهی یکبار و اگر نتواند در سالی یکبار و اگر نتواند در عمر خود یکبار بر بیند و اگر بیمار بر بیند شفا یابد بقدرت کامله خدای تعالی انشاء الله تعالی

۲۱۱۸	۴۸۱	۱۴۹۳	۱۳۲۱	۱۸۱۱۳
۱۴۲ق	ع۱۰۰۵	۱۲۲۲	۱۸۱ع	۲۱۲۱
۲۷۱۱	۹۱۱	۱۳ص۱۱		ع۱۹
۹۱۹	وللہ	ق ل	۸۱۳	۱۱۱۹
۱۲ص۱۰	۱۱۱۱۱۱	ع۱ ۲	[illegible]	[illegible]
۲۱۳۱	۱۱۳۱	۹۹۲۱	۱۱ع	[illegible]

این نقش معظم منسوب بحضرت رسول ص و نقل شده که هر که در عمر خود یکبار بر بیند ببرکت آن همه گناهان عفو کرده شود و اگر هر روز ببیند هر حاجتی که از حضرت قاضی الحاجات داشته باشد باجابت مقرون گردد

این نقش مبارک منسوبست بحضرت علی بن موسی الرضا ع و مذکور است که هر که یکمرتبه بر بیند ببرکت آن صد هزار گناه او عفو شود و گویا جمال بی مثال حضرت رسالت ص را دیده باشد و اگر مریض باشد شافی حقیقی باد صحت کرامت فرماید

مرویست از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه که هر که این نقش را یکبار بر بیند گناهان هفتاد ساله او آمرزیده شود و اگر دو مرتبه بر بیند پدر و مادر او آمرزیده شود والله اعلم

	سوب	رب	در	
	ارهه	ماب	وا	
	لاهر	ماد	سرب	

الله الله الله الله الله الله

۱۳۳ ۱۳۳ ۱۳۳ ۱۳۳ ۱۳۳ ۱۳۳

بسم الله الرحمن الرحیم لا البحس لعر لرهنا	
امرمر	دو یا الله
حدسر طا بود د	یا محمد
احمدمحمر ق	دو
حدسر طا بود د	یا علی

۷۱۱۸	۱۳ص	۱۲۴۹	۱۳۰۱	۱۸۱۱۳	۲۱۳۱
ع۱۰۰۵	۱۲۲۲	۱۸ع	۱۳۲۱	۳۷۱۱	۹۱۱
۱۱۳۴	ع۲۶	۱۹ع	۹۱۹	۹للہ	وللہ
۱۳۱۴	۱۱۱۹	۴۳۱۰	۱۱۱۱۱۱	۱۳۱۵	۹۱۳و۹
[illegible]	۲۱۳۱	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۱۱ع	[illegible]

مذکور است که در وقت بامداد نگاه کردن باین شکل باعث حصول ثواب و ازدیاد حسنات است

۱ ه	۳ ۵	۷	۸ ۸ ۸
السا	۲ ۵	۱۵۱	۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱
۴۱۰	۷ ۸	۹۹	۷۱ ۷۱
۱۸۱۵۱۵۱۰	۱۶۳	۹۴	۷۱ ۷۱

علط ۱۱ ۷ کرام ۱۱ ۱ طمح

ما ۱۱۱۱۶۶۹۹۱۸۳۶۸۳

منقولست که هر که در تمام عمر خود یکبار این نقش معظم را نظر کند گناهان او از نامه اعمالش محو گردد و اگر هر روز یکبار بر بیند هر مطلب و مقصدی که داشته باشد از مجیب الدعوات طلب کند البته حاصل شود و مهم او کفایت گردد

شیخ اسد الملة والدین رحمة الله نقل نموده که هر که هر صباح در این چهار کلمه نظر کند محبوب القلوب و مقبول القول گردد و بر جمیع مرادات فایز گردد انشاء الله تعالی

مهمهسولس	موطوطدس
سروما معوس	سرورعما لط

منقولست که نظر کردن در این ارقام هر روز بعد از نماز صبح کفاره سیئات است

ص ع ف ک

۹	۹	ر
۹۱		ه

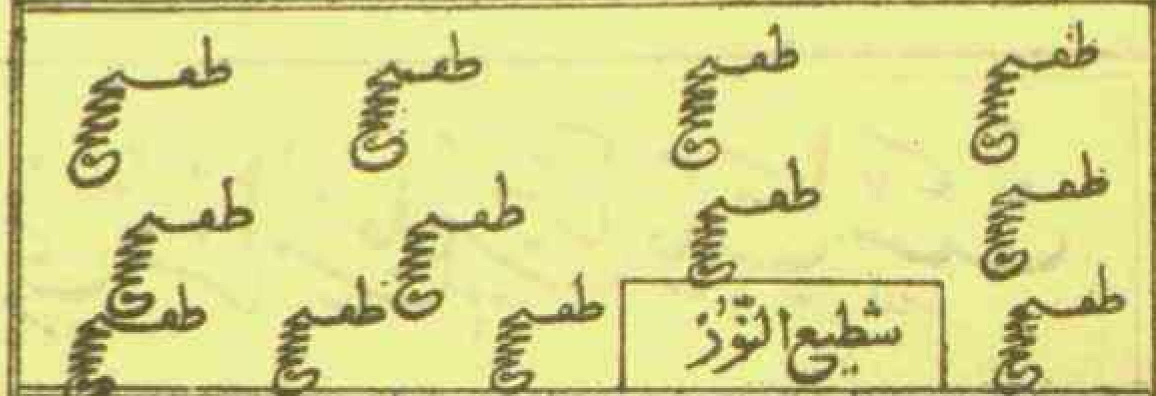
بسم الله الرحمن الرحیم

ه ۱۱۱ هو لا لاس

	ه	ه	ه	ه	ه	ه	
م	الله	الله	الله	الله	الله		ه
م	الله	الله	الله	الله	الله		ه
م	الله	الله	الله	الله	الله		ه
م	الله	الله	الله	الله	الله		ه
م	الله	الله	الله	الله	الله		ه

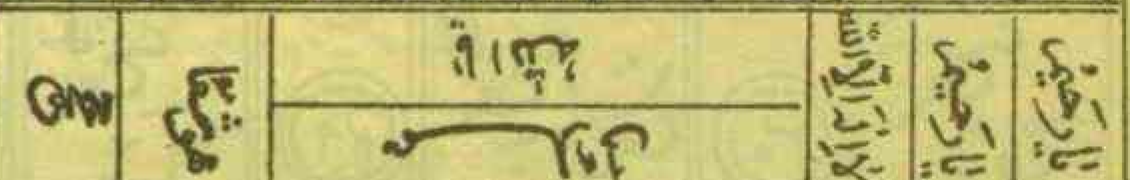
اول میم و دوم طا جیم باز هر جا طا به بینی بشنو از من	دوم صاد است و قاف و کاف ... باید مطلق آنجا وقف کردن	بدان سیوم است لازم طا و مطلق ز جیم ار بگذری جایز بود لیک	**تجوید منظوم**	غرض از جیم جایز باشد الحق گر آنجا وقف نمایی بود نیک	توقف کن در آن کلمه کریم بجز زا دیگر زا ای برادر	یقین گر بگذری از جیم ای ز دی ار بگذری ...

منقول است که هر که هر صبح شام در این اسما نظر کند در همه حال در حفظ الهی باشد و اگر چهل صباح او را ببیند عجایب و غرایب بسیار مشاهده نماید والسلام خیر ختام



لا	اله	الا	الله	محمد	در بعضی نسخ خواص بسیار و فوائد بیشمار از برای دیدن این نقش مبارک نقل شده است والسلام
رسول	الله	علی	ولی	الله	
۹۸	۹	۳۴۲	۱۱۳	۳۴	
۸۸	۹۲	۷۷	۲۲۲	۴۲	
۷۲۲	سی	۱۷۱۲	۱۱۱	۱۳۱۳۱	
۷	۱۲	۵۱	۲	والله	

مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که بعد از نماز صبح باین نقش مبارک نظر کند چنانست که پنجاه حج گذارده باشد مانند حج حضرت آدم ع و هر که بعد از نماز صبح به ببیند چنانست که سیصد حج مثل حج حضرت ابرهیم ع گذارده باشد و هر که بعد از نماز عصر به ببیند چنانست که هفتصد حج مثل حج حضرت یونس گذارده باشد و هر که بعد از نماز مغرب به ببیند چنانست که هزار حج مثل حج حضرت موسی ع گذارده باشد و هر که بعد از نماز عشا به ببیند چنان باشد که هزار حج حضرت محمد ص بجا آورده باشد والسلام خیر ختام

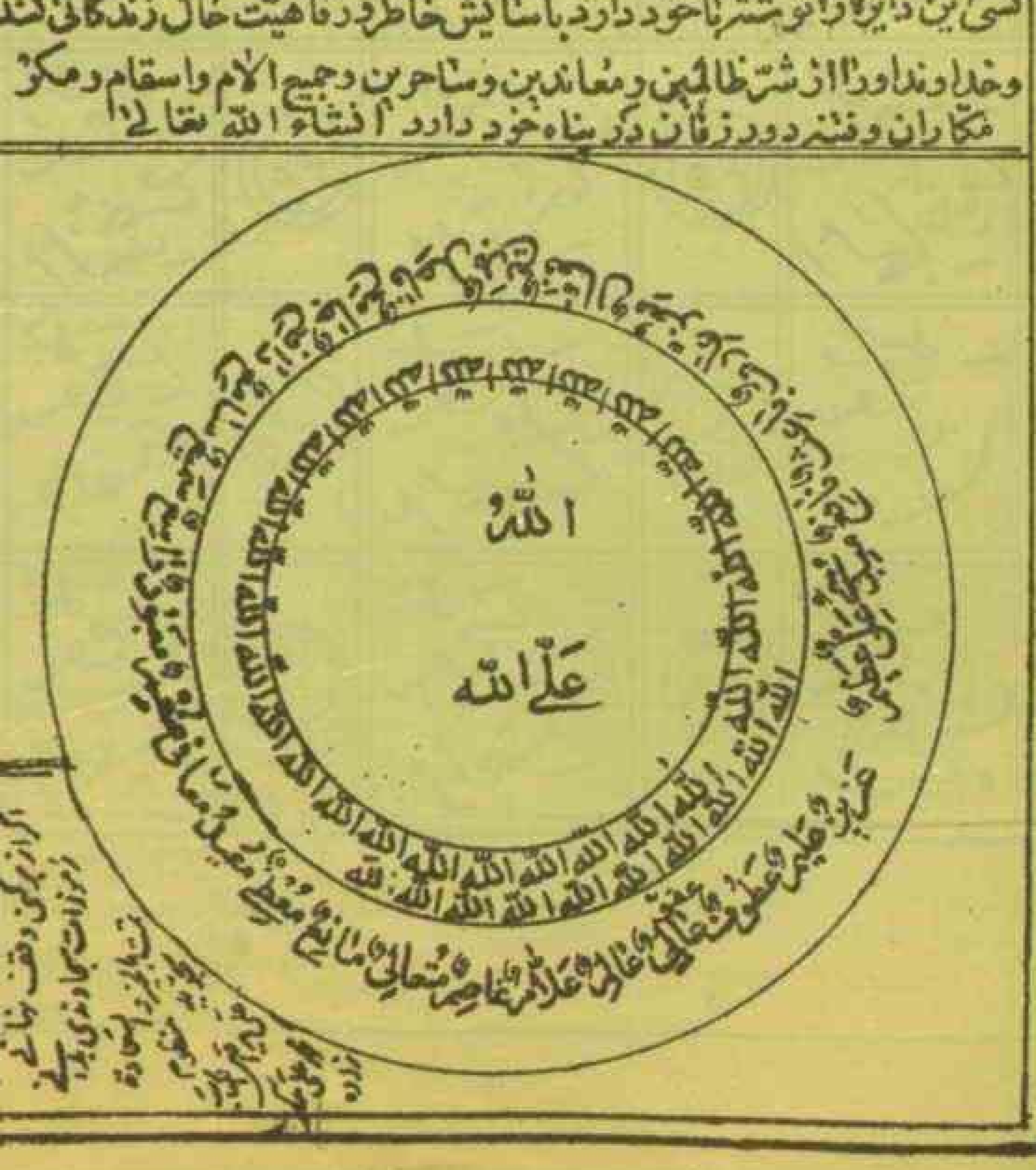


یا الله یا الله لا اله الا الله محمد رسول الله ۴

۹ الحمد ح ع در

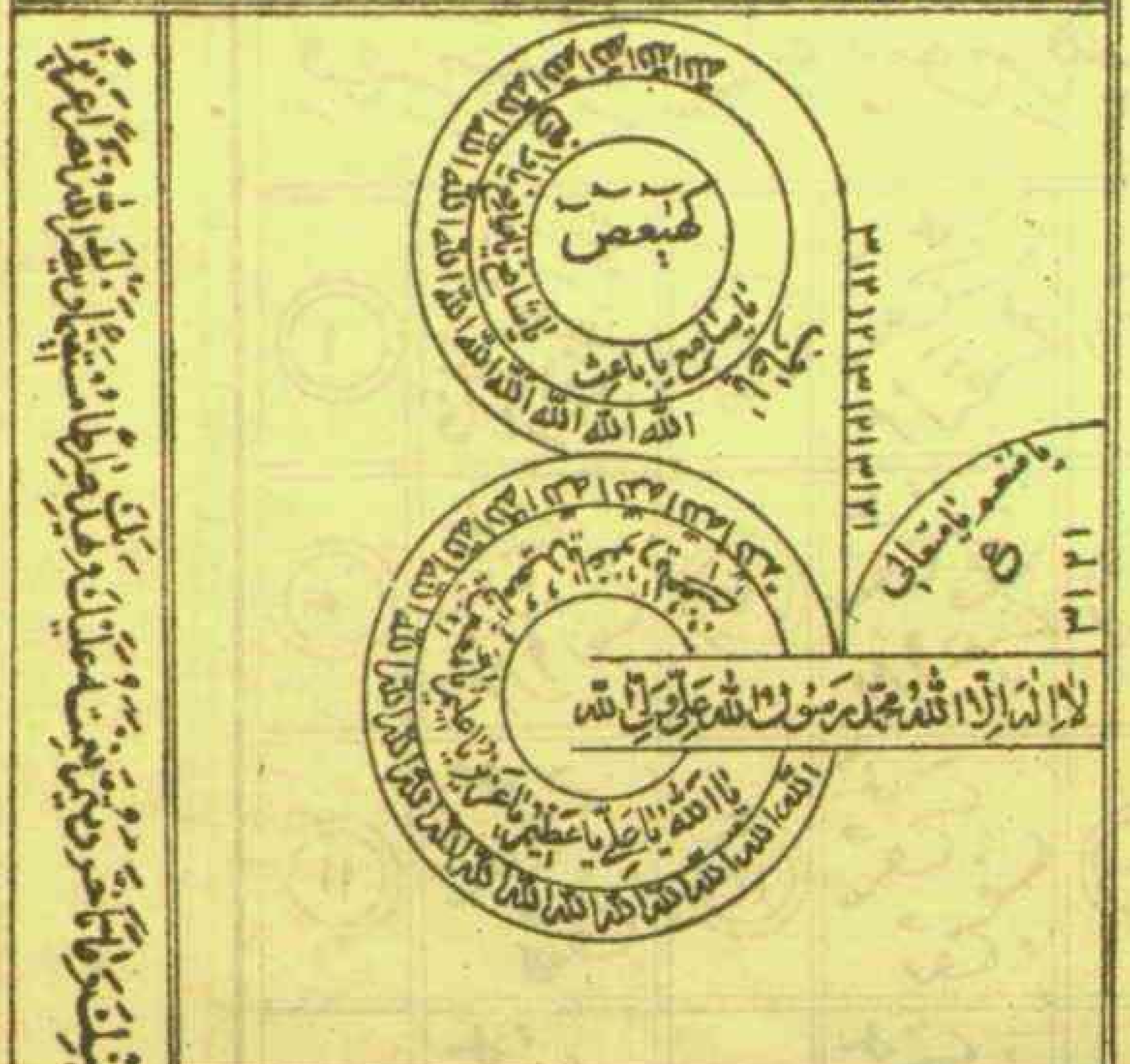
محبوب ماه یا الله

در کتاب طلسم المصنون و لؤلؤ المکنون مذکور است هر که روزی هفتاد مرتبه که عدد عین است بر این دایره نظر کند در وقت نظر کردن آیة الکرسی بخواند خدا او را میان کافه انام معزز و مکرم گرداند و او را محتاج خلق نسازد و اگر کسی این دایره را نوشته با خود دارد با آسایش خاطر و رفاهیت حال زندگانی کند و خداوند او را از شر ظالمین و معاندین و ساحرین و جمیع الالام و اسقام و مکر مکاران و فتنه دوران در پناه خود دارد ان شاء الله تعالی



ع	ل	ی	م
م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی
ی	م	ع	ل

این شکل مبارک موسوم است بعین علی و فوائد کلیه و آثار عظیمه از دیدن آن ذکر شده است



بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من

وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم

وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط

منقول است که هر که مکتوب سوره اخلاص با هر مربع ده در ده بنویسد با خود دارد و هر روز ببیند چنانست که ختم قرآن کرده باشد و از وسواس شیطانی محفوظ ماند و دلش قوی گردد و چشمش روشن گردد و اهل آن محفوظ و مقهور او گردند و در نظر خلایق با هیبت و شکوه نماید و حاجتهایش بر مراد او ساخته گردد و مکرر آزموده است ۱۲



[illegible]

فهرست اسماء سورهای قرآن بترتیب است

شماره	سوره	شماره	سوره	شماره	سوره	شماره	سوره	شماره	سوره
۱	سورة فاتحة الکتاب	۲	سورة البقرة	۳	سورة آل عمران	۴	سورة النساء	۵	سورة المائدة
۶	سورة الانعام	۷	سورة الاعراف	۸	سورة الانفال	۹	سورة التوبة	۱۰	سورة یونس
۱۱	سورة هود	۱۲	سورة یوسف	۱۳	سورة الرعد	۱۴	سورة ابراهیم	۱۵	سورة الحجر
۱۶	سورة النحل	۱۷	سورة بنی اسرائیل	۱۸	سورة الکهف	۱۹	سورة مریم	۲۰	سورة طه
۲۱	سورة الانبیاء	۲۲	سورة الحج	۲۳	سورة المؤمنون	۲۴	سورة النور	۲۵	سورة الفرقان
۲۶	سورة الشعراء	۲۷	سورة النمل	۲۸	سورة القصص	۲۹	سورة العنکبوت	۳۰	سورة الروم
۳۱	سورة لقمان	۳۲	سورة السجدة	۳۳	سورة الاحزاب	۳۴	سورة السبا	۳۵	سورة الملائکة
۳۶	سورة یس	۳۷	سورة الصافات	۳۸	سورة ص	۳۹	سورة الزمر	۴۰	سورة المؤمن
۴۱	سورة فصلت	۴۲	سورة الشوری	۴۳	سورة الزخرف	۴۴	سورة الدخان	۴۵	سورة الجاثیة
۴۶	سورة الاحقاف	۴۷	سورة محمد	۴۸	سورة الفتح	۴۹	سورة الحجرات	۵۰	سورة ق
۵۱	سورة الذاریات	۵۲	سورة الطور	۵۳	سورة النجم	۵۴	سورة القمر	۵۵	سورة الرحمن

٥٦	سورة الواقعة	٥٧	سورة الحديد	٥٨	سورة المجادلة	٥٩	سورة الحشر	٦٠	سورة الممتحنة
٦١	سورة الصف	٦٢	سورة الجمعة	٦٣	سورة المنافقون	٦٤	سورة التغابن	٦٥	سورة الطلاق
٦٦	سورة التحريم	٦٧	سورة الملك	٦٨	سورة القلم	٦٩	سورة الحاقة	٧٠	سورة المعارج
٧١	سورة نوح	٧٢	سورة الجن	٧٣	سورة المزمل	٧٤	سورة المدثر	٧٥	سورة القيمة
٧٦	سورة الدهر	٧٧	سورة والمرسلات	٧٨	سورة النبأ	٧٩	سورة النازعات	٨٠	سورة عبس
٨١	سورة التكوير	٨٢	سورة والانفطار	٨٣	سورة المطففين	٨٤	سورة والانشقاق	٨٥	سورة البروج
٨٦	سورة الطارق	٨٧	سورة والاعلى	٨٨	سورة الغاشية	٨٩	سورة والفجر	٩٠	سورة البلد
٩١	سورة الشمس	٩٢	سورة الليل	٩٣	سورة الضحى	٩٤	سورة والانشراح	٩٥	سورة التين
٩٦	سورة العلق	٩٧	سورة القدر	٩٨	سورة البينة	٩٩	سورة الزلزال	١٠٠	سورة العاديات
١٠١	سورة القارعة	١٠٢	سورة التكاثر	١٠٣	سورة العصر	١٠٤	سورة الهمزة	١٠٥	سورة الفيل
١٠٦	سورة القريش	١٠٧	سورة الماعون	١٠٨	سورة الكوثر	١٠٩	سورة الكافرون	١١٠	سورة النصر
١١١	سورة ابي لهب	١١٢	سورة والاخلاص	١١٣	سورة الفلق	١١٤	سورة الناس		ختمت فهرست السور

سورة فاتحة الكتاب سبع آيات

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الحمد لله رب العالمین ۲ الرحمن الرحیم ۳

ستایش مر خدا پروردگار جهانیان راست خداوند بخشنده مهربان

مالک یوم الدین ۴ ایاک نعبد و

پادشاه روز جزا ترا میپرستیم

ایاک نستعین ۵ اهدنا الصراط

از تو یاری میطلبیم هدایت کن ما را براه

المستقیم ۶ صراط الذین انعمت علیهم

راست راه آنانیکه انعام کردی برایشان

غیر المغضوب علیهم و لا الضالین ۷

نه غضب شده برایشان و نه گمراهان

انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون

سورة البقرة مائتان وست وثمانون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى

ستایش کتابیکه وعده داد خدا نیست شکی در آن راه نماینده

للمتقين ٢ الذين يؤمنون بالغيب و

است مر پرهیزگاران را آنانکه میگروند بغیب و

يقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ٣

بر پا میدارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشان را انفاق میکنند

والذين يؤمنون بما انزل اليك وما

و آنانکه میگروند بآنچه فرو فرستاده شد بتو و آنچه

انزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون ٤

فرو فرستاده شد پیش از تو و بآخرت ایشانند یقین کنندگان

لا يمسه الا المطهرون تنزيل من رب العالمين

اولٰئك علىٰ هدًى من ربهم واولٰئك هم المفلحون ٥ ان الذين كفروا

آنها بر هدایت اند از پروردگار ایشان و آنها ایشانند رستگاران بدرستیکه آنانکه کافر شدند

سوآء عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون ٦ ختم الله علىٰ قلوبهم

یکسانست برایشان خواه بیم داده باشی ایشان را و خواه بیم نداده باشی ایمان نمی آرند مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان

وعلىٰ سمعهم وعلىٰ ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظيم ٧ ومن الناس

و بر گوشهای ایشان و بر چشمهای ایشان پرده ایست و مر ایشانراست عذاب بزرگ و از مردم

من يقول امنا بالله وباليوم الاخر وما هم بمؤمنين ٨ يخادعون الله

کسانیکه میگویند گرویدیم بخدا و بروز آخرت و نیستند آنها گروندگان فریب میدهند خدا

والذين امنوا وما يخدعون الا انفسهم وما يشعرون ٩ في قلوبهم

و آنانکه گرویدند فریب نمیدهند مگر خودشانرا و نمیدانند در دلهای ایشان

مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب اليم بما كانوا يكذبون ١٠

مرضی است پس افزود ایشانرا خدا مرض و از برای ایشانست عذاب پر درد بسبب بودنشان که دروغ میگفتند

واذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون ١١ الا انهم

و چون گفته شود مر ایشانرا که فساد مکنید در زمین گویند جز این نیست که ما اصلاح آورندگانیم آگاه باشید

هم المفسدون ولكن لا يشعرون ١٢ واذا قيل لهم امنوا كما امن الناس

بدرستیکه ایشانند فساد کنندگان ولیکن نمیدانند و چون گفته شود مر ایشانرا که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند

قالوا انؤمن كما امن السفهاء الا انهم هم السفهاء ولكن لا يعلمون ١٣

مردمان گفتند آیا ایمان آوریم چنانکه ایمان آوردند بیخردان آگاه باشید که ایشانند بیخردان و لیکن نمیدانند

واذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا واذا خلوا الىٰ شياطينهم قالوا انا

و چون ملاقات کنند کسانی را که ایمان آوردند گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند با شیطانهای ایشان گویند که ما

معكم انما نحن مستهزءون ١٤ الله يستهزئ بهم ويمدهم في طغيانهم

با شمائیم جز این نیست که ما استهزا کنندگانیم خدا استهزا میکند با ایشان و وا میگذارد ایشانرا در زیاد

يعمهون ١٥ اولٰئك الذين اشتروا الضلالة بالهدىٰ فما ربحت

رویشان که حیران باشند آنها کسانیند که خریدند گمراهی را بهدایت پس سود نکرد

تجارتهم وما كانوا مهتدين ١٦ مثلهم كمثل الذي استوقد نارا

تجارتشان و نبودند راه یافتگان مثل ایشان مانند کسی است که برافروخت آتشرا

فلما اضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وتركهم في ظلمات لا

پس چون روشن کرد آنچه پیرامنش بود برد خدا روشنائی ایشانرا و رها کرد آنهارا در تاریکیها که نه

يبصرون ١٧ صم بكم عمي فهم لا يرجعون ١٨ او كصيب من السماء

بینند کرانند گنگانند کورانند پس آنها بر نمیگردند یا چون باران ریزان از آسمان

فيه ظلمات ورعد وبرق يجعلون اصابعهم في اذانهم من الصواعق

که در آنست تاریکیها و رعد و برق میگردانند انگشتانشانرا در گوشهای ایشان از صاعقه ها

هو الله تعالی

آورده اند که هر کس ... بیرون آید ... ثواب حج و عمره ... او را بوده باشد و ثواب ... که در راه خدا شهید شده باشد والسلام ١٢

قوله تعالی شانه العزیز

الم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که هر چیزی را صفوتیست یعنی چیزی که برگزیده تر از باقی اجزای اوست و صفوت قرآن این حروف تهجی است که در اول سوره است و اهل حقیقت گفته اند که حقتعالی این حروف را در اول سوره ها بسبب آن ساخت که قرآن از زیاده و نقصان محفوظ ماند و جمعی گفته اند که حروف کلام مبتنی بر بیست و هشت است نصف از آن نور است الم ر ک ی ع ص ط س ح ق ن و حروف اوایل سوره هم این حروف است و از اکابر اصحاب منقول است که این چهارده حرف را بر صفحه دیق ... و در ... و ... نوشته اند تا خداوند آنها را از ... و آفات نگاه میداشت و از بعضی منقول است که چون بر کشتی نشینند این چهارده حرف را نوشته ... نماید که در دریا ... محفوظ باشد و نوشته در هر مالی که گذارند ... و غرق ایمن شود و اگر نوشته با خود دارد هر روز ... باشد و ... حاجات او بر آورده شود و از شر دشمنان محفوظ باشد والسلام ١٢

قوله تعالی الم ذلک الکتاب لا ریب فیه الی هم المفلحون هر که این آیات را در روز پنجشنبه ... مشک و زعفران بنویسد و آنرا از آب چاهی که شیرین باشد بشوید و در شب از آن آب چاه بخورد و روزه بدارد ... روز یا پنج روزه روزه بدارد و همین دستور عمل کند حفظ او زیاده شود ١٢

حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ١٩ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا

از بیم مرگ و خدا احاطه کننده است بکافران نزدیک باشد که برق برباید چشمهای ایشانرا هرگاه

أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ

روشن کند برای ایشان راه روند در آن و چون تاریک کند بر ایشان بایستند و اگر خواسته باشد خدا هر آینه برده بود

وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٠ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ

بگوشهای ایشان و چشمهای ایشان بدرستیکه خدا بر همه چیز توانا است ای مردمان بپرستید پروردگار خود

الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ٢١ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

که آفرید شما را و آنانکه بودند پیش از شما باشد که شما پرهیزگار شوید آنکه گردانید برای شما

الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ

زمین را بساطی و آسمانرا بنائی و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آورد بآن از

الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٢٢ وَإِنْ كُنْتُمْ

میوه‌ها روزی برای شما پس نگردانید برای خدا همتایان و شما میدانید و اگر بوده باشید

فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ

در شک از آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود پس بیاورید سوره مانند آن و بخوانید حاضران را

مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٢٣ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا

از جز خدا اگر هستید راستگویان پس اگر نکردید و نخواهید کرد پس بپرهیزید

النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ٢٤ وَبَشِّرِ الَّذِينَ

از آن آتش که آتش انگیز آن مردمان و سنگ آماده شد برای کافران و مژده ده آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا

گرویدند و کردند کار شایسته بدرستیکه ایشانراست بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها هرگاه

رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا

که روزی داده شوند از آنها از میوه روزی گویند این میوه ایست که روزی داده شدیم از پیش و بیاورند آنرا مانند یکدیگر

وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٢٥ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي

و مر ایشانراست در آن جفتهاشان پاکیزه و ایشان همیشه در آن هستند بدرستیکه خدا شرم نکند

أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ

اینکه بزند داستان که باشد از پشه پس آنچه برتر از آنست پس اما آنانکه گرویدند پس میدانند که آن کلام حق

مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا

از پروردگار ایشان و اما آنانکه کافر شدند پس میگویند چه چیز خواسته خدا باین داستانی را

يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ٢٦ الَّذِينَ

گمراه کند بآن بسیاری را و راه نماید بآن بسیاری را و گمراه نکند بآن مگر تبهکاران را آنانکه

يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

میشکنند پیمان خدا را از بعد پیمان کردنش و میبرند آنچه امر کرده خدا بآن که پیوند

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ٢٧ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ

و فساد میکنند در زمین آنها ایشانند زیانکاران چگونه کافر شوید بخدا و حال آنکه بودید

أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٢٨ هُوَ الَّذِي

مرده‌ها پس زنده کرد شما را پس میراند شما را پس زنده میکند شما را پس بسوی او برمیگردید او است آنکه

خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ

آفرید برای شما آنچه در زمینست همه پس مستولی شد بسوی آسمان پس راست کرد هفت آسمان را

وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٢٩ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً

و او بهر چیز داناست و چون گفت پروردگارت مر فرشتگان را بدرستیکه پدید آورنده‌ام در زمین خلیفه

قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ

گفتند آیا میگردانی در زمین کسی که فساد کند در آن و ریزد خونها را و ما بستایش تو تسبیح کنیم بثنایت و

نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٣٠ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ

تنزیه کنیم مر تو را گفت بدرستیکه من داناترم آنچه را نمیدانید و آموخت آدم را نامها همه آنرا پس

عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٣١

عرض کرد آنها را بر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا بنامهای این مسمیات اگر هستید راستگویان

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ٣٢

گفتند پاکی تو نیست دانشی مارا مگر آنچه آموختی بدرستیکه توئی دانای درست کار

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي

گفت ای آدم خبر ده ایشان را بنامهای ایشان پس چون آگاه کرد ایشان را بنامهای ایشان گفت آیا نگفتم شما را بدرستیکه من

أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ٣٣

داناترم نهانی آسمانها و زمین را و داناترم آنچه آشکار میکنید و آنچه شما پنهان کنید

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ

و چون گفتیم مر فرشتگان را سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر شیطان که اباء و سرکشی کرد

وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ٣٤ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا

و بود از کافران و گفتیم ای آدم ساکن شو تو و زنت در بهشت و بخورید

مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ٣٥

از آن تمام هرچه که بخواهید و نزدیک نشوید این درخت را پس باشید از ستمکاران

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ

پس فریفت آنها را شیطان از آن درخت پس بیرون کرد آنها را از آنچه بودند در آن و گفتیم فرود آئید برخی شما

لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ٣٦ فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ

مر برخی را دشمن و مر شما راست در زمین آرامگاه و برخورداری تا قیامت پس رسید آدم را از

رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ٣٧ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا

پروردگارش کلمات پس پذیرفت بر او بدرستیکه او است توبه پذیر مهربان گفتیم فرود آئید از آن

جَمِيعًا

جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
همه پس اما اگر آید شما را از من هدایتی پس کسی که پیروی کرد هدایت مرا پس نیست ترسی برآنها و نه

هُمْ يَحْزَنُونَ ۳۸ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
آنها اندوهناک شوند و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند نشانهای ما آنهایند یاران آتش آنها

فِيهَا خَالِدُونَ ۳۹ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ
در آن همیشه اند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما

أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۴۰ وَآمِنُوا بِمَا أَنزَلْتُ
و وفا کنید بعهدم تا وفا کنم بعهد شما و از من پس بترسید و بگروید بانچه فرو فرستادم

مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا
تصدیق کننده بدانچه با شماست و نباشید اول کافران و مخرید آیات مرا بهای

قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ۴۱ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ
اندک و از من پس بپرهیزید و مپوشید حق را بباطل و پنهان کنید حق را

وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ۴۲ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ
و شما میدانید و بپا دارید نماز را و بدهید زکات را و رکوع کنید با

الرَّاكِعِينَ ۴۳ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ
رکوع کنندگان آیا امر میکنید مردم را بنیکی و فراموش میسازید خود را و شما میخوانید

الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۴۴ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ
کتاب را پس آیا در نمی یابید بعقل و یاری جوئید بصبر و نماز و بدرستیکه آن هر آینه

إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۴۵ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ
بزرگ است مگر بر صاحب تضرع آنانکه گمان کنند که آنها ملاقات کننده پروردگار شانند و ایشان بسوی

رَاجِعُونَ ۴۶ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي
او برمیگردند ای پسران یعقوب یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و بدرستیکه

فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۴۷ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَ
من افزونی دادم شما را بر جهانیان و بپرهیزید روزیرا که جزا داده نشود نفسی بدل از نفسی چیزی را

لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۴۸ وَ
و قبول نشود از او شفاعتی و گرفته نشود از آن عوضی و نه ایشان یاری کرده شوند

إِذْ نَجَّيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ
چون رهانیدیم شما را از آل فرعون که شکنجه میکردند شما را بد شکنجه میکشتند

أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ۴۹ وَإِذْ فَرَقْنَا
پسرانتانرا و زنده میگذاشتند زنهایتانرا و در این مر شما را ابتلا میست از پروردگارتان بزرگ و چون شگافتیم

بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ۵۰ وَإِذْ
برای شما دریا را پس نجات دادیم شما را و غرق کردیم آل فرعون را و شما نگاه میکردید و چون

قوله تعالی شانه یا بنی اسرائیل اذکروا الی قوله تعقلون این آیه از [illegible] ۱۲

قوله تعالی أتأمرون الناس بالبر الی نزول آیه در شان علمای یهود است که یهود [illegible] ۱۲

واعدنا

وَاِذْ وٰعَدْنَا مُوسٰى اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهٖ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ ٥١

وعده دادیم موسی را چهل شب پس گرفتید گوساله از بعد گشتن وی و شما ستمگارانید

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٥٢ وَاِذْ اٰتَيْنَا مُوسَى

پس عفو کردیم از شما از بعد آن تا شاید شما شکر کنید وچون دادیم موسی را

الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ٥٣ وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهٖ يَا قَوْمِ

کتاب و فرقان تا شاید شما راه یابید وچون گفت موسی مر قوم خود را ای قوم

اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا اِلٰى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ

بدرستیکه شما ستم کردید خود را بسبب گرفتن شما گوساله را پس بازگردید بسوی پروردگارتان پس بکشید خودهاتان را

ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ اِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ٥٤

این بهتر است برای شما نزد پروردگارتان پذیرفت بر شما بدرستیکه او توبه پذیر مهربانست

وَاِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسٰى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرَى اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ

وچون گفتید ای موسی هرگز نمی گرویم مر تورا تا آنکه ببینیم خدا را آشکارا پس گرفت شما را صاعقه

وَاَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ٥٥ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٥٦

و شما نگاه میکردید پس برانگیختیم شما را از بعد مردنتان تا شاید شما شکر کنید

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَاَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ

و سایبان کردیم بر شما ابر را و فرو فرستادیم بر شما منّ و سلوی را بخورید از پاکیزه ها

مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٥٧ وَاِذْ قُلْنَا

آنچه روزی دادیم شما را و ستم نکردند ما را ولیکن بودند که خودهاشان را ستم میکردند وچون گفتیم

ادْخُلُوا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا

در آئید این ده را پس بخورید از آن هرچه بخواهید تمام و در آئید در را سجده کنان

وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ٥٨ فَبَدَّلَ الَّذِينَ

و گوئید حطه بیامرزیم برای شما گناهانتان را و زود افزائیم نیکوکاران را پس بدل کردند آنانکه

ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَاَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ

ستم کردند سخنی را بجز آنکه گفته شد برایشان پس فرو فرستادیم بر آنانکه ستم کردند شکنجه از آسمان

بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ٥٩ وَاِذِ اسْتَسْقٰى مُوسٰى لِقَوْمِهٖ فَقُلْنَا اضْرِبْ

بسبب آنچه بودند که فسق میکردند وچون آب خواست موسی برای قومش پس گفتیم بزن

بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ

بعصایت سنگ را پس جاری شد از آن دوازده چشمه بتحقیق دانستند همه مردم آبخور شان را

كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّٰهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ ٦٠ وَاِذْ قُلْتُمْ

بخورید و بیاشامید از روزی خدا و تجاوز نکنید در زمین فساد کنندگان وچون گفتید

يَا مُوسٰى لَنْ نَصْبِرَ عَلٰى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ

ایموسی هرگز صبر نکنیم بر طعام تنها پس بخوان مر ما را پروردگار ترا تا بیرون آرد برای ما از آنچه میرویاند

قوله تعالی شانه
واذ قلتم یا موسی لن نومن لک الی ما رزقناکم این آیه را بر جامی از نقره نقش کنند و در انگشت خود کنند ابواب رزق بر او گشاده گردد و از فقر و فاقه خلاص شود و دنیا روی دهد ١٢

باتخاذکم العجل همزه اش وصل است

حطه بالکسر والتشدید یعنی فرو ریزد گناهان ما را و گویند کلمه ایست که بنی اسرائیل مامور شدند هرگاه این کلمه گفتندی گناهان ایشان فرو ریختی و بمعنی لا اله الا الله است شمس اللغه

قوله تعالی
واذ استسقی موسی لقومه الی فی الارض مفسدین این آیت جهت دفع تشنگی در سفر و حضر نافع است بایدکه این آیه را در ظرف پاک بنویسد خواه از سنگ بوده باشد خواه از آبگینه یا از سفال رنگ برده پس از آب باران بشوید و آنرا در شیشه کند سه روز بعد از آن آب را با گلاب یا میزد و قدری شیر بز سرخ بآن اضافه کند و با آتش بجوشاند تا تیره شود پس چون در سفر در صباح مقدار دو درم از آن بخورد از تشنگی نشود و اگر در حضر کسی مبتلا بمرض عطش گردد همین عمل کند و در وقت خواب ده درم از آنرا بخورد از مرض استسقا خلاص شود انشاء الله تعالی

الأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ

زمین از سبزیش و بیرگشش و خیارش و دانچه اشش و پیازش گفت آیا بدل میکنند

الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ

آنچه او فروتر است بآنچه او بهتر است فرود آئید در شهری پس بدرستیکه برای شما است آنچه خواستید و زده شد

عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا

بر آنها خواری و بیچارگی و برگشتند بغضبی از خدا این بسبب آنست که بودند

يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا

کافر شدند بآیات خدا و میکشتند پیغمبران از ناحق این بسبب آنچه نافرمانی کردند و بودند

يَعْتَدُونَ ۝٦١ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ

که تجاوز میکردند بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه یهود شدند و ترسایان و ستاره پرستان

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا

هر که گروید بخدا و روز آخرت و کردار شایسته کرد پس مر ایشانراست مزدشان نزد پروردگارشان

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝٦٢ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ

و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند و چون گرفتیم پیمان شما را و بلند کردیم بالای شما

الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝٦٣

طور را فرو گیرید آنچه دادیم شما را بتوانائی و یاد کنید آنچه در آنست تا باشد که شما پرهیزید

ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنتُم مِّنَ

پس برگشتید از بعد این پس اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمت او هر آینه بودید از

الْخَاسِرِينَ ۝٦٤ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ

زیانکاران و هر آینه بتحقیق دانستید آنانکه تعدی کردند از شما در شنبه پس گفتیم مر ایشانرا

كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۝٦٥ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا

که بشوید بوزینه ها رانده شده پس گردانیدیم آنرا عبرتی برای آنانکه میان دو دستش و آنچه باشد

وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ۝٦٦ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن

پس سرشان و موعظه مر پرهیزگاران را و چون گفت موسی مر قومش را بدرستیکه خدا امر میکند شما را

تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۝٦٧

اینکه بکشید گاوی را گفتند آیا میگیری ما را باستهزا گفت پناه میبرم بخدا که باشم از نادانان

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا

گفتند بخوان برای ما پروردگارت را تا بیان کند برای ما چیست آنچه او میگوید آن گاویست نه پیر و نه

بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ ۝٦٨ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا

جوان متوسط میان این پس بکنید آنچه مامور میشوید گفتند بخوان برای ما پروردگارت را تا بیان کند برای ما

مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ ۝٦٩

رنگ آن را گفت بدرستیکه او میگوید بدرستیکه آن گاوی زرد خالص که رنگ آن مسرور میسازد بینندگان را

قثائها
بتشدید ثاء

قوله تعالی
و اذ قال موسی لقومه الی
قوله تسر الناظرین ان آیات را
در صفحه از سفال سبزی
بنویسد و آب باران [illegible]
و آن آب را بر [illegible]
که در خواب بوده باشند
بیدار نشوند هر کاری که کرده
باشند در خواب بگویند و
اصلا خبردار نشوند [illegible]

قوله تعالی
قالوا ادع لنا ربک الی
قوله لمهتدون چون کسی خواهد
خبری را خبرداری نماید
که در آن نقصان نشود
و عیبی نباشد در وقت
صبح بگوید یا مخبر یا مبین الخبر
شنیده یا خبر دلیل یا دلیل
الخبر یا مرشد یا هادی [illegible]
دو دفعه بگوید اگر خواهی چند
از آن ردی بگرداند و این آیات
بخواند تا آن وقت که سبع [illegible]
شود مطلوب او حاصل
گردد

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ

گفتند بخوان برای ما پروردگارت را تا بیان کند برای ما که چیست آن بدرستیکه گاو مشتبه است بر ما و بدرستیکه ما اگر خواهد

لَمُهْتَدُونَ ۷۰ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي

خدا هر اینه از راه یافتگانیم گفت بدرستیکه او میگوید که آن گاویست آرام که شیار کند زمین را و نه آب دهد

الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا

کشت را بی عیبی که نباشد رنگ در آن گفتند الحال آوردی براستی پس کشتند آنرا و نبود نزدیک

يَفْعَلُونَ ۷۱ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ

که بکنند و چون کشتید نفسی را پس مرافعه کردید در آن و خدا بیرون آورنده بود آنچه بودید

تَكْتُمُونَ ۷۲ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ

پنهان میکردید پس گفتیم بزنید او را بپاره آن گاو همچنان زنده میکند خدا مردگان را و مینماید شما را آیتهای خود را

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۷۳ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ

تا شاید شما دریابید بعقل پس سخت شد دلهای شما از بعد این پس آنها بودند چون سنگها یا سخت تر

قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ

در شدت و بدرستیکه از سنگها هر آینه آنچه جاری میشود از آن نهرها و بدرستیکه از آن هر آینه آنچه شکافته میشود پس

مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا

بیرون میآید از آن آب و بدرستیکه از آن هر آینه آنچه فرود میآید از ترس خدا و نیست خدا بیخبر از آنچه

تَعْمَلُونَ ۷۴ أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ

میکنید آیا پس طمع دارید که بگروند برای شما و بتحقیق بودند پاره از ایشان که میشنیدند

كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۷۵ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ

کلام خدا را پس تغییر میدادند آنرا از بعد آنچه یافته بودند آنرا و آنها میدانستند و چون ملاقات کردند

آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ

آنانکه گرویدند گفتند ایمان آوردیم و چون خلوت کنند بعضی از آنها بسوی بعضی گفتند آیا خبر میدهید آنها را بآنچه گشاد خدا

عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۷۶ أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ

بر شما تا حجت آورند بشما بآن نزد پروردگار شما آیا پس در نمی یابید آیا و نمیدانند اینکه خدا

يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۷۷ وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ

میداند آنچه پنهان میدارند و آنچه آشکار میکنند و از آنها بیسوادانند که نمیدانند کتاب را مگر آرزوها

وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ۷۸ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ

و نیستند آنها مگر گمان میبرند پس وای آنانرا که مینویسند کتاب را بدستهاشان پس میگویند

هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ

این از نزد خداست تا بخرند بآن بهای اندک را پس وای مر آنها را از آنچه نوشت دستهاشان

وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ۷۹ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً

و وای برای ایشان از آنچه کسب میکنند و گفتند هرگز نمیرسد ما را آتش مگر روزهای شمرده شده

قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللّٰهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللّٰهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ

بگو آیا گرفتید نزد خدا پیمان را پس هرگز خلاف نمیکند خدا پیمانش را یا میگوئید بر خدا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ٨٠ بَلٰى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولٰئِكَ

آنچه نمیدانید آری آنکه کسب کند بدی را و احاطه کند با آن گناهش پس آنها ایند

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٨١ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

یاران آتش آنها در آن همیشه اند و آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته

أُولٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٨٢ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي

آنها ایند اهل بهشت ایشان در آن همیشه اند و چون گرفتیم پیمان از پسران

إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللّٰهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبٰى وَ

یعقوب که نپرستید مگر خدا را و بپدر و مادر نیکی کنید و صاحب قرابت و

الْيَتَامٰى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ

یتیمان و بیچارگان و بگوئید برای مردم خوب را و بپا دارید نماز را و بدهید زکات را

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ ٨٣ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ

پس برگشتید مگر اندکی از شما و شما رو برگردانندگانید و چون گرفتیم پیمان از شما

لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ

که نریزید خونهای خود را و بیرون نکنید خودهاتان را از خانهاتان پس

أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ٨٤ ثُمَّ أَنْتُمْ هٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ

اقرار کردید و شما گواهی میدهید پس شما آنهائید که میکشید خودهاتان را و

تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

و بیرون میکنید پاره از شما از خانهاشان با هم پشت میشوند بر ایشان بگناه و بیداد

وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارٰى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ

و اگر آورند شما را اسیران میدهید فدیه آنها را و او حرام است بر شما اخراجشان آیا پس میگروید

بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا

ببعض کتاب و کافر میشوید ببعضی پس چیست پاداش آنکه میکند این را از شما مگر

خِزْيٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلٰى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا

خواری در زندگی دنیا و روز رستخیز برگردانیده شوند بسوی سخت ترین شکنجه و نیست

اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ٨٥ أُولٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

خدا بیخبر از آنچه میکنید آنها آنانند خریدند زندگی دنیا را

بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ٨٦ وَلَقَدْ آتَيْنَا

باخرت پس تخفیف داده نشود از آنها شکنجه و نه آنها یاری کرده شوند و هر آینه بتحقیق دادیم

مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ

موسی را کتاب و براثرهم فرستادیم از بعد او پیغمبران و دادیم عیسی پسر مریم را

قُلْ أَتَّخَذْتُمْ بسکون لام و فتح همزه که از برای استفهام است نه همزه باب افتعال

قوله تعالی شانه العزیز وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ الی قوله محسنین ... داشته و خواهد که ... مطلب کند باید که این آیات را ... بنویسد ... مقصود حاصل گردد ان شاء الله ١٢

الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى

حجتها و تأیید کردیم او را بروح پاکی آیا پس هرگاه آمد شما را رسولی بآنچه نمیخواهد

أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ٨٧ وَقَالُوا قُلُوبُنَا

تنهای شما سرکشی کردید پس پاره را تکذیب کردید و پاره را کشتید و گفتند دلهای ما

غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ ٨٨ وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ

غلاف دار است بلکه لعن کرد ایشانرا خدا بسبب کفرشان پس اندکی ایمان میآوردند و چون آمد ایشانرا نامه

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا

از نزد خدا تصدیق کننده مرآنچه را با ایشانست و بودند از پیش که طلب فتح میکردند بر آنانکه کافر شدند

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ٨٩ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا

پس چون آمد ایشانرا آنچه شناخته بودند کافر شدند بآن پس لعنت خدای بر کافران بد است آنچه فروختند

بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ

بآن خودشانرا که کافر شوند بآنچه فرو فرستاده خدا از راه حسد آنکه فرو میفرستد خدا از فضلش بر هر که

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ٩٠

میخواهد از بندگانش پس بازگشت کردند بخشمی بر خشمی و برای کافرانست عذابی خوار کننده

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ

و چون گفته شد مر ایشانرا که بگروید بآنچه فرو فرستاده خدا گویند میگرویم بآنچه فرستاده شد بر ما و کافر شوند

بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ

بآنچه سوای آنست و آن حق است تصدیق کننده مرآنچه با ایشانست بگو پس چرا میکشتید پیغمبران خدا را از پیش

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ٩١ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ

اگر هستید گروندگان و هر آینه بحقیقت آمد شما را موسی با حجتها پس گرفتید گوساله را از

بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ٩٢ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ

بعد از آن و شما بودید ستمکاران و هنگامیکه گرفتیم پیمان شما را و بلند کردیم بر زبر شما طور را

خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي

بگیرید آنچه دادیم شما را بقوت و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و آمیخته کرده شد در

قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ٩٣

دلهاشان گوساله را بسبب کفرشان بگو بد است آنچه امر میکند شما را بآن ایمان شما اگر هستید گروندگان

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا

بگو اگر باشد برای شما سرای آخرت نزد خدا خاصه از غیر مردمان پس آرزو کنید

الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٩٤ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ

مرگ را اگر هستید راستگویان و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه پیش فرستاد دستهاشان و خدا

عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ٩٥ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا

داناست بستمکاران و هر آینه مییابی ایشانرا حریصترین مردمان بر زندگی و از آنانکه شرک آوردند

بود

قوله تعالی
ولتجدنهم احرص الناس الخ
این آیه در مذمت علماء یهود
است که حریص ترین مردمند
بر حیات دنیا و دل بستگی بزخارف
دنیا و ازدیاد ثروت و همه
سیاسی دنیا را بس خدا بر این
آیه دلالت دارد بر آنکه حرص
بر طول بقاء عمر بجهة طلب دنیا
و نشر آن مذموم است و آنچه
پسندیده است طلب بقاء
عمر است بجهة زیادتی طاعت
و تلافی مافات و درک سعادت
بسبب اخلاص در عبادت
و بسوی این معنی اشاره کرده است
امیر المؤمنین علیه السلام
در کلام خود که فرموده است
بقیة عمر المؤمن لا قیمة
له یدرک بها ما فات
و یحیی بها ما مات

يود احدهم لو يعمر الف سنة وما هو بمزحزحه من العذاب ان يعمر

دوست میدارد احد ایشان که کاش عمر داده میشد هزار سال و نیست دور کننده او را از عذاب آنکه عمر داده شود

والله بصير بما يعملون ٩٦ قل من كان عدوا لجبريل فانه نزله على قلبك

و خدا بیناست بآنچه میکنند بگو آنکس که باشد دشمن جبریل را پس بدرستیکه او فرود آورد آنرا بر دل تو

باذن الله مصدقا لما بين يديه وهدى وبشرى للمؤمنين ٩٧ من كان

بفرمان خدا تصدیق کننده مر آنچه را باشد پیش او و هدایت و مژده مر گروندگان را کسیکه باشد

عدوا لله وملئكته ورسله وجبريل وميكال فان الله عدو للكافرين ٩٨

دشمن مر خدا و فرشتگان او و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل را پس بدرستیکه خدا دشمن است مر کافران را

ولقد انزلنا اليك ايات بينات وما يكفر بها الا الفاسقون ٩٩ او كلما

و هر آینه بحقیقت فرو فرستادیم ما بسوی تو آیتهای روشن و کافر نمیشوند بآنها مگر فاسقان آیا و هر گاه

عاهدوا عهدا نبذه فريق منهم بل اكثرهم لا يؤمنون ١٠٠ ولما جاءهم

پیمان بستند عهدی را انداختند آنرا گروهی از ایشان بلکه بیشتر ایشان نمیگروند و چون آمد ایشان را

رسول من عند الله مصدق لما معهم نبذ فريق من الذين اوتوا الكتاب

رسولی از نزد خدا تصدیق کننده مر آنچه را با ایشان است انداختند گروهی از آنانکه داده شدند کتاب

كتاب الله وراء ظهورهم كانهم لا يعلمون ١٠١ واتبعوا ما تتلوا الشياطين

کتاب خدا پس پشتهاشان گویا ایشان نمیدانند و پیروی کردند آنچه را میخواندند دیوان

على ملك سليمان وما كفر سليمان ولكن الشياطين كفروا يعلمون

بر ملک سلیمان و کافر نشد سلیمان ولیکن شیاطین کافر شدند می آموختند

الناس السحر وما انزل على الملكين ببابل هاروت وماروت وما يعلمان

مردم را جادو و آنچه فرستاده شد بر دو فرشته ببابل هاروت و ماروت و نمی آموختند

من احد حتى يقولا انما نحن فتنة فلا تكفر فيتعلمون منهما ما يفرقون به

از احدی تا آنکه میگفتند که جز این نیست که ما آزمایشیم پس کافر مشو پس می آموختند از آنها آنچه جدائی می افکندند بآن

بين المرء وزوجه وما هم بضارين به من احد الا باذن الله ويتعلمون

میانه مرد و جفتش و نبودند ایشان ضرر رسانندگان بآن هیچ احدی را مگر بفرمان خدا و می آموختند

ما يضرهم ولا ينفعهم ولقد علموا لمن اشتريه ما له في الاخرة من خلاق

آنچه ضرر میرسانید ایشانرا و سود نمیکرد ایشان و بحقیقت دانستند آنکه خرید آنرا نیست مر او را در آخرت هیچ بهره

ولبئس ما شروا به انفسهم لو كانوا يعلمون ١٠٢ ولو انهم امنوا واتقوا

و هر آینه بد است آنچه فروختند بآن خودشانرا اگر بودند که میدانستند و اگر آنکه ایشان گرویدند و پرهیزکار بودند

لمثوبة من عند الله خير لو كانوا يعلمون ١٠٣ يا ايها الذين امنوا لا تقولوا

هر آینه ثواب از نزد خدا بهتر بود اگر بودند که میدانستند ای آنکسانیکه گرویدید مگوئید

راعنا وقولوا انظرنا واسمعوا وللكافرين عذاب اليم ١٠٤ ما يود الذين

راعنا و بگوئید انظرنا و بشنوید و مر کافران را عذابیست دردناک دوست نمیدارند آنانکه

بیان قوله تعالی و اتبعوا ما تتلوا الشیاطین الی قوله لو کانوا یعلمون این آیه را بر هفتی از مس بنویسند ... بگذارند بخور کنند و آب بشویند و از آن آب بخورند سحر و جادو بر ایشان کار نکند و اگر ... مسحور دهند بهتر گردد و اگر ... آب مجنون یا مسحور یا کسیکه او را چشم زخم رسیده باشد غسل کند صحت یابد و شیخ ابو العباس بونی آورده که چون صورتی از قیر بسازد و در زیر موی گربه موی کلب در اندرون صورت پنهان کنند این آیت را بر آن صورت بنویسد زن و مرد که خواهند از هم جدا کنند بر پشت ... بنویسند و آنرا بعد از نماز دیگر در چهار شنبه در آستانه خانه ایشان دفن کنند میان ایشان جدائی افتد ... از حد ... تعالی ... این عمل نکنند

بیان بابل بکسر با و فتح ان

لمن اشتریه بفتح لام ... بمعنی لمن

كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ اَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ

كافر شدند از اهل كتاب و نه مشركان كه فرو فرستاده شد بر شما هيچ خيرى از پروردگارتان

وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ١٠٥ مَا نَنْسَخْ مِنْ

و خدا مختص ميسازد برحمت خود هر كه را ميخواهد و خداست صاحب فضل بزرگ آنچه منسوخ كنيم از

آيَةٍ اَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا اَوْ مِثْلِهَا اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

آيتى يا ترك كنيم از ان بياوريم بهتر از ان يا مانند از ان آيا نميدانى كه خدا بر همه چيز

قَدِيرٌ ١٠٦ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ

تواناست آيا نميدانى كه خدا مر اوراست پادشاهى آسمانها و زمين و نيست مر شما را از غير

اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ١٠٧ اَمْ تُرِيدُونَ اَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ

خدا هيچ دوستى و نه يارى كننده آيا ميخواهيد كه سؤال كنيد پيغمبر اتان را همچنانكه سؤال كرده

مُوسٰى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْاِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ١٠٨

موسى از پيش و آنكه بگزيند كفر را بايمان پس بتحقيق گم گشته از ميان راه

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ اِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ

دوست داشتند بسيارى از اهل كتاب كه كاشكى ميگردانيدند از پس ايمانتان كافران از روى حسد از نزد

اَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتّٰى يَأْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ اِنَّ

خودشان از بعد آنكه ظاهر شد مر ايشان را حق پس عفو كنيد و درگذرانيد تا بياورد خدا امرش را

اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٠٩ وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَمَا تُقَدِّمُوا

بدرستيكه خدا بر هر چيزى تواناست و برپا داريد نماز را و بدهيد زكات را و آنچه پيش ميفرستيد

لِاَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١١٠ وَقَالُوا لَنْ

براى خودهاتان از خوبى مييابيد اثرش نزد خدا بدرستيكه خدا بآنچه ميكنيد بيناست و گفتند داخل

يَدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا اَوْ نَصَارٰى تِلْكَ اَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ

نميشود هرگز بهشت را مگر آنكه باشد از يهودان يا ترسايان اينست آرزوهاشان بگو بياوريد حجت خود را

اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١١١ بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرُهُ عِنْدَ

اگر هستيد راستگويان آرى آنكه خالص كرد وجهش را براى خدا و او نيكوكار است پس مر او راست مزد او

رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١١٢ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارٰى

نزد پروردگارش و نيست ترسى بر ايشان و نه ايشان اندوهناك شوند و گفتند يهودان نيستند ترسايان

عَلٰى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارٰى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلٰى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ

بر چيزى و گفتند ترسايان نيستند يهودان بر چيزى و آنها ميخوانند كتاب را

كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

همچنين گفتند آنانكه نميدانند مانند قول آنها پس خدا حكم ميكند ميانشان روز رستخيز

فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ١١٣ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُذْكَرَ

در آنچه بودند كه در آن اختلاف ميكردند و كيست ستمكارتر از آنكس كه منع كرد مسجدهاى خدا را آنكه مذكور شود

وجه الله

وجه خداست يعنى جهت حقيقت ما زا در حقيقت اين آيه نكته است كه در ترجمه زبان حضرت حقايق رتبت ولايت مرتبت درين ابيات اشاره فرموده

آينه و شم را بر خوان
ثم وجه الله ش تتمه دان
يعنى آنسو كه روى قصد آرى
حق بندگيش بگذارى
وجه حق كان بود حقيقت او
باشد اين جا برى او كن رو
هيچ جا را نكرد استثنا
پس بود عين حق عيان همه جا
عارف حق شناس را بايد
كه بهر سو كه ديده بگشايد
بيند آنجا جمال حق پيدا
كند از جمال حق قطعا
١٢

فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ

در آنها نامش و کوشند در خرابی آنها ایشان نباشد برایشان که داخل شوند مگر ترسناکان

لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۱۴ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ

مر ایشانراست در دنیا خواری و مر ایشانراست در آخرت عذاب بزرگ و مر خدا راست مشرق و

الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۱۱۵ وَقَالُوا اتَّخَذَ

مغرب پس هرکجا رو آرید پس آنجا روی خداست بدرستیکه خدا گشاینده داناست و گفتند فرا گرفت

اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۱۱۶ بَدِيعُ

خدا فرزند از آلایشست او بلکه مر او راست آنچه در آسمانها و زمین است همه مر او را فرمان بردارانند آفریننده

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۱۱۷ وَقَالَ

آسمانها و زمین و چون اراده کند کاری را پس میگوید مر او را که بشو پس میشود و گفتند

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ

آنانکه نمیدانند چرا سخن نمیگوید خدا با ما یا نمی آورد ما را آیتی همچنین گفتند آنانکه از

قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۱۱۸

پیش ایشان مانند سخن ایشان شباهت داشته بهم دلهاشان بحقیقت بیان کردیم آیاترا برای جمعیکه یقین میکنند

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ۱۱۹ وَلَنْ

بدرستیکه ما فرستادیم ترا براستی بشارت دهنده و ترساننده و پرسیده نمیشوی از اهل دوزخ و نه

تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ

خوشنود شوند از تو هرگز یهودان و نه ترسایان تا اینکه پیروی کنی آیین ایشانرا بگو بدرستیکه هدایت خدا

هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ

آنست هدایت و اگر پیروی کنی خواهشهای ایشانرا بعد از آنکه آمد ترا از دانش نباشد مر ترا از

اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۱۲۰ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ

خدا هیچ دوست و نه یاری کننده آنانکه دادیمشان کتاب میخوانند آنرا حق خواندنش

أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۱۲۱ يَا بَنِي

آنها ایمان دارند باو و هر که کافر شد بآن پس آنها ایشانند زیانکاران ای بنی

إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۱۲۲

اسرائیل یاد کنید نعمتم را که انعام کردم بر شما و بدرستیکه فزونی دادم شما را بر جهانیان

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا

و بپرهیزید از روزیکه کفایت نکند تنی از تنی چیزیرا و قبول نشود از آن فدائی و

تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۱۲۳ وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ

سود ندهد آنرا شفاعتی و نه ایشان یاری کرده شوند و هنگامیکه آزمود ابراهیم را پروردگارش بسخنان

فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ

پس تمام گردانید آنرا گفت من گرداننده توام برای مردمان امام گفت و از ذریه من گفت نمیرسد

قوله تعالی شأنه العزیز ایما تولوا فثم وجه الله شان نزول این آیت اختلافست بعضی گفته اند که یهود تحویل قبله را از بیت المقدس بکعبه انکار کردند این آیه نازل شد که هر جا رو کنید بجانب خداست و دیگر جهت بیان کردن است که خدا در جهتی دون جهتی نیست کما اینکه مجسمه برآنند بعضی میگویند مسلمین نزول این آیه هر طرفی بجانب حق توجه داشتند پس این آیه منسوخ بآیه فول وجهک شطر المسجد الحرام برخی دیگر برآنند که این آیه در نماز تطوع بر راحله نازل شده که بهر جانب که راحله توجه کند نماز میشود خواند در سفر اما نماز فرایض بجا آورده نمیشود مگر بجانب قبله بعضی گفته اند و در روایتی است که جمعی از حضرت رسول ص بودند با جماعت در شب تاریک در راه ظلمت ایشانرا فرو گرفت وقت نماز هر جماعتی بظن خود بمعرفت قبله از جانبی نماز خواندند چون رفع ظلمت شد معلوم شد که هیچ طرف که نماز خوانده بودند سمت قبله نبود در مراجعت از حضرت رسول از صحت

یوما لا تجزی بفتح تا و کسر زا عدم صحت نماز خود عرض نمودند حضرت امیدوار بودند تا این آیه نازل شد والسلام ۱۲

عَهْدِي الظَّالِمِينَ ۱۲۴ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا

پیمان من ستمکارانرا وهنگامیکه گردانیدیم خانه‌را جای بازگشتن برای مردم و امن و بگیرید

مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ

از مقام ابراهیم جایگاه نماز وپیمان بستیم با ابراهیم و اسمعیل اینکه پاک کنند خانهٔ مرا

لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۱۲۵ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ

برای طوف کنندگان ومعتکفان وراکعان ساجدان وهنگامیکه گفت ابراهیم ای پروردگار بگردان

هَٰذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

این شهررا امن و روزی ده اهلش را از میوه‌ها هرکه بگرود از ایشان بخدا و روز آخرت

قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۱۲۶

گفت وهرکه کافر شد پس برخوردار کنم اورا اندکی پس ملجی سازم اورا بعذاب آتش و بد بازگشتیست

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

وچون بلند کرد ابراهیم پایهارا از خانه واسمعیل پروردگارا بپذیر از ما بدرستیکه توئی شنونده

الْعَلِيمُ ۱۲۷ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا

دانا پروردگارا وبگردان مارا ومنقاد برای خود واز فرزندان ما گروه منقاد مر ترا وبنما مارا

مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۱۲۸ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا

مناسک مارا وبپذیر بر ما بدرستیکه توبه پذیر مهربانی پروردگارا وبرانگیز در انها فرستاده

مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ

از انها که بخواند بر انها آیات ترا وبیاموزد انهارا کتاب وحکمت وپاک کند انهارا بدرستیکه توئی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۲۹ وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ

غالب درست کردار وکسی که برگردد از کیش ابراهیم مگرانکه خوار کرده باشد خودش را و

لَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۱۳۰ إِذْ قَالَ لَهُ

بتحقیق برگزیدیم اورا در دنیا و بدرستیکه او در آخرت از شایستگانست چون گفت مر اورا

رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۳۱ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ

پروردگارش که فرمان بر گفت فرمان بردم مر پروردگار جهانیانرا و وصیت کرد بان ابراهیم پسرانش را و یعقوب

يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۱۳۲ أَمْ كُنْتُمْ

ای پسران من بدرستیکه خدا برگزید برای شما دین پس نمیرید البته مگر که باشید مسلمانان آیا بودید

شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا

گواهان چون رسید یعقوب را مرگ هنگامیکه گفت مر پسرانش را که چه میپرستید از بعد من گفتند

نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ

میپرستیم خدای ترا وخدای پدران تو ابراهیم واسمعیل واسحق خدائی یگانه وما مر اورا

مُسْلِمُونَ ۱۳۳ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ

منقادانیم آنها گروهی هستند که گذشتند مر انهارا آنچه کسب کردند وبرای شماست آنچه کسب کردید وپرسیده نشوید

قوله تعالی وإذ جعلنا البيت مثابة الی قوله والركع السجود چون این آیت را در وقت خواب کسی بخواند واز خداوند درخواست کند در وقت معین از شب بیدار شود البته مطلوب او حاصل گردد ۶۲

ثُمَّ أَضْطَرُّهُ بفتح همزه اضطره وضم را صیغه متکلم وحده است از مضارع

قوله تعالی وإذ يرفع ابراهيم القواعد الی السميع العليم چون کسی را علت بواسیر بوده باشد این آیت را بر بلوری بنویسد بزعفران وآنرا باب انگور بشوید واندک کافور وگهربا وشکر سوده بدان اضافه کند وبخورد آن مرض بر طرف شود واگر این آیه را بر حریر سفید نویسد در مربع چهار درجه بر گردن طفل ... سفید بندد وبعد از آن آنرا بر ظرف نویسد از آب باران وبشوید پس آنرا در موضعی که گمان دفینه باشد بسر دهد ببالای آن دفینه بایستد ۱۲

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٣٤ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ

از انچه بودند که میکردند وگفتند باشید یهودان یا ترسایان تا هدایت یابید بگو بلکه کیش

إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٣٥ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا

ابراهیم است حق گرامی ونبود که باشد از مشرکان بگویید گرویدیم بخدا وانچه فرستاده شد بسوی ما

وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ

وانچه فرستاده شد بسوی ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب واسباط وانچه داده شده

مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ

بموسی وعیسی وانچه داده شد پیغمبران از پروردگارشان جدائی نیفکنیم میان یکی از ایشان وما

لَهُ مُسْلِمُونَ ١٣٦ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا

مراو را گردن نهندگان پس اگر گرویدند مانند انچه ایمان آوردید بان پس بتحقیق هدایت یابند واگر رو گردانند

هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ١٣٧ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ

پس جز این نیست که ایشان مخالفتند پس زود باز دارد ایشان را خدا از تو و او شنونده داناست رنگ کرد خدا وکیست

أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ١٣٨ قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ

بهتر از خدا در رنگ وما او را پرستندگانیم بگو آیا دشمنی میکنید ما را در خدا واوست

رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ١٣٩ أَمْ

پروردگار ما و شما و برای ماست کردار ما و برای شماست کردار شما وماییم مراو را مخلصان آیا

تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا

میگویید بدرستیکه ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب وسبطها بودند یهود

أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَ

یا ترسایان بگو آیا شما داناترید یا خدا وکیست ستمکارتر از انکه پنهان کرد گواهی نزد او از خدا

مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ١٤٠ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ

ونیست خدا بیخبر از انچه میکنید اینها امتی هستند بتحقیق که درگذشتند مرانها راست انچه کسب کردند

وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٤١ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ

پرسیده نشوند از انچه بودند که میکردند زود باشد بگویند بی خردان از مردمان گردانید ایشان را

عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ

از قبله ایشان که بودند بران بگو مر خدا راست مشرق ومغرب راه نماید هرکه را خواهد بسوی

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ١٤٢ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

راه راست وهمچنین گردانیدیم شما را امتی میانه تا بوده باشید گواهان بر مردم

وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ

وبوده باشد فرستاده بر شما گواه ونگردانیدیم ما قبله را که بودی بران مگر انکه بدانیم

مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى

کسی را که پیروی کند رسول را از انکه برگردد بر پشت پاهایش واگر بوده باشد هرآینه بزرگ مگر بر

عابدون پرستش کنندگانیم

الذين هدى الله وما كان الله ليضيع ايمانكم ان الله بالناس لرؤف
آنانكه هدايت كرد خدا و نيست خدا تا ضايع كند ايمان شما را بدرستيكه خدا بمردمان هرآينه رؤف

رحيم ١٤٣ قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضها
مهربانست بتحقيق مى بينيم گرديدن روى ترا در آسمان پس هرآينه روگردانيده شيم ترا البته قبلهٔ كه خوشى آن

فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره
پس بگردان روى ترا بجانب مسجد الحرام و هر جاكه بوده باشيد پس بگردانيد روى خود را بجانب او

وان الذين اوتوا الكتاب ليعلمون انه الحق من ربهم وما الله بغافل
و بدرستيكه آنانكه داده شدند كتاب را هرآينه ميدانند كه او حق است از پروردگار ايشان و نيست خدا بيخبر

عما يعملون ١٤٤ ولئن اتيت الذين اوتوا الكتاب بكل اية ما تبعوا
از آنچه ميكنند و هرگاه بيارى تو آنانراكه داده شدند كتاب را بهر آيتى نشوند پيرو

قبلتك وما انت بتابع قبلتهم وما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن اتبعت
قبلهٔ ترا و نيستى تو پيرو قبلهٔ ايشان و نيستند بعض ايشان پيرو قبلهٔ بعضى را و اگر پيروى كنى

اهواءهم من بعد ما جاءك من العلم انك اذا لمن الظالمين ١٤٥ الذين
خواهشهاى ايشان را از بعد آنچه آمد ترا از دانش بدرستيكه تو دراين هنگام از ستمكارانى آنانكه

اتيناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم وان فريقا منهم ليكتمون
داديم ايشان را كتاب ميشناسند او را چنانكه ميشناسند پسران شان را و بدرستيكه پاره از آنها هرآينه ميپوشند

الحق وهم يعلمون ١٤٦ الحق من ربك فلا تكونن من الممترين ١٤٧
حق را و آنها ميدانند راستى از پروردگار تست پس مباش البته از شك كنندگان

ولكل وجهة هو موليها فاستبقوا الخيرات اين ما تكونوا يات بكم الله
و براى هر يك جانبيست كه او رو آورنده آنست پس پيشى گيريد خيرات را هر جاكه بوده باشيد ميآرد شما را

جميعا ان الله على كل شيء قدير ١٤٨ ومن حيث خرجت فول وجهك
همه را بدرستيكه خدا بر هر چيز تواناست و از جائيكه بيرون رفتى پس بگردان روى ترا

شطر المسجد الحرام وانه للحق من ربك وما الله بغافل عما تعملون ١٤٩
جانب مسجد الحرام و بدرستيكه او هرآينه حق است از پروردگارت و نيست خدا بيخبر از آنچه ميكنيد

ومن حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم
و از هر جا كه بيرون رفتى پس بگردان روى را بجانب مسجد الحرام و هر جا كه باشيد

فولوا وجوهكم شطره لئلا يكون للناس عليكم حجة الا الذين
پس بگردانيد روهاتان را بجانبش تا نباشد براى مردم برشما برهانى مگر آنانكه

ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني ولاتم نعمتي عليكم ولعلكم
ستم كردند از ايشان پس مترسيد از آنها و بترسيد مرا و تا تمام كنم نعمتم را برشما و شايد شما

تهتدون ١٥٠ كما ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم اياتنا
راه يابيد چنانكه فرستاديم در شما پيغمبر را از شما كه بخواند برشما آيات ما را

قوله تعالى شانه ولكل وجهة الى شيء قدير اين آيت را برقطعه كرباس نو بنويسند واين قطعه را بسيار محكم كنند در ديوار خانه كه از آنجا چيزى برده باشند يا بنده از آنجا گريخته باشد آن دزد بدست ديگر بخته زود آيد انشاء الله ١٢

ويزكيكم

وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۱۵۱

وپاک کند شمارا وبیاموزد شمارا کتاب وحکمت وبیاموزد شمارا آنچه را که نبودید که بدانید

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ۱۵۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شمارا وشکر کنید مرا وناسپاسی مکنید ای آنانکه گرویدید

اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوٰةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۱۵۳ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ

یاری جوئید بصبر ونماز بدرستیکه خدا با صبر کنندگانست ومگوئید مر آنکه

يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ۱۵۴ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ

کشته شود در راه خدا مردگانند بلکه زندگانند ولیکن نمیدانید وهر آینه میآزمائیم

بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ

بچیزی از ترس وگرسنگی وکمی از مالها ونفسها ومیوه‌ها ومژده ده

الصَّابِرِينَ ۱۵۵ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۱۵۶

صبر کنندگانرا آنانکه چون رسد ایشانرا مصیبتی گویند که ما از خدائیم وما بسوی او بازگشت کنندگانیم

أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۱۵۷

آنها بر ایشانست رحمتها از پروردگارشان ورحمت وآنها ایشانند راه یافتگان

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ

بدرستیکه صفا ومروه از نشانه‌های خداست پس کسی که قصد کرد خانه را یا عمره کرد پس نیست باکی

عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ۱۵۸

براو اینکه دور بزند با آن دو وکسی که رغبت کند نیکی را پس بدرستیکه خدا شکر کننده داناست

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا

بدرستیکه آنانکه پنهان میدارند آنچه فرو فرستادیم از معجزات وهدایت از بعد آنچه

بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ۱۵۹

بیان کردیم آنرا برای مردم در کتاب آنها لعن میکند ایشانرا خدا ولعن میکنند ایشانرا لعن کنندگان

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ

مگر آنانکه توبه کردند وبسامان آوردند وبیان کردند پس آنها را توبه پذیرم بر ایشان ومن توبه پذیرنده

الرَّحِيمُ ۱۶۰ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ

مهربانم بدرستیکه آنانکه کافر شدند ومردند وآنها کافر بودند آنهایند که بر ایشانست لعنت

اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۱۶۱ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ

خدا وفرشتگان ومردم همه جاویدانند در آن وسبک نشود از ایشان

الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۱۶۲ وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

شکنجه ونه آنها مهلت داده شدگانند وخدای شما خدائیست یگانه ونیست خدائی مگر

هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ ۱۶۳ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ

او بخشنده مهربان بدرستیکه در آفریدن آسمانها وزمین واختلاف

قوله تعالی والهکم اله واحد الی الرحیم این آیت را هر که در ... انگشتری نقره نقش کند و با خود نگاه دارد هیچ کس بر او غالب نگردد از آدمیان وغیر ایشان واز هیچ سو چیزی آزاری باو نخواهد رسید باذن الله تعالی ۱۲

اللیل

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

شب وروز وکشتی که میرود در دریا بآنچه سود دهد مردمانرا وآنچه فرو فرستاد خدا

مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ

از آسمان از آب پس زنده کرد بآن زمین را پس از مردنش و پراکنده کرد در آن از همه

دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ

جنبنده وگردانیدن بادها وابر مسخر میانهٔ آسمان وزمین هر آینه نشانهاست

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۱۶۴ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ

مرگروهی را که درمی یابند واز مردم آنکه فرا گیرد از غیر خدا همتایانی دوست دارند ایشانرا

كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ

مانند دوست داشتن خدا و آنانکه گرویدند سخت دوستی برای خدا واگر ببینند آنانکه ستم کردند چون ببینند

الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ۱۶۵ إِذْ تَبَرَّأَ

شکنجه را بدرستیکه قوت برای خداست همه و بدرستیکه خدا سخت شکنجه است وهنگامیکه بیزاری جویند

الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ۱۶۶

آنانکه پیروی شدند از آنانکه پیرو شدند و دیدند شکنجه را و بریده شود با ایشان سببها

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ

وگفتند آنانکه پیرو شدند کاش بود برای ما بازگشتی پس بیزاری جستیم از آنها چنانچه بیزاری جستند از ما همچنانکه

يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ۱۶۷

بنماید بآنها خدا کردارشانرا حسرتهاست برایشان ونیستند آنها بیرون روندگان از آتش

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

ای مردم بخورید از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه و پیرو نشوید گامهای

الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۱۶۸ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ

شیطانرا بدرستیکه او مر شما راست دشمن آشکار جز این نیست امر میکند شمارا ببدی

وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۱۶۹ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ

و زشتی وانکه بگوئید بر خدا آنچه را که نمیدانید وچون گفته شود مر ایشانرا

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ

که پیرو شوید آنچه را فرو فرستاد خدا گویند بلکه پیروی میکنیم آنچه را یافته ایم بر او پدرانمان اگرچه باشند

آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ۱۷۰ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا

پدرانشان نمی یابند چیزیرا ونه هدایت یابند ومثل آنانکه کافر شدند

كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ

مانند مثل آنکسی که بانگ زند بآنچه نمیشنود مگر خواندنی و ندائی کرانند گنگانند کورانند پس آنها

لَا يَعْقِلُونَ ۱۷۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

درنمی یابند ای آنانکه گرویدید بخورید از پاکیزه‌ها آنچه روزی دادیم شمارا

يعقلون
حضره دارند ونظر در
امر موجودات گار نکفار
قریش گفتند باسید وشت
بت داریم که میپرستیم و
این همه معبودان کارگشا
هاست ودیگران ...
ساخت ومحمد میگوید که
من آنکه دارم که کار همه
عالم راحیاسد اگر بدین
سخن علامتی بیارد دبا
براستی او اقرار کنیم این
آیه مذکوره نازل گردید که
مشتمل رهشت آیه است
از آیات قدرت الهی سبحا
ده جز آمده که وای
برکسی که این آیه
را بخواند و در
او تفکر نه
(تفسیر)

وَاشْكُرُوا لِلّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ۱۷۲ اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَ
و شکر کنید برای خدا اگر هستید اورا میپرستید جز این نیست که حرام کرد بر شما مرده و خون
لَحْمَ الْخِنْزِيْرِ وَمَا اُهِلَّ بِهٖ لِغَيْرِ اللّٰهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ
و گوشت خوک و آنچه صدا کنند بآن برای غیر خدا پس کسیکه بیچاره شده غیر خروج کننده و نه تجاوز کننده پس نیست گناه براو
اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۱۷۳ اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَشْتَرُوْنَ
که خدا آمرزنده مهربان است بدرستیکه آنانکه پنهان میکنند آنچه فرو فرستاد خدا از کتاب و میخرند
بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا اُولٰٓئِكَ مَا يَاْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ اِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ
بآن بهای اندکی ایشانند که نمیخورند در شکمهاشان مگر آتش و سخن نگوید ایشان را خدا
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۱۷۴ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ
روز رستخیز و پاک نکند ایشان را و مر ایشان راست شکنجهٔ پر درد آنها آنانند که خریدند گمراهی را
بِالْهُدٰى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَآ اَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ۱۷۵ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ
بهدایت و شکنجه را بآمرزش پس چه شکیبا کرد ایشان را بر آتش این بسبب آنست که خدا
نَزَّلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اخْتَلَفُوْا فِي الْكِتٰبِ لَفِيْ شِقَاقٍ بَعِيْدٍ ۱۷۶
فرو فرستاد کتاب را براستی و بدرستیکه آنانکه اختلاف کردند در کتاب هر آینه در گمراهی بعید اند
لَيْسَ الْبِرَّ اَنْ تُوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ
نیست نیکو اینکه بگردانید روهایتان بطرف مشرق و مغرب ولیکن نیکو کسیست که گروید
بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالْكِتٰبِ وَالنَّبِيّٖنَ وَاٰتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ
بخدا و بروز آخرت و فرشتگان و کتاب و پیغمبران و دادن مال را بر دوستی او
ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ
بصاحبان قرابت و یتیمان و بیچارگان و پسر راه و سؤال کنندگان و در گردنها
وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَالْمُوْفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْا وَالصّٰبِرِيْنَ
و برپا داشت نماز را و داد زکات را و وفا کنندگان بعهدشان چون عهد بستند و صبر کنندگان
فِي الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِيْنَ الْبَاْسِ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَاُولٰٓئِكَ
در سختیها و زیانها و هنگام کارزار ایشانند آنانکه راستی آوردند و آنها
هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ۱۷۷ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلٰى
ایشانند پرهیزگاران ای آنانکه گرویدید نوشته شد بر شما قصاص در کشتها
اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰى فَمَنْ عُفِيَ لَهٗ مِنْ اَخِيْهِ
آزاد بآزاد بنده ببنده و مؤنث بمؤنث پس آنکه عفو کرده شد مر او را از برادرش
شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَدَآءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ
چیزی پس پیروی کننده است خوب را و واداشت باو بنیکی این سبکی است از
رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۱۷۸ وَلَكُمْ فِي
پروردگارتان و رحمتی پس آنکه تجاوز کند بعد این پس مر او راست شکنجهٔ پر درد و مر او راست

الربع
را ر مهمله در قرائت حمزه و حفص ۱۲

نصف

علی حبه
بعضی علی را بمعنی مع گرفته اند و ضمیر حبه را راجع بمال کرده اند بعضی بمعنی لام گرفته اند و مرجع ضمیر حبه را باری تعالی دانسته اند ۱۲

الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يّٰاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ١٧٩ كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا

قصاص زندگانیست ای صاحبان عقلها شاید که شما پرهیزید نوشته شد بر شما چون

حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرًا اِلْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ

حاضر شود یکی از شما را مرگ اگر واگذارد مال نیک را وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکی

حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ١٨٠ فَمَنْ بَدَّلَهٗ بَعْدَ مَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَا اِثْمُهٗ عَلَى

سزاوار بودن بر پرهیزگاران پس آنکه بدل کند اورا بعد از آنکه شنید اورا پس جز این نیست گناه او بر

الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ١٨١ فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوْصٍ جَنَفًا اَوْ

آنانکه بدل کنند اورا بدرستیکه خدا شنونده داناست پس آنکه بترسد از وصیت کننده میلی یا

اِثْمًا فَاَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ١٨٢ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ

گناهی پس اصلاح آورد میان ایشان پس نیست گناهی براو بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه

اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

گرویدید نوشته شد بر شما روزه چنانکه نوشته شد بر آنانکه بودند پیش از شما شاید شما

تَتَّقُوْنَ ١٨٣ اَيَّامًا مَّعْدُوْدٰتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ

پرهیزید روزهای شمرده شده پس آنکه باشد از شما بیمار یا بر سفر پس مدت شمرده شده

مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ وَعَلَى الَّذِيْنَ يُطِيْقُوْنَهٗ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِيْنٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا

از روزهای دیگر و بر آنانکه طاقت دارند فدا بدهند طعام بیچاره را پس هر که رغبت کرد نیکیرا

فَهُوَ خَيْرٌ لَّهٗ وَاَنْ تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ١٨٤ شَهْرُ رَمَضَانَ

پس او بهتر است برایش و اگر روزه بگیرید بهتر است برای شما اگر باشید که بدانید ماه رمضان

الَّذِيْٓ اُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ

که فرو فرستاده شد در او قرآن هدایت برای مردم و معجزه‌ها از هدایت و فرقان

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ

پس آنکه حاضر است از شما ماه را پس باید روزه بگیرد آنرا و آنکه باشد بیمار یا بر سفر پس مدت شمرده شده از

اَيَّامٍ اُخَرَ يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا

روزهای دیگر اراده کرد خدا بشما آسانیرا و اراده نکرد بشما دشواریرا و برای آنکه تمام کنید

الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ١٨٥ وَاِذَا

شماره را و تا بزرگی یاد کنید خدا را برآنچه هدایت کرد شما را و شاید شما شکر کنید و چون

سَاَلَكَ عِبَادِيْ عَنِّيْ فَاِنِّيْ قَرِيْبٌ اُجِيْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ

پرسندت بندگانم از من پس من نزدیک پذیرنده‌ام خواندن خواننده را چون بخواند مرا

فَلْيَسْتَجِيْبُوْا لِيْ وَلْيُؤْمِنُوْا بِيْ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُوْنَ ١٨٦ اُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ

پس بپذیرید مرا و باید ایمان آورید مرا شاید ایشان ارشاد شوند حلال شد برای شما شب

الصِّيَامِ الرَّفَثُ اِلٰى نِسَآئِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ

روزه جماع با زنانتان آنها جامه برای شما و شما جامه‌اید آنهارا

فمن اعتدى ١٧٣
گفته اند مراد از من قاتل است و از اخیه یا مقتول یا ولی دم و اتباع بمعروف متوجه عافی است که در گرفتن دیه عنف نورزد و اداء باحسان متوجه قاتل است که مماطله ننماید و زده دهد چنانکه در تبیان و مجمع البیان روایت از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام ١٢

هو الله تعالی شانه
واذا سألك عبادی الی یرشدون هر کس این آیه را بسیار بخواند و بران مداومت نماید کار بسته گشاده گردد بقدرت خدا تعالی ١٢

مذکور است مدت ادا را یکسال گفته اند و عفو بعضی از ورثه قصاص را موجب سقوط [illegible] بلکه قصاص ولیکن بر تبیان است و ادا سهم غامی در شرح شرایع وغیره نقل اجماع براین نیز شده و زوج و زوجه اگرچه از دیت حصه میبرند اما شرکت در قصاص ندارند ١٢

عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ اَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ

میدانند خدا بدرستیکه شما بودید که خیانت میکردید خود را پس توبه پذیرفت بر شما و عفو کرد از شما

فَالْاٰنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتّٰى يَتَبَيَّنَ

پس الآن مباشرت کنید آنها را و بجوئید آنچه نوشت خدا برای شما و بخورید و بیاشامید تا آشکار شود

لَكُمُ الْخَيْطُ الْاَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْاَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ اَتِمُّوا الصِّيَامَ

از برای شما خط سفید از خط سیاه از فجر پس تمام کنید روزه را

اِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَاَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ

تا شب و مباشرت مکنید آنها را و شما معتکف باشید در مساجد اینست دستورالعملهای خدا

فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ اٰيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ١٨٧ وَلَا

پس نزدیک نشوید آنرا همچنان روشن میکند خدا آیاتش را از برای مردم شاید آنها بپرهیزند و نه

تَاْكُلُوا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا اِلَى الْحُكَّامِ لِتَاْكُلُوا

خورید اموالتانرا میانتان بناسزا و بیندازید بآن بسوی حکم کنندگان تا بخورید

فَرِيقًا مِنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ١٨٨ يَسْئَلُونَكَ عَنِ

پاره از مالهای مردم بگناه و شما میدانید میپرسند از تو از

الْاَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَاْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ

ماهها بگو آن وقتهاست از برای مردم و حج و نیست نیکو باینکه درآئید خانههاتان از

ظُهُورِهَا وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقٰى وَاْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ اَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللّٰهَ

پشت آن ولیکن نیکو آن پرهیزکاریست و درآئید خانهها را از درهایش و بپرهیزید خدا را

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ١٨٩ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا

شاید شما رستگار شوید و کارزار کنید در راه خدا آنانکه کارزار میکنند با شما و

تَعْتَدُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ١٩٠ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ

تجاوز مکنید بدرستیکه خدا دوست نمیدارد تجاوزکنندگانرا و بکشید آنها را زمانیکه بیابید ایشان را و

اَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ

بیرون کنید آنها را از جائیکه بیرون کردند شما را و فتنه سخت تر است از کشتن و کارزار مکنید آنها را

عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتّٰى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَاِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذٰلِكَ

نزد مسجد الحرام تا کارزار کنند شما را در آن پس اگر کارزار کردند شما را پس بکشید آنها را اینچنین است که

جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ١٩١ فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٩٢ وَقَاتِلُوهُمْ

پاداش کافران پس اگر باز ایستند پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و کارزار کنید آنها را

حَتّٰى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلّٰهِ فَاِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ اِلَّا عَلَى

تا نباشد فتنه و میباشد دین برای خدا پس اگر باز ایستند پس نیست دشمنی مگر بر

الظَّالِمِينَ ١٩٣ اَلشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ

ستمگاران این ماه حرام بماه حرام و حرامها قصاصی است پس آنکه

قوله تعالی شانه العزیز
ولیس البر بان تأتی البیوت
من ظهورها الی آخر الآیة
از حضرت باقر روایت
شده مشرکین هر وقت
محرم میشدند از درب خانه
خود داخل نمیشدند بلکه
در خارج خانه در ست نموده
از آن نقب داخل و خارج میشدند
پس خداوند نهی فرمود از
این عمل و فرمود این نیکو
نیست بلکه نیکوئی تقوی است
و داخل خانها شوید از درها
تجلیه نکانه را مهیا شده
حضرت باقر فرمودند یعنی
ایشان تمکین نمیکنند امری از امور را
از راه آن و از این حدیث
مستفاد میشود که اخذ احکام
دین باید از امیرالمؤمنین
و اولاد طاهرین او نمود زیراکه
ایشان ابواب مدینه تمام علوم
می باشند چنانچه رسول
خدا فرمود انا مدینة العلم و
علی بابها ولا یؤتی المدینة
الا من بابها حضرت امیر
فرمودند خداوند از برای
علم اهلی قرار داده و واجب
فرموده بر عباد اطاعت
ایشان را بقول خود که و اتوا
البیوت من ابوابها و
بیوت بیوت علمی است که
ودیعه گذاشته آنرا نزد انبیاء
و ابواب آنرا اوصیاء انبیاء
قرار داده ایضا آنجناب
فرمودند ما هستیم آن بیوتی
که خداوند واجب فرموده
داخل شدن بیوت را از ابواب
آن و ما هستیم باب خداوند
بیوت خداوند که باید داخل
آن بیوت از باب آن شد
و هر کس تابع باشد و اقرار
بولایت ما نمود پس داخل آن
خانه ها از درهای آن شده و هر کس
مخالفت ما نمود و دیگری را ترجیح
داد پس داخل بیوت شده
از پشت آن ١٢

اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ

تجاوز کند برشما پس تجاوز کنید براو بمثل آنچه تجاوز کرد برشما وبپرهیزید خدارا

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ١٩٤ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ

وبدانید بدرستیکه خدا با پرهیزگارانست وبدهید در راه خدا ونیندازید بدستهای خود

إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ١٩٥ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَ

خودرا بهلاکت ونیکی کنید بدرستیکه خدا دوست میدارد نکوکارانرا وتمام کنید حج راو

الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ

عمره را برای خدا پس اگر باز داشته شوید پس آنچه میسر گردد از هدیه ونتراشید سرهاتان را

حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ

تا برسد هدیه بجایش پس آنکه باشد از شما بیمار یا باو آزاری از سرش

فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ

پس فدا دهد از روزه یا صدقه یا قربانی پس چون ایمن شدید پس آنکه برخوردار گردید بعمره

إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ

بسوی حج پس آنچه میسر گردد از هدیه پس آنکه نیافت پس روزه سه روز در حج

وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي

وهفت روز چون برگشتید اینست ده تای تمام این برای کسیست که نباشد اهل او حاضر

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ١٩٦ الْحَجُّ

مسجد الحرام وبپرهیزید خدارا وبدانید بدرستیکه خدا سخت عقوبت است حج

أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ

ماههای معلوم شده پس آنکه واجب شد در آنها حج پس نیست جماعی ونه کارهای بد ونه جنگی

فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ

در حج وآنچه میکنید از خیر میداند اورا خدا وتوشه برگیرید پس بدرستیکه بهتر توشه پرهیز است

وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ١٩٧ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا

وبپرهیزید مرا ای صاحبان خردها نیست بر شما باکی آنکه بجوئید زیادتی

مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ

از پروردگارتان پس چون برگشتید از عرفات پس یاد کنید خدا را نزد مشعر

الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ١٩٨

الحرام ویاد کنید آنرا چنانچه هدایت کرد شمارا واگر بودید از پیش آن هر آینه از گمراهان

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٩٩

پس افاضه برید از جائیکه افاضه برند مردم وطلب آمرزش کنید خدا را بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ

پس چونکه گزاردید مناسک خودرا پس یاد کنید خدارا مانند یاد کردن پدرانتان یا سخت‌تر

قوله تعالی شأنه العزیز واتموا الحج والعمرة لله ظاهر آیه وجوب اتمام حج و عمره بجهة خداوند است واما تأویل آن حضرت باقر علیه السلام فرمودند ملاقات حضرت امام است و حضرت صادق علیه السلام فرمودند هر وقت حج نموده یکی از شما ختم آن حج را نماید بزیارت ما بجهة آنکه آن زیارت از تمامی حج او است و علمای ما فرموده اند در این زمان غیبت زیارت قبور ایشان علیهم السلام بزیارت ایشان است چنانچه از اخبار هم مستفاد میشود والسلام ١٢

وتزودوا بفتح زای و تشدید واو مفتوحه

ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ

ذکری پس از مردم آنانند که میگویند پروردگارا بده مارا در دنیا و آنچه مراوراست در آخرت از

خَلَاقٍ ۲۰۰ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

بهره و از ایشانند کسانیکه میگویند پروردگارا بده مارا در دنیا نیکو و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۲۰۱ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ

نیکو و نگهدار مارا از شکنجهٔ آتش آنها مر ایشانراست بهرهٔ از آنچه کسب کردند و خدا زود

الْحِسَابِ ۲۰۲ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا

حسابست و یاد کنید خدارا در روزهای شمرده شده پس آنکه شتاب کرد در دو روز پس نیست

إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ

گناهی براو و آنکه تاخیر انداخت پس نیست گناهی براو مر آنرا که بپرهیزد و بپرهیزید خدارا و بدانید که شما

إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۲۰۳ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ

بسوی او انگیخته میشوید و از مردم کسی است که بعجب در آرد گفتارش در زندگی دنیا و شهادت

اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ۲۰۴ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ

خدا برآنچه در دل اوست و او شدید العداوتست و چون پشت کنی جهد کند در زمین

لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ۲۰۵ وَإِذَا

تا فساد کند در آن و هلاک کند کشت و نسل را و خدا دوست نمیدارد فساد را و چون

قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ۲۰۶

گفته شود مر اورا بپرهیز خدارا گرفت او عزترا بگناه پس کفایت اورا جهنم و هر آینه بد آرامگاه است

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۲۰۷

و از مردم کسی است که میفروشد جان خودرا طلب خوشنودیهای خدا و خدا مهربانست ببندگان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

ای آنانکه گرویدید درآیید در سلامتی همه و پیرو نشوید گامهای

الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۲۰۸ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ

شیطانرا بدرستیکه او مر شمارا دشمنی است آشکارا پس اگر لغزیدید از بعد آنچه آمد شمارا

الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲۰۹ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا

معجزات پس بدانید که خدا غالب درستکاراست آیا نگاه میکنند مگر

أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ

که آرد ایشانرا خدا در سایه‌ها از ابر و فرشتگان و برآورده شد کار و بسوی خدا

تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۲۱۰ سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ

برمیگردد کارها بپرس پسران یعقوب را چقدر دادیم ایشانرا از معجزهٔ روشن و آنکه بدل کند

نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۲۱۱ زُيِّنَ لِلَّذِينَ

نعمت خدارا از بعد آنچه آمد اورا پس بدرستیکه خدا سخت عقوبتست زینت داده شد برای

قوله تعالی شانه العزیز وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ الخ یعنی بعضی از مردم کسیکه میفروشد جان خودرا بانچه طلب خوشنودی خداوند خداوند

نصف ربع

مهربانست ببندگان خود جماعتی از عامه و کثیری از خاصه روایت نمودند که این آیه در شب غار نازل شده در حق امیر المؤمنین زیراکه حضرت رسول از جانب خداوند مامور شدند در شب از ترس کفار از مکه معظمه فرار نمایند و بسمت مدینه تشریف ببرند و امیر در فراش خود بخوابانند بعد از اظهار این مطلب بانجناب عرض کرد یا رسول الله اگر من در جای شما بخوابم و هرگاه کشته شوم جان شریف شما سالم میباشد فرمودند بلی پس امیر عرض کرد یا رسول الله چون از سلامتی ذات شریف خود مرا خبر دادید بان مژده از مرگ خود خوشحالم و در همان شب آنجناب گلیم سبز حضرت رسول را بسر خود کشیده و در محل خواب آنحضرت خوابیده و کفار قریش باسرکردگی ابوجهل و خالد و ولید و حنظلة بن ابی سفیان تا صبح در اطراف خانه سنگ بجانب آنجناب میانداختند و آنجناب چون خودرا سخت پیچیده بودند آسیبی باو نرسید تا صبح شد ۱۲

کفروا

كفروا الحيوة الدنيا ويسخرون من الذين امنوا والذين اتقوا فوقهم

كافر شدند زندگی دنیا را واستهزا میکنند از آنانکه گرویدند وآنانکه پرهیزگارند بالای ایشانند

يوم القيمة والله يرزق من يشاء بغير حساب ٢٠٩ كان الناس امة واحدة

روز رستخیز وخدا روزی میدهد آنرا که بخواهد بغیر حساب بودند مردم یک گروه تنها

فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وانزل معهم الكتاب بالحق

پس برانگیخت خدا پیغمبرانرا مژده دهندگان وبیم کنندگان وفرو فرستاد با ایشان کتاب را بدرستی

ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه وما اختلف فيه الا الذين

تا حکم فرماید میانه مردم در آنچه اختلاف میکردند در آن واختلاف نکرد در آن مگر آنانکه

اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم فهدى الله الذين

داده شدند آنرا از بعد آنچه ایشانرا آمد از معجزات سرکشی میانشان پس هدایت کرد خدا آنانکه

امنوا لما اختلفوا فيه من الحق باذنه والله يهدي من يشاء الى صراط

گرویدند از آنچه اختلاف کردند در آن از راستی باذن او وخدا هدایت میکند آنرا که بخواهد بسوی راه

مستقيم ٢١٠ ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما ياتكم مثل الذين

راست آیا پنداشتید که درمیائید بهشت را وچون آمد شما را مثل آنانکه

خلوا من قبلكم مستهم البأساء والضراء وزلزلوا حتى يقول

گذشتند پیش از شما مس کرد ایشانرا سختیها وزیانها وزلزله شدند تا اینکه بگوید

الرسول والذين امنوا معه متى نصر الله الا ان نصر الله قريب ٢١١

پیغمبر وآنانکه گرویدند با او کی باشد نصر خدا آگاه باشید بدرستیکه نصر خدا نزدیک است

يسئلونك ماذا ينفقون قل ما انفقتم من خير فللوالدين والاقربين

میپرسند ترا که چه چیز انفاق کنند بگو آنچه کنند از خیر پس بدرستیکه پدر و مادر و نزدیکان

واليتامى والمساكين وابن السبيل وما تفعلوا من خير فان الله به

و یتیمان و بیچارگان و پسر راه وآنچه بکنید از خیر پس بدرستیکه خدا بآن

عليم ٢١٢ كتب عليكم القتال وهو كره لكم ٢١٣ وعسى ان تكرهوا

داناست نوشته شد بر شما کارزار واو کراهت دارد برای شما وبسا که مکروه میدارید

شيئا وهو خير لكم وعسى ان تحبوا شيئا وهو شر لكم والله

چیزیرا واو خیر است برای شما وبسا که دوست میدارید چیزیرا واو شر است برای شما وخدا

يعلم وانتم لا تعلمون ٢١٤ يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل

میداند وشما نمیدانید میپرسند ترا از ماه حرام کارزار در آنرا بگو

قتال فيه كبير وصد عن سبيل الله وكفر به والمسجد الحرام واخراج

کارزار در آن بزرگ است وبازداشتن از راه خدا وکافر شدن بآن ومسجد الحرام وبیرون

اهله منه اكبر عند الله والفتنة اكبر من القتل ولا يزالون

کردن اهلش را از آن بزرگتر است نزد خدا وفتنه بزرگتر از قتل است وزایل نشوند

اوتوه بضم همزه و سکون واو اولی

والضراء بیماری و تشنگی و گرسنگی نقل است که بیان کرده طایفه ای از مفسرین از کسانی که مردند و در حدیث آمده است که سخت ترین بلاها که در توجه انبیا بوده و بعد از ما اولی مثل ها اولی اذیت ... این قول است زان بلاها که انبیا برداشتند پس بجمیع مفسرین افراشتند هرکه را در راه محبت بیشتر بر دل او بار محنت بیشتر پس انبیا و مومنان بمحنت گذارده شده اند ١٢

يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ

کارزار شما را تا اینکه بگردانند شما را از دینتان اگر بتوانند وآنکه بازگردد از شما از

دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ

دینش پس بمیرد واو کافر است پس آنها نابود شود کردارشان در دنیا وآخرت و

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۲۱۵ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ

وآنها یند یاران آتش ایشانند در آن همیشه بدرستیکه آنان که گرویدند وآنانکه

هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ

هجرت کردند وجهد کردند در راه خدا آنها امیدوارند برحمت خدا و خدا

غَفُورٌ رَحِيمٌ ۲۱۶ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ

آمرزنده مهربانست میپرسند ترا از شراب و قمار بگو در آنها گناهیست بزرگ

مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۲۱۷

وسودهاست برای مردم وگناه آندو بزرگتر است از سود آنها ومیپرسند ترا که چه چیز انفاق میکنند

قُلِ الْعَفْوَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۲۱۸

بگو عفو همچنان بیان میکند خدا برای شما آیاتش را شاید شما فکر کنید

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ ۲۱۹

در دنیا و آخرت ومیپرسند ترا از یتیمان بگو اصلاح مرآنها را بهتر است

وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ

واگر آمیزش کنید ایشان را پس برادرانتانند وخدا میداند مفسد را از مصلح واگر بخواهد

اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲۲۰ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ

خدا هرآینه در زحمت افکند شما را بدرستیکه خدا غالب درست کردار است ونکاح مکنید زنهای مشرکه را تا

يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ

اینکه بگروند وکنیز مؤمنه بهتر است از زن مشرکه واگرچه بعجب دارند شما را ونکاح نشوید مردان مشرک را

حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۲۲۱ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ

تا اینکه ایمان آورند وهرآینه بندهٔ مؤمن بهتر است از مشرک واگرچه بعجب دارند شما را آنها میخوانند

إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ

بسوی آتش وخدا میخواند بسوی بهشت وآمرزش باذن او وبیان میکند آیاتش را برای مردم

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۲۲۲ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى

شاید آنها پند گیرند ومیپرسند ترا از حیض بگو او رنج است

فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ

پس ترک کنید زنها را در هنگام حیض ونزدیک نشوید آنها را تا آنکه پاک شوند پس چون پاک شوند

فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ۲۲۳

پس بیائید آنها را از جائیکه امر فرمود شما را خدا بدرستیکه خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاکان را

وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ
بدانکه باجماع امامیه خمر در جمیع شرایع حرام بوده و در هیچ شریعتی مباح نبوده و همچنین جمیع مسکرات و اخبار متواتره در اینباب از ائمه منقول است ۱۲

عَنِ الْمَحِيضِ
از حیض زنان یهود در زمان حیض آنها مهاجرت کردی و چشم بروی آنها نیفکندی و خوردن طعام و گفتن کلام را با ایشان حرام دانستندی و نصاری برعکس آن در انکال با ایشان مکالمه و مواکله میبودند بلکه بمباشرت و مباشرت می افزودند تا ثابت بن دحداح گفت یارسول الله با زنان در حالت حیض چگونه سلوک کنیم جواب که بخوبی معیشت و حسن معاشرت و آنچه از علم دین بکار آید بزن آموختن ۱۲

نساؤكم

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا

زنان شما کشت زارند برای شما پس بیائید کشت زار خودتان را هر جا که خواهید و مقدم بدارید برای خودتان و بپرهیزید

اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ٢٢٤ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً

از خدا و بدانید که شما ملاقات کننده اوئید و مژده ده مؤمنان را و مگردانید خدا را دست آویز

لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ

برای سوگند هاتان که نیکوئی کنید و بپرهیزید و بصلاح آورید میان مردم و خدا شنونده

عَلِيمٌ ٢٢٥ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا

داناست نمیگیرد خدا شما را به بیهوده در سوگند هاتان ولیکن میگیرد شما را بآنچه

كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ٢٢٦ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ

کسب کرده دلهای شما و خداست آمرزنده بردبار مر آنانکه دوری میکنند از زنانشان انتظار بردن

أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٢٢٧ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ

چهار ماه پس اگر باز آئید پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و اگر اراده کنند طلاق را

فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٢٨ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ

پس بدرستیکه خدا شنونده داناست و زنان طلاق داده شده انتظار برند بخودهاشان سه طهر

وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ

و حلال نیست مر ایشان را که پنهان کنند آنچه آفرید خدا در رحمهاشان اگر باشند که ایمان آورند بخدا

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا

و روز آخر و شوهرهاشان سزاوارترند بباز آوردنشان در این اگر خواهند اصلاح را

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ

و مر ایشانراست مانند آنچه بر ایشانست به نیکی و مر مردانراست بر ایشان مرتبهٔ و خدا

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٢٩ الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ

غالب درستکرداراست طلاق دو باراست پس نگاه داشتن به نیکی یا رها کردن بنکوئی

وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا

و حلال نیست مر شما را اینکه بگیرید از آنچه داده شد ایشان را چیزی مگر اینکه بترسند از اینکه برپا دارند

حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا

حدهای خدا را پس اگر بترسید که برپا ندارند حدهای خدا را پس نیست گناهی بر ایشان در آنچه

افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ

فدا دهد زن بآن اینست حدهای خدا پس در مگذرید از آن و کسیکه درگذرد از حدهای خدا پس ایشانند

هُمُ الظَّالِمُونَ ٢٣٠ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ

ایشان ستمگاران پس اگر طلاق دهد او را پس حلال نیست مر او را از بعد تا اینکه نکاح کند شوهری جز او

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ

پس اگر طلاق دهد او را پس نیست گناهی بر ایشان آنکه برگردند اگر گمان داشته باشند که برپا میدارند حدهای

ولا تجعلوا الله عرضة لایمانکم بضم عین عرضة بی نقطه و فتح الف لایمانکم

والمسجد الحرام یعنی و باز داشتن است از مسجد الحرام و این یا بتقدیر صداست بنا بر عدم جواز عطفش بر سبیل الله که صله صداست بنا بر عدم جواز عطف و کفر معطوف است بر آنچه مستحسن نیست تقدیم معطوف بر موصول بر معطوف بر صله و یا عطف بر سبیل الله از راه اجنبی بودن کفر به زیراکه کفر بر صد ها وقت بمنزله شیء

[illegible]

واحد است و جمهور جایز دانسته اند عطفش بر ضمیر را از این رو که واجب اعاده جار اگر چه کوفیان جایز دانسته اند بهمانکه در تساءلون به والارحام در سورهٔ نساء بنا بر قرائت حمزه بود و اول ابعد وجوه ثمة است و چهارم اقرب [illegible] نفقه بر

اللهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۲۳۱ وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ
خدا و اینست حدهای خدا که بیان میکند آنرا برای گروهی که میدانند و چون طلاق دهید زنانرا

فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا
پس برسند بآخر مدتشان پس نگاه دارید ایشانرا بخوبی یا رها دهید ایشان را بخوبی و

تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا
نگاه دارید ایشانرا از راه ضرر که تعدی کنید و کسیکه بکند این را پس بتحقیق ستم کرده خودرا و

تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ وَمَا اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ
مگیرید آیات خدارا باستهزا و یاد کنید نعمت خدارا برخودتان و آنچه فرو فرستد بر شما

مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ بِكُلِّ
از کتاب و حکمت پند میدهد شمارا بآن و بترسید از خدا و بدانید که خدا بهر

شَيْءٍ عَلِيمٌ ۲۳۲ وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ
چیز داناست و چون طلاق دهید زنانرا پس برسند بآخر مدتشان پس منع مکنید

اَنْ يَنْكِحْنَ اَزْوَاجَهُنَّ اِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ
که نکاح کنند ایشان با شوهرهای شان هرگاه برضای هم روند میانشان بنیکی آن پند داده میشود بآن

مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذٰلِكُمْ اَزْكٰى لَكُمْ وَاَطْهَرُ
هرکه باشد از شما که بگرود بخدا و روز آخر این شمارا پاکیزه تر است مر شمارا و پاکتر

وَاللهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۲۳۳ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ
و خدا میداند و شما نمیدانید و مادران که شیر میدهند فرزندانشانرا

حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ
در دو سال تمام برای آنکه خواسته که تمام کند شیر دادنرا و بر کسیکه مولود مراو راست

رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ اِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ
روزی ایشان و لباسشان را بنیکی تکلیف کرده نشود نفسی مگر باندازه توانائی او که ضرر رسانند

وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ فَاِنْ
نشود مادری بفرزندش و نه مولودی مراورا بفرزندش و بر وارث است مانند این پس اگر

اَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَاِنْ
اراده کنند از شیر گرفتن از راه خوشنودی از ایشان و مشورت پس نیست باکی بر ایشان و اگر

اَرَدْتُمْ اَنْ تَسْتَرْضِعُوا اَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِذَا سَلَّمْتُمْ مَا
خواسته باشید آنکه بدایه بدهید فرزندانتانرا پس نیست گناهی بر شما چون گردن نهید آنچه

آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۲۳۴
داده اید بنیکی و بپرهیزید از خدا و بدانید که خدا بآنچه میکنید بیناست

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ اَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ اَرْبَعَةَ
و آنانکه وفات میکنند از شما و وامیگذارند جفتهاشان را انتظار برند بخودشان چهار

قوله تعالی یتربصن ۲۳۴ ظاهر آیه شریفه شامل مطلق زوجه است از صغیره و کبیره و حره و امه مدخول بها و حامل و غیر حامل ولیکن عده حامل نزد شیعه اهل بیت علیهم السلام ابعد الاجلین است و عده امه نزد بعضی از اصحاب دو ماه و پنج روز است که نصف عده حره باشد و گفته اند در زن میت بلکه از جاریه ... بجز عده نفقه و مسکنی واجب نیست بلکه ... واجب است براو ترک زینت و ترک ... و ترک نقل از منزل چنانکه

وعلی المولود له رزقهن له را متصل بمولود نمایند نه برزقهن و همچنین است در ولا مولود له

در تبیان و مجمع البیان مذکور است ولیکن وجوب ترک نقل در طریقه اهل بیت علیهم السلام نیست آری در مطلقه رجعیه گفته اند واجب است بر زن رفتن از منزل مگر نصف شب از برای حاجت یا رجوع در همان شب

اشهر

أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ

ماه وده روز پس چون رسیدند مدتشان را پس باکی نیست بر شما در آنچه کردند در خودهاشان

بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ٢٣٥ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ

بنکوئی وخدا بآنچه میکنید آگاهست ونیست باکی بر شما در آنچه بکنایه خبر دادیم

بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ

بآن از خواستگاری از زنان یا پنهان داشتید در خودهاتان دانسته خدا که شما زود باشد یاد کنید آنها را

وَلَٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ٢٣٦ وَلَا

ولیکن وعده ندهید ایشان را پنهانی مگر آنکه بگوئید گفتن خوب ونقصد

تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ

مکنید بستن نکاح را تا برسد کتاب مدت او وبدانید که خدا میداند

مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ٢٣٧ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

آنچه در خود شماست پس بترسید اورا وبدانید که خدا آمرزنده بردبار است نیست باکی بر شما

إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى

اگر طلاق دهید زنها را مادامیکه مس نکرده اید آنها را یا مقرر کرده باشید مر ایشان را مهری وبرخورداری دهید بر

الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ٢٣٨

هر که توانگر است اندازه اش وبرهر که تنگدست است اندازه اش برخورداری خوب حق را بر نیکوکاران

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ

واگر طلاق دادید آنها را پیش از آنکه مس کنید آنها را وبتحقیق واجب کرده اید مر ایشان را مهری پس نصف

مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ

آنچه معین کردید مگر آنکه ببخشند یا ببخشد آنکه بدست اوست بستن نکاح واگر

تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ

ببخشید نزدیکتر است مر پرهیزگاری را وفراموش مکنید احسان را میانه خود بدرستیکه خدا بآنچه میکنید

بَصِيرٌ ٢٣٩ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ

بیناست نگاهداری کنید بر نمازها ونماز میانه وبپا دارید برای خدا

قَانِتِينَ ٢٤٠ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا

دعا خواندن را پس اگر بترسید پس پیادگان یا سواران پس هرگاه ایمن باشید پس یاد کنید خدا را چنانکه

عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ٢٤١ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ

آموخت شما را آنچه را که نبودید که بدانید وآنانکه وفات میکنند از شما ومیگذارند

أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا

جفتها را وصیتی مر جفتهاشان را بهره تا سال بدون بیرون کردن پس اگر بیرون شدند پس

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٤٢ وَلِلْمُطَلَّقَاتِ

نیست باکی بر شما در آنچه کردند در خودهاشان از خوب وخدا غالب درستکردار است ومر طلاق داده شدگان

قوله تعالی حافظوا علی الصلوات ... [illegible]

این پنج نماز مخفی داشته است تا بندگان محافظت بر جمیع نمازهای خود داشته باشند مثل مخفی داشتن شب قدر ... [illegible]

مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ٢٤٣ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

بهره بخوبی براستی بر پرهیزگاران همچنان بیان میکند خدا برا یشما آیاتش را

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٢٤٤ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ

شاید شما دریابید آیا ندیدی بسوی آنانکه بیرون رفتند از خانه هاشان و ایشان هزاران بودند از ترس

الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ

مرگ پس گفت برایشان خدا که بمیرید پس زنده کرد ایشانرا بدرستیکه خدا صاحب فضلست بر مردم

لَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ٢٤٥ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ

و لیکن بیشتر مردم شکر نمیکنند و کارزار کنید در راه خدا و بدانید که

اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٤٦ مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ

خدا شنونده دانا است کیست آنکه قرض بدهد خدا را قرض نیکو پس زیاد کند مرا و را است

أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٢٤٧ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ

دو چندان بسیار و خدا میگیرد و میگشاید و بسوی او برمیگردید آیا ندیدی بسوی گروه

مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلْ

از بنی اسرائیل از بعد موسی چون گفتند مر پیغمبری مر ایشانرا که برانگیز برای ما فرشته را که کارزار کنیم

فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا

در راه خدا گفت آیا باشید شما که اگر نوشته شود برشما کارزار اینکه کارزار نکنید گفتند

وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا

و نیست برای ما که کارزار نکنیم در راه خدا و بتحقیق که بیرون شدیم از خانه هامان و فرزندانمان پس چون

كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ٢٤٨

نوشته شد برایشان کارزار پشت گردند مگر اندکی از آنها و خدا داناست بستمگاران

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ

و گفت مر ایشانرا پیغمبرشان بدرستیکه خدا بتحقیق برانگیخت برایشما طالوت را پادشاه گفتند چگونه باشد

لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ

مر او را پادشاهی برما و ما سزاوارتریم بپادشاهی از او و داده نشد فراخیرا از مال گفت

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ

بدرستیکه خدا برگزید او را برشما وافزود او را گشادی در دانش و بدن و خدا میدهد پادشاهیرا

مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ٢٤٩ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن

بانکه بخواهد و خدا فراخ دانش است و گفت مر ایشانرا پیغمبرشان بدرستیکه نشان پادشاهی است

يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

که بیاید شمارا تابوت که در او سکینه از پروردگارتان و باقی مانده از آنچه واگذاشت آل موسی و آل هرون

تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ٢٥٠ فَلَمَّا فَصَلَ

بر میدارندش فرشتها بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست برای شما اگر هستید گروندگان پس چون جدا شد

قوله تعالی
الم تر الی الذین الی
لا یشکرون این آیه را بر
سیاهی بر طشتی نوشته
و بعصاره برگ زیتون
آنرا بشویند در خانه که مار
و پشه و کژدم و همه جنبوات
موذیه باشند جا شتند
تمام بپرسند و اگر هم چنین
بر چهار برگ از درخت
زیتون بنویسند و در چهار
رکن خانه دفن کنند همه
پشه و سایر حیوانات
از آنخانه فرار
نمایند

قوله تعالی
در قرآن الم تر الی
الملاء الی علیم بالظالمین
در قرآن چهار آیت
است و چهار سجده

ملکاً
نقاتل بسکون
لام امنت
چنانچه که در این دو جا
از هر یک سند گور است اول
اول این آیه است آیت

الا
نقاتل بفتح لام
امنت
دوم در سوره آل عمران است
که لقد سمع الله الی عذاب
الحریق آیه سوم در سوره
نساء الم تر الی الذین
قیل الی قتیلا و آیه چهارم
در سوره مائده و اتل علیهم
نبا ابنی الی المتقین اگر
این چهار آیه را بر علمی نویسند
در سر لشکری در میان آن
باشد منهزم نشوند و نصرت
نصرت و ظفر ایشانرا باشد
و اگر بر ورقی آنرا نویسند و در
تاج یا عمامه نگاه دارند غالب
جاه و امرا و وزرا او را
دوست دارند و از سخن او
تجاوز ننمایند و در
نظرشان
با هیبت باشد
والسلام

طالوت

طالوت بالجنود قال ان الله مبتليكم بنهر فمن شرب منه فليس مني ومن

طالوت با لشکرهایش گفت بدرستیکه خدا آزمایش کنند شمارا بجوی پس آنکه آشامید از آن پس نیست از من وآنکه

لم يطعمه فانه مني الا من اغترف غرفة بيده فشربوا منه الا قليلا منهم

نچشید اورا پس او از منست مگر آنکه بردارد کفی بدستش پس نوشیدند از آن مگر اندکی از ایشان

فلما جاوزه هو والذين امنوا معه قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت و

پس چون گذشت اورا او وآنانکه گرویدند با او گفتند نیست طاقتی برای ما امروز بجالوت و

جنوده قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت

ولشکرهایش گفتند آنانکه پنداشتند که ایشان ملاقات کردند خدارا بسیار از گروه اندک که غالب شدند

فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين ۲۵۱ ولما برزوا لجالوت و

بگروه بسیار باذن خدا وخدا با صبر کنندگانست وچون برابر شدند جالوت را و

جنوده قالوا ربنا افرغ علينا صبرا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم

لشکرهایش را گفتند پروردگارا فروریز برما صبررا وبرجا دار قدمهای مارا ونصرت ده مارا بر گروه

الكافرين ۲۵۲ فهزموهم باذن الله وقتل داود جالوت واتاه الله

کافران پس فرار نمودند ایشان باذن خدا وکشت داود جالوت را وداد اورا خدا

الملك والحكمة وعلمه مما يشاء ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض

پادشاهی وحکمت وآموخت اورا از آنچه میخواهد واگر نبود دفع خدا مردمان را برخیشان را برخی

لفسدت الارض ولكن الله ذو فضل على العالمين ۲۵۳ تلك ايات الله

هرآینه فساد میشد زمین ولیکن خدا صاحب فضلست بر جهانیان اینست آیات خدا

نتلوها عليك بالحق وانك لمن المرسلين ۲۵۴ تلك الرسل فضلنا بعضهم

خواندیم آنرا بر تو براستی وبدرستیکه تو هرآینه از فرستاده شدگانی این فرستاده شدگان زیادتی دادیم بعضی

على بعض منهم من كلم الله ورفع بعضهم درجات واتينا عيسى ابن مريم

بر بعضی از ایشان کسیست که سخن کرد با خدا وبلند کرد برخی از ایشان مرتبها وداديم عیسی پسر مریم را

البينات وايدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذين من

معجزها وقوت دادیم اورا بروح پاکیزه واگر میخواست خدا کارزار نمیکردند آنانکه بود از

بعدهم من بعد ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا فمنهم من امن ومنهم

بعد ایشان از بعد آنچه آمد ایشانرا معجزات ولیکن اختلاف کردند پس از آنها کسی است که گروید واز آنها

من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل ما يريد ۲۵۵ يا ايها

کسی که کافر شد واگر خواهد خدا کارزار نمیکردند ولیکن خدا میکند آنچه اراده میکند ای

الذين امنوا انفقوا مما رزقناكم من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة

آنانکه گرویدند انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شمارا پیش از آنکه بیاید روزیکه نباشد بیعی در آن ونه دوستی

ولا شفاعة والكافرون هم الظالمون ۲۵۶ الله لا اله الا هو الحي القيوم

ونه شفاعتی وکافران ایشانند ستمکاران خدا نیست خدائی مگر او زنده است ایستاده

قوله تعالی ولما برزوا لجالوت الی علی القوم الکافرین این آیه را بر علی سرخ نوشته صدوقی وال وقسر ثابت ومسعود در از نحوست باشد و این علم را بر لشکری با خود دارد وبیاکند ترس در دل دشمنان واقتد وفرار کنند باذن الله تعالی

داود باشباع داد

منزل سوم از ربع

قوله تعالی ورفع بعضهم درجات الی قوله وبفعل ما یرید هر کس این آیه را بر صفحه از نسبن نویسد در اول ماه با خود نگاه دارد سلطان او رفع شود وقوت حافظه او زیاد شود اگر او را عشک ورعفران بر آهو نویسد با خود نگاه دارد رفعت وجاه او فراهم شود ومقبول خلایق گردد

قوله الله لا اله الا هو الی هم فیها خالدون هر کس این آیة الکرسی را عقب هر نماز فریضه بخواند از وسوسه شیطان دکر او ایمن شود واز فقر وفاقه خلاصی یابد ودر هر جا از جائیکه چشم داشته باشد برسد وهر که هر صباح در وقت بیرون آمدن از منزل خود بخواند ودر هر وقتیکه بخواب رود از خرابی ایمن شود ودر وسعتی نشیند واز مرض خدا ایمنی آورد واز صحت عنایت فرماید واز ترس وفزع در خواب ایمن شود واگر او را بر سفال نو نویسند ودر میان غله نهند از آفت سالم ماند ۱۲

لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي
بگیردش پینکی ونه خوابی مراوراست آنچه در آسمان و آنچه در زمین است کیست آنکه

يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون
شفاعت کند نزد او مگر بفرمان او میداند آنچه میان دستهاشانست و آنچه از پس پشتهاشانست و احاطه نکنند

بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده
بچیزی از دانش او مگر بآنچه خواهد گنجایش یافته کرسی او آسمانها و زمین را و گران نیست او را

حفظهما وهو العلي العظيم ٢٥٧ لا اكراه في الدين قد تبين الرشد
نگاهداری آنها و او بلند مرتبه بزرگ است نیست اکراهی در دین بتحقیق ظاهر است راستروی

من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة
از گمراهی پس آنکه کافر شد به بت وگروید بخدا پس بتحقیق که چنگ زده بدستهٔ

الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم ٢٥٨ الله ولي الذين امنوا يخرجهم
محکم که پاره شدنی نباشد مر آنرا و خدا شنوا و داناست خدا دوست کسانیست که گرویدند بیرون میآرد ایشانرا

من الظلمات الى النور ٢٥٩ والذين كفروا اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم
از تاریکیها بسوی روشنی و آنانکه کافر شدند دوستان ایشان بتهاست بیرون میبرند ایشانرا

من النور الى الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ٢٦٠ الم تر الى
از روشنی بسوی تاریکیها ایشان یاران آتشند در آن جاویدانند آیا نگاه نکردی

الذي حاج ابرهيم في ربه ان اته الله الملك اذ قال ابرهيم ربي الذي يحيي
بسوی آنکه جدال کرد با ابراهیم در پروردگارش آنکه داده بود او را خدا پادشاهی چون گفت ابراهیم پروردگار من آنکه زنده میکند

ويميت قال انا احيي واميت قال ابرهيم فان الله ياتي بالشمس من المشرق فات
و میمیراند گفت من زنده میکنم و میمیرانم گفت ابراهیم پس بدرستیکه خدا میآورد آفتاب را از مشرق پس بیاور

بها من المغرب فبهت الذي كفر والله لا يهدي القوم الظالمين ٢٦١ او
آنرا از مغرب پس مبهوت شد آنکه کافر شد و خدا هدایت نمیکند گروه ستمکاران را یا

كالذي مر على قرية وهي خاوية على عروشها قال انى يحيي هذه الله
مثل آنکه گذشت بقریه و آن افتاده بود بر سقفهایش گفت چگونه زنده میکند این را خدا

بعد موتها فاماته الله مائة عام ثم بعثه قال كم لبثت قال لبثت يوما او
بعد مردنش پس میراند خدا او را صد سال پس برانگیخت گفت چقدر درنگ کردی گفت درنگ کردم روزی یا

بعض يوم قال بل لبثت مائة عام فانظر الى طعامك وشرابك لم يتسنه و
پاره روزی گفت بلکه درنگ کردی صد سال پس نظر کن بطعامت و شرابت که فاسد نشده و

انظر الى حمارك ولنجعلك اية للناس وانظر الى العظام كيف ننشزها ثم نكسوها
نظر کن بخرت تا بگردانیم ترا نشانه مر مردم را و نظر کن باستخوان چگونه برهم نهیم آنرا پس میپوشیم آنرا

لحما فلما تبين له قال اعلم ان الله على كل شيء قدير ٢٦٢ واذ قال ابرهيم رب
گوشت پس چون ظاهر شد مراو را گفت دانستم که خدا بر همه چیز تواناست و چون گفت ابراهیم پروردگارا

اَرِنِيْ كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتٰى قَالَ اَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلٰى وَلٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِيْ قَالَ فَخُذْ

بنما مرا که چگونه زنده میکنی مردگانرا گفت آیا ایمان نیاوردی گفت آری ولیکن برای آنکه بیارامد دل من گفت پس بگیر

اَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ اِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلٰى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ

چهار را از پرنده پس پاره پاره کن بسوی تو پس قرار ده برهر کوهی از آنها جزء را پس بخوان ایشانرا

يَاْتِيْنَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۲۶۳ مَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ

بیایند ترا شتافتنی و بدان که خدا غالب درست کردار است مثل آنانکه انفاق کردند مالهایشان

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِيْ كُلِّ سُنْۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللّٰهُ

در راه خدا مانند مثل دانه ایست که برویاند هفت خوشه در هر خوشه صد دانه و خدا

يُضٰعِفُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ۲۶۴ اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِيْ

دو چندان میکند از برای آنکه میخواهد و خدا گشاینده داناست آنانکه انفاق میکنند مالهاشانرا در

سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُوْنَ مَآ اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَآ اَذًى لَّهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا

در راه خدا پس پیروی نمیکنند آنچه انفاق کردند منتی و نه آزاری را برای ایشانست مزدشان نزد پروردگارشان و نه

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۲۶۵ قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ وَّمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ

ترسی برایشان است و نه ایشان غمناک میشوند گفتار خوب و آمرزش بهتر است از صدقه

يَّتْبَعُهَآ اَذًى وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَلِيْمٌ ۲۶۶ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ

که از پی درآید آنرا آزاری و خدا بی نیاز بردبار است ای آنانکه گرویدید باطل مکنید صدقه هایتانرا

بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى كَالَّذِيْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَآءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ

بمنت و آزار مانند آنکه انفاق میکند مالش را بریا مردم و نمیگرود بخدا و روز

الْاٰخِرِ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا لَا يَقْدِرُوْنَ

آخرت پس مثل او مثل سنگ همواراست بر آن خاکی پس برسد او را باران بزرگ دانه پس واگذارد آنرا ساده نمیتوانند

عَلٰى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ۲۶۷ وَمَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ

بر چیزی از آنچه کسب کردند و خدا هدایت نمیکند گروه کافرانرا و مثل آنانکه انفاق میکنند

اَمْوَالَهُمُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَتَثْبِيْتًا مِّنْ اَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ اَصَابَهَا

مالهایشانرا که بجویند خوشنودیهای خدارا و ثابت کردنی از خودهاشان مانند مثل بوستانیست بر بلندی که برسد آنرا

وَابِلٌ فَاٰتَتْ اُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَاِنْ لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ

باران دانه بزرگ پس بدهد ثمرش دوچندان پس اگر نرسد او را باران پس باران خورد و خدا بآنچه میکنید

بَصِيْرٌ ۲۶۸ اَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُوْنَ لَهٗ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّاَعْنَابٍ تَجْرِيْ مِنْ

بیناست آیا دوست میدارد یکی از شما آنکه مر او را بوستانی از خرما و انگورها که برود از

تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ لَهٗ فِيْهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهٗ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ

زیرش نهرها مر او راست در آن از همه میوه ها و برسد او را پیری و مر او راست اولاد ناتوان

فَاَصَابَهَآ اِعْصَارٌ فِيْهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ

پس برسد او را گردبادی که باشد در آن آتشی پس بسوزد همچنین بیان میکند خدا برای شما آیتها را

لعلكم تتفكرون ٢٦٩ يا أيها الذين آمنوا أنفقوا من طيبات ما كسبتم ومما

شاید شما فکر کنید ای آنانکه گرویدید انفاق کنید از پاکیزه ها آنچه کسب کردید واز آنچه

أخرجنا لكم من الأرض ولا تيمموا الخبيث منه تنفقون ٢٧٠ ولستم

بیرون آوردیم برای شما از زمین وقصد مکنید بد را که از آن انفاق کنید ونیستید

بآخذيه إلا أن تغمضوا فيه واعلموا أن الله غني حميد ٢٧١ الشيطان

گیرنده آنرا مگر آنکه چشم بپوشید در آن وبدانید که خدای بی نیاز ستوده است شیطان

يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء والله يعدكم مغفرة منه وفضلا و

وعده میدهد شما را بدرویشی وامر میکند شما را بزشتی ها وخدا وعده میدهد شما را بآمرزش از او وزیادتیرا و

الله واسع عليم ٢٧٢ يؤتي الحكمة من يشاء ومن يؤت الحكمة فقد

خدا گشاینده داناست میدهد حکمت آنرا که میخواهد وآنکه داده شد حکمت پس بتحقیق

أوتي خيرا كثيرا وما يذكر إلا أولوا الألباب ٢٧٣ وما أنفقتم من نفقة

داده شود خیر زیاد وپند نمیگیرند مگر صاحبان خردها وآنچه را انفاق کردید از نفقه

أو نذرتم من نذر فإن الله يعلمه وما للظالمين من أنصار إن تبدوا

یا لازم کردید از نذری پس بدرستیکه خدا میداند آنرا ونیست مر ستمکارانرا یاوری اگر ظاهر کنید

الصدقات فنعما هي وإن تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم ويكفر

صدقه ها را پس خوبست آن واگر پنهان کنید آنرا وبدهید آنرا بفقراء پس او بهتر است از برای شما وبگرداند

عنكم من سيئاتكم والله بما تعملون خبير ٢٧٤ ليس عليك هداهم ولكن الله

از شما بدیهای شما را وخدا بآنچه میکنید آگاهست نیست بر تو هدایت آنها ولیکن خدا

يهدي من يشاء وما تنفقوا من خير فلأنفسكم وما تنفقون إلا ابتغاء وجه

هدایت میکند آنرا که میخواهد وآنچه انفاق میکنید از خیر پس برای خودتانست وانفاق مکنید مگر جستن رضای

الله وما تنفقوا من خير يوف إليكم وأنتم لا تظلمون للفقراء الذين أحصروا

خدا وآنچه انفاق میکنید از خیر میرساند بشما وشما ستمکرده نشوید مردرویشان آنانکه بازداشته شدند

في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الأرض يحسبهم الجاهل أغنياء

در راه خدا نمیتوانند سیر کردنرا در زمین پندارند ایشانرا نادان که توانگرانند

من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسألون الناس إلحافا وما تنفقوا من خير

از عفت گزینی میشناسی آنها را بسیمای ایشان نپرسند مردمرا بابرام وآنچه انفاق کنید از خیر

فإن الله به عليم ٢٧٥ الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار سرا و

پس بدرستیکه خدا بآن داناست آنانکه انفاق میکنند مالهاشانرا بشب وروز نهان

علانية فلهم أجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ٢٧٦ الذين

وآشکارا پس برای ایشانست مزد ایشان نزد پروردگارشان ونیست ترسی بر ایشان ونه ایشان اندوه خورند آنانکه

يأكلون الربا لا يقومون إلا كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس

میخورند ربارا برنمیخیزند مگر چنانچه برمیخیزد آنکه دیوانه میکند او را شیطان از مس

قوله تعالی
او كالذی مر علی
قرية الی شیء قدیر هر
کس اینرا بر پوست آهو
نویسد در ساعت چهارم
از روز یکشنبه از دو ای که
دیگری از آن گرفته است
بگرده ماشنبه با صنوبر
بنویسد پس نوشته را در
خرقه یا کی بپیچد در میان
یا بستانی خراب یا چشمه
معطل یا قریه معطله دفن
کنند آنمقام معمور شود
باذن الله واگر این آیه را
در ظرفی پاک بزعفران
واب باران بشویند
شه نوبت چنین کنند پس

أوتی
بالاشباع

این آیه بر درختی زیر
باران درخت زیاد شود
واگر در ظرفی پاک بنویسند
وباب چاه بشویند و
قدری شکر طبرزد در آن
اضافه نماید هفت روز
این آب را بمریض دهند
از مرض عافیت یابد
واگر این آیه بنویسند
وبروغن زیت بشویند
در روز جمعه آنرا در شیشه
بمالد سه روز جمعه بدن
عمل نماید موی که ریخته باشد
براید واگر اینرا بکاسه
نویسد از چوب آنجیر یا
چوب زیتون وباب باران
بشوید پس آنرا بخورد
سختی او آسان گردد هرچه
شنود بگیرد حافظه اش
زیاد شود باذن الله تعالی

ذلك

ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل الربوا واحل الله البيع وحرم الربوا فمن

این بسبب آنست که گفتند که بیع مانند رباست و حلال کرد خدا بیع را و حرام کرد ربا را پس اگر

جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف وامره الى الله ومن عاد

آمد او را پندی از پروردگارش پس باز ایستاد پس مر او راست آنچه گذشته و کارش با خداست و آنکه برگشت

فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ۲۷۷ يمحق الله الربوا ويربي

پس آنها ایشند یاران آتش ایشان در آن همیشه اند بی برکت کرد خدا ربا را و افزونی داد

الصدقات والله لا يحب كل كفار اثيم ان الذين امنوا وعملوا الصالحات

صدقها را و خدا دوست نمیدارد هر ناسپاس گناهکار را بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

واقاموا الصلوة واتوا الزكوة لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم

و برپا داشتند نماز را و دادند زکات را مر ایشانراست مزدشان نزد پروردگارشان و نه ترسی است بر ایشان

ولا هم يحزنون ۲۷۸ يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وذروا ما بقي من

و نه ایشان اندوه میخورند ای آنانکه گرویدید بپرهیزید خدا را و واگذارید آنچه باقی ماند از

الربوا ان كنتم مؤمنين ۲۷۹ فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله ورسوله

ربا را اگر هستید گروندگان پس اگر نکنید پس اعلام کنید بجنگی از خدا و رسولش

وان تبتم فلكم رؤس اموالكم لا تظلمون ولا تظلمون ۲۸۰ وان كان

واگر توبه کردید پس مر شماراست سرهای مالهایتان ستم نمیکنید و ستم کرده نشوید واگر باشد

ذو عسرة فنظرة الى ميسرة وان تصدقوا خير لكم ان كنتم تعلمون ۲۸۱

صاحب سختی پس مهلت دادنی تا وقت آسودگی و اینکه صدقه بدهید بهتر است مر شمارا اگر باشید که بدانید

واتقوا يوما ترجعون فيه الى الله ثم توفى كل نفس ما كسبت وهم لا

و بترسید روزرا که برگردانیده شوید بسوی خدا پس تمام داده شود هر نفسی آنچه کسب کرده و ایشان نشوند

يظلمون ۲۸۲ يا ايها الذين امنوا اذا تداينتم بدين الى اجل مسمى فاكتبوه

ستم کرده ای آنانکه گرویدید اگر معامله کنید بوامی تا مدت نام برده شده پس بنویسید آنرا

وليكتب بينكم كاتب بالعدل ولا ياب كاتب ان يكتب كما علمه الله

و باید بنویسد میانه شما نویسنده بعدل و ابا نکند نویسنده اینکه بنویسد چنانکه آموخت او را خدا

فليكتب وليملل الذي عليه الحق وليتق الله ربه ولا يبخس منه شيئا

پس باید بنویسد و املا کند آنکه براوست حق و باید بترسد از خدا پروردگارش و کم نکند از او چیزی را

فان كان الذي عليه الحق سفيها او ضعيفا او لا يستطيع ان يمل هو

پس اگر باشد آنکه براوست راستی بیخردی یا ناتوانی یا نمیتواند اینکه املا کند او

فليملل وليه بالعدل واستشهدوا شهيدين من رجالكم فان لم يكونا

پس املا کند دوستش بعدل و گواه بگیرید دو گواه از مردانتان پس اگر نبوده باشند

رجلين فرجل وامراتان ممن ترضون من الشهداء ان تضل احدىهما

دو مرد پس یک مرد و دو زن از آنکه راضی باشید از گواهان تا اگر گمراه کند یکی از آن دو را

الربوا در دو موضع بکسر را بی واو

الربوا بکسر را بی واو

حزب

واتوا الزکوة بصیغه ماضی یعنی بفتح تا و ضمه واو است

الربوا بکسر را بی واو

فنظرة بفتح نون و کسر ظاء است

فتذكر

فَذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا

پس یاد آورد یکی از آن دو دیگری را و باید که ابا نکنند شاهدان چون خوانده شوند و ملول نشوید

أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ

اینکه بنویسید او را کوچک یا بزرگ تا مدتش آنست شما را با عدالت تر نزد خدا و ثابت تر برای گواهی

وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ

و نزدیکتر که شک نکنید مگر اینکه بباشند سودائی حاضر که گردانیده باشند آنرا میان شما پس نیست

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَ

بر شما باکی مگر اینکه ننویسید آنرا و گواه بگیرید چون مبایعه کنید و ضرر رسانیده نشود نویسنده

لَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ

و نه گواه و اگر بکنید پس بدرستیکه او فاسقی است بشما و بپرهیزید خدا را و بیاموزد شما را خدا و خدا

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٢٨٣ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ

بهر چیزی داناست و اگر باشید در سفر و نیابید نویسنده پس گرو باید گرفته شود

فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا

پس اگر ایمن داند برخی از شما برخی را پس باید ادا کند آنکه امین است امانتش را و باید بترسد خدا پروردگارش را و

تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ٢٨٤

پنهان نکنید گواهی را و هر که بپوشد آنرا پس او گناهکار است دل او و خدا بآنچه میکنید داناست

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ

مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اگر ظاهر کنید آنچه در نفسهای شماست یا پنهان دارید حساب

بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٨٥ آمَنَ الرَّسُولُ

میکند شما را بآن خدا پس میآمرزد آنرا که میخواهد و عذاب میکند آنرا که میخواهد و خدا بر هر چیز تواناست بگروید فرستاده

بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ

بآنچه فرو فرستاده شد بسویش از پروردگارش و گروندگان همه گرویدند بخدا و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ

تفرقه نمیکنیم میانه یکی از رسولانش و گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم آمرزشت را پروردگارا و بسوی تو است

الْمَصِيرُ ٢٨٦ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ

بازگشت تکلیف نمیکند خدا نفسی را مگر باندازهٔ آن مر اوراست آنچه کسب کرده و بر اوست آنچه اکتسب کرده

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ

پروردگارا مگیر ما را اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم پروردگارا و بار مکن بر ما بار گرانی را چنانکه بار کردی او را

عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا

بر آنانکه بودند پیش از ما پروردگارا و بار مکن ما را آنچه طاقت مر ما را بآن و بگذر از ما

وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و بیامرز ما را و رحم کن ما را توئی آقای ما پس یاری ده ما را بر گروه کافران

این دو آیه را در سبب نخواندن چنین باشد که تمام آن شب را قیام کرده باشند بنماز و طاعت و عمل، گفته اند چیز بحضرت رسالت پناهی داده اند که هیچکس پیش از وی با پیغمبران نداده اند اول آنکه پنج وقت

وَأَشْهِدُوا بفتح همزه که همزه باب افعال باشد

نماز را بر او فرض کردیم و دیگر آنکه گناهان امت او را تمام بیامرزد اگر شرک نیاورده باشند سوم آنکه این دو آیه را باو فرستاده اند و از بعض اکابر منقول است که هر که در شب و روز مداومت نماید بر خواندن این دو آیه خدا همه گناهان او را محو کند و ... و اورا از شر دشمنان نگاه دارد و ... کرامت فرماید و نیز گفته اند که اگر بسیاهی بر ظرف پاکی بنویسند و باب چاهی که شیرین بود باشد بشویند هر کس این آب را بیاشامد قوه حافظه او زیاد گردد ان شاء الله ١٢

أَوْ أَخْطَأْنَا بقطع همزه که همزه باب افعال بوده باشد

سورة آل عمران مائتان آيات وهي مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم ۱
بنام خداوند بخشنده مهربان

الم ۱ الله لا اله الا هو الحي القيوم ۲ نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا
خدا که نیست خدا مگر او زنده پاینده فرو فرستاد بر تو کتاب را براستی باور کننده

لما بين يديه وانزل التورية والانجيل من قبل هدى للناس وانزل
مرانچه میانهٔ دو دست اوست و فرو فرستاد توریت و انجیل را از پیش هدایت مر مردم را و فرو فرستاد

الفرقان ۳ ان الذين كفروا بايات الله لهم عذاب شديد والله عزيز
فرق نزا بدرستیکه آنانکه کافر شدند با آیات خدا مر ایشانراست شکنجهٔ سخت و خدا غالب

ذو انتقام ۴ ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء هو الذي
صاحب انتقام است بدرستیکه خدا که پنهان نگردد بر او چیزی در زمین و نه در آسمان او است آنکه

يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم ۵ هو
صورت می بندد شما را در رحمها طوری که میخواهد نیست خدائی مگر او غالب درست کردار است او است

الذي انزل عليك الكتاب منه ايات محكمات هن ام الكتاب واخر
آنکه فرو فرستاد بر تو کتاب را که از آنست آیات که محکم است ایشانند اصل کتاب و دیگر

متشابهات فاما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء
متشابهات پس اما آنانکه در دلهاشان الغزش است پس پیروی میکنند آنچه متشابهست از آن برای طلب

الفتنة وابتغاء تاويله وما يعلم تاويله الا الله والراسخون في العلم
فتنه و طلب تاویلش و نمیداند تاویل او را مگر خدا و فرو روندگان در دانش

يقولون امنا به كل من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب ۶
میگویند گرویدیم بآن همه از نزد پروردگار ماست و پند نمیگیرد مگر صاحبان خردها

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت
پروردگارا کج مکن دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو ئی

الوهاب ۷ ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف
بخشنده پروردگارا بدرستیکه تو جمع کنندهٔ مردمانی روزیکه شکی نیست در آن بدرستیکه خدا خلاف نکند

الميعاد ۸ ان الذين كفروا لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم
وعده را بدرستی آنانکه کافر شدند هرگز دفع نمیشود از ایشان مالهاشان و نه فرزندانشان

من الله شيئا واولئك هم وقود النار ۹ كداب ال فرعون والذين
از خدا چیزی را و آنگروه ایشانند هیزم آتش چون عادت آل فرعون و آنانکه

من قبلهم كذبوا باياتنا فاخذهم الله بذنوبهم والله شديد العقاب ۱۰
پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیات ما را پس گرفت خدا ایشانرا بگناهان ایشان و خدا سخت عقوبت است

بخصیص از شر دیو و پری و جن و مرض ام الصبیان و اگر آنرا بر پوست آهو بقلم بارکت در ساعت دوم روز پنجشنبه در زیر خاتم بنهند تا آنکه آنرا در انگشت کنند بشرطی با وضو باشد از شر اعدا محفوظ ماند و جاه و دولت او بیفزاید و مقبول و محبوب القلوب گردد ان شاء الله

هو
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سورهٔ آل عمران بخواند حق سبحانه و تعالی او را ثواب هزار شهید کرامت فرماید و اگر در روز جمعه بخواند خدا تعالی و ملائکه بر او درود فرستند تا بوقت غروب آفتاب و هر که این سوره را بنویسد و بر درخت بی ثمر بیاویزد ثمر دار گردد و اگر بر درخت بار دار ببندد میوهٔ آن ساقط نشود و منقول است که خوانندهٔ این سوره بر پل صراط ایمن باشد و از حضرت صادق مرویست که بمشک و زعفران بنویسد چون بزن آبستن بخوراند یا زن با خود دارد وضع حملش آسان گردد و درویش اگر با خود دارد روزیش فراخ و توانگر گردد و چون این سوره را بنویسد بزعفران و زن حامله با خود نگاه دارد وضع حمل بر او آسان گردد

وقفا النبي صلى الله عليه وآله

الا الله
وقفا النبي صلى الله عليه وآله

و اگر آنرا بر درخت بی بار و بار دار ببندد بار افتد و بار آن نریزد ان شاء الله تعالی
الم الله الی انزل الفرقان این آیه را برگ بمشک و زعفران بنویسند و نقش از طلوع آفتاب و آنرا بوم بشویند در گردن طفل بیاویزند از همه آفتها محفوظ باشد

قل للذين كفروا ستغلبون وتحشرون الى جهنم وبئس المهاد ۱۱ قد كان

بگو مرآنانکه کافر شدند زود مغلوب شوند و برانگیخته شوند بسوی جهنم و بد آرامگاهیست بتحقیق بود

لكم آية فى فئتين التقتا فئة تقاتل فى سبيل الله واخرى كافرة يرونهم

برای شما نشانهٔ در هر دو گروه که بهم رسیدند گروهی که کارزار کردند در راه خدا و دیگری کافر بودند که میدیدند ایشانرا

مثليهم راى العين والله يؤيد بنصره من يشاء ان فى ذلك لعبرة

مانند آنها بدیدن چشم وخدا قوت میدهد بنصرتش آنرا که میخواهد بدرستیکه در آن هر آینه عبرتیست

لاولى الابصار ۱۲ زين للناس حب الشهوات من النساء والبنين و

مرصاحبان چشمهارا زینت داده شد برای مردم دوستی خواهشها از زنان و پسران و

القناطير المقنطرة من الذهب والفضة والخيل المسومة والانعام

و مالهای بسیار که تحصیل شده از طلا و نقره و اسبان نشان دار و چارپایان

والحرث ذلك متاع الحيوة الدنيا والله عنده حسن المآب ۱۳ قل

و زراعت اینست بهرهٔ زندگی دنیا وخدا نزد اوست نیکی بازگشت بگو

اؤنبئكم بخير من ذلكم للذين اتقوا عند ربهم جنات تجرى من

خبر دادم شمارا بهتر از آن شما مرآنانکه ترسیدند نزد پروردگارشان بهشتها که میرود از

تحتها الانهار خالدين فيها وازواج مطهرة ورضوان من الله والله

زیرش جویها همیشه اند در آن و جفتهای پاکیزه و خوشنودی از خدا وخدا

بصير بالعباد ۱۴ الذين يقولون ربنا اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا

بیناست ببندگانش آنانکه میگویند پروردگارا بدرستیکه ما گرویدیم پس بیامرز برای ما گناهان مارا نگهدار

عذاب النار ۱۵ الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين

مارا از شکنجهٔ آتش صبر کنندگان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و طلب آمرزش کنندگان

بالاسحار ۱۶ شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة واولوا العلم قائما

بسحرها گواهی داد خدا که او نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش ایستاده اند

بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ۱۷ ان الدين عند الله الاسلام وما

براستی نیست خدائی مگر او غالب درست کردار بدرستیکه دین نزد خدا اسلام است و آنچه

اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر

واختلاف نکردند آنانکه داده شدند کتاب را مگر از بعد آنچه آمد ایشانرا دانش بجهة گمراهی میانشان و آنکه کافر شد

بايات الله فان الله سريع الحساب ۱۸ فان حاجوك فقل اسلمت وجهى لله

بآیات خدا پس بدرستیکه خدا زود حساب است پس اگر مجادله کنند ترا پس بگو خالص گردانیدم رویم برای خدا

ومن اتبعن ۱۹ وقل للذين اوتوا الكتاب والاميين ءاسلمتم فان اسلموا

و آنکه پیروی کرد مرا و بگو مرآنانکه داده شدند کتاب را و ناخوانندهارا آیا مسلم شدید پس اگر اسلام آوردند

فقد اهتدوا وان تولوا فانما عليك البلاغ والله بصير بالعباد ۲۰ ان

پس بتحقیق هدایت یافتند و اگر پشت کردند پس جز این نیست بر تست رسانیدن وخدا بیناست ببندگان

شیخ ابوالعباس ... بونی آورده که اگر کسی اول سورهٔ آل عمران را تا آنجا که لا اله الا هو العزیز الحکیم بنویسد آنرا زنی که فرزندش نشود با خود دارد او لادبهم رساند

قوله تعالی الصابرین الی سریع الحساب این آیات را بر شکر بنویسد بخوراند آنرا ... یا برگ زیتون که افتاده باشد

نصف الجزو

... کند و چهار روز متوالی هر روز از آن کمثقال بخورد و غذا از آن زود ... خورد شک ... و فکرهای بیهوده از او دل گردد و همه بر او آسان شود

از ابن عباس منقول است که هر که این آیه را که فوق الذکر است بخواند و بعد از آن بگوید و انا اشهد بما شهد الله و استودع الله هذه الشهادة و هی عند الله ودیعة ... حق تعالی بفرماید که این بنده را نزد من عهدیست و من سزاوارترم بوفا کنم ... بنده مرا ببرید و هم از ابن عباس منقول است که چون کسی ... رحمت ... آیه شهد الله تا ان الدین عند الله الاسلام بخواند خلاص گردد ان شاء الله تعالی

۱۲

الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ
آنانکه کافر میشوند بآیات خدا و میکشند پیغمبرانرا بناحق و میکشند آنانکه

يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۲۱ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ
امر میکنند براستی از مردم پس مژده ده ایشانرا بشکنجه دردناک ایشان آنانکه باطل شد

أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۲۲ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا
کردارشان در دنیا و آخرت و نیست مر ایشانرا هیچ یاری آیا ندیدی بآنانکه داده شدند

نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِنْهُمْ
بهره از کتاب خوانده میشوند بسوی کتاب خدا تا حکم کند میانشان پس برمیگردند پاره از ایشان

وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۲۳ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ
و ایشان روگردانندگانند این بسبب آنست که گفتند مس نخواهد کرد ما را آتش مگر در روزهای شمرده شده

وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۲۴ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ
و فریفت ایشانرا در دینشان آنچه بودند افترا میبستند پس چگونه باشد چون گرد آوریم ایشانرا برای روزی که نیست

فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۲۵ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ
شکی در آن و تمام داده شود هر نفسی آنچه کسب کرد و ایشان ستم کرده نشوند بگو خداوندا صاحب پادشاهی

تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ
میدهی پادشاهی آنرا که میخواهی و میگیری پادشاهی را از آنکه میخواهی و عزت میدهی آنرا که میخواهی و ذلت میدهی آنرا

تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۲۶ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ
که میخواهی بدست تست خیر بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی میآوری شب را در روز و میآوری

النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ
روز را در شب و بیرون میآوری زنده را از مرده و بیرون میآوری مرده را از زنده و روزی میدهی آنرا

تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۷ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
که میخواهی بغیر حساب باید نگیرند مؤمنان کافرانرا دوستان از غیر مؤمنان

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ
و آنکه بکند این را پس نیست از خدا در چیزی مگر آنکه بپرهیزید از ایشان پرهیز کردنی و بیم میدهد شما را

اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ
خدا از خودش و بسوی خداست بازگشت بگو اگر پنهان دارید آنچه در سینههایتان است یا آشکار سازید

يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۲۸
میداند او را خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و خدا بر هر چیز تواناست

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا
روزیکه مییابد هر نفسی آنچه کرده است از خیر حاضر کرده و آنچه کرده از بدی دوست میدارد که باشد میان

وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۲۹ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ
و میانه او مسافتی دور و بیم میدهد شما را خدا از خودش و خدا مهربانست ببندگان بگو اگر باشید

تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم قل

دوست میدارید خدا پس پیروی کنید مرا دوست دارد خدا شما را و بیامرزد برای شما گناهانتان را و خدا آمرزنده مهربانست بگو

اطيعوا الله والرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين ۳۲ ان الله

فرمان برید خدا و رسول را پس اگر پشت کنید پس بدرستیکه خدا دوست نمیدارد کافرانرا بدرستیکه خدا

اصطفى آدم ونوحا وآل ابراهيم وآل عمران على العالمين ذرية

برگزید آدم و نوح و آل ابراهیم را و آل عمرانرا بر جهانیان فرزندان

بعضها من بعض والله سميع عليم ۳۳ اذ قالت امرأة عمران رب اني نذرت

که برخی از ایشان هستند از برخی و خدا شنوا داناست چون گفت زن عمران پروردگارا بدرستیکه من نذر کردم

لك ما في بطني محررا فتقبل مني انك انت السميع العليم فلما وضعتها قالت

مر تورا آنچه در شکم منست آزاد پس قبول کن از من بدرستیکه تو شنونده دانائی پس چون بنهاد آنرا گفت

رب اني وضعتها انثى والله اعلم بما وضعت وليس الذكر كالانثى واني

پروردگارا من نهادم آنرا زن و خدا داناتر است بآنچه بنهاد و نیست نر مانند مؤنث و بدرستیکه من

سميتها مريم واني اعيذها بك وذريتها من الشيطان الرجيم ۳۴ فتقبلها

نامیدم آنرا مریم و من پناه میدهم بتو و فرزندانش را از شیطان رانده شده پس پذیرفت آنرا

ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وكفلها زكريا كلما دخل عليها

پروردگارش بپذیرفتن خوب و رویانید آنرا رویانیدن خوب و کفیل شد اورا زکریا هر وقت در آمد بر او

زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم انى لك هذا قالت هو

زکریا در محراب یافت نزد او رزقرا گفت ای مریم از کجاست این مر تورا گفت آن

من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب ۳۵ هنالك دعا زكريا

از نزد خداست بدرستیکه خدا روزی میدهد آنرا که میخواهد بغیر حساب در آنجا خواند زکریا

ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء فنادته

پروردگارش گفت پروردگارا ببخش برایم از نزد خود فرزند پاکیزه بدرستیکه تو شنونده دعائی پس ندا کردند

الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب ۳۶ ان الله يبشرك بيحيى مصدقا

فرشتگان و او ایستاده نماز میکند در محراب که خدا مژده میدهد ترا بیحیی باور کننده

بكلمة من الله وسيدا وحصورا ونبيا من الصالحين ۳۷ قال رب انى

بسخنی از خدا و بزرگ و بازدارنده و پیغمبر از شایستگان گفت پروردگارا از کجا

يكون لي غلام وقد بلغني الكبر وامرأتي عاقر قال كذلك الله

میشود مرا پسر و بتحقیق رسید مرا پیری و زنم نزاست گفت همچنین خدا

يفعل ما يشاء ۳۸ قال رب اجعل لي آية قال آيتك الا تكلم الناس ثلثة

میکند آنچه میخواهد گفت پروردگارا بگردان برایم نشانه گفت نشانهٔ تو آنکه سخن نتوانی کرد سه

ايام الا رمزا واذكر ربك كثيرا وسبح بالعشي والابكار ۳۹ واذ قالت

روز مگر باشاره و یاد کن پروردگارت را بسیار و تسبیح کن بشبانگاه و بامداد و چون گفت

شان نزول ... حواله الله تعالی

و در قنوت این دعا را بخوانند اللهم انی اسئلک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی حاجتی و دینی برحمتک یا ارحم الراحمین و بعد از فراغ از نماز آیه قل اللهم را تا بغیر حساب چهل و یکبار بخوانند و در هر مرتبه سه بار بگویند لا اله الا انت وحدک لا شریک لک تحبر ان تکون لک آیت التهیر مراد و مقصود حاصل گردد

قوله تعالی

هنالک دعا زکریا الی یفعل ما یشاء این ابیات نافع آنست برای هر مرد و زنیکه ایشانرا فرزند نشود باید که این ابیات را بنویسند بر دو قطعه از زر و حریر سفید بمشک و زعفران و گلاب در ساعت هفتم روز جمعه بشرطی که نویسنده با طهارت باشد و همین ابیات را در جام انگشتری سفید یا پاره انگینه [illegible] بنویسند و بشویند از آن آب شش روز از آن مرد و زن بخورند و آن نوشته [illegible] حریر را اول با [illegible] بار بشم بر گردن خود بندد و دیگر را زن چون بسیر [illegible] آیند نوشته‌ها را از خود باز کنند و صحبت بدارند و غسل کنند و جامه

الکبر

بکسر کاف و فتح با و ضم را

باک نوشتند و در خواب روند حقتعالی ایشانرا فرزندی بخشید

کرامت فرماید انشاء الله

۱۲

الْمَلٰئِكَةُ يٰمَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ عَلٰى نِسَآءِ الْعٰلَمِيْنَ ۴۲

فرشتگان ای مریم بدرستیکه خدا برگزید ترا و پاکیزه کرد ترا و برگزید تورا بر زنان جهانیان

يٰمَرْيَمُ اقْنُتِىْ لِرَبِّكِ وَاسْجُدِىْ وَارْكَعِىْ مَعَ الرّٰكِعِيْنَ ۴۳ ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ

ای مریم نیکی کن مر پروردگار ترا و سجده کن مرا و رکوع کن مرا با رکوع کنندگان این از خبرهای

الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يُلْقُوْنَ اَقْلَامَهُمْ اَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ

پنهانست که وحی میکنیم بسوی تو و نبود تو نزد ایشان چون انداختند قلمهاشان را که کدام کفیل شوند مریم را

وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يَخْتَصِمُوْنَ ۴۴ اِذْ قَالَتِ الْمَلٰئِكَةُ يٰمَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكِ

و نبودی نزد ایشان چون نزاع میکردند چون گفتند فرشتگان ای مریم بدرستیکه خدا مژده میدهد ترا

بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيْحُ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيْهًا فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ

بسخنی از او نامش مسیح عیسی پسر مریم است صاحب جاه هست در دنیا و آخرت و از

الْمُقَرَّبِيْنَ ۴۵ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِى الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَّمِنَ الصّٰلِحِيْنَ ۴۶ قَالَتْ رَبِّ

نزدیکانست و سخن امیگوید مردم را در گهواره و کهولت و از شایستگانست گفت پروردگارا

اَنّٰى يَكُوْنُ لِىْ وَلَدٌ وَّلَمْ يَمْسَسْنِىْ بَشَرٌ قَالَ كَذٰلِكِ اللّٰهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ اِذَا قَضٰٓى

از کجا میشود برایم فرزندی و مس نکرده مرا انسانی گفت همچنان میکند خدا میافریند آنچه را میخواهد چون حکم میکند

اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ۴۷ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ

کاری را پس جز این نیست میگوید مر او را باش پس میباشد و میاموزد آنرا کتاب و حکمت و تورات

وَالْاِنْجِيْلَ وَرَسُوْلًا اِلٰى بَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ اَنِّىْ قَدْ جِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ اَنِّىْٓ اَخْلُقُ

و انجیل را و پیغمبری بسوی بنی اسرائیل که من بتحقیق آمدم شما را بنشانه از پروردگارتان که من میافرینم

لَكُمْ مِّنَ الطِّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفُخُ فِيْهِ فَيَكُوْنُ طَيْرًاۢ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاُبْرِئُ الْاَكْمَهَ

برایتان از گل مانند هیئت پرنده پس بدمم در آن پس میشود مرغی باذن خدا و به سازم کور را

وَالْاَبْرَصَ وَاُحْىِ الْمَوْتٰى بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَاْكُلُوْنَ وَمَا تَدَّخِرُوْنَ فِىْ

و پیس را و زنده کنم مردگان را باذن خدا و خبر دهم ایشما را بآنچه میخورید و آنچه ذخیره میکنید در

بُيُوْتِكُمْ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۴۹ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَىَّ

خانه هاتان بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست اگر بوده باشید گروندگان و تصدیق کننده آنچه میان دو دستمنست

مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِاُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِىْ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ

از توریت و هر آینه حلال امیکنم برایشما بعض آنچه حرام شد بر شما و آمدم شما را بنشانه از پروردگار شما

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ۵۰ اِنَّ اللّٰهَ رَبِّىْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ۵۱

پس بپرهیزید خدا را و فرمانبرید مرا بدرستیکه خدا پروردگار من و شماست پس بپرستید او را اینست راه راست

فَلَمَّآ اَحَسَّ عِيْسٰى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ اَنْصَارِىْٓ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ

پس چون احساس کرد عیسی از ایشان کفر گفت کیست یارانم بسوی خدا گفتند حواریون ماییم یاران

اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاشْهَدْ بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ ۵۲ رَبَّنَآ اٰمَنَّا بِمَآ اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ

خدا گرویدیم بخدا و شهادت ده باینکه ما مسلمانیم پروردگارا گرویدیم بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم پیغمبر را

فاکتبنا

فاکتبنا مع الشاهدین ۴۷ ومکروا ومکر الله والله خیر الماکرین ۴۸ اذ

پس بنویس ما را با شاهدین و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا بهترین مکر کنندگانست چون

قال الله یا عیسی انی متوفیک ورافعک الی ومطهرک من الذین کفروا

گفت خدا ای عیسی بدرستیکه من میرانندهٔ توام و بردارندهٔ توام بسوی خود و پاک کنندهٔ توام از آنانکه کافر شدند

وجاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمة ثم الی مرجعکم

و گردانندهٔ آنانکه پیروی کردند ترا بالای آنانکه کافر شدند تا روز رستخیز پس بسوی منست بازگشت شما

فاحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون ۴۹ فاما الذین کفروا فاعذبهم

پس حکم میکنم میان شما در آنچه بودید در آن اختلاف میکردید پس اما آنانکه کافر شدند پس عذاب میکنم آنها را

عذابا شدیدا فی الدنیا والاخرة وما لهم من ناصرین ۵۰ واما الذین

عذاب سخت در دنیا و آخرت و نیست مر ایشانرا از یاری کنندگان و اما آنانکه گرویدند

امنوا وعملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم والله لا یحب الظالمین ۵۱ ذلک

گرویدند و کردند کارشایسته پس تمام داده شوند مزدهای ایشان و خدا دوست نمیدارد ستمکارانرا این است

نتلوه علیک من الایات والذکر الحکیم ۵۲ ان مثل عیسی عند الله کمثل

که بخوانیمش آنرا بر تو از آیات و پند درست کردار بدرستیکه مثل عیسی نزد خدا مانند مثل

ادم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون ۵۳ الحق من ربک فلا تکن من

آدم است که آفرید آنرا از خاک پس گفت مر او را باش پس باشد حق از پروردگارتست پس مباش از

الممترین ۵۴ فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع

شک کنندگان پس مجادله کنند در آن از بعد آنچه آمد ترا از دانش پس بگو بیائید بخوانیم

ابناءنا وابناءکم ونساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل

پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و نفسهای خود را و نفسهای شما پس مباهله کنیم پس میگردانیم

لعنة الله علی الکاذبین ۵۵ ان هذا لهو القصص الحق وما من اله الا

لعنت خدا را بر دروغگویان بدرستیکه این هر آینه او قصه های راستست و نیست هیچ خدائی مگر

الله وان الله لهو العزیز الحکیم ۵۶ فان تولوا فان الله علیم بالمفسدین ۵۷

خدا و بدرستیکه خدا هر آینه اوست غالب درست کردار پس اگر پشت کنند پس بدرستیکه خدا داناست بفساد کنندگان

قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا وبینکم الا نعبد الا الله و

بگو ای اهل کتاب بیائید بسوی کلمهٔ راستی میانهٔ ما و میانهٔ شما آنکه نپرستیم مگر خدا را

لا نشرک به شیئا ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا

نه شریک بیاوریم با آن چیزی را و نگیرد برخی ما برخی را پروردگان از جز خدا پس اگر پشت کردند پس گفتند

اشهدوا بانا مسلمون ۵۸ یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابرهیم وما انزلت

گواه باشید بآنکه ما مسلمانیم ای اهل کتاب چرا مجادله کنید در ابراهیم و فرو فرستاده نشد

التورية والانجیل الا من بعده افلا تعقلون ۵۹ ها انتم هؤلاء حاججتم فیما لکم

توریت و انجیل مگر از بعدش آیا پس درنمی یابید آگاه باشید که شما ئید اینها که مجادله کردید در آنچه شما را

نعالى شانه
آیهٔ مباهله
علمای شیعه و سنی
متفق اند که در آنکه
آیهٔ مباهله در شان
خمسهٔ النجبا که رسول
خدا صلی الله علیه
و آله و علی و فاطمه و
حسن و حسین علیهم
السلام نازل شده
و کسی از علمای طرفین
بلکه جمیع اهل اسلام
متفق اند که اختلاف
نکرده اند و احادیث
متواتره درین باب
وارد است چنانچه
صاحب مشکوة
جامع الاصول روایت
کرده اند از سعد وقاص
که چون آیهٔ مباهله نازل
شد رسول خدا علی
و فاطمه و حسن و حسین
را طلبید و فرمود اللهم
هولاء اهل بیتی و نیز در
مشکوة صحیح مسلم و
جامع الاصول از عایشه
روایت شده که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله
علی و فاطمه و حسن و حسین
را داخل عبا کرده آیهٔ
مباهله را خواند و حافظ
ابونعیم از ابن عباس
حدیث طولانی نقل
کرده و ثعلبی در تفسیر خود
از عایشه روایت کرده
است که در آخر گفت
چون همه را داخل
عبا کرد گفت انما یرید
الله لیذهب عنکم الرجس
اهل البیت ویطهرکم
تطهیرا

فاحکم
بفتح همزه و
سکون حا و ضم
کاف و ضم میم
که صیغهٔ متکلم
وحده باشد از
فعل مضارع

بِهٖ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّوْنَ فِيْمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهٖ عِلْمٌ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ٦٠

بان دانشی پس چرا مجادله کنید در آنچه نیست برای شما بآن دانشی و خدا میداند و شما نمیدانید

مَا كَانَ اِبْرٰهِيْمُ يَهُوْدِيًّا وَّلَا نَصْرَانِيًّا وَّلٰكِنْ كَانَ حَنِيْفًا مُّسْلِمًا وَّمَا كَانَ

نبود ابراهیم یهودی و نه نصرانی ولیکن بود حق گرای منقاد و نبود

مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ٦١ اِنَّ اَوْلَى النَّاسِ بِاِبْرٰهِيْمَ لَلَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ وَهٰذَا النَّبِيُّ

از مشرکان بدرستیکه نزدیکتر مردم بابراهیم مرآنانند که پیروی کردند اورا و این پیغمبر

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِيْنَ ٦٢ وَدَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ

وآنانکه گرویدند و خدا دوست گروندگانست دوست داشته طایفهٔ از اهل کتاب

لَوْ يُضِلُّوْنَكُمْ وَمَا يُضِلُّوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ٦٣ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ

گمراه کنند شما را و گمراه نمیکنند مگر نفسهاشان و نمیدانند ای اهل کتاب

لِمَ تَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ٦٤ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَلْبِسُوْنَ

چرا کافر شدید بآیات خدا و شما گواهاید ای اهل کتاب چرا میپوشید

الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوْنَ الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ٦٥ وَقَالَتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ

حق را بباطل و پنهان میکنید حق را و شما میدانید و گفتند طایفهٔ از اهل

الْكِتٰبِ اٰمِنُوْا بِالَّذِيْٓ اُنْزِلَ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوْٓا اٰخِرَهٗ

کتاب بگروید بآنچه فرو فرستاده شد برآنانکه گرویدند اول روز و کافر شدند آخر روز

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ٦٦ وَلَا تُؤْمِنُوْٓا اِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِيْنَكُمْ قُلْ اِنَّ الْهُدٰى هُدَى اللّٰهِ

شاید ایشان برگردند و نگروید مگر برای آنکه پیرو شد دین شما را بگو بدرستیکه هدایت هدایت خداست

اَنْ يُّؤْتٰٓى اَحَدٌ مِّثْلَ مَآ اُوْتِيْتُمْ اَوْ يُحَآجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ

اینکه داده میشود یکی مانند آنچه آورده شدید یا حجت آورند شما را نزد پروردگار شما بگو بدرستیکه فضل بدست خداست میدهد

مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ٦٧ يَّخْتَصُّ بِرَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ

آنکه را میخواهد و خدا گشاینده داناست مخصوص گرد برحمت خود آنرا که میخواهد و خدا صاحب فضل بزرگست

وَمِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مَنْ اِنْ تَاْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُّؤَدِّهٖٓ اِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ اِنْ تَاْمَنْهُ

و از اهل کتاب کسی باشد که اگر امین سازی او را بمال بسیار میرساند بتو و از ایشانست کسی که اگر امین سازی او را

بِدِيْنَارٍ لَّا يُؤَدِّهٖٓ اِلَيْكَ اِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا ٦٩ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْا لَيْسَ

بدینار نمیرساند آنرا بتو مگر وقتی که بوده باشد بر او ایستاده این بسبب آنست که ایشان گفتند نیست

عَلَيْنَا فِي الْاُمِّيّٖنَ سَبِيْلٌ وَيَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ٧٠ بَلٰى

بر ما در ناخواندگی راهی و میگویند بر خدا دروغ و ایشان میدانند آری

مَنْ اَوْفٰى بِعَهْدِهٖ وَاتَّقٰى فَاِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِيْنَ ٧١ اِنَّ الَّذِيْنَ يَشْتَرُوْنَ بِعَهْدِ

آنکه وفا کرد بپیمانش و پرهیز کرد پس بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزگارانرا بدرستیکه آنانکه میخرند بعهد

اللّٰهِ وَاَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيْلًا اُولٰٓئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ وَلَا يَنْظُرُ

خدا و قسمهای ایشان بهای اندک آنگروه نیست بهره مر ایشانرا در آخرت و سخن نگوید با ایشان خدا و نگاه نکند

قوله تعالی
قل ان الفضل بید الله ... الی ذو الفضل العظیم این آیه را در روز پنجشنبه در ساعت مشتری یا در ساعت زهره بر پوست آهو نویسند بشرط آنکه با طهارت باشد و نوشته در خرقه پیچیده از پی من مردی کو بخت و صاحب دولت بود هر کس که او را با خود نگاه دارد حقتعالی و تعالی او را توفیق توبه دهد و اگر او را در دکان یا کارخانه آویزند خیر و برکت بسیار بظهور آید و آبرو رزق برا گشاده گردد و اگر کسی در کاری معطل شده او را با خود نگاه دارد و او را کاری پیدا شود و اگر در گشاده زنی کنند او را با خود دارد مطلوب و مقصودش حاصل گردد انشاء الله

إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٧٢ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ

بسوی ایشان روز رستخیز و پاک نکند ایشانرا و مر ایشانراست شکنجهٔ دردناک و بدرستیکه از ایشان هر آینه گروهی پیچید

أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتٰبِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَقُولُونَ

زبانهاشان بکتاب تا پندارند او را از کتاب و نیست او از کتاب و میگویند

هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ

او از نزد خداست و نیست او از نزد خدا و میگویند بر خدا دروغ وایشان

يَعْلَمُونَ ٧٣ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ

میدانند نباشد برای انسان که بدهد او را خدا کتاب و حکم و پیغمبری پس

يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ

میگوید مر مردم باشید بندگان برای من از جز خدا ولیکن باشید ربانیان بآنچه بودید

تُعَلِّمُونَ الْكِتٰبَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ٧٤ وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلٰئِكَةَ وَ

که بیاموزانید کتاب را وآنچه بودید که میخواندید و نمیفرماید شما را که بگیرید فرشتگان را و

النَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ٧٥ وَإِذْ أَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَ

و پیغمبران را پروردگاران آیا امر میکند شما را بکفر بعد از آنکه شما مسلمانید و چون گرفت خدا پیمان

النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتٰبٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ

پیغمبرانرا چون آمد شما را از کتاب و حکمت پس آمد شما را رسولی تصدیق کننده مر آنچه با شماست تا بگروند

بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلٰى ذٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ

بآن و تا یاری کنند او را گفت آیا اقرار کردید و گرفتید بر آن شما پیمانم را گفتند اقرار کردیم گفت

فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشّٰهِدِينَ ٧٦ فَمَنْ تَوَلّٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَأُولٰئِكَ هُمُ

پس گواه باشید و من با شما ایم از گواهان پس آنکه پشت کرد بعد این پس آنها ایشانست

الْفٰسِقُونَ ٧٧ أَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا

نافرمانبرداران آیا پس غیر دین خدا را میجویند و مر او راست اسلام آنکه در آسمانها و زمینست از رغبت

وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ٧٨ قُلْ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلٰى إِبْرٰهِيمَ وَ

و کراهت و بسوی او باز میگردند بگو گرویدیم بخدا و آنچه فرو فرستاده شد بر ما و آنچه فرو فرستاده شد بر ابراهیم

إِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و سبطها و آنچه داده شد موسی و عیسی و پیغمبران از پروردگارشان

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ٧٩ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ

و فرق نگذاشتیم میانهٔ یکی از آنها و ما مر او را منقاد اینیم و آنکه بجوید غیر اسلام دینی را پس هرگز

يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِينَ ٨٠ كَيْفَ يَهْدِي اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ

پذیرید از او و او در آخرت از زیانکارانست چگونه هدایت میکند خدا گروهیرا که کافر شدند پس از ایمانشان

وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ٨١

و گواهی دادند که فرستاده حق است و آمد ایشانرا معجزات و خدا هدایت نمیکند گروه ستمکارانرا

يَلْوُونَ بفتح یا و سکون لام و دو واو که اشباع بوده باشد

ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ بفتح لام يقول که عطف است بر لفظ يُؤْتِيَهُ که منصوبست بدان

لَمَا آتَيْتُكُمْ بفتح لام لما و تخفيف ميم که مشدد نشود و ماء موصوله

وَمَنْ يَبْتَغِ بفتح یا و بعد از آن باء موحده ساکنه و تاء فوقانیه و بعد غین معجمه از ابتغا بمعنی خواستن نه اتباع بمعنی متابعت

اولئک

اُولٰئِكَ جَزَآؤُهُمْ اَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللّٰهِ وَالْمَلٰئِكَةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ٨٢ خَالِدِيْنَ
آنهااند که جزای ایشانست اینکه برایشان لعنت خدا و فرشتگان و مردم همه همیشه‌اند
فِيْهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُوْنَ ٨٣ اِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا مِنْ
در آن سبک نمیشود از آنها شکنجه و آنها نگاه میکنند مگر آنانکه توبه کردند از
بَعْدِ ذٰلِكَ وَاَصْلَحُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ٨٤ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ
بعد این و نیکوئی آورند پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست بدرستیکه آنانکه کافر شدند بعد از ایمانشان
ثُمَّ ازْدَادُوْا كُفْرًا لَّنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَاُولٰئِكَ هُمُ الضَّآلُّوْنَ ٨٥ اِنَّ الَّذِيْنَ
پس افزودند کفررا هرگز پذیرفته نشود توبه آنها و آنهایند ایشان گمراهان بدرستیکه آنانکه
كَفَرُوْا وَمَاتُوْا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْ اَحَدِهِمْ مِّلْءُ الْاَرْضِ ذَهَبًا وَّلَوِ
کافر شدند و مردند و آنها کافر بودند هرگز پذیرفته از یکی از آنها پر کردن زمین از طلا و اگر
افْتَدٰى بِهٖ اُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ وَّمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ٨٦ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ
فدا بدهد با آن آنها مر ایشانراست شکنجه پر درد و نیست مر ایشانرا از یاری کنندگان هرگز نیابید نیکی را
حَتّٰى تُنْفِقُوْا مِمَّا تُحِبُّوْنَ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ شَيْءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ٨٧ كُلُّ الطَّعَامِ
تا آنکه انفاق کنید از آنچه دوست میدارید و انفاق نمیکنید از چیزی پس بدرستیکه خدا بآن داناست همه طعام
كَانَ حِلًّا لِّبَنِيْ اِسْرَآئِيْلَ اِلَّا مَا حَرَّمَ اِسْرَآئِيْلُ عَلٰى نَفْسِهٖ مِنْ قَبْلِ اَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرٰىةُ
بود باشد حلال مر بنی اسرائیل مگر آنچه حرام کرد یعقوب بر خودش از پیش آنکه فرو فرستید توراة
قُلْ فَاْتُوْا بِالتَّوْرٰىةِ فَاتْلُوْهَا اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ٨٨ فَمَنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ
بگو پس بیارید توریت پس بخوانید آنرا اگر هستید راستگویان پس آنکه افترا بست بر خدا دروغ را
مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ فَاُولٰئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ٨٩ قُلْ صَدَقَ اللّٰهُ فَاتَّبِعُوْا مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ
از بعد این پس آنها ایشانند ستمکاران بگو راست گفت خدا پس پیروی کنید کیش ابراهیم را
حَنِيْفًا وَّمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ٩٠ اِنَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِيْ بِبَكَّةَ
حق گرا یرا و نبا شد از مشرکان بدرستیکه اول خانه که نهاده شده برای مردم هر آینه مکه است
مُبٰرَكًا وَّهُدًى لِّلْعٰلَمِيْنَ ٩١ فِيْهِ اٰيٰتٌ بَيِّنٰتٌ مَّقَامُ اِبْرٰهِيْمَ وَمَنْ دَخَلَهٗ
خجسته و هدایت مر جهانیانرا در آن آیتهای روشنست مقام ابراهیم و هر که در آید او را
كَانَ اٰمِنًا وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا ٩٢ وَمَنْ كَفَرَ
باشد ایمن و مر خداراست بر مردم قصد خانه را هر که توانائی دارد بسویش راه را و آنکه کافر شد
فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ ٩٣ قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ
پس بدرستیکه خدا بی نیاز است از جهانیان بگو ای اهل کتاب چرا کافر میشوید بآیتهای خدا
وَاللّٰهُ شَهِيْدٌ عَلٰى مَا تَعْمَلُوْنَ ٩٤ قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ
و خدا گواهست بر آنچه میکنید بگو ای اهل کتاب چرا باز میدارید از راه خدا
مَنْ اٰمَنَ تَبْغُوْنَهَا عِوَجًا وَّاَنْتُمْ شُهَدَآءُ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ٩٥ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ
کسی را که ایمان آورد میخواهید آنرا کج و شما گواهانید و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید ای آنانکه

قوله تعالی
لن تنالوا البر الی به
علیم این آیه را بظرفی پاک
نویسند و بآب چاه بشویند
و در روز اول زمانه آزار
رومی و اورا دعای درخت
تاک ریزند فرسوده میوه بسیار
دهد و باخیر و برکت باشند
و اگر این آیت را بر نجامه

اسم مبارک وربع

مردی ممسک یا بخیلی
بنویسند بگلاب و مشک
بشویند و آن آب را بدهد
تا بنوشد حق تعالی بخل
از دل وی بردارد و اگر این
آیه را بشیر دختر شویند هر که
او را با خود نگاهدارد محب
نماز شود و همه نمازهای
فریضه را بوقت ادا نماید
انشاء الله

آمنوا ان تطیعوا فریقا من الذین اوتوا الکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین ۹۶

گرویدید اگر فرمان برید گروهی را از آنانکه داده شدند کتاب را برمیگردانند شما را بعد از ایمان کافران

وکیف تکفرون وانتم تتلی علیکم آیات الله وفیکم رسوله ومن یعتصم بالله

و چگونه کافر میشوید و شما اید که خوانده میشود بر شما آیتهای خدا و در میان شماست فرستاده او و هر که چنگ میزند بخدا

فقد هدی الی صراط مستقیم ۹۷ یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق

پس بتحقیق هدایت یافته شد بسوی راه راست ای آنانکه گرویدید بپرهیزید خدا را حق

تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون ۹۸ واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا

پرهیزگاری و نمیرید البته مگر و شما مسلمانید و چنگ زنید بر ریسمان خدا همه و نه

تفرقوا واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم

شوید پراکنده و یاد کنید نعمت خدا را بر شما چون بودید دشمنها پس الفت پیدا شد میان دلهایتان

فاصبحتم بنعمته اخوانا ۹۹ وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها

پس گردیدید بنعمت او برادران و بودید بر کنار مغاک از آتش پس رهانید شما را از آن

کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون ۱۰۰ ولتکن منکم امة یدعون

همچنان بیان میکند خدا برای شما آیتهایش را شاید شما راه یابید و باید که باشند از شما گروهی که بخوانند

الی الخیر ویامرون بالمعروف وینهون عن المنکر واولئک هم المفلحون ۱۰۱

بسوی خیر و امر مینمایند بنیکی و نهی میکنند از زشتی آنها ایشانند رستگاران

ولا تکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البینات واولئک

و نباشید مانند آنانکه تفرقه شدند و اختلاف کردند از بعد آنچه آمد آنها را معجزات و آنها

لهم عذاب عظیم ۱۰۲ یوم تبیض وجوه وتسود وجوه فاما الذین اسودت

مر ایشان راست شکنجه بزرگ روزیکه سفید شود روها و سیاه شود روها پس اما آنانکه سیاه گردد

وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون ۱۰۳ و

روهای آنها آیا کافر شدید بعد از ایمانتان پس بچشید شکنجه را بسبب آنچه بودید کافر میشوید و

اما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون ۱۰۴ تلک

اما آنانکه سفید گردد روهایشان پس در رحمت خدا آنها در آن جاویدانند اینست

آیات الله نتلوها علیک بالحق وما الله یرید ظلما للعالمین ۱۰۵ ولله ما فی

آیتهای خدا که میخوانیم آنرا بر تو براستی و نیست خدا که اراده کند ستمی بر جهانیان و مر خدا راست آنچه

السموات وما فی الارض والی الله ترجع الامور ۱۰۶ کنتم خیر امة اخرجت

آسمانها و آنچه در زمینست و بسوی خدا بر میگردد کارها هستید بهترین گروهی که بیرون کرده شد

للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن المنکر وتؤمنون بالله ولو

از برای مردم امر میکنید بنیکی و باز میدارید از زشتی و میگروید بخدا و اگر

آمن اهل الکتاب لکان خیرا لهم منهم المؤمنون واکثرهم الفاسقون ۱۰۷

ایمان آورند اهل کتاب هر آینه باشد بهتر برای ایشان از برخی گروندگان و بیشتر آنها نافرمانبردارانند

قوله تعالی واعتصموا الی هم المفلحون چون این آیه را بر پوست آهو نویسند در روز دوشنبه بوقتیکه قمر زاید النور بود باب شاوت و در آخر بنویسند نام دو کس را که خواهد در میان ایشان لعنی عظیم بهم رسد این طریق یا مؤلف القلوب الف بین فلان بن فلان و فلان کذلک یولف الله عنکما الف بین الثلج والنار اللهم یا ودود الف بین قلوبکما علی طاعتک بعد از آن از او هر یک که با خود دارد دشمنی آن دیگر زایل گردد و در ایشان دوستی پیدا شود و اگر این آیه را بر غطی بنویسد و با خود دارد سخن او را همه کس قبول کند و مهر او در دلها اثر نماید انشاء الله ۱۲

قوله تعالی کنتم خیر امة اخرجت در تفسیر اهلبیت علیهم السلام مرویست که این آیت خاص است در حق ائمه معصومین و تابعین ایشان که شیعیان ایشانند ۱۲

لَنْ يَضُرُّوكُمْ اِلَّا اَذًى وَاِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ ١٠٨

هرگز ضرر نمیرسانند شمارا مگر اندکی واگر کارزار کنند با شما را میگردانند بپشتها شما را پس یاری کرده نشوند

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ اَيْنَمَا ثُقِفُوا اِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللّٰهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاؤُ

زده شد بر آنها خواری هر کجا یافت شوند مگر بزنهاری از خدا و زنهاری از مردم و باز گشتند

بِغَضَبٍ مِنَ اللّٰهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِاٰيَاتِ

بخشمی از خدا و زده شد بر آنها بیچارگی این بسبب آنست که آنها بودند که کافر میشدند بآیات

اللّٰهِ وَيَقْتُلُونَ الْاَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ١٠٩ لَيْسُوا

خدا و میکشتند پیغمبرانرا بناحق این بسبب آنست که نافرمانی کردند و بودند تجاوزکننده گان نیستند

سَوَاءً مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ اٰيَاتِ اللّٰهِ اٰنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ

یکسان از اهل کتاب گروهی ایستاده که میخوانند آیات خدارا اطراف شب و ایشان

يَسْجُدُونَ ١١٠ يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ

سجده میکنند میگروند بخدا و روز آخرت و امر میکنند بخوبی و باز میدارند

عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَاُولٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ١١١ وَمَا يَفْعَلُوا

از زشتی و میشتابند در خیرات و آنها از شایستگانند و آنچه میکنند

مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ١١٢ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ

از خیر پس هرگز ناسپاسی نکنند و خدا داناست بپرهیزگاران بدرستیکه آنانکه کافر شدند هرگز کفایت نکند

عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا وَاُولٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

از آنها مالهاشان و نه فرزندانشان از خدا چیزی را و آنها ینند یاران آتش آنها در آن

خَالِدُونَ ١١٣ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هٰذِهِ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ

همیشه اند مثل آنچه انفاق میکنند در این زندگی دنیا مانند مثل بادیست که باشد در آن سرمای سخت

اَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ فَاَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ

سخت که برسد بکشت زار گروهی که ستم کردند خودهاشانرا پس هلاک کرد آنرا و ستم نکرد آنهارا خدا ولیکن

اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ١١٤ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا

خودهاشان ستم میکردند ای آنانکه گرویدید مگیرید همراز از جز خودتان

يَاْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي

نمیکنند کوتاهی شمارا فساد و دوست داشتند رنج شمارا بتحقیق که ظاهر شد دشمنی از دهنهاشان و آنچه پنهان داشتند

صُدُورُهُمْ اَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيَاتِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ١١٥ هَا اَنْتُمْ اُولَاءِ

سینهاشان بزرگتر بتحقیق بیان کردیم برای شما آیات را اگر باشید که دریابید آگاه باشید آنها یند

تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَاِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا اٰمَنَّا وَاِذَا

دوست دارید آنهارا و دوست نمیدارند شمارا و میگروید بکتاب همه اش و چون ملاقات کردند شمارا گفتند گرویدیم و چون

خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْاَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ

خلوت گزیدند گزیدند بر شما سر انگشتانرا از خشم بگو بمیرید بخشم خودتان بدرستیکه خدا داناست

قوله تعالی لن یضروکم الی و کانوا یعتدون این آیت را در ساعت ششم از روز دوشنبه نقش کند بر شمشیری یا سنان نیزه یا بر خودی که بر سر نهند یا بر سپر یا بر خنجر یا حربی از آلات حرب بشرطی که شش روز روزه دارد و با طهارت بود و هر کس این سلاح با او بود بر دشمن ظفر یابد و او را بهزیمت اندازد و از مکر و کید دشمن ایمن بود انشاء الله

اُولَاءِ با اشباع یعنی اشباع نشود

بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱۱۶ اِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا

بحقیقت سینها اگر برسد شمارا نیکی بدمیاید آنهارا واگر برسد شمارا بدی شاد میشوند

وَاِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۱۱۷

با آن واگر صبر کنید وبپرهیزید ضرر نمیرساند بشما مکر آنها چیزی بدرستیکه خدا بآنچه میکنند احاطه کننده است

وَاِذْ غَدَوْتَ مِنْ اَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ

وچون بیرون رفتی از اهل خود آماده ساختی گرویدگانرا در نشیمنها برای کارزار وخدا شنونده

عَلِيمٌ ۱۱۸ اِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا وَاللّٰهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

داناست چون قصد کردند دو طایفه از شما آنکه بددلی کنند وخدا دوست آنهاست وبرخدا پس توکل میکنند

الْمُؤْمِنُونَ ۱۱۹ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَاَنْتُمْ اَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ

گروندگان وهرآینه بحقیقت یاری کرد شمارا خدا ببدر وشما بودید خواران پس بپرهیزید خدارا شاید شما

تَشْكُرُونَ ۱۲۰ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ اَلَنْ يَكْفِيَكُمْ اَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلٰثَةِ

شکر کنید چون گفت مرگروندگانرا آیا کفایت نکند شمارا اینکه امداد کند شمارا پروردگار شما بسه

اٰلَافٍ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ مُنْزَلِينَ ۱۲۱ بَلٰى اِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَاْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ

هزار از فرشتگان مقرب آری اگر صبر کنید وبپرهیزید وبیایند شمارا از فورشان

هٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اٰلَافٍ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ مُسَوِّمِينَ ۱۲۲ وَمَا جَعَلَهُ

این امداد کند شمارا پروردگارتان بپنج هزار از فرشتگان نشان کننده ونگردانید اورا

اللّٰهُ اِلَّا بُشْرٰى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ

خدا مگر مژده برایشما وتا آرام گیرد دلهای شما بآن ونیست نصرت مگر از نزد خدا غالب

الْحَكِيمِ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ۱۲۳

درست کردار تاجدا کند پاره از آنانکه کافر شدند یا نگونسار کند آنهارا پس برگردند ناامیدان

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ اَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ اَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ۱۲۴

نیست مرترا از کار چیزی یا در پذیرد برایشان یا شکنجه کند آنهارا پس بدرستیکه آنها ستمکارانند

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ

ومرخدار است آنچه در آسمانها وآنچه در زمین میآمرزد آنراکه میخواهد وشکنجه میکند آنراکه میخواهد وخدا

غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۲۵ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَاْكُلُوا الرِّبٰوا اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ

آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدید نخورید ربارا بزیادتیهای افزوده شده

اتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۲۶ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي اُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ وَ

وبپرهیزید خدارا شاید شما رستگار شوید وبپرهیزید آتش را که مهیا شد مرکافرانرا

اَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۱۲۷ وَسَارِعُوا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ

فرمانبرید خدا ورسول را شاید شما رحم کرده شوید وبشتابید بسوی آمرزش از پروردگارتان

وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۱۲۸ اَلَّذِينَ يُنْفِقُونَ

وبهشتی که پهنایش آسمانها وزمینست آماده شد مرپرهیزگارانرا آنانکه انفاق میکنند

تَسُؤْهُمْ بضم سین وسکون همزه

قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا سبب نزولش آن بود که جمعی از صحابه با یهود دوستی داشتند بعد از اسلام بجهت عهد قدیم رسم آشنائی را فراموش نمیکردند خدای تعالی ایشانرا نهی فرمود از آمیزش وآشنائی وآیه وافی هدایت در این باب نازل شد

قوله تعالی اذ همت الی عزیز الحکیم این آیات را در بهشت جمعه بنویسد بشرطی که با طهارت باشد وچون نماز صبح گذارد بنشیند تا طلوع آفتاب در ذکر وتسبیح وتهلیل مشغول باشد وچون آفتاب بلند

اَوْ يَكْبِتَهُمْ بعد از کاف با یک نقطه است وبعد از تا دو نقطه است بمعنی نگونسار کردنست

الرِّبٰوا بکسر را وبدون سکون با

خواص

شود دو رکعت نماز گذارد ودر رکعت اول فاتحه وآیه الکرسی یکبار بخواند ودر رکعت دویم فاتحه وآیه آمن الرسول بخواند تا آخر سوره وچون سلام دهد هفت نوبت استغفار کند وهفت بار بگوید حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

فِي السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ

در خوشی و ناخوشی و فرو برگان خشم و در گذرندگان از مردم و خدا دوست میدارد

الْمُحْسِنِينَ ١٢٩ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللّٰهَ

نیکوکارانرا و آنانکه چون کردند کار زشت یا ستم کردند خودها شانرا یاد کردند خدارا

فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللّٰهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا

پس طلب آمرزش کردند گناهان شانرا و کیست بیامرزد گناهانرا مگر خدا و اصرار نکردند بر آنچه کردند

وَهُمْ يَعْلَمُونَ ١٣٠ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

و آنها میدانند آنها مزدشان آمرزشست از پروردگارشان و بهشتها که میرود از زیر آن

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ١٣١ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ

جویها همیشه اند در آن و خوبست مزد عمل کنندگان بتحقیق که گذشت از پیش شما سنتها

فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ١٣٢ هَٰذَا بَيَانٌ

پس سیر کنید در زمین پس نگاه کنید چگونه بود سرانجام تکذیب کنندگان این بیانیست

لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ١٣٣ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ

برای مردم و هدایت و پند مر پرهیزگارانرا و سست نشوید و اندوهگین نگردید و شما

الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ١٣٤ إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ

برترانید اگر باشید گروندگان اگر برسد شما را جراحتی پس بتحقیق مس کرد قوم را جراحتی

مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ

مانند آن و این روزها میگردانیمشان میانه مردم و باید بداند خدا آنانرا که گرویدند و بگیرد

مِنْكُمْ شُهَدَآءَ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ١٣٥ وَلِيُمَحِّصَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ

از شما گواهان و خدا دوست نمیدارد ستمگارانرا و تا خالص کند خدا آنانرا که گرویدند و بکاهد

الْكَافِرِينَ ١٣٦ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا

کافرانرا آیا پنداشتید که در میآیید بهشت را و ندانسته خدا آنانرا که کارزار کردند

مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ١٣٧ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ

از شما و بداند صبر کنندگانرا و هر آینه بتحقیق بودید که آرزو کردید مرگ را از پیش آنکه ملاقات کنید او را پس بتحقیق

رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ١٣٨ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ

دیدید او را و شما نظر میکردید و نیست محمد مگر فرستاده بتحقیق گذشت از پیش او فرستادها

أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ

آیا پس اگر مرده بود یا کشته شده بود بر میگشتید بر عقب خود و هر که بر میگردد بر دو پاشنه پس هرگز ضرر نرساند

اللّٰهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللّٰهُ الشَّاكِرِينَ ١٣٩ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ

خدا چیزیرا و زود مزد دهد خدا شاکرانرا و نیست برای نفسی که بمیرد مگر باذن

اللّٰهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ

خدا کتابی معین المدت و آنکه میخواهد ثواب دنیا را دادیم او را از آن و هر که خواهد ثواب آخرت را

قوله تعالی ان تطیعوا الذین کفروا الی قوله الکافرین چون حاکمی ظالم باشد و رعیت از وی در رنج باشند این آیات را بر چهار نویسند که از لای سیاه ساخته باشند و نام آن ظالم بر آن نویسند و در محکمه او دفن کنند و درا انحطاط مرتبه باشد و دست بد بد و معزول گردد انشاء الله

جزاؤهم بلا اشباع

قوله تعالی وما محمد الا رسول سبب نزول آیه این بود که چون خبر قتل حضرت رسول در مدینه شایع شد [illegible]

نُؤْتِهٖ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ۱۴۵ وَكَاَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهٗ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ

دادیم اورا ازان و زود جزا دهیم شاکرانرا وبسا از پیغمبری که کارزار کرد با او سپاهیان بسیار

فَمَا وَهَنُوا لِمَا اَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللّٰهُ

پس سستی نکردند مرانچه رسید ایشانرا در راه خدا و ضعیف نشدند و فروتنی نکردند و خدا

يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ۱۴۶ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ اِلَّا اَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ

دوست میدارد صابرانرا و نبود گفتارشان مگر اینکه گفتند پروردگارا بیامرز برای ما گناهانمانرا و

اِسْرَافَنَا فِي اَمْرِنَا وَثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَاٰتَاهُمُ اللّٰهُ

از حد گذراندن مارا در کارما و پایدار کن قدمهای مارا و نصرت ده مارا بر گروه کافران پس داد ایشانرا خدا

ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْاٰخِرَةِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۱۴۷ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ

ثواب دنیا و نیکوئی ثواب آخرت و خدا دوست میدارد نیکوکارانرا ای آنانکه گرویدید

اٰمَنُوا اِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۱۴۸

گرویدید اگر فرمانبرید آنانرا که کافر شدند باز میگردانند بر پاشنهاتان پس بر میگردید زیانکاران

بَلِ اللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ۱۴۹ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه خدا یاور شماست و او بهترین یاری کنندگانست زود میاندازیم در دلهای آنانکه کافر شدند

الرُّعْبَ بِمَا اَشْرَكُوا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهٖ سُلْطَانًا وَمَاْوٰىهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ

ترس را بانچه شریک آوردند بخدا آنچه فرو فرستاده نشد بان برهانی و جایشان آتش است و بد است آرامگاه

مَثْوَى الظَّالِمِينَ ۱۵۰ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّٰهُ وَعْدَهٗ اِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِاِذْنِهٖ حَتّٰى

آرامگاه ستمکاران و هر اینه بتحقیق که راست گردانید وعده اش چون چابکی میکردید انها را باذن او تا

اِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْاَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا اَرٰىكُمْ مَا تُحِبُّونَ ۱۵۱ مِنْكُمْ

وقتیکه بددلی کردید و تنازع نمودید در کار و نافرمانی کردید از بعد آنچه نمود شما را آنچه دوست میداشتید از شما

مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْاٰخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا

هر که میخواهد دنیا را و از شما هر که میخواهد آخرت را پس گردانید شما را از آنها تا بیازماید شما را و هر اینه بتحقیق در گذشت

عَنْكُمْ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۱۵۲ اِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلٰى اَحَدٍ

از شما و خدا صاحب فضلست بر گروندگان چون دور میرفتید و نمی ایستادید بر احدی

وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي اُخْرٰىكُمْ فَاَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلٰى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا

و فرستاده میخواند شما را در عقب شما پس جزا داد شما را اندوهی باندوهی تا اندوهگین نشوید بر آنچه گذشت شما را و

اَصَابَكُمْ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۵۳ ثُمَّ اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ اَمَنَةً نُعَاسًا

رسید شما را و خدا آگاهست بانچه میکنید پس فرو فرستاد بر شما از بعد اندوه ایمنی پینکی

يَغْشٰى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ اَهَمَّتْهُمْ اَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ

میگرفت طایفه را از شما و طایفه که بتحقیق بغم انداخته انها را نفسهایشان گمان بردند بخدا بدون حق گمان جاهلیت

يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْاَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ اِنَّ الْاَمْرَ كُلَّهٗ لِلّٰهِ يُخْفُونَ فِي اَنْفُسِهِمْ

میگفتند آیا باشد مرا از کار هیچ چیز بگو بدرستیکه کار همه اش برای خداست پنهان دارند در خودشان

بقیه از صفحه قبل
طلسم باطل شود و اگر بآن انگشت اشارت بمصروعی کند بهوش آید و اگر آن خاتم را بر موم کیرد و آن موم را بخور کند در زیر دامن استحاضه مرض زایل گردد و اگر بر دامن زنی نویسند که او سحر کرده باشند سحر زایل شود و اگر بر جماعتی خوانند که بسحر مشغول باشند سحرشان کار نکند و اگر بر دیوار خانه مار و کژدم از آنجا بگریزند والسلام ۱۲
شارح
قوله تعالی
ثم انزل الی بذات الصدور
اگر کسی را صعب پیش آید چهل روز هر روزی چهل نوبت این آیه را بخواند آن کفایت شود و اگر عیب و نه روز هر روز بنیت دفع دشمن بخواند دفع شود و اگر نوزده بار هر روز بخواند بجهة علت خلاص شود و اگر بنیت توانگری همه روزه ده بار بخواند توانگر شود و اگر کسی بجهة سلامتی نفس و اهل و عیال هر روز بسیار بخواند مطلوب حاصل گردد و اگر در مقابل دشمن بخواند مقهور گردد هر چند قوی باشد و اگر بجهة درد سر هفت بار بخواند

تَلْوُونَ
بفتح تاء فوقانیه و سکون لام و ضمه واو یعنی اشباع شوکه واو

نافع باشد و اگر آنرا بنویسند بر گردن اسب بندند که او را خیام باشد دفع شود و این آیه مشتمل است بر تمام حروف تهجی والسلام ۱۲

مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هٰهُنَا قُلْ لَوْ

باآنچه آشکار نمیکنند برایت میگویند اگر بود برای ما از کار چیزی کشته نمیشدیم درآنجا بگو اگر

كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ

بودید در خانههایتان هرآئینه بیرون آمدی آنانکه نوشته شد برایشان کارزار بخوابگاهیشان وتابیازماید خدا

مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ١٤٩ إِنَّ

آنچه در سینههای شماست وتاخالص کند آنچه در دلهای شماست وخدا داناست بحقیقت سینهها بدرستیکه

الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا

آنانکه پشت کردند از شما روزیکه روبرو شدند دو گروه جز این نیست که لغزانید ایشان را شیطان برخی آنچه

كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ١٥٠ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

کسب کردند وهرآئینه بحقیق درگذشت خدا از ایشان بدرستیکه آمرزنده بردبار است ای آنانکه گرویدید

لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا

نباشید مانند آنانکه کافر شدند وگفتند مر برادرانشان را چون سفر میکردند در زمین یا بودند

غُزًّى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ

جنگ کنندگان اگر بودندی نزد ما نمی مردند وکشته نمیشدند تا بگرداند خدا از حسرت در دلهایشان

وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١٥١ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وخدا زنده میکند ومیمیراند وخدا بآنچه میکنید بیناست وهرآئینه کشته شدید در راه خدا

أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ١٥٢ وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى

یا مردید هرآئینه آمرزشی از خدا ورحمتی است بهتر از آنچه جمع میکنند وهرآئینه اگر مردید یا کشته شدید هرآئینه

اللَّهِ تُحْشَرُونَ ١٥٣ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

بسوی خدا حشر کرده شوید پس برحمتی از خدا نرمی کردی برایشان واگر بودی بدخوی سخت دل

لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا

هرآئینه پراکنده شدندی از حوالی تو پس درگذر از ایشان وآمرزش بخواه برایشان ومشورت کن ایشانرا در کار پس چون

عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ١٥٤ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ

عزم کردی پس توکل کن بر خدا بدرستیکه خدا دوست میدارد توکل کنندگانرا اگر یاری دهد شما را خدا پس نیست غالب

لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ١٥٥ وَمَا

برایشما واگر واگذارد شما را پس کیست آنکه یاری کند شما را از بعدش وبر خدا پس باید توکل کنند گروندگان ونسزد

كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

مر پیغمبر را اینکه خیانت کند وآنکه خیانت کند بیاید بآنچه خیانت کرد روز رستخیز پس داده شود هر نفسی آنچه کسب کرده

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ١٥٦ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ

وآنها ستم کرده نشوند آیا پس آنکه پیرو شد خشنودی خدا را مانند آنست که بازگشت بغضبی از خدا وجایش جهنم است

وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٥٧ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ١٥٨ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ

وبد بازگشتنی است ایشانرا مرتبههاست نزد خدا وخدا بیناست بآنچه میکنند هرآئینه بحقیق که منت نهاد

قوله تعالی وما کان لنبی الی یظلمون منقول است که چون روز قیامت شود هرکس مال کسی اندیده باشد اگرچه سوزنی یا رشته باشد حضرت فرموده هرکس که مال کسی بگردن داشته باشد روز قیامت بیاید شتری در گردن او وفریاد کند وگوید یا رسول الله حضرت فرماید من قول خدا را بتو رسانیدم وتو نشنیدی امروز هیچ فایده بتو نمیرسانم ١٢

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ اَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ اٰيَاتِهٖ وَيُزَكِّيهِمْ

بر گروندگان چون برانگیخت درایشان پیغمبری از خودهاشان میخواند برایشان آیاتش را و پاک کرد ایشان را

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَاِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ١٥٩

و اموزد ایشان را کتاب و حکمت و اگرچه بودند از پیش هر آینه در گمراهی آشکارا

اَوَلَمَّا اَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ اَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ اَنّٰى هٰذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ

آیا چون رسد شما را مصیبتی بتحقیق که رسانیده بودید دو چندان گفتید از کجا بود این بگو او از نزد

اَنْفُسِكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٦٠ وَمَا اَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ

خودهاتان بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست و آنچه رسید شما را روزیکه روبرو شدند دو گروه

فَبِاِذْنِ اللّٰهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا

پس باذن خدا و تا بدانند گروندگان و تا بدانند آنانکه نفاق کردند و گفته شد مر ایشان را که بیائید کارزار کنید

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ

در راه خدا یا دفع کنید گفتند اگر میدانستیم کارزار را هر آینه پیروی میشدیم شما را ایشان مر کفر را آن روز

اَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْاِيمَانِ ١٦١ يَقُولُونَ بِاَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ

نزدیکترند از ایشان برای ایمان میگویند بادهنهاشان آنچه نیست در دلهایشان و خدا داناتر است

بِمَا يَكْتُمُونَ ١٦٢ اَلَّذِينَ قَالُوا لِاِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ اَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ

بآنچه پنهان میکنند آنانکه گفتند مر برادرانشان را و نشستند اگر فرمان برده بودند ما را کشته نمیشدند بگو

فَادْرَاُوا عَنْ اَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١٦٣ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي

پس دور کنید از خودهاتان مرگ را اگر هستید راستگویان و مپندارید آنانرا که کشته شدند در

سَبِيلِ اللّٰهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ١٦٤ فَرِحِينَ بِمَا اٰتٰيهُمُ اللّٰهُ مِنْ

راه خدا مردها بلکه زنده اند نزد پروردگارشان روزی داده شده شادند بآنچه داد آنها را خدا از

فَضْلِهٖ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ اَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

فضلش و شادمانی کنند بآنانکه ملحق نشدند بایشان از پس ایشان نیست ترسی برایشان و نیست ایشان

يَحْزَنُونَ ١٦٥ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ١٦٦

اندوهگین شوند و شادمانی کنند بنعمت از خدا و افزونی و بدرستیکه خدا ضایع نمیکند مزد گروندگان را

اَلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا اَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ اَحْسَنُوا مِنْهُمْ

آنانکه اجابت کردند مر خدا را و رسول را از بعد آنچه رسید ایشان را جراحت مر آنانرا که نیکی کردند از ایشان

وَاتَّقَوْا اَجْرٌ عَظِيمٌ ١٦٧ اَلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ اِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ

و ترسیدند مزد بزرگ است آنکه گفت مر ایشان را مردم بدرستیکه مردم بتحقیق گرد آمدند برای شما پس بترسید ایشان را

فَزَادَهُمْ اِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ١٦٨ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ

پس افزود ایشان را ایمان و گفتند کفایت میکند ما را خدا و نیکو وکیلی است پس گردیدند بنعمتی از خدا و فضلی

لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ١٦٩ اِنَّمَا ذٰلِكُمُ

که مس نکرد ایشان را بدی و پیرو شدند خوشنودی خدا را و خدا صاحب فضل بزرگ است جز این نیست آن شما را

قوله تعالی شانه
ولا تحسبن الذین الی
آخر المؤمنین این آیه را در
شب نوروز سلطانی بزعفران
بصفحه از آهن بنویسند
و بآب باران بشویند و آن
آب را بعد از چهل روز
بخورد بر تحصیل علم قادر گردد
و صلاح و ورع و تقوی
او را حاصل و دلیر گردد
والسلام
١٢

فادرأوا
بصیغه جمع یعنی
بالاشباع

نصف الجزو

قوله تعالی
الذین قال لهم الی
عظیم این آیه را بر پوست آهو
نویسند و در زیر نگین خاتمی
نهند هر که آن خاتم در انگشت
کند یا با خود نگاه دارد
چون بر پادشاهی یا حاکمی
رود خدا تعالی صدمه
و ترس از و دفع نماید و در
نظر ایشان عزیز گردد
والسلام

الشيطان يخوف اولياءه فلا تخافوهم وخافون ان كنتم مؤمنين ١٧٠ و

شیطان میترساند دوستانش را پس مترسید آنها را و بترسید مرا اگر هستید گروندگان و

لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر انهم لن يضروا الله شيئا يريد الله

محزون نکنند ترا آنانکه میشتابند در کفر بدرستیکه آنها هرگز ضرر نرسانند خدا را چیزی میخواهد خدا

الا يجعل لهم حظا في الآخرة ولهم عذاب عظيم ١٧١ ان الذين اشتروا الكفر

اینکه نگرداند برای ایشان بهره در آخرت و مر ایشان راست شکنجه بزرگ بدرستیکه آنانکه خریدند کفر را

بالايمان لن يضروا الله شيئا ولهم عذاب اليم ١٧٢ ولا يحسبن الذين كفروا

بایمان هرگز ضرر نرسانند خدا را چیزی و مر ایشان راست شکنجه پر درد و نپندارند آنانکه کافر شدند

انما نملي لهم خير لانفسهم انما نملي لهم ليزدادوا اثما ولهم عذاب مهين ١٧٣

که مهلت دادیم ایشان را بهتر است برای خودهاشان جز این نیست که مهلت دادیم ایشان را تا زیاد کنند بدی را و مر ایشان راست شکنجه خوار کننده

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب ١٧٤

نیست خدا که واگذارد گروندگان را بر آنچه شمائید بر آن تا جدا سازد پلید را از پاکیزه

وما كان الله ليطلعكم على الغيب ولكن الله يجتبي من رسله من يشاء فامنوا

و نیست خدا که آگاه کند شما را بر نهان ولیکن خدا برمیگزیند از پیغمبران او آنرا که بخواهد پس بگروید

بالله ورسله وان تؤمنوا وتتقوا فلكم اجر عظيم ١٧٥ ولا يحسبن الذين

بخدا و فرستادگانش و اگر بگروید و بپرهیزید پس مر شما راست مزد بزرگ و نپندارند آنانکه

يبخلون بما اتاهم الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم ١٧٦ سيطوقون

بخل میکنند بآنچه داد آنها را خدا از فضلش او بهتر است برایشان بلکه او شر است برایشان زود طوق کرده شوند

ما بخلوا به يوم القيمة ولله ميراث السموات والارض والله بما تعملون

آنچه بخل کردند بآن روز رستخیز و برای خداست میراث آسمانها و زمین و خدا بآنچه میکنید

خبير ١٧٧ لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء سنكتب

آگاه است هر آینه بتحقیق شنید خدا گفتار آنانکه گفتند بدرستیکه خدا محتاج است و ما بی نیازانیم زود بنویسیم

ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق ١٧٨ ذلك

آنچه گفتند و کارزار ایشان با پیغمبران بناحق و میگوئیم بچشید شکنجه سوزنده را این

بما قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد ١٧٩ الذين قالوا ان الله عهد

بسبب آنست که پیش داشته دستهاشان و اینکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان را آنانکه گفتند بدرستیکه خدا پیمان کرد

الينا الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان تاكله النار ١٨٠ قل قد جاءكم رسل

با ما که نگرویم مر رسول را تا آنکه بیاورد ما را بقربانی که بخورد او را آتش بگو بتحقیق آمد شما را رسولان

من قبلي بالبينات وبالذي قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين ١٨١ فان كذبوك

پیش از من با معجزات و با آنکه گفتیم پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید راستگویان پس اگر تکذیب کردند ترا

فقد كذب رسل من قبلك جاءوا بالبينات والزبر والكتاب المنير ١٨٢ كل نفس

پس بتحقیق تکذیب کرده شدند رسولان از پیش از تو آمدند با معجزات و زبورها و کتاب روشن هر نفسی

ذائقة

ذائقة الموت وانما توفون اجوركم يوم القيمة فمن زحزح عن النار و
چشنده مرگست جز این نیست که داده شوید تمام مزدهایتانرا روز رستخیز پس هر که دور کرده شد از آتش و

ادخل الجنة فقد فاز وما الحيوة الدنيا الا متاع الغرور ۱۸۳ لتبلون في
درآورده شد بهشت را پس بتحقیق بمراد رسید و نیست زندگی دنیا مگر بهره فریب تا بیازمایید در

اموالكم وانفسكم ولتسمعن من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم ومن الذين اشركوا
مالهاتان وخودهاتان و تا بشنوید از آنانکه داده شدند کتابرا پیش از شما و از آنانکه شرک آوردند

اذى كثيرا وان تصبروا وتتقوا فان ذلك من عزم الامور ۱۸۴ واذ اخذ الله
آزار بسیار و اگر صبر کنید و بپرهیزید پس بدرستیکه این از عزم کارهاست و چون گرفت خدا

ميثاق الذين اوتوا الكتاب لتبيننه للناس ولا تكتمونه فنبذوه وراء ظهورهم
پیمان آنانرا که داده شدند کتابرا تا بیان کنند او را برای مردم و تا نپوشند او را پس انداختند او را پس پشتهاشان

واشتروا به ثمنا قليلا فبئس ما يشترون ۱۸۵ لا تحسبن الذين يفرحون
و خریدند بآن بهای اندک پس بد است آنچه میخرند مپندارند آنانکه شاد میشوند

بما اتوا ويحبون ان يحمدوا بما لم يفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب
بآنچه داده اند و دوست میدارند که ستوده شوند بآنچه نکردند پس مپندار ایشانرا برستگاری از شکنجه

ولهم عذاب اليم ۱۸۶ ولله ملك السموات والارض والله على كل شيء
و مر ایشانراست شکنجه پر درد و مر خدار است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر هر چیز

قدير ۱۸۷ ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لايات
تواناست بدرستیکه در آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز هر آینه آیتهاست

لاولي الالباب ۱۸۸ الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم و
برای صاحب خردها آنانکه یاد میکنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهاشان و

يتفكرون في خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك
فکر میکنند در آفرینش آسمانها و زمین پروردگارا نیافریدی آنرا بیهوده پاکی تو

فقنا عذاب النار ۱۸۹ ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين
پس نگهدار ما را از شکنجه آتش پروردگارا بدرستیکه هر که را در میآوری در آتش پس بتحقیق رسوا کردی او را و نیست مر ستمکاران

من انصار ۱۹۰ ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم
هیچ یاری کننده پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده که ندا میکرد برای ایمان اینکه بگروید بپروردگارتان

فامنا ۱۹۱ ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سياتنا وتوفنا مع الابرار ۱۹۲
پس گرویدیم پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهانمانرا و باز دار از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوان

ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف
پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده کردی ما را بر رسولانت و خوار مکن ما را روز رستخیز بدرستیکه تو خلاف نمیکنی

الميعاد ۱۹۳ فاستجاب لهم ربهم اني لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر
وعده را پس اجابت کرد مر ایشانرا پروردگارشان که من ضایع نگذارم کار کار کننده از شما از مردی

قوله تعالی شانه ان في خلق السموات الی المیعاد هر کس خواند این آیات را مداومت نماید از غل و غش پاک گردد و بر ایمان خود ثابت بماند و از شر دنیا و اخرت ایمن گردد و اگر در ظرف چینی پاک بنویسد و باب زمزم بشوید و بحبلی دهند نشکر خفی نتواند کردن چون از آن بخورد هر وقت شب باشد بتواند برخاست بتوفیق الله

لاولي بکسر لام و ضم همزه بدون واو و کسر لام اخیر

أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ۱۹۴ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا
یا زنی برخی شما از برخی پس آنانکه هجرت کردند و بیرون رفتند از خانهاشان و رنجیده شدند

فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
در راه من و کارزار کردند و کشته شدند هر آینه میپوشیم از ایشان بدیهاشان و هر آینه در آوریم ایشانرا در بهشتها که میرود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۱۹۵ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ۱۹۶ لَا
از زیر آنها جویها پاداش از نزد خداست و خدا نزد اوست نیکی پاداش نه

يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ
فریبد تورا رفت و آمد آنانکه کافر شدند در شهرها بهره اندک پس جایشان جهنم است و بد

الْمِهَادُ ۱۹۷ لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
بستریست لیکن آنانکه پرهیزند پروردگارشانرا مر ایشانراست بهشتها که میرود از زیر آنها جویها همیشه اند

فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ۱۹۸ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
در آن نزولی از نزد خدا و آنچه نزد خداست بهتر است برای خوبان و بدرستیکه از اهل کتاب

لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ
هر آینه کسی است که میگرود بخدا و آنچه فرو فرستاده شد و آنچه فرو فرستاده شد بسوی ایشان خشوع کنند برای خدا نخرند بآیات

اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۱۹۹ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۲۰۰
خدا بهای اندک ایشان مر ایشانراست مزدشان نزد پروردگارشان بدرستیکه خدا زود حسابست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
ای آنانکه گرویدید صبر کنید و شکیبائی ورزید و آماده باشید و بپرهیزید خدارا شاید شما رستگار شوید

سُورَةُ النِّسَاءِ مِائَةٌ وَسِتٌّ وَسَبْعُونَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ

نزلت بعد الممتحنة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا
ای مردم بپرهیزید پروردگارتان را که آفرید شما را از نفسی تنها و آفرید از آن

زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ
جفتش را و پراکنده کرد از آن دو مردان بسیار را و زنان را و بپرهیزید خدارا که پرسیده میشوید بآن

وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۱ وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَتَبَدَّلُوا
و رحمها بدرستیکه خدا باشد بر شما نگهبان و بدهید یتیمانرا مالهاشانرا و بدل مسازید

الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ ۖ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ۳
پلید را بپاکیزه و مخورید مالهایشانرا با مالهای خودتان بدرستیکه او باشد گناهی بزرگ

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ
و اگر بترسید آنکه عدالت نورزید در یتیمان پس نکاح کنید آنچه پاکیزه است برای شما از زنان دو دو و سه تا

هو الله تعالی شأنه
یا ایها الذین آمنوا
این آیت را بر نان بنویسند و بر بنده گریزپا دهند و بر زن سلیطه گریزپای نا سازگار نا سازگاری او زایل گردد و در بعضی کتب آورده اند که این آیه را بر نان بنویسند و شیخ ابو العباس گفته که این آیت را بر سفال بنویسند و بر آب پاک بشویند یا بر گرده نان نویسند و بر شیر آب خوارده هند دیگر شراب نخورد و از آن فعل شنیع توبه کند و نیز آورده اند که آنرا بر صفحه مس نقش کنند و چون حجره آورند آن صفحه ریخته گردد و نابود شود و ما توفیقی الا بالله والسلام

هو
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سوره نساء را بخواند همچنان باشد که صدقه داده باشد بعدد هر مومنی و چنان باشد از روی ثواب که بنده آزاد کرده باشد و از حضرت امام جعفر صادق ع روایت است که این سوره را جهت موافقت زن و شوهر بخوانند مقصود حاصل گردد

ودماع

وَرُبَاعَ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ذٰلِكَ اَدْنٰى اَلَّا
و چهار تا پس اگر بترسید که عدالت نورزید پس یکی یا آنچه را مالک شد دستهای شما آن نزدیکتر است که

تَعُولُوا ۳ وَاٰتُوا النِّسَآءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَاِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَیْءٍ مِنْهُ نَفْسًا
عیال بار نشوید و بدهید زنهارا مهرشانرا واد بطیب خاطر پس اگر بخوشی گذشتند برای شما از چیزی از آن بجودی

فَكُلُوهُ هَنِیٓـًٔا مَرِیٓـًٔا ۴ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِی جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ
پس بخورید آنرا سازگار گوارا و ندهید بیخردانرا مالهاتان را که گردانید خدا برای شما

قِیَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِیهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۵ وَابْتَلُوا الْیَتَامٰى
مایهٔ تعیش و روزی دهید ایشانرا در آنها و بپوشانید شان در آنها و بگوئید برای ایشان گفتار خوب و بیازمائید یتیمانرا

حَتّٰى اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَاِنْ اٰنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا اِلَیْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَ
تا چون برسند بنکاح پس اگر یافتید از ایشان رشدی پس تسلیم کنید بسوی آنها مالهاشانرا و

لَا تَاْكُلُوهَا اِسْرَافًا وَبِدَارًا اَنْ یَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِیًّا فَلْیَسْتَعْفِفْ وَ
نخورید آنرا از راه اسراف و پیشگیری اینکه بزرگ شوند و آنکه باشد بی‌نیاز پس باید که اقتناع کند

مَنْ كَانَ فَقِیرًا فَلْیَاْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَاِذَا دَفَعْتُمْ اِلَیْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَشْهِدُوا
و آنکه باشد محتاج پس باید بخورد بخوبی پس چون تسلیم کردید بآنها مالهاشانرا پس گواه بگیرید

عَلَیْهِمْ وَكَفٰى بِاللّٰهِ حَسِیبًا ۶ لِلرِّجَالِ نَصِیبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُونَ
برآنها و بس است خدا محاسب مر مردانرا بهره ایست از آنچه گذاشتند پدر و مادر و نزدیکان

وَلِلنِّسَآءِ نَصِیبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ اَوْ كَثُرَ نَصِیبًا
و مر زنانرا بهرهٔ ایست از آنچه گذاشتند پدر و مادر و نزدیکان از آنچه کم باشد از او یا بسیار بهرهٔ

مَفْرُوضًا ۷ وَاِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ اُولُوا الْقُرْبٰى وَالْیَتَامٰى وَالْمَسَاكِینُ
فرض کرده شد و چون حاضر آیند قسمت را صاحبان قرابت و یتیمان و بیچارگان

فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۸ وَلْیَخْشَ الَّذِینَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ
پس روزی دهید ایشانرا از آن و بگوئید برایشان گفت خوب و باید بترسند آنانکه اگر بگذارند از عقبشان

ذُرِّیَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَیْهِمْ فَلْیَتَّقُوا اللّٰهَ وَلْیَقُولُوا قَوْلًا سَدِیدًا ۹ اِنَّ
فرزندان عاجز بیم دهنده اند برآنها پس باید بپرهیزند خدارا و باید بگویند گفتار درست بدرستیکه

الَّذِینَ یَاْكُلُونَ اَمْوَالَ الْیَتَامٰى ظُلْمًا اِنَّمَا یَاْكُلُونَ فِی بُطُونِهِمْ نَارًا وَ
آنانکه میخورند مالهای یتیمانرا از راه ستم جز این نیست که میخورند در شکمهاشان آتش و

سَیَصْلَوْنَ سَعِیرًا ۱۰ یُوصِیكُمُ اللّٰهُ فِی اَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنْثَیَیْنِ
بزودی انداخته شوند در آتش افروخته سفارش میکند شما را خدا در فرزندان شما برای مذکر باشد مانند بهرهٔ دو مونث

فَاِنْ كُنَّ نِسَآءً فَوْقَ اثْنَتَیْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَاِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا
پس اگر باشند زنان بالای دو تا پس برای ایشانست ثلث آنچه گذاشت و اگر باشد یکی پس برای اوست

النِّصْفُ وَلِاَبَوَیْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ اِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ
نصف و مر والدینش برای هر یک از آن دو ششیک از آنچه گذاشت اگر باشد برایش فرزندی

صَدُقَاتِهِنَّ بضم دال

قوله تعالی شانه
اِنَّ الَّذِینَ یَاْكُلُونَ سبب نزول آن بود که حکم خوردن مال یتیم مطلقا که ازین مفهوم میشود مشابه آیه که بالا گذشت از آن مستفاد میشود ولی تمیز نکرد و سبب نزولش آنستکه کسی از مال بسیاری بچه خود کسی بدست افتاد فرزند یتیم او بقدری تعدی میکرد در این باب آیه نازل شد والسلام

قوله تعالی شانه
یُوصِیكُمُ اللّٰهُ فِی الی واسع علیم حکیم سبب نزولش این بود که عتبه بن حصین فزاری بمیراث کودکان و زنان راضی نشد و گفت من میراث نمیدهم الا کسی که بر پشت مرکب سوار شود و اندر جهاد رود پس حق تعالی در باب آن ملعون آیه فرستاد والسلام

فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ

پس اگر نباشد برای فرزندی و میراث برند پدر و مادرش پس برای مادرش سه یک پس اگر باشد برایش برادران پس برای مادرش

السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ

شش یکست از بعد وصیتی که وصیت کرده است بآن یا بعد از ادای قرض پدرانشما و پسرانشما نمیدانید

أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٣ وَلَكُمْ

که کدامشان نزدیکتر است برای شما سود را که واجبست از خدا بدرستیکه خدا باشد داننده درست کردار و برای شماست

نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ

نصف آنچه گذاشتند جفتهای شما اگر نباشد برای آنها فرزندی پس اگر باشد برای ایشان فرزندی پس باشد برای شما

الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ١٤ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا

چهار یک از آنچه گذاشتند از بعد وصیتی که وصیت کردند بآن یا قرض و مر ایشانراست چهار یک از آنچه

تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّن بَعْدِ

گذاشته اید اگر نباشد برای شما فرزندی پس اگر باشد برای شما فرزندی پس مر آنهاراست هشت یک از آنچه گذاشته اید از بعد

وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ١٥ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ

وصیتی که وصیت کرده اید بآن یا قرض و اگر باشد مردی که میراث برده باشد بی پدر و مادر یا زنی

وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ

و مر اوراست برادر یا خواهر پس برای هر یک از آنهاست شش یک پس اگر باشند بیشتر از این

فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ١٦ غَيْرَ مُضَارٍّ

پس ایشانند شریکان در سه یک از بعد وصیتی که وصیت کرده اند یا قرض بی ضرر

وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ١٧ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَ

وصیتی از خدا و خدا داننده بردبار است اینست حدهای خدا و آنکه فرمان برد خدارا و

رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ

رسولش را در آید او بهشتها که میرود از زیر آن جویها و همیشه اند در آن و آن

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١٨ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا

رستگاری بزرگست و کسی که نافرمانی کند خدا و رسولش را و بگذرد از حدهای او در آید او در آتش همیشه است

فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ١٩ وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِن نِّسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا

در آن و مر اوراست شکنجه خوار کننده و زنانیکه بیایند بکار زشت از زنانشما پس بخواهید گواه

عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ

برآنها چهار را از شما پس اگر گواهی دهند پس نگاه دارید ایشانرا در خانها تا آنکه دریابد ایشانرا مرگ

أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ٢٠ وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَ

یا میگرداند خدا مر ایشانرا راهی و آنانکه از مرد و زن بیایند آنرا از شما پس آزار کنید آنهارا پس اگر توبه کردند

أَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ٢١ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ

و بسامان آوردند پس اعراض کنید از آنها بدرستیکه خدا باشد پذیرنده مهربان جز این نیست که پذیرفتن خداست مر آنانکه

يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ

میکنند بدی را بنادانی پس توبه کنند از نزدیک پس ایشانند که بپذیرد خدا بر ایشان

كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ٢٢ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا

و باشد خدا داننده درست کردار و نیست قبول توبه مر آنانرا که میکنند بدیها را تا چون

حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ

حاضر شود یکی از ایشان را مرگ گفت بدرستیکه باز گشت کردم الکنون و نه آنانکه میمیرند و ایشان کافرانند ایشانند که

أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ٢٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ

مهیا کردیم برای ایشان شکنجه پر درد ای آنانکه گرویدید حلال نیست برای شما که بگیرید ارث از زنان

كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ

بکراهیت و تنگ مگیرید زنان را برای آنچه ببرید برخی از مهرهای ایشان مگر اینکه بیایند بکار زشت

مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ

آشکار و صحبت کنید آنها را بوجه خوب پس اگر کراهیت دارید ایشان را پس بسا باشد که کراهت چیزی را و

يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ٢٤ وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ

میگرداند خدا در آن خیر بسیار و اگر خواهید بدل گیرید زنی جای زنی و

آتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ٢٥

داده باشید یکی از ایشان را مال بسیار پس نگیرید از او چیزی آیا میگیرید او را بتندویر و گناهی ظاهر

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا

و چگونه فرا میگیرید او را و بتحقیق که رسید برخی شما را بسوی برخی و گرفتند از شما پیمانی

غَلِيظًا ٢٦ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ

درشت و نکاح مکنید آنچه نکاح کردند پدران شما از زنان مگر آنچه که بتحقیق گذشته بدرستیکه آن باشد

فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ٢٧ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ

زشت و دشمن داشته شد و بد راهیست حرام شد بر شما مادران شما و دختران ایشان و خواهران ایشان

وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي

و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرانتان که شیر دادند

أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي

که شیر دادند شما را و خواهران شما که از شیر باشند و مادران زنهای شما و دختران شما آنانکه در

حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ

کنار شما پرورش یافته از زنان شما آنانکه داخل کرده اید بآنها پس اگر نباشید که داخل کرده باشید بآنها پس نیست باکی

عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ

بر شما و زنان پسران شما آنانکه از پشتهای شما باشند و اینکه جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه بتحقیق

سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ٢٨ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

پیش گذشته بدرستیکه خدا باشد آمرزنده مهربان و زنانیکه با عفت باشند از زنان شوهردار مگر آنچه مالک شده دستهای شما

قوله تعالی شانه العزیز

حرمت علیکم سبب نزولش این بود که چون آیه تحریم خواهرزاده و برادرزاده نازل شد یهود اعتراض کردند نکاح دختر عمه و دختر خاله حلال است با آنکه عمه و خاله حرامند پس اگر خواهر حرام است خواهرزاده باید حرام نباشد و باین شبهه خواستند اهل اسلام را بجانب باطل میل دهند این آیه نازل شد ١٢

قوله تعالی

حرمت علیکم الی رحیما این آیه تجمیع عقد الرجال است باید که این آیه را بر حریر و صورتی بسازند و نام آن شخص را و مادر او را بنویسند و آیه را در میان صورت بنهند و گویند یا فلان عن النساء بحق هذه الآیه و آن صورت را در خرقه پیچیده دفن کنند که از کفن مانده باشد آن شخص بی میل شود صحبت داشتن و شهوت زنان از دل وی بیرون رود و بسیاری از مردان که شهوت بر ایشان غالب بود باین نوع عمل کرده اند و خود را از شر نفس اماره خلاص نموده اند جمله خواص این آیه تفرقیت در میان زن و مردی که با هم اختلاط کنند باید قدری قرمسیه بگیرند و از آن صورتی بسازند که شبیه مرد باشد و از وی صورتی بسازند که شبیه بزن باشد میان ایشان فرق افتد

كِتٰبَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَاُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَآءَ ذٰلِكُمْ اَنْ تَبْتَغُوْا بِاَمْوَالِكُمْ مُّحْصِنِيْنَ غَيْرَ

نوشتهٔ خدا بر شما و حلال شد برای شما آنچه غیر اینهاست برای اینکه بخواهید بمالهای شما نگاه دارندگان جز

مُسٰفِحِيْنَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهٖ مِنْهُنَّ فَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ فَرِيْضَةً وَلَا جُنَاحَ

زناکنندگان پس آنچه بهره بردید شما بآن از ایشان پس بدهید ایشانرا مهرهاشانرا از راه وجوب و نیست باکی

عَلَيْكُمْ فِيْمَا تَرٰضَيْتُمْ بِهٖ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيْضَةِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ٢٩ وَمَنْ

بر شما در آنچه خوشنود گردید بآن از بعد وجوب بدرستیکه خدا باشد داننده درست کار و آنکه

لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا اَنْ يَّنْكِحَ الْمُحْصَنٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ مِّنْ

نتواند از شما که بخواهد نکاح کند زنان آزاد و مؤمنه باشند پس از آنچه مالک شده دستهای شما از

فَتَيٰتِكُمُ الْمُؤْمِنٰتِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاِيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوْهُنَّ بِاِذْنِ

زنان بندهٔ شما اگر گروندگانند و خدا داناتر است بایمان شما برخی شما از برخی پس نکاح کنید ایشانرا باذن

اَهْلِهِنَّ وَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ مُحْصَنٰتٍ غَيْرَ مُسٰفِحٰتٍ وَّلَا مُتَّخِذٰتِ

اهل ایشان و بدهید مهرهایشانرا بخوبی که باعفت باشند و زناکننده نباشند و نه گیرنده

اَخْدَانٍ ٣٠ فَاِذَآ اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنٰتِ

دوست پنهانی پس هرگاه بعفت درآیند پس اگر آیند زشت را پس بر ایشانست نیمهٔ آنچه بر زنان آزاد است

مِنَ الْعَذَابِ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَاَنْ تَصْبِرُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ

از شکنجه این برای کسیست که بترسد زنا کردن را از شما و اگر صبر کنید بهتر است برای شما و خدا آمرزنده

رَّحِيْمٌ ٣١ يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوْبَ عَلَيْكُمْ

مهربانست میخواهد خدا که بیان کند برای شما و هدایت کند شما را طریقهٔ آنانکه پیش از شما بودند و توبه پذیرد بر شما

وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ٣٢ وَاللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيْدُ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ

و خدا دانای درست کردار است و خدا میخواهد توبه پذیرد بر شما و میخواهند آنانکه پیروی کردند

الشَّهَوٰتِ اَنْ تَمِيْلُوْا مَيْلًا عَظِيْمًا يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ

خواهشها را اینکه میل کنید میلی بزرگ میخواهد خدا اینکه سبک کرده شود از شما و آفریده شد آدمی

ضَعِيْفًا ٣٣ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّآ اَنْ

ناتوان ای آنانکه گرویدید نخورید مالهایتانرا میانهٔ خودتان به بیهوده مگر اینکه

تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَنْفُسَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ٣٤

بوده باشد خرید و فروش از خوشنودی از شما و نکشید خودهاتانرا بدرستیکه خدا باشد بشما مهربان

وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَانًا وَّظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيْهِ نَارًا وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ

و آنکه میکند آنرا از دشمنی و ستم پس زود اندازیم او را در آتش و باشد آن بر خدا

يَسِيْرًا ٣٥ اِنْ تَجْتَنِبُوْا كَبٰٓئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُّدْخَلًا

آسان اگر دوری کنید از کبائر آنچه نهی کرده میشوید از آن میپوشانیم از شما بدیهای شما را و درآوریم شما را درآوردن

كَرِيْمًا ٣٦ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ مِّمَّا

خوب و آرزو مکنید آنچه افزونی داد خدا بآن برخی شما را بر برخی مردمها راست بهره از آنچه

اكتسبوا وللنسآء نصيب مما اكتسبن واسئلوا الله من فضله ان الله كان

کسب کردند و برای زنانست بهره از آنچه کسب کردند و بپرسید خدا را از فضلش بدرستیکه خدا باشد

بكل شيء عليما ٣٢ ولكل جعلنا موالي مما ترك الوالدان والاقربون و

بهر چیز دانا و برای همه گردانیدیم میراث خواران از آنچه گذاشته پدر و مادر و نزدیکان و

الذين عقدت ايمانكم فاتوهم نصيبهم ان الله كان على كل شيء شهيدا ٣٣

آنانکه بستند سوگندهای شان پس بدهید ایشانرا بهرهٔ ایشانرا بدرستیکه خدا باشد بر هر چیز گواه

الرجال قوامون على النسآء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا

مردان ایستاده اند بر زنان بآنچه افزون داد خدا برخی ایشان را بر برخی و بآنچه انفاق کردند

من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله والّاتي تخافون

از مالهای شان پس زنان نیکوکار فرمانبرداران نگاهدارندهٔ مرنهان را بآنچه نگاهداشت خدا و زنانیکه میترسید

نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا

نافرمانی آنها را پس پند دهید آنها را و کناره گیرید از آنها در خوابگاه و بزنید آنها را پس اگر فرمانبرند شما را پس

تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا ٣٤ وان خفتم شقاق بينهما فابعثوا

مجوئید بر آنها راهی بدرستیکه خدا باشد بلند بزرگ و اگر بترسید از ناسازگاری میان آنها پس بفرستید

حكما من اهله وحكما من اهلها ان يريدا اصلاحا يوفق الله بينهما ان الله كان

میانجی را از اهل آن مرد و میانجی از اهل آن زن اگر خواهند اصلاح را مهربانی کند خدا میان آنها بدرستیکه خدا باشد

عليما خبيرا ٣٥ واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا وبذي

داننده آگاه و بپرستید خدا را و شریک مسازید با آن چیزی را و بپدر و مادر نیکی کنید و بصاحبان

القربى واليتامى والمساكين والجار ذي القربى والجار الجنب والصاحب بالجنب

خویشی و یتیمان و بیچارگان و همسایهٔ صاحب قرابت و همسایهٔ بیگانه و رفیق و همنشین

وابن السبيل وما ملكت ايمانكم ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا ٣٦ الذين

و رهگذر و آنچه مالک شد دستهای شما بدرستیکه خدا دوست نمیدارد آنکه باشد خرامنده متکبر آنانکه

يبخلون ويامرون الناس بالبخل ويكتمون ما اتاهم الله من فضله واعتدنا للكافرين

بخل میکنند و امر مینمایند مردم را ببخل و میپوشند آنچه داد ایشانرا خدا از فضل خود و مهیا کردیم مر کافران را

عذابا مهينا ٣٧ والذين ينفقون اموالهم رئاء الناس ولا يؤمنون بالله ولا باليوم

شکنجه خوار نماینده و آنانکه انفاق میکنند مالهای شان را بریاء مردم و نمیگروند بخدا و نه بروز

الاخر ومن يكن الشيطان له قرينا فساء قرينا ٣٨ وماذا عليهم لو امنوا بالله

آخرت و آنکه باشد شیطان مر او را همنشین پس بد همنشینی است و چه زیان بود بر آنها اگر میگرویدند بخدا

واليوم الاخر وانفقوا مما رزقهم الله وكان الله بهم عليما ٣٩ ان الله لا يظلم

و روز آخرت و انفاق میکردند از آنچه روزی داد آنها را و باشد خدا بآنها دانا بدرستیکه خدا ستم

مثقال ذرة وان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه اجرا عظيما ٤٠ فكيف

میکند بقدر ذرهٔ و اگر باشد نیکی میافزاید آنرا و میدهد از نزد خودش مزد بزرگ پس چگونه

قوله تعالی شأنه الذین یبخلون الخ سبب نزولش آن بود که جمعی از یهود و نصاری از روی نصیحت میگفتند که مال خود را باین مرد خیر مدهید و یاران او نفقه مدهید که بدانکه زمانی فقیر میشوید و محتاج میشوید و مآل کار او معلوم نیست که کجا خواهد انجامید

١٣١

إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ

چون بیاوریم از هر امتی بگواهی و بیاریم ترا بر ایشان گواه آنروز دوست دارند آنانکه

كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ٤

کافر شدند و نافرمانی کردند پیغمبر را که کاش هموار شود با ایشان زمین و نمیپوشانند خدا سخنی را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ

ای آنانکه گرویدید نزدیک نشوید بنماز و شما مستان باشید تا آنکه بدانید که چه میگوئید

وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ

و نه جنابت مگر راهگذار باشید تا آنکه غسل کنید و اگر باشید بیمار یا در سفر یا بیمار باشید و آمد

أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا

یکی از شما را از غائط یا مجامعت کرده باشید با زنها پس نیابید آبرا پس تیمم کنید بخاک پاک

فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ٧ ع أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

پس بکشید بر رویهای خود و دستهای خود بدرستیکه خدا باشد درگذرنده آمرزنده آیا ندیدی بآنانکه

أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ

داده شدند بهره از کتاب که میخرند گمراهی را و میخواهند که گمراه کنند راه را

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ٨ ع مِنَ الَّذِينَ هَادُوا

و خدا داناتر است بدشمنان شما و بس است خدا دوست و بس است خدا یاور از آنانکه یهودی شدند

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ

میگردانند کلام را از جایهایش و میگویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو جز شنوانیده

وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ ٩ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَ

و مهلت ده ما را پیچیدنی بزبانهایشان و طعنه زدنی در دین و اگر که ایشان گفتندی که شنیدیم و فرمانبردیم

اسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَٰكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ

و بشنو و بنگر ما را هر آینه بود بهتر مر ایشان را و درست تر ولیکن لعنت کرد ایشان را خدا بسبب کفرشان پس ایمان نمیآورند

إِلَّا قَلِيلًا ١٠ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ

مگر کمی ای آنانکه داده شدید کتاب را بگروید بآنچه فرو فرستادیم باورکننده مر آنچه با شماست

مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ

از پیش آنکه محو کنیم رویها را پس میگردانیم آنرا بر پشتها یا لعنت میکنیم ایشانرا چنانکه لعنت کردیم یاران شنبه را

وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ١١ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ

و باشد امر خدا کرده شده بدرستیکه خدا نمی آمرزد آنکه شرک آورده باو و میآمرزد آنچه جز اینست مر هر کرا

يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ١٢ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ

میخواهد و آنکه شرک آرد بخدا پس بتحقیق که افترا بست بگناهی بزرگ آیا ندیدی بآنانکه پاک میدانند

أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ١٣ انْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ

خودشانرا بلکه خدا پاک میکند آنرا که میخواهد و ستم کرده نمیشوند بمقدار رگکی بنگر چگونه افترا میبندند بر خدا

قوله تعالى كيف اذا جئنا الى حديثا
این آیه را در شب شنبه بر کف دست راست بنویسد و چون زنی با مردی در خواب بوده باشد همان کف دست را بر سینه آن نهد آنچه در دل از رازی و مطلبی داشته باشد باز گوید هر سری که بوده چنانکه در بیداری سخن گوید مجرب نماید

الكذب وكفى به اثما مبينا ٥ الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب
دروغ را و بست بآن گناهی آشکارا آیا ندیدی بآنانکه داده شدند بهره از کتاب

يؤمنون بالجبت والطاغوت ويقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين
میگروند بجبت و طاغوت و میگویند مر آنانرا که کافر شدند آنها راه نماترند از آنانکه

امنوا سبيلا ٥ اولئك الذين لعنهم الله ومن يلعن الله فلن تجد له نصيرا ٥
گرویدند راه را آنها آنانند که لعنت کرد ایشانرا خدا و آنرا که لعنت میکند خدا پس هرگز نیابی برای او یاوری

ام لهم نصيب من الملك فاذا لا يؤتون الناس نقيرا ٥٧ ام يحسدون
آیا مر آنها را بهره ایست از پادشاهی پس آنگاه نمیدهند مردم را مقدار کمی آیا حسد میبرند

الناس على ما اتاهم الله من فضله فقد اتينا ال ابرهيم الكتاب والحكمة
مردم را برآنچه داد ایشانرا خدا از فضل خود پس بتحقیق دادیم آل ابراهیم را کتاب و حکمت

واتيناهم ملكا عظيما ٥٨ فمنهم من امن به ومنهم من صد عنه وكفى بجهنم
و دادیم ایشانرا پادشاهی بزرگ پس برخی از آنها آنکه گروید بآن و برخی از آنها آنکه باز داشت از آن و بست جهنم را

سعيرا ٥٩ ان الذين كفروا باياتنا سوف نصليهم نارا كلما نضجت جلودهم
آتش افروخته بدرستیکه آنانکه کافر شدند بآیات ما زود درآوریم آنها را در آتش هرگاه پخته شود پوستهاشان

بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب ان الله كان عزيزا حكيما ٥ و
بدل کنیم آنها را پوستها غیر آنرا تا بچشند شکنجه را بدرستیکه خدا باشد غالب درست کار و

الذين امنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من تحتها الانهار
آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته زود درآوریم آنها را در بهشتها که میرود از زیر آن جویها

خالدين فيها ابدا لهم فيها ازواج مطهرة وندخلهم ظلا ظليلا ٦١ ان الله
همیشه اند در آن جاویدان مر ایشانرا جفتهای پاکیزه و درآوریم آنها را در سایه پاینده بدرستیکه خدا

يامركم ان تؤدوا الامانات الى اهلها واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل
امر میکند شما را اینکه برسانید امانتها را باهلش و چون حکم کنید میان مردم که حکم کنید بعدالت

ان الله نعما يعظكم به ان الله كان سميعا بصيرا ٦٢ يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله
بدرستیکه خدا خوب پند میدهد شما را بآن بدرستیکه خدا باشد شنونده بینا ای آنانکه گرویدید فرمان برید خدا را

واطيعوا الرسول واولي الامر منكم فان تنازعتم في شيء فردوه الى الله و
و فرمان برید رسول را و صاحبان امر از شما پس اگر خلاف کنید در چیزی پس بگردانید او را بسوی خدا و

الرسول ان كنتم تؤمنون بالله واليوم الاخر ذلك خير واحسن تاويلا ٦٣
رسول اگر هستید که بگروید بخدا و روز آخر این بهتر است و نیکوتر به مآل اندیشی

الم تر الى الذين يزعمون انهم امنوا بما انزل اليك وما انزل من قبلك يريدون
آیا ندیدی بآنانکه پنداشتند که آنها گرویدند بآنچه فرو فرستادیم بسوی تو و آنچه فرو فرستاده شد پیش از تو میخواهند

ان يتحاكموا الى الطاغوت وقد امروا ان يكفروا به ويريد الشيطان ان يضلهم
آنکه حکم کنند بطاغوت و بتحقیق که امر کرده شدند آنکه کافر شوند بآن و میخواهد شیطان آنکه گمراه کند شان

اوتوا بضم همزه وسکون واو

در دعای صنمی قریش کلام معجز نظام حضرت امیرالمومنین علیه السلام معلوم میشود که جبت و طاغوت این است کما ینبغی

خانکه سفر مامداللهالعین صنمی القریش وجبتیها وطاغوتیها الذین ... کتاب بر عالمین ظاهر و روشن است ان الله یامرکم الی ... وقتی چیزی دفن کرده باشد و محل دفن فراموش کرده باشد این آیه را بر ظرف پاک نوسید و آب باران بشوید آن آب را ... که گمان دارد ... باذن الله

واولي بضم همزه بعد واو کسر لام

ضَلٰلًا بَعِيدًا ۶۰ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللّٰهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ
گمراهی دور وچون گفته شود مر آنهارا بیایید بسوی آنچه فرو فرستاد خدا وبسوی پیغمبر بینی

الْمُنٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ۶۱ فَكَيْفَ إِذَا أَصٰبَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا
منافقان را که باز میدارند از تو باز داشتنی پس چگونه باشد چون رسید آنهارا مصیبتی بآنچه

قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسٰنًا وَتَوْفِيقًا ۶۲
پیش داشته دستهاشان پس آمدند ترا سوگند میخورند بخدا که نخواستیم مگر نیکی و موافقت

أُولٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللّٰهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي
آنهایند آنانکه میداند خدا آنچه در دلهای ایشانست پس روبگردان از ایشان وپند ده آنهارا وبگو مر ایشانرا در

أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ۶۳ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ
در خودشان گفتاری اثر کننده ونفرستادیم از پیغمبری مگر آنکه اطاعت کرده شود باذن خدا واگر آنکه آنها

إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ
چون ستم کردند خودشانرا آمدند ترا پس آمرزش خواستند از خدا وآمرزش خواست برایشان پیغمبر هر آینه یافته بودند خدارا

تَوَّابًا رَحِيمًا ۶۴ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتّٰى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا
توبه پذیر مهربان پس بتحقیق پروردگارت که نمیگروند تا حکم کنند ترا درآنچه خلاف بود میانشان پس نیابند

فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۶۵ وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا
در خودشان خوشنودی از آنچه حکم کردی وتسلیم کنند تسلیم کردنی را واگر آنکه ما نوشته بودیم برآنها که بکشید

أَنْفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيٰرِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ
خودتانرا یا بیرون روید از خانهاتان نمیکردند مگر اندکی از ایشان واگر که آنها میکردند آنچه پند داده میشوند

بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ۶۶ وَإِذًا لَآتَيْنٰهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ۶۷ وَ
بآن هر آینه بود بهتر برایشان وسخت تر بود در ثبوت وآن هنگام هر آینه میدادیم ایشانرا از نزد خود مزدی عظیم

لَهَدَيْنٰهُمْ صِرٰطًا مُسْتَقِيمًا ۶۸ وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ
وهر آینه راه نمودیم آنهارا راه راست وهر که فرمان برد خدارا ورسول را پس آنهایند با آنانکه

أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصّٰلِحِينَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ
انعام کرد خدا برآنها از پیغمبران وراستگویان وگواهان وشایستگان وخوبند آنها

رَفِيقًا ۶۹ ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ عَلِيمًا ۷۰ يٰأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا
از راه رفاقت آن فضلست از خدا وبسست خدا دانا ای آنانکه گرویدید بگیرید

حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا ۷۱ وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصٰبَتْكُمْ
سلاحتانرا پس بیرون روید فوج فوج یا بیرون روید باهم بدرستیکه از شما هر آینه آنکه آرام گیرد پس اگر رسید شمارا

مُصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ۷۲ وَلَئِنْ أَصٰبَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللّٰهِ
مصیبتی گفت بتحقیق انعام کرد خدا برمن هنگامیکه نبودم با آنها حاضر واگر برسد شمارا فضلی از خدا

لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يٰلَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ۷۳
هر آینه میگوید گویا نبوده میان شما ومیان او دوستی ای کاش بودم من با آنها پس کامیاب شدم کامیابی بزرگ

جَاؤُكَ بفتح همزه و سکون واو صیغه جمع است

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ۚ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي

پس کارزار کنند در راه خدا آنانکه خریدند زندگی دنیا را بآخرت وآنکه کارزار کند در

سَبِيلِ اللّٰهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ٧٧ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي

راه خدا پس کشته شود یا غالب شود پس زود میدهیم اورا مزد بزرگ وچیست برای شما که کارزار نکنید در

سَبِيلِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا

راه خدا وناتوانان از مردان وزنان وفرزندان آنانکه میگویند پروردگارا

أَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ

بیرون کن مارا ازاین ده ستمگار اهل آن وبگردان برای ما از نزد خود دوستی وبگردان

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ٧٨ الَّذِينَ اٰمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

برای ما از نزد خود یاوری آنانکه گرویدند کارزار میکنند در راه خدا وآنانکه کافر شدند

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَآءَ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ

کارزار میکنند در راه طاغوت پس کارزار کنید دوستان شیطانرا بدرستیکه مکر شیطانرا

كَانَ ضَعِيفًا ٧٩ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا

باشد سست آیا ندیدی بآنانکه گفته شد مرایشانرا که باز دارید دستهای خودرا وبرپا دارید نمازرا وبدهید

الزَّكٰوةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللّٰهِ

زکات را پس چون نوشته شد برایشان کارزار آنگاه گروهی ازایشان میترسند مردمرا مانند ترسیدن از خدا

أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ

یا سخت تر ترسیدنی وگفتند پروردگارا چرا نوشتی برما کارزار را چرا باخیر نینداختی تا مدت نزدیک

قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقٰى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ٨٠ أَيْنَمَا تَكُونُوا

بگو بهره دنیا اندکست وآخرت بهتراست برای آنکه پرهیز کرد وستم کرده نشوید فتیلی هرجا باشید

يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ ۗ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هٰذِهِ

دریابد شمارا مرگ واگرچه باشید در برجهای سخت واگر برسد ایشانرا خوبی میگویند این

مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۖ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هٰذِهِ مِنْ عِنْدِكَ ۚ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۖ

از نزد خداست واگر برسد ایشانرا بدی میگویند این از نزد تست بگو همه از نزد خداست

فَمَالِ هٰؤُلَآءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ٨١ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ

پس چیست قوم که نزدیک باشد که بفهمند سخنی را آنچه میرسد ترا از حسنه پس از

اللّٰهِ ۖ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ ۚ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا ۚ وَكَفٰى بِاللّٰهِ

خداست وآنچه میرسد ترا از بدی پس از تست وفرستادیم ترا برای مردم پیغمبر وبسست خدا

شَهِيدًا ٨٢ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ ۖ وَمَنْ تَوَلّٰى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ

گواه آنکه فرمانبرد رسول را پس بتحقیق که فرمانبرد خدارا وآنکه روگرداند پس نفرستادیم ترا برایشان

حَفِيظًا ٨٣ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ

نگهبان ومیگویند فرمانبرداریست پس چون بیرون میروند از نزد تو تدبیر میکنند قومی ازایشان

قوله تعالی شانه
الم تر الی الذین الی آخر
سبب نزولش این بود که
چون حضرت رسول صلی الله
علیه وآله عزم جنگ بدر نمود
نعیم ابن مسعود مردمانرا از
لشکر ابوسفیان میترسانید
وبعضی از صحابه در رفتن کاهلی
مینمودند آنحضرت فرمودند
که اگر من تنها باشم
بجنگ خواهم رفت
و در آنوقت این آیه رسید
و این آیه مبارکه نازل گردید
١٢

غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ

جز آنچه میگوئی و خدا مینویسد آنچه تدبیر میکنند پس روبگردان از ایشان و توکل کن بر خدا و

كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ٨٤ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا

بسست خدا وکیل آیا پس تامل نمیکنند قرآنرا واگر باشد از نزد غیر خدا هر آینه یافته بودند

فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ٨٥ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ

در آن اختلاف بسیار وهرگاه آمد ایشانرا امری از ایمنی یا ترس افشا میکنند آنرا و اگر

رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا

برگردانند آنرا بسوی فرستاده وبسوی صاحب امر از ایشان هر آینه میدانند آنرا آنانکه استنباط میکنند آنرا از ایشان و اگر نبودی

فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ٨٦ فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فضل خدا برشما ورحمت او هر آینه پیروی میکردید شیطانرا مگر کمی پس کارزار کنید در راه خدا

لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ

تکلیف کرده نشود مگر خودت و ترغیب کن مؤمنانرا شاید خدا آنکه بازدارد آسیب آنانکه کافر شدند

اللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ٨٧ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا

خدا سخت تراست در آسیب وسخت تر در عقوبت آنکه درخواست کند درخواست خوبی میباشد مراو را بهره از آن

وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا ٨٨

وهرکه درخواست کند درخواست بدی باشد مراورا دو بهره از آن وباشد خدا بر هر چیز نگهبان

وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

وچون تحیت داده شوید بتحیتی پس تحیت گوئید بهتر از آن یا رد کنید آنرا بدرستیکه خدا باشد بر هر چیز

حَسِيبًا ٨٩ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ

نگاهدارنده خدا نیست خدائی مگر او هر آینه جمع خواهد کرد شما را تا روز رستخیز نیست شکی در آن وکیست راستگوتر

مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ٩٠ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ

از خدا سخنی را پس چیست برای شما در دو رویان دو گروه و خدا برگردانید آنها را بانچه کسب کردند آیا میخواهید

أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ٩١ وَدُّوا لَوْ

آنکه راه نمائید کسی راکه گمراه کند خدا وآنکه گمراه کند خدا پس هرگز نیابی برای او راهی دوست داشتند

تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا

که کافر شوید چنانکه کافر شدند پس باشید یکسان پس نگیرید از آنها دوستان تا هجرت کنند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ

در راه خدا پس اگر روگردانند پس بگیرید آنها را و بکشید ایشانرا هر جا که یافتید آنها را و نگیرید از آنها

وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ٩٢ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ

دوستی ونه یاوری مگر آنانکه بپیوندند بسوی گروهی که میان شما ومیان ایشان پیمانی یا

جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ

آیند شمارا که تنگ شده سینهای ایشان که کارزار کنند با شما یا کارزار کنند قوم خود را و اگر میخواست خدا

ولمع ثانی
من یشفع الی حد شفاعة
چون کسی خواهد که خواستگاری زنی کند باید که در روز جمعه وقت طلوع آفتاب این آیه را بر قطعه جامه نویسد که از جامه دختر که عروس شده باشد مانده باشد آن قطعه را با خود نگاه دارد مقصود حاصل گردد و سخن او را اجابت کنند و مواصلت فیما بین بزودی خاتمه یابد انشاء الله

نصف الحزب

او جاؤکم بضم همزه و سکون واو صیغه جمع است

لسلطان

لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَاِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَاَلْقَوْا اِلَيْكُمُ السَّلَمَ

هرآئينه قوت داد ايشانرا برشما پس كارزار كردندي باشما پس اگر كناره گيرند شمارا پس كارزار نكنند شمارا و اندازند بشما صلح را

فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ٩٣ سَتَجِدُونَ اٰخَرِينَ يُرِيدُونَ اَنْ

پس نگردانيده خدا براي شما برآنها راهي زود يابيد ديگرانرا ميخواهند كه

يَاْمَنُوكُمْ وَيَاْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوا اِلَى الْفِتْنَةِ اُرْكِسُوا فِيهَا فَاِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ

ايمن شوند شمارا و ايمن شوند قوم شانرا هرگاه رد شوند بسوي فتنه برگردانيده شوند در آن پس اگر كناره نگيرند شمارا

وَيُلْقُوا اِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا اَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ

و نيندازند بسوي شما صلح را و باز دارند دستهاي شانرا پس بگيريد آنهارا و بكشيد آنهارا هرجا كه يافتيد آنهارا

وَاُولٰٓئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ٩٤ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ اَنْ يَقْتُلَ

و آنها ايند شما كه گردانيديم شمارا برايشان تسلط روشن و نسزد مر مؤمني را كه بكشد

مُؤْمِنًا اِلَّا خَطَـًٔا وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَـًٔا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ اِلٰٓى

مؤمني را مگر بخطا و هركه كشت مؤمني را بخطا پس آزاد كردن گردن مؤمنست و خونبهاي تسليم كرده شده

اَهْلِهٖٓ اِلَّآ اَنْ يَصَّدَّقُوا فَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ

بكسانش مگر اينكه تصدق كنند پس اگر باشد از قوم دشمني براي شما و او مؤمنست پس آزاد كردن گردن

مُؤْمِنَةٍ وَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ اِلٰٓى اَهْلِهٖ وَ

مؤمنست واگر باشد از گروهي كه ميان شما و آنها پيماني پس خونبهاي تسليم كرده شده بكسانش و

تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللّٰهِ وَ

آزاد كردن گردن مؤمنست پس اگر نيافت نشود پس روزه دو ماه پي در پي توبه را از خدا و

كَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ٩٥ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهٗ جَهَنَّمُ خَالِدًا

باشد خدا داننده درست كار و اگر بكشد مؤمني را عمدا پس جزايش جهنم است هميشه

فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهٗ وَاَعَدَّ لَهٗ عَذَابًا عَظِيمًا ٩٦ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ

در آن و خشم خدا براو و لعنت او و مهيا كرده براي او شكنجه بزرگ اي آنانكه

اٰمَنُوٓا اِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ اَلْقٰٓى اِلَيْكُمُ السَّلٰمَ

گرويديد چون سفر كرديد در راه خدا پس جستجو كنيد و مگوييد مر آنرا كه افكند بسوي شما صلح را

لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذٰلِكَ كُنْتُمْ

نيستي مؤمن كه ميجوئيد مايه زندگي دنيا را پس نزد خداست غنيمت بسيار همچنان بوديد پيش

مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوٓا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ٩٧ لَا يَسْتَوِي

از پيش پس منت نهاد خدا برشما پس جستجو كنيد بدرستيكه خداست بآنچه ميكنيد آگاه برابر نيستند

الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ اُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَ

نشستگان از گروندگان جز صاحبان ضرر وجهاد كنندگان در راه خدا بمالهاشان و

اَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ

و خودهاشان افزوني داد خدا جهاد كنندگانرا بمالهاشان و خودهاشان بر نشستگان مرتبه را وهمه را وعده داد

قوله تعالى وما كان لمؤمن الى آخر سبب نزولش اين بود كه جواني عياش نام از مسلمانان در مكه گرفتار كفار شد واذيت بسيار از دست حارث نامي كشيده بود وبا وجود عهد كرده بود كه اگر بر حارث دست يابد اورا بكشد بعد از مدتي حارث مذكور توفيق اسلام يافت واز اسلام او عياش خبري نداشت روزي در محلي قصد او كرد وبقتل رسانيد واصحاب در باره او زبان بملامت گشودند در اين باب

اولئكم بضمه همزه بي اشباع

فجزاؤه بضمه همزه بي اشباع

آيه نازل شد لا يستوي القاعدون الى آخر سبب نزولش كه جماعت مسلمانان چون قيس بن الوليد وامثال ايشان با وجود قدرت هجرت ازمكه بمدينه نكردند چون بزرگان قريش بجانب بدر روانه شدند ايشان همراه كافران بجنگ آمدند كشته شدند حق تعالى در شان آنها آيه فرستاد

اولي بضمه همزه بي اشباع

الله

اللّٰهُ الْحُسْنٰى وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اَجْرًا عَظِيمًا ٩٨ دَرَجَاتٍ

خدا خوبی و افزونی داد خدا جهادکنندگان را بر نشستگان مزد بزرگ مرتبها

مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٩٩ اِنَّ الَّذِينَ تَوَفّٰهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ

از آن و آمرزش و رحمت و باشد خدا آمرزنده مهربان بدرستیکه آنانکه میمیرانند آنها را فرشتگان

ظَالِمِى اَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِى الْاَرْضِ قَالُوا اَلَمْ تَكُنْ

ستمگاراند خودشانرا گفتند درآنچه بودید گفتند بودیم ناتوانان در زمین گفتند آیا نباشد

اَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَاُولٰٓئِكَ مَاْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ وَسَآءَتْ مَصِيرًا ١٠٠

زمین خدا گشاده پس هجرت کنید در آن پس آنها جایشان جهنم است و بد بازگشتی است

اِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا

مگر ناتوانان از مردان و زنان و فرزندان که نمیتوانند چاره را و نه

يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَاُولٰٓئِكَ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُورًا

یابند راهی را پس آنها شاید که خدا درگذرد از آنها و باشد خدا درگذرنده آمرزنده

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِى سَبِيلِ اللّٰهِ يَجِدْ فِى الْاَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ

و آنکه هجرت کند در راه خدا بیابد در زمین جاهای بسیار گشاد و آنکه بیرون رود

مِنْ بَيْتِهٖ مُهَاجِرًا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهٖ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ

از خانهٔ خود هجرت کننده بسوی خدا و پیغمبرش پس دریابد او را مرگ پس بحقیقت که واجب شد مزد او بر خدا

وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ١٠٢ وَاِذَا ضَرَبْتُمْ فِى الْاَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ

و باشد خدا آمرزنده مهربان و چون سفر کردید در زمین پس نیست بر شما باکی آنکه

تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلٰوةِ اِنْ خِفْتُمْ اَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا اِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا

کوتاه کنید از نماز اگر بترسید آنکه مفتون سازند شما را آنانکه کافر شدند بدرستیکه کافران میباشند

لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ١٠٣ وَاِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَاَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِنْهُمْ

مرشما را دشمنی ظاهر و چون باشی در آنها پس برپا دار برایشان نماز را پس باید بایستد طایفهٔ از آنها

مَعَكَ وَلْيَاْخُذُوا اَسْلِحَتَهُمْ فَاِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَآئِكُمْ وَلْتَاْتِ طَآئِفَةٌ

با تو و باید بگیرند اسباب جنگشانرا پس چون سجده کنند پس باید باشند از پشت سر شما و باید بیاید گروه

اُخْرٰى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَاْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَاَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ

دیگر که نماز نکرده باشند پس نماز گذارند با تو و باید بگیرند پاس خود را و سلاح خود را دوست داشتند آنانکه

كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ اَسْلِحَتِكُمْ وَاَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً

کافر شدند که کاش غافل میشدند از سلاحشان و متاعهایشان پس حمله میبردیم بر شما یک حمله

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِنْ كَانَ بِكُمْ اَذًى مِنْ مَطَرٍ اَوْ كُنْتُمْ مَرْضٰى اَنْ تَضَعُوا اَسْلِحَتَكُمْ

و نیست باکی بر شما اگر باشد شما را آزاری از باران یا باشید بیماران اینکه بگذارید اسلحهٔ خود را

وَخُذُوا حِذْرَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ اَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ١٠٤ فَاِذَا قَضَيْتُمُ

و بگیرید پاس خود را بدرستیکه خدا مهیا کرد مر کافرانرا شکنجه خوار کننده پس چون گذارده دید

ورد تعالی
ومن یهاجر الی حِنْها هرکس این
آیه را بر دست راست خود
بنویسد و آنرا بلیسد هفت روز
یک نوبت در اول روز
پیش از آنکه چیزی بخورد چنین کند
بشرطی که با طهارت باشد
زنده است سحر او کارکند
بو نی آورده است که اگر این
آیه را بر کف دست راست
بنویسد و با روغن گاو دست
را بر بنده نامر شود و دیگر
دست چپ نویسد و همان
عمل کند و بعد از هفت نوبت
این آیه را بر آن روغن
هر سحری که کرده شده باطل
گردد و دیگر سحر
جادو بروی
کارنکند
باذن خدای تعالی انشاءالله

الصلوة فاذكروا الله قياما وقعودا وعلى جنوبكم فاذا اطمانتم فاقيموا

نماز را پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهای شما پس چون آرامیدید پس برپا دارید

الصلوة ان الصلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ۱۰۵ ولا تهنوا في ابتغاء

نماز را بدرستیکه نماز باشد بر مؤمنان نوشته معین شده و سست مشوید در خواستن

القوم ان تكونوا تالمون فانهم يالمون كما تالمون وترجون من الله ما لا يرجون

قوم اینکه باشید که درد کشید پس بدرستیکه ایشان درد میکشند چنانکه درد میکشید و امیدوارند از خدا آنچه را که امید ندارید

وكان الله عليما حكيما ۱۰۶ انا انزلنا اليك الكتاب بالحق لتحكم بين

و باشد خدا داننده درست کردار بدرستیکه ما فرو فرستادیم بسوی تو کتاب را براستی تا حکم کنی میان

الناس بما اريك الله ولا تكن للخائنين خصيما واستغفر الله ان الله كان

مردم بآنچه نمود ترا خدا و مباش مر خیانت کاران را دشمن و آمرزش خواه از خدا بدرستیکه خدا باشد

غفورا رحيما ۱۰۷ ولا تجادل عن الذين يختانون انفسهم ان الله لا يحب من

آمرزنده مهربان و مجادله مکن از آنانکه خیانت کردند خودشان را بدرستیکه خدا دوست ندارد

كان خوانا اثيما ۱۰۸ يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله وهو معهم

کسیکه باشد خیانت کننده گناه کار شرم میدارند از مردم و شرم نمیدارند از خدا و او با ایشانست

اذ يبيتون ما لا يرضى من القول وكان الله بما يعملون محيطا ۱۰۹ ها انتم هؤلاء

چون تدبیر کنند آنچه خوشنود نیست از گفتار و باشد خدا بآنچه میکنند احاطه کننده آگاه باشید شما اینهایید

جادلتم عنهم في الحيوة الدنيا فمن يجادل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون

که جدال کردید از ایشان در زندگی دنیا پس آنکه جدال کند خدا را از آنها روز رستخیز یا آنکه باشد

عليهم وكيلا ۱۱۰ ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفورا

بر آنها وکیل و آنکه بکند بدی را یا ستم کند خود را پس آمرزش خواهد از خدا بیابد خدا را آمرزگار

رحيما ۱۱۱ ومن يكسب اثما فانما يكسبه على نفسه وكان الله عليما حكيما ۱۱۲

مهربان و آنکه کسب کند بدی را پس جز این نیست که کسب میکند بدی برابر خودش و باشد خدا داننده درست کردار

ومن يكسب خطيئة او اثما ثم يرم به بريئا فقد احتمل بهتانا واثما مبينا ۱۱۳

و آنکه کسب کند خطائی را یا گناهی را پس تهمت دهد بآن بیگناهی را پس بتحقیق که برداشت افترائی را و گناهی ظاهر

ولولا فضل الله عليك ورحمته لهمت طائفة منهم ان يضلوك وما يضلون

و اگر نبود فضل خدا بر تو و رحمت او هر آینه قصد کردند طایفه از آنها که گمراه کنند ترا و گمراه نمیکنند

الا انفسهم وما يضرونك من شيء وانزل الله عليك الكتاب والحكمة وعلمك

مگر خودهاشان را و زیان نرسانند ترا از چیزی و فرو فرستاد خدا بر تو کتاب و حکمت را و آموخت ترا

ما لم تكن تعلم وكان فضل الله عليك عظيما ۱۱۴ لا خير في كثير من نجويهم الا

آنچه نبودی که بدانی و باشد فضل خدا بر تو بزرگ نیست خیر در بسیاری از گفتشان مگر

من امر بصدقة او معروف او اصلاح بين الناس ومن يفعل ذلك ابتغاء

آنکه امر میکند بصدقه یا نیکی یا اصلاح میان مردم و آنکه بکند این را طلب

یرم بفتح یا و سکون را و کسر میم

مَرْضَاتِ اللّٰهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ١١٥ وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا

خوشنودی خدا پس زود بدهیم او را مزد بزرگ واکه بزحمت دراورد پیغمبر را از بعد انچه

تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ

ظاهر شد برایش هدایت وپیرو شد غیر راه گروندگان پشت میکنیم چنانکه پشت کرد و دراوریم او را جهنم

سَاءَتْ مَصِيرًا ١١٦ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَ

و بد بازگشتی است بدرستیکه خدا نمی امرزد آنکه شریک اورد باآن ومی امرزد غیر آنرا مر آنرا که میخواهد و

مَن يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ١١٧ إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَ

آنکه شرک اورد بخدا پس بتحقیق گمراه شد گمراه شدن دور نمیخوانند از غیر او مگر مؤنثها و

إِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ١١٨ لَّعَنَهُ اللّٰهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا

نمیخوانند مگر شیطان رد کرده شده لعنت کرد خدا وگفت هر اینه گیرم از بندگان تو بهرهٔ

مَّفْرُوضًا وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ

واجب وهر اینه گمراه کنم انهارا وبارزو اندازم انهارا وهر اینه میفرمایم انهارا پس باید ببرند گوشهای چارپایانرا

لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ

و فرمایم انهارا پس هر اینه تغییر میدهند افرینش خدارا وانکه بگیرد شیطانرا دوست از غیر خدا پس بتحقیق زیان کرد

خُسْرَانًا مُّبِينًا ١١٩ يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ١٢٠ أُولَٰئِكَ

زیانکردنی آشکارا وعده میدهد انهارا وبارزو اندازد انهارا ووعده میدهد انهارا شیطان مگر فریب آنها

مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ١٢١ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

جایگاه ایشان جهنم است ونمییابند از آن گریزگاهیرا وآنانکه گرویدند وکردند کار شایسته

سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا

زود دراوریم انها را در بهشتها که میرود از زیر آن جویها جاویدانند در آن همیشه وعدهٔ خدا درست است

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ قِيلًا ١٢٢ لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن

وکیست راستگوتر از خدا بگفتار نیست آرزوی شما ونه آرزوی اهل کتاب از

يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ١٢٣ وَمَن يَعْمَلْ

آنکه عمل کند بدیرا جزا داده شود بآن ونمییابد برایش از غیر خدا دوستی ونه یاوری وآنکه عمل کند

مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا

از شایستها از مذکر یا مؤنث واو گرونده است پس آنها درایند بهشت را ونه

يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ١٢٤ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ

ستمکرده شوند بمقدار کمی وآنکه بهتر است در دین از آنکه خالص کند رویش را برای خدا و نیکوست و پیروی کند

مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللّٰهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ١٢٥ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

دین ابراهیم حق گرا را وگرفت خدا ابراهیم را دوست ومر خدا راست انچه در اسمانها وانچه در

الْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا ١٢٦ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ

زمین است وباشد خدا بهر چیزی احاطه کننده وطلب میکنند از تو فتوی در زنها بگو خدا فتوی میدهد در انها

لَأَتَّخِذَنَّ
بفتح لام وفتح همزه
همزه اش قطع است
و در تعالی شانه العزیز
ان یدعون الا اناثا الی
اخر آیه سبب نزولش آن
بود که مشرکان عرب
بتان را بصورت زنان میساختند
و اهل را اسم زنان نام
نهادند مثل لات و منات
و عزی در حقیقه بودند که بپرستش
فلان میکنند پس خدای تعالی
از حقیقت حال خبر داده
و آیه مبارکه فرستاد
١٢

وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ

و آنچه خوانده شود بر شما در کتاب در یتیمان زنهاییکه نمیدهید ایشان را آنچه نوشته شد مر ایشان را

تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ

و رغبت میکنند آنکه نکاح میکنند آنها را و ناتوانان از فرزندان و اینکه کار گذار گیرید مر یتیمان را

بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ۱۲۷ وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ

بعدالت و آنچه میکنند از نیکی پس بدرستیکه خدا باشد بآن دانا و اگر زنی ترسد

مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَ

از شوهرش بجهه سرباز زدن یا روگردانیدن پس نیست باکی بر آن دو تا اینکه اصلاح کنند میان ایشان صلح و

الصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا

صلح بهتر است و حاضر کرده شد نفسها بخل و اگر نیکی کنید و بپرهیزید پس بدرستیکه خدا باشد بآنچه

تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۱۲۸ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا

میکنید آگاه و هرگز نتوانید که عدالت کنید میانه زنان و هر چند بسیار خواهش داشته باشید پس میل مکنید

كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۱۲۹

تمام میل پس واگذارید او را مانند آویخته و اگر اصلاح کنید و بپرهیزید پس بدرستیکه خدا باشد آمرزنده مهربان

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ۱۳۰ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

و اگر جدا شوند بی نیاز میکند خدا همه را از گشایش خود و باشد خدا وسعت دهنده درست کردار و مر خدا راست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ

و آنچه در زمینست و هر آینه بتحقیق وصیت کردیم آنانرا که داده شدند کتاب را از پیش شما و شما را که

اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ

بپرهیزید خدا را و اگر کافر شوید پس بدرستیکه مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و باشد خدا

غَنِيًّا حَمِيدًا ۱۳۱ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۱۳۲

بی نیاز ستوده و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و بسست خدا وکیل

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ۱۳۳

اگر بخواهد میبرد شما را ای مردم و میآورد دیگران را و باشد خدا براین توانا

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ

آنکه باشد بخواهد ثواب دنیا را پس نزد خداست ثواب دنیا و آخرت و باشد خدا

سَمِيعًا بَصِيرًا ۱۳۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ

شنونده بینا ای آنانکه گرویدید باشید ایستادنده بعدل حاضران خدا را و اگر

عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا

بر خودهاتان یا پدر و مادر و نزدیکان اگر باشد بی نیاز یا محتاج پس خدا اولیست بآنها پس پیروی مکنید

الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۱۳۵

خواهش را اگر عدالت بورزید و اگر پشت کنید یا روگردانید پس بدرستیکه خدا باشد بآنچه میکنید آگاه

یا ایها

يا ايها الذين امنوا امنوا بالله ورسوله والكتاب الذي نزل على رسوله و

ای آنانکه گرویدید بگروید بخدا وپیغمبرش وکتابیکه فرو فرستاده بر پیغمبرش

الكتاب الذي انزل من قبل ومن يكفر بالله وملئكته وكتبه ورسله واليوم

وکتابیکه فرو فرستاده شد از پیش وآنکه کافر شد بخدا وفرشتگانش وکتابهایش وپیغمبرانش وروز

الاخر فقد ضل ضلالا بعيدا ١٣٦ ان الذين امنوا ثم كفروا ثم امنوا ثم كفروا

آخر پس بتحقیق گمراه شد گمراه شدن دور بدرستیکه آنانکه گرویدند پس کافر شدند پس گرویدند پس کافر شدند

ثم ازدادوا كفرا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم سبيلا ١٣٧ بشر المنافقين

پس افزودند کفر را نمیباشد خدا تا بیامرزد مر ایشانرا ونه هدایت کند ایشانرا راهی مژده ده منافقانرا

بان لهم عذابا اليما ١٣٨ الذين يتخذون الكافرين اولياء من دون المؤمنين

باینکه مر ایشانراست شکنجه پردرد آنانکه میگیرند کافرانرا دوستان از غیر گروندگان

ايبتغون عندهم العزة فان العزة لله جميعا ١٣٩ وقد نزل عليكم في الكتاب

آیا میجویند نزد ایشان عزت را پس عزت مر خدا راست همه وبتحقیق فرو فرستاد بر شما در کتاب

ان اذا سمعتم ايات الله يكفر بها ويستهزئ بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا

اینکه چون بشنوید آیات خدارا کافر شوند بآنها واستهزا کنند بآنها پس منشینید با ایشان تا خوض کنند

في حديث غيره انكم اذا مثلهم ان الله جامع المنافقين والكافرين في جهنم

در حدیث غیر او بدرستیکه شما در آنهنگام مانند ایشانید بدرستیکه خدا فراهم آرنده منافقان وکافرانست در جهنم

جميعا ١٤٠ الذين يتربصون بكم فان كان لكم فتح من الله قالوا الم نكن معكم

همه را آنانکه انتظار میبرند بشما پس اگر باشد برای شما ظفر از خدا گویند آیا نبودیم با شما

وان كان للكافرين نصيب قالوا الم نستحوذ عليكم ونمنعكم من

واگر باشد مر کافرانرا بهره گویند آیا غلبه نکردیم بر شما ومنع میکردیم شمارا از

المؤمنين فالله يحكم بينكم يوم القيمة ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين

گروندگان پس خدا حکم میکند میان شما روز رستخیز وهرگز ندهد خدا برای کافران بر مؤمنان

سبيلا ١٤١ ان المنافقين يخادعون الله وهو خادعهم واذا قاموا الى

راهی بدرستیکه منافقان فریب میدهند خدارا واو فریب میدهد ایشانرا وچون ایستند

الصلوة قاموا كسالى يراءون الناس ولا يذكرون الله الا قليلا ١٤٢ مذبذبين

بنماز ایستند با کسالت می بینند مردم را وذکر نمیکنند خدارا مگر اندکی دودل شده

بين ذلك لا الى هؤلاء ولا الى هؤلاء ومن يضلل الله فلن تجد له

میانه این نه بسوی ایشان ونه بسوی اینها وآنرا که گمراه کند خدا پس هرگز نیابی برایش

سبيلا ١٤٣ يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الكافرين اولياء من دون

راهی ای آنانکه گرویدید مگیرید کافرانرا دوستان از جز

المؤمنين اتريدون ان تجعلوا لله عليكم سلطانا مبينا ١٤٤ ان المنافقين

گروندگان آیا میخواهید که بگردانید برای خدا بر شما تسلطی آشکارا بدرستیکه منافقان

فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ۱۴۵ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا

در درک پست تر از آتش و هرگز نیابی مر ایشانرا یاوری مگر آنانکه توبه کردند و اصلاح کردند

وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ

و چنگ زدند بخدا و خالص کردند دینشانرا برای خدا پس آنها با گروندگانند و زود میدهد

اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۱۴۶ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ ۚ وَ

خدا گروندگان را مزد بزرگ نمیکند خدا چه بشما از شکنجه شمارا اگر شکر کنید و بگروید و

كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ۱۴۷ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ ۚ وَ

باشد خدا شکر کننده دانا دوست ندارد خدا آشکارا کردن بدیرا از گفتار مگر آنکه ستم کرده شد و

كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ۱۴۸ إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ

باشد خدا شنونده دانا اگر ظاهر کنید خوبی را یا پنهان دارید آنرا یا درگذرید از بدی پس بدرستیکه خدا

كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ۱۴۹ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا

باشد درگذرنده توانا بدرستیکه آنان که کافر شدند بخدا و پیغمبرانش و میخواهند که جدائی اندازند

بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا

میانه خدا و پیغمبرانش و میگویند گرویدیم ببرخی و کافر شدیم ببرخی و میخواهند که بگیرند

بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ۱۵۰ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا

میانه این راهیرا آنها ایشانند کافران درست و مهیا کردیم مر کافرانرا شکنجه

مُهِينًا ۱۵۱ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَٰئِكَ

خوار کننده و آنانکه گرویدند بخدا و پیغمبرانش و جدائی نینداختند میانه یکی از آنها آنها

سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۱۵۲ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ

زود میدهیم ایشانرا مزدهای ایشانرا و باشد خدا آمرزنده مهربان میپرسد ترا اهل کتاب

أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ ۚ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَٰلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا

اینکه فرو فرستادی برآنها کتابی را از آسمان پس بتحقیق پرسیدند موسی را بزرگتر از این پس گفتند بنما بما

اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ

خدارا آشکار پس گرفت آنها صاعقه بسبب ستمشان پس گرفتند گوساله را از بعد آنچه آمد آنها را

الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَٰلِكَ ۚ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُبِينًا ۱۵۳ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ

معجزات پس درگذشتیم ما از این و دادیم موسی را تسلطی ظاهر و بلند کردیم بالای ایشان

الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ

طور را بسبب پیمانشان و گفتیم مر آنها را در آیید در را سجده کننده و گفتیم مر آنها را تجاوز مکنید در شنبه

وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۱۵۴ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ

و گرفتیم از آنها پیمانی سخت پس بسبب شکستن آنها پیمانشان را و کفرشان بآیات خدا و

قَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا

کشتنشان پیغمبرانرا بناحق و گفتنشان دلهای ما غلاف دارد بلکه مهر کرد خدا بر آنها بسبب کفرشان پس

في الدرك بفتح دال و سكون را

الجزء السادس

قوله تعالى شأنه العزيز لا يحب الله الجهر بالسوء ... علیما این آیه را در پوست آهو باید نوشت از برای کسیکه بسیار گوباشد بخواند و بد مند سخن نگوید و اگر کسی این آیه را بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارد نزد ظالم جباری رود از وی در ... بس باشد این آیه را بر ... دهد از شر او ایمن گردد و ... ضرر باو نرسد و اگر این آیه را بر گلاب و زعفران و مشک بنویسند و بآب باران بشویند و آن آب را بهر حاکم باشد بیاشامند براستی حکم کند و عدالت پیش گیرد و اگر این آیت را بر قطعه جامه بنویسد که از گریبان گرفته باشند و باید آن جامه را در روز چهارشنبه برده باشند و باید آنجامه را دفن کنند در آستانه سرای زنی که سلیطه و نافرمان باشد زبان او کوتاه گردد انشاء الله تعالی ۱۲

يؤمنون الا قليلا ١٥٥ وبكفرهم وقولهم على مريم بهتانا عظيما ١٥٦ وقولهم

نمیگروند مگر کمی　وبکفرشان　وگفتارشان بر مریم بهتانی بزرگ　وگفتارشان

انا قتلنا المسيح عيسى بن مريم رسول الله وما قتلوه وما صلبوه ولكن

که ما کشتیم مسیح عیسی پسر مریم را پیغمبر خدا　و نکشتند اورا و بدار نکشیدند اورا ولیکن

شبه لهم وان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع

شبیه گردید ما شد مر آنهارا　و بدرستیکه اختلاف کردند در آن هر آینه در شکند از آن　نیست مر آنهارا بآن از دانشی مگر پیروی

الظن وما قتلوه يقينا بل رفعه الله اليه وكان الله عزيزا حكيما ١٥٧ وان

کردن گمانرا　و نکشتند اورا بیقین　بلکه بلند کرد اورا خدا بسوی او　و باشد خدا غالب درست کردار　و نیست

من اهل الكتاب الا ليؤمنن به قبل موته ويوم القيمة يكون عليهم شهيدا ١٥٨

از اهل کتاب　مگر که بگروند بآن پیش از مردنش　و روز رستخیز　میباشد بر ایشان گواه

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات احلت لهم وبصدهم عن سبيل

پس بستمی　از آنانکه یهودی شدند حرام کردیم بر ایشان پاکیزها　که حلال شده بر ایشان　و بباز داشتن ایشان از راه

الله كثيرا ١٥٩ واخذهم الربوا وقد نهوا عنه واكلهم اموال الناس

خدا بسیاریرا　و گرفتنشان ربارا　و بتحقیق بازداشته شدند از آن　و خوردنشان مالهای مردم را

بالباطل واعتدنا للكافرين منهم عذابا اليما ١٦٠ لكن الراسخون في العلم

ببیهوده　و مهیا کردیم برای کافران از آنها　شکنجهٔ پر درد　ولیکن رسوخ کنندگان در دانش

منهم والمؤمنون يؤمنون بما انزل اليك وما انزل من قبلك والمقيمين

از آنها　و گروندگان　که میگروند　بآنچه فرو فرستاده شد بتو　و آنچه فرو فرستاده شد از پیش تو　و بپا دارندگان

الصلوة والمؤتون الزكوة والمؤمنون بالله واليوم الاخر اولئك سنؤتيهم

نمازرا　و دهندگان زکات　و گروندگان بخدا　و روز آخرت　آنها زود میدهیم آنهارا

اجرا عظيما ١٦١ انا اوحينا اليك كما اوحينا الى نوح والنبيين من بعده و

مزد بزرگ　و بدرستیکه ما وحی کردیم بسوی تو چنانکه وحی کردیم　بنوح　و پیغمبرانیکه بودند از بعد او و

اوحينا الى ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وعيسى وايوب

وحی کردیم بابراهیم　و اسمعیل　و اسحق　و یعقوب　و سبطها　و عیسی و ایوب

ويونس وهرون وسليمان واتينا داود زبورا ١٦٢ ورسلا قد قصصناهم

و یونس　و هرون　و سلیمان　و دادیم داود را زبور　و پیغمبرانیکه خواندیم بتحقیق آنهارا

داود اشباع میشود یعنی بدو واو خوانده شود

عليك من قبل ورسلا لم نقصصهم عليك وكلم الله موسى تكليما ١٦٣

بر تو　از پیش　و پیغمبرانیکه نخواندیم آنهارا بر تو　و سخن گفت خدا بموسی را سخن گفتنی

رسلا مبشرين ومنذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل و

پیغمبران　مژده دهنده　و بیم کننده　تا نباشد　مر مردم را　بر خدا برهانی　بعد پیغمبران

كان الله عزيزا حكيما ١٦٤ لكن الله يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه

و باشد خدا غالب درست کردار　ولیکن خدا گواهی میدهد بآنچه فرو فرستاد بسوی تو　فرستاد اورا بدانش خود

والملائكة يشهدون وكفى بالله شهيدا ١٦٥ ان الذين كفروا وصدوا عن

و فرشتگان گواهی میدهند و بسست خدا گواه بدرستیکه آنانکه کافر شدند و باز داشتند از

سبيل الله قد ضلوا ضلالا بعيدا ١٦٦ ان الذين كفروا وظلموا لم يكن الله

راه خدا بتحقیق گمراه شدند گمراهی دور بدرستیکه آنانکه کافر شدند و ستم کردند نمیباشد خدا

ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا ١٦٧ الا طريق جهنم خالدين فيها ابدا

که بیامرزد مر آنهارا و نه که راه نماید الحق ایشانرا راهی مگر راه جهنم جاوید ماندند در آن همیشه

وكان ذلك على الله يسيرا ١٦٨ يا ايها الناس قد جاءكم الرسول بالحق من

و باشد این بر خدا آسان ای مردم بتحقیق آمد شمارا فرستاده براستی از

ربكم فآمنوا خيرا لكم وان تكفروا فان لله ما في السموات والارض

پروردگارتان پس بگروید بهتر است برای شما و اگر کافر شوید پس بدرستیکه مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمینست

وكان الله عليما حكيما ١٦٩ يا اهل الكتاب لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا

و باشد خدا داننده درستکار ای اهل کتاب غلو مکنید در دینتان و مگوئید

على الله الا الحق انما المسيح عيسى بن مريم رسول الله وكلمته القاها

بر خدا مگر حق را جز این نیست که مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خداست و کلمه او که انداخت آنرا

الى مريم وروح منه فآمنوا بالله ورسله ولا تقولوا ثلثة انتهوا خيرا

بسوی مریم و روحی پاکیزه از او پس بگروید بخدا و پیغمبرانش و مگوئید سه اند خدا باز ایستید که بهتر است

لكم انما الله اله واحد سبحانه ان يكون له ولد له ما في السموات وما

برای شما جز این نیست خدا خدائیست یگانه منزه است از آنکه باشد مر او را فرزندی مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه

في الارض وكفى بالله وكيلا ١٧٠ لن يستنكف المسيح ان يكون عبدا لله

در زمینست و بسست خدا وکیل هرگز ننگ نمیدارد مسیح که باشد بنده خدا

ولا الملائكة المقربون ١٧١ ومن يستنكف عن عبادته ويستكبر

و نه فرشتگان نزدیک کردگان و آنکه ننگ دارد از پرستش و سرکشی میکند

فسيحشرهم اليه جميعا ١٧٢ فاما الذين آمنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم

پس حشر میکند الحق ایشانرا بسوی او همه را پس اما آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته پس تمام میدهد آنهارا

اجورهم ويزيدهم من فضله واما الذين استنكفوا واستكبروا فيعذبهم

مزدشان را و زیاده دهد ایشانرا از فضلش و اما آنانکه ننگ داشتند و سرکشی کردند پس شکنجه میکند آنهارا

عذابا اليما ١٧٣ ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا ١٧٤ يا ايها

شکنجه پر درد و نمییابند مر ایشانرا از غیر خدا دوستی و نه یاوری ای

الناس قد جاءكم برهان من ربكم وانزلنا اليكم نورا مبينا فاما الذين

مردم بتحقیق آمد شمارا حجتی از پروردگارتان و فرو فرستادیم بسوی شما نوری آشکار پس اما آنانکه

آمنوا بالله واعتصموا به فسيدخلهم في رحمة منه وفضل ويهديهم

گرویدند بخدا و چنگ زدند باو پس زود درآورد آنهارا در رحمت از خود و فضلی و راه نماید آنهارا

قوله تعالی یا ایها الناس الی آخر این آیت از بهر تقویت ایمان است و زایل شدن شک و شبهه و حاصل شدن یقین در ایمان و اول ماه که سه روز روزه بدارد که اول آن روز پنجشنبه و در روز چهارشنبه افطار کند از چیزی که حیوانی نباشد و در آن تقصیر شبهه نباشد پس شب پنجشنبه بعد از نماز عشا دوازده رکعت نماز بگزارد و بعد سلام دو نوبت سبحان الله بگوید و از خدای تعالی راه راست و جاده مستقیم طلب کند در ایمان پس این آیت را بنویسد و با باران بشوید و در صباح جمعه بخورد تعرف حاصل گردد انشاء الله ١٢

إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ١٧٥ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ

بسوی خویش راهی راست فتوی میطلبند تورا بگو خدا فتوی میدهد شمارا در کلاله اگر مردی

هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا

هلاک شود که نباشد مرا ورا فرزندی و باشد مرا ورا خواهری پس مرا ورا ست نیمهٔ آنچه گذاشت و آن مرد میراث میبرد از او اگر

وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا

فرزندی پس اگر باشند دو خواهر پس مر آنهاراست دو ثلث از آنچه گذاشته و اگر باشند برادران و خواهران مردها

وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و زنان پس برای مذکر است مانند بهرهٔ دو مؤنث بیان میکند خدا برای شما آنکه مبادا گمراه شوید و خدا بهر چیز داناست

سُورَةُ الْمَائِدَةِ مِائَةٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ

الا اليوم اكملت لكم دينكم نزلت بعرفات ... و آياتها ١٢٠ نزلت بعد الفتح

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ

ای آنانکه گرویدید وفا کنید بعهدها حلال شد برای شما بچهٔ شکم چارپایان مگر آنچه خوانده میشود

عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

برشما غیر حلال دارندگان صید و شما محرم باشید بدرستیکه خدا حکم میکند آنچه میخواهد ای آنانکه گرویدید

لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللّٰهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ

حلال مدارید مناسک خدارا و نه ماه حرام را و نه قربانی را و نه قلاده‌ها را و نه متوجهان

الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ٣ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا

خانهٔ محترم را بجویند افزونی از پروردگارشان و خوشنودی و چون محل شوید پس صید کنید

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ

و نباید وادارد شمارا دشمنی قومیکه باز داشتند شمارا از مسجد الحرام که تعدی کنید و

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ

معاونت هم کنید بر خوبی و پرهیزکاری و معاونت هم مکنید بر گناه و تعدی کردن و بپرهیزید خدارا

إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ٤ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ

بدرستیکه خدا سخت عقوبت است حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه بانگ زده باشند

لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا

مر غیر خدا را بآن و خفه کرده و بزدن مرده و از افتادن مرده و بضرب شاخ مرده و آنچه خورد درنده مگر

مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذٰلِكُمْ فِسْقٌ

آنچه را ذبح کرده اید و آنچه ذبح شد بنام بتان و اینکه طلب قسمت کنید بتیرها آن فسق است

الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ٥ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ

امروز نومید شدند آنانکه کافر شدند از دین شما پس مترسید از آنها و بترسید مرا امروز کامل کردم

قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اوفوا الی ما یرید این آیه را در ظرفی از آبگینه نویسند و آنرا محو کنند بعسلی که آتش ندیده باشد بکسی دهند که مجذوب باشد و عوارض باطل کند آن عفونت ... گردد و صلاح و تقوی در او افزوده آید انشاء الله ١٢

خواص

اوفوا بفتح همزه و سکون واو

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سورهٔ مائده را بخواند حق سبحانه و تعالی بعدد هر یهود و نصرانی که در عالم نفس کشیده است ده حسنه برای او نویسند و ده گناه از گناهان او محو فرماید و ده درجه از برای او بلند گرداند ١٢

قوله تعالی حرمت علیکم المیتة الی رحیم این آیت در ظرفی آبگینه نویسید بشرطی که با طهارت باشد و آنرا از آب باران بشوید و بخورد خدا تعالی او را از خوردن حرام و ربا و مال یتیم باز دارد و اگر این آیه را نود بار بخواند و آرد گندم را با آن خمیر کنند و از آن یک گرده نان ... و چهار بخش کنند ... از آن بر دوش هر یک بخش را خود بخورد ... متتابع باین دستور

لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا فمن اضطر
برای شما دین شما را و تمام کردم برشما نعمتم را و پسندیدم برایشما اسلام را دین پس آنکه مضطر شد

في مخمصة غير متجانف لاثم فان الله غفور رحيم ٦ يسئلونك ماذا احل
در گرسنگی غیر مایل مر گناه را پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست میپرسند ترا چه چیز حلال کرده شد

لهم قل احل لكم الطيبات وما علمتم من الجوارح مكلبين تعلمونهن مما
برایشان بگو حلال کرده شد برایشما پاکیزه‌ها و شکار آنچه آموزانیده‌اید از شکار گیرندگان که بسگ شکار کنند تعلیم میدهید ایشانرا

علمكم الله فكلوا مما امسكن عليكم واذكروا اسم الله عليه واتقوا الله
آموخت شمارا خدا پس بخورید از آنچه نگاه داشتند برشما و یاد کنید اسم خدارا براو و بپرهیزید خدارا

ان الله سريع الحساب ٧ اليوم احل لكم الطيبات وطعام الذين اوتوا
بدرستیکه خدا زود حسابست امروز حلال کرده شد برایشما پاکیزه‌ها و طعام آنانکه داده شدند

الكتاب حل لكم وطعامكم حل لهم والمحصنات من المؤمنات والمحصنات من
کتاب را حلال است برایشما و طعام شما حلالست مرایشان را و زنان عفیفه از مؤمنان و عفیفه‌های از

الذين اوتوا الكتاب من قبلكم اذا آتيتموهن اجورهن محصنين غير مسافحين
آنانکه داده شدند کتاب را از پیش شما چون بدهید ایشانرا مهرهایشانرا نکاح کنندگان بحلال غیر زناکنندگان

ولا متخذي اخدان ومن يكفر بالايمان فقد حبط عمله وهو في الآخرة
و نه گیرندگان یارها و آنکه انکار میورزد بایمان پس بتحقیق نابود شد کارش و او در آخرت

من الخاسرين ٨ يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا و
از زیانکارانست ای آنانکه گرویدید چون بایستید بنماز پس بشوئید

جوهكم وايديكم الى المرافق وامسحوا برؤسكم وارجلكم الى الكعبين ٩
رویهاتانرا و دستهایتانرا تا مرفقها و مسح کنید بسرهاتان و پاهایتان تا دو کعب

وان كنتم جنبا فاطهروا وان كنتم مرضى او على سفر او جاء احد منكم من
و اگر باشید جنب پس پاک شوید و اگر باشید بیماران یا بر سفر یا آمد یکی از شما از

الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا
غایط یا مباشرت کردید زنهارا پس نیابید آبی پس تیمم کنید بزمینی پاک پس مسح کنید

بوجوهكم وايديكم منه ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج ولكن يريد
برویهاتان و دستهاتان از آن نمیخواهد خدا که بگرداند برشما از تنگی ولیکن میخواهد

ليطهركم وليتم نعمته عليكم لعلكم تشكرون ١٠ واذكروا نعمة الله عليكم
تا پاک کند شمارا و تا تمام نماید نعمتش را برشما شاید شما شکر کنید و یاد کنید نعمت خدارا برخودتان

وميثاقه الذي واثقكم به اذ قلتم سمعنا واطعنا واتقوا الله ان الله عليم
و عهدش را که بست با شما بآن چون گفتید شنیدیم و فرمان بردیم و بپرهیزید خدارا بدرستیکه خدا داناست

بذات الصدور ١١ يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط ولا يجرمنكم
بسرایر سینها ای آنانکه گرویدید باشید ایستادنده مر خدارا حاضران بعدالت و نباید وادارد شمارا

لاثم بکسر لام و کسر همزه همزه آثم جزء کلمه است نمی افتد

و قوله تعالی شانه اليوم اكملت الی رحيم علمای شیعه و سنی متفقند که این آیه در شان امیر المؤمنین علیه السلام شرف نزول یافت بعد از آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز غدیر فرمود هر که من مولای اویم علی مولای اوست در این باب آیه مبارکه نازل شد ١٢

شنان قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی واتقوا الله ان الله

دشمنی قومیکه برآنند که عدالت نکنید عدالت ورزید که آن نزدیکتر است مر پرهیزگاری را و بپرهیزید خدا را بدرستیکه خدا

خبیر بما تعملون ١٢ وعد الله الذین امنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة واجر

آگاهست بآنچه میکنید وعده داد خدا آنانکه گرویدند وکردند کار شایسته مر آنها راست آمرزش ومزد

عظیم ١٣ والذین کفروا وکذبوا بایاتنا اولئک اصحاب الجحیم ١٤ یا ایها الذین

بزرگ وآنانکه کافر شدند وتکذیب کردند بآیات ما ایشانند یاران جهنم ای آنانکه

امنوا اذکروا نعمت الله علیکم اذ هم قوم ان یبسطوا الیکم ایدیهم فکف ایدیهم

گرویدید یاد کنید نعمت خدا را برخودتان چون قصد کردند قومی که بگشایند بسوی ایشما دستهای ایشانرا پس بازداشت

عنکم واتقوا الله وعلی الله فلیتوکل المؤمنون ١٥ ولقد اخذ الله میثاق بنی

ایشانرا از شما وبپرهیزید خدا را وبر خدا پس توکل میکنند گروندگان وهر آینه بتحقیق گرفت خدا پیمان پسران

اسرائیل وبعثنا منهم اثنی عشر نقیبا وقال الله انی معکم لئن اقمتم الصلوة واتیتم

یعقوب را وبرانگیختیم از ایشان دوازده نقیب وگفت خدا بدرستیکه من با شمایم هر آینه اگر برپا داشتید نماز را وادید

الزکوة وامنتم برسلی وعزرتموهم واقرضتم الله قرضا حسنا لاکفرن عنکم

زکات را وایمان آوردید بر رسولانم وعزیز داشتید ایشانرا ووام دادند خدا را وام نیکو هر آینه در میگذرانم از شما

سیاتکم ولادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار فمن کفر بعد ذلک منکم

بدیهای شما را وهر آینه در میآورم شما را در بهشتها که میرود از زیر آن جویها پس آنکه کافر شد بعد از این از شما

فقد ضل سواء السبیل ١٦ فبما نقضهم میثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسیة

پس بتحقیق گم کرد میان راه پس شکستن ایشان عهد شان را لعنت کردیم ایشانرا وگردانیدیم دلهای ایشان سخت

یحرفون الکلم عن مواضعه ونسوا حظا مما ذکروا به ولا تزال تطلع علی

میگردانند سخن را از جایهایش وفراموش کردند بهره از آنچه پند شان داده بآن وهمیشه دیده ور میشوی بر

خائنة منهم الا قلیلا منهم فاعف عنهم واصفح ان الله یحب المحسنین ١٧ ومن

ناراستی از ایشان مگر اندکی از ایشان پس درگذر از ایشان ودرگذر بدرستیکه خدا دوست میدارد نیکوکاران را واز

الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم فنسوا حظا مما ذکروا به فاغرینا بینهم

آنانکه گفتند که ماییم ترسا گرفتیم پیمان ایشانرا پس فراموش کردند بهره از آنچه پند داده شدند بآن پس افکندیم میان ایشان

العداوة والبغضاء الی یوم القیمة وسوف ینبئهم الله بما کانوا یصنعون ١٨

دشمنی وکینه را تا روز رستخیز وزود خبر دهد ایشانرا خدا بآنچه بودند که میکردند

یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یبین لکم کثیرا مما کنتم تخفون من الکتاب

ای اهل کتاب بتحقیق آمد شما را رسول ما بیان میکند برای شما بسیاری از آنچه بودید که پنهان میداشتید از کتاب

ویعفوا عن کثیر قد جاءکم من الله نور وکتاب مبین یهدی به الله من اتبع

ودرگذرد از بسیاری بتحقیق آمد شما را از خدا نوری وکتاب روشن راه مینماید بآن خدا آنرا که پیروی کند

رضوانه سبل السلام ویخرجهم من الظلمات الی النور باذنه ویهدیهم

خوشنودی او را راههای خوب وبیرون آورد ایشانرا از تاریکیها بسوی روشنی باذن او وهدایت میکند ایشانرا

قوله تعالی شانه العزیز یا ایها الذین امنوا اذکروا نعمت الله علیکم الی تهتدون هر که این آیه را یا آیه واذکروا نعمت الله علیکم الی تهتدون که در سوره آل عمران است بر پوست یکی از حیوانات وحشی نویسد وآنرا با خود دارد وآن را برجائیکه مظنه دفینه باشد بریزد وبخواب نماید آنرا که آن چیز در کدام محل دفن شده واگر این آیت را بر صفحه از آهن نقش کنند واز موضعی بنهند هر که در آن موضع کار ناشایسته کند رسوا شود واگر این آیه را بر لوح یا سنگ پشت نویسند وباخود نگاه دارند از سحر وجادو ودیو برکنار باشند واز شر آنها در امان باشند ١٢

الی صراط مستقیم ۱۹ لقد کفر الذین قالوا ان الله هو المسیح بن مریم قل فمن
براه راست براینه بحقیق کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه خدا اوست مسیح پسر مریم بگو پس کیست
یملک من الله شیئا ان اراد ان یهلک المسیح بن مریم وامه ومن فی الارض
که مالک شود از خدا چیزی را اگر بخواهد که هلاک کند مسیح پسر مریم و مادرش و آنکه در زمینست
جمیعا ۲۰ ولله ملک السموات والارض وما بینهما یخلق ما یشاء والله
همه و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میانه آنهاست میآفریند آنچه بخواهد و خدا
علی کل شیء قدیر ۲۱ وقالت الیهود والنصاری نحن ابناء الله واحباؤه
بر هر چیز تواناست و گفتند یهود و ترسا ما ییم پسران خدا و دوستانش
قل فلم یعذبکم بذنوبکم بل انتم بشر ممن خلق یغفر لمن یشاء ویعذب من
بگو پس چرا شکنجه میکند شما را بگناهان شما بلکه شما یید انسان از آنکه آفرید بیامرزد آنرا که میخواهد و شکنجه میکند هر کرا
یشاء ولله ملک السموات والارض وما بینهما والیه المصیر ۲۲ یا اهل
میخواهد و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست و بسوی اوست بازگشت ای اهل
الکتاب قد جاءکم رسولنا یبین لکم علی فترة من الرسل ان تقولوا ما جاءنا
کتاب بحقیق که آمد شما را فرستاده ما بیان میکند برای شما بر فاصله از رسولان مبادا بگویید که نیامد ما را
من بشیر ولا نذیر فقد جاءکم بشیر ونذیر والله علی کل شیء قدیر ۲۳ واذ
هیچ مژده دهنده و نه بیم کننده پس بحقیق آمد شما را مژده دهنده و بیم کننده و خدا بر هر چیزی تواناست و چون
قال موسی لقومه یا قوم اذکروا نعمة الله علیکم اذ جعل فیکم انبیاء وجعلکم
گفت موسی مر قومش را که ای قوم یاد کنید نعمت خدا را بر شما هنگامیکه گردانید در میان شما پیغمبران و گردانید
ملوکا واتیکم ما لم یؤت احدا من العالمین ۲۴ یا قوم ادخلوا الارض المقدسة
شما را پادشاهان و داد شما را آنچه نداد باحدی از جهانیان ای قوم داخل شوید آن زمین پاک را
التی کتب الله لکم ولا ترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خاسرین ۲۵ قالوا یا موسی
که نوشت خدا برای شما و باز مروید بر پشتهاتان پس بگردید زیانکاران گفتند ای موسی
ان فیها قوما جبارین وانا لن ندخلها حتی یخرجوا منها فان یخرجوا منها
بدرستیکه در آنجا گروهی جباراانند و بدرستیکه ما داخل نمیشویم در آن تا بیرون روند از آن پس اگر بیرون روند از آن
فانا داخلون ۲۶ قال رجلان من الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا
پس ما داخل شوندگانیم گفتند دو مرد از آنانکه میترسیدند انعام کرد خدا بر آن دو مرد که داخل شوید
علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم
بر ایشان از آن در پس چون داخل شدید آنرا پس بدرستیکه شما غالبان و بر خدا پس توکل کنید اگر هستید
مؤمنین ۲۷ قالوا یا موسی انا لن ندخلها ابدا ما داموا فیها فاذهب انت و
گروندگان گفتند ای موسی بدرستیکه ما داخل نمیشویم آنرا هرگز مادام که باشند در آن پس برو تو و
ربک فقاتلا انا ههنا قاعدون ۲۸ قال رب انی لا املک الا نفسی واخی فافرق
پروردگارت پس کارزار کنید بدرستیکه ما اینجا نشستگانیم گفت پروردگارا بدرستیکه من مالک نیستم بجز خودم و برادرم را پس جدائی انداز

قوله تعالی شانه
ولله ملک السموات الی خاسرین این آیات را هر کس پیش از طلوع آفتاب بر کف دست راست خود نویسد و آنرا بزبان بلیسد و آب دهان خود فرو برد و بعد از نماز صبح مداومت باین دستور عمل کند خدا او را توفیق دهد و فتح و رحم و شفقت بر او کرامت فرماید انشاء الله
۱۲

قوله تعالی
قال رجلان الی مؤمنین از جهة عقد اللسان این آیات را بر پوست آهو نویسد بگلاب و زعفران آنکس که خواهد نام او را نویسد و او را با خود نگاه دارد نزد هر کس زبان او بسته شود و از اهل ظلم و غیره با او نتوانند درشتی کنند
۱۲

قوله تعالی
قالوا یا موسی الی قاعدون جهة منع مسافر از سفر بگیرد سنگی از آن راه که مسافر خواهد برود و این آیه را بر آن سنگ نویسد در چاه کند دیگر مسافر از آن راه نرود تا سنگ در آنجا باشد باذن الله
۱۲

بینا

بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٢٩ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ

میانهٔ ما و میانهٔ گروه فاسقان گفت پس هر آینه ناشایسته است بر ایشان چهل سال سرگردان

فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٣٠ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ

میروند در زمین پس منشین اندوه بر گروه فاسقان و بخوان بر ایشان خبر دو پسر آدم را

بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ

براستی چون قربانی کردند قربانی پس پذیرفته شد از یکی از آندو و پذیرفته نشد از دیگری گفت هر آینه کشتمت البته

قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ٣١ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ

گفت جز این نیست که قبول میکند از پرهیزگاران هر آینه دراز کنی بمن دستت را که بکشی مرا نیستم من دراز کننده

يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ٣٢ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي

دستم را بسوی تو تا بکشمت بدرستیکه میترسم خدا پروردگار جهانیان را بدرستیکه من میخواهم که بازگردی بگناه من

وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ٣٣ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ

و بزهٔ خود پس باشی از یاران آتش و اینست مزد ستمگاران پس آسان کرد واراست او

قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ٣٤ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ

کشتن برادرش را پس کشت او را پس صباح کرد از زیانکاران پس برانگیخت خدا کلاغی را تا بکاود در زمین

لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا

تا بنمایند او را چگونه بپوشد تن برادرش را گفت وای مرا عاجز شدم که باشم مانند این

الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ٣٥ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا

کلاغ پس بپوشانم عورت برادر مرا پس صباح کرد از پشیمانان از برای این نوشتیم

عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ

بر پسران یعقوب که هر که کشت تنی را بغیر تنی یا تباهی در زمین پس گویا که کشت

النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ٣٦ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا

مردم را همه و آنکه زنده کرد آنرا پس گویا زنده کرد مردم را همه را و هر آینه بتحقیق آمد ایشان را رسولان ما

بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ٣٧ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ

با معجزات پس بدرستیکه بسیاری از ایشان بعد این در زمین هر آینه گزاف کارانند جز این نیست مزد آنانکه

يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ

جنگ کردند خدا و پیغمبرش را و شتافتند در زمین بتباهی اینکه کشته شوند یا بردار کشیده شوند یا

تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا

بریده شود دستهای ایشان و پایهای ایشان از خلاف یکدیگر یا رانده شوند از زمین این مر ایشانراست خواری در دنیا

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٣٨ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ

و مر ایشانراست در آخرت شکنجهٔ بزرگ مگر آنانکه توبه کردند از پیش از آنکه قادر شوید بر ایشان

فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٣٩ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا

پس بدانید بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدید بپرهیزید از خدا و بجوئید

قصه ابنی آدم

نَبَأَ ابْنَيْ
بسکون با و فتح نون
و سکون یاء ابنی
بمعنی خبر دو پسر
آدم است

بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ
فتکون بکسر همزه
اثمی و کسر همزه
اثمک و فتح نون
تکون

فَأُوَارِيَ
بفتح یا

قوله تعالی
واتل علیهم الی الخاسرین
چون خواهد کسی از اشرار یا
اهل بدعت هلاک شود صورت
آن شخص را از گچ بسازند
و این آیه را در روی آن صورت
نقش کند و نام او را در پشت
صورت نقش کند و آن عمل را
در روز شنبه یا دیگر روز آخر روز
وقتیکه قمر محاق باشد
خنجری بدست گیرد و بران
فاذا لقیتم الذین کفروا فضرب
الرقاب پس آن خنجر را بران
صورت زند در آن موضع که
نام او را نوشته گوید قتلکی
اضلوا کذا و کذا آنچه خواهد
از بلیات نام برد که آن شخص
بآن بلیات بسیار گرفتار
شود باذن الله
١٢

الَيهِ الوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ٥ ع اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

بسویش وسیله را وجهد کنید در راهش شاید شما رستگار شوید بدرستیکه آنانکه کافر شدند

لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

اگر آنکه باشد مر ایشانرا آنچه در زمین است همه و مثلش با او تا فدا دهند بآن از شکنجه روز رستخیز

مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ١ ع يُرِيدُونَ اَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ

پذیرفته نشود از آنها و مر آنها راست شکنجهٔ پر درد میخواهند که بیرون روند از آتش و نباشند آنها بیرون روندگان

مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ٢ ع وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا اَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا

از آن و مر ایشانراست شکنجهٔ برقرار و مرد دزد و زن دزد پس ببرید دستهای ایشان را جزای آنچه

كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٣ ع فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاَصْلَحَ

کسب کردند عقوبتی از خدا و خدا غالب درست کردار پس آنکه توبه کرد از بعد ستمش و بصلاح آمد

فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٤ ع اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

پس بدرستیکه خدا می پذیرد بر او بدرستیکه خدا آمرزنده مهربان است آیا نمیدانی که خدا مر او راست پادشاهی آسمانها

وَالْاَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٥ ع يَا اَيُّهَا

و زمین شکنجه میکند آنکه را که میخواهد و میآمرزد مر آنکه را که میخواهد و خدا بر همه چیز تواناست ای

الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا اٰمَنَّا بِاَفْوَاهِهِمْ

پیغمبر اندوهناک نکنند ترا آنانکه میشتابند در کفر از آنانکه گفتند گرویدیم بدهنهاشان

وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ

و نگروید دلهاشان و از آنانکه یهود شدند شنوندگانند مر دروغرا شنوندگانند مر گروهی

اٰخَرِينَ لَمْ يَاْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ اِنْ اُوتِيتُمْ

دیگر نیامده ترا تحریف میکردند سخن را از بعد جاهایش میگویند اگر داده شوید

هٰذَا فَخُذُوهُ وَاِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ

این را پس بگیرید او را و اگر داده نشدید او را پس حذر کنید و هر که میخواهد خدا فتنهٔ او را پس هرگز مالک نشوی

لَهُ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا اُولٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ اَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي

او را از خدا چیزی ایشانند آنانکه نخواسته خدا که پاک گرداند دلهایشان مر آنها راست در

الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٦ ع سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ اَكَّالُونَ

دنیا خواری و مر آنها راست در آخرت شکنجهٔ بزرگ شنوندگانند مر دروغ را خورندگانند

لِلسُّحْتِ فَاِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ وَاِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ

مر حرام را پس اگر آمدند ترا پس حکم کن میانشان یا رو گردان از آنها و اگر رو گردانی از آنها پس هرگز

يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ

ضرر نمیرسانند ترا چیزی و اگر حکم کردی پس حکم کن میانشان بعدالت بدرستیکه خدا دوست میدارد

الْمُقْسِطِينَ ٧ ع وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرٰيةُ فِيهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ

عادلانرا و چگونه حکم کنند ترا و نزد آنهاست توریت که در آنهاست حکم خدا پس برمیگردند

جاؤك باشباع صیغهٔ جمع است

قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا اِلَّا اَنْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَا اُنْزِلَ
بگو ای اهل کتاب آیا خوش میدارید از ما مگر اینکه بگرویدیم بخدا وآنچه فرو فرستاده شد بما وفرو فرستاده شد

مِنْ قَبْلُ وَاَنَّ اَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ ۵۹ قُلْ هَلْ اُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ
از پیش و بدرستیکه بیشترشان فاسقانند بگو آیا خبر دهم شما را ببدتر از آن در جزا نزد

اللّٰهِ مَنْ لَعَنَهُ اللّٰهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ
خدا آنرا که لعنت کرد خدا وخشم کرد براو وگردانید از آنها را بوزینگان وخوکها وبنده شد

الطَّاغُوتَ اُولٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَاَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ۶۰ وَاِذَا جَاؤُكُمْ
طاغوت را آنها بدترند بجا وگمگشته ترند از میان راه وچون آیند بسوی شما

قَالُوا اٰمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ۶۱
گفتند گرویدیم ما وبتحقیق در آمدند بکفر وآنها بتحقیق بیرون رفتند با آن وخدا داناتر است بآنچه بودند پنهان میداشتند

وَتَرٰى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ
وببینی بیشتر از آنها میشتابند در گناه وستم وخوردنشان حرام را هر آینه بد است

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۶۲ لَوْلَا يَنْهٰيهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْاَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ وَ
آنچه بودند میکردند چرا نهی نمیکنند آنها را خداپرستان ودانایان از گفتنشان بد را و

اَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۶۳ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُولَةٌ
وخوردنشان حرام را هر آینه بد است آنچه بودند میکردند وگفتند یهود دست خدا بسته است

غُلَّتْ اَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ
بسته باد دستهایشان ولعنت کرده شدند بآنچه گفتند بلکه دو دست او گشاده است انفاق میکند چنانچه میخواهد وهر آینه میافزاید

كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَاَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
بسیاری از آنها آنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت سرکشی وکفر را وانداختیم میانشان دشمنی

وَالْبَغْضَاءَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ كُلَّمَا اَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ اَطْفَاَهَا اللّٰهُ وَ
وکینه تا روز رستخیز هرگاه برافروختند آتش را برای کارزار خاموش کرد آنرا خدا

يَسْعَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَسَادًا وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۶۴ وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْكِتَابِ
ومیشتابند در زمین فساد را وخدا دوست نمیدارد مفسدانرا واگر که اهل کتاب

اٰمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَاَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۶۵ وَلَوْ اَنَّهُمْ
گرویدند وپرهیزگار بودند هر آینه در میگذرانیم از بدیهاشان وهر آینه در میآوریم آنها را در بهشتهای با نعمت واگر آنکه آنها

اَقَامُوا التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيلَ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَاَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ
برپای داشته بودند توریة وانجیل را وآنچه فرو فرستاده شد بسوی آنها از پروردگارشان هر آینه میخوردند از بالایشان

مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ اُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ۶۶ يَا اَيُّهَا
از زیر پاهایشان از ایشان جمعی باشند میانه رو وبسیار از آنها بد است آنچه میکنند ای

الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللّٰهُ
رسول برسان آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگارت واگر نکرده باشی پس نرسانیده باشی رسالت او را وخدا

در کتاب احتجاج از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله از مدینه منوره تشریف به بیت الله الحرام بردند و تبلیغ جمیع الاحکام بقوم خود نمود مگر ولایت علی ابن ابیطالب علیه السلام پس جبرئیل بر آنحضرت نازل شد وگفت یا محمد پروردگارت سلام میرساند که میفرماید من قبض روح هیچ پیغمبری از پیغمبران خود نکردم **بعد**

قوله تعالی قل یا اهل الکتاب الی سواء السبیل ابن بابویه رفع بلای دشمن اول ماه که در روز جمعه روزه دارد وچون نماز شام وخفتن بگوید در جمعه قدیم الاحسان یا ازل ولم تزل یا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور

جاؤکم بالاشباع صیغه جمع امت

قوله تعالی وقالت الیهود الی المفسدین حون قومی از ... جمع شدند ...

قوله تعالی یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ...

يعصمك من الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين ٧٢ قل يا اهل الكتاب

نگاه میدارد ترا از مردمان بدرستیکه خدا راهنمائی نمینماید گروه کافران را بگو ای اهل کتاب

لستم على شيء حتى تقيموا التورية والانجيل وما انزل اليكم من ربكم و

نیستید شما بر چیزی تا آنکه برپای دارید توراة و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شد بسوی شما از پروردگارتان و

ليزيدن كثيرا منهم ما انزل اليك من ربك طغيانا وكفرا فلا تأس على القوم

هر آینه بیفزاید بسیاری از ایشان آنچه را فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت از راه طغیان و کفر پس اندوه مخور بر گروه

الكافرين ٧٣ ان الذين امنوا والذين هادوا والصابئون والنصارى من امن

کافران بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه یهود شدند و بیدینان شوندگان و ترسایان هر که ایمان آورد

بالله واليوم الاخر وعمل صالحا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ٧٤ لقد

بخدا و روز آخر و کرد کار شایسته پس نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند بتحقیق

اخذنا ميثاق بني اسرائيل وارسلنا اليهم رسلا كلما جاءهم رسول بما

گرفتیم ما پیمان از بنی اسرائیل و فرستادیم بسوی ایشان فرستادگان را هرگاه آمد ایشان را فرستاده با آنچه

لا تهوى انفسهم فريقا كذبوا وفريقا يقتلون ٧٥ وحسبوا الا تكون فتنة

نمیخواست نفسهای ایشان پاره را تکذیب کردند و پاره را میکشتند و پنداشتند که نمیباشد بلائی

فعموا وصموا ثم تاب الله عليهم ثم عموا وصموا كثير منهم والله بصير بما

پس کور و کر شدند پس توبه پذیرفت خدا بر ایشان پس کور و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا بیناست بآنچه

يعملون ٧٦ لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح بن مريم وقال المسيح يا بني

میکنند بتحقیق کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه او است مسیح پسر مریم و گفت مسیح ای پسران

اسرائيل اعبدوا الله ربي وربكم انه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه

یعقوب بپرستید خدا را که پروردگار من و شماست بدرستیکه هر که شرک میآورد بخدا پس بتحقیق حرام کرد خدا بر او

الجنة وماواه النار وما للظالمين من انصار ٧٧ لقد كفر الذين قالوا ان

بهشت را و آرامگاه اوست آتش و نیست ستمکاران را هیچ یاوری کننده هر آینه بتحقیق کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه

الله ثالث ثلثة وما من اله الا اله واحد وان لم ينتهوا عما يقولون ليمسن

خدا سوم سه تاست و نیست هیچ خدائی مگر خدای یگانه و اگر باز نایستند از آنچه میگویند هر آینه میرسد

الذين كفروا منهم عذاب اليم ٧٨ افلا يتوبون الى الله ويستغفرونه والله

آنانکه کافر شدند از ایشان عذاب دردناک آیا پس بازگشت نمیکنند بسوی خدا و آمرزش نمیخواهند از او و خدا

غفور رحيم ٧٩ ما المسيح بن مريم الا رسول قد خلت من قبله الرسل وامه

آمرزنده مهربان نیست مسیح پسر مریم مگر فرستاده خدا که گذشتند از پیش از او رسولان و مادرش

صديقة كانا ياكلان الطعام انظر كيف نبين لهم الايات ثم انظر انى

بود بسیار راستگو بودند که میخوردند طعام را بنگر چگونه بیان مینمائیم برای ایشان آیات را پس بنگر چگونه

يؤفكون ٨٠ قل اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرا ولا

برگردانیده میشوند بگو آیا میپرستید از غیر خدا آنچه را که مالک نیست برای شما ضرری و نه

مگر آنکه دین من کامل شده بود و حجت من باتمام رسیده بود و اینک اجل تو نزدیک رسیده و مدت عمر با آخر شده پس عهد خود را درست کن و محبت خود را پیش انداز و آنچه تو راست از علومی که بر تو عطا کرده ام و علوم پیغمبران گذشته که بتو میراث داده ام و از معجزات پیغمبران و آیات و علامات

والصابئون

بکسر با و ضم همزه و سکون واو

ایشان را بعهد التسلیم کن و تازه کن عهد او را و میثاق و بیعت او را بر مردم و بیاد ایشان بیاور آنچه من بر ایشان فرستاده ام از ولایت و امامت علی ابن ابیطالب

فعموا

در هر دو موضع بتخفیف میم است

علیه السلام و این نام توحید و کامل شدن دین منست پس هر که او را اطاعت کرد مرا اطاعت نموده و هر که او را معصیت کرد مرا معصیت کرده و هر که بشناسد مؤمن است و هر که انکار کند کافر است و چون حضرت رسالت پناه از مکه مراجعت فرمودند در منزل غدیر خم نزول اجلال فرمود جبرئیل بر آنحضرت نازل شد و گفت خدا میفرماید یا ایها الرسول جبرئیل از جانب خداوند تبارک و تعالی امر کرد که فرود آید در موضعی که الحال غدیر است و در آن موضع خاری چند بود پس رسول خدا امر کرد مسلمانان را که از زیر آن خارها برویدند و از جهاز شتر از برای آنحضرت منبری نصب نمایند تا آنکه آنحضرت بر مردم مشرف گردد و گردانید پس مردم در آنجا جمع شدند و حضرت بر منبر بر آمد والسلام

نفعا

نَفعًا وَاللهُ هُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ ٨١ قُل يَا اَهلَ الكِتَابِ لَا تَغلُوا فِي دِينِكُم غَيرَ
سود یرا و خدا اوست شنونده دانا بگو ای اهل کتاب غلو مکنید در دینتان بنا

الحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا اَهوَاءَ قَومٍ قَد ضَلُّوا مِن قَبلُ وَاَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن
حق و پیروی مکنید خواهشهای گروهی را که بتحقیق گمراه شدند از پیش و گمراه کردند بسیاری را و گمراه شدند از

سَوَاءِ السَّبِيلِ ٨٢ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِي اِسرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى
میان راه لعنت کرده شدند آنانکه کافر شدند از بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی

بنِ مَريَمَ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَكَانُوا يَعتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَونَ عَن مُنكَرٍ
پسر مریم این بسبب آنچه نافرمانی کردند و بودند که تعدی میکردند بودند که نهی نمیکردند از منکری

فَعَلُوهُ لَبِئسَ مَا كَانُوا يَفعَلُونَ ٨٣ تَرَى كَثِيرًا مِنهُم يَتَوَلَّونَ الَّذِينَ كَفَرُوا
که میکردند آنرا هر آینه بد است آنچه بودند که میکردند می بینی بسیاری از ایشان را که دوستی میکنند آنانکه کافر شدند

لَبِئسَ مَا قَدَّمَت لَهُم اَنفُسُهُم اَن سَخِطَ اللهُ عَلَيهِم وَفِي العَذَابِ هُم خَالِدُونَ ٨٤
هر آینه بد است آنچه پیش فرستاد برای ایشان نفسهای ایشان آنکه خشم کرد خدا بر ایشان و در شکنجه ایشان جاویدانند

وَلَو كَانُوا يُؤمِنُونَ بِاللهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا اُنزِلَ اِلَيهِ مَا اتَّخَذُوهُم اَولِيَاءَ وَ
و اگر بودند که میگرویدند بخدا و پیغمبر و آنچه فرو فرستاده شد بسوی او نمیگرفتند ایشانرا دوستان

لٰكِنَّ كَثِيرًا مِنهُم فَاسِقُونَ ٨٥ لَتَجِدَنَّ اَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ اٰمَنُوا
ولیکن بیشتر از ایشان فاسقان اند هر آینه خواهی یافت سخت ترِ مردم را دشمنی برای آنانکه گرویدند

اليَهُودَ وَالَّذِينَ اَشرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ اَقرَبَهُم مَوَدَّةً لِلَّذِينَ اٰمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا
یهود را و آنانکه شرک آوردند و هر آینه خواهی یافت نزدیکترین ایشانرا در دوستی آنهارا که گرویدند آنانکه گفتند

اِنَّا نَصَارَى ذٰلِكَ بِاَنَّ مِنهُم قِسِّيسِينَ وَرُهبَانًا وَاَنَّهُم لَا يَستَكبِرُونَ ٨٦
بدرستیکه ما ترسائیم این بآنست که از ایشان کشیشان و صومعه نشینان و آنکه ایشان سرکشی نمیکردند

وَاِذَا سَمِعُوا مَا اُنزِلَ اِلَى الرَّسُولِ تَرَى اَعيُنَهُم تَفِيضُ مِنَ الدَّمعِ مِمَّا عَرَفُوا
و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شد بسوی پیغمبر می بینی چشمهای ایشانرا که فرو میریزد از اشک از آنچه شناختند

مِنَ الحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا اٰمَنَّا فَاكتُبنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ٨٧ وَمَا لَنَا لَا نُؤمِنُ بِاللهِ
از حق میگویند پروردگارا گرویدیم پس بنویس ما را با حاضران و چیست مر ما را که نمیگرویم بخدا

وَمَا جَاءَنَا مِنَ الحَقِّ وَنَطمَعُ اَن يُدخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ القَومِ الصَّالِحِينَ ٨٨
و آنچه آمد ما را از حق و طمع داریم که در آرد ما را پروردگار ما با گروه شایستگان

فَاَثَابَهُمُ اللهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجرِي مِن تَحتِهَا الاَنهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذٰلِكَ
پس جزا داد ایشانرا خدا بآنچه گفتند بهشتها که میرود از زیر آن نهرها جاویدانند در آن و اینست

جَزَاءُ المُحسِنِينَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا اُولٰئِكَ اَصحَابُ الجَحِيمِ ٨٩
مزد نیکوکاران و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند بآیتهای ما ایشانند یاران جهنم

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا اَحَلَّ اللهُ لَكُم وَلَا تَعتَدُوا اِنَّ اللهَ
ای آنانکه گرویدید حرام مکنید پاکیزه های آنچه حلال کرد خدا برای شما و از حد مگذرید بدرستیکه خدا

شأن نزول قوله تعالی یا ایها الرسول بلغ وتر بالای استاده حمد و ثنای الهی بجا آورد و فرمود که بتحقیق جبرئیل بر من نازل شد از جانب پروردگار این آیه آورد و امر کرد که در این مکان باشیم و اعلام کنیم شما

داود بدعوا و خواند شود

بآنکه علی برادر من و وصی و خلیفه منست بعد از من و ولی و صاحب شماست بعد از خدا و رسول اللهم وال من والاه وعاد من عاداه واخذل من خذله وانصر من نصره ١٢

قوله تعالی واذا سمعوا الی مع الشاهدین این آیه کودک نابالغ هیا بنویسد در ظرف پاک و آنرا بروغن یاسمین بشوید پس آن روغن را با نفش بگرم کنند و در گوش چکانند گریه را کنند باذن الله تعالی ١٢

ربع

قوله تعالی شأن یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا سبب نزولش این بود که چون اصحاب رسول از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وصف قیامت شنیدند ده تن از ایشان در خانه عثمان بن مظعون جمع شدند و اتفاق کردند که تعبیه عمر را روزها بصیام و شبها بقیام گذرانند و روز بستر خواب نزنند و گوشت و چربی نخورند و گرد زنان نگردند و ترک دنیا کرده گلیم در پوشند گرد عالم برآیند و در این باب سوگند خوردند خدا تعالی ایشانرا اذن نداده این آیه وافی هدایت نازل فی التفسیر ١٢

لا يحب المعتدين ٩٠ وكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا واتقوا الله الذي

دوست نمیدارد از حد گذرندگانرا و بخورید از آنچه روزی داد شما را خدا حلال پاکیزه و بپرهیزید خدایرا که

انتم به مؤمنون ٩١ لا يؤاخذكم الله باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما

شما بآن گروندگانید مؤاخذه نمیکند شما را خدا بلغو در سوگندهاتان و لیکن مؤاخذه میکند شما را بآنچه

عقدتم الايمان فكفارته اطعام عشرة مساكين من اوسط ما تطعمون

ببندید شما سوگندها را پس کفاره آن طعام دادن ده مسکین است از اوسط آنچه اطعام میکنید

اهليكم او كسوتهم او تحرير رقبة فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام ذلك كفارة

اهلتانرا یا لباس آنها را یا آزاد کردن گردنی پس آنکه نیافت پس روزه سه روز این کفاره

ايمانكم اذا حلفتم واحفظوا ايمانكم كذلك يبين الله لكم اياته لعلكم

قسمهاتان چون قسم خوردید و نگهدارید قسمهاتانرا همچنان بیان میکند خدا برای شما آیاتش را شاید شما

تشكرون ٩٢ يا ايها الذين امنوا انما الخمر والميسر والانصاب والازلام

شکر کنید ای آنانکه گرویدید جز این نیست که شراب و قمار و بتان و ازلام

رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون ٩٣ انما يريد الشيطان

پلیدی است از کار شیطان پس دوری کنید آنرا شاید شما رستگار شوید جز این نیست میخواهد شیطان

ان يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله

که بیندازد میان شما دشمنی و کینه در شراب و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا

وعن الصلوة فهل انتم منتهون واطيعوا الله واطيعوا الرسول واحذروا

و از نماز پس آیا شما باز ایستادگانید و فرمان برید خدا را و فرمان برید پیغمبر را و حذر کنید

فان توليتم فاعلموا انما على رسولنا البلاغ المبين ٩٤ ليس على الذين

پس اگر اعراض کنید پس بدانید جز این نیست که بر پیغمبر ما رسانیدن آشکار نیست بر آنانکه گرویدند

امنوا وعملوا الصالحات جناح فيما طعموا اذا ما اتقوا وامنوا وعملوا

و کردند کارهای شایسته باکی در آنچه خوردند چون پرهیز کردند و گرویدند و کردند

الصالحات ثم اتقوا وامنوا ثم اتقوا واحسنوا والله يحب المحسنين ٩٥ يا ايها

کارهای شایسته پس پرهیز کردند و گرویدند پس پرهیز کردند و نیکوئی کردند و خدا دوست میدارد نیکوکارانرا ای

الذين امنوا ليبلونكم الله بشيء من الصيد تناله ايديكم ورماحكم ليعلم الله من

آنانکه گرویدید با بیازماید شما را خدا بچیزی از شکار که میرسد بآن دستهاتان و نیزه هاتان تا بداند خدا آنرا

يخافه بالغيب فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب اليم ٩٦ يا ايها الذين امنوا

که میترسد آنرا پنهانی پس آنکه از حد درگذشت بعد از این پس مر او راست شکنجه دردناک ای آنانکه گرویدید

لا تقتلوا الصيد وانتم حرم ومن قتله منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم

نکشید شکار را و شما محرمانید و آنکه کشت او را از شما عمدا پس پاداش مثل آنچه کشت است از چهارپایان

يحكم به ذوا عدل منكم هديا بالغ الكعبة او كفارة طعام مساكين او عدل ذلك

حکم کند بآن دو صاحب عدل از شما قربانی رسنده بکعبه یا کفاره ایست طعام دادن مسکینها یا برابر آن

قوله تعالى شانه العزیز یا ایها الذین امنوا الی المبین چون کسی عمر خود را در معاصی صرف کرده باشد و خواهد که آن صفت از و زایل گردد این آیت را با قلمی که از زر سرخ باشد در روز جمعه بر امرودی بنویسد و در صباح شنبه پیش از آنکه چیزی بخورد امرود با سیب بخورد و شنبه ۳ بار و ز تا شنبه باین دستور عمل کند این صفت از او زایل گردد باذن الله تعالی

۱۲

قوله تعالی شانه یا ایها الذین امنوا الی عذاب الیم این آیات بجهة صید گرفتن مناسبت در روز دوشنبه بگیرد لوحی از چوب زیتون و لوحی از مس و لوحی از استخوان اشتر پس وضو سازد این آیت را که یا ایها الذین امنوا الی عذاب الیم است نقش کند در لوح زیتون والطیر محشورة کل له اواب و در لوح مس دیگر بگیرد این آیت را نقش کند و در روی دیگر احل لکم الی الیه تحشرون و در روی استخوان دیگر فان مع العسر یسرا هفت بار بجهة مرغان لوح زیتون در گردن خود ببندد و بجهة صید بحر لوح مس را در آلتی بندد که بآن صید میکند بجهت صید وحوش استخوان را در آلتی که صید میکند ببندد و باید هر ماه این لوح را تجدید کند ۱۲

صیاما

صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ

روزه تا بچشد عقوبت کارش را امر کرد عفو کرد خدا از آنچه گذشت و آنکه بازگشت انتقام میکشد خدا از او

وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ٩٧ أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَ

و خدا غالب صاحب انتقام است حلال شد مر شما را شکار دریا و طعامش مایهٔ تعیش است مر شما را

لِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ٩٨

برای کاروانیان و حرام شد بر شما شکار دشت مادامیکه باشید محرم و بپرهیزید خدایرا که بسوی او حشر کرده میشوید

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ

گردانید خدا کعبه را خانه حرام جهة قوام برای مردم و ماه حرام و قربانی و قلادها را

ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

این برای آنکه بدانند آنکه خدا میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و آنکه خدا بهر چیز

عَلِيمٌ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٩٩ مَّا عَلَى الرَّسُولِ

داناست بدانید اینکه خدا سخت عقوبتست و اینکه خدا آمرزنده مهربانست نیست بر پیغمبر

إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ١٠٠ قُل لَّا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ

مگر رسانیدن و خدا میداند آنچه ظاهر میکنید و آنچه را پنهان میدارید بگو یکسان نیست پلید و پاکیزه

وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ١٠١

و اگرچه بعجب در آورد ترا بسیاری پلید پس بپرهیزید خدا را ای صاحبان عقلها شاید شما رستگار شوید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا

ای آنانکه گرویدید مپرسید از چیزهائیکه اگر اظهار کرده شود برای شما بد آید شما را و اگر بپرسید

عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ قَدْ سَأَلَهَا

از آنها هنگامیکه فرو فرستاده میشود قرآن اظهار کرده شود برای شما از آنها خدا عفو کرد و خدا آمرزنده بردبار است بتحقیق که پرسیدند

قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ١٠٢ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِن بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَ

گروهیکه بودند پیش از شما پس گردیدند بسبب آنها کافران نگردانید هیچ خدا از بحیره و نه سائبه و

لَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَٰكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ

نه وصیله و نه حامی ولیکن آنانکه کافر شدند می بندند بر خدا دروغ را و بیشترشان

لَا يَعْقِلُونَ ١٠٣ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا

در نمی یابند و چون گفته شود بر ایشان که بیائید بسوی آنچه فرو فرستاده خدا و بسوی پیغمبر گویند بس است ما را

مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ١٠٤

آنچه یافته ایم بر آن پدران مان آیا و اگرچه باشند پدران ایشان که نمیدانند چیزیرا و هدایت نیافته باشند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ

ای آنانکه گرویدید بر شماست نفسها تان ضرر نمیرساند شما را آنکه گمراه شد چون هدایت یابید بسوی خداست بازگشت شما

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ١٠٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ

همه پس خبر دهد شما را بآنچه بودید میکردید ای آنانکه گرویدید گواهی میان تان چون حاضر آید

تَسُؤْكُمْ
بضم سین و سکون همزه

آبَاؤُهُمْ
بضم همزه بدون اشباع

أَنفُسَكُمْ
بفتح سین تا مفعول علیکم بوده باشد که اسم فعل است بمعنی الزموا

احدکم

اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِيْنَ الْوَصِيَّةِ اثْنٰنِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ اَوْ اٰخَرٰنِ مِنْ غَيْرِكُمْ اِنْ

یکی از شما را مرگ هنگام وصیت دو تا صاحبان عدل از شما یا دو تای دیگر از غیر شما اگر

اَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْاَرْضِ فَاَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُوْنَهُمَا مِنْۢ بَعْدِ الصَّلٰوةِ

شما سیر کردید در زمین پس رسید شما را مصیبت مرگ نگاه دارید آندو تا را از بعد نماز

فَيُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ اِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِيْ بِهٖ ثَمَنًا وَّلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ

پس سوگند بخورید بخدا اگر شک کردید نمیخریم بآن بهائی و اگر باشد صاحب قرابت و پنهان نمیکنیم شهادت

اللّٰهِ اِنَّآ اِذًا لَّمِنَ الْاٰثِمِيْنَ ۱۰۶ فَاِنْ عُثِرَ عَلٰٓى اَنَّهُمَا اسْتَحَقَّآ اِثْمًا فَاٰخَرٰنِ يَقُوْمٰنِ

خدا را بدرستیکه ما در آنهنگام هر آئینه از گناهکاران هستیم پس اگر دریافته شد بر اینکه آن دو سزاوار بودند گناه را پس دیگران می ایستند

مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِيْنَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْاَوْلَيٰنِ فَيُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ لَشَهَادَتُنَآ اَحَقُّ

مکان آندو از آنانکه سزاوار است بر ایشان اولیان پس قسم بخورند بخدا هر آئینه شهادت ما سزاوارتر

مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَآ ۖ اِنَّآ اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ۱۰۷ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَنْ يَّاْتُوْا

است از شهادت آندو و تعدی نکرده ایم ما بدرستیکه ما آنهنگام از ستمکارانیم این نزدیکتر است آنکه بیارند

بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَجْهِهَآ اَوْ يَخَافُوْٓا اَنْ تُرَدَّ اَيْمَانٌۢ بَعْدَ اَيْمَانِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللّٰهَ

شهادت را بر وجهش یا بترسند که رد کرده شود سوگندها بعد از سوگندهاشان و بپرهیزید خدا را

وَاسْمَعُوْا ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ۱۰۸ يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُوْلُ

و بشنوید و خدا راه نماید گروه زشت کاران را روزیکه جمع کند خدا رسولان را پس میگوید

مَاذَآ اُجِبْتُمْ ۖ قَالُوْا لَا عِلْمَ لَنَا ۖ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ۱۰۹ اِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسَى

چه چیز اجابت کرده شدید گویند نیست دانشی مر ما را بدرستیکه توئی داننده غیبها چون گفت خدا ای عیسی

ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِيْ عَلَيْكَ وَعَلٰى وَالِدَتِكَ ۘ اِذْ اَيَّدْتُّكَ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۣ تُكَلِّمُ

پسر مریم یاد کن نعمت مرا بر خودت و بر مادرت وقتیکه مدد کردم ترا بروح پاکی سخن میکردی

النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۚ ۱۱۰ وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ ۚ

مردمان را در گهواره و در موئی (جوانی) و هنگامیکه تعلیم دادم ترا کتاب و حکمت و توراة و انجیل

وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّيْنِ كَهَيْـَٔةِ الطَّيْرِ بِاِذْنِيْ فَتَنْفُخُ فِيْهَا فَتَكُوْنُ طَيْرًاۢ بِاِذْنِيْ وَ

و در هنگامیکه میساختی از گل مانند شکل مرغ باذن من پس میدمیدی در آن پس میشد مرغی بفرمان من و

تُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِيْ ۚ وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِيْ ۚ وَاِذْ كَفَفْتُ بَنِيْٓ اِسْرَاۤءِيْلَ

به میکردانیدی کور مادرزاد و پیس را بفرمان من و هنگامیکه بیرون می آوردی مردگان را بفرمان و هنگامیکه باز داشتم بنی اسرائیل

عَنْكَ اِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۱۱۱

را از تو وقتیکه آمدی ایشان را با معجزات پس گفتند آنانکه کافر شدند از ایشان نیست این مگر جادوی آشکار

وَاِذْ اَوْحَيْتُ اِلَى الْحَوَارِيّٖنَ اَنْ اٰمِنُوْا بِيْ وَبِرَسُوْلِيْ ۚ قَالُوْٓا اٰمَنَّا وَاشْهَدْ بِاَنَّنَا مُسْلِمُوْنَ ۱۱۲

و هنگامیکه وحی فرستادم بسوی حواریان که بگروید بمن و برسول من گفتند گرویدیم ما و گواه باش باینکه ماییم منقادان

اِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ يٰعِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيْعُ رَبُّكَ اَنْ يُّنَزِّلَ عَلَيْنَا مَاۤىِٕدَةً

چون گفتند حواریان ای عیسی پسر مریم آیا میتواند پروردگارت که فرو فرستد بر ما خوان طعام آراسته

اورا از شر مرده جن و اغوای انس اورا محفوظ دارد و از شر ذی شر و اورا امین گرداند و دارنده این آیه را هیچ آزاری نرسد انشاالله ۱۲

وقوله تعالی شانه العزیز اذ قال الحواریون الی خیر الرازقین این آیات را بنویسند بر طبقی پاکیزه بشرطی با وضو باشند در روز جمعه پیش از طلوع آفتاب اگر آن را در منزل خود ریزد خیر و برکت در منزل پیدا شود و ابواب روزی بروی گشاده گردد و اگر در کشت یا در باغ پاشند محصول بسیار حاصل شود اگر در سه شب جمعه متعاقب هم از آن بخورد از امراض درونی محفوظ ماند و برکت و امنیت بتمام او حاصل آید انشاالله تعالی ۱۲

الحواريين در دو موضع بتخفیف واو بدون تشدید داد

مِنَ السَّمَآءِ قَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ١١٣ قَالُوا نُرِيدُ اَنْ نَاكُلَ مِنْهَا وَ
از آسمان گفت بپرهیزید از خدا اگر هستید گروندگان گفتند میخواهیم که بخوریم از آن و

تَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ اَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ١١٤ قَالَ
بیارامد دلهای ما و بدانیم که بتحقیق راست گفتی بما و باشیم بر آن از شاهدان گفت

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَآءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا
عیسی پسر مریم بار خدایا پروردگار ما فرو فرست بر ما خوانی طعام از آسمان که باشد ما را عیدی

لِاَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ١١٥ قَالَ اللّٰهُ اِنِّي
از برای اول ما و آخر ما و معجزهٔ از تو و روزی ده ما را و توئی بهترین روزی دهندگان گفت خدا بدرستیکه من

مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَاِنِّي اُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا اُعَذِّبُهُ اَحَدًا مِنَ
فرو فرستنده ام آنرا بر شما پس هرکه کافر میشود بعد از شما پس من عذاب میکنم او را عذابی که نکرده باشم آنرا باحدی از

الْعَالَمِينَ ١١٦ وَاِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَاَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي
جهانیان و چون گفت خدا ای عیسی پسر مریم آیا تو گفتهٔ مر مردمانرا که فرا گیرید من

وَاُمِّيَ اِلٰهَيْنِ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي اَنْ اَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ
و مادرم را دو خدا از غیر خدا گفت منزهی تو نسزد مرا که بگویم آنچه را نیست از برای من حق

اِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا اَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ اِنَّكَ اَنْتَ
اگر بوده ام که گفته ام آنرا پس بتحقیق دانستهٔ آنرا میدانی آنچه را در نفس منست و نمیدانم من آنچه را در ذات تست که تو

عَلَّامُ الْغُيُوبِ ١١٧ مَا قُلْتُ لَهُمْ اِلَّا مَا اَمَرْتَنِي بِهِ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ
دانندهٔ غیبها نگفتم مر ایشانرا مگر آنچه فرمان دادی مرا بآن که بپرستید خدا که پروردگار من و شماست

وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَاَنْتَ
و بودم بر ایشان گواه مادامیکه بودم در ایشان پس چون برداشتی مرا بودی تو نگهبان بر ایشان و توئی

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ١١٨ اِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَاِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَاِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَاِنَّكَ اَنْتَ
بر هر چیزی گواه اگر عذاب کنی آنهارا پس ایشانند بندگان تو و اگر بیامرزی مر آنهارا پس بدرستیکه توئی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١١٩ قَالَ اللّٰهُ هٰذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي
غالب درست کردار گفت خدا اینست روزیکه سود دارد راست گویانرا راستی آنها مر ایشانراست بهشتهائیکه رو

مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذٰلِكَ الْفَوْزُ
روانست از زیر آنها نهرها جاویدانند در آن همیشه خشنود شد خدا از ایشان و خشنود شدند از خدا اینست کامیابی

الْعَظِيمُ ١٢٠ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
بزرگ مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و او است بر هر چیزی توانا

سُورَةُ الْاَنْعَامِ مِائَةٌ وَخَمْسٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا الآیات ٢٠ - ٢٢ - ٩١ - ٩٣ - ١١٤ - ١٤١ - ١٥١ - ١٥٢ - ١٥٣ فمدنیة نزلت بعد الحجر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

هو
حضرت رسالت پناه صلعم فرمودند که هرکس سورهٔ انعام را بخواند و در میان خواندن سخن نگوید و قبل از شروع یازده بار بگوید وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و فرمودند سورهٔ انعام یکبار نازل شد بمن و هفتاد هزار فرشته با او تسبیح گویان آمدند پس هر کس سورهٔ مزبور را بخواند هفتاد هزار فرشته همیشه تا روز قیامت بعدد هر آیهٔ او را آمرزش خواهند و هرکس این سوره را در دو رکعت نماز بخواند در امان ایمن شود از جمیع امراض و اگر این سوره را بنویسد و در گردن اسب بندد یا دراز گوش محفوظ ماند و از امام جعفر صادق ع روایت که جمعه دیگبار بخواند حاجتش روا گردد و بلا دفع شود والله العالم

الحمد

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين

ستایش مر خدا را که آفرید آسمانها و زمین را و پدید آورد تاریکیها و روشنی را پس آنانکه

كفروا بربهم يعدلون ٢ هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا و

کافر شدند بپروردگارشان شرک میآورند اوست که آفرید شمارا از گل پس تقدیر کرد اجلیرا و

اجل مسمى عنده ثم انتم تمترون ٣ وهو الله في السموات وفي الارض

و اجلیست نام برده شده نزد او پس شما شک می آورید و اوست خدا در آسمانها و در زمین

يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون ٤ وما تأتيهم من اية من ايات

میداند پنهان شما و آشکار شمارا و میداند آنچه کسب میکنید و نمی آید ایشانرا از هیچ آیتی از آیات

ربهم الا كانوا عنها معرضين ٥ فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف

پروردگارشان مگر آنکه بودند از او روگردانندگان پس بتحقیق تکذیب کردند حق را چون آمد ایشانرا پس زود باشد

يأتيهم انباء ما كانوا به يستهزءون ٦ الم يروا كم اهلكنا من قبلهم من

که آید ایشانرا خبرهای آنچه بودند که بآن استهزا میکردند آیا ندیدند که چند ایشانرا هلاک کردیم از پیش از آنها از

قرن مكنهم في الارض ما لم نمكن لكم وارسلنا السماء عليهم مدرارا

قرنی صاحب تصرف ساختیم ایشان کردیم در زمین آنچه صاحب تصرف نکردیم شمارا و فرستادیم ما آسمانرا بر ایشان پی در پی بارنده

وجعلنا الانهار تجري من تحتهم فاهلكناهم بذنوبهم وانشأنا من بعدهم

و گردانیدیم نهرها را که میرفت در زیر ایشان پس هلاک کردیم آنها را بگناهانشان و آفریدیم ما بعد از ایشان

قرنا اخرين ٧ ولو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بايديهم لقال

قرنی دیگر و اگر فرو فرستاده بودیم بر تو کتابی در کاغذی پس بسودندی آنرا بدستهای ایشان هر آینه گفتند

الذين كفروا ان هذا الا سحر مبين ٨ وقالوا لولا انزل عليه ملك و

آنانکه کافر شدند نیست این مگر جادوئی آشکارا و گفتند چرا فرو فرستاده نشد براو فرشته

لو انزلنا ملكا لقضي الامر ثم لا ينظرون ٩ ولو جعلناه ملكا

و اگر میفرستادیم فرشته هر آینه حکم کرده شود امر پس مهلت داده نشوند و اگر میگردانیدیم او را فرشته

لجعلناه رجلا وللبسنا عليهم ما يلبسون ١٠ ولقد استهزئ برسل من

هر آینه میگردانیدیم او را مردی و هر آینه بپوشانیدیم بر آنها آنچه را میپوشیدند و هر آینه بتحقیق استهزا کرده شد برسولان از

قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون ١١ قل سيروا في

پیش از تو پس رسید بآنها که استهزا کردند از آنها آنچه بودند که بآن استهزا میکردند بگو سیر کنید در

الارض ثم انظروا كيف كان عاقبة المكذبين ١٢ قل لمن ما في السموات

زمین پس بنگرید چگونه بود انجام تکذیب کنندگان بگو مر کراست آنچه در آسمانها

والارض قل لله كتب على نفسه الرحمة ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب

و زمین است بگو مر خدا راست نوشته بر خود رحمت هر آینه جمع خواهد کرد شمارا تا روز رستخیز نیست شکی

فيه الذين خسروا انفسهم فهم لا يؤمنون ١٣ وله ما سكن في الليل

در آن آنانکه زیان کردند بخودشان پس ایشان نمیگروند و مراو راست آنچه آرمید در شب

وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۳ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَ

و روز و او شنونده داناست بگو آیا جز خدا را فرا گیریم ولی پدید آورنده آسمانها و

الْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا

زمین و او میخوراند و خورانیده نشود بگو بدرستیکه من مامور شدم که باشم اول کسیکه گردن نهاد و نه

تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۵ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۶

باش از شرک آورندگان بگو که من میترسم اگر نا فرمانی کنم پروردگارم را از عذاب روزی بزرگ

مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۱۷ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ

کسی که گردانیده شود از او در آن روز پس بتحقیق رحمت کرد او را و اینست کامیابی آشکار و اگر برساند ترا خدا

بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۸ وَهُوَ

زیانی پس نیست دفع کننده مر او را بجز او و اگر برساند ترا خیری پس او بر هر چیزی تواناست و اوست

الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۱۹ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ

غالب فوق بندگانش و اوست درست کردار دانا بگو چه چیز است بزرگتر در شهادت بگو خدا

شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ

گواه است میان من و میان شما و وحی شد این قرآن بمن تا بیم کنم شما را با آن و آنرا که برسد آیا شما

لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلٰهٌ وَاحِدٌ

هر آینه گواهی میدهید که با خدا است خدایان دیگر بگو گواهی نمیدهم بگو جز این نیست که اوست خدای یگانه

وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ۲۰ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ

و بدرستیکه من بیزارم از آنچه شرک میآورید آنانکه دادیمشان کتاب می شناسند آنرا چنانکه میشناسند

أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۲۱ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ

پسرانشان را آنانکه زیان رسانیدند بخودهاشان پس آنها نمیگروند و کیست ستمکارتر از آنکه افترا کرد

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۲۲ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ

بر خدا دروغرا یا تکذیب کرد آیات او را بدرستیکه رستگار نشوند ستمکاران و روزیکه حشرشان کنیم

جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۲۳ ثُمَّ

تمامی پس امیگوئیم مر آنانرا که شرک آوردند کجایند انبازان شما آنها که بودید که امید داشتید پس

لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ۲۴ انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا

نبوده باشد فتنهٔ ایشان مگر آنکه گویند بخدا که پروردگار ماست نبودیم شرک آورندگان بنگر چگونه تکذیب

عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۲۵ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ

کردند بر خودهاشان و گمراه شد از ایشان آنچه بودند که افترا میکردند و از ایشان کسی است که گوش میدارد بتو و

جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ

قرار دادیم بر دلهاشان پرده‌ها مبادا که بفهمند و در گوشهاشان گرانی و اگر ببینند هر علامتی

لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هٰذَا

نمیگروند بآن تا هنگامیکه آیند ترا مجادله کنند با تو میگویند آنانکه کافر شدند نیست این

اَتَّخِذُ بفتح همزه همزه پیش جزء کلمه است ساقط نشود

قوله تعالی شانه العزیز وله ما سکن الی عظیم این آیت را تجربه تسکین قلب و دفع غضب و خشم نافع است چون از خود یا دیگری این صفات مشاهده کند این آیه را بسیار بخواند صفات او زایل گردد انشاء الله تعالی ۱۲

قوله تعالی شانه وَاِنْ يَمْسَسْكَ اللهُ الی الخبیر این آیت را در شب وقت سحر بر کاغذی بنویسند بر هر کس بندد که او را درد سر یا درد پهلو بوده باشد شفا یابد و اگر کسی دل تنگ باشد و غم بسیار بر او مستولی باشد این آیه در وقت خواب هشت نوبت بخواند چون بیدار

اَبْنَآءَهُمْ بفتح همزه و سکون واو شود غم از او زایل گردد و مسرور و شاد باشد انشاء الله ۱۲

شُرَكَآؤُكُمْ بدون اشباع همزه صیغه مفرد است

كَذَبُوا بتخفیف ذال

جَآءُوكَ بضم همزه و سکون واو اشباع شود صیغه جمع است

إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۲۶ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ

بجز افسانه پیشینیان و ایشان باز میدارند از او و خود باز می ایستند از آن و هلاک نمیکنند

إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۲۷ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا

مگر خودهاشان را و در نمییابند و اگر ببینی هنگامیکه باز داشته شدند بر آتش پس گویند ای کاش

نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۲۸ بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا

برگردانیده میشدیم بدنیا و تکذیب نمیکردیم آیات پروردگار ما را و میبودیم از گروندگان بلکه آشکار شد مر ایشان را آنچه بودند

يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۲۹ وَ

نهان میداشتند از پیش و اگر برگردانیده میشدند باز میگشتند بآنچه نهی کرده شدند از آن و بدرستیکه اینها هر آینه دروغگویانند

قَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۳۰ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ

گفتند نیست این مگر زندگی ما بدنیا و نباشیم ما برانگیخته شدگان و اگر ببینی هنگامیکه باز داشته شدند بر

رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

پروردگارشان گوید آیا نیست این بحق گفتند آری بحق پروردگار ما گوید پس بچشید عذاب را بسبب آنچه بودید

تَكْفُرُونَ ۳۱ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

کافر شدید بتحقیق زیان کردند آنانکه تکذیب کردند لقای خدا را تا آمد ایشان را قیامت ناگاه

قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا

گفتند ای حسرت ما را بر آنچه تقصیر کردیم در آن و ایشان برمیدارند بارهاشان را بر پشتهاشان آگاه باش

سَاءَ مَا يَزِرُونَ ۳۲ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ

بد است آنچه برمیدارند بپشت و نیست زندگی دنیا مگر بازی و بیهوده و هر آینه سرای آخرت

خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۳۳ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ

بهتر است مر آنان را که بپرهیزند آیا پس در نمی یابید بعقل بتحقیق که میدانیم بدرستیکه هر آینه اندوهناک میسازد ترا آنچه میگویند

فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۳۴ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ

پس بدرستیکه آنها تکذیب نمیکنند ترا و لیکن ستمگاران بآیات خدا انکار مینمایند و هر آینه بتحقیق تکذیب کرده شدند

مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ

رسولان پیش از تو پس صبر کردند بر آنچه تکذیب کرده شدند و رنجانیده شدند تا آمد آنها را نصرت ما و نیست تبدیل کننده مر کلمات

اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلِينَ ۳۵ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ

خدا را و هر آینه بتحقیق آمد ترا از خبرهای فرستاده شدگان و اگرچه بزرگ آمد بر تو اعراضشان

فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ

پس اگر توانائی بجوئی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان پس بیاوری آنها را علامتی و اگر

شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۳۶ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ

خواهد خدا هر آینه جمع میکند آنها را بر هدایت پس نباشید از جاهلان جز این نیست که اجابت میکنند

يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ۳۷ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ

آنانکه میشنوند و مردگان را برمیانگیزاند آنها را خدا پس بسوی او برمیگردند و گفتند چرا فرو فرستاده شد بر او

نُكَذِّبُ بفتح الباء والنصب ... قوله تعالی شانه العزیز قد نعلم انه لیحزنک سبب نزولش آنکه ابوجهل گفت آنحضرت رسول گفت که ما تو هرگز دروغ نشنیده ایم لیکن در صورت نبوت ترا تکذیب میکنیم و در شان او این آیت نازل شد

و در زد یسمعون نیز جمله یکبار و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد بگوید ۱۲

انما یستجیب الذین الی یرجعون هر که را در چشم ضعیفی یا در عضوی دیگر آسیب خارشی باشد و سه روز روزه دارد افطار شیر و شکر کند و بنمیشب ...

نقش ...

بر دست راست خود نویسد از قلم سیمین گلاب و زعفران آن آزار ... دفع ... گردد ۱۲

ایة

آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٣٨
آیتی از پروردگارش بگو بدرستیکه خدا تواناست بر اینکه فرو فرستد آیتی ولیکن بیشترایشان نمیدانند

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا
ونیست هیچ جنبنده در زمین ونه پرنده که میپرد بدو بالش مگر اصنافی که مانند شمایند تقصیر نکردیم

فِي الْكِتَابِ مِن شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ٣٩ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ
در کتاب از چیزی پس بسوی پروردگارشان حشر کرده میشوند وآنانکه تکذیب کردند بآیات ما کرانند وگنگانند

فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ٤٠ قُلْ
در تاریکیها آنرا که میخواهد خدا گمراه میکند اورا وآنکه میخواهد میگرداند اورا بر راه راست بگو

أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ
خبر دهید که اگر آید شمارا شکنجه خدا یا آید شمارا قیامت آیا جز خدارا میخوانید اگر هستید

صَادِقِينَ ٤١ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ
راستگویان بلکه اورا میخوانید پس میبرد آنچه میخوانید بسوی او اگر خواهد و فراموش میکنید

مَا تُشْرِكُونَ ٤٢ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
آنچه را شریک میسازید وهر آینه بتحقیق فرستادیم بسوی امتانی پیش از تو پس گرفتیم ایشانرا بسختی ورنجوری

لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ٤٣ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ
شاید آنها زاری نمایند پس چرا وقتی که آمد ایشانرا سختی زاری میکنند ولیکن سخت شد دلهایشان

وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٤٤ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا
وآرایش داد برایشان شیطان آنچه بودند میکردند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند گشودیم

عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ٤٥
برآنها درهای هرچیزی را تا چون شاد شدند بآنچه داده شدند گرفتیم آنهارا ناگاه پس چون آنها در آنهنگام ناامید شدند

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤٦ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ
پس بریده شد دنباله گروهی که ستم کردند وستایش مر خدا پروردگار جهانیانرا بگو خبر دهید که اگر گرفت

اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ
خدا گوشتان وچشمهایتان را ومهر نهاد بردلهاتان کیست خدائی جز خدا که بدهد شمارا آن بنگر چگونه

نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ٤٧ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ
میگردانیم آیتهارا پس آنها اعراض میکنند بگو آیا خبر دهید اگر آید شمارا شکنجه خدا ناگاه

جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ٤٨ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ
آشکارا آیا هلاک میکنند مگر گروه ستمگارانرا ونفرستادیم رسولانرا مگر مژده دهندگان

وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٤٩ وَالَّذِينَ
وبیم کنندگان پس آنکه گروید وشایسته کرد پس نیست ترسی برآنها ونه آنها اندوهناک میشوند وآنانکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ٥٠ قُل لَّا أَقُولُ لَكُمْ
تکذیب کردند بآیتهای ما میرسد آنهارا شکنجه بسبب آنچه بودند که فسق میکردند بگو شمارا

در نزد فقطع دابر القوم الی آخر آیه بکرر نخوانده
و از قوله تعالی شأنه العزیز فلما نسوا ما ذکروا الی رب العالمین این آیه را بر [illegible] شتر نویسد که کهنه شده باشد و در سرای ظالم [illegible] اندازی ویران شود و [illegible] ظالم در منزل الفتد و بعضی گفته اند که [illegible] را از سر بسایند در [illegible] و اگر [illegible] بر برگ ریحان در طشت مسین نویسند و آنرا بشویند و آبی که یکشب زیره در آن [illegible] باشند در خانه پاشند کمک و پشه از آنجا [illegible] رود و دیگر در آنجا مقام نگیرد باذن الله

اوتوا
بضم همزه وسکون واو و آن اشباع شود

عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا

نزد منست خزینه های خدا و نه میدانم غیب را و نمیگویم مر شما را بدرستیکه من فرشته ام پیروی نمیکنم مگر

مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ٥٠ وَأَنذِرْ بِهِ

آنچه وحی میشود بسوی من بگو آیا یکسانست کور و بینا آیا پس فکر نمیکنید و بیم ده بآن

الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ

آنانرا که میترسند که حشر کرده شوند بسوی پروردگارشان نیست مر آنهارا از غیر او دوستی و نه شفاعت کننده

لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ٥١ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ

شاید که آنها بپرهیزند و مران آنانرا که میخوانند پروردگارشانرا بامداد و شبانگاه میخواهند

وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ

وجهش را نیست بر تو از حسابشان هیچ چیز و نیست از حساب تو بر آنها هیچ چیز پس برانی آنهارا

فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ٥٢ وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَٰؤُلَاءِ مَنَّ

پس باشی از ستمگاران و همچنان امتحان کردیم برخی آنهارا ببرخی تا بگویند آیا اینهایند که منت نهاد

اللَّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ٥٣ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ

خدا بر آنها از میان ما آیا نیست خدا داناتر بشاکران و چون آیند ترا آنانکه

يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ

گرویدند بآیتهای ما پس بگو سلام بر شما نوشت پروردگار شما بر خودش رحمت را بدرستیکه آنکه کرد

مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٥٤ وَكَذَٰلِكَ

از شما بدیرا بنادانی پس توبه کرد از بعد آن و شایسته شد پس بدرستیکه او آمرزنده مهربانست و همچنان

نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ٥٥ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ

تفصیل میدهیم آیتهارا و تا روشن شود راه گناهگاران بگو بدرستیکه من نهی کرده شدم که پرستم آنانرا که

تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قُل لَّا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ٥٦

میخوانند از غیر خدا بگو پیروی نمیکنم خواهشهای شمارا بتحقیق گمراه شده باشم آنگاه و نباشم از راه یافتگان

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ

بگو بدرستیکه من بر دلیلی روشنم از پروردگارم و تکذیب کردید آنرا نیست نزد من آنچه را میشتابید بآن نیست حکم

إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ٥٧ قُل لَّوْ أَنَّ عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ

مگر برای خدا بیان میکند حق را و اوست بهترین حکم کنندگان بگو اگر آنکه نزد من بود آنچه را میشتابید

بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ٥٨ وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ

بآن هرآینه گذارده شده بود کار میانه من و میانه شما و خدا داناتر است بستمگاران و نزد اوست کلیدهای غیب

لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا

نمیداند آنرا مگر او و میداند آنچه در صحرا و درياست و ساقط نشود هیچ برگی مگر که میداند آنرا

وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ٥٩ وَهُوَ

و نه دانه در تاریکیهای زمین و نه تری و نه خشکی مگر در کتاب روشن و اوست

دیزده دعا مطلب گوید

اللهم انی اسئلک باسمک المخزون الطاهر المطهر المبارک و باسمک العظیم و سلطانک القدیم ان تصلی علی محمد و آله یا واهب العطایا یا مطلق الاسارى یا فکاک الرقاب من النار ان تصلی علی محمد و آله وان تفک رقبتی من النار وان تخرجنی من الدنیا سالما و تدخلنی الجنة آمنا وان تجعل دعائی اوله صلاحا و اوسطه نجاحا و آخره فلاحا انک علی کل شئ قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین ١٢

قوله تعالى

و لا تطرد الذین سبب نزولش آن بوده که بعضی از صنادید قریش بحضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کردند که همواره در مجلس تو مردم درویش مسلمان چون ابن مسعود و بلال و عمار و مقداد و سلمان و امثال ایشان می نشینند اگر این بندگان و درویشان را از مجلس خود برانی ما با تو نشست و برخاست کنیم و دین ترا قبول کنیم و آیات بگوییم و بشنویم در این حال این آیه نازل شد ١٢

الَّذِي يَتَوَفّٰكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضٰى أَجَلٌ

آنکه متوفی میگرداند شمارا بشب ومیداند آنچه کسب کردید بروز پس برانگیزد شمارا در آن تا تمام کرده شود مدت

مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۱ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ

نام برده شده پس بسوی او بازگشت شماست پس خبر میدهد شمارا بآنچه بودید میکردید واوست غالب بالای

عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتّٰى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا

بندگانش ومیفرستد بر شما نگهبانان تا چون آید یکی از شمارا مرگ بمیرانند اورا فرستادهای ما

وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ۲ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللّٰهِ مَوْلٰىهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ

وآنها تقصیر نمیکنند پس بازگردانیده شوند بسوی خدا خداوندشان حق است آگاه باشید مر اوراست حکم واو

أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۳ قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا

سریعترین حساب کنندگان است بگو کیست نجات بدهد شمارا از تاریکیهای صحرا و دریا میخوانید اورا بزاری

وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۴ قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا

ونهانی که اگر برهاند مارا ازین تا باشیم البته از شاکران بگو خدا نجات میدهد شمارا از آن

وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ۵ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا

واز هر اندوهی پس شما شرک میاورید بگو اوست توانا برآنکه برانگیزد بر شما شکنجه

مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ اُنْظُرْ

از بالای شما یا از زیر پایتان یا بهم اندازد شمارا غیر متفق وبچشاند برخی شمارا آسیب برخی بنگر

كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ۶ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ

چگونه میگردانیم آیتهارا شاید آنها بفهمند وتکذیب کردند بآن قومت واوست حق بگو نیستم

عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۷ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ

برشما وکیل برای هر خبری وقتی است وزود باشد بدانید وچون دیدی آنانکه

يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتّٰى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ

گفتگو میکنند در آیات ما پس اعراض کن از آنها تا گفتگو کنند در خبری غیر آن واما اگر فراموشت گرداند

الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرٰى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۸ وَمَا عَلَى الَّذِينَ

شیطان پس منشین بعد پند با گروه ستمگاران ونیست بر آنانکه

يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلٰكِنْ ذِكْرٰى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۹ وَذَرِ الَّذِينَ

پرهیزگارند از حسابشان از چیزی ولیکن پند دادنیست شاید بپرهیزند وواگذار آنانکه

اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ

گرفتند دینشانرا بازیچه وهزل وفریفته کرد آنهارا زندگی دنیا وپند ده بآن مبادا گیر نده شود نفسی

بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذْ

بآنچه کسب کرد نیست برایش جز خدا دوستی ونه شفاعت خواهی واگر فدا دهد هر فدائی نمیگیرد

مِنْهَا أُولٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا

از آن آنهایند آنانکه گیرانیده شدند بآنچه کسب کردند مر آنهاراست شراب از آب گرم وشکنجه درد با بآنچه بودند

وقوله تعالی شانه العزیز قل من ینجیکم الی تشرکون چون کسی در کشتی داخل شود از موج وطوفان اضطراب تمام داشته باشد این آیه را بر کاغذ نویسد و در دریا اندازد دریا ساکن گردد از شورش و تلاطم و خبر است که هر که ببلائی گرفتار باشد چون این دو آیه بخواند حق سبحانه وتعالی اورا از آن بلا خلاص سازد انشاء الله تعالی ۱۲

یکفرون

يكفرون ٧٠ قل اندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا ونرد على

کافر میشدند بگو آیا میخوانیم از غیر خدا آنچه را سود نکند ما را و نه زیان رساند ما را و باز پس رویم بر

اعقابنا بعد اذ هدىنا الله كالذى استهوته الشياطين فى الارض حيران

بر پاشنههامان پس از آنکه راه نمود ما را خدا مانند کسی که از راه ببرد او را دیوان در زمین حیران

له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا قل ان هدى الله هو الهدى و

مر او را رفیقان باشند که میخوانند او را بسوی هدایت که بیا بجانب ما بگو بدرستیکه هدایت خدا آنست هدایت و

امرنا لنسلم لرب العالمين ٧١ وان اقيموا الصلوة واتقوه وهو الذى

و فرموده شدیم که گردن نهیم مر پروردگار جهانیان را و آنکه برپای دارید نماز را و بپرهیزید او را و اوست آنکه

اليه تحشرون ٧٢ وهو الذى خلق السموات والارض بالحق ويوم يقول

بسوی او حشر کرده میشوید و اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را بحق و روزیکه میگوید

كن فيكون ٧٣ قوله الحق وله الملك يوم ينفخ فى الصور عالم الغيب و

باش پس میباشد گفتار او حق است و مر او راست پادشاهی روزیکه در صور بدمند دانای نهان و

الشهادة وهو الحكيم الخبير ٧٤ واذ قال ابرهيم لابيه آزر اتتخذ اصناما

آشکارا است و اوست درست کردار آگاه و هنگامیکه گفت ابراهیم پدرش را آزر آیا میگیری بتها را

آلهة انى اريك وقومك فى ضلال مبين ٧٥ وكذلك نرى ابرهيم ملكوت

خدایان بدرستیکه من میبینم تو را و قومت را در گمراهی آشکار و همچنان مینمودیم ابراهیم را ملک

السموات والارض وليكون من الموقنين ٧٥ فلما جن عليه الليل راى

آسمانها و زمین و تا باشد از یقین کنندگان پس چون تار شد بر او شب دید

كوكبا قال هذا ربى فلما افل قال لا احب الآفلين ٧٧ فلما راى القمر

ستاره را گفت اینست پروردگارم پس چون غایب شد گفت دوست ندارم غایب شوندگان را پس چون دید ماه را

بازغا قال هذا ربى فلما افل قال لئن لم يهدنى ربى لاكونن من القوم

طالع گفت اینست پروردگارم پس چون غایب شد گفت هر آینه اگر هدایت نمیکرد مرا پروردگارم هر آینه بودم از گروه

الضالين ٧٨ فلما راى الشمس بازغة قال هذا ربى هذا اكبر فلما افلت

گمراهان پس چون دید خورشید را طالع گفت اینست پروردگارم اینست بزرگتر پس چون غایب شد

قال يا قوم انى برىء مما تشركون ٧٩ انى وجهت وجهى للذى فطر

گفت ای قوم بدرستیکه من بیزارم از آنچه شریک میآورید بدرستیکه من متوجه گردانیدم وجهم را برای آنکه بیافرید

السموات والارض حنيفا وما انا من المشركين ٨٠ وحاجه قومه قال

آسمانها و زمین را حق گرای و نیستم من از مشرکان و مجادله کردند او را قومش گفت

اتحاجونى فى الله وقد هدان ولا اخاف ما تشركون به الا ان يشاء ربى

آیا مجادله میکنید در خدا و بتحقیق هدایت کرد مرا و نمیترسم آنچه را شریک او آرید بان مگر آنکه بخواهد پروردگارم

شيئا وسع ربى كل شىء علما افلا تتذكرون ٨١ وكيف اخاف ما اشركتم ولا

چیزی را گشاده کرده است پروردگارم هر چیز را از راه دانش آیا پس پند نمیگیرید و چگونه بترسم آنچه را شریک او آوردید

قوله تعالی شانه العزیز قل اندعوا من دون الله الی رب العالمین بجگر باره از مشک آب و قطعه از پوست کدوی خشک و در آن آیه باشد و در میان اندازه این آیات را بنویسد و در بیرون آیه اسم دزد و مادر او نویسد و آن را در موضعی دفن کنند که محل رهگذر نباشد آن دزد حیران بماند و مشوش گردد و بمنزل خود معاودت نماید باذن الله تعالی

خواص

قوله تعالی شانه العزیز الحق الی الحکیم الخبیر این آیه را در روز پنجشنبه بر پوست خر بنویسد که بدو نوع کرده باشند و با خود حمایل نماید از شر جن و انس ایمن گردد و اگر در لوحی با خود نگاه دارد خدای تعالی دعای او را مستجاب گرداند و اندوه به شادی مبدل کند ١٢

اتحاجونی بتشدید جیم و نون هر دو باید باشد

تخافون انكم اشركتم بالله ما لم ينزل به عليكم سلطانا فاي الفريقين احق

نمیترسید که شما شریک گرفتید بخدا آنچه فرو فرستاده نشد بآن برشما حجتی پس کدامیک از دو گروه سزاوارتر

بالامن ان كنتم تعلمون ٨٢ الذين امنوا ولم يلبسوا ايمانهم بظلم اولئك

بایمنی اگر باشید که بدانید آنانکه گرویدند و نیامیختند ایمانشانرا بستم آنها

لهم الامن وهم مهتدون ٨٣ وتلك حجتنا اتيناها ابرهيم على قومه

مرایشانراست ایمنی و ایشان راه یافتگان اند و آن بود دلیل ما که دادیم آنرا ابراهیم بر قومش

نرفع درجات من نشاء ان ربك حكيم عليم ٨٤ ووهبنا له اسحق ويعقوب

بلند میکنیم مرتبه هارا آنرا که بخواهیم بدرستیکه پروردگار تو درست کردار داناست و بخشیدیم مراورا اسحق و یعقوب

كلا هدينا ونوحا هدينا من قبل ومن ذريته داود وسليمان وايوب

همه را هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم از پیش و از فرزندانش داود و سلیمان و ایوب

ويوسف وموسى وهرون وكذلك نجزي المحسنين ٨٥ وزكريا ويحيى

و یوسف و موسی و هرون و همچنان جزا میدهیم نیکوکارانرا و زکریا و یحیی

وعيسى والياس كل من الصالحين ٨٦ واسمعيل واليسع ويونس و

و عیسی و الیاس همه بودند از شایستگان و اسمعیل و یسع و یونس

لوطا وكلا فضلنا على العالمين ٨٧ ومن اباءهم وذرياتهم واخوانهم

و لوط همه را افزونی دادیم بر جهانیان و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان

واجتبيناهم وهديناهم الى صراط مستقيم ٨٨ ذلك هدى الله يهدي

و برگزیدیم ایشانرا و راه نمودیم ایشانرا براه راست اینست هدایت خدا راه مینماید

به من يشاء من عباده ولو اشركوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون ٨٩ اولئك

آنرا که میخواهد از بندگانش و اگر شرک آورده بودند هر آینه نابود شده بود از آنها آنچه بودند میکردند آنهااند

الذين اتيناهم الكتاب والحكم والنبوة فان يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا

آنانکه دادیم ایشانرا کتاب و حکم و پیغمبری پس اگر کافر شوند بآن اینها پس بتحقیق بازسپردیم

بها قوما ليسوا بها بكافرين ٩٠ اولئك الذين هدى الله فبهديهم اقتده

بآنها قومی را که نیستند بآن کافران آنهااند آنانکه هدایت کرد خدا پس بهدایتشان اقتدا کن

قل لا اسئلكم عليه اجرا ان هو الا ذكرى للعالمين ٩١ وما قدروا الله

بگو نمیپرسم شمارا بر آن مزدی نیست او مگر پندی برای جهانیان و نشناختند خدا را

حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء قل من انزل الكتاب الذي

حق شناختنش چون گفتند فرو نفرستاد خدا بر انسانی هیچ چیز بگو که فرو فرستاد کتاب را که

جاء به موسى نورا وهدى للناس تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون

آورد آن موسی نوری و هدایتی برای مردم میگردانید آنرا کاغذها آشکار میکنید آنرا و پنهان مینمائید

كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا اباؤكم قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون ٩٢

بسیاری را و آموخته شدید آنچه را نمیدانستید و نه پدرانتان بگو خدا پس واگذار ایشانرا در بطلانشان بازی کرده میشوند

از صفحه طرز واز قال ابراهیم الی مما تشرکون این آیه نقش کنند بر لوحی از آهن و با خود دارد مغیبات بر او منکشف گردد و بر اسرار مردم مطلع گردد و علوم غریبه بر او آسان گردد و اگر آنرا در باده بنویسد و بآب باران شوید و آن آب را بکودکی که سخن نگوید زبان او گشاده گردد و اگر کسی خواهد که راه راحت یابد

داود بضم واو ذکر اشباع شود یعنی بدو واو خوانده شود

در شروع کاری آیه و کذلک نری ابراهیم ملکوت الی مشرکین [illegible] بنویسد [illegible] باران بشوید [illegible] او حاصل گردد [illegible] بنویسد بگلاب و زعفران [illegible] عسل که از موم جدا کرده باشند [illegible] با آن باید و در چشم کند قول او نزد سلاطین و نزد همه عالم [illegible] و اگر این آیات را [illegible] بنویسد بگلاب و زعفران و آنرا بشوید [illegible] باشد در اول روز چهارشنبه ناشتا [illegible] بدین طریق عمل کنند بر دشمن غالب شوند و با هر که محاکمه و منازعه کنند بر او غالب آید انشاء الله

١٢ اباؤکم بدو واو اشباع صیغه مفرد است

وهذا

وهذا كتاب انزلناه مبارك مصدق الذى بين يديه ولتنذر ام القرى

و این کتابیست که فرو فرستادیم آنرا مبارک تصدیق کننده آنچه باشد میانهٔ دو دستش و تا بیم دهی مکه را

ومن حولها والذين يؤمنون بالاخرة يؤمنون به وهم على صلوتهم يحافظون ۹۳

و آنکه باشد در حوالیش و آنانکه گرویدند بآخرت میگروند بآن و آنها بر نمازشان نگهبانند

ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا او قال اوحى الى ولم يوح اليه شىء و

و کیست ستمکارتر از آنکه افترا بست برخدا دروغ را یا گفت وحی کرده شد بمن و وحی نشد باو چیزی و

من قال سانزل مثل ما انزل الله ولو ترى اذ الظالمون فى غمرات الموت

آنکه گفت زود فرو فرستم مانند آنچه فرو فرستاد خدا و اگر ببینی آنگاه ستمکاران را در سکرات مرگ

والملئكة باسطوا ايديهم اخرجوا انفسكم اليوم تجزون عذاب الهون

و فرشتگان گشاده اند دستهاشانرا که بیرون کنید جانهاتانرا امروز جزا داده خواهید شد شکنجهٔ خواری

بما كنتم تقولون على الله غير الحق وكنتم عن اياته تستكبرون ۹۴ ولقد

بسبب آنچه بودید میگفتید بر خدا بناحق و بودید از آیاتش سرکشی میکردید هر آینه بتحقیق

جئتمونا فرادى كما خلقناكم اول مرة وتركتم ما خولناكم وراء ظهوركم

آمدید ما را تنها چنانکه آفریدیم شما را اول مرتبه و واگذاشتید آنچه را تملیک دادیم شما را پس پشتهاتان

وما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم انهم فيكم شركاء لقد تقطع

و نمی بینیم با شما شفیعان شما را آنانکه گمان بردید که آنها در شما شریکانند هر آینه بتحقیق پاره شد

بينكم وضل عنكم ما كنتم تزعمون ۹۵ ان الله فالق الحب والنوى يخرج

میانتان و گم شد از شما آنچه بودید گمان میکردید بدرستیکه خدا شکافنده دانه و خرما است بیرون میآرد

الحى من الميت ومخرج الميت من الحى ذلكم الله فانى تؤفكون ۹۶ فالق الاصباح

زنده را از مرده و بیرون آورنده است مرده را از زنده اینست خدا پس بکجا رو گردانیده میشوید شکافنده عمود صبحها

وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم ۹۷

و گرداند شب را آرامگاه و خورشید و ماه را شماره اینست تقدیر غالب دانا

وهو الذى جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فى ظلمات البر والبحر قد فصلنا

و اوست که گرداند برای شما ستاره ها را تا راه یابید بآنها در تاریکیهای صحرا و دریا بتحقیق تفصیل دادیم

الايات لقوم يعلمون ۹۸ وهو الذى انشاكم من نفس واحدة فمستقر و

آیتها را برای قومیکه میدانند و اوست که پدید آورد شما را از نفس واحد پس قرارگاهی

مستودع قد فصلنا الايات لقوم يفقهون ۹۹ وهو الذى انزل

و امانتگاهیست بتحقیق تفصیل دادیم آیتها را برای قومیکه میفهمند و اوست آنکه فرو فرستاد

من السماء ماء فاخرجنا به نبات كل شىء فاخرجنا منه خضرا نخرج

از آسمان آبرا پس بیرون آوردیم بآن رستنی همه چیز پس بیرون آوردیم از آن سبزه که بیرون آوردیم

منه حبا متراكبا ومن النخل من طلعها قنوان دانية وجنات من اعناب

از آن دانه بریکدیگر سوار و از خرما از شکوفه او خوشه ها نزدیک بهم و بوستانها از انگورها

وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ

و زیتون و انار بهم شبیه و بهم نا شبیه بنگرید بسوی ثمرش چون ثمر آورد و رسیدنش

إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝۱۰۰ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ

بدرستیکه در ین شما را هر آئینه آیتهاست برای گروهی که میگروند و قرار دادند برای خدا شریکان جن و آفرید ایشانرا

وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ۝۱۰۱ بَدِيعُ

و بر بافتند برای او پسران و دختران بغیر دانش منزه است او و برتر است از آنچه نسبت میدهند نو

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ

آفریننده آسمانها و زمین است از کجا باشد مر او را فرزندی و نباشد مر او را زنی و آفرید و هر

شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۱۰۲ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ

چیزیرا و اوست بهر چیزی دانا اوست شما را خدا و پروردگار شما نیست خدائی بجز او آفریننده هر

شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝۱۰۳ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ

چیزی پس بپرستید او را و اوست بر هر چیزی وکیل در نیابد او را دیدها و او در مییابد

الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝۱۰۴ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ

دیدها را و اوست باریک بین آگاه بحقیق آمد شما را نشانهای بینش از پروردگار شما پس هر که بینا شد

فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ۝۱۰۵ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ

پس مر خود او راست و هر که کور ماند پس بر اوست و نیستم بر شما نگهبان و همچنان مکرر میآوریم آیتها را

وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝۱۰۶ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ

و تا بگویند درس خواندی و از برای بیان نمائیم آنرا برای گروهی که میدانند و پیروی کن آنچه را وحی شد بسوی تو از

رَبِّكَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝۱۰۷ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا

از پروردگارت نیست خدائی بجز او و رو بگردان از شرک آورندگان و اگر خواسته بود خدا شرک نمی آوردند

وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝۱۰۸ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ

و نگردانیدیم ترا بر ایشان نگهبان و نیستی تو بر ایشان وکیل و دشنام ندهید آنانکه

يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ

میخوانند از جز خدا پس دشنام دهند خدا را از دشمنی بدون دانشی همچنین آراستیم از برای هر گروهی

عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۱۰۹ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ

کردار شانرا پس بسوی پروردگارشان است باز گشتشان پس خبر کند ایشانرا بآنچه بودند که میکردند و سوگند خوردند بخدا

جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا

کوشش سوگندهاشان که اگر آیدشان آیتی هر آئینه گروند بان بگو جز این نیست هر آیات نزد خداست و نه خود

يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝۱۱۰ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ

بیدانید شما که آن وقتیکه آمد نمیگروند و باز میگردانیم دلهاشانرا و دیدهاشانرا چنانکه نه

يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝۱۱۱ وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ

گرویدند بآن نخست بار و وگذاریمشان در بیراهیشان سرگشته شوند و اگر آنکه ما فرو فرستادیم بسوی ایشان

ولہ تعالی شانہ
بدیع السموات الی الخبیر
چون این آیت را بر پوست
گورخر نویسد و نام هر کس
که خواهد بر آن نویسد و در
رهگذر دفن کنند و سواکس
و جنون او را عارض نشود
و این آیه را بر چوب زیتون
و در سعد مرکشتی بندد باد
متوجه او نشود اگر بر...
نویسد روی دیگر این ... باشد
یا حاکم ظالمی باشند که ترزی
فلان بن فلان از رتبه ... دور
سنگ نهند ایتاد شاه
بحاکم را ... طارحه د ...
دهد و اگر کسیرا درد سر ...
و هر این آیه بروغن گل بر
جبین او نوشند در وقت
نوشتن این آیه را بخوانند
و در ساکت شود و اگر در
موضعی تب بسیار باشد این
آیه را بر ... بخوانند و بخورند
در امان باشد و کسیرا که ...
باشد قدری خشخاش در
دیگی بریان کنند و این آیه
را بر آن بخوانند و بدهند
و قدری ... شفا
بجوز ... شفا یابد انشاءالله

سبع و ربع ثمن

الملٰئكة وكلّمهم الموتىٰ وحشرنا عليهم كلّ شيءٍ قبلاً ما كانوا ليؤمنوا الّا

فرشتگان را و سخنگو شوند با ایشان مردگان و گرد آورانیدیم برایشان هر چیزی را رو در رو نباشند که ایمان آورند مگر

ان يشاء الله ولٰكنّ اكثرهم يجهلون ١١٢ وكذٰلك جعلنا لكلّ نبيٍّ عدوًّا

آنکه خواهد خدا ولیکن بیشتر ایشان نادانند و همچنین گردانیدیم مر هر پیغمبری را دشمن

شياطين الانس والجنّ يوحي بعضهم الىٰ بعضٍ زخرف القول غرورًا ولو

از دیوان انس و جن وحی کنند برخی از آنها ببرخی آرایش گفتاری بفریب دادن و اگر

شاء ربّك ما فعلوه فذرهم وما يفترون ١١٣ ولتصغىٰ اليه افئدة الّذين

خواستی پروردگارت نکردندی آنرا پس واگذار ایشانرا و آنچه را میبافند و تا گوش دارد بسوی او دلهای آنهایکه

لا يؤمنون بالاٰخرة وليرضوه وليقترفوا ما هم مقترفون ١١٤ افغير الله ابتغي

نمیگروند بآخرت و تا بپسندند آنرا و تا در زند آنچه ایشان در زندگانند آیا پس جز خدا میجویم

حكمًا وهو الّذي انزل اليكم الكتاب مفصّلاً والّذين اٰتيناهم الكتاب

میانجی و اوست آنکه فرو فرستاد بسوی شما کتاب را جدا کرده و آنانکه دادیم ایشانرا کتاب

يعلمون انّه منزّلٌ من ربّك بالحقّ فلا تكوننّ من الممترين ١١٥ وتمّت

میدانند که آن فرستاده شده از پروردگارت بحق پس مباش البته از گمان برندگان و تمام شد

كلمت ربّك صدقًا وعدلاً لا مبدّل لكلماته وهو السّميع العليم ١١٦

سخن پروردگارت براستی و داد نیست بدل کننده مر سخنان او را و او شنونده داناست

وان تطع اكثر من في الارض يضلّوك عن سبيل الله ان يتّبعون الّا الظّنّ

و اگر فرمانبری بیشتر آنکه در زمین است گمراه کنند ترا از راه خدا پیروی نمیکنند مگر بگمان

وان هم الّا يخرصون ١١٧ انّ ربّك هو اعلم من يضلّ عن سبيله وهو اعلم

و نیستند آنها مگر آنکه دروغ گویند بدرستیکه پروردگار تو اوست داناتر کیست که گم میشود از راهش و اوست داناتر

بالمهتدين ١١٨ فكلوا ممّا ذكر اسم الله عليه ان كنتم باٰياته مؤمنين ١١٩

براه یافتگان پس بخورید از آنچه یاد کرده شد نام خدا بر او اگر باشید بآیات او گروندگان

وما لكم الّا تأكلوا ممّا ذكر اسم الله عليه وقد فصّل لكم ما حرّم عليكم

و چیست مر شما را که نخورید از آن چه یاد کرده شد نام خدا بر او و بتحقیق جدا کرد برای شما آنچه حرام کرد بر شما

الّا ما اضطررتم اليه وانّ كثيرًا ليضلّون باهوائهم بغير علمٍ انّ ربّك

مگر آنچه را ناچار شدید بآن و بدرستیکه بسیاری هر آینه گمراه میکنند بخواهشهای خود بدون دانش بدرستیکه پروردگار تو

هو اعلم بالمعتدين ١٢٠ وذروا ظاهر الاثم وباطنه انّ الّذين يكسبون

اوست داناتر بتعدی کنندگان و واگذارید بیرون گناه و درونش را بدرستیکه آنانکه کسب میکنند

الاثم سيجزون بما كانوا يقترفون ١٢١ ولا تأكلوا ممّا لم يذكر اسم الله عليه

گناه را بزودی جزا داده شوند بآنچه بودند که کسب میکردند و نخورید از آنچه یاد کرده نشد نام خدا بر او بتحقیق

وانّه لفسقٌ وانّ الشّياطين ليوحون الىٰ اولياۤئهم ليجادلوكم وان اطعتموهم

و هر آینه فسق است و بدرستیکه شیاطین میرسانند نهانی بدوستانشان تا مجادله کنند با شما و اگر فرمانبرید ایشانرا

و در نزد والی آن شاید رسد گوید یا الهی العزیز العظیم و لطف الحکیم و الصراط المستقیم یا مرسل الریاح یا باعث الارواح یا ذا الجود و السماح یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا صمد یا فرد یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام ۱۲

قوله تعالی شأنه وتمت کلمت الی السمیع العلیم اگر کسی خواهد که دعای او مستجاب شود این آیه را بر خاتمی از نقره نقش کند و در آخر شب وضو بسازد و این خاتم را در انگشت کند و دست بردارد و گوید اجب دعائی و دعای او البته مستجاب شود و از حضرت علی علیه السلام منقول است که این از خصایص بسیار است از جمله آنکه او را بر قطعه کاغذ بنویسند و در چیزی چیا بچه نوشته در بیرون و سفیدی درآ مدرون باشد و در موم گرفته از سخن و در دهان گذارد با هر کس سخن گوید از سخن او تجاوز نکند و مراد حاصل کند و اگر نویسد در موم گیرند و در گلاب اندازد به نبات مصری شیرین کنند و هفت روز ناشتا بکسی دهند که اوراق باشند از آن خلاص یابد و اگر برص داشته باشد هفت روز از آن بیاشامد به شود و اگر کسی را ضعف دل باشد این حروف مقطعه بر کاسه چینی بمشک و زعفران بنویسید و بزبان طبید بر روز ناشتا شفا یابد و اگر کسی را دشمن باشد قدری خاک چهار راه برگیرد و این آیه را هفت بار بران خواند نزد دشمن برطرف شود و مقهور او گردد باذن الله ۱۲

انّكم

إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ١٢٢ أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي
بدرستیکه شما مشرکانید ایا آنکه بود مرده پس زنده گردیدیم اورا و گردانیدیم برایش نوری که میرود بان در

النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ
مردم مانند کسیست که او در تاریکیها نیست بیرون آینده از آن همچنین آراسته شد برای کافران

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٢٣ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا
آنچه بودند میکردند و همچنین گردانیدیم در هر قریهٔ بزرگان گناهکاران تا مکر کنند

فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ١٢٤ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا
در آن و مکر نمیکنند مگر بخودهاشان و نمی یابند و چون آمد ایشانرا آیتی گویند

لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ
هرگز نگرویم تا آنکه داده شویم مانند آنچه داده شدند رسولان خدا خدا داناتر است که کجا گرداند رسالتش را

سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ١٢٥
زود برسد آنانرا که گناه کردند خواری نزد خدا و شکنجهٔ سخت بسبب آنچه بودند حیله میکردند

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ
پس آنرا که بخواهد خدا که راه نماید اورا میگشاید سینهٔ اورا برای اسلام و آنرا که بخواهد خدا که گمراه کند اورا میگرداند

صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى
سینهٔ اورا تنگ بسیار تنگ که گویا بالا میرود در آسمان همچنین میگرداند خدا بدیرا بر

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ١٢٦ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ
آنانکه نمیگروند و این است راه پروردگار تو راست بتحقیق تفصیل دادیم آیتها را

لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ١٢٧ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا
برای گروهی که پند میگیرند مر ایشانراست دار السلام نزد پروردگارشان و اوست دوست ایشان بانچه بودند

يَعْمَلُونَ ١٢٨ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ
میکردند و روزیکه حشر کند ایشانرا همه ای گروه جنیان بتحقیق بسیار گردانیدید از آدمیان و گفتند

أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ
دوستان آنها از آدمیان پروردگارا ما برخوردار شدند برخی از ما برخی و رسیدیم باجلمان که تعیین کردهٔ

لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ١٢٩
برای ما گفت آتش جایگاه شماست جاوید ماندگان در آن مگر آنچه بخواهد خدا بدرستیکه پروردگار تو درست کار داناست

وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ١٣٠ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ
و همچنین مسلط میگردانیم برخی از ستمگاران را بر برخی بسبب آنچه بودند کسب میکردند ای گروه جنیان

الْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ
و آدمیان آیا نیامد شما را رسولان از جنس شما که بخوانند بر شما آیاتم را و بیم کنند شمارا ملاقات روزتان

هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ
این گفتند گواهی دادیم برخودهامان و فریب داد ایشانرا زندگی دنیا و گواهی دادند برخودهاشان

انهم

أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ١٣١ ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا

که ایشان بودند کافران این از آنست که نیست پروردگار تو هلاک کننده قریه ها بستم و اهلش

غَافِلُونَ ١٣٢ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ١٣٣ وَ

باشند بیخبران و برای هر یک مراتبی است از آنچه کردند و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنند و

رَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِن بَعْدِكُم مَّا يَشَاءُ كَمَا أَنشَأَكُم

پروردگار تو بی نیاز صاحب رحمت است اگر خواهد میبرد شمارا و میگرداند جانشین از بعد شما آنچه خواهد چنانکه پیدا آورد شمارا

مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ ١٣٤ إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ١٣٥ قُلْ يَا قَوْمِ

از فرزندان گروه دیگر بدرستیکه آنچه وعده داده شده اید هر آینه آینده است و نیستید شما عاجز کنندگان بگو ای قوم

اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ١٣٦ مَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ

کار کنید بر وفق توانائی خود بدرستیکه من هم کننده ام پس زود باشد که بدانید آنرا که میباشد عاقبت

الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ١٣٧ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ

آن سرای بدرستیکه او رستگار نمیکند ستمگارانرا و گردانیدند برای خدا از آنچه آفرید از کشت زار و چارپایان

نَصِيبًا فَقَالُوا هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا

بهره پس گفتند این مر خدا راست بگمانشان و این مر شریکان ما راست پس آنچه باشد مر شریکانشانرا پس

يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ١٣٨

نمیرسد بخدا و آنچه باشد مر خدارا پس او میرسد بشریکانشان بد است آنچه حکم میکنند

وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا

و همچنین آراسته شد برای بسیاری از مشرکان کشتن اولادشانرا شریکانشانرا تا هلاک سازند ایشانرا و تا ملتبس

عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ١٣٩ وَقَالُوا

گردانند برایشان دینشانرا و اگر خواهد خدا نمیکنند آنرا پس واگذار ایشانرا با آنچه افترا میکنند و گفتند

هَٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن نَّشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ

این چارپایان و کشت حرام است نمیخورند آنرا مگر آنکه میخواهیم بگمانشان و چارپایانیست که حرام شد

ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِم بِمَا

پشتهاشان و چهارپایانیکه یاد نمیکنند نام خدارا بر آن دروغ بستنی بر او زود جزا میدهد ایشانرا بآنچه

كَانُوا يَفْتَرُونَ ١٤٠ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا

بودند که افترا میکردند و گفتند آنچه در شکمهای این چارپایانست خاص برای مردان ماست

وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ

و حرام است بر زنان ما و اگر باشد مردار پس ایشان در آن شریکانند زود جزا دهد جزای وصفشان که او

حَكِيمٌ عَلِيمٌ ١٤١ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ

درست کار داناست بتحقیق زیانکرده اند آنانکه کشتند فرزندانشانرا بکم خردی بنادانی و حرام کردند آنچه روزی داد ایشانرا

اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ١٤٢ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ

خدا از راه افتراء بر خدا بتحقیق گمراه شدند و نبودند راه یافتگان و او دست که پدید کرد

و در نزد دو یک الغنی ذو الرحمة الفقیر ذو الحاجة دوله تعالی وجعلوا لله مما ذرأ سبب نزولش این بود که مشرکان عرب کشت زار خود را خط کشیدند یک نیمه برای خدا و یک نیمه برای خودشان کردندی و همچنین چهارپایانرا قسمت نمودندی تقسیمی برای

شركاؤهم بضمه همزه بلا دون واو

امر برای خود آنچه نصیب خود بودندی و بهره بت بودی برای خدا بتخانه قسمت نمودندی پس اگر حصه خدا بهتر بودی بیرون میکردند و اگر چیزی از حصه بتان افتادی بر میداشتند میگفتند خدا توانگر است این باب آیه نازل شد ۱۲

جنات معروشات وغير معروشات والنخل والزرع مختلفا اكله والزيتون

بوستانهای بدار بسته انداخته و غیر بدار بسته انداخته و خرما و کشت مختلف خوردنی آن و زیتون

والرمان متشابها وغير متشابه كلوا من ثمره اذا اثمر وآتوا حقه يوم حصاده

و انار را شبیه هم و غیر شبیه هم بخورید از میوه اش چون میوه دهد و بدهید حقش را روز درویدنش

ولا تسرفوا انه لا يحب المسرفين ١٤٣ ومن الانعام حمولة وفرشا كلوا مما

و اسراف مکنید بدرستیکه او دوست نمیدارد اسراف کنندگان را و از چهارپایان باربردار و فرش را بخورید از آنچه

رزقكم الله ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين ١٤٤ ثمانية

روزی داد شما را خدا و پیروی مکنید گامهای شیطان را بدرستیکه او مر شما راست دشمنی آشکار هشت

ازواج من الضان اثنين ومن المعز اثنين قل ءالذكرين حرم ام الانثيين

جفت از میش دو و از گوسفند موی دار دو بگو آیا آن دو نر را حرام کرد یا آن دو ماده را

اما اشتملت عليه ارحام الانثيين نبئوني بعلم ان كنتم صادقين ١٤٥

یا آنچه را مشتمل است بر آن رحمهای آن دو ماده خبر دهید مرا بدانش اگر هستید راستگویان

ومن الابل اثنين ومن البقر اثنين قل ءالذكرين حرم ام الانثيين اما

و از شتر دو تا و از گاو دو تا بگو آیا آن دو نر را حرام کرد یا آن دو ماده را یا

اشتملت عليه ارحام الانثيين ام كنتم شهداء اذ وصاكم الله بهذا فمن

آنچه را مشتمل است بر آنها رحمهای آن دو ماده را آیا بودید حاضران چون وصیت کرد شما را خدا باین پس کیست

اظلم ممن افترى على الله كذبا ليضل الناس بغير علم ان الله لا يهدي القوم

ستمکارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را تا گمراه کند مردم را بنادانی بدرستیکه خدا راه ننماید گروه

الظالمين ١٤٦ قل لا اجد فيما اوحي الي محرما على طاعم يطعمه الا ان

ستمکاران را بگو نمییابم در آنچه وحی شد بمن حرام شده بر خورنده که میخورد آن را مگر آنکه

يكون ميتة او دما مسفوحا او لحم خنزير فانه رجس او فسقا اهل لغير الله

باشد مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک پس بدرستیکه او پلید است یا فسقی که بانگ زده شد برای غیر خدا

به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان ربك غفور رحيم ١٤٧ وعلى الذين

بآن پس آنکه بیچاره شد غیر باغی و نه تجاوز کننده پس بدرستیکه پروردگارت آمرزنده مهربانست و بر آنانکه

هادوا حرمنا كل ذي ظفر ومن البقر والغنم حرمنا عليهم شحومهما الا

یهودی شدند حرام کردیم هر صاحب چنگالی و از گاو و گوسفند حرام کردیم بر آنها پیههای آنها را مگر

ما حملت ظهورهما او الحوايا او ما اختلط بعظم ذلك جزيناهم ببغيهم وانا

آنچه برداشت پشتهاشان یا پیه رودها یا آنچه آمیخته شد باستخوان این جزا دادیم آنها را بستمشان و ما

لصادقون ١٤٨ فان كذبوك فقل ربكم ذو رحمة واسعة ولا يرد باسه عن

راستگویان پس اگر تکذیب کردند ترا پس بگو پروردگارتان صاحب رحمتست که فراخ است و باز داشته نشود عذابش از

القوم المجرمين ١٤٩ سيقول الذين اشركوا لو شاء الله ما اشركنا ولا اباؤنا

از گروه گناهکاران زود میگویند آنانکه شرک آوردند اگر خواستی خدا شرک نمیآوردیم و نه پدرانمان

قوله تعالى شأنه وهو الذي انشأ الى المسرفين این آیه را بنویسند بر چوب زیتون یا نقش کنند و بیاویزند از آن درختان در بستان و باغ میوه های آن بسیار شود و با خیر و برکت بود و اگر بر پوست بهار مدبوغ ... نویسند و در گردن یک گوسفند از گله بیاویزند

قل ءالذكرين باهمزه استفهام و مد دادن و هکذا در دو ثانی

برکت و خیر آن گله او شود و مثنا بچه زیاد آورد باذن الله تعالی سبب نزولش آنکه جماعتی از قریش قریب بیست نفر بودند که حرمهای آنها را برده و حرمت آن را اهل ... هیچ خانه خدای ... نازل فرمود بجهة منع کردن اسراف ۱۲

قوله تعالی شأنه العزیز ومن الانعام الی مبین این آیه را بزبان بنویسند و آن نان را بار و غن بخورند مطیع و منقاد شود و اگر این آیه را بر لوح از خطی بنویسند و با خود دارند بر هر چهارپایی که سوار شوند ذلیل و رام شوند ۱۲

اباؤنا بضم همزه بدون واو

وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ

و نه حرام کردیم هیچ چیز را همچنین تکذیب کردند آنانکه بودند از پیش ایشان تا آنکه چشیدند عذاب ما را بگو آیا نزد شماست

مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ١٥٠ قُلْ

از دانش پس بیرون آوردش بما نیکه پیروی کنید مگر شک و نیستید شما مگر دروغگویان بگو

فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ١٥١ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ

پس مر خدا راست سخن درست رساننده پس اگر خواستی هر آینه راه مینمود شمارا همه بگو فرا آرید گواهان تان آنانکه

يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ

گواهی دهند که خدا حرام کرد این را پس اگر گواهی دهند پس گواهی مده با ایشان و پیرو مشو خواهشهای آنانکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ١٥٢ قُلْ تَعَالَوْا

تکذیب کردند بآیتهای ما و آنانکه نمیگروند بآخرت و آنها بپروردگارشان برابر میکنند بگو بیائید

أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا

بخوانم آنچه را حرام کرد پروردگارتان بر شما که شرک نیارید با او چیزی را و بپدر و مادر نیکوئی کردن و مکشید

أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

فرزندان تان را از درویشی ما روزی میدهیم شمارا و ایشان را و نزدیک مشوید بدیها را آنچه پیدا شد از آن و آنچه

بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ

پنهان شد و مکشید تنی را که حرام کرد خدا مگر براستی آن شمارا اندرز کرد شمارا بآن شاید

تَعْقِلُونَ ١٥٣ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

دریابید و نزدیک مشوید مال یتیم را مگر بآنچه آن نیکوتر است تا برسد بغایت خواهش

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ

و تمام دهید پیمانه و ترازو را بعدل برنج نفرمائیم تنی را مگر اندازهٔ آن و چون گفتید

فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ١٥٤

پس راستی کنید و اگرچه باشید صاحب خویشی و به پیمان خدا وفا کنید آنتان اندرز شما بآن شاید شما پند گیرید

وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ

و آنکه این راه منست راست پس پیروی کنید آنرا و پیرو مشوید راهها را پس جدا شدن شما از راه او

ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ١٥٥ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي

آنتان اندرز شما بآن شاید بپرهیزید پس دادیم موسی را کتاب تمام بر آنکه

أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ١٥٦

نیکوئی کرد و تفصیل مر هر چیزی را و هدایت و رحمت شاید ایشان بملاقات پروردگارشان بگروند

وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ١٥٧ أَنْ

و این کتابیست که فرو فرستادیم آنرا خجسته پس پیروی کنید آنرا و بپرهیزید شاید شما رحم کرده شوید که

تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ

گوئید جز این نیست که فرو فرستاده شد کتاب بر دو گروه از پیش از ما و اگرچه بودیم از خواندشان

لغافلين

اتل بفتح همزه و سکون تاء فوقانیه

و در نزد آیه وصیکم لعلکم تتقون دو مرتبه گو بدیع السموات والارض یا رفیع الدرجات یا مقیل العثرات یا محیی الاموات یا نور الارض والسموات یا غافر الذنب والخطیئات یا ساتر العورات اقض حاجتی پس این آیه را سجود بجا آورد انما یؤمن بآیاتنا الذین اذا ذکروا بها خروا سجدا وسبحوا بحمد ربهم وهم لا یستکبرون

١٢

لَغافِلِينَ ١٥٨ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ

هر آینه بیخبران یا گوئید که اگر فرو فرستاده شد بود بر ما کتاب هر آینه بودیم راه راست تر از ایشان پس بتحقیق

جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ

آمد شما را معجزه از پروردگارتان و رحمت هدایت پس کیست ستمگارتر از آنکه تکذیب کرد آیتهای خدا و برگشت

عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ١٥٩

از آن زود جزا دهیم آنانرا که برمیگردند از آیتهای ما بدی شکنجه را بآنچه بودند برمیگشتند

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ

آیا مینگرند مگر که آید ایشانرا فرشتگان یا آید خدای تو یا آید برخی آیتهای

رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ

پروردگار تو روزیکه آید برخی آیتهای خدایت سود نکند کسی را ایمان آوردنش که نبود که ایمان آورد از

قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ١٦٠ إِنَّ الَّذِينَ

پیش یا کسب کرده باشد در ایمانش خیری بگو منتظر باشید که ما منتظرانیم بدرستیکه آنانکه

فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ

متفرق کردند دینشانرا و بودند گروها نیستی از آنها در چیزی جز این نیست کارشان با خداست پس خبر دهد ایشانرا

بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ١٦١ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ

بآنچه بودند میکردند آنکه آورد نیکی را پس مر او راست ده تا مانندش و آنکه آورد

بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ١٦٢ قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَىٰ

بدی را پس جزا داده نشود مگر مانندش و آنها ستمکرده نشوند بگو بدرستیکه من هدایت کرد خدایم

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٦٣

براه راست دینی درست کیش ابراهیم حق گرای و نبود از مشرکان

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ

بگو بدرستیکه نمازم و عبادتم و زندگیم و مردنم مر خدا راست که پروردگار جهانیان است نیست شریکی مر او را

وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ١٦٤ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ

و باین مامور شدم و منم اول منقادان بگو آیا جز خدا را بجویم پروردگار و او است پروردگار

كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ

هر چیزی و کسب نمیکند هر تنی مگر بر اوست و بر نمیدارد بردارنده بار گناه دیگری را پس

إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ١٦٥ وَهُوَ الَّذِي

بسوی پروردگارتان بازگشت شما پس خبر میدهد شما را بآنچه بودید در آن اختلاف میکردید و او است آنکه

جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ

گردانید شما را جانشینهای زمین و بلند کرد برخی شما را بالای برخی بمراتب تا بیازماید شما را

فِيمَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

در آنچه آمد شما را بدرستیکه پروردگار تو زود عقوبت است و بدرستیکه او هر آینه آمرزنده مهربانست

بسم الله الرحمن الرحیم

و چون سوره انعام تمام شود بگوید یا شدید العقاب یا سریع الحساب یا غفور یا رحیم یا خالق کل شیء یا فاطر السموات والارض یا فالق الحب والنوی یا فالق الاصباح یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب یا قاضی الحاجات یا مجیب الدعوات یا ولی الحسنات یا دافع البلیات یا مقیل العثرات یا محیی الاموات یا نور الانوار ... یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل الطاهرین ... و صلی الله علی محمد و آله

قیماً بکسر قاف و فتح یا

الطاهرین ۱۲

قوله تعالی و هو الذی الی رحیم اگر کسی طالب عملی باشد از اعمال سلطان ... ان شاء الله برآورده شود

۱۲

نصف الجزء

سورة الأعراف مائتان وست آيات وهي مكية

نزلت بعد الصاد وهي مكية الا من آية واسئلهم عن القرية الخ آية واذ نتقنا الجبل فوقهم فمدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

المص كتاب انزل اليك فلا يكن في صدرك حرج منه لتنذر به وذكرى

کتابیست فرو فرستاده شده پس نباید باشد در سینه تو تنگی از آن تا بیم کنی بآن و پند

للمؤمنين ٢ اتبعوا ما انزل اليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه اولياء

مر گروندگانرا پیروی کنید آنچه فرو فرستاده شد بسوی شما از پروردگار شما و پیروی مکنید از غیر او دوستان

قليلا ما تذكرون ٣ وكم من قرية اهلكناها فجاءها بأسنا بياتا او

اندکی پند میگیرند و بسا از قریه که هلاک کردیم آنرا پس آمد آنرا عذاب ما شب هنگام یا

هم قائلون ٤ فما كان دعويهم اذ جاءهم بأسنا الا ان قالوا انا كنا

آنها بودند خفتگان بنیروز پس نبود در خواستشان آنها چون آمد آنهارا عذاب ما مگر آنکه گفتند ما بودیم

ظالمين ٥ فلنسئلن الذين ارسل اليهم ولنسئلن المرسلين ٦ فلنقصن

ستمکاران پس هر آینه خواهیم پرسید آنانرا که فرستاده شد بسوی ایشان و هر آینه خواهیم پرسید رسولانرا پس هر آینه خواهیم خواند

عليهم بعلم وما كنا غائبين ٧ والوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه

برآنها بدانشی و نبودیم ما غایبین و وزن کردن در آنروز حق است پس آنکه گران آمد سنجیده هایش

فاولئك هم المفلحون ٨ ومن خفت موازينه فاولئك الذين خسروا انفسهم

پس آنهایند ایشان رستگاران و آنکه سبک آمد سنجیده هایش پس آنهایند آنانکه زیان کردند خودهاشانرا

بما كانوا بآياتنا يظلمون ٩ ولقد مكناكم في الارض وجعلنا لكم فيها

بسبب آنچه بودند بآیتهای ما ستم میکردند و بتحقیق جا دادیم شمارا در زمین و گردانیدیم برای شما در آن

معايش قليلا ما تشكرون ١٠ ولقد خلقناكم ثم صورناكم ثم قلنا

مایه تعیش اندکی شکر میکنید و بتحقیق آفریدیم شمارا پس شکل دادیم شمارا پس گفتیم

للملئكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس لم يكن من الساجدين ١١ قال ما

مر فرشتگانرا که سجده کنید آدمرا پس سجده کردند مگر شیطان که نبود از سجده کنندگان گفت چه چیز

منعك الا تسجد اذ امرتك قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين ١٢

منع کرد تورا که سجده نکنی چون امر کردیم تراگفت من بهترم از آن آفریدی مرا از آتش و آفریدی اورا از گل

قال فاهبط منها فما يكون لك ان تتكبر فيها فاخرج انك من الصاغرين ١٣

گفت پس فرو شو از آن پس نباشد ترا که تکبر کنی در آن پس بیرون رو بدرستیکه تو از ذلیلانی

قال انظرني الى يوم يبعثون ١٤ قال انك من المنظرين ١٥ قال فبما اغويتني

گفت مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته شوند گفت بدرستیکه تو از مهلت داده شدگانی گفت پس بسبب اغوا کردن مرا

لاقعدن لهم صراطك المستقيم ١٦ ثم لآتينهم من بين ايديهم ومن خلفهم

هر آینه می نشینم برای ایشان راه تراکه راست است پس هر آینه می آیم آنهارا از میانه دستهاشان و از پس سرشان

هو الله
بسند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقول است
که هر که سوره اعراف را
در هر ماه بخواند در روز
قیامت از جمله جماعتی باشد
از دوستان خدا که حق
سبحانه در شان ایشان
فرموده است که خوفی بر
ایشان نیست و آنها اندوهناک
نشوند و اگر در هر جمعه بخواند
در قیامت از آنهایی باشد که حساب نکنند
بدرستیکه آیات محکمات
در آن بسیار است پس
قرائت این سوره را ترک
ننمائید که شهادت میدهد
در روز قیامت برای
کسی که او را خوانده باشد
هو الله سبحانه تعالی
...

وَعَنْ اَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ اَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ١٧ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا

و از راستهاشان وازچپهاشان ونیابی بیشترآنهارا شاکران گفت بیرون رو ازآن

مَذْؤُمًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَاَمْلَاَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ اَجْمَعِينَ ١٨ وَيَا اٰدَمُ اسْكُنْ

نکوهیده رانده شده مراکه پیروشدتراازانها هرآینه پرمیکنم ازآنها جهنم را ازشما همه وای آدم آرام گیر

اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ

تو وزوجه ات بهشت را پس بخورید ازهرجا که خواهید ونزدیک نشوید این درخت را پس باشید از

الظَّالِمِينَ ١٩ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْاٰتِهِمَا

ازستمگاران پس وسوسه کرد مرآنهارا شیطان تاظاهرگرداند مرآنهارا آنچه پوشیده بود ازآنها ازعورتشان

وَقَالَ مَا نَهٰيكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ اِلَّا اَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ اَوْ تَكُونَا

وگفت نهی نکرد شمارا پروردگارتان از این درخت مگرآنکه باشید دوفرشته یا باشید

مِنَ الْخَالِدِينَ ٢٠ وَقَاسَمَهُمَا اِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ٢١ فَدَلّٰيهُمَا بِغُرُورٍ

از جاویدانان وقسم خورد آنهارا که من هرآینه شمارا ازنیکخواهانم پس فرودآورد آنهارا بفریب

فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْاٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ

پس چون چشیدند آن درخت راپیداشد برایشان عورتشان وشروع کردندبچسبانیدن برآن دو ازبرگ

الْجَنَّةِ وَنَادٰيهُمَا رَبُّهُمَا اَلَمْ اَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَاَقُلْ لَكُمَا اِنَّ الشَّيْطَانَ

بهشت وندا کرد ایشانرا پروردگارشان آیا نهی نکردیم شمارا ازاین درخت وگفتیم مرشمارا بدرستیکه شیطان

لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ٢٢ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا وَاِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا

مرشمارا دشمنی است آشکار گفتند پروردگارا ستم کردیم ماخودمان را واگر نیامرزی مارا ورحمت نکنی مارا

لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ٢٣ قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي

هرآینه بباشیم اززیانکاران گفت فروشوید برخی ازشما مربرخی را دشمن ومرشمارا است در

الْاَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ اِلٰى حِينٍ ٢٤ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ

زمین آرامگاه ومایةتعیش تاوقتی گفت درآن زندگی میکنید ودرآن میمیرید

وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ٢٥ يَا بَنِي اٰدَمَ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْاٰتِكُمْ

وازآن بیرون آورده میشوید ای پسران آدم بتحقیق فروفرستادیم برشما پوششی که بپوشد عورتهارا و

وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوٰى ذٰلِكَ خَيْرٌ ذٰلِكَ مِنْ اٰيَاتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ٢٦

اساس تجملی ولباس پرهیزکاری این بهتراست این ازآیتهای خداست شاید آنها پندگیرند

يَا بَنِي اٰدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا اَخْرَجَ اَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ

ای پسران آدم نباید بفریبد شمارا شیطان چنانکه بیرون کرد والدین شمارا ازبهشت برمیکند

عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْاٰتِهِمَا اِنَّهُ يَرٰيكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ

ازآنها لباسشانرا تابنماید ایشانرا عورتشانرا بدرستیکه او می بیند شمارا او وفرزندانش ازجائیکه

لَا تَرَوْنَهُمْ اِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ اَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ٢٧

نمی بینید ایشانرا بدرستیکه ماگردانیدیم شیطانهارا دوستان برای آنانکه نمیگروند

از صفحهٔ طهر
نوداده پس این آیه مبارکه را در جامی از آبگینه بروغن یاسمین بنویسند وآنرا بگلاب وزعفران بشویند ودر روی خود بمالد پس این آیه مبارک بر برگ زیتون نویسد ودرجیب گریبان نهد خدا حاجت اورا روا کند انشاالله
١٢

مَا وُورِيَ
بضم واو واشباع واو یعنی بدو واو خوانده شود

سَوْاٰتِكُمْ
بفتح سین وسکون واو وفتح همزه وسکون الف بعد از همزه وکسر تا

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ

و چون کنند بدی را گویند یافته‌ایم بر آن پدرانمان را و خدا امر کرده است ما را با آن بگو بدرستیکه امر نکرد

لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٢٨ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ

خدا به بدیها آیا میگوئید بر خدا آنچه نمیدانید بگو امر کرد پروردگارم بعدل و

أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

راست دارید رویهای تان را نزد هر مسجد و بخوانید او را خالص گردانندگان برایش دین چنانکه آفرید شما را عود خواهید کرد

فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ

گروهی را هدایت کرد و گروهی را ثابت گردید برایشان گمراهی بدرستیکه آنها گرفتند شیطانها را دوستان

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ٢٩ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ

از غیر خدا و پنداشتند که آنها راه یافتگانند ای پسران آدم بگیرید آرایش خود را نزد

كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ٣٠ قُلْ مَنْ حَرَّمَ

هر مسجدی و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید بدرستیکه او دوست نمیدارد اسراف کنندگان را بگو که حرام گردانید

زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي

زینت خدا را که بیرون آورد برای بندگانش و پاکیزه‌های از روزی بگو این برای آنانست که گرویدند در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ٣١

زندگی دنیا خالص روز رستخیز همچنان تفصیل دادیم آیتها را برای گروهیکه میدانند

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ

بگو جز این نیست حرام کرد پروردگارم بدیها را آنچه باشد پیدا از آن و پنهان باشد و بد را و ستم بناحق را

وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٣٢

و آنکه شریک آورید بخدا آنچه فرو فرستاده نشد بآن حجتی و آنکه بگوئید بر خدا آنچه نمیدانید

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ٣٣

و مر هر گروهی را مدتیست پس چون آمد مدتشان باز پس نمیمانند ساعتی و نمیتوانند پیشی گرفت

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ

ای پسران آدم چون بیایند شما را رسولان از شما میخوانند بر شما آیتهایم را پس آنکه پرهیز کرد و بسامان آمد

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٣٤ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا

پس نیست ترسی برایشان و نه آنها اندوهناک شوند و آنانکه تکذیب کردند بآیتهای ما و سرکشی کردند

عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٣٥ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى

از آن آنهایند اهل آتش آنها در آن جاویدانند پس کیست ظالمتر از آنکه افترا بست

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى

بر خدا دروغرا یا تکذیب کرد بآیاتش آنها میرسد آنها را بهره آنها از کتاب تا

إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا

چون آید ایشان را رسولان ما که متوفی گردانند آنها را گویند کجا بودید که میخواندید از غیر خدا گویند

ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ٣٧ قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ

گم شدند از ما و گواهی دادند بر خود باشان که آنها بودند کافران گفت در آیید در امتها

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ

بتحقیق گذشتند از پیش شما از جن و انس در آتش هرگاه داخل شود امتی لعنت میکند خواهرش را تا

إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ

چون ملحق میشوند بیکدیگر ان همه گویند آخرشان برای اولشان پروردگارا اینها گمراه کردند ما را پس بده آنها را

عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ ٣٧ وَقَالَتْ أُولَاهُمْ

شکنجه دو چندان از آتش گفت برای هر یک ضعفیست ولیکن نمیدانند و گویند اولشان

لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ٣٨

مر آخرشانرا پس نباشد مر شما را بر ما از افزونی پس بچشید شکنجه را بسبب آنچه بودید کسب کردید

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ

و آنانکه تکذیب کردند با آیتهای ما و سر کشی کردند از آن باز نشود برایشان درهای آسمان

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ٣٩

و نه آیند بهشت را تا بیرون آید شتر از چشمهٔ سوزن و همچنان جزا میدهیم گناهکاران را

لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ٤٠ وَالَّذِينَ

برایشانست از جهنم بستری و از بالای ایشان پوششها و همچنین جزا میدهیم ستمگارانرا و آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

گرویدند و کردند کار شایسته تکلیف نمیکنیم تنی را مگر گنجایش آن آنهایند اهل بهشت

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٤١ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ

آنها در آن جاویدانند و کندیم آنچه بود در سینهایشان از کینه میرود از زیر آنها

الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ

نهرها و گویند ستایش مر خدایرا که هدایت کرد ما را برین و نبودیم ما که راه یابیم اگر که

هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا

راه نمینمود ما را خدا هر آینه بتحقیق آمدند رسولان پروردگار ما براستی و ندا کرده شدند که اینست آن بهشتی که میراث داده شدید آنرا

بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ٤٢ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا

بسبب آنچه بودید میکردید و ندا کردند اهل بهشت آتش را که بتحقیق یافتیم

مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ

آنچه وعده داد پروردگار ما درست پس آیا یافتید شما آنچه وعده داد پروردگارتان براستی گفتند آری پس ندا کرد

مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ٤٣ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

ندا کننده میانشان که لعنت خدا بر ستمگاران آنانکه باز میدارند از راه خدا

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ٤٤ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ

و میجویند آنرا کج و آنها باخرت کافرانند و میان آندو پرده ایست و بر اعراف مردانیند

لِأُولَاهُمْ بضم همزه و سکون واو یعنی ضد اخری است

أُولَاهُمْ بضم همزه و سکون واو

خواص

قوله تعالی شانه العزیز و نزعنا ما فی صدورهم الی یعلمون چون این آیت بنویسد کسی که فارغ از سیاهی باشد بر حلوا و بنوسد تا بخورد قسمت کند میان کسیکه هم دشمنی داشته باشند صلح کنند و کینه و نزاع از میان ایشان زایل گردد و اگر این آیت را بر اوراق بنویسد و بر خرما یا بر انجیر یا میوهٔ دیگر هر یک از ایشان از آن بخورند همان مقصود حاصل گردد و اگر این آیت را در ظرف سفالی که همان ساعت تازه از آتش بیرون آورده باشند بزعفران و گلاب نویسند و آنرا باب چاه بشویند درد دل و ضعف از دل زایل گردد ١٢

يعرفون كلا بسيماهم ونادوا اصحاب الجنة ان سلام عليكم لم يدخلوها
که میشناسند همه را بعلامتشان وندا کردند اهل بهشت را که سلام برشما درنیامده بودند آنرا

وهم يطمعون ٤٥ واذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا
وآنها طمع میداشتند وچون گردانیده شود چشمهایشان بجانب اهل آتش گفتند پروردگارا

لا تجعلنا مع القوم الظالمين ٤٦ ونادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم
مگردان مارا باگروه ستمگاران وندا کنند اهل اعراف مردانرا که میشناسندشانرا

بسيماهم قالوا ما اغنى عنكم جمعكم وما كنتم تستكبرون ٤٧ اهؤلاء
بعلامتشان گویند کفایت نکرد از شما جمعتان وآنچه بودید که سرکشی میکردید آیا اینها

الذين اقسمتم لا ينالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف عليكم ولا
آنانند که قسم خوردید که نمیرساند آنهارا خدا برحمتی درآیید بهشت را نیست ترسی برشما ونه

انتم تحزنون ٤٨ ونادى اصحاب النار اصحاب الجنة ان افيضوا علينا
شما اندوهناک شوید وندا کنند اهل آتش اهل بهشت را که بریزید برما

من الماء او مما رزقكم الله قالوا ان الله حرمهما على الكافرين ٤٩ الذين
از آب یا از آنچه روزی داد شمارا خدا گویند بدرستیکه خدا حرام کرد آندورا بر کافران آنانکه

اتخذوا دينهم لهوا ولعبا وغرتهم الحيوة الدنيا فاليوم ننسيهم كما نسوا
گرفتند دینشانرا بهزل وبازیچه وفریب داد آنهارا زندگی دنیا پس امروز فراموش میکنیم آنهارا چنانکه فراموش کردند

لقاء يومهم هذا وما كانوا باياتنا يجحدون ٥٠ ولقد جئناهم بكتاب فصلناه
ملاقات روزشان اینرا وآنچه بودند آیتهای مارا انکار میکردند وبتحقیق آوردیم آنهارا کتابیکه تفصیل دادیم آنرا

على علم هدى ورحمة لقوم يؤمنون ٥١ هل ينظرون الا تاويله يوم
بردانش هدایت ورحمت مرگروهیرا که میگروند آیا انتظار میبرند مگر تاویلشرا روزیکه

ياتي تاويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل
میاید تاویلشرا میگویند آنانکه فراموش کردند آنرا از پیش بتحقیق آمدند رسولان پروردگارمان بدرستی پس آیا

لنا من شفعاء فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذي كنا نعمل قد خسروا
هست برای ما از شفیعان پس شفاعت کنند مارا یا برگردیم پس بکنیم غیر آنچه بودیم میکردیم بتحقیق زیان کردند

انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون ٥٢ ان ربكم الله الذي خلق
خودهاشانرا وگم شد از آنها آنچه بودند افترا میکردند بدرستیکه پروردگارتان خداست که آفرید

السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه
آسمانها وزمین را در شش روز پس استولی شد بر عرش میپوشاند در شب روزرا که میجوید آنرا

حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك
شتابنده وخورشید وماه وستارها رام شدگان بامرش آگاه باش مراوراست آفرینش وامر بزرگست

الله رب العالمين ٥٣ ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ٥٤
خدا پروردگار عالمیان بخوانید پروردگارتان را بزاری وپنهانی بدرستیکه او دوست ندارد از حد درگذرندگان

بسم الله تعالی شانه العزیز
قوله تعالی ان ربکم الله الی العالمین هرکس این آیرا بخواند در وقت جامه خواب خداوند اورا از شر ابلیس و اتباع او محفوظ فرماید و از لقوه و فالج امین شود و اگر از آیه ادعوا ربکم تا آیه قریب من المحسنین بخواند از خداتعالی طلب کند که خواب براو غلبه نکند و کمتر شود مطلوب او حاصل گردد و بهشت م شب قادر شود اگر این آیه را بمشک و زعفران و گلاب نویسد و باخود دارد از درد دل و شر دشمن و مار و کژدم امین گردد و اگر بر ورقی از پوست آهو نویسند که بسم الله الرحمن الرحیم من الله الی الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون لا اله الا انت آمنت بالله و ملائکته و کتبه و رسله والیوم الآخر ان ربکم الله تا الی المحسنین اللهم انت الشافی لا شفاء الا شفائک و لا شافی سواک اللهم اشفه شفاء لا یغادر سقما یا الله یا الله یا الله پس آن نوشته را بر طاقیه سازد و بر سر نهد اگر تب داشته باشد زایل شود بامر خدایتعالی انشاالله
۱۲

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ

وفساد مکنید در زمین پس از اصلاحش وبخوانیداورا ازراه بیم وامید بدرستیکه رحمت خدا

قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ٥٥ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ

نزدیک است ازنیکوکاران واوست که میفرستد بادها را مژده دهنده میان دو دست رحمتش

حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ

تا چون بردارد ابر گران بارا برانیم آن را برای بلدی مرده پس فرو فرستیم بآن آب را پس بیرون آوردیم بآن

مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ٥٦ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ

از همه میوه ها همچنین بیرون آوریم مردگانرا شاید شما پند گیرید وبلد پاکیزه

يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ

بیرون میاید نباتش بفرمان پروردگارش وآنچه پلید باشد بیرون نیاورد مگر اندک بیفایده همچنین میگردانیم

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ٥٧ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ

آیات را برای گروهی که شکر میکنند هرآینه بتحقیق فرستادیم نوح را بسوی قومش پس گفت ای قوم

اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ٥٨

بپرستید خدارا نیست مرشمارا بجز او هیچ خدائی بدرستیکه من میترسم برشما عذاب روزی بزرگ

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٥٩ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي

گفتند جمعی از قومش بدرستیکه ما می بینیم ترا در گمراهی آشکار گفت ای قوم نیست مرا

ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٦٠ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ

گمراهی ولیکن منم فرستاده از پروردگار جهانیان میرسانم شمارا رسالتهای پروردگارم وپند میدهم

لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٦١ أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ

مرشمارا ومیدانم از خدا آنچه را نمیدانید آیا عجب داشتید که آمد شمارا پندی از پروردگارتان بر

رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ٦٢ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ

بر مردی از شما تا بیم دهد شمارا وتا بپرهیزید وشاید شما رحمت کرده شوید پس تکذیب کردند اورا پس نجات دادیم اورا

وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ٦٣

وآنانکه بااو بودند در کشتی وغرق کردیم آنانرا که تکذیب کردند آیات ما را بدرستیکه ایشان بودند گروه کوردلان

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

وبسوی عاد برادرشان هودرا گفت ای قوم بپرستید خدارا نیست مرشمارا هیچ خدائی بجز او آیا پس نمی پرهیزید

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ

گفتند جمعی از آنانکه کافرشدند از قومش که ما هرآینه می بینیم ترا در کم خردی وبدرستیکه ما گمان میبریم ترا از

الْكَاذِبِينَ ٦٥ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

دروغگویان گفت ای قوم نیست مرا کم خردی ولیکن منم فرستاده از پروردگار جهانیان

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ٦٧ أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ

میرسانم شمارا رسالتهای پروردگارم ومن شمارا خیرخواه امینم آیا عجب داشتید که آمد یادکری از پروردگارتان

سبحانه وتعالی
مرویست که روزی حضرت امام حسن علیه السلام نزد معاویه رفت او قصد الزام بآنحضرت گفت که حق تعالی فرموده لا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین یعنی هیچ تر وخشکی نیست مگر آنکه در قرآنست و مندرج وموجود است پس چرا آنچه من وتو مذکور نبود؟ چون محاسن شریف آنحضرت بسیار انبوه وبا طراوت بود ومعاویه کوسج پس حضرت در جواب فرموده که حق تعالی محاسن من وترا ذکر کرده که البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لا یخرج الا نکدا معاویه چون استماع نمود خجل شد تا گردید در ترجمه مجلس تمام

١٢ قوله تعالی شانه العزیز وهو الذی یرسل الریاح الی یشکرون این آیه را در کار نویسند که از چوب تنور بود بآب سیب وزعفران وآب انگور وبنوشید دانه کی از آن جای درخت ریزد بعد از آن قدری آب خالص بر آن بریزد آن درخت از کرم وبرچه وغیره محفوظ ماند وبرگ ومیوه آن از تلخ وترش ایمن گردد

على رجل منكم لينذركم واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد قوم نوح و

بر مردی از شما تا بیم دهد شما را و یاد کنید چون گردانید شما را جانشینان از بعد قوم نوح

زادكم في الخلق بسطة فاذكروا آلاء الله لعلكم تفلحون ٦٨ قالوا

و افزود شما را در خلق زیادتی پس یاد کنید نعمتهای خدا را شاید شما رستگار شوید گفتند

اجئتنا لنعبد الله وحده ونذر ما كان يعبد آباؤنا فأتنا بما تعدنا ان

آیا آمدی ما را تا بپرستیم خدا را تنها و واگذاریم آنچه را که بودند میپرستیدند پدران ما پس بیاور ما را آنچه وعده میدهی ما را اگر

كنت من الصادقين ٦٩ قال قد وقع عليكم من ربكم رجس وغضب اتجادلونني

هستی از راستگویان گفت بتحقیق که واقع شد بر شما از پروردگارتان بدی و خشم آیا مجادله میکنید مرا

في اسماء سميتموها انتم وآباؤكم ما نزل الله بها من سلطان

در نامهائیکه نامیده اید آنرا شما و پدرانتان فرو نفرستاده خدا بآن از حجتی

فانتظروا اني معكم من المنتظرين ٧٠ فانجيناه والذين معه برحمة منا و

پس منتظر باشید بدرستیکه من با شما از منتظرانم پس رهانیدیم او را و آنانکه بودند با او برحمتی از ما و

قطعنا دابر الذين كذبوا بآياتنا وما كانوا مؤمنين ١٧ والى ثمود اخاهم

بریدیم دنباله آنانکه تکذیب کردند بآیتهای ما و نبودند گروندگان و بسوی ثمود برادرشان

صالحا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره قد جاءتكم بينة من

صالح گفت ای قوم بپرستید خدا را نیست برای شما هیچ الهی جز او بتحقیق آمد شما را معجزه از

ربكم هذه ناقة الله لكم آية فذروها تأكل في ارض الله ولا تمسوها

پروردگارتان اینست ناقه خدا برای شما آیتی است پس واگذارید او را که بخورد در زمین خدا و مس نکنید او را

بسوء فيأخذكم عذاب اليم ٧٢ واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد عاد و

ببدی پس بگیرد شما را شکنجه پر درد و یاد کنید چون گردانید شما را جانشینان از بعد عاد و

بوأكم في الارض تتخذون من سهولها قصورا وتنحتون الجبال بيوتا

جای داد شما را در زمین که میگیرید از جای نرمش قصرها و میتراشید از کوهها خانها

فاذكروا آلاء الله ولا تعثوا في الارض مفسدين ٧٣ قال الملأ الذين

پس یاد کنید نعمتهای خدا را و مشتابید در زمین فساد کنندگان گفتند جمعی که

استكبروا من قومه للذين استضعفوا لمن آمن منهم اتعلمون ان صالحا

سرکشی کردند از قومش مر آنانرا که ناتوان شمرده شدند برای آنکه گروید از آنها آیا میدانید که صالح

مرسل من ربه قالوا انا بما ارسل به مؤمنون ٧٤ قال الذين استكبروا انا

فرستاده شده است از پروردگارش بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شده است بآن گروندگانیم گفتند آنانکه سرکشی کردند بدرستیکه ما

بالذي آمنتم به كافرون ٧٥ فعقروا الناقة وعتوا عن امر ربهم وقالوا يا

بآنچه گرویدید بآن کافرانیم پس پی کردند ناقه را و سر زدند از امر ربشان و گفتند ای

صالح ائتنا بما تعدنا ان كنت من المرسلين ٧٦ فاخذتهم الرجفة فاصبحوا

صالح بیاور ما را بآنچه وعده میدهی ما را اگر باشی از رسولان پس گرفت آنها را آواز مهیب پس گشتند

و سیدی و معبدی و محمدت ذکر آنها است که در زبده سلک در آمده اند و این اسماء الخصوص بسیار است بعض از سلف گفته اند که اسم اعظم همه است

آباؤنا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

آباؤکم بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ٧٧ فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي

در خانهاشان مردگان پس روگردانید از آنها وگفت ای قوم هر آینه رسانیدم شمارا رسالت پروردگارم را

وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ٧٨ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ

و پند دادم مرشمارا ولیکن دوست نمیدارید پند دهندگان را ولوط چون گفت مر قومش را

أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ٧٩ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ

آیا میکنید کار زشت پیشی نگرفته است بآن شمارا هیچیک از جهانیان بدرستیکه شما هر آینه میآئید

الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ٨٠ وَمَا كَانَ جَوَابَ

مردان را ازروی شهوت از غیر زنان بلکه شما گروه اسراف کننده گانید وبنود جواب

قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوهُم مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ٨١ فَأَنجَيْنَاهُ

قومش مگر اینکه گفتند بیرون کنید آنها را از قریه خود بدرستیکه آنها مردمانی اند که پاک میباشند پس نجات دادیم اورا

وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ٨٢ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَانظُرْ

وکسانش را مگر زنش را که بود از باز ماندگان وبارانیدیم بر آنها بارانی پس بنگر

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ٨٣ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ

چگونه بود انجام گناهکاران وبسوی مدین برادرشان شعیب را گفت ای قوم

اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ

بپرستید خدارا نیست برای شما هیچ خدائی غیر او بتحقیق آمد شمارا معجزه از پروردگارتان پس تمام کنید پیمانه

وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا

و ترازو را وکم نکنید مردم را چیزهاشان را وفساد مکنید در زمین بعد بسامان آمدنش

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ٨٤ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ

این بهتر است برای شما اگر هستید گروندگان ونشینید بهر راهی که بیم دهید

تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنتُمْ

باز دارید از راه خدا آنرا که گروید بآن وبجوئید آنرا کج وبیاد کنید چون بودید

قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ٨٥ وَإِن كَانَ

کم پس بسیار کرد شمارا وبنگرید چگونه بود سرانجام مفسدان واگر باشد

طَائِفَةٌ مِّنكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ

طایفه از شما که گرویده باشند بآن که فرستاده شدم بآن وطایفه نگرویده باشد پس صبر کنید تا

يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ٨٦ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ

حکم کند خدا میانه ما واو بهترین حکم کنندگانست گفتند جمعی که سرکشی کردند از قومش

لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ

البته بیرون کنیم تورا ای شعیب وآنانکه گرویدند باتو از قریه خود یا آنکه باز میگردید در کیش ما گفت

أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ٨٧ قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُم بَعْدَ

آیا اگرچه باشیم ناخوش دلگان بتحقیق بسته باشیم بر خدا دروغ را اگر برگردیم در کیش شما بعد

وهمچنین بگوید ... رود و صدا او نقش اورا مطیع گرداند الحاصل الحی هرکه مداومت بر خواندن این دو اسم آنچه مطلوب او حاصل گردد و بر غامض علم طلب واقف گردد و معالجات او ناظر گردد و اگر این دو اسم را بطریق امتزاج ... بر صفحه از زر سپید ... نویسد وزن حامله با خود دارد فرزند او از سقط محفوظ ماند و اگر حروف اسم خالق در مربع چهار در چهار ... نقش کند و باخود نگاه دارد خدا ظاهر و باطن او را منور گرداند و همه مردمان او را دوست دارند و هر که ... هر روز اسم المحیی را ... و چهار نوبت بگوید المبدی المعید چون مداومت نماید ملائکه موکل براین دو اسم موافقت نماید و تقویت ایشان برامور مقصود او فائده آید و حضرت ... علیه السلام فرموده که هر که در جمعه اسم الباعث را صد بار بگوید خدا او را در قبر ... موسی فرستد و نیز فرموده که ذکر المعید مداومت نماید هر که هیچ چیز از او غائب نشود و اگر هر روز در چهار طرف خانه ... یا معید گوید خدا آنخانه را سالم دارد

المصور المبدی این دو اسم ... نویسد و کسی را که درد سر باشد با خود نگاهدارد درد او زایل شود بامر خدا تعالی

اذ نجانا الله

اِذْ نَجّٰنَا اللّٰهُ مِنْهَا وَمَا يَكُوْنُ لَنَآ اَنْ نَّعُوْدَ فِيْهَآ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ رَبُّنَا وَسِعَ

اگر که رهانید ما را خدا از آن و نسزد ما را که برگردیم در آن مگر آنکه بخواهد خدا پروردگار ما فرا رسید

رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَاَنْتَ

پروردگار همه چیز را از علم بر خدا اعتماد کردیم خدایا حکم فرما میانه ما و میانه قوم ما به درستی و تو

خَيْرُ الْفٰتِحِيْنَ ٨٨ وَقَالَ الْمَلَاُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِهٖ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا

بهترین حکم کنندگانی و گفتند جمعی که کافر شدند از قوم او اگر پیروی کردید شعیب را

اِنَّكُمْ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ٨٩ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوْا فِيْ دَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ٩٠

بدرستیکه شما آنهنگام هر آینه زیانکارانید پس گرفت ایشان را صیحه آوازی پس گشتند در خانهاشان مردگان

الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا شُعَيْبًا كَاَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيْهَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا شُعَيْبًا كَانُوْا هُمُ الْخٰسِرِيْنَ ٩١

آنانکه تکذیب کردند شعیب را گویا نبودند در آنها آنانکه تکذیب کردند شعیب را بودند ایشان هر آینه زیانکاران

فَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰقَوْمِ لَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ رِسٰلٰتِ رَبِّيْ وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ

پس روگردانید از آنها و گفت ای قوم هر آینه رسانیدم شما را رسالتهای پروردگارم و پند دادم شما را پس چگونه

اٰسٰى عَلٰى قَوْمٍ كٰفِرِيْنَ ٩٢ وَمَآ اَرْسَلْنَا فِيْ قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ اِلَّآ اَخَذْنَآ اَهْلَهَا

اندوه خورم بر گروه کافران و نفرستادیم در قریه از پیغمبری مگر گرفتیم کسانش را

بِالْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُوْنَ ٩٣ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ

بسختی و رنجوری شاید ایشان زاری کنند پس تبدیل کردیم بجای بدی خوبی را

حَتّٰى عَفَوْا وَّقَالُوْا قَدْ مَسَّ اٰبَآءَنَا الضَّرَّآءُ وَالسَّرَّآءُ فَاَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً وَّهُمْ

تا بسیار شدند و گفتند بتحقیق مس کرد پدران ما را رنجوری و فراخی پس گرفتیم ایشان را ناگاه و ایشان

لَا يَشْعُرُوْنَ ٩٤ وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرٰٓى اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكٰتٍ مِّنَ

نمیدانستند و اگر آنکه اهل قریه ها گرویده بودند و پرهیزکار بودند هر آینه گشاده بودیم بر ایشان برکتها از

السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ وَلٰكِنْ كَذَّبُوْا فَاَخَذْنٰهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ٩٥ اَفَاَمِنَ

آسمان و زمین ولیکن تکذیب کردند پس گرفتیم ایشان را بآنچه بودند که کسب کردند آیا ایمن شدند

اَهْلُ الْقُرٰٓى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا بَيَاتًا وَّهُمْ نَآئِمُوْنَ ٩٦ اَوَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰٓى

اهل قریه ها اینکه بیاید ایشان را عذاب ما شبانگاه و ایشان باشند خفتگان آیا و ایمن شدند اهل قریه ها

اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا ضُحًى وَّهُمْ يَلْعَبُوْنَ ٩٧ اَفَاَمِنُوْا مَكْرَ اللّٰهِ فَلَا يَاْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ

اینکه بیاید ایشان را عذاب ما چاشتگاه و ایشان بازی میکرده باشند آیا پس ایمن شدند از مکر خدا پس ایمن نشوند از مکر خدا

اِلَّا الْقَوْمُ الْخٰسِرُوْنَ ٩٨ اَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِيْنَ يَرِثُوْنَ الْاَرْضَ مِنْ بَعْدِ

مگر گروه زیانکاران آیا هدایت نکرد مر آنان را که بمیراث میبرند زمین را از بعد

اَهْلِهَآ اَنْ لَّوْ نَشَآءُ اَصَبْنٰهُمْ بِذُنُوْبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا

اهل آنها که اگر میخواستیم میرسانیدیم ایشان را بگناهانشان و مهر میزدیم بر دلهای ایشان پس ایشان نه

يَسْمَعُوْنَ ٩٩ تِلْكَ الْقُرٰى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْۢبَآئِهَا وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ

می شنیدند آن قریه ها میخوانیم بر تو از خبرهایش و هر آینه آمد ایشان را

رسلهم بالبينات فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل كذلك يطبع الله

رسولانشان با معجزات پس نبودند که ایمان آورند بآنچه تکذیب کردند از پیش همچنین مهر مینهد خدا

على قلوب الكافرين ١٠٠ وما وجدنا لاكثرهم من عهد وان وجدنا اكثرهم

بر دلهای کافران ونیافتیم ما برای بسیاری از ایشان هیچ عهدی واگرچه یافتیم بیشترشان را

لفاسقين ١٠١ ثم بعثنا من بعدهم موسى باياتنا الى فرعون وملائه فظلموا

هر آینه زشتکاران پس فرستادیم پس از ایشان موسی را با معجزات بسوی فرعون وگروه او پس ستم کردند

بها فانظر كيف كان عاقبة المفسدين ١٠٢ وقال موسى يا فرعون انى

بآنها پس بنگر چگونه بود سرانجام تباهکاران وگفت موسی ای فرعون بدرستیکه من

رسول من رب العالمين ١٠٣ حقيق على ان لا اقول على الله الا الحق قد

فرستاده از پروردگار جهانیان سزاوارم بر آنکه نگویم بر خدا بجز حق را بتحقیق

جئتكم ببينة من ربكم فارسل معى بنى اسرائيل قال ان كنت جئت باية فات

آمدم شما را با معجزه از پروردگارتان پس بفرست با من بنی اسرائیل را گفت اگر تو هستی که آوردی معجزه را پس بیاور

بها ان كنت من الصادقين ١٠٤ فالقى عصاه فاذا هي ثعبان مبين ١٠٥ و

آنرا اگر هستی از راستگویان پس افکند عصای خود را پس چون او اژدهائی آشکار

نزع يده فاذا هي بيضاء للناظرين ١٠٦ قال الملأ من قوم فرعون ان

وبیرون آورد دستش را پس همانا آن نورانی برای نظرکنندگان گفتند جمعی از قوم فرعون بدرستیکه

هذا لساحر عليم ١٠٧ يريد ان يخرجكم من ارضكم فماذا تامرون ١٠٨ قالوا

این هر آینه جادوگریست دانا میخواهد که بیرون کند شما را از زمین شما پس چه میفرمایید گفتند

ارجه واخاه وارسل فى المدائن حاشرين ١٠٩ ياتوك بكل ساحر عليم ١١٠

بتعویق انداز کار او را وبرادرش وبفرست در شهرها جمع کنندگان را که بیاورند بتو همه جادوگری دانا را

وجاء السحرة فرعون قالوا ان لنا لاجرا ان كنا نحن الغالبين ١١١ قال

وآمدند جادوگران فرعون را گفتند بدرستیکه باشد برای ما مزدی اگر باشیم ما غالبان گفت

نعم وانكم لمن المقربين ١١٢ قالوا يا موسى اما ان تلقى واما ان نكون نحن

آری وبدرستیکه شما هر آینه از مقربان گفتند ای موسی یا اینست که می اندازی ویا اینکه باشیم ما

الملقين ١١٣ قال القوا فلما القوا سحروا اعين الناس واسترهبوهم وجاؤ

اندازندگان گفت بیندازید پس چون انداختند جادو کردند چشمهای مردمان را وترسانیدند ایشان را وآوردند

بسحر عظيم ١١٤ واوحينا الى موسى ان الق عصاك فاذا هي تلقف ما يافكون ١١٥

جادوئی بزرگ ووحی کردیم بسوی موسی که بینداز عصای خود را پس همانا فرو میبرد آنچه بدروغ میبودند

فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون ١١٦ فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين ١١٧

پس ثابت شد حق وباطل شد آنچه بودند میکردند پس مغلوب شدند آنجا وبرگشتند خوارشدگان

والقى السحرة ساجدين ١١٨ قالوا امنا برب العالمين ١١٩ رب موسى وهرون ١٢٠

وافکنده شدند جادوگران سجده کنندگان گفتند ایمان آوردیم بپروردگار عالمیان پروردگار موسی وهرون

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنتُم بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ
گفت فرعون گرویدید باان پیش از آنکه دستوری دهم شمارا بدرستیکه این حیله بود که حیله کردید آنرا در شهر

لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۱۲۱ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ
تا بیرون کنید از آن کسانش را پس زود باشد که بدانند هر آینه ببرم البته دستهای شما و پاهای شمارا از

خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ۱۲۲ قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ۱۲۳ وَمَا تَنقِمُ
خلاف یکدیگر پس هر آینه بردار زنم شمارا همه گفتند بدرستیکه بسوی پروردگار ما بازگردندگانیم و بد نمیداری

مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا
از ما مگر آنکه گرویدیم بانشانهای پروردگار ما چون آمد مارا پروردگارا بر ریز بر ما صبری و بمیران مارا

مُسْلِمِينَ ۱۲۴ وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا
مسلمانان وگفتند گروهی از قوم فرعون آیا وامیگذاری موسی و قومش را تا فساد کنند

فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا
در زمین و واگذارد ترا و خدایان ترا گفت بزودی میکشیم پسرانشانرا و زنده میگذاریم زنانشانرا و بدرستیکه

فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ۱۲۵ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ
ما بالای ایشان غالبانیم گفت موسی مر قومش را یاری جوئید بخدا و صبر کنید بدرستیکه

الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۱۲۶ قَالُوا أُوذِينَا
زمین مر خدا راست میراث آنرا که میخواهد از بندگانش و سرانجام مر پرهیزگارانراست گفتند رنجانیده شدیم

مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ
پیش از آنکه بیائی مارا و از بعد آنکه آمدی مارا گفت شاید که پروردگار شما که هلاک کند دشمن شمارا

وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۱۲۷ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
و جانشین گرداند شمارا در زمین پس خواهد دید که چگونه میکنید و بتحقیق گرفتیم اهل فرعونرا

بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۱۲۸ فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ
بقحط سالها و کمی از میوه ها شاید ایشان پند گیرند پس چون آمد ایشانرا خوبی

قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَن مَّعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ
گفتند از برای ماست این و اگر برسد آنها را بدی شوم میگیرند موسی و آنکه با او است آگاه باش جز این نیست

عِندَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۲۹ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ
شومی ایشان نزد خداست ولیکن بیشترشان نمیدانند وگفتند هرگاه بیاری مارا بآن از

آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ۱۳۰ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ
آیتی تا مسحور کنی مارا بآن پس نخواهیم بود مر ترا گروندگان پس فرستادیم بر آنها طوفان

وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا
و ملخ و شپش و وزغها و خون آیتهای تفصیل داده ها پس سرکشی کردند

وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ۱۳۱ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى
و بودند قومی گناهکاران و چون واقع شد بر آنها عذاب گفتند ای موسی

وَآلِهَتَكَ بدون الف و کسر اهم

أَبْنَاءَهُمْ بفتح همزه وسکون با

يَطَّيَّرُوا بتشدید طا و تشدید یا

ادعُ لنا ربّكَ بما عهدَ عندكَ لئن كشفتَ عنّا الرجزَ لنؤمننّ لكَ و

برخوان برای ما پروردگارت را بآنچه عهد کرد نزد تو هر آینه اگر رفع کنی از ما عذاب را هر آینه میگرویم مر ترا و

لنرسلنّ معكَ بني اسرآئيلَ فلمّا كشفنا عنهم الرجزَ الى اجلٍ هم بالغوه

هر آینه فرستیم با تو پسران یعقوب را پس چون رفع کردیم از آنها عذاب را تا وقتیکه آنها رسیدند

اذا هم ينكثونَ ۱۳۲ فانتقمنا منهم فاغرقناهم في اليمّ بانّهم كذّبوا باياتنا

همانده آنها پیمان میشکنند پس انتقام کشیدیم از آنها پس غرق کردیم آنها را در دریا بسبب آنکه ایشان تکذیب کردند آیات ما را

وكانوا عنها غافلينَ ۱۳۳ واورثنا القومَ الّذينَ كانوا يستضعفونَ مشارقَ

و بودند از آنها بیخبران و میراث دادیم گروهی را که بودند ضعیف شمرده میشدند مشرقها

الارضِ ومغاربها الّتي باركنا فيها وتمّت كلمةُ ربّكَ الحسنى على بني

زمین و مغربهایش که برکت داده ایم در آنها و تمام شد کلمهٔ پروردگارت که خوبست بر پسران

اسرآئيلَ بما صبروا ودمّرنا ما كانَ يصنعُ فرعونُ وقومهُ وما كانوا

یعقوب بسبب صبر کردنشان و ویران کردیم آنچه بود میساخت فرعون و قومش و بودند

يعرشونَ ۱۳۴ وجاوزنا ببني اسرآئيلَ البحرَ فاتوا على قومٍ يعكفونَ على

برمیافراشتند و گذرانیدیم پسران یعقوب را از دریا پس گذشتند بر قومی که مایل پرستش بودند بر

اصنامٍ لهم قالوا يا موسى اجعل لنا الهاً كما لهم آلهةٌ قالَ انّكم قومٌ

بتها مر ایشانرا گفتند ای موسی بگردان برای ما خدائی چنانکه مر آنها راست خدایان گفت بدرستیکه شما گروه

تجهلونَ ۱۳۵ انّ هؤلاءِ متبّرٌ ما هم فيهِ وباطلٌ ما كانوا يعملونَ ۱۳۶

نادانانید بدرستیکه اینها تباه هست آنچه ایشانند در آن و باطلست آنچه بودند میکردند

قالَ اغيرَ اللهِ ابغيكم الهاً وهوَ فضّلكم على العالمينَ ۱۳۷ واذ انجيناكم

گفت آیا جز خدا بجویم برای شما خدائی و او افزونی داد شما را بر جهانیان و چون نجات دادیم شما را

من آلِ فرعونَ يسومونكم سوءَ العذابِ يقتّلونَ ابناءكم ويستحيونَ

از آل فرعون که عذاب میکردند شما را بدی شکنجه میکشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند

نساءكم وفي ذلكم بلاءٌ من ربّكم عظيمٌ ۱۳۸ وواعدنا موسى ثلثينَ ليلةً

زنان شما را و در آن ابتلائی بود از پروردگارتان بزرگ و وعده دادیم موسی را سی شب

واتممناها بعشرٍ فتمّ ميقاتُ ربّهِ اربعينَ ليلةً وقالَ موسى لاخيهِ هرونَ

و تمام کردیم آنرا بده پس تمام شد وقت مقرر پروردگارش چهل شب و گفت موسی مر برادرش هرون را

اخلفني في قومي واصلح ولا تتّبع سبيلَ المفسدينَ ۱۳۹ ولمّا جاءَ موسى

که جانشین من شو در میان قوم من و سامان باش و پیروی مکن راه مفسدان را و چون آمد موسی

لميقاتنا وكلّمهُ ربّهُ قالَ ربّ ارني انظر اليكَ قالَ لن تراني ولكن انظر

بوقت مقرر ما و سخن کرد با او پروردگارش گفت پروردگارا بنمای مرا که بنگرم بتو گفت هرگز نبینی مرا ولیکن بنگر

الى الجبلِ فانِ استقرّ مكانهُ فسوفَ تراني فلمّا تجلّى ربّهُ للجبلِ جعلهُ

بسوی کوه پس اگر قرار گیرد در مکانش پس زود باشد که ببینی مرا پس چون تجلی کرد پروردگارش بر کوه گردانید او را

الهاً — بکسر همزه و فتح لام
آلهة — بمد الف و کسر لام و فتح ها
متبّر — بتشدید با و تخفیف را
الهاً — بکسر همزه و فتح لام
ابناءکم — بفتح همزه و تشدید با و بر نون
انظر — بفتح همزه و سکون نون و ضم ظا و سکون را

دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا ۚ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا

ریزه ریزه وافتاد موسی بیهوش پس چون بهوش آمد گفت تو منزهی توازدیده شدن باز گردیدم بتو ومن

أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ١٤١ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي

اول گروندگانم گفت ای موسی بدرستیکه من برگزیدم ترا بر مردمان برسالتهایم

وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ١٤٢ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ

وبکلامم پس بگیر آنچه آیدم ترا وباش از شکرکنندگان ونوشتیم برایش در لوحها

مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا

از هر چیز پند وبیانی برای هر چیز پس بگیر آنرا بقوت وامر کن قومترا بگیرند

بِأَحْسَنِهَا ۚ سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ١٤٣ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ

باحسنش زود بنمایم بشما خانه فاسقان را بزودی میگردانم از آیاتم آنانکه تکبر میکنند

فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ

در زمین بناحق واگر ببینند هر آیتی نمیگروند بآن واگر ببینند راه رشد را

لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ١٤٤ وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

نمیگیرند آنرا راهی واگر ببینند راه باطل را میگیرند آنرا راهی این بسبب آنکه آنها

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ١٤٥ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

تکذیب کردند بآیات ما وبودند از آن بیخبران وآنانکه تکذیب کردند بآیات ما

وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٤٦

وملاقات آخرت نابود شد کردارشان آیا جزاداده میشوند مگر آنچه بودند میکردند

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ ۚ أَلَمْ يَرَوْا

وگرفتند قوم موسی از بعداو از زیورشان گوساله تنی راکه بود مراورا آواز گاو آیا ندیدند

أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ١٤٧ اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ١٤٨

که او سخن نمیگوید آنها را وهدایت نمیکند آنها را راهی گرفتند اورا وبودند ستمکاران

وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ

وچون افکنده شد در دستهاشان ودیدند که آنها بحقیقت گمراه شدند گفتند هرآینه اگر رحمت نکند مارا پروردگار ما و

يَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ١٤٩ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ

ونیامرزد مارا هرآینه میباشیم از زیانکاران وچون برگشت موسی بسوی قومش خشمگین

أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي ۖ أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ

اندوهگین گفت بد جانشینی کردید مرا از بعد من آیا پیشی گرفتید امر پروردگارتانرا وافکند لوحهارا

وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَ

وگرفت سر برادرش میکشید اورا بسوی خود گفت ای پسر مادر بدرستیکه قوم ضعیف شمردند مرا و

كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ١٥٠

ونزدیک بود که بکشند مرا پس شاد مگردان بمن دشمنان را وقرار مده مرا با گروه ستمکاران

اثر آن بیشتر خواهد بود واگر حروف مفرده این اسم را بترتیب در مربع تخمیر نقش کنند واز زیر این اسما را بران بخوانند هرکه آنرا با خود دارد دلهای همه مردمان را بروی مشفق گردد واگر اسم المهیمن را بر نگین نقش کنند بیخ بار شرف قمر ودر وقت کندن بخواندن اسما اشتغال نماید وآنرا با خود دارد از شر پادشاه ایمن گردد وهمه ظلمه واز مرض برص ایمن ماند ومحفوظ بود وهرکه مداومت نماید هرچه بشنود یاد گیرد وذهن وعقل او زیاده گردد ودر اسم المقیت گفته اند چون اورا هفت نوبت برآب باران بخوانند وطفل بنوشد خوش خو وخوش ذهن گردد وهرچه بشنود یاد گیرد العزیز الجبار المتکبر اسمائی لازم رفعت وعظمت است اگر ذلیل وحقیر بود برخواندن این اسماء من حلیهم بکسر اء وتشدید یا وکسرها مداومت نماید عزیز بیند مرتبه گردد بحضرت رضا علیه السلام فرمود هرکه بعد از نماز بامداد اسم العزیز را چهل ویکبار بخواند محتاج خلق نگردد ودر میان مردم عزیز باشد واگر کسی از پادشاه ترسد اسم جبار را برابر روی او دوازده بار بخواند از شر او ایمن گردد

۱۲

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ١٥١

گفت پروردگارا بیامرز مرا وبرادرمرا ودرآور مارا در رحمت خود و تو مهربانترین مهربانانی

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ

بدرستیکه آنانکه گرفتند گوساله را زود برسد ایشانرا خشم از پروردگارشان وخواری در زندگی دینا و

كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ١٥٢ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا

همچنین جزا میدهیم افترازنندگانرا وآنانکه کردند بدیها را پس توبه کردند از بعد آن

وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ١٥٣ وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ

وگرویدند بدرستیکه پروردگارت از بعد آن هرآینه امرزنده مهربانست وچون فرونشست از موسی خشم

أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ١٥٤

گرفت لوحها را ودر نسخهٔ آنها هدایت بود ورحمت مرآنانکه آنها از پروردگارشانرا میترسند

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ

وبرگزید موسی از قومش هفتاد مرد برای میقات ما پس چون آنها را گرفت آواز مهیب گفت

رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا

پروردگارا اگر بخواهی هلاک میکنی آنها را از پیش ومرا آیا هلاک میکنی مارا بانچه کردند بیخردان از ما

إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا

نیست آن مگر فتنهٔ تو گمراه میکنی بان آنرا که بخواهی وهدایت میکنی آنرا که بخواهی توئی دوست ما

فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ١٥٥ وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا

پس بیامرز مارا ورحمت کن مارا وتو بهترین امرزندگانی وبنویس برای ما در این دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ

خوبی ودر آخرت بدرستیکه ما هدایت شدیم بسوی تو گفت شکنجه ام میرسانم آنرا بهر که را بخواهم

وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

ورحمتم گشاده است هرچیزرا پس زود بنویسم آنرا آنانرا که میپرهیزند ومیدهند زکات را

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ١٥٦ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي

وآنانکه ایشان بآیتهای ما میگروند آنانکه پیروی میکنند فرستادهٔ خبرآورندهٔ نخوانده راکه

يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ

مییابند آنرا نوشته شده نزدایشان در توریت وانجیل امر میکند آنها را بخوبی و

يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ

نهی میکنند آنها را از بدی وحلال میکند پاکیزه هارا وحرام میکند برآنها بدیها را ومیگذارد

عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَ

از آنها گناه بارشان وغلها ئیکه بود برآنها پس آنانکه گرویدند ومحترم داشتند و

نَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ١٥٧ قُلْ يَا أَيُّهَا

یاری کردند اورا وپیروی کردند نوریراکه فروفرستاده شد با او آنها ایشانند رستگاران بگو ای

گردد وبرکت در کسب وکار او ظاهر گردد واز مخاوف امین شود ١٢ وچون اسم الحفیظ را در سفر ومواضع خوف بسیار گوید از همهٔ آفات ومکروهات امین گردد واگر آنرا بر جامی از نقره نقش کنند بر مربع چهار در چهار بطریق تکسیر وضع کنند وباخود دارد اگر در بیشهٔ خواب کند هیچ ضرری باو نرسد ودر اطراف آن بنویسد یا حفیظ احفظنی فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ١٢ وحضرت امام رضا فرمود هر که این اسم را در روز جمعه هفتصد ونود وهشت بار بخواند وبخط باریک بنویسد وآنرا تعویذ کند از وسوسهٔ شیطان محفوظ ماند ١٢ المجید چون حروف این اسم را بر لوحی از حدید در مربع چهار در چهار بطریق تکسیر نقش کند ودر گردن کودک بندد از صرع واز همه آفات محفوظ وامین باشد واگر این اسم را با اسم المجید در مربع هشت در هشت رقم کند هر که آنرا باخود دارد در چشم مردمان بزرگ ومکرم باشد ومقاصد او بحصول آید از جائیکه گمان نداشته باشد ١٢

النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا ۱۵۸ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
مردم بدرستیکه من رسول خدایم بسوی شما همه آنکه مراوراست پادشاهی آسمانها وزمین

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي
نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند پس بگروید بخدا و رسولش پیغمبر ناخوانده که

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۱۵۹ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ
گرویده بخدا و کلماتش و پیروی کنید اورا شاید شما راه یابید واز قوم موسی

أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۱۶۰ وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا
باشند امتی که راه یافتند بحق و باو بازگشت میکنند وجدا ساختیم ایشانرا دوازده سبطها

أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ
امتها و وحی فرستادیم بسوی موسی چون خواست آب قومش را که بزن بعصایت سنگ را پس جاری شد

مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ
از آن دوازده چشمه بتحقیق دانست همه کسی محل نوشیدن ایشانرا و سایه افکندیم برایشان ابررا

وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا
و فرو فرستادیم برایشان من و سلوی را بخورید از پاکیزها آنچه روزی دادیم شمارا و ستم نکردند مارا

وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۱۶۱ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَ
ولیکن بودند خودهاشانرا ستم کردند وچون گفته شود برایشان که بیارامید این قریه را و

كُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ
بخورید از آن هرجه بخواهید و بگوئید حطه و درآئید درا سجده کنندگان و بیامرزیم مرشمارا

خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۱۶۲ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي
گناهانتانرا زود بیفزائیم نیکوکارانرا پس تبدیل کردند آنانکه ستمکردند ازآنها گفتاری جز آنکه

قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ۱۶۳ وَ
گفته شد مرایشانرا پس فرستادیم برآنها عذابرا از آسمان بسبب آنچه بودند ستم کردند و

اسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ
پرسید ایشانرا از قریه که بود حاضر نزد دریا چون تجاوز کردند در روز شنبه چون

تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَٰلِكَ
آمد ایشانرا ماهیهاشان روز شنبه ایشان آشکارا و روزیکه نبودشان شنبه نیامد ایشانرا همچنین

نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۱۶۴ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا
آزمودیم ایشانرا بسبب آنچه بودند فسق میکردند وچون گفتند امتی ازایشان چرا پند میدهید قومیرا

اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ
که خدا هلاک کننده ایشانرا یا شکنجه کننده است آنهارا شکنجه سخت گفتند عذری است بسوی پروردگارتان و

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۱۶۵ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ
شاید آنها پرهیزند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بآن نجات دادیم آنهارا که نهی میکر

عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۱۶۶

از بدی وگرفتیم ما آنانرا که ستم کردند بشکنجهٔ بد بسبب آنچه بودند فسق میکردند

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ وَإِذْ تَأَذَّنَ

پس چون سر باز زدند از آنچه نهی شدند از آن گفتیم مر ایشانرا که بشوید بوزینگان راندگان وچون اعلام نمود

رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ

پروردگار تو هر آینه برانگیخته میشود برایشان تا روز رستخیز که عذاب کند ایشانرا بدی عذاب بدرستیکه پروردگار

لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۶۷ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِنْهُمُ

زود عقوبتست و بدرستیکه او هر آینه آمرزنده مهربانست وجدا جدا کردیم ایشانرا در زمین امتها برخی از ایشان

الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ

شایستگانند وبرخی از ایشان جز آن وآزمودیم ایشانرا بخوبیها و بدیها شاید ایشان

يَرْجِعُونَ ۱۶۸ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا

باز گردند پس آمدند از بعد آنها ناخلفی که میراث بردند کتاب را میگیرند متاع این

الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ

دنیای فروتر را ومیگویند زود بیامرزد ما را واگر بیاید بایشان متاعی مانند آن میگیرند آنرا آیا نگرفت

عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ

برایشان پیمان کتاب که نگویند بر خدا مگر حق وبخوانند آنچه در آنست وخانهٔ

الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۶۹ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ

آخرت بهتر است مر آنانرا که پرهیزند آیا پس در نمییابند بعقل وآنانکه تمسک میجویند بکتاب

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ۱۷۰ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ

وبرپا میدارند نماز را بدرستیکه ما ضایع نمیگذاریم مزد شایستگانرا وهنگامیکه بلند کردیم کوه را بالای ایشان

كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ

که گویا آن سایبانی بود وپنداشتند که آن واقعست بایشان بگیرید آنچه دادیم شما را بقوت و یاد کنید آنچه در آنست

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۱۷۱ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ

شاید شما بپرهیزید وچون گرفت پروردگارت از پسران آدم از پشتهاشان فرزندانشانرا و

أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

گواه گرفت ایشانرا برخودشان آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواه شدیم اینکه بگوئید روز رستخیز

إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ۱۷۲ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا

بدرستیکه بودیم از این بیخبران یا بگوئید جز این نیست شرک آوردند پدران ما از پیش وبودیم ما

ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ۱۷۳ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

فرزندان از بعد ایشان آیا پس هلاک میکنی ما را بسبب آنچه کردند تباهکاران وهمچنین تفصیل میدهیم آیتهای را

وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱۷۴ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ

وشاید ایشان بر گردند وبخوان برایشان خبر آنکه دادیم او را آیتهای ما را پس بیرون آمد از آن پس از پی او افتاد او را

هو الله تعالی
البدیع النور چون این دو اسم بزرگ را بر لوحی از نقره در مربع هفت در هفت نقش کنند و با خود دارد و با مداومت بر خواندن آن نماید بر علوم غریبه و عجیبات مطلع گردد و خدا او را حکمت عطا فرماید اگر حروف اسم خود را مقطعه نویسد چنانچه در ... و کسی را که مرض سعه داشته باشد شفا یابد
و از حضرت رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت دعا کردن هشت بار بگوید یا بدیع دعای او مستجاب شود المقابض الباسط چون خواهند شخصی را نفع نرود ما زر ... که عرضت دارد سنگی بردارد و این دو اسم بر آن سنگ بنویسد در مربع هشت در هشت و این دو اسم بر سر آن سنگ بخوانند در اجزاء و خن کنند

رضا ضرع

البته باز گردد و فتح کند و از حضرت رضا علیه السلام روایتست که هر که این نقش را در شب شنبه هر شب نماز بنیت هلاک دشمن بخواند دشمن هلاک شود یا از آن موضع که اراده کرده آواره گردد و بعضی گویند هر که چهل اسم را چهل لقمه نان نویسد و ناشتا بخورد

اباؤنا
بدون اشباع
از خوف عذاب و قسم ایمن گردد و اگر اسمها را بر پوست آهو نویسد در مربع بمشک و زعفران و گلاب در روز پنجشنبه با سیصد بار هم یا حسیب و هفتم با خود نگاه دارد از رنج ماندگی و گرسنگی و شر ظالمان و از اخلاق بد محفوظ ماند و اگر از آن زد

زیر نهند خواب شوریده نه بینند و باشد که رسول را بخواب بینند و حضرت رضا علیه السلام فرموده که هر که در سحرگاه با طهارت دست بردارد ده بار بگوید یا باسط و بر روی خود فرود آرد هرگز محتاج نگردد و از غم خلاصی یابد و روزی وی فراخ گردد از جائی که گمان ندارد

الشیطان

الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ١٧٥ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى

شیطان پس بود از گمراهان واگر بخواهیم هر آینه بلند میکردیم اورا ولیکن او اقامت کرد

الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ

بزمین و پیروی کرد خواهش خود را پس مثل او مانند مثل سگ است که اگر حمله کنی بر آن زبان بیرون آورد یا واگذاری او را

يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ

زبان بیرون آورد اینست مثل گروهی که تکذیب کردند بآیتهای ما پس بخوان قصه‌ها را

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ١٧٦ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ

شاید آنها اندیشه کنند بد است مثل گروهی که تکذیب کردند بآیتهای ما و خودهاشان را

كَانُوا يَظْلِمُونَ ١٧٧ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولَئِكَ

بودند که ستم میکردند آنرا که هدایت کرد خدا پس اوست راه یافته و آنرا که گمراه کرد پس آنها ایشانند

هُمُ الْخَاسِرُونَ ١٧٨ وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ

زیانکاران و هر آینه آفریدیم برای جهنم بسیاری را از جن و انس مر ایشانراست دلهائیکه

لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا

نمیفهمند بآن و مر ایشانراست چشمهائی که نمی بینند بآن و مر گوشهاییست که نمی شنوند بآن

أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ١٧٩ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ

آنها مانند چارپایانند بلکه آنها گمراه ترند آنها ایشانند بیخبران و برای خداست نامهای

الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا

خوب پس بخوانید او را بآن‌ها و واگذارید آنانرا که میل بباطل میکنند در نامهایش بزودی جزا داده شوند آنچه

يَعْمَلُونَ ١٨٠ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ١٨١ وَالَّذِينَ

کار میکردند و از آنانکه آفریدیم جماعتی باشند که راه مینمایند بحق و بآن عدالت میکنند و آنانکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ١٨٢ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ

تکذیب کردند بآیتهای ما زود در نوردیم ایشانرا از جائیکه که نمیدانند و مهلت دهم ایشانرا بدرستیکه

كَيْدِي مَتِينٌ ١٨٣ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ

کید من سخت است آیا و نمی اندیشند نیست صاحب ایشانرا از هیچ جنونی نیست او مگر بیم دهنده

مُبِينٌ ١٨٤ أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ

آشکار آیا و ندیدید در ملک عظیم آسمانها و زمین و آنچه آفرید خدا

مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ

از چیز و آنکه شاید که باشد بتحقیق نزدیک مدتشان پس بکدام یک خبر بعد آن

يُؤْمِنُونَ ١٨٥ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ

میگروند آنرا که گمراه کرد خدا پس نیست راه نمائی مر او را و وگذارد آنها را در زیادتی نافرمانیشان

يَعْمَهُونَ ١٨٦ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا

حیرانند میپرسند ترا از قیامت که کی باشد وقوعش بگو جز این نیست دانستن آن

جل الله تعالی

اسم النور الباسط الظاهر را در وقت خواب در روی فراش با طهارت بخواند تا در خواب رود و آنچه در خواب براو منکشف شود الاول والآخر در مربعی بر خرقه نویسند و در کاشی که عسل و زیت بوده باشد انداز دو شب بام نهد محاذی ستارگان شب گوید یا اول یا آخر و صباح این روغن و عسل را بخورد هر که مرض شکم داشته باشد شفا یابد و از حضرت رضا علیه السلام منقول است که چون امری مقصود باشد چهل شب هر شب هزار مرتبه گوید یا اول مقصود او حاصل گردد و شیخ ابو العباس بونی گفته که هر که مداومت کند بر اسم الآخر او را صفای باطن حاصل شود و دائم دل او خرم بود و از ذوق ایمان و عشق حضرت حق چون تصدق گوید و معنی آن در دل گذراند الظاهر والباطن این دو اسم بر صاحب سه سیام بسیار خوانند شفا یابد و چون حروف این دو اسم را ممتزج سازند باین طریق ب ظ ا ا ط ه ن و در مربع هشت در هشت در خاتم نقره در دو شنبه وقت طلوع آفتاب نقش کند بشرطی با طهارت باشد و با خود نگاه دارد و در دین او نهایت رسد و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که هر که بعد از طلوع آفتاب هزار نوبت یا ظاهر گوید حق تعالی او را از بلاها نگاه دارد و نیز فرمود هر که امانتی در جائی سپرده یا دفینه دفن کند اسم ... در مربع چهار در چهار بطریق وفق اعداد نقش کنند ١٢ ...

عِندَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ

نزد پروردگار من ظاهر نمیگرداند آنرا در وقتش مگر او گران آمد در آسمانها و زمین نیاید شما را

إِلَّا بَغْتَةً ۱۸۷ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ

مگر ناگاه میپرسند ترا گویا تو طالبی از آن بگو جز این نیست که علم آن نزد خداست و لیکن

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۸۸ قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

بیشتر مردم نمیدانند بگو قادر نیستم برای خود سودیرا و نه ضرریرا مگر آنچه خواهد خدا

وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا

و اگر بودم داننده نهانی هر آینه بسیار گرداننده بودم از خیر و نمیرسید مرا بدی نیستم من مگر

نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۱۸۹ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ

ترساننده و مژده دهنده مر گروهی را که میگروند اوست آنکه آفرید شما را از یک نفس و گردانید

مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا

از آن جفتش را تا آرام گیرد با آن پس چون گرفت او را برداشت باری سبک پس مستمر بود با آن پس چون

أَثْقَلَت دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۱۹۰ فَلَمَّا

گرانبار شد خواندند خداوند ربشانرا که اگر بدهی ما را شایسته هر آینه باشیم از شکرگذاران پس چون

آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱۹۱

دادیم آنهارا شایسته گردانیدند مراو را شریکان در آنچه داد ایشانرا پس برتراست خدا از آنچه شریک میآورند

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا

آیا شریک میآورند آنچه را که نمیآفریند چیزیرا و ایشان آفریده میشوند و نمیتوانند برای ایشان یاری کردن و نه

أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ۱۹۲ وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ

خودهاشان را یاری میکنند و اگر بخوانید آنهارا بسوی هدایت پیروی نمیکنند شما را یکسانست بر شما

أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ ۱۹۳ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ

بخوانید شان را یا باشید خاموشان بدرستیکه آنانکه میخوانند از جز خدا بندگانی

أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۱۹۴ أَلَهُمْ

هستند مانند شما پس بخوانید ایشانرا پس باید اجابت کنند شما را اگر هستید راستگویان آیا مر ایشانراست

أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا

پاهائیکه راه میروند با آن یا مر ایشانراست دستهائیکه بگیرند با آنها یا مر ایشانراست چشمهائیکه ببینند با آنها

أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ۱۹۵

یا مر ایشانراست گوشهائیکه بشنوند با آنها بگو بخوانید شریکانتانرا پس مکر کنید با من مهلت مدهید مرا

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ۱۹۶ وَالَّذِينَ

بدرستیکه یار من خدائیست که فرو فرستاد کتاب را و اوست که یاری میکند شایستگانرا و آنانکه

تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ۱۹۷ وَإِن

میخوانید از غیر او نمیتوانند یاری کردن شما را و نه خودهاشانرا یاری توانند کرد و اگر

هر که مداومت نماید از آلام دنیا و عقبی محفوظ ماند و شیخ ابو العباس بونی آورده که هر که بر سه پاره کاغذ یا العفو نویسد هر پاره را ... فرو برد شفا یابد و هر غمزده و دلتنگی فرو برد از غم رهائی یابد و اگر بر خواندن مداومت نماید حسن او بالعرض مبدل گردد

حضرت رضا علیه السلام فرمود هر گاه کسی ... در برابر او بایستد و ده بار بگوید ...

دعوا الله ربهما بفتح هاء الله و باء ربهما

تنظرون بکسر نون

ولیی الله بکسر یاء اول و فتح یاء دوم

تدعوهم

تدعوهم الى الهدى لا يسمعوا وتريهم ينظرون اليك وهم لا يبصرون ١٩٨

بخوانید ایشانرا بسوی هدایت نمیشنوند و می بینی ایشانرا نگاه میکنند بسوی تو و ایشان نمی بینند

خذ العفو وأمر بالعرف واعرض عن الجاهلين ١٩٩ واما ينزغنك من

بگیر عفو را و امر کن بعرف و رو بگردان از نادانان و اگر از جای در آورد ترا از

الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه سميع عليم ٢٠٠ ان الذين اتقوا اذا

شیطان از جای بردنی پس پناه گیر بخدا بدرستیکه او شنونده داناست بدرستیکه آنانکه پرهیزگار شدند چون

مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون ٢٠١ واخوانهم

مس کرد ایشانرا وسوسهٔ از شیطان متذکر شوند پس آنگاه ایشان بینایانند و برادرهای ایشان

يمدونهم في الغي ثم لا يقصرون ٢٠٢ واذا لم تأتهم باية قالوا لولا

میکشند ایشانرا در گمراهی پس کوتاهی نمیکنند و چون نیاوری ایشانرا آیتی گویند چرا

اجتبيتها قل انما اتبع ما يوحى الي من ربي هذا بصائر من ربكم وهدى

اختیار نکردی آنرا بگو جز این نیست پیروی میکنم آنچه وحی میشود بسوی من از پروردگارم این نشانهای بینش است از پروردگار تان و هدایت

ورحمة لقوم يؤمنون ٢٠٣ واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا

و رحمت مر گروهی را که میگروند و چون خوانده شود قرآن پس گوش کنید آنرا و خاموش باشید

لعلكم ترحمون ٢٠٤ واذكر ربك في نفسك تضرعا وخيفة ودون

شاید شما رحمت کرده شوید و یاد کن پروردگارت را در نفس خود از روی زاری و نهانی و جز

الجهر من القول بالغدو والاصال ولا تكن من الغافلين ٢٠٥ ان

بلندی از گفتار بامداد و شبانگاه و مباش از بیخبران بدرستیکه

الذين عند ربك لا يستكبرون عن عبادته ويسبحونه وله يسجدون

آنانکه نزد پروردگارت سر نمیکشند از پرستش او و تسبیح میکنند مر او را و سجده میکنند

(٨) سورة الانفال ستّ وسبعون آية وهي مدنية

الا از آیه ٣٠ الی آخر آیه ٣٦ فمکیة نزلت بعد البقرة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقوا الله واصلحوا

میپرسند ترا از انفال بگو انفال مر خداراست و رسول پس بپرهیزید خدا را و اصلاح کنید

ذات بينكم واطيعوا الله ورسوله ان كنتم مؤمنين ١ انما المؤمنون الذين

حال میانتان و فرمانبرید خدا را و رسول او را اگر هستید گروندگان جز این نیست گروندگان آنانکه

اذا ذكر الله وجلت قلوبهم واذا تليت عليهم اياته زادتهم ايمانا وعلى

چون یاد کرده شود خدا بترسد دلهاشان و چون خوانده شود بر آنها آیاتش افزاید ایشانرا ایمان و بر

ربهم يتوكلون ٢ الذين يقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ٣

پروردگارشان توکل میکنند آنانکه برپا میدارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشانرا انفاق میکنند

از حساب و نیز از آنحضرت منقول است که هر که در زندان باشد سورهٔ انفال را هفت بار بخواند خلاص یابد و هم از آنحضرت منقول است که این سوره را بنویسد و با خود دارد از شر دشمن ایمن شود و هر حاجتی که خواهد از حاکمی طلب کند حاجتش روا گردد و در وسعت معیشت اثر تمام دارد باین طریق که بر خواندن مداومت نماید

و حضرت رضا علیه السلام فرموده که اگر هر روز بعد از نماز صبح هفتاد و هفت بار بگوید یا فتاح و دست در سینه فرو دارد زنگ غفلت از دل او بیرون رود

خواص سوره

از حضرت رسول صلعم مرویست که هر که سورهٔ انفال و برائت را تلاوت کند در روز قیامت من شفیع او باشم و گواهی دهم برای او که او از نفاق بریست و بعدد هر مرد و زن منافقی که در دار دنیاست ده حسنه برای او نویسند و ده سیئه از نامهٔ عملش محو میکنند و ده درجه او را بلند گردانند و ملائکه حاملان عرش بر او صلوات فرستند

اولئك

اُولٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۵

آنها ایشانند گروندگان حق مرایشان راست مرتبه‌ها نزد پروردگارشان وآمرزش وروزی خوب

كَمَا اَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَاِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ ۶

چنانکه بیرون کرد ترا پروردگارت از خانه‌ات بحق بدرستیکه پاره از گروندگان بودند کارهان

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَاَنَّمَا يُسَاقُونَ اِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۷

مجادله میکردند ترا در حق بعد آنچه ظاهر شد گویا رانده میشدند بسوی مرگ وایشان نگاه میکردند

وَاِذْ يَعِدُكُمُ اللّٰهُ اِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ اَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ اَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ

وچون وعده میداد شمارا خدا یکی از دو طایفه که آنها مرشمارا راست ودوست میداشتید که غیر صاحب شوکت

تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ۸

باشند برای شما ومیخواست خدا که ثابت گرداند حق را بکلماتش وببرد دنباله کافرانرا

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۹ اِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ

تا ثابت کند حق را وناچیز کند باطل را واگرچه کاره بودند گنهگاران هنگامیکه استغاثه میکردید پروردگارتانرا

فَاسْتَجَابَ لَكُمْ اَنِّي مُمِدُّكُمْ بِاَلْفٍ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ مُرْدِفِينَ ۱۰ وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ

پس اجابت کردم شمارا که من مدد کننده‌ام بهزار از فرشتگان از پی هم آیندگان ونگردانید اورا خدا

اِلَّا بُشْرٰى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ

مگر بشارت وتا بیارامد بآن دلهای شما ونیست نصرت مگر از نزد خدا بدرستیکه خدا غالب

حَكِيمٌ ۱۱ اِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ اَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ

درست کردار چون عارض شمارا پینکی برای ایمنی از آن وفرو فرستاده میشود برشما از آسمان آبی تا پاک نماید شمارا

بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلٰى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْاَقْدَامَ ۱۲

بآن وببرد از شما وسوسهٔ شیطانرا وتا ببندد بر دلهای شما وثابت گرداند بآن قدمهارا

اِذْ يُوحِي رَبُّكَ اِلَى الْمَلٰئِكَةِ اَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَاُلْقِي

چون وحی میفرستاد پروردگارت بفرشتگان که من باشمایم پس استواری دهید آنانرا که گرویدند زود بیندازیم

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْاَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا

در دلهای آنانکه کافر شدند ترس را پس بزنید بالای گردنها را وبزنید

مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ۱۳ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ شَاقُّوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللّٰهَ

از ایشان همهٔ انگشتان را این بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند خدا ورسولش را وآنکه مخالفت کرد خدا

وَرَسُولَهُ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۱۴ ذٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَاَنَّ لِلْكَافِرِينَ

ورسولش را پس بدرستیکه خدا سخت عقوبتست آنتان پس بچشیدش وآنکه مر کافرانست

عَذَابَ النَّارِ ۱۵ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا

شکنجهٔ آتش ای آنانکه گرویدید چون ملاقات کنید آنانرا که کافر شدند انبوه

فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْاَدْبَارَ ۱۶ وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ اِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ

پس بگردانید بایشان پشتهارا وآنکه بگرداند بایشان در آنروز پشتش را مگر گردنده برای کارزار

هو الله سبحانه تعالی این اسم فتاح از فتوح که قمر در شرف باشد متصل بمشتری بنویسد بر قطعهٔ احمر سفید بست یکبار وباخود دارد در نزد همه کس محبوب ومقبول القول گردد وهر کس بخواند این اسم الدائم مداومت نماید وبنویسد وباخود نگاه دارد وبشرطی که باطهارت باشد در روزه هم باشد نعمت برای او دائمی باشد واگر اسم ودود را بنویسد محمد رسول الله احمد رسول الله هرکسیکه ... بعد از آن نماز جمعه آورا قوت در طاعت وعبادت پیدا شود واگر صبح نزدیک طلوع آفتاب در این مکتوب نظر کند وبر رسول صلی الله علیه وآله صلوات فرستد آنحضرت را بسیار در خواب بیند وحضرت رضا علیه السلام فرمود که هر که بگیرد الفت از ازدواج اسم ودود هزار یکبار برمویز یا طعام خواند مرد وزن هردو از آن بخورند الفت میانشان پیدا شود یا لطیف در رفع شدائد والام وازاله اوهام اثر تمام دارد چون ذکر آن مداومت نماید یا حروف آنرا در مربع چهار در چهار نقش نویسد وباخود نگاه دارد وبعضی از معارف گفته‌اند هر که طهارت کند وبعد از آن دو رکعت نماز کند وبا خضوع وخشوع همچنانکه رسول ... سجده باشد صد بار بگوید یا لطیف ... حاجتی که دارد از ... حاجت روا شود ۱۲ الواسع الشهید چون حروف این دو اسم را امتزاج دهد بدین صورت ع س ش ا س و ی د هر یع ... بشت در هشت نقش کند وباخود نگاه دارد برکت در مال وفرزند خود مشاهده کند وسعت در عمل او بظهور آید ۱۲

أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٧
یا رونده بسوی گروهی پس بتحقیق برگشت بخشمی از خدا وجایگاهش جهنم است و بد بازگشتی است

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ
پس نکشتید ایشانرا و لیکن خدا کشتشان و نینداختی چون انداختی و لیکن خدا انداخت و تا نعمت دهد

الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٨ ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ
گروندگانرا از آن نعمتی خوب بدرستیکه خدا شنونده داناست آنتان و خداست کننده سست مکر

الْكَافِرِينَ ١٩ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ
کافرانست اگر فتح میخواستید پس بتحقیق آمد شما را فتح و اگر باز ایستید پس آن بهتر است مر شما را

إِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ٢٠
و اگر عود نمایید باز گشت مینماییم از شما جماعت شما چیزی و اگرچه بسیار باشد و اینکه خدا با گروندگانست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ٢١
ای آنانکه گرویدید فرمانبرید خدا و رسولش را و برمگردید از او و شما می شنوید

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ٢٢ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ
و مباشید مانند آنانکه گفتند شنیدیم و ایشان نمیشنوند بدرستیکه بدترین جنبندگان

عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ٢٣ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ
نزد خدا کران گنگانند آنانکه درنمی یابند و اگر دانسته بود خدا در ایشان

خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ٢٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
خیری هرآینه شنوانیده بود ایشانرا و اگر شنوانیده بود ایشانرا روگرداننده بودند و ایشان اعراض کنندگان بودند ای آنانکه

آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
گرویدید اجابت کنید مر خدا و مر رسول را چون بخواند شما را بآنچه زنده کند شما را و بدانید که خدا

يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ٢٥ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ
حایل میشود میانه مرد و قلبش و آنکه او بسویش حشر کرده میشوید و بپرهیزید از فتنه که نرسد

الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ٢٦ وَاذْكُرُوا
آنانرا که ستم کردند از شما تنها و بدانید که خدا سخت عقوبتست و یاد کنید

إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ
چون شما کم بودید ناتوانان در زمین میترسیدید که بربایند شما را مردم پس جای داد شما را

وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٢٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
و قوت داد شما را بنصرتش و روزی داد شما را از پاکیزه ها شاید شما شکر کنید ای آنانکه

آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٢٨ وَ
گرویدید خیانت مکنید خدا و رسول را و خیانت مکنید امانتهای خود را و شما میدانید و

اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ٢٩ يَا أَيُّهَا
بدانید که مالهای شما و اولاد شما فتنه اند و آنکه خدا نزد اوست اجر بزرگ ای

هر که معیشت کم بود دائم الوسیع را بر خاکی نقش کند و با خود دارد و بر آن اسم مداومت نماید معیشت بر او آسان گردد و هر کدام بر زنی آورده باشد که اطاعت او نکند هر صباح بر پیشانی او ببندد و یکبار بگوید حقیق لی او را مطیع گرداند قسم ششم از اسماء ده است الشدید ذو القوة المتین السریع الرقیب المعتدر القاهر الوارث الباعث المستقیم این قسم از اذکار عزرائیل است و بعضی اذکار جبرئیل در تزلات و احبار قسم از این اسما الشدید ذو القوة القاهر المعتدر اسماء قهر و غلبه است ضعیف همت خواندن این اسما مداومت نماید ۱۲

الدَّوَابِّ بتخفیف واو و تشدید و مد با قوی گردد و چون قسم در محاق باشد در ساعت دویم از شب چهارشنبه یا در ساعت هفتم از هر شب که باشد این اسما را بخواند با اسم طالب فایده بسیار دهد ۱۲ قوله تعالی لا تخونوا الله آنکه شما می دانید که امانت است و خیانت در آن بد است این آیت از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در شان ابی لبابه انصاری نازل شد که حضرت رسول او را به اصحاب قرایظه فرستاد چون ایشان در باب فرود آمدن مشورت کردند باشاره با ایشان فهمانید که کشته خواهید شد در مجمع البیان مذکور است که چون از آن خیانت نادم شد خود در استون مسجد بست بعد از گرسنگی و تشنگی مدهوش گردید اشتر قبول شد پس آنحضرت بدست مبارک خود او را از استون باز کرد ۱۲

الَّذِينَ

الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ

آنانکه گرویدند اگر بترسید خدا را میگرداند برایشما جدا کننده و باز دارد از شما بدیهایتانرا و بیامرزد

لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ٣٠ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ

مرشما را و خدا صاحب فضل بزرگست و چون حیله کنند بتو آنانکه کافر شدند تا آنکه باز دارند ترا

أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ٣١

یا بکشند ترا یا بیرون کنند ترا و بدسگالند و بدسگالد خدا و خدا بهترین بدسگالانست

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَا إِنْ هَٰذَا

و چون خوانده میشود برایشان آیات ما گویند بتحقیق شنیدیم اگر بخواهیم هر آینه میگوئیم مانند این نیست این

إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ٣٢ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَٰذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ

مگر افسانه پیشینیان و چون گویند خداوندا اگر بوده باشد این او راست است از

عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣٣ وَمَا كَانَ

نزد تو پس بباران بر ما سنگها را از آسمان یا بیاور ما را شکنجه پردرد و نباشد

اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ٣٤ وَمَا

خدا که شکنجه کند ایشانرا و تو باشی در ایشان و نباشد خدا شکنجه کننده ایشان و ایشان آمرزش طلبند و چیست

لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ

مر ایشانرا که شکنجه کند ایشانرا خدا و ایشان باز میدارند مردم از مسجد الحرام و نبودند دوستان او

إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٣٥ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ

نیستند او مگر پرهیزگاران ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند و نبود نماز شان

عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ٣٦ إِنَّ

نزد خانه مگر مکاء و دست زدنی پس بچشید شکنجه را بسبب آنچه بودید کافر شدید بدرستیکه

الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ

آنانکه کافر شدند انفاق میکنند مالهای شانرا تا باز دارند از راه خدا پس زود انفاق کنند آنرا پس

تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ٣٧ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ٣٨

میباشد بر ایشان پشیمانی پس چیره گردانیده شوند و آنانکه کافر شدند بسوی جهنم حشر کرده شوند

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا

تا جدا کند خدا پلید را از پاکیزه و بگرداند پلید را پاره او را بر پاره پس برهم نشاند او را همه

فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ٣٩ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ

پس میگرداند او را در جهنم آنهم ایشانند زیانکاران بگو مر آنانرا که کافر شدند اگر باز ایستند آمرزیده

لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ٤٠ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ

مر ایشانرا آنچه بتحقیق گذشت و اگر باز گردند پس بتحقیق گذشت طریقه پیشینیان و کارزار کنید ایشانرا تا

لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٤١ وَإِنْ

نباشد آزمایشی و باشد دین همه آن برای خدا پس اگر باز ایستند پس بدرستیکه خدا بآنچه میکنند بیناست و اگر

اگر کسی اسم الشدید را بر خاتمی از آهن نقش کند در مربع چهار در چهار با خود نگاه دارد ... اگر اسم السریع ... اسم الرقیب ... اسم المتین ...

تولّوا فاعلموا انّ الله مولٰكم نعم المولٰى ونعم النّصير ۴۰ واعلموا انّما
اعراض كنيد پس بدانيد بدرستيكه خدا يا ور شماست خوب يا ور ليست و خوب يا رى كننده و بدانيد جز اين نيست

غنمتم من شیءٍ فانّ لله خمسه وللرّسول ولذی القربٰى واليتٰمٰى والمساكين
غنيمت گرفتيد از چيزى پس بدرستيكه براى خداست پنجيك آن و براى پيغمبر و مر صاحب قرابت و يتيمان و بيچارگان

وابن السّبيل ان كنتم اٰمنتم بالله وما انزلنا على عبدنا يوم الفرقان يوم التقى
و راه گذران اگر هستيد كه گرويديد بخدا و آنچه فرو فرستاديم بر بندهٔ خود روز جدا كردن روزيكه

الجمعان والله على كلّ شیءٍ قدير ۴۱ اذ انتم بالعدوة الدّنيا وهم بالعدوة
بهم رسيدند دو گروه و خدا بر هر چيز توانا است چون شما بوديد بكنار وادى نزديك و آنها بكنار وادى

القصوٰى والرّكب اسفل منكم ولو تواعدتم لاختلفتم فى الميعاد ولكن
دور ترند و سواران زير ترند از شما و اگر وعده كرديد هر آينه اختلاف ميكرديد در وعدهٔ خود و لكن

ليقضى الله امرًا كان مفعولًا ۴۲ ليهلك من هلك عن بيّنةٍ ويحيٰى من
تا حكم كند خدا امرى را كه باشد كرده شده تا هلاك كند آنرا كه هلاك شود از حجتى روشن و زنده گرداند آنرا

حىّ عن بيّنةٍ وانّ الله لسميعٌ عليم ۴۳ اذ يريكهم الله فى منامك قليلًا
كه زنده شود از حجتى روشن و بدرستيكه خدا هر آينه شنونده داناست هنگاميكه مينمود شما را در خواب خود اندكى

ولو اريكهم كثيرًا لفشلتم ولتنازعتم فى الامر ولكنّ الله سلّم انّه عليم
و اگر مينمود بتو ايشانرا بسيار هر آينه بد دل ميشديد و هر آينه نزاع ميكرديد در كار وليكن خدا سالم داشت كه او داناست

بذات الصّدور ۴۴ واذ يريكموهم اذ التقيتم فى اعينكم قليلًا و
بسراير سينها و چون مينمود ايشانرا چون ملاقات كرديد در چشمهاى شما اندكى و

يقلّلكم فى اعينهم ليقضى الله امرًا كان مفعولًا والى الله ترجع الامور ۴۵
اندك گردانيد شما را در چشمهاى شان تا حكم كند خدا كاريرا كه باشد كرده شده و بسوى خدا برگردد كارها

يا ايّها الّذين اٰمنوا اذا لقيتم فئةً فاثبتوا واذكروا الله كثيرًا لعلّكم
اى آنانكه گرويديد چون ملاقات كنيد گروهيرا پس ثابت شويد و ياد كنيد خدا را بسيار شايد شما

تفلحون ۴۶ واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب
رستگار شويد و فرمان بريد خدا و پيغمبرش را و تنازع مكنيد پس بد دل شويد و برود باد

ريحكم واصبروا انّ الله مع الصّابرين ۴۷ ولا تكونوا كالّذين خرجوا
دولت شما و صبر كنيد بدرستيكه خدا با صبر كنندگانست و مباشيد مانند آنانكه بيرون رفتند

من ديارهم بطرًا ورئاء النّاس ويصدّون عن سبيل الله والله بما يعملون
از خانه هاى ايشان بسر كشى و نمودن بمردم و باز ميداشتند از راه خدا و خدا بآنچه ميكنند

محيط ۴۸ واذ زيّن لهم الشّيطان اعمالهم وقال لا غالب لكم اليوم من
احاطه كننده است و چون آراسته كرد براى ايشان شيطان كارهاى ايشانرا و گفت نيست غلبه كننده براى شما امروز از

النّاس وانّى جارٌ لكم فلمّا تراءت الفئتان نكص على عقبيه وقال انّى
مردم و بدرستيكه من همسايه ام شما را پس چون كه ديدند هر دو لشكر برگشت بر دو پاشنه و گفت بدرستيكه من

[illegible]

حضرت رضا عليه السلام فرمود كه چون كسى را بسته باشند اين اسم را در مربع چهار در چهار درج كنند و بر بازو بندد و هفت روز با لفظ يا الله اين اسم بخوانند او را فتح ميشود و اگر اسم الوارث را در وقت غروب آفتاب بحروف منقطعه بر پوست شير نويسد و با خود دارد سباع از او بگريزند و اگر كسى را خصمى باشد كه با او مقاومت نباشد در شب جمعه هزار و شصت بار بگويد يا اشد الخصم با او صلح كند اگر سه شب جمعه بنظريق عمل كند ۱۲

بَرِیْٓءٌ مِّنْکُمْ اِنِّیْٓ اَرٰی مَا لَا تَرَوْنَ اِنِّیْٓ اَخَافُ اللّٰهَ وَاللّٰهُ شَدِیْدُ الْعِقَابِ ۵

بیزارم از شما بدرستیکه من می بینم آنچه را نمی بینید بدرستیکه من میترسم از خدا و خدا سخت عقوبتست

اِذْ یَقُوْلُ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالَّذِیْنَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هٰٓؤُلَآءِ دِیْنُهُمْ وَمَنْ

هنگامیکه میگویند منافقان و آنانکه در دلهاشان مرض است مغرور گردانید اینهارا دینشان و کسی که

یَّتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِیْزٌ حَکِیْمٌ ۵ وَلَوْ تَرٰٓی اِذْ یَتَوَفَّی الَّذِیْنَ کَفَرُوا

اعتماد میکند بر خدا پس بدرستیکه خدا غالب درست کردار است و اگر می دیدی هنگامیکه میمیرند آنانکه کافر شدند

الْمَلٰٓئِکَةُ یَضْرِبُوْنَ وُجُوْهَهُمْ وَاَدْبَارَهُمْ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِیْقِ ۵ ذٰلِکَ

و فرشتگان میزدند بر رویهاشان و پشتهاشان و بچشید شکنجه آتش سوزان این

بِمَا قَدَّمَتْ اَیْدِیْکُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ لَیْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِیْدِ ۵ کَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَ

بسبب که پیش فرستاده شد دستهایشان و آنکه خدا نیست ستم کننده مر بندگانش را مانند شیوه آل فرعون و

الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ کَفَرُوْا بِاٰیٰتِ اللّٰهِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ اِنَّ اللّٰهَ قَوِیٌّ شَدِیْدُ

آنانکه بودند از پیش آنها کافر شدند بآیتهای خدا پس گرفت آنهارا بگناهانشان بدرستیکه خدا توانای سخت

الْعِقَابِ ۵ ذٰلِکَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّرًا نِّعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰی قَوْمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوْا مَا

عقوبتست این بآنست که خدا نباشد تغییر دهنده نعمتی که انعام کرد آنرا بر قومی تا آنکه تغییر دهند آنچه

بِاَنْفُسِهِمْ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ ۵ کَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ

در نفسهای ایشانست و آنکه خدا شنونده داناست مانند شیوه آل فرعون و آنانکه بودند از پیش آنها

کَذَّبُوْا بِاٰیٰتِ رَبِّهِمْ فَاَهْلَکْنٰهُمْ بِذُنُوْبِهِمْ وَاَغْرَقْنَآ اٰلَ فِرْعَوْنَ وَکُلٌّ کَانُوْا

که تکذیب کردند بآیتهای پروردگارشان پس هلاک کردیم آنها را بگناهانشان و غرق کردیم آل فرعون را و همه بودند

ظٰلِمِیْنَ ۵۷ اِنَّ شَرَّ الدَّوَآبِّ عِنْدَ اللّٰهِ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا فَهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ ۵۸

ستمگاران بدرستیکه بدترین جنبندگان نزد خدا آنانند که کافر شدند پس آنها نه گرویدند

الَّذِیْنَ عٰهَدْتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ یَنْقُضُوْنَ عَهْدَهُمْ فِیْ کُلِّ مَرَّةٍ وَّهُمْ لَا یَتَّقُوْنَ ۵۹

آنانکه پیمان گرفتی از آنها پس میشکنند پیمانشانرا در همه بار و ایشان نمی پرهیزند

فَاِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُوْنَ ۶۰ وَاِمَّا تَخَافَنَّ

پس اگر دریابی آنهارا در حرب پس پراکنده ساز بآنها از پس ایشان شاید آنها پند گیرند و اگر بترسی

مِنْ قَوْمٍ خِیَانَةً فَانْۢبِذْ اِلَیْهِمْ عَلٰی سَوَآءٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ الْخَآئِنِیْنَ ۶۱ وَلَا یَحْسَبَنَّ

از قومی خیانتی را پس بینداز بسویشان بر یکسانی بدرستیکه خدا دوست نمیدارد خیانتکارانرا و مپندارند

الَّذِیْنَ کَفَرُوْا سَبَقُوْا اِنَّهُمْ لَا یُعْجِزُوْنَ ۶۲ وَاَعِدُّوْا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ

آنانکه کافر شدند پیشی گرفتند بدرستیکه آنها عاجز نمیکنند و مهیا سازید مر ایشانرا آنچه بتوانید از

قُوَّةٍ وَّمِنْ رِّبَاطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُوْنَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّکُمْ وَاٰخَرِیْنَ مِنْ دُوْنِهِمْ

قوت و از بستن اسبها که بترسانید بآن دشمن خدارا و دشمن خودرا و دیگران از غیر آنها

لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ اَللّٰهُ یَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ شَیْءٍ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ یُوَفَّ اِلَیْکُمْ وَاَنْتُمْ لَا

نمیدانید آنهارا خدا میداند آنهارا و آنچه انفاق کنید از چیزی در راه خدا تمام داده شود بسوی شما و شما

قسم ششم از اسماء دوات اتواب اشاکر الولی الحسیب القریب الصادق البر الباقی الخلاق این قسم از اسما مرتب بر سلوک مقامات تواب مناسبست سالکان و شاکر مناسب شاکران توبه کنندگان و ولی مناسب اولیاء و حسیب مناسب اهل توکل و قریب مناسب اهل قرب و صادق مناسب اهل صدق و بر مناسب اهل شهود و خلاق مناسب اهل نظر و اعتبار و اهل خواص چون التواب اسم وفق بر پوست گورخر نوشته باخود داشته باشد بغلبه و فتح و نصرت تعبیر شده و چون تسمیه را مشابهت از معنا دام گشته اند و باعتبار سرعت زوال از ترتیب اند بود و قولی آنکه مجموع گشت بر بعضی خودش بنابراین که در وقت فتح باو ی که سبب فتح میشود بابوی داستمداد از شرب خمر و نیز معاصی توبه کند و اگر این اسم را بر برگ کدو نویسد و در روغن اندازد چهل روز در آفتاب گرم و این اسم را هر روز بر آن روغن بخواند و آن روغن را بر مریض مالد شفا یابد و هر که در کمند بعد از نماز صبح سیصد و شصت بار بگوید التواب به نیت خود یا دیگری حقتعالی او را توبه کرامت فرماید و اگر اسم تواب و خلاق را بحروف مقطعه باین طریق است و ا ب خ ل ا ق در مربع بعث در بعث تکسیر کند در مسبع از سبب و این دو اسم بر آن بخواند و آنرا باخود با زوجه صحبت دارد حامله شود چون اسم شاکر را با باقی بحروف مقطعه بسم کند در صفحه از آهن بطریق فوق و بعد از آن این اسم را در وقت نقش باخود دارد و گوید یا باقی الحی القیوم و الخیر فی عقبی ۱۲

تظلمون ٦٣ وان جنحوا للسلم فاجنح لها وتوكل على الله انه هو السميع
ظلم کرده نمیشوند واگر میل کردند مر صلح را پس میل کن مرانرا و توکل کن بر خدا بدرستیکه او شنونده داناست

العليم ٦٤ وان يريدوا ان يخدعوك فان حسبك الله هو الذي ايدك بنصره
داناست واگر خواهند که مکر کنند با تو پس بدرستیکه بس است ترا خدا اوست آنکه تقویت کرد ترا بیاری خود

وبالمؤمنين والف بين قلوبهم لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين
و گروندگان والفت داد میان دلهای شان اگر صرف کرده بودی آنچه در زمین است همه نمی افکندی الفت

قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم ٦٥ يا ايها النبي حسبك
میان دلهای شان ولیکن خدا الفت افکند میان ایشان بدرستیکه اوست غالب درست کردار ای پیغمبر بس است

الله ومن اتبعك من المؤمنين ٦٦ يا ايها النبي حرض المؤمنين على القتال
خدا و هر که پیروی کرد ترا از مؤمنین ای پیغمبر ترغیب کن گروندگان را بر کارزار

ان يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مائتين وان يكن منكم مائة
اگر باشد از شما بیست صبر کنندگان غالب میشوند بر دویست واگر باشند از شما صد

يغلبوا الفا من الذين كفروا بانهم قوم لا يفقهون ٦٧ الان خفف الله
غالب میشوند بهزار از آنانکه کافر شدند بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند اکنون سبک گردانید خدا

عنكم وعلم ان فيكم ضعفا فان يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مائتين وان
از شما ودانست که در شما ناتوانی است پس اگر باشند از شما صد صبر کنندگان غالب شوند بر دویست واگر

يكن منكم الف يغلبوا الفين باذن الله والله مع الصابرين ٦٨ ما كان
واگر باشند از شما هزار غالب شوند بر دو هزار بفرمان خدا وخداست با صبر کنندگان نسزد

لنبي ان يكون له اسرى حتى يثخن في الارض تريدون عرض الدنيا
مر پیغمبری را که باشد مر او را اسیران تا آنکه کشش بسیار کند در زمین میخواهید متاع دنیا را

والله يريد الاخرة والله عزيز حكيم ٦٩ لولا كتاب من الله سبق
و خدا میخواهد آخرت را و خداست غالب درست کردار اگر نبود نوشته از خدا که سبقت گرفته

لمسكم فيما اخذتم عذاب عظيم ٧٠ فكلوا مما غنمتم حلالا طيبا واتقوا
هر آینه مس میکرد شما را در آنچه گرفتید عذاب بزرگ پس بخورید از آنچه غنیمت یافتید حلال پاکیزه و بپرهیزید

الله ان الله غفور رحيم ٧١ يا ايها النبي قل لمن في ايديكم من الاسرى
خدا را بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ای پیغمبر بگو مر آنانرا که در دستهای شماست از اسیران

ان يعلم الله في قلوبكم خيرا يؤتكم خيرا مما اخذ منكم ويغفر لكم والله
اگر بداند خدا در دلهای شما خیری را آورد شما را خیری از آنچه گرفته شد از شما ومی آمرزد مر شما را و خداست

غفور رحيم ٧٢ وان يريدوا خيانتك فقد خانوا الله من قبل فامكن منهم
آمرزنده مهربان واگر اراده کنند خیانت با تو پس بتحقیق خیانت کردند خدا را از پیش پس توانائی داد از ایشان

والله عليم حكيم ٧٣ ان الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا باموالهم
وخداست دانا درست کردار بدرستیکه آنانکه گرویدند و هجرت کردند وجهاد کردند باموال شان

بعضی گفته اند هر که شب صد نوبت یا باقی بگوید و در شب جمعه هزار بار بر آن مداومت نماید حق تعالی دعا او را استجابت گرداند و مهمات او را مقبول نماید و چون حروف مقطعه اسم ولی و ... در لوحی از نقره مربع ... نویسد ... حوزه و کرم محفوظ ماند ١٢

قوله تعالی شانه العزیز وان یریدوا الی حکیم این آیه را در روز جمعه اول ماه رمضان در وقت نماز پیشین ... با طهارت باشد ... طاغیه ... ١٢

وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

خود با شان در راه خدا وآنانکه جای دادند و یاری کردند آنها برخیشان دوستان برخی

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ

وآنانکه گرویدند ومهاجرت نکردند نیست مرشما را از دوستی آنها هیچ چیز تا آنکه هجرت کنند واگر

اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَ

طلب یاری کنند از شما در دین پس برشماست یاری مگر بر گروهی که میانهٔ شما ومیان ایشان پیمانی و

اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٧٢ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن

خدا بآنچه میکنید بیناست وآنانکه کافر شدند برخیشان دوستان برخی اگر نکنید آنرا میباشد

فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ٧٣ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ

فتنه در زمین وفساد بزرگ وآنانکه گرویدند وهجرت کردند وجهاد کردند در راه

اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ٧٤

خدا وآنانکه جای دادند و یاری کردند آنها ایشانند گروندگان سزاوار است مرآنها را آمرزش وروزی خوب

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنكُمْ وَأُولُو

وآنانکه گرویدند از بعد وهجرت کردند وجهاد کردند با شما پس آنها از شمایند وصاحبان

الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٧٥

رحمها برخیشان مقدم اند ببرخی در کتاب خدا بدرستیکه خدا بهر چیز داناست

(٩) سُورَةُ التَّوْبَةِ مِائَةٌ وَثَلٰثُونَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ

الا الایتین الاخیرتین فمکیتان نزلت بعد المائده

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ١ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ

بیزاریست از خدا ورسولش بسوی آنانکه پیمان بستید از مشرکان پس سیر کنید در زمین

أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ٢

چهار ماه وبدانید که شما غیر عاجز کنندهٔ خدا است وآنکه خدا خوار کنندهٔ کافرانست

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ

وندائیست از خدا ورسولش بسوی مردم روز حج بزرگتر اینکه خدا بیزار است از

الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ

مشرکین ورسولش هم بیزار است پس اگر توبه کردید پس آن بهتر است برای شما واگر پشت نمائید پس بدانید که شما غیر

مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ

عاجز کنندهٔ خدائید ومژده ده آنان را که کافر شدند بشکنجهٔ دردناک مگر آنانکه پیمان بستید از مشرکان

ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ

پس نقصان نرسانند شما را چیزی وهم پشت نشوند بر شما یکی پس تمام کنید بسوی آنها پیمانشان را

إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ٤ فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا

تا مدتشان بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزگاران را پس چون منقضی شد شهرهای حرام پس بکشید

حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرموده فرو فرستاده شد قرآن بر من یک آیه ویک حرف ویک حرف مگر سوره برائة وسوره اخلاص که آنرا هفتاد هزار ملک فرو فرستادند وبا این دو سوره هفتاد هزار ملک نازل شد بجهت تعظیم این دو سوره مبارکه واز حضرت صادق علیه السلام منقول است که بجهت فتح وظفر بر اعداء حمل وبکنید ... وبروایتی بیست وچهار بخواند حاجتش روا میشود واگر ... ومیان آنچه در خزینه نهند ... گردد

المشركين حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم كل مرصد

مشرکان را هر جا یافتید آنها را و بگیرید ایشان را و حبس کنید آنها را و بنشینید مر آنها را بهر رهگذری

فان تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فخلوا سبيلهم ان الله غفور رحيم ٦

پس اگر توبه کردند و بپا داشتند نماز را و دادند زکات را پس خالی کنید راه ایشان را بدرستیکه خدا آمرزنده مهربان است

وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مامنه

و اگر یکی از مشرکان پناه خواهند از تو پس پناه ده او را تا بشنود کلام خدا را پس برسان او را مأمنش را

ذلك بانهم قوم لا يعلمون ٧ كيف يكون للمشركين عهد عند الله وعند

این بسبب آنست که آنها گروهی هستند که نمیدانند چگونه میباشد مر مشرکان را پیمانی نزد خدا و نزد

رسوله الا الذين عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم

رسولش مگر آنانکه پیمان بستید نزد مسجد الحرام پس مادامیکه استقامت ورزیدند مر شما را

فاستقيموا لهم ان الله يحب المتقين ٨ كيف وان يظهروا عليكم لا يرقبوا

پس استقامت ورزید مر ایشان را بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزکاران را چگونه و اگر ظاهر شوند بر شما نگه نمیدارند

فيكم الا ولا ذمة يرضونكم بافواههم وتابى قلوبهم واكثرهم فاسقون ٩

در شما سوگندی و نه عهدی خوشنود میکنند شما را بدهنهایشان و ابا دارد دلهای ایشان و بیشترشان فاسقانند

اشتروا بايات الله ثمنا قليلا فصدوا عن سبيله انهم ساء ما كانوا

عوض میکنند بآیتهای خدا بهای کم پس باز میدارند از راهش بدرستیکه آنها بد است آنچه بودند

يعملون ١٠ لا يرقبون في مؤمن الا ولا ذمة واولئك هم المعتدون ١١ فان

میکردند نگه نمیدارند در مؤمنی سوگندی و نه عهدی و آنها ایشانند تجاوز کنندگان پس اگر

تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فاخوانكم في الدين ونفصل الايت

توبه کردند و بپا داشتند نماز را و دادند زکات را پس برادران شمااند در دین و تفصیل میدهیم آیتها را

لقوم يعلمون ١٢ وان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم وطعنوا في دينكم

برای گروهی که میدانند و اگر شکستند قسمهای ایشان را از بعد پیمانشان و طعنه زدند در دین شما

فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون ١٣ الا تقاتلون

پس کارزار کنید پیشوایان کفر را بدرستیکه آنها نیست قسمهائی برایشان شاید آنها باز ایستند آیا کارزار نمیکنید

قوما نكثوا ايمانهم وهموا باخراج الرسول وهم بدءوكم اول مرة

قومی را که شکستند پیمانهاشان را و قصد کردند به بیرون کردن پیغمبر و آنها پیشی گرفتند شما را اول بار

اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان كنتم مؤمنين ١٤ قاتلوهم يعذبهم الله

آیا میترسید آنها را پس خدا سزاوارتر که بترسید از او اگر باشید گروندگان کارزار کنید آنها را تا شکنجه کند ایشان را خدا

بايديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين ١٥

بدستهای شما و خوار میکند آنها را و نصرت میدهد شما را بر ایشان و شفا میدهد سینه‌های گروه گروندگان را

ويذهب غيظ قلوبهم ويتوب الله على من يشاء والله عليم

و میبرد خشم دلهایشان را و می پذیرد خدا بر آنکه میخواهد و خدا داننده

واتوا الزكوة بفتح تا و ضم واو صیغه جمع است از فعل ماضی

الا بتنوین امت

الا بی تنوین امت

واتوا الزكوة بفتح تا و ضم واو صیغه جمع ماضی امت

بدءوكم بضم همزه و سکون واو

حَكِيمٌ ١٦ اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا

درست کردار است آیا پنداشتید که واگذاشته میشوید و هنوز جدا نکرده خدا آنانرا که جهاد کردند از شما و دیگر نگرفتند

مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ١٧

از غیر خدا و نه رسولش و نه گروندگان دوست پنهانی و خدا آگاهست بآنچه میکنید

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ اَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللّٰهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ اَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ

نمیباشد مر مشرکانرا که تعمیر کنند مسجدهای خدارا گواهی دهندگان بر خودهاشان بکفر

اُولٰئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ١٨ اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ

آنها نابود شد کردارشان و در آتش ایشانند جاویدان جز این نیست تعمیر میکند مسجدهای خدارا

مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ اِلَّا اللّٰهَ

کسی که گروید بخدا و روز آخرت و برداشتند نماز را و داد زکات را و نترسد مگر از خدا

فَعَسٰى اُولٰئِكَ اَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ١٩ اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ

پس نزدیکست آنها اینکه باشند از راه یافتگان آیا گردانیدید آب دادن حاجیان و عمارت

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوُونَ

مسجد الحرام مانند کسی است که گروید بخدا و روز آخر و جهاد کرد در راه خدا یکسان نیست

عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ٢٠ اَلَّذِينَ اٰمَنُوا وَهَاجَرُوا وَ

نزد خدا و خدا هدایت نمیکند گروه ستمکاران را آنانکه گرویدند و هجرت کردند و

جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَاُولٰئِكَ هُمُ

جهاد کردند در راه خدا بمالهاشان و خودهاشان بزرگتر است مرتبه آنها نزد خدا و آنها ایشانند

الْفَائِزُونَ ٢١ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ ٢٢

کامیابها مژده میدهد آنهارا پروردگارشان برحمتی از آن و خوشنودی و بهشتها مرایشانراست در آن نعمت دائمی

خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظِيمٌ ٢٣ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا

جاویدانند در آن همیشه بدرستیکه خدا نزد اوست اجر بزرگ ای آنانکه گرویدید نگیرید

اٰبَاءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ اَوْلِيَاءَ اِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْاِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ

پدرانتانرا و برادرانتانرا دوستان اگر دوست دارند کفر را بر ایمان و آنکه دوست دارد آنهارا از شما

فَاُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ٢٤ قُلْ اِنْ كَانَ اٰبَاؤُكُمْ وَاَبْنَاؤُكُمْ وَاِخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَ

پس آنها ایشانند ستمکاران بگو اگر باشد پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و زنهایتان و

عَشِيرَتُكُمْ وَاَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا اَحَبَّ

و خویشانتان و مالهائیکه کسب کرده اید آنرا و تجارتیکه میترسید کسادیش را و مسکنهائیکه خوشنود بد از آنها دوسترند

اِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي

بسوی شما از خدا و رسولش و جهاد در راهش پس منتظر باشید تا اینکه بیاید خدا بامرش و خدا راه نمینماید

الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ٢٥ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ

گروه فاسقانرا هر آینه بتحقیق نصرت داد شمارا خدا در جاهای بسیار و روز حنین چون بعجب در آورد شمارا

لَا يَسْتَوُونَ باشباع یعنی بدو واو خوانده شود

اٰبَاؤُكُمْ وَاَبْنَاؤُكُمْ بضم همزه بدون واو خوانده شود

١٢

كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الارض بما رحبت ثم وليتم

بسیاری شما پس دفع نکرد از شما چیزیرا و تنگ شد بر شما زمین با فراخی پس باز گشتید

مدبرين ٢٦ ثم انزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين وانزل

گریختگان پس فرو فرستاد خدا آرامشش بر پیغمبرش و بر گروندگان و فرو فرستاد

جنودا لم تروها وعذب الذين كفروا وذلك جزاء الكافرين ٢٧ ثم يتوب

لشگرها که ندیدید آنرا و شکنجه کرد آنانکه کافر شدند و اینست جزای کافران پس می پذیرد

الله من بعد ذلك على من يشاء والله غفور رحيم ٢٨ يا ايها الذين امنوا

خدا از بعد این بر کسی که میخواهد و خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدید

انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا وان

جز این نیست که مشرکان پلیدند پس نزدیکی نکنند مسجد الحرام را بعد این سال یعنی نهم هجرت و اگر

خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء ان الله عليم حكيم ٢٩

بترسید از درویشی پس زود بی نیاز میکند شمارا خدا از فضلش اگر بخواهد بدرستیکه خدا دانای راست کردار است

قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله ولا باليوم الاخر ولا يحرمون ما حرم

کارزار کنید آنانکه نگرویدند بخدا و نه بروز آخرت و حرام نمیدارند آنچه را حرام کرد

الله ورسوله ولا يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى يعطوا

خدا و رسولش و نمی پذیرند دین حق را از آنانکه داده شدند کتاب را تا بدهند

الجزية عن يد وهم صاغرون ٣٠ وقالت اليهود عزير ابن الله وقالت

جزیه از دست خود و آنها خوار شدگانند و گفتند یهود عزیر پسر خداست و گفتند

النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم بافواههم يضاهؤن قول الذين

ترسایان عیسی پسر خداست اینست گفتشان بدهنهایشان مشابه سازند گفتار آنانرا که

كفروا من قبل قاتلهم الله انى يؤفكون ٣١ اتخذوا احبارهم ورهبانهم

کافر شدند از پیش کارزار کند خدا ایشانرا چگونه مصروفند از حق بباطل گرفتند یهود دانشمندان و زاهدانشانرا

اربابا من دون الله والمسيح ابن مريم وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا

خدایان از جز خدا و عیسی پسر مریم است و امر کرده نشدند مگر آنکه بپرستند خدای یگانه را

لا اله الا هو سبحانه عما يشركون ٣٢ يريدون ان يطفؤا نور الله بافواههم

نیست خدائی مگر او پاکست از آنچه شریک میاورند میخواهند آنکه خاموش کنند نور خدارا بدهنهایشان

ويابى الله الا ان يتم نوره ولو كره الكافرون ٣٣ هو الذي ارسل رسوله

و اباء دارد خدا مگر آنکه تمام کند نور خودرا و اگرچه کراهت کنند کافران اوست آنکه فرستاد رسولش را

بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون ٣٤ يا ايها الذين

بهدایت و دین حق تا ظاهر کند او را بر دین همه آن و اگرچه کراهت کنند مشرکان ای آنانکه

امنوا ان كثيرا من الاحبار والرهبان لياكلون اموال الناس بالباطل

گرویدید بدرستیکه بسیاری از دانشمندان و زاهدان هر آینه میخورند مالهای مردم را بباطل

هو الله سبحانه تعالی
یریدون ان یطفئوا لی المشرکون این
آیت را بر جام نو او آیینه
با زعفران و گلاب بنویسد و آنرا
بعود و عنبر بخور کند و برد عرق
یاسمین بشوید و در شیشه
نگاه دارد چون خواهد کسی
پیش ارباب جاه رود
ابروی خود با آن چرب کند
قبل تمام یابد جاه و عزت
او بیفزاید و اگر آنرا بر پوست
آهو بزعفران و گلاب بنویسد
و ببوی خوش آنرا بخور
کند و بر بازو راست
ببندد همان مقصود حاصل
گردد ۱۲

قوله تعالی الی قوله تعالی الا ان یتم نوره در تفسیر عیاشی
و کتب اخبار از معصومین
علیهم السلام در حق امیر المؤمنین
و اولاد معصومینش مذکور
است و ایضا از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که این آیه اشاره
است بظهور حضرت صاحب
الامر علیه السلام که در آن
وقت احدی باقی نماند مگر
آنکه اعتراف بنبوت خاتم
الانبیا نماید و السلام
۱۲

نصف الجزو

وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا

و باز میدارند از راه خدا و آنانکه دفینه میگذارند طلا و نقره و انفاق نمیکنند آن

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣٥ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ

گنجها در راه خدا پس مژده ده آنها را بشکنجه دردناک روزیکه گرم میشود بر آن در آتش جهنم پس داغ کنند

بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا

با آن پیشانیهای آنها را و پهلوهای ایشانرا و پشتهای ایشانرا اینست آنچه دفینه نهادید برای نفسهای خود پس بچشید آنچه

كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ٣٦ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللّٰهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ

بودید دفینه میکردید بدرستیکه حساب ماهها نزد خدا دوازده ماهست در کتاب

اللّٰهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ

خدا روزیکه آفرید آسمانها و زمین از آن چهار حرام است اینست دین درست

فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ

پس ستم مکنید در این چهار ماه نفسهای خود را و کارزار کنید مشرکانرا همه را چنانکه کارزار میکنند شما را همه و

اعْلَمُوا أَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ٣٧ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ

بدانید بدرستیکه خدا با پرهیزگارانست جز این نیست افزونی است در کفر گمراه میکنند بآن آنانرا که

كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ فَيُحِلُّوا

کافر شدند حلال میکنند آنرا سالی و حرام میکنند سالی تا موافق کنند شماره آنچه حرام کرده خدا پس حلال میکنند

مَا حَرَّمَ اللّٰهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ٣٨ يَا أَيُّهَا

آنچه حرام کرده خدا آراسته شد مر ایشانرا بدی کردارشان و خدا هدایت نمیکند گروه کافران را ای

الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ

آنانکه گرویدید چیست مر شما را چون گفته شد بر ایشما که بیرون روید در راه خدا گرانی کنید بسوی زمین

أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا

آیا خوشنود شدید بزندگانی دنیا از آخرت پس نیست بهرهٔ حیات دنیا در آخرت مگر

قَلِيلٌ ٣٩ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ

اندک اگر بیرون نروید شکنجه میکند شما را شکنجهٔ پردرد و بدل میکند قومیرا جز شما و زیان نتوانید رسانید

شَيْئًا وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٤٠ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّٰهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

چیزیرا و خدا بر هر چیز تواناست اگر نصرت ندهید او را پس بتحقیق نصرت داد او را چون بیرون کرد او را آنانکه

ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللّٰهُ

کافر شدند در حالی که دوئی از دو بودند چون او و ابوبکر بودند در غار چون گفت مر یار غار را که اندوه مخور بدرستیکه خدا با ماست پس فرو فرستاد خدا

سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ

آرامش را بر او و قوت داد به لشگرها که ندیدید آنرا و گردانید کلمهٔ آنانکه کافر شدند فروتر و کلمهٔ

اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٤١ انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ

خدا آن بالاتر و خدا غالب حکیمست بیرون روید در سبکباری و سنگینباری و جهاد کنید بمالهایتان

قوله تعالی نعم العزیز

یا ایها الذین امنوا

این آیه در باب رفتن بغزوهٔ تبوک نازل شد که بعد از مراجعت طایف بود چون قحطی و عسرت روی داده و وقت رسیدن محصول هم نزدیک بود منحوا هستند تا زنها نیز سود شوند باعث آن غزوه آنکه قافلهٔ شام بمدینه آمده بودند مذکور نمودند که هرقل پادشاه روم با لشگر انبوه بر سر مدینه میآیند لهذا آنحضرت نیز بعزم جهاد با جمعیت زیاد از مدینه بیرون رفت بعد از آنکه بمنزل تبوک تشریف نزول فرمودند معلوم شد که آمدن سپاه دروغ است

یُضَلُّ

بیاء مضمومه وضاد مفتوحه اصل ندارد مراجعت نمودند در انتشار از بابی زحمت بسیار بود

۱۲

اثاقلتم

باثاء و سه نقطه و فتح قاف

وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ٤٢ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا

و نفسهای خود در راه خدا آیشان بهتر است برای شما اگر باشید که بدانید اگر بود دعوت تو بمالی نزدیک

وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ

و سفری نزدیک هر آینه پیروی کردندت ولیکن دور است برایشان مسافت و زحمت میکشند و بزودی قسم میخورند بخدا

لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ٤٣

اگر توانستیم هر آینه بیرون میآمدیم با شما هلاک میکنند خودشان را و خدا میداند که ایشان هر آینه دروغگویانند

عَفَا اللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ ٤٤

درگذرد خدا از تو چرا مرخص کردی ایشان را تا آنکه ظاهر گردد برای تو آنانکه راست گفتند و بدانی دروغگویان را

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ

رخصت میطلبند ترا آنانکه میگروند بخدا و روز آخرت که جهاد کنند بمالهایشان

وَأَنفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ٤٥ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

و نفسهایشان و خدا داناست بپرهیزگاران جز این نیست رخصت میطلبند ترا آنانکه نگرویدند بخدا

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ٤٦ وَلَوْ أَرَادُوا

و روز آخرت و بشک افتاد دلهایشان پس آنها در شکشان سرگردانند و اگر خواهند

الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا

بیرون رفتن را هر آینه آماده میکردند برایش و لیکن کراهت داشت خدا برانگیختن آنها را پس باز داشت آنها را و گفته شد بنشینید

مَعَ الْقَاعِدِينَ ٤٧ لَوْ خَرَجُوا فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ

با نشستگان اگر بیرون آمدند در میان شما نیفزودند شما را مگر تباهی و هر آینه در میان فتادند در میان شما

يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ٤٨ لَقَدِ ابْتَغَوُا

میجویند شما را فتنه و در شما شنوندگان برایشان و خدا داناست بستمکاران هر آینه بتحقیق جستند

الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ

فتنه را از پیش و گردانیدند برایت کارها تا آمد حق و ظاهر شد امر خدا و آنها

كَارِهُونَ ٤٩ وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ ائْذَن لِّي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا

کراهت دارند و از ایشانست کسی که میگوید رخصت ده مرا و در فتنه میفکن مرا بدانکه در فتنه افتادند

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ٥٠ إِن تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكَ

بدرستیکه جهنم هر آینه فراگیرنده کافرانست اگر برسد ترا نیکی بد آید ایشان را و اگر برسد ترا

مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّوا وَّهُمْ فَرِحُونَ ٥١ قُل لَّن

ماتمی میگویند بتحقیق گرفتیم کار خود را از پیش و برگردند و آنها شادمانند بگو هرگز

يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ٥٢

نمیرسد ما را مگر آنچه نوشت خدا برای ما او ست آقای ما و بر خدا پس توکل میکنند گروندگان

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ

بگو آیا انتظار میبرید بما مگر یکی از دو نیکی را و ما انتظار میبریم بشما که برسد شما را

قوله تعالی شأنه ولو ارادوا الخروج الی القاعدون این آیت بجهت دزد و گریخته مناسبت از آن از گریبان بوده که در ماه آنرا بریده باشند نویسند و در نزد آن مرد نویسند که فلان بن فلان از خانه بیرون آمده بموضعی رود که او کسی نه چند میخ آهنین میان انقطعه فرو برد و در زیر خاک کند آن دزد یا گریخته باز آید باذن الله

قوله تعالی شأنه العزیز ومنهم من یقول ائذن لی گویند کسی از بنی قیس بود که از رؤسای منافقان بود که میگفت من بزنان بسیار حریصم چون زنان رومیان را دیده در فتنه افتم و از این راه عذر میخواست گفته اند ١٢

انبعاثهم بسکون نون و کسر با

ابتغوا الفتنة بسکون با و فتح تا و فتح غین و ضم واو و آمنت

تسؤهم بضم سین و سکون همزه

اللّٰهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ ٥٢ قُلْ أَنْفِقُوا

خدا بشکنجه از نزد او یا بدستهای ما پس منتظر باشید بدرستیکه ما باشما از منتظرانیم بگو انفاق کنید

طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ٥٤ وَمَا مَنَعَهُمْ

خواه یا ناخواه هرگز پذیرفته نشود از شما بدرستیکه شما بودید گروه فاسقان و چه چیز باز داشت ایشانرا

أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ

اینکه پذیرفته شود از آنها نفقه هاي ايشان مگر آنکه كافر شدند آنها بخدا و برسولش و نمی آیند

الصَّلٰوةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ٥٥ فَلَا تُعْجِبْكَ

نماز را مگر وایشان کسلند و انفاق نمیکنند مگر و آنها کراهت دارند پس بعجب در نیاورد ترا

أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ

مالهای ایشان و نه اولاد ایشان جز این نیست میخواهد خدا تا شکنجه کند آنها را در زندگی دنیا و بیرون رود

أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ٥٦ وَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلٰكِنَّهُمْ

نفسهای ایشانرا و آنها کافرانند و قسم میخورند بخدا بدرستیکه آنها از شمایند و نیستند آنها از شما ولیکن ایشان

قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ٥٧ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَ

گروهی که میترسند اگر بیابند پناهی یا غاری یا سوراخ خزیدنی هر آینه بازگشته بودند بسویش و

هُمْ يَجْمَحُونَ ٥٨ وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا

آنها بشتاب میرفتند و از آنها یند کسی که عیب کند ترا در صدقه ها پس اگر داده شوند از آنها خوشنود شوند

وَإِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ٥٩ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتٰيهُمُ اللّٰهُ وَ

و اگر داده نشوند از آنها آنگاه آنها خشمگین میشوند و اگر اینکه آنها خوشنود شوند بآنچه داد آنها را خدا و

رَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ سَيُؤْتِينَا اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللّٰهِ

و پیغمبرش و گفتند بس است ما را خدا بزودی میدهد خدا از فضلش ما را و پیغمبرش بدرستیکه ما بسوی خدا

رَاغِبُونَ ٦٠ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ

رغبت کنندگانیم جز این نیست صدقه ها برای فقرا و بیچارگان و کارکنان بر آنها و

الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَابْنِ السَّبِيلِ

بدست آورده شده دلهاشان و در گردنها و قرض داران مفلس و در راه خدا و رهگذران

فَرِيضَةً مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٦١ وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ

واجب است از خدا و خدا دانای درست کردار است و از ایشانند آنانکه میرنجانند پیغمبر را و میگویند

هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ ٦٢ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ

او شنوای سخنست بگو شنوای سخن بهتر است برایشما میگرود بخدا و میگرود مرگروندگانرا و رحمت برای آنست که

آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦٣ يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ

گرویدند از شما و آنانکه میرنجانند پیغمبر خدا را مر آنهاراست شکنجه پر درد قسم میخورند بخدا

لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ٦٤ أَلَمْ

برایشما تا خوشنود کنند شما را و خدا و رسولش سزاوارتر است که خوشنود کنند او را اگر باشند گروندگان آیا

قوله تعالی نشأ العزیز
وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ یعنی در قسمت غنایم حنین اهل مکه را حضرت رسول بیشتر میداد از برای تألیف قلوب ایشان یکی از منافقان گفت عدالت کن یا رسول الله آنحضرت فرمودند وای بر تو اگر بر تو من عدالت نکنم پس که خواهد کرد گویند آنکس بپسر سگرد خوارج نهروان بود که در دست مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام هلاک شد ۱۲

أَوْ مُدَّخَلًا بضم میم و تشدید دال مفتوح و فتح خا

يعلموا انه من يحادد الله ورسوله فان له نار جهنم خالدا فيها ذلك

میدانند که او هر که مخالفت میکند خدا و رسولش را پس مراو راست آتش جهنم همیشه در آن این است

الخزى العظيم ۶۵ يحذر المنافقون ان تنزل عليهم سورة تنبئهم بما فى

خواری بزرگ حذر میکنند منافقان که فرود فرستاده براهنها سوره خبر دهد آنهارا بآنچه بود در

قلوبهم قل استهزءوا ان الله مخرج ما تحذرون ۶۶ ولئن سالتهم ليقولن

دلهاشان بگو استهزا میکنید و بدرستیکه خدا ظاهر کننده است آنچه میترسید و هر آینه اگر بپرسید تو از ایشان هر آینه میگویند

انما كنا نخوض ونلعب قل ابالله واياته ورسوله كنتم تستهزءون ۶۷ لا

جز این نیست صحبت میداشتیم و بازی میکردیم بگو خدا و آیاتش را و رسولش بودید استهزا میکردید

تعتذروا قد كفرتم بعد ايمانكم ان نعف عن طائفة منكم نعذب طائفة

معذرت مخواهید بتحقیق کافر شدید بعد ایمانتان اگر درگذریم از طایفهٔ از شما شکنجه میکنیم طایفه بسبب

بانهم كانوا مجرمين ۶۸ المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض يامرون

آنکه بودند گناهگاران مردان منافق و زنان منافقه برخیشان از برخی امر میکنند

بالمنكر وينهون عن المعروف ويقبضون ايديهم نسوا الله فنسيهم ان

بمنکر و نهی میکنند از معروف و بهم بر میآورند دستهاشان فراموش کردند پس فراموش کرد آنهارا

المنافقين هم الفاسقون ۶۹ وعد الله المنافقين والمنافقات والكفار

بدرستیکه منافقان آنهایند فاسقانند وعده داد خدا مردان منافق و زنان منافقه را و کافران را

نار جهنم خالدين فيها هى حسبهم ولعنهم الله ولهم عذاب مقيم ۷۰

آتش جهنم همیشه اند در آن آن بس است آنهارا و لعنت کرد آنهارا خدا و مر آنهارا شکنجهٔ

كالذين من قبلكم كانوا اشد منكم قوة واكثر اموالا واولادا فاستمتعوا

مانند آنانکه از پیش شما بودند سخت تر از شما بقوت و بیشتر بمالها و اولاد پس کام جستند

بخلاقهم فاستمتعتم بخلاقكم كما استمتع الذين من قبلكم بخلاقهم وخضتم

بنصیبشان پس جستید بنصیبتان چنانکه کام جستند آنانکه بودند پیش از شما بنصیبشان و صحبت داشتید

كالذى خاضوا اولئك حبطت اعمالهم فى الدنيا والاخرة واولئك

مانند آنکه صحبت داشتند آنها نابود شد کردارشان در دنیا و آخرت و آنها

هم الخاسرون ۷۱ الم ياتهم نبا الذين من قبلهم قوم نوح وعاد وثمود

ایشانند زیانکاران آیا نیامد آنهارا خبر آنانکه بودند از پیش آنها قوم نوح و عاد و ثمود

وقوم ابرهيم واصحب مدين والمؤتفكت اتتهم رسلهم بالبينت فما

و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و دهها زیر و زبر شده آمد آنهارا رسولانشان با معجزات پس

كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۷۲ والمؤمنون والمؤمنات

نبود خدا تا ستم کند آنهارا ولیکن بودند که خود بر خود ستم میکردند و مردان گرویده و زنان گرویده

بعضهم اولياء بعض يامرون بالمعروف وينهون عن المنكر ويقيمون

برخیشان دوستان برخی امر میکنند بمعروف و نهی میکنند از منکر و برپا میدارند

استهزؤا بضم همزه و سکون واو

الصلوة

الصلوة ويؤتون الزكوة ويطيعون الله ورسوله اولئك سيرحمهم الله

نمازرا وميدهند زكات را وفرمان ميبرند خدا ورسولش را انها زود رحم ميكند ايشانرا خدا

ان الله عزيز حكيم ٧٣ وعد الله المؤمنين والمؤمنات جنات تجري من

بدرستيكه خدا غالب درست كردارست وعده داد خدا مردان مؤمن وزنان مؤمنه را بهشتها كه ميرود از

تحتها الانهار خالدين فيها ومساكن طيبة في جنات عدن ورضوان

زيرآن جويها هميشه اند درآن وجايهاي پاكيزه در بهشتهاي ابد وخوشنودي

من الله اكبر ذلك هو الفوز العظيم ٧٤ يا ايها النبي جاهد الكفار

از خدا بزرگ است اوست كاميابي بزرگ اي پيغمبر كارزار كن با كافران

والمنافقين واغلظ عليهم ومأويهم جهنم وبئس المصير ٧٥ يحلفون

ومنافقان وسخت بگير برانها وجايگاهشان جهنم است وبد بازگشتي است قسم ميخورند

بالله ما قالوا ولقد قالوا كلمة الكفر وكفروا بعد اسلامهم وهموا

بخدا كه نگفتند وهرآينه گفتند سخن كفررا وكافرشدند بعد اسلامشان وقصد كردند

بما لم ينالوا وما نقموا الا ان اغنيهم الله ورسوله من فضله فان يتوبوا

بانچه نرسيدند وكينه نورزيدند مگر انيكه بي نياز كند ايشانرا خدا ورسولش از فضلش پس اگر برگردند

يك خيرا لهم وان يتولوا يعذبهم الله عذابا اليما في الدنيا والاخرة وما

ميباشد بهتر برايشان واگر پشت كنند شكنجه ميكند خدا انهارا شكنجه پردرد در دنيا وآخرت ونيست

لهم في الارض من ولي ولا نصير ٧٦ ومنهم من عاهد الله لئن اتينا من فضله

مرانهارا در زمين هيچ دوستي ونه ياري كننده وازانها كسي است كه پيمان بست خدارا هرآينه بدهد مارا از فضلش

لنصدقن ولنكونن من الصالحين ٧٧ فلما اتيهم من فضله بخلوا به و

هرآينه تصدق ميكنيم وهرآينه ميباشيم از شايستگان پس چون داد ايشانرا از فضلش بخل كردند بان و

تولوا وهم معرضون ٧٨ فاعقبهم نفاقا في قلوبهم الى يوم يلقونه بما

پشت كردند وانها روگردانندگان بودند پس ازپي درآورد آنهارا نفاق در دلهايشان تا روزيكه ملاقات ميكنند اورا بانچه

اخلفوا الله ما وعدوه وبما كانوا يكذبون ٧٩ الم يعلموا ان الله

خلاف كردند خدارا انچه وعده كردند وبانچه بودند دروغ ميگفتند آيا نميدانند كه خدا

يعلم سرهم ونجويهم وان الله علام الغيوب ٨٠ الذين يلمزون المطوعين من

ميداند رازشانرا ونجواشانرا وانيكه خدا داننده غيبهاست آنانكه عيب ميكنند رغبت كنندگانرا از

المؤمنين في الصدقات والذين لا يجدون الا جهدهم فيسخرون منهم سخر الله

گروندگان در صدقه ها وآنانكه نميابند مگر طاقتشان پس استهزا ميكنند بعضي ازانها استهزا

منهم ولهم عذاب اليم ٨١ استغفر لهم اولا تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعين

كرد خدا ازايشان ومرايشانراست شكنجه دردناك آمرزش طلبي برايشان يا آمرزش نطلبي برايشان اگر آمرزش طلبي برايشان هفتاد

مرة فلن يغفر الله لهم ذلك بانهم كفروا بالله ورسوله والله لا يهدي

بار پس هرگز نيامرزد خدا ايشانرا اين بسبب آنكه كافر شدند بخدا ورسولش وخدا هدايت نميكند

قوله تعالى شأنه العزيز وكفروا بعد اسلامهم در تفسير علي بن ابراهيم وغيره مذكور است كه اين آيه در شأن منافقان كه در غزوه تبوك دوازده يا پانزده كس بودند از

اغنيهم الله بفتح همزه وسكون غين ونون با الف منافقان در عقبه كمين راه صعوبت مقرر شده كه تا رسول صلى الله عليه وآله بگذرد ...

يلمزون المطوعين بضم ميم وتشديد طاء وواو بتشديد واو وكسر عين ...

القوم

القوم الفاسقين ۸۲ فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله و
گروه فاسقان را شاد شدند باز گذاشتگان بنشستن شان خلاف پیغمبر خدا و

كرهوا ان يجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل الله وقالوا لا تنفروا
کراهت داشتند که جهاد بکنند باموال شان و بنفسهای شان در راه خدا و گویند بیرون نروید

في الحر قل نار جهنم اشد حرا لو كانوا يفقهون ۸۳ فليضحكوا قليلا
در گرما بگو آتش جهنم سخت تر است گرمیش اگر باشند بفهمند پس باید بخندند کم

وليبكوا كثيرا جزاء بما كانوا يكسبون ۸۴ فان رجعك الله الى طائفة
و بگریند بسیار جزای بسبب آنچه بودند کسب میکردند پس اگر رجعت داد ترا خدا بسوی طایفه

منهم فاستاذنوك للخروج فقل لن تخرجوا معي ابدا ولن تقاتلوا معي
از ایشان پس دستوری خواهند ترا برای بیرون رفتن پس بگو بیرون نیائید با من هرگز و هرگز کارزار نکنید با من

عدوا انكم رضيتم بالقعود اول مرة فاقعدوا مع الخالفين ۸۵ ولا
دشمنی بدرستیکه شما راضی شدید به بنشستن اول بار پس بنشینید با خلاف کنندگان و

تصل على احد منهم مات ابدا ولا تقم على قبره انهم كفروا بالله ورسوله
صلوات مفرست بر احدی از آنها مرد همیشه و بایست بر قبرش که آنها کافر شدند بخدا و رسولش

وماتوا وهم فاسقون ۸۶ ولا تعجبك اموالهم واولادهم انما يريد الله ان
و مردند و آنها فاسقانند و بعجب در نیاورد ترا مالهای شان و اولاد شان جز این نیست میخواهد خدا که

يعذبهم بها في الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون ۸۷ واذا انزلت سورة
شکنجه کند آنها را بآن در دنیا و هلاک کند نفسهای شان را و آنها کافرانند و چون فرو فرستاده شود سوره

ان امنوا بالله وجاهدوا مع رسوله استاذنك اولوا الطول منهم وقالوا
که بگروید بخدا و جهاد کنید با پیغمبر او دستوری خواهند ترا صاحبان ثروت از ایشان و گویند

ذرنا نكن مع القاعدين ۸۸ رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع على
بگذار ما را که باشیم با نشستگان خوشنود شدند بآنکه باشند با مخالفان و مهر نهاده شد بر

قلوبهم فهم لا يفقهون ۸۹ لكن الرسول والذين امنوا معه جاهدوا باموالهم
دلهاشان پس ایشان نمیفهمند ولیکن پیغمبر و آنانکه گرویدند باو جهاد میکنند بمالهاشان

وانفسهم واولئك لهم الخيرات واولئك هم المفلحون ۹۰ اعد الله لهم جنات
و خودهاشان و آنها مر ایشانراست خیرها و آنها ایشانند رستگاران مهیا کرد خدا برایشان بهشتها

تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ذلك الفوز العظيم ۹۱ وجاء المعذرون
که میرود از زیر آنها جویها همیشه اند در آن آنست کامیابی بزرگ و آمدند عذر گویندگان

من الاعراب ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله ورسوله سيصيب
از اعراب تا دستوری داده شوند مر ایشان را و نشستند آنانکه دروغ بستند خدا و رسول او بزودی برسد

الذين كفروا منهم عذاب اليم ۹۲ ليس على الضعفاء ولا على المرضى ولا على
آنانرا که کافر شدند از آنها شکنجه پر درد نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر

الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

آنانکه نمییابند آنچه صرف میکنند گناهی چون خالص شدند خدا و پیغمبر او نیست بر نیکوکاران

مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۹۱ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ

هیچ راهی و خدا آمرزنده مهربانست و نه بر آنانکه چون آمدند ترا که سوار کنی ایشانرا

قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا

گفتی نمییابم آنچه سوار کنم شما را براو برگشتند و چشمهاشان میریخت از اشک در غم آنکه

يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ۹۲ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ

نمییافتند آنچه صرف کنند جز این نیست راه بر آنانکه دستوری میخواهند از تو و آنها توانگران

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۹۳

راضی شدند که بوده باشند با بازماندگان و مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان پس آنها نمیدانند

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا

بعذرخواهی می‌آیند بسوی شما چون بازگشتید بسوی آنها بگو عذر مخواهید که هرگز باور نداریم برای شما بحقیقت آگاه کرد ما را

اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ

خدا از خبرهای شما و بزودی خواهد دید خدا کردار شما را و رسولش پس بازگردانیده شوید بسوی دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۹۴ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ

نهانی و آشکار پس خبر میدهد شما را بآنچه بودید که میکردید بزودی قسم خورند بخدا برای شما

إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ

چون بازگردید با ایشان که روبگردانید از آنها پس اعراض کنید از آنها که آنها پلیدند و جایگاهشان

جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۹۵ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا

جهنم است جزای آنچه بودند که کسب میکردند قسم میخورند برای شما تا راضی شوید از آنها پس اگر راضی شوید

عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۹۶ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا

از آنها پس بدرستیکه خدا راضی نمیشود از گروه فاسقان عربها سخت‌ترند در کفر

وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

و نفاق و سزاوارترند که ندانند حدهای آنچه فرو فرستاد خدا بر پیغمبرش و خدا دانای

حَكِيمٌ ۹۷ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ

درست کار است و از عربان کسی است که میگیرد آنچه انفاق میکند جای تاوان و انتظار میبرد بشما گردشهای روزگار

عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۹۸ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ

بر آنها گردش بد و خدا شنونده داناست و از عربان کسی است که میگرود بخدا

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرُبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا

و روز آخرت و میگیرد آنچه انفاق میکند نزدیکیها نزد خدا و دعاهای رسول بدانید

إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۹۹ وَالسَّابِقُونَ

آنها نزدیکی بخداست مر آنها را زود درآورد خدا آنها را در رحمتش بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و سبقت داران

قوله تعالی شأنه ولا علی الذین اذا الی آخره نقل است که این جماعت هفت نفر بودند از کاسبان اصحاب. از جماعت دیگر نیز گفته اند منقول است که شش نفر از بنی نجار عبدالرحمن بن کعب و عتبة بن زید و عمرو بن عتبه و شش نفر از بنی عمرو بن عوف سالم بن عمیر و هرم بن عبدالله و نیز از مدینه عبدالله بن مغفل که بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رفتند هنگام خروج آنحضرت بغزوه تبوک عرض داشتند که یا رسول الله حمل کن ما را با خود که ما هیچ نداریم آنحضرت فرمود که من هیچ ندارم آنها از غایت اندوه بگریه آمدند والسلام ۱۲

فَأَعْرِضُوا بفتح همزه و سکون عین صیغهٔ جمع است از باب افعال و همزه اش قطع است

الاولون من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم باحسان رضي الله

پیشینیان از مهاجرین وانصار وآنانکه پیروی کردند آنهارا بنیکوئی خوشنود شد خدا

عنهم ورضوا عنه واعد لهم جنات تجري تحتها الانهار خالدين فيها

از ایشان وخوشنود شدند ازاو ومهیا کرد برای ایشان بهشتهائی که میرود اززیر آنها جویها همیشه اند در آن

ابدا ذلك الفوز العظيم ۱۰۲ وممن حولكم من الاعراب منافقون و

جاویدان آنست کامیابی بزرگ واز آنکه پیرامون شماست از عربان منافقان و

من اهل المدينة مردوا على النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم

از اهل مدینه ایستادند بر نفاق نمیدانی آنهارا ما میدانیم ایشانرا زود شکنجه کنیم آنهارا

مرتين ثم يردون الى عذاب عظيم ۱۰۳ وآخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا

دوبار پس برگردیده شوند بسوی شکنجهٔ بزرگ ودیگران که اقرار کردند بگناهان ایشان آمیختند

عملا صالحا وآخر سيئا عسى الله ان يتوب عليهم ان الله غفور رحيم ۱۰۴

کردار شایسته ودیگر بدی نزدیکست که خدا توبت پذیرد بر ایشان بدرستیکه خدا آمرزندهٔ مهربانست

خذ من اموالهم صدقة تطهرهم وتزكيهم بها وصل عليهم ان صلوتك

بگیر از مالهاشان صدقه پاک کن ایشانرا وپاکیزه کن آنهارا بآن وصلوات بفرست برایشان که صلوات تو

سكن لهم والله سميع عليم ۱۰۵ الم يعلموا ان الله هو يقبل التوبة

مایهٔ آرام است مرایشانرا وخدا شنونده داناست آیا نمیدانند که خدا اوست پذیرندهٔ توبت

عن عباده ويأخذ الصدقات وان الله هو التواب الرحيم ۱۰۶ وقل اعملوا

از بندگانش ومیگیرد صدقه‌هارا واینکه خدا اوست توبت پذیر مهربان وبگو بکنید

فسيرى الله عملكم ورسوله والمؤمنون وستردون الى عالم الغيب و

پس بزودی ببیند خدا کردارتان را وپیغمبرش وگروندگان وبزودی بازگردیده شوید بسوی عالم نهانی

الشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون ۱۰۷ وآخرون مرجون لامر الله اما يعذبهم

وآشکار پس خبر میدهد شمارا بآنچه بودید میکردید ودیگران موقوفانند مرامر خدارا یا شکنجه میکند آنهارا

واما يتوب عليهم والله عليم حكيم ۱۰۸ والذين اتخذوا مسجدا ضرارا و

ویا می پذیرد برایشان وخدا دانای درست کردارست وآنانکه گرفتند مسجدرا ضرر رسانیدن و

كفرا وتفريقا بين المؤمنين وارصادا لمن حارب الله ورسوله من قبل و

کفر وجدائی میان گروندگان وانتظار برای آنکه محاربه کردند خدا ورسولش ازپیش و

ليحلفن ان اردنا الا الحسنى والله يشهد انهم لكاذبون ۱۰۹ لا تقم فيه

هرآینه قسم خواهند خورد که نخواستیم مگر خوبی وخدا شهادت میدهد که آنها هرآینه دروغگویانند مایست در آن

ابدا لمسجد اسس على التقوى من اول يوم احق ان تقوم فيه فيه رجال

هرگز هرآینه مسجد بنا نهاده شده برپرهیزگاری از اول روز که سزاوارتراست که بایستید در آن در آن مردانکه

يحبون ان يتطهروا والله يحب المطهرين ۱۱۰ افمن اسس بنيانه على تقوى

دوست میدارند اینکه پاک بشوند وخدا دوست میدارد پاکانرا آیا پس آنکه بنا نهاد بنیانش بر پرهیزگاری

قوله تعالی شانه العزیز لمسجد اسس على التقوى قیل رسول الله صلی الله علیه وآله فیه ایام مقامه بقبا من الاثنین الی الجمعة وجمعی گفتند مسجد پیغمبر است ومنافقان برابر مسجد قبا مسجدی ساخته بودند ومنقول است که ابوعامر راهب بود که پدر حنظله بود وحنظله در راه خدا شهید شد واورا فرشتگان غسل دادند که بغسیل الملائکه اشتهار یافته شد وپیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم ابوعامر را فاسق نام نهاد ابوعامر راهب چون بروم رفت لشکر برسر مدینه آورد که افساد کند بعد از مراجعت از راه حیله استدعا نمود که آنحضرت در آنجا نماز کند پس از آن بوحی الهی فرمود آنجا را خراب کردند

۱۲

مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ اَمْ مَنْ اَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلٰى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهٖ فِى

از خدا و خوشنودی بهتر است یا آنکه بنا نهاد بنیانش را بر کنار گذرگاه سیل زیر خالی شده سخت جوزده پس فرو آمد

نَارِ جَهَنَّمَ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۱۱۱ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِىْ بَنَوْا

در نار آتش جهنم و خدا هدایت نمیکند گروه ستمگاران را همیشه باشد بنیانشان که بنا نهادند

رِيْبَةً فِىْ قُلُوْبِهِمْ اِلَّآ اَنْ تَقَطَّعَ قُلُوْبُهُمْ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۱۱۲ اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى

شک را در دلهای ایشان مگر آنکه پاره پاره شود دلهای ایشان و خدا داننده درست کردار است بدرستیکه خدا خرید

مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُوْنَ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

از گروندگان تنهای ایشان و مالهای ایشان را بآنکه مر ایشانرا است بهشت کارزار میکنند در راه خدا

فَيَقْتُلُوْنَ وَيُقْتَلُوْنَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِى التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالْقُرْاٰنِ وَ

پس میکشند و کشته میشوند وعده دادنی بر او حق در توریت و انجیل و قران و

مَنْ اَوْفٰى بِعَهْدِهٖ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَيْعِكُمُ الَّذِىْ بَايَعْتُمْ بِهٖ وَذٰلِكَ هُوَ

آنکه وفا کرد بپیمانش از خدا پس شاد شوید بفروختن آنچه که مبایعه کردید بآن و اینست آن

الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۱۱۳ اَلتَّآئِبُوْنَ الْعٰبِدُوْنَ الْحٰمِدُوْنَ السّٰٓئِحُوْنَ الرّٰكِعُوْنَ

کامیابی بزرگ توبت کنندگان پرستندگان ستایش کنندگان روزه داران رکوع روندگان

السّٰجِدُوْنَ الْاٰمِرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّاهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحٰفِظُوْنَ

سجده کنندگان امر کنندگان بخوبی و نهی کنندگان از بدی و حفظ کنندگان

لِحُدُوْدِ اللّٰهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۱۱۴ مَا كَانَ لِلنَّبِىِّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْ يَّسْتَغْفِرُوْا

مر حدود خدا را و مژده ده گروندگانرا نیست برای پیغمبر و آنانکه گرویدند اینکه طلب آمرزش کنند

لِلْمُشْرِكِيْنَ وَلَوْ كَانُوْٓا اُولِىْ قُرْبٰى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ۱۱۵

برای مشرکان و اگرچه باشند صاحبان خویشی از بعد آنچه ظاهر شد مر ایشانرا که آنها اهل دوزخند

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ اِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَّعَدَهَآ اِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗٓ

نبود آمرزش خواستن ابراهیم مر پدرش را مگر از وعده گاهی که وعده داد او را بر ایش پس چون ظاهر شد مر او را

اَنَّهٗ عَدُوٌّ لِّلّٰهِ تَبَرَّاَ مِنْهُ اِنَّ اِبْرٰهِيْمَ لَاَوَّاهٌ حَلِيْمٌ ۱۱۶ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا

که او دشمن خداست بیزاری جست از او بدرستیکه ابراهیم هر آینه بردبار بود و نباشد خدا که گمراه کند گروهی را

بَعْدَ اِذْ هَدٰىهُمْ حَتّٰى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَّا يَتَّقُوْنَ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيْمٌ ۱۱۷ اِنَّ

بعد از هدایت کردنشان تا آنکه ظاهر شود برایشان آنچه بودند پرهیز میکردند بدرستیکه خدا بهر چیز داناست بدرستیکه

اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُحْىٖ وَيُمِيْتُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ

خدا مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند و نیست مر شما را از غیر خدا هیچ

وَّلِىٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ۱۱۸ لَقَدْ تَّابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِىِّ وَالْمُهٰجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ الَّذِيْنَ

دوستی و نه یاری کننده بتحقیق پذیرفت خدا بر پیغمبر و هجرت کنندگان و انصار آنانکه

اتَّبَعُوْهُ فِىْ سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْۢ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيْغُ قُلُوْبُ فَرِيْقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ

پیروی کردند او را در وقت مشکلی از بعد آنچه نزدیک شد که برگردد دلهای پاره از آنها پس پذیرفت بر آنها

قوله تعالی فی ساعة العسرة
فی ساعة العسرة جمع اسلام روایت شده است که این آیت بجهت جنگ تبوک شرف نزول یافت که مسلمانان از این سفر از سختی گرما و بی آبی آزار کشیدند ابو خیثمه و عبدالله بن خیثمه در این سفر تخلف نمودند چون دو روز از سفر آنحضرت گذشت روزی بخانه خود آمده دید که زنش جای خود را رفته و آب سرد و طعام لذیذ مهیا کرده گفت سبحان الله حضرت رسول در سرما و گرما کشیده و شمشیر بدوش در بیابان تشنه و ابو خیثمه در اینجا با آسایش با زنان خود صحبت بدارد روی بزنان خود کرده گفت بخدا سوگند که با شما سخن نگویم تا خود را
اولی
بضم همزه بدل و واو خوانده شود
بخدمت آنحضرت برسانم همان لحظه تارک خود را بخدمت آنحضرت متوجه شده زنان هر چند ممانعت نمودند عنده ها ادنه چون نزدیک تبوک رسید آنحضرت از دور فرمودند که ابو خیثمه است چون بخدمت آنحضرت مشرف گردید احوال خود را عرض کرد آنحضرت او را دعا کرد و توبه او را قبول نمود والسلام
۱۲

انه بهم رؤف رحيم ١١٧ وعلى الثلاثة الذين خلفوا حتى اذا ضاقت عليهم

بدرستيكه او با ايشان رؤف مهربانست و بر آن سه آنان كه گذاشته شدند تا چون تنگ شد بر ايشان

الارض بما رحبت وضاقت عليهم انفسهم وظنوا ان لا ملجأ من الله الا

زمين با آنچه فراخي داشت و تنگ شد بر ايشان نفسهاشان و پنداشتند اينكه نيست پناهي از خدا مگر

اليه ثم تاب عليهم ليتوبوا ان الله هو التواب الرحيم ١١٨ يا ايها الذين

بسوى او پس توبت پذيرفت بر ايشان تا توبت كنند بدرستيكه خدا اوست توبت پذير مهربان اى آنانكه

امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين ١١٩ ما كان لاهل المدينة ومن

گرويديد بپرهيزيد خدا را و باشيد با راستگويان نباشد مر اهل مدينه را و آنكه

حولهم من الاعراب ان يتخلفوا عن رسول الله ولا يرغبوا بانفسهم عن

اطرافشانست از عربان اينكه تخلف كنند از رسول خدا و آنكه بگذرند بنفسهاشان از

نفسه ذلك بانهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة في سبيل الله ولا

نفس او اين بسبب آنست كه ايشان نميرسد ايشان را تشنگى و نه رنجى و نه گرسنگى در راه خدا و نه

يطؤن موطئا يغيظ الكفار ولا ينالون من عدو نيلا الا كتب لهم به عمل

نوردند گامى كه بخشم آورد كافران را و نميرسند از دشمنى رسيدنى مگر نوشته شد بر ايشان بآن كردار

صالح ان الله لا يضيع اجر المحسنين ١٢٠ ولا ينفقون نفقة صغيرة ولا كبيرة

شايسته بدرستيكه خدا ضايع نميكند مزد نيكوكاران را و انفاق نميكنند نفقهٔ كوچك و نه بزرگ

ولا يقطعون واديا الا كتب لهم ليجزيهم الله احسن ما كانوا يعملون ١٢١

و قطع نميكنند وادئى را مگر نوشته شد بر ايشان تا جزا دهد ايشان را بهتر از آنكه بودند ميكردند

وما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة

و نيستند گروندگان كه بروند همه پس چرا نرفتند از هر گروهى از ايشان طايفه

ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون ١٢٢

تا دانا شوند در دين و تا بيم دهند قوم شان را چون برگردند بسوى ايشان شايد آنها بترسند

يا ايها الذين امنوا قاتلوا الذين يلونكم من الكفار وليجدوا فيكم غلظة و

اى آنانكه گرويديد كارزار كنيد آنان را كه از كفار و تا بيابند در ميان شما درشتى و

اعلموا ان الله مع المتقين ١٢٣ واذا ما انزلت سورة فمنهم من يقول ايكم

بدانيد كه خدا با پرهيزگارانست و چون فرو فرستاده شد سورهٔ پس از ايشان كسى است كه ميگويد كداميك

زادته هذه ايمانا فاما الذين امنوا فزادتهم ايمانا وهم يستبشرون ١٢٤ واما

افزود او را اين ايمان پس اما آنانكه گرويدند پس افزود آنها را ايمان و ايشان شادى ميكردند و اما

الذين في قلوبهم مرض فزادتهم رجسا الى رجسهم وماتوا وهم كافرون ١٢٥

آنانكه در دلهايشان مرضست پس افزود ايشان را پليدى بر پليديشان و مردند و ايشان كافرانند

اولا يرون انهم يفتنون في كل عام مرة او مرتين ثم لا يتوبون ولا هم يذكرون ١٢٦

آيا نمى بينند كه ايشان فتنه ميكنند در هر سالى يكبار يا دو بار پس توبت نميكنند و نه آنها پند ميگيرند

حزب

يلونكم بضم لام و سكون واو بمعنى نزول ندانكه لام را ساكن و واو را ضمه دهند با اشباع كه بمعنى پيچيدن و پيچانيدن است

وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا

وچون فرو فرستاده شود سوره نگاه کنند برخیشان بسوی برخی آیا و بیند شما را یکی پس برگشتند

صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ١٢٩ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

برگردانید خدا دلهایشان را بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمیدانند بتحقیق آمد شما را رسولی از خودتان

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ١٣٠ فَإِنْ تَوَلَّوْا

گران بسبب برآن رنج کشیدن شما حریصست برشما بگروندگان رؤف و مهربانست پس اگر پشت کنند

فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

پس بگو بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او براو توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ

سورة يونس عليه السلام مائة وتسع آيات وهي مكية (١٠)

الا الآيات ٤١-٩٤-٩٥-٩٦ فمدنية نزلت بعد الاسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ٢ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ

اینست آیتهای کتاب حکیم آیا باشد برای مردم عجب اینکه وحی فرستادیم بسوی مردی

مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ

از ایشان که بیم کند مردم را و مژده دهد آنانرا که گرویدند که مرایشانرا قدم راستی نزد پروردگارشان

قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ ٣ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

گفتند کافران بدرستیکه این هرآینه جادوئیست آشکارا بدرستیکه پروردگار شما خدائیست که آفرید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ

آسمانها و زمین را در شش روز پس مستولی شد بر عرش تدبیر میکند کار را نیست

شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٤ إِلَيْهِ

هیچ شفیعی مگر از بعد اذنش اینست خدا پروردگارتان پس بپرستید اورا آیا پس پند نمیگیرید بسوی او

مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

بازگشت شما همه وعده داد خدا براستی بدرستیکه او پدید آورد خلق را پس برمیگرداند اورا تا جزا دهد آنانرا که

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ

گرویدند و کارشایسته کردند بعدل و آنانکه کافر شدند مرایشانراست شرابی از آب گرم

عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ٥ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ

و عذابی پر درد بانچه بودند کافر شدند اوست آنکه گردانید خورشیدرا روشنی و ماه را

نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَٰلِكَ

نوری و مقدر کرد اورا منزلها تا بدانند شمارهٔ سالها و حساب را نیافرید خدا آنرا

إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ٦ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ

مگر بحق تفصیل میدهد آیتها را برای گروهی که میدانند بدرستیکه در اختلاف شب و

النهار

النهار وما خلق الله في السموات والارض لايات لقوم يتقون ٧ ان

روز و آنچه آفریده خدا در آسمانها و زمین هر اینه آیاتیست برای گروهیکه پرهیز کنند بدرستیکه

الذين لا يرجون لقاءنا ورضوا بالحيوة الدنيا واطمانوا بها والذين هم

آنانکه امید ندارند ملاقات ما را و خوشنود شدند بزندگی دنیا و اطمینان دارند بآن و آنانکه ایشان

عن اياتنا غافلون ٨ اولئك ماويهم النار بما كانوا يكسبون ٩ ان

از آیتهای ما بیخبرانند آنها جایگاهشان آتش است بآنچه بودند کسب میکردند بدرستیکه

الذين امنوا وعملوا الصالحات يهديهم ربهم بايمانهم تجري من تحتهم

آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته هدایت میکند ایشانرا پروردگارشان بایمانشان که میرود از زیرشان

الانهار في جنات النعيم ١٠ دعويهم فيها سبحانك اللهم وتحيتهم فيها

نهرها در بهشتهای با نعمت خواندنشان در آن سبحانک اللهم میباشد و درودشان در آن

سلام ١١ واخر دعويهم ان الحمد لله رب العالمين ١٢ ولو يعجل الله

سلام است و آخر خواندنشان آنست که ستایش مر خدا را پروردگار جهانیان و اگر شتاب میکرد خدا

للناس الشر استعجالهم بالخير لقضي اليهم اجلهم فنذر الذين لا يرجون

برای مردم شر را شتابشان بخیر هر آینه گذشته بود بسوی ایشان مدتشان پس هیم داد آنهارا که امید ندارند

لقاءنا في طغيانهم يعمهون ١٣ واذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او

ملاقات ما را در سرکشیشان بودند که حیران باشند و چون مس کند آدمیرا ضرر خواند ما را بر پهلویش خوابیده یا

قاعدا او قائما فلما كشفنا عنه ضره مر كان لم يدعنا الى ضر مسه

نشسته یا ایستاده پس چون دفع کردیم از آن ضررش گذشت که گویا نمیخواند ما را بسوی ضرریکه مس کرده بود او را

كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون ١٤ ولقد اهلكنا القرون من قبلكم

همچنین آراسته شد مر اسراف کنندگانرا آنچه بودند میکردند و بتحقیق هلاک کردیم قرنها را از پیش شما

لما ظلموا وجاءتهم رسلهم بالبينات وما كانوا ليؤمنوا كذلك

چونکه ستم کردند و آمد ایشانرا رسولانشان بمعجزات و نبودند که بگروند همچنین

نجزي القوم المجرمين ١٥ ثم جعلناكم خلائف في الارض من بعدهم لننظر

جزا میدهیم گروه گناهکاران پس گردانیدیم شما را جانشینان در زمین از بعد آنها تا ببینیم

كيف تعملون ١٦ واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين لا يرجون لقاءنا

چگونه میکنند و چون خوانده شود بر آنها آیات ما روشنها گویند آنانکه امید ندارند ملاقات ما را

ائت بقران غير هذا او بدله قل ما يكون لي ان ابدله من تلقاء نفسي ان

بیاور بقرآنی غیر این یا بدل کن او را بگو نمیباشد برای من اینکه بدل کنم او را از جانب خودم پیروی نکنم

اتبع الا ما يوحى الي اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم عظيم ١٧ قل

پیروی مگر آنچه وحی میشود بسویم بدرستیکه من میترسم که عصیان کنم پروردگارم را شکنجه روز بزرگ بگو

لو شاء الله ما تلوته عليكم ولا ادريكم به فقد لبثت فيكم عمرا من

اگر خواستی خدا نمیخواندم بر شما و دراک نمیکردم شما را بآن پس بتحقیق درنگ کردم در شما عمری از

جل الله تعالی سبحانه

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کس سوره یونس را بجهة فتح و ظفر بر دشمن بنویسد و بکیسا بخواند اگر بمشک و زعفران بر پوست آهو نویسد و با خود دارد و از دیو و پری نترسد هر چند که بروی ظاهر شوند و هم از آنحضرت علیه السلام منقول است بجهة پیدا کردن دزد این سوره را بر طشت مسین نویسد و با آب آسیا ده بشوید قدری آرد با سم جماعتی که متهم باشند از آن آب خمیر کنند و بپزند و آنرا بعد از اجماعت قطعه قطعه کنند و بدهند تا بخورند پس آنکس که دزد باشد آن لقمه را فرو نتواند برد باذن الله تعالی

قوله سبحانه و تعالی سبحانک اللهم در اخبار آمده است که آنچه را میخواهند همینکه این کلمه را گویند حاضر و مهیا میشوند یا خدام حاضر میسازند چون کامیاب شدند از آن الحمد لله رب العالمین میگویند و بعضی گفته‌اند هر چیزی بجا خود همینکه مرغوب و مرغ کباب مشتهی نزد میشود چنانچه در مجمع البیان و روضه کافی و غیر هما مذکور است و مراد از تحیت بعضی شان برای بعضی است یا تحیت ملائکه ایشانرا از جانب خود یا از جانب خدا ١٢

قوله جل شانه و اذا مس الانسان الی یعملون این آیت بجهة درد پهلو و درد پا نافع است اگر ... بکشد و ... پاک بیاشامد ...

قبله افلا تعقلون ١٨ فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته انه

پیش از او آیا پس درنمی‌یابید پس کیست ستمکارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را یا تکذیب کردند آیاتش بدرستیکه او

لا يفلح المجرمون ١٩ ويعبدون من دون الله ما لا يضرهم ولا ينفعهم و

رستگار نمیکند گناهکاران را و میپرستند از غیر خدا آنچه نه ضرر دارد ایشانرا نه نفع میدهد ایشانرا و

يقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله قل اتنبئون الله بما لا يعلم في السموات

و میگویند اینهایند شفیعان ما نزد خدا بگو آیا خبر میدهید خدا را بآنچه نمیداند در آسمانها

ولا في الارض سبحانه وتعالى عما يشركون ٢٠ وما كان الناس الا امة

و نه در زمین منزه است او و برتر است از آنچه شریک میاورند و نباشد مردم مگر گروه

واحدة فاختلفوا ولولا كلمة سبقت من ربك لقضي بينهم فيما فيه

واحد پس اختلاف کردند و اگر نبود کلمه که پیشی گرفت از پروردگارت هر آینه حکم شده بود میانشان در آنچه بودند در او

يختلفون ٢١ ويقولون لولا انزل عليه اية من ربه فقل انما الغيب لله

اختلاف میکردند و میگویند چرا فرو فرستاده نشد آیتی بر او از پروردگارش پس بگو جز این نیست غیب مر خدا راست

فانتظروا اني معكم من المنتظرين ٢٢ واذا اذقنا الناس رحمة من بعد

پس منتظر باشید بدرستیکه من با شما از منتظرانم و چون چشانیدیم مردم را رحمت از بعد

ضراء مستهم اذا لهم مكر في اياتنا قل الله اسرع مكرا ان رسلنا يكتبون

سختی که مس کرد ایشانرا آنگاه مر ایشانراست مکر در آیات ما بگو خدا زودتر است مکر بدرستیکه رسولان ما مینویسند

ما تمكرون ٢٣ هو الذي يسيركم في البر والبحر حتى اذا كنتم في الفلك

آنچه مکر میکنید اوست آنکه سیر داد شما را در دشت و دریا تا چون بودید در کشتی

وجرين بهم بريح طيبة وفرحوا بها جاءتها ريح عاصف وجاءهم الموج

و روان شوند با ایشان ببادی پاکیزه و شاد شدند بآن آید آنرا بادی سخت و آید ایشانرا موج

من كل مكان وظنوا انهم احيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين

از هر جائی و پنداشتند که ایشان فرو گرفته شده است بایشان میخوانند خدا را خالص کنندگان برایش دین را

لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين ٢٤ فلما انجاهم اذا هم يبغون

هر آینه نجات دادی ما را از این هر آینه میباشیم از شکرکنندگان پس چون دادیم نجات ایشانرا آنگاه ایشان ستم میکنند

في الارض بغير الحق يا ايها الناس انما بغيكم على انفسكم متاع الحيوة

در زمین بغیر حق ای مردم جز این نیست ستم شما بر خودتان بهره زندگی

الدنيا ثم الينا مرجعكم فننبئكم بما كنتم تعملون ٢٥ انما مثل الحيوة

دنیا پس بسوی ماست بازگشت شما پس خبر میدهیم شما را بآنچه بودید میکردید جز این نیست مثل زندگی

الدنيا كماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض مما ياكل

دنیا مانند آبیست که فرو فرستادیم آنرا از آسمان پس آمیخت بآن رستنی زمین از آنچه میخورند

الناس والانعام حتى اذا اخذت الارض زخرفها وازينت وظن اهلها

مردم و چهارپایان تا چون گرفت زمین پیرایه‌اش را و زینت یافت و پنداشتند اهلش

شفعاؤنا بضم همزه بلاواو خوانده شود

هؤلاء ...

فضل بن یسار از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله نقل فرموده که هیچ چشم از خوف خدا گریان نشود بجز آنکه حق تعالی آن را بر آتش دوزخ حرام گرداند و اگر از خوف الهی سبحانه اشک چشم او بر رخساره او جاری شود از آن تیرگی نرسد و همیشه تازگی داشته باشد ١٢

نبات بتقدیم نون بر با بمعنی گیاه زمین

اتيها

أنهم قادرون عليها أتاها أمرنا ليلا أو نهارا فجعلناها حصيدا كأن لم

که آنها توانایند برآن آمد آنرا امر ما شبی تا روزی پس گردانیدیم آنرا درو شده گویا

تغن بالأمس كذلك نفصل الآيات لقوم يتفكرون ٢٦ والله يدعوا

نرسته بود دیروز همچنین تفصیل میدهیم آیاترا مرگروهیکه فکر میکنند وخدا میخواند

إلى دار السلام ويهدي من يشاء إلى صراط مستقيم ٢٧ للذين أحسنوا

بسوی خانه سلامت وهدایت میکند آنرا که میخواهد بسوی راه راست مرآنانرا که نیکی کردند

الحسنى وزيادة ولا يرهق وجوههم قتر ولا ذلة أولئك أصحاب الجنة

نیکی است وزیادتی ونپوشد رویهای ایشانرا گردی ونه خواری آنگروه اهل بهشتند

هم فيها خالدون ٢٨ والذين كسبوا السيئات جزاء سيئة بمثلها وترهقهم

ایشان دران جاویدانند وآنانکه کسب کردند بدیها جزای بدی مانند آنست وبپوشد ایشانرا

ذلة ما لهم من الله من عاصم كأنما أغشيت وجوههم قطعا من الليل مظلما

خواری نیست مرایشانرا از خدا هیچ نگهدارنده گویا فرو گرفته است رویهای ایشانرا پاره از شب تیره

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون ٢٩ ويوم نحشرهم جميعا ثم نقول

آنگروه یاران آتشند ایشان دران جاویدانند وروزیکه حشر کنیم ایشانرا همه پس میگوییم

للذين أشركوا مكانكم أنتم وشركاؤكم فزيلنا بينهم وقال شركاؤهم ما

مرآنانرا که شرک آوردند بجای شما شما وشریکان شما پس جدائی اندازیم میان ایشان وگفتند شریکان ایشان نه

كنتم إيانا تعبدون ٣٠ فكفى بالله شهيدا بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم

بودید ما را میپرستید پس بس است خدا گواه میان ما و میان شما اگر باشیم از پرستش شما

لغافلين ٣١ هنالك تبلوا كل نفس ما أسلفت وردوا إلى الله مولاهم

هر آینه بیخبران اینجا بیازماید هر نفسی آنچه پیش فرستاد و برگردانیده میشوند بسوی خدا آقای ایشان

الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون ٣٢ قل من يرزقكم من السماء والأرض

حق وگمراه گردد از ایشان آنچه بودند افترا میبستند بگو آنکه روزی میدهد شمارا از آسمان وزمین

أمن يملك السمع والأبصار ومن يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من

آیا آنکه مالک است گوشها و چشمهارا وآنکه بیرون میآورد زنده را از مرده و بیرون میآورد مرده را از

الحي ومن يدبر الأمر فسيقولون الله فقل أفلا تتقون ٣٣ فذلكم الله ربكم

زنده وکیست تدبیر میکند کاررا پس زودی میگویند خدا پس بگو آیا پرهیز نمیکنید پس آنست خدا پروردگار شما

الحق فماذا بعد الحق إلا الضلال فأنى تصرفون ٣٤ كذلك حقت كلمة

حق است پس چیست بعد حق مگر گمراهی پس بکجا برمیگردید همچنین ثابت شد سخن

ربك على الذين فسقوا أنهم لا يؤمنون ٣٥ قل هل من شركائكم من

پروردگار تو بر آنانکه فسق کردند بدرستیکه ایشان ایمان نمیآورند بگو آیا از شریکان شما کسی است

يبدؤا الخلق ثم يعيده قل الله يبدؤا الخلق ثم يعيده فأنى تؤفكون ٣٦

که پدید میآورد خلق را پس اعادت میدهد او را بگو خدا پدید میآورد خلق را پس اعادت میدهد او را پس بکجا برگردانیده میشوید

قوله تعالى شانه العزيز قل من يرزقكم من السماء الى افلا تتقون هر کس این آیت را بر پوست [illegible] بنویسد

نصف الربع

و بر بازو بندد که در زندان داشته باشد بسبب او آزاد گردد و اگر بجام نقره بنویسد و با آب باران محو کند و بنوشد گرفتار آزاد گردد

شركاؤكم وشركاؤهم در هر دو موضع بضم همزه بدون واو خوانده شود

فذلكم

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي

بگو آیا از شریکان شما کسی است که هدایت میکند بسوی حق بگو خدا هدایت میکند مرحق را آیا پس آنکه هدایت میکند

إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ

بسوی حق سزاوارتر است پیروی شود یا آنکه هدایت نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شد پس چیست مر شما را چگونه

تَحْكُمُونَ ٣٥ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ

حکم میکنید و پیروی نمیکنند بیشترشان مگر گمان را بدرستیکه گمان کفایت نمیکند از حق چیزی را بدرستیکه خدا

عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ٣٦ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ

داناست بآنچه میکنند و نمیباشد این قرآن که دروغ بسته شود از جز خدا و

لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ

لیکن تصدیق چیزیست که باشد میانه دو دستش و تفصیل دادن کتاب نیست شکی در آن از پروردگار

الْعَالَمِينَ ٣٧ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ

جهانیان آیا میگویند بدروغ بست آنرا بگو بیاورید سوره‌ای مثلش و بخوانید هر که را بتوانید

مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٣٨ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ

از جز خدا اگر هستید از راستگویان بلکه تکذیب کردند بآنچه احاطه نکردند بدانشش و چونکه نیامد ایشان را

تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ٣٩

تأویلش همچنین تکذیب کردند آنانکه بودند از پیش ایشان پس بنگر چگونه باشد سرانجام ستمکاران

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ٤٠ وَإِنْ

و از ایشان کسی است که میگرود بآن و از ایشان کسی است که نمیگرود بآن و پروردگارت داناتر است بمفسدان و اگر

كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ

تکذیب کردند ترا پس بگو برای منست کار من و برای شماست کردار شما شما بیزارید از آنچه میکنم و من بیزارم

مِمَّا تَعْمَلُونَ ٤١ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ

از آنچه میکنید و از ایشان کسی است که گوش اندازد بسوی تو آیا پس تو میشنوی کران را و اگرچه

كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ٤٢ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا

باشند که درنمییابند و از ایشان کسی است که نگاه میکند بسوی تو پس آیا هدایت کنی کوران را و اگرچه باشند

لَا يُبْصِرُونَ ٤٣ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٤٤

که نمی‌بینند بدرستیکه خدا ظلم نمیکند مردم را چیزی و لیکن مردم خودهاشان را ظلم میکنند

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ

و روزیکه حشر میکند ایشان را گویا که درنگ نکردند مگر ساعتی از روز شناخت یکدیگر دارند میانشان بتحقیق زیان کردند

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ٤٥ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ

آنانکه تکذیب کردند بملاقات خدا و نبودند هدایت شدگان و یا مینمائیم ترا برخی

الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ ٤٦

از آنچه وعده دادیم ایشان را یا میمیرانیم ترا پس بسوی ماست بازگشتشان پس خدا گواهست بر آنچه میکنند

أمّن لا یهدّی بفتح یا و کسر ها باشد تا دال کرد و اصل یهتدی بود

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۴۹

وبراي هر گروهي رسوليست پس چون آمد پيغمبرشان حكم كرده شود ميانشان بعدل وايشان ستم كرده نميشوند

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۵۰ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي

وميگويند كي است اين وعده اگر باشيد راستگويان بگو مالك نميشوم براي خودم

ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ

ضرري ونه نفعي مگر آنچه بخواهد خدا براي هر گروهي مدتيست چون آمد مدتشان پس واپس نمانند

سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۵۱ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا

ساعتي وپيشي نگيرند بگو آيا خبر دهيد اگر آيد شكنجه اش بشبي يا روزي چه چيز را

يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ۵۲ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ

بشتاب خواهند گناهكاران آيا پس چون آنچه واقع شد گرويديد بآن الآن وبتحقيق بوديد بآن

تَسْتَعْجِلُونَ ۵۳ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا

بشتاب ميطلبيد پس گفته شد مر آنانرا كه ستم كردند بچشيد شكنجه جاويد آيا جزا داده ميشويد مگر

بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ۵۴ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا

بآنچه بوديد كسب ميكرديد وخبر ميدهند ترا سزاوار است آن بگو آري قسم بپروردگارم كه او حق است

أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۵۵ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ

ونيستيد شما عاجز كنندگان واگر آنكه بود مر براي هر نفسي كه ستم كرده ميشود آنچه در زمينست هر آينه فدا دادي بآن و

أَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۵۶

وپوشيده داشتند پشيماني را چون ديدند شكنجه را وحكم شد ميانشان بعدل وايشان ستم كرده نشوند

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

بدانيد بدرستيكه آنچه در آسمان وزمين است براي خداست بدانيد بدرستيكه وعده خدا حق است وليكن بيشتر ايشان

لَا يَعْلَمُونَ ۵۷ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۵۸ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ

نميدانند او زنده ميكند وميميراند وبسوي او برميگرديد اي مردم بتحقيق

جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

آمد شما را پندي از پروردگارتان وشفائي مر آنچه را باشد در سينها وهدايت ورحمت

لِلْمُؤْمِنِينَ ۵۹ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا

مر گروندگان را بگو بفضل خدا وبرحمتش پس باين پس شاد ميشويد او بهتر است از آنچه

يَجْمَعُونَ ۶۰ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا

جمع ميكنيد بگو خبر دهيد آنچه فرو فرستاد خدا مر شما را از روزي پس گردانيد از آن حرام را وحلال را

قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ۶۱ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ

بگو خدا دستوري داد براي شما يا بر خدا ميبنديد دروغ را وچيست گمان آنانكه افترا ميبندند بر خدا

الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا

دروغ را روز رستخيز بدرستيكه خدا هر آينه صاحب فضلست بر مردم وليكن بيشترشان

الآن
بدو الف وسكون
لام وقف

وقوله تعالى شأنه العزيز
يا ايها الناس الى
يجمعون اين آيت را [illegible]

۱۲

قل آلله
بدو الف وسكون
لام وقف

يشكرون

يشكرون ٦٠ وما تكون في شأن وما تتلوا منه من قرآن ولا تعملون

شکر نمیکنند ونیستی در کاری ونمیخوانید از آن از قرآن ونمیکنید

من عمل الا كنا عليكم شهودا اذ تفيضون فيه وما يعزب عن ربك من

از کاری مگر باشیم بر شما حاضر چون شروع میکنید در آن وپنهان نماند از پروردگارت از

مثقال ذرة في الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا

برابر ذره در زمین ونه در آسمان ونه کوچکتر از آن ونه بزرگتر مگر

في كتاب مبين ٦١ الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون ٦٢

در کتاب مبین بدانید بدرستیکه دوستان خدا نیست ترسی برایشان ونه ایشان اندوهناک شوند

الذين آمنوا وكانوا يتقون ٦٣ لهم البشرى في الحيوة الدنيا وفي الآخرة

آنانکه گرویدند وبودند پرهیز میکردند مر ایشانراست بشارت در زندگی دنیا ودر آخرت

لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم ٦٤ ولا يحزنك قولهم ان

نیست تبدیلی برای کلمات خدا این است کامیابی بزرگ واندوهگین نکند ترا گفتارشان بدرستیکه

العزة لله جميعا هو السميع العليم ٦٥ الا ان لله من في السموات ومن

عزت برای خداست همه اوست شنونده دانا بدانید بدرستیکه برای خداست آنکه در آسمانها وآنکه

في الارض وما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء ان يتبعون

در زمین است وپیروی نمیکنند آنانکه میخوانند از جز خدا شریکان پیروی نمیکنند

الا الظن وان هم الا يخرصون ٦٦ هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا

مگر گمان را ونیستند ایشان مگر دروغ میگویند اوست آنکه گردانید برای شما شب تا آرام گیرید

فيه والنهار مبصرا ان في ذلك لآيات لقوم يسمعون ٦٧ قالوا اتخذ الله

در آن وروز را بینش دهنده بدرستیکه در آن هر آینه آیتهاست برای گروهی میشنوند گفتند گرفت خدا

ولدا سبحانه هو الغني له ما في السموات وما في الارض ان عندكم من

فرزندی را منزه است او اوست بی نیاز مر اوراست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است نیست نزد شما از

سلطان بهذا اتقولون على الله ما لا تعلمون ٦٨ قل ان الذين يفترون

حجتی باین آیا میگوئید بر خدا آنچه نمیدانید بگو بدرستیکه آنانکه افترا بستند

على الله الكذب لا يفلحون ٦٩ متاع في الدنيا ثم الينا مرجعهم ثم نذيقهم

بر خدا دروغ را رستگار نمیشوند مایه عیش است در دنیا پس بسوی ماست بازگشت ایشان پس میچشانیم ایشانرا

العذاب الشديد بما كانوا يكفرون ٧٠ واتل عليهم نبأ نوح اذ قال

شکنجه سخت بآنچه بودند کافر شدند وبخوان برایشان خبر نوح را چو گفت

لقومه يا قوم ان كان كبر عليكم مقامي وتذكيري بآيات الله فعلى الله

مر قومش را ای قوم اگر باشد بزرگ برشما مقام من ویاد کردنم بآیات خدا پس برخداست

توكلت فاجمعوا امركم وشركاءكم ثم لا يكن امركم عليكم غمة ثم

اعتماد من پس جمع آورید کارتانرا وشریکانتانرا پس نباشد کار شما برشما اندوه پس

يعزب بسكون عين بی نقطه وزاء با نقطه

كبر عليكم مقامي يعني بودن من وطول مکث من در میان شما وقیام من بدعوت مدت مدید ... حضرت نوح علیه السلام ... قوم خود ... اگر بر شما شاق میگردد ... در میان شما وپند دادن من شما را بآیات خدا پس برخدا توکل کردم ١٢

اقضوا الیّ ولا تنظرون ۷۱ فان تولّیتم فما سألتکم من اجر ان اجری

گذارش دهید بسوی من و مهلت مدهید مرا پس اگر پشت گردید پس نخواستم شما را از مزدی نیست مزد من

الّا علی الله وامرت ان اکون من المسلمین ۷۲ فکذّبوه فنجّیناه ومن معه

مگر بر خدا و امر کرده شدم که باشم از منقادان پس تکذیب کردند او را پس نجات دادیم او را و آنانرا که با او بودند

فی الفلک وجعلناهم خلٰئف واغرقنا الّذین کذّبوا بایٰتنا فانظر

در کشتی وگردانیدیم ایشانرا جانشینان وغرق کردیم آنانرا که تکذیب کردند بآیات ما پس بنگر

کیف کان عاقبة المنذرین ۷۳ ثمّ بعثنا من بعده رسلًا الٰی قومهم

چگونه باشد سرانجام بیم داده شدگان پس برانگیختیم از بعد او رسولان بسوی قومشان

فجاءوهم بالبیّنٰت فما کانوا لیؤمنوا بما کذّبوا به من قبل کذٰلک نطبع

پس آمدند ایشانرا با معجزات پس نبودند که بگروند بآنچه تکذیب کردند بآن از پیش همچنین مهر مینهادیم

علٰی قلوب المعتدین ۷۴ ثمّ بعثنا من بعدهم موسٰی وهٰرون الٰی فرعون

بر دلهای تجاوزکنندگان پس برانگیختیم از بعد ایشان موسی وهرون را بسوی فرعون

وملائه بایٰتنا فاستکبروا وکانوا قومًا مجرمین ۷۵ فلمّا جاءهم الحقّ

وگروهش با آیتهای ما پس سرکشی کردند و بودند گروه گناهگاران پس چون آمد ایشانرا حق

من عندنا قالوا انّ هٰذا لسحر مبین ۷۶ قال موسٰی اتقولون للحقّ لمّا

از نزد ما گفتند بدرستیکه این هر آینه جادوئیست آشکار گفت موسی آیا میگوئید مر حق را چون

جاءکم اسحر هٰذا ولا یفلح السّاحرون ۷۷ قالوا اجئتنا لتلفتنا عمّا وجدنا

آمد شما را آیا جادوئیست این و رستگار نشوند جادوان گفتند آیا آمدی ما را تا بگردانی ما را از آنچه یافتیم

علیه ابآءنا وتکون لکما الکبریآء فی الارض وما نحن لکما بمؤمنین ۷۸

بر آن پدران خود را و باشد برای شما دو تا بزرگی در زمین و نیستیم ما مر شما را بگروندگان

وقال فرعون ائتونی بکلّ ساحر علیم ۷۹ فلمّا جاء السّحرة قال لهم موسٰی

و گفت فرعون بیاورید مرا بهر جادوی دانا پس چون آمدند جادوها گفت مر ایشانرا موسی

القوا ما انتم ملقون ۸۰ فلمّا القوا قال موسٰی ما جئتم به السّحر انّ الله

بیندازید آنچه باشید اندازندگان پس چون انداختند گفت موسی آنچه آمدید بآن جادوست بدرستیکه خدا

سیبطله انّ الله لا یصلح عمل المفسدین ۸۱ ویحقّ الله الحقّ بکلمٰته

زود باطل میکند آنرا بدرستیکه خدا اصلاح نمیکند کار مفسدانرا و ثابت میکند خدا حق را بکلماتش

ولو کره المجرمون ۸۲ فما اٰمن لموسٰی الّا ذرّیّة من قومه علٰی خوف

واگرچه کراهت دارند گناهگاران پس نگرویدند مر موسی را مگر فرزندانی از قومش بر ترس

من فرعون وملائهم ان یفتنهم وانّ فرعون لعال فی الارض وانّه

از فرعون وگروهشان اینکه سیاست کند ایشانرا و بدرستیکه فرعون هر آینه غالب بود در زمین و بدرستیکه او

لمن المسرفین ۸۳ وقال موسٰی یٰقوم ان کنتم اٰمنتم بالله فعلیه

هر آینه از اسراف کنندگانست و گفت موسی ای قوم اگر باشید که گرویدید بخدا پس بر او

فجاؤهم بضمّه همزه و سکون واو صیغه جمع است

قوله تعالی سبحانی
فلمّا جاء السّحرة الی آیة المفسدین
این آیت بجهة ابطال سحر مناسبت تکسیر آب باران از کوهی بیاورند بر وجهی که کسی او را نبیند و یک سیراب چاه که معطل باشد پس در روز جمعه بعد برآرند از هفت درخت بگیرد که میوه آن خورده نباشد و در این سبوی آب اندازد بعد از آنکه این اشیا را هم مخلوط کرده باشند پس این آیه را در طاسی نویسند بآب بشویند و مسحور را در شب یکبار در یا اظهر تا برد و در آن نیز تا پای آب دریا بنهد و از این آب در سرا و ریزند سحر از او باطل گردد

۱۲

توكلوا ان كنتم مسلمين ٨٥ فقالوا على الله توكلنا ربنا لا تجعلنا
توکل کنید اگر باشید منقادان پس گفتند بر خدا توکل میکنیم پروردگارا مگردان

فتنة للقوم الظالمين ٨٦ ونجنا برحمتك من القوم الكافرين ٨٧ واوحينا
فتنه برای گروه ستمگاران و نجات ده ما را برحمت خود از گروه کافران و وحی فرستادیم

الى موسى واخيه ان تبوا لقومكما بمصر بيوتا واجعلوا بيوتكم قبلة
بسوی موسی و برادرش که جای بازگشت بگیرید برای قوم خود بمصر خانه‌ها و بگردانید خانه‌هاتانرا قبله

واقيموا الصلوة وبشر المؤمنين ٨٨ وقال موسى ربنا انك اتيت فرعون
و بپا دارید نماز را و مژده ده گروندگان را و گفت موسی پروردگارا بدرستیکه تو داده فرعون

وملأه زينة واموالا فى الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك
و گروهش را زینت و مالها در زندگی دنیا پروردگارا تا گمراه کنند از راه تو

ربنا اطمس على اموالهم واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا
پروردگارا ویرانی فرست بر مالهایشان و سختی ده بر دلهایشان پس نخواهند گروید تا اینکه

العذاب الاليم ٨٩ قال قد اجيبت دعوتكما فاستقيما ولا تتبعان سبيل
شکنجه پردرد گفت بتحقیق اجابت شد دعوت شما پس مستقیم باشید و پیروی مکنید راه

الذين لا يعلمون ٩٠ وجاوزنا ببنى اسرائيل البحر فاتبعهم فرعون وجنوده
آنانکه نمیدانند و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس از پی درآمدند فرعون و لشکرهایش

بغيا وعدوا حتى اذا ادركه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذى امنت
از سرکشی و تعدی تا آنکه دریافت او را غرق گفت ایمان آوردم که نیست خدائی مگر آنکه ایمان آوردند

به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين ٩١ الئن وقد عصيت قبل وكنت من
باو بنی اسرائیل و من از منقادانم الآن و بتحقیق گناه کردم پیش و بودم از

المفسدين ٩٢ فاليوم ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك اية وان كثيرا
مفسدان پس امروز نجات دادیم تو را بتنت تا باشی برای آنکه از پس تو نشانه و بدرستیکه بسیاری

من الناس عن اياتنا لغافلون ٩٣ ولقد بوانا بنى اسرائيل مبوء صدق و
از مردم از آیات ما بیخبرانند و بتحقیق فرود آوردیم بنی اسرائیل را در منزل راستی

رزقناهم من الطيبات فما اختلفوا حتى جاءهم العلم ان ربك يقضى بينهم
روزی دادیم ایشانرا از پاکیزه‌ها پس اختلاف نکردند تا آمد ایشانرا دانش بدرستیکه پروردگار تو حکم میکند میان ایشان

يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ٩٤ فان كنت فى شك مما انزلنا
روز رستخیز در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند پس اگر باشی در شک از آنچه فرو فرستادیم

اليك فاسئل الذين يقرؤن الكتاب من قبلك لقد جاءك الحق من
بسویت پس بپرس آنانکه میخوانند کتاب را از پیش تو هرآینه آمد ترا حق از

ربك فلا تكونن من الممترين ٩٥ ولا تكونن من الذين كذبوا بايات الله
پروردگار تو پس مباش البته از شک کنندگان و مباش البته از آنانکه تکذیب کردند بآیات خدا

فتكون

تتبعان بتشدید نون و قد

الآن بدو الف و سکون لام و قد

فتكون من الخاسرين ٩٦ ان الذين حقت عليهم كلمة ربك لا يؤمنون ٩٧

پس باشی از زیانکاران بدرستیکه آنانکه ثابت شد بر ایشان سخن پروردگارت نمیگروند

ولو جاءتهم كل اية حتى يروا العذاب الاليم ٩٨ فلولا كانت قرية امنت

واگرچه آید ایشانرا همه آیتها تا اینکه ببینند شکنجهٔ دردناک را پس نباشد قریهٔ که بگرود

فنفعها ايمانها الا قوم يونس لما امنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي في

پس سود بخشد آنرا گرویدنش مگر قوم یونس چونکه گرویدند برداشتیم از ایشان شکنجهٔ خواری را در

الحيوة الدنيا ومتعناهم الى حين ٩٩ ولو شاء ربك لامن من في الارض

زندگی دنیا وبهره ور کردیم ایشانرا تا زمانی واگر بخواهد پروردگارت هر آینه میگروید هر که بود در زمین

كلهم جميعا افانت تكره الناس حتى يكونوا مؤمنين ١٠٠ وما كان لنفس

همه ایشان یکسر آیا پس تو کراهت داری مردم را تا آنکه باشند گروندگان و نباشد برای نفسی

ان تؤمن الا باذن الله ويجعل الرجس على الذين لا يعقلون ١٠١ قل انظروا

اینکه بگرود مگر بدستوری خدا ومیگرداند پلیدی را بر آنانکه درنمییابند بعقل بگو بنگرید

ماذا في السموات والارض وما تغني الايات والنذر عن قوم لا يؤمنون ١٠٢

چه چیز است در آسمانها و زمین و کفایت نمیکند آیتها و بیم کنندگان از قوم که نمیگروند

فهل ينتظرون الا مثل ايام الذين خلوا من قبلهم قل فانتظروا اني معكم

پس آیا منتظرند مگر مانند روزهای آنانکه گذشتند از پیش ایشان بگو پس منتظر باشید بدرستیکه من با شمایم

من المنتظرين ١٠٣ ثم ننجي رسلنا والذين امنوا كذلك حقا علينا ننجي

از منتظرانم پس نجات دادیم رسولانمانرا و آنانکه گرویدند همچنین ثابتست بر ما که نجات دهیم

المؤمنين ١٠٤ قل يا ايها الناس ان كنتم في شك من ديني فلا اعبد الذين

گروندگانرا بگو ای مردم اگر باشید در شک از دین من پس نمی پرستم آنانرا که

تعبدون من دون الله ولكن اعبد الله الذي يتوفكم وامرت ان اكون

میپرستید از غیر خدا ولیکن میپرستم خدائیرا که میمیراند شمارا و امر کرده شدم که باشم

من المؤمنين ١٠٥ وان اقم وجهك للدين حنيفا ولا تكونن من المشركين ١٠٦

از گروندگان واینکه برپادار رویت را برای دین حق گرای ومباش از مشرکان

ولا تدع من دون الله ما لا ينفعك ولا يضرك فان فعلت فانك اذا من

و مخوان از جز خدا آنچه راکه نه سود میدهد ترا و نه ضرر میرساند ترا پس اگر کردی پس تو در آنگاه باشی از

الظالمين ١٠٧ وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير

ستمکاران واگر مس کند ترا خدا بسختی پس نیست رفع کننده مر او را مگر او واگر بخواهد ترا بخیری

فلا راد لفضله يصيب به من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم ١٠٨ قل يا ايها

پس نیست رد کننده مر فضلش را میرساند آنرا بآنکه بخواهد از بندگانش و او ستامرزندهٔ مهربان بگو ای

الناس قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فانما يهتدي لنفسه

مردم بتحقیق آمد شما را حق از پروردگارتان پس اگر راه یافت پس جز این نیست راه یافت برای خودش

آیه ۹۱ قوله تعالی الآن وقد عصیت قبل ابن ابراهیم در تفسیر خود آورده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده رسول خدا فرمود که جبرئیل همیشه اندوهناک و محزون نازل میشد و چون مامور برسانیدن این آیه شد در غایت سرور آمد گفتم ای جبیبمن سبب چیست که همیشه با اندوه میآمدی وامروز خندان گفت عرض کرد یا محمد چون خداوند فرعون را در رود نیل غرق کرد فرعون گفت آمنت انه لا اله الا الله الذی آمنت به بنوا اسرائیل من گلی از تهٔ دریا برداشتم و دهانش راپر کردم گفتم الآن وقد عصیت و از آنوقت خائف بودم باشد بسبب آن ایمان رستگار شود و من معاقب باشم امروز چون بتبلیغ این آیه مامور شدم دانستم که خدا از قول من راضی بود

وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ١٠٩ وَاتَّبِعْ مَا

و آنکه گمراه شد پس جز این نیست گمراه میشود بر آن و نیستم من بر شما وکیل و پیروی کن آنچه

يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

وحی میشود بسوی تو و صبر کن تا حکم کند خدا و او بهترین حکم کنندگانست

(١١) سورة هود عليه السلام مائة وثلث وعشرون آية وهي مكية

الا الآيات ١٢ – ١٧ – ١١٤ فمدنية نزلت بعد سورة يونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الٓر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ٢ أَلَّا تَعْبُدُوا

کتابیست که محکم کرده شد آیاتش پس تفصیل داده شد از نزد حکیم آگاه که نپرستید

إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ٣ وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ

مگر خدا را بدرستیکه من مر شما را از او بیم دهنده و بشارت دهنده‌ام و اینکه آمرزش خواهید پروردگارتان را پس بازگشت کنید بسوی او

يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن

بهره ور میکند شما را بهره خوب تا مدتی نام برده شده و میدهد هر صاحب فضلی فضلش را و اگر

تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ٤ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ

پشت کنید پس بدرستیکه من میترسم بر شما شکنجه روز بزرگ را بسوی خداست بازگشت شما و او بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٥ أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ

هر چیز تواناست بدانید بدرستیکه ایشان میپیچند سینه‌هاشان تا پنهان کنند از او بدانید زمانیکه

يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٨

فرو میگیرند جامه‌هاشان را میداند آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکار مینمایند بدرستیکه او داناست بآنچه در سینه‌هاست

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی آن و میداند قرارگاهش و امانت گاهش را

كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ٩ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي

همه در کتاب روشن است و اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در

سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ١٠ وَ

شش روز و باشد عرش او بر آب تا بیازماید شما را که کدام یک بهتر در کردار و

لَئِن قُلْتَ إِنَّكُم مَّبْعُوثُونَ مِن بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا

هر آینه اگر بگوئی بدرستیکه شما برانگیخته گانید از بعد مرگ هر آینه میگویند آنانکه کافر شدند نیست این

إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ١١ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ

مگر جادوی آشکار و هر آینه اگر واپس اندازیم از ایشان شکنجه را بسوی گروهی شمرده شده هر آینه میگویند

مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا

چه نگاه داشته آنرا بدانید روزیکه آید ایشانرا نیست گردانیده شده از آنها و محقق شود بآنها آنچه بودند

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سوره هود را بخواند خدا بعدد هر که تصدیق نوح و هود و صالح و شعیب و لوط و ابراهیم و موسی کرده و هر که تکذیب ایشان کرده ده حسنه از برای او بنویسد و روز قیامت از سعدا باشد

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که این سوره را هر گاه کسی را کاری دشوار باشد سیزده بار بخواند همه او کفایت شود

ربع و الثلثین ١/٤

و هم از آنحضرت منقولست که هر که این سوره را بر پوست آهو بنویسد و با خود دارد و با هر که مجادله کند غالب شود و هر که او را ببیند از او بترسد اگر این سوره را بزعفران بنویسد و بشوید و بخورد و سه روز هر روز صبح یکبار و بنماز شام یکبار قوی دل گردد و از هیچ چیز نترسد والسلام

١٢

بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ١٢ وَلَئِنْ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنٰهَا مِنْهُ اِنَّهٗ

بآن استهزا میکردند وهر آینه اگر بچشانیم آدمی را از خودمان رحمت پس برکنیم آنرا از او بدرستیکه او

لَيَئُوْسٌ كَفُوْرٌ ١٣ وَلَئِنْ اَذَقْنٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُوْلَنَّ ذَهَبَ

هر آینه مایوس و ناسپاس است واگر هر آینه بچشانیم او را نعمت ها بعد سختی که مس کرد او را هر آینه میگوید برد

السَّيِّاٰتُ عَنِّيْ اِنَّهٗ لَفَرِحٌ فَخُوْرٌ ١٤ اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

بدیها را از من بدرستیکه او هر آینه شادان نازانست مگر آنانکه صبر کردند و کردند کار شایسته

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ١٥ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌۢ بَعْضَ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ وَضَآئِقٌۢ

آنها مر ایشانراست آمرزش و مزد بزرگ پس شاید تو ترک کننده برخی آنچه وحی کرده شود بسوی تو و تنگ کننده

بِهٖ صَدْرُكَ اَنْ يَّقُوْلُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ جَآءَ مَعَهٗ مَلَكٌ اِنَّمَآ اَنْتَ

بآن سینه ات را اینکه میگویند چرا فرو فرستاده نشد براو گنجی یا آمد با او فرشته جز این نیست تو

نَذِيْرٌ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ ١٦ اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ قُلْ فَاْتُوْا بِعَشْرِ سُوَرٍ

بیم دهنده و خدا بر هر چیز وکیلست آیا میگویند افتراست بگو پس بیاورید ده سوره

مِّثْلِهٖ مُفْتَرَيٰتٍ وَّادْعُوْا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ١٧

مانندش بربافته شده ها و بخوانید هر که را بتوانید از غیر خدا اگر باشید راستگویان

فَاِلَّمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَكُمْ فَاعْلَمُوْٓا اَنَّمَآ اُنْزِلَ بِعِلْمِ اللّٰهِ وَاَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَهَلْ

پس اگر اجابت نکردند مر شما را پس بدانید جز این نیست فرو فرستاده شده بدانش خدا و اینکه نیست خدائی مگر او پس آیا

اَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ ١٨ مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزِيْنَتَهَا نُوَفِّ اِلَيْهِمْ اَعْمَالَهُمْ

شما هستید منقادان آنکه باشد که بخواهد زندگی دنیا و پیرایه اش تمام میسازیم بسوی ایشان کردارشان را

فِيْهَا وَهُمْ فِيْهَا لَا يُبْخَسُوْنَ ١٩ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا النَّارُ

در آن و آنها در آن کم کرده نشوند آنجماعت آنانند که نیست مر ایشانرا در آخرت مگر آتش

وَحَبِطَ مَا صَنَعُوْا فِيْهَا وَبٰطِلٌ مَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ٢٠ اَفَمَنْ كَانَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ

و نابود شد آنچه کردند در آن و باطلست آنچه بودند میکردند آیا پس آنکه باشد بر معجزه از

رَّبِّهٖ وَيَتْلُوْهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهٖ كِتٰبُ مُوْسٰٓى اِمَامًا وَّرَحْمَةً اُولٰٓئِكَ

پروردگارش و از پی در آید آنرا گواهی از آن و از پیش او کتاب موسی پیشوا و رحمت آنجماعت

يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِهٖ مِنَ الْاَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهٗ فَلَا تَكُ فِيْ مِرْيَةٍ

میگروند بآن و آنکه کافر شد بآن از پاره های دشمن پس آتش وعده گاه اوست پس مباش در شک

مِّنْهُ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ٢١ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ

از آن بدرستیکه او حقست از پروردگارت ولیکن بیشتر مردم نمیگروند و کیست ظالمتر از آنکه

افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اُولٰٓئِكَ يُعْرَضُوْنَ عَلٰى رَبِّهِمْ وَيَقُوْلُ الْاَشْهَادُ هٰٓؤُلَآءِ

افترا بست بر خدا دروغ را آنجماعت اعراض میکنند بر پروردگارشان و میگویند گواهان اینها

الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلٰى رَبِّهِمْ اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ٢٢ الَّذِيْنَ يَصُدُّوْنَ

آنانکه دروغ بستند بر پروردگارشان بدانید لعنت خدا بر ستمکاران آنانکه باز داشتند

قوله سبحانه وتعالی الر الی کاشی قدیر اگر کسی این آیات را بر برگ درخت سبز نویسد وقت طلوع صبح بمشک و زعفران و گلاب بشوید این آیت را از آب چاهی که از آن آب خورده باشد پس آنرا بخورد چهار روز در صباح و نماز شام دل او منشرح شود و تعلیم علوم و حفظ قرآن بر او آسان شود والسلام والاکرام ١٤

عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ أُولٰئِكَ لَمْ يَكُونُوا
از راه خدا وميجويند آنرا كژ وايشان بآخرت وآنها كافرانند آنها نباشند

مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ
عاجز كنندگان در زمين ونيست مرآنهارا از جز خدا هيچ دوستان دوچندان ميشود مرآنهارا

الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ٢٣ أُولٰئِكَ
شكنجه نميشنيد كه بتوانند شنيد ونميشنيد كه ببينيد ايشانها

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٢٤ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ
آنانكه زيان كردند خودهاشان را وگمراه شد از ايشان آنچه بودند افترا مى بستند ناچار ايشان

فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ٢٥ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا
در آخرت ايشانند زيانكاران بدرستيكه آنانكه گرويدند وكردند كار شايسته وفروتنى نمودند

إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٢٦ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ
بپروردگارشان آنها ايشانند اهل بهشت آنها در آن جاويدانند مثل آن دو گروه

كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٢٧
چون كور وكر وبينا وشنوا آيا يكسانند بمثل آيا پس پند نميگيريد

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ٢٨ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا
وبتحقيق فرستاديم نوح را بسوى قومش بدرستيكه من مر شمارا بيم كنندگان آشكارم آنكه نپرستيد مگر

اللّٰهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ٢٩ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا
خدارا كه ميترسم بر شما شكنجه روز پردرد را پس گفتند گروهى آنانكه كافر شدند

مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا
از قومش نمى بينيم ترا مگر آدمى مثل خود ونمى بينيم ترا كه پيروى كنند ترا مگر آنانكه ايشانند فرومايگان

بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ٣٠ قَالَ يَا
در مبدء انديشه ونمى بينيم براى شما برما هيچ از زيادتى بلكه گمان ميكنيم شمارا دروغگويان گفت اى

قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ
قوم خبر دهيد كه اگر باشم بر حجتى از پروردگارم وداده شد مرا رحمتى از نزد او پس پوشيده شد

عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ٣١ وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا
بر شما آيا جبر ميكنيم شمارا بآن وشما باشيد مرآنرا ناخوش دارندگان واى قوم نمى پرسم شمارا بر آن مالى

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَ
نيست مزد من مگر بر خدا ونيستم من دوركننده آنانرا كه گرويدند بدرستيكه آنها ملاقات كنندهٔ پروردگارشان

لٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ٣٢ وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللّٰهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ
وليكن من مى بينم شمارا گروه نادان واى قوم كيست كه يارى كند مرا از جز خدا اگر راندم آنهارا

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٣٣ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللّٰهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ
آيا پس پند نميگيريد ونميگويم براى شما نزد منست خزانهاى خدا ونه دانايم غيب را ونميگويم

و در نعمت شيطان العزيز ان الذين آمنوا الى آخره چون بحضرت يونس ايمان نياوردند آنهارا خبر داده كه بشما عذاب خواهد نازل شد بعد از سه روز و خود از ميان ايشان بيرون رفت چون آثار عذاب را مشاهده كردند از ديدن ابر سياه پر دود و ميل كردن بزمين و بند ... را در دست خود همگى با كودكان و زنان و چهارپايان بصحرا رفتند از روى تضرع و زارى توبه كردند تا بعد از چهل روز عذاب از سر ايشان برداشته شده همه ايشان رستگار شدند و آن قوم از اهل نينوا و موصل بودند والسلام ٢٢

انى

إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ
بدرستیکه من فرشته ام و نمیگویم مر آنانرا که بخواری می بینند چشمهای شما نمیدهد خدا ایشانرا چیزی خدا داناتر است

بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ٣١ قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ
بآنچه در نفسهای ایشانست بدرستیکه من آنگاه از ستمگارانم گفتند ای نوح بتحقیق جدال کردی با ما پس بسیار

جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ٣٢ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ
کردی جدال با ما پس بیاور بآنچه وعده دادی اگر باشی از راستگویان گفت جز این نیست میآورد شما را خدا

إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ٣٣ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ
اگر خواهد و نیستید شما عاجز کنندگان و سود نمیدهد شما را پند هایم اگر بخواهم نصیحت کنم شما را

كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٣٤ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ
اگر باشد خدا که بخواهد که گمراه کند شما را اوست پروردگار شما و بسوی او برمیگردید آیا میگویند بر بافته است آنرا

قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ ٣٥ وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ
بگو اگر بر بافته ام او را پس بر منست جرم هایم و من فارغم از آنچه جرم میکنید و وحی شد بنوح که

لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ٣٦ وَاصْنَعِ
هرگز نمیگروند از قوم تو مگر آنکه بتحقیق گروید پس اندوهناک مباش بآنچه بودند میکردند و بساز

الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ٣٧
کشتی را بنگاهداشت ما و وحی ما و سخن مگو مارا در باره آنانکه ستم کردند که ایشان غرق شوندگانند

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا
و میساخت کشتی را و هرگاه میگذشتند براو گروهی از قوم او استهزا میکردند از او گفت اگر استهزا میکنید

مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ٣٨ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ
از ما پس بدرستیکه ما استهزا میکنیم از شما چنانکه استهزا میکنید پس زود باشد که بدانید آنرا که میآید اورا شکنجه که خوار کند اورا

يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ٣٩ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا
و فرود آورد براو شکنجه پاینده تا چون آمد امر ما و جوشید تنور گفتیم بردار در آن

مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ
از هر یک دو جفت دوتا است و کسانت را مگر آنکه پیشی گرفته براو گفتار و آنکه گروید و نگروید

مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ٤٠ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي
با او مگر اندکی و گفت سوار شوید در آن بنام خدا رفتنش وگاه ایستادنش بدرستیکه پروردگارم

لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ٤١ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ
آمرزنده مهربانست و آن میبرد ایشانرا در موجی مانند کوهها و ندا کرد نوح پسرش را و بود در گوشه

يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ٤٢ قَالَ سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ
ای پسر من سوار شو با ما و مباش با کافران گفت بزودی جای میگیرم بکوهی که نگاه میدارد مرا از آب گفت نگاهدارنده

الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ٤٣ وَقِيلَ
امروز از حکم خدا مگر آنکه رحم کرد و حایل شد میانشان موج پس بود از غرق شوندگان و گفته شد

قوله تعالی شانه العزیز ... الی المغرقین ... والسلام ١٢

وقیل یا ارض ابلعی ... الظالمین ... ابن عباس ... ١٢

قوله سبحانه قال ارکبوا الی آخره ...

قوله تعالی شانه ... الی جبل ... ١٢

التنور بتشدید النون ...

مجریها بضم میم والف بعد از دال ... قرائت بفتح میم ... کسر را خوانده شده واین مشهور قرائت

يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء وقضي الامر واستوت
ای زمین فرو بر آبت را و ای آسمان برگیر و کم شد آب و گذارده شد کار و قرار گرفت
على الجودي وقيل بعدا للقوم الظالمين ۴۷ ونادى نوح ربه فقال رب
بر کوه جودی و گفته شد هلاکت باد مر گروه ستمکاران را و ندا کرد نوح پروردگار خود را پس گفت پروردگارا
ان ابني من اهلي وان وعدك الحق وانت احكم الحاكمين ۴۸ قال يا نوح انه
بدرستیکه پسرم از کسان منست و بدرستیکه وعده تو درستست و تو حاکم‌ترین حاکمانی گفت ای نوح بدرستیکه
ليس من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به علم اني اعظك ان
نبود از کسان تو بدرستیکه او کاریست ناشایسته پس مپرس مرا آنچه نیست ترا بآن دانش بدرستیکه من پند میدهم
تكون من الجاهلين ۴۹ قال رب اني اعوذ بك ان اسئلك ما ليس لي به علم
که بباشی از نادانان گفت پروردگارا بدرستیکه پناه میبرم ترا از آنکه بپرسم ترا آنچه نیست مرا بآن دانشی
والا تغفر لي وترحمني اكن من الخاسرين ۵۰ قيل يا نوح اهبط بسلام منا
و اگر نیامرزی مرا و رحم نکنی مرا میباشم از زیانکاران گفته شد ای نوح فرود آی بسلامتی از ما
وبركات عليك وعلى امم ممن معك وامم سنمتعهم ثم يمسهم منا عذاب
و برکتها بر تو و بر امتهائیکه بودند با تو و امتهائیکه بودند برخوردار کنیم ایشانرا پس پس رسد ایشانرا از ما عذاب
اليم ۵۱ تلك من انباء الغيب نوحيها اليك ما كنت تعلمها انت ولا قومك
دردناک این از خبرهای پنهانست که وحی کردیم بتو نبودی تو که بدانی آنرا تو و نه قومت
من قبل هذا فاصبر ان العاقبة للمتقين ۵۲ والى عاد اخاهم هودا قال
از پیش این پس صبر کن بدرستیکه سرانجام مر پرهیزکارانراست و بسوی عاد برادر ایشانرا هود گفت
يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ان انتم الا مفترون ۵۳ يا قوم
ای قوم پرستید خدا را نیست برای شما هیچ خدائی جز او و نیستید شما مگر افترابندان ای قوم
لا اسئلكم عليه اجرا ان اجري الا على الذي فطرني افلا تعقلون ۵۴ و
نمیپرسم بر آن از شما مزدی نیست مزد من مگر بر آنکه پدید آورد مرا آیا پس در نمیابید و
يا قوم استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يرسل السماء عليكم مدرارا ۵۵ ويزدكم
ای قوم آمرزش خواهید پروردگارتانرا پس برگردید بسوی او تا فرستد بر شما آسمانرا پی در پی بارنده و زیاده کند شما را
قوة الى قوتكم ولا تتولوا مجرمين ۵۶ قالوا يا هود ما جئتنا ببينة وما
قوت بر قوتتان و پشت مکنید گناهکنندگان گفتند ای هود بیناوردی بما حجتی و نیستیم
نحن بتاركي الهتنا عن قولك وما نحن لك بمؤمنين ۵۷ ان نقول الا
ما واگذارنده خدایانمانرا از گفتار تو و نیستیم مر ترا گروندگان نمیگوئیم جز
اعتريك بعض الهتنا بسوء قال اني اشهد الله واشهدوا اني بريء مما تشركون ۵۸
آنکه رسانیده ترا برخی خدایان ما بدی گفت بدرستیکه من گواه میگیرم خدا را و گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک
من دونه فكيدوني جميعا ثم لا تنظرون ۵۹ اني توكلت على الله ربي وربكم
میاورید از غیر او پس چاره کنید مرا همگی پس مهلت مدهید مرا بدرستیکه من اعتماد کردم بر خدا پروردگارم و پروردگار

ما من

مَا مِنْ دَآبَّةٍ اِلَّا هُوَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ۝ فَاِنْ تَوَلَّوْا

نیست از جنبنده مگر او گیرنده است پیشانیش را بدرستیکه پروردگارم بر راه راستست پس اگر پشت کنید

فَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ مَّآ اُرْسِلْتُ بِهٖٓ اِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّيْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوْنَهٗ

پس رسانیدم شمارا آنچه فرستاده شدم بآن بسوی شما وجانشین میگرداند پروردگارم گروهی را جز شما وضرر نمیرسانید اورا

شَيْـًٔا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظٌ ۝۱ وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُوْدًا وَّالَّذِيْنَ

چیزی بدرستیکه پروردگارم بر هر چیز نگهبانست وچون آمد امر ما نجات دادیم هود را وآنانکه

اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّيْنٰهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ۝۲ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوْا

گرویدند با او برحمتی از ما ونجات دادیم ایشانرا از شکنجهٔ سخت واینست عاد که انکار کردند

بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهٗ وَاتَّبَعُوْٓا اَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ۝۳ وَاُتْبِعُوْا

آیتهای پروردگارشانرا ونافرمانی کردند رسولانش را وپیروی کردند امر هر سرکش ناپذیرا وپیرو شدند

فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَّيَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَآ اِنَّ عَادًا كَفَرُوْا رَبَّهُمْ اَلَا بُعْدًا

در این دنیا لعنت را وروز رستخیز بدانید که عاد کافر شدند پروردگارشانرا بدانید که هلاکت

لِّعَادٍ قَوْمِ هُوْدٍ ۝۴ وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ

باد قوم هود را وبسوی ثمود برادرشان صالح گفت ای قوم بپرستید خدارا

مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ هُوَ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ

نیست برای شما هیچ خدائی غیر او او پدید آورد شمارا از زمین وعمر داد شمارا در آن پس آمرزش بخواهید اورا

ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ ۝۵ قَالُوْا يٰصٰلِحُ قَدْ كُنْتَ فِيْنَا مَرْجُوًّا

پس بازگردید بسوی او بدرستیکه پروردگارم نزدیک اجابت کننده است گفتند ای صالح بتحقیق بودی در ما امیدداشته شده

قَبْلَ هٰذَآ اَتَنْهٰىنَآ اَنْ نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا وَاِنَّنَا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ

پیش از این آیا نهی میکنی مارا که بپرستیم آنچه میپرستیدند پدرانمان وماهر آینه در شکیم از آنچه میخوانی مارا

اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ۝۶ قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَاٰتٰىنِيْ مِنْهُ

بسوی او شکی بگمان اندازنده گفت ای قوم خبر دهید که اگر باشم بر حجتی از پروردگارم وداده شده باشم از او

رَحْمَةً فَمَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهٗ فَمَا تَزِيْدُوْنَنِيْ غَيْرَ تَخْسِيْرٍ ۝۷ وَيٰقَوْمِ

رحمتی را پس که یاری میکند مرا از خدا اگر نافرمانی کنم اورا پس نخواهید افزود مرا جز زیانکاری وای قوم

هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْٓ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ

این ناقهٔ خداست برای شما آیتی است پس واگذارید اورا که بچرد در زمین خدا ومس مکنید اورا ببدی

فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ۝۸ فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ

پس بگیرد شمارا شکنجهٔ نزدیک پس پی کردند اورا پس گفت زیست کنید در خانهایتان سه روز

ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوْبٍ ۝۹ فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

این وعده ایست غیر دروغ پس چون آمد امر ما نجات دادیم صالح را وآنانکه گرویدند

مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ۝۷۵ وَاَخَذَ الَّذِيْنَ

با او برحمتی از ما واز خواری آنروز بدرستیکه پروردگار تو اوست باقوت غالب وگرفت آنانرا که

ظلموا

قوله سبحانه تعالی

فلما جاء امرنا الی بعید

چون کسی شریر وظالم ... باشد وخواهد کار او در ... افتد این آیه را بر ... قطعه سفال ... بنویسد آخر شب ... چهارشنبه آخر ماه وکی آن قطعه را در زیر سرای آن نهان کند وباقی را نرم کوبند در اطراف سرای او بپاشند آن منزل او ویران شود واو در آن وقت ظلم وشرارت نباشد وچون بتعظیم آیات قرآنی واجب است باید این اعمال خالصاً لله باشد بجهت خلاص مسلمانان و اگر کسی العیاذ بالله بنیت این عمل نسبت بمسلمانی از جهت دشمنی وحسد وکینه کند وبال ونکبت آن راجع شود بخود او وان مسلمان ضرری از آن نرسد والسلام والاکرام

۱۲

اٰبآؤنا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

یومئذٍ بکسر میم

ظلموا الصيحة فاصبحوا فى ديارهم جاثمين ٧١ كان لم يغنوا فيها الا
ستم کردند فریادی پس گشتند در خانهای ایشان ابروافتادگان گویا اقامت نداشته بودند بدانید

ان ثمود كفروا ربهم الا بعدا لثمود ٧٢ ولقد جاءت رسلنا ابرهيم
بدرستیکه ثمود کافر شدند پروردگارشان را بدانید هلاکت باد ثمود را و بتحقیق آمدند فرستاده‌های ما ابراهیم را

بالبشرى قالوا سلاما قال سلام فما لبث ان جاء بعجل حنيذ ٧٣ فلما
بمژده فرزند گفتند سلام گفت سلام پس درنگ نکرد که آورد گوساله بریان پس چون

راى ايديهم لا تصل اليه نكرهم واوجس منهم خيفة قالوا لا تخف انا
دید دستهایشانرا که نمیرسد بسوی او ناخوش گرفت و راه داد در خاطر از آنها ترسی گفتند مترس بدرستیکه

ارسلنا الى قوم لوط ٧٤ وامراته قائمة فضحكت فبشرناها باسحق و
ما فرستادیم بسوی قوم لوط و زنش ایستاده بود پس خندید پس مژده دادیم اورا باسحق و

من وراء اسحق يعقوب ٧٥ قالت يا ويلتى االد وانا عجوز وهذا بعلى
واز پس اسحق یعقوب را گفت ای وای آیا میزایم و من پیرم و این شوهرم

شيخا ان هذا لشىء عجيب ٧٦ قالوا اتعجبين من امر الله رحمت الله وبركاته
پیر مردیست بدرستیکه این چیزیست عجب گفتند آیا عجب میکنی از امر خدا و رحمت خدا و برکتهایش

عليكم اهل البيت انه حميد مجيد ٧٧ فلما ذهب عن ابرهيم الروع و
برشما اهل بیت بدرستیکه او ستوده بزرگوار است پس چون رفت از ابراهیم ترس و

جاءته البشرى يجادلنا فى قوم لوط ان ابرهيم لحليم اواه منيب ٧٨
آمد اورا مژده فرزند سخن میکرد باما درباره قوم لوط بدرستیکه ابراهیم بردبار نازک دل بازگردنده بود

يا ابرهيم اعرض عن هذا انه قد جاء امر ربك وانهم اتيهم عذاب غير
ای ابراهیم روبگردان از این بدرستیکه او بتحقیق آمد امر پروردگارت و بدرستیکه آنها آینده ایشانست شکنجه غیر

مردود ٧٩ ولما جاءت رسلنا لوطا سىء بهم وضاق بهم ذرعا وقال
برگرد و چون آمد رسولان ما لوط را ترسید بآنها و تنگ شد بآنها در طاقت و گفت

هذا يوم عصيب ٨٠ وجاءه قومه يهرعون اليه ومن قبل كانوا يعملون
این روزیست سخت و آمدند اورا قومش بشتاب میشدند بسوی او و از پیش بودند میکردند

السيئات قال يا قوم هؤلاء بناتى هن اطهر لكم فاتقوا الله ولا تخزون
بدیها را گفت ای قوم اینها دختران ما اینها پاکیزه ترند برایتان پس بترسید خدارا و رسوا مکنید

بناتى

فى ضيفى اليس منكم رجل رشيد ٨١ قالوا لقد علمت ما لنا فى بناتك من
در مهمانم آیا نیست از شما مردی باصواب گفتند هر آینه بتحقیق دانسته که نیست مر مارا در دختران تو از

فى بناتك

حق وانك لتعلم ما نريد ٨٢ قال لو ان لى بكم قوة او اوى الى ركن
حقی و بدرستیکه تو هر آینه میدانی که چه میخواهیم گفت کاش بودی مرا با شما قوتی یا منزل گیرم بسوی جانبی

شديد ٨٣ قالوا يا لوط انا رسل ربك لن يصلوا اليك فاسر باهلك
سخت گفتند ای لوط بدرستیکه ما فرستادگان پروردگار توایم هرگز نرسند بتو پس ببر کسانت

بقطع من الليل ولا يلتفت منكم احد الا امرأتك انه مصيبها ما اصابهم

بپاره از شب و بنباید نگرد بعقب از شما یکی مگر زن تو که رسنده است اورا آنچه رسیده بایشان

ان موعدهم الصبح اليس الصبح بقريب ۸۴ فلما جاء امرنا جعلنا عاليها

بدرستیکه وعده گاه ایشان صبحست آیا نیست صبح نزدیک پس چون آمد امر ما گردانیدیم زبر آنرا

سافلها وامطرنا عليها حجارة من سجيل منضود مسومة عند ربك

زیر آن و بارانیدیم بر آنها سنگ از جنس سنگ گل برهم نهاده شده نشان کرده شده نزد پروردگار

وما هي من الظالمين ببعيد ۸۵ والى مدين اخاهم شعيبا قال يا قوم

و نیست از ستمگاران دور و بسوی مدین برادرشان شعیب گفت ای قوم

اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ولا تنقصوا المكيال والميزان اني اريكم

بپرستید خدارا نیست مر شمارا از خدائی غیر او کم مکنید پیمانه و ترازو را که من می بینم شمارا

بخير واني اخاف عليكم عذاب يوم محيط ۸۶ ويا قوم اوفوا المكيال و

بخیری و من میترسم بر شما از شکنجه روز احاطه کننده را وای قوم تمام دهید پیمانه و

الميزان بالقسط ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا تعثوا في الارض مفسدين

ترازو را بعدل و کم مکنید از مردم چیزهای ایشانرا و تباهی مکنید در زمین فساد کنندگان

بقيت الله خير لكم ان كنتم مؤمنين ۸۸ وما انا عليكم بحفيظ ۸۹ قالوا

باقی گذاشته خدا بهتر است برای شما اگر باشید که بگروید و نیستم من بر شما نگهبان گفتند

يا شعيب اصلوتك تامرك ان نترك ما يعبد اباؤنا او ان نفعل في اموالنا

ای شعیب آیا نماز تو امر فرمود ترا که ترک کنیم آنچه میپرستیدند پدرانمان و اینکه کنیم در مالهایمان

ما نشاء انك لانت الحليم الرشيد ۹۰ قال يا قوم ارايتم ان كنت على بينة

آنچه خواهیم بدرستیکه هر آینه تو بردبار راه صواب یافته گفت ای قوم خبر دهید اگر باشم بر حجتی

من ربي ورزقني منه رزقا حسنا وما اريد ان اخالفكم الى ما انهكم

از پروردگارم و روزی داده باشد مرا روزی نیکو و نمیخواهم خلاف کنم شمارا در آنچه نهی میکنم شمارا

عنه ان اريد الا الاصلاح ما استطعت وما توفيقي الا بالله عليه

از آن نخواستم مگر شایسته گردانیدن بقدر آنکه توانم و نیست توفیق من مگر بخدا بر او

توكلت واليه انيب ۹۱ ويا قوم لا يجرمنكم شقاقي ان يصيبكم مثل ما

توکل کردم و باو باز میگردم وای قوم بر آن ندارد شمارا خلاف با من اینکه برسد شمارا مثل آنچه

اصاب قوم نوح او قوم هود او قوم صالح وما قوم لوط منكم ببعيد ۹۲

رسید قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح و نیستند قوم لوط از شما دور

واستغفروا ربكم ثم توبوا اليه ان ربي رحيم ودود ۹۳ قالوا يا شعيب

و طلب آمرزش کنید پروردگارتانرا پس باز گردید بسوی او بدرستیکه پروردگارم مهربان دوست گفتند ای شعیب

ما نفقه كثيرا مما تقول وانا لنريك فينا ضعيفا ولولا رهطك لرجمناك

نمی یابیم بسیاری از آنچه میگوئی و بدرستیکه ما می بینیم در خودمان ناتوان و اگر نبود رعایت قبیله تو سنگسار میکردیم ترا

نصف الجزو

اباؤنا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

مانفقه بضم ها بدون اشباع زیرا که هاء ضمیر نیست بلکه جزء کلمه است

وما

وما انت علینا بعزیز ٩١ قال یا قوم ارهطی اعز علیکم من الله واتخذتموه

و نیستی تو بر ما غالب گفت ای قوم آیا گروه من عزیزترند بر شما از خدا و فرا گرفتید او را

وراءکم ظهریا ان ربی بما تعملون محیط ٩٢ ویا قوم اعملوا علی مکانتکم

پس پشت فراموش شده بدرستیکه پروردگارم بآنچه میکنید احاطه کننده است و ای قوم عمل کنید بر مکان خودتان

انی عامل سوف تعلمون ٩٣ من یاتیه عذاب یخزیه ومن هو کاذب

بدرستیکه من عمل کننده ام زود باشد که بدانید هر که را بیاید شکنجه که رسوا کند او را و کیست که او دروغگو باشد

وارتقبوا انی معکم رقیب ٩٤ ولما جاء امرنا نجینا شعیبا والذین امنوا

انتظار برید بدرستیکه من با شما نگهبانم و هنگامی که آمد امر ما نجات دادیم شعیب را و آنانکه گرویدند

معه برحمة منا واخذت الذین ظلموا الصیحة فاصبحوا فی دیارهم

با او برحمتی از ما و گرفتند آنانکه ستم کردند فریاد پس گشتند در خانهایشان

جاثمین ٩٥ کان لم یغنوا فیها الا بعدا لمدین کما بعدت ثمود ٩٦ ولقد

بر رو درافتادگان گویا هرگز اقامت نکردند در آن بدانید که دور است مر اهل مدین را چنانکه دور است قوم ثمود و بتحقیق

ارسلنا موسی بایاتنا وسلطان مبین ٩٧ الی فرعون وملائه فاتبعوا

فرستادیم موسی را بآیتهای خود و حجتی روشن بسوی فرعون و گروهش پس پیروی کردند

امر فرعون وما امر فرعون برشید ٩٨ یقدم قومه یوم القیمة

امر فرعون را و نیست امر فرعون از راه رشد پیش روی کند قومش را روز رستخیز

فاوردهم النار وبئس الورد المورود ٩٩ واتبعوا فی هذه لعنة ویوم

پس وارد کند ایشان را در آتش و بد مکانیست درآمدگاه در آن و ازپی درآمده شدند در این دنیا لعنت را و روز

القیمة بئس الرفد المرفود ١٠٠ ذلک من انباء القری نقصه علیک

رستخیز بد عطائیست که داده شده این از خبرهای دیههاست که میخوانیم آنرا بر تو

منها قائم وحصید ١٠١ وما ظلمناهم ولکن ظلموا انفسهم فما اغنت

از آنها قائم است و خراب و ستم نکردیم ایشان را ولیکن ستم کردند خود ایشان را پس منع نکرد

عنهم الهتهم التی یدعون من دون الله من شیء لما جاء امر ربک وما

از ایشان خدایانشان که میخواندند از جز خدا هیچ چیز هنگامی که آمد امر پروردگارت و

زادوهم غیر تتبیب ١٠٢ وکذلک اخذ ربک اذا اخذ القری وهی ظالمة ان

زیاد نکردند ایشان را جز هلاکت و همچنان گرفتن پروردگارت چون گرفت قریه‌ها را و آنها ستمکار بودند بدرستیکه

اخذه الیم شدید ١٠٣ ان فی ذلک لایة لمن خاف عذاب الاخرة ذلک

گرفتن او دردناک سخت بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست مر هر که بترسد شکنجه آخرت را این

یوم مجموع له الناس وذلک یوم مشهود ١٠٤ وما نؤخره الا لاجل معدود ١٠٥

روزیکه فراهم آمدند مر او را مردم و اینست روز مشهود و تاخیر نمیدازیم او را مگر برای مدت شمرده شده

یوم یات لا تکلم نفس الا باذنه فمنهم شقی وسعید ١٠٦ فاما الذین

روزیکه بیاید که سخن نگوید نفسی مگر بدستوریش پس بعضی از ایشان بدبخت باشند و برخی نیکبخت پس اما آنانکه

قوله تعالی شانه العزیز وکذلک اخذ ... الی شدید چون این آیت را در یک قطعه از دیک سنگی کنده نویسند و در خانه ظالمی دفن کنند البته شر و ... رفع شود و آن ... انشاء الله تعالی والسلام ١٢

شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۱۰۹ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوَاتُ

بدبخت شدند پس در آتش مر ایشان راست در آن آتش فریاد و زاری همیشه در آن مادامیکه قایم شد آسمانها

وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۱۱۰ وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا

و زمین مگر آنچه بخواهد پروردگار تو بدرستیکه پروردگار تو کننده است مر آنچه میخواهد و اما آنانکه نیکبخت شدند

فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ

پس در بهشت همیشه اند در آن مادامیکه قایم شد آسمانها و زمین مگر آنچه بخواهد پروردگار

عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ۱۱۱ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هٰؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ

عطائی غیر منقطع پس مباش در شک از آنچه میپرستند اینها نمیپرستند

إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ۱۱۲ وَ

مگر همچنانکه میپرستیدند پدرانشان از پیش و بدرستیکه ما تمام رساننده بهرهٔ ایشان را غیر ناقص

لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

هر آینه بتحقیق دادیم موسی را کتاب پس اختلاف کردند در آن و اگر نه سخنی بود پیشی گرفته از پروردگارت

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۱۱۳ وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ

هر آینه حکم شد میانشان و بدرستیکه ایشان در شکند از آن در شک بزرگی و بدرستیکه هر یکی تمام خواهد داد ایشانرا

رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۱۱۴ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ

پروردگارت کردارشانرا بدرستیکه او بآنچه میکنند آگاهست پس مستقیم باش چنانکه امر شدی و آنکه توبه کرد با تو

وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۱۱۵ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ

و از حد در مگذرید بدرستیکه او بآنچه میکنید بیناست و میل مکنید بسوی آنانکه ستم کردند پس برسد شما را

النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ۱۱۶ وَأَقِمِ

آتش و نیست مر شما را از جز خدا از دوستان پس یاری کرده نشوید و برپادار

الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ

نماز را در دو طرف روز و در ساعتهای از شب بدرستیکه خوبیها میبرد بدیها را

ذٰلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ ۱۱۷ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۱۱۸

این پندیست مر یاد کنندگانرا و صبر کن پس بدرستیکه خدا ضایع نمیگذارد اجر نیکوکارانرا

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ

پس چرا نبودند از اهل قریهها از پیش شما صاحبان خرد باز میداشتند از فساد در زمین

إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ۱۱۹

مگر اندکی از آنچه نجات دادیم از آنها و پیروی کردند آنانرا که ستم کردند آنچیز را که منکر بودند در آن و بودند گناهکاران

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ۱۲۰ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ

و نباشد پروردگارت که هلاک کند اهل قریهها را بستم و کسانش باشند مصلحان و اگر بخواهد پروردگارت

لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذٰلِكَ

هر آینه میگرداند مردمرا یک امت و همیشه باشند اختلاف کنندگان مگر آنرا که رحم کرد پروردگارت و برای این

قوله تعالی شانه العزیز

فیها زفیر وشهیق یعنی اشقیا در آتش و نار دائما بوده و سعدا در بهشت دائما جاوید خواهند شد بجز آنکه خدا خواهد آنرا افزودن اهل عذاب و شقاوت را از مار و کژدم و غیر اینها و بفضل نهایت در حق ارباب سعادت بغیر عطای غیر مجدود چنانچه در سوره توبه و رضوان من الله اکبر از آن نشان میدهد و در سوره تنزیل

اٰباؤهم
بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

آیه فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین با آنکه مراد بیان تحمل قدرت الهی باشد که اگر خواهد زایل تواند کرد خروج فساق اهل ایمان از دوزخ و باد خول ایشان در بهشت برای استثنای از دوام هر وجه دو ماکان است و مقصود از ایه جا الذین فیها یعنی محل مؤمنین و منافقین است در بهشت جنتهم دینا والسلام ۱۲

طرفی
بفتح فا و کسر یا

اولوا
بضم همزه بدون واو

خلفهم

لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ
مر یوسف را در زمین و تا بیاموزیمش از تاویل احادیث و خدا غالبست بر کار او

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۲۲ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَ
ولیکن بیشتر مردم نمیدانند و چون که رسید بر شد دادیم او را حکمت و دانش و

كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۲۳ وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ
همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را و طلب مراد کرد از او آن زن که او در خانهٔ او بود از نفس خود و ببست

الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ
درها را و گفت نزد من آی که من از تو ام گفت معاذ الله بدرستیکه پروردگارم نیکو ساخت جایگاه مرا بدرستیکه

لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۲۴ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ
رستگار نمیکند ستمگاران را و بتحقیق قصد کرد بیوسف و قصد کرد با آن اگر ندیدی راه روشن پروردگارش را

كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ۲۵ وَ
همچنین تا باز گردانیدیم از او بدی و زشتی را بدرستیکه او از بندگان خالص ما بود و

اسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ
پیشی گرفت در را و پاره کرد زلیخا پیراهنش را از پشت سر و دریافتند عزیز را نزد در گفت زلیخا

مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۲۶ قَالَ هِيَ
چیست جزای آنکه اراده باهل تو بدی را مگر آنکه بزندان شود و یا شکنجه پر درد گفت یوسف زلیخا

رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ
خواست مرا از نفس من و گواهی داد گواهی دهنده از کسان زلیخا اگر باشد پیراهن یوسف دریده از پیش

فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۲۷ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ
پس راست گفت زلیخا و یوسف از دروغگویانست و اگر باشد پیراهنش پاره از پشت سر پس زلیخا دروغ

وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۲۸ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ
گفت و یوسف از راستگویانست پس چون دید پیراهنش را پاره از پشت سر گفت بدرستیکه آن از مکر شماست

إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ۲۹ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ
بدرستیکه مکر شما بزرگست ای یوسف اعراض کن از این و ای زلیخا طلب آمرزش کن مر گناه خود را

إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ۳۰ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ
که تو بودی از گناهکاران و گفت زنها که بودند در مصر زن عزیز طلب کرد

فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۳۱ فَلَمَّا سَمِعَتْ
غلام خود را از نفس او بتحقیق که شکافته دل او را از دوستی که ما می بینیم زلیخا را در گمراهی ظاهر پس چون بشنید

بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ
زلیخا مکر ایشان را فرستاد بسوی ایشان و مهیا کرد برای ایشان تکیه گاه و داد هر یک

مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ
از ایشان را کاردی و گفت بیوسف بیرون آی بر ایشان پس دیدند او را بزرگ آمد او را و ببریدند دستهای ایشان را و

حاشیه: جل الله عن كل عيب/لطف ... لولا ان رای برهان ربه یعنی لطفی که بآن مرتبه عصمتش ارزانی داشت یا یقین و شهود لازم مرتبه عصمت این تفسیر ماخوذ از کلام امام رضا علیه السلام است از عیون الاخبار و در مجالس الصادقه وجوه دیگر درین باب ذکر نموده اند و فیض از ابو حمزه ثمالی از امام حسین علیه السلام روایت کرده که چون آن زنان از مجلس بیرون شدند هر یک هدیه ها بخدمت آنحضرت فرستاده و خواهش زیارت و دیدن آنحضرت نمودند و بعضی گویند که آن زنان از زلیخا التماس نمودند که قضای حاجت زلیخا را از آن حضرت نمایند و در خلوت هر یک بی خاصه شد والسلام ۱۲

قُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هٰذَا بَشَرًا اِنْ هٰذَا اِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ٣٢ قَالَتْ فَذٰلِكُنَّ الَّذِي
گفتند زنها حاش لله نیست این آدمی نیست این مگر فرشتهٔ خوب گفت زلیخا پس اینست آنکه

لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا اٰمُرُهُ
سرزنش امیکردید مرا در آن و بتحقیق خواستم اورا از نفس او پس نگاه داشت خودرا و هرگاه نکند آنچه امر میکنم

لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ ٣٣ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي
هرآئینه زندان میکنم و میباشد از خوار شدگان گفت یوسف پروردگارا زندان محبوبتراست از آنچه میخوانند مرا

اِلَيْهِ وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ اَصْبُ اِلَيْهِنَّ وَاَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ ٣٤ فَاسْتَجَابَ
بسوی او و اگر نگردانی از من حیلهٔ این زنهارا بسویشان و میباشم از جاهلان پس اجابت کرد

لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٣٥ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ
مراورا پروردگارش پس گردانید ازاو حیلهٔ آن زنهارا بدرستیکه او شنونده داناست پس ظاهر شد مرآنهارا

مِنْ بَعْدِ مَا رَاَوُا الْاٰيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتّٰى حِينٍ ٣٦ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ
از بعد آنچه دیدند آیتهارا هرآینه در زندان کنند اورا تا هنگامی و درآمد با یوسف زندانرا دو جوان

قَالَ اَحَدُهُمَا اِنِّي اَرَانِي اَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْاٰخَرُ اِنِّي اَرَانِي اَحْمِلُ فَوْقَ
گفت یکی از آنها بدرستیکه من دیدم که می فشردم شراب را و گفت دیگری بدرستیکه من دیدم که بر میداشتم بالای

رَاْسِي خُبْزًا تَاْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَاْوِيلِهِ اِنَّا نَرٰيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ٣٧ قَالَ
سرم نانرا میخوردند مرغان از آن خبر ده مارا بتعبیرش بدرستیکه ما تورا از نیکوکاران گفت

لَا يَاْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ اِلَّا نَبَّاْتُكُمَا بِتَاْوِيلِهِ قَبْلَ اَنْ يَاْتِيَكُمَا ذٰلِكُمَا
یوسف نمیاید شمارا خوردنی که روزی داده شوید مگر اینکه خبر دهم شمارا بتعبیرش پیش از آنکه بیاید شمارا این

مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي اِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ
از آنچیزیست که آموخت مرا ربم بدرستیکه من واگذاشتم آیین گروهی را که نگروید بخدا و آنها با آخرت ایشان

كَافِرُونَ ٣٨ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ اٰبَائِي اِبْرٰهِيمَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا
کافرانند و پیروی کردم آیین پدرانم ابراهیم و اسحق و یعقوب را نیست مرا

اَنْ نُشْرِكَ بِاللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ذٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ
که شرک آورم بخدا از چیزی این از فضل خداست برما و بر مردم ولیکن بیشتر

النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ٣٩ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ ءَاَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ اَمِ اللّٰهُ
مردم شکر نمیکنند ای دو رفیق زندان آیا پراکندگان بهترند یا خدای

الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ٤٠ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ اِلَّا اَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا اَنْتُمْ
یگانه غالب نمیپرستید از جز او مگر نامهای که نام نهاده اید شما آنرا

وَاٰبَاؤُكُمْ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ اَمَرَ اَلَّا تَعْبُدُوا
پدرانتان و فرو نفرستاد خدا با آن از حجتی نیست حکم مگر برای خدا امر کرده که نپرستید

اِلَّا اِيَّاهُ ذٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٤١ يَا صَاحِبَيِ
مگر اورا اینست دین درست ولیکن بیشتر مردم نمیدانند ای دو رفیق

قوله تعالى شانه العزیز ودخل معه السجن فتیان روایت است که یکی شربت دار و دیگری خوان سالار بود که باراده و تهمت زهر دادن ملک محبوس شده بودند — نبأتكما یعنی کیفیت و کمیت آن طعام را بر آنکه مراد آنحضرت اظهار معجزه باشد تا ایمان بیاورند با تعبیر آن خواب مرادش زود تعبیر کردن باشد — فانسیه یعنی از یاد برد شیطان که نام یوسف را مذکور سازد نزد صاحب خود که ملک باشد تا از آن احوال یوسف آگاه باشد تا نجات دهد اورا از زندان والسلام ١٢

یا صاحبی بفتح با و کسر با

یا صاحبی بفتح با و کسر با

السِّجْنِ اَمَّا اَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَاَمَّا الْاٰخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَاْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ

زندان اما یکی از شما پس شراب میدهد پروردگارش را و اما دیگری پس آویخته شود پس بخورند مرغان از

رَاْسِهٖ قُضِيَ الْاَمْرُ الَّذِيْ فِيْهِ تَسْتَفْتِيٰنِ ٤٢ وَقَالَ لِلَّذِيْ ظَنَّ اَنَّهٗ نَاجٍ

سرش حکم کرده شد خوابیکه طلب تعبیر میکردید و گفت مر آنرا که گمان داشت او نجات یابنده

مِّنْهُمَا اذْكُرْنِيْ عِنْدَ رَبِّكَ فَاَنْسٰىهُ الشَّيْطٰنُ ذِكْرَ رَبِّهٖ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ

از آن دو یاد کن مرا نزد پروردگارت پس فراموش گردانید شیطان یاد کردن پروردگار را پس درنگ کرد در زندان

بِضْعَ سِنِيْنَ ٤٣ وَقَالَ الْمَلِكُ اِنِّيْ اَرٰى سَبْعَ بَقَرٰتٍ سِمَانٍ يَّاْكُلُهُنَّ

هفت سال و گفت پادشاه بدرستیکه من دیدم هفت گاو فربه که میخوردند آنرا

سَبْعٌ عِجَافٌ وَّسَبْعَ سُنْبُلٰتٍ خُضْرٍ وَّاُخَرَ يٰبِسٰتٍ يٰاَيُّهَا الْمَلَاُ اَفْتُوْنِيْ

هفت گاو لاغر و هفت خوشهٔ سبز و هفت خشک ای گروه فتوی دهید مرا

فِيْ رُءْيَايَ اِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُوْنَ ٤٤ قَالُوْا اَضْغَاثُ اَحْلَامٍ وَمَا

در خوابم اگر باشید مر خواب را تعبیر کنندگان گفتند این خواب شوریده پریشانست

نَحْنُ بِتَاْوِيْلِ الْاَحْلَامِ بِعٰلِمِيْنَ ٤٥ وَقَالَ الَّذِيْ نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ

و نیستیم ما بتعبیر خواب پریشان دانا و گفت آنکه نجات یافت از آن دو و بیاد آورد بعد

اُمَّةٍ اَنَا اُنَبِّئُكُمْ بِتَاْوِيْلِهٖ فَاَرْسِلُوْنِ ٤٦ يُوْسُفُ اَيُّهَا الصِّدِّيْقُ اَفْتِنَا

هفت سال من خبر میدهم شما را بتعبیرش پس بفرستید ای یوسف ای راستگو فتوی ده مرا

فِيْ سَبْعِ بَقَرٰتٍ سِمَانٍ يَّاْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَّسَبْعِ سُنْبُلٰتٍ خُضْرٍ وَّاُخَرَ

در هفت گاو فربه که میخوردند آنها را هفت گاو لاغر و هفت خوشهٔ سبز و هفت

يٰبِسٰتٍ لَّعَلِّيْ اَرْجِعُ اِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُوْنَ ٤٧ قَالَ تَزْرَعُوْنَ سَبْعَ

خشک تا باشد که برگردم بسوی مردم شاید ایشان بدانند گفت یوسف که زراعت کنید

سِنِيْنَ دَاَبًا فَمَا حَصَدْتُّمْ فَذَرُوْهُ فِيْ سُنْبُلِهٖ اِلَّا قَلِيْلًا مِّمَّا تَاْكُلُوْنَ ٤٨ ثُمَّ

هفت سال بعادت مستمر پس آنچه بدروید پس واگذارید در خوشهٔ آن مگر کمی از آنچه میخورید پس

يَاْتِيْ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَّاْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ اِلَّا قَلِيْلًا مِّمَّا تُحْصِنُوْنَ ٤٩

بیاید از بعد این هفت سال سخت که بخورند آنچه پیش گذاشته برای آنها مگر اندکی از آنچه نگاه دارید

ثُمَّ يَاْتِيْ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ عَامٌ فِيْهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيْهِ يَعْصِرُوْنَ ٥٠ وَقَالَ

پس بیاید از بعد این سالی که در آن بفریاد آیند مردم و در آن بیفشرند انگور و گفت

الْمَلِكُ ائْتُوْنِيْ بِهٖ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُوْلُ قَالَ ارْجِعْ اِلٰى رَبِّكَ فَسْـَٔلْهُ مَا بَالُ

پادشاه بیارید مرا یوسف را پس چون آمد او را فرستاده گفت برگرد بسوی پروردگارت پس بپرس او را که چیست

النِّسْوَةِ الّٰتِيْ قَطَّعْنَ اَيْدِيَهُنَّ اِنَّ رَبِّيْ بِكَيْدِهِنَّ عَلِيْمٌ ٥١ قَالَ مَا

حال زنانیکه بریدند دستهای ایشان را بدرستیکه پروردگار من بمکر ایشان داناست گفت پادشاه چه

خَطْبُكُنَّ اِذْ رَاوَدْتُّنَّ يُوْسُفَ عَنْ نَّفْسِهٖ قُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوْٓءٍ

حال شما چون خواستید یوسف را از نفس او گفتند زنها پاکست خدا از عجز ندانستیم براو از هیچ بدی

سبحانه تعالی هو الله تعالی

اضغاث احلام یعنی خوابهای پریشان که قابل تعبیر نیست لهذا این اصل پراگنده نامناسب که خیال فراهم آورد او را اضغاث احلام گویند که معبران در تعبیر آن عاجز مانند چنان جواب دادند تو وقت شربت دار ذکر یوسف را کرد ملک او را احضار نمود والسلام ١٢

قوله تعالی شانه العزیز وقال الملک انی ارى سبع الخ چون کسی معطل مانده باشد در کاری و هیچ کاری از دستش برنیاید روز چهارشنبه اول ماه و جمعه دوم روزه بدارد و شب جمعه در وقت خواب این آیات را بخواند و در روز جمعه بعد از نماز جمعه آنرا بنویسد و چون افطار کند بخواند و بعد از نماز خفتن بخواند و صد بار لا اله الا الله و صد بار الحمد لله و صد بار سبحان الله و صد بار استغفر الله و صد بار صلوات بفرستد در خواب رود چون صبح برخیزد و سنت کند و از برکت آیات در پرده غیب او را بلا در سید و برد و این معنی مقصود او حاصل شود و تجربه کرده اند که هر که این آیات را بنویسد با خود دارد

مقاصد و مطالب او بسهولت بر آید انشاء الله والسلام ١٢

قالت امرأة العزيز الآن حصحص الحق انا راودته عن نفسه وانه لمن
گفت زن عزیز حال مستقر شد حق من خواستم او را از نفس او و بدرستیکه او هر آینه
الصادقين ٥٢ ذلك ليعلم اني لم اخنه بالغيب وان الله لا يهدي كيد
از راستگویانست آن برای آنست که بداند عزیز که خیانت نکردم او را بپنهانی و اینکه خدا هدایت نمیکند مکر
الخائنين ٥٣ وما ابرئ نفسي ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربي
خیانت کارانرا و تنزیه نمیکنم نفس خود را بدرستیکه نفس هر آینه امر کننده است ببدی مگر آنچه رحم کرد پروردگار
ان ربي غفور رحيم ٥٤ وقال الملك ائتوني به استخلصه لنفسي فلما
بدرستیکه پروردگارم آمرزنده مهربانست و گفت پادشاه بیاورید او را نزد من تا خالص کنم برای خود پس چون
كلمه قال انك اليوم لدينا مكين امين ٥٥ قال اجعلني على خزائن
سخن گفت با پادشاه گفت بدرستیکه تو امروز نزد ما با جاه امینی گفت یوسف بگردان مرا بر خزینه‌های
الارض اني حفيظ عليم ٥٦ وكذلك مكنا ليوسف في الارض يتبوأ
زمین که من نگهدارنده دانایم و همچنان جای دادیم یوسف را در زمین جای گیرد
منها حيث يشاء نصيب برحمتنا من نشاء ولا نضيع اجر المحسنين ٥٧ و
از آن زمین هر جا که بخواهد میرسانیم رحمت خود را بهر که بخواهیم و ضایع نمیکنیم مزد نیکوکارانرا و
لاجر الاخرة خير للذين امنوا وكانوا يتقون ٥٨ وجاء اخوة يوسف فدخلوا
و هر آینه مزد آخرت بهتر است مر آنانرا که گرویدند و بودند پرهیزگاران و آمدند برادران یوسف پس در آمدند
عليه فعرفهم وهم له منكرون ٥٩ ولما جهزهم بجهازهم قال ائتوني
بر آن پس شناخت ایشانرا و ایشان او را نشناختند و چون بساخت کار ایشانرا گفت یوسف بیاورید مرا
باخ لكم من ابيكم الا ترون اني اوفي الكيل وانا خير المنزلين ٦٠ فان لم
برادری از پدرتان آیا نمی‌بینید که من تمام می‌پیمایم کیل را و من بهترین فرود آورندگانم پس اگر
تأتوني به فلا كيل لكم عندي ولا تقربون ٦١ قالوا سنراود عنه اباه و
نیاورید او را مرا پس نیست پیمانه برای شما پیش من و نزدیک نشوید مرا گفتند زود خواهیم کرد از او پدرش را و
انا لفاعلون ٦٢ وقال لفتيانه اجعلوا بضاعتهم في رحالهم لعلهم
ما هر آینه کنندگانیم و گفت مر غلامانش را بگردانید مال التجاره ایشانرا در بارهای ایشان شاید ایشان
يعرفونها اذا انقلبوا الى اهلهم لعلهم يرجعون ٦٣ فلما رجعوا الى
بشناسند آنرا چون برگردند بسوی کسانشان شاید ایشان برگردند پس چون برگشتند بسوی
ابيهم قالوا يا ابانا منع منا الكيل فارسل معنا اخانا نكتل وانا له لحافظون ٦٤
پدرشان گفتند ای پدر ما منع کرده شد از ما پیمانه پس بفرست با ما برادر ما را تا پیمانه گیریم و ما او را هر آینه نگاهبانیم
قال هل امنكم عليه الا كما امنتكم على اخيه من قبل فالله خير حافظا وهو
گفت آیا امین دارم شما را بر او مگر چنانکه امین کردم شما را بر برادرش از پیش پس خدا بهتر است نگهبان و او
ارحم الراحمين ٦٥ ولما فتحوا متاعهم وجدوا بضاعتهم ردت اليهم
مهربانترین مهربانانست و چون گشودند مال التجاره شانرا یافتند مال التجاره خود را که رد کرده شده بود بسوی ایشان

الجزو الثالث عشر

استخلصه بفتح همزه

تقربون بکسر نون

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ

گفتند ای پدر ما چه میخواهیم این است مایهٔ تجارت ما که باز پس داده بما و بیاوریم طعام برای کسان و نگاه میداریم

أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ٦٥ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى

برادر ما را و زیاده میگیریم پیمانهٔ شتری این است پیمانهٔ آسان گفت هرگز نفرستم او را با شما تا آنکه

تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ

بدهید مرا پیمانی از خدا که بیارید البته نزد من مگر آنکه احاطه کرده شود بشما پس چون آوردند بوی پیمانشان

قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ٦٦ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ

گفت خدا بر آنچه میگوئیم وکیلست و گفت ای پسران من در نیائید از دری تنها

یا بنی
بتقدیم یا بر
نون

وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا

و درون روید از درهای متفرقه و کفایت نمیکنم از شما از خدا از چیزی نیست حکم مگر

لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ٦٧ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ

مر خدا را بر او اعتماد میکنم و بر او پس باید اعتماد کنند اعتماد کنندگان و چون در آمدند از جائیکه

أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ

امر کرد ایشان را پدرشان نبود که کفایت کند از ایشان از خدا هیچ چیز مگر محبت پدری در نفس یعقوب بود

قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٦٨ وَلَمَّا دَخَلُوا

که بجا آوردش و بدرستیکه او هرآینه صاحب علم است هر آنچه تعلیم دادیم او را و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند چون در آمدند

عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٦٩

بر یوسف جای داد بسوی او برادرش را گفت بدرستیکه من برادر توام پس محزون مباش بآنچه میکردند

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا

پس چون بساخت ایشان را زاد راه ایشان نهاد مشربهٔ خود را در بار برادرش پس ندا کرد ندا کننده ای

الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ٧١ قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ ٧٢ قَالُوا

کاروانیان بدرستیکه شما هرآینه دزدانید گفتند و حال آنکه رو آورده بودند بر ایشان که چه چیز گم شده گفتند

نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ٧٣ قَالُوا تَاللَّهِ

گم کرده ایم مشربهٔ پادشاه را و برای آنکه آورد او را بار یک شتر طعام است و من آنرا ضامنم گفتند قسم بخدا

لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ٧٤ قَالُوا فَمَا

هرآینه بتحقیق دانسته اید که نیامده ایم که فساد کنیم در زمین مصر و نبوده ایم ما دزدان گفتند پس چیست

جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ٧٥ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ

جزای او اگر باشید دروغ گویان گفتند جزای یابنده شدن کیست که یافته شود مشربه در بار او پس او سزای اوست

جزآؤه
ده جا موضع
بضمه همزه بدون
اشباع هرچند
بصورت واو نوشته
شده

كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ٧٦ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا

همچنین جزا میدهیم ستمکاران را پس ابتدا کرد ببارهای ایشان پیش از بار برادرش پس بیرون آورد آنرا

مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ

از بار برادرش همچنین چاره کردیم برای یوسف نبود که بگیرد برادرش را در دین پادشاه مصر

١٩

الّا ان یشاء الله نرفع درجات من نشاء وفوق کل ذی علم علیم ۷۶ قالوا

مگر اینکه بخواهد خدا بلند میکنیم مرتبه های هر که میخواهیم و بالای هر صاحب دانشی داننده ایست گفتند

ان یسرق فقد سرق اخ له من قبل فاسرّها یوسف فی نفسه ولم یبدها

اگر دزدی کرد پس بحقیق دزدی کرد برادرش از پیش پس پنهان داشت آنرا یوسف در نفس و اظهار نکرد آنرا

لهم قال انتم شرّ مکانا والله اعلم بما تصفون ۷۷ قالوا یا ایها العزیز

برای ایشان گفت شما بدترید در منزلت و خدا داناتر است بآنچه وصف میکنید گفتند ای عزیز

انّ له ابا شیخا کبیرا فخذ احدنا مکانه انّا نریک من المحسنین ۷۸ قال

بدرستیکه مر او راست پدر پیر بزرگی پس بگیر یکی از ما را بجای او بدرستیکه ما می بینیم ترا از نیکوکاران گفت

معاذ الله ان ناخذ الّا من وجدنا متاعنا عنده انّا اذا لظالمون ۷۹ فلمّا

معاذ الله اینکه بگیریم مگر آنرا که یافتیم متاع مارا نزد او بدرستیکه ما آنگاه ستمگارانیم پس چون

استیأسوا منه خلصوا نجیّا قال کبیرهم الم تعلموا انّ اباکم قد اخذ

نومید شدند از او تنها شدند راز گویان گفت بزرگ شان آیا نمیدانید بدرستیکه پدرتان بتحقیق گرفت

علیکم موثقا من الله ومن قبل ما فرّطتم فی یوسف فلن ابرح الارض

بر شما پیمانی از خدا و از پیش آنچه تقصیر کردید در یوسف پس من نروم زمین را

حتّی یأذن لی ابی او یحکم الله لی وهو خیر الحاکمین ۸۰ ارجعوا الی ابیکم

تا آنکه اذن کند مرا پدرم یا حکم کند خدا برایم و او بهترین حکم کنندگانست برگردید بسوی پدرتان

فقولوا یا ابانا انّ ابنک سرق وما شهدنا الّا بما علمنا وما کنّا للغیب

پس گفتند ای پدر ما بدرستیکه پسرت دزدی کرد و گواهی نمیدهیم مگر بآنچه دانستیم ما و نیستیم ما مر نهان را

حافظین ۸۱ واسئل القریة الّتی کنّا فیها والعیر الّتی اقبلنا فیها وانّا

نگهبان و بپرس از اهل قریه که بودیم در آن و قافله که آمدیم در آن و بدرستیکه ما

لصادقون ۸۲ قال بل سوّلت لکم انفسکم امرا فصبر جمیل عسی الله ان

هر آینه راستگوییم گفت بلکه خوب وانمود کرد برای شما نفسهاتان کاری را پس کار من صبر است نیک شاید خدا که

یأتینی بهم جمیعا انّه هو العلیم الحکیم ۸۳ وتولّی عنهم وقال یا اسفی

بیاورد ایشان را بمن همه بدرستیکه او داننده درست کردار است و رو بگردانید از ایشان و گفت ای اندوه

علی یوسف وابیضّت عیناه من الحزن فهو کظیم ۸۴ قالوا تالله تفتؤ

بر یوسف و سفید شد دو چشمش از اندوه پس او پر خشم خورنده گفتند بخدا که همیشه باشی

تذکر یوسف حتّی تکون حرضا او تکون من الهالکین ۸۵ قال انّما اشکوا

که یاد کنی یوسف را تا شوی بیمار یا شوی از هلاک شدگان گفت جز این نیست شکایت میکنم

بثّی وحزنی الی الله واعلم من الله ما لا تعلمون ۸۶ یا بنیّ اذهبوا فتحسّسوا

پریشانی و اندوهم بسوی خدا و میدانم از خدا آنچه را نمیدانید ای پسران من بروید پس جستجو کنید

من یوسف واخیه ولا تایئسوا من روح الله انّه لا ییأس من روح الله

از یوسف و برادرش و نومید نشوید از فرج خدا بدرستیکه نومید نمیشود از فرج خدا

قوله تعالی للغیب یعنی نسبت داده شد آنها را بدزدی و در حقیقت دزد نبود ند که نسبت میدادند بآنها ۱۲

ما فرطتم یعنی با تقصیر کردن و ما ر العضی ز یاد گفتند ۱۲

حاجة سلوت همانا آنچه با برادرش کردند بسبب استیلاء کردنش بود بالم فراق یوسف اما سخن نا خوش بر ادرانش و ذلیل شدن او بجهت شبانی ولی برادری در نجاندن ایشان او را از راه عمد بود ۱۲

الّا

إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ٨٨ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ

مگر گروه کافران پس چون در آمدند براو گفتند ای عزیز

مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ

مس کرده است مارا و کسان مارا بدی و آوردیم مایه تجارت کمی پس تمام ده مر ما را پیمانه و تصدق کن

عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ٨٩ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ

برما بدرستیکه خدا جزا میدهد صدقه دهندگان را گفت آیا دانستید آنچه کردید بیوسف و

أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ٩٠ قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ

برادرش هنگامیکه بودید جاهلان گفتند آیا بدرستیکه تو هر آینه توئی یوسف گفت من یوسفم و

هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ٩١

این است برادر من بتحقیق منت گذاشت خدا برما بدرستیکه هرکه پرهیزد و صبر کند پس بدرستیکه خدا ضایع نمیکند اجر نیکوکاران را

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ٩٢ قَالَ لَا تَثْرِيبَ

گفتند بخدا هر آینه برگزید خدا بر ما و هستیم و اگرچه بودیم ما هر آینه خطاکاران گفت نیست سرزنشی

عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ٩٣ اذْهَبُوا بِقَمِيصِي

بر شما امروز بیامرزد خدا برای شما و اوست مهربانترین مهربانان ببرید پیراهن مرا

هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ٩٤ وَلَمَّا

این پس بیندازید آنرا برروی پدرم بیاید بینا و بیارید نزد من کسان خود را همه وچون

فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ٩٥

جدا شد از مصر قافله گفت پدرشان بدرستیکه من هر آینه میشنوم بوی یوسف را اگر بجرافت منسوب نسازید مرا

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ٩٦ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى

گفتند بخدا که تو باشی هر آینه در غلطت که در سابق بود پس چون آمد مژده دهنده افکند آنرا بر

وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ٩٧ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٩٨

رویش پس گردید بینا گفت آیا نگفتم برای شما بدرستیکه من میدانم از خدا آنچه را نمیدانید

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ٩٩ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ

گفتند ای پدر ما آمرزش خواه برای ما گناهان ما را بدرستیکه ما بودیم خطاکاران گفت زود باشد که آمرزش طلبم

لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ١٠٠ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ

برای شما از پروردگارم بدرستیکه او آمرزنده مهربان است پس چون در آمدند بر یوسف جای داد بسوی خود

أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ١٠١ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ

والدینش و گفت در آئید در مصر اگر خواهد خدا ایمنان و بالا برد والدینش را بر تخت و

خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا

و افتادند مر او را سجده کنندگان و گفت ای پدر اینست تعبیر خوابم از پیش بتحقیق آنرا گردانید پروردگارم حق

وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ

بتحقیق خوبی کرد بمن چون بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را از بادیه و از بعد آنکه افساد کرد

الشَّيْطَانُ

لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ روایت است که یعقوب بوی پیراهن را از هشتاد فرسنگ راه شنیده بود باد صبا باذن خدا او را بمشام یعقوب میرسانید

قوله تعالی شانه فلما دخلوا الی الحکیم چون کسی را در زندان محبوس کرده باشند تا حق این آیات را بنویسند و بر بازوی است ببندند بعد از آن برخواندن این آیات مداومت نماید خلاص شود ان شاء الله ١٢

أَنْ تُفَنِّدُونِ بکسر نون ثانی

أَسْتَغْفِرُ بفتح همزه

الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ

شیطان میان من و میانه برادرانم بدرستیکه پروردگارم لطف کننده است مر آنرا که خواهد بدرستیکه او دانا

الْحَكِيمُ ۱۰۰ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

درست کردار است پروردگارا بتحقیق دادی مرا از پادشاهی و آموختی مرا از تعبیر حدیثها

فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا

پدید آورندهٔ آسمانها و زمین توئی یاور من در دنیا و آخرت بمیرانم منقاد

وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ۱۰۱ ذَٰلِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنتَ

و در رسانم بشایستگان این از خبرهای نهفته است که وحی فرستادیم او را بتو و نبودی تو

لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ۱۰۲ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ

نزد آنها هنگامیکه اتفاق کردند کار خودشانرا و آنها مکر میکردند و نباشند بیشتر مردم و اگر باشی تو حریص

بِمُؤْمِنِينَ ۱۰۳ وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ۱۰۴

بگروندگان و میخواهی ایشانرا براو هیچ مزدی نیست او مگر پندی مر جهانیانرا

وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ۱۰۵

و بسا از آیتی در آسمانها و زمین که میگذرند برآنها و ایشان از آنها روگردانند

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ ۱۰۶ أَفَأَمِنُوا أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ

و نگرویدند بیشترشان بخدا مگر و ایشان مشرکانند آیا پس ایمن شدند از آنکه آید ایشانرا فرو گیرنده

مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۱۰۷ قُلْ هَٰذِهِ سَبِيلِي

از شکنجه خدا یا آید ایشانرا رستخیز ناگاه و ایشان نمیدانند بگو این است طریقهٔ من

أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۰۸

که میخوانم بسوی خدا بر بینائی من و آنکه پیروی کرد مرا و منزه است خدا و نیستم من از مشرکان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا

و نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردانی که وحی میکردیم بایشان از اهل قریه‌ها آیا پس سیر نمیکنند

فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ

در زمین پس بنگرند چگونه بود انجام آنانکه بودند پیش از آنها و هر آینه سرای آخرت

خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۰۹ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ

بهتر است برای آنانکه پرهیزگاری کردند آیا پس نمی‌یابید بخرد تا وقتیکه نومید شدند رسولان و گمان بردند که ایشان

قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ۱۱۰

بتحقیق دروغگو بیند آمد ایشانرا یاری ما پس رهانیده شد آنکه ما خواستیم و بر نمیگردد عذاب ما از گروه گناهکاران

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ

هر آینه بتحقیق بود در قصه‌های آنها پندی مر صاحبان خردها را نباشد حدیثی که بدروغ بسته شود

لَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

لیکن تصدیق آن چیزیست میانه دو دستش و بیان همه چیز است و هدایت و رحمت است مر گروهی که میگروند

فنجّي
بتشدید جیم

سورة الرعد ثلث واربعون آية وهي مدنية (۱۳) نزلت بعد سورة محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند مهربان بخشنده

الٓمٓرٰ تلك آيات الكتاب والذي انزل اليك من ربك الحق ولكن اكثر

اینست آیتهای کتاب وآنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت حق است ولیکن بیشتر

الناس لا يؤمنون ۱ الله الذي رفع السموات بغير عمد ترونها ثم استوى

مردمان نمیگروند خداست آنکه برافراشت آسمانها را بدون ستون که می بینید آنرا پس مستولی

على العرش وسخر الشمس والقمر كل يجري لاجل مسمى يدبر الامر يفصل

شد بر عرش و تسخیر کرد آفتاب و ماه را هریک میرود تا وقتی نام برده شده تدبیر میکند کار را بیان میکند

الآيات لعلكم بلقاء ربكم توقنون ۲ وهو الذي مد الارض وجعل

آیات را شاید شما بملاقات پروردگارتان یقین کنید و اوست که وسعت داد زمین را و گردانید

فيها رواسي وانهارا ومن كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين يغشي الليل

در آن کوههای استوار و نهرها و از همه میوه ها گردانید در آن دو صنف دوگانه میپوشاند شب را

النهار ان في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۳ وفي الارض قطع متجاورات

بروز بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای گروهی که فکر میکنند و در زمین قطعه هاست نزدیک بهم

وجنات من اعناب وزرع ونخيل صنوان وغير صنوان يسقى بماء واحد

و بوستانها از انگورها و کشت و درخت خرما دوتا از یک اصل و غیر آن شرب کرده میشود بیک آب

ونفضل بعضها على بعض في الاكل ان في ذلك لآيات لقوم يعقلون ۴

و زیادتی میدهیم برخی از آنها را بر برخی در ثمر بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای گروهی که میابند بعقل

وان تعجب فعجب قولهم ءاذا كنا ترابا ءانا لفي خلق جديد اولئك الذين

و اگر عجب میداری پس عجیبست گفتارشان که آیا ما چون بودیم خاک آیا ما هر آینه خواهیم شد در آفرینش تازه این گروه آنانند

كفروا بربهم واولئك الاغلال في اعناقهم واولئك اصحاب النار

که کافر شدند بپروردگارشان و این گروهند باشد غلها در گردنهاشان و اینانند اهل آتش

هم فيها خالدون ۵ ويستعجلونك بالسيئة قبل الحسنة وقد خلت من

که ایشان در آنند جاویدان و بشتاب میخواهند از تو بدی را پیش از خوبی و بتحقیق رفت

قبلهم المثلات وان ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم وان ربك

پیش از ایشان عقوبتها و بدرستیکه پروردگارت هر آینه صاحب مغفرتست مر مردمان را بر ستمکاریشان و بدرستیکه پروردگارت

لشديد العقاب ۶ ويقول الذين كفروا لولا انزل عليه آية من ربه

هر آینه سخت عقوبتست و میگویند آنانکه کافر شدند چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتی از پروردگارش

انما انت منذر ولكل قوم هاد ۷ الله يعلم ما تحمل كل انثى وما

جز این نیست تو بیم کننده و برای هر گروهی راه نماینده خدا میداند آنچه را بر میدارد هر ماده و آنچه

لیغیض

سبحانه وتعالی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که هر که سوره رعد را بخواند او را مزد ده حسنه بنویسند بعدد هر ابری که در عالم بوده و بعدد هر امری که تا روز قیامت باشد و مبعوث شود روز قیامت در زمره وفاکنندگان

الٓمٓرٰ

لام و میم و را میفرماید که بعهد خدا تعالی وفا کرده باشند و از حضرت صادق روایت شده که هر که سوره رعد را بخواند حق سبحانه او را بی صاعقه گرفتار نکند و او را داخل بهشت گرداند و شفاعت او در حق برادران و خویشان و آشنایانش قبول فرماید و هم از آنحضرت منقول است که هر که این سوره را بنویسد و در کوزه کهنه کند و در گوشه خانه کند و اگر بر کاسه گلان نو نویسند در شب تار که رعد و برق و باران باشد و آنرا از آب باران بشویند و هم در آن شب تاریک در خانه ظالم بپاشند تا بامداد او معزول شود و اگر این سوره را در شب تاریک در خانه ظالم نویسند و در آتش بعد از نماز خفتن بسوزند در همان لحظه آزار او در خانه حاکم و ظالم آورند و شکوه رعیت از او برگردد و سخن او را نشنوند والسلام ۱۲

هو الله تعالی

الٓمٓر الی قوم یتفکرون

این آیات را بر چهار رکن درخت زیتون نویسند و دفن کنند بر چهار رکن دکان یا چهار رکن ملک برکت عظیم ظهور آید و آن مکان بغایت معمور و آبادان شود بامر خدای تعالی والسلام

۱۲

تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ۝٩ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
کم میکند رحمها و آنچه زیاد میکند و هر چیزی نزد او باندازه است داننده نهان و آشکار است

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ۝١١ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ
بزرگ و برتر است یکسانست از شما آنکه پوشید گفتار را و هر که آشکار کرد آنرا و هر که پنهان شونده است

بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ۝١٢ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ
بشب و آشکار است بروز مراو راست از پی در آینده ها میانه دو دستش و از پشت آن

يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَ
نگاهداری میکنند آنرا از امر خدا بدرستیکه خدا تغییر نمیدهد آنچه با قومیست تا وقتیکه تغییر بدهند آنچه با نفسهای ایشانست

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ ۚ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ۝١٣ هُوَ
و چون خواهد خدا بگروهی بدی را پس برگردانیدن نباشد آنرا و نیست مرایشانرا از غیر او هیچ والی اوست

الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ۝١٤ وَيُسَبِّحُ
آنکه مینماید شما را برق را از راه بیم و امید و بدید میاورد ابرهای گرانبار را و تسبیح میکند

الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ
رعد بستایش او و فرشتگان از بیم او و میفرستد صاعقه ها را پس میرساند آنرا بهر که خواهد

وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ۝١٥ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ ۖ وَالَّذِينَ
و ایشان مجادله میکنند در خدا و او سخت قوتست مراو راست دعوت حق و آنانکه

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ
میخوانند از غیر او اجابت نمیکنند مرایشانرا بچیزی مگر مانند دو گشاینده دو کفش بسوی آب تا برساند

فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ ۚ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝١٦ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ
بدهنش و نیست آن رسنده بآن و نیست خواندن کافران مگر در گمراهیست و مر خدا را سجده میکند هر که

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝١٧
در آسمانها و زمینست خواه و ناخواه و سایهاشان در بامداد و شبانگاه

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدای بگو آیا پس گرفتید از غیر او دوستان

لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ
مالک نمیباشند از برای خودهاشان سودی و نه زیانی بگو آیا یکسانست نابینا و بینا یا

هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۗ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ
آیا یکسانست تاریکیها و روشنی آیا قرار دادند برای خدا شریکان که آفریدند چون آفریدن او پس مشتبه شد

الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ۚ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝١٨ أَنْزَلَ مِنَ
آفریده برایشان بگو خداست آفریننده هر چیز و اوست یکتای غالب فرو فرستاد از

السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا ۚ وَمِمَّا
آسمان آب پس روان شد رودخانه ها باندازه اش پس برداشت آب روان کفی را و از آنچه

قوله تعالی شانه العزیز
الله یعلم الی المتعال چون خواهد خبر یابد که بطن حامله پسر است یا دختر یا خواهد که موضع دفینه را معلوم کند یا بداند که مریض بهتر شود یا نه و امثال آن اول آنکه طهارت کند و بوی خوش بکار برد و در دوشنبه روزه بدارد و شب در طهارت بخوابد بخواب رود و در صبح سه شنبه پیش از طلوع آفتاب این آیت را بر خرقه سبز نویسند بگلاب و زعفران از آن بعود و عنبر بخور کند پس خرقه را در حقه سبز نهند و بپوشند چنانچه آفتاب و مهتاب نه بینند پس شب چهارشنبه بخوابگاه خود آید و بگوید عالم بخفیات الامور یا من هو علی کل شیء قدیر طلبی علی کل ما تریدان علی کل شیء قدیر بعد از آن ذکر میگوید و در ذکر گفتن بخواب رود پس آنچه مطلوب او بود بخواب بینند و اگر در آن شب

(سجده)

مطلوب او حاصل نشود روز پنجشنبه روزه دارد شب بهمان دستور عمل کند البته در خواب مطلوب خود را بیند والسلام والاکرام انشاء الله ۱۲

قل افاتخذتم
بفتح فا بلا همزه و تشدید تا همزه دعیمه همزه وصل است

يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ اَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذٰلِكَ
می افروزند بر آن در آتش از برای طلب پیرایه یا مایه العیش کفیست مانند آن همچنین

يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ
میزند خدا حق و باطل را پس اما کف پس میرود انداخته شده و اما آنچه سود میدهد مردمانرا

النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْاَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا
مردمانرا پس دیر میماند در زمین همچنین میزند خدا مثلها برای آنانکه اجابت کردند

لِرَبِّهِمُ الْحُسْنٰى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ
مر پروردگارشان را نیکوئی و آنانکه اجابت نکردند مر او را اگر آنکه میبود مرایشانرا آنچه در زمین است همه و مانندش

مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ اُولٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَاْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ١٨
با او هر اینه فدا داده بودند بآن آنگروه مر ایشان است بدی حساب و جای ایشان دوزخ است و بد بستریست

اَفَمَنْ يَعْلَمُ اَنَّمَا اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ اَعْمٰى اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُوا
آیا پس آنکه بداند که آنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت حق است چون کسیست که او کور است جز این نیست پند گیرند صاحبان

الْاَلْبَابِ ٢٠ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ ٢١ وَالَّذِينَ
خردها آنانکه وفا میکنند بپیمان خدا و نمیشکنند پیمانرا و آنانکه

يَصِلُونَ مَا اَمَرَ اللّٰهُ بِهِ اَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ٢٢
وصل میکنند آنچه را امر کرد خدا بآن که پیوند کرده شود و میترسند پروردگارشانرا و بیم دارند بدی حساب را

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
و آنانکه صبر کردند برای طلب وجه پروردگارشان و برپا داشتند نمازرا و انفاق کردند از آنچه روزیشان دادیم

سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ اُولٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ٢٣
پنهان و آشکار و دفع میکنند بخوبی بدی را آنگروه مر ایشانراست عاقبت آن سرای

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ
بهشتهای دائمی داخل شوند در آنها و آنکه شایسته شد از پدرانشان و جفتهاشان و فرزندانشان

وَالْمَلٰئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ٢٤ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ
و فرشتگان داخل شوند برایشان از هر باب درود بر شما بآنچه صبر کردید پس خوبست

عُقْبَى الدَّارِ ٢٥ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ
انجام آن سرای و آنانکه میشکنند پیمان خدارا از بعد استواریش و میبرند

مَا اَمَرَ اللّٰهُ بِهِ اَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ اُولٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ
آنچه را امر کرد خدا بآن که پیوند کرده شود و فساد میکنند در زمین آنگروه مر ایشانراست لعنت و مر ایشانراست

سُوءُ الدَّارِ ٢٦ اللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيٰوةِ
بدی آن سرای خدا وسعت میدهد روزی را برای هر که بخواهد و تنگ میکند و شاد شدند بزندگی

الدُّنْيَا وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا مَتَاعٌ ٢٧ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا
دنیا و نیست زندگی دنیا در آخرت جز متاعی و میگویند آنانکه کافر شدند

هر که از آن آب بیاشامد در آن سال از مصیبتها و زحمتها در امان باشد و آن هفت آیه دیگر انیست یکی در سوره یس سلام قولا من رب الرحیم و در صافات سلام علی ابراهیم سلام علی نوح فی العالمین سلام علی موسی و هرون سلام علی آل یاسین و یکی در زمر سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین

اولوا

نصف ربع

قوله تعالی شانه العزیز انزل من السماء ... الی المهاد اگر کسی خواهد که بیتیم علم کسب کند این آیه را ... شبانه روز در هر روزی ... و هر شبی هشتاد بار بخواند و در وقت خواب گوید یا مظهر العجایب و یا معلم الاشیاء ... البائس الفقیر الذلیل

اولوا بضم همزه بلفظ واو

المخابرین ... کار کسی قدیر ... عقد الصغیر الیه پس ... خواب ببیند ... از راه بیداری ببیند ... اگر بیمار ... معالجه او عاجز باشند ... هر روز ... و هر روز ... و عصاره برگ ... طشتی از مس ... ماب ... پس مریض ... و در وقت ... تا هفت روز ... و او را بدین آلوده کنند ... پس چون ... او را ... که آفتاب ... مریض ... انشاء الله تعالی

قوله تعالی شانه العزیز سلام علیکم الی ... هر کس این آیات را ... بنویسد ... کاسه چینی ... زعفران ... و آن را بشوید ...

لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ

چرا فرو فرستاده نشد براو آیتی از پروردگارش بگو بدرستیکه خدا گمراه کند هر که را خواهد و راه نماید بسوی خود

مَنْ أَنَابَ ۲۸ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ أَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ

کسی را که بازگشت کرد آنانکه گرویدند و می آرامد دلهاشان بذکر خدا آگاه باشید بذکر خدا می آرامد

الْقُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ ۲۹ كَذَٰلِكَ

دلها آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته خوشی مرایشان راست و نیکوئی بازگشت همچنان

أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

فرستادیم ترا در امتی که گذشته پیش از آنها امتها تا بخوانی برایشان آنچه وحی کردیم بسوی تو

وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَٰنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ

و آنها کافر میشوند برحمن بگو اوست پروردگارم نیست خدائی غیر او براو توکل کردم و بسوی اوست

مَتَابِ ۳۰ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ

بازگشت من و اگر آنکه میبود قرآنی که برکت رانده باشد بآن کوهها یا پاره شده باشد بآن زمین یا سخن گوید

بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلْ لِلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللّٰهُ لَهَدَى

بآن مردگان بلکه مر خدا راست امر همگی آیا پس ندانستند آنانکه ایمان آوردند که اگر میخواست هر آینه راه نمودی

النَّاسَ جَمِيعًا ۳۱ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ

مردمان را همه و همیشه آنانرا که کافر شدند میرسد مصیبتی بایشان بآنچه کردند سخت یا

تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۳۲ وَلَقَدِ

فرود میآید نزدیک از خانهاشان تا بیاید وعدهٔ خدا بدرستیکه خدا خلاف نکند وعده را و هر آینه بتحقیق

اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ

استهزا کرده شد برسولانی پیش از تو پس مهلت دادم مر آنانرا که کافر شدند پس گرفتم ایشانرا پس چگونه باشد

عِقَابِ ۳۳ أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلّٰهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ

عقوبت کردنم آیا پس آنکه او نگهبانست برهر نفسی بآنچه کسب کرد و قرار دادند برای خدا شریکان بگو نام برید ایشانرا

أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه خبر میدهید او را بآنچه نمیداند در زمین بلکه بظاهری از گفتار بلکه آراسته شد برای آنانکه کافر شدند

مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۳۴ لَهُمْ

مکرشان و باز داشته شدند از راه و هر کرا اضلال کند خدا پس نیست مر او را هیچ راهنمائی مر ایشانراست

عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَاقٍ ۳۵

عذابی در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت سخت تر است و نیست مر ایشانرا از خدا هیچ نگهدارنده

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا

صفت بهشتی که وعده داده شدند پرهیزگاران روانست از زیر آن نهرها میوه اش دائم است و سایه اش

تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ۳۶ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ

اینست سرانجام آنانکه پرهیز کردند و عاقبت کافرانست آتش و آنانکه دادیم ایشانرا

قوله تعالی شانه العزیز ولو ان قرآنا سیرت الی جمیعا این آیت در روز جمعه آخر ماه رمضان بنویسد در وقتیکه خطیب بالای منبر بود در هر خانه که بود در دکان نکند و اگر در کاروانی بود از دزدان ایمن باشد و اگر اسیر ابست بود و با خود دارد از اسیری رستگار شود ان شاء الله تعالی
۱۲

و اگر زیر اسپ فرزند بشود چون در چشم پیدا شود پیش از آنکه چهل روز بگذرد و بر تخته گاه زن نویسد بسیار زاید و اگر بر سر بندد هر چند که راه رود مانده نشود و اگر در درد سر داشته باشد بنویسند و بر سر بندد زایل گردد ان شاء الله تعالی
۱۲

قوله تعالی شانه والذین لم یستجیبوا له الی الدار این آیت بجهت دفع و هلاک دشمن که مسلمان نباشد یا ظالم و فاسق بود مجرب است روز بیست و هشتم ماه روزه دارد و اگر شنبه بود بهتر بود و بر نان جو افطار کند و هم شب برخیزد و در صحرائی که هیچ کس نباشد پس آتش کند و سند روس بخور کند و این آیه را هفت بار بخواند و در هر بار بگوید اللهم علیک بفلان بن فلان اللهم اعکس علیه امره و اخذل نصره و لا تثبت اقدامه و ذلله بجاه ذلت بکتاب تو عبید چون چنین کند دشمن متفرق الحال و بهلاکت نزدیک شود
۱۲

الكتاب يفرحون بما انزل اليك ومن الاحزاب من ينكر بعضه قل انما
کتاب شاد میشوند بآنچه فرو فرستاده شد بسوی تو و از طوایف دشمن کیست که انکار میکند برخی از آنرا بگو جز این نیست
امرت ان اعبد الله ولا اشرك به اليه ادعوا واليه ماب ۳۷ وكذلك
فرموده شدم که بپرستم خدا را و شریک نیاورم با و بسوی او میخوانم و بسوی او بازگشت من و همچنین
انزلناه حكما عربيا ولئن اتبعت اهواءهم بعد ما جاءك من العلم ما لك
فرو فرستادیم حکمی عربی و هر آینه اگر پیروی کنی خواهشهای ایشانرا بعد از آنچه آمد ترا از دانش نباشد مر ترا
من الله من ولي ولا واق ۳۸ ولقد ارسلنا رسلا من قبلك وجعلنا
از خدا هیچ دوست و نگهدارنده و هر آینه بتحقیق فرو فرستادیم رسولان پیش از تو و گردانیدیم
لهم ازواجا وذرية وما كان لرسول ان ياتي باية الا باذن الله لكل
برای ایشان جفتها و فرزندان و نباشد مر رسولی را که بیاورد بمعجزه مگر باذن خدا از برای هر
اجل كتاب ۳۹ يمحوا الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب ۴۰ واما نرينك
اجلی نوشته ایست محو میکند خدا آنچه را میخواهد و ثابت میدارد و نزد اوست اصل کتاب و اگر بنمائیم ترا
بعض الذي نعدهم او نتوفينك فانما عليك البلاغ وعلينا الحساب ۴۱
برخی از آنچه وعده کرده ایم ایشانرا یا بمیرانیم ترا پس جز این نیست بر تست رسانیدن و بر ماست حساب
اولم يروا انا نأتي الارض ننقصها من اطرافها والله يحكم لا معقب لحكمه
آیا و ندیدند که ما آریم فرمان خود را از زمین که کم میکنیم آنرا از اطرافش و خدا حکم میکند نیست از پی در آینده مر حکمش را
وهو سريع الحساب ۴۲ وقد مكر الذين من قبلهم فلله المكر جميعا يعلم
و اوست زود حساب و بحقیقت مکر کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس مر خدا راست مکر همه میداند
ما تكسب كل نفس وسيعلم الكفار لمن عقبى الدار ۴۳ ويقول الذين كفروا
آنچه کسب میکند هر نفسی و زود باشد که بدانند کافران که برای کیست انجام آن سرای و میگویند آنانکه کافر شدند
لست مرسلا قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم ومن عنده ام الكتاب
که نیستی تو فرستاده شده بگو کافیست خدا گواه میان من و میان شما و آنکه نزد اوست ام الکتاب

(۱۴) سورة ابرهيم عليه السلام اثنتان وخمسون اية وهي مكية

الا آیتی ۳۳ - ۳۴ مدنیتان نزلت بعد سوره نوح

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

الر كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور باذن ربهم
کتابیست که فرو فرستادیم آنرا بتو تا بیرون آری مردمانرا از تاریکیها بسوی روشنی بدستوری پروردگارشان
الى صراط العزيز الحميد ۲ الله الذي له ما في السموات وما في
بجانب راه آنکه غالب ستوده است خدائی که مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در
الارض وويل للكافرين من عذاب شديد ۳ الذين يستحبون الحيوة
زمین است و وای بر کافران از عذابی سخت آنانکه میگزینند زندگانی

هو الله سبحانه تعالی
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون کسی گرسنه باشد [illegible] سوره ابراهیم بخواند [illegible] و اگر آنرا بنویسد و در سفر با خود دارد [illegible] برکت و تجارت او [illegible] منقول است که اگر این سوره را در قطعه حریر سفید بنویسد [illegible] و بر طفلی بندند [illegible] گریه کند [illegible] بر طرف نماید و از خشم [illegible] محفوظ ماند [illegible] ان شاء الله تعالی ۱۲

هو
از حضرت رسول خدا صلی الله علیه [illegible] هر کس [illegible] تلاوت کند سوره ابراهیم حقتعالی بعدد هر که عبادت اصنام کرده است ده حسنه در نامه اعمالش ثبت فرماید ۱۲

الر [illegible]

الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ

دنیا را بر آخرت و بازمیدارند از راه خدا و میخواهند آنرا کج آن گروه

فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۴ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ

در گمراهی دور از حق ولفرستادیم ما هیچ رسولیرا مگر بزبان قومش تا بیان کند مر آنهارا

فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۵ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

پس اضلال کند خدا هر کهرا میخواهد و راه نماید هر کهرا میخواهد و اوست غالب درست کردار و هر آینه بتحقیق فرستادیم

مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ

موسی را با آیات ما که بیرون آور قوم خودت را از تاریکیها بسوی روشنائی و پند ده آنهارا بروزهای

اللَّهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۶ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ

خدا بدرستیکه در این هر آینه علامتهاست برای هر صبر کننده شکرگذاری و چون گفت موسی مر قومش را

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

کرده یاد کنید نعمتهای خدا را بر شما را که چون رها نید شما را از آل فرعون که عذاب میکردند بدی عذاب

وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۷

و می کشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند زنانت را و در این شما را بود از پروردگارتان بلائی بزرگ

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي

و هنگامیکه اعلام کرد پروردگارتان که اگر شکر کردید هر آینه زیاد میدهم شما را و اگر کفران کردید بدرستیکه عذاب من

لَشَدِيدٌ ۸ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ

هر آینه سخت است و گفت موسی اگر کفران ورزید شما و هر که در زمین است همه پس بدرستیکه خدا

لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ۹ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۱۰

هر آینه بی نیاز ستوده است آیا نیامد شما را خبر آنانکه بودند پیش از شما قوم نوح و عاد و ثمود

وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۛ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ۚ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا

و آنانکه بودند پس از ایشان نمیداند ایشانرا مگر خدا آمد ایشانرا رسولانشان بمعجزات پس باز گردانیدند

أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا

دستهاشانرا در دهنهاشان و گفتند که ما کافر شدیم بآنچه فرستاده شدید بآن و بدرستیکه ما هر آینه در شکیم از آنچه

تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۱۱ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ

میخوانید ما را بسوی آن که بگمان اندازنده است گفتند رسولانشان آیا در خدا باشد شکی پدید آورنده آسمانها و

الْأَرْضِ ۖ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ۱۲

زمین است میخواند شما را تا بیامرزد مر شما را از گناهانتان و باز اندازد شما را تا وقت معین

قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ

گفتند نیستید شما بجز آدمیزاده مانند ما میخواهید که باز دارید ما را از آنچه بودند که میپرستیدند

آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۱۳ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ

پدرانمان پس بیارید ما را حجتی آشکارا گفتند مر ایشانرا رسولانشان نیستیم ما بجز انسانی

قوله تعالی الر کتاب الی الحمید این آیت را بر قند نوشته و باب خالص بشویند این آب چهل بار بر آن آیت بخوانند و در مسجد یک بیاشند تعلّم علوم بر او آسان گردد و اگر این آیت را بر کاغذ نوشته و از آب باران خزان بشویند چند دفعه بخورند نسیان و احمقی بدار زدل او زایل گردد ان شاء الله تعالی ۱۲

حزب

آباؤنا بضمّ همزه بعد واو

مثلكم ولكن الله يمن على من يشاء من عباده وما كان لنا ان ناتيكم

مانند شما ولیکن خدا منت میگذارد بر هر که بخواهد از بندگانش و نباشد برای ما که بیاوریم شما را

بسلطان الا باذن الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون ١٥ وما لنا

حجتی مگر بفرمان خدا و بر خدا پس توکل دارند گروندگان و چیست مر ما را

الا نتوكل على الله وقد هدنا سبلنا ولنصبرن على ما اذيتمونا وعلى

که توکل ننداشته باشیم بر خدا و بحقیق که راه نمود ما را براه ما و هر اینه صبر خواهیم بر آنچه رنجانیدید ما را و بر

الله فليتوكل المتوكلون ١٦ وقال الذين كفروا لرسلهم لنخرجنكم من

خدا پس باید توکل کنند توکل کنندگان و گفتند آنانکه کافر شدند مر رسولان شان را که البته بیرون کنیم از

ارضنا او لتعودن في ملتنا فاوحى اليهم ربهم لنهلكن الظالمين ١٧

زمین خودمان یا هر اینه بر میگردید در کیش ما پس وحی کرد بایشان پروردگارشان هر اینه هلاک کنیم البته ستمکاران را

ولنسكننكم الارض من بعدهم ذلك لمن خاف مقامي وخاف وعيد ١٨

و هر اینه ساکن گردانیم شما را در زمین پس از ایشان این برای آنست که ترسید از مقام من و ترسید از وعده عذابم

واستفتحوا وخاب كل جبار عنيد ١٩ من ورائه جهنم ويسقى من ماء

و طلب فتح کردند و نومید شد هر سرکش حق ناپذیر از پس او دوزخ است و آب داده شوند از آب

صديد ٢٠ يتجرعه ولا يكاد يسيغه وياتيه الموت من كل مكان وما

که چرک است جرعه جرعه آشامند و نزدیک نیست که فرو برد آنرا بآسانی و آید مرگ او را از هر جا و نیست

هو بميت ومن ورائه عذاب غليظ ٢١ مثل الذين كفروا بربهم اعمالهم

او مرده و از پس او عذابیست سخت مثل آنانکه کافر شدند بپروردگارشان کردارشان

كرماد اشتدت به الريح في يوم عاصف لا يقدرون مما كسبوا على

چون خاکستریست که بوزد بآن باد سخت در روز تند باد که قادر نباشند از آنچه کسب کردند بر

شيء ذلك هو الضلال البعيد ٢٢ الم تر ان الله خلق السموات والارض

چیزی اینست آن گمراهی دور از حق آیا نبینی بدرستیکه خدا آفرید آسمانها و زمین

بالحق ان يشا يذهبكم ويات بخلق جديد ٢٣ وما ذلك على الله بعزيز ٢٤

براستی اگر خواهد ببرد شما را و بیارد آفرینش تازه و نباشد این بر خدا دشوار

وبرزوا لله جميعا فقال الضعفاء للذين استكبروا انا كنا لكم تبعا فهل

و ظاهر شدند مر خدا را همه پس گفتند ضعیفان مر آنانرا که طلب بزرگی میکردند بدرستیکه بودیم ما مر شما را پیروان پس آیا

انتم مغنون عنا من عذاب الله من شيء ٢٥ قالوا لو هدنا الله لهدينكم

شمائید کفایت کنندگان از ما از عذاب خدا از چیزی گفتند اگر هدایت کرده بود ما را خدا هر اینه هدایت میکردیم شما را

سواء علينا اجزعنا ام صبرنا ما لنا من محيص ٢٦ وقال الشيطان لما قضي

یکسانست بر ما خواه بنالیم ما یا صبر کنیم ما که نیست ما را هیچ گریزگاهی و گفت گمراه کننده ابلیس چون گذشته شد کار

الامر ان الله وعدكم وعد الحق ووعدتكم فاخلفتكم وما كان لي عليكم

کار بدرستیکه خدا وعده کرد شما را وعده راست و وعده کردم شما را پس خلاف کردم شما را و نبود مرا بر شما

و له تعالی شانه العزیز
و قال الذین کفروا الی غلیظ
این آیت را بنویسند ابتدا
از لنخرجنکم من ارضنا
آخر آیه بر چهار تخته از چوب
زیتون بسیاهی در صبح
روز چهارشنبه پیش از طلوع
آفتاب و در هر کنج زمین یا
مزرع یا باغ یکی از آن
الواح را دفن کنند و در
وقت دفن کردن این آیه
سه بار بخواند از زرع یا باغ
از کرم و موش محفوظ
ماند
والسلام
١٢

و له تعالی شانه العزیز
و ما لنا الا الی المتوکلون
این آیت را بنویسد و با
خود دارد و همه فضل
شود و اگر کسی را چشم زخم
رسیده باشد یا از زمین
زخمی رسیده باشد بشوید
از آب کند و این آیه را
بر آن خواند و آنکس را بر
برند و بر چهار راه او را
با آن آب غسل دهند شب
باین دستور عمل کند شفا یابد
و اگر این آیه بر قدح
آب خواند هفت بار
بعد از آن هفت بار بگوید
ان کنتم آمنتم بالله
فکر شرکم عنها ایتها
المر اغیث و آن آب را
در حوالی خود پاشد از
کیک ایمن شود و اگر این
آیت را شب بر نیت
کیک بخواند آن شب از
شر کیک آسوده و
ایمن باشد انشاءالله
١٢

لی
بکشرلامرد
فتح یا

من سلطان

مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا ۲۷

هيچ تسلطي بجز آنكه خواندم شما را پس اجابت كرديد مرا پس ملامت مكنيد مرا و ملامت كنيد خودتان را

أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ

نيستم من فريادرس شما و نه شما فريادرس من بدرستيكه من كافر شدم بآنچه شريك گردانيديد مرا از پيش بدرستيكه ستمكاران

لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۲۸ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي

مر ايشانراست عذابيست دردناك و در آورده شوند آنانكه گرويدند و كردند كارهاي شايسته در بهشتهائي كه ميرود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۲۹ أَلَمْ

از زير آنها نهرها جاويدانند در آنها بفرمان پروردگارشان در آنها سلام است آيا

تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا

نديدي چگونه زد خدا مثل را كلمهٔ پاكيزه چون درخت پاكيزه است كه اصل آن ثابت است و فرع آن

فِي السَّمَاءِ ۳۰ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

در آسمان است داده شود ميوه اش همه وقت بفرمان پروردگارش و ميزند خدا مثلها

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۳۱ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ

براي مردمان شايد ايشان پند گيرند و مثل كلمهٔ خبيثه چون درخت بداست كه ريشه كن باشد از

فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۳۲ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي

بالاي زمين كه نباشد مر آنرا هيچ قراري ثابت ميدارد آنانرا كه ايمان آوردند بگفتار ثابت در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۳۳

زندگاني دنيا و در آخرت و گمراه ميگذارد خدا ستمگارانرا و ميكند خدا آنچه ميخواهد

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ۳۴ جَهَنَّمَ

آيا نديدي بسوي آنانكه بدل كردند نعمت خدا را بكفر و فرود آوردند قومشانرا بسراي هلاكت دوزخ

يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ۳۵ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ

در آيند آنرا و بداست آن قرارگاه و قرار دادند براي خدا مانندها تا گمراه كنند از راه او بگو

تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ۳۶ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ

كامراني كنيد پس بدرستيكه بازگشت شما بآتش است بگو مر بندگانم را آنانكه ايمان آوردند كه بر پا دارند نماز را

وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا

و انفاق كنند از آنچه روزي شان داديم پنهان و آشكار از پيش آنكه بيايد روزيكه نيست بيعي در آن و نه

خِلَالٌ ۳۷ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ

دوستي خداست آنكه آفريد آسمانها و زمين را و فرو فرستاد از آسمان آب پس بيرون آورد

بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ

بآن از ميوه ها روزيي براي شما و مسخر كرد براي شما كشتي را تا روان گردد در دريا بفرمان او و مسخر كرد براي شما

الْأَنْهَارَ ۳۸ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۳۹ وَ

نهرها را و مسخر كرد براي شما آفتاب و ماه را كوشندهٔ دائمي و مسخر كرد براي شما شب و روز را و

بِمُصْرِخِيَّ بتشديد يا و نصب يا

أَشْرَكْتُمُونِ بكسر نون

خواص — قوله تعالى شانه العزيز مثل كلمة الرحمن الى قوله ما لها من قرار تا گاهي كه مسلمانان از دو متضرر باشند در روز چهارشنبه از داشته باشند لوح مربع سازد پيش از طلوع آفتاب در سايه خشك كند و اين آيه را در چهارشنبهٔ ديگر بر آن لوح نويسد با آب نيل ازرقي كه از چوب زيتون باشد آن لوح را از هم بايد در خانه آن شخص زير دامن عجيبه مشاهده كند و اگر اين آيت را بر پوست مدبوغ نويسند در وقتيكه ماه ناقص النور بود و آن پوست را در آبي اندازد كه آن شخص از آن آب بخورد بيمار گردد و هلاك گردد بامر خدا تعالي

قوله تعالى شانه العزيز الله الذي خلق السموات الى الظلوم كفار اين آيت بجهت سلامتي از آفات بر و بحر و حفظ اموال و دواب نافع است هر كس اين آيه را در صباح و مساء هر روز بخواند و در وقت خواب در آمدن منزل خود و منازل دوستان و خويشان و در وقت ديدن دواب و مواشي و در زروع خود بخواند از هر چه ترسد ايمن گردد و بركت و سعادت ابديه ميشود

اتيكم

اٰتٰكُم مِن كُلِّ مَا سَأَلتُمُوهُ وَاِن تَعُدُّوا نِعمَتَ اللّٰهِ لَا تُحصُوهَا اِنَّ الاِنسَانَ

بداد شمارا از هر چه خواستید ازاو واگر بشمارید نعمت خدارا احصا نتوانید کردش بدرستیکه انسان

لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ۳۸ وَاِذ قَالَ اِبرٰهِيمُ رَبِّ اجعَل هٰذَا البَلَدَ اٰمِنًا وَاجنُبنِي وَ

هر آینه ستمگار ناسپاس است وچون گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این شهررا ایمن ودوردار مرا و

بَنِيَّ اَن نَعبُدَ الاَصنَامَ ۳۹ رَبِّ اِنَّهُنَّ اَضلَلنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنِي فَاِنَّهُ

وپسران مرا ازآنکه پرستیم بتهارا پروردگارا بدرستیکه آنها گمراه کردند بسیاری ازمردمان پس آنکه پیروی کرد مرا پس او

مِنِّي وَمَن عَصَانِي فَاِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۴۰ رَبَّنَا اِنِّي اَسكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ

از منست وآنکه نافرمانی کرد مرا پس بدرستیکه توئی آمرزنده مهربان ای پروردگار ما بدرستیکه من ساکن کردم برخی از فرزندانم در وادی

غَيرِ ذِي زَرعٍ عِندَ بَيتِكَ المُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلٰوةَ فَاجعَل اَفئِدَةً مِنَ

غیر صاحب زرع نزد خانهات که حرام کرده شده پروردگارما تا برپای دارند نمازرا پس بگردان دلهارا از

النَّاسِ تَهوِي اِلَيهِم وَارزُقهُم مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُم يَشكُرُونَ ۴۱ رَبَّنَا

مردم که خواهش کند بایشان وروزی ده ایشانرا ازمیوجات شاید ایشان شکر کنند پروردگارا

اِنَّكَ تَعلَمُ مَا نُخفِي وَمَا نُعلِنُ وَمَا يَخفٰى عَلَى اللّٰهِ مِن شَيءٍ فِي الاَرضِ وَلَا

بدرستیکه تو میدانی آنچه پنهان داریم وآنچه را آشکار نمائیم ومخفی نیست برخدا هیچ چیز در زمین ونه

فِي السَّمَاءِ الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الكِبَرِ اِسمٰعِيلَ وَاِسحٰقَ اِنَّ

درآسمان ستایش مرخدائیرا که بخشید مرا در پیری اسمعیل واسحق را بدرستیکه

رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ۴۲ رَبِّ اجعَلنِي مُقِيمَ الصَّلٰوةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ

پروردگار من هر آینه شنونده دعاست پروردگارا بگردان مرا برپادارنده نماز واز فرزندانم ای پروردگار و

تَقَبَّل دُعَاءِ ۴۳ رَبَّنَا اغفِر لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلمُؤمِنِينَ يَومَ يَقُومُ الحِسَابُ ۴۴

قبول فرما دعا پروردگارا بیامرز مرا ومر والدین مرا ومر مؤمنین را روزیکه برپا شود حساب

وَلَا تَحسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا عَمَّا يَعمَلُ الظَّالِمُونَ اِنَّمَا يُؤَخِّرُهُم لِيَومٍ تَشخَصُ فِيهِ الاَبصَارُ

ومپندار خدارا البته غافل ازآنچه میکنند ستمگاران جز این که پس می اندازیم ایشانرا مگر برای روزیکه باز میماند در آن چشمها

مُهطِعِينَ مُقنِعِي رُءُوسِهِم لَا يَرتَدُّ اِلَيهِم طَرفُهُم وَاَفئِدَتُهُم هَوَاءٌ ۴۵ وَاَنذِرِ النَّاسَ

شتاب زدگان برپا دارندگان سرهاشان برنمیگردد بسوی ایشان چشمهاشان ودلهاشان خالی باشد وبیم ده مردمانرا

يَومَ يَاتِيهِمُ العَذَابُ ۴۵ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا اَخِّرنَا اِلٰى اَجَلٍ قَرِيبٍ ۴

از روزیکه آید ایشان عذاب پس میگویند آنانکه ستم کردند پروردگارا پس افکن مارا تا مدتی نزدیک

نُجِب دَعوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ اَوَلَم تَكُونُوا اَقسَمتُم مِن قَبلُ مَا لَكُم مِن زَوَالٍ ۴۷

تا اجابت کنیم دعوت ترا وپیروی نمائیم رسولانرا آیا نبود دید که سوگند خوردید از پیش که نیست مرشمارا هیچ زوالی

وَسَكَنتُم فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا اَنفُسَهُم وَتَبَيَّنَ لَكُم كَيفَ فَعَلنَا بِهِم وَضَرَبنَا

وساکن شدید در مسکنهای آنانکه ستم کردند بخودشان وظاهر شد مرشمارا که چه کردیم با ایشان وزدیم

لَكُمُ الاَمثَالَ وَقَد مَكَرُوا مَكرَهُم وَعِندَ اللّٰهِ مَكرُهُم وَاِن كَانَ مَكرُهُم لِتَزُولَ

برای شما مثلها وبتحقیق که مکر کردند مکرشان ونزد خداست مکرشان واگر چه مکرشان که شود

قوله تعالی ربنا انی اسکنت من ذریتی عیاشی از حضرت باقر روایت نموده که مائیم بقیه آن ذریت وعیاشی وقمی از آنجناب روایت نموده که والله مائیم بقیه آن ذریت

ومنی بتقدیم ما بر نوشته آنعترت در مجمع گفته که آنجناب فرموده دعوت ابراهیم از برای ما مخصوص بود ۱۲

قوله تعالی فاجعل افئدة من الناس یعنی بگردان دلهای بعضی از مردم را که مشتاق باشند بسوی ایشان یعنی محبت ایشانرا در دلهای بعضی مردم قرار بده تا بسوی ایشان بروند ودر آنجا منزل نمایند ودر کافی از حضرت باقر روایت نموده که آنجناب فرموده که حضرت ابراهیم قصد نکرده از ضمیر الیهم مگر آل محمد را والا میگفت الیه مراد از الضمیر مائیم قسم بخدا که مائیم مراد بدعای حضرت ابراهیم ودر احتجاج از حضرت امیرالمؤمنین روایت نموده که قلوب بعضی مردم محبت ما دارند واین است دعای ابراهیم که فرموده اجعل افئدة من الناس تهوی الیهم والسلام ۱۲

مِنْهُ الْجِبَالُ ۴۸ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ مُخْلِفَ وَعْدِهٖ رُسُلَهُ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۴۹

از آن کوهها پس مپندار خدا را خلاف کننده وعده اش بر رسولانش بدرستیکه خدا غالب و صاحب انتقام است

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْاَرْضُ غَيْرَ الْاَرْضِ وَالسَّمٰوَاتُ وَبَرَزُوا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۵۰ وَتَرَى

روزیکه بدل شود زمین غیر زمین و آسمانها و ظاهر شوند برای خدای یگانه غالب و ببینی

الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْاَصْفَادِ ۵۱ سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشٰى وُجُوهَهُمُ

گنهکاران را در این روز قرین شدگان در زنجیرها پیراهنشان از قطران است و در پوشد رویهایشان را

النَّارُ لِيَجْزِيَ اللّٰهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۵۲ هٰذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ

آتش تا جزا دهد خدا هر نفسی را آنچه کسب کرده بدرستیکه خدا زود حسابست این کفایتست مر مردمان را

وَلِيُنْذَرُوا بِهٖ وَلِيَعْلَمُوا اَنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ

و تا ترسانیده شوند بآن و تا بدانند جز این نیست که اوست خدای یگانه و تا پند گیرند صاحبان خردها

سُورَةُ الْحِجْرِ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا الآية ۸۷ فمدنية نزلت بعد سورة یوسف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الٓر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ۲ رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا

اینست آیات کتاب و قرآن ظاهر الاعجاز بسا آرزو کنند آنانکه کافر شدند که کاش بودند

مُسْلِمِينَ ۳ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْاَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۴ وَمَا

مسلمانان واگذار ایشانرا که بخورند و کامرانی کنند و مشغولشان دارد آرزو پس زود باشد که بدانند و

اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ اِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ ۵ مَا تَسْبِقُ مِنْ اُمَّةٍ اَجَلَهَا وَمَا

هلاک نکردیم هیچ قریه را مگر و بود مر او را نوشته معلوم پیش نیفتد از اجلش هیچ امتی و

يَسْتَأْخِرُونَ ۶ وَقَالُوا يَا اَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ اِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۷ لَوْمَا

از پس نمانند و گفتند ای آنکه فرو فرستاده شد براو قرآن بدرستیکه توئی دیوانه چرا

تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۸ مَا نُنَزِّلُ الْمَلٰئِكَةَ اِلَّا بِالْحَقِّ

نمی آوری بما فرشتگانرا اگر هستی تو از راستگویان فرو نمیفرستیم ما ملائکه را مگر بحق

وَمَا كَانُوا اِذًا مُنْظَرِينَ ۹ اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۱۰ وَلَقَدْ

و نبودند آنگاه از مهلت داده شدگان بدرستیکه ما فرو فرستادیم قرآنرا و بدرستیکه ما آنرا نگاهدارندگانیم و بتحقیق

اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْاَوَّلِينَ ۱۱ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا كَانُوا

فرستادیم ما پیش از تو در طوایف پیشینیان و نیامد ایشانرا هیچ فرستادهٔ مگر بودند که با

بِهٖ يَسْتَهْزِئُونَ ۱۲ كَذٰلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۱۳ لَا يُؤْمِنُونَ بِهٖ وَ

او استهزا میکردند همچنین در میآوریم آنرا در دلهای گناهکاران ایمان نمی آورند بآن و

قَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْاَوَّلِينَ ۱۴ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا

بتحقیق گذشته است آئین پیشینیان و اگر میگشادیم برایشان دری از آسمان پس میبودند

هو
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که فرمودند هر که این سوره را تلاوت کند حق سبحانه و تعالی بعدد مهاجرین و انصار و بعدد استهزا کنندگان بپیغمبر ده حسنه در نامه عملش ثبت فرماید ۱۲

فيه يعرجون ۱۵ لقالوا انما سكرت ابصارنا بل نحن قوم مسحورون ۱۶

در آن بالا میرفته باشند هر آینه میگفتند جز این نیست که بسته شد چشمهای ما بلکه ماییم گروه سحر کرده شدگان

ولقد جعلنا في السماء بروجا وزيناها للناظرين ۱۷ وحفظناها من كل

و هر آینه بتحقیق که گردانیدیم در آسمان برجهائی و آراستیم آنرا برای نظر کنندگان و نگاه داشتیم آنرا از هر

شيطان رجيم ۱۸ الا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبين ۱۹ والارض

شیطان رانده شده مگر آنکه بدزدیده گوش فرا داشت پس از پی رفت او را پارهٔ آتش روشن و زمین

مددناها والقينا فيها رواسي وانبتنا فيها من كل شيء موزون ۲۰ و

وسعت دادیم آنرا و افکندیم در آن کوههای استوار و رویانیدیم در آن از همه چیزی سنجیده

جعلنا لكم فيها معايش ومن لستم له برازقين ۲۱ وان من شيء الا عندنا

ساختیم برای شما در آن مایهٔ تعیش و کسیکه نیستید مر او را روزی دهندگان . و نیست هیچ چیز مگر آنکه نزد ماست

خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم ۲۲ وارسلنا الرياح لواقح فانزلنا

خزانه های آن و فرو نمیفرستیم آنرا مگر باندازهٔ معلوم و فرستادیم ما بادها را آبستن کنندگان پس فرو فرستادیم

من السماء ماء فاسقيناكموه وما انتم له بخازنين ۲۳ وانا لنحن نحيي و

از آسمان آب را پس نوشانیدیم بشما آنرا و نیستید شما مر او را خزانه داران و بدرستیکه ما هر آینه زنده میسازیم و

نميت ونحن الوارثون ۲۴ ولقد علمنا المستقدمين منكم ولقد علمنا

میمیرانیم و ماییم وارثان و بحقیقت دانستیم ما پیش رفتگان از شما را و بحقیقت دانستیم

المستأخرين ۲۵ وان ربك هو يحشرهم انه حكيم عليم ۲۶ ولقد خلقنا

واپس ماندگان را و بدرستیکه پروردگار تو اوست که حشر میکند ایشان را که اوست درست کردار دانا و بتحقیق

الانسان من صلصال من حما مسنون ۲۷ والجان خلقناه من قبل من

آفریدیم انسان را از گل خشک شده از لای رنگیده شده و پدر پریان را آفریدیم از پیش از

نار السموم ۲۸ واذ قال ربك للملئكة اني خالق بشرا من صلصال

آتش شعله دار و چون گفت پروردگار تو مر فرشتگان را بدرستیکه من آفریننده ام آدمی را از گل خشک شده

من حما مسنون ۲۹ فاذا سويته ونفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين ۳۰

از لای رنگیده شده پس چون راست گردانیدم اش و دمیدم در او از روحم پس باید بیفتید مر او را سجده کنندگان

فسجد الملئكة كلهم اجمعون ۳۱ الا ابليس ابى ان يكون مع الساجدين ۳۲

پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان بتمامی مگر ابلیس ابا کرد از اینکه باشد با سجده کنندگان

قال يا ابليس ما لك الا تكون مع الساجدين ۳۳ قال لم اكن لاسجد

گفت ای شیطان چیست ترا که نمیباشی با سجده کنندگان گفت نیستم من که سجده کنم

لبشر خلقته من صلصال من حما مسنون ۳۴ قال فاخرج منها فانك رجيم ۳۵

مر انسانرا که آفریدی او را از گل خشک شده از لای رنگیده شده گفت پس بیرون رو از آن پس بدرستیکه توئی رانده شده

وان عليك اللعنة الى يوم الدين ۳۶ قال رب فانظرني الى يوم يبعثون ۳۷

و بدرستیکه بر تست لعنت تا روز جزا گفت پروردگارا پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته شوند

قوله تعالی شانه العزیز ولقد جعلنا الی رجیم چون این آیت را بر نگین خاتم نقش کند در انگشت کند نزد خلق توقیر و حرمت یابد یا آنرا بر پوست آهو نویسد و با خود دارد قول او نزد مردم پذیرفته شود و اعلا رسد و نزد حکام و سلاطین اعتبار تمام یابد والسلام ۱۲

قوله تعالی شانه العزیز والارض مددناها الی برازقین چون کسی این آیت را بر لوحی نقش کند و بدیوار خانه یا دکان مرتب کند یا بر کاغذ نویسد در میان متاع خود نهد اسباب رزق او بسهولت مهیا شود و منافع بسیار یابد و اگر بر اشجار آویزان کند میوه آن باغ زیاد کند و اشجار آن باغ از آفت نرسد محفوظ ماند والسلام ۱۲

فانظرني بفتح همزه و سکون نون و کسر را

قال فانك من المنظرين ٣٨ الى يوم الوقت المعلوم ٣٩ قال رب بما اغويتني

گفت پس بدرستیکه تو ئی از مهلت داده شدگان تا روز وقت معلوم گفت پروردگارا بسبب انکه اغوا کردی مرا

لازينن لهم في الارض ولاغوينهم اجمعين ٤٠ الا عبادك منهم المخلصين ٤١

هر آینه آراسته میکنم مرایشانرا در زمین و هر آینه گمراه میکنم همگی ایشانرا بجز بندگان تو از ایشان که از اهل اخلاصند

قال هذا صراط علي مستقيم ٤٢ ان عبادي ليس لك عليهم سلطان

گفت این راهیست بر من راست بدرستیکه بندگان من مر ترا نیست برایشان تسلط

الا من اتبعك من الغاوين ٤٣ وان جهنم لموعدهم اجمعين ٤٤ لها

مگر آنکه پیروی کرد ترا از گمراهان و بدرستیکه جهنم هر آینه وعده گاه ایشانست همه مر آنراست

سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم ٤٥ ان المتقين في جنات و

هفت در از برای هر دری از ایشانرا پاره ایست قسمت شده بدرستیکه پرهیزگاران در بهشتها و

عيون ٤٦ ادخلوها بسلام امنين ٤٧ ونزعنا ما في صدورهم من غل

و چشمه سارهایند درون آیید آنرا بسلامتی ایمنان و بیرون کشیدیم آنچه در سینهای ایشانست از کینه

اخوانا علي سرر متقابلين ٤٨ لا يمسهم فيها نصب وما هم منها بمخرجين ٤٩

برادران بر سریرها روی بهم دارندگان مس نمیکند ایشانرا در ان تعبی و نیستند ایشان از آن بیرون شدن

نبئ عبادي اني انا الغفور الرحيم ٥٠ وان عذابي هو العذاب الاليم ٥١

خبر ده بندگانم بدرستیکه منم من آمرزنده مهربان و بدرستیکه عذاب من آنست عذاب دردناک

ونبئهم عن ضيف ابرهيم ٥٢ اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال انا منكم

و خبر ده ایشانرا از مهمانان ابراهیم چون داخل شدند براو پس گفتند سلام گفت که ما از شمائیم

وجلون ٥٣ قالوا لا توجل انا نبشرك بغلام عليم ٥٤ قال ابشرتموني

ترسندگان گفتند مترس بدرستیکه ما مژده میدهیم ترا بپسری دانا گفت آیا مژده میدهید مرا

علي ان مسني الكبر فبم تبشرون ٥٥ قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من

بر آنکه مس کرده است مرا پیری پس بچه چیز بشارت میدهید مرا گفتند مژده دادیم ترا براستی پس مباش از

القانطين ٥٦ قال ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ٥٧ قال فما

نا امیدان گفت و کیست نومید شود از رحمت پروردگارش بجز گمراهان گفت پس چیست

خطبكم ايها المرسلون ٥٨ قالوا انا ارسلنا الي قوم مجرمين ٥٩ الا ال

کارتان ای فرستادگان گفتند بدرستیکه ما فرستاده شدیم بگروهی گناهکاران مگر آل

لوط انا لمنجوهم اجمعين ٦٠ الا امراته قدرنا انها لمن الغابرين ٦١ فلما

لوط که ما رهانندهٔ ایشانیم همگی را مگر زنش که تقدیر کردیم که او هر آینه باشد از بازماندگان پس چون

جاء ال لوط المرسلون ٦٢ قال انكم قوم منكرون ٦٣ قالوا بل جئناك

آمدند آل لوط را فرستادگان گفت که شما اید گروهی ناشناخته گفتند بلکه آمدیم ترا

بما كانوا فيه يمترون ٦٤ واتيناك بالحق وانا لصادقون ٦٥ فاسر

بآنچه بودند در آن شک میکردند و آوردیم ترا حق بدرستیکه ماییم راستگویان پس بیرون بر

قوله تعالی قال هذا صراط علی الی آخر یعنی بعد از گفتن شیطان ما جدا که من اغوا میکنم تمام بندگان تو را بجز آن کسانیکه از مخلصین باشند گفت این اخلاص راهی میباشد که رعایت آن بر من لازم است و آن راهیست که انحراف ندارد و این معنی صورتی میباشد که لفظ علی بفتح لام خوانده شود و اما بکسر لام چنانکه در تفاسیر وارد شده معنی آن اینست اخلاص راه امیرالمومنین است و انحراف ندارد چنانچه در کافی از حضرت صادق روایت نموده عیاشی از حضرت سجاد روایت نموده که آن امیرالمومنین است ١٢

تبشرون بفتح نون

بِاَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ اَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ اَحَدٌ وَامْضُوا

اهلت را در پاره از شب و برو از عقبهای ایشان و مبادا التفات کند از شما احدی و بروید

حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۶۵ وَقَضَيْنَا اِلَيْهِ ذٰلِكَ الْاَمْرَ اَنَّ دَابِرَ هٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ

جائیکه فرموده شده اید و گذارش کردیم بسوی او این امر را بدرستیکه دنبال آنها ست بریده شده

مُصْبِحِينَ ۶۶ وَجَاءَ اَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ۶۷ قَالَ اِنَّ هٰؤُلَاءِ ضَيْفِي

بامداد کنندگان و آمدند اهل شهر که شادی میکردند گفت بدرستیکه اینها مهمان منند

فَلَا تَفْضَحُونِ ۶۸ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزُونِ ۶۹ قَالُوا اَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ۷۰

پس رسوا مکنید مرا و بپرهیزید از خدا و خوار نسازید مرا گفتند آیا منع نکردیم ترا از جهانیان

قَالَ هٰؤُلَاءِ بَنَاتِي اِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ۷۱ لَعَمْرُكَ اِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ۷۲

گفت اینها دختران منند اگر هستید کارکنان بجان تو هر آینه که ایشان هر آینه در مستیشان بودند که حیران میرسیدند

فَاَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ۷۳ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ

پس گرفت ایشان را صیحه داخل روز شدگان پس گردانیدیم ما زبر آنرا زیرش و بارانیدیم بر ایشان

حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ۷۴ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ۷۵ وَاِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ

سنگ از سنگهای گل بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست مر الفراست دریافتگان را و بدرستیکه آنها هر آینه در راه

مُقِيمٍ ۷۶ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۷۷ وَاِنْ كَانَ اَصْحَابُ الْاَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ۷۸

ثابتست بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست مر مؤمنان را و بدرستیکه بودند اصحاب ایکه هر آینه ستمگاران

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَاِنَّهُمَا لَبِاِمَامٍ مُبِينٍ ۷۹ وَلَقَدْ كَذَّبَ اَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ۸۰

پس انتقام کشیدیم از آنها و بدرستیکه آندو بر راهی روشنند و هر آینه بتحقیق تکذیب کردند اصحاب حجر رسولان را

وَاٰتَيْنَاهُمْ اٰيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۸۱ وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ

و دادیمشان آیتهای خود پس بودند از آنها روگردانندگان و بودند میتراشیدند از کوهها

بُيُوتًا اٰمِنِينَ ۸۲ فَاَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ۸۳ فَمَا اَغْنٰى عَنْهُمْ مَا كَانُوا

خانه ها ایمنان پس گرفت ایشان را صیحه بامداد کنندگان پس کفایت نکرد از ایشان آنچه بودند

يَكْسِبُونَ ۸۴ وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا اِلَّا بِالْحَقِّ وَاِنَّ

که کسب میکردند و نیافریدیم ما آسمانها و زمین و آنچه میان آنها مگر براستی و بدرستیکه

السَّاعَةَ لَاٰتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ۸۵ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۸۶ وَ

قیامت هر آینه آینده است پس درگذر در گذشتن خوب بدرستیکه پروردگارت اوست آفریننده دانا و

لَقَدْ اٰتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْاٰنَ الْعَظِيمَ ۸۷ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلٰى

هر آینه بتحقیق دادیم ترا هفت از مثانی و قرآن بزرگ را مگشای نخواهش البته دو چشمت را بسوی

مَا مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ۸۸

آنچه کامیاب کردیم اصنافی را از ایشان و اندوه مخور بر ایشان و فرود آر بالت را برای گروندگان

وَقُلْ اِنِّي اَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ۸۹ كَمَا اَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ۹۰ الَّذِينَ جَعَلُوا

و بگو بدرستیکه من منم بیم کننده آشکار همچنانکه فرو فرستادیم ما بر مقتسمین آنانکه گردانیدند

تَفْضَحُونِ بکسر نون

تُخْزُونِ بکسر نون

بَنَاتِي بتقدیم با بر نون

قوله تعالی شأنه العزیز
ولقد آتیناک الی آخره
چون کسی در شب جمعه
صد بار یا هزار بار استغفار
گوید و در خواب رود و در صبح
وضو سازد و دو رکعت نماز
بگزارد و بعد از نماز بگوید
اعوذ بالله من شر ما
یغضب الله و این آیت را
در ظرف پاک نویسد و
با آب پاک بشوید و آن
آب را بر بدن خود بریزد و
هفت روز متوالی بدین
طریق عمل نماید تواضع
و فروتنی در او پیدا
شود و علم او زیاد
گردد و از معاصی اجتناب
کند و از اعمال ایشان دل
سرد شود و ابواب
خیر و برکت باز گردد
ان شاء الله تعالی
۱۲

القرآن عضين ۹۱ فوربك لنسئلنهم اجمعين ۹۲ عما كانوا يعملون ۹۳

قرآن را پاره پاره پس قسم به پروردگارت که خواهیم پرسید از ایشان همه از آنچه بودند که میکردند

فاصدع بما تؤمر واعرض عن المشركين ۹۴ انا كفيناك المستهزئين ۹۵ الذين يجعلون

پس آشکار کن آنچه را مامور شده و رو بگردان از شرک آورندگان بدرستیکه ما کفایت کردیم ترا از استهزا کنندگان آنانکه قرار میدهند

مع الله الها آخر فسوف يعلمون ۹۶ ولقد نعلم انك يضيق صدرك بما

با خدا خدائی دیگر پس زود باشد که بدانند و هر آینه بتحقیق میدانیم بدرستیکه تو تنگ میشود سینه ات بآنچه

يقولون ۹۷ فسبح بحمد ربك وكن من الساجدين ۹۸ واعبد ربك حتى ياتيك اليقين ۹۹

میگویند پس تسبیح کن بستایش پروردگارت و باش از سجده کنندگان و پرستش کن پروردگارت را تا بیاید ترا امر حق

سورة النحل مائة وثمان وعشرون آية وهي مكية (۱۶)

الا الآيات الثلاث الاخيرة فمدنية نزلت بعد الكهف

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

اتى امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى عما يشركون ۱ ينزل الملائكة

آمد فرمان خدا پس شتاب مکنید بخواستن آن منزه است و برتر است از آنچه شرک میآورند فرو فرستاده میشود ملائکه

بالروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون ۲

با روح از امرش بر هر که میخواهد از بندگانش که بیم کنید که او نیست خدائی بجز من پس بترسید از من

خلق السموات والارض بالحق تعالى عما يشركون ۳ خلق الانسان من

آفرید آسمانها و زمین را براستی برتر است از آنچه شرک می آورند آفرید انسان را از

نطفة فاذا هو خصيم مبين ۴ والانعام خلقها لكم فيها دفء ومنافع و

نطفه پس آنگاه اوست جدل کننده آشکار و شتر و گاو و گوسفند آفرید آنها را برای شما در آنهاست گرمی و سودها و

منها تاكلون ۵ ولكم فيها جمال حين تريحون وحين تسرحون ۶ وتحمل

از آنها میخورید و مر شما راست در آنها جمالی در وقتیکه می آرید و در وقتیکه سر میدهید و بر میدارند

اثقالكم الى بلد لم تكونوا بالغيه الا بشق الانفس ان ربكم لرؤف

برداشته میبرند بارهای گران شما را بشهری که نباشید رسنده بآن مگر برنج نفسها بدرستیکه پروردگار شما مهربان

رحيم ۷ والخيل والبغال والحمير لتركبوها وزينة ويخلق ما لا تعلمون ۸

رحیم است و اسبان و استران و خران را تا سوار شوید آنها را و آرایشی باشد و می آفریند آنچه را که نمیدانید

وعلى الله قصد السبيل ومنها جائر ولو شاء لهديكم اجمعين ۹

و بر خداست راستی راه و برخی از آن منحرفست و اگر میخواست هر آینه راه نمودی شما را همه

هو الذي انزل من السماء ماء لكم منه شراب ومنه شجر فيه تسيمون ۱۰

اوست که فرو فرستاد از آسمان آب را مر شما راست از آن نوشیدنی و از آنست درختی که در آن میچرانید

ينبت لكم به الزرع والزيتون والنخيل والاعناب ومن كل الثمرات

میرویاند برای شما با آن کشت و زیتون و درختان خرما و انگورها و از همه میوه ها

میخوانده شوند و بسم از آنحضرت منقولست که این سوره را بنویسید و اعراض بفتح همزه و سکون عین و کسر را در معانی با دریستانی دفن کنند همه میوه ها از آن فرو ریزد و اگر این سوره را بنویسید

هو از حضرت موسی مجتبی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را قرائت کند خدا تعالی با او محاسبه نکند بر نعمتهائی که بر او انعام کرده باشد و محمد مسلم از ابو جعفر صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده که هر که سوره نحل را در هر ماه بخواند دفع میکند از او هفتاد نوع بلا حفظ فرزند و مسکن او و بخشنده میشود و مقامش در عدن باشد که در وسط جنت است و دفن کنند در موضع اهل فسق و ظلمه در آنجا باشند همه ایشان متفرق گردند و در آن سال هلاک رسند والسلام

إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون ١٢ وسخر لكم الليل والنهار والشمس

بدرستیکه در این هر آینه آیتیست مر گروهی که فکر میکنند ورام کرد برای شما شب را و روز و شمس آفتاب

والقمر والنجوم مسخرات بامره ان في ذلك لآيات لقوم يعقلون ١٣ وما

و ماه و ستارگان رام شدگانند بامر او بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست برای گروهی که دریابند بخرد و آنچه

ذرا لكم في الارض مختلفا الوانه ان في ذلك لآية لقوم يذكرون ١٤

آنچه آفرید برای شما در زمین که مختلف است رنگهایش بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست برای گروهی که پند گیرند

وهو الذي سخر البحر لتاكلوا منه لحما طريا وتستخرجوا منه حلية تلبسونها

و اوست آنکه آرام کرد دریا را تا بخورید از آن گوشت تازه را و بیرون آورید از آن پیرایه که می پوشید آنرا

وترى الفلك مواخر فيه ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ١٥ والقى

و می بینی کشتی ها را شکافندهای آب در آن و تا بجوئید از کرم او و شاید شما شکر گزارید و افکند

في الارض رواسي ان تميد بكم وانهارا وسبلا لعلكم تهتدون ١٦ و

در زمین کوههای استوار را که مبادا میل کند بشما و نهرها و راهها شاید شما راه یابید

علامات وبالنجم هم يهتدون ١٧ افمن يخلق كمن لا يخلق افلا تذكرون ١٨

علامتها و بستاره آنها راه یابند آیا پس آنکه آفریند مانند کسیست که آفرینش نمیکند آیا پس پند نمیگیرید

وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحيم ١٩ والله يعلم ما

و اگر خواهید بر شمرید نعمت خدا را در شمار نتوانید آوردن بدرستیکه خدا هر آینه آمرزنده مهربانست و خدا میداند آنچه

تسرون وما تعلنون ٢٠ والذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئا وهم

پنهان دارید و آنچه آشکار دارید و آنانکه میخوانند غیر از خدا نمی آفرینند چیزی را و ایشان

يخلقون ٢١ اموات غير احياء وما يشعرون ٢٢ ايان يبعثون ٢٣ الهكم اله

آفریده میشوند مردگانند نه زندگان و شعور ندارند که کی برانگیخته میشوند خدای شما خدائی

واحد فالذين لا يؤمنون بالآخرة قلوبهم منكرة وهم مستكبرون ٢٤ لا جرم ان

یگانه است پس آنانکه نمیگروند به آخرت دلهای ایشان ناشناسنده است و ایشان سرکشانند ناچار بدرستیکه

الله يعلم ما يسرون وما يعلنون ٢٥ انه لا يحب المستكبرين ٢٦ واذا قيل لهم

خدا میداند آنچه را پنهان و آنچه را آشکار میدارید بدرستیکه او دوست نمیدارد سرکشانرا و چون گفته شد مر ایشانرا

ماذا انزل ربكم قالوا اساطير الاولين ٢٧ ليحملوا اوزارهم كاملة يوم

چه چیز فرو فرستاد پروردگار تان گویند افسانه های پیشینیان تا بردارند بارهای گناهانشانرا تمام روز

القيمة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير علم الا ساء ما يزرون ٢٨ قد

قیامت و از بارهای گناه آنانکه گمراه میسازند ایشانرا بدون دانش آگاه باشید بد است آنچه بر میدارند بتحقیق

مكر الذين من قبلهم فاتى الله بنيانهم من القواعد فخر عليهم السقف من

مکر کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس آمد خدا خانهای ایشانرا از بنیادها پس فرود آمد بر ایشان بام از

فوقهم واتيهم العذاب من حيث لا يشعرون ٢٩ ثم يوم القيمة يخزيهم

زبرشان و آمد ایشانرا عذاب از آنجا که نمیدانستند پس روز رستخیز خوار ایشان میکند

ويقول

مولانا مجلسی (ره)

هو الذی الی قوم یتفکرون

این آیه را بجهة حفظ زرع و مواشی مناسبت روز نوروز بجهة مواشی پیش از طلوع آفتاب در آب بگیرد از جائی که منفعل باشد و در بی آب باران با هم بیامیزد و با این آن آیات را بنویسید بر برگ درخت پس همین آب را بر این مکتوب با شیار با هفت بار بخواند و بپاشد آن آب را بر آن مواشی و بر علف ایشان هفت نوبت باین طریق عمل کند شیر ایشان بسیار شود و برکت بسیار بظهور آید و اما بجهة زرع و اشجار بگیرد قدری آب از زمزم یا آب باران در هر آبی رقعه که این آیه براو نوشته باشد بیندازند پس هفت بار این آیت را بخوانند و نهایت بهم جامیزد و بر زرع اصول اشجار بریزد برکت بسیار مشاهده میکنند و از همه آفات محفوظ مانند والسلام

وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ
و میگوید کجایند انبازان من آنانکه بودید مخالفت میورزیدید در ایشان گویند آنانکه داده شدند علم را بدرستیکه

الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ ٣٠ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي
خواری این روز و بدی بر کافرانست آنانکه قبض روحشان میکنند ملائکه ستمکاران

أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ
بنفس خود ایشان پس انداختند صلح را که نبودیم که بکنیم هیچ بدی آری بدرستیکه خدا داناست بآنچه بودید

تَعْمَلُونَ ٣١ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ٣٢
که میکردید پس داخل شوید از درهای دوزخ جاوید باشید در آن پس بد است ماوای تکبر کنندگان

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ
و گفته شد مر آنانرا که پرهیزگار شدند چه چیز فرو فرستاد پروردگار شما گفتند خیر از برای آنانست که نیکوئی کردند در این

الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ٣٣ جَنَّاتُ عَدْنٍ
دنیا نیکوئی و هر آینه سرای آخرت بهتر است و هر آینه خوبست سرای پرهیزگاران بهشتهای اقامت

يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ
در آن روانست از زیر آنها نهرها مر ایشانراست در آن آنچه میخواهند همچنین پاداش میدهد خدا

الْمُتَّقِينَ ٣٤ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ
پرهیزگارانرا آنانکه قبض روحشان میکنند ملائکه پاکیزگان میگویند سلام بر شما

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٣٥ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ
در آئید بهشت را بسبب آنچه بودید که میکردید آیا انتظار میبرند مگر آنکه آید ایشانرا ملائکه

أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ
یا بیاید فرمان پروردگارت همچنین کردند آنانکه بودند پیش از ایشان و ستم نکرد ایشانرا خدا ولیکن

كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٣٦ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا
بودند آنها که بنفس خود ستم میکردند پس رسید ایشانرا بدیهای آنچه کردند و احاطه کرد بایشان آنچه بودند

بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٣٧ وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ
که بآن استهزا میکردند و گفتند آنانکه شرک آوردند اگر خواستی خدا نپرستیدیم ما غیر از او

مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ
هیچ چیزی را ما و نه پدران ما و حرام نمیگردانیدیم ما بغیر از حکم او هیچ چیز همچنین کردند آنانکه بودند

مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ٣٨ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ
از پیش از ایشان پس آیا باشد بر رسولان مگر رسانیدن روشن و هر آینه بتحقیق برانگیختیم در هر گروهی

رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ
رسولی که بپرستید خدا را و دوری کنید از طاغوت پس برخی از ایشان کسیست که هدایت کرد خدا و از ایشان

مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
کسی است که ثابت شد بر او گمراهی پس سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه بود سرانجام

قوله تعالی ولقد بعثنا فی کل امة رسولا الخ یعنی بتحقیق فرستادیم ما در هر امت رسولان را چنانچه بود در این امت فرستادیم ما که بگویند بامت خود که عبادت نمائید خدا را و دوری نمائید از طاغوت که منع مینماید مردم را از اطاعت خدا پس بعضی از آنها را خدا توفیق هدایت داد و بعضی از آنها کسانی بودند که از روی جحود و انکار واجب شده

ما یشاؤن بضم همزه و سکون واو

برایشان ضلالت و گمراهی عیاشی از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده که اصحاب و اسرار خداوند مبعوث نکرد پیغمبری مگر بولایت ما و بیزاری از اعداء ما آنوقت این آیه را خواند و فرمود واجب شد بر ایشان ضلالت مگر تکذیب ایشان آل محمد را والسلام

١٢

آباؤنا بضم همزه بدون واو

المكذبين ٣٩ ان تحرص على هديهم فان الله لا يهدى من يضل وما

تکذیب کنندگان اگر حرص ورزی بر هدایت ایشان پس بدرستیکه خدا هدایت نکند آنرا که اضلال میکند

لهم من ناصرين ٤٠ واقسموا بالله جهد ايمانهم لا يبعث الله من يموت

ونیست مر ایشانرا هیچ از یاری کنندگان و سوگند خوردند بخدا سخت ترین سوگندشان که برنمی انگیزد خدا آنکسی را که میمیرد

بلى وعدا عليه حقا ولكن اكثر الناس لا يعلمون ٤١ ليبين لهم الذى

آری وعده دادنی است براو حق ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند تا بیان کند برای ایشان آنچه

يختلفون فيه وليعلم الذين كفروا انهم كانوا كاذبين ٤٢ انما قولنا لشىء

اختلاف میکنند در آن وتا بدانند آنانکه کافر شدند که ایشان بودند دروغگویان بدرستیکه نیست گفتن ما چیزیرا

اذا اردناه ان نقول له كن فيكون ٤٣ والذين هاجروا فى الله من

چون خواهیم آنرا مگر آنکه گوئیم مر آنرا باش پس میباشد وآنانکه هجرت کردند در خدا از

بعد ما ظلموا لنبوئنهم فى الدنيا حسنة ولاجر الآخرة اكبر لو كانوا

بعد آنکه ظلم کرده شدند هر آینه جا میدهیم ایشانرا در دنیا جای خوب وهر آینه مزد آخرت بزرگتر است اگر باشند

يعلمون ٤٤ الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون ٤٥ وما ارسلنا من

که بدانند آنانکه صبر کردند وبر پروردگارشان توکل میکنند ونفرستادیم پیش از

قبلك الا رجالا نوحى اليهم فاسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون ٤٦

پیش از تو مگر مردانی را که وحی کردیم بایشان پس بپرسید از اهل ذکر اگر باشید ندانید

بالبينات والزبر وانزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم و

ببینات وکتبها وفرو فرستادیم بسوی تو ذکر را تا بیان کنی برای مردمان آنچه فرستاده شده بایشان

لعلهم يتفكرون ٤٧ افامن الذين مكروا السيئات ان يخسف الله بهم

وشاید ایشان اندیشه کنند آیا پس ایمن شدند آنانکه مکر کردند بدیها را که فرو برد خدا بایشان

الارض او يأتيهم العذاب من حيث لا يشعرون ٤٨ او يأخذهم فى تقلبهم

زمین را یا آید ایشانرا عذاب از جاییکه ندانسته باشند یا بگیرد ایشانرا در گردیدنشان

فما هم بمعجزين ٤٩ او يأخذهم على تخوف فان ربكم لرءوف رحيم ٥٠

پس نیستند ایشان عاجز کنندگان یا بگیرد ایشانرا بر ترسیدنی پس بدرستیکه پروردگار شما هر آینه مهربان رحیم است

اولم يروا الى ما خلق الله من شىء يتفيؤا ظلاله عن اليمين والشمائل

آیا ندیدند بسوی آنچه آفرید خدا از چیزی که میگردد سایهایش از راست وچپها

سجدا لله وهم داخرون ٥١ ولله يسجد ما فى السموات وما فى الارض

سجده کنندگان مر خدا را وایشان ذلیلانند ومر خدا را سجده میکند آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است

من دابة والملائكة وهم لا يستكبرون ٥٢ يخافون ربهم من

از جنبنده وملائکه وایشان سرکشی نمیکنند میترسند از پروردگارشان از

فوقهم ويفعلون ما يؤمرون ٥٣ وقال الله لا تتخذوا الهين اثنين

از بالاشان ومیکنند آنچه مامور شدند وگفت خدا که نگیرید دو اله را دوتا

ایشان میباشند و میرسد امیدها بعضی از شیعیان زنده ما پس میگویند زنده شد فلان و فلان و فلان از قبور خود و ایشان با حضرت قائم میباشند و این خبر زنده شدن مردم در آن زمان برسد بعضی از دشمنان آنحضرت میگویند ای گروه شیعیان چه قدر دروغ گوئید این دولت شما است دروغ میگوئید و قسم بخدا زنده شدند و زنده نخواهند شد تا روز قیامت ... حکایت از احوال مشرکین که قسم بخدا میخوردند

إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۵۱ وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

جز این نیست که اوست آله یگانه پس مرا پس بترسید و مر اوراست آنچه در آسمانها و زمین است

وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ ۵۲ وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا

و مر او راست دین که دائمست آیا پس از غیر خدا می‌پرهیزید و آنچه با شماست از نعمت پس از خداست پس چون

مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ ۵۳ ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ

برسد شما را زیانی پس بسوی او زاری میکنید پس چون رفع گردد زیان از شما همانوقت پاره‌ای از شما

بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۵۴ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۵۵

به پروردگارشان شرک میآورند تا کفران ورزند بآنچه دادیم ایشانرا پس برخوردید پس زود باشد که بدانید

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ

و میگردانند برای آنچه نمیدانند بهره از آنچه روزیشان دادیم بخدا که پرسیده میشوید از آنچه هستید

تَفْتَرُونَ ۵۶ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ۵۷ وَإِذَا

افترا میبندید و قرار میدهند برای خدا دختران منزه است او و مر ایشانراست آنچه میخواهند و چون

بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۵۸ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ

مژده داده شود یکی از ایشان بمونث میگردد رویش سیاه و او گردد پر از خشم پنهان میشود از قوم

مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا

از بدی آنچه مژده داده شد بآن که آیا نگاه دارد او را بر خواری یا نهان کند در خاک آگاه که بد باشد آنچه

يَحْكُمُونَ ۵۹ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ

حکم میکنند از برای آنانکه نمیگروند بآخرت مثل بد است و مر خدا راست مثل برتر

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۶۰ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ

و اوست غالب درست کردار و اگر مؤاخذه میکرد خدا مردمانرا بظلمشان وانگذاشته بود بر آن هیچ

دَابَّةٍ وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً

جنبنده را ولیکن پس میاندازدشان بسوی وقت نام برده شده پس چون آمد اجلشان پس نمیمانند ساعتی

وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۶۱ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ

و نه پیش می افتند و قرار میدهند برای خدا آنچه ناخوش دارند و وصف میکند زبانهاشان دروغ را

أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ ۶۲ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا

که مر ایشانراست خوبی ناچار که مر ایشانراست آتش و اینکه ایشانند پیش فرستادگان بخدا قسم هر آینه بتحقیق فرستادیم

إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ

بسوی امتهای پیش از تو پس آرایش داد برای ایشان شیطان کردارشانرا پس اوست دوست ایشان امروز و مر ایشانراست

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۶۳ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ

عذابی دردناک و فرو نفرستادیم بر تو کتاب مگر آنکه بیان کنی برای ایشان آنچه را اختلاف کردند در آن

وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۶۴ وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ

و هدایت و رحمت برای گروهی که میگروند و خدا فرو فرستاد از آسمان آبی پس زنده کرد بآن زمین را

فارهبون بکسر نون

قوله تعالی شانه العزیز واللّه انزل من السماء تا لقوم یتفکرون این آیت بجهت کثرت محصولات است بنویسد روز اول ماه رجب بگلاب و زعفران و پوست گیش و آب العود هسته بخور کند و در کوزه سفال نو نهند و این آیات را بسته و چهار بر آن ببندند پس آنرا در وسط بستان یا زرع دفن کنند تمود ثمر و حبوب آن بسیار شود و اگر این عمل در درخت خرما بود آن کوزه را در آن مکان بنهند ۱۲

بَعْدَ مَوْتِهَا اِنَّ فِى ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُوْنَ ٦٥ وَاِنَّ لَكُمْ فِى الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً

بعد از مردنش بدرستیکه در این هر آینه آیتیست مر گروهی را که میشنوند و بدرستیکه مر شما را در چهار پایان گاو گوسفند عبرتی

نُسْقِيْكُمْ مِمَّا فِى بُطُوْنِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِيْنَ ٦٩

می آشامانیم شما را از آنچه در شکمهای انهاست از میانه سرگین و خون شیری بیغش گوارا مر نوشندگان را

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيْلِ وَالْاَعْنَابِ تَتَّخِذُوْنَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا اِنَّ

و از میوه های درختان خرما و انگورها میگیرید از آن مستی و روزی خوب بدرستیکه

فِى ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ ٧٠ وَاَوْحٰى رَبُّكَ اِلَى النَّحْلِ اَنِ اتَّخِذِىْ

در این هر آینه آیتیست مر گروهی را که در یابند بعقل و وحی فرستاد پروردگارت بسوی زنبور عسل که بگیر

مِنَ الْجِبَالِ بُيُوْتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُوْنَ ٧١ ثُمَّ كُلِىْ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ

از کوهها خانها و از درخت و از آنچه بنا کنند از چوب پس بخور از همه میوه ها

فَاسْلُكِىْ سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُوْنِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهُ فِيْهِ

پس راه برو براههای پروردگارت آرام شده بیرون آید از شکمهای آنها شرابی که مختلف است رنگهای آن در او

شِفَاءٌ لِلنَّاسِ اِنَّ فِى ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُوْنَ ٧٢ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ

شفائیست برای مردمان بدرستیکه در این هر آینه آیتیست مر گروهی را که تفکر میکنند و خدا آفرید شما را

ثُمَّ يَتَوَفّٰىكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ اِلٰى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَىْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا اِنَّ

پس میمیراند شما را و از شما کسیست که رد کرده میشود بسوی فرومایه ترین عمر تا آنکه نداند بعد از دانستن چیزی را بدرستیکه

اللّٰهَ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ ٧٣ وَاللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ فِى الرِّزْقِ فَمَا

خدا دانای تواناست و خدا افزونی داد برخی از شما را بر برخی در روزی پس

الَّذِيْنَ فُضِّلُوْا بِرَآدِّىْ رِزْقِهِمْ عَلٰى مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيْهِ سَوَاءٌ

نباشند آنانکه افزونی داده شدند بر گردانندگان روزیشان بر آنچه مالک شد دستهایشان پس ایشان در آن یکسانند

اَفَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ يَجْحَدُوْنَ ٧٤ وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ

آیا پس بنعمت خدا انکار میکنند و خدا گردانید برای شما از خودتان جفتان و گردانید برای شما

مِنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَ

از جفتهاتان پسران و نوادگان و روزی داد شما را از پاکیزه چیزها آیا پس بباطل ایمان می آورند و

بِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ ٧٥ وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا

بنعمت خدا ایشان کافر میشوند و میپرستند از غیر خدا آنچه را که مالک نیست برای ایشان روزی

مِنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ ٧٦ فَلَا تَضْرِبُوْا لِلّٰهِ الْاَمْثَالَ

از آسمانها و زمین چیزی را و توانائی ندارند پس مزنید برای خدا مثلها

اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ٧٧ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوْكًا لَا

بدرستیکه خدا میداند و شما نمیدانید زد خدا مثل بنده خریده شده را

يَقْدِرُ عَلٰى شَىْءٍ وَمَنْ رَزَقْنٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ

که توانا نباشد بر چیزی و آنکه روزی دادیم او را از ماست روزی خوب پس او انفاق میکند از آن نهان و

قوله تعالی

واوحی ربک الی النحل الی آخر قمی علیه الرحمه از حضرت صادق ؑ روایت نموده که انجناب فرمود ما هستیم نحل که خدا وحی نمود بسوی آن که بگیر از کوهها خانها خدا امر نموده ما که بگیریم از عرب شیعه و از شجر یعنی از عجم شیعه و از ما یعرشون یعنی غلام و کنیز شیعه و مراد بشراب مختلف الالوان خارج شده از بطون نحل آن علمهائی میباشد که از ائمه خارج شده و میشنوانند شیعه و عیاشی از حضرت صادق ؑ روایت نموده که نحل ائمه میباشند و جبال عرب و شجر غلام و کنیز آزاد شده و غلام و کنیز آزاد نشده ما یعرشون از آن اشخاصی که دوست میدارند خدا و رسول ؐ و ائمه را و ثمرات مختلف الالوان العلوم کثیره است که ائمه تعلیم میکنند شیعیان و در العسل شفا است از برای مردم و مراد از ناس شیعیان میباشند و غیر شیعیان و خدا اعلم است

یجحدون

بتقدیم جیم با نقطه بر حاء بی نقطه بمعنا و اگر مراد با آن عسل باشد نه علم ائمه پس باید صاحب درد که عسل بخورد شفا بیابد زیرا که خداوند فرموده فیه شفاء للناس و غیره خدا خلف نیست و امنیت غیر از امنیت که شفا در علم قرآنست زیرا که خدا فرموده و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة لله و اهل قرآن ائمه هدی میباشند تحقیق خدا فرموده فیه شفاء لما یسئله من اصطفینا من عباده السلام

جهرًا هل يستون الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون ۷۸ وضرب الله مثلاً

آشکارا آیا یکسانند ستایش مر خدا را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند و زد خدا مثلی

رجلين احدهما ابكم لا يقدر على شيء وهو كلّ على موليه اينما

از دو مرد یکی از آن دو گنگ است که توانا نیست بر چیزی و او گرانست بر خواجه اش هر جا

يوجهه لا يأت بخير هل يستوي هو ومن يأمر بالعدل وهو على صراط

متوجه گرداند ش نمی آورد چیزی آیا یکسانست او و آنکه فرماید بعدالت و اوست بر راه

مستقيم ۷۹ ولله غيب السموات والارض وما امر الساعة الا كلمح

راست و مر خدا راست پنهانی آسمانها و زمین و نیست امر قیامت مگر مانند لمحه

البصر او هو اقرب ان الله على كل شيء قدير ۸۰ والله اخرجكم من بطون

از چشم یا او نزدیکتر است بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست و خدا بیرون آورد شما را از شکمهای

امهاتكم لا تعلمون شيئًا وجعل لكم السمع والابصار والافئدة لعلكم

مادرانتان نمیدانستید چیزی و گردانید برای شما گوش و چشمها و دلها شاید شما

تشكرون ۸۱ الم يروا الى الطير مسخرات في جو السماء ما يمسكهن الا

شکرگزار شوید آیا نگاه نمیکنند بسوی پرندگان رام شدگان در میان آسمان که نگاه نمیدارد ایشانرا مگر

الله ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ۸۲ والله جعل لكم من بيوتكم سكنًا

خدا بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست مر گروهیرا که میگروند و خدا گردانید مر شما را از خانهاتان آرامگاه

وجعل لكم من جلود الانعام بيوتًا تستخفونها يوم ظعنكم ويوم اقامتكم

و گردانید برای شما از پوستهای حیوانات خانها که سبک بر میدارید آنها را روز کوچ کردنتان و روز ماندنتان

ومن اصوافها واوبارها واشعارها اثاثًا ومتاعًا الى حين ۸۳ والله

و از پشمهای آنها و کرکهای آنها و موهاشان فرش و پوشش و مایه تجارت تا هنگامی و خدا

جعل لكم مما خلق ظلالًا وجعل لكم من الجبال اكنانًا وجعل لكم سرابيل

گردانید برای شما از آنچه آفرید سایبانها و گردانید برای شما از کوهها جای پنهانی و گردانید برای شما پیراهنها

تقيكم الحر وسرابيل تقيكم باسكم كذلك يتم نعمته عليكم لعلكم

که نگاه دارد شما را از گرما و پیراهنها که نگاه دارد شما را از آسیب شما همچنین اتمام میکند نعمت خود را بر شما شاید شما

تسلمون ۸۴ فان تولوا فانما عليك البلاغ المبين ۸۵ يعرفون نعمة

گردن نهید پس اگر رو گردانند پس جز این نیست که بر تست رسانیدن روشن میشناسند نعمت

الله ثم ينكرونها واكثرهم الكافرون ۸۶ ويوم نبعث من كل امة

خدا را پس انکار میکنند آنرا و بسیاری ایشان کافرانند و روزیکه برانگیزیم از هر امتی

شهيدًا ثم لا يؤذن للذين كفروا ولا هم يستعتبون ۸۷ واذا رأى الذين

شاهدی پس دستوری داده نشوند مر آنانکه کافر شدند و نه ایشان طلب رضا کرده شوند و چون ببینند آنانکه

ظلموا العذاب فلا يخفف عنهم ولا هم ينظرون ۸۸ واذا رأى

ستم کردند عذاب را پس تخفیف داده نشود از ایشان و نه ایشانند که مهلت داده شوند و چون ببینند

هل يستون بدو وا و خوانده شود

كلّ بفتح كاف

قوله تعالى شأنه العزيز يعرفون نعمة الله ثم ينكرونها يعني کفار میشناسند نعمت خدا را پس انکار مینمایند آنرا و حال آنکه بیشتر ایشان کافران جاحدان نعمت خدا میباشند فی جلیه الاکثر از حضرت صادق روایت کرده که آنجناب فرمود ما هستیم نعمت خدا که انعام فرموده بر بندگان خود و بسبب ما رستگار شد هر که رستگار شد و آنجناب بروایت کافی فرمود چون فرمود بعد از نزول آیه انما ولیکم الله والذین آمنوا جمع شدند گروهی از اصحاب رسول خدا در مسجد النجاب و گفتند بعضی با بعضی چه میگوئید در این آیه بعضی گفتند اگر کافر شویم با این آیه کافر میشویم بهمه آیات و اگر ایمان آوریم با این آیه ایمان آوریم باین که دلیل نمود ما را که علی بن ابیطالب بر ما مسلط شده پس گفتند تحقیق که ما علم داریم بر آنکه محمد صادق است در هر چه میگوید ولیکن دوست نداریم آنرا و اطاعت نمیکنیم علی را در آنچه مأمور شده ایم پس نازل شد این آیت یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها یعنی میشناسند ولایت علی را و انکار مینمایند

والسلام ۱۲

الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا

آنانکه شرک آوردند این زانشان را گفتند پروردگارا اینها انبازان ما اند آنانکه بودیم ما که میخواندیم

مِنْ دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ۸۹ وَأَلْقَوْا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ

از جز تو پس بیندازند بایشان گفتار را بدرستیکه شما هر آینه دروغگویانید و بیندازند بسوی خدا آنروز

السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۹۰ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ

صلح را و گم کرد از ایشان آنچه بودند افترا میکردند آنانکه کافر شدند و بازداشتند از راه

اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ۹۱ وَيَوْمَ نَبْعَثُ

خدا افزودیم ایشانرا عذابی بالای عذاب بآنچه بودند فساد میکردند و روزیکه برانگیزیم

فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا

در هر گروهی گواهی برایشان از نفسهاشان و آوردیم ترا گواهی بر اینها و فرو فرستادیم

عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۹۲

بر تو کتاب را بیانی کامل مر هر چیز را و هدایت و رحمت و مژده مر گردن نهندگان را

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

بدرستیکه خدا امر میکند بعدالت و نیکوکاری و عطا کردن بصاحب قرابت و نهی میکند از کار زشت

وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۹۳ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ

و ناپسند و سرکشی پند میدهد شما را شاید شما پند گیرید و وفا کنید بپیمان خدا چون عهد کردید

وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ

و نشکنید سوگندها را پس از مؤکد گردانیدنش و بتحقیق گردانیدید شما خدا را بر خود تا کفایت کننده بدرستیکه خدا

يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۹۴ وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا

میداند آنچه میکنید و نباشید چون زنی که گردانید رشته اش از بعد محکم تارها تاب باز کرده

تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ

میگیرید سوگندهایتانرا فسادی میانتان که باشد گروهی آن افزونتر از گروهی جز این نیست میازماید شما را

اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۹۵ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ

خدا بآن و هر آینه بیان خواهد کرد برای شما روز رستخیز آنچه را بودید که در آن اختلاف میکردید و اگر خواسته بود خدا

لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ

هر آینه گردانیده بود شما را یک امت و لیکن اضلال میکند هر کرا بخواهد و راه مینماید هر که بخواهد و هر آینه پرسیده شوید

عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۹۶ وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ

از آنچه بودید که میکردید و مگیرید سوگندهاتانرا مفسده میانتان پس بلغزد قدمی بعد

ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ

ثباتش و بچشید اندوه را بآنچه بازداشتید از راه خدا و باشد مر شما را عذابی

عَظِيمٌ ۹۷ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

بزرگ و عوض مگیرید بپیمان خدا بهای اندک جز این نیست نزد خداست آن بهتر است مر شما اگر باشید

قوله تعالی شانه العزیز
ان الله یأمر بالعدل
... قمی علیه الرحمه فرموده که
عدل شهادت بان لا اله
... الله و بان محمد رسول الله
و احسان امیر المؤمنین است
و فحشا و منکر و بغی فلان و فلان
و فلان و فلانست چنانچه
حضرت ... فرموده بروایت عیاشی
فرموده همین قسم الا آنکه

فرموده فحشا اول است
و منکر دوم و بغی سیم
است و همان خطاب
بروایت سعد فرموده
و عدل محمد ص پس هر که
اطاعت نماید آنحضرت
عدل نموده و الاحسان
علی ع پس ولایت آنجناب
قبول نموده احسان
کننده در بهشت است
و ایتاء ذی القربی قرابت
ماست و خدا امر فرموده
بعد او احسان و دادن
ذی القربی حق او را و بخوان
مثل قرائت من یعنی بعد
از ذی القربی حقه داد و ادای
عرض کرده باین طور قرائت
میکنیم در قرائت ز چه
ندارد انجناب فرموده
باین طور قرائت میکنیم در
قرائت امیر المؤمنین
حقه داده او ی عرض
کرد از ایتاء ذی القربی حقه
چه باید قصد شود اگر
امامی بسوی امامی بعد از
امام نهی از فحشا و منکر
فرزند دو لایت فلان است
والسلام
۱۲

تعلمون ۹۸ ما عندکم ینفد وما عند الله باق ولنجزین الذین صبروا اجرهم

که بدانید آنچه نزد شماست سپری میشود وآنچه نزد خداست باقیست وجزا میدهیم آنانکه صبر کردند مزدشانرا

باحسن ما کانوا یعملون ۹۹ من عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن

بهتر از آنچه بودند که میکردند هر که کرد کاری شایسته از مذکر یا مؤنث واو باشد مؤمن

فلنحیینه حیوة طیبة ولنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون ۱۰۰ فاذا

پس هر آینه زنده میداریم او را بزندگی خوشی وهرآینه جزا میدهیم ایشانرا اجر ایشان بهتر از آنچه میکردند پس چون

قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم ۱۰۱ انه لیس له سلطان

بخوانی قرآنرا پس پناه جوی بخدا از شیطان رانده شده بدرستیکه نیست مر او را تسلطی

علی الذین آمنوا وعلی ربهم یتوکلون ۱۰۲ انما سلطانه علی الذین

بر آنانکه گرویدند وبر پروردگارشان توکل میکنند جز این نیست تسلط او بر آنانکه

یتولونه والذین هم به مشرکون ۱۰۳ واذا بدلنا آیة مکان آیة والله

دوست میدارندش وآنانکه ایشان باو شرک آورندگانند وچون تبدیل کنیم آیتی بجای آیتی و خدا

اعلم بما ینزل قالوا انما انت مفتر بل اکثرهم لا یعلمون ۱۰۴ قل نزله

داناتر است بآنچه فرو فرستد گفتند جز این نیست تو افترا کننده بلکه بیشترشان نمیدانند بگو فرو آوردش

روح القدس من ربک بالحق لیثبت الذین آمنوا وهدی وبشری

روح القدس از پروردگارت بحق تا ثابت دارد آنانرا که ایمان آوردند وهدایت ومژده است

للمسلمین ۱۰۵ ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر لسان الذی

مر مسلمانانرا وهر آینه میدانیم که ایشان میگویند که میآموزد او را انسانی زبان آنکه

یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان عربی مبین ۱۰۶ ان الذین لا یؤمنون

رو میگردانند بسوی او اعجمیست واین زبان عربی روشنست بدرستی آنانکه نمیگروند

بآیات الله لا یهدیهم الله ولهم عذاب الیم ۱۰۷ انما یفتری الکذب

بآیتهای خدا هدایت نمیکند ایشانرا خدا ومر ایشانراست عذاب دردناک جز این نیست که میبندند دروغ را

الذین لا یؤمنون بآیات الله واولئک هم الکاذبون ۱۰۸ من کفر بالله

آنانکه نمیگروند بآیتهای خدا واین گروه ایشانند دروغگویان هر که کافر شد بخدا

من بعد ایمانه الا من اکره وقلبه مطمئن بالایمان ولکن من شرح

از بعد ایمانش مگر آنکه جبر کرده شد ودل او آرمیده بود بایمان ولیکن آنکه برگشاد

بالکفر صدرا فعلیهم غضب من الله ولهم عذاب عظیم ۱۰۹

بکفر سینه را پس بر ایشانست خشمی از خدا ومر ایشانراست عذاب بزرگ

ذلک بانهم استحبوا الحیوة الدنیا علی الآخرة وان الله لا یهدی

این بسبب آنست که ایشان اختیار کردند زندگانی دنیا را بر آخرت وبدرستیکه خدا هدایت نکند

القوم الکافرین ۱۱۰ اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و

گروه کافرانرا این گروه آنانند که مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و

قوله تعالی شأنه واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم الآیه یعنی عمل نمایید بعهدیکه با خدا کرده اید و نشکنید قسم هایی که خورده اید بعد از تأکید کردن آن قسمها حال آنکه قرار داده اید خدا را شاهد و گواه بر قسمهای خود بدرستیکه خدا میداند آنچه را که بجا میآورید از نقض عهد و قسمها. حضرت صادق در حدیث کافی وقمی فرمودند چون نازل شد آیه ولایت علی بن ابیطالب حضرت رسول فرمود که سلام کنید بر علی بلفظ امیرالمؤمنین و بوده است این فقره تأکید از خدا برای آن در اثر ذکر پس حضرت رسول فرمود آن دو نفر برخیزید و سلام کنید باین لفظ آن دو نفر گفتند آیا این تکلیف از جانب خداوند است و یا از جانب رسول الله است آنحضرت فرمود از جانب هر دو است پس این آیه نازل شده و عیاشی هم قریب باین مضمون روایت نموده و آیات عدیده بر مذمت ناقض عهد بعد از این آیه نازل شده والسلام

۱۲

سمعهم وابصارهم واولئك هم الغافلون لاجرم انهم في الاخرة هم
گوشهاشان وچشمهاشان واین گروه ایشان همیشه بیخبران ناچار بدرستیکه ایشان در آخرت ایشانند

الخاسرون ١١١ ثم ان ربك للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا
زیانکاران اند پس بدرستیکه پروردگار تو از برای آنانکه هجرت کردند از بعد آنکه عذاب کرده شدند پس جهاد کردند

وصبروا ان ربك من بعدها لغفور رحيم ١١٢ يوم تاتي كل نفس تجادل
و صبر کردند بدرستیکه پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربانست روزیکه آید همه نفسی مجادله کند

عن نفسها وتوفى كل نفس ما عملت وهم لا يظلمون ١١٣ وضرب الله
از خودش و تمام داده شود هر تنی آنچه را کرده و ایشان ستم کرده نشوند و زد خدا

مثلا قرية كانت امنة مطمئنة ياتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت
مثلی از قریهٔ که بود ایمن آرمیده میآمد اورا روزیش فراوان از هر جا پس کافر شدند

بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون ١١٤
بنعمتهای خدا پس چشانید از خدا پوشش گرسنگی و ترس بانچه بودند که میکردند

ولقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فاخذهم العذاب وهم ظالمون ١١٥
و بتحقیق آمد ایشانرا فرستادهٔ از ایشان پس تکذیب کردند پس گرفت ایشانرا عذاب و آنها بودند ستمکاران

فكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا واشكروا نعمت الله ان كنتم اياه
پس بخورید از آنچه روزی داد شمارا خدا حلال و پاکیزه و شکر کنید نعمت خدارا اگر باشید که اورا

تعبدون ١١٦ انما حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل
میپرستید جز این نیست حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه بانگ زده شد

لغير الله به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان الله غفور رحيم ١١٧ ولا تقولوا
برای غیر خدا پس کسیکه مضطر شد غیر باغی و نه عادی پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و مگوئید

لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا على الله
برای وصف کردن زبانهاتان دروغ که این حلال است و این حرام تا ببندید بر خدا

الكذب ان الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون ١١٨ متاع قليل
دروغرا بدرستیکه آنانکه می بندند بر خدا دروغرا رستگار نشوند مایهٔ العیش کمی است

ولهم عذاب اليم ١١٩ وعلى الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك
و مرایشانراست عذابیست دردناک و بر آنانکه یهود شدند حرام کردیم آنچه را خواندیم بر تو

من قبل وما ظلمناهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ١٢٠ ثم ان ربك للذين
از پیش و ستم نکردیم ایشانرا و لیکن بودند که بخودشان ستم میکردند پس بدرستیکه پروردگار تو از برای آنان

عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك واصلحوا ان ربك من
که کردند کار بدی بنادانی پس توبه کردند بعد از آن و اصلاح کردند بدرستیکه پروردگارت

بعدها لغفور رحيم ١٢١ ان ابراهيم كان امة قانتا لله حنيفا ولم يك
بعد آن هر آینه آمرزنده مهربانست بدرستیکه ابراهیم بود امتی مطیع مر خدارا حق گرای و نبود

قوله تعالی شانه العزیز در صفحهٔ مقابل ثم اوحینا الیک ان اتبع الی آخر یعنی وحی نمودیم بسوی تو ای محمد که متابعت کنی طریقهٔ ابراهیم را ... او ... معلوم باشد ... که حضرت ... متابعت ... و ثانیا معلوم باشد که ... و شیعیان ایشان ... عاشقی ... ملت ابراهیم ... و باقی ... بری میباشند والسلام ١٢

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٢٢ شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ١٢٣

از شرک آورندگان شکر کنندگان مر نعمتهای او را برگزید او را و هدایت کرد او را بسوی راه راست

وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ١٢٤ ثُمَّ أَوْحَيْنَا

و دادیم او را در دنیا نیکوئی و بدرستیکه او در آخرت هر آینه از شایسته کارانست پس وحی کردیم

إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٢٥ إِنَّمَا جُعِلَ

بسوی تو که پیروی کن کیش ابراهیم را حق گرای و نبود از شرک آورندگان جز این نیست گردانیده شد

السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا

روز شنبه بر آنانکه اختلاف کردند در آن و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه حکم میکند میان ایشان روز قیامت در آنچه

كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ١٢٦ ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

بودند در آن اختلاف میکردند بخوان براه پروردگارت بحکمت و پند خوب

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ

و مناظره کن با ایشان بآنچه آن نیکوتر است بدرستیکه پروردگارت داناتر است بآنکه گم کرد راه او را و او

أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ١٢٧ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ

داناتر است براه یافتگان و اگر عقوبت کنید پس عقوبت کنید بمانند آنچه عقوبت کرده شدید بآن و اگر صبر کردید

لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ١٢٨ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا

هر آینه آن بهتر است برای صبر کنندگان و صبر کن و نیست صبر تو مگر بخدا و اندوه مخور بر ایشان و

تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ١٢٩ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

مباش در تنگی از آنچه مکر میکنند بدرستیکه خدا با آنانست که پرهیز کردند و آنانکه ایشان نیکوکارانند

(١٧) سورة بني اسرائيل مائة واحدى عشر آية وهي مكية

الا الآيات ٢٨ - ٣٣ - ٣٦ - ٥٩ - و از آیه ٧٥ الی آخر ٨٢ مدنیه نزلت بعد القصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى

دائم پاک بودن آنراکه برد بشب بنده اش را شبی از مسجد الحرام بسوی مسجد اقصی

الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ٢ وَآتَيْنَا

که برکت دادیم ما پیرامونش تا بنمائیمش از آیتهامان بدرستیکه او خدا است شنونده بینا و دادیم ما

مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي

موسی را توراة و گردانیدیم او را هدایت برای بنی اسرائیل که مگیرید از غیر من

وَكِيلًا ٣ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ٤ وَقَضَيْنَا

کارگزاری فرزندان آنکه در نشاندیم با نوح بدرستیکه او بود بنده شکرگزار و اعلام نمودیم ما

إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا

ببنی اسرائیل در توراة که هر آینه افساد خواهید کرد در زمین دو بار و هر آینه سرکشی خواهید کرد سرکشی

الجزء الخامس عشر ١٥

هو

از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس سورهٔ بنی اسرائیل را قرائت کند و دلش نرم شود انجا که ذکر پدر و مادر است خدا اعطا کند او را در بهشت دو قنطار و قنطاری هزار و دویست اوقیه باشد و هر اوقیه بهتر باشد از دنیا و هر چه در او هست

كبيرا ٥ فاذا جاء وعد اولهما بعثنا عليكم عبادا لنا اولي باس شديد

بزرگی پس چون آمد وعده نخستین از آن دو فرستیم بر شما بندگانی مر ما را صاحبان قوت سخت

فجاسوا خلال الديار وكان وعدا مفعولا ٦ ثم رددنا لكم الكرة

پس روند بجستجو میان خانها و باشد وعده کرده شده پس برگردانیدیم برای شما نصرت را

عليهم وامددناكم باموال وبنين وجعلناكم اكثر نفيرا ٧ ان احسنتم

بر ایشان و مدد کردیم شما را بمالها و پسران و گردانیدیم شما را بسیارتر از مرد و نفر اگر خوب کردید

احسنتم لانفسكم وان اساتم فلها فاذا جاء وعد الاخرة ليسوءوا وجوهكم

خوب کردید برای خودهاتان و اگر بد کردید پس مر خودتان راست پس چون آمد وعده دیگر تا بد سازند رویهای شما

وليدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة وليتبروا ما علوا تتبيرا ٨ عسى

و تا درآیند در مسجد همچنانکه درآمدند در آن اول بار و تا تباه گردانند آنچه را غالب شدند غالب شدنی شاید

ربكم ان يرحمكم وان عدتم عدنا وجعلنا جهنم للكافرين حصيرا

پروردگار شما که ببیامرزد شما را برحمت و اگر عود کنید عود خواهیم کرد و گردانیدیم دوزخ را برای کافران جای حبس

ان هذا القران يهدي للتي هي اقوم ويبشر المؤمنين ١٠ الذين يعملون

بدرستیکه این قرآن هدایت میکند مر آنرا که آن درست تر است و مژده میدهد گروندگان را آنانکه میکنند

الصالحات ان لهم اجرا كبيرا ١١ وان الذين لا يؤمنون بالاخرة اعتدنا

کارهای شایسته بدرستیکه مر ایشان راست مزدی بزرگ و بدرستیکه آنانکه ایمان نمی آورند بآخرت مهیا کردیم

لهم عذابا اليما ١٢ ويدع الانسان بالشر دعاءه بالخير وكان الانسان

برای ایشان عذابی دردناک و درخواست انسان شر را مانند درخواست کردنش خیر را و باشد انسان

عجولا ١٣ وجعلنا الليل والنهار ايتين فمحونا اية الليل وجعلنا اية

شتاب کننده و گردانیدیم شب و روز را دو آیت پس محو کردیم آیت شب را و گردانیدیم آیت

النهار مبصرة لتبتغوا فضلا من ربكم ولتعلموا عدد السنين والحساب

روز را نور دهنده چشم تا بجوئید فضلی را از پروردگارتان و تا بدانید شمار سالها و حساب را

وكل شيء فصلناه تفصيلا ١٤ وكل انسان الزمناه طائره في عنقه و

و هر چیز را تفصیل دادیم تفصیل دادنی و هر انسانی ملازم او گردانیدیم نامه عملش را در گردنش و

نخرج له يوم القيمة كتابا يلقاه منشورا ١٥ اقرا كتابك كفى بنفسك

و بیرون آوریم برای او روز رستخیز نامه که خواهد دید آنرا باز کرده شده بخوان نامه ات را بس است بنفس

اليوم عليك حسيبا ١ من اهتدى فانما يهتدي لنفسه ومن ضل

امروز بر تو حساب کننده هر که هدایت یافت پس جز این نیست که هدایت یافت برای خودش و هر که گمراه

فانما يضل عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى وما كنا معذبين حتى نبعث

پس جز این نیست گمراه میشود بر خودش و بر ندارد بردارنده بار گناه دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده تا فرستیم

رسولا ١٧ واذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيها ففسقوا فيها فحق

رسولی را و چون خواهیم که هلاک کنیم قریه را فرمان دهیم متنعمانش را پس نافرمانی کنند در آن پس ثابت شود

اُولٰهما: بضم همزه و سکون واو

اُولی: بضم همزه بدون واو

لِیَسُوءُوا: بضم همزه و سکون واو کرد و او جمع ظاهر شود

اَمَرْنا: بفتح میم و سکون را

علیها

عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ۱۸ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ

بر آن حکم پس هلاک گردانیدیم او را هلاک گردانیدنی و بسیار هلاک کردیم از اهل زمانها از بعد

نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۱۹ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ

نوح و بس است پروردگار تو بگناهان بندگانش آگاه بینا هر که باشد که بخواهد شتابنده

عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا

تعجیل کنیم برای او در آن آنچه میخواهیم برای آنکه خواهیم پس میگردانیم برای او جهنم را که درآید در آن نکوهیده

مَدْحُورًا ۲۰ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ

رانده شده و هر که خواست آخرت را و سعی کرد برای آن بکوشش آن و او هست گرونده پس آنها باشد

سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۲۱ كُلًّا نُمِدُّ هَٰؤُلَاءِ وَهَٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ ۚ وَمَا كَانَ

کوشش ایشان مقبول هر یک را مدد میکنیم از اینها و اینها همه شد از بخشش پروردگارت و نباشد بخشش

عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ۲۲ انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ وَلَلْآخِرَةُ

بخشش پروردگار تو بازداشته شده بنگر که چگونه زیادتی دادیم ما برخی از ایشان را بر برخی و هر آینه آخرت

أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ۲۳ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا

بزرگتر است بمراتب و بزرگتر است از جهت افزونی قرار مده با خدا خدای دیگر را پس می نشینی نکوهش کرده شده

مَخْذُولًا ۲۴ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ إِمَّا

وا گذاشته شده و حکم کرد پروردگارت که نپرستید مگر او را و بوالدین نیکوئی کردن اگر

يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا

برسند نزد تو بپیری یکی از آنها یا هر دو پس مگوی مر آندو را اف و زجر مکن آنها را

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۲۵ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ

و بگو مر آندو را گفتاری خوب و فرود آور برای آندو بال تواضع از مهربانی و بگو

رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۲۶ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ ۚ إِنْ تَكُونُوا

پروردگارا رحمت کن آندو را چنانکه پرورانیدند مرا در طفلی پروردگار شما داناتر است بآنچه در نفسهای شماست اگر باشید

صَالِحِينَ ۲۷ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ۲۸ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ

شایستگان پس بدرستیکه او باشد مر باز گشت کنندگان را آمرزنده و بده صاحب قرابت حقش را و

الْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ۲۹ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ

مسکین و ابن السبیل را و مپاش پاشیدنی باسراف بدرستیکه پاشندگان باشند برادران

الشَّيَاطِينِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۳۰ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ

شیطانان و باشد شیطان مر پروردگارش را ناسپاس و اگر رو بگردانی از ایشان برای طلب

رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا ۳۱ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ

رحمت از پروردگارت که امید وار آنی پس بگو مر ایشان را گفتاری خوش و مگردان دست خود را بربسته

عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا ۳۲ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ

بگردنت و مگشای آنرا همه گشادن پس بنشینی ملامت کرده شده معموم بدرستیکه پروردگارت میگشاید

قوله تعالی شانه العزیز
وآت ذا القربی حقه
یعنی بده ای پیغمبر بصاحب خویشیت حق او را عامه و خاصه متفقند که این آیه در حق صدیقه طاهره نازل شد بعد از تصرف کردن حضرت رسول فدک را بدون جنگ و نزاع زیرا که آنجناب بعد از نزول آیه از جبرئیل پرسید که ذی القربی کیست و حق او چیست جبرئیل بعد صعود نزول نمود و عرض کرد خدا میفرماید ذا القربی حضرت فاطمه است و حق فدک است بده باو و آنجناب طلب نمود فاطمه را و تسلیم او نمود آنگاه متصرف شد بعد از رحلت پیغمبر و شد آنچه شد که تا کنون هیچ تظلمی در هیچ امتی نسبت بذریه پیغمبری واقع نشده و به روایتی که مجلسی اعلی الله مقامه در حیوة القلوب ذکر میکند که آن روایت مشتمل است بر ارث بودن فدک از برای فاطمه از طرف ابی یا زوج حضرت خدیجه تا زمان فتح خیبر غصب بوده معلوم میشود که حق بودن و ملک بودن فدک از برای آنحضرت قبل از نزول آیه بوده بر اینکه مفاد او اینست که بده حق او را نه آنکه بعد از اعطا حق او میشود پس لفظ نظاهر خود باقی و وارد است والسلام

۱۲

الرزق لمن يشاء ويقدر انه كان بعباده خبيرا بصيرا ٣١ ولا تقتلوا
روزی را برای هر که میخواهد وتنگ میگرداند بدرستیکه او باشد بر بندگانش بینا ومکشید
اولادكم خشية املاق نحن نرزقهم واياكم ان قتلهم كان خطا كبيرا ٣٢
فرزندانتان را از بیم تنگدستی ما روزی میدهیم ایشان را و شما را بدرستیکه کشتن آنها باشد گناهی بزرگ
ولا تقربوا الزنى انه كان فاحشة وساء سبيلا ٣٣ ولا تقتلوا النفس
ونزدیک نشوید زنا را بدرستیکه آن باشد کار زشت وبدراهی است ومکشید نفسی را
التي حرم الله الا بالحق ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا
که حرام کرد خدا مگر بحق وهر که کشته مظلوم پس بتحقیق گردانیدیم برای وارثش تسلطی
فلا يسرف في القتل انه كان منصورا ٣٤ ولا تقربوا مال اليتيم الا
پس مبادا اسراف کند در کشتن بدرستیکه او باشد یاری کرده شده وپیرامون نگردید مال یتیم را مگر
بالتي هي احسن حتى يبلغ اشده واوفوا بالعهد ان العهد كان
بطریقه که آن بهتر است تا آنکه برسد بکمال قوتش ووفا کنید بپیمان بدرستیکه پیمان باشد
مسئولا ٣٥ واوفوا الكيل اذا كلتم وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلك خير
پرسیده شده وتمام پیمایید کیل را چون بپیمایید ووزن کنید بترازوی درست این بهتر است
واحسن تاويلا ٣٦ ولا تقف ما ليس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد
وبنیکوتر بحسب عاقبت وپیرو مباش آنچه را نیست برای تو بآن دانشی بدرستیکه گوش وچشم ودل
كل اولئك كان عنه مسئولا ٣٧ ولا تمش في الارض مرحا انك لن تخرق
همه ایشان باشد از آن پرسیده شده ودر راه مرو در زمین از کبر وناز بدرستیکه تو هرگز رخنه نتوانی کرد
الارض ولن تبلغ الجبال طولا ٣٨ كل ذلك كان سيئه عند ربك
زمین را وهرگز نتوانی رسید کوهها را بدرازی همه آن باشد بدیش نزد پروردگار تو
مكروها ٣٩ ذلك مما اوحى اليك ربك من الحكمة ولا تجعل مع الله الها
ناخوش داشته شده این از آن چیزیست که وحی کرد بسوی تو پروردگارت از حکمت ومگردان با خدا الهی
اخر فتلقى في جهنم ملوما مدحورا ٤٠ افاصفاكم ربكم بالبنين و
دیگر پس انداخته شوی در دوزخ ملامت شده رانده شده آیا پس برگزید شما را پروردگار شما به پسران و
اتخذ من الملئكة اناثا انكم لتقولون قولا عظيما ٤١ ولقد صرفنا في
گرفت از فرشتگان دختران بدرستیکه شما هر آینه میگویید سخن بزرگ وبتحقیق بیان کردیم در
هذا القران ليذكروا وما يزيدهم الا نفورا ٤٢ قل لو كان معه الهة
این قرآن تا پند گیرند وافزاید ایشان را مگر نفرت بگو اگر بودی با او الهها
كما يقولون اذا لابتغوا الى ذي العرش سبيلا ٤٣ سبحانه وتعالى عما
چنانکه میگویند آنگاه هر آینه جسته بودند بسوی خداوند عرش راهی منزه است او وبرتر است از آنچه
يقولون علوا كبيرا ٤٤ تسبح له السموات السبع والارض ومن فيهن
از آنچه میگویند برتری بزرگ تسبیح میکنند مر او را آسمانهای هفتگانه وزمین وهر که در آنهاست

از حضرت علی بن الحسین در تفسیر ثعلبی ذکر شده که بمردی از اهل شام فرمودند قرآن میخوانی گفت بلی یابن رسول الله فرمودند در سوره بنی اسرائیل این آیه را خوانده و آت ذی القربی حقه جواب داد بلی آیا شما یید اهل این قرابت که خدا امر ... فرموده است بدادن حق ایشان شما هستید امام فرمود آری مائیم و مردم ما را نمی شناسند ١٢

تقف بسکون قاف وضم فا

وان من شيء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم انه كان حليما

ونیست هیچ چیز مگر آنکه تسبیح میکند بحمد او ولیکن نمیفهمید تسبیح ایشانرا بدرستیکه او باشد بردبار

غفورا ۴۷ واذا قرات القران جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون

آمرزنده وچون بخوانی قرآنرا میگردانیم میان تو ومیان آنانکه نمیگروند

بالاخرة حجابا مستورا ۴۸ وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه و

بآخرت پرده پوشیده وگردانیدیم بر دلهای ایشان حجابها که مبادا که بفهمند آنرا و

في اذانهم وقرا ۴۹ واذا ذكرت ربك في القران وحده ولوا على

در گوشهاشان گرانی وچون ذکر کنی پروردگارت را در قرآن تنها برگردند بر

ادبارهم نفورا ۵۰ نحن اعلم بما يستمعون به اذ يستمعون اليك واذ هم

پشتهاشان نفرت کننده ما داناتریم بآنچه گوش میدادند بدان هنگامیکه گوش میدادند بتو وگاهی که ایشان

نجوى اذ يقول الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا ۵۱ انظر كيف

راز گویانند چون میگویند ستمگاران پیروی نمیکنید مگر مردی سحر کرده شده را بنگر چگونه

ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا ۵۲ وقالوا ءاذا كنا

زدند برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نتوانند یافت راهی وگفتند آیا چون باشیم

عظاما ورفاتا ءانا لمبعوثون خلقا جديدا ۵۳ قل كونوا حجارة او حديدا

استخوانها وریزه ریزه آیا ما هستیم برانگیخته شدگان خلقی تازه بگو باشید سنگ یا آهن

او خلقا مما يكبر في صدوركم فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطركم اول

یا خلقی ازآنچه بزرگ آید در سینههاتان پس بزودی گویند کیست که بازمی آورد مارا بگو آنکه پدید آورد شمارا اول

مرة فسينغضون اليك رءوسهم ويقولون متى هو قل عسى ان يكون

بار پس بزودی میجنبانند بسوی تو سرهاشانرا ومیگویند کی خواهد بود آن بگو شاید که باشد

قريبا ۵۴ يوم يدعوكم فتستجيبون بحمده وتظنون ان لبثتم الا قليلا ۵۵

نزدیک روزیکه بخواند شمارا پس اجابت کنید بستایش او وگمان دارید که درنگ نکردید مگر اندکی

وقل لعبادي يقولوا التي هي احسن ان الشيطان ينزغ بينهم ان الشيطان

وبگو مر بندگانم را که بگویند آنچه آن خوبتر است بدرستیکه شیطان فساد میکند میان ایشان بدرستیکه شیطان

كان للانسان عدوا مبينا ۵۶ ربكم اعلم بكم ان يشا يرحمكم او ان يشا يعذبكم

باشد مر انسانرا دشمنی آشکار پروردگار شما داناتر است بشما اگر خواهد رحمت میکند شمارا واگر خواهد عذاب میکند شمارا

وما ارسلناك عليهم وكيلا ۵۷ وربك اعلم بمن في السموات والارض و

ونفرستادیم ترا برایشان کارگزار وپروردگار تو داناتر است بآنکه در آسمانها و زمین است و

لقد فضلنا بعض النبيين على بعض واتينا داود زبورا ۵۸ قل ادعوا الذين

هر آینه بتحقیق افزونی دادیم برخی پیغمبرانرا بر برخی ودادیم داود را زبور بگو بخوانید آنانرا که

زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا ۵۹ اولئك الذين يدعون

پنداشتید از غیر او پس مالک نباشند رفع ضرر را از شما ونه تغییر را ایشان آنانند که میخوانند

قوله تعالی شانه العزیز واذا قرات القران الی نفورا چون کسی را خیالات فاسده تشویش دهد بارتی برای عقبه کند این آیات را از اول تا آخر بخواند...

۱۲

داود بدو واو خوانده شود

يبتغون

يَبْتَغُونَ اِلٰى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ اَيُّهُمْ اَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ
میجویند بسوی پروردگارشان وسیله کدامشان نزدیکتر است وامید دارند برحمت او ومیترسند از عذاب او

اِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ۰ وَاِنْ مِنْ قَرْيَةٍ اِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ
بدرستیکه عذاب پروردگارت باشد حذر کرده شده ونیست هیچ قریه مگر آنکه ماییم هلاک کننده اش پیش

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا
از روز قیامت یا عذاب کننده ایم او را عذابی سخت باشد این در کتاب نوشته شده

وَمَا مَنَعَنَا اَنْ نُرْسِلَ بِالْاٰيَاتِ اِلَّا اَنْ كَذَّبَ بِهَا الْاَوَّلُونَ وَاٰتَيْنَا ثَمُودَ
وباز نداشت ما را از فرستیم آیتها را مگر آنکه تکذیب کردند بآن پیشینیان ودادیم ما ثمود را

النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْاٰيَاتِ اِلَّا تَخْوِيفًا ۲ وَاِذْ قُلْنَا
ناقه حال آنکه بینش بخشیده بود پس ظلم کردند بآن ونمیفرستیم آیتها را مگر برای بیم دادن وچون گفتیم

لَكَ اِنَّ رَبَّكَ اَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي اَرَيْنَاكَ اِلَّا فِتْنَةً
مر ترا بدرستیکه پروردگارت احاطه کرده بمردمان ونگردانیدیم ما آن خوابی را که نمودیم بتو مگر ابتلای

لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْاٰنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ اِلَّا طُغْيَانًا
برای مردمان وآن درخت لعنت کرده شده در قرآن وبیم میدهیم ایشانرا پس نمی فزاید ایشانرا مگر زیاده روی

كَبِيرًا ۳ وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوا اِلَّا اِبْلِيسَ قَالَ ءَاَسْجُدُ
بزرگی وچون گفتیم مر ملائکه را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس گفت آیا سجده کنم

لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ۰ قَالَ اَرَاَيْتَكَ هٰذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ اَخَّرْتَنِ اِلٰى
مر آنرا که آفریدی از گل گفت خبر ده مرا تو این کسیکه زیادتی دادی بر من هر آینه اگر باز پس داری مرا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَاَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ اِلَّا قَلِيلًا ۵ قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ
روز قیامت هر آینه بیخ بر اندازم البته فرزندانش مگر اندکی گفت برو پس هر که پیرو شود ترا از ایشان

فَاِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ۰ وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ
پس بدرستیکه دوزخ پاداش شما پاداشی تمام واز جای ببر هر کرا توانی از ایشان باواز خود

وَاَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ وَعِدْهُمْ
وبران برایشان سوارانت وپیادگانت وشریک شو ایشانرا در مالها وفرزندان ووعده ده ایشانرا

وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ اِلَّا غُرُورًا ۷ اِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ
ووعده نمیدهد ایشانرا شیطان مگر بفریب بدرستیکه بندگان من نیست مر ترا برایشان تسلطی

وَكَفٰى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ۸ رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا
وبس باشد پروردگارت وکیل پروردگار شما است که میراند برای شما کشتی را در دریا تا بجویید

مِنْ فَضْلِهِ اِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۹ وَاِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ
از فضلش بدرستیکه او باشد بشما مهربان وچون مس کند شما را ضرری در دریا گم میشود آنرا

تَدْعُونَ اِلَّا اِيَّاهُ فَلَمَّا نَجّٰكُمْ اِلَى الْبَرِّ اَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْاِنْسَانُ كَفُورًا ۷۰
که میخوانید بجز او پس چون رها کند شما را بسوی خشکی روگردان شدید وباشد انسان ناسپاس

قوله تعالی: وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي اَرَيْنَاكَ اِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْاٰنِ
حاصل کلام مضمون دو از طرق عامه وخاصه در معنی این آیت آنست که در خواب بحضرت رسول نموده شد مردمانی که ده نفر بودند که متعاقب بر منبر آنحضرت بالا میروند بصورت میمون و برمیگردانند مردم را بضلالت وبر اعقاب خود بقهقرا حضرت از این خواب بسیار مهموم شد جبرئیل نازل گردید این آیه را آورد یعنی وتگردانیدیم ما رویای عجیبی که نمودیم بتو مگر فتنه وامتحان از برای مردم وشجره ملعونه را در قرآن نیز بجهت فتنه وامتحان بجهة خلایق قرار دادیم ومیترسانیم مردم را بانواع تخویف پس زیاد نمیکند ایشانرا مگر طغیان وتجاوز از حد
در احتجاج از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مأثور است

لَاَحْتَنِكَنَّ
بفتح لام وهمزه وسکون حاء بی نقطه وفتح تاء وکسر نون

وَاَجْلِبْ
بفتح همزه قطع وسکون جیم وکسر لام وسکون باء

که فرمود آگاه باشید آنکه سعد به وپسر پسرش زود باشد که متولی خلافت شوند بعد از عثمان وبعد از ایشان متولی میشوند هفت نفر از اولاد حکم بن ابی العاص یکی بعد از دیگری تا کامل گردد عدد دوازده نفر امام ضلال واینها آن کسانیند که رسول خدا بر منبر خود دید که بالا میروند ومردم را برمیگردانند بقهقری ده نفر از ایشان از طائفه بنی امیه اند ودو نفر از ایشان تاسیس کنندند غضب خدا فرا برای آن ده نفر وبر گردن این دو نفر که موسس غضب خلافتند ثابت میشود وزر همه این امت وذنوب ومعاصی ایشان تا روز قیامت

افامنتم ان یخسف بکم جانب البر او یرسل علیکم حاصبا ثم لا تجدوا لکم

آیا پس ایمن شدید که فرو برد باشما طرف بر را و یا فرستد بر شما باران سنگ بار پس نیابید برای خود

وکیلا ۷۱ ام امنتم ان یعیدکم فیه تارة اخری فیرسل علیکم قاصفا من الریح

وکیلی یا ایمن شدید که بازگرداند شما را در آن بار دیگر پس فرستد بر شما درهم شکننده از باد

فیغرقکم بما کفرتم ثم لا تجدوا لکم علینا به تبیعا ۷۲ ولقد کرمنا بنی ادم

پس غرق کند شما را بسبب کفرتان پس نیابید برای خودتان بر ما بآن ازپی در آینده و هر آینه بتحقیق گرامی کردیم فرزندان

وحملناهم فی البر والبحر ورزقناهم من الطیبات وفضلناهم علی کثیر

آدم را و برداشتیم ایشانرا در بر و بحر و روزی دادیم ایشانرا از پاکیزه چیزها و افزونی دادیم ایشانرا بر بسیاری

ممن خلقنا تفضیلا ۷۳ یوم ندعوا کل اناس بامامهم فمن اوتی کتابه

از آنچه آفریدیم افزونی دادنی روزیکه میخوانیم همه مردمانرا با امامشان پس هرکه داده شد نامهٔ او

بیمینه فاولئک یقرؤن کتابهم ولا یظلمون فتیلا ۷۴ ومن کان فی هذه

بدست راستش پس آنطائفه میخوانند نامهٔ خود را و ستم کرده نشوند مقدار فتیلی و هرکه باشد در این دنیا

اعمی فهو فی الاخرة اعمی واضل سبیلا ۷۵ وان کادوا لیفتنونک عن

کور باطن پس اوست در آخرت کور و گمراه تراست در راه و بدرستیکه نزدیک بود که گمراه کنند ترا از

الذی اوحینا الیک لتفتری علینا غیره واذا لاتخذوک خلیلا ۷۶

آنچه وحی فرستادیم بسوی تو تا افترا کنی بر ما غیر آنرا و آنگاه هر آینه بگیرند ترا دوستی

ولولا ان ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئا قلیلا ۷۷ اذا لاذقناک ضعف

و اگر نه آن بودکه ثابت کردیم ترا هر آینه بتحقیق نزدیک بودی که میل کنی بسوی ایشان بچیز اندک در آنوقت میچشانیدیم ترا عذاب

الحیوة وضعف الممات ثم لا تجد لک علینا نصیرا ۷۸ وان کادوا لیستفزونک

زندگی و عذاب مرگ پس نمییافتی برای خود بر ما یاری کننده و بدرستیکه نزدیک بود که برکنده کنند ترا

من الارض لیخرجوک منها واذا لا یلبثون خلافک الا قلیلا ۷۹ سنة من

از زمین تا بیرون کنند ترا از آن و آنگاه درنگ نمیکردند پس از تو مگر اندکی بدستور آنکه

قد ارسلنا قبلک من رسلنا ولا تجد لسنتنا تحویلا ۸۰ اقم الصلوة لدلوک

بحقیقت فرستادیم پیش از تو از رسولان ما و نیابی مر دستور ما را تغییری برپا دار نماز را نزد زوال

الشمس الی غسق اللیل وقران الفجر ان قران الفجر کان مشهودا ۸۱ ومن

آفتاب تا تاریکی شب و خواندن صبح بدرستیکه خواندن صبح را باشد مشهود و از

اللیل فتهجد به نافلة لک عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا ۸۲ وقل

شب پس بیدار شو بآن زیادتی مر ترا شاید جای دهد ترا پروردگارت بمکان پسندیده و بگو

رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک

پروردگارا در آور مرا در آوردن راستی و بیرون آور مرا بیرون آوردن راستی و بگردان برای من از نزد خود

سلطانا نصیرا ۸۳ وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا ۸۴

تسلطی یاری کننده و بگو آمد حق و ناچیز شد باطل بدرستیکه باطل باشد ناچیز

قوله تعالی شانه العزیز وقل رب ادخلنی الی زهوقا چون خواهد نزد سلاطین و اشراف رود اول غسل کند و جامهٔ پاک در پوشد دو رکعت نماز گزارد و براه در آید این آیت را بخواند تا وقتیکه نزد ایشان رسد اقبال و اکرام و تعظیم بسیار مشاهده نماید انشاء الله تعالی ۱۲

ترکن بفتح تا و سکون را و فتح کاف و ضم نون

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا

و فرو میفرستیم از قرآن آنچه آن شفا و رحمت است مرگروندگانرا و نمی افزاید ستمگارانرا مگر

خَسَارًا ۸۵ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ

زیانی و چون انعام کنیم بر انسان رو بگرداند و دور شود بیک طرفش و چون مس کند او را شر

كَانَ يَئُوسًا ۸۶ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ

باشد نا امید بگو همه کس عمل میکند بر مانندش پس پروردگار شما دانا تر است بآنکه او درست تر است

سَبِيلًا ۸۷ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ

در راه و میپرسند ترا از روح بگو روح از فرمان پروردگار منست و داده نشدید از

الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ۸۸ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ

دانش مگر اندکی و هر آینه اگر خواهیم ما هر آینه میبریم آنچه را وحی کردیم بسوی تو پس نیابی

لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ۸۹ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ۹۰

برای خود بآن بر ما کارگزاری بجز رحمت از پروردگارت بدرستیکه باشد فضل او بر تو بزرگ

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ

بگو هر آینه اگر جمع شوند انس و جن بر آنکه بیاورند بمثل این قرآن نتوانند آورد

بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ۹۱ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ

مانندش را و اگر باشند برخی از ایشان برای برخی هم پشت و هر آینه بتحقیق گردانیدیم برای مردمان در این قرآن

مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ۹۲ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ

از هر مثلی پس سر باز زدند بیشتر مردمان مگر ناسپاسیرا و گفتند نمیگرویم هرگز بتو تا آنکه روان سازی

لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ۹۳ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ

برای ما از زمین چشمه یا باشد مر ترا بوستانی از خرما و انگور درختان پس روان سازی نهرها

خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ۹۴ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ

در میانش روان گردنی یا بیندازی آسمانرا همچنانکه ادعا کردی بر ما پاره پاره یا بیاوری

بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا ۹۵ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ

خدا و فرشتگانرا روی بروی یا باشد مر ترا خانه از طلا یا بالا روی در آسمان

وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ

و باور نداریم هرگز بالا رفتنت را تا آنکه فرود آوری کتابیرا که بخوانیم آنرا بگو منزه است پروردگار من آیا

كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ۹۶ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ

هستم مگر انسانی فرستاده شده و منع نکرد مردمانرا که ایمان آورند چون آمد ایشانرا هدایت

إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا ۹۷ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ

مگر آنکه گفتند آیا برانگیخت خدا انسانیرا رسول بگو اگر بودندی در زمین

مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ۹۸

فرشتگان میرفتند آرمیدگان هر آینه میفرستادیم از آسمان فرشته را رسول

قوله سبحانه وتعالی ونُنزّل من القرآن ما هو شفاء الی خسارا در روایت آمده که زنی پیش حضرت رسول صلی الله علیه وآله با فرزند صغیر گفت یا رسول الله این فرزند مرا از بچگی مرضی میباشد پس حضرت رسول این آیه را برخواند آن مرض زایل شد آورده که در بعضی امور بود که امراض مشخّص العلاج کردی بسیار که بر مریض خواندی کسی از او سؤال کرد گفت امراض هرچند مختلف است ولی دعا یکیست و شفا دهنده خدای سبحانه وتعالی است و دعا اینست ونُنزّل من القرآن الی آخر آیه والسلام علی الاکرام

۱۲

كِسَفًا بکسر کاف و فتح سین

نَقْرَؤُهُ بضم همزه بعد واو صیغه متکلم است نه واو جمع

قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ اِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۹۹ وَمَنْ

بگو بس است خدا گواه میانهٔ من و میانهٔ شما بدرستیکه او باشد به بندگانش آگاه بینا و کسیرا که

يَهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ

هدایت کند خدا پس اوست راه یافته و کسیرا که گمراه نمود پس هرگز نیابی مر ایشانرا دوستان از جز او و حشر کنیم

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلٰى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَاْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ

روز قیامت بر روهاشان کوران و گنگان و کران جایشان دوزخست هرگاه فرو نشیند زبانهٔ آن

زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ۱۰۰ ذٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاٰيَاتِنَا وَقَالُوا ءَاِذَا كُنَّا

بیفزائیم برایشان افروختگی را این است پاداششان بحق که آنها کافر شدند بآیات ما و گفتند آیا چون باشیم ما

عِظَامًا وَرُفَاتًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۱۰۱ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِي

استخوانها و ریزه ریزه ها آیا ما برانگیخته شوندگانیم بآفرینش تازه آیا و ندیدند که خدائیکه

خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ قَادِرٌ عَلٰى اَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ اَجَلًا لَا رَيْبَ

آفرید آسمانها و زمین را تواناست بر آنکه بیافریند مانند ایشانرا و گردانید برای ایشان اجلی که نیست شک

فِيهِ فَاَبَى الظَّالِمُونَ اِلَّا كُفُورًا ۱۰۲ قُلْ لَوْ اَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي اِذًا

در آن پس سرباز زدند ستمگاران مگر بجحد یا سپاسی بگو اگر شما مالک بودید خزینهای رحمت پروردگارم را آنگاه

لَاَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْاِنْفَاقِ وَكَانَ الْاِنْسَانُ قَتُورًا ۱۰۳ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوسٰى تِسْعَ

هر آینه امساک میکردید از ترس صرف کردن و باشد انسان تنگ ساز نده نفقه و بتحقیق دادیم موسی را نه

اٰيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْاَلْ بَنِي اِسْرَائِيلَ اِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ اِنِّي لَاَظُنُّكَ

نشانهای روشن پس بپرس از بنی اسرائیل چون آمد ایشانرا پس گفت مر او را فرعون بدرستیکه من هر آینه گمان میبرم

يَا مُوسٰى مَسْحُورًا ۱۰۴ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا اَنْزَلَ هٰؤُلَاءِ اِلَّا رَبُّ السَّمٰوَاتِ

ترا ای موسی سحر کرده شده گفت هر آینه بتحقیق دانستهٔ که نفرستید اینها را مگر پروردگار آسمانها

وَالْاَرْضِ بَصَائِرَ وَاِنِّي لَاَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ۱۰۵ فَاَرَادَ اَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ

و زمین دلیلهای روشن و بدرستیکه من میپندارم ترا ای فرعون هلاک کرده شده پس خواست که برکند ایشانرا

مِنَ الْاَرْضِ فَاَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ۱۰۶ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي اِسْرَائِيلَ

از زمین پس غرق کردیم او را و هر که با او بود همه و گفتیم پس از آن مر بنی اسرائیل را

اسْكُنُوا الْاَرْضَ فَاِذَا جَاءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا وَبِالْحَقِّ

که ساکن شوید آن زمین را پس چون آید وعدهٔ آخرت آریم شما را بهم آمیخته و بحق

اَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۱۰۷ وَقُرْاٰنًا

فرو فرستادیم او را و بحق فرود آمد و نفرستادیم ترا مگر مژده دهنده و بیم کننده و قرآنی که

فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَاَهُ عَلَى النَّاسِ عَلٰى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ۱۰۸ قُلْ اٰمِنُوا بِهِ

جدا جدا کردیم او را تا بخوانی آنرا بر مردمان بر آرامی و فرو فرستادیم آنرا فرو فرستادنی بگو بگروید بآن

اَوْ لَا تُؤْمِنُوا اِنَّ الَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ اِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ

یا ایمان نیاورید بدرستیکه آنانکه داده شدند علم را پیش از آن چون خوانده میشود بر ایشان بر رو می افتند

نصف الجزو

جَزَاؤُهُم بضمه همزه بدون واو

قوله سبحانه وتعالی وما ارسلناک الّا مبشرا خاصیت این آیه دفع غم و تنگدلی و خوابهای شور و خیالهای فاسد و ترس و وهم چون کسیرا در یکی از این عوارض دست دهد دو روز روزه بدارد و بر عرض ... حلال افطار کند که از کسب خود پیدا کرده باشد پس نماز خفتن بگزارد و دو نوبت این آیه را بخواند و از آن آب بیاشامد و در خواب رود چون از خواب بیدار شود جرعهٔ از آن آب بخورد و بعد از این آیه را یکبار بخواند الغم رفته از او زایل گردد انشاء الله تعالی

۱۲

لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ١٠٩

بر زنخهاشان سجده کنندگان و میگویند منزه است پروردگار ما بدرستیکه وعده پروردگار ما هر آینه باشد کرده شده

وَيَخِرُّونَ لِلْاَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ١١٠ قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا

و بر رو افتند بر زنخها میگریند و زیاده میکند ایشانرا فروتنی بگو بخوانید خدا را یا بخوانید

الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا

رحمن را هر کدام را که بخوانید پس مراوراست نامهای نیکو و بلند مکن نمازت را و

تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيلًا ١١١ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَ

آهسته مکن آنرا و بجوی میانه آن طریقی را و بگو ستایش مر خدایرا که نگرفت فرزندی و

لَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِى الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

فرزندی و نمیباشد مر او را شریکی در پادشاهی و نبوده مر او را یاوری از مذلت و تعظیم کن او را تعظیم کردنی

(١٨) سورة الكهف مائة وعشر آية وهي مكية

الا الآية واصبر نفسك الى فرطا واية ويسئلونك عن ذي القرنين الى عاية الذين كانت اعينهم فمدنية نزلت بعد الغاشية

٢٧ - وآية ٨٣ الى آخر ١٠١ فمدنية نزلت بعد الغاشية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى اَنْزَلَ عَلٰى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ١ قَيِّمًا

ستایش مر خدایرا که فرو فرستاد بر بنده خود کتابرا و نگردانید مر او را کجی راست گردانید

لِيُنْذِرَ بَاْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ

تا بیم دهد بعذابی سخت از نزد او و مژده دهد مؤمنانرا که میکنند کارهای شایسته

اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا حَسَنًا ٢ مَاكِثِينَ فِيهِ اَبَدًا ٣ وَيُنْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ

که مر ایشانراست مزدی نیکو مکث کنندگان در آن همیشه و بیم دهد آنانرا که گفتند فرا گرفته خدا

وَلَدًا ٤ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِاٰبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ اِنْ

فرزندی نیست مر ایشانرا بآن هیچ دانشی و نه پدرانشانرا عظیم آمد آن سخنی که بیرون آید از دهانهاشان نه

يَقُولُونَ اِلَّا كَذِبًا ٥ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلٰى اٰثَارِهِمْ اِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا

میگویند مگر دروغ پس شاید تو هلاک کننده نفس خود را بر اثر ایشان اگر ایمان نیاورند

بِهٰذَا الْحَدِيثِ اَسَفًا ٦ اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْاَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ اَيُّهُمْ

باین کلام از غایت اندوه بدرستیکه ما گردانیدیم آنچه بر زمین است زینتی مر آنرا تا بیازمائیم ایشانرا که کدامشان

اَحْسَنُ عَمَلًا ٧ وَاِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ٨ اَمْ حَسِبْتَ اَنَّ اَصْحَابَ

نیکوترند بکردار و بدرستیکه ما گردانندگانیم آنچه را بر آنست زمینی ساده بلکه پنداشتی که اصحاب

الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ اٰيَاتِنَا عَجَبًا ٩ اِذْ اَوَى الْفِتْيَةُ اِلَى الْكَهْفِ

کهف و رقیم بودند از آیتهای ما بعجب هنگامیکه جای گرفتند آن جوانان بسوی آن غار

فَقَالُوا رَبَّنَا اٰتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا ١٠ فَضَرَبْنَا

پس گفتند ای پروردگار ما بده ما را از نزد خودت رحمتی و مهیا کن برای ما از کار ما راه رفتن حق را پس زدیم ما

منتهی

مندوب سجده

نزد سبحانه و تعالی

قل ادعوا الله الی تکبیرا که آخر سوره است چون کسی کاری باشد در ادای نماز و در طلب علم پس شب پنجشنبه برخیزد در وقت طلوع صبح و وضو سازد و دو رکعت نماز گزارد و پس این آیات را در جام آبگینه نقش بکند

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سوره کهف را تلاوت کند تا هشت روز از فتنه در امن باشد و اگر در این هشت روز دجال بیرون آید حق سبحانه و تعالی ناصر و حافظ او باشد از فتنه دجال ١٢

بزعفران بنویسد و آنرا بگلاب بشوید و بخورد و بگوید یا مقلب القلوب یا عالم کل خفی محجوب یا من ذکره یا محمد و عون المصطفی و کشف الضر و علی النقط فی تعمل پس آیت بعث را بخواند و برخیزد و فرمان بگزارد و بعد از نماز دعا کند که این کار از او زایل گردد و انشاء الله مستجاب گردد ١٢

عَلَىٰٓ اٰذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سِنِيْنَ عَدَدًا ١١ ثُمَّ بَعَثْنٰهُمْ لِنَعْلَمَ اَيُّ الْحِزْبَيْنِ

بر گوشهاشان در آن غار سالها بشماره پس برانگیختیم ایشانرا تا بدانیم که ایمان کدام دو گروه

اَحْصٰى لِمَا لَبِثُوْٓا اَمَدًا ١٢ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَاَهُمْ بِالْحَقِّ اِنَّهُمْ فِتْيَةٌ اٰمَنُوْا

بشماره نگاه داشت مر آنچه ماندند از مدت ما میخوانیم بر تو خبر ایشانرا براستی بدرستیکه ایشان بودند جوانان که ایمان

بِرَبِّهِمْ وَزِدْنٰهُمْ هُدًى ١٣ وَّرَبَطْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اِذْ قَامُوْا فَقَالُوْا رَبُّنَا

آوردند بپروردگارشان افزودیم ایشانرا هدایت و بستیم بر دلهاشان چون برخاستند پس گفتند پروردگار ما

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَّدْعُوَا۟ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلٰهًا لَّقَدْ قُلْنَآ اِذًا شَطَطًا ١٤

پروردگار آسمانها و زمین است هرگز نخوانیم از غیر او خدائی را هر آینه بتحقیق گفته باشیم آنگاه دور از صواب

هٰٓؤُلَآءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً ۗ لَوْلَا يَاْتُوْنَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطٰنٍۢ

اینها قوم ما گرفتند از غیر او خدایان چرا نمی آورند بر ایشان حجتی

بَيِّنٍ ۗ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ١٥ وَاِذِ اعْتَزَلْتُمُوْهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ

روشن پس کیست ستمگارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را و چون کناره گیرید از ایشان و آنچه میپرستند

اِلَّا اللّٰهَ فَاْوٗٓا اِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهٖ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ

بجز خدا پس جای گیر شوید بان غار تا بگستراند برای شما پروردگار شما از رحمت خود و آماده کند برای شما از

اَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا ١٦ وَتَرَى الشَّمْسَ اِذَا طَلَعَتْ تَّزٰوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ

کار شما مایه سودی را و می بینی آفتاب را چون طلوع کند منحرف میشود از غارشان بجانب راست

وَاِذَا غَرَبَتْ تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِىْ فَجْوَةٍ مِّنْهُ ۗ ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ ۗ

و چون غروب میکند قطع میکند ایشانرا بجانب چپ و بودند در فراخنای از آن این از آیتهای خداست

مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ١٧

کسیرا که هدایت میکند خدا پس اوست راه یافته و کسیرا که گمراه میکند پس هرگز نیابی مر او را یاوری ارشاد دهنده

وَتَحْسَبُهُمْ اَيْقَاظًا وَّهُمْ رُقُوْدٌ ۖ وَّنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ وَذَاتَ الشِّمَالِ ۖ وَ

و پنداشتی ایشانرا بیداران و ایشان بودند خفتگان و میگردانیدیم ایشانرا بجانب راست و جانب چپ و

كَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيْدِ ۚ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا

سگشان گستراننده دو دستش را باستانه در غار اگر اطلاع داشتی برایشان پشت میکردی از ایشان بگریز

وَّلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ١٨ وَكَذٰلِكَ بَعَثْنٰهُمْ لِيَتَسَآءَلُوْا بَيْنَهُمْ ۗ قَالَ قَآئِلٌ

و پر کرده میشدی از ایشان از ترس و همچنین برانگیختیم ایشانرا تا پرسش کنند میانشان گفت گوینده

مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ ۗ قَالُوْا لَبِثْنَا يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالُوْا رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ ۗ

از ایشان که چند درنگ کردید گفتند درنگ کردیم روزی یا برخی از روز گفتند پروردگار شما داناتر است بآنچه درنگ کردید

فَابْعَثُوْٓا اَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هٰذِهٖٓ اِلَى الْمَدِيْنَةِ فَلْيَنْظُرْ اَيُّهَآ اَزْكٰى طَعَامًا

پس بفرستید یکی از شما را با درمهای این بسوی شهر پس ببیند که کدام پاکیزه تراست در طعام

فَلْيَاْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ اَحَدًا ١٩ اِنَّهُمْ اِنْ يَّظْهَرُوْا

پس بیاورد شما را روزی و باید که تلطف کند و نباید آگاهی دهد بشما احدی بدرستیکه ایشان اگر دست یابند

الها بکسر همزه

الهة بدو الف وکسر لام

فأوا بدو واو خوانده شود

بورقکم بفتح واو وکسر راء و قاف

علیکم

عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ اَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا اِذًا اَبَدًا ٢٠ وَكَذٰلِكَ

بر شما سنگسار کنند شما را یا برگردانند شما را در کیش خودشان و هرگز رستگار نشوید آنگاه جاویدان و همچنان

اَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا اِذْ يَتَنَازَعُونَ

واقف گردانیدیم بر ایشان تا بدانند که وعدهٔ خدا راستست و آنکه قیامت نیست شکی در آن در آن هنگامی که نزاع

بَيْنَهُمْ اَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ اَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا

میکردند میان خودشان در کارشان پس گفتند بنا کنید بر ایشان بنائی پروردگارشان داناتر است بآنها گفتند آنانکه غالب شدند

عَلٰى اَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ٢١ سَيَقُولُونَ ثَلٰثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَ

بر کارشان هر آینه میسازیم بر ایشان مسجدی بزودی میگویند سه تا بودند چهارمشان سگشان بود و

يَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ

میگویند پنج تا بودند ششم آنها بود سگشان انداختنی بناپیدا و میگویند هفت تا بودند و هشتم آنها

كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي اَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا قَلِيلٌ ٢٢ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ اِلَّا مِرَاءً

سگشان بگو پروردگارم داناتر است بشمارشان نمیدانند ایشان مگر اندکی پس جدال مکن در آنها مگر جدالی

ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ اَحَدًا ٢٣ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ اِنِّي فَاعِلٌ ذٰلِكَ

ظاهر و فتوی مجوی در ایشان از آنها احدیرا و مگو البته مر چیزیرا که من کننده‌ام آنرا

غَدًا اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسٰى اَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي

فردا مگر آنکه خواهد خدا و یاد کن پروردگارت را چون فراموش کنی و بگو شاید که راه نماید مرا پروردگارم

لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشَدًا ٢٤ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ٢٥

برای نزدیکی از این راه هدایت و درنگ کردند در غارشان سیصد سال و زیاده ماندند نه سال

قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَبْصِرْ بِهِ وَاَسْمِعْ مَا لَهُمْ

بگو خدا داناتر است بآنچه درنگ کردند مر او راست نهان آسمانها و زمین چه بیناست بآن و چه شنواست نیست مر ایشانرا

مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ اَحَدًا ٢٦ وَاتْلُ مَا اُوحِيَ اِلَيْكَ مِنْ

از غیر او هیچ یاوری و شریک نمیاورد در حکم خود احدیرا و بخوان آنچه وحی شد بسوی تو از

كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ٢٧ وَاصْبِرْ

کتاب پروردگارت نیست بدل کننده مر کلمات او را و هرگز نیابی از غیر او پناهی و صبر کن

نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ

نفس خود را با آنانکه میخوانند پروردگارشانرا بامداد و شبانگاه که میخواهند وجهش را و

لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ اَغْفَلْنَا قَلْبَهُ

نباید در گذرد دو چشم تو از ایشان که میخواستی آرایش زندگی دنیا را و اطاعت مکن آنرا که غافل کردیم دلش را

عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوٰهُ وَكَانَ اَمْرُهُ فُرُطًا ٢٨ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ

از یاد خودمان و پیروی کرد آرزوی خویش را و باشد کارش تباه و بگو حق از پروردگار شما پس هر که خواهد

فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِينَ نَارًا اَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا

پس ایمان آورد و هر که خواهد پس کافر شود بدرستیکه ما آماده کردیم برای ستمگاران آتش را که احاطه کرد بآنها سراپرده‌هایش

قوله تعالی شانه العزیز قل ربی اعلم بعدتهم الی آخر در مجمع البیان از ابن عباس روایت میکنند که گفت منم قلیل از ایشان و هفت نفر بودند و هشتم ایشان کلب آنها و ظاهر آنست که ابن عباس عارف شده است بعدد ایشان از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز از ابن عباس روایت شده که گفت اسمای اصحاب کهف هفت است یمکلیخا مکسلمینا مرطونس نینونس ساربونس دربونس کفشطططیونس و این اسم آخر و اسم سگ ایشان قطمیر است که با ایشان همراه بود

تستفت بفتح تا و تا ثانیه و سکون فا و کسر تا میتم

تعد بفتح تا و سکون عین و ضم دال

وآن

وَاِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ

و اگر تشنه باو رس خواهند فریاد رسیده شوند بآبی چون فلز گداخته که بریان میکند روها را بد شرابیست و بد ست

مُرْتَفَقًا ۲۹ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ اِنَّا لَا نُضِيعُ اَجْرَ مَنْ اَحْسَنَ

از جهت تکیه گاه بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته بدرستیکه ما نابود نسازیم مزد کسیرا که نیکو شد

عَمَلًا ۳۰ اُولٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا

کردارش این گروه مرایشانراست بهشتهای اقامت که روانست از زیرایشان نهرها زیور کرده میشوند در آنها

مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَاِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ

از دست برنجن از طلا و میپوشند جامه های سبز از دیبای نازک و دیبای سطبر تکیه کنندگانند

فِيهَا عَلَى الْاَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ۳۱ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا

در آن بر تختها خوبست آن ثواب و خوبست از جهت تکیه گاه و بزن برای ایشان مثلی

رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِاَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ اَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا

از دو مرد که گردانیدیم برای یکی از ایشان دو بوستان از انگورها و فرو گرفتیم آندو را بدرخت خرما و گردانیدیم

بَيْنَهُمَا زَرْعًا ۳۲ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ اٰتَتْ اُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا ۳۳ وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا

میان آنها کشت زار هر دو بوستان آوردند ثمر خود را و کم نکردند از آن چیزی را و پس گشودیم میان آندو

نَهَرًا وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَاَعَزُّ

نهری را و بود مر آنرا ثمری پس گفت هم صحبت خود را و او گفتگو میکرد که من بیشترم از تو بمال و افزونترم

نَفَرًا ۳۴ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا اَظُنُّ اَنْ تَبِيدَ هٰذِهِ اَبَدًا ۳۵

بمرد و مدد و داخل شد در بوستانش و او بود ظلم کننده مر نفس خود را گفت گمان نمیبرم که فانی شود این هرگز

وَمَا اَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ اِلٰى رَبِّي لَاَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا

و گمان نمیبرم قیامت را قائم و اگر بر گردانیده شوم بسوی پروردگارم هر آینه بیابم بهتر از آن جای بازگشتی

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ

گفت مر او را همصحبت او و او گفتگو میکرد آیا کافر شدی بآنکه آفرید ترا از خاک پس از

نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ۳۶ لٰكِنَّا هُوَ اللّٰهُ رَبِّي وَلَا اُشْرِكُ بِرَبِّي اَحَدًا ۳۷

نطفه پس درست کرد ترا مردی ولیکن من میگویم اوست خدا پروردگارم و شریک نگردانم بپروردگارم کسیرا

وَلَوْلَا اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِنْ تَرَنِ اَنَا

و چرا چون داخل شدی بوستانت را نگفتی آنچه خواست میشود خدا نیست قوی مگر بخدا اگر بینی که کمترم

اَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ۳۸ فَعَسٰى رَبِّي اَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَ

کمترم از تو بمال و فرزند پس شاید پروردگارم که بدهد مرا بهتر از بوستان تو و

يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ۳۹ اَوْ يُصْبِحَ

و فرستد بر آن صاعقه ها از آسمان پس گردد زمینی ساده یا گردد

مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ۴۰ وَاُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَاَصْبَحَ يُقَلِّبُ

آبش بزمین فرو رفته پس نتوانی هرگز مر او را جستن و احاطه کرده شد ثمرش پس گردید که میگردانید

قوله تعالى شأنه العزيز واضرب لهم مثلا رجلين الى آخره جامع الآيات که مسمی بمجمع الفوائد است

از حضرت ابی عبد الله روایت شده که فرمود مراد از این دو رجل در آیه حضرت امیر المؤمنین است و مردی دیگر و از این حدیث معلوم میشود که مردی محاوره مینماید با آنحضرت و آنکه آنحضرت حکم نکرد او مینماید عدو آنحضرت است که شیطان این امتست و فرعون و سامری این امت است که دین گوساله را در این امت بنا گذارد و او با هرون این امت انکار دو نمود و نازش او بهوای نفس خود و بملک و سلطنت خود دنیا بود که جنت خود قرار داد ۱۲

لٰكِنَّا
بفتح نون بدون الف هرچند بصورت الف داد نوشته شده زیرا که اصل آن لکن انا بود همزه انا را از جهت تخفیف حذف کردند و نون را در نون ادغام کردند لکنّا شد و چون انا بصورت الف در نوشته میشود لهذا بعد از حذف همزه و ادغام نون نیز چنانمی شود

مَاؤُهَا
بضم همزه بعد از واو

كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ

دو کف خود را بر آنچه صرف کرده بود در آن و آن افتاده بود بر سقفهایش و میگفت ای کاش که من شریک نکردمی

بِرَبِّي أَحَدًا ۴۲ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ

به پروردگار خود احدی را و نبود مر او را گروهی که یاری کنند او را از جز خدا و نبود منع کننده

مُنْتَصِرًا ۴۳ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ۴۴ وَ

منع کننده در آنجا سلطنت مر خدا راست که حق است او بهتر است از راه ثواب و بهتر است از جهة عاقبت و

اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ

و بزن مر ایشان را مثل زندگانی دنیا چون آبی که فرو فرستادیم از آسمان پس آمیخته شد بآن رستنی

الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا ۴۵

زمین پس گردید خشک درهم شکسته که پراگنده کند آنرا باد و باشد خدا بر هر چیز توانا

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ

مال و فرزندانست آرایش زندگانی دنیا و باقیهای شایسته بهتر است نزد پروردگارت

ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ۴۶ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ

از راه ثواب و بهتر است از راه امید و روزیکه روان کنیم جبال کوهها را و ببینی زمین را ظاهر و حشر کنیم ایشان را

فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۴۷ وَعُرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا

پس وا نگذاریم از ایشان احدی را و عرض کرده شوند بر پروردگار تو صف کشیده هر آینه بتحقیق آمدید ما را چنانکه

خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ۴۸ وَوُضِعَ الْكِتَابُ

آفریدیم شما را اول بار بلکه پنداشتید که هرگز نگردانیم برای شما وعده گاهی و گذاشته شود کتاب

فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا

پس بینی گناهکاران را ترسندگان از آنچه در آنست و میگویند ای وای بر ما چیست مر این نامه را که

يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا

وا نگذاشته گناه خورد و نه گناه بزرگی را مگر آنکه در شمار آورده آنرا و بیابند آنچه کرده اند حاضر

يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۴۹ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

ظلم نکند پروردگار تو احدی را و چون گفتیم مر ملائکه را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند بجز ابلیس

كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ

که بود از جن پس بیرون رفت از فرمان پروردگارش آیا پس میگیرید او و فرزندانش را دوستان از غیر من و

هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ۵۰ مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَ

ایشان مر شما را دشمنند و بد است مر ستمگاران را بدل حاضر نکردیم ایشان را در آفرینش آسمانها و

الْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ۵۱ وَيَوْمَ يَقُولُ

زمین و نه در آفرینش خودهاشان و نبودیم گیرنده گمراه کنندگان را مددگار و روزیکه گوید

نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ۵۲

ندا کنید انبازان مرا آنانکه ادعا کردید پس ندا کنند ایشان را پس جواب ندهند مر ایشان را و گردانیدیم میانشان جای هلاکی

سبحانه الله تعالی صاحب کنز الفوائد میفرماید که در قول حضرت هنالک الولایة لله الحق هو خیر ثوابا و خیر عقبا ماثور است که ولایت علی مرتضی است زیرا که ابو حمزه ثمالی از حضرت ابو جعفر روایت کرده که گفت عرض کردم

تذروه بفتح تا و سکون ذال معجمه که از ذرو است

معنی هنالک الولایة الی آخر آیه چیست و بعنی عاقبت ولایت آنحضرت که از برای حق تعالی است بهتر است از عاقبت غیر ولایت او که صاحب جنت و نعیمات و حرام کرد جمعی را از او آخرت را و کلینی از حضرت ابی عبدالله روایت کرده که سئوال کرده شد از قول حق تعالی هنالک الولایة فرمود او ولایت در آیه ولایت امیر المؤمنین است و معنی آنکه ولایت از برای آنحضرت ولایت برای حق تعالی است و در دعا و زیارت بقرار است که من والاکم فقد والی الله ۱۲

وَرَاَى الْمُجْرِمُوْنَ النَّارَ فَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ مُّوَاقِعُوْهَا وَلَمْ يَجِدُوْا عَنْهَا مَصْرِفًا ٥٢

و دیدند گناهگاران آتش را پس دانستند اینکه خواهند افتاد در آن و نیافتند از آن راه برگشتن

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۭ وَكَانَ الْاِنْسَانُ اَكْثَرَ

و هر آینه بتحقیق که مکرر آوردیم در این قرآن از برای مردم از هر مثلی و باشد انسان را بیشتر

شَيْءٍ جَدَلًا ٥٣ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُّؤْمِنُوْٓا اِذْ جَاۗءَهُمُ الْهُدٰى وَيَسْتَغْفِرُوْا

چیزی از راه جدال و باز نداشت مردم را که ایمان آورند چون آمد ایشان را هدایت و آمرزش

رَبَّهُمْ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ اَوْ يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ٥٤ وَمَا

خواهند از پروردگار ایشان مگر اینکه آید ایشان را عادت پیشینیان یا بیاید ایشان را عذاب روبرو و نمی

نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

فرستیم فرستادگان را بجز مژده دهندگان و بیم کنندگان و مجادله میکنند آنانکه کافر شدند

بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوْا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوْٓا اٰيٰتِيْ وَمَآ اُنْذِرُوْا هُزُوًا ٥٥ وَ

بباطل تا زایل کنند بآن حق را و گرفتند آیتهای مرا و آنچه بیم کرده شدند باستهزا و

مَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ ۭ اِنَّا

و کیست ستمکارتر از آنکه پند داده شد بآیات پروردگارش پس رو گردانید از آن و فراموش کرد آنچه را پیش فرستاد

جَعَلْنَا عَلٰي قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ۭ وَاِنْ تَدْعُهُمْ

بدرستیکه ما گردانیدیم بر دلهاشان پوششها که مبادا بیابند آنرا و در گوشهاشان گرانی و اگر بخوانی ایشان را

اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَّهْتَدُوْٓا اِذًا اَبَدًا ٥٧ وَرَبُّكَ الْغَفُوْرُ ذُو الرَّحْمَةِ ۭ لَوْ

بسوی هدایت پس هرگز راه نیابند آنگاه ابدا و پروردگار تو آمرزنده است صاحب رحمت اگر

يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوْا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ ۭ بَلْ لَّهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ يَّجِدُوْا مِنْ دُوْنِهٖ

مواخذه میکرد ایشان بآنچه کسب کردند تعجیل مینمود برای ایشان عذاب را بلکه مر ایشان را وعده گاهیست که هرگز نیابند از غیر آن

مَوْىِٕلًا ٥٨ وَتِلْكَ الْقُرٰٓى اَهْلَكْنٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَّوْعِدًا

پناهی و این قریهها هلاک کردیم ایشان را چون ستم کردند و گردانیدیم برای هلاکشان وعده

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِفَتٰىهُ لَآ اَبْرَحُ حَتّٰٓي اَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ اَوْ اَمْضِيَ حُقُبًا ٦٠

و چون گفت موسی مر جوانش را که پیوسته خواهم رفت تا برسم بمحل جمع شدن دو دریا یا بروم روزگاری دراز

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوْتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ٦١ فَلَمَّا

پس چون رسیدند بجای فراهم آمدن میان آن دو فراموش کردند ماهی خود را پس گرفت راهش در دریا بگذرگاهی پس چون

جَاوَزَا قَالَ لِفَتٰىهُ اٰتِنَا غَدَاۗءَنَا ۡ لَقَدْ لَقِيْنَا مِنْ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا ٦٢ قَالَ

گذشتند گفت مر رفیقش را که بیاور چاشت ما را بتحقیق دیدیم از سفرمان این تعبی را گفت

اَرَءَيْتَ اِذْ اَوَيْنَآ اِلَى الصَّخْرَةِ فَاِنِّىْ نَسِيْتُ الْحُوْتَ ۡ وَمَآ اَنْسٰنِيْهُ اِلَّا الشَّيْطٰنُ

آیا دیدی وقتیکه منزل کردیم بآن سنگ بزرگ پس بدرستیکه من فراموش کردم ماهی را و از یاد نبرد مرا آن مگر شیطان

اَنْ اَذْكُرَهٗ ۚ وَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِي الْبَحْرِ ڰ عَجَبًا ٦٣ قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا

که بیاد آورم آنرا و گرفت راهش را در دریا عجبی گفت اینست آنچه بودیم

قوله تعالی شانه وَاِذْ قَالَ مُوسیٰ الخ

در مجمع البیان از حضرت رسول خدا روایت کرده که آنحضرت روایت کرده خطبه خواند و فرمود در وقتیکه موسی خطبه میخواند استاد در میان بنی اسرائیل سؤال کرده شد که کدام یکی از ناس اعلم است موسی گفت من پس عتاب فرمود حقتعالی که نگفت حقتعالی اعلمست و وحی کرد بسوی او که در مجمع البحرین مرا بنده ایست که او اعلم است از تو موسی عرض کرد پروردگارا چگونه بیابم فرمود بگیر ماهی او را بگذار در زنبیل خود و بعد برو پس چنین کرد و رفت با او یوشع بن نون تا رسیدند بصخره و هر دو سر خود گذاردند و بخواب رفتند و مضطرب شد حوت در زنبیل و بیرون آمد از آن و افتاد در بحر و گرفت سبیل خود را در بحر و رفت در مسلک خود و گرفت حقتعالی جاری شدن از آب را و گردید آب بر آن مثل طاق پس چون بیدار شدند فراموش کرد یوشع که خبر دهد بموسی حکایت حوت را پس رفتند تا بقیه روز و آن شب را تا آنکه صبح شد و گفت موسی بیاور غذای ما را که بتحقیق رحمت در این سفر کشیدیم و نرسید بموسی تعب و مشقت مگر آنکه گذشت از مکانیکه امر کرده بود حقتعالی او را بآن مکان فرمود آنحضرت که رجوع کردند بهمان راهی که آمده بودند تا رسیدند بسوی آن سنگ پس یافتند مردی را که قرطی بر خود پوشیده بود

نبغ فارتدا علی آثارهما قصصا ۶۴ فوجدا عبدا من عبادنا آتیناه رحمة
بجستیم پس برگشتند بر اثرهاشان پی جویان پس یافتند بنده را از بندگان ما که داده بودیم رحمتی

من عندنا وعلمناه من لدنا علما ۶۵ قال له موسی هل اتبعك علی ان
از نزد خود وآموخته بودیم از نزد خود دانشی گفت مر او را موسی آیا پیروی کنم ترا بر آنکه

تعلمن مما علمت رشدا ۶۶ قال انك لن تستطیع معی صبرا ۶۷ وکیف تصبر
بیاموزی از آنچه آموخته شدی الصواب گفت بدرستیکه تو هرگز نتوانی با من صبر کردن را وچگونه صبر میکنی

علی ما لم تحط به خبرا ۶۸ قال ستجدنی ان شاء الله صابرا ولا اعصی لك
بر آنچه احاطه نکرده بآن از راه دانش گفت زود باشد که بیابی مرا اگر بخواهد خدا صبر کننده ونه نافرمانی کنم ترا

امرا ۶۹ قال فان اتبعتنی فلا تسئلنی عن شیء حتی احدث لك منه ذکرا ۷۰
در کاری گفت پس اگر متابعت کنی مرا پس مپرس مرا از چیزی تا فرا دید آورم مر ترا از آن ذکری

فانطلقا حتی اذا رکبا فی السفینة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها
پس رفتند تا وقتیکه سوار شدند در کشتی سوراخ کرد آنرا گفت آیا سوراخ کردی تا غرق کنی اهلش را

لقد جئت شیئا امرا ۷۱ قال الم اقل انك لن تستطیع معی صبرا ۷۲ قال
بدرستیکه آوردی چیز بزرگی را گفت آیا نگفتم بدرستیکه تو هرگز نتوانی با من صبر کردن را گفت

لا تؤاخذنی بما نسیت ولا ترهقنی من امری عسرا ۷۳ فانطلقا حتی
مؤاخذه مکن از من بآنچه فراموش کردم وتکلیف مکن مرا از کار من دشواری پس رفتند تا

اذا لقیا غلاما فقتله قال اقتلت نفسا زکیة بغیر نفس لقد جئت شیئا
آنگاه که دیدند پسری را پس کشت او را گفت آیا کشتی تو تنی پاک از گناه بغیر قصاص تنی بتحقیق آوردی چیزی

نکرا ۷۴ قال الم اقل لك انك لن تستطیع معی صبرا ۷۵ قال ان سئلتك
قبیح را گفت آیا نگفتم مر ترا بدرستیکه تو هرگز نتوانی با من صبر کردن را گفت اگر پرسیدم از تو

عن شیء بعدها فلا تصاحبنی قد بلغت من لدنی عذرا ۷۶ فانطلقا حتی
از چیزی بعد از این پس رفاقت مکن با من بحقیقت با من که رسیده باشی از جانب من بعذر جدائی پس رفتند تا

اذا اتیا اهل قریة استطعما اهلها فابوا ان یضیفوهما فوجدا فیها جدارا
آنگاه که رسیدند باهل قریه خواستند طعام از اهلش پس ابا کردند که مهمان کنند ایشان را پس یافتند در آن

یرید ان ینقض فاقامه قال لو شئت لاتخذت علیه اجرا ۷۷ قال
دیواری را که میخواست فرود آید پس راست کرد آنرا گفت اگر میخواستی هر آینه میگرفتی بر آن مزدی گفت

هذا فراق بینی وبینك سانبئك بتاویل ما لم تستطع علیه
اینست جدائی میان من و میان تو زود باشد که خبر دهم ترا بتاویل آنچه نتوانستی بر آن

صبرا ۷۸ اما السفینة فکانت لمساکین یعملون فی البحر
صبر کردن را اما کشتی پس بود مال بیچارگانی که کار میکنند در دریا

فاردت ان اعیبها وکان وراءهم ملك یاخذ کل سفینة غصبا ۷۹
پس خواستم که معیوب کنم او را وبود در پیش راه ایشان پادشاهی که میگرفت هر کشتی را بغصب

اگرچه حضرت موسی پیغمبر و صاحب کتاب و اولو العزم بود اما مرتبه در خضر نبود حق تعالی او را مامور بملاقات خواستن و متابعت خضر نمود و تعلیم گرفتن علوم از او میکرد که باعث ارشاد او شود و مرتبت خضر بر موسی ... که از آن حکایت معلوم میگردد فوجدا عبدا الی آخر الآیه اولا اختصاص خضر بعبدیت خاصه که عبادنا فرمود مقام عبدیت خاصه فوق مرتبه نبوتست ثانیا استحقاق خضر قبول ... حق تعالی بی واسطه ملائکه که آتیناه رحمة ثالثا خصوصیت دریافت رحمت خاصه از مقام عندیت

الجزو الخامس عشر ۱۵

که رحمة من عندنا ... شرف تعلم علوم از حق تعالی که معلم او شد و فرمود و علمناه ... در یافت علم لدنی از جانب حق تعالی بی واسطه کسی قد تعین والسلام
۱۲

فراق بکسر فا

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ٨٠

و اما آن پسر پس بودند پدر و مادرش مؤمنین پس ترسیدیم که تکلیف کند اندورا بسیار دی و کفر

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ٨١ وَأَمَّا الْجِدَارُ

پس خواستیم که بدل دهد اندورا پروردگارشان بهتر ازاو در پاکی و نزدیکتر در مهربانی و اما دیوار

فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا

پس بود از دو پسر که بودند دو یتیم در مدینه و بود در زیر آن گنجی مر اندورا و بودند والدین اندو

صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

نیکوکردار پس خواست پروردگار تو که برسند بلوغ و قوتشان و بیرون آورند گنج خود را برحمتی از پروردگارت

وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ٨٢ وَيَسْأَلُونَكَ

و نکردم انرا از امر خود اینست تاویل آنچه نتوانستی بر او صبر کردن و میپرسند ترا

عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ٨٣ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ

از ذو القرنین بگو زود باشد خواهم خواند از او بر شما بیانی بدرستیکه ما تمکن دادیم مر او را در زمین

وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا فَأَتْبَعَ سَبَبًا ٨٤ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَ

و دادیم او را از هر چیزی سببی پس از پی رفت سببی را تا آنگاه که رسید بجای غروب آفتاب

جَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا ٨٥ قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ

یافت انرا که غروب میکرد در چشمهٔ لای داری و یافت نزد آن گروهی را گفتیم ما ای ذو القرنین

إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ٨٦ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ

یا آنکه عذاب میکنی ایشان را یا آنکه میگیری در ایشان نیکوئی را گفت اما آنکه ستم کرد پس بزودی عذاب کنیم

ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا ٨٧ وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

پس بازگردانیده شود بسوی پروردگارش پس عذاب کرده شود عذابی سخت و اما آنکه ایمان آورد و کرد کار شایسته

فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ٨٨ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ٨٩ حَتَّىٰ

پس مر او راست مزدی خوب و بزودی میگوئیم مر او را از فرمان ما آسانی پس از پی رفت سببی تا

إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ٩٠

چون رسید بجای بر آمدن آفتاب یافت انرا که طلوع میکند بر قومی که نکرده بودیم مر ایشانرا پیش از آن پوششی

كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ٩١ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ٩٢ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ

همچنین و بتحقیق احاطه کردیم بآنچه بود نزد او از راه دانش پس از پی رفت سببی را تا چون رسید

بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ٩٣

میان دو سد یافت از پیش آن دو گروهی را که نبودند نزدیک که بفهمند سخنی را

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ

گفتند ای ذو القرنین بدرستیکه یاجوج و ماجوج فساد کنندگانند در زمین پس آیا بگردانیم

لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ٩٤ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي

برای تو خرجی بر آنکه بگردانی میانهٔ ما و میان ایشان سدی گفت آنچه تمکن داده در آن پروردگارم

مُؤْمِنَيْنِ بفتح نون و سکون یا

قوله سبحانه و تعالی وَأَمَّا الْجِدَارُ الی صبرا چون کسی چیزی در جائی دفن نماید و موضع آنرا فراموش کند این آیه را در صحیفهٔ از زر سرخ نقش کند و سفره بار این آیه را بر آن بخواند و آنرا در زیر سر نهد و مجرب بود و بر پهلوی چپ بعد از آن بر پهلوی راست گردد و بگوید یا مظهر العجایب یا یعلم کل خافیة یا مرشد کل ضال ارشدنی بحرمت چون در خواب رود ببیند

تَغْرُبُ بفتح تا و سکون غین معجمه آنچه مطلوب او باشد باذن خدای تعالی ١٢

قالوا یا ذا القرنین الی جمعا از ابن عباس مرویست که چون تشویش بر کسی غلبه کند بر خواند این آیات مداومت نماید ١٢

خير فاعينوني بقوة اجعل بينكم وبينهم ردما ۹۵ اتوني زبر الحديد

بهتر است پس مدد کنید مرا بقوتی که بگردانم میانهٔ شما و میانهٔ ایشان بندی سد بیاورید نزد من پارهای آهن

حتى اذا ساوى بين الصدفين قال انفخوا حتى اذا جعله نارا قال اتوني

تا آنکه برابر شود میانهٔ آن دو کوه گفت بدمید تا وقتیکه بگرداند آن آتش گفت بیارید مرا

افرغ عليه قطرا ۹۶ فما اسطاعوا ان يظهروه وما استطاعوا له نقبا ۹۷

بریزم بر او مس گداخته پس نتوانستند که بالا بر شوند ازرا و نتوانستند مراورا سوراخ کردن

قال هذا رحمة من ربي ۹۸ فاذا جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد

گفت این رحمتی است از پروردگارم پس چون آمد وعدهٔ پروردگارم میگرداند اورا ریزه ریزه و باشد وعدهٔ

ربي حقا ۹۹ وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم

پروردگارم راست و وا میگذاریم برخی از ایشان را در آن روز که با اضطراب داخل میشوند در برخی و دمیده شود در صور پس جمع کردیم

جمعا ۱۰۰ وعرضنا جهنم يومئذ للكافرين عرضا ۱۰۱ الذين كانت اعينهم

جمع کردنی و نمودار کردانیم دوزخ را آن روز برای کافران نمودار کردنی آنانکه بود چشمهاشان

في غطاء عن ذكري وكانوا لا يستطيعون سمعا ۱۰۲ افحسب الذين

در پردهٔ از یاد من و بودند که نمیتوانستند شنیدن را آیا پس پنداشتند آنانکه

كفروا ان يتخذوا عبادي من دوني اولياء انا اعتدنا جهنم للكافرين

کافر شدند که بگیرند بندگان مرا از غیر من دوستان بدرستیکه آماده کردیم ما دوزخرا برای کافران

نزلا ۱۰۳ قل هل ننبئكم بالاخسرين اعمالا ۱۰۴ الذين ضل سعيهم

حضری بگو آیا خبر دهیم شما را بزیانکارترین در کردار آنانکه نابود شد کوششان

في الحيوة الدنيا وهم يحسبون انهم يحسنون صنعا ۱۰۵ اولئك الذين

در زندگانی دنیا و ایشان میپندارند که ایشان خوب میکنند کار را آنگروه آنانکه

كفروا بايات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقيم لهم يوم القيمة

کافر شدند بآیات پروردگار خود و ملاقاتش پس ناچیز شد کارهاشان پس قرار نمیدهیم برایشان روز رستخیز

وزنا ۱۰۶ ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا واتخذوا اياتي ورسلي هزوا ۱۰۷

وزنی اینست که جزای ایشان دوزخست بآنچه کافر شدند و گرفتند آیات مرا و رسولانم را باستهزا

ان الذين امنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلا ۱۰۸

بدرستی که آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته باشد برای ایشان بهشتهای فردوس منزلی

خالدين فيها لا يبغون عنها حولا ۱۰۹ قل لو كان البحر مدادا لكلمات

همیشه اند در آن که نجویند از آن انتقالی بگو اگر باشد دریا مداد برای کلمات

ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا ۱۱۰

پروردگارم هر آینه آخر شدی دریا پیش از آنکه آخر شود کلمات پروردگارم و اگرچه آوریم مثل آنرا مدد

قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد فمن كان

بگو جز این نیست هستم من انسانی مانند شما که وحی کرده میشود بمن که نیست اله شما مگر اله یگانه پس کسیکه باشد

بقوة اجعل بقطع همزهٔ اجعل زیرا که همزهٔ متکلم است

قوله سبحانه وتعالی ان الذین امنوا الی آخر آیه چون کسی در شب از خواب برخیزد هر وقت که خواهد این آیات را در وقت خواب بخواند و بعد از آن بگوید اللهم ایقظنی فی وقت کذا ارحی بیدک واستغفر واغفرلی انک علی کل شیء قدیر فعال لما یرید لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و نیز آورده اند که هر کس سورهٔ کهف را در وقت خواب بخواند در خواب نترسد و روایت کنند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر کس ده سوره کهف بخواند از فتنهٔ دجال ایمن باشد ۱۲

جزاؤهم بضم همزه بلفظ واو

يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا

که امید دارد ملاقات پروردگارش پس باید بکند کار شایسته و مشرک نشود در پرستش پروردگارش احدی

سورة مريم عليها السلام تسع وتسعون اية وهى مكية (۱۹)

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

كهيعص ۱ ذكر رحمت ربك عبده زكريا ۲ اذ نادى ربه نداء خفيا ۳

بیان رحمت کردن پروردگار راست بنده خود زکریا را هنگامیکه خواند پروردگارش را خواندنی پنهانی

قال رب انى وهن العظم منى واشتعل الراس شيبا ۴ ولم اكن

گفت پروردگارا بدرستیکه من سست شد استخوان از من و مشتعل شد سر از راه پیری و نبوده ام

بدعائك رب شقيا ۵ وانى خفت الموالى من ورائى وكانت امراتى

بخواندن تو ای پروردگار من بی بهره و بدرستیکه من ترسیدم از بنی اعمام از بعدم و باشد زن من

عاقرا فهب لى من لدنك وليا يرثنى ويرث من ال يعقوب واجعله

نازاینده پس ببخش مرا از نزد خودت وارثی که میراث برد از من و میراث برد از آل یعقوب و بگردان او را

رب رضيا ۷ يا زكريا انا نبشرك بغلام اسمه يحيى ۸ لم نجعل له من قبل

پروردگار پسندیده ای زکریا بدرستیکه ما مژده میدهیم ترا بپسری که نام اوست یحیی نگردانیده ایم مر او را از پیش

سميا ۹ قال رب انى يكون لى غلام وكانت امراتى عاقرا وقد بلغت

همنامی گفت ای پروردگار من از کجا میشود مر مرا پسری و حال آنکه باشد زن من نازاینده و بتحقیق رسیده ام

من الكبر عتيا ۱۰ قال كذلك قال ربك هو على هين وقد خلقتك من

از پیری بنهایت ناتوانی گفت همچنین گفت پروردگار تو که آن بر من آسانست و بتحقیق آفریدم ترا از

قبل ولم تك شيئا ۱۱ قال رب اجعل لى اية قال ايتك الا تكلم الناس

پیش و نبودی چیزی گفت ای پروردگار من بگردان برای من علامتی گفت علامت تو آنست که سخن نگوئی

ثلث ليال سويا ۱۲ فخرج على قومه من المحراب فاوحى اليهم ان

سه شبانه روز که صحیح باشد پس بیرون آمد بر قومش از محراب پس اشارت کرد بایشان که

سبحوا بكرة وعشيا ۱۳ يا يحيى خذ الكتاب بقوة واتيناه الحكم

نماز کنید بامداد و شبانگاه ای یحیی بگیر آن کتاب را بجد و جهد و دادیم او را حکم

صبيا ۱۴ وحنانا من لدنا وزكوة وكان تقيا وبرا بوالديه ولم يكن

در کودکی و رحمتی از نزد ما و پاکیزگی و بود پرهیزگار و نیکی کننده بوالدینش و نبود

جبارا عصيا ۱۵ وسلام عليه يوم ولد ويوم يموت ويوم يبعث حيا ۱۶

سرکش نافرمان و درود بر او روزیکه زاده شد و روزیکه میمیرد و روزیکه برانگیخته میشود زنده

واذكر فى الكتاب مريم اذ انتبذت من اهلها مكانا شرقيا ۱۷ فاتخذت

و یاد کن در کتاب مریم را هنگامیکه کناره گزید از اهلش در جای شرقی از بیت المقدس پس گرفت

مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ١٨ قَالَتْ إِنِّي

از پیش ایشان پرده پس فرستادیم بسوی او روح خود را پس ممثل شد مر او را انسانی درست اندام گفت مریم که من

أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ١٩ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ

پناه میبرم بخدای بخشنده از تو اگر بوده باشی پرهیزگار گفت جز این نیست من فرستاده پروردگار تو تا ببخشم مر ترا

غُلَامًا زَكِيًّا ٢٠ قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ٢١

پسری پاکیزه گفت از کجا میشود مرا پسری و حال آنکه مس نکرده مرا انسانی و نبودم بدکار

قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا

گفت همچنین گفت پروردگارت که آن بر من آسانست و تا بگردانیم اثر اعلامتی برای مردمان و رحمتی از ما

وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ٢٢ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ٢٣ فَأَجَاءَهَا

و باشد امری قرار داده شده پس بار گرفت با آن پس کناره گزید با او از جائی دور پس آورد پش

الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا ٢٤

درد زاییدن بسوی تنه خرمابن گفت ای کاش که مرده بودم پیش از این و بودم فراموش شده از یاد رفته

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ٢٥ وَهُزِّي إِلَيْكِ

پس ندا آمد او را از زیرش که اندوه مدار بتحقیق گردانید پروردگارت در زیرت نهری و بکش بسوی خودت

بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ٢٦ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي

تنه درخت خرما را که فرو میریزاند بر تو رطب تازه چیده پس بخور و بیاشام و بیارام

عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا ٢٧ فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ

از راه چشم پس اگر ببینی از انسان احدی را پس بگو که من نذر کرده ام برای خدا روزه را پس

أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ٢٨ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا

سخن نگویم امروز آدمیرا پس آمد باو قومش که برداشته بود او را گفتند ای مریم هرآینه بتحقیق آوردی چیزی

فَرِيًّا ٢٩ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ٣٠

عجیب را ای خواهر هارون نبود پدرت مرد بدی و نبود مادرت بدکار

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ٣١ قَالَ

پس اشارت کرد بسوی او گفتند چگونه سخن گوییم با آنکه باشد در گهواره کودک گفت

إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ٣٢ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ

بدرستیکه منم بنده خدا آمد مرا کتاب و گردانید مرا پیغمبر و گردانید مرا با برکت هرجا که باشم

وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ٣٣ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ

و وصیت کرد مرا بنماز و زکات تا هستم زنده و نیکوکار بمادرم و نه

يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ٣٤ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ

گردانید مرا سرکش بدبخت و سلام بر من روزیکه زاده شدم و روزیکه میمیرم و روزیکه برانگیخته شوم

حَيًّا ٣٥ ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ٣٦ مَا كَانَ لِلَّهِ

زنده اینست عیسی بن مریم بگفتنی درست که در آن شک میدارند نباشد مر خدا را

رَبُّكِ بکسر کاف در رَبُّكِ و لَكِ و كَذَٰلِكِ و رَبُّكِ

قوله تعالی. وَهُزِّي إِلَيْكِ الی آخر. چون خواهد که خرما بستان نیک بار آورد وقت آن راه‌نما بدبر که خرما مختلف الالوان از سرخ و گیرند زرد و سرخ و سبز و بر هر برگی این آیات را

خ

بقلم آهنین بنویسد و بر هر برگی از آن شاخی از خرما بندد مطلوب.

تَرَيِنَّ بفتح تا و را و کسر یا و تشدید نون

حاصل آید و اگر این آیه بر پوست آهو در روز جمعه بشنجرف نویسد با خود دارد خدا تعالی در مال او برکت افزاید و اگر بر کاسه نویسد و بشوید و بخورد غم او زایل گردد ان شاء الله ١٢

أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ٣٧ وَ

که بگیرد هیچ فرزندی منزه است او چون حکم آفریدن میبند امری را پس جز این نیست که میگوید مر آنرا باش پس میباشد

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ٣٨ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ

بدرستیکه خدا پروردگار من و شما پس بپرستید او را اینست راه راست پس اختلاف کردند طایفها

مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ٣٩ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ

از میان ایشان پس وای مر آنانرا که کافر شدند از حضور روزی عظیم چه شنوا باشند ایشان و چه بینا

يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٤٠ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ

باشند روزیکه آیند ما را ولیکن ستمکاران باشند امروز در گمراهی روشن و بیم ده ایشانرا از روز حسرت

إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٤١ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَ

چون گذارش داده شود کار ایشان در بیخبرند و ایشان نمیگروند بدرستیکه ما میراث میبریم زمین را و

مَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ٤٢ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا

کسیکه بر آنست و بسوی ما بازگردانیده میشوند و یاد کن در کتاب ابراهیم را که او بود راستگوی

نَبِيًّا ٤٣ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي

پیغمبر چون گفت مر پدرش را ای پدر من چرا میپرستی آنچه را که نمیشنود و نمی بیند و کفایت نمیکند

عَنْكَ شَيْئًا ٤٤ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ

از تو چیزی را ای پدر من بدرستیکه آمد مرا از دانش آنچه نیامده ترا پس پیروی کن مرا که هدایت کنم ترا

صِرَاطًا سَوِيًّا ٤٥ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ

براه درست ای پدر من مپرست شیطان را بدرستیکه شیطان باشد مر خدا را

عَصِيًّا ٤٦ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ

نافرمان ای پدر من بدرستیکه من میترسم که مس کند ترا عذابی از خدای بخشنده پس بوده باشی مر شیطان را

وَلِيًّا ٤٧ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ

قرین گفت آیا در گذرنده تو از خدایان من ای ابراهیم هر آینه اگر باز نایستی هر آینه سنگسار میکنم ترا

وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ٤٨ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ

و دور شو از من زمانی دراز گفت سلام بر تو بزودی آمرزش میخواهم برای تو از پروردگارم که او باشد

بِي حَفِيًّا ٤٩ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى

بمن مهربان و کناره میکنم از شما و آنچه میخوانید از غیر خدا و میخوانم پروردگارم را شاید

أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ٥٠ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

نبوده باشم بخواندن پروردگارم بدبخت پس چون کناره گزید از ایشان و آنچه میپرستیدند از غیر خدا

وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ٥١ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ

بخشیدیم مر او را اسحق و یعقوب و همه را گردانیدیم پیغمبر و بخشیدیم مر ایشانرا از رحمت خود و

جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ٥٢ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا

قرار دادیم مر ایشانرا زبان راستی که بلند است و یاد کن در کتاب موسی را بدرستیکه او بود خالص شده

قوله تعالی شأنه العزیز واذکر فی الکتاب موسی الی نجیا در روز پنجشنبه که آفتاب در شرف باشد این آیات را در صفحه از زر سرخ نقش کند و باید که روزه دارد و باخود دارد از ملوک عنایت مشاهده کند و نفرت او بدرجه اعلا رسد و اگر در روز جمعه این آیه بر شعب قطعه از کاغذ بنویسد و آنرا بجوزد زیرکی او زیاد شود و حکمت در دل وجای گیر شود والسلام ١٢

وَاَعْتَزِلُكُمْ بفتح همزه و سکون عین و قطع همزه

وَاَدْعُوا بفتح همزه قطع

وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۵۱ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۵

و بود رسولی پیغمبر و ندا کردیم او را از جانب طور ایمن و نزدیک گردانیدیم او را از گوینده

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۵۵ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ

و بخشیدیم مر او را از رحمت خود برادر او هرون را پیغمبری و یاد کن در کتاب اسمعیل را که او

كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۵ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَوٰةِ

بود راست وعده و بود رسولی پیغمبر و بود که امر میکرد اهلش را بنماز

وَالزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۵۷ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ

و زکات و بود نزد پروردگارش پسندیده و یاد کن در کتاب ادریس را که او بود

صِدِّيقًا نَبِيًّا ۵۸ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۵۹ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

راستگو پیغمبری و بالا بردیم او را بمکان بلندی اینها آنانند که نعمت داد خدا بر ایشان

مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ

از پیغمبران از فرزندان ادم و از آنکه در نشاندیم با نوح در کشتی و از فرزندان ابراهیم و

إِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَٰنِ خَرُّوا

یعقوب و از آنانکه هدایت کردیم ما و برگزیدیم ما چون خوانده میشود بر ایشان آیتهای خدا در رو می افتند

سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۶ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَوٰةَ وَاتَّبَعُوا

سجده کنان و گریه کنان پس باز ماندند از پس ایشان ناخلفی چند که ضایع کردند نماز را و پیروی کردند

الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ۶ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ

خواهشهای نفس را پس بزودی ببینند شر را بجز آنکه توبه کرد و ایمان آورد و کرد کار شایسته پس اینها

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ۶ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ

داخل میشوند بهشت را و ستم کرده نمیشوند چیزی بهشتهای جای اقامت که وعده داد خدا

عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۶۱ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا

بندگانش را بناپیدائی بدرستیکه او باشد وعده اش بجای آورده شده نشنوند در آن لغوی مگر

سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۶ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ

سلام و مر ایشان راست روزی ایشان در آن و شبانگاه امینست بهشتی که بمیراث میدهیم

مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۶ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا

از بندگان ما هر که را باشد پرهیزگار و فرود نمی آییم مگر بفرمان پروردگار تو مر او راست آنچه میان دستهای ما

وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۶ رَبُّ السَّمَاوَاتِ

و آنچه پس سر ما و آنچه میان آنست و نباشد پروردگار تو فراموشکار پروردگار آسمانها

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ۶۷

و زمین و آنچه میان آنهاست پس بپرست او را و پایداری کن مر پرستیدنش را آیا میدانی مر او را همنامی

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ۶۸ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ

و میگوید آدمی که آیا چون مردم بزودی بیرون آورده شوم زنده آیا یاد نمیکند انسان

قوله تعالی شأنه العزیز واذکر فی الکتاب ادریس الی علیا این آیت را بر حریر زرد و بزعفران و عسل حل کرده باشند و موم و کندر با گل گاوزبان بخور کنند و آنرا با خود نگاه دارد در رفعت قدر و علو مرتبت بغایت رسد و نزد همه کس مقبول آید و سلاطین او را اکرم دارند والسلام

۱۲

أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ٦٩ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ

که ما آفریدیم او را از پیش و نبود چیزی پس بپروردگار تو که حشر میکنیم ایشان را با دیوها

ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ٧٠ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ

پس هر آینه حاضر شان خواهیم کرد پیرامن جهنم بزانو در آمدگان پس بیرون می آوریم از هر گروهی هر کدام ایشان سخت تر

عَلَى الرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا ٧١ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ٧٢ وَإِن

بر خدا از نافرمانی پس ما بهتر داناتریم با آنکه ایشان سزاوار تر اند بآن از راه افتادن و نیست

مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ٧٣ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا

از شما مگر که وارد شونده اند آنرا باشد بر پروردگار تو واجبی حکم کرده شده پس میرهانیم آنانرا که پرهیزگار شدند

وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ٧٤ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ

و واگذاریم ستمگاران را در آن بزانو در آمده و چون خوانده شود بر ایشان آیات روشن ما گویند آنانکه

كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ٧٥ وَكَمْ أَهْلَكْنَا

کافر شدند مر آنانکه ایمان آوردند کدام یک از دو گروه بهتر اند از راه مأوا و نیکوترند از راه مجلس و بسیار هلاک کردیم

قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا ٧٦ قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ

پیش از ایشان از جمعی که ایشان نیکوتر بودند در اثاث و هیأت بگو کسیکه باشد در گمراهی پس باید مهلت دهد

لَهُ الرَّحْمَٰنُ مَدًّا ٧٧ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ

مر او را خدا مهلت دادنی تا چون ببینند آنچه را وعده داده میشوند یا عذاب یا قیامت را

فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا ٧٨ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا

پس بزودی بدانند کیست که او بدتر است بمکان و ضعیفتر است از جهة لشکر و می افزاید خدا آنانکه هدایت یافتند

هُدًى ٧٩ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ٨٠

هدایتی و آن باقیهای شایسته بهتر است نزد پروردگارت بثواب و بهتر ببازگشت

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ٨١ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ

آیا دیدی آنرا که کافر شد بآیتهای ما و گفت داده خواهم شد مال را و فرزند را آیا مطلع شد بغیب

أَمِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا ٨٢ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ

یا فرا گرفت نزد خدا پیمانی را نه چنانست زود باشد بنویسیم آنچه گوید و طول دهیم او را از عذاب

مَدًّا ٨٣ وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ٨٤ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً

طول دادنی و وارث میشویم او را آنچه میگوید و بیاید بسوی ما تنها و فرا گرفتند از غیر خدا الهان

لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ٨٥ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

تا باشد برای ایشان ارجمندی نه چنانست زود باشد انکار کنند پرستش ایشان را و باشند بر ایشان ضدی

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ٨٧ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ

آیا ندیدی که ما فرستادیم دیوان را بر کافران که تحریک ایشان کنند تحریک گردانی پس شتاب مکن بر ایشان

إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ٨٨ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَٰنِ وَفْدًا ٨٩ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ

که میشماریم مر ایشان را شمردنی روزیکه حشر کنیم پرهیزگاران را بسوی خدا سواران وارد شونده و میرانیم گناهکاران را

قوله تعالی شأنه العزیز قل من کان فی الضلالة تا آخر آیه واضعف جندا از حضرت صادق علیه السلام بروایت کافی سؤال نمودند از این آیه فرمود هر کسیکه ایمان نیاورد بولایت امیرالمؤمنین و بولایت ما بوده در ضلالت و مضلین خداوند امداد نمود ایشان را در ضلالت و طغیان تا مردند مگر اینکه خدا امکان ایشان را ابد و خدا ایشان را صغیر و ضعیف وقت موعد و از کردار اما یعنی آن وقت چیزیکه قائم است و آن وقت ساعت است پس زود باشد بدانند تردد رساند و آنچه نازل شد و نشود برایشان از جانب خدا بر دست حضرت قائم پس این است قول خداوند که فرمود من هو شر مکانا یعنی عند القائم و اضعف جندا ۱۲

اطّلع بفتح همزه قطع زیرا که همزه استفهام است

إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا ۹۰ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۹۱

بسوی جهنم تشنگان مالک نباشد شفاعت را مگر آنکسی که گرفت نزد خدای بخشنده پیمان را

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ۹۲ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ

و گفتند گرفت خدا فرزندی بحقیقت آوردید چیزی زشت را نزدیک باشد که آسمانها چاک چاک شوند

مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۹۳ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۹۴ وَمَا

از آن و بشکافد زمین و فرو ریزد کوهها فرو ریختنی که خواندید برای خدا فرزندی و

يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۹۴ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا

نسزد مر خدا را که بگیرد فرزندی نیست هر که در آسمانها و زمین است مگر

آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ۹۵ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ۹۶ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ

که آینده اند خدا را بنده بحقیقت بضبط آورد شان و شمرد شان شمردنی و همه شان آینده اند او را روز

الْقِيَامَةِ فَرْدًا ۹۶ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ

قیامت تنها بدرستیکه آنانکه گرویدند و کار شایسته کردند بزودی میگرداند برای ایشان خدا

وُدًّا ۹۷ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ۹۸

دوستی پس جز این نیست آسان کردیم آنرا بزبان تو تا مژده دهی بآن پرهیزگاران را و بیم کنی بآن گروهی سخت خصومت را

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا

و بسیار هلاک کردیم ما پیش از ایشان از اهل زمانها آیا می‌یابی از ایشان هیچیک را و یا میشنوی از آنها آوازی آهسته

(۲۰) سورة طه مائة وخمس وثلثون آية وهي مكية

الا الآية فاصبر على ما يقولون الآية ولا تمدن عينيك الآية نزلت بعد مريم

۱۳۰ - ۱۳۱ فهذان نزلت بعد مريم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشندهٔ مهربان

طه ۱ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ۲ إِلَّا تَذْكِرَةً لِمَنْ يَخْشَى ۳ تَنْزِيلًا مِمَّنْ

فرو نفرستادیم ما بر تو قرآن را که تعب کشی مگر آنکه پند داد نیست مر آنرا که بترسد فرو فرستادنی از آنکه

خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ۴ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ۵ لَهُ

آفرید زمین و آسمانهای بلند را خدای بخشنده بر عرش مستوی شد مر او راست

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ۶ وَإِنْ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و آنچه میان آنهاست و آنچه در زیر طبقهٔ آخرین زمین است و اگر

تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ۷ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ

بلند کنی گفتار را پس بدرستیکه او میداند سر و نهانتر را خدائیکه نیست الهی جز او مر او راست نامهای

الْحُسْنَى ۸ وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ۹ إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ

نیکو و بدرستی آمد ترا حکایت موسی چون دید آتش را پس گفت مر اهلش را

امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا ۱۰ لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ۱۱

درنگ کنید که من دیدم آتشی را باشد که بیاورم شما را از آن گیرانندهٔ شعله یا بیابم بر آن آتش هدایتی

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هیچ چیز از قرآن در بهشت نخوانند بجز سوره طه و یس و از امام جعفر صادق روایت است که محبت دختران و فرزندان ایشان و دفع دشمنان عبت و یکبار بخواند اگر کسی آنرا بنویسد و بشوید و بخورد از خوف سلطان ایمن شود و آورده اند که چون این سوره را بر حریر سبز نویسند و کسیرا که داعیهٔ تزویج باشد آنرا با خود دارد و نزد آن قوم رود مقصود حاصل گردد و اگر این کس ما بین جماعتی اصلاح کند و با آنکه در میان دو لشکر که جنگ میکنند بگذرد صلح واقع

نصف

طه

بی حلاوت و کل همنوا اهل ... الله تعالی

از حضرت سید کائنات صلی الله علیه و آله روایت است که هر که سوره طه را بخواند حضرت حق سبحانه تعالی ثواب اعمال مهاجرین و انصار را در روز قیامت باو عطا فرماید و از حضرت ابی عبدالله مرویست که هر که دوست کند و مداومت نماید در این سوره در قیامت نامهٔ عمل او را بدست راست او دهند

۱۲

فَلَمَّآ اَتٰیهَا نُودِیَ یٰمُوسٰی ۱۱ اِنِّیٓ اَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْكَ اِنَّكَ بِالْوَادِ

پس چون آمد آنرا ندا کرده شد ای موسی بدرستیکه منم پروردگار تو پس بیرون آر نعلینت را بدرستیکه توئی بوادی

الْمُقَدَّسِ طُوًی ۱۲ وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا یُوحٰی ۱۳ اِنَّنِیٓ اَنَا اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ

پاکیزه طوی نام ومن برگزیدم ترا پس گوش باز دار مرآنچه را وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست خدائی

اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدْنِی وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِی ۱۴ اِنَّ السَّاعَةَ اٰتِیَةٌ اَكَادُ

مگر من پس بپرست مرا و برپای دار نماز را برای ذکر من بدرستیکه قیامت آینده است میخواهم

اُخْفِیهَا لِتُجْزٰی كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعٰی ۱۵ فَلَا یَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَا یُؤْمِنُ

که پنهان دارمش تا جزا داده شود هر نفسی بآنچه میکوشد پس باز ندارد ترا از آن کسیکه ایمان نمی آورد

بِهَا وَاتَّبَعَ هَوٰیهُ فَتَرْدٰی ۱۶ وَمَا تِلْكَ بِیَمِینِكَ یٰمُوسٰی ۱۷ قَالَ هِیَ عَصَایَ

بآن و پیرو شد خواهشش را پس هلاک شوی وچیست اینکه بدست راست تو است ای موسی گفت این عصای منست

اَتَوَكَّؤُا عَلَیْهَا وَاَهُشُّ بِهَا عَلٰی غَنَمِی وَلِیَ فِیهَا مَاٰرِبُ اُخْرٰی ۱۸ قَالَ اَلْقِهَا

تکیه میکنم بر آن و برگ درختان میریزم بآن بر گوسفندم ومر مراست در آن مطالب دیگر گفت بینداز آنرا

یٰمُوسٰی ۱۹ فَاَلْقٰیهَا فَاِذَا هِیَ حَیَّةٌ تَسْعٰی ۲۰ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِیدُهَا

ای موسی پس انداخت آنرا پس آنگاه آن ماری بود که میشتافت گفت بگیر آنرا و مترس بر زودی باز گردانیم آنرا

سِیرَتَهَا الْاُولٰی ۲۱ وَاضْمُمْ یَدَكَ اِلٰی جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَیْضَآءَ مِنْ غَیْرِ سُوٓءٍ

خلقتش بطریقه اول بود و پیوسته کن دستت را ببالت که بیرون آید سفید نورانی از غیر بدی

اٰیَةً اُخْرٰی ۲۲ لِنُرِیَكَ مِنْ اٰیٰتِنَا الْكُبْرٰی ۲۳ اِذْهَبْ اِلٰی فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰی ۲۴

که آیتی دیگر است تا بنمائیم ترا از آیتهای ما که بزرگ است برو بسوی فرعون که او زیاد روی کرده

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی ۲۵ وَیَسِّرْ لِیٓ اَمْرِی ۲۶ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ

گفت ای پروردگارم گشاده دار برای من سینه مرا و آسان کن برایم کارم را و بگشای گره را از

لِسَانِی ۲۷ یَفْقَهُوا قَوْلِی ۲۸ وَاجْعَلْ لِی وَزِیرًا مِنْ اَهْلِی ۲۹ هٰرُونَ اَخِی ۳۰

از زبانم تا دریابند گفتارم را و بگردان برایم وزیری از اهل خودم هارون برادرم را

اشْدُدْ بِهٖٓ اَزْرِی ۳۱ وَاَشْرِكْهُ فِیٓ اَمْرِی ۳۲ كَیْ نُسَبِّحَكَ كَثِیرًا ۳۳ وَنَذْكُرَكَ

قوی گردان بآن پشتم را و انباز کن او را در کارم تا تسبیح گوییم ترا بسیار و یاد کنیم ترا

كَثِیرًا ۳۴ اِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِیرًا ۳۵ قَالَ قَدْ اُوتِیتَ سُؤْلَكَ یٰمُوسٰی ۳۶ وَ

بسیار بدرستیکه تو هستی بما بینا گفت بدرستیکه داده شدی خواسته ات را ای موسی و

لَقَدْ مَنَنَّا عَلَیْكَ مَرَّةً اُخْرٰیٓ ۳۷ اِذْ اَوْحَیْنَآ اِلٰیٓ اُمِّكَ مَا یُوحٰیٓ ۳۸ اَنِ

وهر آینه بتحقیق منت نهادیم بر تو بار دیگر هنگامیکه وحی کردیم بمادرت آنچه فرستاده میشود که

اقْذِفِیهِ فِی التَّابُوتِ فَاقْذِفِیهِ فِی الْیَمِّ فَلْیُلْقِهِ الْیَمُّ بِالسَّاحِلِ یَاْخُذْهُ عَدُوٌّ

در انداز او را در تابوت پس بینداز آنرا در دریا پس باید اندازد آنرا دریا بکنار تا بگیرد او را آنکه دشمنست

لِی وَعَدُوٌّ لَهٗ وَاَلْقَیْتُ عَلَیْكَ مَحَبَّةً مِنِّی ۳۹ وَلِتُصْنَعَ عَلٰی عَیْنِیٓ ۴۰ اِذْ تَمْشِیٓ

مر مرا و دشمنست مر او را و انداختم بر تو مهری از خود و تا تربیت کرده شوی بنگهداری من چون میرفت

اتٰیها: بمعنی الف مجرد است

قوله تعالی انه العزیز در صفحه برابر

وما اُرسلنا الی الحسنی این آیات را در ظرفی از سنگ مرمر یا بلور یا چینی بمشک و کافور و گلاب بنویسد و با روغن آنرا بشوید و چیزی از عطر با آن اضافه کنید و پیشانی و ابروی خود را با این چرب کنند در مرتبه او بیفزاید و در بعضی کتابها آورده اند که از اول سوره طه آنجا که علی العرش استوی بگلاب و زعفران در ظرف پاک بنویسد و با آب بشوید و این آب را بکسی دهد که عسر البول داشته باشد شفا یابد و از ابن عباس نقل شده که در روز جمعه دهم ماه که عدد طه است این سوره بر صفحه نقره نقش و با خود نگاه دارد محبت و عزت او حاصل آید

۱۲ قوله تعالی انه العزیز

رب اشرح لی صدری الی یفقهوا اگر کسی زبانش بسته باشد این آیه را سه بار بر قدری آب خواند و با او دهد بخورد و در بستگی او مانند شفا یابد انشاء الله

اِنِ اقْذِفِیهِ بفتح همزه و کسر نون و سکون قاف و کسر ذال و فای مکسور باء اقذفیه یک کلمه است مفرد مؤنث امر حاضر است

اختك

أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ

خواهرت پس میگفت آیا دلالت کنم شما را بر کسیکه کفایت کند او را پس برگردانیدیم ترا بمادرت تا بیاساید

عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۴۲ فَلَبِثْتَ

چشم او و اندوه نخورد و کشتی نفسی را پس رهانیدیم ترا از غم و ازمودیم ترا ازمودنی پس ماندی

سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ ۴۳ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ۴۴

سالها در اهل مدین پس آمدی برقدری ای موسی و برگزیدم ترا برای خودم

اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ۴۵ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ

برو تو و برادرت با آیتهای من و سستی نکنید در ذکر من بروید بسوی فرعون

إِنَّهُ طَغَىٰ ۴۶ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ۴۷ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا

که او زیاده روی کرد پس بگویید مر او را سخنی نرم شاید او پند گیرد یا بترسد گفتند ای پروردگار ما بدرستیکه

نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ۴۸ قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ

میترسیم که پیش گیری کند بر ما یا آنکه زیاده روی کند گفت مترسید من بدرستیکه هستم با شما میشنوم و

أَرَىٰ ۴۹ فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا

می بینم پس آیند او را پس گفتند که ما دو فرستاده پروردگار توییم پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و

تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ۵۰ إِنَّا

عذاب مکن ایشان را بتحقیق که آمدیم ترا با آیتی از پروردگارت و سلام بر آنکه پیروی کرد هدایت را بدرستیکه ما

قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۵۱ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ

ماییم که وحی کرده شد بما اینکه عذاب بر آنست که تکذیب کرد و رو گردانید گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ۵۲ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ

گفتند پروردگار ما آنکس است که عطا کرد هر چیزی را آفرینش آن پس هدایت کرد گفت پس چیست حال قرنهای

الْأُولَىٰ ۵۳ قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ۵۵

سابق گفت دانستن آن نزد پروردگار منست در کتابیکه خطا نمینماید پروردگار من و نه فراموش کند

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

آنکس که گردانید برای شما زمین را بستری و قرار داد برای شما در آن راهها و فرو فرستاد از آسمان

مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّىٰ ۵۶ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي

آب را پس بیرون آوردیم با آن جفتها از رستنی جداگانه بخورید و بچرانید چهارپایان خود را بدرستیکه در

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَىٰ ۵۷ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ

در این هر آینه آیتهاست مر صاحبان خرد را از آن آفریدیم شما را و در آن باز میبریم شما را و از آن بیرون آریم شما را

تَارَةً أُخْرَىٰ ۵۸ وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ۵۹ قَالَ أَجِئْتَنَا

بار دیگر و بتحقیق نمودیم ما او را آیتهای خود همه آنرا پس تکذیب کرد و ابا نمود گفت آیا آمده ما را

لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ ۶۰ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَ

که بیرون کنی ما را از زمین خودمان بجادوگری خود ای موسی پس هر آینه میآوریم ترا جادویی مانند آن پس بگردان میانه ما و

قوله سبحانه وتعالى ان في ذلك لآيات لاولي النهى علي بن ابراهيم قمي در تفسير خود از حضرت ابو عبد الله روايت كرده در اين آيه كه فرمود كه والله ماييم اولوالنهى پس گفته شد كه جعلت فداك معنى اولى النهى معنى او چيست فرمود خبر داد حق تعالى پيغمبر خود را كه از آنچه واقع ميشود بعد از آنحضرت از ادعاء فلان خلافت را و قيامش بخلافت و قيام ديگري بعد از او و همچنين ثالث بعد از آن دو نفر و بني اميه پس خبر داد حضرت رسول آن حكايات حضرت امير المؤمنين را و منتهى گرديد از آنحضرت بسوي ما ائمه از آنچه واقع شد بعد از آنحضرت از سلطنت بني اميه و خلافت غير ايشان پس اين آيه است كه ذكر كرد خدا در كتاب خود ان في ذلك لآيات

خلقه بسكون لام

۱۲ ه في النهى وما يسمى اولي النهى كه منتهى بسا خت علم ۱۲ بعينه صحيح صحيح

بَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ۵۸ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ

میان ما و تو وعده گاهی که نه خلاف کنیم ما و نه تو جای همواری گفت وعده گاه شما روز

الزِّينَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ۵۹ فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ۶۰ قَالَ

آرایش است و اینکه جمع کرده شوند چاشتگاه مردمان پس بازگشت فرعون و فراهم آورد مکر خود را پس آمد گفت

لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ

مر ایشان را موسی وای بر شما مبندید بر خدا دروغ را پس در اندازد شما را بعذابی و بتحقیق نومید شد

مَنِ افْتَرَى ۶۱ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى ۶۲ قَالُوا إِنْ هَذَانِ

هر که افترا بست پس نزاع کشیدند کارشان را میان ایشان و پنهان داشتند راز را گفتند نیست جز این که دو

لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ

هر آینه دو ساحرند میخواهند که بیرون کنند شما را از زمین شما بسحرشان و براندازند این شما را

الْمُثْلَى ۶۳ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى ۶۴

که خوبتر است پس فراهم آرید مکر تان را پس بیایید صف کشیده و بتحقیق کامیاب شد امروز آنکه فایق آمد

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ۶۵ قَالَ بَلْ

گفتند ای موسی آیا اینست که می اندازی و یا آنکه باشیم ما نخستین کسی که انداخت گفت بلکه

أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى ۶۶

بیندازید پس آنگاه رسنهاشان و عصاهاشان وانموده میشد بموسی از سحرشان که آنها میشتابند

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ۶۷ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ۶۸ وَ

پس یافت در نفس خود بیمی موسی گفتیم ما که مترس بدرستی که توئی برتر و

أَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ

بینداز آنچه در دست راست تست تا فرو برد آنچه را ساخته اند بدرستیکه آنچه ساخته اند حیلهٔ ساحر است و کامیاب

السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ۶۹ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ

نگردد ساحر هر جا که آید پس در افکنده شدند ساحران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم به پروردگار هارون و

مُوسَى ۷۰ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ

موسی گفت ایمان آوردید او را پیش از آنکه دستوری دهم شما را بدرستیکه او هر آینه بزرگ شماست که آموخت شما را

السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ

سحر پس هر آینه خواهم برید دستهای شما و پاهای شما را از خلاف و هر آینه بردار خواهم کشید شما را در تنه‌های

النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ۷۱ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا

خرما و هر آینه خواهید دانست که کدام از ما سخت تریم بعذاب و پاینده تر گفتند هرگز اختیار نخواهیم کرد ترا بر آنچه آمد ما را

مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ

از بینه‌ها قسم بآنکه آفرید ما را پس حکم بران بر آنچه تو حکم راننده‌ای جز این نیست حکم میرانی در این

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۷۲ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ

زندگانی دنیا بدرستیکه ما گرویدیم بپروردگار مان تا بیامرزد مر ما را گناهان ما را و آنچه بجبر واداشتی ما را بر آن

ساختن سوی علم ... قولم این حکایت عصف خلافت ... ما اهل البیت ... دها شیم تو ام خدا و ... خلق ... قرآن دین او ... و مکتوم دستور ... دین او ... کتمان کرد حضرت رسول خدا تا آنکه اذن نمود حضرت باری در هجرت او وجهت کرد بعد از هجرت با مشکلان ... حضرت رسول خدا ایم تا آنکه اذن دهد حقتعالی ما را از برای خلافت در اظهار دین خود ... دعوت میکنیم مردم ... حقیقی و ... بر دین او در حال او ... و رجعت ... حضرت رسول خدا در ابتدا

۱۲

نلقف
لنبکون ... البحر

مِنَ السِّحْرِ وَاللهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ٧٣ إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا

از سحر و خدا بهتر و پاینده تراست بدرستیکه او هر که آید پروردگارش را گناهکار پس مراد راست جهنم

يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ٧٤ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ

نه میمیرد در آن و نه زندگی میکند و هر که آید با ایمان او را بحقیقت کرد کارهای شایسته پس اینها برای ایشانست

الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ٧٥ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

مرابت بلندتر بهشتهای با اقامت که روانست از زیر آنها نهرها همیشه اند در آن

وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ ٧٦ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ

و اینست جزای هر که پاک باشد و هر آینه بتحقیق وحی کردیم بسوی موسی که شب ببر بندگانم را پس بزن

لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا ٧٧ لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ ٧٨ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ

مرایشانرا راهی در بحر خشک بیم نخواهی داشت در یافتنی و نخواهی ترسید پس از پی آنها رفت فرعون

بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ٧٩ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ٨٠

با لشکرش پس فرا گرفت آنها را از دریا آنچه فرو گرفتشان و گمراه کرد فرعون قومش را و نکرد راهنمائی

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ

ای بنی اسرائیل بحقیقت رهانیدیم شمارا از دشمنتان و وعده دادیم شمارا جانب طور ایمن

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ ٨١ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا

و فرو فرستادیم ما بر شما من و سلوی را بخورید از پاکیزه های آنچه روزی دادیم شمارا و

تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ٨٢

تعدی مکنید در آن پس فرود آید بر شما سخط من و اگر فرود آید براو سخط من پس بحقیقت هلاک شد

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ٨٣ وَمَا أَعْجَلَكَ

و بدرستیکه من آمرزنده ام مر آنرا که توبه کرد و ایمان آورد و کرد کار شایسته پس هدایت یافت و چه چیز بشتاب آورد ترا

عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ ٨٤ قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ

از قوم تو ای موسی گفت ایشانند برابر من و شتافتم بسوی تو پروردگارم

لِتَرْضَىٰ ٨٥ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ٨٦

تا خوشنود شوی گفت پس بدرستیکه ما آزمودیم قومت را بعد از تو و گمراهشان کرد سامری

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا ٨٧ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ

پس بازآمد موسی بسوی قومش خشمناک غضب آلوده گفت ای قوم آیا وعده نداد شمارا پروردگارتان

وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ

وعدهٔ نیکو آیا پس دراز شد بر شما آن زمان یا خواستید آنکه فرود آید بر شما سخطی از

رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ٨٨ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَٰكِنَّا

پروردگارتان پس خلاف کردید وعدهٔ مرا گفتند خلاف نکردیم ما وعدهٔ ترا باختیارمان ولیکن ما

حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَٰلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

بار کرده شدیم احمالی را از آرایش قوم پس انداختیم آنها را پس همچنین انداخت سامری

خزن

قوله تعالی شأنه العزیز فاضرب لهم طریقا فی البحر و ما هذا از ابن عباس مرویست که چون کسی در سفر راه گم کند باید که این آیه بخواند و آیه دیگر از سورهٔ ص که فسخرنا له الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب والشیاطین کل بناء و غواص و آخرین مقرنین فی الاصفاد هذا عطاؤنا فامنن او امسک بغیر حساب چون بر خواندن این دو آیه مداومت کند دیگر راه گم نکند انشاء الله ١٢

اولاءِ بدون واو

بملکنا بفتح میم و سکون لام و کسر کاف

فاخرج لهم عجلا جسدا له خوار فقالوا هذا الهكم واله موسى فنسي ٩١

پس بیرون آورد برای ایشان گوساله مجسم را که مر او را بود فریاد گوساله پس گفتند این است خدای شما و خدای موسی پس فراموش کرد

افلا یرون الا یرجع الیهم قولا ولا یملك لهم ضرا ولا نفعا ٩٢ ولقد

آیا پس نمی بینند که بر نمی گرداند بسوی ایشان سخنی را و دارا نمیباشد برای ایشان زیانی و نه سود را و بهر آینه بتحقیق

قال لهم هرون من قبل یا قوم انما فتنتم به وان ربكم الرحمن فاتبعوني

گفت مر ایشان را هارون از پیش ای قوم جز این نیست امتحان کرده شدید بآن و بدرستیکه پروردگار شما خدای بخشنده است پس پیروی کنید مرا

واطیعوا امري ٩٣ قالوا لن نبرح علیه عاكفین حتی یرجع الینا موسی ٩٤

و فرمان ببرید امر مرا گفتند همیشه باشیم بر عبادت آن ثابت تا آنکه باز آید بسوی ما موسی

قال یا هرون ما منعك اذ رایتهم ضلوا الا تتبعن افعصیت امری ٩٥ قال

گفت ای هارون چه چیز باز داشت ترا چون دیدی ایشان را که گمراه شدند که پیروی نکردی مرا آیا پس نافرمانی کردی امر مرا گفت

یا بن ام لا تاخذ بلحیتی ولا براسی انی خشیت ان تقول فرقت بین بنی

ای پسر مادرم مگیر ریش مرا و نه موی سرم را بدرستیکه من ترسیدم که بگوئی جدائی انداختی میانه بنی

اسرائیل ولم ترقب قولی ٩٦ قال فما خطبك یا سامری قال بصرت بما

اسرائیل و انتظار نبردی گفتار مرا گفت پس چه بود مطلب تو ای سامری گفت دیدم آنچیز را

لم یبصروا به فقبضت قبضة من اثر الرسول فنبذتها وكذلك سولت

که ندیدند بنی اسرائیل آنرا پس گرفتم کف خاکی از جای سم اسپ جبرئیل پس انداختم آنرا و همچنین آراسته کرد

لی نفسی ٩٧ قال فاذهب فان لك فی الحیوة ان تقول لا مساس وان

برای من نفس من گفت پس برو پس بدرستیکه مر تراست در زندگی که گوئی روا نیست مس من و بدرستیکه

لك موعدا لن تخلفه وانظر الی الهك الذی ظلت علیه عاكفا

مر تراست وعده عذابی که خلاف کرده نشوی آنرا و بنگر بسوی خدایت که گردیدی بر پرستش او معتکف

لنحرقنه ثم لننسفنه فی الیم نسفا ٩٨ انما الهكم الله الذی لا اله الا

هر آینه بسوزانیم آنرا پس بر باد دهیم آنرا در دریا بر باد دادنی نیست خدای شما مگر خدائیکه که نیست خدائی مگر او

هو وسع كل شیء علما ٩٩ كذلك نقص علیك من انباء ما قد سبق و

فرا گرفت هر چیز را بدانش همچنین حکایت میکنیم از خبرهای آنچه که گذشته و

قد اتیناك من لدنا ذكرا ١٠٠ من اعرض عنه فانه یحمل یوم القیمة وزرا ١٠١

بتحقیق دادیم ترا از نزد خود قرآنی هر که روگردان شد از آن پس او خواهد برداشت روز قیامت بار گرانی را

خالدین فیه وساء لهم یوم القیمة حملا ١٠٢ یوم ینفخ فی الصور ونحشر

جاودانند در آن و بد است مر ایشان را روز قیامت آن بار روزیکه دمیده شود در صور و حشر کنیم

المجرمین یومئذ زرقا ١٠٣ یتخافتون بینهم ان لبثتم الا عشرا ١٠٤ نحن اعلم بما

گناهکاران را در آن روز کبود چشمان پنهان گویند میان خودشان که درنگ نکردید مگر ده روز ما داناتریم بآنچه

یقولون اذ یقول امثلهم طریقة ان لبثتم الا یوما ١٠٥ ویسئلونك

میگویند هنگامیکه خواهد گفت خوبترشان در مسلك که درنگ نکردید مگر روزی و میپرسند ترا

قوله تعالی شانه العزیز در صفحه مقابل فاضرب لهم طریقا فی البحر الی وما هدی از عبد الله بن عباس منقولست که چون کسی در سفر راه بسیار گم کند این آیت را بخواند بعد از آن این آیت را بخواند فسخرنا له الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب والشیاطین کل بناء وغواص واخرین مقرنین فی الاصفاد هذا عطاؤنا فامنن او امسك بغیر حساب دیگر راه گم نکند قوله تعالی وانی لغفار لمن تاب وامن وعمل صالحا ثم اهتدی یعنی بدرستیکه من بغیر از تم آمرزنده ام کسی را که توبه کرد از شرک و از جنب روا داشته شده که ثم اهتدی الی ولایة علی بن ابیطالب والی ولایة اهل البیت حضرت باقر بروایت قمی فرموده که آیا

الهك بکسر همزه

الهكم بکسر همزه

انباء بتقدیم نون بر با

نمی بینی که چگونه شرط فرموده که نفع ندارد توبه و عمل صالح مگر آنکه هدایت بیابد و الله اگر جد و جهد نماید در عمل قبول نمیشود مگر آنکسیکه هدایت یابد عرض سند نجاب ... که فدای تو شوم فرمود بسوی ما حضرت رسول فرمود با علی بن ابیطالب بتحقیق که گمراه شد

۱۵ الحدید عن ...

عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۱۰۵ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى

از کوهها پس بگو بر افشاندشان پروردگار من بر افشاندنی پس واگذارد آنرا ساده هموار که نبینی

فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۱۰۶ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ

در آن کجی و نه بر آمدگی در این روز پیروی میکنند خواننده را که نباشد کجی مر او را و پست شود

الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ۱۰۸ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ

آوازها برای خدای بخشنده پس نشنوی مگر آوازی آهسته روزی چنین نسود ندهد درخواست مگر کسی را

أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ۱۰۹ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا

دستوری داد مر او را خدا و رضا داده شود مر او گفتار میداند آنچه را میان دستهاشان و آنچه پس پشتشان و نه

يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ۱۱۰ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا

احاطه کنند از دانش و خوار شد رویها برای خدای زنده پاینده و بتحقیق نومید شد کسی که برداشت ستم را

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ۱۱۲ وَ

و کسی که کرد از خوبیها و او است گرونده پس نخواهد ترسید از ستمی و نه کاهش قوابی و

كَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ

همچنین فرو فرستادیم آنرا قرآنی بزبان تازی و مکرر آوردیم ما در آن از وعید باشد که ایشان بپرهیزند یا پدید آورد

لَهُمْ ذِكْرًا ۱۱۳ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ

برای ایشان پندی پس برتر آمد خدا پادشاه حق و شتاب مکن بقرآن پیش از آنکه گذارش داده شود

إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ۱۱۴ وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ

بتو وحیش و بگو پروردگار من بیفزای مرا دانش و همانا بتحقیق عهد کردیم ما با آدم از پیش پس فراموش کرد

وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ۱۱۵ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

و نیافتیم مر او را عزمی و هنگامیکه گفتیم مر ملائکه را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس

أَبَىٰ ۱۱۶ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ

که ابا کرد پس گفتیم ای آدم بدرستیکه این دشمنست مر تو را و مر جفت ترا پس بیرون نکند شما را از بهشت

فَتَشْقَىٰ ۱۱۷ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ ۱۱۸ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا

پس لعب کشی بدرستیکه مر تراست که گرسنه نشوی در آن و نه برهنه بمانی و بدرستیکه تو تشنه نگردی در آن و نه

تَضْحَىٰ ۱۱۹ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ

باشی در آفتاب پس وسوسه کرد او را شیطان گفت ای آدم آیا دلالت کنم ترا بر درخت جاودانی

وَمُلْكٍ لَا يَبْلَىٰ ۱۲۰ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا

و پادشاهی که کهنه نشود پس خوردند از آن پس ظاهر شد مر ایشان را عورتهاشان و شروع کردند که می چسبانیدند بر آن دو

مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ۱۲۱ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ

از برگ بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگارش را پس بی بهره شد پس برگزید او را پروردگارش پس توبه پذیرفت از او

وَهَدَىٰ ۱۲۲ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ

و راه نمود گفت فرو شوید از آن همه برخی از شما مر برخی را دشمن پس اگر آید شما را

از صفحه ظهر سوگند بخدا اگر مردی عبادت کند خدا را در عمر خود بین رکن و مقام و بعد بمیرد در حالتیکه ولایت ما را نداشته باشد پس خدا او را در جهنم افکند سید سجاد بروایت مناقب فرمود در این آیه ثم اهتدی یعنی بسوی اهل البیت حضرت صادق بروایت محاسن فرمود یعنی بسوی ولایت ما حضرت باقر بروایت کافی فرمود در وقتیکه رو بکعبه بود بدرستیکه خدا واجب کرد بر مردم که بیایند نزد این سنگها پس طواف کنند از آنچه اخذ ببایند بسوی ما و تعلیم بگیرند از ما دوستی ایشان را یعنی بدانند که دوستی تنها ما را واجب است بر ایشان و فرمود احسنت یعنی قول خدا که فرموده که انی لغفار لمن تاب و عمل صالحا ثم اهتدی پس از آن اشاره فرمود بدست خود بسوی سینه خود فرمود بسوی ولایت ما حضرت صادق بروایت عیاشی فرمود از برای این

لا تظمؤ بضم همزه بلغت عرب

آیه تفسیر نیست که بآن تفسیر دلالت میکند بر اگر خدا قبول نمیکند عمل احدی را اگر از کسیکه شرک نماید خدا را در حالتیکه فاسد کرده باشد بتفسیر این آیه و با آنچه شرط شده بر مؤمنین علیهم السلام

۱۲

مِنِّي هُدًى ۱۲۲ فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ۱۲۳ وَمَنْ أَعْرَضَ

از من هدایتی پس آنکه پیروی شد هدایت مرا پس گمراه نشود و تعب نکشد و آنکه روگردانید

عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا ۱۲۴ وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ۱۲۵

از یاد من پس بدرستیکه مر او راست زیستنی تنگ و حشر کنیم او را روز قیامت کور

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ۱۲۶ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا

گوید ای پروردگار چرا حشر کردی مرا کور و بتحقیق که بودم من بینا گفت همچنین آمد ترا آیتهای ما

فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ۱۲۷ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ

پس فراموش کردی آنرا و همچنین امروز او گذاشته میشوی و همچنین جزا دهیم آنکه اسراف کرد و ایمان نیاورد بآیتهای

رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ۱۲۸ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ

پروردگارش و هر آینه عذاب آخرت سخت تر و پاینده تر است آیا هدایت نکرد ایشان را که چه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان

الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى ۱۲۹ وَ

اهل زمانها را که میروند در مسکنهاشان بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست مر خداوندان خرد را و

لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى ۱۳۰ فَاصْبِرْ عَلَى مَا

و اگر نبود سخنی که پیش رفته از پروردگارت هر آینه بود لازم و مدتی تمام برده شده پس صبر کن بر آنچه

يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ

میگویند و تسبیح کن بحمد پروردگارت پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدنش و از ساعات شب

فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى ۱۳۱ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا

پس تسبیح کن و طرفهای روز شاید که پسندیده شوی و مگشای بخواهش البته دو چشم خود را بسوی آنچه کامرانی دادیم

بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ

بآن اصنافی را از ایشان خوشی زندگانی دنیا تا مفتونشان سازیم در آن و روزی پروردگارت بهتر و

أَبْقَى ۱۳۲ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ

پاینده تر است و امر کن اهلت را بنماز و صبر کن بر آن نمیخواهیم از تو روزی را ما

نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ۱۳۳ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ

روزی میدهیم ترا و انجام برای پرهیزگاریست و گفتند چرا نمیآورد ما را آیتی از پروردگارش آیا و نیامد ایشان را

بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۱۳۴ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا

حجت آنچه بود در کتابهای نخست و اگر آنکه هلاک میکردیم ایشان را بعذابی پیش از آن هر آینه میگفتند

رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى ۱۳۵ قُلْ

ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما رسولی را پس پیروی میکردیم آیات ترا پیش از آنکه خوار شویم بگو

كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى

هر یک منتظریم پس انتظار بکشید پس بزودی بدانید که کیست اهل راه راست و کیست که هدایت یافت

(۲۱) سورة الأنبياء عليهم السلام مائة واثنى عشر آية وهي مكية

قوله تعالى شأنه العزيز ولا تمدن عينيك الى للتقوى چون این آیه را کسی بنویسد و با خود دارد و اگر غریب بود بوطن بازآید و اگر عزب باشد زوجه صالحه او را پیدا آید و اگر فراموشکار باشد قوت حافظه او زیاد شود و اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر مفلس باشد توانگر گردد انشاء الله ۱۲

قوله تعالى سبحانه قل كل متربص الى من اهتدى اگر کسی بکار پریشان بود این آیه را بعلم ابتر بر کسی نویسد و بخورد حال او نیک شود و از پریشانی و سرگردانی خلاصی یابد و از غصه ها نجات یابد انشاء الله تعالى ۱۲

من اصحاب بفتح میم

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون ٢ ما يأتيهم من ذكر

نزدیک رسید مر مردمانرا حسابشان واایشان در بیخبری روی گردانندگانند می آید ایشانرا از پندی

من ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون ٣ لاهية قلوبهم واسروا

از پروردگارشان تازه آورده شده مگر آنکه میشنیدند واایشان بازی میکردند غفلت ورزنده دلهاشان و پنهان داشتند

النجوى الذين ظلموا هل هذا الا بشر مثلكم افتأتون السحر وانتم

رازرا آنانکه ستم کردند آیا نیست مگر آدمی مانند شما آیا پس میآرید سحررا وشما

تبصرون ٤ قال ربي يعلم القول في السماء والارض وهو السميع العليم ٥

می بینید گفت پروردگار من میداند گفتاررا در آسمان وزمین واوست شنونده دانا

بل قالوا اضغاث احلام بل افتريه بل هو شاعر فليأتنا باية كما ارسل

بلکه گفتند دستهها فراهم کرده خوابها بلکه برباقت آنرا بلکه او شاعر است پس باید بیاورد بما آیتی چنانکه فرستاده

الاولون ٦ ما امنت قبلهم من قرية اهلكناها افهم يؤمنون ٧ و

شد پیشینیانرا ایمان نیاورد پیش از ایشان از هیچ قریهٔ که هلاک کردیم آنرا آیا پس آنها میگروند

ما ارسلنا قبلك الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم

نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردانیرا که وحی کردیم بایشان پس بپرسید از اهل ذکر اگر هستید

لا تعلمون ٨ وما جعلناهم جسدا لا يأكلون الطعام وما كانوا خالدين ٩

که نمیدانید ونگردانیدیم ایشانرا تنی که نخورند خوردنیرا ونبودند جاویدان

ثم صدقناهم الوعد فانجيناهم ومن نشاء واهلكنا المسرفين ١٠

پس راست کردیم ایشانرا وعده پس رهانیدیمشان وآنکه را میخواستیم وهلاک کردیم اسراف کنندگانرا

لقد انزلنا اليكم كتابا فيه ذكركم افلا تعقلون ١١ وكم قصمنا من قرية

بحقیقت فرو فرستادیم بشما کتابی که در اوست پند شما آیا پس در نمییابید بخرد وبسیار در هم شکستیم از قریهٔ

كانت ظالمة وانشأنا بعدها قوما اخرين ١٢ فلما احسوا بأسنا اذا هم

که بودند ستمگار وپدید آوردیم بعد از آن گروهی دیگررا پس چون مشاهده کردند عذاب مارا آنگاه ایشان

منها يركضون ١٣ لا تركضوا وارجعوا الى ما اترفتم فيه ومساكنكم

از آن میگریختند مگریزید وباز گردید بسوی آنچه منعم شدید در آن ومسکنهاتان

لعلكم تسئلون ١٤ قالوا يا ويلنا انا كنا ظالمين ١٥ فما زالت تلك دعويهم

شاید شما پرسیده شوید گفتند ای وای برما بدرستیکه بودیم ستمکاران پس بود پیوسته این نداشان

حتى جعلناهم حصيدا خامدين ١٦ وما خلقنا السماء والارض وما

تا گردانیدیم ایشانرا درویده بمرگ افسردگان ونیافریدیم ما آسمان وزمین را وآنچه

بينهما لاعبين ١٧ لو اردنا ان نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا ان كنا فاعلين

میان آنهاست بازیگران اگر میخواستیم که بگیریم لهورا هرآینه میگرفتیم آنرا از نزد خود مان اگر بودیم کنندگان

سورة الانبياء ٢١ جزء سابع عشر

هو از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که هرکه بخواند سوره انبیاء را حساب کند حق تعالی او را در قیامت حساب آسان و گرداند هر پیغمبر که نامش در این سوره مذکور است در روز قیامت بر او سلام کنند و از حضرت ابو عبدالله علیه السلام مرویست که هرکه این سوره را تلاوت نماید در جنات النعیم ابدی رفیق و مصاحب پیغمبران باشد ١٢

از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر کس این سوره را هشتاد و پنج مرتبه بخواند بر شستن ظفر یابد و هم از آنحضرت منقول است که هر کس این سوره را بر ورقی از آهو نویسد با خود دارد اگر ترسی بهم رسانیده داشته باشد از آن گروه و اگر در ابن قلعه بهند از بیم بود تا امین باشد و السلام والاکرام ١٢

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا

بلکه میاندازیم حق را بر باطل پس میشکند انرا پس آنگاه آن باشد ناچیز و مر شما راست وای از آنچه

تَصِفُونَ ۱۹ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

وصف میکنید و مر او راست هر که در اسمانها و زمینست و آنکه نزد اوست سرکشی نمیکنند

عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ۲۰ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ۲۱ أَمِ

از پرستش او و وامانده نمیشوند تسبیح میکنند شب و روز و سست نمیشوند بلکه

اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ ۲۲ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ

گرفتند خدایان از زمین که ایشان نشر کنند اگر بودی در آن دو خدایانی غیر از خدا

لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ۲۳ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

هر آینه تباه شدندی پس منزه است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف میکنند پرسیده نشود از آنچه میکند

وَهُمْ يُسْأَلُونَ ۲۴ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هٰذَا ذِكْرُ

و ایشان پرسیده میشوند بلکه گرفتند از غیر او خدایان بگو بیاورید حجت خود را اینست ذکر

مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ۲۵ وَمَا

کسانیکه با منند و ذکر آنکسانیکه بودند پیش از من و ایشان بیشترشان نمیدانند حق را پس ایشانند روی گردندگان و نه

أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ۲۶

فرستادیم ما پیش از تو از هیچ رسولی مگر وحی کرده شده بسوی او که نیست خدائی بجز من پس بپرستید مرا

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ ۲۷ لَا يَسْبِقُونَهُ

و گفتند فرا گرفته است خدا فرزندی منزه است او بلکه بندگانی گرامی داشته شده گانند پیشی نمیگیرند او را

بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ۲۸ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا

بگفتار و ایشان بامر او کار میکنند میداند آنچه میان دستهاشان و آنچه پس سر ایشانست و نه

يَشْفَعُونَ ۲۹ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ۳۰ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ

شفاعت میکنند مگر مر آنرا که پسندد و آنها از بیمش خائفانند و آنکه گوید از ایشان

إِنِّي إِلٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۳۱ أَوَلَمْ يَرَ

که منم الهی از غیر او پس جزا دهیم او را جهنم همچنان جزا دهیم ستمگاران را آیا ندیدند

الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ

آنانکه کافر شدند که اسمانها و زمین بودند بسته پس برگشادیم ما آنها را و گردانیدیم ما از

الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ۳۲ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ

آب هر چیز را زنده آیا پس ایمان نمیآورند و قرار دادیم ما در زمین کوههای استوار که

تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۳۳ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ

مبادا میل کند با ایشان و گردانیدیم ما در آن گروههای وسیع براه باشد که ایشان راه یابند و گردانیدیم اسمان را

سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ۳۴ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

بامی محفوظ و آنها از آیات آن روگردانندگانند و اوست آنکه آفرید شب و روز را

قوله تعالی شانه العزیز
وما ارسلنا الی الظالمین
چون فاسقی یا ظالمی باشد
که مسلمانان از و متضرر
باشند و خواهند از دفع
شر او ایمن شوند از تربت
مسلمانی یا یهودی و ترسائی

لَا يَفْتُرُونَ
بفتح الیاء و سکون
الفاء و ضم التاء

آلِهَةً
بمد الف و کسر
لام

آلِهَةً
بمد الف و کسر
لام

مَنْ قَبْلِي
بفتح میم

و مجوسی و ظالمی از حکام
و سلاطین قدیم از هر یک
قدری خاک بر دارد و
بمقداری خاک از دیر آ
ویران شده باشد و قدری
خاک از زمین وقف این آیه
هفتبار بر هر یک از این
هفت خاک بخواند همه را
با هم بخواند باز
و در چهار شنبه آخر ماه قدری
از آن خاک را در منزل آن
ظالم برند تا عجایب و
غرایب مشاهده کنند

رَتْقًا بسکون تا
باذن الله تعالی

قوله تعالی شانه العزیز
اولم یر الذین کفروا الی
یؤمنون بگیرند قدری آب
باران خریفی و این آیه را بر
آن خوانده در شب شنبه
که با طهارت باشد و وضو
که کسی او را نه بیند چهار
رکعت بامداد و مامور شود
که هفت روز متوالی
هر روز جرعه از این آب
خورد دل او رقیق

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ٣٥ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ

و آفتاب و ماه را که هر یک در گردونی میروند و نگردانیدیم برای انسانی پیش از تو جاودان بودن

أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ٣٦ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ

آیا پس اگر بمیری پس ایشانند جاودانیان هر تنی چشنده مرگ است و بیازمائیم شما را بشر و

الْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ٣٧ وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ

خیر ازمودنی و بسوی ما بازگردانیده میشوید و چون می بینند ترا آنانکه کافر شدند نمیگیرند ترا

إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ ٣٨

مگر باستهزا آیا اینست آنکه ببدی ذکر میکند خدایان شما را و ایشان بیاد خدای بخشنده ایشانند کافران

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ٣٩ وَيَقُولُونَ مَتَى

آفریده شد آدمی از شتاب بزودی بنمایانیم شما را آیات خود پس شتاب مکنید با من و میگویند کی خواهد بود

هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٤٠ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ

این وعده اگر هستید راستگویان اگر بدانند آنانکه کافر شدند وقتیکه باز نتوانند داشت

عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ٤١ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً

از رویهاشان آتش و نه از پشتهاشان و نه ایشان یاری کرده شوند بلکه بیاید ایشانرا ناگاه

فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ٤٢ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ

پس متحیر گرداند ایشانرا پس نتوانند برگردانیدن آنرا و نه آنها مهلت داده میشوند و بحقیقت استهزا کرده شد برسولانی

مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٤٣ قُلْ مَنْ

پیش از تو پس رسید بآنانکه استهزا کردند از ایشان آنچه بودند بران که استهزا میکردند بگو که

يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ٤٤

نگاه میدارد شما را بشب و روز از خدای بخشنده بلکه ایشان از ذکر پروردگارشان روگردانندگانند

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا

بلکه مر ایشانراست خدایانی که کفایت کنند ایشانرا از غیر ما نمیتوانند یاری کردن خودهاشانرا و نه ایشان از ما

يُصْحَبُونَ ٤٥ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ

همسرابی کرده میشوند بلکه کامیاب کردیم ما آنها را و پدرانشانرا تا دراز شد برایشان مدت زندگی آیا پس نمی بینید

أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ٤٦ قُلْ إِنَّمَا أُنْذِرُكُمْ

که ما میائیم زمین را که کم میکنیم آنرا از طرفهایش آیا پس ایشانند غالبان بگو جز این نیست که بیم میکنم شمارا

بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنْذَرُونَ ٤٧ وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ

بوحی و نمیشنوند کران خواندنرا چون بیم کرده میشوند و اگر مس کند ایشانرا وزیدن بوئی

مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ٤٨ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ

از عذاب پروردگار تو هر آینه گویند ای وای برما بدرستیکه بوده ایم ستمگاران و میگذاریم ترازوهای عدالت را

لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا

برای روز قیامت پس ستم کرده نشود تنی چیزیرا و اگرچه باشد مقدار دانه از خردل بیاریم ما

يَسْبَحُونَ بفتح یا و سکون سین

الهتكم بدو الف

تستعجلون بکسر نون

يكلؤكم بضم همزه بدون واو

الهة بدو الف و کسر لام

يُصْحَبُونَ بضم یا و سکون صاد و فتح حاء ضم با

نفحة با حاء بی نقطه بمعنی وزیدن نه با نقطه بمعنی دمیدن

اتينا بفتح همزه

بها

بها وكفى بنا حاسبين ٤٩ ولقد آتينا موسى وهرون الفرقان وضياء

آنرا وبس باشیم ما حساب کننده — وبتحقیق دادیم ما موسی و هرون را فرقان و روشنی

وذكرا للمتقين ٥٠ الذين يخشون ربهم بالغيب وهم من الساعة مشفقون ٥١

وپندی مر پرهیزگارانرا — آنانکه میترسند از پروردگارشان در نهانی وایشان از رستخیز ترسندگانند

وهذا ذكر مبارك أنزلناه أفأنتم له منكرون ٥٢ ولقد آتينا ابرهيم

و این ذکریست با برکت که فرو فرستادیم ما اورا آیا پس شما آنرا انکار کنندگانید — وبتحقیق دادیم ما ابراهیم را

رشده من قبل وكنا به عالمين ٥٣ اذ قال لأبيه وقومه ما هذه

رشد اورا از پیش و بودیم ما بآن دانایان — چون گفت مر پدرش را و قومش را چیست این

التماثيل التي أنتم لها عاكفون ٥٤ قالوا وجدنا آباءنا لها عابدين ٥٥

تمثالها آنکه — شما ئید مرآنهارا مقیمان بپرستش — گفتند یافتیم پدرانمانرا — مرآنهارا پرستندگان

قال لقد كنتم أنتم وآباؤكم في ضلال مبين ٥٦ قالوا أجئتنا بالحق

گفت هرآینه بتحقیق هستید شما و پدرانتان در گمراهی آشکار — گفتند آیا آمده تو مارا براستی

أم أنت من اللاعبين ٥٧ قال بل ربكم رب السموات والأرض

یا توئی از بازی کنندگان — گفت بلکه پروردگار شماست پروردگار آسمانها و زمین

الذي فطرهن وأنا على ذلكم من الشاهدين ٥٨ وتالله لأكيدن

آنکه آفرید آنهارا و من بر آن شمارا از شاهدانم — وقسم بخدا که هرآینه چاره خواهم کرد

أصنامكم بعد أن تولوا مدبرين ٥٩ فجعلهم جذاذا الا كبيرا لهم لعلهم

بتان شمارا بعد از آن که برویدپشت کنندگان — پس گردانید آنهارا پاره پاره بجز بزرگ آنها تا شاید آنها

اليه يرجعون ٦٠ قالوا من فعل هذا بآلهتنا انه لمن الظالمين ٦١ قالوا سمعنا

بسوی او رجوع کنند — گفتند که کرد این کاررا بخدایان ما بدرستیکه او هرآینه از ظالمانست — گفتند شنیدیم

فتى يذكرهم يقال له ابرهيم ٦٢ قالوا فأتوا به على أعين الناس لعلهم

ما جوانی یادکرده ایشانرا که گفته میشود مر اورا ابراهیم — گفتند پس بیاوید اورا بر چشمهای مردمان شاید آنها

يشهدون ٦٣ قالوا أأنت فعلت هذا بآلهتنا يا ابرهيم ٦٤ قال بل فعله

گواهی دهند — گفتند آیا تو کردی با خدایان ما ای ابراهیم — گفت بلکه کرد آنرا بزرگ آنها

كبيرهم هذا فاسئلوهم ان كانوا ينطقون ٦٥ فرجعوا الى أنفسهم فقالوا

بزرگ آنها — پس بپرسید ایشانرا اگر هستند که سخن گویند — پس رجوع کردند بخودهاشان پس گفتند

انكم أنتم الظالمون ٦٦ ثم نكسوا على رؤسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

شمائید ستمگاران — پس نگون کرده شدند بر سرهاشان هرآینه میدانی تو که نباشند اینها که سخن گویند

قال أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئا ولا يضركم أف لكم ولما

گفت آیا پس میپرستید از غیر خدا چیزیرا که سود ندارد شمارا بچیزی و زیان نتواند برساند شمارا اف بر شما و مر آنچه را

تعبدون من دون الله أفلا تعقلون ٦٨ قالوا حرقوه وانصروا آلهتكم

میپرستید از غیر خدا آیا پس در نمی یابید بعقل — گفتند بسوزانید اورا و یاری کنید خدایانتانرا

عالمين بكسر لام

اباؤكم بضم همزه بعد واو

بالهتنا بدو الف وكسر لام

الهتكم بدو الف وكسر لام

ان كنتم فاعلين

إن كنتم فاعلين ٦٩ قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على إبرهيم ٧٠ وأرادوا

اگر هستید کنندگان گفتیم ما ای آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم و خواستند

به كيدا فجعلناهم الأخسرين ٧١ ونجيناه ولوطا إلى الأرض التي باركنا

باو بلائی پس گردانیدیم ایشانرا زیانکاران و رهانیدیم اورا و لوط را بسوی زمینی که برکت دادیم

فيها للعالمين ٧٢ ووهبنا له إسحق ويعقوب نافلة وكلا جعلنا

در آن برای جهانیان و بخشیدیم مراورا اسحق و یعقوب را که نواده بودند و همه را گردانیدیم

صالحين ٧٣ وجعلناهم أئمة يهدون بأمرنا وأوحينا إليهم فعل

شایسته کاران و گردانیدیم ایشانرا پیشوایانیکه راه مینمودند بفرمان ما و وحی کردیم ما بسوی ایشان کردن

الخيرات وإقام الصلوة وإيتاء الزكوة وكانوا لنا عابدين ٧٤ ولوطا

کارهای خوب و برپا داشتن نماز و دادن زکات و بودند برای ما پرستندگان و لوط را

آتيناه حكما وعلما ونجيناه من القرية التي كانت تعمل الخبائث إنهم كانوا

دادیم اورا حکمت و دانش و رهانیدیم اورا از قریه که بودند میکردند بدیها را بدرستیکه آنها بودند

قوم سوء فاسقين ٧٥ وأدخلناه في رحمتنا إنه من الصالحين ٧٦ ونوحا

گروه بدی زشت کاران و در آوردیم ما اورا در رحمت ما که او بود از شایسته کاران و نوح را

إذ نادى من قبل فاستجبنا له فنجيناه وأهله من الكرب العظيم ٧٧ ونصرناه

چون ندا کرد از پیش پس اجابت کردیم مراورا پس رهانیدیم اورا و اهل اورا از اندوه بزرگ و یاری کردیم

من القوم الذين كذبوا بآياتنا إنهم كانوا قوم سوء فأغرقناهم أجمعين ٧٨

از گروه آنانکه تکذیب کردند بآیات ما که آنها بودند قوم بدی پس غرق کردیم ما ایشانرا تمام

وداود وسليمان إذ يحكمان في الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم وكنا

و داود و سلیمان هنگامیکه حکم میکردند در کشت زار وقتیکه چرا کرده بود در شبهنگام گوسفند قوم و بودیم ما

لحكمهم شاهدين ٧٩ ففهمناها سليمان وكلا آتينا حكما وعلما وسخرنا

مر حکم ایشانرا شاهدان پس فهمانیدیم اورا بسلیمان و همه را دادیم ما حکمت و دانش و رام کردیم

مع داود الجبال يسبحن والطير وكنا فاعلين ٨٠ وعلمناه صنعة لبوس

با داود کوهسارها را که تسبیح میکردند و پرنده را و باشیم ما کنندگان و آموختیم اورا ساختن زره جنگ

لكم لتحصنكم من بأسكم فهل أنتم شاكرون ٨١ ولسليمان الريح عاصفة

مر شما را تا نگاهدارد شمارا از آسیب شما پس آیا هستید شاکران و مر سلیمانرا بادی تند

تجري بأمره إلى الأرض التي باركنا فيها وكنا بكل شيء عالمين ٨٢ ومن

که میرفت بامر او بآن زمینی که برکت دادیم در آن و بودیم بهمه چیزی داننده و از

الشياطين من يغوصون له ويعملون عملا دون ذلك وكنا لهم

دیوان کسانیکه بدریا فرو میرفتند برای او و کار میکردند کاری غیر آن و بودیم ما مر ایشانرا

حافظين ٨٣ وأيوب إذ نادى ربه أني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين ٨٤

نگهدارنده و ایوب را هنگامیکه ندا کرد پروردگارش را که مس کرد مرا آزار و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی

واقام بکسر همزه

داود بمعناو در هردو موضع

یسبحن بضم یا و فتح سین و کسر با مشدده و سکون نون بمعنی تسبیح

یغوصون بغین معجمه

فاستجبنا

فاستجبنا له فكشفنا ما به من ضر وآتيناه اهله ومثلهم معهم رحمة

پس اجابت کردیم مراو را پس برداشتیم آنچه با او بود از آزار و دادیم باز اهلش را و مانند ایشان با ایشان رحمتی

من عندنا وذكرى للعابدين ٨٥ واسمعيل وادريس وذا الكفل كل

از نزد ما و پندی مر عابدان را و اسمعیل و ادریس و ذا الکفل همه

من الصابرين ٨٦ وادخلناهم في رحمتنا انهم من الصالحين ٨٧ وذا

بودند از صبر کنندگان و در آوردیم ما ایشان را در رحمت ما بدرستیکه ایشان از شایسته کارانند و صاحب

النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات

ماهی را هنگامیکه رفت خشمناک پس گمان کرد که هرگز تنگ نخواهیم گرفت بر او پس ندا کرد در تاریکیها

ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين ٨٨ فاستجبنا له و

که نیست خدائی بجز تو منزهی تو بدرستیکه من بودم از ستمگاران پس اجابت کردیم مراو را و

نجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين ٨٩ وزكريا اذ نادى ربه رب

و نجات دادیم او را از غم و همچنین نجات دهیم گروندگان را و زکریا را هنگامیکه ندا کرد پروردگارش را پروردگارا

لا تذرني فردا وانت خير الوارثين ٩٠ فاستجبنا له ووهبنا له يحيى و

مگذار مرا تنها و توئی بهترین وارثان پس اجابت کردیم مراو را و بخشیدیم مراو را یحیی و

اصلحنا له زوجه انهم كانوا يسارعون في الخيرات ويدعوننا رغبا

و بسامان آوردیم برای او جفتش را بدرستیکه ایشان بودند که شتاب میکردند در خیرات و میخواندند ما را از راه امید

ورهبا وكانوا لنا خاشعين ٩١ والتي احصنت فرجها فنفخنا فيها من

و بیم و بودند مر ما را فروتنی کنندگان و آنکه نگاه داشت فرجش را پس دمیدیم ما در آن از

روحنا وجعلناها وابنها آية للعالمين ٩٢ ان هذه امتكم امة واحدة

روح خودمان و گردانیدیم او و پسرش را نشانه برای جهانیان بدرستیکه اینست ملت شما که دین واحد است

وانا ربكم فاعبدون ٩٣ وتقطعوا امرهم بينهم كل الينا راجعون ٩٤

و منم پروردگار شما پس بپرستید مرا و پاره پاره کردند امر شان را میانشان همه بسوی ما باز گردندگانند

فمن يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا كفران لسعيه وانا له كاتبون ٩٥

پس آنکه کرد از کارهای شایسته و اوست مؤمن پس نیست انکاری مر سعی او را و مائیم مراو را نویسندگان

وحرام على قرية اهلكناها انهم لا يرجعون ٩٦ حتى اذا فتحت

و حرامست بر قریه که هلاک کردیم ما او را که ایشان باز نگردند تا چون گشاده شود

ياجوج وماجوج وهم من كل حدب ينسلون ٩٧ واقترب الوعد الحق

راه یاجوج و ماجوج و ایشان از هر بلندی میشتابند و نزدیک شود وعده درست

فاذا هي شاخصة ابصار الذين كفروا يا ويلنا قد كنا في غفلة من هذا

پس چون آن باز مانده باشد دیده های آنانکه کافر شدند ای وای بر ما بتحقیق که بودیم ما در غفلتی از این

بل كنا ظالمين ٩٨ انكم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم

بلکه بودیم ستمگاران بدرستیکه شما و آنچه میپرستید از غیر خدا مایه برافروختن دوزخید شما

هو الله تعالی شانه
چون اسباب معیشت بر کسی تنگ شده باشد باید که از معاصی توبه کند و هفتاد بار بر پیغمبر صلوات فرستد بعد سر بزمین گذارد و این پنج آیه را هفتاد بار بخواند از خدای تعالی زوال غم و حصول فرج طلب کند انشاء الله تعالی مقصود حاصل شود
اول الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل
دوم وایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر وآتیناه اهله ومثلهم معهم رحمة من عندنا وذکری للعابدین
سیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین
چهارم فستذکرون ما اقول لکم وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقاه الله سیئات ما مکروا وحاق بآل فرعون سوء العذاب
پنجم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
در خبر است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده که هر گرا همی رسید ضیقی و یا تنگی معیشت در بلائی پیش او آید این کلمات را بکاغذ نویسد و با آب روان اندازد خلاص گردد کلمات
بسم الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل الی المولی الجلیل رب انی مسنی الضر

لها واردون ٩٩ لو كان هؤلاء آلهة ما وردوها وكل فيها خالدون ١٠٠

مر آنرا وارد شوندگانید اگر بودندی اینها الهان وارد نمیشدند آنرا وهمه باشند در آن جاویدانان

لهم فيها زفير وهم فيها لا يسمعون ١٠١ ان الذين سبقت لهم منا الحسنى

مر ایشانرا است ناله زار وایشان در آن نمی شنوند بدرستی که آنانکه پیشی گرفته برای ایشان از خوبی

أولئك عنها مبعدون ١٠٢ لا يسمعون حسيسها وهم فيما اشتهت

آنها از آن دور شدگانند نمی شنوند آواز محسوس آنرا وآنها در آنچه خواست

انفسهم خالدون ١٠٣ لا يحزنهم الفزع الاكبر وتتلقاهم الملائكة هذا

نفسهاشان جاویدانند غمناک نسازد ایشانرا فزع بزرگتر وپیش باز کنند ایشانرا فرشتگان اینست

يومكم الذي كنتم توعدون ١٠٤ يوم نطوي السماء كطي السجل للكتب

روز شما که بودید وعده داده می شدید روزیکه در می نوردیم آسمانرا مانند پیچیدن طومار برای نامها

كما بدأنا اول خلق نعيده وعدا علينا انا كنا فاعلين ١٠٥ ولقد كتبنا في

همچنانکه آفریدیم اول مرتبه نخست خلقی را اعاده میکنیم آنرا وعده کردنی بر ما بدرستیکه ما هستیم کنندگان وهر آینه بتحقیق نوشتیم ما در

الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون ١٠٦ ان في

در زبور از پس ذکر که زمین بمیراث میبرند آنرا بندگان شایسته کار من بدرستیکه در

هذا لبلاغا لقوم عابدين ١٠٧ وما ارسلناك الا رحمة للعالمين ١٠٨

این هر آینه کفایتیست برای گروه پرستندگان ونفرستادیم ما ترا مگر رحمتی برای جهانیان

قل انما يوحى الي انما الهكم اله واحد فهل انتم مسلمون ١٠٩ فان تولوا

بگو جز این نیست که وحی میشود بمن که نیست خدای شما مگر خدای یگانه پس آیا شما باشید مسلمانان پس اگر روگردانند

فقل آذنتكم على سواء وان ادري اقريب ام بعيد ما توعدون ١١٠ انه

پس بگو آگاه کردم شما را برابر یکسانی ونمیدانم آیا نزدیک است یا دور است آنچه وعده داده میشوید بدرستیکه او

يعلم الجهر من القول ويعلم ما تكتمون ١١١ وان ادري لعله فتنة لكم و

که میداند آشکار را از گفتار ومیداند آنچه را پنهان میدارید ونمیدانم شاید که آن فتنه باشد مر شما را و

متاع الى حين ١١٢ قال رب احكم بالحق وربنا الرحمن المستعان على ما تصفون

وکامیابی تا وقتی گفت ای پروردگار من حکم کن بحق وپروردگار ما خدای بخشنده است یاری خواسته شده بر آنچه وصف میکنید

سورة الحج ثمانية وسبعون آية وهي مدنية (٢٢)

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شيء عظيم ١ يوم ترونها تذهل

ای مردمان بترسید از پروردگارتان بدرستیکه زلزله قیامت چیزیست بزرگ روزیکه ببینید آنرا غافل شود

كل مرضعة عما ارضعت وتضع كل ذات حمل حملها وترى الناس

هر شیر دهنده از آنچه شیر میدهد ووا گذارد هر صاحب باری بارش را وببینی مردم را

آلهة بدو الف وکسر لام

الهكم واله بکسر همزه خوانده دو موضع

نصف

سُكَارَىٰ وَمَا هُم بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ۳ وَمِنَ النَّاسِ

مستان ونباشند آنها مستان ولیکن عذاب خدا سخت است واز مردمان

مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ۴ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ

کسیست که مجادله میکند در خدا بدون دانش وپیروی میکند هر شیطان سرکش را نوشته شده براو که اورا

مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ۵ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن

هرکه دوست دارد پس او گمراهش کند وراه نماید اورا بسوی عذاب آتش سوزنده ای مردمان اگر

كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ

هستید در شک از بعث پس بدرستیکه ما آفریدیم شمارا از خاک پس از نطفه پس از خون بسته

ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ

پس از پارچه گوشت تمام خلقت وغیر تمام خلقت تا بیان کنیم برای شما وقرار میدهیم در رحمها آنچه میخواهیم

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَ

تا مدتی نام برده شده پس بیرون آوردیم شمارا کودک پس تا برسید بکمال خودتان واز شما کسیکه متوفی میشود و

مِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى

واز شما کسی هست که رد کرده شود بسوی فرومایه ترین عمر تا آنکه نداند از بعد دانش چیزی را ومیبینی

الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ

زمین را خشک افسرده پس چون فرو فرستادیم برآن آب را جنبید وافزونی طلبید وبرویانید از هر صنفی

بَهِيجٍ ۶ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۷

که خوش نماست این بسبب آنست که اوست حق وآنکه اوست که زنده میکند مردگانرا وآنکه اوست بر همه چیزی توانا

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ ۸ وَمِنَ النَّاسِ

وآنکه قیامت آمدنیست نیست شکی درآن وآنکه خدا برانگیزاند هرکرا در قبرهاست واز مردمان

مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ۹ ثَانِيَ عِطْفِهِ

کسیست که مجادله میکند در خدا بدون دانش ونه راهنمائی ونه کتابی نوربخشنده منحرف سازنده پهلویش

لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ

تا گمراه کند از راه خدا مراوراست در دنیا خواری ومیچشانیم اورا روز قیامة عذاب

الْحَرِيقِ ۱۰ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۱۱

آتش سوزنده این بآن چیزیست که مقدم داشته دو دست تو وآنکه خدا نیست ستمگار مر بندگانش را

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ

واز مردمان هست کسیکه میپرستد خدا را بر کناره پس اگر رسید اورا خیری آرمید بآن و

إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ

اگر رسید اورا بلائی برگشت برروی خویش زیان کرد در دنیا وآخرت اینست آن

الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۱۲ يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنفَعُهُ

زیانی آشکار میخواند از غیر خدا آنچه ضرر نرساند اورا وآنچه سودی ندهد اورا

قوله تعالی وتری الارض هامدة الی ... این آیت را بزعفران که باب تاک حل کرده باشند بطشت آهنین نویسند پس از چاهی که منبع آن کاریز است سبوی نو پر کنند در وقت سحر و آن طشت را بآب بشویند بمقدار یک رطل از این آب در پای هر درخت که بریزد میوه بسیار بار آورد و اگر در چهار رکن خانه بپاشد خیر و برکت در آنخانه بسیار پدید شود و اگر کسی را فرزند نشود مرد وزن از این آب بخورند خدا تعالی فرزند کرامت فرماید انشاء الله تعالی ۱۲

عِطفه بکسر عین بی نقطه

ذلك

ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيدُ ۱۳ يَدْعُوا لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلٰى

آنست آن گمراهی دور میخواند کسی را که زیانش نزدیکتر است از سودش هر آینه بد دوستی

وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ ۱۴ إِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ

و هر آینه بد معاشریست بدرستیکه خدا در می آورد آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته در بهشتهائیکه

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۱۵ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ

روانست از زیر آنها نهرها بدرستیکه خدا میکند آنچه میخواهد کسیکه هست که گمان میکند که هرگز

يَنْصُرَهُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ

یاری نکند او را خدا در دنیا و آخرت پس باید دراز کند ریسمانی بسوی آسمان پس قطع کند پس نظر کند

هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ۱۶ وَكَذٰلِكَ أَنْزَلْنٰهُ آيٰتٍ بَيِّنٰتٍ وَأَنَّ اللّٰهَ

که آیا میبرد حیله او را آنچه خشم کند و همچنین فرو فرستادیم ما آنرا آیتهای روشن و آنکه خدا

يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ۱۷ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصّٰبِئِينَ وَالنَّصٰرٰى

راه مینماید هر که را میخواهد بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه یهود شدند و صابئان و نصاری

وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللّٰهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّ اللّٰهَ عَلٰى

و مجوس و آنانکه شرک آوردند بدرستیکه خدا حکم میکند میانشان روز رستخیز بدرستیکه خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۱۸ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ

هر چیزی گواه است آیا ندیدی که خدا را سجده میکند هر که در آسمان و هر که در زمین است

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ

و آفتاب و ماه و ستارهها و کوهها و درخت و جنبندهها و بسیاری از مردمان

وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۱۹ وَمَنْ يُهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ

و بسیاری که ثابت شده براو عذاب و کسیرا که خوار کند خدا پس نیست مر او را هیچ گرامی دارنده بدرستیکه خدا میکند

مَا يَشَاءُ ۲۰ هٰذَانِ خَصْمٰنِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ

هر چه میخواهد اینان دو خصمند که خصومت کردند در پروردگارشان پس آنانکه کافر شدند بریده شد برای ایشان

ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ ۲۱ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَ

جامهها از آتش ریخته شود از بالای سرهاشان آب گرم گداخته میشود بآن آنچه در شکمهای ایشانست و

الْجُلُودُ وَلَهُمْ مَقٰمِعُ مِنْ حَدِيدٍ ۲۲ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ

پوستها و مر ایشانراست گرزها از آهن هر چند که خواهند که بیرون آیند از آن از

غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ۲۳ إِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا

آزردگی باز گردانیده شوند در آن و بچشید عذاب آتش سوزنده را بدرستیکه خدا در آورد آنانکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ

و کردند کارهای شایسته در بهشتهائی که روانست از زیرش نهرها زیور کنند در آن از

أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ۲۴ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ

دستبرنجها از طلا و مروارید و پوشش آنها در آن پرنیانست و هدایت شدند بسوی پاکیزه

لمن ضره بفتح لام و میم لمن

قوله تعالی من کان یظن ان لن الخ در کنز الفوائد از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ماثور است که فرمود حدیث کرد مرا پدرم از حضرت ابو جعفر علیهما السلام که حضرت رسول خدا ص روزی فرمود بدرستیکه پروردگار من وعده فرموده مرا به نصرت خود و آنکه امداد کند مرا بملائکه خود و آنکه او جل ذکره ناصر منست بایشان و بعلی مرتضی علیه السلام بخصوص از میان اهل بیت من پس گران آمد این سخن بر قوم آنکه حق تعالی مخصوص

سجده

علی مرتضی آنحضرت رسول خود و بغیظ در آورد ایشانرا این قول پس نازل گردانید حق تعالی این آیه مبارکه را من کان یظن ان لن ینصره الله محمد بعلی فلیمدد بسبب من السماء ثم لیقطع فلینظر هل یذهبن کیده ما یغیظ حضرت فرمود بگذارد این شخص ریسمانی از در گردن خود بسوی آسمان و اعلای بیت خود تا وقتیکه خفه و مختنق شود و بمیرد پس نظر کند که آیا میبرد حیله او غیظ او را از کلام حضرت رسول خدا در حق حضرت علی مرتضی و نصرت خود

۱۲

مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ۲۵ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ

از گفتار و هدایت کرده شدند بسوی راهی ستوده بدرستی آنانکه کافر شدند و باز میدارند

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ

از راه خدا و مسجد الحرام که گردانیدیمش برای مردم یکسانست مقیم در آن

فِيهِ وَالْبَادِ ۲۶ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۲۷ وَإِذْ

در آن و وارد از خارج و هر که اراده کند در آن بسبب عدول از حق بغیر حق بچشانیم اورا از عذاب پر دردی و چون

بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ

معین کردیم برای ابراهیم مکان خانه را که شریک مدار بمن چیزیرا و پاک دار خانه مرا از برای طواف کاران

وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۲۸ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ

و ایستادگان و رکوع و سجود کنندگان و ندا درده در مردمان بحج تا آیند ترا مردان پیاده و

عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ۲۹ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا

بر هر شتر لاغر که آیند از هر راه دوری تا حاضر شوند منافعی برای ایشانرا و یاد کنند

اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا

نام خدارا در روزهای معلوم بر آنچه روزی کرد ایشانرا از زبان بسته شتر و گاو و گوسفند پس بخورید

مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ۳۰ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ

از آن و بخورانید سختی کش درویش را پس باید ازاله نمایند کثافتشانرا و باید وفا کنند نذرهاشانرا

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۳۱ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ

و باید طواف کنند خانه دیرینه را اینست و هر که تعظیم کند حرمتهای خدارا پس آن بهتر است مراورا

عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ

نزد پروردگارش و حلال شد برای شما چارپایان مگر آنچه خوانده میشود بر شما پس دوری کنید پلید را از

الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ۳۲ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ

بتان و دوری کنید از گفتار زور حق گرایان مر خدارا غیر شرک آوران باخدا و هر که شرک آورد

بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ

بخدا پس گویا در افتاد از آسمان پس بربایدش پرنده یا فرود آورد اورا باد در جایی

سَحِيقٍ ۳۳ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ۳۴ لَكُمْ

دوری اینست و هر که بزرگ بدارد علامات خدارا پس آن از پرهیزگاری دلهاست مر شمارا

فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۳۵ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا

در آن سودها تا مدتی نام برده شده پس محل آنها بسوی بیت عتیق است و برای امتی گردانیدیم

مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ

قربانیرا تا یاد کنند نام خدارا بر آنچه روزی داد ایشانرا از چارپایان شتر و گاو و گوسفند پس خدای شما خدائیست

وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ۳۶ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

یگانه پس مر او را منقاد شوید و مژده ده فروتنانرا آنانکه هر گاه یاد کرده شود خدا بترسد دلهاشان

أن لا تشرك — بسکون کاف

تفثهم — با ثاء دو نقطه و فا و ثاء سه نقطه

فتخطفه — بتاء مفتوحه و خاء ساکنه و طاء مخففه مفتوحه

محلها — بکسر حا

وَالصّابِرِينَ عَلى ما اَصابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلوةِ وَمِمّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ ۳۷

و شکیبایان بر آنچه رسید ایشان را و بر پای دارندگان نماز و از آنچه روزی دادیم ایشان را انفاق میکنند

وَالْبُدْنَ جَعَلْناها لَكُمْ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ لَكُمْ فِيها خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللّهِ عَلَيْها

و شتران تنومند گردانیدیم آنها را از علامات خدا مر شما راست در آن خیر پس یاد کنید نام خدا را بر آن

صَوافَّ فَاِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَكُلُوا مِنْها وَاَطْعِمُوا الْقانِعَ وَالْمُعْتَرَّ

صف زده ها پس چون فرود آید پهلوهاشان پس بخورید از آنها و بخورانید قانع و معتر را

كَذلِكَ سَخَّرْناها لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۳۸ لَنْ يَنالَ اللّهَ لُحُومُها وَلا

همچنین رام کردیم آنها را برای شما شاید شما شکر کنید هرگز نرسد خدا را گوشتهای آنها و نه

دِماؤُها وَلكِنْ يَنالُهُ التَّقْوى مِنْكُمْ كَذلِكَ سَخَّرَها لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللّهَ

خونهای آنها ولیکن میرسد مر او را پرهیزگاری از شما همچنین رام کردیم آنها را برای شما تا بزرگی کنید خدا را

عَلى ما هَديكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ۳۹ اِنَّ اللّهَ يُدافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا اِنَّ اللّهَ

بر آنچه هدایت کرد شما را و مژده ده نیکوکاران را بدرستیکه خدا دفع میکند از آنانکه گرویدند و بدرستیکه خدا

لا يُحِبُّ كُلَّ خَوّانٍ كَفُورٍ ۴۰ اُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِاَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَاِنَّ اللّهَ

دوست نمیدارد هر خیانتکار ناسپاس را دستوری داده شد مر آنانرا که کارزار کرده شدند با آنکه آنها ستمکرده شدند و بدرستیکه خدا

عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ۴۱ اَلَّذِينَ اُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلّا اَنْ يَقُولُوا

بر یاری کردنشان هرآینه تواناست آنانکه بیرون کرده شدند از دیارشان بناحق مگر آنکه میگفتند

رَبُّنَا اللّهُ وَلَوْلا دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَبِيَعٌ

پروردگار ما خداست و اگر نبودی دفع کردن خدا مردمانرا برخی ایشانرا ببرخی هرآینه ویران شدی صومعه‌ها و معبدها

وَصَلَواتٌ وَمَساجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ

و صلواتها و مسجدها که ذکر کرده میشود در آنها نام خدا بسیار و هرآینه یاری میکند خدا کسیرا که یاری میکند او را

اِنَّ اللّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۴۲ اَلَّذِينَ اِنْ مَكَّنّاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقامُوا الصَّلوةَ

بدرستیکه خدا هرآینه توانای غالب است آنانکه اگر تمکین دادیمشان در زمین برپا داشتند نماز را

وَآتَوُا الزَّكوةَ وَاَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلّهِ عاقِبَةُ الْاُمُورِ ۴۳

و دادند زکات را و امر کردند بمعروف و نهی کردند از منکر و مر خداراست انجام کارها

وَاِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعادٌ وَثَمُودُ وَقَوْمُ اِبْرهِيمَ وَ

و اگر تکذیب میکنند ترا پس بتحقیق تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و

قَوْمُ لُوطٍ وَاَصْحابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسى فَاَمْلَيْتُ لِلْكافِرِينَ ثُمَّ اَخَذْتُهُمْ

قوم لوط و اهل مدین و تکذیب کرده شد موسی پس مهلت دادم مر کافرانرا پس گرفتمشان

فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ ۴۴ فَكَاَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ اَهْلَكْناها وَهِيَ ظالِمَةٌ فَهِيَ

پس چگونه باشد انکار من پس چه بسیار از قریه که هلاک کردیم ما آنرا و آن بود ستمگار پس آن

خاوِيَةٌ عَلى عُرُوشِها وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ۴۵ اَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي

فرود آمده است بر سقفهایش و چاه مهمل و کوشک آراسته آیا پس سیر نکردند در

قوله تعالی ثم لیقضوا تفثهم ... خاصیت افساد حال ظالم و پریشانی اوست هفت برگ درخت از درختهای بیابان بگیرد هر روز یک برگ پیش از طلوع آفتاب و ابتدا از شنبه آخر ماه کند بسوی دشت ببر یک آیت را بنویسد پیش از آنکه خشک شود همه را در یک پس

دِماؤُها بضمّ همزه بدون واو

... را بزم بکوبد و در ... کند نام آن ظالم را بر سر زبان آورد پس آن را در خانه آن ظالم بپاشد عجایب مشاهده کند باذن الله تعالی ۱۲

وَآتَوْا بفتح واو و مدّ الف و فتح تا و ضمّ واو

الارض

الارض فتكون لهم قلوب يعقلون بها او اذان يسمعون بها فانها لا
زمین پس بوده باشد مر ایشانرا دلهایی که دریابند بآن یا گوشهایی که بشنوند بآنها پس بدرستیکه نباشد
تعمى الابصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور ۴۶ ويستعجلونك
کور دیدها ولیکن کور باشد آن دلهایی که در آن سینهاست و شتاب میخواهند از تو
بالعذاب ولن يخلف الله وعده وان يوما عند ربك كالف سنة مما
عذاب را و هرگز خلاف نکند خدا وعده اش را و بدرستیکه روزی نزد پروردگار تو هزار سال است از آنچه
تعدون ۴۷ وكاين من قرية امليت لها وهي ظالمة ثم اخذتها و
میشمارند و چه بسیار از قریه که مهلت دادم من آنرا و آن بود ستمگار پس گرفتم آنرا و
الي المصير ۴۸ قل يا ايها الناس انما انا لكم نذير مبين ۴۹ فالذين امنوا
بسوی منست بازگشت بگو که ای مردمان جز این نیست که منم مر شما را بیم دهنده آشکارا پس آنانکه گرویدند
وعملوا الصالحات لهم مغفرة ورزق كريم ۵۰ والذين سعوا في اياتنا
و کردند کارهای شایسته مر ایشانراست آمرزش و روزی خوب و آنانکه سعی کردند در ابطال آیات ما
معاجزين اولئك اصحاب الجحيم ۵۱ وما ارسلنا من قبلك من رسول و
عاجز کننده ها را این گروه اهل دوزخند و نفرستادیم پیش از تو هیچ رسولی و
لا نبي الا اذا تمنى القى الشيطان في امنيته فينسخ الله ما يلقي الشيطان
پیغمبری را مگر آنکه چون تلاوت کرد انداخت شیطان در تلاوتش پس زایل کند خدا آنچه را می اندازد شیطان
ثم يحكم الله اياته والله عليم حكيم ۵۲ ليجعل ما يلقي الشيطان فتنة
پس محکم میسازد خدا آیاتش را و خداست دانای درست کردار تا بگرداند آنچه می اندازد شیطان بلائی
للذين في قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم وان الظالمين لفي شقاق
برای آنانکه در دلهاشان مرض است و سخت است دلهاشان و بدرستیکه ستمگاران هر آینه در خلافی
بعيد ۵۳ وليعلم الذين اوتوا العلم انه الحق من ربك فيؤمنوا به فتخبت له
دور از حقند و تا بدانند آنانکه داده شدند علم را که آن حق است از پروردگارت پس بگروند بآن پس نرم شود برای آن
قلوبهم وان الله لهاد الذين امنوا الى صراط مستقيم ۵۴ ولا يزال الذين
دلهاشان و بدرستیکه خدا هر آینه راه نماست آنانکه گرویدند بسوی راه راست و همیشه باشند آنانکه
كفروا في مرية منه حتى تاتيهم الساعة بغتة او ياتيهم عذاب يوم عقيم ۵۵
کافر شدند در شکی از آن تا بیاید ایشانرا قیامت ناگاه یا آید ایشانرا عذاب روز بی نفع
الملك يومئذ لله يحكم بينهم فالذين امنوا وعملوا الصالحات في جنات
پادشاهی در این روز مر خدا راست حکم میکند میانشان پس آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته در بهشتهای
النعيم ۵۶ والذين كفروا وكذبوا باياتنا فاولئك لهم عذاب مهين ۵۷ و
پر نعمتند و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را پس آنها مر ایشانراست عذاب خوار کننده و
الذين هاجروا في سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا ليرزقنهم الله رزقا حسنا
آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند یا مردند هر آینه روزی دهد خدا روزی خوب

قوله تعالی فانها لا تعمی الابصار الی آخر الآیه یعنی کور نیست دیده های ظاهری ولیکن کور است دلهایی که در سینه است از عبرت گرفتن یعنی خلل در مشاعر ظاهری ایشان نیست و بدرستیکه اختلال ما فیداست عقول ایشانرا بسبب متابعت هوای نفس خود و فرو رفتن در تقلید در صافی از کتاب توحید و خصال از حضرت سید سجاد منقول است که از برای هر بنده چهار چشم است دو چشم که می بیند بآنها امر آخرت خود را و دو چشم که می بیند بآنها امر دنیای خود را پس هرگاه اراده میکند حق تعالی با بنده خیری را میگشاید دو چشم او را که در قلب اوست پس می بیند بآنها غیب را و امر آخرت خود را و هرگاه اراده میکند حق تعالی غیر خیر را میگذارد بنده را با آنچه در اوست و از کافی از حضرت صادق مأثور است که فرمود بدرستیکه شیعیان ما صاحب چهار چشم اند دو چشم در سرهای ایشانست و دو چشم در دلهای ایشانست آگاه باشید که خلایق تمامی چنین اند مگر آنکه حق تعالی گشوده است ابصار شما شیعیان را و کور کرده ابصار مخالفین را و در کتاب غیبه از حضرت باقر مأثور است که فرمود بتحقیق کوری کور قلب است بعد این آیه را تلاوت فرمودند ۱۲ والسلام

وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ ٥٨ لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهٗ وَاِنَّ اللّٰهَ

و بدرستیکه خدا هر آینه بهترین روزی دهندگان است هر آینه درآورد ایشانرا درآوردنی که پسندند آنرا و بدرستیکه خدا

لَعَلِيْمٌ حَلِيْمٌ ٥٩ ذٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوْقِبَ بِهٖ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ

هر آینه دانای بردبار است اینست و هر که عقوبت رساند بمانند آنچه عقوبت رسانیده شد بآن پس ستمکرده شد بر او یاری کند

اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُوْرٌ ٦٠ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ

خدا بدرستیکه خدا هر آینه درگذرنده آمرزنده است اینست بآنکه خدا درمیاورد شب را در روز و درمیاورد

النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ بَصِيْرٌ ٦١ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ

روز را در شب و بدرستیکه خدا شنونده بیناست اینست بآنکه خدا اوست برحق و آنکه

مَا يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ هُوَ الْبَاطِلُ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ ٦٢ اَلَمْ تَرَ اَنَّ

آنچه را میخوانند از غیر او آن باطلست و آنکه خدا اوست برتر بزرگ آیا ندیدی که

اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَتُصْبِحُ الْاَرْضُ مُخْضَرَّةً اِنَّ اللّٰهَ لَطِيْفٌ خَبِيْرٌ ٦٣ لَهٗ

خدا فرو فرستاد از آسمان آب را پس میگردد زمین سبز بدرستیکه خدا باریک کار آگاهست مر او راست

مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ٦٤ اَلَمْ تَرَ اَنَّ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بدرستیکه خدا هر آینه اوست بی‌نیاز ستوده آیا ندیدی که

اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْاَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِيْ فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ وَيُمْسِكُ السَّمَآءَ

خدا رام کرد برای شما آنچه در زمین است و کشتی که روانست در دریا بفرمان او و نگاه میدارد آسمانرا

اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهٖ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ٦٥ وَهُوَ الَّذِيْٓ

از اینکه بیفتد بر زمین مگر بدستوری او بدرستیکه خدا بمردمان هر آینه نوازنده مهربانست و اوست آنکه

اَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيْكُمْ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ ٦٦ لِكُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا

زنده کرد شمارا پس میمیراند شمارا پس زنده میکند شمارا بدرستیکه آدمی هر آینه ناسپاس است برای هر امتی گردانیدیم طریقه

هُمْ نَاسِكُوْهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْاَمْرِ وَادْعُ اِلٰى رَبِّكَ اِنَّكَ لَعَلٰى هُدًى

که ایشان روندهاند آنرا پس نباید نزاع کنند با تو در کار و بخوان بسوی پروردگارت بدرستیکه تو هر آینه بر راه

مُسْتَقِيْمٍ ٦٧ وَاِنْ جٰدَلُوْكَ فَقُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ٦٨ اَللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ

راستی و اگر مجادله کنند با تو پس بگو خدا داناتر است بآنچه میکنید خدا حکم میکند میان شما روز

الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ٦٩ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ

رستخیز در آنچه بودید در آن اختلاف میکنید آیا ندانستی که خدا میداند آنچه در آسمان و زمین است

اِنَّ ذٰلِكَ فِيْ كِتٰبٍ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ٧٠ وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ

بدرستیکه این باشد در کتاب بدرستیکه این بر خدا آسانست و میپرستند از غیر خدا

مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهٖ سُلْطٰنًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهٖ عِلْمٌ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ نَّصِيْرٍ ٧١ وَاِذَا

آنچه را نفرستاده بآن حجتی و آنچه نیست مر ایشانرا بآن دانشی و نیست مر ستمکارانرا هیچ یاری کننده و چون

تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ تَعْرِفُ فِيْ وُجُوْهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُوْنَ

خوانده میشود بر ایشان آیات ما که روشنست میشناسی در رویهای آنانکه کافر شدند انکار را نزدیک باشند

قوله تعالی
ویمسك السماء ان تقع
ابی احمد مصافی از اکمال الدین از حضرت رسول خدا ... روایت است که بعد از ذکر حضرات ائمه اثنی عشر علیهم السلام با اسماء مبارکه ایشان حضرت فرمود کسی که انکار کند ایشانرا یا انکار کند یکی از ایشانرا پس بتحقیق که انکار کرده است مرا ... بوجود ایشان نگاه میدارد خدا آسمان را از اینکه واقع شود بر زمین بجز باذن خدا ... حضرت رسول خدا حضرت امیرالمؤمنین و ذریه طاهرین آنحضرت که اثنا عشر علیهم السلام اند ... رافت و رحمت ... بسبب استقامت آسمان و سکون زمین ... پروردگار مشغول میشوند و ایمن باشند از هلاکت و از خسف و قذف و رجفه و زلزل

يسطون بالذين يتلون عليهم آياتنا قل أفأنبئكم بشر من ذلكم النار و
كه حمله كنند بآنها كه ميخوانند برايشان آيات ما را بگو آيا پس خبر دهم شما را بدتر از اين آتش

عدها الله الذين كفروا وبئس المصير ٧٢ يا أيها الناس ضرب مثل
وعده داده است آنرا خدا آنانكه كافر شدند و بد است آنجاى بازگشت اى مردمان زده شد مثلى

فاستمعوا له إن الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذبابا ولو
پس بشنويد مر آنرا بدرستيكه آنانكه ميخوانيد از غير خدا هرگز نتوانند آفريد مگسى را و اگر چه

اجتمعوا له وإن يسلبهم الذباب شيئا لا يستنقذوه منه ضعف الطالب
اجتماع كنند براى آن و اگر ربايد از ايشان مگس چيزيرا نتوانند استخلاص كرد آنرا از آن ناتوان آمد طالب

والمطلوب ٧٣ ما قدروا الله حق قدره إن الله لقوي عزيز ٧٤ الله
و مطلوب نشناختند خدا را حق معرفتش بدرستيكه خدا هر آينه توانای غالب است خدا

يصطفي من الملائكة رسلا ومن الناس إن الله سميع بصير ٧٥
بر ميگزيند از ملائكه رسولانرا و از مردمان بدرستيكه خدا شنونده بيناست

يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم وإلى الله ترجع الأمور ٧٦ يا أيها
ميداند آنچه را ميان دستهاى ايشان و آنچه عقب ايشانست و بسوى خدا باز ميگردد كارها اى

الذين آمنوا اركعوا واسجدوا واعبدوا ربكم وافعلوا الخير لعلكم
آنانكه گرويديد ركوع كنيد و سجود كنيد و بپرستيد پروردگارتانرا و بكنيد خوبيها را شايد شما

تفلحون ٧٧ وجاهدوا في الله حق جهاده هو اجتباكم وما جعل عليكم
رستگار شويد و جهاد كنيد در خدا حق جهادش او برگزيد شما را و نگردانيد بر شما

في الدين من حرج ملة أبيكم إبراهيم هو سماكم المسلمين ٧٨ من قبل وفي
در دين هيچ تنگى كيش پدرتان ابراهيم است و او ناميد شما را مسلمانان از پيش و در

هذا ليكون الرسول شهيدا عليكم وتكونوا شهداء على الناس فأقيموا
اين تا باشد رسول گواه بر شما و باشيد گواهان بر مردمان پس برپا داريد

الصلوة وآتوا الزكوة واعتصموا بالله هو مولاكم فنعم المولى ونعم النصير
نماز را و بدهيد زكات را و متوسل شويد بخدا اوست خداوندتان پس خوبست آنخداوند و خوب ياوريست

(٢٣) سورة المؤمنون مائة وثماني عشرة آية وهي مكية نزلت بعد الأنبياء

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

قد أفلح المؤمنون ٢ الذين هم في صلاتهم خاشعون ٣ والذين هم عن
بتحقيق رستگار شدند گروندگان آنانكه ايشانند در نمازشان فروتنى كنندگان و آنانكه ايشانند از

اللغو معرضون ٤ والذين هم للزكوة فاعلون ٥ والذين هم لفروجهم
لغو روگردانندگان و آنانكه ايشانند مر زكات را كنندگان و آنانكه ايشانند مر فرجهاشان را

از حضرت صادق عليه السلام مرويست كه هر كه سوره مؤمنون را بخواند حق تعالى خاتمه كار او را به سعادت گرداند

حافظون ٦ الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين ٧

نگهدارندگانند مگر بر جفتهاشان یا آنچه را مالک باشد دستهاشان پس بدرستیکه آنها غیر ملامت کرده شدگانند

فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون ٨ والذين هم لاماناتهم

پس هر که بجوید سوای این پس آنهایند که ایشانند تعدی کنندگان و آنانکه ایشانند مر امانتهاشان

وعهدهم راعون ٩ والذين هم على صلواتهم يحافظون ١٠ اولئك هم

و پیمانشانرا رعایت کنندگان و آنانکه ایشان بر نمازشان محافظت میکنند آنها ایشانند

الوارثون ١١ الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون ١٢ ولقد خلقنا

وارثان آنانکه بمیراث میبرند بهشت را ایشانند در آن جاویدان و هر آینه بتحقیق آفریدیم

الانسان من سلالة من طين ١٣ ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ١٤ ثم

انسانرا از صاف کشیدهٔ از گل پس گردانیدیم اورا نطفه در آرامگاهی استوار پس

خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما

آفریدیم نطفه را پارچهٔ خونی بسته پس کردیم پارچهٔ خون بسته را پارچهٔ گوشتی پس کردیم پارچهٔ گوشت را استخوانها

فكسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين ١٥

پس پوشانیدیم استخوانهارا گوشتی بعد شروع نمودیم اورا بآفرینش دیگری پس برتر آمد خدا که بهترین آفرینندگانست

ثم انكم بعد ذلك لميتون ١٦ ثم انكم يوم القيمة تبعثون ١٧ ولقد خلقنا

پس بدرستیکه شما میشوید بعد از این هر آینه مردگان پس بدرستیکه شما روز قیامت که برانگیخته میشوید و بتحقیق آفریدیم

فوقكم سبع طرائق وما كنا عن الخلق غافلين ١٨ وانزلنا من السماء

زبر سر شما هفت طبقات بالای هم و نباشیم ما از خلق بیخبران و فرو فرستادیم از آسمان

ماء بقدر فاسكناه في الارض وانا على ذهاب به لقادرون ١٩ فانشأنا

آب را باندازه پس ساکن گردانیدیم آنرا در زمین و بدرستیکه ما بر بردن آن توانائیم پس آفریدیم

لكم به جنات من نخيل واعناب لكم فيها فواكه كثيرة ومنها تأكلون ٢٠

برای شما از آن بوستانها از درختان خرما و انگور مر شما راست در آن میوه‌های بسیار و از آن میخورید

وشجرة تخرج من طور سيناء تنبت بالدهن وصبغ للآكلين ٢١ وان

و درختی که بیرون میآید از طور سینا میرویاند با روغن و نانخورش برای خورندگان و بدرستیکه

لكم في الانعام لعبرة نسقيكم مما في بطونها ولكم فيها منافع كثيرة

مر شمارا در چهارپایانست هر آینه عبرتی می آشامانیم شمارا از آنچه در شکمهای آنهاست و مر شمارا در آن سودهای بسیارست

ومنها تأكلون ٢٢ وعليها وعلى الفلك تحملون ٢٣ ولقد ارسلنا

و از آن میخورید و بر آن چهارپایان و بر کشتی بار کرده میشوید و بتحقیق فرستادیم

نوحا الى قومه فقال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون ٢٤

نوح را بسوی قومش پس گفت ای قوم بپرستید خدا را که نیست مر شمارا هیچ خدائی غیر او آیا پس نمی‌پرهیزید

فقال الملأ الذين كفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلكم يريد

پس گفتند آن جمعی که کافر شدند از قومش نیست این مگر بشری مانند شما میخواهد

و در آیة اولی شان قد افلح المؤمنون الی کافرون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر کس این ده آیه را بجای آورد آن عمل میکند بهشت رود و در بعضی روایت آمده است که اول این سوره و آخر این سوره از صلواتهم

صلواتهم بفتح صاد و لام و واو بعد از الف و تاء جمع صلوة است

فردوس بهشت است هر که عمل کند باین آیه از اول آن و سیند گیرد به چهار آیه از آخر آن المستقیمة نجات یابد و رستگار شود ١٢

فتبارک الله احسن الخالقین ١٢

ولقد خلقنا الانسان الی فتبارک الله احسن الخالقین این آیه را معاذ بن جبل نوشت

سیناء بفتح سین

ان يتفضل عليكم ولو شاء الله لانزل ملئكة ما سمعنا بهذا في اباۤئنا

که افزونی جوید برشما و اگر بخواهد خدا هر آینه فرو فرستادی ملائکه را نشنیدیم ما این در پدران

الاولين ٢٥ ان هو الا رجل به جنة فتربصوا به حتى حين ٢٦ قال رب

پیشینیان ما نیست او مگر مردی که باو رسید جنونی پس انتظار برید او را تا هنگامی گفت پروردگار من

انصرني بما كذبون ٢٧ فاوحينا اليه ان اصنع الفلك باعيننا ووحينا

یاری ده مرا بانچه تکذیب کردند مرا پس وحی کردیم بسوی او که بساز کشتی را بنگاه داشت ما و وحی کردن ما

فاذا جاء امرنا وفار التنور ٢٨ فاسلك فيها من كل زوجين اثنين واهلك

پس چون آمد فرمان ما و برجوشید تنور پس ببر در کشتی از هر جانوری نر و ماده و بر عیال خود

الا من سبق عليه القول منهم ولا تخاطبني في الذين ظلموا انهم مغرقون ٢٩

مگر آنکه پیشی گرفته براو گفتار ما بهلاک از ایشان درخواست مکن مرا در آنانکه ستم کردند بدرستیکه ایشان غرق خواهند شد

فاذا استويت انت ومن معك على الفلك فقل الحمد لله الذي نجنا من

پس چون برآمدی تو و آنانکه با تواند بر کشتی پس بگو ستایش مر خدا راست که رهانید ما را از

القوم الظالمين ٣٠ وقل رب انزلني منزلا مبركا وانت خير المنزلين ٣١

گروه ستمگاران و بگو پروردگار من فرود آور مرا فرود آوردن برکت داده شده و تو بهترین فرود آورندگانی

ان في ذلك لايت وان كنا لمبتلين ٣٢ ثم انشانا من بعدهم قرنا اخرين ٣٣

بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست و بدرستیکه بودیم ما آزمایندگان پس آفریدیم پس از ایشان گروهی دیگر را

فارسلنا فيهم رسولا منهم ان اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون ٣٤

پس فرو فرستادیم در ایشان رسولی از ایشان که بپرستید خدا را که نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او آیا پس نمی‌پرهیزید

وقال الملا من قومه الذين كفروا وكذبوا بلقاء الاخرة واترفنهم

و گفتند جمعی از قومش آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند ملاقات آخرت را و نعمت پرورده کردیم ایشان را

في الحيوة الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم ياكل مما تاكلون ٣٥ منه و

در زندگانی دنیا نیست این مگر انسانی مانند شما میخورد از آنچه میخورید از آن و

يشرب مما تشربون ٣٦ ولئن اطعتم بشرا مثلكم انكم اذا لخسرون ٣٧

می آشامید از آنچه می آشامید و هر آینه اگر فرمان برید انسانی مانند خود را بدرستیکه شما آنگاه زیانکاران

ايعدكم انكم اذا متم وكنتم ترابا وعظاما انكم مخرجون ٣٨ هيهات هيهات

آیا وعده میدهد شما را که شما چون مردید و شدید خاک و استخوانها که شمائید بیرون آورده شدگان دور است دور

لما توعدون ٣٩ ان هي الا حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما نحن بمبعوثين ٤٠

مر آنچه وعده داده میشوید نیست این مگر زندگانی دنیا میمیریم و زنده میشویم و نباشیم ما برانگیخته شدگان

ان هو الا رجل افترى على الله كذبا وما نحن له بمؤمنين ٤١ قال رب

نیست او مگر مردی که میبندد بر خدا دروغی را و نباشیم مر او را گروندگان گفت ای پروردگار من

انصرني بما كذبون ٤٢ قال عما قليل ليصبحن ندمين ٤٣ فاخذتهم

یاری کن مرا بسبب آنکه تکذیب کردند گفت از آنچه اندکی است هر آینه میگردند پشیمانان پس گرفت ایشان را

كذبون بكسر نون

قوله تعالى
واذا استويت الى الفلك
این آیت را اگر صبح
و شام در خانه خود خوانند
از دشمن ایمن شود و آن
منزل برا و مبارک شود
[illegible]

١٢

كذبون بكسر نون

الصيحة بالحق فجعلناهم غثاء فبعدا للقوم الظالمين ٤١ ثم انشانا من

فریادی مهلک بحق پس گردانیدیم ایشان را خاشاک سیل پس دوری از رحمت است مرگروه ستمگاران را پس آفریدیم ما از

بعدهم قرونا آخرين ٤٢ ما تسبق من امة اجلها وما يستاخرون ٤٣

بعد ایشان جماعتهای دیگری را پیشی نگیرد هیچ امتی اجلش را و واپس نمانند

ثم ارسلنا رسلنا تترا كلما جاء امة رسولها كذبوه فاتبعنا بعضهم

پس فرو فرستادیم رسولان خود را یکی بعد از دیگری هرگاه آمد امتی را رسولشان تکذیبش کردند پس از پی درآوردیم برخیشان

بعضا وجعلناهم احاديث فبعدا لقوم لا يؤمنون ٤٤ ثم ارسلنا

ببرخی وگردانیدیم ایشان را حکایت پس دوری از رحمت باد گروهی را که نمیگروند پس فرستادیم

موسى واخاه هرون باياتنا وسلطان مبين ٤٥ الى فرعون وملائه

موسی و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار بسوی فرعون و جماعتش

فاستكبروا وكانوا قوما عالين ٤٦ فقالوا انؤمن لبشرين مثلنا وقومهما

پس سرکشیدند و بودند گروهی برتری جویندگان پس گفتند آیا بگرویم دو انسان مانند خود را و قومشان

لنا عابدون ٤٧ فكذبوهما فكانوا من المهلكين ٤٨ ولقد اتينا موسى

مر ما را پرستاران پس تکذیب کردند آندو را پس بودند از هلاک شدگان و بدرستیکه دادیم ما موسی را

الكتاب لعلهم يهتدون ٤٩ وجعلنا ابن مريم وامه اية واويناهما الى

کتاب باشد که ایشان راه یابند وگردانیدیم پسر مریم و مادرش را آیتی و جا دادیم آندو را بمکانی

ربوة ذات قرار ومعين ٥٠ يا ايها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا

مرتفع صاحب قرار و آب جاری ای رسولان بخورید از پاکیزه ها و بکنید کار شایسته

اني بما تعملون عليم ٥١ وان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاتقون ٥٢

که بدرستیکه من بآنچه میکنید دانا و بدرستیکه اینست ملت شما که ملت واحدست و منم پروردگار شما پس بپرهیزید مرا

فتقطعوا امرهم بينهم زبرا كل حزب بما لديهم فرحون ٥٣ فذرهم في

پس جدا جدا کردند امرشان را میانشان پاره پاره هر طایفه بآنچه باشد نزد آنها شادمانند پس واگذار ایشان را در

غمرتهم حتى حين ٥٤ ايحسبون انما نمدهم به من مال وبنين ٥٥ نسارع

غفلتشان تا وقتی آیا می پندارند که آنچه مدد میدهیم ایشان را بآن از مال و پسران میشتابیم

لهم في الخيرات بل لا يشعرون ٥٦ ان الذين هم من خشية ربهم مشفقون ٥٧

برای ایشان در خوبیها بلکه نمیدانند بدرستی آنانکه ایشان از ترس پروردگارشان خائفانند

والذين هم بايات ربهم يؤمنون ٥٨ والذين هم بربهم لا يشركون ٥٩

و آنانکه ایشان بآیتهای پروردگارشان میگروند و آنانکه ایشان بپروردگارشان شرک نمی آورند

والذين يؤتون ما اتوا وقلوبهم وجلة انهم الى ربهم راجعون ٦٠

و آنانکه میدهند آنچه را دادند دلهاشان ترسناکست که ایشان بپروردگارشان بازگردندگانند

اولئك يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون ٦١ ولا نكلف نفسا

آنها شتاب کنند در خوبیها و ایشانند مر آنها را پیشی گیرندگان و تکلیف نمیکنیم نفسی را

قوله تعالی ان الذین هم من خشیة ربهم مشفقون الی هم لها سابقون یعنی بدرستیکه آنکسانیکه از خوف عذاب پروردگار حذر ناکند و آنکسانیکه بآیات کتابهای خداوندی ایمان آوردند و آنکسانیکه بپروردگار خود شرک نمی آورند و آنکسانیکه عطا میکنند صدقات آنچه عطا کرده شده اند و حال آنکه دلهای ایشان خایف است که از ایشان قبول نشود اعمال که عمل طاعات کرده اند پس مؤاخذه کرده شوند بسبب آنکه ایشان بسوی خداوند خود راجع اند و میدانند مخفی نیست بر ایشان و در کافی از حضرت صادق ع مأثور است که سؤال کرده شد از این آیه فرمود مراد از اشفاق در جای ایشانست اشفاق و خوف از آنستکه برگرداند بر ایشان اعمال ایشان اگر طاعت حق تعالی نکنند و رجا آن دارند که قبول شود از ایشان و ایشان مسارعت مینمایند در خیرات یعنی رغبت شدید دارند در طاعات و بسیار سعی مینمایند با نهایت ایشان از برای طاعات سبقت گیرند و در صافی از فقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که مستحب است بگرید او آنکه در این اعمال و در کنز الفواید از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام مأثور است که این آیات نازل است در شان حضرت امیرالمؤمنین و ذریه طاهرین علیهم السلام ١٢

اِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۶۵ بَلْ قُلُوبُهُمْ

مگر باندازهٔ طاقتش ونزد ماست کتابی که سخن میگوید براستی و ایشان ستمکرده نمیشوند بلکه دلهاشان

فِي غَمْرَةٍ مِنْ هٰذَا وَلَهُمْ اَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ۶۶ حَتّٰى

در غفلت است از این و مر ایشانرا است کردارها از جز آن که ایشان مر آنرا کنندگانند تا

اِذَا اَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ اِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ۶۷ لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ اِنَّكُمْ

چون بگیریم بنعمت خو کرده شدگانشانرا بعذاب آنگاه ایشان فریاد کنند فریاد نزنید امروز بدرستیکه شما

مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ ۶۸ قَدْ كَانَتْ اٰيَاتِي تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ

از ما یاری کرده نخواهید شد بتحقیق بود آیتهای من که خوانده میشد بر شما پس بودید بر پشتهاتان که واپس میگشتید

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ۷۰ اَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ اَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ

تکبر کنان با آن افسانه گویان بشب که هذیان میگفتید آیا پس تامل نمیکردند در آن گفتار یا آمد ایشانرا آنچه نه

يَأْتِ اٰبَاءَهُمُ الْاَوَّلِينَ ۷۱ اَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ۷۲

آمده بود پدرانشانرا که پیشینیانند یا نمیشناختند رسولشانرا پس ایشان مر او را بودند انکار کنندگان

اَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَاَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ۷۳ وَلَوِ اتَّبَعَ

یا میگفتند با او دیوانگیست بلکه آمد ایشانرا بحق و بیشترشان بودند حق اکراه دارندگان واگر پیروی میبود

الْحَقُّ اَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ اَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ

حق هواهای ایشانرا هرآینه تباه شده بود آسمانها و زمین و هرکه در آنهاست بلکه دادیم ایشانرا ذکرشانرا

فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ۷۴ اَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ

پس ایشان از ذکرشان روی گردانندگانند یا میخواهی از ایشان مزدی پس مزد پروردگار تو بهتر است و او بهترین

الرَّازِقِينَ ۷۵ وَاِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۷۶ وَاِنَّ الَّذِينَ لَا

روزی دهندگانست و بدرستیکه تو هرآینه میخوانی ایشانرا بسوی راه راست و بدرستیکه آنانکه نه

يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ۷۷ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ

میگروند باخرت از راه راست هرآینه بیرون روندگانند واگر ببخشائیم ایشانرا و برداریم آنچه با ایشانرا است

مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۷۸ وَلَقَدْ اَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا

از ضرر هرآینه لجاج کنند در زیاده رویشان حیرانند و بتحقیق گرفتیم ایشانرا بعذاب پس ذلیل نشدند

لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ۷۹ حَتّٰى اِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ اِذَا

مر پروردگارشانرا و فروتنی و زاری نکردند تا هنگامیکه گشادیم برایشان دری صاحب عذاب شدید آنگاه

هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۸۰ وَهُوَ الَّذِي اَنْشَاَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ

ایشان در آن ناامیدان بودند و اوست آنکه آفرید مر شمارا گوش و چشم و دلها

قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۸۱ وَهُوَ الَّذِي ذَرَاَكُمْ فِي الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۸۲

اندک است آنچه شکر میکنید و اوست آنکه آفرید شمارا در زمین و بسوی او حشر کرده میشوید

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ۸۳

و اوست آنکه زنده میکند و میمیراند و مراو راست اختلاف شب و روز آیا پس در نمییابید بعقل

قوله تعالی وانک لتدعوهم الی صراط مستقیم الی لناکبون یعنی بدرستیکه تو هرآینه دعوت میکنی و میخوانی امت را بسوی صراط مستقیم ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است زیرا که حق گوید صراط مستقیم ولایت آنحضرتست و بدرستیکه آنکسانیکه ایمان نیاوردند باخرت از صراط که امام علیه السلام است عدول کرده اند زیرا که خوف از آخرت فرع تشیعی است

جِنَّةٌ بکسر جیم

اٰتَيْنَاهُم بفتح همزه و مد

و باعثی بر طلب کردن حق و سلوک بر طریق او می گوید مراد از این آنحضرت امام علیه السلام است و در صافی از کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که گفت حضرت امیرالمؤمنین که بدرستیکه خدای تبارک و تعالی اگر میخواست هرآینه می شناسانید بندگان نفس خود ولیکن گردانید ما را ابواب و صراط و سبیل خود و وجهی که آمده میشود از آن بسوی حقیقت پس کسیکه عدول نماید از ولایت اهل البیت یا تفضیل دهد غیر ما را بر ما او از صراط اجتناب و تجاوز کرده است والسلام ۱۲

بل قالوا

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ٨٤ قَالُوا ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا
بلکه گفتند مانند آنچه گفتند پیشینیان که گفتند آیا چون مردیم ما و شدیم ما خاک و استخوانها

ءَاِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ٨٥ لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هٰذَا مِنْ قَبْلُ اِنْ هٰذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ
آیا مائیم هر آینه برانگیخته شدگان هر آینه بتحقیق که وعده کرده شدیم ما و پدرانمان اینرا از پیش نیست این مگر افسانه

الْاَوَّلِينَ ٨٦ قُلْ لِمَنِ الْاَرْضُ وَمَنْ فِيهَا اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٨٧ سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ
پیشینیان بگو مر کراست زمین و هر که در آنست اگر هستید که میدانید بزودی میگویند مر خدا راست

قُلْ اَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٨٨ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ٨٩
بگو آیا پس پند نمیگیرید بگو کیست پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ

سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ قُلْ اَفَلَا تَتَّقُونَ ٩٠ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ
بزودی گویند مر خدا راست بگو آیا پس نمی‌پرهیزید بگو کیست که بدست اوست پادشاهی هر چیزی و او زنهار میدهد

وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٩١ سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ قُلْ فَاَنّٰى تُسْحَرُونَ ٩٢
و زنهار داده نمیشود بر او اگر هستید که بدانید بزودی گویند مر خدا راست بگو پس از کجا فریب داده میشوید

بَلْ اَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَاِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ٩٣ مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ
بلکه دادیم ایشانرا قرآنی راست و بدرستیکه آنها هر آینه دروغگویانند فرا نگرفته خدا هیچ فرزندی و نباشد

مَعَهُ مِنْ اِلٰهٍ اِذًا لَذَهَبَ كُلُّ اِلٰهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ سُبْحَانَ
با او هیچ خدائی آنوقت هر آینه بردی هر خدائی آنچه آفریده و هر آینه برتری جستند برخی‌شان بر برخی منزه است

اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُونَ ٩٤ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ ٩٥
خدا از آنچه میستایند داننده پنهان و آشکار پس برتر است از آنچه شرک میآورند

قُلْ رَبِّ اِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ٩٦ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٩٧
بگو پروردگار من اگر بنمائی بمن آنچه وعده کرده میشود پروردگار من پس مگردان مرا در گروه ستمکاران

وَاِنَّا عَلٰى اَنْ نُرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ٩٨ اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ
و بدرستیکه ما بر آنکه بنمائیم ترا آنچه وعده میدهیم آنها را هر آینه توانائیم دفع کن بآنچه آن نیکوتر است

السَّيِّئَةَ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ٩٩ وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ١٠٠
بدیرا ما بیم داناتر بآنچه میستایند و بگو پروردگار من پناه میبرم بتو از وسوسه‌های دیوان سرکش

وَاَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ ١٠١ حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ
و پناه میبرم بتو ای پروردگار من از آنکه حاضر شوند نزد من تا هنگامیکه آید یکی از ایشانرا مرگ گفت پروردگار من

ارْجِعُونِ ١٠٢ لَعَلِّي اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ
بازگردان مرا بدنیا شاید بکنم کار شایسته در آنچه ضایع کردم حاشا بدرستیکه آن سخنیست که او گوینده است

مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ١٠٣ فَاِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ
و از پس مرگشان مدتیست تا روز یکه برانگیخته میشوند پس چون دمیده شود در صور پس فایده ندارد نسبها میانشان

يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ١٠٤ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ١٠٥
آنروز و نه پرسش نمایند پس هر که گران باشد ترازوهای طاعت او پس آنگروه ایشانند رستگاران

قوله تعالی

ومن ورائهم برزخ الی یوم یبعثون یعنی از عقب خلایق برزخیست تا روز بعث حشر ایشان بر صافی از قمی ره روایت کرده که برزخ امریست میانه دوام و این ثواب و عقاب میان دنیا و آخرت و امنیت و از حضرت صادق علیه السلام که والله نمیترسم بر شما مگر برزخ را اما و قتیکه برسد امر بسوی ما او شمائیم و از کافی از حضرت صادق مرویست که بعضی عرض کرد که من شنیدم از تو که گفتی تمام شیعیان ما در جنت است

آتیناهم بفتح همزه

فرمود لصدق بر شما سوگند والله تمام شیعیان ما در جنت اند عرض کرد ذنوب بسیار بخصوص کبایر معاصی آنحضرت فرمود اما در قیامت پس تمام شما در جنان خواهید بود بشفاعت حضرت نبی مطاع یا حضرت وصی نبی علیهما السلام ولیکن من خوف دارم بر شما در برزخ عرض شد برزخ کدام است فرمود قبر ایشان از وقت موت تا روز قیامت و در خصال از حضرت سید سجاد مأثور است

ان یحضرون
بفتح یا و ضم ضاد و کسر نون

ارجعون
بکسر نون

که تلاوت فرمودن این آیه را فرمودن برزخ قبر است و بدرستیکه از برای ایشان در آن معیشت تنگی است قسم بخدا بدرستیکه قبر یک روضه از جنان یا یک حفره از حفرهای نیران است

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ١٠٤

و هر که سبک آید ترازوهای طاعت او پس آنها آنانند که زیان کردند نفسهای شان را در جهنم جاویدانند

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ١٠٧ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ

بسوزد رویهای ایشان را آتش و آنها در آن ترش رویان گفته شود آیا نبود که آیات من خوانده میشد بر شما پس بودید

بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٨ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ١٠٩

که آن را تکذیب میکردید گفتند پروردگارا غالب شد بر ما بدبختی ما و بودیم ما گروه گمراهان

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ١١٠ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ١١١

پروردگارا بیرون آر ما را از آن پس اگر باز گردیم به کفر پس بدرستیکه ما ستمکارانیم گوید خدا ساکت باشید در آن و سخن مگوئید با من

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ

بدرستیکه بودند گروهی از بندگان من که میگفتند ای پروردگار ما گرویدیم پس بیامرز مر ما را و رحمت کن ما را و تو

خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ١١٢ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ

بهترین رحم کنندگانی پس گرفتید ایشان را باستهزا تا فراموش کرد شما را یاد کردن من و بودید که از گفتار آنها

تَضْحَكُونَ ١١٣ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ١١٤ قَالَ كَمْ

میخندیدید بدرستیکه من جزا دهم ایشان را امروز بآنچه صبر نمودند که ایشانند رستگاران گوید خدا چند

لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ١١٥ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ

درنگ کردید در زمین بشمار سالها گویند درنگ کردیم روزی یا برخی از روز پس بپرس از شمارندگان

قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ١١٧ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا

گوید خدا درنگ نکردید مگر اندکی اگر هستید شما که بدانید آیا پس پنداشتید که آفریدیم شما را بعبث

وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

و آنکه شما بسوی ما بازگردانیده نمیشوید پس برتر آمد خدا پادشاه حق نیست خدائی مگر او پروردگار عرش

الْكَرِيمِ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ

بزرگ و آنکه میخواند با خدا الهی دیگر نیست حجتی مر او را با آن پس جز این نیست حسابش نزد پروردگار او

إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ١١٨ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

بدرستیکه رستگار نشوند کافران بگو پروردگار من بیامرز و رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی

سُورَةُ النُّورِ أَرْبَعٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ (٢٤)

نزلت بعد الحشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ٢

سوره ایست که فرو فرستادیم ما آنرا و فرض کردیم آنرا و فرو فرستادیم در آن آیتهای روشن باشد که شما پند گیرید

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ

زن زناکار و مرد زناکار پس بزنید هر یک از آن دو را صد تازیانه و نباید که فرا گیرد شما را

قوله تعالی شانه العزیز أفحسبتم الی آخر سوره ابن عباس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که چون فرزند آدم این آیت را در هر دو گوش او بخوانند تا خدا تعالی او را از صرع نگاه دارد و تجربه کرده اند

تکلمونِ بکسر نون که چون کسی دیوانه باشد چون این آیات را گوشش او خوانند بهوشش باز آید ۱۲

سِخریّا بکسر سین

أنسوکم بفتح همزه و سکون نون و فتح سین

العادّین بتشدید دال

هو الله تعالی سبحانه

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که چون کسی را بهتان کرده باشند هفت بار این سوره را بخواند خلاص شود و اگر این سوره را ...

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که فرمودند مالها و عورات خود را محافظت و حراست نمائید بخواندن سوره نور بدرستیکه هر که این سوره را در هر شب بخواند هرگز از اهل خانه او زنا بخدا نشود و چون فوت شود هفتاد هزار فرشته تشییع جنازه او کنند و برای او طلب آمرزش کنند

نویسد و با آب زمزم بشوید و بخورد شهوت از او منقطع شود و اگر جماع کند از آن لذت نیابد و ... از آنحضرت منقول است ۱۲

بهما رأفة في دين الله ان كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر وليشهد

باآن دو رافتی در دین خدا اگر هستید که ایمان دارید بخدا و روز دیگر و باید که حاضر شوند

عذابهما طائفة من المؤمنين ٣ الزاني لا ينكح الا زانية او مشركة و

عذاب آندو را گروهی از گروندگان مرد زناکار نکاح نمیکند بجز زن زناکار را یا مشرکه را و

الزانية لا ينكحها الا زان او مشرك وحرم ذلك على المؤمنين ٤ والذين

وزن زناکار را نکاح نمیکند او را بجز مرد زناکار یا مشرک وحرام کرده شد این بر گروندگان وآنانکه

يرمون المحصنات ثم لم يأتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلدة و

نسبت زنا دهند بزنان باعفت پس نیاوردند چهار گواه پس بزنید آنها را هشتاد تازیانه و

لا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئك هم الفاسقون ٥ الا الذين تابوا من

قبول نکنید از ایشان گواهی را هرگز وآنها ایشانند بیرون شدگان از فرمان بجز آنانکه توبه کردند از

بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم ٦ والذين يرمون ازواجهم

پس ازآن وشایان آورند کار را پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست وآنانکه نسبت زنا میدهند بزنان خود

ولم يكن لهم شهداء الا انفسهم فشهادة احدهم اربع شهادات بالله

ونباشد مر ایشانرا گواهان مگر خود شان پس گواهی یکی از ایشان چهار گواهیست بخدا

انه لمن الصادقين ٧ والخامسة ان لعنت الله عليه ان كان من الكاذبين ٨

که او هر آینه از راستگویانست وپنجم آنکه لعنت خداست براو اگر باشد از دروغگویان

ويدرؤا عنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الكاذبين ٩

ودفع میکند ازآن زن عقوبت را که گواهی دهد چهار گواهی بخدا بدرستیکه آنمرد هر آینه از دروغگویانست

والخامسة ان غضب الله عليها ان كان من الصادقين ١٠ ولولا فضل

وپنجم آنکه خشم خدا بر آن زن اگر باشد از راستگویان واگر نبودی کرم

الله عليكم ورحمته وان الله تواب حكيم ١١ ان الذين جاؤا بالافك

خدا برشما ورحمتش وآنکه خدا توبه پذیر درست کردار است بدرستیکه آنانکه آوردند بهتان را

عصبة منكم لا تحسبوه شرا لكم بل هو خير لكم لكل امرئ منهم ما اكتسب

جماعتی هستند از شما مپندارید آنرا بد برای خود بلکه آن نیکیست برای شما برای هر مردی از ایشانست آنچه کسب کرد

من الاثم والذي تولى كبره منهم له عذاب عظيم ١٢ لولا اذ سمعتموه

از گناه وآنکه متولی شده کبیره از ایشان مراو راست عذابی بزرگ چرا نبود چون شنیدند آنرا

ظن المؤمنون والمؤمنات بانفسهم خيرا وقالوا هذا افك مبين ١٣ لولا

گمان مردان مؤمن وزنان مؤمنه بخودشان خوب وگفتند این بهتانیست آشکار چرا

جاؤا عليه باربعة شهداء فاذ لم يأتوا بالشهداء فاولئك عند الله

نیاوردند بر اثبات آن چهار گواهان پس وقتیکه نیاوردند گواهانرا پس آنها اند که نزد خدا

هم الكاذبون ١٤ ولولا فضل الله عليكم ورحمته في الدنيا والآخرة

ایشانند دروغگویان واگر نباشد کرم خدا برشما ورحمت او در دنیا وآخرت

ویدرؤ بضم همزه بدون اشباع

جاؤا بضم همزه وسکون واو یعنی باواو خوانده شود

جاؤا بضم همزه وسکون واو یعنی باواو خوانده شود

لمسكم

لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۵ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ

هر آینه رسیدی شمارا در آنچه گفتگو گردید در آن عذابی بزرگ هنگامیکه فرا میگرفتید آنرا بزبانهای خود و میگفتید

بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ۱۶ وَ

بدهنهان آنچه نیست مر شما را بآن دانشی و میپنداشتید آنرا سهل و آن نزد خدا بزرگ است

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبْحَانَكَ هَٰذَا بُهْتَانٌ

اگر نه وقتیکه شنیدید آنرا گفتید نسزد مارا که گفتگو کنیم باین منزهی تو این بهتانی

عَظِيمٌ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۷ وَيُبَيِّنُ

بزرگ پند میدهد خدا شمارا که عود نکنید بمانند آن هرگز اگر هستید گروندگان و بیان میکند

اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۱۸ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ

خدا برای شما آیات را و خداست دانای راستکردار بدرستیکه آنانکه دوست میدارند که فاش شود کار زشت

فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۹ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ

در آنانکه گرویدند مر ایشانراست عذابی دردناک در دنیا و آخرت و خدا میداند و شما

لَا تَعْلَمُونَ ۲۰ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۲۱

نمیدانید و اگر نبودی کرم خدا بر شما و رحمت او و بدرستیکه خدا مهربان و رحیمست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ

ای آنکسانیکه گرویدید پیروی مکنید گامهای شیطانرا و هر که پیروی کرد گامهای

الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۚ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ

شیطانرا پس بدرستیکه امر میکند بکار زشت و ناشایسته و اگر نبود کرم خدا بر شما و رحمتش

مَا زَكَىٰ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۲۲

پاک نمیشد از شما هیچ احدی هرگز ولیکن خدا پاک میکند هر کرا بخواهد و خدا شنونده داناست

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ

و باید سوگند یاد نکنند خداوندان افزونی از شما و توانائی که ندهند صاحبان قرابت و بیچارگان

وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ

و هجرت گزیدگان در راه خدا و باید در گذرند و عفو کنند آیا دوست ندارید که بیامرزد خدا

لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۲۳ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ

مر شما را و خدا آمرزنده مهربانست بدرستیکه آنکسانیکه نسبت زنا میدهند بزنان عفیفه بیخبر از زنای با ایمان

لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۲۴ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ

لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت و مر ایشانراست عذاب بزرگ روزیکه گواهی دهد بر ایشان

أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲۵ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ

زبانهاشان و دستهاشان و پاهاشان آنچه بودند که میکردند روز چنین تمام دهد ایشانرا خدا

دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ۲۶ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ

جزاشان که حق است و بدانند که خدا اوست که حق است آشکار زنان پلید خاص مردان پلیدند

نصف الحزب

اولی بفتح همزه بلکن واو

یأتل بفتح تا و کسر لام

ولیعفوا ولیصفحوا بسکون لام در هر دو موضع

والخبیثون

والخبیثون للخبیثات والطیبات للطیبین والطیبون للطیبات اولئک

و مردان پلید خاص زنان پلیدند و زنان پاکیزه خاص پاکانند و مردان پاکیزه خاص زنان پاکیزه اند اینها

مبرؤن مما یقولون لهم مغفرة ورزق کریم ۲۷ یا ایها الذین امنوا لا

منزه اند از آنچه میگویند مر ایشانرا است آمرزش و روزی خوب ای کسانیکه گرویدید داخل

تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا وتسلموا علی اهلها ذلکم خیر

داخل نشوید بخانها بجز خانهای خودتان تا آنکه دستوری طلبید و سلام کنید براهلش این بهتر است

لکم لعلکم تذکرون ۲۸ فان لم تجدوا فیها احدا فلا تدخلوها حتی

برای شما شاید شما پند گیرید پس اگر نیابید در آن احدیرا پس داخل نشوید آنرا تا

یؤذن لکم وان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو ازکی لکم والله بما تعملون

آنکه دستوری داده شود شما را و اگر گفته شود مر شما را که باز گردید پس باز گردید آن پاکیزه تر است برای شما و خدا بآنچه میکنید

علیم ۲۹ لیس علیکم جناح ان تدخلوا بیوتا غیر مسکونة فیها متاع لکم

داناست نیست بر شما گناهی که داخل شوید در خانهائیکه غیر مسکون که در آنها متاعی است مر شمارا

والله یعلم ما تبدون وما تکتمون ۳۰ قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم

و خدا میداند آنچه را آشکار میکنید و آنچه پنهان میدارید بگو مر گروندگانرا فرو گیرند دیده هاشانرا

ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون ۳۱ وقل

و نگاه دارند عورتهاشانرا این پاکیزه تراست برای ایشان بدرستیکه خدا آگاهست بآنچه میکنند و بگو

للمؤمنات یغضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن ولا یبدین زینتهن

مر زنان مؤمنه را که فرو گیرند دیده های خودرا و نگاه داری کنند عورتهاشانرا و ظاهر نسازند زینت خودرا

الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن ولا یبدین زینتهن الا

بجز آنچه آشکار آمد از آن و باید که فرو گذارند مقنعه های خود را بر گریبانهاشان و ظاهر نسازند زینتهای خود را مگر

لبعولتهن او اباءهن او اباء بعولتهن او ابناءهن او ابناء بعولتهن

برای شوهرهاشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان

او اخوانهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او نساءهن او ما ملکت

یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنانشان یا آنچه مالک شد

ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربة من الرجال او الطفل الذین

یمینهاشان یا پیروان غیر صاحب حاجت از مردان یا کودکانیکه آنان

اولی بضم همزه بلا واو

لم یظهروا علی عورات النساء ولا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین

نیافته اند اطلاعی بر عورتهای زنان و نباید بزنند بپاهاشان تا دانسته شود آنچه پنهان میدارند

من زینتهن وتوبوا الی الله جمیعا ایه المؤمنون لعلکم تفلحون ۳۲ وانکحوا

از پیرایه خودشان و بازگشت کنید بسوی خدا همه ای گروندگان شاید شما رستگار شوید و تزویج نمائید

الایامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء

بی جفتانی که از شما اینند و نیکوکاران از بندگان شما و کنیزانتانرا اگر باشند درویشان

يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۳۳ وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ

بی نیاز کند خدا ایشانرا از کرم خود و خدا فراخ رحمت داناست و باید عفت ورزند آنانکه نمی‌یابند

نِكَاحًا حَتّٰى يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ

نکاحی تا بی نیاز کند ایشانرا خدا از کرم خود و آنانکه طلب میکنند مکاتبه را از آنچه مالک شده

أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللّٰهِ الَّذِي آتَاكُمْ

دستهای شما پس مکاتبه کنید ایشانرا اگر دانستید در ایشان خیری و بدهید ایشانرا از مال خدا مالی که داده شما را

وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيٰوةِ

و بجبر مگذارید کنیزانتان بر زنا اگر اراده داشته باشند عفیف بودنرا تا بجوئید متاع زندگانی

الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللّٰهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۳۴ وَلَقَدْ

دنیا را و هر که جبر نماید ایشانرا پس بدرستیکه خدا از بعد اکراه نمودن ایشان آمرزنده مهربانست و بتحقیق

أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً

فرو فرستادیم بسوی شما آیتهای روشن و مثلی از آنانکه گذشته‌اند پیش از شما و پندی

لِلْمُتَّقِينَ ۳۵ اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهٖ كَمِشْكٰوةٍ فِيهَا

مر پرهیزگارانرا خداست نور آسمانها و زمین مثل نور وی مانند چراغدانیست که باشد در آن

مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ

چراغی آن چراغ باشد در آبگینه که آن آبگینه گویا باشد ستارهٔ درخشنده که برافروخته شود از

شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ

شجرهٔ بابرکت زیتون نه شرقیست و نه غربی نزدیک باشد روغنش که روشنی دهد واگرچه

تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلٰى نُورٍ يَهْدِي اللّٰهُ لِنُورِهٖ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثَالَ

مس کرده او را آتشی نوریست بر نور هدایت کند خدا بر نور خود هر که را خواهد و میزند خدا مثلها

لِلنَّاسِ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۳۶ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللّٰهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا

برای مردمان و خدا بهر چیزی داناست در خانه‌هائیکه رخصت داد خدا که بلند کرده شود و یاد کرده شود در آن

اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۳۷ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا

نامش تسبیح کنند مر او را در آنها بامداد و شبانگاه مردانکه باز نمیدارد ایشانرا خریدن و نه

بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَإِقَامِ الصَّلٰوةِ وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ

فروختنی از ذکر خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات میترسند از روزیکه میگردد در آن

الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ۳۸ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهٖ

دلها و دیده‌ها تا جزا دهد ایشانرا خدا بهتر از آنچه عمل کرده‌اند و زیاد کند ایشانرا از کرم خود

وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۳۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ

و خدا روزی دهد هر که را خواهد بی شمار و آنانکه کافر شدند کردارهاشان مانند سرابیست در زمین هموار که می‌پندارد آنرا تشنه

مَاءً حَتّٰى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهُ فَوَفّٰيهُ حِسَابَهُ وَاللّٰهُ سَرِيعُ

آبی تا هنگامیکه آمد نزد آن نیافت آنرا چیزی و یافت خدا را نزد خود پس تمام کرد او را حسابش و خدا زود

الظَّمْآنُ بفتح ظا و سکون میم و فتح همزه با الف و نون جمع عطشان لفظا و معنی

الجبار

الحسابِ ﴿۳۹﴾ اَوْ كَظُلُماتٍ في بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشٰهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ

حساب است | یا مانند تاریکیها در دریای عمیق است که فرو پوشد آنرا موجی از بالای آن موجی از بالایش

سَحابٌ ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ اِذا اَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرٰيها وَمَنْ لَمْ

ابری | تاریکیها | برخی از آنها بالای برخی | چون بیرون آورد دستش را نزدیک نیست که ببیند او را و هر که نه

يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ ﴿۴۰﴾ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰواتِ

نگرداینده خدا برای او نوری پس نباشد مراو را هیچ نوری | آیا ندیدی که خدا تسبیح میکنند مراو را هر که در آسمانها

وَالْاَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِما

و زمین است و | پرنده بال گشادگان در هوا همه بحقیقت دانسته اند نماز او و تسبیح او را | و خدا داناست | بانچه

يَفْعَلُونَ ﴿۴۱﴾ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ﴿۴۲﴾ اَلَمْ تَرَ

میکنند | و مر خدا راست پادشاهی آسمانها | و زمین | و بسوی خداست بازگشت | آیا نمی بینی

اَنَّ اللّٰهَ يُزْجِي سَحاباً ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكاماً فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ

که خدا | میراند | ابر را آهسته پس فراهم آورد میانش را | پس میگرداند آنرا انبوه بالای هم پس می بینی باران را که بیرون آید

مِنْ خِلالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ مِنْ جِبالٍ فِيها مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ

از میانش | و فرو میفرستد از آسمان از کوهها یکه در آنهاست | از تگرگ | پس ضرر رساند بآن هر کرا میخواهد

وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشاءُ يَكادُ سَنا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْاَبْصارِ ﴿۴۳﴾ يُقَلِّبُ اللّٰهُ

و میگرداند از هر که میخواهد | نزدیک است که تابش برقش | ببرد | چشمها را | گردش دهد خدا

اللَّيْلَ وَالنَّهارَ اِنَّ في ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِاُولِي الْاَبْصارِ ﴿۴۴﴾ وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ

شب را | و روز را | بدرستیکه در این هر آینه عبرتیست مر صاحبان دیده ها را | و خدا آفرید هر

دابَّةٍ مِنْ ماءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ

جنبنده را از آب | پس برخی از ایشان آنستکه راه میرود بر شکمش | و برخی از ایشان آنستکه راه میرود بر دو پا | و برخی از ایشان

مَنْ يَمْشِي عَلىٰ اَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللّٰهُ ما يَشاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۴۵﴾ لَقَدْ اَنْزَلْنا

آنستکه میرود بر چهار پا | میآفریند خدا آنچه میخواهد | بدرستیکه خدا بر همه چیزی تواناست | هر آینه فرو فرستادیم

آياتٍ مُبَيِّناتٍ وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ اِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴۶﴾ وَيَقُولُونَ

آیتهای | روشن | و خدا راه مینماید | هر کرا میخواهد بسوی راه راست | و میگویند

آمَنّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَاَطَعْنا ثُمَّ يَتَوَلّىٰ فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَما

گرویدیم بخدا | و برسول | و فرمان بردیم پس برمیگردند پاره | از ایشان | از بعد | این و نیستند

اُولٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۷﴾ وَاِذا دُعُوا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اِذا فَرِيقٌ

آنگروه | گروندگان | و چون خوانده شوند بسوی | خدا | و رسولش | تا حکم کند میانشان آنگاه پاره

مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿۴۸﴾ وَاِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا اِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿۴۹﴾ اَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

از ایشان رو گردانندگانند | و اگر باشد مر ایشانرا حق | میآیند بسوی او فرمان برداران | آیا باشد در دلهاشان مرضی

اَمِ ارْتابُوا اَمْ يَخافُونَ اَنْ يَحِيفَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ اُولٰئِكَ هُمُ الظّالِمُونَ ﴿۵۰﴾

یا شک کردند | یا میترسند | که جور | کند خدا بر ایشان | و رسولش | بلکه آنگروه ایشانند ستمکاران

لُجّي: بضم لام و تشدید جیم مکسوره و تشدید یاء مکسوره

مِن بَرَدٍ: بفتح با و را

لِاُولي: بضم همزه بدون واو

اَن يَحيفَ الله: بحای بی نقطه

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا
جز این نباشد گفتار مؤمنان چون خوانده شوند بسوی خدا و رسولش تا حکم کند میان ایشان که میگویند
سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝٥١ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ
شنیدیم ما و فرمانبردیم آنگروه ایشانند رستگاران و هر که فرمان برد خدا و رسول او را و میترسد
اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ۝٥٢ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ
از خدا و بپرهیزد از وی پس آنگروه آنهایند برادر رسیدگان و سوگند خوردند بخدا سخت ترین سوگندهاشان
لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝٥٣
هر آینه اگر فرمائی ایشان را که بیرون روند بگو سوگند مخورید طاعتیست معروف بدرستیکه خدا آگاه است بآنچه میکنید
قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ
بگو فرمان ببرید خدا را و فرمان ببرید رسول خدا را پس اگر رو بگردانند پس بر اوست آنچه بار کرده شد بر شماست
مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝٥٤
آنچه بار کرده شدید و اگر اطاعت کنید او را راه یابید و نیست بر رسول بجز رسانیدن آشکار
وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
وعده داد خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کردند کارهای شایسته که هر آینه خلیفه خواهد کرد ایشان را در زمین
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ
چنانچه خلیفه گردانید آنانکه بودند پیش ایشان و متمکن کرد مر ایشان را در دینشان که پسندید برای ایشان و
لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ
بدل خواهد کرد ایشان را پس از ترسیدنشان ایمنی که بپرستند مرا شریک نسازند با من چیزی را و هر که
كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝٥٥ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
کافر شد پس از این پس آنگروه ایشانند فاسقان و بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝٥٦ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي
و فرمان ببرید رسول را شاید شما را رحمت کنند مپندار آنان را که کافر شدند عاجز کنندگان در
الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝٥٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ
زمین و جایگاه ایشان است آتش و هر آینه بد جای بازگشتی است ای آنکسانیکه ایمان آوردید باید دستوری خواهند از شما
الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ
آنانکه مالک شدند دستهای شما و آنانکه نرسیده اند بحد بلوغ از شما سه بار از
قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ
پیش نماز صبح و وقتیکه مینهید جامه هاتان را از میان روز و از بعد نماز
الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ
خفتن سه عورتست برای شما نیست بر شما و نه برایشان گناهی بعد از آنها
طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ
برگردندگان باشند بر شما برخی شما بر برخی همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات را و خدا

حزب ٥

وَيَتَّقْهِ بفتح یا و تاء مشدد و سکون قاف و کسر ها بدون اشباع

لِيَسْتَأْذِنْكُمْ بسکون نون

عليم

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۵۸ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ
دانای درست کردار است و چون برسند کودکان از شما ببلوغ پس باید دستوری خواهند همچنانکه دستوری خواستند
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۵۹ وَالْقَوَاعِدُ
آنانکه بودند پیش از ایشان همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات خود را و خدا دانای درست کردار است و نشستگان
مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ
از زنان که امید ندارند تزویجی را پس نیست بر ایشان گناهی که بنهند جامه‌های خود را
غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۶۰ لَيْسَ عَلَى
غیر ظاهر سازندگان با آراستگی و اینکه عفت جویند بهتر است ایشان را و خدا شنونده داناست نیست بر
الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ
نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی و نه بر خودهاتان
أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ
که بخورید از خانه‌های خودتان یا خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان
أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ
یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهاتان یا خانه‌های عمه‌هاتان یا خانه‌های خالوهاتان
أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
یا خانه‌های خاله‌هاتان یا آنچه را مالک شدید کلیدهای آنرا یا دوستانتان نیست بر شما گناهی
أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً
که بخورید باهم یا جدا جدا پس چون که داخل شدید در خانه‌ها پس سلام کنید بر خودهاتان سلام کردنی
مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۶۱
از نزد خدا بابرکت پاکیزه همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات را شاید شما دریابید بعقل
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ
جز این نیست گروندگان آنانند که ایمان آوردند بخدا و رسول او و چون باشند با او بر کاری جمع آورنده
لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ
نمیروند تا آنگاه دستوری خواهند از او بدرستی که آنانکه دستوری میخواهند از تو آن گروه آنانند که میگروند
بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ
بخدا و رسول او پس چون دستوری خواهند از تو برای برخی کارهاشان پس دستوری ده مرآنرا که خواهی از ایشان
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۶۲ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ
و آمرزش خواه برای ایشان از خدا بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست مگردانید خواندن رسول را
بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ
میان خودتان مانند خواندن برخی شما برخی را بتحقیق میداند خدا آنانکه بیرون میروند از شما
لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ
پیوسته از راه پناه گرفتن پس باید بترسند آنانکه مخالفت میکنند از فرمان او که برسد ایشانرا فتنه یا برسد ایشانرا

قوله تعالی لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا در صافی از قمی روایت کرده که نخوانید حضرت رسول خدا را چنانکه میخوانند بعضی از شما بعضی را و از حضرت باقر العلوم علیه السلام مأثور است که فرمود حضرت حق تعالی فرموده که مگوئید یا محمد و یا ابا القاسم ولکن بگوئید یا نبی الله یا رسول الله و در مناقب از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت فاطمه علیها السلام فرمود وقتیکه این آیه نازل شد شرم کردم از حضرت رسول خدا که بگویم ای پدر میگفتم یا رسول الله پس آن حضرت اعراض کرد از من یکدفعه و دو دفعه و سه دفعه بعد از آن فرمود بمن و گفت یا فاطمه بدرستیکه این آیه نازل نشده است در شان اهل جفا و غلظت از قریش که اصحاب جور و کبرند بگو تو ای فاطمه یا ابت بدرستی که این قول باعث زیادتی حیات قلب است و زیادتی رضای پروردگار و السلام ۱۲

لهم الله بفتح هاء الله

عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ

عذابی دردناک ۱ آگاه باشید که مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است بتحقیق میداند آنچه شما برآن هستید

وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و روزیکه بازگردانیده شوند بسوی او پس خبر دهد ایشانرا بآنچه کردند و خدا بهمه چیزی داناست

(٢٥) سورة الفرقان سبع وسبعون آية وهي مكية

الا الآيات ٦٨ - ٦٩ - ٧٠ فمدنية نزلت بعد يس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ١

بنام خداوند بخشنده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ٢ الَّذِي

افزون آمد آنکه فرو فرستاد فرقانرا بر بنده اش تا باشد برای جهانیان بیم دهنده آنکه

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي

مر اوراست پادشاهی آسمانها و زمین و فرا نگرفته فرزندی و نباشد مر اورا شریکی در

الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا ٣ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّا

پادشاهی و آفرید همه چیز را پس باندازه کرد آنرا باندازه کردنی و گرفتند از غیر او خدایانی که

يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ٤ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَ

نتوانند آفرید چیزی را و ایشانرا می آفرینند و مالک نباشند برای خودهاشان زیانی و نه سودی را و

لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ٥ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا

مالک نباشند مرگی و نه زندگانی و نه حشری را و گفتند آنانکه کافر شدند نیست این

إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا ٦ وَ

مگر دروغی که بربافته آنرا و یاری دادند اورا بر آن جمعی دیگران پس بتحقیق آمدند بستمی و دروغی و

قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ٧ قُلْ

گفتند افسانهای پیشینیانست که نویسانید آنرا پس آن خوانده میشود بر او بامداد و شبانگاه بگو

أَنزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

فرو فرستاد آنرا آنکه میداند پنهانی در آسمانها و زمین بدرستیکه او باشد آمرزنده مهربان

وَقَالُوا مَالِ هَٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ

و گفتند چیست مر این رسول را که میخورد طعام را و راه میرود در بازارها اگرنه چرا فرو فرستاده نشد

إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا ٩ أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ

بسوی او فرشته پس باشد با او بیم کننده یا چرا انداخته نمیشود بسوی او گنجی یا چرا نباشد مر او را بستانی که تا بخورد

مِنْهَا ۚ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ١٠ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا

از آن و گفتند ستمگاران که پیروی نمیکنید مگر مردی سحر آموخته شده را بنگر چگونه زدند

لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ١١ تَبَارَكَ الَّذِي إِن شَاءَ

برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نمیتوانند یافت راهی را افزون آمد آنکه اگر بخواهد

هو الاحد

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که هرکس این سوره را بخواند حق تعالی در روز قیامت اورا برانگیزاند در حالتیکه مؤمن و موحد باشد مصدق بعث و نشور بود و اورا بحساب ... از حضرت ... امام موسی کاظم علیه السلام بروایت معتبر منقول است که هرکس بخواند در هر شب این سوره را عذاب نکند اورا خدا تعالی هرگز و منزل او فردوس اعلی باشد ۱۲

و از حضرت علی بن موسی مرویست هرکس این سوره را بخواند حق تعالی اورا عذاب ...

آلهة بعد الف همزه مکسوره ... بخشد و حساب ... منزل او در فردوس ... باشد ۱۲

مالهذا بنا استفهامیه ولام جاره که بهذا ربط دارد نه بما هر چند جدا نوشته شود

جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الانهار ويجعل لك

گردانید برای تو بهتر از آن بوستانهائیکه روانست از زیرش نهرها و میگرداند برای تو

قصورا ۱۲ بل كذبوا بالساعة واعتدنا لمن كذب بالساعة سعيرا ۱۳

قصرها بلکه تکذیب کردند قیامت را و آماده کردیم برای آنکه تکذیب کرد قیامت را آتش سوزنده را

اذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظا وزفيرا ۱۴ واذا القوا منها

چون ببینند ایشانرا از جایگاه دور بشنوند مر او را جوش خشم و خروش و چون درافکنده شوند از آن

مكانا ضيقا مقرنين دعوا هنالك ثبورا ۱۵ لا تدعوا اليوم ثبورا واحدا

در جائی تنگ قرین کرده شدگان میخوانند در آنجا هلاکت را مخوانید امروز هلاکت واحد را

وادعوا ثبورا كثيرا ۱۶ قل اذلك خير ام جنة الخلد التي وعد المتقون

و بخوانید هلاکت بسیار را بگو آیا این بهتر است یا بوستان بهشت جاودانیکه وعده داده شدند پرهیزکاران

كانت لهم جزاء ومصيرا ۱۷ لهم فيها ما يشاؤن خالدين كان على ربك

باشد مر ایشان را پاداش و جای بازگشت مر ایشانراست در آن آنچه میخواهند جاویدان هست بر پروردگارت

وعدا مسؤلا ۱۸ ويوم يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول ءانتم

وعده خواسته شده و روزیکه حشرشان کند و آنچه میپرستند از غیر خدا پس میگوید آیا شما

اضللتم عبادي هؤلاء ام هم ضلوا السبيل ۱۹ قالوا سبحانك ما كان

گمراه گردانید بندگان مرا اینگروه یا ایشان گم کردند راه را گویند منزهی تو

ينبغي لنا ان نتخذ من دونك من اولياء ولكن متعتهم وآباءهم حتى نسوا الذكر

نسزد ما را که فرا گیریم غیر از تو از دوستان ولیکن کامیاب کردی ایشانرا و پدرانشان تا فراموش کردند ذکر را

وكانوا قوما بورا ۲۰ فقد كذبوكم بما تقولون فما تستطيعون صرفا ولا

و بودند گروهی هالکان پس بتحقیق که تکذیب کردند شما را بآنچه میگوئید پس نتوانید گردانیدن و نه

نصرا ۲۱ ومن يظلم منكم نذقه عذابا كبيرا ۲۲ وما ارسلنا قبلك من المرسلين

یاری کردن را و هر که ظلم کند از شما بچشانیم او را عذابی بزرگ و نفرستادیم پیش از تو از فرستادگان

الا انهم ليأكلون الطعام ويمشون في الاسواق وجعلنا بعضكم لبعض

مگر آنکه ایشان هر آینه میخوردند طعام را و راه میرفتند در بازارها و گردانیدیم بعضی شما را برای بعضی

فتنة اتصبرون وكان ربك بصيرا ۲۳ وقال الذين لا يرجون لقاءنا

مایهٔ آزمایش آیا صبر میکنید و باشد پروردگار تو بینا و گفتند آنانکه امید ندارند ملاقات ما را

لولا انزل علينا الملئكة او نرى ربنا لقد استكبروا في انفسهم وعتوا

چرا فرو فرستاده نشد بر ما ملائکه یا نمی بینیم پروردگار ما را بتحقیق بزرگی طلب کردند در نفسهاشان و تمرد کردند

عتوا كبيرا ۲۴ يوم يرون الملئكة لا بشرى يومئذ للمجرمين ويقولون

تمرد بزرگ روزیکه ببینند ملائکه را نیست بشارتی در این روز مر گناهکارانرا و میگویند

حجرا محجورا ۲۵ وقدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا ۲۶

منعی ممنوع و متوجه شدیم بسوی آنچه کردند از کردار پس گردانیدیم آنرا ذره در هوا پراکنده

قوله تعالی وجعلنا بعضکم لبعض فتنة الی آخر الآیة در کنز الفوائد از حضرت صادق که مولانا ابوالحسن موسی بن جعفر از پدر بزرگوارش حضرت ابو جعفر علیه السلام مروی است که جمع فرمود حضرت رسول خدا حضرت امیرالمؤمنین علی مرتضی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و ... [illegible] ... خدای عز و جل ... بر شما سلام ... [illegible]

ما یشاؤن بضم همزه و سکون واو

جبرئیل ... میگوید ... عز و جل ... و ابتلاء و امتحان ... ایشان گفتند ما صبر میکنیم یا رسول الله برای امر خدا ... قضای او ... خدای عز و جل ... [illegible]

ومن جزء التاسع عشر

استکبار ... از پروردگار خود ... تمام ... حضرت رسول خدا ... آنکه شنیدند ... بکای آنحضرت ... پس نازل شد این آیه والسلام ۱۲

اصحاب الجنة يومئذ خير مستقرا واحسن مقيلا ٢٧ ويوم تشقق السماء

اهل بهشت آنروز بهترند از جهت جای وخوبتر از جهت جای آسایش روزیکه بشکافد آسمان

بالغمام ونزل الملئكة تنزيلا ٢٨ الملك يومئذ الحق للرحمن وكان يوما

بابر و فرو فرستیم ملائکه را فرو فرستادنی پادشاهی آنروز حق است برای خدای بخشنده و هست روزی

على الكافرين عسيرا ٢٩ ويوم يعض الظالم على يديه يقول يا ليتنى

بر کافران دشوار وروزیکه بدندان گزد ستمگار دودست خودرا میگوید ای کاشکی

اتخذت مع الرسول سبيلا ٣٠ يا ويلتى ليتنى لم اتخذ فلانا خليلا ٣١ لقد

که فرا گرفته بودم با پیغمبر راهی را ای وای کاشکی نگرفته بودم فلانرا دوست هر اینه بتحقیق

اضلنى عن الذكر بعد اذ جاءنى وكان الشيطان للانسان خذولا ٣٢

گمراه کرد مرا از ذکر بعد آنکه آمد مرا وباشد شیطان مر انسانرا فرو گذارنده

وقال الرسول يا رب ان قومى اتخذوا هذا القران مهجورا ٣٣ وكذلك

وگفت پیغمبر ای پروردگار من بدرستیکه قوم من گرفتند این قرانرا متروک وهمچنین

جعلنا لكل نبى عدوا من المجرمين وكفى بربك هاديا ونصيرا ٣٤ وقال

گردانیدیم ما برای هر پیغمبری دشمنی از گناهکاران وبس است پروردگارت راهنما و یاور وگفتند

الذين كفروا لولا نزل عليه القران جملة واحدة كذلك لنثبت به فؤادك

آنانکه کافر شدند چرا فرو فرستاده نشد قران جمله یکدفعه همچنین تا ثابت گردانیم بآن دل تورا

ورتلناه ترتيلا ٣٥ ولا ياتونك بمثل الا جئناك بالحق واحسن تفسيرا ٣٦

و جدا جدا فرستادیم آنرا در پی هم فرستادنی ونمی آورند تورا مثلی مگر آنکه آوردیم ترا بحق و بهترین بیانی

الذين يحشرون على وجوههم الى جهنم اولئك شر مكانا واضل سبيلا ٣٧

آنانکه حشر کرده میشوند برروهاشان بسوی جهنم آنگروه را بدتراست جای وگم شده تر از راه

ولقد اتينا موسى الكتاب وجعلنا معه اخاه هرون وزيرا ٣٨ فقلنا

وبتحقیق دادیم ما موسی را کتاب وگردانیدیم با او برادرش هرونرا وزیری پس گفتیم

اذهبا الى القوم الذين كذبوا باياتنا فدمرناهم تدميرا ٣٩ وقوم

بروید بسوی گروه آنانکه تکذیب کردند بآیات ما را پس هلاک کردیم ایشانرا هلاک کردنی وگروه

نوح لما كذبوا الرسل اغرقناهم وجعلناهم للناس اية واعتدنا

نوح چون تکذیب کردند پیغمبرانرا غرق کردیم ایشانرا وگردانیدیم آنهارا برای مردمان نشانه وآماده کردیم

للظالمين عذابا اليما ٤٠ وعادا وثمودا واصحاب الرس وقرونا بين

برای ستمگاران عذاب دردناک را وعادرا وثمودرا واهل رس را وقرنهای میان

ذلك كثيرا ٤١ وكلا ضربنا له الامثال وكلا تبرنا تتبيرا ٤٢ ولقد اتوا على

آنرا بسیار وهمه رازدیم برایشان مثلها وهمه را نیست گردیم نیست کردنی وبتحقیق گذشتند بر

القرية التى امطرت مطر السوء افلم يكونوا يرونها بل كانوا لا يرجون

قریه که باریده شد باران بد آیا پس نبودند که ببینند آنرا بلکه بودند که امیدوار نبودند

نشورا

قوله تعالی

وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا از صافی از کافی از حضرت صادق علیه السلام ... که سوال کرده شد از این آیه که بوده باشد اعمال ایشان ... فضائل حضرت امیر ... در کمال شدت بیاض ... میگوید خدای عزوجل باین اعمال ... هباء ... وعقاب ... ایشان ... بر ... و حیث ... فضائل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود حضرت ... آنرا هباء منثورا ... که می بینی آنرا ... از شعاع ...

بمثیل بفتح میم وثاء ... در دست ... بصائر الدرجات از حضرت ... ماثوراست که سوال کرده شد که ... هباء ... اعمال مبغضان ودشمنان شیعیان اهل البیت علیهم السلام ١٢

نُشُوراً ٤٠ وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُواً أَهَٰذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ

حشر را — و چون ببینند ترا نگیرند ترا مگر باستهزا آیا اینست که برانگیخت خدا

رَسُولاً ٤١ إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

برسالت — بدرستیکه نزدیک بود که گمراه کنند از خدایان ما اگر نه این بود که صبر کردیم بر آن و زود باشد که بدانند

حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلاً ٤٢ أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنتَ

هنگامیکه ببینند عذاب را که کیست گمراه‌تر از راه — آیا دیدی ای پروردگار آنکه گرفت الهه خود را هوای خود آیا پس تو

تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلاً ٤٣ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ

هستی بر او کارگزار — آیا میپنداری که اکثر ایشان میشنوند یا درمی‌یابند بخرد نیستند ایشان

إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلاً ٤٤ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ

مگر مانند چهارپایان بلکه ایشان گمراه‌ترند براه — آیا ندیدی پروردگارت چگونه گسترانید سایه را و اگر

شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِناً ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً ٤٥ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا

خواستی هرآینه گرداننده بودی آنرا ساکن پس گردانیدیم آفتاب را بر آن دلیل پس فراهم گرفتیم آنرا بسوی خود

قَبْضاً يَسِيراً ٤٦ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاساً وَالنَّوْمَ سُبَاتاً وَجَعَلَ

فراهم گرفتنی آسان — و اوست آنکه گردانید برای شما شب را پوششی و خواب را آسایشی و گردانید

النَّهَارَ نُشُوراً ٤٧ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَ

روز را برانگیختن پراکنده — و اوست آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده میان دو دست رحمتش و

أَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُوراً ٤٨ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا

فرو فرستادیم از آسمان آب پاک کننده — تا زنده کنیم بآن بلده مرده را و سیراب نمائیم آنرا از آنچه آفریدیم

أَنْعَاماً وَأَنَاسِيَّ كَثِيراً ٤٩ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ

چهارپایان و مردمان بسیار — و بتحقیق گردانیدیم میان ایشان تا پند گیرند پس ابا کردند بیشتر مردمان

إِلَّا كُفُوراً ٥٠ وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيراً ٥١ فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ

مگر ناسپاسی را — و اگر خواسته بودیم برانگیخته بودیم در هر قریه بیم کننده — پس اطاعت مکن کافران را و

جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً ٥٢ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا

جهد کن با ایشان بآن جهادی بزرگ — و اوست آنکه بهم آمیخت دو دریا را این شیرین بسیار شیرین و آن یک

مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَحِجْراً مَحْجُوراً ٥٣ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ

شور تلخ مزه — و گردانید میان ایشان حاجزی و مانعی صاحب منع — و اوست که آفرید از آب

بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَصِهْراً وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيراً ٥٤ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

انسانرا پس گردانید نژادی و پیوندی و باشد پروردگارت توانا — و میپرستند از غیر خدا

مَا لَا يَنفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيراً ٥٥ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ

آنچه را نه سود دهد ایشانرا و نه زیان رساند ایشانرا و باشد کافر بر پروردگارش پشت داده — و نفرستادیم ترا

إِلَّا مُبَشِّراً وَنَذِيراً ٥٦ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ

مگر بشارت کننده و بیم کننده — بگو نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی مگر آنکه خواهد فرا گیرد بسوی پروردگارش

عن الهتنا بلا الف و کسر لام

الهه بکسر همزه نور ثقالی

هوالذی مرج البحرین هذا عذب الی آخره ... را ملاصق و مجاور یکدیگر گذاشت ... خود بدون آنکه داخل یکدیگر شوند ... و دیگری شور و تلخ است حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت کافی فرموده اند بدرستیکه خدا ... عزوجل ولایت ما نمود ... پس آنچه قبول کرد ... گوارا شد ... و ولایت ... تلخ و شور ... بد گوار ١٢

و ذکر ... هوالذی خلق من الماء الی آخره ابن سیرین ... مجمع گفت نازل شد این آیه در حق نبی و علی بن ابیطالب زیرا ... فاطمه را بعلی پس علی ابن عم او و شوهر دختر او بود ... و امام حضرت باقر ... روایت نموده که ... فرموده ... بدرستیکه ... در قرآن ... ازانکه ... اسمها ... در دین خود ... فرموده خدا هو الذی خلق من الماء بشرا الخ ١٢

سَبِيلًا ۵۹ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ
راهی و توکل کن بر خدای زنده که نمیرد و تسبیح کن بستایش او و بس است او بگناهان

عِبَادِهِ خَبِيرًا ۶۰ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ
بندگانش آگاه آنکه آفرید آسمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست در شش روز پس

اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَٰنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ۶۱ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَٰنِ
مستولی شد بر عرش خدای بخشنده پس بپرس از او آگاه را و چون گفته شد مر ایشان را که سجده کنید مر خدا را

قَالُوا وَمَا الرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۶۲ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ
گویند و چیست خدای بخشنده آیا سجده کنیم مرآنچه میفرمائی و افزود ایشان را رمیدنی افزون آمد آنکه قرار داد

فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۶۳ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ
در آسمان برجها و گردانید در آن چراغی و ماهی نور دهنده و او ست آنکه گردانید شب

وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۶۴ وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ
و روز را از پی هم آینده برای آنکه خواست که پند گیرد و خواست شکر گزاردن را و بندگان خدای بخشنده اند آنانکه

يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ۶۵ وَ
میروند بر زمین بآرام و چون خطاب کنند ایشان را جاهلان گویند سلامی و

الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ۶۶ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ
آنانکه شب بروز میکنند برای پروردگارشان سجده کنندگان و برپا ایستاده و آنانکه میگویند پروردگارا بگردان

عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۶۷ وَ
از ما عذاب دوزخ را بدرستیکه عذاب آن باشد لازم بدرستیکه بد است از راه قرارگاه و مقام و

الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا ۶۸ وَالَّذِينَ
آنانکه چون انفاق کنند اسراف ننمایند و تنگ نگیرند و باشد میان آن و این باعتدال و آنانکه

لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا
نخوانند با خدا خدای دیگر را و نمیکشند نفسی را که حرام کرد خدا مگر بحق و نه

يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۶۹ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
زنا میکنند و هر که میکند آنرا مییابد عقوبت را دو برابر کرده میشود مراورا عذاب روز رستخیز

وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ۷۰ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ
و جاوید بماند در آن خوار مگر کسیکه توبه کرد و بگروید و کرد کار شایسته پس آنگروه بدل میکنند

اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۷۱ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا
خدا بدیهاشان را بنیکوئیها و باشد خدا آمرزنده مهربان و هر که توبه کرد و کرد کار شایسته

فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ۷۲ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ
پس و بازگشت میکند بسوی خدا بازگشتنی و آنانکه حاضر نمیشوند باطل را و چون بگذرند به لغو

مَرُّوا كِرَامًا ۷۳ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ۷۴
بگذرند کریمانه و آنانکه چون پند داده شوند بآیات پروردگارشان بروی نیفتند کران و کوران

قوله تعالی
تبارک الذی جعل فی السماء بروجا
از حضرت صادق علیه السلام بروایت کافی و غیره فرموده مراد از بروج دوازده گانه ما هستیم و مراد از سراج و قمر حضرت رسالت و امیرالمؤمنین است ۱۲

سجده
روایت دیگر مراد حضرت فاطمه علیها السلام است ۱۲

قوله تعالی
الا من تاب و آمن و عمل الخ حضرت باقر علیه السلام در حدیث ابو اسحق لیثی که در باب طینت مؤمن ذکر فرموده بدرستیکه خداوند امر میفرماید در روز قیامت بگرفتن حسنات اعدای ما و رد نمودن بشیعیان ما و گرفته میشود سیئات شیعیان ما پس رد میشود بر مبغضین ما و فرموده این

غراما
بفتح غین با نقطه و راء بی نقطه

امینت قول خدای تعالی فاولئک یبدل الله سیئاتهم و حضرت باقر بروایت امالی فرموده بدرستیکه آورده میشود مؤمن گناهکار روز قیامت در موقف حساب پس خدا و ند بذات

ویخلد فیه
بکسر ها و فیه با اشباع که در قرائت حفص بیا خوانده شود

اقدس خود حساب او را میکشد بدون آنکه احدی مطلع شود بر حساب او پس میشناساند او را گناهان او را و اقرار میکند بگناهان خود پس میفرماید خداوند بنویسندگان اعمال او بدل نمائید سیئات

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

و آنانکه میگویند ای پروردگار ما ببخش مر ما را از جفتهای ما و فرزندان ما روشنی چشمها و بگردان

لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ٧٤ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا

برای پرهیزگاران پیشوا آنها جزا داده میشوند درجه بلند را بسبب آنچه صبر کردند و رسانیده میشوند در آن

تَحِيَّةً وَسَلَامًا ٧٥ خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ٧٦ قُلْ مَا

دعای خیر و سلام جاوید انند در آن خوبست آن قرارگاه و مقام بگو چه کند

يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ٧٧

بشما پروردگارم اگر نباشد دعای شما پس بتحقیق تکذیب کردید پس بزودی میشود لازم

(٢٦) سورة الشعراء آياتها مائتان وسبع وعشرون آية وهي مكية

الآية ١٩٧ و از آیه ٢٢٤ تا آخر سوره مدینه نازلت بعد الواقعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

طسم ١ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ٣

اینست آیتهای کتاب واضح کننده شاید که تو هلاک کننده باشی نفس خود را که نباشند گروندگان

إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ٤

اگر خواهیم فرو فرستیم برایشان از آسمان آیتی پس گردد گردنهاشان مر آنرا خضوع کنندگان

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ٥ فَقَدْ

و نمی آید ایشانرا هیچ ذکری از خدای بخشنده نو پدید آورده شده مگر باشند از و روی گرداننده پس بتحقیق

كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٦ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ

تکذیب کردند پس زود باشد که آید ایشانرا خبرهای آنچه بودند بآن استهزا میکردند آیا و ندیدند بسوی زمین

كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ٧ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

که چند ان رویانیدیم در آن از هر جفتی نیکو بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست و نباشند اکثر ایشان

مُؤْمِنِينَ ٨ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٩ وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ

گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان و هنگامیکه ندا کرد پروردگار تو موسی را که

ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ١٠ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ ١١ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ

برو بسوی گروه ستمکاران قوم فرعون آیا نمی پرهیزند گفت پروردگارا بدرستیکه من میترسم که

يُكَذِّبُونِ ١٢ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ ١٣

تکذیب کنند مرا و تنگ میشود سینه ام و گشاده نمیشود زبانم پس بفرست بسوی هرون

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ١٤ قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ

و مر ایشانرا بر منست گناهی پس میترسم که بکشند مرا گفت نه چنین است پس بروید شما دو با آیات ما که ما با شماییم

مُسْتَمِعُونَ ١٥ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٦ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا

شنوندگان پس آئید فرعون را پس گوئید که ما هستیم فرستاده پروردگار جهانیان که بفرست با ما

يُلَقَّوْنَ بضم یا و فتح لام و فتح قاف مشدده

يَعْبَؤُا بضم همزه بلاون اشباع

دُعَاؤُكُمْ بضم همزه بلاون اشباع

طسم سین و میم هر دو مد میخواهد

خ

أَنْبَاؤُا بتقدیم نون بر با و ضم همزه بلاون اشباع

أَنْ يُكَذِّبُونِ بکسر نون

أَنْ يَقْتُلُونِ بکسر نون

بني اسرائيل ١٧ قال الم نربك فينا وليدا ولبثت فينا من عمرك سنين ١٨

بني اسرائيلرا گفت آيا نپرورديم ترا در ميان خود کودک وماندي چندين از عمرت سالها

وفعلت فعلتك التي فعلت وانت من الكافرين ١٩ قال فعلتها اذا وانا

وبکردي کرده ات را که کردي وتوئي از ناسپاسان گفت کردم اورا آنگاه ومن بودم

من الضالين ٢٠ ففررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما وجعلني من

از گمراهان پس گريزان شدم از شما چون ترسيدم از شما پس بخشيد مرا پروردگارم حکمي وگردانيد مرا از

المرسلين ٢١ وتلك نعمة تمنها علي ان عبدت بني اسرائيل ٢٢ قال فرعون

فرستادگان واينست نعمتي که منت نهادي آنرا بر من که بنده کردي فرزندان يعقوب را گفت فرعون

وما رب العالمين ٢٣ قال رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم

وچيست پروردگار جهانيان گفت پروردگار آسمانها وزمين وآنچه ميان آنهاست اگر هستيد

موقنين ٢٤ قال لمن حوله الا تستمعون ٢٥ قال ربكم ورب اباءكم الاولين ٢٦

گروندگان گفت مرآنهارا که بودند پيرامونش آيا نميشنويد گفت پروردگار شما وپروردگار پدران شما پيشينيان

قال ان رسولكم الذي ارسل اليكم لمجنون ٢٧ قال رب المشرق والمغرب

گفت بدرستيکه فرستاده شما که فرستاده شد بسوي شما هر آينه ديوانه است گفت پروردگار مشرق ومغرب

وما بينهما ان كنتم تعقلون ٢٨ قال لئن اتخذت الها غيري لاجعلنك

وآنچه ميان آنهاست اگر هستيد که دريابيد بعقل گفت هر آينه اگر فرا گرفتي خدائي غير از من هر آينه خواهم گردانيد ترا

من المسجونين ٢٩ قال اولو جئتك بشيء مبين ٣٠ قال فأت به ان كنت من

از زندانيان گفت آيا واگر چه بياورم ترا بچيزي روشن گفت پس بياور آنرا اگر هستي از

الصادقين ٣١ فالقى عصاه فاذا هي ثعبان مبين ٣٢ ونزع يده فاذا

از راستگويان پس افکند عصايش را پس آنگاه شد آن اژدهائي روشن وبرآورد دستش را پس آنگاه

هي بيضاء للناظرين ٣٣ قال للملا حوله ان هذا لساحر عليم ٣٤

شد نوراني سفيد مر نگاه کنندگان را گفت مر آن جماعت را که پيرامونش بودند اين جادوگريست دانا

يريد ان يخرجكم من ارضكم بسحره فماذا تامرون ٣٥ قالوا ارجه و

ميخواهد که بيرون کند شمارا از زمين خودتان بساحري خود پس چه ميفرمائيد گفتند بازدار اورا و

اخاه وابعث في المدائن حاشرين ٣٦ ياتوك بكل سحار عليم ٣٧ فجمع السحرة

وبرادرش را وبفرست در شهرها جمع کنندگان که بياورند ترا همه جادوگران دانا پس جمع آمدند ساحران

لميقات يوم معلوم ٣٨ وقيل للناس هل انتم مجتمعون ٣٩ لعلنا نتبع

براي وعده گاهي روزي معلوم وگفته شد مر مردمان را آيا شما هستيد اجتماع کنندگان باشد که ما پيروي کنيم

السحرة ان كانوا هم الغالبين ٤٠ فلما جاء السحرة قالوا لفرعون ائن

ساحران را اگر باشند آنها غلبه کنندگان پس چون آمدند ساحران گفتند مر فرعون را آيا باشد

لنا لاجرا ان كنا نحن الغالبين ٤١ قال نعم وانكم اذا لمن المقربين ٤٢ قال

ما را مزدي اگر باشيم ما غلبه کنندگان گفت آري وبدرستيکه شما باشيد آنوقت از مقربان گفت

قوله سبحانه
ان نشاء ننزل عليهم من السماء فظلت اعناقهم لها خاضعين يعني اي پيغمبر اينقدر دلتنگ مباش ايمان
فعلتك
بفتح فا وسكون عين وفتح لام وتا

تمنها
بفتح تا وضم ميم وتشديد نون

نيآورد و بکفار و منافقين مباش اگر بخواهيم ميفرستيم از آسمان آيتيکه ملجا نمايد ايشانرا بايمان پس گردد گردنهاي آنها مر آن آيت را مطيع و منقاد آن آيت چنانکه در تفسير اهل البيت آمده منادي
الهاً بکسر همزه
حق خواهد در آخر الزمان که از آسمان ندا کند که آگاه باشيد که حق با علي و شيعيان اوست و حضرت صادق عليه السلام بروايت کافي فرمود نازل شد اين آيت در حق حضرت قائم و آنحضرت قيام نمايد بجز وقتيکه منادي از آسمان ندا نمايد و آن ندا را تمام اهل مشرق و مغرب بشنوند حتي مخدرات پس پرده هم با آنحضرت بروايت قمي فرمود خاضع خواهد شد رقاب بني اميه بجهت آن صيحه که از آسمان آيد بنام صاحب الامر و بعد اين آيت تلاوت فرمود و حضرت باقر عليه السلام بروايت ارشاد در اين فرمود زود باشد که خدا بجا بياورد با بني اميه آنچه شد با ايشان گذشته فرمود بنو اميه و شيعيان ايشان ... عليهم السلام

لهم موسى القوا ما انتم ملقون ۴۳ فالقوا حبالهم وعصيهم وقالوا بعزة

مر ایشانرا موسی بیفکنید آنچه هستید افکنندگان پس انداختند ریسمانها و عصاهای شانرا و گفتند بعزت

فرعون انا لنحن الغالبون ۴۴ فالقى موسى عصاه فاذا هي تلقف ما يأفكون ۴۵

فرعون که مائیم هر آینه غلبه کنندگان پس انداخت موسی عصایش را پس آنگاه او میربود آنچه مینمودند بدروغ

فالقى السحرة ساجدين ۴۶ قالوا امنا برب العالمين ۴۷ رب موسى وهرون ۴۸

پس در افکنده شدند ساحران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان پروردگار موسی و هرون

قال امنتم له قبل ان اذن لكم انه لكبيركم الذي علمكم السحر فلسوف

گفت ایمان آوردید مر اورا پیش از آنکه رخصت دهم شمارا بدرستیکه او بزرگ شماست که آموخت شمارا سحر پس زود باشد

تعلمون ۴۹ لاقطعن ايديكم وارجلكم من خلاف ولاصلبنكم اجمعين ۵۰

که بدانید هر آینه خواهم برید دستها شما و پاهای شمارا از خلاف یکدیگر و هر آینه بردار خواهم شمارا همه

قالوا لا ضير انا الى ربنا منقلبون ۵۱ انا نطمع ان يغفر لنا ربنا خطايانا

گفتند نیست باکی بدرستیکه ما بسوی پروردگار ما بازگردندگانیم بدرستیکه ما امید داریم که بیامرزد پروردگار ما گناهان مارا

ان كنا اول المؤمنين ۵۲ واوحينا الى موسى ان اسر بعبادي انكم متبعون ۵۳

که هستیم اول گروندگان و وحی کردیم ما بسوی موسی که بشب ببر بندگان مرا بدرستیکه شما از پی در آمدگانید

فارسل فرعون في المدائن حاشرين ۵۴ ان هؤلاء لشرذمة قليلون ۵۵

پس فرستاد فرعون در شهرها جمع کنندگان بدرستیکه اینها هر آینه فرقه باشند اندک

وانهم لنا لغائظون ۵۶ وانا لجميع حاذرون ۵۷ فاخرجناهم من جنات و

و بدرستیکه ایشان هر آینه مارا خشم آورندگانند و بدرستیکه ما همه آماده گانیم پس بیرون کردیم ایشانرا از بوستانها و

عيون ۵۸ وكنوز ومقام كريم ۵۹ كذلك واورثناها بني اسرائيل ۶۰ فاتبعوهم

و چشمه ها و گنجها و مقام خوب همچنین و بمیراث دادیم آنرا به بنی اسرائیل پس از پی ایشان رفتند

مشرقين ۶۱ فلما تراءا الجمعان قال اصحاب موسى انا لمدركون ۶۲ قال كلا

طلوع کنندگان پس چون دیدند یکدیگررا گفتند اصحاب موسی که ما هر آینه دریافته شدگانیم گفت حاشا

ان معي ربي سيهدين ۶۳ فاوحينا الى موسى ان اضرب بعصاك البحر

بدرستیکه با منست پروردگارم بزودی راه نماید مرا پس وحی کردیم بموسی که بزن عصایت را بدریا

فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم ۶۴ وازلفنا ثم الاخرين ۶۵ وانجينا

پس شکافته شد پس بود هر پاره مانند کوهی بزرگ و جمع کردیم آنجا دیگرانرا و نجات دادیم

موسى ومن معه اجمعين ۶۶ ثم اغرقنا الاخرين ۶۷ ان في ذلك لاية وما

موسی را و هر که با او بود همه را پس غرق کردیم دیگرانرا بدرستیکه در این آیتیست و

كان اكثرهم مؤمنين ۶۸ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۶۹ واتل عليهم

نبودند بیشتر آنها گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان و بخوان بر ایشان

نبا ابرهيم ۷۰ اذ قال لابيه وقومه ما تعبدون ۷۱ قالوا نعبد

خبر ابراهیم را وقتیکه گفت مر پدرش را و قومش را چه چیز را می پرستید گفتند می پرستیم

قوله تعالی واوحینا الی موسی ان اسر بعبادی انکم متبعون یعنی و وحی کردیم بسوی موسی آنکه ببر بشب بندگان مرا یعنی بنی اسرائیل را که بجهت نجات شما و هلاک کفره تدبیریست بدرستیکه شما از پی در آمده شوید یعنی فرعون و قوم از پی شما در آیند شمارا از بحر بگذرانیم و ایشانرا غرق سازیم و در مختار آورده که موسی بنی اسرائیل را فرمود تا پیرایه ها و زیورها از قبطیان بعاریت بجهت آنکه عید ما نزدیک شده و میخواهیم اهل خود را بدان بیارائیم عاریت گرفتند و وعده فرمود که فلان شب مهیا شده بوقت طلوع قمر در فلان موضع جمع شوند ایشان آن صورت را بتقدیم رسانیدند چون وقت رحیل شد راه دروازه بر ایشان مشتبه گشت و معلوم کردند که یوسف صدیق عهد کرده بود که تا بنی اسرائیل تابوت او را با خود نبرند از مصر بیرون نتوانند رفت و از آن قوم کسی بر مدفن یوسف اطلاع نموده موسی بر خود نشد مگر پیرزنی که موسی را بر مدفن یوسف مطلع گردانید و گفت آنگاه که خواهد بدهد از تمامی قوم عجوزه مستوره گفت بشرط آنکه زن موسی باشد در

ثم الاخرین بفتح ثا

بهشت او را خبر داد که آن صندوق در قعر دریای نیل است پس باستخراج آن اشتغال نموده و چون قمر در وسط السماء رسید مهم ساخته روی براه نهادند و آخر بفرعون خبر خروج ایشان رسید چه می گفتند شب که بنی اسرائیل تهیه اسباب عید در خانه های خود مشغول بوده اند روز دوم خواستند که از عقب ایشان روند در خانه هر قبطی یکی از عزیزان مرده بود بتعزیت او مشغول شدند ۱۲

اصناما فنظل لها عاكفين ٧٢ قال هل يسمعونكم اذ تدعون ٧٣ او

بتان را پس میگردیم تمام روز مر آنها را مقیمان پرستش گفت آیا میشنوند از شما وقتیکه دعا میکنید یا

ينفعونكم او يضرون ٧٤ قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون ٧٥ قال

نفع میرسانند شما را یا آنکه زیانی میرسانند گفتند بلکه یافتیم پدرانمان را همچنین که میکردند گفت

افرايتم ما كنتم تعبدون ٧٦ انتم وآباؤكم الاقدمون ٧٧ فانهم عدو لي

آیا پس دیده اید آنچه که هستید که میپرستید شما و پدرانتان که بودند پیشینیان پس ایشان بدرستیکه دشمنند مرا

الا رب العالمين ٧٨ الذي خلقني فهو يهدين ٧٩ والذي هو يطعمني

بجز پروردگار جهانیان آنکه آفرید مرا پس او راه نماید مرا و آنکه او میخوراند مرا

ويسقين ٨٠ واذا مرضت فهو يشفين ٨١ والذي يميتني ثم يحيين ٨٢ و

و مینوشاند مرا و چون بیمار میشوم پس او شفا میدهد مرا و آنکه میمیراند مرا پس زنده میکند مرا و

الذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي يوم الدين ٨٣ رب هب لي حكما والحقني

آنکه طمع دارم که بیامرزد مرا گناهانم را روز جزا پروردگار من ببخش مرا حکمی و ملحق کن مرا

بالصالحين ٨٤ واجعل لي لسان صدق في الآخرين ٨٥ واجعلني من ورثة

بشایستگان و بگردان مرا زبان راستی در آخران و بگردان مرا از وارثان

جنة النعيم ٨٦ واغفر لابي انه كان من الضالين ٨٧ ولا تخزني يوم

بهشت با ناز و نعمت و بیامرز پدرم را که او هست از گمراهان و رسوا مگردان مرا روزیکه

يبعثون ٨٨ يوم لا ينفع مال ولا بنون ٨٩ الا من اتى الله بقلب سليم ٩٠

بر انگیخته میشوند روزیکه نفع ندهد مال و نه پسران مگر آنکه آید خدا را با دلی درست

وازلفت الجنة للمتقين ٩١ وبرزت الجحيم للغاوين ٩٢ وقيل لهم اينما كنتم

و نزدیک شد بهشت برای پرهیزگاران و هویدا شد دوزخ برای گمراهان و گفته شد مر آنها را کجاست آنچه بودید

تعبدون ٩٣ من دون الله هل ينصرونكم او ينتصرون ٩٤ فكبكبوا فيها

که میپرستید از غیر خدا آیا یاری توانند کرد شما را یا داد میستانند پس بروافکنده شوند در آن

هم والغاوون ٩٥ وجنود ابليس اجمعون ٩٦ قالوا وهم فيها يختصمون ٩٧

ایشان و گمراهان و لشکرهای شیطان بتمامی گفتند و آنها در آن خصومت میکردند

تالله ان كنا لفي ضلال مبين ٩٨ اذ نسويكم برب العالمين ٩٩ وما اضلنا

بخدا اگر بودیم ما در گمراهی آشکار هنگامیکه برابر میکردیم شما را به پروردگار جهانیان و گمراه نکرد ما را

الا المجرمون ١٠٠ فما لنا من شافعين ١٠١ ولا صديق حميم ١٠٢ فلو ان لنا كرة

بجز گناهکاران پس نیست ما را هیچ از شفاعت کنندگان و نه دوستی نزدیک پس کاش بودی ما را بازگشتی

فنكون من المؤمنين ١٠٣ ان في ذلك لآية وما كان اكثرهم مؤمنين ١٠٤ و

پس میشدیم از گروندگان بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست و نباشند بیشتر آنها گروندگان

ان ربك لهو العزيز الرحيم ١٠٥ كذبت قوم نوح المرسلين ١٠٦ اذ قال لهم

و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان تکذیب کردند قوم نوح فرستادگان را چون گفت مر ایشان را

قوله سبحانه واجعل لي لسان صدق في الآخرين ابراهیم علیه السلام از خدا قرار بده از برای من زبان راستی در آخرین که بعد از من می آیند ... دعای آنحضرت باجابت رسید ...

آباؤکم بضم همزه بعد از واو

يهدين بکسر نون

يسقين بکسر نون

يشفين بکسر نون

يحيين بکسر نون

... اهل اسلام ... محبت دارند ... صادق علیه السلام ... علی و اسمه از ذریت ...

والغاوون فاء ثانی اشباع شود یعنی بدو واو خوانده شود

... قوله تعالی الذی خلقنی فهو یهدین ...

اخوهم نوح الا تتقون ١٠٧ اني لكم رسول امين ١٠٨ فاتقوا الله واطيعون ١٠٩
برادرشان نوح که آیا نمی‌پرهیزید بدرستیکه من مر شما را رسولی با امانتم پس بپرهیزید خدا را و اطاعت کنید مرا

وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين ١١٠ فاتقوا الله و
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزد من بجز بر پروردگار جهانیان پس بپرهیزید از خدا و

اطيعون ١١١ قالوا انؤمن لك واتبعك الارذلون ١١٢ قال وما علمي بما
اطاعت کنید مرا گفتند آیا ایمان آوریم مر ترا و پیروی کردند ترا فرومایگان گفت و نیست دانش من با آنچه

كانوا يعملون ١١٣ ان حسابهم الا على ربي لو تشعرون ١١٤ وما انا بطارد
بودند که میکردند نیست حساب ایشان بجز بر پروردگارم اگر بدانید و نیستم من براننده

المؤمنين ١١٥ ان انا الا نذير مبين ١١٦ قالوا لئن لم تنته يا نوح لتكونن من
گروندگان نیستم من مگر بیم کننده آشکار گفتند هر آینه اگر باز نایستی ای نوح هر آینه خواهی شد از

المرجومين ١١٧ قال رب ان قومي كذبون ١١٨ فافتح بيني وبينهم فتحا ونجني
سنگسار شدگان گفت پروردگارا من بدرستیکه قوم من تکذیب کردند مرا پس حکم کن میان من و میان ایشان حکمی و نجات ده مرا

ومن معي من المؤمنين ١١٩ فانجيناه ومن معه في الفلك المشحون ١٢٠ ثم
و هر که با منست از گروندگان پس نجات دادیم او را و هر که با او بود در کشتی پر کرده شده پس

اغرقنا بعد الباقين ١٢١ ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم مؤمنين ١٢٢ و
غرق کردیم پس از آن باقی ماندگان را بدرستیکه در این هر آینه نشانه‌ایست و نبودند بیشتر ایشان گروندگان و

ان ربك لهو العزيز الرحيم ١٢٣ كذبت عاد المرسلين ١٢٤ اذ قال لهم اخوهم
بدرستیکه پروردگار تو هر آینه او غالب مهربانست تکذیب کردند قوم هود مرسلان را چون گفت مر ایشان را برادر ایشان

هود الا تتقون ١٢٥ اني لكم رسول امين ١٢٦ فاتقوا الله واطيعون ١٢٧
هود آیا نمی‌پرهیزید بدرستیکه من مر شما را رسولی با امانتم پس بپرهیزید و فرمان ببرید مرا

وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين ١٢٨ اتبنون بكل
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزد من بجز بر پروردگار جهانیان آیا بنا میکنید بهر

ريع اية تعبثون ١٢٩ وتتخذون مصانع لعلكم تخلدون ١٣٠ واذا بطشتم
جای بلند علامتی که بازی کنید با آن و فرا میگیرید قصرهای محکم که شاید شما جاوید مانید و چون حمله کنید

بطشتم جبارين ١٣١ فاتقوا الله واطيعون ١٣٢ واتقوا الذي امدكم بما
حمله کنید ستمگاران پس بترسید از خدا و اطاعت کنید مرا و بپرهیزید از آنکه امداد کرد شما را با آنچه

تعلمون ١٣٣ امدكم بانعام وبنين ١٣٤ وجنات وعيون ١٣٥ اني اخاف
میدانید امداد کرد شما را بچهارپایان و پسران و بوستانها و چشمه‌ها بدرستیکه من میترسم

عليكم عذاب يوم عظيم ١٣٦ قالوا سواء علينا اوعظت ام لم تكن من الواعظين
بر شما از عذاب روزی بزرگ گفتند یکسانست بر ما خواه پند دهی یا نبوده باشی از پند دهندگان

ان هذا الا خلق الاولين ١٣٨ وما نحن بمعذبين ١٣٩ فكذبوه فاهلكناهم ان
نیست این مگر عادت پیشینیان و نیستیم ما عذاب کرده شدگان پس تکذیب کردند او را پس هلاک کردیم ایشان را بدرستیکه

واطيعون بكسر نون

واطيعون بكسر نون

نصف الربع

كذبون بكسر نون

واطيعون بكسر نون

واطيعون بكسر نون

تعلمون بتقديم لام بر ميم

خلق بضم خا و لام و رفع قاف

فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ١٤٠ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٤١
در این هر آینه نشانه ایست و نبودند بیشترایشان بگروندگان و بدرستیکه پروردگار تو اوست غالب مهربان

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ١٤٢ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٤٣ إِنِّي
تکذیب کردند ثمود مرسلان را چون گفت مرایشان را برادر ایشان صالح که آیا نمی‌پرهیزید بدرستیکه

لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٤٤ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ ١٤٥ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ
مرشما را رسولی با امانتم پس بترسید از خدا و اطاعت کنید مرا و نمیخواهم از شما مزدی هیچ بر آن

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٤٦ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ١٤٧ فِي جَنَّاتٍ
نیست مزد من بجز بر پروردگار جهانیان آیا واگذاشته میشوید در آنچه هست در اینجا ایمنان در بوستانها

وَعُيُونٍ ١٤٨ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ١٤٩ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا
و چشمه سارها و کشت زارها و خرماستان که شکوفهٔ آن لطیف است و میتراشید از کوهها خانه‌ها

فَارِهِينَ ١٥٠ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ ١٥١ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ١٥٢
ماهران پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و اطاعت مکنید امر اسراف کنندگان را

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ١٥٣ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ١٥٤
آنانکه فساد میکنند در زمین و اصلاح نمیکنند گفتند جز این نیست که تو از جادو کردگانی

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ١٥٥ قَالَ هٰذِهِ نَاقَةٌ
نیستی تو مگر انسانی مانند ما پس بیاور آیتی اگر هستی از راستگویان گفت اینست ناقه

لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ١٥٦ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ
مرا او راست آبخوردنی و مر شما راست آبخوردنی روز معلوم و مبایید که دست کنید بدی پس بگیرد شما را عذاب

يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٥٧ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ ١٥٨ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي
روز بزرگ پس پی کردند آنرا پس گردیدند پشیمانان پس گرفت ایشانرا عذاب بدرستیکه در

ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ١٥٩ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٦٠
این هر آینه آیتیست و نبودند بیشتر آنها گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه غالب مهربانست

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ١٦١ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٦٢ إِنِّي
تکذیب کردند قوم لوط مرسلان را چون گفت مرایشانرا برادرشان لوط آیا نمی‌پرهیزید بدرستیکه من

لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٦٣ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ ١٦٤ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ
مرشما را رسولی با امانتم پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و نمیخواهم از شما بر آن هیچ

أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٦٥ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ١٦٦
مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان آیا میآیید مذکرها را از جهانیان

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ١٦٧ قَالُوا
و وا میگذارید آنچه را آفرید برای شما پروردگارتان از زنانتان بلکه شمائید گروهی تعدی کننده گفتند

لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ١٦٨ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ١٦٩
هر آینه اگر باز نایستی ای لوط هر آینه خواهی شد از بیرون شدگان گفت بدرستیکه من هستم کردار شما را از دشمنان

واطيعون بكسر نون

واطيعون بكسر نون

واطيعون بكسر نون

لعملكم بكسر لام و فتح عين و ميم

رب

رَبِّ نَجِّنِي وَاَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ١٧٠ فَنَجَّيْنَاهُ وَاَهْلَهُ اَجْمَعِينَ ١٧١ اِلَّا عَجُوزًا فِي
پروردگارا من نجات ده مرا و اهل مرا از آنچه میکنند پس نجات دادیم او را و اهلش همه را بجز پیره زنی در

الْغَابِرِينَ ١٧٢ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْاٰخَرِينَ ١٧٣ وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ
در باز ماندگان بهلاکت پس هلاک کردیم دیگرها را و باران بارانیدیم برایشان بارانی پس بد بود باران

الْمُنْذَرِينَ ١٧٤ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ١٧٥ وَاِنَّ
بیم کرده شدگان بدرستیکه در این هر آینه آیتست و نبودند بیشتر آنها گروندگان و بدرستیکه

رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٧٦ كَذَّبَ اَصْحَابُ لْئَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ١٧٧ اِذْ قَالَ
پروردگار تو اوست غالب مهربان تکذیب کردند اصحاب ایکه مرسلان را چون گفت

لَهُمْ شُعَيْبٌ اَلَا تَتَّقُونَ ١٧٨ اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اَمِينٌ ١٧٩ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُونِ ١٨٠
مر آنها را شعیب آیا نمی پرهیزید بدرستیکه من شما را رسولی با امانتم پس بترسید از خدا و فرمانبرید مرا

وَمَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٨١ اَوْفُوا الْكَيْلَ
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزد من بجز بر پروردگار جهانیان تمام کنید پیمانه را

وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ١٨٢ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ١٨٣ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
و نباشید از زیانکاران وزن کنید بترازوی راست و کم مکنید مردمان را

اَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ ١٨٤ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ
چیزهاشان را و تباهکاری مکنید در زمین فساد کنندگان و بپرهیزید از آنکه آفرید شما را و خلق

الْاَوَّلِينَ ١٨٥ قَالُوا اِنَّمَا اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ١٨٦ وَمَا اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَاِنْ
پیشینیان را گفتند جز این نیست که تو از سحر کرده شدگانی و نیستی تو مگر انسانی مانند ما و بدرستیکه

نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ١٨٧ فَاَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ اِنْ كُنْتَ مِنَ
گمان داریم که تو هر آینه از دروغگویانی پس فرود آور بر ما پاره ها از آسمان اگر هستی از

الصَّادِقِينَ ١٨٨ قَالَ رَبِّي اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ١٨٩ فَكَذَّبُوهُ فَاَخَذَهُمْ عَذَابُ
راستگویان گفت پروردگار من داناتر است بآنچه میکنید پس تکذیب کردند او را پس گرفت آنها را عذاب

يَوْمِ الظُّلَّةِ اِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٩٠ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ
روز سایبان بدرستیکه آن هست عذاب روز بزرگ بدرستیکه در این هر آینه آیتست و نبودند

اَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ١٩١ وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٩٢ وَاِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ
بیشتر آنها گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو اوست غالب مهربان و بدرستیکه آن فرستاده پروردگار

الْعَالَمِينَ ١٩٣ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْاَمِينُ ١٩٤ عَلٰى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ١٩٥
جهانیانست فرود آورده است آنرا جبرئیل با امانت بر دل تو تا بوده باشی از بیم کنندگان

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ١٩٦ وَاِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْاَوَّلِينَ ١٩٧ اَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ اٰيَةً اَنْ يَعْلَمَهُ
بزبان عربی روشن و بدرستیکه آن نامش در کتابهای پیشینیان آیا نباشد ایشان را آیتی که بدانند آنرا

عُلَمٰٓؤُا بَنِي اِسْرَائِيلَ ١٩٨ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلٰى بَعْضِ الْاَعْجَمِينَ ١٩٩ فَقَرَاَهُ عَلَيْهِمْ
دانایان بنی اسرائیل و اگر فرستاده بودیم آنرا بر برخی اعجمیان پس خوانده بود آنرا برایشان

قوله تعالی

المسحرين بالحاء المهملة مع التشديد

فاسقط بفتح همزه قطع وکسر قاف

كسفا بکسر کاف وفتح سین

الظلة بضم الظاء

علماء بضم همزه بلا مد

ما كانوا

مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ٢٠٠ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ٢٠١ لَا يُؤْمِنُونَ

نبودند بآن گروندگان همچنین سلوک داشتیم آنرا در دلهای گنهکاران نمیگروند

بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ٢٠٢ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٢٠٣ فَيَقُولُوا

بآن تا ببینند عذاب دردناک را پس بیاید ایشانرا ناگاه و آنها ندانند پس گویند

هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ٢٠٤ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ٢٠٥ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ

آیا باشیم ما از مهلت داده شدگان آیا پس عذاب ما را بشتاب میخواهند آیا پس دیدی کامیابشان سازیم آنها را

سِنِينَ ٢٠٦ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ٢٠٧ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا

سالها پس آمد آنهارا آنچه بودند که وعده داده میشدند کفایت نکند از ایشان آنچه بودند

يُمَتَّعُونَ ٢٠٨ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ٢٠٩ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا

کامیاب میشدند و هلاک نکردیم ما هیچ قریه را مگر آنکه بود مر آنها را بیم کنندگان پند دادنی و نباشیم

ظَالِمِينَ ٢١٠ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ٢١١ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ٢١٢

ستمکاران و فرود نیاوردند آنرا شیاطین و نسزد مرایشانرا و نمیتوانند

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ٢١٣ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ

بدرستیکه ایشان از شنیدن هر آینه معزول شدگانند پس مخوان با خدا خدائی دیگر پس بوده باشی از

الْمُعَذَّبِينَ ٢١٤ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ٢١٥ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ

عذاب شدگان و بیم ده خویشانت را که نزدیک ترند و فرود آر بالت را برای هر کس که پیروی شد ترا

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢١٦ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ٢١٧ وَتَوَكَّلْ عَلَى

از گروندگان پس اگر نافرمانی کردند ترا پس بگو بدرستیکه من بیزارم از آنچه میکنید و توکل کن بر خداوند

الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ٢١٨ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ٢١٩ وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ٢٢٠

غالب مهربان آنکه می بیند ترا وقتیکه برمیخیزی و گردیدنت از حالی بحالی در سجده کنندگان

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٢٢١ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ٢٢٢ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ

بدرستیکه اوست شنونده دانا آیا خبر دهم شما را بر کسیکه فرود می آیند شیاطین فرود می آیند بر هر

أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ٢٢٣ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ٢٢٤ وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ

کذاب گنهکار که میاندازند گوش را و بیشترشان دروغگویانند و شاعران پیروی کنند

الْغَاوُونَ ٢٢٥ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ٢٢٦ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا

گمراهان آنرا آیا ندیدی که ایشان در هر وادی سرگشته میروند و آنکه ایشان میگویند آنچه نه

يَفْعَلُونَ ٢٢٧ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا ٢٢٨

میکنند بجز آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته و یاد کردند خدا را بسیار

وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

و انتقام کشیدند بعد از آنکه ستم کرده شدند و بزودی بدانند آنانکه ستم کردند که بکدام جای بازگشت بازمیگردند

سورة النمل خمس وتسعون آية وهي مكية (٢٧)

نزلت بعد سورة الشعراء

يَرَوْا بفتح يا و واو و ضم راء

تنزّل بفتح تا و نون و زاء و ضم لام

الغاوون بالغواى يعنى اتباع شوند

بسم الله

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

طٰسٓ تِلْكَ اٰيٰتُ الْقُرْاٰنِ وَكِتَابٍ مُّبِيْنٍ ٢ هُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ٣
اینست آیات قرآن و کتاب روشن هدایت و بشارتست برای گروندگان

اَلَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ٤
آنانکه برپا میدارند نمازرا و میدهند زکاترا وایشان بآخرتشان یقین دارند

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ اَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُوْنَ ٥ اُولٰٓئِكَ
بدرستی آنانکه ایمان نمیآورند بآخرت آراسته کردیم برایشان کردارشانرا پس آنها حیرانند این گروه

الَّذِيْنَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ٦ وَاِنَّكَ لَتُلَقَّى
آنانکه مرایشانراست بدی عذاب وآنها در آخرتشان زیانکاراانند وبدرستیکه توفراداده شوی

الْقُرْاٰنَ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ عَلِيْمٍ ٧ اِذْ قَالَ مُوْسٰى لِاَهْلِهٖٓ اِنِّيْٓ اٰنَسْتُ نَارًا سَاٰتِيْكُمْ
قرآنرا از نزد درست کرداری دانا چو گفت موسی مراهلش را که من دیدم آتشی را بزودی بیاورم شمارا

مِنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ اٰتِيْكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ٨ فَلَمَّا جَآءَهَا نُوْدِيَ اَنْ
از آن خبری یا بیاورم شمارا شعله گیرانیده باشد که شما گرم شوید پس چون آمد بجانب آن ندای کرده شد که

بُوْرِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ٩ يٰمُوْسٰٓى اِنَّهٗ
برکت داده شد آنکه در آتش وآنکه پیرامون آنست ومنزه است خدا پروردگار جهانیان ای موسی بدرستیکه آن

اَنَا اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ١٠ وَاَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَآنٌّ وَّلّٰى
منم خدای غالب درست کردار وبینداز عصایت را پس چون دیدش که میجنبد که گویا مارسیت برگشت

مُدْبِرًا وَّلَمْ يُعَقِّبْ يٰمُوْسٰى لَا تَخَفْ اِنِّيْ لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُوْنَ ١١ اِلَّا مَنْ ظَلَمَ
از پس رونده و رجوع نکرد ای موسی مترس بدرستیکه منم نترسند نزد من فرستادگان مگر کسیکه ستم کرد

ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوْٓءٍ فَاِنِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ١٢ وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِيْ جَيْبِكَ تَخْرُجْ
پس بدل آورد نیکی را پس از بدی پس بدرستیکه منم آمرزنده مهربان ودرآور دستت را در گریبانت که بیرون آید

بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوْٓءٍ فِيْ تِسْعِ اٰيٰتٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهٖ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا
نورانی از غیر بدی در نه گانه آیت بسوی فرعون وقومش که ایشان باشند گروهی

فٰسِقِيْنَ ١٣ فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ اٰيٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ١٤ وَجَحَدُوْا
نافرمانبران پس چون آمد ایشانرا آیات ما که بینا کننده است گفتند اینست جادوئی آشکار وانکار کردند

بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَآ اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَّعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ١٥
آنرا ویقین داشت آنرا نفسهای آنها از راه ستم و کبر پس بنگر چگونه باشد سرانجام تباه کاران

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ فَضَّلَنَا عَلٰى
وبتحقیق که دادیم ما داود و سلیمانرا دانش وگفتند ستایش مر خدایرا که افزونی داد مارا بر

كَثِيْرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ ١٦ وَوَرِثَ سُلَيْمٰنُ دَاوٗدَ وَقَالَ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ
بسیاری از بندگان گروندگانش ووارث شد سلیمان داودرا وگفت ای مردمان

طٰسٓ: سین طا میم خوانده

لَتُلَقَّى: بفتح لام اول وضم تا وفتح لام دوم وقاف مشدده

ع

وَاَدْخِلْ: بفتح همزهٔ قطع وسکون دال وکسر خا وسکون لام

وَجَحَدُوْا: بفتحتین جیم و حا

دَاوٗدَ: بدو واو خوانده شود یعنی باشباع

دَاوٗدَ: بدو واو خوانده شود

علمنا

علمنا منطق الطير واوتينا من كل شيء ان هذا لهو الفضل المبين ١٧ وحشر
آموخته شدیم نطق پرنده وداده شدیم از همه چیزی بدرستیکه این همه آینه مرتبه ایست آشکار وجمع کرده شد

لسليمان جنوده من الجن والانس والطير فهم يوزعون ١٨ حتى اذا اتوا
برای سلیمان لشکرهایش از جنیان وآدمیان وپرنده پس ایشان بازداشته میشوند تا وقتیکه آمدند

على واد النمل قالت نملة يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم
بر وادی مور گفت مورچه ای موران داخل شوید در مسکنهای خود که در هم نشکند شما را

سليمان وجنوده وهم لا يشعرون ١٩ فتبسم ضاحكا من قولها وقال
سلیمان ولشکرهایش وایشان ندانند پس تبسم کرد خندان از گفتار او وگفت

رب اوزعني ان اشكر نعمتك التي انعمت علي وعلى والدي وان اعمل
ای پروردگار من الهام کن مرا که شکر گویم نعمت تورا که انعام کردی بر من و بر والدینم وآنکه بکنم کار

صالحا ترضاه وادخلني برحمتك في عبادك الصالحين ٢٠ وتفقد
شایسته که پسندی آنرا وداخل کن مرا برحمت خود در بندگان خود که شایسته کارانند وجویا شد

الطير فقال ما لي لا ارى الهدهد ام كان من الغائبين ٢١ لاعذبنه
پرنده را پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را یا باشد از غایبان هر آینه عذاب کنم اورا

عذابا شديدا او لاذبحنه او ليأتيني بسلطان مبين ٢٢ فمكث غير بعيد
عذابی سخت یا بکشم اورا البته یا باید بیاورد مرا حجتی روشن پس درنگ کرد نه دور

فقال احطت بما لم تحط به وجئتك من سبإ بنبإ يقين ٢٣ اني وجدت
پس گفت احاطه کردم بآنچه احاطه نکردی بآن و آوردم تورا از سبا خبری راست بدرستیکه من یافتم

امرأة تملكهم واوتيت من كل شيء ولها عرش عظيم ٢٤ وجدتها و
زنی که پادشاهی میکرد ایشانرا وداده شد از همه چیزی ومراو راست تختی بزرگ یافتم او و

قومها يسجدون للشمس من دون الله وزين لهم الشيطان اعمالهم
قومش را که سجده میکردند مر آفتاب را از غیر خدا وآراسته کرده برای ایشان شیطان کردار شانرا

فصدهم عن السبيل فهم لا يهتدون ٢٥ الا يسجدوا لله الذي يخرج
پس بازداشت ایشانرا از راه پس ایشان هدایت نمی یابند چرا سجده نمیکنند مر خدایرا که بیرون آورد

الخبء في السموات والارض ويعلم ما تخفون وما تعلنون ٢٦ الله لا اله
پنهانرا در آسمانها وزمین ومیداند آنچه پنهان دارید وآنچه آشکار میکنید خدائی که نیست خدای

الا هو رب العرش العظيم ٢٧ قال سننظر اصدقت ام كنت من الكاذبين ٢٨
بجز او پروردگار عرش بزرگ است گفت بزودی نظر خواهیم کرد که آیا راست گفتی یا هستی از دروغگویان

اذهب بكتابي هذا فالقه اليهم ثم تول عنهم فانظر ماذا يرجعون ٢٩
ببر نامه مرا این نامه پس بینداز بسوی ایشان پس روگردان باش از ایشان پس بنگر چه بر میگردانند

قالت يا ايها الملأ اني القي الي كتاب كريم ٣٠ انه من سليمان
گفت ای جماعت بدرستیکه من چنانم که افگنده شد بمن نامه نیکو بدرستیکه او از سلیمان است

واوتينا بضم همزه و سکون واو

وان اعمل بفتح همزه و سکون عین و فتح لام

ادخلني بفتح همزه قطع

مالي بسکون یاء

سبإ بفتح سین و باء کسره همزه منون

سجده

الخبء بفتح خاء سکون باء و فتح همزه

فالقه بفتح همزه مقطوع

وَاِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۳۱ اَلَّا تَعْلُوْا عَلَيَّ وَاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ۳۲ قَالَتْ

و بدرستیکه آنست بنام خداوند بخشنده مهربان که رفعت مجوئید برمن و بیائید مرا منقادان گفت

يٰاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَفْتُوْنِيْ فِيْ اَمْرِيْ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً اَمْرًا حَتّٰى تَشْهَدُوْنِ ۳۳ قَالُوْا

ای جماعت فتوی دهید مرا در کارم نیستم من عزم جزم کننده کاری را تا آنکه حاضر شوید مرا گفتند

نَحْنُ اُولُوْا قُوَّةٍ وَّاُولُوْا بَاْسٍ شَدِيْدٍ وَّالْاَمْرُ اِلَيْكِ فَانْظُرِيْ مَاذَا تَاْمُرِيْنَ ۳۴

ما هستیم صاحبان قوت و صاحبان کارزار سخت و کار با تواست پس بنگر که چه میفرمائی

قَالَتْ اِنَّ الْمُلُوْكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْيَةً اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْا اَعِزَّةَ اَهْلِهَا اَذِلَّةً ۚ وَ

گفت بدرستیکه پادشاهان چون وارد شوند قریه را فاسد کنند آنرا و گردانند عزیزان اهل آنرا ذلیلان و

كَذٰلِكَ يَفْعَلُوْنَ ۳۵ وَاِنِّيْ مُرْسِلَةٌ اِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنٰظِرَةٌ ۢ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُوْنَ

همچنین میکنند و بدرستیکه من فرستنده ام بسوی ایشان هدیه را پس نگرنده ام بچه باز میگردند فرستادگان

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيْمٰنَ قَالَ اَتُمِدُّوْنَنِ بِمَالٍ فَمَآ اٰتٰىنِۦَ اللّٰهُ خَيْرٌ مِّمَّآ اٰتٰىكُمْ بَلْ اَنْتُمْ

پس چون آمد سلیمانرا گفت آیا امداد میکنید مرا بمال پس آنچه داده است مرا خدا بهتر است از آنچه شما را داده بلکه شما

بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُوْنَ ۳۶ اِرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَنَاْتِيَنَّهُمْ بِجُنُوْدٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ

بهدیه خودتان شادمانید برگرد بسوی ایشان پس خواهیم آورد آنهارا لشگرها که طاقت نباشد ایشانرا بآن و البته بیرون خواهیم کرد

مِّنْهَآ اَذِلَّةً وَّهُمْ صٰغِرُوْنَ ۳۷ قَالَ يٰاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَيُّكُمْ يَاْتِيْنِيْ بِعَرْشِهَا قَبْلَ

از آن خوار شدگان و ایشان باشند خواران گفت ای گروه کدام از شما میاورد بمن تخت اورا پیش

اَنْ يَّاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ۳۸ قَالَ عِفْرِيْتٌ مِّنَ الْجِنِّ اَنَا اٰتِيْكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ

از آنکه بیایند مرا منقادان گفت دیو بزرگی از جن من میاورم تو آنرا پیش از آنکه برخیزی از

مَّقَامِكَ ۚ وَاِنِّيْ عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ اَمِيْنٌ ۳۹ قَالَ الَّذِيْ عِنْدَهٗ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتٰبِ

جایت و بدرستیکه من بر آن هر آینه قوی امینم گفت آنکه نزد او علمی بود از کتاب

اَنَا اٰتِيْكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ يَّرْتَدَّ اِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَاٰهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهٗ قَالَ هٰذَا

من میاورم اورا بتو پیش از آنکه برگردد بسوی تو چشم تو پس چون آنرا قرار گرفته نزدش گفت این

مِنْ فَضْلِ رَبِّيْ ۟ لِيَبْلُوَنِيْٓ ءَاَشْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهٖ ۚ وَ

از فضل پروردگار منست تا امتحان کند مرا که آیا شکر میکنم یا ناسپاسی میکنم پس جز این نیست که شکر میکند برای خودش و

مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ رَبِّيْ غَنِيٌّ كَرِيْمٌ ۴۰ قَالَ نَكِّرُوْا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ اَتَهْتَدِيْٓ اَمْ تَكُوْنُ

هر که ناسپاسی کرد پس بدرستیکه پروردگار من بی نیاز بخشنده است گفت ناشناس و نامعلوم دهید برای او تختش را ببینیم آیا میابد یا باشد

مِنَ الَّذِيْنَ لَا يَهْتَدُوْنَ ۴۱ فَلَمَّا جَآءَتْ قِيْلَ اَهٰكَذَا عَرْشُكِ ۚ قَالَتْ كَاَنَّهٗ هُوَ ۚ

از آنانکه نمییابند پس چون آمد گفته شد آیا چنین تخت تو گفت گویا که آنست

وَاُوْتِيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِيْنَ ۴۲ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَّعْبُدُ

و داده شدیم ما علم را از پیش آن و بودیم ما منقادان و باز داشته بود اورا آنچه بود که میپرستید

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۚ اِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كٰفِرِيْنَ ۴۳ قِيْلَ لَهَا ادْخُلِي

از غیر خدا بدرستیکه او بود از گروه کافران گفته شد اورا که داخل شو

تَشْهَدُوْنِ بکسر نون

اِلَيْكِ بکسر کاف

اُولُوْا بلا عنز اشباع در هر دو موضع

اَتُمِدُّوْنَنِ بکسر نون دوم

قِبَلَ بکسر قاف و فتح با

طَرْفُكَ بفتح طا و سکون را و ضم فا

نَكِّرُوْا بتشدید کاف
نَنْظُرْ بسکون را

الصَّرْحَ فَلَمَّا رَاَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ اِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ

در صحن یا قصر پس چون آنرا پنداشتش آب بسیار و برزد از دو ساقش گفت بدرستیکه آن صحن است ساده

مِنْ قَوَارِيرَ ۴۴ قَالَتْ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمٰنَ لِلّٰهِ رَبِّ

از آبگینها گفت پروردگارمن بدرستیکه من ستم کردم بر خود و اسلام آوردم با سلیمان برای پروردگار

الْعَالَمِينَ ۴۵ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰى ثَمُودَ اَخَاهُمْ صَالِحًا اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ فَاِذَا هُمْ

جهانیان وهر آینه بتحقیق فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان صالحرا که بپرستید خدا را آنگاه ایشان

فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ۴۶ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ

دو فرقه شدند که نزاع میکردند گفت ای قوم من چرا بشتاب میخواهید بدیرا پیش از خوبی

لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۴۷ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ

چرا آمرزش نمیخواهید خدارا شاید شما رحمت کرده شوید گفتند فال بد زدیم بتو و کسانیکه با تواند

قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ۴۸ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ

گفت پرنده شوم شما نزد خداست بلکه شما ئید گروهی که مبتلا میشوید و بودند در شهر نه

رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ۴۹ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللّٰهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ

قبیله که فساد میکردند در زمین و اصلاح نمیکردند گفتند سوگند خورید بخدا که شبیخون میزنیم اورا

وَاَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ اَهْلِهِ وَاِنَّا لَصَادِقُونَ ۵۰

و اهلش را پس هر آینه میگوئیم مر وارث اورا که حاضر نبودیم در جای هلاک اهل او و بدرستیکه ما هر آینه راستگویانیم

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۵۱ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ

و مکر کردند مکر کردنی و مکر کردیم مکر کردنی و ایشان نداننند پس بنگر چگونه باشد

عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ اَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ اَجْمَعِينَ ۵۲ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً

انجام مکر ایشان که ما هلاک کردیم ایشانرا و قومشانرا همه پس اینست خانهاشان فرو ریخته

بِمَا ظَلَمُوا اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۵۳ وَاَنْجَيْنَا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَكَانُوا

بسبب آنچه ستم کردند بدرستیکه در این هر آینه آیتیست برای قومیکه میدانند و نجات دادیم آنانکه گرویدند و بودند

يَتَّقُونَ ۵۴ وَلُوطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَتَاْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَاَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ۵۵

بپرهیز میکردند و لوطرا چون گفت مر قومش را که آیا میائید آن کار زشت را و شما می بینید

اَئِنَّكُمْ لَتَاْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ۵۶

آیا شما میآئید مردانرا از راه شهوت از غیر زنان بلکه شمائید گروهی که جهل میورزید

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوا اَخْرِجُوا اٰلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ اِنَّهُمْ

پس نبود جواب قومش بجز آنکه گفتند بیرون کنید آل لوطرا از قریه خودتان بدرستیکه ایشانند

اُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ۵۷ فَاَنْجَيْنَاهُ وَاَهْلَهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ

مردمانیکه پاک میشمارند خودرا پس نجات دادیم او و اهلش را بجز زنش را که مقرر داشتیم اورا از

الْغَابِرِينَ ۵۸ وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ۵۹ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

باز ماندگان در هلاک و باراندیم ما بر ایشان بارانی پس بد است باران بیم داده شدگان بگو ستایش مر خدارا

اطّیّرنا: بتشأّمنا تطایرنا

الجزو العشرون ۲۰

وَسَلَامٌ

وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۗ آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ۝٦١ أَمَّنْ خَلَقَ

و سلام بر بندگانش آنانکه برگزید آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک میدانند یا آنکه آفرید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ

آسمانها و زمین را و فرو فرستاد برای شما از آسمان آب را پس رویانیدیم بآن باغهای صاحب

بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن تُنبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ۝٦٢

بهجت و نبود برای شما که برویانید درخت آنرا آیا خدائی با خداست بلکه ایشانند گروهی که عدول میکنند

أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ

آیا آنکه گردانید زمین را قرارگاهی و پدید کرد میانش نهرها و گردانید برای آنها کوههای استوار و گردانید

بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝٦٣ أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ

میان دو دریا حایلی آیا خدائی با خداست بلکه بیشترشان نمیدانند یا آنکه اجابت میکند درمانده را

إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ ۚ قَلِيلًا مَّا

چون خواندش و رفع میکند بدیرا و میگرداند شما را جانشینان در زمین آیا خدائی با خداست اندکی

تَذَكَّرُونَ ۝٦٤ أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا

پند میگیرید یا آنکه راه مینماید شما را در تاریکیهای بیابان و دریا و آنکه میفرستد بادها مژده دهنده

بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ ۚ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝٦٥ أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ

میان دو دست رحمتش آیا خدائیست با خدا برتر است خدا از آنچه شریک او دارند یا آنکه نخست آفرید خلق را

ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ

پس اعاده میکندش و آنکه روزی میدهد شما را از آسمان و زمین آیا خدائیست با خدا بگو بیارید دلیل خودتانرا

إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝٦٦ قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ۚ

اگر هستید راستگویان بگو نمیداند هر که در آسمانها و زمین است پنهانرا بجز خدا

وَمَا يَشْعُرُونَ ۝٦٧ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ۝٦٨ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۚ بَلْ هُمْ

و نمیدانند کی برانگیخته خواهند شد بلکه بکمال رسید علم ایشان در آخرت بلکه ایشان

فِي شَكٍّ مِّنْهَا ۖ بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ ۝٦٩ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا

در شک اند از آن بلکه ایشان اند از آن کوران و گفتند آنانکه کافر شدند آیا وقتیکه بشویم خاک و پدرانمان

أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ۝٧٠ لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِن قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ

آیا ما از بیرون آوردگانیم هر آینه بتحقیق که وعده داده شدیم ما این را ما و پدرانمان از پیش نیست این مگر افسانه

الْأَوَّلِينَ ۝٧١ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ۝٧٢

پیشینیان بگو سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه باشد سرانجام گناهکاران

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُن فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ۝٧٣ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ

و نه اندوه خور برایشان و نه باش در تنگی از آنچه مکر میکنند و میگویند کی خواهد بود این وعده

إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝٧٤ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ۝٧٥

اگر هستید راستگویان بگو شاید که باشد که رسد مر شما را برخی از آنچه شتاب میخواهید

وان

قوله سبحانه: قل الحمد لله وسلام علی عباده امر جوامع فی عه

آالله: بفتح همزه استفهام داخل شد بر الله و همزه الله قلب شد

علیها الرحمة از ائمه روایت نموده اند که مراد از آن عباد آل محمد است زیرا که دل ایشان سالم است از لوث علایق و منزلشان خالیست از فکر خلایق در این سر اسلام بواسطه شنوند و در آخرت بواسطه خواهند شنید که سلام قولا من رب رحیم

قوله تعالی: امن یجیب المضطر اذا دعاه الخ یعنی آیا کیست که اجابت کند بیچاره فقیر و درمانده را وقتیکه بخواند او را در وقت اضطرار که هیچ وسیله و حیله از برای او نباشد نجز جمعی چون غرق در دریا و حرق در نار و بیمار مایوس از صحت و شفا و برسید از آن مدی را از آن مضطر خواسته شده

بل ادارک: بتشدید دال و سقوط همزه وصل

آباؤنا: بدو فتح اشباع دو هر دو موضع

جعلی میگرداند شما را جانشین در زمین انس گذشتگان و بهتر است و آنکه میپرستید و او از آنها قبل که اجابت مضطر میکند و رفع بدی نماید و بر جانشین بودن باشد آیا خدائی دیگر باشد با آنحضرت که برحق معین او باشد میگردند کمی از شما یاد خدا و نعمتهای او میباشد والسلام

وَاِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ۷۶ وَاِنَّ

وبدرستیکه پروردگار تو هر آینه صاحب کرمست بر مردمان ولیکن بیشترشان ناسپاسانند وبدرستیکه

رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ۷۷ وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَ

پروردگار تو هر آینه میداند آنچه پنهان دارند در سینهاشان وآنچه آشکار میکنند ونیست هیچ پنهانی در آسمان و

الْاَرْضِ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۷۸ اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي اِسْرَائِيلَ

زمین بجز در کتابی روشن بدرستیکه این قرآن میخواند بر فرزندان یعقوب

اَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۷۹ وَاِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ۸۰ اِنَّ

بیشترین آنچه ایشان را در آن اختلاف میکنند وبدرستیکه آن هر آینه هدایت ورحمتست مر گروندگان را بدرستیکه

رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۸۱ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ اِنَّكَ عَلَى

پروردگار تو حکم میکند میانشان بفرمان خود واوست غالب دانا پس توکل کن بر خدا بدرستیکه توئی بر

الْحَقِّ الْمُبِينِ ۸۲ اِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ اِذَا وَلَّوْا

حق آشکار بدرستیکه تو نمیشنوانی مردگان را ونمیشنوانی کران را ندا چون برگردند

مُدْبِرِينَ ۸۳ وَمَا اَنْتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ اِنْ تُسْمِعُ اِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ

پشت کنندگان ونیستی تو راه نماینده کوران از گمراهیشان نمیشنوانی بجز آنرا که ایمان بیاورد

بِاٰيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ۸۴ وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ

بآیات ما پس ایشانند مسلمانان وچون واقع شود گفتار برایشان بیرون آوریم ما برای ایشان جنبنده از

الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ اَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِاٰيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۸۵ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ

زمین که سخن کند با ایشان که مردمان ما شنند بآیات ما یقین نمیکنند وروزیکه حشر نمائیم از هر دسته

اُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِاٰيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ۸۶ حَتّٰى اِذَا جَاءُوا قَالَ اَكَذَّبْتُمْ

امتی دسته از آنانکه تکذیب کردند آیتهای ما را پس آنها باز داشته میشوند تا وقتیکه آیند گوید آیا تکذیب کردید

بِاٰيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا اَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۸۷ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ

آیات مرا واحاطه نکردید بآن از راه دانش آیا چه کاری بود که میکردید وواقع آمد گفتار برایشان

بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ۸۸ اَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ

بآنچه ستم کردند پس ایشان سخن نگویند آیا ندیدند که ما گردانیدیم شب را تا آرام گیرند در آن وروز را

مُبْصِرًا اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۸۹ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ

بینش بخش بدرستیکه در این هر آینه نشانه هاست برای گروهی که میگروند وروزیکه دمیده میشود در صور پس بترسد

مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ اِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ وَكُلٌّ اَتَوْهُ دَاخِرِينَ ۹۰ وَ

هر که در آسمانها وهر که در زمینست بجز آنکه خواست خدا وهمه آیند او را ذلیلان

تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِي اَتْقَنَ كُلَّ

وبینی کوهها را که پنداری آنها را ساکن وحال آنکه آنها میروند رفتن ابر کرده خدا آنکه درست کرد هر

شَيْءٍ اِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ۹۱ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ

چیز را بدرستیکه او آگاهست بآنچه میکنید آنکه آورد خوبی را پس مر او راست بهتر از آن وایشان از ترس

قوله سبحانه

ویوم نحشر من کل امة فوجا

حضرت صادق علیه السلام بروایت قمی ره فرمود این آیه در رجعت است چه خداي

تکلمهم

بضمّ تا وکسر کاف وضمّ نون مشدّده

فرموده ویوم نحشر من کل امة فوجا مردی عرض کرد که عامه را گمان آنست که این آیه بجهت روز قیامت است حضرت فرمود اگر چنین است پس باید خدا در روز قیامت از هر امتی فوجی را محشور فرماید وما بقی را واگذارد وهمان جناب فرمود نیست احدی از مؤمنین که کشته شده مگر آنکه رجعت میکند تا مرگ را ادراک نماید ورجعت نمیکند بجز مؤمن محض یا کافر محض در بصائر روایت شده که ابن الکوا گوید خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عرض کردم که مردمانی از اصحاب ما گمان میکنند

جاؤا

بضمّ همزه وسکون واو

که ایشان بعد از مردن برمیگردند حضرت فرمود بگو آنچه جواب گفتی در باب خود وگفته خود عرض کردم باش ان من ایمان نمیآورم بآنچه میگویند حضرت فرمود وای بر تو خدا استیلا کرد قومیرا بجهه گناه ایشان

اتوه

بفتح همزه بدون الف وفتح تا وسکون واو

پس میراند ایشانرا پیش از اجل خود پس ایشانرا برگردانید بدنیا تا وفا نمایند بروزهای خود پس باز میراند ایشانرا ابن الکوا تعجب کرد ۱۲

يومئذ آمنون ٩٢ ومن جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار هل تجزون
روزی چنین ایمنانند وهر که آورد بدیرا پس نگونسار شد رویهای ایشان در آتش آیا جزا داده میشوید

الا ما كنتم تعملون ٩٣ انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة الذي
بجز آنچه هستید که میکنید جز این نیست فرموده شدم مرا که بپرستم پروردگار این بلده را آنکه

حرمها وله كل شيء وامرت ان اكون من المسلمين ٩٤ وان اتلو القرآن
حرام کرد مراورا وست هر چیزی و فرموده شدم که باشم از منقادان و اینکه میخوانم قرآنرا

فمن اهتدى فانما يهتدي لنفسه ومن ضل فقل انما انا من المنذرين ٩٥
پس آنکه هدایت یافت پس جز این نیست که هدایت یابد بجز برای خودش وهر که گمراه شد پس بگو جز این نیست که من از بیم کنندگانم

وقل الحمد لله سيريكم آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون
و بگو ستایش خدایرا بزودی بنماید بشما آیاتش پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید

سورة القصص ثمان وثمانون آية وهي مكية (٢٨)

الا آية ٥٢ الى آخر ٥٥ فمدنية وآية ٨٥ بالجحفة اثناء الهجرة نزلت بعد النمل

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

طسم ١ تلك آيات الكتاب المبين ٢ نتلو عليك من نبإ موسى وفرعون
این است آیتهای کتاب روشن میخوانیم بر تو از خبر موسی و فرعون

بالحق لقوم يؤمنون ٣ ان فرعون علا في الارض وجعل اهلها شيعا
براستی برای گروهی که میگروند بدرستیکه فرعون برتری جست در زمین و گردانید اهل آنرا گروه گروه

يستضعف طائفة منهم يذبح ابناءهم ويستحيي نساءهم انه كان من
ضعیف میداشت طایفه از ایشانرا میکشت پسرانشانرا و زنده میگذاشت زنانشانرا که او بود از

المفسدين ٤ ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم
فسادکنندگان و میخواستیم که منت گذاریم بر آنانکه ضعیف داشته شدند در زمین و گردانیم ایشانرا

ائمة ونجعلهم الوارثين ٥ ونمكن لهم في الارض ونري فرعون و
پیشوایان و گردانیم ایشانرا وارثان و متمکن گردانیم مر ایشانرا در زمین و بنمائیم فرعون و

هامان وجنودهما منهم ما كانوا يحذرون ٦ واوحينا الى ام موسى
هامان و لشکرهای آندو را از ایشان آنچه بودند که بیم داشتند و وحی کردیم بسوی مادر موسی

ان ارضعيه فاذا خفت عليه فالقيه في اليم ولا تخافي ولا تحزني
که شیر ده اورا پس چون بترسی بر آن پس بینداز اورا در دریا و مترس و نه اندوهناک شو

انا رادوه اليك وجاعلوه من المرسلين ٧ فالتقطه آل فرعون
که بدرستیکه ما باز گرداننده ایم اورا بتو و گرداننده ایم اورا از فرستادگان برسالت پس برگرفتند اورا کسان فرعون

ليكون لهم عدوا وحزنا ان فرعون وهامان وجنودهما كانوا خاطئين ٨
تا باشد مر ایشانرا دشمنی و اندوهی بدرستیکه فرعون و هامان و لشکرهاشان بودند خطاکاران

فكبت: بضم كاف و فتح باء مشدده
البلدة: بفتح باء و سكون لام
اتلو: بفتح همزه مقطوعه و سكون تاء و ضم لام و فتح واو
طسم: سين و ميم مد ميخواهد
ابناءهم: بتقديم باء بر نون
ارضعيه: بفتح همزه مقطوعه
خفت: بكسر تاء
فالقيه: بفتح همزه مقطوعه
اليك: بكسر كاف

وقالت

وَقَالَتِ امْرَاَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ اَنْ يَّنْفَعَنَا اَوْ

وگفت زن فرعون آسایش چشمست مرمرا و مرترا مکشش اورا بسا باشد که سود رساند ما را و

نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ٩ وَاَصْبَحَ فُؤَادُ اُمِّ مُوْسٰى فٰرِغًا اِنْ كَادَتْ

بگیریم اورا بفرزندی و ایشان نمیدانند و گردید دل مادر موسی تهی چنانکه نزدیک بود

لَتُبْدِيْ بِهٖ لَوْلَا اَنْ رَّبَطْنَا عَلٰى قَلْبِهَا لِتَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ١٠ وَقَالَتْ

که آشکار کند آنرا اگر نه آنبود که بستیم بر دلش تا باشد از مومنان وگفت

لِاُخْتِهٖ قُصِّيْهِ فَبَصُرَتْ بِهٖ عَنْ جُنُبٍ وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ١١ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ

مرخواهرش را که از پی برو آنرا پس دیدش از دور و ایشان نمیدانستند و حرام کردیم ما براو

الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰى اَهْلِ بَيْتٍ يَّكْفُلُوْنَهٗ لَكُمْ وَهُمْ

شیردهنده را از پیش پس گفت آیا دلالت بکنم شمارا بر کسان خانه که متکفل او شوند برای شما و ایشان

لَهٗ نٰصِحُوْنَ ١٢ فَرَدَدْنٰهُ اِلٰى اُمِّهٖ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ اَنَّ

باشند برای او نیکخواهان پس برگردانیدیم اورا بمادرش تا آنکه بیاساید چشم او و اندوهگین نباشد و تا بداند که

وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ١٣ وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهٗ وَاسْتَوٰى

وعدهٔ خدا حق است ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند و چون رسید بکمال قوتش و اعتدال یافت

اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ١٤ وَدَخَلَ الْمَدِيْنَةَ عَلٰى

دادیم اورا حکم و علم و چنین جزا میدهیم نیکوکاران را و داخل شد بشهر بر

حِيْنِ غَفْلَةٍ مِّنْ اَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيْهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلٰنِ هٰذَا مِنْ شِيْعَتِهٖ وَ

وقت غفلت از اهلش پس یافت در آن دو مرد را که مقاتله میکردند این یک از شیعه او بود و

هٰذَا مِنْ عَدُوِّهٖ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِيْ مِنْ شِيْعَتِهٖ عَلَى الَّذِيْ مِنْ عَدُوِّهٖ فَوَكَزَهٗ

آن یک از دشمن او پس بیاری طلبید اورا آنکه او بود از شیعه او بر آنکه بود از دشمنش پس مشت زد

مُوْسٰى فَقَضٰى عَلَيْهِ قَالَ هٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ اِنَّهٗ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِيْنٌ ١٥

موسی پس کشت اورا گفت این از کردار دیو رجیم است بدرستیکه او دشمن گمراه کننده آشکار است

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ فَاغْفِرْ لِيْ فَغَفَرَ لَهٗ اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ١٦

گفت پروردگارا بدرستیکه من ستم کردم بنفس خود پس بیامرز مرا پس آمرزید مر او را بدرستیکه اوست آمرزنده مهربان

قَالَ رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ اَكُوْنَ ظَهِيْرًا لِّلْمُجْرِمِيْنَ ١٧ فَاَصْبَحَ فِي الْمَدِيْنَةِ

گفت ای پروردگار من بسبب آنچه انعام کردی بر من پس هرگز نشوم هم پشت با گناهکاران پس گشت در شهر

خَآئِفًا يَّتَرَقَّبُ فَاِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهٗ بِالْاَمْسِ يَسْتَصْرِخُهٗ قَالَ لَهٗ مُوْسٰى

ترسان مترصد بود پس آنگاه آنکه بیاری خواسته بود دیروز بفریادرسی طلبید او را گفت مر او را موسی

اِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِيْنٌ ١٨ فَلَمَّا اَنْ اَرَادَ اَنْ يَّبْطِشَ بِالَّذِيْ هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا

که تو هر آینه گمراه آشکاری پس چون خواست که حمله کند بآنکه او دشمن بود مر آندورا

قَالَ يٰمُوْسٰى اَتُرِيْدُ اَنْ تَقْتُلَنِيْ كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْاَمْسِ اِنْ تُرِيْدُ اِلَّا اَنْ

گفت ای موسی میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی تنی را دیروز نمیخواهی مگر آنکه

لتبدي بفتح لام وسكون با

فبصرت بضم صاد

تحزن بفتح نون

غفلة بفتح غين

تكون

تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ١٩ وَجَاءَ
باشي ستمگار در زمين ونميخواهي كه باشي از اصلاح كنندگان وآمد
رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ
مردي از منتهاي آن شهر كه ميشتافت گفت اي موسى بدرستيكه جماعت مشورت ميكنند باتو
لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ٢٠ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ
كه بكشند تورا پس بيرون رو بدرستيكه من تورا از نيكوخواهانم پس بيرون رفت از آن شهر ترسان مترصد ميبود
قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٢١ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى
گفت پروردگار من نجات ده مرا از گروه ستمگاران وچون متوجه شد بسمت مدين گفت شايد
رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ٢٢ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً
پروردگار من كه راه نمايد مرا ميان راه وچون وارد شد بآب مدين يافت بر آن گروهي را
مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ ٢٣ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا
از مردمان كه آب ميدادند مواشي خودرا ويافت غير از ايشان دو زن را كه منع ميكردند گفت چيست
خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ٢٤ فَسَقَى
كار شما گفتند آب نميدهيم تا آنكه باز گردند شبانان وپدر ما پيريست بزرگ پس آب داد
لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ٢٥ فَجَاءَتْهُ
مر آن دورا پس برگشت بسوي سايه پس گفت پروردگار من بدرستيكه من بر آنچه فرو فرستادي بمن از خير محتاجم پس آمد اورا
إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ
يكي از آن دو زن كه راه ميرفت با آزرم گفت بدرستيكه پدرم ميخواند تورا تا آنكه پاداش دهد تورا مزد آنچه آب دادي
لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
مر مارا پس چون آمد اورا وخواند براو قصه هارا گفت مترس كه نجات يافتي از گروه ستمگاران
قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ٢٧
گفت يكي از آن دو زن اي پدر مزدوري گير اورا كه بهترين كسيكه بمزدوري گرفتي توانا وامين است
قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ
گفت كه من ميخواهم اينكه تزويج نمايم باتو يكي از دو دختر مرا اين دو بر آنكه مزدور شوي مرا هشت سال
فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ
پس اگر تمام گرداني ده سال پس از نزد تواست ونميخواهم كه رنج نهم بر تو بزودي خواهي يافت مرا اگر خواهد
اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ٢٨ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ
خدا از شايستگان گفت اينست ميانه من وميانه تو كه هر كدام از دو مدت را بپايان رسانم
فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ٢٩ فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ
پس نباشد تعدي بر من وخدا بر آنچه ميگوئيم وكيل است پس چون بپايان رسانيد موسى مدت را
وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي
وروان شد با اهلش ديد از جانب طور آتشي را گفت مر اهلش را درنگ كنيد كه من آتشي ديدم شايد

آتيكم

سبحانه وتعالى هو الله

ولما توجه الى الظالمين اين آيه را در روز جمعه بعد از آنكه مردم از نماز بيرون آمده باشند در روزيكه ابر نباشد بنويسند وباخود دارد وچهل بار اين آيه را بخواند حامل آن از شر ظالمان ودشمنان وپادشاهان وهر چه ترسنده باشند ايمن باشد واز حضرت امير مرويست كه رسول خدا فرمود كه كسي از براي سفر از خانه بيرون آيد وبا او عصائي باشد از چوب بادام تلخ واين آيه تا آنجا كه الله على ما نقول وكيل بخواند خدا تعالى اورا از شر حيوانات زهردار وشر سباع وشر دزدان وجميع آفات در امان دارد وهشتاد وهفت فرشته اورا نگاه دارد تا بخانه آيد ودر آن سفر شيطان ودزد از او دور باشند ودر حديث آمده كه هر كه چوب بادام تلخ در سفر باخود داشته باشد ودر سفر رود سفر او بسلامت باشد وبخانه خود زود باز گردد

يُصْدِرَ بضم يا وكسر دال وفتح را

أُنْكِحَكَ بضم همزه وكسر كاف اول وفتح كاف دوم

اٰتِيْكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ۲۹ فَلَمَّا اَتٰهَا نُوْدِيَ

که آورم شما را از آن خبری یا گیرانیده شعلهٔ از آتش باشد که شما گرم شوید پس چون آمد اورا ندا کرده شد

مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْاَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبٰرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ اَنْ يّٰمُوْسٰٓى اِنِّيْٓ

از کنار آن وادی طرف راست در قطعهٔ زمین برکت داده شده از درخت که ای موسی بدرستیکه من

اَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ۳۰ وَاَنْ اَلْقِ عَصَاكَ ؕ فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَآنٌّ

منم خدای پروردگار جهانیان و اینکه بیفکن عصایت را پس چون دید آنرا که حرکت میکرد گویا آنمار بود

وَّلّٰى مُدْبِرًا وَّلَمْ يُعَقِّبْ ؕ يٰمُوْسٰٓى اَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ؕ اِنَّكَ مِنَ الْاٰمِنِيْنَ ۳۱ اُسْلُكْ

برگشت باز پس رونده و رجوع نکرد یا موسی بیا و مترس بدرستیکه تو از ایمنان در آور

يَدَكَ فِيْ جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوْٓءٍ ؗ وَّاضْمُمْ اِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ

دستت را در گریبانت بیرون آید نورانی از غیر بدی و فراهم آور بسوی خود بالت را از

الرَّهْبِ فَذٰنِكَ بُرْهَانٰنِ مِنْ رَّبِّكَ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا

ترس پس این دو تا دو دلیلند از پروردگارت بسوی فرعون و جماعتش بدرستیکه بودند آنها گروهی

فٰسِقِيْنَ ۳۲ قَالَ رَبِّ اِنِّيْ قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَاَخَافُ اَنْ يَّقْتُلُوْنِ ۳۳ وَ

تباه کاران گفت پروردگارا بدرستیکه من کشتم از ایشان تنی پس میترسم که بکشند مرا و

اَخِيْ هٰرُوْنُ هُوَ اَفْصَحُ مِنِّيْ لِسَانًا فَاَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْاً يُّصَدِّقُنِيْٓ ؗ اِنِّيْٓ اَخَافُ

برادرم هارون او فصیح‌تر است از من بزبان پس بفرست او با من مددگار که تصدیق کند مرا که من میترسم

اَنْ يُّكَذِّبُوْنِ ۳۴ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاَخِيْكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا

که تکذیب کنند مرا گفت بزودی سخت گردانیم بازوی تو ببرادرت و بگردانیم برای شما تسلطی پس

يَصِلُوْنَ اِلَيْكُمَا ۚ بِاٰيٰتِنَآ ۚ اَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُوْنَ ۳۵ فَلَمَّا جَآءَهُمْ مُّوْسٰى

نمیرسند بسوی شما بسبب آیتهای ما شما و آنکه پیروی کرد شما دو تن را غالبانید پس چون آمد ایشانرا موسی

بِاٰيٰتِنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَّمَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِيْٓ اٰبَآئِنَا

با آیتهای روشن ما گفتند نیست این بجز جادوئی بسته شده و نشنیدیم ما این را از پدرانمان

الْاَوَّلِيْنَ ۳۶ وَقَالَ مُوْسٰى رَبِّيْٓ اَعْلَمُ بِمَنْ جَآءَ بِالْهُدٰى مِنْ عِنْدِهٖ وَمَنْ تَكُوْنُ

که پیشینیان اند وگفت موسی پروردگار من داناتر است بهر که آمد بهدایت از نزد او و کسیکه باشد

لَهٗ عَاقِبَةُ الدَّارِ ؕ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ ۳۷ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰٓاَيُّهَا الْمَلَاُ

مر او را انجام آن سرای بدرستیکه او رستگار نشوند ستمگاران و گفت فرعون ای جماعت

مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرِيْ ۚ فَاَوْقِدْ لِيْ يٰهَامٰنُ عَلَى الطِّيْنِ فَاجْعَلْ لِّيْ

نمیدانم شما را هیچ خدائی جز من پس برافروز برای من ای هامان بر گل پس بساز برایم

صَرْحًا لَّعَلِّيْٓ اَطَّلِعُ اِلٰٓى اِلٰهِ مُوْسٰى ۙ وَاِنِّيْ لَاَظُنُّهٗ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۳۸ وَاسْتَكْبَرَ

کوشکی باشد که من اطلاع پیدا کنم بخدای موسی و بدرستیکه من هر آینه گمان دارم او را از دروغگویان و بزرگی کرد

هُوَ وَجُنُوْدُهٗ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ اِلَيْنَا لَا يُرْجَعُوْنَ ۳۹ فَاَخَذْنٰهُ

او و لشکرهایش در زمین بناحق و گمان بردند که ایشان بسوی ما باز نمیگردند پس گرفتیم او را

آتيها بفتح همزه بلا الف

اَقْبِلْ بفتح همزه مقطوع و کسر با و موحده

ان يقتلون بکسر نون

رِدْاً بکسر را و سکون دال و فتح همزه منونه

ان يكذبون بکسر نون

من اله بکسر همزه

الٰه بکسر همزه

وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۴۰ وَجَعَلْنَاهُمْ

و لشکرهایش را پس انداختیم ایشانرا در دریا پس بنگر چگونه باشد انجام ستمگاران دگر دانیدیم آنهارا

أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ ۴۱ وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ

پیشوایان که میخوانند بسوی آتش و روز قیامت یاری کرده نشوند و از پی کردیم ایشانرا در این

الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ۴۲ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

دنیا لعنت را و روز قیامت ایشانند از زشت شدگان و بحقیقت دادیم موسی را کتاب

مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ

از بعد آنکه هلاک کردیم اهل قرنهای پیشینه را که مایهٔ بینش است برای مردمان و هدایت و رحمت است باشد

يَتَذَكَّرُونَ ۴۳ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا

که ایشان پند گیرند و نبودی تو در جانب غربی آن هنگام که گذارش دادیم بسوی موسی امر را و نه

كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۴۴ وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ

بودی تو از حاضران ولیکن ما آفریدیم قرنهارا پس دراز شد برایشان مدت زندگی

وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۴۵

و نبودی تو مقیم در اهل مدین که بخوانی برایشان آیات مارا ولیکن ما بودیم ما فرستنده

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا

و نبودی تو بجانب طور وقتیکه ندا کردیم ولیکن رحمتی است از پروردگارت تا بترسانی گروهی را که

أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۴۶ وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ

نیامد ایشانرا هیچ بیم کننده پیش از تو باشد که ایشان پند گیرند و اگر نه آن بود که میرسید آنهارا

مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ

حادثه بسبب آنچه پیش فرستاده دستهای آنها پس میگفتند پروردگارا چرا نفرستادی بما فرستاده پس پیروی میکردیم

آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۴۷ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا

آیات ترا و بودیم از مؤمنان پس چون آمد ایشانرا حق از نزد ما گفتند چرا

أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ

داده نشد مانند آنچه داده شد موسی آیا کافر نشدند بآنچه داده شد موسی از پیش گفتند دو ساحرند

تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ ۴۸ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ

هم پشت شدند و گفتند که بهمه کافر ایشیم بگو پس بیاورید کتابیرا از نزد خدا که آن

أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۴۹ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ

هدایت کننده تر باشد از آندوتا پیروی کنم آنرا اگر هستید راستگویان پس اگر اجابت نکنند مر ترا پس بدان

أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ

که پیروی نمیکنند مگر خواهشهای آنهارا و کیست گمراه تر از آنکه پیروی کرد خواهش خودرا بی هدایتی از خدا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۵۰ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ

بدرستیکه خدا هدایت نکند گروه ستمکارانرا و بحقیقت پیوستگی دادیم برای ایشان گفتار را

لَعَلَّهُمْ

الاولی بضم همزه و سکون واو

مرسلین بکسر سین

اتیهم بفتح همزه بی الف

فنتبع بفتح عین

اوتی بضم همزه و سکون واو در هر دو موضع

اتبعه بفتح همزه مقطوع

لعلهم يتذكرون ٥٢ الذين آتيناهم الكتاب من قبله هم به يؤمنون ٥٣ و
باشد که ایشان پند گیرند آنانکه دادیم ایشانرا کتاب از پیش ایشان بآن ایمان میآورند و

اذا يتلى عليهم قالوا آمنا به انه الحق من ربنا انا كنا من قبله مسلمين ٥٤
چون خوانده میشود بر ایشان گویند گرویدیم ما بآن بدرستیکه آن حق است از پروردگار ما که بودیم ما پیش از آن منقادان

اولئك يؤتون اجرهم مرتين بما صبروا ويدرؤن بالحسنة السيئة و
آن گروه داده میشوند مزدشان دوبار بسبب آنچه بودند صبر کردند و دفع میکنند بخوبی بدیرا و

مما رزقناهم ينفقون ٥٥ واذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه وقالوا لنا
از آنچه روزیشان دادیم نفقه میدهند وچون بشنوند لغورا روبگردانند ازان وگویند مرمار است

اعمالنا ولكم اعمالكم سلام عليكم لا نبتغي الجاهلين ٥٦ انك لا تهدى
اعمال ما و مرشمار است اعمال شما سلام بر شما نمیجوئیم نادانانرا بدرستیکه تو هدایت نکنی

من احببت ولكن الله يهدي من يشاء وهو اعلم بالمهتدين ٥٧ وقالوا
هرکرا دوست داری ولیکن خدا هدایت کند هرکرا بخواهد و او داناتر است بهدایت شدگان وگفتند

ان نتبع الهدى معك نتخطف من ارضنا اولم نمكن لهم حرما آمنا يجبى
اگر پیروی نمائیم هدایت را با تو ربوده شویم از زمین خود آیا و جای ندادیم ایشانرا در حرمی ایمن که برده میشو

اليه ثمرات كل شيء رزقا من لدنا ولكن اكثرهم لا يعلمون ٥٨ وكم
بسوی آن میوجات همه چیز روزی از نزد ما ولیکن بیشتر آنها نمیدانند وچه بسیار

اهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم لم تسكن من بعدهم
از قریه که هلاک کردیم که بکفران انجامید نعمت آن پس اینست مسکنهاشان که مسکون نشد بعد ایشان

الا قليلا وكنا نحن الوارثين ٥٩ وما كان ربك مهلك القرى حتى
مگر اندکی وهستیم ما وارثان ونباشد پروردگار تو هلاک کننده قریها تا

يبعث في امها رسولا يتلو عليهم آياتنا وما كنا مهلكي القرى الا واهلها
آنکه برانگیزد در اصلش رسولی که بخواند برایشان آیات مارا ونیستیم ما هلاک کننده قریها مگر و اهل آنها

ظالمون ٦٠ وما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وزينتها وما عند
باشند ستمگاران وآنچه داده شدید از چیزی پس مایه تعیش زندگانی دنیا وپیرایه اش وآنچه نزد

الله خير وابقى افلا تعقلون ٦١ افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقيه
خداست بهتر و پاینده تر است آیا پس درنمییابید بعقل آیا آنکه وعده اش دادیم وعده نیکو پس او دریابنده

كمن متعناه متاع الحيوة الدنيا ثم هو يوم القيمة من المحضرين ٦٢ ويوم
آنست مانند کسی است که دادیم اورا مایه تعیش زندگانی دنیا پس او روز قیامت از حاضر شدگانست و روزیکه

يناديهم فيقول اين شركائي الذين كنتم تزعمون ٦٣ قال الذين حق عليهم
ندا کند ایشانرا پس گوید کجایند انبازان من آنانکه بودید گمان میکردید گفتند آنانکه لازم شد بر ایشان

القول ربنا هؤلاء الذين اغوينا اغويناهم كما غوينا تبرأنا اليك
گفتار پروردگارا این گروه آنانند که گمراه کردیم گمراه کردیم ایشانرا چنانکه گمراه شدیم بیزاری نموده بازگشتیم بسوی تو

نصف الجزو

نتخطف: ربوده شویم

يجبى: بباء مضمومه جيم ساكنه وباء مفتوحه والف در آخر

ماكانوا

مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ٦٤ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا

نبودند که ما را می‌پرستیدند و گفته شد بخوانید شریکان خود را پس بخواندند ایشان را پس اجابت نکردند

لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ٦٥ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا

ایشان را و دیدند عذاب را اگر ایشان بودند که هدایت می‌یافتند و روزی که ندا کند ایشان را پس می‌گوید چه

أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ٦٦ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ٦٧ فَأَمَّا

جواب دادید مرسلان را پس کور شود بر ایشان خبرها آن روز پس ایشان از یکدیگر نپرسند پس اما

مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ٦٨ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا

آنکه توبه کرد و ایمان آورد و کرد کار شایسته پس شاید باشد از رستگاران و پروردگار تو می‌آفریند آنچه

يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ٦٩ وَ

می‌خواهد و اختیار میکند آنچه اختیار میکند و نباشد مر ایشان را اختیار منزه است خدا و برتر از آنچه شریک میآورند و

رَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧٠ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

پروردگار تو میداند آنچه را پنهان دارند در سینه‌هاشان و آنچه آشکار کنند و اوست خدا نیست خدائی بجز او

لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٧١ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ

مر او راست ستایش در دنیا و آخرت و مر او راست حکم و بسوی او برمیگردید بگو خبر دهید که اگر

جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ

گرداند خدا بر شما شب را پاینده تا روز رستخیز کیست خدائی جز خدا که بیاورد شما را

بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ٧٢ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى

روشنائی آیا پس نمیشنوید بگو خبر دهید که اگر بگرداند خدا بر شما روز را پاینده تا

يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ٧٣

روز قیامت کیست خدائی غیر از خدا که بیاورد شما را شبی که آرامش یابید در آن آیا پس نمی‌بینید

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ

و از رحمت اوست که گردانید برای شما شب را و روز را تا آرامش گیرید در آن و تا بجوئید از کرم او و

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٧٤ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ

باشد که شما شکر گزارید و روزی که ندا کند ایشان را پس گوید کجایند انبازان من آنانکه بودید شما

تَزْعُمُونَ ٧٥ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا

گمان میبردید و برآوردیم از هر امتی شاهدی را پس گفتیم بیاورید حجت خود را پس دانستند

أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٧٦ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى

که حق مر خدا راست و گمراه شد از ایشان آنچه بودند که افترا میکردند بدرستیکه قارون بود از قوم موسی

فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ

پس برتری جست بر ایشان و دادیم ما او را از گنجها آنقدر که کلیدهایش گرانی میکرد بگروهی انبوه صاحبان قوت

إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ٧٧ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ

چون گفت مر او را قومش که شاد مباش بدرستیکه خدا دوست نمیدارد شادشدگان را و بجوی در آنچه داده است ترا خدا

قوله تعالى

وربك يخلق ما يشاء ويختار الى قوله عما يشركون مروی است گوید اختیار پیغمبر باید حق تعالی امام را پس نمیرسد خلایق را که اختیار نمایند امام را در صافی از کافی و مجالس از حضرت ابوالحسن

الانباء

بتقدیم نون بر با

قوله سبحانه

سبحان الله الی قوله یرجعون چون نزد حاکمی روند ... باشد ازآنکه بر آن حقی ... آیات را نزد در آمدن پیش حاکم ... بخواند بعد از آن بگوید خدا تعالی ... کند و ضرر ... ١٢

الرضا علیه السلام ... فضل امام و صفت او ... که قدر آنرا می‌شناسند قدر امامت و محل آنرا تا آنکه جایز باشد اختیار خلایق در امامت تا آنکه قصد کردند مسلک صحیح را و گمراه شدند و گمراه کردند ... در حیرت زیرا که ترک کردند امام را در حال تجاوز از ... و زینت داد شیطان از برای ایشان اعمال ایشان را پس ... کرد ایشانرا از سبیل که امام ... بودند مستبصر ... از اختیار خدا و اختیار رسول او بسوی اختیار خود و حال آنکه قرآن الهی ندا ...

لتنوء

بفتح لام و ضم نون و همزه

اولی

بضم همزه بعد از واو

وابتغ

بسکون با و فتح تا و کسر غین معجمه

... میکند ایشانرا و ربک یخلق الی آخره فرمود خدای تعالی ما کان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى الله ورسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم یعنی نیست از برای مرد مؤمن و نه زن مؤمنه وقتیکه حکم کند حق تعالی و رسول او امری را آنکه بوده باشد مر ایشان را اختیار از امر ایشان ١٢

الدَّارَ الْاٰخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللّٰهُ إِلَيْكَ
سرای آخرت را و فراموش مکن بهرهٔ خود را از دنیا و نیکی کن چنانچه نیکی کرد خدا بسوی تو

وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۷۸ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ
و مجوی تباه کاری را در زمین بدرستیکه خدا دوست نمیدارد تباه کاران را گفت که داده شدم آنرا

عَلٰى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ
مگر بر دانشی که نزد منست آیا ندانست که خدا بحقیقت هلاک گردانید پیش از او از اهل قرنها آنرا که او

أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ۷۹ فَخَرَجَ
سخت تر بود از او بقوت و بیشتر بود از جمعیت و پرسیده نشوند از گناهان گناهکاران پس بیرون آمد

عَلٰى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ
بر قومش در زینتش گفتند آنانکه میخواستند زندگانی دنیا را ای کاشکی بودی ما را مانند

مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ۸۰ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
آنچه داده شد قارون بدرستیکه او هر آینه صاحب بهرهٔ بزرگ است و گفتند آنانکه داده شدند دانش را

وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللّٰهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقّٰهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ۸۱
وای بر شما ثواب خدا بهتر است برای آنکه گروید و کرد کار شایسته و داده نشوند آنرا بجز شکیبایان

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ
پس فرو بردیم او و خانه اش را بر زمین پس نبود مر او را هیچ گروهی که یاریش کنند غیر از

اللّٰهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ ۸۲ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ
خدا و نبود از یاری کرده شدگان و بامداد کردند آنانکه آرزو کردند مرتبه اش را دیروز

يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ
میگفتند وای آیا نمیدانی که خدا گشاده میکند روزی را برای هر که میخواهد از بندگانش و تنگ میکند اگر نه آن بودی که

مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ۸۳ تِلْكَ
منت نهاده خدا بر ما هر آینه فرو برده ما را آیا نمیدانی که رستگار نشوند کافران اینست

الدَّارُ الْاٰخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا
سرای آخرت گردانیدیم آنرا برای آنانکه نمیخواهند برتری را در زمین و نه فساد را

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۸۴ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ
و انجام نیک مر پرهیزگاران راست هر که آورد نیکوئی را پس مر او راست بهتر از آن و هر که آورد

بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۸۵
کار بد را پس جزا داده نشوند آنانکه کردند بدیها را بجز آنچه بودند میکردند

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلٰى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ
بدرستیکه آنکه واجب ساخت بر تو قرآن را باز گرداننده است تو را بجای بگو پروردگار من داناتر است

مَنْ جَاءَ بِالْهُدٰى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۸۶ وَمَا كُنْتَ تَرْجُوا أَنْ يُلْقٰى
بآنکه آورد هدایت را و آنکه اوست در گمراهی آشکار و نبودی تو که آرزو کنی که القا کرده شود

الیک

قوله سبحانه
ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد یعنی بدرستیکه کسی فرض کرده بر تو قرآن را البته بر آینه میگرداند تو را ای رسول بسوی معاد و قمی ره از حضرت سجاد روایت علیه السلام کرده که فرمود رجعت میگرداند بسوی شما پیغمبر شما و حضرات ائمه هدی علیهم صلوات الله اجمعین و از حضرت باقر العلوم مأثور است که ذکر شد در نزد او جابر فرمود خدا رحمت کند جابر را ۱۲

ما اوتی
بضم همزه و سکون واو

اوتوا
بضم همزه و سکون واو

که رسید از علم خود بمرتبه که شناخت تأویل این آیه را یعنی رجعت ائمه علیهم السلام و در کنز الفوائد از حضرت ابو عبد الله روایت کرده که فرمود نه والله منقضی نمیشود دنیا و بسر نمیرود تا آنکه اجتماع نمایند حضرت رسول خدا و حضرت امیر المومنین علیهما السلام و نبا گذارند در ثویه که موضعی است در کوفه مسجدی که از برای آن دوازده هزار باب است و ان از آیات دالهٔ بر رجعت حضرات اهل عصمت و طهارت علیهم السلام است ۱۲

اِلَيْكَ الْكِتَابُ اِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ۸۷ وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ

بتو کتاب بجز رحمت از پروردگارتو پس مباش البته معین کافران و نباید که باز نورد از آیتهای

اللّٰهِ بَعْدَ اِذْ اُنْزِلَتْ اِلَيْكَ وَادْعُ اِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۸۸ وَلَا تَدْعُ مَعَ

خدا بعد از آنکه فرو فرستاده شد بتو و بخوان بسوی پروردگارت و مباش البته از شرک آورندگان و مخوان با

اللّٰهِ اِلٰهًا آخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

خدا خدائی دیگر را نیست خدائی جز او هر چیزی هلاک شونده است بجز ذات او مر او راست حکم و بسوی او باز میگردید

(۲۹) سورة العنكبوت تسع وستون آية وهي مكية

از اول سوره الی آخر آیه و لیعلمن الله الذین مدنیه نزلت بعد الروم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الٓمّٓ اَحَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوا اَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۲ وَلَقَدْ

آیا پنداشتند مردم که واگذاشته میشوند که گویند ایمان آوردیم و ایشان امتحان کرده نشوند و بتحقیق

فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ۳

آزمودیم آنانرا که بودند پیش از ایشان پس هر آینه میداند خدا آنانکه راست گفتند و هر آینه میداند البته دروغگویانرا

اَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ اَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۴ مَنْ كَانَ

یا پنداشتند آنانکه میکنند کارهای بد که عاجز کنند ما را بد است آنچه حکم میکنند کسیکه باشد

يَرْجُو لِقَاءَ اللّٰهِ فَاِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۵ وَمَنْ جَاهَدَ فَاِنَّمَا

که امیدوار باشد ملاقات خدا را پس بدرستیکه وقت مقدر خدا هر آینه آینده است و اوست شنونده دانا و هر که مجاهده کند پس

يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ اِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ۶ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مجاهده نکند مگر برای خودش بدرستیکه خدا بی نیاز است از جهانیان و آنانکه ایمان آوردند و کار شایسته کردند

لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۷ وَ

هر آینه محو مینمائیم از ایشان گناهان ایشانرا و هر آینه جزا دهیم ایشانرا بهتر از آنچه بودند که میکردند و

وَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَاِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ

وصیت کردیم انسانرا بوالدینش خوبیرا و اگر بجهد تکلیف کنند ترا که شریک سازی بمن آنچه نیست

لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۸ وَالَّذِينَ

مر ترا بآن دانشی پس فرمان مبر ایشانرا بسوی منست بازگشت شما پس خبر دهم شما را بآنچه بودید میکردید و آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ۹ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته هر آینه در آوریم ایشانرا در زمره شایسته کاران و از مردمان کسیست که

يَقُولُ آمَنَّا بِاللّٰهِ فَاِذَا اُوذِيَ فِي اللّٰهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللّٰهِ

میگوید گرویدیم بخدا پس چون آزار رسیده شود در راه خدا میگرداند بلای مردمان مانند عذاب خدا

وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ اِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ اَوَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَعْلَمَ بِمَا

و هر آینه اگر آید نصرتی از پروردگارت هر آینه میگویند البته که بودیم با شما آیا و نیست خدا داناتر بآنچه

فی صدور

سبحانه و تعالی جل جلاله حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که هر کس سوره روم و عنکبوت

یصدنک بضم صاد و دال مشدده

بخواند مزده بهشت باشد هر مؤمنی و منافقی که در دنیا باشد و از حضرت ابی عبدالله مرویست که هر کس سوره روم و عنکبوت در شب بیست و سیم ماه رمضان

بخواند پس بخدا سوگند که او از اهل بهشت و کلمه استثنا نمیگویم و باک ندارم جزم حکم کنم و بترسم از اینکه حق تعالی براین سوگند بر من مؤاخذه نماید که این دو سوره را نزد خداوند شانی عظیم است و از حضرت صادق منقولست که اگر بنویسد و بشوید و کسی که تب ربع داشته باشد بخورد شفا یابد و اگر کسی که [illegible] باشد ... و اگر با این آب روی خود را شست وحشت از او زایل گردد و اگر کسی ... شب آخر ماه ... بخواند در خواب ... صبح بیدار شود و از بعضی اکابر دین منقولست که اگر ... بنویسد و بشوید و بدهد بکسی که مرض ... باشد یا مرض خطرناک ... از آن آب بر تمام بدن خود بمالد شفا یابد انشاء الله تعالی

لیقولن بضم لام دوم

فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ١٠ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ١١

در سینهای جهانیان وهر اینه البته میداند خدا آنانکه ایمان آوردند ومیداند البته منافقانرا

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ

وگفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که ایمان آوردند متابعت کنید طریقه مارا وباید که برداریم گناهان شما ونیستند ایشان

بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ١٢ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ

بردارنده از گناهان ایشانرا هیچ چیزرا بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند وهر آینه برمیدارند گناهان ایشانرا

أَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ١٣ وَلَقَدْ

وبارهای گناه با بارهای گناه ایشان وهر آینه پرسیده میشوند روز قیامت از آنچه بودند که افترا می بستند وهر اینه بتحقیق

أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ

فرستادیم نوح را بسوی قومش پس بماند در ایشان هزار سال بغیر از پنجاه سال پس گرفت ایشانرا

الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ١٤ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا

طوفان وایشان بودند ستمگاران پس نجات دادیم او واهل کشتی را وگردانیدیم آنرا

آيَةً لِلْعَالَمِينَ ١٥ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَٰلِكُمْ

نشانه برای جهانیان وابراهیم را چون گفت مر قومش را که بپرستید خدارا وبترسید از او این

خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ١٦ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَ

بهتر است برای شما اگر باشید که بدانید جز این نیست که میپرستید از غیر خدا بتانرا و

تَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا

می بندید دروغرا بدرستیکه میپرستید از غیر خدا مالک نمیشند برای شما روزیرا

فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ١٧

پس بجوئید نزد خدا روزیرا وبپرستید مر اورا وشکر گزارید مر اورا وبسوی او بازمیگردید

وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ١٨

واگر تکذیب میکنید پس بتحقیق تکذیب کردند امتهائی پیش از شما ونیست بر رسول مگر رسانیدن آشکار

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ١٩

آیا ونمیدیدند که چگونه نخست آفرید خدا خلق را پس اعادت میکند آنرا بدرستیکه این بر خدا آسانست

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ

بگو سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه آفرید خلق را پس خدا پدید آورد پدید آوردن

الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٠ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ

آخرت را بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست عذاب میکند هر کرا میخواهد ورحمت میکند آنرا که میخواهد

وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ٢١ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ

وبسوی او برگردانیده میشوید ونیستید شما عاجز کنندگان در زمین ونه در آسمان ونیست مر شمارا

مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ٢٢ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ

از غیر خدا هیچ دوستی ونه یاوری وآنانکه کافر شدند بآیات خدا وملاقاتش

وَلَيَعْلَمَنَّ
بفتح لام وضم میم در هر دو موضع

وَلَيَحْمِلُنَّ
بضم لام در دو قسم

وَلَيُسْأَلُنَّ
بضم لام در دو قسم

قوله تعالی
الم احسب الناس ان یترکوا الخ یعنی بگمان بردند مردمان آنکه فروگذاشته شوند وبجهه آنکه میگویند ایمان آوردیم وبخلص همین واگذاشته شوند حال آنکه آیت آزموده نشوند در آن در نهج البلاغه که روزی مردی برخاست وگفت یا امیر المؤمنین خبرده مرا از فتنه آیا سئوال نمودی از رسول خدا معنی آن فتنه که خدا در این آیه ذکر نموده آنحضرت فرمود بعد از نزول این آیه دانستم که بعد از پیغمبر فتنه بما نازل میشود پس عرض کردم یا رسول الله خبرده مرا از این فتنه یا علی زود باشد که امت من بعد از من بفتنه افتند عرض کردم یا رسول الله آیا روز احد نبود که تجاوز کرده از من شهادت پس بر من شاق شد وفرمود بشارت باد تو را که شهادت تو بعد از منست حضرت فرمود یعنی همین است چگونه است صبر تو گفتم این از محل صبر نیست بلکه محل بشارت وشکر است پس فرمود یا علی زود باشد امت امتحان شوند باموال ایشان ومنت گذارند بدین خود بر پروردگار ایشان وآرزو نمایند رحمت خدارا وایمن باشند خود را از سطوت خدا ...

أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۲۳ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ

آنگروه نومید میشوند از رحمت من و آنگروه ایشان راست عذاب دردناک پس نبود جواب قومش

إِلَّا أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

مگر اینکه گفتند بکشید اورا یا بسوزانید اورا پس نجات داد اورا خدا از آتش بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست

لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۲۴ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ

مرگروهیرا که میگروند و گفت جز این نیست که فرا گرفتید از غیر خدا بتانرا از دوستی میان خودتان

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم

در زندگانی دنیا پس روز قیامت انکار خواهند کرد برخی از شما برخی را و لعنت کنند برخی از شما

بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ۲۵ فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ

برخیرا و جای شما آتش و نیست مرشمارا هیچ یاری کنندگان پس ایمان آورد مراورا لوط و گفت

إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۲۶ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ

بدرستیکه من هجرت کننده‌ام بسوی پروردگارم بدرستیکه او ست غالب درست کردار و عطا کردیم مراورا اسحق و

يَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا

یعقوب و گردانیدیم در اولاد او پیغمبری را و کتاب را و دادیم اورا اجر اورا در دنیا

وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۲۷ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ

و بدرستیکه او در آخرت از شایسته کارانست و لوط را آنهنگامیکه گفت مرقومش را بدرستیکه شما میآئید

الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ۲۸ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ

کار زشترا که پیشی نگرفت شمارا بآن کار هیچیک از جهانیان آیا بدرستیکه شما هر آینه میآئید مردانرا

وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا

و قطع میکنید راهرا و میآئید در انجمنتان ناپسندرا پس نبود جواب قومش مگر

أَن قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۲۹ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي

آنکه گفتند بیاور بما عذاب خدا اگر هستی از راستگویان گفت ای پروردگار من یاری کن مرا

عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ۳۰ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا

بر گروه تباهکاران و چون آمدند فرستادگان ما ابراهیم را بمژده فرزند گفتند که ما

مُهْلِكُو أَهْلِ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ۳۱ قَالَ إِنَّ فِيهَا

هلاک کنندگانیم اهل این قریه را بدرستیکه اهل آن هستند ستمکاران گفت بدرستیکه در آنست

لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَن فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

لوط گفتند ما داناتریم بهر که در آنست هر آینه برهانیم او و اهلش را بجز زنش را که باشد از بازماندگان

وَلَمَّا أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا

و چونکه آمدند فرستادگان ما لوط را محزون شد بآنها و تنگ شد بآنها در طاقت و گفتند نه

تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۳۲

بترس و اندوه نخور که ما نجات دهنده‌ایم ترا و اهلت را بجز زنت را که باشد از بازماندگان

قوله تعالی وقال انما اتخذتم من دون الله الی قوله و ما لکم من ناصرین در صافی از کافی از حضرت صادق علیه السلام ... کفر در این آیه یعنی تبری ... و در کتاب توحید از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ... ۱۲

سیئ بکسر سین و سکون یا و فتح همزه

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ٣٤

بدرستیکه ما فرستنده ایم بر اهل این قریه عذابی را از آسمان بسبب آنچه بودند که نافرمانی کردند

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ٣٥ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ

و هر آینه واگذاشتیم از آن آیتی روشن برای گروهیکه دریابند بعقل و بسوی مدین برادرشان

شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِي

شعیب را پس گفت ای قوم پرستش کنید خدا را و امیدوار باشید روز بازپسین را و تباهکاری نکنید در

الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ٣٦ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ

زمین فساد کنندگان پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشانرا زلزله پس گردیدند در خانهاشان

جَاثِمِينَ ٣٧ وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ

بر جا مردگان و عاد را و ثمود را و بتحقیق روشن گردید مر شما را از مسکنهاشان و آراست برایشان

الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ٣٨ وَقَارُونَ

دیو رجیم کردار ایشانرا پس باز داشت ایشانرا از راه و بودند بینا شدگان و قارون

وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ

و فرعون و هامان را و هر آینه آمد ایشانرا موسی با معجزات پس سرکشی کردند در زمین

وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ٣٩ فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا

و نبودند پیشی گیرندگان پس هر یکرا گرفتیم بگناهش پس از آنها کسی بود که فرستادیم بر او تندبادی سنگریزه

وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا

و از آنها کسی بود که گرفت او را فریاد مهلک و از آنها کسی بود که فرو بردیمش بزمین و از ایشان کسی بود که غرق کردیم

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٤٠ مَثَلُ الَّذِينَ

و نباشد خدا که ستم کند ایشانرا ولیکن بودند آنها که بنفس خود ستم میکردند مثل کسانیکه

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ

گرفتند از غیر خدا دوستان مثل عنکبوتست که فرا میگیرد خانه را و بدرستیکه

أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ٤١ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا

سست ترین خانها هر آینه خانهٔ عنکبوتست اگر باشند که بدانند بدرستیکه خدا میداند آنچه را

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٤٢ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا

میخوانند از غیر او از چیزی و اوست غالب درستکردار و این مثلهاست که میزنیم آنها را

لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ٤٣ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

برای مردمان و ادراک نمیکنند آنها را جز دانشمندان آفرید خدا آسمانها و زمین را

بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ٤٤ اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ

براستی بدرستیکه در این هر آینه آیتیست مر گروندگانرا بخوان آنچه وحی شد بتو از کتاب و

أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ

بر پا بدار نماز را بدرستیکه نماز نهی میکند از کارهای زشت و ناپسند و هر آینه ذکر خدا بزرگتر است و خدا

قوله تعالی

وتلک الامثال نضربها للناس وما یعقلها الا العالمون قمی ره گوید مراد از عالمون حضرت آل محمد علیهم السلام اند و در مجمع البیان از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست آنکه تلاوت فرمود این آیه را فرمود عالم آنستکه عقل و ادراک او از جانب حق تعالی باشد پس عمل کند بطاعت او و اجتناب نماید از سخط و غضب او در کنز الفوائد از حضرت ابو جعفر ع مرویست که در آیه ما یعقلها الا العالمون فرمود ایشان ما اهل بیت هستیم از روی صدق زیرا که ایشانند راسخون در علم و بسوی ایشان راجع است هر امر و حکم

قوله سبحانه

واقم الصلوة الخ قمی گوید کسی که نهی نکند نمازش او را از فحشاء و منکر زیاد نمی کند این نماز او را از حق تعالی مگر بعد و این کلام از حضرت سبحان خدا در مجمع البیان با نورانیت در احادیث شده آنکه جوانی از انصار نماز میگزارد با حضرت رسول خدا و مرتکب میشد فواحش را پس وصف شد حال او در حدیث آنحضرت فرمود بدرستیکه نمازش نهی خواهد کرد روزی پس دیر نگذشت تا آنکه تائب گردید و در توحید از حضرت صادق ع است که صلوة مانع است از معاصی و این بسبب آنست که صلوة منع میکند مصلی را از

يعلم ما تصنعون ٤٥ ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا
میداند آنچه میکنید و مجادله مکنید با اهل کتاب مگر بآنچه آن بهتر است مگر

الذين ظلموا منهم وقولوا آمنا بالذي انزل الينا وانزل اليكم والهنا
آنانکه ستم کردند از ایشان و بگوئید گرویدیم بآنکه فرود فرستاده بما و فرو فرستاده شد بسوی شما و خدای ما

والهكم واحد ونحن له مسلمون ٤٦ وكذلك انزلنا اليك الكتاب
و خدای شما یکیست و ما هستیم مر او را منقادان و همچنین فرو فرستادیم بسوی تو کتاب را

فالذين آتيناهم الكتاب يؤمنون به ومن هؤلاء من يؤمن به وما يجحد
پس آنانکه دادیم ما ایشانرا کتاب میگروند بآن و از این گروه کسی هست که میگرود بآن و انکار نمیکند

بآياتنا الا الكافرون ٤٧ وما كنت تتلوا من قبله من كتاب ولا تخطه
بآیات ما جز کافران و نبودی تو که خوانده باشی پیش از آن هیچ کتابی را و نوشتی آنرا

بيمينك اذا لارتاب المبطلون ٤٨ بل هو آيات بينات في صدور الذين
بدست راست که آنهنگام شک کنند باطل کاران بلکه آن آیتهای روشنست در سینهای آنانکه

اوتوا العلم وما يجحد بآياتنا الا الظالمون ٤٩ وقالوا لولا انزل عليه
داده شدند علم را و انکار نمیکنند بآیات ما مگر ستمکاران و گفتند چرا فرو فرستاده نشد بر او

آيات من ربه قل انما الآيات عند الله وانما انا نذير مبين ٥٠ اولم
آیاتی از پروردگارش بگو بدرستیکه آیات نزد خداست و جز این نیست که منم بیم کننده آشکار آیا و نبود

يكفهم انا انزلنا عليك الكتاب يتلى عليهم ان في ذلك لرحمة و
کافی ایشانرا که ما فرو فرستادیم بر تو کتاب را که خوانده میشود بر ایشان بدرستیکه در این هر آینه رحمت و

ذكرى لقوم يؤمنون ٥١ قل كفى بالله بيني وبينكم شهيدا ٥٢ يعلم ما
پندیست برای گروهی که میگروند بگو کافیست خدا میانه من و شما گواهی میداند آنچه

في السموات والارض والذين آمنوا بالباطل وكفروا بالله اولئك هم
در آسمانها و زمین است و آنانکه گرویدند بباطل و کافر شدند بخدا آنگروه ایشان

الخاسرون ٥٣ ويستعجلونك بالعذاب ولولا اجل مسمى لجاءهم
زیانکارانند و بشتاب میخواهند از تو عذاب را و اگر نبود وقتی نام برده شده هر آینه آمدی ایشانرا

العذاب وليأتينهم بغتة وهم لا يشعرون ٥٤ يستعجلونك بالعذاب
عذاب و هر آینه آید ایشانرا ناگاه و ایشان ندانند بشتاب میخواهند از تو عذاب را

وان جهنم لمحيطة بالكافرين ٥٥ يوم يغشاهم العذاب من فوقهم ومن
و بدرستیکه جهنم هر آینه احاطه کننده است بکافران روزیکه فرو گیرد ایشانرا عذاب از زبر ایشان و از

تحت ارجلهم ويقول ذوقوا ما كنتم تعملون ٥٦ يا عبادي الذين آمنوا
زیر پاهاشان و میگوید بچشید آنچه را بودید که میکردید ای بندگان من آنانکه ایمان آوردید

ان ارضي واسعة فاياي فاعبدون ٥٧ كل نفس ذائقة الموت ثم
بدرستیکه زمین من فراخست پس مرا پس پرستید هر تنی چشنده مرگست پس

الهنا والهكم بکسر همزه

قوله سبحانه فالذين آتيناهم الكتاب يؤمنون به یعنی پس آنانکه دادهایم بایشان علم کتاب میگروند بآن کتاب قمی فرموده که ایشان آل محمدند چنانچه در اخبار کثیره وارد شده که معرفت بقرآن ندارد دیگری

اوتوا بضم همزه و سکون واو

مخاطب بقرآن باشند و آن نسبت بجز ما ١٢

قوله سبحانه بل هو آيات بينات في صدور الذين اوتوا العلم الخ یعنی آنکتابیکه بر تو نازل شده در حالتیکه قبل از نزول آن تو نخواندی کتبی و ننوشتی باعث شک و شبهه کفار شود که از دیگری تعلیم گرفتی و یا از کتب دیگر انتساخ نمودی بلکه آنکتاب جات آیات روشنست در سینههای آنانکه داده شدند دانش را و منکر نشود آیات ما را مگر ستمکاران حضرت باقر بروایت کافی تلاوت فرمود این آیه را و اشاره نمود بسینه خود و حضرت صادق بروایت کافی فرموده آن ائمه اند

فاعبدون بکسر نون

قصد ائمه اند و فرموده مارا فرموده خدا و مراد از آیات بعد از محمد ائمه اند ١٢

اِلَیْنَا تُرْجَعُوْنَ ۵۸ وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ

بسوی ما باز میگردید و آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته هرآینه جای دهیم ایشانرا از بهشت

غُرَفًا تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا نِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِیْنَ ۵۹ الَّذِیْنَ

غرفه هائیکه روانست از زیر آنها نهرها جاوید انند دران خوبست پاداش عمل کنندگان آنانکه

صَبَرُوْا وَعَلٰی رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُوْنَ ۶۰ وَکَاَیِّنْ مِّنْ دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللّٰهُ

صبر کردند و بر پروردگارشان توکل میکنند و بسا از جنبنده که بر نمیدارد روزیش را خدا

یَرْزُقُهَا وَاِیَّاکُمْ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ۶۱ وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ

روزی میدهد اورا و شما را و او ست شنونده دانا و هرآینه اگر بپرسی از ایشان کیست که آفرید آسمانها

وَالْاَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَیَقُوْلُنَّ اللّٰهُ فَاَنّٰی یُؤْفَکُوْنَ ۶۲ اَللّٰهُ یَبْسُطُ

و زمین را و مسخر کرد آفتاب و ماه هرآینه میگویند البته که خدا پس بکجا برگردانیده میشوید خداست که میگستراند

الرِّزْقَ لِمَنْ یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَیَقْدِرُ لَهٗ اِنَّ اللّٰهَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ۶۳ وَلَئِنْ

روزی را برای هر که بخواهد از بندگانش و تنگ میکند برای آن بدرستیکه خدا بر همه چیزی داناست و هرآینه اگر

سَاَلْتَهُمْ مَّنْ نَّزَّلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَحْیَا بِهِ الْاَرْضَ مِنْۢ بَعْدِ مَوْتِهَا لَیَقُوْلُنَّ

بپرسی از ایشان کیست که فرو فرستاد از آسمان آب را پس زنده کرد زمین را بعد از مردنش هرآینه میگویند

اللّٰهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَکْثَرُهُمْ لَا یَعْقِلُوْنَ ۶۴ وَمَا هٰذِهِ الْحَیٰوةُ الدُّنْیَآ اِلَّا

خداست بگو ستایش مر خدارا بلکه بیشتر ایشان در نمی‌یابند و نیست این زندگانی دنیا مگر

لَهْوٌ وَّلَعِبٌ وَاِنَّ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ لَهِیَ الْحَیَوَانُ لَوْ کَانُوْا یَعْلَمُوْنَ ۶۵ فَاِذَا رَکِبُوْا

هزلی و بازیی و بدرستیکه سرای آخرت هرآینه اوست زندگانی جاوید اگر باشند که بدانند پس چون سوار شدند

فِی الْفُلْکِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِیْنَ لَهُ الدِّیْنَ فَلَمَّا نَجّٰهُمْ اِلَی الْبَرِّ اِذَا هُمْ یُشْرِکُوْنَ

در کشتی برخوانند خدارا خالص کنندگان برای او دین را پس چون رهانید ایشانرا به بیابان آنگاه ایشان شرک میاورند

لِیَکْفُرُوْا بِمَآ اٰتَیْنٰهُمْ وَلِیَتَمَتَّعُوْا فَسَوْفَ یَعْلَمُوْنَ ۶۷ اَوَلَمْ یَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا

تا کفران ورزند بآنچه دادیم ایشانرا و کامیاب شوند پس بزودی بدانند آیا و ندیدند بدرستیکه گردانیدیم ما حرمی را

اٰمِنًا وَّیُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ اَفَبِالْبَاطِلِ یُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ یَکْفُرُوْنَ ۶۸

امن و ربوده میشوند مردمان از پیرامونشان آیا پس بباطل میگروند و بنعمت خدا کفران میورزند

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰی عَلَی اللّٰهِ کَذِبًا اَوْ کَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهٗ اَلَیْسَ فِیْ جَهَنَّمَ مَثْوًی

و کیست ستمگارتر از آنکه بست بر خدا دروغرا یا تکذیب کرد حق را چون آمد اورا آیا نیست در دوزخ خوابگاه

لِّلْکٰفِرِیْنَ ۶۹ وَالَّذِیْنَ جٰهَدُوْا فِیْنَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِیْنَ

مر کافرانرا و آنانکه مجاهده کردند در راه ما هرآینه هدایت ایشان نمائیم براههای خودمان و بدرستیکه خدا با نیکوکارانست

(۳۰) سُوْرَةُ الرُّوْمِ سِتُّوْنَ اٰیَةً وَهِیَ مَکِّیَّةٌ

الا آیه فسبحان الله حین تمسون الخ فانها نزلت بعد الانشقاق

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قوله سبحانه

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم الی آخر یعنی آنانکه کوشش میکردند در حق ما و اقامت دین یا بر وجه اخلاص یا نفس اماره که جهاد اکبر است و یا با کفار که جهاد اصغر است هرآینه نمائیم ایشانرا راههای حق و بدرستیکه خدا با نیکوکاران است حضرت باقر علیه السلام بروایت قمی فرمود این آیه از برای آل محمد علیهم السلام و از برای مطیعان ایشانست و همان حضرت بروایت معانی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت نموده که آنجناب فرموده آگاه باشید بدرستیکه از برای

الحَیَوان

بفتح یا

من مخصوص است در قرآن استماعیکه برسید از آنکه غلبه کنید بر آنها گمراه شوید در دین و بعد فرموده منم محسن و بلادت فرمودان الله لمع المحسنین والسلام ۱۲

الٓمٓ غُلِبَتِ الرُّومُ ۲ فِیٓ اَدْنَی الْاَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُونَ ۳

مغلوب شدند روم در نزدیکتر زمین وایشان از بعد مغلوب شدنشان بزودی غالب میشوند

فِی بِضْعِ سِنِینَ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَیَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۴

در اند سال مرخدار است فرمان از پیش واز بعد ودراین روز شاد میشوند گروندگان

بِنَصْرِ اللّٰهِ یَنْصُرُ مَنْ یَشَآءُ وَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ ۵ وَعْدَ اللّٰهِ لَا یُخْلِفُ اللّٰهُ

بیاری خدا یاری میکند هر کرا میخواهد واوست غالب مهربان وعده خداست خلاف نمیکند خدا

وَعْدَهُ وَلٰکِنَّ اَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ ۶ یَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا

وعده اش ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند میدانند ظاهری را از زندگانی دنیا

وَهُمْ عَنِ الْاٰخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ۷ اَوَلَمْ یَتَفَکَّرُوا فِیٓ اَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللّٰهُ

وایشان از آخرت ایشان بیخبرانند آیا واندیشه نمیکنند در خودشان که نیافریده خدا

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُسَمًّی وَاِنَّ کَثِیرًا مِنَ

آسمان ها وزمین را وآنچه میان آنهاست مگر بحق ومدت نام برده شده وبدرستیکه بسیاری از

النَّاسِ بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ لَکَافِرُونَ ۸ اَوَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْاَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ

مردمان بملاقات پروردگارشان هر آینه منکرانند آیا وسیر نمیکنند در زمین پس بنگرند که چگونه

کَانَ عَاقِبَةُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ کَانُوٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَاَثَارُوا الْاَرْضَ وَ

بود انجام آنانکه پیش از ایشان بودند سخت تر از ایشان بقوت وبرگردانیدند زمین را و

عَمَرُوهَآ اَکْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّنَاتِ فَمَا کَانَ اللّٰهُ

آباد کردند آنرا بیشتر از آنچه آباد کردند آنرا وآمد ایشانرا رسولانشان با معجزات پس نبود خدا

لِیَظْلِمَهُمْ وَلٰکِنْ کَانُوٓا اَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ ۹ ثُمَّ کَانَ عَاقِبَةَ الَّذِینَ اَسَآؤُا

برآنکه ستم کند ایشانرا ولیکن بودند که بنفس خودشان ستم میکردند پس باشد انجام آنانکه بد کردند

السُّوٓآٰی اَنْ کَذَّبُوا بِاٰیَاتِ اللّٰهِ وَکَانُوا بِهَا یَسْتَهْزِءُونَ ۱۰ اَللّٰهُ یَبْدَؤُا الْخَلْقَ

بدتر که تکذیب کردند آیات خدارا وبودند که بآنها استهزا میکردند خدا میآفریند خلقرا

ثُمَّ یُعِیدُهُ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُونَ ۱۱ وَیَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ۱۲ وَ

پس اعاده میکند آنرا پس بسوی او باز میگردید وروزیکه برپا میشود رستخیز نومید شوند گناهکاران و

لَمْ یَکُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَکَآئِهِمْ شُفَعٰٓؤُا وَکَانُوا بِشُرَکَآئِهِمْ کَافِرِینَ ۱۳ وَیَوْمَ

نباشد مرایشانرا از انبازانشان شفیعان وباشند بانبازانشان منکران وروزیکه

تَقُومُ السَّاعَةُ یَوْمَئِذٍ یَتَفَرَّقُونَ ۱۴ فَاَمَّا الَّذِینَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

برپا شود رستخیز در آنروز پراکنده میشوند پس اما آنانکه گرویدند وکردند کارهای شایسته

فَهُمْ فِی رَوْضَةٍ یُحْبَرُونَ ۱۵ وَاَمَّا الَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِاٰیَاتِنَا وَلِقَآئِ

پس ایشان در بوستانی شادمان میباشند واما آنانکه کافر شدند وتکذیب کردند بآیات وملاقات

الْاٰخِرَةِ فَاُولٰٓئِکَ فِی الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ۱۶ فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِینَ تُمْسُونَ

آخرت را پس آنگروه در عذاب حاضر شوندگانند پس منزه است خدا هنگامیکه شام میکنید

الٓمٓ لام و میم هر دو مد میخواهد

غَلَبِهِمْ بفتح غین و لام

وَاَثَارُوا بفتح همزه بدون مد

السُّوٓآٰی بضم سین و سکون واو و فتح همزه پیش از الف

یُحْبَرُونَ بضم یا و سکون حا و فتح با موحده و ضم را

وحین:

وَحِينَ تُصْبِحُونَ ١٧ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ

و وقتیکه بامداد میکنید و مر او راست ستایش در آسمانها و زمین و طرف آخر روز و هنگامیکه

تُظْهِرُونَ ١٨ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ

ظهر میکنید بیرون آورد زنده را از مرده و بیرون آورد مرده را از زنده و زنده میکند زمین را

بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ ١٩ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا

بعد از مردنش و همچنین بیرون آورده میشوید و از آیات اوست که آفرید شما را از خاک پس آنگاه

أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ٢٠ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا

شما انسانید که پراکنده میشوید و از آیات اوست که آفرید برای شما از جنس نفسهاتان جفت جفت تا آرام گیرید

إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ٢١

با آنها و قرار داد میان شما دوستی و رحمت را بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای قومی که بیندیشند

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ

و از آیات اوست که آفرید آسمانها و زمین را و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شما بدرستیکه

فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ ٢٢ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ

در این هر آینه آیتهاست مر دانایان را و از آیات اوست خواب شما در شب و روز و

ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ٢٣ وَمِنْ آيَاتِهِ

جستن شما از فضلش بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای گروهیکه میشنوند و از آیات اوست

يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ

مینماید بشما برق را از راه بیم و امید و فرو میفرستد از آسمان آب را پس زنده میکند بآن زمین را بعد

مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ٢٤ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ

از مردنش بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر گروهیکه در مییابند بعقل و از نشانهای اوست که بپا میباشد

السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ

آسمان و زمین بامر او پس چون خواند شما را خواندنی از زمین آنگاه شما

تَخْرُجُونَ ٢٥ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ٢٦ وَهُوَ الَّذِي

بیرون میآئید و مر او راست هر که در آسمان و زمین است همه مر او را فرمانبرانند و اوست آنکه

يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمٰوٰتِ

میآفریند خلق را پس اعاده میکند آنرا و آن آسانست براو و مر او راست وصف برتری در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٢٧ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ

و زمین و اوست غالب درست کردار زد برای شما مثلی از نفسهای خودتان آیا مر شما راست

مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ

از آنچه مالک شد دستهای شما از شریکان در آنچه روزی دادیم شما را در آن یکسانید میترسید از آنها

كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ٢٨ بَلِ

مانند ترسیدنتان از خودهاتان همچنین تفصیل میدهیم آیات را برای گروهیکه درمییابند بلکه

للعالمين بکسر لام در حفص تنها در همه جا بفتح است الّا در این موضع که بکسر است

وابتغاؤکم بضم همزه در تمیز بدون واو یعنی بدون اشباع

حزب

ابتع

اتبع الذين ظلموا اهواءهم بغير علم فمن يهدي من اضل الله وما

پیروی کردند آنانکه ستم کردند مرادهای خود را بدون دانشی پس که هدایت کند آنرا که گمراه گذاشت خدا و نیست

لهم من ناصرين ۲۹ فاقم وجهك للدين حنيفا فطرة الله التي فطر

مر ایشانرا هیچ یاری کنندگان پس راست بدار رویت را برای دین حق گرای آفرینش خدای که آفرید

الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس

مردمانرا بر آن نیست تبدیلی مر آفرینش خدا را اینست دین راست ولیکن بیشتر مردمان

لا يعلمون ۳۰ منيبين اليه واتقوه واقيموا الصلوة ولا تكونوا من

نمیدانند بازگردندگان بسوی او و بپرهیزید او را و برپا دارید نماز را و نباشید از

المشركين ۳۱ من الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعا كل حزب بما لديهم فرحون ۳۲

شرک آورندگان از آنانکه پاره پاره کردند دینشانرا و بودند گروهها هر گروهی بآنچه نزد ایشانست شادمانند

واذا مس الناس ضر دعوا ربهم منيبين اليه ثم اذا اذاقهم منه رحمة

و چون رسد مردمانرا زیانی بخوانند پروردگارشانرا بازگردندگان بسوی او پس چون چشانند ایشانرا از او رحمتی

اذا فريق منهم بربهم يشركون ۳۳ ليكفروا بما آتيناهم فتمتعوا

آنگاه گروهی از ایشان بپروردگارشان شرک میآورند تا کافر شوند بآنچه دادیمشان پس کامرانی کنید

فسوف تعلمون ۳۴ ام انزلنا عليهم سلطانا فهو يتكلم بما كانوا به

پس بزودی بدانید یا فرو فرستادیم برایشان حجتی پس او تکلم میکند بآنچه بودند بآن

يشركون ۳۵ واذا اذقنا الناس رحمة فرحوا بها وان تصبهم سيئة بما

شرک میآوردند و چون بچشانیم مردمانرا رحمتی شاد شوند بآن و اگر برسد ایشانرا بدی بآنچه

قدمت ايديهم اذا هم يقنطون ۳۶ اولم يروا ان الله يبسط الرزق لمن يشاء و

مقدم داشت دستهاشان آنگاه ایشان نومید میشوند آیا ندیدند که خدا میگشاید روزیرا برای هر که خواهد

يقدر ان في ذلك لآيات لقوم يؤمنون ۳۷ فآت ذا القربى حقه والمسكين

تنگ میکند بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر گروهی که میگروند پس بده بصاحب قرابت حقش را و بیچاره

وابن السبيل ذلك خير للذين يريدون وجه الله واولئك هم المفلحون ۳۸

و ابن السبیل را این بهتر است مر آنانرا که میخواهند رضای خدا را و آنگروه ایشانند رستگاران

وما آتيتم من ربا ليربو في اموال الناس فلا يربوا عند الله وما آتيتم من زكوة

و آنچه میدهید از ربا تا افزاید در مالهای مردمان پس افزون نشود نزد خدا و آنچه دادید از زکات

تريدون وجه الله فاولئك هم المضعفون ۳۹ الله الذي خلقكم ثم رزقكم

میخواهید رضای خدا را پس آنگروه ایشانند افزون کنندگان خداست که آفرید شما را پس روزی داد شما را

ثم يميتكم ثم يحييكم هل من شركائكم من يفعل من ذلكم من شيء سبحانه و

پس میراند شما را پس زنده میکند شما را آیا از شریکان شما کسی هست بکند از این هیچ چیز را منزه است او

تعالى عما يشركون ۴۰ ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس

برتر از آنچه شرک میآورند پیدا شد تباهی در دشت و دریا بسبب آنچه کسب کرد دستهای مردمان

قوله سبحانه فاقم وجهك للدين حنيفا الى آخر یعنی راست گردان روی خود را برای دین حق در حالتیکه مایل باشی از همه ادیان باطله بدین اسلام ظاهر خطاب بحضرت رسول است و مراد جمیع امت است یعنی بر دین اسلام ثابت قدم باشید و بهیچ وجه برنگردانید از آن و ملازم شوید خلقتی را که دین اسلام باشد و بر آن نهاده شد خلق او را آنچنان خلقتیکه آفرید مردمانرا بر آن فطرت و خلقت اگر اضلال نکنند ایشانرا و بحالت خود باشند و اگذارده شوند هر آینه ملازم شوند باین دین و باین جهة فطرت نامیده شده و سزاوار نیست تغییر و تبدیل در خلق خدا چون نهی آنجا بمعنی نفی بوده باین قسم معنی شد و این دین خلقتی و مأمور بودن مردم باستقامت بر آن کیش راست و درست و مستقیم است و هیچ کجی در آن نیست ولیکن بیشتر از مردمان نمیدانند استقامت آنرا بجهة عدم تدبر و تفکر در آن حضرت باقر برواية کافی

ليربو

بضم يا و فتح واو

فرموده مراد از این دین ولایت ائمه است و آنحضرت بروایت قمی فرموده اند لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله است و حضرت صادق بروایت بصائر و توحید فرموده آن توحید است و محمد رسول الله و علی امیر المؤمنین و باین مضمون اخبار بسیار است ۱۲

لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٤١ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

تا چشاند ایشانرا برخی از سزای آنچه کردند باشد که ایشان بازگشت نمایند بگو سیر کنید در زمین

فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ٤٢ فَأَقِمْ

پس بنگرید چگونه بود انجام آنانکه بودند از پیش که بودند بیشتر ایشان شرک آورندگان پس راست بدار

وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ

رویت را برای دین راست پیش از آنکه بیاید روزیکه نیست بازگردیدن مرآنرا از خدا چنین روز

يَصَّدَّعُونَ ٤٣ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ٤٤

جدا میشوند آنکس که کافر شد پس بر اوست کفر او و هر که کرد کار شایسته پس برای خودشان آماده میکنند

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ٤٥

تا جزا دهد آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته از کرم خود بدرستیکه او دوست ندارد کافرانرا

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ

و از نشانهای اوست که میفرستد بادهارا مژده دهندگان و تا چشاند شمارا از رحمتش و تا روان گردد کشتی

بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٤٦ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

بفرمانش و تا بجوئید از کرمش و باشد که شما شکر گزارید و بتحقیق فرستادیم پیش از تو

رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ

رسولانرا بسوی قومشان پس آمدند ایشان با حجتهای روشن پس انتقام کشیدیم از آنها که گناه کردند و باشد

حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ٤٧ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا

ثابت بر ما یاری گروندگان خداست آنکه میفرستد بادهارا پس برانگیزد ابررا

فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ

پس پهن کند آنرا در آسمان چنانکه میخواهد و میگرداند آنرا ابر بهم نشسته پس مینگری بارانرا که بیرون آید از

خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ٤٨ وَإِنْ

رخنه هایش پس چون رساند باران آنکه خواهد از بندگانش آنگاه ایشان شادی میکنند و اگر چه

كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ٤٩ فَانْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ

بودند پیش از آنکه فرو فرستاده شود برایشان پیش از آن نومیدان پس بنگر بسوی اثرهای رحمت

اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

خدا چگونه زنده میکند زمینرا بعد از مردنش بدرستیکه این هر آینه زنده کننده مردگانست و او بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ٥٠ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ٥١

چیزی توانا و هر آینه اگر فرستادیم بادیرا پس دیدند آنرا زرد شده هر آینه میگردند پس از آن کفران ورزنده

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ٥٢ وَمَا

پس تو نمیشنوانی مردگانرا و نمیشنوانی کرانرا بخواندن چون برگردند پشت کنندگان و نیستی

أَنْتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ٥٣

تو راه نماینده کوران از گمراهیشان نمیشنوانی مگر کسیرا که ایمان آورد بآیات ما پس ایشان منقادانند

متعلق بصفحه بعد است

قوله سبحانه فاصبر ان وعد الله حق ولا یستخفنک الذین لا یوقنون یعنی صبر کن ای رسول بر آزار منافقان و مشرکان بدرستیکه وعده حقتعالی بنصرت تو بوجود حضرت قائم آل تو علیهم السلام و اظهار دین تو بر جمیع ادیان حقست و چاره از وقوع آن و حتم نکنند انها ترا از خفت و سستی و قلق بسبب تکذیب کردن ایشان زیرا که ایشان اهل تشکیک و ضلالتند و یقین ندارند با قوال تو که از جانب حقتعالی است و قمی ره گوید یعنی لا یغضبنک و نیز گوید حضرت امیر المؤمنین

فجاءوهم بضم همزه و سکون واو اشباع شده

علیه السلام نماز میگزارد و ابن الکوا در عقب آنحضرت

کسفا بکسر کاف و فتح سین و آنچه میکرد پیش خواند ابن الکوا ولقد اوحی الیک والی الذین من قبلک لئن اشرکت لیحبطن عملک ولتکونن من الخاسرین بعد ساکت گردید ابن الکوا بعد عود کرد در قرائت خود تا آنکه سه دفعه قرائت کرد آیه را و در مرتبه سیم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود فاصبر ان وعد الله حق ولا یستخفنک الذین لا یوقنون والسلام ۱۲

اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضُعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضُعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ
خداست که آفرید شما را از ناتوانی پس گردانید از بعد ناتوانی توانائی پس گردانید از
بَعْدِ قُوَّةٍ ضُعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ٥٤ وَيَوْمَ
بعد قوت ناتوانی و پیری را میآفریند آنچه میخواهد و اوست دانای توانا و روزیکه
تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ ٥٥ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذٰلِكَ كَانُوا
بر پا شود قیامت سوگند خورند گناهکاران که درنگ نکردند بجز یکساعت همچنین بودند
يُؤْفَكُونَ ٥٦ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ
برگردانیده میشدند و گفتند آنانکه داده شدند علم و ایمان را هر آینه درنگ کردید در کتاب
اللّٰهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ فَهٰذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلٰكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٥٧
خدا تا روز رستخیز پس اینست روز رستخیز ولیکن شما بودید که نمیدانستید
فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ٥٨ وَلَقَدْ
پس در این روز سود ندهد آنانکه ستم کردند عذر خواستن ایشان و نه از ایشان آشتی جویند و هر آینه بتحقیق
ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ
زدیم ما برای مردمان در این قرآن از هر مثلی و هر آینه اگر آوری ایشان را آیتی هر آینه گویند آنانکه
كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ٥٩ كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا
کافر شدند نیستید شما مگر کیش باطل داران همچنین مهر مینهد خدا بر دلهای آنانکه نه
يَعْلَمُونَ ٦٠ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ
میدانند پس صبر کن بدرستیکه وعده خدا راستست و نباید سبکی دارند ترا آنانکه یقین نمیکنند

(٣١) سورة لقمان اربع وثلثون آية وهي مكية

إلا الآيات ٢٦ - ٢٧ - ٢٨ فمدنية نزلت بعد الصافات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ١
بنام خدای بخشنده مهربان

الٓمٓ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ٢ هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ ٣ الَّذِينَ
اینست آیات کتاب باحکمت محکم هدایت و رحمت است برای نیکوکاران آنانکه
يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ٤ أُولٰئِكَ
برپا میدارند نماز را و میدهند زکات را و ایشان باخرتشان یقین دارند آنگروه
عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٥ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي
بر راه راستند از پروردگار ایشان و آنگروه ایشانند رستگاران و از مردمان کسی است که میخرد
لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولٰئِكَ لَهُمْ
هزل کلام را تا گمراه کنند از راه خدا بدون دانش و میگیرد آنرا باستهزا آنگروه و ایشانراست
عَذَابٌ مُهِينٌ ٦ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا
عذاب خوار کننده و هرگاه خوانده شود براو آیات ما روبگرداند تکبر کننده چنانکه نشنیده آنرا

مِنْ ضُعْفٍ ضُعْفٍ وَضُعْفًا بضم ضاد در هر سه موضع

أُوتُوا بضم همزه و سکون واو اشباع شود

مَثَلٍ بفتح میم و ثاء سه نقطه

الٓمٓ لام و میم هر دو مد میخواهد

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که سوره لقمان را در شب تلاوت نماید حق سبحانه و تعالی سی فرشته براو موکل گرداند که او را از شر ابلیس و جنود او محفوظ دارند و اگر در روز بخواند تا شب محافظت نمایند

كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٧ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

گویا در دو گوشش گرانیست پس بشارت ده او را بعذاب دردناک بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ٨ خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ

کارهای شایسته مر ایشانراست بهشتهای پر از نعمت جاوید اند در آن وعده خدا راستست و اوست غالب

الْحَكِيمُ ٩ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ

درست کردار آفرید آسمانها را بدون ستون که ببینید آنرا و انداخت در زمین کوههای ثابت را که

تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا

بگردد بسبب شما و بپراکند در آن از هر جنبنده و فرو فرستادیم از آسمان آبرا پس رویانیدیم در آن

مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ١٠ هَٰذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ

از هر جفتی بزرگ اینست آفرینش خدا پس بنمائید مرا که چه چیز آفریدند آنانکه از جز او هستند

بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ١١ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ

بلکه ستمگاران در گمراهی آشکارند و هرآینه بتحقیق دادیم لقمان را حکمت که شکر کن

لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ١٢ وَإِذْ

مر خدا را و هر که شکر میکند جز این نیست شکر میکند برای خودش و هر که کفران ورزید بدرستیکه خدا بی‌نیاز ستوده است و چون

قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

گفت لقمان مر پسرش را و او پند میداد او را ای پسرک من شرک میاور بخدا بدرستیکه شرک هرآینه ظلمیست بزرگ

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي

و وصیت کردیم ما انسانرا بوالدینش برداشت او را مادرش سست شدنی بر سست شدنی و بریدنش از شیر در

عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ١٤ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ

دو سال که شکر کن مر مرا و مر والدینت را بسوی منست بازگشت و اگر بکوشش بازدارند ترا بر اینکه

تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا

شریک گردانی با من آنچه را که نیست تورا بآن دانشی پس اطاعت مکن ایشانرا و رفاقت کن با ایشان در دنیا بخوبی

وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ١٥ يَا بُنَيَّ

و پیروی کن راه کسیرا که بازگشت بسوی من پس بسوی منست بازگشت شما پس خبر دهم شما را بآنچه بودید میکردید ای پسرک من

إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي

بدرستیکه آن اگر باشد هم‌وزن دانه از خردل پس باشد در دل سنگی گران یا در آسمانها یا در

الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ١٦ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ

زمین بیارد آنرا خدا بدرستیکه خدا باریک‌بین آگاهست ای پسرک من برپا دار نماز را و امر کن بمعروف

وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ١٧ وَلَا

و نهی کن از منکر و صبر کن بر آنچه رسید ترا بدرستیکه این از عزم اموراست و مه

تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

گردان بتکبر رویت را بر مردمان و راه مرو در زمین خرامان بدرستیکه خدا دوست ندارد هر متکبر خودپسندی را

قوله سبحانه ۱۶
یا بنی انها ان تک ... الی خبیر این آیه را بعد از شب جمعه از اول ماه بعد از ... در زیر سر خود بنهد بعد از آنکه نماز فرض و نماز نافله گزارده باشد ... آنرا در زیر سر گذارد و بگوید سبحان الله الذی لا یخفی علیه خافیه سبحان الله الذی ظهرت قدرته سبحان الذی فی ... بیده والاقوال ... در خواب رود آنچه مطلوب او بود از مخفیات امور براو منکشف گردد باذن الله تعالی

قوله سبحانه ۱۷
یا بنی اقم الصلوة الی الامور چون کسی خواهد امور دین بار غبت باشد و تهاون نکند و بهیچ چیز دیگر مایل نشود و بر زیر دستان ظلم نکند اول وضو سازد و دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعتی بعد از حمد یکبار این آیه را بخواند ان الله یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون سه روز در وقت چاشت متعاقب این نماز گزارد و در روز چهارم این آیه را در جامی آبگینه سفید با ... سفال ... بزعفران وگلاب بنویسد و آنرا با آب باران بشوید و بخورد بعد از نماز پیشین آب و طعام نخورد مقصود حاصل

تصعر
یعنی بی نقطه ... و صلاح تقوی او را روزی گردد انشاءالله تعالی ۱۲

فخور ١٨ واقصد في مشيك واغضض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت

خودپسند را و میانه گزین در رفتارت و بکاه از آوازت بدرستیکه ناخوشترین آوازها هر آینه آواز

الحمير ١٩ الم تروا ان الله سخر لكم ما في السموات وما في الارض و

خرانست آیا ندیدید که خدا رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و

اسبغ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة ومن الناس من يجادل في الله بغير

تمام کرد برای شما نعمتهای خود را ظاهری و باطنی و از مردمان کسی هست که مجادله میکند در خدا بدون

علم ولا هدى ولا كتاب منير ٢٠ واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا

دانش و نه هدایتی و نه کتابی روشن کننده و چون گفته میشود مر ایشانرا که پیروی کنید آنچه فرو فرستاده خدا گفتند

بل نتبع ما وجدنا عليه اباءنا اولو كان الشيطان يدعوهم الى عذاب

بلکه پیروی میکنیم آنچه یافتیم بر او پدرانمانرا آیا و اگر چه باشد دیو رجیم که میخواند ایشانرا بسوی عذاب

السعير ٢١ ومن يسلم وجهه الى الله وهو محسن فقد استمسك بالعروة

آتش افروخته و هر که خالص میآورد روی خود را بسوی خدا و او نیکوکار است پس بحقیقت چنگ زده بدستگیره

الوثقى والى الله عاقبة الامور ٢٢ ومن كفر فلا يحزنك كفره الينا

محکم و بسوی خداست عاقبت کارها و هر که کافر شد نباید محزون کند ترا کفرش بسوی ماست

مرجعهم فننبئهم بما عملوا ان الله عليم بذات الصدور ٢٣ نمتعهم قليلا

بازگشت ایشان پس خبر دهیم ایشانرا بآنچه کردند بدرستیکه خدا داناست باسرار سینها کامیابشان کنیم اندکی

ثم نضطرهم الى عذاب غليظ ٢٤ ولئن سألتهم من خلق السموات والارض

پس مجبورشان سازیم بسوی عذاب سخت و هر آینه اگر بپرسی از ایشان کیست که آفرید آسمانها و زمین را

ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون ٢٥ لله ما في السموات و

هر آینه گویند خداست بگو ستایش مر خدا راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند مر خدا راست آنچه در آسمانها و

الارض ان الله هو الغني الحميد ٢٦ ولو ان ما في الارض من شجرة اقلام

زمین است بدرستیکه خدا اوست بی نیاز ستوده و اگر آنچه باشد در زمین است از درخت قلمها

والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز

و بحر مداد میشد او را بعد از آن هفت دریا تمام نمیرسید کلمات خدا بدرستیکه خدا غالب

حكيم ٢٧ ما خلقكم ولا بعثكم الا كنفس واحدة ان الله سميع بصير ٢٨

درست کردار است نیست آفرینش شما و نه برانگیختن شما مگر مانند یک تن بدرستیکه خدا شنونده و بیناست

الم تر ان الله يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل وسخر الشمس

آیا نبینی که خدا در میآورد شب را در روز و در میآورد روز را در شب و رام کرده آفتاب

والقمر كل يجري الى اجل مسمى وان الله بما تعملون خبير ٢٩ ذلك بان الله

و ماه را هر یک میرود تا مدتی نام برده شده و بدرستیکه خدا بآنچه میکنید آگاهست این بسبب آنکه خدا

هو الحق وان ما يدعون من دونه الباطل وان الله هو العلي الكبير ٣٠ الم

اوست حق و آنکه آنچه را میخوانید از غیر خدا باطل است و بدرستیکه خدا اوست برتر بزرگ آیا

... غرق شدن ایمن گردد ١٢

تَرَ اَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ اٰيٰتِهٖ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِكُلِّ

نديدي كه كشتي روانست در دريا بنعمت خدا تا بنمايد شمارا از آياتش بدرستيكه درين هرآينه آيتهاست براي هر

صَبَّارٍ شَكُورٍ ٣١ وَاِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

صبر كننده شكرگزاري وچون فروگيرد ايشانرا موجي چون سايبانها بخوانند خدارا اخلاص كنندگان براي او دين را

فَلَمَّا نَجّٰهُمْ اِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَا اِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ٣٢ يَا اَيُّهَا

پس چون نجات داد ايشانرا بسوي بيابان پس برخي از آنها ثابت مانند و انكار نكنند بآيات ما مگر هر غدار ناسپاسي اي

النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهٖ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ

مردمان بپرهيزيد پروردگارتانرا و بترسيد از روزيكه كفايت نكند پدري از پسري و نه فرزندي او كفايت كننده است از

وَالِدِهٖ شَيْـًٔا ٣٣ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ

پدرش چيزيرا بدرستيكه وعده خدا حق است پس بايد نفريبد شمارا زندگاني دنيا و بايد نفريبد شمارا بخدا البته فريبنده

اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْاَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي

بدرستيكه خدا نزد اوست علم قيامت و فرو فرستد بارانرا وميداند آنچه در رحمهاست و نميداند

نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِاَيِّ اَرْضٍ تَمُوتُ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

هيچكس كه چه كسب ميكند فردا و نميداند نفسي كه بكدام زمين ميميرد بدرستيكه خدا داناي آگاهست

(٣٢) سُورَةُ السَّجْدَةِ ثَلٰثُونَ اٰيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا از آيه ١٦ الى آخر آيه ٢٠ - مدنيه نزلت بعد المؤمنون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

الٓمٓ ١ تَنْزِيلُ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ٢ اَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰىهُ

فرو فرستادن كتاب نيست شكي در اين از پروردگار جهانيانست آيا ميگويند بربست بهم آنرا

بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا اَتٰىهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ

بلكه او براستي از پروردگارتست تا بيم كني گروهيرا كه نيامد ايشانرا هيچ بيم كننده پيش از تو شايد ايشانرا

يَهْتَدُونَ ٣ اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ

راه يابند خدا است كه آفريد آسمانها و زمين و آنچه ميان آنهاست در شش روز

ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهٖ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ اَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

پس مستولي بود بر عرش نباشد مر شمارا جز او هيچ دوستي و نه شفيعي آيا پس پند نميگيريد

يُدَبِّرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗ

سامان ميدهد كار را از آسمان بسوي زمين پس عروج ميكند بسوي او در روزيكه باشد مقدارش

اَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ٥ ذٰلِكَ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٦

هزار سال از آنچه ميشماريد آنست داناي نهان و آشكار غالب مهربان

الَّذِي اَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهٗ وَبَدَاَ خَلْقَ الْاِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ٧ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهٗ

آنكه نيكو ساخت هر چيزيرا كه آفريد آنرا و ابتدا كرد آفرينش آدميرا از گل پس گردانيد نسل او را

مِنْ سُلٰلَةٍ

يُنجّيهم: بتقديم جيم معجمه بر حاء مهمله

جاز: بزاء نا منقطه

الغرور: بفتح غين معجمه

الٓمٓ: لام وميم هردو مد ميخواهد

هو: از حضرت رسول صلي الله عليه وآله روايت كه هركه سوره سجده را در شب جمعه بخواند خدا تعالي در روز قيامت نامه عملش را بدست راستش بدهد وحساب آنچه از او صادر شده [illegible] كه اين سوره خوانده شود شيطان تا سه روز داخل آن خانه نشود

خلقه: بفتح لام وبدء خلق بسكون لام

مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ ٨ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ

از صاف کشیده از آب خوار شده پس راست کرد و دمید در او از روحش و گردانید برایشما

السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ٩ وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا

گوش و چشمها و دلها اندک است آنچه شکرگزار شوید و گفتند آیا چون گم شویم

فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ١١ قُلْ يَتَوَفَّاكُم

در زمین آیا باشیم هر آینه در آفرینش نوی بلکه ایشان از ملاقات پروردگارشان منکران بگو میمیراند شمارا

مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ١٢ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ

فرشته مرگ آنکه موکل شده بشما پس بسوی پروردگارتان باز میگردید و اگر ببینی هنگامیکه گناهکاران

نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا

بزیر افکنده گانند سرهاشانرا نزد پروردگارشان که ای پروردگار ما دیدیم و شنیدیم پس بازگردان مارا تا بکنیم کار شایسته که ما

مُوقِنُونَ ١٣ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ

یقین کنندگانیم و اگر خواسته بودیم ما داده بودیم بهر تنی هدایتش را ولیکن ثابت شد سخن از من که هرآینه پرسازم

جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ١٤ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا

دوزخ را از جن و انس بتمامی پس بچشید بسبب آنکه فراموش کردید ملاقات روزتان را که اینست

إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ١٥ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا

بدرستیکه ما واگذاشتیم شمارا و بچشید عذاب جاودانی را بسبب آنچه بودید میکردید جز این نیست که ایمان میآورند بآیتهای ما

الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۩

آنانکه چون پند داده شوند بآن بروی در افتند سجده کنان و تسبیح کنند بستایش پروردگارشان و ایشان سرکشی نمیکنند

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

برخیزد پهلوهاشان از خوابگاهشان میخوانند پروردگارشانرا بترس و امید و از آنچه روزی دادیم ایشانرا

يُنفِقُونَ ١٧ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٨

انفاق میکنند پس نمیداند تنی آنچه پنهان کرده شده از برای ایشان از آسایش چشمها بپاداش آنچه بودند که میکردند

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ ١٩ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

آیا پس آنکه باشد مؤمن مانند آنکس است که باشد فاسق یکسان نباشند اما آنانکه ایمان آوردند و کردند

الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٢٠ وَأَمَّا الَّذِينَ

کارهای شایسته پس مرایشانراست بهشتهای جای اقامت مایه مهمانی بسبب آنچه بودند میکردند و اما آنانکه

فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ

فاسق شدند پس جای ایشان آتش هرگاه که خواهند بیرون آیند از آن باز گردانیده شوند در آن و گفته شود ایشانرا

ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ٢١ وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ

بچشید عذاب آتش را که بودید بآن تکذیب میکردید و هرآینه بچشانیم ایشانرا از عذاب نزدیکتر

دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٢٢ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ

غیر از عذاب بزرگتر باشد که ایشان باز گردند و کیست ستمکارتر از آنکه پند داده شد بآیتهای پروردگارش پس

قوله سبحانه الذی احسن الی تشکرون این آیات را در ترتیب فرزند و مملوک اثر دارد آنرا در آبگینه بنویسند و باب باران بشویند و آزاد و کنیز کنند ... هر که این آیات بنویسد و بآب بشوید ... از ولادت ... انشاء الله تعالی ١٢

سجده واجب

لا یستوون بدعوا و خوانده شود یعنی امتیاع شود

اعرض عنها انا من المجرمين منتقمون ۲۳ ولقد اتينا موسى الكتاب فلا
روی بگردانید از آن بدرستیکه ما از گناهکاران انتقام کشندگانیم و هر آینه بتحقیق که دادیم موسی را تورات پس

تكن في مرية من لقائه وجعلناه هدى لبني اسرائيل ۲۴ وجعلنا منهم
مباش در شک از ملاقاتش و گردانیدیم آن را هدایت برای بنی اسرائیل و گردانیدیم از ایشان

ائمة يهدون بامرنا لما صبروا وكانوا بآياتنا يوقنون ۲۵ ان ربك هو
پیشوایانی که هدایت کنند بفرمان ما چون صبر کردند و بودند بآیات ما یقین میکردند بدرستیکه پروردگار تو او

يفصل بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ۲۶ او لم يهد لهم
حکم میکند میانشان روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند آیا و هدایت نکرد ایشان را

كم اهلكنا من قبلهم من القرون يمشون في مساكنهم ان في ذلك لآيات
که بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از قرنها که میرفتند در مسکنهاشان بدرستیکه در این نشانه هاست

افلا يسمعون ۲۷ اولم يروا انا نسوق الماء الى الارض الجرز فنخرج به
آیا پس نمیشنوند آیا و ندیدند که ما میرانیم آب را بسوی زمین بی گیاه پس بیرون آریم بآن

زرعا تاكل منه انعامهم وانفسهم افلا يبصرون ۲۸ ويقولون متى هذا
زرعی را که میخورند از آن چهارپایان ایشان و خودهاشان آیا پس نمی بینند و میگویند کی باشد این

الفتح ان كنتم صادقين ۲۹ قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم
فتح اگر هستید راستگویان بگو روز فتح سود نبخشد آنان را که کافر شدند ایمانشان

ولا هم ينظرون ۳۰ فاعرض عنهم وانتظر انهم منتظرون
و نه ایشان مهلت داده شدند پس روی بگردان از ایشان و انتظار کش که آنها منتظرانند

سورة الاحزاب ثلث وسبعون آية وهي مدنية (۳۳)

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

يا ايها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين ان الله كان عليما
ای پیغمبر بپرهیز از خدا و اطاعت مکن کافران و منافقان را بدرستیکه خدا هست دانای

حكيما ۱ واتبع ما يوحى اليك من ربك ان الله كان بما تعملون خبيرا ۲
درست کردار و پیروی کن آنچه را وحی شد بسوی تو از پروردگارت بدرستیکه خدا هست بآنچه میکنید آگاه

وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ۳ ما جعل الله لرجل من قلبين في
و توکل کن بر خدا و بس است خدا وکیل نگردانیده خدا برای مردی هیچ دو دل در

جوفه وما جعل ازواجكم اللائي تظاهرون منهن امهاتكم وما جعل
درونش و نگردانیده جفتهای شما را که ظهار میکنید از آنها مادرانتان را و نگردانیده

ادعياءكم ابناءكم ذلكم قولكم بافواهكم والله يقول الحق وهو
پسر خواندههای شما را پسرانتان آنست گفته شما بدهنهاتان و خدا میگوید حق را و او

هو الله تعالی شأنه
حضرت رسول فرمود که هر که سوره احزاب را بخواند و اهل و مملوک خود را تعلیم کند از عذاب قبر امان یابد نیز فرمود که خواننده آن در روز قیامت مشکور باشد نهند در میان ملکوت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که اگر در خانه دختری باشد که کسی ابداً او را خواستگاری نکند و این سوره را بنویسد بر پوست آهو یا بر کاغذ و در حقه نهند و در خانه آن دختر گذارند خواستگار آن دختر زیاد شود والسلام
۱۲

هو
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بسند معتبر روایت است که هر که بسیار بخواند سوره احزاب را در روز قیامت در جوار سید ابرار و اولاد اطهار آنحضرت مقام او باشد

يهدي السبيل ٥ ادعوهم لآبائهم هو أقسط عند الله فإن لم تعلموا
هدایت میکند راه را بخوانید ایشانرا به پدرانشان که او درست‌تر است نزد خدا پس اگر ندانید

آباءهم فإخوانكم في الدين ومواليكم وليس عليكم جناح فيما أخطأتم
پدرانشانرا پس برادران شما اند در دین و دوستان شما اند و نیست بر شما گناهی در آنچه خطا کردید

به ولكن ما تعمدت قلوبكم وكان الله غفورا رحيما ٦ النبي أولى بالمؤمنين
بآن و لیکن آنچه را تعمد کند بآن دلهای شما و باشد خدا آمرزنده مهربان پیغمبر اولیست بمؤمنین

من أنفسهم وأزواجه أمهاتهم وأولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض
از خودهاشان و زنان پیغمبر مادران ایشانند و صاحبان قرابت برخی از آنها اولی باشند از برخی

في كتاب الله من المؤمنين والمهاجرين إلا أن تفعلوا إلى أوليائكم
در کتاب خدا از مؤمنین و مهاجران بجز اینکه بکنید با دوستانتان

معروفا كان ذلك في الكتاب مسطورا ٧ وإذ أخذنا من النبيين ميثاقهم
خوبیرا هست این در کتاب نوشته شده و هنگامیکه گرفتیم ما از پیغمبران پیمانشانرا

ومنك ومن نوح وإبراهيم وموسى وعيسى ابن مريم وأخذنا منهم
و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و گرفتیم ما از ایشان

ميثاقا غليظا ٨ ليسأل الصادقين عن صدقهم وأعد للكافرين عذابا
پیمانی سخت تا بپرسد راستگویانرا از راستی آنها و مهیا کرده برای کافران عذاب

أليما ٩ يا أيها الذين آمنوا اذكروا نعمة الله عليكم إذ جاءتكم جنود
دردناک را ای آنانکه گرویدید نعمت خدارا یاد کنید برخودتان چون آمدند شمارا لشکرها

فأرسلنا عليهم ريحا وجنودا لم تروها وكان الله بما تعملون بصيرا ١٠
پس فرستادیم بر ایشان بادی و لشکرهائیکه نمیدیدید آنهارا و باشد خدا بآنچه میکنید بینا

إذ جاءوكم من فوقكم ومن أسفل منكم وإذ زاغت الأبصار وبلغت القلوب
چون آمدند شمارا از بالای شما و از پائین‌تر شما و هنگامیکه حیران شد چشمها و رسید دلها

الحناجر وتظنون بالله الظنونا ١١ هنالك ابتلي المؤمنون وزلزلوا زلزالا
بحنجرها و گمان میبردید بخدا گمانها آنجا امتحان کرده شدند گروندگان و لرزانیده شدند لرزشی

شديدا ١٢ وإذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله
سخت و هنگامیکه میگفتند منافقان و آنانکه بود در دلهاشان مرضی وعده نکردند مارا خدا

ورسوله إلا غرورا ١٣ وإذ قالت طائفة منهم يا أهل يثرب لا مقام
و رسولش مگر فریب و هنگامیکه گفتند گروهی از ایشان که ای اهل یثرب نیست جای اقامت

لكم فارجعوا ويستأذن فريق منهم النبي يقولون إن بيوتنا عورة و
مرشمارا پس برگردید و دستوری میخواستند پاره از ایشان از نبی میگفتند که خانه‌های ما نا امنست و

ما هي بعورة إن يريدون إلا فرارا ١٤ ولو دخلت عليهم من أقطارها
و نه بود ناامن نمیخواستند بجز گریز را و اگر در آمده بود بر ایشان از اطرافش

قوله تعالى
إذ أخذنا إلى الكتاب چون
باکسی عهد کرده باشند
سوگند خورد بعد از آن
مشاهده کند که آنکس
أخطأتم
بفتح همزه اول که
قطع است
بعهد خود وفا نمیکند و از او
ترسان باشد قطعه از جامه
آنکس بدست آورد و این
آیات را بزعفران و شبنم
که بر برگ درختان افتاده
باشد بر آن قطعه بنویسد
غدر فلان بن فلان و نقض عهده
ولم یف به لما کان لفلان
ابن فلانه والله غالب
على أمره اللهم عليك بفلان
ابن فلان و نوشته را در
زاویه مسجد دفن کنند پس
اگر بسر عهد خود نرود و
بعهد خود وفا نکند الم
بسیار باو رسد والسلام
قوله تعالى
وإذ قالت طائفة إلى يسيرا
چون خواهند که دفع شر
ظالمی کنند این آیه را بر
پاره از سفال که از گور
کهنه باشد بنویسند و آن
إذ جاؤكم
بضم همزه و سکون
واو که جمع است و
واو ظاهر شود
پاره‌ها را بهم بیامیزند
و بکوبند و قدری خاک گور
از مسجد کهنه ویران شده
باشد بیامیزند و در منزل
آن ظالم بپاشند احوال او
متغیر شود و خرابی بکار
او برده در منزل افتد
١٢

ثم سئلوا الفتنة لاتوها وما تلبثوا بها الا يسيرا ١٥ ولقد كانوا

پس خواسته شده بودند فتنه را هر آینه آورده بودند آنرا و درنگ نمیکردند با آن مگر اندکی و هر آینه بتحقیق که بودند

عاهدوا الله من قبل لا يولون الادبار وكان عهد الله مسئولا ١٦ قل

عهد کردند با خدا از پیش که نگردانند پشتها را و باشد پیمان خدا پرسیده شده بگو

لن ينفعكم الفرار ان فررتم من الموت او القتل واذا لا تمتعون الا

سود ندهد شما را هرگز فرار اگر فرار کنید از مرگ یا کشتن و آنگاه کامرانشوید بجز

قليلا ١٧ قل من ذا الذي يعصمكم من الله ان اراد بكم سوءا او اراد بكم

اندکی بگو کیست که نگاه دارد شما را از خدا اگر اراده کند بشما بدیرا یا اراده کند بشما

رحمة ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا ١٨ قد يعلم الله

رحمتی را و نیابند برای خود غیر از خدا دوستی و یاری بحقیقت میداند خدا

المعوقين منكم والقائلين لاخوانهم هلم الينا ولا ياتون البأس الا

باز دارندگان از شما و گویندگان مر برادرانشانرا که بیایید بسوی ما و نمی آیند کارزار را مگر

قليلا ١٩ اشحة عليكم فاذا جاء الخوف رايتهم ينظرون اليك تدور

کم بخیلان بر شما پس چون آید ترس بینی ایشانرا که مینگرند بسوی تو میگردد

اعينهم كالذي يغشى عليه من الموت فاذا ذهب الخوف سلقوكم

چشمهاشان مانند کسیکه بیهوشی بر او طاری شد از مرگ پس چون زایل شود ترس آهسته سخنگو میشوند با شما

بالسنة حداد اشحة على الخير اولئك لم يؤمنوا فاحبط الله اعمالهم

بزبانهای تیز بخیلان بر خیر آنها ایمان نمیآوردند پس ناچیز کرد خدا اعمالشانرا

وكان ذلك على الله يسيرا ٢٠ يحسبون الاحزاب لم يذهبوا وان يات

و باشد این بر خدا آسان میپندارند طایفه های دشمن که نرفته اند و اگر آیند

الاحزاب يودوا لو انهم بادون في الاعراب يسئلون عن انبائكم ولو

طایفه های دشمن دوست دارند که کاش ایشان بادیه نشینان بودند در اعراب میپرسیدند از خبرهای شما و اگر

كانوا فيكم ما قاتلوا الا قليلا ٢١ لقد كان لكم في رسول الله اسوة

بودند در میان شما کارزار نمیکردند مگر اندکی بتحقیق بود مر شما را در رسول خدا اقتدای

حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الاخر وذكر الله كثيرا ٢٢ ولما راى

خوب مر کسیرا که بود میخواست خدا و روز بازپسین را و یاد کرد خدا را بسیار و چون دیدند

المؤمنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله

مؤمنان طوایف دشمنانرا گفتند این است آنچه وعده داد ما را خدا و رسولش و راست گفت خدا

ورسوله وما زادهم الا ايمانا وتسليما ٢٣ من المؤمنين رجال صدقوا

و رسولش و نیفزود ایشانرا مگر ایمان و انقیاد از مؤمنان هستند مردانی که راست

ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا

گفتند آنچه را پیمان بستند با خدا بر آن پس از ایشان کسیست که بسر آورد مدت خود را و از ایشان کسیست که انتظار میکشد و تغییر ندادند

قوله تعالى من المؤمنين رجال صدقوا الى قوله تبديلا در کنز الفوائد از محمد بن حنفیه از حضرت علی مرتضی صلوات الله علیه روایت است که من عهد کردم با خدا عز و جل و حضرت رسول او را با عم خود حمزه و برادر خود جعفر و پسر عم خود عبیدة بن حارث برامری و در روایت دیگر از عبدالله بن حسن از آبای خود علیهم السلام است که عهد کرد آنحضرت با عم و برادر خود آنکه فرار از زحف و قتال مشرکان نکنند هرگز پس تمام کردند جمیع ایشان عهد خود را و حق تعالی نازل فرمود این آیه را فمنهم من قضى نحبه حمزه است که روز احد شهید شده و جعفر است که روز موته که قریه ایست از جانب شام شهید شد و زید بن حارثه و عبدالله رواحه و جماعت کثیر از صحابه در این غزوه بشهادت فایز شدند و منهم من ينتظر یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام و ما بدلوا تبديلا

انبائكم بتقدیم نون بر با بمعنی اخبار

یعنی عهد کردند با خدا و رسول و در بعضی قرب ... نداد ... والسلام ۱۲

نحبه ... صیغه متکلم است

تبديلا ٢٤ ليجزى الله الصادقين بصدقهم ويعذب المنافقين ان شاء
تغيير دادنی تا جزا دهد راستگويانرا براستی ايشان وعذاب کند منافقانرا اگر خواهد

او يتوب عليهم ان الله كان غفورا رحيما ٢٥ ورد الله الذين كفروا
يا توبه در پذيرد ايشانرا بدرستيکه خداست آمرزنده مهربان وبرگردانيد خدا آنانکه کافر شدند

بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قويا
با خشم خود ايشان که نيابند خيررا وبس است خدا مؤمنانرا در کارزار وباشد خدا توانای

عزيزا ٢٦ وانزل الذين ظاهروهم من اهل الكتاب من صياصيهم و
غالب وفرو فرستاد آنانرا که همپشتی کردند ايشانرا از اهل کتاب از حصارهاشان و

قذف في قلوبهم الرعب فريقا تقتلون وتاسرون فريقا ٢٧ واورثكم
انداخت در دلهاشان ترس را پاره ای ميکشيديد واسير ميکرديد پاره را وبميراث داد شما

ارضهم وديارهم واموالهم وارضا لم تطؤها وكان الله على كل شيء
زمين ايشانرا وسراهاشان ومالهاشان وزمينيرا که نورديده بوديد آنرا وباشد خدا برهمه چيز

قديرا ٢٨ يا ايها النبي قل لازواجك ان كنتن تردن الحيوة الدنيا و
توانا ای پيغمبر بگو مرزنانت را اگر هستيد که ميخواهيد زندگانی دنيا و

زينتها فتعالين امتعكن واسرحكن سراحا جميلا ٢٩ وان كنتن تردن
وآرايش آنرا پس بيائيد تا سرمايه دهم شمارا ورها کنم شمارا رها کردنی خوب واگر هستيد که ميخواهيد

الله ورسوله والدار الاخرة فان الله اعد للمحسنات منكن اجرا عظيما
خدا ورسول خدا وسرای آخرت را پس بدرستيکه خدا آماده کرده برای نيکوکاران از شما مزدی بزرگ را

يا نساء النبي من يات منكن بفاحشة مبينة يضاعف لها العذاب
ای زنان پيغمبر آنکه آورد از شما کاری بد آشکارا افزوده شود مراورا عذاب

ضعفين وكان ذلك على الله يسيرا ٣٠ ومن يقنت منكن لله ورسوله
دوچندان وباشد اين بر خدا آسان وآنکه طاعت کند از شما خدا ورسولش را

وتعمل صالحا نؤتها اجرها مرتين واعتدنا لها رزقا كريما ٣١ يا نساء
وبکند کار شايسته ميدهيم باو اجرش را دوبار وآماده کرده ايم مراورا روزی نيکو را ای زنان

النبي لستن كاحد من النساء ان اتقيتن فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي
پيغمبر نيستيد شما مانند يکی از زنان اگر پرهيزگاری ميکنيد پس نرمی مکنيد بگفتن پس طمع کند آنکه

في قلبه مرض وقلن قولا معروفا ٣٢ وقرن في بيوتكن ولا تبرجن تبرج
در دلش مرض است وبگوئيد سخن پسنديده وقرار گيريد در خانه هاتان وظاهر مسازيد زينت مثل ظاهر

الجاهلية الاولى واقمن الصلوة واتين الزكوة واطعن الله ورسوله انما
ساختن زمان جاهليت پيشين وبرپا داريد نمازرا وبدهيد زکات را وفرمان بريد خدا ورسولش را جز اين نيست

يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا ٣٣ واذكرن
ميخواهد خدا که زايل کند از شما بديرا اهل بيت وپاک گرداند شمارا پاک گردانيدنی وياد کنيد

لم تطؤها بضم همزه وسکون واو کذا وجمع است اشباع شود

الاولى بضم همزه وسکون واو کذا اشباع شود
وأقمن بکسر قاف
وآتين بکسر تا
وأطعن بکسر طا

مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ٣٥ إِنَّ
آنچه خوانده میشود در خانهای تان از آیات خدا و حکمت بدرستیکه خدا هست باریک بین آگاه بدرستیکه

الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ
مردان مسلم وزنان مسلمه ومردان مؤمن وزنان مؤمنه ومردان پرستار وزنان پرستار

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَ
ومردان راستگو وزنان راستگو ومردان صبر کننده وزنان صبر کننده ومردان باخشوع و

الْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَ
زنان باخضوع ومردان صدقه دهنده وزنان صدقه دهنده ومردان روزه دار وزنان روزه دار و

الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ
ومردان نگهدارنده عورتشان وزنان نگاهدارنده ومردان ذکرکننده خدا را بسیار وزنان ذکرکننده آماده کرد

اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ٣٦ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ
خدا برای ایشان آمرزش واجر بزرگ را ونباشد مر مرد مؤمن ونه زن مؤمنه را چون گذارش کرد خدا

وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
ورسولش امری که باشد برای ایشان اختیاری از امرشان وهر که نافرمانی کند خدا ورسولش را

فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ٣٧ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ
پس بتحقیق گمراه شد گمراهی آشکار وچون میگفتی مر کسیرا که نعمت داد خدا براو وانعام کردی

عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ
براو نگاهدار باخود جفت خودرا وبپرهیز از خدا وپنهان میداشتی در ضمیرت آنچه را خدا ظاهر کننده آن

وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا
بود ومیترسیدی از مردمان وخدا سزاوارتر است که بترسی ازاو پس چون گذارد زید ازاو حاجت را تزویج کردیم بتو اورا

لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا
تا نبوده باشد بر مؤمنان گناهی در زنان پسر خوانده هاشان چون بگذرند

مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ٣٨ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا
ازانها حاجت را وباشد امر خدا کرده شده نباشد بر پیغمبر هیچ گناهی در آنچه

فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ٣٩
مقرر داشت خدا برای او دستور خداست در آنانکه گذشتند از پیش وباشد امر خدا فرمانی فرمان داده شده

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ
آنانکه میرسانند رسالتهای خدارا ومیترسند ازاو ونمیترسند از احدی بجز خدا وبس است

بِاللَّهِ حَسِيبًا ٤٠ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَٰكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ
خدا حساب کننده نباشد محمد پدر احدی از مردان شما ولیکن فرستاده خدا وآخرین

النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ٤١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا
پیغمبرانست وهست خدا بهر چیزی دانا ای کسانیکه ایمان آورده یاد کنید خدا را یاد کردنی

در صفحه سابق
قوله سبحانه
انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس الی آخر الآیه در صافی از حضرت باقر علیه السلام وارد است که نازل شد این آیه در شأن حضرت رسول خدا و علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و نزول این آیه در بیت ام سلمه زوجه رسول خدا بود پس خواند رسول خدا حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را بعد پوشاند کسای خیبری خود را بایشان و خود داخل شد با ایشان در کسا بعد گفت اللهم هؤلاء اهل بیتی

الخیرة
بکسر خا و فتح یا

وطرا
الذین وعدتنی فیهم
اللهم اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا پس ام سلمه گفت من با ایشانم یا رسول الله فرمود بشارت باد ترا یا ام سلمه تو از نیکوئی و از زید بن علی بن الحسین وارد است که جهالی از مردم گمان میکنند حقتعالی اراده کرده باین آیه زنان حضرت رسول را و حال آنکه بتحقیق دروغ گفته اند و گناه کردند قسم بخدای

قدرا بفتح دال

عز و جل اگر قصد کرده بود ازواج حضرت رسول را هر آینه میگفت عنکن الرجس و یطهرکن تطهیرا و خطاب مؤنث میاورد چنانچه فرموده واذکرن ما یتلی فی بیوتکن ولا تبرجن و لستن کاحد من النساء والسلام

كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۴۲ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ

بسیار و تسبیح گوئید او را بامداد و شبانگاه او است آنکه صلوات میفرستد بر شما و فرشتگان

لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ۴۳ تَحِيَّتُهُمْ

تا بیرون آورد شما را از تاریکیها بسوی روشنی و هست بمؤمنان مهربان درود ایشان

يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ۴۴ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ

روزیکه ملاقاتش کنند سلام است و آماده کرده ایشانرا مزدی خوب ای پیغمبر بدرستیکه ما فرستادیم ترا

شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۴۵ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ۴۶ وَ

گواه و مژده دهنده و بیم کننده و خواننده بسوی خدا بفرمان او و چراغی روشن و

بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۴۷ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

مژده ده مؤمنان را بآنکه مر ایشانراست از خدا بخشش بزرگ و فرمان مبر کافران و منافقانرا

وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۴۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا

و واگذار آزار ایشانرا و توکل کن بر خدا و بس است خدا وکیل ای آنانکه ایمان آوردید هرگاه

نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ

بنکاح آرید زنان مؤمنه را پس طلاق دهید آنها را پیش از آنکه مس کنید آنها را پس نیست مر شما را بر آنها هیچ عده

تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ۴۹ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا

که بشمار در آرید آنرا پس بهره دهیدشان و رها کنیدشان رها کردن نیکو ای پیغمبر بدرستیکه ما حلال کردیم

لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ

مر ترا جفتهایت را که دادهٔ مهرشان را و آنچه را مالک شد دستت از آنچه غنیمت گردانید خدا

عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ

بر تو و دختران عمت و دختران عمه هایت و دختران خالت و دختران خاله هایت

اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ

که هجرت کردند با تو و زن با ایمان اگر ببخشد نفسش مر نبی را اگر خواهد

النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۵۰ قَدْ عَلِمْنَا مَا

نبی که نکاح کند او را این حکم خاص است مر ترا غیر از مؤمنان بتحقیق دانسته ایم آنچه

فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ

فرض کردیم ما بر ایشان در جفتهاشان و آنچه مالک شده دستهاشان تا نبوده باشد بر تو گناهی

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۵۱ تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ

و هست خدا آمرزنده مهربان باز پس میداری هر که را خواهی از آنها و جا میدهی بسوی خود هر که را خواهی

تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ

آنکه خواستی از آنانکه عزل کردی پس نیست گناهی بر تو این نزدیکتر است که بیارامد چشمهاشان

وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ

و اندوهگین نشوند و خوشنود شوند بآنچه دادی ایشانرا همه ایشان و خدا میداند آنچه در دلهاشما و باشد خدا

عَلِيمًا

قوله سبحانه تعالی یا ایها النبی الی و کفی بالله وکیلا فایدهٔ منفعت این آیات بسیار است قدری مشک و زعفران با روغن یاسمین حل کند و این آیات را بر آن روغن بخواند هفت روز هر روز بعد از نماز بامداد و آنرا در شیشه کند بعد از آن ابرو و عارض خود را از آن چرب کند هر کس اول او را ببیند از ملوک و ممالک و حیوان و غیر آن از مخلوقات از وی بترسند و با هر کس سخن کند از سخن او تجاوز نکند و از هر که حاجت طلب کند حاجت او را برآورد و بمطلب و دشمن خود برسد و هیچکس در مخاصمت بر او ظفر نیابد ان شاء الله تعالی ۱۲

وتؤوی بضم تا و سکون واو و کسر واو

عَلِيمًا حَلِيمًا ۵۲ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ
دانای درست حکم — حلال نیست مر تو را زنان — از بعد نه زن و نه اینکه بدل نمائی باینها از
أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
جفتان دیگر و اگرچه بشگفت در بیاورد تو را خوبی اینها بجز آنچه را مالک شد دستت و باشد خدا بر همه چیزی
رَقِيبًا ۵۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ
رقیب — ای آنانکه ایمان آوردید داخل نشوید بخانهای نبی بجز اگر رخصت دهند مر شما را
إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ
بسوی طعام غیر انتظار کشندگان رسیدنش ولیکن چون خوانده شوید پس داخل شوید پس چون خوردید
فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي
پس پراکنده شوید و نه انس جویندگان بحکایتی بدرستیکه آن از شما هست که میرنجاند پیغمبر را پس شرم میکند
مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ
از شما و خدا شرم نمیکند از حق و چون خواهید از ایشان متاعی را پس بخواهید از آنها از
وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا
پس پرده — این شما را پاکیزه است برای دلهاتان و دلهای ایشان و سزاوار نباشد مر شما را که برنجانید
رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ
رسول خدا را و نه اینکه بنکاح آرید زنهای او را از بعد او هرگز بدرستیکه این کار شما هست نزد خدا
عَظِيمًا ۵۴ إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۵۵ لَا
بزرگ — اگر آشکار کنید چیزی را یا پنهان دارید او را پس بدرستیکه خدا باشد بهر چیزی دانا — نه
جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ
گناه هست بر اینها در پدرانشان و نه پسرانشان و نه برادرانشان و نه پسران برادرانشان
وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ
و نه پسران خواهرانشان و نه زنان اینها و نه آنچه مالک شد دستهاشان و بترسید از خدا بدرستیکه
اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ۵۶ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ
خدا باشد بر هر چیزی گواه — بدرستیکه خدا و فرشتگانش صلوات میفرستند بر پیغمبر
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۵۷ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
ای کسانیکه ایمان آوردید صلوات بفرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی — بدرستیکه آنان که میرنجانند
اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ۵۸ وَالَّذِينَ
خدا و رسولش را لعنت کند خدا در دنیا و در آخرت و آماده کند برای اینها عذابی خوار کننده — و آنانکه
يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۵۹
میرنجانند مردان مؤمن و زنان مؤمنه را بدون آنچه کسب کردند بتحقیقکه متحمل شده اند بهتان و گناه آشکار را
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ
ای پیغمبر بگو مر زنانت و دخترانت و زنان مؤمنین را که فرو پوشند بر خود

مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ

قوله تعالی
ان الله و ملائکته یصلون علی النبی الی آخر الآیه فی
از کتاب ثواب الاعمال از
حضرت کاظم علیه السلام
وارد است که سؤال کرده
شد که چه چیز است معنی
صلوات خدا و صلوات
ملائکه و صلوات مؤمن آنحضرت
فرمود صلوات حق تعالی
رحمت است از او و صلوات
ملائکه تزکیه است و منقبت
بالقاب و اوصاف حسنه از برای
آنحضرت و صلوات
مؤمنین دعا است از ایشان
از برای آنحضرت یعنی طلب
رحمت و در عیون خبر از
حضرت رضا علیه السلام
در مجلس آنحضرت با مامون
فرمود چون ... معاندان
از امت آنکه این نازل
شده است عرض شد
یا رسول الله تحقیق شناختیم
تسلیم بر تو را پس چگونه است
صلوات بر تو فرمود اللهم
صل علی محمد و آل محمد کما
صلیت و بارکت علی ابراهیم
و آل ابراهیم انک حمید
مجید پس آیا میان شما
معاشر ناس در این معنی
خلاف گفته شد نه مامون گفت
این از جمله است که اختلاف
در آن نیست و بر آن اجماع
است پس آیا در نزد تو از
قرآن چیزی هست واضح تر از
این در قرآن آنحضرت فرمود
بلی خبر دهید مرا از قول حق
تعالی یس و القرآن الحکیم
انک لمن المرسلین علی
صراط مستقیم پس چه قصد
کرده است حق تعالی از قول
خود یس اهل ... گفتند
یس محمد و آل او
شک ندارد در این احدی
... آنحضرت بدرستیکه
حق تعالی ...

مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۵۹
از چادرهاشان این نزدیکتر است بآنکه شناخته شوند پس رنجانیده نشوند و باشد خدا آمرزنده مهربان

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ
هر آینه اگر باز نایستند منافقان و آنانکه در دلهاشان مرضست و اراجیف سازان در مدینه

لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ۶۰ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا
هر آینه بگماریم تو را برایشان پس مجاور نشوند تو را در آن بجز اندکی لعنت کرده شدگان هر کجا یافته شوند

أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ۶۱ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ
گرفته شوند و کشته شوند کشته شدنی بدستور خدا در آنانکه گذشتند از پیش و هرگز نیابی

لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۶۲ يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ
مر دستور خدا را تغییری میپرسند از تو مردمان از قیامت بگو بدرستیکه علم آن نزد

اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ۶۳ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ
خداست و چه چیز آگاه کند ترا شاید قیامت باشد نزدیک بدرستیکه خدا لعنت کرده کافران را و

أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ۶۴ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۶۵ يَوْمَ
آماده کرده برای ایشان آتش سوزنده جاوید داشند همیشه نمییابند دوستی و نه یاوری روزیکه

تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ۶۶
گردانیده شود روهای ایشان در آتش میگویند ای کاش فرمانبرده بودیم خدا و رسولش فرمانبرده بودیم

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا ۶۷ رَبَّنَا آتِهِمْ
و گفتند ای پروردگار ما بدرستیکه ما فرمان بردیم سرکردهای و بزرگتر انمانرا پس گمراه کردند ما را از راه پروردگارا بده آنها را

ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ۶۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا
دو چندان از عذاب و لعنت کن ایشانرا لعنت بزرگ ای کسانیکه گرویدید نباشید

كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۶۹ يَا أَيُّهَا
مانند آنانکه رنجانیدند موسی را پس بری نمود او را خدا از آنچه گفتند و بود نزد خدا گرامی ای

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۷۰ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
کسانیکه گرویدید بپرهیزید از خدا و بگوئید گفتار صواب را که شایسته نماید برای شما کردارهاتانرا و بیامرزد برای شما

ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۷۱ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ
گناهانتانرا و هر که فرمانبرد خدا و رسولش را پس بحقیقت کامیاب شد کامیابی بزرگ بدرستیکه عرضه نمودیم امانت را

عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
بر آسمانها و زمین و کوهها پس ابا نمودند که بردارند آنرا و ترسیدند از آن و برداشت آنرا

الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۷۲ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَ
انسان بدرستیکه او باشد ستمکار نادان تا عذاب کند خدا مردان منافق و زنان منافق را و

الْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۷۳
مردان مشرک و زنان مشرک را و توبه پذیرد خدا از مردان گرونده و زنان گرونده و باشد خدا آمرزنده مهربان

حزب

قوله تعالی
لئن لم ینته المنافقون الی
الرسول این آیات بجهت حال
افساد دشمن است چون دشمنی
داشته باشی که عداوت او
بنهایت رسیده باشد کسی
نزد او فرست و از او بخواه
که از این کرده باز گردد و الا
بلائی بتو خواهد رسید و سه
نوبت باین طریق کس نزد او
فرستد و اگر باز ایستد و
توبه بکند چاهی معطل پیدا
سازد و اگر نباشد بر چاهی
که باشد نجست صدری آب
چاه برگردد و این آیت را در
رقعه نویسد و یا در کوزه
و بعد از آن در آب چاه
بشوید و در منزل آن شخص
بریزد حال او را بغساد انجامد
که دیگر نتواند ضرر با و رساند
۱۲

سورة السبا اربع وخمسون آية وهی مکیة (٣٤)

الآیه ٦ فمدنیة نزلت بعد لقمان

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی الآخرة

ستایش مر خدا ایرا که مر اوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مر اوراست ستایش در آخرت

وهو الحکیم الخبیر ٢ یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل

و او درست کار آگاه است میداند آنچه داخل میشود در زمین و آنچه بیرون آید از آن و آنچه فرود آید

من السماء وما یعرج فیها وهو الرحیم الغفور ٣ وقال الذین کفروا

از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و اوست مهربان آمرزنده و گفتند آنانکه کافر شدند

لا تأتینا الساعة قل بلی وربی لتأتینکم عالم الغیب لا یعزب عنه مثقال

چرا نمی‌آید ما را قیامت بگو آری و پروردگار من هر آینه البته آورد بشما دانای غیب است مستور نباشد از او مقدار

ذرة فی السموات ولا فی الارض ولا اصغر من ذلک ولا اکبر الا فی

ذره در آسمانها و نه در زمین و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر در

کتاب مبین ٤ لیجزی الذین آمنوا وعملوا الصالحات اولئک لهم مغفرة

که باشد در کتاب روشن تا جزا داده کسانیرا که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته آنگروه مر ایشانراست آمرزش

ورزق کریم ٥ والذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک لهم عذاب

و روزی خوب و آنانکه سعایت کردند در آیات ما عاجز کنندگان آنگروه مر ایشانراست عذاب

من رجز الیم ٦ ویری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک

از عقوبت دردناک و می‌بینند آنانکه داده شدند علم را از آنچه فرود فرستاده شد بتو از پروردگارت

هو الحق ویهدی الی صراط العزیز الحمید ٧ وقال الذین کفروا هل

که آن حق است و هدایت میکند بسوی راه خداوند غالب ستوده و گفتند آنانکه کافر شدند آیا

ندلکم علی رجل ینبئکم اذا مزقتم کل ممزق انکم لفی خلق جدید ٨ افتری

دلالت کنیم شما را بر مردی که خبر دهد شما را چون پاره پاره شدید همه پاره گردی بدرستیکه شما هر آینه در آفرینش تازه اید آیا بست

علی الله کذبا ام به جنة بل الذین لا یؤمنون بالآخرة فی العذاب و

بر خدا دروغرا یا او رسیده جنونی بلکه آنانکه ایمان نمی‌آورند بآخرت در عذاب و

الضلال البعید ٩ افلم یروا الی ما بین ایدیهم وما خلفهم من السماء

گمراهی دورند آیا پس نمی‌نگرند بآنچه میان دستهاشان و آنچه باشد پس سرشان از آسمان

والارض ان نشأ نخسف بهم الارض او نسقط علیهم کسفا من السماء ان

و زمین اگر خواهیم فرو بریم ایشانرا بزمین یا فرو اندازیم بر ایشان پاره‌ها از آسمان بدرستیکه

فی ذلک لآیة لکل عبد منیب ١٠ ولقد آتینا داود منا فضلا یا جبال

در این هر آینه نشانه‌ایست برای هر بنده بازگشت کننده و بتحقیق دادیم ما داود را از خودمان مزیتی ای کوهها

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه مرویست که هر که بخواند حمدین را یعنی حمد سبا و حمد فاطر جمیعا در روز یا در شب در حفظ و حراست خدای تعالی باشد و در آن روز و شب هیچ مکروهی باو نرسد و عطا کرده شود از خیر دنیا و آخرت آنچه بخاطر او نگذرد

١٢ لا یعزب بفتح یا و سکون عین مهمله و زاء معجمه مضمومه

اوتوا بضم همزه و سکون واو اشباع شود

افتری بفتح همزه و سکون فا همزهٔ استفهام است و ساقط نمی‌شود و خوانده شود

داود بلا واو خوانده شود

اوبی

اَوِّبِی مَعَهُ وَالطَّیْرَ وَاَلَنَّا لَهُ الْحَدِیْدَ اَنِ اعْمَلْ سٰبِغٰتٍ وَّقَدِّرْ فِی

تسبیح گو مرا با او و پرنده و نرم گردانیدیم برای او آهن را که بساز زره های رسا و اندازه نگاه دار در

السَّرْدِ وَاعْمَلُوْا صَالِحًا اِنِّیْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِیْرٌ ۱۱ وَلِسُلَیْمٰنَ الرِّیْحَ غُدُوُّهَا

بافتن و بکنید کارهای شایسته بدرستیکه منم بآنچه میکنید بینا و برای سلیمان باد را بامدادش

شَهْرٌ وَّرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَاَسَلْنَا لَهٗ عَیْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ یَّعْمَلُ بَیْنَ یَدَیْهِ

بود ماهی و شبانگاهش بود ماهی و روان گردیم برای چشمهٔ از مس گداخته و از جن کسی که کار کرد میان دو دستش

بِاِذْنِ رَبِّهٖ وَمَنْ یَّزِغْ مِنْهُمْ عَنْ اَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِیْرِ ۱۲ یَعْمَلُوْنَ

بدستوری پروردگار او و هر که سر پیچید از فرمان ما بچشانیم او را از عذاب آتش سوزنده میساختند

لَهٗ مَا یَشَآءُ مِنْ مَّحَارِیْبَ وَتَمَاثِیْلَ وَجِفَانٍ کَالْجَوَابِ وَقُدُوْرٍ رّٰسِیٰتٍ

برای او آنچه میخواست از غرفها و تمثالها و کاسه ها مانند حوضها و دیگهای ثابت

اِعْمَلُوْٓا اٰلَ دَاوٗدَ شُکْرًا وَقَلِیْلٌ مِّنْ عِبَادِیَ الشَّکُوْرُ ۱۳ فَلَمَّا قَضَیْنَا عَلَیْهِ

بکنید آل داود شکر را و اندکی از بندگان من شکرگزارند پس چون گذارش دادیم بر او

الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلٰی مَوْتِهٖٓ اِلَّا دَآبَّةُ الْاَرْضِ تَاْکُلُ مِنْسَاَتَهٗ فَلَمَّا خَرَّ تَبَیَّنَتِ

مرگ را دلالت نکرد ایشانرا بر مردنش بجز جنبنده از زمین یعنی ارضه که میخورد عصایش را پس چون بروی درافتاد ظاهر شد

الْجِنُّ اَنْ لَّوْ کَانُوْا یَعْلَمُوْنَ الْغَیْبَ مَا لَبِثُوْا فِی الْعَذَابِ الْمُهِیْنِ ۱۴ لَقَدْ کَانَ

جن را که اگر بودند میدانستند غیب را درنگ نمیبودشان در عذاب خوارکننده بتحقیق بود

لِسَبَاٍ فِیْ مَسْکَنِهِمْ اٰیَةٌ جَنَّتٰنِ عَنْ یَّمِیْنٍ وَّشِمَالٍ کُلُوْا مِنْ رِّزْقِ رَبِّکُمْ وَ

سبا را در مسکنهاشان آیتی دو بستان از راست و چپ بخورید از روزی پروردگارتان و

اشْکُرُوْا لَهٗ بَلْدَةٌ طَیِّبَةٌ وَّرَبٌّ غَفُوْرٌ ۱۵ فَاَعْرَضُوْا فَاَرْسَلْنَا عَلَیْهِمْ

شکر گزارید مر او را بلدی پاکیزه و پروردگار آمرزنده پس رو گردانیدند پس فرستادیم بر ایشان

سَیْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنٰهُمْ بِجَنَّتَیْهِمْ جَنَّتَیْنِ ذَوَاتَیْ اُکُلٍ خَمْطٍ وَّاَثْلٍ وَّشَیْءٍ مِّنْ

سیل باران سخت و بدل دادیمشان از دو باغشان دو باغ صاحب ثمری تلخ و شوره گز و چیزی از

سِدْرٍ قَلِیْلٍ ۱۶ ذٰلِکَ جَزَیْنٰهُمْ بِمَا کَفَرُوْا وَهَلْ نُجٰزِیْٓ اِلَّا الْکَفُوْرَ ۱۷ وَ

کنار اندک این را جزا ایشان دادیم بسبب کفر ایشان آیا جزا میدهیم مگر ناسپاس را و

جَعَلْنَا بَیْنَهُمْ وَبَیْنَ الْقُرَی الَّتِیْ بٰرَکْنَا فِیْهَا قُرًی ظَاهِرَةً وَّقَدَّرْنَا فِیْهَا

گردانیدیم میان ایشان و میان قریه هائیکه برکت دادیم در آنها قریه های ظاهر را و مقرر داشتیم در آنها

السَّیْرَ سِیْرُوْا فِیْهَا لَیَالِیَ وَاَیَّامًا اٰمِنِیْنَ ۱۸ فَقَالُوْا رَبَّنَا بٰعِدْ بَیْنَ اَسْفَارِنَا

رفتن را سیر کنید در آنها شبها و روزها ایمنان پس گفتند پروردگارا دوری انداز میان سفرهای ما

وَظَلَمُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنٰهُمْ اَحَادِیْثَ وَمَزَّقْنٰهُمْ کُلَّ مُمَزَّقٍ اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَاٰیٰتٍ

و ستم کردند بنفسهاشان پس گردانیدیمشان حکایتها و پراکنده کردیم ایشانرا هر پراکندنی بدرستیکه در این آیتها

لِّکُلِّ صَبَّارٍ شَکُوْرٍ ۱۹ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَیْهِمْ اِبْلِیْسُ ظَنَّهٗ فَاتَّبَعُوْهُ اِلَّا فَرِیْقًا

است برای هر صبر کنندهٔ شکر گزاری و بتحقیق راست کرد بر ایشان ابلیس گمان خود را پس پیروی کردند او را مگر پارهٔ

اَوِّبِی: بفتح همزه وکسر واو مشدده وکسر باء مخففه

وَاَلَنَّا: بفتح واو و همزه و لام و تشدید نون مفتوحه بسبب الف بعد از واو

دَاوُد: بدو واو خوانده شود

مِنْسَاَتَهُ: بکسر میم و سکون نون و فتح سین و همزه و تا یک کلمه است بمعنی عصا

تَبَیَّنَت: بفتح تا و با و یاء مشدده و نون و کسر تاء اخیره بمعنی علامت

العَرِم: بفتح عین و کسر را

رمن

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢٠ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ
از گروندگان و نبود مراو را بر ایشان هیچ تسلطی مگر برای اینکه بدانیم کسی را میگرود بآخرت

مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ٢١ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ
از کسیکه او از آن در شکست و پروردگارت بر همه چیز نگهبانست بگو بخوانید آنانکه را گمان بردید

مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا
از غیر خدا مالک نمیباشند مقدار ذره را در آسمانها و نه در زمین و نباشد

لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ٢٢ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا
مرایشانرا در آن دو هیچ شرکتی و نباشد مراو را از ایشان هیچ مددگاری و سود نمیدهد شفاعت نزد او بجز

لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَ
مرکسیرا که دستوری دهد مراو را تا بر داشته شود ترس از دلهاشان گویند چه گفت پروردگار شما گویند حق و

هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ٢٣ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا
اوست برتر بزرگ بگو کیست که روزی میدهد شما را از آسمانها و زمین بگو خدا و بدرستیکه

أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٢٤ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا
ما یا شما هر آینه بر هدایتیم یا در گمراهی آشکار بگو پرسیده نشوید شما از آنچه گناه کردیم ما و

وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ٢٥ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ
و پرسیده نشویم از آنچه شما میکنید بگو جمع میکند میان ما پروردگار ما پس حکم میکند میان ما براستی و اوست حکم کننده

الْعَلِيمُ ٢٦ قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ
دانا بگو بنمائید مرا آنانکه بر بستید با او انبازان نه چنانست بلکه اوست خدای غالب

الْحَكِيمُ ٢٧ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
درستکردار و نفرستادیم ترا بجز عموما برای مردمان مژده دهنده و بیم کننده ولیکن بیشتر

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٢٨ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٢٩ قُلْ
مردمان نمیدانند و میگویند کی باشد این وعده اگر هستید راستگویان بگو

لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ٣٠ وَقَالَ
مرشما را وعده روزیست باز پس نمیمانید از آن یکساعت و پیش نمی آئید و گفتند

الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ
آنانکه کافر شدند هرگز نمیگرویم باین قرآن و نه بآنکه باشد میان دو دستش و اگر ببینی هنگامیکه

الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ
ستمگاران باز داشته شدگانند نزد پروردگارشان باز گردانند برخیشان را بسوی برخی سخن را میگویند

الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ٣١ قَالَ الَّذِينَ
آنانکه ضعیف گرفته شدند مر آنانرا که بزرگی جستند اگر نبودید شما هر آینه بودیم ما گروندگان گفتند آنانکه

اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ
بزرگی جستند مر آنانرا که ضعیف گرفته شدند آیا ما باز داشتیم شما را از هدایت پس از آنکه آمد شما را

بل کنتم

قوله تعالی ولا تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له یعنی نفع نمیدهد شفاعت در نزد حقتعالی این مشرکان قرار (؟) گمان دارند مگر از برای کسیکه اذن دهد پروردگار از برای او و در صافی از قمی روایت کرده گوید که شفاعت نمیکنند احدی از انبیا و اولیا و رسل

نصف

حقتعالی روز قیامت تا آنکه خدا اذن دهد از برای او مگر حضرت رسول خدا زیرا که حقتعالی اذن شفاعت با آن حضرت پیش از یوم قیامت داده است و شفاعت مخصوص با آنحضرت و حضرات ائمه هدی علیهم السلام است پس بعد از ایشان از برای انبیاست و از حضرت باقر علیه السلام ماثور است که نیست احدی از اولین و آخرین مگر آنکه محتاج است بسوی شفاعت حضرت محمد رسول خدا روز قیامت بعد فرمود از برای آنحضرت شفاعت در امت خود است و از برای اهل بیت علیهم السلام شفاعت در شیعیان ماست و از برای شیعیان ما شفاعت در اهالی ایشان است بعد فرمود بدرستیکه مؤمن شفاعت میکند در مثل قبیله ربیعه و مضر و اینکه مؤمن شفاعت میکند از برای خادم خود و میگوید پروردگارا حق خدمت داشت بر من ... که حفظ میکرد مرا از ...

بَلْ كُنتُم مُّجْرِمِينَ ٣٢ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ

بلکه بودید گناهکاران وگفتند آنانکه ضعیف گرفته شدند مرآنانرا که بزرگی جستند بلکه حیلهٔ

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَن نَّكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسَرُّوا

شب و روز هنگامیکه میفرمودید مارا که کافر شویم بخدا و بگردانیم برای او همتایان و نهان داشتند

النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا

پشیمانیرا چون دیدند عذاب را وگردانیدیم غلها را در گردنهای آنان که کافر شدند

هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٣٣ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا

آیا جزا داده میشوند بجز آنچه بودند میکردند ونفرستادیم در قریهٔ هیچ بیم کنندهٔ مگر

قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ٣٤ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا

گفتند صاحبان نعمتهایش بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شدید بآن کافرانیم وگفتند ما بیشتریم در مالها

وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ٣٥ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَ

و فرزندان و نباشیم ما عذاب کرده شدگان بگو بدرستیکه پروردگار من فراخ میکند روزیرا برای هرکه بخواهد

يَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٣٦ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُم

تنگ میکند ولیکن بسیاری مردمان نمیدانند ونیست مالهای شما و نه فرزندانتان

بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ

بچیزیکه نزدیک گرداند شمارا نزد ما نزدیک گردانیدنی مگر کسیکه ایمان آورد وکرد کار شایسته پس آنگروه که مرایشانراست پاداش

الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ٣٧ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا

فزونی بآنچه کردند وایشان در غرفهها ایمنان وکسانیکه میشتابند در آیات ما

مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ٣٨ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن

که عاجز کنند مارا آنها در عذاب حاضر شدگانند بگو بدرستیکه پروردگار من فراخ میکند روزیرا برای هرکه

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ

بخواهد از بندگانش وتنگ میکند مرآنرا وآنچه انفاق کردید از چیزی پس او عوض میدهد او را واوست بهترین

الرَّازِقِينَ ٣٩ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَٰؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا

روزی دهندگان وروزیکه برانگیزد ایشانرا همه پس میگوید مرفرشتگانرا آیا اینها شمارا بودند که

يَعْبُدُونَ ٤٠ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُم

میپرستیدند گویند منزهی تو توئی صاحب ما از غیر ایشان بلکه بودند که میپرستیدند جن را بیشتر ایشان

بِهِم مُّؤْمِنُونَ ٤١ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ

بایشان گرویده بودند پس امروز مالک نباشند برخی از شما برای برخی سود و نه زیانی و میگوئیم مرآنانرا که

ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ٤٢ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا

ستم کردند بچشید عذاب آتش را که بودید آنرا تکذیب میکردید وچون خوانده شود برایشان آیات ما

بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا

که روشنست گویند نیست این مگر مردی که میخواهد بازدارد شمارا از آنچه بودند که میپرستیدند پدران شما و گویند

قوله تعالی
قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا
لله مثنی وفرادی در صافی از کافی
و قمی ره از حضرت باقر علیه
السلام ماثور است که فرمود
بتحقیق وعظ میکنم شمارا
بولایت حضرت علی مرتضی
علیه السلام اینولایت
واحده است که فرمود
حق تعالی اعظکم بواحدة و در
احتجاج از حضرت امیر
المؤمنین در حدیثی ماثور است
آنچه خداوند جل ذکره
نازل فرمود عزائم شرایع
وآیات فرائض را در اوقات
مختلفه چنانچه خلقت فرمود
سموات وارض را در شش
روز واگر میخواست خلقت
کند اینها را از لمح
بالبصر هر آینه خلق میکرد
لیکن گردانید تأنی و مدارا
مثال از برای امینای خود
وایجاب از برای حجت بر خلق
خود پس اول چیزیکه متعبد
گردانید ایشانرا بآن اقرار بود
در ربوبیت وشهادت بان
لا اله الا الله بود پس چون
اقرار کردند باین امر فرمود
ایشانرا باقرار از برای پیغمبر
او صلی الله علیه وآله بنبوت
وشهادت بر رسالت او
وچون منقاد ومطیع شدند
از برای این فرض فرمود
برایشان صلوات بعد
صوم وبعد حج وبعد
زکات وبعد صدقات را
وآنچه جاری مجرای اینهاست
از مال الفئ پس گفتند
منافقان آیا باقی مانده از
برای پروردگار تو بر ما بعد از
آنچه فرض کرد بر ما چیزی دیگر
که فرض کند آنرا پس ذکر
کنی آنرا اما آنکه ساعی سود
نفوس پس بگو آنچه باقی
نمانده غیر از آن نازل فرمود

اباؤکم
بضم همزه بلا غیر
اشباع

قل انما اعظکم بواحدة یعنی
ولایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
پس نازل فرمود حق تعالی آیه انما ولیکم الله
ورسوله والذین آمنوا الآیه ١٢

مَا هٰذَا اِلَّا اِفْكٌ مُّفْتَرًى ۚ وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ ۙ اِنْ هٰذَا اِلَّا سِحْرٌ

نیست این بجز دروغی بر بسته شده و گفتند آنانکه کافر شدند مر حق را چون آمد ایشانرا نیست این مگر جادوی

مُّبِيْنٌ ۴۳ وَمَا اٰتَيْنٰهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَّدْرُسُوْنَهَا وَمَا اَرْسَلْنَا اِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ

آشکارا و ندادیم ایشانرا از کتابها که بدرس خوانده باشند آنرا و نفرستادیم بسوی ایشان پیش از تو هیچ

نَّذِيْرٍ ۴۴ وَكَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۙ وَمَا بَلَغُوْا مِعْشَارَ مَآ اٰتَيْنٰهُمْ فَكَذَّبُوْا رُسُلِيْ

بیم کننده و تکذیب کردند آنانکه بودند پیش از ایشان و نرسیدند بده یک آنچه دادیم ایشانرا پس تکذیب کردند فرستادگان

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ۴۵ قُلْ اِنَّمَآ اَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ ۚ اَنْ تَقُوْمُوْا لِلّٰهِ مَثْنٰى وَفُرَادٰى

پس چگونه بود انکار من بگو جز این نیست که پند میدهم شما را بیک طریقی که برخیزید شما برای خدا دو دو و یک یک

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوْا ۚ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ ۚ اِنْ هُوَ اِلَّا نَذِيْرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ

پس اندیشه کنید نیست صاحب شما را هیچ جنونی نیست او بجز بیم کننده مر شما را که میان دو دست است عذابی

شَدِيْدٍ ۴۶ قُلْ مَا سَاَلْتُكُمْ مِّنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۖ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ ۚ وَهُوَ عَلٰى

سخت بگو نخواستم از شما هیچ مزدی پس آن است مر شما را نیست مزد من مگر بر خدا و او بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۴۷ قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَقْذِفُ بِالْحَقِّ ۚ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ۴۸ قُلْ جَآءَ الْحَقُّ

همه چیز را گواه بگو بدرستیکه پروردگار من القا میکند بحق داننده عیبهاست بگو آمد حق

وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيْدُ ۴۹ قُلْ اِنْ ضَلَلْتُ فَاِنَّمَآ اَضِلُّ عَلٰى نَفْسِيْ ۚ وَاِنِ اهْتَدَيْتُ

و نمی آفریند باطل و اعاده نمیکند بگو اگر گمراه شدم پس جز این نیست که گمراه میشوم بر خودم و اگر راه یافتم

فَبِمَا يُوْحِيْٓ اِلَيَّ رَبِّيْ ۚ اِنَّهٗ سَمِيْعٌ قَرِيْبٌ ۵۰ وَلَوْ تَرٰٓى اِذْ فَزِعُوْا فَلَا فَوْتَ وَاُخِذُوْا

پس هست بآنچه وحی میکند بسوی من پروردگارم بدرستیکه او شنونده نزدیک است و اگر ببینی هنگامیکه بترسند پس نباشد فوتی و گرفته شوند

مِنْ مَّكَانٍ قَرِيْبٍ ۵۱ وَّقَالُوْٓا اٰمَنَّا بِهٖ ۚ وَاَنّٰى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ۵۲ وَّ

از جائی نزدیک و گویند گرویدیم بآن و از کجاست مر ایشانرا تناوش از جای دور

قَدْ كَفَرُوْا بِهٖ مِنْ قَبْلُ ۚ وَيَقْذِفُوْنَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ۵۳ وَحِيْلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ

بتحقیق کافر شدند بآن از پیش و میانداختند بنا پیدائی از جای دور و جدائی افکنده شد میان ایشان

مَا يَشْتَهُوْنَ كَمَا فُعِلَ بِاَشْيَاعِهِمْ مِّنْ قَبْلُ ۚ اِنَّهُمْ كَانُوْا فِيْ شَكٍّ مُّرِيْبٍ ۵۴

و میان آنچه میخواستند چنانچه کرده شد باشیاع ایشان از پیش که آنها بودند در شکی به تهمت اندازنده

سُوْرَةُ الْفَاطِرِ خَمْسٌ وَّاَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ (۳۵)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا اُولِيْٓ اَجْنِحَةٍ

ستایش مر خدا را که آفریننده آسمانها و زمین است گرداننده است فرشتگان را فرستادگان صاحبان بالها

مَّثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ ۗ يَزِيْدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَآءُ ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۲

دو دو و سه سه و چهار چهار بر افزاید در آفرینش آنچه میخواهد بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست

هو الله — از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس سوره سبا بخواند هیچ پیغمبری نماند در روز قیامت الا آنکه با او مصافحه نماید و رفیق باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است هر کس این سوره را بر کاغذ نویسد و در قطعه جامه سفید پیچید و با خود دارد از شر تمام حیوانات موذی ایمن باشد و مادام که با او باشد هیچ آفتی بوی نرسد و اگر آنرا بشوید و صاحب یرقان از آن آب بخورد و قدری از آن آب بر روی آن باشند شفا یابد باذن الله تعالی ۳۴

هو — از حضرت رسول صلی الله علیه و آله الطاهرین منقول است رسیده است که هر کس سوره الملائکه را قرائت کند در روز قیامت هشت در بهشت برای او گشاده شوند و گویند او را داخل شو در بهشت از هر در که خواهی

اولی بضم همزه بلا اشباع

مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ

آنچه را بگشاید خدا برای مردمان از رحمت پس نیست بازگیرنده مر آنرا و آنچه را باز گیرد پس نیست فرستنده مر آنرا از

بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٣ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ

بعد از آن و اوست غالب درست کردار ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر خودتان آیا

خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى تُؤْفَكُونَ ٤

هیچ آفریننده هست جز خدا که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی بجز او پس بکجا بر گردانیده میشوید

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ٥

و اگر تکذیب میکنند ترا پس بتحقیق تکذیب کرده شد پیغمبران پیش از تو و بسوی خدا باز میگردد کارها

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ

ای مردمان بدرستیکه وعده خدا حق است پس نباید فریبد شما را زندگانی دنیا و نباید که فریب دهد شما را بخدا

الْغَرُورُ ٦ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا

آن فریبنده بدرستیکه شیطان مر شما را دشمن است پس بگیرید او را دشمن جز این نیست که میخواند گروهش را تا باشند

مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ٧ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ٨ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ

از اهل آتش سوزنده آنانکه کافر شدند مر ایشانراست عذاب سخت و آنانکه ایمان آوردند و

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ٩ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ

وکردند کارهای شایسته مر ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ آیا پس آنکه آراسته شد برای او بدی کردارش پس دید آنرا

حَسَنًا فَإِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ

خوب پس بدرستیکه خدا گمراه میگذارد هر که را خواهد و راه مینماید هر که را خواهد پس نباید که هلاک کنی نفست را

عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ١٠ وَاللّٰهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ

بر ایشان از راه حسرتها بدرستیکه خدا داناست بآنچه میکنند و خداست آنکه فرستاد بادها را

فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذٰلِكَ

پس برانگیخت ابر را پس راندیم آنرا بسوی بلد مرده پس زنده کردیم بآن زمین را بعد از مردنش همچنین است

النُّشُورُ ١١ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ

حشر کردن هر که باشد که بخواهد عزت را پس مر خدا راست عزت همه بسوی او بالا رود سخن خوب پاکیزه

وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ

و کردار شایسته که بالا میبرد او را و آنانکه می اندیشند حیله بدیها را مر ایشانراست عذاب سخت و

مَكْرُ أُولٰئِكَ هُوَ يَبُورُ ١٢ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ

حیله آنها آنست که ناچیز میشود و خدا آفرید شما را از خاک پس از نطفه پس گردانید شما را

أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثٰى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا

جفت جفت و بار بر نمیدارد هیچ مؤنثی و نمی نهد بجز بدانستن او و عمر داده نشود هیچ عمر داده شده و

يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ١٣ وَمَا يَسْتَوِي

کم کرده نشود از عمرشان مگر که در کتابست بدرستیکه این بر خدا آسانست و یکسان نیست

الْبَحْرَانِ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَآئِغٌ شَرَابُهُ وَهٰذَا مِلْحٌ اُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَاْكُلُوْنَ
دو دریا این شیرین بسیار شیرین کر گوارا است آشامیدنش وان شور است بسیار شور از همه میخورید

لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوْنَ حِلْيَةً تَلْبَسُوْنَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيْهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوْا
گوشت تازه و بیرون آورید پیرایهٔ که میپوشید آنرا و می بینی کشتی را که در آنست شکافنده آب تا بجوئید

مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ١٤ يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي
از کرم او و باشد که شما شکرگزار شوید در آورد شب را در روز و در آورد روز را در شب در

الَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَّجْرِيْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ
شب و رام کرد آفتاب و ماه را همه یک میروند تا مدتی نام برده شده خداست پروردگار شما مرورا

الْمُلْكُ وَالَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ مَا يَمْلِكُوْنَ مِنْ قِطْمِيْرٍ ١٥ اِنْ تَدْعُوْهُمْ
پادشاهی و آنانکه میخوانند غیر از ورا مالک نمیباشند از پوست استخوان خرمائی اگر خوانید شان

لَا يَسْمَعُوْا دُعَآءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوْا مَا اسْتَجَابُوْا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُوْنَ
نشنوند خواندن شما را و اگر بشنوند اجابت نتوانند کرد مر شما را و روز قیامت انکار میکنند

بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيْرٍ ١٦ يٰاَيُّهَا النَّاسُ اَنْتُمُ الْفُقَرَآءُ اِلَى اللّٰهِ
بشرک شما و خبر نمیدهد ترا مانند آگاهی ای مردمان شمائید محتاجان بسوی خدا

وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ١٧ اِنْ يَّشَاْ يُذْهِبْكُمْ وَيَاْتِ بِخَلْقٍ جَدِيْدٍ ١٨ وَمَا ذٰلِكَ
و خداست که اوست بی نیاز ستوده اگر خواهد ببرد شما را و بیاورد آفرینش تازه و نیست این

عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيْزٍ ١٩ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى وَاِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ اِلٰى حِمْلِهَا
بر خدا دشوار و بر ندارد بردارندهٔ بار گناه دیگری را و اگر بخواند گرانبار شدهٔ برداشتن آن

لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَّلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى اِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
برداشته نشود از او چیزی و اگر چه باشد صاحب قرابت جز این نیست آنکه بیم میکنی مر آنانکه میترسند پروردگار شان

بِالْغَيْبِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَمَنْ تَزَكّٰى فَاِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهٖ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ٢٥
پنهانی و بر پا داشته اند نماز را و کسیکه پاکیزه شد جز این نیست پاکیزه برای خودش و بسوی خداست بازگشت

وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ وَلَا الظُّلُمٰتُ وَلَا النُّوْرُ وَلَا الظِّلُّ وَ
و یکسان نیست نابینا و بینا و نه تاریکیها و نه روشنی و نه سایه و

لَا الْحَرُوْرُ ٢ وَمَا يَسْتَوِي الْاَحْيَآءُ وَلَا الْاَمْوَاتُ اِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ مَنْ
نه سموم و یکسان نیست زندگان و نه مردگان بدرستیکه خدا میشنواند آنرا

يَّشَآءُ وَمَا اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّنْ فِي الْقُبُوْرِ اِنْ اَنْتَ اِلَّا نَذِيْرٌ ٢٢ اِنَّا اَرْسَلْنٰكَ
که خواهد و نیستی تو شنواننده آنانکه در قبرها اند نیستی تو مگر بیم کننده بدرستیکه ما فرستادیم ترا

بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا وَاِنْ مِّنْ اُمَّةٍ اِلَّا خَلَا فِيْهَا نَذِيْرٌ ٢٣ وَاِنْ يُّكَذِّبُوْكَ
بحق مژده دهنده و ترساننده و نیست هیچ امتی مگر آنکه گذشت در آن بیم کننده و اگر تکذیب کردند ترا

فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالزُّبُرِ وَ
پس بحقیقت تکذیب کرده اند آنانکه بودند پیش از ایشان که آمد ایشان را رسولان شان با برهانها و با مصحفها

قوله تعالی وما یستوی الاعمی والبصیر الخ مساوی و نمیباشند کور و بینا که کافر و مومنست یعنی کافر کور دل است و مومن بصیر القلب و ظلمات و نور یعنی باطل و حق مساوی نمیشوند و ظل و حرور مساوی نمیشوند یعنی ثواب و عقاب و قومی گویند مراد از ظل بهشت و از حرور جهنم و مساوی نمیشوند احیا و اموات این مثال دیگر است از برای مومنان و کافران اطلاع از مثال اول و بعضی گفته اند مثال از برای علما و جهال است زیرا که نور ایمان و علم در مومنان حیات قلبی است و جهلا و کفار چون ازین نور حیات عاری اند باطن از اموات اند و در کنز الفواید از طریق عامه از ابن عباس در تاویل مرویست که مراد از اعمی ابوجهل است و بصیر حضرت امیر المومنین و ظلمات ابوجهل است و نور آنحضرت علیه السلام و مراد بظل ظل آنحضرت است در جنت و حرور یعنی جهنم از برای ابوجهل است و مراد باحیا حضرات علی مرتضی و حمزه و جعفر طیار و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه اند علیهم السلام و اموات کفار مکه اند والسلام

خلا فیها
خلا کلمهٔ جدا است
و فیها جدا

بالکتاب المنیر ۲۵ ثم اخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر ۲۶ الم تر ان

با کتاب روشن پس گرفتم آنانکه کافر شدند پس چگونه باشد انکار من آیا ندید که

الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات مختلفا الوانها ومن الجبال

خدا فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آوردیم میوه‌ها که مختلف است رنگهاشان و از کوهها

جدد بیض وحمر مختلف الوانها وغرابیب سود ومن الناس والدواب

راههاست سفید و سرخ که رنگشان مختلف است و سیاهی بسیار سیاه و از مردمان و چهارپایان

والانعام مختلف الوانه کذلک انما یخشی الله من عباده العلماء

و جنبندگان که مختلف رنگهایشان همچنین است بدرستیکه میترسند از خدا از بندگانش دانایان

ان الله عزیز غفور ۲۷ ان الذین یتلون کتاب الله واقاموا الصلوة

بدرستیکه خدا غالب آمرزنده است بدرستیکه آنانکه میخوانند کتاب خدا را و برپا داشته‌اند نماز را

وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانیة یرجون تجارة لن تبور ۲۸ لیوفیهم

و انفاق کردند از آنچه روزیشان دادیم نهان و آشکار امید دارند تجارتی را که هرگز تباه نشود تا تمام دهد ایشان

اجورهم ویزیدهم من فضله انه غفور شکور ۲۹ والذی اوحینا

مزدشانرا و زیاده دهد آنرا از کرم خود آنها را بدرستیکه او آمرزنده شکرپذیر است و آنچه را وحی کردیم ما

الیک من الکتاب هو الحق مصدقا لما بین یدیه ان الله بعباده

بسوی تو از کتاب آن حق است تصدیق کننده مر آنچه را که باشد میان دو دستش بدرستیکه خدا به بندگانش

لخبیر بصیر ۳۰ ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم

هر آینه آگاه بیناست پس میراث دادیم کتاب آنانرا که برگزیدیم از بندگان خود پس از ایشان

ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک

ستمکارند برخود و برخی از ایشان میانه روند و برخی از ایشان پیشی گیرنده بخیرات بفرمان خدا آنست

هو الفضل الکبیر ۳۱ جنات عدن یدخلونها یحلون فیها من اساور

آن کرم بزرگ بهشتهای با اقامت که داخل میشوند بآنها زیور کنند در آنها از دستبندها

من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فیها حریر ۳۲ وقالوا الحمد لله الذی اذهب

از طلا و مروارید و پوشش ایشان در آن پرنیان است و گویند ستایش مر خدا که زایل کرد

عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور ۳۳ الذی احلنا دار المقامة من فضله

از ما اندوه را بدرستیکه پروردگار ما هر آینه آمرزنده شکرپذیر است آنکه در آورده ما را به سرای اقامت از کرمش

لا یمسنا فیها نصب ولا یمسنا فیها لغوب ۳۴ والذین کفروا لهم نار

مس نمیکند ما را در آنجا رنجی و مس نمیکند ما را در آنجا خستگی و آنانکه کافر شدند مر ایشانراست آتش

جهنم لا یقضی علیهم فیموتوا ولا یخفف عنهم من عذابها کذلک نجزی

دوزخ حکم کرده نشود بر ایشان پس بمیرند و تخفیف داده نشود از ایشان از عذابش همچنین جزا میدهیم

کل کفور ۳۵ وهم یصطرخون فیها ربنا اخرجنا نعمل صالحا غیر الذی کنا

هر ناسپاسی را و ایشان فریاد میکنند در آن که پروردگارا بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته غیر از آنچه بودیم

وحمر بسکون میم

قوله سبحانه

ان الذین یتلون الی شکور خاصیت این آیات برکت و ربح و فایده در تجارت و امثال آنست و تجار باید آنرا بر چهار قطعه بنویسند که از چهار باشد و در سورة تکاثر اشعه و القسه [illegible] برکت و خیر و فایده خواهند انشاء الله ۱۲

قوله تعالی

ثم اورثنا الکتاب الخ یعنی اخبار از آنحضرت سؤال کرده شد از این آیه و نموده نازل گشت در شان اهل بیت علیهم السلام عرض کرد گفت ظالم لنفسه خود فرمود کسیکه حسنات و سیئات او از هم البت پس اوست ظالم لنفسه خود عرض کرد کیست مقتصد از شما فرمود عبادت کننده از برای خدا تعالی در دو حال تا بیاید او را یقین یعنی مرگ پس عرض شد کیست از شما سابق بخیرات فرمود کسیکه بخواند بسوی پروردگار خود و امر کند بمعروف و نهی کند از منکر و نبوده باشد از برای مضلین کنندگان عضد و نه قوت بازو و نه از برای خیانت کنندگان خصیم و راضی نباشد بحکم فاسقین مگر کسیکه بترسد بر نفس خود و دین خود و نیابد عونی والسلام ۱۲

نعمل اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر وجاءكم النذير ٣٥ فذوقوا فما

که میکردیم آیا عمر ندادیم شما را آنقدر که پند گرفت در آن هر که پند گرفت و آمد شما را بیم کننده پس بچشید پس نیست

للظالمين من نصير ٣٦ ان الله عالم غيب السموات والارض انه عليم بذات

مر ستمگاران را از یاری هیچ یاوری بدرستیکه خدا دانای نهفتن آسمانها و زمین بدرستیکه اوست دانا باسرار

الصدور ٣٧ هو الذي جعلكم خلائف في الارض فمن كفر فعليه كفره

سینه‌ها اوست آنکه گردانید شما را خلیفه‌ها در زمین پس هر که کافر شد پس بر اوست کفرش

ولا يزيد الكافرين كفرهم عند ربهم الا مقتا ولا يزيد الكافرين كفرهم

و نیفزاید کافران را کفر شان نزد پروردگار شان بجز دشمنی و نیفزاید کافران را کفر شان

الا خسارا ٣٨ قل ارايتم شركاءكم الذين تدعون من دون الله اروني

مگر زیانکاری بگو آیا دیدید انبازان تان را آنانکه میخوانید از غیر خدا بنمائید مرا

ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات ام اتيناهم كتابا فهم

که چه چیز آفریدند از زمین یا مر ایشان را است شرکتی در آسمانها یا دادیم ایشان را کتابی پس ایشانند

على بينة منه بل ان يعد الظالمون بعضهم بعضا الا غرورا ٣٩ ان الله

بر بینه از آن بلکه وعده نمیدهند ستمگاران برخی ایشان برخی را بجز فریب بدرستیکه خدا

يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد

نگاه میدارد آسمانها و زمین را از اینکه زایل شوند و هر آینه اگر زایل شوند نگاه نمیدارد آن دو را هیچکس

من بعده انه كان حليما غفورا ٤٠ واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن

بعد از آن بدرستیکه اوست بردبار آمرزنده و سوگند خوردند بخدا سخت‌ترین سوگندهای شان که اگر

جاءهم نذير ليكونن اهدى من احدى الامم فلما جاءهم نذير ما زادهم

آید ایشان را بیم کننده که باشند راه یافته‌تر از یکی امتها پس چون آمد ایشان را بیم کننده نیفزود ایشان را

الا نفورا ٤١ استكبارا في الارض ومكر السيئ ولا يحيق المكر السيئ

بجز نفرت از راه سرکشی در زمین و اندیشیدن بدی و احاطه نکند اندیشیدن بدی

الا باهله فهل ينظرون الا سنت الاولين فلن تجد لسنت الله تبديلا

مگر باهلش پس آیا انتظار میبرند بجز دستور پیشینیان را پس هرگز نیابی برای دستور خدا تبدیلی

ولن تجد لسنت الله تحويلا ٤٣ اولم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان

و هرگز نیابی مر دستور خدا را از حالی بحالی آیا سیر نکردند در زمین پس بنگرند چگونه بود

عاقبة الذين من قبلهم وكانوا اشد منهم قوة وما كان الله ليعجزه من

انجام آنانکه بودند پیش از ایشان و بودند سخت‌تر از ایشان در توانائی و نباشد خدا که عاجز کند او را

شيء في السموات ولا في الارض انه كان عليما قديرا ٤٤ ولو يؤاخذ

هیچ چیز در آسمانها و نه در زمین بدرستیکه اوست دانای توانا و اگر مؤاخذه کند

الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهرها من دابة ولكن يؤخرهم الى

خدا مردمان را بسبب آنچه کردند نگذاشتی بر پشتش هیچ جنبنده ولیکن تاخیر کند ایشان را تا

اجل

قوله سبحانه ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا الخ يعني بدرستيكه حقتعالى امساك و حفظ ميكند سموات و ارض را از آنكه زايل شوند امساك كردنيكه ... حقتعالى بعد از زوال بدرستيكه حقتعالى هميشه صاحب علم و مغفرت ... سموات و ارض را ... فرمود ... ملحقاً ... در حديثی از حضرت امير المؤمنين عليه السلام ... الخ ... حضرت ابو الحسن ... عليهما السلام ... سموات و ارض ... عليهم السلام ...

٢٢

أجل مسمى فإذا جاء أجلهم فإن الله كان بعباده بصيرا ۴۵

مدتی نام برده شده پس چون آمد زمانشان پس بدرستیکه خدا باشد ببندگانش بینا

سورة يس صلى الله عليه وآله ثلث وثمانون آية وهي مكية (۳۶)

الا آیه ۴۵ مدنیه نزلت بعد الجن

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

يس ۱ والقرآن الحكيم ۲ إنك لمن المرسلين ۳ على صراط مستقيم ۴

قسم بآن قرآن با حکمت بدرستیکه تو هر آینه از فرستادگانی بر راهی راست

تنزيل العزيز الرحيم ۵ لتنذر قوما ما أنذر آباؤهم فهم غافلون ۶

فرو فرستادن غالب مهربان تا بیم کنی گروهی را چنانکه بیم کرده شدند پدرانشان پس ایشان بیخبرانند

لقد حق القول على أكثرهم فهم لا يؤمنون ۷ إنا جعلنا في أعناقهم

هر آینه بتحقیق که راست آمد گفتار بر بسیاری از آنها پس ایشان نمیگروند بدرستیکه ما گردانیدیم در گردنهاشان

أغلالا فهي إلى الأذقان فهم مقمحون ۸ وجعلنا من بين أيديهم

غلها پس آنها تا ذقنهاست پس آنها افراشته سرانند و گردانیدیم از میان دستهاشان

سدا ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون ۹ وسواء عليهم

سدی و از پس سرشان سدی پس فرو پوشانیدیم پرده بر چشمهاشان پس آنها نمی بینند و یکسانست بر ایشان

أأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون ۱۰ إنما تنذر من اتبع الذكر وخشي

خواه بیم کنی ایشانرا یا بیم نکنی ایشانرا نمیگروند بدرستیکه بیم میکنی کسیرا که پیروی کند قرآن را و بترسد

الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة وأجر كريم ۱۱ إنا نحن نحيي الموتى ونكتب ما

از خدای بخشنده به نهانی پس مژده ده او را بآمرزش و مزدی بزرگ بدرستیکه ما زنده کنیم مردگان را و مینویسیم آنچه را

قدموا وآثارهم وكل شيء أحصيناه في إمام مبين ۱۲ واضرب لهم مثلا

پیش فرستادند و آثارشانرا و هر چیزی ضبط کردیم آنرا در پیشوائی روشن و بزن برای ایشان مثلی

أصحاب القرية إذ جاءها المرسلون ۱۳ إذ أرسلنا إليهم اثنين

از اصحاب قریه هنگامیکه آمدند آنها را فرستادگان وقتیکه فرستادیم بایشان دو کس را

فكذبوهما فعززنا بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون ۱۴ قالوا ما

پس تکذیب کردند آندو را پس قوی کردیم بسومی پس گفتند که ما هستیم بسوی شما فرستادگان گفتند که

أنتم إلا بشر مثلنا وما أنزل الرحمن من شيء إن أنتم إلا تكذبون ۱۵ قالوا

نیستید شما بجز انسانی مانند ما و فرو نفرستاده خدا هیچ چیزرا نیستید شما مگر که دروغ میگوئید گفتند

ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون ۱۶ وما علينا إلا البلاغ المبين ۱۷ قالوا إنا

پروردگار ما میداند بدرستیکه ما هستیم بسوی شما فرستادگان و نیست بر ما بجز رسانیدن آشکار گفتند بدرستیکه ما

تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم منا عذاب أليم ۱۸ قالوا

فال بد زدیم بشما هر آینه اگر باز نایستادید هر آینه سنگسار نمائیم شما را و هر آینه میرسد شما را از ما عذابی دردناک گفتند

یس سین مد میخواهد

اباؤهم بضم همزه بدون اشباع

هو

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسند معتبر مرویست که فرمودند که هر چیزی را قلبی است و قلب قرآن یس است پس هر که این سوره را در روز تلاوت کند در امان خدا تعالی باشد و فراخ روزی گردد و هر که در شب تلاوت کند حق تعالی هزار فرشته براو موکل فرماید که برای او استغفار نمایند و مرگ بعد از آن جنازه اش را تشییع میکنند و با او لحد در آیند و در آنجا به عبادت مشغول شوند تا روز قیامت و ثواب آن عبادت برای او باشد و قبر را براو فراخ سازند بمقدار مد بصر و نوری از قبر او درخشنده باشد تا وقت بعث و نشور و چون از قبر برخیزد آن فرشتگان با او سخن گویند و براو بشارت آورند

۱۴

طائرکم معکم أئن ذکرتم بل أنتم قوم مسرفون ۱۹ وجاء من أقصی

فال بد شما با شما است آیا پند داده شدید بلکه شمائید گروه اسراف کنندگان واَمد از دورترین جای

المدینة رجل یسعی قال یا قوم اتبعوا المرسلین ۲۰ اتبعوا من لا یسئلکم

آن شهر مردی که میشتافت گفت ای قوم پیروی کنید فرستادگانرا پیروی کنید آنرا که طلب نمیکند از شما مزدی

أجرا وهم مهتدون ۲۱ ومالی لا أعبد الذی فطرنی وإلیه ترجعون ۲۲

مزدی و ایشانند هدایت یافتگان وچیست مرا که نپرستم آنرا که آفرید مرا و بسوی او باز میگردید

ءأتخذ من دونه آلهة إن یردن الرحمن بضر لا تغن عنی شفاعتهم شیئا و

آیا بگیرم از غیر او خدایانی که اگر بخواهد بمن خدای بخشنده زیانی کفایت نکند از من شفاعت ایشان چیزی و

لا ینقذون ۲۳ إنی إذا لفی ضلال مبین ۲۴ إنی آمنت بربکم فاسمعون ۲۵

نه رها نند مرا بدرستیکه من آنگاه در گمراهی آشکارم بدرستیکه من گرویدم بپروردگارتان پس بشنوید از من

قیل ادخل الجنة قال یا لیت قومی یعلمون ۲۶ بما غفر لی ربی وجعلنی

گفته شد داخل شو در بهشت گفت ایکاش قوم من میدانستند که بچه سبب آمرزید مرا پروردگارم و گردانید مرا

من المکرمین ۲۷ وما أنزلنا علی قومه من بعده من جند من السماء و

از گرامی شدگان و نفرستادیم ما بر قومش از بعد او هیچ لشگری از آسمان و

ما کنا منزلین ۲۸ إن کانت إلا صیحة واحدة فإذا هم خامدون ۲۹

و نبودیم ما فرو فرستندگان نبود جز فریادی واحد پس آنگاه ایشان افسردگان شدند بمرگ

یا حسرة علی العباد ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یستهزءون ۳۰

ایدریغ بر بندگان که نیامد ایشانرا هیچ رسولی مگر بودند با او استهزا میکردند

ألم یروا کم أهلکنا قبلهم من القرون أنهم إلیهم لا یرجعون ۳۱

آیا ندیدند که چند هلاک کردیم پیش از آنها از قرون که ایشان بسوی آنها باز نمیگردند

وإن کل لما جمیع لدینا محضرون ۳۲ وآیة لهم الأرض المیتة أحییناها

و نیستند همه مگر جمع شدگان نزد ما حاضر شدگان و نشانه ایست مر ایشانرا زمین مرده که زنده اش کردیم

وأخرجنا منها حبا فمنه یأکلون ۳۳ وجعلنا فیها جنات من نخیل و

و بیرون آوردیم از آن دانه پس از آن که میخورند و گردانیدیم در آن بوستانها از درخت خرماها و

أعناب وفجرنا فیها من العیون ۳۴ لیأکلوا من ثمره وما عملته أیدیهم

و انگورها و روان نمودیم در آن چشمه سارها تا بخورند از میوه اش و آنچه ساخت آنرا دستهاشان

أفلا یشکرون ۳۵ سبحان الذی خلق الأزواج کلها مما تنبت الأرض و

آیا پس شکر نمیکنند منزه است آنکه آفرید اصنافرا همه آنرا از آنچه میرویاند زمین و

من أنفسهم ومما لا یعلمون ۳۶ وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فإذا هم

از نفسها شان و از آنچه نمیدانند و نشانه ایست مر آنها را شب که بیرون میکشیم از آن روزرا پس آنگاه ایشان

مظلمون ۳۷ والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم ۳۸ والقمر

داخل شوند در تاریکی و آفتاب سیر میکند در قرارگاه که مر او راست اینست قرار داد خدای غالب دانا و ماه

سبحانه هو الله جل و تعالی

و از امام جعفر صادق منقول است که سوره مبارکه یس بجهة کفایت مهمات هفت و پنج بار بخواند و بروایتی بیست و پنج بار بخواند بجهة سلامتی از باران جهل و یکبار و بجهة ...

الهة بدون الف و کسر لام
ینقذون بکسر نون
فاسمعون بکسر نون

زیر نه زیر و ...

زبان بند خصم بعد از نماز هفت بار با این نیت بخواند و اگر بر ریسمانی که دختر نابالغ رشته باشد بنیت زبان بند خصم هفت بار بخواند و هر بار که تمام بخواند یک گره بزند و آن ریسمانرا بر در خانه خود یا بر در خانه خصم بر زمین کند زبان او بسته گردد و اگر این سوره را با گلاب و زعفران بنویسد هفت بار و بشوید و در هفت روز بخورد و هر چه بشنود یاد گیرد و با هر که خصومت کند غالب شود و در چشم مردم عزیز و بزرگ نماید و اگر زنی از او بخورد شیر او زیاد گردد و کعب الاحبار گفته هر که بامداد و شبانگاه این سوره را بخواند آن روز که دلها بمیرد دل او نمیرد و بن کثیر گفت بمن رسیده هر که این سوره را بامداد بخواند تا بشبانگاه بخواند تا بامداد دیگر شاد باشد والسلام

قد زنا

قدّرناه منازل حتّى عاد كالعرجون القديم ٤٠ لا الشّمس ينبغي لها ان

قرار داد کردیم آنرا منزلها تا عود نماید مانند عرجون قدیم نه آفتاب می سزد مر آنرا که

تدرك القمر و لا الّيل سابق النّهار و كلّ في فلك يسبحون ٤١ و آية لهم

دریابد ماه را و نه شب پیشی گیرنده روز است و همه در گردونی اندر رفت میکنند و نشانیست مر ایشانرا

انّا حملنا ذرّيّتهم في الفلك المشحون ٤٢ و خلقنا لهم من مثله ما يركبون ٤٣

که ما بار کردیم فرزندان ایشانرا در کشتی پر کرده شده و آفریدیم برای ایشان از مانند آن آنچه سوار میشوند

و ان نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم و لا هم ينقذون ٤٤ الّا رحمة منّا و

و اگر بخواهیم غرق کنیم ایشانرا پس نیست فریادرسی مر ایشانرا و نه ایشان رهانیده شوند مگر رحمتی از ما

متاعا الى حين ٤٥ و اذا قيل لهم اتّقوا ما بين ايديكم و ما خلفكم لعلّكم

و بهره ای تا وقتی و چون گفته شود مر ایشانرا که بپرهیزید از آنچه میان دستهای شما و آنچه پس پشت شما است شاید شما

ترحمون ٤٦ و ما تأتيهم من آية من آيات ربّهم الّا كانوا عنها معرضين ٤٧

رحم کرده شوید و نمی آید ایشانرا هیچ آیتی از آیات پروردگارشان مگر آنکه بودند از آنها روی برگردانندگان

و اذا قيل لهم انفقوا ممّا رزقكم الله قال الّذين كفروا للّذين آمنوا انطعم

و چون گفته شود مر ایشانرا که انفاق کنید از آنچه روزی داده شما را خدا گفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که ایمان آوردند آیا طعام دهیم

من لو يشاء الله اطعمه ان انتم الّا في ضلال مبين ٤٨ و يقولون متى هذا

کسیرا اگر بخواهد خدا طعام میدهد او را نیستید شما مگر در گمراهی آشکار و میگویند کی باشد این

الوعد ان كنتم صادقين ٤٩ ما ينظرون الّا صيحة واحدة تأخذهم و

وعده اگر هستید راستگویان انتظار نمیبرند مگر فریاد واحد را که میگیرد ایشانرا و

هم يخصّمون ٥٠ فلا يستطيعون توصية و لا الى اهلهم يرجعون ٥١

ایشان خصومت کنند پس نتوانند وصیت کردن و نه بسوی کسانشان باز آیند

و نفخ في الصّور فاذا هم من الاجداث الى ربّهم ينسلون ٥٢ قالوا يا ويلنا

و دمیده شود در صور پس آنگاه ایشان از گورها بسوی پروردگارشان میشتابند گویند ای وای برما

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرّحمن و صدق المرسلون ٥٣ ان

که برانگیخت ما را از خوابگاهمان اینست آنچه وعده داد خدا و راست گفتند فرستادگان

كانت الّا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون ٥٤ فاليوم لا تظلم

نباشد بجز فریادی واحد پس آنگاه ایشان همه نزد ما حاضر شدگان پس در این روز ستم کرده نشود

نفس شيئا و لا تجزون الّا ما كنتم تعملون ٥٥ انّ اصحاب الجنّة اليوم في

نفسی چیزی را و جزا داده نشوید مگر آنچه را که بودید میکردید بدرستیکه اهل بهشت در این روز در

شغل فاكهون ٥٦ هم و ازواجهم في ظلال على الارائك متّكئون ٥٧

در بهره مندی و کامیابی از نعمتها ایشان و جفتهاشان در سایه ها بر سریرها تکیه کنندگانند

لهم فيها فاكهة و لهم ما يدّعون ٥٨ سلام قولا من ربّ رحيم ٥٩ و امتازوا

مر ایشانراست میوه و مر ایشانراست آنچه بخواهند سلام است گفتاری از پروردگار مهربان و جدا شوید

قوله تعالی یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا ... از جوامع از حضرت علی مرتضی علیه السلام وارد است من بعثنا من جاره است و بعثنا مصدر است و قتی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرد که بدرستیکه قوم میخوانند در قبور پس چون برمیخیزند گمان میکنند که خواب بوده اند میگویند ... ما را از بعث ما از مرقد ما خوابگاه ما ... این آن چیزیست که وعده کرده است رحمن و صادق گفتند حضرات فرستادگان از انبیاء ... علیهم السلام ...

انفقوا بفتح همزه قطع

اطعمه بفتح همزه قطع

... روایت کرده که گفت ... حضرت ابی الحسن الرضا علیه الصلوة والسلام ...

فی ظلال بکسر ظا

من مرقدنا ما وعد الرحمن ... المرسلون

١٢

اليوم

الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ٥٩ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

امروز ای گناهکاران آیا پیمان نفرستادیم بسوی شما ای فرزندان آدم که نپرستید شیطان را

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ٦٠ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ٦١ وَلَقَدْ

بدرستیکه او مر شما را دشمنی است آشکار و اینکه بپرستید مرا اینست راه راست و هر آینه بتحقیق

أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ٦٢ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ

گمراه شد از شما خلقی بسیار آیا پس نبودید که دریابید بعقل اینست دوزخی که بودید

تُوعَدُونَ ٦٣ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ٦٤ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ

وعده داده میشدید بچشید آنرا امروز بآنچه بودید که کافر میشدید امروز مهر میگذاریم بر

أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ٦٥ وَلَوْ

دهنهاشان و تکلم میکند با ما دستهاشان و گواهی میدهد پاهای ایشان بآنچه بودند کسب میکردند و اگر

نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ٦٦ وَلَوْ نَشَاءُ

میخواستیم هر آینه محو کرده بودیم بر چشمهاشان پس پیشی گرفته بودند راه را پس کجا میدیدند و اگر میخواستیم

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ٦٧ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ

هر آینه مسخ میکردیم ایشان را بر جایشان پس نتوانستند رفتن را و نه باز میگردیدند و کسیکه عمر دراز میدهیم او را

نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ٦٨ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ

نگون میگردانیمش در خلق آیا پس در نمییابند بعقل و نیاموختیم او را شعر و نسزد او را نیست آن

إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ٦٩ لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ٧٠

مگر پندی و قرآنی واضح تا بیم دهد آنرا که باشد زنده دل و ثابت شود سخن بر کافران

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ٧١ وَ

آیا ندیدند که ما آفریدیم مر ایشانرا از آنچه ساخت دستهای ما شترگاو و گوسفند را پس ایشان مر آنها را مالکانند و

ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ٧٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ

رام کردیم آنها را برای ایشان پس از آنهاست سواریشان و از آنها میخورند و مر ایشانراست در آنها سودها و آشامیدنیها

أَفَلَا يَشْكُرُونَ ٧٣ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ٧٤

آیا پس شکر نمیگزارند و گرفتند از غیر خدا خدایانی شاید که ایشان یاری کرده شوند

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ٧٥ فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا

نمیتوانند یاری کردن ایشانرا و ایشان مر آنها را لشکری حاضر شدگانند پس اندوهناک نکند ترا گفتارشان بدرستیکه ما

نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧٦ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ

میدانیم آنچه را نهان دارند و آنچه را آشکار کنند آیا ندید انسان که ما آفریدیم او را از منی

فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ٧٧ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي

پس آنگاه او دشمنی کننده آشکار و زد برای ما مثلی و فراموش کرد آفرینش خود را گفت کیست که زنده کند

الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ٧٨ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ

استخوانها را و آنها پوسیده اند بگو زنده شان کند آنکه آفریدشان اول مرتبه و اوست بهر خلقی

عَلِيمٌ

قوله تعالى الم اعهد اليكم الى قوله صراط مستقيم يعني با عهد نکردم بسوی شما ای اولاد آدم آنکه عبادت بکنید شیطان را بلسان انبیاء و رسل و اوصیا علیهم السلام و بعنی جبلاً بکسر جیم و باء و تشدید لام ایشان بخیید زیرا که ابلیس از برای شما عدو ظاهر العداوت است و آنکه عبادت کنید مرا یعنی بلسان انبیا گفتم که عبادت کنید مرا که اطاعت من و عبادت انبیاء و رسل و اولیای من صراطی است مستقیم و در صافی از حضرت صادق علیه السلام که کسی اطاعت کند مردی را در معصیت حق تعالی پس بتحقیق عبادت کرده است آنمرد را و از حضرت باقر علیه السلام نور است که کسی گوش دهد بسوی ناطقی پس بتحقیق عبادت کرده است او را پس اگر ناطق روایت کند از حق تعالی پس بتحقیق او عبادت کرده خدای عز و جل را و اگر آن ناطق روایت کند از شیطان پس بتحقیق او عبادت کرده است شیطان را پس معلوم شد این کسیکه اطاعت حضرت رسول و ائمه هدی علیهم السلام کرد که ناطق و راویند از جانب حق تعالی اطاعت و عبادت کرده است حق تعالی را و کسیکه اطاعت کند خلفای جور و ظلم را که ناطق و راویند از شیطان اطاعت کرده است شیطان را پس صراط مستقیم الهی اطاعت این بزرگواران است و اطاعت غیر ایشان از ظلم و جور اطاعت شیطان است نعوذ بالله من الغواية و نستعيذ من الشيطان الرجيم

عليم ٨٠ الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون ٨١

دانا آنکه گردانید برای شما از درخت سبز آتش را پس آنگاه شما از آن برمی افروزید

اوليس الذي خلق السموات والارض بقادر على ان يخلق مثلهم بلى

آیا و نیست آنکه آفرید آسمانها و زمین را توانا بر اینکه آفرینند مانند ایشان آری

وهو الخلاق العليم ٨٢ انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن

و اوست آفریدگار دانا جز این نیست فرمان او چون اراده کند چیزی را اینکه میگوید مر او را باش

فيكون ٨٣ فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون

پس میباشد پس منزه است آنکه بدست اوست پادشاهی هر چیزی و بسوی او بازمیگردید

سورة الصافات مائة واثنتان وثمانون آية وهي مكية (٣٧) نزلت بعد الانعام

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

والصافات صفا ٢ فالزاجرات زجرا ٣ فالتاليات ذكرا ٤ ان الهكم

قسم بصف زدگان صف زدنی پس زجر کنندگان زجر کردنی پس قرائت کنندگان ذکری بدرستیکه خدای شما

لواحد ٥ رب السموات والارض وما بينهما ورب المشارق ٦ انا زينا

هر آینه یکی است پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست و پروردگار مشرقها بدرستیکه ما آراستیم

السماء الدنيا بزينة الكواكب ٧ وحفظا من كل شيطان مارد ٨ لا يسمعون

آسمان دنیا را بزینت ستارگان و نگهداشتنی از هر شیطان سرکشی گوش فرا نتوانند داد

الى الملأ الاعلى ويقذفون من كل جانب ٩ دحورا ولهم عذاب واصب ١٠

بسوی جماعت بالاتر و انداخته میشوند از هر سوئی برای راندن و مر ایشانراست عذابی پیوسته

الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب ١١ فاستفتهم اهم اشد

جز آنکه دزدد ربودنی پس از پی درآید او را شعله فروزان درخشان پس طلب بیان کن از ایشان آیا ایشان سخت ترند

خلقا ام من خلقنا انا خلقناهم من طين لازب ١٢ بل عجبت ويسخرون ١٣

از راه آفرینش یا آنکه آفریدیم ما بدرستیکه آفریدیم ما ایشانرا از گل چسبنده بلکه تعجب میکنی و استهزا میکنند

واذا ذكروا لا يذكرون ١٤ واذا راوا آية يستسخرون ١٥ وقالوا ان هذا

و چون پند داده شوند پند نگیرند و چون ببینند آیتی استهزا میکنند و گویند که نیست این

الا سحر مبين ١٦ ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون ١٧ اوآباؤنا

مگر جادوئی آشکار آیا چون مردیم ما و باشیم خاک و استخوانها آیا ما هر آینه برانگیخته شدگانیم آیا پدران ما

الاولون ١٨ قل نعم وانتم داخرون ١٩ فانما هي زجرة واحدة فاذا هم

پیشینیان بگو آری و شما باشید خواران پس نیست آن بجز فریادی یگانه پس ناگاه آنها

ينظرون ٢٠ وقالوا يا ويلنا هذا يوم الدين ٢١ هذا يوم الفصل الذي

مینگرند و گویند ای وای بر ما که اینست روز جزا اینست روز فصل که

الهكم بکسر همزه. هو العزيز. سلام از حضرت صادق علیه السلام مرویست منقولست که هر کس این سوره را در روز جمعه قرائت نماید از جمیع آفات محفوظ باشد و هر بلائی از او دفع شود و در زندگانی دنیا فراخ روزی گردد و نرساند خدا تعالی در مال و ولد او ضرری از شیطان رجیم و نه از جبار عنید و اگر در همان روز یا شب بمیرد خدا او را شهید بر انگیزد و داخل بهشت گرداند

١٢

اوآباؤنا بضم همزه بدون اشباع

کتبه

كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ٢٢ احشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزوَاجَهُم وَمَا كَانُوا
بودید آنرا تکذیب میکردید | جمع آرید آنانرا که ستم کردند | و جفتهاشانرا | و آنچه بودند که

يَعبُدُونَ ٢٣ مِن دُونِ اللّٰهِ فَاهدُوهُم إِلَىٰ صِرَاطِ الجَحِيمِ ٢٤ وَقِفُوهُم إِنَّهُم
میپرستیدند | از غیر خدا | پس راه نمائید ایشانرا بسوی راه دوزخ | و بازشان دارید که ایشان

مَسئُولُونَ ٢٥ مَا لَكُم لَا تَنَاصَرُونَ ٢٦ بَل هُمُ اليَومَ مُستَسلِمُونَ ٢٧ وَأَقبَلَ
پرسیده شوندگانند | چیست مر شما را که یاری نمیکنید یکدیگر را | بلکه ایشان در آنروز انقیاد کنندگانند | و رو آورند

بَعضُهُم عَلَىٰ بَعضٍ يَتَسَاءَلُونَ ٢٨ قَالُوا إِنَّكُم كُنتُم تَأتُونَنَا عَنِ اليَمِينِ ٢٩
برخی از ایشان بر برخی | میپرسند از یکدیگر | گویند که شما بودید که میآمدید ما را از راه قوت

قَالُوا بَل لَم تَكُونُوا مُؤمِنِينَ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيكُم مِن سُلطَانٍ بَل كُنتُم
گویند بلکه نبودید گروندگان | و نبود ما را بر شما | هیچ تسلطی | بلکه بودید

قَومًا طَاغِينَ ٣٠ فَحَقَّ عَلَينَا قَولُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ٣١ فَأَغوَينَاكُم إِنَّا
گروهی زیاده روان | پس ثابت شد بر ما سخن پروردگار ما که ما چشندگان | پس گمراه کردیم شما را بدرستیکه

كُنَّا غَاوِينَ ٣٢ فَإِنَّهُم يَومَئِذٍ فِي العَذَابِ مُشتَرِكُونَ ٣٣ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفعَلُ
بودیم ما گمراهان | پس بدرستیکه ایشان در آنروز در عذاب | شریکانند | بدرستیکه ما چنین کنیم

بِالمُجرِمِينَ ٣٤ إِنَّهُم كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُم لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللّٰهُ يَستَكبِرُونَ ٣٥
بگناهکاران | که ایشان بودند که چون گفته میشد مر ایشانرا که نیست خدائی بجز خدا سرکشی میکردند

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجنُونٍ ٣٦ بَل جَاءَ بِالحَقِّ وَصَدَّقَ
و میگفتند | که آیا ما هر آینه واگذارنده باشیم خدایانمانرا برای شاعری دیوانه | بلکه آمد | براستی و راستگو

المُرسَلِينَ ٣٧ إِنَّكُم لَذَائِقُوا العَذَابِ الأَلِيمِ ٣٨ وَمَا تُجزَونَ
داشتند مرسلانرا | بدرستیکه شما هر آینه چشندگان عذاب دردناک | و جزا داده نشوید

إِلَّا مَا كُنتُم تَعمَلُونَ ٣٩ إِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ المُخلَصِينَ ٤٠ أُولَٰئِكَ لَهُم رِزقٌ
مگر بآنچه بودید | میکردید | بجز بندگان خدا که خالص شدگانند | آنها مر ایشانراست روزی

مَعلُومٌ ٤١ فَوَاكِهُ وَهُم مُكرَمُونَ ٤٢ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ٤٣ عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ٤٤
معلوم | از میوه ها و ایشانند گرامی داشتگان | در بهشتهای پر از نعمت | بر سریرهائی برابر هم

يُطَافُ عَلَيهِم بِكَأسٍ مِن مَعِينٍ ٤٥ بَيضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ٤٦ لَا فِيهَا غَولٌ
بگردش در آورده شود جامی از شراب روان | سفید | که لذتست برای نوشندگان | نه در آنست فسادی

وَلَا هُم عَنهَا يُنزَفُونَ ٤٧ وَعِندَهُم قَاصِرَاتُ الطَّرفِ عِينٌ ٤٨ كَأَنَّهُنَّ
و نه ایشان از آن که مست شوند | و نزد ایشانند زنان فرو هشته چشم فراخ حدقه | گویا ایشانند

بَيضٌ مَكنُونٌ ٤٩ فَأَقبَلَ بَعضُهُم عَلَىٰ بَعضٍ يَتَسَاءَلُونَ ٥٠ قَالَ قَائِلٌ
بیضه هائی در سایه نگاه داشته شده | پس رو آورند برخی از آنها بر برخی | میپرسند از یکدیگر | گفت گوینده

مِنهُم إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ٥١ يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنَ المُصَدِّقِينَ ٥٢ أَئِذَا مِتنَا
از ایشان | که مرا بود برای من همنشینی | میگوید آیا هر آینه تو از تصدیق کنندگانی | آیا چون بمیریم

خ

فی کتب مجاز
احشروا الذین ظلموا الی قوله مسئولون یعنی حق سبحانه در یوم قیام که حشر کنید آنجماعتیکه ظلم کردند حق آل محمد را با اشباه ایشان در این ظلم و عدوان و ایشان که عبادت و پرستش میکردند این ظالمان آنها را پس راهنمائی کنید ایشانرا بسوی صراط جهنم و واقف سازید این ظالمان و اشباه ایشانرا که بتحقیق ایشان مسئول کرده میشوند از ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام صافی از قمی روایت کند که الذین ظلموا آل محمد حقهم یعنی آنجماعتیکه ظلم کردند

الهتنا
بمد الف و کسر لام

لذائقوا العذاب
بکسر باء العذاب

حضرات آل محمد علیهم السلام در حق آنانکه ولایت و اهل بیت نیز قمی در قول حق تعالی گوید وقفوهم انهم مسئولون عن ولایة امیرالمؤمنین یعنی حبس کنید ایشانرا در موقف قیامت زیرا که ایشان سؤال کرده باید بشوند از ولایت علی ابن ابیطالب علیه السلام که چرا اطاعت و تسلیم نکردند آنرا و در امالی و عیون اخبار از حضرت رسول خدا ماثور است در تفسیر این آیت که حرکت نمیکند دو قدم بنده تا آنکه سؤال کرده شود از چهار چیز از شباب...

الحمد لله رب العالمین ... علیهم السلام

وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ ۵۲ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ۵۳ فَاطَّلَعَ
و باشیم خاک و استخوانها آیا ما ایم هر آینه جزا داده شدگان گفت آیا شما فرا نگرندگانید پس فرا نگرید

فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۵۴ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينِ ۵۵ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي
پس دید اورا در میانه جهنم گفت بخدا که نزدیک بود که هلاک کنی مرا و اگر نبود نعمت پروردگارم

لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۵۶ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ۵۷ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ
هر آینه بودم از حاضر شدگان آیا پس نباشیم ما مردگان بجز مردن ما نخست بار و نباشیم

بِمُعَذَّبِينَ ۵۸ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۵۹ لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ۶۰
عذاب شدگان بدرستیکه این هر آینه آن کامیابی بزرگ برای مانند این پس باید کار کنند کار کنندگان

أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ۶۱ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ۶۲ إِنَّهَا شَجَرَةٌ
آیا این بهتر است ما حضر یا درخت زقوم بدرستیکه ما گردانیدیم آنرا بلائی برای ستمکاران بدرستیکه آن درخت

تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ۶۳ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ۶۴ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ
است بیرون آید در قعر دوزخ شکوفه آن گویا سرهای دیوانست پس ایشانند خورندگان

مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۶۵ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ۶۶ ثُمَّ إِنَّ
از آن پس پر کنندگانند از آن شکمها را پس بدرستیکه مر ایشانراست بر آن هر آینه آمیختنی از آب گرم پس بدرستیکه

مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ۶۷ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ۶۸ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ
بازگشتشان هر آینه بدوزخست بدرستیکه ایشان یافتند پدرانشانرا گمراهان پس آنها بر اثرهاشان بشتاب میروند

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ۷۰ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ۷۱ فَانْظُرْ
و هر آینه بتحقیق گمراه شدند پیش از آنها بسیاری از پیشینیان و هر آینه بتحقیق فرستادیم در آنها بیم دهندگان پس بنگر

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ۷۲ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۷۳ وَلَقَدْ نَادَانَا
چگونه بود انجام بیم شدگان بجز بندگان خدا که خالص شدگانند و هر آینه بتحقیق خواند ما را

نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ۷۴ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۷۵ وَجَعَلْنَا
نوح پس خوب اجابت کنندگان هستیم و رهانیدیم او و کسانش را از اندوه بزرگ و گردانیدیم ما

ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ۷۶ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۷۷ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي
اولادش را آنها را باز ماندگان و واگذاشتیم بر او در اخیرین سلام بر نوح در

الْعَالَمِينَ ۷۸ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۷۹ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۸۰ ثُمَّ
میان جهانیان بدرستیکه ما اینچنین جزا میدهیم نیکوکارانرا بدرستیکه او بود از بندگان گروندگان ما پس

أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ۸۱ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ۸۲ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۸۳
غرق کردیم دیگرانرا و بدرستیکه از پیروان اوست ابراهیم چون آمد پروردگارش را با دلی آرام

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ۸۴ أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ۸۵
وقتیکه گفت مر پدرش و قومش را که چه میپرستید آیا بدروغی خدایانی غیر خدا میخواهید

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۸۶ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ۸۷ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ۸۸ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ
پس چیست گمان شما بپروردگار جهانیان پس نگریست نگریستنی در ستارگان پس گفت که منم بیمار پس اعراض کردند از او

فاطّلع بهمزه وصل

لتردین بکسر نون

الاُولی بضمّ همزه و سکون واو یعنی باشباع شود

قوله تعالی وانّ من شیعته لابراهیم روایت شده است از جابر جعفی از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام در تفسیر این آیه که فرمود حق سبحانه و تعالی [illegible] فرمود حضرت ابراهیم را کشف فرمود از بصر او و نظر کرد و دید نوری بسوی جنب عرش گفت الهی این نور چه چیز است گفته شد این نور حضرت محمد است صفوت و برگزیده من از خلق من و دید نوری دیگر در جنب آن نور عرض کرد الهی این نور چه چیز است گفته شد این نور علی بن ابیطالب است که نصرت دهنده دین منست و دید در جنب ایشان سه نور دیگر عرض کرد الهی این انوار چه چیز است گفته شد این نور حضرت فاطمه علیها السلام که باز داشته شده شیعیان او از آتش و دو نور اولاد ایشان حضرت حسن و حسین علیهما السلام و دید نه انوار که نظر میکرد بد [illegible]

لابراهیم بفتح لام با ایشان گفته شده ابراهیم

الهة بعد الف کسره لام

اول ایشان علی بن الحسین و بعد فرزند او محمد و فرزند او جعفر و فرزند او موسی و فرزند او علی و فرزند او محمد و فرزند او علی و فرزند او حسن و فرزند او حجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین پس ابراهیم عرض کرد ای پروردگار و سید من می بینم انوار را که احاطه کرده اند این بزرگان که احصا نمیکند عدد ایشانرا مگر تو بود ای ابراهیم اینها شیعیان ایشان و شیعه حضرت امیرالمؤمنین اند پس عرض کرد بچه چیز شناخته شوند شیعه آنحضرت فرمود به پنجاه و یک رکعت و بلند خواندن بسم الله و قنوت قبل از رکوع و انگشتر در دست راست کردن پس نزد این حال ابراهیم عرض کرد بار الها بگردان مرا از شیعیان حضرت علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین

مُدْبِرِينَ ٨٩ فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ٩٠ مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ ٩١

پشت گردانندہ پس بگریخت رفت بسوی خدایان ایشان پس گفت که آیا چرا نمی خورید چیست مر شما را که سخن نمی گوئید

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ٩٢ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ٩٣ قَالَ أَتَعْبُدُونَ

پس رفت بر ایشان زدنی بقوت پس روآوردند بسوی او شتاب کنندگان گفت آیا میپرستید

مَا تَنْحِتُونَ ٩٤ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ٩٥ قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ

آنچه میتراشید وخدا آفرید شمارا و آنچه عمل میآورید گفتند بنا کنید برای او بنائی پس بیندازیدش

فِي الْجَحِيمِ ٩٦ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ٩٧ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ

در آتش شعله ور پس خواستند باو چاره پس گردانیدیم آنها را پست مغلوب شدگان وگفت بدرستیکه منم رونده بسوی

رَبِّي سَيَهْدِينِ ٩٨ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ٩٩ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ١٠٠

پروردگارم زود بنماید مرا راه ای پروردگارم ببخش مرا که باشم از شایستگان پس مژده دادیم او را به پسری بردبار

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ ١٠١ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ

پس چون رسید باو کوشیدنرا گفت ای پسرک من بدرستیکه دیدم در خواب که ذبح میکنم ترا پس درنگر

مَاذَا تَرَىٰ ١٠٢ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ١٠٣

که چه می بینی گفت ای پدر من بکن آنچه فرموده شده زود باشد که بیابی مرا اگر بخواهد خدا از شکیبایان

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ١٠٤ وَنَادَيْنَاهُ أَن يَا إِبْرَاهِيمُ ١٠٥ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا

پس چون گردن نهادند و انداخت او را بیک طرف پیشانی و ندا رسانیدیم او را که ای ابراهیم بتحقیق راست نمودی خواب را

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ١٠٦ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ١٠٧ وَفَدَيْنَاهُ

بدرستیکه ما اینچنین جزا دهیم نیکوکاران را بدرستیکه این هر آینه امتحانیست آشکار و فدائی دادیم او را

بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ١٠٨ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ١٠٩ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ١١٠ كَذَٰلِكَ

بذبحی عظیم و واگذاشتیم براو در پسینیان سلام بر ابراهیم همچنین

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ١١١ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ١١٢ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ

جزا دهیم نیکوکاران را بدرستیکه او بود از بندگان گروندگان ما و مژده دادیم او را باسحق پیغمبری از

الصَّالِحِينَ ١١٣ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ

شایستگان و برکت دادیم براو و بر اسحق واز نسل او دو نیکوکارند و ستمگار

لِنَفْسِهِ مُبِينٌ ١١٤ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ١١٥ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا

مر نفس خود را آشکار و بتحقیق منت نهادیم بر موسی و هارون و نجات دادیم آنها و قوم شانرا

مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ١١٦ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ١١٧ وَآتَيْنَاهُمَا

از اندوه بزرگ و یاری کردیم ایشانرا پس بودند آنها غلبه کنندگان و دادیم آندو را

الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ١١٨ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ١١٩ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا

کتاب روشن و راه نمائیشان کردیم براه راست و واگذاشتیم بر آندو

فِي الْآخِرِينَ ١٢٠ سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ١٢١ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ١٢٢

در پسینیان سلام بر موسی و هارون بدرستیکه ما اینچنین جزا دهیم نیکوکارانرا

قوله تعالی
وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ در عیون اخبار از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام مرویست که فرمود چون امر کرد حقتعالی حضرت ابراهیم را که ذبح کند در مکان فرزندش اسمعیل کبش آنچنانکه نازل فرمود براو تمنی کرد ابراهیم علیه السلام ذبح کرده باشد فرزندش اسمعیل بدست خود و مامور نشود بذبح کردن کبش در مکان خود تا رجع یابد و دردناک شود قلبش مدرد دل پدریکه میکشد عزیزترین فرزند خود را تا آنکه مستحق گردد بانیواسطه رفیعترین درجات اهل ثواب را بر مصائب پس وحی کرد خدای عزوجل که کیست محبوبتر سوی تو از خلق من گفت یا پروردگار خلق نکردی خلقی که احب باشد بسوی من از حبیب تو حضرت محمد صلی الله علیه و آله پس فرمود که آیا او احب است بسوی تو یا نفس تو عرض کرد او احب است از نفس من فرمود پس فرزند او احب است بسوی تو یا فرزند تو فرمود بلکه فرزند او فرمود ذبح کرده شدن فرزند او بظلم بدست اعدای او آیا ذبح او وجع ناکتر است برای قلب تو یا ذبح فرزند تو بدست تو در اطاعت من عرض کرد بلکه ذبح او بدست اعدا او وجعناکتر است از برای قلب من فرمود ای ابراهیم بدرستیکه طائفه گمان میکنند آنکه از امت حضرت محمدند زود باشد که بکشند حضرت امام

الهتهم بمد الف و کسر لام
یزفون بکسر زاء و ضم فاء مشدده
سیهدین بکسر نون

انهما من عبادنا المؤمنين ۱۲۳ وان الياس لمن المرسلين ۱۲۴ اذ قال لقومه
که ایشان اند از بندگان ما گروندگان و بدرستیکه الیاس هر آینه بود از فرستادگان چون گفت مر قوم خود را

الا تتقون ۱۲۵ اتدعون بعلا وتذرون احسن الخالقين ۱۲۶ الله ربكم ورب
که آیا نمی پرهیزید آیا میخوانید بعل را و وامیگذارید بهترین آفرینندگان را خداست پروردگار شما و پروردگار

آبائكم الاولين ۱۲۷ فكذبوه فانهم لمحضرون ۱۲۸ الا عباد الله المخلصين ۱۲۹
پدرانتان که پیشینیانند پس تکذیب کردند او را پس ایشان حاضر شدگانند بجز بندگان خدا که با اخلاصند

وتركنا عليه في الآخرين ۱۳۰ سلام على ال ياسين ۱۳۱ انا كذلك نجزي
و واگذاشتیم براو در آخریان سلام بر الیاسین بدرستیکه ما چنین جزا دهیم

المحسنين ۱۳۲ انه من عبادنا المؤمنين ۱۳۳ وان لوطا لمن المرسلين ۱۳۴
نیکوکاران را بدرستیکه او بود از بندگان گروندگان ما و بدرستیکه لوط هر آینه از فرستادگان

اذ نجيناه واهله اجمعين ۱۳۵ الا عجوزا في الغابرين ۱۳۶ ثم دمرنا
وقتیکه نجات دادیم او و بستگانش همه را بجز پیرزالی در بازماندگان پس هلاک کردیم ما

الآخرين ۱۳۷ وانكم لتمرون عليهم مصبحين ۱۳۸ وبالليل افلا تعقلون ۱۳۹
دیگران را و بدرستیکه شما هر آینه میگذرید برایشان بامدادکنندگان و بشب آیا پس در نمییابید بعقل

وان يونس لمن المرسلين ۱۴۰ اذ ابق الى الفلك المشحون ۱۴۱ فساهم فكان
و بدرستیکه یونس هر آینه بود از فرستادگان چون گریخت بسوی کشتی پر کرده شده پس قرعه زد پس شد

من المدحضين ۱۴۲ فالتقمه الحوت وهو مليم ۱۴۳ فلولا انه كان من
از مغلوبان بقرعه پس فرو برد او را ماهی و او بود ملامت کننده پس اگر نه اینکه او بود از

المسبحين ۱۴۴ للبث في بطنه الى يوم يبعثون ۱۴۵ فنبذناه بالعراء وهو
تسبیح کنندگان هر آینه درنگ میکرد در شکم او تا روزیکه برانگیخته میشوند پس انداختیم او را در جائی بی نبات و او

سقيم ۱۴۶ وانبتنا عليه شجرة من يقطين ۱۴۷ وارسلناه الى مائة الف
بیمار بود و رویانیدیم براو درختی از کدو و فرستادیم او را بسوی صد هزار

او يزيدون ۱۴۸ فآمنوا فمتعناهم الى حين ۱۴۹ فاستفتهم الربك البنات
یا زیاده پس گرویدند پس کامیاب شان گردیدیم تا هنگامی پس بپرس از ایشان آیا پروردگار راست دختران

ولهم البنون ۱۵۰ ام خلقنا الملائكة اناثا وهم شاهدون ۱۵۱ الا انهم
و مر ایشان را است پسران یا آفریدیم فرشتگان را مؤنثها و ایشان بودند حاضران آگاه باش که ایشان

من افكهم ليقولون ۱۵۲ ولد الله وانهم لكاذبون ۱۵۳ اصطفى
از دروغشان هر آینه میگویند فرزند آورد خدا و بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند برگزید

البنات على البنين ۱۵۴ ما لكم كيف تحكمون ۱۵۵ افلا تذكرون ۱۵۶ ام
دختران را بر پسران چیست مر شما را چگونه حکم میکنید آیا پس پند نمیگیرید یا

لكم سلطان مبين ۱۵۷ فاتوا بكتابكم ان كنتم صادقين ۱۵۸ وجعلوا
شما راست تسلطی آشکارا پس بیارید کتابتان را اگر هستید راستگویان و گردانیدند

الله ربكم
بفتح ها و باء رب

الياسين
بکسر همزه و سکون لام در قرائت مشهور و بعضی آل یسین با همزه و الف و لام خوانده اند

قوله تعالى
سلام على آل ياسين در صافی از قمی ره گوید که یس ذکر کرد خدای عزوجل آل محمد را و فرمود و ترکنا علیه فی الآخرین سلام علی ...

نصف و ربع

آل یس پس گفت یس حضرت محمد است و آل محمد حضرات ائمه علیهم السلام اند و در معانی از حضرت پدر بزرگوار و آبای اولیا از حضرت علی مرتضی علیهم السلام و در این آیه فرمود حضرت محمد است و ما او و ... یعنی ما اهل بیت آل یس هستیم و در جامع از ابن عباس است که

اصطفى
بفتح همزه استفهام

آل یاسین آل محمد اند علیهم السلام و یس اسمیست از اسمای آنحضرت والسلام

بيّنه

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ۱۵۸ سُبْحَانَ

میان او و میان جن نسبتی و هر آینه بحقیقت دانست جن که ایشان هر آینه حاضر کردگانند منزه است

اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۱۵۹ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۱۶۰ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ۱۶۱

خدا از آنچه میستایند بجز بندگان خدا که از اهل اخلاصند پس بدرستیکه شما و آنچه میپرستید

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ۱۶۲ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ۱۶۳ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ

نیستید شما بر آن تباه کنندگان بجز آنرا که اوست در آینده در جحیم و نیست از ما مگر او راست

مَقَامٌ مَعْلُومٌ ۱۶۴ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ۱۶۵ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ۱۶۶

جائی معین و بدرستیکه مائیم صف زدگان و بدرستیکه مائیم تسبیح کنندگان

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ۱۶۷ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ۱۶۸ لَكُنَّا

و اگرچه بودند که میگفتند اگر آنکه بودی نزد ما ذکری از پیشینیان هر آینه بودیم

عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۱۶۹ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۱۷۰ وَلَقَدْ سَبَقَتْ

عباد خدا خالص شدگان پس کافر شدند بآن پس زود باشد که بدانند و بحقیقت پیشی گرفت

كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ۱۷۱ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ۱۷۲ وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

کلمهٔ ما مر بندگان ما را که مرسلانند بدرستیکه ایشانند یاری کرده شدگان و بدرستیکه لشکر ما هر آینه ایشانند غالبان

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۱۷۴ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ۱۷۵ أَفَبِعَذَابِنَا

پس روی بگردان از ایشان تا وقتی و ببین ایشانرا پس زود باشد که ببینند آیا پس بطلب عذاب ما

يَسْتَعْجِلُونَ ۱۷۶ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ۱۷۷ وَتَوَلَّ

شتاب میکنند پس چون فرود فرستاده شد بفضای ایشان پس بد است بامداد بیم کرده شدگان و روی بگردان

عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۱۷۸ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ۱۷۹ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ

از ایشان تا وقتی و ببین پس زود باشد که ببینند منزه است پروردگار تو پروردگار عزت است

عَمَّا يَصِفُونَ ۱۸۰ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ۱۸۱ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۸۲

از آنچه وصف میکنند و سلام بر مرسلان و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیانست

سورة ص ثمانی وثمانون آية وهی مکیة (۳۸) نزلت بعد القمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۱

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۱ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ۲ كَمْ أَهْلَكْنَا

قسم بقرآن صاحب ذکر بلکه آنانکه کافر شدند در سرکشی و مخالفتند چه بسیار

مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ۳ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ

هلاک کردیم ما از پیش ایشان از قرنی پس ندا کردند و نبود هنگام گریز و عجب داشتند که آمد ایشانرا

مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ۴ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ

بیم کنندهٔ از ایشان و گفتند کافران این جادوگریست دروغگو آیا گردانید آلهه را

الجِنّة بکسر جیم در همه قراءات بمعنی طائفه جن است

علمت الجِنّة بکسر جیم

وابصر بفتح همزه قطع

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هرکس در شب جمعه سوره ص را بخواند ... چندان خیر دنیا و آخرت ... دهند که هیچکس نداده باشند مگر پیغمبر مرسل یا فرشته مقرب و او را بهشت برند با هرکه همراه او باشد از اهل و خویشان و خادمی که در دنیا خدمت او را بجا آورده است اگرچه او از اهل شفاعت نباشد والسلام

الآلهة بمد الف و کسر لام

الهاً

إِلٰهاً وَاحِداً إِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ۵ وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَ
اله واحد بدرستیکه این هر آینه چیزیست عجیب و رفتند آن جمع از ایشان که بروید و

اصْبِرُوا عَلٰى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ۶ مَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ
شکیبائی ورزید بر الهه‌تان بدرستیکه این هر آینه چیزیست که خواسته میشود نشنیدیم این را در کیش آخرین

إِنْ هٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ۷ ءَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ
نیست این بجز دروغ ساختنی آیا فرو فرستاده شد براو ذکر از میان ما بلکه ایشان در شکند از

ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ۸ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ
ذکر من بلکه هنوز نچشیده اند عذابرا یا نزد ایشانست خزانه‌های رحمت پروردگارتو که غالب

الْوَهَّابِ ۹ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي
بخشنده است یا مر ایشانراست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست پس بالا روند در

الْأَسْبَابِ ۱۰ جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ۱۱ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ
سببها لشکریند در آنجا شکسته شده از طوائف دشمن تکذیب کردند پیش از ایشان

قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ۱۲ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
قوم نوح و عاد و فرعون صاحب میخها و ثمود و قوم لوط و اهل

الْأَيْكَةِ أُولٰئِكَ الْأَحْزَابُ ۱۳ إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ۱۴
ایکه که بودند آنها طوائف دشمن نبودند همه بجز آنکه تکذیب نمودند رسولانرا پس لازم شد عقوبت من

وَمَا يَنْظُرُ هٰؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ۱۵ وَقَالُوا رَبَّنَا
و انتظار نمیبرند این گروه بجز فریاد واحد را نیست مرآنرا هیچ برگشتنی و گفتند پروردگارا

عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ۱۶ اصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا
زود بده ما را بهره پیش از روز حساب صبر کن بر آنچه میگویند و یاد کن بنده ما را

دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۱۷ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ۱۸
داود را صاحب قوت که او بود رجوع کننده بدرستیکه ما رام کردیم کوهها را که با او تسبیح میگفتند شبانگاه و وقت طلوع آفتاب

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ۱۹ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ
و پرندگانرا جمع آورده شده همه بودند مر او را رجوع کننده و سخت گردانیدیم پادشاهیش را و دادیم او را حکمت و تمیز

الْخِطَابِ ۲۰ وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ۲۱ إِذْ دَخَلُوا
گفتار و آیا آمد ترا خبر منازعان هنگامیکه بالا رفتند بدیوار عبادتخانه چون داخل شدند

عَلٰى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغٰى بَعْضُنَا عَلٰى بَعْضٍ فَاحْكُمْ
بر داود پس ترسید از ایشان گفتند مترس که ما دو مدعی خصمیم که ستم کرده برخی از ما بر برخی پس حکم کن

بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلٰى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ۲۲ إِنَّ هٰذَا أَخِي لَهُ
میان ما بحق و جور مکن و هدایت کن ما را بسوی میانه راه بدرستیکه این برادر منست مراو راست

تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ۲۳
نود و نه میش و مراست میش واحد پس گفت واگذار آنرا و مغلوب کرد مرا در گفتار

الهاً: بکسر همزه

آلهتکم: بلا الف و کسر لام

اختلاق: بضم قاف

قوله سبحانه اصبر علی ما یقولون الخ یعنی صبر کن ای محمد بر آنچه کفار قریش میگویند و در کنز الفوائد از حضرت صادق علیه السلام در این آیه ماثوراست که فرمود یعنی صبر کن ای محمد بر تکذیب کردن ایشان تو را زیرا که من انتقام میکشم از ایشان بمردی از تو و او حضرت قائم است که مسلط میسازد او را بر ایشان علیهم السلام

یسبّحن: بیاء مضمومه و سین مفتوحه و باء مشدده مکسوره و حاء ساکنه

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ اِلَى نِعَاجِهِ وَاِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي

گفت بتحقیق ستم کرده بتو بخواستن میش تو با میشها وبدرستیکه بسیاری از آمیختگان هر آینه ستم

بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ اِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ

میکنند برخی از ایشان بر برخی بجز آنانکه گرویدند وکردند کارهای شایسته وکمی از ایشان اند و دانست

دَاوُدُ اَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَاَنَابَ ۲۴ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَ

داود که امتحان کردیم اورا پس آمرزش خواست از پروردگارش وبر وافتاد در رکوع کننده وباز گشت پس آمرزیدیم برای او آن

اِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ ۲۵ يَا دَاوُدُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي

بدرستیکه مر اورا نزد ما هر آینه قرب وخوبی بازگشتن ای داود بدرستیکه ما گردانیدیم ترا خلیفه در

مجده
داود بدو واو یعنی اشباع شود

یا داود بدو واو یعنی اشباع شود

الْاَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ

زمین پس حکم کن میان مردمان بحق وپیروی مشو خواهش نفس را پس گمراه کند ترا از راه

اللَّهِ اِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ

خدا بدرستی آنانکه بیرون میروند از راه خدا مر ایشانرا عذاب سخت بسبب آنچه فراموش کردند روز

یضلون بفتح یا

الْحِسَابِ ۲۶ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ

شمار ونیافریدیم ما آسمان و زمین را وآنچه میان آنهاست بیهوده این

ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ۲۷ اَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ

گمان آنانست که کافر شدند پس وای مر آنانرا که کافر شدند از آتش یا میگردانیم آنانرا که

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ

ایمان آوردند وکردند کارهای شایسته مانند فساد کنندگان در زمین یا میگردانیم پرهیزگارانرا

كَالْفُجَّارِ ۲۸ كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ اِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ اُولُوا

مانند بدکاران کتابیست که فرو فرستادیم بسوی تو آنرا با برکت داده شده تا تامل بینند آیاتش را وتا پند گیرند صاحبان

اولوا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

الْاَلْبَابِ ۲۹ وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهُ اَوَّابٌ ۳۰ اِذْ عُرِضَ

خردها وبخشیدیم مر داود را سلیمان خوب بنده بدرستیکه او بود رجوع کننده چون عرض کرده شد

لداود بدو واو یعنی اشباع شود

عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ۳۱ فَقَالَ اِنِّي اَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ

براو در طرف عصر اسبان تمام سم نیک پس گفت بدرستیکه من دوست میدارم دوستی چیز از ذکر

رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۳۲ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْاَعْنَاقِ ۳۳

پروردگارم تا پنهان شد در حجاب برگردانید آنها را بمن پس شروع کرد مسح کردن بساقها وگردنها

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَاَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ اَنَابَ ۳۴ قَالَ

وبتحقیق آزمودیم سلیمانرا وانداختیم بر تخت او بدنی پس رجوع کرد گفت

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِي اِنَّكَ اَنْتَ

پروردگارا بیامرز مرا وببخش مرا پادشاهی که سزاوار نباشد احدیرا بعد از من بدرستیکه تو هستی تو

الْوَهَّابُ ۳۵ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِاَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ اَصَابَ ۳۶

بخشنده پس رام گردیم مر او را باد را که میرفت بامرش هموار هر جا که اراده کرده بود

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ٣٧ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ٣٨

و ديوان را همه بنا كننده و بدريا فرورونده و ديگران قرين كرده شده در زنجيرها

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ٣٩ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَ

اينست بخشش ما پس عطا كن يا نگاهدار بدون شمار و بدرستيكه مراو را نزد ما هر آينه قربيست

عطاؤنا بضم همزه بدون اشباع

حُسْنَ مَآبٍ ٤٠ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ

خوبی بازگشت و يادكن بنده ما ايوب را چون خواند پروردگارش را كه مس كرد مرا شيطان

بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ٤١ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ٤٢ وَ

برنج و عذاب بزن بزمين پايت را اين جاى غسل كردنست سرد و آشاميدنى و

بنصب بضم نون و سكون صاد

وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ٤٣

بخشيديم مراورا اهلش و مثلشانرا با ايشان رحمتى از ما و پندى مر صاحبان خردها را

لاولى بضم همزه بدون واو يعنى اشباع نشود

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا ٤٤ نِعْمَ

و بگير بدستت دسته گياه را پس بزن باو و خلاف سوگند مكن بدرستيكه يافتيم ما او را صبر كننده خوب

الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ٤٥ وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي

بنده بود كه او بود رجوع كننده و يادكن بندگان ما ابراهيم و اسحق و يعقوب صاحبان قوت

اولى بضم همزه بدون واو يعنى اشباع نشود

وَالْأَبْصَارِ ٤٦ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ٤٧ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا

و ديدها بدرستيكه ما خالص كرديم ايشانرا بخلوصى كه ذكر آن سراست و بدرستيكه ايشان نزد ما

لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ٤٨ وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ

هر آينه از برگزيدگان نيكانند و يادكن اسمعيل و اليسع و ذو الكفل و همه از

لمن بفتح لام و كسر ميم و فتح نون

الْأَخْيَارِ ٤٩ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ٥٠ جَنَّاتِ عَدْنٍ مُفَتَّحَةً

نيكانند اين پنديست و بدرستيكه براى پرهيزگارانست هر آينه خوبى بازگشت بهشتهاى با اقامت گشاده شده

لَهُمُ الْأَبْوَابُ ٥١ مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ٥٢

براى ايشان درها تكيه زنندگانند در آن ميخوانند در آنها ميوه هاى بسيار و آشاميدنى

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ٥٣ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ٥٤

و نزد ايشانهاست زنان فرو هشته چشم همسران اينست آنچه وعده داده شديد براى روز شمار

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ٥٥ هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ٥٦ جَهَنَّمَ

بدرستيكه اين روزى ماست نيست مر آنرا آخر رسيدنى اينست و بدرستيكه براى طاغيانست هر آينه بدى بازگشت دوزخ

يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ٥٧ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ٥٨ وَآخَرُ مِنْ شَكْلِهِ

در آيند آنرا پس بد بستريست اينست پس بايد بچشند آنرا آب جوشان و چرك جراحت و ديگرى از مانند او

أَزْوَاجٌ ٥٩ هَذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ٦٠ قَالُوا بَلْ

كه اصنافست اين جمعيتست انبوه داخل شده با شما فراخ جائى مباد ايشانرا بدرستيكه ايشان داخل شوندگانند آتش را گفتند بلكه

أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ٦١ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ

شما را فراخى مباد شما را شما پيش فرستاديد آنرا براى ما پس بد قرارگاهيست گفتند اى پروردگار ما هر كه مقدم داشت

لَنا هٰذا فَزِدْهُ عَذاباً ضِعْفاً فِي النّارِ ۶۲ وَقالُوا ما لَنا لا نَرىٰ رِجالاً كُنّا

برای ما این را پس بیفزا او را عذابی دو چندان در آتش و گفتند چه شد ما را که نمیدیم مردانی را که بودیم

نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ ۶۳ أَتَّخَذْناهُمْ سِخْرِيّاً أَمْ زاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصارُ ۶۴

میشمردیم ایشانرا از اشرار گرفتیم ما ایشانرا باستهزا یا گردید از ایشان دیده ها

إِنَّ ذٰلِكَ لَحَقٌّ تَخاصُمُ أَهْلِ النّارِ ۶۵ قُلْ إِنَّما أَنَا مُنْذِرٌ وَما مِنْ إِلٰهٍ إِلَّا اللّٰهُ

بدرستیکه این هر آئینه راستست که منازعه اهل آتشست بگو جز این نیست که منم بیم کننده و نیست هیچ الهی مگر خدای

الْواحِدُ الْقَهّارُ ۶۶ رَبُّ السَّمٰواتِ وَالْأَرْضِ وَما بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفّارُ

یگانه قهر کننده پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست غالب آمرزنده

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ۶۸ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ۶۹ ما كانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ

بگو آن خبر بزرگیست ایا شما از آن روگردانندگان نبود مرا هیچ علمی بجمع

الْأَعْلىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ۷۰ إِنْ يُوحىٰ إِلَيَّ إِلّا أَنَّما أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۷۱ إِذْ قالَ

برتر چون مجادله میکردند وحی کرده نمیشد بمن مگر آنکه منم بیم کننده آشکار چون گفت

رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّي خالِقٌ بَشَراً مِنْ طِينٍ ۷۲ فَإِذا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ

پروردگارت مر ملائکه را بدرستیکه من آفریننده ام آدمیرا از گل پس چون درست ساختمش و دمیدم در آن از

رُوحِي فَقَعُوا لَهُ ساجِدِينَ ۷۳ فَسَجَدَ الْمَلٰئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۷۴ إِلّا

روحم پس بیفتید مر او را سجده کنندگان پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان تمامی بجز

إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكانَ مِنَ الْكافِرِينَ ۷۵ قالَ يا إِبْلِيسُ ما مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ

ابلیس که سرکشی کرد و بود از کافران گفت ای ابلیس چه چیز بازداشت ترا از آنکه سجده کنی

لِما خَلَقْتُ بِيَدَيَّ ۷۶ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعالِينَ ۷۷ قالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ

مر آنچه آفریدم بدست قدرت خود که سرکشی کردی یا بودی از برتران گفت من بهترم از او

خَلَقْتَنِي مِنْ نارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ۷۸ قالَ فَاخْرُجْ مِنْها فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۷۹

آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل گفت پس بیرون رو از آن پس بدرستیکه تو رانده شده

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلىٰ يَوْمِ الدِّينِ ۸۰ قالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۸۱

و بدرستیکه بر تست لعنت من تا روز جزا گفت پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته شوند

قالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۸۲ إِلىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۸۳ قالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ

گفت پس تو از مهلت دادگانی تا روز وقت معلوم گفت پس بعزت تو هر آئینه گمراه کنم

أَجْمَعِينَ ۸۴ إِلّا عِبادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۸۵ قالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ

ایشانرا همه بجز بندگان تو از ایشان که خالص شدگانند گفت پس درست و راست را میگویم هر آئینه پر خواهم کرد

جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۸۶ قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَما

جهنم را از تو و از هر که پیروی کند ترا از ایشان همه بگو نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی و نیستم

أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۸۷ إِنْ هُوَ إِلّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ ۸۸ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ

من از بتکلف کنندگان نیست آن مگر پندی مر جهانیان را و هر آئینه خواهید دانست خبر آنرا پس از هنگامی

أَتَّخَذْناهُمْ بفتح همزه استفهام

سِخْرِيّاً بکسر سین

قوله تعالی قل هو نبأ عظیم انتم عنه معرضون یعنی بگو ای رسول که علی مرتضی خبر بزرگیست که شما از و اعراض میکنید در صافی از تفسیر قمی روایت کرده بنا یعنی حضرت علی مرتضی امیر المؤمنین علیه السلام و در بصائر از حضرت باقر علیه السلام مرویست که فرمود والله نبأ عظیم حضرت امیر المؤمنین است و از حضرت صادق است که نبأ امامت است والسلام ۱۲

أَسْتَكْبَرْتَ بفتح همزه استفهام

فَأَنْظِرْنِي بفتح همزه و کسر ظا

وَلَتَعْلَمُنَّ بضم میم

(۳۹) سورة الزمر خمس وسبعون آية وهي مكية

الا الآيات ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ فمدنية نزلت بعد سبا

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۲ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

فرو فرستادن این کتاب از خدای غالب درست کردار　بدرستیکه ما فرو فرستادیم بسوی تو کتاب را براستی

فَاعْبُدِ اللهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۳ أَلَا لِلّٰهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۴ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا

پس پرست خدا را خالص کننده برای او دین را　آگاه باشید مر خدا راست دین بیغش　و آنانکه گرفتند

مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللهِ زُلْفَى إِنَّ اللهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ

از غیر او　دوستان نمی‌پرستیم جز برای آنکه نزدیک گردانند ما را بخدا نزدیک گردانیدنی بدرستیکه خدا حکم کند میانشان

فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۵ إِنَّ اللهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۶ لَوْ أَرَادَ

در آنچه ایشان در آن اختلاف میکنند　بدرستیکه خدا هدایت نمیکند آنکه او دروغگوییست ناسپاس　اگر خواسته بود

اللهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللهُ الْوَاحِدُ

خدا　که بگیرد　فرزندی هر آینه برگزیده بود از آنچه میآفریند آنچه را میخواست منزه است او او ست خدای یکتای

الْقَهَّارُ ۷ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ

قهر کننده　آفرید آسمانها　و زمین را بر حق　میافزاید شب را بر روز　و میافزاید

النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ

روز را　بر شب　و رام کرده است آفتاب　و ماه را همه میروند برای وقتی نام برده شده بدان که او ست

الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۸ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ

غالب آمرزنده　آفرید شما را از یک تن　واحد　پس گردانید از آن جفتش را　و فرو فرستاد

لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ

برای شما از چهارپایان　هشت　صنفها　می‌آفریند شما را در شکمهای　مادرانتان　آفریدنی پس از

خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذٰلِكُمُ اللهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى

آفریدنی　در تاریکیهای　سه گانه　اینست شما را خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست الهی بجز او پس کجا

تُصْرَفُونَ ۹ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ

برگردانیده میشوید اگر کافر شوید پس بدرستیکه خدا بی‌نیاز است از شما و نمی‌پسندد برای بندگانش کفر را

إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ

اگر شکر کنید　می‌پسندد آنرا برای شما　و برنمیدارد بردارنده بار گناه دیگری را پس بسوی پروردگار شما بازگشت شما

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۱۰ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱۱ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ

پس خبر دهدتان خدا بآنچه بودید که میکردید　بدرستیکه او داناست بسر سینها　و چون برسد آدمی را

ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ

زیانی بخواند پروردگارش را بازگشته بسوی او پس چون دهد او را نعمتی از خود فراموش کند آنچه را که بود که میخواند بآن

فَاعْبُدِ اللهَ بکسر دال و فتح‌ها

هو

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که هر که سورهٔ الزمر را بخواند حق تعالی شرف دنیا و آخرت باو عطا فرماید و او را در میان مردمان غالب گرداند بنحوی که هر کس او را ببیند هیبت و سطوت او بر دل او نشیند اگر چه مال و عیالی نداشته باشد و بدن او آتش دوزخ را بر او حرام میکند و هزار شهر در بهشت برای او بنا کنند که در هر شهری هزار قصر و در هر قصری هزار حور العین باشد ۱۲

یَرْضَهُ بضم‌ها بلا اشباع زیرا که در اصل یرضاه بود

مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلّٰهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ
از پیش و گردانید برای خدا همتایان تا گم گرداند از راه او بگو کامیاب شوی بکفرت اندکی بدرستیکه تو

مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ١٢ أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ
از اهل آتش آیا کسیکه اوست عبادت کننده در اوقات شب سجده کننده و ایستاده میترسد از آخرت

وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
و امید دارد رحمت پروردگارش بگو آیا یکسانند آنانکه میدانند و آنانکه نمیدانند

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ١٣ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ
جز این نیست که پند میگیرند صاحبان خردها بگو ای بندگان من آنانکه گرویدید پرهیزید پروردگارتانرا

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى
برای آنانکه خوبی کردند در این دنیا خوبی کردنی و زمین خدا واسعست جز این نیست که تمام داده میشوند

الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ١٤ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ
صابرانرا مزدشان بدون شماره بگو بدرستیکه من امر کرده شدم که بپرستم خدا را خالص دارنده برایش دین را

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ١٥ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ
و امر کرده شدم مرا براینکه باشم اول مسلمانان بگو بدرستیکه میترسم که نافرمانی کنم پروردگارم از عذاب

يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٦ قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ١٧ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ
روزی بزرگ بگو خدا را میپرستم خالص کننده برایش دینم را پس بپرستید آنچه را میخواهید از غیر او

قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَٰلِكَ
بگو بدرستیکه زیانکاران آنانند که زیان کردند بنفسهاشان و کسانشان روز رستخیز آگاه باش آن

هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ١٨ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ
آن زیانکاری آشکار مرایشانراست از زبرشان سایبانها از آتش و از زیرشان سایبانها

ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ١٩ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ
آنست که میترساند خدا بآن بندگانش را ای بندگان من پس بپرهیزید از من و آنانکه اجتناب کردند از طاغوت

أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ
که پرستند آنرا و بازگشتند بسوی خدا مرایشانراست مژده پس مژده ده بندگانم را آنانکه میشنوند

الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو
گفتاررا پس پیروی میکنند بهترش را آنها آنانند که راه نمودشان خدا و آنها آنانند صاحبان

الْأَلْبَابِ ٢٠ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ٢١ لَٰكِنِ الَّذِينَ
خردها آیا پس آنکه لازم شد براو سخن عذاب آیا پس تو میرهانی آنرا که در آتشست ولیکن آنانکه

اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ
پرهیز کردند از پروردگارشان مرآنهاراست غرفه‌ها که از بالای آنها غرفه‌ها بنا کرده شده روانست از زیرش نهرها وعده داد

اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ٢٢ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ
خدا خلاف نکند خدا وعده را آیا ندیدی که خدا فرو فرستاد از آسمان آبرا پس درآورد آنرا

تَمَتَّعْ بسکون عین

اُولُوا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

قُلِ اللّٰه بفتح ها

فَاتَّقُونِ بکسر نون

اُولُوا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

مَبْنِيَّة بفتح میم و سکون با و کسر نون و فتح یاء مشدده بمعنی بنا کرده شده ... (?)

ينابيع

ينابيع في الارض ثم يخرج به زرعا مختلفا الوانه ثم يهيج فتريه مصفرا
چشمه‌ها در زمین پس بیرون آورد بآن کشتی که مختلف است رنگهایش پس میخشکد پس می‌بینی آنرا زرد

ثم يجعله حطاما ان في ذلك لذكرى لاولي الالباب ٢٣ افمن شرح
پس میگرداند آنرا درهم شکسته بدرستیکه در این هر آینه پندیست برای صاحبان خردها آیا پس آنکه برگشود

الله صدره للاسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم من
خدا سینه‌اش را برای اسلام پس اوست بر نوری از پروردگارش پس وای برآنها که سخت است دلهاشان از

ذكر الله اولئك في ضلال مبين ٢٤ الله نزل احسن الحديث كتابا متشابها
ذکر خدا ایشانند در گمراهی آشکار خدا فرو فرستاد بهترین سخن را کتابی متشابه

مثاني تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم ثم تلين جلودهم وقلوبهم
دو دوتا که میلرزد از آن پوستهای آنانکه میترسند پروردگارشانرا پس نرم میشود پوستهاشان و دلهاشان

الى ذكر الله ذلك هدى الله يهدي به من يشاء ومن يضلل الله فما
بسوی ذکر خدا این است ارشاد خدا که هدایت میکند بآن هر کس را بخواهد و کسی را که گمراه گذارد خدا پس نیست

له من هاد ٢٥ افمن يتقي بوجهه سوء العذاب يوم القيمة وقيل للظالمين
مر او را هیچ راهنمائی آیا پس آنکه نگاهداری کند بروی‌اش بدی عذاب را روز رستخیز و گفته شود مر ستمکاران را

ذوقوا ما كنتم تكسبون ٢٦ كذب الذين من قبلهم فاتهم العذاب من حيث
که بچشید آنچه را کسب میکردید تکذیب کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس آمد ایشانرا عذاب از جائیکه

لا يشعرون ٢٧ فاذاقهم الله الخزي في الحيوة الدنيا ولعذاب الاخرة
نمیدانستند پس چشانید ایشانرا خدا خواری در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت

اكبر لو كانوا يعلمون ٢٨ ولقد ضربنا للناس في هذا القران من كل مثل
بزرگتر است اگر باشند که بدانند و هر آینه زدیم برای مردمان در این قرآن از هر مثلی

لعلهم يتذكرون ٢٩ قرانا عربيا غير ذي عوج لعلهم يتقون ٣٠
که باشد ایشان پند گیرند قرآن عربی است نه صاحب کجی باشد که ایشان بپرهیزند

ضرب الله مثلا رجلا فيه شركاء متشاكسون ورجلا سلما لرجل هل
زد خدا مثلی از مردی که در آنند انبازان مخالفان و دیگر مردی خالص مر مردی را آیا

يستويان مثلا الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون ٣١ انك ميت وانهم ميتون ٣٢
یکسانند بمثل ستایش مر خدا راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند بدرستیکه توئی میرنده و ایشانند میرندگان

ثم انكم يوم القيمة عند ربكم تختصمون ٣٣ فمن اظلم ممن كذب على الله و
پس بدرستیکه شما روز رستخیز نزد پروردگارتان مجادله میکنید پس کیست ستمکارتر از کسیکه دروغ بست بر خدا و

كذب بالصدق اذ جاءه اليس في جهنم مثوى للكافرين ٣٤ والذي جاء
تکذیب کرد راستی را هنگامیکه آمد آنرا آیا نیست در جهنم مقام مر کافرانرا و کسیکه آورد

بالصدق وصدق به اولئك هم المتقون ٣٥ لهم ما يشاؤن عند ربهم ذلك
صدق را و تصدیق کرد بآن آنها ایشانند پرهیزگاران مر ایشانراست آنچه خواهند نزد پروردگارشان آن است

قوله تعالى افمن شرح الله صدره للاسلام فهو على نور من ربه يعني آيا

مصفرا بتشديد را

لاولي بضم همزه يعني اشباع نشود

فاتهم بفتح همزه بدون الف

الربع

ممن كذب بدون تشديد ذال وكذب بتشديد ذال

ما يشاؤن بضم همزه وسكون واو يعني اشباع شود

جَزَآؤُا الْمُحْسِنِينَ ۳۶ لِيُكَفِّرَ اللّٰهُ عَنْهُمْ اَسْوَءَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ اَجْرَهُمْ

پاداش نیکوکاران تا محو کند خدا از ایشان بدترین آنچه کردند و پاداش دهد مزدشان

بِاَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۳۷ اَلَيْسَ اللّٰهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ

بنیکوتر از آنچه بودند که میکردند آیا نیست خدا کافی بنده‌اش را و میترسانند تورا بآنانکه

مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۳۸ وَمَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ

از غیر اویند و هر کرا گمراه گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ راه نماینده و کسیرا که هدایت کند خدا پس نیست مر او را هیچ

اَلَيْسَ اللّٰهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ۳۹ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ

گمراه کننده آیا نیست خدا غالب صاحب انتقام و هر آینه اگر بپرسی از ایشان کیست که آفریده آسمانها و زمین را

لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ قُلْ اَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ اَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ

هر آینه گویند خدا بگو آیا پس خبر دهید که آنچه میخوانید از غیر خدا اگر خواست مرا خدا ضرری آیا

هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ اَوْ اَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ

ایشانند رفع کنندگان ضرر او یا اگر خواست برای من رحمتی آیا ایشانند بازدارندگان رحمت او بگو کافیست مرا خدا

عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۴۰ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّي عَامِلٌ

بر او توکل میکنند توکل کنندگان بگو ای قوم من کار کنید بر توانائیتان بدرستیکه منم کار کننده

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۴۱ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۴۲

پس زود باشد که بدانید کسیرا آید او را عذابی که خوار گرداندش و وارد شود برای او عذابی پاینده

اِنَّا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدٰى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ

بدرستیکه ما فرو فرستادیم بر تو کتاب را برای مردمان براستی پس هر که هدایت یافت پس برای خودش و هر که گمراه شد

فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۴۳ اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

پس گمراه نشود مگر بر او و نیستی تو بر ایشان نگهبان خدا قبض میکند روحها را وقت مردنش

وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰى

و آنچه نمرده است در خوابش پس نگاه میدارد آنچه گذارش داد بر او مرگ را و میفرستد دیگری را

اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۴۴ اَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ

تا وقتی نام برده شده بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست برای گروهیکه فکر میکنند یا گرفتند از غیر

اللّٰهِ شُفَعَاءَ قُلْ اَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ۴۵ قُلْ لِلّٰهِ الشَّفَاعَةُ

خدا شفیعان بگو آیا اگرچه باشند که مالک نباشند چیزیرا و در نیابند بعقل بگو مر خدا راست شفاعت

جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۴۶ وَاِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ

همه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین پس بسوی او بازمیگردید و چون ذکر کرده شود خدا

وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ وَاِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ

یگانه است او درهم شود دلهای آنانکه ایمان نمی‌آورند بآخرت و چون ذکر کرده شود آنانکه از

دُونِهِ اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۴۷ قُلِ اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ

غیر اویند آنگاه ایشان شاد میشوند بگو ای خدای من پدید آورنده آسمانها و زمین داناے

قوله تعالی

واذا ذکر الله وحده اشمأزت
قلوب یعنی هرگاه ذکر شود
خدای عز وجل منفردا
بدون ذکر الهه فرش
منقبض و متنفر میشود قلوب
آنکسانیکه ماسوای او بینند
از اوثان و اصنام
آنگاه مستبشر میشوند
بسبب فرط افتتان
بآنها و نسیان حق تعالی
در صافی از قمی ره کوید که
نازل است این آیت
در شان فلان و فلان
یعنی خلفاء ثلاثه جور ره
کافی از حضرت صادق
علیه السلام مرویست
که سؤال کرده شد از این
آیه وقتیکه ذکر شود حق تعالی
منفرد بالطاعت کسانیکه
امر کرده است حق تعالی
بطاعت ایشان از حضرات
آل محمد علیهم السلام منقبض
میشود قلوب آنکسانیکه امر
نفرمود حق تعالی بطاعت
ایشان ناگاه بشارت می
یابند و در کنز الفواید از
حضرت ابو جعفر علیه
السلام مرویست که
سؤال کرده شد از تفسیر
مرخیه فرمود نماز گزارند
با آنها و حاضر شوید
جنازه آنها را و عیادت
کنید مرضای ایشان را
پس وقتیکه مردند
استغفار نکنید از برای
ایشان زیرا که ما اهل بیت
علیهم السلام هر وقت ذکر
میشویم در نزد ایشان مشمئز
و منقبض میگردد قلوب
ایشان و هرگاه ذکر شود
ما دون ما یعنی اعادی

الغیب

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ٤٨

نهان و آشکار تو حکم میکنی میان بندگانت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ

و اگر بودی مر آنانکه ستم کردند آنچه در زمینست تمام و مانند آن با آن هر آینه فدا میدادند آن از

سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ٤٩

بدی عذاب روز قیامت و ظاهر شد مر ایشان را از خدا آنچه نبودند بگمانشان در آید

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٥٠ فَإِذَا مَسَّ

و ظاهر شد مر ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و احاطه کرد بایشان آنچه بودند بآن استهزا میکردند پس چون مس کند

الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ

انسان را ضرری بخواند ما را پس چون دادیم او را نعمتی از خود ما گوید جز این نیست که داده شدیم او را بر علمی بلکه آن

فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٥١ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَى

بلاییست ولیکن بسیاری از آنها نمیدانند بتحقیق گفته شد این آنانکه بودند پیش از ایشان پس چون کفایت نکرد

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ٥٢ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ

از آنها آنچه بودند که کسب میکردند پس رسید ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و آنانکه ظلم کردند از اینها

سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ٥٣ أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ

زود باشد که برسد ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و نیستند ایشان عاجز کننده آیا ندانستند که خدا گشاده میکند

الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ٥٤ قُلْ يَا عِبَادِيَ

روزی را برای هر که بخواهد و تنگ میکند بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر گروهی را که میگروند بگو ای بندگان من

الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

آنانکه اسراف کردند بر خودهاشان نومید نشوید از رحمت خدا بدرستیکه خدا می آمرزد گناهها را

جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ٥٥ وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ

تمام بدرستیکه اوست که او آمرزنده مهربانست و بازگشت کنید بسوی پروردگارتان و تسلیم شوید مر او را پیش از آنکه

أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ٥٦ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ

بیاید شما را عقوبت پس یاری کرده نشوید و پیروی کنید بهترین چیزی که فرو فرستاده شد بشما از

رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ٥٧ أَنْ تَقُولَ

پروردگارتان پیش از آنکه آید شما را عذاب ناگاه و شما ندانید آنکه گوید

نَفْسٌ يَا حَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ ٥٨

نفسی وا حسرتا بر آنچه تقصیر کردم در قرب خدا و بدرستیکه بودم هر آینه از استهزا کنندگان

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ٥٩ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى

یا گوید اگر آنکه خدا هدایت کرده بود مرا هر آینه بودم از پرهیزگاران یا گوید وقتیکه بیند

الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ٦٠ بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي

عذاب را اگر بودی مرا بازگشتی پس بودمی از نیکوکاران آری بتحقیق آمد ترا آیات من

قوله تعالی

یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم الی آخر یعنی بگو ای محمد که ای بندگان من آنان کسانیکه اسراف کردند بر نفوس خود یعنی اسراف و افراط در جنایت کرده اند بر نفوس خود با سراف کردن در معاصی مایوس نشوید از رحمت حق تعالی بدرستیکه حق تعالی می آمرزد جمیع گناهها را بدرستیکه حق تعالی آمرزنده و رحمت کننده است بر عباد مؤمنان خود در آخرت در صافی از قمی روایت کرده این آیه نازل است در شیعیان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام خاصه و در کافی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر آینه بتحقیق ذکر کرده حق تعالی در کتاب خود شما شیعیان ما اهل بیت را علیهم السلام بقول خود یا عبادی الآیه فرمود والله قصد نفرموده باین آیه غیر شما را فرمود یا ابا محمد آیا مسرور کردم ترا ابو بصیر گفت بلی شوم بلی وقتی ره از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود در شیعیان حضرت فاطمه علیها السلام نازل گردیده خدای عز و جل این آیه را خاصه و در محاسن از حضرت صادق علیه السلام است که نیست بملت ابراهیم غیر از شما قبول کرده نمیشود مگر از شما و آمرزیده نمیشود ذنوب مگر از برای شما شیعیان

١٢ أَوْ تَقُولَ بفتح لام در هر دو موضع که عطف بر تقول اولست

فكذبت بها واستكبرت وكنت من الكافرين ٦٠ ويوم القيمة ترى

پس تکذیب کردی آنرا و سرکشی نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می‌بینی

الذين كذبوا على الله وجوههم مسودة أليس في جهنم مثوى للمتكبرين

آنانرا که دروغ بستند بر خدا رویهاشان سیاه شده آیا نیست در جهنم مقام مر متکبر کنندگانرا

وينجي الله الذين اتقوا بمفازتهم لا يمسهم السوء ولا هم يحزنون ٦٣

و نجات میدهد خدا آنانرا که پرهیزگار شدند بوسیله‌های رستگاریشان مس نکند آزار ابدی و نه ایشان محزون شوند

الله خالق كل شيء وهو على كل شيء وكيل له مقاليد السموات

خدا آفریننده هر چیزیست و اوست بر همه چیزی نگهبان مر او راست کلیدهای آسمانها

والأرض والذين كفروا بآيات الله أولئك هم الخاسرون ٦٤ قل أفغير

و زمین و آنانکه کافر شدند بآیات خدا آنگروه ایشانند از زیانکاران بگو آیا پس غیر

الله تأمروني أعبد أيها الجاهلون ٦٥ ولقد أوحي إليك وإلى الذين

خدا را امر میکنید مرا که بپرستم ای نادانان و بتحقیق وحی شد بسوی تو و آنانکه بودند

من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك ولتكونن من الخاسرين ٦٦ بل الله

پیش از تو هر آینه اگر شرک آوردی ناچیز خواهد شد عملت و هر آینه خواهی شد از زیانکاران بلکه خدا را

فاعبد وكن من الشاكرين ٦٧ وما قدروا الله حق قدره والأرض جميعا

پس بپرست و باش از شکرکنندگان و نشناختند خدا را حق شناختنش و زمین همه

قبضته يوم القيمة والسموات مطويات بيمينه سبحانه وتعالى عما

در قبضهٔ قدرت اوست روز قیامت و آسمانها پیچیده شده‌اند بدست او منزه است او و برتر است از آنچه

يشركون ٦٨ ونفخ في الصور فصعق من في السموات ومن في الأرض إلا

شرک میآورند و دمیده شود در صور پس بیهوش شود هر که در آسمانها و هر که در زمین است بجز

من شاء الله ثم نفخ فيه أخرى فإذا هم قيام ينظرون ٦٩ وأشرقت الأرض

آنکه خواست خدا پس دمیده شود در او بار دیگر پس آنگاه ایشان ایستاده مینگرند و روشن شود زمین

بنور ربها ووضع الكتاب وجيء بالنبيين والشهداء وقضي بينهم

بنور پروردگارش و آورده شود کتاب و آورده شوند پیغمبران و گواهان و حکم کرده شود میانشان

بالحق وهم لا يظلمون ٧٠ ووفيت كل نفس ما عملت وهو أعلم بما يفعلون

بحق و ایشان ظلم کرده نشوند و تمام داده شود هر نفسی آنچه کرده و او داناتر است بآنچه میکنند

وسيق الذين كفروا إلى جهنم زمرا حتى إذا جاؤها فتحت أبوابها وقال

و رانده شوند آنانکه کافر شدند بسوی جهنم گروه گروه تا چون آیند آنرا گشاده شود درهایش و گویند

لهم خزنتها ألم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم آيات ربكم وينذرونكم

مر ایشانرا خازنانش آیا نیامدند شما را رسولان از شما که خواندند بر شما آیات پروردگارتان را و بیم دادند شما را

لقاء يومكم هذا قالوا بلى ولكن حقت كلمة العذاب على الكافرين ٧٢

بملاقات روزتان که امروز است گویند آری و لیکن ثابت شد سخن عذاب بر کافران

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ٧٢ وَسِيقَ
گفته شود در آیید از درهای جهنم جاوید انید در آن پس بد است مقام سرکشی کنندگان و رانده شوند

الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ
آنانکه ترسیدند از پروردگارشان بسوی بهشت گروه گروه تا چون آمدند آنرا و گشاده شد درهایش و گویند

لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ٧٤ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ
مرایشان را خازنانش سلام بر شما خوش باد شما را پس در آئید در آن جاویدانید و گویند ستایش مر خدا را

الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ
که راست نمود بما وعده اش را و بمیراث داد ما را زمین بهشت مسکن میسازیم از بهشت هرجا که میخواهیم پس خوبست

أَجْرُ الْعَامِلِينَ ٧٥ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ
مزد کارکنندگان و بینی ملائکه را فرو گرفتگان از حوالی عرش

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
تسبیح کنند بستایش پروردگارشان و حکم کرده شود میانشان بحق و گفته شود ستایش مر پروردگار جهانیان را

(٤٠) سورة المؤمن غافر خمس وثمانون آية وهي مكية
الا آیتی ٥٨ - ٥٩ فمدنیتان نزلت بعد الزمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

حم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ٢ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ
فرو فرستادن کتابیست از خدای غالب دانا آمرزنده گناه و پذیرنده توبه

شَدِيدِ الْعِقَابِ ٣ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ٤ مَا يُجَادِلُ
سخت عقوبت صاحب نعمت که نیست خدائی جز او بسوی اوست بازگشت مجادله نمیکنند

فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ٥ كَذَّبَتْ
در آیات خدا بجز آنانکه کافر شدند پس نباید که بفریبد ترا گردیدنشان در شهرها تکذیب کردند

قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ
پیش از آنها قوم نوح و طوایف دشمن بعد از آنها و قصد کردند هر امتی برسولشان تا بگیرند او را

وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ٦ وَ
و مجادله کردند بباطل تا باطل کنند بآن حق پس گرفتم ایشانرا پس چگونه باشد عقوبت من و

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ٧ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ
همچنان راست آمد سخن پروردگارت بر آنانکه کافر شدند که ایشان اهل آتشند آنانکه بر میدارند

الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ
عرش را و هر که پیرامون آنست تسبیح میکنند بستایش پروردگارشان و میگروند باو و طلب آمرزش میکنند مر آنانکه

آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ
ایمان آوردند ای پروردگار گنجایش دادی همه چیز را از رحمت و دانش پس بیامرز مر آنانرا که توبه کردند و پیروی کردند راه

ویقهم

هو الله تعالى
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سوره مؤمن را بخواند ارواح همه انبیاء و صدیقان و شهیدان و جمیع مؤمنین او را دعا میکنند و بجهة او امرزش میخواهند

جاؤها
بضم همزه و سکون واو اشباع شود

و نیز فرموده که هر که دو وقت داره در مرغزارهای بهشت سیر و خرام کند

صدقنا
بضم تشدید دال

واورثنا
بفتح واو و ثا

باید که حم را بخواند و بنویسد

حم
دیگر حم را در شب بخواند و نیز فرموده هر که سوره حم را بخواند در روز دو خبر برو او بسته شود درهای بهشت بروی او بگشایند و ابن عباس گفته سوره حم زینت قرآن است

حم
میم مد کمینواهد

لبابی دارد یعنی خلاصه دارد و لباب قرآن حم است و از امام جعفر صادق منقول است که هر که سوره مؤمن را بخواند وقت فرو رفتن در کاری بخواند اگر کسی دمل و جراحت زیاد باشند و خود دارد شفا یابد هر کرا هیوره بنویسد بر بستان بیاویزد محصول او زیاد شود و اگر بر دکان دواران ببندد بیع و شری بسیار واقع شود و اگر بشوید و با آب خمیر نمایند و آن نان تا خشک نماید و نرم بکوبد و در ظرفی

وسعت
بفتح واو و کسر سین و سکون عین و فتح تا

و سر او را بپوشانند چون صاحب درد سر از آن نان کف بخورد شفا یابد والله اعلم

وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۸ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ

ونگاه دار ایشان را از عذاب دوزخ ای پروردگار ما در آور ایشان را در بهشتهای با اقامت که وعده دادی ایشان را و آنکه شایسته

مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۹ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ

از پدران ایشان و جفتهای ایشان و فرزندان ایشان بدرستیکه تو هستی غالب درستکردار و نگاهدار ایشان را از بدیها

وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۱۰ إِنَّ

و هر کرا نگاهداری از بدیها روزی چنین پس بحقیقت بخشیدی او را و اینست آن رستگاری بزرگ بدرستیکه

الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى

آنانکه کافر شدند ندا کرده میشوند که دشمنی کردن خدا بزرگتر است از دشمنی شما با خودهایتان هنگامیکه خوانده میشدید بسوی

الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ۱۱ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا

ایمان پس کافر میشدید گویند پروردگار ما بمیرانیدی ما را دو بار و زنده کردی ما را دو بار پس اقرار کردیم ما

بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ۱۲ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ

بگناهان پس آیا هست برای بیرون آمدن هیچ راهی این شما را بسبب آنست که چون خوانده شد نام خدای یگانه انکار کردید

وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۱۳ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ

و اگر شریک آورده میشد بآن میگروید پس حکم و فرمان مر خدایراست که برتر و بزرگست اوست آنکه مینماید بشما

آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ۱۴ فَادْعُوا اللَّهَ

آیاتش را و فرو فرستاده میشود مر شما را از آسمان روزی و پند نمیگیرد جز آنکه بازگشت نماید پس بخوانید خدا را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۱۵ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ

خالص کنندگان برای او دین را و اگر ناخوش دارند کافران بلند مراتب صاحب عرش

يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ۱۶ يَوْمَ هُمْ

می افکند روح را از امرش بر هر که میخواهد از بندگانش تا بیم کنند روز ملاقات را روزیکه ایشان

بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۱۷

ظاهر شونده اند پنهان نیست بر خدا از ایشان چیزی مر کراست پادشاهی امروز مر خدای یگانه قهر کننده راست

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۱۸

امروز جزا داده شود هر تنی بآنچه کسب کرد نیست ستم امروز بدرستیکه خدا زود حسابست

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ ۱۹ مَا لِلظَّالِمِينَ

و بیم کن ایشان را از روز نزدیک وقتیکه دلهاست نزد حنجرها غصه فرو خورندگان نیست مر ظالمان را

مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ۲۰ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ۲۱

هیچ خویشی و نه خواهنده که اطاعت کرده شود میداند خیانت چشمها را و آنچه را پنهان دارد سینها

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ

و خدا حکم میکند بحق و آنانکه میخوانند از غیر او حکم نتوانند کرد بچیزی بدرستیکه خدا

هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۲۲ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

اوست شنونده بینا آیا نرفتند در زمین پس بنگرند چگونه بود انجام

الذين

قوله جل ذکره حم تنزیل الکتاب الی المصیر عه

وَأَدْخِلْهُمْ بفتح همزه و سکون دال و کسر خا همزه اش قطعی است

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر که این آیات را

رَحْمَةً بفتح راء و کسر حاء و سکون میم و فتح تا بخواند با آیت الکرسی در بامداد تا وقت شام محفوظ باشند از همه آفات و اگر در شام

أَمَتَّنَا بفتح همزه و میم و تاء مشدده

بخواند تا صبح محفوظ باشد و هفتاد هزار ملک از جهت او استغفار نمایند ۱۲

و باید بعد از آن بگوید و با طهارت اعوذ بالله من الشیطان الرجیم سبحان یا غافر الذنب اغفرلی و یا قابل التوب اقبل توبتی و یا شدید العقاب اعف عنی و عافنی و یا ذا الطول تطول علی بخیر رفیع الدرجات ذو العرش یلقی الروح من امره علی من یشاء لینذر یوم التلاق یوم هم بارزون لا یخفی علی الله منهم شیء لمن الملک الیوم لله الواحد القهار الیوم تجزی کل نفس بما کسبت لا ظلم الیوم ان الله سریع الحساب

وَأَنْذِرْهُمْ بفتح همزه قطع و سکون ذال

الْآزِفَةِ بالف بعد از همزه چون ضاربة

این آیات را بر پوست آهو بنوسید در وقتیکه با طهارت باشد و در سینه کسی که در خواب باشد بنهد همه احوالات که بر او گذشته باشد باید سر و پوشیده باشد تا آنکه سر او را نگاه داشته باشد

الذين كانوا من قبلهم كانوا هم اشد منهم قوة واثارا في الارض فاخذهم

كار آنانكه بودند پيش از ايشان بودند ايشان سخت تر از ايشان بتوانائى و اثرها در زمين پس گرفت ايشانرا

الله بذنوبهم وما كان لهم من الله من واق ۲۳ ذلك بانهم كانت تاتيهم

خدا بگناهانشان و نبود مر ايشانرا از خدا هيچ نگاهدارنده اين بسبب آنست كه ايشان بودند مى آمد ايشانرا

رسلهم بالبينات فكفروا فاخذهم الله انه قوى شديد العقاب ۲۴

رسولانشان با بينتها پس كافر شدند پس گرفت ايشانرا خدا بدرستيكه او توانای سخت عقوبت

ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين ۲۵ الى فرعون وهامان

وبتحقيق فرستاديم موسى را با معجزات و حجتى آشكار بسوى فرعون و هامان

وقارون فقالوا ساحر كذاب ۲۶ فلما جاءهم بالحق من عندنا قالوا اقتلوا

و قارون پس گفتند جادوگريست دروغگو پس چون آمد ايشانرا براستى از نزد ما گفتند بكشيد

ابناء الذين امنوا معه واستحيوا نساءهم وما كيد الكافرين الا في

پسران آنانكه ايمان آوردند با او و زنده بگذاريد زنانشانرا و نيست حيله كافران مگر در

ضلال ۲۷ وقال فرعون ذروني اقتل موسى وليدع ربه انى اخاف

گمراهى و گفت فرعون واگذاريد مرا تا بكشم موسى را و بايد بخواند پروردگارش بدرستيكه من ميترسم

ان يبدل دينكم او ان يظهر في الارض الفساد ۲۸ وقال موسى انى

كه بدل كند دين شمارا يا آنكه ظاهر كند در زمين تباهيرا و گفت موسى بدرستيكه من

عذت بربى وربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب ۲۹ وقال رجل

پناه بردم بپروردگارم و پروردگار شما از هر سركشى كه ايمان نياورد بروز شمار و گفت مردى

مؤمن من ال فرعون يكتم ايمانه اتقتلون رجلا ان يقول ربى الله و

گرونده از فرعونيان كه پنهان ميداشت ايمانش را آيا ميكشيد مرديرا كه ميگويد پروردگار من خداست و

قد جاءكم بالبينات من ربكم وان يك كاذبا فعليه كذبه وان يك

بتحقيق كه آورده است شمارا معجزات از پروردگار شما و اگر باشد دروغگوى پس بر اوست دروغش و اگر باشد

صادقا يصبكم بعض الذى يعدكم ان الله لا يهدى من هو مسرف

راستگو ميرسد شمارا برخى از آنچه وعده ميكند شمارا بدرستيكه خدا هدايت نكند آنكس راكه او اسراف كننده

كذاب ۳۰ يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الارض فمن ينصرنا من

دروغگوست اى قوم من مر شماراست پادشاهى امروز غالبان در زمين پس كيست كه يارى كند ما را از

باس الله ان جاءنا قال فرعون ما اريكم الا ما ارى وما اهديكم الا

عقوبت خدا اگر آيد ما را گفت فرعون نمينمايم شمارا مگر آنچه مى بينم و هدايت نكنم شمارا مگر

سبيل الرشاد ۳۱ وقال الذى امن يا قوم انى اخاف عليكم مثل يوم

براه راست و گفت آنكه ايمان آورد اى قوم بدرستيكه من ميترسم بر شما مانند روز

الاحزاب ۳۲ مثل داب قوم نوح وعاد وثمود ۳۳ والذين من بعدهم وما الله

طوايف دشمن مانند شيوه قوم نوح و عاد و ثمود و آنانكه بودند پس از ايشان و نيست خدا

ابناء: بتقديم با بر نون

اقتل: بفتح همزه قطع و سكون قاف وضمه تا و سكون لام

يظهر: بضم يا و سكون ظا و كسر ها و فتح را

كذبه: بفتح كاف و كسر ذال

يريد

يريد ظلما للعباد ٣١ ويا قوم اني اخاف عليكم يوم التناد ٣٢ يوم تولون

ستمي براي بندگانش واي قوم من بدرستيكه من ميترسم بر شما روز ندا كردن بيكديگر را روزيكه برگردانيده شويد

مدبرين ما لكم من الله من عاصم ومن يضلل الله فما له من هاد ٣٣ ولقد جاءكم

وا پس روندگان نباشد مر شمارا از خدا هيچ نگهدارنده وهركه را كه گمراه گذارد خدا پس نيست مر او را هيچ راهنمائي وبتحقيق آمد شمارا

يوسف من قبل بالبينات فما زلتم في شك مما جاءكم به حتى اذا هلك

يوسف از پيش با معجزات پس پيوسته بوديد در شك از آنچه آمد شمارا بآن تا چون هلاك شد

قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا كذلك يضل الله من هو مسرف مرتاب ٣٤

گفتيد هرگز نه برانگيزد خدا از پس او رسولي را همچنين گمراه ميگذارد خدا كسيرا كه او اسراف كننده شك كننده است

الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان اتيهم كبر مقتا عند الله وعند

آنانكه مجادله ميكنند در آيات خدا بدون حجتي كه آمده ايشانرا عظيم آمد از راه دشمني نزد خدا ونزد

الذين امنوا كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار ٣٥ وقال

آنانكه گرويدند همچنان مهر ميكند خدا بر هر دل تكبر كننده جفاكاري وگفت

فرعون يا هامان ابن لي صرحا لعلي ابلغ الاسباب ٣٦ اسباب السموات

فرعون اي هامان بنا كن برايم بناي رفيع شايد كه من برسم بوسيلها وسيله هاي آسمانها

فاطلع الى اله موسى واني لاظنه كاذبا وكذلك زين لفرعون سوء

پس آگاهي يابم از خداي موسي وبدرستيكه من گمان دارم اورا دروغگوي وهمچنين آراسته شد براي فرعون بدي

عمله وصد عن السبيل وما كيد فرعون الا في تباب ٣٧ وقال الذي

كردارش وباز داشته شد از راه ونبود چاره گري فرعون بجز در زيان وگفت آنكه

امن يا قوم اتبعون اهدكم سبيل الرشاد ٣٨ يا قوم انما هذه الحيوة

ايمان آورده بود اي جماعت پيروي كنيد مرا كه راهنمائي كنم شمارا براه راستي اي قوم من جز اين نيست كه اين زندگاني

الدنيا متاع وان الاخرة هي دار القرار ٣٩ من عمل سيئة فلا يجزى

دنيا مايه اندك تعيشي است وبدرستيكه آخرت آنست سراي آرام كسيكه كرد بدي را پس نخواهد جزا داده شد

الا مثلها ومن عمل صالحا من ذكر او انثى وهو مؤمن فاولئك يدخلون

مگر مانند آن وكسيكه كرد كار شايسته از مذكر يا مؤنث واوست مؤمن پس آنها داخل ميشوند

الجنة يرزقون فيها بغير حساب ٤٠ ويا قوم ما لي ادعوكم الى النجوة

در بهشت روزي داده شوند در آن بي شمار واي قوم من چيست مرا كه ميخوانم شمارا بسوي نجات

وتدعونني الى النار ٤١ تدعونني لاكفر بالله واشرك به ما ليس لي به

وميخوانيد مرا بسوي آتش ميخوانيد مرا كه كافر شوم بخدا وشريك سازم با او آنچه نيست مرا بآن

علم وانا ادعوكم الى العزيز الغفار ٤٢ لا جرم انما تدعونني اليه ليس

علمي ومن ميخوانم شمارا بسوي خداي غالب آمرزنده ناچار جز اين نيست كه آنچه ميخوانيد مرا بسوي آن نيست

له دعوة في الدنيا ولا في الاخرة وان مردنا الى الله وان المسرفين هم اصحاب

مر آنرا خواندني در دنيا ونه در آخرت وآنكه بازگشت ما بسوي خداست وآنكه اسراف كنندگان ايشانند اهل

قوله تعالى الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان الخ يعني الكتابيكه جدال ميكنند در آيات وحجتهاي خداوند بدون حجتي كه آمده باشد ايشانرا بلكه بتقليد وشبهه واخذ باطله بزرگست عمل ايشان بحسب غضب در نزد حق تعالي ودر نزد كسانيكه ايمان آورده اند يعني حضرات اهل البيت عليهم السلام روايتست كه فرمود بدرستيكه خلق نشده آتش مگر براي هر متكبر جبار عنيدي وبراي هر شيطان مريدي وبراي هر متكبري كه ايمان نياورده بروز حساب واز براي هر نصب كننده عداوت از براي حضرات آل محمد عليهم السلام وگفت سهلترين مردم بجهة عذاب ...

فاطلع بفتح همزه قطع وفتح طاء مشدده وكسر لام وفتح عين

اهدكم بفتح همزه قطع وسكون ها وكسر دال

نصف الجزو

در روز قيامت هر آينه مردي است كه آتش تا بدو كعب او باشد وبرا ودو نعل آتش باشد كه بجوش ميآيد از آن دماغ او چنانكه بجوش آيد ديگ بزرگ واو خيال ميكند كه احدي اشد عذابا از او نيست وحال آنكه سهلترين عذاب از او نيست والسلام

النّارِ ۴۷ فَسَتَذكُرُونَ مَا اَقُولُ لَكُم وَاُفَوِّضُ اَمرِي اِلَى اللهِ اِنَّ اللهَ بَصِيرٌ

آتش — پس بزودی یاد خواهید کرد آنچه را میگویم برای شما و وامیگذارم کارم را بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست

بِالعِبَادِ ۴۸ فَوَقٰهُ اللهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرعَونَ سُوءُ العَذَابِ ۴۹

بندگانش — پس نگهداشت خدا بدیهای آنچه را اندیشیدند و احاطه کرد بکسان فرعون بدی عذاب

النّارُ يُعرَضُونَ عَلَيهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَومَ تَقُومُ السَّاعَةُ اَدخِلُوا آلَ

آتش عرضه کرده میشوند بر آن بامداد و شبانگاه و روزیکه برپا شود قیامت داخل کنید کسان

فِرعَونَ اَشَدَّ العَذَابِ ۵۰ وَاِذ يَتَحَاجُّونَ فِي النّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ

فرعون را سخت ترین عقوبت و هنگامیکه نزاع میکنند در آتش پس میگویند ضعیفان مر آنانرا که

استَكبَرُوا اِنَّا كُنَّا لَكُم تَبَعًا فَهَل اَنتُم مُغنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النّارِ ۵۱ قَالَ الَّذِينَ

سرکشی کردند بدرستیکه ما بودیم مر شما را پیرو پس آیا شما هستید کفایت کنندگان از ما بهره از آتش — گفتند آنانکه

استَكبَرُوا اِنَّا كُلٌّ فِيهَا اِنَّ اللهَ قَد حَكَمَ بَينَ العِبَادِ ۵۲ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النّارِ

سرکشی کردند بدرستیکه ما همه در آنیم بدرستیکه خدا بتحقیق حکم نمود میان بندگانش و گفتند آنانکه در آتشند

لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادعُوا رَبَّكُم يُخَفِّف عَنَّا يَومًا مِنَ العَذَابِ ۵۳ قَالُوا اَوَلَم تَكُ

مر خازنان جهنم را بخوانید پروردگارتانرا که تخفیف دهد از ما روزی از عذاب — گویند آیا نبود

تَأتِيكُم رُسُلُكُم بِالبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادعُوا وَمَا دُعَاءُ الكَافِرِينَ اِلَّا

که می آمدند شما را رسولان شما با معجزات گویند آری گویند پس بخوانید و نیست خواندن کافران بجز

فِي ضَلَالٍ ۵۴ اِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الحَيٰوةِ الدُّنيَا وَيَومَ يَقُومُ

در گمراهی — بدرستیکه ما یاری کنیم رسولانمانرا و آنانکه گرویدند در زندگانی دنیا و روزیکه بایستند

الاَشهَادُ ۵۵ يَومَ لَا يَنفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُم وَلَهُمُ اللَّعنَةُ وَلَهُم سُوءُ

گواهان — روزیکه سود نبخشد ستمکارانرا عذرشان و مر آنهاراست لعنت و مر آنهاراست بدی

الدَّارِ ۵۶ وَلَقَد آتَينَا مُوسَى الهُدَى وَاَورَثنَا بَنِي اِسرَائِيلَ الكِتَابَ هُدًى

سرای — و بتحقیق دادیم موسی را هدایت و میراث دادیم بنی اسرائیل را کتاب هدایت

وَذِكرَى لِاُولِي الاَلبَابِ ۵۷ فَاصبِر اِنَّ وَعدَ اللهِ حَقٌّ وَاستَغفِر لِذَنبِكَ

و پند مر صاحبان خردها را — پس صبر کن بدرستیکه وعده خدا راستست و آمرزش خواه مر گناهت را

وَسَبِّح بِحَمدِ رَبِّكَ بِالعَشِيِّ وَالاِبكَارِ ۵۸ اِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللهِ

و تسبیح گوی بستایش پروردگارت بشبانگاه و بامدادان — بدرستیکه آنانکه مجادله میکنند در آیات خدا

بِغَيرِ سُلطَانٍ اَتٰهُم اِن فِي صُدُورِهِم اِلَّا كِبرٌ مَا هُم بِبَالِغِيهِ فَاستَعِذ

بدون حجتی که آمده باشد ایشانرا نیست در سینههاشان جز بزرگی که نیستند رسنده بآن پس پناه بجو

بِاللهِ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ البَصِيرُ ۵۹ لَخَلقُ السَّمٰوَاتِ وَالاَرضِ اَكبَرُ مِن خَلقِ

بخدا بدرستیکه او شنوا و بیناست — هرآینه آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر است از آفرینش

النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكثَرَ النَّاسِ لَا يَعلَمُونَ ۶۰ وَمَا يَستَوِي الاَعمَى وَالبَصِيرُ

مردمان ولیکن بسیاری از مردمان نمیدانند — و یکسان نیستند نابینا و بینا

قوله سبحانه فستذکرون الی بالعباد این آیت را بر خاتم نگین آن نقش کنند و خاتم را در انگشت خود کنند در همه حال الطاف الهی شامل حال او

ادخلوا بفتح همزه قطع و کسر خاء ... بوده باشند اگر من طالب کار او کفایت شود و از آن ظالم ظلمی باو نرسد

قوله تعالی النار یعرضون علیها غدوا وعشیا یعنی آتش عرض کرده میشود آل فرعون را آن صبح و شام ...

لاولی بضم همزه بدون واو

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ ۱ إِنَّ

و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته و نه بدکار اندکی پند میگیرند بدرستیکه

السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۲ وَقَالَ رَبُّكُمُ

قیامت هر آینه آمدنیست نیست در آن شکی و لیکن بسیاری مردمان نمیگروند و گفت پروردگار شما

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

بخوانید مرا که اجابت میکنم شما را بدرستیکه آنانکه سرکشی میکنند از پرستش من بزودی داخل شوند

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ۳ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ

در جهنم خوار شدگان خداست آنکه قرار داد برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و روز را

مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۴

بینش بخشنده بدرستیکه خدا هر آینه صاحب کرمست بر مردمان ولیکن بیشتر مردمان شکر نمیکنند

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ۵ كَذَٰلِكَ

اینست شما را خدا پروردگار شما آفریننده هر چیزی نیست خدائی جز او پس بکجا برگردانیده میشوید همچنان

يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۶ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ

برگردانیده شوند آنانکه بودند که با آیتهای خدا انکار میکردند خداست آنکه گردانید برای شما زمین را

قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَٰلِكُمُ

قرارگاهی و آسمان را بنائی و پیکر داد شما را پس نیکو ساخت پیکرهای شما را و روزی داد شما را از چیزهای پاکیزه اینست شما را

اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۷ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ

خدا پروردگار شما پس برتر آمد خدا پروردگار جهانیان اوست زنده که نیست خدائی بجز او پس بخوانید او را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۸ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ

خالص کنندگان برای او دین را ستایش مخصوص خداست که پروردگار جهانیانست بگو بدرستیکه من نهی کرده شدم که پرستم

الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ

آنانکه میخوانید از غیر خدا چون آمد مرا حجتهای روشن از پروردگارم و امر کرده شدم که منقاد شوم

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۹ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ

مر پروردگار جهانیان را اوست آنکه آفرید شما را از خاک پس از آب منی پس از خون بسته پس

يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ

بیرون آورد شما را کودکی پس تا برسید بکمال قوت آن پس تا بشوید پیران و از شما هست کسیکه میمیرد

مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۷۰ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ

از پیش و تا برسند بوقتی نام برده شده و شاید شما دریابید بعقل اوست آنکه زنده کند

يُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۷۱ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

و بمیراند پس چون قرار داد امری را پس جز این نیست که میگوید مر آنرا باش پس میباشد آیا ندیدی بسوی آنانکه

يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ۷۲ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا

مجادله میکردند در آیات خدا که بکجا برگردانیده میشوند آنانکه تکذیب کردند کتاب را و بآنچه

قوله تعالی
ادعونی استجب لکم در
احتجاج از حضرت صادق
علیه السلام است آنکه سؤال
کرده شد که نه آیا حقتعالی
فرمود ادعونی استجب لکم
و تحقیق می‌بینیم [illegible]

استجب
بفتح همزه قطع

که دعا میکنند و اجابت
کرده نمیشود و مظلوم طلب
نصرت میکند بر عدو خود
پس نصرت نمیکند او را
حقتعالی فرمود که دعا
نمیکند احدی بجز آنکه
مستجاب میشود از برای او
اما ظالم پس دعای او
مردود است تا وقتیکه

یجحدون
بتقدیم جیم بر حا

توبه کند از ظلم و اما صاحب
حق پس وقتیکه دعا کند
مستجاب میشود از برای
او و صرف میشود از او بلا
از جهتی که نمیداند یا ذخیره
میشود از برای او ثواب
جزیلی از برای روز حاجت
او و اگر نبوده باشد امریکه
سؤال میکند عبد خیر از برای
او آنکه عطا کند حقتعالی
او را امساک میکند از او
و مؤمن عارف بحقتعالی
بسا هست که غیر برات
برای او آنکه دعا کند در خیری
که نمیداند آنا صواب است
انتهی با خطاء والسلام
۱۲

ارسلنا

أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ٧٣ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ
فرستادیم ما بآن رسولانمانرا پس بزودی میدانند آنگاه که غلها ست در گردنهاشان و زنجیرها

يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ٧٤ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ
کشیده میشوند در آب جوشنده پس در آتش انداخته شوند پس گفته شد مر ایشانرا کجاست آنچه بودید شریک میساختید

مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُو مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ
از غیر خدا گویند گم شدند از ما بلکه نبودیم که بخوانیم از پیش چیزیرا همچنان گمراه گذارد خدا

الْكَافِرِينَ ٧٥ ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ
کافرانرا این شمارا بسبب آنچه بودید شادمانی میکردید در زمین بناحق و بسبب آنچه بودید

تَمْرَحُونَ ٧٦ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ٧٧
مینازیدید داخل شوید درهای جهنم را جاویدان در آن پس بد است جایگاه تکبر کنندگان

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ
پس صبر کن بدرستیکه وعده خدا راستست پس یا مینمائیم ترا برخی از آنچه وعده میدهیم ایشانرا یا متوفی مینمائیم تورا

فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ٧٨ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا
پس بسوی ما برگردانیده میشوند و بتحقیق فرستادیم ما رسولانی را پیش از تو از آنها کسیست که خواندیم

عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ
بر تو و از ایشان کسی است که نخواندیم بر تو و نسزد مر رسولی را که بیاورد آیتی

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ٧٩
مگر بدستوری خدا پس چون آمد فرمان خدا حکم کرده شد بحق و زیان کنند در آنجا باطل کاران

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ٨٠ وَلَكُمْ
خداست آنکه گردانید برای شما چهارپایانرا تا سوار شوید بعضی از آنها را و بعضی از آنها را میخورید و مر شماراست

فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ
در آنها سودها و تا برسید بر آنها بحاجتی که در سینهای شماست و بر آنها و بر کشتیها

تُحْمَلُونَ ٨١ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ٨٢ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
بار کرده میشوید و مینماید بشما آیات خود را پس کدام یک از آیات خدا را انکار میکنید آیا پس سیر نمیکنند در زمین

فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَ
پس بنگرند چگونه بود انجام آنانکه بودند پیش از ایشان بودند بسیارتر از ایشان و سخت تر بتوانائی و

آثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ٨٣ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
اثرها در زمین پس کفایت نکرد از ایشان آنچه بودند که کسب میکردند پس چون آمد ایشانرا رسولانشان

بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٨٤
با حجتهای باهره شاد شدند بآنچه بود نزد ایشان از دانش و احاطه کرد بایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ٨٥ فَلَمْ
پس چون دیدند عذاب ما را گفتند گرویدیم بخدا تنها و کافر شدیم بآنچه بودیم بآن شرک آورندگان پس نه

يُسْحَبُونَ بضمّ یاء و سکون سین و فتح حا

يُسْجَرُونَ بضمّ یاء و سکون سین و فتح جیم

قوله تعالی ویریکم آیاته فأیّ آیات الله تنکرون یعنی و می‌نماید بشما آیات خود را که دلیل کمال قدرت و فر و حکمت اوست پس کدام یک از آیات خدا را انکار میکنید زیرا که بسبب ظهور آیات قبول انکار نمیکند علی بن ابراهیم قمی ره گوید که مراد بآیات حضرت امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام اند در وقت رجعت … برمیگردانند …

قوله تعالی الذی جعل … این آیه را در ظرف پاک بنویسند و بشویند آنرا با آب چاهی که آفتاب ندیده باشد و گوسفندی که شیر کم داشته باشد قدری از آن آب بر علف او بزنند شیرش زیاد شود و اگر یکی از آن حیوانها را مرضی باشد چون از این آب قدری بخورد شفا یابد انشاء الله تعالی ١٢

يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ

نبود که سود کند ایشان را ایمانشان چون دیدند عذاب ما را دستوری خداست که بتحقیق گذشت در بندگانش و زیان کردند

هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ

در آنجا کافران

سورة فصّلت (۴۱) اربع وخمسون آية وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

حم ١ تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ٢ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ

فرو فرستاده شده ایست از خدای بخشنده مهربان کتابیست تفصیل داده شده آیاتش قرآنیست عربی برای گروهی

يَعْلَمُونَ ٣ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ٤ وَقَالُوا

که میدانند مژده دهنده و بیم کننده پس روگردانیدند بسیاری از ایشان پس ایشان نمیشنوند و گفتند

قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ

دلهای ما در حجابیست از آنچه میخوانید ما را بسوی آن و در گوشهای ما گرانیست و از میان ما و میان تو

حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ ٥ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ

مانعیست پس عمل کنید بدرستیکه ما هم عمل کنندگان بگو جز این نیست من هم انسانی مانند شما که وحی کرده میشود بسوی من جز این نیست خدای شما

إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ٦ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ

خدای یگانه است پس رو آرید بسوی او و طلب آمرزش کنید از او و وای بر مشرکان آنانکه نمیدهند

الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ٧ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

زکات را و ایشان بآخرت ایشان کافرانند بدرستیکه آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته

لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ٨ قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ

مر ایشان راست پاداشی نامقطوع بگو آیا که شما هر آینه کافر میشوید بآنکس که آفرید زمین را در دو روز و

تَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ٩ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا

میگردانید از برای او همتاها آنست پروردگار جهانیان و قرار داد در آنها کوههای استوار از بالایش

وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ١٠ ثُمَّ

و برکت داد در آن و تقدیر کرد در آن خوردنیهایش را در چهار روز مساوی برای خواهندگان پس

اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا

پرداخت بسوی آسمان و آن دودی بود پس گفت مر آنرا و مر زمین را که بیایید خواه یا ناخواه

قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ١١ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ

گفتند آمدیم فرمانبرداران پس قرار داد آنها را هفت آسمانها در دو روز و وحی کردیم در هر

سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

آسمانی کارش را و آراستیم آسمان دنیا را بچراغها و محافظتی آنست قرار داد خداوند غالب

الْعَلِيمِ ١٢ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ

دانا پس اگر روگردانیدند پس بگو بیم دادم شما را بصاعقه مانند صاعقه عاد و ثمود

حم — میم کل ملکها احد

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله هر کس سوره حم سجده را بخواند بعدد هر حرفی از آن ده حسنه در نامه اعمال او حضرت حق سبحانه وتعالی عطا فرماید ١٢

الهکم اله بکسر همزه در دو موضع

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که این سوره را هر که تلاوت کند در روز قیامت نور او ...

قوله تعالی فلما راوا باسنا الی آخر الآیات ...

اذ جاءتهم الرسل من بين ايديهم ومن خلفهم الا تعبدوا الا الله

هنگامیکه آمدند ایشانرا رسولان از میان دستهاشان و از پس سرشان که مپرستید غیر خدارا

قالوا لو شاء ربنا لانزل ملئكة فانا بما ارسلتم به كافرون ۱۴ فاما عاد

گفتند اگر خواستی پروردگار ما هر آینه فرو فرستادی ملائکه پس بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شدید کافرانیم پس اما عاد

فاستكبروا في الارض بغير الحق وقالوا من اشد منا قوة اولم يروا ان الله

پس سرکشی کردند در زمین بغیر حق و گفتند کیست سختتر از ما بقوت آیا ندیدند بدرستیکه خدائی

الذي خلقهم هو اشد منهم قوة وكانوا باياتنا يجحدون ۱۵ فارسلنا

که آفرید ایشانرا اوست سختتر از آنها بقوت و بودند که آیات ما را انکار میکردند پس فرستادیم

عليهم ريحا صرصرا في ايام نحسات لنذيقهم عذاب الخزي في الحيوة

برایشان بادی بسیار سرد در روزهای شوم تا بچشانیم ایشانرا عذاب خواری در زندگانی

الدنيا ولعذاب الاخرة اخزى وهم لا ينصرون ۱۶ واما ثمود فهديناهم

دنیا و هر آینه عذاب آخرت خوار کننده تر است و ایشان یاری کرده نشوند و اما ثمود پس راه نمائی کردیم ایشانرا

فاستحبوا العمى على الهدى فاخذتهم صاعقة العذاب الهون بما كانوا

پس اختیار کردند کوری را بر هدایت پس گرفت ایشانرا صاعقه عذاب خواری بسبب آنچه بودند

يكسبون ۱۷ ونجينا الذين امنوا وكانوا يتقون ۱۸ ويوم يحشر اعداء الله

که کسب میکردند و نجات دادیم آنانکه ایمان آوردند و بودند که پرهیزگاری میکردند و روزیکه حشر کرده شوند دشمنان خدا

الى النار فهم يوزعون ۱۹ حتى اذا ما جاؤها شهد عليهم سمعهم و

بسوی آتش پس ایشان باز داشته شوند تا چون آیند آنجا را گواه دهد برایشان گوش آنها و

ابصارهم وجلودهم بما كانوا يعملون ۲۰ وقالوا لجلودهم لم شهدتم

چشمهاشان و پوستهاشان بآنچه بودند که میکردند و گویند بپوستهاشان چرا گواهی دادید

علينا قالوا انطقنا الله الذي انطق كل شيء وهو خلقكم اول مرة واليه

برما گویند گویا گردانید ما را خدائیکه گویائی داد هر چیزرا و او آفرید شما را اول مرتبه و بسوی او

ترجعون ۲۱ وما كنتم تستترون ان يشهد عليكم سمعكم ولا ابصاركم ولا

باز میگردید و نبودید که پنهان میشدید که گواهی میدهد برشما گوش شما و نه چشمهاتان و نه

جلودكم ولكن ظننتم ان الله لا يعلم كثيرا مما تعملون ۲۲ وذلكم ظنكم

پوستهاتان ولیکن گمان میکردید که خدا نمیداند بسیاری از آنچه میکردید و این بود گمان شما

الذي ظننتم بربكم ارديكم فاصبحتم من الخاسرين ۲۳ فان يصبروا فالنار

که گمان داشتید بپروردگارتان هلاک کرد شما را پس گردیدید از زیانکاران پس اگر صبر کنند پس آتش است

مثوى لهم وان يستعتبوا فما هم من المعتبين ۲۴ وقيضنا لهم قرناء فزينوا

مقام مر ایشانرا و اگر خوشنودی طلب کنند پس نیستند ایشان از عذر پذیرفته شدگان و برگماشتیم برای آنها رفیقان پس آرایش دادند

لهم ما بين ايديهم وما خلفهم وحق عليهم القول في امم قد خلت من قبلهم

برای ایشان آنچه بود میان دستهاشان و پس سرشان و ثابت شد برایشان سخن در امتانیکه گذشتند پیش از آنها

قوله تعالی ویوم یحشر اعداء الله الی النار الی آخر الآیه در صافی از قمی روایت است گویند که نازل است در قومی که عرض میشود بر ایشان اعمال ایشان پس انکار میکنند آنرا و میگویند ما هیچ چیزی از آنها را نکرده‌ایم پس شهادت میدهند بر ایشان ملائکه آنچنانکه نوشتند بر ایشان اعمال ایشانرا و از حضرت صادق علیه السلام است

یجحدون بتقدیم جیم بر حا میگویند از برای خدا پروردگار ایشان ملائکه تو آنند شهادت میدهند از برای تو بعد قسم میخورند بحق تعالی که نکرده‌اند این اعمال را چیزی و آن قول خدای عز و جل است یوم یبعثهم الله جمیعا فیحلفون له کما یحلفون لکم و ایشان کسانیند که غصب کردند خلافت امیر المؤمنین را پس در آنجا ختم میکند بر افواه ایشان

ما جاؤها بضم همزه و سکون واو و ناطق میکند جوارح ایشان را پس شهادت میدهد سمع بآنچه شنیده است از محارم حق تعالی و شهادت میدهد بصر بآنچه نظر کرده است بآن بسوی محارم حق تعالی و شهادت میدهند دو دست بآنچه گرفته‌اند و شهادت میدهند دو پا بآنچه سعی کرده‌اند در محارم حق تعالی و شهادت میدهد فرج بآنچه مرتکب شده است از محارم حق تعالی بعد ناطق میگرداند خدای عز و جل زبانهای ایشانرا پس میگویند باز برای جلودهاشان خود چرا شهادت دادید بر ما پس میگویند انطقنا الله الذی انطق کل شیء والسلام علی من اتبع الهدی ۱۲

حمٓ ۱

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ٢٥ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا

از جن و انس بدرستیکه ایشان بودند زیانکاران و گفتند آنانکه کافر شدند مشنوید

لِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ٢٦ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا

مر این قرآن را و هرزه گوئید در آن شاید شما غالب شوید پس هر آینه بچشانیم آنانکه کافر شدند عذابی

شَدِيدًا ٢٧ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ٢٨ ذَٰلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ

سخت را و هر آینه جزا دهیم ایشانرا بدتر از آنکه بودند میکردند اینست پاداش دشمنان

اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ٢٩ وَقَالَ

خدا آتش مر ایشانرا در آنست سرای جاوید بجزای آنچه بودند که بآیات ما انکار میکردند و گفتند

الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا اللَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ

آنانکه کافر شدند پروردگارا بنما مارا آن دو کس که گمراه کردند مارا از جن و انس تا بگردانیم ایشانرا در زیر

أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ٣٠ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا

قدمهامان تا باشند از فروتران بدرستیکه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست پس استادگی کردند

تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي

فرود آیند برایشان ملائکه که مترسید و اندوه مخورید و شادمان باشید ببهشتی که

كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ٣١ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا

بودید وعده داده میشدید ماییم دوستان شما در زندگانی دنیا و در آخرت و مر شماراست در آن

مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ٣٢ نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ٣٣ وَمَنْ

آنچه خواهد نفسهای شما و مر شماراست در آن آنچه میطلبید فرود آوردنی از آمرزنده مهربان و کیست

أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ٣٤ وَلَا

خوبتر در سخن از آنکه خواند بسوی خدا و کرد کار شایسته و گفت بدرستیکه منم از مسلمانان و نیست

تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ

یکسان خوبی و نه بدی دفع کن بانچه آن خوبتر است پس آنگاه آنکه میان تو و میان او

عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ٣٥ وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا

دشمنی است گویا که آن دوستی است مهربان و داده نشوند آنرا مگر آنانکه صبر کردند و داده نشوند مگر

ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ٣٦ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ

بهره بزرگ و اگر از جای برآورد ترا از شیطان وسوسه پس پناه بر بخدا بدرستیکه اوست

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٣٧ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا

شنونده دانا و از آیات اوست شب و روز و آفتاب و ماه سجده مکنید

لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ٣٨

مر آفتاب و نه ماه را و سجده کنید مر خدایرا که آفرید ایشانرا اگر هستید که او را میپرستید

فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ٣٩

پس اگر سرکشی کنند پس آنانکه نزد پروردگار تو تسبیح میکنند مر او را بشب و روز و ایشان ملول نمی شوند

قوله تعالی
ان الذین قالوا ربنا الله
ثم استقاموا الخ در تفسیر امام
حسن عسکری علیه السلام
[illegible]
خوف از سوء عاقبت
و یقین ندارد وصول برضوان
یجحدون
بتقدیم جیم بر حا
اللذین
بفتح ذال و کسر نون
[illegible]
اولیاؤکم
بضم همزه بدون واو
[illegible]
فصلت

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنَّكَ تَرَى الْاَرْضَ خَاشِعَةً فَاِذَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَآءَ اهْتَزَّتْ

و از آیات اوست که تو می بینی زمین را فرسوده افسرده پس چون فرو فرستادیم برآن آب را بحرکت آید

وَرَبَتْ اِنَّ الَّذِيْٓ اَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتٰى اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ٣٩ اِنَّ الَّذِيْنَ

و افزونی پذیرد بدرستیکه آنکه زنده اش گرداند هر آینه زنده کننده مردگانست بدرستیکه او بر همه چیز تواناست بدرستی که آنانکه

يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا اَفَمَنْ يُّلْقٰى فِي النَّارِ خَيْرٌ اَمْ مَّنْ يَّاْتِيْٓ

نابکاری میکنند در آیات ما پنهان نیست بر ما آیا پس آنکه افکنده شود در آتش بهتر است یا آنکه بیاید

اٰمِنًا يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ اِعْمَلُوْا مَا شِئْتُمْ اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ٤٠ اِنَّ الَّذِيْنَ

ایمن روز قیامت بکنید آنچه خواهید بدرستی که او بآنچه میکنید بیناست بدرستی آنانکه

كَفَرُوْا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ وَاِنَّهٗ لَكِتٰبٌ عَزِيْزٌ ٤١ لَّا يَاْتِيْهِ الْبَاطِلُ مِنْۢ بَيْنِ

کافر شدند بقرآن چون آمد ایشانرا و بدرستیکه آن هر آینه کتابیست گرامی نیاید آنرا باطل از میان

يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهٖ تَنْزِيْلٌ مِّنْ حَكِيْمٍ حَمِيْدٍ ٤٢ مَا يُقَالُ لَكَ اِلَّا مَا قَدْ قِيْلَ

دو دستش و نه از پس سرش فرو فرستاده ایست از حکیم ستوده گفته نمیشود مر ترا بجز آنچه بحقیقت گفته شد

لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ اِنَّ رَبَّكَ لَذُوْ مَغْفِرَةٍ وَّذُوْ عِقَابٍ اَلِيْمٍ ٤٣ وَلَوْ جَعَلْنٰهُ

مر رسولانرا پیش از تو بدرستیکه پروردگار تو هر آینه صاحب آمرزش و صاحب عقوبت دردناک و اگر میکردیم آنرا

قُرْاٰنًا اَعْجَمِيًّا لَّقَالُوْا لَوْلَا فُصِّلَتْ اٰيٰتُهٗٓ ءَاَعْجَمِيٌّ وَّعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِيْنَ

قرآنی عجمی هر آینه میگفتند چرا بیان کرده نشده آیاتش آیا عجمیت کتاب و رسول عربی بگو آنست برای آنانکه

اٰمَنُوْا هُدًى وَّشِفَآءٌ وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرٌ وَّهُوَ عَلَيْهِمْ

گرویدند هدایت و شفا و آنانکه نمیگروند در گوشهاشان گرانیست و آن برایشان

عَمًى اُولٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ٤٤ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ

کوریست ایشانند که ندا کرده میشوند از جائی دور و هر آینه دادیم موسی را کتاب

فَاخْتُلِفَ فِيْهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَاِنَّهُمْ لَفِيْ

پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبود سخنی که پیش رفت از پروردگارت هر آینه حکم کرده شد میانه ایشان و ایشان هر آینه در

شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ ٤٥ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَيْهَا وَمَا

شکند از آن که بگمان اندازنده اند هر که کرد کار شایسته پس برای خود کرد و هر که بد کرد پس بر او است و نیست

رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ٤٦ اِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرٰتٍ

پروردگار تو ستمگار مر بندگانرا بسوی او برگردانیده شود دانش قیامت و آنچه بیرون آید از میوه جات

مِّنْ اَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ اَيْنَ

از غلافهایش و آنچه بار نگیرد هیچ مونثی و بار ننهد مگر بدانش او و روزیکه ندا کند ایشانرا که کجایند

شُرَكَآءِيْ قَالُوْٓا اٰذَنّٰكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيْدٍ ٤٧ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَدْعُوْنَ

شریکان من گویند اعلام کردیم ترا که نیست از ما هیچ گواهی و گم شد از ایشان آنچه بودند که میخواندند

مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوْا مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيْصٍ ٤٨ لَا يَسْئَمُ الْاِنْسَانُ مِنْ دُعَآءِ الْخَيْرِ وَاِنْ

از پیش و گمان برند که نیست مر ایشانرا هیچ گریزگاهی ملول نمی شود انسان از دعای خیر و اگر

قوله تعالی

ولقد آتینا موسی الکتاب فاختلف فیه یعنی هر آینه بتحقیق عطا کردیم موسی کتاب پس اختلاف کرده شد در آن چنانکه اختلاف کرده شد در قرآن و این تسلی است از برای حضرت رسول و در کافی از حضرت باقر علیه السلام است که فرمود اختلاف کردند قوم موسی کتاب خود را و باشد که اختلاف کنند این امت در کتاب آن چنانکه با حضرت قائم علیه السلام است در وقتی مبارک کتاب را از برای ایشان حتی آنکه انکار میکنند آنرا مردمانی بسیار پس مقدم میدارد ایشانرا میزند گردنهای ایشانرا والسلام ١٢

مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُسٌ قَنُوطٌ ۝ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ

رسد او را بدی پس ناامید است ناامید و هر آینه اگر بچشانیم او را رحمتی از خود از بعد زیانی که مس کرده او را

لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي

هر آینه گوید البته این مر است و نمی‌پندارم قیامت را قایم و هر آینه اگر بازگردانیده شوم بسوی پروردگارم هر آینه مراست

عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ

نزد او هر آینه خوبست پس خبر دهیم البته آنانکه کافر شدند بانچه کردند و هر آینه بچشانیم ایشانرا از عذاب

غَلِيظٍ ۝ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ

سخت و چون احسان کنیم بر انسان روی گرداند و دور کشد جانبش را و چون مس کند او را

الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ

بدی پس صاحب دعائیست پهن بگو آیا دیدید خبر دهید که اگر باشد از نزد خدا پس کافر شدید

بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ

بان کیست گمراه تر از کسیکه اوست در خلافی دور زود بنمائیم ایشانرا آیات خود در آفاق

فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

در خودهاشان تا آشکار گردد مر ایشانرا که آنست حق آیا و کافی نیست پروردگارت که او بر هر چیزی گواهست

شَهِيدٌ ۝ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ

گواهست آگاه باشید که ایشانند در شکی از ملاقات پروردگارشان آگاه باشید که اوست بهمه چیز احاطه کننده

سورة الشورى ثلث وخمسون آية وهي مكية (٤٢)

نزلت بعد فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

حم ۝ عسق ۝ كَذَٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

همچنین وحی میفرستد بتو و بسوی آنانکه بودند پیش از تو خداوند غالب درست کردار

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۝ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ

مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و اوست برتر بزرگ نزدیکست آسمانها

يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ

چاک چاک شوند از بالاشان و فرشتگان تسبیح میکنند بستایش پروردگارشان و آمرزش میخواهند برای کسیکه

فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ

در زمین است دانسته باش که خداست که او آمرزنده مهربانست و آنانکه گرفتند از غیر او

أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا

دوستان خدا نگهبانست برایشان و نیستی تو برایشان گماشته و همچنان وحی کردیم

إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ

بسوی تو قرآنی عربی تا بیم کنی اهل مکه را و هر که پیرامون آنست و بیم کنی از روز جمعیت که نیست شکی

للحسنى: بفتح لام اول و سکون لام دوم

نأی: بفتح نون بعد از آن همزه و الف چون دعا

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه روایت که هر که حمعسق تلاوت کند خدا ... روز قیامت چون ماه شب چهارده نورانی گرداند ... و خطاب گردد ... که ای بندهٔ مومن ... نمودی بخواندن حمعسق ... ثواب آن ... اگر علم ... قرائت این سوره میدانستی هرگز از خواندن آن حال نیافتی ... پس امر فرماید که او را

حم عسق: میم و سین و قاف ... بهشت برند ... قصری که ... از باطنش و باطنش از ظاهرش مشاهده توان کرد

١٢

فيه فريق في الجنة وفريق في السعير ولو شاء الله لجعلهم امة واحدة

در آن پاره در بهشتند و فریقی در آتش سوزنده و اگر خواستی خدا هر آینه کردی ایشانرا امت واحده

ولكن يدخل من يشاء في رحمته والظالمون ما لهم من ولي ولا نصير ٧

و لیکن در آورد هر کرا خواهد در رحمت خود و ستمگاران نیست مر ایشانرا هیچ دوستی و نه یاوری

ام اتخذوا من دونه اولياء فالله هو الولي وهو يحيي الموتى وهو على

یا گرفتند از غیر او دوستان پس خدا اوست دوست و او زنده کند مردگانرا و او بر

كل شيء قدير ٨ وما اختلفتم فيه من شيء فحكمه الى الله ذلكم الله ربي

هر چیزی تواناست و آنچه اختلاف کردید در آن از چیزی پس حکم آن با خداست اینست خدا پروردگار من

عليه توكلت واليه انيب ٩ فاطر السموات والارض جعل لكم من

بر او توکل کردم و بسوی او باز گشت میکنم پدید آورنده آسمانها و زمین که پدید آورد مر شما را از

انفسكم ازواجا ومن الانعام ازواجا يذرؤكم فيه ليس كمثله شيء و

خودهاتان جفتها و از چهارپایان جفتها بسیار گرداند شما را در آن نیست مانند او چیزی و

هو السميع البصير ١٠ له مقاليد السموات والارض يبسط الرزق لمن

اوست شنونده بینا مر او راست کلیدهای آسمانها و زمین بر گشاید روزی را برای هر که

يشاء ويقدر انه بكل شيء عليم ١١ شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا

میخواهد و تنگ میکند بدرستیکه اوست بهر چیزی دانا آیین نهاد برای شما از دین آنچه وصیت کردیم نوح را بآن

والذي اوحينا اليك وما وصينا به ابرهيم وموسى وعيسى ان اقيموا

و آنچه وحی کردیم بسوی تو و آنچه وصیت کردیم بآن ابراهیم و موسی و عیسی را که برپای دارید

الدين ولا تتفرقوا فيه كبر على المشركين ١٢ ما تدعوهم اليه الله

دین را و جدا نشوید در آن عظیم آمد بر مشرکان آنچه میخوانید ایشانرا بسوی او خدا

يجتبي اليه من يشاء ويهدي اليه من ينيب ١٣ وما تفرقوا الا من بعد

میگزیند بسوی آن هر کرا میخواهد و هدایت میکند بآن هر کرا بازگشت میکند و متفرق نشدند بجز از بعد

ما جاءهم العلم بغيا بينهم ولولا كلمة سبقت من ربك الى اجل مسمى

آنچه آمد ایشانرا دانش از راه ستم میانشان و اگر نبودی سخنی که پیش رفته از پروردگارت بسوی مدت نام برده شده

لقضي بينهم وان الذين اورثوا الكتاب من بعدهم لفي شك منه مريب ١٤

هر آینه حکم شدی میانشان و بدرستیکه آنانکه میراث داده شدند کتاب را از بعد ایشان هر آینه در شکند از آن تهمت اندازنده

فلذلك فادع واستقم كما امرت ولا تتبع اهواءهم وقل امنت بما انزل

پس برای این پس بخوان و ثابت باش همچنانکه مأمور شده و پیروی مکن مرادهای ایشانرا و بگو گرویدم بآنچه فرو فرستاد

الله من كتاب وامرت لاعدل بينكم الله ربنا وربكم لنا اعمالنا ولكم

خدا از کتاب و مأمور شدم که عدالت ورزم میانه شما خداست پروردگار ما و پروردگار شما مر ماراست عملهای ما و مر شماراست

اعمالكم لا حجة بيننا وبينكم الله يجمع بيننا واليه المصير ١٥ والذين

اعمال شما نیست خصومتی میان ما و شما خدا جمع کند میان ما و بسوی اوست بازگشت و آنانکه

قوله تعالى قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى یعنی بگو ای محمد سؤال نمیکنم بر تبلیغ نبوت خود اجری و اقتضا از شما که باید من شود بمحبت و مودت در قربای من و در مجمع البیان از حضرت سجاد و باقر و صادق صلوات الله علیهم مرویست که فرمودند الا المودة في القربى گرانکه دوست دارید قرابت و عترت مرا و حفظ نمائید حرمت و حق مرا در ایشان علیهم السلام و رضای

یذرؤکم بضم همزه بلا واو

از حضرت صادق ع منقولست که چون رجوع نمود حضرت رسول خدا ص از حجة الوداع وارد مدینه گردید آمدند انصار بخدمت آنحضرت و گفتند یا رسول الله بدرستیکه خدای تعالی احسان فرموده بما و مشرف ساخت مارا بوجود تو و نزول تو در میان ما طائف ما پس بجهت تعزیت حق تعالی از صدق تو یاری در انداخت عدو ما گاهی میایند شما وارد و نازل بسیار و نمی یابی چیزیکه عطا کنی بایشان پس شماتت میکنند اعدا پس میخواهیم که دوست بگیری ثلث اموال مارا تا وقتیکه وارد شوند بر تو نازل و وارد بر انحضرت

لاعدل بکسر لام اول و فتح همزه و سکون عین و کسر دال و فتح لام آخر

داشته باشی چیزیکه عطا کنی بایشان والسلام ۱۴

يحاجون في الله من بعد ما استجيب له حجتهم داحضة عند ربهم و

خصومت می کنند در خدا از بعد آنکه اجابت کرده شد مراورا حجتشان باطلست نزد پروردگارشان و

عليهم غضب ولهم عذاب شديد ١٦ الله الذي انزل الكتاب بالحق و

و بر ایشانست سخط و مرایشانراست شکنجهٔ سخت خداست آنکه فرو فرستاد کتاب را بحق و

الميزان وما يدريك لعل الساعة قريب ١٧ يستعجل بها الذين لا يؤمنون

میزان و چه چیز دانا کرد ترا شاید قیامت نزدیک باشد بشتاب میخواهند آنرا آنانکه نمیگروند

بها والذين امنوا مشفقون منها ويعلمون انها الحق الا ان الذين

بآن و آنانکه گرویدند ترسندگانند از آن و میدانند که آن حق است آگاه باش بدرستیکه آنانکه

يمارون في الساعة لفي ضلال بعيد ١٨ الله لطيف بعباده يرزق من

شک میکنند در قیامت هر آینه در گمراهی دورند خدا صاحب لطف است ببندگانش روزی میدهد هر کرا

يشاء وهو القوي العزيز ١٩ من كان يريد حرث الاخرة نزد له في حرثه

خواهد و اوست توانای غالب کسیکه اراده میکند زراعت آخرت را میافزائیم اورا در زراعتش

ومن كان يريد حرث الدنيا نؤته منها وما له في الاخرة من نصيب ٢٠

و کسیکه اراده میکند زراعت دنیا را میدهیم اورا از آن و نیست مراورا در آخرت هیچ بهره

ام لهم شركاء شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله ولولا كلمة

بلکه مر ایشان راست شریکان که آئین نهادند در دین آنچه را دستوری نداد بآن خدا و اگر نبود سخن و تقدیر

الفصل لقضي بينهم وان الظالمين لهم عذاب اليم ٢١ ترى الظالمين

تأخیر هر آینه حکم میشد میان ایشان و بدرستیکه ستمگاران مر ایشانراست عذاب دردناک می بینی ستمگاران را

مشفقين مما كسبوا وهو واقع بهم والذين امنوا وعملوا الصالحات

در قیامت ترسندگان از آنچه کسب کردند و آن واقع است بایشان و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

في روضات الجنات لهم ما يشاؤن عند ربهم ذلك هو الفضل

در چمنهای بهشتها مر ایشانراست آنچه میخواهند نزد پروردگارشان اینست آن کرم

الكبير ٢٢ ذلك الذي يبشر الله عباده الذين امنوا وعملوا الصالحات

بزرگ اینست آنچه مژده میدهد خدا بندگانش را آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى ومن يقترف حسنة

بگو نمیخواهم از شما بر آن مزدی بجز دوستی در قرابت و هر که کسب نماید خوبی را

نزد له فيها حسنا ان الله غفور شكور ٢٣ ام يقولون افترى على الله

می افزائیم مراورا در آن خوبی بدرستیکه خداست آمرزندهٔ شکرپذیر یا میگویند نسبت کرد بر خدا

كذبا فان يشا الله يختم على قلبك ويمح الله الباطل ويحق الحق

دروغ را پس اگر خواهد خدا مهر می نهد بر دلت و محو میکند خدا باطل را و ثابت میکند حق را

بكلماته انه عليم بذات الصدور ٢٤ وهو الذي يقبل التوبة

بکلماتش بدرستیکه او داناست بدرون سینها و اوست آنکه می پذیرد توبت را

عن عباده

قوله تعالى
قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى از حضرت رسول خدا مرویست که خداوند مرا فرمود انبیا را از اشجار متفرقه و خلق شده ام من و علی علیه السلام از شجره واحد و من اصل آنم و علی فرع آنست و فاطمه شاخه باردار آنست و حسن و حسین ثمار آن درخت شده و اشیاع ما اوراق آن شجر پس کسیکه تعلق میگیرد ببعضی از اغصان این شجره نجات مییابد و کسیکه میل کند از آن بسقر فرو رود و اگر عبادت کند خدا و ندیم علیرا میان صفا و مروه هزار سال بعد هزار سال بعد هزار سال تا آنکه بگردد مثل مشک پوسیده یعنی خشک خشک گشت شده مند رسی پس ادراک نکند محبت ما را برو در میاندازد خداوند برو در سوراخ دماغ او بعد تلاوت فرمود قل لا اسئلكم الآیه و در کافی از حضرت

ما يشاؤن
بضم همزه و سکون واو

باقر علیه السلام است که سؤال کرده شد از این آیه فرمود ایشان حضرات ائمه علیهم السلام اند و در خصال از حضرت علی مرتضی علیه السلام فرمود که حضرت رسول خدا فرمود اگر کسی که دوست ندارد عترت مرا یکی از سه امر است یا منافق است یا از ولد زناست یا حامله شده است مادرش در غیر طهر یعنی در حیض علیه السلام

عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ٢٥ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ

از بندگانش و در میگذرد از بدیها و میداند آنچه میکنید و اجابت مینماید آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ

گرویدند و کردند کارهای شایسته و افزون میکند ایشانرا از کرمش و کافران مر ایشانراست شکنجهٔ

شَدِيدٌ ٢٦ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ

سخت و اگر فراخ کرده بود خدا روزی را برای بندگانش هر آینه ستم کردندی در زمین ولیکن فرو میفرستد

بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ٢٧ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ

باندازه آنچه میخواهد بدرستیکه او به بندگانش آگاه و بیناست و اوست آنکه فرو میفرستد باران را از

بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ٢٨ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ

بعد آنکه نومید شدند و منتشر میگرداند رحمتش را و اوست دوست ستوده و از آیات اوست که آفرید آسمانها

وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ٢٩

و زمین است و آنچه پراکنده در آنها از جنبنده و اوست بر جمع کردنشان هرگاه بخواهد توانا

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ٣٠ وَمَا

و آنچه رسد شما را از حوادث پس بسبب چیزیست که کسب کرد دستهاتان و در میگذرد از بسیاری و نیستید

أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ٣١ وَ

شما عاجز کنندگان در زمین و نیست مر شما را از غیر خدا هیچ دوستی و نه یاوری و

مِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ٣٢ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ

از آیات او کشتیهای روانست در دریا مانند کوهها اگر بخواهد ساکن گرداند باد را پس گردند ایستادها

عَلَىٰ ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ٣٣ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا

بر پشتش بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای هر صبر کننده شکرگزار را یا هلاک کند آنها را بسبب آنچه

كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ٣٤ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ

کسب کردند و در میگذارد از بسیاری و میداند آنانکه مجادله میکنند در آیات ما که نیست مر ایشانرا هیچ گریزگاهی

فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ

پس آنچه داده شدید از چیزی پس مایه تعیش زندگانی دنیاست و آنچه نزد خداست بهتر و پاینده تراست برای آنانکه

آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ٣٥ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ

گرویدند و بر پروردگارشان توکل میکنند و آنانکه اجتناب میکنند از کبیرهای گناه و کارهای زشت

وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ٣٦ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

و چون خشم گیرند ایشان عفو میکنند و آنانکه اجابت نمودند مر پروردگارشانرا و برپا داشتند نماز را

وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ٣٧ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ

و کارشان مشورتست میانشان و از آنچه روزی دادیم ایشانرا انفاق میکنند و آنانکه چون رسد ایشانرا

الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ٣٨ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ

ستم آنها انتقام کشند و جزای بدی بدیست مانند آن پس هر که عفو کرد و اصلاح نمود پس اجر او

اَوْ يُوبِقْهُنَّ بسكون قاف

نصف

عَلَى اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِينَ ٣٩ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَاُولٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ

بر خدا بدرستیکه او دوست نمیدارد ستمکارانرا وهر آینه آنکه انتقام کشید پس از ظلم او پس اینها منیست بر ایشان

مِنْ سَبِيلٍ ٤٠ اِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْاَرْضِ

از راهی جز این نیست راه بر کسانیکه ستم میکنند مردم را و فساد میکنند در زمین

بِغَيْرِ الْحَقِّ اُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ٤١ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ

بنا حق ایشانند که ایشانراست عذابی دردناک وهر آینه هر که صبر کرد و عفو نمود بدرستیکه آن هر آینه از عزم

الْاُمُورِ ٤٢ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظّٰلِمِينَ ٤٣

امور است وکسیرا که گمراه گذارد خدا پس منیست مراو را هیچ دوستی از بعد آن و می بینی ستمگارانرا

لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ اِلٰى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ٤٤ وَتَرٰهُمْ يُعْرَضُونَ

که چون ببینند عذاب را میگویند آیا هست بسوی بازگشتن بدنیا هیچ راهی و می بینی ایشانرا عرضه میشوند

عَلَيْهَا خٰشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اِنَّ

بر آتش خضوع از خواریست که مینگرند از چشمی پنهان و گفتند آنانکه گرویدند بدرستیکه

الْخٰسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَا اِنَّ الظّٰلِمِينَ

زیانکاران آنانند که زیان کردند بنفسهای خود و کسانشان روز قیامت آگاه باش بدرستیکه

فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ ٤٥ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ اَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَمَنْ

در عذابی پاینده اند و نباشد مر ایشانرا هیچ دوستانی که یاری کنند ایشانرا غیر از خدا و هر کرا

يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ٤٦ اِسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَاْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ

گمراه گذارد خدا پس نیست مراو را هیچ راهی اجابت کنید پروردگارتانرا پیش از آنکه بیاید روزیکه نیست بازگشتنی

لَهُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَاٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ٤٧ فَاِنْ اَعْرَضُوا

مراو را از خدا نباشد مر شما را هیچ پناهی آنروز و نباشد مر شما را هیچ انکاری پس اگر اعراض کنند

فَمَا اَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا اِنْ عَلَيْكَ اِلَّا الْبَلٰغُ وَاِنَّا اِذَا اَذَقْنَا

پس نفرستادیم ترا بر ایشان نگهبان نیست بر تو مگر رساندن و بدرستیکه ما چون درچشانیم

الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيهِمْ فَاِنَّ

انسانرا از خود رحمتی شادان شود بآن و اگر برسد ایشانرا بدی بسبب آنچه پیش فرستاد دستهاشان پس بدرستیکه

الْاِنْسَانَ كَفُورٌ ٤٨ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ

آدمی ناسپاس است مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین بیافریند هرچه خواهد می بخشد مر آنرا که

يَشَاءُ اِنٰثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ٤٩ اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَاِنٰثًا وَيَجْعَلُ

خواهد مونثها و می بخشد مر آنرا که خواهد مذکرها یا تزویج کند ایشانرا پسران و دختران و میگرداند

مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا اِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ٥٠ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ

هر کرا خواهد نازاینده بدرستیکه او دانای تواناست و نسزد آدمیرا که سخن گوید با او خدا مگر بوحی یا از

وَرَاءِ حِجَابٍ اَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِاِذْنِهِ مَا يَشَاءُ اِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ ٥١

پس پرده یا بفرستد رسولی را پس وحی کند باذنش آنچه خواهد بدرستیکه او رفیع حکیم

ولمن انتصر: بفتح لام و میم و کسر نون

ولمن: بفتح لام و میم و سکون نون

لمن عزم: بفتح لام و کسر میم و سکون نون

من طرف: بفتح طا و سکون را

او یرسل: بفتح لام، فیوحی: بفتح یا باذنه

وكذلك

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ

و همچنین وحی کردیم بتو روحیرا از امر خود نبودی که بدانی چیست کتاب و نه ایمان

وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ٥٢

ولیکن گردانیدیم اورا نوری هدایت کنیم بآن هر که خواهیم از بندگانمان و بدرستیکه تو هرآینه هدایت مینمائی براه راست

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ

راه خدائیکه مراورا است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است آگاه باش که بسوی خدا بازمیگردد کارها

سورة الزخرف تسع وثمانون آية وهي مكية (٤٣) نزلت بعد الشورى

الآية ٥٤ فمدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

حمٓ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٣ وَإِنَّهُ

بکتاب روشن که ما گردانیدیم آنرا قرآنی بلغت عرب شاید شما دریابید بعقل و بدرستیکه آن

فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ٤ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ

در اصل کتاب نزد ما است هرآینه بلند مرتبه محکم آیا پس بگردانیم از شما ذکر را باعراض از اینکه بودید

قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ٥ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ٦ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ

گروهی اسراف کنندگان وچه بسیار فرستادیم از پیغمبری در پیشینیان و نمیآمد ایشانرا از پیغمبری

إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٧ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ٨

مگر بودند که باو استهزا میکردند پس هلاک کردیم ما سختتر از ایشان از روی قوت و گذشت داستان پیشینیان

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ٩

و هرآینه اگر بپرسی از ایشان کیست که آفرید آسمانها و زمین را هرآینه میگویند البته آفرید آنها را خدای غالب دانا

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ١٠

آنکه گردانید برای شما زمین را بستری و گردانید برای شما در آن راهها شاید شما راه یابید

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ

و آنکه فرو فرستاد از آسمان آب را باندازه پس زنده کردیم بآن جای مرده را همچنان

تُخْرَجُونَ ١١ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ

بیرون آورده میشوید و آنکه آفرید اصنافرا همه آنها را و گردانید برای شما از کشتی و چهارپایان

مَا تَرْكَبُونَ ١٢ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ

آنچه سوار میشوید تا قرار گیرید بر پشتهای آن پس یاد کنید نعمت پروردگارتانرا چون قرار گیرید

عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ١٣ وَ

برآن و بگوئید دانیم پاک بودن آنرا که رام کرد برای ما این را و نبودیم مرآنرا طاقت دارندگان و

إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ١٤ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ

بدرستیکه ما بسوی پروردگارمان هرآینه بازگردندگانیم و گردانیدند مراورا از بندگانش بهره ای بدرستیکه آدمی

لكفور

حمٓ بمیم مد میخواهد

أن كنتم بفتح همزه

لتستووا بدو واو خوانده شود یعنی اشباع شود

لكفور مبين ١٥ ام اتخذ مما يخلق بنات واصفكم بالبنين ١٦ واذا بشر
هر آئینه ناسپاس آشکار است آیا گرفت از آنچه آفرید دختران و اختصاص داد شما را به پسران و چون مژده داده شود

احدهم بما ضرب للرحمن مثلا ظل وجهه مسودا وهو كظيم ١٧ اومن
یکی از ایشان با آنچه زد برای خدای بخشنده مثلی گردد رویش سیاه و او است پر از خشم آیا و آنکه

ينشؤا في الحلية وهو في الخصام غير مبين ١٨ وجعلوا الملئكة الذين
تربیت یافته شود در زینت و او است در مخاصمه ناآشکار کننده و گردانیدند ملائکه را آنانکه

هم عباد الرحمن اناثا اشهدوا خلقهم ستكتب شهادتهم ويسئلون ١٩
ایشان بندگان خدای بخشنده دختران آیا حاضر بودند آفرینش ایشان را بزودی نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند

خلقهم بسکون لام

وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم ما لهم بذلك من علم ان هم الا
و گویند اگر خواستی خدای بخشاینده نمی‌پرستیدیم ما آنها را نیست مر ایشان را به این هیچ از دانشی نیستند ایشان بجز

يخرصون ٢٠ ام اتيناهم كتبا من قبله فهم به مستمسكون ٢١ بل قالوا
آنکه دروغ میگویند آیا دادیم ایشان را کتاب پیش از آن پس آنها با آن چنگ در زنندگان اند بلکه گفتند

انا وجدنا اباءنا على امة وانا على اثرهم مهتدون ٢٢ وكذلك ما ارسلنا
که بدرستی یافتیم پدرانمان را بر طریقه و بدرستیکه ما بر اثرهای ایشان راه یافتگان و همچنان نفرستادیم ما

نصف حزب

من قبلك في قرية من نذير الا قال مترفوها انا وجدنا اباءنا على امة
پیش از تو در قریه هیچ بیم کننده بجز آنکه گفتند متنعمانش که یافتیم پدرانمان را بر طریقه

وانا على اثرهم مقتدون ٢٣ قال اولو جئتكم باهدى مما وجدتم
و ما هستیم بر اثرهای ایشان اقتدا کنندگان گفت آیا و اگرچه بیاورم شما را راه نماینده‌تر از آنچه یافتید

عليه اباءكم قالوا انا بما ارسلتم به كافرون ٢٤ فانتقمنا منهم فانظر
بر آن پدرانتان را گفتند که ما با آنچه فرستاده شدید با آن کافرانیم پس انتقام کشیدیم از آنها پس بنگر

كيف كان عاقبة المكذبين ٢٥ واذ قال ابرهيم لابيه وقومه انني براء مما
چگونه بود انجام تکذیب کنندگان و هنگامیکه گفت ابراهیم مر پدرش و قومش را بدرستیکه من بیزارم از آنچه

تعبدون ٢٦ الا الذي فطرني فانه سيهدين ٢٧ وجعلها كلمة باقية
میپرستید بجز آنکه پدید آورد مرا پس بدرستیکه او بزودی راه یابنده کند مرا و گردانید او را کلمه باقیه

في عقبه لعلهم يرجعون ٢٨ بل متعت هؤلاء واباءهم حتى جاءهم الحق
در عقبش باشد که ایشان بازگشت نمایند بلکه کامرانی دادم اینها را و پدرانشان را تا آنکه آمد ایشان را حق

ورسول مبين ٢٩ ولما جاءهم الحق قالوا هذا سحر وانا به كافرون ٣٠
و فرستاده آشکار و چون آمد ایشان را حق گفتند این جادو است و بدرستیکه ما با آن کافرانیم

وقالوا لولا نزل هذا القران على رجل من القريتين عظيم ٣١ اهم يقسمون
و گفتند چرا فرو فرستاده نشد این قرآن بر مردی از آن دو قریه که بزرگ است آیا ایشان قسمت میکنند

رحمت ربك نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحيوة الدنيا ورفعنا بعضهم
رحمت پروردگارت را ما قسمت کردیم میانشان وجه معاش ایشان را در زندگانی دنیا و بلند کردیم برخی ایشان را

فوق

فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَةُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا

بالای برخی بمراتب تا بگیرند برخی از ایشان برخی را بکار بازداشته شده و رحمت پروردگارت بهتر است از آنچه

يَجْمَعُونَ ۳۲ وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ

جمع میکنند و اگر نه آن بودی که مردمان جماعتی واحد اند هر آینه گردانیده بودیم برای آنکه کافر شود بخدای بخشنده

لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ۳۳ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا

برای خانهاشان سقفی از نقره و نردبانها که بر آنها بر آیند و برای خانهاشان درها

وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ ۳۴ وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

و سریرها که بر آن تکیه کنند و زینتی و نباشد همه آن مگر مایه تعیش زندگانی دنیا

وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ۳۵ وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا

و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزگاران و کسیکه اعراض کند از ذکر خدای بخشاینده برگماریم برایش شیطانرا

فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ۳۶ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۳۷

پس اوست مر او را رفیق و بدرستیکه آنها هر آینه باز دارند ایشانرا از راه و می‌پندارند که ایشان اند هدایت شده

حَتّٰى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ۳۸ وَ

تا چون آمد ما را گفت ای کاش میانه من و میانه تو دوری مشرقین پس بد رفیقی بودی

لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۳۹ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ

و سود ندهد شما را امروز چون ستم کردید شما در عذاب شریکان آیا پس تو میشنوانی کرانرا

أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۴۰ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا

یا راه مینمائی کورانرا و هر که باشد در گمراهی آشکار پس اگر ببریم ما ترا پس بدرستیکه ما

مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ۴۱ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ۴۲

از ایشان انتقام کشندگان یا بنمائیم ترا آنکه وعده کردیم بایشان پس بدرستیکه بر ایشان انتقام کشندگان

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۴۳ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ

پس چنگ در زن بآنچه وحی شد بسوی تو بدرستیکه تو بر راه راستی و بدرستیکه آن ذکریست

لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْئَلُونَ ۴۴ وَاسْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ

برای تو و قومت و بزودی پرسیده شوید و بپرس از آنانکه فرستادیم پیش از تو از

رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ۴۵ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسٰى

رسولانمان که آیا گردانیدیم ما از غیر خداوند بخشاینده خدایانیکه پرستیده شوند و بتحقیق که فرستادیم ما موسی را

بِآيَاتِنَا إِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۴۶ فَلَمَّا جَاءَهُمْ

با آیات ما بسوی فرعون و جماعتش پس گفت که منم فرستاده پروردگار جهانیان پس چون آمد آنها را

بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ۴۷ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا

با آیات ما آنگاه ایشان از آن خنده میکردند و نمینمودیم ایشانرا هیچ آیتی مگر که آن بزرگتر بود از مانندش

وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۴۸ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا

و گرفتیم ما ایشانرا بعذاب شاید آنها باز گردند و گفتند ای جادوگر بخوان برای ما

بعد المشرقين بفتح با و سکون عين و فتح دال

آلهة بمد الف و کسر لام

رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ اِنَّنَا لَمُهْتَدُوْنَ ٤٩ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِذَا هُمْ

پروردگارت بآنچه عهد کرد نزد تو که ما هستیم هر آینه راه یافتگان پس چون رفع کردیم از ایشان عذابرا آنگاه ایشان

يَنْكُثُوْنَ ٥٠ وَنَادٰى فِرْعَوْنُ فِيْ قَوْمِهٖ قَالَ يٰقَوْمِ اَلَيْسَ لِيْ مُلْكُ مِصْرَ وَ

پیمان شکستند و ندا کرد فرعون در قومش گفت ای قوم من آیا نیست مرمرا پادشاهی ملک مصر و

هٰذِهِ الْاَنْهٰرُ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِيْ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ ٥١ اَمْ اَنَا خَيْرٌ مِّنْ هٰذَا الَّذِيْ

این نهرها میرود از زیر قصر من آیا پس نمی‌بینید بلکه من بهترم از این آنکه

هُوَ مَهِيْنٌ ٥٢ وَلَا يَكَادُ يُبِيْنُ ٥٣ فَلَوْلَا اُلْقِيَ عَلَيْهِ اَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ

او خوار است و نزدیک نیست که بیان تواند کرد پس چرا افکنده نشد در دست او دستبندها از طلا

اَوْ جَآءَ مَعَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِيْنَ ٥٤ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهٗ فَاَطَاعُوْهُ اِنَّهُمْ

یا بیامدند با او ملائکه بهم پیوستگان پس از جای در آورد قومش را پس فرمان بردند او را بدرستیکه

كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ٥٥ فَلَمَّآ اٰسَفُوْنَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَاَغْرَقْنٰهُمْ اَجْمَعِيْنَ ٥٦

بودند گروهی زشتکاران پس چون بخشم در آوردند ما را انتقام کشیدیم از آنها پس غرق کردیم ایشانرا همه

فَجَعَلْنٰهُمْ سَلَفًا وَّمَثَلًا لِّلْاٰخِرِيْنَ ٥٧ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا اِذَا قَوْمُكَ

پس گردانیدیم ایشانرا سابقان و مثلی برای پسینیان و چون زده شد پسر مریم مثلی آنگاه قوم تو

مِنْهُ يَصِدُّوْنَ ٥٨ وَقَالُوْٓا ءَاٰلِهَتُنَا خَيْرٌ اَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوْهُ لَكَ اِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ

از آن فریاد بر می‌آوردند و گفتند آیا خدایان ما بهترند یا او نزدند آنرا برای تو بجز جدل بلکه ایشان

قَوْمٌ خَصِمُوْنَ ٥٩ اِنْ هُوَ اِلَّا عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنٰهُ مَثَلًا لِّبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ

گروهی خصومت کنندگان نیست او بجز بنده که انعام کردیم براو و گردانیدیم او را مثلی برای بنی اسرائیل

وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَّلٰٓئِكَةً فِي الْاَرْضِ يَخْلُفُوْنَ ٦٠ وَاِنَّهٗ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ

و اگر میخواستیم هر آینه میکردیم بدل شما ملائکه را در زمین که جانشین باشند و بدرستیکه او علامت است برای قیامت

فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُوْنِ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ٦١ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ

پس نباید که شک آورید بآن و پیروی کنید مرا اینست راه راست و نباید باز دارد شما را شیطان

اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ٦٢ وَلَمَّا جَآءَ عِيْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ

بدرستیکه او است مر شما را دشمنی آشکار و چون آمد عیسی با معجزات گفت بتحقیق آمدم شما را بحکمت

وَلِاُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِيْ تَخْتَلِفُوْنَ فِيْهِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ٦٣

و تا بیان کنم برای شما برخی را از آنچه اختلاف میکنید در آن پس بپرهیزید از خدا و فرمانبرداری کنید مرا

اِنَّ اللّٰهَ هُوَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ٦٤ فَاخْتَلَفَ

بدرستیکه خدا اوست پروردگار من و شما پس پرستید او را اینست راه راست پس اختلاف کردند

الْاَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ اَلِيْمٍ ٦٥ هَلْ

طایفه‌ها دشمن از میانشان پس وای مر آنانرا که ستم کردند از عذاب روز دردناک آیا

يَنْظُرُوْنَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ٦٦ اَلْاَخِلَّآءُ

انتظار میبرند بجز قیامت را که آید ایشانرا ناگاه و ایشان ندانند دوستان

ءَاٰلِهَتُنَا بدو الف و کسرا

وَاَطِيْعُوْنِ بکسر نون

يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ٦٨ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ

روز چنین برخی‌شان مر برخی را دشمنند بجز پرهیزگاران ای بندگان من نیست ترسی بر شما

الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ٦٩ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ٧٠ ادْخُلُوا

امروز و نه شما اندوهناک میشوید آنکسانیکه ایمان آوردند بآیات ما و بودند منقادان داخل شوید

الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ٧١ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ

بهشت را شما و جفتانتان که از انبساط برافروخته باشید گردانیده شود برایشان کاسه‌ها از طلا و

أَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٧٢

کوزه‌ها و در آنجاست آنچه بخواهد آنرا نفسها و لذت برند چشمها و شما در آن جاویدانید

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٧٣ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ

و اینست بهشتیکه بارث داده شدید آنرا بسبب آنچه بودید که میکردید مر شما را در آن میوه‌های بسیار است

مِنْهَا تَأْكُلُونَ ٧٤ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ٧٥ لَا يُفَتَّرُ

که از آنها میخورید بدرستیکه گناهکاران در عذاب دوزخ همیشه‌اند سبک نشود

عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ٧٦ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ٧٧

از ایشان و آنها در آن ناامیدانند و ستم نکرده ایم ما ایشانرا و لیکن بودند ایشان ستمگرانند

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ ٧٨ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ

و ندا کردند که ای مالک باید بمیراند ما را پروردگارت گفت بدرستیکه شما باید درنگ کنندگان هر آینه بحقیقت آوردیم بشما

بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ٧٩ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ٨٠ أَمْ

حق را و لیکن بیشترشان مر حق را ناخوش دارندگان بلکه محکم کردند کاری را پس بدرستیکه مائیم محکم کننده یا

يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ٨١ قُلْ

میپندارند که ما نمیشنویم نهان ایشانرا و راز ایشانرا آری و رسولان ما نزد ایشانند که می‌نویسند بگو

إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ٨٢ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ

اگر باشد مر خدای بخشاینده را فرزندی پس منم اولین پرستندگان منزه است پروردگار آسمانها و

الْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٨٣ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى

زمین پروردگار عرش از آنچه وصف میکنند پس واگذار ایشانرا که صحبت دارند و بازی کنند تا

يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ٨٤ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي

آنکه ملاقات کنند روزشانرا که وعده داده میشوند و اوست که در آسمان خداست و در

الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ٨٥ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ

زمین خداست و اوست کاردان داناست و افزون آمد مر او راست پادشاهی آسمان و

الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٨٦ وَلَا يَمْلِكُ

زمین و آنچه میان آنهاست و نزد اوست دانستن قیامت و بسوی او باز میگردید و مالک نباشند

الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ٨٧

آنانکه میخوانند از غیر او شفاعت را بجز کسیکه گواهی داد بحق و ایشان میدانند

تُحْبَرُونَ بضم تا و سکون خا و فتح با و ضم را

لَا يُفَتَّرُ بضم یا و فتح فا و تا مشدده

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۸۸ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ

و اگر بپرسی از ایشان کیست که آفریده ایشانرا هر آینه میگویند خدا پس بکجا برگردانیده میشوند و قول او ای پروردگار من بدرستیکه

هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ ۸۹ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

اینها قومیند که نمیگروند پس اعراض کن از ایشان و بگو سلام پس زود باشد که بدانند

سورة الدخان تسع وخمسون آية وهي مكية (۴۴) نزلت بعد الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۱

بنام خداوند بخشنده مهربان

حم وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ۳

بحق کتاب آشکار کننده بدرستیکه فرو فرستادیم آنرا در شب برکت داده شده بدرستیکه ما هستیم بیم دهندگان

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۴ أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۵ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ

در آن جدا کرده میشود هر امر موافق حکمت امر است از نزد ما بدرستیکه ما هستیم فرستندگان رحمتی است از پروردگار

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۶ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم

که او است شنونده دانا پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر هستید

مُّوقِنِينَ ۷ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ۸ بَلْ هُمْ

یقین کنندگان نیست خدائی بجز او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینیان بلکه ایشان

فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۹ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ۱۰ يَغْشَى

در شک بازی میکنند پس چشم دار روزیرا که میاورد آسمان دودی آشکار فرو میگیرد

النَّاسَ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۱ رَّبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ۱۲ أَنَّىٰ

مردمانرا این است عذابی دردناک پروردگار ما دفع کن از ما عذاب را بدرستیکه مائیم مؤمنان چگونه باشد

لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ۱۳ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ

مرایشانرا پند گرفتن و بتحقیق که آمد ایشانرا رسولی آشکار کننده پس روگردانیدند از او و گفتند آموخته ایست

مَّجْنُونٌ ۱۴ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۱۵ يَوْمَ نَبْطِشُ

دیوانه بدرستیکه مائیم رفع کننده عذاب اندکی بدرستیکه شما بد عود کنندگان روزیکه سخت میگیریم

الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ۱۶ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ

سخت گرفتن عظیم را که مائیم انتقام کشندگان و هر آینه آزمودیم ما پیش از آنها قوم فرعونرا و آمد ایشانرا

رَسُولٌ كَرِيمٌ ۱۷ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۸ وَأَن لَّا

فرستاده بزرگ که بسپارید بمن بندگان خدا را بدرستیکه من شما را رسولی امینم و اینکه

تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۱۹ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ

رفعت مجوئید بر خدا بدرستیکه من آورنده ام شما را حجت روشنی و بدرستیکه من پناه میبرم بپروردگارم و پروردگار شما

أَن تَرْجُمُونِ ۲۰ وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ۲۱ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ

که سنگسار کنید مرا و اگر ایمان نیاورید بمن پس کناره گیرید از من پس خواند پروردگار خود را که بدرستیکه اینها

حم میم مد میخواهد

یفرق بضم یا و سکون فا و فتح را و ختم قاف

هو

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر کس سوره حم دخان را در نوافل بخواند [illegible] مداومت نماید خداوند او را از امنین سازد [illegible]

ان ترجمون بکسر نون دوم

فاعتزلون بکسر نون

قوم مجرمون ۲۲ فاسر بعبادی لیلا انکم متبعون ۲۳ واترك البحر رهوا
گروه گناهکارانند پس ببر بندگانم را بشب که شما از پی ارفته شدگانید و واگذار دریا را آرمیده

انهم جند مغرقون ۲۴ کم ترکوا من جنات وعیون ۲۵ وزروع ومقام
که ایشانند لشگری غرق شدگان و بسا که واگذاشتند از بوستانها و چشمه سارها و کشتها و جایی

کریم ۲۶ ونعمة کانوا فیها فاکهین ۲۷ کذلك واورثناها قوما آخرین ۲۸
خوب و نعمتی که بودند در آن متنعمان همچنان است و بمیراث دادیم آنرا گروهی دیگر

فما بکت علیهم السماء والارض وما کانوا منظرین ۲۹ ولقد نجینا بنی
پس نگریست بر ایشان آسمان و زمین و نشدند مهلت دادگان و هر آینه نجات دادیم ما بنی

اسرائیل من العذاب المهین ۳۰ من فرعون انه کان عالیا من المسرفین ۳۱
اسرائیل را از عذاب خوار کننده از فرعون بدرستیکه او بود متکبری از اسراف کاران

ولقد اخترناهم علی علم علی العالمین ۳۲ وآتیناهم من الآیات ما فیه بلاء
و هر آینه اختیار کردیم ایشانرا بنا بر دانشی بر جهانیان و دادیم ایشانرا از آیتها آنچه در آن بود بلائی

مبین ۳۳ ان هؤلاء لیقولون ۳۴ ان هی الا موتتنا الاولی وما نحن
آشکار بدرستیکه اینها هر آینه میگویند نیست آن جز مردنمان نخستین ما و نیستیم ما

بمنشرین ۳۵ فاتوا بآبائنا ان کنتم صادقین ۳۶ اهم خیر ام قوم تبع ۳۷
زنده کرده شدگان پس بیاورید پدران ما را اگر هستید راستگویان آیا ایشان بهترند یا گروه تبع

والذین من قبلهم اهلکناهم انهم کانوا مجرمین ۳۸ وما خلقنا السموات
و آنانکه بودند پیش از ایشان هلاکشان کردیم که آنها بودند گناهکاران و نه آفریدیم آسمانها

والارض وما بینهما لاعبین ۳۹ ما خلقناهما الا بالحق ولکن اکثرهم
و زمین و آنچه میان آنهاست بازی کنندگان و نیافریدیم آن هر دو را جز بحق و لیکن بیشتر ایشان

لا یعلمون ۴۰ ان یوم الفصل میقاتهم اجمعین ۴۱ یوم لا یغنی مولی
نمیدانند بدرستیکه روز تمیز است وعدگاه همه روزیکه کفایت نکند دوستی

عن مولی شیئا ولا هم ینصرون ۴۲ الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم
از دوستی بچیزی و نه ایشان یاری کرده شوند مگر آنرا که رحمت کرد خدا بدرستیکه او غالب مهربانست

ان شجرة الزقوم ۴۳ طعام الاثیم ۴۴ کالمهل یغلی فی البطون ۴۵ کغلی
بدرستیکه درخت زقوم خوراک گناهکارانست چون فلز گداخته میجوشد در شکمها مانند جوشیدن

الحمیم ۴۶ خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم ۴۷ ثم صبوا فوق راسه من
آب بسیار گرم بگیرید ش پس بکشید ش بعنف بمیان جهنم پس بریزید از بالای سرش از

عذاب الحمیم ۴۸ ذق انك انت العزیز الکریم ۴۹ ان هذا ما کنتم به
عذاب آب جوشان بچشید بدرستیکه تو غالب گرامی بدرستیکه اینست آنچه بودید بآن

تمترون ۵۰ ان المتقین فی مقام امین ۵۱ فی جنات وعیون ۵۲ یلبسون
شک میکردید بدرستیکه پرهیزکاران در جائی ایمنند در بهشتها و چشمه سارها پوشیده شوند

من سندس

قوله سبحانه یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون الا من رحم الله از حضرت صادق علیه السلام ماثور است که

ونعمة بفتح نون

قرائت شد بر آنحضرت این آیه پس فرمود ما اهلبیت علیهم السلام والله آنکسانیم که رحمت میکند حقتعالی بر ایشان فی مائیم والله آنکسی که استثنا فرمود حقتعالی لیکن ما بی نیاز میکنیم از شیعیان خود و از آنحضرت علیه السلام مرویست که فرمود مستثنا

الاولی

بضم همزه و سکون واو

نکرد خدای عزوجل احدی از اوصیاء انبیا و نه اتباع ایشانرا سوای حضرت امیرالمومنین علیه السلام و شیعیان او پس فرمود در کتاب خود و قول او حق است یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون الا من رحم الله و قصد فرمود باستثنا حضرت علی مرتضی علیه السلام و شیعیان آنحضرت را و فی تفسیر گوید کسیکه موالات و رزد با اهلبیت را بی نیاز میکنند بعضی از ایشان را از بعضی بعد استثنا فرمود کسانیرا که موالات دارند با حضرت آل محمد علیهم السلام پس فرمود الا من رحم الله و در کنز الفواید از آنحضرت علیه السلام در این آیه وارد است که فرمود مائیم اهل رحمت و نیز از آنحضرت است در این آیه که فرمود ماییم آنکسانیکه استثنا فرمود حقتعالی و آنکسانیکه بی نیاز میکنیم ولایت ما از شیعیان ۱۲

من سندس واستبرق متقابلين ٥٤ كذلك وزوجناهم بحور عين ٥٥

از دیبای نازک و دیبای سطبر رو بروی هم دارندگان همچنان و تزویج میکنیم آنهارا با حوران فراخ چشم

يدعون فيها بكل فاكهة امنين ٥٦ لا يذوقون فيها الموت الا الموتة

میخوانند در آن همه میوه را ایمنان نچشند در آن مرگ را بجز مردن

الاولى ووقيهم عذاب الجحيم ٥٧ فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم ٥٨

نخست و نگاه داشت ایشانرا از عذاب دوزخ فضلیست از پروردگارت این اوست کامیابی بزرگ

فانما يسرناه بلسانك لعلهم يتذكرون ٥٩ فارتقب انهم مرتقبون

پس جز این نیست آسان کردیم آنرا بلغت تو شاید ایشان پند گیرند پس انتظار کش که ایشانند منتظران

سورة الجاثية ست وثلثون اية وهي مكية (٤٥)

نزلت بعد الدخان

الا اية ١٤ فمدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ٢ ان في السموات والارض

فرو فرستادن کتاب است از خدای غالب درست کردار بدرستیکه در آسمانها و زمین

لايات للمؤمنين ٣ وفي خلقكم وما يبث من دابة ايات لقوم يوقنون ٤

هر آینه آیتهاست برای گروندگان و در آفرینش شما و آنچه پراکنده میسازد از جنبنده آیتهاست مر گروهی را که یقین دارند

واختلاف الليل والنهار وما انزل الله من السماء من رزق فاحيا به

و اختلاف شب و روز و آنچه فرو فرستاد خدا از آسمان از روزی پس زنده کرد بآن

الارض بعد موتها وتصريف الرياح ايات لقوم يعقلون ٥ تلك

زمین را بعد از مردنش و گردانیدن بادها آیتهاست مر گروهی را که دریابند بعقل اینست

ايات الله نتلوها عليك بالحق فباي حديث بعد الله واياته يؤمنون ٦

آیات خدا میخوانیم آنرا بر تو براستی پس بکدام گفتار بعد از خدا و آیاتش میگروند

ويل لكل افاك اثيم ٧ يسمع ايات الله تتلى عليه ثم يصر مستكبرا كان

وای بر هر دروغگوی گناهکار که میشنود آیات خدارا که خوانده میشود بر آن پس اصرار میکند سرکشی کنان چنانکه گویا

لم يسمعها فبشره بعذاب اليم ٨ واذا علم من اياتنا شيئا اتخذها هزوا

نشنود آنرا پس مژده ده اورا بعذابی دردناک و چون داند از آیات ما چیزیرا میگیرد آنرا باستهزا

اولئك لهم عذاب مهين ٩ من ورائهم جهنم ولا يغني عنهم ما كسبوا

آنها مر ایشانراست عذابی خوار کننده از پیش رویشان دوزخ است و کفایت نکند از ایشان آنچه کسب کردند

شيئا ولا ما اتخذوا من دون الله اولياء ولهم عذاب عظيم ١٠ هذا هدى و

چیزیرا و نه آنچه را گرفتند از غیر خدا دوستان و مر ایشانراست عذابی بزرگ اینست هدایت و

الذين كفروا بايات ربهم لهم عذاب من رجز اليم ١١ الله الذي سخر لكم البحر

آنانکه کافر شدند بآیات پروردگار ایشان مر ایشانراست عذابی از عقوبت دردناک خداست آنکه رام کرد برای شما دریارا

الاولی بفتح همزه و سکون واو اشباع شود

هو از حضرت سید کائنات صلی الله علیه و آله الطاهرین منقول است که هر کس حم جاثیه را تلاوت کند خداوند سبحانه تعالی در قیامت وقت حساب ستر عورت او کند و او را از ترس و هیبت قیامت و عذاب ایمن دارد

لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۱۲ وَ

تا روان شود کشتیها در آن بامر ش و تا طلب کنید از فضلش و شاید شما شکر کنید و

سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست همه را که از اوست بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۱۳ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ

مر گروهی را که اندیشه کنند بگو مر آنکسانیکه گرویدند عفو کنند مر آنانرا که امید ندارند روزهای خدا را

لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۱۴ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ

تا جزا دهد گروهی را بسبب آنچه بودند کسب میکردند هر که کرد کاری شایسته را پس برای خود اوست و هر که بد کرد

فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ۱۵ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ

پس بر آنست پس بسوی پروردگارتان باز میگردید و هر آینه ما دادیم بنی اسرائیل را کتاب و حکومت

وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۱۶ وَآتَيْنَاهُمْ

و پیغمبری و روزیشان دادیم از پاکیزه‌ها و افزونی دادیمشان بر جهانیان و دادیم ایشانرا

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ

بینه‌هائی از امر پس اختلاف نکردند بجز از بعد آنچه آمد ایشانرا دانش از راه ستم میانشان بدرستیکه

رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۱۷ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى

پروردگارت حکم کند میانه ایشان روز رستخیز در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند پس گردانیدیم ترا بر

شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۱۸ إِنَّهُمْ لَنْ

طریقه از امر پس پیروی کن آنرا و پیروی مکن خواهشهای آنان که نمیدانند بدرستیکه ایشان

يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ

کفایت نمیکنند ترا از خدا چیزی را و بدرستیکه ستمکاران برخیشان دوستان اند برخی را و خدا یاور

الْمُتَّقِينَ ۱۹ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۲۰ أَمْ حَسِبَ

پرهیزگارانست این است دلایل بینش بخش برای مردمان و هدایت و رحمت مر گروهی را که یقین دارند آیا پندا شتند

الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

آنانکه کسب کردند بدیها را که بگردانیم ایشانرا مانند آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته

سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۲۱ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

یکسانست زندگیشان و مرگشان بد است آنچه حکم میکنند و آفرید خدا آسمانها و زمین را

بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۲۲ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ

بحق و تا جزا داده شود هر نفسی بآنچه کسب کرد و ایشان ستم کرده نشوند آیا پس دیدی آنرا که گرفت

إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى

خدای خویش را خواهش خود و اضلال کردش خدا بر دانش و مهر نهاد بر گوشش او و دل او و گردانید بر

بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۲۳ وَقَالُوا مَا هِيَ

چشم او پرده پس کیست که راهش نماید بعد از خدا آیا پس پند نمیگیرید و گفتند نیست این

قوله تعالی

ام حسب الذین اجترحوا الی آخر یعنی آیا گمان میکنند آنکه نیکو اکتساب کردند سیئات را آنکه بگردانیم ایشانرا مثل آنکسانیکه ایمان آورده اند و عمل بجا آورده صالحه کرده اند در حالتیکه مساوی باشد محیا و ممات ایشان بد است آنچه حکم کرده اند و در کنز الفوائد از ابن عباس مرویست که گفت در این آیه الذین آمنوا بنی هاشم و بنی عبدالمطلب و الذین اجترحوا السیئات بنو عبد الشمس اند و نیز از ابن عباس در این آیه مرویست که گفت الذین آمنوا نازل است در علی بن ابیطالب و حمزة بن عبدالمطلب علیهما السلام و عبیدة بن حرث و الذین اجترحوا السیئات در سه نفر از مشرکان عتبه و شیبه دو فرزند ربیعه و ولید بن عتبه ۱۲

لن یغنوا بضم یا و نون ثانیه

اجترحوا بجیم و حاء بی نقطه

الهه بکسر همزه

الّا حیوتنا الدّنیا نموت ونحیا وما یهلکنا الّا الدّهر وما لهم

بجز زندگانی دنیا میمیریم و زنده میشویم و هلاک نمیسازد ما را بجز زمانه و نیست مر ایشانرا

بذلک من علم ان هم الّا یظنّون ٢٤ واذا تتلی علیهم ایاتنا بیّنات

باین هیچ دانش نیستند ایشان جز اینکه گمانی میکنند و چون خوانده میشود بر ایشان آیات روشن ما

ما کان حجّتهم الّا ان قالوا ائتوا بآبائنا ان کنتم صادقین ٢٥ قل الله

نباشد دلیلشان مگر اینکه گویند بیاورید پدران ما را اگر هستید از راستگویان بگو خدا

یحییکم ثمّ یمیتکم ثمّ یجمعکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ولکنّ اکثر

زنده کند شما را پس بمیراند پس جمع کند شما را تا روز قیامت که نیست شکی در آن ولیکن بسیاری

النّاس لا یعلمون ٢٦ ولله ملک السّموات والارض ویوم تقوم

از مردمان نمیدانند و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و روزیکه بر پا شود

السّاعة یومئذ یخسر المبطلون ٢٧ وتری کلّ امّة جاثیة کلّ امّة

قیامت در آن روز زیان کنند باطل کیشان و بینی هر امتی را بزانو در آینده هر امتی

تدعی الی کتابها الیوم تجزون ما کنتم تعملون ٢٨ هذا کتابنا ینطق

خوانده میشود بسوی کتابشان امروز جزا داده شوید آنچه را بودید که میکردید این است کتاب ما سخن گوید

علیکم بالحقّ انّا کنّا نستنسخ ما کنتم تعملون ٢٩ فامّا الّذین امنوا وعملوا

بر شما براستی بدرستیکه ما بودیم که مینوشتیم آنچه بودید که میکردید پس اما آنانکه ایمان آوردند و کردند

الصّالحات فیدخلهم ربّهم فی رحمته ذلک هو الفوز المبین ٣٠ وامّا

کارهای شایسته پس در آرد ایشان پروردگارشان در رحمت خود اینست کامیابی آشکار و اما

الّذین کفروا افلم تکن ایاتی تتلی علیکم فاستکبرتم وکنتم قوما مجرمین ٣١

آنانکه کافر شدند آیا پس نبود که آیات من خوانده شود بر شما پس سرکشی کردید و بودید گروهی گناهکاران

واذا قیل انّ وعد الله حقّ والسّاعة لا ریب فیها قلتم ما ندری ما السّاعة

و چون گفته شود بدرستیکه وعده خدا حق است و قیامت نیست شکی در آن گوئید نمیدانیم چیست قیامت

ان نظنّ الّا ظنّا وما نحن بمستیقنین ٣٢ وبدا لهم سیّات ما عملوا وحاق

گمان نمیبریم بجز گمانی و نیستیم ما یقین دارندگان و ظاهر شد مر ایشان را بدیهای آنچه کردند و احاطه

بهم ما کانوا به یستهزؤن ٣٣ وقیل الیوم ننسیکم کما نسیتم لقاء یومکم

بایشان آنچه بودند بآن استهزا میکردند و گفته شد امروز فروگذاریم شما را همچنانکه فراموش کردید ملاقات روزتان را

هذا ومأویکم النّار وما لکم من ناصرین ٣٤ ذلکم بانّکم اتّخذتم

که اینست و جای شما آتش و نیست مر شما را هیچ یاری کنندگان این شما را بسبب آنکه شما گرفتید

ایات الله هزوا وغرّتکم الحیوة الدّنیا فالیوم لا یخرجون منها ولا هم

آیات خدا را بازیچه و فریب داد شما را زندگانی دنیا پس امروز بیرون آورده نشوند از آن و نه ایشان

یستعتبون ٣٥ فلله الحمد ربّ السّموات وربّ الارض ربّ العالمین ٣٦

قبول کرده شود عذرشان پس مر خدا راست ستایش پروردگار آسمانها و زمین پروردگار جهانیان

هو الله خواص سوره جاثیه

از حضرت سید کائنات صلی الله علیه و آله الطاهرین روایت است که هر کس سوره جاثیه را تلاوت کند خداوند بپوشاند عورت او را و در مقام حساب و ترس او آرام یابد و از آتش و هیبت عذاب ایمن دارد

و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که اگر این سوره را بنویسند و بر گردن آویزند ... مرگ ... و ... روزیکه فرزند متولد میشود ... محفوظ ماند

قوله سبحانه

حم تنزیل الکتاب الی یوقنون خاصیت این آیات مبارکه ... و ... آن ...

قال المعین من شرح فاتحة الکتاب

و دعا هاست ... و این آیه را بر کاسه ... و از چوب ... و ... باشد ... مقصود حاصل گردد ان شاء الله تعالی

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و مراوراست بزرگوارى در آسمانها و زمين و اوست غالب درستکردار

سورة الاحقاف خمس و ثلثون آية و هي مكية (۴۶)

نزلت بعد الجاثية

الا الآيات ۹ - ۱۴ - ۳۵ فمدنية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

حٰمٓ ۱ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۲ مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَ

فرود فرستادن کتاب است از خدای غالب درستکردار نیافریدیم ما آسمانها و

الْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا

و زمین را و آنچه میانهٔ آنهاست بجز بحق و مدتی نام برده شده و آنانکه کافر شدند از آنچه بیم کرده شدند

مُعْرِضُونَ ۳ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا

روگردانندگانند بگو آیا دیدید آنچه میخوانید از غیر خدا بنمایید مرا که چه چیز آفریدند

مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هٰذَا أَوْ أَثَارَةٍ

از زمین یا مر ایشانراست شرکتی در آسمانها بیاورید بکتابی از پیش این یا باز ماندهٔ

مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۴ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَنْ لَا

از دانش اگر هستید از راستگویان و کیست گمراه تر از کسیکه میخواند از غیر خدا آنرا که نتواند

يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ۵ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ

اجابت کرد مرا او را تا روز قیامت و ایشان از خواندنشان بیخبرانند و چون حشر کرده شوند مردمان

كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ۶ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا

باشند مر ایشانرا دشمنان و باشند بپرستش آنها کافران منکر و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما

بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۷ أَمْ يَقُولُونَ

روشن است گویند آنهائیکه کافر شدند مر حق را چون آمد ایشانرا اینست جادوئی آشکار بلکه میگویند

افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ

بدروغ بست او را بگو اگر بدروغ بستم آنرا پس مالک نمیباشید برای من از خدا چیزیرا او داناتر است بآنچه سخن میگوئید

فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۸ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ

در آن کافیست او گواه میانهٔ من و شما و اوست آمرزندهٔ مهربان بگو نیستم من نو در آمده از

الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا

رسولان و نمیدانم که چه کرده شود با من و نه با شما پیروی نمیکنم بجز آنچه وحی کرده شود بمن و نیستم من مگر

نَذِيرٌ مُبِينٌ ۹ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ

بیم کنندهٔ آشکار بگو خبر دهید که اگر باشد از نزد خدا و کافر باشید بآن و گواهی دهد گواهی دهنده

بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۱۰

از بنی اسرائیل بر مانند آن پس ایمان آورد و سرکشی کرده باشید بدرستیکه خدا هدایت نمیکند گروه ستمکاران را

وقال

سیوطی از نبی صلی الله علیه و آله نقل کرده فرمود هر که سورهٔ احقاف بخواند بنویسند جهت او ده حسنه بعدد هر کسیکه در دنیا است و حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که آنرا بنویسد و با خود دارد از شر دیو ایمن باشد

حم
میم حم صحم اهل
نزدیک شیخ من گردد و در خواب بیداری از همه مکروهات محفوظ ماند و اگر در زیر بالین نهد هیچ آفت در شب باو نرسد انشاء الله
۱۲

اثارة
بفتح همزه بلوزن الف

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا

و گفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که ایمان آوردند اگر بود خیری پیشی میگرفتند ما را بآن و چون هدایت نیافتند

بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ۱۱ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ وَ

بآن پس زود باشد که گویند اینست دروغی کهنه و از پیش از آنست کتاب موسی امام و رحمت و

هَٰذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ۱۲

و اینست کتابی تصدیق کننده بزبان عربی تا بیم کند آنانکه ستم کردند و مژده ایست مر نیکوکارانرا

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۱۳

بدرستیکه آنانکه گویند پروردگار ما پس ایستادگی کردند پس نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۴ وَوَصَّيْنَا

آنها یند اهل بهشت جاوید باشند در آن پاداش آنچه بودند که میکردند و وصیت کردیم

الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ۖ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ وَحَمْلُهُ وَ

آدمیرا بوالدینش نیکوئیرا برداشت او را مادرش بدشواری و بنهادش بدشواری و برداشتنش و

فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ

جدا کردنش از شیر سی ماهست تا چون رسید توانائیش و برسید بچهل سالگی گفت ای پروردگار من

أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا

الهام کن مرا که شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر والدینم و آنکه بکنم کار شایسته

تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۖ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۱۵ أُولَٰئِكَ

که پسندی آنرا و شایستگی ده مرا در اولادم بدرستیکه من بازگشت نمودم بسوی تو و بدرستیکه من از تسلیم دارانم آنها

الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۖ

آنانند که میپذیریم از ایشان بهترین آنچه کردند و درمیگذریم از کردارهای بدشان در اهل بهشتند

وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۱۶ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا

بوعدهٔ راستی آنچه بودند که وعده داده میشدند و کسیکه گفت مر والدینش اف مر شما را

أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ

آیا وعده میدهید مرا که بیرون آورده شوم و بحقیقت گذشتند قرنها پیش از من و آندو استغاثه میکردند بخدا وای بر تو ایمان آور

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۱۷ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

بیاور که وعده خدا راستست پس میگوید نیست این چیز مگر افسانه پیشینیان اینها آنانند

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا

که راست آمد برایشان در امتانیکه گذشتند از پیش از آنها از جن و انس بدرستیکه آنها بودند

خَاسِرِينَ ۱۸ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا ۖ وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۱۹

زیانکاران و برای همه مراتبیست از آنچه کردند و تا تمام دهد آنها را کردارشان و آنها ستم کرده نشوند

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا

و روزیکه روگردان شوند آنانکه کافر شدند بر آتش بردید پاکیزه‌هاتانرا در زندگانیتان در دنیا

قوله سبحانه و وصینا الانسان بوالدیه الی آخر الآیه در صافی از کافی از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون حمل حاصل فرمود حضرت فاطمه علیها السلام بحضرت امام حسین جبرئیل آمد بسوی حضرت رسول خدا و گفت بدرستیکه زود باشد حضرت فاطمه غلامی بزاید که بکشند او را امت تو بعد از تو پس آنحضرت کراهت داشت از حمل خود و در حینی که وضع حمل کرد کراهت داشت از آن بعد فرمود آنحضرت دیده نشده است در دنیا مادری که بزاید غلامی که کراهت داشته باشد و لیکن حضرت فاطمه علیها السلام کراهت داشت بسبب علم بقتل فرزند خود فرمود این آیه نازل است در شأن آنحضرت و در روایت دیگر وارد است که بعد نازل شد جبرئیل و گفت یا محمد بدرستیکه پروردگارت ترا سلام میرساند و بشارت میدهد ترا باینکه ذریه حضرت امام حسین علیه السلام گردانیدم امامت و ولایت را و وصیت را پس فرمود آنحضرت را راضی شدم بعد بشارت داد آنحضرت حضرت فاطمه را باین خبر پس راضی شد و فرمود اگر نگفته بود و اصلح لی فی ذریتی هرآینه میبود تمام ذریه آنحضرت ائمه بعد فرمود شیر داده نشد آنحضرت از حضرت فاطمه علیها السلام و از زنی دیگر و بود که میآمد او را حضرت رسول خدا و میگذارد ابهام مبارک خود را در دهانش پس میمکید از انگشت مبارک آنحضرت آنچه کفایت میکرد او را از برای دو روز و سه روز پس بار روئید گوشت آنحضرت [illegible] [illegible] و گوشت آنحضرت از رسول

وَاسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي

و کامرانی کردید بآن پس امروز جزا داده شوند شکنجه خواری را بآنچه بودید که استکبار میکردید در

الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ ٢٠ وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُ

زمین بناحق و بسبب آنچه بودید که فسق میکردید و یاد کن برادر عاد را چون بیم داد قومش را

بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا

در زمینها و بدرستیکه گذشتند بیم کنندگان از میان دو دستش و از پس سرش که نپرستید بجز

اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ٢١ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا

خدا را بدرستیکه من میترسم بر شما شکنجه روزی بزرگ گفتند آیا آمدی ما را که برگردانی ما را

عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ٢٢ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ

از خدایانمان پس بیاور ما را آنچه وعده میدهی بما اگر هستی از راستگویان گفت نیست آن دانستن

عِندَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ٢٣ فَلَمَّا

بجز نزد خدا و میرسانم شما را آنچه فرستاده شدم بآن ولیکن می بینم شما را گروهی نادانشمندان پس چون

رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَٰذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا

دیدند او را ابری متوجه شده بوادیهاشان گفتند اینست ابری پهن شده در افق که باراننده است بما بلکه آن چیزیست

اسْتَعْجَلْتُم بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ٢٤ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا

بشتاب خواستید آن را بادیست با آن عذابی دردناک هلاک میسازد همه چیز را بامر پروردگارش پس گشتند

لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ٢٥ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا

چنانکه دیده نمیشد بجز مسکنهاشان همچنین جزا دهیم گروه گناهکاران را و هر آینه تمکن دادیم ایشان را در آنچه

إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ

تمکین نداده ایم شما را در آن و گردانیدیم ایشان را گوش و دیده ها و دلها پس کفایت ننمود از ایشان

سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُم مِّن شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ

گوش آنها و نه دیدهاشان و نه دلهاشان از چیزی چون بودند که انکار میکردند بآیات

اللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٢٦ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ

خدا و ثابت شد بآنها آنچه بودند که بآن استهزا میکردند و هر آینه هلاک کردیم آنچه بود حوالی شما از

الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٢٧ فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا

قریه ها و مکرر آوردیم ما آیات را شاید که ایشان بازگشت کنند پس چرا یاری نکردند ایشان را آنانکه گرفتند

مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٢٨

از غیر خدا تقرب که الهها نند بلکه گم شدند از ایشان و اینست دروغشان و آنچه بودند افترا میکردند

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا

و چون گردانیدیم بسوی جماعتی از جن را که میشنیدند قرآن را پس چون حاضر شدند آن را گفتند خاموش باشید

فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ ٢٩ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا

پس چون گذارده شد برگشتند بسوی قومشان بیم دهندگان گفتند ای قوم ما بدرستیکه ما شنیدیم کتابی را

در صفحه مقابل قوله تعالی فاصبر کما صبر اولو العزم من الرسل بدانکه اولی العزم معنی آنست که در حدیث باقری علیه الصلوة والسلام مذکور است که بآنکه عهد و اعظم مطلبی که حضرات انبیاء و رسل بعد از توحید خداوند بآن مبعوث شدند اگر فتن عهد ولایت حضرت محمد و آل طاهرین آنحضرت است

عَنْ آلِهَتِنَا بمد الف و کسر لام

علیهم السلام بوده است چون که در ازل عهد با جمعی از ایشان گرفته بودند چنانکه در حدیث ایشان در تفسیر آیه واسئل من ارسلنا من قبلک من الرسل ذکر کرده اند که حضرت رسول چون در بیت المقدس و بیت المعمور مامور شد بسوال از انبیا و رسل که بعقب آنحضرت نماز کردند که چرا مبعوث شدید همه اعصار خود تمامی گفتند متفق الکلمه

يَجْحَدُونَ بتقدیم جیم بر حا

مبعوث نشدیم مگر برای گرفتن از اقرار بتوحید حقتعالی و اعتراف بنبوت تو و ولایت اوصیاء طاهرین تو علیهم السلام از امم خود

آلِهَةً بمد الف و کسر لام

و در صورتیکه ابلاغ ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عتاب بحضرت رسول خدا خطاب باو صلی الله علیه و آله شود که اگر تبلیغ رسالات ما را نکرده یعنی غایت مرام از رسالت تو ولایت علویه علیه السلام است ١٢

أُنزِلَ مِن بَعدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَينَ يَدَيهِ يَهدِي إِلَى الحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ

که فرو فرستاده شد از بعد موسی تصدیق کننده مر آنچه را میان دو دست اوست هدایت میکند بسوی حق و بسوی راه

مُّستَقِيمٍ ۳۰ يَا قَومَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغفِر لَكُم مِّن ذُنُوبِكُم وَيُجِركُم

راست ای قوم اجابت کنید خواننده خدا را و بگروید بآن تا بیامرزد مر شما را از گناهانتان و برهاند

مِّن عَذَابٍ أَلِيمٍ ۳۱ وَمَن لَّا يُجِب دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيسَ بِمُعجِزٍ فِي الأَرضِ وَلَيسَ

از شکنجه دردناک و کسیکه اجابت نکرد خواننده خدا را پس نیست عاجز کننده در زمین و نیست

لَهُ مِن دُونِهِ أَولِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۳۲ أَوَلَم يَرَوا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي

مر او را از غیر او دوستان آنها در گمراهی آشکار آیا نمیدانستند که خدائی که

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَلَم يَعيَ بِخَلقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يُحيِيَ المَوتَىٰ

آفرید آسمانها و زمین را و مانده نشد بآفرینش آنها تواناست بر اینکه زنده کند مردگانرا

بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ ۳۳ وَيَومَ يُعرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيسَ

آری بدرستیکه او بر هر چیزی تواناست و روزیکه عرض کرده شوند آنانکه کافر شدند بر آتش آیا نیست

هَٰذَا بِالحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا العَذَابَ بِمَا كُنتُم تَكفُرُونَ ۳۴ فَاصبِر

این برحق گویند آری و پروردگار ماست گوید پس بچشید شکنجه را بآنچه بودید که کافر شدید پس صبر کن

كَمَا صَبَرَ أُولُو العَزمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَستَعجِل لَّهُم كَأَنَّهُم يَومَ يَرَونَ مَا يُوعَدُونَ

همچنانکه صبر کردند خداوندان ثبات از رسولان و بشتاب مخواه برای آنها گویا ایشان روزی می‌بینند آنچه وعده داده شدند

لَم يَلبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَل يُهلَكُ إِلَّا القَومُ الفَاسِقُونَ

درنگ نکنند بجز ساعتی از روز رسانیدن پس آیا هلاک بجز گروه فاسقان

(۴۷) سورة محمد صلى الله عليه وآله ثمان وثلثون آية وهي مدنية

الا آیه ۱۴ فنزلت فی الطریق فی اثناء الهجرة و آیاتها ۳۸ نزلت بعد الحدید

بِسمِ اللَّهِ الرَّحمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعمَالَهُم ۲ وَالَّذِينَ آمَنُوا

آنانکه کافر شدند و باز گشتند از راه خدا ضایع کرد کردارهاشانرا و آنانکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ ص وَهُوَ الحَقُّ مِن رَّبِّهِم كَفَّرَ

و کردند کارهای شایسته و گرویدند بآنچه فرو فرستاده شد بر محمد ص و آن است حق از پروردگارشان گذرانید

عَنهُم سَيِّئَاتِهِم وَأَصلَحَ بَالَهُم ۳ ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا البَاطِلَ وَ

از ایشان بدیهاشانرا و باصلاح آورد حالشانرا اینست بسبب اینکه آنانکه کافر شدند پیروی کردند باطل را و

أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الحَقَّ مِن رَّبِّهِم كَذَٰلِكَ يَضرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمثَالَهُم ۴

بدرستی که آنانکه گرویدند پیروی کردند حق را از پروردگارشان همچنان میزند خدا برای مردمان مثلهاشانرا

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَربَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثخَنتُمُوهُم فَشُدُّوا

پس چون ملاقات کنید آنانرا که کافر شدند پس زدن گردنها تا آنگاه که بکشید آنها را پس سخت کنید

وَيُجِركُم بضمّ یا و کسر جیم و سکون را

أُولُو بضمّ همزه بدون واو

خ

هو الله سبحانه تعالی شأنه

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس این سوره را بخواند بر خدای سبحانه و تعالی واجب شود که از نهرهای بهشتی او را سیراب فرماید

وَأَصلَحَ بفتح همزه قطع

فَضَربَ بسکون راء اول

الوثاق ٥ فاما منا بعد واما فداء حتى تضع الحرب اوزارها ذلك

بند را پس یا منت نهادنی پس از آن و یا فدا گرفتنی تا بنهد بکار زار آلاتش را اینست

ولو يشاء الله لانتصر منهم ولكن ليبلوا بعضكم ببعض والذين قتلوا

و اگر میخواست خدا هر آینه انتقام میکشید از ایشان ولیکن تا بیازماید برخی شما را با برخی و آنانکه کشته شدند

في سبيل الله فلن يضل اعمالهم ٦ سيهديهم ويصلح بالهم ٧ ويدخلهم

در راه خدا پس ضایع نشود کردارهاشان بزودی راه نماید ایشانرا و اصلاح حال ایشان کند و در آورد ایشانرا

الجنة عرفها لهم ٨ يا ايها الذين امنوا ان تنصروا الله ينصركم ويثبت

در بهشتی که تعریف کرد آنرا برای ایشان ای آنانکه ایمان آوردید اگر یاری کنید خدا را یاری کند شما را و ثابت دارد

اقدامكم ٩ والذين كفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم ١٠ ذلك بانهم

قدمهای شما را و آنانکه کافر شدند پس نگونساری است مرایشانرا و ضایع کرد کردارشانرا این بسبب اینست که ایشان

كرهوا ما انزل الله فاحبط اعمالهم ١١ افلم يسيروا في الارض فينظروا كيف

ناخوش داشتند آنچه را فرو فرستاد خدا پس ناچیز کرد کردارشانرا آیا پس سیر نکردند در زمین پس بنگرند چگونه

كان عاقبة الذين من قبلهم دمر الله عليهم وللكافرين امثالها ١٢

بود انجام آنانکه پیش از ایشان هلاک کرد خدا ایشانرا و مر کافرانراست امثال آنها

ذلك بان الله مولى الذين امنوا وان الكافرين لا مولى لهم ١٣ ان الله

اینست بآنکه خداست یاور آنانکه گرویدند و اینکه کافران نیست یاوری مرایشانرا بدرستیکه خدا

يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار

در آورد آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته در بهشتهائیکه روانست از زیرش نهرها

والذين كفروا يتمتعون ويأكلون كما تأكل الانعام والنار مثوى لهم ١٤

و آنانکه کافر شدند کامرانی میکنند و میخورند چنانچه میخورند چهارپایان و آتش مقام است مرایشانرا

وكاين من قرية هي اشد قوة من قريتك التي اخرجتك اهلكناهم فلا

و بسا از قریه که آن سخت تر بود در قوت از قریه تو که بیرون کرد ترا هلاکشان کردیم پس نیست

ناصر لهم ١٥ افمن كان على بينة من ربه كمن زين له سوء عمله و

یاوری مرایشانرا آیا پس آنکه باشد بر حجتی از پروردگارش چون کسیست که آراسته شد بدی کردارش

اتبعوا اهواءهم ١٦ مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء

و پیروی کردند خواهشهای خود را مثل بهشت آنچنانکه وعده داده شدند پرهیزکاران در آن نهرهاست از آب

غير اسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه وانهار من خمر لذة للشاربين ١٧

نامتغیر و نهرهاست از شیری که تغییر نکرده طعمش و نهرهاست از خمری که لذت است مرآشامندگانرا

وانهار من عسل مصفى ولهم فيها من كل الثمرات ومغفرة من

و نهرهاست از عسل بی غش و مرایشانراست در آن از همه میوه و آمرزش از

ربهم كمن هو خالد في النار وسقوا ماء حميما فقطع امعاءهم ١٨

پروردگارشان مانند آنکس است که او جاوید در آتش و نوشانیده شوند آب سوزان پس پاره پاره کند روده‌های ایشانرا

قوله تعالی فهل ينظرون الا الساعة ان تاتيهم بغتة فقد جاء اشراطها ... از ابن عباس ... رسول خدا ... اشراط ساعت ... ضایع کردن صلوات و متابعت شهوات و میل بسوی هواها و تعظیم اصحاب مال ... دین بدنیا ... کسیکه ... ابن عباس ...

ومنهم

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتّٰى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
و از ایشان کسیکه گوش میدارد بسوی تو تا چون بیرون روند از نزد تو گویند برای آنکه داده شدند دانش را
مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۱۹
چه چیز گفت اینساعت آنگروه آنانند که مهر نهاد خدا بر دلهاشان و پیروی کردند خواهشهای خود را
وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ۲۰ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا
و آنهائیکه هدایت یافتند افزود ایشانرا هدایت و داد ایشانرا پرهیزگاری ایشانرا پس آیا انتظار میبرند مگر
السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنّٰى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ
قیامت را که بیاید ایشانرا ناگاه پس بتحقیق آمد علامتش پس از کجا باشد مرایشانرا چون آمد ایشانرا
ذِكْرَاهُمْ ۲۱ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ
پند گرفتنشان پس بدان که او نیست خدائی بجز خدا و آمرزش بطلب مر گناه خود را و مر مردان مؤمن
الْمُؤْمِنَاتِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ۲۲ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا
و زنان مؤمنه را و خدا میداند جای گردشتان و آرامگاه شما را و میگویند آنهائیکه گرویدند چرا
نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ
فرو فرستاده نشد سوره پس چون فرو فرستاده شد سوره محکم و ذکر کرده شد کارزار بینی آنانرا که
فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلٰى لَهُمْ
در دلهاشان مرض است که مینگرند بسوی تو نگریستن طاری شده بیهوشی بر او از مردن پس اولیست ایشان
طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ ۲۳ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللّٰهَ لَكَانَ خَيْرًا
اطاعت و گفت نیکو پس چون لازم شد امر پس اگر راستی نموده بودند با خدا هر آینه بهتر بود
لَهُمْ ۲۴ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۲۵
مرایشانرا پس آیا نزدیک شما اید اگر والی شدید که فساد کنید در زمین و قطع کنید رحمها تانرا
أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمٰى أَبْصَارَهُمْ ۲۶ أَفَلَا
این گروه آنانند که لعنت کرد ایشانرا خدا پس کر گردانیدشان و کور کرد چشمهای ایشانرا آیا پس
يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلٰى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ۲۷ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلٰى
اندیشه نمیکنند در قرآن یا بر دلهاست قفلهاشان بدرستیکه آنهائیکه برگشتند
أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلٰى لَهُمْ ۲۸
پشتهاشان از بعد آنچه ظاهر شد مرایشانرا هدایت ابلیس که وا نمود باشان و اهمال داد مرایشانرا
ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ
این بسبب آنست که ایشان گفتند مرآنانرا که ناخوش داشتند آنچه را فرو فرستاد خدا اطاعت کنیم شما در برخی از امر
وَاللّٰهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ۲۹ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلٰئِكَةُ يَضْرِبُونَ
و خدا میداند رازنهان شانرا پس چگونه وقتی که بمیرانند ایشانرا ملائکه میزده باشند
وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ۳۰ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللّٰهَ وَ
رویهاشانرا و پشتهاشانرا این بسبب آنستکه ایشان پیروی کردند آنچه را که بخشم آورد خدا را

كرهوا

أُوتُوا
بضم همزه و سکون واو
معروف میکرد و خائن مومن و امین خائن و کاذب تصدیق کرده میشود و صادق تکذیب کرده میشود سلمان عرض کرد یا رسول الله این واقع میشود فرمود بلی قسم بانکسی که نفس من بدست اوست یا سلمان در نزد این علامات واقع میشود امارت نساء و مشاورت اماء و نشستن اطفال بر منابر و میباشد کذب ظرافت و زکات غرامت و فیء غنیمت و جفا میکند مرد بوالدین خود و نیکی میکند از صدیق خود و طالع میشود ستاره دو دنب سلمان گفت این واقع میشود یا رسول الله فرمود بلی قسم بانکسی که نفس من بدست اوست ای سلمان در نزد این اختیار میکند زن با زوج خود در تجارت باشد مطر شدید و نقصان کرده میشود در مرتبه کرام و بزرگان و حقیر میشمرند فقیر معسر را پس نزدیک انجال نزدیک میشوند اسواق و میگوید چیزی نفروختم و دیگری نفع نکردم چیزی پس نمی مذمت کنند مر خدا را سلمان گفت این واقع میشود فرمود بلی قسم بانکسیکه نفس من بدست اوست

إِسْرَارَهُمْ
بکسر همزه در قرائت مشهور

دست ای سلمان در نزد این اسرار اوائل
کلام کنند
و اگر ساکت میشوند

الآیة ۲۲

كَرِهُوا رِضْوانَهُ فَاَحْبَطَ اَعْمالَهُمْ ٣١ اَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ
دناخوش داشتند خوشنودی اورا پس ناچیز گردانید کردارشانرا　بلکه پنداشتند آنانکه　در دلهاشان　مرض است

اَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللّٰهُ اَضْغانَهُمْ ٣٢ وَلَوْ نَشاءُ لَاَرَيْناكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيماهُمْ
که هرگز بیرون نیاورد خدا کینهای ایشانرا　واگر میخواستیم هرآینه مینمودیم ایشانرا بتو پس میشناختی بعلامتشان

وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اَعْمالَكُمْ ٣٣ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتّٰى نَعْلَمَ
و شناخته بودی آنها را در روش گفتار　و خدا میداند کردارهای شما را　و هرآینه میازمائیم شمارا تا بدانیم

الْمُجاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصّابِرِينَ وَنَبْلُوَا اَخْبارَكُمْ ٣٤ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا
جهاد کنندگان از شما و شکیبایانرا　و میازمائیم خبرهای شمارا　بدرستیکه آنانکه کافر شدند و بازگشتند

عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَشاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى لَنْ يَضُرُّوا
از راه　خدا　و مخالفت نمودند رسول خدارا از پس آنچه ظاهر شد مرایشانرا هدایت هرگز زیان نتوانند

اللّٰهَ شَيْئاً وَسَيُحْبِطُ اَعْمالَهُمْ ٣٥ يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اَطِيعُوا اللّٰهَ وَ
رسانید خدارا چیزی　و بزودی ناچیز شود کردارشان　ای آنکسانیکه گرویدید　اطاعت کنید خدارا و

اَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلا تُبْطِلُوا اَعْمالَكُمْ ٣٦ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ
و اطاعت کنید رسول را　و باطل نسازید کردارهاتانرا　بدرستیکه آنانکه　کافر شدند و

صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ ثُمَّ ماتُوا وَهُمْ كُفّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ٣٧ فَلا
باز داشتند از راه　خدا پس　مردند و ایشانند کافران پس هرگز نیامرزد خدا مرآنهارا پس

تَهِنُوا وَتَدْعُوا اِلَى السَّلْمِ وَاَنْتُمُ الْاَعْلَوْنَ وَاللّٰهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ
سستی نکنید و نخوانید بسوی صلح　و شما برترانید　و خدا با شما است　و هرگز کم نکند

اَعْمالَكُمْ ٣٨ اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَاِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ
از شما کردارهاتانرا　جز این نیست که زندگانی دنیا بازی و هزل است　و اگر بگروید و بپرهیزید بدهد شمارا

اُجُورَكُمْ وَلا يَسْئَلْكُمْ اَمْوالَكُمْ ٣٩ اِنْ يَسْئَلْكُمُوها فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَ
مزدهاتانرا　و نمیطلبد از شما　مالهاتانرا　و اگر بطلبد از شما آنهارا پس بجد گیرد شمارا بخیلی کنید و

يُخْرِجْ اَضْغانَكُمْ ٤٠ ها اَنْتُمْ هٰؤُلاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَمِنْكُمْ
بیرون آورد کینههاتانرا　اینک شما　اینجا خوانده میشوید　که انفاق کنید در　راه　خدا پس از شما

مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَاِنَّما يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللّٰهُ الْغَنِيُّ وَاَنْتُمُ
کسی است بخیلی میکند　و هرکه بخیلی میکند پس بتحقیق بخیلی میکند بجز باخودش　و خدای بینیاز است و شمائید

الْفُقَراءُ وَاِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَيْرَكُمْ ثُمَّ لا يَكُونُوا اَمْثالَكُمْ
شمائید محتاجان　و اگر رو بگردانید بدل شما آورد گروهیرا غیر از شما پس نباشند آنطرف امثال شما

(٤٨) سورة الفتح تسع وعشرون آية وهي مدنية

نزلت فی الطریق عند الانصراف من الحدیبیة نزلت بعد الجمعة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام　خداوند بخشنده مهربان

فی ثواب القراءة
در ثواب الاعمال و مجمع البیان بروایت از حضرت صادق علیه السلام مذکور است که نگاه داری کنید سورة قتال را زیرا که در آن بیان حال منافقین است بخواندن آن منافق و با عداوت خواننده آن را خوار میکند خدا و میشنوند روز قیامت چنانکه میشنوند خلایق که گفت من عبادی المخلصین

لن یترکم
بفتح یا و کسر تا و فتح را

ویخرج
بضم یا و سکون خا و کسر را و سکون جیم

المحتوم بالصالحین و السکونه جنات النعیم و سقوه الرحیق المختوم بزاج الکافور

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۱ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ

بدرستیکه ما گشودیم راه فیروزمندی را برای تو فیروزی روشن تا بیامرزد برای تو خدا آنچه پیش افتاد از گناهت و آنچه پس افتاد و کامل کند

نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۲ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا

نعمت خود را خدا بر تو و هدایت کند تورا براه راست و یاری کند تورا خدا یاری کردن

عَزِيزًا ۳ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا

باعزت اوست که فرود فرستاد آرامش در دلهای گروندگان تا افزایند ایمانی را

مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۴

با ایمانشان و مر خداراست لشگرهای آسمانها و زمین و باشد خدا دانای درست کردار

لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

تا در آورد مردان گرونده و زنان گرونده را در بهشتهائیکه روانست از زیر آنها نهرها جاودانند

فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۵ وَيُعَذِّبَ

در آن و در پوشاند از ایشان گناهانشان را و باشد این نزد خدا کامیابی بزرگ و عذاب کند

الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ

مردان منافق و زنان منافقه و مردان مشرک و زنان مشرکه که گمان برنده اند بخدا گمان

السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ

بد بر ایشانست گردش بد و خشم کرد خدا بر ایشان و لعنت کردشان و آماده کرد برای ایشان

جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۶ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ

جهنم را و بد جای بازگشتی است و مر خداراست لشگرهای آسمانها و زمین و باشد خدا

عَزِيزًا حَكِيمًا ۷ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۸ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

عزیز درست کردار بدرستیکه ما فرستادیم تورا گواه و مژده دهنده و بیم کننده تا بگروید بخدا و رسولش

وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۹ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا

و تقویت کنید اورا و تعظیم کنید اورا و تسبیح کنید اورا بامداد و شبانگاه بدرستیکه آنانکه بیعت کردند با تو جز این

يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ

نیست بیعت کردند با خدا دست خدا بالای دستهای آنها است پس هر که نقض عهد نمود پس نقض عهد نمود بر خودش و هر که

أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۱۰ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ

وفا کرد بآنچه عهد کرد بر آن خدا پس بزودی آمیدهد اورا مزدی بزرگ زود باشد که گویند مر ترا بجا گذاشتگان

مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ

از بادیه نشینان که مشغول داشت ما را مالهای ما و کسانمان پس آمرزش خواه برای ما میگویند بزبانهاشان

مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ

آنچه نیست در دلهاشان بگو پس کیست که مالک شود مر شمارا از خدا چیزیرا اگر خواهد بشما زیانیرا یا خواهد

بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۱۱ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ

برای شما سودیرا بلکه باشد خدا بآنچه میکنید آگاه بلکه گمان کردید که هرگز باز نگردد رسول

لِيَغْفِرَ بفتح را

هو الفتاح
از حضرت امام بحق ناطق امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که فرمود مالها و زنان را از تلف حفظ کنید بقرائت سوره الفتح و بدانید که هر که مداومت بر قرائت این سوره نماید منادی ندا کند در قیامت باو از طرف عرش که بشنوند کرامی بنده تو از جمله بندگان صالحی پس نعمت کنند او را در بهشت نعیم و از شراب طهور بچشانند
۱۲

عَلَيْهُ اللَّهَ
بضم هاء علیه
و فتح هاء الله

والمؤمنون

والمؤمنون الی اهلیهم ابدا وزین ذلک فی قلوبکم وظننتم ظن السوء

و گروندگان بسوی کسان ایشان هرگز و آراسته شد در دلهای شما و گمان کردید گمان بدی

وکنتم قوما بورا ۱۳ ومن لم یؤمن بالله ورسوله فانا اعتدنا للکافرین

و بودید گروهی هالکان و هر که نگرود بخدا و رسولش پس بدرستیکه ما مهیا کردیم برای کافران

سعیرا ۱۴ ولله ملک السموات والارض یغفر لمن یشاء ویعذب من

آتش سوزان و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد هر که را بخواهد و عذاب کند هر که را

یشاء وکان الله غفورا رحیما ۱۵ سیقول المخلفون اذا انطلقتم الی

بخواهد و باشد خدا آمرزنده مهربان زود است که میگویند بجا گذاشتگان چون بروید بسوی

مغانم لتاخذوها ذرونا نتبعکم یریدون ان یبدلوا کلام الله قل لن

غنیمتها که بر گیرید آنرا بگذارید ما را که از پی در آئیم شما را میخواهند که تبدیل کنند سخن خدا را بگو هرگز

تتبعونا کذلکم قال الله من قبل فسیقولون بل تحسدوننا بل کانوا

از پی نخواهید آمد ما را همچنان گفت خدا از پیش پس زود باشد که گویند بلکه حسد میبرید ما را بلکه هستند

لا یفقهون الا قلیلا ۱۶ قل للمخلفین من الاعراب ستدعون الی

که نمیفهمند مگر اندکی بگو مر بجا گذاشتگان از بادیه نشینان زود باشد که خوانده میشوید بسوی

قوم اولی باس شدید تقاتلونهم او یسلمون فان تطیعوا یؤتکم

گروهی صاحبان آسیب سخت که کارزار کنید با ایشان یا مسلمان شوید پس اگر فرمان برید میدهد شما را

الله اجرا حسنا وان تتولوا کما تولیتم من قبل یعذبکم عذابا الیما ۱۷

خدا مزدی خوب و اگر روی بگردانید چنانکه رو گردان شدید از پیش عذاب کند شما را عذابی دردناک

لیس علی الاعمی حرج ولا علی الاعرج حرج ولا علی المریض حرج

نیست بر کور گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی

ومن یطع الله ورسوله یدخله جنات تجری من تحتها الانهار ومن

و هر که فرمان برد خدا و فرستاده او را در آورد او را در بهشتهائیکه روانست از زیر آنها نهرها و هر که

یتول یعذبه عذابا الیما ۱۸ لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک

روی بگرداند عذاب کند عذابی دردناک هر آینه بتحقیق خوشنود شد خدا از گروندگان وقتیکه بیعت کردند ترا

تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینة علیهم واثابهم

در زیر درخت مغیلان پس دانست آنچه در دلهای ایشان بود پس فرو فرستاد آرام بر ایشان و پاداش داد ایشانرا

فتحا قریبا ۱۹ ومغانم کثیرة یاخذونها وکان الله عزیزا حکیما ۲۰ وعدکم

فتحی نزدیک و غنیمتهای بسیار که بر گیرند آنرا و باشد خدا غالب درست کردار وعده کرد شما را

الله مغانم کثیرة تاخذونها فعجل لکم هذه وکف ایدی الناس

خدا غنیمتهای بسیار که بر گیرید آنرا پس تعجیل داد مر شما را این و باز داشت دستهای مردمان را

عنکم ولتکون آیة للمؤمنین ویهدیکم صراطا مستقیما ۲۱ واخری

از شما و تا باشد علامتی مر گروندگانرا و هدایت کند شما را براه راست و دیگران

سبحانه و تعالی معللا لله تعالی قمی ره گوید آیه ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله ید الله فوق ایدیهم در بیعت رضوان بعد از آیه بیعت رضوان نازل آمد و شرط فرمود حضرت رسول بر عامه اصحاب اگر انکار نکنند بعد از من بر حضرت رسول هرچه را و مخالفت ننمایند در فعلی و قولی که اهل بیت ایشان را پس فرمود که چون بعد از نزول آیه رضوان ان الذین یبایعونک تا آخر بتحقیق که بیعت میکنی از ایشان بر این شرط که وفا کنند بعد از این عهد و میثاق او و نقض نکنند عهد و عقد او و پس این عقد و عهد نقض کردند حق علی از ایشان بعد منافقان متقدم

اولی بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

نصف احزاب

در ماللف آیه شرطی که آیه رضوان در حال آنحضرت نازل گردید لا آیه بیعت رضوان بعد نازل شد آیه که شرط شد بر ایشان در آن و نقض ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله الخ و حاصل کلام آنکه اکثر وفا بعهد حقی که بجهت حضرت رسول و نکردند بعد از بیعت رضوان شکستند عهد و شرطیکه با خدا و رسول کردند بعد از آن مثل عهد ولایت حضرت امیرالمؤمنین بعد در غدیر خم از جانب حقیقت علی بجهت رسول او بود و بعد از عهد بیعت و گفتن بخ بخ لک یا علی بعد از فوت آنحضرت نقض عهد کردند

لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ٢٢ وَ
که قادر نشدند بر آن بتحقیق احاطه نموده خدا بآن و باشد خدا بر هر چیز توانا و

لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ٢٣
اگر کارزار کردندی با شما آنانکه کافر شدند هر آینه گردانیدندی پشتها را پس نیابند دوستی و نه یاوری

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ٢٤ وَهُوَ
دستوری خداست که بتحقیق گذشت از پیش و هرگز نیابی مر دستوری خدا را تغییری و او است

الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ
آنکه باز داشت دستهای ایشان را از شما و دستهای شما را از ایشان در وادی مکه از پس آن که ظفر داد شما را

عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ٢٥ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ
بر آن و باشد خدا بآنچه میکنید بینا ایشانند آنانکه کافر شدند و باز داشتند شما را

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ
از مسجد الحرام و قربانیرا باز داشته شده که برسد بجایگاهش و اگر نبودی مردان مؤمنان

وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ
و زنان مؤمنه که ندانستید ایشانرا که پایمال میکردید ایشانرا پس میرسید شما را از ایشان عاری بدون دانش

لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ
تا داخل گرداند خدا در رحمتش هر کرا بخواهد اگر جدا شده بودند هر آینه عذاب میکردیم آنانرا که کافر شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا ٢٦ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ
شکنجه دردناک هنگامیکه گردانیدند آنانرا که کافر شدند در دلهاشان تعصب تعصب جاهلیه

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ
پس فرو فرستاد خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان و لازم گردانید ایشانرا کلمه تقوی

وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ٢٧ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ
و بودند سزاوارتر بآن و اهل آن و باشد خدا بهمه چیز دانا هر آینه بتحقیق راست نمود خدا

رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ
پیغمبرش را خواب بحق که هر آینه داخل خواهید شد مسجد الحرام را اگر خواسته باشد خدا ایمنان تراشندگان

رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ
سرهای خود را و کوتاه کنندگان که نترسید پس دانسته بود آنچه را ندانستید پس گردانید از پیش آن

فَتْحًا قَرِيبًا ٢٨ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
فیروزی نزدیک اوست آنکه فرستاد پیغمبرش را براهنمائی و دین حق تا غالب سازد آنرا بر

الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ٢٩ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ
دین همه اش و کافیست خدا گواه محمد ٣ رسول خداست و آنانکه با اویند سختانند

عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ
بر کافران مهربانند میان خودشان بینی ایشانرا رکوع کنندگان سجود کنندگان که جویند کرمی از خدا و

رِضْوَانًا

قوله تعالی شانه العزیز

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله یعنی خدا آن کسی است که فرستاد رسول خود را بهدایت بسوی ولایت و دین حق که اسلام است تا آنکه غالب سازد او را بر جنس دین ها بتمام بنسخ کردن آنچه حق است و الغاء فساد آنچه باطل است بتسلط ساختن مسلمانان بر اهل هر دین زیرا که نبود اهل دینی مگر آنکه مقهور گردید باسلام یا زود باشد که مقهور شود و قمی بسند این گوید او امامی است که ظاهر بسازد او را حقیقت الهی بر کل ادیان پس پر بسازد ارض را از قسط و عدل چنانچه پر ساخته شده است از ظلم و جور و گوید که این از آن جمله ایست که گفتیم تاویل آن بعد از تنزیل آنست یعنی هنوز تاویل آن نیامده است زیرا تاویل آن موقوف است بظهور حضرت قائم علیه

لَتَدْخُلُنَّ بفتح لام اول و ضم لام دوم

و در کافی از حضرت کاظم علیه السلام روایت است در این آیه که فرمود یعنی حقیقت اینکه کسیست که امر فرمود حضرت رسول خود را بولایت از برای وصی خود و ولایت دین حق است تا آنکه ظاهر سازد آنرا بر جمیع ادیان در نزد قیام حضرت قائم و حقیقت ... ولایت حضرت ... علیه السلام است اگرچه کراهه داشته باشند کافران بولایت علی مرتضی علیه السلام

رُحَمَاءُ... رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ

خوشنودی علامتشان در روهاشان است از نشان سجده اینست صفت ایشان در تورات و صفتشان

فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ

در انجیل چون کشته باشد که بیرون آورد سبزهٔ نورسته پس قوی کرد آنرا پس سطبر شد پس ایستاد بر ساقهای خود که بشگفت

الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ

در آورد زارعانرا تا بخشم آورد بایشان کافرانرا وعده کرده خدا آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته از ایشان

مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۴۹)

آمرزش و مزدی بزرگ

سورة الحجرات ثمان عشرة آية وهي مدنية

نزلت بعد المجادلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

ای آنانکه ایمان آوردید پیشی مگیرید میانهٔ دو دست خدا و پیغمبرش و بپرهیزید خدا را بدرستیکه خدا

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ

شنوندهٔ داناست ای کسانیکه ایمان آوردید بلند مسازید آوازهاتانرا بالای آواز پیغمبر

وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ

و بلند مکنید خطاب با او بگفتار مانند بلند گفتن برخی از شما مر برخی را مبادا ناچیز شود کردارهاتان و شما

لَا تَشْعُرُونَ ۲ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ

ندانسته باشید بدرستیکه آنانکه پست میسازند آوازهاشانرا نزد رسول خدا اینها آنانند

الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۳ إِنَّ الَّذِينَ

آنانند که آزمود خدا دلهاشانرا برای تقوی مر آنانراست آمرزش و مزد بزرگ بدرستیکه آنانکه

يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۴ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ

آواز میکنند از پشت حجرها بیشترشان درنمییابند بخرد و اگر ایشان صبر کردندی تا

تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ

بیرون آمدی بایشان هرآینه بودی بهتر مر ایشانرا و خدا آمرزندهٔ مهربانست ای کسانیکه گرویدید اگر

جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ

آورد شما را فاسقی خبری پس تفحص کنید مبادا آسیب رسانید گروهی را بنادانی پس بشوید بر آنچه کردید

نَادِمِينَ ۶ وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ

پشیمانان و بدانید که در شماست رسول خدا اگر اطاعت میکرد شما را در بسیاری از امر هرآینه بهلاک میشدید

وَلَٰكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ

ولیکن خدا گردانید محبوب بشما ایمانرا و آرایش داد در دلهای شما و ناخوش گردانید بشما کفر را و فسق

وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ۷ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و نافرمانیرا اینانند که ایشان راه صواب یافتگانند کرمیست از خدا و نعمتی و خدا داناست درست کردار

قوله سبحانه ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا یعنی ای اهل ایمان ... اگر ...
شطأه بفتح شین و سکون طا و فتح همزه ...

قول خدا تعالی ان جاءکم فاسق الخ ۱۲

وَاِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَاَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَاِنْ بَغَتْ اِحْدٰيهُمَا

واگر دو گروه از مؤمنان کارزار کنند پس اصلاح کنید میانشان پس اگر ستم کند یکی از آندو

عَلَى الْاُخْرٰى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتّٰى تَفِيْٓءَ اِلٰى اَمْرِ اللّٰهِ فَاِنْ فَآءَتْ فَاَصْلِحُوا

بر دیگرے پس کارزار کنید با آنکه ستم کند تا رجوع نماید بسوی فرمان خدا پس اگر رجوع کرد پس اصلاح

بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ١٠ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ

کنید میان آندو براستی و عدالت کنید بدرستیکه خدا دوست میدارد عدالت کنندگان را جز این نیست مؤمنان برادرانند

فَاَصْلِحُوا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ١١ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا

پس اصلاح کنید میان برادرانتان و بپرهیزید خدا را شاید که شما رحم کرده شوید اے آنانکه گرویدید

يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسٰى اَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَآءٌ مِنْ نِسَآءٍ عَسٰى اَنْ

نباید که استهزا کنند گروهی گروهی را شاید که باشند بهتر از ایشان و نه زنان از زنان شاید که

يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْاَلْقَابِ بِئْسَ الْاِسْمُ

باشند بهتر از ایشان و عیب مکنید خودهاتانرا و مخوانید بد بلقبها بدنامیست

الْفُسُوقُ بَعْدَ الْاِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ١٢ يَا اَيُّهَا

زشتکاریها بعد از ایمان و کسیکه توبه نکرد پس آنگروه ایشانند ستمکاران اے آن

الَّذِينَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا

کسانیکه گرویدید اجتناب کنید بسیار از گمان بدرستیکه برخی از گمان گناهست و جویای عیب مباشید

يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا اَيُحِبُّ اَحَدُكُمْ اَنْ يَاْكُلَ لَحْمَ اَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ

و نباید غیبت کنند برخے از شما برخی را آیا دوست میدارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر مرده خود را پس ناخوش داشتید از آن

اتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ١٣ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ

و بپرهیزید خدا را بدرستیکه خدا توبه پذیر مهربانست اے گروه مردمان بدرستیکه ما آفریدیم شما را از مردی

وَاُنْثٰى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰيكُمْ

و زنی و گردانیدیم ما شما را شعبه‌ها و قبیله‌ها تا بشناسید یکدیگر را بدرستیکه گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست

اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ١٤ قَالَتِ الْاَعْرَابُ اٰمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلٰكِنْ قُولُوا

بدرستیکه خدا دانای آگاهست گفتند آن بادیه‌نشینان گرویدیم بگو ایمان نیاورده اید ولیکن بگوئید

اَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْاِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَاِنْ تُطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ لَا

اسلام آوردیم و چون داخل نشد ایمان در دلهای شما و اگر فرمانبردار شوید خدا و رسول او را

يَلِتْكُمْ مِنْ اَعْمَالِكُمْ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٥ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ اٰمَنُوا

کم نگرداند شما را از کردارهاتان چیزی را بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست جز این نیست کسانیکه گرویدند

بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

بخدا و رسولش پس شک نکردند و جهاد کردند بمالهاشان و نفسهاشان در راه خدا

اُولٰٓئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ١٦ قُلْ اَتُعَلِّمُونَ اللّٰهَ بِدِينِكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِي

این گروه ایشانند راستگویان بگو آیا آگاهی میدهید خدا را بکیش خود و خدا میداند آنچه در

السموات

قوله تعالی

وان طائفتان من المؤمنين اقتتلوا الخ الآیه در صافی از کافی و تهذیب و قمی روایت از حضرت صادق از پدر بزرگوارش علیهما السلام ماثور است که فرمود که چون نازل شد این آیه فرمود حضرت رسول خدا بدرستیکه از جمله شما کسی است که مقاتله میکند بعد از من بر تاویل چنانکه مقاتله کردند بر تنزیل پس سوال شد که کیست او فرمود وصله

بئس الاسم

بکسر لام و اسم و در اصل الاسم بود ند لاسم قطع همزه نمودند باین طریق که حرکت همزه اسم را بلام دادند و همزه اول و دوم را بلفظ انداختند

خاصف

کننده نعل در حجره یعنی حضرت امیرالمومنین علیه السلام که در حجره وصله میکرد نعل حضرت رسول خدا را پس گفت عمار یاسر در جنگ جمل مقاتله کردم با این رایت با حضرت

لا يلتكم

بفتح یا و کسر لام و سکون تا رسول خدا سه دفعه و این دفعه و این دفعه چهارم است و الله اگر بزنند ما را بحربه‌ها که بکشانند ما را تا برسانند ما را از بصره و کثرت اعلام ازین دانستیم که ما بر حق و مخالفان بر باطلند ١٢

السموات وما في الارض والله بكل شيء عليم ١٧ يمنون عليك ان اسلموا

آسمانها و آنچه در زمین است و خدا بهر چیز داناست منت مینهند بر تو که اسلام آوردند

قل لا تمنوا علي اسلامكم بل الله يمن عليكم ان هديكم للايمان ان كنتم

بگو مگذارید منت بر من از اسلام آوردنتان بلکه خدا منت میگذارد بر شما که هدایت کرد شما را برای ایمان اگر هستید

صادقين ١٨ ان الله يعلم غيب السموات والارض والله بصير بما تعملون

راستگویان بدرستیکه میداند خدا پنهان آسمانها و زمین را و خدا بیناست بآنچه میکنید

سورة ق خمس و اربعون آية و هي مكية

الا آية ٣٨ فمدنية · نزلت بعد المرسلات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ق والقرآن المجيد ١ بل عجبوا ان جاءهم منذر منهم فقال الكافرون

بقرآن بزرگوار بلکه عجب داشتند که آمد ایشانرا بیم کننده از آنها پس گفتند کافران

هذا شيء عجيب ٢ ائذا متنا وكنا ترابا ذلك رجع بعيد ٣ قد علمنا ما

این چیزیست غریب آیا چون بمیریم و بشویم خاک آنست بازگشتی دور بحقیقت دانسته‌ایم ما آنچه را

تنقص الارض منهم وعندنا كتاب حفيظ ٤ بل كذبوا بالحق لما جاءهم

کم میکند زمین از ایشان و نزد ماست کتاب نگاه دارنده بلکه تکذیب کردند حق را چون آمد ایشانرا

فهم في امر مريج ٥ افلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها وزيناها

پس ایشانند در امری مضطرب آیا پس ننگرستند بسوی آسمان بر زبرشان چگونه بنا کردیم آنرا و آراستیم آنرا

وما لها من فروج ٦ والارض مددناها والقينا فيها رواسي وانبتنا

و نیست مر آنرا هیچ از شکافها و زمین را گسترش دادیم و افکندیم در آن کوههای استوار و رویانیدیم

فيها من كل زوج بهيج ٧ تبصرة وذكرى لكل عبد منيب ٨ ونزلنا من

در آن از هر صنفی خوش آینده برای بینائی و پندی مر هر بنده بازگشت کننده و فرو فرستادیم از

السماء ماء مباركا فانبتنا به جنات وحب الحصيد ٩ والنخل باسقات

آسمان آبی را با برکت داده شده پس برویانیدیم بآن بوستانها و دانه درونده شونده و درختان خرما بلند

لها طلع نضيد ١٠ رزقا للعباد واحيينا به بلدة ميتا كذلك الخروج ١١

که مر آنراست شکوفه در هم رسته روزی برای بندگان و زنده کردیم بآن بلده مرده را همچنین است بیرون آمدن

كذبت قبلهم قوم نوح واصحاب الرس وثمود ١٢ وعاد وفرعون واخوان

تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب رس و ثمود و عاد و فرعون و برادران

لوط ١٣ واصحاب الايكة وقوم تبع كل كذب الرسل فحق وعيد ١٤ افعيينا

لوط و اصحاب ایکه و قوم تبع همه تکذیب کردند پیغمبرانرا پس لازم شد وعید آیا پس ناتوان شدیم

بالخلق الاول بل هم في لبس من خلق جديد ١٥ ولقد خلقنا الانسان ونعلم

بآفرینش نخست بلکه ایشان در شکند از آفرینش تازه و بحقیقت آفریدیم انسانرا و میدانیم

قوله تعالی ق از جمله حروف مقطعه اسم اعظم است که علم آن نزد حجة الله امام علیه السلام و القرآن المجید قسم است یعنی قسم بقرآن مجید در صافی از معانی الاخبار از حضرت صادق مأثور است که فرمود قاف و آن جبلیست محیط بارض و خضرت آسمان از آنست و بآن نگاه میدارد حق تعالی ارض را آنکه حرکت دهد اهل خود را و فی رواية که قاف جبلیست محیط بدنیا

ق من میخواهد از عقب یاجوج و ماجوج از عبد الله بن عباس مرویست که خدا پدید از عقب کوه قاف زمینی آفرید که هفت برابر دنیاست و پر از ملائکه است و هر ملکی علمی دارد از نور و بالای هر علمی چهل فرسنگ است و از بسیاری علمها اگر سوزنی در میان آنها افتد بر زمین نیاید و بر علمی نوشته اند لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و چون شب جمعه در آید همه فرشتگان بپایان کوه قاف جمع شوند و همه شب دعا نمایند و گویند الهی بر امت حضرت محمد رحمت کن و عذاب و قهر از ایشان بردار و ایشانرا از عقوبت دوزخ ایمن گردان و چون صبح شود ایشان شکر گزارند ایمن شوند بآنکه دعای ایشان مستجاب است و السلام

تبع بضم تا و فتح با مشدده

لبس بفتح لام و سکون با موحده

مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ١٦ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ

آنچه را وسوسه کند باو نفسش و ما نزدیکتریم باو از رگ گردن چون فرا گیرند آنرا دو فرا گیرنده

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ١٧ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ

از راست و از چپ نشسته را نمیگوید بزبان هیچ سخنی را جز نزد او است نگهبانی

عَتِيدٌ ١٨ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ١٩ وَ

آماده و آمد بیهوشی مرگ بحق اینست آنچه بودی از آن در گریز بودی و

نُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ٢٠ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ

دمیده شد در صور اینست روز وعیدم و آمد هر نفسی که با اوست راننده و

شَهِيدٌ ٢١ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ

شاهدی هر آینه بحقیقت بودی در بیخبری ازاین پس برانداختیم از تو پرده ات را و پس چشم تو

الْيَوْمَ حَدِيدٌ ٢٢ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ٢٣ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ

امروز تیز است و گفت رفیقش این است آنچه نزد من آماده است بیندازید در جهنم

كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ٢٤ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ ٢٥ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا

هر ناسپاس عنادکننده که منع کننده است مر خیر را تعدی کننده شک آورنده آنکه گردانید با خدا خدائی

آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ٢٦ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ

دیگر پس بیفکنید او را در شکنجه سخت گوید رفیقش پروردگارا طاغی نکردم من او را ولیکن بود

فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ٢٧ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ٢٨

در گمراهی دوری گفت نزاع مکنید نزد و بحقیقت پیش فرستادم بشما وعیدم را

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ٢٩ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ

تغییر داده نشود سخن نزد من و نیستم من ستمگار مر بندگانرا روزیکه گوییم مر دوزخ را آیا

امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ٣٠ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ٣١

پر شدی و گوید آیا هست هیچ زیادتی و نزدیک گردانیده شد بهشت مر پرهیزگارانرا نه دور

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ٣٢ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَ

اینست آنچه وعده داده میشدید برای هر بازگردنده نگهبان آنکه ترسید از خدای بخشنده بپنهانی

جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ٣٣ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ٣٤ لَهُمْ

آمد با دلی بازگشت نماینده داخل شوید آنرا بسلامت اینست روز جاویدانی مر ایشانراست

مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ٣٥ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ

آنچه بخواهند در آن و نزد ماست زیادتی و بسیار هلاک کردیم پیش از این قرنیکه ایشان

أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ ٣٦ إِنَّ فِي ذَلِكَ

سخت تر بودند از اینها در قوت پس راه انداختند در بلدها آیا بود هیچ گریزگاهی بدرستیکه در اینست

لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ٣٧ وَلَقَدْ

هر آینه پندی برای آنکه باشد مر او را دلی یا انداخت گوش را و او باشد شاهد و هر آینه بحقیق

خَلَقْنَا

قوله سبحانه وجاءت كل نفس معها سائق وشهيد يعني وميآيد هر نفسى كه با او راننده و شاهد هست در مجمع از نهج البلاغه مرويست كه سائق ميراند نفس را بسوى محشر و شهيد شهادت ميدهد بر نفس بعمل او و در كنز الفوائد از جابر بن يزيد جعفى از حضرت ابو عبد الله عليه السلام در اين مرويست كه فرمود سائق حضرت امير المؤمنين است و شهيد حضرت رسول خداست و تا آنجا كه ... القيا في جهنم كل كفار عنيد زيرا كه خطاب القيا بسائق است و شهيد و قمى ... العيا مخاطبه بحضرت نبى و على عليهما السلام است قول حضرت صادق عليه السلام كه فرمود على عليه السلام قسمت جنت و نار است و در صافى از ...

فَأَلْقِيَاهُ بفتح همزه وكسر قاف همزه قطع است

امْتَلَأْتِ بكسر تاء ... حضرت سجاد از پدر بزرگوارش از جدش حضرت امير المؤمنين ... كه رسولخدا فرمود خداى عزوجل ميفرمايد ...

مَا يَشَاءُونَ بضم همزه وسكون واو

فَنَقَّبُوا بفتح نون وقاف مشدده وختم با بى تشديد

مَحِيصٍ بصاد بى نقطه ...

خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُّغُوبٍ ٣٨

آفریدیم آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست در شش روز و مس نکرد ما را هیچ رنجی

فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ٣٩

پس شکیبا شو بر آنچه میگویند و تسبیح کن بستایش پروردگارت پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن

وَمِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُودِ ٤٠ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ

و از شب پس تسبیح کن اورا و عقب سجده و بشنو روزیکه ندا کند ندا کننده از جایی

قَرِيبٍ ٤١ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ٤٢ اِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ

نزدیک روزیکه میشنوند آواز را براستی اینست روز بیرون آمدن بدرستیکه ما زنده میکنیم و میمیرانیم

وَاِلَيْنَا الْمَصِيرُ ٤٣ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْاَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ٤٤

و بسوی ماست بازگشت روزیکه بشکافد زمین از ایشان شتابندگان اینست حشر بر ما آسان

نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ٤٥ فَذَكِّرْ بِالْقُرْاٰنِ مَنْ يَّخَافُ وَعِيدِ

ما دانا تریم بآنچه میگویند و نیستی تو بر ایشان مسلط پس پند گوی بقرآن کسیکه میترسد از وعید من

سورة الذاريات ستون آية وهي مكية (٥١)

نزلت بعد الاحقاف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالذّٰرِيٰتِ ذَرْوًا ١ فَالْحٰمِلٰتِ وِقْرًا ٢ فَالْجٰرِيٰتِ يُسْرًا ٣ فَالْمُقَسِّمٰتِ

بپراکنندگان پراکندنی پس بردارندگان بار را پس روندگان باسانی پس قسمت کنندگان

اَمْرًا ٤ اِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ٥ وَاِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ٦ وَالسَّمَاۤءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ٧

امر را بدرستیکه آنچه وعده داده شدید هرآینه راستست و بدرستیکه دین جزا بوقوع آینده است و آسمان صاحب زینتها

اِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ٨ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ اُفِكَ ٩ قُتِلَ الْخَرّٰصُونَ ١٠ الَّذِينَ

بدرستیکه شما هرآینه در قولی مختلفید برگردانیده میشود از آن کسیکه برگردانیده شد کشته شدند دروغگویان آنانکه

هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ١١ يَسْئَلُونَ اَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ١٢ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ

ایشان اند در فرو رفتگی جهل بیخبران میپرسند که کی باشد روز جزا روزیکه ایشان بر آتش

يُفْتَنُونَ ١٣ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهٖ تَسْتَعْجِلُونَ ١٤ اِنَّ الْمُتَّقِينَ

عذاب کرده شوند بچشید عذابتان را اینست آنکه بودید بآن که بشتاب میخواستید بدرستیکه پرهیزگاران

فِي جَنّٰتٍ وَّعُيُونٍ ١٥ اٰخِذِينَ مَا اٰتٰهُمْ رَبُّهُمْ اِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذٰلِكَ

در بهشتها و چشمه سارهااند فراگیرندگانند آنچه دادشان پروردگارشان بدرستیکه آنها بودند پیش از این

مُحْسِنِينَ ١٦ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ١٧ وَبِالْاَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ١٨

نیکوکاران بودند که اندکی از شب خواب میکردند و در سحرها ایشان طلب آمرزش میکردند

وَفِي اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّاۤئِلِ وَالْمَحْرُومِ ١٩ وَفِي الْاَرْضِ اٰيٰتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ٢٠ وَفِي

و در مالهاشان بهره بود برای سؤال کننده و محروم و در زمین نشانهاست برای یقین کنندگان و در

یعنی روزیکه ندا ... باسم قائم حضرت قائم آل محمد و اسم پدر آنحضرت علیه السلام در مکان نزدیکی بطوریکه میرسد ندای او

وَاَدْبَارَ
بفتح همزه
بسوی هر کس از قریب و بعید علی السواء روزیکه می شنوند صیحه بحق را فی ره گوید صیحه حضرت قائم از آسمان است یعنی باسم آنحضرت است از یوم خروج است فی ره گوید یوم خروج حضرت قائم است و از حضرت صادق است که روز رجعت است روزیکه منشق شود زمین از ایشان در حالتیکه سرعت دارند در حرکت و خروج از قبور این البعث

الْحُبُكِ
بضم حا و با و کسر الکاف
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که این سوره را بخواند ... تعالی ... و از حضرت صادق ... یا روز جمعه این سوره را تلاوت کند ... روزی او ... فرماید

وجمعی است که بر ما سهل است فی قده گویند این لعب در حرب است

١٢

أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ٢٢ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ٢٣ فَوَرَبِّ

در خودهاتان آیا پس نمی‌بینید و در آسمان است روزی شما و آنچه وعده داده میشوید پس بپروردگار

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ ٢٤ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ

آسمان و زمین بدرستیکه آن هر آینه راستست آنچه شما سخن میگوئید آیا و بدرستی آمد ترا حکایت

ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ٢٥ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ

مهمانان ابراهیم گرامی داشته شدگان هنگامیکه داخل شدند براو پس گفتند سلام را گفت

سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ ٢٦ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ٢٧ فَقَرَّبَهُ

سلام گروهی بودند ناشناختگان پس نهانی رفت بسوی کسانش پس آورد گوساله فربه پس نزدیک آورد

إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ٢٨ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ

بایشان گفت آیا نمیخورید پس در خود یافت از آنها ترسی گفتند مترس و مژده او را دادند

بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ٢٩ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ

بپسری دانا پس شروع کرد زنش در فریاد پس زد بر رویش و گفت پیرزالی

عَقِيمٌ ٣٠ قَالُوا كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ٣١ قَالَ فَمَا

نازاینده‌ام گفتند همچنین گفت پروردگارت بدرستیکه او درست کار داناست گفت پس چیست

خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ٣٢ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ٣٣ لِنُرْسِلَ

کار مهمتان ای فرستادگان گفتند بدرستیکه ما فرستاده شدیم بسوی گروهی گناهکاران تا فرو فرستیم

عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ ٣٤ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ٣٥ فَأَخْرَجْنَا

برایشان سنگ ریزه از گل نشان کرده شده نزد پروردگارت برای اسرافکاران پس بیرون آوردیم

مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٣٦ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ٣٧

کسیکه بود در آنجا از مؤمنان پس نیافتیم در آن غیر از خانهٔ از مسلمانان

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ٣٨ وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ

و واگذاشتیم در آن نشانهٔ مر آنانرا که میترسند از عذاب دردناک و در موسی هنگامیکه فرستادیم او را

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ٣٩ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ٤٠

بسوی فرعون با حجت آشکار پس گردید بیک سویش و گفت ساحر است یا دیوانه

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ٤١ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا

پس گرفتیم او و لشگرش را پس فرو بردیم آنها را در دریا و او بود ملامت آورنده و در عاد هنگامیکه فرستادیم

عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ٤٢ مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ٤٣

برایشان بادی بی سود را که نمیگذاشت هیچ چیز را که میگذشت بر آن بجز میگردانید او را مانند استخوان پوسیده

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ٤٤ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ

و در ثمود هنگامیکه گفته شد مر آنها را برخورید تا وقتی پس سرکشیدند از امر پروردگارشان پس گرفت ایشانرا

الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ ٤٥ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنتَصِرِينَ

صاعقه و ایشان مینگریستند پس نتوانستند هیچ بر خاستن و نبودند انتقام کشندگان

وقوم

قوله سبحانه

فورب السماء والارض انه لحق الی آخر الآیه یعنی قسم بپروردگار آسمان و زمین آنکه ظهور حضرت قائم علیه السلام حق و صدق است مثل آنکه تنطق میکنید یعنی چنانکه شکی در سخن گفتن شما نیست سزاوار است آنکه شک نکند در تحقق قیام حضرت قائم آل محمد علیهم السلام و ظهور او بسبب

وَبَشَّرُوهُ بفتح با و شین مشدده

كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ بکسر کاف در هر دو موضع

انتقام کشیدن از اعادی حضرات آل محمد علیهم السلام و در کنز الفواید از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام ماثور است در آیه فورب السماء والارض انه لحق یعنی قیام حضرت قائم علیه السلام هر آینه حق است و در شان آنحضرت این آیه نازل است و این وعده الهیست که حق تعالی فرموده بقوله وعد الله الذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات لیستخلفنهم کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا والسلام

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ٤٧ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ
وقوم نوح از پیش بدرستیکه بودند گروهی فاسقان و آسمان بنا کردیم آنرا بقوت

وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ٤٨ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ٤٩ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ
و بدرستیکه ما توانائیم و زمین را گستردیم آنرا پس خوب گسترانندگانیم و از هر چیز

خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ٥٠ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ٥١
آفریدیم دو صنف شاید شما پند گیرید پس بگریزید بسوی خدا بدرستیکه من شما را از او بیم کننده آشکارم

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ٥٢ كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ
و قرار ندهید با خدا خدای دیگر بدرستیکه من مر شما را از او بیم کننده آشکارم همچنان نیامد آنها را که بودند

مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ٥٣ أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ٥٤
پیش از ایشان هیچ رسولی مگر آنکه گفتند جادوگر است یا دیوانه آیا یکدیگر را وصیت کردند بآن بلکه ایشان قومی سرکشانند

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ٥٥ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ٥٦ وَمَا خَلَقْتُ
پس اعراض کن از آنها پس نیستی تو ملامت کرده شده و پند ده پس بدرستیکه پند سود میدهد گروندگانرا و نیافریدم

الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ٥٧ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ٥٨
جن و انس را مگر آنکه پرستش کنند مرا نمیخواهم از ایشان هیچ روزئی و نمیخواهم که اطعام کنند مرا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ٥٩ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ
بدرستیکه خدا اوست روزی دهنده صاحب قوت قوی پس بدرستیکه مر آنها را که ستم کردند نصیبی مانند نصیب

أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ٦٠ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ
یاران ایشان پس نباید که بشتاب خواهند از من پس وای مر آنها را که کافر شدند از روزشان که وعده کرده شدند

سورة الطور تسع واربعون آية وهي مكية (٥٢) نزلت بعد السجدة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالطُّورِ ٢ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ٣ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ ٤ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ٥ وَالسَّقْفِ
بطور و کتاب نوشته شده در ورقی گشاده شده و خانه معمور و سقف

الْمَرْفُوعِ ٦ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ٧ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ٨ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ٩ يَوْمَ
برافراشته و دریای پر بدرستیکه عذاب پروردگارت هر آینه واقع شدنیست نیست مر او را هیچ دفع کننده روزیکه

تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ١٠ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ١١ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ١٢
که موج زند آسمان موج زدنی و روان شود کوهها روان شدنی پس وای در آنروز مر تکذیب کنندگانرا

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ١٣ يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ١٤ هَٰذِهِ
آنانکه ایشان در گفتگوی بازی میکنند روزیکه بزجر انداخته شوند بآتش جهنم انداخته شدنی اینست

النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٥ أَفَسِحْرٌ هَٰذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ١٦ اصْلَوْهَا
آن آتشیکه بودید آنرا تکذیب میکردید آیا پس جادوست این یا شما نمی بینید در آورید داخل

فَاصْبِرُوا

قوله تعالی
فتول عنهم فما انت بملوم وذکر فان الذکری
در صافی از کافی از حضرت باقر و صادق علیهما السلام منقولست که فرمودند بدرستیکه مردم چون تکذیب کردند حضرت رسول خدا را قصد فرمود حقتعالی هلاک کردن اهل ارض مگر حضرت علی مرتضی را پس که مطیع ملکه نفس بود بقول خود که فتول عنهم تا آخر بدا واقع شد از جانب حقتعالی پس ترحم فرمود از مؤمنین اهل ارض و فرمود از برای پیغمبر خود فذکر و فی این آیه رد است بر سنی
لیعبدون بکسر نون
ان یطعمون بکسر نون
ذنوبا بفتح ذال
ذنوب بفتح ذال
در هر دو موضع بمعنی نصیب نه بضم بمعنی گناهان
یستعجلون بکسر نون
که انکار بدا و مشیت میکنند والسلام ١٢

قوله تعالی
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است هر که سوره والطور بخواند خدای تعالی اورا خیر دنیا و آخرت جمع کند ١٢

فاصبروا او لا تصبروا سواء عليكم انما تجزون ما كنتم تعملون ١٧ ان

پس صبر کنید یا صبر نکنید یکسانست بر شما جز این نیست که جزا داده میشوید آنچه بودید میکردید بدرستیکه

المتقين في جنات ونعيم ١٨ فاكهين بما اتاهم ربهم ووقاهم ربهم عذاب

پرهیزگاران اند در بهشتها و نعمتها شادکنندگان بآنچه داد ایشان پروردگار ایشان نگاه داشت ایشان را پروردگار ایشان

الجحيم ١٩ كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون ٢٠ متكئين على سرر مصفوفة

از عذاب دوزخ بخورید و بیاشامید گوارا بآنچه بودید که میکردید تکیه کنندگان بر سریرهای بهم پیوسته

وزوجناهم بحور عين ٢١ والذين امنوا واتبعتهم ذريتهم بايمان الحقنا

و جفت کنیم ایشان را با حوران فراخ چشم و کسانیکه گرویدند و پیروی ایشان اولاد ایشان بایمان لحق سازیم

بهم ذريتهم وما التناهم من عملهم من شيء كل امرئ بما كسب رهين ٢٢

بایشان فرزندان ایشان را و کم نگردانیم ایشان را از کردار ایشان هیچ چیز هر مردی بآنچه کرده در گروست

وامددناهم بفاكهة ولحم مما يشتهون ٢٣ يتنازعون فيها كاسا لا

و مدد دادیم ایشان را میوه و گوشت از آنچه خواهش دارند میگیرند در آن جامی

لغو فيها ولا تاثيم ٢٤ ويطوف عليهم غلمان لهم كانهم لؤلؤ مكنون ٢٥

که نه لغوی در آنست و نه اسناد بدی و گرد ایشان گردش کنند ساده پسرانی که مر ایشان راست گویا مروارید در صدف

واقبل بعضهم على بعض يتساءلون ٢٦ قالوا انا كنا قبل في اهلنا مشفقين ٢٧

و روآورند برخی بر برخی میپرسند از یکدیگر گفتند بدرستیکه ما بودیم پیشتر از کسان ترسندگان

فمن الله علينا ووقانا عذاب السموم ٢٨ انا كنا من قبل ندعوه انه هو

پس منت گذاشت خدا بر ما و نگهداشت ما را از عذاب آتش نفوذ کننده بدرستیکه ما بودیم از پیش میخواندیم او را که او

البر الرحيم ٢٩ فذكر فما انت بنعمة ربك بكاهن ولا مجنون ٣٠ ام يقولون

نیکوئی کننده مهربانست پس پند ده پس نیستی تو بنعمت پروردگارت غیب گوی بی وحی و نه دیوانه یا میگویند

شاعر نتربص به ريب المنون ٣١ قل تربصوا فاني معكم من المتربصين ٣٢

شاعریست که چشم داریم باو حوادث روزگار را بگو چشم دارید پس بدرستیکه من با شما از منتظرانم

ام تامرهم احلامهم بهذا ام هم قوم طاغون ٣٣ ام يقولون تقوله

یا امر میکند ایشان را خردهای ایشان باین یا ایشان اند گروهی طاغیان یا میگویند بر بافته آنرا

بل لا يؤمنون ٣٤ فلياتوا بحديث مثله ان كانوا صادقين ٣٥ ام

بلکه نمیگروند پس بیاورند حدیثی مانند آن اگر بودند راستگویان یا

خلقوا من غير شيء ام هم الخالقون ٣٦ ام خلقوا السموات والارض

آفریده شدند از غیر چیزی یا ایشانند خلق کنندگان یا آفریدند آسمانها و زمین

بل لا يوقنون ٣٧ ام عندهم خزائن ربك ام هم المصيطرون ٣٨ ام

بلکه یقین ندارند یا نزد ایشانست خزانهای پروردگارت یا ایشانند تسلط دارندگان

لهم سلم يستمعون فيه فليات مستمعهم بسلطان مبين ٣٩ ام له

مرایشان نردبانیست که گوش میکنند در آن پس باید بیاورد شنونده ایشان حجتی آشکار یا مر او را

قوله تعالی

وزوجناهم بحور عين ...

الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ۳۹ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۴۰ أَمْ عِنْدَهُمُ
دختران و مرشمارا است پسران یا میخواهی از ایشان مزد پس ایشان از التزام تاوان گرانبار شدگان یا نزد ایشان است

الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۴۱ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ۴۲
پس ایشان مینویسند یا میخواهند مکر پس آنانکه کافر شدند ایشان اند مکر کرده شدگان

أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۴۳ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ
یا مرایشانرا است خدائی جز خدا منزه است خدا از آنچه شرک میاورند و اگر ببینند پارهٔ از آسمان

سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ۴۴ فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ
فرود آینده میگویند ابریست برهم نشسته پس واگذار ایشانرا تا ملاقات کنند روز شانرا که در آن

يُصْعَقُونَ ۴۵ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۴۶ وَإِنَّ لِلَّذِينَ
هلاک کرده شوند بصاعقه روزیکه کفایت نکند از ایشان مکرشان چیزیرا و نه ایشان یاری کرده شوند و بدرستیکه مر آنانرا که

ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۴۷ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ
ستم کردند عذابیست غیر این و لیکن بیشترشان نمیدانند و صبر کن مر حکم پروردگارت را پس بدرستیکه تو

بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ۴۸ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ۴۹
بنگاه داشت ما و تسبیح کن بستایش پروردگارت هنگامیکه برمیخیزی و از شب پس تسبیح کن او را و در پشت کردن ستارگان

سُورَةُ النَّجْمِ اثْنَتَانِ وَسِتُّونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۵۳)

الا آیه ۳۳ مدنیه نزلت بعد الاخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۱ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۲ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۳
بستاره چون فرو افتد که گمراه نشد صاحب شما و براه باطل نرفت و سخن نگوید از خواهش

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۴ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۵ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۶ وَ
نیست آن بجز وحی که وحی کرده میشود آموخت او را سخت قوتها صاحب توانائی پس راست ایستاد

هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۷ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۸ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۹
و او بود برافق اعلی پس نزدیک آمد پس نزدیک شد پس بود قدر دو کمان یا نزدیکتر

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۱۰ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۱۱ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ
پس وحی کرد بسوی بنده خود آنچه وحی کرد تکذیب نکرد دل آنچه را دید آیا پس مجادله میکنید او را بر

مَا يَرَىٰ ۱۲ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۱۳ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۱۴ عِنْدَهَا
آنچه میبیند و هر آینه بتحقیق دیدش بار دیگر نزد سدرة المنتهی که نزد آنست

جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۱۵ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۱۶ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۱۷
بهشت آرامگاه هنگامیکه پوشید سدره را آنچه پوشید نگردید چشم بجائی و تجاوز نکرد از حد

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۱۸ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ۱۹ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ
هر آینه دید از آیات پروردگارش که بود بزرگ آیا پس خبر دهید از لات و عزی و منات سوم

الْأُخْرَىٰ

قوله سبحانه والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم و ما غوی در مجالس از ابن عباس مرویست که گفت نماز گزاردیم عشاء آخره را یکشبی با حضرت رسول خدا پس چون سلام داد آنحضرت اقبال فرموده بر ما و گفت زود باشد که ساقط شود کوکبی از آسمان با طلوع فجر پس هر که افتد در خانه او از شما و هر کس ساقط گردید این کوکب در خانه او او وصی و خلیفه من و امام بعد از من است پس چون صبح نزدیک شد هر یک از ما اصحاب

وادبار بکسر همزه نشستند در خانه خود و منتظر سقوط کوکب در خانه خود بودند و طامع تر از تمام قوم پدرم در این امر عباس بن عبد المطلب بود پس چون طالع شد فجر نازل شد از هوا و ساقط گردید در خانه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام ذو مرة بکسر میم

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسند معتبر روایت است که هر کس این سوره را تلاوت کند بعد از آنکه تصدیق من کرده و بعد از آنکه منکر شد ولی حضرت حق سبحانه و تعالی ده حسنه در نامه اعمال او مسطور فرماید و از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر که بخواند این سوره را مداومت نماید نظر کرم شود و منظور گردد

الاُخریٰ ۲۱ اَلَکُمُ الذَّکَرُ وَلَهُ الاُنثیٰ ۲۲ تِلکَ اِذًا قِسمَةٌ ضِیزیٰ ۲۳ اِن هِیَ

دیگر — آیا مر شما راست مذکر و مر او راست مؤنث — اینست اکنون بخشی که هست مخالف عدالت — نیست آن

اِلّآ اَسمآءٌ سَمَّیتُمُوهآ اَنتُم وَاٰبآؤُکُم مآ اَنزَلَ اللهُ بِها مِن سُلطانٍ اِن

جز نامهایی که نام نهادید شما و پدرانتان — فرونفرستاده خدا بآن هیچ حجتی — نمیکنند

یَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ وَما تَهوَی الاَنفُسُ وَلَقَد جآءَهُم مِن رَبِّهِمُ الهُدیٰ ۲۴

پیروی جز گمان را — و آنچه را خواهش دارد نفسها — و هر آینه بحقیقت آمد ایشان را از پروردگارشان هدایت

اَم لِلاِنسانِ ما تَمَنّیٰ ۲۵ فَلِلّهِ الاٰخِرَةُ وَالاُولیٰ ۲۶ وَکَم مِن مَلَکٍ فِی السَّمٰوٰتِ

یا مر انسان راست آنچه آرزو کند — پس برای خداست آنجهان و اینجهان — و بسیار از فرشته در آسمانها

لا تُغنی شَفاعَتُهُم شَیئًا ۲۷ اِلّا مِن بَعدِ اَن یَأذَنَ اللهُ لِمَن یَشآءُ وَیَرضیٰ ۲۸

که کفایت نمیکند شفاعتشان چیزی را — بجز از بعد اینکه رخصت دهد خدا مر کسی را که میخواهد و خوشنود

اِنَّ الَّذینَ لا یُؤمِنُونَ بِالاٰخِرَةِ لَیُسَمُّونَ المَلٰئِکَةَ تَسمِیَةَ الاُنثیٰ ۲۹

بدرستی آنانکه نمیگروند باخرت — هر آینه مینامند ملائکه را — نام نهادنی مؤنث

وَما لَهُم بِهِ مِن عِلمٍ اِن یَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنَّ الظَّنَّ لا یُغنی مِنَ الحَقِّ

و نیست مر ایشانرا بآن هیچ دانشی — پیروی نمیکنند مگر گمانرا — و بدرستیکه گمان کفایت نمیکند از حق

شَیئًا ۳۰ فَاَعرِض عَن مَن تَوَلّیٰ عَن ذِکرِنا وَلَم یُرِد اِلَّا الحَیٰوةَ الدُّنیا ۳۱

چیزیرا — پس رو بگردان از کسیکه رو گردانید از یاد ما و نخواست جز زندگانی دنیا

ذٰلِکَ مَبلَغُهُم مِنَ العِلمِ اِنَّ رَبَّکَ هُوَ اَعلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبیلِهِ وَهُوَ اَعلَمُ

اینست منتهای رسید نشان از دانش — بدرستیکه پروردگار تو او داناتر است بآنکه گمراه شد از راهش — و او داناتر است

بِمَنِ اهتَدیٰ ۳۲ وَلِلّهِ ما فِی السَّمٰوٰتِ وَما فِی الاَرضِ لِیَجزِیَ الَّذینَ

بآنکه هدایت یافت — و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست — تا جزا دهد آنانرا که

اَسآؤُا بِما عَمِلُوا وَیَجزِیَ الَّذینَ اَحسَنُوا بِالحُسنیٰ ۳۳ اَلَّذینَ یَجتَنِبُونَ

بد کردند بآنچه کردند — و جزا دهد آنانرا که نیکو کردند بخوبی — آنانکه اجتناب مینمودند

کَبآئِرَ الاِثمِ وَالفَواحِشَ اِلَّا اللَّمَمَ اِنَّ رَبَّکَ واسِعُ المَغفِرَةِ هُوَ اَعلَمُ بِکُم

از کبیرههای گناه و زشت کارها — مگر صغیره — بدرستیکه پروردگار تو فراخ آمرزش است — او داناتر است بشما

اِذ اَنشَاَکُم مِنَ الاَرضِ وَاِذ اَنتُم اَجِنَّةٌ فی بُطُونِ اُمَّهاتِکُم فَلا تُزَکُّوا اَنفُسَکُم

اگر پدید آورد شمارا از زمین — و هنگامیکه بودید شما جنینها در شکمهای مادرانتان — پس پاک مسازید نفسهاتان

هُوَ اَعلَمُ بِمَنِ اتَّقیٰ ۳۴ اَفَرَاَیتَ الَّذی تَوَلّیٰ ۳۵ وَاَعطیٰ قَلیلًا وَاَکدیٰ

او داناتر است بآنکه پرهیزگار شد — آیا پس دیدی که رو گردان شد — و داد اندکی و امساک نمود

اَعِندَهُ عِلمُ الغَیبِ فَهُوَ یَریٰ ۳۷ اَم لَم یُنَبَّأ بِما فی صُحُفِ مُوسیٰ ۳۸ وَ

آیا نزد او ست علم غیب پس او می بیند — آیا خبر داده نشد بآنچه در صحیفههای موسی

اِبرٰهیمَ الَّذی وَفّیٰ ۳۹ اَلّا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزرَ اُخریٰ ۴۰ وَاَن لَیسَ لِلاِنسانِ

ابراهیم آنکه تمام ادا کرد — که بر ندارد بردارندهٔ بار گناه دیگریرا — و اینکه نیست مر آدمی را

در صفحهٔ مقابل قوله سبحانه اذ یغشی السدرة یعنی قمی ره گوید چون مرتفع گردید حجاب میان حق تعالی و میان رسولخدا ص فرو گرفت نور خداوندی سدرة المنتهی را و زینت و مبد یحد

وَاٰباؤُکُم بضمّ همزه بدون اشباع

طغیٰ

بصر رسولخدا ص از آنچه طغیان و تجاوز نکرد از آن بلکه ثابت داشت حقیقت آنچه بصر آنحضرت را بثبوت صحیح بیند هر آینه بتحقیق بدید از آیات پروردگار خود حضرت رسول آیت کبری را یعنی دید بزرگترین آیات او و در کافی از کتاب توحید از حضرت امیرالمؤمنین مرویست که در این آیه مراد دیدن حضرت جبرئیل را در صورت خود دو مرتبه

اَسآؤُا بضمّ همزه ثانیه با اشباع

اثم یعنی مرتبه دیگر این آن کسیکه خلقت جبرئیل عظیم است

اَجِنَّةٌ بفتح همزه و کسر جیم و فتح نون مشدده

پس از ادا از روح خارج شدن آنچنانی است که ادراک نمیشود خلقت و وصف ایشان مگر از برای حدود پروردگار عالمیان و بعضی گفته اند که مراد از ابن جبرئیل است خود بر صورت خودش دو مرتبه و دو مرتبه دیگر در معراج السلام

إِلَّا مَا سَعَىٰ ٣٩ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ ٤٠ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ ٤١

بجز آنچه سعی کرد — و آنکه سعیش بزودی دیده خواهد شد — پس جزا داده شود از جزای تمامتر

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ ٤٢ وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ ٤٣ وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ

و اینکه بسوی پروردگارتست منتهای کارها — و اینکه او خنداند و گریانید — و اینکه او بمیرانید

وَأَحْيَا ٤٤ وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ ٤٥ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ٤٦

و زنده کرد — و اینکه او آفرید دو صنف — مذکر و مؤنث را — از نطفه چون ریخته شد

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ ٤٧ وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ٤٨ وَأَنَّهُ هُوَ

و اینکه براوست نشأه دیگر بار — و اینکه او غنی گردانید و سرمایه داد — و اینکه او

رَبُّ الشِّعْرَىٰ ٤٩ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ٥٠ وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ ٥١ وَقَوْمَ

پروردگار شعری است — و اینکه او هلاک کرد نخستین را — و ثمود را پس باقی نگذاشت — و قوم

نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ ٥٢ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ٥٣ فَغَشَّاهَا

نوح از پیش که ایشان بودند انها ستمگارتر و طاغی‌تر — و آن زیر و زبر شده را فرو افکند پس پوشانید او را

مَا غَشَّىٰ ٥٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ٥٥ هَٰذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَىٰ ٥٦

آنچه پوشانید — پس بکدام یک نعمتهای پروردگارت شک آوری — این بیم دهنده است از جنس بیم دهندگان اول

أَزِفَتِ الْآزِفَةُ ٥٧ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ٥٨ أَفَمِنْ هَٰذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ٥٩

نزدیک شد نزدیک شونده — نیست مر آنرا از غیر خدا دفع کننده — آیا پس از این سخن تعجب میکنید

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ٦٠ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ٦١ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ٦٢

و میخندید — و نمیگریید — و شما اید غافلان — پس سجده کنید مر خدا را و بپرستید

(٥٤) سورة القمر خمس و خمسون آية و هي مكية

الا الآيات ٤٤ - ٤٥ - ٤٦ فمدنية نزلت بعد الطارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ١ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ

نزدیک شد قیامت و بشکافت قمر — و اگر ببینند آیتی روگردانند و گویند جادوییست

مُسْتَمِرٌّ ٢ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ ٣ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ

همیشگی — و تکذیب کردند و پیروی کردند خواهشهاشان را — و هر امری قرار گیرنده است — و هر آینه بتحقیق آمد ایشان را

مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ٤ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ٥ فَتَوَلَّ

از خبرها آنچه در آنست منزجر شدن — حکمتی است کامل — پس سود ندهد بیم دادن — پس برگردان

عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُكُرٍ ٦ خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ

از آنها روزی که بخواند خواننده بسوی چیزی ناخوش — فرو رفته چشمهاشان — بیرون آیند از قبرها

كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ٧ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ

گویا ایشانند ملخ پراکنده — بشتاب روندگان بسوی خواننده — گویند کافران که این روزیست

عَسِرٌ

سخن چو بته تعالی

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بجهت دفع ترس از دشمن هفت بار این سوره را بخواند و هم از آنحضرت منقول است که هر کس این سوره را بنویسد و در روز جمعه در وقت نماز جمعه آنرا در زیر عمامه خود بنهد و پنهان سازد نزد مردم عزیز و مکرم باشد و کارهای صعب بروی آسان گردد

الأولى — بضم همزه با اشباع

الأولى — بضم همزه و سکون واو با اشباع

أزف — بفتح همزه و کسر زا و فتح فا و کسر تا

سجده واجب

سخن جل الله تعالی

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر کس این سوره را بخواند وقت بیرون آمدن از قبر او را بر ناقه از ناقهای بهشتی سوار کنند و بهشت رسانند والله اعلم

الأنباء — بتقدیم نون بر با

عسر ٩ كذبت قبلهم قوم نوح فكذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر ١٠
دشوار تکذیب کردند پیش از آنها قوم نوح پس تکذیب کردند بنده ما را و گفتند دیوانه است و زجر کرده شد

فدعا ربه أني مغلوب فانتصر ١١ ففتحنا أبواب السماء بماء منهمر ١٢
پس خواند پروردگارش بدرستیکه من مغلوبم پس انتقام بکش پس گشودیم درهای آسمان را بآبی سخت ریزان

وفجرنا الأرض عيونا فالتقى الماء على أمر قد قدر ١٣ وحملناه على
و روان کردیم از زمین چشمه‌ها پس بهم پیوست آب بر کاری که بتحقیق قرار داده شد و برداشتیم او را بر

ذات ألواح ودسر ١٤ تجري بأعيننا جزاء لمن كان كفر ١٥ ولقد
صاحب تخته‌ها و میخها میرفت بمحافظتهای ما پاداش برای کسیکه بود که انکار کرده شد و هر آینه بتحقیق

تركناها آية فهل من مدكر ١٦ فكيف كان عذابي ونذر ١٧ ولقد يسرنا
گذاشتیم آنرا آیتی پس آیا هست هیچ پندگیرنده پس چگونه بود عذابم و بیم دادنم و بتحقیق آسان

القرآن للذكر فهل من مدكر ١٨ كذبت عاد فكيف كان عذابي ونذر
قرآن را برای پند پس آیا هست هیچ پندگیرنده تکذیب کردند عاد پس چگونه بود عذابم و بیم دادنم

إنا أرسلنا عليهم ريحا صرصرا في يوم نحس مستمر ٢٠ تنزع الناس
بدرستیکه ما فرستادیم بر آنها بادی پر صرصر را در روز نحس شوم استمرار دارنده بود میربود مردم را

كأنهم أعجاز نخل منقعر ٢١ فكيف كان عذابي ونذر ٢٢ ولقد يسرنا
گویا ایشان بودند تنه‌های نخل از بیخ برکنده پس چگونه بود عذابم و بیم دادنم و بتحقیق آسان کردیم

القرآن للذكر فهل من مدكر ٢٣ كذبت ثمود بالنذر ٢٤ فقالوا أبشرا
قرآن را برای پند پس آیا هست هیچ پندگیرنده تکذیب نمودند ثمود بیم کنندگان را پس گفتند آیا انسانی

منا واحدا نتبعه إنا إذا لفي ضلال وسعر ٢٥ أألقي الذكر عليه من
یکی از ما است پیروی بکنیم بدرستیکه ما اکنون هر آینه در گمراهی و دیوانگی باشیم آیا القا نموده شد ذکر بر او از

بيننا بل هو كذاب أشر ٢٦ سيعلمون غدا من الكذاب الأشر ٢٧ إنا
میان ما بلکه او است دروغگو خودخواه بزودی خواهند دانست فردا که کیست دروغگوی خودخواه بدسلیقه

مرسلو الناقة فتنة لهم فارتقبهم واصطبر ٢٨ ونبئهم أن الماء قسمة
فرستندگان ناقه ایم ابتلائی مر ایشانرا پس چشم دار ایشانرا و صبر کن و خبر ده ایشانرا که آب قسمتی است

بينهم كل شرب محتضر ٢٩ فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر ٣٠ فكيف كان
میانشان هر حصه آبی حاضر کرده است پس خواندند یار ایشانرا پس متحمل شد چیزی را پس پی کرد پس چگونه بود

عذابي ونذر ٣١ إنا أرسلنا عليهم صيحة واحدة فكانوا كهشيم المحتظر ٣٢
عذابم و بیم دادنم بدرستیکه ما فرستادیم بر آنها فریادی واحد پس بودند چون درهم شکسته حظیره ساز

ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ٣٣ كذبت قوم لوط بالنذر
و هر آینه آسان کردیم قرآن را برای پند پس آیا هست هیچ پندگیرنده تکذیب کردند قوم لوط بیم کنندگان را

إنا أرسلنا عليهم حاصبا إلا آل لوط نجيناهم بسحر ٣٥ نعمة من عندنا
بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان تندبادی سنگریزه باشی بجز آل لوط که نجاتشان دادیم در سحر نعمتی از نزد ما

كذلك

در صفحهٔ مقابل قوله تعالی شأنه اقتربت الساعة وانشق القمر علی بن ابراهیم از حضرت ابو عبدالله علیه السلام روایت کرده که فرمود اجتماع کرده اند چهارده نفر از اصحاب عقبه در شب چهاردهم از ذی الحجة الحرام و گفتند از برای حضرت رسول صلی الله علیه وآله هیچ پیغمبری نبود مگر اینکه از برای او آیتی بود پس چه آیت و معجزه تو در این شب آنحضرت چه معجزه قصد دارید عرض کردند اگر بوده باشد از برای تو نزد پروردگار تو قدری پس امر فرما قمر را که منقطع شود بدو قطعه پس نازل شد جبرئیل و گفت یا محمد خدای تعالی تو را سلام میرساند و میفرماید بدرستیکه من امر کردم هر چیزی را باطاعت تو پس آنحضرت سر بلند کرد و امر فرمود قمر را که منقطع شود بدو قطعه پس دو قطعه شد و سجده کرد حضرت رسول خدا بجهة شکر پروردگار

مَنْ بفتح میم و کسر نون

و سجده کردند شیعیان ما بعد بلند کرد حضرت رسول سر خود را و بلند کردند شیعیان سرهای خود را و بعد فرمود که عود کن چنانکه بودی پس گفتند اصحاب عقبه یعنی منافقین این امر فرما که شق گردد ثانیا آنحضرت فرمود منشق گردید باز آنحضرت سجده کرد بجهة شکر و نیز سجده کردند شیعیان ما پس [illegible] رسول الله [illegible] که از شام وارد میشوند سؤال میکنند آنها [illegible]

كذلك نجزي من شكر ٣٦ ولقد انذرهم بطشتنا فتماروا بالنذر ٣٧

همچنین جزا دهیم هر کرا شکر گزاری کرد و هر آینه بتحقیق ترسانیدشان از گرفت ما پس مجادله نمودند در بیم دادن

ولقد راودوه عن ضيفه فطمسنا اعينهم فذوقوا عذابي ونذر ٣٨ و

و بتحقیق جویای کام شدند از مهمانان پس محو کردیم چشمهاشانرا پس بچشید عذاب مرا و بیم دادنم را و

لقد صبحهم بكرة عذاب مستقر ٣٩ فذوقوا عذابي ونذر ٤٠ ولقد

هر آینه بتحقیق بامداد داد ایشانرا اول صبح عذابی برقرار پس بچشید عذابم را و بیم دادنم و بتحقیق

يسرنا القران للذكر فهل من مدكر ٤١ ولقد جاء ال فرعون النذر ٤٢

آسان کردیم قرآنرا برای پند پس آیا هیچ پندگیرنده هست و بتحقیق آمد آل فرعونرا بیم کننده

كذبوا باياتنا كلها فاخذناهم اخذ عزيز مقتدر ٤٣ اكفاركم خير

تکذیب کردند بآیات ما همه آنرا پس گرفتیم ما ایشانرا گرفتن غالب توانا آیا کافران شما بهترند

من اولئكم ام لكم براءة في الزبر ٤٤ ام يقولون نحن جميع منتصر ٤٥

از اینهمان یا مر شمارا است امان نامه در کتابها یا میگویند ماییم ما همه انتقام کشنده

سيهزم الجمع ويولون الدبر ٤٦ بل الساعة موعدهم والساعة ادهى

بزودی هزیمت شوند همه و برگردانیده شوند پشت بلکه قیامت وعده گاه ایشانست و قیامت سختتر است

وامر ٤٧ ان المجرمين في ضلال وسعر ٤٨ يوم يسحبون في النار على

و تلختر بدرستیکه گناهکاران در گمراهی و آتش سوزاننده روزیکه کشیده میشوند در آتش بر

وجوههم ذوقوا مس سقر ٤٩ انا كل شيء خلقناه بقدر ٥٠ وما امرنا

رویهاشان بچشید مس کردن دوزخرا بدرستیکه هر چیزرا آفریدیم اورا باندازه و نیست امر ما

الا واحدة كلمح بالبصر ٥١ ولقد اهلكنا اشياعكم فهل من مدكر ٥٢

مگر واحد مانند تند نگاه انداختن بچشم و بتحقیق هلاک کردیم امثال شمارا پس آیا هست هیچ پندگیرنده

وكل شيء فعلوه في الزبر ٥٣ وكل صغير وكبير مستطر ٥٤ ان المتقين

هر چیزیکه بفعل آوردند از آنرا در کتابهاست و هر صغیره و کبیره نوشته شده بدرستیکه پرهیزگاران

في جنات ونهر ٥٥ في مقعد صدق عند مليك مقتدر

در بهشتها و انهار در مجلس پسندیده نزد پادشاهی توانا

(٥٥) سورة الرحمن ثمان وسبعون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الرحمن ١ علم القران ٢ خلق الانسان ٣ علمه البيان ٤ الشمس و

خدای بخشنده تعلیم داد قرآنرا آفرید انسانرا آموخت اورا سخن آفتاب

القمر بحسبان ٥ والنجم والشجر يسجدان ٦ والسماء رفعها ووضع

و ماه بحساب اند و ستاره و درخت سجده میکنند و آسمانرا برافراشت و قرار داد

قوله تعالى ان المتقين في جنات ونهر در کنز الفواید از شیخ ابو جعفر طوسی روایت است جابر بن عبد الله انصاری از حضرت رسول ...

فضیلت سوره

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ... هر کس سوره الرحمن را ...

الميزان

الْمِيزَانَ ٧ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ٨ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا
ترازو را / که تعدی مکنید در میزان / و بپای دارید سنجیدن را بالعدل / و کم مکنید

الْمِيزَانَ ٩ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ١٠ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ١١
میزان را / و زمین / قرار داد آنرا برای مردمان / در آنست میوه / و درخت خرما صاحب غلافهای خوشه

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ١٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٣
و دانه / صاحب برگ / و رستنی خوشبو / پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ١٤ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ
آفرید / آدمیرا / از گل خشکیده / مانند سفال پخته / و آفرید جن را از شعلهٔ بی دود / از

نَارٍ ١٥ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٦ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ ١٧ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ١٨
آتش / پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید / پروردگار دو مشرق / و پروردگار دو مغرب

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٩ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ٢٠ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ
پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید / سر داد دو دریا را که بهم میرسند / میانشان دو حاجبیست

لَا يَبْغِيَانِ ٢١ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٢ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ
که زیادتی بهم نکنند / پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید / بیرون آورد از آن دو مروارید و

الْمَرْجَانُ ٢٣ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٤ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ
مرجان / پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید / و مراو راست کشتیهای بر افراخته

فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ٢٥ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٦ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا
در دریا / مانند کوهها / پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید / هر که بر آنست

فَانٍ ٢٧ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ٢٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ
فنا پذیر است / و باقی ماند ذات پروردگارت که صاحب بزرگی و کرم است / پس بکدام یک از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٩ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ
پروردگارتان تکذیب میکنید / میخواهد از وی هر که در آسمانها و زمین است / هر روزی

هُوَ فِي شَأْنٍ ٣٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣١ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ
او در کاریست / پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید / زود باشد بپردازیم برای شما ای

الثَّقَلَانِ ٣٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٣ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
دو گرانمایه نوع / پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید / ای جماعت جن و انس

إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا
اگر توانید که بگریزید بیرون روید از اطراف آسمانها و زمین پس بیرون روید نه

تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ٣٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٥ يُرْسَلُ
توانید بیرون رفت مگر به سلطنت / پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید / فرستاده شود

عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ٣٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
بر شما شعله‌ها از آتش و دود / پس دفع نتوانید کرد / پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار

تُكَذِّبَانِ

قوله تعالی
فبای آلاء ربکما تکذبان
قمی گوید در ظاهر مخاطبه با جن و انس است و در باطن مخاطبه بفلان و فلانست و از حضرت صادق علیه السلام ماثور است در این آیه فرمود بکدام یک از دو نعمت کفران میکنید بحضرت محمد و یا بحضرت علی مرتضی و ارکانی تربیت کرد آیا بنبی یا وصی و در صافی گوید تکلف کرده اند مفسران از برای آلاء در هر موضعی از این سوره معنی غیر معنی آن در موضع دیگر و ما اکتفا کردیم بآنچه در آنحدیث شریف گفته شد بدان و جه تکرار در این آیه در هر قصه و حکایت اشعار بآنست که تکذیب هر یک مقتضی نزول عذابست و استماع قصه مستدعی تذکر است و انتقاظ و تنبیه و ایقاظ است از برای آنکه غالب نشود بر ایشان سهو و غفلت

قوله تعالی
کل من علیها فان
محقق فیض گوید هر گاه استقراء و تتبع کنی اعیان موجودات و وجوه آنها را میبابی آنها را هالک بالتمام و فانی فی حد ذاته مگر وجه الله یعنی وجه الهی که آنست جهه حقتعالی و قمی گوید کل شیء بر وجه ارض اند فانی اند و باقیست دین پروردگار و از حضرت سجاد روایت کرده که فرمود ما ییم وجه حقتعالی و در مناقب از حضرت صادق علیه السلام ماثور است در و یبقی وجه ربک فرمود مائیم و در از حضرت جواد علیه السلام است در حدیثی که فرمود و قتیکه فنا میکند حقتعالی

تکذبان ۳۷ فاذا انشقت السماء فکانت وردة کالدهان ۳۸ فبای

تکذیب میکنید پس چون چاک چاک شود آسمان پس باشد گلگون چون پوست سرخ پس بکدام یک

آلاء ربکما تکذبان ۳۹ فیومئذ لا یسئل عن ذنبه انس ولا جان ۴۰

از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید پس آن روز چنین پرسیده نشود از گناه خود انسانی و جنی

فبای آلاء ربکما تکذبان ۴۱ یعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنواصی

پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید شناخته شوند گناهکاران بعلامتشان پس گرفته شوند بموی پیشانی

والاقدام ۴۲ فبای آلاء ربکما تکذبان ۴۳ هذه جهنم التی یکذب

و قدمها پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید اینست دوزخی که تکذیب میکنند

بها المجرمون ۴۴ یطوفون بینها وبین حمیم آن ۴۵ فبای آلاء ربکما

بآن گناهکاران گردش کنند میانه آن و میانه آب جوشان بجوش پس بکدام نعمتهای پروردگارتان

تکذبان ۴۶ ولمن خاف مقام ربه جنتان ۴۷ فبای آلاء ربکما

تکذیب میکنید و برای آنکه ترسید از مقام پروردگارش دو بهشت است پس بکدام نعمتهای پروردگارتان

تکذبان ۴۸ ذواتا افنان ۴۹ فبای آلاء ربکما تکذبان ۵۰ فیهما

تکذیب میکنید صاحبان انواع پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست

عینان تجریان ۵۱ فبای آلاء ربکما تکذبان ۵۲ فیهما من کل فاکهة

دو چشمه که جارینند پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست از هر میوه

زوجان ۵۳ فبای آلاء ربکما تکذبان ۵۴ متکئین علی فرش بطائنها

دو صنف پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید تکیه کنندگانند بر فراشهائی که آسترهای

من استبرق وجنا الجنتین دان ۵۵ فبای آلاء ربکما تکذبان ۵۶ فیهن

از دیبای سطبر و چیده شوند از دو بهشت که نزدیکست پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست

قاصرات الطرف لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان ۵۷ فبای آلاء

فرو هشته چشمان که مس نکرده آنها را انسی پیش از ایشان و نه جنی پس بکدام یک از نعمتهای

ربکما تکذبان ۵۸ کانهن الیاقوت والمرجان ۵۹ فبای آلاء ربکما

پروردگارتان تکذیب میکنید گویا ایشان یاقوت و مرجانند پس بکدام نعمتهای پروردگارتان

تکذبان ۶۰ هل جزاء الاحسان الا الاحسان ۶۱ فبای آلاء ربکما

تکذیب میکنید آیا باشد پاداش نیکوکاری بجز نیکوئی پس بکدام نعمتهای پروردگارتان

تکذبان ۶۲ ومن دونهما جنتان ۶۳ فبای آلاء ربکما تکذبان ۶۴ مدهامتان

تکذیب میکنید و از غیر آن دو دو بهشت است پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید سبز و سیاهی

فبای آلاء ربکما تکذبان ۶۵ فیهما عینان نضاختان ۶۶ فبای آلاء

پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست دو چشمه که هر دو بر جوشنده پس بکدام نعمتهای

ربکما تکذبان ۶۷ فیهما فاکهة ونخل ورمان ۶۸ فبای آلاء ربکما تکذبان

پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست میوه و درخت خرما و انار پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید

فیهن

قوله تعالی شانه فیومئذ لا یسئل عن ذنبه الی آخر ... یعنی در این روز قیامت سئوال نمیشود از گناه ... و جان از شما ...

من استبرق بکسر همزه و سکون ... کسر همزه که قطع است

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ۷۱ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۷۲ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ

در آنهاست خوب زنان نیکو — پس بکدام نعمتهای تکذیب میکنید — حوران پرده نشینان

فِي الْخِيَامِ ۷۳ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۷۴ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ۷۵

در خیمه‌ها — پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید — مس نکرده آنهارا انس پیش از ایشان و نه جنی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۷۶ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ۷۷

پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید — تکیه کنندگان بر بالشهای سبز — و کار عبقر نیکو

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۷۸ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید — افزون آمد نام پروردگارت که صاحب بزرگی و کرم است

(۵۶) سُورَةُ الْوَاقِعَةِ وَتِسْعُ وَتِسْعُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا ایه ۸۰–۸۱ فمدنیتان نزلت بعد طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۱ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ۲ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ۳ إِذَا

وقتیکه بوقوع آمد آن بوقوع آمدنی نیست مر وقوعش را دروغی — پست کننده — بلند کننده است چون

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ۴ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ۵ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ۶ وَ

حرکت داده شود زمین حرکت دادنی سخت و ریزه ریزه شود کوهها ریزه شدنی پس باشد ذره پراکنده و

كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۷ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۸ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۹ وَ

باشید اصناف سه گانه — پس یاران جانب راست — چه یاران جانب راست — و

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۱۰ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۱۱

یاران جانب چپ — چه یاران جانب چپ — و پیشی گرفتگان پیش روانند

أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۱۲ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۱۳ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۱۴ وَقَلِيلٌ

آنگروه اند نزدیک کردگان — در بهشتهای پر نعمت — گروهی از پیشینان — و اندکی

مِنَ الْآخِرِينَ ۱۵ عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ۱۶ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ۱۷

از پسینیان — بر سریرهای از زر و جواهر — تکیه زنندگانند بر آنها روبروی یکدیگر

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ۱۸ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ

میگردند بر آنها پسران جاودانی — با قدحها و ابریقها — و جامی از

مَعِينٍ ۱۹ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ۲۰ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ۲۱

شراب جاری — سر بدرد آورده نشوند از آن و نه از خود روند — و میوه از آنچه اختیار کنند

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۲۲ وَحُورٌ عِينٌ ۲۳ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۲۴

گوشت مرغ از آنچه میخواهند — و حوران فراخ چشم — چون امثال مروارید نگهداشته

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲۵ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ۲۶ إِلَّا

پاداشش بسبب آنچه بودند که میکردند — و نمیشنوند در آنها لغوی و نه اسناد بدکردنی مگر

قوله تعالی شأنه العزیز والسابقون السابقون در صافی از کتاب امالی از حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله سؤال کرده شد از این آیه پس فرمود که گفت جبرئیل از برای من که مراد از سابقون حضرت علی و شیعیان او بند که سبقت میگیرند بسوی جنت و مقربند از حق تعالی بکرامت او و در خصال از حضرت علی مرتضی علیه السلام ماثور است که فرمود السابقون السابقون اولئک المقربون در شأن من نزول کرده

هو

از حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه وآله روایت است که هرکه سورهٔ الواقعه را بخواند در یابد عیشش خوشنودی که اورا حمزه عاشقان فرمود و هرکه هر شب این سوره را بخواند هرگز محتاج نگردد والله اعلم

و در اکمال از حضرت باقر علیه السلام در حدیثی ماثور است که فرمود السابقون السابقون ما اهلبیت و شیعیان ما هم آخرون و در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود پدر بزرگوارم از برای اناسی از شیعه که شما شیعهٔ حق تعالی و شما انصار حق تعالی و شما سابقون الاولون و سابقون الآخرون و سابقان در دنیا بسوی ولایت ما و سابقان در آخرت بسوی جنت و در مجمع از حضرت باقر علیه السلام ماثور است که فرمود سابقان چهار نفرند هابیل که فرزند آدم که کشته شد و سابق امت موسی که مؤمن آل فرعون است و سابق امت عیسی که حبیب نجار است

قلیلٌ

داود و علی ابن ابیطالب و سابق امت محمد علیهما السلام

قِيلًا سَلٰمًا سَلٰمًا ٢٦ وَاَصْحٰبُ الْيَمِينِ مَا اَصْحٰبُ الْيَمِينِ ٢٧ فِي سِدْرٍ

گفتن سلامی سلامی و یاران جانب راست چه یاران راست در کنار

مَخْضُودٍ ٢٨ وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ ٢٩ وَظِلٍّ مَمْدُودٍ ٣٠ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ ٣١ وَ

بی خار و طلح بار برهم پیچیده و سایهٔ پیوسته کشیده شده و آب ریزان شده و

فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ٣٢ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ٣٣ وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ ٣٤ اِنَّا

میوهٔ بسیار که نه گسسته شونده است و نه منع کرده شده و فرشهای بالا برده شده بدرستیکه ما

اَنْشَاْنٰهُنَّ اِنْشَاءً ٣٥ فَجَعَلْنٰهُنَّ اَبْكَارًا ٣٦ عُرُبًا اَتْرَابًا ٣٧ لِاَصْحٰبِ

آفریدیم آنها را آفریدنی پس گردانیدیم آنها را بکرها شیفتهٔ شوهر همزاد برای یاران

الْيَمِينِ ٣٨ ثُلَّةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ ٣٩ وَثُلَّةٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ ٤٠ وَاَصْحٰبُ الشِّمَالِ

دست راست گروهی از پیشینان و گروهی از پسینان و یاران جانب چپ

مَا اَصْحٰبُ الشِّمَالِ ٤١ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ٤٢ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ٤٣ لَا بَارِدٍ

چه یاران جانب چپ در آتش نفوذ کننده اند و آب جوشنده و سایهٔ از دود سیاه نه سرد

وَلَا كَرِيمٍ ٤٤ اِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذٰلِكَ مُتْرَفِينَ ٤٥ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى

و نه پسندیده بدرستیکه ایشان بودند پیش از این از متنعمان و بودند که اصرار مینمودند بر

الْحِنْثِ الْعَظِيمِ ٤٦ وَكَانُوا يَقُولُونَ ٤٧ اَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا ءَاِنَّا

گناه بزرگ و بودند که میگفتند آیا چون مردیم و باشیم خاک و استخوانها آیا ما

لَمَبْعُوثُونَ ٤٨ اَوَ اٰبَاؤُنَا الْاَوَّلُونَ ٤٩ قُلْ اِنَّ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ ٥٠

هر آینه برانگیخته شدگان یا پدران ما که پیشینانند بگو بدرستیکه پیشینان و پسینان

لَمَجْمُوعُونَ اِلٰى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ٥١ ثُمَّ اِنَّكُمْ اَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ٥٢

هر آینه فراهم آورده شدگانند تا وقت مقرر روزی معلوم پس بدرستیکه شما ای گمراهان تکذیب کنندگان

لَاٰكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ٥٣ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ٥٤ فَشٰرِبُونَ

هر آینه خورندگانید از درخت از زقوم پس پر کنندگانید از آن شکمها را پس آشامندگانید

عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ٥٥ فَشٰرِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ٥٦ هٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ٥٧

بر آن از آب جوشان پس آشامندگانید آشامیدن شتران تشنه اینست مهمانی ایشان روز جزا

نَحْنُ خَلَقْنٰكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ٥٨ اَفَرَءَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ٥٩ ءَاَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ

ما آفریدیم شما را پس چرا تصدیق نمیکنید آیا پس خبر دهید آنچه را میریزید آیا شما می آفرینید آنرا

اَمْ نَحْنُ الْخٰلِقُونَ ٦٠ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ٦١ عَلٰى

یا مائیم آفرینندگان ما مقدر کردیم میان شما مرگ را و نیستیم ما مغلوب بر

اَنْ نُبَدِّلَ اَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ٦٢ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْاَةَ

آنکه بدل آوریم مانند های شما را و بیافرینیم شما را در آنچه ندانید و هر آینه بتحقیق دانستید آفرینش

الْاُولٰى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ٦٣ اَفَرَءَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ٦٤ ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ

نخستین را پس چرا پند نمیگیرید آیا پس خبر دهید آنچه میکارید آیا شما میرویانید آنرا

قوله سبحانه في سدر مخضود وطلح منضود نقل از حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده که فرمود چون داخل بهشت شدم دیدم در جنت درخت طوبی را که اصل آن در خانهٔ علی مرتضی علیه السلام است و نبود در جنت قصری و نه منزلی مگر آنکه در آن شاخی بود از آن پس دیدم در اعلای آن سفطهای حلل از سندس و استبرق ... و در هر سفطی ... حله که یکی از آنها شباهت بدیگری نداشت با الوان مختلفه و آنها ثیاب و لباس اهل جنت است ...

اوآباؤنا بضم همزه ثانیه ...

الاولی بضم همزه ...

ام نحن

أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۶۵ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۶۶

یا ما ایستیم رویانندگان اگر میخواستیم هر آینه میکردیم انرا درهم شکسته پس گردید که تأسف خورید

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۶۷ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۶۸

که ما ایستیم تاوان زدگان بلکه ما ایستیم بی بهره شدگان آیا پس خبر دهید آب که می آشامید

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ۶۹ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا

آیا شما فرو فرستادید انرا از ابر سفید یا مائیم فرو فرستندگان اگر بخواهیم میگردانیم انرا شور تلخ مزه

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ۷۰ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ۷۱ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا

پس چرا شکر نمیکنید آیا پس خبر دهید که آتش را که بر می آرید آیا شما آفریدید درختش را

أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ۷۲ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ ۷۳ فَسَبِّحْ

یا ما ایستیم آفرینندگان ما گردانیدیم انرا یادآوری و مایهٔ تعیش برای واردان پس تسبیح کن

بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۷۴ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ۷۵ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ

بنام پروردگارت که بزرگ است پس سوگند یاد میکنم بمنازل ستارگان و بدرستیکه آن هر آینه سوگندیست اگر بدانید

عَظِيمٌ ۷۶ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۷۷ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ۷۸ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا

بزرگ که آن قرآنیست گرامی در کتاب مستور مس نکرده انرا جز

الْمُطَهَّرُونَ ۷۹ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۸۰ أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ۸۱

پاک شدگان فرو فرستادنی از پروردگار جهانیان آیا پس باین کلام شما مداهنه میکنید

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۸۲ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ ۸۳ وَأَنْتُمْ

و میگردانید روزی خود را اینکه شما تکذیب میکنید پس چرا چون میرسد بحنجره و شما

حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ ۸۴ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَٰكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ۸۵ فَلَوْلَا

آن هنگام مینگرید و ما نزدیکتریم باو از شما ولیکن نمی بینید پس چرا

إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۸۶ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۸۷ فَأَمَّا إِنْ كَانَ

اگر هستید غیر جزا دهندگان بر میگردانیدش اگر هستید راستگویان پس اما اگر باشد

مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۸۸ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ ۸۹ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ

از نزدیک شدگان پس راحت و روزی و بهشتیست پر ناز و نعمت واما اگر باشند از یاران

الْيَمِينِ ۹۰ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۹۱ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ

جانب راست پس سلام امر ترا از یاران جانب راست واما اگر باشند از

الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ۹۲ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ ۹۳ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ۹۴

تکذیب کنندگان گمراهان پس مایهٔ مهمانیست از آب جوشان و درآوردن در دوزخ

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ۹۵ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۹۶

بدرستیکه این هر آینه آن حق یقین است پس تسبیح کن بنام پروردگارت که بزرگ است

سورة الحديد تسع وعشرون آية وهي مدنية (۵۷)

نزلت بعد الزلزلة

قوله تعالى لا يمسه الا المطهرون در احتجاج از حضرت امیر المؤمنین مرویست که چون طلب خلافت کرد عمر سؤال کرد از حضرت علی مرتضی علیه السلام [illegible]

بسم الله

۱۲

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم ٢ له ملک السموات

تسبیح کرد خدا را آنچه در آسمانها وزمینست واوست غالب درستکردار مراوراست پادشاهی آسمانها

والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر ٣ هو الاول والآخر و

وزمین زنده میکند ومیمیراند واوست بر همه چیزی توانا اوست اول وآخر و

الظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم ٤ هو الذی خلق السموات و

ظاهر وباطن واوست بهر چیزی دانا اوست آنکه آفرید آسمانها و

الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض و

زمین را در شش روز پس مستولی شد بر عرش میداند آنچه درمیرود در زمین

ما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم این ما کنتم

وآنچه بیرون میاید از آن وآنچه فرود می آید از آسمان وآنچه بالا میرود در آن واو با شماست هرجا که باشید

والله بما تعملون بصیر ٥ له ملک السموات والارض والی الله ترجع

وخدا بآنچه میکنید بیناست مراوراست پادشاهی آسمانها وزمین وبسوی خدا بازمیگردد

الامور ٦ یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وهو علیم بذات

کارها درمی آورد شب را در روز ودرمی آورد روز را در شب واوست دانا بسرایر

الصدور ٧ آمنوا بالله ورسوله وانفقوا مما جعلکم مستخلفین فیه

سینها بگروید بخدا ورسولش وانفاق کنید از آنچه گردانید شما را جانشینان در آن

فالذین آمنوا منکم وانفقوا لهم اجر کبیر ٨ وما لکم لا تؤمنون بالله

پس آنانکه گرویدند از شما وانفاق کردند مر ایشانراست مزدی بزرگ وچیست مر شما را که نمیگروید بخدا

والرسول یدعوکم لتؤمنوا بربکم وقد اخذ میثاقکم ان کنتم

وپیغمبر میخواند شما را که بگروید بپروردگارتان وبتحقیق گرفت پیمان شما را اگر هستید

مؤمنین ٩ هو الذی ینزل علی عبده آیات بینات لیخرجکم من الظلمات

گروندگان اوست آنکه فرو میفرستد بر بنده اش آیات روشن تا بیرون آرد شما را از تاریکیها

الی النور وان الله بکم لرءوف رحیم ١٠ وما لکم الا تنفقوا فی سبیل الله

بسوی روشنی وبدرستیکه خدا بشما هر آینه مهربان رحیم است وچیست مر شما را که نفقه نمیکنید در راه خدا

ولله میراث السموات والارض لا یستوی منکم من انفق من قبل الفتح

ومر خدا راست میراث آسمانها وزمین یکسان نیست از شما آنکه نفقه داد از پیش از فتح

وقاتل اولئک اعظم درجة من الذین انفقوا من بعد وقاتلوا وکلا

وکارزار کرد آنها بزرگترند برتبه از آنانکه نفقه دادند از بعد وکارزار کردند وهمه را

وعد الله الحسنی والله بما تعملون خبیر ١١ من ذا الذی یقرض الله

وعده کرد خدا خوبی وخدا بآنچه میکنید آگاهست کیست آنکه وام دهد خدا را

قرضا

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت است که هر که سوره الحدید را بخواند در نامه عملش نوشته شود که او کسی است که بخدا و رسولش ایمان آورده واز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که سوره الحدید ومجادله را هر که در نماز فریضه تلاوت کند حق تعالی هرگز او را عذاب نکند وهرگز در مال ونفس او بدی نرسد وبدنش از هر آفت دور باشد والسلام

هو الاول

یعنی اوست پیش از جمیع موجودات ولهذا بدید آمده همه اشیاست یعنی قدیم ازلیست که اول او را بدایت نیست

والآخر

وپس فنای ممکنات یعنی باقی ابدی که آخریت او را نهایت نیست والست بر فنای جمیع اجسام واعراض

والظاهر

آشکار است وجود او بکثرت دلائل

قرضا حسنا فیضاعفه له وله اجر کریم ۱۲ یوم تری المؤمنین و
وام خوب پس دو برابر گرداند برایش و مراوراست مزدی سودمند روزیکه ببینی مردان مؤمن و
المؤمنات یسعی نورهم بین ایدیهم وبایمانهم بشریکم الیوم جنات تجری
زنان مؤمنه را که میشتابد نورشان پیمانه دستهاشان و بجانب راستشان بشارت شما امروز بهشتهائیست
من تحتها الانهار خالدین فیها ذلک هو الفوز العظیم ۱۳ یوم یقول
از زیرش نهرها همیشه اند در آنها اینست آن کامیابی بزرگ روزیکه میگوید
المنافقون والمنافقات للذین امنوا انظرونا نقتبس من نورکم قیل
مردان منافق و زنان منافقه مرآنانرا که ایمان آوردند نظر کنید بما تا اقتباس نمائیم از نور شما گفته شود
ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورا فضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه
باز گردید بعقب تان پس بجوئید نوری پس کشیده شد میانشان دیواری که مرآنراست دری که باطنش در آن
الرحمة وظاهره من قبله العذاب ینادونهم الم نکن معکم قالوا بلی
است رحمت و ظاهرش از پیش آنست عذاب ندا کنند ایشانرا که آیا نبودیم با شما گویند آری
ولکنکم فتنتم انفسکم وتربصتم وارتبتم وغرتکم الامانی حتی جاء
ولیکن شما فریب دادید خودها آنرا و انتظار بردید و شک آوردید و بفریفت شمارا آرزوها تا آمد
امر الله وغرکم بالله الغرور ۱۴ فالیوم لا یؤخذ منکم فدیة ولا من
فرمان خدا و فریب داد شمارا آن فریبنده پس امروز گرفته نشود از شما فدائی و نه از
الذین کفروا ماواکم النار هی مولکم وبئس المصیر ۱۵ الم یان للذین
آنانکه کافر شدند جای شماست آتش که آن اولیست بشما و بد بازگشتی است آیا نرسید وقت مرآنانرا
امنوا ان تخشع قلوبهم لذکر الله وما نزل من الحق ولا یکونوا کالذین
که گرویدند که نرم شود دلهاشان برای ذکر خدا و آنچه فرستاده از حق و نباشند مانند آنانکه
اوتوا الکتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست قلوبهم وکثیر منهم
داده شدند کتاب را از پیش پس دراز شد برایشان زمان پس سخت شد دلهاشان و بسیاری از ایشان
فاسقون ۱۶ اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا لکم
فاسقانند بدانید که خدا زنده کند زمین را بعد از مردنش بحقیقت بیان کردیم برای شما
الایات لعلکم تعقلون ۱۷ ان المصدقین والمصدقات واقرضوا
آیات را شاید شما دریابید بعقل بدرستیکه مردان که صدقه دادند و زنان که صدقه دادند و وام دادند
الله قرضا حسنا یضاعف لهم ولهم اجر کریم ۱۸ والذین امنوا
خدا را وامی خوب دو چندان شود برای آنها و مرایشانراست مزدی سودمند و آنانکه گرویدند
بالله ورسله اولئک هم الصدیقون والشهداء عند ربهم لهم
بخدا و رسولانش آنگروه ایشانند صدیقان و شهیدان نزد پروردگارشان مرایشانراست
اجرهم ونورهم والذین کفروا وکذبوا بایاتنا اولئک اصحاب
مزدشان و نورشان و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آنها اهل

قوله تعالی
یوم تری المؤمنین و المؤمنات یسعی نورهم بین ایدیهم الخ در کنز الفوائد از حضرت ابوعبدالله علیه السلام مرویست که در این آیه فرمود یعنی نور حضرات ائمه مؤمنین در روز قیامت سعی و حرکت میکند پیش روی مؤمنین و بایمان ایشان تا آنکه نازل سازند ایشانرا در منازل ایشان از جنت و نیز شیخ صدوق در کتاب خصال از جابر بن عبدالله روایت کرده که گفت روزی بودم در نزد رسول خدا ناگاه اقبال فرمود بوجه علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود آگاه باش بشارت میدهم ترا یا اباالحسن عرض کرد بلی یا رسول الله فرمود اینست جبرئیل خبر میدهد مرا از خدا عز و جل جلاله آنکه عطا کرد بشیعیان و محبان تو را هفت خصال رفق در نزد موت و انس در نزد وحشت و نور در نزد ظلمت و امن در نزد جزع و قسط در نزد میزان و گذشتن بر صراط و داخل شدن در جنت گفت سائر الناس یسعی نورهم بین ایدیهم

المصدقین و المصدقات
بتشدید صاد و دال هر دو

قبله
بکسر قاف و فتح با

موضع
دیا کما یسمعهم وقتی ره گوید قسمت میشود نور در میان مردم روز قیامت بقدر ایمان ایشان و قسمت نور منافقان بوده در انگشت ابهام پای ایشان که روشنی میدهد و نور آن ۱۲

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ

بدرستیکه آنانکه مخالفت میکنند خدا و پیغمبرش را نگونسار شوند همچنانکه نگونسار شدند آنانکه پیش از ایشان و بتحقیق

أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ۷ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ

فرو فرستادیم آیات روشن و برای کافرانست عذابی خوار کننده روزیکه برانگیزد ایشانرا خدا

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللّٰهُ وَنَسُوهُ وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۸

همگی پس خبرشان دهد بآنچه کردند که ضبط کرده خدا و فراموش کرده اند آنرا و خدا بر هر چیزی گواهست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ

آیا ندیدی که خدا میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست نباشد هیچ راز

ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَٰلِكَ

سه کس مگر که او چهارم ایشانست و نه پنج جز آنکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از آن

وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

و نه بیشتر مگر که او با ایشانست هر جا که باشند پس خبرشان دهد بآنچه کرده اند روز قیامت

إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۹ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ

بدرستیکه خدا بهر چیزی داناست آیا ندیدی بآنهائیکه نهی کرده شدند از راز گفتن پس اعاده میکنند

لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَ

بآنچه نهی کرده شدند از آن و راز میگویند به بزه و دشمنی و نافرمانی رسول و

إِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللّٰهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا

و چون آیند ترا درود گویند ترا بآنچه درود نگفته است بآن خدا و میگویند در نفسهاشان چرا عذاب نمیکند ما را

اللّٰهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۱۰ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

خدا بآنچه میگوئیم بس است ایشانرا دوزخ درمیآیند در آن پس بد است آنجای بازگشت ای آنانکه

آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ

گرویدند چون راز گوئید پس راز نگوئید به بزه و دشمنی و نافرمانی رسول

وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۱۱ إِنَّمَا

و راز گوئید بنکوئی و پرهیزگاری و بپرهیزید از خدائیکه بسوی او حشر کرده میشوید بدرستیکه

النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ

راز آهسته گفتن از شیطانست تا اندوهناک سازد آنانرا که گرویدند و نیست ضرر رساننده چیزی مگر باذن

اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۱۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ

خدا و بر خدا پس توکل میکنند گروندگان ای آنانکه گرویدید چون گفته شود مر شما را

تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللّٰهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا

که جا واکنید در مجالس پس جا واکنید که جا وا میکند خدا برای شما و چون گفته شود که برخیزید پس برخیزید

يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

تا بلند گرداند خدا آنانکه گرویدند از شما و آنانکه داده شدند علم را بمراتب و خدا بآنچه میکنید

كُبِتُوا وَكُبِتَ بتقدیم با بر تا

قوله تعالی ما یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم در صافی از کافی از حضرت صادق علیه السلام است که این نجوی نازل است در فلان و فلان و ابو عبیده جراح و عبد الرحمن بن عوف و سالم مولی ابو حذیفه و مغیره بن شعبه در بعثت که اجتماع کردند و داخل شدند کعبه را و کتابت کردند کتابی فیما بین خود و تعاهد و میثاق کردند که اگر گذرد مدت عمر حضرت محمد نگذارند خلافت را در بنی هاشم و نه نبوت را هرگز ۱۲

جَاءُوكَ بضم همزه و سکون واو بالاشباع

قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا الی المؤمنون چون سفاهت و دشنام دادن بر کسی غالب باشد و چون خواهد که از و زایل شود اول غسل کند و جامه پاک در پوشد و سه روز روزه بگیرد و این سه آیه را در جامی زعفران نوشته بشوید و در هر سه روز از آن آب افطار کند آن صفت از و زایل شود ان شاء الله تعالی ۱۲

خبیر ۱۳ یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی
آگاهست ای آنانکه گرویدهاید چون رازگوئید با رسول الله پس مقدم دارید میانه دو دست

نجویکم صدقة ذلک خیر لکم واطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم ۱۴
رازتان را صدقه این بهتر است برای شما و پاکیزه تر پس اگر نیابید پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست

ءاشفقتم ان تقدموا بین یدی نجویکم صدقات فاذ لم تفعلوا وتاب
آیا ترسیدید که مقدم دارید میانه دو دست رازگفتن شما صدقه ها پس چون نکردید و توبه پذیرفت

الله علیکم فاقیموا الصلوة واتوا الزکوة واطیعوا الله ورسوله والله
خدا بر شما پس برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری کنید خدا و رسولش را و خدا

خبیر بما تعملون ۱۵ الم تر الی الذین تولوا قوما غضب الله علیهم ما هم
آگاهست بآنچه میکنید آیا ندیدی بسوی آنانکه دوست گرفتند گروهی را که خشم کرد خدا بر ایشان نیستند ایشان

منکم ولا منهم ویحلفون علی الکذب وهم یعلمون ۱۶ اعد الله لهم
از شما و نه از ایشان و سوگند میخورند بر دروغ و ایشان میدانند مهیا کرد خدا برای ایشان

عذابا شدیدا انهم ساء ما کانوا یعملون ۱۷ اتخذوا ایمانهم جنة
شکنجه سخت را که ایشان بد است آنچه بودند که میکردند گرفتند سوگندهاشان را سپری

فصدوا عن سبیل الله فلهم عذاب مهین ۱۸ لن تغنی عنهم اموالهم
پس باز داشتند از راه خدا پس مر ایشان را عذابی خوار کننده هرگز کفایت نکند از ایشان مالهاشان

ولا اولادهم من الله شیئا اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ۱۹
و نه اولادهاشان از خدا چیزی را ایشانند اهل آتش که ایشانند در آن همیشه

یوم یبعثهم الله جمیعا فیحلفون له کما یحلفون لکم ویحسبون انهم علی
روزیکه برانگیزد ایشان را خدا همگی پس سوگند میخورند برای او چنانکه سوگند میخورند برای شما و گمان میکنند که ایشانند بر

شیء الا انهم هم الکاذبون ۲۰ استحوذ علیهم الشیطان فانسیهم
چیزی بدانید که ایشانند دروغگویان استیلا یافت بر ایشان شیطان پس از یادشان برد

ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون ۲۱
ذکر خدا را این گروهند سپاه شیطان آگاه باش که سپاه شیطان آنانند زیانکاران

ان الذین یحادون الله ورسوله اولئک فی الاذلین کتب الله
بدرستیکه آنانکه مخالفت میکنند با خدا و پیغمبرش آنانند در خوارشدهتران نوشت خدا

لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز ۲۲ لا تجد قوما یؤمنون بالله
که هر آینه غالبم من البته و رسولانم بدرستیکه خدا توانای غالب است نمییابی گروهی را که میگروند بخدا

والیوم الاخر یوادون من حاد الله ورسوله ولو کانوا آباءهم او
و روز بازپسین که دوستدارند آنرا که مخالفت نمود با خدا و رسولش و اگرچه باشند آباءشان یا

ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان
پسرانشان یا برادرشان یا خویشانشان ایشانند که نوشت در دلهاشان ایمان را

قوله تعالی
یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا الخ یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید وقتیکه میخواهید نجوی کنید با حضرت رسول خدا پس مقدم دارید قبل از نجوی کردن صدقه را یعنی تصدق دهید قبل از نجوی و در این باب تعظیم حضرت رسول و نفع رسانیدن بفقرا و نهی کردن از افراط در سؤال و تمیز میان مخلص و منافق و محب آخرت و محب دنیاست و مقرره گویند وقتیکه سؤال میکنید حضرت رسول خدا از حاجت پس تصدق دهید قبل از اظهار حاجت خود تا بوده باشد بیشتر باعث قضای حوائج شما و نکرد این عمل را مگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس آنحضرت تصدق کرد بیک دینار و نجوی کرد با حضرت رسول خدا ده دفعه بهر دفعه دیناری داد و از حضرت باقر سؤال شد از این آیه فرمود مقدم داشت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام پیش از نجوی خود صدقه را بعد حقتعالی نسخ فرمود آیه مذکوره را بآیه ءاشفقتم الی آخره
۱۲
لاغلبن
بفتح لام و همزه قطع و کسر لام و فتح با و نون مشدد

ابناءهم
بتقدیم با بر نون

وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

و نیرو داد ایشانرا بروحی از خود و داخل کند ایشانرا در بهشتها میرود از زیر آنها نهرها همیشه اند در آنها

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

راضی شد خدا از ایشان و راضی شدند از او این گروه سپاه خدایند آگاه باشید بدرستیکه سپاه خدا ایشانند رستگاران

سورة الحشر اربع وعشرون آية وهي مدنية (۵۹)

نزلت بعد البينة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۲ هُوَ الَّذِي

تسبیح کرد خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و او ستغالب درست کردار او ست آنکه

أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ

بیرون آورد آنانرا که کافر شدند از باشندگان کتاب از دیارشان از اول راندگان گمان نبردید

أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ

که بیرون روند و گمان برده بودند که ایشان بازدارنده ایشانند حصارهاشان از خدا پس آمد ایشانرا از جائیکه

لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ

گمان نبرده بودند و انداخت در دلهاشان ترس را خراب میکردند خانهاشانرا بدستهاشان و

أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ۳ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ

دستهای مؤمنان پس عبرت گیرید ای صاحبان دیدهها و اگرنه آن بود که نوشته بود خدا

عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ۴ ذَٰلِكَ

برایشان جلای وطن راهر آینه عذابشان میکرد در دنیا و مر ایشانراست در آخرت عذاب آتش این

بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۵

بسبب آنستکه مخالفت کردند با خدا و رسولش و هر که مخالفت کند با خدا پس بدرستیکه خدا سخت عقوبتست

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ

آنچه بریدید از درخت خرما یا واگذاشتید آنرا ایستاده بر اصلهایش پس باذن خدا و تا رسوا کند

الْفَاسِقِينَ ۶ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ

فاسقانرا و آنچه را باز گردانید خدا بر رسولش از ایشان پس نتاختید بر آن هیچ اسبی

وَلَا رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۷

و نه شتری ولیکن خدا تسلط میدهد رسولانش را بر هر که بخواهد و خدا بر همه چیز تواناست

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ

آنچه باز گردانید خدا بر رسولش از اهل قریهها پس مر خدا راست و مر رسول را و مر خداوند قرابت

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ

و یتیمان و بیچارگان و ابن السبیل تا نبوده باشد دایر بنوبت در میان توانگران از شما

وما

من شأن قال الله تعالی

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقلست که هر که سوره حشر را تلاوت نماید هیچ چیز از بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و حجب و آسمانها و زمینها و هوا و باد و مرغان و کوهها و آفتاب و ماه و ملائکه نماند مگر آنکه براو صلوات فرستند و برای او استغفار کنند و اگر در آن روز یا شب بمیرد شهید مرده باشد والله اعلم

مانعتهم بکسر نون و فتح عین

فاتیهم بفتح همزه بدون الف

یا اولی بضم همزه بلا اشباع

ویؤثرون در سبب نزول قد و بعد الله سود نقل شده که سر بریان از برای یکی از درویشان صحابه آوردند آنرا بدرویشی که از او محتاج تر بود فرستاد و او برای دیگری ایثار نمود و همچنین نه تن از فقرا بدیگری ایثار کردند و این آیه در شان توانگران نازل شد

وَمَا اٰتٰكُمُ الرَّسُوْلُ فَخُذُوْهُ وَمَا نَهٰىكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوْا وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ

و آنچه داد شمارا رسول پس فرا بگیرید آنرا و آنچه راست کرد شمارا پس باز ایستید و پرهیزید خدارا بدرستیکه

اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ۸ لِلْفُقَرَآءِ الْمُهٰجِرِيْنَ الَّذِيْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ

خدا سخت عقوبت برای محتاجان مهاجران آنانکه انها بیرون کرده شدند از دیار شان

اَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا وَّيَنْصُرُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ اُولٰٓئِكَ

و مالهاشان میجویند فضلی از خدا و خوشنودی و یاری میکنند خدا و رسولش را آنها اند

هُمُ الصّٰدِقُوْنَ ۹ وَالَّذِيْنَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْاِيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّوْنَ مَنْ

راستگویان و آنانکه جایگاه ساختند آن دار را و ایمان را از پیش از ایشان دوست میدارند آنرا

هَاجَرَ اِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُوْنَ فِيْ صُدُوْرِهِمْ حَاجَةً مِّمَّآ اُوْتُوْا وَيُؤْثِرُوْنَ عَلٰٓى

که هجرت کرد بسوی ایشان و نمییابند در سینهاشان باعث خواهش از آنچه داده شدند و برمیگزینند بر

اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُّوْقَ شُحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ

خودها شان و اگرچه باشد بایشان احتیاج و آنکه نگهداشته شود از بخل نفسش پس آنانند که ایشان

الْمُفْلِحُوْنَ ۱۰ وَالَّذِيْنَ جَآءُوْ مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِاِخْوَانِنَا

رستگارانند و آنانکه آمدند پس از ایشان میگویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را

الَّذِيْنَ سَبَقُوْنَا بِالْاِيْمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِيْ قُلُوْبِنَا غِلًّا لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا رَبَّنَا

آنانکه پیشی گرفتند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه گرویدند ای پروردگار ما

اِنَّكَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ۱۱ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ نَافَقُوْا يَقُوْلُوْنَ لِاِخْوَانِهِمُ الَّذِيْنَ

بدرستی که تو ئی مهربان رحیم آیا ندیدی بسوی آنانکه نفاق ورزیدند میگویند مر برادرانشان را آنانکه

كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَئِنْ اُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيْعُ فِيْكُمْ اَحَدًا

کافر شدند از اهل کتاب که اگر بیرون کرده شدید هر آینه بیرون رویم با شما و فرمان نبریم در شما احدی را

اَبَدًا وَّاِنْ قُوْتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ۱۲ لَئِنْ اُخْرِجُوْا

هرگز و اگر قتال کرده شوید هر آینه یاری کنیم شما را و خدا گواهی دهد که ایشان دروغگویان هر آینه اگر بیرون کرده شوند

لَا يَخْرُجُوْنَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوْتِلُوْا لَا يَنْصُرُوْنَهُمْ وَلَئِنْ نَّصَرُوْهُمْ لَيُوَلُّنَّ

بیرون نخواهند رفت با ایشان و اگر قتال کرده شوند یاری نکنند ایشانرا و اگر یاری کنند ایشانرا هر آینه بگردانند

الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُوْنَ ۱۳ لَاَنْتُمْ اَشَدُّ رَهْبَةً فِيْ صُدُوْرِهِمْ مِّنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ

پشتها را پس یاری کرده نشوند هر آینه شما سخت ترید از راه بیم در سینهای ایشان از خدا این

بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ ۱۴ لَا يُقَاتِلُوْنَكُمْ جَمِيْعًا اِلَّا فِيْ قُرًى مُّحَصَّنَةٍ اَوْ مِنْ

بسبب آنستکه ایشان گروهیند که نمیفهمند کارزار نمیکنند با شما همگی بجز در قریههای محکم کرده شده یا از

وَّرَآءِ جُدُرٍ بَاْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيْدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيْعًا وَّقُلُوْبُهُمْ شَتّٰى ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ

پس دیوارها کارزارشان میانشان سخت است میپنداری ایشانرا باهم و دلهاشان پراگنده است این بسبب آنستکه

قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُوْنَ ۱۵ كَمَثَلِ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيْبًا ذَاقُوْا وَبَالَ اَمْرِهِمْ وَلَهُمْ

گروهیند که در نمییابند بعقل چون مثل آنانکه بودند پیش از ایشان نزدیک چشیدند تباهی کارشانرا و مر ایشانرا

عَذَابٌ

تَبَوَّؤُا بلا اشباع

وَيُؤْثِرُوْنَ بضم یا و سکون همزه که بصورت واو نوشته شود

اُوْتُوْا با اشباع دو همزه

صح

جَآءُوْا بضم همزه و سکون واو با اشباع

قوله سبحانه وتعالى المفلحون والذين تبوو الدار الى آخر این آیه را در روز یکشنبه اول ماه در وقت طلوع آفتاب خاتمی از زر نقش کند و خالیه آنرا بخور کند و بر کسی این خاتم را در دست کند روزی او فراخ گردد و خیر و برکت بسیار بظهور آید و اگر این آیه را بر پوست آهو نویسید و با خود دارد کینه و حسد و بخل از وی بیرون رود والسلام ۱۲

قوله سبحانه وتعالى الم تر الى الذين الى لا ینصرون چون خواهد کسی را از سفر باز دارد قطعه از جامه او بدست آورده این آیه را بنویسد و در راهی که از آن راه خواهد رفت زیر زمین دفن کنند چون در آنجا بگذرد افتد از آن نگذرد و ترک سفر کند انشاء الله تعالی والله اعلم ۱۲

عذاب أليم ١٦ كمثل الشيطان إذ قال للإنسان اكفر فلما كفر قال إني بريء

عذاب دردناک چون مثل شیطان چو بگفت مر انسان را که کافر شو پس چون کافر شد گفت بدرستیکه من بیزارم

منك إني أخاف الله رب العالمين ١٧ فكان عاقبتهما أنهما في النار خالدين

از تو بدرستیکه من میترسم از خدا پروردگار جهانیان پس باشد انجام آندو که آندو در آتشند همیشه

فيها وذلك جزاء الظالمين ١٨ يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس

در آتشند و اینست جزای ستمکاران ای آنکسانیکه گرویدید بپرهیزید از خدا و باید بنگرد شخص

ما قدمت لغد واتقوا الله إن الله خبير بما تعملون ١٩ ولا تكونوا كالذين

که چه چیز پیش فرستاده برای فردا و بپرهیزید از خدا بدرستیکه خدا آگاهست بآنچه میکنید و نباشید مانند آنانکه

نسوا الله فأنساهم أنفسهم أولئك هم الفاسقون ٢٠ لا يستوي أصحاب

فراموش کردند خدا را پس فراموش گردانید نفسهاشان را این گروه ایشانند فاسقان یکسان نباشند اصحاب

النار وأصحاب الجنة أصحاب الجنة هم الفائزون ٢١ لو أنزلنا هذا

آتش و اصحاب بهشت اصحاب بهشت ایشانند کامیابان اگر فرو فرستاده بودیم این

القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الأمثال

قرآن را بر کوه هر آینه دیده بودی اثر افسردن و شکافته خورده از ترس خدا و این مثلها را

نضربها للناس لعلهم يتفكرون ٢٢ هو الله الذي لا إله إلا هو

میزنیم برای مردمان شاید که ایشان اندیشه کنند اوست خدائیکه نیست خدائی جز او

عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم ٢٣ هو الله الذي لا إله إلا

دانای پنهان و آشکار است اوست بخشنده مهربان اوست خدائیکه نیست خدائی بجز

هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

او که پادشاه پاک بری از نقص امان دهنده نگهبان عزیز تسلط دارنده بزرگوار است

سبحان الله عما يشركون ٢٤ هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء

منزه است خدا از آنچه شریک میآورند اوست خدای آفریننده پدید آورنده صورت بخش مر او راست نامهای

الحسنى يسبح له ما في السماوات والأرض وهو العزيز الحكيم

نیکو تسبیح میکنند او را آنچه در آسمانها و زمینست و اوست غالب درست کردار

سورة الممتحنة ثلث عشرة آية وهي مدنية (٦٠)

نزلت بعد الاحزاب

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوي وعدوكم أولياء تلقون إليهم

ای آنکسانیکه گرویدید مگیرید دشمن مرا و دشمن خود را دوستان میفرستید بسوی ایشان

بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون الرسول وإياكم أن

بدوستی و بحقیقت کافر شدند بآنچه آمد شما را از حق بیرون میکنند رسول را و شما را که

تؤمنوا

خالدين فيها [illegible]

فأنساهم أنفسهم یعنی از غفلت بفکر رستگاری خود نیفتند یا از هول در روز قیامت [illegible] از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که خواتیم سوره حشر را در شب یا در روز بخواند و در آن روز بمیرد شهید مرده باشد و حق تعالی او را بهشت واجب گرداند و احادیث بسیار در بودن اسم اعظم در این آیات وارد شده است

هو العزیز

از حضرت سجاد صلوات الله و سلامه علیه مرویست که هر که سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و سنتی بخواند خدا دل او را بایمان امتحان فرماید و دیده او را نور دهد و هرگز بفقر و تنگدستی مبتلا نگردد و [illegible] نسازد ١٢

تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي

ایمان آرید بخدا پروردگار خود اگر هستید که بیرون آمدید برای جهاد کردن در راه من و جستن رضای من

تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ

پنهانی میفرستید بدوستی و من داناترم بآنچه پنهان میدارید و آنچه آشکار میکنید و هر که میکند آنرا از شما

فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ٢ إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا

پس بتحقیق گم شده از میان راه اگر دریابند شما را باشند مر شما را دشمنان و گشایند

إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ٣ لَنْ تَنْفَعَكُمْ

بسوی شما دستهاشان را و زبانهاشان را ببدی و آرزو کردند که کاش کافر بودند هرگز سود نکند شما را

أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

رحمهاتان و نه فرزندانتان روز قیامت جدا کند از میان شما و خدا بآنچه میکنید

بَصِيرٌ ٤ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا

بیناست بتحقیق باشد مر شما را اقتدای نیکو در ابراهیم و آنانکه بودند با او چون گفتند

لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا

مر قوم خود را که ما بیزاریم از شما و از آنچه میپرستید از غیر خدا کافر شدیم بشما و ظاهر شد میان ما

وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ

و میان شما دشمنی و کینه ورزی همیشه تا که ایمان آرید بخدا تنها مگر قول

إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا

ابراهیم مر پدرش را که هر آینه آمرزش خواهم برای تو و مالک نیستم برای تو از خدا هیچ چیز را پروردگار ما

عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ٥ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ

بر تست که توکل کردیم و بسوی تو بازگشت نمودیم و بسوی تو بازگشت است ای پروردگار ما مگردان ما را فتنه مر آنانکه

كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٦ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ

کافر شدند و بیامرز مر ما را پروردگار ما بدرستیکه تو تویی غالب درست کردار هر آینه بتحقیق باشد مر شما را در ایشان اقتدای

حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ

نیکو برای هر که باشد که امید دارد بخدا و روز بازپسین و هر که رو میگرداند پس بدرستیکه خدا اوست بی نیاز

الْحَمِيدُ ٧ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً

ستوده شاید که بگرداند خدا میان شما و میان آنانکه دشمنی کردید از ایشان دوستی

وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٨ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ

و خدا تواناست و خدا آمرزنده مهربانست نهی نمیکند شما را خدا از آنانکه کارزار نکردند با شما

فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ

در دین و بیرون نکردند از دیارتان که نیکویی کنید با ایشان و عدالت کنید بسوی ایشان بدرستیکه

اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ٩ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ

خدا دوست دارد عدالت کاران را جز این نیست که نهی میکند خدا از آنانکه کارزار کردند با شما در دین

وَأَخْرَجُوكُمْ

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سوره ممتحنه را بخواند جمیع مؤمنین و مؤمنات او را شفاعت کنند در روز قیامت. از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که این سوره را بخواند ... ۱۲

بُرَآءُ بضم با و فتح را و همزه مفتوحه با الف ممدوده

لَأَسْتَغْفِرَنَّ بفتح لام و همزه قطع

قوله سبحانه ربنا علیک ... الی الحکیم ... ۱۲

قوله تعالی عسی الله ان یجعل ... ۱۲

وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ
و بیرون کردند شما از دیار تان و هم پشت شدند بر بیرون کردن شما که دوست دارند ایشانرا و آنکه دوست

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ١٠ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ
دارد ایشانرا پس آنگروه ایشانند ستمگاران ای آنانکه گرویدید چون آیند شما را زنان با ایمان

مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۖ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ۖ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ
هجرت گزیده پس بیازمائید ایشانرا خدا داناتر است بایمانشان پس اگر دانستید ایشانرا با ایمان

فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ ۖ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۖ وَ
پس باز مگردانید شان بسوی کافران نه آنها حلالند برای آنها و نه آنها حلالند برای ایشان و

آتُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
و بدهید ایشانرا آنچه انفاق کردند و نیست گناهی بر شما آنکه نکاح کنید ایشانرا چون بدهید ایشانرا مهرهاشانرا

وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ۚ
و نباید چنگ زنید بعلاقه های زنان کافره و بخواهید آنچه را انفاق کردید و باید که بخواهند آنچه را انفاق کردند

ذَٰلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ ۖ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١١ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ
آن حکم خداست حکم میکند میان شما و خدا داننده درست کار است و اگر رفت از شما چیزی از

أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ
جفتهاتان بسوی کافران پس نوبت یافتید پس بدهید آنانرا که رفتند جفتهاشان مانند

مَا أَنْفَقُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ١٢ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ
آنچه انفاق کردند و بترسید از خدا آنکه شما باو گرونده اید ای پیغمبر چون آیند ترا

الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا
زنان با ایمان که بیعت کنند ترا بر آنکه شریک نسازند بخدا چیزی را و نه دزدی کنند و نه

يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ
زنا کنند و نه کشند اولادشانرا و نیارند دروغی را که بر بندند آنرا میان دستهاشان

وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ ۙ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ ۖ
و پاهایشان و نه نافرمانی کنند ترا در خوبی پس بیعت کن با آنها و آمرزش خواه برایشان از خدا

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ
بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدید دوستی مکنید با گروهیکه خشم کرد

اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ
خدا بر آنها بحقیقت نومید شدند از آخرت چنانکه نومید شدند کافران از اهل قبرها

(٦١) سورة الصف أربع عشرة آية وهي مدنية

نزلت بعد التغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

هو الله تعالی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که هر که سوره صف بخواند مادام که در دنیا باشد حضرت عیسی علیه السلام آمرزش خواهد براو و دعای خیر کند و در قیامت از رفقای عیسی باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که این سوره را صد و هشت بار بخواند فرزندانش مطیع و منقاد او شوند و وارد است که چون کسی در سفر بر قرائت این سوره مداومت نماید در آن سفر از همه آفات امن باشد و سلامت بوطن خویش باز آید والسلام
١٢

هو العزیز
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که سوره صف بخواند و بر قرائت آن مداومت نماید در نمازهای واجبی و سنتی خدا ایستاده است او را در صف ملائکه و پیغمبران خود والسلام
١٢

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۲ يٰاَيُّهَا

تسبیح کرد مر خدا را آنچه در آسمانها وآنچه در زمینست واوست غالب درست کردار ای

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَ تَقُوْلُوْنَ مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ۳ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ اَنْ تَقُوْلُوْا

آنکسانیکه ایمان آوردید چرا میگوئید آنچه را که نمیکنید بزرگ امدا از جهة دشمن داشتن نزد خدا که بگوئید

مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ۴ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِهٖ صَفًّا كَاَنَّهُمْ

آنچه را که نمیکنید بدرستیکه خدا دوست میدارد آنانرا که کارزار میکنند در راه او صف زده گویا ایشان

بُنْيَانٌ مَّرْصُوْصٌ ۵ وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُوْنَنِيْ وَقَدْ

بنائی استوار کرده شد وهنگامیکه گفت موسی مر قومش را ای قوم من چرا آزار میکنید مرا وبتحقیق

تَّعْلَمُوْنَ اَنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوْا اَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ وَاللّٰهُ لَا

میدانید که من فرستاده خدایم بسوی شما پس چون گشتند گردانید خدا دلهای ایشانرا وخدا

يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ۶ وَاِذْ قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ يٰبَنِيْ اِسْرَاۗءِيْلَ اِنِّيْ

راه نمینماید گروه فاسقانرا وهنگامیکه گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل بدرستیکه من

رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَمُبَشِّرًاۢ بِرَسُوْلٍ

فرستاده خدایم بسویتان تصدیق کننده مر آنچه را میانه دو دست منست از تورات وبشارت دهنده برسولی

يَّاْتِيْ مِنْۢ بَعْدِي اسْمُهٗٓ اَحْمَدُ ۭ فَلَمَّا جَاۗءَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۷

که بیاید از بعد من که اسمش احمد است پس چون آمد ایشانرا با بینه‌ها گفتند این سحریست روشن

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعٰٓى اِلَى الْاِسْلَامِ ۭ وَ

وکیست ستمکارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را و او خوانده میشود بسوی اسلام و

اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۸ يُرِيْدُوْنَ لِيُطْفِــُٔـوْا نُوْرَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ

خدا راه نمینماید گروه ستمکارانرا میخواهند که خاموش کنند نور خدا را بدهنهاشان

وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُوْرِهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُوْنَ ۹ هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى

وخدا کامل گرداننده است نورش را واگرچه خوش ندارند کافران اوست آنکه فرستاد رسولش را بهدایت

وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ ۱۰ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ

ودین حق تا غالب سازد او را بر دین همه اش واگرچه خوش ندارند مشرکان ای آنانکه

اٰمَنُوْا هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰي تِجَارَةٍ تُنْجِيْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ۱۱ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ

گرویدید آیا دلالت کنم شما را بر سودائیکه نجات دهد شما را از عذابی دردناک گرویده باشید بخدا و رسولش

وَتُجَاهِدُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ ۭ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ

وجهاد میکرده باشید در راه خدا بمالهاتان وجانهاتان آن بهتر است برای شما اگر باشید

تَعْلَمُوْنَ ۱۲ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ

که بدانید میآمرزد برایتان گناهانتانرا ودر میآورد شما را در بهشتها که میرود از زیر آنها نهرها

وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنّٰتِ عَدْنٍ ۭ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۱۳ وَاُخْرٰى تُحِبُّوْنَهَا

ومسکنهای پاکیزه در بهشتهای با اقامت آنست کامیابی بزرگ ودیگریکه دوست میدارید

قوله تعالی شانه العزیز هو الذی ارسل رسوله بالهدی الخ از ابو بصیر از حضرت ابو عبد الله ماثور است در این آیه ولو کره المشرکون فرمود والله نازل نشده است تاویل آن هنوز عرض کردم فدایت شوم کی نازل خواهد شد تاویلش فرمود وقتیکه قیام کند حضرت قائم علیه السلام انشاء الله پس وقتیکه خروج کند آنحضرت باقی نمیماند کافر و مشرکی مگر آنکه اکراه دارد خروج آنحضرت حتی آنکه کافر و مشرکی در شکم سنگی اگر آن سنگ ایمن باشد میگوید در بطن من کافری است بشکن مرا و بکش او را و نیز از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این آیه ماثور است که قسم بود ظاهر نمیشود معنی آیه بعد از من قسم بان کسیکه نفس من بدست اوست تا آنکه باقی نمیماند

لیطفئوا بضم همزه و سکون واو فابا اشباع

قرینه گر آنکه مذکره کرده میشود در آن شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله در صبح و شب و از ابن عباس در این آیه مرویست که گفت معنی آیه ظاهر نمیشود تا باقی نماند یهود و نصرانی و صاحب ملتی بجز ملت اسلام و تا ایمن شوند گوسفند و گرگ و گاو و شتر و انسان و مار و تا آنکه مقراض نکند و نخاید موشی جرابی را یعنی پوستی را که در آن گندم است و تا آنکه وضع شود جزیه و شکسته شود صلیب و کشته شود خنزیر و قوله تعالی لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون در نزد

نصر

نَصْرٌ مِنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ١٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا
نصرتی است از خدا و فتحی نزدیک و بشارت بده مؤمنانرا ای آنکسانیکه ایمان آورده اید باشید

أَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللّٰهِ
یاوران دین خدا همچنانکه گفت عیسی پسر مریم مر حواریانرا که کیست انصار من بسوی خدا

قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللّٰهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ
گفتند حواریان ما هستیم انصار خدا پس ایمان آوردند طایفهٔ از بنی اسرائیل و

كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ
کافر شدند طایفهٔ پس قوت دادیم آنانرا که ایمان آوردند بر دشمنانشان پس گردیدند غالبان

سُورَةُ الْجُمُعَةِ إِحْدَى عَشَرَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ (٦٢) نزلت بعد الصف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ١
تسبیح میکند مر خدارا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است آن پادشاه پاک غالب درست کردار

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ
اوست آنکه برانگیخت در میان امیان رسولی را از ایشان میخواند بر ایشان آیات او را و

يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٢
و پاک ایشان میسازد و می آموزد ایشانرا کتاب و حکمت و اگرچه بودند از پیش هر آینه در گمراهی آشکار

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٣ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ
و دیگران از ایشان که هنوز ملحق نشده اند بایشان و اوست غالب درست کردار اینست فضل خدا میدهد آنرا

مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ٤ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ
بهر که میخواهد و خداست صاحب کرم بزرگ مثل آنانکه بار کرده شدند توراترا پس

يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ
بر نداشتند آنرا مانند مثل خریست که بر دارد کتابها را بد است مثل گروهی که آنان تکذیب کردند بآیات

اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ٥ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ
خدا و خدا هدایت نکند گروه ستمکارانرا بگو ای کسانیکه یهود شدید اگر

زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلّٰهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٦
ادعا دارید که شما هستید دوستان خدا غیر از مردمان پس آرزو کنید مرگرا اگر هستید راستگویان

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ٧ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ
و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه مقدم داشته دستهاشان و خدا داناست بستمکاران بگو بدرستیکه مرگی

الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
که میگریزید از آن پس بدرستیکه آن ملاقات کننده شماست پس باز گردانیده شوید بسوی دانای نهان و آشکار

فَيُنَبِّئُكُمْ

سید حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سوره جمعه بخواند او را مزد ده چندان دهند بعدد هر کس که بنماز جمعه حاضر شود و هر که حاضر نشود در شهرهای مسلمانان باشند والسلام ١٢

از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره جمعه موافق زوج و زوج پنج بار بخواند آورده که هر که برقت داشت این سوره مداومت نماید از وسوسه شیطان ایمن گردد ١٢

قوله تعالی ذلک فضل الله الی العظیم این آیه را نقش کند بر صفحه از صندوقی جمعه در میان اموال نهند مادامیکه غله که از زکات محفوظ ماند و برکت در آن پیدا شود انشاء الله تعالی ١٢

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِنْ يَوْمِ

پس خبر دهد شما را بآنچه بودید میکردید ای آنانکه گرویدید هنگامیکه ندا کرده شود برای نماز از روز

الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۰

جمعه پس بشتابید بسوی ذکر خدا و واگذارید بیع را این بهتر است مر شما را اگر هستید که بدانید

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوٰةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا

پس هنگامیکه گزارده شد نماز پس پراکنده شوید در زمین و بجوئید از کرم خدا و یاد کنید

اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۱ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ

خدا را بسیار شاید شما رستگار شوید و چون دیدند تجارة یا لهوی متفرق شده میروند بسوی آن

تَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

و وا میگذارند ترا ایستاده بگو آنچه نزد خداست بهتر است از لهو و از تجارت و خدا بهترین روزی دهندگانست

سورة المنافقون احدى عشرة آية وهي مدنية (۶۳)

نزلت بعد الحج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ

چون آیند بسوی تو منافقان گویند گواهی میدهیم که توئی هر آینه فرستاده خدا و خدا میداند که توئی

لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ۲ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ

هر آینه فرستادهٔ او و خدا گواهی میدهد که منافقان هر آینه دروغگویانند گرفتند سوگندهاشان را

جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۳ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

سپری پس باز داشتند از راه خدا بدرستیکه آنها بد است آنچه بودند که میکنند این بسبب آنستکه آنها

آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۴ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ

گرویدند پس کافر شدند پس مهر زده شد بر دلهاشان پس ایشان نمیفهمند و هنگامیکه می‌بینی خوش آیدت

أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ

جسمهاشان و چون سخن گویند بشنوی سخنشان را گویا ایشانند چوبی بدیوار تکیه داده شده میپندارند

كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۵

هر فریادی را بر ایشان که ایشانند دشمن پس حذر کن ایشان را قاتل کند خدا با آنها چگونه برگردیده میشوند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ

و چون گفته شود مر آنها را بیائید تا آمرزش خواهد برای شما رسول خدا میپیچند سرهاشان را و بینی آنها را

يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۶ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ

که روی برمیتابند و ایشانند تکبر کنندگان یکسانست برایشان را استغفار کرده باشی برای ایشان

تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۷

استغفار نکرده باشی برای آنها هرگز نیامرزد ایشان را خدا بدرستیکه خدا هدایت نکند گروه فاسق را

از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله مرویست هر که سوره منافقون را تلاوت کند از نفاق بری شود و از شر منافقان ایمن گردد و از حضرت صادق علیه السلام و امنیت که بر هر که از شیعیان ماست ممدوح است در نماز شام و خفتن شب جمعه سوره جمعه و سبح اسم را بخواند و منافقون را که آن عمل رسول خدا و ثواب آن بهشت اعلی باشد ۱۲

رُءُوسَهُمْ بفتح همزه و سکون واو با اشباع

أَسْتَغْفَرْتَ بفتح همزه قطع

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّوا وَ
ایشانند کسانیکه میگویند انفاق مکنید بر آنانکه نزد رسول خدا اند تا پراکنده شوند و

لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ٨ يَقُولُونَ
مر خدا راست خزانهای آسمانها و زمین و لیکن منافقان نمیفهمند میگویند

لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ
هر آینه اگر باز گردیم بسوی مدینه هر آینه بیرون میکند البته عزیزتر از آن ذلیل تر را و مر خدا راست عزت و

لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ٩ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
مر رسول او را و مر گروندگان را و لیکن منافقان نمیدانند ای کسانیکه

آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ
گرویده اید نباید غافل کند شما را مالهای شما و نه فرزندان شما از ذکر خدا و هر که بکند این را

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ١٠ وَأَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ
پس آنانند ایشان زیانکاران و انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را از پیش آنکه برسد یکی شما را

الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ
مرگ پس بگوید ای پروردگار من چرا باز پس نینداختی مرا تا مدتی نزدیک پس صدقه دهم و بشوم از

الصَّالِحِينَ ١١ وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
شایسته گاران و هرگز باز پس نیندازد خدا نفسی را چون آید اجلش و خدا آگاه است بآنچه میکنید

سُورَةُ التَّغَابُنِ ثَمَانَ عَشْرَةَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (٦٤) نزلت بعد التحريم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ
تسبیح میکنند مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش و او

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنكُمْ كَافِرٌ وَمِنكُم مُّؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا
بر همه چیزی تواناست اوست آنکه آفرید شما را پس بعضی از شما کافر و برخی از شما مؤمنند و خدا بآنچه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٣ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ
میکنید بیناست آفرید آسمانها و زمین را براستی و صورت داد شما را پس نیکو کرد

صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ٤ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ
صورتهای شما را و بسوی اوست بازگشت میداند آنچه را در آسمانها و زمین است و میداند آنچه را پنهان دارید

وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٥ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن
و آنچه را آشکار سازید و خدا داناست باصل سینهها آیا نیامد شما را خبر آنانکه کافر شدند از

قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم
پیش پس چشیدند شومی کار خود را و مر ایشان راست عذاب دردناک این بسبب آن بود که می آمد رسولان ایشان را

وانفقوا بفتح همزه قطع
فیقول بفتح لام
فاصدق بفتح همزه قطع و تشدید صاد و دال مفتوح جزم فتح قاف

هو
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مروی است که هر که سورة التغابن را بخواند از مفاجات ایمن گردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقلست که هر که سورة التغابن را در نماز واجبی بخواند در روز قیامت این سوره شاهد او شود و شهادت دهد برای او نزد کسی که شهادت او را قبول فرماید و از او جدا نشود تا او را داخل بهشت ابد گرداند

بالبيّنات فقالوا أبشر يهدوننا فكفروا وتولّوا واستغنى الله والله

بامعجزات روشن پس میگفتند آیا انسانی راه مینماید ما را پس کافر شدند و روگردانیدند و بی‌نیاز است خدا و خدا

غنيّ حميد ۷ زعم الّذين كفروا أن لن يبعثوا قل بلى وربّي لتبعثنّ ثمّ

بی‌نیاز ستوده است پنداشتند آنانکه کافر شدند که هرگز برانگیخته نشوند بگو آری و بپروردگارم که برانگیخته شوید

لتنبّؤنّ بما عملتم وذلك على الله يسير ۸ فآمنوا بالله ورسوله والنّور

هرآینه خبر داده شوید بآنچه کرده‌اید و این بر خدا آسان است پس ایمان آرید بخدا و رسولش و آن نوریکه

الّذي أنزلنا والله بما تعملون خبير ۹ يوم يجمعكم ليوم الجمع ذلك

فرود فرستادیم و خدا بآنچه میکنید آگاه است روزیکه فراهم آورد شما را برای روز جمع اینست

يوم التّغابن ومن يؤمن بالله ويعمل صالحًا يكفّر عنه سيّئاته ويدخله

روز مغبون کردن یکدیگر و هر که ایمان آورد بخدا و میکند کار شایسته درگذرد خدا از و بدیهایش و درآورد او را

جنّات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبدًا ذلك الفوز العظيم ۱۰

بهشتهائیکه روانست از زیرش نهرها جاودانند در آن همیشه اینست کامیابی بزرگ

والّذين كفروا وكذّبوا بآياتنا أولئك أصحاب النّار خالدين فيها و

و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آنانند اصحاب آتش جاوید در آنند

بئس المصير ۱۱ ما أصاب من مصيبة إلّا بإذن الله ومن يؤمن بالله يهد

و بد است جای بازگشت نرسد هیچ حادثه مگر باذن خدا و آنکه ایمان آورد بخدا هدایت

قلبه والله بكلّ شيء عليم ۱۲ وأطيعوا الله وأطيعوا الرّسول فإن تولّيتم

میکند دل او را و خدا بهر چیزی داناست و فرمان ببرید خدا را و فرمان ببرید رسولش را پس اگر روگردانیدید

فإنّما على رسولنا البلاغ المبين ۱۳ الله لا إله إلّا هو وعلى الله فليتوكّل

پس نیست بر رسول ما مگر رسانیدن آشکار خدا نیست خدائی جز او و بر خدا پس توکل میکنند

المؤمنون ۱۴ يا أيّها الّذين آمنوا إنّ من أزواجكم وأولادكم عدوًّا لكم

گروندگان ای آنانیکه گرویدید بدرستیکه برخی از زنانتان و فرزندانتان دشمنند مر شما را

فاحذروهم وإن تعفوا وتصفحوا وتغفروا فإنّ الله غفور رحيم ۱۵ إنّما

پس حذر کنید از آنها و اگر درگذرانیده و عفو کنید و ببخشید پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست جز این نیست

أموالكم وأولادكم فتنة والله عنده أجر عظيم ۱۶ فاتّقوا الله ما استطعتم

که اموال شما و فرزندانتان بلااند و خدا نزد اوست مزدی بزرگ پس بپرهیزید از خدا آنچه توانید

واسمعوا وأطيعوا وأنفقوا خيرًا لأنفسكم ومن يوق شحّ نفسه فأولئك

و بشنوید و فرمان برید و انفاق کنید بهتر است مر نفسها ای شما را و هر که نگهداشته شود از بخل نفس خود پس ایشان

هم المفلحون ۱۷ إن تقرضوا الله قرضًا حسنًا يضاعفه لكم و

ایشانند رستگاران اگر وام دهید خدا را وامی نیکو دو برابر گرداند برای شما و

يغفر لكم والله شكور حليم ۱۸ عالم الغيب والشّهادة العزيز الحكيم

و بیامرزد مر شما را و خداست شکرپذیر بردبار دانای نهان و آشکار عزیز درست کردار

التّغابن بضمّ با و کسر نون

وانفقوا بفتح همزه قطع

خمس

سورة

سورة الطلاق اثنتا عشرة آية وهي مكية (۶۵) نزلت بعد الانسان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

يا ايها النبي اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن واحصوا العدة

ای پیغمبر چون طلاق دهید زنانرا پس طلاقشان دهید در وقت عدهٔ ایشان و ضبط کنید عده را

واتقوا الله ربكم لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن الا ان يأتين

و بترسید از خدا پروردگار خود بیرونشان مکنید از خانه هاشان و نباید بیرون روند مگر اینکه ارتکاب نمایند

بفاحشة مبينة وتلك حدود الله ومن يتعد حدود الله فقد ظلم

کار زشتی روشن را و اینست حدهای خدا و هر که درگذرد از حدهای خدا پس بتحقیق ستم کرده

نفسه لا تدري لعل الله يحدث بعد ذلك امرا ۲ فاذا بلغن اجلهن

بر خود نمیدانی شاید که خدا پدید آورد پس از آن امری را پس چون رسیدند مدتشان

فامسكوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف واشهدوا ذوي عدل

پس نگاه دارید شان بخوبی یا جدا سازید شان بخوبی و گواه بگیرید دو صاحب عدل را

منكم واقيموا الشهادة لله ذلكم يوعظ به من كان يؤمن بالله واليوم

که باشند از شما و برپای دارید گواهی را برای خدا اینست شما را پند داده میشود بآن هر که باشد ایمان آورد بخدا و روز

الآخر ومن يتق الله يجعل له مخرجا ۲ ويرزقه من حيث لا يحتسب ۳ ومن

بازپسین و هر که بپرهیزد خدا را میگرداند مرا او را بدر شدنی و روزیش دهد از جائی که گمان نمیبرد و هر که

يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء

توکل کند بر خدا پس اوست بس او را بدرستیکه خداست رسانندهٔ امرش بتحقیق خدا گردانیده برای هر چیزی

قدرا ۴ واللائي يئسن من المحيض من نسائكم ان ارتبتم فعدتهن

اندازهٔ و آن زنانیکه نومید شدند از حیض از زنان شما اگر شک داشته باشید پس عدهٔ آنها

ثلثة اشهر واللائي لم يحضن واولات الاحمال اجلهن ان يضعن

سه ماهست و آن زنانیکه حایض نشدند و صاحبان حملها مدتشان آنست که بنهند

حملهن ومن يتق الله يجعل له من امره يسرا ۵ ذلك امر الله انزله اليكم

حملشانرا و هر که بپرهیزد از خدا میگرداند برایش از کارش آسانی اینست امر خدا که فرستاد بشما

ومن يتق الله يكفر عنه سيئاته ويعظم له اجرا ۶ اسكنوهن من حيث

و هر که بپرهیزد از خدا در پوشاند خدا از او گناهانش را و بزرگ کند برای او اجر او را ساکن سازید آنها را از جائی

سكنتم من وجدكم ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن وان كن اولات

که ساکن شدید از وسعتان و آزار مکنید ایشان را که تنگ گیرید برایشان و اگر باشند صاحبان

حمل فانفقوا عليهن حتى يضعن حملهن فان ارضعن لكم فآتوهن

حمل پس انفاق کنید برایشان تا بگذارند حملشانرا پس اگر شیر دهند برای شما پس بدهید بآنها

واحصوا بفتح همزه قطع

فامسكوهن بفتح همزه قطع واشهدوا بفتح همزه قطع

واولات بضم همزه بدون واو

ويعظم بضم يا و سكون عين و كسر ظا و سكون ميم

من وجدكم بكسر واو

اولات بضم همزه بدون واو

أجورهن وأتمروا بينكم بمعروف وإن تعاسرتم فسترضع له أخرى ۶

مزدهاشانرا وفرمان پذیر باشید بخوبی واگر مضایقه نمائید پس شیر خواهد داد مراورا زنی دیگر

لينفق ذو سعة من سعته ومن قدر عليه رزقه فلينفق مما آتاه

که انفاق کند صاحب وسع از وسعش وهر که تنگ کرده شد براو روزیش پس انفاق بکند از آنچه داده او را

الله لا يكلف الله نفسا إلا ما آتاها سيجعل الله بعد عسر يسرا ۷

خدا تکلیف نکند خدا نفسی را بجز آنچه داد او را بزودی بگرداند خدا پس از دشواری آسانیرا

وكأين من قرية عتت عن أمر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا

وبسا از قریه که سرکشی کرد از فرمان پروردگارش ورسولان او پس حساب کردیم ما آنرا حسابی سخت

وعذبناها عذابا نكرا ۸ فذاقت وبال أمرها وكان عاقبة أمرها

وعذاب کردیم آنرا عذابی بد پس چشید بدی کارش را وباشد انجام کارش

خسرا ۹ أعد الله لهم عذابا شديدا فاتقوا الله يا أولي الألباب ۱۰

زیانی آماده کرده خدا برای ایشان عذابی سخت را پس بپرهیزید از خدا ای صاحبان خردها

الذين آمنوا قد أنزل الله إليكم ذكرا رسولا يتلو عليكم آيات

آنانکه گرویده اند بحقیقت فرو فرستاد خدا بسوی شما ذکر را رسولیرا که میخواند بر شما آیات

الله مبينات ليخرج الذين آمنوا وعملوا الصالحات من الظلمات

خدارا که روشن است تا بیرون برد آنانکه گرویدند وکردند کارهای شایسته از تاریکیها

إلى النور ومن يؤمن بالله ويعمل صالحا يدخله جنات تجري من

بسوی روشنی وهر که میگرود بخدا ومیکند کاری شایسته درآورد او را در بهشتها که روانست از

تحتها الأنهار خالدين فيها أبدا قد أحسن الله له رزقا ۱۱ الله الذي

زیر آنها نهرها جاودانند در آن همیشه بحقیقت نیکو کرد خدا برای او روزیرا خداست آنکه

خلق سبع سماوات ومن الأرض مثلهن يتنزل الأمر بينهن لتعلموا

آفرید هفت آسمانها واز زمین مانند آنها فرود می آید امر میان آنها تا بدانید

أن الله على كل شيء قدير وأن الله قد أحاط بكل شيء علما ۱۲

که خدا بر هر چیزی تواناست وبدرستیکه خدا بحقیقت احاطه کرده بهر چیزی از دانش

سورة التحريم اثنتا عشرة آية وهي مدنية (۶۶) نزلت بعد الحجرات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

يا أيها النبي لم تحرم ما أحل الله لك تبتغي مرضات أزواجك والله

ای پیغمبر چرا حرام میگردانی آنچه را حلال کرده برایت میجوئی خوشنودی جفتهای خود را وخدا

غفور رحيم ۱ قد فرض الله لكم تحلة أيمانكم والله مولاكم وهو

آمرزنده مهربانست بحقیقت قرار داد برای شما خدا امر موجب حلال بودن سوگندهاشانرا وخداست صاحب اختیار شما

اسكنوهن
یعنی ساکن گردانید زنان مطلقه را از آنجا که ساکن شده اید از وسع شما وقدر وسع شما یعنی بقدر غنا وفقر خود ایشانرا مسکن دهید پس غنی توسیع مسکن بر معتده دهد وفقیر بقدر فقر خود او را جای دهد

یا اولی
بضم همزه بدون واو

هو
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که هر که سوره طلاق را بخواند بسنت پیغمبر از دنیا بیرون رود واز حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که سوره طلاق وتحریم در نماز واجبی بخواند خدا او را در قیامت پناه دهد از خوف واندوه آتش جهنم عافیت یابد واو را داخل بهشت گرداند

الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۳ وَاِذْ اَسَرَّ النَّبِيُّ اِلٰى بَعْضِ اَزْوَاجِهٖ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّاَتْ بِهٖ
دانای درستکردار و چون پنهان گفت نبی به برخی از ازواجش سخنی پس چون خبر داد بآن

وَاَظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَاَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّاَهَا بِهٖ قَالَتْ
و اطلاع دادش خدا بر آن بیان کرد برخی از آنرا و روگردانید از برخی پس چون خبر دادش بآن گفت که

مَنْ اَنْبَاَكَ هٰذَا قَالَ نَبَّاَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ۴ اِنْ تَتُوبَا اِلَى اللّٰهِ فَقَدْ صَغَتْ
که خبر داد ترا باین گفت خبر داد مرا دانای آگاه اگر باز گردید بسوی خدا پس بتحقیق که گردید

قُلُوبُكُمَا وَاِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلٰيهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ
دلهای شما دو تا و اگر هم پشت شوید بر او پس بدرستیکه خدا او دست یار او و جبرئیل و صالح مؤمنان

وَالْمَلٰٓئِكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ ظَهِيرٌ ۵ عَسٰى رَبُّهُ اِنْ طَلَّقَكُنَّ اَنْ يُبْدِلَهُ اَزْوَاجًا
و فرشتگان پس از این همه معین اند شاید پروردگار او اگر طلاق دهد شما را که بدل دهد او را جفتان

خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ
بهتر از شما زنان با اسلام با ایمان زنان اطاعت کننده و توبه نماینده پرستندگان هجرت کنندگان شوی دیده

وَاَبْكَارًا ۶ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا قُوا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ
و دوشیزه ای آنانکه گرویدید نگهدارید نفسهای تانرا و کسانتانرا از آتش که هیزمش مردمانند

وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلٰٓئِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللّٰهَ مَا اَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ
و سنگها بر آنست ملائکه درشت سخت نافرمانی نمیکنند خدا را آنچه فرمایدشان و میکنند

مَا يُؤْمَرُونَ ۷ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ اِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ
آنچه مأمور میشوند ای آنانکه کافر شدید عذر مخواهید امروز جز این نیست که جزا داده میشوید آنچه بودید

تَعْمَلُونَ ۸ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا تُوبُوا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسٰى رَبُّكُمْ
میکردید ای آنانکه گرویدید بازگشت کنید بسوی خدا توبه خالص شاید پروردگار شما

اَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ يَوْمَ
که درگذارد از شما بدیهاتانرا و درآورد شما را در بهشتهائیکه روانست از زیرش نهرها روزیکه

لَا يُخْزِي اللّٰهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ
خوار نسازد خدا پیغمبر و آنانکه گرویدند با او نورشان میشتابد میان دستهاشان و بجانب راستشان

يَقُولُونَ رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۹ يَا اَيُّهَا
میگویند ای پروردگار ما تمام گردان برای ما نور ما را و بیامرز ما را بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی ای

النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَاْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ وَ
پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان و سخت گیر بر ایشان و جای ایشان دوزخ است و

بِئْسَ الْمَصِيرُ ۱۰ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَاَتَ نُوحٍ وَامْرَاَتَ لُوطٍ كَانَتَا
بد است آنجای بازگشت زده خدا مثلی برای آنانکه کافر شدند زن نوح و زن لوط که بودند

تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا
در تحت دو بنده از بندگان ما شایسته پس خیانت کردند دو آن پس کفایت نکردند از آن دو از عذاب خدا چیزی را

وَقِيلَ

واِذْ بکسر همزه و سکون ذال

مَنْ اَنْبَاَكَ بفتح همزه اول و سکون نون و فتح با و همزه دوئیم

هو الله سبحانه و تعالی یا ایها الذین آمنوا الی قدیر این آیه را در ظرف پاک سفید نویسد بمشک و زعفران خالص و آنرا بگلاب بشوید و قدری شکر بان اضافه کنند تا چهل روز هر روز بوقت افطار از آن آب قدری بخورد حقایق اشیاء او را بقدر وسع معلوم شود و ضمیر او صافی شود از خبیثات و از عیوب پاک شود بإذن الله تعالی

صَالِحَيْنِ بفتح حا و سکون یا و کسر نون

وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ١١ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ
وگفته شد در آیید در آتش با درآیندگان وزد خدا مثلی را برای آنانکه گرویدند زن

فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ
فرعون را چون گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزدت خانه در بهشت و نجات ده مرا از فرعون

وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ١٢ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ
و کردارش و نجات ده از گروه ستمکاران و مریم دختر عمران که نگهداری کرد

فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ
عورتش را پس دمیدیم در او از روح ما و تصدیق کرد سخنان پروردگارش و کتابهای او را و بود

مِنَ الْقَانِتِينَ
از اطاعت کنندگان

سورة الملك ثلثون آية وهي مكية (٦٧) نزلت بعد الطور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ
افزون آمد آنکه بدست اوست پادشاهی و اوست بر همه چیزی توانا آنکه آفرید مرگ را

وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ٣ الَّذِي خَلَقَ
و زندگی را تا بیازماید شما را که کدام یک از شما خوبترند در کردار و اوست غالب آمرزنده آنکه آفرید

سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ
هفت آسمانها را طبقه طبقه نبینی در آفرینش خدای بخشنده هیچ تفاوتی پس بازگردان چشم را

هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ٤ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا
آیا می بینی هیچ نقصانی پس بازگردان چشم را کرة بعد اخری که باز میگردد بسویت چشم ناکام

وَهُوَ حَسِيرٌ ٥ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا
و اوست مانده شده و هر آینه بتحقیق آرایش دادیم آسمان دنیا را بچراغها و گردانیدیم آنها را راندنگاه

لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ٦ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ
مر شیاطین و مهیا کردیم برای ایشان شکنجه آتش سوزنده و از برای آنانکه کافر شدند بپروردگارشان شکنجه

جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ٧ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ٨
جهنم و بد است انجای بازگشت چون افکنده شوند در آن بشنوند مر آنرا آخر و کشی و آن بجوش شد

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ٩
نزدیک شد پاره پاره شود از خشم هرگاه افکنده شود در آن جمعی پرسد ایشانرا خازنانش آیا نیامد شما را بیم کننده

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي
گویند آری بتحقیق آمد ما را بیم کننده پس تکذیب کردیم و گفتیم و فرو نفرستاده خدا هیچ چیز را نیستید شما مگر در

ضَلَالٍ كَبِيرٍ ١٠ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ١١
گمراهی بزرگ و گفتند اگر بودیم که میشنیدیم یا میافتیم بعقل نبودیم در اهل آتش سوزنده

فاعترفوا

هو
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر کس سوره ملک را در شب در نماز بخواند در امان الهی است تا صبح شود و در روز قیامت در امان الهی باشد و داخل بهشت ابد شود
١٢

ينقلب
بکسر لام و سکون با

فاعترفوا بذنبهم
پس اعتراف کنند بگناهان خود و در آن روز که اقرار ایشان سودی ندارد پس دور گرداند خدا از رحمت خود مر یاران آتش را یعنی هرگز مستوجب رحمت نشوند از بی اعتقادی کفار در آورده شده بر مؤمنان نمودار باشد من غضب الجبار
١٣

فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعير ١٢ ان الذين يخشون ربهم بالغيب

پس اقرار کردند بگناه خویش پس دوری باد از رحمت مر اهل آتش سوزنده بدرستیکه آنانکه میترسند پروردگار خود را پنهانی

لهم مغفرة واجر كبير ١٣ واسروا قولكم او اجهروا به انه عليم بذات

مر ایشانراست آمرزش و مزد بزرگ و پنهان دارید گفتار خود را یا آشکار کنید بآن بدرستیکه او داناست بسرایر

الصدور ١٤ الا يعلم من خلق وهو اللطيف الخبير ١٥ هو الذي جعل

سینها آگاه باشید میداند آنکه آفرید و اوست باریک بین آگاه اوست که گردانید

لكم الارض ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا من رزقه واليه النشور ١٦

برای شما زمین را رام پس سیر کنید در اطراف آن و بخورید از روزیش و بسوی اوست بازگشت

ءامنتم من في السماء ان يخسف بكم الارض فاذا هي تمور ١٧ ام امنتم من في

آیا ایمن شدید از آنکه در آسمان است آنکه فرو برد شما را بزمین پس آنگاه آن موج زند یا ایمن شدید از آنکه در

السماء ان يرسل عليكم حاصبا فستعلمون كيف نذير ١٨ ولقد كذب

آسمان است آنکه بفرستد بر شما باد سنگریزه پاشی پس بزودی بدانید چگونه است بیم دهندهام و هر آینه تکذیب کردند

الذين من قبلهم فكيف كان نكير ١٩ اولم يروا الى الطير فوقهم صافات

آنانکه بودند از پیش ایشان پس چگونه بود انکار کردن من آیا و ندیدند بسوی پرنده‌ها بالای ایشان که بال گشاینده‌گان

ويقبضن ما يمسكهن الا الرحمن انه بكل شيء بصير ٢٠ امن هذا الذي

و فراهم میآرند نمیدارد نگاه ایشانرا بجز خداوند بخشنده بدرستیکه او بهر چیز بیناست یا کیست آنکه

هو جند لكم ينصركم من دون الرحمن ان الكافرون الا في غرور ٢١ امن

او لشکر است برای شما که یاری کند شما را از جز خدای بخشنده نیستند کافران مگر در فریب یا کیست

هذا الذي يرزقكم ان امسك رزقه بل لجوا في عتو ونفور ٢٢ افمن

آنکه روزی میدهد شما را اگر نگاه دارد روزی شما را بلکه لجاج کردند در سرکشی و سر باز زدن آیا پس آنکه

يمشي مكبا على وجهه اهدى امن يمشي سويا على صراط مستقيم ٢٣

راه میرود سرنگون بر رویش هدایت یافته‌تر است یا آنکه راه میرود ایستاده بر راه راست

قل هو الذي انشاكم وجعل لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما

بگو اوست که پدید آورد شما را و گردانید برای شما گوش و چشمها را و دلها را اندکی

تشكرون ٢٤ قل هو الذي ذراكم في الارض واليه تحشرون ٢٥ ويقولون

شکر میکنید بگو اوست آنکه پراکنده کرد شما را در زمین و بسوی او حشر کرده میشوید و میگویند

متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ٢٦ قل انما العلم عند الله وانما انا نذير

کی خواهد بود این وعده اگر هستید راستگویان بگو نیست دانش بجز نزد خدا و نیستم من مگر بیم کننده

مبين ٢٧ فلما راوه زلفة سيئت وجوه الذين كفروا وقيل هذا الذي كنتم

آشکار پس چون ببینندش نزدیک بد شود رویهای آنانکه کافر شدند و گفته شود اینست آنکه بودید

به تدعون ٢٨ قل ارايتم ان اهلكني الله ومن معي او رحمنا فمن يجير الكافرين

آنرا میخواستید بگو خبر دهید که اگر هلاک سازد مرا خدا و آنکه با منست یا رحمت کند ما را پس کیست پناه دهد کافران

قوله تعالی شانه العزیز فلما راوه زلفة سیئت وجوه الخ در مجمع البیان از آنحضرت مرویست که چون دیدند مکان حضرت علی ولی را از حضرت نبی علیهما السلام محزون شدند و صورتهای آنکسانیکه کافر میشوند و شدند و تکذیب کردند فضل آنحضرت را و از اعمش منقول است که یعنی چون دیدند حضرت علی بن ابیطالب را در نزدیکی رسول محزون میشوند کافران از آنحضرت گوید در وقتیکه قیامت قائم نماید و نظر کنند اعدای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بسوی آنحضرت

ان الكافرون بکسر همزه و نون مخففه

و بسوی آنچه عطا کرده حقتعالی او را از کرامت و منزلت شریفه عظیمه و دست آنحضرت است لوای حمد و بر حوض کوثر سیراب مینماید دوستان خود را و منع میکند دشمنان خود را سیاه میشود وجوه اعدای آنحضرت و گفته میشود با عدای مذکورین این است آنچه که منزلت و مقام و اسم او علیه السلام می دیدید و حسد میکردید می شدید

من عذاب اليم ٢٩ قل هو الرحمن آمنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو

از شکنجه دردناک بگو اوست خدای بخشنده گرویدیم باو و براو توکل کردیم پس زود بدانید کیست او

في ضلال مبين ٣٠ قل أرأيتم إن أصبح ماؤكم غورا فمن يأتيكم بماء معين

در گمراهی آشکار بگو خبر دهید اگر صبح گردد آب شما فرو رفته پس کیست که آورد شما را آب روان

سورة القلم اثنتان وخمسون آية وهي مكية (٦٨) نزلت بعد العلق

الا از آیه ١٧ تا آخر آیه ٣٣ و از آیه ٤٨ تا آخر آیه ٥٠ مدنیه

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

نٓ ١ والقلم وما يسطرون ٢ ما أنت بنعمة ربك بمجنون ٣ وإن لك

قلم و آنچه مینویسند نیستی تو بنعمت پروردگارت دیوانه و بدرستیکه مر تراست

لأجرا غير ممنون ٤ وإنك لعلى خلق عظيم ٥ فستبصر ويبصرون ٦ بأيكم

پاداشی بدون منت و بدرستیکه توئی هر آینه بر خلقی بزرگ پس زود باشد که ببینی و ببینند که کدام از شما

المفتون ٧ إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله وهو أعلم بالمهتدين ٨

جنونست بدرستیکه پروردگارت او داناتر است بآنکه گمراه شد از راهش و او داناتر است براه یافتگان

فلا تطع المكذبين ٩ ودوا لو تدهن فيدهنون ١٠ ولا تطع كل حلاف

پس فرمان مبر تکذیب کنندگان را آرزو کردند کاش چرب زبانی و نرمی کنی پس چرب زبانی و نرمی کنند و فرمان مبر هر سوگند خورنده

مهين ١١ هماز مشاء بنميم ١٢ مناع للخير معتد أثيم ١٣ عتل بعد ذلك

خوار را عیب کننده رونده بسخن چینی را بازدارنده مر خیر را تعدی کننده بدکردار جفاکار بعد از آن

زنيم ١٤ أن كان ذا مال وبنين ١٥ إذا تتلى عليه آياتنا قال أساطير الأولين

حرامزاده را از آنکه هست صاحب مال و پسران چون خوانده شود براو آیات ما گوید افسانه‌های پیشینیانست

سنسمه على الخرطوم ١٧ إنا بلوناهم كما بلونا أصحاب الجنة إذ أقسموا ليصرمنها

بزودی نشان کنیم او را بر بینی بدرستیکه ما مبتلا کردیم ایشانرا چنانکه مبتلا کردیم اهل بستانرا هنگامیکه سوگند خوردند که

مصبحين ١٨ ولا يستثنون ١٩ فطاف عليها طائف من ربك وهم نائمون ٢٠

قطع ثمر آن نمایند بامداد کنندگان و نگفتند انشاء الله پس آمد بر آن آسیبی از پروردگارت و ایشان بودند خوابیدگان

فأصبحت كالصريم ٢١ فتنادوا مصبحين ٢٢ أن اغدوا على حرثكم إن كنتم

پس گردید مانند قطع ثمر شده پس ندا بهم کردند صبح دریافتگان که بامداد بروید بر کشت زارتان اگر هستید

صارمين ٢٣ فانطلقوا وهم يتخافتون ٢٤ أن لا يدخلنها اليوم عليكم

قطع ثمر کنندگان پس رفتند و ایشان مشورت میکردند که در نیاید در آن امروز بر شما

مسكين ٢٥ وغدوا على حرد قادرين ٢٦ فلما رأوها قالوا إنا لضالون ٢٧

درمانده و بامداد رفتند بر منع توانایان پس چون دیدند آنرا گفتند بدرستیکه ما هر آینه گمراهانیم

بل نحن محرومون ٢٨ قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون ٢٩ قالوا سبحان

بلکه ماییم بی بهره شدگان گفت بهتر ایشان آیا نگفتم مر شما را که چرا تسبیح نمیکنید گفتند منزهست

ماؤكم بفتح همزه بدون واو بلا اشباع

نٓ مد میخواهد

از حضرت امام جعفر صادق (ع) است که هر که سوره نٓ والقلم را در فریضه بخواند خداوند او را ایمن گرداند از آنکه فقیر شود و چون بمیرد او را از فشار قبر نگاه دارد

ان كان بفتح همزه

نٓ از مقطعات است و بقولی جنس ماهی است یا خصوصی ماهی زمین یا دوات یا لوح یا نهری در بهشت است ١٢

ربنا

رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۳۰ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ۳۱ قَالُوا يَا
پروردگارا بدرستیکه بودیم ما ستمکاران پس رو کردند بعضیشان بر بعض ملامت کنان گفتند ای

وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ۳۲ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا
وای ما بدرستیکه ما بودیم زیاده روان شاید پروردگار ما که عوض بدهد بهتر از آن بدرستیکه ما بسوی پروردگار

رَاغِبُونَ ۳۳ كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۴
رغبت دارندگانیم همچنان است عذاب و هر آینه عذاب آخرت بزرگتر است اگر باشند که بدانند

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۳۵ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۳۶ مَا
بدرستیکه مر پرهیزگاران نزد پروردگارشان بهشتهای پر نعمت است آیا پس میگردانیم مسلمانانرا مانند گناهکاران چیست

لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۳۷ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۳۸ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ
مر شما را چگونه حکم میکنید یا مر شما راست کتابی که در آن میخوانید بدرستیکه در آن آنچه اختیار میکنید

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ۴۰ سَلْهُمْ
یا مر شما راست پیمانهای سوگند بکمال رسیده تا روز رستخیز بدرستیکه مر شما راست هر آینه آنچه حکم میکنید بپرس ایشانرا

أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ۴۱ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۴۲
که کدام ایشان کفیلند بآن یا مر ایشانراست شریکان پس باید که بیاورند شریکانشانرا اگر باشند راستگویان

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۴۳ خَاشِعَةً
روزیکه کشف کرده شود از ساق و خوانده شود بسجود پس نتوانند فرو رفته

أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ۴۴
چشمهایشان فرو میگیرد ایشانرا خواری و بتحقیق بودند خوانده میشدند بسجود و ایشان بودند تندرستان

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۴۵
پس واگذار مرا و آنکه تکذیب کرد این سخن را بزودی در نوردیم ایشانرا مرتبه بمرتبه از آنجا که ندانند

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۴۶ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۴۷
و مهلت دهیم ایشانرا بدرستیکه مکر من محکم است یا میخواهی از ایشان مزدی پس آنها از التزام تاوان حق گران بارانند

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۴۸ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ
یا نزد ایشان است غیب پس ایشان می نویسند پس صبر کن مر حکم پروردگارت را و مباش مانند رفیق ماهی

إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۴۹ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ
هنگامیکه ندا کرد و او بود پر شده از خشم اگر نه آن بود که دریافتی او را نعمتی از پروردگارش هر آینه انداخته شده بود بجای خالی

مَذْمُومٌ ۵۰ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۵۱ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا
و او بود مذمت کرده شده پس برگزید او را پروردگارش پس گردانید او را از شایستگان و بدرستیکه نزدیک بود آنانکه کافر شدند

لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۵۲ وَمَا هُوَ
هر آینه بلغزانند تورا بچشمهایشان چون شنیدند قرآنرا و میگفتند او هر آینه دیوانه است و نیست آن

إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ
مگر پندی مر جهانیانرا

(۶۹) سُورَةُ الْحَاقَّةِ اثْنَتَانِ وَخَمْسُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

نزلت بعد الملک

قوله تعالی وان یکاد الذین کفروا الخ یعنی منافقان صاحب کفر بسبب شدت عداوت و بر انگیختن بغض و حسد خود در نزد سماع قرآن و دعوت بسوی خیر که ولایت است نظر میکنند بسوی تو بنظر غضب بگوشه چشم نظر کردنی که بلغزانند قدم تو را ما خواست از قول قوم نظر آنکه بصیر عینی و در صافی از کافی و فقیه از حضرت صادق علیه السلام ماثور است که چون غدیر خم بود آنحضرت بسجده غدیر نظر کرد بسمت میسره مسجد پس فرمود این موضع قدم رسول خدا است در وقتی که فرمود من کنت مولاه فعلی مولاه بعد نظر نمود بسوی جانب دیگر فسطاط خیمه ابو فلان و فلان یعنی شیخین و جبر و سالم مولی ابو حذیفه و ابو عبیده بن جراح پس چون دیدند که آنحضرت بلند کرده دست خود را بعضی گفتند برای بعضی نظر کنید بسوی دو چشم او که دوران میخورد گوئی که دیوانه است پس نازل گردید جبرئیل این آیه را

۲۲

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الحاقة ۱ ما الحاقة ۲ وما ادریك ما الحاقة ۳ كذبت ثمود وعاد

آن جیتک بوقوع آینده وچه جیتک بوقوع آینده وچه دانا گردانید ترا که چه چیزست تکذیب نمودند ثمود و عاد

بالقارعة ۴ فاما ثمود فاهلكوا بالطاغية ۵ واما عاد فاهلكوا بريح

آن درهم کوبنده پس هلاک شدند بعقوبت زیاده از حد واما عاد پس هلاک شدند بباد

صرصر عاتية ۶ سخرها عليهم سبع ليال وثمانية ايام حسوما فترى القوم

تند زدر ادر که برگماشت آنرا برایشان هفت شب وهشت روز پی درپی پس دیدی آنگروه را

فيها صرعى كانهم اعجاز نخل خاوية ۷ فهل ترى لهم من باقية ۸ وجاء

در آن افتاده که گویا ایشان بودند تنهای درخت خرمای افتاده پس آیا می بینی مر ایشانرا از بازمانده وآمد

فرعون ومن قبله والمؤتفكات بالخاطئة ۹ فعصوا رسول ربهم فاخذهم

فرعون وآنکه بود پیش از آن وزیروزبرشده ها بگناه پس نافرمانی کردند رسول پروردگارشانرا پس گرفت ایشانرا

اخذة رابية ۱۰ انا لما طغى الماء حملناكم في الجارية ۱۱ لنجعلها لكم

گرفتنی افزون در سختی بدرستیکه ما چون طغیان کرد آب برداشتیم شمارا در کشتی تا بگردانیم آنرا برای شما

تذكرة وتعيها اذن واعية ۱۲ فاذا نفخ في الصور نفخة واحدة ۱۳ و

پندی و یاد میگیرد آنرا گوش یادگیرنده پس چون دمیده شود در صور دمیدنی یکمرتبه و

حملت الارض والجبال فدكتا دكة واحدة ۱۴ فيومئذ وقعت الواقعة ۱۵

برداشته شود زمین و کوهها پس بهم زده شود بهم زدنی یکمرتبه پس آنروز واقع شود آن بوقوع آینده

وانشقت السماء فهي يومئذ واهية ۱۶ والملك على ارجائها ويحمل

و بشکافد آسمان پس آن است آنروز سست و فرشته باشد براطرافش و بردارد

عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية ۱۷ يومئذ تعرضون لا تخفى منكم

عرش پروردگار ترا بر بالای ایشان آنروز هشت تا آنروز عرض کرده میشوید پنهان نمیماند از شما

خافية ۱۸ فاما من اوتي كتابه بيمينه فيقول هاؤم اقرؤا كتابيه ۱۹ اني

پنهانی پس اما آنکه داده شد نامهٔ او بدست راستش پس میگوید بگیرید بخوانید نامهٔ مرا بدرستیکه

ظننت اني ملاق حسابيه ۲۰ فهو في عيشة راضية ۲۱ في جنة عالية ۲۲

من دانسته بودم که من دریابنده ام حسابم را پس او در عیشی پسندیده در بهشت عالیه

قطوفها دانية ۲۳ كلوا واشربوا هنيئا بما اسلفتم في الايام الخالية ۲۴

که میوه اش نزدیکست بخورید و بیاشامید گوارا بسبب آنچه فرستادید پیش در روزهای گذشته

واما من اوتي كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم اوت كتابيه ۲۵ ولم ادر ما

و اما آنکه داده شد نامهٔ او بدست چپش پس میگوید ایکاش داده نشده بودم نامه ام را و ندانسته بودم که چیست

حسابيه ۲۶ يا ليتها كانت القاضية ۲۷ ما اغنى عني ماليه ۲۸ هلك عني

حسابم ایکاش آن میبود آن قاطع کفایت نکرد از من مالم زایل شد از من

هو

در صافی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که بسیار بخوانید سورهٔ الحاقه را بدرستیکه قرائت آن در فرایض و نوافل از ایمان بخدا و رسول است زیرا که این سوره بدواقعه حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و معویه علیه اللعنة نازل شده است و هرکه این سوره را بخواند ایمان از او برطرف نشود تا آنکه ملاقات کند خدای عزوجل را ۱۲

هاؤم
بفتح همزه بدون اشباع

کتابیه
بسکون ها

حسابیه بسکون ها

اقرؤا
بفتح همزه ثانیه با اشباع

اوتی
بفتح همزه و سکون واو

کتابیه و حسابیه و مالیه بسکون ها

سلطانیه

سُلْطَانِيَهْ ٢٩ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ٣٠ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ٣١ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا

تسلطم — بگیرید ش پس غل کنید او را پس در جهنم اندازید ش — پس در زنجیری که درازیش

سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ٣٢ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ٣٣ وَلَا يَحُضُّ

هفتاد ذراع است در کشید او را — بدرستیکه او بود که نگروید بخدای بزرگ — و رغبت نمیداد

عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ٣٤ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ٣٥ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ

بر طعام دادن درمانده — پس نیست مر او را امروز در اینجا خویشی — و نه خوراکی بجز از

غِسْلِينٍ ٣٦ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ٣٧ فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ٣٨ وَمَا لَا

زیم و چرک جراحت — که نخورند ش مگر گناهکاران — پس سوگند یاد میکنم بانچه می بینید — و آنچه

تُبْصِرُونَ ٣٩ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ٤٠ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ

نمی بینید — بدرستیکه او هر آینه گفتار رسول گرامیست — و نیست او بگفتار شاعری اندکی میگروید

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ٤١ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤٢ وَلَوْ تَقَوَّلَ

و نه بگفتار غیب گوی بیوحی اندکی پند میگیرید — فرود فرستاده ایست از پروردگار جهانیان — و اگر بسته بود

عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ٤٣ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ٤٤ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ٤٥

بر ما برخی از سخنها را — هر آینه گرفته بودیم از او دست راست را — پس بریده بودیم از او رگ گردن را

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ٤٦ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ٤٧ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ

پس نبود از شما هیچکس مانعان — و آن هر آینه پندیست مر پرهیزگاران را — و ما هر آینه میدانیم که از شما

مُكَذِّبِينَ ٤٨ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ٤٩ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ٥٠ فَسَبِّحْ بِاسْمِ

تکذیب کنندگان — و او هر آینه حسرتیست بر کافران — و بدرستیکه آن هر آینه حق الیقین — پس تسبیح کن بنام

رَبِّكَ الْعَظِيمِ ٥١

پروردگارت که بزرگست

سورة المعارج (۷۰) اربع و اربعون آية و هي مكية

نزلت بعد الحاقة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ١ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ٢ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ

طلبید طلب کننده بشکنجه که بوقوع آینده است مر کافرانرا نیست مر او را دفع کننده از خدای صاحب معارج

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ٣

بالا میروند فرشتگان و روح بسوی او در روزیکه هست قدرش پنجاه هزار سال

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ٤ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ٥ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ٦ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ

پس صبر کن صبر نیکو — که ایشان می بینند دور — و می بینیم آنرا نزدیک — روزیکه میشود آسمان

كَالْمُهْلِ ٧ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ٨ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ٩ يُبَصَّرُونَهُمْ

مانند مس گداخته — و میشود کوهها مانند پنبه — و نپرسد نزدیکی نزدیکی را — آشنا ساخته شوند ایشان

يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ١٠ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ١١

آرزو کند گناهکار کاشکی فدا میداد از شکنجه روزی چنین پسرانش را — و زنش را — و برادرش را

سُلْطَانِيَهْ بسکون ها
فِي سِلْسِلَةٍ بکسر هر دو سین
الْخَاطِئُونَ بضم همزه و سکون واو ما اتباع
يُبَصَّرُونَهُمْ بتشدید صاد
يَوْمِئِذٍ بکسر میم

حضرت رسول فرموده که هر کس سوره معارج را بخواند خدا بدهد ثواب جماعتی را که امانت و عهد را نگاه دارند و از امام جعفر صادق منقول است که هر که خواهد میان دو لشکر صلح شود این سوره را صد و هشت بار بخواند و اگر کسی در شب بخواند او را احتلام دست ندهد و گفته هر که سوره را در وقت خواب بخواند خوابهای بد نبیند و نیز آورده اند که چون کسی را غمی بی سبب باشد هفته هر روز هشت بار این سوره را بظرفی بخواند که از آن آب میخورد و هر شب در وقت خواب تا سه روز از آن آب بخورد تا بعد از آن جمعه دیگر چون از خواب برخیزد ... حرفه دیگر ... الغرض ان زایل شود

قوله تعالی و لو تقول ... چون ... در ... مرد متقی باشد و از او مسائل دینی بود و خواهد که احتلام نشود صورتی در زمین بسازد و این آیه را نوشته ... گفته ... تا ... مقصود حاصل شود

وفضيلة

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ١٤ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ ١٥ كَلَّا إِنَّهَا

و خویشانش را که با خود میداد اندیشش وگرچه در زمین است همه پس رهایی دهد او را نه چنین است بدرستیکه

لَظَىٰ ١٦ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ ١٧ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ١٨ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ١٩ إِنَّ

شعله فروزان است برکننده پوست سر اطراف را میخواند آنرا که پشت کرد و روی گردانید و جمع کرد پس انداخت بدرستیکه

الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ٢٠ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ٢١ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ٢٢

آدمی آفریده شد حریص ناشکیبا چون مس کند او را شر جزع کننده است و چون مس کند او را خیر منع کننده

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ٢٣ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ٢٤ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ

بجز نمازگزارندگان آنانکه ایشان بر نمازشان همیشه اند ثابتان و آنانکه در مالهایشان

حَقٌّ مَّعْلُومٌ ٢٥ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ٢٦ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ٢٧

حقیست معلوم برای سائل و محروم و آنانکه تصدیق میکنند روز جزا را

وَالَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ٢٨ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ٢٩

و آنانکه از شکنجه پروردگارشان ترسندگانند بدرستیکه شکنجه پروردگارشان غیر مأمون است

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ٣٠ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

و آنانکه مر فرجهاشان را نگاهدارندگانند بجز بر جفتهایشان یا آنچه را مالک شده دستهاشان

فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ٣١ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ٣٢

پس بدرستیکه آنها غیر ملامت شدگانند پس آنکه جست سوای آنرا پس آنها ایشانند تجاوز کنندگان

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ٣٣ وَالَّذِينَ هُم بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ٣٤

و آنانکه ایشانند مر امانتهاشان و پیمانهایشان را رعایت کنندگان و آنانکه آنها بگواهیهاشان ایستادگانند

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ٣٥ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ٣٦ فَمَالِ الَّذِينَ

و آنانکه آنهایند بر نمازشان حفظ کنندگان آنهایند در بهشتها گرامی داشته شده پس چیست آنانرا

كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ٣٧ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ٣٨ أَيَطْمَعُ كُلُّ

کافر شدند پیش تو شتابندگان از راست و از چپ فوج فوج جدا جدا آیا طمع میدارد هر

امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ٣٩ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّمَّا يَعْلَمُونَ ٤٠ فَلَا أُقْسِمُ

مردی از آنها که در آید در بهشت پر نعمت نه چنانست بدرستیکه ما آفریدیم آنها را از آنچه میدانند پس قسم

بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ ٤١ عَلَىٰ أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ٤٢

بپروردگار شرقها و مغربها بدرستیکه ما هرآینه توانایانیم بر آنکه عوض آوریم بهتر از آنها را و نیستیم ما مغلوبان

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ٤٣ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ

پس واگذار ایشان را تا در آمد نمایند و بازی کنند تا ملاقات کنند روزشان را که وعده داده میشدند روزیکه بیرون آیند از

الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ٤٤ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ

قبرها شتابان گویا آنها بسوی نشانهای نصب شده میشتابند فرو رفته چشمهایشان فرو گیرد آنها را خواری

ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

آنروزیکه بودند وعده داده میشدند

سورة نوح تسع وعشرون آية وهي مكية

نزلت بعد النحل

بسم الله

ينجيه: بضم يا و سكون نون

يحافظون: يعنى رعايت اوقات و اركان نماز ميكنند و بر طبق روايت كافى از امام محمد باقر عليه السلام مراد از اين نماز نوافل است و بر وفق روايت مجمع البيان از حضرت كاظم عليه السلام نمازهائيكه مجموع نماز پنجگانه است شبانه روزى و نوافل نهارات و چنانكه مذكور در اين روايت محمول بر بيان صلوة در على صلاتهم دائمون و در صلاتهم يحافظون هر دو باشد [illegible] ثانى در روايت اول نخواهد بود

قبلك: بكسر قاف و فتح با و لام

عزين: بكسر عين و زاء نقطه دار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشندهٔ مهربان

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱

بدرستیکه ما فرستادیم نوح را بسوی قومش که بترسان قومت را از پیش آنکه آید ایشانرا شکنجهٔ پردرد

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۲ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ۳

گفت ای قوم بدرستیکه من مر شمارا بیم دهندهٔ آشکارم اینکه بپرستید خدارا و بپرهیزید اورا و فرمان برید مرا

يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ

بیامرزد شمارا از گناهانتان و بازدارد شمارا بسوی مدت نام برده شده بدرستیکه مدت خدا چون آمد تاخیر کرده نشود

لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۴ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ۵ فَلَمْ يَزِدْهُمْ

اگر باشید که بدانید گفت پروردگارا من میخواندم قوم را شب و روز پس نیفزود ایشانرا

دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ۶ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ

خواندنم جز گریختن و بدرستیکه من هرگاه خواندم ایشانرا که بیامرزی ایشانرا کردند انگشتهاشانرا

فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ۷ ثُمَّ إِنِّي

در گوشهاشان و بسر در کشیدند جامهاشان و اصرار کردند در سرکشی سرکشی کردنی پس بدرستیکه

دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ۸ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ۹ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا

خواندم آنها را آشکارا پس بدرستیکه من آشکار گفتم مر ایشانرا و پنهان گفتم مر ایشانرا پنهان گفتنی پس گفتم آمرزش خواهید

رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ۱۰ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ۱۱ وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ

پروردگارتانرا بدرستیکه او آمرزنده باشد میفرستد ابر را بر شما پی در پی باراننده و مدد میکند شمارا بمالها

وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا ۱۲ مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ۱۳

و فرزندان و میگرداند برای شما بهشتها و قرار میدهد برای شما جویها چیست مر شمارا که امید نمیدارید از خدا عظمت

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۱۴ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۱۵ وَ

و بتحقیق آفرید شمارا طورها آیا ندیدید چگونه آفرید خدا هفت آسمانها را بر زبر یکدیگر و

جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ۱۶ وَاللَّهُ أَنبَتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ۱۷

گردانید ماه را در آنها روشنی و گردانید شمس را چراغ و خدا رویانید شمارا از زمین رستنی

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ۱۸ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ۱۹ لِتَسْلُكُوا

باز میبرد شمارا در آن و بیرون میآورد شمارا بیرون آوردنی و خدا گردانید برای شما زمین را گسترده تا آمد و رفت نمائید

مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ۲۰ قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَ

از آن راههای گشاده را گفت نوح پروردگارا بدرستیکه آنها نافرمانی کردند مرا و پیروی کردند آنرا که نیفزود او را مالش و

وَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ۲۱ وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ۲۲ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ

فرزندش بجز زیان و کید کردند کیدی بزرگ و گفتند وامگذارید البته خدایانتانرا و وامگذارید البته

وَدًّا وَلَا سُوَاعًا ۲۳ وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ۲۴ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ

ودرا و نه سواع را و نه یغوث و یعوق و نسر را و بتحقیق گمراه کردند بسیاری را و میفزای

الظَّالِمِينَ

وَأَطِيعُونِ بکسر نون

يُؤَخِّرْكُمْ بسکون را

هو — از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که این سوره را بخواند و قرآن ارزانی دارد که قرائت سورهٔ نوح را ترک ننماید بدرستی که هر بنده که این سوره را در نماز واجب یا سنتی بخواند خدا او را در میان نیکوکاران ساکن گرداند و سه بهشت دیگر او را کرامت فرماید و دویست حوریه و چهار هزار زن باکره تزویج فرماید

أَنبَتَكُم بتقدیم نون بر با

نَبَاتًا بتقدیم نون بر با

آلِهَتَكُمْ بمد الف و کسر لام

الظّالمین الّا ضلالاً ۲۵ ممّا خطیئاتهم اغرقوا فادخلوا ناراً ۲۶ فلم یجدوا
ستمگاران را بجز گمراهی — از گناهانشان — غرق کرده شدند پس آورده شدند آتش را پس نیافتند

لهم من دون الله انصاراً ۲۷ وقال نوح ربّ لا تذر علی الارض من الکافرین
مر ایشان را از غیر خدا — یاوران — و گفت نوح — پروردگارا وامگذار — بر — زمین — از کافران

دیّاراً ۲۸ انّک ان تذرهم یضلّوا عبادک ولا یلدوا الّا فاجراً کفّاراً ۲۹ ربّ
دیّاری را — بدرستیکه تو اگر واگذاری ایشان را گمراه کنند بندگانت را و نیاورند بجز بدکار ناسپاس — پروردگارا

اغفر لی ولوالدیّ ولمن دخل بیتی مؤمناً وللمؤمنین والمؤمنات ولا تزد
بیامرز مرا و والدینم را و آنرا که درآمد در خانه ام مؤمن و مردان مؤمن و زنان مؤمنه را و میفزای

الظّالمین الّا تباراً
ستمگاران را جز هلاک

سورة الجنّ ثمان وعشرون آیة وهی مکّیة (۷۲)

نزلت بعد الاعراف

بسم الله الرّحمن الرّحیم
بنام خداوند بخشنده مهربان

قل اوحی الیّ انّه استمع نفر من الجنّ فقالوا انّا سمعنا قرآناً عجباً ۲ یهدی
بگو وحی شد بمن که شنیدند طایفهٔ از جنّ پس گفتند بدرستیکه ما شنیدیم قرآنی عجب که راه نمود

الی الرّشد فآمنّا به ولن نشرک بربّنا احداً ۳ وانّه تعالی جدّ ربّنا ما اتّخذ
بسوی راستی پس گرویدیم بآن و هرگز شرک نیاوریم بپروردگارمان احدی را و آنکه برتر آمد عظمت پروردگار ما نگرفته

صاحبةً ولا ولداً ۴ وانّه کان یقول سفیهنا علی الله شططاً ۵ وانّا ظننّا
زنی و نه فرزندی — و آنکه بود که میگفت کم خرد ما بر خدا سخن دور از صواب را و آنکه ما پنداشتیم

ان لن تقول الانس والجنّ علی الله کذباً ۶ وانّه کان رجال من الانس یعوذون
که هرگز نگویند انس و جنّ بر خدا دروغی را — و آنکه بودند مردانی از انس که پناه میبردند

برجال من الجنّ فزادوهم رهقاً ۷ وانّهم ظنّوا کما ظننتم ان لن یبعث الله
بمردانی از جنّ پس افزودند ایشان را فرو گرفتنی — و آنکه ایشان پنداشتند چنانکه پنداشتید که هرگز برنینگیزاند خدا

احداً ۸ وانّا لمسنا السّماء فوجدناها ملئت حرساً شدیداً وشهباً ۹ وانّا
احدی را — و آنکه ما جستیم آسمان را پس یافتیم آنرا پر شده از نگهبانان سخت و تیرهای شهاب و آنکه

کنّا نقعد منها مقاعد للسّمع فمن یستمع الآن یجد له شهاباً رصداً ۱۰
بودیم ما می نشستیم از آن نشیمنها برای گوش کردن پس هر که استماع نماید اکنون مییابد برای او تیر شهابی متوجه

وانّا لا ندری اشرّ ارید بمن فی الارض ام اراد بهم ربّهم رشداً ۱۱ وانّا
و آنکه ما نمیدانیم که آیا بدی خواسته شد بآنکه در زمینست یا خواست بایشان پروردگارشان خیری — و آنکه

منّا الصّالحون ومنّا دون ذلک کنّا طرائق قدداً ۱۲ وانّا ظننّا ان لن
برخی از ما شایستگانند و برخی از ما غیر آنند — هستیم طوایف جدا جدا — و آنکه پنداشتیم ما که هرگز

نعجز الله فی الارض ولن نعجزه هرباً ۱۳ وانّا لمّا سمعنا الهدی آمنّا به فمن
عاجز نخواهیم خدا را در زمین و هرگز عاجز نخواهیم کرد او را بگریز — و آنکه ما چون شنیدیم هدایت را گرویدیم بآن پس هر که

بینی بفتح یاء آخره

نصف الجزء

هو از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره جن را بسیار بخواند در دنیا از چشم جنیان و سحر و مکر ایشان محفوظ باشد و در بهشت از رفقای حضرت رسول ص باشد و در مجمع از حضرت ختمی مآب مرویست که هر که سورة الجن را بخواند بعدد هر جنی و شیاطینی که تصدیق و تکذیب او کرده ثواب بنده آزاد کردن باو دهد

يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۱۴ وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

بگرود بپروردگارش پس نترسد نه نقصانی و نه ذلتی و آنکه برخی از ما مسلمانند و برخی از ما تعدی کنندگان

فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ۱۵ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۱۶

پس آنکه انقیاد اورد پیش آنها پس آنها جویا شدند راه نجات را واما تعدی کنندگان پس باشند برای جهنم هیمه

وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا ۱۷ لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ

و آنکه اگر مستقیم شده بودند بر راهی هر آینه می آشامانیدیم ایشانرا آب بسیار تا بیازمائیم آنها را در آن

وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۱۸ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا

و هر که روگرداند از ذکر ربش درمیاوردش در شکنجهٔ سخت و آنکه مسجدها برای خداست پس

تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۱۹ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ

مخوانید با خدا احدیرا و آنکه چون برخاست بندهٔ خدا میخواندش نزدیک بود که شوند

عَلَيْهِ لِبَدًا ۲۰ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۲۱ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ

بروی هم افتاده بگو جز این نیست میخوانم پروردگارم را و شریک نمیسازم با او احدیرا بگو که مالک نیستم

لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۲۲ قُلْ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ ۲۳ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۲۴

برای شما ضرریرا و نه نفعی را بگو من هرگز در پناه نگیرم از خدا احدیرا و هرگز نیابم از جز او گریزگاهی

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ ۚ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ

مگر رسانیدن از خدا و پیغامهایش و هر که نافرمانی کرد خدا و رسولش را پس بدرستیکه مراو راست آتش جهنم همیشه

فِيهَا أَبَدًا ۲۵ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ

در آن جاویدانند تا چون ببینند آنچه را که وعده داده شده بودند پس زود بدانند که کیست ناتوان تر از او یار و کمتر

عَدَدًا ۲۶ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا عَالِمُ الْغَيْبِ

در شمار بگو نمیدانم آیا نزدیک است آنچه وعده داده میشوند یا گردانیده است برای او پروردگارم دور داننده نهان

فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۲۷ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ

پس ظاهر نسازد بر غیب خود احدیرا بجز کسیکه پسندید او را از رسولی پس درمیاورد از میانهٔ دو دستش

وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۲۸ لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ

و از پشتش نگهبانی را تا بداند که رسانیدند پیغامهای پروردگارشانرا و احاطه کرد بآنچه نزد ایشانست

وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

و ضبط کرد همه چیز را از راه شمار

(۷۳) سورة المزمل عشرون آية وهي مكية

الا الآیات ۱۰-۱۱-۲۰ فمدنیة نزلت بعد القلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ۲ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۳ نِّصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۴ أَوْ زِدْ

ای گلیم بر خود پیچیده بایست شب مگر اندکی نصف او یا کم کن از آن اندکی یا بیفزا

عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۵ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ۶ إِنَّ نَاشِئَةَ

بر او و شمرده بخوان قرآنرا شمرده خواندنی بدرستیکه ما بزودی که نازل سازیم بر تو سخنی گران بدرستیکه برخاستن

اللیل

يعوذون: در تفسیر علی بن ابراهیم از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که در این باب فرموده کان الرجل ینطلق الی الکاهن الذی یوحی الیه الشیطان فیقول قل لشیطانک ان فلانا قد عاذ بک ... تفسیر

هو العزیز: از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر که سوره المزمل را در نماز خفتن یا در آخر شب بخواند شب و روز با آن سوره هم شاهد گواه او باشند و خدا او را با زندگانی نیکو زنده دارد و بمردن نیکو بمیراند ۱۲

عه دیگر نقل شده که چون کسی از عرب در وادی سهمناکی وارد میشد میگفت اعوذ بسید هذا الوادی من سفهاء قومه ۱۲

المزمل بتشدید زا و میم دو موضع

اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً ۷ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً ۸ وَاذْكُرِ

شب آن سخت تر است در دشواری و درست تر از راه گفتار بدرستیکه مر تو را در روز آمد شد دراز و یاد کن

اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً ۹ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ

نام پروردگارت را و منقطع شو بسوی او منقطع شدنی پروردگار مشرق و مغربها نیست خدائی بجز او پس بگیر او را

وَكِيلاً ۱۰ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلاً ۱۱ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ

وکیل و صبر کن بر آنچه میگویند و جدا شو از ایشان جدا شدن نیکو و واگذار مرا با تکذیب کنندگان

أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلاً ۱۲ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالاً وَجَحِيماً ۱۳ وَطَعَاماً

صاحبان نعمت و مهلت ده ایشانرا اندکی بدرستیکه نزد ماست بندهای گران و جهنم و خوراکی

ذَا غُصَّةٍ وَعَذَاباً أَلِيماً ۱۴ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ

صاحب گلوگیر و شکنجه پردرد روزیکه بلرزه در آید زمین و کوهها و گردد کوهها

كَثِيباً مَهِيلاً ۱۵ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولاً شَاهِداً عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ

مانند توده های پراکنده بدرستیکه ما فرستادیم بسوی شما رسولی را گواه بر شما همچنانکه فرستادیم بسوی

فِرْعَوْنَ رَسُولاً ۱۶ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذاً وَبِيلاً ۱۷

فرعون رسولیرا پس نافرمانی کرد فرعون رسول را پس گرفتیم او را گرفتنی سخت

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْماً يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيباً ۱۸ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ

پس چگونه پرهیز خواهید کرد اگر کافر شدید روزیکه میگرداند کودکانرا پیر آسمان شکافته شود

بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولاً ۱۹ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً ۲۰

با آن باشد وعده او کرده شده بدرستیکه این پندیست پس هر که خواست گرفت بسوی پروردگارش راه

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ

بدرستیکه پروردگارت میداند که تو بر میخیزی کمتر از دو ثلث شب و نصفش و ثلثش و طایفه

مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ

از آنانکه با تواند و خدا اندازه میکند شب و روز را دانست که ضبط نتوانند کرد آنرا پس توبه کرد

عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ

بر شما پس بخوانید آنچه میسر شود از قرآن دانست که خواهد شد از شما بیماران و دیگران

يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

سیر خواهند کرد در زمین میجویند از کرم خدا و دیگران کارزار میکنند در راه

اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا

خدا پس بخوانید آنچه میسر شود از آن و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و وام دهید

اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ

خدا را وام نیکو و آنچه مقدم دارید برای خودهاتان از خیر مییابید آنرا نزد

اللَّهِ هُوَ خَيْراً وَأَعْظَمَ أَجْراً وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

خدا او بهتر است و بزرگتر است از راه پاداش و آمرزش خواهید از خدا بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست

اُولِي: بضمّ همزه بدون واو

النَّعْمَة: بفتح نون

وَجَحِيماً: بتقدیم جیم بر حا

مِنْ ثُلُثَي: بتقدیم ثا بر یا

فَاقْرَءُوا: بفتح همزه و سکون واو با اشباع

فَاقْرَءُوا: بفتح همزه و سکون واو با اشباع

وَاَقْرِضُوا: بفتح همزه قطع و کسر را

سورة

سورة المدثر خمس وخمسون آية وهي مكية (٧٤) نزلت بعد المزمل

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

يا ايها المدثر ٢ قم فانذر ٣ وربك فكبر ٤ وثيابك فطهر ٥ والرجز فاهجر ٦

اى گليم بخود پيچيده برخيز پس بيم ده و پروردگارت را پس بزرگى ياد كن و جامهات را پس پاك كن و پليدى را پس دور كن

ولا تمنن تستكثر ٧ ولربك فاصبر ٨ فاذا نقر في الناقور ٩ فذلك

و عطا مكن كه بسيار شمارى و براى پروردگارت پس صبر كن پس چون دميده شود در ناقور پس اين

يومئذ يوم عسير ١٠ على الكافرين غير يسير ١١ ذرني ومن خلقت وحيدا ١٢

آنروز روز دشوار است بر كافران غير آسانست واگذار مرا و آنكه آفريدم تنها

وجعلت له مالا ممدودا ١٣ وبنين شهودا ١٤ ومهدت له تمهيدا ١٥

و گردانيدم مر او را مالى فراوان و پسران حاضر و سامان دادم مر او را سامان دادنى

ثم يطمع ان ازيد ١٦ كلا انه كان لآياتنا عنيدا ١٧ سارهقه صعودا ١٨

پس طمع دارد كه زياد كنم نچنانست بدرستيكه او باشد مر آيتهاى ما را منكر بزودى بگيرم كشش در گردنگاه دشوار

انه فكر وقدر ١٩ فقتل كيف قدر ٢٠ ثم قتل كيف قدر ٢١ ثم نظر ٢٢ ثم

بدرستيكه او فكر كرده قرار داد پس كشته شد چگونه قرار داد پس كشته شد چگونه قرار داد پس نظر كرد پس

عبس وبسر ٢٣ ثم ادبر واستكبر ٢٤ فقال ان هذا الا سحر يؤثر ٢٥ ان هذا

رو گردانيد و روى ترش كرد پس پشت گرد و سركشى كرد پس گفت نيست اين بجز جادوئى كه آموخته شود نيست اين

الا قول البشر ٢٦ ساصليه سقر ٢٧ وما ادراك ما سقر ٢٨ لا تبقي و

بجز گفتار آدمى بزودى اندازيم او را بجهنم و چه دانا كرد ترا كه چيست جهنم نه باقى ميگذارد

لا تذر ٢٩ لواحة للبشر ٣٠ عليها تسعة عشر ٣١ وما جعلنا اصحاب

و نه وا ميگذارد سياه كننده است مر پوست را بر آنست نوزده فرشته و نگردانيديم ياران

النار الا ملائكة وما جعلنا عدتهم الا فتنة للذين كفروا ليستيقن الذين

آتش بجز فرشتگان و نگردانيديم شمار ايشان را مگر محنتى مر آنانرا كه كافر شدند تا يقين كنند آنانكه

اوتوا الكتاب ويزداد الذين آمنوا ايمانا ٣٢ ولا يرتاب الذين اوتوا الكتاب

داده شدند كتاب را و افزايد آنها را كه گرويدند ايمان و شك نبرند آنانكه داده شدند كتاب را

والمؤمنون ٣٣ وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا اراد

و گروندگان و تا بگويند آنانكه در دلهاشان مرضيست و كافران كه چه خواست

الله بهذا مثلا ٣٤ كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وما يعلم

خدا باين از راه مثل همچنان گمراه ميكند خدا آنرا كه ميخواهد و راه مينمايد آنرا كه ميخواهد و نميداند

جنود ربك الا هو وما هي الا ذكرى للبشر ٣٥ كلا والقمر ٣٦ والليل اذ ادبر

لشگرهاى پروردگارت بجز او و نيست اين بجز پند مر آدميرا نچنانست قسم بقمر و شب چون پشت كند

والصبح

المدثر: بتشديد دال و ثاء مثلثة

هو

از حضرت امام جعفر صادق سلام الله عليه مرويست كه هر كه سورة المدثر را در واجبات بخواند بر خدا لازم است كه او را در جوار حضرت رسول گرداند و ادراك ننمايد در دنيا هرگز او را شقاوت در دنيا ١٢

يؤثر: بضم يا و سكون همزه

اوتوا: بضم همزه و سكون واو با اشباع

اذ ادبر: بكسر همزه و سكون ذال بعد از الف و فتح همزه ادبر در قرائت معتبره

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ٣٤ إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ ٣٥ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ٣٦ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ

وصبح چون روشن شود که آنست همه آینه از عظیمها بیم دهنده مر انسانرا برای آنکه بخواهد از شما

أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ٣٧ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ٣٨ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ٣٩

که پیش رود یا پس ماند هر نفسی بآنچه کسب میکند در گرو است بجز یاران دست راست

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ٤٠ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ٤١ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ٤٢ قَالُوا

در بهشتها میپرسند از گناهکاران که چه چیز در آورد شما را در جهنم گفتند

لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ٤٣ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ٤٤ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ٤٥

نبودیم از نمازگزارندگان و نبودیم که طعام دهیم درمانده را و بودیم که صحبت با اهل باطل داشتیم

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ٤٦ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ ٤٧ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ

و بودیم که تکذیب میکردیم بروز جزا تا آنکه آمد ما را مرگ پس سود نبخشد ایشانرا در خواست

الشَّافِعِينَ ٤٨ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ ٤٩ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ٥٠

در خواست کنندگان پس چیست مر ایشانرا که از پند رو میگردانند گویا ایشانند خرهای رمیده

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ٥١ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةً ٥٢

که گریخته باشند از شیر بلکه میخواهد هر مردی از ایشان که داده شوند نامه‌ها گشاده شده

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ٥٣ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ٥٤ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ ٥٥

بحق نیست بلکه نمیترسند از آخرت بحق نیست بدرستیکه آن پندیست پس آنکه خواهد پند گیرد از او

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ٥٦

و پند نمیگیرند بجز آنکه را بخواهد خدا اوست اهل تقوی و اهل آمرزش

سورة القيمة اربعون آية وهى مكية (۷۵)

نزلت بعد القارعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ١ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ٢ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ

قسم یاد میکنم بروز رستخیز و قسم یاد میکنم بنفس ملامت کننده آیا گمان میکند آدمی که

لَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ٣ بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ٤ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ

هرگز جمع نمیکنیم استخوانهایش را بلی توانائیم بر آنکه راست کنیم استخوانهای انگشتانش را بلکه میخواهد آدمی

لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ٥ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ٦ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ٧ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ٨

تا کار بد کند در پیش اندیشی میپرسد که کی خواهد بود روز رستخیز پس چون خیره گردد چشم و تیره گردد ماه

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ٩ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ ١٠ كَلَّا لَا وَزَرَ ١١

و جمع کرده شود آفتاب و ماه میگوید آدمی در آنروز کو جای گریز بحق نیست نیست پناهی

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ١٢ يُنَبَّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ١٣ بَلِ

بسوی پروردگارت آنروز جای قرار است خبر داده شود آدمی آنروز بآنچه پیش فرستاد و باز پس داشت بلکه

لا احدى: بفتح لام و کسر همزه

الا اصحاب اليمين: مدیح ابیان بروایت از امام محمد باقر علیه السلام مذکور است که نحن و شیعتنا اصحاب اليمين ما و شیعیان ما اصحاب دست راستیم

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سورهٔ لا اقسم را مداومت نماید و بآن عمل کند خداوند او را با حضرت رسول محشور گرداند در صورتهٔ و آنحضرت او را بشارت فرماید و بروی خندد تا او از صراط بگذرد

الانسان علی نفسه بصیرة ۱۵ ولو القی معاذیره ۱۶ لا تحرک به لسانک

آدمی بر خود خویش بیناست و اگرچه القا کند عذرهای خویش را حرکت مده بآن زبانت را

لتعجل به ۱۷ ان علینا جمعه وقرانه ۱۸ فاذا قراناه فاتبع قرانه ۱۹ ثم ان

که شتاب کنی بآن بدرستیکه بر ماست فراهم کردنش و خواندنش پس چون خواندیم آنرا پس پیروی کن خواندنش را پس بدرستیکه

علینا بیانه ۲۰ کلا بل تحبون العاجلة ۲۱ وتذرون الاخرة ۲۲ وجوه

بر ماست بیانش نچنانست بلکه دوست میدارید زود را و وا میگذارید آخرت را رو بهائیست

یومئذ ناضرة ۲۳ الی ربها ناظرة ۲۴ ووجوه یومئذ باسرة ۲۵ تظن ان

آنروز برافروخته بسوی پروردگارش نظر کننده و روبهائیست آنروز گرفته میپندارد که

یفعل بها فاقرة ۲۶ کلا اذا بلغت التراقی ۲۷ وقیل من راق ۲۸ وظن انه

رسانیده میشود بآنها آسیبی نچنانست چون برسد بچنبرهای گردن و گفته شود کیست شفا دهنده و داند که آنست

الفراق ۲۹ والتفت الساق بالساق ۳۰ الی ربک یومئذ المساق ۳۱ فلا صدق

جدائی و پیچیده شود ساق بساق بسوی پروردگارت آنروز راندنست پس نه تصدیق کرد

ولا صلی ۳۲ ولکن کذب وتولی ۳۳ ثم ذهب الی اهله یتمطی ۳۴ اولی

و نه نماز گزارد ولیکن تکذیب کرد و پشت کرد پس رفت بسوی کسانش که بتکبر میرفت سزاوارتست

لک فاولی ۳۵ ثم اولی لک فاولی ۳۶ ایحسب الانسان ان یترک سدی

مر ترا پس سزاوارتر پس سزاوارتر ترا پس سزاوارتر آیا میپندارد انسان که واگذاشته شود مهمل

الم یک نطفة من منی یمنی ۳۷ ثم کان علقة فخلق فسوی ۳۸ فجعل

آیا نبود نطفه از منی که ریخته شود پس بود خون بسته پس آفرید پس راست کرد پس گردانید

منه الزوجین الذکر والانثی ۳۹ الیس ذلک بقادر علی ان یحیی الموتی ۴۰

از او دو جفت مذکر و مؤنث آیا نیست آن توانا بر آنکه زنده کند مردگان را

سورة الدهر احدی وثلثون آیة وهی مکیة (۷۶) نزلت بعد الرحمن

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا ۱ انا خلقنا

بحقیقت آمد بر انسان وقتی از روزگار که نبود چیزی ذکر کرده شده بدرستیکه ما آفریدیم

الانسان من نطفة امشاج نبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا ۲ انا هدیناه

انسان را از نطفه اخلاط که آزمایش کنیم پس گردانیدیم او را شنونده بینا بدرستیکه ما راه نمودیم او را

السبیل اما شاکرا واما کفورا ۳ انا اعتدنا للکافرین سلاسل واغلالا

راه یا شکرگزار یا ناسپاس بدرستیکه ما مهیا کردیم برای کافران زنجیرها و غلها

وسعیرا ۴ ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا ۵ عینا یشرب

و آتش سوزان بدرستیکه خوبان میآشامند از جامیکه باشد مزاجش کافور چشمه که میآشامند

مفسرین خاص و عام نقل کرده اند که این سوره در حق اهل بیت نازل شده نزول بر طبق روایت کشاف و غیره آنکه امیرالمؤمنان برای شفای حسنین سه روز روزه نذر کردند همچنین حضرت فاطمه و فضه و بعد از شفا یافتن ابریج بروزه گرفتند پس حضرت فاطمه برای شب اول یکصاع جو را از جمله سه صاع که...

والتفت بفتح واو و سکون لام با سقوط همزه وصل و فتح تاء و فاء مشدده و کسر تاء اخیره

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که سوره هل اتی در صبح پنجشنبه بخواند هشتصد حوریه عذرا و چهار هزار زن با و تزویج فرماید با محمد باشد والسلام

بقرض گرفته شده بود آرد کرده پنج قرص نان پخت و هنگام افطار مسکینی بدر یوزه آمده ایشان هر یک نان خود باو دادند و همگی با آب افطار نمودند و از همین قرار در شب دویم بیتیمی دادند و در سیم باسیری پس در روز چهارم چنانکه حضرت رسول دید توانائی فاطمه و حسنین گران بود جبرئیل با سوره نازل شد و تهنیت الهی رسانید

يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ۶ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ
درآن بندگان خدا روانمیکنند او را روانکردنی وفا میکنند بنذر ومیترسند روزیکه باشد آسیبش

مُسْتَطِيرًا ۷ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلٰى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۸ إِنَّمَا
هرجا رسنده ومیخورانند خوراکی بر دوستیش درمانده ویتیم واسیررا جزاین نیست

نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ۹ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا
اطعام میکنیم شمارا مگر برای خدا نمیخواهیم از شما پاداشی ونه شکری بدرستیکه ما میترسیم از پروردگارمان

يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ۱۰ فَوَقٰهُمُ اللّٰهُ شَرَّ ذٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقّٰهُمْ نَضْرَةً وَ
روزی سخت بسیار سخت پس نگاهداشتشان خدا از شر آن روز وپیش آورد ایشانرا تازه روئی و

سُرُورًا ۱۱ وَجَزٰهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ۱۲ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ
وشادمانی وپاداش داد ایشانرا بآنچه صبر کردند بهشت وحریر تکیه زدگان درآن برتختها

لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ۱۳ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلٰلُهَا وَذُلِّلَتْ
نمی بینند درآن آفتابی ونه سرمائی ونزدیک برایشان سایهای آن ورام شده

قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ۱۴ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا ۱۵
خوشه هایش آن رام شدنی وبگردش درآورده برایشان ظرفهای از نقره وقدحهائیکه باشد آبگینه ها

قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ۱۶ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا
آبگینه ها از نقره اندازه گرفته آنهارا اندازه گرفتنی وآشامانیده شوند درآن جامیرا که باشد مزاجش

زَنْجَبِيلًا ۱۷ عَيْنًا فِيهَا تُسَمّٰى سَلْسَبِيلًا ۱۸ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ
زنجبیل چشمه ایست درآن نامیده میشود سلسبیل وگردش میکنند برایشان پسران جاودانی

إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا ۱۹ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا
چون بینی آنها را پنداری آنها را مروارید ناسفته وچون ببینی آنجا ببینی نعمت و ملکی

كَبِيرًا ۲۰ عٰلِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ
بزرگ بالای ایشان جامهای دیبای نازک سبز ودیبای سطبر است وپیرایه کرده شوند دستبرنجها از نقره

وَسَقٰهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ۲۱ إِنَّ هٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ
وبیاشامانید آنهارا پروردگارشان شرابی پاک بدرستیکه این هست برای شما جزا وباشد کوشش شما

مَشْكُورًا ۲۲ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ تَنْزِيلًا ۲۳ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا
ستوده بدرستیکه ما فرستادیم بر تو قرآن را فرستادنی پس صبر کن مر حکم پروردگارت را و

تُطِعْ مِنْهُمْ اٰثِمًا أَوْ كَفُورًا ۲۴ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۲۵ وَمِنَ الَّيْلِ
فرمان مبر از آنها گناهکاری یا ناسپاسیرا ویاد کن نام پروردگارت را صبحگاه وشبانگاه واز شب

فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ۲۶ إِنَّ هٰٓؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ
پس سجده کن برایش وتسبیح کن شبی دراز بدرستیکه اینها دوست میدارند زودرا ووامیگذارند

وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ۲۷ نَحْنُ خَلَقْنٰهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا
پس اینها روزی گرانرا ما آفریدیم آنها را ومحکم گردانیدیم پیوند مفصلهاشانرا وچون بخواهیم عوض دهیم

ولقّٰهم بتشدید قاف باالف

بآنية بکسر با حرف جر که کلمهٔ علحده است وفتح همزه باالف وکسر نون وفتح یا وجر تا

منثورًا با ثاء سه نقطه

ثَمَّ بفتح ثا

مفسرین خاص وعام نقل کرده اند که این سوره درحق اهل بیت نازل شد ومجمل شان نزول برطبق روایت کشاف وغیره آنکه امیر مؤمنان برای شفای حسنین سه روز روزه نذر کرد

امثالهم

أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا ۲۹ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۳۰ وَ

مانندهای ایشان را عوض آوردنی — بدرستیکه این پند است پس آنکه بخواهد بگیرد بسوی پروردگارش راهی — و

مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۳۱ يُدْخِلُ

نمیخواهید بجز آنکه بخواهد خدا بدرستیکه خدا باشد داننده درست کار در میآورد

مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

آنرا که خواهد در رحمتش و ستمگاران را مهیا کرد برایشان شکنجهٔ پر درد

سورة المرسلات (۷۷) خمسون آية وهي مكية

الا آیه ۴۸ مدنیه نزلت بعد الهمزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ۱ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ۲ وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا ۳ فَالْفَارِقَاتِ

بفرستادهای از پی هم پس تند روندها تند رفتنی و پراکنده سازها پراکنده کردنی پس جدا کنندها

فَرْقًا ۴ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ۵ عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ۶ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ۷ فَإِذَا

جدا کردنی پس القا کنندگان ذکر را عذری یا بیمی که آنچه وعده داده میشوید هر آینه واقع است پس

النُّجُومُ طُمِسَتْ ۸ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ۹ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ۱۰ وَإِذَا الرُّسُلُ

که ستارگان محو گردند و آنگاه که آسمان شکافته شود و آنگاه که کوهها پراکنده شود و آنگاه که رسولان

أُقِّتَتْ ۱۱ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ۱۲ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۱۳ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۱۴

تعیین وقت کرده شوند برای کدام روز روز بازپس داشته شده برای روز تمیز و چه چیز دانا کرد ترا که چیست روز تمیز

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۱۵ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ۱۶ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ۱۷

وای آنروز مر تکذیب کنندگانرا آیا هلاک نکردیم پیشینیانرا پس از پی آنها در آوریم پسینیانرا

كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۱۸ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۱۹ أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّاءٍ

همچنان میکنیم بگناهکاران وای آنروز مر تکذیب کنندگانرا آیا نیافریدیم شما را از آب

مَّهِينٍ ۲۰ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ۲۱ إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۲۲ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ

بیقدر پس گردانیدیم آنرا در قرارگاه استوار تا مقداری معین پس توانا آمدیم پس خوب

الْقَادِرُونَ ۲۳ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۲۴ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ۲۵

توانا آمدیم وای آنروز مر تصدیق نکنندگانرا آیا نگردانیدیم زمین را گنجانی

أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ۲۶ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا ۲۷

زندگان و مردگان و گردانیدیم در آن کوههای بلند استوار و آشامانیدیم شما را آب خوشگوار

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۲۸ انطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ۲۹ انطَلِقُوا

وای آنروز مر تکذیب کنندگانرا بروید بسوی آنچه بودید آنرا تکذیب میکردید بروید

إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ۳۰ لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ۳۱ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ

بسوی سایهٔ صاحب سه شعبه نه خنک گرداند و نه کفایت کند از گرمی آتش بدرستیکه آن میافکند شراره

كَالْقَصْرِ

تشاؤن بضم همزه و سکون واو با اشباع

از حضرت امام جعفر صادق سلام الله علیه مرویست که هر که سورهٔ والمرسلات بخواند ... حضرت رسول الله ... و در مجمع از رسول الله منقول است که هر که سورهٔ والمرسلات بخواند نامه او ثبت کنند که او از مشرکین نیست و از ابن عباس روایتست که این سوره در لیلة الجن فرود آمد ... رسول ... هر که این سوره بخواند از شر جن و انس در پناه خدا باشد و او از جملهٔ مؤمنان نویسند والسلام

نخلقکم بسکون قاف

كَالْقَصْرِ ٣٢ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ٣٣ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٣٤ هَٰذَا يَوْمُ
مانند کوشک، که گویا شتران زرد است، وای امروز مر تکذیب کنندگان را، این روزی است

لَا يَنْطِقُونَ ٣٥ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ٣٦ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٣٧
که سخن نتوانند کرد و دستوری داده نشود مر ایشان را پس عذر خواهند وای امروز مر تکذیب کنندگان را

هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ٣٨ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ ٣٩
اینست روز تمیز فراهم آوردیم شما را و پیشینیان را پس اگر باشد مر شما را مکری پس مکر کنید مرا

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٤٠ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ٤١ وَفَوَاكِهَ
وای امروز مر تکذیب کنندگان را بدرستیکه پرهیزگاران در سایه‌ها و سرچشمه‌ها باشند و میوه‌ها

مِمَّا يَشْتَهُونَ ٤٢ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٤٣ إِنَّا كَذَٰلِكَ
از آنچه میخواهند بخورید و بیاشامید گوارا است بآنچه بودید میکردید بدرستیکه ما همچنان

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ٤٤ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٤٥ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ
جزا میدهیم نیکوکاران را وای امروز مر تکذیب کنندگان را بخورید و بهره برید کمی بدرستیکه شما

مُجْرِمُونَ ٤٦ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٤٧ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا
گناهکاران وای امروز مر تکذیب کنندگان را و چون گفته شود مر ایشان را که رکوع کنید نه

يَرْكَعُونَ ٤٨ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٤٩ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ٥٠
کنند رکوع وای امروز مر تکذیب کنندگان را پس بکدام سخن بعد از قرآن میگروند

سورة النبأ احدى واربعون آية وهي مكية (٧٨) نزلت بعد المعارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ١
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ٢ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ ٣ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ٤ كَلَّا
از چه می‌پرسند از خبر بزرگ که ایشان در آن اختلاف کنندگانند نه چنانست

سَيَعْلَمُونَ ٥ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ٦ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ٧ وَالْجِبَالَ
زود باشد که بدانند پس حق زود باشد که بدانند آیا نگردانیدیم زمین را بستر و کوهها را

أَوْتَادًا ٨ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ٩ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ١٠ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ
میخها و آفریدیم شما را جفتها و گردانیدیم خواب شما را آسایش و گردانیدیم شب را

لِبَاسًا ١١ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ١٢ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ١٣ وَ
پوشش و گردانیدیم روز را وقت زیستن و بنا کردیم بالای سر شما هفت آسمان استوار و

جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ١٤ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ١٥ لِنُخْرِجَ
گردانیدیم چراغی تابان و فرو فرستادیم از فشارندها آبی ریزان تا بیرون آوریم

بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ١٦ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ١٧ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ١٨ يَوْمَ
بآن دانه و رستنی و بستانهای بهم پیچیده درختان بدرستیکه روز تمیز باشد وعده گاه روزیکه

يُنْفَخُ

جمالة بکسر جیم

فکیدون بکسر نون

فی ظلال بکسر ظا

ابدال الحزب الاشارات آیه ٥

هو
از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر که سورهٔ نبأ را قرائت کند و هر روز مداومت نماید از آن سال بیرون نرود که بشرف زیارت بیت الله الحرام مشرف شود ١٢

يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ١٩ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ٢٠ وَسُيِّرَتِ

دمیده شود در صور پس بیایید فوج فوج وگشوده شود آسمان پس گردد درها و روان کرده شود

الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ٢١ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ٢٢ لِلطَّاغِينَ مَآبًا ٢٣ لَابِثِينَ

کوهها پس باشد نمودار آبی بدرستیکه دوزخ است کمینگاهی مر کافرانرا جای بازگشت درنگ کردند

فِيهَا أَحْقَابًا ٢٤ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ٢٥ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ٢٦

در آن روزگار دراز نچشند در آن آب سردی و نه شرابی بجز آب جوشان و ریم

جَزَاءً وِفَاقًا ٢٧ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ٢٨ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ٢٩ وَكُلَّ

سزا موافق بدرستیکه ایشان بودند که امید نداشتند حساب را و تکذیب کردند آیات ما تکذیب کردنی و هر

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ٣٠ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ٣١ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ٣٢

چیزیرا نوشتیم آنرا که نوشتنی در نامه اعمال پس بچشید پس نیفزائیم شما را مگر شکنجه بدرستیکه مر پرهیزکارانرا است پیروزی

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ٣٣ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ٣٤ وَكَأْسًا دِهَاقًا ٣٥ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

باغها و درخت تاک و دختران نار پستان و جام شراب پی درپی نمیشنوند در آن

لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ٣٦ جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ٣٧ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

بیهوده و نه دروغی سزا از پروردگارت فضلی تمام پروردگار آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ٣٨ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ

وآنچه میان آنهاست خدای بخشنده که مالک نه اند از آن سخنی را روزیکه بایستند روح و فرشتگان

صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ٣٩ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ

صف کشیده سخن نگویند بجز او راکه دستوری دهد مر او را خدا و گفت راست این روز

الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ٤٠ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا ٤١ يَوْمَ

راستیست پس آنکه خواهد بگیرد بسوی پروردگارش بازگشت بدرستیکه ما بیم دهیم شما را شکنجه نزدیک روزیکه

يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

بنگرد مرد آنچه پیش فرستاده دستهایش و میگوید کافر ای کاش بودم خاک

سورة النازعات ست واربعون آية وهي مكية (٧٩) نزلت بعد النبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ١ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ٢ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ٣ فَالسَّابِقَاتِ

بحق فرشتگان ستاننده جانها قسم بفرشتگان قابض جانهای کافران قسم بفرشتگان قابض جانهای مؤمنان پس بفرشتگان

سَبْقًا ٤ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ٥ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ٦ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ٧ قُلُوبٌ

پیشی گیرنده پس فرشتگان تدبیر کنندگان کار روزیکه بلرزد زمین لرزیدنی از پی آن آنرا صور دلها

يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ٨ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ٩ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ١٠

در آنروز ترسانست چشمها باشند خوار میگویند آیا ما هستیم برگشته شدگانیم در حالت اول

مَآبًا بفتح میم وبعد از آن همزه وبعد الف

النبأ العظیم برطبق روایات اهل بیت علیهم السلام امیر مؤمنان است مثل روایت تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت رضا علیه السلام از امیر مؤمنان که فرموده ما یند نبأ عظیم منی و همچنین روایت اصول کافی که رسول خدا بامیر مؤمنان فرموده انت النبأ العظیم

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه مرویست که هر که سوره والنازعات بخواند نمیرد مگر سیراب و مبعوث نشود مگر سیراب و در بهشت نرود مگر سیراب والسلام

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ۱۱ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۱۲ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۱۳

آیا چون باشیم استخوانهای پوسیده گفتند آنگاه اینست آن بازگشتی با زیان پس جز این نیست این جز نفخهٔ یگانه

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۱۴ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ۱۵ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ

پس ناگاه آنها باشند در زمین آیا آمد ترا حکایت موسی چون ندا کرد اورا پروردگارش بوادی پاک

طُوًى ۱۶ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۱۷ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ ۱۸ وَأَهْدِيَكَ

بروبسوی فرعون که او تجاوز نمود پس بگو آیا مرترا هست بسوی اینکه پاک شوی ودراه نمایم ترا

إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ ۱۹ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ ۲۰ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ۲۱ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ ۲۲

بسوی پروردگارت پس بترسی پس نمود اورا معجزهٔ بزرگ پس تکذیب کرد وفرمان نبرد پس پشت کرد بشتابید

فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ۲۳ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ ۲۴ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَ

پس جمع کرد پس ندا کرد پس گفت منم پروردگار شما که بزرگست پس گرفت اورا خدا بعقوبت آنجهان و

الْأُولَىٰ ۲۵ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ ۲۶ أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا ۲۷

واینجهان بدرستیکه در این هر آینه عبرتیست مرکسی که بترسد آیا شما سخترید بخلقت یا آسمان بنا کرد آنرا

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا ۲۸ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ۲۹ وَالْأَرْضَ بَعْدَ

برافراشت سقف آنرا پس راست کرد وتاریک نمود شب اورا وبیرون آورد روز آفتابرا وزمین را پس

ذَٰلِكَ دَحَاهَا ۳۰ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ۳۱ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ۳۲

از آن گسترانید آنرا بیرون آورد از آن آبش را وچراگاهش را وکوهها را ثابت گردانید آنرا

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۳۳ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ ۳۴ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ

بهره مرشما را ومرچهارپایان شمارا پس چون آمد داهیهٔ بزرگ روزیکه بیاد آورد

الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ۳۵ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ ۳۶ فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ۳۷ وَآثَرَ

آدمی آنچه سعی کرد وبیرون آورده شود جهنم مرآنرا که ببینند پس اما آنکه تجاوز کرد وبرگزید

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۳۸ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۳۹ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى

زندگی دنیارا پس بدرستیکه جهنم آنست جایگاه واما آنکه ترسید مقام پروردگارش را وبازداشت

النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۴۰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۴۱ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

نفس را از آرزو پس بدرستیکه بهشت آنست جایگاه میپرسند ترا از رستخیز

أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۴۲ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ۴۳ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ۴۴ إِنَّمَا أَنْتَ

که کی باشد اقامت آن درچه کاری تو از یاد آن را بسوی پروردگارت نهایت آنرا نیستی تو مگر

مُنْذِرُ مَنْ يَخْشَاهَا ۴۵ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

بیم دهنده آنکه میترسد آنرا گویا ایشان روزیکه ببینند آنرا درنگ نکنند مگر باندازهٔ عصر ویا چاشت

سورة عبس اثنتان واربعون آية وهي مكية (۸۰)

نزلت بعد النجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

عبس

بقول اکثر مفسرین همه که دراول وان نازعات است بملائکه تعبیر شده چنانکه در مجمع البیان بروایت از امیر مومنان اول بملائکه تعبیر شده ارواح کفار از تنهای ایشان بسختی کشند چون کشنده کمان وثانی بملائکه ارواح کفار از درونشان برکشند چون برکشنده دلو

والاولی بضم همزه وسکون واو با اشباع

از جاه وثالث بملائکه که قبض روح مؤمنان بملایمت وآسودگی کنند

هو
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه مرویست که هر که سوره عبس وتولی اذا الشمس بخواند در حفظ الهی باشد از خیانت در سایهٔ کرامت ورحمت الهی باشد تا زنده باشد والسلام

عبس وتولى ٢ ان جاءه الاعمى ٣ وما يدريك لعله يزكى ٤ او يذكر
روي ترش كرد وروي گردانيد چون آمد اورا نابينا وچه دانا كرد تورا شايد او پاك شد از گناه يا پند گيرد

فتنفعه الذكرى ٥ اما من استغنى ٦ فانت له تصدى ٧ وما عليك
پس سود دهد اورا پند اما آنكه توانگر است پس تو اورا روي آوري ونيست بر تو اين

الا يزكى ٨ واما من جاءك يسعى ٩ وهو يخشى ١٠ فانت عنه تلهى ١١ كلا
كه نه پاك شود واما آنكه آمد تورا كه ميشتابيد واو ميترسيد پس تو ازاو مشغول ميشوي نچنانست

انها تذكرة ١٢ فمن شاء ذكره ١٣ في صحف مكرمة ١٤ مرفوعة مطهرة ١٥
بدرستيكه قرآن پنديست پس آنكه خواهد حفظ كند آنرا در قرآن گرامي داشته شده برداشته شده پاكيزه

بايدي سفرة كرام بررة ١٦ قتل الانسان ما اكفره ١٧ من اي شيء خلقه ١٨
بدستهاي نويسندگان نيكوكار كشته شود انسان كافر چه كافر است از چه چيز آفريد اورا

من نطفة ١٩ خلقه فقدره ٢٠ ثم السبيل يسره ٢١ ثم اماته فاقبره ٢٢ ثم
از نطفه آفريد اورا پس اندازه كرد اورا پس راه بيرون آمدن آسان كرد اورا پس ميرانيد اورا پس در قبر كرد اورا پس

اذا شاء انشره ٢٣ كلا لما يقض ما امره ٢٤ فلينظر الانسان الى طعامه ٢٥
وقتي خواست زنده كرد اورا نچنانست هنوز نگذارد آنچه فرمود اورا پس بايد بنگرد آدمي بسوي طعام خود

انا صببنا الماء صبا ٢٦ ثم شققنا الارض شقا ٢٧ فانبتنا فيها حبا ٢٨
آنكه ما ريختيم آبرا ريختني پس شكافتيم زمين را شكافتني پس رويانيديم در آن دانه

وعنبا وقضبا ٢٩ وزيتونا ونخلا ٣٠ وحدائق غلبا ٣١ وفاكهة وابا ٣٢
وانگور وتره وزيتون وخرما وباغها مشتمل بر درختان وميوهها وچراگاهها

متاعا لكم ولانعامكم ٣٣ فاذا جاءت الصاخة ٣٤ يوم يفر المرء
بهره ايست مر شمارا وچارپايانتانرا پس چون آواز كننده روزيكه فرار كند مرد

من اخيه ٣٥ وامه وابيه ٣٦ وصاحبته وبنيه ٣٧ لكل امرئ منهم
از برادرش ومادر وپدرش واز زن وفرزندش مر هر مردي را از آنها

يومئذ شان يغنيه ٣٨ وجوه يومئذ مسفرة ٣٩ ضاحكة مستبشرة ٤٠
در آنروز كاريست كه مشغول كند اورا روبها باشند در آنروز روشن خندان شادمان

ووجوه يومئذ عليها غبرة ٤١ ترهقها قترة ٤٢ اولئك هم الكفرة الفجرة
وروبها باشد در آنروز غبار گرفته شده فرا گيرد آنرا تاريكي آنها ايشانند كافران فاجران

سورة التكوير تسع وعشرون آية وهي مكية (٨١) نزلت بعد المسد

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

اذا الشمس كورت ٢ واذا النجوم انكدرت ٣ واذا الجبال سيرت ٤
آنگاه آفتاب درهم پيچيده شود وهنگاميكه ستارهها تيره شود وچون كوهها روان كرده شود

في ثواب القرائة
ابي بن كعب از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت كرده كه هركه سوره تكوير بخواند حق تعالى اورا در پناه خود گرداند از رسوائي قيامت

امره بفتح همزه بدون الف

فانبتنا بتقديم نون بر با

وعنبا بكسر عين وفتح نون

خواص
از حضرت رسول روايتست كه هركه سوره اذا الشمس كورت را بخواند حق تعالى اورا در پناه خود گيرد واز رسوائي قيامت وقتيكه نشر صحيفه نمايند

واذا

وَاِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۵ وَاِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۶ وَاِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۷ وَ

وچون شتران آبستن فروگذاشته شود وهنگامیکه وحوش محشور شوند وچون دریاها پر کرده شود

اِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۸ وَاِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ ۹ بِاَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۱۰ وَاِذَا

چون نفسها که جفت کرده شود وچون دختر زنده در گور رسیده شود بچه گناه کشته شد وآنگاه

الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۱۱ وَاِذَا السَّمَاۤءُ كُشِطَتْ ۱۲ وَاِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۱۳ وَاِذَا الْجَنَّةُ

که نامهها گشاده شود وهنگامیکه آسمان برکنده شود وآنگاه که جهنم برافروخته شود وآنگاه که بهشت

اُزْلِفَتْ ۱۴ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا اَحْضَرَتْ ۱۵ فَلَاۤ اُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۱۶ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۱۷

نزدیک کرده شود بداند هر نفسی آنچه حاضر کرده شود پس قسم بستارگان رجوع کننده روندگان پنهان شونده

وَاللَّيْلِ اِذَا عَسْعَسَ ۱۸ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ ۱۹ اِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۲۰ ذِي

وقسم بشب هنگامیکه تاریک شود وصبح چون دم زند بدرستیکه آن هر آینه گفتار رسول گرامی صاحب

قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۲۱ مُطَاعٍ ثَمَّ اَمِينٍ ۲۲ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۲۳

توانائیست نزد صاحب عرش با منزلت فرمانبرده شده استوار ونیست صاحب شما دیوانه

وَلَقَدْ رَاٰهُ بِالْاُفُقِ الْمُبِينِ ۲۴ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۲۵ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ

وبتحقیق دید پیغمبر او را بکنارهٔ افق روشن ونیست او بر پنهانی بخیل ونیست او بگفتار

شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۲۶ فَاَيْنَ تَذْهَبُونَ ۲۷ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۲۸

شیطان رانده شده پس کجا میروید نیست او بجز پندی برای جهانیان

لِمَنْ شَاۤءَ مِنْكُمْ اَنْ يَسْتَقِيمَ ۲۹ وَمَا تَشَاۤؤُنَ اِلَّاۤ اَنْ يَشَاۤءَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

مر هر که را نخواهد از شما اینکه مستقیم شود ونمیخواهید بجز آنکه بخواهد خدا پروردگار جهانیان را

(۸۲) سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ تِسْعَ عَشَرَةَ اٰيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ نزلت بعد النازعات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

اِذَا السَّمَاۤءُ انْفَطَرَتْ ۱ وَاِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۲ وَاِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۳ وَاِذَا الْقُبُورُ

آنگاه که آسمان شکافته شود وهنگامیکه ستارگان فرو ریزند وآنگاه دریاها روان کرده شود وآنگاه که قبرها

بُعْثِرَتْ ۴ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَاَخَّرَتْ ۵ يَاۤ اَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ

زیر و زبر کرده شود بداند نفس آنچه پیش فرستاده و واپس گذاشته ای آدمی چه چیز فریفت ترا بر پروردگارت

الْكَرِيمِ ۶ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوّٰيكَ فَعَدَلَكَ ۷ فِي اَيِّ صُورَةٍ مَا شَاۤءَ رَكَّبَكَ ۸

بزرگوار آنکه آفرید ترا پس راست کرد ترا پس معتدل کرد ترا در هر صورتیکه خواست ترکیب داد ترا

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ۹ وَاِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۱۰ كِرَامًا كَاتِبِينَ ۱۱ يَعْلَمُونَ

نچنانست بلکه تکذیب کردند بروز جزا وبدرستیکه بر شما هر آینه نگهدارانند بزرگان نویسندگانند میدانند

مَا تَفْعَلُونَ ۱۲ اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۱۳ وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۱۴ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ

آنچه میکنند بدرستیکه نیکان هر آینه در بهشت پر نعمتند وبدرستیکه هر آینه بدکاران در دوزخند میآیند آنرا روز

ثَمَّ بفتح ثا

تشاؤن بضم همزه و سکون واو با اشباع

هو از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه مرویست که هر که این سوره را با سورهٔ اذا السماء انشقت در فریضه یا نافله قرائت کند هیچ حجابی از رحمت خدا منع نکند وهمیشه در رحمت الهی نظر کند وخدا نظر رحمت باو فرماید تا خلایق از حساب فارغ شوند والسلام

کراماً بکسر کاف

الدّین

الدِّينِ ١٦ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ١٧ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ١٨ ثُمَّ مَا

جزا و نباشند از آن غایبان و چه دانا کرد ترا که چیست روز جزا پس چه

أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ١٩ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

چیز دانا کرد ترا که چیست روز جزا روزیکه مالک نباشد نفسی مر نفسی را چیزی و فرمان در آنروز مر خدا راست

(۸۳) سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ وَثَلَاثُونَ آيَةً سِتٌّ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

نزلت بعد العنکبوت وهی آخر سوره نزلت بمکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ٢ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ٣ وَإِذَا كَالُوهُمْ

وای بر کم پیمایندگان آنانکه چون بپیمایند بر مردم تمام گیرند و چون بکیل گیرند بهر آنها

أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ٤ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ٥ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ٦ يَوْمَ

یا بوزن دهند ایشان را کم کنند آیا گمان نمیبرند آنها که بدرستیکه آنها برانگیخته شوندگانند مر روز بزرگ را روزیکه

يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ٧ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ٨ وَمَا أَدْرَاكَ

می ایستند مردم برای پروردگار جهانیان نچنانست بدرستیکه نامه بدکاران هر آینه در سجین است و چه چیز دانا کرد ترا

مَا سِجِّينٌ ٩ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ١٠ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ١١ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ

که چیست سجین نامه ایست نوشته شده وای در آنروز مر تکذیب کنندگان را آنانکه تکذیب کردند بروز

الدِّينِ ١٢ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ١٣ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ

جزا و تکذیب نکرد بآن بجز هر تعدی کننده گناهکاری چون خوانده شود بر او آیتهای ما گوید افسانهای

الْأَوَّلِينَ ١٤ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ١٥ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ

پیشینیانست نچنانست بلکه زنگ شد بر دلهای ایشان آنچه بودند که کسب میکردند نچنانست بدرستیکه ایشان از پروردگارشان

يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ١٦ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ١٧ ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

در آنروز هر آینه در حجاب ماندگانند پس بدرستیکه ایشان هر آینه در آیندگانند در جهنم پس گفته شود اینست آنچه بودید که بآن تکذیب میکردید

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ١٩ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ٢٠ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ٢١

نچنانست بدرستیکه نامه نیکان هر آینه در علیین است و چه چیز دانا کرد ترا که چیست علیون نامه ایست نوشته شده

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ٢٢ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ٢٣ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ٢٤ تَعْرِفُ

که گواه میشوند آنرا مقربان بدرستیکه نیکان هر آینه در بهشتند بر تختها مینگرند میشناسند

فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ٢٥ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ٢٦ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي

در رویهای ایشان تازگی بهشت را میآشامند از صاف شراب مهر شده مهرش مشک است و در

ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ٢٧ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ٢٨ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ٢٩

آن پس باید رغبت کنند رغبت کنندگان و مزاجش از تسنیم است چشمه ایست که مینوشند از آن مقربان

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ٣٠ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ٣١

بدرستیکه آنانکه گناه کردند بودند از آنانکه گرویدند خنده کنندگان و چون گذشتند بایشان اشاره میکنند بچشم و ابرو

یخسرون یعنی کیل و وزن را داد گفته‌اند چون عادت این قوم آن بوده که در وقت گرفتن بکیل تنها میگرفته‌اند و در وزن لهذا ادا لو بکیل اقتصار شده

اوَ وَزَنُوهُم باید دو واو نوشت یکی واو و یکی الف وزنوهم و ادغام در این دو واو جایز

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که در نفیر سوره ویل للمطففین را بسیار بخواند حق تعالی در قیامت برات ایمنی از آتش جهنم باو کرامت فرماید و او را بیحساب به بهشت برد والسلام

از حضرت رسول ص مرویست که هر که در کیل و وزن خیانت کند خدا او را بقعر دوزخ در آورد و او را در میان دو کوه آتش جای دهد و باو گویند که کیل و وزن این دو کوه کن و او همیشه باین عمل مشغول باشد

وَاِذَا انْقَلَبُوْٓا اِلٰٓى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوْا فَكِهِيْنَ ۳۲ وَاِذَا رَاَوْهُمْ قَالُوْٓا اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ

وچون برگردند بسوی کسانشان برگردند شادکنان وهنگامیکه ببینند آنهارا گویند که اینها

لَضَآلُّوْنَ ۳۳ وَمَآ اُرْسِلُوْا عَلَيْهِمْ حٰفِظِيْنَ ۳۴ فَالْيَوْمَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنَ

هر آینه گمراهانند وفرستاده نشدند برایشان نگهبانان پس امروز آنانکه گرویدند از

الْكُفَّارِ يَضْحَكُوْنَ ۳۵ عَلَى الْاَرَآئِكِ يَنْظُرُوْنَ ۳۶ هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ

کافران میخندند بر تختها مینگرند آیا جزا داده شوند کفار آنچه بودند میکردند

سُوْرَةُ الْاِنْشِقَاقِ خَمْسٌ وَّعِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ (۸۴)

نزلت بعد الانفطار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا السَّمَآءُ انْشَقَّتْ ۲ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۳ وَاِذَا الْاَرْضُ مُدَّتْ ۴ وَ

آنگاه که آسمان بشکافد وانقیاد نماید پروردگارش را وسزاوار شد وآنگاه که زمین کشیده شود و

اَلْقَتْ مَا فِيْهَا وَتَخَلَّتْ ۵ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۶ يٰٓاَيُّهَا الْاِنْسَانُ اِنَّكَ كَادِحٌ

بیرون آید آنچه در اوست وخالی شود وانقیاد نماید مر پروردگارش را وسزاوار شد ای انسان بدرستیکه تو کوشنده

اِلٰى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلٰقِيْهِ ۷ فَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ ۸ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا

بسوی پروردگار خود کوششی پس ملاقات کننده اوی پس آنکه داده شود نامهٔ او بدست راستش پس بزودی حساب کرده شود حسابی

يَّسِيْرًا ۹ وَّيَنْقَلِبُ اِلٰٓى اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ۱۰ وَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ وَرَآءَ ظَهْرِهٖ ۱۱ فَسَوْفَ

آسان وبرمیگردد بسوی اهلش شادان واما آنکه داده شود نامهٔ او پشت سر او پس بزودی

يَدْعُوْا ثُبُوْرًا ۱۲ وَّيَصْلٰى سَعِيْرًا ۱۳ اِنَّهٗ كَانَ فِيْٓ اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ۱۴ اِنَّهٗ ظَنَّ اَنْ لَّنْ

میخواند هلاک را ودر آید آتش فروزانرا بدرستیکه او باشد در کسانش شاد بدرستیکه او گمان میکند که هرگز

يَّحُوْرَ ۱۵ بَلٰٓى اِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهٖ بَصِيْرًا ۱۶ فَلَآ اُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ۱۷ وَالَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۱۸

باز نگردد آری بدرستیکه پروردگارش باشد بآن بینا پس قسم میخورم بشفق وشب وآنچه را جمع کرد

وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ ۱۹ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۲۰ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۲۱ وَاِذَا قُرِئَ

وماه چون تمام شود هرآینه ارتکاب نمایید حالتی مطابق حالتی پس چیست ایشانرا که نمیگروند وچون خوانده شود

عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا يَسْجُدُوْنَ ۲۲ بَلِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُكَذِّبُوْنَ ۲۳ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا

برایشان قرآن سجده نمیکنند بلکه آنانکه کافر شدند تکذیب میکنند وخدا داناتر است بآنچه

يُوْعُوْنَ ۲۴ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۲۵ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

پنهان میدارند پس مژده ده آنهارا بشکنجه دردناک مگر آنانکه گرویدند وکردند کارشایسته

لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ

مرایشانراست مزدی غیر مقطوع

سُوْرَةُ الْبُرُوْجِ اِثْنَتَانِ وَعِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ (۸۵)

نزلت بعد الشمس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

هو
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که هرکه سوره اذا السماء انشقت بخواند حقتعالی در روز قیامت نامهٔ اعمال او را از پس پشت او ندهند بلکه نامهٔ اعمال او را در دست راستش دهند والسلام

سجدهٔ مستحب ۱

هو العزیز
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرکه سورهٔ البروج را در هر فریضه بخواند چون سوره پیغمبران است حقتعالی او را با پیغمبران وصالحان محشور نماید وبا ایشان او را باز دارد

والسَّمَآءِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ١ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ٢ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ٣ قُتِلَ أَصْحَابُ

واسمان صاحب برجها و روز وعده داده شده و شاهد و مشهود کشته شدند اصحاب

الْأُخْدُودِ ٤ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ٥ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ٦ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ

اخدود آن آتش صاحب مایه برافروختگی آنگاه ایشان بر آن نشستگان و ایشان بر آنچه میکردند

بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ٧ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ٨ الَّذِي

بگروندگان حاضران و زشت نداشتند از ایشان مگر اینکه گرویدند بخدای غالب ستوده آنکه

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ٩ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا

مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر هر چیزی گواه است بدرستیکه آنانکه مبتلا کردند

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ١٠

مردان گرونده را و زنان گرونده را پس توبه نکردند پس مر ایشانراست شکنجه جهنم و مر ایشانراست شکنجه آتش سوزنده

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ

بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته مر ایشانراست بهشتها که میرود از زیر درختان آنها نهرها این است

الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ١١ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ١٢ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ ١٣ وَهُوَ الْغَفُورُ

کامیابی بزرگ بدرستیکه گرفتن پروردگارت هر آینه سخت است بدرستیکه اوست که پدید آورد و عاده میدهد و اوست آمرزنده

الْوَدُودُ ١٤ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ١٥ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ١٦ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ١٧

دوست دارنده صاحب عرش بزرگوار کننده آنچه خواهد آیا آمد ترا حکایت لشکرها

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ١٨ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ١٩ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ٢٠ بَلْ

فرعون و ثمود بلکه آنانکه کافر شدند در تکذیب کردن و خدا از ورای ایشان محیط است بلکه

هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ٢١ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ٢٢

او قرآنیست بزرگوار در لوحی نگاه داشته

سورة الطارق وسبع عشرة آية وهي مكية (٨٦)

نزلت بعد البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ١ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ٢ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ٣ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا

باسمان و آینده بشب و چه چیز دانا کرد ترا که چیست آینده بشب ستاره درخشنده است که نیست هیچ نفسی مگر که

عَلَيْهَا حَافِظٌ ٤ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ٥ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ ٦ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ

بر اوست نگهبانی پس باید بنگرد آدمی از چه آفریده شد آفریده شد از آبی جهنده بیرون می‌آید از میان

الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ٧ إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ٨ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ٩ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ

پشت و استخوانهای سینه بدرستیکه او بر بازآوردنش هر آینه تواناست روزیکه آشکار شود نهانها پس نیست او را از قوتی

وَلَا نَاصِرٍ ١٠ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ١١ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ١٢ إِنَّهُ لَقَوْلٌ

و نه یاری کننده و آسمان صاحب رجعت و زمین صاحب شکافتن بدرستیکه آن گفتاریست

فَصْلٌ ١٣ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ١٤ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ١٥ وَأَكِيدُ كَيْدًا ١٦ فَمَهِّلِ

تمیز دهنده و نیست آن بیهوده بدرستیکه ایشان کید میکنند چاره کردنی و چاره میکنم چاره کردنی پس مهلت ده

الْكَافِرِينَ

مجمع البیان و کشاف و غیرهما از رسول خدا صلی الله علیه و آله که کسی از ملوک غلامی را از ساحری تعلیم میکرد و آن غلام را گذر بر راهبی افتاده بود و در نهان بدین او گرویده ... تا آنکه رفته رفته با ستجابت دعا اشتهار یافت و بعد از آنکه حالش بر ملک مکشوف گشت ...

هو المعز از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که سورة الطارق را در فرائض بخواند او را در قیامت نزد خداوند منزلت قدر عظیم باشد و از رفقای انبیاء باشد

او را بر دوام سیر باران کرده و ...

نصف حزب

الكافرين (٨٧) سورة الاعلى تسع عشرة آية وهي مكية امهلهم رويدا

کافران را — مهلت ده ایشان را اندک

نزلت بعد التکویر

بسم الله الرحمن الرحيم ١

بنام خداوند بخشنده مهربان

سبح اسم ربك الاعلى ٢ الذي خلق فسوى ٣ والذي قدر فهدى ٤

پاک گردان نام پروردگار ترا که برتر است آنکه آفرید پس راست کرد و آنکه تقدیر کرد پس راه نمود

والذي اخرج المرعى ٥ فجعله غثاء احوى ٦ سنقرئك فلا تنسى ٧ الا ما

و آنکه بیرون آورد چراگاه را پس گردانید آنرا خشک سیاه زود باشد که بخوانیم ترا پس فراموش نکنی مگر آنچه

شاء الله انه يعلم الجهر وما يخفى ٨ ونيسرك لليسرى ٩ فذكر ان نفعت الذكرى ١٠

خواست خدا بدرستیکه او میداند آشکار او آنچه پنهان است و توفیق دادیم ترا برای طریقه آسان پس پند ده اگر سود دهد پند

سيذكر من يخشى ١١ ويتجنبها الاشقى ١٢ الذي يصلى النار الكبرى ١٣ ثم لا

زود باشد که پند گیرد آنکه بترسد و پهلو تهی کند آنرا بدبخت تر آنکه درآید در آتش بزرگتر پس نه

يموت فيها ولا يحيى ١٤ قد افلح من تزكى ١٥ وذكر اسم ربه فصلى ١٦ بل تؤثرون

میرد در آن و نه زنده میشود بتحقیق رستگار شد کسیکه پاک شد و یاد کرد نام پروردگارش پس نماز کرد بلکه اختیار میکنید

الحيوة الدنيا ١٧ والاخرة خير وابقى ١٨ ان هذا لفي الصحف الاولى ١٩

زندگی دنیا را و آخرت بهتر است و پاینده تر است بدرستیکه این هر آینه در صحیفه های نخست است

صحف ابراهيم وموسى — (٨٨) سورة الغاشية ست وعشرون آية وهي مكية

صحیفه های ابراهیم و موسی

نزلت بعد الذاریات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

هل اتيك حديث الغاشية ٢ وجوه يومئذ خاشعة ٣ عاملة ناصبة ٤ تصلى

آیا آمد ترا حکایت فرو گیرنده رویهائی آنروز خوارند عمل کننده رنج کشنده درآیند

نارا حامية ٥ تسقى من عين انية ٦ ليس لهم طعام الا من ضريع ٧ لا يسمن ولا

آتش گرم را آشامانیده میشوند از چشمه گرم نباشد آنها را خوراکی بجز از خار خشک که نه فربه سازد و نه

يغني من جوع ٨ وجوه يومئذ ناعمة ٩ لسعيها راضية ١٠ في جنة عالية ١١ لا

کفایت کند از گرسنگی رویهائی در آنروز تازه مر سعیشان خوشنودند در بهشت رفیع

تسمع فيها لاغية ١٢ فيها عين جارية ١٣ فيها سرر مرفوعة ١٤ واكواب

نشنوند در آن بیهوده در آنست چشمه جاریست در آنست تختهای مرفوع و قدحها

موضوعة ١٥ ونمارق مصفوفة ١٦ وزرابي مبثوثة ١٧ افلا ينظرون الى

گذاشته و بالشهای بهم پیوسته و فرشهای نفیس گسترده آیا پس نمینگرند بسوی

الابل كيف خلقت ١٨ والى السماء كيف رفعت ١٩ والى الجبال كيف نصبت ٢٠

شتر چگونه آفریده شد و بسوی آسمان چگونه بلند شد و بسوی کوهها چگونه برافراشته شد

والی

غثاء بغین با نقطه و ثاء سه نقطه

ان نفعت بفتح نون و فا و عین و کسر نا

الاولی بضم همزه و سکون واو با اشباع

هو — از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره هل اتیک حدیث الغاشیه را در فریضه و نافله بخواند ...

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ٢٠ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ٢١ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ ٢٢ إِلَّا

و بزمین که چگونه پهن کرده شود پس پند ده نیستی تو مگر پند دهنده نیستی تو برایشان تسلط دارنده مگر

مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ٢٣ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ٢٤ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ٢٥ ثُمَّ

آنکه روی گردانید و کافر شد پس شکنجه کرد او را خدا شکنجه بزرگتر بدرستیکه بسوی ماست بازگشتشان پس

إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ٢٦

بدرستیکه برماست حسابشان

سورة الفجر ثلثون آية وهي مكية (٨٩)

نزلت بعد الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالْفَجْرِ ١ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ٢ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ٣ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ٤ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ

بصبح و شبهای ده‌گانه و جفت و طاق و شب چون درگذرد آیا در این سوگندیست

لِذِي حِجْرٍ ٥ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ٦ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ٧ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا

مر صاحب خرد را آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگارت بعاد ارم صاحب ستونها آنکه آفریده نشد مانند آن

فِي الْبِلَادِ ٨ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ٩ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ١٠ الَّذِينَ

در شهرها و ثمود آنانکه ببریدند سنگ را بوادی و فرعون صاحب میخها آنانکه

طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ١١ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ١٢ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ١٣ إِنَّ

تعدی کردند در شهرها پس زیاد کردند در آن فساد را پس ریخت پروردگارت برایشان تازیانه شکنجه بدرستیکه

رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ١٤ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ ١٥ فَيَقُولُ

پروردگارت بکمینگاه هست پس اما انسان چون آزماید او را پروردگارش پس گرامی گرداندش پس میگوید

رَبِّي أَكْرَمَنِ ١٦ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ١٧ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ١٨

پروردگارم گرامی داشته مرا و اما چون آزماید او را و تنگ گرداند براو روزیش را پس میگوید پروردگارم خوار کرد مرا

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ١٩ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ٢٠ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ

نچنین نیست بلکه گرامی نمیدارید یتیم را و رغبت نمی‌نمائید بر خورانیدن درمانده و میخورید میراث را

أَكْلًا لَمًّا ٢١ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ٢٢ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ٢٣ وَ

خوردنی درهم و دوست میدارند مال را دوستی بسیار نچنین نیست آنگاه کوفته شود زمین کوفتن کوفتن و

جَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ٢٤ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ

آید امر پروردگارت و فرشته صف در صف و آورده شود آنروز جهنم آنروز پند گیرد

الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ٢٥ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ

آدمی و کجا سود دهد او را پند میگوید ایکاش من پیش فرستادم برای زندگانیم پس آنروز عذاب نکند

عَذَابَهُ أَحَدٌ ٢٦ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ٢٧ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ٢٨ ارْجِعِي

چون شکنجه‌اش احدی را و بند کرده نشود مانند بند کردن او احدی را ای نفس آرمیده بازگرد

إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ٢٩ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ٣٠ وَادْخُلِي جَنَّتِي

بسوی پروردگارت خوشنود پسندیده پس درآی در بندگانم و درآی بهشتم را

ثواب القراءة: در ثواب الاعمال و مجمع البیان بروایت از حضرت صادق علیه السلام مذکور است که بخوانید سوره فجر را ...

ارم: بکسر همزه و فتح راء و میم نام قبیله یا نام شهر قبیله یا شهر قوم عاد که از نسل ارم بن سام بن نوح بودند

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست هر که سوره والفجر را در فرایض و نوافل بخواند ... امام حسین صلوات الله و سلامه علیه باشد در بهشت در جوار آنحضرت باشد ١٢

نفس مطمئنه حسین بن علی علیهما السلام است و آنکه خواننده آن را باشد با حسین علیه السلام روز قیامت در درجه‌اش از بهشت ١٢

سورة

سورة البلد عشرون آية وهي مكية (٩٠) نزلت بعد ق

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

لا أقسم بهذا البلد ٢ وأنت حل بهذا البلد ٣ ووالد وما ولد ٤ لقد

قسم میخورم باین شهر و تو هستی باین شهر و پدر و آنچه زاد هر آینه بتحقیق

خلقنا الإنسان في كبد ٥ أيحسب أن لن يقدر عليه أحد ٦ يقول أهلكت

آفریدیم آدمی را در رنج آیا میپندارد آنکه هرگز قادر نمیباشد بر او احدی میگوید ضایع کردم

مالا لبدا ٧ أيحسب أن لم يره أحد ٨ ألم نجعل له عينين ٩ ولسانا وشفتين ١٠

مالی انبوه آیا گمان میکند آنکه ندیده است او را احدی آیا نگردانیدیم برای او دو چشم و زبان و دو لب

وهديناه النجدين ١١ فلا اقتحم العقبة ١٢ وما أدراك ما العقبة ١٣ فك رقبة ١٤

و راه نمودیم او را دو بلند جای پس در نیامد به آن بلند گردنگاه و چه چیز دانا کرد تو را که چیست بلند گردنگاه آزاد کردن گردن

أو إطعام في يوم ذي مسغبة ١٥ يتيما ذا مقربة ١٦ أو مسكينا ذا متربة ١٧ ثم

یا خورانیدنی در روز صاحب گرسنگی سخت یتیمی را که صاحب قرابت یا درمانده صاحب احتیاج پس

كان من الذين آمنوا وتواصوا بالصبر وتواصوا بالمرحمة ١٨ أولئك أصحاب

باشد از آنانکه ایمان آوردند و وصیت کردند یکدیگر را بصبر و وصیت کردند یکدیگر را بمهربانی آنها یاران

الميمنة ١٩ والذين كفروا بآياتنا هم أصحاب المشأمة ٢٠ عليهم نار مؤصدة

دست راستند و آنانکه کافر شدند بآیات ما ایشان اند یاران دست چپ بر ایشان است آتش سر پوشیده

سورة الشمس خمس عشر آية وهي مكية (٩١) نزلت بعد القدر

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والشمس وضحيها ٢ والقمر إذا تليها ٣ والنهار إذا جليها ٤ والليل إذا

بآفتاب و فروغ وقت ارتفاعش و ماه چون از پی در آیدش و روز چون جلا دهدش و شب چون

يغشيها ٥ والسماء وما بنيها ٦ والأرض وما طحيها ٧ ونفس وما سويها ٨

فرو پوشدش و آسمان و آنکه بنا کردش و زمین و آنکه گسترددش و نفس و آنکه راست کردش

فألهمها فجورها وتقويها ٩ قد أفلح من زكيها ١٠ وقد خاب من دسيها ١١ كذبت

پس الهام کرد او را بدکرداریش و پرهیزکاری بتحقیق رستگار شد آنکه پاک گردانیدش و بتحقیق بی بهره شد کسی که تباه کردش تکذیب

ثمود بطغويها ١٢ إذ انبعث أشقيها ١٣ فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقيها ١٤

نمود ثمود بسبب طغیانش هنگامیکه برانگیخت بدبخت ترش پس گفت مر آنها را پیغمبر خدا شتر خدا و شربش را

فكذبوه فعقروها ١٥ فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسويها ١٦ ولا يخاف عقبيها

پس تکذیب کردند او را پس پی کردند او را پس غضب کرد بر آنها پروردگارشان بگناهشان پس یکسان کرد و نترسید عاقبتش را

هو
از حضرت امام جعفر صادق سلام الله علیه روایتست که هر که سورهٔ لا اقسم بهذا البلد در فریضه بخواند در دنیا از جملهٔ صالحان معروف گردد و او از نزد حقتعالی منزلت عظیم است و از رفقای انبیا باشد

هو
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سورهٔ والشمس و سورهٔ واللیل اذا یغشی و سورهٔ والضحی و الم نشرح را بسیار بخواند در روزی یا در شبی

مؤصدة بواو و همزه هر دو خوانده اند و همزه اولی است

هر چیز که در نزد او حاضر باشد در قیامت برای او شهادت بدهد حتی مو و پوست و گوشت و خون و عروق و عصبها و استخوانها و جمیع اعضای او و حقتعالی فرماید که من شهادت شما قبول کردم در بارهٔ بنده ام ای ملائکه ببرید او را به بهشت و هر جا را اختیار کند باو عطا نمائید والسلام

ناقة الله بفتح تا

یخاف بفتح یا

(۹۲) سورة اللیل احدى وعشرون اٰیة وهی مکیّة نزلت بعد الاعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

واللیل اذا یغشی ۱ والنهار اذا تجلّی ۲ وما خلق الذکر والانثی ۳ انّ

بشب چون فروپوشاند و روز چون روشن شود و آنچه آفرید مذکر و مؤنث را بدرستیکه

سعیکم لشتّی ۴ فامّا من اعطی واتّقی ۵ وصدّق بالحسنی ۶ فسنیسّره للیسری ۷

کوشش شما از هم ممتاز است پس اما آنکه عطا کرد و پرهیزکار شد و تصدیق کرد بخوبی پس توفیق میدهیم از برای کار

وامّا من بخل واستغنی ۸ وکذّب بالحسنی ۹ فسنیسّره للعسری ۱۰ وما

و اما آنکه بخل ورزید و استغنا نمود و تکذیب کرد طریقه خوب را پس مهیا میسازیم برای او دشوارتر و نه

یغنی عنه ماله اذا تردّی ۱۱ انّ علینا للهدی ۱۲ وانّ لنا للاٰخرة و

کفایت کرد از او مالش چون هلاک شد بدرستیکه بر ماست هر آینه هدایت و بدرستیکه برای ماست آخرت

الاولی ۱۳ فانذرتکم نارًا تلظّی ۱۴ لا یصلٰها الّا الاشقی ۱۵ الّذی

اولی پس بیم کردیم شما را باتشی که زبانه میکشد در نیاید آنرا مگر بدبخت تری آنکه

کذّب وتولّی ۱۶ وسیجنّبها الاتقی ۱۷ الّذی یؤتی ماله یتزکّی ۱۸ وما لاحد

تکذیب کرد و پشت کرد زود باشد که دور گردانیم از آن پرهیزکارتر را آنکه میدهد مالش را تا پاک شود و نیست مر احدی را

عنده من نعمة تجزی ۱۹ الّا ابتغاء وجه ربّه الاعلی ۲۰ ولسوف یرضی ۲۱

نزد او هیچ نعمتی که جزا داده شود بجز جستن وجه پروردگارش که برتر است و هر آینه زود باشد که راضی گردد

(۹۳) سورة الضحی احدی عشر اٰیة وهی مکیّة نزلت بعد الفجر

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

والضحی ۱ واللیل اذا سجی ۲ ما ودّعک ربّک وما قلی ۳ وللاٰخرة خیر

بچاشتگاه و شب چون آرام گیرد که وا نگذاشت ترا پروردگارت و خشم نکرد و هر آینه آخرت بهتر است

لک من الاولی ۴ ولسوف یعطیک ربّک فترضی ۵ الم یجدک یتیمًا

مر ترا از دنیا و هر آینه زود باشد که عطا کند پروردگارت پس راضی گردی آیا نیافت ترا یتیم

فاٰوی ۶ ووجدک ضالًّا فهدی ۷ ووجدک عائلًا فاغنی ۸ فامّا

پس جا داد و یافت ترا گمراه پس هدایت کرد و یافت ترا بی‌چیز عیالمند پس توانگر کرد ترا پس اما

الیتیم فلا تقهر ۹ وامّا السّائل فلا تنهر ۱۰ وامّا بنعمة ربّک فحدّث ۱۱

یتیم را پس قهر مکن و اما سائل پس زجر مکن و اما بنعمت پروردگارت پس حکایت کن

(۹۴) سورة الانشراح ثمانی اٰیات وهی مکیّة نزلت بعد الضحی

بسم الله

ثواب تلاوت این سوره در تعقیب سوره لیل بقد... یافت

للاٰخرة بفتح لام و ربنا

الاولی بضم همزه و سکون واو با اشباع

از حضرت رسول الله منقولست که هر کس سوره الضحی را بخواند او از ... گردد که بشرف شفاعت پیغمبر مشرف شود و ... خوشنود و خرسند باشد و بعدد هر ... و ... اوراد حسنه ... ۱۲

الاولی بضم همزه و سکون واو با اشباع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

الم نشرح لك صدرك ۱ ووضعنا عنك وزرك ۲ الذي انقض ظهرك ۳

آیا گشاده نکردیم برایت سینه‌ات را و نهادیم از تو بار گران تو را آنکه شکست در آورده بود پشتت را

ورفعنا لك ذكرك ۴ فان مع العسر يسرا ۵ ان مع العسر يسرا ۶ فاذا فرغت

و بلند کردیم برای تو ذکر ترا پس بدرستیکه با دشواری آسانیست بدرستیکه با دشواری آسانیست پس چون فارغ شدی

فانصب ۷ والى ربك فارغب ۸

پس رنج کش و بسوی پروردگارت پس راغب شو

(۹۵) سورة التين ثمان آيات وهي مكية

نزلت بعد البروج

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

والتين والزيتون ۱ وطور سينين ۲ وهذا البلد الامين ۳ لقد خلقنا

و بانجیر و زیتون و طور سینین و این شهر ایمن بتحقیق آفریدیم ما

الانسان في احسن تقويم ۴ ثم رددناه اسفل سافلين ۵ الا الذين امنوا

انسان را در خوبتر راست کردنی پس برگردانیدیمش فرو فروتران بجز آنانکه ایمان آوردند

وعملوا الصالحات فلهم اجر غير ممنون ۶ فما يكذبك بعد بالدين ۷ اليس

و کردند کار شایسته پس مر ایشان راست مزدی غیر مقطوع پس چه چیز تکذیب میکند بعد از این بدین آیا نیست

الله باحكم الحاكمين ۸

خدا حکم کننده‌ترین حکم کنندگان

(۹۶) سورة العلق تسع عشرة آية وهي مكية

وهي اول ما نزل من القرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

اقرأ باسم ربك الذي خلق ۱ خلق الانسان من علق ۲ اقرأ وربك الاكرم ۳

بخوان بنام پروردگارت آنکه آفرید آفرید آدمی را از خون بسته بخوان و پروردگارت کریم‌ترست

الذي علم بالقلم ۴ علم الانسان ما لم يعلم ۵ كلا ان الانسان ليطغى ۶ ان راه

آنکه تعلیم نمود بقلم آموخت آدمی را آنچه نمیدانست نچنانست بدرستیکه انسان هر آینه طاغی میشود که بیند

استغنى ۷ ان الى ربك الرجعى ۸ ارايت الذي ينهى ۹ عبدا اذا صلى ۱۰ ارايت

خود را بی‌نیاز شد بدرستیکه بسوی پروردگارتست بازگشت آیا دیدی آنرا که منع میکند بنده را چون نماز گزارد آیا دیدی

ان كان على الهدى ۱۱ او امر بالتقوى ۱۲ ارايت ان كذب وتولى ۱۳ الم يعلم

که اگر بود بر هدایت یا امر کرد بپرهیزگاری آیا دیدی اگر تکذیب کرد و پشت کرد آیا ندانسته

بان الله يرى ۱۴ كلا لئن لم ينته لنسفعا بالناصية ۱۵ ناصية كاذبة خاطئة ۱۶

باینکه خدا می‌بیند نچنانست که هر آینه اگر باز نه ایستد خواهیم گرفت کشان بموی پیشانی پیشانی دروغگوی خطاکار

فليدع ناديه ۱۷ سندع الزبانية ۱۸ كلا لا تطعه واسجد واقترب ۱۹

پس باید بخواند اهل مجلس خود را خواهیم خواند زبانیه را نچنانست فرمان مبر او را و سجده کن و نزدیک شو

هو
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت که هر که سوره الم نشرح بخواند ثواب او مانند کسی باشد که بمن ملاقات کرده باشد و مرا از غمها شاد کرده و شفاعت و بر من روا باشد والسلام

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره والتین را بخواند در فرایض یا نافله هر موضعی که در بهشت آرزو کند باو دهند

هو
از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر که سوره اقرأ باسم ربک را بخواند در روز یا در شب بمیرد در آن شب یا روز شهید مرده باشد و با شهدا محشور گردد والسلام

سورة

(۹۷) سورة القدر خمس آيات وهي مكية　نزلت بعد عبس

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إنا أنزلناه في ليلة القدر ۱ وما أدراك ما ليلة القدر ۲ ليلة القدر

بدرستیکه ما فرو فرستادیم در شب قدر　و چه دانا کرد ترا که چیست شب قدر　شب قدر

خير من ألف شهر ۳ تنزل الملائكة والروح فيها بإذن ربهم من كل أمر ۴

بهتر است از هزار ماه　نازل میشود ملائکه　و روح　در آن باذن پروردگارشان از هر امری

سلام هي حتى مطلع الفجر ۵

سلامتی است آن تا　طلوع کند صبح

(۹۸) سورة البينة ثمان آيات وهي مكية　وهي مدنية نزلت بعد الطلاق

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

لم يكن الذين كفروا من أهل الكتاب والمشركين منفكين حتى تأتيهم البينة ۱

نبودند　آنانکه کافر شدند از اهل کتاب　و مشرکین　جدایان　تا اینکه آمد ایشانرا بینه

رسول من الله يتلو صحفا مطهرة ۲ فيها كتب قيمة ۳ وما تفرق الذين أوتوا

رسولی　از خدا　میخواند صحیفه های پاک را　در آنها است نوشتهای درست　و تمیز نداد آنانکه داده شدند

الكتاب إلا من بعد ما جاءتهم البينة ۴ وما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين

کتاب را　بجز از بعد آنچه آمد ایشانرا بینه　و فرموده نشدند　مگر اینکه پرستند خدا را خالص کنندگان

له الدين حنفاء ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة وذلك دين القيمة ۵ إن

برایش دین را حق گرایان　و برپا دارند نماز را　و بدهند زکات را　و این است دین راست　بدرستیکه

الذين كفروا من أهل الكتاب والمشركين في نار جهنم خالدين فيها

آنانکه کافر شدند از اهل کتاب　و مشرکان　در آتش جهنم　همیشه‌اند در آن

أولئك هم شر البرية ۶ إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم

آنگروه ایشانند　بدترین خلق　بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته　آنگروه ایشانند

خير البرية ۷ جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجري من تحتها الأنهار

بهترین خلق　جزای ایشان نزد پروردگارشان بهشتهاست جای اقامت که میرود از زیر آنها نهرها

خالدين فيها أبدا ۸ رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه

جاویدانند　در آن همیشه　راضی شد خدا از ایشان　و راضی شدند از آن　این برای آنست که ترسید پروردگارش را

(۹۹) سورة الزلزال ثمان آيات وهي مكية　وهي مدنية نزلت بعد النساء

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

هو
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه مرویست که هر که انا انزلناه را بلند بخواند چنان است که شمشیر کشیده باشد در راه خدا شهید شده باشد و هر که دو بار بخواند خدا هزار گناه از گناهان او محو فرماید
۱۲

اوتوا بضم همزه و سکون واو با اشباع
لی شانه
بهادالله تعالی
از حضرت صادق صلوات الله علیه منقولست که هر که سوره لم یکن را بخواند بیزار گردد از شرک و در دین پیغمبر برای او کامل گردد و خدا او را حساب نماید حساب آسان
۱۲

جزاؤهم بضم همزه بعد واو بلا اشباع

[illegible]

اذا زلزلت الارض زلزالها ۱ واخرجت الارض اثقالها ۲ وقال الانسان

چون بزلزله آورده شود زمین زلزله اش و بیرون آورد زمین بارهای گرانش را و گفت آدمی

ما لها ۳ یومئذ تحدث اخبارها ۴ بان ربك اوحی لها ۵ یومئذ یصدر

چیست مراینرا آنروز میگوید خبرهایش را بآنکه پروردگارت وحی کرد بآن آنروز بازگردند

الناس اشتاتا لیروا اعمالهم ۶ فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ۷ ومن یعمل

مردم پراکنده تا نموده شود کردار ایشان پس آنکه کرد مقدار ذره خوبی می بیند آنرا و آنکه کرد

مثقال ذرة شرا یره ۸

مقدار ذره بدی می بیند آنرا

سورة العادیات احدی عشرة آیة وهی مکیة (۱۰۰)

نزلت بعد العصر

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشنده مهربان

والعادیات ضبحا ۱ فالموریات قدحا ۲ فالمغیرات صبحا ۳ فاثرن

بدوندها باواز نفس زدنی پس آتش برزنندها بآتش پس آنها که وسیله غارت شدند در صبح پس انگیختند

به نقعا ۴ فوسطن به جمعا ۵ ان الانسان لربه لکنود ۶ وانه علی

بآن غبار را پس میان در آمد بآن جمیع را بدرستیکه آدمی مر ربش ناسپاس است و او بر

ذلك لشهید ۷ وانه لحب الخیر لشدید ۸ افلا یعلم اذا بعثر ما فی

این هر آینه گواه است و او برای دوستی خیر هر آینه سخت است آیا پس نمیداند چون برانگیخته شود آنچه در

القبور ۹ وحصل ما فی الصدور ۱۰ ان ربهم بهم یومئذ لخبیر ۱۱

قبرهاست و تمیز کرده شود آنچه در سینهاست بدرستیکه پروردگارشان در آن روز بآنها هر آینه آگاهست

سورة القارعة عشر آیات وهی مکیة (۱۰۱)

نزلت بعد قریش

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشنده مهربان

القارعة ۱ ما القارعة ۲ وما ادریك ما القارعة ۳ یوم یکون الناس

آن درهم کوبنده چیست درهم کوبنده و چه چیز دانا کرد ترا که چیست درهم کوبنده روزیکه میباشند مردم

کالفراش المبثوث ۴ وتکون الجبال کالعهن المنفوش ۵ فاما من

مانند پروانه پراکنده و میباشد کوهها مانند پشم واژده پس اما آنکه

ثقلت موازینه ۶ فهو فی عیشة راضیة ۷ واما من خفت موازینه ۸

گران آمد سنجیدهایش پس او است در عیشی پسندیده و اما آنکه سبک آمد سنجیدنش

فامه هاویة ۹ وما ادریك ماهیه ۱۰ نار حامیة ۱۱

پس مادر اویش دوزخ است و چه دانا کرد ترا که چیست آن آتشی است بسیار سوزنده

سورة التکاثر ثمان آیات وهی مکیة (۱۰۲)

نزلت بعد الکوثر

بسم الله

اوحی لها دو کلمه میباشند

لیروا بفتح یا و قرء

۱۲۵ شانزده هو الله تعالی

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرکس در قرائت سوره والعادیات مداومت نماید با حضرت امیرالمؤمنین محشور شود و در بهشت از رفقای آن حضرت باشد

۱۲۵ شانزده هو الله تعالی

از حضرت صادق مرویست که هرکه سوره القارعه بسیار بخواند خدا او را از فتنه دجال و دنیا از حرارت آتش جهنم در آخرت امان بخشد

ماهیه سکته است ندرتا

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرکه سوره ... را در نماز ... بخواند [illegible] ... و در نماز واجب ... از آنکه با نماز گذاشته ...

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ ۲ حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۳ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۴
غافل کرد شما را بسیاری تا زیارت کردید قبرها را حقا زود باشد که بدانید

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۵ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۶ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۷
پس حقا زود باشد که بدانید نه چنانست اگر بدانید از روی دانستنی یقین هر آینه می‌بینید جهنم را

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ۸ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ
پس هر آینه خواهید دید آنرا مشاهدهٔ یقین پس هر آینه پرسیده میشوید آنروز از نعمت

سُورَةُ الْعَصْرِ ثَلٰثُ اٰيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۰۳) نزلت بعد الشرح

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشندهٔ مهربان

وَالْعَصْرِ ۲ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۳ إِلَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا
بطرف آخر روز بدرستیکه آدمی هر آینه در زیانست بجز آنانکه گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
کارهای شایسته و وصیت کردند براستی و وصیت کردند بصبر

سُورَةُ الْهُمَزَةِ تِسْعُ اٰيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۰۴) نزلت بعد القيامة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ ۲ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۳ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ
وای مر هر عیب کننده طعنه زننده آنکه جمع کرد مال را و شمرد او میپندارد آنکه مالش جاوید میگرداند او را

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۵ وَمَا أَدْرٰكَ مَا الْحُطَمَةُ ۶ نَارُ اللّٰهِ الْمُوقَدَةُ ۷
نه چنانست هر آینه انداخته خواهد شد در آتش شکننده و چه چیز دانا کرد ترا که چیست آتش شکننده آتش خداست که افروخته شده

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۸ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ ۹ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ
آنکه مشرف میشود بر دلها بدرستیکه آن بر ایشان است سر پوشیده در ستونهای کشیده

سُورَةُ الْفِيلِ خَمْسُ اٰيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۰۵) نزلت بعد الكافرون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشندهٔ مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۲ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۳
آیا ندیدی چگونه کرد پروردگارت باصحاب فیل آیا نگردانید مکر ایشانرا در تباهی

وارسل

الهیکم: الهی کلمه ... مفعول است

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که هر که سورهٔ والعصر را در نافله‌ها بخواند او را در روز قیامت نورانی و دندان خندان و چشم روشن مبعوث گردانند تا در بهشت او را داخل گردانند

از حضرت صادق روایت است که هر که سورهٔ همزه را در فریضه بخواند خدا فقر را از او دور گرداند و روزی او را گشاده گرداند

مؤصدة: بمعنی ... است

وَاَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيلَ ۳ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۴ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَاكُولٍ

وفرستاد برایشان مرغی پرنده فوج فوج که میزدند آنها را بسنگ ریزه پس گردانید آنها را مانند برگ خورده شده

سُورَةُ الْقُرَيْشِ اَرْبَعُ آيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۰۶) نزلت بعد التين

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

لِاِيلَافِ قُرَيْشٍ ۲ اِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۳ فَلْيَعْبُدُوا

برای الفت دادن قریش الفت دادن ایشان در کوچ زمستان و تابستان پس باید بپرستید

رَبَّ هٰذَا الْبَيْتِ الَّذِي اَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ ۴ وَاٰمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

پروردگار این خانه را آنکه سیر طعام کردشان از گرسنگی و ایمن کردشان از ترس

سُورَةُ الْمَاعُونِ سَبْعُ آيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۰۷)

مکیه ثلاث الآیات الاول مدنیه البقیه نزلت بعد التکاثر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَرَاَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ۲ فَذٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ۳

آیا دیدی آنکه تکذیب کرد بدین پس آنست که بجفا براند یتیم را

وَلَا يَحُضُّ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۴ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۵ الَّذِينَ هُمْ عَنْ

و ترغیب نمیکردند بر طعام درمانده پس وای مر نمازگزارندگان آنانکه ایشان از

صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۶ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ۷ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

نمازشان غافلانند آنانکه ایشان بریاکاری میکنند و منع مینمایند زکات را

سُورَةُ الْكَوْثَرِ ثَلٰثُ آيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۰۸) نزلت بعد العاديات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اِنَّا اَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ ۲ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۳ اِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ

بدرستیکه ما دادیم بتو کوثر را پس نماز گزار برای پروردگارت و نحر کن بدرستیکه دشمن تو او دست ناقص

سُورَةُ الْكَافِرُونَ سِتُّ آيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۰۹) نزلت بعد الماعون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۲ لَا اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۳ وَلَا اَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا اَعْبُدُ

بگو ای کافران نمیپرستم آنچه میپرستید و نه شما اید پرستنده آنچه من میپرستم

نعت شانه تعالی بعد الله

از حضرت صادق صلوات الله علیه و سلامه روایت است هر که سورهٔ لایلاف بسیار بخواند چون مبعوث شود بر اسبی از اسبان بهشت سوار شود تا بر سر مائده نور بنشیند

لایلاف بکسر اول و هم قطع

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است هر که سورهٔ ارأیت را در نمازهای فریضه و نافله بخواند از جماعتی باشد که خدا نماز و روزهٔ او را قبول فرموده است و او را در حساب باعمال دنیا حساب نکند

یراؤن بضمتها و اشباع میشود

از حضرت امام جعفر صادق مرویست هر که سورهٔ کوثر را در فرائض و نوافل بخواند خدا از حوض کوثر او را سیراب گرداند و در درخت طوبی در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله جا دهد

شانئک بتقدیم نون بر همزه مفتوحه

از حضرت امام جعفر صادق روایت است هر که سوره کافرون و قل هو الله احد را در نماز فریضه بخواند خدا او را و پدر و مادر او را بیامرزد و اگر شقی باشد نامش از دیوان اشقیا محو نماید و در دیوان سعدا ثبت نماید و او را در دنیا سعادتمند بدارد و در بهشت شهید میراند و با شهدا مبعوث گرداند

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٥﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٦﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

و نه من پرستنده ام آنچه را میپرستید و نه شما اید پرستنده آنچه من میپرستیم برای شما است دین شما و برای من است دین

(۱۱۰) سورة النصر ثلث آيات وهي مكية وقيل مدنية

نزلت بعد التوبة

نزلت بمنى في حجة الوداع فتعد مدنية وهي آخر ما نزل من السور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

چون آید نصرت خدا و فتح و ببینی مردمان را که در میآیند در دین خدا

أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

فوجها پس تسبیح کن بستایش پروردگارت و آمرزش خواه بدرستیکه او باشد توبه پذیر

(۱۱۱) سورة أبي لهب خمس آيات وهي مكية

نزلت بعد الفاتحة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا

بریده باد دو دست ابولهب و هلاک باد کفایت نکرد از او مالش و آنچه کسب کرد بزودی در آید در آتش را

ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ ﴿٥﴾

صاحب زبانه و زنش بردارنده هیمه است در گردنش ریسمانیست از لیف خرما

(۱۱۲) سورة الإخلاص أربع آيات وهي مكية

نزلت بعد الناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

بگو او است خدای یکتا خدا است بزرگی که قصد کرده میشود بحوائج نه زاد و نه زاده شد و نباشد مر او را

كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

همتا احدی

(۱۱۳) سورة الفلق خمس آيات وهي مكية وقيل مدنية

نزلت بعد الفيل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾

بگو پناه میبرم بپروردگار سفیده دم از شر آنچه آفرید و از شر شب تار چون در آید

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

و از شر دمندگان در گره ها و از آسیب حسود چون حسد برد

سورة

هو الله سبحانه تعالی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست هر که سوره نصر را بخواند بمنزله کسی بود که با حضرت در فتح مکه بوده و موافقت کرده باشد والسلام

هو از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که چون سوره تبت را بخوانید لعن و نفرین کنید ابولهب را

وَتَبَّ بفتح تا و با مشدده
وَامْرَأَتُهُ بضم تا

هو در فضیلت این سوره احادیث بسیار و روایات بیشمار وارد است ۱۲

سورة الناس ست آيات وهي مكية (١١٤) نزلت بعد الفلق

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الناس ١ ملك الناس ٢ اله الناس ٣ من شر الوسواس
بگو پناه میبرم بپروردگار مردم پادشاه مردم اله مردم از آسیب وسوسه کننده

الخناس ٤ الذی یوسوس فی صدور الناس ٥ من الجنة والناس ٦
بازپس رونده که وسوسه میکنند در سینهای مردم از جن والنس

دعا بعد از تلاوت بسم الله الرحمن الرحیم کلام الله مجید

اللهم انی قد قرأت ما قضیته من کتابك الذی انزلته علی نبیك الصادق فلك الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله ویحرم حرامه ویؤمن بمحکمه ومتشابهه واجعلنی ممن یرتقی بکل آیة قرأها درجة فی اعلی علیین آمین رب العالمین

این دعا را بعد از ختم قرآن تلاوت نمایند

اللهم اهدنا بهدایة القرآن وعافنا بعنایة القرآن وارحم موقفنا بعظمة القرآن ونجنا من النیران بکرامة القرآن وارفع درجاتنا وحصل مراداتنا وصل علی ساداتنا واشف مرضانا واد دیوننا وطول اعمارنا فی طاعتك وعبادتك ووسع علینا ارزاقنا وارزقنا خیر الدنیا والآخرة برحمتك یا ارحم الراحمین اللهم اعف عنا علی تلاوة القرآن من خطأ او نسیان او زیادة او نقصان او تحریف کلمة او تغییر حرف او قلة وقوف فاغفر لنا برحمتك یا مولانا ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار واحشرنا مع الابرار واعذنا من کل سوء وخزی وعار ونجنا من کید الاشرار والفجار ولا تحلنا بعدك لك دار البوار وارزقنا تلاوة القرآن آناء اللیل واطراف النهار واحشرنا مع النبی وآله الاطهار

هو الله تعالی شأنه

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که در عشاء گفتن وتر معوذتین و سورة توحید بخواند با و خطاب کنند ای بنده خدا بشارت باد تو را که خدا وتر تو را قبول کرد راقم الترجمة والهامش العبد المذنب المستغفر والافقر الاحقر ابن محمد حسین میرزا سید محمد شهبازی اللهم اغفر ذنوبها واستر عیوبها بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته به واسئلك بحق محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد صاحب الزمان ان تصلی علی محمد وآله وان تکشف کروبنا وتغفر ذنوبنا وتنفس همومنا وتفرج غمومنا وان ترحم انتحبنا وتقوی ضعفنا یا جبار وافعل بنا انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله اللهم انا نشکو الیك غیبة امامنا وقلة عددنا وکثرة عدونا وتظاهر الاعداء علینا ففرج ذلك بعدل تظهره وبامام حق تعرفه آمین یا رب العالمین

بتاریخ ١٣ شهر ربیع الاول سنه ١٣٥٢ هجری تمام شد

دیباچه در طریق پیدا کردن مطلب از کشف المطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی نزّل الآیات وشرّفها ونوّر البیّنات وقدّسها وکرّم الانسان بمکارم القرآن والصّلوة علی رسوله نبیّ الرحمة ونبأ الرحمن وعلی آله واهل بیته آل الاکرام واهل الاحسان **وبعد** چون جناب جلالتمآب اجلّ اکرم افخم ابن جنّت مکان حاجی علی خان آقای عماد السلطنه زید اجلاله وزیر انطباعات کشف المطالبی بجهت کتاب کریم وقرآن مجید مرتّب نموده بودند وچند کرّت بزیور طبع رسیده بود در این کرّت این جانی فانی اقلّ الحاجّ والمشایخ محمّد حسین بن مرحوم مبرور حاجی ملّا محمّد خوانساری عفی عن جرائمهما چون مشغول طبع قرآن کشف الآیات شد مرا این کشف المطالب را ملاحظه کردم نظر بحسن ظنّ بجناب مستخرج امتحانی از صحّت وسقم استخراج ایشان نمودم وهمین مستخرج ایشان را تنقیح نمودم باین معنی که در کشف المطالب مطبوعهٔ سابقه اسامی سورها نسبت بمطلبی هم مکرّر در چند خانه نوشته شده بود اوّل در این نسخه همه در یک خانه نوشته شده وهم بترتیب شماره سور نبوده ودر اینجا مرتّبا مرقوم شده چنانچه ملاحظه خواهد شد واینک برای توضیح گوییم هرکس بخواهد از این کشف المطالب منتفع شود ومحظی گردد راه آن چیست ومفتاح آن کدام است این است که مثلا میخواهیم بدانیم ایّوب در چند جای قرآن است ملاحظه حرف اوّل کلمه را میکنیم وحرف اوّل ایّوب همزه است آنگاه رجوع بحرف همزه فهرست کشف المطالب میکنیم در آنجا نوشته ایّوب ۹ از این فهرست ملتفت میشویم که حکایت ایّوب در صفحهٔ نهم کشف المطالب واقع شده است وچون بصفحهٔ نهم کشف المطالب نظر میکنیم میبینیم نوشته شده است فصل سیزدهم ذکر ایّوب هشت آیه سورهٔ انعام ذیل آیه ۸۴ وسورهٔ انبیاء آیه ۸۳ و۸۴ وسورهٔ ص آیهٔ ۴۰ و۴۱ و۴۲ و۴۳ و۴۴ وباید دانست که هر صفحهٔ از کشف المطالب سه ضلع است وهر ضلعی چهار خانه وخانهٔ اوّل هریک از این سه ضلع از جهت اسم خود سوره واینکه سورهٔ چندمست وضع شده وسه خانه باقی مانده هریک از این سه ضلع از جهت عدد آیات وضع شده است وایضا باید دانست که هرجا که در این سه خانه حرف ص نوشته شده است اشاره باین است که صدر آیه دلالت بر مطلب دارد وهرجا که حرف ق نوشته شده است اشاره باین است که وسط آیه دلالت بر مطلب دارد وهرجا که حرف ذ نوشته شده است اشاره باین است که ذیل آیه دلالت بر مطلب دارد واگر چنانچه سه آیه یا بیشتر پی در پی دلالت بر مطلب داشته باشد از برای آیهٔ اوّل مِن رسم شده واز برای آیه آخر اِلی یعنی تمام آن سه آیه یا بیشتر متّصلا دلالت بر مطلب دارد ومخفی نماند که صفحهٔ مقابل بجهت آن رسم شده است که معلوم شود این کشف المطالب مشتمل بر چند بابست وهر بابی مشتمل بر چند فصل است ودیگر آنکه هر بابی از آن در چه مطلب است واین مطلب در صفحهٔ چندم کشف المطالب واقع است تا واضح وسهل باشد پیدا کردن مطلب تبصرهٔ بانی طبع این کلام مجید حاج سیّد سعید طباطبائی وشرکاء از قارئین الکرام دعا دارند امید است که جویندگان توفیق باشند بعد از طبع این قرآن نهج البلاغه مترجم همین خطّ بطبع رسید که نفعش عام وفائده برای خواص وعوام باشد

رسالهٔ مختصریست در طریق استخاره از فرمایشات مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی لا یعلم خیر عباده سواه ومن استخاره هداه ومن استشاره کفاه ومن استجاره اراه والصّلوة علی خیر من استجاب لله ولبّاه محمّد واهل بیته الذین من والاهم کانت الجنّة مأواه ومن عاداهم فالنّار مثواه **وبعد** بر الواح ضمیر برادران ایمانی مینگارد که چون اخبار متکاثره واحادیث متظافره از حضرات معصومین علیهم السّلام در فضیلت استخاره واستشاره از جناب مقدّس الهی بنظر رسیده وچون همهٔ مردم را اطّلاع بر آنها میسّر نبود وباین سبب از فوائد آن محروم بودند لهذا در این رساله که مشتملست بر فاتحه وهشت مفتاح وخاتمه اخبار وآثار معتبره که در این باب وارد شده ایراد نموده وهو حسبی ونعم الوکیل فاتحه در بیان فضیلت استخاره بدانکه استخاره در لغت طلب خیر کردن واعتماد نمودن بصلاح خود دانستن کسی واستشاره نیز مراجعت بکسی کردنست در امری که آدمی از آن تردّدی باشد تا آنکه او اشاره کند بامری که صلاح اینکس در آنست بمقتضای رای او واگر چه استشاره از برادران مؤمن نیز مطلوبست چنانچه بعد از این اشاره بآن خواهد شد امّا مقصود اصلی در این مقام

طلب خیر از جناب مقدس الهی است ورجحان ان بحسب عقل ونقل معلوم است چه ظاهر است که صانع عالم بمصالح دنیا وعقبای بنی ادم از همه کس داناتر است وبالطف وکرم نامتناهی وبی نیازی از جمیع خلق وقدرت بر جمیع امور ممکنه در انچه صلاح بندکان در انست بخل نمینماید خصوصا وقتیکه بنده امور خود را باو واکذارد واز او اصلاح خود را طلب نماید پس باید بنده خیر خود را در جمیع امور از پروردکار خود طلب نماید ومصلحت خود را بلطف او کذارد وایضا معلوم است که مقتضای بندکی وکمال عبودیت انستکه مرادات وارادات خود را تابع ارادات حقتعالی کرداند بمقتضای ایه وما تشاؤن الا ان یشاء الله از مشیت خود خالی کردد ودر هر میسور ومعسور خواست خدا را بر خواهش خود مقدم دارد تا بمعنی ومن یتوکل علی الله فهو حسبه حقتعالی کافی مهمات او باشد وابنبه اعلاد رجا (؟) مفرد (؟) بدست ونسبتدها معتبر بسیار شیخ مفید وسید ابن طاوس ودیکران از حضرت امام جعفر صادق ع نقل کرده اند که حقتعالی میفرماید که از جمله شقاوت بنده من انستکه کارها کند وطلب خیر از من ننماید وسید ومرتی بسندهای معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که در امری بدون استخاره داخل شود ومبتلا شود مبتلا کردد خدا اجر دادن ان بلا اجر نمی دهد واخبار در فضیلت استخاره بسیار است همین دو خبر اکتفا شد وبدانکه نبدا (؟) ... خیر از خدا باید که هر امر که رخ نماید بان راضی باشد وبداند که خیر او در ان بوده که واقع شده هرچند در نظر او بد نماید وموافق خواهش او نباشد وبدانکه استخاره چند نوع است اول انکه در هر امر که اراده نماید بجناب مقدس الهی متوسل شود وخیر خود را در ان امر از حقتعالی طلبد

فهرست ابواب فصول وصفحات کشف المطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست کشف المطالب

نماید و بعد از ان انچه رو دهد بان راضی باشد از میسر شدن ان امر یا میسر نشدن و از مصالح و مفاسد بکه بر شدن یا نشدن
ان مترتب شود زیرا که چون امر خود را بعالم الخفیات تفویض کرده است باید که راضی باشد بهرچه که واقع میشود و بداند که حقتعالی
خیر او را بهتر از او میداند دویم انکه بعد از انکه طلب خیر از خدا بکند در دل خود نظر کند وانچه بخاطر او میافتد بان عمل کند سیم انکه
بعد از انکه طلب خیر از خدا بکند و مشورت کند با مؤمنی و انچه ان مؤمن میکوید عمل کند چهارم انکه استخاره بقران مجید یا تسبیح یا بنادق
یا برقاع بکند بتفصیلی

مطالب	ورق	مطالب	ورق	مطالب	ورق	مطالب	ورق	مطالب	ورق
ادم	۹	اختیار ازلی	۱۵	اشاعه دین	۱۴	املاک	۲۲	بازگشت از عزت	۱۹
ادمیت	۲۵	اختیار نفس	۱۱	اصحاب کهف	۶	اموال	۲۲	بت پرستی	۱۳
ازادگی	۲۶	اخلاق	۲۴	اصرار در فجور	۲۹	انبیاء	۷	بدبختی بخل	۲۸ ۲۸
ازار	۲۷	اخوت	۲۶	اصطفاء ازلی	۱۵	انبیاء عموما	۷	بدکرداری	۲۸
اشکال نمودن بکار	۱۵	ادب	در انسانیت	اصلاح ذات البین	۲۳	انبیاء در نور	۷	برائت	۱۹
اشوب	۲۸	ادریس	۹۷	اطاعت	۲۶	انبیاء مذکور در قران	۷	برزخ	۱۷
اهن	۲۳	ادیان اهل کتاب	۱۳	اطفال	۲۱	انبیاء و حلیه	۸	بری و حرم	زنا
ایات قرانی	۶	ادیان حقه	۱۲	اعتقاد	۱۵	انبیاء و مومنین	۸	بعث	۱۵
ابابیل	۳۲	ادیان مختلفه	۱۵	اعراب	۲۱	انتحار	۳	بعثت رسول	۴
ابالسة	۳	اذیت سحر	۴	اعراض از لغو	۲۷ ۲۹	انتخاب	۱۹	بغض	۲۹
ابتدای نزول قران	۶	اراجیف	۲۳	اعراف	۱۷	انتشار دین	۱۴	بلاغت	۲۴
ابتلا	۱۷	ارباب عقاید	۱۴	اعطاء مدارک	۱۰	انتقام	۳۰	بهتان	۲۸
ابداع کاینات	۴	ارتداد	۱۴	اعمال رسول	۵	انجیل	۱۰	بهشت	۱۷
ابرهیم	۸	ارث	۳۱	اغذیه	۱۸	انذار کفار	۱۲	بیع و شری	۲۴
ابرهه	در ابابیل	ارحام	۲۱	اغماض	۱۹ ۲۶	انسان	۱۹	بی عدالتی	۲۹
ابطال مذهب کفار	۱۲	اسب	۲۳	افساد	۲۲	انسانیت	۲۵	بی غرضی	۲۶
ابناء الله خواندن یهود	۱۳	اسباط	۲۲	افشاء اخبار	۲۳	انصاف	۲۶	بی گناهان	در گناه
ابن السبیل	۲۸	استخلاص اسرا	۲۳	افعال الهیه	۳۱	انفاق	۱۸	الباء الفارسی	
ابولهب	غضب	استقامت	۲۶	افعال عباد	۳۱	انفاق فی سبیل الله	۲۵	پاک نفسی	۲۷
اتفاق	۲۵	استقصاء	۲۸	اقارب	۲۱	انقیاد	۲۶	پاکی	۲۷
اتفاق بر افساد	۲۲	استهزاء	۲۹	اقانیم ثلاثه	۱۰	انکار اهل کتاب	۱۲	پشیمانی	۱۴
اتفاق مخفی	۲۱	استهزاء یهود	۸	اقدام بعمل	۳۱	انکار معجزه	۱۴	پیروی شرع	۱۹
اجتناب از گناه	۱۷	اسحق	در ابرهیم	اکل و شرب	۲۸	اهتمام بدعوت	۱۴	پیروی جهول	۲۲
اجر	۱۷	اسراء	۲۱	الهیات خضر	۱۰	اهل و عیال	۲۱	پیری	۳۱
اجداد هود	۱۹	اسراء کفار	۲۳	الهام	۱۵	اهل ظن	۱۴	پیشرفت	۳۱
احسان	۲۵	اسراء مسلمانان	۲۳	الیاس	۹	اهل کتاب	۱۳ ۱۴	التاء	
احکام الهیه	۳	اسرائیل	۹	الیسع	۹	اهمیت ایمان	۱۲	تاریخ	۳۲
احکام شرع	۱۹	اسرائیلیان	۸	اماء	۲۱	ایتام	۲۱	تبذیر	۲۸
احکام میراث	۲۱	اسراف	۲۸ ۳۰	امام	در ابرهیم	ایجاد کاینات	۴	تبعید	۲۴
اخبار	۲۳	اسراف اکل و شرب	۲۸	امانت	۲۵	ایمان	۱۲	تثلیث نصاری	۱۰
اخبار	۳۱	اسلام	۱۲	امتحان	۳۱	ایتام	۲۴	تجارت	۲۴
اختصاص	۶	اسمعیل	۸	امثال خضر	۲۰	ایام عبادت	۱۹	تجسس عمار دولت	۲۳
اختصاصات رسول	۵	اسماء باری تعالی	۱	امثال قرانی	۶	ایام متبرکه	۱۹	تجهیز عسکر بجهاد	۳۲ ۳۲
اختلاف الطبایع	۲۲	اسم و لقب	۲۱	امر بموعظه	۶	ایوب	۹	تحریض بجهاد	۲۲
اخلاق	۲۸	اشارت مسیح	۸	امر خدا برسول	۱۴	الباء العربی		تحریص بر شهادت	۲۱
اختیار	۲۵	اشتباه عیسی بمریم	۲۰	امکنه عباد	۱۹	بابل	در سحر	تحقیر	۲۸

که مذکور خواهد شد اثر و اکثر احادیث استخاره دلالت بر قسم اول میکند و بعضی از علما مانند شیخ مفید و ابن ادریس و محقق رضوان الله علیهم در جواز استخاره بغیر از سه قسم اول تردد و تامل کرده اند بلکه ابن ادریس ترجیح عدم جواز داده اما اکثر علما تجویز کرده اند و مستحسن دانسته اند و دعاء کیفیت و انواع استخاره را ذکر کرده اند و شیخ شهید و سید بن طاوس رحمهما الله تم طعن بسیار در انکار ابن ادریس کرده نموده اند و خواسته که چون احادیث در باب هر یک واضح شده انکار نمیتوان کرد اما عمده استخاره ان سه شق اولست که در این زمانها متروک شده مفتاح اول در بیان نوع اولست اعنی استخاره مطلقه سید علی بن طاوس بسند صحیح روایت کرده است از ابن ابی یعفور که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمودند بیان کیفیت استخاره که تعظیم و تمجید و حمد خدا میکنی و صلوات بر محمد و ال او میفرستی پس میکوئی اللهم انی اسئلک بانک عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم وانت علام الغیوب استخیر الله برحمته پس حضرت میفرمود که اکر امر سختی باشد

که بیم ان داشته باشی صد مرتبه بکو و اکر امر سهلی باشد سه مرتبه بکو مؤلف کوید که ظاهر انستکه تکرار صد یا دو سه با در استخیر الله
برحمته باشد و اکر از اول دعا مکرر بخواند شاید بهتر باشد و اکر پیش از دعا بکوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله ولا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از ان دعا را بخواند شاید بد نباشد و ایضا بسندهای معتبر از حضرت صادق ع نقل کرده
است که هر که یکمرتبه خیر خود را از خدا بطلبد و راضی باشد بهر چه خدا از برای او میسر کرداند البته حق تعالی آنچه خیر او است
میسر کرداند و شیخ ره بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین ع هرگاه اراده
امری میکردند مانند حج یا عمره یا فروختن یا خریدن یا بنده آزاد کردن وضو میساختند و دو رکعت نماز استخاره میکردند و در

ان دو رکعت سوره حشر و سوره رحمن میخواندند پس قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد میخواندند پس این دعا میخواندند اللهم ان کان هذا الامر الذی اریده خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فیسره لی علی احسن الوجوه و اجملها و اکملها و ان کان الامر الذی اریده شرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فاصرفه عنی علی احسن الوجوه رب اعزم لی علی رشدی و ان کرهت ذلک او ابته نفسی و برقی و سید بن طاوس این روایت را نقل کرده اند و در دعا اختصار کرده اند لهذا روایت شیخ را اختیار کردیم و شیخ طوسی علیه الرحمه در مجالس روایت کرده است از امام علی النقی علیه السلام که حضرت صادق علیه السلام فرمود که پدرم صلوات الله علیه در استخاره این دعا را میخواند اللهم ان خیرتک تنیل الرغائب و تجزل المواهب و تغنم المطالب و تطیب المکاسب و تهدی الی اجمل المذاهب و تقی عن ورد النوائب اللهم یا مالک الملوك استخیرك فیما عزم رایی علیه فاد یا مولای هوای الیسر فسهل من ذلك ما توعر و یسر منه ما تعسر و اکفنی [illegible] المهم

و ادفع عنی کل ملم و اجعل عاقبة امری غنما و محذوره سلما و بعده قربا و جدبه خصبا اعطنی یا رب لواء الظفر فیما استخرتك [illegible] و فر
الانعام فیما دعوتك لجودك و من علی بالافضال فیما رجوتك فانك تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب و بسند معتبر از کتاب

دلائل حمیری روایت کرده است از محمد بن سهل قمی که گفت من در مکه معظمه مجاور بودم پس رفتم بمدینه و بخدمت حضرت امام محمد تقی ع مشرف شدم و اراده داشتم که از حضرت سؤال کنم از برای شرف و کرامت جامه که بپوشم و میسر نشد که سؤال کنم تا وداع کردم و بیرون آمدم و خواستم که از مدینه بیرون روم باز بخاطرم رسید که عریضه بخدمت حضرت بنویسم و جامه را سؤال کنم چون تردید داشتم عریضه را نوشتم و رفتم بمسجد حضرت رسول ص و دو رکعت نماز استخاره کردم و بعد از آن صد مرتبه طلب خیر از خدا کردم پس در دلم افتاد که نامه را نفرستم نامه را دادم و از مدینه بیرون رفتم چون روانه شدم دیدم که خادم آنحضرت در میان اشترها میگردد و شتر ای زمکاری میکند چون بمن رسید دستمالی بمن داد که دو پارچه بسیار خوش قماش نازک در میان آن پیچیده بود و گفت مولای تو این جامه ها را برای تو فرستاده است پس احمد بن محمد بن عیسی راوی حدیث گفت که در زمان وفات محمد بن سهل بر حسب خواهش من او را غسل دادم و در همان جامه ها که حضرت داده بودند او را کفن کردم مؤلف گوید که در این حدیث چند معجزه از آنحضرت ظاهر شده اول آنکه حضرت دانسته که در خاطر او بوده که جامه طلب کند برای او فرستاد دوم آنکه اشعار فرمودند که اجل او نزدیک شده احتیاج بجامه دوختنی ندارد سوم آنکه جامه ها بعد از ثواب ضروری کفن برای او فرستادند زیرا که میدانستند که در کفن بآنها محتاج خواهد شد و سید ره ابن طاووس این نقل کرده که استخاره ... و معنای آن با بن موضع میان محدثین شیعه مشهور و معروف بوده است

فهرست کشف المطالب

مفتاح ابن اثیر و شیخ مفید ره در مسائل عزیه گفته است که از برای استخاره نماز مفرد میخواند دو رکعت است با هر سوره که خواهد و بعد از سلام حمد و ثنای خدا بگوید و صلوات بر محمد و آل او بفرستد و بگوید اللهم انی استخیرک بعلمک وقدرتک واستخیرک بعزتک واسئلک

تمت

مِن فَضلِكَ فَاِنَّكَ تَقدِرُ وَلا اَقدِرُ وَتَعلَمُ وَلا اَعلَمُ وَاَنتَ عَلّامُ الغُیُوبِ اَللّهُمَّ اِن کانَ هذَا الاَمرُ الَّذی عَرَضَ لی خَیراً فی دینی وَدُنیایَ وَآخِرَتی فَیَسِّرهُ لی وَبارِک لی فیهِ وَاَعِنّی عَلَیهِ وَاِن کانَ شَرّاً لی فَاصرِفهُ عَنّی وَاقضِ لِیَ الخَیرَ حَیثُ کانَ وَرَضِّنی بِهِ حَتّی لا اُحِبَّ تَعجیلَ ما اَخَّرتَ وَلا تَاخیرَ ما عَجَّلتَ واگر خواهد بگوید اللّهمّ خِر لی وَاختَر لی بِالخِیَرَةِ فیما وَفِّقنی لَهُ مِنهُ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

فهرست کشف المطالب

و ابن براج نقل کرده در مهذب گفته است که بهترین انواع استخاره آنست که دو رکعت نماز بجا آورد چنانچه نوافل را میکند و قنوت در رکعت دوم بخواند و در سجده آخر نماز صد مرتبه بگوید استخیر الله پس بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم رب بحق محمد و آل محمد خر لی فی الامر الذی اردت مؤلف گوید که احادیث در باب این نوع استخاره بسیار است و چون بعضی با اینجا مذکور شد اختلاف کثیری داشت همین اکتفا نمود و بهر یک از اینها که ذکر شد اگر عمل کند خوبست و اگر بعضی را با بعضی ضم کند تمامتر خواهد بود مفتاح دوم در بیان نوع دوم استخاره است که بعد از عمل استخاره رجوع بقلب خود کند و آنچه در خاطرش مستحکم بهم رساند بآن عمل کند چنانچه شیخ طوسی علیه الرحمه در کتاب اقتصاد گفته است که کسیکه اراده امری کند سنت است که غسل کند و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد از آن بسجده رود و صد مرتبه گوید استخیر الله تعالی فی جمیع اموری کلها خیرة فی عافیة پس آنچه در دلش افتاد بآن عمل کند و کلینی و شیخ و سید ابن طاوس و طبرسی رحمة الله علیهم بسند کالصحیح روایت کرده اند از کعب که ابن اسباط اراده مصر داشت و در راه دریا و صحرا متردد بود حضرت امام رضا ع فرمود برو بمسجد در غیر نماز واجب دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه طلب خیر خود از خدا بکن و آنچه در دلت بیافتد بآن عمل کن و روایت علی بن ابراهیم صد و یک مرتبه استخیر الله بگوید

واگر أستخیر الله برحمته خیرة فی عافیة بگوید بهتر است و شیخ رحمه الله در محاسن بسند معتبر از حضرت امام علی نقی ع روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه یکی از شما را حاجتی عارض شود باید که مشورت با پروردگار خود بکند گفتند چگونه مشورت کند فرمود که بعد از نماز فریضه بسجده رود و صد مرتبه بگوید اللهم خر لی پس متوسل بما شود و صلوات بفرستد و ما را شفیع گردانند در درگاه خدا ص۱

کشف المطالب

۱۴۵۴

ب ۱

سوره	آیات		
	باب اول		
	در دو جزو و صفات و اسما		
	حسنی باری تعالی یعنی علم		
	الهیات اخص که علم بالله است		
	جزو دویست مشتمل بر فصل و مرام		
	فصل چهارده ایه در آن است		
	فصل اول		
	ذکر وجود باری تعالی است و نعم ...		
انعام ۶	۷۲ ۷۵	۷۳ ۷۶	۷۳ ۷۷
	۷۸		
رعد ۱۳	۲	۳	۴
حج ۲۲	ص۱۸		
عنکبوت ۲۹	۶۱	۶۳	
صف ۶۱	۱		
تغابن ۶۴	۱ ۴	۲	۳
ملک ۶۷	۳	۱۹	
اعلی ۸۷	۱ ۴	۲ ۵	۳
	فصل دوم		
	در دو جزو باری تعالی صد و هشتاد ایه		
بقره ۲	۱۱۰ ۱۶۰	۱۱۱ ۲۵۶	۱۵۸
ال عمران ۳	۱	۴	۱۶
نساء ۴	۵۱	۵۲	۱۱۶
مائده ۵	۱۹ ص ذ ۷۲	۲۰ ۷۸	۷۶ ص۷۹
	۸۰	۸۱	
انعام	۲۱ ۲۴	۲۲ ۵۶	۲۳ ۸۰
	۸۱ ۱۰۱	۹۴ ۱۰۲	۱۰۰ ۱۰۳
	۱۰۶	۱۴۹	
توبه ۹	۲۸		
یونس ۱۰	۱۹ ۳۱	۲۹ ۳۲	۳۰ ۳۳
	۳۴ ۳۷	۳۵ ۶۷	۳۶ ۶۹
	۷۰	۷۱	
رعد ۱۳	ذ۱۷	۳۳	۳۴
نحل ۱۶	۳۷ ۴۴	ص۳۸ ۷۴	۵۹ ۷۵
بنی اسرائیل	۲۳ ۴۴	ذ۴۱ ۴۵	۴۲ ۴۶
	۱۱۱		

سوره	آیات		
مریم ۱۹	۳۶ ۹۳	۹۱	۹۲
انبیاء ۲۱	ذ۱۸ ۲۱	۱۹ ۲۲	۲۰ ۲۳
	۲۴ ۲۵ ۲۸ ۲۹	۲۶ ۳۰	۲۷
حج ۲۲	۳۲	و۳۵	۷۰
مؤمنون ۲۳	۹۳	۹۴	
سبا ۳۴	۲۶		
فرقان ۲۵	۱	۲	
نمل ۲۷	۶۰ ۶۳	۶۱ ۶۴	۶۲ ۶۵ ۶۶
قصص ۲۸	۶۲ ۶۵	۶۳ ۶۶	۶۴ ۶۷
	۶۸ ۷۱	۶۹ ۷۲	۷۰ ۷۳
	۷۴	۷۵	۸۸
روم ۳۰	۳۹		
صافات ۳۷	۴ ۵ ۱۵۱ ۱۵۲	۱۴۹ ۱۵۳	۱۵۰ ۱۵۴
	۱۵۵ ۱۵۸	۱۵۶ ۱۵۹	۱۵۷ ۱۶۰
	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳
زمر ۳۹	۶ ۲۸	۱۶ ۳۰	۱۷ ۳۱
	۳۲ ۳۸	۳۳ ۳۹	۳۷ ۴۴
	۴۵ ۶۴	۴۶ ۶۵	۴۷ ۶۱ ۶۶ ۷
مؤمن ۴۰	ذ۳-۱۲ ۱۵	۱۳ ۲۱	۱۴ ۶۸
فصلت ۴۱	۵ ۳۷	۶ ۳۸	۸
زخرف ۴۳	ذ۱۴ ۸۳	۸۱ ۸۴	۸۲ ۸۷
دخان ۴۴	۷	۸	
احقاف ۴۶	۴	۵	
ذاریات ۵۱	۵۱		
حشر ۵۹	۱ ۲۴	۲۲	۲۳
جن ۷۲	۳		
اخلاص ۱۱۲	۱ ۴	۲	۳
	فصل سیم		
	در صفات جمالیه و جلالیه پروردگار		
	جل جلاله که بیست و سه آیه است		
فاتحه ۱	۱	۲۰	
بقره ۲	۱۴ ۱۵۵	ذ۹۲ ذ۱۶۰	ذ۱۳۸ ۱۷۸
	۱۸۶ ذ۱۹۸	ذ۱۹۲ ۲۰۰	ذ۱۹۵ ۲۰۱
	ذ۲۰۳ ۲۱۵	ذ۲۰۷ ۲۲۵	ذ۲۰۸ ۲۲۶
	۲۳۶ و۲۷۷	ذ۲۵۲ ۱۵۸	۲۶۵

سوره	آیات		
آل عمران ۳	۳ ذ۲۸	ذ۷ ۲۹	ذ۹ ۴۷
	۸۲ ۱۲۴	۸۳ ذ۱۲۸	ذ۱۰۴ ذ۱۳۴
	۱۴۰ ۱۶۷	۱۴۹ ۱۶۸	ص۱۵۱
نساء ۴	ذ۲۷ ذ۴۶	ذ۳۰ ۴۷	ذ۳۲ ۹۰
	ذ۹۷ ذ۱۰۱	ذ۹۸ ذ۱۰۶	۱۰۰ ۱۱۰
	ذ۱۳۱ ۱۴۱	ذ۱۳۸ ۱۴۲	۱۳۶ ۱۴۶
	۱۴۸ ۶۷	۱۵۱ ۱۶۷	۱۶۶
مائده ۵	و۴۵	۹۶	
انعام ۶	و۱۲ ۴۵	۱۶ ۱۱۰	۴۴ ۱۴۸
	و۱۵۲	و۱۵۳	
اعراف ۷	۳ ۱۸۰	۹۷ ۱۸۱	۱۷۹ ۱۸۲
انفال ۸	۳۰		
توبه ۹	ص۱۱۶	۱۱۸	ذ۱۱۹
یونس ۱۰	۱۲ ۱۰۲	۲۲ ۱۰۳	ذ۶۱
هود ۱۱	۸	۱۰۴	۱۲۲
رعد ۱۳	ذ۷ ذ۳۳	۲۹ ۷۰	۳۱
ابرهیم ۱۴	ص ذ۷	۳۲ ذ۵۱	۴۸
حجر ۱۵	۷۸	۷۹	
نحل ۱۶	ذ۳۹ ص۴۹	۴۷ ۶۳	۴۸ ۸۳
بنی اسرائیل ۱۷	۲۷		
مریم ۱۹	۸۶	۸۷	
حج ۲۲	ذ۵۹	ذ۶۴	
فرقان ۲۵	۶۱ ۶۴	۶۲	۶۳
نمل ۲۷	۵۱	۷۵	
عنکبوت ۲۹	۶۰ ۶۲		
لقمان ۳۱	۲۳		
سجده ۳۲	۵	۲۲	
احزاب ۳۳	۲۴		
سبا ۳۴	۲		
فاطر ۳۵	۲	۳۱	۴۴
صافات ۳۷	من ۱۷۱	الی ۱۸۲	
زمر ۳۹	۲۴	ذ۳۸	
فصلت ۴۱	۲۳.	۲۴	۴۶.
شوری ۴۲	ذ۲۲ ۲۹	۲۵ ۳۰	۲۷ ۳۱
	۳۲	ص۴۲	۴۵

پس آنچه حقتعالی بدلش میاندازد بآن عمل کند و این مطالب را اگر بفارسی بگوید نیز خوبست و اگر بگوید که اللّهمّ إنّی أتوسّل إلیک بنبیّک نبیّ الرّحمة محمّد و أهل بیته الطّاهرین و أتوجّه بهم إلیک أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد و أن تلهمنی ما هو خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی خیرة فی عافیة برحمتک یا أرحم الرّاحمین ظاهرا خوب باشد و سید رضی الله عنه بسندهای صحیح و معتبر روایت کرده است که مردی بحضرت امام محمد جواد علیه السلام عریضه در باب فروختن ملکی نوشت در جواب نوشتند که دو رکعت نماز بجا آور و بعد از آن صد مرتبه طلب خیر خود را از خدا بکن و در اثنای استخاره با کسی سخن مگو تا صد مرتبه تمام شود پس اگر در دلت افتد فروختن آن ملک بفروش و دیلمی در ارشاد الاخبار روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بانس فرمود که هر وقت که امری را اراده کنی هفت مرتبه طلب خیر از خدای خود بکن پس آنچه در دل تو بیفتد بکن که خیر تو در آنست و شیخ مفید در مقنعه و علی بن بابویه در رساله گفته اند که هر گاه امری اراده کنی دو رکعت نماز بکن و صد و یک مرتبه استخیر الله برحمته بگو و بعد از آن بگو لا إله إلّا الله العلیّ العظیم لا إله إلّا الله الحلیم الکریم ربّ بحقّ محمّد و آل محمّد صلّ علی محمّد و آله و خر لی فیما أردت للدّنیا و الآخرة خیرة منک فی عافیة پس هر چه بر آن عزم کنی بعمل آور د

سوره زخرف

و در عیون اخبار الرضا از آنحضرت علیه السلام منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمود در استخاره که بعد از نماز فریضه بسجده میروی
و صد مرتبه میگوئی اللهمّ خِر لی پس متوسل میشود برسول خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم و صلوات بر ایشان میفرستد و
ایشان را شفیع خود میگرداند پس آنچه بعد از آن خدا او را الهام میکند عمل بآن کند زیرا که البته از جانب حق تعالی است مفتاح نهم

استخاره بجناب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان بدانکه مشورت کردن با برادران مؤمن عاقل از اهم امورات و تاکید بسیار در آیات و اخبار در آن وارد شده است چنانچه حق تعالی برای سایر بندگان و تالیف قلوب مؤمنان و امتحان منافقان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم را اگر صاحب عقل کل بود و خاطر مقدسش مهبط اسرار وحی الهی و مشرق انوار الهامات ما تناهی بود خطاب نمود که و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین یعنی با صحابه مشورت کن در امر جهاد و غزوات که اراده مینمائی پس چون عزم کنی بر آنچه ما بر زبان ایشان جاری میسازیم و بخاطر مقدس تو می اندازیم پس توکل کن بر خدا و کار خود را باو بگذار و اعتماد بر غیر او مکن بدرستیکه خدا دوست میدارد آنها را که در همه امور بخداوند خود توکل میکنند بدانکه با امر آنحضرت بمشورت برای تعلیم سایر بندگان و تطییب خاطر مؤمنان و مصالح بسیار دیگر باز امر فرمود بتوکل و اعتماد بر جناب مقدس او و تفویض امور خود بعلم کامل و لطف

سوره	آیات		
زخرف ۴۳	۳۹ ۷۹	۴۰ ۸۰	۴۱
دخان ۴۴	۱۵		
جاثیه ۴۵	۲۲		
فتح ۴۸	ذ ۲۳		
ذاریات ۵۱	۵۶		
طور ۵۲	ذ ۲۸		
نجم ۵۳	ص ۳۳		
حدید ۵۷	ص ۳	۱۱	۱۹
مجادله ۵۸	۳		
صف ۶۱	ذ ۵ ص ۱۳	۱۰	۱۱
ملک ۶۷	من ۲۰	الی ۳۰	۱۸
مدثر ۷۴	ذ ۵۵		
بروج ۸۵	۱۲	۱۴	
طارق ۸۶	۱۵	۱۶	۱۷
فجر ۸۹	من ۱	الی ۱۳	
	فصل چهارم		
	در صفات خاصهٔ الهیه		
	تعالی شأنه سی و پنج آیه است		
بقره ۲	۷۲ ذ ۲۸۰	۱۰۱	۲۵۶
آل عمران ۳	۶		
نساء ۴	ذ ۳۸	ذ ۷۲	ذ ۱۳۰
رعد ۱۳	ذ ۴۱	۴۲	
ابراهیم ۱۴	ذ ۸		
بنی اسرائیل ۱۷	ص ۴۶		
انبیاء ۲۱	۱۱۰		
مؤمنون ۲۳	۶۹		
نور ۲۴	۴۱		
فرقان ۲۵	۶۰		
سبا ۳۴	۱	۲۵	۵۴
فاطر ۳۵	۳۶	۱۶	
روم ۳۰	۱۶	۱۷	
شوری ۴۲	۵۰	۵۱	
حدید ۵۷	ص ۱		
حشر ۵۹	ص ۱	۲۴	

سوره	آیات		
ممتحنه ۶۰	ذ ۶		
جمعه ۶۲	۱		
ملک ۶۷	ذ ۳		
علق ۹۶	۴	۵	
	فصل پنجم		
	در ثبوت قدرت و مبدء المبادی		
	بودن پروردگار یکصد و شش آیه		
فاتحه ۱	۱		
بقره ۲	۲۰ ذ ۱۱۰	ص ۹۹ ۱۱۱	۱۰۹ ۱۵۹
	۲۵۶ ۲۸۴	ذ ۲۱۶ ۱۲۴	۲۶۲
آل عمران ۳	۴ ۱۸۶	۷۷ ۱۲۴	ذ ۹۲
نساء ۴	۱۲۵ ۱۳۲	۱۳۰ ۱۳۳	۱۳۱
مائده ۵	۵۳		
انعام ۶	۱ ۱۳	۳ ۱۴	۱۲ ۱۵
	۱۷ من ۶	۱۸ الی ۶۵	۵۹ ۹۵
	۹۶ ۹۹	۹۷ ۱۰۳	۹۸
اعراف ۷	۵۲		
توبه ۹	۱۱۷		
یونس ۱۰	۳ ۶	۴ و ۱۹	۵ ۶۲
هود ۱۱	۸	ذ ۵۹	
رعد ۱۳	۹ ۱۳	۱۰ ۱۴	۱۱ ۱۵
	۱۶	ص ۱۷	۱۸
ابراهیم ۱۴	۲۲	۲۳	۳۷
نحل ۱۶	۱ ۴	۲ ۵	۳ ۶
	۷ ۱۱	۸ ۱۲	۱۰ ۱۳
	۱۴ ۱۷	۱۵ ۱۸	۱۶ ۱۹
	۲۰ ۲۳	۲۱ ۴۲	۲۲ ۵۰
	۵۱ ۵۴	۵۲ ۶۲	۵۳ ۶۳
	۷۶ ۸۲	۷۹ ۸۳	۸۱
حجر ۱۵	من ۱۶	الی ۲۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۴۶		
کهف ۱۸	۱۰۹		
مریم ۱۹	۶۶		
طه ۲۰	۵	۶	۷
حج ۲۲	ذ ۶۰ ۶۳ ۷۳	و ذ ۶۱ ۶۴ ۷۴	۶۲ ۶۵ ۷۵

سوره	آیات		
نور ۲۴	۳۵ ۴۳	۴۱ ۴۴	۴۲
فرقان ۲۵	من ۴۷ ۵۶	الی ۵۲	۵۵
نمل ۲۷	من ۶۰	الی ۶۶	
عنکبوت ۲۹	۲۰	۲۱	۵۲
روم ۳۰	من ۱۸ ۴۵	۴۷	الی ۲۷ ۴۸
لقمان ۳۱	۹ ۲۴	۱۰ ۲۵	۱۵ ۲۶
	۲۷	۲۸	۳۴
سبا ۳۴	ص ۲۳		
فاطر ۳۵	۳	۱۶	۳۹
یس ۳۶	۱۱ ۴۲	۳۶	۴۱
زمر ۳۹	۷ ۶۳	ذ ۸	۲۲
مؤمن ۴۰	۳۰ ۶۵	۶۳ ۶۶	۶۴ ۶۷
	۷۰	۷۱	
فصلت ۴۱	۳۹	۴۷	۴۸
شوری ۴۲	۲ ۹	۳ ص ۱۰	۷ ۱۸
	۲۸		
زخرف ۴۳	۸ ۱۱	۹ ۱۲	۱۰ ۸۵
احقاف ۴۶	۳۲		
فتح ۴۸	۱۴		
ق ۵۰	۶ ۹	۷ ۱۰	۸ ۱۱
	۱۵ ۲۲	۲۰ ۲۳	۲۱
ذاریات ۵۱	۴۷ ۵۰	۴۸ ۵۶	۴۹ ۵۷
	۵۸	۵۹	۶۰
نجم ۵۳	من ۴۳	الی ۵۶	
رحمن ۵۵	من ۱	الی ۳۰	
حدید ۵۷	۱ ۴	۲ ۵	۳ ۶
	۱۶		
ملک ۶۷	۱ ۴	۲ ۱۳	۳ ۱۴
	۱۵	۱۶	۱۷
عبس ۸۰	من ۲۳	الی ۳۲	
بروج ۸۵	من ۱۳	الی ۱۶	
فیل ۱۰۵	تمام سوره		
	فصل ششم		
	در اینکه حق تعالی منتهی الیه تمام		
	و مرجع کل است هجده آیه		

شامل او پس با رتکاب مشورت باید کرد که اعتماد بر رای خلق نکند و خیر خود را از علام الغیوب طلب کند تا آنچه خیر او است حق تعالی بر زبان
او جاری گرداند و ایضا در جای دیگر فرموده است والذین استجابوا لربهم واقاموا الصلوة وامرهم شوری بینهم ومما رزقناهم ینفقون پس

مدح کرده است جماعتی را که اجابت میکنند پروردگار خود را در هر امری از امور دین که ایشان را بسوی آن میخوانند و نماز را بپا میدارند در اوقات فضیلت با شرایط و آداب آن و کار ایشان مشورت است در میان ایشان یعنی مستبد برای خود نمیباشند و در هر کار با یکدیگر مشورت میکنند و از آنچه بایشان روزی کرده ایم از مال حلال در راه رضای ما انفاق میکنند و از این آیه مبارکه نهایت مبالغه در مشورت ظاهر میشود ص ۳

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که با کسی مشورت کند البته هدایت مییابد بآنچه خیر او در آنست و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسیکه طلب خیر خود از خدا میکند در کار خود حیران نمیشود و کسی که در کارها با مردم مشورت کند پشیمان نمیشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که نفس خود را بخاطرها میاندازد کسیکه مستغنی میشود برای خود از رای دیگران و در مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که مشورت کردن با عاقل ناصح خیرخواه موجب میمنت و مبارکی و رشد و صلاح و توفیق حق تعالی است پس هرگاه خیرخواه دانای عاقل رای برای تو اختیار کند زنهار مخالفت او مکن که باعث هلاک تو میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هیچ معاونی بهتر از مشورت کردن نیست و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مشورت کن با جماعتی که از خدا میترسند و دوست دار برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان و پرهیز

سوره	آیات		
بقره ۲	۲۵۶		
آل عمران ۳	۷۷	۱۰۵	
یونس ۱۰	۵۷		
هود ۱۱	۱۲۳		
حج ۲۲	ذ ۴۷		
نور ۲۴	۴۶		
روم ۳۰	۱۰		
لقمان ۳۱	۲۱		
سجده ۳۲	۳	۴	
زمر ۳۹	ذ ۹	۱۰	
زخرف ۴۳	۱۳	۸۵	
نجم ۵۳	۴۳		
علق ۹۶	۸		
بروج ۸۵	۱۳		
فصل هفتم			
در احکام الهیه بنسبت هفت آیه			
بقره ۲	۷۷		
انعام ۶	من ۱۵۲		الی ۱۵۴
اعراف ۷	۳۱		
مؤمنون ۲۳	من ۹۸		
لقمان ۳۱	ذ ۱۳		
فصلت ۴۱	۳۴		
شوری ۴۲	من ۳۶		الی ۴۱
حجرات ۴۹	من ۹		الی ۱۲
مجادله ۵۸	۱۰		
مدثر ۷۴	۲	من ۳	الی ۷
حج ۲۲	ص ۳۱		
فصل هشتم			
ذکر محبت [illegible] حضرت [illegible]			
بقره ۲	۱۶۰	و ۱۷۲	
انبیاء ۲۱	۹۰		
نور ۲۴	ذ ۳۱		
فصل نهم			
در توکل بخدا هفت آیه			
طلاق ۶۵	ص ۳		

سوره	آیات		
شعراء ۲۶	من ۲۱۷	۱	الی ۲۲۰
تغابن ۶۴	۱۳		
احزاب ۳۳	۳		
فصل دهم			
در [illegible] از خدا بیست و [illegible]			
بقره ۲	ص ۹۹	ذ ۱۳۵ ۲۵۸	ذ ۱۹۰
آل عمران ۳	۹۷	۲۰۰	
مائده ۵	۹۴		
انعام ۶	۷۱		
اعراف ۷	ذ ۳۳		
انفال ۸	۲	۲۹	
یونس ۱۰	۳۲		
نحل ۱۶	۳۲	۵۳	۵۴
حجر ۱۵	۴۵		
حج ۲۲	ذ ۳۵	ص ۳۶	
احزاب ۳۳	۱	۲	۷۰
زمر ۳۹	۶۲		
تغابن ۶۴	ص ۱۶		
طلاق ۶۵	ذ ۵		
ملک ۶۷	۲۱		
مدثر ۷۴	ذ ۵۵		
حشر ۵۹	۱۸		
فصل یازدهم			
در ذکر ملائکه و تعریف فرشتگان صد و بیست و پنج آیه			
بقره ۲	من ۲۸		الی ۳۲
	۹۲	۱۵۶	۱۷۲
	ص ۲۰۰		
آل عمران ۳	۷۴	من ۱۱۹	الی ۱۳۰
نساء ۴	ص ۹۹		
انعام ۶	۸	۹	۶۱
	ذ ۹۳		
اعراف ۷	۱۰	۱۱	
انفال ۸	۹	۱۲	۵۲
رعد ۱۳	ص ۱۳	۲۳	۲۴

سوره	آیات		
حجر ۱۵	من ۲۸		الی ۴۳
نحل ۱۶	۲	۳۵	۳۴ من ۳۳
بنی اسرائیل ۱۷	۴۲	من ۶۳	الی ۶۷
طه ۲۰	ذ ۱۱۵		
انبیاء ۲۱	من ۲۶		الی ۲۹
حج ۲۲	ص ۷۴		
سجده ۳۲	۱۱		
احزاب ۳۳	۴۲		
سبا ۳۴	۴۰	۳۹	
فاطر ۳۵	ص ۱		
صافات ۳۷	من ۱ الی ۴	من ۱۴۹	الی ۱۵۷
ص ۳۸	من ۷۱		الی ۸۵
مؤمن ۴۰	۷		
فصلت ۴۱	ذ ۳۰	۳۱	۳۲
شوری ۴۲	۳		
زخرف ۴۳	من ۱۶	الی ۲۱	۶۰ ۷۷
محمد ۴۷	۲۹		
ق ۵۰	من ۱۶		الی ۱۸
نجم ۵۳	من ۲۶		الی ۲۹
حاقه ۶۹	۱۷		
معارج ۷۰	من ۱		الی ۴
مدثر ۷۴	من ۲۸		الی ۳۳
طارق ۸۶	۴		
فجر ۸۹	۲۳	و ۲۴	
فصل دوازدهم			
ذکر حضرت جبرئیل سه آیه			
بقره ۲	من ۹۱		الی ۹۳
فصل سیزدهم			
ذکر حضرت میکائیل یک آیه			
بقره ۲	۹۲		
فصل چهاردهم			
ذکر [illegible] و ابالسه [illegible]			
بقره ۲	۹۶		
نساء ۴	۱۱۸	ذ ۱۱۹	
اعراف ۷	من ۱۱		الی ۱۷

از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش اگر ترا امر کنند بنیکی مخالفت کن ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت کنی ایشان را در بدی و در حدیث دیگر فرمود من بیزارم از کسیکه مسلمانی با او مشورت کند و آنچه خیر او در آن داند با او نگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

سوره حجر

مرویست که هر گروهی که بایکدیگر مشورت کنند و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود بوده باشد یا احمد در
مشورت ایشان داخل باشد البته آنچه خیر ایشانست بر ایشان ظاهر میشود و در محاسن و معانی الاخبار و فتح الابواب سیدهای
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر گاه یکی از شما کاری اراده کند با کسی مشورت کند با آنکه پیش از آن با خداوند خود مشورت کند

سور	آیات		
حجر ۱۵	من ۱۶		الی ۱۸
نحل ۱۶	من ۱۰۰		الی ۱۰۲
بنی اسرائیل ۱۷	۲۹	۵۵	
کهف ۱۸	۴۸	ص ۹۴	
مریم ۱۹	من ۶۹		الی ۷۳
فرقان ۲۵	ذ ۳۱		
فاطر ۳۵	۶		
یس ۳۶	۶۰	۶۲	
صافات ۳۷	من ۶		الی ۱۰
فصلت ۴۱	ص ۲۴		
زخرف ۴۳	من ۳۶		الی ۳۸
مجادله ۵۸	ذ ۱۱		
حشر ۵۹	۱۵	من ۱۶	الی ۱۸
ملک ۶۷	۵		
	فصل پانزدهم		
	ذکر شیطان و بغض و عداوت		
	وی با بنی آدم باز ده آیت		
بقره ۲	۱۶۳	۱۶۴	ص ۱۷۱
نساء ۴	ذ ۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰
مائده ۵	۹۳		
اعراف ۷	۲۶		
ابراهیم ۱۴	ذ ۲۶	ص ۲۷	
زخرف ۴۳	۳۵		
	فصل شانزدهم		
	ذکر سحر و ساحری در آیه		
بقره ۲	۹۶	۹۷	
	فصل هفدهم		
	ذکر اذیت از سحر در آیه		
فلق ۱۱۳	۱	۴	
	فصل هجدهم		
	ذکر جان که بعضی از آنها اهل		
	شرند و برخی مایل بخیرند و بیان		
	خلقت آنها چهل و هشت آیه		
انعام	۱۰۰	۱۲۸	
اعراف ۷	ص ۲۶		

سور	آیات		
هود ۱۱	ذ ۱۲۰		
حجر ۱۵	۲۷		
صافات ۳۷	من ۱۵۸	الی ۱۶۶	
فصلت ۴۱	ذ ۲۴		
احقاف ۴۶	۱۷	۲۸	۲۹
ذاریات ۵۱	۵۶		
رحمن ۵۵	۱۴ ۳۷	۳۳ ۳۹	۳۵ ۴۱
جن ۷۲	من ۱	الی ۱۷	
ناس ۱۱۴	من ۱	الی ۶	
	فصل نوزدهم		
	در ایجاد و بدایع کاینات بیست و نه آیه		
بقره ۲	۲۷		
آل عمران ۳	۱۸۷		
اعراف ۷	ذ ۲۸		
هود ۱۱	۹		
رعد ۱۳	۵		
انبیاء ۲۱	۳۱	۳۲	۳۳
حج ۲۲	ذ ۵		
عنکبوت ۲۹	۱۸	۱۹	۴۳
لقمان ۳۱	ذ ۹		
مؤمن ۴۰	۵۹		
فصلت ۴۱	و ۸	من ۹	الی ۱۱
احقاف ۴۶	۲		
ق ۵۰	۳۷		
قمر ۵۴	۴۹	۵۰	
حدید ۵۷	ص ۴		
طلاق ۶۵	۱۲		
مرسلات ۷۷	۲۷	۲۸	۲۹
نباء ۷۸	۶	۷	
	فصل بیستم		
	در اینکه موجودات از عدم		
	بوجود آمده اند یک آیه		
اعراف ۷	و ۲۸		
	باب دوم		
	ذکر خصایص حضرت رسول صلعم		

سور	آیات		
	و آن مشتمل بر بیست فصل		
	و چهارصد آیه است		
	فصل اول		
	ذکر وضع بعثت آنحضرت		
بقره ۲	۱۱۳	ذ ۲۵۳	
آل عمران ۳	۵۵ ۱۳۸	۷۳ ۱۵۳	ذ ۹۲
نساء ۴	۱۰۶		
مائده ۵	۷۱	۹۹	
انعام ۶	۴۸	ذ ۱۴ ۵۰	۱۹ ۹۰
اعراف ۷	۱۵۷	۱۵۸	
هود ۱۱	۲		
رعد ۱۳	۸		
نحل ۱۶	۶۶	۹۱	
بنی اسرائیل ۱۷	ذ ۵۶		
کهف ۱۸	۱۱۰		
انبیاء ۲۱	۱۰۷		
حج ۲۲	۴۸		
فرقان ۲۵	۵۸		
نمل ۲۷	۹۳	۹۴	۹۵
احزاب ۳۳	۴۰	۴۴	۴۵ ۴۶
سبا ۳۴	ص ۲۷		
فاطر ۳۵	۲۴		
یس ۳۶	من ۱	الی ۵	۶۹ ۷۰
ص ۳۸	من ۶۵	الی ۷۰	
شوری ۴۲	۴		
احقاف ۴۶	۸		
فتح ۴۸	۸	۹	
انشراح ۹۴	من ۱	الی ۸	
	فصل دوم		
	ذکر مخافات از بعثت		
	حضرت صلعم در آیه		
بقره ۲	۱۱۴		
آل عمران ۳	۵۴ ۱۸۰	۵۶ ۱۸۱	۱۷۹
نساء ۴	ذ ۸۰ ۱۶۴	۸۱	۱۶۱
مائده ۵	۲۲		

راوی گفت چگونه با خدا مشورت کند فرمود که اول از حق تعالی طلب خیر خود بکند بعد از آن با مؤمنان مشورت کند تا خدا آنچه خیر او در آنست بر زبان ایشان جاری گرداند و در مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر گاه امری اراده کنی پس با کسی مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی پرسید که چگونه با پروردگار خود مشورت کند فرمود صد مرتبه بگوید استخیر الله پس با مردم مشورت کند تا خدا خیر او را بر زبان هر که خواهد جاری کند مفتاح چهارم در استخاره بقرآن مجید است کلینی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که تفال مکن بقرآن مجید مشایخ ما رحمة الله علیهم حدیث را تاویل میکردند که مراد نهی از فال گشودن از قرآنست که احوال آینده را از آیات مبارکه استنباط کند چنانچه بعضی از جهال این را وسیله روزی خود کرده با این نحو مردم را فریب میدهند و بخاطر قاصر حقیر میرسد که ممکن است که مراد نهی از تفال و تطیری باشد که اکثر خلق از دیدن و شنیدن بعضی امور میکنند و بعضی را بر خود مبارک میدانند و بعضی را شوم میگیرند مانند صدای کلاغ و جغد و دیدن بعضی از حیوانات و عبران در افتتاح سفر و احوال دیگر بعضی از شنیدن بعضی از آیات که بهم فال نیک و فال بد میگیرند شاید یک حکمتش این باشد که باعث کم اعتقادی مردم بقرآن کریم نگردد و اگر موافق نیفتد و استخاره بقرآن مجید بچند طریق معروفست و کد

بعضی از کتب مذکور است آنکه بعد از طلب خیر بجناب مقدس ربانی مصحف را بکشاید و ابتدا اول صفحه دست راست را ملاحظه نماید اگر آیه رحمتی یا امر بخیری باشد خوبست و اگر آیه غضبی یا نهی از شری یا امر بشری یا عقوبتی باشد بد است و اگر ذو وجهین باشد یا متشابه باشد میانه است چنانچه شیخ طوسی در تهذیب و صاحب کتاب الغایات و سید بن طاوس رضی الله عنهم بسند معتبر روایت

کرده که یسع بن عبد الله قمی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من اراده میکنم کاری و طلب خیر از خدای تعالی میکنم و دایم بر یکطرف قرار نمیگیرد حضرت فرمود که نظر کن در هنگامی که بنماز بر میخیزی زیرا که دورترین احوال شیطان از آدمی حالتی است که بنماز میایستد پس ببین که چه چیز در دلت میافتد داخل کن آن را و بکشا مصحف را پس نظر کن بسوی اول چیزی که می بینی در مصحف پس بآن عمل کن انشاء الله تعالی مؤلف گوید که ظاهر آنست که مراد آن باشد که بکشا و مراد از اول چیزی که می بینی اول صفحه باشد زیرا که غالب آنستکه اول نظر بران میافتد و مؤید این معنی است خبر روایت کرده است ابن ادریس ره در کتاب سرائر از شخصی از اصحاب که گفت در خدمت حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه بودم و عادت آنحضرت این بود که چون نماز صبح میکرد تا سخن نمی گفت تا آفتاب طلوع میکرد در روز دیگر دید فرزند آنحضرت متولد شد بعد از نماز صبح آنحضرت را بشارت بولادت دادند پس روی باصحاب خود کرد و گفت چه نام کنم این فرزند را هر یک از حاضران نامی گفتند حضرت مصحف طلبید و در دامن خود گذاشت و گشودند در اول صفحه این آیه بود و فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰاهِدِينَ عَلَى الْقٰاعِدِينَ أَجْراً عَظِيماً پس مصحف را برهم گذاشت و بار دیگر گشود این آیه در اول صفحه بود إِنَّ اللّٰهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوٰالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقٰاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُونَ

وبکشا

سوره	آیات		
انعام ۶	۸ ۱۱	۹ ۲۵	۱۰ ۳۵
	۴۶	۶۶	ذ ۹۰
اعراف ۷	۱۸۳ ۱۸۷	۱۸۴	ص ۱۸۶
توبه ۹	۱۳۰		
یونس ۱۰	۲ ۴۲	۱۶ ۴۳	۱۷ ۵۴ ۱۰۴
هود ۱۱	۱۵ ذ ۳۷	۱۶	ص ۱۷
رعد ۱۳	۲۷ ۴۳	۳۶	۴۰
نحل ۱۶	۸۴	۱۰۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۴۹	۵۰	
انبیاء ۲۱	۳ ۱۶	۴ ۱۷	۵
حج ۲۲	۴۸		
مؤمنون ۲۳	۷۴		
فرقان ۲۵	۸ ۱۱	۹ ذ ۵۹	۱۰
عنکبوت ۲۹	۱۷		
روم ۳۰	۵۱	۵۲	
احزاب ۳۳	۴۷		
سبا ۳۴	۴۶		
فاطر ۳۵	۲۱	۲۳	۲۴
ص ۳۸	ذ ۸۶		
شوری ۴۲	ذ ۱ ۴۷	۵ ۵۲	۲۳ ۵۳
زخرف ۴۳	۸۸	۸۹	
طور ۵۲	۲۹	۳۰	۳۱
نجم ۵۳	من ۱	الی ۴	
حدید ۵۷	۸	۹	
صف ۶۱	۶		
قلم ۶۸	من ۴	الی ۵۰	
فصل سیم			
ذکر تذکر و تنبیه بر وجه عمومیت و در امر			
رعد ۱۳	۱۹		
انبیاء ۲۱	۱۰۹	۱۰۸	۱۱۱
قصص ۲۸	۸۵		
سبا ۳۴	من ۴۲	الی ۴۹	
یس ۳۶	۶ ۹	۷ ۱۰	۸ ۷۶
زخرف ۴۳	۴۲	۴۳	
فتح ۴۸	۱۳		

سوره	آیات		
طلاق ۶۵	۱۱		
فصل چهارم			
ذکر تخاطبات رسول که دال است بر حقیقت صدق و هویت او			
بقره ۲	۱۴۱		
آل عمران ۳	۲۹	ذ ۱۲۶	۱۴۵
نساء ۴	۴۵ ۶۸	۶۲ ۷۱	۶۷ ص ۸۲
	۸۳	۱۱۳	
مائده ۵	۵۴	۵۵	
اعراف ۷	ص ۱۵۵	۱۵۶	۱۸۸
انفال ۸	۲۰	ص ۲۴	
توبه ۹	۵۸ ذ ۶۲	۵۹ ۶۳	۶۱ ۶۴
یونس ۱۰	۱۲۹ ۹۴	۹۵	
حجر ۱۵	۶ ذ ۸۵	۷ ۸۶	۸
بنی اسرائیل ۱۷	۵۰ ۵۱	من ۷۵	الی ۷۹
کهف ۱۸	۵	ص ۲۷	
انبیاء ۲۱	۳۷ ۴۶	من ۴۲ ۴۷	الی ۴۴
حج ۲۲	۴۳		
نور ۲۴	من ۵۰	الی ۵۵	ذ ۶۳
فرقان ۲۵	من ۴۳	الی ۴۶	۷۷
شعراء ۲۶	۲۱۵	۲۱۶	
قصص ۲۸	من ۴۴	الی ۴۷	
عنکبوت ۲۹	۴۷		
سجده ۳۲	۲		
احزاب ۳۳	۶ ۵۷	و ۳۳ ۶۹	۳۶ ذ ۷۱
صافات ۳۷	ذ ۳۴	من ۳۵	الی ۳۸
فصلت ۴۱	۵		
شوری ۴۲	و ۱۴		
احقاف ۴۶	ص ۳		
محمد ۴۷	۳۵		
فتح ۴۸	ص ۱	ذ ۱۷	
طور ۵۲	۳۱	۴۸	
حدید ۵۷	۲۸		
مجادله ۵۸	ص ۶ ذ ۱۴	۹ ۲۱	ص ذ ۱۰
حشر ۵۹	۷		

سوره	آیات		
ممتحنه ۶۰	ص ۱۲		
جمعه ۶۲	۲		
تغابن ۶۴	۱۲		
قلم ۶۸	من ۱	الی ۷	۵۱
جن ۷۲	من ۱۸	الی ۲۵	
غاشیه ۸۸	۲۱	۲۲	
ابی لهب ۱۱۱ من ۱ الی ۵			
فصل پنجم			
ذکر بعض اعمال و اختصاصات آنحضرت و تو دد وایر			
مائده ۵	۱۴		
توبه ۹	ص ۴۰	ذ ۲۶	
انفال ۸	۱	من ۵	الی ۸
	۳۰	ص ۴۳	
حجر ۱۵	من ۸۷		الی ۹۹
بنی اسرائیل ۱۷	۱	من ۹۲	الی ۹۸
حج ۲۲	۵۱	۵۲	۱۵
نور ۲۴	۶۳		
فرقان ۲۵	۵۴		
نمل ۲۷	من ۸۱		الی ۸۳
احزاب ۳۳	ص ۶	من ۲۸	الی ۳۴
	۳۸	۳۹	۵۰
	ص ۵۱	۵۲	۵۳
	ص ۵۳	۵۶	ص ۵۹
	من ۶۰		الی ۶۲
مؤمن ۴۰	۷۷	۷۸	
حجرات ۴۹	من ۱		الی ۵
حشر ۵۹	۶	۷	
تحریم ۶۶	من ۱	الی ۵	
مزمل ۷۳	من ۱	الی ۹	۲۰
فصل ششم			
ذکر معجزات خاتم انبیاء ع			
محمد ۴۷	۱۴		
فصل هفتم			
ذکر قریش چهار آیه			
قریش ۱۰۶	من ۱	الی ۴	

وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰيةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفٰى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ پس حضرت دو بار فرمود والله زید است و او را زید نام کرد مؤلف گوید که چون حضرت سجاد علیه السلام دانست که یکی از فرزندان او که مسمی بزید خواهد بود در جهاد مخالفان شهید خواهد شد و در این دو آیه که در استخاره ظاهر شده اشاره

بشهادت او بود باین سبب دانستند که این همان فرزند است پس او را بزید مسمی گردانیدند و دلالت میکند بر استخاره باین نحو که مذکور شد لکن ایمائی بجواز تفأل بقرآن نیز دارد و طریق دویم استخاره از قرآن مجید آنست که بصفحه اولی عمل نکند و آن چند قسم است اول آنکه فقیر دیده بخط شیخ جلیل شیخ شمس الدین محمد صاحب الکرامات والمقامات جد شیخ الاسلام و المسلمین شیخ بهاء الدین محمد قدس سره در جها که از خط شیخ سعید شهید محمد بن مکی رفع الله درجته نقل کرده که او بسند معتبر از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودیم پس یکی از ایشان بخدمت آن حضرت عرض کرد که گاه هست که اراده کاری و قصد حاجتی میکنیم پس مصحف مجید را بر میداریم و حاجت خود را بخاطر میآوریم و قرآن را میگشائیم و بعد از آن باول سطر آن نظر میکنیم و با آن اسند لال بر نیک و بد حاجت خود میکنیم حضرت فرمود که میدانید چه باید کرد والله که نمیدانید گفتم که فدای تو شوم چگونه باید کرد فرمود

سور	آیات		
	فصل هشتم		
	در ذکر مدینه یک آیه		
احزاب ۳۳	۶۰		
	فصل نهم		
	در ذکر مهاجرین سه آیه		
توبه ۹	۱۰۱	۱۱۸	۱۱۹
	باب سیم		
	در تحقیق حقیقت قرآن و		
	اینکه برای هر نبی کتابی		
	هست هفت فصل		
	فصل اول		
	در تحقیق حقیقت قرآن		
	و تصدیق او کتب سماوی ماقبل را		
	سیصد و پنجاه و هشت آیه		
بقره ۲	من ۱ ۳۲	الی ۴ ۳۶	۲۱ ۳۷
	من ۸۳ ۹۹	الی ۸۵ ۱۰۰	ذ ۹۱ ۱۴۶
	ص ۱۸۱		
آل عمران ۳	۲ ۷۲	۵ ۱۳۲	۲۲ ۱۵۸
نساء ۴	۸۴		
مائده ۵	۷۳		
انعام ۶	۷ ۲۸	ذ ۲۵ ذ ۹۰	۲۷ ۹۱
	۹۲ الی ۱۰۲	من ۱۱۱ من ۱۵۶	۱۱۵ ۱۵۷
اعراف ۷	۲۰۳ ۲۰۴	من ۱	الی ۴
توبه ۹	۱۴۵ ۱۲۸	۱۲۶ ۲۱۵	۱۲۷
یونس ۱۰	۱ ۵۸	من ۳۸ ۵۹	الی ۴۰
هود ۱۱	۱	۱۶	
یوسف ۱۲	۱	۲	ذ ۱۱۱
رعد ۱۳	ذ ۱ ص ۱	ص ۳۷	ذ ۳۸ ۳۹
ابرهیم ۱۴	۱	۲	
حجر ۱۵	۱	۸۷	
نحل ۱۶	من ۱۰۳	الی ۱۰۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۹ ۴۳	۱۰ ۱۷	۴۷
	۴۹ ذ ۱۰۶	۹۰	۹۱
کهف ۱۸	من ۱ ۵۲	الی ۴ ۸۴	۲۶
مریم ۱۹	۶۵	۹۷	

سور	آیات		
طه ۲۰	من ۱	الی ۴	۱۱۲ ۱۱۳
انبیاء ۲۱	من ۶	الی	من ۱۰ الی ۱۵
حج ۲۲	۶ و ۱۱		
نور ۲۴	۱	۳۴	
فرقان ۲۵	من ۳۲ ۵	الی ۳۴ ۵	۷
شعراء ۲۶	من ۱ ۲۱۰	من ۱۹۲ الی ۲۱۲	الی ۱۹۹
نمل ۲۷	۱ ۶	من ۲ ۷۸	۳ الی ۸۱
قصص ۲۸	ذ ۱ ۴۸	من ۴۹	الی ۵۱
لقمان ۳۱	۵	۶	
فاطر ۳۵	ذ ۲۶	۲۷	ذ ۲۸ د ۲۹
صافات ۳۷	من ۱۶۷	الی ۱۷۰	
ص ۳۸	من ۱	الی ۱۲	۸۷ ۸۸
زمر ۳۹	من ۱ ۴۱	الی ۳ ۴۲	۲۴ ۲۹
فصلت ۴۱	من ۱ من ۵۲	الی ۴ الی ۵۴	من ۴۱ الی ۴۳
زخرف ۴۳	۱ ۴۳	۲	۳
دخان ۴۴	۱ ص ۶	۲ ۵۸	۳ ۵۹
جاثیه ۴۵	۱	۱۹	
احقاف ۴۶	من ۱ ۶	الی ۳ ۱۱	من ۲۸ الی ۳۰
نجم ۵۳	من ۲	الی ۱۰	
طور ۵۲	۳۳	۳۴	
قمر ۵۴	۱۷ ۴۰	۲۲	۳۲
واقعه ۵۶	من ۷۴	الی ۸۱	
حشر ۵۹	۲۱		
قلم ۶۸	۳ ۴۴ ۵۲	۴۵	۵۱
جن ۷۲	۱	۲	
مزمل ۷۳	من ۱	الی ۴	۲۰
مدثر ۷۴	من ۱	الی ۲۸	ذ ۵۴ ۵۵
قیامه ۷۵	۱۶ ۱۸	۱۷ ۱۹	ص ۲۰
عبس ۸۰	ذ ۱۱	من ۱۲	الی ۱۵
تکویر ۸۱	من ۱۵	الی ۲۹	
انشقاق ۸۴	۲۱	بروج ۸۵	۲۱ ۲۲
طارق ۸۶	من ۱۱	الی ۱۴	۳
اعلی ۸۷	فصل دویم		
	ذکر ناسخ و منسوخ آیات قرآنی و آن		
بقره ۲	۱۰۰	نحل ۱۶	۱۰۳

سور	آیات		
	فصل سیم		
	در نهی تغییر احکام الله		
احزاب ۳۳	۳۶		
	فصل چهارم		
	در نهی تفسیر برای خود		
آل عمران ۳	۷۲		
انعام ۶	۱۱۵	۱۱۶	
	فصل پنجم		
	در اینکه امثال قرآن برای		
	تنبیه است نقل امثال پنج آیه		
بقره ۲	۲	۲۴	
ابرهیم ۱۴	ذ ۳۰		
فرقان ۲۵	۳۵		
زمر ۳۹	۲۸		
	فصل ششم		
	در اختصاص حکایات اصحاب		
	کهف بقرآن هفده آیه		
کهف ۱۸	من ۱	الی ۵	
	فصل هفتم		
	در اینکه نزول قرآن در شب		
	قدر و فضیلت آن شب پنج آیه است		
قدر ۹۷	من ۱	الی ۵	
	باب چهارم		
	در مواعظ قرآن است و در آن دو فصل		
	فصل اول		
	ذکر امر بموعظه یک آیه		
نحل ۱۶	۱۲۶		
	فصل دویم		
	ذکر لغت و لسان مقدس نبی		
	رسول و قرآن از منزل و ...		
ابرهیم ۱۴	ص ۴		
فصلت ۴۱	ص ۴۴		
	فصل سیم		
	ذکر موعظه در ضمن ذکر		
	رسل و خواتین انبیاء		

که هرگاه یکی از شما را حاجتی باشد و قصد آن داشته باشی نماز جعفر را بجا آورد و دعایش را بخواند و چون فارغ شود مصحف را بردارد و نیت کند فرج آل محمد را که ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام در این نزدیکی خواهد شد و بگوید اللّهم ان کان فی قضائک وقدرک ان

نُفَرِّجَ عَنْ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ فِي عَامِنَا هٰذَا فَاَخْرِجْ لَنَا آيَةً مِنْ كِتَابِكَ نَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَى ذٰلِكَ پس مصحف را بگشاید و هفت ورق بگرداند و از پشت ورق هفتم ده سطر بشمارد و نظر کند بسطر یازدهم که در اینجا امری بر او ظاهر خواهد شد در آن مطلبی که برای آن گشوده پس مصحف را بر هم میگذارد. و بار دیگر برای حاجت خود قصد میکند و مصحف مجید را میگشاید و بهمان نحو که مذکور شد عمل مینماید تا حاجت او ظاهر می‌شود و سید بن طاوس قدس سره نیز همین عمل را مرسل نقل کرده و گفته است که در کتب اصحاب ما دیده ایم و این احتمال استخاره و فال هر دو دارد و دیگر استخاره جلاله مشهور است که قرآن را بگشاید و در صفحه دست راست نظر کند و عدد لفظ الله هر چه باشد بشمارد و بعد از آن از طرف چپ ورق بشمارد و بعد از آن بهمان عدد از صفحه دست چپ سطر بشمارد و آنچه از سطر آخر ظاهر شود عمل کند و اگر در صفحه اول استخاره لفظ جلاله در صفحه اول نباشد بار دیگر نیت کند و بگشاید تا جلاله ظاهر شود و این طریق را اگر چه از سید بن طاوس نقل میکنند اما در کتاب وی نیست و در غیر آن هم از کتب معتبره فقه و دعا بنظر فقیر نرسیده و لیکن بخط یکی از فضلای بحرین دیده در یکی از تالیفات علمای امامیه رضوان الله علیهم که مرسلا از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده بود که آنحضرت فرمود که هرگاه بر احدی از شما کار تنگ شود مصحف را بدست گیرد و عزم کند بر عمل کردن بآنچه ظاهر شود بر او از جانب حق تعالی پس سوره حمد

سور	آیات		
	جزو مطلق و بیست و نه بزرگ و عموم سیصد و		
	ذکر رسل سی و چهار ایه		
بقره ۲	ذ ۸۱		
آل عمران ۳	۱۷۴		
نساء ۴	ذ ۱۷	۱۸	۱۶۳
مائده ۵	۳۶		
انعام ۶	ص ۴۵		
هود ۱۱	۱۲۱		
رعد ۱۳	ذ ۸		
فرقان ۲۵	۵۳		
یس ۳۶	من ۱۲	الی ۲۸	
مؤمن ۴۰	۵۴ من ۸۱	۵۵ الی ۸۵	ذ ۷۸
احقاف ۴۶	من ۳۱	الی ۳۳	
جاثیه ۴۵	من ۹	الی ۱۲	
	فصل چهارم		
	ذکر رسل و پیغمبر بودن و دعوت ایه		
نساء ۴	من ۱۴۹	الی ۱۵۱	
انعام ۶	۱۰	۱۱	۳۴
اعراف ۷	۳۳ ۹۶	من ۹۲ ۹۷	الی ۹۴ ۹۸
یوسف ۱۲	۱۱۰		
رعد ۱۳	۳۲		
ابرهیم ۱۴	۴		
حجر ۱۵	من ۱	الی ۱۵	
نحل ۱۶	۳	ذ ۳۷ ۶۵	۱۱۴
کهف ۱۸	۵۴		
انبیاء ۲۱	۲۵	۴۲	
حج ۲۲	من ۳۴	الی ۴۷	
مؤمنون ۲۳	من ۳۲	الی ۴۴	۵۳
فرقان ۲۵	۳۲		
شعراء ۲۶	۲۰۸	۲۰۹	
فاطر ۳۵	۴ من ۴۰	ذ ۲۲ الی ۴۳	
یس ۳۶	من ۲۹	الی ۳۲	
ص ۳۸	۱۳		
مؤمن ۴۰	۲۲	۲۳	
فصلت ۴۱	من ۱۴	الی ۱۷	

سور	آیات		
زخرف ۴۳	من ۲۳	الی ۲۴	
دخان ۴۴	ذ ۴	۵	۶
احقاف ۴۶	من ۲	الی ۲۷	
ذاریات ۵۱	من ۵۲	الی ۵۵	
حدید ۵۷	ص ۲۵		
طلاق ۶۵	من ۸	الی ۱۰	
	فصل پنجم		
	ذکر انبیاء سی و هفت ایه		
بقره ۲	ص ۲۵۴		
آل عمران ۳	۲۰ ۱۷۷	۷۴ ۱۷۸	الی ۷۶
نساء ۴	۱۶۲		
اعراف ۷	۵		
یونس ۱۰	۱۴	۱۵	۷۵
یوسف ۱۲	۱۱۱		
ابرهیم ۱۴	من ۹	الی ۲۰	
نحل ۱۶	۴۵	۴۶	
بنی اسرائیل ۱۷	ذ ۵۷		
احزاب ۳۳	۷	۸	
ص ۳۸	۱۱	۱۲	
زخرف ۴۳	۵	۶	۷
ق ۵۰	۱۲	۳۵	۳۶
	فصل ششم		
	مواعظ در ضمن ذکر		
	انبیا با کتاب مذکور در		
	تورات این فصل در ذیل		
	باب هود دیگر خواهد شد		
	فصل هفتم		
	موعظه در ضمن ذکر انبیا		
	غیر مذکور در تورات عموما		
ابرهیم ۱۴	من ۹	الی ۱۸	
	فصل هشتم — در مواعظ در ضمن ذکر حضرت شعیب چهل و یک ایه		
اعراف ۷	من ۸۳	الی ۹۱	
هود ۱۱	من ۵۵	الی ۹۷	ص ۹۵
شعراء ۲۶	من ۱۷۶	الی ۱۹۱	
عنکبوت ۲۹	۳۵	۳۶	

سور	آیات		
	فصل نهم		
	ذکر ذی الکفل یک ایه		
قصص ۲۸	۴۸		
	فصل دهم		
	مواعظ در ذکر حضرت ادریس چهار ایه		
مریم ۱۹	۵۷	۵۸	
انبیاء ۲۱	۸۵	۸۶	
	فصل یازدهم		
	ذکر حضرت هود سی و هشت ایه		
اعراف ۷	من ۶۳	الی ۷۰	
هود ۱۱	من ۵۲	الی ۶۳	
شعراء ۲۶	من ۱۲۳	الی ۱۴۰	
	فصل دوازدهم		
	ذکر حضرت صالح پنجاه و هفت ایه		
اعراف ۷	من ۷۱	الی ۷۷	
هود ۱۱	من ۶۴	الی ۷۱	
شعراء ۲۶	من ۱۴۱	الی ۱۵۹	
نمل ۲۷	من ۴۶	الی ۵۳	
قمر ۵۴	من ۲۳	الی ۳۱	
شمس ۹۱	من ۱۱	الی ۱۵	
	فصل سیزدهم		
	مواعظ در ضمن ذکر		
	قوم عاد دوازده ایه		
فرقان ۲۵	۴۰	۴۱	
عنکبوت ۲۹	۳۷		
ذاریات ۵۱	۴۱	۴۲	
قمر ۵۴	من ۱۸	الی ۲۱	
فجر ۸۹	۱	۵	۶
	فصل چهاردهم		
	ذکر طوفان یک ایه		
انعام ۶	۶		
	فصل پانزدهم		
	ذکر فرعون		
	دو ایه است		
مزمل ۷۳	۱۵	۱۶	

و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی و آیه وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ و سوره انا انزلناه و سوره قل یا ایها الکافرون و سوره قل اعوذ برب

الفلق و سورهٔ قل اعوذ برب الناس هر یک از اینها را سه مرتبه بخواند پس متوجه شود بقران مجید و بگوید اللهم انی اتوجه الیک بالقران العظیم من فاتحته الی خاتمته و فیه اسمک الاکبر و کلماتک التامات یا سامع کل صوت و یا جامع کل فوت و یا باری النفوس بعد الموت یا من لا تغشاه الظلمات و لا تشتبه علیه الاصوات اسئلک ان تخیر لی بما اشکل علی به فانک عالم بکل معلوم غیر معلم

سور	ایات		
	فصل شانزدهم		
	ذکر قوم ثمود یازده ایه		
ذاریات ۵۱	من ۴۳	الی ۴۶	
حاقه ۶۹	من ۱	الی ۷	
	فصل هفدهم		
	ذکر لقمان دو ایه		
لقمان ۳۱	۱۱	۱۲	
	فصل هجدهم		
	ذکر اسمعیل پنج ایه		
انعام ۶	۸۵	۸۷	
مریم ۱۹	۵۵	۵۶	
ص ۳۸	۴۸		
	فصل نوزدهم		
	ذکر جفای مشرکین بر انبیا		
	و مؤمنین صد و پنج ایه		
بقره ۲	۱۰۸		
ال عمران ۳	۱۸۳	۱۹۴	
نساء ۴	۷۱	۹۹	۱۰۰
نحل ۱۶	۴۳	۴۴	
حج ۲۲	ذ ۳۹ ۵۷	۴۰ ۵۸	۴۱
عنکبوت ۲۹	۵۶		
بروج ۸۵	من ۱	الی ۱۰	
علق ۹۶	من ۹	الی ۱۹	
	فصل بیستم		
	اشاره بتسبیح و تکذیب		
	و استهزاء یهود بیک ایه		
انعام ۶	۵		
	فصل بیست و یکم		
	ذکر کلام خبیث و طیب		
	چهار ایه		
ابرهیم ۱۴	۲۹	۳۰	۳۱
فصلت ۴۱	۲۰		
	فصل بیست و دوم		
	ذکر کران و گنگان که از		
	گفتن و شنیدن حرف حق		

سور	ایات		
	بی نصیب اند سه ایه		
انفال ۸	۲۲	۲۳	
نحل ۱۶	۷۸		
	باب پنجم		
	ذکر اسرائیلیان و یهود		
	مشتمل بر دو فصل		
	فصل اول		
	ذکر یهود بر وجه عموم یازده ایه		
بقره ۲	۴۴	۱۱۶	
مائده ۵	۱۵		
اعراف ۷	۱۶۰		
یونس ۱۰	۹۳		
جاثیه ۴۵	۱۵	۱۶	
جمعه ۶۲	من ۵	الی ۸	
	فصل دوم		
	ذکر حالات یهود و نود و چهار ایه		
بقره ۲	۳۸ من ۴۰	۳۹ الی ۴۶	۵۹ ۷۰
	۷۱ ۷۳ ۸۱	۷۸ ۸۲	۷۹ ۸۶
	۸۷ ۹۴	من ۸۸ ۹۵	الی ۹۰ من ۹۹
	۱۰۷ ۱۷۰	۱۲۹ ۱۷۱	۱۶۹ ۵۸
ال عمران ۳	۲۲ ۹۴	۲۳ ذ ۱۰۶	۹۳ ۱۰۷
	۱۰۸ ۱۹۹	۱۸۴	۱۹۸
نساء ۴	من ۴۷ من ۵۵	الی ۵۰ الی ۵۸	ذ ۱۵۴
	۱۵۹		
مائده ۵	ذ ۱۶ ص ۴۵	۱۸ ۴۶	۲۱ ۴۷
	۴۸ ۶۹	۵۵ ۷۲	۶۲ ۷۴
	۷۵	من ۸۱	الی ۸۵
اعراف ۷	من ۱۵۹	الی ۱۷۱	
نحل ۱۶	۱۱۹		
بنی اسرائیل ۱۷	من ۲	الی ۸	
مجادله ۵۸	من ۱۵	الی ۲۰	
	باب ششم		
	ذکر نور و مراتب انبیا و جمله		
	مذکوره در نور مشتمل		
	بر نوزده فصل		

سور	ایات		
	فصل اول		
	ذکر نور و انبیاء بر		
	وجه عموم سه ایه		
انبیاء ۲۱	من ۴۹	الی ۵۱	
	فصل دوم		
	ذکر هر و نور سه ایه		
نساء ۴	۱۶۱		
فرقان ۲۵	۳۷	۳۸	
	فصل سیم		
	ذکر هلسیل و تابید شش ایه		
مائده ۵	من ۳۰	الی ۳۵	
	فصل چهارم		
	ذکر حضرت ابرهیم صد		
	و هشتاد و هفت ایه		
بقره ۲	من ۱۱۸	الی ۱۲۸	۲۶۰ ۲۶۲
ال عمران ۳	۳۰	من ۵۸	الی ۶۱
	ذ ۸۹	۹۰	
نساء ۴	۱۲۴		
انعام ۶	من ۷۴	الی ۸۹	۱۶۲
توبه ۹	۱۱۵		
هود ۱۱	من ۷۲	الی ۷۸	
ابرهیم ۱۴	من ۳۸	الی ۴۲	
حجر ۱۵	من ۵۱	الی ۵۶	
نحل ۱۶	من ۱۲۱	الی ۱۲۴	
مریم ۱۹	من ۴۲	الی ۵۱	
انبیاء ۲۱	من ۵۲	الی ۷۳	
حج ۲۲	۲۷		
شعراء ۲۶	من ۶۹	الی ۱۰۲	
عنکبوت ۲۹	۱۵	۱۶	۲۳ ۲۶
صافات ۳۷	من ۸۱	الی ۱۱۳	
ص ۳۸	۴۵	۴۶	۴۷
زخرف ۴۳	من ۲۵	الی ۲۷	
ذاریات ۵۱	من ۲۴	الی ۳۷	
نجم ۵۳	۳۷	۳۸	
ممتحنه ۶۰	۴		

بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسی الکاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و الحسن العسکری و الخلف الحجة من ال محمد علیه و علیهم السلام پس مصحف را بگشاید و جلاله صفحه را بشمارد و بعدد ان اوراق بشمارد پس بعد ازان از صفحه دست چپ بهمان عدد سطر بشمارد پس بسطر اخر نظر کند که بمنزله وحی است در مطلبی که دارد انشاء الله ستم انکه سید رضی الله عنه در فتح الابواب ذکر کرده اگر از شیخ یعقوب عجمی رضوان الله علیه در دو حدیث حضرات کاظمین صلوات الله علیهما شنیده که کفت مصحف را بر میداری و میگوئی اللهم ان فی قضائک و قدرک ان تمن علی امة نبیک بظهور ولیک و ابن بنت نبیک فعجل ذلک و سهله و یسره و کمله و اخرج لی ایة استدل بها علی امر فاتمر او نهی فانتهی فی عافیة و اگر تواند حاجت خود را بگوید پس هفت ورق بگرداند پس از روی دویم ورق هفتم هفت سطر بشمارد و در سطر هفتم تفال کند برای مطلب خود مفتاح پنجم در بیان استخاره بتسبیح است علامه حلی قدس سره در منهاج الصلاح از بزرگوار رضی الدین یوسف رحمه الله روایت کرده است که او از سید جلیل رضی الدین محمد آوی روایت کرده است و او از حضرت صاحب الزمان صلوا

الله علیه روایت کرده که چون در امری کسی خواهد که استخاره کند سورهٔ فاتحه را ده مرتبه میخواند و بسه مرتبه و یکمرتبه نیز اکتفا میشود کرد پس ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه را میخواند پس این دعا را سه مرتبه میخواند اللّهمّ انّی استخیرک لعلمک بعواقب الامور واستشیرک لحسن ظنّی بک فی المامول والمحذور اللّهمّ ان کان الامر الفلانی ممّا قد نیطت بالبرکة اعجازه وبوادیه وحفّت بالکرامة ایّامه ولیالیه فخر لی خیرة ص ۹

سور	ایات		
	فصل پنجم		
	ذکر حضرت ادریس دو آیه		
بقره ۲	۳۲		
آل عمران ۳	۳۰		
	فصل ششم		
	ذکر قارون هشت آیه		
قصص ۲۸	من ۷۶	الی ۸۳	
	فصل هفتم		
	ذکر حضرت داود بیست دو آیه		
بقره ۲	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲
نساء ۴	ذ ۱۶۳		
مائده ۵	۸۲		
انعام ۶	ذ ۸۴		
بنی اسرائیل ۱۷	ذ ۵۷		
انبیاء ۲۱	من ۷۸	الی ۸۰	۱۰۵
ص ۳۸	من ۱۶	الی ۲۵	
	فصل هشتم		
	ذکر الیاس یازده آیه		
انعام ۶	۸۵		
صافات ۳۷	من ۱۲۳	الی ۱۳۲	
	فصل نهم		
	ذکر الیسع دو آیه		
انعام ۶	۸۶	ص ۳۸	۴۸
	فصل دهم		
	ذکر ادریس دو آیه		
مریم ۱۹	۵۷	۵۸	
	فصل یازدهم		
	ذکر عزیر یک آیه		
توبه ۹	ض ۳۰		
	فصل دوازدهم		
	ذکر اسرائیل دو آیه		
مریم ۱۹	ذ ۵۹	۶۰	
	فصل سیزدهم		
	ذکر ایوب هشت آیه		
انعام ۶	ذ ۸۴		

سور	ایات		
انبیاء ۲۱	۸۳	۸۴	
ص ۳۸	من ۴۰	الی ۴۴	
	فصل چهاردهم		
	ذکر یونس پانزده آیه		
انعام ۶	۸۶	۸۷	
یونس ۱۰	ذ ۹۸		
انبیاء ۲۱	۸۷	۸۸	
صافات ۳۷	ذ ۱۳۹	من ۱۴۰	الی ۱۴۸
	فصل پانزدهم		
	ذکر حضرت یوسف صدیق و سیاق		
یوسف ۱۲	من ۳	الی ۱۰۴	
مؤمن ۴۰	۳۴		
	فصل شانزدهم		
	ذکر حضرت لوط هفتاد آیه		
انعام ۶	۸۶		
اعراف ۷	من ۷۸	الی ۸۳	
هود ۱۱	من ۷۹	الی ۸۴	
حجر ۱۵	ذ ۵۷	من ۵۸	الی ۷۷
انبیاء ۲۱	۷۴	۷۵	
حج ۲۲	۴۳		
شعراء ۲۶	من ۱۶۰	الی ۱۷۵	
نمل ۲۷	من ۵۵	الی ۵۹	
عنکبوت ۲۹	۲۵	من ۲۷	الی ۳۴
صافات ۳۷	من ۱۳۳	الی ۱۳۸	
ق ۵۰	۱۳		
قمر ۵۴	من ۳۳	الی ۳۹	
	فصل هفدهم		
	ذکر حضرت موسی علیه السلام		
	چهار صد چهل و سه آیه		
بقره ۲	من ۴۰ الی ۵۱	من ۵۲	الی ۶۴
من ۶۳ الی ۶۶	۵۷ ص ۲۴۷	۵۸ ض ۲۴۹	۸۱ ذ ۲۴۹
نساء ۴	۱۵۲ ۱۶۲	۱۵۳	۱۵۴
مائده ۵	من ۲۳	الی ۲۹	
انعام ۶	۹۱	۱۵۵	
اعراف ۷	۱۶۰	من ۹۸	الی ۱۵۵

سور	ایات			
یونس ۱۰	من ۷۶	الی ۹۲		
هود ۱۱	من ۹۹	الی ۱۰۳		
ابراهیم ۱۴	۵	۶	۷	۸
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۰۳	الی ۱۰۶		
کهف ۱۸	من ۵۹	الی ۸۱		
مریم ۱۹	ض ۵۲	۵۳	۵۴	
طه ۲۰	من ۸	الی ۴۵		
		من ۵۹	الی ۷۵	
	من ۷۹	الی ۱۰۱		
انبیاء ۲۱	۴۹			
حج ۲۲	ذ ۴۳			
مؤمنون ۲۳	ذ ۴۷	من ۴۸	الی ۵۱	
شعراء ۲۶	من ۹	الی ۶۸		
نمل ۲۷	من ۷	الی ۱۴		
قصص ۲۸	من ۳	الی ۴۲		
عنکبوت ۲۹	۳۸	۳۹		
سجده ۳۲	۲۳			
صافات ۳۷	من ۱۱۴	الی ۱۲۲		
مؤمن ۴۰	من ۲۴	الی ۴۹	۵۶	
فصلت ۴۱	۴۵			
زخرف ۴۳	من ۴۵	الی ۵۶		
دخان ۴۴	ذ ۱۶	من ۱۷	الی ۳۲	
نازعات ۷۹	من ۱۵	الی ۲۶		
	فصل هجدهم			
	ذکر حضرت نوح علیه السلام			
	صد و بیست و دو آیه			
آل عمران ۳	۳۰			
نساء ۴	۱۶۱			
انعام ۶	ص ۸۴			
اعراف ۷	من ۵۷	الی ۶۴		
یونس ۱۰	۷۲	۷۳	۷۴	
هود ۱۱	من ۳۷	الی ۵۱		
انبیاء ۲۱	۷۶	۷۷		
مؤمنون ۲۳	من ۲۳	الی ۳۰		
فرقان ۲۵	۳۹			

فی یسر منک و عافیة وان کان شرّا فاصرفه عنّی الی ما هو الخیر بقدرتک و ولیا الیه فخرلی خیرة تردّ شموسه ذلولا وتقعض ایامه سرورا اللّهمّ امّا امر فأتمر واما نهی فانتهی اللّهمّ انّی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة پس قصد می کند که اگر این امر برای من خوب است طاق میاید و اگر بد است جفت میاید یا بر عکس پس قطعهٔ از تسبیح را میگیرد و میشمارد تا معلوم شود که طاق است یا جفت و سید قدس سره در فتح الابواب گفته است که یافتم بخط برادر صالح پسندیده محمد بن محمد حسینی اوی خدا سعادتش را مضاعف گرداند و مشرف گرداند خاتمه او را که روایت رسیده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که خواهد طلب خیر خود از خدا بکند پس سورهٔ حمد و انا انزلناه را هر یک ده مرتبه بخواند پس سه مرتبه این دعا را بخواند و آن دعای سابق را ذکر کرده است پس گفته است که کفی از سنگ ریزه یا تسبیح بگیرد و سید گفته که مراد آن است که قصد کند که اگر طاق باشد بکن و اگر جفت باشد مکن پس باز سید گفته است که بعضی از اصحاب ما حدیث مرسلی نقل کرده است در صفت قرعه به تسبیح که سورهٔ حمد را یکمرتبه و سورهٔ انا انزلناه را یازده مرتبه بخواند پس این دعا که گذشت بخواند و رفیقی بهم رساند و خود کردن را او نکردن را یا بر عکس بخاطر بگذراند پس دو رقعه بنویسد یکی باسم خود و دیگری باسم رفیقش و در جائی بگذارد و دست کند و در آورد اسم هر یک بدر آمد که بخاطر گرفته

او را عمل کند مؤلف گوید که عبارت سید اجمالی دارد و فقیر از عبارت او چنین می فهمم والله یعلم و بدانکه ظاهر در روایات نیست که از
سنگ ریزه چند یا دانهٔ تسبیح چند دست کند و مشتی بردارد و بشمارد نه بروشی که متعارف است و بعضی از مشایخ ما رضوان الله
علیهم تسبیح منظوم را در میان کف میگرفتند و دانها که در میان کف واقع میشد میشمردند که طاق است یا جفت و این نوع هم با

روایت فی الجمله انطباق دارد اما آنچه ما معتمد بدست از اکثر مشایخ دیده و شنیده ایم همان روش متعارف است که با انگشت میان تسبیح را بگیرند و اگر حمد و انا انزلناه و ان دعا را بعد از آن عدد ها که در روایات مذکور شد بخوانند نیت کنند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند و اگر یک بماند عمل نماید و اگر دو بماند ترک کند ظاهراً این بنا باشد و والد مرحوم فقیر از شیخ عظیم الشان شیخ بهاء الدین محمد علیهما الرحمة والرضوان نقل میفرمود که ما دست بدست از مشایخ خود شنیده ایم که از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه روایت میکردند در طریق استخارهٔ تسبیح که سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند اگر طاق بماند خوبست و اگر جفت بماند بد است و والد مبرور و جد رحمه الله با این روش اکثر اوقات در اموریکه در آن استعجالی بود استخاره میکردند و طریق دیگر در میان عوام شهرت دارد که سه تا سه تا بشمارند اگر یک بماند خوبست و اگر دو بماند وسط است و اگر سه بماند بد است و این طریق در خاطر بنظر نرسیده است

سور	آیات		
شعراء ۲۶	من ۱۰۵	الی ۱۲۲	
عنکبوت ۲۹	۱۳	۱۴	
صافات ۳۷	من ۹۶	الی ۸۱	
مؤمن ۴۰	ذ ۵	۶	
قمر ۵۴	من ۹	الی ۱۶	
نوح ۷۱	من ۱	الی ۲۹	
	فصل نوزدهم		
	ذکر حضرت سلیمان پنجاه		
	وشش آیه		
بقره ۲	۹۶		
انعام ۶	و ۸۴		
انبیاء ۲۱	۸۱	۸۲	
نمل ۲۷	من ۱۵	الی ۴۵	
سبا ۳۴	من ۱۲	الی ۲۰	
ص ۳۸	من ۲۹	الی ۳۹	
	باب هفتم		
	ذکر عیسی با مریم و یحیی		
	و عیسی و اقاربیم ثلاثه		
	مشتمل بر شش فصل		
	فصل اول		
	ذکر نصاری بر جم و عموم		
	سی و یک آیه		
بقره ۲	۵۹	۱۰۷	۱۲۹
ال عمران ۳	۵۷ ۹۸	۱۰۷ ۱۹۹	۱۱۰ ۱۰۹
مائده ۵	و ۷ ۵۰	۱۷ ۵۱	۲۱ ۵۶
	۶۲ ۷۲	۶۴ من ۱۵۵	۷۰ الی ۸۸
توبه ۹	۳۰ ۳۳	۳۱	۳۲
روم ۳۰	من ۱	الی ۳	ص ۹
حدید ۵۷	۲۷		
	فصل دویم		
	ذکر حضرت یحیی بیت یک		
ال عمران ۳	ذ ۳۳	من ۳۴	الی ۴۱
مریم ۱۹	من ۱	الی ۱۵	
انبیاء ۲۱	۸۹	۹۰	

سور	آیات		
	فصل سیم		
	ذکر حضرت مریم سی و دو آیه		
ال عمران ۳	من ۳۰	الی ۳۲	
	من ۳۷	الی ۴۲	
نساء ۴	۱۵۵		
مریم ۱۹	۱۵	۱۷	ص ۱۸
	من ۱۹	الی ۳۵	
انبیاء ۲۱	۹۱		
تحریم ۶۶	۱۲		
	فصل چهارم		
	ذکر حضرت عیسی هفتاد		
	و چهار آیه		
بقره ۲	و ۸۱	و ۲۵۴	
ال عمران ۳	من ۴۰	الی ۵۳	
نساء ۴	من ۱۵۵	الی ۱۵۷	۱۶۹ ۱۷۰
مائده ۵	۱۹ ص ۷۹	۵۰ من ۱۰۸	۷۵ الی ۱۳۰
توبه ۹	۳۰	۳۱	۱۱۲
مریم ۱۹	من ۱۶	الی ۳۵	
مؤمنون ۲۳	۵۲		
زخرف ۴۳		من ۵۷	الی ۶۵
حدید ۵۷	۲۶	۲۷	
صف ۶۱	۶	ص ۱۴	
	فصل پنجم		
	اشاره با نجیل یک آیه		
فاطر ۳۵	۲۳		
	فصل ششم		
	ردّ تثلیث سه آیه		
نساء ۴	۱۶۹		
مائده ۵	ص ۷۷		
انعام ۶	۱۵۲		
	باب هشتم		
	ذکر علم ماوراء الطبیعة		
	یعنی مجردات معقولات		
	و علم ملکوت معانی		
	متعلقه با مشتمل بر یازده فصل		

سور	آیات		
	فصل اول		
	در ذکر روح مجرد و نفس		
	ناطقه بیست و هفت آیه		
ال عمران ۳	ص ۱۳۹	ص ۱۸۲	
انعام ۶	و ۹۶		
اعراف ۷	و ۲۸		
بنی اسرائیل ۱۷	۸۷		
انبیاء ۲۱	۳۶		
عنکبوت ۲۹	۵۷		
لقمان ۳۱	ذ ۳۴		
سجده ۳۲	و ۸		
حاقه ۶۹	۸	ص ۲۶	۲۷
انفطار ۸۲	من ۱	الی ۵	
شمس ۹۱	من ۱	الی ۱۰	
	فصل دویم		
	ذکر اعطای مدارک		
	و مشاعر بنفوس یک آیه		
نحل ۱۶	۸۰		
	فصل سیم		
	ذکر فطری بودن روح		
	الهام حق در حیوانات دو آیه		
نحل ۱۶	۷۰	ص ۷۱	
	فصل چهارم		
	در ترک شهوات و خلاف		
	نفس سه آیه		
نساء ۴	ص ۱۳۴		
روم ۳۰	و ۲۸		
ص ۳۸	۲۵		
	فصل پنجم		
	در اینکه متابعت هوی موت است		
	ضلالت است یک آیه		
قصص ۲۸	و ۵۰		
	فصل ششم		
	ذکر هواجس نفسانیه ۲ آیه		
انعام ۶	و ۱۵۲		

مفتاح ششم استخاره برقاع است سید ابن طاوس و اکثر متاخرین علما رحمهم الله این نوع را بهترین استخارات میدانند و در کتاب
احتجاج منقولست که حمیری عریضه نوشت بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام و پرسید که اگر در امری مردد شود میان کردن و

نکردن دو انکشتری بکیرد و بر یکی بنویسد بکن و بر دیکری مکن پس هر دو را پنهان کند و چند مرتبه طلب خیر خود از حقتعالی بکند پس یکی را بیرون اورد و بان عمل کند ایا حکم استخاره دارد حضرت در جواب نوشتند که انچه علما اهل بیت علیهم السلام در باب استخاره مقرر فرموده نماز کردن و رقعها نوشتن است یعنی چنان باید کرد مؤلف کوید که این نوع استخاره بچند طریق وارد شده است اول انستکه کلینی و شیخ طوسی و سید و دیکران رضوان الله علیهم بسندهای معتبر از هرون بن خارجه روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود که هرکاه امری را اراده کنی شش رقعه کاغذ بکیر و در میان ان بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعل پس ان رقعها را در زیر مصلای خود بکذار و دو رکعت نماز بکن و چون فارغ شوی برو بسجده و صد مرتبه بکو استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة پس درست بنشین و بکو اللهم خر لی واختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک وعافیة پس دست بزن و رقعها را مشوش کن یعنی بیکدیکر مخلوط کردان و یک یک از ان رقعها را بیرون اور و ملاحظه کن اکر سه افعل پیاپی درآید بکن انکار را که اراده کرده و اکر سه لا تفعل پیاپی بیرون اید مکن انکار را و اکر بعضی افعل و بعضی لا تفعل بر اید تا پنج رقعه بیرون اور و اکر افعل بیشتر است عمل کن و اکر لا تفعل بیشتر است ترک کن و احتیاج نیست بیرون اوردن رقعه ششم مؤلف کوید که بجای فلان بن فلانه در هر دو جا اسم خود و مادر خود را بنویسد و بدانکه غسل در این روایت وارد نشده است و بعضی از علما در این استخاره ذکر کرده اند باعتبار اینکه در استخاره مطلقه در محل خود ذکر کردیم واقع شده است و شاید بد نباشد و روز غسل در نمازهای حاجت نیز شاید مؤید تواند شد

سور	ایات		
اعراف ۷	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱
ق ۵۰	۱۵		

فصل هفتم

در اختیار خود سری

نفس پنجاه ایه

سور	ایات		
بقره ۲	۸۴		
نساء ۴	۱۱۱		
مائده ۵	۱۰۴		
انعام ۶	ذ ۶۹		
یونس ۱۰	۴۵	۱۰۸	۱۰۹
هود ۱۱	۲۳	۱۰۳	
رعد ۱۳	۱۲		
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۶	الی ۱۸	۸۶
کهف ۱۸	ص ۵۷	۷ ۵۸	۲۸
مؤمنون ۲۳	ص ۶		
عنکبوت ۲۹	۲		
فاطر ۳۵	۱۹		
مؤمن ۴۰	ص ذ ۹		
فصلت ۴۱	۴۶		
شوری ۴۲	۱۹		
جاثیه ۴۵	۲۰	۲۱	
احقاف ۴۶	۱۸		
نجم ۵۳	۳۲	من ۳۹	الی ۴۲
طلاق ۶۵	۷		
ملک ۶۷	۱	۲	
مدثر ۷۴	ص ۴	ذ ۵۴	
دهر ۷۶	ذ ۲۹ ص ۵۵	۳۰	۳۱
تکویر ۸۱	ذ ۲۹	بلد ۹۰	۱۰
شمس ۹۱	من ۷	الی ۱۰	
لیل ۹۲	۱۲	۱۳	

فصل هشتم

در مسئولیت نفس [illegible]

سور	ایات		
مائده ۵	۱۰۴		
انعام ۶	و ۱۰۴	و ۱۶۴	
بنی اسرائیل ۱۷	۱۵	۷۶	۷۷

سور	ایات		
عنکبوت ۲۹	۵		
سباء ۳۴	۲۴	ذ ۴۱	
زمر ۳۹	و ۹		
قمر ۵۴	من ۱۷	الی ۵۳	

فصل نهم

در رضا به قضا و تدبیر [illegible]

سور	ایات		
ال عمران ۳	ص ۱۳۹	و ۱۴۸	
انعام ۶	۲	ص ۳۵	
اعراف ۷	۳۲		
یونس ۱۰	۵۰		
هود ۱۱	۸		
حجر ۱۵	۴	۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۶		
مؤمنون ۲۳	۴۵		
نمل ۲۷	۷۶	۷۷	
سبا ۳۴	ذ ۳		
فاطر ۳۵	۱۲		
قمر ۵۴	۵۱	۵۲	۵۳
حدید ۵۷	۲۲		
طلاق ۶۵	ذ ۳		
نوح ۷۱	و ۴		
جن ۷۲	۲۶	۲۷	۲۸

فصل دهم

در اینکه هدایت و خیر بعنایت الهی است و ضلالت و شر از سلب توفیق

نود و پنج ایه

سور	ایات		
بقره ۲	من ۴	الی ۶	
	ذ ۹۹ ص ۲۵۴	ذ ۲۰۹ ذ ۲۵۶	ذ ۲۶۴ ص ۲۷
	و ۲۷۴		
ال عمران ۳	ذ ۶	۶۷	۱۲۴
نساء ۴	ذ ۸۵	۱۷۳	
انعام ۶	۲۵ و ۸۸	۳۹ ۱۱۱	ذ ۸۳ ۱۱۲
	۱۲۵	۱۵۰	۱۵۶
اعراف ۷	ذ ۲۸	۱۷۷	۱۸۵

سور	ایات		
توبه ۹	ذ ۲۸		
یونس ۱۰	۱۰۰ ۹۶	۳۶ ۹۷	۵۰ ۱۰۱
	ذ ۱۰۷		
هود ۱۱	۱۲	۱۲۰	
یوسف ۱۲	ذ ۱۱۰	ابرهیم ۱۴	۴
رعد ۱۳	۳	ص ۲۶	ذ ۳۳
نحل ۱۶	ذ ۹	۹۵	۱۱۰
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۹	الی ۲۱	۳۲
	۴۷ ۸۹	۴۸	۸۸
کهف ۱۸	۵۵	۵۶	
مریم ۱۹	۷۸		
انبیاء ۲۱	۹		
حج ۲۲	ذ ۱۶	۱۹	
نور ۲۴	ص و ۲۱	ذ ۳۸	۴۵
قصص ۲۸	ص ۵۶		
عنکبوت ۲۹	ص ۶		
روم ۳۰	۳۵	۳۶	
سجده ۳۲	۱۳		
سبا ۳۴	۳۸	فاطر ۳۵	ذ ۹
یس ۳۶	۴۳	۴۴	
زمر ۳۹	ذ ۲۴	۵۳	
شوری ۴۲	۱۰	ذ ۱۳	۴۶
تغابن ۶۴	ص ۱۱		
جاثیه ۴۵	ذ ۲۲		
محمد ۴۷	۱۹		
حجرات ۴۹	۷	۸	
حدید ۵۷	۲۱	۲۸	۲۹
حشر ۵۹	۱۹	۲۰	
جمعه ۶۲	ص ۴	مدثر ۷۴	۳۴
دهر ۷۶	من ۲۷	الی ۳۱	

فصل یازدهم

ذکر نوم که نوعی از موت است یک ایه

سور	ایات		
زمر ۳۹	۴۳		

واگر قصد زیارت ائمه علیهم السلام نزد آن غسل کند شاید احوط باشد وایضا تعیین سوره در این نماز وارد نشده اما بعضی
سوره حشر و سوره الرحمن را ذکر کرده اند باعتبار اینکه در نوع دیگر استخاره وارد شده است شاید بد نباشد و اگر بهر رکعت
سه مرتبه قل هو الله بخواند چنانچه بعد از این مذکور میشود ایضا بد نیست وظاهرا هر سوره که بخواند خوبست وآنچه در روایت
واقع شده است اگر در هر دو را افعل ولا تفعل باید تنج تا بیرون آورند اشکالی دارد زیرا که در بعضی از صور احتیاج نمی شود به بیرون آوردن پنجم مثل آنکه اول یک لا تفعل در آید و بعد از آن سه افعل یا بعکس یا آنکه دو افعل بر آید و یک لا تفعل و یک افعل یا بر عکس و دور نیست که مراد آن باشد که احتیاج به بیرون آوردن ششم هرگز نمیشود و احتیاج به پنجم نیز در بعضی از شقوق نشود در احتمال دارد که در همه صور پنجم را باید که او در تعبد گویا [illegible] اش بر ما معلوم نشده اما بعید است و ایضا باید دانست که اگر مختلف بیرون آید و یکی بیشتر باشد نحوست تفاوتی در خوبی و بدی در میان صور آن ظاهر نمیشود و بعضی از علما باعتبار رعایت زود بیرون آمدن هر یک با توالی آنها تفاوت در مراتب خوبی و بدی قرار داده اند مثل آنکه اگر سه افعل در چهار دفعه بیرون آید بهتر است از آنکه در پنج دفعه بیرون آید و همچنین لا تفعل در بدی و اگر دو افعل باید سابق و یک لا تفعل و یک افعل بهر جهت از آنکه اول لا تفعل بیرون آید و بعد از آن سه افعل و بر این

سور	آیات		
	باب نهم		
	در دین و دیانت است		
	مشتمل بر سی و دو فصل		
	فصل اول		
	در صحت دین حق و ابطال مذاهب		
	کفار و نسخ ادیان اهل کتاب		
	بعد از بعثت رسول در شش آیه		
انعام ۶	من ۱۹		
شوری ۴۲	۵	۷	۲۰
بینة ۹۸	۳	۴	
	فصل دویم		
بقره ۲	۱۷۲	ذ ۱۸۵	
مائده ۵	۸۹		
اعراف ۷	۲۵		
توبه ۹	د ۱۷	من ۱۰۸	الی ۱۱۰
فرقان ۲۵	من ۷۲	الی ۷۵	
قصص ۲۸	۵۵	۸۳	
روم ۳۰	من ۲۹		
احزاب ۳۳	۳۵		
زمر ۳۹	۳۴	۳۵	
معارج ۷۰	ذ ۱۵	من ۱۶	الی ۳۵
بینة ۹۸	۴		
	فصل سیم		
	ذکر کتب مقدسه هشت آیه		
بقره ۲	ص ۷۳	۱۰۷ ۱۵۴	۱۱۵
آل عمران ۳	۱۰۹	۱۱۰	
رعد ۱۳	ذ ۳۸		
عنکبوت ۲۹	۴۵		
	فصل چهارم		
	در منحصر دانستن یهود		
	دین را باینکه موسی آورد		
	و رد این عقیده یک آیه		
آل عمران ۳	ص ۶		
	فصل پنجم		
	در اینکه شریعت دین الهی است		

در فضل ورع و تقوی و صفات متقین و صفات نیک متقین

سور	آیات		
	واهمیت آن نود و هشت آیه		
بقره ۲	من ۱	الی ۱۹	ذ ۷۶
	۱۰۲	۱۳۰	۱۴۹
آل عمران ۳	۱۹۰		
نساء ۴	۶۰	۱۳۵	۱۷۲ ذ ۱۷۴
مائده ۵	ذ ۷		
انعام ۶	۱۵۹	۱۶۰	
یونس ۱۰	من ۶۲	الی ۶۴	۱۰۴ ۱۰۵
هود ۱۱	۲۵	۲۶	
رعد ۱۳	۲۸		
ابراهیم ۱۴	۲۱	۲۸	
نحل ۱۶	۹۹		
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۰۳	الی ۱۰۸	
کهف ۱۸	من ۳۱	الی ۴۲	
مریم ۱۹	ذ ۱	۹۶	
طه ۲۰	۱۱۱		
انبیاء ۲۱	۹۴		
روم ۳۰	۱۴	من ۴۲	الی ۴۴
سجده ۳۲	۱۵	۱۶	۱۹
احزاب ۳۳	۷۲		
سبا ۳۴	ذ ۳۶		
فاطر ۳۵	۸		
زمر ۳۹	۱۳	۱۹	
غافر ۴۰	۸۴	۸۵	
فصلت ۴۱	۷		
محمد ۴۷	۱	۲	۳
حجرات ۴۹	من ۱۵	الی ۱۸	
جمعه ۶۲	من ۱	الی ۴	
تغابن ۶۴	۸		
بینة ۹۸	من ۱	الی ۶	
	فصل ششم		
	در اینکه یهود و نصاری خود را		
	ابناء الله میخوانند یک آیه		
مائده ۵	۲۱		

سور	آیات		
	فصل هفتم		
	در انکار اهل کتاب نبوت		
	قرآن او و توبیخ آنها چهار آیه		
آل عمران ۳	من ۲۳	الی ۵۵	
	فصل هشتم		
	در اسلام که حقیقت تمام		
	ادیان حقه است و سی و سه آیه		
بقره ۲	۱۰۵ ۱۲۲	۱۰۶ ۱۲۹	۱۲۱ ۱۳۰
	۱۳۴	۱۳۵	۲۰۸ ۲۲۱
آل عمران ۳	ص ۱۹ ۷۸	۶۰ ۷۹	۶۱ ۱۱۴
نساء ۴	۱۲۴		
مائده ۵	۵		
هود ۱۱	۱۱۸	۱۱۹	
انبیاء ۲۱	۹۲	۹۳	
حج ۲۲	۷۷		
مؤمنون ۲۳	۵۴		
روم ۳۰	۲۹		
زمر ۳۹	۲۳		
فصلت ۴۱	۲۳		
شوری ۴۲	۱۱		
صف ۶۱	۹		
بینة ۹۸	۴		
نصر ۱۱۰	۱	۲	۳
	فصل نهم		
	در حصول عقیده مسلمانان چهار آیه		
قصص ۲۸	۵۲	۵۳	
فصلت ۴۱	۳۳		
فتح ۴۸	۲۹		
	فصل دهم		
	در صفات مؤمنین		
	و مؤمنات سی و دو آیه		
بقره ۲	۲۵۸	۲۵۹	
آل عمران ۳	۱۷۳		
انعام ۶	۱۲۲		
توبه ۹	۷۲	۱۲۰	

قیاس سایر شقوق نیکی و بدی معلوم میشود دوم آنست که سید رضی الله عنه از طریق عامه از ابن مسعود روایت کرده است که
او در استخاره این دعا میخواند اللهم انک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب اللهم ان علمت بما یکون کعلمک

بما کان اللهم انی عزمت علی کذا و کذا فان کان لی فیه خیر للدین و الدنیا و العاجل و الآجل فیسره و سهله لی و وفقنی و ان کان
غیر ذلک فامنعنی عنه کیف شئت پس بسجده رفت و صد و یک مرتبه بگوید اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة پس در سه رقعه
منویسد خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان افعل علی اسم الله و عونه و در سه رقعه دیگر منویسد خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن
فلان لا تفعل و الخیرة
فیما یقضی الله و دید
زیر سجاده میکذاشت
و چون از نماز و دعا
فارغ میشد یکی
انها را بیرون میاورد
و هر یک که بیرون
میامد بان عمل میکرد
مؤلف کوید که بجای
علی کذا و کذا حاجت
خود را بعربی بکوید
و اکر نتواند بکوید
علی الامر الذی عزمت
و بجای فلان بن فلان
اسم خود و پدر خود را
بنویسد در هر دو رقعها
و این روایت اکرچه
از طریق اهل سنت
است اما مؤید روایت
اوست و عمل بروایت
اول اکر از طریق شیعه
اولی است و اکر هر دو
را نیز بخواند بد نیست
ختم استخاره رسید
رحمه الله از طریق مخالفین
نقل کرده است از جابر
ابن عبد الله انصاری
که از اکابر صحابه است
کفت که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله
ما را تعلیم میکرد استخاره
در امور را چنانچه تعلیم
مینمود بما سورهای
قران را میفرمود که
هرکاه احدی از شما
اراده کاری بکند دو
رکعت نماز بکند غیر
نمازهای واجب پس
بکوید اللهم انی استخیرک
بعلمک و استقدرک
بقدرتک و اسئلک
من فضلک العظیم فانک
تقدر و لا اقدر و تعلم
و لا اعلم و انت علام
الغیوب اللهم ان کنت
تعلم ان هذا الامر خیر

سور	آیات		
هود ۱۱	۲۰	۱۱۴	۱۱۵
نحل ۱۶	۹۳	۹۷	۹۸
فرقان ۲۵	من ۶۳	الی ۶۸	
قصص ۲۸	۶۱		
عنکبوت ۲۹	من ۱	الی ۴	
سجده ۳۲	۱۸		
احزاب ۳۳	۵۸		
زمر ۳۹	۱۴	۱۵	۱۶
حدید ۵۷	۱۳	۱۵	۱۸
اعلی ۸۷	۱۴	۱۵	
فصل یازدهم			
در صفت مؤمن خالص یک آیه			
بقره ۲	ذ ۲۸۵		
فصل دوازدهم			
ذکر منافقین دو آیه			
بقره ۲	۷	۱۲	
فصل سیزدهم			
ذکر کفار و انذار انها			
صد و هفتاد و پنج آیه			
بقره ۲	۱۰۸ ۱۶۵	۱۵۶ ۱۶۶	۱۵۷ ۲۰۶
آل عمران ۳	۸ ۱۰۳	۹ من ۱۱۳	۱۰۲ الی ۱۱۶
	۱۴۳		
نساء ۴	من ۲۲ من ۶۵	۴۳ الی ۶۸	۵۹
مائده ۵	۱۳ ۵۱	۴۰ ذ ۵۴	۴۱ ۱۶۶
	۶۷ ۱۰۳	۶۸	۷۷
انعام ۶	۱ من ۲۹	۴ الی ۳۱	۵ ۳۳
	۳۷ ۴۹	من ۳۹ ۵۷	الی ۴۷ ۵۸
	من ۱۰۹	الی ۱۱۱	
اعراف ۷	۳۸		
انفال ۸	من ۳۰ ۴۰	الی ۳۷ من ۵۲	۳۹ الی ۵۹
هود ۱۱	۱۱۱		
رعد ۱۳	۳۱		
حجر ۱۵	۲	۳	۸۸
نحل ۱۶	۳۵	۳۶	
کهف ۱۸	۵۰	۵۱	

سور	آیات		
مریم ۱۹	۳۸	۳۹	
طه ۲۰	۱۲۸ ۱۳۵	۱۲۹	۱۳۴
حج ۲۲	۷۱		
مؤمنون ۲۳	ذ ۵۵ من ۹۵	من ۶۴ الی ۹۸	الی ۷۹
نور ۲۴	۵۶		
فرقان ۲۵	۴۴	۵۷	
عنکبوت ۲۹	۴۰ من ۵۲	۴۱ الی ۵۵	۴۲
ص ۳۸	۱		
جاثیه ۴۵	من ۲	الی ۱۰	
محمد ۴۷	۴ ۳۱	۱۳ ۳۲	۲۰ ۳۴
فتح ۴۸	۱۳	۱۴	
طور ۵۲	من ۳۵	الی ۴۵	۴۷
نجم ۵۳	ذ ۳۹		
تحریم ۶۶	۹		
معارج ۷۰	من ۳۶	الی ۴۴	
مزمل ۷۳	۱۰ ۱۳	۱۱	۱۲
بروج ۸۵	من ۱۷	الی ۲۰	
کافرون ۱۰۹	من ۱	الی ۶	
فصل چهاردهم			
در جاحدین از کفار و عقاب			
انها هفتاد آیه			
آل عمران ۳	۱۰	۱۷۰	
انعام ۶	ذ ۱۲۵		
انفال	۵۷		
یونس ۱۰	۷	۸	
هود ۱۱	۲۱	۲۲	۲۴
نحل ۱۶	۱۰۶	۱۰۷	
کهف ۱۸	۵۳		
مریم ۱۹	من ۷۴	الی ۷۷ من ۸۰	الی ۸۳
نور ۲۴	۳۹	۴۰	
شعراء ۲۶	من ۲ ۱۰۳	الی ۷ من ۲۰۰	الی ۲۰۷
نمل ۲۷	۴	۵	
عنکبوت ۲۹	۱۱	۱۳	۲۳
لقمان ۳۱	۲۲		
سبا ۳۴	ذ ۳۷		

سور	آیات		
فاطر ۳۵	۷	۳۷	
یس ۳۶	۴۵	۴۶	
ص ۳۸		۲۶	۲۷
فصلت ۴۱	۴۱		
محمد ۴۷	من ۹	الی ۱۲	
حدید ۵۷	۸	۹	
تغابن ۶۴	۵	۶	۱۰
ملک ۶۷	۶	۷	
غاشیه ۸۸	من ۱۷	الی ۲۰	ذ ۲۳
	من ۲۳	الی ۲۶	
فصل پانزدهم			
در تشویق در آن عقید			
شصت و شش آیه			
بقره ۲	۲۱۴		
نساء ۴	من ۵۳	الی ۵۵	۱۱۲
مائده ۵	۶۵		
انعام ۶	۷۰	من ۱۳۷	الی ۱۴۰
اعراف ۷	۳۵ من ۱۹۱	۱۸۹ الی ۱۹۷	۱۹۰
توبه ۹	من ۱ ۱۱۵	الی ۵	۱۱۴
یونس ۱۰	۱۸		
یوسف ۱۲	من ۱۰۶	الی ۱۰۸	
ابرهیم ۱۴	من ۳۳	الی ۳۵	
نحل ۱۶	۵۸ من ۸۸	۷۷ الی ۹۰	۷۸
بنی اسرائیل ۱۷	۵۸	۵۹	
کهف ۱۸	۱۰۲		
مریم ۱۹	۸۴	۸۵	
حج ۲۲	۱۲	۱۳	۷۲
فرقان ۲۵	۳	۴	
عنکبوت ۲۹	۶۸	۲۴	
سبا ۳۴	۲۱		
فاطر ۳۵	ذ ۱۴	۱۵	۳۸
یس ۳۶	۷۴	۷۵	
نجم ۵۳	من ۱۹	الی ۲۵	

لی فی دنیای و معاشی و عاقبة امری فی عاجل امری و آجله فاقدره لی و یسره لی ثم بارک لی فیه و ان کنت تعلم ان هذا الامر شر لی فی
دینی فی عاجل امری و آجله و معاشی و عاقبة امری فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و اقدر لی الخیر حیث کان ثم رضنی به پس سجده کند و است

سور	آیات		
	فصل شانزدهم		
	در باب معترضین بر قسمت از دو عائد		
	حال اینها که دشمنان اند		
بقره ۲	۲۶۸		
مؤمنون ۲۳	۱۰۱	۱۰۲	
مؤمن ۴۰	۵۰	۵۱	
فصلت ۴۱	۴۰		
صف ۶۱	۷	۸	۹
	فصل هفدهم		
	در ذم مرتدین و عصاة		
مائده ۵	ذ ۴		
	فصل هجدهم		
	در دار اند دو حکر و		
	جزا آن از سی آیه		
بقره ۲	ذ ۲۱۴		
آل عمران ۳	۷۱ ۱۰۲	من ۸۰ ۱۷۱	الی ۸۵
نساء ۴	۹۱ ۱۳۶	۹۲	۱۱۵
مائده ۵	ذ ۴	من ۷	الی ۵۹
انفال ۸	۱۳	۱۴	
نحل ۱۶	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۳
محمد ۴۷	من ۲۷ ۳۴	الی ۳۰	۳۳
ممتحنه ۶۰	۱۱		
	فصل نوزدهم		
	در احوال فقیر و مساکین		
بقره ۲	۷ ۱۴	۸ ۲۰۰	۱۳ ۲۰۱ (۲۰۲)
نساء ۴	من ۳۶	الی ۴۶	من ۱۳۷ الی ۱۴۲
	۱۴۴	۱۴۵	۹۰
انفال ۸	۵۱		
توبه ۹	من ۵۶	الی ۵۹	من ۷۴ الی ۷۹
نور ۲۴	من ۴۶	الی ۴۹	
عنکبوت ۲۹	۹	۱۰	
احزاب ۳۳	۲۴	۴۷	۷۳
فتح ۴۸	۶		
حدید ۵۷	۱۳		
حشر ۵۹	۱۱		

سور	آیات		
منافقون ۶۳	من ۱	الی ۸	
تحریم ۶۶	۹		
	فصل بیستم		
	در ذم اهل ظن و تکذیب		
	انها	سه	آیه
انعام ۶	۱۱۶		
یونس ۱۰	۳۷		
نجم ۵۳	۲۹		
	فصل بیست و یکم		
	ذکر شهدا یک آیه		
نساء ۴	۷۱		
	فصل بیست و دوم		
	در خواستن معجزه از خدا		
	و رسول و تعلل ایشان		
	بیست و هفت آیه		
بقره ۲	۲۴۴		
انعام ۶	من ۳۵ ۱۲۴	الی ۳۷	۱۰۹
یونس ۱۰	۲۱		
یوسف ۱۲	۱۰۵		
رعد ۱۳	۸ ۳۸	۲۷	۳۰
بنی اسرائیل ۱۷	۱	۴۱	۹۲
طه ۲۰	۱۳۳		
انبیاء ۲۱	۱۶		
عنکبوت ۲۹	من ۴۹	الی ۵۱	
سجده ۳۲	۱۵		
احزاب ۳۳	۹		
مؤمن ۴۰	ص ۳۷		
شوری ۴۲	۳۳		
دخان ۴۴	۱۷	۳۸	۳۹
	فصل بیست و سیم		
	در ذکر موت هفت آیه		
آل عمران ۳	۱۳۷		
نساء ۴	ص ۸۰		
انبیاء ۲۱	۳۵	۳۶	
جمعه ۶۲	۸		

سور	آیات		
ملک ۶۷	۲		
حاقه ۶۹	۸		
	فصل بیست و چهارم		
	در اثبات عذاب و تشدید آن هفت آیه		
شعراء ۲۶	۲۱۴		
عنکبوت ۲۹	ص ۹۶		
ق ۵۰	۴۴	۴۵	
نصر ۱۱۰	۱	۲	۳
	فصل بیست و پنجم		
	امر خدا برسول در همه		
	بدعوت یک آیه		
نحل ۱۶	۱۲۹		
	فصل بیست و ششم		
	ذکر تعصب در دین دو آیه		
آل عمران ۳	ص ۵۶		
توبه ۹	۱۱۵		
	فصل بیست و هفتم		
	در گذشتن بکردن از کفار که		
	قبول دین الهی نکردند و فقرا		
بقره ۲	۱۸۹		
آل عمران ۳	۷۹		
نساء ۴	۹۱		
مائده ۵	۳۷	۳۸	۵۶
انفال ۸	من ۵۷	الی ۵۹	۴۰
توبه ۹	۵ ۲۹	۲۳ ۷۴	۲۴ ۱۱۴
	۱۱۵	۱۲۴	
قصص ۲۸	ذ ۸۶		
محمد ۴۷	۴	۹	
مجادله ۵۸	۲۲	۶	
ممتحنه ۶۰	۱ ۱۳	۲	۴
تحریم ۶۶	ص ۹		
ملک ۶۷	۸	۹	
نوح ۷۱	۲۷	۲۸	
	فصل بیست و هشتم		
	در مجادله با اهل کتاب و آزار		

که بعضی از مشایخ ما رضوان الله علیهم گفته است که چون این نماز را بکنند و این دعا را بخوانند شش رقعه از کاغذ قطع کنند و در سه
افعل بنویسند و در سه تا لا تفعل و بیکدیگر مخلوط کنند و در میان آستین خود بگذارند پس سه تا را یکی یکی بدر آورند اگر همه
افعل باشد آن کار را بکند با طیب خاطر و اگر دو تا افعل باشد و یکی لا تفعل باکی نیست که آن را بکند اما پست تر است از شق اول

و اگر همه لا تفعل باشد نکنند و اگر دو تا لا تفعل باشد حذر کردن اولی است و اکثر حکم کل دارد مترجم گوید که از محوای اصل حدیث ظاهر میشود که این نماز و دعا از برای مطلق طلب خیر است بدون آنکه عملی با آن باشد و آن عملی که سید از بعض مشایخ نقل کرده است جزو آن نیست در روایت دیگر بدیده ام پس بهتر آنست که بخوانند اول بعمل آورند و اگر خواهند این دعا را نیز بخوانند چهارم آنست که باز سید نکلس سره در فتح الابواب گفته است که بمن رسیده است از بعضی علما استخاره که در دو رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم افعل و در سه رقعه دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لا تفعل و رقعها را در زیر سجاده بگذار و دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از سوره فاتحة الکتاب سه مرتبه قل هو الله احد بخوان پس سلام بگو و بگو اللهم انی استخیرک بعلمک تا آخر دعا که مذکور شد پس بسجده برو و صد مرتبه بگو استخیر الله العظیم پس سر از سجده بردار پنج رقعه را

بیرون آور و اگر افعل سه تا باشد بکن که صلاح تو در آنست و اگر لا تفعل سه تا باشد مکن که خیر تو در نکردن است انشاء الله پنجم آنست که
باز سید رضی الله عنه از شیخ ابو الفتح کراجکی رحمة الله علیه نقل کرده است و او بسند خود از هرون بن حماد روایت کرده است

كه حضرت صادق علیه السلام فرمود كه هرگاه امری را اراده كنی شش دفعه بگیر و بر سه دفعه بنویس خیرة من الله العزیز الحكیم و بر و ابه بگیر العلی الكریم لفلان بن فلان افعل كذا انشاء الله و نام خود را و بد رخود را و انكاری كه میخواهی بكنی بنویس و در سه دفعهٔ دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحكیم لفلان بن فلان لا تفعل كذا انشاء الله و چهار ركعت نماز بكن و در هر ركعت پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و ص ۱۵
سه مرتبه انا انزلناه فی لیلة القدر بخوان یعنی بعد از حمد و دفعها را در زیر سجادهٔ خود بگذار پس این دعا را بخوان بقدرتك تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب اللهم بك و لا شئ اعظم منك صل علی آدم صفوتك و محمد خیرتك و اهل بیته الطاهرین و من بینهم من نبی و صدیق و شهید و عبد صالح و ولی مخلص و ملائكتك اجمعین و ان كان ما عزمت علیه من الدخول فی سفری الی بلد كذا و كذا خیرة فی البدئ و العاقبة و رزق تیسر لی منه فسهله و لا تعسره و خر لی فیه و ان كان غیره فاصرفه عنی و بدلنی منه بما هو خیر منه برحمتك یا ارحم الراحمین پس هفتاد مرتبه بگوید خیرة من الله العلی الكریم پس بسجده برو و روی خود بر خاك بگذار و حاجت خود را از خدا بطلب و در روایت دیگر وارد شده است كه بعد از ان دفعها را بیرون اور بنحوی كه در روایت اول مذكور شد مؤلف گوید كه این دعا در خصوص ارادهٔ سفر است و اگر ارادهٔ امر دیگر داشته باشد باید كه بجای من الدخول فی سفری الی بلد كذا و كذا ان حاجت را ذكر كند و اگر ارادهٔ سفر باشد بجای الی بلد كذا و كذا ان سفر و ان شهری را كه اراده دارد ذكر كند و بر هر تقدیر عمل بروایت اولی بهتر است و اگر خواهد این دعا را نیز اضافه كند و بدانكه سید ابن طاوس رضی الله عنه چون استخاره

سور	ایات		
	عقاید پنجاه و یك ایه		
بقره ۲	۵۹ ص ۲۵۷	۷۶	۱۳۳
ال عمران ۳	۱۸ ذ ۴۴	۱۹ ۱۰۹	۵۷ ۱۱۰
	۱۹۸	۱۹۹	
نساء ۴	ذ ۱۶۰		
مائده ۵	۷۳ ۵۳	۴۸	من ۵۰ الی ۳۲
انعام ۶	۵۲ ۶۸	۵۳ ۱۰۸	۶۷
اعراف ۷	۸۵		
یونس ۱۰	۹۹	۱۰۰	
طه ۲۰	۱۳۰		
حج ۲۲	و ۴۱	من ۶۶	الی ۶۸
فرقان ۲۵	۶۴		
عنكبوت ۲۹	۴۵		
لقمان ۳۱	۱۴		
احزاب ۳۳	۴۷		
زمر ۳۹	۴		
شوری ۴۲	ذ ۱۴		
جاثیه ۴۵	۱۳		
احقاف ۴۶	۱۲	۱۳	
واقعه ۵۶	۱۳	۱۴	
مزمل ۷۳	۱۰		
كافرون ۱۰۹	من ۱	الی ۶	
	فصل بیست و نهم		
	در محاسن و مبادی امر دین		
	بطریق احسن هشت ایه		
انعام ۶	ذ ۱۶۴		
نحل ۱۶	۱۲۶		
بنی اسرائیل ۱۷	۵۵		
كهف ۱۸	ذ ۵۲		
عنكبوت ۲۹	۴۵		
زخرف ۴۳	۵۷	۵۸	۵۹
	فصل سی ام		
	در فرق متفرقه از		
	صاحبان ادیان		
	مختلفه سی و دو ایه		

سور	ایات		
بقره ۲	۲۵۴		
ال عمران ۳	۵ ۱۹	ص ۱۷ ۶۶	۱۸ ۷۳
	۱۰۱		
نساء ۴	۱۴۹	ص ۱۵	
انعام ۶	۱۱۳	ذ ۱۱۲	۱۶۰
حجر ۱۵	من ۹۰	الی ۹۳	
انبیاء ۲۱	۹۳		
شوری ۴۲	۱۱	ص ۱۳	
مؤمنون ۲۳	من ۵۵	الی ۳۶	
روم ۳۰	۳۰	۳۱	
بینة ۹۸	۳		
	فصل بیست و یكم		
	در عقاید سخیفه سه ایه		
بقره ۲	ص ۱۷۳	ذ ۱۸۵	
مائده ۵	۱۰۳		
	فصل بیست و دوم		
	در حیوانات و فوائد انها		
	از قبیل لحم و شحم و بشم و شیر و پشم و وبر و غیر اینها بیست ایه		
نساء ۴	ص ۱۱۸		
انعام ۶	۳۸	۱۴۳	
نحل ۱۶	من ۵ ذ ۷۱	الی ۸ ۸۲	۶۶ ۸۴
حج ۲۲	ذ ۲۹		
مؤمنون ۲۳	۲۱	۲۲	
یس ۳۶	من ۷۱	الی ۷۳	
مؤمن ۴۰	۷۹	۸۰	
زخرف ۴۳	۱۱		
	باب دهم		
	مشتمل بر شانزده فصل در اعتقاد		
	فصل اول		
	در توحید و الهام و اشكال نمودن بر خدا		
	انچه را كه مردم بدانستن این		
	مكلفند بیست و شش ایه		
بقره ۲	ص ۱ ذ ۸۱	ص ۳ ۱۱۲	۲۰۹
نساء ۴	من ۱۳۱	الی ۱۳۳ ۱۶۲	

سور	ایات		
انعام ۶	من ۷ ۹۱	الی ۹ ۹۳	۹۱
یونس ۱۰	ص ۴		
یوسف ۱۲	۱۰۹		
رعد ۱۳	ذ ۸	ذ ۳۸	
بنی اسرائیل ۱۷	۹۷		
انبیاء ۲۱	۲		
لقمان ۳۱	۲۶		
مؤمن ۴۰	۷۲		
شوری ۴۲	۵۰	۵۱	
لیل ۹۲	من ۱۴	الی ۱۵	
	فصل دوم		
	در كفار اصلی اول و این فصل		
	مشتمل بر دو مطلب است		
	مطلب اول		
	ذكر هبوط ادم سی و ایه		
بقره ۲	من ۳۳	الی ۳۵	
اعراف ۷	من ۱۸	الی ۲۶	
طه ۲۰	ذ ۱۱۴	من ۱۱۵	الی ۱۲۴
	مطلب دوم		
	ذكر خلاص ادم از گناه هفت ایه		
بقره ۲	۳۶	۳۷	
طه ۲۰	ذ ۱۱۹	من ۱۲۰	الی ۱۲۳
	فصل سیم		
	در اصطفا و اختیار و عهد		
	از ذریه ادم چهار ایه		
اعراف ۷	۱۷۷	۱۷۸	
نحل ۱۶	۳۸		
سجده ۳۲	۱۳		
	فصل چهارم		
	در دنیا و لعب و مجازات		
	هشتصد و پنجاه و یك ایه		
بقره ۲	۴۵ ذ ۱۶۰	۱۰۷ ۱۶۱	۱۱۷ ۱۶۲
	۲۴۴ ۲۸۱	۲۵۵	ذ ۲۶۱
ال عمران ۳	۷ ۲۸	۸ ۱۰۲	۲۴ ۱۰۳
	۱۵۶ ۱۹۲	۱۵۷	۱۸۲

بهترین استخارات میداند و مداومت بر عمل برین استخاره بوده است چند امر غریب در این استخاره نقل کرده اول آنکه بعضی از ارباب
مناصب دنیویه مرا طلبید و من در جانب غربی بغداد بودم و بیست روز در آنجا ماندم و هر روز استخاره کردم که او را ملاقات کنم
و همهٔ استخارها یا سه را لا تفعل متوالی آمد یا در چهار رقعه سه را لا تفعل آمد و ظاهر شد که خیر من در ندیدن او بوده است و چنین اتفاقی
نمیباشد مگر از جانب خداوندی که عالم الخفیات است دوم آنکه در ایامی که در دار السلام بغداد اقامت داشتم و از شهر حله شکوه بعضی از اقارب من تکلیف نمودند مرا که بدیدن ایشان بحله بروم و چنان اتفاق افتاد که پنجاه روز در حله ماندم و هر روز که اراده ملاقات او میکردم در اول آن روز و آخر آن روز استخاره میکردم برای دیدن او و در همه استخارات سه لا تفعل میآمد تا آنکه پنجاه استخاره در عرض آن مدت کردم و در همه سه لا تفعل بیرون آمد و معلوم شد که خیر من در آن بود و عقل باور نمیکند این را که پنجاه استخاره کسی برای یک مطلب بکند و بر سبیل اتفاق بدون ارادهٔ قادر علی الاطلاق همه بد بیاید سیم آنکه تا حال تحریر این رساله پنجاه و سه سال از عمر من گذشته است و تا حال حقیقت این استخاره بر من ظاهر شده است پیوسته در امور خود استخاره کرده ام و در همه آنها خیر خود در آن یافتم مؤلف گوید که فقیر نیز در انواع استخارات تجربها کرده ام و از جمعی از برادران و صلحای خویشان و آشنایان در این باب امور غریبه شنیده و خصوصا

ص ۱۶ — ب ۱۰

سور	آیات		
نساء ۴	۸۶		
انعام ۶	ذ ۱۲ ۵۱	ذ ۳۴ ۵۰	ذ ۳۸ ۱۲۸
	من ۱۳۰	الی ۱۳۴	
اعراف ۷	۵ ۹	۶ ۵۵	۸ ۷
یونس ۱۰	من ۴۴	الی ۵۵	
هود ۱۱	من ۱۰۴	الی ۱۰۷	
رعد ۱۳	۲	۵	۶
ابرهیم ۱۴	من ۲۴	الی ۲۷	من ۴۳ الی ۵۲
نحل ۱۶	۴۰ ۸۶	۴۱ ۸۷	۷۹ ۱۱۲
بنی اسرائیل ۱۷	۴۶ من ۲۵	۱۴ الی ۴۳	۱۵ ۷۳
	۷۴	من ۹۹	الی ۱۰۱
کهف ۱۸	۴۵ ۹۹	۴۶ ۱۰۰	۴۷ ۱۰۱
مریم ۱۹	من ۳۷	الی ۴۱	۶۷
	۶۸	۶۹	من ۹۳ الی ۹۶
طه ۲۰	من ۱۰۲	الی ۱۱۰	
انبیاء ۲۱	۱ ۴۰	۲ ۴۱	۳۹ ۴۸
	۱۰۴		
حج ۲۲	من ۱ من ۵۰	الی ۷ الی ۵۵	۱۷
مؤمنون ۲۳	۱۵ ۳۸	۱۶ ۳۹	۳۷ ۴۰
	۴۱ ۴۴	۴۲ من ۸۰	۴۳ الی ۹۲
	من ۱۰۳	الی ۱۱۷	
فرقان ۲۵	من ۱۸	الی ۳۱	
نمل ۲۷	من ۶۰	الی ۷۴	من ۸۴ الی ۹۲
قصص ۲۸	من ۶۲	الی ۷۴	
روم ۳۰	من ۱۱	الی ۱۵	۴۹
	من ۵۴	الی ۶۰	
لقمان ۳۱	۳۲	۳۴	۴۷
سجده ۳۲	من ۹	الی ۱۲	۱۴
	من ۲۵	الی ۳۰	
احزاب ۳۳	۶۳		
سبا ۳۴	من ۳ ۲۸	الی ۵ ۲۹	من ۷ الی ۹
فاطر ۳۵	۱۰	۴۵	
یس ۳۶	من ۶۸	الی ۷۰	من ۷۸ الی ۸۳
صافات ۳۷	من ۱۱	الی ۳۳	
زمر ۳۹	ذ ۶۷	من ۶۸	الی ۷۳

سور	آیات		
مؤمن ۴۰	۱۰	۱۱	من ۱۶
	الی ۱۹	۶۱	۶۲
فصلت ۴۱	من ۱۸	الی ۲۲	
شوری ۴۲	ذ ۱۶ ۴۶	۱۷	۲۱
زخرف ۴۳	۱۰	من ۵۴	الی ۸۶
دخان ۴۴	من ۹	الی ۱۵	من ۳۳
	الی ۳۷	من ۴۰	الی ۴۲
جاثیه ۴۵	من ۲۳	الی ۲۶	
احقاف ۴۶	۳۲	۳۳	۳۵
ق ۵۰	من ۱ ۱۴	الی ۵ من ۱۹	۲۴ الی ۲۹
ذاریات ۵۱	من ۱	الی ۱۴	
طور ۵۲	من ۱	الی ۱۳	
نجم ۵۳	من ۵۸	الی ۶۲	
قمر ۵۴	من ۱	الی ۱۱	
	من ۴۱	الی ۴۸	
رحمن ۵۵	من ۳۱	الی ۴۰	
واقعه ۵۶	من ۱ الی ۷۳	الی ۱۱ من ۸۷	من ۵۷ الی ۹۶
ممتحنه ۶۰	۳		
تغابن ۶۴	۷	۹	
قلم ۶۸	من ۳۵	الی ۴۳	ص ۴۴
حاقه ۶۹	من ۱۳	الی ۳۷	
معارج ۷۰	من ۱	الی ۱۸	
مزمل ۷۳	۱۴	من ۱۷	الی ۱۹
مدثر ۷۴	من ۱	الی ۲۶	من ۴۱ الی ۴۸
قیامه ۷۵	من ۱	الی ۱۵	من ۲۲ الی ۴۰
مرسلات ۷۷	من ۱	الی ۵۰	
نبأ ۷۸	من ۱	الی ۵	من ۱۷
	الی ۳۰	من ۳۸	الی ۴۰
نازعات ۷۹	من ۱	الی ۱۴	ذ ۳۴
	من ۳۵	الی ۴۶	
عبس ۸۰	من ۳۳	الی ۴۲	
تکویر ۸۱	من ۱	الی ۱۴	
انفطار ۸۲	من ۱	الی ۱۹	
مطففین ۸۳	من ۱	الی ۳۱	
انشقاق ۸۴	من ۱	الی ۲۵	

سور	آیات		
غاشیه ۸۸	من ۱	الی ۱۱	من ۱۷ الی ۲۶
فجر ۸۹	من ۲۳	الی ۳۰	
زلزال ۹۹	من ۱	الی ۸	
عادیات ۱۰۰	من ۱	الی ۱۱	
قارعه ۱۰۱	من ۱	الی ۸	
تکاثر ۱۰۲	من ۱	الی ۸	
	فصل پنجم		
	ذکر جهنم و صفت [illegible]		
بقره ۲	۲۱	۲۳	
آل عمران ۳	۱۰		
نساء ۴	۵۶		
اعراف ۷	۳۴	من ۳۶	الی ۳۹
انفال ۸	۳۷	۳۸	
توبه ۹	۳۴	۳۵	
ابرهیم ۱۴	۱۹	۲۰	
حجر ۱۵	۴۳	۴۴	
طه ۲۰	۱۲۷		
انبیاء ۲۱	من ۹۸	الی ۱۰۰	
حج ۲۲	من ۲۰	الی ۲۲	
فرقان ۲۵	من ۱۲	الی ۱۵	۳۴
سجده ۳۲	۲۰		
فاطر ۳۵	من ۳۳	الی ۳۷	
صافات ۳۷	من ۶۰	الی ۶۸	
ص ۳۸	ذ ۵۵	من ۵۶	الی ۶۴
زمر ۳۹	۱۸ ۴۸	۳۵ ۴۹	۶۰ ۶۱
	۷۱	۷۲	
مؤمن ۴۰	۵۲	۵۳	من ۷۲ الی ۷۶
شوری ۴۲	ذ ۴۲	۴۳	۴۴
محمد ۴۷	ذ ۱۷		
طور ۵۲	من ۱۱	الی ۱۶	
رحمن ۵۵	۳۷ ۴۳	۳۹ ۴۴	۴۱
واقعه ۵۶	من ۴۰	الی ۵۶	
تحریم ۶۶	۶	۷	
ملک ۶۷	من ۸	الی ۱۱	
مدثر ۷۴	من ۲۶	الی ۳۰	

در این استخاره و استخاره بمصحف مجید والله الموفق مفتاح هفتم در بیان استخاره برقاع است بر خلاف طریق مشهور و آن چند قسم
است اول آنست که شیخ طبرسی رحمة الله علیه در مکارم الاخلاق از عبد الرحمن بن سیابه روایت کرده است که در سالی رفتم بمکهٔ معظمه و با خود

سورهٔ دهر

متاعی برده بودم وان متاع در ان سال کساد بود وکسی هم نمیرسید که بخرد بعضی از اصحاب ما گفتند که متاع را بمصر بفرست و بکوفه بر مکردان و بعضی گفتند که بیمن بفرست پس رفتم بخدمت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از انکه از منی بمکه مراجعت کرده بودیم و احوال خود را عرض کردم و پرسیدم که شما چه میفرمائید حضرت فرمود که قرعه بزن میان مصر و یمن و تفویض کن امر خود را و انهم هر شهر که بیرون اید متاع خود

را بانجا بفرست گفتم فدای تو شوم چگونه قرعه بزنم فرمود که در یک قرعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة انت العالم و انا المتعلم فانظر لی ای الامرین خیر لی حتی اتوکل علیک فیه و اعمل به پس بنویس مصر انشاء الله پس در رقعه دیگر همان دعا را بنویس پس بنویس الیمن انشاء الله پس در رقعه سیم باز همان دعا را بنویس پس بنویس یحبس المتاع ولا یبعث الی بلد منهما یعنی حبس کنم متاع را و هیچیک از ان دو شهر نفرستم پس رقعهارا جمع کن و بیکی از برادران مؤمن خود بده که در جائی پنهان کند از تو پس دست خود را داخل کن در انجا و هر یک از رقعها که بدست میاید بیرون بیاور و بر خدا توکل کن و بانچه در ان رقعه هست عمل کن که انشاء الله خیر تو در انست و سید ابن طاوس این عمل را بسند حسن معتبر از عبد الرحمن روایت کرده است مترجم گوید که این عمل خوبیست و اعتبار سندش کمتر از ذات الرقاع مشهور نیست و میتواند بود که عمومات احادیث

سور	ایات		
دهر ۷۶	۴		
نباء ۷۸	من ۲۱	الی ۳۰	
همزه ۱۰۴	من ۱	الی ۹	
فصل ششم			
ذکر کننده کار امیدواری کننده ایات			
ال عمران ۳	۱۰۲		
فصل هفتم			
ذکر هشت بیست و دو وصیت			
بقره ۲	۲۳		
ال عمران ۳	ذ ۱۳۱	۱۹۷	
نساء ۴	۶۰	ص ۱۲۱	
مائده ۵	۸۸		
اعراف ۷	من ۴۰	الی ۴۱	
انفال ۸	ذ ۴		
توبه ۹	۷۳		
یونس	من ۹	الی ۱۱	
رعد ۱۳	من ۳۰	الی ۲۵	
ابرهیم ۱۴	۳۸		
حجر ۱۵	ذ ۴۵	من ۴۵	الی ۵۰
نحل ۱۶	من ۳۲	الی ۳۴	
کهف ۱۸	۳۰		
مریم ۱۹	من ۴۲	الی ۴۴	
انبیاء ۲۱	من ۱۰۱	الی ۱۰۳	
حج ۲۲	۱۴	ذ ۲۳	۲۴
مؤمنون ۲۳	من ۸	الی ۱۱	
فرقان ۲۵	۱۶	۱۷	۲۶
عنکبوت ۲۹	۵۸		
روم ۳۰	۱۴		
لقمان ۳۱	۷	۸	
فاطر ۳۵	من ۳۰	الی ۳۲	
یس ۳۶	من ۵۵	الی ۵۸	
صافات ۳۷	ذ ۳۹	من ۴۰	الی ۴۹
ص ۳۸	ذ ۴۹ ص ۵۵	من ۵۰	الی ۵۴
زمر ۳۹	۲۱ ۷۵	ذ ۷۳	۷۴
فصلت ۴۱	ذ ۳۰	۳۱	۳۲

سور	ایات		
زخرف ۴۳	من ۶۹	الی ۷۳	
دخان ۴۴	من ۵۱	الی ۵۷	
محمد ۴۷	من ۱۵	الی ۱۸	
ق ۵۰	من ۳۰	الی ۳۴	
طور ۵۲	من ۱۷	الی ۲۸	
قمر ۵۴	۵۴	۵۵	
رحمن ۵۵	من ۴۶	الی ۷۸	
واقعه ۵۶	من ۱	الی ۳۸	
دهر ۷۶	من ۵	الی ۲۲	
نباء ۷۸	من ۳۱	الی ۳۸	
مطففین ۸۳	من ۲۲	الی ۳۶	
بروج ۸۵	۱۱		
غاشیه ۸۸	۱	۲	من ۸ الی ۱۶
فصل هشتم			
در تخلید عذاب نوزده ایه			
بقره ۲	من ۷۴	الی ۷۵	۲۵۸
ال عمران ۳	ذ ۲۳		
انعام ۶	۱۲۸		
هود ۱۱	من ۱۰۶	الی ۱۱۰	
لقمان ۳۱	۷	۸	
احزاب ۳۳	۶۴	۶۵	
فصلت ۴۱	۲۸	۲۹	
زخرف ۴۳	من ۷۴	الی ۷۸	
فصل نهم			
در برزخ و اعراف هفت ایه			
ال عمران ۳	۲۲	۲۳	
اعراف ۷	من ۴۶	الی ۴۷	
زمر ۳۹	۳۰		
فصل دهم			
در اجتناب از کبائر و توبه که			
موجب مغفرت است شانزده ایه			
بقره ۲	۲۰۵	ذ ۲۸۶	
نساء ۴	۳۵		
انعام ۶	۱۲۰		
مؤمنون ۲۳	۱۱۸		

سور	ایات		
مؤمن ۴۰	۱	۲	ذ ۵۷
فتح ۴۸	من ۱	الی ۵	
نجم ۵۳	ص ۳۲		
حدید ۵۷	۲۸		
بروج ۸۵	۱۰		
فصل یازدهم			
در وسوسه ابلیس هشت ایه			
انعام ۶	۱۱۱	۱۱۲	۱۲۱
انفال ۸	۲۵	۴۸	
مؤمنون ۲۳	۹۹	۱۰۰	
فصلت ۴۱	۳۶		
فصل دوازدهم			
در اجر و ثواب بلیه			
انعام ۶	۱۵۱	۱۵۴	
طه ۲۰	من ۷۶	الی ۷۸	
حج ۲۲	۴۹	۵۰	
مؤمن ۴۰	۶۰		
بلد ۹۰	من ۱۸	الی ۲۰	
شمس ۹۱	من ۱	الی ۱۰	
فصل سیزدهم			
در بندگی و توبه سی و هفت ایه			
بقره ۲	۱۵۵		
ال عمران ۳	من ۸۰ ۱۳۰	الی ۱۳۶	۱۲۹
نساء ۴	۲۱ ۱۱۰	۲۲	۳۱
مائده ۵	۴۳	ذ ۴۴	
انعام ۶	۵۴		
اعراف ۷	ص ۱۵۳		
توبه ۹	۱۰۵	۱۱۳	
هود ۱۱		من ۳	الی ۷
نحل ۱۶	۱۲۰		
بنی اسرائیل ۱۷	۲۷		
مریم ۱۹	۱۹	ذ ۱۴	
فرقان ۲۵	ذ ۷۰	۷۱	
زمر ۳۹	من ۵۵	الی ۶۰	
شوری ۴۲	۲۳		

قرعه شامل این بوده باشد زیرا که احادیث بسیار وارد شده است که در هر امر مشکلی قرعه باید انداخت و وارد شده است که هر قومی که امر خود را بخدا تفویض کنند البته سهم محق بیرون اید خصوصا در امری که رایها در ان مختلف شده باشد و سید رضی الله عنه از

حضرت باقر یا صادق صلوات الله علیهما روایت کرده است که کسی که خواهد استخاره بمساهمه بکند یعنی بقرعه در سه رقعه این عبارا
بنویسد اللّهمّ فاطر السّموات والارض عالم الغیب والشّهادة الرّحمن الرّحیم انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون اسألک
بحقّ محمّد وآل محمّد ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تخرج لی خیر السّهمین فی دینی ودنیای وعاقبة امری وعاجله واجله انّک
على كلّ شیء قدیر ما شاء الله لا حول و لا قوّة الّا بالله و صلّی الله علی محمّد و اله پس مطلب خود را در رقعه بنویسد اگر دو شق باشد اگر نه یکی را اگر بکن و یکی را نکن بنویسد و در سیم بنویسد غفل پس دست کند و یکی را بیرون آورد و اگر یکی از آن دو رقعه بیرون آید از آن عمل کند و دیگر را بیرون نیاورد و بان عمل کند مفتاح هشتم در استخاره ببنادق است و آن بچند طریق منقول است اول آنکه سید رضی الله عنه در فتح الابواب و ابن تلعکبری رحمه الله در مجموع الدعوات روایت کرده اند از احمد بن محمّد بن یحیی که گفت بعضی از دوستان ما اراده کرد که از برای تجارت بیرون رود پس گفت بیرون نمی روم تا بروم بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و بر او سلام کنم و در کار خود از آنحضرت مشورت کنم و التماس دعا از آنحضرت بکنم پس بخدمت آنجناب رفت و عرض کرد که من اراده دارم که برای تجارت بیرون روم و سوگند یاد کرده ام که بیرون نروم تا بخدمت شما برسم و با شما مشورت کنم و طلب دعا از حضرت شما بکنم حضرت

سور	آیات		
تحریم ۶۶	۸		
بروج ۸۵	۱۰		
فصل چهاردهم			
در عفو و غفران سیئه			
نساء ۴	ذ ۴۷		
حج ۲۲	۴۹		
محمد ۴۷	۲۱		
فصل پانزدهم			
در شفاعت سیزده آیه			
بقره ۲	و ۲۵۶		
نساء ۴	۸۷		
یونس ۱۰	و ۳		
مریم ۱۹	من ۸۶	الی ۹۰	
طه ۲۰	۱۰۸		
انبیاء ۲۱	۲۸	۲۹	
سبا ۳۴	ص ۲۳		
مؤمن ۴۰	۱۹		
زخرف ۴۳	۸۶		
انفطار ۸۲	۱۹		
فصل شانزدهم			
در اعتقاد بروز جزا در نشأه			
و قیام دولت حقه شیعه			
انبیاء ۲۱	۱۰۵	۱۰۵	
سجده ۳۲	۴		
باب یازدهم			
در فرائض عبادات			
مشتمل بر هفت فصل			
فصل اول			
در شعار اسلام و دعوا			
بقره ۲	۱۳۱	۱۳۲	
فصل دویم			
در صلوة و دعا و نوم			
فاتحه ۱	من ۱	الی ۷	
بقره ۲	۳۵ ۱۰۲	من ۱۰۹	الی ۱۳۳ ص ۱۳۴
	من ۱۳۱ ص ۱۷۲	الی ۱۴۰ ۱۸۲	۱۴۳ ۲۳۹

سور	آیات		
آل عمران ۳	۶	ذ ۲۵	۲۶
	ذ ۱۸۸	من ۱۸۹	الی ۱۹۲
نساء ۴	۴۶ ۱۰۴	۱۰۲	ص ۱۰۳
مائده ۵	۸		
اعراف ۷	۵۳	۲۰۴	
انفال ۸	۳		
هود ۱۱	۱۱۶		
ابرهیم ۱۴	۳۶		
بنی اسرائیل ۱۷	من ۸۰	الی ۸۳	۱۱۰
طه ۲۰	۶	ذ ۱۳۰	۱۳۲
حج ۲۲	ذ ۳۵	و ۳۶	۴۲
مؤمنون ۲۳	۱	۴	۱۱۸
فرقان ۲۵	من ۶۳	الی ۶۵	
شعراء ۲۶	من ۸۳	الی ۸۹	
عنکبوت ۲۹	و ۴۵		
روم ۳۰	ص ۱۶	۱۷	
لقمان ۳۱	۳	۴	
سجده ۳۲	۱۵	۱۶	
احزاب ۳۳	۴۱		
یس ۳۶	من ۱	الی ۸۳	
ق ۵۰	ذ ۳۸	۳۹	
ذاریات ۵۱	من ۱۵	الی ۱۸	
طور ۵۲	۴۸	۴۹	
ممتحنه ۶۰	۴	۵	
جمعه ۶۲	۹	۱۰	
معارج ۷۰	۲۳	۳۴	
مدثر ۷۴	۴۴		
دهر ۷۶	۲۵	۲۶	
ماعون ۱۰۷	من ۴	الی ۷	
فلق ۱۱۳	من ۱	الی ۵	
ناس ۱۱۴	من ۱	الی ۶	
فصل سیم			
در زکوة و انفاق و [illegible]			
بقره ۲	۴۰	ذ ۱۰۴	۱۷۲
	۲۱۱	۲۵۵	من ۲۵۵ الی ۲۶۷

سور	آیات		
ایضاً بقره ۲	۲۶۹	۲۷۰	من ۲۷۳ الی ۲۷۵
آل عمران ۳	۸۶	ص ۱۲۸	
نساء ۴	ص ۴۳		
اعراف ۷	۱۵۵		
انفال ۸	۳		
توبه ۹	ذ ۶۰ ۸۱	۶۸ ۱۰۰	۸۰
رعد ۱۳	۲۲	ص ۲۳	
ابرهیم ۱۴	ص ۳۶ ذ		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۰		
حج ۲۲	ذ ۳۵	ذ ۳۶	ص ۴۳
مؤمنون ۲۳	۱	۴	۶۲
فرقان ۲۵	۶۷		
روم ۳۰	۳۸		
لقمان ۳۱	من ۱	الی ۳	
سجده ۳۲	۱۶		
سبا ۳۴	ذ ۳۸		
فاطر ۳۵	ص ۳۶		
یس ۳۶	۴۷		
ذاریات ۵۱	۱۹		
حدید ۵۷	۷	۱۷	
مجادله ۵۸	۱۳	۱۴	
منافقون ۶۳	۱۰	۱۱	
تغابن ۶۴	ذ ۱۶	۱۷	۱۸
حاقه ۶۹	۳۰	۳۱	۳۴
معارج ۷۰	۲۴	۲۵	
ضحی ۹۳	۱۰	۱۱	
ماعون ۱۰۷	۷		
فصل چهارم			
در غسل و وضو و تیمم چهار آیه			
نساء ۴	ص ۴۳ و		
مائده ۵	۸	۹	۱۰
فصل پنجم			
در غذا و حلیت و حرمت آن سی و دو آیه			
بقره ۲	ص ۱۶۳	ص ۱۶۷	۱۶۸
آل عمران ۳	۸۷	ص ۸۸	

برای او دعا کردند و فرمودند که برو باد براستگوئی و عیب متاع خود را در تجارت پنهان مکن و کسی را که امید واحسان خود کرده باشی مغبون مکن زیرا آن کران دزدی مانند سود گرفتن است و از برای مرده مپسند مگر چیزی را که از برای خود میپسندی

وحق بده و حق بگیر و مترس و اندوه ناک مباش از کمی روزی بدرستیکه تاجر راستگو با ملائکه کرامی نزد پروردگار در قیامت
محشور میشود و اجتناب از سوگند یاد کردن در خرید و فروش زیرا که سوگند دروغ صاحبش را باتش جهنم میبرد و هر تاجر بدکردار
فاجر است مگر انکه زیاد از حق خود نگیرد و حق مردم را تمام بدهد و هر گاه عزم کنی بر سفری یا حاجت ضروری که اهتمام بشان ان

داشته باشی دعا بسیار بکن و استخاره بکن بدرستیکه خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله استخاره را باصحاب خود تعلیم میکرد چنانکه سوره قرانرا و ما استخاره را بعمل می اوریم هر وقت که اراده میکنیم امری را و رقعه چند برای استخاره میگیریم و موافق انچه بیرون می اید عمل میکنیم خواه موافق خواهش ما باشد و خواه نباشد پس انمرد گفت ای مولای من استخاره را بمن تعلیم نما که چگونه بعمل اورم فرمود که چون اراده استخاره نمائی وضوی کامل بساز یعنی باداب و ادعیه مستحبه و دو رکعت نماز کن و در هر رکعت سوره حمد و صد مرتبه قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام نماز دستهای خود بدعا بردار و بگو یَا کَاشِفَ الْکَرْبِ وَ مُفَرِّجَ الْهَمِّ وَ مُذْهِبَ الْغَمِّ وَ مُبْتَدِءًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا یَا مَنْ یَفْزَعُ الْخَلْقُ اِلَیْهِ فِی حَوَائِجِهِمْ وَ مُهِمَّاتِهِمْ وَ اُمُورِهِمْ وَ یَتَّکِلُونَ عَلَیْهِ اَمَرْتَ بِالدُّعَاءِ وَ ضَمِنْتَ الْاِجَابَةَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْدَءْ بِهِمْ فِی کُلِّ اَمْرِی وَ افْرُجْ هَمِّی وَ نَفِّسْ کَرْبِی وَ

سوره	آیات		
نساء	۱۵۸		
مائده ۵	و ۱	ص ۴	من ۵ الی ۷
	۸۹ ۹۷	۹۰	۹۴
انعام	۱۱۸ ۱۴۱	۱۱۹ من ۱۴۳	۱۲۱ الی ۱۴۷
	۱۵۱		
یونس ۱۰	۶۰		
نحل ۱۶	۶۸ ۱۱۶	۶۹	۱۱۵
حج ۲۲	ذ ۲۹	و ۳۱	
فصل ششم			
در صوم چهار ایه			
بقره ۲	من ۱۷۹	الی ۱۸۳	
فصل هفتم			
در جمعه و شنبه که [illegible]			
ایام متبرکه شمرده شده سه ایه			
نحل ۱۶	۱۲۵		
جمعه ۶۲	۹	۱۰	
فصل هشتم			
در ذکر مساجد دو ایه			
اعراف ۷	ص ۲۹		
جن ۷۲	ص ۱۸		
فصل نهم			
در ذکر مکه معظمه [illegible] ایه			
بقره ۲	۱۴۴ ۱۹۲	۱۴۵	۱۵۲
انفال	۳۴	۳۵	آل عمران ۳ ۹۶
حج ۲۲	من ۲۵	الی ۲۸	حجر ۱۵ [illegible]
قصص ۲۸	من ۵۷	الی ۵۹	ص [illegible]
فصل دهم			
در ذکر کعبه پنج ایه			
بقره ۲	۱۱۹		
آل عمران ۳	۹۰	۹۱	
مائده ۵	۹۸		
حج ۲۲	۴۷		
فصل یازدهم			
در ذکر حج هجده ایه			
بقره ۲	من ۱۵۳ ص ۱۹۹	۱۸۵	من ۱۹۳ الی ۱۹۶

سوره	آیات		
مائده ۵	من ۹۵ و ۱	ص ۲ من الی ۹۷	ص ۳
حج ۲۲	۲۵ ذ ۳۰	۳۶	۲۸
فصل دوازدهم			
در ذکر بازگشت از			
عرفات بمشعر یک ایه			
بقره ۲	۱۹۵		
فصل سیزدهم			
در ذکر قربانی حج هشت ایه			
مائده ۵	ص ۲ ذ	۹۸	
حج ۲۲	ذ ۳۳ ص ۳۸	۳۴	۳۷
کوثر ۱۰۸	۱	۲	
فصل چهاردهم			
در ذکر امکنه و ایام عبادت			
و قربانی ابراهیم [illegible] چهار ایه			
حج ۲۲	و ۲۹	من ۲۹	ص ۶۶
فصل پانزدهم			
[illegible] و موقع چهار [illegible]			
بقره ۲	۱۸۳		
آل عمران ۳	۲۹		۸۵
مجادله ۵۸	۸		
فصل شانزدهم			
در ذکر احبار و قسیسین چهار ایه			
مائده ۵	۶۸	۸۵	
توبه ۹	۳۴		
سجده ۳۲	۲۴		
فصل هفدهم			
در ذم احبار یهود و [illegible]			
رهبانان هفت ایه			
مائده ۵	۸۵		
توبه ۹	۳۱	۳۴	
نور ۲۴	من ۳۶	الی ۳۸	
حدید ۵۷	۲۷		

سوره	آیات		
باب دوازدهم			
در شریعت بوسه مشتمل [بر] فصل			
فصل اول			
در ازدواج و پیری و احکام شرعی			
بدون اختیار و انتخاب یک ایه			
احزاب ۳۳	۳۶		
فصل دویم			
در قصاص هفت ایه			
بقره ۲	من ۱۷۳	الی ۱۷۵	و ۱۹۰
مائده ۵	ص ۴۸	۴۹	
نحل ۱۶	۱۲۷		
فصل سیم			
در موقع عفو و اغماض			
بیست و چهار ایه			
بقره ۲	۱۶۸ ۲۲۵	۱۷۸ ۲۶۹	ذ ۱۸۱ ۲۷۰
آل عمران ۳	۲۷		
نساء ۴	۲۰	۲۶	ذ ۲۷
مائده ۵	ذ ۵	۹۴	۹۱
انعام ۶	۵۴ ۱۴۶	۵۵	۱۱۹
نحل ۱۶	ص ۱۰	۱۱۶	۱۳۰
نور ۲۴	۴	۵	ذ ۳۳
مزمل ۷۳	۲۰		
باب سیزدهم			
در شرایع راجع بنظام			
زندگانی و اجتماع مشتمل			
بر پنجاه و دو فصل			
فصل اول			
در انسان و شرافت او			
صد و پنجاه و هفت ایه			
بقره ۲	من ۲۷	الی ۳۱	
نساء ۴	ص ۱	ذ ۳۲	
انعام ۶	ص ۹		
اعراف ۷	ص ۲۸	۱۸۹	
یونس ۱۰	ص ۳۰		
حجر ۱۵	من ۲۶	الی ۳۵	

اَذْهِبْ غَمِّی وَ اکْشِفْ لِی عَنِ الْاَمْرِ الَّذِی قَدِ الْتَبَسَ عَلَیَّ وَ خِرْلِی فِی جَمِیعِ اُمُورِی خِیَرَةً فِی عَافِیَةٍ فَاِنِّی اَسْتَخِیرُکَ اللّٰهُمَّ بِعِلْمِکَ وَ اَسْتَقْدِرُکَ بِقُدْرَتِکَ وَ اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ وَ اَلْجَأُ اِلَیْکَ فِی کُلِّ اُمُورِی وَ اَبْرَءُ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ اِلَّا بِکَ وَ اَتَوَکَّلُ عَلَیْکَ وَ اَنْتَ حَسْبِی وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ

اللهم فافتح لی ابواب رزقک وسهلها لی ویسر لی جمیع اموری فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب اللهم
ان کنت تعلم ان الامر الذی عزمت علیه واردته هو خیر لی فی دینی ودنیای ومعاشی ومعادی وعاقبة اموری فقدره لی
وعجله علی وسهله ویسره وبارک لی فیه وان کنت تعلم انه غیر نافع لی فی العاجل والآجل بل هو شر علی فاصرفه عنی کیف شئت

وانی شئت وقدر لی الخیر حیث کان واین کان ورضنی یا رب بقضائک وبارک لی فی قدرک حتی لا احب تعجیل ما اخرت ولا تاخیر ما عجلت انک علی کل شیء قدیر وهو علیک سهل یسیر پس صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد و با کسی رقعه با خود داشته باشی همه یک مقدار و یک هیئت و در دو رقعه بنویس اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون اللهم انک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وتقضی ولا اقضی وانت علام الغیوب وصل علی محمد وآل محمد واخرج لی احب السهمین الیک وخیرهما لی فی دینی ودنیای وعاقبة امری انک علی کل شیء قدیر وهو علیک یسیر و در پشت یکی از دو رقعه افعل بنویس و در پشت دیگری لا تفعل و در رقعه سیم این را بنویس لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم استعنت بالله وتوکلت علیه وهو حسبی ونعم الوکیل توکلت فی جمیع اموری علی الحی الذی لا یموت واعتصمت بذی العزة والجبروت

سور	آیات		
نحل ١٦	من ٣ الی ٦	الی ٨ الی ٩٤	من ١٠ الی ١١
		٨٢ ٨٠	٨٣
بنی اسرائیل ١٧	١٢ و ٤٤	٧٢ الی	٨٥
کهف ١٨	ذ ٥٤		
طه ٢٠	ص ١٢١		
انبیاء ٢١	ص ٣٨		
حج ٢٢	ص ٩	ص ١١	
مؤمنون ٢٣	من ١٢	الی ١٤	من ١٧ الی ٢٢
نمل ٢٧	٦٣		
عنکبوت ٢٩	٦٥		
روم ٣٠	٣٥	٤٠	ص ٥٣
لقمان ٣١	ص ١٩	و ٢٨	
سجده ٣٢	من ٤	الی ٨	
احزاب ٣٣	٧٢		
فاطر ٣٥	ص ٢٩	من ١١ الی ١٤	ص ١٤
یس ٣٦	٧٧		
ص ٣٨	٧٢	من ٧١	الی ٧٤
زمر ٣٩	ص ٨	ص ٥	
مؤمن ٤٠	و ٦٤	ص ٦٩	
شوری ٤٢	ذ ٤٧		
جاثیه ٤٥	١١	١٢	
حجرات ٤٩	١٣		
معارج ٧٠	من ١٩	الی ٢١	
دهر ٧٦	من ١	الی ٣	
نباء ٧٨	من ٨	الی ١٦	
نازعات ٧٩	من ٢٧	الی ٣٣	
عبس ٨٠	من ١٦	الی ٣٢	
طارق ٨٦	من ٥	الی ١٠	
فجر ٨٩	من ١٤	الی ١٧	
بلد ٩٠	من ١	الی ١١	
تین ٩٥	من ١	الی ٨	
عادیات ١٠٠	٦	٧	
	فصل دویم		
	در خصوص امثال از دو		
نساء ٤	ص ١١٨		

سور	آیات		
نور ٢٤	ص ٣١		
	فصل سیم		
	در باب زنان هفتاد و پنج		
بقره ٢	و ٧٧ ص ٢٣٤	ص ٢٢٣ ٢٣٥	ذ ٢٢٨ ٢٣٦
	ص ٢٤٣	٢٤١	٢٤٠
آل عمران ٣	ذ و ١٩٣		
نساء ٤	و ١ ص ١٨	ذ ٢٩ و ٤٠	و ٣٤ ١٠٠
	١٢٣ ١٢٨	ص ١٢٦	١٢٧
انعام ٦	و ١٥٢		
توبه ٩	ص ٧٣		
رعد ١٣	ص ٢٣		
نحل ١٦	من ٩٥	الی ٩٧	٩٩
بنی اسرائیل ١٧	٢٤	٢٥	
مؤمنون ٢٣	٦		
نور ٢٤	ص ٣١ ٥٩	ص ٣	ص ٣٣
عنکبوت ٢٩	ص ٧		
روم ٣٠	ص ٢٠		
لقمان ٣١	١٣		
احزاب ٣٣	٤ ٥٩	٥١	٥٥
یس ٣٦	٥٥	٥٦	
مؤمن ٤٠	٤٣		
زخرف ٤٣	١٥ ٤٩	١٦ ٧٠	ذ ١٧
احقاف ٤٦	١٤	١٥	
محمد ٤٧	ص ٢		
فتح ٤٨	ص ٦		
حدید ٥٧	١٧		
مجادله ٥٨	من ١	الی ٣	
تغابن ٦٤	١٤		
تحریم ٦٦	من ١	الی ١٢	
معارج ٧٠	٣٠		
قیامت ٧٥	٣٩	تکویر ٨١	من ٤ الی ٩ [illegible]
	فصل چهارم		
	در باب نکاح بیست و چهار		
بقره ٢	و ٤٦ ٢٢٠	ص ١٨٣ ٢٢٣	ص ١٩٣ ف ٢٢٨
نساء ٤	٣	ص ٢٣	الی ٢٦ [illegible]

سور	آیات		
مائده ٥	ذ ٧		
اعراف ٧	١٨٩	١٩٠	
نور ٢٤	٣ ص ٢٣	ص ٣٣	٢٦
روم ٣٠	٢٠		
احزاب ٣٣	و ٣٧		
ممتحنه ٦٠	من ١٠	الی ١٢	
	فصل پنجم		
	در طلاق و در آن دو مبحث است		
	مبحث اول		
	در طلاقی که مرد باعث		
	شود بیست و پنج آیه		
بقره ٢	٢٢٥ من ٢٢٩	٢٢٦ الی ٢٣٣	ص ٢٢ ٢٣٧
	٢٣٨	٢٤٢	٢٤٣
نساء ٤	ذ ٢٣	٢٤	٢٥
احزاب ٣٣	٤٨		
مجادله ٥٨	ص ٤	ص ٥	
طلاق ٦٥	١ ص ٥	ص ٢ ٦	٤ ص ٧
	مبحث دویم		
	در طلاقی که زن باعث		
	شود چهار آیه		
بقره ٢	٢٢٧		
نساء ٤	ص ٣٩	١٢٧	ص ١٢٩
	فصل ششم		
	در منع زنا شانزده آیه		
نساء ٤	١٩	٣٠	
بنی اسرائیل ١٧	٣٤		
نور ٢٤	من ٢	الی ١٠	
فرقان ٢٥	٦٨	٦٩	
احزاب ٣٣	٣٠		
طلاق ٦٥	١		
	فصل هفتم		
	در نهی از معشوقبازی یک آیه		
مائده ٥	ذ ٧		
	فصل هشتم		
	در صبر عزب بودن دو آیه		

وتحصنت بذی الحول والطول والملکوت وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد النبی وآله الطاهرین
و پشت این رقعه را سفید بگذار و چیزی بر آن منویس و هر سه رقعه را محکم به یک پیچ بر یک هیئت و یک صورت و در میان سر بند ...

بکذار از مومنها از کل بزرک هیئت دیك وزن وبده بکنی که اعتماد براو داشته باشی از برادران مؤمن وبکو که خدا را یاد کند وصلوات بر محمد وال او بفرستد وان بند فها را در میان استین خود بیندازد ودست راست خود را در میان استین خود داخل کند وان بند قها را حرکت دهد ویکی از انها را در اورد بدون انکه انها را انظر کند ویکی را بخصوص تعیین کند ولیکن دستش بر هر یك از انها که واقع شود بیرون اورد چون بیرون اورد تو از او بکیر وخدا را یاد کن وان را بکشا ونوشتش را بخوان وعمل کن بانچه در پشتان نوشته شده است اکر کسیکه براو اعتماد داشته باشی حاضر نباشد خود در میان استین بیند از وانچه مذکور شد بعمل اور پس اکر انچه افعل بران نوشته شده است بیرون اید البته انکار را بکن که خیر تو در انست انشاء الله واکر انچه لا تفعل نوشته شده است بیرون اید زنهار ان عمل را بجا میاور و البته مخالفت این استخاره را مکن اکر از او بکشی واکر دفعه بیرون اید که بر پشتش چیزی نوشته شده است توقف کن تا وقت نماز فرض حاضر شود برخیز و دو رکعت نماز بخوان چه مذکور شد بکن پس نماز واجب را بکن بعد از ان دو رکعت را بعد از نماز واجب بکن اکر نماز صبح و عصر باشد واکر نماز صبح باشد باید که بعد از ان تعقیب و دعا بخوانی تا افتاب پهن شود بعد از ان دو رکعت نماز بجا اور و اکر زمان عصر است ان دعا را بخوان دو بار دیکر دو رکعت نماز را پیش از نماز عصر بکن و بعد از نماز عصر ان دعا را بخوان و بار دیکر ان عمل را اعاده کن واکر باز رقعه نا نوشته بیرون اید باز در وقت فریضه دیکر همان عمل را اعاده کن تا یکی از رقعها نوشته بیرون اید مؤلف کوید که ظاهر روایت انستکه نوشتن رقعها و پیچیدن و در میان بندقه کذاشتن همه بعد از نماز و

سور	ایات		
نساء ۴	۳۰		
نور ۲۴	۳۳		
فصل نهم			
در باب اطفال و نهی			
قتل انها هفت ایه			
بقره ۲	ض د ۲۳۳		
ال عمران ۳	۸		
انعام ۶	ص ۱۴۱	ص د ۱۵۲	
انفال ۸	۲۸		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۳		
کهف ۱۸	۴۴		
سبا ۳۴	۳۶		
شوری ۴۲	۴۸	۴۹	
حدید ۵۷	و ۱۹		
ممتحنه ۶۰	ص ۱۲		
منافقون ۶۳	۹		
تغابن ۶۴	۱۵		
طلاق ۶۵	ذ ۶		
فصل دهم			
در رضاع دادن طفل			
بدان یك ایه			
بقره ۲	ذ ۲۳۳		
فصل یازدهم			
در باب فرزند خواندیه ایه			
احزاب ۳۳	۴	۵	ذ ۳۷
فصل دوازدهم			
در اینکه هر فرزند خوانده باسم			
و لقب پدر خود خوانده			
شود یك ایه			
احزاب ۳۳	ص ۵		
فصل سیزدهم			
در ذکر ایتام و بالغ شدن			
در حال انها شش ایه			
بقره ۲	ص و ۱۷۲ ۲۲۷	۲۱۸	۲۱۹
نساء ۴	من ۲	الی ۱۱	و ۴۰ ذ ۱۲۶

سور	ایات		
انعام ۶	۱۵۳		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۶		
فجر ۸۹	ذ ۱۶	۱۷	۱۸
بلد ۹۰	من ۱۲	الی ۱۵	
ضحی ۹۳	من ۱	الی ۹	
ماعون ۱۰۷	۱	۲	
فصل چهاردهم			
در تیمو میان ایتام رحمها است			
نساء ۴	من ۳	الی ۷	
فصل پانزدهم			
در تحجیر سفها از تصرف			
در اموال خود شان یك ایه			
نساء ۴	۴		
فصل شانزدهم			
در باب ارحام دو ایه			
بقره ۲	و ۷۷		
احزاب ۳۳	و ۶		
فصل هفدهم			
در سلوك با اسرا			
و ممالیك و اماء هجده ایه			
بقره ۲	۲۲۰		
نساء ۴	ص ۲۸ ذو ۳۶	ض د ۲۹	ص ۳۰
مائده ۵	ص ۹۱		
توبه ۹	د ۶		
نحل ۱۶	۷۳		
مؤمنون ۲۳	۱	ذ ۶	
نور ۲۴	ذ ۳۳		
احزاب ۳۳	۵۰		
محمد ۴۷	۴	ص ۵	
مجادله ۵۸	ص ۴	ص ۵	
معارج ۷۰	من ۳	ذ ۳۵	
فصل هجدهم			
در خدم و خدم و نکاح و			
ازدواج انها با انها سیزده ایه			
نور ۲۴	ص د ۳۲	و ۳۳	

سور	ایات		
زخرف ۴۳	و ۳۱		
فصل نوزدهم			
در ارث و میراث و احکام			
انها بیست و دو ایه			
بقره ۲	ص و ۳۳ ص ۲۴	من ۱۷۶	الی ۱۷۸
نساء ۴	من ۸	الی ۱۶	ص ۳۳ ص ۳۷ ص ۱۷۵
مائده ۵	من ۱۰۵	الی ۱۰۷	
انفال ۸	ص ۷۲	من ۷۴	الی ۷۶
فصل بیستم			
در اهل و عیال و اقارب و			
سلوك با ایشان بیست و هشت ایه			
بقره ۲	۲۱۱		
نساء ۴	۴۰		
انعام ۶	۱۵۲		
انفال ۸	۴۲	ص ۷۳	۷۶
رعد ۱۳	ص ۲۳	ص ۳۸	
نحل ۱۶	۹۲		
بنی اسرائیل ۱۷	۲۳	۲۵	۲۸
فرقان ۲۵	ص ۵۶		
عنکبوت ۲۹	۷		
لقمان ۳۱	۱۳		
احزاب ۳۳	۴	و ۶	
مؤمن ۴۰	۸		
شوری ۴۲	۲۳		
احقاف ۴۶	من ۱۴	الی ۱۷	
طور ۵۲	۲۱		
مجادله ۵۸	۲		
تغابن ۶۴	۱۴	۱۵	
کوثر ۱۰۸	۳		
فصل بیست و یکم			
در اعزا و نیك و بد			
انها چهل ایه			
بقره ۲	۱۳۷		
ال عمران ۳	من ۹۸	الی ۱۰۰	ص ۱۰۶
توبه ۹	۹۱ من ۹۸	الی ۱۱۳	الی ۱۰۰

خواندن دعا باشد و بودن دفعها پیش باشد و احتمال دارد که تا بنده کردن قبل از نماز باشد و دو رنبست که اول اولی باشد دو تیر انست که کلینی و شیخ و سید رضی الله عنهم و دیگران بسند مرسل از یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرده اند که شخصی از اصحاب از انحضرت پرسید که امری را میخواهم بعمل آورم و کسی نمییابم که با او مشورت کنم چکنم حضرت فرمود که با پروردگار

خود مشورت کن پرسید که چگونه مشورت کنم فرمود که ان حاجت را در دل خود قصد کن و دو رقعه بگیر و در یکی لا بنویس و در دیگری نعم و هر یک را در میان بندقه از گل بگذار پس دو رکعت نماز بکن و ان دو بندقه را در زیر دامن خود گذار و بگو یا الله انی اشاورک فی امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر فاشر علی بما فیه صلاح و حسن عاقبة پس دست خود را در زیر دامن داخل کن و یکی از ان دو بندقه را بیرون اور و بگشا اگر نعم باشد بکن و اگر لا باشد مکن با خدا چنین باید مشورت کرد دیتم انستکه سید رضی الله عنه فرموده که در بعضی از کتب شیعه یافتم که در دو رقعه منویسی بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لعبده فلان بن فلان و حاجت خود را مینویسی و دیگر را در اخرش منویسی افعل یا مولای و دیگر را در اخرش منویسی اتوقف یا مولای و هر یک ازان دو رقعه را در میان کلوله از گل میگذاری و هر ان میخوانی هر یک از سوره حمد و سوره قل اعوذ برب الفلق و سوره والضحی را هفت مرتبه و ظرف ابی در پیش خود میگذاری و بندقها را در میان اب میاندازی پس هر یک که زودتر از دیگری شکافته شود بر روی اب اید بان عمل میکنی انشاء الله تعالی

سور	آیات		
رعد ۱۳	۳۶		
نحل ۱۶	۸۴	۸۵	
مریم ۱۹	۹۷	۹۸	
حج ۲۲	۷۷	۷۸	
سبا ۳۴	من ۱۴	الی ۱۸	
زخرف ۴۳	ص ۳۱	من ۲۸	الی ۳۰
فتح ۴۸	۱۰ ۱۱	۱۲	۱۵
حجرات ۴۹	۱۴	۱۷	
	فصل بیست و دوم		
	در باب ملک هشت ایه		
بقره ۲	ص ۲۰	ذ ۲۵۳	
اعراف ۷	۳۲		
یونس ۱۰	۲۰	۳۸	ذ ۵۰
حجر ۱۵	۵		
مؤمنون ۲۳	۴۵		
	فصل بیست و سیم		
	در مباهلت و طبابت		
نساء ۴	ذ ۹۱	ص ۹۲	
حجرات ۴۹	۱۳		
	فصل بیست و چهارم		
	در اختلاف طبایع و درجات		
	و تفاوت شان		
نساء ۴	۹۷ ذ ۱۲۹	ص ۹۸	ذ ۱۳۳
انعام ۶	۱۶۵		
نحل ۱۶	۷۷	۷۸	
بنی اسرائیل ۱۷	۲۳		
انبیاء ۲۱	۷۲	۷۳	
احزاب ۳۳	۶۶	۶۷	۶۸
سبا ۳۴	۳۰	۱۰۱	ص ۳۲
	فصل بیست و پنجم		
	در شور و تدبیر امراء		
	جمهور دولت		
شوری ۴۲	ص ۳۴	۳۶	
	فصل بیست و ششم		
	در شرکت و مشارکت پنج آیه		

سور	آیات		
نور ۲۴	ذ ۶۰		
ص ۳۸	من ۲۰	الی ۲۲	ص ۲۳
	فصل بیست و هفتم		
	در ریاضت ظاهره و جهاد		
بقره ۲	و ۲۴۸		
آل عمران ۳	ذ ۳۵		
نساء ۴	۶۲	۸۵	
	فصل بیست و هشتم		
	در ظلم و جور دولت		
نساء ۴	۱۴۷		
شوری ۴۲	ذ ۳۸		
	فصل بیست و نهم		
	در نجوی و انفاق مخفی		
	بر ضد حضرت رسول دو آیه		
مجادله ۵۸	ص ذ ۹	۱۱	
	فصل سی ام		
	در انفاق در فنا و سریه		
مجادله ۵۸	۱۰	۱۲	
فاطر ۳۵	ذ ۱۱		
	فصل سی و یکم		
	در جلای وطن بسبب جهاد دو آیه		
بقره ۲	۷۸	۷۹	
ممتحنه ۶۰	۸	۹	
	فصل سی و دوم		
	در حفظ اموال و املاک		
بقره ۲	و ۲۷		
نساء ۴	ص ۹ ۱۶	من ۱۲۵	۲۷
انفال ۸	ص ۱	۴۲	
توبه ۹	۱۱۲		
یونس ۱۰	۵۶		
نور ۲۴	ص ۲۹		
	فصل سی و سیم		
	در عشر و خراج و جزیه چهار آیه		
نساء ۴	ص ۱۴۳		
انفال ۸	ص ۴۲		

سور	آیات		
توبه ۹	۲۹		
مجادله ۵۸	ذ ۱۴		
	فصل سی و چهارم		
	در زینت و تجملات یک آیه		
اعراف ۷	۳۰		
	فصل سی و پنجم		
	بجهت تجهیز عسکر یک آیه		
انفال ۸	۶۰		
	فصل سی و ششم		
	در تحقیق فتح و نصرت هفت آیه		
توبه ۹	۲۹		
رعد ۱۳	ص ۴۱		
انبیاء ۲۱	ذ ۴۵		
حج ۲۲	۴۰	۴۱	۴۲
مائده ۵	۳۹		
	فصل سی و هفتم		
	در تحریص جهاد و فضل		
	مجاهدین بر صد و نه آیه		
بقره ۲	۵۵ من ۱۸۶	۵۶ الی ۱۹۱	۱۴۹ ۲۱۲
۳۳	۲۱۴ ۲۴۷	۲۱۵ ۲۴۸	۲۴۵ من ۲۵۰
		۲۶۳	الی ۲۵۳
نساء ۴	من ۷۶ ۸۶	الی ۷۹	ص ۸۰
انفال ۸	من ۲۰ ۴۱	الی ۲۶ من ۳۹	۴۰ الی ۵۰
	ص ۵۷	۵۸	۵۹
	۶۴ ۶۷	۶۲	۶۶
توبه ۹	ص ۱۴ ۱۹	من ۱۸ ۲۰	الی ۲۱
	۲۹	۱۲۳	۱۲۴
نحل ۱۶	۱۱۱		
حج ۲۲	ذ ۴۰	۴۱	۵۷
عنکبوت ۲۹	۶۷		
احزاب ۳۳	۲۱	۲۲	۲۵
محمد ۴۷	من ۳ ۳۷	الی ۸	من ۲۳ الی ۲۶
فتح ۴۸	ذ ۴	ص ۷	من ۱۸ الی ۲۷
حدید ۵۷	۱۰	ذ ۲۵	
حشر ۵۹	من ۲	الی ۵	من ۱۱ الی ۱۳

در بیان امور نادره است و در آن چند فائده است اول آن بخط شیخ سعید شهید محمد بن مکی حشره الله مع الشهداء الاولین دیدم که هرگاه در چاره متحیر باشند و ندانند که چه باید کرد عمل کند باین خبر که در کتاب محمد بن جریر الطبری که سنی است بکتاب دو ابا المحمد دیدم که روح بن الحرث از پدرش از جدش روایت کرده است که فرزندان خود را وصیت کرده که گفت هرگاه امر عظیمی احدی از شما را رو ص ۲۳ دهد یا حادثه باعث غم او گردد باید که با وضو بخوابد در فراش و لحاف طاهر تنها و پهلوی زنی نخوابد و در وقت خوابیدن سوره و الشمس و و اللیل هر یکرا هفت مرتبه بخواند و بگوید اللهم اجعل لی من امری هذا فرجا و بخوابد پس شخصی بخواب ان اید اول یا سیم یا پنجم و گمان دارم که هفتم را نیز گفت و با او بگوید که فرج از این غم و دلگیری و الوده بچه چیز است ادن کردار اینحدیث بست گفت مرا دردی عارض شد و علاجش را ندانستم پس این عمل را بجا اوردم و چون بخواب رفتم دیدم دو کس نزدیک من پیدا شد نزدیکی نزد سر من نشست و یکی نزد پای من پس یکی گفت تمام بدنش را دست بمال و احساس برص بکن چون دستش بموضعی از سر من رسید گفت در اینجا حجامت بکن و متراش و سیر نشو یا چیزی بر او بمال که بچسبد پس بمن گفت او با هر دو گرم ضم کن با انجیر و زیتون را چون بیدار شدم همان موضع را حجامت کردم صحت یافتم و جماعت بسیاری را تعلیم نمودم و همه صحت یافتند و شیخ طبرسی رحمه الله در مکارم الاخلاق روایت کرده است که هرکه را امری عارض شود که موجب هم او گردد و خواهد که چاره خود را در آن بداند باید که در وقت خواب سوره و الشمس و سوره و اللیل را هر یک هفت مرتبه بخواند تا آنکه در خواب مردی را ببیند و چاره

سوره	آیات		
صف ۶۱	۴	من ۱۰	الی ۱۳
فصل سی و هشتم			
در ماههای حرام یازده آیه			
بقره ۲	ص ۱۹۰	ص ۲۱۴	
مائده ۵	۲	و ۹۸	
توبه ۹	من ۱	الی ۵	و ۳۶ و ۳۷
فصل سی و نهم			
در اصلاح ذات البین			
دو آیه			
حجرات ۴۹	۹	۱۰	
فصل چهلم			
در تعلیم جهاد و آن			
مشتمل است بر سه مطلب			
و بیست و شش آیه			
مطلب اول			
در تفضیل مجاهدین بر غیر			
مجاهدین شش آیه			
نساء ۴	۹۷	۱۰۱	
انفال ۸	۷۵	۷۶	
توبه ۹	۱۲۳		
فتح ۴۸	ص ۱۷		
مطلب دوم			
در تنظیم جهاد و رسوم آن هفده آیه			
نساء ۴	۷۳	۹۶	۱۰۵
مائده ۵	۳۷	۳۸	
انفال ۸	من ۱۵	الی ۱۸	۶۰
	۴۳ ۵۸	۴۴ ۵۹	۴۵
نحل ۱۶	۹۴	ص ۹۶	
مطلب سیم			
احکام صلوة در اوقات			
جهاد سه آیه			
نساء ۴	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴
فصل چهل و یکم			
در مکارهین از جهاد			
پنجاه و هفت آیه			

سوره	آیات		
نساء ۴	۷۴	۷۵	من ۹۰ الی ۹۳
توبه ۹	من ۳۸ ص ۴۵	الی ۴۳ الی ۵۶	ص ۶۴
	من ۸۲	الی ۹۷	۱۱۲
احزاب ۳۳	من ۹	الی ۲۱	
فصل چهل و دوم			
در خواری عاد اگر در اوقات			
خوف ظاهر شود یازده آیه			
انفال ۸	من ۵	الی ۱۳	
توبه ۹	من ۲۵	الی ۲۷	
فصل چهل و سیم			
در یاری کردن خدا مجاهدین			
را و غلبه و نصرت آنها هجده آیه			
آل عمران ۳	من ۱۲۳	ذ ۱۰۶ الی ۱۲۳	۱۰۷
انفال ۸	۱۹	من ۴۳	الی ۴۷
احزاب ۳۳	۲۶	۲۷	
فصل چهل و چهارم			
در تشجیع مؤمنین از مجاهدین			
و بودن داد با نهاسی و شش آیه			
آل عمران ۳	من ۱۳۳ ۱۹۴	الی ۱۵۰ ۱۹۶	من ۱۶۰ الی ۱۶۹
فصل چهل و پنجم			
در فرار و منفعت آهن یک آیه			
حدید ۵۷	ذ ۲۵		
فصل چهل و ششم			
در مرتبت اسب شش آیه			
عادیات	من ۱	الی ۶	
فصل چهل و هفتم			
در غنایم هشت آیه			
انفال ۸	۴۲	۴۳	
حشر ۵۹	من ۶	الی ۱۰	
ممتحنه ۶۰	۱۱		
فصل چهل و هشتم			
در فدیه و جزای عمل			
یک آیه			
نحل ۱۶	۱۲۷		

سوره	آیات		
فصل چهل و نهم			
ذکر اسیر اکفار کردن در جهاد			
گرفته شدن چهار آیه			
انفال ۸	۶۸ ۷۲	۶۹	۷۱
فصل پنجاهم			
در فضل خلاص اسرای			
مسلمین یک آیه			
بقره ۲	و ۱۷۲		
فصل پنجاه و یکم			
نهی تجسس در اعمال			
مردم یک آیه			
حجرات ۴۹	و ۱۲		
فصل پنجاه و دوم			
در مذمت افشای بعضی اخبار			
و اراجیف پنج آیه			
نساء ۴	۸۵		
احزاب ۳۳	من ۶۰	الی ۶۲	
حجرات ۴۹	۶		
باب چهاردهم			
در علوم و صنایع مشتمل			
بر دوازده فصل			
فصل اول			
در علم بیست آیه			
آل عمران ۳	۱۷	۱۸	
نساء ۴	ذ ۱۶۰		
مائده ۵	۱۰۱		
انعام ۶	۵۰		
یونس ۱۰	ص ۴۰		
ابرهیم ۱۴	ص ۱		
بنی اسرائیل ۱۷	۸۷		
سبا ۳۴	ص ۶		
فاطر ۳۵	۲۰		
زمر ۳۹	و ۱۲		
شوری ۴۲	ص ۱۳		
جاثیه ۴۵	ذ ۱۶	۱۷	ص ۱۸

سوره علق

او را تعلیم نماید و شیخ مفید در کتاب اختصاص از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که هر که را بسوی خدا حاجتی باشد و خواهد در خواب ببیند و حاجت خود را در اخوت بداند سه شب با غسل باشد و با خدا مناجات کند و بما متوسل شود و ما را نزد درگاه خدا شفیع کند تا آنکه ما را در خواب ببیند و بحاجت خود برسد و شیخ محمد بن تلعکبری رحمه الله در مجمع الدعوات روایت کرده است که هر که خواهد حضرت رسالت پناه محمد را صلی الله علیه و آله در خواب ببیند در شب جمعه بعد از نماز مغرب مشغول نوافل گردد و با کسی سخن نگوید تا نماز خفتن بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام نماز بسجده رود و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و دستها را بلند بکند و بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا اله الاولین و الآخرین یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما یا رب یا رب پس دستها را بلند کند و بگوید یا رب یا رب یا رب یا عظیم الجلال یا بدیع الکمال یا کریم الفعال یا کثیر النوال یا دائم الافضال یا کبیر یا متعال یا اول بلا مثال یا قیوم بغیر زوال یا واحد بلا انتقال یا شدید المحال یا رازق الخلائق علی کل حال ارنی وجه حبیبی و حبیبک محمد صلی الله علیه و آله فی منامی یا ذا الجلال و الاکرام پس رو بقبله بخوابد از دست راست و مشغول صلوات بر محمد و آل محمد شود تا بخواب رود انشاء الله بخصوص آن را در خواب ببیند مؤلف گوید که در کتاب بحار الانوار دو روایت اول را مبسوط تر از آنچه مذکور شد گفته ام در این رساله بهمین قدر که مذکور شد و من

ص ۲۳

کشف المطالب ۴۷۵

۱۴/۱۵/۱۶

سوره	آیات		
علق ۹۶	من ۳	الی ۷	
	فصل دویم		
	در نجوم و هیئت و ...		
بقره ۲	۲۷	ص ۱۸۵	
یونس ۱۰	ص ۵		
حجر ۱۵	۱۶	۱۷	
بنی اسرائیل ۱۷	۱۳		
انبیاء ۲۱	۳۳		
مؤمنون ۲۳	ص ۱۷		
یس ۳۶	ص ۳۷	الی ۴۰	
صافات ۳۷	من ۶	الی ۸	
ملک ۶۷	۵		
نازعات ۷۹	۲۸		
طارق ۸۶	من ۱	الی ۳	۱۱
	فصل سیم		
	در تقویم و تعیین شهور		
	و ایام یک آیه		
توبه ۹	ص ۳۶		
	فصل چهارم		
	در سموات دو آیه		
ملک ۶۷	۳		
نباء ۷۸	۱۲		
	فصل پنجم		
	در شهب دو آیه		
تکویر ۸۱	۱۵	۱۶	
	فصل ششم		
	در حفظ صحت یک آیه		
اعراف ۷	ص ۳۱		
	فصل هفتم		
	در باب دریا پنج آیه		
یونس ۱۰	ص ۲۲		
بنی اسرائیل ۱۷	۶۸		
لقمان ۳۱	۳۰		
زخرف ۴۳	۱۱	۱۲	

سوره	آیات		
	فصل هشتم		
	در صنایع و مکاسب		
	چهار آیه		
مائده ۵	ص ۹۲		
سبا ۳۴	ص ۱۰	۱۱	۱۲
	فصل نهم		
	در قصاص و بدعت و رجعت چهار آیه		
انعام ۶	ذ ۱۱۲		
رحمن ۵۵	من ۱	الی ۳	
	فصل دهم		
	در باب شعراء ده آیه		
شعراء ۲۶	من ۲۲۱	الی ۲۲۸	
صافات ۳۷	۳۴	۳۵	
	فصل یازدهم		
	در هیکل و مجسمه آیه		
مائده ۵	ص ۹۲		
سبا ۳۴	و ۱۱	۱۲	
	فصل دوازدهم		
	در جهل و جهالت چهار آیه		
انعام ۶	ذ ۵۴		
اعراف ۷	۱۹۸		
نحل ۱۶	۱۲۰		
فرقان ۲۵	۶۳		
	باب پانزدهم		
	در تجارت و معامله		
	مشتمل بر سه فصل		
	فصل اول		
	در بیع و شری و داد		
	و ستد هفت آیه		
بقره ۲	۱۹۴		
نساء ۴	ص ۳۳		
جمعه ۶۲	۱۰	۱۱	
مطففین ۸۳	۱	۲	۳
	فصل دویم		
	در قرض دادن و حجت		

سوره	آیات		
	و ستد یک آیه		
بقره ۲ ۱۹۴	فصل سیم		
	در رهن یک آیه		
بقره ۲	و ۲۸۳		
	باب شانزدهم		
	در اخلاق و تهذیب مشتمل		
	بر صد و بیست و یک فصل		
	فصل اول		
	در خیر و کار خیر هفده آیه		
بقره ۲	۴۱	ذ ۱۴۳	۱۹۱
آل عمران ۳	۱۱۱		
اعراف ۷	۵۶		
یونس ۱۰	۲۷		
نحل ۱۶	ذ ۳۲		
طه ۲۰	۱۱۱		
مؤمنون ۲۳	۹۸		
فاطر ۳۵	۹		
قصص ۲۸	۵۴		
فصلت ۴۱	۳۴	۳۵	
بینه ۹۸	من ۶	الی ۸	
	فصل دویم		
بقره ۲	۴۱	۱۴۳	ذ ۱۵۳
آل عمران ۳	۱۸۵		
نساء ۴	۴۴ ص ۱۷۳	۱۲۳	ذ ۱۴۴
مائده ۵	۱۲	ذ ۵۳	
انعام ۶	۶۹	ذ ۱۵۹	
رعد ۱۳	۲۲ ۲۵	ص ۲۳ ۲۶	ذ ۲۸
نحل ۱۶	۹۹		
کهف ۱۸	ص ۲۹ ۱۰۴	۴۴ ۱۰۵	۱۰۳ ۱۰۶
مریم ۱۹	۷۹		
حج ۲۲	۴۲	۵۵	
قصص ۲۸	ص ۸۴		
سجده ۳۲	۱۷		
فاطر ۳۵	ذ ۲۹		
زمر ۳۹	۶ ۵۸	۸	۳۶

از اخبار سابقه مذکور شد که عمده در استخاره انست که ادمی در امور دنیا و اخرت اعتماد بر عقل ناقص خود نکند باید در جمیع
امور توکل بر جناب مقدس الهی کند و معترف باشد که من بندهٔ ضعیف عاجز جاهلم و خداوند کریم رحیم عالم با در مهربانی
دارم که اعرف است بمصالح من از من از جمیع مخلوقات و امور خود را با و گذاشته امر و خیر خود را از او مطلبم پس توسل نماید

سور	ایات		
شوری ۴۲	ر۲۲		
فتح ۴۸	ذ۲۹		
قمر ۵۴	۹		
عصر ۱۰۳	من۱	الی۳	
فصل سیم			
بقره ۲	۱۸۶	در سعادت و فلاح	
حج ۲۲	۷۶	و رستگاری شانزده ایه	
جمعه ۶۲	ذ۱۰		
لیل ۹۲	من۱	الی۴	
انشراح ۹۴	من۱	الی۸	
فصل چهارم			
در تسلیم و رضا هشت ایه			
بقره ۲	ص۲۰۲		
نساء ۴	۶۹	۷۰	
حج ۲۲	ذ۳۵		
صف ۶۱	من۱	الی۳	
فصل پنجم			
در مودت و صفا پانزده ایه			
آل عمران ۳	۲۷	۱۱۴	
نساء ۴	۳۷	۱۴۳	
مائده ۵	۵۴	من۴	الی۶
توبه ۹	۷۲		
احزاب ۳۳	ذ۴		
ممتحنه ۶۰	۱	من۷	الی۹
فصل ششم			
در عشق یک ایه			
روم ۳۰	۲۰		
فصل هفتم			
در تعاون و یاری			
از جانبین سه ایه			
مائده ۵	ذ۲		
انفال ۸	۷۴		
توبه ۹	۷۲		
فصل هشتم			
در احسان یک ایه			

سور	ایات		
نحل ۱۶	ص۹۲		
فصل نهم			
در نیکوئی و رفق و حلم			
دو ایه			
آل عمران ۳	۱۲۸		
بقره ۲	و۷۷		
فصل دهم			
انفاق فی سبیل الله			
سی و هشت ایه			
بقره ۲	ص۷۷ ص۲۶۲	ر۱۷۲ ص۲۶۵	۲۶۳
آل عمران ۳	ذ۱۵		
نساء ۴	ذ۴۰	ذ۱۱۴	
مائده ۵	ذ۳۵		
حجرات ۴۹	۱۱	۱۲	
احزاب ۳۳	۵۸		
معارج ۷۰	۲۴	۲۵	
مدثر ۷۴	۴۵		
فجر ۸۹	من۱۶	الی۲۱	
بلد ۹۰	من۱۲	الی۱۷	
لیل ۹۲	من۱۷	الی۲۱	
ماعون ۱۰۷	من۱	الی۳	
کوثر ۱۰۸	۲		
اخلاص ۱۱۲	۱	۳	
فصل یازدهم			
در عفت هفت ایه			
نساء ۴	ذ۲۹		
مائده ۵	ذ۷		
مؤمنون ۲۳	۱	۵	
نور ۲۴	۳۰		
معارج ۷۰	۲۹	۳۵	
فصل دوازدهم			
در انسانیت و ادمیت			
سیزده ایه			
بقره ۲	ص۹۸		
نساء ۴	۸۸		

سور	ایات		
بنی اسرائیل ۱۷	۵۵		
نور ۲۴	۲۷ ص۵۸	ص۲۸ ۶۰	ص۵۶ ص۶۱
لقمان ۳۱	۱۷	۱۸	[illegible]
مجادله ۵۸	۱۲		
فصل سیزدهم			
در شفقت دو ایه			
بلد ۹۰	۱۳	۱۷	
فصل چهاردهم			
در صلح و موافقت دو ایه			
فصلت ۴۱	۹	۱۰	
فصل پانزدهم			
در اتفاق یک ایه			
نساء ۴	ذ۱۱۴		
فصل شانزدهم			
در مخاصمه و مرافعه یک ایه			
نساء ۴	۴۳		
فصل هفدهم			
در زهد و تقوی هشت ایه			
مؤمنون ۲۳	۱	۵	۶
نور ۲۴	ص۳۳		
معارج ۷۰	۲۹	۳۰	۳۱
فصل هجدهم			
در قرض با مکرر چهار ایه			
بقره ۲	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۳
توبه ۹	ذ۶۰		
فصل نوزدهم			
در رفتار و کردار از روی			
ادب پنج ایه			
مؤمنون ۲۳	۱	۲	
نور ۲۴	ص۵۹		
فرقان ۲۵	۷۲	ذ۷۵	
فصل بیستم			
در امانت هشت ایه			
بقره ۲	ذ۲۸۳		
نساء ۴	[illegible]		

بلطف و رحمت خداوند کریم و بلا غسل و با نماز و دعا که در ابواب سابقه گذشت پس شروع کند در انکار در اینجه رود هدبان رضی شود و خیر خود در ان بداند هرچند موافق خواهش او نباشد و بعد از ان استخاره با دل خود است چنانچه گذشت و بعد از ان مشورت با مؤمنان است و بعد از ان استخاره با رقاع و بنادق است با تفاول قران مجید یا تسبیح و ظاهرا خوبست اگرچه از علماء صور سابقه را منع کرده اند چنانچه سابقا مذکور شد اما ظاهر انست که عین استخاره مطلقه که در باب اول ذکر کردیم در حالی صورت دارد که تردد در امری باشد نه در امریکه ظاهر خیریت ان بر ادمی معلوم باشد و تردد در ان نباشد و امور مستحبه و راجحه که خوبی ان شرعا معلوم باشد مگر انکه تردد در انواع ان داشته باشد و در امور واجبه مطلقا استخاره کردن صورتی ندارد بلکه مشروع نیست و همچنین در امر حرام استخاره جایز نیست اما استخاره مطلقه در همه امور خوبست مگر در امر حرام مطلقا استخاره مشروع نیست چنانچه شیخ مفید رحمه الله در جواب مسائل عزیه فرموده که هرگاه بندهٔ مؤمن را امری در خاطر خطور کند در مصالح دنیای او که در انها مردد باشد مانند سفر کردن و الی ما کردن یا نکاح کردن و برده خریدن و امثال اینها سنت است که بدو رکعت استخاره

متوجه اینها نشود و بعد از استخاره یکی از آنها که راجح گردد بآن عمل کند و اگر هیچیک نشود توکل کند بر خدا و یکی از اینها را بعمل
آورد که انشاء الله خیر او در آنست و سزاوار نیست استخاره در امری که حقتعالی نهی از آن کرده است و از برای کردن فعل واجب
استخاره نمیباشد و استخاره در امور مباحه میباشد یا در میان دو امر است که هر دو را با هم نمیتوان آورد مانند جهاد مستحب

سور	آیات		
ال عمران ۳	من ۶۸	الی ۷۰	
مؤمنون ۲۳	۸		
معارج ۷۰	۳۲	۳۵	
	فصل بیست و یکم		
	در ملایمت و ملاطفت پنج آیه		
نساء ۴	ذ ۳۲		
بنی اسرائیل ۱۷	۵۵		
شعراء ۲۶	۱۳۰	۱۳۱	
احزاب ۳۳	۴۷		
	فصل بیست و دوم		
	در استقامت یک آیه		
احزاب ۳۳	۷۰		
	فصل بیست و سیم		
	در منع عداوت و محبت		
	یک آیه		
فصلت ۴۱	۳۴		
	فصل بیست و چهارم		
	در انصاف و عدالت دو آیه		
اعراف ۷	ص ۲۸		
ممتحنه ۶۰	۸		
	فصل بیست و پنجم		
	در مشاورت و صلاح یک آیه		
ال عمران ۳	ض ۲۰۰		
	فصل بیست و ششم		
	در آزادگی و نیکوئی دو آیه		
احزاب ۳۳	۷۰	۷۱	
	فصل بیست و هفتم		
	در اخوت شش آیه		
ال عمران ۳	ذ ۹۸		
بقره ۲	و ۲۷۷		
نساء ۴	و ۲۹		
مائده ۵	ذ ۳۵		
حجرات ۴۹	ذ ۱۰	۱۳	
	فصل بیست و هشتم		
	در سخاوت		

سور	آیات		
	در سخاوت و شرف نفس		
	و عزت پنج آیه		
بقره ۲	ذ ۲۱۶	۱۱۷	و ۲۳۸
نحل ۱۶	۱۲۷		
قصص ۲۸	۵۴		
	فصل بیست و نهم		
	در مهمان نوازی چهار آیه		
بقره ۲	۲۱۱	و ۱۷۲	
توبه ۹	ذ ۶	۶۰	
	فصل سی ام		
	در فروتنی و خضوع		
	و خشوع هفده آیه		
انعام ۶	۶۳	۶۴	
اعراف ۷	۵۳	۲۰۴	۲۰۵
هود ۱۱	۲۵		
انبیاء ۲۱	۸۹	۹۰	
حج ۲۲	ذ ۳۵	۳۶	۵۳
مؤمنون ۲۳	۱	۲	
نور ۲۴	۳۰		
قصص ۲۸	۸۳		
لقمان ۳۱	۱۷	۱۸	
	فصل سی و یکم		
	در بیغرضی و عدم طرف		
	داری دو آیه		
انعام ۶	و ۱۵۳		
حجرات ۴۹	ذ ۹		
	فصل سی و دوم		
	در عفو و اغماض هشت آیه		
ال عمران ۳	۱۵۳		
نساء ۴	۳۲	۱۰۰	
اعراف ۷	۱۹۸		
هود ۱۱	۱۴		
زمر ۳۹	۵۴		
نجم ۵۳	۳۳		
تغابن ۶۴	۱۴		

سور	آیات		
	فصل سی و سیم		
	در عدالت و حکم از روی		
	انصاف یازده آیه		
بقره ۲	ض ۲۸		
نساء ۴	۶۱	۶۲	
مائده ۵	۱۱	۴۵	۴۶
اعراف ۷	ص ۲۸		
انبیاء ۲۱	۱۰۲		
فاطر ۳۵	ص ۱۹		
زمر ۳۹	۱۳	۴۷	
نجم ۵۳	۴۰	۴۱	
احقاف ۴۶	۱۸		
طلاق ۶۵	و ۷		
	فصل سی و چهارم		
	در درستی کار و خلوص شانزده آیه		
بقره ۲	۹۴		
انعام ۶	و ۱۵۳		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۷		
احزاب ۳۳	۲۳	۲۴	
رحمن ۵۵	ذ ۶	۷	۸
مطففین ۸۳	من ۱	الی ۵	
عصر ۱۰۳	من ۱	الی ۳	
	فصل سی و پنجم		
	در عفت و حیاء سه آیه		
نور ۲۴	ص ۳		
فرقان ۲۵	۶۴		
لقمان ۳۱	۱۷		
	فصل سی و ششم		
	در اطاعت و انقیاد بخدا		
	و رسول دو آیه		
شعراء ۲۶	۱۵۱	۱۵۲	
	فصل سی و هفتم		
	در صلح و مسالمت نفس		
	یازده آیه		
انعام ۶	ص ۱۲۷	انفال ۸	۶۳

باج سنت و مردد باشد در میان دو زیارت امام معصوم یا در میان دو صله برادر مؤمن که هر دو را نتوان بعمل آورد و از این باب امور دیگر بعضی از علما دعا کرده مانند در باب استخاره کردن از برای دیگری زیرا که بعد از آنی که سابقا مذکور شد در هر وکالت در استخاره مذکور نبود و سید ابن طاوس رحمه الله تجویز نموده و فرموده است که داخل است در عمومات قضای حوائج مؤمنان و ایضا ممکن است که استخاره این را داخل خود قرار دهد و قصد کنم که بگویم خوب است یا نه و اگر چه عمومات وکالت دور نیست که شامل استخاره باشد اما احوط است که صاحب استخاره خود متوجه استخاره شود زیرا که هر که اضطرارش بیشتر است متوسل بجناب اقدس الهی بیشتر میباشد زیرا که هر گاه فعل غیر در این باب قائم مقام فعل او میبود میبایست با این احادیث بسیار که در این باب وارد شده است در یک حدیث اشاره باین بفرمایند و ایضا با توجه و التفاتی که تمام ائمه صلوات الله علیهم

نسبت بموالیان و شیعیان خود داشتند بکرات برای یکی استخاره بفرمایند و بآن کسانی که خیلی دیدنها که موالیان نسبت بایشان میکردند در یک حدیث مذکور شود که یکی از ایشان التماس نمودند از خدمت ایشان کرده باشند و یک جهت نوشتن خیر این رساله را

سور	ایات		
یونس ۱۰	۹	۱۰	
رعد ۱۳	۲۴		
مریم ۱۹	ص ۳۶		
انبیاء ۲۱	ص ۱۰۳		
فرقان ۲۵	۶۴		
احزاب ۳۳	ص ۴۳		
زمر ۳۹	ص ۷۴		
واقعه ۵۶	۲۵		
	فصل سی و هشتم		
	گذشت از آزار و تقصیر دایه		
بقره ۲	۲۶۵		
آل عمران ۳	۱۲۸		
نساء ۴	۱۴۸		
نحل ۱۶	۱۲۷		
نور ۲۴	۲۲		
شوری ۴۲	۳۴ ۴۱	۳۵	ذ ۳۸
تغابن ۶۴	۱۴		
	فصل سی و نهم		
	در حلم و صبر در مصیبت و هشت ایه		
بقره ۲	ص ۴۳ ۱۵۱	۱۴۸ ۱۵۳	ذ ۱۵۰ ص ۱۷۲
آل عمران ۳	من ۱۳	الی ۱۵	۲۰۰
نحل ۱۶	۱۲۷	۱۲۸	
طه ۲۰	من ۱۳۰		
انبیاء ۲۱	۸۵		
حج ۲۲	ص ۳۶		
قصص ۲۸	ص ۵۴	۷۹	۸۰
عنکبوت ۲۹	۵۹		
لقمان ۳۱	۱۶		
مؤمن ۴۰	ص ۵۵		
ق ۵۰	ص ۳۹		
مزمل ۷۳	۱۰		
دهر ۷۶	۲۴		
بلد ۹۰	۱۷		
عصر ۱۰۳	من ۱	الی ۳	

سور	ایات		
	فصل چهلم		
	در با فقراء هفد ایه		
بقره ۲	ذ ۱۵۰ ذ ۲۷۰	۱۵۱	۱۷۲ و
بنی اسرائیل ۱۷	۳۰		
عبس ۸۰	من ۱	الی ۱۱	
	فصل چهل و یکم		
	در ثنا و مدح و پنج ایه		
بقره ۲	ذ ۲۵۰		
انفال ۸	و ۴۸		
زمر ۳۹	ذ ۱۳		
فصلت ۴۱	۳۴	ص ۳۶	
	فصل چهل و دوم		
	در پاک نفسی آدمیت		
	بیست و یک ایه		
بقره ۲	ذ ۱۲۴		
آل عمران ۳	ص ۶۴	الی ۷۰	
انعام ۶	و ۱۵۳		
اعراف ۷	و ۸۳		
انفال ۸	۲۷		
هود ۱۱	۸۶	۸۷	
بنی اسرائیل ۱۷	ذ ۳۶	۳۷	
شعراء ۲۶	من ۱۸۱	الی ۱۸۳	
روم ۳۰	۳۷		
رحمن ۵۵	ذ ۶	۷	۸
مطففین ۸۳	من ۱	الی ۳	
	فصل چهل و سوم		
	در نظافت و پاکی پنج ایه		
حج ۲۲	ص ۳۰		
فتح ۴۸	و ذ ۲۷		
مدثر ۷۴	۱	۲	۳
	فصل چهل و چهارم		
	در عصمت و اعراض از		
	لغو دو ایه		
مؤمنون ۲۳	۱	۳	

سور	ایات		
	فصل چهل و پنجم		
	در شکر یک ایه		
آل عمران ۳	ذ ۱۳۹		
	فصل چهل و ششم		
	در تسلیم شش ایه		
بقره ۲	۱۵۰	۱۵۱	
آل عمران ۳	۲۵		
انعام ۶	۱۶۳		
رعد ۱۳	ص ذ ۲۲		
کهف ۱۸	۲۳		
	فصل چهل و هفتم		
	در سوگند هشت ایه		
بقره ۲	۲۲۴	۲۲۵	
مائده ۵	ص ذ ۹۱		
نحل ۱۶	ص ۹۴	۹۶	
فتح ۴۸	۱۰		
تحریم ۶۶	۲		
قلم ۶۸	ذ ۱۰		
	فصل چهل و هشتم		
	در ضمانت دو ایه		
حجرات ۴۹	۹	۱۰	
	فصل چهل و نهم		
	در فرمان بردن و کوچکی		
	کردن چهار ایه		
آل عمران ۳	ص ذ ۱۵		
بنی اسرائیل ۱۷	ص ۱۰۷	ص ۱۰۸	ذ ۱۰۹
	فصل پنجاهم		
	در شهادت دادن هفت ایه		
بقره ۲	۱۷۷	ذ ۲۸۲	ذ ۲۸۳
نساء ۴	۱۳۴		
مائده ۵	۱۱		
فرقان ۲۵	ص ۷۲		
معارج ۷۰	۳۳		
	فصل پنجاه و یکم		
	در [illegible] سه ایه		

اینست که برادران
ایمانی بر اخبار و
آثار ائمه طاهرین
و پیشوایان دین
صلوات الله علیهم
که در این باب وارد
شده مطلع شوند
و کیفیت استخاره را
دانسته که هرگاه بخو
بخواهند در حوائج
خود استخاره متوسل
شوند و در همه امور
اعتماد بر پروردگار
خود نمایند و بدانند
که خداوند حکیم در
فیض خود را بر روی
بندگان گنه‌کار
نبسته و همه را در
جمیع امور بدرگاه
خود خوانده و گناه
عاصیان مانع لطف
و احسان خود نفرموده
و ملتمس از عمل
کنندگان این رساله
آنکه مجرم عاصی را
بدعاء خیر یاد نمایند
و سهو و خطا لازم
غیر معصوم بوده است
مؤاخذه ننمایند
با تفرقه بال و پریشانی
احوال حقیر و اشتغال
در چند شب از ماه
مبارک رمضان
سنه هزار و صد و
چهار هجری نوشته
شد و الحمد لله
اولا و آخرا و صلوات
الله علی سید المرسلین
محمد و عترته المقدسین
و لعنة الله علی اعدائهم
اجمعین

رساله مختصریست در اصول دین از فرمایشات مرحوم آقای شهرستانی اعلی الله مقامه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة
علی رسوله الامین خاتم النبیین واله الطیبین الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین اما بعد چنین گوید عبد فانی محمد حسین حسینی
شهرستانی که شهادت میدهم از صمیم قلب براینکه عالم را صانعی است واحد و یکتا و عالم و دانا و در مختار و حکیم است و عادل و حی و قدیم

سور	آیات		
کهف ۱۸	و ۲۸		
عصر ۱۰۳	۲	۳	
فصل پنجاه و دوم			
در تقوی و فضیلت آن			
فصلت ۴۱	۷		
فصل پنجاه و سیم			
در نذر یک آیه			
حج ۲۲	ذ ۳۰		
فصل پنجاه و چهارم			
در مسافر و ابن			
سبیل چهار آیه			
بقره ۲	ص ذ ۱۷۲		
انفال ۸	ص ۴۲		
توبه ۹	و ذ ۶۰		
بنی اسرائیل ۱۷	۲۸		
فصل پنجاه و پنجم			
در بزرگداری یازده آیه			
بقره ۲	ذ ۶۱		
آل عمران ۳	۱۳۱		
نساء ۴	ذ ۱۲۲		
مائده ۵	ذ ۱۰۰		
انعام ۶	ذ ۱۳۶		
یونس ۱۰	۲۸		
طه ۲۰	من ۱۲۳	الی ۱۲۶	
روم ۳۰	ص ۹		
سجده ۳۲	۲۱		
زمر ۳۹	۲۷		
فصل پنجاه و ششم			
در بدبختی و شقاوت			
یک آیه			
شوری ۴۲	ص ۲۹		
فصل پنجاه و هفتم			
در ظلم و تعدی			
یک آیه			
شعراء ۲۶	ذ ۲۲۸		

سور	آیات		
فصل پنجاه و هشتم			
در کبر و نخوت یک آیه			
لقمان ۳۱	۱۷		
فصل پنجاه و نهم			
در حرص و بخل و سخی دو آیه			
آل عمران ۳	۱۷۵	ص ۱۷۶	
نساء ۴	ص ۴۱	و ۱۲۷	
توبه ۹	۳۴	۳۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۳۱	۱۰۲	
فرقان ۲۵	۶۷	محمد ۴۷	من ۳۸ الی ۴۰
نجم ۵۳	ذ ۳۳	من ۳۴	الی ۴۲
حدید ۵۷	۲۳	۲۴	
حشر ۵۹	ذ ۹		
تغابن ۶۴	ذ ۱۶		
معارج ۷۰	۱۸		
لیل ۹۲	ذ ۸	۱۰	۱۱
همزه ۱۰۴	من ۲	الی ۴	
فصل شصتم			
در بهتان و سعایت و هجده آیه			
نساء ۴	۱۱۲		
نور ۲۴	۴ ۱۸	۵ ۱۱	۱۷ ۲۰
حجرات ۴۹	۲۳	۱۴	۲۵
قلم ۶۸	من ۱۱	الی ۱۶	
همزه ۱۰۴	۱		
فصل شصت و یکم			
در خشم و غضب سه آیه			
آل عمران ۳	۱۲۷	۱۲۸	
شوری ۴۲	۴۳	۳۵	
ابی لهب ۱۱۱	من ۱	الی ۵	
فصل شصت و دوم			
در شهوت یک آیه			
نساء ۴	۳۶		
فصل شصت و سیم			
در کنجکاوی و استقصا			
دو آیه			

سور	آیات		
مائده ۵	۱۰۱		
حجرات ۴۹	ص و ۱۲		
فصل شصت و چهارم			
در حرص اکل و شرب و فسق			
و فجور یک آیه			
مائده ۵	۷		
فصل شصت و پنجم			
در تحقیر و تخفیف یک آیه			
نساء ۴	ذ ۱۷۱		
فصل شصت و ششم			
در آشوب و اختلال			
و فساد دوازده آیه			
بقره	۲۵	ذ ۵۷	
مائده ۵	۳۷	ذ ۶۴	
اعراف	۵۴	ذ ۷۲	ذ ۸۳
هود	ذ ۸۶	۸۷	
شعراء ۲۶	۱۵۱	۱۵۲	
محمد ۴۷	۲۴		
فصل شصت و هفتم			
در اسراف و تبذیر یک آیه			
بقره ۲	ص ۱۸۴		
فصل شصت و هشتم			
در لعن و تشنیع سه آیه			
حجرات ۴۹	و ۱۱		
همزه ۱۰۴	۱	۲	
فصل شصت و نهم			
خودخواهی دو آیه			
مائده ۵	۱۰۴		
بنی اسرائیل ۱۷	۱۰۲		
فصل هفتادم			
در رشک و حسد دو آیه			
فلق ۱۱۳	۱	۵	
فصل هفتاد و یکم			
اسراف در اکل و شرب یک آیه			
اعراف	و ذ ۲۹		

و ازلی و ابدی و واجب الوجود بالذات و کامل در جمیع صفات کمال که عین ذات اوست و منزه است از هر نقص و عیبی و شهادت میدهم بر نبوت حضرت خاتم الانبیا محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف صلی الله علیه و آله و بر رسالت او بر کافه خلق الی القیمه و بر عصمت آنجناب و کمال اوصاف کمالیه و مکارم و براینکه هر چه را ابلاغ فرموده از احکام الهی و اخبار نموده از وقایع گذشته و آینده همه صدق و حق است و معجزات صادره بر دست او از قران و شق القمر و معراج آسمانی و غیرها همه حق است و براینکه امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وصی بلافصل و خلیفه او است بنص او و بر عصمت و امامت او و اینکه او است خیر خلق الله بعد از او و براینکه امام بعد از او یازده نفر از اولاد او است که اول ایشان امام دویم حضرت امام حسن مجتبی است و امام سیم حسین شهید کربلا و امام چهارم امام زین العابدین علی بن الحسین و امام پنجم امام محمد باقر علی بن الحسین و امام ششم امام جعفر بن محمد الصادق و امام هفتم امام موسی بن جعفر الکاظم و امام هشتم امام علی بن موسی الرضا و امام نهم
امام محمد بن علی التقی الجواد و امام دهم علی بن محمد النقی و امام یازدهم امام حسن عسکری و امام دوازدهم امام عصر صاحب الزمان
حجة بن الحسن العسکری علیهم السلام که زنده است و غایب است و ظاهر خواهد شد و زمین دنیا و عالم را از ظلم پاک خواهد نمود و همه

سوز صفحه

ایشان مطهر و معصوم و واجب الاطاعه و خیر خلق الله هستند و رجعت ایشان برحق است با دوستان ایشان دوستم و با دشمنان ایشان دشمنم هرکه باشد و هرچه باشد و شهادت میدهم براینکه معاد اجساد حقست و موت و قبر و سؤال و فشار و جنت و نار و صراط و میزان و شفاعت و وسیله و تطایر کتب و خلود بهشت و دوزخ همه حقست و صدقست و بر تمام این عقاید براهین قطعیه عقلیه و نقلیه اقامه نموده ام و از خداوند منان امید وارم که مرا بر آن ثابت بدارد بجاه محمد و آله الطاهرین و چون حقیت این راه مانند آفتاب روشن و ظاهر است میخواهم از راه شفقت و خیرخواهی ناظران در این رساله را ارشاد نمایم تا کسانی که عصبیت و تقلید را بکنار گذارند هدایت یافته از راه نجات سلوک نموده از عذاب خلود خلاص شوند و غرض اقامه برهان نیست براین عقاید زیرا که در این باب کتب مفصله بسیار است بلکه مقصود ارشاد بطریق احتیاط و سلوک راهی است که احتمال خطر در آن کمتر است نسبت براههای دیگر و هر عاقلی بالفطره میداند که سلوک راهی که خطر آن کمتر است اولی است از راهی که خطرات بیشتر باشد و این طریقه را در مقابل طرقی که فعلا در روی زمین شایع است معین خواهم نمود ببیان کافی و شافی از روی امثال و بیانات عرفیه که بذهن عوام و خواص موافق باشد پس میگویم که چنین فرض کن که این بنده ضعیف در مغاره کوه از مادر متولد شده از شیر آهوان صحرا تربیت یافتم و چون بسن رشد و تمیز رسیدم از آنجا بیرون آمدم پس عبورم افتاد بر طایفه از هشکلان خود که صورتی از سنگ تراشیده بجهت او خضوع و خشوع مینمودند و گاهی بجهت آفتاب یا آتش بسجده میرفتند و در درج اینها کلماتی ملفق نموده میخواندند و خود را بهر زحمتی انداخته بعضی خود را اخته کرده اند خود را بچشم خود را بسته و میت خود را

سوره	آیات		
	فصل هفتاد و دویم		
	در غضب و تقلب در روزن		
	و کیل سه آیه		
مطففین ۸۳	۱	۲	۳
	فصل هفتاد و سیم		
	اعراض از لغو یک آیه		
مدثر ۷۴	۴۵		
	فصل هفتاد و چهارم		
	در نقض کینه دو آیه		
مائده ۵	۱۱		
کوثر ۱۰۸	۳		
	فصل هفتاد و پنجم		
	در قتل نفس ده آیه		
بقره ۲	ص ۱۷۳	۱۷۴	
نساء ۴	۳۳	۹۴	۹۵
مائده ۵	ذ ۳۵		
انعام ۶	ذ ۱۵۲		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۵		
فرقان ۲۵	ص ۶۸		
احزاب ۳۳	۵۸		
	فصل هفتاد و ششم		
	در نهی از نکاح با زنان		
	فاجره یک آیه		
نور ۲۴	ص ۲۶		
	فصل هفتاد و هفتم		
	در کفران و ناسپاسی		
	نعمت چهار آیه		
انفال ۸	۵۷		
یونس ۱۰	۱۳	۲۳	۲۴
هود ۱۱	۱۲	۱۳	
نحل ۱۶	ذ ۵۵	۵۶	۵۷
بنی اسرائیل ۱۷	۶۹	۸۵	
عنکبوت ۲۹	۶۵		
روم ۳۰	۳۲	ص ۳۳	ذ ۵۰
لقمان ۳۱	۳۱		

سوره	آیات		
زمر ۳۹	۵۱	۵۲	۵۰
فصلت ۴۱	ص ۴۹	الی ۵۱	
	فصل هفتاد و هشتم		
	در ظلم و جور چهار آیه		
اعراف ۷	ذ ۳۱		
یونس ۱۰	ذ ۲۳	۲۴	
رعد ۱۳	۲۵		
	فصل هفتاد و نهم		
	در سعید الی یک آیه		
ذاریات ۵۱	۵۹		
	فصل هشتادم		
	در نهی سکر خاصه در		
	نماز یک آیه		
نساء ۴	۴۶		
	فصل هشتاد و یکم		
	در مذمت خودستائی یک آیه		
انفال ۸	۴۹		
	فصل هشتاد و دوم		
	در مذمت حسد یک آیه		
بقره ۲	ذ ۸۴		
	فصل هشتاد و سیم		
	در مذمت قمار چهار آیه		
بقره ۲	ص ۲۱۶		
نساء ۴	ص ۳۳		
مائده ۵	۹۲	۹۳	
	فصل هشتاد و چهارم		
	در نهی از تجاسر در حکم یک آیه		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۸		
	فصل هشتاد و پنجم		
	در مذمت جبن یعنی ترس که موجب		
	تقاعد است یازده آیه		
آل عمران ۳	۱۵۰	۱۵۲	
نساء ۴	۷۴	۷۵	
انفال ۸	۱۵	۱۶	
توبه ۹	۳۴ ۵۷	۳۹ ۶۴	۵۶

سوره	آیات		
	فصل هشتاد و ششم		
	در مذمت اصرار در فجور		
	هفت آیه		
نساء ۴	۱۹	۲۰	
انعام ۶	ذ ۱۵۲		
عبس ۸۰	ذ ۴۰	۴۱	۴۲
انفطار ۸۲	ذ ۱۴		
	فصل هشتاد و هفتم		
	در شرارت و شیطنت پنج آیه		
نساء ۴	و ذ ۳۴	بقره ۲	۲۵
انعام ۶	ذ ۱۳۶	جاثیه ۴۵	ذ ۱۸
حجرات ۴۹	۱۱		
	فصل هشتاد و هشتم		
	در مذمت غیبت سه آیه		
نساء ۴	۱۱۷		
حجرات ۴۹	۱۲		
همزه ۱۰۴	ص ۱		
	فصل هشتاد و نهم		
	در مذمت کذب سه آیه		
حج ۲۲	ذ ۳۱		
صف ۶۱	۲	۳	
	فصل نودم		
	در سخریه و استهزاء یک آیه		
حجرات ۴۹	۱۱		
	فصل نود و یکم		
	در عجب و تکبر هجده آیه		
نساء ۴	ذ ۳۶	ص ۱۷۱	الی ۱۷۳
نحل ۱۶	ص ۲۵	الی ۳۱	
بنی اسرائیل ۱۷	۳۹	۴۰	
سجده ۳۲	۱۵		
زمر ۳۹	ذ ۶۱	۷۲	
مؤمن ۴۰	ذ ۳۷	ذ ۷۶	
	فصل نود و دویم		
	در دو روئی سه آیه		

بائش سوزانیده باخود رات انداخته این طریقه را معقول داشته از ایشان سؤال نمودم که این چه کار است که میکنید و چرا خود را باین
زحمتها انداخته اند پیری از ایشان جواب داد که اینها را اهیت کرمان نبدکه بود ما میکنیم تا از علائق و شهوات بتمامها طلاق دهیم
و اگر چنین نکنیم از این نشأه که درفتیم باز بجسد دیگر منتقل خواهیم شد از انسان و یا حیوان و بمقتضای اعمال خود جزا خواهیم یافت

سوره	آیات		
بقره ٢	٢٦٦		
نساء ٤	ص ٤٣		
انفال ٨	و ٩		
فصل نود و سیم			
در خیانت هفت آیه			
نساء ٤	ص ١٠٦	الی ١٠٩	
انفال ٨	٦٠		
نحل ١٦	٩٤	٩٥	
فصل نود و چهارم			
در ذم خودستائی و تفاخر			
نساء ٤	ذ ٣٦		
لقمان ٣١	ذ ١٧		
فصل نود و پنجم			
در ذم نقض عهد سه آیه			
بقره ٢	١٥٤		
نساء ٤	ص ٣٣	٦٢	
فصل نود و ششم			
در اسراف و بسط پنج آیه			
انعام ٦	١٤٢		
بنی اسرائیل ١٧	من ٢٨	الی ٣٠	
فرقان ٢٥	٦٧		
فصل نود و هفتم			
در ذم واداشتن کنیزان بزنا یک آیه			
نور ٢٤	ذ ٣٣		
فصل نود و هشتم			
در ذم طعن و سخریه یک آیه			
حجرات ٤٩	ذ ١١		
فصل نود و نهم			
در مکر و حیله پنج آیه			
نساء ٤	١٠٠		
رعد ١٣	و ٤٢		
نحل ١٦	من ٤٧	الی ٤٩	
فصل صدم			
در اشاعهٔ [illegible] یک آیه			

سوره	آیات		
نساء ٤	١٤٧		
فصل صد و یکم			
در نام بد بردن کسان			
بر شوی یک آیه			
حجرات ٤٩	من ١١		
فصل صد و دوم			
در نهی از لواطه چهار آیه			
نساء ٤	٢٠		
اعراف ٧	من ٧٨	٧٩	٨٠
فصل صد و سیم			
در سوء ظن یک آیه			
حجرات ٤٩	من ١٢		
فصل صد و چهارم			
در خودکشی و انتحار یک آیه			
نساء ٤	٢٣		
فصل صد و پنجم			
در منع خیانت و نقض عهد پنج آیه			
انفال ٨	ص ٥٧	من ٥٨	الی ٦٠
یوسف ١٢	ذ ٥٢		
فصل صد و ششم			
در معاصی شهوانی سه آیه			
انعام ٦	و ١٥٢		
اعراف ٧	٢٧		
نحل ١٦	و ٩٢		
فصل صد و هفتم			
در ربا و سود هفت آیه			
بقره ٢	من ٢٧٥	الی ٢٧٩	
آل عمران ٣	١٢٥		
نساء ٤	١٥٩		
روم ٣٠	٣٨		
فصل صد و هشتم			
در لهو و لعب سه آیه			
انعام ٦	٣٢		
عنکبوت ٢٩	٦٤		
فاطر ٣٥	٥		

سوره	آیات		
محمد ٤٧	ذ ٣٨		
حدید ٥٧	١٩	٢٠	
فصل صد و نهم			
در انتقام و قصاص دو آیه			
بقره ٢	و ١٦٩		
حج ٢٢	ذ ٥٩		
فصل صد و دهم			
در نهی شرب خمر چهار آیه			
بقره ٢	٢١٩		
مائده ٥	٩٢	٩٣	
محمد ٤٧	ص ١٥		
فصل صد و یازدهم			
در تطاول و تکبر سه آیه			
اعراف ٧	و ٣١		
شعراء ٢٦	ذ ٢٢٢		
مؤمن ٤٠	ذ ٣٧		
فصل صد و دوازدهم			
در نهی از سرقت یک آیه			
مائده ٥	٤٢		
فصل صد و سیزدهم			
در حیوة و زندگانی			
پنجاه و چهار آیه			
بقره ٢	٢٦، ٨٠	من ١٩٦	الی ١٩٨
	٢٠٨	١٠	
انعام ٦	٣٢		
توبه ٩	٧٠	٧١	
یونس ١٠	٢٥		
هود ١١	١٨	١٩	
رعد ١٣	٣٦		
ابرهیم ١٤	٣		
نحل ١٦	من ٢٣	الی ٢٥	
بنی اسرائیل ١٧	١١	١٩	
کهف ١٨	٦	٧	٤٣
طه ٢٠	١٣١		

پس اگر نیکوکار باشیم
پادشاه میشویم و اگر
بدکار باشیم گدا
خواهیم شد و امثال
اینها پس با خود گفتم
که این زحمتها با این نتیجه
نمیارزد و خطر مخالف
این راه چندان عظیم
نیست پس از ایشان
گذشتیم و بطایفهٔ دیگر
رسیدم که ایشان آتش
ستایش مینمودند و
طریقهٔ دیگر داشتند
از ایشان سؤال نمودم
که اعتقاد شما چیست
جواب داد که ما بر دین
مجوس هستیم و اعتقاد
ما آنست که هر کس در
این دنیا ترک شهوات
کند بعد از موت باسمانها
رود و با فرشته باشد
والا پس اگر خوش دنیا
و فهیم باشد و دنیا را
طلب نماید بعد از مرگ
پادشاه یا وزیر یا امیر
شود و اگر بد باشد و
ظلم و تعدی کند و قتل
نفس کند چون بمیرد
ببدن شیر و پلنگ و
ببر و گرگ و امثال اینها
برآید که اینها را [illegible]
نامیم و اگر ظالم و قتال
نباشد و اما مردم را
بزور بزیر بار دارد ببدن
گاو و خر و اسب و شتر
درآید که او را [illegible]
نامیم و کشتن [illegible]
روا باشد و کنیز زنده
با او نیست بلکه مانند
کنیزان دیگر عقل است
و اگر خوش فهم و عقل باشد
در آتش با برف معذب
شود با خود گفتم که
مخالف این راه چندان
خطر ندارد زیرا که
با عقائد [illegible] مکافات
اعمال [illegible]

نشأه خواهد بود و هیچ شدائد و الامان دائمی نیست باز از بزرگان این دو طایفه سؤال نمودم که شما را بر حقیت دین خود چه برهان است جواب گفتند که
این طریقه ایست که از پدران ما بما رسیده است و همان اقتدا داریم گفتم این طریقه عقل نیست که انسان خود را بزیر بار زحمات و عبادات شدید بدون اعمال

سورهٔ حج

و بمحض خوف دیگری که نه عصمت او را قائل است و نه معجزه بدستنا و جاری میشود و نه برهانی بر صحت آن دارد کدام عاقل گمان
میکند که شخصی خون مظلومان را بریزد و مال ایشان ببرد و اذیت بیمان و بیره زنان نماید خداوند حکیم بکیفر آن بعد از ترک
او را بدن ببر یا پلنگ در آورد که باز مسلط بجوانات دیگر شد و خون ایشان بخورند و بسا هست که در تمام عمر کسی دست بر آنها
نمیابد که ایشان را هلاک کند اگر کشتن زنده بار روا نیست پس چرا خداوند را بر ایشان مسلط نموده که ایشان را بدبد و اگر نه باور ابجهت کیفر خلق کرده پس چرا کشتن آنها را روا ساخته و اینکه شخصی گفته که در کتب ایشان از زردشت و غیره روایت شده که وضع افلاک و حالات آنها نفوس آنها را مانند فلاسفه اثبات نموده و بطلان آن در محل خود ثابت کردیم و الحاصل اینکه دیدم هر گاه کسی تصدیق یکی از این دو طایفه را نماید بدون برهان و دلیل تصدیق نموده و اگر کسی تصدیق نکند و بآن اعتقاد نماید ضرری بجان او ندارد پس از ایشان گذشتم و بطایفه دیگر رسیدم که از معتقدین ایشان سؤال نمودم گفتند که ما بر دین یهود هستیم که برسالت حضرت موسی علیه السلام اعتقاد داریم و دین او را تا قیامت باقی میدانیم و هیچ پیغمبری که ناسخ دین او باشد اعتقاد نداریم گفتم هر گاه کسی مخالفت شما نماید و برسول دیگر بعد از موسی نازل شود مانند نصاری و اسلام آیا کیفر او چه باشد گفتند اگر خوش عمل و خوب رفتار و نیکو کار و بی آزار باشد از اهل معذب نشود و اگر ظالم و بدکار باشد قدری معذب شود

سور	آیات		
حج ۲۲	۶۵		
نمل ۲۷	۶۸		
قصص ۲۸	۶۰	عنکبوت ۲۹	۶۴
لقمان ۳۱	۳۳	روم ۳۰	من ۵ الی ۶
مؤمن ۴۰	۴۲		
فصلت ۴۱	۲۰		۳۴ ۳۸
شوری ۴۲	۱۹	۳۴	۴۶ ۵
زخرف ۴۳	من ۳۲	الی ۴۴	جاثیه ۴۵
احقاف ۴۶	۱۹		
نجم ۵۳	۳۰	۳۱	حدید ۵۷ ۱۹
نوح ۷۱	۱۶	۱۷	
اعلی ۸۷	ذ ۱۶	من ۱۷	الی ۱۹
انشقاق ۸۴	۱۹		
	فصل چهاردهم		
	در سیری یک آیه		
نحل ۱۶	ص ۷۲		
	فصل پانزدهم		
	در ثروت و غنا و چهل یک آیه		
بقره ۲	ذ ۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸
آل عمران ۳	۸۰		
انفال ۸	۲۸	۳۶	
نحل ۱۶	۷۳		
کهف ۱۸	۴۴		
قصص ۲۸	من ۷۶	الی ۸۲	
سبا ۳۴	من ۳۳	الی ۳۶	
حدید ۵۷	۱۹		
تغابن ۶۴	۱۵		
مدثر ۷۴	۶		
فجر ۸۹	ذ ۲۱		
لیل ۹۲	۱۴	من ۱۷	الی ۲۱
تکاثر ۱۰۲	من ۱	الی ۸	
همزه ۱۰۴	من ۱	الی ۴	
	فصل شانزدهم		
	در حکمت و دانش یک آیه		
بقره ۲	۲۷۲		

سور	آیات		
	فصل هفدهم		
	در قلب هفت آیه		
اعراف ۷	ص ۴۱		
یونس ۱۰	۵۸		
رعد ۱۳	ذ ۲۷	ص ۲۶	
مؤمنون ۲۳	۸۰		
سجده ۳۲	۸		
احزاب ۳۳	۴		
	فصل هجدهم		
	در میل و خواهش دو آیه		
نجم ۵۳	۲۴	۲۵	
	فصل نوزدهم		
	در قصد و نیت یک آیه		
بقره ۲	۲۲۵		
	فصل بیستم		
	در حظ و لذت یک آیه		
آل عمران ۳	۱۴		
	فصل بیست و یکم		
	در عظمت و جلالت یک آیه		
فاطر ۳۵	۱۱		
	باب هفدهم		
	در نمو و پیشرفت و ترقی		
	مشتمل بر شش فصل		
	فصل اول		
	در وحدت نمو و پیشرفت و ترقی		
	هجده آیه		
مائده ۵	۱۱۰		
انعام ۶	۱۳۵		
ابراهیم ۱۴	من ۲۹	الی ۳۲	
حجر ۱۵	۲۴		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۸		
طه ۲۰	ذ ۱۱۳		
زمر ۳۹	۴۰		
ممتحنه ۶۰	۷		
علق ۹۴	من ۱	الی ۷	

سور	آیات		
	فصل دویم		
	در اقدام بعمل دو آیه		
انعام ۶	ص ۱۳۵		
زمر ۳۹	۴۰		
	فصل سیم		
	در عمل و جهد افعال		
	الهیه در عباد دوازده آیه		
نساء ۴	۳۶		
یونس ۱۰	ص ۹۶		
نمل ۲۷	۸۸		
قصص ۲۸	ذ ۷۲	۷۳	
سبا ۳۴	من ۱۰	الی ۱۲	
یس ۳۶	من ۳۳	الی ۳۵	
جمعه ۶۲	۱۰		
	فصل چهارم		
	در نهی شک و تردید		
	نه آیه		
بقره ۲	۱۴۲		
یونس ۱۰	۸۴	۹۵	
حج ۲۲	۱۱		
سبا ۳۴	من ۵۰	الی ۵۴	
	فصل پنجم		
	در امتحان و اختیار		
	بیست و هفت آیه		
بقره ۲	۱۷۱	ذ ۲۲۱	۲۵۴
آل عمران ۳	۵	۷۲	
انعام ۶	ذ ۱۱۴	ذ ۱۲۱	
اعراف ۷	۸۴		
هود ۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۴
نحل ۱۶	۱۱۷	۱۱۸	
مائده ۵		۱۰۱	
حج ۲۲	۳	۴	من ۸ الی ۱۰
مؤمن ۴۰	۴	۵۸	
شوری ۴۲	۸	۱۵	
لقمان ۳۱	من	الی ۲۱	

ولی خلود نباشد از برای کسی در عذاب گفتم پس التزام باین طریق چندان لزومی ندارد میزان نجات همان خوبی اعمال است و حذر از ظلم و
فساد پس اگر کسی آنرا اخذ نماید دیگر حاجتی باین تکلفات دین شما ندارد پس از ایشان گذشتم بطائفه دیگر رسیدم که بوضع دیگر مردم

زن بدون حجاب باهم محشور و مشغول بزدن عود و طنبور و شرب خمر بودند از ایشان سؤال نمودم که شما را چه اعتقاد در دین است گفتند
ما بر دین نصاری هستیم و ما را اعتقاد چنانست که از همه طوائف عالم دانا و اعقل هستیم و حضرت عیسی را خدا یا پسر خدا میدانیم که
الوهیت خدا با انسانیه عیسی بهم متحد شدند و یکی شدند و خدا چنین کرد تا اینکه بسبب ناسوتیت مسیح مبتلا بزحمت و محنت و شداید

گردد و بردار شود و
کشته گردد و مدفون
شود و معذب گردد
تا اینکه صلب کفارهٔ
گناهان بنی آدم گردد
و همه بشفاعت او
نجات یابند و بهشت
روند بشرط اینکه
اعتقاد بالوهیت
عیسی داشته باشند
گفتم بنا براین مقدمه
شما را هیچ حاجت بعبادت
نیست و هر ظلم و
تعدی و فواحش که
بکنند جزائی و عقوبتی
نخواهد داشت گفتند
چنین است گفتم دلیل
شما براین اعتقادات
چیست گفتند اگر عیسی
خدا نبود چگونه قدرت
بر احیاء موتی داشت
و چون خدا بود پس
چرا این صدمات را
متحمل شد بین نیست
مگر بجهت نجات
عاصیان یکی از مسلمانان
جواب داد اولا احیاء
موتی شاید باذن خدا
بوده بجهة اظهار
معجزه که مصدق نبوت
او باشد مانند حیه
شدن عصا بدست
حضرت موسی که جان
دار کردن جماد و نبات
اعجب است که از زنده
کردن اموات و ثانیا
غیر از عیسی هم احیاء
اموات از انبیاء دیگر
صادر شد پس چرا
ایشان را خدا نمیدانند
و ثالثا از زمان عیسی
تا حال هزار و نهصد
سال تقریبا میشود و
قبل از آن از زمان حضرت
ادم زیاده از چهار
هزار سال گذشته که
همه اولاد ادم بودند

سور	آیات		
بخس ۵۳	ذ ۲۹		
	فصل ششم		
	در دعوی یاران الهی بودن		
انعام	ص ۱۳۵		
	باب هجدهم		
	در تاریخ مشتمل بر چهار فصل		
	فصل اول		
	ذکر ابابیل پنج آیه		
فیل ۱۰۵	من ۱	الی ۵	
	فصل دویم		
	ذکر یاجوج و ماجوج		
انبیاء	سه آیه		
کهف ۱۸	من ۹۵	الی ۹۷	
	فصل سیم		
	ذکر ذو القرنین		
	هفده آیه		
کهف ۱۸	من ۸۳	الی ۹۸	
	فصل چهارم		
	ذکر روم سه آیه		
روم	۱	۲	ص ۳

بسم الله خیر الاسماء

بدانکه قراء معروفه ده نفرند و هر یک دو راوی دارند که مجموع سی نفر میشوند و هر کدام رمزی دارند و مجموع اسامی قراء و راویان آنها و رموز که اشاره باسم آنها است در این صفحه ثبت

نافع المدنی	ابن کثیر المکی
ا	د
قالون ورش	بزی قنبل
ب ج	ه ن
ابن عامر الشامی	ابو عمرو البصری
ک	ح
هشام ابن ذکوان	دوری سوسی
ل م	ط ی
عاصم الکوفی	حمزة الکوفی
ن	ف
بکر حفص	خلف خلاد
ص ع	ض
کسائی الکوفی	ابو جعفر المدنی
ر	ث
ابو الحارث دوری	ابن وردان ابن جماز
ش ت	خ ذ
یعقوب الحضرمی	خلف
ظ	و
رویس روح	اسحق ادریس
غ س	

اسامی قراء شاذه که چهار نفر هستند با رموز آنها

شنبوذ ابن محیصن	اعمش حسن البصری
ذی ص	ش بس

و عاصی و گناهکار در ایشان بسیار بود چرا خدا این رحمت را پیش در زمان ادم متحمل نشد که آن بندگان نیز باین اعتقاد نجات یابند و بدوزخ
نروند زیرای خدا اگر سهل بود لاهوت خود را با ناسوت ادم یا یکی از اولاد او بلا فاصله متحد نماید و این صدمات را متحمل نشود و مایه خجالت

همه بندگان

همه بندکان کرد دکفتند حکمت این تاخیر را نمیدانیم کفت اناجیل اربعه شما موجود است و در انجا تعبیر شده است از عیسی به پسر انسان
و هیچ در ان از الوهیت او اسمی نیست بلکه در اولش میکویند که روح القدس مانند کبوتری از اسمان نزول نموده و بعد از ان میتوشد
و این چه دخلی باتحاد بالله دارد و چکونه ادعای عقل میکنید و حال اینکه بخواهید مرد دروابه نمایید که خود عیسی در انجیل ادعای
این نکرده و کسی را بان دعوت ننموده و برهانی بر انها ندارد و در همه کلمات انجیل امر میکند باعمال خیر و نهی میکند از منکرات و میکوید
کسانیکه مرتکب فواحش

و منکرات میشوند در نزد
خدا با من راهی نخواهند
داشت و من انهارا انکار
خواهم کرد و شما ها میکوئید
کسیکه اقرار الوهیت او
نماید هر چه از منکرات و
فواحش کند از اهل نجات
است باز کفت یا باعتقاد
شما شرب خمر واجب است
کفتند نه کفت پس اکر کسی
اجتناب از ان کند چه ضرر
دارد کفتند چنین کسی خر
است که چنین چیز خوبی را که
مفرح قلب است ترک نموده
کفت این مسلم است که تمیز
انسان از خر و سایر حیوانات
بقوه عقل است و اکنون
هر کس حفظ عقل خود را
نماید و در صدد تکمیل ان
باشد با انسانیت نزدیکتر
است یا کسیکه اعتنا بحفظ
عقل خود داشته باشد و
همواره خود را مست و لا
یعقل کند مانند حیوانات
بی شعور بلکه پستتر است که کدام
فرقه بحریت احقند باز
کفت که شما توریت را کتاب
خدا میدانید و موسی را
رسول خدا کفتند بلی کفت
در انجیل شما میکوید که
من بجهة باطل کردن احکام
تورات نیامده ام بلکه بجهة
تکمیل ان امده ام و حال
اینکه در شرع موسی و تورات
تعطیل بشنبه و ترک عمل
دران از واجبات و ختنه
واجب بوده است و طلاق
دادن زنان جایز بوده و
احکام بسیاری از کفارات
و غیره دران هست که شما
هیچیک مقید نیستید کفتند
چون بجهة امدن عیسی
عقول تکمیل یافت این بود
ساقط شد کفت پس تغییر
احکام نسبت باختلاف

السوره	مکی و مدنی	عدد آیات	عدد کلمات	عدد حروف	ترتیب نزول
فاتحه ۱	ک	۱	۲۵	۱۲۳	فاتحه
البقره ۲	م	۲۸۶ / ۲۸۷	۶۱۲۱	۲۵۵۰۰	[illegible]
آل عمران ۳	م	۲۰۰	۳۴۸۰	۱۴۵۲۵	الانفال
النساء ۴	م	۱۷۶ / ۱۷۵	۳۵۴۰	۱۶۵۴۰	الزلزال
المائده ۵	م	۱۲۰ / ۱۲۲	۲۸۰۴	۱۱۷۴۲۰	الفتح
الانعام ۶	مکی [illegible]	۱۶۵ / ۱۶۶	۳۰۵۲	۱۲۴۱۲	الصافات
الاعراف ۷	ک	۲۰۶ / ۲۰۵	۳۸۲۵	۱۴۳۱۰	[illegible]
الانفال ۸	م	۷۵ / ۷۶	۱۲۳۱	۵۲۹۴	[illegible]
التوبه ۹	م	۱۲۹ / ۱۳۰	۲۴۹۷	۱۰۴۸۷	هود
یونس ۱۰	م	۱۰۹	۱۸۳۷	۵۵۶۷	یوسف
هود ۱۱	ک	۱۲۳ / ۱۲۰	۱۹۱۵	۷۵۶۷	الحجر
یوسف ۱۲	ک	۱۱۱	۱۱۷۶	۷۱۶۰	الرحمن
الرعد ۱۳	مکی [illegible]	۴۳ / ۴۵	۷۵۵	۳۵۰۶	الانبیاء
ابراهیم ۱۴	ک	۵۲ / ۵۱	۸۵۰	۳۴۳۴	الانعام
الحجر ۱۵	ک	۹۹	۶۵۴	۲۷۷۱	نوح
النحل ۱۶	ک	۱۲۸	۱۸۴۱	۷۷۰۷	یونس
بنی اسرائیل ۱۷	ک	۱۱۱ / ۱۱۰	۱۵۱۳	۶۴۶۰	النحل
الکهف ۱۸	ک	۱۱۰ / ۱۱۱	۱۵۷۷	۶۰۶۰	طه
مریم ۱۹	ک	۹۸	۷۶۲	۳۸۰۲	الواقعه
طه ۲۰	ک	۱۳۲ / ۱۳۵	۱۳۴۱	۵۲۴۲	المؤمنون
الانبیاء ۲۱	ک	۱۱۲ / ۱۱۱	۱۱۶۸	۵۹۹۰	المنافقون
الحج ۲۲	[illegible]	۷۸ / ۷۵	۱۲۹۱	۵۱۲۵	التغابن
المؤمنون ۲۳	ک	۱۱۸ / ۱۱۹	۱۸۴۰	۴۸۰۲	الحج
النور ۲۴	م	۶۴	۱۳۱۶	۵۳۸۰	الملک
الفرقان ۲۵	ک	۷۷	۷۹۳	۳۷۵۳	النمل
الشعراء ۲۶	ک	۲۲۷ / ۲۲۶	۱۱۹۷	۵۵۴۲	القصص
النمل ۲۷	ک	۹۵ / ۹۴	۱۱۴۹	۴۷۹۹	[illegible]
القصص ۲۸	ک	۸۸	۱۴۴۱	۵۸۰۰	المطففین

السوره	مکی و مدنی	عدد آیات	عدد کلمات	عدد حروف	ترتیب نزول
العنکبوت ۲۹	ک	۶۹	۱۷۸۰	۴۱۵۷	العنکبوت
الروم ۳۰	ک	۶۰	۸۱۹	۳۵۳۴	سبا
لقمان ۳۱	ک	۳۴	۵۴۸	۲۱۱۰	الطلاق
السجده ۳۲	ک	۳۰ / ۲۹	۳۸۰	۱۵۱۸	الممتحنه
الاحزاب ۳۳	م	۷۳	۱۳۸۸	۵۷۹۶	الزمر
سبا ۳۴	ک	۵۴	۸۸۳	۳۵۱۱	[illegible]
فاطر ۳۵	ک	۴۵	۷۷۷	۳۱۳۰	الفرقان
یس ۳۶	ک	۸۳ / ۸۲	۷۲۹	۳۰۰۰	لقمان
الصافات ۳۷	ک	۱۸۲ / ۱۸۱	۸۶۰	۳۸۲۶	[illegible]
ص ۳۸	ک	۸۸ / ۸۶	۷۳۲	۳۰۶۹	غافر
الزمر ۳۹	ک	۷۵ / ۷۲	۱۱۸۰	۴۷۴۴	فصلت
غافر ۴۰	ک	۸۵ / ۸۲	۱۲۰۰	۴۹۶۰	شوری
فصلت ۴۱	ک	۵۴ / ۵۳	۷۹۶	۳۳۵۰	الزخرف
شوری ۴۲	ک	۵۳ / ۵۰	۸۶۶	۳۵۸۰	[illegible]
الزخرف ۴۳	ک	۸۹	۸۳۳	۳۴۰۰	الجاثیه
الدخان ۴۴	ک	۵۹ / ۵۷	۳۴۶	۱۴۳۱	الاحقاف
الجاثیه ۴۵	ک	۳۷ / ۳۶	۴۸۸	۲۱۹۱	الذاریات
الاحقاف ۴۶	ک	۳۵ / ۳۴	۶۴۴	۲۶۰۰	الرعد
محمد ۴۷	م	۳۸ / ۴۰	۵۳۹	۲۳۴۹	[illegible]
الفتح ۴۸	م	۲۹	۵۶۰	۲۴۳۸	[illegible]
الحجرات ۴۹	م	۱۸	۳۴۳	۱۴۷۶	البلد
ق ۵۰	ک	۴۵	۳۷۵	۱۴۷۷	الغاشیه
الذاریات ۵۱	ک	۶۰	۳۶۰	۱۲۸۶	الملک
الطور ۵۲	ک	۴۹ / ۴۸	۳۱۲	۱۵۰۰	عبس
النجم ۵۳	ک	۶۲ / ۶۱	۳۶۰	۱۴۰۵	ص
القمر ۵۴	ک	۵۵	۳۴۲	۱۴۲۳	[illegible]
الرحمن ۵۵	ک	۷۸ / ۷۶	۳۵۱	۱۶۳۶	الشعراء
الواقعه ۵۶	ک	۹۶ / ۹۷	۳۷۸	۱۷۰۳	محمد
الحدید ۵۷	م	۲۹	۵۴۴	۲۴۷۶	الاحزاب

اقتضای زمان و اهل ان ممکن است پس چه ضرر دارد که بعد از عیسی باز پیغمبری مثل موسی بیاید از جانب خدا و احکامی بسبب اقتضای
این زمان بیاورد و معجزاتی مانند موسی داشته باشد که مصدق دعوی او باشد چنانچه مسلمین ادعا میکنند خصوصا اکر در انجیل میکوید
که چون من بروم فارقلیطا خواهد امد و شمارا تکمیل خواهد کرد چه عیب دارد که فارقلیطا همین پیغمبر باشد که مسلمین میکویند و اکر مسلمین

صدق ان

صدان پیغمبر ظاهر شده باشد شما اگر امعجزه بر بطلان اعتقاد ایشان خواهد بود هم از جواب عاجز شدند و سرها بزیر افکنده و شرمنده کردیدند باز گفتند در انجیل شما ذکری نیست از اینکه حضرت عیسی کسی را دعوت کرده باشد بدین خود غیر از بنی اسرائیل را بلکه در جائی میگوید که من نیامده ام مگر بجهة شبانی کوسفندان گم شده از آل بنی اسرائیل پس شما که معتقد باین انجیل هستید بکدام حجت سایر فرق را دعوت بدین خود میکنید و بچه جهت میخواهید که هندی و مسلم بدین شما در آیند و حال اینکه از بنی اسرائیل نیستید پس سایر فرق اگر منکر بدین شما شوند

السورة	مکی یا مدنی	عدد آیات	عدد کلمات	عدد حروف	ترتیب نزول
المجادلة ۵۸	م	۲۲	۴۷۳	۱۹۹۲	بعد النصر
الحشر ۵۹	م	۲۴	۴۴۵	۱۵۱۳	بعد النساء
الممتحنة ۶۰	م	۱۳	۳۴۸	۱۵۱۰	بعد الفتح
الصف ۶۱	م	۱۴	۲۲۱	۹۲۶	بعد التغابن
الجمعة ۶۲	م	۱۱	۱۸۰	۷۴۸	بعد المجادلة
المنافقون ۶۳	م	۱۱	۱۸۰	۷۷۶	بعد الصف
التغابن ۶۴	ک	۱۸	۲۴۱	۱۰۷۰	بعد الملک
الطلاق ۶۵	ک	و ۱۲ / ب ۱۱	۲۴۹	۱۰۶۰	بعد الجمعة
التحریم ۶۶	م	۱۲	۲۴۷	۱۱۶۰	بعد الحاقة
الملک ۶۷	ک	۳۰	۲۳۵	۱۳۱۳	بعد الطور
ن ۶۸	ک	۵۲	۳۰۰	۱۲۵۶	بعد العلق
الحاقة ۶۹	ک	و ۵۲ / ب ۵۱	۲۵۶	۱۴۸۰	بعد النبأ
المعارج ۷۰	ک	۴۴	۲۱۶	۸۶۱	بعد ابراهیم
نوح ۷۱	ک	و ۲۸ / ب ۲۹	۲۲۴	۹۵۱	بعد النحل
الجن ۷۲	ک	و ۲۸ / ب ۲۹	۲۵۵	۷۵۹	بعد الاعراف
المزمل ۷۳	ک	ف ۲۰ / ب ۱۹	۲۸۵	۸۳۸	بعد ن
المدثر ۷۴	ک	و ۵۶ / ب ۵۵	۲۵۵	۱۰۱۰	بعد المزمل
القیامة ۷۵	ک	ف ۴۰ / ب ۳۹	۱۶۵	۳۵۲	بعد القارعة
الانسان ۷۶	ک وقیل م	۳۱	۲۴۰	۱۳۵۰	بعد ق
المرسلات ۷۷	ک	۵۰	۱۸۱	۸۱۶	بعد الهمزة
النبأ ۷۸	ک	ف ۴۰ / ب ۴۱	۱۷۳	۷۷۰	بعد المعارج
النازعات ۷۹	ک	و ۴۶ / ب ۴۵	۱۷۹	۷۵۳	بعد النبأ
عبس ۸۰	ک	و ۴۲ / ب ۴۱	۱۳۳	۵۳۳	بعد النجم
التکویر ۸۱	ک	۲۹	۱۰۴	۴۲۵	بعد المسد
الانفطار ۸۲	ک	۱۹	۸۰	۳۲۷	بعد النازعات
المطففین ۸۳	ک	۳۶	۱۶۹	۷۰۳۰	بعد العنکبوت
الانشقاق ۸۴	ک	و ۲۳ / ب ۲۳	۱۰۷	۴۳۰	بعد الانفطار
البروج ۸۵	ک	۲۲	۱۰۹	۴۵۸	بعد الشمس
الطارق ۸۶	ک	۱۷	۶۱	۲۴۶	بعد البلد

السورة	مکی یا مدنی	عدد آیات	عدد کلمات	عدد حروف	ترتیب نزول
الاعلی ۸۷	ک	۱۹	۷۲	۲۷۱	بعد التکویر
الغاشیة ۸۸	ک	۲۶	۹۲	۳۸۱	بعد الذاریات
الفجر ۸۹	ک	ف ۳۰ / ب ۲۹	۱۳۷	۵۶۶	بعد اللیل
البلد ۹۰	ک	۲۰	۸۲	۳۳۷	بعد ق
الشمس ۹۱	ک	۱۶	۵۴	۲۴۶	بعد القدر
اللیل ۹۲	ک	۲۱	۷۱	۳۱۰	بعد الاعلی
الضحی ۹۳	ک	۱۱	۴۰	۱۷۲	بعد الفجر
الانشراح ۹۴	ک	۸	۲۷	۱۰۳	بعد الضحی
التین ۹۵	ک	۸	۳۵	۱۵۰	بعد البروج
العلق ۹۶	ک	۱۹	۷۲	۲۸۰	اول
القدر ۹۷	ک	۵	۳۰	۱۱۲	بعد عبس
البینة ۹۸	ک	ش ۸ / ب ۹	۹۴	۳۹۶	بعد الطلاق
الزلزلة ۹۹	ک وقیل م	ش ۸ / ب ۷	۳۵	۱۴۹	بعد النساء
العادیات ۱۰۰	ک	۱۱	۴۰	۱۶۳	بعد العصر
القارعة ۱۰۱	ک	و ۱۱ / ش ۸	۳۶	۱۵۲	بعد قریش
التکاثر ۱۰۲	ک	۸	۲۸	۱۲۰	بعد الکوثر
العصر ۱۰۳	ک	۳	۱۴	۶۸	بعد الانشراح
الهمزة ۱۰۴	ک	۹	۳۳	۱۳۳	بعد القیامة
الفیل ۱۰۵	ک	۵	۲۳	۹۷	بعد الکافرون
قریش ۱۰۶	ک	۴	۱۷	۷۶	بعد التین
الماعون ۱۰۷	ک	۷	۲۵	۱۱۵	بعد التکاثر
الکوثر ۱۰۸	ک	۳	۱۰	۴۲	بعد العادیات
الکافرون ۱۰۹	ک	۶	۲۶	۹۴	بعد الماعون
النصر ۱۱۰	ک وقیل م	۳	۱۹	۷۹	بعد التوبة
تبت ۱۱۱	ک	۵	۲۳	۸۱	بعد الفاتحة
الاخلاص ۱۱۲	ک	۴	۱۵	۴۷	بعد الناس
الفلق ۱۱۳	ک	۵	۲۳	۷۳	بعد الفیل
الناس ۱۱۴	ک	۶	۲۰	۸۰	

اصلا خطری و ضرری از برای اینها متصور نیست پس از ایشان گذشتیم داخل در بلاد اسلام شدیم و طایفهٔ سنیه که رو بکعبه ایستاده مشغول نماز بودند و دستها را بسینه گذاشته بودند بعد از فراغ از نماز نزد ایشان رفته و از معتقد ایشان سؤال نمودیم گفتند ما بر دین اسلام و بمذهب سنة هستیم اعتقاد ما اینست که عالم را صانعی است واجب شریک است و محمد بن عبد الله خاتم انبیا است و بعد از او ابوبکر و عمر و عثمان و علی بترتیب خلیفه او شدند باجماع امت و در احکام مقلد علمای اربعه هستیم یعنی ابو حنیفه و شافعی و مالک و احمد حنبل و تقلید دیگر از اجایز نمیدانیم گفتیم اعتقاد با مامت این خلفای اربعه از اصول دین است که منکر آن کافر شود گفتند هر کس شهادتین بگوید مسلم است گفتیم کفار مخلد در نار باشند گفتند نه خلودی نیست بلکه عاقبت جهنم خاموش خواهد شد و همه خلق از عذاب خلاص میشوند گفتیم پس ترک سلوک طریقه چندان خطری ندارد زیرا که عاقبت باعتقاد شما ناجی خواهد بود خصوص اگر اقرار بشهادتین داشته باشد پس شخصی با ایشان گفت که شما اشعری هستید و اشاعره چیزی را بر خدا لازم نمیدانند هیچ چیز و ابرار قبیح نمیشمارند پس مذهب شما فرقی بین شیعه و سنی نیست خداوند هر کس را میخواهد عذاب میکند و هر کس را میخواهد ببهشت میبرد بدون آنکه سؤال فرماید پس از برای شما چه ضرر دارد که شیعه شوید و از برای شیعه چه منفعت دارد که سنی شود پس این همه تعصب بجهت مذهب خود میکشید و کتب شیعه را میسوزانید چه معنی دارد گفت شما جبری مذهب هستید و افعال بندگان را چه خیر و چه شر از خدا میدانید پس شما را چه اعتراض است بر شیعه که از خود فعلی ندارند هر چه میکنند

میکنند باراده و مشیت حتمیه خداست باز کفت که این پیغمبر را شما معتقد نیستید این قدر زحمت در راه دین کشیدند و قران اوردو شریعت قرار داد هیچ نمیبینیم که احکام او را اجرا کنید بلکه بقانون سلاطین عمل میکنید ایا قوانین کسری و قیصر چه عیبی داشت که پیغمبر این همه زحمت بجهت تغییر ان بکشد و اخر امر منجر بقانون سلاطین شود و حکام شرع شما هم از روی ان قانون حکم کنند و بر خود اسم اسلام بندند همه سر بزیر انداختند جوابی ندادند پس از ایشان کذشته بطایفه دیکر رسیدم سر بزانو کذاشته تسبیح در دست و مشغول ذکر هستند و کاه کاه اه سرد از دل پر درد بر کشند کفتم شما چه اعتقادی دارید

اسماء سالهای مکیه و نود سوره که در مکهٔ معظمه نازل شده است	
سال اول را سنهٔ افتتاحیه خوانده اند و در ان بیست و شش سوره نازل شده است	فاتحه ناس فلق اخلاص تبت نصر کافرون کوثر ماعون قریش فیل الهمزه العصر تکاثر قادعة عادیات زلزال علق تین انشراح الضحی اللیل الشمس بلد فجر غاشیه
سال دویم را سنهٔ استعلائیه خوانند و در ان سیزده سوره نازل شده است	الاعلی الطارق البروج الانشقاق التطفیف الانفطار التکویر عبس النازعات النبا المرسلات الدهر القیمه
سال سیم را سنهٔ دثاریه خوانند و در ان هشت سوره نازل شده است	المدثر المزمل الجن نوح المعارج الحاقه القلم الملک
سال چهارم را سنه واقعیه خوانند و در ان هفت سوره نازل شده	الواقعه الرحمن القمر النجم الطور الذاریات ق
سال پنجم را سنه احقافیه خوانند و در ان چهار سوره نازل شده	الاحقاف الجاثیه الدخان الزخرف
سال ششم را سنه شورائیه خوانند و در ان چهار سوره	الشوری فصلت المومن الزمر
سال هفتم را سنه داودیه خوانند و در ان پنج سوره	ص صافات یس ملئکه سبا
سال هشتم را سنه لقمانیه خوانند و در ان چهار سوره	السجده لقمان الروم العنکبوت
سال نهم را سنه طائیه خوانند و در ان سه سوره نازل	القصص النمل الشعراء
سال دهم را سنهٔ فرقانیه خوانند و در ان سه سوره	الفرقان المومنون الانبیا
سال یازدهم را سنه کهفیه خوانند و در ان چهار سوره	طه مریم الکهف اسری
سال دوازدهم را سنه نحلیه خوانند و در ان پنج سوره	نحل الحجر ابرهیم الرعد یوسف
سال سیزدهم را سنه هودیه خوانند چهار سوره	هود یونس الاعراف الانعام

اسماء سالهای مدینه و بیست و چهار سوره که در مدینهٔ منوره نازل شده است	
سال اول را سنهٔ هجریه خوانده اند و در ان چهار سوره نازل شده است	القدر التغابن المنافقون الجمعه
سال دویم را سنهٔ بدریه خوانند و در ان سه سوره نازل	البینه الصف الحدید
سال سیم را سنهٔ احدیه خوانند و در ان دو سوره نازل شده است	محمد المجادله
سال چهارم را سنه نظیریه خوانند و در ان دو سوره نازل شده است	الحشر الممتحنه
سال پنجم را سنه خندقیه خوانند و در ان دو سوره نازل شده است	الحجرات الحج
سال ششم را سنه حدیبیه خوانند و در ان دو سوره نازل شده است	النساء النور
سال هفتم را سنه خیبریه خوانند و در ان سه سوره نازل	الطلاق التحریم الاحزاب
سال هشتم را سنه فتحیه خوانده اند و در ان دو سوره نازل شده	الفتح الانفال
سال نهم را سنه تبوکیه خوانند و در ان دو سوره نازل	التوبه البقره
سال دهم را سنهٔ وداعیه خوانند و در ان دو سوره نازل	ال عمران المائده

کفتند ما صوفیه هستیم از اهل باطن و اسرار نیم و ائینهٔ دل را جلا داده مشاهدهٔ جمال الهی مینمائیم کفتم از معرفت تحصیل کردن اید کفتند دانسته ایم که خدا وجود واحد حقیقی است که ذات است و عالم امکان وهم و خیال است و هر کس عارف کامل شود متحد میشود با خدا و هر نافهمی محجوب از مشاهدهٔ جمال است و همان است عذاب ابدی او کفتم برهان شما بر این مدعا چیست کفتند این مطلب وجدانیست برهانی نیست کفتم پس معجزه بر صدق دعوی خود دارید کفتند نه کفتم پس اکر کسی تصدیق شما نکند و همین ظاهر بچسبد و تصدیق انبیا کند ایا هالک است کفتند نه کفتم علمای ظاهر ایا شما را کافر میدانند کفتند جمعی چنین میدانند کفتم پس این راه شما خطر عظیم دارد و ترک ان هیچ خطری ندارد و شخص عاقل باین راه نخواهد رفت پس از ایشان کذشتم و بطایفه دیکر رسیدم دیدم شخصی بر منبر بر امده مردم را موعظه میکند و میکوید ایها الناس بدانید که ائمه اثنی عشر خالق و رازق و شئون ربوبیت در ایشان است و علم ایشان بهمه اشیاء حضوری است خالقی غیر ایشان نیست و ذات خدا خالق و رازق نیست و تا خدا بوده است ملک خدا بوده است پس عالم قدیم زمانی است و معاد در این جسد عنصری نخواهد بود بلکه در جسد هورقلیائی است و ظهور امام عصر و رجعت ائمه در عالم مثال است و ملئکه از جمله مجردات اند خدا با شباح حادث است و باب علم مفتوح است و عمل بظن باطل است و ما حامل اسرار اهل بیتیم چون بزیر امد نزد او رفتم و کفتم شما را چه مذهب است کفت ما شیخیه هستیم یعنی اتباع مرحوم شیخ احمد احسائی شخصی کفت که او خود در شرح الزیاره کفته که مطالب من اسرار است و هر کس نمیفهمد پس معلوم میشود که مردم مکلف بانها نیستند پس چرا شما مردم را دعوت

میکنید

میکند وایضاً اگر مطالب شما از اسرار است پس اظهار ان بجهة مردم ونوشتن در کتاب از گناهان کبیره است زیراکه اگر پادشاهی سر خود را بکسی بسپارد و او فاش کند مستحق عقوبت بزرگ خواهد شد واگر دروغ است واهل ما هم از نصاری وغلاة ایشان مبیت روزه راه است وحلاوتان بلیشمار در بین راه بدریا نشستیم ودران بین خیال تجارت ما را بر جهاد ومدت سفر دریا باز داشت تا انیکه بجزیره رسیدیم بسیار عظیم مشتمل بر اشجار و شهرهای بسیار در انجا نزدیک یکی از ان شهرها نزول نمودیم از ناخدا سؤال کردیم از نام ان شهر گفت من هرگز این جزیره را ندیده ام وحال انکه من با شما در اینجا مسافری است پس نزدیک ان رفته از یکی پرسیدیم نام این شهر چیست گفت مبارکه نام دارد گفتیم پادشاه اینجا کیست واسم او چیست گفت اسم او طاهر است وسر حد ملک او دو ماه راه است واز اینجا تا انجا ده شب است در اب وهشت شب است در خشکی واهل اینجا همه مسلمند گفتیم که در اینجا قبض زکوة میکنند گفت واز اسرار نیست پس چرا دروغ بر امام خود می بندید بجهة تقدیر این راه خطرناک گشت باز پرسید که شما علمای عشر عهد را چگونه میدانید ایشان را ناجی گفتند اگر سبب شیخ رسید خواهد از سید کاظم رشتی است که ناجی خواهند بود گفتم انها در شما چه میگویند گفتند جمعی از ایشان ما را کافر میشمارند پس طریقه شما محل خطر عظیم است وطریقه ایشان خالی از خطر است پس از ایشان گذشته بجمعی دیگر رسیدیم دیدیم که ریش را تراشیده وسبیل را تاب داده تقلید در دست وقنداره در دست ومشغول لهو ولعب وشرب خمر وطنبور وضرب بودند پرسیدیم اینها چه طائفه اند گفتند در ظاهر مسلمانان ولکن فرنگی مآب بیخبر بحدی که دهری مشربند وشرع واهل انرا مسخره میکنند وخود را عاقل میشمارند یکی از ایشان را طلبیده با او گفتم ایا شما را بر این اعتقاد که دارید دلیلی هست که عالم را صانعی نیست ودهر همیشه خود بخود میگردد گفتم پس چگونه خاطر تو جمع وقلب تو مطمئن است که همه اخبار انبیا واولیا وصلحا دروغ است وجهة وقت تدارک عذاب خلود در اتش را نداشته پس بدان که اگر صد هزار اسمان وزمین مثل جهنم بزرگی فرض کنیم وهمه پرا کرده از ریگ باشد ده صد هزار سال یکدانه از ان باهل جهنم بدهند وصد هزار مرتبه اخر اسمانها وزمینها خالی شود باز پر کنند این مقدار مدت در جنب ... اگر از یک زن ا... نسبت بعد داین روزها وباتفاق تمام انبیا واولیا وعلما بتمامها که معتقد بصانع وشرایع نیستند در جهنم عذاب مخلد خواهند بود ایا چیزهائیکه باعث اطمینان از ان باشد چه تواند گفت ما اعتقاد بشرع داریم گفتم ایا شارع را حکیم وعالم میدانید گفت اری گفتم ایا پیغمبر وامام ریش خود را می تراشیدند وسبیل را تاب داده و

في طلب الرزق

اللّهمّ ان كان رزقي في السّماء فانزله وان كان في الارض فاظهره وان كان بعيداً فقرّبه وان كان قريباً فاعطنيه وان كان قد اعطيته فبارك لي فيه وجنّبني عليه المعاصي ولرد ديگر بعد از نماز خفتن دعای اللّهمّ انّه ليس لي علم بموضع رزقي تا اخر بخواند بنهجی که در کتب ادعیه مذکور ومسطور است

في طلب الحاجة

چون مطلبی بخواهی بدون قرائت در رکوع وسجود در دو وهفت بار بگو یا ارحم الرّاحمين في الحال مطلب تو بر آید وبروایتی زانوها وذراعین را برهنه کرده سجده کن وسینه را بر زمین بچسبان نوعی دیگر وضو ساخته ودر بام نموده هشت بار بگو بسم الله الرّحمن الرّحيم مطلب تو بر آید ان شاء الله

في الهمّ والحزن

اللّهمّ انّي عبدك وابن عبدك وابن امتك ناصيتي بيدك ماض فيّ حكمك عدل فيّ قضاؤك اسألك بكلّ اسم هو لك سمّيت به نفسك او انزلته في كتابك او علّمته احداً من خلقك او استأثرت به في علم الغيب عندك ان تجعل القرآن ربيع قلبي ونور صدري وجلاء حزني وذهاب همّي

لفزع الصّبيان

اذا زلزلت را با آیه ومن يتوكّل على الله فهو حسبه تا اخر باو بخوانند ونوشته بازوی ارند نوعی دیگر اسماء اصحاب کهف را نوشته در زیر بالین طفل بگذارند تسکین یابد جهة دفع جنون وسقوط جنین ورفع شرّ جنّ وسباع وغرق وحرق وزلزله وحفظ اموال واولاد در سفر وحضر خواندن وباخود داشتن این اسماء نافع

في الغضب

اللّهمّ اذهب عنّي غيظ قلبي واغفر لي ذنبي واجرني من مضلّات الفتن اسألك رضاك واعوذ بك من سخطك اسألك جنّتك واعوذ بك من نارك واسألك الخير كلّه واعوذ بك من الشّرّ كلّه اللّهمّ ثبّتني على الهدى والصّواب واجعلني راضياً مرضيّاً غير ضالّ ولا مضلّ دست رحم دار با نشستن نیز تسکین دهد

دعاء المريض

صاحب آزار خود بگوید بسم الله وبالله كم من نعمة الله في عرق ساكن وغير ساكن على عبد ساكن پس ریش خود را بدست راست گرفته در عقب نماز فریضه سه بار بگو اللّهمّ فرّج كربتي وعجّل عافيتي واكشف ضرّي ودر اهتمام در وقت نماید نوعی دیگر بر پشت خوابیده یک صاع گندم را بر روی سینه وشکم خود ریزد وبگوید اللّهمّ انّي اسألك باسمك الّذي اذا سألك به المضطرّ كشفت ما به من ضرّ ومكّنت له في الارض وجعلته خليفتك على خلقك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تعافيني من علّتي پس گندم جمع نماید ودعا تکرار نماید وگندم تقسیم کند بکیاله ودعا را تکرار نماید وتسکین دهد هر مدی را

صلوة الرّزق

چهار شنبه وپنجشنبه وجمعه را روزه بگیرد ودر چاشت جمعه زیارت رسول خدا کن در بام خانه یا بیابانی تنها پس دو رکعت نماز کن وبزانو در آ بر زمین وبدست چپ زانوی راست را بگیر وبدست راست زانوی چپ را که دست راست بر بالای دست چپ باشد پس آن چه ... ردی بعبد بگو الهی انت انقطع الرّجاء الّا منك وخابت الامال الّا فيك يا ثقة من لا ثقة له لا ثقة لي غيرك اجعل لي من امري فرجاً ومخرجاً وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب پس سجده بگو يا مغيث اجعل لي رزقاً من فضلك پس بخدا قسم صبح شنبه روزی ...

صلوة الوالدين

دو رکعت است در رکعت اوّل فاتحه وده بار ربّ اغفر لي ولوالديّ وللمؤمنين يوم يقوم الحساب ودر ثانی فاتحه وده بار ربّ اغفر لي ولوالديّ ولمن دخل بيتي مؤمناً وللمؤمنين والمؤمنات وبعد از سلام بگو ربّ ارحمهما در ... در هر رکعت بیست بار ربّ ارحمهما كما ربّياني صغيراً ودر سجده نیز ده بار بعد فراغ بگو

صلوة الهمّ والغمّ

دو رکعت در هر رکعت سیزده بار انّا انزلناه في ليلة القدر وبعد از فراغ در سجده بگو اللّهمّ يا فارج الهمّ ويا كاشف الغمّ ومجيب دعوة المضطرّين يا رحمن الدّنيا ورحيم الاخرة صلّ على محمّد وآل محمّد وارحمني رحمة تطفئ بها عنّي غضبك وسخطك وتغنيني بها عن رحمة من سواك در دست رو بر زمین گذارد وبگو يا مذلّ كلّ جبّار عنيد ويا معزّ كلّ ذليل حقّك بلغ مجهودي فرّج امر ... فرّج عنّي

صلوة الخوف

چون از ظالم بترسد که باشی غسل کرده دو رکعت نماز کن وزانوهای خود را برهنه بر زمین ملصق یکصد بار بگو يا حيّ يا قيّوم لا اله الّا الله برحمتك استغيث صلّ على محمّد وآل محمّد واغثني السّاعة السّاعة پس بگو اسألك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تلطف بي وان تغلب لي وان تمكر لي وان تخدع لي من فلان بلا مؤنة

صلوة الضرّ والفقر

وقت تنگی وآزار دو رکعت نماز وتحسین در اعمالش بکن وبعد از فراغ از سجده بگو يا ماجد يا واحد يا احد يا كريم اتوجّه اليك بنبيّك نبيّ الرّحمة يا رسول الله انّي اتوجّه بك الى الله ربّي وربّك وربّ كلّ شيء اسألك يا الله ان تصلّي على محمّد وآل محمّد واسألك نفحة من نفحاتك وفتحاً يسيراً ورزقاً واسعاً الُمّ به شعثي واقضي به ديني واستعين به على عيالي

صلوة الدّين

در جدول امام محمّد تقي عليه السّلام ذکر شد نوعی دیگر چون ثلثی از شب بگذرد برخیزد دو رکعت نماز کن در رکعت اوّل بعد از حمد سوره ملک ودر ثانی تنزیل سجده وبعد از فراغ بگو يا ربّ قد نامت العيون وغارت النّجوم وانت الحيّ القيّوم لا تأخذه سنة ولا نوم لن يواري منك ليل داج ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد ولا بحر لجّيّ ولا ظلمات بعضها فوق بعض يا صريخ الابرار وغياث المستغيثين برحمتك استغيث فصلّ على محمّد وآله واقض حاجتي كذا وكذا ونام دين مذکور کن ولا تردّني خائباً ولا محروماً يا ارحم الرّاحمين بحاجتي سريع الاجابة

بقیهٔ اصول دین شیخیه و شرب خمر و ضرب و طنبور مشغول میشدند گفت معاذ الله بلکه از آن نهی میکردند گفتم اگر در اینها خیر و خوبی بود چرا ایشان نمیکردند واگر بد است پس چرا شما میکنید و حال آنکه خود را عاقل میشمارید در جواب عاجز شده فرو ماندند پس از ایشان که شیخ طائفه دیگر ۷۸۸ دیدم که گردهم نشسته اعتقاد میخوانند گفتم اینها چه اعتقاد دارند گفتند بابیه هستند و اعتقادشان اینست که میرزا علی محمد شیرازی باب امام زمان علیه السلام بوده و غایبت خدا را او ظهور کرده قرآن بر زبان او فرستاده و رجعت و قیامت برپا شده

باب الالف

بسم الله الرحمن الرحیم

مفتاح کشف الآیات و قواعده هو تعالی الله

بعد الحمد و الصلوة چون کشف الآیاتی که علماء اوفقها نوشته بودند مشتمل بود بر تمام کلمات قرآن من البدو الی الختم از مشتقات و جوامد و ضمائر و اسماء اشاره و غیرها و تمام اینها از حیث کشف فائده نداشت و کاشف را بمطلوب نمیرساند لذا محض سهولت همین کشف الآیات مرقوم را مجرد نموده از کلماتی که از حیث کشف فائده نداشتند از قبیل ضمائر و اسماء اشاره و موصولات و اسماء افعال و مصادر و مشتقات الا در صورتیکه تا چهار سوره که برای کشف فائده تامه داشتند ذکر شده و بعضی موارد هم تا پنج و شش سوره ذکر شده و ترتیب این کشف الآیات بطرز ترکیب لغت ملاحظه شده که باید مادهٔ کلمه ملاحظه شود پس اگر مادهٔ کلمه مصدر بهمزه باشد آنرا در باب الالف ملاحظه باید کرد و اگر حرف اول با باشد در باب الباء و هکذا در حرف دوم و سوم کلمه هم بترتیب حروف تهجی رعایت شده و حروفی که بتنهائی ذکر نمیشود ضبط شد لیکن متصل بکلمات دیگر تا اینکه معانی که متعلقند باتصال این حروف بسهولت درک شود مثل فا و با در فبرحمة و واو و در ولابویه و لام در للرسول و امثال ان و حروف جاره کلا ترک شد بواسطه اینکه کلا بیکه زیاده از صد موضع در قرآن مجید واقعند از حیث کشف برای کاشف ابداً فائده ندارد الا حروف و مشتقاتیکه در چهار سوره در قرآن واقع است چون فائده تامه دارد از برای کشف ذکر شده است مثل لیجعل و نجعل و هرگاه کلمه در این زیاده از یکی باشد پس اگر در دو موضع این باشد بحرف میم که علامت مکرر است یا بلفظ مکرر ادا میشود و اگر در سه موضع از این باشد بعلامت مح یعنی مکرر سه دفعه مرقوم شده و هکذا قد وقع الفراغ من تحریر هذه الورقة الشریفة فی شهر ربیع الاول سنة احد و ثلثین بعد الالف من الهجرة النبویة

باب الالف أ همزه کلمه کوچکی است که متصل میشود بکلمات و تنها استعمال نمیشود مثل همزه ائن و غیره **اب** ع وابا هشتادم ۳۱ **ابریق** واباریق پنجاه و ششم ۱۸ بابرهیم سیم ۶۱ لابرهیم بیست و دوم ۲۷ سه هفتم ۸۱ وابرهیم سیم ۷ پنجاه سیم ۳۸ وابرهیم بیست سیم ۱۵ پنجاه هفتم ۲۶ **ابق** سی و هفتم ۱۴۰ الابل ششم ۱۴۵ الابل هشتاد و ششم ۱۷ ابابیل صد و پنجم ۳ **ابی** دوازدهم ۹۳ صد و دوازدهم ۱ لابیه بیست و ششم ۸۶ ابا سیم ۴۰ ابا دوازدهم ۷۸ ابت دوازدهم ۴ (۱۰۱) نوزدهم ۴۳ + ۴۴ + ۴۵ ۴۲ بیست و ششم ۲۶ سی	هفتم ۱۰۲ ابواه نوزدهم ۲۹ ابوهما هجدهم ۸۱ ابونا بیست و هشتم ۲۳ ابوهم دوازدهم ۶۸ + ۹۴ لابیه ششم ۷۴ نهم ۱۱۵ دوازدهم ۴ نوزدهم ۴۳ بیست و یکم ۵۲ بیست و ششم ۷۰ سی و هفتم ۸۳ چهل و سیم ۲۵ ششم ۴ **وابیه** هشتادم ۳۵ ابینا دوازدهم ۸ ابیکم دوازدهم ۹ + ۵۹ + ۸۱ بیست و دوم ۷۷ ابیهم دوازدهم ۶۳ اباه دوازدهم ۶۱ ابانا دوازدهم ۸ + ۱۱ + ۱۷ + ۶۳ + ۶۵ + ۸۱ + ۹۸ اباکم دوازدهم ۸۰ ابائم دوازدهم ۱۶ ابواه چهارم ۱۲ هجدهم ۷۹ ابویک دوازدهم ۶ ابویه دوازدهم ۱۰۰ + ۱۰۱ ولابویه چهارم ۱۲ ابویکم هفتم ۲۶ اباء بیست و چهارم ۳۱	اباؤنا ششم ۱۴۹ هفتم ۶۸ + ۱۷۲ یازدهم ۶۵ + ۸۹ چهاردهم ۱۲ شانزدهم ۳۷ واباؤنا بیست و سیم ۸۵ بیست و هفتم ۶۹ + ۷۰ اوآباؤنا سی و هفتم ۱۷ پنجاه و ششم ۴۸ اباؤکم چهارم ۱۲ + ۲۶ ششم ۹۱ نهم ۲۴ سی و چهارم ۴۲ واباؤکم هفتم ۶۹ دوازدهم ۴۰ بیست و یکم ۵۵ بیست و ششم ۷۶ پنجاه و سیم ۲۳ اباؤهم دوم ۱۶۵ پنجم ۱۰۳ یازدهم ۱۱۱ سی و ششم ۵ ابائی دوازدهم ۳۸ ابائک دوم ۱۳۷ اباؤنا بیست و سیم ۲۴ بیست و ششم ۳۶ باباؤنا چهل و چهارم ۳۵ چهل و پنجم ۲۴ اباءکم بیست و چهارم ۶۰ بیست و ششم ۲۵ سی و هفتم ۱۲۶ چهل و چهارم ۷ ابائهم ششم ۸۷ سیزدهم ۲۳ چهلم ۸ لاباءهم هجدهم ۴ سی و سیم ۵ اباءهن بیست و چهارم ۳۱ سی و سیم ۵۵ ابائنا دوم ۱۶۵ پنجم ۱۰۳ هفتم ۲۷ + ۹۳ دهم ۷۹ بیست و یکم ۵۴ بیست و ششم ۷۴ سی و یکم ۲۰ چهل و سیم ۲۱ + ۲۳	اباءکم دوم ۱۹۶ نهم ۲۳ چهل و سیم ۲۳ اباءهم بیست و سیم ۷۰ سی و سیم ۵ سی و هفتم ۶۷ پنجاه و هشتم ۲۲ واباءهم بیست و یکم ۴۵ بیست و پنجم ۱۹ چهل و سیم ۲۸ اتی دوم ۳۲ پانزدهم ۱۳ بیست و سیم ۱۱۵ فاتی هفدهم ۹۱ + ۱۰۱ بیست و پنجم ۵۲ واتی بیست و سیم ۵۸ فاتوا هجدهم ۷۶ فاتین سی و سیم ۷۲ واتی نهم ۳۲ اتات دوم ۲۸۲ مکرر **وتابی** نهم ۸ اتی شانزدهم ۱ بیست و سیم ۶۲ + ۷۲ بیست و ششم ۸۹ پنجاه و یکم ۵۲ هفتاد و ششم ۱ فاتی شانزدهم ۲۸ اتت پنجاه و یکم ۴۲ فاتت بیست و هشتم اتیت دوم ۱۴۰ اتیا هجدهم ۷۶ اتینا بیست و یکم ۴۸ چهل و یکم ۱۰ اتوا سیم ۱۸۵ بیست و پنجم ۴۲ بیست و هفتم ۱۸ فاتوا هفتم ۱۳۴ اتین چهارم ۳۰ اتاک بیستم ۸ سی و ششم ۲ پنجاه و یکم	۲۴ هفتاد و نهم ۱۵ هشتاد و پنجم ۱۷ هشتاد و ششم ۱ اتاها دهم ۲۵ بیست و یکم ۳۰ بیست و ششم اتانا هفتاد و چهارم ۴۸ اتاکم ششم ۴۰ + ۴۷ دهم ۵۱ اتاهم ششم ۳۴ بیست و ششم ۴۶ سی و دوم ۲ چهلم ۳۷ + ۵۸ فاتاهم سی و نهم ۲۶ پنجاه و نهم ۲ واتاهم شانزدهم ۲۸ اتیک بیستم ۱۲۶ اتیکم ششم ۴۰ اتیهم نهم ۷۱ **اتوک** نهم ۹۳ اتوه بیست و هفتم ۸۹ واتیناک پانزدهم ۶۴ اتیناهم بیست و سیم ۷۳ + ۹۲ یاتی دوم ۲۶۰ پنجم ۵۹ ششم ۱۵۹ هفتم ۱۵ دوازدهم ۴۸ + ۴۹ چهل و یکم ۴۰ شصت و یکم ۶ یاتی دوم ۱۴۳ سیم ۱۵۵ یازدهم ۱۰۷ دوازدهم ۹۳ شانزدهم ۷۸ بیستم ۷۶ بیست و یکم ۷۰ سی و یکم ۱۵ سی سیم ۲۰ + ۳۰ فلیات پنجاه و دوم ۳۸ ولیات چهارم ۱۳۲ چهل و سیم ۲ سی و پنجم ۱۷ یاتی شانزدهم ۱۱۲ چهل و چهارم ۹ یاتی هفدهم ۹۴

ولتات

هر یک از ائمه بصورتی ظهور نموده اند چنانچه حضرت فاطمه و قرة العین و حضرت سید الشهداء در دوره دیگر و هم چنین پس از ایشان سؤال نمودم که شما خاتم انبیاء را صادق میدانید گفتند
آری گفتم او خبر داده است که شریعت او باقیست تا روز قیامت و معنی قیامت هم بیان نموده که در اخبار معین شده و خبر داده است که ائمه طاهرین رجعت خواهند کرد و اینها که شما
میگوئید حسب و نسب ایشان معلوم است که ائمه نیستند و ایضا آیا شما را دلیلی و برهانی بر این دعاوی هست گفتند معجزه ان قرآن با بابست منتخب
گفت اولا معجزه فرع ممکن بودن دعوی است پس اگر دعوی الوهیت کند یا در این ادعا ثبوت کند یا دعوی امامت کند غیر از ائمه اثنی عشری دعوی او معلوم

فصل ۵۶

ولنتاتِ چهارم ۱۰۳
یا تونَ نهم ۵۴ هفدهم ۹۰
مجدهم ۱۴ سی سیم ۱۸
یا توا مجد ۱۰۷ هفدهم ۹۰
بیست چهارم ۴ + ۱۳۴ + ۴۸
فلبا توا پنجاه دوم ۳۴
شصت هشتم ۴۱
یا نبنَ چهارم ۱۹ + ۲۳ بیست
دوم ۲۸ شصتم ۳ شصت پنجم ۱
آفاتونَ هفتم ۷۸ بیست ششم
۱۶۵ بیست هفتم ۵۵
فناتونَ هفتاد ششم ۱۸
آفناتونَ بیست یکم ۳
لناتونَ هفتم ۷۹ بیست هفتم ۵
بیست هم ۲۷ + ۳۸
وناتونَ بیست هم ۲۸
یاتواد وم ۱۸۵
فانی سیزدهم ۴۱ بیست یکم ۴۵
یانتِ دوم ۱۰۰
یا نبنی دوازدهم ۸۳
لبانبنی بیست هفتم ۲۱
یا نبنکَ یازدهم ۹۹
یا نبنکَ نوزدهم ۴۶
یا نبیرِ یازدهم ۴ + ۹۶
سی هم ۴۱ چهل یکم ۴۲
وبا نبیرِ چهاردهم ۲۰

یا نیرِ بیستم ۷۷
یا نبهاسا نوزدهم ۱۱۳
یا نبکما دوازدهم ۳۷
یا نبنا بیستم ۱۳۳
وبا نبنا نوزدهم ۸۳
یا نبنا سیم ۱۲۹
فلبانبنا بیست یکم ۵
یا نبکم ششم ۴ یازدهم
۳۵ بیست ششم ۷۱ + ۷۶
شصت هفتم ۳۰
یا نبکم دوم ۲۴۹
سی هم ۵۵ + ۶۵
یا نبکم دوم ۲۱۰
ششم ۱۳۰ چهاردهم
۹ سی هم ۷۱
شصت چهارم ۵ شصت
هفتم ۸ فلبانبکم مجدهم ۱۸
یا نبنکم دوم ۳ هفتم ۳۳
بیستم ۱۲۱
یا نبهم ششم ۵ یازدهم ۱۱
چهاردهم ۴۶ یا نزدهم
۱۱ بیست یکم ۲ بیست ششم ۴
سی ششم ۲۹ چهل سیم ۶
فسیانبهم بیست ششم ۵

یا نبهم دوم ۲۹ هفتم ۹ + ۹۶
شانزدهم ۴۷ مجدهم ۵۳ بیست
دوم ۵۴ هفتاد یکم ۱
فیا نبهم بیست ششم ۲۰۳
یا نبهم هفتم ۱۶۸ نهم ۷ دهم ۴
وکیانبهم بیست نهم ۵۳
یا نبنا دوم ۱۱۲ یازدهم ۷ سی چهارم
یا نبنا هفتم ۱۲۶
نانبنا هفتم ۱۲۹
یا نبکم هفتم ۱۸۶ چهلم ۵۳
لنا نبنکم سی چهارم ۳
یا نبهم ششم ۴ هفتم ۱۶۳ اکثر
بیست یکم ۱۴ سی ششم ۴۶
چهلم ۲۳ شصت چهارم ۶
یا نبهم ششم ۹۵ دوازدهم ۱۰۷
م شانزدهم ۴۳ مجدهم ۵۳
بیست دوم ۵ چهل سیم ۶
چهل هفتم ۲۰ نود ششم ۱
فیا نبهم ششم ۳۵
یا نبهم هفتم ۲۰۲ بیستم ۱۳۳
اینبک بیست هفتم ۳۹
اینکم بنبک هفتم ۳۰
بیست ششم ۲۹
چهل چهارم ۱۸
سانبکم بیست هفتم ۷
لانبهم هفتم ۱۶
یا نعتا بها چهارم ۲۰
یا تونی بیست هفتم ۳۸
یا تونکَ بیست پنجم ۳۵
یا تولَ پنجم ۵ ۴ هفتم ۱۰۹ ال
بیست ششم ۳۶
یا تونتا نوزدهم ۳۹
یا تونکم دوم ۷۹
وبا تونکم سیم ۱۴۱
یا نبنکَ دوم ۲۶۲
یا تونی دوازدهم ۶۰
یا تونتا سی هفتم ۲۸
لنلنتنی دوازدهم ۶۶
یا نبکم چهاردهم ۱۳
فلنانبنک بیستم ۶
فلنانبهم بیست هفتم ۳۷
اغرث دهم ۱۶ بیست ششم ۹
فاث دوم ۲۶۰
هفتم ۱۰۳
بیستم ۳۰ + ۱۵۴
اینبا چهل یکم ۱۰
فانبا بیست ششم ۱۵
اتنوا بیستم ۷ چهل پنجم ۲۴
فاتوا دوم ۲۱
۲۲۳ سیم ۸۷

دهم ۳۹ یازدهم ۱۶ بیست یکم ۴۲
بیست ششم ۴۹ سی هفتم ۱۵۷
چهل چهارم ۳۵
واتواد وم ۱۸۵
اینبا ششم ۷ هفتم ۷۵ ششم
فانبا هفتم ۶۸ یازدهم ۳۴
چهل ششم ۲۱
فانباه بیستم ۴۹
اینونی دهم ۸۰ دوازدهم
۵۰ + ۵۴ + ۵۹ چهل ششم
۳
واتونی دوازدهم ۹۳ بیست هفتم ۳۱
فاتونا چهاردهم ۱۲
آفاتوهن دوم ۲۲۲
واتواد وم ۲۳
واتی دوم ۱۷۲ اکثر
هم ۱۸

انتَ مجدهم ۳۱
فانتَ دوم ۲۶۷
وانتَ دوازدهم ۳۱
انبتَ دهم ۸۸ سی سیم ۴۹
اتوا بیست سیم ۶۲
واتوا بیست دوم ۴۲
انبهم دوم ۲۳۳ سی ام ۳۸
وانبهم چهاردهم ۲۴ پنجم ۱۵
فانبنا پنجاه هفتم ۲۷
لانبنا سی دوم ۱۳
وانباد وم ۸۱ + ۲۵۴
چهارم ۱۵۲ + ۱۶۱
هفدهم ۲ + ۵۷ + ۶۱
آناتی نوزدهم ۳۱ بیست هفتم ۶ ۳
واناتی یازدهم ۳۰ + ۶۶
آتاکَ بیست ششم ۷۷
آتاه دوم ۲۶۰ شصت پنجم ۷
واتاه دوم ۲۵۲
اتبها شصت پنجم ۷
انبنما هفتم ۱۹۰ م
آتانا نهم ۶ ۷ آتاکم ۲۳ ششم ۱۶۵
بیست چهارم ۳۳ بیست هفتم ۳ پنجاه
هفتم ۲۳ پنجاه هم ۷
واناکم پنجم ۲۳ چهاردهم ۳۷
اناهم سیم ۶۶ + ۱۷۵ چهارم ۴۱
۵۷ هم ۵۹ + ۷۷ پنجاه یکم ۱۶
پنجاه دوم ۸ فانبهم سیم ۱۴۱
وانبهم چهل دهم ۱۹ اننبتی ۱۲۲
انبنا هفتم ۱۸۹
انبهن سی سیم ۵ انبنک هفتم ۱۴۱
انبنکم سیم ۷۵
اتوه دوازدهم ۶۶
لاتوها سی سیم ۱۴

انبموهن دوم ۲۹ چهارم
۲۳ پنجم ۷ شصتم ۱۰
انبناکَ یازدهم ۸۶ بیستم ۹۹
انبناه هفتم ۱۷۴ مجدهم ۶۴
بیست یکم ۲۴ بیست ششم ۱۳
وانبناه پنجم ۵ دوازدهم ۲۲
شانزدهم ۱۲۳ مجدهم ۸۳ نوزدهم
۱۳ بیست یکم ۸۴ بیست ششم ۲۶
بیست نهم ۲۶ سی ششم ۱۹ پنجاه هفتم ۴۲
انبناطا ششم ۸۳
انباکم دوم ۶ + ۸۷ هفتم ۱۲۰
وانبناها سی هفتم ۱۱
انبناهم دوم ۱۱۹ + ۱۴۱ + ۲۰۷
ششم ۲۹ + ۸۹ + ۱۱۴ سیزدهم ۳۰
شانزدهم ۵۷ بیست ششم ۵
بیست نهم ۶ ۶۰ سی ام ۳
۴۴ + ۴۴ + ۴۳ سی پنجم ۳ چهاردهم
لانبناهم چهارم ۷
وانبناهم چهارم ۵۷ یازدهم ۸۱
چهل چهارم ۲۲ چهل پنجم ۱۶
توبی دوم ۲۴۸ + ۲۷۲ چهارم
۱۴۵ نود دوم ۱۸
توبِ مجدهم ۲۳
وتوبِ چهارم ۴۴ یازدهم ۳
توبی سیم ۲۵ چهارم ۳۰
توتونَ چهارم ۶۰ بیست ششم ۶۲
چهل یکم ۶
وتوتونَ پنجم ۶۰ هفتم ۱۵۵ ششم ۷۲
بیست هفتم ۳ سی یکم ۳
توتوا بیست چهارم ۲۲ نود ششم ۴
توتوا چهارم ۴
توتبنِ مجدهم ۳۸
توتبیرِ سیم ۶ پنجم ۵۹ پنجاه هفتم
۲۱ + ۲۹ شصت دوم ۴
فستوتبیر چهل دهم ۱۰
توتبیر سیم ۷ ستوتبناهم ۵۹
توتبکم ششم ۱۷ چهل هفتم ۳۸
چهل ششم ۱۶ پنجاه هفتم ۲۸
توتبهم یازدهم ۳۳
توتوکِ دوازدهم ۶۶
توتوهن چهارم ۱۲۶
توتوه پنجم ۴۵
وتوتوها دوم ۲۷۳
توتبیر چهارم ۷۶ + ۱۱۴
توتبیر سیم ۱۳۹ م
چهل دوم ۱۹
توتوها سی سیم ۳۱
توتبهم چهارم ۱۵۱
ستوتبهم چهارم ۱۶۰
فاث سی ام ۳۷
واث هفدهم ۲۸

فاتوا شصتم ۱۱
واتواد وم ۴۰ + ۷۷ + ۱۴
۲۷۲ چهارم ۳۲ + ۷۹
ششم ۱۶۲ هم ۱۱ بیست دوم
۶۲ + ۷۸ بیست چهارم ۵۵
پنجاه ششم ۱۴ هفتاد ششم ۲۰
وانبهن سی سیم ۳۳
انباد وم ۱۹۶ + ۱۹۲ مجدهم ۶۱
وانبا سیم ۱۹۲

انبهم سی سیم ۶۸
فانبهم هفتم ۳۶
اتونی مجدهم ۹۵ م
فاتوهم چهارم ۳۷
واتوهم بیست چهارم ۲۳ شصتم ۲
فاتوهن چهارم ۲۸ شصت پنجم ۶
واتوهن چهارم ۲۹
اونی دوم ۱۳ م ۲۷۲ سیم
۷۸ ششم ۱۲۴ هفدهم ۷۳
بیست ششم ۸ حج ۷۹ شصت
۱۹ + ۲۵ ستاد چهارم ۵۰۲
واونیتَ بیست هفتم ۲۳ اونیت
اونبهم سیم ۶۶ پنجم ۴۵
هفدهم ۸۷ بیست هشتم ۶۰
چهل دوم ۳۴
واونبنا بیست هفتم ۱۶ + ۴۲
اونبنا بیست ششم ۷۸ سی نهم ۵۰
اونوه دوم ۲۰۹
بونی سیم ۶۶ هفتاد چهارم ۵۲
بونتَ دوم ۲۴۸ + ۲۷۲
اوتَ شصت نهم ۲۵
لاونبتن نوزدهم ۸۰
بوتونَ بیست ششم ۵۴
نونی ششم ۱۲۴
انبی نوزدهم ۹۴
لاتِ ششم ۱۳۴ بیست نهم ۴
انبنز بیستم ۱۵ بیست دوم ۷
لانبنز یازدهم ۸۵ چهل ۶۱
انبیر نوزدهم ۹۹
انبهم یازدهم ۷۸
وانباه شانزدهم ۹۲
بیست چهارم ۳۷
وانباء بیست یکم ۷۳
فانبنا نوزدهم ۶۲
والموتونَ چهارم ۱۶۰

اث

آتاثا شانزدهم ۹۲
نوزدهم ۷۵
فاتونَ صدم ۴
واتنَ هفتاد نهم ۳۸
آثرکَ دوازدهم ۹۱

الکذب است وخارق عادتی اگر بیاورد معجز خواهد بود زیراکه صدق دعوی غیرممکن است ثانیا ان قران باب خارق عادت نیست زیرا من اورا دیدم عبارتش غلط است وهر عقل مکینی ازان هم میتواند بیاخت پس راه شما باطل وخطا ست وچگونه شما در ضلال وکفر هستید پس از ادیشان گذشتم در سیدم بجاعتی که شخصی مجلل نورانی بر ایشان مسند نشسته وایشانرا ترغیب میکند بعبادت خدا و تحذیر مینمود از معصیت نزد ایشان رفتم وگفتم مذهب شما چیست شخصی گفت که ما شیعه امامیه هستیم گفتم اعتقادات خود را بیان فرمائید پس بعضی را در صدد رساله بیان نمودم بیان کرد گفتم برهان براین معتقدات چیست گفت برهان قبیا است ودر کتب مفصله ذکر شده

باب الالف

وَيُؤْثِرُونَ پنجاه نهم ۹	اِسْتَأْجَرْتَ	۲۹ پنجم ۷ سی سیم ۴۹	بجد هم ۸ اشصت سیم ۱۰	بِأَخْذِهِ بیستم ۳۹	اتَّخَذْتَ بیست هشتم ۲۸	وَاتَّخَذُوا دوم ۱۱۹
تُؤْثِرُونَ هشتاد هفتم	بیست ششم ۲۶	شصت سیم اشصت پنجم	أَخَذَتْهُمْ چهارم ۲۲ بیست سیم ۱۰۱	فَبِأَخْذِهِمْ هفتم ۷۱	لَا تَتَّخِذَ بجدهم ۷۶	فَاتَّخَذَتْ هفتاد نهم ۹
نُؤْثِرَكَ بیستم ۷۵	اِسْتَأْجِرْهُ بیست ششم ۲۶	أَجَل	أَخَذْتُهُمَا دوم ۲۸۲	یازدهم ۶۷ بیست ششم ۱۵	اتَّخَذْتَ بیست پنجم ۲۹	اتَّخَذُونِي پنجم ۱۱۶
يُؤْثَرُ هفتاد چهارم ۲۴	اجر سیم ۱۳ بیست	أَجَلَتْ ششم ۱۲۸	بیست ششم ۲۵ + ۲۶	فَأَخَذَهُمْ شانزدهم ۴۸ + ۴۹	وَاتَّخَذُوا بجدهم ۵۴	فَاتَّخَذُوهُ سی پنجم ۶
آثَرَ بیست ۹ چهل ششم ۲۹	۵۸ سی هم ۷	أَجَلِنَ هفتاد هفتم ۱۲	چهل نهم ۹	فَأَخَذَتْهُ دوم ۲۵۶	۱۰۶ نوزدهم ۸۴	أَخَذَ یازدهم ۱۰۴
أَثَارِ سی ۴۹	وَلَأَجْرُ دوازدهم ۵۷	آجَل پنجم ۳۵	أَخَذْتُهُنَّ چهارم ۲۴	فَأَخَذَكُمْ بیست چهارم ۲	بیست پنجم ۲ بیست ششم ۷۴	أَخَذَ پنجاه چهارم ۴۲
وَاثَارًا چهل ۲۲ + ۸۲	شانزدهم ۴۳	أَجَلَ هفتم ۳۲ دوم	وَاخَذَ هفتم ۱۴۹	فَأَخَذَهُمْ سی ششم ۴۹	اتَّخَذْتُمْ دوم ۴۸ + ۸۶	أَخَذَ هفتاد سیم ۱۶
آثَرِي بیستم ۸۶	أَجْرٍ سیم ۱۶۶ + ۱۷۴	۵۰ بیست نهم ۵۳	یازدهم ۷۰	بِأَخْذِهَا چهل ششم ۱۹	بیست نهم ۴ چهل پنجم ۳۴	وَاخَذْتُمْ چهارم ۱۵۹
آثَارِهَا بجدهم ۶۳	ششم ۲۸ هم ۲۲ چهل	وَاجَلٍ ششم ۲ + ۶ بیستم ۲۹	وَاخَذْنَ یازدهم ۹۷	فَأَخَذُوهُ هفتم ۱۶۸	اتَّخَذْتُمْ دوم ۲۴	أَخَذَهُ یازدهم ۱۰۴
آثَارِهِمْ پنجم د بجدهم	بکم ۷ پنجاه هشتم ۷	لِأَجَلٍ یازدهم ۱۰۶	أَخَذْنَ سی پنجم ۲۴	لِيَأْخُذُوهُ چهل ۵	أَفَاتَّخَذْتُمْ سیم ۱۷	أَخَذَهُ شصت نهم ۱۰
۵ سی هفتم ۶۶ چهل ششم	۱۱ + ۱۷ شصت چهارم ۱۵	سیزدهم ۲ سی پنجم	وَاخَذْنَ چهارم ۲۵	فَأَخَذُوهُ چهارم ۲۵	اتَّخَذَهَا چهل پنجم ۸	أَخَذَ یازدهم ۵۹
۲۱ + ۲۲ پنجاه هفتم ۲۷	هشتاد چهارم ۲۵ نود پنجم	۱۴ سی نهم ۷	أَخَذْتُمْ ششم ۶۹	أَفَأَخَذُوهُ چهارم ۲۴	اتَّخَذُوهُ هفتم ۱۴۷	أَخَذَنِ پنجاه یکم ۱۶
وَآثَارِهِمْ سی ششم ۱۱	وَاجْرِ پنجم ۱۲ یازدهم	وَاجَلٍ سی ام ۷ چهل ششم ۴	وَاخَذْتُمْ سیم ۵ ۷	فَأَخَذُوهَا چهل ششم ۲	اتَّخَذُوهَا پنجم ۶۳	بِأَخْذِ هر دوم ۲۷
آثَارِ چهل ششم ۳	۱۴ سی پنجم ۸ چهل نهم	أَجَلٌ بیست نهم ۴ هفتاد یکم	لَأَخَذَ ما شصت نهم ۴۵	لَيَأْخُذُهَا چهل ششم ۱۵	اتَّخَذُوهُمْ پنجم ۸۴	بِاتِّخَاذِكُمْ دوم ۵۱
وَاثِل سی چهارم ۱۵	۳ شصت هفتم ۱۲	أَجَلًا ششم ۲ هفدهم	أَخَذْتُ دهم ۲۵	حُكْ هفتم ۱۹۸ نهم ۱۰۴	لَا تَتَّخِذُوا هفدهم ۷۵	مُتَّخِذَ بجدهم ۴۹
اِثْمٌ دوم ۲۱ چهل هفتم ۱۲	اجرِ دهم ۳ ۷۲ دوازدهم	۱۰۱ چهل ۶۹	وَاخَذْنَا چهارم ۱۵۳	نوزدهم ۱۳	وَاتَّخِذُوهُ یازدهم ۹۴	مُتَّخِذِي بجدهم ۷
لِإِثْمٍ پنجم ۵	۱۰ بیست پنجم ۵۹ بیست	الْأَجَلَ بیست ششم ۲۹	هفتم ۱۶۵ سی ششم ۷	تَخِذُ دوم ۶۳ هفتم	فَاتَّخِذُوهُمْ بیست سیم ۱۱۰	مُتَّخِذَاتِ چهارم ۲۹
الْإِثْمُ پنجم ۳ + ۶۷ ششم	ششم ۹ + ۱۰۹ + ۱۲۷ + ۱۴۵	الْأَجَلَيْنِ بیست ششم ۲۸	فَاخَذْتُ هفتاد نهم ۲۵	۱۴۱ دوازدهم ۷۸	اتَّخَذْتُمْ ما هم بیست ششم ۹۳	أُخَر
۱۲۰ بیست چهارم ۱۱	۱۶۴ + ۱۸۰ سی چهارم	أَجَلَهَا شصت سیم ۱۱	فَاخَذْتُهُمْ سی نهم ششم	وَتَخِذَ سی ششم ۴۳	لَا تَتَّخِذُوا بیست هفتم ۱۷	وَاُخَرُ هفتاد پنجم ۱۳
چهل دوم ۳ پنجاه ششم ۳۳	۴۶ سی ششم ۸۶	أَجَلَهُمْ هفتم ۳۲ + ۱۸۴	۵۴ شانزدهم ۱۱۳	خَذْهَا بیستم ۲۲	نَتَّخِذُ دوم ۱۴۰ نهم ۹۹	وَاُخَرَتْ هشتاد دوم ۵
بِالْإِثْمِ دوم ۷ + ۱۸۴	وَاجْرٌ سی ششم ۱۰	دهم ۱۲ + ۵۰ شانزدهم	بیست ششم ۵۸ ۱۸۹	فَخُذْهَا هفتم ۱۴۲	وَنَتَّخِذُ نهم ۱۰	أَخَّرْتَنَا یازدهم ۱۱
۲۰۲ پنجاه ششم ۱۰۹	اجرِ سیم ۱۶۵ هفتم	سی پنجم ۴۵	بیست نهم ۳ چهل ۲۲	خُذُوا دوم ۶۰	نَتَّخِذُ سیم ۵۷ نوزدهم ۳	أَخَّرْتَنِي شصت سیم ۱۰
إِثْمَ دوم ۱۶۸	۶۹ نهم ۱۲۱ یازدهم	أَجَلُهُنَّ شصت پنجم ۴	۲۳ شصت نهم ۱۰	۸۷ چهارم ۷۳ هفتم ۱۲۰	۹۳ بیست پنجم ۵۹ بیست	أَخَّرْتَنِ هفدهم ۶۴
۱۷۸ + ۱۹۹ م	۱۱۷ دوازدهم ۵۶ + ۹	أَجَلَهُ دوم ۲۸۲	أَخَذْتُمْ دوم ۲۰۲	وَخُذُوا چهارم ۱۰۳	لَنَتَّخِذَنَّ چهل ششم ۳۱	أَخَّرْتَنَا چهارم ۷۹
إِثْمًا دوم ۱۷۸ ششم	بجدهم ۲۹ بیست ششم ۲۵	أَجَلَهُ دوم ۲۳۶	بیست نهم ۳۹	خُذُوهُ چهل چهارم ۴۷	وَنَتَّخِذُ سیم ۱۳۴	يُؤَخِّرُ شصت سیم ۱۱
۱۷۲ چهارم ۱۵۱ + ۵	لَأَجْرُ هفتم ۱۴ بیست ششم	أَجَلَهَا یا نوزدهم ۵	فَاخَذَتْكُمْ دوم ۵۲	شصت نهم ۳۰	نَتَّخِذُ سیم ۲۷ چهارم	يُؤَخِّرُهُمْ چهاردهم ۴۳
۱۱۱ + پنجم ۱۰۶ ۱۱۲	۴۰ شصت سیم ۳	بیست ششم ۴۵	أَخَذْتُهُمْ هفتم ۱۵۴	فَخُذُوهُ پنجم چهل پنجم	۱۱۸ هفدهم ۱۱۱ بیست پنجم	شانزدهم ۶۳
وَإِثْمُهُمَا چهارم ۲۳ + ۱۱۲	وَاجْرًا سی ششم ۳۵	أَجَلَنَا ششم ۱۲۸	أَخَذَتْهَا بیست دوم ۴۷	۴۵ پنجاه نهم ۷	أَتَّخِذُ ششم ۷۴	سی پنجم ۴۴
سی ششم ۵۸	چهل ششم ۲۹	أَجَلَهُنَّ دوم ۲۳۱ + ۲۳۲	أَخَذَتْهُمْ سی دوم ۳۲	فَخُذُوهُمْ چهارم ۹۱ + ۹۳	نَتَّخِذُ بجدهم ۸۵	وَيُؤَخِّرْكُمْ چهاردهم ۱۱
الْإِثْمِ پنجم ۶ ششم ۱۲۰	اجرِی دهم ۷۳ یازدهم	۲۳۴ شصت پنجم ۲	بیست دوم ۴۳	وَخُذُوهُمْ نهم ۵	أَتَّخِذُ ششم ۱۴	وَيُؤَخِّرْكُمْ هفتاد یکم ۴
وَالْإِثْمِ هفتم ۳۱	۳۱ + ۵۳ بیست ششم	مُؤَجَّلًا سیم ۱۳۹	فَاخَذْتُهُمْ چهل ۵	أَخَذَ ششم ۷۱	يَتَّخِذُ سی ششم ۲۲	يُؤَخِّرُهُ یازدهم ۱۰۶
إِثْمٌ دوم ۱۷۷	۱۰۹ + ۱۲۷ + ۱۴۵	كَاخَذٍ سی ششم ۳۲	فَاخَذَنَاهُ بیست ششم ۴۰	أَخَذُوا سی سیم ۶۱	أَتَّخِذُ بیست پنجم ۳۰	أَخَّرْنَا چهاردهم ۵
وَإِثْمًا دوم ۲۱۶	۱۶۴ + ۱۸۰ سی چهارم ۴۶	لِأَخْذِ ششم ۳۴	پنجاه یکم ۴۰	وَأَخَذُوا سی چهارم ۵	لَا تَتَّخِذُنَّ چهارم ۱۱۸	يُؤَخِّرُ هفتاد یکم ۴
بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ پنجم ۳۲	اجره دوم ۶۰ ۱ چهارم ۱۰۱	نود دوم ۱۹	هفتاد سیم ۱۶	يُؤْخَذُ دوم ۴۵	يَتَّخِذُونَ چهارم ۱۳۸	نَأْخُرَ دوم ۱۹۹
آثَامًا بیست پنجم ۶۸	فَأُجْرَهُ چهل دوم ۳۸	أَخَذَ دوازدهم ۴	أَخَذْنَا هم ششم ۴۴	پنجاه هفتم ۱۴	يَتَّخِذُوا چهارم ۱۴۹	چهل ششم ۲
إِثْمَ دوم ۲۸۳	أَجْرُهُمْ دوم ۵۹ + ۲۶۴	إِحْدَى ششم ۷ نهم ۵۲	بیست ششم ۷۸	فَيُؤْخَذُ پنجاه پنجم ۴۱	نهم ۱۶ بجدهم ۱۰۲	بِمَا أَخَّرَ هفتاد پنجم ۱۳
إِثْمًا هفتاد ششم ۲۴	۲۷۵ + ۲۷۷ سیم	بیست ششم ۲۷ سی پنجم ۴۰	فَاخَذْنَاهُمْ ششم ۴۲	تُؤْخَذُ ششم ۷۰ هفتم ۱۶۸	يَتَّخِذُونَ هفتم ۷	لِتَسْتَأْخِرُونَ هفتم ۳۴
الْأَثِيمِ پنجم ۱۰۵	۱۹۹ پنجاه هفتم ۱۸	لِأَحِدٍ هفتاد چهارم ۳۸	هفتم ۹۳ + ۹۴	يُؤَاخِذُ شانزدهم ۶۱ ۴۳	شانزدهم ۶۹ + ۹۴	دهم ۵ یازدهم ۵
أَثِيمٍ دوم ۲۷ بیست ششم	أَجْرُهُ بیست نهم ۲۶	أَحَدَكُمْ دوازدهم ۴۱	پنجاه چهارم ۴۲	سی پنجم ۴۴	وَيَتَّخِذُونَ بیست ششم ۱۳۴	شانزدهم ۶۳
۲۲۲ چهل پنجم ششم	أَجْرُهَا سی ششم ۳۱	أَحَدُهُمَا دوازدهم ۳۶	فَاخَذْنَاهُمْ چهل سیم ۴۷	يُؤَاخِذُكُمْ دوم ۲۲۵	يَتَّخِذُ بیست یکم ۱۷ بیست پنجم ۱۹	بیست ششم ۴۵
ششم ۱۲ هشتاد سیم ۱۳	أَجْرُكُمْ شانزدهم ۹۸	شانزدهم ۷۸ هفتم ۲۴	بِأَخْذِ بجدهم ۷۸	م پنجم ۹۱	لَيَتَّخِذَنَّ بجدهم ۲۰	يَسْتَأْخِرُونَ سی چهارم ۲۹
الْأَثِيمِ چهل چهارم ۴۴	۹۹ بیست ششم ۵۴	أَحَدَكُمْ دوم ۶ چهل هفتم ۱۲	وَبِأَخْذِهِمْ ۱۰۵	يُؤَاخِذُهُمْ بجدهم ۵۷	وَيَتَّخِذَهَا سی یکم ۵	وَالْآخِرِ سی ششم ۵۸
أَثِيمًا چهارم ۱۰۷	سی نهم ۱۳ + ۳۶	أَحَدُهُمْ دوم ۹۰ شانزدهم	لَيَأْخُذُوا دوازدهم ۷۶	يُؤَاخِذُنِي بجدهم ۷۲	أَتَّخِذْنَا دوم ۶۳	الْآخِرُ دوازدهم ۳۶
تَأْثِيمًا پنجاه ششم ۲۵	پنجاه هفتم ۲۷	۶۰ چهل سیم ۱۶	تَأْخُذُ بیستم ۹۵	يُؤَاخِذُ نادوم ۲۸۶	يَتَّخِذُوكَ بیست پنجم ۳۷	۴۱
تَأْثِيمًا پنجاه ششم ۲۶	أُجُورَكُمْ سیم ۱۸۲	أَحَدُهُمَا بجدهم ۳	بِأَخْذِ هفتم ۱۶۸	فَاتَّخِذْ بجدهم ۶۰	بیست پنجم ۴۳	الْآخِرُ پنجم ۳۰
أَج	چهل هفتم ۳۸	لِأَحَدِهِمَا بجدهم ۳۱	بِأَخْذِهِ هفتم ۱۴۲	وَاتَّخِذْ چهارم ۱۲۴	يَتَّخِذُوهُ هفتم ۱۴۳ م	وَالْآخِرُ هم ۱۰۳
أُجَاج بیست پنجم ۵۵	أُجُورَهُمْ سیم ۵۰	أَحَدُهُمْ بیست ششم ۸۵ چهارم ۶	وَلِيَأْخُذُوا چهارم ۱۰۲	هفتم ۱۴۶ هفتم ۱۴۲	أَفَتَتَّخِذُونَهُ بجدهم ۴۸	آخَرَانِ پنجم ۱۰۵
سی پنجم ۱۳	چهارم ۵۱ + ۱۷۴	أَحَدَنَا دوازدهم ۷۸	فَأْخُذُوا دوم ۲۳۹	بجدهم ۶۲	تَتَّخِذُ دوازدهم ۲۱	فَآخَرَانِ پنجم ۱۰۶
أُجَاجًا پنجاه ششم ۹۹	سی پنجم ۲۷	أَحَدُكُمْ دوم ۱۷۶	چهارم ۲۵	اتَّخَذْتُ بیست نهم ۴۵	بیست ششم ۸	آخَرُونَ بیست پنجم ۵
الْأُجْرِيِّ بیست ششم ۲۲	أُجُورَهُنَّ چهارم ۲۸۰	بجدهم ۱۰ ششم ۶۱	فَأْخُذُوا دوازدهم ۷۹	فَاتَّخَذْتُ نوزدهم ۱۷	أَتَّخِذُ بیست شانزدهم ۱	وَآخَرُونَ نهم ۱۰۳
						۱۰ هفتاد سیم ۲۰

الجزء

ولکن اجمالا بدانکه این راه اسلم راهها ست زیرا که هیچ طایفه از طوایف روی زمین ما را مخلد در عذاب جهنم نمیدانند و ما هم ایشان را مخلد در آتش میدانیم بالجماد و رسول خدا و ائمه هدی باز گفت که امر از دو صورت بیرون نیست یا عالم را صانعی هست یا نه اگر نباشد حال ما و دیگران مساویست و اگر هست پس وای بر حال منکرین ان پس بهر حال اذعان و تسلیم وجود صانع اسلمست و بعد از آن یا رسولی فرستاده است از جانب

فصل الخاء و غیره

خود یا نه اگر نفرستاده تکلیفی ندارد باز حال ما با دیگران مساویست و اگر فرستاده پس وای بر حال منکرین رسل پس بهر حال تسلیم و اذعان برسالت رسول اسلم است حال که بنا شد شخص متدین بشریعتی شود پس اگر شریعه جود یا مجوس

اخوین چهارم ۹۳
پنجم ۲۶ ششم ۶
۱۳۳ بیست یکم ۱۱
بیست سیم ۳ ۴۴+۴۳
چهل چهارم ۲۷
باخوین چهارم ۱۳۲
واخوین ششم ۶۲
سی ششم ۷ شصت دویم ۳
الاخوین بیست ششم ۶۲
۶۶ + ۱۷۲
سی هفتم ۸ ۱۳۶+۱۳۶
واخو سیم ۵
اخو دویم ۱۸ + ۱۸۱
واخو دوازدهم ۶۳ ۶۴
واخوی سیم ۱۱ چهل ششم
۲۱ شصت یکم ۱۳
الاخوی دویم ۲۸۴
سی نهم ۴ ۳ چهل هفتم
۹ پنجاه سیم ۲۰ ۴۸+
اخو یکم سیم ۱۴۷
اخوهم هفتم ۶ ۳
لاخوهم هفتم ۳۷
واخو دهم ۱۱
والاخو پنجاه هفتم ۳
الاخر بیست هشتم ۳۵
سی سیم ۲ شصت ششم
الاخرین بیست ششم
۸۴ سی هفتم ۶ ۷ ششم
۱۰۸ + ۱۱۹ + ۱۲۹ پنجاه
۱۴ + ۳۹ هفتاد و هفتم ۱۷
للاخرین چهل سیم ۶ ۵
والاخرین پنجاه ششم
واخرنا پنجم ۱۱۴
اخره سیم ۵ ۶
الاخره دویم ۸۸ ششم
۳۲ هفتم ۶۸ بیست ششم
۸۳ پنجاه سیم ۲۵
وللاخره هفتادهم ۲۲
نود سیم ۴
والاخره چهارم ۷۹
هشتاد هفتم ۱۷
و الاخره دویم ۳
للاخره نود دویم ۱۳
والاخره بیست دویم ۱۱
المستاخرین پانزدهم ۲۴
آخ چهارم ۱۵۰ دوازدهم
باخ دوازدهم ۵۹
الاخ چهارم ۲۷
اخ چهل ششم واخوه دهم
اخوه چهارم چهل نهم

اخوه چهارم ۱۷۵
واخوان پنجم ۱۳
اخوان هفدهم ۲۹
اخوانا هفدهم ۹۸
یا نزدهم ۴۷
اخی پنجم ۳۴ دوازدهم
۹۰ بیستم ۳۱ سی ششم ۲۲
ولاخی هفتم ۱۵۰
واخی پنجم ۲۸
بیست ششم ۳۴
اخوک دوازدهم ۹ ۶
واخوک بیستم ۴۴
واخوه دوازدهم ۸
اخوهم بیست ششم ۱۰۶
۱۲۴ + ۱۴۲ + ۱۶۱
باخیک بیست ششم ۳۵
اخیه دویم ۱۷۳
پنجم ۳ ۳+۳ هفتم
۱۴۹ دوازدهم ۶۴
۲۰ + ۷۶ چهل نهم ۱۲
هشتادم ۳۴
لاخیه هفتم ۱۳۸
واخیه دهم ۸۷
دوازدهم ۸۷ + ۸۹
هفتادم ۱۲
اخاه دوازدهم ۶۹ + ۷۶
نوزدهم ۵۴ بیست پنجم ۳۷
واخاه هفتم ۸۰ بیست سیم
۴۷ بیست ششم ۳۵
اخاهم هفتم ۶۵ + ۷۳
۸۳ یازدهم ۵۲ + ۲۲۰
۸۵ بیست هفتم ۴۶
بیست نهم ۳۵
اخوکم چهل هفتم ۱۰
اخوتی دوازدهم ۱۰۱
اخوتک دوازدهم ۵
واخوتہ دوازدهم ۷
فاخوانکم دویم ۲۱۹
نهم ۱۱ سی سیم ۵
واخوانکم هفتم ۲۴
واخوانهم هفتم ۴۱۰
ولاخواننا پنجاه نهم ۱۰
اخوانکم بیست چهارم ۶
لاخوانهم سیم ۱۵
۱۶۲ سیم ۱۸ پنجاه نهم ۱۱
واخوانهم ششم ۸۷
اخوانهن بیست چهارم ۳۱
سی سیم ۵۵ ۴
واخوانکم نهم ۲۳

اخوانهم پنجاه ششم ۲۲
اخت چهارم ۱۵ ۱۵
الاخت چهارم ۲۲
اخت نوزدهم ۲۹
الاختین چهارم ۲۷
اختک بیستم ۴۱
لاخته بیست ششم ۱۰
اختها چهل سیم ۴۷
اختها هفتم ۳۶
واخواتکم چهارم ۲۷
اخواتکم بیست چهارم ۶
اخواتهن بیست چهارم ۳۱
سی سیم ۵۵

اد

ادوا چهارم ۱۷
ادا نوزدهم ۹۱

آدم

دویم ۳۱ + ۳۳ + ۳۵
هفتم ۱۸ بیستم ۱۱۵
۱۱۸ + ۱۱۹ + ۱۱ هفدهم
آدم حالت نصب دویم ۲۹
لآدم دویم ۲ ۳
هفتم ۲ هفدهم ۶۳
بجدهم ۴۸ بیستم ۱۱۵
فلیؤد دویم ۲۸۳
نؤدی چهارم ۶۱
یؤدہ سیم ۶۸ ۳
وآداء دویم ۱۷۲

فادا

چهارم ۶ ۵
وادا چهارم ۷۰
هفدهم ۷۵ + ۷۸
سی سیم ۱۶

واذنت

هشتاد چهارم ۲ ۳
اذنت هم ۴۳
باذن دوازدهم ۸
پنجاه سیم ۲۲
باذن چهل دویم ۲
لذن هم ۴۹
فاذن بیست چهارم ۶
فاذنوا دویم ۲۷۹
اذن بیست دویم ۳۴
یؤذن شانزدهم ۶ ۸
هفتاد هفتم ۶ ۳
یؤذن بیست چهارم
۲۸ سی سیم ۵۳
لیؤذن هم
۹۱
اذن دوازدهم ۷۰

فاذن هفتم ۴۲
واذن بیست دویم ۲۸
اذان هفتم ۱۲ بیستم
۷۴ بیست ششم ۴۸
اذنتکم بیست یکم ۱۹
اذناک چهل یکم ۴۷
فآذن هفتم ۴۴
چهاردهم ۷
استاذنن بیست چهارم ۵
استاذنک نهم ۸۷
استاذنوک بیست چهارم ۶
فاستاذنوک نهم ۸۴
ویستاذن سی سیم ۱۳
فلیستاذنوا بیست چهارم ۵۹
یستاذنک نهم ۴۴ + ۴۵
لیستاذنکم بیست چهارم ۵۸
یستاذنوک نهم ۹۳
بیست چهارم ۶۲
یستاذنوه بیست چهارم ۶۲
فاذن سیم ۱۳ ۱۳
پنجاه هم ۵
باذنی پنجم ۱۱۰ مد
اذنیه دهم ۳
اذن هم ۶۱
اذن نهم ۶۱ شصت ششم ۱۲
بالاذن پنجم ۴۵
والاذن پنجم ۴۹
اذنیه سی یکم ۶
اذان هفتم ۱۷۸
۱۹۴ بیست دویم ۴۵
واذان هم ۳
آذان چهارم ۱۱۸
آذانیا چهل یکم ۴
آذانهم دویم ۸ ششم
۲۵ هفدهم ۴۸ پنجاه
۵۵ + ۱۳ چهل یکم ۴۴
هفتاد یکم ۶

اذو

سی سیم ۶۹
تؤذی سی سیم ۵۳
تؤذون نهم ۶۱ + ۶۲
سی سیم ۵۷ + ۵۸
تؤذوا سی سیم ۵۳
اذینوا چهارم ۱۵
تؤذونی شصت یکم ۵
فآذوهما چهارم ۲۰
اذنی بیست نهم ۹
واذوا ششم ۳۴
ششم ۳۴

اودنا هفتم ۱۲۶
یؤذین سی سیم ۵۹
اذی دویم ۱۹۲ + ۲۲۲
۲۶۴ + ۲۶۵ سیم ۱۰۷
۱۸۳ چهارم ۱۰۳
والاذی دویم ۲۶۶
اذاهم سی سیم ۴۷

الارائک

بیست چهارم ۳۱
طارق بیستم ۱۹

ارض

چهارم ۹۹ یازدهم ۴۶
وارض سی نهم ۱۳
ارض هفتم ۱۸ یازدهم ۶
ارض سی یکم ۳۴
وللارض چهل یکم ۱۰
ارضنا دوازدهم ۹
ارضی بیست نهم ۵
ارضنا چهاردهم ۱۶
بیستم ۹ ۵۷
ارضکم هفتم ۱۰۷ بیستم
۶۶ بیست ششم ۳۴
ارضهم سی سیم ۲۷

الارائک

بجدهم ۳۱ سی ششم ۵
هفتاد ششم ۱۳ هشتاد
سیم ۳ ۳۵ + ۲

ارم

هشتاد هم ۹

ازم نورهم

نوزدهم ۸ ۶

فازرہ

چهل هشتم ۲۹
اوزرہ بیستم ۳۲
ازری ششم ۷۴

ازفت

پنجاه سیم ۵۸
الازفة پنجاه سیم ۵۸
الازفة چهلم

استبرق

هم ۱۱۰ مکرر
استبرق نهم ۱۰۹

واستبرق

هفتاد ششم ۲۱
استبرق پنجاه پنجم ۵۴
واستبرق هجدهم ۳۰
چهل چهارم ۵۳

وتاسرون

سی سیم ۲۶
اسرهم هفتاد ششم ۲۸

واسبری هفتاد ششم ۹
اسری هشتم ۶۸
الاسری هشتم ۷۱
اساری دویم ۷۹
اسرائیل سیم ۸۷
واسرائیل نوزدهم ۵۹

اسفونا

چهل سیم ۵۵
اسفا هجدهم ۵
اسفی دوازدهم ۸۴
اسفا هفتم ۱۳۹ بیستم ۸۸

واسمعیل

حالت جری دویم ۱۱۹
۱۲۷ + ۱۳۰ سیم ۷۸
چهارم ۱۶۱
اسمعیل حالت نصب چهارم
۴۱ نوزدهم ۵۵
سی هشتم ۴۸
واسمعیل دویم ۱۳۴
ششم ۸ بیست یکم ۸۵

اسن

چهل هفتم ۱۶

اسوة

سی سیم ۲۱ شصتم ۴ + ۶
تاسی پنجم ۲۹ + ۷۲
ایسی هفتم ۹۱
تاسوا پنجاه هفتم ۲۳

اشر

پنجاه چهارم ۲۵
الاشر پنجاه چهارم ۲۶

مؤصدة

نود ۲۰ صد چهارم ۸

اصرا

دویم ۲۸۶
اصری سیم ۷۵
اصرهم هفتم ۱۵۶

اصل

سی هفتم ۶۲
اصلها چهاردهم ۲۹
اصولها پنجاه نهم ۵
واصیلا بیست پنجم ۶
سی سیم ۴۱ چهل هشتم ۹
هفتاد ششم ۲۵
والاصال هفتم ۲۰۴
سیزدهم ۱۶ بیست چهارم ۳۶

اف

هفدهم ۲۴ بیست یکم ۶۷
چهل ششم ۱۶

بالافق

پنجاه سیم ۲ هشتاد یکم ۲۳

الافاق چهل یکم ۵۳

یافکون

هفتم ۱۱۷ بیست ششم ۴۵
لیافکنا چهل ششم ۲۱
افک پنجاه یکم ۹
تؤفک چهل ششم پنجاه یکم ۹
تؤفکون پنجم ۷۹ نهم ۳۰
بیست نهم ۶۱ سی پنجم ۵
چهل سیم ۸۷ شصت سیم ۴
تؤفکون ششم ۹۵ دهم
۳۵ سی پنجم ۳ چهلم ۶۲
افک بیست چهارم ۱۲
پنجم ۵ سی چهارم ۴۳
چهل ششم ۱۰
بالافک بیست چهارم ۱۱
افکا بیست نهم ۱۷
افکا سی هفتم ۸۴
افکهم چهل ششم ۲۸
افکهم سی هفتم ۱۵۱
افاک بیست ششم ۲۲۲
چهل پنجم ۶
والمؤتفکة پنجاه سیم ۵۳
والمؤتفکات شصت نهم ۹
والمؤتفکات نهم ۷۰

افل

ششم ۷۶ + ۷۷
افلت ششم ۷۸
الافلین ششم ۷۶

اقتت

هفتاد هفتم ۱۱

اکل

پنجم ۴
فاکلا بیستم ۱۲۱
لاکلوا پنجم ۷۰
فاکله دوازدهم ۱۷
اکله دوازدهم ۱۴
یاکل دهم ۲۵ بیست پنجم
۷ بیست پنجم ۸ + ۲۰
یاکل چهل نهم ۱۲
فلیاکل چهارم ۶
تاکل دوازدهم ۳۶
سی دویم ۲۷ سی چهارم
۱۳ چهل هفتم ۱۳
فتاکل دوازدهم ۴۱
تاکل هفتم ۷۳ یازدهم ۶۴
یاکلان پنجم ۷۵
یاکلون دویم ۱۷۴ + ۲۷۵
چهارم ۱۱ مکرر بیست یکم
سی ششم ۳۳ + ۷۲
لیاکلون نهم ۳۴ بیست سیم ۳۲

ادرم · ادا · اد · الفهرت · واذنت · اذن · الفرز الفصال ادوا · ادو · اذن · ارض · ارم · ارایک · ارض · ارف · ارن · اسن · ازف · استبرق · اسری · اسفعیل · اسو · اشر · اصل · اف · افک · افل · اکل

حق نباشد بقول ایشان موت بنا بر اطلاق نمی‌دهیم بلکه درابدا بعضی تعبیر خواهیم کرد واما بر شریعت ما دای بحال ایشانست که در آتش ابد مخلد خواهند بود پس طریقه ما اسلم است و اگر شریعت جهود حق باشد پس بقول ایشان ما اگر بی‌ازاد و خوش رفتار باشیم ناجی خواهیم بود و الا مدتی معذب میشویم و بعد خلاص خواهیم شد اما بشرع ما پس ایشان مخلد در آتش خواهند بود پس وای بحال ایشان و اگر شریعت نصاری ماتی باشد پس در کتاب ایشان بخلود در آن و اگر نصاری در حق ما چیزی ادعا کنند از عذاب یا خلود در آن چندان محل اعتنا نیست زیرا که مدرک معینی ندارند و اما کتاب ما و پیغمبر ما بتواتر رسید انچه از دعوت ما نیست و از برای ما عذابی مقرر نگردیده ما چه کرد

باب الالف مع غیره

وَيَأْكُلُونَ چهل هفتم ۱۴
يَأْكُلُوا پانزدهم ۳
لِيَأْكُلُوا سی ششم ۳۵
يَأْكُلْنَ دوازدهم ۱۵۸
وَيَأْكُلُونَ هشتادنهم ۲۰
تَأْكُلُوا دوم ۱۸۸ ششم ۱۲۱
چهارم ۲+۳۴ ششم ۱۱۹
۱۲۱ بیست چهارم ۶۶
لِيَأْكُلُوا دوم ۱۸۴
شانزدهم ۴ تأكل پنجم ۱۱۳
يأكله شصت نهم ۳۷
يأكلهن دوازدهم ۴۳+۴۶
يأكله دوازدهم ۱۳
فأكله سیتم ۱۷۹
تأكلوها چهارم ۵
كلي شانزدهم ۷۱
فكلي نوزدهم ۲۶
يكلا هفتم ۱۸
وكلا دوم ۳۳
فكلوا دوم ۵۸ پنجم ۶
ششم ۱۱۸ ششم ۷
شانزدهم ۱۱۵ بیست
دوم ۲۹ + ۳۷
وكلوا دوم ۱۸۳
پنجم ۹۰ هفتم ۲۹ + ۱۶۱
شصت هفتم ۱۵
فكلوه چهارم ۳
أكلا هشتادنهم ۲۰
والكهم چهارم ۱۵۹
پنجم ۶۷ + ۶۸
أكل چهارم ۱۵
الأكل سیزدهم ۴
أكله ششم ۱۴۲
أكلها سیزدهم ۳۵
أكلها دوم ۲۶۷
چهاردهم ۳ پنجم ۳۱
الآكلون سی هفتم ۶۶
پنجاه ششم ۵۲
للآكلين بیست سیتم ۲۰
آكلون پنجم ۴
أكول صد پنجم ۵

الا

هفتم ۸ وإلا پانزدهم ۳۹
دوازدهم ۳۱ التي ...

وبالذي

سیتم ۱۸ كالذي دوم ۲۶۱
ششم ۷ نهم ۲
سی سیتم ۱۹ للذي ...
الذي ششم ۷۹
دوازدهم ۴۲

سی سیتم ۳۷
واللذان چهارم ۲۰
اللذين چهل یکم ۲۹
بالذين سیتم ۱۶۴
ششم ۱ نوزدهم ۷
بیست یکم ۴۲ بیست
دوم ۷۱ سی نهم ۳۷
فالذين سیتم ۱۹۴
هفتم ۱۵ بیست دوم
۲۰+۴۹+۵۵ بیست
هفتم ۶ چهل یکم ۳۸
پنجاه دوم ۴۲
پنجاه هفتم ۷
كالذين سیتم ۱۰+۱۵۰
ششم ۲۱+۲۹ هفتم ۷۰
سی سیتم ۹ چهل پنجم ۲
پنجاه هفتم ۱۹ پنجاه نهم ۹
للذين سیتم ۶۱
وللذين شصت هفتم ۶

باللتي

ششم ۱۵۳ شانزدهم
۱۲۶ بیست سیتم ۹۸ بیست
۴۵ سی چهارم ۳۶
چهل یکم ۳۴
كالتي شانزدهم ۹۴
للتي هفتم ۹
واللتي بیست یکم ۹ سی نهم
اللائي چهارم ۲۷ ...
۱۲۶ دوازدهم ۵۰
بیست چهارم ۵۹
سی سیتم ۴۹ مکرر
واللائي چهارم ۱۹+۳۸
اللائي سی سیتم ۴ پنجاه
ششم ۲ واللائي
شصت پنجم ۴

الو

دهم ۱ یازدهم ۱ دوازدهم
چهاردهم ۱ پانزدهم ۱

الف

ششم ۴ فألف ۹۸
وألف ششم ۶
آلف ششم ۶
يؤلف بیست چهارم ۴۳
ألف ششم ۶۷
آلف نود هفتم ۳
كألف بیست دوم ۴۷
ألف سی هفتم ۱۴۷
بألف ششم ۹
ألف دوم ۹۵ بیست
۱۳ سی دوم ۴
هشتاد دوم ۴

الفاتح ششم ۶۶
الفتح ششم ۶۷
الأب سیتم ۱۲+۱۲۱
ألوف دوم ۲۴۴
لإيلاف صد ششم ۱
إيلافهم صد ششم ۲
والمؤلفة هفتم ۶۰
أولما سیتم ۱۵۹

الم

دوم ۱ سیتم ۱ بیست هفتم ۱
سی ۱ سی یکم ۱ سی دوم ۱

يألمون

چهارم ۱۰۵
تألمون چهارم ۱۰۵ مکرر
الأليم دهم ۵
الأليم سی هفتم ۳۷
الأليم دهم ۸۹+۹۷
بیست ششم ۲۰۱ پنجاه یکم ۳۷

المر

سیزدهم ۱ **المص**
هفتم ۱ **واله**
بیستم ۹۰ إله
بیست هفتم ۶۱+۶۲
۶۳+۶۴+۶۵
إله بیست ششم ۳۸
چهل ۹ صد چهارم ۳
وإله دوم ۱۱۷
الهين پنجم ۱۱۶ شانزدهم
۵۳ الهة هفتم ۱۳۴
هفدهم ۴۲ بیست یکم
۲۲ + ۴۳
الإلهة سی ششم ۴
وإلهنا بیست ششم ۴۵
إلهكم شانزدهم ۲۳
بیستم ۱۱۰ بیست ششم ۹۰
۹۸ بیست یکم ۱۰۸
چهل یکم ۵
فإلهكم بیست دوم ۳۵
وإلهكم دوم ۱۵۸
بیست هفتم ۴۵
إلهك بیستم ۹۷
إلهك دوم ۱۲۷
إلهه بیست پنجم ۴۵
چهل پنجم ۲۲
إلهكم سی هفتم ۴
إلهي نوزدهم ۴۷
إلهنا چهل سیتم ۵۸
إلههم یازدهم ۱۰۳
إلهنا یازدهم ۵۶
۵۷ بیست پنجم ۴۳
سی هفتم ۹۳ چهل ...

بإلهتنا بیست یکم ۶۲
إلهتكم سی ششم ۵
إلهتهم سی هفتم ۸۹
وإلهتك هفتم ۱۲۴
إلهتكم بیست یکم ۳۷
۶۸ هفتم ۲۲
فالله دوم ۱۰۷
چهارم ۳۴+۱۴۰
نهم ۱۳ دوازدهم ۶۴
چهل دوم ۷
أبالله هفتم ۶۶
تالله دوازدهم ۷۳
۸۵+۹۱+۹۵
شانزدهم ۵۶
بیست ششم ۹۷ سی هفتم ۵۴
وتالله بیست یکم ۵۷
وتالله ششم ۲۳
فتالله ششم ۱۵
۴۲ سی پنجم ۱۱ چهل
پنجم ۳ پنجاه سیتم ۲۵
پنجاه هفتم ۲

يألونكم

سیتم ۱۱۸ الا ...
۷۳ لألي سیتم ۱۵۲ سی هفتم
وإلي بیست دوم ۴۷
وإليك دوم ۱۴۲ ششم
إليك نوزدهم ۲ بیست
هفتم ۳۲ بیست ششم ۶
فالنبي شانزدهم ۵۵
إليها هفتم ۱۸۹ نوزدهم
۱۷ سی ام ۲۰
شصت دوم ۱۱
إليكما بیست هفتم ۴۵
فألبنا دهم ۲ چهل ۷
وإلينا نوزدهم ۴۱
بیست یکم ۳ پنجاهم ۴۳
إليهن دوازدهم ۳۱
يؤلون دوم ۲۲۶
يأتل بیست چهارم ۲۲

الياس

سی هفتم ۱۲۳
والياس ششم ۸۵
الياسين سی هفتم ۱۳۰

الم و

سیتم ۳۹ سیزدهم
أم بیست ششم ۹۰
چهل سیتم ۳
أم ششم ۹۲ هفتم
۱۴۹ بیست ششم ۹۵
چهل دوم ۵

وأمهات چهارم ۲۷
أمك نوزدهم ۲۹
أمه سی یکم ۱۳ چهل ششم
فأمه صد یکم ۶
وأمه پنجم ۷۹
أمك بیست ششم ۳۹+۴۱
أمه بیست ششم ۱۲
فلأمه چهارم ۱۲
وأمه هشتادم ۳۵
أمهاتكم بیست ششم ۵۹
وأمي پنجم ۱۱۶
وأمه پنجم ۱۹ بیست ...
وأمهاتكم چهارم ۲۷
أمهاتهم سی سیتم ۶
پنجاه ششم ۲
أمهاتكم شانزدهم ۸۵
بیست چهارم ۶ سی ...
۴ سی نهم ۸ پنجاه ششم ۳۳
أمهاتهم پنجاه ششم ۲
أمة دوم ۱۲۸ ...
سیتم ۱۰۹+۱۰ پنجم ۷۵
هفتم ۳۶+۱۵۹+۱۶۴
۱۸۰ شانزدهم ۹۴
أمم ششم ۳۸ سیزدهم
۲۹ بیست هفتم ۱۷
وأمم یازدهم ۵۰
أمم ششم ۴۲ هفتم
یازدهم ۵ شانزدهم
چهل یکم ۴ ...
الأمم سی پنجم ۴۰
أمما هفتم ۱۶+۱۶۷
أمتكم بیست یکم ۹۲
بیست سیتم ۵۴
أمتين پنجم ۲
أمامه هفتاد پنجم ۵
إمام سی ششم ۱۱
لبإمام پانزدهم ۷۹
إماما دوم ۱۸ یازدهم
۲۰ بیست پنجم ۷۴
چهل ششم ۱۱
أئمة هفتم ۱۲
أئمة بیست یکم ۷۳
بیست ششم ۴+۴۱
سی دوم ۲۴
بإمامهم هفدهم ۷۳
الأمي هفتم ۱۵۸
الأمي هفتم ۱۵۷
أميون دوم ۷۳
الأميين سیتم ۲۰
۶۹
شصت دوم ۲

والأميين سیتم ۱۹
آمنا ششم ۴۶ ... ۱۴
دوازدهم ۴۱ پنجم ...
۷۸+۸۶ بیست ...
۸۱ سی دوم ۱۹ هشتاد ...
أمنا بیستم ۱۰۶
الأمد پنجاه هفتم ۱۵
أمدا سیتم ۲۸ پنجم ۱۱
هفتاد دوم ۲۶
أمره دوم ۲۵ چهارم
۱۱۴ هفتم ۲۸ دوازدهم
۴۰ سیزدهم ۲+۲۵
نود ششم ۱۲
وأمروا بیست دوم ۴۲
أمرنا هفتم ۱۷
آمره هشتادم ۲۳
أمرنا هفتم ۲۷
أمركم دوم ۲۲۲
أمرهم دوازدهم ۶۸
شصت ششم ۶
أمرتني پنجم ۱۱۷
أمرهم بیست چهارم ۵۲
أمرك هفتم ۱۱
يأمرهم هفتم ۲ شانزدهم ۷۸
۹۲ نوزدهم ۵۶
بیست چهارم ۲۱
تأمرين بیست هفتم ۳۳
يأمرون سیتم ۲۰
هفتم ۶۸+۷۲
ويأمرون سیتم ۱+۱۱۰
چهارم ۱ پنجاه هفتم ۲۴
تأمرون سیتم ۱۰ هفتم
۱۰۷ بیست ششم ۳۴
أتأمرون دوم ۴۱
يأمركم دوم ۶۳+۸۷
۱۶۴ چهارم ۶۱
أيأمركم سیتم ۷۴
ويأمركم دوم ۲۷۱
يأمرهم هفتم ۱۵۶
يأمركم سیتم ۷۴
تأمرك یازدهم ۸۹
فأمرنا بیست پنجم ۶۱
تأمرهم پنجاه دوم ۳۲
أمره دوازدهم ۳۲
تأمرونني سی نهم ۶۴
تأمرنا سی چهارم ۳۲
ولآمرنهم چهارم
۱۱۸ م
وأمر هفتم ۱۴۲+۱۹۸
بیستم ۱۳۲ سی یکم ۱۶
أمرك یازدهم ۴۳

چهل دوم ۱۴
أمرت ششم ۱۴
۱۶۳ سیزدهم ۳۶
بیست هفتم ۹۳ سی هفتم ۱۴
وأمرت دهم ۷۲+۷۳
بیست هفتم ۹۳ سی هفتم
۱۴ چهل ۶۸ چهل دوم ۱۴
أمروا چهاردهم ۶۳
نهم ۳۱ نود ششم ۴
وأمرنا ششم ۷۰
تؤمرن پانزدهم ۹۴
سی هفتم ۱۰۲
يؤمرون شانزدهم ۵۰
شصت ششم ۶
تؤمرون دوم ۶۳
پانزدهم ۶۵
يأمرون بیست سیتم ۱۹
وأمروا شصت پنجم ۶
أمر چهاردهم ۵ نهم ۴۸
یازدهم ۷۸+۹۹
۱۰۳ شانزدهم ۱
۳۵+۷۹ سی سیتم ۳۷
۳۸ چهل ۸ پنجاه هفتم
۱۳ شصت پنجم ۵
أمر چهارم ۸۵
والأمر هفتم ۵۲
بیست هفتم ۳۳
هشتادم دوم ۱۹
أمر هفتم ۹ یازدهم
۴۵+۷۶ سیزدهم
۱۲ هفدهم ۸۷ پنجم
۴۸ چهل نهم ۹ پنجاه
یکم ۴ شصت پنجم ۸
بأمري نوزدهم ۶۵
چهل ششم ۲۴
لأمره هفتم ۱۰۷
أمر هفتم ۱۴۹ یازدهم
۶۲+۹۹ بیست ششم
۱۵۱
الأمر سیتم ۱۲۸ دهم
۳+۳۲ سیزدهم
یازدهم ۶۶ بیست ششم
۴۴ سی دوم ۴
الأمور دوم ۲۰۶
سیتم ۱۰۵ ششم ۴
بیست دوم ۷۵ سی
پنجم ۴ چهل دوم
۵۳
پنجاه [illegible]
الأمور سیتم ۱۸۳
بیست دوم ۴۲

براینکه ایشان مخلد در نارند پس وای بحال ایشان مدیم در فرق اسلام پس اگر مذهب سنی باشد ما بقول ایشان از اهل نجاتیم اگر سب خلفا نکنیم والا مدتی معذب خواهیم بود و بعد خلاص میشویم و خلودی نیست اصلا اما بمذهب ما ایشان مخلد در نارند پس وای بحال ایشان واما صوفیه پس بقول ایشان ما را کمال نیست و در معرفت ما ناقص هستیم و بمذهب ما ایشان اگر محکوم بکفر باشند مخلد در نارند پس وای برحال ایشان واما شیخیه پس بقول ایشان ما ناقص المعرفه هستیم اگر سب و لعن نکنیم ناجی خواهیم بود و بمذهب ما اگر ضرورتی دیاررا منکر شوند مخلد در نار هستند پس طریقه ما اسلم است واما بابیه پس بقول ایشان **فصل المیم وغیره** حال قیامت است و تکالیف برداشته شد پس بر ما چیزی وارد نمیاید از عذاب زیرا تکلیفی نداریم

(۴۹۳) ستون ... ابواب الهمزه مع النون

ءامن

ءامن

امل

امن

ستون ... باب الهمزة بعد النون

ان

سکان

فان

انما

انک

انما

سه یکم ۶ ۱ × ۲۱	دوازدهم ۱۰۷	هفتم ۸۵ × ۱۴۳	امنا دویم ۲۰ ششم ۹	ایمانهم سه دویم ۲۹	والمؤمنات نهم ۷۲	بآمنا پنجم ۱۱۱
چهل دویم ۴۱	آمنتم دویم ۱۹ × ۲۴۰	دهم ۸۸ هفدهم ۹۶	چهارم ۳۸ بیست ششم ۵۷	چهل ۸۵	بیست چهارم ۱۲	بانکم چهل پنجم ۳۴
الامور نهم ۲	هفدهم ۷ هفدهم ۱۷	هجدهم ۵ ۵۳ × سه	بیست نهم ۶۷	ایمانه شانزدهم ۱۰۸	مؤمنات شصتم ۱۰	وانکم بیست ۱۱۷
امره هجدهم ۷۲ × ۸۱	آمنتم شصت هفتم ۱۴	سیم ۱۹ هشتاد پنجم ۸	چهل یکم ۴۰	ایمانها ششم ۱۵۹	شصت ششم ۵	وانهم دویم ۴۳ پنجم
بیستم ۲۷ × ۳۳ ×	اقامنتم هفدهم ۷۰	فیؤمنوا بیست دویم ۵۳	اسوئی بیست هفتم ۹۱	ایمانکم دویم ۱۰۳ سیم	المؤمنات چهارم ۲۹ م	۸۵ شانزدهم ۶۴
۹۳ × ۹۴ بیست هفتم	فامن هفتم ۹۷	لیؤمنوا ششم ۱۱۱	سه چهارم ۳۶	۹۵ × ۱۰۲ هشتم ۶۷	پنجم ۷ بیست چهارم ۲۳	بیست ششم ۳۲ هفتاد
۳۲ چهل ۴۷	وبامنوا چهارم ۹۳	هفتم ۹۹ دهم ۱۴ × ۷۵	امنی دوازدهم ۱۰۰	بایمانکم چهارم ۲۹	سه سیم ۴۸	دویم ۷ کانهن سی
امره هجدهم ۲۷	آمنکم دوازدهم ۴۶	ولیؤمنوا دویم ۱۸۲	یازدهم ۴۶ × ۸۲	ایمانهم سیم ۸۰ × ۸۴	المؤمنات بیست چهارم ۳۱	۴۲ پنجاه پنجم ۵۸
سه ششم ۸۲	تامنه سیم ۶۸ م	یؤمن دویم ۳۳ × ۲۲۸	بیست ششم ۱۴۲ سه چهارم	چهل ششم ۴	والمؤمنات نهم ۷۳	کانما ششم ۱۲ هشتم
وامره دویم ۶ ۲۷	تامنا دوازدهم ۱۱	نؤمنون چهارم ۶۲	۱۷ چهل چهارم ۵۵	بایمانهم دهم ۹	سیم ۳۵ × ۵۸ × ۲۳	۶ دهم ۲۸
امرناه هم ۲۵ یازدهم	امنکم دوازدهم ۶۴	بیست چهارم ۲ پنجاه هفتم	چهل ششم ۲۷	بایمانهن شصتم ۱۰	چهل هفتم ۲۱ چهل ششم ۵	فکانما پنجم ۳۵ م
۴۳ × ۶۱ × ۶۹ × ۸۴	بامنوکم چهارم ۹۳	۸ شصت یکم ۱۱ شصت ۱۴	الامنین بیست ششم ۳۱	ایمانه چهل ۲۹	پنجاه هفتم ۱۲ هفتاد	بیست دویم ۳۳
۹۷ بیست سیم ۲۷	فامن بیست نهم ۲۵	ونؤمنون سیم ۱۰ ۱۵۰	امنه شانزدهم ۱۱۳	ایمانکم دویم ۱۳۸	یکم ۲۹ هشتاد پنجم ۱۰	امن سه ششم ۱۸
پنجاه چهارم ۵۰	چهل ششم ۹	افتؤمنون دویم ۷۹	آمین هفتم ... دوازدهم	ایمانهم ششم ۸۲	مأمون هفتادم ۲۸	افامن سیم ۱۳ بیست
امرکم دهم ۷۲	لامن دهم ۹۹	تؤمنوا سیم ۶ × ۱۷۴	۵۴ بیست ششم ۱۰۷	المؤمن پنجاهم ۲۳	مأمنه هشتم ۶	امن بیست ششم ۴۰
امرهم ششم ۱۶	فامن نودم ۱۶	هفدهم ۱۰۸ چهل ۱۳	۱۲۵ × ۱۴۳ × ۱۶۲	مؤمن هشتم ۱۰	ولامة دویم ۲۲۰	فلأمه دویم ۱۸۲ پنجم
وامرهم چهل دویم ۳	بیستم ۸۴ بیست پنجم ۷	چهل چهارم ۲۹ چهل هفتم	۱۲۸ بیست هفتم ۳۹	بمؤمن دوازدهم ۱۷	وامانکم بیست چهارم ۳۲	۱۱۴ یازدهم ۳ پنجم
امره پنجم ۹۶ دوازدهم	بیست ششم ۶۷	۳۸ چهل نهم ۱۴ شصتم ۴ ×	چهل چهارم ۱۷	لمؤمن چهارم ۹۴	بان دویم ۵ ۱۸ هشتم	بیست هفتم ۳۱ پنجاه دویم
۲۱ شانزدهم ۲	امنت ششم ۵۹ دهم	لیؤمنوا چهل ششم ۹	الامین بیست ششم ۱۹۳	سه سیم ۳۶	۸۸ × ۹۴	انی ششم ۱۶۲ یازدهم
بیست چهارم ۳ چهل	۹۰ × ۹۸ بیست یکم ۶	پنجاه هفتم ۸	بیست ششم ۲۶	مؤمنا چهارم ۹۴ م ۹۵	کان چهارم ۵ ۷ هفتم	۲ بیستم ۱۴ × ۴۸ چهل
۱۵ شصت پنجم ۳ × ۴	فامنت شصت یکم ۱۴	تؤمن دویم ۸۵ چهارم	آمین چهل چهارم ۵۱	۹۶ × ۶ بیستم ۷۷ سه	۹۰ دهم ۱۳ × ۲۵	یکم ۳۳ چهل سیم ۲۵
امرها شصت پنجم ۹ م	امنك دهم ۹۰ سه ششم	۱۴۹ پنجم ۷۷	هشتاد یکم ۲۱	دویم ۱۸ هفتاد یکم ۲۹	۴۶ یازدهم ۷۱ × ۹۸	وانتی ششم ۱۹
امرنا سیم ۱۴۱ هجدهم	۴۳ چهل دویم ۱۴	اتؤمن دویم ۱۲ بیست سیم	الامین نودم ۳	مؤمنین هجدهم ۷۹	سه یکم ۶ چهل پنجم ۷	اتیتك دوازدهم ۹۰
۹ × ۸۷ سی چهارم ۱۱	فامنوا سه هفتم ۱۴۸	۴۹ بیست ششم ۱۱۱	امنتم سیم ۱۴ ششم ۱۱	مؤمنون پنجم ۹۵ هفتم	لان سی نهم ۱۴	سه هفتم ۵۰
چهل دویم ۵۲	وامنوا پنجم ۹۴ م	تؤمن دویم ۵۲ سیم	الامانة سیم ۷۲	۷۳ سه چهارم ۴۰	فان هشتم ۴۲ نهم ۶۴	وانك دویم ۲۵۳
بامرنا بیست یکم ۷۳	هفتم ۵۲ چهل هفتم ۲	۱۲۹ ششم ۱۲۴ نهم ۹۵	الامانات چهارم ۶۱	چهل چهارم ۱۱ چهل ششم	کان سی یکم ۶	یازدهم ۸۱ بیست سیم
سی دویم ۲۴	امنتم دویم ۱۳ هفتم	هفدهم ۹۲ × ۹۵ سه	امانتهم دویم ۲۸۳	۲۵ شصتم ۱۱	وانی دویم ۴۴ × ۱۱۶	۷۵ بیست هفتم ۶
امرکم هجدهم ۱۵	۴۲ ششم ۱۲۵ × ۷۴	چهارم ۳۰	لاماناتهم بیست سیم ۸	والمؤمنون دویم ۲۵۸	انك یازدهم ۷ ۹ چهل	چهل دویم ۵۲ شصت
امرهم هجدهم ۲۰	دهم ۵۲ × ۸۴	لتؤمنن چهارم ۱۵۷	هفتادم ۳۲	چهارم ۶۰ ام نهم ۲۲	یکم ۳۹ هفتاد سیم ۲۰	انك دوازدهم ۲۹
سی سیم ۶۳ پنجاه نهم	بیست ششم ۴۸	لیؤمنن ششم ۱۰۹	امانکم ششم ۲۷	۱۰ چهل ششم ۱۲	کانك هفتم ۱۸۷	فانها پنجم ۲۹ بیست
۱۵ شصت چهارم ۵	۶ امنتم بیستم ۷۴	لتؤمنن سیم ۷۵	الایمان چهل دویم ۵۲	هفتاد چهارم ۳۲	وانك بیستم ۱۱۲	دویم ۳۳ × ۴۵
بامرهم دوازدهم ۱۵	وامنتم چهارم ۱۴۶	لتؤمنن هفتم ۱۳۱	چهل هشتم ۱۴	بمؤمنین دویم ۷	بانه چهل ۱۲ شصت چهارم ۶	وانها دویم ۴۲ یازدهم ۲۶
امرها چهل یکم ۱۱	پنجم ۱۵	امن چهل ششم ۱۶	بایمان پنجاه دویم ۲۱	هفتم ۱۲۹ دهم ۷۹	وانه ششم ۴ ۲ بیست دویم	انهما سه هفتم ۱۲۲
امرنا هشتم ۵۰	فامنا سیم ۱۹ هفتاد	امنوا دویم ۱۲ × ۵ ۸	الایمان نهم ۳ چهلم	یازدهم ۶۵ دوازدهم	م پنجاه سیم ۴۴ × ۴۵	وانهما یازدهم ۷۹
امرکم دهم ۷۲	دویم ۲	سیم ۶۵ × ۹۰ چهارم	۱۰ چهل نهم ۱۱	۱۰۳ بیست سیم ۴۰	۴۶ × ۴۹ × ۵۰ × ۵۱	انا سیم ۱۴ × ۱۹۰
اکرهم دوازدهم ۱۰۳	وامنتم صدم ششم ۴	۵۰ × ۱۳۵ پنجم ۱۱۱	بالایمان دویم ۱۰۲	بالمؤمنین پنجم ۴۲ نهم	هفتاد دویم ۳ × ۴	بیستم ۲ چهل یکم
هجدهم ۲۰ بیستم ۶۵	ویؤمن نهم ۱ ۶	نهم ۸۷ هفدهم ۱۰۸	سیم ۱۷۱ پنجم ۷ شانزدهم	۱۲۹ بیست چهارم ۴ ۶	۶ × ۱۹	۴ چهل سیم ۴۸
بیست یکم ۹۳ بیست ششم ۵	نؤمن یازدهم ۳۸	پنجاه هفتم ۷	۱۰۸ پنجاه نهم ۱۰	سه سیم ۶ × ۴۲	فانه ششم ۵۶ بیست دویم	واتینا یازدهم ۶۵
امرا هجدهم ۷۰	یؤمن بیستم ۱۲۷	فامنوا سیم ۱۷۴	للایمان سیم ۱۶۰ × ۱۹۰	هشتاد پنجم ۷	کانه هفتم ۱۲۰ بیست	انکم ششم ۱۹ بیست
الامرون نهم ۱۱۳	چهل ششم ۱۳ شصت	چهارم ۱۶۱ × ۱۶۹	چهل نهم ۱۷	وبالمؤمنین ششم ۶۴	هفتم ۴۲ سه هفتم ۶۳	هفتم ۶ ۵ بیست نهم
لامارة دوازدهم ۵۳	چهارم ۹ × ۱۱ شصت پنجم ۱۱	هفتم ۱۵۸ شصت چهارم	ایمانا سیم ۱۶۷ هشتم	وللمؤمنین چهاردهم ۴۲	چهل یکم ۳۴ هفتاد هفتم ۳۲	۲۸ چهل یکم ۸
بالاسوء هم ۲۵ بیست	هفتاد دویم ۱۳	وامنوا دویم ۳۸	۲ نهم ۲۵ ام سه سیم ۲	چهل هفتم ۲۱ شصت سیم ۸	انها ششم ۱۰۹ هشتم ۷	کانکم پنجم ۲۶ سه هفتم ۱۶
ششم ۱۷ × ۱۸ × ۸۲	فلیؤمن هجدهم ۲۸	چهل ششم ۳۰	چهل ششم ۴ هفتاد چهارم ۳۱	هفتاد یکم ۲۹	بیستم ۶۹ چهل دویم ۱۲	وانکم هفتم ۱۱۱ بیست
الامل یازدهم ۳	ویؤمن دویم ۲۵۷ پنجم ۴۵	پنجاه هفتم ۲۸	الایمان چهل نهم ۷	والمؤمنین سه سیم ۳۵	کانها بیست چهارم ۳۵	ششم ۲۱ سه هفتم ۱۳۷
املا هجدهم ۴۴	تؤمن دویم ۲۶۲	اذ یمن دویم ۲۸۳	پنجاه ششم ۲۲	مؤمنة چهارم ۹۴ م	بیست هفتم ۱۰ بیست ششم ۲۱	ایمن چهاردهم ۳۹
امن دویم ۲۸۳	تؤمن دهم ۱۰۰	الامن ششم ۸۲	والایمان سیم ۵۶	سه سیم ۳۶	انما پنجم ۱۰ پنجاه نهم ۲	وایمانا سیم ۱۸۲
افامن هفتم ۹۵	ویؤمنون چهل ۷	الامن چهارم ۸۵	پنجاه نهم ۹	مؤمنة سه سیم ۴۹	بانا سیم ۴۹ × ۵۷	نهم ۴۹ شصت هفتم ۲۶
شانزدهم ۴۲	یؤمنوا دویم ۷۰	بالامن ششم ۸۱	ایمانها ششم ۱۵۹	مؤمنة دویم ۲۲۰	وانا هفتاد دویم ۸ × ۵	
اوامن هفتم ۹۶	۲۲۰	امنا بیست چهارم ۵۴	دهم ۹۸	مؤمنات چهل ششم ۲۵	۹ × ۱۰ × ۱۱ × ۱۲ × ۱۳ × ۱۴	فانا چهل سیم ۸۱
افامنوا هفتم ۹۷	ششم ۲۵ × ۱۱۰	وامنا دویم ۱۱۹	ایمانکم دویم ۸۷	المؤمنات شصتم ۱۰ × ۱۲	انا ششم ۱۱۱	حوانت پنجم ۱۱۶ بیست یکم ۶۳

فانك

وبعد هر ما ایشان کافر و مخلد در نارند پس این طریقه ما اسلم جمیع طریقیست که در روی زمین است و هیچ ملت از ارباب ملل و مذاهب را نمیرسد که ما را بملت و مذهب خود دعوت نماید زیرا که غافل از راه سالم و بی خطر را میکند ارد و براه خطرناک برود گفتم راست گفتی و من همه این مراحل را دیده ام و دانسته ام و با خودان ملل صحبت داشته ام اینچه گفتی از حال ایشان صدق است و طریقه شما اسلم است و احوط طرق است لکن میخواهم اشاره ببراهین بر اثبات صانع کنی تا ظاهر و هویدا شود که این معتقدات اجمالیه شما نه موجب زیادتی بصیرت شود گفت اما برهان بر اثبات صانع پس ظاهر و هویداست زیرا که وجود شخص خود دلیلی است ظاهر و بالقطع والیقین تو خود نبودی و حال موجود شده و معلوم است که تو خود را ایجاد نکرده

باب الالف

ستون اول — باب الالف بعد النون — انثی — انس

فَانتَ هشتاد ۶ × ۱۵
اَفَانْتَ د ۶۴ × ۶۴
بیست پنجم ۴ سی نهم
۲ چهل سیم ۳۹
لَانتَ یازدهم ۸۹
دوازدهم ۹۰
اَنتُما بیست ششم ۳۵
فَانتُم دوم ۱۳۴
بیست پنجم ۱۸ پنجاه ششم
۷۱ × ۶۸ × ۶۳ × ۵۹
هفتاد نهم ۲۷
اَفَانتُم سی ام ۲۷
اَفَانتُم بیست یکم ۵۱
لَانتُم پنجاه نهم ۱۳
اَنتِ سیم ۳ × ۱۹۳
چهارم ۱۲۳ سیزدهم
و شانزدهم ۹۹
سی پنجم ۱۲ چهلم ۴۳
چهل یکم ۴۲
وانثی چهل نهم ۱۳
الانثی پنجاه سیم ۲۶ × ۲۸
بالانثی دوم ۱۷۳
شانزدهم ۶۰
کالانثی سیم ۳۱
والانثی دوم ۱۷۳
پنجاه سیم ۴ هفتاد
پنجم ۳ نود دوم ۳
الانثیین چهارم ۱۲
۱۷۵ ششم ۱۴۴ ۴
۴۵ ۴
اِناثا چهارم ۱۱۷
هفدهم ۴۲ سی هفتم
۱۵۰ چهارم دوم ۴۸
چهل سیم ۱۸
وَاِناثا چهل دوم ۴۹
اَنّی بیست ششم ۲۹
آنَسَ بیستم ۹ بیست
هفتم ۷ بیست ششم ۲۹
اَنستم چهارم ۵
تستانسوا بیست چهارم ۲۷
اِنْس پنجاه پنجم ۳۹
۵۶ × ۷۴
الاِنْس هفدهم ۹۰
هفتاد دوم ۵۰
الانس ششم ۱۱۲ × ۱۲۸
۴ هفتاد دوم ۶
والانس ششم ۱۳۰ هفتم
۳۶ × ۱۷۸ بیست هفتم ۱۷
چهل یکم ۲۵ × ۹ چهل
ششم ۱۲ پنجاه پنجم ۳۳
والانس ...

ستون دوم — باب الالف بعد الهاء — اهل

اِنسانٍ هفدهم ۱۴ سی ششم
دوم ۶ چهل یکم ۱
هفتاد ششم
لِلانسان دوازدهم ۵
هفدهم ۵ بیست پنجم ۳۱
پنجاه سیم ۲۴ × ۴۰ پنجاه
نهم ۱۶
اَناسیّ هفدهم ۸۰ بیست ششم ۵۷
اَناسیّ دوم ۵۷
چهلم ۱۶۰ هفدهم ۷۳
وَاناسیّ بیست پنجم ۵۱
اِنسیّا نوزدهم ۲۲
مُستانِسین سی سیم ۵۳
بالانف پنجم ۴۹
والانف پنجم ۴۹
انفا چهل هفتم ۱۸
للانام پنجاه پنجم ۹
یانِ پنجاه هفتم ۱۵
آنِ پنجاه پنجم ۴۴
اَنیه هشتاد ششم ۵
اَناه بیستم ۱۳۰
اَناءِ سی نهم ۱۲
آناء سیم ۱۰۹
اِناه سی سیم ۵۳
بِاَنیَه هفتاد ششم ۱۵
وانّی سی چهارم ۵۱
هشتاد نهم ۲۴
وَاَهلِ هفتاد چهارم ۵۵
لِاَهلِ نهم ۱۳۱
اَهلِ یازدهم ۳ بیستم ۳۳
وَاَهلِ بیست ششم ۱۶۹
اَهلِهِ دوم ۱۹۲
اَهلَها چهارم ۷ دهم ۲۵
واَهلَها ششم ۱۳۱
یازدهم ۱۱۹ بیست ششم ۵۹
اَهلَكَ سیم ۲ یازدهم ۴۰
باهلِكَ یازدهم ۸۳
دوازدهم ۲۵ یازدهم ۴۶
اَهلِهِ دوم ۲۱۴ چهارم
۳۹ × ۹۴ ۴ بیست هفتم
۵۰ پنجاه یکم ۶ هفتاد
پنجم ۳۳ هشتاد چهارم × ۹ ۱۳
باهلِه بیست ششم ۲۹
سی پنجم ۴۱
الاهلِه بیستم ۹ بیست هفتم ۷
بیست ششم ۲۹
اَهلها چهارم ۳۹ × ۶۱
هفتم ۹۹ دوازدهم ۲۶
نوزدهم ۱ بیست چهارم
۲۷ بیست هفتم ۳۴
بیست ششم ۱۴

ستون سوم — باب الالف بعد الواو — اوی

اَهلِنا پنجاه دوم ۲۶
باهلکم دوازدهم ۹۳
اَهلیهم دوازدهم ۶۲
سی ششم ۵۰ هشتاد سیم ۳۱
اَهلِهِنّ چهارم ۲۹
اَهلَكَ بیستم ۱۳۲
وَاَهلَكَ بیست نهم ۳
اَهلَهُ دوم ۱۲۰ هفتم ۸۱
نوزدهم ۵ بیست یکم
۸۴ سی ششم ۴۲
واهلَهُ بیست یکم ۷۶
بیست ششم ۱۷۰ بیست هفتم
۵۰ × ۵۸ بیست نهم ۳۱
سی هفتم ۷۴ × ۱۳۴
اَهلها هفتم ۹۲ × ۱۲۰
پنجم ۷۰ × ۷۶ بیست
ششم ۳ بیست نهم ۳۵
واهلَها چهل ششم ۲۶
اهلنا دوازدهم ۶۵
واهلنا دوازدهم ۸۸
واهلونا چهل ششم ۱۱
اهلیکم پنجم ۹۱
واهلیکم شصت ششم ۶
اهلیهم چهل ششم ۱۳
واهلیهم سی نهم ۱۷
چهل دوم ۴۴
اُوتِیَ سی چهارم ۱۰
اوابیهم هشتاد ششم ۲۵
اَوّابُ سی ششم ۱۶ × ۱۸
۴۴ × ۲۹
اَوّابٌ پنجاهم ۳۱
للاوّابین هفدهم ۴۷
مَآبٍ سیزدهم ۲۸
سی ششم ۲۴ × ۳۹ × ۴۹
المآب سیم ۱۴
مآبا هفتاد ششم ۲۲ × ۳۹
نوده دوم ۲۵۶
آل دوم ۲۴۹ بیست
ششم ۷
وآل دوم ۲۴۹
آلِ دوم ۴۶ سیم ۹
پنجم ۱۳ ششم ۵۴
۶ و ۵ دوازدهم چهارم
۵ نوزدهم ۶ چهلم ۲۹
بِآلِ چهلم ۴۸
وآل سیم ۳۰ ۴
آلُ ششم ۳ هفتم
۱۴۰ چهل ششم ۸۱
الاول پنجاه هفتم ۳
اَوّلَ نهم ۱۰۹
الاول پنجاه نهم ۲

ستون چهارم — باب الالف بعد الیاء — ای

الاوّلِ پنجاهم ۱۴
الاوّلون نهم ۱۰ ۱ هفدهم
۱۶ بیست یکم ۵ بیست هشتم
۸۳ سی هفتم ۱۷ پنجاه ششم
۴۸
والاوّلین هفتاد ششم ۳۸
والاولی پنجاه سیم ۲۵
هفتاد نهم ۲۹ نود دوم ۱۳
لَاولیٰنا پنجم ۱۱۳
اولیهما هفدهم ۵
اولیهم هفتم ۳۷
لاولیهم هفتم ۶ ۳
واولوا سیم ۱۱ ششم ۷۶
بیست هفتم ۳۳ سی سیم ۶
لاولی سیم ۱۱ × ۱۸۷
دوازدهم ۱۱۱ بیست هشتم ۵
۱۲۸ بیست چهارم ۴۴
سی ششم ۴۲ سی نهم ۲۲
چهلم ۶ ۵
واولی چهارم ۶۲
واولا شصت پنجم ۴
اولاه سیم ۱۱ بیست هشتم ۸
اولئکم پنجاه چهارم ۴۳
واولئکم چهارم ۹۳
تاویل دوازدهم ۱۰۱
پنجم ۸۱
تاویل دوازدهم ۶ × ۲۱ ۱۰۲
بتاویله دوازدهم ۴۴
پنجم ۷۷
تاویلها چهارم ۶ هفدهم ۳۷
تاویله هفتم ۵ دهم ۴۰
تاویله سیم ۵
بتاویله دوازدهم ۳ × ۳۷
۴۵
تاویله سیم ۹ هفدهم ۵
الان دوم ۶۶ چهارم
۲۲ ششم ۶ دهم ۵
۹۱ دوازدهم ۵
هفتاد دوم ۹
فالان دوم ۱۸۳
آوانه یازدهم ۷۷
لاوّاه نهم ۱۱۵
اوی پنجم ۹
اَوَینا پنجم ۶۳
اوی یازدهم ۸۲
ساوی یازدهم ۴۵
تاوی پنجم ۱۵
اوی دوازدهم ۶۹
۱۰۰
تاوی نود ششم ۶
اروی ششم ۲۳ × ۲۵

ستون پنجم — باب الباء بعد الالف — اب

وَتُؤوی سی سیم ۵۱
فَاوُوا ششم ۲۶
واوینا هما بیست ششم ۵
تووی هفتاد دوم ۱۳
للماوی سی دوم ۱۹
پنجاه سیم ۱۵ هفتاد نهم
۴۱ × ۳۹
وما و بهم سیم ۶ ۱۵ پنجم
۷۶ ششم ۱۶
ماویکم پنجاه هفتم ۱۴
وماویکم بیست نهم ۲۴
چهل پنجم ۳۳
ماویهم سیم ۹ ۱ چهارم ۹۹
۱۲۰ دهم ۸ هفدهم ۹۹
فاویهم سی دوم ۲۰
وماویهم سیم ۱۴۴ هم
۹۶ × ۷۴ سیم ۱۸
بیست چهارم ۶ ۵ شصت ششم ۹
ابدا دوم ۱۱۲ سیم ۱۱
ششم ۳۲ × ۱۰۹ × ۱۲۴
دهم ۲۱ سیم ۸
۲۷ سی چهارم ۱۴
وانزی ششم ۳۳ × ۳۷ × ۴۱
ابکدوم ۲۴۹ هفتم ۱۳
وایه پنجم ۱۱۴
الایه هفتاد نهم ۲۰
ایتین هفدهم ۱۳
ایات سیم ۵ × ۹۱ دوازدهم
۷ بیست نهم ۴۸ × ۴۹
چهل پنجم ۳ × ۴ پنجاه یکم ۳
الایات ششم ۱۰۹ دهم
۱۱ بیست نهم ۴۹
بالایات هفدهم ۶ ۴
آیات سیم ۳۴ نوزدهم ۱۱
آیاتی ششم ۱۳ هفتم ۳۳
۱۴۳ پنجم ۵ × ۱۰۶ ۵
بیست یکم ۳۸ بیست ششم
۱۰۲ سی نهم ۶ چهل نهم ۳
آیاته ششم ۶ یازدهم ۱
چهل یکم ۲ × ۴۴
بایاتی دوم ۲ پنجم
۴۸ بیستم ۴۴ بیست هفتم
آیاتک دوم ۱۲۳ بیستم
۱۳۴ بیست ششم ۴۷
بایاتنا ششم ۲ + ۱۱۸
هفتم ۴۵ دهم ۱۸
وآیاته نهم ۶ چهلم پنجم ۵
آیاتها بیست یکم ۳۳
لایاتنا هفتاد چهارم ۱۶
ای دهم ۵۴
ای ششم ۱۹ پنجم ۱۱

ستون ششم — باب الباء بعد الباء — بب

نوزدهم ۴ ۷۴
فاتی ششم ۸۱
ائتی هشتاد ۱۷ هشتاد دوم ۸
باتی سی یکم ۲۴ هشتاد یکم
لاتی هفتاد هفتم ۱۲
اتی بیست ششم ۲۲۸
فاتم چهل ۸۱
اتاه هفدهم ۱۱۰
اتنا بیستم ۷۴
اتیکم نهم ۲۵ ۱ یازدهم ۹
بیست هفتم ۳۸ شصت هفتم ۲
اتیهم سیم ۹ چهارم ۱۲
هفدهم ۵۹ پنجم ۶
نوزدهم ۷ شصت ششم ۴۰
باتیکم شصت ششم ۶
اتیهما دوازدهم ۲۷ هشتاد هفتم
اتیا بیست سیم ۲۸
ایتیا بیست چهارم ۳۱ چهل ششم
۴۸ پنجاه پنجم ۳۱
فاتیه شانزدهم ۵۳
بیست نهم ۵۶
وآتاه دوم ۳۳ هفتم ۱۵۴
آباء اول ۴
واباء اول ۴
اباء دوم ۱۷۰ ششم ۴
نهم ۱۱۵ دوازدهم ۴۰
شانزدهم ۱۱ هفدهم ۳۳
۶۹ چهل یکم ۳۷
اباءنا دهم ۲۹ بیست ششم ۴۳
اباءکم سی چهارم ۲۳ × ۳۹
واباءکم چهارم ۱۳۹ هفتم
۳۳ بیست نهم ۶ شصت ششم
واباءهم ششم ۱۵۲
اَبَوَیْ سی ششم ۴۰
وابوه چهارم ۱۰۱ ششم
۸ بیست یکم ۸۳
فابدانا شصت یکم ۱۴
ابدا سیم ۱۱
ابدک هفتم ۶۴
وابدا هفتم ۴۰
وابدکم هفتم ۲۶
وابدهم پنجاه هفتم ۲۲
ابدانک پنجم ۱۰۹
وابدانه دوم ۸۱ + ۲۵۴
الابکر یازدهم ۷۸
بیست ششم ۷۶ سی ششم ۱۲
پنجاهم ۱۳
الابامی بیست چهارم ۳۲
ابی ششم ۲۳ شانزدهم
۲۹ بیست ششم ۴۲ + ۷۴
چهل یکم ۲۷ هفتاد ...

ستون هفتم — باب الباء بعد التاء — بتر

فابی هشتاد یکم ۲
فابین هاء دوم ۱۰۹
ابان هفتم ۱۸ شانزدهم
۲۳ بیست هفتم ۶ پنجاه
یکم ۱۲ هفتاد پنجم ۶
هفتاد نهم ۴۲

باب الباء

ببابل دوم ۹۶
وبئر بیست دوم ۴۴
بئس یازدهم ۳۸
دوازدهم ۶۹
بئس پنجاه هفتم ۲۵
باس چهلم ۳۰
باس هفدهم بیست هفتم ۳۳
الباس دوم ۱۷۲
بأس چهارم ۸۶ ششم ۶
باسنا چهارم ۸۶ پنجم ۲
الباس سیم ۱۸
باسنا ششم ۱۴۸
باسنا ششم ۳ هفتم ۳۳
۴۴ × ۹۵ دوازدهم ۱۱
باسهم پنجاه نهم ۱۴
باسکم بیست یکم ۸۰
باسنا ششم ۱۴۹ بیست
یکم ۱۲ چهل یکم ۸۵
باسکم شانزدهم ۸۳
بئس یازدهم ۱۰ پنجم
۳۸ × ۴۸ چهل نهم ۱۱
شصت دوم ۵
فبئس سیم ۸۱ سی ششم ۵۶
سی نهم ۷۲ چهل
۷۶ چهل سیم ۳۷
پنجاه ششم ۹
لبئس پنجم ۶۳ + ۶۸
۸۲ + ۸۳ بیست دوم ۱۳
فلبئس شانزدهم ۳۱
ولبئس دوم ۹۶ + ۲۰۲
بیست دوم ۱۳ بیست
چهارم ۵۶
بئسما دوم ۸۴ + ۸۹
هفتم ۱۴۹
بئیس هفتم ۱۶۵
البائس بیست دوم ۲۹
البأساء دوم ۲۱۰
البأساء دوم ۱۷۳
بالبأساء ششم ۴۲ هفتم ۹
الابتر صد هشتم ۳
فلیبتکن چهارم ۱۱۸
وتبتل تبتیلا هفتاد سیم ۸
تبت چهل دوم ۲۸
تبت دوم ۱۵۹

چهارم

وکسیکه مثل تو باشد هرگز نساخته مچون سیل نظر کنی بعد از عمر صرف نطفه بوده در رحم مادر که هیچ راهی به بیرون ندارد که پس اعضا بیا در تو بوجود آمد از گوشت و استخوان و رگ و پی و دوده و دل و جگر و سر و دست و پا و چشم و گوش و دهان و زبان و حلقوم و شش و ذکر و انثیین و غیر اینها که هر یک بوضعی خوش و محلی مناسب نهاده و هر یکرا منفعتی است در اعمال و احوال تو که اگر مفقود شود نظام وجود تو مختل خواهد شد و عجیبتر آنکه چون متولد شوی شیر پستان مادر تو جاری شود و سر پستان موافق دهان تست و در آن سوراخهای باریکی است که شیر یکید فقط بدهان تو بیاید و بدن تو چون محکم شود **فضل الثاء** دندانهائی بجهت تو بروید بوضعی خوش که بمنزله آسیا است از برای غذاهای سخت که موجب

۴۹۵

باب الباء مع الجیم — ستون ... بعده الثاء — بنت — بجس — بخس — بخل — ستون ... باب الباء بعده الدال — بدر — بدن — ستون ... باب الباء بعده الراء — برج — برق — ستون ... باب الباء بعده السین — بسط — بسم — ستون ... باب الباء بعده الشین — بشر — ستون ... باب الباء بعده الصاد — بصر

ستون ۱

چهارم ۱ سی یکم ۹
بنت چهل پنجم ۳
بنی دوازدهم ۸۶
الکشوف صد یکم ۲
مبثوثه هشتاد هشتم ۱۶
منبثا پنجاه ششم ۶
فانبجست هفتم ۱۶
بحث پنجم ۳۴
البحر پنجم ۱۰۹ م
والبحر سی یکم ۲۶
بحر بیست چهارم ۴۰
والبحر ششم ۵۹+۴ ۶
۹۲ دهم ۲۳ هفتم ۷
بیست یکم ۴۴ سی ام ۴۰
پنجاه دوم ۶ البحر دوم
۴۲ هفتم ۱۴ دهم ۹ شانزدهم
بیست ششم ۳ چهل پنجم
۲۳ چهل پنجم ۱۱
البحران سی پنجم ۱۳
البحرین هجدهم ۵۹
بیست پنجم ۵۵ بیست هفتم
۴۳ پنجاه پنجم ۱۹
البحار هشتاد یکم ۶ هشتاد
دوم ۳
ابحر سی یکم ۲۶
بحیره پنجم ۱۰۳
بخس دوم ۲۲۸
بخسوا هفتم ۸۳ یازدهم ۸۶
بیست ششم ۱۸۳
بخسون یازدهم ۱۸
بخس دوازدهم ۲۰
بخسا هفتاد دوم ۱۳
باخع هجدهم بیست ششم ۲
بخل نوزدهم ۸
بخلوا سیم ۱۷۶ نهم ۷۶
یبخل چهل هفتم ۴۰ م
بخل چهل هفتم ۴۰
یبخلون سیم ۱۷۵ چهارم
۴۱ پنجاه هفتم ۲۴
یبخلوا چهل هفتم ۴۹
بالبخل چهارم ۳۷ پنجاه
هفتم ۲۴
بدا بیست نهم ۱۹
فبدا دوازدهم ۷۶
وبدا سی دوم ۶
بدانا بیست یکم ۱۰۴
یبدی دهم ۴ + ۵ سیم بیست هفتم
۵ سی ام ۱۰ یبدی بیست هفتم
۸ سی چهارم ۴۸ هشتاد یکم
بداکم هفتم ۲۸

ستون ۲

بدوکم هفتم ۱۳
ببدر سیم ۱۱۹
وبدارا چهارم ۵
ابتدعوها پنجاه هفتم ۲۷
بدعا چهل ششم ۸
بدیع دوم ۱۱۱ ششم ۱۰۱
بدل بیست هفتم ۱۱
بدلوا چهاردهم ۲۸ سی سیم ۲۳
فبدله دوم ۱۸۱ هفتم ۱۶۲
بدلنا هفتم ۹۳ شانزدهم
۱۰۳ هفتاد ششم ۲۸
بدله دوم ۱۷۷
بدلناهم چهارم ۵۹
وبدلناهم سی چهارم ۱۵
تبدیل چهلم ۳۲
یبدل دوم ۲۰۲
یبدلوا چهل هشتم ۱۵
یبدل پنجاه ششم ۶۱
هفتاد دوم ۴۱
ولیبدلنهم بیست چهارم ۵۴
ابدله دهم ۱۶
یبدلونه دوم ۱۷۲
بدله دهم ۱۶ ابدل پنجاه [illegible]
یبدل چهاردهم ۴۹
یبدله شصت ششم ۵
یبدلهما هجدهم ۸۰
یبدلنا شصت ششم ۳۲
تبدل سی سیم ۵۲
یتبدل دوم ۱۰۲
تبدلوا چهارم ۲
یستبدل چهل هفتم ۴۰
ویستبدل نهم ۳۹
اتستبدلون دوم ۵۹
بدلا هجدهم ۴۸
تبدیل دهم ۶۵ سی ام ۳۹
تبدیلا سی سیم ۲۳ ۶۲
سی پنجم ۴۳ چهل هشتم
۲۳ هشتاد ششم ۲۸
مبدل ششم ۳۴+۱۱۵
هجدهم ۲۶
استبدال چهارم ۲۳
ببدنک دهم ۹۲
والبدن سی دوم ۳۶
بدا ششم ۲۸ دوازدهم ۳۵
وبدا سی نهم ۴۸+۴۹
چهل پنجم ۲ ۳ ششم ۴
بدت سیم ۱۴ ۱۱ هفتم ۲۱
فبدت بیستم ۱۱۹
لتبدی بیست ششم ۹

ستون ۳

لیبدی هفتم ۱۹
مبدون سیم ۱۴۸
یبدین بیست چهارم ۳۱ م
یبدون دوم ۳۱ پنجم
۹ بیست چهارم ۲۹
یبدوا دوم ۲۷۳ ۲۸۴
چهارم ۱۴۸ سی سیم ۵۴
یبدها دوازدهم ۷۷
یبدوه سیم ۲۷
یبدوها ششم ۹۱
یبدی پنجم ۱۰۱ م
البدو دوازدهم ۱۰۱
والبادی بیست دوم ۲۵
بادی یازدهم ۲۹
بادون سی سیم ۲۰
یبدیه سی سیم ۳۷
یبذر هفدهم ۲۸
تبذیرا هفدهم ۲۸
المبذرین هفدهم ۲۹
برا دوم ۲۲۴
برءهم ششم ۸
البر پنجاه دوم ۲۸
البر پنجم ۹۷ ششم ۵۹
۲۳ دهم ۹۷ + ۶۴
بیست هفتم ۶۴ [illegible]
سی ام ۴۰ سی یکم ۲۱
وبرا نوزدهم ۱۴+۳۲
الابرار سیم ۱۹۱ هشتاد سیم ۱۸
للابرار سیم ۱۹۷
الابرار هفتاد ششم ۵
هشتاد دوم ۱۳ هشتاد سیم ۲۲
البر دوم ۱۸۵
البر پنجم ۳
بالبر دوم پنجاه ششم ۱
البر دوم ۱۷۲ ۱۸۵
سیم ۶ ۸
بررة هشتادم ۱۵
بررها پنجاه هفتم ۲۲
نبراه سی سیم ۶۹
ابرئ دوازدهم ۵۳
وتبرئ پنجم ۱۱۰
وابرئ سیم ۴۳
بریء دوم ۱۶۱ ششم ۱۱۵
بریوا دوم ۱۶۶
تبرا بیست ششم ۶۳
فنبرء دوم ۱۶۲
تبرانا بیست هشتم ۶۳
فتبرء دوم ۱۶۲
بریء ششم ۱۹+۷۸
هشتم ۵ نهم ۳ دهم ۴۲

ستون ۴

یازدهم ۳۷+۵۷
بیست ششم ۲۱ پنجاه نهم ۱۶
بروجا چهارم ۱۱۲
بریئون دهم ۴۲
براء چهل سیم ۲۶
براءة شصتم ۴
براءمنها پنجاه چهارم ۴۳
البریة نود هشتم ۶
البارئ پنجاه نهم ۲۴
بارئکم دوم ۵۱ م
مبرءون بیست چهارم ۲۶
برج سی سیم ۳۳
بروج چهارم ۸۰
البروج هشتاد پنجم ۱
بروجا پانزدهم ۱۶
بیست پنجم ۶۲
تبرج سی سیم ۳۳
متبرجات بیست چهارم ۵۹
ابرح هجدهم ۵۹
ابرح دوازدهم ۸۰
نبرح بیستم ۹۳
برحا بیست یکم ۶۹
هفتاد دوم ۲۴
برد بیست چهارم ۴۳
بارد سی هشتم ۴۱
باردة پنجاه ششم ۴۳
لیبرز سیم ۱۴۸
برزوا دوم ۲۵۱
چهارم ۸۳
وبرزوا چهاردهم ۲۱ ۴۹
وبرزت بیست ششم ۹۱
هفتاد نهم ۳۶
بارزون چهلم ۱۶
بارزة هجدهم ۴۷
برزخ بیست پنجم ۱۰۲
پنجاه پنجم ۲۰
برزخا بیست پنجم ۵۵
والابرص سیم ۴۹ پنجم ۱۱۰
برق هفتاد پنجم ۷
وبرق دوم ۱۸
البرق دوم ۱۹ سیزدهم ۱۲
۱۳ سی ام ۲۳
برقه بیست چهارم ۴۳
وبارک چهل یکم ۹
بارکنا هفتم ۱۳۳
هفدهم بیست یکم ۷۱ ۸۱
سی چهارم ۱۲
وبارکنا سی هفتم ۱۱۳
بورک بیست هفتم ۸
تبارک هفتم ۵۴ بیست پنجم ۱
۱۱ پنجاه پنجم ۷۸

ستون ۵

شصت هفتم ۱
فتبارک بیست سیم ۱۴ چهلم ۶۴
وتبارک چهل سیم ۸۵
برکات هفتم ۹۶
وبرکات یازدهم ۵۰
وبرکاته یازدهم ۷۶
مبارک ششم ۹۲ ۱۵۵
بیست یکم ۵۰ سی هشتم ۲۸
مبارکا نوزدهم ۳۱ [illegible]
۳۲ بیست ... ۳۰ پنجاهم ۹
مبارکة بیست چهارم ۳۵
چهل چهارم ۳
المبارکة بیست هشتم ۳۰
مبارکة بیست چهارم ۶۱
ابرموا چهل سیم ۷۹
مبرمون چهل سیم ۷۹
برهان چهارم ۱۷۴
برهان دوازدهم ۲۴
بیست سیم ۱۱۷
برهانان بیست هشتم ۳۲
برهانکم دوم ۱۱۱ [illegible]
۲۴ بیست [illegible]
بازغا ششم ۷۷ بازغة ششم ۷۸
وکتب [illegible]
وکتب هفتاد دوم ۲۲
باسرة هفتاد پنجم ۲۴
بسط چهل دوم ۲۶
بسطت پنجم ۳۱
بسط سیزدهم ۲۶
۲ سیم بیست هشتم ۸۲ بیست
۲ سی ام ۴۸ سی چهارم
۳۵ + ۳۸ سی نهم ۵۳
چهل دوم ۲۷ وتبسطوا
شصتم ۲ تبسطوا نهم ۱۴
وتبسط دوم ۲۴۶
فیبسطه سی ام ۴۷
یبسطها هفدهم ۳۱
باسطوا ششم ۹۳
البسط هفدهم ۳۱
باسط هجدهم ۱۷
بباسط پنجم ۳۱
کباسط سیزدهم ۱۵
بساطا هفتاد یکم ۱۸
تبسطر دوم ۲۴۸ هفتم ۲۷
مبسوطتان پنجم ۶۹
باسقات پنجاهم ۱۰
ابسلوا ششم ۶۹
تبسل ششم ۶۹
فتبسم بیست هفتم ۱۹
وبسرت بیست هفتم ۲۸
البشر دوازدهم ۵۴

ستون ۶

کبشرنا یازدهم ۵۵
فبشرناه سی هفتم ۹۹
وبشرناه سی هفتم ۱۱۲
فبشرناها یازدهم ۷۴
تبشر پانزدهم ۲۲
وبشر هفتم ۹
تبشرونی پانزدهم ۲۳
لتبشر نوزدهم ۹۷
یبشرک سیم ۴۴+۳۰
یبشرهم نهم ۲۱
تبشرون پانزدهم ۵۴
تبشرک پانزدهم ۵۳
نوزدهم ۷
تبشر چهارم ۱۳۷
فبشر سی نهم ۱۹
فبشره سی یکم ۶ سی ششم
۱۰ چهل پنجم ۷
فبشرهم سیم ۲۱ نهم ۳۴
هشتاد چهارم ۲۴
بشر شانزدهم ۴۶+۶۱
چهل سیم ۱۶
باشروهن دوم ۱۸۳
تباشروهن دوم ۱۸۳
وابشروا چهل یکم ۳۰
یستبشرون سیم ۱۶۵
نهم ۱۲۵ پانزدهم ۶۷
سی ام ۴۷ سی نهم ۴۶
ویستبشرون سیم ۱۶۴
فاستبشروا نهم ۱۱۲
بشرا هفتم ۵۵ بیست پنجم
۵۰ بیست هفتم ۶۴
ابشر شصت چهارم ۶
بشر ششم ۹۱
لبشر سیم ۷۳ پانزدهم ۳۳
بیست یکم ۳۵ چهل دوم ۵۱
البشر نوزدهم ۲۶
هفتاد چهارم ۲۵
للبشر هفتاد چهارم ۲۹
۳۴ + ۳۹
بشرا یازدهم ۲۹ دوازدهم
۳۱ یازدهم ۲۸ هفدهم
۹۵+۹۶ نوزدهم ۱۲
بیست سیم ۳ بیست پنجم ۵۰
سی ششم ۷۱
ابشرا پنجاه چهارم ۲۴
لبشرین بیست سیم ۴۹
بشرین سیم ۱۲ ششم ۱۰
دوازدهم ۱۹ بیست پنجم ۲۳
وبشرین دوم ۹۱ شانزدهم
۱۰۲+۹۱ بیست هفتم ۳۲
البشری دهم ۶۵

ستون ۷

یازدهم ۷۴ سی نهم ۱۹
بالبشری یازدهم ۷۲
بیست نهم ۳۰
بشراکم پنجاه هفتم ۱۲
بشری پنجم ۲۲
وبشری هفتم ۱۸۸ یازدهم ۲
البشری دوازدهم ۹۶
بشیر پنجم ۲۲
بشرا دوم ۱۱۳ سی چهارم ۲۲
سی پنجم ۲۴ چهل یکم ۳
مبشرا هفتم ۱۰۶
بیست پنجم ۵۸
ومبشرا سی سیم ۴۲ چهل
هشتم ۸ شصت یکم ۶
مبشرین دوم ۲۰۹
چهارم ۱۶۳ ششم ۴۸
هجدهم ۵۴
مبشرات سی ام ۴۵
مستبشرة هشتادم ۳۹
تبصرة پنجاهم ۸
بصرت بیستم ۹۶
بصروا بیستم ۹۶
بصروهم هفتادم ۱۱
ابصر سی ششم ۱۰۴
ابصرنا سی دوم ۱۲
یبصر نوزدهم ۴۳
فستبصر شصت هشتم ۵
ویبصرون شصت هشتم ۵
یبصرون بیست یکم ۳ بیست
هفتم ۵۵ بیست ۷۲
چهل سیم ۵ پنجاه یکم ۲۱
پنجاه دوم ۱۵ پنجاه ششم
۸۴ شصت نهم ۳۸+۹
ابصر هجدهم ۲۵
وابصر نوزدهم ۳۹
سی هفتم ۱۷۹
وابصرهم سی هفتم ۱۷۵
البصر پنجاه سیم ۱۷
شصت هفتم ۴ هفتاد پنجم
البصر شانزدهم ۷۹
پنجاه چهارم ۵۰
البصر شصت هفتم ۳ ۴
والبصر هفدهم ۳۸
ابصار بیست نهم ۹۲
الابصار سیم ۱۰۳
چهاردهم ۴۳ بیست نهم ۳۵
والابصار بیست چهارم ۳۷
الابصار سیم ۱۱ بیست چهارم
۴۴ پنجاه نهم ۳
ما الابصار بیست چهارم ۴۳
والابصار سی ششم ۴۵

واسنادا

تقویت بدن است و در اسافل بدن سوراخها قرار داده از برای بیرون آمدن فضولات غذا با چنین صنعتی در آن ظلمات ثلاث بدون صانع و حکیمی قدیر خبیر محقق نتواند شد و چون بیرون
آئی آسمان و زمین و آفتاب و ماه و باد و آب و آتش همه بند بهر امر غذای تو مشغولند صانع الها صانع تو باشد گفتم حقا که این برهانیست که در آن شبهه و شک نیست گفت پس چون وجود
صانع حکیم قدیر ثابت شد میگویم که او باید واحد باشد و شریکی ندانسته باشد والا کارعالم بفساد منجر میگردد زیرا چون یکی اراده وجود چیزی
میفرمود دیگری خلاف آن پس اگر هر دو واقع میشد اجتماع نقیضین بود و اگر یکی دون دیگری عجز لازم میآید و ترجیح بلا مرجح خواهد بود و ایضا ترکیب لازم میآید

بابُ البَاء

ستون اول باء بعده الصاد — اَبْصَارًا — بَصَلِهَا

باء بعده الضاد — بِضْع

ستون دوم باء بعده الطاء — بَطِرَ — بَطَلَ — بَطَنَ

ستون سیم باء بعده العین — بَعْثَرَ — بُعْثِرَ

ستون چهارم — بَعُدَ — بَعْض

ستون پنجم باء بعده الغین — بَغَى

ستون ششم باء بعده القاف — بَقَرَ — بَقِيَ

ستون هفتم باء بعده الکاف — بَكَمَ — بَكَى

وَأَبْصَارًا چهل ششم ۲۵
الأَبْصَارِ ششم ۱۰۳
وَالأَبْصَارَ دهم ۳۲
شانزدهم ۷۸ بیست ۸۰
سی و دوم ۸ شصت هفتم ۲۳
فَبَصُرَتْ بِه بیست هشتم ۱۱
بَصُرْتُ بِمَا بیستم ۹۶
لَا يُبْصِرُونَ دوم ۱۷
...
فَصَرَّهُنَّ (بیستم) ۲۱
بصره چهل پنجم ۲۲
اَبْصَارُهَا هفتاد نهم ۹
اَبْصَارُنَا پانزدهم ۱۵
اَبْصَارَكُمْ چهل یکم ۲۱
اَبْصَارَهُمْ هفتم ۴۵
چهل ششم ۲۶ پنجاهم ۳
۷ شصتم ۴۲
هفتادم ۴۴
وَاَبْصَارِهِمْ چهل یکم ۱۹
اَبْصَارِهِمْ دوم ۶
بیست چهارم ۳۰
بِاَبْصَارِهِمْ شصت ۸ ۵۱
وَاَبْصَارُهُمْ دوم ۱۹
شانزدهم ۱۱۰
اَبْصَارُهُنَّ بیست چهارم ۳۱
وَاَبْصَارَكُمْ ششم ۴۶
اَبْصَارُهُمْ دوم ۱۹
چهل هفتم ۲۵
وَاَبْصَارُهُمْ ششم ۱۱۰
الْبَصَرُ هفدهم ۱ چهلم ۲۱
۵۸ چهل دوم ۹
وَالْبَصَرَ ششم ۵ سیزدهم ۲
۱۷ سی پنجم ۷ چهلم ۹
وَالْبَصَرَ یازدهم ۲۶
بَصِيرَةٍ هفتاد پنجم ۱۴
بَصِيرَةٍ دوازدهم ۱۰۸
بَصَائِرُ ششم ۱۰۴ هفتم
۲۰۳ چهل پنجم ۱۹
بَصَائِرَ هفدهم ۱۰۴
بیست هشتم ۴۳
مُبْصِرَةً پنجاهم ۸
مُبْصِرًا دهم ۶۸ بیست
هفتم ۸۸ چهلم ۶۳
مُبْصِرُونَ هفتم ۲۰۰
مُبْصِرَةً هفدهم ۱۳۸ x ۲۱
بیست هفتم ۱۳
مُسْتَبْصِرِينَ بیست نهم ۳۷
وَبَصَلِهَا دوم ۵۸
بِضْعَ دوازدهم ۴۲
بِضَاعَةً دوازدهم ۸۸
بِضَاعَتَهُمْ دوازدهم ۱۹
بِضْعِ سی ام ۴
بِضَاعَتُنَا دوازدهم ۶۵
بِضَاعَتَهُمْ دوازدهم ۶۲

لِيَبْطِشُ چهارم ۷۴
بَطَرَتْ بیست هشتم ۵۸
بَطَرًا هشتم ۴۹
بَطْشًا بیست ششم ۱۳۰ ۴۴
بَطَشْتُمْ بیست ششم ۱۸
يَبْطِشُونَ هفتم ۱۹۴
نَبْطِشُ چهل چهارم ۱۵
بَطْشَ هشتاد پنجم ۱۲
بَطْشَنَا چهل چهارم ۷ پنجاهم ۳۶
الْبَطْشَةَ چهل چهارم ۱۵
وَبَطَلَ نهم ۱۱۸
بَطْشًا پنجاه چهارم ۳۶
وَبَطَلَ هفتم ۸
بَطَلُوا دوم ۲۶۴ چهل هفتم ۳۳
سَيُبْطِلُهُ دهم ۸۱
وَبَاطِلٌ هفتم ۱۳۹ یازدهم ۱۶
الْبَاطِلَ هفتم ۸۳ بیست
۱۰۶ سی یکم ۲۹ سی چهارم
۴۸ چهل یکم ۴۲
الْبَاطِلُ بیست یکم ۱۸
بِالْبَاطِلِ دوم ۳۹ x ۱۸۴
سیم ۶ چهارم ۳۳ x ۱۵۹
نهم ۳ بیستم ۴ بیست ۵
نهم ۵۲ چهلم ۵
اَفَبِالْبَاطِلِ شانزدهم ۷۴
بیست نهم ۶۷
بَاطِلًا سیم ۸۸ سی هشتم ۲۶
الْبَاطِلُ ششم هفدهم ۸۳
چهل دوم ۲۳ چهل هفتم ۳
وَالْبَاطِلَ سیزدهم ۱۸
مُبْطِلُونَ سی ام ۵۸
الْمُبْطِلُونَ هفتم ۱۷۲ بیست
نهم ۴۷ چهلم ۷۸
چهل پنجم ۲۶
بَطْنِ شصت ۱۵۲ هفتم ۳۱
بَطْنِى چهل هشتم ۲۴
بَطْنِهِ سیم ۳۱
بَطْنِهِ بیست چهارم ۴۴
سی هفتم ۱۴۴
بُطُونِ ششم ۱۳۹ شانزدهم
۸۰ سی نهم ۸ پنجاهم ۳۳
الْبُطُونَ چهل چهارم ۴۵
الْبُطُونِ سی هفتم ۴۶
پنجاه ششم ۵۳ بطونها
۶۸
بُطُونِهَا شانزدهم ۷۱
بیست سیم ۲۱
بُطُونِهِمْ دوم ۶۹ ۱۷۴ چهارم
۱۱ بیست دوم ۲۱
وَالْبَاطِنُ هفتاد
هفتم ۳
بَاطِنَهُ پنجاه هفتم ۱۳

مَا بَطَنَ ششم ۱۲۰
وَبَاطِنَهُ سی یکم ۱۹
بِطَانَةً سیم ۱۱۴
بَطَائِنُهَا پنجاه پنجم ۵۴
بَعَثَ دوم ۲۴۸ ۲۴۷
۱۵۸ بیست پنجم ۴۳ بَعَثَ دوم
۲۱ اَبَعَثَ هفدهم ۹۶
فَبَعَثَ دوم ۲۰۹ پنجم ۳۴
بَعَثْنَا هفدهم ۱۰ دهم ۷۵
۷ شانزدهم ۲۸
لَبَعَثْنَا بیست پنجم ۵۳
وَبَعَثْنَا پنجم ۱۵
بَعَثَرَ دوم ۲۶۱
بَعَثْنَا سی ششم ۵۲
بَعَثَكُمْ دوم ۵۳
يَبْعَثُهُمْ پنجم ۱۸ x ۱۱
يَبْعَثَ شانزدهم ۴۰
بیست دوم ۷
يَبْعَثُ ششم ۶ بیست
ششم ۵۹ چهلم ۳
هفتاد دوم ۷
لَيَبْعَثَنَّ هفتم ۱۶۶
يَبْعَثُ شانزدهم ۷۶ x ۹۱
يَبْعَثُ هفدهم ۱۶
يَبْعَثَكَ هفدهم ۸۱
يَبْعَثُكُمْ ششم ۶۰
يَبْعَثُهُمْ ششم ۳۶
پنجاه هشتم ۷ x ۱۹
الْبَعْثِ دوم ۲۴۲
وَالْبَعْثُ دوم ۱۳
بیست ششم ۳۵
فَابْعَثُوا هجدهم ۱۹
يُبْعَثُ نوزدهم ۱۵
اُبْعَثْ نوزدهم ۳۳
يُبْعَثُونَ هفتم ۱۴ پانزده
۳۶ شانزدهم ۲۲
بیست ۱۰۲ بیست ششم
۸۷ بیست هفتم ۶۷ سی هفتم
۱۴۴ سی ششم ۸۰
يُبْعَثُوا شصت چهارم ۷
يُبْعَثُونَ بیست سیم ۱۶
يُبْعَثَنَّ شصت چهارم ۷
انْبَعَثَ نود یکم ۱۲
الْبَعْثِ بیست دوم
۵ سی ام ۵۶
بَعْثِكُمْ سی یکم
۲۷
انْبِعَاثَهُمْ نهم ۴۶
مَبْعُوثُونَ یازدهم ۱۰
هشتاد ششم ۴

لَمَبْعُوثُونَ هفدهم ۴۹
۱۰۰ ابیست ۸۴ سی هفتم
۱۶ پنجاه ششم ۴۷
مَبْعُوثِينَ ششم ۲۹
بیست سیم ۳۹
بُعْثِرَ صدم ۹
بُعْثِرَتْ هشتاد دوم ۴
بَعِدَتْ یازدهم ۹۸
بَعُدَتْ نهم ۴۲
بَاعِدْ سی چهارم ۱۸
بَعْدَكَ دوم ۱۲۷ هفتم
۱۲۹ سی ششم ۳۴
شصت یکم ۶
بَعْدِكَ بیستم ۸۷
بَعْدِهَا هفتم ۱۵۲
شانزدهم ۱۱۱ x ۱۲۵
بَعْدَهُ هفتم ۴ ۱۸ هفتم
هفتم ۵۰
بَعْدَهَا پنجم ۷۵
بیست یکم ۱۱
بَعْدِهِنَّ بیست چهارم ۵۷
بَعْدَهُمْ چهل سیم ۳۷
بَعْدِ یازدهم ۶۴ x ۴۳
۷۱ x ۹۸
فَبُعْدًا سی سیم ۴۴ x ۴۶
بَعِيدٍ بیست یکم ۹ اینجا
الْبَعِيدُ چهاردهم ۲۱ بیست
بَعِيدٌ دوم ۱۷ چهارم
۳ بیست هفتم ۲۲ بیست
دوم ۵۲ بیست پنجم ۱۳
سی چهارم ۵۱ x ۵۲ چهل
دوم ۱۷ پنجاهم ۲ x ۳۰
بَعِيدٍ یازدهم ۸۹ x ۹۱
الْبَعِيدِ سی چهارم ۸
بَعِيدًا هشتم ۲۸ چهارم ۶۲
۱۶ ۱۱ x ۶۵ ۱۶۵ هفتادم ۶
مُبْعَدُونَ بیست یکم ۱۰۱
بَعِيدٌ دوازدهم ۶ x ۲
بَعْضُ ششم ۱۵۹ یازدهم
۵۷ دوازدهم ۱۰ بیست
هفتم ۷۴ چهلم ۲۹
بَعْضُ پنجم ۵۱ بیست ششم
چهل هفتم ۲۸ شصت ششم
بَعْضُ دوم ۷۹ سیم
۱۴۹ چهاردهم ۲۳ پنجم ۵۴
لِبَعْضٍ بیست چهارم ۶۲
بَعْضَهَا سیم ۳ بیست چهارم
بَعْضُنَا ششم ۱۲۹ سی ام
۵۷ سی ششم ۲۱
بَعْضُهَا دوم ۶۸

بَعْضَكُمْ بیست چهارم ۶۳
چهل نهم ۲
بَعْضُهُمْ سیم ۸ سیزدهم
۳۶ شصت ششم ۳
بَعْضَهُ سیزدهم ۳
بَعْضَكُمْ چهارم ۳ ششم
۶۵ ۱۶۵ شانزدهم ۷۲
بیست پنجم ۲۰ چهل هفتم
بِعُوضَةً دوم ۲۴
بُعُولَتِهِنَّ سی هفتم ۱۲۵
بَعْلِي یازدهم ۷۵
وَبُعُولَتُهُنَّ دوم ۲۲۸
بُعُولَتِهِنَّ بیست چهارم ۳۱
لِبُعُولَتِهِنَّ بیست چهارم ۳۱
الْبَغْضَاءُ سیم ۱۱۴
وَالْبَغْضَاءَ پنجم ۶۴
وَالْبَغْضَاءُ پنجم ۱۴ x ۶۹
وَالْبَغْيِ شانزدهم ۸
بَغَى سی ششم ۲۱
فَبَغَى بیست هشتم ۷۶
بَغَتْ چهل نهم ۹
لَبَغَوْا چهل دوم ۲۶
يَبْغِي سی ششم ۲۳
يَبْغِي چهل نهم ۹
يَبْغِ بیست ششم ۷۷
اَبْغِي ششم ۱۶۴
يَبْغِيَانِ پنجاه پنجم ۲۰
يَبْغُونَ سیم ۸۳ پنجم ۵۵
دهم ۲۴ بیست هشتم ۱۰۸
وَيَبْغُونَ چهل دوم ۴۰
يَبْغُوا چهارم ۳۸
يَبْغِي دوازدهم ۶۵
نَبْغِ هجدهم ۶۳
اَبْغِيكُمْ هفتم ۱۳۶
وَيَبْغُونَهَا هفتم ۳۳ یازدهم ۲۲
چهاردهم ۳
يَبْغُونَكُمْ نهم ۴۷
يَبْغُونَهَا سیم ۹۴
وَيَبْغُونَهَا هفتم ۸۴
بَغِيًّا بیست دوم ۵۹
يَبْتَغِي نوزدهم ۹۳ بیست
پنجم ۱۹ بیست ششم ۲۱۱
سی ششم ۳ x ۶۹ سی ششم
اَبْتَغَى بیستم هفتاد ۳۱
اِبْتَغَيْتَ سی سیم ۵۱
اِبْتَغُوا نهم ۴۸
لَا يَبْتَغُوا هفدهم ۴۴
فَابْتَغُوا بیست هفتم ۱۶
وَابْتَغُوا دوم ۱۸۳
پنجم ۳۹ شصت دوم ۱۰

نَبْغِ سیم ۷۹
تَبْغِي ششم ۳۵ شصت ششم
اَبْغِي ششم ۱۱۴
يَبْغُونَ پنجم ۲ هفدهم ۵۹
بیست چهارم ۳ چهل ششم
۲۹ پنجاه نهم ۸ هشتاد سیم
اَبْتَغُونَ چهارم ۱۳۹
تَبْغُونَ چهارم ۹۶
تَبْغُوا دوم ۹۴ چهارم
لِتَبْتَغُوا هفدهم ۱۳ x ۶۸
بیست چهارم ۳۳ سی سیم ۱۳
وَلِتَبْتَغُوا شانزدهم ۱۴
بیست ششم ۳۷ سی ام ۳۵
چهل پنجم ۱۱
تَبْتَغِي بیست ششم ۵۵
وَابْتَغِ هفدهم ۱۱۰
بیست ششم ۷۷
الْبَغْيُ چهل دوم ۳۷
وَالْبَغْيِ شانزدهم ۹۲
بَغْيًا دوم ۹۰ x ۸۱ x ۲۰۶
سیم ۱۷ دهم ۹۰ چهل
دوم ۱۳ چهل پنجم ۱۶
وَالْبَغْيِ هفتم ۳۱
بَغْيُكُمْ دهم ۲۳
بَغْيِهِمْ ششم ۱۴۷
بَاغٍ دوم ۱۶۸ ششم ۱۴۶
شانزدهم ۱۱۶
بَغِيًّا نوزدهم ۲۹ x ۲۹
الْبِغَاءِ بیست چهارم ۳۳
اِبْتِغَاءَ چهارم ۱۰۵
اِبْتِغَاءَ دوم ۲۰۳ x ۲۶۷
۲۷۴ سیم چهارم ۱۱۴
سیزدهم ۱۸ x ۲۲
هفدهم ۳۹ پنجاه هفتم ۲۷
نود دوم ۲۰
وَابْتِغَاءَ سیم ۵ هفتم
وَابْتِغَاءَكُمْ سی ام ۲۳
الْبَقَرِ دوم ۶۵
الْبَقَرَ ششم ۱۴۵ x ۱۴۷
بَقَرَةً دوم ۶۳
بَقَرَةٌ دوم ۶۴ ۶۶
بَقَرَاتٍ دوازدهم ۴۳ x ۴۶
الْبَقْعَةِ بیست هشتم ۳۰
بَقْلِهَا دوم ۵۸
بَقِيَ دوم ۲۷۸
وَيَبْقَى پنجاه پنجم ۲۷
اَبْقَى پنجاه سیم ۵۲
وَاَبْقَى بیستم ۷۳ x ۷۵
۱۳۱ x ۱۳۲ بیست ششم
چهل دوم ۳۴ هشتاد هفتم
۱۷

تَبْقِي هفتاد چهارم ۲۸
فَاسْتَبِقُوا بیست ششم ۶
بَاقٍ شانزدهم ۲۱
الْبَاقِينَ بیست ششم ۱۲۰
سی هفتم ۷۷
بَاقِيَةٍ شصت نهم ۸
بَاقِيَةً چهل سیم ۲۷
وَالْبَاقِيَاتُ هجدهم ۴۴
نوزدهم ۷۹
بَقِيَّتُ یازدهم ۸۷
وَبَقِيَّةٌ دوم ۲۴۹
بَقِيَّةٍ یازدهم ۱۱۸
بُكْرَةً سیم ۹۰
بُكْرَةً دوم ۶۳
اَبْكَارًا پنجاه ششم ۳۵
وَاَبْكَارًا شصت ششم ۵
بُكْرَةً نوزدهم ۱۲ x ۵۳
بیست پنجم ۵ سی سیم ۴۱
چهل هشتم ۹ پنجاه چهارم ۳۸
هفتاد ششم ۲۵
وَالْاِبْكَارِ سیم ۴۱ چهل
بُكْمٌ دوم ۱۷ x ۱۴۲
وَبُكْمٌ ششم ۳۹
الْبُكْمُ هشتم ۲۲
وَبُكْمًا هفدهم ۹۷
اَبْكَمُ شانزدهم ۷۶
بَكَّةَ چهل چهارم ۲۸
يَبْكُونَ دوازدهم ۱۶
هفدهم ۱۰۹
وَلْيَبْكُوا نهم ۸۳
تَبْكُونَ پنجاه سیم ۶۰
وَاَبْكَى پنجاه سیم ۴۴
وَبُكِيًّا نوزدهم ۵۹
وَالْبَلَدَ هفتم ۵۶
بَلَدٍ شانزدهم ۷ سی پنجم ۱۰
الْبِلَادِ هفتم ۵۵
الْبَلَدِ نودم ۱ x ۲ نود پنجم ۳
بَلَدًا دوم ۱۲۰
الْبَلَدَ چهاردهم ۳۸
الْبِلَادِ سیم ۱۹۶ چهلم ۴
پنجاهم ۳۶ هشتادم ۱۰۲
بَلْدَةٍ سی چهارم ۱۴
الْبَلْدَةِ بیست هفتم ۹۳
بَلْدَةٌ بیست پنجم ۴۹ چهل
سیم ۱۰ پنجاهم ۱۱
يُبْلِسُ سی ام ۱۱
مُبْلِسُونَ ششم ۴۴
بیست سیم ۷۷ چهل سیم ۷۵
الْمُبْلِسِينَ سی ام ۴۸
اِبْلِيسَ پانزدهم ۳۲ هشتم ۲
سی چهارم ۱۹

از غایة الاشتراک و غایة الامتیاز و مرکب محتاج صانع است که اجزاء او را بهم ربط دهد و نقل کلام در آن مطشود پس لابد باید امر منتهی شود بصانع واحد بسیط قدیر واجب الوجود بالذات و جود آن ثابت گردید میگوئیم شک نیست که انسان از مدنی الطبع قرار داده یعنی انتظام امور او بتمدن و اجتماع است که بعضی بجهت بعضی کار کنند و هر کس طالب نفع از برای خود و با این سبب فیما بین ایشان امر نزاع و مخاصمه میکشد وجمیع ملیان از دیگری تمکین ندارند پس باید صانع قدیر خبیر قانون عدلی در میان ایشان برقرار گذارد که باعث انتظام امور ایشان شود و آن عبارتست از شرع و مبلغ آن از جانب خدا عبارتست از رسول است و اگر خدا باین امر اخلال نماید

فصل کلان غیر

(۴۹۲)

۱۹ سے ہشتم ۷۵
ابلیس دو یم ۳۴ ہفتم
۱۰ یازدہم ۳۱ ہفتم
۳۰ پنجم ۴۸ بیستم
بیست ششم ۹۸ سے ہشتم
اَبلَعِي یازدہم ۴۴
بَلَغ ششم ۱۹ دوازدہم
۲۲ پنجم ۸۹+۸۴
۹۲ بیست چہارم ۵۸
بیست ششم ۱۳ سے ہشتم
چہل ششم ۱۴
وَبَلَغَ چہل ششم ۱۴
بَلَغَتِ پنجاہ ششم ۸۳
ہفتاد پنجم ۶ ۲
وَبَلَغَتِ سے ششم ۱۰
بَلَغَتْ پنجم ۷
بَلَغْتَ نوزدہم ۹
بَلَغَا پنجم ۶۰
بَلَغُوا چہارم ۶ سے چہارم
بَلَغْنَ دو یم ۲۳۴
شصت پنجم ۲
بَلَغْنَ دو یم ۲۳۲+۳۳
وَبَلَغْنَا ششم ۱۲۸
بَلَغَنِي سیم ۳۵
بَلَغَ دو یم ۲۳۶+۱۹۲
ششم ۱۵۳ ہفتم ۳۶
چہل ششم ۲۵
لِيَبْلُغَ سیزدہم ۱۵
بَلَغْنَ ہفتم ۲۴
بَلَغَ ہفتم ۳۹
اَبْلَغَ چہلم ۳۸
اَبْلَغَ پنجم ۵۹
يَبْلُغَا پنجم ۸۰۱
يَبْلُغُوا بیست چہارم ۵۷
لِيَبْلُغُوا بیست دو یم ۵
چہلم ۶۹
وَلِتَبْلُغُوا چہلم ۸۰+۹۶
بَلَغْتُ پنجم ۷۱
بَلَغُونَ سے سیم ۳۹
اَبْلَغُكُمْ ہفتم ۶۶+۶۲
وَاُبَلِّغُكُمْ چہل ششم ۲۳
بَلَغَ پنجم ۷۱
اَبْلَغُوا ہفتاد دو یم ۲۸
اَبْلَغْتُكُمْ ہفتم ۹۱+۷۷
یازدہم ۶۰
اَبْلَغْهُ ہفتم ۶
بَالِغَ شصت پنجم ۳
بَالِغَ پنجم ۹۶
بِبَالِغِيهِ سیزدہم ۱۵
بَالِغُوهُ ہفتم ۱۳۱

بِالْغَيْبِ شانزدہم ۷
بِبَالِغِيهِ چہلم ۵۸
بَالِغَةٌ پنجاہ چہارم ۵
شصت ششم ۳۹
الْبَالِغَةُ ششم ۱۵۰
بَلِّغْنَا چہارم ۶۶
بَلَاغٌ چہاردہم ۵۲
چہل ششم ۳۵
بَلَاغًا ہفتاد دو یم ۲۴
الْبَلَاغُ بیست یکم ۱۰۶
مَبْلَغُهُمْ پنجاہ سیم ۳۱
بَلِيَ وَبَلَا
بَلَوْنَا شصت ششم ۱۷
بَلَوْنَاهُمْ شصت ششم ۱۷
وَبَلَوْنَاهُمْ ہفتم ۱۶۷
تَبْلَى بیستم ۱۱۸
لِيَبْلُوَ چہل ہفتم ۵
نَبْلُوا دہم ۳۱
وَنَبْلُوا چہل ہفتم ۳۳
لِيَبْلُوَنِي بیست ہفتم ۴۰
يَبْلُوَكُمْ شانزدہم ۹۴
لِيَبْلُوَكُمْ پنجم ۳ ۵
ششم ۱۶۵ یازدہم ۹
شصت ہفتم ۲
لِيَبْلُوَكُمْ پنجم ۹۵
وَنَبْلُوَكُمْ بیست یکم ۳
لِنَبْلُوَهُمْ پنجم ۶
وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ دو یم ۱۵۰
چہل ہفتم ۳۳
نَبْلُوهُمْ ہفتم ۱۶۳
تُبْلَى ہشتاد ششم ۹
لَتُبْلَوُنَّ سیم ۱۸۳
وَلِيَبْتَلِيَ ششم ۱۷
اَبْتَلَى دو یم ۱۱۸
وَلِيَبْتَلِيَ سیم ۱۴۸
اِبْتَلَاهُ ہشتاد نہم ۱۴+۱۵
لِيَبْتَلِيَكُمْ سیم ۱۴
نَبْتَلِيهِ ہفتاد ششم ۲
ابْتَلِي سے سیم ۱۱
بَلَاءٌ دو یم ۴۹ ہفتم ۱۴۱
چہاردہم ۶ چہل چہارم ۳۳
الْبَلَاءُ سی ہفتم ۱۰۶
بَلَاءٌ ہشتم ۱۷ لِيُبْلِيَ بیست
اَبْتَلَكُمْ مُبْتَلِيكُمْ دو یم ۲۴۹
بَنَانٍ ہشتم ۱۲
بَنَانَهُ ہفتاد پنجم ۴
بَنُوا نہم ۱۱۱
وَبَنَيْنَا ہفتاد ہشتم ۱۲
بَنَاهَا ہفتاد نہم ۲۷
نود یکم ۵

بَنَاهَا بیست پنجاہم ۶
بِنَاءً بکم ۴۲
الْبَنُونَ بیست ششم ۱۲۸
اَبْنُوا پنجم ۲۰ سے ہفتم ۹۵
اِبْنِ پنجم ۵ ۸۲+ سے
سیم ۷ پنجم ۳۸ پنجاہ
ہفتم ۲ شصت ششم ۱۱
وَابْنِي دو یم ۲۱ چہارم
۴۰ ششم ۴۲ نہم ۶
پنجاہ ہفتم ۷
وَابْنَ دو یم ۱۷۲ ہفتم
۲۸ سیم ۳۷
ابْنِي یازدہم ۴۷
لِابْنِهِ سے یکم ۱۲
اِبْنَكَ دوازدہم ۸۱
اِبْنُ یازدہم ۴۴
وَابْنُهَا بیست یکم ۹۱
اِبْنَ پنجم ۳۰
بَنُونَ بیست ششم ۸۸
الْبَنُونَ سے ہفتم ۱۴۹
پنجاہ دو یم ۳۹
وَالْبَنُونَ پنجم ۴۶
بَنِينَ ششم ۱۰۰
شانزدہم ۷۴
وَبَنِينَ ہفتم ۱۸ بیست
۵۷ بیست ششم ۱۲۳
شصت ششم ۱۴ ہفتاد یکم
۱۱ ہفتاد چہارم ۱۳
الْبَنِينَ سے ہفتم ۱۵۳
بِالْبَنِينَ ہفتم ۴۲
چہل ششم ۱۵
وَالْبَنِينَ سیم ۱۲
سَوَادُهُمْ بَنِي ہفتم ۱۳۴
دو یم لِبَنِي سیم ۸۷ ہفتم ۹۵
۴۲ ۱۰۶ سے دو یم ۲۴۳
چہل ششم ۵۹
بَنِيَّ دو یم ۱۳۲ دوازدہم ۶۷+۸۲
بِنْتُهُمْ ہفتم ۱۱
بَنِيهِ دو یم ۱۲۶
لِبَنِيهِ دو یم ۱۲۷
وَبَنِيهِ ہشتادم ۳۶
اَبْنَاءِ پنجم ۲۱
اَبْنَاءُ بیست چہارم ۳۱
سے سیم ۵۵
اَبْنَاءَ چہلم ۶ ۲
وَاَبْنَاؤُكُمْ چہارم ۱۱ نہم ۲۴
وَاَبْنَاءَنَا دو یم ۲۴۷
اَبْنَاءَكُمْ چہارم ۲۷
اَبْنَاءَهُنَّ بیست چہارم ۳۱
سے سیم ۵۵

اَبْنَاهُمَا سیم ۵۴
اَبْنَاءَكُمْ دو یم ۴۹ ہفتم
۲۷ چہارم ۲۳ سے سیم
وَاَبْنَاءَكُمْ سیم ۵۴
اَبْنَاءَهُمْ دو یم ۴۹ ششم
۲۰ ہفتم ۱۲۴ بیست ششم
۳ پنجاہ ششم ۲۲
يُبَنِّي یازدہم ۴۲ دوازدہم
ھ سے یکم ۱۲+۱۵+
۱۶ سے ہفتم ۱۰۱
اَبْنَتْ شصت ششم ۱۲
وَبَنَاتُ چہارم ۲۷
الْبَنَاتُ سے ہفتم ۱۴۹
پنجاہ دو یم ۳۹
وَبَنَاتِ سے سیم ۴۹
بَنَاتِ چہل سیم ۱۵
وَبَنَاتِ ششم ۱۰۰
الْبَنَاتِ شانزدہم ۵۹
سے ہفتم ۱۵۳
اِبْنَتَيَّ بیست ہشتم ۲۷
بَنَاتِي یازدہم ۸۰
پانزدہم ۷۹
وَبَنَاتِكُمْ چہارم ۲۷
بَنَاتِكَ یازدہم ۸۱
وَبَنَاتِكَ سے سیم ۵۹
بِنَاءً دو یم چہلم ۲۲
بِنَاءٍ سے ہشتم ۲۶
بُنْيَانٌ شصت یکم ۴
بُنْيَانَهُ پنجم ۹۵ سے ہفتم
بُنْيَانُهُمْ نہم ۱۱۱
بُنْيَانَهُ ہشتم ۱۱۰
بُنْيَانَهُمْ شانزدہم ۲۸
مَبْنِيَّةٌ سے ہفتم ۲۱
فَبُهِتَ بیست یکم ۴۱
فَبُهِتَ دو یم ۲۶
بَهْتَانٌ بیست چہارم ۱۵
بُهْتَانٍ شصتم ۱۲
بُهْتَانًا چہارم ۲۰+۱۱۲
۱۵۵ سے سیم ۵۸
بَهْجَةٍ بیست ہفتم ۶۰
بَهِيجٍ بیست دو یم ۵ پنجاہ
نَبْتَهِلْ سیم ۵۴
بَهِيمَةُ پنجم ۱
بَهِيمَةِ بیست دو یم ۲۹+۳۵
بَابَ سیم ۱۵۶ بیستم
فَبَاؤُا دو یم ۸۴
وَبَاؤُا دو یم ۵۸ سیم
تَبُوءَ پنجم ۳۲
تَبَوَّأَ دہم ۹۳ بیست دو یم
وَبَوَّأَكُمْ ہفتم ۷۲
تَبَوَّءُ سیم ۱۱۷

لِنُبَوِّئَ ہشتم شانزدہم ۴۳
بیست نہم ۵۸
تَبَوَّءَا دہم ۸۷
تَبَوَّءُوا پنجاہ نہم ۹
يَتَبَوَّأُ دوازدہم ۵۶
نَتَبَوَّأُ سے نہم ۷۴
مُبَوَّأَ دہم ۹۳
بَابٍ پنجاہ ہفتم ۱۳
بَابٍ دوازدہم ۶۷
سیزدہم ۲۳ پانزدہم ۴۴
الْبَابَ دوازدہم ۲۵
بَابًا پانزدہم ۱۴ بیست
الْبَابِ دو یم ۵۵ چہارم
۱۵۳ پنجم ۲۶ ہفتم ۱۶
دوازدہم ۲۵
اَبْوَابُ ہفتم ۳۸
الْاَبْوَابَ سے ششم ۵
اَبْوَابٍ دوازدہم ۶۷
پانزدہم ۴۴
اَبْوَابَ ششم ۴۴ شانزدہم
۳۱ سے نہم ۷۲ چہلم
۷۶ پنجاہ چہارم ۱۱
اَبْوَابَهَا چہلم ۳۳ ہفتاد ششم
الْاَبْوَابَ دوازدہم ۲۳
اَبْوَابِهَا دو یم ۱۸۵
اَبْوَابُهَا سے نہم ۷۱+۷۳
بُورٌ سے پنجم ۱۱
تَبُورَ سے پنجم ۲۶
بُورًا بیست پنجم ۱۸ چہل
الْبَوَارِ چہاردہم ۳۳
بَالٌ دوازدہم ۵۰ بیستم ۵۱
بَالَهُمْ چہل ہفتم ۶+۲
يَبِيتُونَ بیست پنجم ۶۵
بَيَّتَ چہارم ۸۳
يُبَيِّتُونَ چہارم ۸۱+۱۰۸
لَنُبَيِّتَنَّهُ بیست ہفتم ۵۰
لَنُبَيِّتَ بیست نہم ۴۰
بَيْتِ ہفتم ۹۵
بُيُوتِ ہفتم ۹۰ بیست ششم
پنجاہ یکم ۳۶
الْبَيْتِ دو یم ۱۲۵ سیم ۹۶
ششم ۳۵ یازدہم ۷۳
بیست دو یم ۲۶+۲۷+۳۴
سی سیم ۳۳ صد ششم
بِالْبَيْتِ بیست دو یم ۳۰
وَالْبَيْتِ پنجاہ دو یم ۴
بَيْتًا بیست نہم ۴۱ شصت ششم ۱۱
الْبَيْتَ دو یم ۱۱۹+۱۵۳
پنجم ۲+۹۸
بَيْتِي دو یم ۱۱۹ بیست دو یم
۲۷ ہفتاد یکم ۲۹

بَيْتِكَ ششم چہاردہم ۶۰
بَيْتُهُ چہارم ۱۰۱
بَيْتِهَا دوازدہم ۲۳
بُيُوتِ بیست چہارم ۶۰
بُيُوتِ بیست چہارم ۳۶
الْبُيُوتَ چہارم ۱۹ بیست
بُيُوتَ سے سیم ۵۳
بُيُوتُنَا ہفتم ۱۰ دہم ۸۷
پانزدہم ۸۲ شانزدہم
بیست چہارم ۲۷+۲۹+۱۳
الْبُيُوتَ دو یم ۱۸۵ ۲
بُيُوتُهُمْ بیست ہفتم ۵۳
بُيُوتِكُمْ سیم ۴۹+۱۴۸
شانزدہم ۸۰ بیست چہارم
بُيُوتَكُنَّ سے سیم ۳۴+۳۳
لِبُيُوتِهِمْ چہل سیم ۳۲
وَلِبُيُوتِهِمْ چہل سیم ۳۳
بُيُوتِهِنَّ شصت پنجم ۱
بُيُوتُنَا سے سیم ۱۳
بُيُوتَكُمْ دہم ۸۷
بُيُوتَهُمْ پنجاہ ہشتم ۲
بُيُوتًا ہفتم ۳ +۹۵ دہم ۵۱
تَبَيَّنَ پنجم ۳۳
اَبْيَضَّتْ سیم ۱۰۳
وَاَبْيَضَّتْ دوازدہم ۸۴
تَبْيَضُّ سیم ۱۰۲
بَيْضٌ سے ہفتم ۴۷
الْاَبْيَضُ دو یم ۱۸۳
بِيضٌ سے پنجم ۲۵
بَيْضَاءُ ہفتم ۱۰۵
بَيْتٌ ششم ۳۲
بَيْضَاءَ بیستم ۲۲ بیست ہفتم
۱۲ بیست ۳۲ سے ہفتم ۴۵
بَايَعْتُمْ نہم ۱۱۲
يُبَايِعُونَ چہل ششم ۱۰
يُبَايِعُونَكَ چہل ششم ۱۸
يُبَايِعْنَكَ شصتم ۱۲
فَبَايِعْهُنَّ شصتم ۱۲
فَبَايَعْتُمْ دو یم ۲۸۲
بَيْعٌ دو یم ۲۵۵ چہاردہم
۳۶ بیست چہارم ۳۷
الْبَيْعَ دو یم ۲۷۶
بِبَيْعِكُمْ نہم ۱۱۲ الْبَيْعَ
دو یم ۲۷۶ شصت دو یم
وَبِيَعٌ بیست دو یم ۴۱
وَبَيْنُوا دو یم ۱۵۵
بَيَّنَّا دو یم ۱۱۲ سیم ۱۱۴
پنجاہ ہفتم ۱۶
بَيَّنَاهُ دو یم ۱۵۴
وَبَيَّنُوا دو یم ۲۲
بیست چہارم ۱۷

يُبَيِّنُ بیست ہفتم ۱۱۶
لَيُبَيِّنُنَّ چہارم ۳۱ چہار دہم
شانزدہم ۴۱
لِيُبَيِّنَ دو یم ۶۴+۶۵+۶۶
وَلِيُبَيِّنَ شانزدہم ۹۴
لِتُبَيِّنَ شانزدہم ۶۴+۴۴
وَلَاتُبَيِّنَ چہل سیم ۶۳
تُبَيِّنَ پنجم ۷۹
لِتُبَيِّنَ بیست دو یم ۵
يُبَيِّنُهَا دو یم ۲۳۰
لَتُبَيِّنُنَّهُ سیم ۱۸۴
وَلِتَسْتَبِينَ ششم ۱۰۵
يُبَيِّنُ چہل سیم ۵۲
وَتُبَيِّنَ چہاردہم ۴۷
تَتَبَيَّنَ سے چہارم ۱۳
فَتَبَيَّنُوا چہارم ۹۴ چہل
يَتَبَيَّنَ دو یم ۱۸۳ نہم ۴۳
چہل یکم ۵۳
وَلِلتَّبَيُّنِ ششم ۵۵
وَبَيِّنَاتٍ بیستم ۲۸ بیست
چہل سیم ۳۷
وَبَيِّنَكَ پنجم چہل یکم
بَيِّنَةٌ بیست چہارم ۴۲
سے ہفتم ۱۵۸
وَبَيِّنَةٍ ششم ۲ چہارم ۷۵
چہل یکم ۳۴
بَيِّنَهُمَا ششم ۲۸ پنجاہ ۴۴
وَبَيْنَهُمَا ہفتم ۴۴
بَيْنَهُمَا چہارم ۳۹ پنجم
بَيْنَنَا ششم ۵۳ سے ششم
۷ چہل یکم ۴۲ پنجاہ چہارم ۲۵
بَيْنَهُمْ نوزدہم ۳۸ چہل ششم
بَيْنَهُنَّ شصت پنجم ۱۲
بَيْنَ پنجم ۱۴
بَيْتِ بیستم ۱۳۳
بَيِّنَةٍ ششم ۱۵۸ ہفتم ۷۱ ۸۴
الْبَيِّنَةُ نود ہشتم ۱+۴
بَيِّنَةٍ ہفتم ۱۰۳ یازدہم ۵۶
بَيِّنَةٌ بیست ہفتم ۳۴
بَيِّنَاتٍ سیم بیست ۹۱
وَبَيِّنَاتٍ دو یم ۱۸۱
الْبَيِّنَاتِ دو یم ۸۱+۱۴
۲۵ بیستم ۷۵
مُبَيِّنَةٍ چہارم ۲۳ سے سیم
شصت پنجم ۱
الْمُسْتَبِينَ سے ہفتم ۱۱۷
بَيَانٌ سیم ۱۳۲
الْبَيَانَ پنجاہ پنجم ۳
بَيَانَهُ ہفتاد پنجم
۱۹
تِبْيَانًا شانزدہم ۹۱

وقرار شریعت ہندا اخلال بحکمت ولطف نمودہ وان برا او روا نیست پس ثابت شد بعث رسول باز میگوئیم کہ آن رسول را بدا بیتی و علامتی داشتہ باشد کہ با ین معلوم شود صدق وا لا کسی تصدیق نخواہد نمود او وچون این مراحل ثابت شد میگوئیم کسانیکہ دعوی رسالت نمودند وترتیب شریعت ایشان در دست است جمعی بودہ اندکہ از بعض معجزات بنقل متواتر بما رسیدہ باشد مانند موسی و عیسی و بعضی تواتر معجزاتش معلوم نا نیست مانند زردشت و بخوان و کسیکہ معجزہ او علاوہ از تواتر عملاً در دست است و حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبد اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ است و او شخصی است کہ ہزار و سیصد سال متجاوز است قبل از

باب التاء والثاء

باب التاء

اَلتَّابُوتُ دو بہ ۲۴۹
اَلتَّابُوتِ بیستم ۳۹
وَتَبَّ صد ویازدہم ۱
تَبَّتْ کَكْ
تَبابٍ چہلم ۴۰
تَتْبِيبٍ یازدہم ۱۰۱
تَبَّرْنا بیست و پنجم ۳۹
وَلِيُتَبِّرُوا ہفدہم ۷
تَبارًا ہفتاد یکم ۲۹
تَتْبِيرًا ہفدہم ۷
بیست و پنجم ۴۱
مُتَبَّرٌ ہفتم ۱۳۹
اِتَّبَعَ دو بہ ۴م ۱۶۶ ستم
تَبِعُوا دو بہ ۱۴۰
تَبِعَنِي چہاردہم ۳۶
تَبِعَكَ ہفتم ۱۸ ہفدہم
۶۵ سی ہشتم ۸۵
تَبِعَہُما دو بہ ۲۰۵
تَبِعَہا ہفتاد نہم ۷
اَتْبَعَ ہجدہم ۸۸ + ۸۹
فَاَتْبَعَ ہجدہم ۸۵
فَاَتْبَعْنا بیستم ۴۲
فَاَتْبَعَہُ ہفتم ۱۷۵
یازدہم ۹۸ سی ہفتم ۱۰
فَاَتْبَعَہُمْ دہم ۹۰ بیستم ۸
فَاَتْبَعُوہُمْ بیست و ششم ۶۰
وَاَتْبَعْناہُمْ بیست و ہشتم ۴۲
یَتَّبِعُونَ دو بہ ۲۶۴
نُتْبِعُہُمْ ہفتاد و ہفتم ۱۷
وَاَتْبَعُوا یازدہم ۶۰ + ۹۹
اَتْبَعَ سیزدہم ۱۸ پنجم
بیستم ۴۹ + ۱۲۳ ابیست
۷۳ بیست و ششم و سی ۴
۲۸ سی ہشتم ۱۰
وَاتَّبَعَ چہارم ۱۲۵
ہفتم ۱۷۵ یازدہم ۱۱۸
ہجدہم ۲۷ بیستم ۱۷
اِتَّبَعَ دو بہ ۱۱۰ + ۱۴۰
سیزدہم ۳۷
وَاتَّبَعَتْ دوازدہم ۳۸
اِتَّبَعُوا دو بہ ۱۶۶ + ۱۶۷
چہل ہفتم ۳ ۳۰
فَاتَّبَعُوا یازدہم ۹۹
وَاتَّبَعُوا دو بہ ۹۶ ستم
۸۲ ہفدہم ۵۱ پنجم
اِتَّبَعَہُمْ ہفتم ۸۸
لَاتَّبَعْتُمُ چہارم ۸۵
وَاتَّبَعْنا ستم ۴
اِتَّبَعُوہُ ستم ۱۸
اِتَّبَعَنِي دوازدہم ۱۰۸

اِتَّبَعَكَ ستم ۶ یازدہم
۲۹ یازدہم ۴۲ بیست و ششم
وَاتَّبَعَكَ بیست و ششم ۱۱۱
اِتَّبَعَكُمْ بیست و ششم ۳۰
وَاتَّبَعَتْہُمْ پنجاہ و دوم ۲۱
اِتَّبَعَنِي بیستم ۶۹
اِتَّبَعُوكَ سیم ۴۸
لَااتَّبَعُوكَ نہم ۴۲
اِتَّبَعُوہُ ستم ۶ نہم ۱۱۸
پنجاہ ہفتم ۲۷
فَاتَّبِعُوہُ سی چہارم ۱۹
اِتَّبِعُوہُمْ نہم ۱۰۱
لَااتَّبَعْناكُمْ ستم ۱۶۰
اَتَّبِعُ دو بہ ۱۳۸ دہم ۳۷ + ۳۸
وَاتَّبِعْ بیست و ششم ۳
اَتَّبِعُ بیست و چہارم ۲۱
وَاَتَّبِعُ چہارم ۱۱۵
تَتَّبِعُ دو بہ ۱۱۴
تَتَّبِعُ پنجم ۵۲ + ۵۴
ششم ۱۵۱ ہفتم ۱۳۸
سی ہشتم ۲۵ چہل دو بہ ۱۴
چہل پنجم ۱۷
اَتَّبِعُ ششم ۵۰ + ۵۶
ہفتم ۲۰۲ دہم ۱۶
چہل پنجم ۱۷
اَتَّبِعُ ششم ۵۰ + ۵۶
ہفتم ۲۰۲ دہم ۱۶
چہل ششم ۸
تَتَّبِعانِ دہم ۸۹
فَيَتَّبِعُونَ سیم سی ہفتم ۱۹
يَتَّبِعُونَ ششم ۱۴۹
ہفدہم ۵ بیست و پنجم ۹
يَتَّبِعُ دو بہ ۶۵ ابیست
ششم ۳۹ سی یکم ۲۰
فَيَتَّبِعُ بیستم ۱۳۴
بیست ششم ۴۲
يَتَّبِعُ بیست ششم ۵۷
وَيَتَّبِعُ چہاردہم ۴۶
يَتَّبِعُہُمُ بیست ششم ۲۲۴
يَتَّبِعَنِ بیستم ۹۴
اَتَّبِعَكَ ہجدہم ۶۵
اَتَّبِعُہُ بیست ششم ۴۹
يَتَّبِعُونَكُمْ ہفتم ۱۹۲
يَتَّبِعُونا چہل ششم ۱۵
يَتَّبِعُہُ پنجاہ و چہارم ۲۴
يَتَّبِعُكُمْ چہل ششم ۱۵
يَتَّبِعُ ششم ۱۰۶ اتباع ۱۳۴
فَيَتَّبِعُ ہفتاد پنجم ۱۸
وَاتَّبِعُ دہم ۱۰۹
یازدہم ۶ سی یکم ۱۴
ستم ۳ اتَّبِعُوا دو بہ ۱۶
ہفتم ۳ بیست ۳۲ یازدہم
۲۰ بیستم ۲۹

فَاتَّبِعُوا ستم ۸۹
وَاتَّبِعُوا سی نہم ۵۵
فَاتَّبِعْنِي نوزدہم ۴۳
فَاتَّبِعْہا چہل پنجم ۱۷
اِتَّبِعُونِ چہلم ۳۸
فَاتَّبِعُونِي ستم ۳۱
بیستم ۹۰
وَاتَّبِعُونِ چہل ستم ۶۱
فَاتِّباعٌ دو بہ ۱۷۸
فَاتَّبِعُوہُ ششم ۱۵۳ + ۱۵۵
وَاتَّبِعُوہُ ہفتم ۱۵۸
اَتَّبِعُوا دو بہ ۱۶۱
تُتْبِعُ دہم ۳۶
تَتَّبِعُہا دہم ۲۴ چہلم ۵
يُتابِعُ دو بہ ۱۴۰
اَلتَّابِعِينَ بیست و چہارم ۳۱
تَتَّبِعُ چہل چہارم ۲۰ پنجاہ
تَبِيعًا ہفدہم ۷۱
اِتِّباعٌ چہاردہم ۱۵
مُتَّبَعُونَ چہاردہم ۹۴
پنجاہ ششم ۵
مُتَّبَعُونَ بیست ششم ۵۲
چہل چہارم ۲۲
تُتْرَى بیست و سیم ۴۶
تِجارَةٌ چہارم ۳۳
بیست چہارم ۳۷
وَتِجارَةٌ نہم ۲۴
تِجارَتُہُمْ شصت و یکم ۱۰
اَلتِّجارَةِ شصت و دوم ۱۱
تِجارَةً دو بہ ۲۸۲ سی و پنجم
۲۹ شصت و یکم ۱۱
تِجارَتُہُمْ دو بہ ۱۵
تَحْتَ پنجم ۷۰ ششم ۱۰
بیست نہم ۵۵
تَحْتِي چہل ستم ۵۰
تَحْتَ بیستم چہل یکم
۲۹ چہل ششم ۱۸
شصت ششم ۱۰
تَحْتَكِ نوزدہم ۲۴
تَحْتَہُ ہجدہم ۸۱
تَحْتَہا نہم ۱۰۱
تُرابٌ دو بہ ۲۶۶
اَلتُّرابِ شانزدہم ۶۱
تُرابٌ سی ہشتم ۵۲
تُرابًا پنجاہ و ششم ۳۶
ہفتاد ہشتم ۳۳
وَاَتْرابٌ ہشتاد ششم ۷
مَتْرَبَةٍ نودم ۱۶
وَاَتْرَفْناہُمْ بیست و سیم ۳۳
اُتْرِفُوا یازدہم ۱۱۸
اُتْرِفْتُمْ بیست و یکم ۱۳

مُتْرَفِيہا بیست و ششم ۴۴
مُتْرَفُوہا سی چہارم ۳۴
چہل ستم ۲۳
مُتْرَفِيہِمْ ہفدہم ۱۷
مُتْرَفِيہِمْ بیست و ششم ۶۴
تَرَكْتُ دوازدہم ۳۷
بیست ستم ۱۰۲
تَرَكُوا چہاردہم چہل چہارم ۲۴
تَرَكْنَ چہارم ۱۲
تَرَكْتُمْ چہارم ۱۴ + ۴
وَتَرَكْتُمْ ششم ۹۴
تَرَكْنا بیست و نہم ۳۴
وَتَرَكْنا دوازدہم ۱۷
ہجدہم ۹۹ سی ہفتم ۷
پنجم ۱۰۸ + ۱۱۹ + ۱۳۹
یکم ۳۷
فَتَرَكَہُ دو بہ ۲۶۶
وَتَرَكَہُمْ دو بہ ۱۶
وَتَرَكُوكَ شصت دوم ۱۱
تَرَكْتُموہا پنجاہ نہم ۵
تَرَكْناہا پنجاہ چہارم ۱۵
تَرَكَ یازدہم ۸۹
تَرَكَہ ہفتم ۱۷۵
وَاتْرُكِ چہل چہارم ۲۴
تَتْرُكَ ہفتاد پنجم ۳۶
اُتْرُكُوا بیست ہفتم ۱
اَتَتْرُكُونَ بیست ششم ۱۴۶
تَتْرُكُوا نہم ۱۶
تارِكُ یازدہم ۱۵
لِتارِكِي یازدہم ۵۳
لَتارِكُوا سی ہفتم ۳۶
تِسْعٌ سی ششم ۲۲
تِسْعَ بیست ہفتم ۱۲
تِسْعَ ہفدہم ۱۰۳
تِسْعًا ہجدہم ۲۴
تِسْعَةَ بیست ہفتم ۴۹
تِسْعَةَ ہفتاد چہارم ۳۰
وَتِسْعُونَ سی ہشتم ۲۳
تَسْنِيمٍ ہشتاد ستم ۲۷
تَعْسًا چہل ہفتم ۹
تُقاتِہِمْ بیست و دوم ۳۰
اَتْقَنَ بیست ہفتم ۹۰
الاَتْقَى نود دوم ۱۷
اَتْقاكُمْ چہل نہم ۱۳
وَتَلَّهُ سی ہفتم ۱۰۳
تِلْكَ بیست و سیم ۵۳
بیست ششم ۵۸
تِلْكُمْ ہفتم ۲۱
تِلْكُمُوہا ہفتم ۴۳
تَلاہا نود یکم ۲
تَتْلُوا نودہم ۱۷

يَتْلُوا دو بہ ۱۲۳ + ۱۴۶
ستم ۱۵۸ بیست ششم ۵۹
شصت دوم ۲ شصت پنجم
۱۱ نود ہشتم ۲
نَتْلُوا دو بہ ۲۹ دہم
۴۲ بیست ششم ۵۵
بیست نہم ۴۷
لِتَتْلُوا سیزدہم ۲۹
سَاَتْلُوا ہجدہم ۸۲
اَتْلُو بیست ہفتم ۹۲
اُتْلُ ستم ۱۵۱
يَتْلُونَ دو بہ ۱۰۷ ستم
۱۰۹ بیست و دوم ۷۱
سی پنجم ۲۶ سی نہم ۲۱
تَتْلُونَ دو بہ ۴۱
نَتْلُوا بیست ہشتم ۲
وَيَتْلُوہ یازدہم ۲۰
يَتْلُونَہ دو بہ ۱۱۵
تَتْلُوا ستم ۱۵
نَتْلُوہا دو بہ ۲۵۳
ستم ۱۰۸ چہل پنجم ۵
اُتْلُ بیست نہم ۴۴
وَاَتْلُ پنجم ۳۰ ہفتم ۱۷۴
دہم ۲۲ ہجدہم ۲۶
بیست ششم ۶۹
فَاتْلُوہا ستم ۸۷
تَلِيَتْ ہشتم ۲
تُتْلى چہارم ۱۲ پنجم ۱
ہفدہم ۱۰۸ ابیست دوم ۳۱
بیست ششم ۵۳ بیست ششم
۵۰ سی ستم ۳۴
فَالتّالِياتِ سی ہفتم ۳
يَتْلُونَہ دو بہ ۱۱۵
فَتَمَّ ہفتم ۱۳۸
وَتَمَّتْ ششم ۱۱۵ ہفتم
۱۳۳ یازدہم ۱۲۰
اَتْمَمْتُ پنجم ۳۷
وَاَتْمَمْتُ پنجم
اَتْمَمْنا دوازدہم ۶
فَاَتَمَّہُنَّ دو بہ ۱۱۸
وَاَتِمُّوا ہفتم ۱۳۸
يُتِمَّ شانزدہم ۸۳
وَيُتِمَّ دوازدہم ۶
يُتِمَّ دو بہ ۲۳۳ نہم ۳۲
وَلِيُتِمَّ پنجم ۹
وَيُتِمَّ چہل ششم ۲
وَلِاُتِمَّ دو بہ ۱۴۵
اَتْمِمْ شصت ششم ۸
اَتِمُّوا دو بہ ۱۸۳
فَاَتِمُّوا نہم ۴
وَاَتِمُّوا دو بہ ۱۹۲

تَماما ششم ۱۵۵
مُتِمُّ شصت یکم ۸
اَلتَّنُّورُ یازدہم ۴۲
بیست ستم ۲۷
تابَ دو بہ ۳۹ + ۵۱
۸۳ ابیستم ۱۲ ہفتادم ۲۰
وَتابَ بیست و ششم ۱۴
تُبْتُ چہارم ۲۲ ہفتم
۱۴۰ چہل ششم ۱۴
تابا چہارم ۲۰
تُبْتُمْ دو بہ ۲۷۹ نہم ۳
تَتُوبُ چہارم ۲۱ پنجم ۴۳
نہم ۲۷ + ۱۰۷ ابیست و پنجم ۷
وَتُوبُ ہند ۱۵
يَتُوبَ ستم ۱۲۳ چہارم
۳۲ نہم ۱۰۳ سی ستم ۲۴
وَتُوبَ چہارم ۳۱ سی ستم ۷۳
تُبْ چہل نہم ۱۱
اَتُوبُ دو بہ ۱۵
تُوبُوا شصت ششم ۴
يَتُوبُونَ چہارم ۲۱ پنجم
۷۸ ہند ۱۲۷
تُوبُوا نہم ۷۵ ہشتاد و ستم
لِيَتُوبُوا ہند ۱۱۹
وَتُبْ دو بہ ۲۲
تُوبُوا یازدہم ۳ + ۵۴
۶۴ + ۹۰ شصت ششم ۸
فَتُوبُوا دو بہ ۵۴
وَتُوبُوا بیست چہارم ۳۱
اَلتَّوْبُ چہل ۲
اَلتَّوْبَةُ چہارم ۲۱ + ۲۲
اَلتَّوْبَةَ نہم ۱۰۴ چہل
دو بہ ۲۴
تَوْبَتُہُمْ ستم ۸۴
اَلتّائِبُونَ ہند ۱۱۳
تائِباتٍ شصت ششم ۵
تَوّابٌ بیست چہارم ۱۰
چہل ہند ۱۲
اَلتَّوّابُ دو بہ ۳۵
۵۱ + ۱۲۲ + ۱۵۵ ہند
۱۰۵ + ۱۱۹
تَوّابًا چہارم ۲۰ + ۲۷
صد دہم ۳
اَلتَّوّابِينَ دو بہ ۲۲۲
مَتابِ سیزدہم ۲۹
مَتابًا بیست و پنجم ۷۱
تارَةً ہفدہم ۷۰ بیستم ۵۷
اَلتَّوْراةَ ستم ۳ + ۴۸ + ۵۰ + ۶۵
اَلتَّوْراةِ ستم ۹۳ پنجم ۴۶
ہفتم ۱۵
ہند ۱۱۲

چہل ہشتم ۲۹
شصت یکم ۶
بِالتَّوْراةِ ستم ۸۷
اَلتَّوْراةُ ستم پنجم
۷۰ + ۷۲ شصت دوم
وَالتَّوْراةَ ستم ۴۳
پنجم ۱۱۰
وَالتِّينِ نود پنجم ۱

باب الثاء

ثَبَتَ
فَاثْبُتُوا ہشتم ۴۷
تَثْبِيتًا ہفدہم ۷۶
يُثَبِّتُ چہاردہم ۳۲
لِيُثَبِّتَ شانزدہم ۱۰۴
وَيُثَبِّتْ ہشتم ۱۱
وَيُثَبِّتَ چہل ہفتم ۸
نُثَبِّتَ یازدہم ۱۲
لِنُثَبِّتَ بیست و پنجم ۳۴
وَثَبِّتْ دو بہ ۲۵۰ ستم ۱۴۱
فَثَبِّتُوا ہشتم ۱۲
وَتَثْبِيتًا سیزدہم ۳۹
لِيُثْبِتُوكَ ہشتم ۳۰
ثابِتٍ چہاردہم ۲۳
ثَبَّتْناكَ ہفدہم ۷۴
ثُبُوہَا ستم ۹۶
ثابِتٌ چہاردہم ۲۴
الثّابِتِ چہاردہم ۲۷
تَثْبِيتًا چہاردہم ۲۹
وَتَثْبِيتًا دو بہ ۲۶۷
ثُبُورًا بیست و پنجم ۱۳ + ۱۴
ہشتاد چہارم ۱۱
ثُبُورًا ہفدہم ۱۰۲
فَثَبَّطَہُمْ ہند ۴۶
ثَجّاجًا ہفتاد و ہشتم ۱۴
اَثْخَنْتُمُوہُمْ چہل ہفتم
يُثْخِنَ ہشتم ۶۸
تَثْرِيبَ دوازدہم ۹۲
الثَّرَى بیستم ۵
ثُعْبانٌ ہفتم ۱۰۴
بیست ششم ۳۱
ثاقِبٌ سی ہفتم ۱۰
اَلثّاقِبُ ہشتاد ششم ۳
تَثْقَفَنَّہُمْ ہشتم ۵۷
ستم ۹۳
ثَقِفْتُمُوہُمْ دو بہ ۱۹۱ چہارم ۹۱
يَثْقَفُوكُمْ شصتم ۲
ثُقِفُوا ستم ۱۱۲ سی و ستم ۶۱
ثَقُلَتْ ہفتم ۱۸۷
بیست ہفتم ۱۰۲ صد یکم ۶
اَثْقَلَتْ ہفتم ۱۸۹

این تاریخ در مکهٔ معظمه که اشرف بقاع زمین است از طایفهٔ قریش و بنی هاشم است که اشرف طوائف اند در زمان سلطنت انوشیروان عادل که اعدل سلاطین زمین است متولد شده و در طفولیت پدر و مادر او وفات نموده در میان طوائف عرب بادیه ۵۰ که عاری از آداب و اخلاق و علوم بوده اند بزرگ شده و اصلاً درس نخوانده و خط ننوشته و مدتی بتجارت مشغول شد پس در سن چهل سالگی مدعی ختم رسالت گردیده و تن تنها با تمام قبائل عرب معارضه و تحدی نموده و قرآنی آورده مشتمل بر احکام و آداب و اخلاق و علوم و مواعظ و حکم و قصص انبیاء متقدمین و اخبار از امور آینده و طریقه نظم

فصل الثاء

دعوت شد بر کل خلایق و نسخ جمیع ادیان و ملل گردید

اِثّاقلتم نهم ۳۸	وَثمود بیست و دوم ۴۳ سی	ثیابک بیست و دوم ۲۰	الجبل هفتم ۱۳۹	نجمها هفتاد ستم ۱۲	بتجر عنم چهارده ۲۰	البحر نهم ۱۲۴
اَلثقلان بعا بجمر ۳۱	هشتم ۱۲ پنجاهم ۱۲	ثیابنا بیست ۳۰	الجبل هفتم ۱۷۰	النجم شصت سوم ۳	نجوی نهم ۱۱۰	بیست چهاردهم ۳۸
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

سیاست مُدن و وضع حدود و مواریث و قضاوت وغیر ذلك ببیانی بلیغ وفصیح كه تمام فصحای عالم از زمان تا بحال از عنان بمان دارند واحدی نتوانسته كه یك سوره كوچك مثل سوره آن بگویند وشبهه نیست كه چنین امری خارق عادت است ومدّعای او امریست ممکن زیراكه حضرت موسی مدّعی ختم رسالت نبوده بلكه بتصریح فرموده كه خداوند از میان برادران شما پیغمبری مانند من مبعوث خواهد نمود وهم چنین حضرت عیسیٰ میگوید چون من بروم فارقلیطا خواهد آمد وشما را تکمیل خواهد كرد ممکن است كه آن پیغمبر موعود انجناب باشد وچون دعوی ممکن است ومقرون بمعجزه گردید تصدیقش لازم است والّا پس تصدیق موسی وعیسیٰ وسایر انبیاء را بچه نحو باید كرد علاوه بر سایر

باب الجیم

(٥٠٠)

وجعلنی نوزدهم ٣١
٣٢ بیست ششم ٢ سی ششم
جعله سیتم ١٢٢ هفتم ١٣
هشتم ١ ابجدهم ٩٩+٩٨
نجعله بیست پنجم ٥
شصت ٥ هشتادم ٥
تجعله بیست پنجم ٤٧
جعلها دوازدهم ١٠١
وجعلها چهلم سیم ٢٧
جعلكم ششم ١٦
هفتم ٦٧+٧٢ سی پنجم ١٢
٣٧ پنجاه هفتم ٧
تجعلكم پنجم ٣ … شانزدهم ٥
وجعلكم پنجم ٢٣
فجعلهم بیست یكم ٥٩
صد پنجم ٥
یجعلهم چهل دوم ٦
جعلنه پنجاه یكم ٤٢
جعلنا الا ششم ١٠٧ سی
هشتم ٢ چهل پنجم ١٧
جعلناه ششم ٩ بیست
دوم ٢ بیست سیم ١٣
چهل یكم ٤ چهل دوم
٢٥ چهل سیم ٢ پنجاه
ششم ٩٦
فجعلناه بیست پنجم ٢٥
هفتاد ششم ٢ هفتاد
تجعلناه ششم ٤ پنجاه
ششم ٦٥
وجعلناه هفدهم ٢ سی
دوم ٢٣ چهل سیم ٥
جعلناها بیست دوم ٣٧
سی هفتم ٤ پنجاه ششم ٣
فجعلناها دوم ٦٢ دوم
وجعلناها بیست یكم ٩١
بیست نهم ١٢ شصت یكم ٥
جعلناكم دوم ١٣٧ ١٥
وجعلناكم هفتم ٤
چهل نهم ١٣
جعلناهم بیست یكم ١٥
فجعلناهم بیست یكم ٧
بیست سیم ٣ سی چهارم
١٨ سی هفتم ٥ چهل ششم
وجعلناهم دهم ٧٦
بیست یكم ٧٣ بیست ششم ٤٦
بیست پنجم ٣ بیست نهم ٤
فجعلناهن پنجاه ششم ٣٥
یجعل ششم ٢٤ ١٢٥ ١٣
هفتاد دوم ٢٦ هفتاد …
ستجعل نوزدهم ٩٦
شصت پنجم ٧

وتجعل دوم ١٠٩ چهل
دوم ١٤٩
یجعل سیتم ٧٠ چهارم
١٩+١٤٠ شصتم ٧
لیجعل سیتم ١٥ پنجم ٩
بیست دوم ٥٢
وتجعل چهارم ٢٣ هشتم ٣٨
یجعل ششم ١٢٥ هشتم ٢٩
ابجدهم ١ بیست چهارم ٤
شصت پنجم ٢+٤ صد پنجم ٢
وتجعل بیست پنجم ١١ پنجاه
هفتم ٢٨ هفتاد یكم ٥
اتجعل دوم ٢٨
یجعل ابجدهم ٩٣
تجعل هفدهم ٢٣+٣١
٤١ پنجاه نهم ١٠ …
یجعلون دوم ١٨ یازدهم ٩٦
ویجعلون شانزدهم ٥٨
٥٩+٦٢
ویجعلون چهل یكم ٨
پنجاه ششم ٨١
یجعلوا دوم ٢٤٢
چهارم ١٤٣ بیست …
٦٣ پنجاه یكم ٦١
اجعل ابجدهم ٩٤
تجعل ابجدهم ٣٩ سی یكم ٧
فتجعل شصت ششم ٢٩
وتجعل بیست ششم ٣٩
تجعل ابجدهم ٦٦
وتجعل سی چهارم ٣٢
تجعل ابجدهم ٨٩ نوزدهم
٨ هفتاد دوم ٢٤ هفتاد
هشتم ٦ نودم ٨
فتجعل سیتم ٥٤
تجعلنی نوزدهم ٣٣
یجعله بیست چهارم ٣١
سی نهم ٢٢
ویجعله سی ام ٤٧
فیجعله هشتم ٣٨
یجعله ششم ٣٩
ویجعلكم بیست ششم ٦
یجعلنی هفتم ١٦ بیست …
تجعلنا هفتم ٢٥ دهم
٨٥ شصتم ٥
لاجعلنك بیست ششم ٢٩
تجعلونه ششم ٩١
تجعلوه دوازدهم ١٥
ولیجعلك دوم ٣٤
ولیجعله نوزدهم ٢١
یجعلها بیست ششم ٣٣
لیجعلها شصت … ١٢

یجعلها چهل یكم ٢٩
یجعلهم چهل پنجم ٢٠
ویجعلهم بیست ششم ٤٣
اجعل دوم ١٢ ٢٦ ٢٣
سیتم ٦ ٣ هفتم ١٣٤
چهاردهم ٣٨ نوزدهم ١١
فاجعل چهاردهم ٤٠
بیستم ٧ بیست ششم ٣٨
واجعل چهارم ٧٧ ٤
هفدهم ٨٤ بیستم ٣
بیست ششم ٨٤
اجعلوا دوازدهم ٦٢
واجعلوا دهم ٨٧
اجعلنی دوازدهم ٥٥
چهاردهم ٤٢
واجعلنی بیست ششم ٨٥
واجعلهم نوزدهم ٦
واجعلنا دوم ١٢٢
بیست پنجم ٧٤
جعل شانزدهم ١٢٥
وجاعل سیتم ٤٨
جاعل دوم ٢٨
جاعل سی پنجم ١
لجاعلون ابجدهم ٧
جاعلك دوم ١١٨
وجاعلوه بیست ششم ٦
جفاء سیزدهم ١٨
وجفان سی چهارم ١٢
تتجافی سی دوم ١٦
الجلال پنجاه پنجم ٢٧
واجلب هفدهم ٦٤
جلابیبهن سی سیم ٥٩
بجالوت دوم ٢٥٠
جالوت دوم ٢٥١
جالوت دوم ٢٥٠
فاجلدوا بیست چهارم ٢
فاجلدوهم بیست چهارم ٤
جلدة بیست چهارم ٢
جلدة بیست چهارم ٤
جلود سی هفتم ٢٤
والجلود بیست دوم ٢١
جلودهم شانزدهم ٨٢
جلودا چهارم ٥٩
جلودكم چهل یكم ٢١
جلودهم چهارم ٥٩
سی هفتم ٢٤
وجلودهم چهل یكم ١٩
الجلودهم چهل یكم ٢٠
المجالس پنجاه هشتم ١١
جلاها نود یكم ٣
یجلیها هفتم ١٨

تجلی هفتم ١٣٩ نود دوم ٢
الجلاء پنجاه هشتم ٣
جمع هشتادم ٢
مجموع هود ٥٧
جامعة بیست ششم ٩
جمع صد چهارم ٢
یجمع بیستم ٦٢
وجمع هفتادم ١٨
جمعوا سیتم ١٦٧
مجمعهم ششم ٣٥
جمعناكم هفتادم ٣٨
جمعناهم سیتم ٢٤
فجمعناهم ابجدهم ٩٩
یجمع پنجم ١٠٨ ابجدهم ٢٥
جمع دوم ١٤
یجمعون دهم ٥٨ چهل سیم ٣١
یجمعون … جمعوا …
یجمع هفتاد پنجم ٣
جمعكم چهل پنجم ٢٥
شصتم … ٩
تجمعكم چهارم ٨٩ ششم ١٢
تجمع بیست ششم ٣٧
وجمع هفتاد پنجم ٩
اجمعوا دوازدهم ١٠٣
واجمعوا دوازدهم ١٥
فاجمعوا دهم ٧١ بیستم ٦
اجمعین هفدهم ٩٠
اجمعوا بیست دوم ٧٤
الجمع پنجاه چهارم ٤٥
الجمع چهل دوم ٧ …
جمعا ابجدهم ٩٩ بیست
هشتم ٧٨ صدم ٥
الجمعان سیتم ١٤٩+١٦٠
هشتم ٢ ٤ بیست ششم ٦١
جمعكم هفتم ٤٦
جمعهم چهل دوم ٢٩
جمعه هفتادم ١٧
جامع سیتم ٩ چهارم ١٣٩
جامع بیست چهارم ٦٢
الجمعة شصت دوم ٩
جمیع سی ششم ٢٣+٥٣
پنجاه چهارم ٤٤
تجمیع بیست ششم ٥
اجمعون پانزدهم ٣٠
بیست ششم ٩٥ سی ششم ٣٢
مجمع ابجدهم ٥٩+٦٠
مجموع یازدهم ١٠٥
لمجموعون پنجاه ششم ٥٠
مجموعون بیست ششم ٣٨
الجمل هفتم ٣٨
جمال شانزدهم ٦

جمیل دوازدهم ١٨+٨٣
جمیلا سیتم ٢٨+٤٨
هفتادم ٥ هفتاد سیم ١٠
الجمیل پانزدهم ٨٥
جملة بیست پنجم ٣٢
جمالة هفتاد هفتم ٣٣
جن ششم ٧٦
الجن سی چهارم ١٣
والجن هفدهم ٩٠
هفتاد دوم ٥
والجن ششم ١١٢
الجن ششم ١٠٠ سی چهارم
٤٠ پنجاه یكم ٥
جان بیست هفتم ١٠ بیست
هشتم ٣١ پنجاه پنجم ٣٩
٥٦+٧٤
الجان پنجاه پنجم ١٤
والجان پانزدهم ٢٧
جنة بیست ششم ابجدهم ١٥
وجنة پنجاه ششم ٨٩
جنة دوم ٢٦٥ هفتادم …
٩٣ بیست پنجم ٩
الجنة هفتم ٤١ نوزدهم …
٤٦ بیست ششم ٩٢ چهل
سیتم ٧٢ پنجاه یكم ٣٠
هشتاد یكم ١٣
جنة بیست ششم ٨٩
جنة دوم ٢٦٧ شصت
٢٢ هشتادم ١٠
وجنة سیتم ١٢٧ پنجاه
هفتم ٢١
بالجنة چهل یكم ٣٠
جنة هفتادم ٣٨
جنة هفتاد ششم ١٢
جنات سی چهارم ١٤
پنجاه پنجم ٤٦+٦٢
جنتین ابجدهم ٣١
سی چهارم ١٥
الجنتین ابجدهم ٣١
پنجاه پنجم ٥٤
جنات سیتم ١٣+١٩٧
پنجم ١١٩ پنجاه هفتم ١٢
هشتاد پنجم ١١
وجنات سیتم ١٣ …
وجنات ششم ٩٩ نهم …
٢١ بیست ششم ١٣٤
هشتاد ششم ١٦
الجنات چهل دوم ٢١
جنتی هشتاد نهم ٣٠
جنتك ابجدهم ٣٨
جنتك ابجدهم ٣٧

جنة ابجدهم ٣٣
یجتنبهم سی چهارم ١٥
جنة بیست ششم ٢٢٥ …
سی چهارم ٨
اجتنبوا پنجاه سیتم ٣٣
الجنة سی هفتم ١٥٨
جنة هفتم ١٨٣ سی …
الجنة پانزدهم ١٢
سی دوم ١٣ سی هفتم ١٥٨
صد چهارم ٦
جنة پنجاه ششم ١٧
شصت ششم
مجنون چهل چهارم ١٣
پنجاه یكم ٣٩+٥٢
پنجاه چهارم ٩
لمجنون یازدهم ٦ بیست ششم
٢٦ شصت هشتم ٥١
مجنون سی هفتم ٣٥
پنجاه دوم ٢٩
بمجنون شصت هشتم ٢
هشتاد یكم ٢٢
واجنبنی چهاردهم ٣٨
وسیجنبها نود دوم ١٧
ویتجنبها هشتاد هفتم ١١
اجتنبوا سی نهم ١٩
یجتنبون چهل دوم ٣٧
پنجاه ستم ٣٢
تجتنبوا چهارم ٣١
اجتنبوا چهل نهم ١٢
فاجتنبوا بیست دوم ٣١
واجتنبوا شانزدهم ٣٨
بیست دوم ٣١
فاجتنبوه پنجم ٩٢
جنب سی نهم ٥٧
بالجنب چهارم ٤٠
الجنب دهم ١٣
جنوبها بیست دوم ٣٧
جنوبهم سی دوم ١٦
وجنوبهم هفتم ٣٥
جنوبكم چهارم ١٠٤
الجنوبهم سیتم ١٨٨
جنب بیست ششم ١٠
الجنب چهارم ٤٠
جنبا چهارم ٤٣ پنجم ٩
جانب نوزدهم ٥٣
بیست هشتم ٢٩
بجانب بیست ششم ٤٦ …
جانب سی هفتم ٨
جانب هفدهم ٧٠ بیست ششم ٨٢
بجانبه هفدهم ٨٣
جمیل یكم ٥١

جنحوا هشتم ٦٣
فاجنح هشتم ٦٣
جناح هفدهم ٢٥
بجناحیه ششم ٣٨
جناحك بیستم ٢٣
جناحك پانزدهم ٨٨
بیست ششم ٢١٩ بیست ششم ٣٢
اجنحة سی پنجم ١
جناح دوم ١٩٤+٢٨٢
چهارم ١٠٢ پنجم ٩٤
بیست چهارم ٢٩+٥٧
٥٩+٦٠ سی سیتم ٥
جند سی ششم ٧٥ سی
هشتم ١٠ چهل چهارم ٢٣
شصت هشتم ٢٠
جند سی ششم ٢٢
جندا نوزدهم ٧٧
جنود چهل ششم ٧+٤
وجنود بیست ششم ٩٥
جنود سی سیتم ٩
بجنود نهم ٤٠ بیست …
الجنود هشتاد پنجم ١٧
بالجنود دوم ٢٥٠
جنود هفتاد چهارم ٣١
جنودا هشتم ٢٦
وجنودا سی سیتم ٩
جند ما سی هفتم ١٧٣
جنوده بیست … ١٧
وجنوده دهم ٩٠
بیست هشتم ١٨ بیست … ٣٩
وجنوده دوم ٢٥٠+٢٥١
بجنوده بیستم ٨١
وجنوده بیست … ٤٠
پنجاه یكم ٤٠
وجنودها سی ششم ٩
جنفا دوم ١٧٨
متجانف پنجم ٥
وجنی پنجاه پنجم ٥٤
جنیا نوزدهم ٢٥
جاهد بیست نهم ٥
وجاهد نهم ١٩
جاهدوا سیتم ١٣٦
نهم ١٦+٩+٨١
شانزدهم ١١١ بیست نهم ٦٩
وجاهدوا دوم ٢١٥
هشتم ٧٢+٧٥+٧٦
نهم ٢٠ چهل نهم ١٥
المجاهد بیست نهم ٥
المجاهدین چهل هفتم ٥٩ ٨٢
مجاهدوا نهم ٢٤
وجاهدون شصت یكم ١١

سوره ذاریات … وجعلها / وجعل / سوره … بجناحیه / وجفان / تتجافی / الجلال / واجلب / سوره … جالوت / فاجلدوا / المجالس / سوره … الجمل / جن / واجنبنی / اجنحة / جند / جنفا / وجنی / جاهد

جاهدا د

انبیا و معجزات متواتره آنجناب و کراماتی که از اوصیای او ظاهر شده در حیات و ممات که محل آن کتب مفصله است هر که خواهد با آنها توانند رجوع نمود بلکه خود اخلاق شریفه کامله او و اولاد او معجزه است دیگر حاجت با مرد بگر نیست و اگر بصدیق آنجناب با این تفصیل بوما لازم نباشد تصدیق هیچ رسولی لازم نخواهد بود زیرا که از برای احدی از ایشان حجت و معجزه باقیه نمانده زمان نیست بلکه همه مستند با خبار است و معجزه آن سرور با وجود اخبار متواتره فعلاً موجود است و در تمام روی زمین منتشر است یعنی قرآن کریم و اگر تصدیق هیچ رسولی لازم نباشد خلاف لطف لازم میاید

باب الجاء

جاهدك بیست نهم ۷
سے یکم ۱۴
جاهد نهم ۷۳ شصت
شتم ۹
وجاهدوا پنجم ۳۹
نهم ۴۱+۸۷ بیست دوم
وجاهدهم بیست پنجم ۵۲
جهد پنجم ۵۸ ششم ۱۰۹
شانزدهم ۳۸ بیست چهارم
۵۲ سی پنجم ۴۰
جهدهم نهم ۸۰
وجهاد نهم ۲۴
جهاداً بیست پنجم ۵۲ شصتم
جهاده بیست دوم ۷۷
والمجاهدین چهارم ۹۷
المجاهدین چهارم ۹۷ م
چهل هفتم ۳۳
تجهر هفدهم ۱۱۰ بیستم ۶
تجهروا چهل نهم ۲
اجهروا شصت هفتم ۱۳
کجهر چهل نهم ۲
الجهر هفتم ۲۰۴
وجهرا شانزدهم ۷۷
الجهر چهارم ۱۴۷
بیست یکم ۱۱۰ هشتاد هفتم ۷
وجهرکم ششم ۳
جهرة دوم ۵۲ چهارم
۱۵۲ ششم ۴۷
جهاراً هفتاد یکم ۷
جهزهم دوازدهم ۵۹+۷۰
بجهازهم دوازدهم ۵۹+۷۰
یجهلون ششم ۱۱۱
تجهلون هفتم ۱۳۴
یازدهم ۳۱ بیست هفتم ۵۶
چهل ششم ۲۲
الجاهل دوم ۲۷۴
جاهلون دوازدهم ۸۹
الجاهلون بیست پنجم ۶۴
ششم ۳۵ هفتم ۱۹۸
یازدهم ۴۸ دوازدهم
۳۲ بیست ششم ۵۵
جهولاً سے سیم ۷۲
بجهالة چهارم ۲۱ ششم
۵۴ شانزدهم ۱۲۰ چهل نهم ۶
الجاهلیة سیم ۱۴۸
پنجم ۵۵ سی سیم ۳۳
چهل ششم ۲۶
بجهنم چهارم ۵۸ هشتاد
نهم ۲۳
بجهنم هفتم ۱۷۸ پنجاه
۲۹ هشتاد دوم ۱۵

جو جاوز شانزدهم ۸۱
جاؤوا هشتاد نهم ۸
اجیبتم بیست ششم ۶۵
یجیب بیست هفتم ۶۳
یجیب چهل ششم ۳۱
اجیب دوم ۱۸۲
یجیب چهاردهم ۴۶
اجیبوا چهل ششم ۳۰
اجیبت دهم ۸۹
اجبتم پنجم ۱۰۸
فاستجاب سیم ۱۹۳
ششم ۹ دوازدهم ۳۴
استجابوا سیم ۱۶۶
سیزدهم ۱۸ سی پنجم ۱۵
چهل دوم ۳۶
فاستجبتم چهاردهم ۲۷
فاستجبنا بیست یکم ۷۶
۸۴+۸۸+۹۰
تستجیب ششم ۳ چهل ششم ۴
وتستجیب چهل دوم ۲۵
استجیب چهلم ۶۲
یستجیبون سیزدهم ۱۵
یستجیبوا یازدهم ۱۷
سیزدهم ۱۸ پنجاهم ۵۰
بیست هشتم ۵۰+۶۴
فلیستجیبوا دوم ۱۸۴
هفتم ۱۹۳
فتستجیبون هفدهم ۵۲
استجیبوا هشتم ۲۴
چهل دوم ۴۶
استجیب چهل دوم ۱۵
جواب هفتم ۸۰ بیست
هفتم ۵۷ بیست نهم ۲۴+۲۸
کالجواب چهاردهم ۱۲
مجیب یازدهم ۶۴
المجیبون سے هفتم ۷۳
الجیاد سی هشتم ۳۰
الجودی یازدهم ۴۶
یجاورونک سیزدهم ۶۰
تجری بیست سیم ۹۰ شصت
هفتم ۲۸
تجری هفتاد دوم ۲۳
وتجری چهل ششم ۳۰
فاجره نهم ۶
یجار بیست سیم ۹۰
استجارک نهم ۶
جار ششم ۵۰
والجار چهارم ۴۰ م
جائر شانزدهم ۹
متجاورات سیزدهم ۴
جاورنا پنجاهم ۶۱

وجاوزنا هفتم ۱۳۴
دهم ۹۰
جاوزه دوم ۲۵۰
ونتجاوز ششم ۱۵
فجاسوا هفدهم ۵
تجوع بیستم ۱۱۶
جوع شانزدهم ۷
صد ششم ۳
الجوع شانزدهم ۱۱۳
والجوع دوم ۱۵۰
جوف سیم ۴
فجاءه پنجاه یکم ۲۶
وجائت دوازدهم ۱۹
پنجاهم ۱۸+۲۰
جئت دوم ۶ هفتم ۱۰۳
پنجاهم ۷۰ بیستم ۴۲
جئت نوزدهم ۲۸
جاء سیم ۸۱ بیست چهارم
۱۱+۱۳ بیست پنجم ۵ بیست
هفتم ۸۶ پنجاه نهم ۱۰
وجاءوا هفتم ۱۱۳
دوازدهم ۱۶+۱۸
جئتم دهم ۸۱ نوزدهم ۹۱
جئنا چهارم ۴۵ دوازدهم
۷۳ هفدهم ۱۰۶ هجدهم ۱۰۹
وجئنا چهارم ۴۵
دوازدهم ۸۸ شانزدهم ۹۱
جاءتنی نوزدهم ۴۳ بیست
پنجم ۳۱ چهلم ۶۸
وجائک یازدهم ۱۲۱
جائته دوم ۲۷۶ دوازدهم
۵۰ بیست چهارم ۳۹ بیست
هشتم ۲۵ بیستم ۶۸
سے نهم ۳۳ هشتادم ۲
وجائته یازدهم ۸۰
جائتها بیست هفتم ۸ سی ششم ۱۲
فجائتها هفتم ۳
جائتنا پنجم ۲۲+۸۷
بیستم ۷۵ چهلم ۳ چهل
ستم ۳۷ شصت هفتم ۹
وجائتکم سی پنجم ۳۴
لجائتهم بیست نهم ۵۳
وجائتهم سیم ۸۰ دهم ۲۳
چهل چهارم ۱۶
جائتک سی نهم ۶۰
جائته دوم ۲۰۷
تجائته بیست ششم ۲۵
وجائته یازدهم ۷۷
جائتها دهم ۲۳
جائتنا هفتم ۱۲۳
جائکم دوم ۵ هفتم

۷۱+۸۳ ٫ ۵۸ دهم سے
ستم ۹
وجائتهم دهم ۱۴ سی ام ۸
جئتنا هفتم ۱۲۶ یازدهم ۵۶
اجئتنا هفتم ۶ دهم ۷۹
بیستم ۵۹ بیست یکم ۵۶
چهل ششم ۲۱
جئتم پنجم ۱۱۰ سیم ۵۸
جئتک بیست ششم ۲۹
وجئتک بیست هفتم ۲۲
جئتکم سیم ۴۳ هفتم
۱۰۳ چهلم ۲۳+۶۳
وجئتکم سیم ۴۴
جاؤک چهارم ۶۵+۶۷
پنجم ۴۶ ششم ۲۵ پنجاه
هشتم ۹
جاؤها سی نهم ۷۱+۷۳
چهل یکم ۱۹
جاؤکم چهارم ۹۲ پنجم
۶۶ سی سیم ۱۰
فجاؤهم دهم ۷۵ سی ام ۴۶
جئتمونا ششم ۹۴ هجدهم ۴۶
جئناک یازدهم ۶۳
بیستم ۴۹ بیست پنجم ۳۵
جئناکم چهلم ۷۸
جئناهم هفتم ۵۰
وجیئ سی نهم ۶۹ هشتادم ۲۴
فاجاءها نوزدهم ۲۳
جئتک بیست هفتم ۱۲
بیست ششم ۳۲
جئو بهن بیست چهارم ۲
جیدها صد یازدهم ۵

باب الحاء

حبب چهل نهم ۷
یحببکم سیم ۲۹
احببت سی هشتم ۳۱
احببت بیست ششم ۵۶
ایحب چهل نهم ۱۲
ویحب دوم ۲۲۲
احب ششم ۷۵
یحبون نهم ۱۰۹ بیست
چهارم ۱۸ پنجاه نهم ۹
هفتاد ششم ۲۷
ویحبون سیم ۱۸۵
یحبون سیم ۲۹+۸۶
۱۴۵ هفتم ۷۷ بیست چهارم
۲۲ هفتاد پنجم ۲۰
ویحبون هشتادم ۲۱
یحبوا دوم ۲۱۳
یحبهم ویحبونه پنجم ۵۹
یحبونکم سیم ۱۱۵

یحبونهم دوم ۱۶۰
یحبونها شصت یکم ۱۳
یحبونهم سیم ۱۱۵
استحبوا نهم ۲۳ شانزدهم ۱۰۹
فاستحبوا چهل یکم ۱۶
یستحبون چهاردهم ۳
والحب پنجاه پنجم ۱۱
الحب ششم ۹۵
وحب پنجاهم ۹
حبا ششم ۹۹ سی ششم ۳۳
هفتاد ششم ۱۵ هشتادم ۲۷
حب سیم ۱۲
کحب دوم ۱۶۰
لحب صدم ۸
حب سی ششم ۳۱
حبا دوم ۱۰۱ دوازدهم
۳۰ هشتادم ۲۱
حبه دوم ۱۷۲ هفتاد ششم ۸
حبة دوم ۲۶۳ م
ششم ۵۹ بیست یکم ۴۸
سی یکم ۱۵
احب دوازدهم ۸+۳۳
احب نهم ۲۴
واحباؤه پنجم ۲۱
محبة بیستم ۳۹
یحبرون سی ام ۱۴
تحبرون چهل سیم ۷۰
والاحبار پنجم ۴۴+۶۸
الاحبار نهم ۳۴
احبارهم نهم ۳۱
یحبسه یازدهم ۱۱
تحبسونهما پنجم ۱۰۵
حبط پنجم ۷
تحبط ششم ۸۸
وحبط یازدهم ۱۹
حبطت دوم ۲۱۷ سیم ۲۱
پنجم ۵۸ هفتم ۱۴۵
نهم ۱۷+۷۰
تحبطت هجدهم ۱۰۵
لیحبطن سی نهم ۶۵
تحبط چهل نهم ۲
فاحبط سی سیم ۱۹ چهل
هفتم ۱۰+۳۰
وسیحبط چهل هفتم ۳۴
الحبک پنجاه یکم ۷
حبل صد یازدهم ۵
حبل پنجاهم ۱۵
بحبل سیم ۹۸
بحبل سیم ۱۰۸
وحبل سیم ۱۰۸
حبالهم بیستم ۶۹

حبالهم بیست ششم ۴۳
حتما نوزدهم ۷۲
حثیثا هفتم ۵۲
حج دوم ۱۵۳
حاجّ دوم ۲۶۰
حاججتم سیم ۵۹
حاجک سیم ۵۴
وحاجه ششم ۸۰
حاجوک سیم ۱۸
یحاجون چهل دوم ۱۵
یحاجون سیم ۵۸+۵۹
یحاجوکم سیم ۶۶
لیحاجوکم دوم ۷۱
اتحاجونی ششم ۸۰
اتحاجوننا دوم ۱۳۳
یتحاجون چهلم ۵۰
الحج دوم ۱۹۳
الحج دوم ۱۹۲ م ۱۹۳
نهم ۳
بالحج بیست دوم ۲۸
والحج دوم ۱۸۵
الحج دوم ۱۹۲+۱۹۳
حج سیم ۹۱
الحاج نهم ۱۹
حجج بیست هشتم ۲۷
حجة دوم ۱۴۵ چهارم ۱۶۳
الحجة ششم ۱۵۰
حجة چهل دوم ۱۴
حجتنا ششم ۸۳
حجتهم چهل دوم ۱
حجتهم چهل پنجم ۲۴
حجاب هفتم ۴۴ چهل یکم ۴
حجاب سی ام ۵۲ چهل دوم ۵
بالحجاب سی هشتم ۳۱
حجابا هفدهم ۴۷ نوزدهم ۱۷
لمحجوبون هشتاد سیم ۱۵
حجر ششم ۱۳۹ ۹
حجر هشتاد نهم ۴
الحجر یازدهم ۸۰
حجر بیست پنجم ۲۴
وحجر بیست پنجم ۵۵
الحجر دوم ۵۷ هفتم ۱۶۰
والحجارة دوم ۲۲ شصت
ششم ۶
بحجارة صد پنجم ۴
الحجارة دوم ۶۹
کالحجارة دوم ۶۹
حجارة هشتم ۳۲ یازدهم
۸۴ پانزدهم ۴۷
هفدهم ۵۳ پنجاه یکم ۳۳
الحجرات چهل نهم ۴

حجورکم چهارم ۲۷
بحجور بیست پنجم ۲۴+۵۸
حاجز بیست هفتم ۶۲
حاجزین شصت نهم ۴۷
حادّ پنجاه هشتم ۲۲
یحادد نهم ۶۴
یحادون پنجاه هشتم ۵+۲۱
حدود دوم ۱۸۷+۲۲۹
۲۳۰ چهارم ۱۷ پنجاه هشتم
۵ شصت پنجم ۱
الحدود نهم ۱۱۳
حدود دوم ۲۲۹ ج
۲۳۰ نهم ۹۸ شصت پنجم ۱
حدوده چهارم ۱۸
حداد سی سیم ۱۹
حدید پنجاهم ۲۱
حدید بیست دوم ۲۱
الحدید پنجاهم ۹۵
حدیداً هفدهم ۵۳
الحدید سی چهارم ۱۰
پنجاه هفتم ۲۵
حدب بیست یکم ۹۶
تحدث نوزدهم ۴
اتحدثونهم دوم ۷۱
تحدث نوزدهم ۱۱
یحدث بیستم ۱۱۳ شصت پنجم
احدث بیستم ۶۹
حدیث بیستم ۸ پنجاه یکم
۲۴ هفتاد نهم ۱۵ هشتاد
پنجم ۷ هشتاد هشتم ۱
حدیث چهارم ۱۳۹
ششم ۶۷ هفتم ۱۸۴
چهل پنجم ۵ هفتاد هفتم ۵۰
بحدیث پنجاه دوم ۳۴
بحدیث سی سیم ۵۳
حدیثا چهارم ۴۵+۸۰
۸۹ دوازدهم ۱۱۱
شصت ششم ۳
الاحادیث دوازدهم ۶
۲۱+۱۰۲
احادیث بیست سیم ۴۴
سی چهارم ۱۸
محدث بیست یکم ۲ بیست
ششم ۴
حدائق بیست هفتم ۶۰
هفتاد هشتم ۳۲
وحدائق هشتادم ۳۰
یحذر نهم ۶۵ سی نهم ۹
فلیحذر بیست چهارم ۶۳
یحذرون نهم ۱۲۳
بیست هشتم ۵

باب الجیم ۵۰۱
جهر
جهنم
جهل
باب الجیم بعد الواو
جو
جاب
جاس
جاء
جید
باب الحاء بعد الباء
حبب
حبر
حبس
حبط
حبک
حبل
باب الحاء بعد التاء
حتم
حث
حج
حجب
حجر
حجز
حد
حدب
حدث
حدق
حذر

محذورون

چنانچه تقریر نمودیم و چون رسالت آنحضرت ثابت گردید لازم شد تصدیق او در هرچه خبر داده است از صفات کمال و جلال الهی که از آنست اختیار و عدل و اوامر و معاد جسمانی و سؤال و قبر و نشر و صراط و میزان و بهشت و جهنم و خلود کفار در نار و غیر آن از ضروریات دین آنجناب باز میگوئیم که چون بعثت رسول لازم است بر خدا بجهة تبلیغ شرع پس بعد از فوت او لازم است نصب شخصی که حافظ آن شریعت باشد والا مفسده مقدم خواهد شد و باز خلاف لطف میشود و آن حافظ باید مانند رسول معصوم باشد از گناه و خطا و سهو تا خوف سبب تغییر و تحریف شرع نشود پس معلوم شد که بعد از پیغمبر ما در هر عصر امام

باب الحاء

یحذرون نهم ۶۵	خرج پنجم ۹ بیست دویم	الحرام دویم ۱۹۰	یحسونهم	پنجم ۱۰۳ نهم ۵۹	هجدهم ۲۹ بیست هشتم	۹۹ سی نهم ۳۶
واحذروا پنجم ۴۵	۷۷ سی سیم ۳۸	حرماً دهم ۶۰	سیم ۱۴۵	حسبهم نهم ۶۹ پنجاه	۷۷ سی دویم ۶ شصت	باحسنها هفتم ۱۴۲
واحذروا پنجم ۹۳	حرجاً چهارم ۶۸ ششم	الحرام پنجم ۲ م ۹۸	احسن سیم ۴۵	ششم ۹	پنجم ۱۱	احسن نهم ۱۲۳ دوازدهم
فاحذرهم شصت ۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
واحذرهم پنجم ۵۴						
فاحذروه دویم ۲۳۴						
فاحذرهم شصت چهارم ۴						
وحذرکم سیم ۲۸ + ۲۷						
حذرکم چهارم ۷۳						
حذرهم چهارم ۱۰۳						
حذر دویم ۴۴ + ۸						
حاذرون بیست ششم ۵۶						
یحذروا هفدهم ۵۹						
تحرثوا هشتاد دویم ۱۴						
الحرث نهم ۸۲						
حرث نهم ۸۲						
الحرث شانزدهم ۸۳						
الحرث دویم ۱۷۳						
بالحرث دویم ۱۷۳						
الحرث سی پنجم ۲۰						
وحریرا هفتاد ششم ۱۲						

معصوم لازم است که حافظ شریعت وکسی که دعوی عصمت درحق او توان نمود بعد از پیغمبر بحضرت امیرالمؤمنین ع و یازده فرزندان او که اخر ایشان حضرت مهدی است
پس ثابت شد امامت ایشان همین دلیل علاوه براینکه پیغمبر خودش نص بتعیین نموده وهرامامی برامام بعد از خود نص فرموده وهریک مدعی امامت بوده اند معجزه
داشته اند که تفصیل آن در کتب مفصله مذکور است وایشان اخبار از ظهور امام و رجعت سایر ائمه داده اند در اخبار متواتره پس تصدیق بآن لازم است
وبیان تفاصیل احکام فرعیه از طهارت الی دیات را نموده اند پس شخص اگر مستعد است باید رجوع باخبار ایشان نماید وکتاب جلد

فصل الحاء وغیرها

باب الحاء بعد الشین والصاد
حشر
حصب
حصد
حصر
باب الحاء بعد الضاد والطاء
حصل
حصن
حضض
حضر
حطب
حطم
حظ
حظر
باب الحاء بعد الفاء والقاف
حفف
حفد
حفر
حفظ
حفی
باب الحاء بعد القاف والکاف
حق
حقب
حقف
حکم
باب الحاء بعد اللام
حل
حلف
حلق
حلقوم
حلم
حلی
حم
حمأ
حمد

دهرحکمی از ان حمید عمل نماید واگر فاصرانت رجوع بعالم کامل نماید در اخذ مسائل دین خود اینست اجمال طریقهٔ مستقیمه ما طایفه شیعه امامیه مشرعه گفتم حقا که در بیان
حق کوتاهی نفرمودی وراه مستقیم را بمن نمودی خداوند تو را جزای خیر دهد پس بگو که این شخص جلیل که بر شما مصدر نشسته کیست گفت این بزرگوار محمد و عالم منشرعه است
پس نزد او رفته سلام کرده و گفتم ای بزرگ مذهب شیعه حمد خدا را که مرا امر کن بجوی خود از عذاب مخلود نجات داده حال میخواهم مراد دلالت کنی برا
کیمان بامروخلاص شوم چون من ضعیف طاقت این بیت گفت بعد از آنکه اقرار
اصول عقاید نمودی توبه و انابه کن از گناهان گذشته و عزم کن

باب الحاء

عدد ۵۰۴

جمد دوم ۲۷ پنجاه هفتم
۲۴ شصتم ۶
حمد چهل یکم ۴۲
الحمید چهارم ۱ بیست
دوم ۴ ۲ سه چهارم ۶
هشتاد پنجم ۸
حمیدا چهارم ۱۳۰
احمد شصت یکم ۶
محمود هفدهم ۸۱
محمد سیم ۱۳۸ سه سیم
۴۰ چهل هشتم ۲۹
محمد چهل هفتم ۲
الحمار شصت دوم ۵
حمارک دوم ۲۶۱
حمر هفتاد چهارم ۵۱
الحمیر سه یکم ۱۸
والحمیر شانزدهم ۸
وحمر سه پنجم ۲۵
حمل بیستم ۱۱۰
حملت ششم ۱۴۷ هفتم
۱۸۹
حملنا هفدهم ۳ نوزدهم
۵۹ سی ششم ۴۱
وحملها سیم ۷۲
حملته سه یکم ۱۳ چهل ششم ۱۴
حملته نوزدهم ۲۲
حملته دوم ۶ ۲۸
وحملناه پنجاه چهارم ۱۳
حملناکم شصت نهم ۱۱
وحملناهم هفدهم ۷۲
تحمل سیم ۱۰ شصت دوم ۵
و تحمل شصت نهم ۱۷
تحمل سیزدهم ۹ بیست نهم
سه یکم ۱۲ چهل یکم ۴۷
وتحمل شانزدهم ۷
تحمل دوم ۲۸ هفتم ۱۷۵
احمل دوازدهم ۳
تحملون شم ۳۱ چهلم ۷
یحملوا شانزدهم ۲۷
ولیحملن بیست نهم ۱۳
ولنحمل بیست نهم ۱۱
ولیحمل بیست نهم ۱۱
یحمله دوم ۲۴۹ نوزدهم
۲۸ چهرم ۹۳
[illegible] نهم ۹۳
یحملوها شصت دوم ۵
یحملنها سه سیم ۷۲
احمل یازدهم ۴۲
وحملت شصت نهم ۱۴
یحمل سه پنجم ۱۹
یحملون بیستم ۱۰۲

جملد ۸۰
یحملنا دوم ۲۸۶
حمل بیست چهارم ۵۳
حملوا شصت دوم ۵
حملتم بیست چهارم ۵۳
حملنا بیستم ۹۰
احمل چهارم ۱۱۲
فاحمل سیزدهم ۱۸
احملوا سی سیم ۵۸
حمل بیست دوم ۲
شصت پنجم ۶
حملا هفتم ۱۸۹
الاحمال شصت پنجم ۴
وحمله چهل ششم ۱۴
حملها بیست هفتم ۲
حملهن شصت پنجم ۶+۴
حمل دوازدهم ۷۲
حملا بیستم ۱۰۱
حملها سه پنجم ۱۹
بحاملین بیست نهم ۱۱
فالحاملات پنجاه یکم ۲
حماله صد یازدهم ۴
حموله ششم ۱۴۳

حما

یحمی نهم ۳۵
حامیه پنجم ۱۰۳
حامیه صد یکم ۸
حامیه هشتاد هشتم ۴
حمیته چهل هشتم ۲۶
الحمیه چهل هشتم ۲۶

حنن

وحنانا نوزدهم ۱۴
حنین نهم ۲۵

حنث

یحنث سی هشتم ۴۳
الحنث پنجاه ششم ۴۵

حنجر

الحناجر چهلم ۱۸
الحناجر سی سیم ۱۰

حنذ

حنیذ یازدهم ۷۲

حنف

حنفاء بیست دوم ۳۲
نودهشتم ۴

حنک

لاحتنکن هفدهم ۶۴

حاب

حوبا چهارم ۲

حات

الحوت سی هفتم ۱۴۲
الحوت شصت هشتم ۴۸

الحوت هجدهم ۶۲
حوتهما هجدهم ۶۰
حیتانهم هفتم ۱۶۳

حاج

حاجه دوازدهم ۶۸
چهلم ۸۰ پنجاه نهم ۹

حاذ

استحوذ پنجاه هشتم ۲
نستحوذ چهارم ۱۴۰

حار

یحور هشتاد چهارم ۱۴
تحاورکما پنجاه هشتم ۱
حور پنجاه پنجم ۷۲
وحور پنجاه ششم ۲۲
بحور چهل چهارم ۵۴ پنجاه
دوم ۲۰ یحاوره هجدهم ۳۴ ۳۷
الحواریون سیم ۴۵
پنجم ۱۱۲ شصت یکم ۱۴
الحواریین پنجم ۱۱۱
للحواریین شصت یکم ۱۴

حاش

دوازدهم ۳۱ + ۵۱

حاط

احاط هجدهم ۶۲ پنجاه [illegible]
۲۸ چهل هشتم ۲۱
شصت پنجم ۱۲
واحاط هفتاد دوم ۲۸
واحاطت دوم ۷۵
احطت بیست هفتم ۲۲
احطنا هجدهم ۹۰
یحط هجدهم ۶۷ بیست هفتم ۲۳
یحیطون دوم ۲۵۶
بیستم ۱۰۹
یحیطوا دهم ۴۰
یحیطوا بیست هفتم ۸۶
اخیط دهم ۲۳
واحیط هجدهم ۴۰
بحاط دوازدهم ۶۶
محیط دوم ۱۹ سیم ۱۱۶
هشتم ۴۷ یازدهم ۹۲ چهل یکم
۵۴ شصت دهم ۲
محیط یازدهم ۸۵
محیطا چهارم ۱۰۸ + ۱۲۵
المحیطه نهم ۴۹ بیست نهم ۵۴

حال

وحال یازدهم ۴۵
یحول هشتم ۲۴
وحیل سی چهارم ۵۳
حولا سه نهم ۷۵
المحول دوم ۲۴
حول نوزدهم ۶۹
حولین دوم ۲۳۳

حولک سیم ۱۵۳
حولهم بیست نهم ۶۷
حوله دوم ۱۶ هفدهم
بیست هشتم ۲۴ + ۳۳ چهلم
حولنا سیزدهم ۹ بیست هفتم
۸ چهل ششم ۵
حولکم نهم ۱۰۲ چهل ششم ۲۷
حولهم نهم ۱۲
حولا هجدهم ۱۰۸
حیلة چهارم ۱۰۰
تحویلا هفدهم ۵۸ + ۷۷
۷۹ سی پنجم ۴۲

حوی

الحوایا ششم ۱۴۷
احوی هشتاد هفتم ۵
حی ششم ۴۴
یحیی بیستم ۷۶ هشتاد
هفتم ۱۳
و یحیی ششم ۴۴
یحیون هفتم ۲۴
ونحیا بیست سیم ۳۹
چهل پنجم ۲۳
تحیوا چهارم ۸۸
حیوا پنجاه هشتم ۹
حییتم چهارم ۸۸
احیا پنجم ۳۵
فاحیا دوم ۱۶۴ شانزدهم ۶۵
بیست نهم ۶۳ چهل پنجم ۴
واحیا پنجاه سیم ۴۵
فاحیینا سه پنجم ۹
واحیینا پنجاهم ۱۱
احیاها پنجم ۳۵
چهل یکم ۳۹
احیاکم بیست دوم ۶۶
فاحیاکم دوم ۲۸
احیاهم دوم ۲۴۴
واحیینا چهلم ۱۱
فاحییناه ششم ۱۲۲
احییناها سی ششم ۳۳
فیحیی سی سیم ۲۳
ویحیی سه ۱۹
یحیی چهل ششم ۳۳
هفتاد پنجم ۴۰
نحیی دوم ۲۶۳
احیی دوم ۲۶۰
واحیی سیم ۴۹
یحیی یازدهم ۲۳ سه ششم
۱۱ پنجاهم ۴۲
انحیی بیست پنجم ۵۱
یحیین بیست ششم ۸۱
یحییها سه ششم ۷۹

یحییکم دوم ۲۶ ششم
۲۴ بیست دوم ۶۵
سه ام ۳۹ چهل پنجم ۲۵
فلنحیینه شانزدهم ۹۹
واستحیوا چهلم ۲۶
یستحیی دوم ۲۶ سی سیم ۵۳
فیستحیی سی سیم ۵۳
ویستحیی بیست هشتم ۳
ویستحیون دوم ۴۹
هفتم ۱۲۷ چهاردهم ۶
ونستحیی هفتم ۱۲۴
الحی دوم ۲۵۵ سیم
چهلم ۶۷
حی بیست یکم ۳۱
الحی سیم ۲۶ ششم ۹۵
دهم ۳۲ بیست پنجم ۶۰
سه ام ۱۸
للحی بیستم ۱۱۰
حیا نوزدهم ۱۵ + ۳۲
۳۴ + ۶۷ نحو سیم
الحی سیم ۲۶ ششم ۹۵
دهم ۳۲ سه ام ۱۸
احیاء دوم ۴۹
سیم ۶۳
الاحیاء سی پنجم ۲۱
احیاء شانزدهم ۲۱
احیاء هفتاد هفتم ۲۶
حیة بیستم ۲۱
حیوة دوم ۱۷۵
الحیوة دوم ۲۰۸
سیم ۱۸۲ ششم ۳۲ + ۹۰ ...
۱۳۰ هفتم ۴۹
حیوة دوم ۹۰
بالحیوة نهم ۳۸ دهم ۷
سیزدهم ۲۶
حیوة شانزدهم ۹۹
بیست پنجم ۳
والحیوة شصت هفتم ۲
حیوتنا ششم ۲۹ بیست سیم
۳۹ چهل پنجم ۲۳
لحیوتی هشتاد نهم ۲۵
حیوتکم چهل ششم ۱۹
الحیوان بیست نهم ۶۴
تحیة چهارم ۸۸
تحیة بیست چهارم ۶۱
بیست پنجم ۷۵
تحیتهم چهاردهم ۲۸
سی سیم ۴۳
وتحیتهم دهم ۱۰
یحیی نوزدهم ۱۳۰۷
بیست یکم ۹۰

یحیی سیم ۳۴
و یحیی ششم ۸۵
لیحیی سی ام ۴۹ چهل یکم ۳۹
ونحیای ششم ۱۶۳
محیاهم چهل پنجم ۲۰
استحیاء بیست هشتم ۲۵

حیث

دوم ۳۳ + ۵۵ +
۱۴۴ + ۱۴۵ + ۱۸۷ + ...
وحیث دوم ۱۳۹ +
۱۴۵

حاد

تحید پنجاهم ۱۸

حار

حیران ششم ۷۰

حاز

متحیزا هشتم ۱۶

حاص

محیص چهاردهم ۲۵
چهل یکم ۴۸ چهل دوم
۳۵ پنجاهم ۳۵
محیصا چهارم ۱۲۰

حاض

محیض شصت پنجم ۴
المحیض دوم ۲۲۲
شصت پنجم ۴

حاف

یحیف بیست چهارم ۴۹

حاق

یحاق سی پنجم ۴۳
وحاق یازدهم ۱۱
شانزدهم ۳۶ سی نهم
۴۹ چهلم ۴۵ + ۸۳
چهل ششم ۳۳ چهل پنجم ۳۵
یحیق سه پنجم ۴۱

حان

حین هفتاد ششم ۱
حین بیست سیم ۱۴
وحین دوم ۱۷۲
شانزدهم ۸ بیست چهارم ۵۷
سه ام ۱۶ + ۱۷
حینئذ پنجاه ششم ۸۳

باب الخاء

خبا

الخبأ بیست هفتم ۲۵

خبت

واخبتوا یازدهم ۲۵
فتخبت بیست دوم ۵۴
المخبتین بیست دوم ۳۵

خبث

هفتم ۵۶
الخبیث پنجم ۱۰۰
الخبیث پنجم ۱۰۰
الخبیث دوم ۲۶۹ سیم
۱۷۳ چهارم ۲ هشتم ۳۸
م والخبیثون
وللخبیثین بیست چهارم ۲۶
خبیثة چهاردهم ۳۱
الخبیثات بیست چهارم ۲۶
الخبیثات بیست چهارم ۲۶
الخبائث هفتم ۱۵۶
بیست یکم ۷۴

خبر

خبرا هجدهم ۶۷ + ۹۰
یخبر بیست هفتم ۷
بد هشتم ۳۹
اخبارکم نهم ۹۵
اخبارها نود نهم ۴
اخبارکم چهل هفتم ۳۳
الخبیر سه پنجم ۲۸
صدم ۱۱
خبیر یازدهم ۱ سی پنجم ۱۵

خبز

خبزا دوازدهم ۳۶

خبط

یتخبطه دوم ۲۷۶

خبل

خبالا سیم ۱۱۴ نهم ۴۷

خبا

خبت هفدهم ۹۹

ختر

ختار سی یکم ۳۱

ختم

ختم دوم ۶
وختم ششم ۴۶
چهل پنجم ۲۳
نختم سی ششم ۶۵
وخاتم سی سیم ۴۰
ختامه هشتاد سیم ۲۶
مختوم هشتاد سیم ۲۵
نختم چهل دوم ۲۳
خدن سه یکم ۱۷
لا اخدود هشتاد پنجم ۴

خدع

یخدعون دوم ۸
یخدعوک هشتم ۶۴
یخادعون دوم ۸ چهارم ۱۴۲
خادعهم چهارم ۱۴۱

خدن

اخدان چهارم ۲۵ پنجم ۷

خذل

باب الحاء بعد المیم ... حمد حمل حم حمن حنث حنذ حنف حنک حاب حات حاج حاذ حار حاش حاط حال ... حوی حیی حیث حاد حار حاز حاص حاض حاف حاق حان ... باب الخاء بعد الباء ... خبأ خبت خبث خبر خبز خبط خبل خبا ختر ختم خدع خدن خذل

که بعد از این هرگز گناه نکنی گفتم آن گناهان را بیان فرمایید تا اجتناب از آنها نمایم و بعد از آن هرگز مرتکب نشوم فرمود بدانکه بدترین گناهان بودن ترک کردن نماز است عمداً
یا تأخیر کردن آن تا قضا شود عمداً و مثل آن است اخلال کردن بجزئی یا شرطی از آن از روی جهالت بمسئله یا آنکه قادر باشد شخص بر یاد گرفتن آن
گفتم خدایا شاهد باش که من عزم نمودم هرگز ترک نکنم نمازی را و تأخیر نیندازم و عزم نمودم که مسائل آن را یاد بگیرم تا
اخلال بآن نکنم و چه قدر نفی نمناست کسی که در شبانه روز از هفده رکعت نماز امتناع کند فرمود دوم منع زکوة است

فضل الله ذو عزه

باب الخاء مع الذال

خذل
تخذلکم سیم ۱۵۴
خذولا بیست پنجم ۳۱
تخذولا هفتم ۲۳

خر
خرّ بیست نهم ۲۳ ــ
چهارم ۱۳
تخرّ شانزدهم ۲۸
وخرّ هفتم ۱۳۹
سی هشتم ۲۳
خرّوا نوزدهم ۵۹
سی دوم ۱۵
وخرّوا دوازدهم ۱۰۱
ویخرّ نوزدهم ۹۲
یخرّون هفدهم ۱۰۸
ویخرّون هفدهم ۱۰۹
یخرّوا بیست پنجم ۷۳
یخربون پنجاهم ۲
خرابها دوم ۱۰۸

خرج
تخرج نوزدهم ۱۲ بیست
ششم ۲۰ + ۷۹
خرجت دوم ۱۴۴ + ۱۴۵
خرجوا دوم ۲۴۳ پنجم
۶۶ ششم ۴۹ نهم ۴۷
چهل ششم ۱۸
خرجن دوم ۲۴۱
خرجتم ششم ۱
خرجنا نهم ۴۲
یخرج هفتم ۵۷ شانزدهم
۷۱ بیست چهارم ۴۳ سی ۲
۴۷ سی چهارم ۲ پنجاه پنجم
۲۲ پنجاه هفتم ۴ هشتاد ششم ۷
تخرج دوم ۶۹
یخرج چهارم ۱۰۱
یخرج هجدهم ۴ بیست ششم ۳۰
سی هفتم ۵۲ چهل یکم ۴۷
تخرج چهل نهم ۵
تخرج بیستم ۲۰ بیست هفتم
۱۲ بیست ششم ۳۲
یخرجون پنجاه چهارم ۷
پنجاه نهم ۱۲ هفتادم ۴۳
یخرجوا پنجم ۲۵ م ۴۱
بیست دوم ۲۲ سی چهارم ۲۰
پنجاهم ۲
لیخرجن بیست چهارم ۵۲
یخرجن شصت پنجم ۱
یخرجون سی ام ۲۴
تخرجوا نهم ۸۳
لیخرجن پنجاه نهم ۱۱
اخرج هفتم ۱۲ دوازدهم ۳۱ بیست
فاخرج هفتم ۱۳ پانزدهم ۳۴
بیست ششم ۹ سی هشتم ۷۸
اخرجوا چهارم ۶۹
اخرج هفتم ۳۴ + ۳۰
بیست چهارم ۴۰ چهل ششم ۲۹
پنجاه نهم ۲ هفتادم ۳۱
هشتاد هفتم ۴
فاخرج دوم ۲۰ چهاردهم
۳۷ بیستم ۹۰
واخرج هفتادم ۲۹
واخرجت نود نهم ۲
اخرجنا دوم ۲۶۹
بیست هفتم ۸۴
فاخرجنا ششم ۹۹ م
هفتم ۵۵ بیستم ۵۵ ــ
پنجم ۲۵ پنجاه یکم ۳۵
واخرجنا سی ششم ۳۳
اخرجنی دوازدهم ۱۰۱
اخرجک ششم ۵
اخرجه نهم ۴۰
فاخرجهما دوم ۳۴
اخرجکم شانزدهم ۸۰
اخرجک چهل هفتم ۱۴
اخرجوکم دوم ۱۸۷
واخرجوکم شصتم ۹
فاخرجناهم بیست ششم ۵۷
یخرج ششم ۹۵ دهم ۳۲
بیست هفتم ۲۹ سی ۴ ۱۸ سی نهم ۲۲
ویخرج دهم ۳۲ سی ۳ ۱۸
یخرج چهل هفتم ۳
لیخرج شصت پنجم ۱۱
یخرج دوم ۵۸
ویخرج چهل هفتم ۳۹
لیخرجن شصت سیم ۸
یخرج پنجم ۱۱۰
ویخرج سیم ۲۹ م
لیخرج چهاردهم ۱
یخرجون ششم ۱
یخرجون دوم ۷۸
ویخرجون دوم ۷۹
لیخرجوا هفتم ۱۳۰
یخرج ششم ۹۹ هفتم ۵۵
یخرج سی دوم ۲۷
ویخرج هفدهم ۱۴
لیخرج هشتاد ششم ۱۵
یخرجکم چهلم ۶۹
ویخرجکم هشتاد یکم ۱۷
یخرجهم دوم ۲۵۸
ویخرجهم پنجم ۱۸
یخرجکم هفتم ۱۰۶
بیست ششم ۳۴
لیخرجکم سی سیم ۴۲
پنجاه هفتم ۹
یخرجنکما بیستم ۱
لیخرجنا بیستم ۵۹
یخرجاکم بیستم ۶۶
یخرجوهم دوم ۲۵۹
یخرجوک ششم ۳۰
لیخرجوک هفتم ۷۸
یخرجوکم شصتم ۸
یخرجوه ششم ۱۴۹
یخرجوهن شصت پنجم ۱
یخرجکم بیستم ۵۷
بیست دوم ۵
لنخرجنک هفتم ۸۶
لنخرجنکم چهاردهم ۱۶
ولنخرجنهم بیست هفتم ۳۷
اخرج چهاردهم ۵
اخرجوا ششم ۹۳ بیست هفتم ۵۷
واخرجنی هفتم ۸۲
اخرجنا چهارم ۷۷
بیست سیم ۱۰۹ سی پنجم ۳۴
اخرجوهم هفتم ۸۰
واخرجوهم دوم ۱۸۷
اخرجت سیم ۱۰۶
اخرجوا بیست دوم ۴۱
پنجاهم ۸ + ۱۲
واخرجوا سیم ۱۹۴
اخرجتم پنجاهم ۱۱
اخرجنا دوم ۲۴۷
اخرج نوزدهم ۶۷
اخرج چهل ششم ۱۶
یخرجون چهل پنجم ۳۴
یخرجون هفتم ۴ سی ۲ ۳
۱۸ چهل سیم ۱
ویستخرجا هجدهم ۸۱
وتستخرجون سی پنجم ۱۳
وتستخرجوا شانزدهم ۱۴
خرجا هجدهم ۹۳ بیست
سیم ۷۲
بخارج ششم ۱۲۲
بخارجین دوم ۱۶۷
پنجم ۴۱
اخراج بیستم ۷۴
الخروج پنجاهم ۱۱
خروج چهلم ۱۱
الخروج پنجاهم ۴۱
للخروج نهم ۸۳
الخروج نهم ۴۶
واخراج دوم ۲۱۴
باخراج نهم ۱۳
اخراج دوم ۲۴۱
اخراجا هفتاد یکم ۱۷
اخراجهم دوم ۷۹
اخراجکم شصتم ۹
مخرجا شصت پنجم ۲
وتخرج ششم ۹۵
مخرج دوم ۷۲ نهم ۶۴
مخرج هفدهم ۸۲
مخرجون بیست سیم ۳۷
لمخرجون بیست هفتم ۶۹
بمخرجین پانزدهم ۴۸
المخرجین بیست ششم ۱۶۷

خردل
خردل بیست یکم ۴۷
سی یکم ۱۵

خرص
یخرصون ششم ۱۱۶
دهم ۶۷ چهل سیم ۱۹
تخرصون ششم ۱۴۹
الخراصون پنجاه یکم ۱۰

خرطم
الخرطوم شصت هشتم ۱۶

خرق
وخرقوا ششم ۱۰۰
خرقها هجدهم ۷۰
اخرقتها هجدهم ۷۰
تخرق هفدهم ۳۹

خزن
بخازنین پانزدهم ۲۲
لخزنة چهلم ۵۲
خزنتها سی نهم ۷۱ + ۷۳
شصت هفتم ۸
خزائن ششم ۵۰ یازدهم
۳۱ سی هشتم ۹ پنجاه دوم
۳۷ شصت سیم ۷
خزائن دوازدهم ۵۵
خزائن هفدهم ۱۰۲
خزائنه پانزدهم ۲۱

خزی
ونخزی بیستم ۱۳۴
اخزیته سیم ۱۸۹
یخزی شصت ششم ۸
ولیخزی پنجاه نهم ۵
یخزیه یازدهم ۳۹ + ۹۶
سی نهم ۴۱
یخزهم شانزدهم ۲۹
ویخزهم نهم ۱۴
تخزنی بیست ششم ۸۷
تخزنا سیم ۱۹۳
تخزون یازدهم ۸۰
پانزدهم ۶۹
خزی دوم ۷۹ +
۱۰۸ پنجم ۳۷ + ۴۵
بیست دوم ۹
اخزی نهم ۶۴
خزی یازدهم ۶۹
الخزی دهم ۹۸
چهل یکم ۱۵
الخزی شانزدهم ۲۹
سی نهم ۲۷
اخزی چهل یکم ۱۵
مخزی نهم ۲

باب الخاء مع السین

خسأ
اخسئوا بیست سیم ۱۱۰
خاسئا شصت هفتم ۴
خاسئین دوم ۶۱
هفتم ۱۶۶

خسر
خسر چهارم ۱۱۸
ششم ۳۱ + ۱۴۱ دهم
۴۶ بیست دوم ۱۱
وخسر چهلم ۷۸ + ۸۵
خسروا ششم ۱۲ + ۲۰
هفتم ۸ + ۵۱
یخسر چهل پنجم ۲۶
یخسرون هشتاد سیم ۳
تخسروا پنجاه پنجم ۸
خسر صد سیم ۲
خسرا شصت پنجم ۹
الخاسرون هفتم ۸ دوازدهم
۱۴ بیست سیم ۳۶
خاسرة هفتاد نهم ۱۲
خسارا هفدهم ۸۲
سی پنجم ۳۷ هفتاد یکم ۲۰
الخسران بیست دوم ۱۱
سی نهم ۱۷
خسرانا چهارم ۱۱۸
الاخسرون یازدهم ۲۲
بیست هفتم ۵
الاخسرین بیست یکم ۷۰
بالاخسرین هجدهم ۱۰۳
تخسیر یازدهم ۶۳
المخسرین بیست ششم ۱۸۱

خسف
لخسف بیست هشتم ۸۲
وخسف هفتاد پنجم ۸
خسفنا بیست نهم ۳۹
فخسفنا بیست هشتم ۸۱
یخسف شانزدهم ۴۵
۷۰ شصت هفتم ۱۶
نخسف سی چهارم ۹

خشب
خشب شصت سیم ۴
وخشعت بیستم ۱۰۷
تخشع پنجاه هفتم ۱۵
خشوعا هفدهم ۱۰۹
خاشعا پنجاه نهم ۲۱
خاشعون بیست سیم ۲
خاشعین سیم ۱۹۸
بیست یکم ۹۰ چهل دوم ۴۵
الخاشعین دوم ۴۲
والخاشعین سی سیم ۳۵
خشعا پنجاه چهارم ۷
خاشعة هفتاد نهم ۹
هشتاد هشتم ۲
خاشعة چهل یکم ۳۹
شصت هشتم ۴۳ هفتادم ۴۴
والخاشعات سی سیم ۳۵
خشی چهارم ۲۵ پنجاهم
۳۲ نوزدهم ۸
وخشی سی ششم ۱۰
خشیت بیستم ۹۵
فخشینا هجدهم ۷۹
یخشی بیستم ۳ + ۴۴
سی پنجم ۲۵ هشتادم ۲۶
هشتادم ۹ هشتاد
هفتم ۱۰
یخشی نهم ۱۸
ولیخش چهارم ۱۰
ویخش بیست چهارم ۵۱
تخشی بیستم ۸۰
فخشی هفتاد نهم ۱۹
وتخشی سی سیم ۳۷
یخشون چهلم ۷۹
بیست یکم ۵۰ سی سیم ۳۹
سی پنجم ۱۹ سی نهم ۱۴
شصت هفتم ۱۲
ویخشون سیزدهم ۲۱
بیست یکم ۲۴
تخشوا پنجم ۴۸
تخشون نهم ۲۴
تخشی پنجم ۵۷
یخشاها هفتاد نهم ۴۵
تخشه سی سیم ۳۷
وتخشونه سی سیم ۳۹
اتخشونهم نهم ۱۳
تخشوه نهم ۱۳
تخشوهم دوم ۱۴۵
پنجم ۳
واخشوا سی یکم ۳۲
واخشونی دوم ۱۴۵
پنجم ۴ + ۴۸
فاخشوهم سیم ۱۶۷
خشیة دوم ۹۰ بیست
سیم ۵۹ پنجاه نهم ۲۱
کخشیة چهارم ۷۹
خشیة هفدهم ۳۳ + ۱۰۲
خشیة چهارم ۷۹
خشیته بیست یکم ۲۹

باب الخاء مع الصاد والضاد

خمص
مخمصة دوم ۹۹ سیم ۸۷

خص
خاصة هشتم ۲۵
خصاصة پنجاه نهم ۹

خصف
یخصفان هفتم ۲۱ بیستم ۱۱۹

خصم
اختصموا بیست دوم ۲۰
یختصمون سیم ۳۹
بیست ششم ۹۶ بیست هفتم
۴۴ سی هشتم ۶۹
یختصمون سی ششم ۴۹
تختصمون سی نهم ۳۲
تختصموا پنجاهم ۲۷
الخصم سی هشتم ۲۰
خصمان بیست دوم ۲۰
سی هشتم ۲۱
خصمون چهل سیم ۵۸
خصیم شانزدهم ۴ سی
ششم ۷۷
خصیما چهارم ۱۰۶
الخصام دوم ۲۰۰
چهل سیم ۱۷
تخاصم سی هشتم ۶۴

خضد
مخضود پنجاه ششم ۲۷

خضر
خضرا ششم ۹۹
خضر هفتاد ششم ۲۱
خضر دوازدهم ۴۳
۴۶ پنجاه پنجم ۷۶
خضرا هجدهم ۳۰
الاخضر سی ششم ۸۰
مخضرة بیست دوم ۶۲

خضع
فتخضعن سی سیم ۳۲
خاضعین بیست ششم ۳

خط
تخطه بیست نهم ۴۷

خطأ
اخطأتم سی سیم ۵
اخطأنا دوم ۲۸۶
خطأ هفدهم ۳۳
خطأ چهارم ۹۴
خطیئة چهارم ۱۱۲
خطیئتی بیست ششم ۸۲
خطیئته دوم ۷۵
خطیئاتکم هفتم ۱۶۱
خطیئاتهم هفتاد یکم ۲۵
خطایانا بیستم ۷۵
بیست ششم ۵۱
خطایاکم دوم ۵۵
بیست نهم ۱۱

بعد از وجوب آن در طلا و نقره مسکوک و در شتر و گاو و گوسفند و گندم و مویز و خرما پس کسے که منع آن کند برکت از مال او برود و بعذاب شدید
معذب گردد و اگر بدهد مال او برکت کند و زیاد شود و حقیر فقیر نظر نیست کسے که از دادن چهل یک مال بفقراء امتناع کند با این همه فوائد
ستم منع خمس است از اهلش زیرا که سخت تر موقف قیامت است که اهل خمس از مطالبه حق خود نمایند و خمس از هفت چیز است غنیمت
دار الحرب و معادن و کنز و غوص و حلال مخلوط بحرام و زمینے که از اهل ذمه بخرند از مسلمین و ارباح مکاسب از تجارت

باب الخاء

خطایاهم بیست نهم ۱۱
الخاطئون شصت نهم ۳۷
خاطئین دوازدهم ۹۷
بیست هشتم ۸
لخاطئین دوازدهم ۹۱
الخاطئین دوازدهم ۲۹
خاطئة نود ششم ۱۶
بالخاطئة شصت نهم ۹

خطب

خاطبهم بیست پنجم ۶۳
تخاطبنی یازدهم ۳۷
بیست سوم ۲۷
خطبک بیستم ۹۶
خطبکما بیست هشتم ۲۳
خطبکم پانزدهم ۵۷
پنجاه یکم ۳۱
خطبکن دوازدهم ۵۱
الخطاب سی هشتم ۲۰+۲۳
خطابا هفتاد هشتم ۳۷
خطبة دوم ۲۳۵

خطف سی هفتم ۱۰
یخطف دوم ۲۰
فتخطفه بیست دوم ۳۱
یتخطفکم هشتم ۲۶
ویتخطف بیست نهم ۶۷
نتخطف بیست هشتم ۵۷
الخطفة سی هفتم ۱۰

خطا

خطوات دوم ۱۶۸+۲۰۸
ششم ۱۴۲ بیست چهارم ۲۱

خف

خف هفتم ۸ بیست هشتم ۱۰۵
صد یکم ۹
خفت هشتم ۶۷
یخفف چهارم ۲۸
یخفف چهلم ۵۲
یخفف دوم ۸۶ +۱۶۲
سیتم ۸۸ شانزدهم ۸۷
سی پنجم ۳۶
فاستخف چهل سوم ۵۴
یستخفنک سی ام ۶۰
تستخفونها شانزدهم ۸۰
خفافا نهم ۴۱
خفیفا هفتم ۱۸۹
تخفیف دوم ۱۷۸

خفت

یتخافت هفتم ۱۰۳
یتخافتون بیستم ۱۰۳
شصت هشتم ۲۳

خفض

واخفض پانزدهم ۸۸

هفتم ۲۵ بیست ششم ۱۱۵
خافضة پنجاه ششم ۳

خفی

یخفی سیتم ۳۸ چهاردهم ۱۴
چهلم ۱۶ هشتادم هفتم ۷
تخفی شصتم ۱۸
یخفون چهل یکم ۴۰
اخفیهم شصتم ۱
تخفی سیتم ۱۴ چهلم ۲۰
وتخفی سی سوم ۳۷
یخفون سیتم ۱۴ ششم ۲۸
یخفین بیست چهارم ۳۱
تخفون پنجم ۱ بیست هفتم ۲۵
وتخفون ششم ۹۱
تخفوا سیتم ۲۷
تخفی چهارم ۴۱
اخفیها بیستم ۱۵
تخفوه دوم ۲۸۴ سیتم ۱۴۰
سیتم ۵۴
تخفوها دوم ۲۷۱
اخفی بیستم ۷
یستخفون چهارم ۱۰۸
لیستخفوا یازدهم ۵
خفیة ششم ۶۳
خفی نوزدهم ۳
واخفی بیستم ۷
خافیة شصتم ۱۸
وخفیة ششم ۶۳ هفتم ۵۵
مستخف سیزدهم ۱۱

حل

یحلوا نهم ۵
حلال چهارم ۲۶
حلال هفدهم ۵
حلاله بیست چهارم ۴۳
سی ام ۴۸
حلالها هفدهم ۹۳
بیست هشتم ۶۲
حلالهما پنجاهم ۳۲
حلال لکم نهم ۴۷
خلة دوم ۲۵۵
خلیلا چهارم ۱۲۴ هفدهم
۷۵ بیست پنجم ۲۸
الاخلاء چهل سوم ۶۷

خلد

وتخلد بیست ششم ۱۲۹
تخلدون بیست ششم ۱۲۹
اخلد هفتم ۱۷۵
اخلده صد چهارم ۳
الخلد بیست سوم ۵۲ بیستم
۱۱۸ بیست پنجم ۱۶ سے
دوم ۱۴ چهل یکم ۲۸

الخلد بیست یکم ۳۵
خالد چهل هفتم ۱۷
خالد چهارم ۱۸+۹۵
نهم ۶۴
خالدین پنجاه نهم ۱۷
الخالدین هفتم ۱۹
الخلود پنجاهم ۳۳
مخلدون پنجاه ششم ۱۷
هفتاد ششم ۱۹

خلص

خلصوا دوازدهم ۸۰
واخلصوا چهارم ۱۴۵
اخلصناهم سی هشتم ۴۶
استخلصه دوازدهم ۵۴
الخالص سی نهم ۳
خالصة شانزدهم ۶۶
خالصة ششم ۱۳۹
بخالصة سی هشتم ۴۶
خالصة دوم ۹۴ هفتم
۳۲ سی سیتم ۴۹
مخلصا سی نهم ۲+۱۱+۱۴
مخلصون دوم ۱۳۹
مخلصین هفتم ۲۹
دهم ۲۲ بیست نهم ۶۵
سی یکم ۳۲ چهلم ۱۴
۶۵ نود هشتم ۵
مخلصا نوزدهم ۵۱
المخلصین دوازدهم ۲۴
پانزدهم ۴۰ سی هفتم ۴۰
۷۴ + ۱۲۸ + ۱۶۰ + ۱۶۹
سی هشتم ۸۳

خلط

خلطوا نهم ۱۰۲
تخالطوهم دوم ۲۲۰
اختلط ششم ۱۴۶
فاختلط دهم ۲۴
هجدهم ۴۵
الخلطاء سی هشتم ۲۴

خلع

فاخلع بیستم ۱۲

خلف

خلف هفتم ۱۶۹ نوزدهم ۶۰
خلفتمونی هفتم ۱۵۰
یخلفون چهل سوم ۶۰
اخلفنی هفتم ۱۴۲
خلفوا نهم ۱۱۸
یخالفون بیست چهارم ۶۳
اخالفکم یازدهم ۸۸
اخلفوا نهم ۷۷
فاخلفتم بیستم ۸۶
اخلفنا بیستم ۸۷

فاخلفکم چهارم ۲۶
یخلف سیزدهم ۳۱
سی ام ۶ سی نهم ۲۰
یخلف دوم ۸۰
بیست دوم ۴۷
یخلف سیتم ۱۹۴
یخلفه سی چهارم ۳۹
یخلفه بیستم ۸۰
یخلفه بیستم ۹۷
یخلفوا نهم ۱۲
اختلف دوم ۲۱۳
سیتم ۱۹
واختلف نوزدهم ۳۷
چهلم ۶۵
اختلفوا دوم ۱۷۶ + ۲۵۳
سیتم ۱۰۵ دهم ۹۳ یازدهم ۱۱۰
فاختلفوا دهم ۱۹
واختلفوا سیتم ۱۹
اختلفتم چهل دوم ۱۰
لاختلفتم هشتم ۴۲
فاختلف یازدهم ۱۱۰
چهل یکم ۴۵
استخلف بیست چهارم ۵۵
ویستخلف یازدهم ۵۷
ویستخلفکم هفتم ۱۲۹
لیستخلفنهم بیست چهارم ۵۵
خلف هفتم ۱۶۹
نوزدهم ۵۹
خلفه سیزدهم ۱۱ چهل یکم
۴۲ چهل ششم ۲۱
هفتاد دوم ۲۷
خلفهم سیتم ۱۰ چهارم
هفتم ۶۰ سی ششم ۹
چهل یکم ۱۴
خلفک دهم ۹۲
خلفها دوم ۶۶
خلفنا نوزدهم ۶۴
خلفکم سی ششم ۴۵
خلفهم دوم ۲۵۵ بیستم
۱۱۰ بیست دوم ۷۶ سیتم
۲۸ بیست هشتم ۹ بیست دوم ۷۶
چهارم ۹ چهل یکم ۲۴
الخالفین نهم ۸۳
خلاف پنجم ۳۳ هفتم ۱۲۴
بیستم ۷۱ بیست ششم ۴۹
خلاف نهم ۸۱
خلافک هفدهم ۷۶
خلفة بیست پنجم ۶۲
اختلاف دوم ۱۶۴
مختلف شانزدهم ۶۹
خلفة دوم ۳۰ سی
هشتم ۲۶

خلائف ششم ۱۶۵ دهم ۱۴
+۷۳ سی پنجم ۳۹
خلفاء هفتم ۶۹ + ۷۴
بیست هفتم ۶۲
المخلفون نهم ۸۱ چهل هشتم ۱۱ + ۱۵
للمخلفین چهل هشتم ۱۶
مختلف چهاردهم ۴۸
اختلاف بیست سوم ۸۰
واختلاف سی ام ۲۲
واختلاف دوم ۱۶۴
سیتم ۱۹۰ چهل پنجم ۵
اختلافا چهارم ۸۲
مختلف شانزدهم ۱۳
سی پنجم ۲۷
مختلف پنجاه یکم ۸
مختلفا ششم ۱۴۱ شانزدهم
۱۳ سی پنجم ۲۷ سی نهم ۲۱
مختلفون هفتاد هشتم ۳
مختلفین یازدهم ۱۱۸
مستخلفین پنجاه هفتم ۷

خلق

خلق هفتاد چهارم ۳۸
وخلق چهارم ۱ ششم ۱۰۱
بیست پنجم ۲ چهل دوم ۲۱
پنجاه پنجم ۱۴
خلقت سیتم ۱۸۸
هفدهم ۶۱
خلقت سی هشتم ۷۵ پنجاه
یکم ۵۶ هفتاد چهارم ۱۱
خلقوا سیزدهم ۱۷ سے
پنجم ۳۸ چهل ششم ۳
پنجاه دوم ۳۶
خلقنا بیست پنجم ۴۰
خلقنا سی ششم ۴۳
خلقنی بیست ششم ۷۸
خلقک هجدهم ۳۷
هشتاد دوم ۷
خلقه سیتم ۵۹ سی دوم
۷ هشتادم ۱۹ + ۱۷
خلقها شانزدهم ۵
خلقهم یازدهم ۱۲۰
چهل سوم ۸۷
وخلقهم ششم ۱۰۰
خلقتهن چهل یکم ۳۷
چهل سیتم ۸
خلقتنی هفتم ۱۱ سی هشتم ۷۶
وخلقته هفتم ۱۲ سی هشتم ۷۶
خلقتک نوزدهم ۹
خلقنا پانزدهم ۲۸ نوزدهم ۶۷
پنجاه سیتم ۷۷ پنجاه چهارم ۴۹
خلقناهم چهل چهارم ۳۹
خلقناکم ششم ۹۴

هفتم ۱۱ هجدهم ۳۶ سیتم
۵۷ بیست پنجم ۵ بیست
سیتم ۱۱۷ چهل نهم ۳ پنجاه
ششم ۵۱
وخلقناکم هفتاد هشتم ۸
خلقناهم سی هفتم ۱۱ هفتاد ششم
۳۹ هفتاد ششم ۲۸
وتخلق شانزدهم ۸
تخلق هفتم ۱۰ اے ششم ۸۱
تخلق بیست پنجم ۱۱۰
اخلق سیتم ۴۳
تخلقون شانزدهم ۲۰
بیست پنجم ۳
تخلقوا بیست دوم ۷۳
وتخلقون بیست ششم ۱۶
تخلقکم سی نهم ۸
تخلقونه پنجاه ششم ۵۹
تخالکم هفتاد دوم ۲۰
خلق بیست یکم ۳۸
هفتادم ۱۹ هشتاد ششم ۵ + ۶
وخلق چهارم ۳۲
خلقت هشتادم ۱۷
خلقوا پنجاه دوم ۳۵
تخلق هشتادم ۷
تخلقون هفتم ۱۹۱ شانزدهم
دهم ۲۰ بیست پنجم ۳
خلق سی ام ۲۱ سی یکم ۱۰
چهل دوم ۲۸
تخلق چهلم ۵۹
الخلق هفتم ۵۴ سیزدهم ۱۷
خلق دوم ۱۵۹ سیتم ۱۹۱
۸۸ چهلم ۵۹ شصت هفتم ۳
تخلق سی ام ۲۹
خلق سیزدهم ۵ بیست یکم
۱۰۴ سی دوم ۹ سی چهارم
۷ سی ششم ۷۹ سی نهم
۸ پنجاهم ۱۴
تخلق چهاردهم ۲۲
سی پنجم ۱۷
الخلق هفتم ۶۷ بیست
سیتم ۱۷ سی پنجم ۱ سے
ششم ۶۸
بالخلق پنجاهم ۱۴
خلق چهارم ۱۱۸ هجدهم
۴۹ سی دوم ۹
خلقا هفدهم ۵۲ + ۵۳
۱۰۰ بیست سیتم ۱۴ سے
هفتم ۱۱ سی نهم ۸
هفتادم نهم ۲۷
الخلق دهم ۴+۳۵
بیست هفتم ۶۵ بیست سیتم

۱۸ + ۹ سی ام ۱۹ - ۲۶
خلقکم سی ام ۲۷
تخلقکم سی نهم ۶
خلقکم چهل پنجم ۳
تخلقهن چهل سیتم ۳۲
خلقه بیستم ۵۲ شصت هشتم ۷۵
خلقهم چهل سیتم ۱۸
خلق بیست هشتم ۱۳۷
خلق شصت هشتم ۴
خالق سیتم ۱۰۲
سیزدهم ۱۷ سی نهم ۶۳
چهلم ۶۴
خالق پانزدهم ۲۸
سی هشتم ۷۱
الخالق پنجاه نهم ۲۴
خالق سی پنجم ۳
الخالقون پنجاه دوم ۳۵
پنجاه ششم ۵۹
الخالقین بیست سیتم ۱۴
سی هفتم ۱۲۵
خلاق دوم ۹۶ + ۲۰۰
خلاق سیتم ۷۷
بخلاقکم نهم ۶۹
بخلاقهم نهم ۶۹
الخلاق پانزدهم ۸۶
سی ششم ۸۱
مخلقة بیست دوم ۵
اختلاق سی هشتم ۷

خلا

دوم ۷۶ سی پنجم ۲۴
یخل دوازدهم ۹
وتخلت هشتاد چهارم ۴
الخالیة شصت نهم ۲۴

خمد

خامدون سی ششم ۲۹
خامدین بیست یکم ۱۵

خمر

الخمر پنجم ۹۰
خمر چهل هفتم ۱۵
الخمر دوم ۲۱۹ پنجم ۹۱
خمرا دوازدهم ۳۶ + ۴۱
بخمرهن بیست چهارم ۳۱

خمس

خمسة هجدهم ۲۲
خمسة سیتم ۱۲۱
خمسین بیست نهم ۸
خمسه هشتم ۴۲
والخامسة بیست چهارم ۷
والخامسة بیست چهارم ۹
خمس بیست نهم ۱۴

باب الخاء و بعدها الطاء والفاء
خطب خطا خفض
باب الخاء بعدها اللام
حل خلد
باب الخاء بعدها اللام
خلص خلط خلع خلف
باب الخاء بعدها المیم
خلق خلا خمد خمر خمس

وزراعت و حرفه و صناعت حتی نوکری و روضه خوانی و حجه فروشی و نماز و روزه استیجاری کردن و معلمی اطفال نمودن و غیر آن در صورتی که از مخارج سال
دیا داید وجه قدیمی غیر تست کی که موقت پیغمبر را در باره دزیرا انجاب مراعات نماید و ایشان را پریشان و بی سامان بنهد با حالت حقوق ایشان را منع کند
و با رحیم شفاعت از انسر و زدا شده باشد جمعه را ترک ... کردن حج است بعد از استطاعت که از گناهان بزرگ ۷۰ ۵ است و در وقت
مردن با و میگویند بمیر بر دین یهود یا نصاری العیاذ بالله **فضیلت العمره** گفتم یکی از فوائد عمره است که شخص مغیرا از این گناهان کبیره اسو

خمص
مَخْمَصَةٌ نهم ۱۲۱
مَخْمَصَةٍ پنجم ۵

خمط
خَمْطٍ سی چهارم ۱۵

خِنْزِيرِ ششم ۱۴۶
الْخِنْزِيرِ دوم ۱۶۹ پنجم
۴ شانزدهم ۱۱۶
وَالْخَنَازِيرَ پنجم ۶۵

خنس
بِالْخُنَّسِ هشتاد یکم ۱۵
الْخَنَّاسِ صد چهارم ۶

خنق
وَالْمُنْخَنِقَةُ پنجم ۴

خار
خُوَارٌ هفتم ۱۴۸ بیستم ۹۰

خاض
خَاضُوا نهم ۷۰
وَخُضْتُمْ نهم ۷۰
يَخُوضُونَ ششم ۶۷
يَخُوضُوا چهارم ۱۳۹
ششم ۶۰ چهل سیم ۸۳
هفتادم ۴۲
نَخُوضُ نهم ۶۶ هفتاد
چهارم ۴۶
خَوْضِهِمْ پنجاه دوم ۱۲
خَوْضِهِمْ ششم ۹۱
الْخَائِضِينَ هفتاد چهارم ۴۵
الْخَائِضِ نوزدهم ۲۳

خاف
دوم ۱۷۸ یازدهم ۱۰۵
چهاردهم ۱۷ پنجاه پنجم
۴۶ هفتادم ۴۰
وَخَافَ چهاردهم ۱۷
خَافَتْ چهارم ۱۲۷
خِفْتِ بیست هشتم ۶
خِفْتُ نوزدهم ۵
خَافُوا چهارم ۹
خِفْتُمْ دوم ۲۳۹ + ۲۴۰
چهارم ۳ + ۱۰۲ نهم ۲۸
خِفْتُمْ بیست هشتم ۳۰
يَخَافُ بیستم ۱۱۱ بیست
هفتم ۱۰ پنجاهم ۴۵
هفتاد دوم ۱۳ نوزدهم
یکم ۱۵
تَخَافُ بیستم ۸۰
نَخَافُ یازدهم ۷۳
بیستم ۲۲ + ۷۱ بیست
۱۰ بیست هشتم ۲۵ + ۳۱
بیست نهم ۳۲ ...
پنجاه یکم ۲۸

تَخَافِي بیست هشتم ۶
تَخَافُونَ هشتم ۶۰
فَأَخَافُ بیست ششم ۱۳
بیست هشتم ۳۳
وَأَخَافُ دوازدهم ۱۳
يَخَافَا دوم ۲۲۹
تَخَافَا بیستم ۴۸
تَخَافُونَ پنجم ۲۶ + ۵۹
ششم ۱۵ شانزدهم ۵۲
بیست چهارم ۳۷ + ۴۹
پنجاه یکم ۳۷ هفتاد
چهارم ۵۳
وَتَخَافُونَ سیزدهم ۲۱
هفتم ۵۹ هفتاد ششم ۷
يَخَافُوا پنجم ۱۰۷
تَخَافُونَ چهارم ۳۸
ششم ۸۰ شتم ۲۶ چهل
هشتم ۲۷
تَخَافُوا چهل یکم ۳۰
تَخَافُ بیستم ۴۷
هفتاد ششم ۱۰
يَخَافُ پنجم ۹۵
تَخَافُونَهُمْ سیم ۲۷
تَخَافُوهُمْ سیم ۱۶۹
وَخَافُونِ سیم ۱۶۹
يُخَوِّفُ سیم ۱۶۹ - نهم ۱۸
وَيُخَوِّفُونَكَ سی نهم ۳۷
وَنُخَوِّفُهُمْ هفدهم ۶۲
الْخَوْفُ سی سیم ۱۹
خَوْفٍ دهم ۸۳ صد
ششم ۴
الْخَوْفِ دوم ۱۵۵ چهارم ۸۵
وَالْخَوْفِ شانزدهم ۱۱۳
خَوْفًا هفتم ۵۴ سیزدهم
۱۳ سی ۲۳ سی دوم ۱۶
خَوْفِهِمْ بیست چهارم ۵۴
خَائِفًا بیست هشتم ۲۰ + ۷
خَائِفِينَ دوم ۱۰۸
خِيفَةً یازدهم ۷۳
بیستم ۷۰ پنجاه یکم ۲۸
وَخِيفَةً هفتم ۲۰۴
خِيفَتِهِ سیزدهم ۱۴
كَخِيفَتِكُمْ سی ام ۲۷
تَخْوِيفًا هفدهم ۶۱
تَخَوُّفٍ شانزدهم ۴۹

خال
خَوَّلَهُ سی نهم ۱۱
خَوَّلْنَاهُ سی نهم ۵۰
خَوَّلْنَاكُمْ ششم ۹۴
خَالِكَ سی سیم ۴۹
أَخْوَالِكُمْ بیست چهارم ۶۰

وَخَالَاتُكُمْ چهارم ۲۷
خَالَاتِكَ سی سیم ۴۹
خَالَاتِكُمْ بیست چهارم ۶۰

خان
خَانُوا هشتم ۷۲
يَخُونُوا هشتم ۲۷
وَتَخُونُوا هشتم ۲۷
أَخُنْهُ دوازدهم ۵۲
فَخَانَتَاهُمَا شصت ششم ۱۰
يَخْتَانُونَ چهارم ۱۰۷
تَخْتَانُونَ دوم ۱۸۳
خِيَانَةً هشتم ۶۰
خِيَانَتَكَ هشتم ۷۲
الْخَائِنِينَ هشتم ۶۰
دوازدهم ۵۲
لِلْخَائِنِينَ چهارم ۱۰۶
خَائِنَةً پنجم ۱۶
خَائِنَةَ چهلم ۲۰
خَوَّانٍ بیست دوم ۳۹
خَوَّانًا چهارم ۱۰۷
خَاوِيَةٌ دوم ۲۶۱ پنجم
۴۰ بیست هفتم ۵۲
خَاوِيَةٍ شصت نهم ۷
خَاوِيَةً بیست هفتم ۵۳
خَابَ بیستم ۶۳ + ۱۱۰
نود یکم ۱۰
وَخَابَ چهاردهم ۱۸
خَاشِعِينَ سیم ۱۲۲

خار
يُخْرِجُونَ شصت هشتم ۳
يُخْرِجُونَ پنجاه ششم ۲۰
وَأَخَارُ هفتم ۱۵۴
أَخْبَرَكَ بیستم ۱۳
أَخْبَارَهَا چهارم ۳۱
وَيُخْبِرُ بیست هشتم ۶۸
وَخَبَرُ بیستم ۴۲ + ۴۴
نوزدهم ۷۹
يَخْبُرُ دوم ۱۰۰ سیم ۱۳ هشتم ۱۷
دهم ۱۰۷ یازدهم ...
الْخَبِيرُ سیم ۲۵ هفتاد ۷۸
بِالْخَبِيرِ دهم ۱۲ هفدهم ۱۱
الْخَبِيرُ پنجاهم ۲۴ شصت هشتم ۱۲
وَالْخَبِيرُ بیست یکم ۶
خَبِيرٌ دوم ۱۹۳ سیم ۱۳۶
چهارم ۱۱۴ بیست نهم ۳۶
الْخَبِيرُ بیست دوم ۷۶
الْأَخْيَارِ سی هشتم ۴۷ + ۴۸
خَيْرَاتٌ پنجاه پنجم ۷۰
الْخَيْرَاتُ نهم ۸۹
بِالْخَيْرَاتِ سی پنجم ۲۹
الْخَيْرَةُ بیست هشتم ۶۸
سی سیم ۳۶

خاط
الْخَيْطُ دوم ۱۸۳
الْخَيْطِ دوم ۱۸۳
الْخِيَاطِ هفتم ۳۸

خال
يَخِلْ بیستم ۶۹
خَيْلٍ پنجاه نهم ۶
الْخَيْلِ هشتم ۶۲
وَالْخَيْلَ سیم ۱۴
وَالْخَيْلَ شانزدهم ۸
يُخَالُ هفدهم ۶۶
مُخْتَالٍ سی یکم ۱۷ پنجاه
هفتم ۲۳
مُخْتَالًا چهارم ۴۰

خام
الْخِيَامِ پنجاه پنجم ۷۲

باب الدال

دأب
دَأْبِ چهلم ۳۲
كَدَأْبِ سیم ۹ هشتم ۵۴
دَأَبًا دوازدهم ۴۷
دَائِبَيْنِ چهاردهم ۳۷

دب
دَابَّةٍ سی چهارم ۱۳
دَابَّةٍ دوم ۱۵۹ ششم
۳۸ یازدهم ۸ + ۵۹
شانزدهم ۵۱ + ۶۳
بیست چهارم ۴۴ بیست نهم
۶ و فی تتمة سورة اخری
دَابَّةٍ بیست هفتم ۸۴
وَالدَّوَابِّ بیست دوم ۱۸
الدَّوَابِّ هشتم ۲۲ + ۵۷
وَالدَّوَابِّ سی پنجم ۲۵

دبر
يُدَبِّرُ دهم ۳ + ۳۲ سیزدهم
۲ سی دوم ۴
أَدْبَرَ هفتادم ۱۷ هفتاد
چهارم ۲۳ + ۳۶ شصت
نهم ۲۳
يَتَدَبَّرُونَ چهارم ۸۴
چهل هفتم ۲۶
يَدَّبَّرُوا بیست سیم ۷۰
لِيَدَّبَّرُوا سی هشتم ۲۸
دُبُرٍ دوازدهم ۲۵
۲۷ + ۲۸
الدُّبُرَ پنجاه چهارم ۴۵
دُبُرَهُ هشتم ۱۶
وَأَدْبَارَ پنجاهم ۳۹
الْأَدْبَارَ سیم ۱۰۷
هشتم ۱۵ سی سیم ۱۵

چهل هشتم ۲۲ پنجاه
نهم ۱۲
أَدْبَارِهَا چهارم ۵۰
أَدْبَارَكُمْ پنجم ۲۴
أَدْبَارَهُمْ هفدهم ۴۹
چهل هفتم ۲۷
أَدْبَارَهُمْ پانزدهم ۶۵
وَأَدْبَارَهُمْ هشتم ۵۲
چهل هفتم ۲۹
وَإِدْبَارَ پنجاه دوم ۴۹
دَابِرَ ششم ۴۵
دَابِرَ هفتم ۷۰ هشتم ۷
پانزدهم ۶۶
فَالْمُدَبِّرَاتِ هفتاد نهم ۵
مُدْبِرًا بیست هفتم ۱۰ بیست هشتم
مُدْبِرِينَ نهم ۲۵ بیست یکم
۵۸ بیست هشتم ۸۲ سی ام
۵ سی هفتم ۸۰ چهلم ۳۵

دثر
الْمُدَّثِّرُ هفتاد چهارم ۱

دحر
دُحُورًا سی هفتم ۹
مَدْحُورًا هفتم ۱۷
هفدهم ۱۹ + ۴۱

دحض
لِيُدْحِضُوا هجدهم ۵۴
چهلم ۵
دَاحِضَةٌ چهل دوم ۱۵
الْمُدْحَضِينَ سی هفتم ۱۴۱

دحا
دَحَاهَا هفتاد نهم ۳۰

دخر
دَاخِرُونَ شانزدهم ۵۰
سی هفتم ۱۸
دَاخِرِينَ بیست هفتم ۸۹
چهلم ۶۲

دخل
سیم ۳۲ هفتاد یکم ۲۹
وَدَخَلَ دوازدهم ۳۶
بیست سیم - بیست هشتم ۴
دَخَلَتْ هفتم ۳۶
دَخَلَتْ بیستم ۳۷
دَخَلُوا پنجم ۶۶ دوازدهم
۶۱ + ۶۸ + ۸۸ و در تتمة
سورة اسری
مُدْخَلَ دوازدهم ۵۸
دَخَلْتُمْ چهارم ۲۳
بیست چهارم ۶۱
دَخَلَهُ سیم ۹۱
دَخَلُوهُ هفدهم ۷
دَخَلُوهُ پنجم ۲۶
يَدْخُلَ دوم ۱۰۵

يَدْخُلَ چهلم ۱۴
لَتَدْخُلُنَّ چهل هشتم ۲۷
يَدْخُلُونَ چهارم ۱۲۴
هفتم ۳۸ سیزدهم ۲۳
نوزدهم ۶۰ چهل هشتم
۴۳ صد دهم ۲
سَيَدْخُلُونَ چهلم ۶۲
وَلِيَدْخُلُوا هفدهم ۷
تَدْخُلُوا دوم ۲۱۴ سیم
۱۳۶ دوازدهم ۶۷
بیست چهارم ۲۷ + ۲۹
سی سیم ۵۳
يَدْخُلَنَّهَا شصت هشتم ۲۴
يَدْخُلُوهَا سیزدهم ۲۳
شانزدهم ۳۱ سی پنجم ۳۰
يَدْخُلُونَهَا دوم ۱۰۸
هفتم ۴۴
تَدْخُلُوهَا بیست چهارم ۲۸
تَدْخُلَهَا پنجم ۲۲ + ۲۴
أَدْخِلِ سی ششم ۲۵
أَدْخِلِي بیست هفتم ۴۴
فَادْخُلِي هشتاد نهم ۲۹
وَادْخُلِي هشتاد نهم ۳۰
ادْخُلَا شصت ششم ۱۰
وَادْخُلُوا دوم ۵۵
هفتم ۱۶۱ دوازدهم ۶۷
ادْخُلُوهَا پانزدهم ۴۶
پنجاهم ۳۳
فَادْخُلُوهَا سی نهم ۷۳
دَخَلَتْ سیزدهم ۱۴
وَأَدْخَلْنَاهُ بیست یکم ۷۵
وَأَدْخَلْنَاهُمْ بیست یکم ۸۶
وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ پنجم ۷۰
يُدْخِلُ بیست دوم ۱۴
۲۳ چهل دوم ۶ چهل
هفتم ۱۲ هفتاد ششم ۱۳
لِيُدْخِلَ چهل هشتم ۵ + ۲۵
يُدْخِلْ سیم ۱۸۹
يُدْخِلْهُ چهارم ۱۷ + ۱۸ چهل
هشتم ۱۷ شصت پنجم ۱۱
وَيُدْخِلْهُ شصت چهارم ۹
سَيُدْخِلُهُمْ نهم ۱۰
فَسَيُدْخِلُهُمْ چهارم ۱۷۴
فَيُدْخِلُهُمْ چهل پنجم ۲۹
وَيُدْخِلُهُمْ چهل هفتم ۷
پنجاه هشتم ۲۲
وَيُدْخِلْنَا پنجم ۸۷
وَيُدْخِلَكُمْ شصت یکم ۱۲
لَيُدْخِلَنَّهُمْ بیست دوم ۵۸
وَيُدْخِلَكُمْ شصت ششم ۸
وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ پنجم ۱۵

وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ سیم ۱۹۴
وَنُدْخِلُهُمْ چهارم ۶۰
سَنُدْخِلُهُمْ چهارم ۱۲۱ + ۶۰
وَنُدْخِلْكُمْ چهارم ۳۵
لَنُدْخِلَنَّهُمْ بیست نهم ۸
وَأَدْخِلْ بیست هفتم ۱۲
ادْخُلُوا چهلم ۴۹
أَدْخِلْنِي هفدهم ۸۲
وَأَدْخِلْنِي بیست هفتم ۱۹
وَأَدْخِلْهُمْ چهلم ۸
وَأُدْخِلَ سیم ۱۸۲ چهاردهم ۲۸
فَأُدْخِلُوا هفتاد یکم ۲۵
يُدْخَلُ هفتادم ۳۸
دَخَلًا شانزدهم ۹۴ + ۹۶
دَاخِلُونَ پنجم ۲۵
الدَّاخِلِينَ شصت ششم ۱۰
مُدْخَلَ هفدهم ۸۲
مُدْخَلًا چهارم ۳۵
بیست دوم ۵۸
مُدَّخَلًا نهم ۵۷

دخن
دُخَانٌ چهل یکم ۱۰
بِدُخَانٍ چهل چهارم ۹

درّ
دُرِّيٌّ بیست چهارم ۳۵
مِدْرَارًا ششم ۶ یازدهم
۵۲ هفتاد یکم ۱۰

درأ
وَيَدْرَأُ بیست چهارم ۸
وَيَدْرَءُونَ سیزدهم ۲۲
بیست هشتم ۵۴
فَادْرَءُوا سیم ۱۶۸
فَادَّارَأْتُمْ دوم ۷۲

درج
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ هفتم ۱۸۲
شصت هشتم ۴۴
دَرَجَةٌ دوم ۲۲۸
دَرَجَةً چهارم ۹۷ نهم
۲۰ پنجاه هفتم ۱۰
دَرَجَاتٌ ششم ۱۵۷
ششم ۱۳۲ هشتم ۴
چهل ششم ۱۸
الدَّرَجَاتُ بیستم ۷۷
الدَّرَجَاتِ چهلم ۲۵

درس
دَرَسْتَ ششم ۱۰۵
دَرَسُوا هفتم ۶۸
تَدْرُسُونَ سیم ۷۳
شصت هشتم ۳۷
يَدْرُسُونَهَا سی چهارم ۴۴

است فرموده چنین است واگر بهشت داشته باشد که اگر خداوند داوری کند ادای حقوق او را نماید ثواب او نیز خواهد شد اما نیت بحکم ترک کردن روزه ماه
مبارک رمضان است چون روزه سپر آتش جهنم است پس کسی که روزه نمیگیرد مانعی از آتش جهنم ندارد و چقدر شکم پرست است کسیکه مرخص است در تمام سال
بخورد و بیاشامد و همین یک ماه را روزه باشد و اگر بخواهد تمام روز را بخوابد ملامتی ندارد و تمام شب را بخورد و بیاشامد مرخص است با وجود
 این مخالفت خدا و رسول مینماید بعد روزه را بخورد و خورد را مسلم می‌شمارد ای بی عقل خدا و رسول که حاجت بروزه تو ندارند

باب الدال

دال بعد الراء والسین ... درس درك درهم دس دسر دسی دع دعو دفء دفع دفق دك دكر دل دلك دلو دم دمدم دمر دمع دمغ دمم دن دنا دهر دهق دهم دهن دهی دور دول دوم دون دين

وِدْرَاسَتِهِمْ ششم ۱۵۷
اِدْرِیْسَ نوزدهم ۵۷
وَاِدْرِیْسَ بیست‌یکم ۸۵

درك

اَدْرٰكَهُ دهم ۹۰
یُدْرِكُ ششم ۱۰۳
تُدْرِكَ سے ششم ۴۰
یُدْرِكَهُ چهارم ۱۰۱
یُدْرِكْكُمُ چهارم ۸۰
تُدْرِكُهُ ششم ۱۰۳
تَدَارَكَهُ شصت‌ششم ۴۹
اِدَّارَكَ بیست‌هفتم ۶۸
اِدَّارَكُوا هفتم ۳۶
اَلدَّرْكِ چهارم ۱۴۴
دَرَكًا بیستم ۸۰
لَمُدْرَكُوْنَ بیست‌ششم ۶۱

درهم

دَرَاهِمَ دوازدهم ۲۰
اَدْرٰىكُمْ بیست‌یکم ۱۰۹ + ۱۱۱
چهل‌ششم ۸ هفتاد‌دوم ۲۶
اَدْرٰىكَ شصت‌نهم ۳
تَدْرِیْ سے یکم ۳۴ م
چهل‌دوم ۵۲ شصت‌پنجم ۱
تَدْرُوْنَ چهارم ۱۱
تَدْرِیْ چهل‌پنجم ۳۱
هفتاد‌دوم ۱۰
اَدْرٰىكُمْ دهم ۱۷
یُدْرِیْكَ سے ستم ۶۳
چهل‌دوم ۱۷ هشتاد‌دوم ۳

دس

یَدُسُّهٗ شانزدهم ۵۹

دسر

وَدُسُرٍ پنجاه‌چهارم ۱۳

دسی

دَسّٰىهَا نود‌یکم ۱۰

دع

یَدُعُّ صد‌هفتم ۲
یُدَعُّوْنَ پنجاه‌دوم ۱۳
دَعًّا پنجاه‌دوم ۱۳
دُعَا ستم ۲۳ سے نهم ۱۱
چهل‌یکم ۳۳
تَدْعُوْا چهل‌چهارم ۳۱ پنجاه
چهارم ۱۰
دَعْوَتُ هفتاد‌یکم ۵
دَعَوْا هفتم ۱۸۹
دَعَوَا وَدَعْوَا
دهم ۲۲ نود‌دوم ۹۲
بیست‌پنجم ۱۳ بیست‌نهم
۶۵ سی‌ام ۳۲ سے یکم
۳۱
دَعَانِ دوم ۱۸۲
دُعَاهُ بیست‌هفتم ۶۳

دَعَانَا دهم ۱۲ سی‌نهم ۵۰
دَعَاكُمْ ششم ۲۴ سی‌ام ۲۵
دَعَوْتُكُمْ چهاردهم ۲۷
دَعَوْتُهُمْ هفتاد‌یکم ۷ عه
فَدَعَوْهُمْ هجدهم ۵۲
بیست‌هشتم ۶۴
اَدَعَوْتُمُوْهُمْ هفتم ۱۹۳
یَدْعُوْا دوم ۲۲۱ دهم ۲۶
بیست‌دوم ۱۲ + ۱۳ سے پنجم
۶ سے نهم ۱۱ چهل‌ششم ۴
هشتاد‌چهارم ۱۱
یَدْعُ بیست‌ستم ۱۱۷ پنجاه
چهارم ۶
فَلْیَدْعُ نود‌ششم ۱۷
وَلْیَدْعُ چهلم ۲۶
وَیَدْعُ هفدهم ۱۱
تَدْعُوا هفدهم ۱۱۰ بیست
پنجم ۱۵ هفتاددوم ۱۷
هفتاد‌دوم ۱۸
وَیَدْعُوا چهل‌هفتم ۳۷
یَدْعُ دهم ۱۰۶ بیست‌ششم
۲۱۳ بیست‌ششم ۸۸ سے
پنجم ۱۹
اَدْعُوا دوازدهم ۱۰۸
سیزدهم ۳۶ هفتاد‌دوم ۲۰
وَاَدْعُوا نوزدهم ۴۹
اَنَدْعُوْنَ سے هفتم ۱۲۵
یَدْعُوا شانزدهم ۸۸ هفدهم
۷۳ بیستم ۱۳ چهلم ۷۴
اَنَدْعُوا ششم ۷۰
یَدْعُ ستم ۵۴
سَنَدْعُ نود‌ششم ۱۸
یَدْعُوكَ بیست‌ششم ۲۵
یَدْعُوهُ هفتاد‌دوم ۱۹
یَدْعُوهُمْ ستم ۱۴۷ چهلم ۱۱
هفدهم ۵۴ پنجاه‌هفتم ۸
یَدْعُوهُمْ سے یکم ۲۰
یَدْعُنَا دهم ۱۳
یَدْعُوْنَا یازدهم ۶۵
چهل‌یکم ۴
تَدْعُوهُمْ هفتم ۱۹۳ + ۱۹۷
سے پنجم ۵ چهل‌دوم ۱۲
لَتَدْعُوهُمْ بیست‌ستم ۷۵
تَدْعُهُمْ هجدهم ۵۶
اُدْعُوكُمْ چهلم ۴۳ + ۴۵
یَدْعُونَ دوازدهم ۳۳
یَدْعُونَهُ ششم ۵۰
وَیَدْعُوْنَنَا بیست‌یکم ۹۰
تَدْعُونَنِیْ چهلم ۴۰ + ۴۳
وَتَدْعُوْنَنِیْ چهلم ۴۴
تَدْعُونَهُ ششم ۶۳
تَدْعُوْنَنَا چهاردهم ۱۰

نَدْعُوهُ پنجاه‌دوم ۲۸
اُدْعُ دوم ۶۳ + ۶۴ +
۶۵ هفتم ۱۳۱ شانزدهم
۱۲۶ چهل‌ستم ۴۸
فَادْعُ دوم ۵ چهلم ۱۴
وَادْعُوا دوم ۲ دهم ۳۹
یازدهم ۱۶ بیست‌پنجم ۱۵
اُدْعُهُنَّ دوم ۲۶۲
اُدْعُوْنِیْ چهلم ۶۲
فَادْعُوهُ هفتم ۱۷۹
چهلم ۶۷
وَادْعُوهُ هفتم ۲۸ + ۵۴
اُدْعُوهُمْ سے ستم ۵
فَادْعُوهُمْ هفتم ۱۹۳
دُعِیَ چهلم ۱۲
دُعُوا دوم ۲۸۲ بیست‌چهارم
۴۷ + ۵۰
دُعِیتُمْ سے ستم ۵۳
یُدْعٰی شصت‌یکم ۷
تُدْعٰی چهل‌پنجم ۲۷
یُدْعَوْنَ ستم ۲۲
شصت‌هشتم ۴۳
وَیُدْعَوْنَ شصت‌هشتم ۴۲
تُدْعَوْنَ چهلم ۱۰ چهل
هفتم ۴۰
سَتُدْعَوْنَ چهل‌هشتم ۱۶
یُدَعَّوْنَ سے ششم ۵۷
تُدَعَّوْنَ چهل‌یکم ۳۱
شصت‌هفتم ۲۷
اَلدَّاعِ دوم ۱۸۲ پنجاه
چهارم ۶ + ۸
دَاعِیَ چهل‌ششم ۳۰ + ۳۱
وَدَاعِیًا سے ستم ۴۵
اَلدَّاعِیْ بیستم ۱۰۷
دُعَاءِ سیزدهم ۱۵ چهلم
۵۰
دُعَآءِ چهل‌یکم ۴۹
بِدُعَاءِ نوزدهم ۴۹
کَدُعَاءِ بیست‌چهارم ۶۳
دُعَاءِ چهل‌یکم ۵۱
اَلدُّعَاءَ ستم ۳ چهاردهم ۴۱
دُعَاءِ بیست‌چهارم ۶۳
دُعَاءَ دوم ۱۶۶
اَلدُّعَاءَ بیست‌یکم ۴۶
بیست‌هفتم ۸۲ سی‌ام ۵۱
دُعَائِیْ چهاردهم ۴۲
در حالت نصبی
هفتاد‌یکم ۹ در حالت رفعی
دُعَاؤُکُمْ بیست‌پنجم ۷۷
بِدُعَائِكَ نوزدهم ۴
دُعَائِهِمْ چهل‌ششم ۴
دُعَائِهٖ هفدهم ۱۲

دُعَآءُ کَمْ سے پنجم ۱۵
اَدْعِیَآئَهُمْ سے ستم ۳۷
اَدْعِیَآئَكُمْ سے ستم ۴
دَعْوَةُ سیزدهم ۱۵
دَعْوَةٌ چهلم ۴۶
دَعْوَةَ دوم ۱۸۲
دَعْوَةً سے ام ۲۴
دَعْوَتُكُمَا دهم ۸۹
دَعَوْتُكَ چهاردهم ۴۶
دَعْوٰهُمْ هفتم ۴ دهم
۱۰ + ۱۱ بیست‌یکم ۱۵

دفء

دِفْءٌ شانزدهم ۵

دفع

دَفَعْتُمْ چهارم ۷
اِدْفَعْ بیست‌ستم ۹۸
چهل‌یکم ۳۴
اِدْفَعُوا ستم ۱۶۰
فَادْفَعُوا چهارم ۵
یُدَافِعُ بیست‌دوم ۳۹
دَفْعُ دوم ۲۵۱ بیست
دوم ۴۱
دَافِعٌ هفتادم ۲
دَافِعٍ پنجاه‌دوم ۸

دفق

دَافِقٍ هشتاد‌ششم ۶

دك

دُكَّتِ هشتاد‌نهم ۲۲
فَدُكَّتَا شصت‌نهم ۱۴
دَكًّا هفتم ۱۳۹ هشتاد
نهم ۲۲ م
دَكَّةً شصت‌نهم ۱۴
دَكَّاءَ هجدهم ۹۸

دكر

وَادَّكَرَ دوازدهم ۴۵
مُدَّكِرٍ پنجاه‌چهارم ۱۵ + ۱۷
۲۲ + ۳۲ + ۴۰ + ۵۱

دل

دَلَّهُمْ سے چهارم ۱۳
اَدُلُّكَ بیستم ۱۱۸
اَدُلُّكُمْ بیستم ۴۰ بیست
هشتم ۱۱ شصت‌یکم ۱۰
نَدُلُّكُمْ سے چهارم ۷
دَلِیْلًا بیست‌پنجم ۴۷

دلك

لِدُلُوْكِ هفدهم ۸۰

دلا

فَدَلّٰىهُمَا هفتم ۲۱
فَاَدْلٰی دوازدهم ۱۹
وَتُدْلُوْا دوم ۱۸۴
فَتَدَلّٰی پنجاه‌ستم ۸

دَلْوَهٗ دوازدهم ۱۹

دمدم

فَدَمْدَمَ نود‌یکم ۱۴

دمر

دَمَّرَ چهل‌هفتم ۱۱
دَمَّرْنَا بیست‌ششم ۱۷۲
سے هفتم ۱۳۶
وَدَمَّرْنَا هفتم ۱۳۳
فَدَمَّرْنَاهَا هفدهم ۱۷
دَمَّرْنَاهُمْ بیست‌هفتم ۵۲
فَدَمَّرْنَاهُمْ بیست‌پنجم ۳۸
تُدَمِّرُ چهل‌ششم ۲۴
تَدْمِیْرًا هفدهم ۱۷
بیست‌پنجم ۳۸

دمع

اَلدَّمْعِ پنجم ۸۶ نهم ۹۳

دمغ

فَیَدْمَغُهٗ بیست‌یکم ۱۸

دم

وَالدَّمَ پنجم ۴
بِدَمٍ دوازدهم ۱۸
وَدَمٍ شانزدهم ۶۸
دَمًا ششم ۱۴۶
وَالدَّمَ دوم ۱۶۸ هفتم
۱۳۰ شانزدهم ۱۱۶
الدِّمَاءَ دوم ۲۸
دِمَاءَهُمْ دوم ۳۸
دِمَاءَكُمْ دوم ۷۸

دینار

بِدِیْنَارٍ ستم ۶۸

دنی

دَنٰی پنجاه‌ستم ۸
یُدْنِیْنَ سے ستم ۵۹
دَانٍ پنجاه‌پنجم ۵۴
دَانِیَةٌ ششم ۹۹ شصت
نهم ۲۳
وَدَانِیَةً هفتاد‌ششم ۱۴
اَدْنٰی دوم ۵۸ سوره روم
چهارم ۳ پنجم ۱۰۷
وَاَدْنٰی دوم ۲۸۲
الْاَدْنٰی هفتم ۱۶۸
سے دوم ۲۱

دهر

اَلدَّهْرُ چهل‌پنجم ۲۳
اَلدَّهْرِ هفتاد‌پنجم ۱

دهق

دِهَاقًا هفتاد‌هشتم ۳۴

دهم

مُدْهَامَّتَانِ پنجاه‌پنجم ۶۵

دهن

تُدْهِنُ شصت‌هشتم ۹

فَیُدْهِنُوْنَ شصت‌هشتم ۹
بِالدُّهْنِ بیست‌ستم ۲۰
كَالدِّهَانِ پنجاه‌پنجم ۳۷
مُدْهِنُوْنَ پنجاه‌ششم ۸۰

دهی

اَدْهٰی پنجاه‌چهارم ۴۶

داود

دَاوٗدُ دوم ۲۵۲
سے ششم ۲۳ + ۲۵
دَاوٗدَ چهارم ۱۶۱ پنجم
۸۲ ششم ۸۴ هفدهم ۵۷
بیست‌یکم ۷۹ بیست‌هفتم
۱۵ + ۱۶ سے چهارم ۱۰
۱۳ سے ششم ۱۶ + ۲۱
لِدَاوٗدَ سے ششم ۲۹
وَدَاوٗدَ بیست‌یکم ۷۸

دار

نُدَاوِلُهَا ستم ۱۳۴؟
تُدِیْرُوْنَهَا دوم ۲۸۲
دَارُ ششم ۱۲۷ شانزدهم
۳۲ چهلم ۳ چهل‌یکم ۲۸
وَالدَّارُ دوازدهم ۱۰۹
شانزدهم ۳۲
اَلدَّارُ دوم ۸۸ بیست
هشتم ۸۳
وَلَلدَّارُ ششم ۳۲
وَالدَّارُ هفتم ۱۶۸
دَارِ دهم ۲۶
اَلدَّارِ ششم ۱۳۶ سیزدهم
۲۲ + ۲۴ + ۲۵ + ۴۲
بیست‌هشتم ۳۷ سے هشتم
۴۶ چهلم ۵۵
دَارَ هفتم ۱۴۲
چهاردهم ۲۳ سے پنجم ۳۲
اَلدَّارَ بیست‌هشتم ۷۷ بیست
نهم ۶۴ پنجاه‌نهم ۹
وَالدَّارَ سے ستم ۲۹
اَلدَّبَارِ هفدهم ۵
وَیُدَارِهٖ بیست‌ششم ۸۱
دَارِکُمْ یازدهم ۶۸
دَارِهِمْ هفتم ۷۶ + ۸۹
سیزدهم ۳۱ بیست‌نهم ۳۶
دِیَارِنَا دوم ۲۴۷
دِیَارِکُمْ دوم ۷ چهارم
۶۹ شصتم ۸ + ۹
دِیَارِهِمْ دوم ۷۹ + ۲۴۴
ستم ۱۹۴ هشتم ۴۹ یازدهم
۷۰ + ۹۷ بیست‌دوم
۴۱ پنجاه‌نهم ۲ + ۸
وَدِیَارَهُمْ سے ستم ۲۷
دَیَّارًا هفتاد‌یکم ۲۷
دَائِرَةُ نهم ۹۹ چهل‌ششم ۶

دَائِرَةٌ پنجم ۵۷
اَلدَّوَائِرَ نهم ۹۹

دال

نُدَاوِلُهَا ستم ۱۳۴
دُوْلَةً پنجاه‌نهم ۷

دام

دَامَتْ یازدهم ۱۰۹ + ۱۱۰
دُمْتَ ستم ۶۸
دُمْتُ پنجم ۱۱۷ نوزدهم ۳۲
دَامُوا پنجم ۲۷
دُمْتُمْ پنجم ۹۷
دَائِمٌ سیزدهم ۳۵
دَائِمُوْنَ هفتادم ۲۳
تَدْعُوْنَ هفتم ۲۰۴
دُوْنِیْ هفدهم ۲ هجدهم
۴۸ + ۱۰۲
دُوْنِكَ شانزدهم ۸۸
بیست‌پنجم ۱۹
دُوْنِهَا هجدهم ۸۹
دُوْنِهِمَا هجدهم ۹۲
پنجاه‌پنجم ۶۲
دُوْنَنَا بیست‌یکم ۴۴
دُوْنِکُمْ ستم ۱۱۴
دُوْنِهِمْ هشتم ۶۲ نوزدهم
۱۷ بیست‌ششم ۳۳ سے
چهارم ۳۰

دان

یَدِیْنُوْنَ نهم ۲۹
تَدَایَنْتُمْ دوم ۲۸۲
دِیْنِ چهارم ۱۲ + ۱۳
۱۴ + ۱۵
یَدِیْنِ دوم ۲۸۲
دِیْنُ نود‌ششم ۴
دِیْنِ ستم ۷۷ دوازدهم
۷۶ بیست‌چهارم ۲ صد‌یکم
وَدِیْنِ نهم ۳۳ چهل‌هشتم
۲۸ شصت‌یکم ۹
بِالدِّیْنِ هشتاد‌دوم ۹
نود‌پنجم ۷ صد‌هفتم ۱
لِلدِّیْنِ دهم ۱۰۵ سے
۲۹ + ۴۲
دِیْنَ نهم ۲۹
دِیْنًا ستم ۷۹ چهارم
۱۲۴ پنجم ۵ ششم ۱۶۲
دِیْنِیْ دهم ۱۰۴ سے
نهم ۱۶ صدم ۶
دِیْنُکُمْ صد‌نهم ۶
دِیْنَهُمْ ششم ۵۱
دِیْنِهٖ دوم ۲۱۴ پنجم ۵۹
دِیْنِکُمْ دوم ۲۱۴
چهارم ۱۶۹ پنجم ۲ + ۸۱

ایشان بعد اصلاح تو این عمل را واجب گرداند چنانچه میفرماید ان تصوموا خیر لکم پس اگر او را صادق و خود را غافل میداند بنا بند ا نرا ترک بکنی و خود را در محل خطر اندازی گفتم راست است و من اثم ترک نخواهم کرد لکن بفرما اگر کسی ا نرا ترک نموده و حال بخواهد توبه کند چاره ان چیست فرمود چاره ان ندامت از گذشته و عزم ان برا ینده و قضاء کردن گذشته ها بقدر وسع و طاقتش و اگر کفاره لازم **۵۵۹** شد کفاره نیز بدهد اگر ممکن است و اگر ممکن نیست عزم کند بر ان که عند القدرة والامکان بجا آورد ششم ظلم کردنست بر بندگان خدا و اعانت

فصل الهمزه والغین

نهم ۱۲
بینکم چهل نهم ۱۶
دینهم سیم ۲۳
دینکم سیم ۶۶ پنجم ۵
۶۲ چهلم ۲۷
لمدینون سی هفتم ۵۱
مدینین پنجاه ششم ۸۵

باب الذال

ذاب

الذئب دوازدهم ۱۳
۱۷ + ۱۴

ذام

مذئوما هفتم ۱۷

ذب

الذباب بیست دوم ۷۳
ذبابا بیست دوم ۷۳

ذبذب

مذبذبین چهارم ۱۴۳

ذبح

فذبحوها دوم ۷۱
تذبحوا دوم ۶۷
اذبحک سی هفتم ۱۰۲
لاذبحنه بیست هفتم ۲۱
ذبح پنجم ۴
یذبح بیست هشتم ۳
یذبحون دوم ۴۹
ویذبحون چهاردهم ۶
بذبح سی هفتم ۱۰۷

ذخر

تدخرون سیم ۴۳

ذر

ذریتی چهارم ۴۴ دهم
۶۲ سی چهارم ۳ + ۲۱
ذریتهم ۱۷۲ ۸
ذریته دوم ۲۶۸ ششم ۸۳
ذریتنا ششم ۱۳۳ نوزدهم
۵۹ م
ذریتی هفدهم ۳
ذریه سیم ۳۴ + ۳۳
چهاردهم هفتم ۱۷
وذریه سیزدهم ۳۸
ذریتی دوم ۱۲۸ چهاردهم
۴۰ + ۴۲ چهل ششم ۱۴
ذریتهم پنجاه دوم ۲۱
ذریته ششم ۸۳ بیست
نهم ۳۶
ذریتهما سی هفتم ۱۱۳
پنجاه هفتم ۲۶
ذریتنا دوم ۱۲۲
ذریته هفدهم ۶۴

سی هفتم ۷۵
وذرنی هجدهم ۴۸
وذریتها سیم ۳۱
ذریتهم هفتم ۱۷۲ سی
ششم ۴۱ پنجاه دوم ۲۱
وذریاتنا بیست پنجم ۷۴
وذریاتهم ششم ۸۷
سیزدهم ۲۳ چهلم ۸

ذرء

ذرأنا ششم ۱۳۶ شانزدهم ۱۳
ذرأنا هفتم ۱۷۸
ذرأکم بیست سیم ۸۱ شصتم
هفتم ۲۴
یذرؤکم چهل دوم ۹

ذرع

ذرعا یازدهم ۷۹
بیست نهم ۳۲
ذرعها شصت نهم ۳۲
ذراعا شصت نهم ۳۲
ذراعیه هجدهم ۱۷

ذرا

تذروه هجدهم ۴۳
ذروا پنجاه یکم ۱
والذاریات پنجاه یکم ۱

ذعن

مذعنین بیست چهارم ۴۸

ذقن

الاذقان سی هشتم ۷
للاذقان هفدهم ۱۰۸ + ۱۰۹

ذکر

وذکری سیم ۲۱ هشتاد
هفتم ۱۵
ذکرت هفتم ۴۹
ذکروا سیم ۱۲۹
وذکروا بیست ششم ۲۲۷
ذکره هفتاد چهارم ۵۴
هشتادم ۱۲
یذکر نوزدهم ۶۸
بیست یکم ۳۷
تذکر دوازدهم ۸۵
یذکرون سیم ۱۸ چهاردهم
۱۴۱ ششم ۱۳۹ سی هفتم
۱۳ هفتاد چهارم ۵۵
لیذکروا بیست دوم ۲۹
ویذکروا بیست دوم ۲۹
فستذکرون چهلم ۴۷
تذکری احمد ۱۳
یذکرهم بیست یکم ۶۱
اذکره هجدهم ۶۳
اذکرکم دوم ۱۴۷
ستذکرونهن دوم ۲۳۵

وبذکرنه بیستم ۳۴
اذکر پنجم ۱۹
اذکروا دوم ۳۸ + ۴۴
۱۱۶ پنجم ۱۳ + ۲۳
چهاردهم ۶ سی سیم ۹
۴۱ سی پنجم ۳
واذکروا دوم ۱۹۴
۱۹۶ + ۲۴۰ چهارم ۱۰۴
هفتم ۶۷ + ۷۲ بیست
دوم ۳۷
واذکرن سی سیم ۳۴
اذکرنی دوازدهم ۴۲
فاذکرونی دوم ۱۴۷
واذکروه دوم ۱۹۴
ذکر ششم ۱۱۸ + ۱۱۹
هشتم ۲ بیست دوم ۳۶
سی نهم ۴۶ م
وذکر چهل هفتم ۲۲
یذکر بیست دوم ۴۱
یذکر دوم ۱۰۸
ویذکر بیست چهارم ۳۶
یذکر ششم ۱۲۱
فذکر پنجاهم ۴۵ پنجاه
دوم ۲۹ هشتاد هفتم
۹ هشتاد هشتم ۲۱
وذکر ششم ۹ پنجاه
یکم ۵۵
وذکرهم چهاردهم ۵
ذکر هجدهم ۵۵ سی
دوم ۲۲
ذکروا پنجم ۱۶ + ۱۷
ششم ۴۴ هفتم ۱۶۵
بیست پنجم ۷۳ سی دوم
۱۵ سی هفتم ۱۳
ذکرتم سی ششم ۱۸
تذکر سی پنجم ۳۴
یتذکر سیزدهم ۱۹
بیستم ۴۶ سی پنجم ۳۷
سی نهم ۱۳ چهلم ۱۳
هفتاد نهم ۳۵ هشتاد
نهم ۲۴
یذکر دوم ۲۷ بیستم
۵ هشتادم ۴
سیذکر هشتاد هفتم ۱۰
یذکر بیست پنجم ۶۳
ولیذکر سی هشتم ۲۸
ولیذکر چهاردهم ۵۲
تذکرون ششم ۱۵۲
لیذکروا هفدهم ۴۱
بیست پنجم ۵۲ سی دوم
۳ چهلم ۶۰

تذکروا هفتم ۲۰۰
ذکر نوزدهم ۱ بیست
یکم ۲۴
ولذکر بیست نهم ۴۵
فذکر بیست یکم ۲۴
ذکر هفتم ۶۱ + ۶۷
دوازدهم ۱۰۴ بیست
یکم ۵۱ سی ششم ۶۹
سی هشتم ۴۹ + ۸۷
شصت هشتم ۵۲ هشتاد
یکم ۲۷
الذکر چهاردهم ۴۳
الذکر یازدهم ۶ سی
هشتم ۷ پنجاه چهارم ۲۵
یذکر سیزدهم ۲۸ م
بیست یکم ۳۷
لذکر پنجاه هفتم ۱۵
ذکر بیست ششم ۴
بیست یکم ۲
الذکر شانزدهم ۴۵
بیست یکم ۷ + ۱۰۵ بیست
پنجم ۳۱ سی هشتم ۱
بالذکر چهل یکم ۴۱
للذکر پنجاه چهارم ۱۷
۲۲ + ۲۳ + ۴۰
والذکر سیم ۵۱
ذکر دوازدهم ۴۲
پنجاه هشتم ۲۰
ذکرا دوم ۱۹۶ چهارم
۶۹ + ۸۲ بیستم ۹۹
۱۱۳ سی سیم ۴۱ سی هفتم
۳ + ۱۶۸ شصت پنجم ۱۱
هفتاد هفتم ۵
وذکرا بیست یکم ۴۹
ذکرکم بیست یکم ۱۰
ذکری هجدهم ۱۰۱
بیستم ۴۴ + ۱۲۳ بیست
سیم ۱۱۲ سی هشتم ۷
لذکری بیستم ۱۴
ذکرنا هجدهم ۲۷ پنجاه
سیم ۳۰
کذکرکم دوم ۱۹۶
ذکرهم بیست سیم ۷۳
ذکرک نود چهارم ۴
الذکر سیم ۳ پنجاه سیم ۲۱
ذکر سیم ۱۹۳ چهارم ۱۲۳
شانزدهم ۹۹ چهلم ۴۳
چهل نهم ۱۳
للذکر چهارم ۱۲
فللذکر چهارم ۱۷۵
الذکر پنجاه سیم ۴۶

هفتاد پنجم ۳۹ نود
دوم ۳
ءالذکرین ششم ۱۴۳ + ۱۴۴
الذکور چهل دوم ۴۸
لذکورنا ششم ۱۴۰
ذکرانا چهل دوم ۴۹
الذکران بیست ششم ۱۶۵
للذاکرین یازدهم ۱۱۶
والذاکرین سی سیم ۳۵
والذاکرات سی سیم ۳۵
ذکری ششم ۶۸ + ۹۰
یازدهم ۱۱۶ بیست ششم ۲۰۹
سی هشتم ۴۳ هفتاد
چهارم ۳۴
لذکری سی نهم ۲۲
پنجاهم ۳۶
وذکری هفتم ۱ یازدهم ۱۲۱
بیست یکم ۸۴ بیست ششم ۵۰
سی هشتم ۴۲ چهلم ۵۶
پنجاهم ۸
الذکری ششم ۶۸ چهلم
چهارم ۱۳ پنجاه یکم ۵۵
هشتادم ۴ هشتاد هفتم ۹
هشتاد نهم ۲۴
ذکریها هفتاد نهم ۴۳
ذکریهم چهل هفتم ۲۰
تذکرة هفتاد سیم ۱۹
هفتاد چهارم ۵۴ هفتاد
ششم ۲۹ هشتادم ۱۱
لتذکرة شصت نهم ۴۸
التذکرة هفتاد چهارم ۵۰
تذکرة بیستم ۳ پنجاه ششم
۷۲ شصت نهم ۱۲
وتذکیری دهم ۷۲
مدکر هفتاد ششم ۱
مذکرین هشتاد ششم ۲۱

ذکی

ذکیتم پنجم ۴

ذل

تذل بیستم ۱۳۴
وذللناها سی ششم ۷۲
وذللت هفتاد ششم ۱۴
وتذل سیم ۲۵
اذل چهلم ۲۵ + ۱۱۱
چهل دوم ۴۴
ذلة دهم ۲۷ + ۲۸
شصت هشتم ۴۳
هفتادم ۴۴
وذلة هفتم ۱۵۱
الذلة دوم ۸۸ سیم
۱۰۸

ذلول دوم ۶۶
ذلولا شصت هفتم ۱۵
ذللا شانزدهم ۷۱
اذلة سیم ۱۱۹
اذلة پنجم ۵۹
اذلة بیست هفتم ۳۴ + ۳۷
الاذل شصت سیم ۸
الاذلین پنجاه هشتم ۲۱
تذلیلا هفتاد ششم ۱۴
اذلک بیست پنجم ۱۶ سی
هفتم ۴۰
بذلک چهارم ۱۹ چهل
پنجم ۲۳ شصت هشتم ۴۰
فبذلک دهم ۵۹
وبذلک ششم ۱۶۳
فذلک بیست یکم ۲۹ هفتاد
چهارم ۹ صد هفتم ۲
کذلک سیم ۴۳ نوزدهم ۲۱
فکذلک بیستم ۹۰
فلذلک چهل دوم ۱۴
ولذلک یازدهم ۱۲۰
ذلکما دوازدهم ۳۷
فلذلکم دهم ۳۲
کذلکم چهل هشتم ۱۵
وذلکم چهل یکم ۲۲
فلذلکن دوازدهم ۳۲

ذمم

ذمة نهم ۱۰۸
مذموم شصت هشتم ۴۹
مذموما هفدهم ۱۹ + ۲۲

ذنب

ذنب بیست ششم ۱۳
ذنب هشتاد یکم ۹
الذنب چهلم ۳
بذنوب هفدهم ۱۸
بیست پنجم ۵۸
الذنوب سی نهم ۵۳ سی ششم
بذنبک دوازدهم ۲۹
ذنبک چهلم ۵۵ چهل
۷ چهل هفتم ۲۱
ذنبه پنجاه پنجم ۳۹
بذنبه بیست نهم ۳۹
بذنبهم شصت هفتم ۱۱
نود یکم ۱۴
بذنوبنا چهلم ۱۱
ذنوبکم چهاردهم ۱۰ چهل
ششم ۳۱ هفتاد یکم ۴
بذنوبکم پنجم ۲۱
ذنوبهم پنجم ۴۹
بیست ششم ۷۸
بذنوبهم ششم ۶ هشتم

هفتم ۹۸ هشتم ۵۴ + ۵۶
نهم ۱۰۳ چهلم ۲۲
لذنوبهم سیم ۱۳۵
ذنوبا سیم ۱۴۰ + ۱۴۱
۱۹۱ دوازدهم ۹۸
ذنوبکم سیم ۲۹ سی سیم
۷۱ شصت یکم ۱۲
ذنوب پنجاه یکم ۵۹
ذنوبا پنجاه یکم ۵۹

ذهب

دوم ۱۶ یازدهم ۱۳ + ۷۷
بیست یکم ۸۷ سی سیم ۱۹
هفتاد پنجم ۳۳
لذهب دوم ۱۹ بیست سیم ۲۰
ذهب شصتم ۱۱
ذهبوا دوازدهم ۱۵
ذهبا دوازدهم ۱۷
تذهب بیست چهارم ۶۲
فیذهب سیزدهم ۱۸
تذهب سی نهم ۹
وتذهب هشتم ۴۸
وتذهبا بیستم ۶۶
یذهبوا بیست چهارم ۶۲
سی سیم ۲۰
تذهبون هشتاد یکم ۲۶
تذهبوا دوازدهم ۱۳
لتذهبوا چهارم ۲۳
تذهبن چهل سیم ۴۰
لنذهبن هفدهم ۸۶
اذهب هفدهم ۶۵
بیستم ۲۵ + ۴۴ بیست
هفتم ۲۸ هفتادم ۱۷
فاذهب بیستم ۲۷ بیستم ۹۷
اذهبا بیستم ۴۵ بیست
پنجم ۳۸
فاذهبا بیست ششم ۱۴
اذهبوا دوازدهم ۸۷ + ۹۳
اذهب سی پنجم ۳۱
اذهبتم چهل ششم ۱۹
لیذهب سی سیم ۳۳
ویذهب هشتم ۱۰
ویذهب نهم ۱۵
یذهبن یازدهم ۱۱۶
یذهبن بیست دوم ۱۵
الذهب سیم ۱۴
ذهبا سیم ۸۵
الذهب نهم ۳۴
ذاهب سی هفتم ۱۷
ذهاب بیست سیم ۱۸

ذهل

تذهل بیست دوم ۲

فذرو

ذاب
نب
ذبح
ذخر
ذرء
ذرع
ذقن
ذکر
ذمم
ذنب
ذعر
ذهل

ظلم کردن وان از گناهان بسیار بزرگست زیراکه خداوند عالم از آن نخواهد گذشت والبته مؤاخذه خواهد نمود زیراکه بخشیدن این ظلم بر صاحب حق است
رحم بر پلنگ تیزدندان ۰ ستمکاری بود بر گوسفندان وخداوند در قران میفرماید گمان مکنید که خدا غافلست از ظلم ظالمان بلکه ایشان را مهلت میدهد
تا مرگ یا قیامت ۵۱۰ وبعد مؤاخذه سخت خواهد نمود میگویم ایشان مخلدند در عذاب لکن کسانی که در دنیا بعیش وعشرت کوشیده مال
فقرا وضعفاء را بظلم وتعدی میگیرند واز راه صرف مخارج بیهوده میکنند **باب الراء** واگر خدای بدهد یکی از ایشان دو چندد جزع وفزع میکنند

فذو چهل یکم ۵۱
وذو چهل یکم ۴۳
وبذی چهارم ۴۰
لذی هشتادونهم ۴
ولذی هشتم ۴۲ پنجاه
نهم ۷
وذی دوم ۷۷
وذا بیست یکم ۸۵ + ۸۷
سی هشتم ۴۸
ذوا پنجم ۹۶ + ۱۰۵
ذوی شصت پنجم ۲
ذوی دوم ۱۷۲
ذات هشتم ۱ بیستم ۱۶
م ۱۷ بیست هفتم ۶۱
صد یازدهم ۳
وذات هجدهم ۱۷
ذواتا پنجاه پنجم ۴۸
ذواتی سی چهارم ۱۵

ذاد

تذودان بیست هشتم ۲۳

ذاق

فذاقت شصت پنجم ۹
ذاقا هفتم ۲۱
ذاقوا هشتم ۱۴۹ پنجاه
نهم ۱۵
فذاقوا شصت چهارم ۵
لیذوق پنجم ۹۶
یذوقون چهل چهارم ۵۶
هفتاد هشتم ۲۴
یذوقوا سی هشتم ۷
لیذوقوا چهارم ۵۹
ویذوقوا شانزدهم ۹۴
فلیذوقوه سی هشتم ۵۷
ذق چهل چهارم ۴۹
فذوقوا سیم ۱۰۲ ششم
۳۰ وفی ثانیه سوره اخری
وذوقوا هشتم ۵۲ بیست
دوم ۲۲ سی دوم ۱۴
فذوقوه هشتم ۱۴
اذقنا دهم ۲۱ یازدهم ۱۲
سی ۵ ۳ [illegible] ۴۷
فاذاقها شانزدهم ۱۱۲
اذاقهم سی ام ۳۲
فاذاقهم سی نهم ۲۶
لاذقناک هفدهم ۷۷
اذقناه یازدهم ۱۳
چهل یکم ۵۰
ویذیق ششم ۶۵
فلنذیقن چهل یکم ۲۶
ولیذیقکم سی ام ۴۶
لیذیقهم سی ام ۴۱
ونذیقه بیست ودوم ۹

نذقه بیست دوم ۲۶
بیست پنجم ۲۱ سی چهارم
نذیقهم دهم ۷۱
لنذیقهم چهل یکم ۱۵
ذائقة سیم ۱۸۲ بیست
یکم ۳۶ بیست نهم ۵۷
لذائقون سی هفتم ۳۰
لذائقوا سی هفتم ۳۷
ولنذیقنهم سی دوم ۲۱
چهل یکم ۵۰
[illegible] بیست هشتم ۳۲
اذاعوا چهارم ۸۵

باب الراء

راس

الرأس نوزدهم ۳
برأس هفتم ۱۴۹
رؤس دوم ۲۷۹
سی هفتم ۶۳
رأسه دوازدهم ۳۶
برأسه بیستم ۹۵
رأسه دوم ۱۹۲ دوازدهم
۴۱ چهل چهارم ۴۸
برؤسکم پنجم ۸
رؤسهم چهاردهم ۴۴
بیست یکم ۶۶ بیست دوم
۲۰ سی دوم ۱۲
رؤسکم دوم ۱۹۲
چهل هشتم ۲۷
رؤسهم هفدهم ۵۳
شصت هشتم ۵

رأف

رأفة بیست چهارم ۲
رأفة پنجاه هفتم ۲۷
لرؤف دوم ۱۳۸
شانزدهم ۷ + ۴۹ بیست
دوم ۶۰ پنجاه هفتم ۹
[illegible] بیستم ۱۵
رأیت چهارم ۶۱ ششم
۶۷ چهل هفتم ۲۲ هفتاد
ششم ۲۰ م
ارأیت بیستم ۶۳ بیست
پنجم ۴۳ نود ششم ۹
۱۱ + ۱۳ صد هفتم ۱
افرأیت نوزدهم ۸۰
بیست ششم ۲۰۹ چهل پنجم
۲۲ پنجاه سیم ۳۴
ورأیت صد دهم ۲
رأیت دوازدهم ۴
أفرأیتم بیست ششم ۷۵
سی نهم ۳۹ پنجاه ششم

۱۹ پنجاه ششم ۵۸ + ۶۳
۶۷ + ۷۰
رأک بیست یکم ۳۷
رآه بیست هفتم ۴۰ پنجاه
سیم ۱۳ هشتاد یکم ۲۳
نود ششم ۷
فرآه سی پنجم ۹ سی هفتم ۵۳
رآها بیست هفتم ۱۰ بیست هشتم ۳۱
رآه بیست هفتم ۴۴
رأیتهم بیست پنجم ۱۳
أرأیتک هفدهم ۶۲
أرأیته پنجاهم ۲۱
أرأیتکم ششم ۴۰ + ۴۷
رأیتهم پنجم ۹۴ سیم
۱۹ شصت سیم ۴ هفتاد
ششم ۱۹
ورأیتهم شصت سیم ۵
رأیتهم دوازدهم ۴
رأوک بیست پنجم ۴۲
ورأوا دوم ۱۶۱ هفتم
۱۴۸ بیست سیم ۶۴
رأوه چهل ششم ۲۴
شصت هفتم ۲۷
فرأوه سی ام ۵۰
رأوها شصت هشتم ۲۶
رأوهم هشتادسیم ۳۲
رأیته دوازدهم ۳۱
رأیتموه سیم ۱۳۷
یری دوم ۱۶۰ پنجاه سیم
۱۲ + ۳۶ هفتاد هشتم
۳۶ نود ششم ۱۴
فیری بیستم ۱۰۶
وتیری نهم ۹۵
ویری سی چهارم ۶
[illegible] سی ششم ۷۷
تری نوزدهم ۲۶
وأری بیستم ۴۸
ترون هشتم ۵۰ دوازدهم ۵۹
تروا سی یکم ۱۹ هفتاد
یکم ۱۴
لترون صد دوم ۶
تری دوم ۵۲ + ۱۳۹
ششم ۹۴ یازدهم ۲۹
بیست پنجم ۲۳ سی ششم ۴۳
نراک بیست ششم ۲۱۸
براها بیست چهارم ۴۰
براکم هفتم ۲۶ بیست ششم ۱۲۸
تره نوزدهم ۷ نود ششم
۸ + ۷
تراءی هشتم ۱۳۹ م
فتراه سی نهم ۲۲ پنجاه

هفتم ۱۹
تراهم چهل هشتم ۲۹
وتراهم هفتم ۱۹۷ چهل
دوم ۴۴
ترن هجدهم ۳۷
ارانی دوازدهم ۳۶ م
اراک ششم ۷۴
اراکم سیم ۱۴۵ یازدهم
۳۱ + ۸۵ چهل ششم ۲۲
برونه هفتاد دوم ۶
یرونها بیست پنجم ۴۲
هفتاد نهم ۴۶
یرونهم سیم ۱۱
ترونها سیزدهم ۲
بیست دوم ۲ سی یکم ۹
ترونهم بیست هفتم ۲۶
ترونها نهم ۲۶ + ۴۰
سی سیم ۹
لترونها صد دوم ۷
نراک یازدهم ۲۹ م
دوازدهم ۳ + ۷۸
لنراک هفتم ۵۸ + ۶۴
یازدهم ۹۳
ونراه هفتادم ۷
لنراها دوازدهم ۳۰
لیروا نود نهم ۶
أراک چهارم ۱۰۶
اراکهم هشتم ۴۵
فاراه هفتاد نهم ۲۰
اراکم سیم ۱۴۵
اریناک هفدهم ۶۲
لأریناکهم چهل هفتم ۳۲
اریناه بیستم ۵۸
نری ششم ۷۵
ونری بیست هشتم ۵
یریکهم هشتم ۴۵
لیریه پنجم ۳۴
یریکم سیزدهم ۱۳
سی ام ۲۳ چهلم ۱۳
یریکموهم هشتم ۴۶
سیریکم بیست هفتم ۹۵
ویریکم دوم ۶۸ چهلم ۸۱
لیریهما هفتم ۲۶
لیریکم سی یکم ۳۰
یریهم دوم ۱۶۲
یریک بیست سیم ۹۵
أریکم چهلم ۳۰
سأریکم هفتم ۱۴۲
بیست یکم ۳۸
نریک بیست سیم ۹۷
لنریک بیستم ۲۴

نرینک دهم ۴۲ سیزدهم
۴۰ چهلم ۷۷ چهل یکم ۵۳
لنریه هفدهم ۱
نریهم چهل سیم ۴۷
سنریهم چهل یکم ۵۳
ارنی دوم ۲۶۲ هفتم ۱۳۹
ارنا چهارم ۱۵۲ چهل یکم ۲۹
وارنا دوم ۱۲۲
ارونی سی چهارم ۲۶ سی
پنجم ۳۸ چهل ششم ۳
فارونی سی یکم ۱۰
یرنی چهل ششم ۲۴ پنجاه
سیم ۴۱
یراوون چهارم ۱۴۱ صد
هفتم ۶
تراءا بیست ششم ۶۱
تراءت هشتم ۵۰
الرأی یازدهم ۲۹
رأی سیم ۱۱
ورئیا نوزدهم ۷۵
الرؤیا هفدهم ۶۲ سی
هفتم ۱۰۵ چهل هشتم ۲۷
الرؤیا دوازدهم ۴۳
رؤیای دوازدهم ۴۳ + ۱۰۱
رؤیاک دوازدهم ۵
رئاء دوم ۲۶۴ چهارم ۳۸
ورئاء هشتم ۴۹

ورب

ورب سی چهارم ۱۴
لرب دوم ۱۲۵ ششم ۷۰
چهلم ۶۸ هشتاد سیم ۶
ورب چهل پنجم ۳۵
فورب پنجاه یکم ۲۳
رب سی ششم ۵۸
ورب سی هفتم ۱۲۶
ربا ششم ۱۶۴
وربی دهم ۵۴ سی چهارم
۳ شصت چهارم ۷
ربک نوزدهم ۲۱ + ۲۴
پنجاه یکم ۳۰
ربها سیم ۳۲
ربکما هفتم ۱۹ بیستم ۵۱
ربهما هفتم ۲۱
وربنا بیست یکم ۱۱۲
فربکم هفدهم ۸۶
بربی هجدهم ۳۶ + ۴۰
چهلم ۲۸ چهل چهارم ۱۹
بربک هفدهم ۱۸ + ۴۷
بیست پنجم ۳۳ چهل یکم
۵۳ هشتاد دوم ۶
لربک صد هشتم ۲
الربک سی هفتم ۱۴۹

ولربک هفتاد چهارم ۷
وربک چهارم ۶۸
بربه هفتاد دوم ۱۳
لربه هفتاد نهم ۲۹ صد دهم ۶
وربک یازدهم ۹۲
نوزدهم ۹۶
ربک شانزدهم ۷
نوزدهم ۱۹ هشتادم ۲۸
لربک سیم ۳۸
لربها هشتاد چهارم ۲ + ۵
بربنا بیستم ۷۵ هفتاد
دوم ۲
وربنا ششم ۳۰ چهل ششم ۳۳
لربکم [illegible] ۴۶
وربکم یازدهم ۵۲ چهل
چهل چهارم ۱۹
لربهم هفتم ۱۵۳ سیزدهم
۱۸ بیست پنجم ۶۴ چهل
دوم ۳۶
وربک هفتاد چهارم ۳
ربها هفتم ۱۸۹
فربکم پنجم ۷۲ + ۱۱۷
ربهم سیم ۱۹۷ سی چهارم
ارباب دوازدهم ۳۹
اربابا سیم ۵۷ + ۷۴
نهم ۳۱
ربیون سیم ۱۴۰
وربائبکم چهارم ۲۷
الربانیون پنجم ۶۸
والربانیون پنجم ۴۸
ربانیین سیم ۷۳
ربما پانزدهم ۲

ربح

ربحت دوم ۱۵

ربص

وتربصتم پنجاه هفتم ۱۳
ویتربص نهم ۹۹
یتربصون چهارم ۱۴۰
یتربصن دوم ۲۲۸ + ۲۳۴
تربصون نهم ۵۲
تربص نهم ۵۲ پنجاه دوم
تربصوا پنجاه دوم ۳۱
فتربصوا نهم ۲۴ + ۵۲
بیستم ۱۳۵ بیست سیم ۲۵
تربص دوم ۲۲۶
متربص بیستم ۱۳۵
متربصون نهم ۵۲
المتربصین پنجاه دوم ۳۱

ربط

ربطنا بیست هشتم ۹
وربطنا هجدهم ۱۳

ولیربط هشتم ۱۱
ورابطوا سیم ۲۰۰
رباط هشتم ۶۲

ربع

الربع چهارم ۱۳ + ۱۴
ورباع چهارم ۳ سی پنجم ۱
اربع بیست چهارم ۶
اربع بیست چهارم ۴۴
اربع بیست چهارم ۸
اربعة نهم ۳۶
اربعة دوم ۲۲۶ چهل یکم ۹
باربعة بیست چهارم ۴ + ۱۳
اربعة دوم ۲۳۴ نهم ۲
اربعة دوم ۲۶۰ چهارم
اربعین دوم ۴۸ پنجم
۲۹ هفتم ۱۳۸ چهل ششم ۱۴
رابعهم هجدهم ۲۱
پنجاه هشتم ۸

ربا

وربت بیست دوم ۵
چهل یکم ۳۹
بربوا سی ام ۳۸
لیربوا سی ام ۳۸
ربیانی هفدهم ۲۵
نربک بیست ششم ۱۷
ویربی دوم ۲۷۷
رابیا سیزدهم ۱۸
رابیة شصت نهم ۱۰
اربی شانزدهم ۹۴
ربوا سی ام ۳۸
الربوا دوم ۲۷۶ ج
۲۷۷ + ۲۷۸ سیم ۱۲۵
چهارم ۱۵۹
ربوة بیست سیم ۵۲
بربوة دوم ۲۶۷

رتع

یرتع دوازدهم ۱۲

رتق

رتقا بیست یکم ۳۱

رتل

ورتلناه بیست پنجم ۳۴
ترتیلا بیست پنجم ۳۴
هفتاد سیم ۴
ورتل هفتاد سیم ۴

رجج

رجت پنجاه ششم ۴
رجا پنجاه ششم ۴

رجز

الرجز هفتم ۱۳۱
رجز سی چهارم ۵ چهل
پنجم ۱۱

ذات ذاد ذاق ربا ربح ربص ربط ربع رتع رتق رتل رجج رجز

فرض کنید که عذاب ایشان همین باشد که ایشانرا در آفتاب بعضی نگاه دارند یا در حمام گرمی یکسال حبس نمایند یا اطاف داغ دهند تا چه رسد باتشی که جبار منتقم بجهة انتقام خلق نموده و انبیاء و اولیاء همه انرا بتجربه داده اند و مضمون قرآن مکرر بیان فرموده اگر ایشان تصدیق بقرآن و انبیاء دارند پس چه بی عقلی که بوجود این عذاب مبتلا شدند با این دو روزه دنیا و عیش آن و اگر تصدیق ندارند پس بعثت چرا اسم اسلام بخود می بندند بلکه مهیا باشند ۵۱۱ از برای عذاب خلود العیاذ بالله گفتم عزم نمودم که انشاء الله طول باحدی نکنم لکن اگر کسی مبتلا باین شده باشد و بخواهد خلاص شود چاره آن حسب

فصل الجیم وغیره

فجرا دوم ۶ ۵ هفتم
۱۶۳ بیست نهم ۳۳
الرجز هفتم ۱۳۱ م
والرجز هفتاد چهارم ۵

رجس

رجس پنجم ۹۲ ششم
۱۴۶ هفتم ۶ نهم ۹۶
رجسا نهم ۱۲۶
الرجس ششم ۱۲۵ دهم
۱۰۰ بیست دوم ۳۱ سی
سیم ۳۱
رجسهم نهم ۱۲۶

رجع

نرجع هفتم ۱۴۹
نرجع بیستم ۸۸
رجعوا نهم ۱۲۳ دوازدهم ۶۳
فرجعوا بیست یکم ۶۴
رجعتم دوم ۱۹۲ نهم ۹۵
رجعنا شصت سیم ۸
رجعک نهم ۸۴
فرجعناک بیستم ۴۱
یرجع بیستم ۹۱ بیست هفتم
۳۵ سی چهارم ۳۰
یرجع بیستم ۹۳
ارجع دوازدهم ۴۶
ترجعونها پنجاه ششم ۸۶
ترجعوهن شصتم ۱۰
ارجع دوازدهم ۵۰
بیست هفتم ۳۷ شصت هفتم ۴
فارجع شصت هفتم ۳
ارجعوا دوازدهم ۸۱
بیست چهارم ۲۸ پنجاه
هفتم ۱۳
فارجعوا بیست چهارم ۲۸
سی یکم ۱۳
وارجعوا بیست یکم ۱۳
ارجع هشتاد نهم ۲۸
فارجعنا سی دوم ۱۲
ارجعون بیست سیم ۱۰۱
رجعت چهل یکم ۵۰
یرجع یازدهم ۱۲۳
یتراجعا دوم ۲۳۰
رجع پنجاهم ۳
الرجع هشتاد ششم ۱۱
رجعه هشتاد ششم ۸
الرجعی نود ششم ۸
راجعون دوم ۴۳ + ۱۵۱
بیست یکم ۹۳ بیست سیم ۶۲
ترجعهم ششم ۱۰۸
دهم ۴۷ + ۷۱ سی
یکم ۴۲

ترجعهم سی هفتم ۹۹

رجف

ترجف هفتاد سیم ۱۴
هفتاد نهم ۶
الرجفة هفتم ۷۷ + ۸۹
۱۵۴ بیست نهم ۳۶
الراجفة هفتاد نهم ۶
والمرجفون سی سیم ۶۰

رجل

ورجلک هفدهم ۶۶
رجلین بیست چهارم ۴۴
برجلک سی هشتم ۴۱
ارجل هفتم ۱۹۴
ارجلهم سی ششم ۶۵
وارجلهم پنجم ۳۷
بیست چهارم ۲۴
ارجلکم ششم ۶۵
ارجلهم پنجم ۷۰ بیست
نهم ۵۵
بارجلهن بیست چهارم ۳۱
وارجلهن شصتم ۱۲
وارجلکم پنجم ۸ هفتم
۱۲۱ بیستم ۷۴ بیست ششم
۴۹
رجل چهارم ۱۵ یازدهم
۸۰ بیستم ۲۵ + ۴۰
بیست ششم ۱۹ سی چهارم ۴۲
سی ششم ۱۹ چهلم ۲۹
فرجل دوم ۲۸۲
رجل هفتم ۶۱ + ۶۷
دهم ۲ سی چهارم ۷
چهل ششم ۳۰
لرجل سی ششم ۴ سی
نهم ۳۰
ورجلا سی نهم ۳۰
رجلان پنجم ۲۶
رجلین دوم ۲۸۲
شانزدهم ۷۸ هجدهم
۳۱ بیست ششم ۱۴
الرجال چهارم ۳۸
برجال هفتاد دوم ۶
الرجال چهارم ۷۷ + ۱۰۰
بیست چهارم ۳۱
للرجال چهارم ۸ + ۳۶
وللرجال دوم ۲۲۸
رجالا چهارم ۱ ۱۷۴
هفتم ۴۶ دوازدهم ۱۰۹
شانزدهم ۴۵ بیست یکم
۷ بیست دوم ۲۸ سی ششم ۲۰
فرجالا دوم ۲۴۰
الرجال هفتم ۷۹ بیست

هفتم ۵۶ بیست نهم ۲۸
رجالکم دوم ۲۸۲ سی سیم ۴۰

رجم

لرجمناک یازدهم ۹۳
لارجمنک نوزدهم ۴۷
ترجمون چهل چهارم ۱۹
لنرجمنکم سی ششم ۱۷
رجما هجدهم ۲۱
رجوما شصت هفتم ۵
رجیم پانزدهم ۳۴ سی هشتم ۷۸
رجیم پانزدهم ۱۷ هشتاد یکم ۲۵
الرجیم سیم ۳۰ شانزدهم ۱۰۰
المرجومین بیست ششم ۱۱۶

رجا

یرجوا هجدهم ۱۱۰ بیست نهم
۴ سی سیم ۲۱ شصتم ۶
ویرجو سی نهم ۱۲
ترجوا بیست هشتم ۸۶
ویرجون هفدهم ۵۹
ترجون هفتاد یکم ۱۳
وترجون چهارم ۱۰۵
ترجوها هفدهم ۳۰
وارجوا بیست نهم ۳۵
ارجه هفتم ۱۰۸ بیست ششم ۳۵
ترجی سی سیم ۵۱
ارجائها شصت نهم ۱۷
مرجوا یازدهم ۶۵
مرجون نهم ۱۰۷

رحب

نهم ۲۵ + ۱۱۹
مرحبا سی هشتم ۵۹ + ۶۰

رحق

رحیق هشتاد سیم ۲۵

رحل

رحل دوازدهم ۷۰
رحله دوازدهم ۷۵
رحالهم دوازدهم ۶۲
رحلة صد ششم ۲
رحم یازدهم ۴۵ + ۱۲۰
دوازدهم ۵۳ چهل چهارم ۴۲
رحمه ششم ۱۶
رحمنا شصتم ۲۸
رحمه چهلم ۹
رحمناهم بیست سیم ۷۷
ویرحم بیست نهم ۲۰
یرحمنا هفتم ۱۴۸
یرحمکم هفدهم ۸
یرحمکم هفدهم ۵۶
سیرحمهم نهم ۷۲
وترحمنی یازدهم ۴۹
وترحمنا هفتم ۲۲
وارحم بیستم ۱۱۸
ارحمهما هفدهم ۲۵

وارحمنا دوم ۲۸۶
هفتم ۱۵۴ بیست سیم ۱۱۱
رحمت یازدهم ۷۶
ورحمه چهل سیم ۳۱
رحمه هجدهم ۹۷
الرحمة هجدهم ۲۵
هجدهم ۵۷
رحمت ورحمت دوم
۲۱۵ هفتم ۵۴ سی نهم
۱۲ چهل سیم ۳۱
لرحمه بیست نهم ۵۰
الرحمة ششم ۱۲ + ۵۴
ورحمتی هفتم ۱۵۵
ورحمة دوم ۱۵۷ چهارم
۸۵ + ۱۱۳ بیست چهارم ۱۰
۱۴ + ۲۰ + ۲۱
رحمتی بیست نهم ۲۳
رحمتک هفتم ۱۵۰
برحمتک دهم ۸۶
بیست هفتم ۱۹
برحمته دوم ۹۹ سیم ۸۷
وبرحمته دهم ۵۹
رحمتنا نوزدهم ۵۱
۵۴ بیست یکم ۷۵ + ۸۶
برحمتنا دوازدهم ۵۶
رحمته هفدهم ۵۹
چهل دوم ۲۷

ارحام

ششم ۱۴۴ + ۱۴۵
الارحام سیزدهم ۹
الارحام سیم ۶ هشتم
۷۶ بیست دوم ۵ سی یکم
۳۴ سی سیم ۶
والارحام چهارم ۱
ارحامکم شصتم ۳
ارحامهن دوم ۲۲۸
ارحامکم چهل هفتم ۲۴
رحما هجدهم ۸۰
الراحمین هفتم ۱۵۰ دوازدهم
۶۴ بیست یکم ۸۳ + ۲۱
بیست سیم ۱۱۱ + ۱۱۶
رحیم سی ششم ۵۸
چهل یکم ۳۲
الرحیم اول ۲ بیست ششم
۲۱۷ بیست هفتم ۳۰
سی ششم ۴ چهل یکم ۱
رحماء چهل ششم ۲۹
ارحم هفتم ۱۵۰ دوازدهم
۶۴ + ۹۲ بیست یکم
۸۳
بالرحمن سیزدهم ۲۹
نوزدهم ۱۸ چهل یکم ۳۲

للرحمن نوزدهم ۲۷ + ۴۵
۹۲ م بیستم ۱۰۷ بیست
پنجم ۲۸ + ۶۱ چهل سیم
۱۶ + ۸۱
الرحمن هفتم ۱۱۰ سی ششم
۱۰ پنجاه سیم ۳۲
بالمرحمة نودم ۱۷

رخا

رخاء سی هشتم ۳۵

رد

ورد سی سیم ۲۵
فردوا چهارم ۱۰
رددنا هفدهم ۶
ردها بیست یکم ۴۱
ردوه چهارم ۸۵
رددناه نود پنجم ۵
فرددناه بیست هشتم ۱۳
یردوکم دوم ۱۰۳
یردوکم دوم ۲۱۴ سیم
۱۴۲ + ۹۵
فردها چهارم ۵۰
ردت دوازدهم ۶۵ م
ردت هجدهم ۳۴
ردوا چهارم ۹۳ ششم
۲۸ + ۶۲
وردوا دهم ۳۱
فردوه چهارم ۶۲
ردوها چهارم ۸۸ سی
هشتم ۳۲
ترد پنجم ۱۰۷
یردون دوم ۷۹ نهم ۱۰۲
تردون نهم ۹۵ شصت
دوم ۸
وستردون نهم ۱۰۶
ونرد ششم ۷۰ نود ششم
۲۷ هفتم ۵۱
یترددون نهم ۴۵
فارتد دوازدهم ۹۶
فارتدا هجدهم ۶۳
ارتدوا چهل هفتم ۲۷
یرتد چهاردهم ۴۴
یرتد پنجم ۵۹ بیست
هفتم ۴۰
یرتدد دوم ۲۱۴
ترتدوا پنجم ۲۴
بردهن دوم ۲۲۸
راد دهم ۱۰۷
برادی شانزدهم ۷۳
لرادک بیست هشتم ۸۵
رادوه بیست هشتم ۶
مرد چهل دوم ۴۳

مرد سیزدهم ۱۲ سی ام
۴۲ چهل دوم ۴۶
مرد نوزدهم ۷۹
مردا چهلم ۴۶
مردود یازدهم ۷۸
لمردودون هفتاد نهم ۱۰

ردء

ردءا بیست هشتم ۳۴

ردف

ردف بیست هفتم ۷۴
الرادفة هفتاد نهم ۷
مردفین هشتم ۹

ردم

ردما هجدهم ۹۴

ردی

تردی بیستم ۱۷
ارداکم چهل یکم ۲۲
لتردین سی هفتم ۵۴
لیردوهم ششم ۱۳۸
تردی نود دوم ۱۱
والمتردیة پنجم ۴

رذل

ارذل شانزدهم ۷۲
بیست دوم ۵
الارذلون بیست ششم ۱۱۱
اراذلنا یازدهم ۲۹

رزق

ورزقه یازدهم ۹۰
ورزقکم هشتم ۲۶ شانزدهم
۷۴ چهلم ۶۶
رزقهم چهارم ۴۳ ششم
۱۴۱ بیست دوم ۲۹ + ۳۵
رزقناه شانزدهم ۷۷
ورزقناهم دهم ۹۳
هفتم ۷۲ چهل پنجم ۱۵
یرزق دوم ۲۰۸ سیم
۳۷ بیست چهارم ۳۸ چهل
دوم ۱۸
وترزق سیم ۲۶
ویرزقه شصت پنجم ۲
یرزقها بیستم ۶۰
لیرزقنهم بیست دوم ۵۷
نرزقک بیستم ۱۳۲
نرزقکم ششم ۱۵۲
نرزقهم هفدهم ۳۲
وارزق دوم ۱۲۰
وارزقنا پنجم ۱۱۴
وارزقهم چهاردهم ۴۰
فارزقوهم چهارم ۹
وارزقوهم چهارم ۴
رزقوا دوم ۲۳

رزقنا دوم ۲۳
یرزقون سیم ۱۶۳
چهلم ۴۳
ترزقانه دوازدهم ۳۷
ورزق بیستم ۱۳۱
رزق سی هفتم ۴۰
ورزق هشتم ۴ + ۷۵
بیست دوم ۴۹ بیست
چهارم ۲۶ سی چهارم ۴
رزق دوم ۵۷
سی چهارم ۴
رزق دهم ۶۰ چهل پنجم
۴ پنجاه یکم ۵۷
برزق هجدهم ۱۸
الرزق هفتم ۳۰ شانزدهم
۷۳
ورزقناها نوزدهم ۶
رزقهم شصت پنجم ۷
رزقها یازدهم ۸
شانزدهم ۱۱۳
لیرزقنا سی هشتم ۵۴
رزقکم پنجاه یکم ۲۲
رزقهم نوزدهم ۶۳
رزقهن دوم ۲۳۳
رزقهم شصت هفتم ۱۵
رزقهم شانزدهم ۷۳
رزقهم شصت هفتم ۲۱
هشتاد نهم ۱۶
رزقها بیست نهم ۶۰
رزقکم پنجاه ششم ۸۱
برازقین پانزدهم ۲۰
الرزاق پنجاه یکم ۵۸
الرازقین بیست پنجم
پنجاهم ۱۲

رسخ

الراسخون چهارم ۱۶۰
والراسخون سیم ۵

رسل

ارسل نهم ۳۳ بیست
پنجم ۵۰ سی پنجم ۱۰
چهل هشتم ۲۸ شصت یکم ۹
فارسل بیست ششم ۵۳
وارسل صد پنجم ۳
ارسلت دوازدهم ۳۱
ارسلت بیستم ۱۳۴
بیست هشتم ۴۷
فارسلوا دوازدهم ۱۹
وارسلنا پنجم ۷۴
ششم ۶ پانزدهم ۲۲
وارسلناک چهارم ۸۱
ارسلناه پنجاه یکم ۳۸
وارسلناه سی هفتم ۱۴۷

برسل

فرمود چاره آنست که نادم شود از گذشته و حقوق ایشانرا اگر اهلش معلوم است بایشان رد کند با امکان واگر ممکن نیست عزم کند که هر وقت قادر شود رد کند
واگر اهلش را نمی شناسد از جانب ایشان صدقه دهد بفقراء واگر مال او حلال و بحرام مخلوط شده و مقدار آن معلوم نیست و اهلش هم مشخص نیست خمس مالش
را بدهد با اهلش ۵۱۲ خمس و عزم کند که من بعد ظلم و تعدی نکند امیدواست که انشاء الله خداوند رحمن صاحبان مظلمه را راضی نماید که ایشان او
بگذرند و خلاص شود هفتم شرب خمر و فقاع و مسکرات است حتی چرس و بنگ و نخوان از گناهان بزرگ است و هرکس مرتکب شود و بی توبه بمیرد ...

باب الراء

برسل هفتم ۵ بیست
هفتم ۶۴ سی ام ۴۷
فیرسل هفدهم ۷۱
ویرسل چهاردهم ۳۸
یرسل یازدهم ۵۴
هفتاد یکم ۳
نرسل ششم ۴۸ هفدهم
۶۱ چهاردهم ۵۴
نرسل هفدهم ۶۱
لنرسل پنجاه یکم ۳۳
ولنرسلن هفتم ۱۳۱
ارسله دوازدهم ۶۶
ارسل بیست ششم ۱۶
فارسل هفتم ۱۰۳ دوازدهم
۶۳ بیستم ۴۹ بیست ششم ۱۳
فارسل هفتم ۱۰۸
ارسله دوازدهم ۱۲
فارسله بیست ششم ۳۴
فارسلون دوازدهم ۴۵
ارسل هفتم ۵ + ۷۳ بیست
یکم ۵ بیست ششم ۲۶
ارسلت هفتم ۸۵ یازدهم
۶۰ چهل ششم ۲۲
ارسلوا هشتادم ۳۳
ارسلتم چهاردهم ۱۰ سی
چهارم ۳۳ چهل یکم ۱۳
چهلم ۲۳
ارسلنا یازدهم ۷۳
پانزدهم ۵۸ پنجاه یکم ۳۲
برسل پنجاه پنجم ۳۵
لرسول شصتم ۱
ورسول چهل نهم ۲۸
برسول شصت یکم ۶
لرسول بیستم ۹ ۱۷ بیست نهم
۳۸ چهلم ۷۸
وبالرسول بیست چهارم ۴۹
وللرسول هشتم ۴۱ + ۴۲
پنجاه نهم ۷
والرسول سیم ۱۶۶
چهارم ۶۲ هشتم ۱
والرسول سیم ۱۴۷ پنجاه
هفتم ۸
رسول نهم ۱۲۸ + ۱۲۱
سی یکم ۲ چهل یکم ۳
شصت یکم ۷
رسول چهارم ۱۵۶ نهم
۶۲ سی یکم ۴ + ۵۳
چهل نهم ۷ شصت یکم ۱۹
الرسولا سی یکم ۶۶
فالرسول بیستم ۹ ۲۹ + ۱۲۶
چهارم ۷۱ هشتم ۲۷

رسولا بیستم ۴۹
رسل ششم ۱۲۴ هفتم ۱۴۱
۵۱ یازدهم ۸۳
برسل ششم ۱۰ سیزدهم
۳۲ بیست یکم ۴۲
الرسل چهارم ۱۶۳
پنجم ۲۲ یازدهم ۱۲۱
شانزدهم ۳۷ چهل ششم
۸ + ۳۴
بالرسل دوم ۸۱
للرسل چهل یکم ۴۳
ورسلا چهارم ۱۶۲ م
الرسل پنجم ۱۰۸ چهاردهم
۴۶ بیست پنجم ۳۹ سی
هشتم ۱۳ پنجاهم ۱۳
رسوله بیستم ۹۶
لرسوله شصتم ۱
رسولها بیست ششم ۴۶
رسولنا پنجم ۱۸ + ۲۲
رسولهم دهم ۴۸
ورسولی پنجم ۱۱
رسوله چهارم ۱۳۵
نهم ۷ + ۱۶ + ۶۱ + ۸۷
۹۸ چهل ششم ۲۶ پنجاه
نهم ۶ + ۷
برسوله پنجاه هفتم ۲۸
وبرسوله نهم ۵۴
ولرسوله شصتم ۸
رسولنا پنجم ۱۳ شصت
چهارم ۱۲
برسولهم چهلم ۵
رسوله نهم ۳۳ چهل ششم
۲۷ + ۲۸ شصت یکم ۹
رسولهم بیستم ۷۱
رسلی سی چهارم ۴۴
ورسلی حالت نفی پنجاه
۲۱ حالت نفی پنجاهم ۱۰۶
رسلنا پنجم ۳۶ ششم
۶۱ هفتم ۳۵ پنجاهم ۷۲
۷۹ بیست نهم ۳۰ + ۳۲
رسولکم دوم ۱۰۲ بیست
ششم ۲۶
ورسلنا چهل ششم ۸۰
رسلکم چهلم ۵۳
رسلهم هفتم ۹۹ نهم ۷۱
چهاردهم ۱۰ + ۱۱ ...
برسلی پنجم ۱۵
رسلک سیم ۱۹۲
رسله دوم ۲۸۵ پنجم ۱۷۳
ورسله دوم ۹۲ + ۲۸۵
سیم ۱۷۳ ...

چهارم ۱۳۵
رسلنا هفدهم ۷۹
چهل نهم ۴۴
برسلنا پنجاه هفتم ۲۷
لرسلهم چهاردهم ۱۰
رسله یازدهم ۶ چهاردهم
۴۸ پنجاه نهم ۶
ورسله پنجاه هفتم ۲۵
رسلنا دهم ۲۲ + ۱۰۳
بیست ششم ۴ چهل ۵۴
پنجاه هفتم ۲۵
رسالة هفتم ۷۷
رسالات هفتم ۶۲ + ۶۶
۹۱ سی ام ۳۹ هفتاد
دوم ۲۸
رسالته پنجم ۶۷ ششم ۱۲۴
برسالاتی هفتم ۱۴۱
ورسالاته هفتاد دوم ۲۴
مرسل سی پنجم ۲
مرسلوا پنجاه چهارم ۲۷
مرسلین بیست ششم ۴۵
چهل چهارم ۴
مرسلة بیست هفتم ۳۵
مرسل هفتم ۷۳
مرسلا سیزدهم ۴۳
مرسلون سی ششم ۱۳
المرسلون سی ششم ۱۵
المرسلون پانزدهم ۵۷ + ۶۱
بیست هفتم ۳۵ سی ششم ۱۲
۵۲ پنجاه یکم ۳۱
والمرسلات هفتاد هفتم
ارسیها هفتادم ۳۲
رواسیات سی چهارم ۱۳
مرسیها هفتم ۱۸۶ هفتاد نهم
نهم ۴۲
ومرسیها یازدهم ۴۳

رشد

یرشدون دوم ۱۸۶
الرشد دوم ۲۵۷
الرشد هفتم ۱۴۳ هفتاد
دوم ۲
رشدا چهارم ۵ هجدهم ۱۰
رشده بیست یکم ۵۲
رشدا هجدهم ۲۴ ...
دوم ۱۰ + ۱۴ + ۲۱
الرشاد چهلم ۳۰ + ۴۱
الراشدون چهل نهم ۷
رشید یازدهم ۸۰
الرشید یازدهم ۸۹
برشید یازدهم ۹۹
مرشدا هجدهم ۱۶

رصص

مرصوص شصت یکم ۴

رصد

رصدا هفتاد دوم ۹ + ۲۷
وارصادا نهم ۱۰۸
مرصد نهم ۵
لبالمرصاد هشتاد نهم ۳
مرصادا هفتاد هشتم ۲۱

رضع

ارضعت بیست دوم ۲
ارضعن شصت پنجم ۶
ارضعنکم چهارم ۲۷
فسترضع شصت پنجم ۶
یرضعن دوم ۲۳۳
ارضعیه بیست هشتم ۶
تسترضعوا دوم ۲۳۳
الرضاعة چهارم ۲۷
الرضاعة دوم ۲۳۳
مرضعة بیست دوم ۲
المراضع بیست هشتم ۱۱

رضی

پنجم ۱۱۹ نهم ۱۰۱ چهل
هشتم ۱۸ پنجاه هشتم ۲۲
نود هشتم ۸
ورضی بیستم ۱۰۸
ورضیت پنجم ۵
رضوا نهم ۵۸ + ۵۹
۸۸ + ۹۴
ورضوا پنجم ۱۱۹ نهم ۱۰۱
دهم ۷ پنجاه هشتم ۲۲
نود هشتم ۸
رضیتم نهم ۸۴
ارضیتم نهم ۳۸
یرضی چهارم ۱۰۸
نهم ۹۷ نود دوم ۲۱
ویرضی پنجاه سیم ۲۷
ترضی دوم ۱۲۰ بیستم ۱۳۰
فترضی نود سیم ۵
لترضی بیستم ۸۶
ویرضین سی سیم ۵۱
ترضون دوم ۲۸۲
ترضوا نهم ۹۷
لترضوا نهم ۹۷
ترضاه بیست هفتم ۱۹
چهل ششم ۱۴
ترضاها دوم ۱۳۹
یرضوه بیست دوم ۵۸
یرضونها نهم ۲۴
ولیرضوه ششم ۱۱۳
یرضه سی نهم ۹
یرضونکم نهم ۸

یرضوه نهم ۶۳
لیرضوکم نهم ۶۳
تراضوا دوم ۲۳۲
تراضیتم چهارم ۲۸
ارتضی بیست یکم ۲۹ بیست
چهارم ۵۴ هفتاد دوم ۲۷
رضیا نوزدهم ۶
راضیة هشتاد هشتم ۹
راضیة شصت نهم ۲۱ ...
راضیة هشتاد نهم ۲۸
ورضوان سیم ۱۳ نهم ۷۳
پنجاه هفتم ۲۰
ورضوان نهم ۲۱ + ۱۱۰
رضوان سیم ۱۵ + ۱۶۸
ورضوانا پنجم ۲ چهل
هشتم ۲۹ پنجاه نهم ۸
رضوانه پنجم ۸
چهل هفتم ۳۰
مرضی هفتادم ۲۰
المرضی نهم ۹۲
رضوان پنجاه هفتم ۲۷
مرضیا نوزدهم ۵۶
مرضیة هشتاد نهم ۲۸
مرضات دوم ۲۰۳
۲۶۷ چهارم ۱۱۴
مرضات شصت ششم ۱
مرضاتی شصتم ۱
تراض دوم ۲۳۳ چهارم ۲۹

رطب

رطب ششم ۵۹
رطبا نوزدهم ۲۵

رعب

رعبا هجدهم ۱۷
الرعب سیم ۱۴۴ ... هشتم
۱۲ سی سیم ۲۶ پنجاه
نهم ۲

رعد

والرعد دوم ۱۸
الرعد سیزدهم ۱۴

رعی

رعوها پنجاه هفتم ۲۷
وارعوا بیستم ۵۶
راعنا دوم ۹۸
وراعنا چهارم ۴۸
راعون بیست سیم ۸
هفتادم ۳۲
رعاتها پنجاه هفتم ۲۷
الرعاء بیست هشتم ۲۳
المرعی هشتاد هفتم ۴
ومرعیها هفتاد نهم ۳۱

رغب

یرغب دوم ۱۳۰
یرغبوا نهم ۱۲۱
راغبون چهارم ۱۲۶
فارغب نود چهارم ۸
رغبا بیست یکم ۹۰
اراغب نوزدهم ۴۷
راغبون نهم ۵۹
شصت هشتم ۳۲

رغد

رغدا دوم ۳۳ + ۵۵
شانزدهم ۱۱۳

رغم

مراغما چهارم ۱۰۱

رفت

ورفاتا هفدهم ۵۲ + ۱۰۰

رفث

رفث دوم ۱۹۳
الرفث دوم ۱۸۳

رفد

الرفد یازدهم ۱۰۱
المرفود یازدهم ۱۰۱

رفرف

رفرف پنجاه پنجم ۷۶

رفع

رفع سیزدهم ۲ هفتاد
نهم ۲۸
رفعه چهارم ۱۵۶
رفعها پنجاه پنجم ۶
لرفعناه هفتم ۱۷۵
ورفعناه نوزدهم ۵۸
یرفع دوم ۱۲۱
یرفع پنجاه هشتم ۱۲
یرفعوا چهل نهم ۲
نرفع چهل ششم ۸۳
دوازدهم ۷۶
یرفعه سی پنجم ۱۱
رفعت هشتادم ۱۸
ترفع بیست چهارم ۳۶
رافعة پنجاه ششم ۳
ورافعک سیم ۴۸
رفیع چهلم ۱۵
المرفوع پنجاه دوم ۵
مرفوعة هشتادم ۱۳
مرفوعة پنجاه ششم ۳۴
هشتادم ۱۴

رفق

رفیقا چهارم ۷۱
مرفقا هجدهم ۱۵
المرافق پنجم ۸
مرتفقا هجدهم ۲۹ + ۳۰

رق

رق پنجاه دوم ۳

رقب

ترقب بیستم ۹۵
یرقبون نهم ۱۰
یرقبوا نهم ۸
یترقب بیست هشتم ۱۷ + ۲۰
فارتقب چهل چهارم ۱۰ + ۵۹
وارتقبوا یازدهم ۹۶
فارتقبهم پنجاه چهارم ۲۷
رقیب یازدهم ۹۳ پنجاهم ۱۷
رقیبا چهارم ۱ سی سیم ۵۲
الرقیب پنجم ۱۱۷
رقبة چهارم ۹۲ مجادله
۹۰ پنجاه هشتم ۴ نودم ۱۳
الرقاب دوم ۱۷۷ نهم ۶۰
چهل هفتم ۴۰
مترقبون چهل چهارم ۵۹

رقد

رقود هجدهم ۱۷
مرقدنا سی ششم ۵۲

رقم

والرقیم هجدهم ۸
مرقوم هشتاد سیم ۹ + ۲۰

رقی

ترقی هفدهم ۹۵
فلیرتقوا سی هشتم ۹
لرقیک هفدهم ۹۵
راق هفتاد پنجم ۲۷
التراقی هفتاد پنجم ۲۶

رکب

رکبا هجدهم ۷۰
رکبوا بیست نهم ۶۵
یرکبون سی ششم ۴۲
ترکبون چهلم ۷۹
لترکبوا چهلم ۷۹
لترکبن هشتاد چهارم ۱۹
لترکبوها شانزدهم ۸
ارکب یازدهم ۴۲
ارکبوا یازدهم ۴۱
رکبک هشتاد دوم ۸
والرکب هشتم ۴۲
رکبانا دوم ۲۴۰
رکاب پنجاه نهم ۶
رکوبهم سی ششم ۷۲
متراکبا ششم ۹۹

رکد

رواکد چهل دوم ۳۳

رکز

رکزا نوزدهم ۹۸

رکس

ارکسهم چهارم ۹۰

ارکسوا

النبه خدا وند از جیم جهنم باو بخشاند و اگرچه بعد تفضل و رحمت خدا یا شفاعت انبیا و اولیاء از عذاب نجات یابد و النبه وصف جهیم را در قران دیده باید که مبغر ماید
افثره و امعاء و احشاء هذا پاره میکند گفتم شکر خدا را که هرگز بخشیده ام بلکه انش رنگ آنرا نخواهم دید و چه بی عقل کسانیکه تصدیق قران و انبیا دارند و
مرتکب میشوند و شیر و شکر و عسل مصفی و چای و قند و آب لیمو و سکنجبین و انواع حلویات محلله کفایت نمیکند که ۵۱۳ این متعفن
گندیده بدطعم بدبو در مذاق ایشان خوش آید و این بیت مکر از عمل شیطان رجیم نجس ابر مبارکه قران و خدا وندکه این همه

فصل الکاف و غیره

رکض
ارکسوا چهارم ۹۳
یرکضون بیست یکم ۱۲
ترکضوا بیست یکم ۱۳
ارکض سی هشتم ۴۱

رکع
یرکعون هفتاد هفتم ۴۸
وارکعی سیم ۴۳
ارکعوا بیست دوم ۷۷
هفتاد هفتم ۴۸
وارکعوا دوم ۴۰
راکعا سی هشتم ۲۴
راکعون پنجم ۶۰
الراکعون نهم ۱۱۳
الراکعین دوم ۴۳
سیم ۴۳
والرکع دوم ۱۱۹ بیست دوم ۲۷
رکعا چهل هشتم ۲۹

رکم
فیرکمه هشتم ۳۸
رکاما بیست چهارم ۴۳
مرکوم پنجاه دوم ۴۴

رکن
هفدهم ۷۶
ترکنوا یازدهم ۱۱۵
رکن یازدهم ۸۲
برکنه پنجاه یکم ۳۹

رمم
رمیم سی ششم ۷۸

رمح
ورماحکم پنجم ۹۵

رمد
کرماد چهاردهم ۲۱

رمز
رمزا سیم ۳۶

رمض
رمضان دوم ۱۸۱

رمن
ورمان پنجاه پنجم ۶۸
والرمان ششم ۹۹+۱۴۲

رمی
رمی هشتم ۱۷
رمیت هشتم ۱۷ م
یرم چهارم ۱۱۲
ترمی هفتاد هفتم ۳۲
یرمون بیست چهارم ۴
۶+۲۳
ترمیهم صد پنجم ۴

رهب
یرهبون هفتم ۱۵۳
فارهبون دوم ۳۸
شانزدهم ۵۲

ترهبون هشتم ۶۲
واسترهبوهم هفتم ۱۱۳
الرهب بیست هشتم ۳۲
ورهبا بیست یکم ۹۰
رهبة پنجاه نهم ۱۳
والرهبان نهم ۳۴
ورهبانا پنجم ۸۵
ورهبانهم نهم ۳۱
ورهبانیة پنجاه هفتم ۲۷

رهط
رهط بیست هفتم ۴۹
ارهطی یازدهم ۹۴
رهطک یازدهم ۹۳

رهق
یرهق دهم ۲۷
یرهقهما هجدهم ۷۹
ترهقها هشتادم ۴۱
ترهقهم شصت هشتم ۴۳
هفتادم ۴۴
وترهقهم دهم ۲۸
ترهقنی هجدهم ۷۲
سارهقه هفتاد چهارم ۱۷
رهقا هفتاد دوم ۶+۱۳

رهن
رهین پنجاه دوم ۲۱
رهینة هفتاد چهارم ۴۱
فرهان دوم ۲۸۳

رها
رهوا چهل چهارم ۲۳

راح
تریحون شانزدهم ۶
فروح پنجاه ششم ۸۸
روح دوازدهم ۸۷ م
روح شانزدهم ۱۰۴
وروح چهارم ۱۶۹
الروح هفدهم ۸۷
بیست ششم ۱۹۳ هفتاد
هشتم ۳۸
والروح هفتادم ۴
نود هفتم ۴
بروح دوم ۸۷+۲۵۴
پنجم ۱۰۹
بروح پنجاه هشتم ۲۲
الروح هفدهم ۸۷
بالروح شانزدهم ۲
روحا چهل دوم ۵۲
الروح چهلم ۱۵
روحی پانزدهم ۲۹ سی هشتم ۷۲
روحه سی دوم ۸
روحنا بیست یکم ۹۱
شصت ششم ۱۲

روحنا نوزدهم ۱۷
ریح دهم ۲۳ چهل ششم ۲۳
الریح چهاردهم ۲۱
بیست دوم ۳۲
ریح سیم ۱۱۳
بریح دهم ۲۲ شصت نهم ۶
الریح هفدهم ۷۱
ریح دوازدهم ۹۴
ریحا سی ام ۵۰ سی سیم ۹
چهل یکم ۱۶ پنجاه چهارم ۱۹
الریح بیست یکم ۸۱ سی چهارم
۱۱ سی هشتم ۳۶ چهل
دوم ۳۳ پنجاه یکم ۴۱
الریاح هجدهم ۴۳
الریاح دوم ۱۵۹
چهل پنجم ۴
الریاح هفتم ۵۵
پانزدهم ۲۲ بیست پنجم
۵۰ بیست هفتم ۶۴ سی ام
۴۵+۴۷ سی پنجم ۱۰
ریحکم هشتم ۴۸
ورواحها سی چهارم ۱۱
وریحان پنجاه ششم ۸۸
والریحان پنجاه پنجم ۱۱

راد
راودتن دوازدهم ۵۱
راودتنی دوازدهم ۲۶
وراودته دوازدهم ۲۳
راودته دوازدهم ۳۲+۵۱
راودوه پنجاه چهارم ۳۷
تراود دوازدهم ۳۰
سنراود دوازدهم ۶۱
فارادوا هفدهم
۱۰۵ هجدهم ۸۱
اردت یازدهم ۳۶
فاردت هجدهم ۷۸
ارادا دوم ۲۳۳
ارادوا دوم ۲۲۸
نهم ۴۶ بیست دوم ۲۲
سی دوم ۲۰
فارادوا سی هفتم ۹۶
وارادوا بیست یکم ۷۰
اردن بیست چهارم ۳۳
اردتم دوم ۲۳۳
چهارم ۲۴ بیستم ۸۹
اردنا چهارم ۶۵ نهم ۱۰۸
هفدهم ۱۷ بیست یکم ۱۷
فاردنا هجدهم ۸۰
ارادنی سی نهم ۳۹ م
اردناه شانزدهم ۴۲
ویرید چهارم ۲۲+۶۳

هشتم ۷
یرید سیم ۱۳۹ م پنجم
۴۵ ششم ۱۲۵ م
بیست دوم ۲۶ پنجاه
سیم ۳۰
ترید هجدهم ۲۷
بیست هشتم ۱۸ م
ارید بیست هشتم ۱۸
ارید پنجم ۳۲ یازدهم
۹۰ م بیست هشتم ۲۷
پنجاه یکم ۵۷ م
ارید هفتاد دوم ۱۰
یریدان بیستم ۶۶
یریدا چهارم ۳۹
ویریدون چهارم ۴۷
۱۴۹ م
یریدوا هشتم ۶۴+۷۲
تریدون دوم ۱۰۲ هشتم
۶۸ چهاردهم ۱۲ سی ام
۳۸ سی هفتم ۸۴
اتریدون چهارم ۹۰+۱۴۲
تردن سیم ۲۸+۲۹
ترید پنجم ۱۱۳ یازدهم ۹
۸۱ هفدهم ۱۹ هفتاد ششم
ونرید بیست هشتم ۴
یریدن سی ششم ۲۲
یردک دهم ۱۰۷
براد سی هشتم ۵
رویدا هشتاد ششم ۱۷

راض
روضة سی ام ۱۴
روضات چهل دوم ۲۱

راع
الروع یازدهم ۷۷

راغ
فراغ سی هفتم ۸۹+۹۱
پنجاه یکم ۲۶

رام
الروم سی ام ۱

راب
لارتاب بیست نهم ۴۷
وارتابت نهم ۴۵
ارتابوا بیست چهارم ۴۹
ارتبتم پنجم ۱۰۵
شصت پنجم ۴
وارتبتم پنجاه هفتم ۱۲
یرتاب هفتاد چهارم ۳۰
یرتابوا چهل نهم ۱۵
ترتابوا دوم ۲۸۲
ریب دوم ۲۱
بیست دوم ۵

زینهم نهم ۴۵
زینة نهم ۱۱۱
مریب یازدهم ۶۵+۱۱۲
چهاردهم ۱۰ سی چهارم
۵۴ چهل یکم ۴۵ چهل
دوم ۱۳ پنجاهم ۲۴
مرتاب چهلم ۳۶

راش
وریشا هفتم ۲۵

راع
ریع بیست ششم ۱۲۸
ران هشتاد سیم ۱۴

باب الزاء

زبد
زبد سیزدهم ۱۸
الزبد سیزدهم ۱۸
زبدا سیزدهم ۱۸

زبر
الزبور بیست یکم ۱۰۵
زبورا چهارم ۱۶۱
هفدهم ۵۷
زبر بیست ششم ۱۹۶
الزبر پنجاه چهارم ۴۳+۵۲
والزبر سیم ۱۸۱
شانزدهم ۴۶
وبالزبر سی پنجم ۲۳
زبر هجدهم ۹۵
زبرا بیست سیم ۵۵

زبن
الزبانیة نود ششم ۱۸

زج
الزجاجة بیست چهارم ۳۵
زجاجة بیست چهارم ۳۵

زجر
وازدجر پنجاه چهارم ۹
زجرا سی هفتم ۲
زجرة سی هفتم ۱۹ هفتاد ۱۳
فالزاجرات سی هفتم ۲
مزدجر پنجاه چهارم ۴

زجی
یزجی هفدهم ۶۸
بیست چهارم ۴۳
مزجاة دوازدهم ۸۸

زحزح
زحزح سیم ۱۸۲
بمزحزحه دوم ۹۰

زحف
زحفا هشتم ۱۵

زخرف
زخرف هفدهم ۹۵
زخرف ششم ۱۱۲

وزخرفا چهل سیم ۳۴
زخرفها دهم ۲۵

زرب
وزرابی هشتاد هشتم ۱۶

زرع
تزرعون دوازدهم ۴۷
تزرعونه پنجاه ششم ۶۴
زرع سیزدهم ۴
زرع چهاردهم ۴۰
کزرع چهل هشتم ۲۹
زرعا هجدهم ۳۲ سی دوم
۲۷ سی نهم ۲۲
الزرع شانزدهم ۱۱
والزرع ششم ۱۴۲
وزروع بیست ششم ۱۴۸
چهل چهارم ۲۵
الزراع چهل هشتم ۲۹
الزارعون پنجاه ششم ۶۴

زرق
زرقا بیستم ۱۰۲

زری
تزدری یازدهم ۳۳

زعم
زعم شصت چهارم ۷
زعمت هفدهم ۹۴
یزعمون چهارم ۶۳
تزعمون ششم ۲۲+۹۴
بیست هشتم ۶۲+۷۴
بزعمهم ششم ۱۳۷+۱۳۹
زعیم دوازدهم ۷۲
شصت هشتم ۴۰

زف
یزفون سی هفتم ۹۲

زفر
زفیر یازدهم ۱۰۸
بیست یکم ۱۰۰
وزفیرا بیست پنجم ۱۳
الزقوم پنجاه ششم ۵۲
الزقوم سی هفتم ۶۰
چهل چهارم ۴۳
زکریا سیم ۳۳ م
۳۳ نوزدهم ۷
زکریا نوزدهم ۱
وزکریا ششم ۸۵
بیست یکم ۸۹

زکی
زکی بیست چهارم ۲۱
زکیها نود یکم ۹
یزکی چهارم ۵۲ بیست
چهارم ۲۱
یزکون چهارم ۵۲

تزکوا پنجاه سیم ۳۲
ویزکیکم دوم ۱۴۶
یزکیهم دوم ۱۶۹ سیم ۷
ویزکیهم دوم ۱۲۳ سیم
۱۵۸ شصت دوم ۲
ویزکیهم نهم ۱۰۴
یزکی بیستم ۷۸ سی پنجم
۱۹ هفتاد نهم ۱۸ هشتاد
هفتم ۱۴
یتزکی سی پنجم ۱۹ نود دوم ۱۸
یزکی هشتادم ۳+۷
زکوة سیم ۳۸
الزکوة بیست یکم ۴
الزکوة بیست یکم ۷۳ بیست
چهارم ۳۷
والزکوة نوزدهم ۳۲+۵۶
زکوة هجدهم ۸۰
وزکوة نوزدهم ۱۴
زکیا نوزدهم ۱۹
زکیة هجدهم ۷۳
ازکی دوم ۲۳۲ پنجم
۱۸ بیست چهارم ۲۸+۳۰

زلل
زللتم دوم ۲۰۵
فتزل شانزدهم ۹۶
فازلهما دوم ۳۴
استزلهم سیم ۱۴۹

زلزل
زلزلت نود نهم ۱
وزلزلوا دوم ۲۱۰
سی سیم ۱۱
زلزالا سی سیم ۱۱
زلزالها نود نهم ۱
زلزلة بیست دوم ۱

زلف
وازلفنا بیست ششم ۶۴
ازلفت هشتاد یکم ۱۳
وازلفت بیست ششم ۹۰
پنجاهم ۳۰
زلفة شصت هفتم ۲۷
وزلفا یازدهم ۱۱۶
زلفی سی چهارم ۳۶
سی نهم ۴
لزلفی سی هشتم ۲۴+۳۹

زلق
لیزلقونک شصت هشتم ۵۱
زلقا هجدهم ۳۸

زلم
والازلام پنجم ۹۴
بالازلام پنجم ۴

زمر
زمرا سی نهم ۷۱+۷۳

نعمها بجز انسان از بد و مرخص در صرف نا بها کرده از این عمل شنیع تجل نور زید محض صلاح نوا خواست پس چقدر خود دو بی عقلی که مرتکب میشوی و عجب تر انکه نا دک انوا
خرمیشمار و از خود بیخبر هشتم قتل نفس محرم است و آن از گناهان بسیار بزرگ است که جزای آن را در قرآن آتش جهنم قرار داده است نهم لواط کردن
وحدان قتل آ ۵۱۴ یا سوختن در آتش و غیر آن دهم زنا کردن و آن از گناهان بزرگ است و باعث هلاکت است و سبب نزول طاعون میشود
یازدهم خوردن و دادن رباء است یعنی نفع پول و گناهان بزرگ است و بکدرهم آن مانند هفتاد زنا است و عجب انکه در بلاد اسلام شیوع یافته

باب الزّاي

زمل
الْمُزَّمِّلُ هفتاد وسه ۱
زمهر
زَمْهَرِيرًا هفتاد و شش ۱۳
زَنْجَبِيلًا هفتاد و شش ۱۷
زنم
زَنِيمٍ شصت و هشت ۱۳
زني
يَزْنُونَ بیست و پنج ۶۸
يَزْنِينَ شصت ۱۲
الزِّنَا هفده ۳۲
زَانٍ بیست و چهار ۳
وَالزَّانِي بیست و چهار ۲
الزَّانِيَةُ بیست و چهار ۲
وَالزَّانِيَةُ بیست و چهار ۳
زَانِيَةً بیست و چهار ۳
زهد
الزَّاهِدِينَ دوازده ۲۰
زهر
زَهْرَةَ بیست ۱۳۱
زهق
وَزَهَقَ هفده ۸۳
وَتَزْهَقَ نه ۵۵ + ۸۶
زَاهِقٌ بیست و یک ۱۸
زَهُوقًا هفده ۸۳
زوج
زَوْجَهَا سی و نه ۳۷
وَزَوْجَانَاهُمْ چهل و چهار ۵۴
۵۴ پنجاه و دو ۲۰
بِزَوْجِهِمْ چهل و دو ۴۹
زَوْجُكَ هشتاد و یک ۷
زَوْجٍ چهار ۲۴ م
بیست و دو ۵ بیست و شش
سی و یک ۹ پنجاه ۷
زَوْجَ دو ۲۳۰
وَزَوْجُكَ دو ۳۳
هفت ۱۸
وَلِزَوْجِكَ بیست ۱۱۵
وَزَوْجِهِ دو ۹۶
زَوْجَهَا پنجاه و هشت ۱
زَوْجَكَ سی و سه ۳۷
زَوْجِهِ بیست و یک ۹۰
زَوْجَهَا چهار ۱ هفت
۱۸۹ سی و نه ۸
زَوْجَانِ پنجاه و پنج ۵۲
زَوْجَيْنِ یازده ۴۲
سیزده ۳ بیست و شش ۴۹
پنجاه و یک ۴۹
الزَّوْجَيْنِ پنجاه و سه ۴۵
هفتاد و پنج ۳۹
أَزْوَاجٍ دو ۲۳ چهار
۶۰ سی و شش ۵۸
وَأَزْوَاجٌ سی و هشت ۱۳
أَزْوَاجِ سی و سه ۳۷
أَزْوَاجِ شش ۱۴۳ سی
سی و سه ۵۲ سی و هشت ۸
الْأَزْوَاجَ سی و شش ۳۶
چهل و سه ۱۱
وَأَزْوَاجُهُ سی و سه ۶
أَزْوَاجُكُمْ چهار ۱۲
وَأَزْوَاجُكُمْ نه ۲۴ چهل
سی و هفت ۷۰
أَزْوَاجِهِمْ شصت ۱۱
وَأَزْوَاجُهُمْ سی و شش ۵۶
أَزْوَاجَكَ شصت و شش ۱
لِأَزْوَاجِكَ سی و سه ۲۸ + ۵۹
أَزْوَاجِهِ شصت و شش ۳
أَزْوَاجًا شش ۱۴۰
بیست و پنج ۷۴
أَزْوَاجِكُمْ شانزده ۷۲
بیست و شش ۱۶۶ شصت ۱۱
شصت و چهار ۱۴
أَزْوَاجِهِمْ بیست و سه ۶
سی و سه ۵۰ هفتاد ۳۰
لِأَزْوَاجِهِمْ دو ۲۴۱
وَأَزْوَاجِهِمْ سیزده ۲۳
چهل ۸
أَزْوَاجَكَ سی و سه ۴۹
أَزْوَاجِهِ سی و سه ۵۳
أَزْوَاجِكُمْ سی و سه ۴
أَزْوَاجِهِمْ بیست و چهار
وَأَزْوَاجُهُمْ سی و هفت ۲۲
أَزْوَاجَهُنَّ دو ۲۳۲
زود
وَتَزَوَّدُوا دو ۱۹۷
الزَّادِ دو ۱۹۷
زور
زُرْتُمُ صد و دو ۲
الزُّورِ بیست و دو ۳۱
وَزُورًا بیست و پنج ۵
پنجاه و هشت ۲
الزُّورَ بیست و پنج ۷۲
تَزَاوَرُ هجده ۱۶
زول
زَالَتَا سی و پنج ۴۱
زَالَتَا سی و پنج ۳۹
لِتَزُولَ چهارده ۴۷
تَزُولَا سی و پنج ۳۹
زَوَالٍ چهارده ۴۴
زيت
زَيْتُهَا بیست و چهار ۳۵
وَالزَّيْتُونِ نود و پنج ۱
وَزَيْتُونًا هشتاد ۲۹
وَالزَّيْتُونَ شش ۹۹
۱۴۲ شانزده ۱۱
زَيْتُونَةٍ بیست و چهار ۳۵
زيد
وَزَادَهُ دو ۲۴۸
وَزَادَكُمْ هفت ۶۹
زَادَهُمْ سی و سه ۲۲ سی
پنج ۲ چهل و هفت ۱۹
فَزَادَهُمْ دو ۱۰ سه ۱۷۳
وَزَادَهُمْ بیست و پنج ۶۰
زَادَتْهُ نه ۱۲۵
زَادَتْهُمْ هشت ۲
فَزَادَتْهُمْ نه ۱۲۵ + ۱۲۴
زَادُوكُمْ نه ۴۷
زَادُوهُمْ یازده ۱۰۱
فَزَادُوهُمْ هفتاد و دو ۶
زِدْنَاهُمْ شانزده ۸۸
هفده ۹۷
وَزِدْنَاهُمْ هجده ۱۳
يَزِيدُ هفده ۸۲
سی و پنج ۱ + ۳۷ م
وَيَزِيدُ نوزده ۷۶
وَلَيَزِيدَنَّ پنج ۶۴ + ۶۸
تَزِدْ هفتاد و یک ۲۴ + ۲۸
أَزِيدَ هفتاد و چهار ۱۵
يَزِيدُونَ سی و هفت ۱۴۷
سَنَزِيدُ هفت ۱۶۱
وَسَنَزِيدُ دو ۵۸
تَزِدْ چهل و دو ۱۹ + ۲۶
يَزِدْهُ هفتاد و یک ۳۰
وَيَزِيدُكُمْ یازده ۵۲
يَزِيدُهُمْ هفده ۴۱ + ۱۰۹
وَيَزِيدُهُمْ چهار ۱۷۳
هفده ۱۰۹ چهل و دو ۲۶
وَيَزِيدُهُمْ بیست و چهار ۳۸
سی و پنج ۳۰
يَزِيدُهُمْ هفتاد و یک ۵
لَأَزِيدَنَّكُمْ چهارده ۷
تَزِيدُونَنِي یازده ۶۳
تَزِيدُكُمْ هفتاد و یک
زِدْ هفتاد و سه ۴
زِدْنِي بیست ۱۱۴
فَزِدْهُ سی و هشت ۶۱
ازْدَادُوا سه ۹۰ چهار ۱۳۷
۱۳۶ هجده ۲۴
وَيَزْدَادَ هفتاد و چهار ۳۱
لِيَزْدَادُوا چهل و هشت ۴
لِيَزْدَادُوا سه ۱۷۸
چهل و هشت ۴
وَازْدَادُوا هجده ۲۵
زيغ
زَاغَ پنجاه و سه ۱۷
زَاغَتِ سی و سه ۱۰
سی و هشت ۶۳
زَاغُوا شصت و یک ۵
يَزِغْ سی و چهار ۱۲
يَزِيغُ نه ۱۱۷
أَزَاغَ شصت و یک ۵
تُزِغْ سه ۸
زَيْغٌ سه ۷
زيل
زِلْتُمْ چهل ۳۶
تَزَيَّلُوا چهل و هشت ۲۵
فَزَيَّلْنَا ده ۲۸
زين
زُيِّنَ دو ۲۱۲ سه ۱۴
وَزُيِّنَ چهل ۳۷
زُيِّنَ شش ۱۰۸ بیست و هفت ۴۳
۴۴ بیست و هفت ۲۴ بیست و نه ۳۸
وَزَيَّنَّا چهل و یک ۱۲
وَزَيَّنَّاهَا پانزده ۱۶
وَزَيَّنَهُ چهل و نه ۷
وَزَيَّنَّاهَا پنجاه ۶
لَأُزَيِّنَنَّ پانزده ۳۹
زُيِّنَتْ چهل ۱۲
وَازَّيَّنَتْ ده ۲۴
زِينَةً هجده ۴۶
وَزِينَةٌ پنجاه و هفت ۲۰
زِينَتَهُ بیست ۹۰
بِزِينَةٍ سی و هفت ۶
الزِّينَةِ بیست ۵۹
زِينَتَكُمْ هفت ۳۱ هجده ۲۸
زِينَتَهُنَّ بیست و چهار ۳۱
زِينَةَ شصت ۱۸
وَزِينَتَهَا یازده ۱۵
زِينَتَهَا هجده ۷
زِينَةً هجده ۲۸
زِينَةِ هفت ۳۲
زِينَتَهُنَّ سی و سه ۲۸
زَيَّنَّا سی و هفت ۶
وَزَيَّنَّهَا پانزده ۱۶
زَيَّنَّا شش ۱۰۸
وَزَيَّنَّاهَا شصت و هفت ۵ + ۴۱ ۱۲

باب السّين

سئل
سَأَلَ هفتاد ۱
سَأَلُوا چهار ۱۵۳
سَأَلْتُمْ دو ۶۱
سَأَلَكَ دو ۱۸۶
سَأَلَهَا پنج ۱۰۱
سَأَلْتَهُمْ شصت ۸
سَأَلْتَهُمْ نه ۶۵ بیست
نه ۶۱ + ۶۳ سی و یک
۲۴ سی و نه ۳۸ چهل
سی و هشت + ۸۷
سَأَلْتُكَ هجده ۷۶
سَأَلْتُكُمْ سی و چهار ۴۷
چهار ۴۶
سَأَلْتُمُوهُ چهارده ۳۴
سَأَلْتُمُوهُنَّ سی و سه ۵۳
يَسْأَلُ هفتاد ۱۰ هفتاد
پنجاه ۶
لِيَسْأَلَ سی و سه ۸
يَسْأَلُونَ دو ۲۷۴
سی و سه ۲۰ پنجاه و یک ۱۲
وَلْيَسْأَلُوا شصت ۱۰
تَسْأَلُوا دو ۱۰۲ پنج
۱۰۱ م
فَلَنَسْأَلَنَّ هفت ۶
وَلَنَسْأَلَنَّ هفت ۶
يَسْأَلُكَ چهار ۱۵۳ سی و سه ۶۳
يَسْأَلُهُ پنجاه و پنج ۲۹
يَسْأَلُكُمْ سی و شش ۲۰
يَسْأَلْكُمْ چهل و هفت ۳۶
يَسْأَلْكُمُوهَا چهل و هفت ۳۷
تَسْأَلُهُمْ دوازده ۱۰۴
بیست و سه ۷۲ پنجاه و دو
۴۰ شصت و هشت ۴۶
تَسْأَلْنِي یازده ۴۶
هجده ۷۰
أَسْأَلُكَ یازده ۴۷
يَسْأَلُونَكَ دو ۲۱۷
۲۱۸ + ۲۲۲ هفده ۸۵
هجده ۸۳ بیست ۱۰۵
يَسْأَلُكَ بیست ۱۳۲
لَتُسْأَلُنَّ پانزده ۹۳
سَلْ دو ۲۱۱
فَاسْأَلْ ده ۹۴ هفده
۱۰۱ بیست و شش ۱۱۵
بیست و پنج ۵۹
وَاسْأَلْ دوازده ۸۲ چهل و سه
سی و سه ۴۵
فَاسْأَلُوا شانزده ۴۳
بیست و یک ۷
وَاسْأَلُوا چهار ۳۲ شصت
فَاسْأَلْهُ دوازده ۵۰
سَلْهُمْ شصت و هشت ۴۰
وَاسْأَلْهُمْ هفت ۱۶۳
فَاسْأَلْهُمْ سی و هفت ۱۱
فَاسْأَلُوهُنَّ سی و سه ۵۳
تُسْأَلُ دو ۱۱۹
سُئِلَتْ هشتاد و یک ۸
سُئِلُوا سی و سه ۱۴
يُسْأَلُ پنجاه و پنج ۳۹
شصت و هشت ۷۸ پنجاه و پنج ۳۹
تُسْأَلُ دو ۱۳۴
يُسْأَلُونَ بیست و یک ۲۳
وَيُسْأَلُونَ چهل و سه ۱۹
وَلَيُسْأَلُنَّ بیست و نه ۱۳
تُسْأَلُونَ دو ۱۳۴ + ۱۴۱
بیست و یک ۱۳ سی و چهار ۲۵
چهل و سه ۴۴
لَتُسْأَلُنَّ شانزده ۵۶
صد و دو ۸
وَلَتُسْأَلُنَّ شانزده ۹۳
تُسْأَلُ سی و چهار ۲۵
يَتَسَاءَلُونَ هفتاد و هشت ۱
بیست و سه ۱۰۱ سی و هفت ۲۷
۴۸ پنجاه و دو ۲۵
هفتاد و هشت ۱ هفتاد و چهار ۴۰
لِيَتَسَاءَلُوا هجده ۱۹
تَسَاءَلُونَ چهار ۱
سُؤْلَكَ بیست ۳۶
بِسُؤَالِ سی و هشت ۲۴
سَائِلٌ هفتاد ۱
لِلسَّائِلِ پنجاه و یک ۱۹
هفتاد ۲۵
السَّائِلَ نود و سه ۱۰
لِلسَّائِلِينَ دوازده ۷
چهل و یک ۱۰
وَالسَّائِلِينَ دو ۱۷۷
مَسْئُولًا هفده ۳۶ + ۳۴
بیست و پنج ۱۷ سی و سه ۱۵
مَسْئُولُونَ سی و هفت ۲۴
سأم
يَسْأَمُ چهل و یک ۴۹
يَسْأَمُونَ چهل و یک ۳۸
تَسْأَمُوا دو ۲۸۲
سبأ
سَبَإٍ بیست و هفت ۲۲
سبب
فَيَسُبُّوا شش ۱۰۸
يَسُبُّوا شش ۱۰۸
سَبَبًا هجده ۸۴ + ۸۵
۸۹ + ۹۲ ۹۲
الْأَسْبَابُ دو ۱۶۶
الْأَسْبَابَ سی و هشت ۱۰
أَسْبَابَ چهل ۳۶
الْأَسْبَابَ چهل ۳۶
سبت
يَسْبِتُونَ هفت ۱۶۳
السَّبْتِ شانزده ۱۲۴
السَّبْتِ دو ۶۵ چهار
۴۷ + ۱۵۴ هفت ۱۶۳
سَبْتِهِمْ هفت ۱۶۳
سُبَاتًا بیست و پنج ۴۷
هفتاد و هشت ۹
سبح
يَسْبَحُونَ بیست و یک ۳۳
سی و شش ۴۰
سَبْحًا هفتاد و سه پنجاه
و نه ۱ هفتاد و نه ۳
وَسَبِّحُوا سی و سه ۴۲
يُسَبِّحُ هفده ۴۴ بیست
و چهار ۴۱ + ۳۶ پنجاه
و نه ۲۴ شصت و دو ۱
شصت و چهار ۱
وَيُسَبِّحُ سیزده ۱۳
يُسَبِّحُ هفده ۴۴
يُسَبِّحُونَ بیست و یک ۲۰ سی
و نه ۷۵ چهل ۷ چهل
و هشت ۳ چهل و دو ۵
يُسَبِّحْنَ بیست و یک ۷۹
سی و هشت ۱۸
يُسَبِّحُونَ شصت و هشت ۲۸
نُسَبِّحُ دو ۳۰
وَيُسَبِّحُوهُ هفت ۲۰۶
وَتُسَبِّحُوهُ چهل و هشت ۹
نُسَبِّحَكَ بیست ۳۳
سَبَّحَ هشتاد و هفت ۱
فَسَبِّحْ پانزده ۹۸ بیست
۱۳۰ پنجاه و شش ۷۴
۹۶ شصت و نه ۵۲ صد
ده ۳
وَسَبِّحْ سه ۴۱ بیست ۱۳۰
بیست و پنج ۵۸ چهل ۵۵
پنجاه ۳۹ پنجاه و دو ۴۹
سَبِّحُوا نوزده ۱۱
فَسَبِّحْهُ پنجاه ۴۰ پنجاه
و دو ۴۹
وَسَبِّحُوهُ سی و سه ۴۲
وَسَبِّحْهُ سی و شش ۴۲
سُبْحَانَ هفتاد و شش ۲۶

کارخانها بجهة آن مقرّر نموده اند و اسم آن را بانک گذاشته اند چقدر شایسته است که پادشاه اسلام پناه آن را دفع نماید دوازدهم غیبت کردنست یعنی در غیاب برادر عیب او گفتن و از گناهان بزرگ است و بمنزلهٔ خوردن گوشت مرده است و چقدر شیوع دارد در مجالس و محافل اهل غفلت خوب است که مؤمنین در مقام منع آن برآیند سیزدهم دروغ گفتن است و گناه آن عظیم است و هر فسادی که در عالم ظاهر شده اصل و منشأ آن دروغ است و اگر کسی تواند راستگوئی و لذّت آن را دریابد هرگز بطرف دروغ میل نخواهد کرد چهاردهم استماع غنا است و خوانندگی کردن و گناه هر دو بزرگ است و کسی که مرتکب

فصل السّين

هفتاد نهم ۳
وَالسّابِحاتِ هفتاد نهم ۳
وَتَسْبِيحَهُ بیست چهارم ۴۱
تَسْبِيحَهُم هفدهم ۴۶
الْمُسَبِّحُونَ سی هفتم ۱۶۶
الْمُسَبِّحِينَ سی هفتم ۱۴۳

سبط

وَالْأَسْباطِ دوّم ۱۳۰
سیم ۸۴ چهارم ۱۶۱
أَسْباطاً هفتم ۱۶۰
وَالْأَسْباطَ دوّم ۱۳۴

سبع

سَبْعَ دوازدهم ۴۳ + ۴۶ + ۴۸
السَّبْعُ هفدهم ۴۶
سَبْعٍ دوازدهم ۴۶
وَسَبْعٍ دوازدهم ۴۶
السَّبْعِ بیست سیم ۸۸
وَسَبْعَ دوازدهم ۴۳
سَبْعاً پانزدهم ۸۷
هفتاد هشتم ۱۲
سَبْعَةُ پانزدهم ۴۴
سی یکم ۲۶
سَبْعَةٌ هجدهم ۲۱
وَسَبْعَةٍ دوّم ۱۹۲
سَبْعُونَ شصت نهم ۳۲
سَبْعِينَ هفتم ۱۵۴ نهم ۸۰
السَّبُعُ پنجم ۴

سبغ

وَأَسْبَغَ سی یکم ۱۹
سابِغاتٍ سی چهارم ۱۰

سبق

سَبَقَ هشتم ۶۸ یازدهم ۴۲
بیستم ۹۹ بیست نهم ۲۸
سَبَقُوا هشتم ۶۱
سَبَقَكُم هفتم ۷۸ بیست نهم ۲۷
سَبَقُونا چهل ششم ۱۰ پنجاه
نهم ۱۰
تَسْبِقُ پانزدهم ۵ بیست نهم ۴۵
يَسْبِقُونَهُ بیست یکم ۲۷
يَسْبِقُونا بیست نهم ۳
سابِقُوا پنجاه هفتم ۲۱
وَاسْتَبَقا دوازدهم ۲۵
نَسْتَبِقُ دوازدهم ۱۷
فَاسْتَبِقُوا دوّم ۱۴۳
پنجم ۵۳
سَبْقاً هفتاد نهم ۴
سابِقُ سی ششم ۴۰
سابِقٌ سی پنجم ۲۹
سابِقُونَ بیست سیم ۶۳
السّابِقُونَ پنجاه ششم ۱۰
وَالسّابِقُونَ نهم ۱۰۱ پنجاه

ششم ۱۰
سابِقِينَ بیست نهم ۳۸
فَالسّابِقاتِ هفتاد نهم ۴
بِمَسْبُوقِينَ پنجاه ششم ۶۰
هفتادم ۴۱

سبل

سَبِيلُ ششم ۵۵
سَبِيلَ سیم ۶۹
السَّبِيلَ نهم ۹۰ چهل
دوّم ۴۰
سَبِيلِ چهارم ۴۶
نهم ۹۲ چهلم ۱۱ چهل
دوّم ۳۹ + ۴۳
۴۵
لِيَسْبِلَ پانزدهم ۷۶
سَبِيلَ هفتم ۱۴۳ + ۱۴۳
م دهم ۸۹ شانزدهم
۱۲۶ سی یکم ۱۴ چهلم ۳۰
۴۱ +
السَّبِيلا سی سیم ۶۷
سُبُلَ پنجم ۱۸ شانزدهم ۷۱
سُبُلاً بیستم ۵۵ بیست یکم
۳۲ چهل سیم ۹ هفتاد
یکم ۱۹
وَسُبُلاً شانزدهم ۱۵
السُّبُلَ ششم ۱۵۴
سَبِيلِي سیم ۱۹۴ دوازدهم
۱۰۸ شصتم ۱
سَبِيلِكَ دهم ۸۸
سَبِيلِكَ چهلم ۷
سَبِيلِهِ هجدهم ۶۲ + ۶۲
سَبِيلَنا بیست نهم
سُبُلَهُم نهم ۵
سُبُلَنا چهاردهم ۱۵
بیست نهم ۶۹

سبأ

سَبَإٍ بیست هفتم ۲۲
لِسَبَإٍ سی چهارم ۱۴

ستت

سِتَّةِ هفتم ۵۲ دهم ۳
یازدهم ۹ بیست پنجم ۶۰
سی دوّم ۳ پنجاهم ۳۷
پنجاه هفتم ۴
سِتِّينَ پنجاه هشتم ۵

ستر

تَسْتَتِرُونَ چهل یکم ۲۱
سِتْراً هجدهم ۸۹
مَسْتُوراً هفدهم ۴۷

سجد

فَسَجَدَ پانزدهم ۳۰
سی هشتم ۷۳
سَجَدُوا چهارم ۱۰۳

فَسَجَدُوا دوّم ۳۲ هفتم ۱۰
هفدهم ۶۳ هجدهم ۴۸
بیستم ۱۱۵
يَسْجُدُ سیزدهم ۱۶ شانزدهم ۴۹
۵۱ بیست دوّم ۱۸
تَسْجُدَ هفتم ۱۱ سی هشتم ۷۵
ءَأَسْجُدُ هفدهم ۶۳
لا يَسْجُدُ پانزدهم ۳۳
يَسْجُدانِ پنجاه پنجم ۵
يَسْجُدُونَ سیم ۱۰۹ هفتم
۲۰۵ بیست هفتم ۲۴
هشتاد چهارم ۲۱
يَسْجُدُوا بیست هفتم ۲۵
تَسْجُدُوا چهل یکم ۳۷
فَاسْجُدْ هفتاد ششم ۲۶
وَاسْجُدْ نود ششم ۱۹
وَاسْجُدِي سیم ۳۸
اسْجُدُوا دوّم ۳۲ هفتم
۱۰ هفدهم ۶۳ هجدهم ۴۸
بیستم ۱۱۵ بیست پنجم ۶۱
فَاسْجُدُوا پنجاه سیم ۶۲
وَاسْجُدُوا بیست دوّم ۷۶
چهل یکم ۳۷
ساجِداً سی نهم ۱۲
السّاجِدُونَ نهم ۱۱۳
ساجِدِينَ هفتم ۱۱۷
دوازدهم ۴ پانزدهم ۲۹
بیست ششم ۴۵ سی هشتم ۷۲
السّاجِدِينَ هفتم ۱۰
پانزدهم ۳۱ + ۳۲ + ۹۸
بیست ششم ۲۱۹
لَمَسْجِدٌ نهم ۱۰۹
مَسْجِدٍ هفتم ۲۸ + ۲۹
فَالْمَسْجِدِ دوّم ۲۱۴
بیست دوّم ۲۵
مَسْجِداً نهم ۱۰۸
هجدهم ۲۰
الْمَسْجِدَ نهم ۲۸ هفدهم ۷
چهل هشتم ۲۷
وَمَساجِدُ بیست دوّم ۴۱
الْمَساجِدِ دوّم ۱۸۳
مَساجِدَ دوّم ۱۰۸
نهم ۱۷ + ۱۸
الْمَساجِدَ هفتاد دوّم ۱۸

سجر

تُسْجَرُونَ چهلم ۷۳
سُجِّرَتْ هشتاد یکم ۶
الْمَسْجُورِ پنجاه دوّم ۶

سجل

السِّجِلِّ بیست یکم ۱۰۴
سِجِّيلٍ یازدهم ۸۴

پانزدهم ۷۴ صد
پنجم ۴

سجن

لَيُسْجَنَنَّ دوازدهم ۳۲
يُسْجَنَ دوازدهم ۲۵
لَيُسْجَنَنَّ دوازدهم ۳۲
السِّجْنِ دوازدهم ۳۳
السِّجْنِ دوازدهم ۳۹
۴۱ + ۴۲ + ۱۰۱
السِّجْنَ دوازدهم ۳۶
سِجِّينٍ هشتاد سیم ۸
سِجِّينٌ هشتاد سیم ۷
الْمَسْجُونِينَ بیست ششم ۲۸
سَجى نود سیم ۲

سحب

يُسْحَبُونَ چهلم ۷۲ پنجاه
چهارم ۴۸
سَحابٌ بیست چهارم ۴۰
پنجاه دوّم ۴۴
السَّحابِ بیست هفتم ۹۰
وَالسَّحابِ دوّم ۱۵۹
سَحاباً هفتم ۵۵ بیست
چهارم ۴۳ سی
پنجم ۱۰
السَّحابَ سیزدهم ۱۳

سحت

فَيُسْحِتَكُم بیستم ۶۴
لِلسُّحْتِ پنجم ۴۶
السُّحْتَ پنجم ۶۷ + ۶۸

سحر

سِحْرُها هفتم ۱۱۳
تُسْحَرُونَ بیست سیم ۹۱
لِتَسْحَرَنا هفتم ۱۲۹
أَسِحْرٌ دهم ۷۸
أَفَسِحْرٌ پنجاه دوّم ۱۵
لَسِحْرٌ دهم ۷۷
السِّحْرُ دهم ۸۱
بِسِحْرٍ هفتم ۱۱۳ بیستم ۶۰
السِّحْرِ بیستم ۷۵
السِّحْرَ دوّم ۹۶ بیستم ۷۴
بیست یکم ۳ بیست ششم ۴۸
سِحْرانِ بیست هشتم ۴۸
بِسِحْرِكَ بیستم ۵۹
بِسِحْرِهِ بیست ششم ۳۴
بِسِحْرِهِما بیستم ۶۶
سِحْرِهِم بیستم ۶۹
بِسَحَرٍ پنجاه چهارم ۳۴
بِالْأَسْحارِ سیم ۱۵
وَبِالْأَسْحارِ پنجاه یکم ۱۸
ساحِرٌ سی هشتم ۳ چهلم
۲۵ پنجاه یکم ۳۹

لَساحِرٌ هفتم ۱۰۶ دهم
۲ بیست ششم ۳۳
السّاحِرُ بیستم ۷۲ چهل
سیم ۴۸
ساحِرٍ هفتم ۱۰۹ دهم ۸۰
بیستم ۷۴
لَساحِرانِ بیستم ۶۶
السّاحِرُونَ دهم ۷۸
السَّحَرَةُ هفتم ۱۱۰ + ۱۱۷
دهم ۸۰ بیستم ۷۳
بیست ششم ۳۷ + ۴۰ + ۴۵
السَّحَرَةَ بیست ششم ۳۹
سَحّارٍ بیست ششم ۳۶
مَسْحُوراً هفدهم ۵۰ + ۱۰۳
بیست پنجم ۹
مَسْحُورُونَ پانزدهم ۱۵
الْمُسَحَّرِينَ بیست ششم ۱۵۳
۱۸۵

سحق

فَسُحْقاً شصت هفتم ۱۱
سَحِيقٍ بیست دوّم ۳۲
وَإِسْحاقَ دوّم ۱۳۴ چهاردهم
۴۱ سی هشتم ۴۵

سحل

بِالسّاحِلِ بیستم ۳۹

سخر

سَخِرَ نهم ۸۰
سَخِرُوا ششم ۱۰ یازدهم ۴۰
بیست یکم ۴۲
تَسْخَرُ چهل نهم ۱۱
فَيَسْخَرُونَ نهم ۸۰
وَيَسْخَرُونَ دوّم ۲۰۸
سی هفتم ۱۲
تَسْخَرُونَ یازدهم ۴۰
تَسْخَرُوا فَنَسْخَرُ یازدهم ۴۰
سَخَّرَ شانزدهم ۱۴
بیست دوّم ۶۴ سی یکم
۱۹ چهل سیم ۱۲ چهل
پنجم ۱۱
سَخَّرْنا سی هشتم ۱۷
فَسَخَّرْنا سی هشتم ۳۵
وَسَخَّرْنا بیست یکم ۷۹
سَخَّرَها بیست دوّم ۳۸
شصت نهم ۷
سَخَّرْناها بیست دوّم ۳۷
يَسْتَسْخِرُونَ سی هفتم ۱۴
السّاخِرِينَ سی نهم ۵۷
سُخْرِيّاً بیست سیم ۱۱۲ سی
هشتم ۶۳ چهل سیم ۳۱
الْمُسَخَّرِ دوّم ۱۵۹
مُسَخَّراتٍ شانزدهم ۱۲

مُسَخَّراتٍ هفتم ۵۲ شانزدهم ۷۹

سخط

سَخِطَ پنجم ۸۳
يَسْخَطُونَ نهم ۵۸
أَسْخَطَ چهل هفتم ۳۰
بِسَخَطٍ سیم ۱۵۶

سدد

سَدّاً هجدهم ۹۳ سی ششم ۸
السَّدَّيْنِ هجدهم ۹۲
سَدِيداً چهارم ۱۰ سی سیم ۷۰

سدر

سِدْرٍ سی چهارم ۱۵
پنجاه ششم ۲۷
سِدْرَةِ پنجاه سیم ۱۴
السِّدْرَةَ پنجاه سیم ۱۶

سدس

السُّدُسُ چهارم ۱۲ م ۱۵
سادِسُهُم هجدهم ۲۱
پنجاه هشتم ۸

سدى

سُدىً هفتاد پنجم ۳۶

سرر

تَسُرُّ دوّم ۶۴
أَسَرَّ سیزدهم ۱۱ شصت
ششم ۳
وَأَسْرَرْتُ هفتاد یکم ۸
أَسَرُّوا پنجم ۵۷
وَأَسَرُّوا دهم ۵۵ بیستم ۶۵
بیست یکم ۳ سی چهارم ۳۳
فَأَسَرَّها دوازدهم ۷۷
وَأَسَرُّوهُ دوازدهم ۱۹
يُسِرُّونَ دوّم ۷۲
یازدهم ۶ شانزدهم ۲۴
سی ششم ۷۶
تُسِرُّونَ شانزدهم ۱۹
شصتم ۱ شصت چهارم ۴
وَأَسِرُّوا شصت هفتم ۱۴
سِرّاً دوّم ۲۳۵ + ۲۷۵
سیزدهم ۲۲ چهاردهم ۳۶
شانزدهم ۷۷ سی پنجم ۲۶
السِّرَّ بیستم ۶ بیست پنجم ۶
سِرَّكُم ششم ۳
سِرَّهُم نهم ۷۹ چهل سیم ۸۰
وَسُرُوراً هفتاد ششم ۱۱
سُرُرٍ هشتاد هشتم ۱۳
سُرُرٍ پانزدهم ۴۷ سی
هفتم ۴۳ پنجاه دوّم ۲۰
پنجاه ششم ۱۵
وَسُرُراً چهل سیم ۳۳
وَالسَّرّاءِ هفتم ۹۳
السَّرّاءِ سیم ۱۲۸

السَّرائِرُ هشتاد ششم ۹
إِسْراراً هفتاد یکم ۸
إِسْرارَهُم چهل هفتم ۲۸
مَسْرُوراً هشتاد چهارم ۹ ۱۳

سرب

سَرَباً هجدهم ۶۰
كَسَرابٍ بیست چهارم ۳۹
سَراباً هفتاد هشتم ۲۰
وَسارِبٌ سیزدهم ۱۱

سربل

سَرابِيلَ شانزدهم ۸۳
وَسَرابِيلَ شانزدهم ۸۳
سَرابِيلُهُم چهاردهم ۵۰

سرج

سِراجاً بیست پنجم ۶۲
هفتاد یکم ۱۵ هفتاد ششم ۳
وَسِراجاً سی سیم ۴۵

سرح

تَسْرَحُونَ شانزدهم ۶
سَرِّحُوهُنَّ دوّم ۲۳۱
وَسَرِّحُوهُنَّ سی سیم ۴۸
وَأُسَرِّحْكُنَّ سی سیم ۲۸
سَراحاً سی سیم ۲۸ + ۴۸
تَسْرِيحٌ دوّم ۲۲۹

سرد

السَّرْدِ سی چهارم ۱۰

سردق

سُرادِقُها هجدهم ۲۸

سرع

يُسارِعُونَ سیم ۱۷۰
پنجم ۴۵ + ۵۷ + ۶۷
بیست یکم ۹۰ بیست سیم ۶۳
وَيُسارِعُونَ سیم ۱۱۰
نُسارِعُ بیست سیم ۵۸
وَسارِعُوا سیم ۱۲۷
لَسَرِيعُ هفتم ۱۶۶
سِراعاً پنجاهم ۴۳
هفتادم ۴۳
أَسْرَعُ ششم ۶۲ دهم ۲۲

سرف

أَسْرَفَ بیستم ۱۲۷
أَسْرَفُوا سی نهم ۵۴
يُسْرِفْ هفدهم ۳۵
يُسْرِفُوا بیست پنجم ۶۷
تُسْرِفُوا ششم ۱۴۲ هفتم ۲۹
إِسْرافاً چهارم ۵
وَإِسْرافَنا سیم ۱۴۱
مُسْرِفٌ چهلم ۲۹ + ۳۶
مُسْرِفُونَ هفتم ۷۹ سی
ششم ۱۸
الْمُسْرِفُونَ پنجم ۳۶

شود از نعمات بهشت محروم میشود و همچنین استعمال آلات لهو از نی و طنبور و دف و دائره و ارغنون و امثال آنها که همه حرامست و اجرت گرفتن و دادن برآنها حرامست
و عجب است از کسی که میگوید من یقین بمرگ و قیامت و بهشت و جهنم دارم و هنوز معلوم نکرده که بهشت میرود یا جهنم از آنها غافل شده عمر خود بلهو میگذراند و باز دعوی عقل
میکند سبحانه تعالی ۵ پانزدهم کرد و حش است در کیل و تراز و دکاه ان بزرگست و در قرآن ذیل بجهة آنها مقرر نموده و عجب است که در بعضی
از بلاد اسلام چندان شیوع یافته که قبح آن برطرف شده و حال آنکه سبب **باب السین** تنگی و گرانی میشود شانزدهم تراشیدن ریش است و گناه آن

سرد **سرع** **سرق** **سرمد** **سری** **سطح** **سطر** **سطو** **سعد** **سعر** **سعی** **سفر** **سفع** **سفک** **سفل** **سفن** **سفه** **سقر** **سقط** **سقف** **سقم** **سقی** **سکب** **سکت** **سکر** **سکن** **سل** **سلسل** **سلخ** **سلسبیل** **سلط** **سلف** **سلق** **سلک** **سلم**

مسرفین چهل نهم ۴
المسرفین شش ۱۴۲
للمسرفین دهم ۱۳
پنجاه یکم ۳۴

سرق

سرق دوازدهم ۷۷+۸۱
یسرق دوازدهم ۷۷
تسرقن شصتم ۱۳
استرق پانزدهم ۱۸
والسارق پنجم ۴۲
والسارقة پنجم ۴۲
والسارقون دوازدهم ۷۰
سارقین دوازدهم ۷۳

سرمد

سرمدا بیست هشتم ۷۱+۷۲

سری

یسر هشتاد نهم ۴
اسری هفدهم ۱ و بیست ششم ۵۲
فاسر یازدهم ۸۳ پانزدهم ۵ و چهل چهارم ۲۳
اسری هفدهم ۱
سریا نوزدهم ۲۴

سطح

سطحت هشتاد هشتم ۲۰

سطر

یسطرون شصت هشتم ۱
اساطیر ششم ۲۵ هشتم ۲۱ شانزدهم ۲۴ بیست سیم ۸۵ بیست پنجم ۶ بیست هفتم ۷۰ چهل ششم ۱۶ شصت هشتم ۱۵ هشتاد سیم ۱۳
مسطورا پنجاه دوم ۲
مسطور هفدهم ۶۰ سی سیم ۶
مسطورا پنجاه چهارم ۵۳
بمسیطر یا المصیطر هشتادو ششم ۲۲
المسیطرون پنجاه دوم ۳۷

سطو

یسطون بیست دوم ۷۱

سعد

سعدوا یازدهم ۱۱۰
وسعید یازدهم ۱۰۷

سعر

سعرت هشتاد یکم ۱۲
السعیر بیست دوم ۴ و
یکم ۲۰ سی چهارم ۱۱
سی پنجم ۵ چهل دوم ۵
شصت هفتم ۵+۱۰+۱۱
سعیرا چهارم ۱۱+۵۸

هفدهم ۹۹ بیست پنجم ۱۲
سی سیم ۶۴ چهل هشتم ۱۳
هشتاد چهارم ۱۲
وسعیرا هفتاد ششم ۴
وسعر پنجاه چهارم ۲۴+۴۷

سعی

سعی دوم ۲۰۱ پنجاه سیم ۳۹
هفتاد نهم ۲۵
وسعی هفدهم ۱۹ هفتاد ششم ۲۰ (؟)
سعوا بیست دوم ۵۱ سی
چهارم ۵
تسعی بیستم ۱۵+۶۶+۶۹
یسعون سیم ۳۷
ویسعون پنجم ۳۳+۶۴
فاسعوا شصت دوم ۹
سعیا دوم ۲۶۲
السعی سی هفتم ۱۰۲
سعیکم هفتاد ششم ۲۲
سعیهم هفدهم ۲۰
هجدهم ۱۰۴
لسعیها بیست یکم ۹۴
لسعیها هشتاد هشتم ۹
سعیه پنجاه سیم ۴۱
سعیها هفدهم ۲۰
سعیکم نود دوم ۴
مسغبة نودم ۱۴
مسفوحا ششم ۱۴۶
مسافحین چهارم ۲۸
پنجم ۷
مسافحات چهارم ۲۹

سفر

اسفر هفتاد چهارم ۳
سفر دوم ۱۸۰+۱۸۱
۲۸۳ چهارم ۴۶ پنجم ۹
وسفرا نهم ۴۲
سفرنا هجدهم ۶۱
اسفارنا سی چهارم ۱۸
اسفارا شصت دوم ۵
سفرة هشتادم ۱۵
مسفرة هشتادم ۳۸

سفع

لنسفعا نود ششم ۱۵

سفک

ویسفک دوم ۲۸
تسفکون دوم ۷۸

سفل

سافلین نودو پنجم ۵
سافلها یازدهم ۸۴
پانزدهم ۷۴
الاسفل چهارم ۱۴۴
اسفل نهم ۴۰ سی هفتم ۱۵ (؟)

نود پنجم ۵
الاسفلین سی هفتم ۹۶
چهل یکم ۲۹
السفلی نهم ۴۰

سفن

السفینة هجدهم ۷۸
سفینة هجدهم ۷۸
السفینة هجدهم ۷۰
بیست نهم ۱۴

سفه

سفه دوم ۱۳۰
سفها ششم ۱۴۱
سفیها دوم ۲۸۲
السفهاء دوم ۱۲ و
۱۳۰ هفتم ۱۵۴
السفهاء چهارم ۴
سفیهنا هفتاد دوم ۴
سفاهة هفتم ۶۵
سفاهة هفتم ۶۶

سقر

سقر هفتاد چهارم ۲۷
سقر پنجاه چهارم ۴۸
هفتاد چهارم ۲۶+۴۳

سقط

سقطوا نهم ۴۹
تسقط ششم ۵۹
سقط هفتم ۱۴۸
تساقط نوزدهم ۲۵
تسقط هفدهم ۹۲
نسقط سی چهارم ۹
فاسقط بیست ششم ۱۸۷
ساقطا پنجاه دوم ۴۴

سقف

السقف شانزدهم ۲۸
والسقف پنجاه دوم ۵
سقفا بیست یکم ۳۲
سقفا چهل سیم ۳۲

سقم

سقیم سی هفتم ۸۷+۱۴۵

سقی

تسقی بیست هشتم ۲۴
سقیت بیست هشتم ۲۵
وسقاهم هفتاد ششم ۲۱
فسقی دوازدهم ۴۱
تسقی دوم ۶۶
یسقون بیست هشتم ۲۳
نسقی بیست ششم ۷۹ (؟)
ویسقین بیست ششم ۷۹
وسقوا چهل هفتم ۱۷
تسقی سیزدهم ۴
ویسقی چهاردهم ۱۹

تسقی هشتاد هشتم ۵
یسقون هشتاد سیم ۲۵
ویسقون هفتاد ششم ۱۷
فاسقیناکم پانزدهم ۲۲
فاسقیناکموه پانزدهم ۲۲
لاسقیناهم هفتاد دوم ۱۶
ونسقیه بیست پنجم ۵۱
نسقیکم شانزدهم ۶۶
بیست سیم ۲۱
استسقی دوم ۵۷
استسقاه هفتم ۱۶۰
ساقی شصت هشتم ۴۲
سقایة نهم ۱۹
السقایة دوازدهم ۷۰
وسقیاها نود یکم ۱۳

سکب

مسکوب پنجاه ششم ۳۱

سکت

سکت هفتم ۱۵۳

سکر

سکرت پانزدهم ۱۵
سکرا شانزدهم ۶۹
سکرة پنجاهم ۱۸
سکرتهم پانزدهم ۷۲
سکاری چهارم ۴۶
بیست دوم ۲
بسکاری بیست دوم ۲

سکن

سکن ششم ۱۳
سکنتم شصت پنجم ۶
وسکنتم چهاردهم ۴۷
لیسکن هفتم ۱۸۹
لتسکنوا بیست هفتم ۸۶
تسکنون بیست هشتم ۷۲
لتسکنوا دهم ۶۷ بیست
هشتم ۷۳ سی ام ۲۰
چهلم ۶۱
اسکن دوم ۳۳
هفتم ۱۸
اسکنوا هفتم ۱۶۱ هفدهم ۱۰۴
تسکن بیست هشتم ۵۸
اسکنت چهاردهم ۴۰
فاسکناه بیست سیم ۱۸
یسکن چهل دوم ۳۱
ولنسکننکم چهاردهم ۱۴
اسکنوهن شصت پنجم ۶
سکن نهم ۱۰۳
سکنا ششم ۹۶
شانزدهم ۸۰
ساکنا بیست پنجم ۴۵
سکینة دوازدهم ۳۱ (؟)
سکینته دوم ۲۴۸

السکینة چهل هشتم ۴+۱۸
سکینته نهم ۲۶+۴۰ چهل
هشتم ۲۶
مساکن چهل دهم ۴۷ (؟)
ومساکن نهم ۷۲ شصت یکم ۱۲
ومساکن نهم ۲۴
مسکنهم سی چهارم ۱۴
مساکنهم بیست هشتم ۵۸
چهل ششم ۲۴
ومساکنکم بیست یکم ۱۳
مساکنهم بیستم ۱۲۸ بیست
نهم ۳۸ سی دوم ۲۶
مساکنکم بیست هفتم ۱۸
المسکنة سیم ۱۱۲
والمسکنة دوم ۶۱
مسکونة بیست چهارم ۲۹
مسکین شصت هشتم ۲۴
مسکین دوم ۱۸۴
المسکین شصت نهم ۳۴
هشتادم ۹ صد هفتم ۳
مسکینا پنجاه هشتم ۴
هفتاد ششم ۸ نودم ۱۶
المساکین هفتاد چهارم ۴۴
والمسکین هفدهم ۲۶ سی ام ۳۸
لمساکین هجدهم ۷۹
والمساکین چهارم ۸
والمساکین دوم ۸۳
چهارم ۳۶ هشتم ۴۱
نهم ۶۰ پنجاه نهم ۷
المساکین پنجم ۸۹+۹۵
والمساکین دوم ۱۷۷
۲۱۵ بیست چهارم ۲۲

سل

یتسللون بیست چهارم ۶۳
سلالة بیست سیم ۱۲ سی
دوم ۸

سلسل

سلسلة شصت نهم ۳۲
والسلاسل چهلم ۷۱
سلاسل هفتاد ششم ۴
تسلیما بیست دوم ۷۶
السلحة چهارم ۱۰۲
اسلحتکم چهارم ۱۰۲
واسلحتکم چهارم ۱۰۲

سلخ

نسلخ سی ششم ۳۷
انسلخ نهم ۵
فانسلخ هفتم ۱۷۵

سلسبیل

سلسبیلا هفتاد ششم ۱۸

سلط

لسلطهم چهارم ۹۰
بسلط پنجاه نهم ۶
سلطان پانزدهم ۴۲
شانزدهم ۱۰۰ هفدهم ۶۵
سی هفتم ۱۵۶
وسلطان یازدهم ۹۶
بیست سیم ۴۵ چهل ۳۵
سلطانیه شصت نهم ۲۹
سلطانه شانزدهم ۱۰۲

سلف

سلف دوم ۲۷۵ چهارم
۲۲+۲۳ پنجم ۹۵
هشتم ۳۹
اسلفت دهم ۳۱
اسلفتم شصت نهم ۲۴
سلفا چهل سیم ۵۶

سلق

سلقوکم سی سیم ۱۹

سلک

وسلک بیستم ۵۵
فسلکه سی نهم ۲۱
سلککم هفتاد چهارم ۴۲
سلکناه بیست ششم ۲۰۰
یسلک هفتاد دوم ۱۷
لتسلکوا هفتاد یکم ۱۹
یسلکه هفتاد دوم ۱۷
نسلکه پانزدهم ۱۲
اسلک بیست هشتم ۳۲
فاسلک بیست هشتم ۲۸
فاسلکی شانزدهم ۶۹
فاسلکوه شصت نهم ۳۲

سلم

سلم هشتم ۴۵
سلمتم دوم ۲۳۳
ویسلموا چهارم ۶۵
وتسلموا بیست چهارم ۲۷
فسلموا بیست چهارم ۶۱
وسلموا سی سیم ۵۶
اسلم دوم ۱۱۲ سیم ۸۳
چهارم ۱۲۴ ششم ۱۴
هشتاد دوم ۱۴
اسلمت دوم ۱۳۱
سیم ۲۰
واسلمت بیست هفتم ۴۴
اسلما سی هفتم ۱۰۳
اسلموا سیم ۲۰ پنجم ۴۴
چهل نهم ۱۴
اسلمتم سیم ۲۰
اسلمنا چهل نهم ۱۴
یسلم سی یکم ۲۲

اسلم چهلم ۶۶
یسلمون چهل هشتم ۱۶
تسلمون شانزدهم ۸۱
لنسلم ششم ۷۱
اسلم دوم ۱۲۵
اسلموا بیست دوم ۳۴
واسلموا سی نهم ۵۴
السلم چهل هفتم ۳۵
للسلم هشتم ۶۱
السلم دوم ۲۰۸
سلما سی نهم ۲۹
السلم چهارم ۹۱+۹۲+۹۰
شانزدهم ۲۸+۳۰+۸۷
سالمون شصت هشتم ۴۳
فسلام پنجاه ششم ۹۱
وسلام نوزدهم ۱۵
بیست هشتم ۶۰ سی هفتم ۱۸۱
السلام پنجاه نهم ۲۳
والسلام نوزدهم ۳۳
بیستم ۴۷
بسلام پانزدهم ۴۶
پانزدهم ۴۶ پنجاهم ۳۴
السلام پنجم ۱۶ ششم ۱۲۷
دهم ۲۵
سلاما یازدهم ۶۹
پانزدهم ۵۲ نوزدهم
۶۲ بیست پنجم ۶۳ پنجا
یکم ۲۵ پنجاه ششم
۲۶ م
وسلاما بیست یکم ۶۹
بیست پنجم ۷۵
السلام چهارم ۹۴
سلم پنجاه دوم ۳۸
سلما ششم ۳۵
سالم بیست ششم ۸۹
سی هفتم ۸۲
سلیمان دوم ۹۶
بیست هفتم ۱۶+۱۸
سلیمان حال جرّی دوم
۹۶ بیست هفتم ۳۰+۴۵
لسلیمان بیست هفتم ۱۷
ولسلیمان بیست یکم ۸۱
سی چهارم ۱۱
وسلیمان چهارم ۱۶۱
سلیمان در حالت نصبی
بیست یکم ۷۹ بیست هفتم ۳۶
سی هشتم ۲۹+۳۳
وسلیمان ششم ۸۴
بیست یکم ۷۸ بیست هفتم ۱۵
الاسلام سیم ۱۹
الاسلام سیم ۸۵ (؟) شصت یکم ۷

بزرگست وهو خراست کر قومی بسبب آن منع شده‌اند و آن سنت پادشاهان مجوس بود، و حضرت پیغمبر ایشان را نهی فرمود. عجایب است از کسانیکه تصدیق از پیغمبر دارند باز ریش خود را تراشیده بجهان خالی مشغول نماز میشوند و در حضور خدا و پیغمبر دعا حال آنکه اگر پادشاهی غدغن کند از پوشیدن لباس سرخ مثلاً آیا احدی جرات میکند که آن لباس را بپوشد و در حضور آن پادشاه رود چه میشود مردم را که احترام اوامر الهی را بقدر یک پادشاه ضعیف نگاه ۵۱۷ نمیدارد وچه بزرگست حلم خدا که انسان را برودی مینگرد وچه خوبست که پادشاه اسلام مردم را از اینعمل منع نماید بطریقه پیغمبر

فصل اللام وغیره

بالاسلام هشتم ۱۲۵
سی‌ونهم ۲۳
الاسلام پنجم ۵
اسلامهم نهم ۷۵
اسلامکم چهل‌ونهم ۱۷
مسلماً سیم ۶۷، دوازدهم ۱۰۲
مسلمین دویم ۱۲۲
المسلمون هفتادودویم ۱۴
المسلمین شانزدهم ۹۱ + ۱۰۲
مسلمة دویم ۱۲۲
مسلمات شصت‌وششم ۵
والمسلمات سی‌وسیم ۳۵
مسلمة دویم ۶۶ چهارم ۹۲
تسلیماً چهارم ۶۸ سی‌وسیم ۵۶
وتسلیماً سی‌وسیم ۲۲
مسلمون سی‌وهفتم ۲۶

سلا

والسلوی دویم ۵۴ هفتم
۱۶۰ بیستم ۸۲

سم

سم هفتم ۳۸
سموم پنجاه‌وششم ۴۱
السموم پانزدهم ۲۷
پنجاه‌ودویم ۲۷

سمد

سامدون پنجاه‌وسیم ۶۱

سمر

سامراً بیست‌وسیم ۶۹
سامری بیستم ۹۶
السامری بیستم ۸۷، ۹۰

سمع

سمع سیم ۱۷۷ پنجاه‌وهشتم ۱
سمعت دوازدهم ۳۱ شصت
هفتم ۷ شصت‌وششم ۱۵
سمعوا پنجم ۸۶ بیست‌وپنجم
۱۲ بیست‌وهشتم ۵۵ سی
پنجم ۱۵
سمعتم چهارم ۱۳۹
وسمعنا سی‌ودویم ۱۲
سمعه دویم ۱۷۷
سمعتموه بیست‌وچهارم ۱۲ + ۱۵
یسمع دویم ۱۶۶ نوزدهم
۴۳ بیست‌وششم ۴۲ چهل
پنجم ۷ پنجاه‌وهشتم ۱
یسمع نهم ۶
یسمع نوزدهم ۹۸ بیستم
۱۰۷ هشتادوهشتم ۱۱
یسمعوا هفتم ۱۹۷ سی
پنجم ۱۵
یسمع شصت‌وسیم ۴
اسمع بیستم ۴۸

یسمعون هشتم ۲۰ بیست
هشتم ۷۱
تسمعوا چهل‌ویکم ۲۵
ولتسمعن سیم ۱۸۳
تسمع چهل‌وهشتم ۸۰ شصت
هفتم ۱۰
تسمعها سی‌ویکم ۶ چهل
پنجم ۷
یسمعونکم بیست‌وششم ۷۲
واسمع چهارم ۴۸ + ۴۹
واسمعوا دویم ۸۷ + ۹۸
پنجم ۱۰۷ شصت‌وچهارم ۱۶
فاسمعون سی‌وششم ۲۴
اسمعهم هشتم ۲۳
لاسمعهم هشتم ۲۳
تسمع سی‌وپنجم ۲۱
اسمع نوزدهم ۳۹
واسمع هجدهم ۲۵
یستمعون سی‌وهفتم ۸
استمع هفتادودویم ۱
استمعوه بیست‌ویکم ۲
یستمع ششم ۲۵ چهل‌وهفتم ۱۸
یستمع هفتادودویم ۹
یستمعون دهم ۴۳
هفدهم ۴۷ سی‌ونهم
۱۹ چهل‌وششم ۲۸ پنجاه
دویم ۳۸
یستمعون بیست‌وششم ۲۴
فاستمع بیستم ۱۳
واستمع پنجاهم ۴۰
فاستمعوا هفتم ۲۰۳
بیست‌ودویم ۷۲
السمع بیست‌وششم ۲۱۲
للسمع هفتادودویم ۹
سمعنا هجدهم ۱۰۱ چهل
ششم ۳۵
سمعکم چهل‌ویکم ۲۱
سمعهم چهارم ۱۹ چهل
ششم ۲۵
سمعه چهل‌وپنجم ۲۲
سمعهم دویم ۶
بسمعهم دویم ۱۹
وسمعهم شانزدهم ۱۱۰
سمعکم ششم ۴۶
السمیع دویم ۲۵۷
السمیع سیم ۳۳
السمیع چهارم ۴۱
السمیع بیستم ۴۴
والسمیع یازدهم ۲۶
سمیعاً چهارم ۶۱ + ۱۳۳
۱۳۷ هفتادوششم ۲
سماعون پنجم ۴۵

۴۶ نهم ۴۷
مسمع سی‌وپنجم ۲۱
مستمع چهارم ۴۸
مستمعون بیست‌وششم ۱۴
مستمعهم پنجاه‌ودویم ۳۸

سمک

سمکها هفتادونهم ۲۸

سمن

یسمن هشتادوهشتم ۷
سمین پنجاه‌ویکم ۲۶
سمان دوازدهم ۴۳ + ۴۶

سما

سماکم بیست‌ودویم ۷۷
سمیتها سیم ۳۱
سمیتموها هفتم ۶۹
دوازدهم ۴۰ پنجاه‌وسیم ۲۳
لیسمون پنجاه‌وسیم ۲۸
سموهم سیزدهم ۳۳
تسمی هفتادوششم ۱۸
سماء یازدهم ۴۶
سماء چهل‌ویکم ۱۱
والسماء پنجاه‌ویکم ۷ هشتاد
پنجم ۱ هشتادوششم ۱ + ۱۱
نودویکم ۵
والسماء دویم ۲۰ چهلم
۶۶ پنجاه‌ویکم ۴۷
پنجاه‌وپنجم ۶
السموات سیم ۱۲۷
یازدهم ۱۰۹ + ۱۱۰
هفدهم ۴۶ نوزدهم ۹۲
بیست‌وسیم ۷۳ چهل‌ودویم ۳
والسموات چهل‌ودویم ۴۹
سی‌ونهم ۶۷
سموات دویم ۲۷ چهل
یکم ۱۱ شصت‌وپنجم ۱۲
شصت‌وهفتم ۳ هفتاد
یکم ۱۴
والسموات بیستم ۳
اسم هشتم ۱۱۸ + ۱۱۹
بیست‌ودویم ۴ پنجاه‌وپنجم ۷۸
الاسم چهل‌ونهم ۱۱
بسم یازدهم ۴۳ بیست
هفتم ۳۰
باسم پنجاه‌وششم ۷۴ + ۹۶
شصت‌ونهم ۵۲ نودوششم ۱
اسماء پنجاه‌وسیم ۲۳
الاسماء هفتم ۱۷۹
هفدهم ۱۱۰ بیستم ۷ پنجاه
نهم ۲۴
باسماء دویم ۲۹
اسماء هفتم ۶۹

اسماء دوازدهم ۴۰
الاسماء دویم ۲۹
اسمه دویم ۱۰۸
سیم ۴ نوزدهم ۷
بیست‌وچهارم ۳۶
شصت‌ویکم ۶
اسمائه هفتم ۱۷۹
باسمائهم دویم ۳۱ + ۳۳
سمیاً نوزدهم ۸ + ۶۶
تسمیه پنجاه‌وسیم ۲۸

سن

بالسن پنجم ۴۹
والسن پنجم ۴۹
سنت وسنة هشتم
۳۹ پانزدهم ۱۳ هجدهم ۵۳
لسنة سی‌وسیم ۶۲ سی
پنجم ۴۱ + ۴۲ چهل
هشتم ۲۳
سنة هفدهم ۷۹ سی‌وسیم
۳۸ + ۶۲ سی‌وپنجم ۴۱
چهلم ۸۵ چهل‌وهشتم ۲۳
سنن سیم ۱۳۱
سنن چهارم ۳۱
لسنتنا هفدهم ۷۹
مسنون پانزدهم ۲۶
۲۸ + ۳۳

سنبل

سنبلة دوازدهم ۴۷
سنبلة دویم ۲۶۳
سنبلات دوازدهم ۴۳ + ۴۶

سند

مسندة شصت‌وسیم ۴
سندس هجدهم ۳۰
چهل‌وچهارم ۵۳ هفتاد
ششم ۲۱
یتسنه دویم ۲۶۱
سنا بیست‌وچهارم ۴۳
سنین دویم ۹۰ بیست‌ودویم
۴۶ بیستم ۱۳ سی
دویم ۴ هفتادم ۴
سنین پنجم ۲۹ چهل‌وششم ۱۴
السنین دهم ۵ هفتم ۱۳
بالسنین هفتم ۱۲۷

سهر

بالساهرة هفتادونهم ۱۴

سهل

سهولها هفتم ۷۲

سهم

فساهم سی‌وهفتم ۱۴۱
ساهون پنجاه‌ویکم ۱۱
صدوهفتم ۵

ساء

فساء چهارم ۴۲ بیست
هشتم ۳ هفدهم ۱۷ بیست‌وهفتم
۵۹ سی‌وهفتم ۱۷۷
وساء چهارم ۲۶ هفدهم
۳۴ بیستم ۱۰۱
ساءت بیست‌وپنجم ۶۶
وساءت چهارم ۹۹ + ۱۱۵
هجدهم ۲۸ چهل‌وهشتم ۶
للسوأی هفدهم ۷
تسؤکم پنجم ۱۰۱
تسؤهم سیم ۱۱۶ نهم ۵۰
سیئ یازدهم ۷۹
بیست‌ونهم ۳۲
سیئت شصت‌وهفتم ۲۷
اساءوا چهل‌ویکم ۴۰ چهل
پنجم ۱۴
اساؤا سیم ۹ پنجاه‌وسیم ۳۲
اسائم هفدهم ۷ سی
نوزدهم ۲۹ بیست‌وپنجم
۷۲ + ۷۴
السوء نهم ۹۹ شانزدهم
۶۲ بیست‌وهفتم ۴۲ چهل
هشتم ۶ م ۱۲
سوء سیم ۱۶۸
السوء هفتم ۱۸۸ سی‌وسیم
سوء شانزدهم ۶۱ سی
نهم ۴۸
بسوء هفتم ۷۳ یازدهم
۵۷ + ۶۷ بیست‌وششم ۱۵۶
السوء هفتم ۱۶۵
بالسوء دویم ۱۶۴
چهارم ۱۴۷ دوازدهم
۵۳ سی‌وسیم ۲
سوء دویم ۴۹ ششم
۱۵۸ هفتم ۱۳۷ + ۱۶۶
سیزدهم ۲۱ چهاردهم ۶
سی‌ونهم ۲۵
سوء چهارم ۱۱۰ + ۱۲۲
ششم ۵۴ دوازدهم ۲۵
سیزدهم ۱۲ سی‌وسیم ۱۷
السوء چهاردهم ۲۱ دوازدهم
۲۴ شانزدهم ۹۶ + ۱۲۰
بیست‌وهفتم ۶۳ سی‌ام ۹
والسوء شانزدهم ۲۹
السیئ والسیئ سی‌وپنجم ۴۱
سیئاً نهم ۱۰۳
سیئة هجدهم ۳۰
سیئة سیم ۱۱۶ چهارم
۸۰ هفتم ۱۲۸ سی‌وهفتم ۳۵
چهل‌ودویم ۳۸ + ۴۷

السیئة چهل‌ویکم ۳۴
سیئة چهارم ۸۱ دهم ۲۸
چهل‌ودویم ۳۸
السیئة هفتم ۹۳
بالسیئة هشتم ۱۶۱
سیزدهم ۷ بیست‌وهفتم
۴۷ + ۹۲ بیست‌وهشتم ۸۴
سیئة دویم ۷۵ چهارم
۸۷ چهلم ۴۳
السیئة سیزدهم ۲۲ بیست
سیم ۹۸ بیست‌وهشتم ۵۴
سیئات شانزدهم ۳۶
سی‌ونهم ۴۹ + ۵۲ م
چهل‌وپنجم ۳۲
السیئات یازدهم ۱۳
سیئات چهلم ۴۸
والسیئات هفتم ۱۶۷
سیئاته شصت‌وچهارم ۹
شصت‌وپنجم ۵
سیئاتنا سیم ۱۹۱
سیئاتکم دویم ۲۷۳
چهارم ۳۵ پنجم ۱۵ هشتم
۲۹ شصت‌وششم ۸
سوءة پنجم ۳۴ م
سوآتهما هفتم ۲۱ سیم ۱۱۹
سوآتهما هفتم ۱۹ + ۲۶
سوآتکم هفتم ۲۵
السوأی سی‌ام ۱۰ چهل‌وهفتم ۲۷
السیئ چهلم ۶۰

ساب

سائبة پنجم ۱۰۲

ساحر

بساحتهم سی‌وهفتم ۱۷۷

ساد

اسودت سیم ۱۰۲
وتسود سیم ۱۰۲
وسیداً سیم ۳۴
سیدها دوازدهم ۲۵
سادتنا سی‌وسیم ۶۷
الاسود دویم ۱۸۳
سود سی‌وپنجم ۲۵
مسوداً شانزدهم ۶۰
چهل‌وسیم ۱۶
مسودة سی‌ونهم ۶۱

سور

تسوروا سی‌وهشتم ۲۰
بسور پنجاه‌وهفتم ۱۳
اساور هجدهم ۳۰
بیست‌ودویم ۲۳ سی‌وپنجم
۳۰ هفتادوششم ۲۱
اسورة چهل‌وسیم ۵۳

بسورة دویم ۲۱ دهم ۳۹
سور یازدهم ۱۶

ساط

سوط هشتادونهم ۱۲

ساع

والساعة چهل‌وپنجم ۳۱
پنجاه‌وچهارم ۴۶
ساعة نهم ۱۱۸
ساعة سی‌ام ۵۵
بالساعة بیست‌وپنجم ۱۲ م
الساعة چهل‌وسیم ۶۱
ساعة هفتم ۳۲ دهم
۴۶ + ۵۰ شانزدهم ۶۳
سی‌وچهارم ۲۹ چهل‌وششم ۳۵
سواعاً هفتادویکم ۲۲

ساغ

یسیغه چهاردهم ۲۰
سائغ سی‌وپنجم ۱۲
سائغاً شانزدهم ۶۸

ساف

لسوف نوزدهم ۶۷
فلسوف بیست‌وششم ۴۸
ولسوف نودوسیم ۲۱
نودوسیم ۵
وسوف چهلم ۱۴۵ پنجم
۱۷ هشتم ۶۶ بیست‌وپنجم
۴۲ چهل‌وسیم ۴۳

ساق

سقناه هفتم ۵۵
فسقناه سی‌وپنجم ۱۰
تسوق سی‌ودویم ۲۷
ونسوق نوزدهم ۸۹
وسیق سی‌ونهم ۷۱ + ۷۳
یساقون هشتم ۶
الساق بالساق هفتادوپنجم ۲۹
ساقیها بیست‌وهفتم ۴۴
بالسوق سی‌وهشتم ۳۲
سوقه چهل‌وهشتم ۲۹
الاسواق بیست‌وپنجم ۷ + ۲۰
سائق پنجاهم ۲۰
المساق هفتادوپنجم ۳۰

سول

سول چهل‌وهفتم ۲۷
سولت دوازدهم ۱۸
۸۳ بیستم ۹۶

سام

تسومهم هفتم ۱۶۶
یسومونکم دویم ۴۶
هفتم ۱۳۷ چهاردهم ۶
تسیمون شانزدهم ۱۰
سیماهم چهل‌وهشتم

بسیماهم

واتمه عمک وگذاشتن وزدن شارب مر نماید نا خداوند بر عمر و دولت وبیفزاید هفتم خوردن میته و گوشت جوان حرام گوشت که از جمله لحم خنزیر و گناه ان بزرگست وچه بیعقل کسانیکه گوشت مرغ و گوسفند و اهو را گذاشته گوشت خنزیر و بیران را میخورند و محض تقلید اهل فرنك ۵۱۸ نحو را عاقل میشمارند و با ادعای اسلام و تصدیق رسول شرم دارند ایا خداوند کریمی که رخصت خوردن گوشت و گوسفند و شتر و گاو و ماهی داده از رخصت در گوشت خنزیر بخل کرده ۰ حاشا بلکه بجهت مصلحت تو چنین نموده پس اگر عقل و

باب السین

سوی · شان · شبه · شجر · شحم · شخص · شرب · شرح · شرد · شرذم · شرط · شرع · شرق · شری · شطط · شطا

بسیماهم ۲۷۴ هفتم
۴۶۰۴۴ چهل هفتم ۳۲
پنجاه نهم ۴۱
مسومین سوم ۱۲۱
المسومة سیم ۱۲
مسومة یازدهم ۸۴
پنجاه یکم ۳۴

سوی
فسوی هفتاد پنجم ۳۸
هشتاد هفتم ۲
سواء چهل نهم ۳۵
فسواء هشتاد دوم ۷
سواء سی دوم ۸
سواها نود یکم ۷
فسواها هفتاد نهم ۲۸
نود یکم ۱۴
فسویهن دوم ۲۷
سویته پانزدهم ۲۹
سی هشتم ۷۲
تسوی پنجاه هفتم ۴
تسویکم بیست ششم ۹۸
تسوی چهارم ۴۵
ساوی هجدهم ۹۵
فاستوی چهل هشتم ۲۹
پنجاه سیم ۶
واستوی بیست هشتم ۱۳
واستوت یازدهم ۴۴
واستوت بیست سیم ۲۹
استویتم چهل سیم ۱۳
تستوی سیزدهم ۱۷
چهل یکم ۴۴
تسویان پانزدهم ۲۶
سی نهم ۳۰
یستوون نهم ۱۹ شانزدهم
۷۲ سی دوم ۱۸
لتستووا چهل سیم ۱۳
سوی بیستم ۶۰
وسواء سی ششم ۹
سواء پنجم ۸۱۰۶۵
سی هفتم ۵۳ سی ششم ۲۱
چهل چهارم ۴۷
سواء سیم ۵۷ دو ششم ۶
بیست یکم ۱۰۹
سواء دوم ۱۰۲ پنجم
۱۵ بیست ششم ۲ شصتم ۱
سواء سیم ۱۰۹ چهلم ۹۱
بیست هفتم ۲۵ چهل یکم
۹ چهل پنجم ۲۰
التسوی بیستم ۱۳۵
سویا نوزدهم ۱۷ ۴۳
۴۳ شصت هفتم ۲۲

ساح
فسیحوا نهم ۲
السائحون نهم ۱۱۲
سائحات شصت ششم ۵

سار
وسارب بیستم ۲۹
ونسیر پنجاه دوم ۱۰
فسیروا سیم ۳۱
سار نهم ۳۸
تسیر هجدهم ۴۵
یسیرکم دهم ۲۲
سیرت سیزدهم ۳۰
هشتاد یکم ۲
وسیرت هفتاد هشتم ۲۰
سیرا پنجاه دوم ۱۰
السیر سی چهارم ۱۷
سیرتها بیستم ۲۲
سیارة دوازدهم ۱۹
السیارة دوازدهم ۱۰
وللسیارة پنجم ۹۷

سال
فسالت سیزدهم ۱۸
واسلنا سی چهارم ۱۱
السیل سیزدهم ۱۸
سیل سی چهارم ۱۵

سیناء
سیناء بیست سیم ۲۰
سینین نود پنجم ۲

باب الشین

شام
المشئمة پنجاه ششم ۹ م
نودم ۱۹

شأن
شأن پنجاه نهم ۳۷
شأن دهم ۶۲ پنجاه
پنجم ۲۹
شانیهم بیست چهارم ۶۲

شبه
شبه چهارم ۱۵۶
متشابه دوم ۵ سیم ۵
فتشابه سیزدهم ۱۷
تشابهت دوم ۱۱۳
متشابه سیم ۱۴۲ ۹۹
متشابها دوم ۲۳
ششم ۱۴۲ سی نهم ۲۴
متشابهات سیم ۵
مشتبها ششم ۹۹

شت
اشتاتا بیست چهارم ۶۰
نود نهم ۶

شتی بیستم ۵۵ پنجاه نهم ۱۴
اشتی نود دوم ۴

شتی
الشتاء صد ششم ۲

شجر
شجر چهارم ۶۸
شجر شانزدهم ۱۰
والشجر پنجاه پنجم ۵
شجر پنجاه ششم ۵۲
الشجر شانزدهم ۷۰
سی ششم ۸۰
شجرها بیست هفتم ۶۱
شجرة سی هفتم ۶۰
شجرة سی هفتم ۶۲
شجرة بیستم ۱۱۸
شجرة بیست چهارم ۳۵
سی یکم ۲۶
کشجرة چهاردهم ۹ ۳۱۳
الشجرة هفتم ۱۹ ۲۱۰
بیست ششم ۳۰ چهل هشتم ۱۸
شجرة چهل چهارم ۴۳
شجرة سی هفتم ۱۴۶
وشجرة بیست سیم ۲۰
الشجرة دوم ۳۳ هفتم
۲۱۰۱۸
والشجرة هفدهم ۶۲
شجرتها پنجاه ششم ۷۱

شح
شح پنجاه نهم ۹ شصت چهارم ۱۶
الشح چهارم ۱۲۷
اشحة سی سیم ۱۹ م

شحم
شحومهما ششم ۱۴۶

شحن
المشحون بیست ششم ۱۱۹
سی ششم ۴۱ سی هفتم ۱۴۰

شخص
تشخص چهاردهم ۴۳
شاخصة بیست یکم ۹۷
وشددنا سی هشتم ۱۹
هفتاد ششم ۲۸
سنشد بیست هشتم ۳۵
اشدد بیستم ۳۲ واشدد دهم ۸۸
فشدوا چهل هفتم ۴
اشتدت چهاردهم ۲۱
لشدید سیزدهم ۷
لشدید چهاردهم ۷
شداد هفتم ۱۲ صد ۸
شدید چهلم ۲
الشدید پنجم ۲۵
الشدید دهم ۷۱

سداد دوازدهم ۴۸
شصت ششم ۶
شدادا هفتاد هشتم ۱۲
اشداء چهل هشتم ۲۹
واشد چهارم ۸۶
اشد دوم ۷۹
واشد چهارم ۹ چهلم ۸۴
اشده ششم ۱۵۲
دوازدهم ۲۲ هفدهم
۳۶ بیست ششم ۱۳
چهل ششم ۱۴
اشدهما هجدهم ۸۱
اشدکم بیست دوم ۵
چهلم ۶۹

شر
شر نود ششم ۵
اشر هفتاد دوم ۱۰
الشر هفدهم ۵ ۵ چهل یکم
۵۱۰۴۹ هفتادم ۲۰
شر صد پانزدهم ۲۲
صد چهاردهم ۴
بشر پنجم ۶۰ بیست دوم ۷۱
بالشر هفدهم ۱۱ بیست یکم ۳۴
شر ششم ۲۲ ۵۷ هفتاد
ششم ۱۱
لشر سی هشتم ۵۵
شرا بیست چهارم ۱۱ نود
نهم ۸
الشر دهم ۱۱
الاشرار سی هشتم ۶۲
شره هفتاد ششم ۷
لشرر هفتاد هفتم ۳۲

شرب
شرب دوم ۲۵۰
فشربوا دوم ۲۵۰
تشرب هفتادم ۶
هشتاد سیم ۲۸
ویشرب بیست سیم ۳۵
یشربون هفتاد ششم ۵
تشربون بیست سیم ۳۵
پنجاه ششم ۶۷
واشربوا نوزدهم ۲۶
واشربوا دوم ۵۷
۱۸۳ هفتم ۲۹ پنجاه
دوم ۱۹ شصت نهم ۲۴
هفتاد هفتم ۴۳
واشربوا دوم ۸۷
شرب بیست ششم ۱۵۵
شرب بیست ششم ۱۵۵
شرب پنجاه چهارم ۲۸
شرب پنجاه ششم ۵۵

تشاربون پنجاه ششم ۵۴
للشاربین شانزدهم
۶۸ سی هفتم ۴۵ چهل
هفتم ۱۶
شراب ششم ۶۹ دهم ۴
شانزدهم ۱۰ ۷۱
وشراب سی هشتم ۴۱
الشراب هجدهم ۲۸
وشراب سی هشتم ۵۱
شرابا هفتاد ششم ۲۱
هفتاد هشتم ۲۴
شرابه سی پنجم ۱۳
وشرابك دوم ۲۶۱
مشربهم دوم ۵۷
هفتم ۱۶۰
ومشارب سی ششم ۷۳

شرح
شرح شانزدهم ۱۰۸
سی نهم ۲۳
یشرح ششم ۱۲۵
نشرح نود چهارم ۱
اشرح بیستم ۲۶

شرد
فشرد هشتم ۵۹

شرذم
لشرذمة بیست ششم ۵۴

شرط
اشراطها چهل هفتم ۲۰

شرع
شرع چهل دوم ۱۱
شرعوا چهل دوم ۲۰
شرعا هفتم ۱۶۳
شرعة پنجم ۵۲
شریعة چهل پنجم ۱۷

شرق
واشرقت سی نهم ۶۹
شرقیا نوزدهم ۱۶
شرقیة بیست چهارم ۳۵
والاشراق سی هشتم ۱۷
مشرقین بیست ششم ۶۰
بیست ششم ۶۰
المشرق دوم ۱۰۹ ۱۳۶
المشرق دوم ۱۷۲ ۲۶۴
بیست ششم ۲۷ هفتاد
سیم ۹
المشرقین چهل سیم ۳۷
پنجاه پنجم ۱۶
المشارق سی هفتم ۵
هفتادم ۴۰
مشارق هفتم ۱۳۳

شرك
اشرك هفتم ۱۷۲
اشرکت سی نهم ۶۵
اشرکتم ششم ۸۱ م
اشرکا ششم ۱۴۹
اشرکتمون چهاردهم ۲۷
وشارکهم هفدهم ۶۴
یشرك هجدهم ۲۵
یشرك چهارم ۵۱ ۱۱۶
پنجم ۷۲ هجدهم ۱۱۰
بیست دوم ۳۲
تشرك سی یکم ۱۴
لیشرك بیست نهم ۷
تشرك بیست دوم ۲۷
سی یکم ۱۲
اشرك هجدهم ۳۶
هفتاد دوم ۲۰
اشرك سیزدهم ۳۶
واشرك چهلم ۴۵
اشرك هجدهم ۴۰
ایشرکون هفتم ۱۹۱
یشرکن شصتم ۱۲
تشرکون ششم ۱۹ ۴۱۰
۶۴ ۷۸۰ ۸۰ یازدهم
۵۷ چهلم ۷۴
تشرکوا چهارم ۴۰
ششم ۱۵۲ هفتم ۳۱
نشرك سیم ۵۷ دوازدهم
۳۸ هفتاد دوم ۲
واشرکه بیستم ۳۲
یشرك چهارم ۵۱ ۱۱۶
لیشرك چهلم ۱۲
تشرك سی یکم ۳۸ چهل
ششم ۳
شرك سی چهارم ۲۱
الشرك سی یکم ۱۳
بشرککم سی پنجم ۱۵
شریك هفدهم ۱۱۱
بیست پنجم ۲
شریك ششم ۱۶۳
شرکاؤنا شانزدهم ۸۸
شرکاؤکم ششم ۲۲
وشرکاؤکم دهم ۲۹
شرکاءهم ششم ۱۳۸
دهم ۲۹
لشرکائنا ششم ۱۳۷
شرکاءکم دهم ۵ سی ۳
سی ام ۳۹
شرکاءهم ششم ۱۳۷
سی ام ۱۲
بشرکائهم سی ام ۱۲
شصت هشتم ۴۱

لشرکائهم ششم ۱۳۷
شرکائکم هفتم ۱۹۴
بیست ششم ۶۴ سی پنجم ۳۸
وشرکائکم دهم ۷۲
شرکائهم شانزدهم ۸۸
مشرك بیست چهارم ۳
مشرکة دوم ۲۲۰
مشرکون دوازدهم ۱۰۶
شانزدهم ۱۰۲
المشرکون ششم ۱۲۱
المشرکون نهم ۲۸ ۳۲ ۳
شصت یکم ۹
مشرکین ششم ۲۳ بیست
دوم ۲۲ سی سیم ۱۲ چهلم
المشرکین نهم ۷ ۱۷
۱۱۴ چهل یکم ۵
والمشرکین سی سیم ۷۳
چهل هشتم ۶ نود هشتم ۵
مشرکة دوم ۲۲۰
مشرکة بیست چهارم ۳
المشرکات دوم ۲۲۰
والمشرکات سی سیم ۷۳
چهل هشتم ۶
مشترکون سی هفتم ۳۲
چهل سیم ۳۸

شری
شروا دوم ۹۶
وشروه دوازدهم ۲۰
یشری دوم ۲۰۲
یشرون چهارم ۷۶
اشتری نهم ۱۱۲
اشتروا دوم ۸۶ ۹۰
واشتروا سیم ۱۸۴
اشتروا دوم ۱۵ ۸۰
۱۷۰ سیم ۱۷۱
اشتراه دوم ۹۶
دوازدهم ۲۱
تشتری سی یکم ۵
یشترون سیم ۱۸۷ ۴
۱۹۸ چهارم ۴۷
ویشترون دوم ۱۶۹
لیشتروا دوم ۷۳
تشتروا دوم ۳۹ پنجم
۴۸ شانزدهم ۹۷
تشتری پنجم ۱۰۵

شطط
تشطط سی هشتم ۲۱
شططا هجدهم ۱۳
هفتاد دوم ۴

شطا
شطئ چهل هشتم ۲۹

هوش داری باید در ترک ان ممنون باشی مجد هم عاق والدین شد نست یعنی کاری کنند که پدر یا مادر از او رضا نباشند وان از گناهان بسیار بزرگست وباعث کوتاهی عمر میشود وبوی بهشت را نخواهد شنید ودر جهنم معذب خواهد شد ونیکی با ایشان از اسباب طول عمر وخوشنودی خدا ودخول بهشت ونجات از نار است نوزدهم شهادت ناحق دادن وگناه ان بزرگست وان از اقسام کذب است بیستم قمار بازی کردن است بشطرنج یا نرد یا گنجفه یا کردو یا تخم مرغ یا پول سیاه یا غیر ان حتی کردبستن با فوج وخروس وگاو وشتر وغیره وگناه ان عظیم است وباعث

فصل الطاء وغیره

شاطئ بیست وهشتم ۳

شطر

شطر دو بیست ۱۳۴+۱۴۴
۵۰،۴۴ شطره دو بیست ۱۳۹

شطن

شیطان یازدهم ۱۷
بیست دوم ۳ سی هفتم ۷
هشتاد وهشتم ۳۵
للشیطان نوزدهم ۳
شیطانا چهارم ۱۱۷
چهل وهفتم ۳۵
الشیاطین دوم ۱۰
ششم ۷ بیست وششم ۳۱
۲۲۱ للشیاطین بیست
ویکم ۵ شیاطین ششم
۱۱۲ الشیاطین هفتم
۲۹ بیست ویکم ۸۲ بیست
ششم ۹۹ سی هفتم
الشیاطین دوم ۹
ششم ۱۲۱ هفتم ۲۵
۲۸ نوزدهم ۸۵
والشیاطین نوزدهم
۶ وسی ششم ۳۶
شیاطینهم دوم ۱۴

شعب

شعوبا چهل ونهم ۱۳
شعب هفتاد هفتم ۳
شعبة هفتم ۸۴
یازدهم ۸۹ + ۹۳
شعیب بیست وششم ۱۷۷
شعیبا هفتم ۸۳
۸۸ + ۹۰ یازدهم ۸۵
۹۲ بیست ونهم ۳۵

شعر

تشعرون دوم ۱۴۴
بیست وششم ۱۱۳ سی ونهم
۵۵ چهل ونهم ۲
یشعرون بیستم ۱۸
یشعرکم ششم ۱۰۹
الشعر سی وششم ۶۹
واشعارها شانزدهم
۸۰ شاعر بیست ویکم
۵ پنجاه ودوم ۳۰
شاعر شصت ونهم ۴۱
لشاعر سی هفتم ۳۶
والشعراء بیست وششم
الشعری ۲۲۴
پنجاه وسوم ۵۰
شعائر دوم ۵۳
بیست ودوم ۳۷
شعائر پنجم ۲
بیست ودوم ۳۲
المشعر دوم ۱۹۴

واشتعل نوزدهم ۳

شغف

شغفها دوازدهم ۳۰

شغل

شغلتنا چهل وهشتم ۱۱
شغل سی وششم ۵۵

شفع

تشفع دوم ۲۵۴
یشفع چهارم ۸۷
یشفعون بیست ویکم ۲۸
فیشفعوا هفتم ۵۱
والشفع هشتاد ونهم ۳
شافعین بیست وششم ۱۰۰
الشافعین هفتاد وچهارم ۴۸
شفیع ششم ۵۱ + ۷۰
شفیع دهم ۳ سی ودوم ۴
دهم ۱۸ چهل ونهم ۱۹
شفعاء سی ام ۱۳
شفعاء هفتم ۵۳
سی ونهم ۴۴
شفعاء ششم ۹۴
شفاعة هفتاد وچهارم
۴۸ شفاعة دوم
۴۸ + ۱۲۳ + ۲۵۵
الشفاعة بیستم ۱۰۹
سی وچهارم ۲۳ سی
ونهم ۴۴ شفاعة
چهارم ۸۵
الشفاعة نوزدهم
۸۷ چهل وسوم ۸۶
شفاعتهم سی وششم
۲۳ پنجاه وسوم ۲۶

شفق

واشفقن سی وسوم ۷۲
ءاشفقتم پنجاه وهشتم
۱۳ بالشفق هشتاد وچهارم
۱۶ مشفقون چهاردهم
بیست ویکم ۲۸ + ۴۹
بیست وسوم ۵۷ چهل ودوم
۲۲ مشفقین هفتادم ۲۷
چهل ودوم ۱۸ پنجاه ودوم ۲۶ مشفقین

شفا

نوزدهم ۲۶ شفا
ویشف نهم ۱۴ یشفین
بیست وششم ۸۰ شفاء یونس ۵۷
نهم ۱۱۱ شفاء شانزدهم
۶۹ وشفاء هفدهم ۸۲
چهل ویکم ۴۴ دهم ۵۷
شفا هشتادم ۲۶
آشتعوا بیست وششم ۳۷
شفا دوم سوم ۱۰۳ پنجاهم

وشاتوا چهل وهفتم ۴
نشاق چهارم ۱۱۵
هشتم ۱۳ انشاق پنجاه
نهم ۴ نشاقون شانزدهم ۲۷
۲۹ تشقق دوم ۷۴
تشقق بیست وپنجم ۲۵
پنجاهم ۴۳
وانشق پنجاه وچهارم ۱
انشقت پنجاه وچهارم ۳۷
هشتاد وچهارم ۱
وانشقت شصت ونهم ۱۶
ونشقق نوزدهم ۹۲
شقا هشتادم ۲۶
بشق شانزدهم ۷
الشقة نهم ۴۲
آشق سیزدهم ۳۴
شقاقی دوم ۱۳۷
۱۷۱ بیست ودوم ۵۳
چهل ویکم ۵۲
وشقاقی سی وهشتم ۲
شقاق چهارم ۳۹
شقاقی یازدهم ۹۱

شقی

شقوا یازدهم ۱۰۸
تشقی بیستم ۱۲۳
فتشقی بیستم ۱۱۷
لتشقی بیستم ۱
شقی یازدهم ۱۰۷
شقیا نوزدهم ۴
۳۲ + ۴۹
الاشقی هشتاد وهفتم ۱۱
نود ودوم ۱۵
آشقیها نود ویکم ۱۲
شقوتنا بیست وسوم ۱۰۶

شلک

شلک چهارم ۱۱

شکر

تشکر بیست هفتم ۴۰
پنجاه وچهارم ۳۵
تشکرت چهارم ۱۴۷
چهاردهم ۷
تشکر بیست هفتم ۴۰
سی ویکم ۱۱
تشکرنی یکم ۱۱
ءاشکر بیست هفتم ۴۰
چهل وششم ۱۵
اشکر بیست هفتم ۱۱
چهل وششم ۱۴
اشکروا سی ونهم ۹
اشکرنی یکم ۱۱ + ۱۳
واشکروا دوم ۱۵۲
۱۴۷ شانزدهم ۱۱۵
بیست ونهم ۱۷ سی وچهارم ۱۴

شکر سی وچهارم ۱۳
شکورا بیست وپنجم ۳۳
هفتادم ۹
شاکر دوم ۱۵۸
شاکرا چهاردهم ۱۲۱
شانزدهم ۱۲۲
هفتادم ۳
شاکرون بیست ویکم ۸۰
شاکرین هفتم ۱۰
بالشاکرین ششم ۵۳
شکور سی وپنجم ۳۷
۳۱ چهل ودوم ۲۳
شصت وچهارم ۱۷
الشکور سی وچهارم ۱۳
شکور چهاردهم ۵
سی ویکم ۳۱ سی وچهارم ۱۹
چهل ودوم ۳۳
شکورا هفدهم ۳
مشکورا هفدهم ۱۹
هفتاد وششم ۲۲

شکس

متشاکسون سی ونهم ۳۰

شکل

شکله سی وهشتم ۵۸
شاکلته هفدهم ۸۴

شکا

آشکو دوازدهم ۸۶
وتشتکی پنجاه وهشتم ۱
کمشکوة بیست وچهارم ۳۵

شمت

تشمت هفتم ۱۴۹

شمخ

شامخات هفتاد وهفتم ۲۷

شمز

اشمازت سی ونهم ۴۵

شمس

الشمس سی وششم ۳۸
پنجاه وپنجم ۵ هفتاد
وپنجم ۹ هشتاد ویکم ۱
والشمس بیست ودوم
۱۸ سی وششم ۳۸
چهل ویکم ۳۷
الشمس هفدهم ۷۸
هفدهم ۸۴ + ۸۹
بیستم ۱۳۰ پنجاهم ۳۹
بالشمس دوم ۲۵۸
للشمس بیست وهفتم
۲۴ چهل ویکم ۳۷
والشمس نود ویکم ۱
شمسا هفتاد ششم ۱۳

شمل

اشتملت ششم ۱۴۳ + ۱۴۴

الشمال پنجاهم ۱۷
۱۷ پنجاهم ۵۶ پنجاه وششم
۴۱ هفتادم ۳۷
وشمائل سی وچهارم ۱۵
شماله شصت ونهم ۲۵
والشمائل شانزدهم ۴۸
شمائلهم هفتم ۱۷

شنا

شنان پنجم ۲ + ۸
شانئک صد وهشتم ۳

شهب

شهاب پانزدهم ۱۸
سی وهفتم ۱۰
بشهاب بیست وهفتم ۷
شهابا هفتاد ودوم ۹
وشهبا هفتاد ودوم ۸

شهد

شهد دوم ۱۸ سوم
چهل ویکم ۲۰ چهل وششم
وشهد دوازدهم
۲۶ چهل وششم ۱۰
شهدوا چهارم ۱۹
ششم ۱۵۰
اشهدوا چهل وششم
وشهدوا سوم ۸۶ ششم
۱۳۰ هفتم ۳۵
شهدنا چهل ویکم ۲۱
شهدنا ششم ۱۳۰
هفتم ۱۷۲ دوازدهم ۸۱
بیست وهفتم ۴۹
یشهد چهارم ۱۶۶
نهم ۱۰۷ پنجاه ونهم ۱۱
شصت وسوم ۱
یشهد چهل ویکم ۲۱
ولیشهد بیست وچهارم ۲
فلیشهد بیست وچهارم ۶
ویشهد سی وششم ۶۵
تشهد بیست وچهارم
تشهد ششم ۱۵۰
آشهد ششم ۱۹
تشهدون چهارم
۳۴ ششم ۵ بیست
ویکم ۶۱ بیست وچهارم ۷
لیشهدوا بیست ودوم ۲۸
تشهدون دوم ۸۴
سوم ۷۰
لتشهدون ششم ۱۹
تشهد شصت وسوم ۱
تشهدون هشتادم ۲۱
تشهد بیست وهفتم
۳۲ واشهد سوم ۶۵
پنجم ۱۱۱
اشهدوا یازدهم ۵۴

فاشهد واچهارم ۷
واشهد واشهد ششم ۱۵۰
اشهد واسوم ۵۱
فاشهدوا سوم ۸۰
واشهدوا یازدهم ۵۴
واشهدهم هفتم ۱۷۲
واشهدهم پنجم ۲۰۹
ویشهد دوم ۲۰۰
شصت پنجم ۲
واستشهدوا دوم ۲۸۲
شاهد یازدهم ۱۷
دوازدهم ۲۶ چهل وششم ۱۰
فاستشهدوا چهارم ۱۵
وشاهد هشتاد وپنجم ۳
شاهدا سی وسوم ۴۵
چهل وهشتم ۸ هفتادم ۱۵
۱۵ شاهدون سی هفتم
۵۰ الشاهدین بیستم
بیست ویکم ۵۶ الشاهدین
سوم ۵۳ + ۸۱ پنجم
۸۳ + ۱۱۳ بیست ویکم ۵۶
بیست وششم ۴
شهودا هفتاد وچهارم
شهودا دهم ۶۱
هفتادم ۳۳
الاشهاد یازدهم ۱۸
چهل ۵۱ لشهید
صد ۱ وشهید پنجاهم
۲۰ شهید چهل ویکم ۴۷
بشهید چهارم ۴۱
شهیدین دوم ۲۸۲
شهداء سیزدهم ۹۳
بیست چهارم ۴
الشهداء دوم ۲۸۲
والشهداء پنجاه ونهم
شهداء حال النجوی
بیست چهارم ۶ + ۱۳
الشهداء دوم ۲۸۲
بالشهداء بیست چهارم ۱۳
والشهداء چهارم ۶۹
سی ونهم ۶۹
شهداء کردونم ۲
ششم ۱۵۱
شهادة پنجم ۱۰۶
تشهادة بیست چهارم ۸
بالشهادة پنجم ۱۰۷
للشهادة دوم ۲۸۲
شهادة پنجم ۱۰۵
شهادة دوم ۱۴۰
ششم ۱۹ بیست چهارم ۶
الشهادة دوم ۲۸۲
شصت پنجم ۲
شهاداتهم بیست چهارم

لشهادتنا پنجم ۱۰۷
شهادتهم چهل ویکم
شهادتهما پنجم ۱۰۷
شهادة هفتاد ۳۳
مشهد نوزدهم ۳۸
مشهود یازدهم ۱۰۳
ومشهود هشتاد وپنجم ۳
مشهودا هفدهم

شهر

شهر دوم ۱۸۵
شهر سی چهارم ۱۲
الشهر دوم ۱۸۵
شهر نود وهفتم ۳
الشهر دوم ۱۹۴ + ۲۱۷
بالشهر دوم ۱۹۴
شهرا نهم ۳۶
چهل وششم ۱۵
الشهر دوم ۱۹۴ پنجم
والشهر پنجم ۲
شهرین چهارم ۹۲
پنجاه ۸ ۴
الشهور نهم ۳۶
شهر دوم ۱۹۴
الا شهر نهم ۵
اشهر دوم ۲۲۶ + ۲۳۴
۵ ۲۳۴ ۲
شصت پنجم ۴

شهق

وشهیق یازدهم ۱۰۶
شهیقا شصت هفتم ۷

شهی

اشتهت بیست ویکم ۱۰۲
تشتهی چهل ویکم ۳۱
تشتهیه چهل وسوم ۷۱
شهوة هفتم ۸۱
بیست هفتم ۵۵
الشهوات نهم ۱۴
چهارم ۲۷ نوزدهم ۵۹

شاب

لشوی هفتادم ۱۶

شاد

وشادوا دهم ۵۳
فاشادت نوزدهم ۲۹
شوری چهل ودوم
وتشاورهم دوم ۲۳۳

شاط

شواظ پنجاه وپنجم ۳۵

شاک

الشوکة هشتم ۷

شوی

شوی چهاردهم ۴۴
للشوی هفتادم ۱۶
نشب بیست ۱۵

باب الشین بعده الطاء ۴ تعداد
شطر
شطن
شعب
باب الشین بعده الفاء
شفع
شفق
شفا
باب الشین بعده الکاف
شک
شکر
شکس
باب الشین بعده الهاء
شهب
شهد
شهر
باب الشین بعده الالف
شاب
شاد
شاط
شاک

فساد و ناروا است بر پادشاه لازم است که از ان منع شدید نماید بیت یکم کتمان شهادت حق نمودنست و گناه ان بزرگست بیت دو تیر
قذف کردنست مثل انکه بزنی عفیفه نسبت زنا دهد یا بمردی نسبت لواط و این بسیار شایعست در بلاد اسلام که فحش متعارفست ایشارا
وان از گناهان بزرگست و موجب حد است بیت سیم قسم دروغ خوردنست و گناه ان بزرگست و از اسباب قطع عمر و برچیده شدن
خاندانست بیت چهارم خیانت کردنست و بجمله مال مردم خوردنست مانند عوض کردن پول خوب و بد و اب داخل

باب الصاد

سی و اول
الالف
باب الشین بعد
شاب
شاخ
شاد
سی و دوم
باب الصاد بعد الباء
صبح
صبغ
صبا
سی و چهارم
باب الصاد بعد الحاء
صحف
صخ
صخر
سی و پنجم
باب الصاد بعد الدال
صدد
صدف
صدق
سی و ششم
باب الصاد بعد الراء
صر
صرخ

بیست و یکم بیست و چهارم ۴
ششم دو ۵۵
۲۳ هفتم ۱ سی
نهم ۱ چهل و یکم ۴۰
ششم ۱ دوم هفتم
آشیاء هفتم ۱۵۵
نشاؤن هفتاد و ششم
۳۰ هشتاد و یکم ۲۹
نشاء بیست و ششم ۲
شیء چهارم سی و ششم ۴
لشیء یازدهم ۲۹ سی
ششم ۴ ۵
لشیء شانزدهم ۴۰
یجد نهم ۲۳
وشیء نوزدهم چهارم ۱۵
اشیاء پنجم ۱۰
اشیاءکم هفتم ۹۱
یازدهم ۸ بیست ششم ۲

شاب
شیبا نوزدهم ۳
شیبا هفتاد و ششم ۲
وشیبة سی ام ۳ ۵۳

شاخ
شیخ بیست ششم ۲۳
شیخا یازدهم ۷۵
دوازدهم ۷۸
شیوخا چهلم ۴۰

شاد
مشید بیست و دوم
مشیدة چهارم ۸۵

شاع
تشیع بیست چهارم ۸
شیعة نوزدهم ۷
شیعة بیست چهارم
۱۴ سی هفتم ۸۱
شیع یازدهم ۱۰
شیعا ششم ۵
۵۵ بیست ششم ۲
سی ام ۳ باشیاعهم
نوزدهم چهارم ۵
اشیاعکم پنجاه و چهارم

باب الصاد

ص
ص سی و هشتم ۱

صب
فصب هشتادم ۱۳
صببنا هشتادم ۲۵
صبوا چهل و چهارم
یصب بیست و دوم ۲۹
صبوا هشتادم ۲۵

صبا
والصابئون پنجم ۷۳
والصابئین دوم ۵۹

بیست و دوم ۱۷

صبح
صبحهم پنجاه و چهارم ۳۸
اصبح شصت و هفتم ۳۰
فاصبح پنجم ۳۲
۳۳ پنجم ۳۰
۴۴ بیست ششم ۱۷
واصبح بیست ششم ۴۲
فاصبحت شصت ششم ۲
اصبحوا پنجم ۵۱
فاصبحتم سیم ۹۸
چهلم یکم ۲۲
یصبح پنجم ۳۹
فتصبح بیست و دوم ۴
مصبح پنجم ۳۸
مصبحوا پنجم ۵۷
لیصبحن بیست ششم ۴۰
تصبحون سی ام ۱۷
فتصبحوا چهل نهم ۶
الصبح یازدهم ۸۱ ۳
والصبح هفتاد چهارم
۳۳ هشتاد یکم ۱۸
صبحا صدم ۳
صباح سی هفتم ۱۷
الاصباح ششم ۹۶
مصبحین یازدهم ۶
۸۳ سی هفتم ۱۳۷
شصت هشتم ۱۷+۲۱
مصباح بیست چهارم ۳۵
المصباح بیست چهارم ۳۵
بمصابیح چهل یکم ۱۱
شصت هفتم ۵

صبر
صبر چهل و دوم ۴
چهل و ششم ۳۴
فصبروا ششم ۳۴
وصبروا شانزدهم ۱۱
صبرتم بیست دوم ۳۴
شانزدهم ۱۲۷
صبرنا چهاردهم ۲۱
بیست ششم ۴
ونصبرن دوازدهم ۹۹
تصبر چهل هفتم ۶
یصبروا چهل یکم ۲
اتصبرون بیست پنجم ۲۰
تصبروا سیم ۱۱۲+۱۲۱
۱۸۳ چهارم ۲۹
پنجاه دوم ۱۶
نصبر دوم ۵۸
ولنصبرن چهاردهم ۱۵
اصبر سی هشتم ۱۶
اصبروا سیم ۲۰۰
فاصبر هفتم ۸۵

پنجاه دوم ۱۶
واصبروا هفتم ۱۲۵
هشتم ۴۶ سی ششم ۶
وصابروا سیم ۲۰۰
اصبرهم دوم ۱۷۵
فصبر دوازدهم ۱۸+۸۳
بالصبر دوم ۴۵+۱۵۳
نودم ۱۷ صدم ۳
صبرک شانزدهم ۱۲۷
صابرا سی ام ۴۸
سی ششم ۴۳
صابرون هشتم ۶۶
الصابرون بیست هشتم
۸۰ سی نهم ۳
والصابرین دوم ۱۷۷
بیست دوم ۳۵ سی سیم
۳۵ چهل هفتم ۳۱
الصابرین شانزدهم ۱۲۷
صابرة هشتم ۶۷
والصابرات سی سیم ۳۵
صبار چهاردهم ۵
سی یکم ۳۱ سی چهارم
۱۸ چهل دوم ۳۲
واصطبر نوزدهم ۶۶
بیستم ۱۳۲ پنجاه چهارم ۲۷

صبع
اصابعهم دوم ۱۹ هفتاد یکم ۷

صبغ
وصبغ بیست ششم ۲۰
صبغة وصبغة دوم ۱۳۸

صبا
اصب دوازدهم ۳۳
صبیا نوزدهم ۱۲+۲۹

صحب
تصاحبنی هجدهم ۷۶
وصاحبهما سی یکم ۱۴
یصحبون بیست یکم ۴۳
کصاحب شصت هشتم ۴۸
والصاحب چهارم ۳۶
فاصحاب پنجاه ششم ۸
اصحاب ششم ۷۱
باصحاب صد پنجم
لاصحاب پنجاه ششم
۳۷ شصت هفتم ۱۱
واصحاب نهم ۷۱
واصحاب بیست پنجم ۴
بیست نهم ۱۴
صاحبه هجدهم ۳۵
صاحبکم پنجاه سیم
هشتاد یکم ۲۲
لصاحبه نهم ۴۰ پنجم ۲۰
بصاحبکم سی چهارم ۴۶

صاحبی یوسف دوازدهم ۳۹+۴۱
صاحبهم پنجاه چهارم ۲۹
اصحابهم پنجاه یکم ۵
صاحبته ششم ۱۰۱
صاحبته هفتاد دوم ۳
وصاحبته هفتاد دوم ۱۲
هشتادم ۳۶

صحف
بصحائف چهل سیم ۷۱
الصحف هشتاد یکم ۱۰
صحف پنجاه سیم ۳۶
هشتادم هفتم ۱۹
صحف هشتادم ۱۳
الصحف بیستم ۱۳۳
هشتاد هفتم ۱۸
صحفا هفتاد چهارم ۵۲
۵۲ نود و هشتم ۲

صخ
الصاخة هشتادم ۳۳

صخر
الصخر هشتاد نهم ۸
صخرة سی یکم ۱۵
الصخرة هجدهم ۶۳

صد
صد چهارم ۵۸
فصدوا نهم و پنجاه
هشتم ۲ شصت سیم
وصدوا چهارم ۱۶۰
شانزدهم ۸۸ چهل
هفتم ۳۲+۳۴
صدهم شانزدهم ۸۹
وصدها بیست هفتم ۴۳
تصدهم بیست هفتم
۲۴ بیست نهم ۳۷
صدکم پنجم ۲
وصدکم چهلم ۳۲
صددنا کم سی چهارم ۳۲
تصدون چهاردهم ۱۰
هفتم ۴۵ هشتم ۴۷
یازدهم ۱۹ شصت سیم
تصدون چهل سیم ۵۷
ویصدون هشتم ۳۴
نهم ۳۴ چهاردهم ۳
بیست دوم ۲۵
لتصدوا هشتم ۳۶
تصدون سیم ۹۹
وتصدون هفتم ۸۶
تصدکم سی چهارم ۴۳
ویصدکم پنجم ۹۱
تصدنک بیست هشتم ۸۷
لیصدونهم چهل سیم ۳۷
تصدنک بیستم ۱۶

تصدون چهاردهم ۱۲
وصد چهلم ۴۰
وصد واسرردهم ۲۳
وصد دوم ۲۱۴
ویصدهم چهارم ۱۵
صدوکم چهارم ۴۶
صدید چهاردهم ۱۶

صدر
یصدر نودونهم ۶
یصدر بیست هشتم ۲۳
صدر شانزدهم ۱۰۶
الصدور چهلم ۲۰
صدور بیست دوم ۹
۸۰ صدر چهاردهم ۹
صدور نهم ۱۴
صدری بیستم ۲۵
بیست ششم ۱۲
صدرک یازدهم ۱۲
پانزدهم ۹۷
صدرک هفتم ۱
صدرک نود و چهارم ۱
صدره ششم ۱۲۵
سی نهم ۲۲
صدورهم یازدهم ۵
فاصدع پانزدهم ۹۴
یصدعون پنجاه ششم ۱۹
یصدعون سی ام ۴۳
الصدع هشتاد ششم ۱۲
متصدعا پنجاه نهم ۲۱

صدف
وصدف ششم ۱۵۷
یصدفون ششم ۴۶
۱۵۸ ۱۵۸
الصدفین هجدهم ۹۶

صدق
صدقت سی ام ۸۹
چهل ششم ۲۲
وصدق سی و سیم ۲۲
سی ششم ۵۲
تصدقوا چهاردهم ۲۸
اصدق چهارم ۸۷
صدقوا دوم ۱۷۷
نهم ۴۳ بیست نهم سی
سیم ۲۳ چهل هفتم ۲۱
صدقنا سی ششم ۱۰۵
صدقکم سیم ۱۵۲
صدقتنا پنجم ۱۱۳
صدقتم هشتم ۱۹

صدقکم سی هفتم ۱۵۵
بصدقونه پنجاه ششم ۵۷
یصدقنی بیست هشتم ۳۴
تصدقوا پنجم ۴۵
تصدقوا دوم ۲۸۰
فاصدق شصت سیم ۱۰
یصدقوا چهارم ۹۲
لنصدقن نهم ۷۵
ونصدق دوازدهم ۸۸
المصدق چهلم ۹
بالصدق سی نهم ۳۳+۳۲
صدقا ششم ۱۱۵
صدقهم پنجم ۱۱۹
صدقوهم سی سیم ۸
بصدقهم سی سیم ۲۴
لصادق پنجاه یکم ۵
صادق نوزدهم ۵۴
صادقا چهلم ۲۸
لصادقون ششم ۱۴۶
دوازدهم ۸۲ پانزدهم
۶۴ بیست هفتم ۴۹
الصادقون چهلم
۱۵ پنجاه نهم ۸
والصادقین سی ام ۱۹
سی سیم ۲۴
والصادقات سی سیم ۳۵
صدقه دوم ۲۶۳
بصدقات ... پنجاه هشتم ۱۲
صدقات دوم ۲۷۱
الصدقات نهم ۱۰۴+۶۰+۵۸+۷۹
صدقاتکم دوم ۲۶۴
صدقاتهن چهارم ۴
صدیق بیست ششم ۱۰۱
صدیقکم بیست چهارم ۶۱
الصدیق دوازدهم ۴۶
الصدیقون پنجاه هفتم ۱۹
والصدیقین چهارم ۷۱
صدیقة پنجم ۷۹
الصدیق نوزدهم ۳۸
دوازدهم ۱۱۱
مصدقا سی پنجم ۲۳
مصدقا دوم ۴۱+۹۸+۹۵

المصدقین پنجاه هفتم ۱۸
والمصدقین سی سیم ۳۵
والمصدقات سی سیم
۳۵ والمصدقات
پنجاه هفتم ۱۷

صدی
تصدی هشتادم ۶
وتصدیة هشتم ۳۵

صر
واصروا هفتاد یکم ۷
یصر چهل پنجم ۷
یصرون پنجاه ششم ۴۶
یصروا سیم ۱۳۵
صر سیم ۱۱۳
صرة پنجاه یکم ۲۹

صرح
صرح بیست هفتم ۴۴
صرحا بیست هشتم ۳۸
چهلم ۳۶
الصرح بیست هفتم ۴۴

صرخ
یصطرخون سی پنجم ۳۷
یستصرخه بیست هشتم ۱۸
صریخ سی ششم ۴۳
بمصرخی چهاردهم ۲۲
بمصرخکم چهاردهم ۲۲

صرصر
صرصرا شصت نهم ۶
صرصر چهل یکم ۱۶
پنجاه چهارم ۱۹

صرط
صراط ششم ۱۲۶
الصراط بیستم ۱۳۵
بیست ششم ۷۶
سی ششم ۳
صراطا اول ۶
صراطا چهارم ۶۸
۱۷۴ نوزدهم ۴۳
چهل ششم ۲+۳۵
الصراط سی ششم
۶۶ سی هفتم ۱۱۸
صراطی ششم ۱۵۳
صراطک هفتم ۱۵

صرع
صرعی شصت نهم ۷

صرف
صرف نهم ۱۲۷
فصرف دوازدهم ۳۴
صرفنا چهل ششم ۲۹
صرفکم سیم ۱۴۶
نصرف دوازدهم ۳۳

و تصرفه

شیر کردن و امثال ان دکناه ان بزرگست بیت و پنجم تکبر کردنست برادران دینی بیت و ششم اسراف کردنست بیت و هفتم کر بخشن از
جهاد است بیت و هشتم مایوس شدن از رحمت خدا و ایمن شدن از عذاب او هر دو گناه بزرگست بیت و نهم پوشیدن مرد لباس حریر
و اوار گناهان بزرگست سی ام پوشیدن مرد لباس طلاباف یا انگشتر طلا و گناه ان بزرگست سی و یکم استعمال ظرف طلا و نقره است و
گناه ان بزرگست و کسیکه اب دردانها بیاشامد اب جهنم را میاشامد و چه قدر قبیح است از کسانیکه دعوی اسلام و شیعه

فصل الراء و غیره

وَتَصرُ ذبیت چهارم ۴۳
اَصرِفْ بیت پنجم ۴۶
صَرَفْ هفتم ۴۵
نُصَرِّفُ سیشم ۱۶
تُصْرَفُونَ چهلم ۱۷
تُصرَفُونَ دهم ۳۲
سی و نهم ۸
صَرَّفْنا هفدهم ۴۳
۹۱ بیجدهم ۵۲
وَصَرَّفْنا بیتم ۱۱۲
چهل ششم ۲۶
صَرَفْنا بیت پنجم ۲۹
نُصَرِّفُ ششم ۴۶
۴۵ + ۱۰۵ هفتم ۵
اِنصَرَفُوا نهم ۱۲۸
صَرَفَها بیت پنجم ۲۹
وَتَصریف دوم ۱۶۵
چهل و پنجم ۴
مَصْرُوفاً یازدهم ۸
مَصْرِفاً هجدهم ۵۱

صرم

لَیَصْرِمُنَّها شصت ششم
۱۷ صارِمِینَ شصت
ششم ۲۲ کالصَّرِیمِ
شصت ششم ۲۰

صعد

یَصَّعَّدُ سی پنجم ۱۱
تُصْعِدُونَ سیم ۱۴۳
یَصَّعَّدُ ششم ۱۲۵
صَعَدٌ هفتاد دوم ۱۷
صَعِیداً چهارم ۴۳
پنجم و بجدهم ۳۰ + ۳۸
صَعُوداً هفتاد و
چهارم ۱۷

صعر

تُصَعِّرْ سی یکم ۱۷

صعق

تُصعَقُونَ نهم ۴۶
یُصعَقُونَ پنجاه دوم ۴۵
صَعِقاً هفتم ۱۳۹
صاعِقَةٌ چهل یکم ۱۳
الصّاعِقَةُ دوم ۵۲
چهارم ۱۵۳ پنجاه یکم ۴۴
صاعِقَةً چهل یکم ۱۳
صاعِقَةِ چهل یکم
الصَّواعِقِ دوم ۱۹
الصَّواعِقَ سیزدهم ۱۳

صغر

صاغِرُونَ نهم ۲۹
بیست هفتم ۳۷
صاغِرِینَ هفتم ۱۱۹
الصّاغِرِینَ هفتم ۱۳
دوازدهم ۳۲

صَغِیرٍ پنجاه چهارم ۵۳
صَغِیراً دوم ۲۸۲
هفدهم ۲۵
صَغِیرَةً نهم ۱۲۱
بیجدهم ۴۷
اَصْغَرَ سی چهارم ۳
اَصْغَرَ دهم ۶۱
صَغارٌ ششم ۱۲۴

صغا

صَغَتْ شصت ششم ۴
وَلِتَصْغیٰ ششم ۱۱۳
صافّاتٍ بیت چهارم ۴۱
ثُمَّ صَفٍّ هفتم ۱۹
وَالصّافّاتِ سی هفتم ۱
صَوافَّ بیت دوم ۳۶
مَصْفُوفَةٍ هشتاد هشتم ۱۵
مَصْفُوفَةٍ پنجاه دوم ۲۰

صفح

وَلْیَصْفَحُوا بیت چهارم ۲۲
وَتَصْفَحُوا شصت چهارم
۱۴ فَاصْفَحْ یازدهم
۸۵ چهل سیم ۸۹
وَاصْفَحْ پنجم ۱۳
وَاصْفَحُوا دوم ۱۰۹
صَفْحاً چهل سیم ۵
الصَّفْحَ یازدهم ۸۵

صفد

الاَصْفادِ چهاردهم
۵۰ سی هشتم ۳۸
صَفْراءُ دوم ۶۹
صُفْرٌ هفتاد هفتم ۳۳
مُصْفَرًّا سی ام ۵۱ سی
نهم ۲۱ پنجاه هفتم ۲۰

صفصف

صَفْصَفاً بیستم ۱۰۶

صفن

الصّافِناتُ سی هشتم ۳۱
اَفَاَصْفاکُمْ هفدهم ۴۰
وَاَصْفاکُمْ چهل سیم ۱۶
اِصْطَفیٰ دوم ۱۳۲
سیم ۳۳ بیست هفتم ۵۹
سی هفتم ۱۵۳
لَاصْطَفیٰ سی نهم ۴
اصْطَفَیناه سی پنجم ۳۲
اصْطَفاکِ و اصْطَفاکِ
سیم ۴۲
اصْطَفاهُ دوم ۲۴۷
اصْطَفَیْتُکَ هفتم
۱۴۴
اصْطَفَیناهُ دوم ۱۳۰
یَصْطَفِی بیت دوم ۷۵
المُصْطَفَینَ سی هشتم ۴۷
صَفْوانٍ دوم ۲۶۴

مُصَفًّی چهل هفتم ۱۷
المُصْطَفَینَ سی هشتم ۴۷

صکّ

فَصَکَّتْ پنجاه یکم ۲۹

صلب

صَلَبُوهُ چهارم ۱۵۶
فَیُصْلَبُ دوازدهم ۴۱
لَاُصَلِّبَنَّکُمْ هفتم ۱۲۴
وَلَاُصَلِّبَنَّکُمْ بیستم ۷۱
بیت ششم ۴۹
یُصَلَّبُوا پنجم ۳۳
الصُّلْبِ هشتاد ششم ۷
اَصْلابِکُمْ چهارم ۲۳

صلح

صَلَحَ سیزدهم ۲۳ چهلم
فَاَصْلِحُوا دوم ۱۷۸
وَاَصْلِحُوا چهارم ۱۲۹
وَاَصْلَحا بیت یکم ۹۹
یُصْلِحُ دهم ۸۱
وَیُصْلِحُ چهل هفتم ۲
یُصْلِحْ سی سیم ۷۱
یُصْلِحا چهارم ۱۲۷
یُصْلِحُونَ بیت ششم
۱۵۲ بیست هفتم ۴۹
تُصْلِحُوا چهارم ۱۲۹
وَتُصْلِحُوا دوم ۲۲۴
وَاَصْلِحْ هفتم ۱۴۲
چهل ششم ۱۵
فَاَصْلِحُوا چهل نهم
۹ + ۱۰
وَاَصْلِحُوا هشتم ۱
وَالصُّلْحُ چهارم ۱۲۸
وَصالِحُ شصت ششم ۴
صالِحٌ پیغمبر هفتم
۷۵ یازدهم ۶۲
صالِحُ نهم ۱۲۱
صالِحٌ پیغمبر ۲۶
بیت ششم ۱۴۲
الصّالِحُ سی پنجم ۱۱
صالِحٌ یازدهم ۲۸
صالِحُ پیغمبر یازدهم
صالِحاً پیغمبر هفتم ۷۳
یازدهم ۶۱ + ۶۶
بیست هفتم ۴۵
صالِحِینَ شصت ششم ۱۰
بِالصّالِحِینَ دوازدهم
۱۰۲ بیست ششم ۸۳
وَالصّالِحِینَ چهارم ۶۹
بیست چهارم ۳۲
الصّالِحاتِ پنجم ۴۲
نوزدهم ۷۹
فَالصّالِحاتُ چهارم ۳۴
اِصْلاحٌ دوم ۲۲۰

اِصْلاحٍ چهارم ۱۱۴
اِصْلاحاً دوم ۲۲۸
چهارم ۳۹
الاِصْلاحَ یازدهم ۸۸
اِصْلاحِها هفتم ۵۶
۸۵
الْمُصْلِحِ دوم ۲۲۰
مُصْلِحُونَ دوم ۱۱
یازدهم ۱۱۷
الْمُصْلِحِینَ هفتم ۱۷۰
بیت هشتم ۱۹

صلد

صَلْداً دوم ۲۶۴

صلصل

صَلْصالٍ پانزدهم
۲۶ + ۲۸ + ۳۳
پنجاه پنجم ۱۴

صلا

صَلّیٰ هفتاد پنجم ۳۱
نود ششم ۱۰
فَصَلّیٰ هشتاد هفتم ۱۵
صَلّوا سی سیم ۵۶
یُصَلّی سیم ۳۹ سی سیم ۴۳
تُصَلِّ نهم ۸۴
یُصَلّونَ سی سیم ۵۶
یُصَلّوا چهارم ۱۰۲
فَلْیُصَلّوا چهارم ۱۰۲
فَصَلِّ صدم هشتم ۲
وَصَلِّ نهم ۱۰۳
الصَّلوٰةُ شصت دوم ۱۰
صَلوٰةٍ بیست چهارم ۵۸
بِالصَّلوٰةِ نوزدهم
۳۲ + ۵۵ بیستم ۱۳۲
لِلصَّلوٰةِ شصت دوم ۹
وَالصَّلوٰةِ دوم ۴۵
۱۴۸ + ۲۳۹
صَلَواتٌ دوم ۱۵۷
وَصَلَواتٌ بیت دوم ۴۰
وَصَلَواتِ نهم ۹۹
الصَّلَواتِ دوم ۲۳۸
اَصَلوٰتُکَ یازدهم ۸۷
صَلاتُهُمْ بیست ۳
صَلَواتَکَ نهم ۱۰۳
صَلَواتُهُمْ اصلاتهم
بیست سیم ۲ هفتادم ۲۳
۳۴ صدم هفتم ۵
صَلاتِی ششم ۱۶۲
صَلاتَهُمْ بیست چهارم ۴۱
صَلاتَکَ نهم ۱۰۳
صَلَواتِهِمْ بیت ششم ۹
المُصَلّینَ هفتادم ۲۲
هفتاد چهارم ۴۳
لِلْمُصَلّینَ صد هفتم ۴

مُصَلًّی دوم ۱۲۵

صلا

یَصْلیٰ هشتاد هفتم ۱۲
سَیَصْلیٰ صد یازدهم ۳
وَیَصْلیٰ هشتاد چهارم ۱۲
تَصْلیٰ هشتاد هشتم ۴
وَسَیَصْلَوْنَ چهارم ۱۰
یَصْلاها هفدهم ۱۸
نود دوم ۱۵
یَصْلَوْنَها چهاردهم ۲۹
۳۸ سی ششم ۶۴ پنجاه
هشتم ۸ هشتاد دوم ۱۵
صَلُوهُ شصت نهم ۳۱
سَاُصْلیهِ هفتاد و
چهارم ۲۶
نُصْلیهِ چهارم ۳۰
وَنُصْلِهِ چهارم ۱۱۵
نُصْلِیهِمْ چهارم ۵۶
تَصْطَلُونَ بیت هفتم ۷
بیست هشتم ۲۹
اِصْلَوْها سی ششم ۶۴
پنجاه دوم ۱۶
صالُوا سی هشتم ۵۹
صالُوا سی هشتم ۵۹
لَصالُوا هشتاد سیم ۱۶
صِلِیّاً نوزدهم ۷۰
وَتَصْلِیَةُ پنجاه ششم ۹۴

صمم

وَصَمُّوا پنجم ۷۱
فَاَصَمَّهُمْ چهل هفتم ۲۵
صُمٌّ دوم ۱۸ + ۱۷۱
ششم ۳۹
الصُّمُّ هشتم ۲۲
بیست یکم ۴۵
صُمّاً بیست پنجم ۷۳
وَصُمّاً هفدهم ۹۷
الصُّمَّ دهم ۴۲
بیت هفتم ۸۰ سی ام
۵۱ چهل سیم ۴۰
وَالْاَصَمِّ یازدهم ۲۴

صمت

صامِتُونَ هفتم ۱۹۳

صمد

الصَّمَدُ صد دوازدهم ۲

صمع

صَوامِعُ بیت دوم ۴۰

صنع

صَنَعُوا یازدهم ۱۶
سیزدهم ۳۱
بیستم ۶۹
یَصْنَعُ هفتم ۱۳۷
وَیَصْنَعُ یازدهم ۳۸
یَصْنَعُونَ پنجم ۱۴

۸ و شانزدهم ۱۱۲
بیت چهارم ۳۰ سی پنجم ۹
تَصْنَعُونَ بیست نهم ۴۵
اَصْنَعُ بیستم ۲۷
وَاصْنَعِ یازدهم ۳۷
وَلِتُصْنَعَ بیستم ۳۹
وَاصْنَعِ الفُلْکَ بیست سیم ۲۷
صُنْعَ بیت هفتم ۸۸
صُنْعاً هجدهم ۱۰۴
صَنْعَةَ بیت یکم ۸۰
مَصانِعَ بیت ششم ۱۲۹

صنم

اَصْنامٍ هفتم ۱۳۸
اَصْناماً ششم ۷۴
بیست ششم ۷۱
الاَصْنامَ چهاردهم ۳۵
اَصْنامَکُمْ بیت یکم ۵۷

صنو

صِنْوانٌ سیزدهم ۴
صِنْوانٍ سیزدهم ۴

صهر

یُصْهَرُ بیست دوم ۲۰
وَصِهْراً بیت پنجم ۵۴
اَصابَتْ سیم ۱۱۷
اَصَبْتُمْ سیم ۱۶۵
اَصابَکَ چهارم ۷۹
سی یکم ۱۷
اَصابَهُ بیست دوم ۱۱
فَاَصابَهُ دوم ۲۶۵
وَاَصابَهُ دوم ۲۶۶
اَصابَها دوم ۲۶۵
فَاَصابَها دوم ۲۶۶
اَصابَکُمْ سیم ۱۴۰
۱۵۰ چهارم ۷۲
چهل دوم ۳۰
فَاَصابَهُمْ شانزدهم
۳۴ سی نهم ۵۱
اَصابَتْهُمْ بیت دوم ۳۵
اَصابَتْکُمْ سیم ۱۶۵
چهارم ۷۳
فَاَصابَتْکُمْ پنجم ۱۰۶
اَصابَتْهُمْ دوم ۱۵۶
چهارم ۶۲
اَصابَهُمْ هفتم ۹۸
یُصِیبُ دهم ۱۰۷
سَیُصِیبُ ششم ۱۲۴
نهم ۹۱
فَیُصِیبُ سیزدهم ۱۳
بیست چهارم ۴۳
تُصِیبَنَّ هشتم ۲۵
اُصِیبُ هفتم ۱۵۶
تُصِیبُوا چهل نهم ۶
نُصِیبُ دوازدهم ۵۶

یُصِیبُهُمْ نهم ۱۲۱
سَیُصِیبُهُمْ سی نهم ۵۱
یُصِیبَنا نهم ۵۱
یُصِیبُکُمْ نهم ۵۲
بازدهم ۹۱
یُصِیبَهُمْ پنجم ۵۲
بیست چهارم ۶۳
یُصِیبُها دوم ۲۶۷
یُصِیبُکُمْ چهلم ۲۹
تُصِیبُهُمْ سیزدهم ۳۱
تُصِیبَنا پنجم ۵۷
فَتُصِیبَکُمْ چهل شیم
۲۵ تُصِیبَهُمْ بیست چهارم
۳ و بیست ششم ۴۷
تُصِیبُکَ نهم ۵۰
تُصِیبُکُمْ سیم ۱۱۶
تُصِیبُهُمْ چهارم ۷۸
بیست هشتم ۱۲۸ سی ام ۳۶
چهل دوم ۴۷
صَوْباً بیستاد ششم ۲۸
کَصَیِّبٍ دوم ۱۸
مُصِیبَتُها یازدهم ۸۱
مُصِیبَةٌ پنجم ۱۰۶
مُصِیبَةٌ دوم ۱۵۱
سیم ۱۵۹ چهارم
۵۵ + ۷۴ نهم ۵۰
بیت ششم ۴۷
مُصِیبَةٍ چهل دوم
۳۰ پنجاه هفتم ۲۲
شصتم چهارم ۱۱

صات

لَصَوْتُ سی یکم ۱۸
صَوْتِ چهل نهم ۲
الاَصْواتُ بیستم ۱۰۷
الاَصْواتِ سی یکم ۱۸
صَوْتِکَ سی یکم ۱۸
بِصَوْتِکَ هفدهم ۶۴
اَصْواتَکُمْ چهل نهم ۲
اَصْواتَهُمْ چهل نهم ۳

صار

فَصُرْهُنَّ دوم ۲۶۰
وَصَوَّرَکُمْ چهلم ۶۴
شصت چهارم ۳
صَوَّرْناکُمْ هفتم ۱۰
یُصَوِّرُکُمْ سیم ۶
صُورَةٍ هشتاد دوم ۸
صُوَرَکُمْ چهلم ۶۴
شصت چهارم ۳
المُصَوِّرُ پنجاه نهم ۲۴

صاع

صُواعَ دوازدهم ۷۲

صاف

سوره الدک
باب الصاد بعد العین
صرم
صعد
صعر
سوره دهم
باب الصاد بعد العین
صفح
صفد
صفصف
سوره سیم
باب الصاد بعد اللام
صلب
صلح
صلد
سوره پنجم
باب الصاد بعد المیم
صمم
صمت
صمد
سوره ششم
باب الصاد بعد النون
صنم
صنو

بودن میکنند وعلانیه در منزل خود ظروف طلا و نقره دارند ظروف چینی وبلور چه عیبی دارد که ترک کرده و مخالف خدا و رسول میکنی
اگر اطاعت خدا کنی هیچ ان بزرگی ترک نخواهد شد چه قدر خوبست که پادشاه اسلام از این عمل منع شد بند تمام سی وده و سیم تمامی کرد دست
یعنی سخن چینی و خبر کشی و فتنه کردن و گناه ان بزرگست و این امر بسیار شایع است خصوصا در زنها سی و سیم مخالفت نذر و عهد و قسم شرعی
کردن و گناه ان بزرگست و کفاره ان واجب میشود سی و چهارم مقاربت کردن با زوجه در حال حیض و نفاس گناه ان بزرگست

باب الضاد

باب الضاد بعد الهمزة — ضأم، ضاد، ضار، ضاص — باب الضاد بعد الراء — ضر، ضرع — باب الضاد بعد العین — ضعف، ضغن، ضفدع — باب الضاد بعد النون — ضن، ضنك — باب الضاد بعد الطاء — طبع، طبق

ضأم
اصوانها شانزدهم ٨٢
نصوموا دوازدهم ١٨
فلبئسه دوازدهم ١٨١
صوما نوزدهم ٢٧
فصیام دهم ١٩٢
چهارم ١٩٦ پنجم ٩٢
پنجاه ششم ٩
الصیام دوم ١٧٩
صیام دوم ١٩٢
الصیام دوم ١٨٧
صیاما پنجم ٩٤
الصیام دوم ١٨٣
والصائمین سی و سیم ٣
ضاج
المضاجع پانزدهم ٧٠
پانزدهم ٧٢
بیست سیم ٤٣
بیست نهم ٣٩
مضجعه شصت سیم
مضجعه سی و نهم ٢٨
سی و چهارم ٣٠
پنجاه چهارم ٣١
المضاجع پنجاهم ٣١
ضاد
فاضطادوا پنجم ٢
ضنکا پنجم ٩
الضنک پنجم ٩٥
الضنک پنجم ٩٩
ضار
تضیر چهلم و دوم
مضیر چهارم ٩٩
چهل سیم ١٥
وتضیر بیست پنجم ١٥
مضیرکم چهارم ٣٥
ضاص
صیاصیهم سی و سیم
ضاف
والضیف صد ششم
باب الضاد
ضان
الضأن ششم ١٤٣
ضبح
ضبحا صدم
ضجع
المضاجع چهارم ٣
سی و یکم ٩
مضاجعهم ١٣
ضحك
تضحکون یازدهم ٧
تضحکون چهل سیم
شانزدهم ٢٤ ٢٢

فلیضحکوا نهم ٨٣
تضحکون بیست سیم ١١
وتضحکون پنجاه سیم
اضحک پنجاه سیم ٤٣
ضاحکا بیست هفتم ١٩
ضاحکة شصتادم ٣٩
ضحا
تضحی بیستم ١١٧
ضحی هفتم ٩٨ بیستم
والضحی نود سیم ١
ضحیها پنجاهم
وضحیها نود یکم ١
ضد
ضدا نوزدهم ٨٢
ضر
یضره سیم ١٣٨
یضرونک بیست ششم ٧٢
یضرکم اسیم ١٧
یضرکم چهلم ٧١
یضرکم دوم ٥٢
یضره بیست دوم ١٣
یضروه ششم ٧٩
یضرکم بیست پنجم
یضرکم دوم ٩
یضرکم بیست پنجم ٥٢
یضرونك چهارم
یضرکم نهم ٤٥
یضرنه دوم ١٠٧
یضرهم یازدهم ٨
یضرهم نهم ٣٩
تضارّ دوم ٢٣٣
یضارّ دوم ٢٨٢
تضاروهن شصت پنجم
اضطر دوم ١٣
تضطرهم سی یکم
اضطر دوم ١٧٣
پنجم ششم ٤
شانزدهم ٩
اضطر زمر ششم
ضرا بیست دوم ١٣
ضر سی ام ٣٣
سی نهم ١٤٩
ضره سیزده ١٠
ضره ششم ٣
الضر بیست بیست و یکم
سی و سیم ٨
الضر چهارم ٩١
سی چهارم ١٧
الضر شانزدهم ٥
ضره سی و نهم ٣٩
ضره دهم ١٢
الضر چهارم ٩٢
بضارین دوم ١٠٢

بصارهم پنجاه ششم ١١
الضراء هفتم ٩٢
والضراء دوم ٢١
والضراء دوم ١٧٢
سیم ١٣ ششم ٢
هفتم ٩
فتراء دهم ٢٢ پانزدهم
چهل یکم ٥٠
ضرارا دوم ٢٣١
مضارا چهارم ١
المضطر بیست هفتم
وضرب شانزدهم ٧٦
سی ششم شصت
فضرب اوابیم
هفتم پنجم ٦٢
فضربنا چهارم
یضربونا پنجم
فضرب پنجم ٨
ضربها پنجم ٣
سیم ٥ سی نهم
فضربا پنجم ١٠
فاضربوا پنجم
ضربوه چهل سیم
یضربون بیست ٩٨
چهل هفتم
ویضرب چهارم
بیست پنجم ٥
تضرب دوم ٣٥
یضربون ششم ٤
یضرب هفتاد سیم
یضربن بیست چهارم
ولیضربن بیست چهارم
تضربوا شانزدهم
فاضرب چهل سیم
ضرب بیست
پنجاه یکم
اضرب دوم ٥٠
١ بیست ششم
فاضرب پنجم
سی ششم ١٢
واضرب چهل
سی ششم ٣٣
فاضربوا سیم
واضربوا سیم
اضربوه دوم
واضربوهن چهارم
ضرب پنجم
چهل پنجم
فضرب پنجاه یکم
ضرب پنجم
فضرب چهل یکم
ضرب چهل هفتم
ضرع

نضرعوا ششم ٤٣
یتضرعون ششم ٤٢
بیست دوم
یتضرعون نهم ٩٢
ضرعتم شصتادم
تضرعا ششم ٣
هفتم ٢ ٥٥
ضعف
ضعف بیست دوم
ضعفوا سیم ١٤٦
بضاعفه دوم ٢٤٥
فیضاعفه دوم
پنجاه هفتم
بضاعفه هفتم
بضاعفها چهارم
یضاعف یازدهم
پنجاه هفتم
یضاعف بیست پنجم
سی سیم ٣٠
استضعفوا هفتم
یستضعف بیست
استضعفوا ٧٣
بیست هشتم
واضعف
اضعافا سیم
ضعفا چهارم
استضعفوا هفتم
ضعفا بیست
ضعف پنجم
الضعف سی چهل
ضعف هفتاد
ضعفا بیست
سی نهم
اضعف
ضعیف هفتم
ضعیفا بیست
سی پنجم
اضعافا دوم
سیم
ضعیف سی ام
ضعفا سی ام
ضعفا چهارم
ضعیفا دوم
الضعفاء
الضعفاء چهارم
الضعفاء نهم
اضعف
واضعف نوزدهم
المضعفون سی ام
مضاعفه سیم
مستضعفون
مستضعفین چهارم
المستضعفین
والمستضعفین چهارم

١٢٦ ٧٧
ضغث
ضغثا سی ششم
اضغاث دوازدهم
بیست یکم ٩
ضغن
اضغانکم چهل هفتم
اضغانهم چهل هفتم
ضفدع
والضفادع هفتم
ضل
ضللنا سی ششم
فضلوا بیست هفتم
بیست پنجم
وضلوا پنجم
ضللنا سی دوم
تضل دوم
اضل سی چهارم
یضلون سی نهم
یضلوا چهارم
تضلوا چهارم
واضل پنجم
اضلوا بیست
واضلوا پنجم
اضللن بیست
اضللتم پنجم
اضلنا هفتم
اضلانا چهل یکم
اضلونا هفتم
ضعیف هفتم
فاضلونا سی سیم
تضل چهارم
وتضل پنجم
تضل چهل هفتم
یضل ششم
یضل سی ام
یضل بیست سیم
یضل سی ام
واضل پنجم
یضلون ششم
یضلون ششم
یضلوا هفتم
یضلهم
یضلکم
یضلونکم
یضلنهم
یضلها شصتادم
ولاضلنهم چهارم
یضلونکم سیم
یضلوکم شانزدهم

یضلونکم چهارم ١١٣
ششم ١١ ضالا نوزدهم
سیم ضلالا چهارم
١١ ١٣٥ ١٦٥
سی نهم ٣٣ فضلا
الضالون صد ششم
شصتادم ٣
الضالون بیست یکم
پنجاه ششم ٥١
الضالین بیست
سی هفتم
الضالین اول دوم
شصتم ٧
پنجاه ششم ٩٢
الضلال دوم
چهارم بیست ششم
والضلال سی و چهارم
ضلالة دوازدهم
ضلالة هفتم
الضلالة هفتم
شانزدهم ٣٦
الضلالة دوم
چهارم ٣٧
ضلالتهم بیست
سی و سیم ٥٢
واضل پنجم
بیست پنجم
تضلیل صد
مضل بیست
مضل سی ام
المضلین هجدهم
الضلالة نوزدهم
ضمر
واضمم بیستم ٢٣
بیست ششم ٣٢
ضمر
ضامر بیست دوم ٢٨
ضمن
بضنین شصتادم ٢٤
ضنك
ضنکا بیستم ١٢
ضها
یضاهئون نهم ٣٠
ضاء
اضاءت دوم ١٩
اضاءت دوم ٢٠
یضیء بیست چهارم ٣٥
بضیاء بیست ششم ٧١
ضیاء دهم ٥
وضیاء بیست یکم
ضیاء پنجم
ضان
ضیزی پنجاه سیم

ضارع
اضاعوا نوزدهم ٥٩
یضیع یازدهم ١٢
یازدهم ٧ دوازدهم
لنضیع دوم ١٤٣
اضیع سیم ١٩٥
نضیع هفتم ١٧٠
٥٦ پنجاهم ٢٩
ضاف
یضیفوهما هجدهم ٧٧
ضیف پانزدهم ٥١
پنجاه یکم ٢٤
ضیفی یازدهم ٧٨
پانزدهم ٦٨
ضیفه پنجاه چهارم ٣٧
ضاق
وضاق یازدهم ٧٧
بیست نهم ٣٣
ضاقت نهم ١١٩
وضاقت نهم ١١٨ ٢٥
یضیق پانزدهم ٩٧
ویضیق بیست ششم ١٣
لتضیقوا شصت پنجم
ضیق شانزدهم ١٢٧
بیست هفتم ٧٠
ضیقا ششم ١٢٥
بیست پنجم ١٣
وضائق یازدهم ١٢

باب الطاء
طبع
طبع چهارم ١٥٥
شانزدهم ١٠٨ چهارم
وطبع نهم ٩٣
یطبع هفتم ١٠١ سی ام
٥٩ چهلم ٣٥
نطبع هفتم ١٠٠
یطبع هفتم
ونطبع هفتم ٧٣
فطبع شصت سیم
وطبع نهم ٨٧
طبق
طبق هشتاد چهارم ١٩
طباقا شصت هفتم ٣
طباقا شصت هفتم
شصتادم
طحی
طحاها نود یکم ٦
طری
طریا شانزدهم ١٤
سی پنجم ١٢
طرح
اطرحوه دوازدهم ٩
طرد
طرد نهم

وکفّاره دارد سی و پنجم ترک کردن زوج حقوق زوجه را با شرط او ترک کردن زوجه حقوق زوج را وکناه ان بسیار بزرکست سی و ششم ریا کردنست
در عبادت یعنی عبادت کند بقصد انکه مردم به بینند ومثل ان است سمعه بجهت شنیدن مردم عبادت تنکه بقصد انکه وکناه ان بزرکست وهمزلة
شرکست سی و هفتم مراء وستومت کردن در مباحثات علمیه وکناه ان بزرکست وان شایع است در طلاب علوم ۵۲۳ سی و هشتم پوشیدن
مردان لباس زنان را وبالعکس وان شایع است در تعزیه وکناه ان بزرکست وان عمل شیطانست که میخواهد مرد ما زن

فصل الاغیر و

طردتهم یازدهم ۳۲
فتطردهم ششم ۵۲
بطارد یازدهم ۳ بیست
ششم ۱۱۴

طرف

طرف چهل دوم ۴۴
الطرف سی هفتم ۴۷
سی ششم ۵۲ پنجاه پنجم ۵۶
طرفک بیست هفتم ۴۰
طرفهم چهاردهم ۴۴
طرفا سیم ۱۲۲
طرفی یازدهم ۱۱۶
واطراف بیستم ۱۳۰
اطرافها سیزدهم ۴۱
بیست یکم ۴۹

طرق

الطارق هشتاد ششم ۲
والطارق هشتاد ششم ۱
طرائق چهل ششم ۲۹
طریق چهارم ۱۶۷
طریقا چهارم ۶۶ بیستم ۷۹
الطریقة هفتاد دوم ۱۶
طریقة بیستم ۱۰۴
طرائق بیست سیم ۱۷
هفتاد دوم ۱۱
بطریقتکم بیستم ۶۶
طس بیست هفتم ۱
طسم بیست ششم ۱ بیست هشتم ۱

طعم

طعموا پنجم ۹۴
طعمتم سی سیم ۵۳
تطعمه ششم ۱۴۶
تطعمها ششم ۱۳۹
یطعمه دوم ۲۵۰
اطعمهم سی ششم ۴۷
اطعمهم صد ششم ۳
یطعم ششم ۱۴
ویطعمون هفتاد ششم ۸
یطعمون پنجم ۹۱
نطعم هفتاد چهارم ۴۴ ۴۵
انطعم سی ششم ۴۷
یطعمنی بیست ششم ۷۹
یطعمون پنجاه یکم ۵۷
نطعمکم هفتاد ششم ۹
واطعموا بیست دوم ۲۸ ۳۶
نطعم ششم ۱۴
استطعما هیجدهم ۷۶
طعمه چهل نهم ۱۶
طاعم ششم ۱۴۵
طعام پنجم ۹ چهل چهارم ۴۳
وطعام پنجم ۷

طعام دوازدهم ۳۷
شصت نهم ۳۶ هشتاد
هشتم ۶
طعام دوم ۱۸۰ شصت
نهم ۳۴ هشتادم ۱۹
صد هفتم ۳
طعام دوم ۵۸ سی ششم ۵۳
الطعام سیم ۸۷
طعاما هیجدهم ۱۸
وطعاما هفتاد سیم ۱۳
الطعام پنجم ۷۹ بیست یکم
۸ بیست پنجم ۲۰۸
هفتاد ششم ۸
وطعامه پنجم ۹۶
وطعامکم پنجم ۷
طعامک دوم ۲۶۱
طعامه هشتادم ۲۴
اطعام پنجم ۹۱
فاطعام پنجاه ششم ۵
اطعام نودم ۱۴

طعن

وطعنوا نهم ۱۲
وطعنا چهارم ۴۸

طغا - یا - طغی

بیستم ۲۵+۴۵ پنجاه سیم
۱۷ شصت نهم ۱۱ هفتاد
نهم ۱۷+۳۷
طغوا هشتادم ۱۱
یطغی بیستم ۴۷
لیطغی نود ششم ۶
تطغوا یازدهم ۱۱۴
بیستم ۸۱ پنجاه پنجم ۷
اطغیته پنجاهم ۲۶
طاغون پنجاه یکم ۵۳
پنجاه دوم ۳۲
طاغین سی هشتم ۲۹
شصت هشتم ۳۱
للطاغین سی هشتم ۵۵
هفتاد هشتم ۲۲
بالطاغیة شصت نهم ۵
واطغی پنجاه سیم ۵۲
بطغویها نود یکم ۱۱
طغیانا بیستم ۶۰+۷۳
هفدهم ۶۲ هیجدهم ۷۹
طغیانهم دوم ۱۴ ششم ۱۱۰
هفتم ۱۸۶ دهم ۱۱ بیست
سیم ۷۵
الطاغوت دوم ۲۵۹
الطاغوت چهارم ۶۳+۷۸
بالطاغوت دوم ۲۵۷
والطاغوت چهارم ۵۴

الطاغوت پنجم ۶۵
شانزدهم ۳۸ سی نهم ۱۹

طف

للمطففین هشتاد سیم ۱

طفی

اطفاها پنجم ۶۹
یطفئوا نهم ۳۲
لیطفئوا شصت یکم ۸

طفق

فطفق سی ششم ۳۲
وطفقا هفتم ۲۱ بیستم ۱۱۹

طفل

الطفل بیست چهارم ۳۱
طفلا بیست دوم ۵ چهلم ۶۹
الاطفال بیست چهارم ۵۸

طل

فطل دوم ۲۶۷

طلب

تطلبه هفتم ۵۲
طلبا هیجدهم ۳۹
الطالب بیست دوم ۷۳
والمطلوب بیست دوم ۷۳

طالوت

دوم ۲۵۰
طالوت دوم ۲۴۸

طلح

وطلح پنجاه ششم ۲۸

طلع

طلعت هیجدهم ۱۶
تطلع هیجدهم ۸۹
لیطلعکم سیم ۱۷۴
اطلع نوزدهم ۸۱
فاطلع سی هفتم ۵۲
اطلعت هیجدهم ۱۷
تطلع پنجم ۱۶ صد چهارم ۷
اطلع بیست هشتم ۳۸
فاطلع چهلم ۳۹
طلع پنجاهم ۱۰
طلعها بیست ششم ۱۴۸
سی هفتم ۶۳
طلعها ششم ۹۹
طلوع بیستم ۱۳۰ پنجاهم ۳۸
مطلع نود هفتم ۵
مطلع هیجدهم ۸۹
مطلعون سی هفتم ۵۲

طلق

طلقتم دوم ۲۳۲+۲۳۱
۲۳۷ شصت پنجم ۱
طلقها دوم ۲۳۰ م
طلقکن شصت ششم ۵
طلقتموهن دوم ۲۳۸

سی سیم ۴۸
فطلقوهن شصت پنجم ۱
وانطلق سی هشتم ۵
فانطلقا هیجدهم ۷۱+۷۴+۷۷
فانطلقوا شصت هشتم ۲۳
انطلقوا چهل ششم ۱۵
ینطلق بیست ششم ۱۳
انطلقوا هفتاد هفتم ۲۹+۳۰
الطلاق دوم ۲۲۹
الطلاق دوم ۲۲۷
والمطلقات دوم ۲۲۸
وللمطلقات دوم ۲۴۲

طم

الطامة هفتاد نهم ۳۴
یطمثهن پنجاه پنجم ۵۶+۷۴
فطمسنا پنجاه چهارم ۳۷
لطمسنا سی ششم ۶۶
نطمس چهارم ۴۷
اطمس دهم ۸۸
طمست هفتاد هفتم ۸

طمع

نطمع هفتاد چهارم ۱۵
انطمع هفتادم ۳۸
فیطمع سی سیم ۳۲
اطمع بیست ششم ۸۲
تطمعون هفتم ۴۴
افتطمعون دوم ۷۵
نطمع بیست ششم ۵۱
ونطمع پنجم ۸۴
وطمعا هفتم ۵۶ سیزدهم
۱۲ سی دوم ۱۶ سی دوم ۱۶
تطمعوا سیم ۹۵+۱۴۲
بیست ششم ۱۵۱ چهل ششم
۱۶ چهل نهم ۱۴

طمان

اطمأن بیست دوم ۱۱
واطمأنوا دهم ۷
اطمأننتم چهارم ۱۰۳
لیطمئن دوم ۲۶۰
تطمئن سیزدهم ۲۸
وتطمئن سیزدهم ۲۸
ولتطمئن سیم ۱۲۶ هشتم ۱۰
وتطمئن پنجم ۱۱۳
مطمئن شانزدهم ۱۰۶
مطمئنین هفدهم ۹۵
المطمئنة هشتاد نهم ۲۷
مطمئنة شانزدهم ۱۱۲
طه بیستم ۱

طهر

یطهرن دوم ۲۲۲
وطهرک سیم ۳۷

تطهر پنجم ۴۵
لیطهرکم پنجم ۹ هشتم ۱۱
ویطهرکم سی سیم ۳۳
تطهرهم نهم ۱۰۴
فطهر هفتاد چهارم ۴
وطهر بیست دوم ۲۷
طهرا دوم ۱۱۹
تطهرن دوم ۲۲۲
یتطهرون هفتم ۸۰
بیست هفتم ۵۷
یتطهروا نهم ۱۰۹
فاطهروا پنجم ۶
طهورا بیست پنجم ۵۰
هفتاد ششم ۲۱
اطهر یازدهم ۷۸ سی سیم ۵۳
واطهر دوم ۲۳۲ پنجاه
هشتم ۱۲
تطهیرا سی سیم ۳۳
ومطهرک سیم ۴۸
مطهرة دوم ۲۵ سیم ۱۳
چهارم ۶۰
مطهرة هشتادم ۱۴
مطهرة نودهشتم ۲
المطهرون پنجاه ششم ۷۹
المتطهرین دوم ۲۲۲
المطهرین نهم ۱۰۹

طار

کالطود بیست ششم ۶۳

طور

طور بیست سیم ۲۰
والطور نودم ۲
الطور نوزدهم ۵۳ بیستم
۸۲ بیست ششم ۲۹+۴۶
والطور پنجاه دوم ۱
الطور دوم ۶۳+۸۷
چهارم ۱۵۳
اطوارا هفتاد یکم ۱۳

طوع

فطوعت پنجم ۳۳
اطاع چهارم ۸۲
اطعنا بیست سیم ۳۶
اطعنا سی سیم ۶۶+۶۷
فاطاعوه چهل سیم ۵۴
اطاعونا سیم ۱۶۲
اطعتکم چهارم ۳۸
اطعتموهم ششم ۱۲۱
ویطیعون نهم ۷۲
نطیع پنجاهم ۱۱
یطعکم چهل نهم ۷
نطعه نودم ۱۹
نطعهما بیست نهم ۷ سی یکم ۱۴

تطیعوه بیست چهارم ۵۳
ستطیعکم چهل هفتم ۲۶
واطعن سی سیم ۳۳
یطاع چهلم ۱۹
لیطاع چهارم ۶۷
تطوع دوم ۱۵۳+۱۸۰
استطاع سیم ۹۱
استطعت ششم ۳۵ هفدهم ۶۶
استطعت یازدهم ۹۰
استطاعوا دوم ۲۱۴ هیجدهم
۹۶ سی ششم ۶۷ پنجاه یکم ۴۵
اسطاعوا هیجدهم ۹۶
استطعنا نهم ۴۲
یستطیع دوم ۲۸۲ پنجم ۱۱۳
یستطیع چهارم ۲۹ پنجاه
هشتم ۵
تستطیع هیجدهم ۸۱
تستطیعون بیست پنجم ۲۰
تستطیعوا چهارم ۱۲۸
طوعا سیم ۷۷ نهم ۵۳
سیزدهم ۱۶ چهل یکم ۱۰
طاعة چهارم ۸۳ بیست
چهارم ۵۲ چهل هفتم ۲۲
طائعین چهل یکم ۱۰
مطاع هشتاد یکم ۲۱
المطوعین نهم ۸۰

طاف

فطاف شصت هشتم ۱۹
یطوف پنجاه ششم ۱۷
ویطوف پنجاه دوم ۲۴
هفتاد ششم ۱۹
یطوفون پنجاه پنجم ۴۴
یطاف سی هفتم ۴۴
چهل سیم ۷۱
ویطاف هفتاد ششم ۱۵
یطوف دوم ۱۵۳
ولیطوفوا بیست دوم ۳۰
الطوفان بیست نهم ۱۳
الطوفان هفتم ۱۳۰
طوافون بیست چهارم ۵۷
للطائفین دوم ۱۱۹
بیست دوم ۲۷
طائفة نهم ۶۲+۸۴
وطائفة سیم ۱۴۸ هفتم
۸۵ هفتاد سیم ۲۰
طائفة سیم ۱۴۸ نهم ۶۷
بیست ششم ۳
طائفتان سیم ۱۱۸ چهل نهم ۹
طائفتین ششم ۱۵۷
الطائفتین هشتم ۷

طاق

تسطیعون سیم ۱۷۶
یطیقونه دوم ۱۸۰
طاقة دوم ۲۵۰+۲۸۶

طال

طال بیست یکم ۴۵
فطال پنجاه هفتم ۱۵
افطال بیستم ۸۹
فتطاول بیست هشتم ۴۵
الطول نهم ۸۷ چهلم ۳
طولا چهارم ۲۹
طولا هفدهم ۳۹
طویلا هفتاد سیم ۷
هفتاد ششم ۲۶

طوی

نطوی بیست یکم ۱۰۴
کطی بیست یکم ۱۰۴
طوی بیستم ۱۲ هفتاد نهم ۱۶
مطویات سی نهم ۶۷

طاب

طاب چهارم ۳
طبن چهارم ۳
طبتم سی نهم ۷۳
طوبی سیزدهم ۲۸
الطیب پنجم ۶ سی پنجم ۱۱
والطیب پنجم ۱۰۰
الطیب سیم ۱۷۳ هشتم
۳۸ بیست دوم ۲۴
بالطیب چهارم ۲
طیبا دوم ۱۶۳ چهارم
۴۶ پنجم ۹۰+۹۹ هشتم ۷۰
شانزدهم ۱۱۵
والطیبون بیست چهارم ۲۶
للطیبین بیست چهارم ۲۶
طیبة سی چهارم ۱۴
طیبة نهم ۲۳ چهاردهم ۲۹
الطیبات پنجم ۶+۷
والطیبات بیست چهارم ۲۶
طیبات دوم ۵۴+۱۶۷
۲۶۹ پنجم ۸۹ هفتم ۱۶۰
بیستم ۸۳
طیبات چهارم ۱۵۸
للطیبات بیست چهارم ۲۶
والطیبات هفتم ۳۰
طیباتکم چهل ششم ۱۹

طار

یطیر ششم ۳۸
نطیرنا سی ششم ۱۷
اطیرنا بیست هفتم ۴۸
یطیروا هفتم ۱۳۸
الطیر دوازدهم ۳۶+۴۱
بیست دوم ۳۲

دالطیر

ثواب کریہ بر حضرت سید الشہداء محرم بمانند می دہند رشوہ دادن باکرہن بر حکم با شہادت نشت وگاہ ان بزرگست چہلم حکم بغیر ما انزل الله
کردنست وگاہ ان بزرگست وسبب کوتاہی عمر است چہلم دوتن سحر کردنست وگاہ ان بسیار بزرگست چہلم ستم عمل شعبدہ وتسخیر اجنہ و
ارواح وکواکب چہلم وچہارم عمل صور بختہ از انسان یا حیوان وگاہ ان بزرگست وچہ بسیار شایع شدہ است در بلاد اسلام بتقلید
فرنگستان وان در قدیم الایام منشاء مذہب بت پرستان بودہ وچہلم شایستہ است کہ پادشاہ اسلام منع شدید نماید خصوصا
از وضع ان در مشاہد متبرکہ

بابُ الظّاء

وَالطَّیر بیست چہارم ۴۱
طیر پنجاہ ششم ۲۱
وَالطَّیر بیست ہفتم ۱۷
طیراً سیوم ۴۲ پنجم ۱۱۰
صد پنجم ۳
الطّیر بیست ہفتم ۲۶
وَالطّیر بیست یکم ۷۹
سے چہارم ۱۰ سے ششم ۱۸
طائر شش ۳۸
طائرکم بیست ہفتم ۴۸
سے ششم ۱۸
طائرکم ہفتم ۱۲۸
طائرہ ہفتدہم ۱۴
مُستطیر ہفتاد ششم ۷

طاف

طائف ہفتم ۲۰۰
شصت ششم ۱۹

الطین

الطّین سیوم ۴۳ پنجم
۱۱۰ بیست ششم ۳۸
طیناً ہفدہم ۶۳

بابُ الظّاء

ظعن

ظعنکم شانزدہم ۸۲

ظفر

اظفرکم چہل ہشتم ۲۴
ظفر ششم ۱۴۷

ظل

ظلّ شانزدہم ۶ چہل ہشتم ۱۶
فظلّت بیست ششم ۳
ظلّت بیستم ۹۷
فظلّوا پانزدہم ۱۴
لظلّوا سے ام ۵۰
فظلّتم پنجاہ ششم ۶۵
فظللن چہل دوم ۳۱
فظلّ بیست ششم ۷۱
وظلّلنا دوم ۵۷ ہفتم ۱۶۰
الظّلّ سے پنجم ۲۰
ظلّ ہفتادی ہفتم ۳۰
وظلّ پنجاہ ششم ۴۲+۲۹
الظّلّ بیست ششم ۲۴
ظلاً چہارم ۶۰
الظّلّ بیست پنجم ۴۷
ظلال سے ششم ۵۶
ہفتاد ہفتم ۴۱
ظلالاً شانزدہم ۸۳
وظلالہا سیزدہم ۳۵
ظلالہ شانزدہم ۵۰
ظلالہا ہفتاد ششم ۱۴
وظلالہم سیزدہم ۱۶

ظلّۃ ہفتم ۱۷۰
الظّلّۃ بیست ششم ۱۸۹
ظُلَل سے نہم ۱۸ ام
ظُلَل دوم ۲۰۶
کالظّلل سے یکم ۳۱
ظلیل ہفتاد ہفتم ۳۱
ظلیلاً چہارم ۶۰

ظلم

ظلم دوم ۲۳۱ پنجم ۸
بیست ہفتم ۱۱ شصت پنجم ۱
ظلمک دہم ۵۵
ظلم بیست ہفتم ۴۵ بیست
ششم ۱۵
فظلموا ہفتم ۱۰۱ ہفتم ۴
وظلموا چہارم ۱۶۶ سے
چہارم ۱۸
ظلمتم دوم ۵ چہل ششم ۳۸
ظلمنا ہفتم ۲۳
ظلمک سے ششم ۲۳
ظلمہم سیوم ۱۱۳ شانزدہم ۳۵
ظلموا دوم ۵۴ ہفتم ۱۶
ظلمہم یازدہم ۱۰۳
شانزدہم ۱۹ چہل ششم ۷۶
یظلم چہارم ۴۴ دہم ۴۵
پنجم ۴۷
یظلم چہارم ۱۱۰ بیست پنجم ۲۱
نظلم پنجم ۳
تظلمون دوم ۲۷۹
تظلموا نہم ۳۶
لیظلمہم نہم ۷۰ بیست نہم
۳۹ سے ام ۹
ظلم چہارم ۱۴۷
ظلموا شانزدہم ۴۲
بیست دوم ۴۰ بیست
ششم ۲۲۸
نظلم بیست یکم ۴۷ سے ششم ۵۴
تظلمون دوم ۲۷۹ + ۲۷۴
چہارم ۷۹ ششم ۶۲
اظلم دوم ۱۹
لظلم سے یکم ۱۳
یظلم ششم ۸۲ + ۱۳۱ یازدہم
۱۱۹ بیست دوم ۲۶
یظلم چہارم ۱۵۸
ظلم چہلم ۱۷
ظلما سیوم ۱۰۳ چہارم ۱۱
بیستم ۱۱۰ + ۱۱۱ بیست پنجم ۵
بیست ہفتم ۱۴ چہلم ۳۳
وظلما چہارم ۳۴
ظلم پنجم ۳۳ چہل دوم ۳۹
ظلوم سیزدہم ۷
یظلم چہارم ۱۵۲ شانزدہم ۶۳
ظالم ہجدہم ۳۳ سے پنجم ۳۹
وظالم سے ہفتم ۱۱۳

الظّالم بیست پنجم ۲۹
الظّالم چہارم ۷۷
الظّالمون دوازدہم ۷۹
والظّالمون چہل دوم ۶
لظالمین یازدہم ۷۸
بالظّالمین دوم ۲۴۷ + ۸۹
ششم ۵۸ نہم ۷ شصت
دوم ۷
للظّالمین دوم ۲۷۳ ششم ۱۸۹
والظّالمین ہفتاد ششم ۳۱
ظالمی چہارم ۹۹ شانزدہم ۳۰
ظالمۃ یازدہم ۱۰۴
بیست دوم ۴۴ + ۴۷
ظالمۃ بیست یکم ۱۱
ظلمات دوم ۱۸ بیست چہارم ۴۰
الظّلمات سیزدہم ۱۷ سے
پنجم ۲۰
ظلمات ششم ۵۹ + ۶۳
۹۷ بیست ہفتم ۶۴
ظلمات دوم ۱۶ سی نہم ۸
کظلمات بیست چہارم ۴۰
لظلوم چہاردہم ۳۴
ظلوما سے سیوم ۷۲
بظلّام سیوم ۱۷۸ ہشتم ۵۳
بیست دوم ۱۰ چہل یکم ۴۶
پنجاہ ۲۸
اظلم پنجاہ سیوم ۵۳
مظلوما ہفدہم ۳۵
مظلما دہم ۲۸
مظلمون سے ششم ۳۷

ظما

نظما بیستم ۱۱۷
ظما نہم ۱۲۲
الظّمآن بیست چہارم ۳۹

ظن

ظن دوازدہم ۴۲ بیست چہارم
۱۲ ہشتاد چہارم ۱۴
فظنّ بیست یکم ۸۷
وظنّ دہم ۲۹ سے ششم
۲۳ ہفتاد پنجم ۲۸
ظننت شصت نہم ۲۰
ظنّا دوم ۲۳۰
ظنّوا ہفتاد دوم ۷
فظنّوا ہجدہم ۵۱
ظننتم چہل یکم ۲۱ + ۲۲
چہل ہشتم ۱۲ پنجاہ نہم ۲
ہفتاد دوم ۷
وظننتم چہل ششم ۱۲
ظنّنا ہفتاد دوم ۱۲ + ۵
یظنّ بیست دوم ۱۵
ہشتاد ششم ۴

نظن ہفتاد پنجم ۲۵
اظن ہجدہم ۳۴ + ۳۶
چہل یکم ۵۰
نظنون دوم ۴۶ + ۷۸
۵۰ سیوم ۱۴۸ چہلم ۳۶
وتظنون ہفدہم ۵۴
سے ششم ۱۰
نظن چہل پنجم ۳
لا اظنک ہفدہم ۱۰۲ + ۱۰۴
لا اظنہ بیست ہشتم ۳۸
چہلم ۳۹
نظنک بیست ششم ۱۸۶
لنظنک ہفتم ۶۶
نظنکم یازدہم ۲۹
ظنّ دہم ۱۲ سے ششم ۲۶
الظّن چہارم ۱۵۶ چہل
نہم ۱۲ ام
ظنّ ششم ۱۴۸ چہل ششم ۱۲
ظنّا دہم ۳۷ چہل پنجم ۳۱
الظّن ششم ۱۱۶ + ۱۴۹
دہم ۳۷ + ۶۷ پنجاہ ششم
۲۳ + ۲۹ ام
ظنکم سے ششم ۸ چہل یکم ۲۲
ظنہ سے چہارم ۱۹
الظّنونا سے سیوم ۱۰
الظّانین چہل ششم ۶

ظہر

ظہر ششم ۱۵۲ ہفتم ۳
بیست چہارم ۳۱ سے ام ۴
وظہر نہم ۴۸
نظہرون چہل سیوم ۳۲
یظہر نہم ۸ ہجدہم ۱۹
بیست چہارم ۳۱
یظہروہ ہجدہم ۹۶
وظاہروا شصتم ۹
ظاہروہم سے سیوم ۲۶
یظاہرون پنجاہ ہشتم ۳ + ۲
یظاہروا نہم ۴
تظاہرون سے ششم ۴
وتظہروا شصت ششم ۳
نظہر ہفتاد دوم ۲۶
نظہر چہلم ۲۷
یظہرون سے ام ۱۷
لیظہرہ نہم ۳۳ چہل ہشتم
۲۸ شصت یکم ۹
تظاہرا بیست ہشتم ۴ شصت ششم
تظاہرون دوم ۷۹
ظہیر چہل دوم ۳۱
ہشتاد چہارم ۱۰
ظہرہا سے پنجم ۴۴
ظہرک نود چہارم ۳
ظہورہا ششم ۱۳۹

ظہورہا ششم ۱۴۷
وظہورہم نہم ۳۵
ظہورہ چہل سیوم ۱۳
ظہورہا دوم ۱۸۵
ظہورکم ششم ۹۴
ظہورہم دوم ۸۹ ششم ۱۸۴
ششم ۳۱ ہفتم ۱۷ بیست
یکم ۴۰
والظّاہر پنجاہ ہفتم ۳
بظاہر سیزدہم ۳۳
ظاہر ششم ۱۲۰
ظاہرا ہجدہم ۲۲ سے ام ۶
ظاہرین چہلم ۳۰ شصت یکم ۱۴
وظاہرہ پنجاہ ہفتم ۱۳
ظاہرۃ سے یکم ۱۹ سے چہارم ۱۷
ظہیر شصت ششم ۴
ظہیر سے چہارم ۲۱
ظہیرا ہفدہم ۹۰ بیست پنجم
۵۷ بیست ہشتم ۱۶ + ۸۶
الظّہیرۃ بیست چہارم ۵۷
ظہیرنا یازدہم ۹۴

بابُ العین

عبا

یعبؤ بیست پنجم ۷۷

عبث

تعبثون بیست ششم ۱۲۸
عبثا بیستم ۱۱۷

عبد

وعبد پنجم ۶۵
عبدتم صدہم ۴
عبدنا شانزدہم ۳۷
عبدناہم چہل سیوم ۱۹
تعبد نوزدہم ۴۳ بیست
ہفتم ۴۲
تعبد نوزدہم ۴۵
وتعبدون دہم ۱۹ اشانزدہم
۷۵ بیست دوم ۷۰ بیست
پنجم ۵۷
لیعبد نہم ۳۱ نود ششم ۴
فلیعبدوا صد ششم ۳
انعبدون پنجم ۸۰ سے ہفتم ۹۳
افتعبدون بیست یکم ۶۷
تعبد اول دوم ۱۲۷
بیست ششم ۷۱
نعبد سیوم ۵۷ یازدہم
۶۵ چہاردہم ۳۹
لنعبد ہفتم ۶۹
تعبدون بیست
چہارم ۵۴
لیعبدون پنجاہ یکم ۵۶
تعبدوہا سے نہم ۱۹

نعبدہم سے نہم ۴
فاعبد سے نہم ۲ + ۶۶
واعبد پانزدہم ۹۹
فاعبدوا سے نہم ۱۷
واعبدوا چہارم ۴۰ بیست
دوم ۷۷ پنجاہ سیوم ۶۲
فاعبدنی بیستم ۱۴
فاعبدوہ یازدہم ۱۲۳
نوزدہم ۶۶
اعبدونی سے ششم ۶۱
فاعبدون بیست یکم ۲۵
۹۲ بیست نہم ۵۶
واعبدہ بیست نہم ۱۶
یعبدونی چہل ششم ۴۴
عبدت بیست ششم ۲۱
عبد نوزدہم ۳ ہفتاد
دوم ۱۹
عبد چہلم ۵۹
ولعبد دوم ۲۲۰
العبد سے ششم ۲۹ + ۴۴
والعبد دوم ۱۷۳
عبید سے چہارم ۹ پنجاہم ۸
بالعبد دوم ۱۷۳
عبدین شصت ششم ۱۰
عباد چہلم ۱۸ ہفتاد ششم ۶
وعباد بیست پنجم ۶۴
عباد ہفتم ۱۹۳ بیست یکم ۲۶
عباد سی نہم ۱۳ + ۱۸ ۱۹
العباد سے ششم ۲۹ چہلم ۵
بالعباد دوم ۲۰۳ سیوم
۱۳ + ۱۹ + ۲۸ چہلم ۴۷
للعباد چہلم ۳ پنجاہم ۱۱
عبادا سیوم ۷۳ ہفدہم ۵
عبدہ ہجدہم ۱ بیست پنجم ۱
پنجاہ سیوم ۱۰ پنجاہ ہفتم ۹
بعبدہ ہفدہم ۱
عبدنا دوم ۲۳ ششم ۴۲
عبدہ نوزدہم ۱ سے نہم ۳۶
عبدنا سے ششم ۱۶ + ۴۰
پنجاہ چہارم ۹
عبادک پنجم ۱۱۸
بعبادہ بیستم ۷۹ بیست
ششم ۵۲ چہل چہارم ۲۳
لعبادی چہلم ۹۳
ہفدہم ۵۵
عبادک چہلم ۱۱۸
بیست ہفتم ۱۹ سے نہم ۴۶
بعبادہ ہفدہم ۳۲ + ۹۸
سے پنجم ۲۸ + ۴۵ چہل
دوم ۱۸ + ۲۶
لعبادہ ہفتم ۳۰
نہم ۹ چہل دوم ۲۶

لعبادنا سے ہفتم ۱۷۱
عبادکم بیست چہارم ۳۲
عبادک پانزدہم ۴۰
سے ششم ۸۴ ہفتادم ۲۸
عبادہ نوزدہم ۲۶ سے
نہم ۱۸ چہل دوم ۲۲
عبادنا سے ششم ۴۵
عابد صد نہم ۴
عابدون دوم ۱۳۲ بیست
ششم ۴۹ صد نہم ۳ + ۵
العابدون نہم ۱۱۳
عابدین بیست یکم ۵۱ +
۷۳ + ۱۰۶
العابدین چہلم ۸۱
للعابدین بیست یکم ۸۴
عابدات شصت ششم ۵
بعبادہ ہجدہم ۱۱۰
عبادی چہلم ۶۲
عبادہ چہارم ۱۷۱
ہفتم ۲۰۵ بیست یکم ۱۹
لعبادتہ نوزدہم ۶۶
عبادتکم دہم ۳۰
بعبادتہم نوزدہم ۸۵
چہل ششم ۵

عبر

تعبرون دوازدہم ۴۳
فاعتبروا پنجاہ نہم ۲
عابری چہلم ۴۶
عبرۃ دوازدہم ۱۱۱

عبس

عبس ہفتاد چہارم ۲۲ ہشتاد ۱
عبوسا ہفتاد ششم ۱۰
وعبقری پنجاہ پنجم ۷۶

عتب

یستعتبوا چہل یکم ۲۳
یستعتبون شانزدہم ۸۴
سے ام ۵۷ چہل پنجم ۳۴
المعتبین چہل یکم ۲۳

عدا

واعتدت دوازدہم ۳۱
عتید پنجاہم ۱۷ + ۲۲

عتق

العتیق بیست دوم ۲۹ + ۳۳

عتل

فاعتلوہ چہل چہارم ۴۷
عتل شصت ہشتم ۱۳

عتا

عتت شصت پنجم ۸
عتوا ہفتم ۱۶۶
تعتوا پنجاہ یکم ۴۴
عتوا ہفتم ۷۵ بیست
[illegible] ۲۱

باب الظاء ظعن ظفر ظل ظلم ظما ظن ظهر طاف
باب العین عبا عبث عبد عبر عبس عبق عتب عتد عتق عتل عتو

عتو

(بقیۃ حجۃ البالغۃ) بعد از شق بلا و از بیرون آمدن با شمشیر (ششم) از علی بن الحسین روایت نموده که فرموده که هر کس بر ولایت ما ثابت بماند در زمان
غیبت قائم ما خدا وند عطا نماید اجر هزار شهید از شهدای بدر (هفتم) از عبد الله بن عطا گوید گفتم بابی جعفر که شیعیان شما در عراق بسیار ند و بدرستیکه در
میان شما اهل بیت کسی را مثل تو نمی بینیم فرمودند یا عبد الله والله من صاحب شما نیستم گفتم پس کیست صاحب ما فرمود نگاه کنید
کسی را که ولادت او مخفی گردد بر مردم پس او ست صاحب شما (هشتم) از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که فرمودند

فصل الثانی عشر

۵۲۵

عتو سخت ہفتم ۲۱
عتوا بیست پنجم ۱۳
عتیا نوزدہم ۶۹ + ۷۰
عاتیۃ شصت ونہم ۶

عثر

عثر پنجم ۱۰۶
اعثرنا ہجدہم ۲۱

عثا

تعثوا دوم ۵۷ ہفتم ۷۲
یازدہم ۸۵ بیست وششم ۱۸۳
بیست ونہم ۳۵

عجب

عجبت سی وہفتم ۱۲
عجبوا پنجاہم ۲
وعجبوا سی وہشتم ۳
او عجبتم ہفتم ۶۳ + ۶۹ + ۷۰
تعجب سیزدہم ۵
اتعجبین یازدہم ۷۳
تعجبون پنجاہ وسوم ۵۹
اعجب پنجاہ وہفتم ۱۹
اعجبک پنجم ۱۰۰ سی وسوم ۵۲
اعجبکم دوم ۲۲۰
اعجبتکم دوم ۲۲۱ نہم ۲۵
یعجب چہل وہشتم ۲۹
یعجبک دوم ۲۰۴
تعجبک شصت وسوم ۴
تعجبک نہم ۵۵ + ۸۵
عجیب سیزدہم ۵
عجبا دہم ۲ ہجدہم ۹ + ۶۳
ہفتادودوم ۱
عجاب سی وہشتم ۴
عجیب یازدہم ۷۲ پنجاہم ۲

عجز

اعجزت پنجم ۳۴
بمعجزین ششم ۱۳۴
تعجز ہفتاد ودوم ۱۲
لیعجزہ سی وپنجم ۴۴
تعجزہ ہفتاد ودوم ۱۲
عجوز یازدہم ۷۲ پنجاہ ویکم ۲۹
عجوزا بیست وششم ۱۷۱
سی وہفتم ۱۳۵
اعجاز پنجاہ وچہارم ۲۰
شصت ونہم ۷
معاجزین بیست ودوم ۵۱
سی وچہارم ۵ + ۳۸
بمعجز چہل وششم ۳۱
معجزین یازدہم ۲۲
بیست وچہارم ۵۷
معجزی نہم ۲ + ۳

عجف

عجاف دوازدہم ۴۳ + ۴۶

عجل

وعجلت بیستم ۸۴
اعجلتم ہفتم ۱۵۰
تعجل نوزدہم ۸۴ بیستم ۱۱۴
لیعجل ہفتاد وپنجم ۱۶
فتعجل چہل وششم ۳۵
لعجل بیستم ۵۷
عجلنا ہفدہم ۱۸
یعجل دہم ۱۱
عجل سی وہشتم ۱۶
اعجلک بیستم ۸۳
تعجل دوم ۲۰۳
استعجلتم چہل وششم ۲۴
یستعجل دہم ۵۱ چہل ودوم ۱۸
تستعجل چہل وششم ۲۴
تستعجلوہ شانزدہم ۱
سی وہفتم ۱۷۶
تستعجلون ششم ۵۷ + ۵۸
دہم ۵۲ بیست وہفتم ۴۶ + ۴۷
۷۴ پنجاہ ویکم ۱۴
تستعجلون پنجاہ ویکم ۵۹
یستعجلونک بیست ونہم ۵۳ + ۵۴
ویستعجلونک سیزدہم ۶
بیست ودوم ۴۷ بیست وہفتم ۵۳
تستعجلون بیست ویکم ۳۷
تستعجلوہ شانزدہم ۱
یعجل یازدہم ۱۱ بیست وہفتم ۷۲ پنجاہ ویکم ۳۶
عجلا ہفدہم ۱۴ بیستم ۹۰
العجل دوم ۵۱ + ۴۶ + ۹۲ + ۹۳
۸۷ چہارم ۱۵۲ ہفتم ۱۵۰
بعجل بیست ویکم ۳۸
العاجلۃ ہفدہم ۱۹
ہفتادوپنجم ۲۰ ہفتاد وششم ۲۷
عجولا ہفدہم ۱۱
استعجالہم دہم ۱۲

عجم

الاعجمین بیست وششم ۱۹۸
اعجمی شانزدہم ۱۰۳
ء اعجمی چہل ویکم ۴۴
اعجمیا چہل ویکم ۴۴

عد

وعددہم نوزدہم ۹۴
نعدون بیست ودوم ۴۷ + ۴۶
سی ودوم ۴
تعدوا چہاردہم ۳۴
شانزدہم ۱۸
نعد نوزدہم ۸۴
نعدہم سی وہشتم ۶۲
وعددہ صد وچہارم ۲
واعد چہارم ۹۵ نہم ۱۰۱
سی وہشتم ۲۸ + ۴۳ + ۵۷
۶۴ چہل وہشتم ۶
الاعدوا نہم ۴۶

واعدوا ہشتم ۶۲
اعدت دوم ۲۴ سوم ۱۳۳
۱۲۷ پنجاہ وہفتم ۲۱
نعدونہا سی وسوم ۴۸
عدا نوزدہم ۸۷ + ۹۴
العادین بیست وسوم ۱۱۵
عدد دہم ۵ ہفدہم ۱۳
بیست وسوم ۱۱۴
عددا ہجدہم ۱۰ ہفتاد
دوم ۲۵ + ۲۸
فعدۃ دوم ۱۸۰ + ۱۸۱
عدۃ سی وسوم ۴۸
عدۃ نہم ۳۶ + ۳۷
العدۃ دوم ۱۸۰ شصت وپنجم ۱
فعدتہن شصت وپنجم ۴
بعدتہم ہجدہم ۲۱
لعدتہن شصت وپنجم ۱
عدتہم ہفتاد وچہارم ۳۱
عدۃ نہم ۴۶
معدودات یازدہم ۸
معدودۃ یازدہم ۱۱
دوازدہم ۲۰
معدودۃ دوم ۷۴
معدودات دوم ۱۸۰
۱۹۹ سوم ۲۳

عدس

وعدسہا دوم ۵۸

عدل

فعدلک ہشتادودوم ۷
تعدل ششم ۶۹
لا عدل چہل ودوم ۱۴
یعدلون ششم ۱ + ۱۵۰
ہفتم ۱۵۹ + ۱۸۰ بیست
ہفتم ۶۰
تعدلوا چہارم ۳ + ۱۲۸
۱۳۴ پنجم ۱۱
اعدلوا پنجم ۱۱
فاعدلوا ششم ۱۵۲
عدل پنجم ۹۵
عدل دوم ۴۸ + ۱۲۳
عدل پنجم ۹۵ + ۱۰۶
ششم ۶۹ شصت وپنجم ۲
بالعدل دوم ۲۸۲ م
چہارم ۵۸ شانزدہم ۷۶
۹۰ چہل ونہم ۹
وعدلا ششم ۱۱۵

عدا

تعد ہجدہم ۲۸
یعدون ہفتم ۱۶۳
تعدوا چہارم ۱۵۴

عادیہم سی وہفتم ۷
یعتد دوم ۲۲۹ شصت وپنجم
پنجم ۱
ویتعد چہارم ۱۸
اعتدی دوم ۱۷۸ + ۱۹۰
م پنجم ۹۵
اعتدوا دوم ۶۱
اعتدینا پنجم ۱۰۷
یعتدون دوم ۵۸
سوم ۱۰۸ پنجم ۸۲
تعتدوا دوم ۱۸۶
پنجم ۲ + ۸۹
لتعتدوا دوم ۲۳۱
تعتدوہا دوم ۲۲۹
فاعتدوا دوم ۱۹۰
عدوا ششم ۱۰۸
وعدوا نہم ۹۰
عادون بیست وششم ۱۶۶
العادون بیست وسوم ۷
ہفتادم ۳۱
وعدو بیستم ۳۹
العدو شصت وسوم ۴
عدو چہارم ۹۴ نہم ۱۲۱
عدو ششم ۶۲
اعداء چہل ویکم ۱۸
اعداء چہل ویکم ۲۸
اعداء سوم ۹۸ چہارم
۵ شصتم ۲
الاعداء ہفتم ۱۴۹
عدوہ بیست وسوم ۱۴ م
عدوکم بیستم ۸۲
عدوہم شصت ویکم ۱۴
عدوی شصتم ۱
عدوکم ہفتم ۱۲۶
وعدوکم ہشتم ۶۰ شصتم ۱
باعدائکم چہارم ۴۲
بالعدوۃ ہشتم ۴۲ م
عداوۃ چہل ویکم ۳۴
العداوۃ شصتم ۴
عداوۃ پنجم ۸۵
العداوۃ پنجم ۱۷ + ۶۴ + ۹۱
والعادیات صد ویکم ۱
والعدوان دوم ۱۷۹
پنجم ۳ + ۶۲ پنجاہ وہشتم
۸ + ۹
عدوان دوم ۱۸۹ بیست
ہشتم ۲۸
عدوانا چہارم ۳۰
بعدلکن پنجم ۲۴ شصت
ہشتم ۱۲ ہشتاد ودوم ۱۲
المعتدون نہم ۱۰

المعتدین دوم ۱۸۶
پنجم ۸۹ ہفتم ۵۳ دہم ۷۵
بالمعتدین ششم ۱۱۹

عذب

وعذب نہم ۲۶
لعذبنا چہل وہشتم ۲۵
لعذبہم پنجاہ ونہم ۳
وعذبناہا شصت وپنجم ۸
نعذب پنجم ۴۲ بیست ونہم
۲۰ ہشتادم ۲۵
ونعذب دوم ۲۸۴ سوم
۱۲۴ پنجم ۲۱
لیعذب سی وسوم ۷۳
ونعذب سی وہشتم ۲۴
چہل وہشتم ۶
نعذب ہجدہم ۸۵
نعذب نہم ۶۷
فیعذبہ ہجدہم ۸۶ ہشتاد
ہشتم ۲۴
یعذبہ چہل وہشتم ۱۷
یعذبنا پنجاہ وہشتم ۹
یعذبکم پنجم ۲۱
یعذبکم نہم ۳۹ ہفدہم
۵۶ چہل وہشتم ۱۶
یعذبہم نہم ۱۰۷
فیعذبہم چہارم ۱۷۲
یعذبہم سوم ۱۲۳ ہشتم
۳۴ نہم ۸۶
لیعذبہم ہشتم ۳۳ نہم ۵۵
یعذبہم نہم ۱۴ + ۷۵
یعذبہم پنجم ۱۱۸ بیست ونہم
اعذبہ پنجم ۱۱۵ م
فاعذبہم سوم ۵۶
لا اعذبہ بیست وہفتم ۲۱
نعذبہ ہجدہم ۸۶
سنعذبہم نہم ۱۰۲
عذب بیست وپنجم ۵۵ سی
پنجم ۱۳
وعذاب ششم ۹۶ + ۱۲۴
دہم ۴
بعذاب بیست ونہم ۲۸
کعذاب بیست ونہم ۹
وعذاب سی وہشتم ۴۰
وعذابا ہفتادوسوم ۱۳
والعذاب دوم ۱۷۰
عذابہ دہم ۵۱
عذابہا سی وپنجم ۳۳
افبعذابنا بیست وششم ۲۰۴
سی وہفتم ۱۷۶
بعذاب چہارم ۱۴۶
عذابہ ہفدہم ۵۹

ہشتادم ۲۵
عذابہا بیست وپنجم ۶۶
عذابہما بیست وچہارم ۲
معذبین ہفدہم ۱۶
معذبہم ہشتم ۱۴۴
معذبہم ہشتم ۳۳
معذبوہا ہفدہم ۶۰
بمعذبین بیست وششم ۱۳۸
سی وچہارم ۳۴ سی وہفتم ۵۷
المعذبین بیست وششم ۲۱۳

عذر

یعتذرون نہم ۹۵
فیعتذرون ہفتاد وہفتم ۳۶
تعتذروا نہم ۶۷ + ۹۵
شصت وششم ۷
عذرا ہجدہم ۷۵ ہفتاد
ہفتم ۶
المعذرون نہم ۹۱
معذرۃ ہفتم ۱۶۴
معذرتہم سی ام ۵۷
چہلم ۵۵
معاذیرہ ہفتاد وپنجم ۱۵

عر

معرۃ چہل وہشتم ۲۵
والمعتر بیست ودوم ۳۷

عرب

عربا پنجاہ وششم ۳۶
عربی شانزدہم ۱۰۵
وعربی چہل ویکم ۴۴
عربی بیست وششم ۱۹۵
الاعراب نہم ۹۸ چہل ونہم ۱۴

عرج

یعرج سی ودوم ۴ سی وچہارم
۲ پنجاہ وہفتم ۴
یعرجون پانزدہم ۱۴
الاعرج بیست وچہارم ۶۰
چہل وہشتم ۱۷
المعارج ہفتادم ۳
ومعارج چہل وسوم ۳۳

عرجن

کالعرجون سی وششم ۳۹

عرش

یعرشون ہفتم ۱۳۳
شانزدہم ۷۰
عرش بیست وہفتم ۲۳
عرش شصت ونہم ۱۷
العرش چہلم ۷
عرشک بیست وہفتم ۴۲
عرشہ یازدہم ۹
بعرشہا بیست وہفتم ۳۸
عرشہا بیست وہفتم ۴۱
عروشہا دوم ۲۶۱ ہجدہم

۴۰ بیست ودوم ۴۴
۵۰ روشتاب ششم ۱۴۲ م

عرض

عرضا سی وہشتم ۷۲
وعرضنا ہجدہم ۱۰۰
عرضتم دوم ۲۹
عرض سی وہشتم ۳۰
وعرضوا ہجدہم ۴۶
عرضتم دوم ۲۳۵
فاعرض ہجدہم ۵۵
چہل ویکم ۲
واعرض شصت وششم ۳
اعرضوا بیست وششم ۵۵
چہل ویکم ۱۲ چہل ودوم ۴۷
فاعرضوا سی وچہارم ۱۵
اعرضتم ہفدہم ۶۹
یعرض ہفتاد ودوم ۱۷
تعرض پنجم ۴۶
تعرضن ہفدہم ۳۰
یعرضوا پنجاہ وچہارم ۲
تعرضوا چہارم ۱۳۴
لتعرضوا نہم ۹۶
اعرض پنجم ۴۶ یازدہم
۷۸ دوازدہم ۲۹
فاعرض چہارم ۶۳ + ۸۲
ششم ۶۷ سی ودوم ۳۰
پنجاہ وسوم ۲
واعرض ششم ۱۰۶ ہفتم
۱۹۸ یازدہم ۹۴
فاعرضوا چہارم ۲۰ نہم ۹۶
یعرض چہل وششم ۱۹ + ۲۳
یعرضون یازدہم ۲
چہلم ۳۹ چہل ودوم ۴۴
تعرضون شصت ونہم ۱۸
کعرض پنجاہ وہفتم ۲۱
عرضا ہجدہم ۱۰۰
عرضہا سوم ۱۲۷ پنجاہ
ہفتم ۲۱
عرض ہفتم ۱۶۸
عرض چہارم ۹۶ ہفتم
۱۹۸ ہشتم ۶۸ بیست
چہارم ۳۳
عرضا نہم ۴۲
عریض چہل ویکم ۵۱
عارض چہل وششم ۲۳
عارضا چہل وششم ۲۳
عرضۃ دوم ۲۲۴
اعراضا چہارم ۱۲۷
اعراضہم ششم ۳۵
عرضوا دوم ۸۳ ہجدہم

نہم

انکار اقرار بهمه ائمه و انکار نماید مهدی را مثل کسی است که اقرار کند بهمه انبیاء و انکار کند محمد را گفتند یا بن رسول الله کیست مهدی از اولاد تو فرمود پنجمین از اولاد امام هفتم که غایب گردد شخص او از شما و حلال نیست بر شما بردن اسم او (مفهم) از یونس بن عبد الرحمن روایت نموده که گفتم بحضرت موسی بن جعفر که توئی قائم فرمود منم قائم بحق و لیکن

آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک گرداند و از آن پر کند از عدل و داد آن پنجم از اولاد من است و از برای او غیبتی است طولانی از جهت ترس بر نفس خودش و در غیبت آن قومی از دین بر مذهب حق ثابت باشند و بمانند (دهم) از حسین بن خالد روایت نموده

باب العین

باب العین مع الراء و الزاء — عرف عرم عرا عری عز عزب عزر عزل عزم عزی — باب العین مع السین و الشین و الصاد و الضاد — عسر عسعس عسق عسل عسی عشر عشی عصب عصر عصف عصم عصا عصی عض عضد عضل عضه — باب العین مع الطاء و الظاء و الفاء و القاف — عطف عطل عطی عظم عفف عفر عفی عقب عقد عقر عقل

تعرفهم دوازدهم ۵۸
فلعرفتهم چهل هفتم ۳۰
تعرف بیست دوم ۷
هشتاد سوم ۲۴
یعرفون دوم ۱۴۶ ششم ۲۰
هفتم ۴۶ شانزدهم ۸۵
یعرفوا بیست سوم ۷۱
تعرفهم دوم ۲۷۴
ولتعرفنهم چهل هفتم ۳۰
یعرفونه دوم ۱۴۶ ششم ۲۰
یعرفونها دوازدهم ۶۲
یعرفونهم هفتم ۴۶
تعرفونها بیست هفتم ۹۵
یعرف پنجاه پنجم ۴۱
یعرفون سی سوم ۵۹
عرّف شصت ششم ۳
عرّفها چهل هفتم ۶
یتعارفون دهم ۴۶
لتعارفوا چهل نهم ۱۳
اعترفوا نهم ۱۰۲
فاعترفوا شصت هفتم ۱۱
فاعترفنا چهلم ۱۱
بالعرف هفتم ۱۹۸
عرفا هفتاد هفتم ۱
الاعراف هفتم ۴۴+۴۶
عرفات دوم ۱۹۴
معروف دوم ۲۶۵
چهل هفتم ۲۲
معروف دوم ۲۳۴ چهارم
۱۱۴ شصتم ۱۳
بمعروف دوم ۲۲۹+۲۳۱
م شصت پنجم ۲ ۶۰
المعروف نهم ۶۸
معروفا دوم ۲۳۵
چهارم ۴+۹ سی یکم ۱۴
سی سوم ۶+۳۲
معروفة بیست چهارم ۵۳

عرم

العرم سی چهارم ۱۵

عرا

اعتراك یازدهم ۵۷
بالعروة دوم ۲۵۷
سی یکم ۲۱

عری

تعری بیستم ۱۱۶
بالعراء سی هفتم ۱۴۵
شصت هشتم ۴۹

عز

وعزنی سی هشتم ۲۳
نعزز ناسی ششم ۱۳
وتعز سوم ۲۵

عزا نوزدهم ۸۴
العزة دوم ۲۰۲ سی پنجم
۱۱ شصت سوم ۸
بعزة بیست ششم ۴۳
العزة سی هفتم ۱۸۰
عزة سی هشتم ۱
العزة چهارم ۱۳۸ م
دهم ۶۶ سی پنجم ۱۱
فبعزتك سی هشتم ۸۳
عزیز پنجاه چهارم ۴۲
یعز یازدهم ۹۳
چهاردهم ۲۲ سی پنجم ۱۸
سی نهم ۳۸
اعز یازدهم ۹۴
واعز هجدهم ۳۲
الاعز شصت سوم ۸
اعزة پنجم ۵۹
اعزة بیست هفتم ۳۴
والعزی پنجاه سوم ۱۹

عزب

یعزب دهم ۶۲ سی چهارم ۳

عزر

وعزروه هفتم ۱۵۶
وعزرتموهم پنجم ۱۵
وتعزروه چهل هشتم ۱
عزیر نهم ۳۰

عزل

عزلت سی سوم ۵۱
اعتزلتم نوزدهم ۵۰
اعتزلوكم چهارم ۹۲
اعتزلتموهم هجدهم ۱۵
واعتزلكم نوزدهم ۴۹
یعتزلوكم چهارم ۹۳
فاعتزلوا دوم ۲۲۲
فاعتزلون چهل چهارم ۲۰
لمعزولون بیست ششم ۲۱۲
معزل یازدهم ۴۴

عزم

عزم چهل هفتم ۲۳
عزمت سوم ۱۵۳
عزموا دوم ۲۲۷
تعزموا دوم ۲۳۵
عزم سوم ۱۸۳ سی یکم ۱۶
چهل دوم ۴۱
العزم چهل ششم ۳۴
عزما بیستم ۱۱۴

عزی

عزین هفتادم ۳۷

عسر

تعاسرتم شصت پنجم ۶
عسیر شصت پنجم ۷

العسر نود چهارم ۵+۶
عسرا هجدهم ۷۲
العسرة دوم ۱۸۱
عسرة پنجاه چهارم ۸
عسرة دوم ۲۸۰
العسرة نهم ۱۱۸
عسیر هفتاد چهارم ۹
عسیرا بیست پنجم ۲۸
للعسری نود دوم ۱۰

عسعس

عسعس هشتاد یکم ۱۷

عسق

عسق چهل دوم ۱

عسل

عسل چهل هفتم ۱۷

عسی

فعسی چهارم ۲۳ پنجم ۵۷
نهم ۱۸ هجدهم ۳۸
بیست هشتم ۶۷
وعسی دوم ۱۳ م
عسیتم دوم ۲۴۷
چهل هفتم ۲۴

عشر

عشر ششم ۱۶۱
بعشر یازدهم ۱۶
عشر هشتادم ۱
بعشر هفتم ۱۳۸
عشرا بیستم ۱۰۳ بیست ششم ۲۷
وعشرا دوم ۲۳۴
عشر پنجم ۱۵ نهم ۳۶
دوازدهم ۴ هفتاد
چهارم ۳۰
عشرة دوم ۱۹۲
عشرة پنجم ۹۱
عشرة دوم ۵۷ هفتم
۱۶۰ م
عشرون هشتم ۶۶
وعاشروهن چهارم ۲۳
العشیر بیست دوم ۱۳
وعشیرتكم نهم ۲۴
عشیرتك بیست ششم ۲۱۴
عشیرتهم پنجاه هشتم ۲۲
العشار هشتاد یکم ۴
معشر ششم ۱۲۸+۱۳۰
پنجاه پنجم ۳۳
معشار سی چهارم ۴۴

عشی

یعش چهل سوم ۳۵
العشاء بیست چهارم ۵۷
عشاء دوازدهم ۱۶
بالعشی سیزدهم ۳ سی ششم
۱۷+۳۰ چهلم ۵۷

والعشی ششم ۵۲
هجدهم ۲۷
وعشیا نوزدهم ۱۱+۶۲
سی ام ۱۷ چهلم ۴۹
عشیة هفتاد نهم ۴۶

عصب

عصبة دوازدهم ۸+۱۴
بیست چهارم ۱۱
بالعصبة بیست هشتم ۷۶
عصیب یازدهم ۷۹

عصر

اعصر دوازدهم ۳۶
یعصرون دوازدهم ۴۹
والعصر صد سوم ۱
اعصار دوم ۲۶۸
المعصرات هفتاد هشتم ۱۴

عصف

كعصف صد پنجم ۵
العصف پنجاه پنجم ۱۱
عصفا هفتاد هفتم ۲
عاصف دهم ۲۳
عاصف چهاردهم ۲۱
عاصفة بیست یکم ۸۱
فالعاصفات هفتاد هفتم ۲

عصم

یعصمه یازدهم ۴۵
یعصمك پنجم ۷۱
یعصمكم سی سوم ۱۷
واعتصموا چهارم ۱۴۵+
۱۷۴
یعتصم سوم ۹۶
واعتصموا سوم ۹۸
بیست دوم ۷۸
فاستعصم دوازدهم ۳۲
عاصم دهم ۲۸ چهلم ۳۵
عاصم یازدهم ۴۵
بعصم شصتم ۱۰

عصا

بعصاك دوم ۵۷
هفتم ۱۶۰ بیست ششم ۶۳
عصای بیستم ۱۹
عصاك هفتم ۱۱۴ بیست
هفتم ۱۰ بیست هشتم ۳۱
عصاه هفتم ۱۰۴ بیست
ششم ۳۱+۴۴
وعصیهم بیستم ۶۹
وعصیهم بیست ششم ۴۳

عصی

فعصی هفتاد سوم ۱۶
وعصی بیستم ۱۱۹
هفتاد نهم ۲۱

عصیت دهم ۹۱
انعصیت بیستم ۹۴
عصیت ششم ۱۵ دهم ۱۶
سی نهم ۱۵
عصوا دوم ۵۸ سوم ۱۰۸
پنجم ۸۲
فعصوا شصت نهم ۱۰
وعصوا چهارم ۴۵
یازدهم ۶۲
وعصینا سوم ۱۴۵
وعصیت دوم ۸۷ چهارم ۴۸
عصانی چهاردهم ۳۹
عصیته یازدهم ۶۶
عصونی هفتاد یکم ۲۰
عصوك بیست ششم ۲۱۶
یعص چهارم ۱۸ سی سوم
۳۶ هفتاد دوم ۲۴
اعصی هجدهم ۶۸
یعصون شصت ششم ۶
یعصینك شصتم ۱۲
عصینا نوزدهم ۱۴+۴۵
والعصیان چهل نهم ۷
ومعصیت پنجاه هشتم ۱۰۹

عض

عضوا سوم ۱۱۵
یعض بیست پنجم ۲۹

عضد

عضدا هجدهم ۴۹
عضدك بیست هشتم ۳۵

عضل

تعضلوهن دوم ۲۳۲

عضه

عضین پانزدهم ۹۱

عطف

عطفه بیست دوم ۹

عطل

عطلت هشتاد یکم ۴
معطلة بیست دوم ۴۴

عطی

اعطی بیستم ۵۲ نود دوم ۵
واعطی پنجاه سوم ۳۵
اعطیناك صد هشتم ۱
یعطیك نود سوم ۵
اعطوا نهم ۵۸
یعطوا نهم ۲۹
یعطوا نهم ۵۸
فتعاطی پنجاه چهارم ۲۹
عطاء هفدهم ۲۱
عطاء هفدهم ۲۱
عطاء یازدهم ۱۱۱ هفتاد
هشتم ۳۶
عطاؤنا سی هشتم ۳۸

یعظم بیست دوم ۳۱+۳۳
ویعظم شصت پنجم ۵
العظم نوزدهم ۴
یعظم ششم ۱۳۷
العظام دوم ۲۶۱
عظاما هفدهم ۵۲+۱۰۰
بیست سوم ۱۴ هفتاد نهم ۱۱
وعظاما بیست سوم ۸۲+۳۷
سی هفتم ۱۶+۵۱ پنجاه ۶
ششم ۴۷
العظام بیست ششم ۱۴
سی ششم ۷۸
عظامه هفتاد پنجم ۳
العظیم یازدهم ۸۷
اعظم نهم ۲۰ پنجاه هفتم ۱۰
واعظم هفتاد سوم ۲۰

عفف

فلیستعفف چهارم ۶
ولیستعفف بیست چهارم ۳۳
یستعففن بیست چهارم ۶۰
التعفف دوم ۲۷۳

عفر

عفریت بیست هفتم ۳۹

عفی

عفی سوم ۱۴۹+۱۵۲ پنجم
۹۵+۱۰۱ نهم ۴۳ چهل
دوم ۳۰
وعفی دوم ۱۸۳
عفوا هفتم ۹۵
عفونا دوم ۵۲
تعفونا چهارم ۱۴۹
ویعفوا پنجم ۱۵ چهل دوم
۲۵+۳۴
نعف نهم ۶۶
یعفو دوم ۲۳۷ چهارم
ویعف چهل دوم ۳۰
یعفون دوم ۲۳۷
ولیعفوا بیست چهارم ۲۲
تعفوا دوم ۲۳۷ چهارم
۱۴۸ شصت چهارم ۱۴
نعف نهم ۶۷
فاعف سوم ۱۵۳ پنجم ۱۳
واعف دوم ۲۸۶
فاعفوا دوم ۱۰۹
عفی دوم ۱۷۸
العفو دوم ۲۱۹ هفتم ۱۹۹
والعافین سوم ۱۳۴
لعفو بیست دوم ۶۰
پنجاه هشتم ۲
عفوا چهارم ۴۳+۹۹+۱۴۹

عقب

یعقب بیست هفتم ۱۰

بیست ششم ۳۱
عاقب بیست دوم ۶۰
عاقبتم شانزدهم ۱۲۶
فعاقبتم شصتم ۱۱
فعاقبوا شانزدهم ۱۲۶
عوقب بیست دوم ۶۰
عوقبتم شانزدهم ۱۲۶
فاعقبهم نهم ۷۸
عقبا هجدهم ۴۴
عقبیه چهل سوم ۲۸
اعقابنا ششم ۷۱
اعقابكم سوم ۱۴۴+۱۴۹
بیست سوم ۶۶
عقبیه دوم ۱۴۳ سوم
۱۴۴ هشتم ۴۸
عقاب چهل یکم ۴۳
عقاب یا عقابی
سیزدهم ۳۲ سی هشتم
۱۴ چهلم ۵
العقبة نودم ۱۱
العقبة نودم ۱۲
عقبی سیزدهم ۲۲+۲۴
وعقبی سیزدهم ۳۵
عقباها نود یکم ۱۵
والعاقبة هفتم ۱۲۸
بیستم ۱۳۲ بیست هشتم ۸۳
عاقبة سی ام ۹
العاقبة یازدهم ۴۹
عاقبتهما پنجاه نهم ۱۷
معقب سیزدهم ۴۱
معقبات سیزدهم ۱۱

عقد

عقدت چهارم ۳۷
عقدتم پنجم ۸۹
بالعقود پنجم ۱
عقدة دوم ۲۳۵
عقدة دوم ۲۳۷
عقدة بیستم ۲۷
العقد صد سیزدهم ۴

عقر

فعقر پنجاه چهارم ۲۹
فعقروا هفتم ۷۷
فعقروها یازدهم ۶۵
بیست ششم ۱۵۷ نود
یکم ۱۴
عاقر سوم ۴۰
عاقرا نوزدهم ۵+۸

عقل

عقلوه دوم ۷۵
نعقل شصت هفتم ۱۰
نعقلها بیست نهم ۴۳

که شخصی از حضرت امام رضا سؤال نمود که کیست قائم از شما اهل بیت فرمود چهارم از اولاد من پسر بهترین کنیزان زمین را خدا وند پاک نماید از هر جور و ظلمی و
اوست که مردم شک کنند بر ولادت او و اوست صاحب غیبت پیش از خروج (یازدهم) عبد العظیم بن عبد الله الحسنی روایت نمود. از حضرت علی بن محمد النقی
حدیثی ذکر در او اخر آن جناب فرمود که امام بعد از من پسر
جمت فرمودند زیرا که شخص او را نمی بینند و اسم او را نباید برد

فصل القاف وغیره

پس چگونه خواهد بود حال مردم در خلف او ۲۷ سائل گفت از چه
تا زمانی که بیرون آید و زمین را پر از عدل کرداند همچنانکه از جور پر گردانیده شده

عقم
عقیم پنجاه یکم ۲۹
عقیم بیست دوم ۵۴
عقیما چهل دوم ۴۹
العقیم پنجاه یکم ۴۱

عکف
یعکفون هفتم ۱۳۴
العاکف بیست دوم ۲۵
عاکفا بیستم ۹۷
عاکفون دوم ۱۸۳
بیست یکم ۵۳
عاکفین بیستم ۹۱ بیست
ششم ۷۱
والعاکفین دوم ۱۱۹
معکوفا چهل هشتم ۲۵

علق
علق نود ششم ۲
علقة بیست دوم چهلم ۶۷
علقة بیست سوم ۱۴ هفتاد
پنجم ۳۸
العلقة بیست سوم ۱۴
کالمعلقة چهارم ۱۲۸

علم
فعلم چهل ششم ۱۸ + ۲۷
وعلم ششم ۶۷
علمت سه هفتم ۱۵۸
هشتاد یکم ۱۴ هشتاد دوم ۵
علمت یازدهم ۱۸ هفتم
۱۰۴ بیست یکم ۶۶
علمت بیست هشتم ۳۸
علموا دوم ۹۶
فعلموا بیست ششم ۷۵
علمتم دوم ۶۱ دوازدهم
۷۳ + ۸۹ بیست چهارم
۳۳ پنجاه ششم ۶۲
علمنا دوازدهم ۵۱ + ۸۱
پانزدهم ۲۱ م سیم
۵ پنجاهم ۴
لعلمه چهارم ۸۵
علمته پنجم ۱۱۶
علمتموهن شصتم ۱۰
وسیعلم سیزدهم ۴۲
بیست ششم ۲۲۸
لیعلم بیست هفتم ۷۶
لیعلم شانزدهم ۷۲ بیست
دوم ۵ پنجاه هفتم ۲۹
لیعلم پنجم ۹۵ دوازدهم
۵۲ هفتاد دوم ۲۸
ولیعلم سیم ۱۴۰ + ۱۴۲ + ۱۶۰
م شانزدهم ۱۰۴ بیست
دوم ۵۳ پنجاه هفتم ۲۵

ویعلم سیم ۱۳۶ چهل
دوم ۳۳
ویعلم سیم ۱۳۶ ششم ۷۱
نهم ۱۶ بیست هشتم ۷۸
نود ششم ۵ + ۱۴
فلیعلمن بیست نهم ۳
ولیعلمن بیست نهم ۱۰ + ۱۱
تعلم چهارم ۱۱۳ پنجم ۱۱۶
چهاردهم ۴ نوزدهم
۶۶ سه دوم ۱۷
لتعلم یازدهم ۸
ولتعلم سی ششم ۱۲
وتعلم نهم ۴۳
تعلم دوم ۱۰۰ + ۱۰۱ پنجم
۴۴ بیست دوم ۶۹
واعلم دوم ۳ هفتم ۶۰
دوازدهم ۸۶
سیعلمون پنجاه چهارم ۲۶
هفتاد هشتم ۴ + ۵
فسیعلمون نوزدهم ۷۷
هفتاد دوم ۲۵
فیعلمون دوم ۲۴
لیعلمون دوم ۱۳۹
ویعلمون بیست چهارم ۲۵
چهل دوم ۱۷
یعلموا نهم ۶۴ + ۷۹ + ۹۸
۱۰۵ سه نهم ۵۳
لیعلموا هجدهم ۲۰
ولیعلموا چهاردهم ۵۲
اتعلمون هفتم ۷۳
فستعلمون بیستم ۱۳۵
شصت هفتم ۱۷ + ۲۹
تعلموا چهارم ۶۶ ششم
۹۱ دوازدهم ۸ سی یکم
۵ چهل ششم ۲۷
لتعلموا پنجم ۹۸ دهم ۵
شصت پنجم ۱۲
ولتعلموا هفدهم ۱۳
ولتعلمن بیستم ۷۴ سه
هشتم ۸۸
تعلم سیم ۱۶۰ ششم ۳۳
پانزدهم ۹۷ شانزدهم
۱۰۵ سی ششم ۷
لنعلم شصت نهم ۴۹
ونعلم پنجاهم ۱۵
نعلم چهل هفتم ۳۳
لنعلم دوم ۱۳۸ هجدهم
۱۱ سه چهارم ۲۰
ونعلم پنجم ۱۱۳
نعلمه دوم ۲۷۳
نعلمه بیست ششم ۱۹۷

یعلم دوم ۱۹۳ سیم ۲۷
یعلمها ششم ۵۹ م
تعلمهم ششم ۶۲ چهاردهم
۱۰ هجدهم ۲۱
تعلمها یازدهم ۵۱
تعلمهم نهم ۱۰۲
تعلمونهم هشتم ۶۲
تعلموهم چهل ششم ۲۵
تعلمهم نهم ۱۰۲
فاعلم پنجم ۵۴ بیست هشتم
۵۰ چهل هفتم ۲۱
واعلم دوم ۲۶۲
اعلموا پنجم ۹۸ پنجاه
هفتم ۱۶ + ۱۹
فاعلموا دوم ۲۰۵ پنجم
۳۸ + ۹۳ ششم ۴۱
نهم ۳ یازدهم ۱۷
لیعلم بیست چهارم ۳۱
علم پنجاه پنجم ۱ نود ششم ۵ + ۴
وعلم دوم ۲۹
علمه پنجم ۶
علمنی دوازدهم ۳۷
وعلمک چهارم ۱۱۳
علمه دوم ۲۸۲ پنجاه
پنجم ۳ پنجاه سوم ۵
وعلمه دوم ۲۵۲
علمکم دوم ۲۴ پنجم ۴
بیستم ۷۴ بیست ششم ۴۸
وعلمنی دوازدهم ۱۰۲
علمنا دوم ۳۰
علمتک پنجم ۱۱۰
علمناه دوازدهم ۶۸
سه ششم ۶۹
وعلمناه هجدهم ۶۴
بیست یکم ۸۰
یعلمان دوم ۹۶
یعلمون دوم ۹۶
اتعلمون چهل نهم ۱۶
ویعلمک دوازدهم ۶
یعلمه شانزدهم ۱۰۵
ویعلمه سیم ۴۳
ویعلمکم دوم ۱۴۶ م ۲۸۳
ویعلمهم دوم ۱۲۳ سیم ۱۵۸
شصت دوم ۲
تعلمن هجدهم ۶۵
تعلموهن پنجم ۴
ولنعلمه دوازدهم ۲۱
علمک هجدهم ۶۵
وعلمتم ششم ۹۱
علمنا بیست هفتم ۱۶
فتعلمون دوم ۹۶

ویعلمون دوم ۹۶
علم سه نهم ۴۳ سه یکم
۳۴ چهل یکم ۴۷ چهل
سیم ۸۵ پنجاه ششم ۳۶
لعلم چهل سیم ۶۱
بعلم یازدهم ۱۷
بعلم ششم ۱۴ هفتم ۶
وعلما دوازدهم ۲۲
بیست یکم ۷۴ + ۷۹
بیست ششم ۱۳ چهلم ۷
علمی بیست ششم ۱۱۲
علمها هفتم ۱۸۶ + ۱۸۷
بیستم ۵۴ سه بیستم ۶۳
علمهم بیست هفتم ۶۸
علیم دوم ۲۵۶ پنجم ۴۰
بعلیم چهارم ۱۶۴ ازدهم
سه پنجم ۱۲ چهل یکم ۴۷
کالاعلام چهل دوم
۳۱ پنجاه پنجم ۲۴
عالم سه نهم ۴۷
العالمون بیست نهم ۴۳
عالمین بیست یکم ۵۲ + ۸۱
بعالمین دوازدهم ۴۴
لعلیم بیست دوم ۵۸
العلیم ششم ۹۶ سه ششم
۳۸ چهل یکم ۱۱
علماء بیست ششم ۱۹۷
العلماء سه پنجم ۲۵
علام پنجم ۱۰۸ + ۱۱۶
نهم ۷۹ سه چهارم ۴۷
وعلامات شانزدهم ۱۶
یاعلم ششم ۵۳ بیست نهم ۹
معلوم پانزدهم ۴ سه یکم
۴۰ + ۱۶۴ هفتاد ۲۴
معلوم پانزدهم ۲ بیست
ششم ۳ + ۱۵۵ پنجاه ششم
۵۰ هفتاد هفتم ۲۲
المعلوم پانزدهم ۳۸
سه هشتم ۸۲
معلومات دوم ۱۹۳
معلومات بیست دوم ۲۹
معلم چهل چهارم ۱۳

علن
اعلنت هفتاد یکم ۸
اعلنتم شصتم ۱
یعلنون دوم ۷۲ یازدهم
۵ شانزدهم ۲۴ بیست
هفتم ۷۶ بیست هشتم ۶۹
سه ششم ۷۶
تعلنون شانزدهم ۱۹
بیست هفتم ۲۵ شصت

چهارم ۴
نعلین چهارم ۴۱
وعلانیة دوم ۲۷۵
سیزدهم ۲۲ چهاردهم ۳۶
سه پنجم ۲۶

علا
علا بیست سوم ۳
ولعلا بیست سوم ۹۳
علوا هفدهم ۷
نعلو بیست هفتم ۱۳ چهل
چهارم ۱۸
ولتعلن هفدهم ۴
تعالی شانزدهم ۳
بیست هفتم ۶۴ هفتاد
دوم ۳
فتعالین سه سیم ۲۸
تعالوا سیم ۵۴ + ۵۷
۶۱ چهارم ۶۴ پنجم ۱۰۳
ششم ۱۵۲ شصت سیم ۵
استعلی بیستم ۶۴
لعال دهم ۸۳
عالیا چهل چهارم ۳۰
عالین بیست سیم ۴۸
العالین سه هشتم ۷۵
عالیه شصت نهم ۲۲
هشتاد ششم ۱۰
عالیها یازدهم ۸۴
پانزدهم ۷۴
عالیهم هفتاد ششم ۲۱
فعلی دهم ۷۲
لعلی سه چهارم ۲۳ شصت
ششم ۴
فعلی یازدهم ۳۷
علیک نوزدهم ۲۵
فعلیه سه ام سه پنجم ۳۷
وعلیه دوازدهم ۶۷
شصت هفتم ۲۹
فعلیها ششم ۱۰۴ چهل
یکم ۴۶ چهل پنجم ۱۴
وعلیها دوم ۲۸۶
بیست سیم ۲۲ چهلم ۸۰
علیکما پنجاه پنجم ۳۵
وعلینا سیزدهم ۴۰
وعلیکم بیست چهارم ۵۴
فعلیهم شانزدهم ۱۰۸
وعلیهم چهل دوم ۱۵
فعلیهن چهارم ۳۰
العلی بیستم ۴ + ۷۷
العلیا نهم ۴۰
علوا هفدهم ۴ + ۴۵
بیست هشتم ۸۳

وعلوا بیست هفتم ۱۴
علی چهل دوم ۵۱
لعلی چهل سیم ۳
العلی دوم ۲۵۶ بیست
دوم ۶۱ سه یکم ۲۹ سه
چهارم ۲۳ چهل دوم ۲
العلی چهلم ۱۲
علیا چهارم ۳۸ نوزدهم
۵۱ + ۵۸
الاعلون سیم ۱۳۲ چهل
هفتم ۳۷
علیون هشتاد سیم ۱۹
علیین هشتاد سیم ۱۸
المتعال سیزدهم ۱۰

عثم
عمک سه سیم ۴۹
اعنتکم بیست چهارم ۶۰
وعنتکم چهارم ۲۷
عنتک سه سیم ۴۹
عنتکم بیست چهارم ۶۰

عمد
تعمدت سه سیم ۵
عمد سیزدهم ۲ سه یکم ۹
صد چهارم ۹۲
العماد هشتاد نهم ۶
متعمد اچهارم ۹۵ پنجم ۹۶

عمر
عمروها سه ام ۸
وعمروها سه ام ۸
نعمر نهم ۱۸
نعمروا نهم ۱۷
نعمره سه ششم ۶۸
نعمرکم سه پنجم ۳۴
نعمر دوم ۹۰ سه پنجم ۱۲
نعمر دوم ۹۰
اعمر دوم ۱۵۳
واستعمرکم یازدهم ۶۴
لعمرک پانزدهم ۷۲
العمر بیست یکم ۴۵
بیست هشتم ۴۵
العمر شانزدهم ۷۲
بیست دوم ۵
عمرا دهم ۱۷
عمرک بیست ششم ۱۷
عمره سه پنجم ۱۲
بالعمرة دوم ۱۹۲
والعمرة دوم ۱۹۳
وعمارة نهم ۱۹
عمران سیم ۳۰ + ۳۱
شصت ششم ۱۲
المعمور پنجاه دوم ۴

معمر سه پنجم ۱۲

عمق
عمیق بیست دوم ۲۸

عمل
عملت سیم ۲۸ م شانزدهم
۱۱۲ سه ششم ۷ سه نهم ۷۰
عملوا هفتم ۱۵۲ شانزدهم
۱۱۹ + ۲ + ۱۲۰ هجدهم ۳۷
عملتم شصت چهارم ۷
عملته سه ششم ۳۵
نعمل چهاردهم ۴۳ هفتم
۸۶ سه چهارم ۱۱
نعمل چهارم ۱۱۰ + ۱۲۳
۱۲۳ بیستم ۱۱۱ بیست یکم
۹۴ نوزدهم ۷ + ۸
فلیعمل هجدهم ۱۱ سه هفتم
۵۹
ونعمل شصت چهارم ۹ شصت
پنجم ۱۱
نعمل بیست یکم ۷۴
ونعمل سه سیم ۳۱
اعمل دهم ۴۲ بیست یکم ۱۰۲
اعمل بیست هفتم ۱۹ چهل
ششم ۱۴
ویعملون بیست یکم ۸۲
نعمل هفتم ۱۵ شانزدهم
۳۰ سی پنجم ۳۴
فعمل هفتم ۵۱
نعمل سه دوم ۳۴ سه پنجم
اعمل سه چهارم ۱۰
فاعمل چهل یکم ۴
اعملوا ششم ۱۳۵ نهم ۱۰۶
یازدهم ۹۵ + ۲۱ سه چهارم
۱۲ سه نهم ۴۰ چهل یکم ۴۰
فاعملوا بیست سیم ۵۳
سه چهارم ۱۰
عمل نهم ۱۲۱ یازدهم ۴۶
والعمل سه پنجم ۱۱
عمل پنجم ۹۲ بیست سیم ۱۴
عمل دهم ۶۳ بیست پنجم ۲۵
عمل سیم ۱۹۳ دهم ۸۱
عملا نهم ۱۰۳ یازدهم ۹
هجدهم ۶ + ۲۹ + ۱۱۰
بیست یکم ۸۲ بیست پنجم ۷۰
شصت هفتم ۲
اعمال بیست سیم ۶۵
اعمالا هجدهم ۱۰۳
عملی دهم ۴۲
عملک سه نهم ۶۵
عمله پنجم ۷
عملکم دهم ۴۲

عکف علق علن علا علم عمر عمد عمل عثم

عمله

تا آخر روایت (دوازدهم) احمد بن اسحق گوید که مشرف شدم بخدمت حسن عسکری علیه السلام و میخواستم که سوال کنم که خلف و خلیفهٔ آنحضرت کیست پس آنحضرت ابتداء نمود و فرمود ای ابو اسحق خداوند تعالی از وقتی که آدم خلق فرمود تا روز قیامت زمین را خالی نکرده و نخواهد کرد از حجتی که باو بلا از اهل زمین دفع میشود و باو باران می بارد و باو برکت از زمین بیرون میآید عرض کردم پس کیست خلیفه و امام بعد از تو حضرت برخواست و داخل حجره گردید و بعد از ساعتی بیرون آمد در حالتی که طفلی سه ساله را برگردن خود نشانیده بود و مانند ماه تابان بود و فرمود ای ابا اسحق اگر زان بود که

باب العین

عَمِلَ سه پنجم ۹ چهلم ۴۰
چهل هفتم ۱۵
وَعَمِلَ شصت ششم ۱۱
لِعَمَلِكُم بیست ششم ۱۶۸
عَمِلَتْهُ پنجاه دوم ۲۱
عَمِلْكُم نهم ۹۵ + ۱۰۶
عَمَلُهُ شش ۱۵۸
أَعْمَالُنَا دوم ۱۳۳ بیست
هشتم ۵۵ چهل دوم ۱۴
أَعْمَالُكُم دوم ۱۳۳ بیست
هشتم ۵۵ چهل دوم ۱۴
چهل نهم ۲
أَعْمَالَكُم چهل نهم ۱۴
أَعْمَالِهِم نهم ۳۷
أَعْمَالَكُم سه سیم ۷۱ چهل
هفتم ۳۲ + ۳۵ + ۳۷
عَامِلُ ششم ۱۳۵ یازدهم
۹۵ سه نهم ۴۰
عَامِلٍ سیم ۱۹۳
عَامِلُونَ یازدهم ۱۲۲
بیست سیم ۶۵ چهل یکم ۴
الْعَامِلُونَ سه هفتم ۵۹
الْعَامِلِينَ سیم ۱۳۰ بیست
نهم ۵۸ سه نهم ۷۴
وَالْعَامِلِينَ نهم ۶۰
عَامِلَةٌ هشتادهشتم ۳

عمه

يَعْمَهُونَ دوم ۱۴ ششم
۱۱۰ هفتم ۱۸۵ دهم ۱۲
پانزدهم ۷۲ بیست سیم ۷۷
بیست هفتم ۴

عمی

عَمِيَ ششم ۱۰۴
فَعَمِيَتْ بیست هشتم ۶۶
عَمُوا پنجم ۷۵
فَعَمُوا پنجم ۷۵
تَعْمَى بیست دوم ۴۵ م
فَعُمِّيَتْ یازدهم ۳۰
عَمًى چهل یکم ۴۴
الْعَمَى چهل یکم ۱۶
عَمُونَ بیست هفتم ۶۸
عَمِينَ هفتم ۶۴
أَعْمَى سیزدهم ۱۹ هفدهم
۷۲ م بیستم ۱۲۴ + ۱۲۵
وَأَعْمَى چهل هفتم ۲۵
كَالْأَعْمَى یازدهم ۲۶
عُمْيٌ دوم ۱۷ + ۱۶۶
الْعُمْيَ بیست هفتم ۸۳
سی ام ۵۲
عُمْيَانًا هفدهم ۹۶
الْعُمْيَ دهم ۴۳ چهل سیم ۳۹

وَعُمْيًا بیست پنجم ۷۳
وَعَنْ پنجم ۹۳ هفتم
۱۶ پنجاهم ۱۶ هفتادم ۳۷
عَنِيّ دوم ۱۸۲ یازدهم ۱۳
دوازدهم ۳۳ سه ششم
۲۲ شصت نهم ۲۹
عَنْهُمَا چهارم ۲۰ هفتم ۲۶
شصت ششم ۱۰

عنب

وَعِنَبٍ هفدهم ۹۳
وَعِنَبًا هشتادم ۲۸
أَعْنَابٍ ششم ۹۹ سیزدهم
۴ هجدهم ۳۱
وَأَعْنَابٍ دوم ۲۶۸
بیست سیم ۱۹ شانزدهم ۶۹
وَأَعْنَابًا هفتاد هشتم ۳۲
وَالْأَعْنَابَ شانزدهم ۱۱

عنت

عَنِتُّمْ سیم ۱۱۴ نهم ۱۲۹
لَعَنِتُّمْ چهل نهم ۷
لَأَعْنَتَكُمْ دوم ۲۱۹
الْعَنَتَ چهارم ۳۰
فَعِنْدَ چهارم ۹۹ + ۱۳۳
وَعِنْدَ نهم ۷ چهلم ۳۷
عِنْدَكَ چهارم ۸۰ + ۸۳
هشتم ۳۲ بیست ششم ۲۷
چهل هفتم ۱۸
وَعِنْدَهُ ششم ۵۹ سیزدهم
۳۹ چهل سیم ۸۵
أَعِنْدَهُ پنجاه سیم ۳۶
عِنْدَهُ پنجم ۵۷ نهم ۵۲
یازدهم ۳ بیست ششم ۳۷
عِنْدَهَا سیم ۳۲ هجدهم
۸۴ پنجاه سیم ۱۵
عِنْدَنَا سیم ۱۵۰ پانزدهم
۲۱ سه چهارم ۳۶ سی هفتم
۱۶۸ سه هشتم ۲۴ +
۳۹ + ۴۷
وَعِنْدَنَا پنجاهم ۴
عِنْدَكُمْ ششم ۱۴۹
دهم ۶۹ شانزدهم ۹۸
وَعِنْدَهُمْ پنجم ۴۳ سه
هفتم ۴۷ سه هشتم ۵۲

عنید

عَنِيدٍ یازدهم ۶۲
چهاردهم ۱۸ پنجاهم ۲۳
عَنِيدًا هفتاد چهارم ۱۶

عنق

عُنُقَكَ هفدهم ۳۱
عُنُقِهِ هفدهم ۱۴
أَعْنَاقُ سه چهارم ۳۲
الْأَعْنَاقِ هشتم ۱۲
وَالْأَعْنَاقِ سه هشتم ۳۲

أَعْنَاقُهُمْ بیست ششم ۳
أَعْنَاقِهِمْ سیزدهم ۶ سه
ششم ۷ چهلم ۷۳

عنكب

الْعَنْكَبُوتِ بیست نهم ۴۰ م

عنا

وَعَنَتِ بیستم ۱۱۰

عهد

عَهِدَ سیم ۱۷۹ هفتم ۱۳۱
چهل سیم ۴۸
عَهِدْنَا بیستم ۱۱۴
وَعَهِدْنَا دوم ۱۱۹
أَعْهَدْ سه ششم ۶۰
عَاهَدَ نهم ۷ چهل هشتم ۱۰
عَاهَدْتَ هشتم ۵۸
عَاهَدُوا دوم ۹۴ + ۱۷۲
سه سیم ۱۵ + ۲۳
عَاهَدْتُمْ نهم ۱ + ۴ + ۷
شانزدهم ۹۳
عَهْدِ سه سیم ۱۵
عَهْدُ نهم ۷
الْعَهْدُ بیستم ۸۹
بِعَهْدِ سیم ۷۱ سیزدهم ۲۰
شانزدهم ۹۳ + ۹۷
وَبِعَهْدِ ششم ۱۵۳
عَهْدِ هفتم ۱۰۰
الْعَهْدِ هفدهم ۳۶
عَهْدَ دوم ۲۵ سیزدهم ۲۵
عَهْدًا دوم ۷۴ + ۹۴
نوزدهم ۸۱ + ۹۰
الْعَهْدُ هفدهم ۳۶
عَهْدِكَ دوم ۱۱۸
بِعَهْدِكَ دوم ۳۸
بِعَهْدِهِ سیم ۷۰ نهم ۱۱۲
بِعَهْدِكُمْ دوم ۳۸
عَهْدِهِمْ نهم ۱۲
بِعَهْدِهِمْ دوم ۱۷۲
وَعَهْدِهِمْ بیست سیم ۸
هفتادم ۳۲
عَهْدَهُ دوم ۷۴
عَهْدَهُمْ هشتم ۵۸ نهم ۴

عهن

كَالْعِهْنِ هفتادم ۹ صد یکم ۴

عاج

عِوَجَ سه نهم ۲۹
عِوَجَ بیستم ۱۰۷
عِوَجًا سیم ۹۴ هفتم ۴۳
۸۴ یازدهم ۲۲ چهاردهم
۳ هجدهم ۱ بیستم ۱۰۶

عاد

عَادَ دوم ۲۷۶ پنجم ۹۶

سه ششم ۳۹
لَعَادُوا ششم ۲۸
عُدْتُمْ هفدهم ۸
عُدْنَا هفتم ۸۷ هفدهم ۸
بیست سیم ۱۰۹
يَعُودُونَ پنجاه هشتم ۴ + ۹
يَعُودُوا هشتم ۳۹
تَعُودُونَ هفتم ۲۸
تَعُودُوا هشتم ۱۹ بیست چهارم ۱۶
لَتَعُودُنَّ هفتم ۸۶
چهاردهم ۱۶
نَعُودُ هفتم ۸۷
نَعُدْ هشتم ۱۹
يُعِيدُ سه چهارم ۴۸
وَيُعِيدُ هشتادیکم ۱۳
يُعِيدُهُ دهم ۴ + ۳۵ م
بیست هفتم ۶۵ بیست نهم
۱۸ سی ام ۱۰ + ۲۶
يُعِيدُنَا هفدهم ۵۳
يُعِيدُكُمْ هفتاد یکم ۱۷
نُعِيدُكُمْ هفدهم ۷۱
يُعِيدُوكُمْ هجدهم ۱۹
نُعِيدُهُ بیست یکم ۱۰۴
سَنُعِيدُهَا بیستم ۲۲
نُعِيدُكُمْ بیستم ۵۷
أُعِيدُوا بیست دوم ۲۲
سه دوم ۲۰
عَادًا یازدهم ۶۲ بیست ششم
۱۲۳ چهل یکم ۱۴ پنجاه
چهارم ۱۸ شصت نهم ۶
وَعَادٌ بیست دوم ۴۳
سه هشتم ۱۱ پنجاهم ۱۳
شصت نهم ۴
بِعَادٍ هشتادنهم ۵
لِعَادٍ یازدهم ۶۳
وَعَادٍ نهم ۷۰ چهاردهم ۹
چهلم ۳۲
عَائِدًا یازدهم ۶۳ بیست
نهم ۳۷ پنجاه سیم ۵۱
عَائِدُونَ چهل چهارم ۱۴
مَعَادٍ بیست هشتم ۸۵

عاذ

عُذْتُ چهلم ۲۸ چهل
چهارم ۱۹
أَعُوذُ دوم ۶۲ یازدهم
۴۹ نوزدهم ۱۸ بیست
سیم ۹۹ صد سیزدهم ۱
صد چهاردهم ۱
وَأَعُوذُ بیست سیم ۱۰۰
يَعُوذُونَ هفتاد دوم ۶
أُعِيذُهَا سیم ۳۱

فَاسْتَعِذْ هفتم ۹۹ شانزدهم
۱۰۰ چهلم ۵۸ چهل یکم ۳
مَعَاذَ دوازدهم ۲۳ + ۷۹

عور

عَوْرَةٌ سه سیم ۱۳
بِعَوْرَةٍ سه سیم ۱۳
عَوْرَاتِ بیست چهارم ۳۱
عَوْرَاتٍ بیست چهارم ۵۷

عاق

الْمُعَوِّقِينَ سه سیم ۱۸

عال

تَعُولُوا چهارم ۳

عام

عَامٍ دوازدهم ۴۹
عَامٍ دوم ۲۶۱ م نهم ۱۲۷
عَامًا نهم ۳۷ م بیست ۱۱
عَامَيْنِ سه یکم ۱۳
عَامِهِمْ نهم ۲۸

عان

تَعَاوَنُوا پنجم ۳
وَتَعَاوَنُوا پنجم ۳
نَسْتَعِينُ اول ۴
اسْتَعِينُوا دوم ۴۸ هفتم ۱۲۵
وَاسْتَعِينُوا دوم ۴۲
عَوَانٌ دوم ۶۳
الْمُسْتَعَانُ دوازدهم ۱۸
بیست یکم ۱۱۲
أَعِينُونِي هجدهم ۹۴
يُعَى چهل ششم ۳۲

عاب

أَعِيبَهَا هجدهم ۷۸

عاد

عِيدًا پنجم ۱۱۴

عار

الْعِيرُ دوازدهم ۷۰ + ۹۴
وَالْعِيرَ دوازدهم ۸۲

عیسی

بِعِيسَى پنجم ۵۰
پنجاه هفتم ۲۷
وَعِيسَى چهارم ۱۶۱ پنجم
۸۲ سی سیم ۷
عِيسَى در حالت نصبی دوم ۸۱
سیم ۴۸ چهارم ۱۵۶
پنجم ۱۰۹ + ۱۱۲ + ۱۱۶
وَعِيسَى ششم ۸۵ چهل
دوم ۱۱

عاش

عِيشَةٍ شصت نهم ۲۱
صد یکم ۵
مَعَاشًا هفتاد هشتم ۱۱
مَعِيشَةً بیستم ۱۲۳

مَعَايِشَ هفتم ۹ پانزدهم ۲
مَعِيشَتَهَا بیست هشتم ۵۸
مَعِيشَتُهُمْ چهل سیم ۳۱

عال

عَائِلًا نود سیم ۸
عَيْلَةً نهم ۲۸

عان

وَأَعَانَهُ بیست پنجم ۵
فَأَعِينُونِي هجدهم ۹۴
عَيْنٌ هشتاد هشتم ۱۲
عَيْنِ هجدهم ۸۴ بیست
هشتم ۸ هشتاد هشتم ۵
الْعَيْنَ سیم ۱۱
بِالْعَيْنِ پنجم ۴۹
عَيْنَ سه چهارم ۱۱ صد
دوم ۷
عَيْنًا دوم ۵۷ هفتم ۱۶
نوزدهم ۲۶ هفتاد ششم
۶ + ۱۸ هشتاد سیم ۲۸
وَالْعَيْنَ پنجم ۴۹
عَيْنَانِ پنجاه پنجم ۵۰ + ۶۶
عَيْنَيْنِ نودم ۸
وَعُيُونٍ پانزدهم ۴۵
بیست ششم ۵۷ + ۱۳۴ +
۱۴۷ چهل چهارم ۲۴ + ۵۲
پنجاه یکم ۱۵ هفتاد هفتم ۴۱
الْعُيُونِ سه ششم ۳۴
عُيُونًا پنجاه چهارم ۱۲
أَعْيُنَ هفتم ۱۷۸ + ۱۹۴
الْأَعْيُنُ چهل سیم ۷۱
أَعْيُنِ بیست یکم ۶۲
أَعْيُنِ بیست پنجم ۷۴ سه
دوم ۱۷
الْأَعْيُنِ چهلم ۲۰
أَعْيُنَ هفتم ۱۱۳
أَعْيُنُهَا بیستم ۴۰ بیست هشتم ۱۲
عَيْنِي بیستم ۴۰
عَيْنَاهُ دوازدهم ۸۴
عَيْنَاكَ هجدهم ۲۷
عَيْنَيْكَ پانزدهم ۸۸
بیستم ۱۳۱
أَعْيُنَكُمْ یازدهم ۳۳
أَعْيُنَهُمْ هجدهم ۱۰۱
سه سیم ۱۹
وَأَعْيُنُهُمْ نهم ۹۳
أَعْيُنِهِنَّ سه سیم ۵۱
وَأَعْيُنِنَا یازدهم ۳۹
بیست سیم ۲۷ پنجاه دوم
۴۸ پنجاه چهارم ۱۴
أَعْيُنِكُمْ هشتم ۴۶
أَعْيُنِهِمْ هشتم ۴۴ سه ششم ۶۶

أَعْيُنُهُمْ پنجم ۸۶ پنجاه
چهارم ۳۷
عَيِينَا سه هفتم ۴۷
پنجاه ششم ۲۲
عَيِيَ چهل ششم ۵۴
پنجاه دوم ۲۰
مُعَيَّنٍ سه هفتم ۴۴
پنجاه ششم ۱۸ شصت
هفتم ۳۰
وَمَعِينٍ بیست سیم ۵۲

باب الغین

غبر

الْغَابِرِينَ هفتم ۸۱
پانزدهم ۶۰ بیست ششم ۱۷۱
بیست هفتم ۵۸ بیست نهم
۳۱ + ۳۲ سه هفتم ۱۳۵
غَبَرَةٌ هشتادم ۴۰

غبن

التَّغَابُنِ شصت چهارم ۹

غثاء

بیست سیم ۴۳ هشتاد هفتم ۵

غدر

يُغَادِرُ هجدهم ۴۷
نُغَادِرْ هجدهم ۴۵

غدق

غَدَقًا هفتاد دوم ۱۶

غدا

غَدَوْتَ سیم ۱۱۷
وَغَدَوْا شصت هشتم ۲۵
اغْدُوا شصت هشتم ۲۲
لِغَدٍ پنجاه نهم ۱۸
غَدًا دوازدهم ۱۲ هجدهم
۲۳ سه یکم ۳۴ پنجاه
چهارم ۲۶
غَدَاءَنَا هجدهم ۶۱
بِالْغُدُوِّ هفتم ۲۰۴
سیزدهم ۱۶ بیست چهارم ۳۶
غُدُوًّا چهلم ۴۹
غُدُوُّهَا سه چهارم ۱۱
بِالْغَدَاةِ ششم ۵۲
هجدهم ۲۷

غر

غَرَّ هشتم ۵۱
غَرَّكَ هشتاد دوم ۶
وَغَرَّكُمْ پنجاه هفتم ۱۳
وَغَرَّهُمْ سیم ۲۳
وَغَرَّتْكُمْ چهل پنجم ۳۴
پنجاه هفتم ۱۳
وَغَرَّتْهُمُ ششم ۶۹ + ۱۳۰
هفتم ۴۹
[illegible] چهلم ۴

نورا نود ما منزلی است این را بونشان بمیدادم او است همنام و هم کنیه پیغمبر خدا و او است که پر میکند زمین را پر از عدل همچنانکه پر شده از ظلم و جور ای احمد بن اسحق مثل او در این امت مثل خضر و ذی القرنین است قسم بخدا غیبتی خواهد نمود که نجات نیابند در آن مگر کسانیکه خدا ایشانرا بر اعتقاد و امامت او ثابت دارد و توفیق دهد او را در دعا نمودن از برای تعجیل فرج او احمد گوید پس گفتم ای مولای من آیا علامتی هست که قلب من باو مطمئن گردد ناگاه آنطفل بسخن درآمد و بمنتهای فصاحت و بلاغت و بزبان عربی فرمود انا بقیة الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه فلا

فصل الراء و الغین

غرر

یَغُرَّنَّکَ سیم ١٩٦
یَغُرَّنَّکُم سی بکم ٣٣
سی پنجم ٥
یَغُرَّنَّکُم سی بکم ٣٣ سی پنجم ٥
غُرُوراً شصت هفتم ٣٠
یَغُرُّ وَ هفتم ٤١
اَلغُرُورِ سیم ١٨٢ پنجاه هفتم ٢٠
غُروراً چهاردهم ١١٩ ششم ١١٢ هفدهم ٦٤ سی سیم ١٢ سی پنجم ٣٨
اَلغَرُورُ سی بکم ٣٣ سی پنجم ٥ پنجاه هفتم ١٣

غرب

غَرَبَت هجدهم ١٦
تَغرُبُ هجدهم ٨٤
اَلغُرُوبِ پنجاهم ٣٨
غُروبِها بیستم ١٣٠
اَلغُرابِ پنجم ٣٤
غُراباً پنجم ٣٤
اَلغَربِیِّ بیست هشتم ٤٤
غَربِیَّة بیست چهارم ٣٥
وَغَرابِیبُ سی پنجم ٢٥
وَالمَغرِبِ دویم ١٠٩ + ١٣٦
اَلمَغرِبِ دویم ٢٦
وَالمَغرِبِ دویم ١٧٢ بیست ششم ٢٧ هفتادم ٩
مَغرِبَ هجدهم ٨٤
اَلمَغرِبَینِ پنجاه پنجم ١٧
وَالمَغارِبِ هفتادم ٤٠
وَمَغارِبَها هفتم ١٣٣

غرف

اِغتَرَفَ دویم ٢٥٠
غُرفَةً دویم ٢٥٠
اَلغُرفَةَ بیست پنجم ٧٥
غُرَفٌ سی نهم ٢١ م
غُرَفاً بیست نهم ٥٨
اَلغُرُفاتِ سی چهارم ٣٦

غرق

اَغرَقنا بیست ششم ٦٦ + ١٢٠
بیست نهم ٣٩ سی هفتم ٨٢
وَاَغرَقنا دویم ٤٧ هفتم ٦٣ هفتم ٥٣ دهم ٧٣
فَاَغرَقناهُ هفدهم ١٠٣
اَغرَقناهُم بیست پنجم ٣٩
فَاَغرَقناهُم هفتم ١٣٢ بیست بکم ٧٧ چهل سیم ٥٥
لِتُغرِقَ هجدهم ٧٠
نُغرِقَکُم هفدهم ٧١
نُغرِقهُم سی ششم ٤٣
اُغرِقُوا هفتادیکم ٢٥
غَرقاً هفتادنهم ١

غرم

اَلغَرَقُ دهم ٩٠
مُغرَقُونَ یازدهم ٣٩ بیست سیم ٢٨ چهل چهارم ٢٣
اَلمُغرَقِینَ یازدهم ٤٥

غرم

وَالغارِمِینَ نهم ٦٠
غَراماً بیست پنجم ٦٦
مَغرَمٍ پنجاه دویم ٤٠
شصت هشتم ٤٦
مَغرَماً نهم ٩٩
لَمُغرَمُونَ پنجاه ششم ٦٦

غری

فَاَغرَینا پنجم ١٧
لَنُغرِیَنَّکَ سی سیم ٦٠

غزل

غَزلَها شانزدهم ٩٤

غزی

غُزًّی سیم ١٥٠

غسق

غَسَقِ هفدهم ٨٠
غاسِقٍ صد سیزدهم ٣
وَغَسّاقٌ سی هشتم ٥٧
وَغَسّاقاً هفتاد هشتم ٢٥

غسل

فَاغسِلُوا پنجم ٨
تَغتَسِلُوا چهارم ٤٦
مُغتَسَلٌ سی هشتم ٤١
غِسلِینٍ شصت نهم ٣٦

غشی

غَشِیَهُم بیستم ٨١ سی یکم ٣١
تَغشاهُم بیستم ٨
یُغشِی سیم ١٤٨ چهل چهارم ١٠ پنجاه سیم ١٦
م نود دویم ١
وَتَغشَی چهل دهم ٥١
یَغشاهُ بیست چهارم ٤٠
یَغشاها نود یکم ٤
یَغشاهُم بیست نهم ٥٥
یُغشَی سی سیم ١٩
غُشِیَ پنجاه سیم ٥٥
فَغَشّاها پنجاه سیم ٥٥
یُغَشِّیکُم هشتم ١١
فَاَغشَیناهُم سی ششم ٨
یَغشَی هفتم ٥٢ سیزدهم ٣
اَغشِیَت دهم ٢٨
تَغَشّاها هفتم ١٨٩
وَاستَغشَوا هفتادیکم ٦
یَستَغشُونَ یازدهم ٥
غاشِیَةٌ دوازدهم ١٠٧
اَلغاشِیَةِ هشتاد هشتم ١
غَواشٍ هفتم ٣٩

غِشاوَةٌ دویم ٦
غِشاوَةً چهل پنجم ٢٢
اَلمَغشِیِّ چهل هفتم ٢٢

غصص

غُصَّةٍ هفتادسیم ١٣

غصب

غَصباً هجدهم ٧٨

غضض

یَغُضُّوا بیست چهارم ٣٠
یَغضُضنَ بیست چهارم ٣١
وَاغضُض سی بکم ١٨

غضب

غَضَبَ پنجاه هشتم ١٥
شصتم ١٣
وَغَضِبَ چهارم ٩٥
پنجم ٦٥ چهل هشتم ٦
غَضِبُوا چهل دویم ٣٥
غَضَبٌ هفتم ١٥١ شانزدهم ١٠٦ بیستم ٨٩ چهل دویم ١٥
وَغَضَبٌ هفتم ٦٩
اَلغَضَبُ هفتم ١٥٣
غَضَبٍ دویم ٨٤
بِغَضَبٍ دویم ٥٨ + ٨٤ سیم ١٠٨ هشتم ١٦
غَضَبٌ بیست چهارم ٩
غَضبی بیستم ٨٣
غَضبانَ هفتم ١٤٩ بیستم ٨٨
اَلمَغضُوبِ اول ٧
مُغاضِباً بیست یکم ٨٧

غطش

وَاَغطَشَ هفتاد نهم ٢٩

غطاء

غِطاءٍ هجدهم ١٠١
غِطاءَکَ پنجاهم ٢١

غفر

غَفَرَ سی ششم ٢٦
فَغَفَرَ بیست هشتم ١٥
وَغَفَرَ چهل دویم ٤١
فَغَفَرنا سی هشتم ٢٤
یَغفِرُ سیم ١٢٤ + ١٢٩ چهارم ٥١ + ١١٦ پنجم ٢١ دوازدهم ٩٢ سی نهم ٥٤ چهل هشتم ١٤
فَیَغفِرُ دویم ٢٨٦
وَیَغفِرُ چهارم ٥١ + ١١٦ پنجم ٤٤
یَغفِرُ نهم ٨١ بیست چهارم ٢٢ بیست ششم ٥١ + ٨٣ چهل ششم ٣ شصت سیم ٦
لِیَغفِرَ چهارم ١٣٦ + ١٦٦ چهاردهم ١١ بیستم ٧٥ چهل هشتم ٢

یَغفِرَ چهل پنجم ٣٠
شصت یکم ١٢ هفتاد یکم ٤
وَیَغفِرُ سیم ٢٩ شصتم ٢٩
٧١ سی سیم ٧ پنجاه هفتم ٢٨ شصت چهارم ١٧
لِیَغفِرَ هفتاد یکم ٤
تَغفِرُ پنجم ١١٨ هفتم ٢٢ یازدهم ٤٩
تَغفِرُونَ چهل دویم ٣٥
تَغفِرُوا چهل پنجم ١٣
وَتَغفِرُوا شصت چهارم ١٤
نَغفِر دویم ٥٨ هفتم ١٦١
فَاغفِر سیم ١٤ + ١٩١ هفتم ١٥٤ بیستم ١١١ بیست سیم ١٥٠ چهلم ٧
وَاغفِر دویم ٢٨٦ بیست سیم ٨٦ شصتم ٥ شصت ششم ٨
سَیُغفَرُ هفتم ١٦٨
یُغفَرُ هشتم ٣٩
فَاستَغفَرَ سی هشتم ٢٣
وَاستَغفَرَ چهارم ٦٧
اَستَغفَرتَ شصت سیم ٦
فَاستَغفَرُوا سیم ١٣٩ چهارم ٦٧
تَستَغفِر نهم ٨١ شصت سیم ٦
اِستَغفِروا دوازدهم ٩٩
سَاَستَغفِرُ نوزدهم ٤٨
لَاَستَغفِرَنَّ شصتم ٤
یَستَغفِرُونَ هشتم ٣٣ پنجاه یکم ١٨
وَیَستَغفِرُونَ چهلم ٧ چهل دویم ٣
یَستَغفِرُوا نهم ١١٤
وَیَستَغفِرُوا هجدهم ٥٣
تَستَغفِرُونَ بیست هفتم ٤٧
وَیَستَغفِرُونَهُ پنجم ٧٨
اَستَغفِر نهم ٨٠ دوازدهم ٩٨
فَاستَغفِر چهلم ١١ وَاستَغفِر سیم ١٥٣ چهارم ١٠٦ بیست چهارم ٦٢ چهلم ٥٧ چهل هفتم ٢١ شصتم ١٣
اِستَغفِرُوا یازدهم ٣ + ٥٢ هفتادیکم ٩
وَاستَغفِرُوا دویم ١٩٥ یازدهم ٩٢ هفتاد سیم ٢٩
وَاستَغفِری دوازدهم ٢٩
وَاستَغفِرهُ صدم ٣
فَاستَغفِرُوهُ یازدهم ٦٤
وَاستَغفِرُوهُ چهل یکم ٥
غافِرِ چهلم ٢

اَلغافِرِینَ هفتم ١٥٤
لَغَفُورٌ ششم ١٦٥ هفتم ١٦٧ + ١٥٢ یازدهم ٤٣ شانزدهم ١٨ + ١١١ + ١٢٠ سی پنجم ٣١
غَفُورٍ چهل یکم ٣٢
لَغَفّارٌ بیستم ٨٤
اَلغَفّارُ سی هشتم ٦٦ سی نهم ٧
اَلغَفّارِ چهلم ٤٥
غَفّاراً هفتاد یکم ٩
غُفرانَکَ دویم ٢٨٥
لَمَغفِرَةٌ سیم ١٥١
وَمَغفِرَةٌ دویم ٢٦٥ هشتم ٤ چهل هفتم ١٧ پنجاه هفتم ٢٠
مَغفِرَةٌ سیم ١٢٧ سیزدهم ٧ چهل یکم ٤٣ پنجاه هفتم ٢١
بِمَغفِرَةٍ سی ششم ١٠
اَلمَغفِرَةِ پنجاه سیم ٣٣ هفتاد چهارم ٥٥
بِالمَغفِرَةِ دویم ١٧٠
وَالمَغفِرَةِ دویم ٢٢١
مَغفِرَةٍ دویم ٢٧١ سی سیم ٣٥ چهل هشتم ٢٩
وَمَغفِرَةٍ چهارم ٩٨
اِستِغفارُ نهم ١١٥
وَالمُستَغفِرِینَ سیم ١٥

غفل

تَغفُلُونَ چهارم ١٠٣
اَغفَلنا هجدهم ٢٧
غافِلاً چهاردهم ٤٣
بِغافِلٍ دویم ٦٩ + ٧٩ + ١٣٤ + ١٣٩ + ١٤٤ سیم ٩٤ یازدهم ١٢٣ بیست هفتم ٩٥
غافِلُونَ ششم ١٣١ دهم ٧ دوازدهم ١٣ سی ام ٣ سی ششم ٤ چهل ششم ٥
لَغافِلُونَ دهم ٩٢
اَلغافِلُونَ هفتم ١٧٨ شانزدهم ١١٠
غافِلِینَ هفتم ١٣٢ + ١٤٦ بیست سیم ١٧
لَغافِلِینَ ششم ١٥٧ دهم ٣٩
اَلغافِلِینَ هفتم ٢٠٤ دوازدهم ٣
اَلغافِلاتِ بیست چهارم ٢٣
غَفلَةٍ نوزدهم ٤٠ بیست یکم ١ + ٩٧ بیست هشتم ١٤ پنجاهم ٢١

غلل

غَلَّ سیم ١٥٥
یَغُلَّ سیم ١٥٥
یَغلُل سیم ١٥٥

فَغُلُّوهُ شصت نهم ٣٠
غُلَّت پنجم ٦٤
غُلَّ هفتم ٤٣ پانزدهم ٤٧
غِلّاً پنجاه نهم ١٠
اَلاَغلالُ سیزدهم ٥ چهلم ٧٣
اَغلالاً سی ششم ٧
وَاَغلالاً هفتاد ششم ٤
اَلاَغلالَ سی چهارم ٣٣
وَالاَغلالَ هفتم ١٥٦
مَغلُولَةٌ پنجم ٦٤
مَغلُولَةً هفدهم ٣١

غلب

غَلَبَت دویم ٢٥٠ بیست سیم ١٠٨
غَلَبُوا هجدهم ٢٠
یَغلِب چهارم ٧٤
لَاَغلِبَنَّ پنجاه هشتم ٢١
سَیَغلِبُونَ سی ام ٢
یَغلِبُوا هشتم ٦٥ + ٦٧ م
تَغلِبُونَ چهل یکم ٢٥
غُلِبَت سی ام ١
فَغُلِبُوا هفتم ١١٦
یُغلَبُونَ هشتم ٣٦
سَتُغلَبُونَ سیم ١٠
غُلِبَ شانزدهم ٣٠
غَلَبِهِم سی ام ٢
غالِبَ دوازدهم ٢١
غالِبٌ سیم ١٥٤ هشتم ٥٠
غالِبُونَ پنجم ٢٦
اَلغالِبُونَ پنجم ٥٦ بیست ششم ٤٤ بیست هشتم ٣٥ سی هفتم ١٧٣
اَلغالِبِینَ هفتم ١١٣ بیست ششم ٣٩ + ٤٠ سی هفتم ١١٦
مَغلُوبٌ پنجاه چهارم ١٠

غلظ

وَاغلُظ نهم ٧٣ شصت ششم ٩
فَاستَغلَظَ چهل هشتم ٢٩
غَلِیظٌ چهاردهم ٢٠
غَلِیظٍ یازدهم ٥٨ سی یکم ٢٣ چهل یکم ٥٠
غَلِیظاً چهارم ٢١ + ١٥٤ سی سیم ٧
غِلاظٌ شصت ششم ٦
غِلظَةً نهم ١٢٤

غلف

غُلفٌ دویم ٨٨ چهارم ١٥٤
وَغَلَّقَتِ دوازدهم ٢٣

غلم

غُلامٌ سیم ٣٥ دوازدهم ١٩ نوزدهم ٩ + ٢٠
اَلغُلامُ هجدهم ٧٩
بِغُلامٍ پانزدهم ٥٣ نوزدهم ٧ سی هفتم ١٠١ پنجاه یکم ٢٨
غُلاماً هجدهم ٧٤ نوزدهم ١٩
لِغُلامَینِ هجدهم ٨١
غِلمانٌ پنجاه دویم ٢٤

غلو

تَغلُوا چهارم ١٦٩ پنجم ٨١
یَغلِی چهل چهارم ٤٥
کَغَلیِ چهل چهارم ٤٦

غمم

غَمٌّ بیست دویم ٢٢
بِغَمٍّ سیم ١٤٧
اَلغَمِّ سیم ١٤٨ بیستم ٤١ بیست یکم ٨٨
غَمّاً سیم ١٤٧
غُمَّةً دهم ٧٢
اَلغَمامَ دویم ٢٠٦
بِالغَمامِ بیست پنجم ٢٧
اَلغَمامَ دویم ٥٤ هفتم ١٦٠

غمر

غَمرَةِ بیست سیم ٦٥
پنجاه یکم ١١
غَمَراتِ ششم ٩٣
غَمرَتِهِم بیست سیم ٥٦

غمز

یَتَغامَزُونَ هشتاد سیم ٣٠

غمض

تُغمِضُوا دویم ٢٧٠

غنم

غَنِمتُم هشتم ٤٢ + ٧٠
غَنَمُ بیست یکم ٧٨
وَالغَنَمِ ششم ١٤٧
غَنَمِی بیستم ١٩
مَغانِمُ چهارم ٩٦
مَغانِمَ چهل هشتم ١٥ + ٢٠
وَمَغانِمَ چهل هشتم ١٩

غنی

تَغنَ دهم ٢٥
یَغنَوا هفتم ٩٠ یازدهم ٧١ + ٩٨
فَاَغنی نود سیم ٨
اَغنَت یازدهم ١٠٣
اَغناهُمُ نهم ٧٥
یُغنِ چهارم ١٣٩
یُغنِیَ دهم ١٠١ پنجاه سیم ٢٦ پنجاه هشتم ٥
یُغنِی سیم ١٠ + ١١٢ + ١١٨ شصت ششم ١٠ پنجاه هشتم ١٨
یُغنِ نهم ٢٥ سی ششم ٢٣
اَغنی دوازدهم ٦٧
یُغنِیا شصت ششم ١٠
یُغنُوا چهل پنجم ١٩
یُغنِیه هشتادم ٣٧

تطلب اثر ابو عبد الله جعفر بن احمد بن الشيخ احمد گويد پس بيرون رفتم در نهايت خوشحالى و منتهاى سرور روز ديگر معاودت نمودم خدمت آنحضرت و عرض كردم يا ابن رسول الله بدرستيكه بسيار مرا خوشوقت گردانيدى بانچه منت برمن گذاردى پس بيان فرما چه سنت در آنجناب است از خضر و ذو القرنين فرمود طول غيبت عرض كردم آيا غيبت آنحضرت بسيار طول خواهد كشيد فرمود بلى والله تا اينكه جماعتى از اعتقاد برگردند از آنهائى كه قائل بامامت او بند و باقى نماند مگر كسيكه خدا عهد و ميثاق ولايت او را گرفته باشد و ايمان را در دل او ثابت كرده باشد و او را بروح خود مؤيد فرموده

باب العين

يَغُرَّنَّكُم نهم ۲۸	يَغِبْ چهل هم ۱۲	**غاض**	فُتِحَت بيست نهم ۹۶	تَفْتَئُوا بيست هفتم ۴۸	الفُجّار هشتاد سيم ۷	المَفَرّ هفتاد پنجم ۱۰
يَغُرَّنَّهُم بيست چهارم ۳۳	غَيْبِ يازدهم ۱۲ شانزدهم	تَغِيضُ سيزدهم ۹	سى نهم ۷۱	وَالفِتْنَةُ دوم ۱۸۷ + ۲۱۴	كَالفُجّارِ سى هشتم ۲۷	**فرت**
يُغْنِيهِم بيست چهارم ۳۲	۷۹ ششم ۲۵	وَغِيضَ يازدهم ۴۶	وَفُتِحَت هفتاد هشتم ۱۹	فُتُونًا بيستم ۴۱	الفُجّارَ هشتاد دوم ۱۴	فُراتٌ بيست پنجم ۵۵ سى پنجم ۱۲
اَسْتَغْنى هشتاد ۵ نود ششم ۷	اَلغَيْبُ دوم ۲ پنجاه دوم	**غاظ**	نَفْتَحْ هفتم ۳۸	بِفاتِنِينَ سى هفتم ۱۶۲	تَفْجُرَها نود يكم ۸	فُراتًا هفتاد هفتم ۲۷
وَاسْتَغْنى شصت چهارم ۶	۴۱ شصت هشتم ۴۷	يَغِيظُ نهم ۱۲۰ بيست دوم ۱۵	وَاسْتَفْتِحُوا چهاردهم ۱۸	الفِتْنَةِ سوم ۵ چهارم ۹۲	تَفْجِيرًا هفتاد ۶ هشتاد سيم	**فرث**
نود دوم ۸	غَيْبِ سى چهارم ۳۶	لِيَغِيظَ چهل هشتم ۲۹	يَسْتَفْتِحُونَ دوم ۸۳	نهم ۴۹	**فجا**	فَرْثٍ شانزدهم ۶۸
لَمُغْنُونَ چهاردهم ۲۸ بيست هفتم ۵	لِلْغَيْبِ چهارم ۳۸ دوازدهم ۸۱	اَلغَيْظِ سوم ۱۱۹ شصت هفتم ۸	تَسْتَفْتِحُوا هشتم ۱۹	فِتْنَةً بيست نهم ۹	فَجْوَةٍ هجدهم ۱۶	**فرج**
اَغْنِيَآءَ چهارم ۱۳۵ + ۶ + ۲۳۴	غَيْبَ دوم ۳ چهل نهم ۱۸	غَيْظًا نهم ۱۵	وَاَنْتُحْ شصت يكم ۱۳	اَلفِتْنَةُ نهم ۴۷ + ۴۸	**فحش**	فُرُوجٍ هفتاد هفتم ۹
اَغْنِيَآءُ سيم ۱۷۷ نهم ۹۴	اَلغَيْبُ ششم ۵۹ هفتم ۱۸۸	اَلغَيْظِ سيم ۱۲۸	اَلفَتْحُ هشتم ۱۹ سى دوم ۲۸	سى سيم ۱۴	اَلفَحْشَآءَ شانزدهم ۹۲ بيست ۴۴	فُرُوجٍ پنجاهم ۶
لِاَغْنِيَآءِ پنجاه نهم ۷	يازدهم ۳۳ نود دوم ۸۱	يُغِيظُكُم سيم ۱۱۵	وَالفَتْحُ صدم ۱	فَتَنَّكَ بيستم ۱۵۴	بِالفَحْشَآءِ دوم ۲۷۱ هفتم ۲۷	فُرُوجَها بيست يكم ۹۱
اَغْنِيَآءَ دوم ۲۷۴	بيست هفتم ۶۶ سى چهارم ۱۳	يُغِيظُهُم سى سيم ۲۵	اَلفَتْحُ سى دوم ۲۹ پنجاه	فَتَنْتُم بيستم ۲۳	بيست چهارم ۲۱	شصت ششم ۱۲
مُغْنُونَ چهاردهم ۲۱ چهلم ۵۰	اَلغُيُوبِ پنجم ۱۰۹ + ۱۱۶	لَغائِظُونَ بيست ششم ۵۵	هفتم ۱۰	فَتَنَّهُ پنجم ۴۵	وَالفَحْشَآءَ دوم ۱۶۴	لِفُرُوجِهِم بيست سيم ۵
غاث	نهم ۷۹ سى چهارم ۴۷	تَغَيُّظًا بيست پنجم ۱۳	بِالفَتْحِ پنجم ۵۷	فَتَنْكُم پنجاه هفتم ۱۴	وَالفَحْشَآءَ دوازدهم ۲۴	هفتادم ۲۹
يُغاثُوا هجدهم ۲۸	غَيْبَهُ هفتاد دوم ۲۶	**باب الفاء**	فَتْحًا بيست ششم ۱۱۸ چهل	المَفْتُونُ شصت هشتم ۶	اَلفاحِشَةَ بيست چهارم ۱۸	فُرُوجَهُم بيست چهارم ۳۰
فَاسْتَغاثَهُ بيست هشتم ۱۴	غَيابَتِ دوازدهم ۱۰ + ۱۵	**فاد**	هشتم ۱ + ۱۸ + ۲۷	**فتى**	بِفاحِشَةٍ چهارم ۲۳ + ۳۰ سى	سى سيم ۳۵
يَسْتَغِيثانِ چهل ششم ۱۶	غائِبَةٍ بيست هفتم ۷۷	فُؤادُ بيست هشتم ۹	اَلفاتِحِينَ هفتم ۸۷	يُفْتِيكُم چهارم ۱۲۶ + ۱۷۵	سيم ۳۰ شصت پنجم ۱	فُرُوجَهُنَّ بيست چهارم ۳۱
يَسْتَغِيثُوا هجدهم ۲۸	غائِبِينَ هفتم ۶	اَلفُؤادُ پنجاه سيم ۱۱	اَلفَتّاحُ سى چهارم ۲۶	اَفْتُونِى دوازدهم ۴۶	فاحِشَةً سيم ۱۹ چهارم ۲۶	**فرح**
تَسْتَغِيثُونَ هشتم ۹	بِغائِبِينَ هشتاد دوم ۱۶	وَالفُؤادُ هفدهم ۳۶	مَفْتُوحَةً سى هشتم ۵۰	اَفْتُونِى دوازدهم ۴۳	هفتم ۲۷ هفدهم ۳۴	فَرِحَ نهم ۸۲ چهل دوم ۴۸
غار	اَلغائِبِينَ بيست هفتم ۲۰	اَفْئِدَةُ ششم ۱۱۳	مَفاتِحُ ششم ۵۹	بيست هفتم ۳۲	اَلفاحِشَةَ چهارم ۱۹ هفتم ۷۸	فَرِحُوا ششم ۴۴ سى ۳۵
اَلغارِ نهم ۴۰	**غاث**	اَلاَفْئِدَةِ صد چهارم ۷	مَفاتِحَهُ بيست هشتم ۷۶	تَسْتَفْتِ هجدهم ۲۲	بيست هفتم ۵ بيست هفتم ۲۷	چهلم ۸۳
غَوْرًا هجدهم ۴۱ شصت	يُغاثُ دوازدهم ۴۹	اَفْئِدَةَ چهاردهم ۴۰	بيست هشتم ۷۶	تَسْتَفْتِيانِ دوازدهم ۴۱	اَلفَواحِشَ ششم ۱۵۲ هفتم ۳۱	وَفَرِحُوا دهم ۲۲ سيزدهم ۲۶
هفتم ۳۰	غَيْثٍ پنجاه هفتم ۱۹	وَاَفْئِدَةً چهل ششم ۲۶	**فرى**	يَسْتَفْتُونَكَ چهارم ۱۷۶	وَالفَواحِشَ چهل دوم ۳۷	يَفْرَحُ سى ام ۴
مَغاراتٍ نهم ۵۷	اَلغَيْثَ سى يكم ۳۴	وَالاَفْئِدَةَ شانزدهم ۸۰	يَفْتَرُونَ بيست يكم ۲۰	وَيَسْتَفْتُونَكَ چهارم ۱۲۷	پنجاه سيم ۳۲	تَفْرَحْ بيست هشتم ۷۶
غاص	چهل دوم ۲۷	بيست سيم ۸۰ سى دوم ۸	يَفْتَرِ چهل سيم ۷۵	فَاسْتَفْتِهِم سى هفتم ۱۱ + ۱۴۹	**فخر**	يَفْرَحُوا سيم ۱۱۶
يَغُوصُونَ بيست يكم ۸۲	**غار**	شصت هفتم ۲۳	فَتْرَةٍ پنجم ۲۲	فَتَى بيست يكم ۶۱	فَخُورٌ يازدهم ۱۳	فَلْيَفْرَحُوا دهم ۵۹
وَغَوّاصٍ سى هشتم ۳۷	يُغْنِيَ سيزدهم ۱۲	فُؤادَكَ يازدهم ۱۲۰	**فتق**	فِتْيانِ دوازدهم ۳۶	فَخُورٍ سى يكم ۱۷ پنجاه هفتم ۲۳	تَفْرَحُونَ بيست هفتم ۳۶ چهلم ۷۵
غاط	يُغَيِّرُوا هشتم ۵۵ سيزدهم ۱۱	بيست پنجم ۳۲	فَفَتَقْناهُما بيست يكم ۳۰	فِتْيَةٌ هجدهم ۱۳	فَخُورًا چهارم ۳۶	تَفْرَحُوا پنجاه هفتم ۲۳
اَلغائِطِ چهارم ۴۳ پنجم ۶	فَلَيُغَيِّرُنَّ چهارم ۱۱۹	وَاَفْئِدَتُهُم چهاردهم ۴۳	**فتل**	اَلفِتْيَةُ هجدهم ۱۰	كَالفَخّارِ پنجاه پنجم ۱۴	لَفَرِحٌ يازدهم ۱۰
غال	بِغَيْرِ چهل هفتم ۱۶	اَفْئِدَتَهُم چهل ششم ۲۶	فَتِيلًا چهارم ۴۹ + ۷۷	لِفِتْيانِهِ هجدهم ۵۹ + ۶۱	وَتَفاخُرٌ پنجاه هفتم ۲۰	فَرِحُونَ نهم ۸۱ بيست سيم
غَوْلٌ سى هفتم ۴۷	وَغَيْرُ سيزدهم ۴	اَفْئِدَتُهُم ششم ۱۱۰	هفدهم ۷۱	فَتاها دوازدهم ۳۰	**فدى**	۵۳ سى ام ۳۲
غوى	لِغَيْرِ دوم ۱۷۳ پنجم ۳	**فاء**	**فتن**	لِفَتاهُ هجدهم ۶۰	وَفَدَيْناهُ سى هفتم ۱۰۷	فَرِحِينَ سيم ۱۷۰
غَوى بيستم ۱۲۱	شانزدهم ۱۱۵ ششم ۱۴۵	فِئَةٍ سيم ۱۳ هشتم ۱۶	فَتَنُوا هشتاد پنجم ۱۰	فَتَياتِكُم چهارم ۲۵ بيست	تُفادُوهُم دوم ۸۵	اَلفَرِحِينَ بيست هشتم ۷۶
تَغْوى پنجاه سيم ۲	وَغَيْرِ بيست دوم ۵	فِئَةٍ دوم ۲۴۹ هشتم ۴۵	فَتَنْتُم پنجاه هفتم ۱۴	چهارم ۲۴	اِفْتَدَى سيم ۹۱	يَفْرَحُونَ سيم ۱۸۸ سيزدهم ۳۶
غَوَيْنا بيست هشتم ۶۳	اَغَيْرَ ششم ۱۴ + ۴۰ + ۱۶۴	بيست هشتم ۸۱	فَتَنّا بيست نهم ۳ سى هشتم ۳۴	**فتح**	اُفْتُدِيَتْ دهم ۵۴	**فرد** فُرادى ششم ۹۴ نوزدهم ۸۰ + ۹۵
اَغْوَيْنا بيست هشتم ۶۳	۱۶۴ هفتم ۱۴۰	فِئَتانِ دوم ۲۵۰ هشتم ۴۸	بيست نهم ۱۰ سى هشتم ۳۴	فُتِحَ بيست دوم ۲۸	لَافْتَدَتْ سيزدهم ۱۸	بيست يكم ۸۹
اَغْوَيْتَنِى هفتم ۱۶ پانزدهم ۳۹	اَغَيْرَ سيزدهم ۷۷ ششم ۱۱۴	اَلفِئَتانِ هشتم ۵۰	چهل چهارم ۱۶	يُحاجُّونَكُم هشتم ۳۲ هفتاد	لِيَفْتَدُوا پنجم ۳۶ سى نهم ۴۷	فُرادى ششم ۹۴
فَاَغْوَيْناكُم سى هفتم ۳۲	شانزدهم ۵۴ سى نهم ۶۴	فِئَتَيْنِ سيم ۱۳ چهارم ۸۸	وَفَتَنّاكَ بيستم ۴۰	بكم ۱۹	تَفْتَدِى هفتادم ۱۱	وَفُرادى سى چهارم ۴۶
اَغْوَيْناهُم بيست هشتم ۶۳	وَغَيْرِ ششم ۹۹ + ۱۴۲	فِئَتَكُم هشتم ۱۹	فَتَنّاهُ سى هشتم ۲۳	**فجر**	لِيَفْتَدُوا پنجم ۳۶	اَلفِرْدَوْسِ هجدهم ۱۰۷
يُغْوِيَكُم يازدهم ۳۴	غَيْرِ بيست ششم ۲۸ بيست	**فاء**	يَفْتِنَكُم چهارم ۱۰۲	لِيَفْجُرَ هفتاد پنجم ۵	فِداءً چهل ۴	اَلفِرْدَوْسَ بيست سيم ۱۱
لَاُغْوِيَنَّهُم پانزدهم ۳۹ سى هشتم ۸۲	هشتم ۳۸	تَفِيءَ دوازدهم ۹	يَفْتِنَهُم دهم ۸۳	تَفْجُرَ هفدهم ۹۲	فِدْيَةٌ پنجاه هفتم ۱۴	فِراشًا پنجاه يكم ۴۸
وَلَاُغْوِيَنَّهُم پانزدهم ۳۹	غَيْرَهُ هفتم ۵۷ + ۶۳ + ۷۱	**فتح**	يَفْتِنَنَّكُم هفتم ۲۷	وَتَفْجُرَ نهم ۳۲ سى ششم	فِدْيَةٌ دوم ۱۸۰	وَفَرَشْنا شصت ۲۸
اَلغَيِّ دوم ۲۵۷ هفتم	۸۳ يازدهم ۵۰ + ۶۴	فُتِحَتْ دوم ۷۶	تُفْتِنَنِّى نهم ۴۹	۳۴ پنجاه چهارم ۱۲	تُفْدُوهُم دوم ۸۵	كَالفَراشِ صد يكم ۴
۱۴۶ + ۲۰۱	۸۵ بيست ۲۳ + ۲۳	يَفْتَحُوا دوازدهم ۶۵	يَفْتِنُوكَ پنجم ۵۴	فَتَفْجُرُ هفدهم ۹۳	**فر**	فِراشًا دوم ۲۲
غَيًّا نوزدهم ۶۰	غَيْرَهُ چهارم ۱۳۹ ششم ۶۷	فَتَحْنا ششم ۴۴ پانزدهم ۱۴	لِيَفْتِنُوكَ هفدهم ۷۵	يَفْجُرُ ونها هفتاد ششم ۶	فَرَرْتُ هفتاد چهارم ۵۱	فُرُشٍ پنجاه پنجم ۵۴
لَغَوِيٌّ بيست هشتم ۱۷	غَيْرَكُم پنجم ۱۰۵	بيست سيم ۷۷ چهارم ۱	لِيَفْتِنَهُم بيستم ۱۳۱	فَجَّرْنا پنجاه چهارم ۳	تَفِرّونَ بيست ششم ۳۰	وَفُرُشٍ پنجاه ششم ۳۴
اَلغاوُونَ بيست ششم ۲۲۴	غَيْرِهِ دوم ۲۳۰ هفتم ۷۵	فَتَحْنا پنجاه چهارم ۱۱	هفتاد دوم ۱۷	يُفَجِّرُونَ هفتاد ششم ۶	فِرُّوا سى هشتم ۱۶	**فرض**
وَالغاوُونَ بيست ششم ۹۴	غَيْرُها چهارم ۵۹	لَفَتَحْنا هفتم ۹۴	فُتِنُوا شانزدهم ۱۱۰	فَانْفَجَرَتْ دوم ۶۰	نَفِرُ هشتادم ۳۴	فَرَضَ دوم ۱۹۷ بيست هشتم
غاوِينَ سى هفتم ۳۱	غَيْرِكُم نهم ۳۹ يازدهم ۵۷	يَفْتَحُ سى چهارم ۲	فُتِنْتُم پنجم ۹۲	اَلفَجْرِ دوم ۱۸۷ هفتاد	تَفِرُّونَ شصت ۸	۸۵ سى يكم ۳۸ شصت ششم ۲
اَلغاوِينَ هفتم ۱۷۵	چهل هفتم ۴۰	يُفْتَحُ سى پنجم ۲	يُفْتَنُونَ نهم ۱۲۶ بيست	بيست هشتم ۵۷ نود هفتم ۵	فَرَّوا پنجاه دوم ۵۰	فَرِيضَةٌ دوم ۲۳۶ + ۲۳۸
پانزدهم ۴۲	مُغَيَّراتٍ سى نهم ۵۵	فَافْتَحْ بيست ششم ۱۱۸	نهم ۹ پنجاه يكم ۱۳	وَالفَجْرِ هشتاد نهم ۱	اَلفِرارُ سى سيم ۱۶	فَرَضْنا بيست چهارم ۱
اَلغاوُونَ بيست ششم ۹۱	فَالمُغِيراتِ صدم ۳			فَاجِرًا هفتاد يكم ۲۸	فِرارًا هجدهم ۱۷ سى سيم	فَرَضْناها بيست چهارم ۱
غاب				اَلفَجَرَةُ هشتادم ۴۲	۱۳ هفتاد يكم ۵	

نعرضوا

باب الغين بعد الالف غار غاص غاظ غال غوى غاص غاب
باب الفاء والجيم فاد فاء فتى فرى فتق فتل فتن فتح فجر فجا فحش فخر فدى فر فرت فرث فرج فرح فرد فرش فرض

ای احمد بن اسحق این امریست از امر خدا و سریست از سر خدا و غیبتی است از غیب خدا پس بگیر آنچه را بتو عطا کردیم و شکر او را بجای آور تا آنکه با ما باشی روز قیامت در علیین (مؤلف گوید) این است شطری از اخبار مرویه از طرفین و اگر بخواهیم استقصا کنیم جمیع روایاتی که در این باب وارد است خارج از وضع این مختصر خواهد بود و کتابی گردد بر حجم آنچه مذکور گردید کافی در اثبات این مطلب است زیرا که غیبت بسیار طول خواهد کشید فرمود بلی و طول عمر آنحضرت و استبعاد خصم را در باب پنجم دفع خواهیم نمود و هر امر ممکن غیر مستبعد که معارضی از عقل و نقل ندارد در اثبات ۵۳۱

فصل الراء و غیره

تفرضوا دو تیر ۲۳۷ فارض دو تیر ۶۸ الفریضة چهار ۲۴ فریضة دو تیر ۲۳۶ ۲۳۸ چهار ۱۲ ۲۸ نهم ۵۰ مفروضا چهار ۱۱۸ یفرط بیستم ۴۷ فرطت سی نهم ۵۷ فرطتم دوازدهم ۸۰ فرطنا ششم ۳۱+۳۸ یفرطون ششم ۶۱ فرطا هجدهم ۲۷ مفرطون شانزدهم ۶۲ **فرع** وفرعها چهاردهم ۲۴ [illegible]	فرقنا نهم ۱۲۳ فراق هجدهم ۷۷ الفراق هفتاد پنجم ۲۸ فالفارقات هفتاد هفتم ۴ وفرقنا چهل دوم ۹ فریق نهم ۱۱۸ تفرقوا دو تیر ۸۱ تفرقنا [illegible] ۷۲ وفرقنا دو تیر ۸ پنجم ۷۴ هفتم ۲۸ فریقان بیست هفتم ۴۶ الفریقین ششم ۸۱ [illegible] الفرقان [illegible] ۴ والفرقان دو تیر ۱۸۱ [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ازقول یك مورخ مسموع است پس اینهمه روایات متنافره ازطرق شیعه وسنی خالی ازمعارض ومزاحم چگونه دراثبات آن کافی نباشد وهرگاه داعی بروضع در روایات شیعه ترویج مذهب خود باشد واین داعی درروات اهل سنت موجود نیست پس رد روایات ایشان دراین مطلب بوجه منافی سیرت عقلا خواهد بود
لطیفه باید دانست که محض اجماع شیعه وسنی بروجود تحریف کافی است دراثبات مطلب زیراکه اجماع ایشان کاشف است ازقول روسای ایشان مانند حضرت باقر وحضرت صادق وحضرت رضا علیهم وسایر ائمه هدی علیهم الصلوة والسلام که مروج مذهب شیعه بودند وقول ایشان حجت آ

(۵۳۲) باب الفاء

وَفَاكِهَةٍ پنجاه شش ۳۲	وَأَنْوَضَ چهل ۴	فَاقِرَةٌ هشتاد ۲۱	بیست پنج ۳ سی چهار ۴	يُفَضِّلُونَ شصت ۱۳	هفتاد سیزده ۲	وَقِدْتَ دوازده ۲۵
وَفَاكِهَةٍ هشتاد ۳۱	فاق	الفقراء هشتاد ۴	فَبِلَهُ شصت ۹	يُفَضِّلُونَ دوازده ۷	يَقَاتِلُوا چهارده ۹۲	قُدْ قَدَّرْ ۲۶ + ۲۷
فَوَاكِهُ بیست ۱۹ سی هفت ۴۲	آفاق هفت ۱۴	الفقر بیست دو سی	قبل دوازده ۲۶	۸۱ + ۱۵ سی ۲۹	يُقَاتِلُونَ چهار ۷ ۳	قَدَّا هفتاد دو ۱۱
وَفَوَاكِهُ هفتاد هفت ۴۲	فُوقِ چهار ۲ بیست	پنجم شصت ۳ صد	قبلنا شش ۱۱ پنجم ۵	أَيُقَاتِلُونَ چهل ۹	يُقَاتِلُوا دو ۲۹	قدح
فلح	فَوَقَّهُمْ بیست چهار ۹	قبره نهم ۸۵	قبل دو ۱۷	يُقَاتِلُونَ چهار ۳ پنجم	يُقَاتِلُ دو ۲۲	قدحا صد
أَفْلَحَ بیست ۷ بیست	فَوْقَهُمْ سی نهم چهل ۹	المقابر صد دو ۲	بیست هفت ۳	شصت ۵ ۳ دوازده	يُقَاتِلُ دو ۲۴	قدر
هشتاد بیست ۳ نود ۹	فَوَّكُمْ شصت ۶ سی	قبس	قبلك پنجاه ۱۳	۱۵ هفت ۲ + ۳۵	يُقَاتِلُوا کردو ۱۸ + ۲۱	فَقَدَرَ هشتاد ۱۹
يُفْلِحُونَ ده ۷۰	فَوَّقَهُ پنجم ۶ هفتم ۳	فَقَبِسَ پنجاه ۱۳	قبلك هفتاد ۳	يُقَاتِلُونَ بیست شش ۱۸	نهم ۹ پنجاه ۴	قَدْرُ واحشر ۹ بیست
شانزده ۲	شانزده ۲۲ + ۵۲	قبس بیست ۷	وَقَابَلَ چهل ۶	يُقَاتِلُونَ پنجم ۳	يُقَاتِلُوا کرد ۱۸	۷۳ سی نهم ۶
تُفْلِحُوا بیست ۱۹	بیست نهم ۵ سی نهم ۶	يَقْبِسُ ۹	قبله دو ۹ ۱۴	لَأُقَاتِلَنَّ پنجم ۳	چهارده ۶۰ شصت	فَقَدَّرَ هفتاد هفتم ۴
الْمُفْلِحِينَ بیست شش ۶	فَوَّقَهُمْ چهل دوازده ۳	قبض	قبل دوازده ۱۲	لَأُقَاتِلَنَّ پنجم ۳	يُقَاتِلُوا چهل ۶	يَقْدِرُ شانزده ۷۸ + ۷۸
فلق	فَوَقَ دوازده ۷	فَقَبَضْتُ بیست ۹۶	المقبل دو ۱۳۸	يُقَاتِلُونَ هفتم ۱۴۹	يُقَاتِلُوهُمْ ده ۱۸	يَقْدِرُ دو ۳
فَانْفَلَقَ بیست شش ۶	فَوْقَهَا دو ۲۲	فَقَبَضَا بیست پنجم ۴۸	قُبُلِهِمْ دو ۹	يُقَاتِلُونَ بیست شش ۴	يُقَاتِلُ چهارده ۸	يَقْدِرُونَ دو ۹ ۳۹
الْفَلَقِ صد دو ۱	فَوْقَكُمْ دو ۲ + ۸۷ بیست	تَقْبِضُ دو ۹ ۳۳	قُبُلَكَ دو ۱۴	بیست ۲۳	يُقَاتِلُ پنجم ۲۴	چهارده ۲ پنجاه هفتم ۳
فَالِقُ شش ۹ ۹۵	شش ۷ هشتاد شش ۳	وَيَقْبِضُونَ نهم ۶۷	قُبُلَهُمْ دو ۹ ۱۴	يُقَاتِلُونَ شش ۳	قاتلوا اسی ۹ ۲ + ۱۲۳	يَقْدِرُ پنجم ۳ چهل
فلك	فَوَاقٍ سی شش ۱۵	وَيَقْبِضُ شصت هفت	بقبول بیست ۳	لَيُقَاتِلُونَ بیست شش	قاتلوا چهارده ۷ نهم	يَقْدِرُ بیست ۸
الْفُلْكُ بیست ۹ ۴	فوم	قَبَضَا بیست پنجم ۴۸	قَبِلَ بیست ۹	يُقَاتِلُوهُ بیست شش	چهل نهم ۹	فَقَدَّرْنَا چهار ۲ شصت
چهل پنجم	دفومها دو ۵۸	قَبْضَةً بیست ۹	وَقَبِيلَهُ هفتم ۳	فَقَاتِلُوهُمْ شش ۱۷	وَتَقَاتِلُوا دو ۸	قَدَرْنَا هشتاد چهارده ۹
وَالْفُلْكِ دو ۱۵۹	فاض	قَبْضَتَهُ سی نهم ۶۷	وَقَبَائِلَ چهل نهم ۱۳	وَقَاتِلُوا چهارده ۹	۴۵ ۲ + ۴۹	۲۰ هشتاد ۲
وَالْفُلْكَ بیست دو ۶۴	بِأَفْوَاهِكُمْ بیست چهار ۱۵	مَقْبُوضَةٌ دو ۲۸۳	مُقْبِلِينَ بیست دو	دوازده ۹ چهل ۴	قاتلوهم نهم ۱۴	وَقَدَّرَ چهل یک ۶
طلك بیست یکم ۲ شصت	سی بیست ۲	قتل	بیست هفت ۲ چهل	فَقَاتِلُوا دو ۹ نهم	وَقَاتِلُوهُمْ دو ۱۹	هشتاد چهارده ۱۸
فن	أَفْوَاهِهِمْ بیست ۶	يُقْتَلُ نهم ۱۱۱	چهارده ۵ پنجاه	أَفَتُقَاتِلُوا بیست ۹ ۳۳	تُقَاتِلُوا پنجاه ۱۲	قدرنا پانزده ۶
أَفْنَانٍ پنجاه بیست ۴	سی ۳ شصت ۵	دو ۳۳	مُسْتَقْبِلَ چهل شش	وَأَقْتُلُوهُمْ دو ۱۸	قتلتم پنجاه ۱۱	پنجاه شش ۶
فند	بِأَفْوَاهِهِمْ ۳ پنجم ۱۵	تَقْتُلُوا بیست چهار	قتر	چهار ۹۱ + ۹۲	يُقَاتِلُونَ بیست ۱۱	وَقَدَرْنَا سی چهار
تُفَنِّدُونِ دوازده ۹۴	بیست ۳۰ + ۲۲ شصت	يُقْتَلُ دو ۱۷۷ + ۱۹	يَقْتُرُوا بیست پنجم	فَاقْتُلُوهُمْ دو ۱۸۷	الْقِتَالُ دو ۲۵۳	فَقَدَّرَ پنجاه
فنی	فيها بیست دو ۱	يُقْتَلْ سی ۷۹ + ۸۵	قَتَرٌ بیست ۲۷	فَقَتَلَ هفتاد چهار	اقتتلوا دو ۲۵۲	رقدره ده ۳
فَانٍ پنجاه پنجم ۲۶	فَيُهِمْ بیست ۱۳ یازده	فَقَتَلَ سی ۸ ۵۹	قَتُورًا هشتاد ۱۰	فَتَقْتُلُوا بیست یکم	چهل نهم ۹	قدرها هفتاد شش
تفرقنا بیست یکم ۷	۱۰ + ۱۰۵	قاتل پنجاه یکم ۲۹	الْمُقْتِرِ دو ۲۳	بیست چهار ۴ پنجاه	يقتتلان بیست	قدرناها بیست ۹
فات	وَفِيهِ دوازده ۴۹	قاتل سی هفتم ۴۸	قتل	وَقَتْلُوا دو ۱۹	القتال دو ۲۴	بقدر هفتاد ۳
فَاتَكُمْ سی ۳ پنجاه	وَفِيهَا هفتم ۲ بیست ۵۷	شصت شش ۳	قُتِلَ چهارده ۹	فَقَتَلْتُمْ دو ۱۵۲ + ۱۵	بیست نهم ۲ + ۱۸۷ + ۱۲	وَقَدْرُ چهار ۲
هفتم ۳ شصت ۱۱	چهل بیست ۲	وَقَاتَلَ بیست هفتم ۲	بیست پنجم ۲۵	فَقَتَلْنَا دو ۱۴	بیست نهم ۳ سی ۲	الْقَدِيرُ هفتاد
فَوْتَ سی چهار ۵	تَنَبَّأَ بیست ۲۰ + ۹	پنجاه دو ۲۹	يُقْتَلُ دو ۱۸	بَيْقْتَلِ دو ۹	قتل بیست ۳	قدر شصت پنجم
تفاوت شصت هفتم	بیست شش ۲ بیست	وَقَاتِلُوا سی هفتم	قُتِلَ بیست نهم ۱۸	يُقَاتِلُ چهارده ۷	وَقَاتَلَهُمْ چهارده ۹	قدرى شش ۹ بیست
فوج	وَقَبِيلًا بیست ۹ ۴۷	وَأَقْبَلُوا دوازده ۸	وَقَتَلَتْ بیست ۸	وَيُقَاتِلُونَ نهم ۱۱۲	قَاتَلَهُمْ دو ۲۳	دو بیست ۳ سی ۶
فَوْجٌ سی ۹ شصت	قَائِمٌ چهل ۹	أَقْبَلْنَا دوازده ۸	وَقَتَلَتْ پنج ۳	يُقْتَلُونَ بیست ۳۷	وَقَاتِلُوهُمْ دو ۱۷۷	تقدیر ۲ سی
أَفْوَاجًا بیست هفت ۸۵	قوا دو ۲۲	أَقْبَلَ بیست شش ۳	قُتِلُوا بیست ۳	يَقْتُلُونَ سی	وَقَاتَلُوا سی یکم	يقدر پانزده ۲ بیست
أَفْوَاجًا هفتاد ۲	نفی چهل ۹	فَأَقْبَلَ ۲	فَقَتَلُوا بیست ۲	وَقُتِلُوا سی ۶	القتال دو ۲۱۲	هشتاد ۲ چهل
فار	آفاق سی ۴۹	فَأَقْبَلَ بیست ۳۲	قُتِلُوا هشتاد ۱۴	فَقَتَلُوا بیست ۲	۲۲ + ۷	۱۰ پنجاه ۴۹
وَفَارَ یازده ۴۰	پنجاه ۷۰ + ۲	يَتَقَبَّلُ چهل شش	قتلهم دو ۷	قَاتِلٌ بیست ۱۶	چهل هفت ۲۲	قد راس سی ۳۸
بیست ۲۷	يَتَقَبَّلُوا شانزده ۵	فتقبل بیست ۲۱	قتلنا چهار ۱۵	وَقَاتَلَ پنجاه هفت ۶	قَاتَلُوا دو ۲۱۴	قدره ۲۲۳
تَفُورُ شصت هفتم ۷	فاض	فَتَقَبَّلَ سی ۱	قتله بیست ۹	فَقَاتِلُوا سی ۹ ۱۹	الْقِتَالُ شش ۹	بقدر هشتاد ۲
فُورِهِمْ سی ۱۲	تفيض بیست ۹ ۹۲	وَتَقَبَّلْ چهار ۳۵	تَقَبَّلَهُ بیست ۲۳	پنجاه هفت ۲۹	الْقِتَالُ شش ۸	وَقَدْرَ دو چهار ۱۲
فار	أَفَاضَ دو ۱۹۹	يَتَقَبَّلُ بیست ۳	قَتْلُهُمْ شش	فَاقْتُلُوا دو ۵	لِلْقِتَالِ سی ۱۷	الْقَادِرُ شش بیست
فَارَ سی ۸ سی ۷	أَفَضْتُمْ دو ۲ چهار ۱۴	تَقَبَّلْ بیست ۵۳	قتلوه چهارده ۵	قَاتَلْنَا سی ۶۸	قتال سی ۱۵۵	القادر هشتاد
فَأَثَرْنَ چهار ۷۵	تُفِيضُونَ ده چهل شش	يَتَقَبَّلُ بیست ۳	قاتلوه بیست ۱۸	قَاتَلَكُمْ چهل ۲۲	قتال چهار ۲۵	القادر شش ۵
فَوْرَ چهارده ۲ سی	أَفِيضُوا دو ۱۹۹ هفتم	تَقَبَّلَ ۳	قتل چهار ۹۹	قَاتَلَهُمْ ۵ شصت	قتالا دو ۱۷	بقادر سی شش
سی ۷ چهل شش	وَقَبْلُ بیست ۳ پنجاه	وَقَبْلَ سی بیست ۲۴	آفتال چهل ۲۷	قاتلو شصت ۱۸	الْقِتَالُ دو ۱۷۱	۳۲ هفتاد ۵
الْفَائِزُونَ نهم ۲۰ بیست	قبلی بیست ۸ بیست یکم	الْقَبَائِلُ چهار	بقتلون بیست ۷۴	قاتلهم شصت ۹	قتا	قادرون سی ۲۹
بیست چهار پنجاه ۹	باب القاف	سی ۲۳ چهل شش	بیست ۶	يُقَاتِلُوا چهارده ۷	وَقِثَّائِهَا دو ۵۸	القادر بیست ۳
مَفَازًا هفتاد ۱	ق	قبلها پنجم ۲۹	قتل بیست ۱۴	قتالو چهار ۷	قحم	۹ هشتاد ۹
بِمَفَازَتِهِمْ بیست ۱	پنجاه ۱ قبح	بیست شش ۲	يُقَاتِلُونَ نهم ۱۱	قاتل بیست ۱۱	الْمُقْحَمُ نود ۱۱	القادرين شش ۳
بِمَفَازَةٍ سی ۱۸۸	الْمَقْبُوحِينَ بیست شش ۴۲	فَقَبْلُهُمْ دو ۵۷	وَيَقْتُلُونَ دو ۶۱	يُقَاتِلُونَ بیست ۲۱	مُقْتَحِمٌ سی ۵۹	القادرين
فاض	قبر	قبلك بیست یکم	هفتم ۲ سی ۱۵۸	هفتم شصت یکم ۸	قدا	شصت شش

اقا مقدمه اول پس ظاهر است زیراکه جماعتی از اتباع و اصحاب شخصی هرگاه عملی نمایند و بیان ایشان در اعمال خود بر پیروی آن شخص باشد البته عمل ایشان بهیئت اجتماع کشف مینماید از عمل رئیس ایشان همچنانکه حرکت صف اول بجهت رکوع و سجود کشف مینماید از حرکت امام و در این شبهه نیست زیرای کسی که اندکی ذهن او سلیم باشد و جهت عصبیت را بکنار گذارد ایا نمی بینی که هرگاه جماعتی از اصحاب امام اعظم ابو حنیفه فتوی دهند به استحباب قرائت و همواره در کتب احادیث و اسناد از معادن وحی ساعی بودند آنکه در عصر حضرت صادق ع چهارصد مصنف [چهارصد اصل از] در میان شاگردان آنجناب بتالیف و تصنیف در آمد پس هرگاه چنین جماعتی

فصل الدال و غیره

بهفتاد پنجم ۴۹
لقد تؤمن بیست دوم ۴
القد توسی ام ۵۳
قدیرا چهاردهم ۱۳
بیست پنجم ۵ سی ششم ۲۷
سی پنجم ۴ چهل ششم ۳۱
تقدیر ششم ۹ سی
ششم ۳ چهل یکم ۱۱
تقدیرا بیست پنجم ۲
بهفتاد ششم ۹
مقدورا سی ششم ۳
بمقدار سیزدهم ۹
مقداره سی دوم هفتاد ...
مقتدر پنجاه چهارم ۵۵
مقتدرا هجدهم ۴
مقتدرون چهل سوم ۱

قدس

ونقدس دوم ۲
القدس دوم ۸۷ + ۲۵۴
پنجم ۱۱۰ شانزدهم ۱۰۲
القدوس پنجاه نهم ۲۳
القدوس شصت دوم ۱
المقدس بیستم پنجاه ...
المقدسة پنجم ۲۱

قدم

وقدمنا بیست پنجم ۲۵
یقدم یازدهم ۱۰۰
قدم سی ششم ۱
بهفتاد پنجم ۱۳
قدمت پنجاه نهم ۲۷
بهشتاد نهم ۲۴
قدموا سی ششم ۱۱
قدمتم دوازدهم ۴
قدمتموه سی ششم ۴
تقدموا دوم احل نهم
پنجاه ششم ۱۲ هفتاد ششم
تقدموا پنجاه ششم ۱۳
ونقدموا دوم ۲۲
تقدم چهل هشتم ۲
یتقدم هفتاد چهارم ۳۷
یستقدمون هفتم ۳
دهم ۴۹ شانزدهم ۶۱
تستقدمون سی چهارم ۳۰
۲۹ قدم شانزدهم ۹۴
قدم دهم ۲
والاقدام پنجاه پنجم ۴۱
اقدامنا دوم ۲۵۰ سیم
۳، اقدامکم چهل هفتم
اقدامنا چهل یکم ۲۹
قدیم چهل ششم ۱۰
القدیم دوازدهم ۹۵
سی ششم ۱۴
الاقدمون بیست ششم

المستقدمین پانزدهم ۲۴

قذی

اقذیه ششم ۹۰
مقتدون چهل ششم ۲۲

قذف

ونقذفنی سی ششم پنجاهم
نقذفنا طاهم ۹۷
تقذف سی چهارم ۴۸
ویقذفون سی چهارم ۵۲
نقذف بیست یکم ۱۸
اقذفیه بیستم ۳۹
ویقذفون سی هفتم

قر

نقر بیست دوم ۵ بیست ششم
۱۳ سی ششم ۵
وقری نوزدهم ۲۶
اقررتم دوم ۸۴
واقررتم سیم ۷۵
اقررنا سیم ۷۵
ونقر بیست دوم ۵
استقر هفتم ۱۳۹
القرار چهاردهم ۳۱
سی ششم ۵
قرار چهاردهم ۲۹ بیست سیم
۵۲ هفتادم ۲
القرار چهلم ۴۲
قرارا چهلم ۶۴
قرة بیست ششم
قرة سی دوم ۱۷
قرة بیست پنجم ۷۴
قواریر بیست هفتم ۴۴
هفتاد ششم ۱۵ + ۱۶
مستقر پنجاه چهارم ۳ + ۳۸
مستقرا بیست هفتم ۴۰
مستقر دوم ۳۶ ششم
۵ هفتم ۲۴
مستقر ششم ۹۸
المستقر هفتاد پنجم ۱۲
المستقر سی ششم ۳۸
مستقرا بیست پنجم ۲۴
۷۴ + ۶۴
مستقرها یازدهم ۶

قرأ

قرأت شانزدهم ۱۰۰
هفدهم ۴۷
نقرأه بیست ششم ۱۹۹
قرأناه هفتاد پنجم ۱۸
نقرؤن دهم ۹۴ هفدهم ۷۳
لتقرأه هفدهم ۱۰۷
نقرؤه هفدهم ۹۳
اقرأ هفدهم ۱۴ نود ششم
اقرؤا شصت نهم ۱۹
فاقرؤا هفتاد سیم ۲۰

قرئ هفتم ۲
هشتاد چهارم ۲
سنقرئک هشتاد هفتم
قروء دوم ۲۲۸
قرآن هشتاد پنجم ۲۱
القرآن پنجاه ششم ۷۷
وقرآن سی ششم ۲
القرآن دوم ۱۸۵
پنجم ۱۰۱ هفتم ۲۰۴
دهم ۳۷ بیست پنجم ۳۰
چهل سیم ۳۱ هشتاد چهارم
۲۱ قرآن دهم ۶۱
بقرآن دهم ۱۵
وقرآن پانزدهم ۱
بالقرآن بیستم ۱۱۳ پنجاهم
۴۵ والقرآن نهم ۱۱۲
سی ششم سی ششم پنجاهم
قرآنا هفدهم ۸۰
وقرآنا هفدهم ۸۹
وقرآنا هفدهم ۱۰۶
والقرآن پانزدهم ۸۷
قرآنه هفتاد پنجم ۱۸
وقرآنه هفتاد پنجم ۱۷

قرب

لا تقربا بیستم ۲۳
تقربوا دوم ۱۸۷ ششم
تقربوا نهم ۲۸
تقربوا چهارم ۴۳ ششم ۱۵۲
۵۲ هفدهم ۳۴ + ۳۲
تقربون دوازدهم ۶۰
تقربوها دوم ۱۸۳
تقربوهن دوم ۲۲۲
قربانا پنجم ۳
تقربکم پنجاه یکم ۲
وقربناه نوزدهم ۵۲
تقربکم سی چهارم ۳۷
لیقربونا سی نهم ۳
اقترب هفدهم ۱ بیست یکم
واقترب بیست یکم ۹۶
اقترب پنجاه چهارم
واقرب نود ششم ۱۹
قربة نهم ۱۰۰
قربات نهم ۹۹
قریب دوم ۱۸۶ + ۲۱۴
هفتم ۵ یازدهم ۶۴
۷ سی چهارم ۵۰ چهل
دوم ۱۷ شصت یکم ۱۳
آقریب بیست یکم ۱۰۹
بهفتاد دهم ۲
بقریب یازدهم ۸۱
قریب نهم ۱۰۱ ششم
۳ ۱۱ سی سیم ۶۳
نقربان سیم ۱۸۳

قربانا پنجم ۲۷ چهل ششم
واقرب بیست هفتم ۳۱
والاقربون چهارم ۳۳
الاقربین بیست ششم ۲۱۴
والاقربین دوم ۱۸۰
۱۱ چهاردهم ۱۳۳
اقربهم پنجم ۸۲
المقربون چهارم ۱۷۲ پنجاه
ششم هشتادم ۲۱
المقربین سیم ۴۵ هفتم
بیست ششم ۴۲ پنجاه ششم
مقربة نودم ۱۵

فرح

فرح ششم ۳۴ + ۱۳۳
الفرح ششم ۱۵

فرد

فرادی ششم ۹۴ هفتم
الفردة بیستم ۴۹

قرش

قریش صد ششم ۱

قرض

تقرضوا پنجاه هفتم ۱۸
واقرضوا پنجاه هفتم ۱۷
واقرضتم پنجم ۱۵
یقرض دوم ۲۴۵
پنجاه هفتم ۱۱
تقرضوا شصت چهارم ۱۷
واقرضوا هفتاد سیم ۲۰
قرضا دوم ۲۴۵ پنجم
پنجاه هفتم ۱۷ شصت
چهارم ۱۷ هفتاد سیم

قرطس

قرطاس ششم ۷
قراطیس ششم ۹۱

قرع

القارعة صد یکم ۲
بالقارعة شصت نهم ۴
اقرعنوها ۲۲
یقرن چهل سیم ۳۷
یقرنون ششم ۱۲۲
ولیقترفوا ششم ۱۱۳
مقترفون ششم ۱۱۳

قرن

قرن ششم نودم
۹۸ سی ششم پنجاه ۳۹
وقرن سی سیم ۲۳
قرنا ششم ۶ ...
القرنین هجدهم ۸۳ + ۹۴
القرون بیستم ۵۱
القرون یازدهم ...
ما بینهم ۱۲۸ بیست ششم

---

۷۸ سی دوم ۲ سی ششم
۲۵ قرونا بیست سیم ۴۲
بیست هشتم ۴۳
وقرونا بیست پنجم ۳۸
القرون چهل هشتم بیست ششم
قرنین سی هفتم ۳ چهل ششم
القرنین چهل سیم ۲۷
قرنا چهاردهم ۳۲
قرینة بیست هفتم ۲۳ + ۲۶
قرناء چهل یکم ۲۵
قارون بیست هشتم ۷۹
قارون بیست ششم ۷۶
وقارون بیست نهم چهلم
مقرنین چهاردهم ۵۰ بیست
پنجم ۱۳ سی هشتم ۳۷
مقرنین چهل سیم ۱۳
مقرنین چهل سیم ۲۵
قرینه پنجم ۹۸
القرینه چهارم ۱۶۳ هفتم
بیست یکم ۷ بیست پنجم ۳
بیست نهم ۳۳ سی ششم ۱۲
قرینه شانزدهم ۱۷ هفتم
بیست هفتم ۳۴
القرینة دوم ۹ ۱۵ هفتم
دوازدهم ۸۲
القرینین چهل سیم ۳۹
قرنی سی چهارم ۱۴ پنجاهم
قرنیت چهل هفتم ۱۳
قرینا هفتم ۸۹
قرنکم هفتم ۸ بیست هفتم

قس

قسیسین پنجم ۸۲

قسور

قسورة هفتاد چهارم ۵۱

قسط

نقسطوا چهارم ۳
ونقسطوا ششم
واقسطوا چهل نهم ۹
القسط بیست یکم ۴۸
القاسطون هفتاد دوم ۱۴
اقسط دوم ۲۸۲ سی سیم ۵
المقسطین پنجم ۴
چهل نهم ۹ شصتم ۸

قسطس

بالقسطاس هفدهم ۳۵
بیست ششم ۱۸۲

قسم

قسمنا چهل سیم ۳۲
یقسمون چهل سیم ۳۲
وقاسمهما هفتم ۲۱
اقسموا پنجم ۵۳ شصت ششم
واقسموا ششم ۱۰۹
شانزدهم ۳۸

بیست چهارم ۵۲ سی پنجم ۴۲
اقسمتم هفتم ۴۹ چهاردهم ۴۴
نقسمه سیم ۵۴
فیقسمان پنجم ۱۰۶ + ۱۰۷
تقاسموا بیست چهارم ۵۲
تقاسموا بیست هفتم ۴۹
تستقسموا پنجم ۳
قسم هشتاد نهم ۵
لقسم پنجاه ششم ۷۵
لقسم پنجاه ششم ۷۶ پنجاه
چهارم ۲۸
القسمة چهارم ۸
مقسوم پانزدهم ۴۴
فالمقسمات پنجاه یکم ۴
المقتسمین پانزدهم ۹۰

قسی

قست دوم ۷۴ ششم ۴۳
تقست پنجاه هفتم ۱۶
للقاسیة بیست دوم ۳۳
والقاسیة بیست دوم ۵۲
قاسیة پنجم ۱۳
قسوة دوم ۷۴

قشعر

تقشعر سی نهم ۲۳

قص

وقص بیست هشتم ۲۵
فقصصنا شانزدهم ۱۱۹
چهلم ۷۸
قصصنا چهارم ۱۶۴
نقص ششم ۵۷ بیست
هفتم ۷۸
نقصون ششم ۱۳۰ هفتم
نقص هفتم ۱۰۱ یازدهم
دوازدهم ۳ هجدهم ۱۳
نقصص یازدهم ۱۲۰
نقصص دوازدهم ۵
نقصص چهلم ۷۸
نقصصهم چهارم ۱۶۴
تلک نقص هفتم ۱۰
فاقصص هفتم ۱۷۶
قصیه بیست هشتم ۱۱
القصص بیست هشتم ۲۵
القصص دوازدهم ۳
قصصا هجدهم ۶۴
القصص هفتم ۱۷۶
بیست هشتم ۲۵
قصص دوازدهم ۱۱۱
قصاص دوم ۱۷۹
پنجم ۴۵
القصاص دوم ۱۷۸
القصاص دوم ۱۷۹

قصد

واقصد سی یکم ۱۸
شانزدهم ۳۱

فقصد شانزدهم ۹
قاصدا نهم ۴۲
مقتصد سی یکم ۳۲
سی پنجم ۲۹
مقتصدة پنجم ۶۶

قصر

نقصروا چهارم ۱۰۱
یقصرون هفتم ۲۰۱
وقصر بیست دوم ۴۵
کالقصر هفتاد هفتم ۳۲
قصورا هفتم ۷۴ بیست پنجم
قاصرات سی هفتم ۴۸
سی هشتم ۵۲ پنجاه پنجم
مقصورات پنجاه پنجم ۷۲
ومقصرین چهل هشتم ۲۷

قصف

قاصفا هفدهم ۶۹

قصم

قصمنا بیست یکم ۱۱

قصی

نصیبا نوزدهم ۲۲
اقصی بیست هشتم ۲۰ سی ششم
الاقصی هفدهم ۱
القصوی هشتم ۴۲

قیض

نقیض چهل سیم ۳۶

قضب

وقضبا هشتادم ۲۸

قضی

نقضی بیست هشتم ۱۲
وقضی هفدهم ۲۳
قضیت چهارم ۶۵
قضیت بیست هشتم ۲۸
قضوا سی سیم ۳۷
قضیتم دوم ۲۰۰
چهارم ۱۰۳
قضینا بیست هشتم ۴۴
سی چهارم ۱۴
وقضینا هفدهم ۴ بیست هشتم
قضاها دوازدهم ۶۸
یقضون چهلم ۲۰
یقضی بیست هفتم ۷۸
چهلم ۲۰ چهل یکم
لیقضی ششم ۶۰
یقض سی سیم ۲۳
لیقض چهل سیم ۷۷
نقضی ششم ۵۷
یقضون چهلم ۲۰
لیقضوا بیست دوم ۲۹
فاقض بیستم ۷۲
اقضوا دهم ۷۱
وقضی دهم ۱۱ ...
یازدهم ۴۴ ...

سی ام اول

باب القاف بعده الدال

قدس

قدم

سی ام یکم

باب القاف بعده الذال

قذف

قذی

سی ام چهارم

باب القاف بعده الراء

فرح

فرد

قرش

سی ام پنجم

باب القاف بعده السین

قس

قسور

سی ام ششم

باب القاف بعده الشین

قشعر

سی ام هفتم

باب القاف بعده الصاد

قصر

قصف

قصم

قصی

اتفاق بر حکمی نمایند البته کشف از قول انجاب خواهد نمود خصوصا هرگاه در آن حکم تصور نفعی از برای حاکم نباشد و این از جمله بدیهیات است لمن کان له قلب او القی السمع وهو شهید **واما مقدمه ثانیه** پس ظاهر را خصم را در آن کلامی نیست و چگونه میشود که قول ایشان حجت نباشد و حال اینکه ایشانند احد ثقلین که تمسک بانها موجب هدایت است و ایشانند کشتی نجات و ستارهای هدایت در پیش شیعه و اهل سنت و ایشان خود (۵۳٤ روایت نموده اند از ابن عباس که فرمودند حضرت رسول که **باب ابوابها** علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین همه مطهر و معصومند

قعد
وقعد نهم ۹
وقعدوا سیم ۱٦۲
تقعد هفتاد و دو ۹
فتقعد هفدهم ۲۳ + ۳۱٤
تقعد ششم ۷٤
تقعدوا چهارم ۱٤۰ هفتم
لا تقعدن هفتم ۱۹
اقعدوا نهم ۴٦
فاقعدوا نهم ۸٤
واقعدوا نهم ۵
تقعود شانزدهم ۶
بالقعود نهم ۸۳
قعود سیم چهارم ۱۰۳
قاعدا دهم ۱۲
قاعدون پنجم ۲٤
القاعدون چهارم ۹۷
القاعدین چهارم ۹۱
نهم ۴۶ + ۸۷
تعدد پنجاه ۱۸
والقواعد پنج چهارم ۵۹
القواعد شانزدهم ۲۸
القواعد دهم ۱۲
مقعد پنجاه چهارم ۵۵
مقاعد سیم ۱۲۱
هفتاد دو دهم ۶
بمقعدهم نهم ۸۲

قعر
منقعر پنجاه چهارم ۲۰

قفل
اقفالها چهل هفتم ۲٤

قفا
نقف هفدهم ۳۸
وقفینا پنجاه هفتم ۲۷
وقفینا دهم ۱۵ پنجم ۶
پنجاه هفتم ۲۷
قفی چهارم ۸
وغاکم ششم ۱۰۴
قلبت هفتم ۵
وقلیل سی چهارم ۶۲
سی ششم ۲۲ پنجاه ششم ۱۳
قلیل بیست سی چهارم ۱۵
قلیل دهم ۸
قلیلون بیست ششم ۵۴
قلیلا نهم ۲۵
واقلل هفتاد دهم ۵
اقل پنجم ۳٦

قلب
تقلبون بیست نهم ۲۹
وقلبوا نهم ٤۸
تقلب پنجم ٤۸
پنج چهارم ٤۳
وتقلب ششم ۱۱

قضبا شصت ...
تقضو سیم ۱۳ سی پنجم ۳۳
لیقضوا ششم ۵۵
قاض پنجم ۷۵
القاضیة شصت نهم ۲٦
مقضیا نوزدهم ۲۱

قطط
قطنا سی هشتم ۱۵
القطر سی چهارم ۱۱
قطرا پنجم ۹۵
اقطارها بیست ۳۳
اقطارها سی سیم ۱٤
قطران چهاردهم ۵۰

قطع
قطعت پنجاه نهم ۵
اقطعنا شصت نهم ۴۳
وقطعنا هفتم ۷۵
تقطعون نهم ۱۲۲
وتقطعون دهم ۲۹
بیست نهم ۲۹
وتقطعون بیستم ۴۹
لیقطع سیم دهم ۱۵
لیقطع سیم ۱۲۲
وتقطع ششم ۷
فاقطعوا پنجم ۴
تقطع ششم ۳۵
فقطع چهل هفتم ۱٤
تقطعن دوازدهم ۵
وتقطعن دوازدهم ۳۱
وقطعناهم هفتم ۱٦۰
وتقطعوا چهل هفتم ۲۲
لاقطعن هفتم ۱۲۳
بیست ششم ۴۹
فلاقطعن بیستم ۷۱
قطعت سیزدهم ۳۱
بیست هفتم ۶
تقطع پنجم ۳۸
تقطع ششم ۹۵
وقطعت دهم ۱۳۶
تقطعوا بیست ...
وتقطعوا بیست یکم ۹۳
یقطع یازدهم ...
یازدهم ...
قطع سیزدهم ۳۳
قطعاد ۲۸ ...
... طعه بیست ...
مقطوع یازدهم ۵۰
مقطوعة پنجاه ششم ۳۳

قطف
قطوفها شصت نهم ۲۳
هفتاد ششم ۱٤

قطمر
قطمیر سی پنجم ۱۳

وتقلبهم هجدهم ۱۷
تقلب سی سیم ۹۴
تتقلب بیست چهارم ۳۷
انقلب بیست دوم ۱۱
انقلبوا دوازدهم ۶۲
بیست دوم ۲۳
فانقلبوا سیم ۱۷۴
وانقلبوا هفتم ۱۱۹
انقلبتم سیم ۱۴۳ نهم
ینقلب دوم ۱۲۳
وینقلب هشتاد چهارم ۹
ینقلب چهل ششم ۱۲
ینقلب سیم ۱۴۴
شصت هفتم ۴
ینقلبون بیست ششم ۲۲۷
فینقلبوا سیم ۱۲۷
فینقلبوا سیم ۱۷۴ پنجم ۲۳
قلب پنجاهم ۳۷
یقلب بیست ششم ۸۹
سی سیم ۸ پنجاه ۳۲
القلب سیم ۱۵۹
قلبین سی سیم ٤
قلوب نهم ۵۱ سی ششم ۲۳
قلوب هفتم ۱۷ بیست
دوم ۵ هفتاد نهم
قلب چهلم ۳۲
القلوب ...
بیست دوم ۵ بیست چهارم
۳۷ سی سیم ۵ چهلم ۱۸
قلوب چهل هفتم ۲۹
القلوب بیست دوم ۳۳
قلوبی دوم ۲۶۲
قلبه دوم ۲۸۳
وقلبه شانزدهم ۱۰۹
قلبک دوم ۹۷ بیست ششم
۱۹٤ چهل دوم ۲٤
قلبه دوم ۲ سی سیم ۳۰
وقلب نهم ۲۳ چهل پنجم
قلوبها بیست ششم ۹
قلبه پنجم ۲۷ شصت چهارم
قلوبکما شصت ششم ٤
قلوبنا دوم ۸۸ چهارم ۱۵۵
پنجم ۱۳ چهل یکم ٤
قلوبکم دوم ۲۲۵ +
سیم ۲ بیست سی سیم ۵
وقلوبهم بیست ...
نهم ۴ پنجاهم ۳
قلوبنا پنجاه نهم ۵
القلوب سی سیم ۵۳
وقلوبهم سی سیم ۵۲
قلوبنا سیم ٤
قلوبهم پنجم ٤٦
پنجم ۵۵ ۱۲۹

چهل نهم ۳ شصت یکم ۵
تقلب سیم ۱۹٦
تقلب دوم ۱۳۹
تقلبهم چهلم ٤
تقلبهم شانزدهم ٤
وتقلبک بیست ششم ۲۱۹
متقلبکم چهل هفتم ۲۱
منقلبون هفتم ۱۲۳
بیست ششم ۵
لمنقلبون چهل سیم ۱٤
منقلب بیست ششم ۲۲۷
منقلبا هجدهم ۳٤
القلائد پنجم ۲
والقلائد پنجم ۹۷
مقالید سی نهم ٦۳
چهل دوم ۱۰

قلع
اقلعی یازدهم ٤٤

قلم
بالقلم نود ششم ٤
والقلم شصت ہشتم ۱
اقلامهم سیم ٤٤
اقلام سی یکم ۲۷

قلی
قلی نود سیم ۳
القالین بیست ششم ۱٦۸

قمح
مقمحون سی ششم ۸

قمر
القمر پنجاه چهارم ۱
هفتاد پنجم ۸
والقمر بیست دوم ۱۸
چهل یکم ۳۷ پنجاه
پنجم ۵ هفتاد پنجم
للقمر چهل یکم ۳۷
والقمر هفتاد چهارم
۳۵ هشتاد چهارم ۱۸
نود یکم ۲
وقدرنا بیست ...
القمر سی ششم ۳۹
هفتاد یکم ۱۶

قمص
۲۷ قمیصه دوازدهم ٤
بقمیصی دوازدهم ۹۳
قمیصه دوازدهم ۱۸
قمیصه دوازدهم ۲۶
قنطرة ... هفتاد ششم ...

قمع
مقامع بیست دوم ۲۱

قمل
والقمل هفتم ۱۳۳

قنت
یقنت سی سیم ۳۱

اوتی سیم ۳۸
قانت سی نهم ۹
قانتا شانزدهم ۱۲۰
قانتون دوم ۱۱٦
قانتین دوم ۲۳۸
القانتین شصت ششم ۱۲
والقانتین سیم ۱۷
سی سیم ۳۵
قانتات چهارم ۳٤
قانتات شصت ششم ۵
والقانتات سی سیم ۳۵

قنط
قنطوا چهل دوم ۲۷
یقنط پانزدهم ۵۹
یقنطون سی ام ۳۹
تقنطوا سی نهم ۵۳
القانطین پانزدهم ۵۵
قنوط چهل یکم ٤۹

قنطر
بقنطار سیم ۷۵
قنطارا چهارم ۲۰
والقناطیر سیم ۱٤
المقنطرة سیم ۱٤

قنع
القانع بیست دوم ۳۷
مقنعی چهاردهم ۴۳

قنوان ششم ۹۹

قنی
واقنی پنجاه سیم ٤۸

قهر
تقهر نود سیم ۹
القاهر ششم ۱۸ + ٦۱
قاهرون هفتم ۱۲۷
القهار دوازدهم ۳۹
سیزدهم ۱٦ سی ششم ٦۵
سی نهم ٤
القهار چهاردهم ٤۸
چهلم ۱٦
کاب پنجاه سیم ۹

قوت
اقواتها چهل یکم ۱۰
مقیتا چهارم ۸۵

قوس
قوسین پنجاه سیم ۹

قوع
قاعا بیستم ۱۰٦
بقیعة بیست چهارم ۳۹

قول
اقاویل ششم ...
تقولوا ...
قال ...
فقالت ...
قلت پنجم ۱۱ نهم ۹۳
یازدهم ۱۷ هجدهم ۳۷
قلت پنجم ۱۱۷

فقلت هفتاد یکم ۹
قالا هفتم ۲۳ بیستم ٤۷
وقالا بیست هفتم ۱۵
قالتا بیست هفتم ۱۵ چهل یکم ۱۱
قالوا نوزدهم ۱ بیستم
۳۴ چهل یکم ٤۴
قلن دوازدهم ۳۱
وقلن دوازدهم ۳۱
قلتم دوم ۵۸ + ۱۵۹
۸۵ پنجم ۱۵۳ ششم ۱۵۳
چهلم ۲ چهل پنجم ۳
فقلنا دوم ٦٠ + ۵۷
۵۸ هفتم ۱۱ بیست پنجم
۳۸ بیست ششم ۷۵
وقلنا دوم ۳۵ + ۲۳
چهارم ۱۵۴ هفدهم
۱۰٤ شصت هفتم ۹
فقلنا سیم ۳
قالها سی نهم ۵۰
قلته پنجم ۱۱٦
سیقول دوم ۱۳۲ ششم
۹ م چهل هشتم ۱۱ + ۱۵
یقول دوم ۸ سیم ۷۳
سی ششم ۸۲ چهلم ۹
فیقول شصت سیم ۱۰
ولیقول هفتاد چهارم ۳۱
تقل بیست نهم ۲۳
لیقولن چهارم ۷ یازدهم
۱۰ + ۳ سی ام ۵۵ چهل
یکم ۵۰
تقول سیم ۱۲ چهارم
یازدهم ۹۳ سی سیم ۳۷
فتقول بیستم ۲
وتقول پنجاهم ۳۰
تقول بیستم ۹۷ + ۹
سی ششم ٦٦ + ۵۸
۵۹ هفتاد دوم ۵
تقل هفدهم ۲۳
تقولن هجدهم ۲۳
اقول ششم ۵۰ یازدهم
۳۱ سیم ۱۹
چهلم ۴۴
اقول پنجم ۱۱ سی ...
۶۱ نهم ۲ + ۷۷
شصت ششم ۲۸
واقول هفتم ۱
یقولا نهم ۹۹
تسقولون هجدهم ۲۲
بیست هشتم ۸۳ + ۸۹ + ۱۱
فسیقولون هجدهم
هفدهم ۵۱ چهل هشتم
چهل ششم ۱۵

فیقولون دوم ۲٦
لیقولون سی هفتم
۱۵۱ + ۱۵۷ چهل چهارم
۳۳ پنجاه ششم ۲
فیقولوا بیست ششم ۲۵
بیست ششم ٤۲
لیقولوا ششم ۵۳
ولیقولوا ششم ۱۰۵
ویقولوا پنجاه چهارم ۲
اتقولون هفتم ۲۸
دهم ۹ + ۶۷ + ۷۸
لتقولون هفدهم ٤۲
وتقولون بیست چهارم ۱۵
وتقولوا چهل سیم ۱۳
تقول شانزدهم ۳
لتقولن بیست هفتم ۵۹
وستقول هجدهم ۲۲
وتقول سی سیم ۳۷ + ۲۲
فقولی نوزدهم ۲٦
تقولا بیستم ٤٤ + ٤۹
بیست ششم ۱۹
قولوا دوم ۱۳۹
چهلم ۱۲
فقولوا سیم ۶٤ دوازدهم ۸۱
وقولی سی سیم ۳۲
یقال بیست یکم ۶۰ چهل
یکم ٤۳ هشتاد سیم ۱۷
تقول شصت نهم ٤٤
تقوله پنجاه دوم ۳۳
قول سی هفتم ۳
هفتاد چهارم ۲۹
القول شصت نهم هشتاد
قول دوم ۲۵۹
القول هشتاد ششم ۱۳
وقول چهل هفتم ۲۱
یقول شصت نهم ۱۳
۴۲ هشتاد یکم ۲۹
قول پنجاه ۲ پنجاه یکم ۸
الاقاویل شصت نهم ٤٤
قولی پنجم ۲۹ + ۹۵
قولک سی ششم ۲۳
قولنا شانزدهم ٤۰
قولکم سی نهم ۳
قولهم سیم ۲ دهم ۶۵
بیست ششم ۷
قولک یازدهم ۵۹
قولها بیست ۱۹
قولهم دهم ۱۵۷
۱۱۲ دهم ...
القولهم شصت سیم ٤
وقولهم چهارم ۱۵۵
۱۵٦ + ۱۵۵
اقوم شصت هفتم ۱۳

باب القاف بعد الکاف — سی و یکم ۳۱
قط
قطع
قطف
سی و دوم
باب القاف مع العین
نعد
نعر
سی و سیم
باب القاف مع اللام
قلب
قلع
سی و چهارم
باب القاف مع المیم
قمص
قمع
سی و پنجم
باب القاف مع النون
قنط
قنص

مولم

ومعصوم انست که از کذب وخطا ونسیان محفوظ باشد بحفظ الهی پس هرچه گوید همان حق وواقع است ودران تخلّف نخواهد بود والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم

باب سیّم در دفع شبهات مخالفین که در مسئلهٔ غیبت نموده اند وان چند شبهه است اول انکه وجهی وعلتی ازبرای غیبت انجناب ظاهر نیست زیراکه خوف از اعداء نسبت با باء انحضرت نیز محقق وثابت بود معذلک هیچ یک غیبت اختیار نمودند ودرمیان مردم ظاهر میرفتند وفتوی میدادند ونشر احکام مینمودند وجواب از این شبهه خود ظاهر است بعد از معرفت ادلهٔ سابقه زیراکه بعد از انکه دلیل عقلی ونقل بروجود ان قائم گردید خفاء ان وجه ضرری ندارد زیراکه حکم ومصالح همه اشیاء بر همه

فصل الواو وغیره

وقولهم سبعا ۱۴
هیلا چهار ۱۴ پنجاه ششم
۲۵ هفتاد ستم ۶
وقیله چهل ستم ۸۸
قائل دوازدهم ۱ پنجم
۱۸ سی هفتم ۴۹
قائلون هفتم ۳
قائلها بیست ستم ۱۰
والقائلین سی ستم ۱۸
مقیلا بیست پنجم ۲۶

قام

قام هفتاد ودوم ۱۹
قاموا دوم ۱۹ چهارم ۱۴
پنجم ۱۳
تقم پنجم ۸
لیقوم پنجاه هفتم ۲۵
تقوم نهم ۱۰۹ بیست
هفتم ۳۹ سی ام ۲۴
تقم نهم ۸۵ + ۱۰۹
فلتقم چهارم ۱۰۳
یقومان پنجم ۱۰۶
یقومون دوم ۲۷۶
تقوموا چهارم ۱۲۶
سی چهارم ۴۶ قم
هفتاد ستم ۲ هفتاد
چهارم ۲
وقوموا دوم ۲۳۹
واقام دوم ۱۷۷ نهم ۱۸
فاقمت چهارم ۱۰۳
اقاموا پنجم ۷۰ بیست ودوم ۴۱
اقمتم پنجم ۱۵
واقامه پنجم ۶۷
یقیماد دوم ۲۲۹ م ۲۳۰
یقیمون پنجم ۶ ششم ۳
بیست هفتم ۳ سی یکم ۳
ویقیمون دوم ۳ نهم ۷۲
یقیموا چهارم ۳۶
لیقیموا چهارم ۴۰
ویقیموا نودم ۴
تقیموا پنجم ۷۲
نقیم پنجم ۱۰۵
اقیم دهم ۱۰۵ هفتم ۳
۸۰ سی یکم ۱۶
واقم سی ام ۳۹ + ۴۲
واقم یازدهم ۱۱۶
بیست ۱۴ یازدهم ۴۴
اقیموا ششم ۷ چهل دوم
فاقیموا چهارم ۱۰ بیست
دوم ۷۸ پنجاه هشتم
واقمن سی ستم ۳۳
استقاموا نهم چهل یکم
۳۰ چهل ششم ۱۲ هفتاد

دوم ۱۶
یستقیم هشتاد یکم ۲۸
فاستقیم یازدهم ۱۱۴
واستقیم چهل دوم ۱۴
فاستقیما دهم ۸۹
فاستقیموا نهم ۷ چهل یکم ۶
القوم ششم ۱۲ هفتم ۹۶
۱۷۶ دوازدهم ۸۷
چهل ششم ۳۵
وقوم نهم ۷۱
یقوم پنجم ۵۹ سیزدهم ۱۲
لقومه یازدهم ۸۵ هفتم ۴۶
بیست ستم ۴۳
وقوم بیست پنجم ۳۹ پنجاه
یکم ۴۶ پنجاه ستم ۵۳
قومک ششم ۵۱ یازدهم
چهل ستم ۵۷
قومهم ششم ۸۵ هفتم ۱۶
یازدهم ۸۰ بیست ششم ۲۶
وقومهم هفتم ۱۳۳
وقومها بیست ستم ۴۹
قومنا پنجم ۱۴
قومک یازدهم ۸۵ بیستم ۳۸
ولقومک چهل ستم ۴۳
لقومکما دهم ۸۷
قومنا هفتم ۸۷
قومهم دهم ۷۵ سی ام ۴۶
چهل ششم ۲۸
لقومهم ششم ۴
قومک هفتم ۴۲ چهارم ۵
بیستم ۸۷ هفتاد یکم ۱
وقومک ششم ۷۴
وقومهم هفتم ۱۲۴
قومها نوزدهم ۲۸
وقومها بیست هفتم ۴
وقومها سی هفتم ۱۱۵
قومنا چهل ششم ۳۰ م ۲۹
قومهم چهارم ۹۲ + ۹۳ نهم
۲۳ چهاردهم ۳۳
وقوم بیست ۴۳
سی ستم ۱۳ پنجاهم ۱۳
وقومهم بیست ستم ۳۲
القیمة نهم ۳۶ دوازدهم
۴۰ سی ام ۲۹
القیم سی ام ۴۲
قیما پنجم ۲
قیمه نودم ۲
القیمة نودم ۶
قائم ستم ۳۳ یازدهم ۱۰۲
سیزدهم ۲۳ قائما
ستم ۱۰ هفتم ۱۲

ستم دوم ۱۱
وقائما سی نهم ۱۲
قائمون هفتادم ۳۳
والقائمین بیست دوم ۲۶
قائمة ستم ۱۰۹ یازدهم ۲۴
قائمة پنجم ۲۴
چهل یکم ۵۰ پنجاه نهم ۵
قواما بیست پنجم ۶۷
قیاما ششم ۱۶۲
قیام سی نهم ۸۶
قیام پنجاه یکم ۴۵
قیاما ستم ۸۸ چهارم ۴
۱۰۴ پنجم ۹۸
وقیاما بیست پنجم ۶۵
قوامون چهارم ۳۸
قوامین چهارم ۱۳ پنجم ۱۱
القیوم دوم ۲۵۵ ستم ۱
القیوم بیستم ۱۱۰
اقوم هفدهم ۹
واقوم دوم ۲۸۲ هفتاد ستم
واقوم چهارم ۴۹
واقام بیست چهارم ۳۷
واقام بیست یکم ۷۳
اقامتکم شانزدهم ۸۲
مقام سیوم ۹۱
مقام سی هفتم ۱۶۴
مقام دوم ۱۱۹
مقام چهل چهارم ۵۱
ومقام بیست ششم ۵۸
چهل چهارم ۲۵
مقام پنجاه پنجم ۴۶
هفتاد نهم ۴
مقاما هفدهم ۸۱ نوزدهم ۷۴
مقامی دهم ۷۲ چهاردهم ۱۲
مقامک بیست هفتم ۳۹
مقامها پنجم ۷۶ مقیم پنجم ۲۶
نهم ۲ یازدهم ۱۴ سیزدهم ۶۱
مقیم یازدهم ۷ چهل دوم ۴۶
مقیم چهاردهم ۴۲
والمقیمین چهارم ۱۶۵
والمقیمی بیست دوم ۳۶
مقام سی ستم ۱۳
ومقاما پنجم ۶۶ + ۷۶
المقامة سی پنجم ۳۲
تقویم نودم ۴
المستقیم هفدهم ۳۲ بیست ۱۰۲
مستقیما چهارم ۷ + ۱۱۴
ششم ۱۲۶ + ۱۴۴ چهل دوم ۳۰
المستقیم ذیل هفتم ۹
سی هفتم ۱۱۸
القوم بیست ششم ۷۰

پنجاه یکم ۵۸
قوة پنجم ۳۷
القوة دوم ۱۶۰
بقوة دوم ۶۳ + ۹۳ هفتم ۱۴۲
۱۷۰ عدهم ۶۰ نوزدهم ۱۲
قوتکم یازدهم ۵۵
القوی پنجاه ستم ۵
قوتی ششم ۴۴ چهل یکم ۲۳
پنجاه هفتم ۲۵ پنجاه یکم ۲۱
لقوی بیست دوم ۴۰ + ۷۴
بیست هفتم ۳۹
القوی یازدهم ۹۶ بیست ششم
۲۶ چهل دوم ۱۸
قوتا سی ستم ۲۵
للقوین پنجاه ششم ۷۲

قاض

وقیضنا چهل یکم ۲۴
نقیض چهل ستم ۳۶

باب الکاف

ولک بیست ششم ۸
لک ستم ۳۲ نوزدهم ۹

کاس

کاس هفتاد ششم ۵
بکاس سی هفتم ۴۵
وکاس پنجاه ششم ۱۸
کاسا پنجاه دوم ۲۳
هفتاد ششم ۱۷ اوکا
هفتاد ششم ۴
فکانن بیست دوم ۴۴
فکبت بیست هفتم ۹۰
مکبا شصت ستم ۲۲

کب

یکبتهم ستم ۱۲۳
کبت پنجاه ششم ۶
کبتوا پنجاه ششم ۶

کبد

کبد نودم ۴
کبر ششم ۳۵ دوم ۲۲
چهلم ۳ چهل دوم ۱۳ شصت ۱۱
کبرت هجدهم ۴
کبر هفدهم ۵۲
بکبروا چهارم ۶
لتکبروا بیست دوم ۳۸
ولتکبروا دوم ۱۸
فکبر هفتاد چهارم ۳
وکبره هفدهم ۱۱۱
اکبرنه دوازدهم ۳۱
تکبر هفتم ۱۲
یکبرون هفتم ۱۴۳
استکبر سی هشتم ۷۴ بیست
واستکبر دوم ۳۴

ثم ۳۹ هفتاد چهارم ۲۳
استکبرت سی هشتم ۷۶
واستکبرت سی نهم ۶۰
واستکبروا چهارم ۱۷۲
هفتم ۴۸ + ۳۸ هفتاد یکم ۷
استکبرتم دوم ۸۱
فاستکبرتم چهل پنجم ۳۰
واستکبرتم چهل ششم ۹
ویستکبر چهارم ۱۷۱
تستکبرون ششم ۹۳
هفتم ۴۶ چهل ششم ۱۹
کبر چهلم ۵۸
کبره بیست چهارم ۱۱
الکبر دوم ۲۶۱ سیزدهم ۳۵
یازدهم ۵۴
الکبر چهاردهم ۴۱ نوزدهم ۸
الکبر هفدهم ۲۴
کبیر یازدهم ۳ شصتم ۹
وکبیر پنجاه چهارم ۵۳
الکبیر چهلم ۱۲
لکبیر بیست ستم ۲ بیست ششم ۴۸
کبیرهم دوازدهم ۸۰ بیست
یکم ۶۴
وکبرا سی ستم ۶۷
لکبیرة دوم ۴۲
کبیرة نهم ۱۲۲ پنجم ۴۲
لکبیرة دوم ۱۳۸
کبائر چهارم ۳۱ چهل دوم ۳۷
۳۵ پنجاه ستم ۳۳
کبارا هفتاد یکم ۲۱
واکبر هفدهم ۲۲
الاکبر بیست یکم ۱۰۳
الاکبر نهم ۳ سی دوم ۲۱
اکبر چهارم ۱۵۲ دهم ۶۱
الاکبر هشتاد هشتم ۲۴
اکابر ششم ۱۲۳
الکبر هفتاد چهارم ۳۵
الکبریاء دهم ۷۹ چهل پنجم ۳۶
بکبیره هفدهم ۱۱۱
المتکبر پنجاه نهم ۲۳
متکبر چهلم ۲۸ + ۳۷
المتکبرین شانزدهم ۳۱ سی
نهم ۷۲ چهلم ۷۶
للمتکبرین سی نهم ۶۱
استکبارا سی پنجم ۴۱ هفتاد یکم
مستکبرا سی یکم ۷ چهل پنجم
مستکبرون شانزدهم ۲۲
شصت ستم ۵
مستکبرین بیست ستم ۶۷
المستکبرین شانزدهم ۲۹

کبکب

فکبکبوا بیست ششم ۹۴

کتب

کتب دوم ۲۳
کتب چهارم ۷۹
کتبنا چهارم ۶۶ پنجم ۳۲
بیست یکم ۱۰۵
وکتبنا پنجم ۴۵ هفتم ۱۴۵
کتبناها پنجاه هفتم ۲۷
یکتب چهارم ۸۱
یکتب دوم ۲۸۲
فلیکتب دوم ۲۸۲
ولیکتب دوم ۲۸۲
سنکتب ستم ۱۸۱ نوزدهم ۷۹
ونکتب سی ششم ۱۲
فاکتبها هفتم ۱۵۶
تکتبوه دوم ۲۸۲
تکتبوها دوم ۲۸۲
واکتب هفتم ۱۵۶
فاکتبنا ستم ۵۳ پنجم ۸۳
فاکتبوه دوم ۲۸۲
ستکتب چهل ستم ۱۹
اکتتبها بیست پنجم ۶
کاتب دوم ۲۸۲ قح
کاتبا دوم ۲۸۳
کاتبون بیست یکم ۹۴
کاتبین هشتاد دوم ۱۱
فکاتبوهم بیست چهارم ۳۳
کتاب یازدهم ۱۷ چهل ششم ۱۲
کتاب چهل یکم ۴۱
وکتاب پنجم ۱۸
بکتاب هفتم ۵۲ بیست ستم ۴۹
چهل ششم ۳
وکتاب بیست هفتم ۱ پنجاه
بالکتاب ستم ۱۱۹ + ۱۵۰
هفتم ۶۹ چهلم ۷
وبالکتاب سی پنجم ۲۵
والکتاب بیست هفتم ۲۶
پنجاه هفتم ۲۶
کتب نودم ۳
کتب سی چهارم ۴۳
للکتب بیست یکم ۱۰۴
کتابیه شصت ۱۹ + ۲۵
کتابنا چهل پنجم ۲۸
بکتابی بیست هفتم ۲۸
کتابنا چهل پنجم ۲۷
بکتابکم سی هفتم ۱۵۷
کتابک هفدهم ۱۴
کتابهم هفتاد ۷۳ شصتم ۹
هشتاد چهارم ۷ + ۱۰
کتابهم هفدهم ۷۱
وکتبه دوم ۲۸۵

چهارم ۳۹ شصت ستم ۱۲
مکتوبا هفتم ۱۵۶

کتم

کتم دوم ۱۳۳
یکتم چهلم ۲۹
یکتمون دوم ۱۵۹ + ۱۷۴
سیوم ۱۶۱ چهارم ۳۹ پنجم
لیکتمون دوم ۱۴۶
ویکتمون چهارم ۳۸
یکتمن دوم ۲۲۸
یکتمون دوم ۱۸ سی پنجم
۹۹ بیست یکم ۱۱ بیست ستم ۴۹
ویکتمون ششم ۶۴
تکتموا دوم ۴۲ + ۲۸۳
ویکتموا دوم ۳۹
تکتم پنجم ۱۰۵
یکتمها دوم ۲۸۳
تکتمونه سیوم ۱۸۴

کث

کثیبا هفتاد دوم ۱۴

کثر

کثر چهارم ۸
کثرت ستم ۱۹
فکثرکم هفتم ۸۴
فاکثرت یازدهم ۳۴
فاکثروا هشتاد نهم ۱۱
لاستکثرت هفتم ۱۸۸
استکثرتم ششم ۱۲۸
تستکثر هفتاد چهارم ۶
کثرة پنجم ۱۰۰
کثرتکم نهم ۲۵
الکوثر صد ستم ۱
کثیر دوم ۱۰۳ سیوم ۱۴ پنجم
وکثیر پنجم ۷۰ بیست سیوم
پنجاه هفتم ۱۹ + ۲۶ + ۲۷
لکثیر ششم ۱۳۸
کثیرة چهارم ۹۶ بیست
۱۹ + ۲۱ چهل ستم ۷۳
کثیرو نهم ۲۵ سی ششم
پنجاه ششم ۳۱
کثیرة دوم ۲۴۹ + ۲۵
چهل ستم ۱۹ + ۲۰
واکثر بیست ششم ۲۸
واکثر نهم ۷۰
واکثرهم ستم ۱۰۲ + ۱۰۳
نهم ۸
اکثرهم سی ششم ۶
لاکثرهم
اکثرکم
ونکاثر پنجاه هفتم
الکاثر صد دوم

باب الکاف

کس ظاهر نیست پس خفاء علت موجب قدح در ثبوت آن نخواهد بود لیکن تتبع باید کرچند علت کر از اخبار ائمه مستفاد میشود مییر داریم اول آنکه بر نفس شریف خود از قتل میترسید چنانکه زراره از حضرت صادق ع و از حضرت باقر ع روایت نموده که فرمودند للغلام غیبة قبل قیامه

قیل ولم قال یخاف علی نفسه الذبح یعنی از برای حضرت حجت پیش از خروج علیه خواهد بود شخصی عرض کرد که سبب این چیست فرمود مگر بر خود میترسد از ذبح و

بر نشید خوف و از قتل با عظامش بشتر خواهد بود و برا که از برای هر یک از ایشان

چونکه آنحضرت خاتم اوصیا است و بعد از او خلیفه نیست که بجای او خلیفه خواهد بود علاوه بر آنکه چون اخبار متواتره از جناب پیغمبر

کدح

کدحا هشتاد و چهار ۶

کادح هشتاد و چهار ۶

کدر

انکدرت هشتاد و یک ۲

کدی

واکدی پنجاه و سه ۳

کذب

کذب ... ۳۳ پنجاه ...

...

کر

کرة

کرب

کرس

کرم

کسب

کسد

کسف

کسا

کشط

کشف

کظم

کعب

کف

کفت

کفر

وکفر

کفل

کفی

کل

واوصیا او در میان مخالفین شایع و مستفیض بود که امامی که خروج میکند بسیف آن امام ثانی عشر است لهذا در صدد قتل سائر ائمه بود ند و از آنست که چون حسن عسکری بروضه رضوان

شتافت معتضد مضطرب شد اضطراب شدیدی و بطلب خلفان حضرت موکلین گماشت ولکن ابی الله الا ان یتم نوره و اگر گویند که خوف آنحضرت از مخالفین

است پس چرا بر موافقین و اولیاء خود ظاهر نمیشود و لحکام واقعه الهیه را برای ایشان بیان نمیفرماید جواب گوئیم اولا آن (۵۳۲) امر معلوم

نیست زیرا که هر کس از حال خود خبر دارد پس ممکن است که برای بعضی ظاهر شود و ثانیا معرفت شخص امام ممکن نیست مگر بعد اقامه

فصل و اللام و غیره

سی هشتم ۷۳	یتکلمون هفتادیم ۳۸	مکنون پنجاه و ششم ۷۷	الکواکب سی هفتم ۶	سی پنجم ۶	گیدهم سیم ۱۱۶ پنجاه	پنجم ۱۳
وکلمهم نوزدیم ۹۵	تکلم بیست چهارم ۱۵	المکنون پنجاه و ششم ۲۳	**اکان** دهم ۲	فلیکونوا چهارم ۱۰۳	دویم ۴۶	للبث سی هفتم ۱۴۴
کلمهن سی سیم ۵۱	کلام دویم ۷۰ نهم ۶	**لکنود** صدم ۶	وکانت نوزدهم ۵+۹	لیکونن سی پنجم ۴۰	کیدکن دوازدهم ۲۸	لبثت دویم ۲۶۱ م
کلمه سیم ۱۱۵ نهم ۳۲	چهل هشتم ۱۵	**کنز**	شصت و ششم ۱۲ هفتاد سیم ۱۴	یکن چهل نهم ۱۱	بکیدهن دوازدهم ۵	فلبثت بیستم ۴۲
چهل هشتم ۲۸ شصت یکم ۹	وبکلامی هفتم ۱۴۱	کنزتم نهم ۳۵	وکنت دهم ۱ سی نهم ۶	فتکونون چهارم ۹۱	کیده بیستم ۶۲	ولبثت بیست ششم ۱۷
کلمها پنجاه چهارم ۴۲	وکلمه نهم ۴۰	یکنزون نهم ۳۴	کنت دوازدهم ۲۹	لتکونوا دویم ۱۳۷ چهلم ۶۹	کیدکم بیستم ۶۷	لبثت دویم ۲۶ دهم ۱۷
کلمه سیم ۱۴۸	کلمة سیم ۵۷ چهارم ۱۱	تکنزون نهم ۳۵	لکنت سی هفتم ۵۵ سی نهم ۵۸	وتکونوا دوازدهم ۹ بیست	کیدکن دوازدهم ۲۸	لبثوا هجدهم ۱۱+۲۵
کلمها دویم ۲۹ بیستم ۵۸	بکلمة سیم ۳۴ + ۴۰	کنز یازدهم ۱۵ هجدهم ۸۱	وکنت پنجم ۱۱۷ نوزدهم ۲۳	دویم ۷۸	کیدهم صد پنجم ۲	سی ام ۵۵ سی چهارم ۱۳
سی ششم ۳۶ چهاردهم ۱۱	کلمة نهم ۴۰ ۷۵ چهل ششم ۲۶	بیست پنجم ۹	کانا دویم ۳۴ پنجم ۷۹	یکون هفتم ۱۱۲ بیستم ۶۸	کیدهن دوازدهم ۳۳ ۳۴	ولبثوا هجدهم ۲۴
اکلها دویم ۸۱	کلمة چهاردهم ۲۹ هجدهم ۴	وکنوز بیست ششم ۵۸	کانتا چهارم ۱۷۵ بیست یکم	فتکون بیست ششم ۱۰۲	المکیدون پنجاه دویم ۴۲	لبثنا هجدهم ۱۸ بیست ۱۱۵
وکلا یازدهم ۴۰	چهل سیم ۲۷	الکنوز بیست ششم ۷۶	۳۱ شصت ششم ۱۰	وتکون پنجم ۱۱۳ ششم ۲۷	وکیف سیم ۹ چهارم ۲۵	یلبثون هفدهم ۷۸
اوکلما دویم ۹۴	کلمات ششم ۱۱۵ هجدهم ۱۰۹	کنزهما هجدهم ۸۱	کن دویم ۲۸ چهارم ۱۲	بیست هشتم ۴۷	پنجم ۴۷ ششم ۱۸ هجدهم ۶۷	یلبثوا دهم ۴۶ چهل ششم ۳۵
کلتا هجدهم ۳۱	سی یکم ۲۶	**کنس**	شصت پنجم ۶	نکن چهارم ۱۴ نهم ۸۷	**کال**	هفتاد نهم ۶۶
کلاهما هفدهم ۲۴	بکلمات شصت ششم ۱۲	الکنس هشتاد یکم ۱۶	فکنتم بیست سیم ۶۶+۱۰۷	چهل ۷۴ پنجاه هفتم ۱۳	کلتم هفدهم ۳۶	تلبثوا سی سیم ۱۴
الکلالة چهارم ۱۷۵	لکلمات ششم ۳۴ دهم ۶۵	**کهف**	کنتن سی سیم ۲۸ + ۲۹	تک هفتاد چهارم ۴۴+۴۵	کالوهم هشتاد سیم ۳	لا یلبثون هفتاد ششم ۲۳
کلالة چهارم ۱۵	هجدهم ۱۰۹	الکهف هجدهم ۹+۱۰ ۱۵	لکانت ششم ۱۵ سی چهارم ۳۰	لیکونن ششم ۶۳ هفتم ۲۲	اکتالوا هشتادم ۲	**لبد**
یکلؤکم بیست یکم ۴۳	کلمات دویم ۳۵	کهفهم هجدهم ۱۶+۲۴	سی هفتم ۱۶۹	۱۴۸+۱۸۹ دهم ۲۳	تکلل دوازدهم ۶۳	لبدا نوزدهم ۶
کلب	بکلمات دویم ۱۱۸	**کهل**	فکونن بیست پنجم ۸	ولیکونن نهم ۷۶	کیل دوازدهم ۶۵	لبدا هفتاد دویم ۱۹
الکلب هفتم ۱۷۵	الکلم سی پنجم ۱۱	وکهلا سیم ۴۶ پنجم ۱۰۹	لیکون بیست دویم ۷۸	کن دویم ۱۱۱ سیم ۴۷ + ۵۱	الکیل دوازدهم ۶۳	**لبس**
کلبهم هجدهم ۲۱ م	الکلم چهارم ۴۸ پنجم ۱۳+۴۵	**کهن**	بیست پنجم بیست ششم ۷	ششم ۷۲ و فی ربعه سوره اخری	کیل دوازدهم ۶۰ + ۶۵	وللبسنا ششم ۹
وکلبهم هجدهم ۱۷	وکلمته چهارم ۱۶۹	کاهن شصت نهم ۴۲	ولیکون ششم ۷۵	وکن هفتم ۱۴۱ یازدهم ۹۸	المکیال یازدهم ۸۵+۸۴	یلبسون ششم ۹
مکلبین پنجم ۶	کلمتنا سی هفتم ۱۷۱	بکاهن پنجاه دویم ۲۹	ونکون دویم ۱۳۷ + ۱۸۹	سی نهم ۶۶	**کان**	یلبسوا ششم ۸۲
کلح	بکلماته ششم ۷ دهم ۸۲	کهیعص نوزدهم ۱	هشتم ۴۰	کونی بیست یکم ۶۹	استکانوا سیم ۱۴۰	ولیلبسوا ششم ۱۳۸
کالحون بیست سیم ۱۰۴	چهل دویم ۲۳	**کأب**	ولیکونا دوازدهم ۳۲	مکان چهارم ۲۴ هفتم ۹۳	بیست سیم ۷۸	تلبسون سیم ۶۴
کلف	لکلماته ششم ۱۱۵ هجدهم ۲۶	واکواب هشتاد ششم ۱۴	فتکون پنجم ۱۱۰	شانزدهم ۱۰۳ بیست دویم ۲۷	**باب اللام**	تلبسوا دویم ۳۹
یکلف دویم ۲۸۶	وکلماته هفتم ۱۵۸	باکواب پنجاه ششم ۱۸	ونکون هفتاد ۹ صد یکم ۴	مکانه هفتم ۱۳۹ دوازدهم	اولا دویم ۷۲ نهم ۱۲۷	یلبسکم ششم ۶۵
شصت پنجم ۷	بکلماتنا چهارم ۱۶۲	واکواب چهل سیم ۷۱	لتکون دهم ۹۲ بیست ششم	۷۸ بیست ششم ۸۲	نوزدهم ۶۸	یلبسون چهل چهارم ۵۳
تکلف ششم ۵۳ هفتم	لکلما هفتم ۱۴۳ ۲۱ م دهم ۷۹	هفتاد ششم ۱۵	۱۹۴ بیست ششم ۹	مکانکم دهم ۲۹	**لأک**	ویلبسون هجدهم ۳۰
۴۰ بیست سیم ۶۳	م بیست ششم ۳۵ چهل ششم ۱۶	**کأد**	ولیکون چهل ششم ۲۰	مکانتکم ششم ۱۳۵ یازدهم	الملائکة دویم ۹۶	یلبسونها شانزدهم ۱۴
تکلف دویم ۲۳ چهارم ۸۶	الکلم پنجاه ششم ۲۱	کاد نهم ۱۱۸ بیست پنجم ۴۴	ولیکون دهم ۷۹	۹۵ + ۱۲۲ سی نهم ۴۰	ملائکة هفتم ۹۷ شصت	سی پنجم ۱۳
المتکلفین سی هشتم ۸۶	فلکلم دویم ۲۷۹ سیم ۱۷۴	کادت بیست هشتم ۹	فتکن سی یکم ۱۵	مکانتهم سی ششم ۶۷	ششم ۶	لبس پنجاه هفتم ۱۴
کلم	چهارم ۱۱	کادوا دویم ۶۶ هفدهم ۷۵	ولتکن سیم ۱۰۰	**کوی**	بالملائکة یازدهم ۷	ولباس هفتم ۲۵
کلم دویم ۲۵۴	**کلم**	۷۸ هفتاد دویم ۱۹	تکون دویم ۱۴۲ ششم ۱۴	فتکوی نهم ۳۵	والملائکة دویم ۱۵۶ + ۱۷۲	لباس دویم ۱۸۳
وکلم چهارم ۱۶۲	الاکمام پنجاه پنجم ۱۰	وکادوا هفتم ۱۴۹	۳۵ + ۱۱۴ دهم ۹۴ ۹۵	کی سیم ۳۴ + ۴۱ بیست ششم ۱۲	سیم ۸۱ هفدهم ۹۴	لباس شانزدهم ۱۱۳
کلمه دوازدهم ۵۴	اکمامها چهل یکم ۴۷	یکاد دویم ۱۹ چهارم ۲	۱۰۵ بیست ششم ۸۶ + ۸۷	کیلا پنجاه هفتم ۷	ملائکة بیست سیم ۲۴	لباسا هفتم ۲۵ بیست پنجم
وکلمه هفتم ۱۳۹	**کمل**	بیست چهارم ۳۵ + ۴۳	لتکون بیست ششم ۱۱۴ ۱۶۷	**کأد**	چهل یکم ۱۳ چهارم ۶۰	۴۹ هفتاد ششم ۱۰
وکلمهم ششم ۱۱۱	اکملت پنجم ۵	چهل سیم ۵۲ شصت ششم ۵۱	ولتکونن سی نهم ۶۵	کیدت هفدهم ۷۶ سی هفتم ۵۴	هفتاد چهارم ۳۱ + ۳۲	لباسها هفتم ۲۶
وبکلم سیم ۴۱	ولتکملوا دویم ۱۸۱	یکاد بیست چهارم ۴۰	فاکون سی نهم ۵۹	کدنا دوازدهم ۷۶	وملائکة سیم ۴۲	ولباسهم بیست دویم ۲۳
تکلم پنجم ۱۰۹	کاملین دویم ۲۳۳	تکاد نوزدهم ۹۲ چهل	اکن چهارم ۷۴ یازدهم	واکید هشتاد ششم ۱۶	والملائکة دویم ۹۲ + ۲۸۵	سی پنجم ۳۰
تکلم سیم ۳۶ نوزدهم ۱۱	کاملة دویم ۱۹۲	دویم ۳ شصت هفتم ۸	۴۹ یازدهم ۳۳ نوزدهم ۴	لاکیدن بیست یکم ۵۸	چهارم ۱۳۵	لبوس بیست یکم ۸۰
تکلم نوزدهم ۳۰	کاملة شانزدهم ۲۷	اکاد بیستم ۱۵	واکن دوازدهم ۳۳	یکیدون هشتاد ششم ۱۵	والملائکة سیم ۵۶	**لبن**
تکلمه چهل دویم ۵۰	**کمه**	یکادون چهارم ۸۰	شصت سیم ۱۰	فکیدوا دوازدهم ۵	**لألأ**	لبن چهل هفتم ۱۶
تکلمنا دهم ۱۱۲	الاکمه سیم ۴۳ پنجم ۱۱۰	هجدهم ۹۲ بیست دویم ۷۱	اک نوزدهم ۲۰	کیدون هفتم ۱۹۴	لؤلؤ پنجاه دویم ۲۴	لبنا شانزدهم ۶۸
تکلمهم دویم ۱۶۹ سیم	**کن**	**کأر**	لاکونن سی ششم ۷۷	فکیدونی یازدهم ۵۸	اللؤلؤ پنجاه پنجم ۲۱	**لج**
۷۱ هفتم ۱۴۶	اکنته دویم ۲۳۵	یکور سی نهم ۷	یکونا دویم ۲۸۲	فکیدونی هفتاد هفتم ۳۹	اللؤلؤ پنجاه ششم ۲۳	لجوا شصت هفتم ۲۱
وتکلمنا سی ششم ۶۵	تکن بیست هفتم ۷۶ بیست ششم ۹۹	ویکور سی نهم ۷	لیکونا چهل یکم ۲۹	کید بیستم ۷۲ چهل ۲ + ۴۰	لؤلؤا هفتاد ششم ۱۹	للجوا بیست سیم ۷۷
تکلمهم بیست هفتم ۸۴	اکنانا شانزدهم ۸۲	کورت هشتاد یکم ۱	یکونا هفتم ۱۹ م	هفتاد هفتم ۳۹	ولؤلؤا بیست دویم ۲۳	لجة بیست هفتم ۴۴
تکلمون بیست سیم ۱۱۰	اکنة چهل نهم ۴	**کوکب**	فتکونا دویم ۳۳ هفتم ۱۸	کید ششم ۱۸	سی پنجم ۳۰	لجی بیست چهارم ۴۰
کلم سیزدهم ۳۰	اکنة ششم ۲۵ هفدهم ۴۶	کوکب بیست چهارم ۳۵	یکونن هفتاد دویم ۱۹	کید چهارم ۷۸ دوازدهم ۵	**لبث**	**لجأ**
یتکلم سی ام ۳۴	هجدهم ۵۵	کوکبا ششم ۷۶ دوازدهم ۴	ویکونن نوزدهم ۸۵	کیده هفتم ۱۸۲ شصت ششم ۴۵	لبث یازدهم ۷۲	ملجأ چهل دویم ۴۷
تکلم یازدهم ۱۰۷	مکنون سی هفتم ۴۷	الکواکب هشتاد دویم ۲	لیکونوا نوزدهم ۸۴	کیده بیست دویم ۱۵	تلبث دوازدهم ۴۲ بیست	ملجأ نهم ۱۱۹

معجزه برانکه امام موعود او ست پس ممکن که ان شخص تعقیم نماید در فهم معجزه واو را سحر داند یا عنوان وسبب قتل انحضرت گردد چنانچه نسبت بانبیاء سابقه مکرر واقع گردید و ثالثا
شاهد استتار اولیاء سببش خوف بر ایشان باشد که هرگاه اجناب دید که اعزا انحضرت اغاش گرداند و بگوش معاندین رسیده در صدد ایذاء وازار ایشان بر ایند ورابعا
اعتقاد بوجود ۵۱۳ انحضرت در حال غیبت مرتبه اش بمراتب عظیم تر بالاتر است از اعتقاد باو حال حضور پس از جهت لطفی که با ایشان دارد بر ایشان ظاهر
نمیگردد تا فائز باین رتبه عظیمه گردند چنانچه از حضرت رسول صلعم مرویست که یکی از صحابه با انحضرت عرض کرد که افضل همه انام اصحاب تواند فرمود بلکه

باب اللام

لحد
مُلتحدًا کہف ۵۷
يُلحِدُونَ ہفتم ۱۷۹
شانزدہم ۱۰۵ + حج ۴۰
بإلحادٍ بیست وسیوم ۲۶
مُلتحدًا جن ۲۶ ہفت
دو نہم ۲۳

لحف
إلحافًا دوم ۲۷۴

لحق
يلحقوا سیوم ۱۶۴ + شصت ودوم ۳
ألحقنا ہے چہارم ۲۶
ألحقنا پنجاه دوم ۲۱
وَالحقني دوازدہم ۱۰۱ بیست وششم ۸۳

لحم
وَلحم پنجم ۴
وَلحم پنجاه ودوم ۲۲ پنجاه وششم ۲۱
لحم شانزدہم ۱۴ چہلم ۱۲
وَلحم دوم ۸۱ شانزدہم ۱۷
بیست ۱۴ + بیست وسیوم ۱۲
لحومها بیست ودوم ۳۸

لحن
لحن چہل وہفتم ۳۳

لحى
بلحيتي بیستم ۹۵

لد
لُدًّا نوزدہم ۹۷
ألَدُّ دوم ۲۰۰

لدن
لَدُنْ یازدہم ۱ بیست ہفتم ۶
لَدُنّي ہجدہم ۷۵
لَدُنكَ سیوم ۳۸ + چہارم ۷۷ ہفتم ۸۳ ہجدہم ۹
نوزدہم ۵
لَدُنه چہارم ۴۴ ہجدہم ۲

لدا - یا - لدی
لدا دوازدہم ۲۵
لدى چہلم ۱۸
لدى بیست ہفتم ۱۰ پنجاہم ۲۲ + ۲۷ + ۲۸
لدینا ہجدہم ۹ پنجاہم ۱۷
ولدینا بیست سیوم ۶۴
پنجاہم ۳۴
لدینا دوازدہم ۵۴ سے شتم ۲۳ + ۵۳ چہلم ۳ ہفتادم ۱۲

لذ
ولتلذ چہل سیوم ۷۱
لذة سے ہفتم ۴۵ چہل ہفتم ۱۶

لزب
لازب سے ہفتم ۱۱

لزم

والزمهم چہل شتم ۲۶
ألزمناه ہفدہم ۱۴
أنلزمكموها یازدہم ۳۰
لزامًا بیستم ۱۳۹ بیست پنجم ۷۷

لسن
لسان شانزدہم ۱۰۵
لسانُ شانزدہم ۱۰۵
لسانِ پنجم ۸۲
بلسانِ چہاردہم ۴
بلسانٍ بیست ششم ۱۹۵
لسانًا نوزدہم ۵۰ بیست ششم ۸۴
لسانًا بیست ششم ۱۲ چہل ششم ۱۱
ولسانًا نودم ۹
بالسنتهم سے سیوم ۱۹
لسانی بیستم ۲۸ بیست ششم ۱۳
بلسانك نوزدہم ۹۷
چہل چہارم ۵۸
لسانك ہفتاد پنجم ۱۶
ألسنتكم شانزدہم ۱۱۷
ألسنتهم شانزدہم ۶۲
بیست چہارم ۲۴
ألسنتكم سے ام ۲۱
بالسنتكم بیست چہارم ۱۴
بالسنتهم چہارم ۴۶ چہل
ہشتم ۱۱
ألسنتهم سیتم ۷۲
وألسنتهم شصتم ۲

لطف
وليتلطف ہجدہم ۱۸
لطيف دوازدہم ۱۰۱
بیست دوم ۶۳ سی یکم ۱۶
چہل دوم ۱۸
اللطیف ششم ۱۰۳ شصت ہفتم ۱۴
لطيفًا سے سیتم ۳۴

لظى
لظى نود دوم ۱۴
لظى ہفتادم ۱۵

لعب
نلعب دوازدہم ۱۲
يلعبون ششم ۹۱ ہفتم ۹۸
بیست یکم ۲ چہل چہارم ۸
پنجاه دوم ۱۲
ويلعبوا چہل سیتم ۸۳
ہفتادم ۴۲
ونلعب نہم ۶۵
لعب ششم ۳۲ چہل ہفتم
۳۸ پنجاه ہفتم ۱۹
ولعب بیست نہم ۶۴
لعبا ششم ۶۹
ولعبا پنجم ۶۲ + ۷۰ ہفتم ۴۹
لاعبين بیست یکم ۱۶

چہل چہارم ۳۸
اللاعبين بیست یکم ۵۶

لعل
سے سیتم ۶۳ چہل دوم ۱۶
شصت پنجم ۱
لعلي دوازدہم ۴۶ بیستم ۱۰
بیست سیتم ۱۰۳ بیست ششم ۲۹
۳۸ چہلم ۳۸
لعلك بیستم ۱۳ بیست ششم ۳
فلعلك یازدہم ۱۲ ہجدہم ۵
لعله بیستم ۴۴ بیست یکم ۱۱۱
ہشتادم ۳
لعلنا بیست ششم ۳۹
ولعلهم ہفتم ۱۶۴ + ۱۷۲
شانزدہم ۴۶

لعن
لعن حصتم ۶۴
لعنت ہفتم ۳۶
لعنا چہارم ۵۰
لعنهم چہارم ۱۱۸ پنجم ۶۵
ولعنه چہارم ۹۵
لعنهم دوم ۸۳ چہارم ۴۹
۵ سے سیتم ۵۷ چہل ہفتم ۲۵
ولعنهم نہم ۶۹ چہل ششم ۶
لعناهم پنجم ۱۶
ويلعن بیست نہم ۲۴
يلعن چہارم ۵۵
يلعنهم دوم ۱۵۴
ويلعنهم دوم ۱۵۴
يلعنهم چہارم ۵۰
والعنهم سے سیتم ۶۸
لعن پنجم ۸۳
لعنوا بیست چہارم ۲۳
ولعنوا پنجم ۶۹
لعنا سے سیتم ۶۸
لعنة دوم ۱۵۶ ہفتم ۴۴
یازدہم ۲۱
فلعنة دوم ۸۳
اللعنة سیزدہم ۲۵ چہلم ۵۵
لعنة ہشتم ۵۲ + ۸۱ بیست
چہارم ۷
لعنة یازدہم ۶۳ + ۱۰۱
بیست ششم ۴۲
اللعنة پانزدہم ۳۵
لعنة سے ششم ۷۹
اللاعنون دوم ۱۵۹
ملعونين سے سیتم ۶۱
الملعونة ہفدہم ۶۲

لغب
لغوب سے پنجم ۳۲
لغوب پنجاهم ۳۷

لغى
والغوا چہل یکم ۲۵
لغو پنجاه دوم ۲۳
اللغو بیست سیتم ۳
باللغو دوم ۲۲۵ پنجم
۹۱ بیست پنجم ۷۲
لغوا نوزدہم ۶۳ پنجاه
۲۴ ہفتاد ششم ۳۵
اللغو بیست ششم ۵۵
لاغية ہشتاد ششم ۱۱

لف
والتفت ہفتاد پنجم ۲۹
ألفافا ہفتاد ششم ۱۶
لفيفا ہفدہم ۱۰۶

لفت
يلتفت یازدہم ۸۳
پانزدہم ۶۵
لتلفتنا دہم ۷۹

لفح
تلفح بیست سیتم ۱۰۶

لفظ
يلفظ پنجاهم ۱۷

لفى
والفيا دوازدہم ۲۵
الفوا سے ہفتم ۶۷
ألفينا دوم ۱۶۵

لقب
بالألقاب چہل نہم ۱۱

لقح
لواقح پانزدہم ۲۲

لقط
فالتقطه بیست ہشتم ۷
يلتقطه دوازدہم ۱۰

لقف
تلقف بیستم ۱۱۴ بیست ششم ۴۵
تلقف بیستم ۷۲

لقم
فالتقمه سے ہفتم ۱۴۲
لقمان سے یکم ۱۲
لقمان سے یکم ۱۱

لقى
لقيا ہجدہم ۷۳
لقوا دوم ۱۳ + ۷۱
سیوم ۱۱۹ + ۴۷
چہل ہفتم ۴
لقينا ہجدہم ۶۱
لقوكم سیتم ۱۱۵
يلقوا بیست پنجم ۶۸
يلقون نوزدہم ۶۰
يلقاه ہفدہم ۱۴
يلقوه نہم ۷۸ سے سیتم ۴۳

تلقوه سیتم ۱۳۷
ولقاهم ہفتاد ششم ۱۱
ليلقى بیست ہفتم ۶
ويلقون بیست پنجم ۷۵
يلقاها بیست ششم ۸۰ چہل
یکم ۳۵
يلاقوا چہل سیتم ۸۳ پنجاه
دوم ۴۵ ہفتادم ۴۲
فالقى ہفتم ۱۰۴ بیست ششم
۳۱ + ۴۴
والقى ہفتم ۱۴۹ شانزدہم
۱۵ سے یکم ۹
والقت ہشتاد چہارم ۴
والقيت بیستم ۳۹
ألقوا ہفتم ۱۱۳ دہم ۸۰
فألقوا شانزدہم ۸۸
بیست ششم ۴۳
فألقوا شانزدہم ۳۰
وألقوا چہارم ۹۴ شانزدہم ۸۹
وألقيا پنجم ۶۹ پانزدہم ۱۹
سے ششم ۳۳ پنجاهم ۷
ألقاه دوازدہم ۹۶
ألقاها چہارم ۱۶۹
فألقاها بیستم ۲۱
يلقى بیست دوم ۵۱ + ۵۲
چہلم ۱۵
يلقى ہفتم ۱۱۲ بیستم ۶۸
سألقي ہشتم ۱۲
يلقون سیتم ۳ بیست ششم ۲۲۳
ويلقوا چہارم ۹۳
يلقون شصتم ۱
سيلقى سیتم ۱۴۳ ہفتاد یکم ۵
فيلقيه بیستم ۳۹
ألقى ہفتم ۱۱۳ بیست ششم ۳۱
وألقى بیستم ۷۲ بیست ہفتم ۱۰
ألقيا پنجاهم ۲۳
ألقوا ہفتم ۱۱۳ دہم ۸۰
بیستم ۶۹ بیست ششم ۴۲
فألقيه بیست ہشتم ۶
فألقه بیست ہفتم ۲۸
ألقها بیستم ۲۰
فألقاه پنجاهم ۲۵
فاسقوه دوازدہم ۹۳ سے ہفتم ۹۵
والقوه دوازدہم ۱۰
ألقى بیست ہفتم ۲۹ چہل
سیتم ۵۳ شصت ہفتم ۸
وألقى پنجاه چہارم ۲۵
فألقى بیستم ۳ بیست ششم ۴۵
وألقى ہفتم ۱۱۷
ألقوا بیست ۱۴ شصت ہفتم ۷
يلقى بیست پنجم ۹ بیست ششم ۱

---

۸۶ چہل یکم ۴۰
فتلقى ہفدہم ۴۱
تلقوا دوم ۱۹۱
فتلقى دوم ۳۵
تلقون بیست چہارم ۱۴
يلقى پنجاهم ۱۶
ويتلقاهم بیست یکم ۱۰۳
التقى سیتم ۱۴۹ + ۱۶۰ شتم ۴۱
فالتقى پنجاه چہارم ۱۲
التقتا سیتم ۱۱
التقيتم ہشتم ۴۶
يلتقيان پنجاه پنجم ۱۹
لاقيه بیست ہشتم ۶۱
لقاء چہل یکم ۵۴
ولقاء ہفتم ۱۴۵ سے ام ۱۵
لقائه سے دوم ۲۳
ولقائه ہجدہم ۱۰۵ بیست ششم ۲۲
لقاءنا دہم ۷ + ۱۲ + ۱۶
بیست پنجم ۲۳
بلقاء دہم ۱۶
تلقاء ہفتم ۴۵ بیست ششم ۲۱
التلاق چہلم ۱۵
ملاقي شصت نہم ۲۰
ملاقوا دوم ۴۳ + ۲۵۹
یازدہم ۳
ملاقيكم شصت دوم ۸
ملاقوه دوم ۲۲۳
ملاقيه ہشتاد چہارم ۶
ملقون دہم ۸۰ بیست ششم ۴۳
الملقين ہفتم ۱۱۲
فالملقيات ہفتاد ہفتم ۵
المتلقيان پنجاهم ۱۶
ولكني ہفتم ۵۹ + ۶۵ یازدہم
۳۱ چہل ششم ۲۲
ولكنه ہفتم ۱۷۵
لكنا ہجدہم ۳۶
ولكنا بیستم ۹۰ بیست ششم ۴۵
ولكنكم سے ام ۵۶ پنجاه
ہفتم ۱۳
ولكنهم نہم ۵۶

لمم
لما ہشتادم ۲۰
اللمم پنجاه سیتم ۳۲

لمح
كلمح شانزدہم ۷۹
كلمح پنجاه چہارم ۵۰

لمز
يلمزون نہم ۸۰
تلمزوا چہل نہم ۱۱
يلمزك نہم ۵۸
لمزة صد چہارم ۱

لمس
لامستم چہارم ۴۶ پنجم ۹
لمسنا ہفتاد دوم ۸
فلمسوه ششم ۷
فالتمسوا پنجاه ہفتم ۱۳

الن
ألن سیتم ۱۲۰

لهب
لهب صد یازدہم ۱
اللهب ہفتاد یکم ۳۱

لهث
يلهث ہفتم ۱۷۵ م

لهم
فألهمها نود یکم ۸

لهى
ألهاكم صد دوم ۱
ويلههم پانزدہم ۳
تلهكم شصت سیتم ۹
تلهى ہشتادم ۱۰
تلهيهم بیست چہارم ۳۷
لهو بیست نہم ۶۴
ولهو ششم ۳۲ چہل ہفتم
۳۸ پنجاه ہفتم ۱۹
اللهو شصت دوم ۱۱
لهو سے یکم ۵
لهوا ہفتم ۴۹ بیست یکم
۱۷ شصت دوم ۱۱
ولهوا ششم ۶۹
لاهية بیست یکم ۳
فلو ششم ۱۵۰ بیست ششم
۱۰۲ چہل ہفتم ۲۳

لات
ولات سے ہشتم ۲
اللات پنجاه سیتم ۱۹

لاح
لوح ہشتاد پنجم ۲۲
ألواح پنجاه چہارم ۱۳
الألواح ہفتم ۱۴۲
الألواح ہفتم ۱۴۹ + ۱۵۳
لواحة ہفتاد چہارم ۲۹

لاذ
لواذا بیست چہارم ۶۳

لوط
لوط یازدہم ۸۳ بیست ششم ۱۶۷
لوط بیست ششم ۱۶۱ بیست
نہم ۲۵
لوطا یازدہم ۷۹ بیست نہم
۳۱ + ۳۲ سے ہفتم ۱۳۳

لام
المستغني دوازدہم ۳۲
[illegible] چہاردہم ۲۷

ولوموا

باب اللام والذال والراء والزاء والسین...
لحد لحف لحق لحم لحن لحى لد لدن لذ لزب لزم لسن لطف لظى لعب لعل لعن لغب لغى لف لفت لفح لفظ لفى لقب لقح لقط لقف لقم لقى لمم لمح لمز لمس الن لهب لهث لهم لهى

افضل ناس قومی هستند که ایمان میاورند بپیغمبری که بوده و سفیدی نقش است زیرا که حجت خدا از ایشان غایب است وجه دوم اینکه بر گردن آنحضرت بیعت احدی از جبابره نباشد
چنانکه از حضرت باقر و حضرت صادق ع و حضرت رضا ع مرویست که القائم منا ان لا یکون لاحد فی عنقه بیعة اذا خرج بالسیف و وجه سیم آنکه در آنجناب جاری گردد امور
در انبیاء سابقین بوده چنانچه سدیر از حضرت صادق ع روایت ۰ نموده که فرمودند چون خداوند لازم گردانیده که جاری نماید (۵۳۹) در آنحضرت
سنت انبیاء سابقه را در غیبتهای ایشان و بدرستیکه زمان غیبت آنحضرت بعد از زمان غیبت ایشان خواهد بود و هر چه ما را از حضرت

فصل الواو

ولوموا چهاردهم ۲۷
بلا ئموں شصت هشتم ۳
لومہ پنجم ۵۹
لائم پنجم ۵۹
اللوامة هفتاد پنجم ۲
ملوم پنجاه بکره ۵۴
ملوما هفدهم ۲۲+۳۹
ملومین بیست ۶ هفتاد
ملیم سی هفتم ۱۴۲ پنجاه
لان
لونها دوم ۶۴ م
الوانه شانزدهم ۱۳ +۷۱
سی پنجم ۲۵ سی نهم ۲۲
الوانها سی پنجم ۲۵ م
و الوانکم سی ۲۱
لوی
یلون سیم ۷۲
تلون سیم ۱۴۷
تلووا چهارم ۱۳۴
لیا چهارم ۴۸
لووا شصتم ۵
لیت بیست ۷۹ سی شش
۲۵ چهل سیم ۳۷
لیتها شصت نهم ۲۷
لیتنا سیم ۲۷ پنجم ۶۶
لیت دوم ۱۰۷ م
و لیت چهارم ۲۲
لست چهارم ۹۶ شش ۱۶۰
سیزدهم ۴۳ هشتاد ۳۲
لست ششم ۶۶
الست هفتم ۱۷۱
لبسوا نهم ۱۰۹ ششم ۸۹
لسنم پنجم ۷۲ پانزدهم ۲
و لسنم دوم ۲۷۰
لستن سی سیم ۳۲
لیل
الیل ششم ۷۶ سی ۳۷
۴۰ چهل بکره ۳۷
بلیل بیست ۷۲
و الیل سی هفتم ۱۳۸
و الیل هفتاد چهارم ۳۶
هشتاد چهارم ۱۷ هشتاد
نهم ۳ نود یکم ۴ نود دوم
۱ نود سیم ۲
لیال نوزدهم ۱ شصت هشتم
و لیال هشتاد نهم ۱
لیالی سی چهارم ۱۷
لیلها هفتاد نهم ۲۹
لیلة نود هفتم ۳ +۲
لیلة نود ششم ۱
لیلة چهل چهارم ۲

لیلة دوم ۱۸۳
لیلة دوم ۴۸ هفتم ۱۳۸ م
لیلا دوم ۴۵ چهارم ۱۶۳
پنجاه هفتم ۲۹
لان
لنت سیم ۱۵۹
تلین سی نهم ۲۳
و النا سی چهارم ۱۰
لینة پنجاه نهم ۵
لینا بیستم ۴۴
باب المیم
بم بیست هفتم ۳۵
فبم پانزدهم ۵۴
و بما سیم ۷۳ چهل ۳۸
نهم ۷ چهلم ۷۲ + ۷۵
چهل ششم ۱۹
عم هفتاد هشتم ۱
افما سی هفتم ۵۶
فیم چهل ۹۹ هفتاد نهم ۴۳
لما دوم ۶۹ حج سیم ۷۵
شصت هشتم ۳۸ + ۳۹
فلم دوم ۸۹ سیم ۵۹
۱۸۰ پنجم ۳ و لما بیست بکره ۶۷
مم هشتاد ششم ۵
ماه
ماءً دوم ۲۶۳
ماءً ششم ۶۶ + ۶۷
ماءً سی هفتم ۱۴۷
ماءً پنجاه نهم ۲۴
ماءً دوم ۲۶ م بیست
چهارم ۲
مائین ششم ۶۶ + ۶۷
متع
متعت چهل سیم ۲۸
متعنا پانزدهم ۸۸ بیستم
۱۳۱ بیست بکره ۴۵
متعناهم بیست پنجم ۱۹
متعناه بیست ششم ۶۱
متعناهم بیست ششم ۲۰۵
فمتعناهم سی هفتم ۱۴۸
و متعناهم دهم ۹۸
یمتعکم یازدهم ۳
فامتعه دوم ۱۲۰
امتعکن سی سیم ۲۸
نمتعهم سی بکره ۲۳
ستمتعهم یازدهم ۵۰
فمتعوهن سی سیم ۴۸
و متعوهن دوم ۲۳۷
یمتعون بیست ششم ۲۰۷
یمتعون سی سیم ۱۶

تمتع دوم ۱۹۲
تمتعوا یازدهم ۶۸ چهارم
۳۵ پنجاه بکره ۴۳
فتمتعوا شانزدهم ۵۷ سی ۴۳
و تمتعوا هفتاد هفتم ۴۶
یتمتعون چهل هفتم ۱۳
و لیتمتعوا بیست نهم ۶۶
و یتمتعوا پانزدهم ۳
تمتع سی نهم ۱۱
استمتع ششم ۱۲۸ نهم ۷۰
فاستمتعوا نهم ۷۰
استمتعتم چهارم ۲۸
فاستمتعتم نهم ۷۰
و استمتعتم چهل ششم ۱۹
متاع بیست ۶۰ چهل
دوم ۳۴
و متاع دوم ۲۴ هفتم
۲۳ بیست بکره ۱۱۱
متاع سیزدهم ۱۸
متاع دهم ۲۴ بیست ششم
و متاعا شانزدهم ۸۲
سی ششم ۴۴ پنجاه ششم ۷۳
متاعنا دوازدهم ۱۷
متاعنا دوازدهم ۷۹
متاعهم دوازدهم ۶۵
و امتعتکم چهارم ۱۰۳
متن
المتین هفتم ۱۸۲ شصت ۴۵
المتین پنجاه بکره ۵۸
مثل
فتمثل نوزدهم ۱۷
مثل دوم ۲۲۸ + ۲۳۳
۲۷۶ چهارم ۱۲ + ۱۷۵
پنجم ۹۶ سی پنجم ۱۵
المثل سی هفتم ۵۹
بمثل دوم ۱۳۱ + ۱۹۰
شانزدهم ۱۲۷ هفدهم
۹۰ بیست دوم ۵۹
مثله سیم ۱۳۴ هفتم
۱۶۸ سیزدهم ۱۸
مثلها چهل دوم ۳۸
هشتادم ۷
مثلنا چهاردهم ۱۲ بیست
۱۵۴ + ۱۸۶ سی ششم ۱۴
مثلکم چهاردهم ۱۳ بیست
۱۱۰ بیست بکره ۳ بیست
۲۴ + ۳۴ چهل بکره ۵
مثلهم چهارم ۱۳۹
مثله هفدهم ۹۰ بیستم ۱۰۹
کمثله چهل دوم ۹
لمثله بیست چهارم ۱۶
مثلها دوم ۱۰۰

بمثلها دهم ۲۸
مثلنا بیست نهم ۴۹
و مثله پنجم ۳ سیزدهم ۱۸
سی نهم ۴۸
مثلها ششم ۱۶ چهلم ۴۳
مثلنا یازدهم ۲۹
مثلکم بیست ششم ۳۶
مثلهم هفدهم ۱۰ سی ۸۱
و مثلهم بیست بکره ۸۴ سی ۴۲
مثلهن شصت پنجم ۱۲
مثلها سیم ۱۵۹
مثلهم ستم ۱۱
و مثل دوم ۶۶ + ۱۶۷
چهاردهم ۳۱
مثل بیست دوم ۷۲
المثل شانزدهم ۶۲ سی ۲۶
مثل هفدهم ۹ بیستم ۵
سی ۵۸ سی نهم ۲۸
بمثل بیست پنجم ۳۵
مثل سیم ۵۲ بیستم ۴۳
و مثلا بیست چهارم ۳۴
چهل نهم ۵۶
الامثال بیست نهم ۴۲
پنجاه نهم ۲۱
کامثال پنجاه ششم ۲۲
مثله ششم ۱۲۲
بمثله دوم ۲۶ هفتم ۱۷۵
مثلهم دوم ۱۴ چهل ۲۹
و مثلهم چهل ششم ۲۹
امثالها چهل هفتم ۱۱
امثالکم ششم ۳۸ هفتم ۱۹۳
امثالهم بیستم ۱۰۴
امثالها ششم ۱۶۱
امثالکم چهل هفتم ۴۰
پنجاه ششم ۶۱
امثالهم چهل هفتم ۳
هفتاد ششم ۲۸
المثلات سیزدهم ۷
المثلی بیستم ۶۶
التماثیل بیست بکره ۵۳
و تماثیل سی چهارم ۱۲
و ماجوج بیست بکره ۹۶
و ماجوج بیستم ۹۳
مجد
مجید یازدهم ۷۶ هشتاد
پنجم ۲۱
المجید هشتاد پنجم ۱۵
المجید پنجاهم ۱
مجس
و المجوس بیست ششم ۱۷
محص
و لیمحص سیم ۱۳۵ + ۱۴۸

محو
یمحو دوم ۲۷۷
و یمحو سیم ۱۳۵
محل
المحال سیزدهم ۱۴
محن
امتحن چهل نهم ۳
فامتحنوهن شصتم ۱۰
محا
فمحونا هفدهم ۱۳
یمحوا سیزدهم ۳۹
و یمح چهل دوم ۲۳
مخر
مواخر شانزدهم ۱۴ سی پنجم ۱۳
مد
مد سیزدهم ۳ بیست پنجم ۴۷
مددناها پانزدهم ۱۹ پنجاهم
فلیمدد نوزدهم ۷۶ بیست دوم ۱۵
تمدن پانزدهم ۸۸ بیستم ۱۳۰
و نمد نوزدهم ۸۲
یمده سی بکره ۲۶
و یمدهم دوم ۱۴
یمددکم هفتم ۲۰۱
مدت هشتاد چهارم ۳
امدکم بیست ششم ۱۳۲ + ۱۳۳
و امددناکم هفدهم ۶
و امددناهم پنجاه دوم ۲۲
نمد هفدهم ۲۱
یمددکم سیم ۱۲۰
یمددکم سیم ۱۲۱
و یمددکم هفتاد یکم ۱۱
اتمدونن بیست هفتم ۳۶
نمدهم بیست سیم ۵۷
مدا نوزدهم ۷۶ + ۸۲
مددا هجدهم ۱۰۹
مددا هجدهم ۱۰۹
مدتهم نهم ۴
ممدودة پنجاه ششم ۲۹
ممدودا هفتاد چهارم ۱۲
ممددة صد چهارم ۹
ممدکم ششم ۹
مدن
المدینة بیست ششم ۱۴
المدائن هفتم ۱۰۸ بیست
ششم ۳۵ + ۵۳
لمدین یازدهم ۹۸
مر
مر دوم ۲۶۱ دهم ۱۳
یازدهم ۴ بیست ششم ۹۰
مرت هفتم ۱۸۹
مروا بیست پنجم ۷۲ م
هشتاد سیم ۳

تمر بیست هفتم ۹۰
یمرون دوازدهم ۱۰۵
لتمرون سی هفتم ۱۳۷
مرة نهم ۸ + ۱۲۷ بیستم ۳۷
مرتان دوم ۲۲۹
مرتین نهم ۱۰۲ + ۱۲۷
هفدهم ۴ بیست ششم ۵۴ سی ۳۱
مرات بیست چهارم ۵۷
مرة پنجاه سیم ۶
و امر پنجاه چهارم ۴۶
مستمر پنجاه چهارم ۲
مستمر پنجاه چهارم ۱۹
مرء
المرء هشتادم ۴۰ هشتاد ۳۴
المرء دوم ۹۶ هشتم ۲۴
مریئا چهارم ۳
امرؤ چهارم ۱۷۵
امرئ نوزدهم ۲۹
امرأ سیم ۳۱ دوم ۱۳۰ ۵۱
امرأة بیستم ۸
امرأة چهارم ۱۵ + ۱۲۷
امرأة شصت ششم ۱۰ + ۱۱
و امرأة شصت ششم ۱۰
امرأة بیست هفتم ۲۳
و امرأة سی سیم ۴۹
و امرأتان دوم ۲۸۲
امرأتین بیست هشتم ۲۳
امرأتی نوزدهم ۵ + ۹
و امرأتی سیم ۳۵
امرأته پنجاه بکره ۲۹
و امرأته یازدهم ۷۴ صد یازده
لامرأته دوازدهم ۲۱
امرأتک یازدهم ۸۱ بیست
نهم ۳۲
امرأته هفتم ۸۱ پانزدهم ۶۰
بیست هفتم ۵۸ بیست نهم ۳۱
ماروت
و ماروت دوم ۹۶
مرج
بیست پنجم ۵۵ پنجاه پنجم ۱۹
مارج پنجاه پنجم ۱۴
مریج پنجاهم ۵
و المرجان پنجاه پنجم ۲۲ ۵۸
مرح
تمرحون چهلم ۷۵
مرحا هفدهم ۳۷ سی بکره
مرد
مردوا نهم ۱۰۲
مارد سی هفتم ۷
مرید بیست دوم ۳
مریدا چهارم ۱۱۷

ممرد بیست هفتم ۴۴
مرض
مرضت بیست ششم ۸۰
مرضا دوم ۹
المریض بیست چهارم ۶۰
چهل هشتم ۱۷
مریضا دوم ۱۸۴ + ۱۸۵ + ۱۹۶
مرضی چهارم ۴۳ + ۱۰۲ پنجم ۹
مرو
و المروة دوم ۱۵۳
مار
تمار هجدهم ۲۲
یمارون چهل دوم ۱۷
افتمارونه پنجاه سیم ۱۲
فتماروا پنجاه چهارم ۳۶
تتماری پنجاه سیم ۵۶
یمترون پانزدهم ۶۳
نوزدهم ۳۵
تمترون ششم ۲ چهلم ۵۰
تمتری چهل یکم ۶۱
الممترین دوم ۱۴۷ سیم
۵۳ ششم ۱۱۴ دهم ۹۴
مریة یازدهم ۲۲ + ۱۱۱
بیست دوم ۵۴ سی دوم
۲۳ چهل یکم ۵۴
مراء هجدهم ۲۲
مریم
سیم ۳۲ + ۳۷ + ۳۸
۴۰ نوزدهم ۲۸
مریم در حالت نصبی سیم ۳۱
۳۹ نوزدهم ۱۶
و مریم شصت ششم ۱۲
مزج
و مزاجه هشتاد سیم ۲۷
مزاجها هفتاد ششم ۵ + ۱۷
مزق
و مزقناهم سی چهارم ۱۸
مزقتم سی چهارم ۷
ممزق سی چهارم ۱۸
مزن
المزن پنجاه ششم ۶۸
متی
متی هفتم ۱۸۸
یازدهم ۵۴ بیست بکره
۸۳ سی ششم ۴۰
متی دهم ۱۳ هفدهم ۸۵
چهل بکره ۴۹ + ۵۱ هفتاد
۲۰ + ۲۱
متی دوازدهم ۸ پنجاهم ۳۷
متی شانزدهم ۵۵
هفدهم ۴۰
متکم هشتم ۹ بیست چهارم ۱۴
متهم هفتم ۲۰۰

متم

صادق ع مرویست که علت در غیبت اصحاب انستکه دولتهای باطله منقضی گردد تا انکه کسی از ایشان نگوید که هرگاه من پادشاه میشدم هر اینه عدالت را چنان میبودم پس خدا و سلطنت را
اول با هادا د چونکه دولت هدی باید منتهی بقیامت شود و بعد از او ملکی از برای غیر ال محمد نیست پس از برای کسی حجتی باقی نماند بر خدا وند تعالی و وجه پنجم ملاحظه
واقع اصلاب (۵ع ۵۴۵) ارحام ما چنانچه از حضرت صادق ع مرویست که فرمود

باب المیم

علت در عدم خروج اعضرت انستکه خداوند در کلام مجید فرموده لو
تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذابا الیما راوی عرض کرد که مراد از تزیل ایشان چیست فرمود امانتهای مؤمن که در اصلاب کافر یاست پس حضرت

منع دوتبر ۱۰۸ هفدهم ۹۶ بجد ۵۳ منعک هفتم ۱۱ بجد ۹۴ سه شتم ۷۵ منعنا هفتم ۶۱ منتهم تم ۵۴ ویمنعون صد هفتم ۷ تمنعهم بیت بکر ۴۴ وتمنعکم چهارم ۱۰۴ منع دوازدهم ۶۳ ما نعتهم پنجاه نهم ۲ منوعا هفتادم ۲۱ مناع پنجاهم ۲۴ شصت شتم ۱۲ ممنوعة پنجاه شتم ۳۱	واملی چهل هفتم ۲۷ املیت بیت دوتبر ۴۷ واملیت سیزدهم ۳۲ بیت دوتبر ۴۳ واملی هفتم ۱۸۲ شصت شتم ۴۵ نملی ستم ۱۷۲ م نملی بیت پنجم ۶ ملیا نوزدهم ۴۷	پنجاه شتم ۵۳ ملح بیت پنجم ۵۵	دمکرو سه پنجم ۴۱ مکر ادم ۳۲ بیت هفتم ۵۱ م هفتادم بکر ۲۱ مکرهم سیزدهم ۲۳ چهاردهم ۴۷ م مکرهم بیت هفتم ۵۲	یتمطی هفتاد پنجم ۳۳	چهارم ۱۹ شصت پنجم ۲ استمسک دوتبر ۲۵۷ سه بکر ۲۱	فتنه یازدهم ۱۳ چهارم ۵ متنهم دوتبر ۲۱ دهم ۲۲ بیت بکر ۴۷
		ملق		مع		

مهد

ظهور نخواهد کرد تا زمانیکه امانتهای خداوند تمامی از اصلاب بیرون آید انگاه خروج نماید مؤلف گوید که ظاهر است که منافی در میان این وجوه نیست زیرا که ممکن است که هر یک از این علت بوده باشد بحسب اقتضای مقام امامی یکی از اینها اکتفا نموده باشد شبهه دویم آنست که نفع بوجود (۱۴۱ه) حضرت مرتبه نیست در حال غیبت پس وجود وعدم او مساوی باشد پس ممکن است که بعد از غیبت آنحضرت وفات کرده باشد و هر وقت خدا مصلحت داند او را از عدم نماید و جواب از این شبهه بعد از آنکه مقدمه نیز ظاهر است و بر ما نیست که ذکر منافع وجود آنحضرت نمائیم ولکن من باب تبرع بذکر بعضی از آن میپردازیم اول آنکه بعد از وجود آنجناب نمی

فصل الطاء و عشره

- تَمَهَّلِ هشتاد ششم ۱۷
- وَمَهِّلْهُمْ هفتاد ششم ۱۱
- مَهِّلْهُمْ هشتاد ششم ۱۷
- مَهْلَكَ بیست هفتم ۵
- كَالْمُهْلِ بجد ہم ۲۸
- جهل چہارم ۴۵ ہفتاد
- تَمَهَّلَ ہفتم ۱۲۹

مهن

- مَهِينٍ جهل سیم ۵۱
- مَهِينٌ سی دویم ۷ شصت
- ششم ۱ ہفتاد ہفتم ۲

مات

- مَاتَ سیم ۱۴۲ نہم ۵
- مِتَّ بیست یکم ۳۵
- مِتُّ نوزدہم ۲۳ + ۶۷
- مَاتُوا سیم ۱۵ بیست دویم
- ۵۷ جہل ہفتم ۳۶
- وَمَاتُوا دویم ۱۵ سیم
- ۸۵ نہم ۸۵ + ۱۲۶
- مِتْنَا سیم ۱۵ + ۱۵۲
- مِتْنَا بیست سیم ۱۴ سی
- ہفتم ۱ + ۵۱ پنجاہم ۳
- پنجاہ ششم ۴۷
- تَمُوتُ دویم ۲۱۴
- تَمُوتُ سی یکم ۳۴
- تَمُوتَ سیم ۱۳۹
- تَمُتْ سی نہم ۴۳
- أَمُوتُ نوزدہم ۳۴
- يَمُوتُونَ چہارم ۲۲
- فَيَمُوتُوا سی پنجم ۳۳
- يَمُوتُونَ ہفتم ۲۴
- تَمُوتُنَّ دویم ۱۲ سیم ۹۷
- يَمُوتُ بیست سیم ۳۹
- جہل پنجم ۲۳
- أَمَاتَ پنجاہ سیم ۴۵
- أَمَاتَهُ ہشتادم ۲۱
- فَأَمَاتَهُ دویم ۲۶۱
- أَمَتَّنَا جہلم ۱۱
- وَيُمِيتُ دویم ۲۶ سیم ۱۵۰
- وَأُمِيتُ دویم ۲۶۰
- وَيُمِيتُ یازدہم ۲۳
- پنجاہم ۴۲
- يُمِيتُنِي بیست ششم ۸۱
- يُمِيتُكُمْ دویم ۲۸ بیست
- دویم ۶۶ جہارم ۳۹
- جہل پنجم ۲۵
- مُوتُوا دویم ۲۴۴
- سیم ۱۱۵
- مَوْتًا بیست پنجم ۴
- مُوتِهِ جہارم ۱۵۹
- سی جہارم ۱۳

- مَوْتِكُمْ دویم ۵۴
- مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ جہل سیم ۱۰
- جہل نہم ۱۲ پنجاہم ۱۱
- أَمْوَاتٌ دویم ۱۴۹
- شانزدہم ۲۱
- الْأَمْوَاتُ سی پنجم ۲۱
- أَمْوَاتًا دویم ۲۸ سیم ۱۶۹
- وَأَمْوَاتًا ہفتادم ۲۶
- مَيِّتٌ سی نہم ۳۱
- مَيِّتٍ ہفتم ۵۷ سی پنجم ۱۰
- مَيِّتُونَ جہارم ۳۰
- الْمَيِّتِ سیم ۲۷ ششم ۹۵
- دہم ۳۱ سی ام ۱۸
- مَيْتًا ششم ۱۲۲
- الْمَيِّتِ سیم ۲۶ دہم ۳۱
- سی ام ۱۸
- مَيِّتُونَ سی نہم ۳۱
- لَمَيِّتُونَ بیست سیم ۱۵
- مَيِّتِينَ سی ہفتم ۵
- الْمَوْتِ جہل جہارم ۵
- مَوْتَتَنَا جہل جہارم ۳۴
- مَوْتَكُمْ سی ہفتم ۵۷
- الْمَيْتَةُ پنجم ۳ سی ششم ۳۳
- مَيْتَةً ششم ۱۴۵ ہفتادم ۱۴
- الْمَيْتَةُ دویم ۱۷۳ شانزدہم
- الْمَمَاتِ ہفدہم ۷۷
- وَمَمَاتِي ششم ۱۶۳
- وَمَمَاتُهُمْ جہل پنجم ۲۰

موج

- يَمُوجُ ہجدہم ۹۹
- مَوْجٌ بیست جہارم ۴۰
- سی یکم ۳۱
- الْمَوْجُ دہم ۲۳ یازدہم ۴۵
- مَوْجٍ یازدہم ۴۲

مور

- تَمُورُ پنجاہ دویم ۹
- شصت ہفتم ۱۶
- مَوْرًا پنجاہ دویم ۹

موسی

- مُوسَى ہفتم ۱۲۸
- لِمُوسَى دہم ۸۳
- وَمُوسَى بیست سیم ۴۷ سی ششم
- ۷ ہشتاد ہفتم ۱۹

مال

- مَالُ بیست ششم ۸۸
- الْمَالُ ہجدہم ۴۴
- مَالِ بیست جہارم ۳۳
- مَالِ بیست ششم ۵۷
- شصت ششم ۱۴
- بِمَالٍ بیست ہفتم ۳
- الْمَالِ دویم ۲۴۸
- مَالٌ ششم ۱۴ ہفتاد و یکم ۱۴ ہفتم ۳

- الْمَالَ دویم ۱۷۷
- ہشتادم ۲۱
- وَأَمْوَالُ نہم ۲۴
- أَمْوَالِ دویم ۱۸۸ سی ۳۸
- بِأَمْوَالِ ہفدہم ۶
- ہفتاد یکم ۱۱
- الْأَمْوَالِ دویم ۱۵ ہفدہم
- ۶۴ پنجاہ ہفتم ۱۹
- أَمْوَالَ جہارم ۱۱ + ۱۵۹ نہم ۳۴
- أَمْوَالَ نہم ۷ سی جہارم ۳۴
- وَأَمْوَالٍ ہم ۸۸
- مَالِيَهْ شصت نہم ۲۸
- مَالُهُ ہفتاد یکم ۲۹ نود
- دویم ۱۱ صد یازدہم ۲
- مَالَكَ نود دویم ۱۸
- صد جہارم ۳
- أَمْوَالُنَا جہل ششم ۱۱
- أَمْوَالُكُمْ ششم ۲۸ سی جہارم
- ۳۶ شصت ۹ سیم شصت
- جہارم ۱۹
- أَمْوَالُهُمْ سیم ۱۱۲ ۸ نہم ۵۵
- ۸۶ پنجاہ ششم ۱۸
- أَمْوَالِنَا نہم ۸۹
- أَمْوَالِكُمْ دویم ۲۷۹
- سیم ۱۸۶ جہارم ۲
- بِأَمْوَالِكُمْ جہارم ۲۸
- نہم ۱۴ شصت یکم ۱۱
- أَمْوَالِهِمْ جہارم ۳۸ نہم
- ۱۰۳ دہم ۸۸ پنجاہ
- یکم ۱۹ ہفتادم ۲۴
- وَأَمْوَالِهِمْ پنجاہ نہم ۸
- أَمْوَالَكُمْ دویم ۱۸۸ جہارم
- ۲۹ + ۳۳ جہل ہفتم ۳۸
- وَأَمْوَالَهُمْ نہم ۱۱۲ سی سیم ۲۷

ماء

- الْمَاءَ دویم یازدہم ۴
- ۴۳ پنجاہ جہارم ۱۲
- شصت نہم ۱۱
- بِمَاءٍ سیزدہم ۴ ہجدہم ۲۸
- پنجاہ جہارم ۱۱ منصب
- کالْمُهْلِ دہم ۲۵ ہجدہم ۴۳
- مَاءَ بیست ششم ۲۲
- وَمَاءٍ پنجاہ ششم ۳۰
- مَاؤُهَا ہجدہم ۳۹
- مَاؤُكُمْ شصت ہفتم ۳۰
- مَاءِ یازدہم ۴۴
- مَاءَهَا ہفتاد نہم ۳۱

ماد

- تَمِيدَ شانزدہم ۱۵ بیست
- یکم ۳۲ سی یکم ۹
- مَائِدَةً پنجم ۱۱۲ + ۱۱۴

مار

- وَيَمِيرُ دوازدہم ۶۵

مار

- تَمُورُ سیم ۱۷۳
- نُمِيرُ ہشتم ۳۸
- تَمَارَى شصت ہفتم ۸
- وَأَمْطَارًا سی ششم ۵

مال

- فَمِيلُونَ جہارم ۱۰۳
- تَمِيلُوا جہارم ۱۲۸ + ۳۲
- الْمَيْلَ جہارم ۱۲۹
- مَيْلًا جہارم ۳۲
- مَيْلَةً جہارم ۱۰۳

باب النون

- ن شصت ششم ۱

نا

- نَبَأَ نہم ۵۲ بیست سیم ۳۵
- بیست یکم ۴۸ بیست ششم ۸۲
- وَلِنَا دویم ۱۳۳

نای

- وَنَأَى ہفدہم ۸۳ جہل
- یکم ۵۱
- وَيَنْأَوْنَ ششم ۲۶

نبا

- نَبَأَتْ شصت ششم ۳
- نَبَّأَنِي شصت ششم ۳
- نَبَّأَهَا شصت ششم ۳
- نَبَّأْنَا نہم ۹۵
- نَبَّأْتُكُمَا دوازدہم ۳۷
- أَتُنَبِّئُونَ دہم ۱۹
- فَلَنُنَبِّئَنَّ جہل یکم ۵۰
- يُنَبِّئُكَ سی پنجم ۱۵
- يُنَبِّئُكُمْ ششم ۶۰
- سی جہارم ۷
- يُنَبِّئُهُمْ پنجم ۱۴ ششم ۱۷
- ۱۶۰ پنجاہ ششم ۸
- يُنَبِّئُهُمْ ششم ۱۰۸ بیست
- جہارم ۶۴ پنجاہ ششم ۷
- يُنَبِّئُهُمْ ہم ۶۵
- لَتُنَبِّئَنَّهُمْ دوازدہم ۱۵
- سَأُنَبِّئُكَ ہجدہم ۷۸
- أُنَبِّئُكُمْ سیم ۱۵ دوازدہم
- ۴۵ بیست ششم ۲۲۱
- أَأُنَبِّئُكُمْ سیم ۱۳
- فَأُنَبِّئُكُمْ پنجم ۷
- سی یکم ۱۴
- أَأُنَبِّئُكُمْ بیست دویم ۲۱۰
- وَأُنَبِّئُكُمْ سیم ۴۹
- تُنَبِّئُونَهُ سیزدہم
- ۳۳
- نُنَبِّئُكُمْ ہجدہم ۱۰۳

- فَيُنَبِّئُكُمْ دہم ۲۳
- فَيُنَبِّئُهُمْ سی یکم ۲۲
- نَبِّئْ یازدہم ۴۹
- نَبِّئْنَا دوازدہم ۳۶
- وَنَبِّئْهُمْ پانزدہم ۵۱
- پنجاہ جہارم ۲۸
- تُنَبِّئُونَ ششم ۱۴۴
- نَبِّأْ ہفتاد دویم ۱۳
- نُبِّئَ پنجاہ سیم ۳۷
- لَتُنَبَّؤُنَّ شصت جہارم ۷
- أَنْبِئْ شصت ششم ۳
- أَنْبِئْهُمْ دویم ۳۱
- أَنْبِئْهُمْ دویم ۳۳
- أَنْبِئُونِي دویم ۳۱
- وَيَسْتَنْبِئُونَكَ دہم ۵۳
- نَبَأُ نہم ۷ جہارم ۹
- سی ششم ۲ شصت جہارم ۵
- نَبَأُ سی ششم ۶۷
- نَبَإِ ششم ۳۴
- بیست ششم ۲
- نَبَأٍ ششم ۶۷
- نَبَأُ بیست ہفتم ۲۲ جہل
- النَّبَإِ ہفتاد ششم ۲
- نَبَأَ پنجم ۳۰ ہفتم ۱۲۴
- دہم ۷۲ بیست ششم ۶۹
- أَنْبَاءُ ششم ۵ بیست ششم
- الْأَنْبَاءُ بیست ششم ۶۶
- أَنْبَاءِ سیم ۴۴ یازدہم ۴۹
- ۵۱ + ۱۰۲ دوازدہم ۱۰۲ بیست
- الْأَنْبَاءِ پنجاہ جہارم ۴
- نَبَأُهُ سی ہشتم ۸۸
- نَبَأَهُمْ ہجدہم ۱۲
- أَنْبَاءُهَا ہفتم ۹۹
- أَنْبِئُكُمْ سیم ۳۰
- لِنَبِيِّ دویم ۲۴۷
- سیم ۶۸ ۱۵۵ ششم ۱۸
- النَّبِيِّ ہفتم ۱۵۸
- نہم ۱۱۸ سیم ۳۰
- ۳۲ + ۳۸ + ۵۳
- ۶۵ جہل نہم ۲
- النَّبِيَّ نہم ۱۱۴ سیم ۴۹
- وَالنَّبِيِّ پنجم ۸۱
- نَبِيًّا نوزدہم ۴۱ + ۲
- ۵۰ + ۵۱ + ۵۴ + ۵۵
- ۵۷ سی ہفتم ۱۱۲
- وَنَبِيًّا سیم ۳۹
- النَّبِيِّ ہفتم ۱۵۷ نہم ۶۱
- سی سیم ۱ + ۱۳ شصت
- ششم ۸
- النَّبِيُّونَ دویم ۱۳۶ پنجم ۴۴
- وَالنَّبِيُّونَ سیم ۷۸

- بِالنَّبِيِّينَ سی نہم ۶۹
- وَالنَّبِيِّينَ دویم ۱۷۷
- سیم ۸۱ جہارم ۱۴۱
- الْأَنْبِيَاءَ دویم ۹۱ پنجم ۲۰
- الْأَنْبِيَاءَ سیم ۱۱۲ + ۱۸۱
- جہارم ۱۵۵ ۲۴۹
- النَّبِيِّينَ دویم ۲۱۳ + ۲۴۸
- النُّبُوَّةَ بیست نہم ۲۷
- پنجاہ ہفتم ۲۶ ۸۹
- وَالنُّبُوَّةَ سیم ۷۹ ششم
- جہل پنجم ۱۶

نبت

- تَنْبُتُ بیستم ۲۰
- أَنْبَتَتْ دویم ۲۶۱
- وَأَنْبَتَتْ بیست دویم ۵
- أَنْبَتْنَا بیست ششم ۷ سی
- فَأَنْبَتْنَا بیست ہفتم ۶۰ سی
- ہشتادم ۲۷
- وَأَنْبَتْنَا پانزدہم ۱۹ سی
- ہفتم ۱۴۶ پنجاہم ۷
- وَأَنْبَتَهَا سیم ۳۷
- أَنْبَتَكُمْ ہفتاد یکم ۱۷
- يُنْبِتُ شانزدہم ۱۱
- نَبَتَ دہم ۲۴ سی ششم ۵
- تَنْبُتُ بیست ہفتم ۶۰
- نَبَاتُ ششم ۹۹ ہجدہم ۴۵
- نَبَاتِ بیستم ۵۳
- نَبَاتُ ششم ۹۹
- نَبَاتًا سیم ۳۷ ہفتاد یکم
- وَنَبَاتًا ہفتاد ہشتم ۱۵
- نَبَاتُهُ ہفدہم ۵۷ پنجاہ ہفتم

نبذ

- نَبَذَ دویم ۱۰۱
- نَبَذَهُ دویم ۱۰۰
- فَنَبَذُوهُ سیم ۱۸۷
- فَنَبَذْنَاهُ بیست ہشتم ۴۰
- فَنَبَذْنَاهُمْ بیست ہشتم ۴۰
- پنجاہ یکم ۴۰
- فَانْبِذْ ہشتم ۵۸
- لَيُنْبَذَنَّ شصت سیم ۴
- لَنُبِذَ صد جہارم ۴
- فَنَبَذْتُهَا نوزدہم ۹۶
- انْتَبَذَتْ نوزدہم ۱۶

نبز

- تَنَابَزُوا جہل نہم ۱۱

نبط

- يَسْتَنْبِطُونَهُ جہارم ۸۳

نبع

- يَنْبُوعًا ہفدہم ۹۰
- يَنَابِيعَ سی نہم ۲۱

نتق

- نَتَقْنَا ہفتم ۱۷۱

نثر

- انْتَثَرَتْ ہشتاد دویم ۲
- مَنْثُورًا بیست پنجم ۲۳ ہفتاد
- ششم ۱۹

نجد

- النَّجْدَيْنِ نودم ۱۰

نجس

- نَجَسٌ نہم ۲۸

نجل

- وَالْإِنْجِيلَ سیم ۳
- الْإِنْجِيلِ پنجاہ ہفتم ۲۹ جہارم
- وَالْإِنْجِيلَ ہفتم ۱۵۷ نہم ۱۱۲
- الْإِنْجِيلِ پنجم ۵۰ پنجاہ ہفتم ۲۷
- وَالْإِنْجِيلَ سیم ۶۵ + ۴۸
- پنجم ۶۶ + ۶۸ + ۱۱۰

نجم

- النَّجْمُ ہشتاد ششم ۳
- وَالنَّجْمُ پنجاہ پنجم ۶
- وَبِالنَّجْمِ شانزدہم ۱۶
- وَالنَّجْمِ پنجاہ سیم ۱
- النُّجُومِ ہفتاد ہفتم ۸
- ہشتاد یکم ۲
- وَالنُّجُومُ شانزدہم ۱۲
- بیست دویم ۱۸
- النُّجُومُ سی ہفتم ۸۸ پنجاہ
- دویم ۴۹ پنجاہ ششم ۷۵
- النُّجُومُ ہشتم ۹۷
- وَالنُّجُومُ ہفتم ۵۴

نجو

- نَجِيًّا دوازدہم ۸۰
- نَجْوَى بیست ششم ۲۵
- نَجَّنَا یازدہم ۵۸ + ۶۶ + ۹۴
- ۲۱ جہل جہارم ۲۹
- وَنَجَّيْنَا جہل یکم ۱۸
- نَجَّانَا ہفتم ۸۹ بیست سیم ۲۸
- نَجَاكُمْ ہفدہم ۶۷
- نَجَّاهُمْ بیست ہشتم ۶۵
- فَنَجَّيْنَاكَ بیستم ۴۱
- نَجَّيْنَاهُ سی ہفتم ۱۳۴
- وَنَجَّيْنَاهُ بیست یکم ۷۱ + ۷۴
- ۸۸ سی ہفتم ۷۴
- فَنَجَّيْنَاهُ دہم ۷۳ بیست یکم
- ۷۶ بیست ششم ۱۷۰
- وَنَجَّيْنَاهُمْ سی ہفتم ۱۱۵
- نَجَّيْنَاكُمْ دویم ۴۹
- نَجَّيْنَاهُمْ پنجاہ جہارم ۳۴
- وَنَجَّيْنَاهُمْ یازدہم ۵۸
- يُنَجِّي ... ۶۱
- يُنَجِّي دہم ۱۰۳

چھے بر خداوند برای عبادت نیست اما اگر آنحضرت نبود انسان را ہرسید کہ بگوید اگر مجھے در میان ما بود ہرآینہ اطاعت میکردیم او را و بوظایف عبادت و بندگی میرسیدیم و این وجہ منبی است بر آنکہ وجود آنحضرت لطف باشد و لطف بر خداوند لازم بوده باشد و این دو مقدمہ در جا باول گذشت و حاصل آن آنست کہ وجود انجاب لطف است کہ بر ۵۴۲ خداوند واجبست و تصرف آنحضرت لطفی است کہ باحتیاج عباد است قبل ایشان ہرگاه ترک نمایند آنچہ را مغلوق با ایشان آید نباید خداوند نیز آنچہ را بر او لازم است ترک نماید چنانچہ ملاحظہ سنت سابقہ بر این شاهد است پس میگوییم منفعت وجود آنحضرت در حال غیـ

باب النون

نجیکم ششم ۶۴ ۶۳
نجیك دہم ۹۲
لننجینہ بیست نہم ۳۱
نجی بیست ششم ۱۶۹
بیست ششم ۲۰
ونجینی بیست ششم ۱۱۹
شصت ششم ۱۱ م
ونجنا دہم ۶ ۸
فنجی دوازدہم ۱۱۰
ناجنیم پنجاه ششم ۱۳
انجینا ہفتم ۱۶ یازده
وانجینا بیست ششم ۶
بیست ہفتم ۵۴
فانجاه بیست نہم ۲۳
انجاکم چہاردہم ۶
انجاهم دہم ۲۳
انجینا ششم ۶۳ دہم ۷۳
فانجیناه ہفتم ۶۴ ۷۲
بیست ششم ۱۸ الیس ۸۱
بیست نہم ۱۴
انجیناکم ہفتم ۱۴۱ الیس ۸۲
فانجیناه دوم ۴۷
فانجینہم بیست نہم ۹
نجی بیست نہم ۸۸
ناج دہم ۱۰۳
نجیہم ہفدہم ۱۴
نجیکم شصت نہم ۱
تناجیتم پنجاه ششم ۹
وتناجوا پنجاه ششم ۱۰
تتناجوا پنجاه ششم ۱۰
ناج دوازدہم ۴۲
انجاه چہلم ۴۴
نجاه دوازدہم نوزدہم ۵۳
نجوی ہفدہم پنجاه ۴۷
النجوی بیست ششم
ہفتم ۳ پنجاه ششم ۱۰
نجواہم چہارم ۱۱۴
ونجواہم نہم ۷۹ چہلم
فنجواه بیست نہم ۳۲
النجوم یازدہم ۵۹

نحب

نحبہ سیم ۲۳

نحت

تنحتون یازدہم ۸۲
تنحتون سی ہفتم ۹۳
وتنحتون ہفتم ۷۲
بیست ششم ۱۴۹
نحس
نحس پنجاه چہارم ۱۹
نحسات چہل یکم ۱۵

وکحاس پنجاه پنجم ۳۵

نحل

النحل شانزدہم ۷۰
نحلۃ چہارم ۳
انحن سی چہارم ۳۱
لنحن یازدہم ۳۳ نوزدہم
بیست ششم ۲۳ سی ہفتم ۷۱

نخر

نخرۃ ہفتاد نہم ۱۱

نخل

ونخل پنجاه پنجم ۶۸
والنخل پنجاه پنجم ۱۰
نخل پنجاه چہارم ۲۹ شصت
نخل پنجم ۳۱
ونخل بیست ششم ۱۴۸
النخل ششم ۹۹ بیستم ۷
ونخلا شانزدہم ۲۹
والنخل ششم ۱۴۱ پنجاه
النخل نوزدہم ۲۳ ۲۵
ونخل سیزدہم ۴
نخیل دوم ۲۶۶ ہفدہم
۹۱ بیست ششم ۱۹ سی ششم
النخل شانزدہم ۶
والنخل شانزدہم ۱۱

ند

اندادا دوم ۲۲ ۱۶۵
چہلم ۳۹ سی چہارم
سی ہفتم چہل یکم ۸

ندم

نادمین پنجم ۵۲
۴۲ بیست ششم ۵۷ پنجم
النادمین پنجم ۳۱
الیدامۃ دہم ۵۴
چہارم سی چہارم
فنادی بیست یکم ۸۷
ہفتاد نہم ۲۳
ونادی ہفتم ۴۸
یازدہم ۴۵ چہل
سیم ۵
فنادوا ہفتاد نہم ۴۸
پنجاه
جہارم ۲۹
ونادوا ہفتم ۴۴
نادیتم پنجم ۶۳
نادینا بیست ششم ۴۶
نادتہ ہفتاد نہم ۱۶
ونادینا نوزدہم ۲۴
ونادینا ہفتم ۳۱
نادانا سی ہفتم ۷۳
فناداہ سیم ۳۳
وناداہ ہفتم ۲۲
ونادیناہ سی ہفتم ۱۰۴
ونادا ہفتم ۱۵۰

بنادہم بیست ششم ۶۲
۶۵ ۷۴ چہل یکم ۴۷
ینادونك چہل نہم ۴
ینادی نہم پنجاه ہفتم ۱۳
فادوا پنجم ۵۰
نودی بیستم ۱۱
بیست ششم ۸ شصت دوم
ونودوا ہفتم ۴۳
ینادون چہل ۱۰ چہل یکم
فنادوا شصت ۲۱
نادیہ نود ششم ۱۷
نادیتم بیست نہم ۲۸
نداء نوزدہم ۳
ونداء دوم ۱۶۶
تدنیا نوزدہم ۷۴
المنادی پنجاه ۴۰
منادیا سیم ۱۹۰
التناد چہلم ۳۴

نذر

نذرت سیم ۳۱ نوزدہم ۲۷
نذرتم دوم ۲۷۳
انذر چہل ششم ۳
انذرہم بیست ۳۹
وانذرہم نوزدہم ۳۹
وانذرہم چہل ششم ۱۴
وانذرتکم نود دوم ۱۴
انذر ہفتاد ہشتم ۴۰
لینذر ہفدہم ۲
چہلم چہل یکم ۱۱
وینذر ہفدہم ۳
ینذر بیست ششم ۲۱
لینذر ہفتاد ششم
لینذرہم دوم ۳۶
چہارم
ولینذرہم ششم ۹۲
ولتنذر نوزدہم ۹۲
چہلم دوم ۵
ولینذروا نہم ۱۲۲
لینذر ہفتاد ۲۷۰
ینذرکم دوم ۶
چہارم ۴۹
ونذیرا ہفتاد
الانذر ششم ۱۹
وینذر و نذر ششم ۱۳
نذیر ۷۱
انذرتہم ہفتاد یکم
فانذرتکم ہفتاد ۳
فانذرتکم دوم ۲۱۴
۴۳ بیست ششم ۲۱۴
انذر واشانزدہم ۲
فانذرہم نوزدہم ۳۹
چہلم ۱۸

انذر سیم ۵
انذروا بیستم ۵۲
چہل ششم ۲
ینذرون بیست ششم
ولینذر واہم نہم ۱۲۲
نذر دوم ۲۷۳
چہلم ششم ۵۱
پنجاه چہارم ۴۱
والنذر دہم ۱۰۱
النذر پنجاه سیم ۵۲
بالنذر پنجاه چہارم ۲۳
۳۳ ۲۳ ۳
وتنذر پنجاه چہارم
۳۹
۱۸ ۲۳ ۳۰ ۳۷
وتنذر بیست ۲۲
لتنذر یازدہم ۸۹
سی ہفتم ۳۴
تنذرہم بیست ششم
تنذرہم دوم ۲۷۳
انذر چہل ششم ۳
انذرتکم پنجاه ۳۶
منذر سی ہشتم ۴۵
منذرون بیست ششم
المنذر چہل ۸
منذرین ششم
جہاه ۴۵
۴۳ ۲۳
جہلم ۲۰۹
وسیدین دوم ۲۰۹
جہاه ۱۶۳ ششم
پنجم ۵
المنذرین بیست ششم
بیست ہفتم ۹۴
المنذرین ششم ۷۴

نزع

ونزع ہفتم ۴۳ ششم
ونزعنا ہفتم ۴۳ یازدہم
۴۲ بیست ششم ۷۴
تنزعنا یازدہم ۱۲
تنزع بیست ۲۶
تنزع پنجاه ۲۰
تنازع سیم ۴۵
ینزع نوزدہم ۶۹
تنازعہم ہفتاد ۳۶
تنازعتم سیم ۴۸
تنازعوا ہشتم ۴۵
تنازعتم چہارم ۵۹
وتنازعتم سیم ۱۵۲
چہلم ۴۵

وتنازعتم ہشتم ۱۴۵
یتنازعون بیست ۲
پنجاه ۲۳
والنازعات ہفتاد نہم ۱

نزغ

نزغ دوازدہم ۱۰۱
ینزغ ہفدہم ۵۳
نزغ ہفتم ۲۰۰
چہل یکم ۳۶

نزف

ینزفون سی ہفتم ۴۷
پنجاه ششم ۱۹

نزل

نزل سیم ۱۹۸
تنزیل سی چہارم ۶
تنزیلا
فنزلنا دوم ۹۹
تنزلنا بیست ۲۲
ہفتاد ۳۸
لنزلنا ہفدہم ۹۳
ونزلنا نوزدہم ۹۱
نزلنا ہفتم ۸۲
نزلہ دوم ۹۷ شانزدہم
نزلنا بیست ششم ۱۹۳
ونزلناه ہفدہم ۱۰۶
نزل شانزدہم ۱۰۲
چہلم
تنزیل چہلم ۲
پنجم
تنزل چہارم
نزل یازدہم ۸
نزل ہفتاد
تنزل ششم
ینزل سی ۴
ینزل دوم ۹۹
ینزل دوم ۹۰
ینزل سیم ۸۷

انزلت دوم ۳۸
فانزلنا دوم ۵۹
ہفتم ۵۵ یازدہم ۲۶
انزل ہفتم ۴۴ بیست
انزل سیزدہم ۷۳ شصت
انزلت سیم
انزلنا بیست ۹۳
انزل نہم ۱۱۴
انزل بیست نہم ۳۰
انزل سی ششم ۷
انزل بیست ۴۵
نزل بیست ششم ۲۱
انزلنا ششم ۵۱
۱۲۸ ۱۲۵
ہفتم ۳۲
تنزل شصت ۱۲
تنزیل چہل یکم ۲
تنزل بیست ۳۰
تنزیل بیست ۲۲۱
نزلنا نود ہفتم ۴
تنزلوا پنجاه ششم ۲
تنزلنا ششم ۳
تنزل پنجاه ۱۳
تنزیل دوم ۲۹
تنزیل ششم ۴
جہلم پنجاه
تنزیل بیست ششم ۹۳
تنزیلا بیست ۲۰
پنجاه ششم ۴ شصت
تنزیل سیم
تنزیلا ہفتاد ۲۷
بیستم ۳ بیست
منزل ششم
منزل بیست ۲۳
منزل دوم
منزلین سیم
منزلون پنجاه ۶۹
منزلین سیم ۲۴
المنزلین دوازدہم ۵۹
بیست سیم ۳۰
منزلا بیست ۳۰
منزلین سیم ۱۲۴

نسء

النسیء نہم ۳۷
منساتہ سی چہارم ۱۳

نسب

نسبا بیست پنجم ۵
نسبا ہفتم ۱۵۸
انساب بیست ۱۰۱

نسخ

فینسخ بیست دوم ۵
ننسخ دوم ۱۰۶
نستنسخ چہل نہم ۲۸
نسختہا ہفتم ۱۵۳

نسر

ونسرا ہفتاد یکم ۲۳

نسف

ینسفہا بیستم ۱۰۵
لننسفنہ بیستم ۹۷
نسفت ہفتاد ہفتم
نسفا بیستم ۹۷ ۱۰۵

نسك

ناسکوہ بیست دوم ۶۷
نسك دوم ۱۹۶
ونسکی ششم ۱۶۳
منسکا بیست دوم ۳۴
مناسکنا دوم ۱۲۸
مناسککم دوم ۱۹۶

نسل

ینسلون بیست یکم ۹۶
سی ششم ۵۱
والنسل دوم ۲۰۵
نسلہ سی دوم ۷

نسی

سی نہم ۱۱
فنسی بیستم ۱۱۴ ۸۸
وتنسی بیستم
ننسہا دوم ۱۰۶
فلنسوا پنجم ۱۳
ونسوا ششم ۴۴
تنسون دوم ۴۴
تنساه دوم ۲۸
ننسیہم ہفتم ۵۱
فننساہم ہفتم ۵۱
نسوا پنجاه ششم ۶۷
ونسوا ہفتم ۲۷
نسیتم سیم ۱۹
ونسوا نہم ۶۷
ونسیتم پنجاه ششم
تنسونا نہم ۲۲۸
تنساکم چہلم ۳۳
تنساہم ہفتم ۵۱
لاننی بیست ۱۲۶
انسانیہ بیستم ۶۳
فانسانہ دوازدہم ۴۲
فاننساہم پنجاه ششم ۲۰
بیستم ۱۹
انساکم بیست ہفتم
فلننسک شانزدہم

عیث مثل منفعت وجود حضرت نوح است که هفصد و پنجاه سال قوم خود را دعوت نمود کسی از ایشان ایمان باو نیاورد مگر قلیلی و هیچ کس را نمیرسد که بگوید بر وجود نوح در ان وقت فایده و نفعی مترتب نبود پس وجود و عدم او یکسان بود و همچنین است حال سایر انبیاء در ابتدای دعوت و حال سید انبیاء ص در مدت چهل سال که مامور بر تبلیغ نبودند آیا میرسد کسی را که بگوید بر وجود آنحضرت در مدت چهل سال هیچ نفعی متصور نبود بلکه وجود و عدم آن برابر بوده تعالی عما یقولون وجه دوم آنکه بسیاری از شیعه در زمان

فصل النون و الشین و غیره

۵۴۳

تنبهاد و تم ادبیا	انشاء بنجاه ششم ۳	وانصحوا هفتم ۲۰۳	والنصر ناد و بر ۲۵۱	منتصرا مجادله ۴۱	ششم ۵	بحیلک سه ششم ۲۳	
نشأ	المنشئون بنجاه ششم	نصح	ستم ۱۴۱	منتصرین بنجاه یکم ۴۵	والنظر بنجاه نهم ۱۸	نعس	
ننشوه د واز د ۳	المنشئات بنجاه پنجم ۲۴	وتنصحن هفتم	نتصرون یازدهم ۱۱۵	المنتصرین بیست ششم ۸۱	انظر هفتم ۱۳۹	نعاسا سیم ۱۴۸	
	نشر			نصف		النعاس هشتم ۱۱	
		نصوح		نضح		نعق	
		نصر		نضد		نعل	
				نضر		نعم	
	نشط			نطح			
	نصب			نطق	نخ		
نشا	نصت			نظر			

ناعم

عیبت انجناب از انجناب منقطع گردیده اند و ذکر آن انجمله در باب چهارم خواهد آمد انشاء الله (وحید بیم) انکه ایمان با انجناب در زمان غیبت اجر شیعیان بمراتب عظیم مضاعف میگردد چنانچه سابق بیان آن نموده ایم علاوه ثوابی که در انتظار فرج انحضرت بعماد فرمود قسم بخدای عماد نمی میرد از شما کسی که در حالتیکه منتظر فرج آل محمد است پس بشارت باد شما را (چهارم) انکه بسبب تمدد ظهور انحضرت محمد ظلم در حال ظهور انجناب نیست چنانچه مرویست که حضرت صادق علیه مکرر در نزد خدا افضلست از بسیاری از شهدای بدر واحد و تعدی بمظلوم اسان شود زیراکه طمع در بلاغ موجب تیکن

باب النّون

باعمه هشتاد هشتم ٨
ونعمة چهل چهارم ٢٦
النعمر هفتاد دوم ١١
نعمه سی هفتم ٥٥
نعمه بیست ششم ٢١ شصت ششم ٤٠
بنعمة با بنعمت
سی یکم ٣ پنجاه دوم ٢٩
شصت ششم ٢ نود دوم
افبنعمة شانزدهم ٧٣
وبنعمة شانزدهم ٧٤
بیست نهم ٦٧
بنعمة شانزدهم ٩ نود دوم
بنعمة سیوم ١٦٨+٤٦
نعمة ششم ٥ سی نهم ١١
٥٥ پنجاه چهارم ٣٤
ونعمة چهل نهم ٨
بنعمی دوم ٣٨+٤٤
١١٤+١٤٥ پنجم ١٠٩+١٠٥
بنعمة سیوم ٩٨
نعمتک بیست هفتم ١٩
چهل ششم ١٤
نعمة پنجم ٩ دوازدهم
شانزدهم ٨٣ چهل
نعمه سی یکم ١٩
بانعم شانزدهم ١١٣
لانعمه شانزدهم ١٢٢
نعیم هفتم ٢١
نعیم پنجاه ششم ٨٨ هفتاد
٣٨ هشتاد ١٣ هشتاد
سیوم ٢٢
ونعیم پنجاه دوم ١٢
نعما هفتاد ششم ٢
نعماء یازدهم ١٣
فسینغضون هفدهم ٥١

نفث

النفاثات صد سیزدهم ٤

نفح

نفحة بیست یکم ٤٦

نفخ

ونفخ سی دوم ٨
ونفخت پانزدهم ٢٩
سی ششم ٧٢
فنفخنا بیست یکم ٩١
شصت ششم ١٢
نفخ پنجم ١١٠
فانفخ سیوم ٤٩
فانفخوا پنجم ٩٥
نفخ بیست ششم ٣ بیست
نهم ٦٨ شصت ٣
ونفخ پنجم ٩٩ سی ششم

٥١ سی نهم ٦٢ پنجاهم ١٩
بنعمة ششم ٢٣ بیستم ١٠٢
بیست هفتم ٨٩ هفتاد ششم ١١
نعمة شصت نهم ١٣

نفد

لنفد هجدهم ١٠٩
نفدت سی یکم ٢٦
ینفد شانزدهم ٩٦
تنفد هجدهم ١٠٩
نفاد سی ششم ٥٤

نفذ

تنفذون پنجاه پنجم ٣٣
تنفذوا پنجاه پنجم ٣٣
فانفذوا پنجاه پنجم ٣٣

نفر

نفر نهم ١٢٣
استنفروا هفتم ١٢
تنفروا نهم ٣٩+٢ ٨
انفروا چهارم ٧٢ نهم ٣٨ ٤١
نفرة هفتاد دوم ١
نفرا هجدهم ٣٤ چهل ششم ٢٨
فانفروا چهارم ٧٣
ونفور شصت هفتم ٢١
نفورا هفدهم ٤١+٤٦
بیست پنجم ٦٠ سی پنجم ٤٢
نفیرا هفدهم ٦
مستنفرة هفتاد چهارم ٥١

نفس

تنفس هشتاد یکم ١٨
فلیتنافس هشتاد سیوم ٢٦
النفس هشتاد نهم ٢٧
نفس دوازدهم ٦٨
کنفس سی یکم ٢٧
النفس ششم ٩٣ ادهم ١٠٠
هشتاد دوم ١٩
ونفس نود یکم ٧
بالنفس پنجم ٤٩
هفتاد پنجم ٢ النفوس هشتاد یکم ٧
الانفس چهارم ١٢٧
چهل سیوم ٧١ پنجاه سیوم ٢٣
الانفس شانزدهم ٧
والانفس دوم ١٥٠
الانفس سی نهم ٤٢
نفسک سی پنجم ٩
نفسه پنجم ٣٣ پنجاهم ١٥
لنفسه هفتم ٨٨ ادهم ٥
دوازدهم ٥ بیستم ٤٣
نفسک چهارم ٨١
پنجم ١١٦ هفتم ٢٠٤
سی سیوم ٣٧

بنفسک هفدهم ١٥
فلنفسه ششم ١٠٤ سی نهم
٤٢ چهل پنجم ٤ چهل و
پنجم ١٤
نفسها شانزدهم ١١٢
نفسک چهارم ٨٦
پنجم ٤+٢٧ بیستم
نفسه دوم ٢٠٣ ١٢٤ ٢٣١ سیوم ٢٨+٣٢ چهارم
١١٠ شصت پنجم ١
نفسها سی سیوم ٤٩
نفوسکم هفدهم ٢٦
انفسکم دوم ١٨ دوم
٨٣+١٨ چهل یکم ٣
وانفسهم سی دوم ٧
انفسنا ششم ١٣٠
فلا انفسکم دوم ٢٢
وانفسکم سیوم ١٨٣ نهم ٤١
شصت یکم ١١
بانفسهم شصت یکم ١٢٣ هشتم ٥٥
نهم ١٢١ سیزدهم ١٢
بیست چهارم ١٢
لانفسهم سیوم ١٢ سیزدهم
١٧ بیست پنجم ٤
فلا انفسهم سی ام ٤٣
انفسهن دوم ٢٣٤
بانفسهن دوم ٢٢٨
انفسنا هفتم ٢٢
وانفسنا سیوم ٥٤
وانفسکم سیوم ٥٤
وانفسهم هفتم ١٧
المتنافسون هشتاد سیوم ٢٦

نفش

نفشت بیست یکم ٧٨
المنفوش صد یکم ٤

نفع

نفعت هشتاد هفتم ٩
فنفعها دهم ٩٨
تنفع بیستم ١٠٨ سی چهارم
٢٣ پنجاه یکم ٥٥
ینفعک دهم ١٠٦
ینفعهم بیست دوم ١٣
ینفعنا ششم ٧٠
ینفعنا دوازدهم ٢١ بیست
ششم ٨
ینفعکم یازدهم ٣٤
بیست یکم ٦٧
ینفعکم سی سیوم ١٦
چهل سیوم ٣٨
ینفعهم دوم ٩ دهم ١٩
بیست ٥٧ چهلم

تنفعه هشتادم ٤
تنفعها دوم ١٢٣
تنفعکم شصتم ٣
تنفعهم هفتاد چهارم ٤٨
ینفعونکم بیست ششم ٧٣
نفعهم بیست دوم ١٣
نفعهما دوم ٢١٦
منافع بیست دوم ٣٣
بیست ششم ٢١ سی ششم ٧٣
چهلم ٨٠
ومنافع دوم ٢١٩
شانزدهم ٥ پنجاه هفتم ٢٥
منافع بیست دوم ٢٩

نفق

فانفقوا ششم ١٦ پنجاه
هفتم ١١
انفق هجدهم ٤٠
پنجاه هفتم ١٠
انفقت هشتم ٦٤
وانفقوا چهارم ٤٣
سیزدهم ٢٢ سی پنجم ٢٩
پنجاه هفتم ٧
انفقتم دوم ٢٧٣+٢٧٠
سی چهارم ٣٩ شصت
ینفق دوم ٢٦٤ پنجم
٦٤ نهم ٩٩ ١٠٠
شانزدهم ٧٥
لینفق شصت پنجم ٧
فلینفق شصت پنجم ٧
وینفقوا چهارم ٣٦
ینفقوا دوم ٢٧٢
سیوم ٩٢ هشتم ٦٢
پنجاه هفتم ١٠ شصت
ینفقون دوم ٣
لتنفقوا چهل هفتم ٣٨
انفقوا دوم ٢٥٤
نهم ٥٣ سی ششم ٤٧
فانفقوا شصت پنجم ٦
وانفقوا دوم ١٩١ پنجاه
هفتم ٧ شصت سیوم ١٠
شصت چهارم ١٦
ینفقونها نهم ٣٤
فسینفقونها هشتم ٣٦
نفقة یازدهم ٩٣
نفقا ششم ٣٥
النفاق نهم ١٠٢
نفاقا نهم ٧٨
ونفاق نهم ٩٨
تنفقوا دوم ٢٧٣
تنفقوا نهم ١٢٢
نفقاتهم نهم ٥٤

الانفاق هفدهم ١٠٢
منافقون نهم ١٠٢
والمنافقین نهم ٧٤ سی
سیوم ٤٧+٦٠ شصت
والمنافقات نهم ٦٨
پنجاه هفتم ١٣
والمنافقات نهم ٦٩
سی سیوم ٧٣ چهل هشتم
والمنافقین ششم ١٩

نفل

الانفال هشتم ١
الانفال هشتم ١
نافلة هفدهم ٨١
بیست یکم ٧٢

نفی

ینفوا پنجم ٣٧

نقب

فنقبوا پنجاهم ٣٥
نقبا هجدهم ٩٦
نقیبا پنجم ١٥

نقذ

فانقذکم سیوم ٩٩
ینقذ سی ششم ٢٠
ینقذون سی ششم ٤٣
یستنقذوه بیست دوم ٧٢

نقر

نقر هفتاد چهارم ٨
نقیرا چهارم ٥٣+١٢٣
الناقور هفتاد چهارم ٨

نقص

ننقص پنجاهم ٤
تنقصوا یازدهم ٨٤
ینقصوکم نهم ٤
ننقصها سیزدهم ٤١
بیست یکم ٤٤
ینقص سی پنجم ١٢
انقص هفتاد سیوم ٣
ونقص دوم ١٥٥ هفتم ١٣٠
منقوص یازدهم ١١١

نقض

نقضت شانزدهم ٩٢
ینقضون دوم ٢٧
سیزدهم ٢٥ سیزدهم ٢٠
تنقضوا شانزدهم ٩١
انقض نود چهارم ٣
نقضهم چهارم ١٥٤
پنجم ١٣

نقع

نقعا صد یکم ٤

نقم

نقموا نهم ٧٤ هشتاد
پنجم ٨
تنقم هفتم ١٢٦
تنقمون پنجم ٥٩
انتقمنا چهل سیوم ٥٥
فانتقمنا هفتم ١٣٦
پانزدهم ٧٩ سی ام ٤٧
چهل سیوم ٢٥
فینتقم پنجم ٩٥
انتقام سیوم ٤ پنجم ٩٥
چهاردهم ٤٧ سی نهم ٣٧
منتقمون سی دوم ٢٢
چهل سیوم ٤١ چهل چهارم ١٦

نکب

لناکبون بیست سیوم ٧٤
مناکبها شصت هفتم ١٥

نکث

نکث چهل هشتم ١٠
نکثوا نهم ١٢+١٣
ینکث چهل هشتم ١٠
ینکثون هفتم ١٣٥ چهل سیوم ٥٠
انکاثا شانزدهم ٩٢

نکح

نکح چهارم ٢٦
نکحتم سی سیوم ٤٨
ینکح بیست چهارم ٣
تنکحوا چهارم ٢٢
تنکحوا دوم ٢٢٣
تنکحن دوم ٢٣٢
تنکحوا دوم ٢٢٠ چهارم ٣
سی سیوم ٥٣
ینکحها بیست چهارم ٣
تنکحوهن چهارم ١٢٦
شصتم ١٠
فانکحوا چهارم ٣
فانکحوهن چهارم ٢٥
ینکحوا دوم ٢٢٠
وانکحوا بیست چهارم ٣٢
انکحک بیست هشتم ٢٧
یستنکحها سی سیوم ٤٩
النکاح دوم ٢٣٥+٢٣٧
نکاحا بیست چهارم ٣٣+٥٩
النکاح چهارم ٥

نکد

نکدا هفتم ٥٨

نکر

نکرهم یازدهم ٧٣
نکروا بیست هفتم ٤١
نکیر سیزدهم ٣٦
تنکرون چهلم ٨١
نکرونها شانزدهم ٨٣

نکرا هجدهم ٧٤+٨٧
شصت پنجم ٨
نکر پنجاه چهارم ٦
نکیر بیست دوم ٤٤
سی چهارم ٤٥ سی پنجم ٢٦
٢٤ شصت هفتم ١٨
نکیر چهل دوم ٤٧
انکر سی یکم ١٨
منکرون دوازدهم ٥٨
بیست یکم ٥٠ بیست
منکرة شانزدهم ٢٢
منکر پنجاه هشتم ٢
بالمنکر نهم ٦٧
والمنکر شانزدهم ٩٠
بیست چهارم ٢١ بیست نهم ٤٥
منکرا پنجاه هشتم ٢
المنکر بیست دوم ٧٢
بیست نهم ٢٨
منکرون پانزدهم ٦٢
پنجاه یکم ٢٥

نکس

نکسوا بیست یکم ٦٥
ننکسه سی ششم ٦٨
ناکسوا سی دوم ١٢

نکص

نکص هشتم ٤٨
تنکصون بیست سیوم ٦٦

نکف

یستنکفوا چهارم ١٧٢
یستنکف چهارم ١٧٢
یستنکف چهارم ١٧٣

نکل

انکالا هفتاد سیوم ١٢
نکال هفتاد نهم ٢٥
نکالا دوم ٦٦ پنجم ٣٨
تنکیلا چهارم ٨٤

نمّ

بنمیم شصت هشتم ١١

نمرق

ونمارق هشتاد هشتم ١٥

نمل

النمل بیست هفتم ١٨
نملة بیست هفتم ١٨
الانامل سیوم ١١٩

نهج

ومنهاجا پنجم ٤٨

نهر

تنهر نود سیوم ١٠
انهرها هجدهم ٣٣
انهارا چهل هفتم ١٥
[illegible]

فانعم افبنعمة نعمتک فسینغضون النفاثات لنفد تنفذون نفر مستنفرة تنفس نفوسکم نفشت نفعت نافقوا الانفال ینفوا فانقذکم نقعا

تسکین خاطر است (وحده نجم) انکه هرگاه شیعه بداند که آنحضرت موجود است و بحال ایشان ناظر است و اعمال ایشان را در هر روز در کتاب صحایف الاعمال
عرضه میدارند بر آنحضرت و آنچه را اگر قابل اصلاح است اصلاح میفرمایند چنانچه در بعضی از روایات وارد است البته معصیت را کمتر مینمایند از جهة
حیاء از امام عصر یا بجهة انکه صحیفه انسان از قابلیت اصلاح بیرون نرود بجهة توسل آنحضرت و این
بس عظیم و لطفی است بس عمیم (وحده ششم) انکه در بعضی روایات سابقه بان اشاره گردید در مکاتبه که شیخ کلینی روات ... (۵۳۵) فایده بیست و ...

فصل الهاء و غیرها

انهارا بیست هفتم ۶۲
هفتاد یکم ۱۱
وانهارا سیزدهم ۳
شانزدهم ۱۵
الانهار ششم چهاردهم
۳۷ هفدهم ۹۳
بنهر دوم ۲۵۰
و نهر پنجاه چهارم ۵۴
نهرا هجدهم ۳۲
والنهار چهل یکم ۳۷
نهار چهل ششم ۳۵
بالنهار ششم و سیزدهم
نهارا دهم ۲۵ + ۵۱
و نهارا هفتاد یکم ۵

نها و نهی

و نهی هفتاد نهم ۴۰
و نهوا بیست دوم ۴۲
نهاکما هفتم ۱۹
نهاکم پنجاه نهم ۷
و ینهی شانزدهم ۹۲
ینهی نود ششم ۹
تنهی بیست نهم ۴۴
ینهون ششم ۲۶ هفتم
۱۶۵ یازدهم ۱۱۸
و ینهون سیم ۱۰۴ + ۱۱۰
نهم ۶۸ + ۷۲
و تنهون سیم ۱۰۶
ینهاکم شصتم ۸ + ۹
ینهاهم پنجم ۶۸
و ینهاهم هفتم ۱۵۶
انتهانا یازدهم ۶۵
انهکما هفتم ۲۱
انهاکم یازدهم ۹۰
تنهک یازدهم ۷۰
وانه سی یکم ۱۶
نهیت ششم ۵۶ چهلم ۶۸
نهوا چهارم ۱۵۹ ششم ۲۸
هفتم ۱۶۶ پنجاه ششم ۹ م
تنهون چهارم ۳۵
یتناهون پنجم ۸۲
فانتهی دوم ۲۷۶
انتهوا دوم ۱۸۹ + ۱۰۸
هشتم ۴۰
ینته سی یکم ۶۰ نود ششم ۱۵
تنته نوزدهم ۴۷ بیست ششم
۱۱۶ + ۱۶۷
منتهون نهم ۱۲
ینتهوا پنجم ۷۷ هشتم ۳۹
ینتهوا نهم ۱۹ سی ششم ۱۷
انتهوا چهارم ۱۶۹
فانتهوا پنجاه نهم ۷
والناهون نهم ۱۱۳

النهی بیستم ۵۶ + ۱۲۸
المنتهی پنجاه سیم ۱۴ + ۴۳
منتهون بیستم ۹۳
منتهاها هفتاد نهم ۴۴

ناء

لتنوء بیست هشتم ۷۶

ناب

اناب سیزدهم ۲۷ سی یکم
۱۴ سی هشتم ۳۳
واناب سی هشتم ۲۴
وانابوا سی نهم ۱۷
انبنا شصتم ۴
منیب چهلم ۱۳ چهل دوم ۱۳
انیب یازدهم ۸۸ چهل دوم ۱۰
وانیبوا سی نهم ۵۵
منیب یازدهم ۷۷
منیب سی چهارم ۹ پنجاهم ۸ + ۳۳
منیبا سی نهم ۱۱
منیبین سی ام ۳۰ + ۳۲

ناح

نوح یازدهم ۳۴ + ۴۸
۵۰ بیست ششم ۱۱۶
نوح یازدهم ۴۴ + ۴۷
بیست ششم ۱۰۶ سی هفتم ۷۳
هفتاد یکم ۲۰ + ۲۷
و نوحا سیم ۳۰ ششم ۸۴
بیست یکم ۷۶

نار

نار نهم ۸۲ بیست یکم ۶۹
سی پنجم ۳۲ صد چهارم ۶
نار دوم ۲۶ بیست چهارم
۳۵ نوزدهم ۲ صد یکم ۸
النار نهم ۲ چهل یکم ۲۳
والنار چهل هفتم ۱۳
نار نهم ۳۹ + ۱۱۰ پانزدهم ۲۷
پنجاه دوم ۱۳ نود ششم ۵
نار هفتم ۱۲ بیست دوم ۲۰
سی ششم ۷۷ پنجاه پنجم ۱۴ + ۳۵
نار نهم ۶۳ + ۶۹ هفتاد
دوم ۲۴
نور بیست چهارم ۳۵
نور پنجم ۱۸ بیست چهارم ۳۵
و نور پنجم ۴۴ + ۵۰
النور سی پنجم ۲۰
والنور سیزدهم ۱۷
بنور سی نهم ۶۹
نور بیست چهارم ۳۵ + ۴۰
سی نهم ۲۳
والنور شصت چهارم ۸
نورا نهم ۳۲ شصت یکم ۸
النور هفتم ۱۵۶

والنور ششم ۱
نورهم پنجاه هفتم ۱۲
شصت ششم ۸
و نورهم پنجاه هفتم ۱۸
نوره بیست چهارم ۳۵
شصت یکم ۸
لنوره بیست چهارم ۳۵
نور کم پنجاه هفتم ۱۳
نورهم دوم ۱۶
نوره نهم ۳۲
نورنا شصت ششم ۸
منیر بیست دوم ۸ سی یکم ۱۹
المنیر سیم ۱۸۱ سی پنجم ۲۳
منیرا بیست پنجم ۶۲
سی سیم ۴۵

بالناس

دوم ۱۳۸
هفدهم ۴۲ بیست دوم ۶۵
والناس دوم ۱۵۶ سیم
۱۸ یازدهم ۱۲ سی دوم
۱۳ صد چهارم ۶

ناش

التناوش سی چهارم ۵۱

ناص

مناص سی هشتم ۲

ناق

ناقة هفتم ۷۳ یازدهم ۶۴
ناقة بیست ششم ۱۵۵
الناقة پنجاه چهارم ۲۷
ناقة نود یکم ۱۳
الناقة هفتم ۷۵ هفدهم ۵۹

نام

بنامهم هفتم ۴۷
نوم دوم ۲۵۶
والنوم بیست پنجم ۴۹
نومکم هفتاد هشتم ۹
نائمون هفتم ۹۷ شصت
هشتم ۱۹
المنام سی هفتم ۱۰۱
منامکم سی ام ۲۳
منامک هشتم ۴۵
منامها سی نهم ۴۳

نون

النون بیست یکم ۸۷

نوی

والنوی ششم ۹۵

نال

ینال دوم ۱۲۴
ینال بیست دوم ۳۸
ینالون نهم ۱۲۱
ینالوا نهم ۷۴ سی سیم ۲۵
تنالوا سیم ۹۲
ینالهم بیست دوم ۳۷

ینالهم هفتم ۱۵۲ + ۳۷
سینالهم هفتم ۱۵۲
تناله پنجم ۹۵
نیلا نهم ۱۲۱

باب الهاء

وبه هفتم ۱۵۹ + ۱۸۰
قلها چهارم ۱۲ + ۱۷۵
هفدهم ۷
وهانا پانزدهم ۴ بیست ششم ۲۳
هانتم سیم ۶۶ + ۱۱۹ چهارم
۱۰۹ چهل هفتم ۳۸
هیهات بیست سیم ۳۶ پنجم ۲۷
بیست ششم ۱۴۶
هاؤم شصت نهم ۱۹

هبط

یهبط دوم ۷۴
اهبط یازدهم ۴۸
فاهبط هفتم ۱۳
اهبطا بیستم ۱۲۳
اهبطوا دوم ۳۶ + ۳۸
۵۸ هفتم ۲۴

هبا

هباء بیست پنجم ۲۳ پنجاه
ششم ۶

هنا

هاتین بیست هشتم ۲۷
هاتوا دوم ۱۱۱ بیست یکم ۲۴
بیست هفتم ۶۴ بیست هشتم ۷۵

هجد

فتهجد هفدهم ۷۹

هجر

تهجرون بیست سیم ۶۷
فاهجر هفتاد چهارم ۵
واهجر نوزدهم ۴۶
واهجر هم هفتاد سیم ۱۰
واهجروهن چهارم ۳۴
هاجر پنجاه نهم ۹
هاجروا دوم ۲۱۸
سیم ۱۹۵ شانزدهم ۴۱
۱۱۰ بیست دوم ۵۸
و هاجروا هشتم ۷۲ + ۷۴ + ۷۵
۷۶ نهم ۲۰
هاجرن سی سیم ۵۰
یهاجر چهارم ۱۰۰
یهاجروا چهارم ۸۹ هشتم
۷۲
مهاجرا چهارم ۱۰۰
هجرا هفتاد سیم ۱۰
مهجورا بیست پنجم ۳۰
مهاجر بیست نهم ۲۶
مهاجرا چهارم ۱۰۰

المهاجرین نهم ۱۰۰ پنجاه
نهم ۸
والمهاجرین نهم ۱۱۷ بیست
چهارم ۲۲ سی سیم ۶
مهاجرات شصتم ۱۰

هجع

یهجعون پنجاه یکم ۱۷

هد

هدا نوزدهم ۹۰

هدم

لهدمت بیست دوم ۴۰

هدهد

الهدهد بیست هفتم ۲۰

هدی

هدی دوم ۱۲۸ ششم ۹۰
هفتم ۲۸ شانزدهم ۳۶
بیستم ۵۰ + ۸۱
فهدی دوم ۲۰۹ هشتاد
هفتم ۳ نود سیم ۷
لهدی سیزدهم ۳۱
و هدی بیستم ۱۲۰
هدینا ششم ۸۴ م
نوزدهم ۵۸
هدانی ششم ۸۰ سی نهم ۵۷
هدانا ششم ۸۰
و هدانا شانزدهم ۱۲۲
هدانا ششم ۷۱ هفتم ۴۳
چهاردهم ۱۲ + ۲۵
هداکم دوم ۱۸۵ + ۱۹۸
بیست دوم ۳۷ چهل نهم ۱۷
هداکم ششم ۱۴۹ شانزدهم ۹
هداهم ششم ۹۰ سی نهم ۱۹
هدیناه ششم
هدیناه هفتاد ششم ۳
وهدیناه نودم ۱۰
وهدیناهما سی هفتم ۱۱۸
لهدیناکم چهاردهم ۲۵
فهدیناهم چهل یکم ۱۶
وهدیناهم چهارم ۶۸
وهدیناهم ششم ۸۷
نهدی دهم ۳۵ بیست هشتم
۵۶ چهل سیم ۳۹
لنهدی چهل دوم ۵۲
ونهدی هفتم ۱۵۴
یهدون هفتم ۱۵۹ + ۱۸۱
بیست یکم ۷۳ سی دوم
۲۴
تهدوا چهارم ۸۸
نهدی چهل دوم ۵۲
یهدیکم بیست هفتم ۶۳
سیهدیهم بیست دوم
۶۲ سی هفتم ۹۷
چهل سیم ۲۶

هدیهم بیست دوم ۲۱
یهدیک چهل هشتم ۲
یهدی ششم ۷۷
ویهدیک چهل هشتم ۲
یهدیهم چهل پنجم ۲۲
ویهدیهم بیست دوم ۴
یهدیهم ششم ۱۲۵
یهدیکم بیست هفتم ۶۴
ویهدیکم چهارم ۳۱ چهل هشتم ۲۰
یهدیهم هفتم ۱۴۶ دهم ۹
شانزدهم ۱۰۶
سیهدیهم چهل هفتم ۶
ویهدیهم چهارم ۱۷۴
پنجم ۱۸ + ۲۲
لیهدیهم چهارم ۱۳۶ + ۱۶۶
واهدیک هفتاد نهم ۱۹
اهدک نوزدهم ۴۳
اهدیکم چهلم ۳۰
اهدکم چهلم ۴۱
هدیتنا شصت چهارم ۶
لنهدینهم بیست نهم ۶۹
اهدنا اول ۵
واهدنا سی هشتم ۲۱
فاهدوهم سی هفتم ۲۳
هدی سیم ۹۶
وهدوا بیست دوم ۲۴ م
هدنا هفتم ۱۵۵
یهدی دهم ۳۶
اهدیت سی چهارم ۴۹
اهتدوا دوم ۱۳۷ سیم
۱۹ نوزدهم ۷۸ چهل
هفتم ۱۹
اهتدیتم پنجم ۱۰۴
یهتدی دهم ۱۰۸ هفدهم
۱۵ بیست هفتم ۹۲
یهتدوا هجدهم ۵۷
چهلم ۱۰
یهتدون دوم ۱۷۰
بیست چهارم ۵۳
لتهتدوا ششم ۹۷
لیهتدی هفتم ۴۱
اهتدی دوم ۱۹۲
الهدی دوم ۱۹۲ م
هدیا پنجم ۹۶
الهدی پنجم ۲
والهدی پنجم ۹۸ چهل
هشتم ۲۵
هاد سیزدهم ۸ + ۳۳
سی نهم ۲۴ + ۳۷ چهلم ۳۵
الهادی بیست دوم ۵۳
بهادی بیست هفتم ۳۸

سی ام ۵۲
هادی هفتم ۱۸۵
هادیا بیست پنجم ۳۲
هدی دوم ۱۱۴ سیم ۹۶
ششم ۸۸ + ۷۱ سی نهم ۴
لهدی بیست هفتم ۷۹
للهدی نوزدهم ۱۲
والهدی دوم ۱۵۴
هدای دوم ۳۸ بیستم ۱۲۳
هداها سی دوم ۱۳
هداهم دوم ۲۷۲
شانزدهم ۲۹
فبهداهم ششم ۹۰
یهدیهم بیست هشتم ۳۵
هدیتکم بیست هشتم ۳۶
بالهدی چهل سیم ۲۳
مهتد پنجاه هفتم ۲۶
المهتدی هفتم ۱۷۷
هفدهم ۹۹ هجدهم ۱۶
مهتدون ششم ۸۲
هفتم ۲۸ سی ششم ۲۰ چهل
سیم ۲۱ + ۲۲
المهتدون دوم ۶۵
چهل سیم ۴۸
المهتدین دوم ۱۵۲
مهتدین دوم ۱۵ ششم
۱۴۱ دهم ۴۶
المهتدین ششم ۵۶
نهم ۱۸
بالمهتدین ششم ۱۱۷ شانزدهم
۱۲۶ بیست هشتم ۵۶ شصت
هشتم ۷

اهد

اهد بیست یکم ۳۷
بیست پنجم ۴۳
افهذا پنجاه ششم ۸۰
فهذا سی ام ۵۶
لهذا هفتم ۴۱ بیستم ۴۷
بیست پنجم ۸ چهل یکم ۲۵
هذان بیستم ۶۳ بیست دوم ۱۹
وهذه چهل سیم ۵۰

هرب

هربا هفتاد دوم ۱۲

هرت

هاروت دوم ۹۶

هرع

یهرعون یازدهم ۸۰
سی هفتم ۶۸

هرن

هرون بیستم ۹۲ +
۹۴ بیست هشتم ۳۳
هرون حال جری دوم
۲۴۹ هفتم ۱۳۸ نوزدهم
۲۹ بیستم ۳۰ بیست ششم ۱۳

نها و نهی ناب ناح نار ناس باش ناص ناق نام نون نوی نال باب الهاء هبط هبا هنا هجد هجر هجع هد هدم هدهد هدی هرب هرت هرع هرن

نموده از اسحق بن یعقوب بیان گشته و انچنانست که اسحق بن یعقوب کلینی باحبه مقدسه نوشته از دکیل حضرت محمد بن عثمان عمری خواهش نمود که بحضرت برساند
و در آن از مسایلی چند سؤال نموده بود پس توقیع بخط مبارک آنحضرت بیرون آمد و در آخر آن فرموده بودند که اما وجه انتفاع مردم بمن
مثل انتفاع ایشانست بآفتاب پس هرگاه ابر او را بپوشاند و بدرستی که منم امان اهل زمین چنانکه ستارها امانند از برای اهل
آسمانها و شبهه نیست آنکه بالاتفاق پیغمبر ما خاتم انبیاست و بعد از آن پیغمبری نخواهد بود و شریعت او تا روز قیامت

باب الهاء

وَهُرُونَ چهل ۱۶۱ هفتم
۱۱۹ بیستم ۳۱ بیست ۴۷
بیست پنجم ۳۷ نوزدهم
وَهُرُونَ ششم ۸۴ دهم
۷۶ بیست یکم ۴۹

هزّ

وَهُزِّي نوزدهم ۲۵
اهتزّت بیست ودوم ۵
چهل یکم ۳۹
تهتزّ بیست هفتم ۱۰ بیست
ششم ۳۱

هزأ

يَسْتَهْزِئُ دوم ۱۴
تَسْتَهْزِؤُونَ نهم ۶۶
اَسْتَهْزِؤُا نهم ۶۵
اُسْتُهْزِئَ ششم ۱۰ سیزدهم
۳۲ بیست یکم ۴۲
وَكُنتُمْ چهارم ۱۳۹
مُسْتَهْزِؤُونَ دوم ۱۳
الْمُسْتَهْزِئِينَ پانزدهم ۹۵

هزل

بِالْهَزْلِ هشتاد ششم ۱۴

هزم

فَهَزَمُوهُم دوم ۲۵۲
سَيُهْزَمُ پنجاه چهارم ۴۵
مَهْزُومٌ سی هشتم ۱۰

هش

وَأَهُشُّ بیستم ۱۹

هشم

كَهَشِيمِ پنجاه چهارم ۳۱
هَشِيمًا هجدهم ۴۳

هضم

هَضْمًا بیستم ۱۱۱
هَضِيمٌ بیست ششم ۱۴۸

هطع

مُهْطِعِينَ چهاردهم ۴۴
پنجاه چهارم ۸ هفتادم ۳۶

اهكذا بیست هفتم ۴۲

وَهَلْ بیستم سی چهارم
۱۶ سی ششم ۲۰

هل

أَهْلِ دوم ۱۶۸ پنجم ۶
ششم ۱۴ شانزدهم ۱۱۶
الْأَهِلَّةِ دوم ۱۸۵

هلع

هَلُوعًا هفتادم ۱۹

هلك

هَلَكَ چهارم ۱۷۵
ششم ۴ چهلم ۳
شصت نهم ۲۹
أَهْلَكَ بیست هشتم ۷۸
پنجاه ششم ۵۱
لِيَهْلِكَ هشتم ۴۴
وَأَهْلَكَ پانزدهم ۴۲

بیست هیم ۲۸
أَهْلَكْتُ نوزدهم ۶
فَأَهْلَكْنَا چهل ششم ۷
وَأَهْلَكْنَا بیست یکم ۹
أَهْلَكْنَا شصت هفتم ۲۸
فَأَهْلَكْنَهُ سیم ۱۱۳
أَهْلَكْنَهُمْ هفتم ۱۵۴
أَهْلَكْنَاهَا هفتم ۳ بیست یکم
۹۵ بیست دوم ۴۴
أَهْلَكْنَاهُمْ هجدهم ۵۸
بیستم ۱۳ چهل چهارم ۳۷
چهل هفتم ۱۳
فَأَهْلَكْنَاهُمْ ششم ۶ هشتم
۵۶ بیست ششم ۱۳۹
يُهْلِكُ پنجم ۱۹ هفتم ۱۳۶
لِيَهْلِكَ یازدهم ۱۱۹
وَيُهْلِكَ دوم ۲۰۱
يُهْلِكُونَ ششم ۲۶ نهم ۴۲
نُهْلِكَ هفدهم ۱۷
نُهْلِكُ هفتادم هفتم ۱۶
لَنُهْلِكَنَّ چهاردهم ۱۶
يُهْلِكُنَا چهل پنجم ۲۳
أَتُهْلِكُنَا هفتم ۱۵۴
أَنُهْلِكُنَا هفتم ۱۷۲
ذَاهِلِكُوا شصت نهم ۵ + ۶
يُهْلِكُ ششم ۴۷ چهل ششم ۳۵
هَالِكٌ بیست هشتم ۸۸
أَهَالِكِينَ دوازدهم ۸۵
التَّهْلُكَةِ دوم ۱۹۱
لِمَهْلِكِهِمْ هجدهم ۵۸
مُهْلِكَ ششم ۱۳۱ بیست هفتم ۵۹
مُهْلِكُوا بیست نهم ۳۰
مُهْلِكِي بیست هشتم ۵۹
مُهْلِكُهُمْ هفتم ۱۶۴
مُهْلِكُوهَا هفدهم ۶۰
الْمُهْلِكِينَ بیست ششم ۵۰

هلم

ششم ۱۵ سی سیم ۱۸
أُمَّ سی هفتم ۱۱ چهل ...
۳۱ چهل چهارم ۳۶
أَنْتُمْ بیست یکم ۶ + ۴۵
أَلَمْ هفتم ۱۹۴
هَمَا نهم ۴۰
بیمار دوم ۲ ۱۵ اجهارم ۱۳۴
بیست چهارم ۳
فَلَهُمَا چهارم ۱۷۵
وَهُمَا چهل ششم ۱۶

همّ

هَمَّ پنجم ۱۴
وَهَمَّ دوازدهم ۲۴
هَمَّتْ سیم ۱۱۸ دوازدهم
۲۴

هَمَّتْ چهارم ۱۱۳
وَهَمَّتْ چهلم ۵
وَهَمُّوا نهم ۱۳ + ۷۵
أَهَمَّتْهُمْ سیم ۱۴۸

همد

هَامِدَةً بیست دوم ۵

همر

مُنْهَمِرٍ پنجاه چهارم ۱۱

همز

هُمَزَةٍ صد چهارم ۱
هَمَّازٍ شصت هشتم ۱۱
هَمَزَاتِ بیست سیم ۹۹

همس

هَمْسًا بیستم ۱۰۷

هامان

بیست هشتم ۳۸ چهلم ۳۸
وَهَامَانَ حال جری چهلم ۲۵
وَهَامَانَ حال نصبی بیست
ششم ۵ + ۷ بیست نهم ۳۸

همين

الْمُهَيْمِنُ پنجاه نهم ۲۳
وَمُهَيْمِنًا پنجم ۵۲
هُنَّ دوم ۱۸۳ سیم ۵
یازدهم ۸۰ سی نهم ۳۹ م
پنجاه ششم ۲ شصتم ۱۰
بِهِنَّ چهارم ۲۷ م سی سیم ۵۲
فَلَهُنَّ چهارم ۱۲ + ۱۴
وَلَهُنَّ دوم ۲۲۸ چهارم ۱۴

هنأ

هَنِيئًا چهارم ۴ پنجاه دوم ۱۹
شصت نهم ۲۴ هفتاد هفتم
۴۳
فَهَنِيئًا شصت نهم ۳۵
هُودٌ یازدهم ۵۶
هُودًا بیست ششم ۱۲۴
هُودٍ یازدهم ۶۳ + ۹۱
هُودًا دوم ۱۰۵ + ۱۳۹
۱۳۴ هفتم ۶۳ یازدهم
۵۲ + ۶۱

هار

فَانْهَارَ نهم ۱۱۰
هَارٍ نهم ۱۱۰
أَهَؤُلَاءِ پنجم ۵۸ ششم ۵۳
هفتم ۴۷ سی چهارم ۳۹
لِهَؤُلَاءِ چهارم ۸۰
وَهَؤُلَاءِ هفدهم ۲۱

هان

أَهَانَنِ هشتادم ۱۷
يُهِنِ بیست دوم ۱۹
هَوْنًا بیست پنجم ۶۴
هُونٍ شانزدهم ۶۱
الْهُونِ ششم ۹۳
چهل یکم ۱۹ اچهل ششم ۱۹

هَيِّنٌ نوزدهم ۱۰ + ۲۱
هَيِّنًا بیست چهارم ۱۴
أَهْوَنُ سی ام ۲۶
الْمُهِينِ سی چهارم ۱۳
چهل چهارم ۲۹
مُهِينًا چهارم ۱۴ + ۱۰۳
۱۵۰ سی سیم ۵۷
مُهَانًا بیست پنجم ۶۹

هوى

بیستم ۸۳ پنجاه سیم ۱
تَهْوِي چهاردهم ۴۰
بیست دوم ۳۲
تَهْوَى دوم ۸۱ پنجم ۷۴
پنجاه سیم ۲۳
أَهْوَى پنجاه سیم ۵۴
اسْتَهْوَتْهُ ششم ۷۰
أَهْوَاءَهُمْ چهارم ۱۳۴ سی ششم ۲۵
پنجاه سیم ۳ هفتادم ۴۰
أَهْوَاءَ پنجم ۸۱ ششم
۱۵۱ چهل پنجم ۱۷
بِأَهْوَائِهِم ششم ۱۱۹
أَهْوَاءَكُمْ ششم ۵۶
هَوَاءٌ چهاردهم ۴۴
هَاوِيَةٌ صد یکم ۶
مَا هِيَهْ صد یکم ۷
فَهِيَ دوم ۹ بیست دوم
۴۴ بیست پنجم سی ششم
۷ شصت نهم ۱۶
لَهِيَ بیست نهم ۶۴

هيأ

وَهَيِّئْ هجدهم ۱۵
وَيُهَيِّئْ هجدهم ۹
كَهَيْئَةِ سیم ۴۳ پنجم ۱۱۰
هَيْتَ دوازدهم ۲۳

هاج

يَهِيجُ سی نهم ۲۱ پنجاه
هفتم ۱۹

هال

مَهِيلًا هفتادم ۱۴

هام

يَهِيمُونَ بیست ششم ۲۲۵
الْهِيمِ پنجاه ششم ۵۵
هَيْهَاتَ بیست سیم ۳۸ م

باب الواو

وئد

الْمَوْءُودَةُ هشتاد یکم ۸

وئل

مَوْئِلًا هجدهم ۵۷

وبر

وَأَوْبَارِهَا شانزدهم ۸۲

وبق

يُوبِقْهُنَّ چهل دوم ۳۲
مَوْبِقًا هجدهم ۵۰

وبل

وَبَالَ دوم ۲۶۶ + ۲۶۷
وَبَالَ پنجم ۹۶ پنجاه نهم ۱۵
شصت چهارم ۵ شصت پنجم ۹
وَبِيلًا هفتاد سیم ۱۶

وتد

الْأَوْتَادِ سی هشتم ۱۱ هشتاد
نهم ۹
أَوْتَادًا هفتاد هشتم ۷

وتر

بَيْتَرِكُمْ چهل هفتم ۳۷
وَالْوَتْرِ هشتادم ۲

وتن

الْوَتِينَ شصت نهم ۴۶

وثق

وَاثَقَكُمْ پنجم ۱۰
يُوثِقُ هشتادم ۲۶
الْوَثَاقَ چهل هفتم ۴
وَثَاقَهُ هشتادم ۲۶
الْوُثْقَى دوم ۲۵۷ سی یکم ۲۱
مَوْثِقًا دوازدهم ۶۶ + ۸۰
مَوْثِقَهُمْ دوازدهم ۶۶
مِيثَاقَ هفتم ۱۶۸
مِيثَاقٌ چهارم ۹۲ + ۹۴
ششم ۷۳
مِيثَاقَ دوم ۷۷ سیم
۷۵ + ۱۸۴ پنجم ۱۵ + ۷۴
مِيثَاقَ چهارم ۲۵ + ۱۵۳
سی سیم ۷
الْمِيثَاقَ سیزدهم ۲۰
مِيثَاقَهُ دوم ۲۵ سیزدهم ۲۵
مِيثَاقَهُمْ چهارم ۱۵۳
وَمِيثَاقَهُ پنجم ۱۰
مِيثَاقَكُمْ دوم ۶۰ + ۷۸
۸۷ پنجاه هفتم ۸
مِيثَاقَهُمْ چهارم ۱۵۴ پنجم
۱۶ + ۱۷ سی سیم ۷

وثن

الْأَوْثَانِ بیست دوم ۳۱
أَوْثَانًا بیست نهم ۱۶ + ۲۴

وجب

وَجَبَتْ بیست دوم ۳۷

وجد

وَجَدَ سیم ۳۲ هجدهم ۹۲
بیست چهارم ۲۲
تُوجَدُ بیست هشتم ۱۴
وَوَجَدَ هجدهم ۸۴ بیست
چهارم ۳۹ بیست هشتم ۲۳
وَجَدْتُ بیست هفتم ۲۳
تَوَجَّدُوا هجدهم ۷۶ + ۵۳

وَجَدُوا دوازدهم ۶۵
لَوَجَدُوا چهارم ۶۷ + ۸۴
وَوَجَدُوا هجدهم ۴۷
وَجَدْتُمْ هفتم ۴۲ چهارم ۲۳
وَوَجَدَكَ نود سیم ۸۷
وَجَدَهَا هجدهم ۸۴ + ۸۹
وَجَدْنَاهَا بیست هفتم ۲۴
وَجَدْتُمُوهُمْ چهارم ۹۱ نهم ۵
وَجَدْنَاهُ سی هشتم ۴۳
فَوَجَدْنَاهَا هفتاد دوم ۸
تَجِدُ سیم ۲۸ هفتم ۱۶
هجدهم ۷۷ + ۷۹ + ۸۸
پنجاه ششم ۲۲
لَتَجِدَنَّ پنجم ۸۵
وَلَتَجِدَنَّ پنجم ۸۵
أَجِدُ ششم ۱۴۹ نهم ۹۳ بیستم ۱۵
لَأَجِدُ دوازدهم ۹۴
أَجِدُ هفتاد دوم ۲۳
لَأَجِدَنَّ هجدهم ۳۴
تَجِدُوا چهارم ۶۸ نهم ۹۳
هجدهم ۵۱ + ۵۷ هفتاد
یکم ۲۶
وَلَيَجِدُوا نهم ۱۲۴
سَتَجِدُونَ چهارم ۹۳
تَجِدْ بیستم ۱۱۴
تَجِدَكَ نودم ۶
تَجِدُهُ بیست چهارم ۳۹
سَتَجِدُنِي هجدهم ۶۸ بیست
ششم ۲۷ سی هفتم ۱۰۲
وَلَتَجِدَنَّهُمْ دوم ۹۰
تَجِدُوهُ دوم ۱۰۴ هفتاد
سیم ۲۰
تَجِدُ وَنَر هفتم ۱۵۶
وُجْدِ دوازدهم ۷۵
وُجْدِكُمْ شصت پنجم ۶

وجب

فَأَوْجَسَ بیستم ۷ پنجاه یکم ۲۸
وَأَوْجَسَ یازدهم ۷۳

وجف

أَوْجَفْتُمْ پنجاه نهم ۶
وَاجِفَةٌ هفتادم ۸

وجل

وَجِلَتْ ششم ۲ بیست دوم ۳۶
تَوْجَلْ پانزدهم ۵۳
وَجِلُونَ پانزدهم ۵۲
وَجِلَةٌ بیست سیم ۶۲

وجه

وَجَّهْتُ ششم ۷۹
يُوَجِّهْهُ شانزدهم ۷۸
تَوَجَّهَ بیست هشتم ۲۱
وَجْهَ دوم ۱۰۹ دوازدهم

---

۹ پنجاه پنجم ۲۷
وَجْهَ دوم ۲۷۴ دوازدهم
۹۳ سیزدهم ۲۲ نودم ۲۰
لِوَجْهِ هفتاد ششم ۹
وَجْهُ سیم ۶۵ سی هفتم ۳۸ + ۲۳۷
وُجُوهَ شصت هفتم ۲۷
وُجُوهٌ سیم ۱۰۲ هفتاد پنجم ۲۲
وَوُجُوهٌ هفتاد پنجم ۲۴ هشتادم ۴۰
الْوُجُوهَ بیستم ۱۱۰
وُجُوهِ بیست دوم ۷۱
وُجُوهَهَا چهارم ۵۰
الْوُجُوهَ هجدهم ۲۸
وَجْهِي سیم ۱۸ ششم ۷۹
وَجْهَهُ شانزدهم ۶ چهل
سیم ۱۶
وَجْهَكَ دوم ۱۳۹
وَجْهَكَ دوم ۱۳۹ + ۱۴۴
۱۴۵ دهم ۱۰۵ سی ام ۲۹ + ۴۳
وَجْهِهِ دوازدهم ۹۵ بیست
دوم ۱۱۱ شصت هفتم ۲۲
يُوَجِّهْهُ سی نهم ۲۵
وَجْهَهَا پنجم ۱۰۷
وَجْهَهَا پنجاه یکم ۲۹
بِوُجُوهِكُمْ چهارم ۴۶ پنجم ۹
وُجُوهَكُمْ دوم ۱۳۹ + ۱۴۵
۱۷۲ پنجم ۸ هفتم ۲۸
هفدهم ۷
وَجْهَهُ دوم ۱۴۳
وَجْهَهَا سیم ۴ سی سیم ۶۹
لِوَاحِدٍ سی هفتم ۴
الْوَاحِدُ دوازدهم ۳۹
سیزدهم ۱۷ سی هشتم ۶۵
سی نهم ۶
الْوَاحِدُ چهاردهم ۴۹ چهلم ۱۶
بِوَاحِدَةٍ سی چهارم ۴۵
فَوَاحِدَةً چهارم ۳
وَحِيدًا هفتاد چهارم ۱۱

وحش

الْوُحُوشُ هشتاد یکم ۵

وحي

أَوْحَى هفدهم ۴ پنجاه
سیم ۱۰ نودم ۵
فَأَوْحَى چهاردهم ۶ نوزدهم
۱۲ پنجاه سیم ۱۰
وَأَوْحَى شانزدهم ۷۰
چهل یکم ۱۱
أَوْحَيْتُ پنجم ۱۱۱
فَأَوْحَيْنَا بیست سیم ۲۷
بیست ششم ۶۳
نُوحِي ششم ۱۱۲ ششم ۱۲
سی چهارم ۹ چهل دوم ۱

فیوجی

ناقی است وشما فرقه شیعه را کمان چنانست که انحضرت بعد از خروج جزیه از اهل کتاب قبول نمینماید ومشاهد ومساجد را خراب میگرداند وبحکم داود حکم میفرماید
یعنی بغیر از کی قبول نمیکند وکسی را که بر بیت المال دست رسد ومعالم دین خود را نماند بقتل میآورد وامثال اینها واین در معنی نسخ شریعت پیغمبرست
وجواب این شبهه اولا آنستکه آنچه مذکور شد مقطوع نیست درمیان شیعه واگر چیزی بر آن دلالت نماید از احاد است پس با دلیل
قطعی که ببقاء شریعت دلالت میکند تعارض نخواهد نمود وثانیا مراد از هدم مساجد ومشاهد محل مساجدی باشد که منافقین بنا نموده

فصل الواو وغیره

فتوحی چهل ودوم ۵۱
لتوحون ششم ۱۲۱
نوحی دوازدهم ۱۰۹
شانزدهم ۴۵ بیتم ۴۷ + ۲۵
نوحیه سیتم ۳۹ دوازدهم ۱۰۳
نوحیها یازدهم ۵۱
واوحی ششم ۱۹ پانزدهم ۳۸
یوحی ششم ۹۳
وحی پنجاه سیتم ۴
بالوحی بیت یکم ۴۶
وحیا چهل ودوم ۵۰
وحیه سیتم ۱۱۳
ووحینا یازدهم ۳۹
بیت سیتم ۲۷

ود

ودّ دوم ۱۰۳ چهلم ۱۰۳
ودّت سیتم ۶۲
ودّوا سیتم ۱۱۴ چهلم ۹۱
شصت ششم ۹
ودّوا شصتم ۲
یودّ دوم ۹۰ + ۹۹ چهلم
۴۵ پانزدهم ۲ هفتادم ۱۱
ایودّ دوم ۲۶۸
تودّ سیتم ۲۸
یودّوا سیتم ۲۰
وتودّون ششم ۷
یوادّون پنجاه هشتم ۲۲
ودّا هفتاد یکم ۲۲
ودّا نوزدهم ۹۶
ودودٌ یازدهم ۹۲
الودود هشتاد پنجم ۱۴
مودّة چهارم ۷۵
بالمودّة شصتم ۱ م
مودّة بیت نهم ۲۴
مودّة پنجم ۸۵ سیم ۲۰
شصتم ۷
المودّة چهل ودوم ۲۲

ودع

ودّع سیتم ۴۷
ندعك نود سیتم ۳
ومستودع ششم ۹۸
ومستودعها یازدهم ۸

ودق

الودق بیت چهلم ۴۳ سی ام ۴۷

ودی

وادی بیت هفتم ۱۸
وادی بیت ششم ۲۲۵
بوادی چهاردهم ۴۰
الوادی بیت ششم ۳۰
بالوادی بیتم ۱۲ هفتادم
نهم ۱۶ هشتاد نهم ۸

وادیا نهم ۱۲۲
اودیة سیزدهم ۱۸
اودیتهم چهل ششم ۲۳
فدیته چهارم ۹۴
فدیة چهارم ۹۴

وذر

لیذر سیتم ۱۷۳
تذر پنجاه یکم ۴۲ هفتاد
چهارم ۴۸
اتذر هفتم ۱۲۴
تذر هفتاد یکم ۲۷
ویذرون دوم ۲۳۴ + ۲۳۴
۲۴۱ هفتاد ششم ۲۷
وتذرون بیت ششم ۶۶
سی هفتم ۱۲۵ هفتاد پنجم ۲۱
تذرن هفتاد یکم ۲۲ م
فنذر دهم ۱۳
ونذر نوزدهم ۷۳
ونذر هفتم ۶۸
ویذرك هفتم ۱۲۴
فذروها سیتم ۱۰۶
ویذرهم هفتم ۱۸۵
تذرنی بیت یکم ۸۹
تذرهم هفتاد یکم ۲۸
فذرنها چهلم ۱۲۸
ونذرهم ششم ۱۱۰
وذر ششم ۶۹
وذروا دوم ۲۷۸ ششم
۱۲۰ هفتم ۱۷۹ شصت ودوم ۹
ذرنی هفتاد چهلم ۱۱
فذرنی شصت هشتم ۴۴
وذرنی هفتاد سیم ۱۱
ذرنا نهم ۸۷
ذرهم ششم ۹۱ پانزدهم ۳
ذرونی چهلم ۲۷
فذروه دوازدهم ۴۷
فذروها هفتم ۷۳ یازدهم ۶۴
ذرونا چهل هشتم ۱۵

ورث

وورث بیت هفتم ۱۶
ورثوا هفتم ۱۶۸
وورثه چهارم ۱۲
وترث نوزدهم ۶
یرثون هفتم ۹۸ بیت سیم ۱۱۱
یرثوا چهارم ۲۳
یرث نوزدهم ۴۱
یرثنی نوزدهم ۶
یرثها چهلم ۱۷۵ بیت
یکم ۱۰۵
ویرثه نوزدهم ۸۳
اورثنا سی پنجم ۲۹
واورثنا هفتم ۱۳۳ سی

نهم ۷۴ چهلم ۵۶
واورثکم سی سیتم ۲۷
واورثناها بیت ششم ۵۹
چهل چهارم ۲۷
نورث نوزدهم ۶۳
یورثها هفتم ۱۲۵
اورثوا چهل دوم ۱۳
اورثتموها هفتم ۴۱ چهل
سیتم ۷۲
یورث چهارم ۱۵
الوارث دوم ۲۳۳
الوارثون پانزدهم ۲۳
بیت سیتم ۱۰
الوارثین بیت یکم ۸۹
بیت ششم ۴ + ۵۸
وورثه بیت ششم ۸۵
التراث هشتاد نهم ۲۰
میراث سیتم ۱۷ پنجاه هفتم ۱۰

ورد

ورد بیت ششم ۲۲
ووردوها بیت یکم ۹۹
فاوردهم یازدهم ۱۰۰
الورد یازدهم ۱۰۰
وردا نوزدهم ۸۹
واردون بیت یکم ۹۸
واردها نوزدهم ۷۳
واردهم دوازدهم ۱۹
وردة پنجاه پنجم ۳۷
الورید پنجاهم ۱۵
المورود یازدهم ۱۰۰

ورق

ورق هفتم ۲ بیتم ۱۲۹
بورقکم هجدهم ۱۸
ورقة ششم ۵۹

وری

ووری هفتم ۱۹
یواری پنجم ۳۴ هفتم ۲۵
فاواری پنجم ۳۴
تورون پنجاه ششم ۷۰
توارت سی هشتم ۳۱
یتواری شانزدهم ۵۹
وراءی نوزدهم ۵
وراءهم چهاردهم ۱۹ + ۲۰
وراءکم چهارم ۱۰۳
وراءهم بیت سیتم ۱۰۲
چهل پنجم ۹ هشتاد پنجم ۲۰
وراءه دهم ۸۵
وراءکم یازدهم ۹۲ پنجاه
هفتم ۱۳
وراءهم هجدهم ۷۸
هفتاد ششم ۲۷
فالموریات صدم ۲

وزر

تزر ششم ۱۶۴ هفدهم ۱۶

سی پنجم ۱۹ سی نهم ۹
پنجاه سیتم ۳۹
یزرون ششم ۳۱ شانزدهم ۲۷
وزر ششم ۱۶۴ هفدهم ۱۶
سی پنجم ۱۹ سی نهم ۹ پنجاه سیتم ۳۹
وزرا بیتم ۱۰۰
اوزار شانزدهم ۲۷
اوزارا بیتم ۹۰
اوزارها چهل هفتم ۵
اوزارهم ششم ۳۱ شانزدهم ۲۷
وزرك نود چهارم ۲
لا وزر هفتاد پنجم ۱۱
وازرة ششم ۱۶۴ هفدهم
۱۶ سی پنجم ۱۹ سی نهم ۹
پنجاه سیتم ۳۹
وزیرا بیتم ۳۰ بیت پنجم ۳۷

وزع

یوزعون بیت هفتم ۱۷
۸۵ چهل یکم ۱۸
اوزعنی بیت هفتم ۱۹
چهل ششم ۱۴

وزن

وزنوهم هشتاد سیتم ۳
وزنوا هفدهم ۳۷ بیت
ششم ۱۸۲
والوزن هفتم ۷
وزنا هجدهم ۱۰۵
الوزن پنجاه پنجم ۸
موزون پانزدهم ۱۹
المیزان پنجاه پنجم ۷
المیزان پنجاه پنجم ۹ + ۸
الموازین بیت یکم ۴۸
موازینه هفتم ۷ + ۸ بیت
سیم ۱۰۴ + ۱۰۵ صد یکم ۶ + ۵

وسط

فوسطن صدم ۵
وسطا دوم ۱۳۷
اوسط پنجم ۹۱
اوسطهم شصت هشتم ۲۸
الوسطی دوم ۲۳۹

وسع

وسع دوم ۲۵۶ ششم
۸۰ هفتم ۸۷ بیتم ۹۸
وسعت هفتم ۱۵۵
وسعت چهلم ۷
وسعها دوم ۲۳۳ + ۲۸۶
ششم ۱۵۳ هفتم ۴۰
بیت سیتم ۶۴
واسع پنجاه سیتم ۲۳
واسعا چهارم ۱۲۹
واسعة بیت نهم ۵۶ سی
نهم ۱۳
واسعة ششم ۱۴۸

واسعة چهارم ۹۹
سعته دوم ۲۴۸
وسعة چهارم ۱۰۱
سعته چهارم ۱۲۹ شصت
پنجم ۷
الموسع دوم ۲۳۷
لموسعون پنجاه یکم ۴۷

وسق

وسق هشتاد چهارم ۱۷
اتسق هشتاد چهارم ۱۸

وسل

الوسیلة پنجم ۳۹ هفدهم ۵۹

وسم

سنسمه شصت هشتم ۱۶
للمتوسمین پانزدهم ۷۵

وسن

سنة دوم ۲۵۶

وسوس

فوسوس هفتم ۱۹ بیتم ۱۱۸
یوسوس صد چهاردهم ۵
توسوس پنجاهم ۱۵
الوسواس صد چهاردهم ۴

وشی

شیة دوم ۶۶

وصب

واصب سی هفتم ۹
واصبا شانزدهم ۵۴

وصد

بالوصید هجدهم ۱۷

وصف

تصف شانزدهم ۱۱۷
وتصف شانزدهم ۶۴
تصفون دوازدهم ۱۸ +
۷۷ بیت یکم ۱۸ + ۱۱۲
وصفهم ششم ۱۴۰

وصل

یصل ششم ۱۳۷ م
تصل یازدهم ۸۳
یصلون چهارم ۹۲ سیزدهم
۲۱ بیت هشتم ۳۵
یصلوا یازدهم ۸۳
وصلنا بیت هشتم ۵۱
یوصل دوم ۲۵ سیزدهم
۲۱ + ۲۵
وصیلة پنجم ۱۰۲

وصی

وصی چهل دوم ۱۱
توصی دوم ۱۲۶
ووصینا چهارم ۱۳۰ سی
یکم ۱۳ چهل دوم ۱۱
ووصینا بیت نهم ۷
چهل ششم ۱۴
وصیکم ششم ۱۴۵ + ۱۵۲
۱۵۳ + ۱۵۴

واوصانی نوزدهم ۳۲
یوصی چهارم ۱۲ + ۱۵
یوصین چهارم ۱۳
یوصیکم چهارم ۱۲
اتواصوا پنجاه یکم ۵۳
وتواصوا نودم ۱۷ م
صد وسیم ۳ م
الوصیة دوم ۱۷۶
وصیة چهارم ۱۲ + ۱۳
۱۴ + ۱۵
الوصیة پنجم ۱۰۵
وصیة دوم ۲۴۱ چهارم ۱۲
توصیة سی ششم ۵۰
موص دوم ۱۷۸

وضع

ووضع پنجاه پنجم ۶
وضعت سیتم ۳۱
ووضعنا نود چهارم ۲
وضعها پنجاه پنجم ۹
وتضع چهل ششم ۱۴
وضعتها سیتم ۳۱
وضعتها سیتم ۳۱
ویضع هفتم ۱۵۶
تضع سی پنجم ۱۲ چهل
یکم ۴۷
تضع بیت دوم ۲
تضع چهل هفتم ۵
یضعن بیت چهارم ۵۹
شصت پنجم ۴ + ۶
تضعون بیت چهارم ۵۷
تضعوا چهارم ۱۰۳
ونضع بیت یکم ۴۸
وضع سیتم ۹۰
ووضع هجدهم ۴۷ سی
نهم ۶۹
ولا وضعوا نهم ۴۷
مواضعه چهلم ۴۸ پنجم
۱۶ + ۴۵
موضوعة هشتاد هشتم ۱۴

وضن

موضونة پنجاه ششم ۱۵

وطاء

یطؤون نهم ۱۲۱
تطؤها سی سیتم ۲۷
تطؤهم چهل هشتم ۲۵
لیواطؤا نهم ۳۷
وطأ هفتاد سیتم ۶
موطئا نهم ۱۲۱

وطر

وطرا سی سیتم ۳۷ م

وطن

مواطن نهم ۲۵

وعد

وعدها نهم ۱۱۵ بیت دوم ۷۱

وعدنا هفتم ۱۴۲ سی سیتم
۱۲ + ۲۲
وعدکم چهاردهم ۲۶ چهل
هشتم ۲۰
وعدتنا سیتم ۱۹۲
وعدتهم چهلم ۸
وعدکم چهاردهم ۲۶
وعدوه نهم ۷۸
وعدناه بیت هشتم ۶۱
یعد سی پنجم ۳۸
یعدکم دوم ۲۷۱ ششم
۷ چهلم ۲۹
ایعدکم بیت سیتم ۳۷
یعدکم بیتم ۸۹
یعدهم چهارم ۱۱۹ م
هفدهم ۶۶
تعدنا هفتم ۶۸ + ۷۵
یازدهم ۳۴ چهل ششم ۲۱
وعدناهم چهل سیتم ۴۱
اتعداننی چهل ششم ۱۶
نعدهم دهم ۴۷ سیزدهم
۴۰ بیت سیتم ۹۷ چهل
وعدهم هفدهم ۶۶
وعد سیزدهم ۳۵ بیت
پنجم ۶۱ چهل هفتم ۱۶
وعدنا بیت سیتم ۸۵
بیت هفتم ۷۰
واعدنا دوم ۴۸
وواعدنا هفتم ۱۳۸
وواعدناکم بیتم ۸۲
تواعدوهن دوم ۲۳۵
تواعدتم هشتم ۴۳
وعد سیزدهم ۳۱ هفدهم
۵ + ۷ + ۱۰۶ + ۱۰۸ هجدهم
۹۸ م
وعد یازدهم ۶۸
الوعد نوزدهم ۵۵
الوعد بیت یکم ۹
وعده نوزدهم ۶۳ هفتاد
سیتم ۱۸
وعده چهاردهم ۴۸
وعدك یازدهم ۴۷
وعده سیتم ۱۴۵ بیت
دوم ۴۶ سی ام ۵ سی نهم ۳۴
الوعید بیتم ۱۱۲ پنجاهم ۱۹
بالوعید پنجاهم ۲۷
وعید چهاردهم ۱۷ پنجاهم
۱۳ + ۴۵
موعد هجدهم ۵۷
موعدا هجدهم ۴۸ + ۵۸
بیتم ۶۰ + ۹۷
موعدی بیتم ۸۶

موعده

اندیا ازمال مسلمانان ناحق ساخته اند مراد از عدم قبول بینه شاید که آنحضرت بعلم خود عمل مینماید و هرگاه حاکم عالم بواقعه باشد شهادت بینه برخلاف پیش مسموع نیست بلکه لازمست که بعلم خود عمل نماید و عدم قبول جویبر و قتل کنیکه جاهل بمسئله است جائز است که حکمی باشد که پیغمبر قرار داده بود از برای ایشان در زمان حضور حضرت حجة و این نسخ نیست زیرا که شرط نسخ ظهور حکم اول است در تأبید پس هرگاه دلیل ناسخ مقارن با خطاب منسوخ باشد آنرا در اصطلاح نسخ نگویند چنانچه هرگاه خطاب رسید که حکم تو ابر تا فلان زمان معین است و بعد از آن

باب الواو

موعد وعظ وعی وفد وفر وفض وفق وقد وقذ وقر وقع وقف وقی وکأ وکد وکز وکل ولت ولج ولد ولی

موعده یازدهم ۲۰
موعدکم بیستم ۶۱
موعدهم پنجاه چهارم ۴۶
لموعدهم پانزدهم ۴۳
موعدک بیستم ۹۰
موعدهم یازدهم ۸۳
موعد نهم ۱۱۵
الموعود شاد پنجم ۲
میعاد سی چهارم ۲۹
المیعاد هشتم ۴۳
المیعاد نهم ۱۹۲+۷ سیزدهم ۳۱ سی نهم ۲۱

وعظ

اعظک بیست ششم ۱۳۶
تعظون هفتم ۱۶۴
یعظه سی یکم ۱۳
یعظکم دوم ۲۳۱ چهارم ۱۶ شانزدهم ۹۲ بیست چهارم ۱۶
اعظک یازدهم ۴۸
اعظکم سی چهارم ۴۵
وعظهم چهارم ۶۶
فعظوهن چهارم ۳۸
یوعظ دوم ۲۳۲ شصت پنجم ۲
یوعظون چهارم ۶۹
توعظون پنجاه هشتم ۴
الواعظین بیست ششم ۱۳۶
موعظة دوم ۲۷۵ دهم ۵۸
وموعظة سیم ۱۳۲ یازدهم ۱۲۱
والموعظة شانزدهم ۱۲۶
موعظة هفتم ۱۴۲
وموعظة دوم ۶۶ پنجم ۵۰ بیست چهارم ۳۴

وعی

وتعیها شصت نهم ۱۲
فاوعی هفتادم ۱۸
یوعون هشتاد چهارم ۲۳
وعاء دوازدهم ۷۶
اوعیتهم دوازدهم ۷۶
واعیة شصت نهم ۱۲

وفد

وفدا نوزدهم ۸۸

وفر

موفورا هفدهم ۶۵

وفض

یوفضون هفتادم ۴۳

وفق

یوفق چهارم ۳۹
وفاقا هفتاد هشتم ۲۶
توفیقا چهارم ۶۵

توفیقی یازدهم ۹۰

وفی

وفی پنجاه سیم ۳۸
فوفاه بیست چهارم ۳۹
نوف یازدهم ۱۸
یوفیهم بیست چهارم ۲۵
فیوفیهم سیم ۵۰ چهل ۱۲۳
لیوفیهم سی پنجم ۲۷
ولیوفیهم چهل ششم ۱۸
لیوفینهم یازدهم ۱۱۳
وفیت سیم ۲۴ سی نهم ۷۰
یوفی سی نهم ۱۳
یوف دوم ۲۷۴ هشتم ۶۲
یوفی دوم ۲۸۱ سیم ۱۵۵
وتوفی شانزدهم ۱۱۲
توفون سیم ۱۸۲
اوفی سیم ۷۰ نهم ۱۱۲ چهل ششم ۱۰
اوف دوم ۳۸ دوازدهم ۵۹
یوفون سیزدهم ۲۰ هفتاد ششم ۷
ولیوفوا بیست دوم ۳۰
فاوف دوازدهم ۸۸
اوفوا پنجم ۱ ششم ۱۵۳ یازدهم ۸۶ بیست ششم ۱۸۱
فاوفوا هفتم ۸۳
واوفوا دوم ۳۸ ششم ۱۵۳ شانزدهم ۹۳ هفدهم ۳۶ ۳۴
توفاهم چهارم ۹۹
توفته ششم ۶۱
توفهم چهل هفتم ۲۹
توفنی پنجم ۱۱۷
یتوفی ششم ۶۰ سی نهم ۴۲
یتوفاکم ششم ۶۰ دهم ۱۰۴ شانزدهم ۷۰ سی دوم ۱۱
یتوفاهن چهارم ۱۹
تتوفاهم شانزدهم ۳۰ + ۳۲
یتوفونهم هفتم ۳۵
یتوفینک دهم ۴۶ سیزدهم ۴۰ چهل ۷۷
توفنی دوازدهم ۱۰۲
وتوفنا سیم ۱۹۳ هفتم ۱۲۳
یوفی بیست دوم ۵ چهل ۶۷
یتوفون دوم ۲۳۴ + ۲۴۱
تتوفون شانزدهم ۲
الاوفی پنجاه سیم ۴۲
لموفوهم یازدهم ۱۱۱
والموفون دوم ۱۷۷
موفوک سیم ۴۸

وقب

وقب صد سیزدهم ۳

وقت

الوقت پانزدهم ۳۸ سی ۸۲

لوقتها هفتم ۱۸۶
میقات هفتم ۱۳۸
میقات پنجاه ششم ۵۰
لمیقات بیست ششم ۳۲
میقاتا هفتاد هشتم ۱۷
مواقیت دوم ۱۸۵
میقاتهم چهل چهارم ۴۰
لمیقاتنا هفتم ۱۳۹+۱۵۴
موقوتا چهارم ۱۰۴

وقد

اوقدوا پنجم ۶۹
یوقدون سیزدهم ۱۸
توقد نور سی ششم ۳۵
فاوقد بیست هشتم ۳۸
یوقد بیست چهارم ۳۵
استوقد دوم ۱۶
وقود سیم ۸
الوقود هشتاد پنجم ۵
وقودها دوم ۲۲ شصت ششم ۶
الموقدة صد چهارم ۶

وقذ

والموقوذة پنجم ۴

وقر

وتوقروه چهل هشتم ۹
وقر چهل یکم ۴۴ + ۴
وقرا پنجاه یکم ۲
وقرا ششم ۲۵ هفدهم ۴۸ بیست هشتم ۵ سی یکم ۶
وقارا هفتاد یکم ۱۲

وقع

وقع چهارم ۱۰۱ هفتم ۶۹ ۱۳۱ دهم ۵۱ بیست هفتم ۸۲
فوقع هفتم ۱۱۵
ووقع بیست هفتم ۸۷
وقعت پنجاه ششم ۱ شصت نهم ۱۵
تقع بیست دوم ۶۴
فقعوا پانزدهم ۲۹ سی هشتم ۷۲
یوقع پنجم ۹۳
واقع هفتم ۱۷۰ چهل دوم ۲۲
لواقع پنجاه یکم ۶ پنجاه دوم ۷ هفتاد هفتم ۷
واقع هفتادم ۱
لوقعتها پنجاه ششم ۲
الواقعة پنجاه ششم ۱ شصت نهم ۱۵
بمواقع پنجاه ششم ۷۴
مواقعوها هجدهم ۵۱

وقف

وقفوهم سی هفتم ۲۴
وقفوا ششم ۲۷+۳۰
موقوفون سی چهارم ۳۰

وقی

توقاه چهلم ۴۸
وقاها پنجاه دوم ۲۷
توقاهم هفتاد ششم ۱۱
ووقاهم چهل چهارم ۵۶ پنجاه دوم ۱۸
نق چهلم ۹
تقیکم شانزدهم ۸۳
قوا شصت ششم ۶
فقنا سیم ۱۸۸
وقنا دوم ۲۰۱ سیم ۱۴
وقهم چهلم ۷+۹
یوق پنجاه نهم ۹ شصت چهارم ۱۶
واتقی سیم ۷۰ نوزدهم ۵
اتقیتن سی سیم ۳۲
واتقوا دوم ۹۷ سیم ۱۶۶ پنجم ۷۰ هفتم ۹۴
یتق سی نهم ۲۵
یتق دوازدهم ۹۰ شصت پنجم ۲ + ۴ + ۵
ولیتق دوم ۲۸۲+۲۸۳
فلیتقوا چهارم ۱۰
تتقوا سیم ۲۷ هشتم ۲۹
ولیتقوا هفتم ۶۱
ویتقه بیست چهارم ۵۱
اتقی دوم ۲۰۲ سی نهم ۱
واتقی سی نهم ۳۷
فاتقون سی نهم ۵۵
فاتقون دوم ۳۸ شانزدهم ۲ بیست سیم ۵۴ سی نهم ۱۸
واتقون دوم ۱۹۳
واتقوه ششم ۷۱ بیست ۱۵ سی ام ۳۰ هفتاد یکم ۳
واق سیزدهم ۳۴+۳۷ چهلم ۲۲
تقیا نوزدهم ۱۴+۱۸ ۶۴
تقیة سیم ۲۷
تقاته سیم ۹۷
تقوی نهم ۱۱۰ بیست دوم ۳۳
والتقوی پنجم ۳ پنجاه هشتم ۱۰
بالتقوی نود ششم ۱۳
للتقوی دوم ۲۳۸ پنجم ۱۱ بیستم ۱۳۲ چهل نهم ۳
وتقویها نود یکم ۸
تقویهم چهل هفتم ۱۹
بالمتقین سیم ۱۱۱ نهم ۴۴

وکأ

اتوکأ بیستم ۱۹
متکئون سی ششم ۵۶

متکئین هجدهم ۳۰
متکأ دوازدهم ۳۱

وکد

توکیدها شانزدهم ۹۳

وکز

فوکزه بیست هشتم ۱۴

وکل

وکلنا ششم ۸۹
وکل سی دوم ۱۱
توکلوا دهم ۸۴
فتوکلوا پنجم ۲۶
توکلنا هفتم ۸۷ دهم ۸۵ شصتم ۴ شصت هفتم ۲۹
یتوکل سی نهم ۳۹
یتوکل هشتم ۵۱ شصت پنجم ۳
یتوکل چهاردهم ۱۵
فتوکل سیم ۱۵۳ بیست ششم ۸۱
الوکیل سیم ۱۶۷
بوکیل ششم ۶۶ + ۱۰۷ دهم ۱۰۸ سی نهم ۴۲ چهل دوم ۴
المتوکلون دوازدهم ۶۷ چهاردهم ۱۵ سی نهم ۳۹
المتوکلین سیم ۱۵۳

ولت

یلتکم چهل نهم ۱۴

ولج

یولج سی چهارم ۲ پنجاه هفتم ۴
یلج هفتم ۳۸
یولج بیست دوم ۶۰ سی یکم ۲۸ سی پنجم ۱۴ پنجاه هفتم ۶
ویولج بیست دوم ۶۰ سی یکم ۲۸ سی پنجم ۱۴ پنجاه هفتم ۶
تولج سیم ۲۶
وتولج سیم ۲۶
ولیجة نهم ۱۶

ولد

ولد سی هفتم ۱۵۲ نوزدهم ۳
ولدنهم پنجاه هشتم ۲
بلد صد دوازدهم ۳
والد یازدهم ۷۵
یلدوا هفتاد یکم ۲۸
ولد نوزدهم ۱۵
ولدت نوزدهم ۳۴
یولد صد دوازدهم ۳
ولد نوزدهم ۳۳ بیست سیم ۹۳
ولدا نوزدهم ۳۷ نوزدهم ۸۰
والاولاد هفتم ۶ پنجاه هفتم ۱۹

واولادا نهم ۷۰ سی چهارم ۳۴
وولده هفتاد یکم ۲۰
ولده سی یکم ۳۲
بولده دوم ۲۳۳
بولدها دوم ۲۳۳
اولادکم سی چهارم ۳۶
شصتم ۳ شصت سیم ۹
واولادکم هشتم ۲۸
شصت چهارم ۱۵
اولادهم نهم ۸ + ۱۱۲ نهم ۵۵ پنجاه هشتم ۱۸
واولادهم نهم ۸۶
اولادکم چهارم ۱۲
واولادکم شصت چهارم ۱۴
اولادکم دوم ۲۳۳ ششم ۱۵۲ هفدهم ۳۳
اولادهم ششم ۱۴۱
اولادهم ششم ۱۳۸
اولادهن دوم ۲۳۳
شصتم ۱۲
والد سی یکم ۳۲
ووالد نودم ۳
الوالدان چهارم ۸ چهارم ۳۷
الوالدین چهارم ۱۳۴
وبالوالدین دوم ۷۷ چهارم ۴۰ ششم ۱۵۲ هفدهم ۲۴
للوالدین دوم ۱۷۶
فللوالدین دوم ۲۱۱
والدی سی یکم ۳۲
ولوالدیک سی یکم ۱۳
بوالدیه نوزدهم ۱۴ بیست نهم ۷ سی یکم ۱۳ چهل ششم ۱۴
لوالدیه چهل ششم ۱۶
والدتی بیست هفتم ۱۹
چهل ششم ۱۴
ولوالدی چهاردهم ۴۲ هفتاد یکم ۲۹
والدة دوم ۲۳۳
والوالدات دوم ۲۳۳
بوالدتی نوزدهم ۳۳
والدیک پنجم ۱۰۹
ولیدا بیست ششم ۱۷
ولدان پنجاه ششم ۱۷
هفتاد ششم ۱۹
الولدان چهارم ۱۲۶
والولدان چهارم ۷۷ + ۱۰۰
الولدان هفتاد سیم ۱۷
مولود دوم ۲۳۳

سی یکم ۳۲
المولود دوم ۲۳۳

ولی

بلو تکن نهم ۱۳۴

ولی

ولی بیست هفتم ۱۰ بیست هشتم ۳۱ سی یکم ۶
لولیت هجدهم ۱۷
ولوا هفدهم ۴۹ بیست هفتم ۸۲ سی ام ۱۵ چهل ششم ۲۸
لولوا — یا — لولوا نهم ۵۷ چهل هشتم ۲۲
ولتم نهم ۲۵
ولاهم دوم ۱۳۶
یولون سیم ۱۵
ویولون پنجاه چهارم ۴۵
لیولن پنجاه نهم ۱۲
تولون چهلم ۳۵
تولوا دوم ۱۰۹ + ۱۷۲
بیست یکم ۵۸
تولی ششم ۱۲۹
یولهم هشتم ۱۶
یولوکم سیم ۱۰۷
تولوهم هشتم ۱۵
فلنولینک دوم ۱۳۹
نوله چهارم ۱۱۵
فول دوم ۱۳۹ + ۱۴۴ + ۱۴۵
فولوا دوم ۱۳۹ + ۱۴۵
فتولی هفتم ۷۷ + ۹۱
بیستم ۶۲ پنجاه یکم ۳۹
فتولوا سی هفتم ۸۸
لتولوا هشتم ۲۳
وتولوا نهم ۷۷ شصت چهارم ۶
تولاه بیست دوم ۴
تولوهم شصتم ۹
یتول سیم ۲ هفتم ۱۹۵
بیست چهارم ۴۶
یتول پنجم ۱۶ چهل هشتم ۱۷
پنجاه هفتم ۲۴ شصتم ۶
یتولون پنجم ۴۲ + ۸۳
یتولوا نهم ۷۵
ویتولوا نهم ۵۰
یتولوا یازدهم ۵۵ چهل هفتم
۴۰ چهل هشتم ۱۶ شصتم ۱۳
یتولهم پنجم ۵۵ نهم ۲۳
شصتم ۹
یتولونه شانزدهم ۱۰۲
تول بیست هفتم ۲۸
فتول سی هفتم ۱۷۴ پنجاه یکم ۳۹ پنجاه سیم ۲۹ چهارم ۶
سی هفتم ۱۷۸

مرتفع است این ارتفاع نسخ نخواهد بود و همچنین است حال در محل نزاع زیرا که چون پیغمبر از جانب خدا اشاعه حضرت حجه فرمودند بمعنی بمنزله خطابی است که دلالت دارد
برحکم واقع که مفترض گردیده است بنابرین محکم مرفوع و ممکن است که بنحو دیگر جواب گوئیم و آنچه است که هرگاه حکمی از احکام شرعیه مشروط گردید بشرطی
و آن شرط در زمانی مفقود گردید ارتفاع آن حکم در زمان انتفاء شرط نسخ نخواهد بود و الا لازم آید که حج ازغیر مستطیع و زکات
از فقیر منسوخ باشد و این ظاهر است پس میگوئیم محتمل که عدم قبول جزیه در زمان ظهور از جهت فقدان شرط قبول باشد و چونکه شرط تا زمان

فصل الیاء وغیره

وال سیزدهم ۱۲
ولی دوم ۲۵۷ سیم ۶
چهل پنجم ۱۸
ولی شش ۱۰۵+۹ هفت
۱۱۱ چهل یکم ۳۴
الولی چهل دوم ۲۷+۷
ولیه دوم ۲۸۲
ولیهما سیم ۱۱۸
ولینا هفتم ۱۵۴ سی
چهارم ۴۰
ولیکم پنجم ۶۰
ولیهم ششم ۱۲۷ شانزدهم ۶۵
لولیه هفدهم ۳۵ بیست ۵۰
ولی هفتم ۱۹۵
اولیاوه هشتم ۳۴
اولیائکم چهل یکم ۳۱
اولیائهم دوم ۲۵۹ ششم ۱۲۸
اولیائکم سیم ۶
اولیائهم ششم ۱۲۱
اولیائه سیم ۱۶۹
الولایه هجدهم ۴۲
ولایتهم هشتم ۷۳
فاولی چهل هفتم ۲۲ هفتم ۳۵+۳۴
الاولیان پنجم ۱۰۶
مولی چهل هفتم ۱۲ م
مولی چهل چهارم ۴۱ م
المولی هشتم ۴۱ بیست دوم ۷۸+۱۳
موالی چهارم ۳۲
الموالی نوزدهم ۵
مولاه شانزدهم ۷۸
شصت ششم ۴
مولانا دوم ۲۸۶ نهم ۵۱
مولیهم ششم ۶۲ دهم ۳۰
وموالیکم سی و سیم ۵
مولیها دوم ۱۴۳

وی

ویبا بیستم ۴۲

وهب

وهب چهل و دوم ۴۱
نوهب بیست ششم ۲۰
وهبت سی و سیم ۴۹
وهبنا نوزدهم ۵۰
یهب چهل دوم ۴۸
ویهب چهل دوم ۴۹
لاهب نوزدهم ۱۹
هب سیم ۳۸ بیست و پنجم ۷۴
بیست ششم ۳۵ سی هفتم ۹۸
تهب نوزدهم ۵
وهب سیم سی ششم ۳۴

الوهاب سیم ۸ سی هشتم ۳۴
الوهاب سی هشتم ۸

وهج

وهاجا هفتاد هشتم ۱۳

وهن

وهن نوزدهم ۳
وهنوا سیم ۱۴۰
تهنوا سیم ۱۳۳ چهارم ۱۰۵ چهل هفتم ۳۷
وهن سی یکم ۱۳
وهنا سی یکم ۱۳
اوهن بیست نهم ۴۰
موهن هشتم ۱۸

وهی

واهیه شصت نهم ۱۶
ویکان - یا - ویکانه بیست هشتم ۸۲
وویل دوم ۷۹ سیم ۷ چهاردهم ۳
چهل یکم ۵
الویل بیست یکم ۱۸
ویلک چهل ششم ۱۶
ویلنا بیست یکم ۱۴+۴۷ ۹۷ سی ششم ۵۲ سی هفتم ۲۰ شصت هشتم ۳۱
ویلکم بیستم ۶۱ بیست هشتم ۸۰
ویلتی پنجم ۳۴ یازدهم ۷۵ بیست پنجم ۳۰

باب الیاء

ولی بیستم ۹۱ سی هشتم ۲۲
صد نهم ۶
ویا هفتم ۱۸ یازدهم ۴۳+
۳۲+۴۶+۵۰+۶۷+
۸۶+۹۱+۹۵ چهلم ۳۴
۴۴
ییئس پنجم ۴ شصتم ۱۳
ییئسوا بیست نهم ۲ شصتم ۱۳
ییئسن شصت پنجم ۴
ییاس دوازدهم ۸۷
یایس سیزدهم ۳۰
تیاسوا دوازدهم ۸۷
استیاس دوازدهم ۱۱۰
استیاسوا دوازدهم ۸۰
فیوس چهل یکم ۴۹
لیوس یازدهم ۱۲
یوسا هفدهم ۸۵

یبس

یبسا بیستم ۲۹
یابس ششم ۵۹
یابسات دوازدهم ۴۳+۴۶

یتم

الیتیم ششم ۱۵۳ هفدهم ۳۴
یتیما نودم ۱۵ نود هشتم ۶
ویتیما هفتاد ششم ۸
الیتیم هشتادم ۱۸ نود هشتم
۹ صد هفتم ۲
یتیمین هجدهم ۸۱
یتامی چهارم ۱۲۶
الیتامی دوم ۲۱۸ چهارم ۲+۳+۵+۱۱
والیتامی دوم ۷۷+۱۷۲
۲۱۱ چهارم ۹+۴۰ هشتم
۴۲ پنجاه نهم ۷
للیتامی چهارم ۱۲۶

یثرب

یثرب سی و سیم ۱۳

یجج

یاجوج بیست یکم ۹۶
یاجوج هجدهم ۹۳

یحم

یحموم پنجاه ششم ۴۲

ید

ید پنجم ۶۹ چهل هشتم ۱۰
بید سیم ۶۶ پنجاه هفتم ۲۹
ید نهم ۲۹
یدا صد و یازدهم ۱
ایدی سی ام ۴۹ چهل هشتم ۲۰
وایدی پنجاه نهم ۲
ایدی هفتم ۱۹۴
بایدی پنجاه یکم ۴۷
الایدی سی هشتم ۴۵
الاید سی هشتم ۱۶
بایدی هشتادم ۱۵
ایدیهم سی ام ۳۵
بیدک سیوم ۲۶ سی هشتم ۴۳
بیده دوم ۲۳۷+۲۵۰
بیستم ۹۰ سی ششم ۸۳
شصت هفتم ۱
یدی پنجم ۳۱
یدک پنجم ۲۸ هفدهم ۳۱
بیستم ۲۳ بیست هفتم ۱۲
بیست هشتم ۳۲
یده هفتم ۱۰۵ بیست چهارم
۴۰ بیست ششم ۳۲
یدی سیم ۴۴ شصت یکم
یدیی سی هشتم ۷۵
یداک بیست دوم ۱۰
یداه پنجم ۶۹ هجدهم ۵۵
هفتاد هشتم ۴۱
یدیها دوم ۶۲
ایدیها پنجم ۴۲
ایدینا نوزدهم ۶۵ سی ششم ۷۱
بایدینا نهم ۵۲
ایدیکم سیم ۱۷۸ پنجم ۹۵

هشتم ۵۳+۷۱ سی ششم
۴۵ چهل دوم ۲۹
بایدیکم دوم ۱۹۱ نهم ۱۴
وایدیکم چهارم ۴۶ پنجم ۹
بایدیهم دوم ۷۳ ششم
۷ پنجاه نهم ۲
وایدیهم بیست چهارم ۲۴
ایدیهن شصتم ۱۲
ایدیکم چهارم ۷۹ هفتم
۱۲۱ بیستم ۷۴ بیست ششم ۴۹
وایدیکم پنجم ۸ چهل هشتم ۲۴
ایدیهم چهارم ۹۳ پنجم
۱۴ م نهم ۶۸ یازدهم
۷۳ چهاردهم ۱۰ چهل هشتم ۲۴ شصتم ۲
ایدیهن دوازدهم ۳۱
۵۰

یسر

یسر سی ششم ۱

یسر

یسرنا پنجاه چهارم ۱۷
۲۲+۳۲+۴۰
یسره هشتادم ۲۰
یسرناه نوزدهم ۹۷
چهل چهارم ۵۸
ونیسرک هشتاد هفتم ۸
فسنیسره نود دوم ۷+۱۰
ویسر بیستم ۲۷
یسر هفتاد سیم ۲۰ م
استیسر دوم ۱۹۲ م
یسرا هجدهم ۸۷ پنجاه
یکم ۳ شصت پنجم ۷+۴
نود چهارم ۵+۶
الیسر دوم ۱۸۱
یسیر هفتاد چهارم ۱۰
للیسری هشتاد هفتم ۸
نود دوم ۷
والمیسر پنجم ۹۲
والمیسر دوم ۲۱۶ پنجم ۹۳
میسورا هفدهم ۳۰
میسره دوم ۲۸۰

یسع

والیسع ششم ۸۶ سی هشتم ۴۸

یوسف

دوازدهم ۴+۲۹+۴۶
۷۷+۹۰ م چهلم ۳۶
لیوسف دوازدهم ۸
یوسف حالت جری دوازدهم
۷+۱۱+۶۹+۸۰+۸۴

۸۷+۹۴+۱۰۰
یوسف دوازدهم ۸۹
لیوسف دوازدهم ۲۱
۵۶+۷۶
یوسف حالت نصبی دوازدهم
۹+۱۰+۱۷+۵۱+
۵۸+۸۵
ویوسف ششم ۸۴

یعوق

ویعوق هفتاد یکم ۲۳

یعقوب

ویعقوب دوم ۱۲۶
یعقوب حالت جری دوازدهم
۶+۶۸ نوزدهم ۶
ویعقوب دوم ۱۳۲ سیم
۷۸ چهارم ۱۶۱ دوازدهم ۳۸
یعقوب حالت نصبی دوم
۱۲۷ یازدهم ۷۴

یغوث

یغوث هفتاد یکم ۲۳

یقت

الیاقوت پنجاه پنجم ۵۸

یقطن

یقطین سی هفتم ۱۴۶

یقظ

ایقاظا هجدهم ۱۷

یقن

یوقنون سیزدهم ۲
واستیقنتها بیست هفتم ۱۴
لیستیقن هفتاد چهارم ۳۱
الیقین پانزدهم ۹۹
هفتاد چهارم ۴۸
یقین بیست هفتم ۲۲
الیقین پنجاه ششم ۹۵
شصت نهم ۵۱ صد
دوم ۵+۷
یقینا چهارم ۱۵۶
موقنون سی دوم ۱۲
موقنین بیست ششم ۲۳
چهل چهارم ۶
الموقنین ششم ۷۵
للموقنین پنجاه یکم ۲۰
مستیقنین چهل پنجم ۳۱

یمم

تیمموا دوم ۲۶۹
فتیمموا چهارم ۴۳ پنجم ۹
الیم بیستم ۳۹

یمن

یمین سی چهارم ۱۴
بالیمین سی هفتم ۹۱

شصت نهم ۴۵
ایمان پنجم ۱۰۷
شصت هشتم ۳۹
ایمان نهم ۱۲
الایمان پنجم ۹۱ شانزدهم
۹۳
یمینک سیم ۴۹+۵۲
یمینک بیستم ۷۲
بیمینک بیستم ۱۸
بیست نهم ۴۷
بیمینه هفدهم ۷۳ سی
نهم ۶۷ شصت نهم ۱۹
هشتاد چهارم ۷ نود چهارم ۴۸
۲۸+۳
۲۹+۳۷+۴۰+۴۹
بیست چهارم ۳۳+۵۷
سی ام ۲۷
ایمانهم شانزدهم ۷۳
بیست سیم ۶ سی سیم ۵۰
هفتادم ۳۰
ایمانهن بیست چهارم
۳۱ سی سیم ۵۵
ایمانکم دوم ۲۲۵
پنجم ۹۱ م شصت ششم ۲
لایمانکم دوم ۲۲۴
وبایمانهم پنجاه هفتم
۱۲ شصت ششم ۸
وایمانهم سیم ۷۱
ایمانکم پنجم ۹۱ شانزدهم
۹۴+۹۶
ایمانهم نهم ۱۲+۱۳
پنجاه هشتم ۱۷ شصت سیم ۲
الایمن نوزدهم ۵۳
بیست هشتم ۳۰
الایمن بیستم ۸۲
المیمنه پنجاه ششم ۸ م
نودم ۱۸

یونس

یونس حالت جری دهم
۹۸
ویونس چهارم ۱۶۱
یونس حالت نصبی ششم
هفتم ۱۳۹
ویونس ششم ۸۶

ینع

وینعه ششم ۹۹

یهود

الیهود دوم ۱۰۷ م
۱۱۴ پنجم ۲۱+۶۹
نهم ۳۰
الیهود پنجم ۵۶+۸۵

بمیمنه شصت نهم ۶۰

یوم

الیوم هفتادم ۴۴
هفتادم ۳۹
لیوم سیم ۷+۲۴
چهاردهم ۴۳ هشتادم
سیم ۵
الیوم هفتاد ششم ۱۱
بالیوم چهارم ۴۲
نهم ۲۹
وبالیوم دوم ۷
والیوم سیم ۲۱
شصتم ۶
یومئذ دوم ۱۹۹
چهل یکم ۸+۱۱
الایام سیم ۱۳۴
ایام دهم ۱۰۲
بایام چهاردهم ۵
الایام شصت نهم ۲۴
ایام چهل پنجم ۱۳
ایاما دوم ۷۴+۱۸۰
سیم ۲۳
وایاما سی چهارم ۱۷
یومکم بیست یکم ۱۰۳
یومکم ششم ۱۳۰
سی دوم ۱۴ سی نهم
۷۱ چهل پنجم ۳۳
یومهم هفتم ۴۹
پنجاه یکم ۶۰
یومهم چهل ۱۶ چهل
سیم ۸۳ پنجاه دوم
۴۵ هفتادم ۴۲
فیومئذ سی ام ۵۷
پنجاه پنجم ۳۹ شصت
نهم ۱۵ هشتاد نهم
۲۵
ویومئذ سی ام ۳
[illegible]

باب الیاء بعد الواو و الهاء ...
وهب وهن وهی یبس یتم یثرب ید یسر یسع یوسف یعوق یعقوب یغوث یقت یقطن یقظ یقن یمم یمن یونس ینع یهود یوم

علامت هر گاه مشتم محرم شنبه باشد دهم ذی حجه و غره رمضان هم باید شنبه باشد ع

طریق دانستن غره رمضان و دهم ذی الحجة الحرام تا روز قیامت برای آنکه هر گاه شک واقع شود در ششم محرم و غره رمضان و دهم ذی الحجه مبنا را در نظر بگیرند یکی است چهارم صفر و غره رمضان و دهم ذی الحجه یکروز است سیم ربیع الاول و غره رمضان و دهم ذی الحجه یکی است اول ربیع الثانی و غره رمضان و دهم ذی الحجه یکی است هفتم جمادی الاول و غره رمضان و دهم ذی الحجه یکروز است پنجم جمادی الثانی و غره رمضان و دهم ذی الحجه یکی است چهارم رجب و غره رمضان و دهم ذی حجه یکی است دوم شعبان و غره رمضان و دهم ذی حجه یکروز است ششم شوال و غره رمضان و دهم ذی الحجه یکروز است پنجم ذی القعده و غره رمضان و دهم ذی الحجه یکروز است این قاعده ایست که از حضرت صادق علیه السلام مانده است

تتمه حجة البالغه

ظهور و موجود است جامع برپایان اشراط بوده و کاشف از آن عمل حضرت حجت خواهد بود و هکذا چنین میگوییم در تعقل جامع بمسائل دین و الله یعلم

شبهه چهارم

آنکه ممکن نیست که بشر این مدت زمان زنده بماند و با وجود آن در منتهای کمال عقل و صحت حواس باشد و بر فرض امکان عقل مستبعد است وجواب این شبهه بعد ذکر معمرین است و در این باب [illegible] خواهد آمد انشاء الله حکایت اصحاب کهف بر تنهایی در دفع این شبهه کافیست

شبهه پنجم

آنکه حدود و تعزیرات که در زمان غیبت بر ارباب آنها لازم ابدا اگر میگویند ساقط است از ایشان پس لازم گردد بر نسخ شریعت و اگر دیگر میگویند لازم است پس بر کی مرتکب اقامه آنها میگردد و حال آنکه امام غایب است جواب این شبهه بعد از تامل در جواب شبهات سابقه ظاهر است زیرا اولا فرض میکنیم سقوط آنها از جهت انتفاء شرط که آن وجود امام است که بجهت خوف متمکن از اقامه آن نبوده باشد و دانستی که سقوط حکم بجهت انتفاء شرط دخلی بنسخ شریعت ندارد ثانیا مسلم میداریم انتفا آنرا اگر از برای غیبت منصوب از قبل امام بنحو عموم جایز دانستیم اقامه حدود و تعزیرات آنجا [illegible] مذهب جماعتی از علما است پس اشکال [illegible] بود و اگر جایز ندانستیم

پس ملتزم میشویم بسقوط آنها حق بر ذمه [illegible] امام ظاهر شود اگر ایشان [illegible] بلا [illegible] است که سبب [illegible] گردید در وجوب اقامه حدود بر آنحضرت مشروط است بتمکن پس سقوط آن از آن جناب در وقت غیبت و عدم تمکن مستلزم نسخ آن نیست چنانچه مکرر بیان آن نمودیم

شبهه ششم

آنکه احکام واقعیه در زمان غیبت اگر از این ادله که در نزد مجتهدین است [illegible] پس حاصل [illegible] موجب جهل مرکب خواهد بود و متابعت آنها موجب تحلیل حرام و تحریم حلال و نقض میگردد و جواب آنست که حکم واقعی [illegible] عقلی آنست که بعقل ادراک شود با قطع نظر از ورود شرع و [illegible] آنست که بدلیل سمعی معلوم شود اما قسم اول [illegible] امام ثابت [illegible] لطف یعنی موجب تاکید عقل است [illegible] بسمع زیرا که او است مبین احکام سمعیه که لطف در تکالیف عقلیه و اما قسم دوم پس وجود امام نیز لازم است زیرا که ممکن است صدور خطا و نسیان بلکه کذب و عصیان از غیر معصوم که گاه خطائی یا سهوی [illegible] ناقلین احادیث [illegible] که متعلق با مر دینیات [illegible] گردد [illegible] پس بنابر این میگوییم [illegible] ادله حق واقعی معلوم [illegible] گردد ولیکن بشرط اینکه [illegible] باشد [illegible] تحریف [illegible] اگر چنین کسی نباشد [illegible] یقین بعد کذب [illegible] یا خطا [illegible]

پس قطع بحکم واقع حاصل نمیگردد و مولف گوید که [illegible] جواب مناسب است که [illegible] خلل واقع در احکام [illegible] اما لازم و بر او عقل انکار [illegible] واجب است [illegible] غیبت و آن لازم مذهب [illegible] است که اجماع من باب لطف حجت میدانند و اما بنابر [illegible] این مذهب پس جواب [illegible] است که تقیه اولی آنکه [illegible] واقع میگردد پس احتیاج [illegible] ثابت است که بیان واقع [illegible] لولا المانع و اینکه [illegible] تغییر شریعت میگردد [illegible] است با اینکه حکم شرعی [illegible] قسم است اول حکم واقعی که منبعث است از مصالح و [illegible] نفس الامریه که در ذات اشیاء است با وجود و اعتبار باطل الفضل [illegible] کان ان حکم ان شئ است ابتداء پس اگر مانع از وصول آن نباشد خداوند بواسطه انبیاء و اوصیا انزال برای ایشان بیان فرماید و هر گاه مانعی باشد [illegible] در زمان و [illegible] گرداند تا وقت زوال مانع دوم حکم ظاهری است که از مراتب حکم واقعی است و لطف خداوند که [illegible] ممکن است آن عبادت [illegible] اول الامر ظنیه که در نزد علما معتبر است و چون [illegible] حکم و مصالح [illegible] که سابق بعضی از آن اشاره نمودیم غیبت امام لازم گردید و موانع از ظهور و حجر سبب دفع از آن همان مانع از ایصال الاحکام واقعیه بعباد گردید پس [illegible] مرتد گردید در میان ایشان مطلقا خداوند تکلیف را از ایشان بردارد با اینکه ظاهرا با ایشان نماید که [illegible] الرضا [illegible] واقع باشد و خطای [illegible] از صواب باشد و شبهه [illegible]

بمقتضای لطف بوده بتکلیف فی نفسه بلکه ضرورت دین نبوی تکلیف [illegible] بود پس معین گردید که [illegible] راهی بدین حالت که وصف نمودیم با ایشان نماید و مصلحت که در صورت و سنت غالب است بر مفسده که [illegible] برخطای آن میشود و ملاحظه جمله مصلحت لازم است و چون که موارد [illegible] و صواب [illegible] نیست لهذا متابعت [illegible] در مقام ظاهر لازم نموده [illegible] تفویت موارد مصلحت لازم [illegible] ادله در مقام ظاهر [illegible] گردید بحکم شرع پس مستلزم تحلیل حرام و تحریم حلال نخواهد بود زیرا که آنچه بمقتضای دلیل محکوم بحرمت گردید حکم او در مقام ظاهر حرمت است شرعا و چه عجب در واقع حلال باشد و بالعکس و چون هر دو حکم الهی است که یکی از آن بعد از جمله آن دیگر است مستلزم تحریف تغییر حکم شرع نخواهد بود و خداوند بالطف عمیم ندارک میکند آنچه را که فوت گردد از مصلحت واقع بسبب [illegible] این ادله و دربرابر اینکه است که سبب غیبت [illegible] و خوف آنجناب گردید و بر آنحضرت صلوات الله علماء لازم نیست بلکه [illegible] کرد لطف او شامل حال گردد و پای بر فرق فرقدان گذارد و کلاه از سرکیوان بر نماید والا خاک حسرت بر سر ریزد و خون بخورد [illegible] خالش یا بیت مترنم گردد اما آنکه خاک را بنظر کیمیا کنند آیا شود که گوشه چشمی بما کنند اللهم عجل فرجه و سهل

مولف گوید که باتفاق همه امت بعد از جناب پیغمبر وجود خلفای مخصوص لازم بوده و بدون ایشان امر امت مختل میگردید این شخص متعرض که ادعا نموده که اگر کتاب و سنت و حکم الله واقعی معلوم میشود وجود خلیفه چه نفعی دارد و الا تغییر شریعت لازم میاید [illegible] این بحث با اختصاص [illegible] ندارد با آنها اینکه قائل بر غیبت امام اند بلکه بر جمله مسلمین است زیرا که ایشان حکم را از کتاب و سنت استنباط نمایند مگر اینکه غرض معترض این باشد که بر فرض قول به او با غیبتش و عدم تصرف چه نفع دارد پس این کلام بعد از تسلیم راجع گردد بشبهات سابقه و دفع آن بحمد الله ظاهر گردید الحمد لله رب العالمین

شبهه هفتم

آنکه بحسب اخبار صحاح از [illegible] والد مهدی موعود عبد الله [illegible] که اسم و الد آنجناب [illegible] است چنانکه اسم او اسم خود آنجناب است و اینکه شما ادعا میکنید بر غیر این و [illegible] است و جواب این شبهه آنست که در کتب اخبار اهل سنت هست که اسم پدر او اسم پدر من [illegible] والد و هکذا نیست بلکه [illegible] اکتفا شده با اتحاد اسم کنیه آنجناب با اسم و کنیه پیغمبر و شیعی از اخبار شیعه در آنکه آنجناب خلف جناب امام حسن عسکری است چنانکه کنند و اخبار بکه اختصاص با اهل سنت دارد معارض با اخبار متفق علیه بین الفریقین [illegible] نیست با اینکه احتمال تصحیف در نسخ آن میرود که اصل بدین طریق باشد که اسم ابیه اسم ابنی یعنی اسم والد آن مولود اسم پسر من است که اسم امام حسن مجتبی است تا آنکه مراد با اسم پدر

کنیه مبارکش باشد یعنی ابو محمد که همان کنیه شریف امام حسن عسکری است [illegible] و الله یعلم

باب چهاردهم

در ذکر اشخاصی که بشرف مشاهده جمال آفتاب تابان مشرف شده نور بخش عالم امکان گردیده اند و آنها از دو بیست نفر متجاوزند و ما در مقدمه دانستیم که حمل کلام [illegible] را با الثمام بر کذب خلاف عرف عقلا است پس حاجت [illegible] نمودن ندارد در تفصیل حال اشخاص و کیفیت وصول آنها بخدمت حضرت مانع وضع این مختصر است پس اکتفا مینماییم بذکر اسامی جمله از آنها و آنها که با آنجناب تماشا [illegible] بخدمت آنحضرت مشرف شده اند در حال حیوة پدر بزرگوار پس از شصت نفر متجاوز است بعضی از آنها اکتفا مینماییم اول حکیمه خاتون عمه آن حضرت دویم عجوزه که تربیت قابله مشرف گشته سیم نسیم خادم چهارم کامل بن ابراهیم پنجم احمد بن اسحق و کیل ششم سعد بن عبد الله قمی هفتم احمد بن اسحق بن سعد اشعری و حکایت در دو روایت وارد از بقیه تا بیست دویم ذکر گردیده هشتم احمد بن عبد الله در ضمن سی و سه نفر هشم اسمعیل بن علی نوبختی دهم عمر اهوازی یازدهم معوی بن حکیم دوازدهم محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری تمام چهل نفر بودند و اما اشخاصی که بخدمت آنحضرت مشرف شدند بعد از وفات امام حسن پس از صد نفر متجاوز زند مگر بعضی اکتفا مینماییم و آنها چند فرقه اند طائفه در مکه مشرف بخدمت آنجناب شدند خصوص مشرف گشته اند اول ابراهیم بن عبده نیشابوری باخادمه او دوم ابو عبد الله حمزة دویم ابو عبد الله

نزد حجر الاسود سیم ابو محمد بن حسن بن وجناء در خانه خدیجه چهارم شخصی از دهم در طواف بحضرت آنحضرت و سید در حالیکه آنجناب در سن شباب بود پنجم ابراهیم بن مهزیار در طائف ششم ابو نعیم انصاری در طواف در ضمن سی نفر [illegible] شباب هفتم ابو علی محمد بن احمد محمودی و جماعتی در طواف هشتم یعقوب بن یوسف عجوزه در خانه حضرت رضا بعد [illegible] آن حضرت و سید و حال آنکه سن شریف [illegible] سال پانزده سال بود و طائفه در غیران اول ابو الادیان دویم ابو العباس محمد بن جعفر بن محمد حمیری با قافله که از قم بیغداد آمده بودند محمد بن اسمعیل که بین المسجدین آنجناب را ملاقات نموده چهارم ابو القاسم [illegible] قمی که با [illegible] علی بن بابویه از حضرت خواهش نماید که خدا باو خلف صالحی عطا نماید بدعای آنحضرت محمد بن بابویه قمی معروف بشیخ صدوق متولد گردید پنجم یوسف بن احمد جعفری در راه شام بخدمت آنحضرت و امام [illegible] رسید ششم سید [illegible] در مسجد [illegible] هشتم حسن بن عبد الله تمیمی در جای بخدمت آنجناب سید [illegible] آنحضرت مسجد سهله مشرف بود هفتم زهری که با عمری شرف حضور یافت هشتم عامر ابو سعید الهندی در بغداد بخدمت مشرف گردید هفتم شفیق مازندرانی در سرداب مکرم خدمت امام معظم رسید دهم شخص حاجی همدانی با مادر خود بوده خضر ابو در قصر خدمت آن حضرت مشرف گردید یازدهم ابو هرون دوازدهم ابو علی بن مهزیار سیزدهم جعفر بن علی چهاردهم

به یکشنبه بنا آغاز مکن
اگر داری هوای شرب شربت
بادینه اگر بایی عروسی

دگر عزم سفر داری دوشنبه
چهارشنبه مجو از دیگ میره
بکن تزویج و داد خویش میده

تتمه حجة البالغه

سه شنبه فصد مکن یا حجامت
بپرهیز شنبه مراد خویش میخواه
که غیر از انبیاء و اولیاء کس

بپرهیز از مرهمت مرهم هم مر
زهر بابیکه خواهی از که دهم
نداند سر این علم از مه و کم

خود را ب(صلعم) نموده از دجله بالا امدم دیدم جمعی سوار از دروازه بیرون میایند گمان کردم از شرفاء نواحی مشهد چون نزدیک شدند دیدم دو نفر ایشان جوانند شمشیری حمایل نموده و یکی از ایشان پیری بود نقاب بر رخ کشیده نیزه در دست داشت و دیگری شمشیر حمایل ساخته فرجی ملون در بر داشت چون بمن رسیدند سلام کردند پس ان شخص فرجی پوش گفت ایا فردا بسوی اهل خود میروی عرض کردم بلی فرمود پیش بیا تا زخم ترا ببینم با کراهت پیش رفتم دست مرا گرفت و دست مبارکرا از کتف من کشید تا بر زخم پس او را فشاری داد که مثل سالم گردید و بر زین اسب قرار گرفت پس ان شیخ گفت الحمد لله یا اسمعیل من متعجب شدم که اسم مرا چگونه دانست پس گفتم الحمد لله انشاء الله انگاه گفت که این شخص امام است پس دویدم و ران مبارکش را بوسیدم پس ان حضرت روانه گردید و من از عقبش میدویدم فرمود برگرد عرض کردم من هرگز از تو جدا نشوم فرمود برگرد که مصلحت در انست من اصرار بر انکار نمودم ان شخص گفت حیا نمیکنی ای اسمعیل که اصرار بر مخالفت امام مینمائی من ایستادم و مجلس ایشان دور شد چون چند قدمی رفتند نگاه بمن نموده فرمود چون ببغداد برگشتی خلیفه مستنصر ترا خواهد طلبید مبادا از او چیزی قبول کنی بلکه بگو بولدم رضی الدین که از برای تو خبری بنویسد بسوی علی بن عوض که سفارش ترا بنماید که چیزی بتو بدهد پس با اصحاب خود روانه گردید من ایستادم بر ایشان نظر می نمودم تا انکه دور شدند از من و من از شدت حسرت و تاسف بر مفارقت ساعتی زمین نشستم و بعد برخاسته وارد شهر شدم خدام من جمع شدند که تراچه میشود که احوال تو متغیر می بینیم ایا المی بتو رسیده یا با کسی منازعه نموده گفتم نه لکن بگوئید که این سواران از مشهد بیرون امدند کی بودند گفتند از شرفای صاحبان گوسفند گفتم در این حوالی گوسفندان بود امیرانند گفتم بلکه ان امام بود گفتند ان شیخ یا صاحب فرجی گفتند ایا زخم خود را باو نمودی گفتم او خود بدست مبارک فشرده و مرا ساکن کرده پس پای خود را گشودم اثری از ان قرحه ندیدند بلکه از غایت دهشت شک افتادم که شاید در پای دیگرم بوده پس ان نیز گشودم و در ان هم چیزی نبود پس خلایق بر من هجوم اوردند و جامه در بدن نماند مرا بخزانه حضرت بردند از دست مردم نجات دادند پس مراجعت نموده چون وارد بغداد شدم دیدم مردم بر سر پلی اجتماع نموده منتظر من اند زیرا که خبر پیش با ایشان رسیده بود چون مرا شناختند بر سر من هجوم اورده رختهای مرا پاره پاره کردند نزدیک شد از ازدحام که هلاک شوم ناگاه سید رضی الدین را دیدم که با جمعی از جانب من میاید و خدام او مردم را از من متفرق نمودند چون مرا دید گفت این خبری از تو میگویند گفتم بلی پس از اسب بزیر امده ران مرا گشود چون اثر جراحت را نیافت بیهوش شد بعد از ساعتی بهوش امد دست مرا گرفت پیش وزیر برد و وزیر را از کیفیت واقعه خبردار نمودم پس حکم نمود باحضار اطبائیکه دیده بودند ان قرحه را چون حاضر نمودند گفتند علاج نمائید قرحه پای این شخص را گفتند ما گفتیم ان علاج نیست بجز انکه در قطع ان احتمال هلاکت است گفت بر فرض قطع شود و هلاکت ان نگردد تا چند وقت بهبودی حاصل میشود گفتند دو ماه لکن در محل ان مغاک بماند که دیگر ان موی بروید وزیر گفت شما چند روز است که زخم او را دیده اید گفتند ده روز گذشت پس وزیر ران مرا باز کرده چون دیدند که هر دو پا مثل هم است واثر زخم و جراحت در انها نیست یکی از ایشان فریاد کرد هذا من عمل المسیح پس خلیفه مستنصر مرا طلبید بعد از تفحص قضیه هزار دینار عطا نمود بنابر وصیت امام قبول ننمودم

فائده

از جمله شواهد بر وجود ان افتاب عالمتاب توقیعاتی است که از ناحیه مقدسه حرسها الله تعالی در مقامات عدیده بیرون امده مشتمل بر اجوبه مسائل مشکله در اصول و فروع و تفصیل انها در احتجاج شیخ طبرسی مسطور است و مناسب این مختصر اشاره بانها بنحو اجمال

اول توقیعی است که در جواب کتابت جماعتی از شیعه ابو غانم قزوینی بیرون امده که منازعه نموده بودند در امر وجود ان حضرت **دوم** توقیعی است که در جواب خط احمد بن محمد اشعری بیرون امد مشتمل بر تکذیب جعفر بن علی در ادعای خلافت **سیم** توقیعی است که در جواب مسائل اسحق بن یعقوب بدست محمد بن عثمان عمری بیرون امد **چهارم** توقیعی است که در رد شیعه بیرون امد مشتمل بر اینکه امر خلق و رزق با خدا است بلی ائمه هم گاه سؤال نمایند خلق و رزق [illegible] چیزی را از رزق کثیر باجابت مقرون میکرد **پنجم** توقیعی است که در جواب کتابت محمد بن علی بن هلال بیرون امد مشتمل بر رد طائفه غلات **ششم** توقیعی است که بدست شیخ ابو القاسم بن روح بیرون امد مشتمل بر لعن جماعتی مثل احمد بن هلال کرخی و ابو طاهر بن محمد بن علی بن بلال کرخی و حسین بن منصور حلاج و محمد بن علی شلمغانی معروف با بن العزاقر **هفتم** توقیعی است که بدست ابو الحسن علی بن محمد السمری بیرون امد در وقت وفات او و چون از او استفسار نمودند از نائب قائم او توقیعی بیرون امد بدین مضمون که یا علی بن محمد السمری خدا برادران ترا اجر عظیم کرامت نماید در فراق تو چون تا شش روز دیگر عالم را وداع خواهی نمود پس امر خود را جمع اوری نما و دیگری را وصیت مکن که در جای تو نشیند زیرا که زمان غیبت کبری رسید و ظهوری نخواهد شد مگر بعد از اذن خدا و ان بعد از طول زمان و قساوت قلوب و پر گشتن زمین از جور **هشتم** توقیعی است که بسوی محمد بن عثمان عمری بیرون امد مشتمل بر تعزیه او بپدرش **نهم** توقیعی است که مشتمل بر جواب مسائل محمد بن عبد الله [illegible] سنه سیصد و هشت [illegible] توقیعی است دیگر بسوی [illegible] سابق مشتمل بر کیفیت زیارت انحضرت [illegible] دوازدهم توقیعی است که در سنه [illegible] بر شیخ سعید محمد بن محمد نعمان شد مشتمل بر تسلی خاطر و تسکین قلب و منطوی بر مشتی از علائم ظهور انجناب در انست امر بتقیه از فرق ضاله و توقیعی دیگر نیز بر او وارد گردید منطوی بر مطالب جلیله از انجمله انکه محل مهر مبارک و منزل همایون انوقت در شمراخ است که بلادیست که یمن یا مراد تلکوه باشد والله عالم منقولست که روزی شیخ جلیل سلار بن عبد العزیز در مجلس شیخ مفید سخنی در حین مباحثه فرمود شیخ را خوش امد از حال او استفسار نمود گفتند این احیا کرده جناب شیخ است شیخ از کیفیت واقعه پرسید گفتند وقتیکه والده او وفات کرد در دم مادر بود و مادر او متحیر شده از جناب شیخ استفتا نمودیم فتوی دادند چون بر [illegible] شیخ بتعجیل امد [illegible] پهلوی چپ او را شکافته و طفل را بیرون اورید ما چنین کردیم و حال انیست که مشاهده مینمائی شیخ فرمودند بخدا قسم ان فتوای دیگر از من نبوده حال بخود شرط کردم که دیگر فتوی ندهم زیرا که باعث هلاک چنین شخص عالمی گردیده بودم ناگاه خطی در پیش شیخ ظاهر گردید یا شیخ منک الخطاء و منا التسدید اگر از تو خطائی سر زند باکی نیست ما چاره او را مینمائیم پس شیخ فرحناک شده مؤلف گوید اگر چه هر یک از این قصایا و وقایع خبر واحد است و موجب یقین نمیشود لیکن بعد از ضم بعضی ببعضی و ملاحظه انها با اخبار از اختلاف اشخاص و اعصار و علم بوجود امری بر کذب انها شکی در وجود انجناب باقی نمیماند والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم

باب پنجم

در احوال بعضی از معمرین چون دانستی که بعضی مانع از اعتقاد ببقاء انجناب استبعاد انستکه کسی این مدت زمان عمر نماید و پیر و شکسته نگردد و حال انکه مجرای طبیعت و عادت محال است وانکه همه باین سن میرسند غالبا شکسته و خرف میگردند و جواب ایشان [illegible] و جواب این شبهه اولا انست که کلامی نیست در امکان این معنی عقلا زیرا که برهانی بر استحاله او اقامه نشده و در حیوة زیاده بر مزاج و حرارت غریزی چیزی معتبر نیست و بقاء هر یک از اینها ابد الاباد ممکن است و چون معجز صادق بچیزی ممکن تعلق نمود با عقل جناب [illegible] حکم نماید اعتقاد بان لازم است اگر چه خارق عادت باشد مثل معجزه انبیا مثل شق القمر و تسبیح حصی خارق عادت نیست چون اخبار متواتره بر انها وارد شده باید تصدیق نمود و اگر کسی انکار نماید بمجرد استبعاد از درجه انسانیت خارج است و ثانیا انکه وقوع امری در خارج مغنی از اثبات امکان اوست زیرا که اگر امری محال بود مستحیل عقلی باید وقوع نیابد واختلاف در [illegible] مقتضای امکان طول عمر در امتناع ان نمیشود پس وقتیکه بطول عمر بسیار از نوع دلیلست بر انکه ممکن است که همه افراد ان نوع بکمال عمر طبیعی برسند یا دانستی که در حال حیوة زیاده بر امور [illegible] چیزی معتبر نیست غایة الامر هر گاه در زمانی واقع شود در زمانی مستند خواهد بود باسباب خارجیه غیر از امکان و حالت عقلیه مثل انکه [illegible] زمان متاخر حاصل باشد واز افت [illegible] پس هر گاه عادت [illegible] بر ان جاری شده باشد که در اعصار سابقه عمرها دراز و در این عصر کوتاه باشد از ان نمیشود که در این زمان طول عمر ممتنع باشد بلکه [illegible] از معجزه اعتقاد چنانست که هر گاه ولادت مولود در قرن اخری واقع شود ممکن است که مولود قریب بهفتصد سال عمر نماید در هر عصری باشد پس معلوم شد که ادعای انکه مجرای عمر طبیعی [illegible] و طبیعت محال است ممنوع اگر مقصود استحاله زیاده بر ان باشد و اگر مقصود انستکه عادت خلاف انست در اعصار جاری گشته این منافات ندارد باخرق [illegible] تحت قاعده معجزه بسبب مصلحتی که بان اشاره شد از سابق [illegible] جواب بر وقوع طول عمر است فی نفسه زیاده بر صد بیست سال لازم است اشاره نمود باشخاصیکه بدان صفت متصف بوده اند و ضمنا موجب دفع استبعاد نیز خواهد بود اول خضر نام او [illegible] بلیا بن ملکا بن عابر بن [illegible] بن سام بن نوح است و سبب تسمیه او بخضر انستکه بهر زمینی نشستی فورا سبز گشتی و هر چوب خشک [illegible] کردی سبز شدی [illegible] بظلمات [illegible]

بحجت حیات رسید و از اعقاب باتفاق مورخین [illegible] است وکسی خلافی [illegible] وجود او [illegible] طائفه معتزله [illegible] دانسته [illegible] لازم نیست زیرا که [illegible] از جمله ضروریات [illegible] که عوام و [illegible] مقام او [illegible] محل که مشهور [illegible] هر کس در اصل وجود [illegible] و [illegible] و وجود انجناب حال [illegible] نیز بنا بمذهب [illegible]

واز بعضی اخبار ائمه [illegible] میشود که حکمت [illegible] در بقاء حضرت خضر انستکه بان استدلال نمایند بر بقای مهدی عجل الله فرجه دوم حضرت عیسی تا حال زنده و در اسمان است [illegible] زمانیکه مهدی ظاهر شود [illegible] و دلیل ان از قران [illegible] ان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته یعنی کسی از اهل کتاب نماند مگر انکه ایمان اورند به نبوت عیسی پیش از انکه عیسی از دنیا برود و تا حال ایمان نیاورده اند پس باید بعد از ظهور مهدی باشد و دیگر ایه وما قتلوه وما صلبوه ولکن شبه لهم [illegible] وما قتلوه یقینا بل رفعه الله الیه و منافاتی ندارد با ایه انی متوفیک [illegible] زیرا که [illegible] دیگر است وهو الذی یتوفیکم باللیل [illegible] انکه هم مردم [illegible] یتوفی الانفس حین موتها والتی لم تمت فی منامها پس ثابت توفی در حالت خواب نیز ثابت است پس لازم با مردن ندارد دوم از اخبار حدیثی است که در صحیح مسلم روایت میکند و در روایت اخر انستکه فرود خواهد امد عیسی بن مریم نزد مناره سفید و هر دو کف دست را بر بالهای دو ملک گذاشته [illegible] وغیر [illegible] است که بخاری و مسلم هر دو روایت نموده اند از ابو هریره که حضرت رسول فرمود که چگونه خواهید

قاعده اگر کسی خواهد که بداند که در شهری یا در قریه بماند خیر او هست و از برای او خوب میگذرد یا نه پس اسم خود و اسم مادر خود را و آن شهر و قریه را که در آن ساکن است بحساب ابجد حساب کند و جمیع اعداد را جمع نماید چهار چهار طرح کند اگر یکی بماند روز بروز در آنجا بار برسد بد سواری و اگر دو بماند حال او در آنجا وسط باشد و اگر سه بماند رزق او با سانی باو برسد و اگر چهار بماند نعمت و برکت بسیار از برای او بهم رسد بعون الملک الوهاب و بجهت حصول حوائج کلی و طلب بزرگی و دفع دشمن و دفع خوف عقد اللسان جمله نقصان یکهزار و یکمرتبه بخواند انا نحن نزلنا الذکر

تتمه حجة البالغه

شما و فیکم پسر مریم بر شما نازل شود و خلیفه امام شما از شما باشد و حال لفظ نزول صریح است در بقای آنجناب تا آن زمان و الا میفرمود زنده شود و این ظاهر است سیم دجال ملعون است چنانچه مسلم در صحیح خود روایت نموده که پیغمبر فرمود چون بیاید دجال و حرامست بر او که داخل مدینه شود پس فرود آید بر بعضی زمینهای شور نزدیک مدینه آنگاه مردی نزد او بیرون آید از بهترین مردمان دجال بمردم گوید اگر این شخص را بکشم زنده گردانم آیا شما را شکی در کار من باقی میماند گویند نه پس بکشد او را زنده کند آن شخص گوید الان اعتقاد یکه سابق بتو داشتم بحال خود باقی است پس دجال اراده کند که او را دوباره بکشد بر او دست نیابد گویند آن شخص خضر است این حدیث مسلم را شهادت و معنی از استدلال است **چهارم** شیطان ملعون و دلیل بر بقای او بعد از خروج آیه انک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم اینها جماعتی بودند که تا حال باقی هستند در وجود اینها کتابهاست لیکن ذکر سایر اشخاصی که طول عمر ایشان بوده حتی که مادر تا این وقت در دفع استبعاد کرده باشد و اعتماد در غلب اینها بر اقوال مورخین است که ایشان اهل خبر در این **باب اول**

حضرت آدم نهصد و سی سال در دنیا بود و حواء نیز قریب بآنجناب عمر نمود **دوم** شیث پسر آنجناب نهصد و چهل سال و چهل روز زندگی کرد **سیم** انوش پسر شیث نهصد و پنجاه سال زیست نمود **چهارم** قینان پسر انوش نهصد و پانزده سال در جهان زندگانی کرد **پنجم** مهلائیل بن قینان نهصد و شصت و دو سال عمر کرد **ششم** یارد پسر او نهصد و شصت سال عمر کرد **هفتم** ادریس او سیصد سال در زمین بود و بعد باسمان عروج کرد و متوشلخ بن ادریس نهصد و شصت و نه سال عمر کرد **هشتم** ملک پسر او هفتصد و هفتاد و هفت سال باقی بود **دهم** عوج بن عناق سه هزار و سیصد سال زندگانی کرد **دهم** حضرت نوح ع دو هزار و پانصد سال عمر کرد و بعضی قرآن نهصد و پنجاه سال دعوت نمود و در روایات منقول است که در مهلک سنتی است از خضرت نوح و آن طول عمر است **یازدهم** هود نهصد و شصت سال عمر نمود در آن زمین حضرت الیاس بنا بر مشهور تا حال باقی است **سیزدهم** حضرت ابراهیم صد و هفتاد و پنج سال عمر نمود **چهاردهم** حضرت اسحق صد و هشتاد سال زندگانی کرد **پانزدهم** حضرت ایوب صد و هشتاد و چهار سال عمر نمود **شانزدهم** حضرت شعیب

دویست و چهل و سه سال در این زمان باقی بود هفدهم عزیر صد و پنجاه سال عمر نمود و برادر او پنجاه سال زنده بود و حال آنکه در یک روز متولد شده بودند و در روز دو روز در قریه ملعون کشته گشت عزیر با خداوند صد سال بیارامید و بعد زنده گردید چنانچه مشهور است **هجدهم** حضرت اسمعیل صد و سی و هفت سال حیوة داشت **نوزدهم** اصحاب کهف و اینها بنا بر مشهور هفت نفر بودند و از قرار استنباط این معنی توان نمود از آنجا که میفرماید قال قائل منهم کم لبثتم قالوا لبثنا یوما او بعض یوم قالوا ربکم اعلم بما لبثتم زیرا که سائل یکنفر و مجیب سه نفر دیگر و معترض سه نفر دیگر بوده‌اند ایشان از خوف از دقیانوس بران داشت که بغاری مختفی شدند و سگی با ایشان مصاحبت کرد چون داخل غار شدند ایشان را خواب در ربود و سیصد و نه سال خواب ایشان امتداد یافت و در بین خواب از پهلو به پهلوی دیگر منقلب میشدند بامر خداوند چون بیدار شدند گمان ایشان چنان بود که همان روز است که بخواب رفته‌اند یکی بطلب رزق بشهر آمد تغییری فاحش در آن و بلد مشاهده نمود و ازین ایشان متحیر بودند تا بجائی که اهل دنیا را دیگر دقیانوس برفت او را در بر کرد کاسب او را بنا فرش گنج متهم ساخت و او را گرفته نزد سلطان بردند در بین راه میگفت الان دقیانوس مرا خواهد کشت مردم آن

کلام او متعجب شده گفتند ایمرد مگر تو دیوانه از عصر دقیانوس تا حال سیصد سال بیشتر میگذرد و در الحال سلطان ما خدا پرست و بسمت عدل و داد موسوم است و چون او خدمت سلطان بردند حکایت و قصه را با راستی بیان نمود و چون حکایت ایشان را در کتابها خوانده بودند صدق او بر اینها معلوم و ظاهر گشت پس سلطان با عسگر خود در کهف آمد و دو نفر شخص پیش از اینها رفته یاران را بکیفیت حال اطلاع داد پس ایشان از خدا استدعا نمودند بحالت اول عود نمودند و در غار هم آمد و سلطان با دو شاه و اتباعش مراجعت نمودند مؤلف گوید که شخص منصف باید ملاحظه نماید که استبعاد این بیشتر است که انسان بجون که محتاج بغذا و شراب است سیصد سال بدون خوردن و شراب باو نرسد و با این همه زندگی کند و از پهلو به پهلو غلطد یا آنکه شخصی هزار سال زنده بماند و حال آنکه اسباب تعیش از برای او بهم نحو مهیا و آماده باشد چنانچه غار را در حضرت حجت اعتقاد است و اینکه بعضی گمان کرده‌اند که مذهب شیعه است که حضرت در سرداب است من رای است ابهمیه ملت محض بهتان است چنانچه در خاتمه اشاره خواهد شد و بر فرض صحت در حکایات اصحاب کهف عجیب نیست و آن هم از آیات خداوند است

عجب نیست و بیست و یکم حضرت سلیمان بقولی هفتصد و دوازده سال حکمرانی نمود بیست و دویم حضرت لقمان بقولی چهار هزار سال باقی بود بیست و سیم کیومرث صد بیست و پنج سال حکومت نمود بیست و چهارم جمشید هفتصد و پنجاه سال سلطنت کرد **بیست و پنجم** فریدون پانصد سال حاکم بود بیست و ششم ضحاک عرب سه هزار و پانصد سال زندگانی کرد بیست و هفتم کیکاوس صد و پنجاه سال حکمرانی نمود بیست و هشتم گشتاسب صد و شصت سال پادشاهی کرد بیست و نهم اسفندیار صد و شصت سال سلطنت کرد سی ام فرعون چهارصد و یازده سال پادشاهی کرد و از معمرین عرب سی و یکم ربیع بن ضبع فزاری سیصد و چهل سال عمر تا زمان حضرت پیغمبر باقی بود سی و دویم اکثم بن صیفی اسدی سیصد و سی سال زندگانی کرد **سی و سیم** دریدبن زید چهارصد و پنجاه و شش سال عمر حیوة بود سی و چهارم دریدبن الصمه دویست سال حیوة داشت و در غزوه حنین مقتول گردید سی و پنجم صفی بن رباح دویست سال عمر نمود سی و ششم نصر بن همام بن سلیم بن تجیع صد و نود سال زندگانی کرد سی و هفتم صیرة بن سعد بن لیث دویست و دو سال باقی بود و نوحها او سنا و دندانهای بجوانی باقی بود سی هشتم

عمرو بن حمه الدوسی چهارصد سال در دو زمان بود سی و نهم زهیر بن جناب عبد الله بن کنانه بن عوف چهارصد و بیست سال زنده بود چهلم حرث بن مضاض الجرهمی چهارصد سال عمر نمود و این بیت از اوست کان لم یکن بین الحجون الی الصفا انیس و لم یسمر بمکة سامر چهل و یکم عامر بن الظرب العدوانی دویست سال داد در زمانی بود چهل و دویم مستوغر بن ربیعه سیصد و بیست سال الحیوة داشت و اسلام را ادراک نمود چهل و سیم زهیر بن جناب دویست و بیست سال الحیوة داشت چهل و چهارم ابو الطمحان القینی حنظلة بن الشرقی از اوست دویست سال زندگانی نمود چهل و پنجم عبد المسیح عمر بن بقیله سیصد و پنجاه سال باقی بود و اسلام را ادراک نمود و اسلام قبول نمود چهل و ششم افضل جعفر بن قیس بن کعب دویست سال عمر داشت و زمان اسلام ادراک نمود و از برای هر یک از اینها و غیر اینها از معمرین وقایع و اشعار چند است و تفصیل اینها در غرر و درر سید مرتضی و کنز کراجکی و کشف الغمه و غیر آن مسطور است و در این مختصر اکتفا بهمین نمودیم سید جلیل نعمت الله جزایری در انوار نعمانی ایراد نموده بسند خود از معمر ابو الدنیا ابو بکر بن محمد بن فتح و ابو الحسن علی بن الحسن الاشج که گفتند در مکه معظمه مردی از اهل مغرب دیدیم پس با جماعتی

از اصحاب حدیث نزد آن رفتیم از کسانیکه آن سال بموسم حاضر گشته بودند یعنی سنه سیصد و نه پس دیدیم مردیرا که موی سر و ریش او سیاه و لیکن مانند مشک پوسیده گردیده بود و در اطراف او بودند از اولاد او و اولاد اولاد او مشایخ چند از اهل بلد ایشان گفتند که از بلد هستیم که در منتهای بلاد مغرب واقع است و از آبای خود شنیده‌ایم که از اجداد خود نقل میفرمودند که ما این شیخ را که معروف بابی الدنیا و اسم او علی بن عثمان معمر است دیده‌ایم و گفتند اصل او از صنعاء یمن است گفتیم آیا علی بن ابیطالب را دیده چون سخن ما را شنید ابروی خود را از روی چشم بلند کرد گویا دو چشمان او مانند دو چراغ بودند و گفت بهمین دو چشم آن حضرت را دیدم و خادم آنجناب بودم و با او در صفین بودم و روزی در صفین ... بودم که ناز یانه آنحضرت از دستش افتاد خم شدم که از را با آنحضرت دهم اسب آنحضرت سر خود را بلند کرد و لجام او که از آهن بود سر مرا زخم نمود پس آن حضرت بدهن مبارک بر آن زخم و قدری خاک بر آن پاشید فی الفور وجعش ساکن گشت و لکن اثر او باقیست پس ما او را از سبب طول عمرش استفسار نمودیم گفت پدر من در کتب متقدمین دیده بود که چشمه حیوة در ظلمات است هر که از آن

نوشد عمرش دراز گردد و حوض او را بر آن داشت که تهیه سفر ظلمات نموده بقدر کفایت برداشته مرا خادم در خدمتش بودم و شترهای چند که شیرده بودند با ادا هائی آب برداشته و من در آن وقت سیزده ساله بودم پس روانه گشتیم تا آنکه بظلمات رسیدیم و داخل آن شده شش روز و شش شب در ظلمات راه رفتیم و فرق شب و روز را از آنکه تاریکی روز اندکی کمتر از شب بود تا آنکه بدره ها و کوه‌های رسیدیم در آنجا نزول نموده چونکه در کتب دیده بودیم که مجرای چشمه در آن موضع است چند روز در آنجا اقامت نمودیم تا آنکه آبهای مانده بکشید که تمام شود پس باقی بر اشتر حمل دیدیم و از شیر اینها اب بخوردیم و اگر شتران شیر ده بودند هم هلاک شده بودیم و پدرم هر چه در آن گرفتن بجستن از آن نمی‌نمود و لکن اثری نمی یافت تا آنکه مایوس شده از خوف تلف عزم انصراف نمودیم پس بجهة قضاء حاجت بقدر که تیری از مرا دور رفتیم ناگاه دیدم نهری از آب سفید رنگ بسیار کوچک جاری بود جریان که پس چند جرعه از آن نوشیدم آب سرد لذیذ ... گوارا بود پس در شتاب پیش مدر آمدم او را بشارت دادم به یافتن و عید الشتم آبحیات است که خوشحالی از آن ... آب بود که از تشنگی هلاک شوم پس مشکها در داو پرها برداشته بسمت آن نهر آمدیم هر چند جستجو کردیم کمتر یافتیم بالاخره [illegible]

و از برای الفت دلها و وسعت رزق و طلب جاه و بزرگی و محبت و عقد اللسان هزار و یکمرتبه بخواند الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز بود و این
و آیه کریمه هفت خاصیت است اول عزت دوم دفع جاه سوم توسعه رزق چهارم حشمت پنجم محبت ششم قوت هفتم قدرت و عدد کبیر آن شصت و شش مرتبه است
بعد حروف الله و عدد وسیط آن چهل و هشت است و عدد صغیر آن هشت [illegible] و این آیه کریمه اینست حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
هر روز بخواند بجهت [illegible] مهمات [illegible] از حبس و غم و دفع دشمن [illegible] لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

تتمه حجة البالغه

نموده مراجعت کردیم یکی را از صور واضح اعلام نمودیم گفت ای فرزند [illegible] همانست که این رحمت [illegible] برای [illegible] کشیدم و خلاف [illegible] روزی تو نمودن [illegible] که [illegible] آنی پس [illegible] طراحیم بعد از جنگ و [illegible] نمود و چون سن من [illegible] دنیا رسید خبر فوت حضرت پیغمبر و دو خلیفه اول و ثانی بما رسید بعزم حج از منزل بیرون آمدیم و در اواخر خلافت عثمان بمکه رسیدیم پس طلب [illegible] اصحاب پیغمبر بجانب علی ابن ابیطالب میل نموده ملازمت حضرت را اختیار کردیم و با او در وقایع حاضر شدیم و در صفین بزخم [illegible] از اسب انجناب [illegible] چون آنحضرت شهید شد با جناب امام حسن [illegible] با امام حسین شهید شد بودم و بعد از آنکه حضرت امام حسین شهید بجانب منزل رفتم و الآن در بلاد مغرب [illegible] و انتظار [illegible] میکشیدم [illegible] ابو محمد [illegible] گوید که در اثنای که تکلم مینمود دیدم یک موهای ریش سرخ گردید و بعد سفید شد من نظر تعجب در او نگاه نمودم چون که من از حال و تعجب گفت چه می بینی این سفیدی [illegible] عارض میشود که گرسنه گردم پس غذا طلبید [illegible] جوانان بخوردن مشغول گشت و موی بر لبش [illegible] میل بسیاهی نمود تا اینکه بحالت اول برگشت و این

ابو الفتح [illegible] رجال معروف است و شیخ محمد [illegible] و اجازه کتب احادیث و اصول هر چیز را گرفت با او افتخار مینمود که سند من بسوی محمد بن [illegible] است و همکذا جماعتی مصنفین مؤلف گوید بر ناظر در این اساطیر منکشف گردید که بجای عمر طبیعی هیچ زمانی صحبت نبوده که زیاده بر آن محال باشد و احکام نجوم را در شرع انور [illegible] دیر فرض صحت دانستی که معمرین نیز بحسب بعضی اسباب مجوز زیاد بر آن کرده اند و فرض بنکه عادت برخلاف جاری باشد انکار وقوع آن اصلا نباید نمود زیرا که آن قبیل خرق عادت در خارج بسیار اتفاق هم چنانکه در کتب اهل سنت مسطور است و [illegible] شافعی با آن تصریح نموده که امام شافعی چهار سال در شکم مادر بود و روز تولد او مقارن روز وفات ابوحنیفه گردید و لهذا حنفیین من باب مطایبه گویند که تا امام [illegible] بود امام شما جرأت نزول از بطن [illegible] دنیا نمود و ایشان در جواب گویند که چون امام شما [illegible] میدان [illegible] امام شما تاب مقاومت [illegible] فالحاصل کسیکه بسبب [illegible] بعضی از امور چنین اعتقاد نماید بجهت آنکه هیچ [illegible] واقع نگردیده و هیچ گوشی وقوع آنرا نشنیده است [illegible] انکار نماید درازی عمر [illegible] از جگر گوشه های پیغمبر را بجهة حکمت و مصلحت [illegible] انکه نظیر آن در امم سالفه بسیار [illegible] در این امت [illegible]

علیم [illegible] و اخبار متواتره متفق علیها از طرفین بران رسیده است و اگر [illegible] بالفرض کسی را تاب این نیست که اعتقاد کند ببقای آنحضرت بدون اسباب ظاهره پس حمل نماید او را براینکه [illegible] در ظلمات رفته و از آب حیات نوشیده طول عمرش مستند بآن باشد مانند خضر و ابو الدنیا که احوال ایشان را دانستی و اگر با این همه باز اصرار بر انکار دارد فالله یحکم بیننا و بینه و هو خیر الحاکمین

خاتمه

در اشاره بمقام آنجناب در ایام غیبت چونکه بعضی استبعاد از آنست که آنحضرت این همه مدت در سرداب نتواند بود بی طعام و شراب [illegible] اشاره نمودیم که این کلام اولاً ناتمام است نظر بقصه اصحاب کهف و ثانیاً [illegible] آن نیست که حضرت در سرداب باشد بلکه ابتدای غیبت آنحضرت [illegible] در آنجاست [illegible] اطلاع بمحل خود [illegible] چنانچه در بعض ولایات [illegible] که آن [illegible] خوبتر [illegible] تو [illegible] هیچ [illegible] محبوبتر از آنجا نیست و لیکن چاره ندارم [illegible] کثیره آنحضرت [illegible] [illegible] نمودن [illegible] قرامطه [illegible] [illegible] [illegible] مشهور و در [illegible] الشیعه مذکور است و ذکر آن موجب تطویل میگردد و هکذا [illegible] که آنحضرت [illegible] ملاقات نموده اند بسیار اند

چنانچه بعضی ازان اشاره نمائیم حکایتی که متضمن مسکن آنجناب و کیفیت تعیش آنسرور است تا آنکه ختام بخیر شود سید نعمت الله جزائری در انوار نعمانیه [illegible] بسند خود از شیخ جلیل کمال الدین احمد بن محمد یحیی الانباری که او حکایت نموده که در شب پنجشنبه دهم شهر رمضان سنه ۵۴۳ که در سال گذشته از شبها ما با [illegible] در مصاحبت خلیفه عون الدین وزیر بودیم و دیگر نزد او جماعتی بودند چون از افطار فارغ شدیم اکثر اهل [illegible] شدند و [illegible] الطرف نمودیم و وزیر ما را بتوقف امر نمود و در آن مجلس شخصی بود که من او را نمیشناختم و پیش از این مجلس او را ندیده بودم و دیدم در اکرام و اعزاز او مبالغه [illegible] و تکلم میکرد ما ساکت میگشت و گوش بحرف او میداد و نسبت بدیگران [illegible] مینمود و چون قدری صحبت شد اراده مراجعت نمودیم خادم وزیر اعلام نمود که یاران مانع از رفتن شما و وزیر حکم نمود بمانید پس باطمینان قلب مشغول صحبت گردیدیم و در [illegible] سخن بمیان آمد تا اینکه کلام [illegible] رسید و بمذاهب [illegible] گوید و وزیر شروع نمود [illegible] نمودن شیعه و حمد [illegible] بر [illegible] انطائفه پس آنشخص بوزیر گفت ایها الوزیر [illegible] که از برای شما حکایتی نقل کنم که متعلق است بامر که شما بدان تکلم مینمائید و [illegible] سکوت نمود پس گفت سنه پانصد و بیست و [illegible] خود که او را ماهیه میگویند همراه والدم [illegible]

و اهل آنجا همه نصاری و حال [illegible] روز [illegible] دریا در بین راه [illegible] نشستیم و در آن بین [illegible] تجاوزات [illegible] در دریا [illegible] داشت تا اینکه بجزیره رسیدیم بسیار عظیم مشتمل بر اشجار و شهرها بسیار در آنجا [illegible] یکی از آن شهرها نزول نمودیم از ناخدا سؤال کردیم از نام آن شهر گفت من که این جزیره را ندیده ام حال آنکه من با شما در آنجا هستیم پس [illegible] نام این شهر چیست گفت [illegible] نام دارد گفتیم پادشاه آنجا کیست و اسم او چیست گفت اسم او طاهر است و [illegible] در [illegible] آنجا است [illegible] شب [illegible] در خشکی و اهل آنجا همه [illegible] گفتیم کی در آنجا [illegible] میکنند گفتند سلطان [illegible] و عمال او و دیگر [illegible] کسی [illegible] و تسلیم او مینمایند [illegible] متعجب گشته [illegible] گرفتیم چون وارد شدیم [illegible] شخصی دیدیم [illegible] عبائی پوشیده [illegible] عبائی نشسته و در پیش او [illegible] می نوشت [illegible] کتابی که در نزد او بود سلام کردیم جواب سلام فرمود [illegible] پس فرمود از کجا می آئید [illegible] واقعه را بیان کردیم گفت شما همه مسلمانید گفتیم بلکه در میان ما مسلم و یهود و نصرانی هستند فرمود یهودی [illegible] و نصاری جزیه [illegible] اما مسلم باید [illegible] با ایشان سخن گفت پس [illegible] من جزیه [illegible]

ادا نموده [illegible] مناظره نمود گفت شما [illegible] مسلم نیستید [illegible] همه [illegible] حلال است زیرا که هر کس ایمان بخدا و رسول [illegible] انجناب [illegible] منتظر [illegible] ایشان [illegible] اموال ایشان در معرض [illegible] است [illegible] نزد سلطان بفرستید [illegible] ایشان را با دلیلی [illegible] همراه ایشان رفتیم [illegible] بعد از [illegible] رسیدیم دیدیم که چشم [illegible] ندیده [illegible] در بغداد [illegible] طعمه [illegible] دریا کوهی عظیم [illegible] مانند نعره [illegible] که [illegible] وسط شهر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اطراف [illegible] [illegible] اهالی [illegible] امانت [illegible] چون مؤذن اذان گفت تمام [illegible] مسجد [illegible] و بعد از فراغ [illegible] پس سلطان [illegible] [illegible] که در وسط آن [illegible] سلطنت [illegible] مؤذن اذان گفت [illegible]

پس با ایشان تمام [illegible] خضوع و خشوع [illegible] وقت ظهر [illegible] از نماز فارغ گشتند [illegible] ما کرده و فرمود [illegible] اشخاص که آمده اند گفتیم بلی و خطاب مردم با انجناب چنین بود که یا صاحب الامر پس گفت خوش آمدید آیا تجار آمده اید [illegible] گفتیم تجار گفت کی در میان مسلم و کی اهل کتاب است [illegible] جناب [illegible] نمودیم فرمود که از برای اسلام فرق بسیار است این اشخاص از کدام فرقه اند شخصی همراه ما بود که او را [illegible] میگفتند گفت من [illegible] شافعی هستیم مگر این شخص که نام او [illegible] است که مالکی [illegible] پس فرمود ای شافعی [illegible] مباهله نازل گردید [illegible] بلی فرمود تو را بخدا قسم [illegible] که کیست [illegible] رسول و [illegible] حضرت و نفس انجناب [illegible] سکوت کرد فرمود [illegible] که کسی دیگر غیر از نبی [illegible] بتول و سبطین [illegible] کساء شده [illegible] فرمود آیا خوانده ای [illegible] انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا که مراد [illegible] اهل بیت [illegible] سکوت نمود حضرت فرمود البته مراد نیست مگر [illegible] [illegible] مانند [illegible] [illegible] از [illegible] ملزم گردید [illegible] جناب [illegible] [illegible] بن [illegible] طاهر بن محمد بن الحسن بن علی بن موسی [illegible] جعفر بن محمد بن علی بن الحسین [illegible] علیهم السلام [illegible]

دعای سجده واجبه

لا اله
الا الله حقا حقا
لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا
لا اله الا الله عبودیة و رقا
سجدت لک یا رب تعبدا و رقا لا مستکبرا
و لا مستنکفا بل انا عبد ضعیف ذلیل مسکین
مستکین صدق الله العلی العظیم و صدق
رسوله النبی الکریم و نحن علی ذلک
من الشاهدین و الشاکرین
و الحمد لله
رب العالمین

بسعی و مراقبت آقای حاج احمد [illegible]
[illegible] علمیه اسلامیه
خیابان ناصرخسرو